مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

۲

المعجم المفهرس لالفاظ
الصحيفة السجاديّة الجامعة

مصطفی درایتی
احمد درایتی



مركزاطلاعات ومدارک علمی ایران

المعجم المفهرس للالفاظ الصحيفة السجاديّة الجامعة

المؤلفان :

مصطفى الدرايتي احمد الدرايتي

مرکز اطلاعات ومدارک علمی ایران

▣ اسم الکتاب: ..... المعجم المفهرس للالفاظ الصحیفة السجادیة
▣ المحقق: ..... مصطفی الدرایتی ـ احمد الدرایتی
▣ الناشر: ..... مرکز اطلاعات ومدارک علمی ایران
▣ صف الحروف: ..... شرکت تعاونی خدمات رایانه وحروفچینی نما (مشهد)
▣ الطبعة: ..... الاولی
▣ تاریخ النشر: ۱۳۷۷هـ.ش
▣ طبع منه: ۱۰۰۰
▣ طباعة وتصحیف: ..... مرکز اطلاعات ومدارک علمی ایران

فهرست مندرجات

جلد اول

درآمد ..... یک

مقدمه ..... الف

فهرست نشانه ها

قدردانی

نمایه نامهٔ موضوعی ۱

معادلهای فارسی ۳۰۲

فهرست دعاها ۳۲۳

متن دعاها ۳۳۹

غریب اللغات ۶۹۹

جلد دوم

مقدمه فارسی ..... الف

مقدمه عربی ..... د

المعجم المفهرس لالفاظ ۱

بسمه تعالی

درآمد

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران افتخار دارد که به لطف خداوند و به همت پژوهشگران عالیقدر اقدام به چاپ و انتشار اثر ارزشمند صحیفهٔ سجادیه، نمایه‌نامهٔ موضوعی و المعجم آن کرده است.

تهیه نمایه نامه از وظایف مهم مراکز اسناد واطلاعات است. نمایه‌نامه‌ها از ابزارهای مهم پژوهش هستند. نمایه سازی در حقیقت تحلیل اطلاعات متن و تبدیل آنها به کلید واژه است. نمایه سازی را می‌توان به دو دورهٔ سنتی و نوین تقسیم کرد. در دورهٔ سنتی ما شاهد ظهور آثاری چون کشف‌الابیات، کشف‌الآیات، کشف الالفاظ و ... هستیم. در دورهٔ نوین سازماندهی اطلاعات، روش مند و دقیق شده است. در این دوره ما شاهد پیدایش روشهایی چون نمایه‌سازی همارا، نمایه‌سازی پرسی، نمایه‌سازی گردان و... هستیم.

نمایه نامهٔ موضوعی حاضر با روشی نوین و ابتکاری، متن ارزشمند و با شکوه صحیفهٔ سجادیه را برای پژوهشگران قابل دسترس کرده است. گفتنی است که در شیوهٔ نمایه‌سازی همارا، خواه پیش همارا و خواه پس همارا، رابطهٔ کلید واژه‌های یک متن با یکدیگر به شکل دقیقی بیان نمی‌شود و از این جهت ما مواجه با ریزش اطلاعات هستیم در نمایه نامهٔ حاضر این مسئله به گونهٔ جالبی حل شده است. در این نمایه نامه از اصطلاحات رابط مثل "آثارها"، "عواملها"، "مواردها" و ... استفاده شده است.

مثال:

کلید واژه‌های ***الطاعة ـ آثارها ـ الخضوع*** در صفحهٔ ۱۸۲ آمده است، یعنی از آثار

طاعت، خضوع است، اما همین مجموعه کلید واژه‌ها در صفحهٔ ۱۱۸ ذیل کلید واژه **خضوع** به صورت زیر آمده است:

الخضوع ـ عواملـه ـ الطاعة

یعنی از عوامل خضوع، طاعت است. همانگونه که ملاحظه می‌شود رابطهٔ طاعت و خضوع در دو جایگاه متفاوت الفبایی با استفاده از واژه‌های میانی "آثارها" و "عواملـه" مشخص شده است.

مثال دیگری که قدری پیچیده‌تر است و دقت و عمق مفهومی کار را بیان می‌کند. مثال زیر است:

الآخرة ـ طلب البركة فيها

(ص.۱)

همین گروه کلید واژه در صفحهٔ ۶۸ به صورت زیر آمده است:

البركة ـ موارد طلبها ـ الآخرة

یعنی به خاطر حفظ معنا و رابطهٔ بین کلید واژه‌ها، کلید واژه دوتایی در جایگاه دیگر تبدیل به کلید واژهٔ سه تایی شده است.

هر چند مؤلفین و مرکز اطلاعات و مدارک علمی مدعی نیستند که نمایه نامهٔ موضوعی حاضر بی‌نقص است، اما مرکز اعتقاد دارد که نمایه نامه راهنمای ارزنده‌ای برای راهیابی به مفاهیم مندرج در دعاهای باشکوه صحیفهٔ سجادیه است. در مجلد اول علاوه بر نمایهٔ موضوعی، متن دعاها، معادلهای فارسی و لغات مشکل (غریب اللغات) آمده است.

مجلد دوم که با عنوان المعجم المفهرس اللالفاظ الصحيفة السجادية الجامعه به‌چاپ رسیده است در حقیقت کشف الالفاظ صحیفه سجادیه است که به شمارهٔ دعا و بخشهای دعا که در جلد اول موجود است ارجاع می‌دهد.

در خاتمه از زحمات و تلاشهای بی‌دریغ حجت‌الاسلام مصطفی درایتی و همکاران ایشان قدردانی می‌شود.

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران



مقدمه

در پی آماده‌سازی «**نمایه نامهٔ موضوعی صحیفهٔ سجادیه**» بر آن شدیم تا «**معجم الفاظ**» این کتاب را نیز عرضه کنیم تا اگر افرادی با استفاده ازکلمات، در پی مطلبی هستند امکان دستیابی آن‌ها نیز فراهم گردد. خدای را سپاسگزاریم که ما را برا آن موفق داشت.

روش:

در معجمنگاری ابداعات چندانی به کار نرفته است، فقط تلاش شده بهترین آن انتخاب شود. کلیه هیئتها در ذیل کلمات اصلی آن مرتب شده و برای چینش هیئتها، ابتدا از افعال (مفرد مذکر ماضی) آغاز و سپس همان فعل با ملحقاتش همراه با ضمائر آورده شده وتا آخر فعل ماضی ادامه یافته و معلوم بر مجهول مقدم شده

است.

پس از اتمام فعل ماضی، مضارع معلوم بدون پیشوند و پسوند آورده شده و سپس همان فعل با پسوند و پیشوندهای مربوطه، مثلاً: یکتب، سیکتب، أیکتب، تا آخر و نیز: یکتبه، سیکتبه، تا آخر. پس از آن، افعال مجهول همانند معلوم آمده است.

پس از فعل مضارع، امر حاضر آمده‌است؛ زیرا امر غایب جزء مجزومات قرارگرفته است. پس از اتمام افعال مجرد، افعال مزید به ترتیب:

إفعال، تفعیل، مفاعله، افتعال، انفعال، تا آخر مرتب و همانند افعال مجرد تنظیم شده‌است.

پس از اتمام کلیه افعال، اسمها آورده شده‌است؛ در ابتدا مصادر و سپس اسمهای جامد. ترتیب مصادر بدین‌گونه است:

اسم مصدر، مصدرمیمی، مصدرمرّهٔ مصدر ثلاثی مزید و مصدر همانگونه که در کتب ادبیات آمده‌است.

پس از اتمام مصادر، سایر اسمهای مشتق به ترتیب زیر تنظیم شده‌است:

اسم فاعل، صفت مشبّه، نسبت، مصدرجعلی، اسم‌فعل، و در اسمهای جامد ابتدا اسمهای بدون الف و لام و سپس همان اسم با الف ولام آورده‌شده‌است.

تذکر نکاتی جهت بهره‌وری بیشتر و اطلاع از روش کار مفید است:

۱ـ متن مورد استفاده جهت معجمنگاری، متنی است که در نهایت «**نمایه نامهٔ موضوعی صحیفهٔ سجادیه**» به چاپ رسیده است و در واقع این کتاب **جلد دوّم** آن محسوب می‌شود. و شماره‌های ارجاع دهی در این معجم، فقط با شماره های همان متن تطبیق می‌کند.

بنابراین لازم است جلد اوّل این مجموعه را در اختیار داشته‌باشید. متن چاپ شده دارای شماره دعا و شمارهٔ بخشهای دعا است وشماره‌های ارجاع‌دهی در این معجم که با خط مورّب / از هم جدا شده به این معنی است که شماره‌های قبل از خط مورّب (به ترتیب از چپ به راست) شماره دعا و شماره بعد از آن شماره

بخشهای دعا است.

مثلاً: ۱۳۵/۳ یعنی دعای ۱۳۵، شماره ۳

۲ـ برای نامفهوم نماندن جملات به علت تقطیع شدن آن، تلاش شده حتی‌المقدور مبتدا و خبر آن مشخص باشد. لذا گاهی ابتدا، انتها و یا وسط جمله‌ای را انتخاب و با سه نقطه (....) قسمت حذف شده را مشخص نموده‌ایم. و گاهی کلمه‌ای را در داخل «....» آورده‌ایم که اشاره به قبل و یا بعد دارد. بنابراین کلماتی که در داخل « » قرار گرفته ارجاع به موضوع است.

۳ـ در صحیفه سجادیه، از برخی آیات قرآن نیز استفاده شده است و ما نیز عین همان عبارات را در معجمنگاری استفاده کردیم فقط به جهت عدم اختلاط، جلوی این‌گونه عبارات کلمهٔ (قرآن) را در داخل پرانتز قرار دادیم تا مراجعه کننده به آن توجه داشته‌باشد.

این اثر با همکاری مستمر و همه‌جانبه اخوی گرام جناب حجةالاسلام شیخ **احمد درایتی** و همکاری متناوب شیخ **حسن درایتی**، شیخ **عبدالرضا درایتی** و**حسن عالم‌زاده** آمادهٔ انتشار گردید. تلاش سرکار خانم **عباسپور** در تایپ این کتاب و زحمات جناب آقای**عبدالرسول اسلامی‌پناه** در صفحه‌آرائی آن مأجور باد. امید است خداوند همه ما را مورد لطف خویش قرار داده و تلاش ما مقبول قرار گیرد.

در خاتمه لازم است از جناب آقای **دکتر غریبی** ریاست محترم **مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران** که چاپ این اثر را متقبل شدند صمیمانه تشکر کنم.

مصطفی درایتی

اردیبهشت ۱۳۷۷



مقدمه

بعد ما وضعنا «**المعجم المفهرس لمعانى الصحيفة السجادية**» على موضع التمام، عزمنا على عمل معجم الألفاظ الصحيفة على مايرام، ولكي يتيسر الوصول الى نصوصها عن طريق الألفاظ لمن أراد ذلک، و نحمد الله على التوفيق.

طريقة العمل:

لم نحاول إبداع طريقة جديدة في عمل المعجم، ولكن تمّ اختيار أفضل الطرق الموجودة، وكان عملنا كالتالي :

تم إيراد جميع الهيئات بعد ذكر الكلمات الأصلية، وأوردنا الأفعال قبل الاسماء و يكون ترتيب الألفاظ الموردة كالتالي:

ـ الكلمه الأصلية

ـ الأفعال

ويكون درج الأفعال كالتالي:

١ـ الفعل الماضي المعلوم المذكر المجرد الخالي من الضمائم و الضمائر.

٢ـ الفعل المذكور مع الضمائم و الضمائر، مع تقديم المعلوم على المجهول.

٣ـ الفعل المضارع المجرد الخالي من الضمائم والضمائر المعلوم مثل يكتب.

٤ـ الفعل المذكور مع الضمائم و الضمائر مثل سيكتب أيكتب الى الأخر، و كذا يكتبه، سيكتبه وهكذا.

٥ـ الأفعال المجهوله بنفس ترتيب الأفعال المعلومة.

٦ـ فعل الأمر للمخاطب، لأن امر الغائب تمّ ذكره مع مجزومات المضارع.

٧ـ الأفعال المزيدة بالترتيب : إفعال، تفعيل، مفاعلة، افتعال، انفعال الي الآخر. وتم ترتيبها على نحو الأفعال المجردة المار.

الأسماء:

وبعد انتهاء جميع الأفعال نورد الأسماء على النحو التالي:

٨ـ المصادر، ويكون ترتيب المصادر هكذا: المصدر الميمي، مصدر المرة، المصدر الثلاثي المزيد، والمصدر كما جاء في كتب العربية.

٩ـ سائر الاسماء المشتقه بالترتيب التالي: اسم الفاعل، الصفة المشبّهة، النسبة، المصدر الجعلى، اسم الفعل.

١٠ـ الأسماء الجامدة. ويكون الاسماء العارية من الألف و اللام مقدمة الى المحلاة بالألف و اللام.

ولابأس بذكر بعض النقاط التي تنفع المراجع والموضحة لكيفية العمل :

١ـ كان الجزء الأول هو المعجم المفهرس لموضوعات الصحيفة، وهذا الجزء هو معجم الفاظ الصحيفة، فالمتن الذي تمت فهرسته هو نفس المتن، وأرقام الارجاعات تطابق تلك الأرقام.

ولهذا يجب أن يكون عندک نسخة من المجلد الأول من هذه المجموعة، والمتن الذي تم طبعه يحتوي على رقم الدعاء و ارقام أبعاض الدعاء، و أرقام الإرجاعات في هـذا المعجم التي فصلت عن بعضها بخط مائل، بمعنى أنّ الرقم الذي على يسار الخـط رقـم الدعاء، والذي عن يمين الخط يرجع الى أبعاض الدعاء.

بعنوان المثال « ٣ / ١٣٥ » يعنى دعاء ١٣٥، رقم ٣

٢ـ لكي لاتبقى الجمل مجملة على أثر التقطيع سعينا حد الإمكان في الجـمع بـين المبتدا و الخبر، ولذا تجد أنا نضع ثلاث نقط كناية عن حذف مقاطع لكي يلتصق المبتدأ بالخبر. وقد نجعل كلمة داخل « » فيها إِشـارة إلى السـابق أو اللاحـق، وعـلى هـذا فالكلمات الموضوعة داخل الأقواس « » ترجع الى الموضوع.

٣ـ يوجد في الصحيفة آيات قرآنية، أوردناها بدورنا كما هي، مع الإِشـارة بكـلمه «قرآن» إلى كونها آية؛ لكي لاتختلط الآيات و فصول الدعاء، وكي يتنبه المراجع إلى ذلک

وتم هذا الأثر بالاستعانة الدائبة والجامعة بالأخ العزير سماحة حجة الإِسلام الشيخ **احمد الدرايتي**،وبشكل متناوب بالشيخ **حسن الدرايتي** وشـيخ **عـبدالرضـا الدرايـتي** و**حسن عالمزاده**، ومساعي الأُخت المجبلة **عـبـاس‌پور** في صف حروف هذا الكتاب على الكامپيوتر، والماجد **عبدالرسول اسلامي پناه** في المونتاج، فلهم الأجر والثواب. متمنين أن يتقبل الله تعالى هذه المساعي و تشملنا رعايته.

و في الختام يلزمنى أن أَتقدم بالشكر الجزيل من حضرت الأخ الدكتور **الـغـريـبـي** رئيس مركز **الاطلاعات والوثائق العلمية في ايران**، والذي تعهد بطبع هذا السفر القيم.

المصطفى الدرايتي

حـــرف الالـف

أ.ب.د

أَبَدْتَها: لاتدع للجور... خضرآء إلاّ أبدتها ٧٠/٩
أَبَداً: ياذاالمنّ الدّائم الّذى لاينقطع أبداً ٢٢٧/٣
إنتدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا إذن أبداً(قرآن) ١٥٩/١٢
ياذاالمعروف الّذى لاينقطع أبداً ١٥٤/٢ ـ ١٥٦/٤
آه واحزناه ليتني لم أك شيئاً أبداً ١٩٨/٣٦
ولاتغفر لهم أبداً ١١٧/٣٣
ومتصلةً بنظائرهنّ أبداً ١٤٧/٦٠
محمّد صلّى الله عليه وآله أبداً ١١٦/١١١
دخانها لاينقطع أبداً ١٩٨/٧٤
إلهى أستعطفك علىّ أبداً أبداً ٢٠٣/٣
وصلواته على رسوله أبداً ٢٣٨/٣
وياذاالمعروف الّذى لاينفد أبداً ٢٢٧/٣
ياربّاه إسقنا شربة لانظمأ بعدها أبداً ١٩٨/٨٥
حمداً دائماً لاينقطع أبداً ٢٤٢/١
وإستولى على الملك بعزّ أبدٍ فحواه ١٩٩/٥٥
أضعافاً مضاعفة أبداً سرمداً ... ١/٢٧
كذلك أبداً هو الإله الحىّ القيّوم ٢/٥
وأرزقنيه أبداً ما أبقيتني ياكريم ١٣٢/١٢
أبداً ما أبقيتني ياربّ العالمين ١١٦/٥٢
فلن يهتدوا إذا أبداً (قرآن) ٢٢/١٤
والسّلام عليه وعليهم أبد الآبدين ١٤٧/١١٧
تسعدني في هذه اللّيلة سعادةً لاأشقى بعدها أبداً ١٣٦/٣
مشرباً رويّاً لاأظمأ بعده أبداً ١٤٩/٦١
رضىً لاسخط علىّ بعده أبداً ١١٧/٢٠
ودخانها لاينقطع أبداً ١٩٨/١٢
لم يزل ولايزول ولن يزال كذلك أبداً ٧/٥
أن تكرمنى... كرامةً لانهينني بعدها أبداً ٢٤٩/٢٤
روحاً وريحاناً وجنّة نعيم أبد الآبدين ١٤٨/٣٥
أللّهمّ ... عافنى أبداً ما أبقيتني ١٤٨/٣٥
في عامي هذا وفي كلّ عامٍ أبداً ما أبقيتني ١٢٧/٤
ولاتكلني إلى نفسي طرفة عين أبداً ١٢١/١٣
الْأَبَدِ: وارزقني... سرور الأبد في دار المرقّة ١٣٣/٨
وأسرحنا في ملك الأبد ٩٦/٥
بكلّ شعرةٍ في كلّ طرفةِ عينٍ سرمد الأبد ٢٣٠/١
أنت الملك الأبد والرّب الصّمد ٢٤٧/٥
لِأَبَدِها: صلاةً دائمة نامية لانقطاع لأبدها ٣٩/١٢
الْآبِدِينَ: والسّلام عليه وعليهم أبد الآبدين ١٤٧/١١٧
روحاً وريحاناً وجنّة نعيم أبد الآبدين ١٤٨/٣٥
الْمُتَأَبِّدِ: أللّهمّ ياذاالملك المتأبّد بالخلود ٨٨/١

ا.ب.ر

أَبارِيقَ: وأباريق وكأسٍ من معينٍ شاربين ٢٠٦/٢٣

ا.ب.ر.ا.هى.م

إبْراهِيمَ: اجعلني من رفقاء... إبراهيم ١٥٣/١٨
كوني برداً وسلاماً على ابراهيم (قرآن) ٢٢/٢٥
ملّة إبراهيم خليلك ٢٦٨/٣
وبحقّ إبراهيم وخلّته ١٨٠/٢
وياممّتخذ إبراهيم خليلاً ١٧٥/١
توفّنى على ملّة إبراهيم وفطرته ١٢٣/١٤
وربّ ابراهيم وإسماعيل ١١٧/١٩
كما صلّيت وباركت وترحّمت على إبراهيم ١٤١/٢٤
وترحّمت على إبراهيم وآل إبراهيم ١٤١/٢٤
باركت على إبراهيم وآل إبراهيم ١٤٣/٥٣

أ.ب.ق

أَلْآبِقُ: إلهى هل يرجع العبد الآبق إلاّ إلىٰ مولاه ١٨٢/٦

أ.ب.ل

أَلْإِبِلِ: تفسّح حاشية الإبل ٢١٩/٤٣
أَبابِيلَ: أرسل عليه «من يؤذينى» طيراً أبابيل ١٦٠/٢

أ.ب.ى

أَبَتْهُ: وان كرهت ذلك أو أبته نفسي ٩٣/٣
أَبَيْتَ: أبيت إلاّ إحساناً ١٥٣/٩
أبيت يامولاى إلاّ إحساناً ١٥٢/١٣
أَبَيْتُ: أبيت إلاّ تفخّم حرماتك ١٥٣/٩
أبيت إلاّ تفخّماً لحرماتك ١٥٢/١٣
يَأْبىٰ: ولكن رجآئى يأبى أن يصرفني عنك ١٩٧/٣٩

أ.ب.و

أَبَا: يامحمّد ياابا القاسماه ٤٢/١٥
أَباهُ: ثمّ أفاق وهو يندب أباه ٢١٤/٥٣
وهو يندب أباه ٢١٤/١٢٩
أَبِي: علىّ بن أبيطالب عليه السّلام ١١٩/١٦

نعم وأبي وأمّي ٩٠/٥
بأميرالمؤمنين عليّ بن ابيطالب ٤٢/٥
وبحقّ عليّ بن أبيطالب وشجاعته ١٨٠/٥
أَبِيهِ: يوم يفرّ المرء من... أبيه (قرآن) ٢٠٧/١٠
أَبِينَا: صلّ على أبينا آدم وأمّنا حوّا ١٤٣/٥٠
بِأَبِي: يارسول بأبى أنت وأمّى ١٢٤/٦
يامحمّد ياأباالقاسماه بأبي أنت وأمّى ٤٢/١٥
أَبُوْ: أَبُو الأنبياء الّذين أُوذوا في جنبك ١١/٤
آبَآءَ: ما خصصت به آبآء عبادك المؤمنين ٦٣/١٣
الْآبَاءَ: قاتلوا الآباء والأبناء في تثبيت نبوّته ١٤/٣
ما الزمتنيه من فرض الآباء والأمّهات ٢٤٣/١٢
يوم يشتغل فيه عن الأمّهات والآبآء ١٩٨/٩
وتلهى الأبناء عن الآباء ٢١٩/١٧
وهى تفجع الآباء بالأبناء ٢١٩/١٧
واغفر ... مع الآباء والأمّهات ٢٠٦/١٧
إحتمل عنّى حقّ الآباء والأمّهات ٢٤١/٩
ثمّ وهبت لي رحمة الآبآء والأمّهات ١٩٩/١٧١
وإحتمل عنّى مفترضات حقوق الآبآء والأمّهات ٢٣٧/٩
حالت خطيئتى بين الأمّهات والآبآء ١٩٨/٦٣
آبَائِهِ: والحُجَّة بعد آبائه على خلقك ٤٢/١٤
وطاعة آبائه الصّالحين ٤٢/١٤
في خلقك عن آبائه الصّادقين ٤٢/١٣
آبَائِي: فاسألك بالإخلاص من آبائى ٦٨/١
آبَآءَنَا: اجعل آباءنا وامّهاتنا وأولادنا ٥٠/٩
ألّلهمّ تجاوز عن آبائنا وأمّهاتنا ١٤٢/٦٢
ربّنا وربّ آبائنا الأوّلين ١٢٣/٦
بِآبَائِهِ: والمقتدى بآبائه الصّالحين ٤٢/٨ ـ ٤٢/٧
بِآبَائِي: قد فزع إليّ بالوسيلة إليك بآبآئى فيها ٦٨/١
لِآبَائِنَا: واغفرلنا ولآبائنا وأمّهاتنا ١٤٣/٣٦
لِلْآبَآءِ: إنّك إفترضت عليّ للآباء ٢٤٧/١١
احتمل عنّى ما افترضت عليّ للآباء والأمّهات ٢٣٩/١١
ولاتجعلني في أهل العقوق للآبآءِ والأمّهات ٦٣/١٢
أَبَوَيَّ: واخصص أبويّ بأفضل ما خصصت به ٦٣/١٣

أ.ت.ى

أَتى: لايفلح الساحر حيث أتى (قرآن) ١٥٩/١٣
وأتى طلبته من وجهها ٣٩/٤
إلاّ من أتى الله بقلبٍ سليم (قرآن) ١٣٥/٩ ـ ٢٠٧/٢٦
يتعجّل به ... سرور ما أتى ٦٧/٢١
أَتَاهُ: أتاه من الله ما لايردّ ٢١٤/٩٦
وعبدك حتّى أتاه اليقين ١٤١/٣٠
أتاه من أمر الله ما لايردّ ٢١٤/٢١
أَتَاهُمُ: ووحّدوك وعبدوك حتّى أتاهم اليقين ٨٣/١٧
أَتَانَا: على موجود ما أتانا فيه ١١٩/١٩
حتّى أتانا وعدك لبأخذ القوّة منّا ٢٠٠/٦
أَتَتْ: فما صرفت كفّ المنيّة إذ أتت ٢١٤/٩٣
وهذه رقبتي خاضعة لك لما أتت ٨٦/٢
فما صرفت كفّ المنيّة إذ أتت ٢١٤/١٨
أَتَيْتَ: ولا فى السّماء إلاّ أتيت بها ١٦٢/٤
أَتَيْتُ: أتيت بأعمال قباح رديّة ٢١٦/٤
فأين رجائى ثمّ أين محبّتي أتيت بأعمال قباح رديّة ٩١/٥
أَتَيْتُهُ: أبلغ من الإعتراف أتيته ١٩٧/٣١
فما كان من عمل سيّىءٍ أتيته ٢٥٧/٤
ولولا ما أتيته من الذّنوب ما خفت عقابك ٢٥٦/٤
أَتَيْتُهَا: كم من معصيةٍ أتيتها ١٥٤/١
ولاالسيّئة أتيتها ولالفاحشة ٣٦/٩
أَتَيْتُكَ: إلهى... أتيتك طامعاً في إحسانك ١٨٦/٧
وأتيتك من الأبواب الّتى أمرت ١٤٧/٧٨
سيّدى أتيتك معترفاً لك بسوء فعلى ١٩٩/١٥٧
أللّهمّ إنّى أتيتك هارباً من ذنوبي تائباً ١٣٥/١٨
لَأَتَيْتُهُ: إعتذاراً من الذّنب لأتيته ١٩٩/١٣٥
أَتَيْنَا: وأخبر بما لم نأت وما أتينا ٨٧/٦
أَتَيْنَاهُ: كم نهى لك قد أتيناه ٩٥/٢
أَتَيْنَاكَ: وقد أتيناك سؤّالاً ومساكين ١٤٠/٢
يَأْتِي: والعفو عن كلّ سيّئة يأتي بها متّي ١٢٥/٢
يَأْتِيكَ: ملك كريم يأتيك عنّا بعمل قبيح ١١٦/٤١
يَأْتُونَهُ: الّذين يأتونه ليشهدوا منافع لهم ١٤٤/٢٤
يَأْتُوكَ: أذّن في النّاس بالحجّ يأتوك رجالاً (قرآن) ١٤٤/٢٣
تَأْتِي: يوم تأتي كلّ نفس بما كسبت (قرآن) ٢٠٧/٢١
فصلّ عليهم يوم تأتى كلّ نفس معها ١٢/١٤
يَأْتِينَ: كلّ ضامر يأتين من كلّ فجّ عميق (قرآن) ١٤٤/٢٣
أَنْ تَأْتِيَ: أن تأتى على فضائها وإمضائها ٢٢٢/٥
أَنْ تَأْتِيَنِي: وأن تأتينى بفرج من عندك ٦٠/٣
لَمْ نَأْتِ: وأخبر بما لم نأت وما أتينا ٨٧/٦
آتيكَ: إرحمني يوم آتيك فرداً ٩٠/٥
لاآتي: وتبلغ ما أحبّ من حيث لاآتى ما تكره ١٤٧/٩٩
أَنْ تُؤْتِيَ: الّتى أمرت أن تؤتى منها ١٤٧/٧٨
لاأُوتى: إذا نزلت منزلاً لاأزار فيه ولاأوتى ١٩٨/٨٢
فَأْتِ: قال فأت به ان كنت من الصّادقين (قرآن) ١٥٩/١٦
إِئْتُونِي: وقال الملك ائتوني به (قرآن) ١٥٩/٢٢ـ٢٢/٢٢

آتاني: الحمدلله الّذى... آتانى نعمته ٢٤٤/١
آتانا: واستعينه على ما آتانا من الدُّنيا والآخرة ١٢٣/٤
آتَوْ: والّذين يؤتون ماآتووقلوبهم وجلة(قرآن) ١١٥/٢٥
آتَيْتَ: أفضل ما آتيت أحداً من عبادك ٢١/١٧
آتَيْتَني: وتمّم لي ما آتيتني فإنّى عبدك المسكين ٥٧/٥
وآتيتني أكثر ما سألتك ٣٦/٢
حتّى لاأفرح بما آتيتني من الدُّنيا ٥٧/٨
وأتمم علىّ ما آتيتني فإنّى عبدك ١٢٦/٢
وأدم لي صالح الّذى آتيتني ١٥٣/٢٣
آتَيْتُ: أقمت الصّلاة وآتيت الزّكاة ١٤٤/١٩
آتَيْناكَ: ولقد آتيناك سبعاً من المثاني (قرآن) ١٤٤/٧
يُؤْتُوْنَ: والّذين يؤتون ما آتو (قرآن) ١١٥/٢٥
تُؤْتيهِ: من فضل عطآء تؤتيه ١٠/١٩
أَنْ تُؤْتِيَني: أسألك أن تؤتيني خيره ١٥٧/٢
آتِهِ: وآته «محمّد وآله» عنّا أفضل ما آتيت أحداً ٢١/١٧
وآتِهِ من لدنك سلطاناً نصيراً ١٤٧/٦٣
آتِهِمْ: وآتهم «الظّلمة» بالعذاب ١١٩/١٠
آتِنِي: وآتنى في الدّنيا حسنة ١٢٩/٨ ـ ١١٧/٣١
آتِنا: آتنا من حظوظ الدّارين ١٨٧/٧
ربّنا آتنا في الدُّنيا حسنة (قرآن) ١٣٣/١٢ ـ ١٤٣/٥٦
وآتنا في الدُّنيا حسنة (قرآن) ٦٤/١٦ ـ ٥٥/٤٢ ـ ٨٧/١٠
إتْيانِي: مع إتياني ما تكره ١١٦/٢٠
إيْتاءِ: وإيتاء الزّكاة والصوم في الهواجر ٣٦/٨
آتٍ: ونخرج به ما هو آتٍ ونوسّع به في الأقوات ٥٣/٢

أ.ث.ر

آثَرَ: وآثر «محمّد» الجدّ على التقصير والريث ١٠/٤
آثَرَتْ: آثرت فضل الآخرة على الأولى ١٩٧/٤٧
آثَرْتَ: وآثرت خواطرهم بتحصيل معرفتك ١٩٩/١٨٦
آثَرْتَهُ: وآثرته على كلّ أوقات السنة ١٤٢/٢٤
آثَرْتَنا: ثمّ آثرتنا به على سائر الأمم ١٤٢/٢٥
وأنت وليّ ما آثرتنا به من معرفته ١٤٢/٤٨
لايُؤْثِرُونَ: ولايؤثرون «حملة عرشك» التّقصير ١٢/١
فَلَمْ أُوثِرْهُ: ومن ذى فاقة سألنى فلم أوثره ١٠٠/١
حَتّى أُوثِرَ: حتّى أوثر على هواى هواهما «والدىّ» ٦٣/٥
آثِرْ: وآثر له حسن النيّة ٦٧/١٧
إسْتَأْثَرْتَ: إستأثرت به في علم الغيب عندك ١٣٦/٢ ـ ١٢٢/٥ ـ ٢٢/٣٩
أو إستأثرت به في علم الغيب عندك ١٤١/٦
ولايبلغ أدنى ما استأثرت به من ذلك ٨٨/٢
فَاسْتَأْثَرْتَ: وملكت فاستأثرت ١٩٩/١٠
يَسْتَأْثِرُ: يستأثر بعبراتى ومن يسعدنى فأبكى ٢١٩/٣٩
أَثْرَةِ: ولاأثرة علم من مظانّ العلم ٢١٩/٤٥
إيثار: والسبق إلى الفضيلة وايثار التفضّل ٥٥/١٥
أعوذبك من... إيثار الباطل على الحقّ ٢٦/٢
إيثارِكَ: أحثّ الرحلة إلى إيثارك ٢٤٩/٧
مُؤْثِرَ: يامؤثر الدُّنيا على الدّين ٢١٤/١٤٧
مؤثراًلرضاك على ماسواهما فى الأولياء والأعداء ٥٩/١٤
الْمُسْتَأْثِرِينَ: مندوحة عمّافي أيدى المستأثرين ١١٦/١٢ ـ ٢٢٠/٤
ومندوحة عمّا قبل المستأثرين ٢٢١/٤
مَأْثُورَ: واتّهموا مأثور الخبر ممّا استحسنوا ٢١٩/٤٥
أَثَرَهُ: ولايدرك شىء أثره ١٤٩/٢٠
... حتّى إذا بلغ أقصى أثره ... ١/٨
إقطع أثَرَهُ وعجّل ذٰلك ياربّ ١٦٠/٦
أللّهمّ قَرِّبْ أجله واقطع أثره ١٦٠/٨
أَثَري: مولاى وارحمني إذاإنقطع من الدُّنيا أثري ١٦٧/٤
ماكلّ مانطقت به عن جهل منّى بسوءاثرى ٨١/٦ـ٨٠/٢٢
إرحمني إذا ... إنمحى أثرى ١٩٩/٧٤
آثاراً: ولاتبق لهم آثاراً ١١٩/٢٧
أقتفى آثار المريدين ٢١٩/٣٦
أيّها المجتهد في آثار من مضى من قبلك ٢١٩/٢٤
وتقفوبنا آثار الذين استضآءوا بنوره ١٠٩/١٠
بل أنا ... أقبح آثاراً ٤٩/١٥
واقف بنا آثار الذين قاموا لك به ١٠٩/١٠
الْآثارُ: ثمّ درست تلك المعالم فتنكّرت الآثار ٢١٩/٣٤
آثارِهِ: بعد محو آثاره وسلب قراره «ظالمى» ١٥٥/٣
آثارَهُمْ: المقتفين آثارهم ١٤٧/٦٨
فامتحت من الدُّنيا آثارهم ٢١٤/١٣
لم يختلجهم شكّ في قفو آثارهم «الأصحاب» ١٤/٦
فأفناهم الحمام فامتحت من الدُّنيا آثارهم ٢١٤/١٣
وعفّ عنها آثارهم ٢٢٣/٥
أللّهمّ امحُ آثارهم ٢٢٣/٦
آثارِها: من سوء آثارها في الديار الخالية ٢١٩/٢٠
إثْرَهُ: ولّنا ظهره واقطع عنّا إثره ٥٠/٣

ا.ث.م

إثْم: وما ألممنا به في شهرنا هذا من لمم أو إثم ١٤٢/٥٢
ونعمتك ممحاة لكلّ إثم ١٩٩/١٢٤
ومن كلّ إثمٍ عرض لي فلم أهجره ١٠٠/٢

الْإِثْمِ: أعوذبك من الإثم والمأثم ١٥٣/٢٧
وجاوزت البرّ إلى الإثم ١٦٤/١٣
أنّ التّجاوز عن الإثم الجليل لايستصعبك ٣٤/١٠
الْآثام: سالمت الأيّام بإقتراف الآثام ٢٣٧/٥
ولجوارحنا عن إقتراف الآثام زاجراً ١٠٩/١١
سؤال نادم على إقتراف الآثام ٢٣٩/١
جنّبنا ركوب الآثام وألزمنا الطّاعة ١٤٤/١٨
طهارةٍ لاتدنّسها الآثامُ ١١٠/٤
عافيتني من إقتراف الآثامِ بتوبة منك عليّ ٣٦/٩
بإجترائه على الآثام حلول دار البوار ٢٤٣/١١
واسلخهما عنّى بانسلاخى من الآثام ١١٤/٢١
آثامِنا: حاضر القيامة بموبقات آثامنا ١٠٩/١٩
بِآثامي: سيّدى أنا ... المرتهن بآثامى ١٩٩/٨٢
الْآثِمُ: فأنا ... المضيّع الآثم ١٦٣/١٤
مَأْثَمٍ: وازو حرصى عن كلّ مأثم ١٠١/١
الْمَأْثَمِ: أعوذبك من الإثم والمأثم ١٥٣/٢٧
أعوذبك من... الإصرار على المأثم ٢٦/٢
الْمَآثِمِ: لاتفجعني...بإرتكاب المحارم وإكتساب المآثم ٢٤٤/٢

أ.ج.ج

أُجاجاً: ولاتجعل ماءه علينا أجاجاً ٥٣/٥
أجريت الماء من الصّمّ الصياخيد عذباً وأجاجاً ٢٤٥/٤
أُجاجُها: فسبّحت له... عذب المياه وأجاجها ١٩٩/٥٦

أ.ج.ر

فَأْجُرْنا: فأجرنا على ما أصابنا فيه من التّفريط ١٤٢/٥٠
أَجْراً: أجراً نستدرك به الفضل المرغوب فيه ١٤٢/٥٠
لانضيع أجر المحسنين (قرآن) ٢٢/٢٢
... حمداً وشكراً وأجراً وذخراً وفضلاً وإحساناً... ٢١/٩
ألّلهمّ إنّى أسألك... أجراً عظيماً ١١٦/١٠٦
يامن لايضيع لديه أجرُ المحسنين ٨٠/١
أوجب لنا بذلك أجراً ١٤٣/٣٩
الْأَجْرِ: بالأصناف الكثيرة والأجر العظيم ١١٧/٨
بركة المغفرة ومثوبة الأجر ١٤٤/٢٨
ألّلهمّ خصّنا بعظيم الأجر ٢٣٤/٢
أَجْرِهِ: فأجْرِ له مثل أجرِهِ وزناً بوزنٍ ٦٧/٢١
أَجْرِي: ولاتحبط به «عملى» أجرى ١٤١/١٩
لَأَجْرُ: لأجر الآخرة خيرٌ للّذين آمنوا (قرآن) ٢٢/٢٢
أُجُورِ: واكتب لنا مثل أجور من صامه ١٤٢/٥٨

أ.ج.ل

أَجَّلَها: وأجّلها «الأمور» إلى أجلٍ قضىٰ فيها ١٤٩/١٠
لاتُؤَجِّلْهُ: ألّلهمّ عجّلْهُ ولاتؤجّله «ظالمى» ١٥٥/٤
أَجَلَ: فلمّا بلغت بي أجلَ الكتاب من علمك بي ١٤٤/٣
قدّرت لي أجلاً ورزقاً لاأتعدّاهما ١٤٤/١
ثمّ ضرب له في الحياة أجلاً موقوتاً ١/٧
ألّلهمّ إنّى أسألك إيماناً لاأجل له ١١٦/١٢٣
وأجّلها«الامور»إلى أجلٍ قضى فيها «الامور» بعدله. ١٤٩/١
تحلم بحلمك الكريم إلى أجلٍ قريبٍ ٢٠٥/٣-٢٠٥/٢-٢٠٥/١
تحلم عنّى ياكريم إلى أجلٍ قريبٍ ٢٠٦/٢ - ٢٠٦/١
فحلمت عنها باكريم إلى أجلٍ قريبٍ ٢٠٦/٣
الأَجَلِ: واستعملنا بطاعتك قبل انصرام الأجل ٢٠٠/١٥
فأسألك يامولاى... سؤال من أظلّه الأجل ١٦٦/١٠
أَجَلُهُ: قد إنقضى أجله وهو مغبون عمله ٢٢٨/٣
أدعوك دعاء من ... إقترب أجله ٢٢٢/٣
لمن لم يتب إليك قبل دنوّ أجلِهِ ١٩٩/١١١
ألّلهمّ قرّب أجَلَهُ وانقطع أثره ١٦٠/٨
ألّلهمّ قرّب أجله ١٦٠/٦
أَجَلي: وبلّغنى... بدوام النّعمة إلى منتهىٰ أجلى ١٢٣/٢٢
أشكوا إليك... إقتراب أجلى ٢٥٢/١٦ - ٢٥١/٢٤
بلقآئك عندإقتراب أجلى ١٩٧/١٣-١٩٩/١٢٦-٢٠١/٤٢
إرحم ... إقتراب أجلى ١٦٧/٣
إلهى إن كان قد دنا أجلى ١١٦/٩٣ - ١٩٧/٦
سيّدى إن كان قد دنا منّى أجلى ١٩٩/١٢٠
ربّ ما ... وأقصر أجلى ١٦٤/١٤ - ١٦٤/١١
ربّ وما أطول أملى في قصر أجلي ١٦٤/١٤
ألّلهمّ اختم بعفوك أجلى ٥٥/٤٠
وإلى من الفرار من الذّنوب إذا انقضى أجلى ١١٦/٩٩
وتفريطها إلى اقتراب أجلى ١٤٨/٢
آجِلٍ: وأدنى الرّخآء والسّرور عاجلاً غير آجلٍ ٢٥١/٥٢
وتفرّج عنّى فرجاً عاجلاً غير آجلٍ ١٧٩/٥
فأعطني سؤلى... عاجلاً غير آجلٍ ٢٥١/٥٠ - ٢٥٢/٣٤
وأرنى الرخآء والسّرور عاجلاً غير آجلٍ ٢٥٢/٣٥
ولولدى في عاجل الدّنيا وآجِلِ الآخرة ٦٤/١٥
أرفعها وأجلّها عاجلاً وآجلاً ١٨٧/٧
لاحزنٍ في عاجل دنياى وفي آجِلِ آخرتي ٣٥/٣
ولاحزن في عاجل دنياى وآجِلِ آخرتي ٢٥٧/٢٦
الآجِلِ: لاتمنعنيه يوم حاجتى إليه في الآجل ١٩٩/١٠٧
... ودرك الآجِلِ في أخراهم... ٢١/٣
بشّرْني بذلك في العاجل دون الآجل ٤٩/٢٠

آجِلِهِ: وعاجل أمري وآجله ٩٣/١
لِآجِلٍ: الرّاغبين لآجل ثواب الآخرة ٢٦٢/٢
لِلْآجِلِ: تحبّب إليهم العمل للآجل ١٤/١٠
الْآجَالِ: يامقدّر الآجال يامقسّم الأرزاق ١٤٩/٦٨
آجالَهُمْ: والقاضين في طاعتك آجالهم ١١٤/٢٠
إلهي... وزد لي في آجالهم «ولدى» ٦٤/١
أنت الرّبّ الّذي ... قدّرت آجالهم ٢٤٣/٢
آجالِنا: إبتليتنا... في آجالنا بطول الأمل ٧٦/١
كافأناك... إعراضاً على زواجر آجالنا ٢٠٠/٥

أ.ح.د

أَحَداً: وأفضل ما أعطيت أحداً من عبادك ١٤١/١١
لايحول أحدٌ دون رضاك ١٥٣/١٦
أو تصل آمال أحدٍ أو آمالي ١١٨/٧
ولايغفر العظيم أحد سواك ٢١٢/٥
يخندعهم عن طاعتك ما عصاك أحد ٨/١٠
لأنّك ليس أحد إلاّ دونك ١٢٨/٨
لايشركُ في حكمه أحداً ١٤٩/١٢
حتّى لانرغب إلى أحدٍ مع فضلك ٨/٢٠
ولانستوحش من أحدٍ مع بذْلك ٨/٢٠
أللّهمّ إنّ أحداً لايبلغ من شكرك غاية ٩٨/١
الحمدلله الّذي لم يشهد أحداً ٢٣٨/١
لايمتنع منه أحدٌ أراده ١٤٩/١١
وأنّك واحدٌ أحدٌ صمدٌ ١٢٧/١
ولم يكن له كفواً أحد ١٢٧/١ ـ ٩٦/٥ ـ ١٧١/٢ ـ ١٦١/٣
من نعمة لايحصيها أحدٌ غيرك ١٤٨/١٧
ياأحدُ ياصمدُ ياربّ محمّد ١١٧/٣٣
ولاتدع على ظهر الأرض منهم أحداً ١١٧/٣٣
حتّى لاأرى نعمةً من نعمك على أحدٍ ٥٩/١٣
أفضل ما آتيت أحداً من عبادك ٢١/١٧
أمسينا لايغنينا أحدٌ إن حرمتنا ٨٣/٤
ولايمنعنا منك أحدٌ إن أردتنا ٨٣/٤
ولايعترض عليك أحدٌ في تدبيرك ١١٦/٣٤
لايشركك أحدٌ في رجائي ٧٤/٣
ولايتّفق أحدٌ معك في دعائي ٧٤/٣
حتّى لايهمّ أحدٌ منهم «أهل الثغور» بالإدبار ٦٧/٥
أللّهمّ لاأشكو إلى أحدٍ سواك ٤٤/٨
فلايظهر على غيبه أحداً (قرآن) ١٨/٢
سبحان من لم يجعل في أحدٍ من معرفة نعمه... ٦/١
ياواحدُ ياأحدُ يافردُ ياوترُ ١٢٨/٣
ياواحدُ ياأحدُ ياصمدُ ١٢٢/٤
حتّى لاأحسدَ أحداً من خلقك ٥٩/١٣
وأنت الله ... الأوّل قبل كلّ أحدٍ ١٤٧/٨
بما لايقرب به أحدٌ منك إلاّ بالتّقرّب به ١٤٧/٧٨
ولايعرف أحدٌ سواك فضله ١٤٧/٤٠
ولئن زالتا إن أمسكهما من أحدٍ من بعده (قرآن) ٢٢/٢٨
بكلّ اسمٍ... علّمته أحداً من خلقك ٢٢/٣٩
إلى خيرٍ ما لايملكه أحدٌ سواك ٢٣٧/٩
ولاتولّني أحداً غيرك ١٧٦/٢
فإن سكتّ لم ينطق عنّي أحدٌ ٨١/٤
ولايحيط بوصفه أحدٌ ١٩٩/٥١
ولاتحتجبْ عن أحدٍ منهم أرادك ٨٢/٣
ولايقضيها «الحوائج» أحدٌ غيرُكَ ٨٢/٣
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... أحدٌ لايشبّه ١٣٠/٥
إلهي... أم هل يجبره من سخطه أحدٌ سواه ١٨٢/٦
ولاتحوجنا إلى أحدٍ من خلقك ٢١١/٢
وإنّما أنا في هذا الخلق أحدُ عيالك ١٩٩/١٠٥
يااللهُ ياأحدُ يافردُ ياصمدُ ١٤١/٨
ولاأجدُ أحداً أتوجّه به إليك ١٣٢/١٣
أللّهمّ إنّه لن يجبرني منك أحدٌ ١١٦/١٢٩
ولو أنّ أحداً إستطاع الهرب من ربّه ١٦٢/٤
عن أن أسأل أحداً من العالمين ١٦١/٨
صن وجهي عن الطلب إلى أحدٍ من العالمين ١٤٧/١١٥
أفضل ما جزيت أحداً من ملائكتك المقرّبين ١٠٩/٢٧
كأفضل ما صلّيت على أحدٍ من خلقك ١٢٣/١٠
إقسم لي من خير ما أنت معطيه أحداً ١٢٣/١٣
سمّاك به أحدٌ من خلقك ١٣٦/٢
نظرت إليه من أحدٍ سبقك ١٤٩/٥
ولاتكلني إلى أَحدٍ من خلقك ١٤٩/٦٣
ولاتكلني إلى أحدٍ سواك ١٤٩/٦٢
والصّانع بلا أحدٍ ٧/٤
منزّها عن قصد أحدٍ سواك ١٩٩/١٩١
الّذي لايمنع أحداً فضلَهُ ١٠١/١١
ولايستقصي من أحدٍ حقّه ١٠١/١١
وعلّمته أحداً من خلقك ١٤١/٦
نعوذ بك أن ننطوي على غشّ أحدٍ ٢٦/٤
أصلحني بعلمك الّذي لايعلمه أحدٌ ٢٥/٤
يارحمٰنُ ياقدّوسُ ياواحدُ ياأحدُ ١٣٠/٢
وأنت مصلّ على أحدٍ بعده ٥٥/٤٢
ياأحدُ ياصمدُ يارحمٰنُ يارحمٰنُ يارحمٰنُ ١٢٢/٦

يأحدُ ياصمدُ ياأحدُ ياصمد ١٢٢/٦
الّتى لايسمى بها أحدٌ غيرك ١٢٢/٢
أسألك بكلّ اسمٍ... علّمته أحداً من خلقك ١٢٢/٥
لم يصرف عنّى سوءاً قطٌّ أحدٌ غيرك ٢٤٩/٢١
فإن سكتُّ لم ينطق عنّى أحدٌ ٨٠/١٩
وارزقني فيها «ليلة القدر» أفضل ما رزقت أحداً ١١٧/١٦
ما عند أحدٍ دونك دفاع ٩٧/٤
كأفضل ما صلّيت على أحدٍ من خلقك قبله ٥٥/٤٢
أللّهمّ إنّ أحداً لايبلغ من شكرك غاية ٨/١
حتّى لايورد عليك أحدٌ من ملائكتك ١١٥/١٥
لاأفتقر معه إلى أحدٍ سواك ١٢١/٩
من توجّه بحاجته إلى أحدٍ من خلقك ٣٩/٥
ما مضى عن صلواتك على أحدٍ من أوليائك ٦٧/٢٣
ياواحدُ ياأحدُ ياصمدُ يامن لم يلد ولم يولد ١٧١/٢
ولم يكن له كفواً أحد ١٧١/٢ ـ ١٦١/٣
فصلّ على محمّد وآله اكثر ما صلّيت على أحدٍ ٢١/١٧
أفضل وأكرم ما جزيت أحداً ٢١/١٧
كما لم يجعل في أحدٍ من معرفة إدراكه ٦/٢
لاينقصني أحدٌ منهما شيئاً ١٤٤/١
أللّهمّ إنّ أحداً لايبلغ من شكرك غاية ٩٨/١
إن أمسكهما من أحدٍ من بعده (قرآن) ١٣٥/٢
يااللهُ ياأحدُ يااللهُ صمد ١٣٥/٣
لانشرك فيه أحداً دونك ١١٥/١٠
حتّى لاأرجو أحداً غيرك ١٢١/١٨
تحبّ أن يكون عليها أحدٌ من أوليائك ١١٧/١٥
ومولاى فإنّه لن يجيرني منك أحدٌ ١٤٨/٢٩
من دينك مخافة أحدٍ من خلقك ١٧١/٧
وأحدٌ لاندّ له ٧/٣
لاأشرك بك أحداً ١٩٩/١٤
أن تكلني إلى أحدٍ منهم ٧٧/٢
حتّى لايورد عليك أحدٌ من ملائكتك ١١٥/١٥
أللّهمّ إنّى أسألك... ياأحدُ ياصمدُ ١٣٣/٦
يامن ... لم يكن له كفواً أحدٌ ١٣٣/٦
زجرتهم بقل هو الله أحدٌ (قرآن) ١٦١/٣
الْأَحَدُ: الأحدُ المتوحّد الفرد المتفرّد ١٤٧/٢
إنّك الواحد الأحدُ ٩٦/٥
أنت الفرد الأوّل الآخر العالم الأحد ٢٤٣/٤
أَحَدُهُما: إذا هممنا بهمّين يرضيك أحدهما عنّا ٣٠/٣
أَحَدُهُمْ: يبغض المسيئين وهو أحدهم ١٣٣/٤
بِأَحَدٍ: ولم تستعن بأحدٍ في شيءٍ من أمرك ١٤٩/٥
ولابأحدٍ عن سطوتك إمتناع ٩٧/٤
والفرد الّذى لايقاس بأحدٍ ١٩٩/١٤
لاتخذل من لايستغني عنك بأحدٍ دونك ٤٩/٧
لِأَحَدٍ: أللّهمّ... ولانجاة لأحد منّا دون عفوك ٣٢/١
ولم يدع لأحد منّا حجّةً ولاعذراً ١/٢٥
أفضل ما أوجبت لأحدٍ من عبادك الصّالحين ١٣٩/١٠
فليس لأحدٍ أن يبلغ شيئاً من وصفك ٢٤٩/١٦
لايجب لأحدٍ أن تغفر له بإستحقاقه ٩٨/٢
لايجب لأحدٍ منهم أن تغفر له بإستحقاقه ٨/٤
ولاتعفّر لأحدٍ منهم جبهة دونك ٦٧/٩
الْآحَادِ: وما بعده من الآحاد من الشّرك والالحاد ٢٣٦/٦

أ.خ.ذ

أَخَذَ: وأخذ على جميع خلقه بالفضل ٩٦/١
أَخَذَنى: أخذنى ربّى بذنوبي بين الملأ ١٩٨/٦
أَخَذُوا: وأخذوا أنفسهم في مخائل الرهبانية ٢١٩/٤٢
أَخَذْتَ: أخَذَتْ لوعة محبّتك بمجامع قلوبهم ١٩٣/٢
أَخَذْتَ: رضّنى بما أخذتَ لي ومنّى ٤٤/١٠
أنت متمٌّ لي ما أخذت عليه ميثاقى ٢٤٩/١٤
وأخذت لي من الأعداء بظلامتي ١٦٣/٤
أَخَذْتَنِيْ: وإن أخذتنى بقبيح عملى ٢٥٧/٢
أَخَذْتُ: إنّى أخذت بسمع من يطالبنى بالسوء ٢٢/٨
أَخَذْتُهُ: كما أخذته من غيرك ٢٥٧/٦
لَأَخَذْتُ: لأخذت حذرى منك ٢٥٧/٦
أَنْ يَأْخُذْ: أن يأخذ بعضاً لما أمهلني ١٩٩/١٦٠
تَأْخُذَ: وأنّ لك يوماً تأخذ فيه بالحقّ ٢٢٣/٣
فَتَأْخُذَنِي: أن تقول للأرض خذيه فتأخذنى ١٩٩/١٥٩
لاتَأْخُذُهُ: لاتأخذه سنةٌ ولانومٌ (قرآن) ١٥٩/٦ ـ ١٨/١
لاتَأْخُذُكَ: لاتأخذك سنةٌ ولانومٌ ٨٢/٢
لَمْ تَأْخُذْ: فالشقى من لم تأخذ بيده ٣١/٥
لَمْ تَأْخُذْهُ: لم تأخذه فيك لومة لائم ٨٣/٧
أَنْ تَأْخُذَ: أن تأخذ من يؤذينى أخذ الزلزلة ١٦٠/١
لايُؤْخَذُ: ولايؤخذ منها «النفس» عدلٌ (قرآن) ٢٠٧/٢٢
خُذْ: خذ بقلبي إلى مراشدي ٢٥١/٥٩
أللّهمّ خذ لنفسك من نفسي ما يُخلّصُها ٥٥/٢٨
وخذ لنفسك رضاها من نفسي في عافية ٥٩/١
خذ ظالمى وعدوّى عن ظلمى بقوّتك ٤٤/٣
وخذ بنا منهاجه «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
وخذ بي سبيل الصّالحين ١١٦/١٢١
وخذ عنّى بأسماع أضدادى ١١٦/١١٤

وخذ بقلبي إلى ما استعملت به القانتين ١٤٧/٨٦
بل خذ بيدى من سقطة المتردّين ١٤٧/٩٢
خُذْهُ: أللّهمّ خذهُ أللّهمّ خذه «ظالمى» ١٥٥/٤
خذه «ظالمى» بالمخَنَّقِ ١٥٥/٢
خذه «من يؤذينى» أخذَ عزيزٍ مقتدرٍ ١٦٠/٢
خُذْهُمْ: خذهم «المشركين» بالنّقص ٦٧/١٢
خُذْها: أللّهمّ خذها فلاحاجة لي فيها ٢٦٥/٢
خُذْني: وخذنى منها حتّى تتجرّد خواطر الدُّنيا ٢١٩/١٠
فَخُذْ: فخذ لنفسك الرّضا من نفسي حتّى ترضى ٨٦/٣
فَخُذْهُ: فخذه أخذ آسف ٧٣/١
فَخُذْهُمْ: أللّهمّ فخذهم «الظّلمة» بالبليّات ١١٩/١٤
أللّهمّ فخذهم «الظّلمة» أخذاً وبيلاً ١١٩/١٢
خُذُوهُ: خذوه فغلّوه ثمّ الجحيم صلّوه (قرآن) ١٢/١٣
خُذْيهِ: أن تقول للأرض خذيه فتأخذنى ١٩٩/١٥٩
لاتُؤاخِذْني: ولاتؤاخذنى بقبيح فعلى ١٣٨/١٧
ولاتؤاخذنى بجهلى يارحيم ١٩٩/٤٢
ولاتؤاخذنى بما كسبت من الذُّنوب ١٩٩/٨١
ولاتؤاخذنى بما سترت علىّ ١٩٩/٦٧
ولاتؤاخذنى بأسوء عملي ١١٦/٢١
ولاتؤاخذنى بتفريطى في جنبك ١٤٧/٨٤
لاتُؤاخِذْنا: لاتؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا (قرآن) ٨٣/١٣
ولاتؤاخذنا بما أخطأ فيه وما نسينا ٨٧/٧
إتَّخَذَ: ما اتّخذ الله من ولد وماكان (قرآن) ١٤٣/١٣
أفرأيت من إتّخذ إلهه هواه (قرآن) ٢٢/١٣
ولاإتّخذ معيناً حين برأ النّسمات ٢٣٨/١
إتَّخَذُوا: أللّهمّ إنّهم «الظّلمة» إتّخذوا دينك دغلاً ١١٩/٦
واتّخذوا بعض آياتك ربّاً ٣/٣
إتَّخَذْتُ: ياليتني اتّخذت مع الرّسول سبيلاً (قرآن) ٢٠٧/١٧
إتَّخَذْتُهُ: سيّدى ليس لي عندك عهد إتّخذته ١٩٩/١١٤
لَمْ يَتَّخِذْ: لم يتّخذ صاحبة ولاولداً ١٢٣/٦
سبحان الله الّذى لم يتّخذ صاحبة ٨٣/١٢
والحمدلله الّذى لم يتّخذ ولداً قرآن ١٤١/٢٢
وقل الحمدلله الّذى لم يتّخذ ولداً (قرآن) ٤٧/٢ ـ ٢٢/١١
لاتَتَّخِذْني: ولاتّخذنى هزؤاً لخلقك ١٤٧/١٠٦
أتَّخِذُهُ: ما أتّخذه مُسْلَماً أعرج به إلى رضوانك ١٥٢/١٦
لَمْ أَتَّخِذْ: لم أتّخذ لك ولداً ولم أدع لك شريكاً ٢٣٣/١
لم أتّخذ لك ولداً ١٦٥/١
لم أتّخذ معك إلٰهاً ١٥٣/٢ ـ ١٥٢/٢
ياويلتي ليتني لم أتّخذ فلاناً خليلاً (قرآن) ٢٠٧/١٧
ولم اتّخذ لك شريكاً ٢٢٩/١

أَخْذَ: خذه «من يؤذينى» أخذ عزيزٍ مقتدرٍ ١٦٠/٢
... أخذ الرابية أخذ الدّمدمة ١٦٠/١
أخذاً وبيلاً أبدهُ ابطُش به البطشَة الكبرىٰ ١٦٠/١
أن تأخذ من يؤذيني أخذ الزلزلة ١٦٠/١
وأجرني من أخذِ الإملاء ١٤٧/٨٩
أللّهمّ فخذهم «الظّلمة» أخذاً وبيلاً ١١٩/١٢
فخذه أخذ آسف ٧٣/١
الْأَخْذَ: وأسألك الأخذ بأحسن ما أعلم ١٢٥/٣
وصبر على الأخذِ بكتابك ٨٣/٧
إن كانت الخيرة لي عندك في تأخير الأخذِ لي ٤٤/١١
وقفهم لـ... الأخذِ بمحاسن أدبك ٦٥/٢
الأخذِ بمحاسن أدبك في إرفاق ضعيفهم ٦٦/١
الأخذِ بصالح ما ندبت إليه عبادك ٢٤٩/٣
إتِّخاذِ: تنزّهت عن إتّخاذ الأبناء ٢٤٣/٣
فتعاليت وتجبّرت عن إتّخاذ وزير ٢٤٣/٣
آخِذٌ: أنت آخذٌ بناصيتها ٢٦٩/٣
واجعلني ... تابعاً نبيّك آخذاً به ٢٦٨/٣
ما من دابّةٍ إلاّ هو آخذٌ بناصيتها (قرآن) ١٥٩/٢٣
من شرّ كلّ دابّة أنت آخذٌ بناصيتها ٦١/٦
أنت آخذٌ بناصيتها ١٣٢/١٢
بالليل والنّهار أنت آخذٌ بناصيتها ٢٤٩/٢٦
وقهرك بنواصيهم «عبادك» آخذٌ ١٩٩/١٦٨
شرّ كلّ دابّة أنت آخذٌ بناصيتها ١٤٣/٣٣
فإنّك لم تزل آخذاً بالفضل ٢٤٣/١١
الْآخِذُ: والآخذ على الجريرة لو لاأناته ١٤٧/١٠١
مُتَّخِذَ: وبامتّخذ إبراهيم خليلاً ١٧٥/١
الْمَأْخُوذِ: أسألك سؤال... المأخوذ على العثرة ٢٤٥/١
المُتَّخَذَةِ: الدّرج المتّخذة لأهل ولايتك ١٠/١٢
مَأْخَذَهُ: فاجعل... مأخذهُ «رزقك» قريباً ٧٧/١٤

أ.خ.ر

أَخَّرَ: لما باعد منها وأخّر عنها ٨٨/٢١
أَخَّرَهُ: أو أخّرهُ عنه حادث ٦٧/٢٢
أَخَّرَهُمْ: تقدّماً إلى ما أخّرهم عنه ١/٥
أَخَّرْتَ: وأخّرت وأنت مستطيع للمعاجلة ١٤٦/١١
حتّى لاأحبّ تعجيل ما أخّرت ٢٥١/٦٩ ـ ٢٢/٣٤
فجميع ما أخّرت عنه من العذاب ٩٨/٩
ولاتعجيل ما أخّرت ٩٢/٣
فقدّم لي ما أخّرت وأخّر عنّى ما قدّمت ٥١/٢
فجميع ما أخّرت عنه من وقت العذاب ٨/١٦

لأخّرت عقابك عنّي بما قدّمت يداي ٣٦/٤
أَخَّرْتُ: أن تغفرلي ما قدّمت وما أخّرتُ ١٣٨/٤
تُؤَخِّرُ: وتُؤخّر العقوبة بحلمك ١١٦/٢٤
لاتُؤَخِّرْهُ: أللّهمّ لاتُؤخّرهُ «ظالمي» ١٥٥/٤
أَنْ يُؤَخِّرَ: ولايقبل أن يؤخّر عنه ١١٥/٤
أَخِّرْ: واخّر عنّي ما قدّمت ٥١/٢
أَخِّرْني: فصلّ ... وأخّرني إلى ذلك ١١٧/٣٢
تَأَخَّرَ: تقدّم فمرق أو تأخّرَ فمحق ٢٤٨/١
لايَتَأَخَّرُ: ولايتأخّر عنه «الإمام» متأخّر ١٤٧/٦٢
لايَسْتَأْخِرُونَ: يوملايستأخرون ساعةً (قرآن) ٢٠٧/١
تَأْخيرَ: أسألك...تأخير ما تأخيرهُ كان خيراً لي ١٢١/١٦
إن كانت الخيرةُ لي عندك في تأخيرِ الأخذ لي ٤٤/١١
حتّى لانحبّ تأخيرَ ما عجّلت ٩٢/٣
... لايملكون «الخلق» تأخيراً عمّا قدّمهم إليه ١/٥
تأخير ما عجّلت ياربّ العالمين ٢٥١/٦٩
حتّى لاأحبّ ... تأخيرَ ما عجّلت ٢٢/٣٤
تَأْخيرُهُ: أسألك... تأخير ما تأخيره كان خيراً ١٢١/١٦
تَأْخيرِنا: تأخيرنا عن رؤيته «محمّد» ١٠/٢٧
بِآخِريَّةٍ: ولاآخريّةٍ بعده ١٤٩/٢١
ولامنتهى له بآخريّةٍ ٨٨/٢
آخِرَ: لم تجعله آخر العهد منّي ١٤٤/٢٩
فلا جعله الله آخر العهد منك ولابك ١٤٣/٣٠
فإن كان آخر شهر صمناه فاختم ١٤٣/٢٧
شربت ماء الرِّماد آخر دهري ٤٩/١٧
ياآخر الآخرين ٤٢/٢٩
أللّهمّ ... فكن آخراً بالإحسان ٣١/٢
الحمدلله ... والآخر بلا آخرٍ يكون بعده ١/١
وأنت أوّل آخرٌ ظاهر باطن ٢٥٧/٩
ولاتجعله آخر شهر رمضان صمته لك ١٤١/١١
واجعل آخر عمري أخيره ١٤١/٢٠
الآخِرِ: الحمدلله... الآخِرِ بعد فناء الأشياء ٢٤٦/١
أنت الفرد الأوّل الآخِرُ العالم الأحد ٢٤٣/٤
الحمدلله ... والآخِرِ بلا آخر يكون بعده ١/١
أنت الأوّل والآخِرُ ٢٤٧/٤
وأنت الآخِرُ فلا شيء بعدك ٢٦٩/١
ويستدعىٰ به دوام الآخِرِ ١٤٧/٣٤
وأنت الله ... الآخِرُ بعد كلّ عدد ١٤٧/٨
آخِرِهِ: نعمة في آخِرِه بمغفرتك ٢٣٨/٨
وآخِرَهُ «يومي» نجاحاً ٢٣٨/٤
وأعوذبك من يوم ... آخِرُهُ وجع ٢٣٨/٤
متّصلاً لاتنقطع بوادره ولايدرك آخِرُهُ ١٩٩/١٩٢
وسيّئاتهم من أوّل الدّهر إلى آخِرِه ١٦/٥
لآخِرِها: لاغاية لأمدها ولانهاية لآخِرِها ١٤٧/٥٩
الآخِرينَ: يا آخر الآخرين ٤٢/٢٩
صلّ على محمّد وآل محمّد في الآخرين ١٤٣/٥٣
واجعل لي... ذكراً ناميأً في الآخِرينَ ١٤٧/١٠٩
وباقر علم الأوّلين والآخِرينَ ٤٢/٧
الآخِرُونَ: الّتي يغبطه بها الأوّلون والآخرون ١٤١/٢٩
بِأَواخِرِها: واشفع لي أوائل مننك بأواخرها ١٤٧/١٠٢
الآخِرَةِ: ولك الحمد في الآخِرةِ والأولى ١٣٠/٢
أنت وليّي في الدُّنيا والآخِرَة ١٩٩/٧٩
أسألك ... أن تعافيني من أفزاع الآخِرَة ١٧٦/١
ولاحاجة من حوائج الدُّنيا والآخِرَة إلاّ قضيتها لي ١٢٢/٩
أعطني... من خير الدُّنيا والآخِرَة ١٢٢/١٠
وغشّني سرور الدُّنيا والآخِرَة ١٢٢/١٠
فارزقني بهم خير الدُّنيا والآخِرَة ٤٢/١٨
أمناً لنا من محذور الدُّنيا والآخِرَة ٢٠٠/٢٢
عافية الدُّنيا والآخِرَة ٦١/٢
ولاتفرّق بيني وبين عافيتك في الدُّنيا والآخِرَة ٦١/١
والسّلامة والعافية في الدّين والدُّنيا والآخِرَة ١٢٩/٧
وأشار لي في الآخِرَة إلى عفوه وكرمه ١١٦/١٦
وأقوى بها «رحمة» على أمر الآخرة والدُّنيا ٧٧/١٠
تجعلني في حفظك في الدّين والدُّنيا والآخِرَة ٤٢/٢٢
... أنت وليّهم في الدُّنيا والآخِرَة... ٤٢/١٩
وفي الآخِرَة راغبين ٢٠٦/٢٢
وإلى الآخرة قرما ١١٤/١٢
ودنا منّا إلى الآخِرَة رحيلٌ وانطلاق ١٠٩/١٨
ماأنت معطية أحداًمن خلقك في الدُّنيا والآخرة ١٢٣/١٣
وفي الآخِرَة حسنة وقني عذاب النّار ١٢٩/٨
وأعوذبك ... في دار الدُّنيا والآخِرَة ١٣٨/٩
إلهي فلا تحرمني خير الآخِرَة والأولى ١٦٣/١٤
ودعتني دواعي الآخِرَة فتثبّطت عنها ١٦٤/١٩
ياماالك الدُّنيا والآخِرَة ١٣٥/٨
والإحتراس من الزلل في الدُّنيا والآخِرَة ٥٩/١٤
وخير الدُّنيا والآخِرَة ١١٧/١٣
واجعل الآخِرَةَ خيراً لنا من الدُّنيا ١٤٣/٣٨
إكفنا كلّ مهمّ من أمر الدُّنيا والآخِرَة ١٤٣/٤٠
في الدّين والدُّنيا والآخِرَة ثلاثاً ١٤٣/٤٤
لاحاجة من حوائج الدُّنيا والآخرة ١٤٣/٤٨
وفي الآخِرَة من الفائزين ١٤٣/١٥

وأعوذبك من فتنة الدُّنيا والآخِرَةِ ١٣٨/٦
ولولدي في عاجل الدُّنيا واجل الآخِرَة ٦٤/١٥
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النّار (قرآن) ١٤٣/٥٦ـ١٣٣/١٢
وأن تقضى حوآئجى للدُّنيا والآخِرَة ١١١/٢
وعذاب الخزي في الدُّنيا والآخِرَة ١٢٩/٨
يارحمٰن الدُّنيا والآخِرَة ورحيمهما ١٧١/١
أكمل لي بها خير الدُّنيا والآخِرَة ٥٥/٤١
وأعزّني في الدّنيا والآخِرَة برحمتك ٢٥٦/٦
أللّهمّ إنّي أسألك السّعة في الدُّنيا والآخرة ١٢١/٤
فلك الحمد في الآخِرَة والأولى ٢٤١/٣
وافعل بنا ما أنت أهله في الدّين والدُّنيا والآخرة ١٣/٣
أعوذبك من ... عذاب الآخِرَة ٢٨/٥
اجعلني بهم وجيهاً في الدُّنيا والآخِرَة ١٣٢/١٤
وفي الآخِرَة حسنة (قرآن) ٨٧/١٠ ـ ٥٥/٤٢ ـ ٦٤/١٦
من جميع خير الدُّنيا والآخِرَة ٢٥١/٤٤
فلا تخلني في الآخِرَة عن عواطف رأفتك ١٩٩/١٩٣
الرّاغبين الآجل ثواب الآخرة ٢٦٢/٢
معيشة... أتوصّل بها إليك... في الآخِرَة ٢٥٢/١٨
واصرف عنّى شرّ الدُّنيا والآخِرَة ٢٥١/٦٥
أعطني... جميع خير الدُّنيا والآخِرَة ٢٥١/٦٥
وإكفني جميع المهمّ من أمر الدُّنيا والآخِرَة ٢٥١/٦٦
كلّ ما أهمّنا من أمر الدُّنيا والآخِرَة ١٢٤/٨
ولأجر الآخِرَة خيرٌ للّذين آمنوا (قرآن) ٢٢/٢٢
واجمع لي خير الدُّنيا والآخِرَة ٢٢/٤١
وأن تجعل ما أنت أهله لي في الدُّنيا والآخِرَة ١١٨/٢
وأستعينه على ما آتانا من الدُّنيا والآخِرَة ١٢٣/٤
واجعلني معهم في الدُّنيا والآخِرَة ١١٧/٣٦
آثرت فضل الآخِرة على الأولى ١٩٧/٤٧
واستر علىّ... في الدُّنيا والآخِرَة ١١٧/٢٨
وآتنى في الدُّنيا حسنة وفي الآخِرَة حسنة ١١٧/٣١
ياربّاه صلّ على محمّد في الآخِرَة والأولى ١٩٨/٩٠
مالك الدُّنيا والآخِرَة تقضى ما تشآء ١٢٧/٢
إليك أمرى في الدُّنيا والآخِرَة ١٥٣/١٥
ومما أهمّني من الدُّنيا والآخِرَة فاكفني ١٥٣/٢١
وفي الآخِرَة حساب وعقاب ٢٠٠/٤٤
في الحياة الدُّنيا وفي الآخِرَة فثبّتنى ١٥٣/٢١
وثبّتني بالقول الثّابت في الدُّنيا والآخِرَة ٢٠٠/٤٦
وفي الآخِرَة من الفائزين برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٢٩/١١
آخِرَتِكَ: فلا تقسني مثله في آخرتك ١٤٧/١٠٢
عدد كلّ شيء في دنياك وآخرتك ١٦/٥

آخِرَتي: يادنياى وآخرتى ياأرحم الراحمين ١٨٩/٩
في عاجل دنياى وآجل آخرتي ٢٥٧/٢٦
وأتوصّل بها «المعيشة» في الحياة إلى آخرتى ٧٨/١
لاحزنٍ في عاجل دنياى وفي آجل آخرتى ٣٥/٣
ما أهمّنى من أمر دينى ودنياى وآخرتى ٢٣٣/٦
فإن كنت تعلم أنّه خيرلي في ديني ودنياى وآخرتى ٩٤/١
وإن كنت تعلم أنّه شرّلي في ديني ودنياى وآخرتى ٩٤/١
وإن كان كذاوكذا شرّألي في ديني ودنياى وآخرتى ٩٣/٢
من أمر ديني ودنياى وآخرتى ياسيّدى ١٦٥/٦
ممّا فيه صلاح دينى ودنياى وآخرتى ١٤٩/٦٥
وسهّل علىّ أمور دنياى وآخرتى ١٣٥/١٥
وأصلح لي آخرتى الّتى إليها منقلبى ١٤١/١٩
وأصلح لي آخرتى فإنّها دار مقرّى ٢٤٠/٤
واكفني ما أهمّنى من أمر دنياى وآخرتى ١١٦/٥٠
تطّلع على... ما يصلح به امر آخرتى ودنياى ٨٢/٤
وامنن علىّ بكلّ ما يصلحني في دنياى وآخرتى ٦٤/١١
... ودنياى وآخِرَتى ومنقلبي ومثواى ١٥٣/١٤
سخّرلى ما أريد من دنياى وآخرتى ٢٢/٣٨
أتوصّل ... إليك ... في آخرتى ٢٥١/٢٦
تعلم ما يصلحني من أمر دنياى وآخرتى ٥٩/١١
ودنياى وآخِرَتى فبارك لي ١٥٣/٢٢
آخِرَتِنا: بعافية مجلّلة في دنيانا وآخرتنا ١٤٣/٣١
لآخِرَتِهِ: خضوع من يؤمّلك لآخرته ودنياه ١٩٩/١٣٤
بِآخِرَتِكَ: فكم ترفع بآخرتك دنياك ٢١٤/١٤٧
لِآخِرَتي: وارزقني الرغبة في العمل لآخرتى ٥٩/٩
لِلْآخِرَةِ: ومايكون صلاحاً للدُّنيا وبلاغاً للآخرة ٨٧/١٠
تطوّل علىّ بجميع حوائجى للآخرة والدُّنيا ١١٧/٣٨
بِالْآخِرَةِ: لايؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً (قرآن) ٢٢/١٠
ربحت في بيع الدُّنيا بالآخرة تجارتهم ١٩٣/٤
بين الّذين لايؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً (قرآن) ٢٣/٥
أُخْرىٰ: ... ودرك الآجل في أخراهم ٢١/٣
نزلّ فيه قدم وتثبت فيه أُخرىٰ ١٩٨/٢٠
أقول لك العتبىٰ مرّة بعد أخرىٰ ٩٠/٣
عرضت لي معصية أُخرىٰ ١٩٨/٣
ياربّاه إرحم من عاد في الذّنوب مرّة أُخرىٰ ١٩٨/٧٣
أُخْراهُ: ويذهل عن آخراه لاشكّ خاسر ٢١٤/٨
مُتَأَخِّرٌ: ولايتأخّر عنه متأخّر ١٤٧/٦٢
المُتَأَخِّرُ: المتقدّم لهم مارق والمتأخّر عنهم زاهق ٢٠/٢ـ١١٣/٢
آخَرَ: ثمّ أنشأتني خلقاً آخر (قرآن) ٨٨/١٤
الآخَرُ: يسخطك الآخر علينا ٣٠/٣

آخَرونَ: ذهب آخرونَ إلى التقصير في أمرنا ٢١٩/٤٥

أ.خ.و

إخاء: وأعوذبك من ... إخاء معبوب ١٩٩/٢٧
أَخُوهُ: لمثل الّذى لاقى أخوه محاذر ٢١٤/٥٨ـ٢١٤/١٣٦
أَخيهِ: يوم يفرّ المرء من أخيهِ (قرآن) ٢٠٧/١٠
لو يفتدى من عذاب يؤمئذٍ بـ.. أخيهِ (قرآن) ٢٠٧/١٤
يظهر السّيّئة من أخيهِ ويكتمها من نفسه ١٣٣/٤
بِأَخيكَ: قال سنشدُّ عضدك بأخيكَ (قرآن) ١٥٩/١٨ـ٢٢/٧
الإخْوان: الّذى فيه الغنى عن ... الإخوان ٢٠٦/١٦
إِخْوانُهُ: وتوجّع لرزيّته إخوانُهُ ٢١٤/٤٩ ـ ٢١٤/١٢٥
مشيّعة إخوانُهُ والعشائر ٢١٤/٥٢ ـ ٢١٤/١٢٨
أعذني فيه من ... إخوانِهِ «الشيطان» ١١٧/٧
إِخْوانِكَ: ومن فجعت به من إخوانِك ٢١٤/١ ـ ٢١٤/٧٦
إِخْواني: وحُطْتُ نفسي وأهلي ومالى وإخوانى ١٥٩/٣
أعطِني سؤلى في... إخوانى فيك ١١٦/١٠٧
واجعلني وجميع إخواني بك مؤمنين ٢٠٦/١٨
ولم تنكّس برأسي عنه إخوانى ١٤٩/٣٣
أستودعك ... إخواني فيك ١٣٩/٩
ومالي وإخواني وذرّيّتي ١١٧/٢١
إغفرلي ولـ... إخوانى فيك ٢٠٠/٤٨
إِخْوانَنا: وأعذنا وأهالينا وإخواننا ٥٠/١٥
لِإِخْوانِنا: اغفرلنا ولإخواننا المؤمنين ٢٠٦/٢٤
ولإخوانِنا الّذين سبقونا (قرآن) ٢٠٠/٤٨
يقولون ربّنا إغفرلنا ولإخوانِنا (قرآن) ١٤/٥
لِلإِخْوانِ: وللإخوانِ فيك مستغفرين ٢٠٦/٢١
الإِخْوَةِ: واغفر... الإخوةِ والأخوات ٢٣٧/٩ ـ ٢٠٦/١٧
أوجبت حقوقهم مع الإخوة والأخوات ٢٤٣/١٢
معهما من الإخوَةِ والأخوات ٢٤١/٩
أُخْتِها: ونسيت مافي أختها دهاها ٢١٤/١٣٩ ـ ٢١٤/٦١
أُخْتُكَ: لتصنع على عيني إذ تمشي أختك (قرآن) ١٥٩/٢٠
الأَخَواتِ: معهما من الإخوة والأخوات ٢٤١/٩
أوجبت حقوقهم مع الإخوة والأخوات ٢٤٣/١٢
واغفر ... والإخوة والأخوات ٢٣٧/٩ ـ ٢٠٦/١٧

أ.د.ب

أَدَّبوا: أدّبوا أنفسهم بالفهم ٢٠٠/٢٧
لاتُؤَدِّبني: إلهي لاتؤدّبني بعقوبتك ١١٦/١
أَدَبِكَ: الأخذ بمحاسن أدبك في إرفاق ضعيفهم ٦٥/٢ـ٦٦/١
بِأَدَبِكَ: تأديب أوليائك الّذين غذوتهم بأدبك ٢٦٨/٤
تَأْديبِ: وتأديب أوليائك الّذين غذوتهم بأدبك ٢٦٨/٤
متأدّباً بحسن تأديبك وتأديب رسولك ٢٦٨/٤
تَأْديبِهِمْ: أعنّى على تربيتهم وتأديبهم «ولدى» ٦٤/٤
تَأْديبِكَ: واجعلني... متأدّباً بحسن تأديبك ٢٦٨/٣
مُتَأَدِّباً: واجعلني... متأدّباً بحسن تأديبك ٢٦٨/٣

أ.د.م

آدَمَ: أللّهمّ صلّ على آدم بديع فطرتك ٢٢٢/٢
أللّهمّ وآدم بديع فطرتك ١١/١
أعوذبك من ... غلبة بنى آدم ١٣٨/٩
إلهى، عصاك آدم فغفرت له ٢٠١/٤٥
صلّ على أبينا آدم وأمّنا حوّا ١٤٣/٥٠
وأقمت لأهله دليلاً من لدن آدم إلى محمّد ١٤/٢
الآدَميّينَ: من حمل فضل غيره من الآدميّين ٢٠٠/٢٠
فاغفرلي ما خفى على الآدميّين من عملي ١١٦/٩٦

أ.د.و

أَذاةِ: لو كنت أسمع في أداة فهم ٢١٩/٥
أَدَواتِ: والحمدلله الّذى... جعل لنا أدوات القبض ١/٢٢

أ.د.ى

أَدَّى: وأدّى الحقوق عن عبيده ٢٤٧/١١
أللّهمّ اجزه بما ... أدّى من آياتك ١٠٩/٢٧
أدّىٰ «محمّد» ما حمّلته إلى العباد ٢٤٦/٤
فَأَدّاها: حمّلته «محمّد» رسالتك فأدّاها ٢١/١٦
أَدَّوْا: لايتّهمونهم فيما أدّوا إليهم ١٤/٦
أَدَّيْتَهُ: لاغائباً إلاّ أدّيته ١٤٣/٤٧
أَدَّيْنا: وأدّينا فيه قليلاً من كثير ١٤٢/٤٨
تُؤَدِّيَ: وتؤدّى عنّى أمانتي وأن تختم لي ١٢٧/٦
وتؤدّى عنّى أمانتي ودينى ١١٧/٤٢
لَمْ أُؤَدِّ: ولم اؤدّ حقّك ١٤٩/٣٤
كم من نعمة أسبغتها علىّ لم أؤدّ شكرها ٢٤٩/٩
نُؤَدّي: ... أم متى نؤدّي شكره؟ لامتى. ١/٢١
أَدِّنا: وأدّنا إلى القيام بما يستحقّه من الطاعة ١٤٢/٥١
فَأَدِّهِ: فأدّه عنّى من جزيل عطيّتك ٥٩/٨
فأدّه عنّى من جزيل ما عندك ٢٥١/٣٨ ـ ٢٥٢/٣٠
تَأْدِيَةِ: عوناً على تأدية حقّه ووظائفه ١/٢٩
تَأَدّياً: ما يحدث لي مخيلة أو تأدّياً إلى بغى ٧٩/٤
الْمُؤَدّي: ... المؤدّى عن نبيّك ... ٤٢/١٤
مُؤَدِّينَ: ولفرآئضك مؤدّين ٢٠٦/١٨

المُؤَذِّينَ: المؤذّين لها في أوقاتها على ١١٥/١٢
المُؤَدّى: خليفتك المؤدّى عنك ٤٢/١٣
أَداءَ: فاحتمل عنّى أداء ذلك إليهم ٢٤٣/١٢
حضّاً لهم على أداءِ مضمون شكرك ٢٤٩/١
وفّقنا لمتابعته وأدآء حقّه ١١٩/٢٩
أداءً وقضاءً بحول منك ١١٣/٤
لكنت مقصّراً في بلوغ أدآءِ شكر ٢٣٠/١
تعجز الأبدان عن أداء شكره ٢٤٩/١٧
ولحقّ محمّد وآل محمّد أداءً وقضاءً ٢٠/٤
لِأداءِ: وفّقني لأداءِ فرض الجمعات ٢٤٦/٦

أ.ذ.ن

أَذِنَ: لايتكلّمون إلاّ من أَذِنَ له الرّحمٰن (قرآن) ٢٠٧/١١
أَذِنْتَ: فأسمع من أَذِنتَ له في الإستماع من الحقّ ١٠/٣
لاتَأْذَن: لاتأْذَن لسمآئهم فى قَطْر ٦٧/٨
أَذِّنْ: أَذِّنْ في النّاس بالحجّ يأتوك رجالاً (قرآن) ١٤٤/٢٣
آذَنَني: فقد آذَنَني حسن ثقتي بثوابك ١٨٦/٢
آذَنْتَني: فقد آذَنْتَني بانقطاع وفرقة ٢١٩/١٢
الْأَذْنَ: الشّاخص الّذى ينتظر منك الأَذْن ١٢/٢
إِذْنُكَ: إِذْنُكَ لنا بِدعائك ١٩٤/١
إِذْني: تمبتني بغير إِذْني ٢٠٠/٤٥
بِإِذْنِ: فيها بِإِذْنِ ربّهم من كلّ أمر (قرآن) ١١٥/٥
بِإِذْنِهِ: من ذاالّذى يشفع عنده إلاّ بإذنِهِ (قرآن) ١٥٩/٦ـ١٨/٣
الّذى لايقبل عملاً إلاّ بِإِذنِهِ ١٤٣/١٤
أن تقع على الأرض إلاّ بِإِذنِهِ ١٣٥/٢ ـ ١٣٨/١
بِإِذْنِكَ: الدّاعى إليك بِإِذنِكَ ١٤٣/٢٣
وأوصل بِإِذنِكَ الهدى إلى القلوب ١٠/٣
البشير النذير الدّاعى إليك بِإِذنِكَ ١٢٣/٩
لايقدر على إنالتي إيّاه إلاّ بِإِذنِكَ ٢٠٤/٢
أُذُناي: أنا المقصّر على نفسي بها... سمعته أُذُناي ١٤٨/٥
وسمعت أُذُناي بقدرتك نظراً منك ١٤٨/٢٠
آذانٌ: آذانٌ يسمعون بها (قرآن) ١٥٩/٩ ـ ١٥٩/١٤
لهم آذانٌ لايسمعون بها (قرآن) ١٥٩/٧
آذانِهِمْ: وفي آذانهم وقراً (قرآن) ١٥٩/١٢ـ٢٣/٤ـ
٢٢/١٠ـ٢٢/١٤

أ.ذ.ى

أَذانا: واشغلهم «أعدائنا» عن أَذانا ٢٥٥/٨
أُوذِيَ: وأوذى في سبيلك وجاهد عدوّك ١٤١/٣٠
أُوذُوا: الّذين أوذوا في جنبك ٨٣/١٧
أبو الأنبياء الّذين أوذوا في جنبك ١١/٤
يُؤْذي: إنّى أعوذبك ياإلهى... من جارٍ يؤذي ١٣٥/١١
يُؤْذيني: أن تأخذ من يؤذينى أخذ الزلزلة ١٦٠/١
لاأُتَأَذّىٰ: حتّى لاأتأذّى بشيءٍ منه ١١٦/١١٣
أَذىً: أللّهمّ ارزقنا معروفاً في غير أَذىً ٢٠٠/٢٠
أللّهمّ وما مسّهما «الوالدين» منّى من أَذىً ٦٣/٨
وامنعني عن أذىٰ كلّ مؤمن ومؤمنة ١٠١/١
أو مسّه من ناحيتي أذىً ١٠١/٤
الأَذىٰ: ونزل الضرّ منزل الصحّة بأنواع الأذىٰ ٣٥/٤
الصّابر على الأذىٰ والتكذيب في محبّتك ١٤٣/٥٢
بمنزلة الصحّة وبأنواع السّقم والأذىٰ ٢٥٧/٢٧
وصبر «محمّد» على الأذىٰ فيك ١٠/١٧
لايصل إليّ فيه مكروه الأذىٰ ٢٠٣/١
أَذاها: واصرف عنّا أذاها ومضرّاتها «السحائب» ٩٧/٢

أ.ر.ب

المَآرِبَ: قضيت لهم من فضلك المارب ١٨٩/٤
إِرْبَتي: وما إربتي في كلّ يوم وليلة ٢١٤/٣٤
أَريبٌ: أو يسرّ بلذّتها أريب ٢١٤/٢٩
أو يسرّ بها أريب ٢١٤/١٠٥

أ.ر.ض

أَرْضٌ: ولاأرض ذات فجاج ١٢٨/١١
في كنين أرضٍ ولاسماء ولانخوم ٢٤٧/٣
لاأدرى في سهل ... أو في أرضٍ ٧٧/١٣
الْأَرْضِ: ولابخرق من الأرض ولاسماءٍ ١٢٨/١١
أللّهمّ وآدم ... أكثر سكّان الأرض ١١/٤
والأرض جميعاً قبضته يوم القيامة... (قرآن) ٢/٧
سُكّان الهواء والأرض والماء ومن منهم ١٢/١٣
وارزقنا من بركات السماوات والأرض ٥٣/٦
فسبّحت له ... الأرض وأطرافها ١٩٩/٥٦
فسبّحت له «الله» ... وحوش الأرض ١٩٩/٥٦
أللّهمّ ياجاعل ... الأرض مهاداً ١٣٤/١
من شرّ ما خلقت في السماوات والأرض ١٥٣/٣٢
من شرّ ما ذرأ في الأرض وما يخرج منها ١٥٣/٢٩
أفلم يسيرُوا في الأرض (قرآن) ١٥٩/١٤
وتردّيت بالكبرياء في الأرض وفي السّمآء ١٤٩/٢
وسألك من في مشارق الأرض ٢٢٧/٥
مابين ثرى الأرض إلى أعنان السّمآء ١٩٩/١٤٠
حين فطر السّموات والأرض ٢٣٧/١

فهم في بطون الأرض بعد ظهورها ٢١٤/٢
وأكلنا تراب الأرض طول أعمارنا ٢١٣/٢
ومن وارته الأرض من آلافك ٢١٤/١
املأ الأرض به عدلاً وقسطاً ١٤٩/٧٠
أنت المنّان بديع السّماوات والأرض ٢٧٠/١
المحيط بملكوت السّماوات والأرض ٢٦٧/٤
يمسك السّموات والأرض (قرآن) ٢٢/٢٨
بسم الله الّذي الأرض جميعاً قبضته (قرآن) ٢٢/٣٠
الّذي لايضرّ مع اسمه شيء في الأرض ٢٢/٣٣
بسم الله ربّ الأرض والسّماء ٢٢/٣٣
في جميع اللّيالي والأيّام من السّماوات والأرض ٢٢/٣٢
قال اجعلني على خزائن الأرض (قرآن) ٢٢/٢٢
كذلك مكّنّا ليوسف في الأرض (قرآن) ٢٢/٢٢
إلهي لو طبّقت ذنوبي الأرض والسّماء ١٩٧/٣٧
اللّهمّ لك الحمد بديع السّماوات والأرض ١٤٧/١
ولاتدع على ظهر الأرض منهم أحداً ١١٧/٣٣
آه واخطيئتاه كيف تقلّني الأرض ١٩٨/٦٥
الظّلم والأنوار والأرض والسّمآء ١٣٢/١
وأنت لاتخفي عليك خافية في الأرض ١٦٢/٤
وغمّض بصره إلى الأرض متخشّعاً ٨٠/٥
ولاتجعل لهم «الظّلمة» في الأرض ناصراً ١١٩/١٢
فوق مصارعهم في فلوات الأرض ٢١٩/٢٢
اللّهمّ جاف الأرض عن جنبيه ١٠٦/١
وفي خلق السّماوات والأرض متفكّرين ٢٠٦/١٩
لاتخفى عليه خافيةٌ في الأرض (قرآن) ٢/٧
له مافي السّماوات ومافي الأرض (قرآن) ١٥٩/٦ ـ ١٨/١
وسع كرسيّه السّماوات والأرض (قرآن) ١٨/٣
حتّى لايعبد في بقاع الأرض غيرك ٦٧/٩
يابديع السّماوات والأرض ياالله ١٣٢/٢
يانور السّماوات والأرض ١٣٤/٤
له المثل الأعلى في السّموات والأرض (قرآن) ١٩٩/١٥
ومانع السّمآء أن تقع على الأرض إلاّ بإذنه ١٣٨/١
أنت المنّان بديع السّماوات والأرض ٤٣/١
فوربّ السّماء والأرض إنّه لحقّ (قرآن) ٧٧/٧ ـ ٧٦/٥
الّذي أقام به السّماوات والأرض ٢٣/٢
أكلتْ تراب الأرض طولَ عمري ٤٩/١٧
ضمّن السّماوات والأرض رزقي ٧٧/٣
الكافرين... في مشارق الأرض ومغاربها ١١٩/٢٧
لاتذر على الأرض منهم ديّاراً ١١٩/٢٧
كم غيّرت الأرض ببلائها ٢١٤/٨٠
ومن وارته الأرض من آلافك ٢١٤/٧٥
وكم غيّرت الأرض ببلاها ٢١٤/٥
تملأ الأرض والسّمآء ٨٨/٢٣
مهّدت الأرض ففرشتها ٢٤٧/٧
تملأ الأرض عدلاً وقسطاً ٢٤٨/١
أو مسلك في الأرض لسلكت ١٤٨/١٤
جاف الأرض عن جنوبهم ١٤٣/٣٩
ولم تخل منه السّماوات والأرض ١٣١/٢
يامانع السّماوات أن تقع على الأرض إلاّ بإذنه ١٣٥/٢
الحمدلله الّذي خلق السّموات والأرض (قرآن) ١٤٣/١١
صلصالاً في الأرض هامدون ٢١٩/٢٤
إلاّبماشآء وسع كرسيُّه السّموات والأرض (قرآن) ١٥٩/٦
بالله الّذي لايخفى عليه شيء في الأرض ١٦٦/١
أللّهمّ وأحى به الأرض الميتة ٧٠/١٢
يامن له السّماوات والأرض ١٣٥/٨
باسمك الّذي به تقوم السّماء والأرض ٢٣٥/١
من أهل الأرض بالغيب عند معارضة المعاندين ١٤/١
ورسلك من الملائكة إلى أهل الأرض ١٢/١٢
فهم في بطون الأرض بعد ظهورها ٢١٤/٧٧
لو أنفقت ما في الأرض جميعاً (قرآن) ٢٣/٦
أَرْضَهُ: حمداً يملأ أرضه وسمائه ٩٧/٥
وخلق لهم النّهار... لـ.. يسرحوا في أرضِهِ ٢١/٣
السّلام عليك ياأمين الله في أرضِهِ ٢٥٥/١
أَرْضَهُمْ: وأورث المؤمنين أرضهم «الظّلمة» ١١٩/٩
أَرْضَها: حرثت أرضها بأشفار عيني ٢٣٠/٢
... سماؤها وأرضها وما بثثت في كلّ واحد منهما ٢١/٦
أَرْضِكَ: واجعل ميرهم في أحصّ أرضك ٦٧/١٥
قتلاً في أرضك وأسراً ٦٧/١٠
وملائكتك وسكّان سماواتك وأرضك ١١/٥
ومكّنت لنا في مهاد أرضك ٢٠٠/٢
وجعلتهم ... خلفائك في أرضك ١٢٧/٥٧
إدفع عن ... أمينك في أرضك ١١٩/٢٠
فاجعل نفسي... محبوبة في أرضك وسمائك ٢٥٥/٣
وأرضُكَ ومن عليها ما أظهرت سمالك من الندم ٨١/٦
أشهد سماءك وأرضك ومن أسكنتهما ٢١/١٥
أحطت خبراً بأهل سماواتك وأرضك ١٢٨/١٢
بما تنوب على... قطّان أرضك إلى وقت ١٦/٨
من السّحاب المنساق لنبات أرضك المونق ٥٣/١
لكن تسمع ... وأرضك ومن عليها ٨٠/٢٢
لِأَرْضِهِمْ: لاتأذن... لأرضهم «عدوّ أهل الثّغور» ٦٧/٨

لِلأَرْضِ: أنّك قادر أن تقول للأرض ١٩٩/١٥٩
أَرَضِينَ: فوق سبع أرضين مذلّلات ١٩٩/٥١
الْأَرَضِينَ: ياجبّار الأرضين والسّماوات ١٤٣/٥٠
من أهل السّماوات والأرضين ٨٣/١٩
إذادعيت بهاعلى مضايق الأرضين للفرج انفرجت ٥٨/١
وربّ الأرضين السبع ١٤٩/٧٢ ـ ١٧٨/١
ياربّ السّحاب... بين الأرضين والسّماوات ١٣٧/٦
والأرضين السّبع وما أقللن ١٥٧/١
أللّهمّ ربّ الأرضين السّبع ٢٦٩/٢
ياربّ الأرضين المبسوطات ... ١٣٧/٥
سبحانك تعلم وزن الأرضين ٤/١٦
ياجبّار السّماوات والأرضين ٢٣٩/١٠
مثل بحور السّماوات والأرضين ٢٣٠/٢
ياالله ياإله الأرضين والسّموات ١١٩/١٤
الْأَرَضُونَ: والأرضون بأكنافها وجميع ما ذرأت ٢٣٤/٧
أَرَضِيكَ: عدد أرضيك وما تحتهنّ وما بينهنّ ١٤٧/٦٠
أشرفت من عرشك أرضيك ٢٠٢/١

أ.ر.ك

الْأَرَائِكِ: وعلى الأرآئك متّكئين ٢٠٦/٢٢

أ.ز.ر

لَمْ يُؤَازِرْكَ: ولم يؤازرك في أمرك وزير ١٤٧/١٣
أَزْرِ: وعافية وشد أزري وحطّ وزر ٢٢٢/٥
أَزْرَهُ: أعنه بركنك الأعزّ واشدد أزره ١٤٧/٦٣
أَزْرِي: شددت أزري بقوّتك ثمّ فللت لي.. ١٥٢/٦ـ١٥٣/٦
إِزَارُكَ: سبحانك أللّهمّ والعزّ إزارك ٤/٣

أ.ز.ف

أَزِفَتْ: يوم أزفت الآزفة (قرآن) ٢٠٧/٢٤
الْآزِفَةُ: يوم أزفت الآزفة (قرآن) ٢٠٧/٢٤

أ.ز.ل

أَزْلِهَا: أعوذبك من أزلها وزلزالها ٢٥٢/٢٤ـ٢٥١/٣٠ـ٧٨/٥
الْأَزَلِيَّةِ: الحمدلله... السّابق الأزليّة بالقدم ١٩٩/٥٢
بِأَزَاءِ: وأقبل الفقر بأزاء الغنى ٢٥٧/٢٧
بِإِزَائِهِمْ: على من بإزائهم من المشركين ٦٧/١٠

ا.س.ت.ب.ر.ق

إِسْتَبْرَقٍ وسندس وإستبرقٍ وسلسبيل ٢٥٧/١٢

ا.س.ح.ا.ق

إِسْحَاقَ: وبحقّ إسحاق وذرّيّته ١٨٠/٣
وربّ ... إسحاق ويعقوب ١١٧/١٩

أ.س.ر

أَسْرِ: وتفكّني من أسر العظائم ١٤٧/٩٤
قتلاً في أرضك وأسراً ٦٧/١٠
الْأَسْرُ: وبعد أن يجهد بهم «المشركين» الأسرُ ٦٧/١٩
وأطلقها من الأسر لتجول في خدمتك ٢٠٠/٣٧
بِأَسْرِهَا: ونعمتك أكثرمن أن تحصى بأسرها ١٤٦/١٣
إِسَارِ: فأصبح طليق عفوك من إسار سخطك ١٠١/٨
أَسِيرَ: أسير البلايا والنّدايا ١١٨/٣
إلهي ... وأنا أسيرٌ بجرمي ٢٠٣/٥
إلهي ... أنا أسيرُ الخطايا ٢٠٣/٥
وأنا أسيرُ خطيئاتي وذنوبي ٢٣٤/٨
الْأَسِيرُ: فانا الأسير ببليّتي، المرتهن بعلمي ١٦٧/١
أَسِيرُكَ: عبيدك ببابك أسيرك بفنائك ٢٣٢/٢
أُسَرَاءُ: فهم ... أسراء مسكنة ٧٠/٦
بِالْأُسَرَاءِ: ومن كرم العظماء الرّفق بالأسراء ٢٠٣/٥
الْأُسَارى: ياوهّاب العطايا بامطلق الأسارى ٢٥٢/٢
الْمَأْسُورُ: سيّدى أنا... المأسور بإجرامى ١٩٩/٨٢
أُسْرَتَهُ: وحارب في رضاك أسرته «محمّد» ٩/٢

ا.س.ر.ا.ئ.ى.ل

إِسْرَائِيلَ: فلق البحر لبني إسرائيل ٢٢/٢٩

ا.س.ر.ا.ف.ى.ل

إِسْرَافِيلُ: إسرافيل أمامى ٢٢/٣٧
وبحقّ إسرافيل ونفخته ١٨٠/٢
وربّ جبرئيل وميكائيل وإسرافيل ١١٧/١٨ ـ ١٤١/٩
وإسرافيل صاحب الصّور ١٢/٢
صلّ على ... إسرافيل وعزرائيل ١٤٣/٥٠

أ.س.س

أَسَّسَ: وأسّس الأمور بقدرته ١٤٩/١٤

أ.س.ف

أَسَفًا: فوا أسفاً على ماأحصى كتابك من عملى ١١٦/٦٩
فوا أسفا من خجلتي وافتضاحى ١٨٢/٣

آسِفٍ: من حديث رسول الله فخذه أخذ آسفٍ ٧٣/١

ا.س.م.ا.ع.ى.ل

إسْماعيلَ: وربّ إبراهيم وإسماعيل ١١٧/١٩
وبحقّ إسماعيل وذبيحته ١٨٠/٢

أ.س.و

أُسْوَةَ: واجعلني أسوة من قد أنهضته بتجاوزك ١٠١/٨

أ.ش.ر

أَشَرْتُ: ياخير من أشرت إليه بكفّى ٢٥/١
أشرت وبطرت وتهاونت ٣٥/٤ ـ ٢٥٧/٢٧
أَشَراً: ممّا أتقرّب به إليك... أشراً ١١٦/١٠٩
الْأَشَرِ: أعذنا من الفشل ... والأشر ٢٠٠/١٦
الفخر والبذخ والأشر والبطر ١٥٣/٢٥

أ.ص.د

الْمُؤْصَدَةِ: والنّار المؤصدة ذات ٢٥٧/١٧

أ.ص.ر

إصْرَ: ولاأحتمل إصر تبعات المكسب ٥٥/٣٦
ربّنا ولاتحمل علينا إصراً (قرآن) ٨٣/١٣
إصْري: ووكلّ رحمتك بإحتمال إصرى ١٠١/٧
الْأَواصِرُ: مواريثه أرحامه والأواصر ٢١٤/٦٢

أ.ص.ل

إسْتَأْصِلْ: واستأصل شأفتهم «الظّلمة» ١١٩/٥
إسْتَأْصِلْهُ: واستأصله وجُبّه «ظالمى» ١٥٥/٢
بِالْإِسْتِئْصالِ: عاجله «ظالمى» بالاستئصال ١٥٥/١
أَصِيلاً: سبّحوه بكرةً وأصيلاً (قرآن) ١٩٤/٥
سبحان الله بكرة وأصيلاً ١٤١/٢٣ ـ ٢٢/١١
الْآصالِ: التّسبيح بحمدك في الغدوّ والآصال ١٩٩/٣٥
عارجاً إليك ... بالغدوّ والآصال ١٩٩/١٩١

أ.ف.ق

أُفُقٍ: وأومض لي من كلّ أفقٍ بروقها ٢١٩/١٢
آفاقِ: إلى آفاق السّماء استحياءً منك ٤٩/١٧
الْآفاقِ: في جميع الآفاق وامنن على عبادك ٥٣/١

أ.ف.ل

الْأُفُولِ: والطّلوع والأفول والإنارة والكسوف ١١٠/٢

أ.ك.د

لاتَتَأَكَّدُ: ولاتتأكّد مع ذلك ثقتي ٨٨/١٦
تَأْكِيدِ: فقلت عزّ جلالك في تأكيد الكتاب ١٤٤/١٣

أ.ك.ل

أَكَلَ: ثمّ لم تسمه القصاص فيما أكل من رزقك ٨/١٣
ثمّ لم تسمه القصاص فيما أكل ٩٨/٨
أَكَلَتْ: أكلت الدّيدان محاسني واللّحم ١٩٨/٤٧
أَكَلْتُ: أكلت تراب الأرض طول عمري ٤٩/١٧
أَكَلْنا: وأكلنا تراب الأرض طول أعمارنا ٢١٣/٢
أَكَلْناهُ: وارزقناه خلقاً إذا أكلناهُ ٢٥٩/١
يَأْكُلُ: ومن نار يأكل بعضها بعض ٨٨/١٩
مَأْكَلي: فاجعل في الحلال مأكلى ٢٤٨/٢

أ.ل.ب

تَأْلِيباً: وما لم يكن تأليباً على دينك ١٠/٢٥

ا.ل.ر

الٓر: الٓر تلك آيات الكتاب الحكيم (قرآن) ١٤٤/١٥
الٓر كتاب أنزلناه (قرآن) ١٤٤/١٦
الٓر تلك آيات الكتاب المبين (قرآن) ١٤٤/١٦
الٓر كتاب أحكمت آياته (قرآن) ١٤٤/١٦
الٓر ذلك الكتاب لاريب فيه (قرآن) ١٤٤/١٦

أ.ل.ف

أَلِفَ: ياربّ هذا مقام من... ألف إحسانك ١١٦/٣٥
الَّفَ: لكنّ الله ألّف بينهم إنّه عزيز حكيم (قرآن) ٢٣/٦
أَلَّفْتَ: ما ألّفت بين قلوبهم (قرآن) ٢٣/٦
فَأَلَّفْتَ: فألّفت بمكانك الفرق ٢٤٥/٣
أَلِّفْ: وألّف جمعهم «أهل الثغور» ٦٧/٢
أَلْفِ: من لياليه على ليالىٰ ألف شهر ١١٥/٥
ليلةالقدرالّتى هى خير من ألف شهر ١٤٢/٢٤ ـ ١٤٢/٤٥
وجاعلها «ليلة القدر» خيراً من ألف شهرٍ ١٣٢/١
في يومٍ كان مقداره خمسين ألف سنّةٍ (قرآن) ٢٠٧/١٣
هى «ليلة القدر» خير من ألف شهر ١١٧/١
... ثمّ اجعلها لي خيراً من ألف شهر ١١٧/١٥
الْأُلْفَةِ: أرنا أنصار الجور عباديد بعد الألفة ٧٠/١٠
تغار علىّ الألفة وتحسد أهل النعم ٢١٩/١١

مَأْلَفَنا: ومألفنا الّذى نشتاق إليه ١٠٣/٣

آلِفُ: لعلّك رأيتني آلف مجالس البطّالين ١١٦/٥٧

الْآلَّافُ: أنسى في الخلوة إذا... فارقتني الألّاف ١٩٩/٤١

أُلَّافِكِ: ومن وارنه الأرض من ألّافك ٢١٤/١ ـ ٢١٤/٧٥

أَلِيفِ: السّلام عليك من أليفٍ آنس مقبلاً فسرّ ١٤٢/٣٢

الْمَأْلُوفِ: ومضطرّ لإنتظار فضلك المألوف ١٩٩/٩١

إلى رحمتك وإلى خيرك المألوف ٢٣٩/٨

أَلْفٍ: أو نعيم أنس أو بشاشة ألف ٢١٩/٢٤

أ.ل.ق

تَأَلَّقَ: حتّى تألّق شهاب الإيمان ١٩٩/٥٨

أ.ل.م

آلَمَ: ومرجوّ آلم فراقه ١٤٢/٣١

أَلَمَ: وبمناجاتك بردّت ألم الخوف عنّى ١١٦/٨٥

أَلَمِهِ: ولم تشفه من ألمه ٢١٤/١١٣ ـ ٢١٤/٣٧

آلامِهَا: من أسقامها وأوصابها وآلامها ٢١٤/١٠٩

مُتَأَلِّم: متألّم على المعاصى مرّ اللبالى ٢٣٩/١

أَلِيمَ: واحداً من ذنوبي يوجب لي أليم عذابك ٤٠/٤

وفرقنا من أليم نقمتك ١٩٩/١١٧

ولو لم تبيّن لي أليم عقابك ما رهبت ١٩٩/٩٤

وهيّنها أليمٌ وبعيدها قريب ٨٨/١٩

ولاتردّني بعذاب أليمٍ ١١٦/١٢٩

إجعل ... زهدي فيما يوجب لي أليمَ عقابك ٢٤٢/٥

والحمدلله... حمداً نعتق به من أليمِ نار الله ١/١٧

تب على عبدك... المستجير بك من أليمِ عقوبتك ١٦/٧

تأمن ممّا يخاف المعتدون من أليمِ سطواتك ٨٠/١٨

من أليمِ النكال وشديد الوبال ٨٨/٢٠

إلهى أجرني من أليمِ غضبك ١٨٤/٨

الأَليم: أصبهم «المشركين» بـ... السقم الأليم ٦٧/١٥

وأنّ عذابي هو العذاب الأليمُ (قرآن) ٢٠٦/١٤ ـ ٢٠٥/١٣

أجرنا من عذابك الأليم ٢١٤/٧٤

أللّهمّ... أجرني من عذابك الأليمِ ١٣٩/١٦

بِأَليمِ: والمنتقم ممّن عصاه بأليمِ العقاب ٢٣٩/٣

أ.ل.و

آلَيْتُ: وآليت لانبقى الليالى بشاشة ٢١٩/٢٥

أ.ل.ه

الْإِلٰهِيَّةِ: الحمدلله الّذى... لم يشارك في الإلهيّة ٢٣٨/١

بِالٰهِيَّتِكَ: احتويت بإلهيّتك على المجد والثّناء ٢٤١/٥

مَأْلُوهٍ: واله كلّ مألوه وخالق كلّ مخلوق ١٤٧/١

إِلٰهَ: سبحانك لاإله إلاّ أنت ١٩٩/١٩٨

لاإله إلاّ أنت سبحانك ١٩٩/١٩٨

أشهد أن لاإله إلاّ الله وحده ٢٥١/٣٦

لاإله إلاّ أنت تنزيهاً لوجهك العظيم ١٣٩/١٦

بحقّ لاإله إلاّ أنت العزيز الحكيم ١٥٣/٣٣

لاإله إلاّ أنت ياقدّوس ياسلام يامؤمن ١٣٧/٢

لاإله إلاّ أنت علاّم الغيوب والشهادة يارحمن ١٣٧/١

لاإله إلاّ هو رَبُّ العرش العظيم (قرآن) ١٥٩/١٧

فلا إله إلاّ أنت وحدك لاشريك لك تعاليت ٢٠٠/٤٣

أسألك بشرف لاإله إلاّ أنت ١٢٤/٤

أسألك بقول لاإله إلاّ أنت ١٢٤/٣

ياأله لاإله إلاّ أنت أسألك بقول ١٢٤/٣

ياالإله إلاّ أنت ١٢٤/٤

وأنت الله لاإله إلاّ أنت العلىّ ١٤٧/٤

أنت الله لاإله إلاّ أنت الكريم المتكرّم ١٤٧/٣

أنت الله لاإله إلاّ أنت الأحد المتوحّد ١٤٧/٢

أللّهمّ إنّى أسألك بانّك الله لاإله إلاّ أنت ١٢٧/١

وأنت الله لاإله إلاّ أنت الّذى ١٤٧/١١

وأنت الله لاإله إلاّ أنت الدّانى ١٤٧/٩

وأنت الله لاإله إلاّ أنت الاوّل ١٤٧/٨

وأنت الله لاإله إلاّ أنت الكريم ١٤٧/٧

وأنت الله لاإله إلاّ أنت السّميع البصير ١٤٧/٦

وأنت الله لاإله إلاّ أنت الرّحمٰنُ الرّحيم ١٤٧/٥

وأنت الله لاإله إلاّ أنت ذوالبهاء ١٤٧/١٠

وإله كلّ مألوه وخالق كلّ مخلوق ١٤٧/١

بحقّ لاإله إلاّ أنت ١١٧/٣٦

ياالإله إلاّ أنت بحقّ ١١٧/٣٦

فنادى في الظّلمات أن لاإله إلاّ أنت (قرآن) ٢٥٢/٦

ياحىّ لاإله إلاّ أنت ٢٢/٤١ ـ ٤٢/١

لاإله إلاّ أنت سبحانك ٢٢/٤٠

وانصره ... بإله العالمين ١٩٩/٢١

لاإله إلاّ هو الحىّ القيّوم ١١٧/٤

حسبى الله لاإله إلاّ هو ربّ العرش العظيم ٢٢/١٧

لاإله إلاّ الله العلىّ العظيم ١٧٨/١ ـ ١٤٩/٧٢

لاإله إلاّ الله الحليم الكريم ١٧٨/١ ـ ١٤٩/٧٢

لاإله إلاّ هو الرّحمٰن الرّحيم ٢٧٠/٢

وإلٰهكم إلٰهٌ واحد لاإله إلاّ هو ٢٧٠/٢

لاإله إلاّ هو ربّ العرش العظيم ٢٧٠/٣

ياذاالطّول لاإله إلاّ أنت ١/١٢١ ـ ٦٧/٢٥١
أشهدأن لاإله إلاّ الله وحده لاشريك له ٥/١٢٣ـ٢٨/٢٥٢ ـ ٩/٢ ـ ٥٥/١٩٩
إلهاً واحداً لاإله إلاّ أنت ٥٢/٢٥١
فاغفر بالإله إلاّ أنت ٥/٢٢١
لاإله إلاّ أنت تعاليت عمّا يقول ١١/١٩٩
لاإله إلاّ أنت عليك أعتمد وبك أستعين ٥٠/١٩٩
أم أيّ إله أقصده إذا ألمّ بي الندم ٥/٢٣٩
فتباركت تعاليت لاإله إلاّ أنت وحدك لاشريك لك ٧/١٦٦
لاإله إلاّ الله مُحمّد رسول الله ٥/١٥٩
إذاً لذهب كلّ إلهٍ بما خلق (قرآن) ١٣/١٤٣
الله لاإله إلاّ هو الحيُّ القيُّوم (قرآن) ٦/١٥٩
وما كان معه من إلهٍ (قرآن) ١٣/١٤٣
حسبي الله الّذي لاإله إلاّ هو عليه توكّلت (قرآن) ١٢/٢٢
ولاإله غيره ولامعبود إلاّ هو ٣/١٤٣
سبحان الواحد الّذي لاإله غيره ٨/١١٤
لاإله إلاّ الله تعبّداً ورقّاً ١/٢٢٤
لاإله إلاّ الله حقّاً حقّاً ١/٢٢٤
لاإله إلاّ الله إيماناً وصِدقاً ١/٢٢٤
بأنّك أنت الله الّذي لاإله إلاّ أنت ١٠/٦٧
مالي إلهٌ غيرك فَأدعُوه ١/١٧٤
لاإله إلاّ أنت (قرآن) ٦/٢٢ ـ ١٤/١١٦ ـ ١٠/٢٥١
لاإله إلاّ أنت ظهر اللاجين ١٠/١٢٠
فأنت الله إله كلّ شيءٍ وخالقه ٥/٢٤٥
ياإله الحقّ إرحم دعآء المستصرخين ١٠/١٧٣ ـ ٨/٧
آمنت بك لاإله إلاّ أنت ٢/٨٩
لاإله إلاّ أنت وحدك لاشريك لك ١/١٣٩
ياالله ياحيّ لاإله إلاّ أنت ياالله ياالله ٢/١٣٣
وشهادة أن لاإله إلاّ أنت وحدك لاشريك لك ٣/٤٢
ألّلهمّ جلّ ثناؤك ولاإله غيرك ١٦/١٢٣
وإلهٌ لاثاني معه وفاطر لاشريك لك ٣/٧ ـ ٣/٢
ياالله ياإله الأرضين والسّماوات ١٤/١١٩
وإله المرسلين وربّ النبيّين والملائكة المقرّبين ٦/٨٣
أنت الله لاإله الاّ أنت الملك الحقّ المبين ٣/١٨١
أنت الله الّذي لاإله إلاّ أنت قائم بالقسط ١٦/٢١
لاإله إلاّ الله وحده لاشريك له ٣/٢٢
ياإلهي إلهاً واحداً لاإله إلاّ أنت صلّ على محمّد وآل محمّد ٣٥/٢٥٢
لاإله إلاّ أنت وحدك لاشريك لك ١٢/١٢٨
فسبحانك لاإله إلاّ أنت ٥/٧٤
بأنّك أنت الله لاإله إلاّ أنت ١٩/٤٢

أنّك لاإله إلاّ هو الحيّ القيّوم (قرآن) ١/١٨
أنّي أشهد أنّك أنت الله لاإله إلاّ أنت ٣/٢٤٦
لاإله إلاّ أنت إليك المصير ٦/٩٧
سبحانك لاإله إلاّ أنت (قرآن) ٨/١٣٩ ـ ٢/١٣٤
لاإله إلاّ الله وحده لاشريك له الواحد الّذي ١٤/١٩٩
لك الحمد لاإله إلاّ أنت المنّان ١/٤٣
ياإله البشر منك أطلب وإليك أهرب ٢/١٧٧
والحمدلله ولاإله إلاّ الله والله اكبر ١٩/٨٣
إله الحقّ آمين ألّلهمّ إرحم عبادك الصّالحين ١٨/٨٣
لاإله إلاّ أنت سبحانك إنّي كنت (قرآن) ١٣/١٤٨
إلٰهاً: إلٰهاً واحداً صمداً لم يتّخذ صاحبةً ولاولداً ٥/١٢٣
إلٰهاً واحداً لاإله إلاّ أنت ٥٢/٢٥١
لم أتّخذ معك إلٰهاً وقد فررت إليك بنفسي ٢/١٥٢ ـ ٢/١٥٣
ياإلهي إلهاً واحداً لاإله إلاّ أنت صلّ ٣٥/٢٥٢
كذب ... المدّعون غيره إلهاً ١٢/١٤٣
الإلٰهُ: يامن هو الإله ولايغفر الذّنوب سواه ٨/٢٣٨
كذلك أبداً هو الإله الحيّ القيّوم ٥/٧ ـ ٥/٢
إلٰهَهُ: أفرأيت من اتّخذ إلهه هواه (قرآن) ١٣/٢٢
إلٰهُكُمْ: وإلهكم إله واحد لاإله إلاّ هو ٢/٢٧٠
إلٰهي: إلهي أنت قلت وقولك الحقّ ٥/١٩٤
إلهي جودك بسط أملي ١٢٦/١٩٩
إلهي وسيّدي إنهملت بالسّكب عبراتي ١٤٤/١٩٩
إلهي وسيّدي لوأطبقت ذنوبي مابين ثرى الأرض ١٤٠/١٩٩
إلهي إليك أشكو قلباً قاسياً ٤/١٨٣
إلهي لاحول ولاقوّة إلاّ بقدرتك ٥/١٨٣
إلهي نفسي تمنّيني بأنّك تغفرلي ١٩/١٩٧
إلهي لولاما قرفت من الذّنوب ما خفت عقابك ١٨/١٩٧
إلهي أستعطفك علىّ أبداً أبداً ٣/٢٠٣
إلهي إن كنت غير مستوجب لمعروفك ١١/١٩٧
إلهي إن كان قد دنا أجلي ولم يقرّبني منك عملي ٦/١٩٧
إلهي إن جرت على نفسي في النّظر لها ٧/١٩٧
إلهي ماأشوقني إلى لقائك وأعظم رجائي لجزائك ٥/١٩٧
إلهي كأنّي بنفسي قآئمة بين يديك ٤/١٩٧
إلهي تصاغر عند تعاظم آلآئك شكري ٤/١٨٧
إلهي فكما غذّيتنا بلطفك وربّيتنا بصنعك ٧/١٨٧
إلهي أذهلني عن إقامة شكرك تتابع طولك ١/١٨٧
إلهي إستشفعت بك إليك ٧/١٨٦
إلهي إنّك لم تزل برّاً بي أيّام حياتي ٨/١٩٧
بل أنا ياإلهي أكثرُ ذنوباً ١٥/٤٩
فمن أجهل منّي ياإلهي برشده ١٢/٤٩

إلهي إن غفرت فبفضلك وإن عذّبت فبعدلك ١٩٧/٢٧
إلهي إن عرّضني ذنبي لعقابك ١٩٧/٢٦
إلهي إن نظرتَ إليّ بالهلكة عيون سخطك ١٩٧/٢٥
إلهي تتابع إحسانك إليّ يدلّني على حسن نظرك ١٩٧/٢٤
إلهي ينام كلّ ذي عين ويستريح إلى وطنه ٢٠١/٣٠
إلهي طال حزني ودقّ عظمي ٢٠١/٢٩
إلهي ضاق صدري ولست أدري بأيّ علاج أداوي ٢٠١/٢٨
إلهي أنت الّذي أغرقتني بالجود والكرم ٢٠١/٢٧
إلهي أتحرق بالنّار جسمي وكان لك خاشعاً ٢٠١/٣٦
إلهي أتحرق بالنّار قلبي وكان لك محبّاً ٢٠١/٣٥
إلهي أتحرق بالنّار لساني وكان للقرآن تالياً ٢٠١/٣٤
إلهي أتحرق بالنّار عيني وكانت من خوفك باكية ٢٠١/٣٣
إلهي أتحرق بالنّار وجهي وكان لك مصلّياً ٢٠١/٣٢
إلهي أنتظر عفوك كما ينتظره المذنبون ٢٠١/٣١
إلهي ومولاي وغاية رجائي أشرفت من عرشك ٢٠٢/١
إلهي، طالما مشت قدماي في غير طاعتك ٢٠٥/٢ ـ ٢٠٦/٢
إلهي ليتني كنت طيراً فأطير في الهواء من فرقك ٢٠٥/٦
إلهي، ألويل لي إن كان في النّار مجلسي ٢٠٥/٧
إلهي ألويل لي ثمّ ألويل لي إن كان الزقّوم طعامي ٢٠٥/٨
إلهي، طالما ارتكبت نفسي بما هو راجع إليّ ٢٠٥/٣
إلهي ألويل لي ثمّ الويل لي ٢٠٦/٧ ـ ٢٠٦/٩ ـ ٢٠٦/٨
إلهي، ليت أمّي لم تلدني ٢٠٥/٤ ـ ٢٠٦/٤
إلهي، ليت السّباع قسّمت لحمي على أطراف الجبال ٢٠٥/٥
إلهي طالما ركبت نفسي ما نهيت عنه ٢٠٦/٣
إلهي، ليتني لم أخلق لشقاوة جسدي ٢٠٦/٤
وكيف لا أشكرك يا إلهي ١٤٨/١٩
سيّدي وأملي وإلهي وغياثي وسندي ١٥٣/١٥
سبحانك يا إلهي ما أحلمك وأعظمك ٢٠٠/١
إلهي في هذه الدُّنيا هموم وأحزان ٢٠٠/٤٣
إلهي خلقتني بغير أمرى وتميتني بغير إذني ٢٠٠/٤٥
قد دعوتك يا إلهي كما أمرتني ٢٠٠/٤٧
إلهي قد علمت ما أستوجب بعملي منك ١٩٧/٣٩
إلهي إن كان قبح الذّنب من عبدك ١٨٢/١٠
إلهي فزهّدنا فيها «الدُّنيا» ١٩٦/٢
إلهي أسكنتنا داراً حفرت لنا ١٩٦/١
إلهي بقدرتك عليّ تب عليّ ١٨٢/٨
إلهي ما ألذّ خواطر الإلهام بذكرك ١٩٣/٥
إلهي لو لا الواجب من قبول أمرك ١٩٤/١
إلهي وسيّدي ومولاي إن رددتني ٢١٢/٢
إلهي وسيّدي ومولاي إن قطعت ٢١٢/١
إلهي وسيّدي ومولاي أويقتني ذنوبي ٢١٢/٤
إلهي وسيّدي ومولاي إن رددتني ٢١٢/٣
إلهي إن كنت غير مستأهل لما أرجو ١٩٧/٢
إلهي إن كان ذنبي قد أخافني ١٩٧/٣
إلهي هل يرجع العبد الآبق إلاّ إلى مولاه ١٨٢/٦
إلهي ظلّلْ على ذنوبي غمام رحمتك ١٨٢/٥
إلهي لا تغضب عليّ فلست أقوم لغضبك ١٩٧/٤٣
إلهي ليس تشبه مسألتي مسآئل السّآئلين ١٩٧/٤٢
إلهي دعوتك بالدّعآء الّذي علّمتني ١٩٧/٤٠
إلهي إن كان النّدم على الذّنب توبة ١٨٢/٧
إلهي ما أنا بأوّل من عصاك فتبت عليه ١٨٢/١١
إلهي إنّ الشّيطان فاجرٌ خبيثٌ ٢٠١/٥٠
فنادينك يا إلهي مستغيثاً بك ١٥٢/٨
فنظرت يا إلهي إلى ضعفي عن إحتمال الفوادح ١٥٣/٤
فلك الحمد يا إلهي ١٥٣/١ ـ ١٥٣/٣
فلك الحمد إلهي من مقتدرٍ لا يغلب ١٥٣/١٠
وأعوذبك يا إلهي من شرّ الدُّنيا ٢٥٢/٢٢
أعطني يا إلهي من ذلك غنىً ٢٥٢/٢١
إلهي لئن أدخلتني النّار ٢٠٣/٧
إلهي ليس إعتذاري إليك إعتذار من ١٩٧/١٤
فاقبل يا إلهي عذري ١٩٧/١٤
إلهي كيف أيأس من حسن نظرك ١٩٧/٩
أين إذاً يا إلهي طول شغلهما بتربيتي ٦٣/١١
إلهي أمن أهل الشّقآء خلقتني ٢٠٣/٩
إلهي، خلت نفسي بأعمالها بين يديك ٢٠٢/٨
إلهي غلّقت الملوك أبوابها ٢٠٢/٧
لارغبة يا إلهي بل عجزاً ١٤٦/١٤
إلهي فبحقّ الإسم الّذي إذا دُعيت به ٢٠٢/٤
إلهي أسئلك أن تعصمني حتّى لا أعصيك ٢٠١/١
وأعوذبك يا إلهي من شرّ الدُّنيا ٢٥١/٢٩
وأعطني من ذلك يا إلهي غنى ٢٥١/٢٨
إلهي ليتني لم أسمع بذكر جهنّم ٢٠٦/٥
إلهي ليتني كنت طآئراً ٢٠٦/٦
إلهي لو طبّقت ذنوبي الأرض والسّمآء ١٩٧/٣٧
إلهي أدعوك دعآء ملحّ ١٩٧/٣٠
إلهي ألنّار ربّتني أمّي؟ ١٩٧/٤٤
إلهي خلقت لي جسماً ١٩٧/٢٨
إلهي ألقتني الحسنات بين جودك وكرمك ١٩٧/٢٢
إلهي إذا شهدلي الإيمان بتوحيدك ١٩٧/٢٣
فمن أكرم يا إلهي منك ٨/١٧

إلهي كأنّي بنفسي قد إضطجعت في حفرتها ١٩٧/٣٢
إلهي لو عرفت إعتذاراً من الذّنب ١٩٧/٣١
فناديتك ياإلهي مستغيثاً بك ١٥٢/١٠
إلهي، طالما نامت عيناي ٢٠٦/١ ـ ٢٠٥/١
إلهي أنت الّذي فتحت لعبادك ١٨٢/٩
إلهي وعزّتك وجلالك لقد أحببتك ١٩٧/٤١
إلهي وسيّدي ومولاي أيّ ربّ أرتجيه ٢٣٩/٥
فإن كنت ياإلهي مسرفاً على نفسي ٢٣٩/٦
فمن أكرم منك ياإلهي ٩٨/١١
إلهي فلا تخلنا من حمايتك ١٩٥/٤
إلهي بك هامت القلوب الواهة ١٩٤/٣
إلهي فألهمنا ذكرك في الخلاّء والملأ ١٩٤/٢
هذا ياإلهي حال من أطاعك ٩٨/٩
إلهي كيف أدعوك وقد عصيتك ٢٠٣/٤
إلهي إنّ ذنوبي قد أخافتني ١٩٧/١٠
إلهي لئن طالبتني بسريرتي ٢٠٣/٦
إلهي الطّاعةُ تسرّك والمعاصي لاتضرّك ٢٠٣/٨
إلهي كيف تقرّلي نفسي بأنّك تعذّبني ١٩٧/٢١
إلهي ما وصفت من بلاّء أبليته ١٩٧/١٧
إلهي إنّك لو أردت إهانتي لم تهدني ١٩٧/١٥
إلهي سترت عليّ ذنوباً ١٩٧/١٢
إلهي أنت ملك العطايا ٢٠٣/٥
إلهي وسيّدي ومولاي عظم ذنبي ٢١٢/٥
إلهي حرمني كلّ مسؤول رفده ٢٠٤/١
إلهي نظرت إلى عملي فوجدته ضعيفاً ٢٠٣/١٢
إلهي أنا الّذي لاأقطع منك رجائي ٢٠٣/١١
إلهي ألوقع مقامع الزّبانية ركّبت أعضائي ٢٠٣/١٠
إلهي وسيّدي ومولاي لئن أدخلتني النّار ٢١٢/٧
إلهي وسيّدي ومولاي حسن ظنّي ٢١٢/٦
إلهي أسألك بحقّك الواجب ١٦٦/١٢
إلهي ظلمت نفسي وعظم عليها إسرافي ٢٥١/٥٥
ياذاالجلال والإكرام ياإلهي ٢٥١/٥٢
إلهي وسيّدي، إرحمني مطروحاً على الفراش ١١٢/٧
إلهي أنت الّذي لايحفيك سائل ١١٦/١٠٥
إلهي أنت الّذي تفيض سيبك ١١٦/١٠٢
تفعل ذلك ياإلهي بمن خوفه منك ١٠١/١٠
أشكو إليك ياإلهي ضعف نفسي ١٦٣/١١
إلهي، بئس ما فعلتُ من كثرة الذّنوب والعصيان ٢٠١/٢٦
إلهي، من الّذي يفعل الذّنوب ٢٠١/٢٥
إلهي جودك بسط أملي ١٩٧/١٣ ـ ٢٠١/٤٢

إلهي سترت عليّ في الدّنيا ذنوباً ولم تظهرها ٢٠١/٤١
إنّك إن تفعل ذلك ياإلهي تفعله بمن لايجحد ١٠١/٩
إلهي لاسبيل لي إلى الإحتراس من الذّنب ٢٠١/٤٠
إلهي إن عذّبتني فعبدٌ خلقته لما أردته ٢٠١/٣٨
إلهي أمرت بالمعروف وأنت أولى به ٢٠١/٣٨
إلهي أتحرق بالنّار أركانى ٢٠١/٣٧
إلهي لم تفضحني بسريرتي ١٦٣/١٢
أنت إلهي وسيّدي ومولاي ٢٥٥/٨
إلهي بعفوك العظيم اغفرلي ذنوبي العظيمة ٢٠١/١٥
وكيف يخفى عليك ياإلهي ما أنت خلقته ١٦٦/١
إلهي أين المفرّ عنك ١٤٤/٢٨
أشركني ياإلهي في هذا اليوم ١٤٤/٣٠
إلهي وسيّدي أنت فطرتني ١٤٤/١
علمت ياإلهي أنّ أفضل زاد الراحل ٢٢٠/٦
إلهي ما أظنّك تردّني في حاجة أفنيت ١٩٧/١٦
إلهي إن كنت قد عصيتك فقد أطعتك ٢٣٣/١
إلهي، ذنوبي عظيمةٌ ولكن عفوك أعظم ٢٠١/١٤
أللّهمّ إنّي أستوهبك ياإلهي ما لاينقصك بذله ١٠١/٦
أستوهبك ياإلهي نفسي الّتي لم تخلقها ١٠١/٦
فإن يك ذلك ياإلهي من سخطك عليّ ٣٥/٧
إلهي كم تتحبّب إليّ بالنّعم ٣٨/٢
فقصدتك ياإلهي بالرّغبة ٣٩/٨
ياإلهي أنا الّذي لم أعقل عند الذّنوب نهيك ١٤٨/١٠
إلهي لاتؤدّيني بعقوبتك ١١٦/١
إلهي ألبستني الخطايا ثوب مذلّتي ١٨٢/١
إستجب لي ياإلهي فإنّك بي عالم ٢٢٥/١
إلهي قد تقشّع الظّلام ٨٤/٣
إلهي ولم يدركوك ٣/١
إلهي بدت قدرتك ٣/١
شبّهوك وأنا بريءٌ ياإلهي من الّذين بالتشبيه طلبوك ٣/١
وفي خلقك ياإلهي مندوحة عن أن ينالوك ٣/٢
فتعاليت ياإلهي عمّا به المشبّهون نعتوك ٣/٣
إلهي غارت نجوم سمائك ٨١/١
وأعوذبك ياإلهي أن تحيط بي شيئاً من خطيئتي ١٢٣/١٨
وأنت إلهي حيٌّ قيّوم ٨٢/٢
إلهي غارت نجوم سماواتك ٩١/١
إلهي لم أعصك حين عصيتك ١١٦/٦٧
إلهي أنت أوسع فضلاً ١١٦/٦٠
وأنت إلهي الكريم الّذي لاتردُّ سائلاً ٨٢/٣
إلهي كسري لايجبره إلاّ لطفك وحنانك ١٩٢/١

إلهي ليس لي وسيلة إليك إلاّ عواطف رأفتك ١٩١/١
إلهي كَرُمت فأكرمني ١٤٠/٣
إلهي عصيتك في أشياء أمرتني بها ٨٩/٣
إلهي إنّي وإن كنت عصيتك في أشياء أمرتني بها ٨٩/٢
بل ملكت يا إلهي أمرهم ٨/٧
إلهي لك يرهب المترهّبون ٧/٧
إلهي أنا الّذي قتلت نفسي بسيف العصيان ٢٠١/٤٤
إلهي إذا شهد لي الإيمان بتوحيدك ٢٠١/٤٣
إلهي آمنّا من عقوبتك ٢٤١/٧
فأنت إلهي ورجائي إذا ضاق عنّي الرّجاء ٢٤٥/٢
إن كنت يا إلهي اقترفت ذنوباً ٢٤١/٨
فأنت إلهي مفزعي وملجأي والحافظ لي ١٧٣/٥
إلهي، الويل لي ثمّ الويل لي ٢٠٥/١١ ـ ٢٠٥/١٠ ـ ٢٠٥/٩
إلهي من ذاالّذي ذاق حلاوة محبّتك ١٩٠/١
فهل ينفعني يا إلهي إقراري عندك ٣٤/٤
فها أناذا يا إلهي، واقف بباب عزّك ٣٤/٣
أعتذر إليك يا إلهي منهنّ ومن نظائرهنّ ١٠٠/٣
فلمّا رأيت يا إلهي تباركت وتعاليت ١٥٢/٨
وبيدك يا إلهي جميع ذلك السبب ٥٧/٢
لايجير يا إلهي إلاّ ربٌّ على مربوب ٥٧/٢
إلهي فأسئلك بنا سبل الوصول إليك ١٨٩/٢
إلهي إجعلني من المُصطفين الأخيار ١٨٨/٣
إلهي فاجعلنا ممّن إصطفيته لقربك ١٩٠/٢
إلهي إن أحرقتني لاينفعك ٢٠١/١٨
إلهي ذنوبي لاتضرّك ٢٠١/١٧
إلهي أنا الّذي أعاهدك فأنقض عهدي ٢٠١/١٦
إلهي، رجائي منك غفرانٌ ٢٠١/٢٢
إلهي لولا أنّ العفو أحبّ الأشياء لديك ٢٠١/٢١
إلهي، لولا أنّك بالعفو تجود لما عصيتك ٢٠١/٢٠
إلهي لولا أنّ العفو من صفاتك ٢٠١/١٩
إلهي بمن أستغيث إن لم تقلني عثرتي ٢٠١/٥
إلهي، وكيف أدعوك وأتمنّى الجنّة ٢٠١/١٠
إلهي، الجنّة دار الأبرار ٢٠١/٩
إلهي، أنا الّذي أدعوك وإن عصيتك ٢٠١/١١
إلهي، أنا الّذي أرجوك وإن عصيتك ٢٠١/١٢
إلهي أنا الّذي إذا طال عمري ٢٠١/١٣
إلهي، الشّيبة نورٌ من أنوارك ٢٠١/٨
إلهي، الذُّنوب صفاتنا والعفو صفاتك ٢٠١/٧
إلهي، بقيت بين خوفٍ ورجاءٍ ٢٠١/٦
أعوذبك يا إلهي من شرّ الدُّنيا ٧٨/٣
أعطني من ذلك يا إلهي غنىً عن شرار خلقك ٧٨/٣
يا إلهي فأصبحت وأمسيت في غفلة ٣٥/٣
يا إلهي أن ليس في حكمك ظلم ٥٢/٢
فهب لي يا إلهي فرجا بالقدرة ٥٢/١
إلهي إنّه ليس يرد غضبك إلاّ حلمك ٥٢/١
إلهي امْدُدلي في أعمارهم ٦٤/١
يا إلهي إلهاً واحداً ٢٥٢/٣٥
فكم قد رأيت يا إلهي ٧٤/٢
إلهي وسيّدي إليك فررت من ذنوبي فآوني ١٤١/١٣
إلهي وسبّدي بك عرفتك ١٢٠/١
أنت إلهي أوسع فضلاً ١١٦/٤٣
إلهي ربّيتني في نعمك وإحسانك صغيراً ١١٦/١٦
لك يا إلهي وحدانيّة العدد ٧٤/٤
قد قلت يا إلهي في حكم كتابك ٨٠/١٢
إلهي إليك اعتمدت لقضاء حاجتي ٢٤٩/٢٠
إلهي ألأمان ألأمان يوم لاينفع مال ولابنون ٢٠٧/٢٦
إلهي لو سألتني حسناتي لوهبتها لك ٢٠٨/١
إلهي ألأمان ألأمان بحقّ محمّدٍ ٢٠٧/٢٧
إلهي ألأمان ألأمان يوم يودّ المجرم ٢٠٧/١٤
إلهي ألأمان ألأمان في يوم كان مقداره ٢٠٧/١٣
إلهي ألأمان ألأمان يوم ينظر ٢٠٧/١٢
إلهي ألأمان ألأمان يوم يقوم الروح ٢٠٧/١١
إلهي، أمرتنا أن نعتق من مماليكنا ٢٠٨/٤
إلهي، أمرتنا أن نعفو عمّن ظلمنا ٢٠٨/٢
إلهي ألأمان ألأمان يوم ترجف ٢٠٧/١٥
لاينكر يا إلهي عدلك إن عاقبته ٨٠/٧
إلهي ألأمان ألأمان يوم لايغني ٢٠٧/٢٠
إلهي ألأمان ألأمان يوم تقول لجهنّم ٢٠٧/١٩
إلهي ألأمان ألأمان يوم يجعل الولدان شيباً ٢٠٧/١٨
إلهي ألأمان ألأمان يوم أزفت الآزفة ٢٠٧/٢٤
إلهي ألأمان ألأمان يوم تذهل ٢٠٧/٢٣
إلهي ألأمان ألأمان يوم لاتجزى ٢٠٧/٢٢
إلهي ألأمان ألأمان يوم تأتي ٢٠٧/٢١
إلهي وعزّتك وجلالك وعظمتك ٢٣٠/١
إلهي ألأمان ألأمان يوم لايجزى والد ٢٠٧/٢٥
ولو أنّك يا إلهي عذّبتني بعد ذلك ٢٣٠/٣
إلهي وسيّدي إيّاك قصدت بدعآئي ١٣٨/١٦
إلهي إن كنت عصيتك بارتكاب شيء ٢٠٩/١
إلهي قدّمني إليك رجاء لايشوبه قنوط ٢٣٩/٨
أللّهمّ إنّي أعوذبك يا إلهي من غنىً يطغي ١٣٥/١١

فهب لي ياإلهي من رحمتك ودوام توفيقك ١٥٢/١٦
فلك الحمد إلهي من مقتدرٍ لايغلب ١٥٢/١٤
إلهي ما وجدتك بخيلاً حين سألتك ١٦٣/٥
إلهي فكم من بلاءٍ جاهد قد صرفت عنّي ١٦٣/٣
إلهي أحمدك وأنت للحمد أهل ١٦٣/١
إلهي إليك أشكو نفساً بالسّوء أمّارة ١٨٣/١
إلهي أشكو إليك عدوّاً يضلّني ١٨٣/٣
إلهي إرحم عبدك الذّليل ١٩٢/٩
إلهي فإجعلنا من الّذين ترسّخت ١٩٣/٢
إلهي قصرت الألسن عن بلوغ ثنآئك ١٩٣/١
إلهي، ألأمان ألأمان يوم يرون ٢٠٧/١٦
إلهي، ألأمان ألأمان يوم يفرّ ٢٠٧/١٠
إلهي، ألأمان ألأمان يوم تبيضّ ٢٠٧/٩
إلهي، ألأمان ألأمان يوم لاتملك ٢٠٧/٨
إلهي، ألأمان ألأمان يوم يقوم النّاس ٢٠٧/٧
بل ملكت ياإلهي أمرهم قبل أن يملكو عبادتك ٩٨/٤
إلهي وسيّدى فاستجب دعائى ١٤١/١
فأمّا أنت ياإلهي فأهل أن لايغتربّك الصّدّيقون ١٠١/١١
إلهي، عصاك آدم فغفرت له ٢٠١/٤٥
إلهي فلا تحرمني خير الآخرة والأولى ١٦٣/١٤
إلهي، خلقت جنّتك لمن أطاعك ٢٠١/٤٦
إلهي وسيّدى عبدك وابن عبديك يسألك ١٣٥/١٦
إلهي وسيّدي فأعطنى من فضلك ١٣٩/٨
إلهي، جعلت لي عدوّاً يدخل قلبي ٢٠١/٤٩
إلهي عبيدك بفنآئك ٧/٦
فأنا المستوجب ياإلهي زوال نعمتك ١٤٨/٦
وإلهي وسيّدى والذّابُّ عنّي ٤٢/٢٦
إلهي ذكر عوائدك يُؤنسنى ٤٢/٢٦
هل أنت ياإلهي راجمٌ من دعاك ٤٩/٦
فما أدرى ياإلهي أيُّ الحالين أحقُّ بالشُّكر لك ٤٦/١
فنظرت ياإلهي إلى ضعفى عن احتمال الفوادح ١٥٢/٥
إلهي وسيّدى هذه يدىّ وناصيتى بيدك ١٣٥/٧
إلهي وسيّدي كم لي من ذنبٍ بعد ذنبٍ ١٣٥/٦
إلهي إذا لم أسألك فتعطينى ١٧٩/٢
إلهي إذا لم أتضرّع إليك فترحمنى ١٧٩/٤
إلهي فإذ قد تغمّدتني سترك فلم تفضحني ٤٩/١٩
ياإلهي لو بكيتُ إليك حتّى تسقط ٤٩/١٧
وأنا ياإلهي عبدك الّذى أمرته بالدُّعاء ٤٩/٥
إلهي كيف أدعوك وأنا أنا ١٧٩/١
إلهي فكما فلقت البحر لموسى عليه السّلام ١٧٩/٥

ياإلهي فلك الحمد ٤٩/١١
قد ترى ياإلهي فيض دمعى من خيفتك ٤٩/١٠
إلهي فصلّ على محمّدٍ وآله ولاتعرض عنّى ٤٩/٨
إلهي لاتخيّب من لايجد مُعطياً غيرك ٤٩/٧
إلهي إنّ قدرتك على كشف ما أنا فيه ١٧٢/٣
ياإلهي أغثني، يامغيث أغثنى ١٧٧/٣
إلهي، ألأمان ألأمان يوم تقوم السّاعة ٢٠٧/٦
إلهي، ألأمان ألأمان يوم يكون النّاس ٢٠٧/٥
إلهي، ألأمان ألأمان عند هول القيامة ٢٠٧/٤
إلهي، ألأمان ألأمان عند هول المطلّع ٢٠٧/٣
إلهي، ألأمان ألأمان عند سكرات الموت ٢٠٧/٢
إلهي، ألأمان ألأمان يوم لايستأخرون ساعةً ٢٠٧/١
إلهي إذا لم أدعك فتستجيب لى ١٧٩/٣
ولقد كان يستحقّ ياإلهي في أوّل ٨/١٦
فهذه ياإلهي حالة من أطاعك ٨/١٥
إلهي ألويل لي ٢٠٦/١٢ ـ ٢٠٦/١٠ ـ ٢٠٦/١١
إلهي منّ علىّ بإحسانك ٢٠٦/١٦
إلهي، ألأمان ألأمان يوم يعضّ ٢٠٧/١٧
ياإلهي سهّل لي نصيباً جزلاً وقضاءً حتماً ٢٤٨/٢
فنّعنى ياإلهي بما رزقتنى ٢٤٨/٣
أستودعك ياإلهي غدوّى ورواحى ٢٤٨/٤
وأنت إلهي مفزعى وملجأى ١٧٢/٤
إلهي إن كان قلّ زادى في المسير إليك ١٨٦/١
إلهي ما بدأت به من فضلك فتمّمة ١٨٦/٦
إلهي مَنِ الّذى نزل بك ملتمساً قراك ١٨٥/٢
إلهي وسيّدى هدأت العيون ٨٩/١
إلهي أصبحتُ وأمسيت عبداً داخراً لك ٥٧/٥
ها أناذا ياإلهي قد إستجرت بك ٢٤٩/١٢
إلهي أتراك بعد الإيمان بك تعذّبنى ١٨٤/١
إلهي أجرنى من أليم غضبك ١٨٤/٨
إلهي نفس أعززتها بتوحيدك ١٨٤/٧
إلهي لاتغلق على موحّديك أبواب رحمتك ١٨٤/٦
إلهي هل تسوّد وجوهاً خرّت ساجدة ١٨٤/٤
إلهي بذيل كرمك أعلقت يدى ١٨٥/٥
إلٰهَنا: إلهنا وسيّدنا ومولانا لوبكينا ٢١٣/١
فبك إلهنا نستجير، ياعليم ياخبير ٢١٤/٧٣
إلهنا وسيّدنا إن غفرت فبفضلك ١٤٣/٤١
إلهنا وسيّدنا إن كنت لاترحم إلاّ أهل طاعتك ١٤٣/٤٢

أ.ل.ى

آلاءِ: ومن محاسن آلاء الجواد إكمال آلائه ١٩٩/١٠٧
الْآلاءُ: باالله ياالله لك ... الكبرياء والآلاء ١٣٧/٢
أللّهمّ لك ... الآلاء ١١٧/٣٠
إنّك معدن الآلاء والكرم ١٩٩/٥٠
باالله لك ... الكبرياء والآلاء ١٣٥/٣
ياذاالحول والطّول والكبرياء والآلاء ١٣٧/١
لك الأسماء الحسنىٰ ... والآلاء ١٣٣/٢
لك ... الكبرياء والآلاء ١٢٩/٢ ـ ١٣٩/١
لك ... الأمثال والعليا والكبرياء والآلاء ١٣٠/٢
وتهلّل بالمجد والآلاء ٧/٢ ـ ٢/٢
والأمثال العليا والكبرياء والآلاء ١٤١/٢
والأمثال العليا والكبرياء والآلاء ١٣٨/٢
آلائِهِ: ياأفضل المنعمين في آلائه ١٩٧/٣٥ ـ ١٩٩/١٤٧
ومن محاسن آلاء الجواد إكمال آلائه ١٩٩/١٠٧
المشكور على آلائه ١٤٣/٢
الحمدلله ... الّذى... تظاهرت آلاؤه ١/٩
آلائِكَ: إلهى تصاغر عند تعاظم آلائك شكري ١٨٧/٤
حمداً يضاهى آلاءك ويكا فيها ١٩٩/١٧٤
فقد أيقظتنى المعرفة بقديم آلائك ١٩٩/٨٧
فاجعل نفسي ... ذاكرة لسوابغ آلائك ٢٥٥/٣
قلت عظمت آلاؤك قَ والقرآن المجيد ١٤٤/١١
ياإلهى ... نكرت آلاءك ٣٥/٣
المستهترون بذكر آلائك ١٢/٨
إنّ الظّلمة ... لم يذكروا آلائك ١١٩/٣
فقد نبّهتني المعرفة بكرمك وآلائك ١٨٦/٢
لِآلائِكَ: لاأبلغ ما أنت أهله من... الذكر لآلائك ٢٤٩/١٦
عند غفلات الجاهلين لآلائك ١٤٧/٩٦
فَآلاؤُكَ: فآلاؤك جمّة ضعف لسانى ١٨٧/٥
بِآلائِكَ: وتفضّل علينا بآلائك ١١٦/٤١
فَبِآلائِكَ: فبآلائك وطولك ٢٣٩/٩

أ.م.د

أَمَدٌ: والمبدئ بلا أمدٍ ٧/٤ ـ ٢/٤
جعل لكلّ واحد منهما ... أمداً ممدوداً ٢١/١
وجعلت لكلّ شيئ أمداً ١٤٧/١٦
ربّ صلّ عليه وعليهم صلاةً لاأمد في أوّلها ١٤٧/٥٩
ليس له حدّ ولاأمدٌ ١٩٩/٥١
الحمدلله ... الّذى ... نصب له أمداً محدوداً ١/٧
الْأَمَدُ: حتّى إذا طال عليهم الأمدُ ٢١٩/٤٣
أَمَدِهِ: سقطت الأشياء دون بلوغ أمده ٨٨/٢
لِأَمَدِهِ: حمداً ... لإنقطاع لأمده ١/٢٨
لِأَمَدِهَا: صلاةً ... لامنتهى لأمدها ٣٩/١٢
لاغاية لأمدها ولانهاية لآخرها ١٤٧/٥٩

أ.م.ر

أَمَرَ: يامن أمر بالعفو ١٤٩/٥١
أَمَرَهُمْ: الّذين يعصمون الله ما أمرهم (قرآن) ١٢/١٣
أَمَرَكَ: أفبهذا أمرك الرَّحمٰن ٢١٤/٦٩
أبهذا أمرك الرّحمن ٢١٤/١٤٨
أَمَرَنَا: ثمّ أمرنا ليختبر طاعتنا ١/٢٣
أَمَرْتَ: أدعوك ربّ دعاء قد أمرت به ٢١٥/٤
أللّهمّ ... أمرت بدعآئك ٧٠/١
تعليماً أنّ ما أمرت به من ذلك مبرّأٌ ٢٤٩/٢
فقصّر عمّا أمرت به تفريطاً ٨٠/٢
واستكان على مشيّتك كما أمرت بأحكام التقدير ٢٤١/١
إنّك أمرت بدعائك وضمنت الإجابة لعبادك ٢٥١/٦٠
وأمرت بالمسابقة إليها «الجنّة» ٢٥٧/١١
بعترته ... الّذين ... أمرت بمودّتهم ١٤٩/٤٤
وأمرت بطاعتهم «بالأئمّة» على من برأت ١٤٩/٤٧
أدعوك ربّ دعاءً قد أمرت به ٢١٥/٤
أمرت بالدّعاء وضمنت الإجابة ١١٤/١٠
أمرت بصلة السّؤال وأنت خير المسؤولين ٢٠١/٣٨
إلهى أمرت بالمعروف وأنت أولى به ١٩٩/١١٦ ـ ٢٠١/٣٨
فإنّك أمرت بالدّعاء ٢٥٦/٤
فأطعته كما أمرت وصدّقته فيما حتمت ١٤٤/٦
أللّهمّ إنّك أمرت بالصّلاة والتّسليم ١٤٣/٢٢
أللّهمّ فكما أمرت بالتّوبة وضمنت القبول ٨١/٩
مطيعاً لأمرك فيما أمرت به من الدّعاء ٨٠/٨
أللّهمّ فكما أمرت بالتّوبة ٨٠/٢٥
أللّهمّ أمرت فعصينا ٨٧/٦
واجعلنا لهم سامعين ومطيعين كما أمرت ٥/٤
إلهى لو... أمرت بي إلى النّار ... ١١٦/٧٤
ربّ... فنحن قد عفونا عمّن ظلمناكما أمرت ١٤٠/١
المسابقة إليها من حيث أمرت ١٤٧/٨٧
وأتيتك من الأبواب الّتى أمرتَ ١٤٧/٧٨
ولو أمرت بعضى أن يأخذ بعضاً لما أمهلني ١٩٩/١٦٠
وأمرت بإمتثال أمره «الإمام» ١٤٧/٦٢
وبإسمك العظيم الّذى أمرت رسولك ١٦٦/١٢
أَمَرْتَهُ: وأمرته «محمّد» بالنصح لأمّته فنصح لها ٢١/١٦

ثمّ أمرته فلم يأتمر ١٤٧/٧٣
وأنا بإلهي عبدك الّذي أمرته بالدُّعاء ٤٩/٥
أَمَرْتَهَا: قامت على مستقرّ المشيئة كما أمرتها ٢٤٧/٧
أَمَرْتَنِي: كنت عصيتك في أشياء أمرتني بها ٨٩/٢
أمرتني ياسيّدي بالدُّعاء وتكفّلت بالإجابة ١٧٣/٨
مع ما أمرتني به من شكرك ٣٥/٤ ـ ٢٥٧/٢٦
فكأنّ الّذي نهيتني عنه أمرتني به ٣٦/٤
أللّهمّ إنّك أمرتني فتركت ٨٨/٩
ثمّ أمرتني فلم أُأْتَمِر وزجرتني فلم أنزجر ١٤٩/٣٤
مع ما كان من تفريطي فيما أمرتني به ١٤٩/٢٧
فأنا أدعوك كما أمرتني ٣٥/١٥ ـ ٢٥٧/٣٧
أن أدعوك كما أمرتني فتستجيب لي ٢٥٧/٣٧
وامنن علَيّ بـ... القوّة على ما أمرتني به من طاعتك ٦١/٣
ولاتحجب دعائي عنك وقد أمرتني به ٦٤/١٠
وأدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني ١٢٤/١
قد دعوتك بإلهي كما أمرتني ٢٠٠/٤٧
إلهي عصيتك في أشياء أمرتني بها ٨٩/٣
أمرتني ياسيّدي بالدُّعاء وتكفّلت بالإجابة ١٧٢/٧
أَمَرْتَنَا: إلهي، أمرتنا أن نعتق من مماليكنا ٢٠٨/٤
وأمرتنا أن لانردّ المساكين عن أبوابنا ٢٠٨/٣
وأمرتنا أن نتصدّق على فقرآئنا ٢٠٨/٢
أمرتنا أن نعفو عمّن ظلمنا ١٤٠/١ ـ ١١٦/١٣١ ـ ٢٠٨/٢
أللّهمّ... فإنّك خلقتنا ورغبتنا في ثواب ما أمرتنا ٦٤/٦
أللّهمّ ... فإنّك خلقتنا وأمرتنا ٦٤/٦
أمرتنا أن لانردّ سآئلاً عن أبوابنا ١٤٠/٢ ـ ١١٦/١٣٢
وأمرتنا بالإحسان إلى ما ملكت أيماننا ١١٦/١٣٢
وأمرتنا أن لانرفع الأصوات على صوته «محمّد» ١٠/٩
وها نحن ذاكروك كما أمرتنا ١٩٤/٦
فَأَمَرْتَنَا: فأمرتنا بذكرك ١٩٤/٦
أَمَرْتُ: لالخطأٍ وعمدٍ كان منّي عملته أو أمرتُ به ٣٦/٩
أَنْ تَأْمُرَ: وليس من صفاتك ياسيّدي أن تأمر بالسُّؤال ١١٦/١٥
نَأْمُرُ: نَأْمُرُ بمناواتِهِ من أطاع أمرنا ٥٠/١٣
يُؤْمَرُونَ: الله ما أمرهم ويفعلون ما يؤمرون ١٢/١٣
لايُؤْآمَرُ: ولايؤامر في خلقه ٢٥٧/١
فَلَمْ يَأْتَمِرْ: ثمّ أمرته فلم يأتمر ١٤٧/٧٣
فَلَمْ أَأْتَمِرْ: ثمّ أمرتني فلم أأتمر ١٤٩/٣٤
أَمْرُ: أللّهمّ وأيّما مسلم أهمّه أمرُ الإسلام ٦٧/٢٢
أسألك في أمرٍ قد ضعفت عنه حيلتي ١٦١/٨
بإذن ربّهم من كلّ أمرٍ (قرآن) ١١٥/٥
أللّهمّ قد تعلم ما يصلحني من أمرِ ٥٩/١١
رأفتك الّتي بها صلاح أمرِ المذنبين ٤٩/١٥
هو من كلّ أمرٍ سلام ١٤٢/٣٩
تطّلع على...ما يَصلُحُ به أمرُ آخرتي ودنياي ٨٢/٤
وأمرٍ قد وقفتنا عليه فتعدّيناه ٩٥/٢
أللّهمّ إنّه يحجبني أمرٌ أمرتَ به فأبطأت عنه ٣٤/١
... والدّليل على أمرِ النبيّين والمرسلين ٤٢/٧
واكفني ما أهمّني من أمر دنياى وآخرتي ١١٦/٥٠
وأقوى بها «رحمة» على أمر الآخرة والدُّنيا ٧٧/١٠
ولم نعلم مكانه منك وبأيّ أمرٍ وكلته ١٢/١٣
واكفني ما أهمّني من أمر ديني ودنياي ١٦٥/٦
وفرقت من كلّ أمرٍ حكيم ١١٤/٦
أللّهمّ إنّك ... ماتشاء من أمرٍ يكن ٢٢/٤٢
كلّ ما أهمّنا من أمرِ الدُّنيا والآخرة ١٢٤/٨
واكفني جميع المهمّ من أمرِ الدُّنيا والآخرة ٢٥١/٦٦
أتاه من أمرِ الله ما لايردّ ٢١٤/٢١
أمرٌ ملكوا إستطاعة الإمتناع منه دونك فكافيتهم ٩٨/٣
فاكفني ما أهمّني من أمرِ ديني ودنياي ٢٣٣/٦
من أمر ديني ودنياي وأهلي ومالي ١٤٨/٢١
أمرٌ ملكوا إستطاعة الإمتناع منه دونك ٨/٦
وخلّصني ... من أمرِ ديني ودنياي ١٤٨/٢١
لاأمرَ لي مع أمرِك ٥٧/٤
إكفنا كلّ مهمّ من أمر الدُّنيا والآخرة ١٤٣/٣٠
الْأَمْرَ: هيّئ له الأمر وتولّه بالنجح ٦٧/١٦
وأن تجعل فيما تقضي وتقدّر من الأمر ١١٧/٤١
فقد دعا إلى إثبات الخلق والأمر لك ١٠/١٧
فالأمرُ لك وحدك ١١٦/٨٧
الذّاهل عن الأمر الّذي خلق له ١٩٩/٤٥
ليس لنا من الأمرُ إلاّ ما قضيت ٢١/٧
له الخلق والأمرُ (قرآن) ٢/٧
لك الخلق والأمر ١١٦/٣٤
والأمرَ بالمعروف والنهي عن المنكر ٢١/١٣
والّذين على أرجائها إذا نزل الأمرُ بتمام وعدك ١٢/١
لك الخلق والأمرُ تباركت وتعاليت ١٢٨/٢
عليم حكيم نافذ الأمرِ قاهر ٢١٤/٢٢ ـ ٢١٨/١
وأيقن أنّ الخلق لك والأمرَ إليك ١١٦/١٠٢
الّذين ... جعلتهم ولاة الأمرِ ١٤٩/٤٤
والأمرُ يومئذٍ لله (قرآن) ٢٠٧/٨
أعوذبك ... من ... تشتيت الأمرِ ١٣٨/١٠
حتّى شهدت من الأمرِ ما لم يشهدوا وأنا غائب ٢٤٨/٧
وواقي الأمرِ المخوف أفردتني الخطايا ٥٧/١

وحلول الأمرِ فينبّه بالنفخة ١٢/٢
له الشُّكر الدّآئم والأمرُ اللاّزم ١٩٩/٧
يامن له الخلق والأمرُ ١٣٥/٨
ولم تكلّفهم «عبادك» من الأمرِ ما لايطيقون ١٩٩/١٦٧
حكيم عليم نافذ الأمرِ قاهر ٢١٤/٩٧
كيف أؤمّل سواك والخلق والأمرُ لك ١٨٥/٣
أَمْرِهِ: وأمرت بإمتثال أمرهِ ١٤٧/٦٢
فخالفنا عن طريق أمره ١/٢٣
جنّبنا من الإلحاد والشَّكّ في أمره ١/١٢
ومن يعنيني أمرُهُ ٢٢/٤
واصرف عنّا في أمرِهِ «وليعصر»(عج) السّآمّة ١١٩/٣١
مغلوب على أمرهِ ٧٤/٥
أمرُهُ «الله» مُاض ٢/٨
وانّماأمرهإذاأراد شيئاًأن يقول له كن فيكون (قرآن) ٢/٨
كلَّ من يعنيني أمرُهُ بالله الحافظ اللّطيف ١٥٩/٣
فكنت ممّن أطاع أمرَهُ وأجاب دعوته ١٤٤/١٩
أم من ذاالّذى إعتمد عليك في أمرِهِ ١٩٩/٣٧
لاراادّ لقضآئه ولامستزاح عن أمرِهِ ١٤٩/١١
ودبّر أمرَهُ فيهنّ بحكمته ١٤٩/٢١
أَمْرَهُمْ: واجمع على التّقوى أمرهُم ١٤٧/٧٠
وشتّت أمرهم «الظّلمة» ١١٩/٨
واجعل عاقبة أمرِهِمْ «الظّلمة» خسراً ١١٩/١٠
وفي كلّ ما عنيتُ به من أمرهم ٦٤/١
ودبّر أمرَهُمْ «أهل الثّغور» ٦٧/٢
بل ملكت بإلهى أمرَهُم قبل أن يملكوا عبادتك ٩٨/٤
بل ملكت بإلهى أمرَهُم ٨/٧
أَمْرَكَ: وخالفت أمرك فيه فتعدّيته ١٩٩/١٣٥
ولم تستعن بأحدٍ في شيءٍ من أمرِكَ ١٤٩/٥
وسواس صدرى لايزيحه إلاّ أمرُكَ ١٩٢/٤
إلهى لو لاالواجب من قبول أمرِكَ ١٩٤/١
وكافية من أمرِكَ ١١٤/١٦
سبحانك سبيلك جدد وأمرُكَ رشد ١٤٧/٢٧
وأمورهم آئلة إلى أمرك ١٤٦/٨
ونهيته عن معصيتك فخالف أمرَكَ ١٤٧/٧٣
ووقف عند أمرِكَ وأوذى في سبيلك ١٤١/٣٠
ونتصرّف عن أمرِكَ ٢١/٧
ولايؤثرون التّقصير على الجدّ في أمرِكَ ١٢/١
ولاتشارك في أمرِكَ ١١٦/٣٣
والرّيث في أمرِكَ إبتغآء الوسيلة عندك ١٠/٤
وارزقنى ... شكرك وانتظار أمرِكَ ١١٤/١١
ولبس يستطيع من كره قضآءك أن يردّ أمرك ١٦٦/٤
سبحانك ما ... أنفذ أمرَكَ ١٦٦/٥
وإنّما تأنيّت بهم ليفيؤا إلى أمرِكَ ١٤٦/٧
ولم يؤازرك في أمرِكَ وزير ١٤٧/١٣
وعصبت أمرَكَ لخبيث عملى ٢٥٧/١٠
فأمّا العاصى أمرَكَ ٨/١٥ ـ ٩٨/٩
وعند نهبك وأمرِكَ واقفون ١٩٩/١٨٧
سبحانه ما أعجب ما دبّر في أمرِكَ ١١٠/٣
من استيقن به حقّ اليقين في نفاذ أمرِكَ ١٧١/٤
ولايردّ تدبير محتوم أمرِكَ ٦٩/١
وإنّما أمرُكَ إذا أردت شيئاً (قرآن) ٢٤١/٢
أمرُكَ ماضٍ ووعدك حتم ٢٤١/٢
والرّوح الّذى هو من أمرِكَ ١٢/٥
وهجم ... حتّى ظهر أمرُكَ ٩/٣
الظّلمة ... شاقّوا ولاة أمرِكَ ١١٩/٣
وكان فى خزآئن أمرِكَ ١٠/١٩
أقسمت لهم «الخلق» منار القصد إلى طريق أمرك ٢٤٩/١
أمرُكَ فيهم «عبادك» نافذ ١٩٩/١٦٨
لاأمر لي مع أمرِكَ ٥٧/٤
فسبحانك ما ... أنفذ أمرَكَ ٢٤٧/٦
أعزّ سلطانك وأقهر أمرَكَ ١٤٣/٤٣
أَمْري: فتولّ من أمري ما أنت أهله ١٩٩/١٢٥
فإغفرلى ما خفى على النّاس من أمري ١٩٩/١٢٥
اجعل لي من أمرى فرجاً ومخرجاً ٢٥١/٣ـ٢٥١/٤٠ـ٢٥١/٣٥
إلهى خلقتني بغير أمرى ٢٠٠/٤٥
أشكو إليك ... إفراطى في أمرى ١٥٣/١٧
وإسرافى في أمرى فتجاوز عنّى ١٥٣/٢٢
وإليك أمرى في الدُّنيا والآخرة ١٥٣/١٥
لك القدرة في أمري وناصيتى بيدك ١٥٣/١٦
أللّهمّ اجعل لي من أمرى فرجاً ١١٧/٤٣
واجعل عاقبة أمرى إلى غفرانك ١١٧/٣٦
أعدّده من مكتوم أمرى ٤٩/١٤
إلى عدوّ ملّكته أمرى أو إلى بعيد فيتجهّمنى ٢٥١/٢٥
وعاجل أمرى وآجله ٩٣/١ ـ ٩٣/٢
وقوّةٍ على جميع أمرى ١٢٧/٥
الّذى أرجو منك في عاقبة أمرى ٢٤٩/١٣
أللّهمّ أصلح لي ديني فانّه عصمة أمرى ٢٤٠/٤
فوّضت أمرى إلى الله الّذى ليس كمثله ١٥٩/٣
أللّهمّ سهّل لى حزونة أمرى ٢٢/٤٤
ولاأكره ما تولّياه من أمرى باربّ ٦٣/١٠

أللّهمّ إليك ألجأت أمري ٢٥٤/١
إلى المستضعفين لي أم إلى عدوّ ملّكته أمري ٢٥٢/١٧
اجعل لي من أمري فرجاً ومخرجاً ٢٥٢/٣
واختم لى بالإنقطاع إليك أمرى ٢٣٦/٧
سيّدى لولا ما جهلت من أمرى ١٩٩/١٠٨
فتولّ من أمرى ما أنت أهله ١٩٧/١٠
وأصلح لي ديني الّذى هو عصمة أمرى ١٤١/١٩
وفوّضت أمرى إليك ١٣٥/١٤
واجعل لي من أمرى فرجاً ومخرجاً ٢٥٢/٣ ـ ٢٥١/٤٦
إليك فوّضت أمرى ٢٩/٢
إليك ألجأت ظهرى وإليك فوّضت أمرى ٢٨/٢
أبدى للنّاس أحسن أمرى ٢٧/٨
فأبدى لك بأحسن أمري ١٤٨/٣١
وشتّت عليّ أمرى ١٤٨/٢٢
أَمْرِنا: ذهب آخرون إلى التّقصير في أمرنا ٢١٩/٤٥
إليك فوّضنا أمرَنا راضين ١٤٣/١٨
تأمر بمناواته من أطاع أمرَنا ٥٠/١٣
لِأَمْرٍ: وجعلك مفتاح شهرٍ حادثٍ لأمرٍ ١١٠/٣
بِأَمْرٍ: أللّهمّ إنّى قد هممت بأمر قد علمته ٩٤/١
جلّلنى من رأفتك بأمرٍ واق ١٩٩/٦٦
لِأَمْرِهِ: يامن لارادّ لأمرِهِ ١١٤/١٦
وأنفذهم «مواليه» لأمره «محمّد وآل محمّد» ١٤٩/٧٠
بِأَمْرِهِ: والنّجوم مسخرات بأمره (قرآن) ١٢٨/٢
لِأَمْرِهِمْ: المسلّمين لأمرهم ١٤٧/٦٨
لِأَمْرِكَ: بل مستسلمٍ لأمرِكَ ١٤٨/٢٧
كما نصب لأمرك نفسه «محمّد» ٩/٢
المحبوسة لأمرك بالجنّة مع معصوم ٢٤٨/١
ومنّ عليّ با ... لتسليم لأمرك ٢٥١/٦٩
أللّهمّ فها أناذا قد جئتك مطيعاً لأمرك ٨٠/٨
أللّهمّ كما إخترت محمّداً على علم لأمرك ١٠/٣
أهل بيته الّذين اخترتهم لأمرك ١٤٧/٥٧
وأقومهم «مواليه» بأمره «محمّد وآل محمّد» ١٤٩/٧٠
بِأَمْرِكَ: الموفى بعهدك الصادع بأمرك ١٤٣/٥٢
وقاموا بأمرك ووحّدوك وعبدوك ٨٣/١٧
وهم «ملائكتك» بأمرك يعملون ١٤٨/١
وصدع بأمرك ونصح لعبادك ١٠٩/٢٢
فصمنا بأمرك نهاره ١٤٢/٢٥
أللّهمّ وكما جعلته «محمّد» بأمرك صادعاً ١٠/٨
محمّدبن عليّ الرّشيد القائم بأمرك ٤٢/١١
لايسبقونك بالقول وهم بأمرك يعملون ٤٢/٢٠
ودعوك بأمرك ١٤٢/١٩
أسألك أللّهمّ بما استعملت به من قام بأمرك ٨٣/٧
والنّاطق بأمرِك وحجّتك على بريّتك ٤٢/٩
ولابأمرك مستخِفّ ١١٦/٦٧
فَالْأَمْرُ: فالأمر لك وحدك لاشريك لك ٢٥٧/٨
بِالْأَمْرِ: أنّ محمّداً... المسدّد بالأمر المرضىّ ١٩٩/١٦
الْأَمْرَيْنِ: وافعل بي أولى الأمرين بك ٣٨/٣
وافعل بي أولى الأمرين بك ياأرحم الرّاحمين ٨٤/٣
أُمُورَ: فابتزّ أُمورَ آل محمّد ٧٠/٥
أللّهمّ إنّى أسئلك أموراً تفضّلت بها ٢٥٧/١
وسهّل عليّ أمورَ دنياى وآخرتى ١٣٥/١٥
وظهور لايخفى وأمورٌ لاتكفى ٢٢٢/٥
الْأُمُورِ: لعلمك بعواقب الأمور ٤٠/٢
الحمدلله ... مدبّر الأمور ١٩٩/٥
أللّهمّ إنّى أسألك يامدبّر الأمور ١٤١/٨
أسألك ... من الأمور أرشدها ١٩٩/٢٣
نحن ... أولى الأمور بك في عظمتك ٣٢/٤
ولاتنطوي عنك دقائق الأمور ٨٨/٥
أحطت بجميع الأمور ١٣١/٣
يامن خلق الخلق ودبّر الأمور ١٤٩/٩
فيما يكون فيه الخيرة بميسور جميع الأمور ١٢٥/٦
ووفّقنى لأحبّ الأمور إليك ١٢٨/٧
فقد غلبت الأمورُ قلّة حيلتى ٢٠٣/٢
وأسّس الأمورَ بقدرته ١٤٩/١٤
يامن خلق الخلق...ثمّ أمضى الأمورَ على قضائه ١٤٩/١٠
فبتسييرك يجرى سداد الأمورِ ١٩٩/١٩٧
وأتوكّل عليك في الأمورِ كلّها ١٣٧/١٠
وقدّرت الأمورَ بعلمك ١٤٩/٣
وحسن تقديرك لي في جميع الأمورِ ٣٩/١١
وأصبحت الأمورُ بيدك ٢٥٤/٢
مع جودك بجسيم الأمورِ ٢٥٧/١٩
علماً بأنّ أزمّة الأمور بيدك ٢٥١/٥٨
فإنّك تجرى الأمورَ على إرادتك ٢٤٣/٩
وأنت ثقنى ورجائى في الأمورِ كلّها ١٧١/٩
ووفّقنى إذا استكلت عليّ الأمور لأهداها ٥٥/٣٢
أُمُورَهُ: اجعلنى ممّن... يردّ أموره كلّها إليك ١٣٥/١٤
في جميع أمورِهِ المهمات ٢١٤/١٠٥
وأمورهم آئلةٌ إلى أمرك ١٤٦/٨
أُمُوري: وانظرلى فى جميع أمورى ٥٩/٢
أللّهمّ إنّى أسألك خير أمورى كلّها ٢٨/٥

وخرلي واخترلي في جميع أموري خيرةً في عافية ١٣٥/١٥
ورزقتني في أموري كلّها الكفاية ١٦٣/٢
وامنن عليّ بـ... النَّفاذِ في أموري ٦١/٣
أُمُورِنا: عليك توكّلنا في أمورنا ١٤٣/٣١
واجمع به منتشر أمورنا ١٠٩/١٤
وتولّ أمورنا بحسن كفايتك ١٩٦/٢
بِالْأَوامِرِ: بعثه «محمّد» بالأوامر الشّافية ١٩٩/١٦
مُؤامَرَةِ: تعزّزت عن مؤامرة شريك ٢٤٣/٣
آمِرُ: إلى رفضها داع وبالزّهد آمر ٢١٤/٢٦ ـ ٢١٨/٤
إلى دفعها داعٍ وبالزّهد آمرٌ ٢١٤/١٠١
الْآمِرِينَ: وكيف بهم وقد خافوا الآمرين ٢١٩/٤٠
مُؤْتَمِرَةٌ: فهي بمشيّتك دون قولك مؤتمرةٌ ٢٤/٢
أَمير: ... بعَليّ أميرالمؤمنين ... ٤٢/١٥
أدنيك ياربّ بـ... ولاية أميرالمؤمنين ١١٩/١٦
السّلام عليك ياأميرَالمؤمنين ٢٥٥/١
بِأَمِيرِ: وبامير المؤمنين عَليّ بن ابى طالب... ٤٢/٥
أَمّارَةً: إلهي إليك أشكو نفساً بالسّوء أمّارةً ١٨٣/١
أمّارةٌ بالسوء إلاّ ما رحمت ٣٠/٣
ومن نفس أمّارةٍ بالسّوء إلاّ ما رحم ربّي ٩٠/٣
إنّ النفس لأمّارةٌ بالسوء (قرآن) ٢٤٠/١
الْمَأْمُورِينَ: فإنّك أولى بذلك منّا من المأمورين ١٤٠/٢
فإنّك أولى بذلك منّا من المأمورين ١٤٠/١
وأنت أولى به من المأمورين ٢٠١/٣٨ ـ ١٩٩/١١٦

أ.م.س

أَمْسِهِ: واجعل كلّ يوم من أيّامي موفياً على أمسه ٢٠٤/٨
واجعلني ممّن يندم على ما ضيّعه في أمسه ٨٧/٣
بِالْأَمْسِ: ما كان أحرصنا بالأمس عليك ١٤٢/٤٦

أ.م.ل

يَأْمَلُ: صلاة تبلّغه بها أفضل ما يأمل من خيرك ١٠٩/٢٦
آمَلُ: اللّهمّ... إيّاك آمل فلا تخيّب آمالي ١٩٩/١
أَمَّلَ: إذا أمّل ما عنده بلّغه مُناه ١٨٥/١
جدت عليه بما قد أمّل ببركة دعائي ٦٨/١
أَمَّلَكَ: والإستعانة بفضلك لمن أمّلك مباحة ١١٦/١١
أجلّ من أن تردّ من أمّلك ورجاك ٢٣٧/٤
لأن تمنّ به على من أمّلك من غفرانك ١٤٧/٧٦
أَمَّلُوا: فإنّ قوما آمنوا... فأدركوا ما أمّلوا ١١٦/٧١
أَمَّلُوهُ: ولامنعهم عن بلوغ ما أمّلوه لديك مانع ١٩٩/٣٠
أَمَّلْنا: لتعفو عنّا فأدركنا ما أمّلنا ١١٦/٧١
يُؤَمِّلُكَ: خضوع من يؤمّلك لآخرته ودنياه ١٩٩/١٣٤
أُؤَمِّلُ: كيف أؤمّل سواك والخلق والأمر لك ١٨٥/٣
فلو لاالمواقف الّتي أؤمّل من عفوك ١٦٢/٣
وفضل من أؤمّل إن عدمت فضلك يوم فاقتي ١١٦/٩٩
أو من أؤمّل عطاياه إن حرمتني ١٦٤/١٠
أُؤَمِّلُهُ: أن تحقّق ظنّي بما أؤمّله ١٨٦/٤
نُؤَمِّلُ: من نؤمّل لفكاك رقابنا غيرك ٢١٤/٧٣
نُؤَمِّلُهُ: ولالفضل ما نؤمّله من عطائك قانطين ٢٣٤/١
لانُؤَمِّلَ: حتّى لانؤمّل استتمام ساعة بعد ساعة ١٠٣/١
تَأَمَّلْ: وتأمّل معاقل الملوك ٢١٩/٢٢
أَمَلِ: وأنت أولى الأكرمين بتحقيق أمل الآملين ١٩٧/١٨
الّذي لايخيّب لديك أملُ الآملين ١٩٧/٥
وليس له مجير سواك ولاأملٌ غيرك ٢٣٧/١
أملٌ لايكدّره يأس ٢٣٩/٨
فأنت ... أملٌ من لم يكن له أمل ٢٣٩/١٠
تحقّق أملَ الآملين ٢٣٩/٧
أملُ من لم يكن له أملُ ٢٣٩/١٠
أَمَلاً: ياربّ إنّ لنا فيك أملاً طويلاً كثيراً ١١٦/٣٧
أنا العبد ... الجسيم أملاً ٨٨/٤
أنت ... أملُ من إمتنع تأميله ١٩٩/١٦٢
فكلّ أملٍ ساق صاحبه إليك محتاجاً ١٩٩/٩٨
فيا منتهى أملِ الآملين ١٩٢/٥
الْأَمَلِ: يامن عفوه منتهى الأمل ٢٧/٣
فإنّي في رحمتك قوّى الأمل ٨٧/٥
إليك أشكو نفساً ... طويلة الأمل ١٨٣/٢
ولم يلههم الأملُ عن العمل ١٠٩/١٠
سؤال من قد غلب عليه الأملُ ١٦٦/١٠
واكفنا طول الأمَلِ ١٠٣/١
يامن هو الرّجاء والأملُ ١١٤/١٤
إبتليتنا ... في آجالنا بطول الأمل ٧٦/١
وبلوغ الأملِ فيه «رمضان» وفي قيامه ١١٧/٨
ولاتؤيسني من الأملِ فيك ١٤٧/٩٠
أَمَلَهُ: لاتجعلني ممّن طوّلت له في الدّنيا أملهُ ٢٤٨/٣
سؤال من نفسه لاهية لطول أملِهِ ١٦٦/٩
وأنلته أمَلَهُ أوصارخ أغثت صرخته ٢٥٦/٢
دعوة توسّل بها إليك راجٍ بلّغته أملَهُ ١٤٣/٢٠
أو رجاك بها راجٍ بلّغته أمَلَهُ ٢٢٠/٧
دعاء من ... تداني في الدّنيا أملَهُ ٢٤٢/٣
أَمَلي: لنيل عطاياك بسطت أملي ١٨٥/٥
وأقصر أجلي في بعد أملي ١٦٤/١٤

ربّ وما أطول أملي في قصر أجلي ١٦٤/١٤
لم أجد السبيل إلى شيء من أهلي غيرك ٥٧/٣
فأحبه «قلبي» بتوبة منك يأأملي وبغيتي ١٨٢/١
وحقّق في رجاء رحمتك أملي ٥٥/٤٠
أتعذّبني بالنّار وأنت أملي ٢٤٣/٦
فأعطني من فضلك... بلوغ أملي فإنّك ثقتي ١٣٩/٨
أن تحقّق رجائي فيما بسطت من أملي ١٣٨/١٧
وإليك يفد أملي ١٩٩/١٩٨
وغاية أملي ورغبتي ١٤٩/٥٤
ياأملي يارجآئي باخير مستغاثٍ ١٤٩/٥٣
فأعطني من عفوك بمقدار أملي ١١٦/٢١
إلهي جودك بسط أملي ٢٠١/٤٢ ـ ١٩٩/١٢٦ ـ ١٩٧/١٣
عظم ياسيّدى أملي ١١٦/٢١
أشكو إليك ... طول أملي ٢٥٢/١٦
وللآخرة إلاّ قضيتها لي على أفضل أملي ١٢٢/٩
وبلّغني فيه «رمضان» أملي ورجآئي ١١٧/٤
فهب لي ضعف عملي لقوّة أملي ٨٧/٥
أملي واقف على جدواك ١٩٩/٨٠
فقد كبر في جنب رجآئك أملي ١٩٩/٨٣
إلاّ أن جودك بسط أملي ١١٦/٨٣
فلا تحرقني بالنّار وأنت موضع أملي ١١٦/٩١
قد ساقني إليك أملي ١١٦/٨٤
فحقّق فيك أملي ١٩١/٢
أللّهمّ أنت ربّي ومولاي وسيّدى وأملي ١٥٣/١٥
أشكو إليك ... طول أملي ٢٥١/٢٤
فصلّ ... وهب لي منك أملي ٨/١٩
سيّدى إنّ أملي فيك يتجاوز ١٩٩/١٥٨
وهب لي أملي ٩٨/١٢
وأطول أملي وأقصر أجلي ١٦٤/١١
آمالُ: إلهي... بعرصتك تقف آمالُ المسترفدين ١٨٧/٣
سيّدى إنّ أملي يتجاوز آمالَ الآملين ١٩٩/١٥٨
أو تصل آمال أحداً وآمالي ١١٨/٧
وأنت أكرم الأكرمين بتحقيق آمال الآملين ١٩٩/١٣٠
الآمالُ: إلهى هل... تغلّ أكفّاً رفعتها الآمالُ ١٨٤/٥
أنيخت نوازع الآمالِ منّى إليك ٢٤٩/٥
السّلام عليك من شهر قربت فيه الآمالُ ١٤٢/٣٠
وتصرّمت الآمال وانقطع الرّجاء إلاّ منك ٢٢١/١ ـ ٢٢٠/٢
درست الآمالُ وانقطع الرّجاء إلاّ منك ١٤٣/١٩
إنمّا تحجبهم الآمالُ دونك ٢٢٠/٦
أسألك ... من الآمالِ أوفقها ١٩٩/٢١

تقطّعت عنّى عصم الآمال ٨٨/٤
فقد أفنيت بالتسويف والآمالِ عمري ١١٦/٧٧
إنصرفت الآمالُ دون مدى كرمك بالحاجات ١٤٦/٣
آمالَهُمْ: البالغين فيه آمالَهُمْ ١١٤/٢٠
آمالي: ملقيا إليك أفاليد آمالى ١٦/١
وردّتنى الضّرورة إليك حين خابت آمالى ٢٠٤/٢
أللّهمّ... إيّاك آمل فلا تخيّب آمالى ١٩٩/١
وآمالى موقوفة لديك ٩٩/٣
أو تصل آمال أحداً وآمالي ١١٨/٧
آمالِنا: نعوذ بك أن ... نمدّ في آمالِنا ٢٦/٤
إلهى ... فلا تقابل آمالنا بالتّخييب والإياس ١٨٧/٣
أفتراك ياربّ ... او تخيّب آمالنا ١١٦/٣٦
إن لم تتفضّل بعفوك ربّنا فتبسط آمالنا ٢٠٠/٧
كافأناك ... إغتباطاً بغرور آمالنا ٢٠٠/٥
بآمالِنا: وطمعنا بآمالنا في أعمار المعمّرين ٧٦/١
بالآمالِ: ودمعةً بالآمالِ موصولةً ٢٠٣/٤
تَأْمِيلُهُ: أنت ... أمل من إمتنع تأميله ١٩٩/١٦٢
تَأْمِيلي: وجه تأميلى بالخيبة في دار المقام ١٩٩/٩٢
سيّدى ... وإليك تأميلى ١١٦/٨٤
ولاصرفت وجه تأميلى للعفو عنك ١١٦/٧٥
آمِلاً: آملاً لمعروفك ورحمتك ١٤١/١٤
آمِلُهُ: يامن ... لايخيّب آمله ١٨٥/٦
الآمِلينَ: وأنجح سعى الآملين لما لديك ١٩٩/١٨٤
وأنت أولى الأكرمين بتحقيق أمل الآملين ١٩٧/١٨
الّذى لايخيّب لديك أمل الآملين ١٩٧/٥
صدق رجآئى لك في الآملين ١٩٩/٨٤
ولاأقنط وفودك الآملين ٨٨/٨
تحقّق أمل الآملين ٢٣٩/٧
أفلنى عثرتى ياغاية الآملين ٢٣٩/١٠
سيّدى إنّ أملى فيك يتجاوز آمال الآملين ١٩٩/١٥٨
فيا منتهى أمل الآملين ١٩٢/٥
وأنت أكرم الأكرمين بتحقيق آمال الآملين ١٩٩/١٣٠
الآمِلُونَ: لايخيب منك الآملون ١٤٦/٦
آمِليهِ: أنت... الّذى... لايطرد عن فنائه آمليه ١٨٧/٣
مُؤَمِّلاً: فأقبل نحوك مؤمّلاً لك ٨٠/٤
أللّهمّ إنّى أصبحت... راجياً طولك مؤمّلاً فضلك ١٦/١
لِمُؤَمِّليهِ: وغفرانك مبذول لمؤمّليه ٢٠٢/٧
مَأْمُولٍ: وأكرم مأمولٍ أن يستجيب دعاءنا ١٤٣/١٥
ومنعنى كلّ مأمولٍ ما عنده ٢٠٤/١
أنجح مأمول لكشف الضّرّ ٢٣٩/٤

الْمَأْمُولِ: بإرادتك السّؤل ونيل المأمولِ ١٩٣/٤
يامن هو المأمولُ عند كلّ عسر ٢٤٧/٩
ألا أيّها المأمولُ في كلّ حاجة ٢١٦/١
وقد جربت من المأمولين لغيرى ٩٩/١
لم يجد ... مؤمّلاً يفزع إليه ٢٣٩/١
الْمُؤَمَّلُ: أنت المؤمّل في الشّدّة والرّخآء ١٩٩/٧٨
مُؤَمَّلِي: ويامؤمّلي ويامنتهى سؤلى ١١٦/٨٥
آمَلُ: آمل من لجأ إليه الخآئفون ١٢٠/١١

أ.م.م

أَمَّ: وعلم نجاة لايضلّ من أمّ ١٠٩/٤
أَمَّهُ: وأمّه الخآئفون فوجدوه متفضّلاً ٨٤/٢
وأمّه الخآئفون فوجدوه قريباً ٤١/٢
أَمَّكَ: وأىّ راجٍ أمّك فلم يجدك قريباً ٧٠/٢
أىّ راحل أمّك فلم يجدك قريباً ٢٥١/٦١
فَأَمَّكَ: فأمّك بطمعه يقيناً ٨٠/٤
أَمَّتْكَ: وقد أمّتك ركائب طلبتى ٢٤٩/٥
أَوْمُكَ: فها أناذا أؤمّك بالوفادة ١٤٦/١٤
أُمَّ: وأمّ بالحقّ رأسه ٧٠/١٠
إمام: إمام الخير وقائد الخير ١٢٣/٩
وعلى بن الحسين... إمام الخاشعين ٤٢/٦
أللّهمّ صلّ على ... إمام المتّقين ١٤١٠/٢٧
محمّد ... إمامِ الرّحمة ٩/٢
إمام منهم بعد إمام ١١٤/٢١
واجعلنا للمتّقين إماماً (قرآن) ٨٣/١٦
الْإِمامِ: الحجّةالقائم المهدىّ الإمام المنتظر(عج) ١٨١/٤
والإمام الزّكىّ الهادىّ المهدىّ ٤٢/١٤
إمامَنا: وأصلح لنا إمامنا ١٤٩/٦٩
بِإمامٍ: في كلّ أوانٍ بإمامٍ أقمته علماً لعبادك ١٤٧/٦١
أَئِمَّةَ: بعد مفارقتها أئمّة الدّين ٢١٩/٤٢
دليلاً من لدن آدم إلى محمّد من أئمّةِ الهدى ١٤/٢
وأبناء أئمّةَ الهدى ٢١٩/٤٧
واجعلهم أئمةً يهدون بالحقّ وبه يعدلون ١٤٩/٦٧
الْأَئِمَّةِ: بحقّ... الأئمّة الطّيّبين الطّاهرين ٢٠٧/٢٧
وبحقّ خلف الأئمّة الماضين ٤٢/١٤
وزيارة قبر نبيّك والأئمّة عليهم السّلام ١١٦/٥١
ختم بهم «محمّد وآله» الأوصياء والأئمّةَ ١٣/١
أَئِمَّتي: إجعل آل محمّد... أئمّتى وقادتى ٢٤٨/٦
وأئمّتي عن يميني وشمالي ١٣٢/١٣
بِالْأَئِمَّةِ: وأتوسّل إليك بالأئمّة عليهم السّلام ١٤٩/٤٦
وبالأئمّة من وُلدك ... ٤٢/١٥
بِإمامَتِهِم: المؤتمّين بإمامتهم ١٤٧/٦٨
الْإِتْمامِ: لم يختلجهم شكّ في... الإتمام ١٤/٦
لِأَمٍّ: ولاعلماً لأمٍّ ولامناصاً ٢٢٣/٥
الْمُؤَمَّتَمِّينَ: المؤتمّين بإمامتهم ١٤٧/٦٨
مَأْمُوماً: مأموماً قد هشمت في رأسه ١٠/٢٢
أُمِّ: إذ تقدّم له قبولها في أمّ الكتاب عندك ١٠/٢
يامن يمحومايشاءويثبت وعنده أمُّ الكتاب (قرآن) ١٤١/٨
أللّهمّ إن كنت عندك في أمّ الكتاب
وعندك أمُّ الكتاب (قرآن) ٢٤١/٧
وعنده أمُّ الكتاب (قرآن) ٢٥١/٦٨
فامح من أمّ الكتاب شقآئى ٢٥١/٦٧
إن كان في أمّ الكتاب عندك أنّى شقىّ ٢٥١/٦٧
الْأُمِّ: وأبرُّهما «الأبوين» برّ الأُمّ الرّؤوف ٦٣/٥
أُمِّهِ: يوم يفرّ المرء من ... أمّه (قرآن) ٢٠٧/١٠
فرددناه إلى أمّهِ كى تقرّ عينها (قرآن) ١٥٩/٢١
أُمِّكَ: فرجعناك إلى أمّك كى تقرّ عينها (قرآن) ١٥٩/٢٠
أُمّي: ليت شعرى أللشّقآء ولدتنى أمّى ١٨٤/٢
نعم وأبى وأمّي ٩٠/٥
يارسول الله بأبي أنت وأمّى ١٢٤/٦
يامحمّد ياأبا القاسماه بأبى أنت وأمّى ٤٢/١٥
إلهى، ليت أمّى لم تلدنى ٢٠٥/٤ ـ ٢٠٦/٤
إلهى أللنّار ربّتنى أمّى؟ ١٩٧/٤٤
ليت أمّى كانت عاقراً بي ١٩٧/٤٤
صلّ على أبينا آدم وأمّنا حوّا ١٤٣/٥٠
لِأُمِّ: أركستَهُ لأمِّ رأسه في زبيته ١٥٢/٨
الْأُمّيّ: وبحبّى للنّبى الأمّي... أرجوالزُّلفة لديك ١١٦/٧٠
ورسولك النّبى الأمّى نجيبك ١٢٣/٩
الْأُمّيّينَ: على محمّد... المبعوث في الأمّيّين ١٩٩/٦٢
الْأُمَّهاتِ: يوم يشتغل فيه عن الأُمّهات والآبآء ١٩٨/٩
ما ألزمتنيه من فرض الآباء والأمّهات ٢٤٣/١٢
إنّك إفترضت علىّ للآبآء والأُمّهات حقوقاً ٢٤٧/١١
ولانجعلني في أهل العقوق للآباء والأمّهات ٦٣/١٢
حالت خطيئتي بين الأُمّهات والآبآء ١٩٨/٦٣
وإحتمل عنّى مفترضات حقوق الآبآء والأمّهات ٢٣٧/٩
احتمل عنّى ما افترضت علىّ للآباء والأمّهات ٢٣٩/١١
واغفر ... مع الآباء والأمّهات ٢٠٦/١٧
إحتمل عنّى حقّ الآباء والأمّهات ٢٤١/٩
ثمّ وهبت لي رحمة الآباء والأمّهات ١٩٩/١٧١
أُمَّهاتِهِمْ: آبآءَ عبادك المؤمنين وأمّهاتهم ٦٣/١٣

أُمَّهاتي: فأسألك بالإخلاص من آبائي وأمّهاتي ٦٨/١
أُمَّهاتِنا: واغفرلنا ولآبائنا وأمّهاتنا ١٤٣/٣٦
إجعل آبآءنا وأمّهاتنا وأولادنا ٥٠/٩
أللّهمّ تجاوز عن آبائنا وأمّهاتنا ١٤٢/٦٢
أُمَّةٍ: أكثرهم «الأنبياء» صفوف أمّة في جنّاتك ١٠/١٤
الأُمَّةَ: إلى من يفزع خلف هذه الأمّة ٢١٩/٤٦
دانت الأمّةُ بالفرقة والإختلاف ٢١٩/٤٦
وقد انتحلت طوائف من هذه الأمّةِ ٢١٩/٤٢
نبيّك ... منقذ الأمّةِ من الغمّة ١٩١/١
مقموعي الرُّؤوس بعد الظّهور على الأمّة ٧٠/١٠
أُمَّتِهِ: في أهله الطّاهرين وأمّته المؤمنين ٩/٤
وتقبّل شفاعته في أمّته ١٤١/٢٨
ذكرنا عند طلبته إليك في أمّته ١٠/٣١
وأكرم ما جزيت أحداً من أنبيائك عن أمّته ٢١/١٧
الوسيلة الّتي إستثناها على أمّته ١٠/١٦
وإغفر ما أحدث المحدثون بعده في أمّته ١٠/٢٥
أللّهمّ وكما أكثرت ذرء أمّته «محمّد» ١٠/٢١
لِأُمَّتِهِ: وأمرته «محمّد» بالنّصح لأمّته فنصح لها ٢١/١٦
أللّهمّ وابسط لسانه «محمّد» في الشّفاعة لأمّته ١٠/٢٤
لِأُمَّتِكَ: وعبد لك أنشأته تحصيناً لأمّتك ٢٢٢/٢
أُمَم: في أقطار البلاد... وسائر أمم الشّرك ٦٧/١١
الأُمَم: أنظري إلى الأمم الماضية ٢١٤/١٣
في أمّته وفي من سواهم من الأمم ١٤١/٢٨
ثمّ آثرتنا به على سائر الأمم ١٤٢/٢٥
دون الأمم الماضية والقرون السّالفة ٩/١
أنظرى إلى الأمم الماضية . ٢١٤/١٣
من مضى من قبلك من الأمم السّالفة ٢١٩/٢٤
فاعتبر أيّها السامع بهلكات الأمم ٢١٩/٢٠
أُمَمِهِمْ: وأفضل ماجزيت به النّبيّين عن أممهم ١٤١/٣١

أ.م.ن

أَمِنَ: وأمن المعتصم به ١٦٤/١
أن لاتجعلني ممّن إذا صحّ أمِن ١٣٣/٣
وأمن في مواطن المخافة سربهم ١٩٣/٤
أَمِنَكَ: أنا الّذى هاب عبادك وأمنك ١٤٧/٨٢
أَمِنُوا: إنّ الظّلمة ... أمنوا مكرك ١١٩/٣
وأمنوا برضاك من العذاب ياكريم ١٣٢/٦
أَمِنْتَ: كيف أمنت هذه الحالة ٢١٤/٦٥ ـ ٢١٤/١٤٣
أَمِنْتُ: فسهوت ولهوت وغفلت وأمنت ٢٥٧/٢٧
فَأَمِنْتُ: فأمنت تعجيل نقمتك ١٢٨/٩
فأمنت خوفك ١٦٤/٢٠
أَمِنّا: فقد رضينا الثّواب وأمنّا العقاب ١٤٣/٥٤
يَأْمَنُ: يأمن من ركبها ١١٣/٢ ـ ٢٠/٢
حين يأمن المغرورون مكرك ٢٠٤/٥
لايَأْمَنُ: ولايأمن مكرك إلاّ القوم الخاسرون ٢٥٢/٤١
حَتَّى يَأْمَنَ: حتّى يأمن عدوّى من ٥٩/١٤
تَأْمَنُ: تأمن ممّايخاف المعتدون من أليم سطواتك ٨٠/١٨
أَنْ تَأْمَنَ: وبعد أن تأمن أطراف المسلمين ٦٧/١٩
آمَنَ: فهب لي... ما... آمنُ به من عقابك ١٥٢/١٦
آمن سخطه عند كلّ عثرة ٢٥١/٦٤
ويامن آمنٌ عقوبته عند كلّ عثرةٍ ٢٥١/٤٣
آمَنَ من السّيّئات فرقاً وخوفاً ٥٩/٩
آمَنُوا: من الّذين آمنوا سبيلاً ١٣٥/١٣
فأيّدنا الّذين آمنوا على عدوّهم (قرآن) ١١٤/١٨
ولأجر الآخرة خيرٌ للّذين آمنوا (قرآن) ٢٢/٢٢
ياأيّها الّذين آمنوا صلّوا عليه (قرآن) ١٤٣/٢٢
الله وليّ الّذين آمنوا يخرجهم (قرآن) ١٨/٥
يوم لايخزى الله النّبيّ والّذين آمنوا (قرآن) ١٤٢/٧
فإنّ قوماً آمنوا بألسنتهم ليحقنوا به دماءهُمْ ١١٦/٧١
لاتجعل ... غلاًّ للّذين آمنوا (قرآن) ٢٠٠/٤٨
ياأيّها الّذين آمنوا اذكروا الله (قرآن) ١٩٤/٥
آمَنَتْني: فإنّ محبّتى لك قد آمنتنى ١٩٩/١٢٥
آمَنْتَهُ: قد آمنته من الفزع الأكبر ٨٣/٨
وأنا الخآئف الّذى آمنته ١١٦/٦١
آمَنْتَهُمْ: وآمنتهم من المخاوف والأحزان ٢٠٠/٢٩
فَآمَنْتَهُ: واجعلني ممّن خاف فآمنته ٢٠٢/٥
فمن خائفٍ لجأ إليك فآمنته ٢٠٢/٢
آمَنْتُ: بك آمنتُ وعليك توكّلت ١٣٩/١٧
آمنتُ بك لاإله إلاّ أنت ٨٩/٢
آمنتُ بمن نوّر بك الظّلم ١١٠/٢
آمنتُ بالله توكّلت على الله ٢٦٣/١
ما آمنتُ ولاصدّقت ١٩٩/٩٤
آمنتُ بك وصدّقت رسلك ١٦٦/٧
بسم الله آمنتُ بالله ٢٨/٤
فَآمَنْتُ: فآمنْتُ برسولك ولم أقتد بهداه ٢٥٧/١٠
آمَنّا: بك آمنّا موقنين ١٤٣/١٨
وإنّا آمنّا بك بألسنتنا وقلوبنا ١١٦/٧١
فَآمَنّا: فآمنّا به غير شُكّاكٍ ١٠/٢٧
يُؤْمِنُ: أللّهمّ... اجعلني ممّن... يؤمن بك ١٣٥/١٤
فمن يكفر بالطّاغوت ويؤمن بالله (قرآن) ١٨/٥

يُؤْمِنِّيْ: فوفّقني لما يؤمنّي مكرك ٢٥٢/٣٦
يُؤْمِنُني: يؤمنني أن أخشاك ٨٧/٢
ومن يؤمنني منك وأنت أخفتني ٥٧/١
ولاخفير يؤمنني عليك ٨٨/٧
يُؤْمِنُنا: وجعلت لنا عدوّاً... يؤمِننا عقابك ٦٤/٧
لايُؤْمِنُ: ولايؤمن إلاّ غالب على مغلوب ٥٧/٢
لَمْ يُؤْمِنْ: يامن أعطى... من لم يؤمن به ٢٥١/٤٣
فَلْيُؤْمِنّي: قد أوجلتني خطاياى فليؤمنّي عفوك ٨٠/٢١
لايُؤْمِنُونَ: لايؤمنون بالآخرة (قرآن) ٢٢/١٠
بين الّذين لايؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً (قرآن) ٢٣/٥
تُؤْمِنُهُمْ: تؤمنهم به من الفزع الأكبر ١٤٣/٣٧
تُؤْمِنُني: مغفرة تؤمنني بها من ذنوبي ١٣٢/١١
وتؤمنّني من جميع ضرّه «من أرادني بسوء» ٦١/٩
تُؤْمِنُنا: فلا رحمتك تؤمننا ١٩٩/١١٧
لَمْ تُؤْمِنْهُ: فالشّقيّ من... لم تؤمنه من غده ٣١/٥
لاتُؤْمِنّي: أللّهمّ ... لاتؤمنّي مكرك ٢٥٢/٤١
أَنْ تُؤْمِنَني: وأن تؤمنني مكرك ٢٥١/٤
أن تؤمنني في مواقف الخوف بأمنك ٢٤٤/٥
أُؤْمِنُ: وأومن به حقّ إيمانه ١٩٩/٥٤
وبك أؤمن وعليك أتوكّل وعلى جودك ١٦٦/١٤
آمِنْ: وآمن خوف نفسي ٣٤/١٣
آمن روعتهم «أهل ولايتي» وروعتي ٢٤٨/٦
إلهي حقّق رجائي وآمن خوفي ١١٦/١٠٠
وآمن خوفه وخوفنا عليه ١٤٩/٦٩
آمِنْهُ: وآمنه بأمانك ١١٩/٢١
آمِنّي: وآمنّي ما حذرت ٨٨/١١
وآمنّي يوم الفزع الأكبر من حرّ السّعير ٢٥٦/٥
آمِنّا: وآمنّا من شروره ١٠٣/١
وآمنّا راغبين وشفّعنا سائلين ١١٧/٢٣
إلهي آمنّا من عقوبتك ٢٤١/٧
فَآمِنّي: يوم الفزع الأكبر من الآمنين فآمنّي ١٥٣/١٨
هارباً فآمنّي ١٤١/١٣
يُؤَمِّنُني: علمي بسعة رحمتك يؤمّنني ٣٧/٢
إِئْتَمَنَهُ: وإئتمنه «محمّداً» على وحيه «الله» ٢/٩
إِئْتَمَنْتَهُ: ولما ائتمنته عليه من الرّسالة ١٠/٨
إِئْتَمَنْتَهُمْ: وائتمنتهم «بالأئمّة» على وحيك ١٤٩/٤٧
أَئْتَمِنُها: وأئتمنها فتخون ٢١٩/١٠
أَمْناً: وأمناً من العقاب ١٤٣/٣٩
وهب لي أمنَ يوم المعاد ٥٥/٣٠
هلال أمنٍ وإيمان ١١٠/٧
هلال أمنٍ من الآفات ١١٠/٥
وأوفاه سعادةً وأَمناً ٢٠٢/٩
لم أجد لفاقتي... أمناً غير فنائك وطولك ٢٤٧/١
صلاة... تصيّرهم تابعين إلى أمنٍ من مقبل المتّقين ١٤/١٠
أمناً لنا من محذور الدُّنيا والآخرة ٢٠٠/٢٢
حمداً يكون ... أمناً من غضبه ١/٢٩
الْأَمْنِ: ولم يهنّى الخوف فأعرف فضل الأمن ٢٥٧/٢٤
وامنن عليّ بالصّحة والأمن ٦١/٣
وحلّني في تلك الباقية بزينة الأمنِ والسّعادة ٣١/٤
أللّهمّ أعطني... الأمنَ في الوَطَنِ ١١٦/١١٠
فيما يحدث في حال الخوف والأمنِ ٥٩/١٩
فأعرف فضل الأمنِ ٣٥/٢
أَمْنِكَ: أن تجعلني في ... أمنك وعياذك ٢٢/١٩
أَمْنِي: فاجعل أمنى منك في هذه الدُّنيا ١٦٤/٢١
بِأَمْنِكَ: أن تؤمنني في مواقف الخوف بأمنك ٢٤٤/٥
أن تصل خوفنا بأمنك ٢٠٠/١٢
بِالْأَمْنِ: لاتفتنه بالأمن من إنكارك ٤٤/٩
فانّ رجآئى قد أشعرني بالأمنِ من نقمتك ١٨٦/١
أَمانَ: بأمان الخائفين وبامعطى السائلين ١٤٣/١٦
أكتب لي ... أماناً من سخطك ٤٩/٢٠
وأكتب لي أماناً من العذاب ١٣٣/٧
فيا غاية الطّالبين وأمان الخائفين ٢٤٣/٧
إيّاك أدعو ... يا ... أمان الخائفين ١٤٩/١٦
ياأمان الخائفين وظهر اللاّجين ٢٥١/٦٧
وجار المستجيرين وأمان الخائفين ١٢٠/١٠
وأن يكون مصيرى ... في أمانِ أهل الجنّة ١١٨/٢
وياأمانَ الخآئفين وبامجيب دعوة المضطرّين ١٩٢/٥
الْأَمانِ: المكسوّ حلل الأمان إذا وقف بين يديك ١٠/٢٣
إلهي ألأمانَ ألأمانَ في يوم كان مقداره ٢٠٧/١٣
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم ينظر ٢٠٧/١٢
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم يقوم ٢٠٧/١١
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم ترجف ٢٠٧/١٥
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم يودّ ٢٠٧/١٤
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم لاينفع ٢٠٧/٢٦
إلهي ألأمانَ ألأمانَ بحقّ محمّد ٢٠٧/٢٧
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم تقول ٢٠٧/١٩
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم يجعل ٢٠٧/١٨
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم أزفت ٢٠٧/٢٤
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم تذهل ٢٠٧/٢٣
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم لانجزى ٢٠٧/٢٢

إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم تأتي ٢٠٧/٢١
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم لايجزى والد ٢٠٧/٢٥
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم لايغني ٢٠٧/٢٠
واكسنا به «القرآن» حلل الأمان يوم الفزع ١٠٩/١٤
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم تأتي ٢٠٧/٢١
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم تقوم السّاعة ٢٠٧/٦
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم يقوم النّاس ٢٠٧/٧
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم لاتملك ٢٠٧/٨
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم تبيضّ ٢٠٧/٩
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم يفرّ ٢٠٧/١٠
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم يرون ٢٠٧/١٦
فألأمانَ ألأمانَ هل بقي لي عندك ٢٠١/٤٤
وأعدّها طمعاً في الخلاص والأمان ١٩٩/١٣
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم لايستأخرون ساعةً ٢٠٧/١
إلهي ألأمانَ ألأمانَ عند سكرات الموت ٢٠٧/٢
إلهي ألأمانَ ألأمانَ عند هول المطّلع ٢٠٧/٣
إلهي ألأمانَ ألأمانَ عند هول القيامة وشدائدها ٢٠٧/٤
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم يكون ٢٠٧/٥
إلهي ألأمانَ ألأمانَ يوم يعضّ ٢٠٧/١٧
أَمانُكَ: إلهي... روعتي لايسكّنها إلاّ أمانك ١٩٢/١
أن تجعلني في ... حفظك وأمانِك ٢٢/١٩
أَماني: بك نجاتي وأماني ١٩٩/٣١
بِأَمانِكَ: وآمنه بأمانك ١٩٩/٢١
وإكفني بأمانك من عوآئق الضّرّاء ١٩٩/٣١
فَالْأَمانَ: فالأمان الأمان هل بقي لي ٢٠١/٤٤
مَأْمَنَ: ياظهر اللاّجين ومأمن الخائفين ١٢١/١
إيماناً: هب لي... إيماناً دائماً يذهب الشّكّ عنّي ١٣٧/٤
هلال أمن وإيمانٍ ١١٠/٧
لاإله إلاّ الله إيماناً وصدقاً ٢٢٤/١
أنّهم لايدركونه إيماناً ٦/٤
سلف من عمري بركةً وإيماناً ٢٠٢/٩
كما جعل علم العالمين أنّهم لايدركونه إيماناً ٦/٤
وإيماناً يذهب الشّكّ عنّي ١٢٩/٤
يامن... لايزيد جبروته إيمانُ الموحّدين ١٩٩/٣٣
أللّهمّ إنّي أسألك إيماناً تباشر به قلبي ١١٦/١٣٥
أللّهمّ ... ارزقني ... إيماناً ١١٧/٨
أللّهمّ إنّي أسألك إيماناً لاأجل له ١١٦/١٢٣
أن تملأ قلبي ... إيماناً بك ١١٦/١٢٠
وإيماناً لايشوبه شكّ ١١٧/٣١
الْإيمانُ: إلهي إذا شهد لي الإيمانُ بتوحيدك ٢٠١/٤٣
في أحبّ الأشياء إليك الإيمانِ بك ٢٣٣/١
إلهي... جلّلتني نعمك من أنوار الإيمانِ حللاً ١٨٧/٥
وضاعفت فيه من الإيمانِ ١٤٢/٢٤
ولو لم تشعر قلبي الإيمانَ ١٩٩/٩٤
الإيمان بك منّاً منك به ٢٠٩/١
ولأهل الإيمان ناصحين ٢٠٦/٢١
وبلّغ بايماني أكمل الإيمانِ ٥٥/١
وإستنقذتني من هوّة الكفر إلى نجاة الإيمان ١٠/٣٣
أللّهمّ احفظني بحفظ الإيمان ١٥٥/٦
وهو الإيمانُ بك منّاً منك به عليّ ٢٢٩/١
حتّى تألّق شهاب الإيمانِ ١٩٩/٥٨
إلهي إذا شهد لي الإيمانُ بتوحيدك ١٩٧/٢٣
سيّدي إذا شهد لي الإيمانُ بتوحيدك ١٩٩/١٣٢
إلهي أتراك بعد الإيمانِ بك تعذّبني ١٨٤/١
إن كنت قد عصيتك فقد أطعتك في الإيمانِ ١٦٥/١
أللّهمّ احفظني بحفظ الإيمانِ من بين يدي ٢٩/٣ ـ ٢٨/٣
والإشتياق إلى المرسلين بحقائق الإيمان ١٤/١
إيْمانِهِ: وأومن به حقّ إيمانه ١٩٩/٥٤
إيْماني: فلا توحش إستيناس إيماني ١١٦/٧١
بايْماني: أللّهمّ... وبلّغ بإيماني أكمل الإيمان ٥٥/١
لِلْإيمانِ: مؤمن إمتحنت قلبه للإيمان ١٢١/١٩
بِالْإيمانِ: ولإخواننا الّذين سبقونا بالإيمان (قرآن) ١٤/٥
مؤمن امتحنت قلبه بالإيمان ١٢٤/٥
والكفر بالإيمان آمين ربّ العالمين ١٦٤/٢٤
ولإخواننا الّذين سبقونا بالإيمان (قرآن) ٢٠٠/٤٨
فَبِالْإيمانِ: فبالإيمان أمضيت ١٩٩/٨٨
آمِنٌ: فلا هو مغبوط بدنياه آمن ٢١٤/٣٦ ـ ٢١٤/١١٢
ويا آمناً من أن تدور الدّوائر ٢١٤/٦٤ ـ ٢١٤/١٤٢
ولاآمنٍ من مكرك ١٤٨/٢٧
فصرت أدعوك آمناً ٤٠/٢
اُمِنينَ: ومن الفزع الأكبر اُمنين ٢٠٦/١٩
الْآمنين: ووجّهني في مسالك الآمنين ١٠٨/٤
يوم الفزع الأكبر من الآمنين فآمِنّي ١٥٣/١٨
ياموسى أقبل ولاتخف إنّك من الآمنين (قرآن) ١٥٩/١٨
الْأَمَنَةِ: أللّهمّ أخل قلوبهم «المشركين» من الأمنه ٦٧/١٣
ومن مرارة خوف الظّالمين حلاوة الأمنة ٥٥/١٠
بِالْأَمْنَةِ: ويسلكه أهله بالأمنة حقّ سلوكه ٢٢٣/٧
آمِناتٍ: كشاء رتاع آمناتٍ بدالها ٢١٤/١٣٧ ـ ٢١٤/٥٩
مُؤْمِنٌ: أو مؤمنٌ إمتحنت قلبه للإيمان ١٢١/١٩
أو اغتياب مؤمنٍ غايب اوسبّ حاضر ٥٥/٢٢

ومن عيب مؤمنٍ ظهر لي فلم أستره ١٠٠/٢
وامنعني عن أذى كلّ مؤمنٍ ومؤمنة ١٠١/١
مؤمنٌ إمتحنت قلبه بالإيمان ١٢٤/٥
بكلّ مبتعث قبله من الرُّسل مؤمناً ١٠/٦
يافرد يامؤمنُ يامهيمن ١٣٣/٢
لاإله إلاّ أنت ... يامؤمنُ يامهيمن ١٣٧/٢
الْمُؤْمِنُ: والمؤمنُ بلا نهاية ٧/٤
لِمُؤْمِنٍ: حقّ لزمنى لمؤمنٍ فلم أوقّره ١٠٠/٢
مُؤْمِنِينَ: لعلّك باخعٌ نفسك ألاّ يكونوا مؤمنين (قرآن) ١٥٠/١٥
ألحقنا بهم مؤمنين مخبتين ٤٢/١٧
واجعلني وجميع إخواني بك مؤمنين ٢٠٦/١٨
الْمُؤْمِنِينَ: أستودعك..إخواني فيك من المؤمنين ١٣٩/٩
اذكرني وجميع ... المؤمنين والمؤمنات ١٣٩/١٠
جميع أسلافي من المؤمنين والمؤمنات ١٤٩/٦٦
إغفرلي ولـ... جيراني من المؤمنين ٢٠٠/٤٨
وجميع المؤمنين والمؤمنات من المغفرة ١٢٦/٢
فهو «الإمام» كهف المؤمنين ١٤٧/٦٢
من كان منّى بسبيل من المؤمنين ١١٧/٢٨
وأهبك في صدور المؤمنين ١٤٢/٣٧
وإجعله «محمّد» خطيب وفد المؤمنين إليك ١٠/٢٣
ومغاربها من المؤمنين والمؤمنات ٢٢٧/٥
وقني المكاره كلّها يارجآء المؤمنين ١٩٩/٤
ياجار المؤمنين أجرني ١٣٣/١٠
من المؤمنين سَأَلَكَ ٨٢/٣
وعلىّ بن الحسين... ولىّ المؤمنين ٤٢/٦
ياولىّ المؤمنين إكفني همّى ١٢٢/١٠
وبأميرالمؤمنين علىّ بن ابى طالب ٤٢/٥
وأفضل ما تعطى الباقين من المؤمنين ١٣٢/١٠
ياولىّ المؤمنين ٧٧/١٢
أشهد أنّهم عبادك المؤمنون ٤٢/٢٠
بعَلِيّ أميرالمؤمنين ... ٤٢/١٥
أللّهمّ اغفرلنا ولإخواننا المؤمنين ٢٠٦/٢٤
استجبت له من المؤمنين والمؤمنات ٢٣٩/١٢
واشف صدور المؤمنين ١١٩/٧
واسفك بأيدى المؤمنين دمآئهم «الظّلمة» ١١٩/٩
وأورث المؤمنين أرضهم «الظّلمة» ١١٩/٩
أدينك ياربّ بـ... ولاية أميرالمؤمنين ١١٩/١٦
ذريعة المؤمنين إلى رضوانك ١٠/١
وأعط جميع المسلمين والمسلمات والمؤمنين ٦٤/١٥
ياربّ المؤمنين لاتقطع رجآئى ١٤٩/٤٩
إنّ الله اشترى من المؤمنين أنفسهم (قرآن) ١٤٤/٢٥
من أجبته من المؤمنين والمؤمنات ١٤٤/٣٠
وتكفيني وجميع المؤمنين والمؤمنات ١٢٤/٨
ماخصصت به آباء عبادك المؤمنين ٦٣/١٣
السّلام عليك ياأميرالمؤمنين ٢٥٥/١
وبطش الجبّارين أيّها المؤمنون ٢٦٢/١
إيّاك أدعو ... يا ... منجى المؤمنين ١٤٩/١٥
وكفى الله المؤمنين القتال (قرآن) ١١٤/١٨
واجعل لنا في صدور المؤمنين ودّاً ١٠٩/٢١
أللّهمّ إنّى أسألك ... إسلام المؤمنين ١٣٩/٦
من المؤمنين والمؤمنات في حرز حارزٍ ٥٠/٩
مراتب المؤمنين، آمين ربَّ العالمين ٥٠/١٥
جميع المؤمنين والمؤمنات ممّا استعذنا منه ٥٠/١٥
كما رجا منك كلّ موحّد من المؤمنين ٢٤٧/١١
أعذنى ... وجميع المؤمنين والمؤمنات ٢٦/٩
وعرّفه «محمّد» في أهله الطّاهرين وأمّته المؤمنين ٩/٤
وسعى في تلف عبادك المؤمنين ٧٠/٥
خلفائه المؤمنين وحججك البالغين ٤٢/٣٠
فأسألك... ياولىّ المؤمنين والفعّال لما يريد ٢٤٩/٢٤
وتوكّل المؤمنين عليك ١٧١/٦
أن تعتقنى اليوم ووالدىّ ومن ولدته والمؤمنين ١٢١/٢٢
من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات ١٤٣/٣٦
أللّهمّ وأهل القبور من جميع المؤمنين ١٤٣/٣٩
ما ولدا من المؤمنين والمؤمنات ١٤٣/٥٠
ياولىّ المؤمنين وياذاالقوّة المتين ١٤٣/١٧
لِلْمُؤْمِنِينَ: واغفرلنا كما غفرت للمؤمنين ١٣٩/٣
إغفر للمؤمنين وللمؤمنات إنّك قريبٌ مجيب ٢٤١/٩
أللّهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات ١١٦/٤٨
وجعلته «محمّد»...للمؤمنين في عرصة القيامة قآئداً ١٠/٦
واغفر للمؤمنين والمؤمنات مع الآباء ٢٠٦/١٧
الّذى جعلته للمؤمنين عبداً وسروراً ١٤٢/٥٩
وللمؤمنين فذلّلنى ١٢٨/٦
واغفرلي وللمؤمنين والمؤمنات والإخوة ٢٣٧/٩
إغفر للمؤمنين والمؤمنات ١٢٣/١١
واغفرلي وللمؤمنين والمؤمنات ٢٤٣/١٢
واغفرلنا وللمؤمنين والمؤمنات ٨٣/١٨
وأنزع الغلّ من صدرى للمؤمنين ١٤٧/١٠٩
بِالْمُؤْمِنِينَ: بالمؤمنين والمؤمنات والمسلمين ٤٢/١٩
مُؤْمِنَةٍ: وامنعنى عن أذى كلّ مؤمن ومؤمنةٍ ١٠١/١
الْمُؤْمِناتِ: ما ولدا من المؤمنين والمؤمنات ١٤٣/٥٠

أهل القبور من جميع المؤمنين والمؤمنات ١٤٣/٣٩
من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات ١٤٣/٣٦
والدىّ ومن ولدته والمؤمنين والمؤمنات ١٢١/٢٢
واغفرلنا وللمؤمنين والمؤمنات ٨٣/١٨
أعذنى ... وجميع المؤمنين والمؤمنات ٢٦/٩
وإغفرلي وللمؤمنين والمؤمنات ٢٣٧/٩ ـ ٢٤٣/١٢
جميع المؤمنين والمؤمنات ممّا استعذنا منه ٥٠/١٥
من المؤمنين والمؤمنات في حرزٍ حارزٍ ٥٠/٩
إغفر للمؤمنين والمؤمنات ١٢٣/١١
وتكفيني وجميع المؤمنين والمؤمنات ١٢٤/٨
من أجبته من المؤمنين والمؤمنات ١٤٤/٣٠
أعط جميع ... والمؤمنين والمؤمنات ٦٤/١٥
استجبت له من المؤمنين والمؤمنات ٢٣٩/١٢
واغفر للمؤمنين والمؤمنات مع الآباء ٢٠٦/١٧
والمؤمنات الأحياء منهم والأموات ٢٠٦/٢٤
بالمؤمنين والمؤمنات والمسلمين ٤٢/١٩
ألّلهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات ١١٦/٤٨
من المومنين والمؤمنات في الدُّنيا والآخرة ١١٧/٢٨
وجميع المؤمنين والمؤمنات من المغفرة ١٢٦/٢
وجبراني من المؤمنين والمؤمنات ٢٠٠/٤٨
جميع أسلافي من المؤمنين والمؤمنات ١٤٩/٦٦
أذكرني وجميع ... المؤمنين والمؤمنات ١٣٩/١٠
ومغاربها من المؤمنين والمؤمنات ٢٢٧/٥
لِلْمُؤْمِناتِ: إغفر للمؤمنين وللمؤمنات إنّك ٢٤١/٩
أَمينَ: السّلام عليك ياأمين الله في أرضه ٢٥٥/١
إنّك اليوم لدينا مكين أمينٌ (قرآن) ١٥٩/٢٢ ـ ٢٢/٢٢
الْأَمينُ: وجبريل الأمين على وحيك ١٢/٤
أَمينِكَ: ادفع عن ... وأمينك في أرضك ١١٩/٢٠
نجّيك وأمينك وخيرتك من خلقك ١٤٣/٢٣
فصلّ على محمّد أمينك على وحيك ٩/٢
أمينك على وحيك ١٤٣/٥٢
أَمينَيْكَ: والحسن والحسين عبديك وأمينيك ٤٢/٥
الْمَأْمُونِ: والغائص المأمون على ٢٢٢/٣
الْمَأْمُونينَ: حكم في عبادك غير المأمونين ٧٠/٥
الْمُؤْتَمَنينَ: والمؤتمنين على وحيك ١٢/١٠
الْأَمانَةِ: فصلّ على... أهل الأمانة على رسالاتك ١٢/٦
أَمانَتِهِ: وبحقّ جبرئيل وأمانته ١٨٠/١
أَمانَتي: وتؤدّى عنّى أمانتى وأن تختم لي ١٢٧/٦
وتؤدّى عنّى أمانتى ودينى ١١٧/٤٢
أَمانَتَنا: فجعل... أماننتا وعهدنا ميراثاً ٧٠/٥
آمينَ: إله الحقّ آمين ٨٣/١٨
آمين ربّ العالمين إنّك ذوالفضل العظيم ٤٤/١٤
مراتب المؤمنين آمين ربّ العالمين ٥٠/١٥
آمين ربّ العالمين ٣٤/١٣ ـ ٣٦/١٠ ـ ٦٥/٥ ـ ١٠٨/٤ ـ ١٢١/٢٣ ـ ١٥٣/٣٣ ـ ٢٠٠/٢٤
ولأولياّئك محبّين مناصحين ... آمينَ ٦٤/٢
والكفر بالإيمان آمين ربّ العالمين ١٦٤/٢٤
وتؤدّى عنّى أمانتى ودينى آمين ١١٧/٤٢
ياذاالجلال والإكرام آمين ربّ العالمين ١٧٣/٩

أ.م.و

أَمَةٍ: فأيّما ... أمةٍ من إمآئك ٢٣٨/٦
أَمَتِكَ: إنّى عبدك وابن عبدك وابن أمَتك ٢٢/٣٩
لِأَمَتِكَ: أجريته لأمتك الّتي أسكنتني جوفها ٨٨/١٥
إِماؤُهُ: ولطمت خُدودها إماؤه ١٢٥/٢١٤ ـ ٢١٤/٢٩
إِمائِكَ: طبقات عبيدك وإمائك ١٤٧/٩٢
وأنّ محمّداً وعليّاً وزوجته وولديه عبيدك وإمآؤك ٤٢/١٩
فأيّما ... أمة من إمآئك ٢٣٨/٦

أ.ن.ب

أُؤَنِّبُ: ولاعائبة أؤنّب بها إلاّ حسّنتها ٥٥/٨

أ.ن.ث

أُنْثانا: ألّلهمّ اغفر لـ.. ذكرنا وأنثانا ١١٦/٤٩

ا.ن.ج.ى.ل

لِلْإِنْجيلِ: ألّلهمّ... ربّ التّوراة وللإنجيل ٢٦٩/٢

أ.ن.س

أَنِسَ: من ذاالّذى أنس بقربك فابتغىٰ عنك حولاً ١٩٠/١
أَنِسَتْ: وأنست نفوسهم بمعرفتك ١٩٩/٣٠
وأنست نفسي ببشارتها «المحبّة» ١٩٩/١٦٣
وبك أنست محبّتي ١١٦/٨٤
تَأْنَسُ: حتّى يكون الموت مأنسنا الّذى نأنس به ١٠٣/٣
آنَسَ: السّلام عليك من أليف آنس مقبلاً فسرّ ١٤٢/٣٢
يامن آنس العارفين بطول مناجاته ١٩٩/٣٦
آنَسَنِي: فإذا أوحشتنى الغربة آنسنى ذكرك ٢٥١/٥٨
فضلك آنسنى وإحسانك دلّنى ٣٩/١٣
فقد آنسنى بشري الغفران والرّضوان ١٨٦/٣
فقد آنسنى اليقين بمكارم عطفك ١٩٩/٨٧

يُؤْنِسُ: ومن يؤنس في القبر وحشتي ٩٠/٥
يُؤْنِسُني: أى ربّ ذكر عوائدك يؤنسني ١٧٣/٤
وإنّ ذكر عوائدك يؤنسني ١٧٢/٣
إلهى ذكرُ عوائدك يؤنسني ٤٢/٢٦
آنِسْ: ياأنيس كلّ غريب، آنس في القبر غربتي ١٩٧/٢٠
آنس في القبر وحشتي ١٩٩/١٤٥
آنِسْني: أللّهمّ ... آنسني برحمتك ٧٧/٣
آنِسْنا: وآنسنا به «الموت» قادماً ١٠٣/٤
وآنسنا بالذّكر الخفيّ ١٩٤/٢
لايَسْتَأْنِسُ: أسألك بأنّك... وتر لايستأنس ١٣٠/٤
لااَسْتَأْنِسَ: حتّى لاأستأنس بغيرك ١١٦/٩٧
مُؤانَسَةِ: واستوحشوا من مؤانسة الجاهلين ٢٠٠/٢٥
إسْتِيناسَ: فلا توحش إستيناس إيماني ١١٦/٧١
آنِسُونَ: وبمناجاتك آنسون ١٩٩/١٨٧
الآنِسِينَ: أللّهمّ أنت آنس الآنسين لأودّائك ٢٥١/٥٧
مُؤْنِساً: القرآن لنا في ظلم اللّيالي مؤنساً ١٠٩/١١
مُسْتَأْنِساً: أسألك مستأنساً لاخائفاً ٤٠/٢
أَنِيسَ: ياأنيس كلّ غريب، آنس في القبر غربتي ١٩٧/٢٠
أنِيسي: أنت ... أنيسي في كلّ خلوة ووحدة ١٩٩/١٦١
فكن أنيسي في وحشتي ١٨٩/٩
مَأْنَسٍ: وهاجر «محمّد» ... عن ... مأنس نفسه ٩/٣
مَأْنَسَنا: الموت مأنسنا الّذى نأنس به ١٠٣/٣
آنَسُ: أللّهمّ أنت آنس الآنسين لأودّائك ٢٥١/٥٧
أُنَسَ: ياأنس كلّ غريب مفرد ١٩٩/١٤٥
ياأنسَ كلّ مستوحش غريبٍ ٤٩/٢
بل اجعل سكون قلبي وأنس نفسي ٥٧/١٢
أو نعيم أنسٍ أو بشاشة ألف ٢١٩/٢٤
الْأُنْسِ: وطاب في مجلس الأنسِ سرّهم ١٩٣/٤
وهب لي الأنس بك وبأوليائك وأهل طاعتك ٥٧/١٢
أُنْسِكَ: من كلّ راحة بغير أنسك ١٩٤/٤
أُنْسي: أنت موضع أنسي في الخلوة ١٩٩/٤١
ياأنسي في كلّ وحشةٍ ١٤٩/٢٨
ولاتوحش بي أهل أنسي ٢٥٣/٥
بِأُنْسِكَ: وأن نصل ... وحشتنا بأنسك ٢٠٠/١٢
إنْسٍ: أو جنّ أو إنسٍ ممّا يتحرّك ١٥٣/٢٩
الْإِنْسِ: بموائق الله وطاعته على الجنّ والإنس ٢٢/٢٧
ولأهل بيته حرباً من الجنّ والإنس ٦١/٦
ولقدذرأنالجهنّم كثيراً آمن الجنّ والإنسِ (قرآن) ١٥٩/٦
سددت أفواه ... الأبالسة من الجنّ والإنس ٢٣/١
سددت أفواه الجنّ والإنس ٢٣/١
ومن شرّ الجنّ والإنس فسلّمني ٢٥٢/١٦ ـ ٢٥١/٢٥
وإكفني شرّ الجنّ والإنس ١٣٢/١٢
كافياً لي شرور الإنس والجانّ ١٩٩/١٧١
وشرّ شياطين الإنس والجنّ ١٤٩/٥٩
إنْسِكَ: صلوات عبادك من جنّك وإنسك ١٤٧/٥٤
الْإِنْسانُ: وكان الإنسان عجولاً (قرآن) ٢٥٧/٣٦
وإذا مسّ الإنسانَ الضرّ دعانا لجنبه (قرآن) ٢٥٧/٣٥
ويدعُ الإنسانُ بالشرّ دعآؤه بالخير (قرآن) ٣٥/١٢ ـ ٢٥٧/٣٦
إنّ الإنسان خلق هلوعاً (قرآن) ٣٥/٧ ـ ٢٥٧/٣٠
فأمّاالإنسان إذاماابتلاه ربّه فأكرمه (قرآن) ٣٥/٨ ـ ٢٥٧/٣١
إن الإنسان لبطغى (قرآن) ٣٥/٩ ـ ٢٥٧/٣٢
فأما الإنسانُ إذا ما ابتلاه ربّه (قرآن) ٣٥/٨
وكان الإنسان عجولاً (قرآن) ٣٥/١٢
وإذا مسّ الإنسان الضّرّ دعانا (قرآن) ٣٥/١٠
إذامسّ الإنسانَ ضرٌّ دعاربّه منيباً إليه (قرآن) ٣٥/١١ـ٢٥٧/٣٤
إذا أذقنا الإنسان منّا رحمة فرح بها (قرآن) ٣٥/١٣
وكان الإنسانُ قتوراً (قرآن) ٧٧/٢
الْإِنْسانِيَّةِ: لخرجوا من حدود الإنسانيّة ١/١١
أللّهمّ إنّ جبلة البشريّة وطباع الإنسانية ٢٢٣/١
أُناسٍ: فكم قد رأيت بالإلهى من أناسٍ ٧٤/٢
بِأَناسِيّ: الّذى... لايدرك بأناسيّ الأحداق ١٩٩/٥٣

أ.ن.ف

نَسْتَأْنِفُ: ونعصمنافيه ممّانستأنف من العيوب ١١٥/١٥
أَنْفَ: وجدعت أنف النّفاق بحجّة نبوّته ١٠/٥
وجدعت به «محمّد» أنف الباطل ١٠/٢٢
أَنْفَهُ: مسألة من ... رغم لك أنفه ١٣٢/٨
ورغم لك أنفه ١٦٤/٢
اهدم كهفه وأرغم أنفه ٥٠/١٢
أَنَفَةٍ: أنفةٍ أو حميّة أو رياء ٢٣٨/٦
أسألك أنفةً عن الدُّنيا ١٣٥/٤
مُسْتَأْنَفَةٍ: صلاةٍ سالفةٍ ومستأنفةٍ ١٤٧/٥٥

أ.ن.ق

الْمُونِقِ: المنساق لبنات ارضك المونقِ ٥٣/١
لِأَنِيقِ: من نعمة ظللت لأنيق بهجتها لابساً ١٩٩/٦٨

أ.ن.م

الْأَنامُ: وصلّ عليه وآله... ما بقى الأنام ١٩٩/١٩
ما أراك منصفاً لنفسك من بين الأنامِ ١٩٧/٤٦

وحجج الله على جميع الأنام ١١٤/٢١
أَنامِكَ: وهجعت عيون أنامك ٩١/١
إلهي ... نامت عيون أنامك ٨٢/١

أ.ن.ن

الْأَنينِ: ياعالم ما تحت خفيّ الأنين ٢٠٣/١
وهوّن بالقرآن ... جهد الأنين ١٠٩/١٧

أ.ن.ى

تَأَنَّانا: بل تأنّانا برحمته تكرّماً ١/٢٣
تَأَنَّيْتَ: وإنّما تأنّيت بهم ليفيؤا إلى أمرك ١٤٦/٧
وتأنّيت وأنت مَلِيّ بالمبادرة ١٤٦/١١
تَأَنَّيْتَني: تأنّيتني بكرمك فلم تعاجلني ٤٩/١٩
أستريني بسترك كما تأنّيتني عن الإنتقام منّي ٨٠/٩
تَأَنِّياً: بل تأنّياً منك لي وتفضّلاً منك عليّ ٤٩/١٤
أَناةٍ: وذي أناةٍ لايعجل ١٥٣/١٠
ذي أناةٍ لاتعجل ١٥٢/١٤
أَناتُهُ: والآخذ على الجريرة لو لاأناته ١٤٧/١٠١
أَناتِهِمْ: وتهيّئ من أناتهم واغتفار ذنوبهم لهم ١٦/٩
أَناتُكَ: حتّى لقد غرّتهم أناتك عن الرجوع ١٤٦/٧
لم تكن أناتُك عجزاً ١٤٦/١٢
وأيّ زمان أطول من أناتِك ١١٦/٣١
أعجب من ذلك أناتُك حتّى ٤٩/١٤
لايتصعّدك في أناتك ٤٩/٢١
وأنّ أناتك أشبه الأشياء بكرمك ٢٢٣/٣
فلست ببدع من ولاينك ولابوتر من أناتك ٢٥١/٥٩
بِأَناتِكَ: تستنظرهم بأناتِك إلى الإنابة ١٤٢/٥

أ.و.ب

الْمَآبِ: رمماً في التّراب إلى يوم الحشر والمآب ٢١٤/٨٨
وشرّ المآب أما تذكر حال من جمع ٢١٤/١٤٨
ياكريم المآب والمحسن الوهّاب ٢٣٩/٣
نعوذ بك من ... سوء المآب ٢٦/٨
مَآبِهِمْ: وحالهم ومآبهم وكيف كانوا ٢١٩/٣١
الْأَوْبَةَ: والتّوبة والأوبة وخير ما قسمت فيها ١١٤/٦
لِلْأَوّابينَ: يامن... أوجب عفوه للأوّابين ١٩٩/٣٤

أ.و.د

آدَكَ: بلا مؤونة وكلفة ولااختلاف آدك ٢٣٤/٦
لايَؤُودُهُ: ولايؤده حفظهما وهو (قرآن) ١٥٩/٦ ـ ١٨/٣
لايَؤُودُكَ: ولايؤودك في جزيل هباتك ٤٩/٢١
فَلا يَؤُدُكَ: فلا يؤدك حفظ خلقك ٢٤١/٥
لاتَؤُدُهُ: ياقديراً لاتؤده المطالب ٩٩/٢
إِوَداً: وقوّم منه إوداً ٢٥٧/٢
أَوَدي: أللّهمّ وأقم بهم «ولدي» اودى ٦٤/٣
مَوْآئِدَ: وموآئد المستطعمين معدّة ٢٥٥/٦

أ.و.ف

آفَةٍ: من غير ما آفةٍ مخرساً ١٠٩/١١
أللّهمّ فاكفني كلّ هول وآفةٍ ١٢٣/٢١
بِآفَةٍ: ولاتصبنا فيها «السحائب» بآفة ٩٧/٢
الْآفاتِ: وهي مطيّة الآفات ٢١٤/١٤٣
وبرأهم من الآفاتِ ٢١٩/٤٨
هلال أمن من الآفات ١١٠/٥
أسألك... لمّا طهّرتني من الآفات ٣٦/١٠
أسكنتني داراً قد ملئت من الآفات ١٩٧/٢٨
حتّى سلموا من الآفات ٢٠٠/٢٧
علينا واقية ... تجنّبنا من الآفات ١٩٥/٥
فلك الحمد على ما... وقيتنا فيه من طوارق الآفات ٢١/٥
وارزقني وعافني من الآفات ٥٢/١
آفاتُهُ: أحاطت به آفاته وهمومه ٢١٤/٤٢
آفاتُها: تعاورنا آفاتها وهمومها ٢١٤/١١١
تعاوره آفاتها وهمومها ٢١٤/٣٥
بِالْآفاتِ: فإنّها... المحشوّة بالآفات ١٩٦/١

أ.و.ل

آلَ: وآل بجميع بدنه إليك ٢٢٢/٦
فَتَأَوَّلُوهُ: القرآن فتأوّلوه بآرائهم ٢١٩/٤٥
تَأْويلِ: وتأويل الحكمة إلاّ أهل الكتاب ٢١٩/٤٧
ولم تنزله في تأويلٍ لديه في كتابك ١٠/١٩
التَّأْويلِ: لم أهتد إلى معرفة التّأويل ١٩٩/٧١
تَأْويلِها: لاألحد في تأويلها ١٩٩/١٣
آئِلَةٌ: وأمورهم آئلةٌ إلى أمرك ١٤٦/٨
أَوَّلَ: ياأوّل الأوّلين وبا آخر الآخرين ٤٢/٢٩
إذ كان جزائي منك في أوّلِ ما عصيتك النّار ٤٩/١٨
ولقد كان يستحقّ ياإلهي في أوّلِ ٨/١٦
خانني الصّبر حتّى كأنّي أوّلُ ممتحن ٢١٩/٣٦
وسيّئاتهم من أوّلِ الدّهر إلى آخره ١٦/٥
لكنت أوّلَ الهاربين منك ١١٢/٤
وأنت أوّلٌ آخر ظاهر باطن ٢٥٧/٩

وأوّل مجتبى للنبوّة برحمتك ٢٢٢/٢
ولقد كان يستحقّ في أوّل ما همّ بعصيانك ٩٨/٩
أللّهمّ إجعل أوّل يومي هذا صلاحاً ٢٣٨/٤
الحمدلله الاوّل بلا أوّلٍ كان قبله ١/١
أللّهمّ... وكما كنت أوّلاً بالتّفضّل فكن ٣١/٢
أللّهمّ وآدم... أوّلُ معترفٍ من الطين بربوبيّتك ١١/١
لو أنّي منذ بدعت فطرتي من أوّلِ الدّهر ٢٣٠/١
إن يكن التّرك لمعصيتك إنابةً فأنا أوّلُ المنيبين ٨٠/٢٤
إجعل محمّداً أوّلَ شافع وأوّلَ مشفّع ١٤١/٢٦
أللّهمّ اجعل محمّداً أوّلَ شافع ١٤١/٢٦
إجعل محمّداً ... أوّل قائل ١٤١/٢٦
الْأَوَّلُ: والأوّل بلا زوال ٧/٤
لأنّك أنت الأوّلُ الّذي ابتدأت الابتداء ٢٤١/١
الأوّل قبل كلّ أحد ١٤٧/٨
حمداً يستدام به الأوّلُ ١٤٧/٣٤
أللّهمّ أنت الأوّلُ فلا شيئ قبلك ٢٦٩/١
وأنت الأوّلُ أعزّ وأجلّ من أن تردّ ٢٣٧/٤
كذلك أنت الله الأوّلُ في أوّليّتك ٨٨/٤
أنت الأوّل والآخر ٢٤٧/٤
الحمدلله الأوّلِ بلا أوّل كان قبله ١/١
أنت الفرد الأوّلُ الآخر العالم الأحد ٢٤٣/٤
والأوّلُ بلا زوال ٢/٤
الحمدلله الأوّلِ قبل الإنشاء والإحياء ٢٤٦/١
أَوَّلُهُ: وأعوذبك من يوم أوّله فزع ٢٣٨/٤
سعادةً في أوّلِهِ «إثنين» بطاعتك ٢٣٨/٨
أَوَّلِها: صلاةً لاأمد في أوّلها ١٤٧/٥٩
بِأَوَّلِ: فما أنا بأوّل راغبٍ رغب إليك فأعطيته ٣٩/٩
لابأوّل سائلٍ سألك فأفضلت عليه ٣٩/٩
إلهي ما أنا بأوّل من عصاك فتبت عليه ١٨٢/١١
أَوَّلِيَّتِكَ: كذلك أنت الله الأوّل في أوّليّتك ٨٨/٤
بِأَوَّلِيَّةٍ: لابأوّليّةٍ قبله ولاآخريّة بعده ١٤٩/٢١
عزّ سلطانك عزّاً لاحدّ له بأوّليّةٍ ٨٨/٢
الْأَوَّلِينَ: مقاماً بعد السّابقين الأوّلين في ثلّته ١٠/٣٠
ربُّنا وربّ آبائنا الأوّلين ١٢٣/٦
وباقر علم الاوّلين والآخرين ٤٢/٧
صلّ على محمّد وآل محمّد في الأوّلين ١٤٣/٥٣
ووافِ بي عرصة الأوّلين ١٤٧/١٠٩
ياأوّل الأوّلين ويا آخر الآخرين ٤٢/٢٩
الْأَوَّلُونَ: الّتي يغبطه بها الأوّلون والآخرون ١٤١/٢٩
أَوائِلَ: واشفع لي أوائل مننك بأواخرها ١٤٧/١٠٢
الْأُوْلَى: فلك الحمد في الآخرة والأولى ٢٤١/٣
إلهي فلا تحرمني خير الآخرة والأولى ١٦٣/١٤
وجعلته «محمّد»... على الكتب الأولى مهيمناً ١٠/٥
ولك الحمد في الآخرة والأولى ١٣٠/٢
آثرت فضل الآخرة على الأولى ١٩٧/٤٧
ياربّاه صلّ على محمّد في الآخرة والأولى ١٩٨/٩٠
آلِ: فأسألك ياربّ محمّدٍ وآل محمّدٍ ٤٢/٢٧
إلى محمّدوآل محمّدعليه وعليهم السّلام ملت ٢٤٨/١٠
من حُبّ محمّد وآل محمّد ١٢١/٢٣
إجعل آل محمّد عليه وعليهم السّلام أئمّتي ٢٤٨/٦
بحقّ محمّد وآل محمّد صلواتك ورحمتك ٢٤٨/١١
باركت على إبراهيم وآل إبراهيم ١٤٣/٥٣
أللّهمّ ربّ محمّد وآل محمّد صلّ ١٢٩/١٠
بلّغ روح محمّدٍ وآل محمّدٍ عليهم السّلام ١٤٩/٥١
وشفّع فيّ محمّداً وآل محمّدٍ ١٣٨/١٨
بجاه محمّد وآل محمّد ١٣٢/٤
صلواتك عليه و ... آل رسولك ٦١/٤
وفرّج عن آلِ محمّد ١٤٩/٦٧
وخلّصني ياربّ بحقّ محمّد وآل محمّد ١٧٤/٥-١٧٤/٤-١٧٤/٣ ـ ١٧٤/٢
فإنّ عدوّي عدوّ آل محمّد ٢٥٢/٣٣ ـ ٢٥١/٥٠
أنصر شيعة آلِ محمّد ١٨١/٥
أللّهمّ صلّ على محمّدعبدك ورسولك وآل محمّد ٦٧/٢٣
بحقّ محمّد وآلِ محمّد من كلّ غمّ ١٧٤/١
أهلك أعدآء آل محمّد ١٨١/٥
أرزقني رؤية قائم آل محمّد ١٨١/٥
وعدوّ آل محمّد عدوّ محمّد ٢٥٢/٣٣ ـ ٢٥١/٥٠
وبلّغني فتح آل محمّدٍ ١٤٩/٦٧
وولاية محمّد وآلِ محمّد ٢٢٧/٦
ذكر الله محمّداً وآل محمّد بخير ٢٥١/٣٦ ـ ٢٥٢/٢٨
وبارك على محمّد وآل محمّد ١٤١/٢٤ ـ ٢٥٢/٢٧
وربّ محمّد وآل محمّد صلّ ١٤١/٩
وارزقني مرافقة محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٣/٨
أللّهمّ ... عجّل فرج آل محمّد ١٨١/٥
كما محمّد وآلُ محمّد أهله ١٣٢/١٠
ولحقّ محمّد وآل محمّد أداء وقضاءً ٢٠/٤
أتوسّل ... بمحمّد وآل محمّد ١٢٢/٧
وأعداء آل رسولك عليه السّلام ١٢٧/١٠
ولحقّ محمّد وآل محمّد أداءً ١١٣/٤
وباركت وترحّمت على إبراهيم وآل إبراهيم ١٤١/٢٤

وأسألك بجاه محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٨/١٧
فابتزّ أمور آل محمّد ٧٠/٥
أسألك في هذه السّاعة بجاه محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٥/٩
فيمن أكرمت بمحمّد وآل محمّد ٢٤٨/١١
آلِهِ: إلاّ صلّيت على محمّد وآله ٢٢٠/٨
فأسئلك بك وبمحمّدٍ وآله ٣٩/١٣
ربَّ العرش العظيم ربَّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٥٧/١
بحقّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٦٠/٨
فاحشرني مع محمّد وآله الطّيّبين ٢٠٣/١٤
بحقّ محمّد وآله صلّى الله عليه وآله ٢١١/٢
أللّهمّ يامن خصّ محمّداً وآله بالكرامة ١٣/١
بمحمّد صلواتك عليه وآلِهِ رسولك ٨٧/٨
محمّدٍ صلواتك عليه وعلى الِهِ ٢٠٦/١٦
بِآلِهِ: وأنهجت بآله سبل الرّضا إليك ١٠٩/٩
آلاتٍ: وجعلت لي فيه آلات أطيعك بها ١٩٧/٢٨
والحمدلله الّذى ركّب فينا آلاتِ البسط ١/٢٢
الْآلاتِ: ولم تحمله على المناقشة في الآلات ٨/١٣
ولم تحمله على المناقشات في الآلات ٩٨/٨

أ.و.ن

إنِىّ: لاتنسنى ذكرهما... في إنىّ من آنآءِ ليلى ٦٣/١٤
أوَانٍ: أللّهمّ إنّك أيّدت دينك في كلّ أوانٍ ١٤٧/٦١
مشوباً بخشيتك في كلّ أوانٍ ١٩٩/١٩٠
أنت ... الموجود في كلّ أوانٍ ١٩٤/٤
وكلّ أوانٍ وعلى كلّ حال ١١٥/٢٧
آنآءِ: لاتنسنى ذكرهما... فى إنىّ من آنآء لَيلى ٦٣/١٤
آناءَ اللّيل وأطراف النّهار ١٠٩/١٠
ممّا أتقرّبُ به إليك في آناء اللّيل ١١٦/١٠٩

أ.و.هـ

آهِ: آه واخطيئتاه أبعدتنى خطيئتى ١٩٨/٥٩
آهواخطيئتاه حالت خطيئتى بين الأمّهات والآبآء ١٩٨/٦٣
آه واخطيئتاه كيف تقلّنى الأرض ١٩٨/٦٥
آه واخطيئتاه أوقعتنى خطيئتى فيما ١٩٨/٦٢
آه واخطيئتاه تركتنى خطيئتى مغموماً ١٩٨/٦١
آه واخطيئتاه أخلق وجهى ذلّ الخطايا ١٩٨/٦٨
آه واحزناه إستترت بعملي ١٩٨/٣٥
آه واحزناه كم عاهدت ربّى فلم يجد ١٩٨/٣٠
آه واخطيئتاه تركتنى خطيئتى في طول حزن ١٩٨/٥٨
آه واخطيئتاه كلّما زاد عمرى زاد ذنبى ١٩٨/٦٦
آه وانفساه إن كانت جهنّم ١٩٨/٢٤
آه وانفساه إن كنت ممقوتاً ١٩٨/٢٣
آه وانفساه إن حرّمت رحمة ربّى ١٩٨/٢٢
آه واحزناه عصيت من ليس أعرف ١٩٨/٣٣
آه واحزناه إذا عرضت على الرّحمٰن غداً ١٩٨/٣١
آه واحزناه تشهد عليّ ملآئكة السّمآء ١٩٨/٤٣
آه واحزناه أين المفرّ من ذنوبى غداً ١٩٨/٤٢
آه واحزناه أنا المنقول إلى عسكر الموتى ١٩٨/٤١
آه واحزناه ما أبعد السّفر وأقلّ الزّاد غداً ١٩٨/٤٠
آه وانفساه إن حرمت الحور العين ١٩٨/٤٩
آه وانفساه من ظلمة القبر ووحشة البلآء ١٩٨/٤٨
آه وانفساه إذا أسلموني الأحبّآء والأخلاّء ١٩٨/٤٦
آه وانفساه إذا أضحى التّراب لى فراشاً ووطآء ١٩٨/٤٥
آه واحزناه إن طردت عن حوض ١٩٨/٤٤
آه واخطيئتاه،تركتنى خطيئتى كالحيّة في المقلى ١٩٨/٥٤
آه وانفساه إن لم يرض عليّ ربّى غداً ١٩٨/٥٣
آه وانفساه إن سحبتنى الملآئكة على حرّ ١٩٨/٥١
آه وانفساه إذا أكلت الدّيدان محاسنى واللّحم ١٩٨/٤٧
آه وانفساه إذا إنقطع ذكرى ١٩٨/٥٢
آه وانفساه إن حرست ١٩٨/٥٠
آه وانفساه لابدّ من الموت ١٩٨/٢٥
آه واحزناه إستترت من الخلآئق ١٩٨/٣٤
آه واحزناه كلّما طلبت التّوّابين ١٩٨/٢٩
آه واحزناه أنا الّذى أطعتك ياسيّدى ١٩٨/٢٨
آه واحزناه من تجرّع الصّديد ١٩٨/٢٧
آه وانفساه إن حيل بينى وبين محمّد المصطفى ١٩٨/٢٦
آه واخطيئتاه مثل خطيئتى لايقاس في الخطايا ١٩٨/٦٤
آه واخطيئتاه من كانت له خطيئته ١٩٨/٦٠
آه واخطيئتاه، تركتنى خطيئتى ١٩٨/٥٥ - ١٩٨/٥٦
آه واحزناه من ملآئكة غلاظ شداد ١٩٨/٣٧
آه وانفساه أقبلت على قلبي ١٩٨/٤
آه وانفساه إن غفرت ذنوب المجرمين ١٩٨/٦
آه وانفساه إن قضيت الحوآئج ١٩٨/٥
آه وانفساه كيف لي بمعالجة الأغلال ١٩٨/١
آه وانفساه كلّما حدثت لي توبة ١٩٨/٣
آه وانفساه ممّا حملتنى عليه جوارحى ١٩٨/٢
آه واحزناه ليتنى لم أكُ شيئاً أبداً ١٩٨/٣٦
آه واحزناه أنا جليس من ناح على نفسه وبكى ١٩٨/٣٩
آه واحزناه من ربّ شديد القوى ١٩٨/٣٨
آه واخطيئتاه، تركتنى خطيئتى في موارد الهلكى ١٩٨/٥٧

آه واخطيئتاه على أيّ حال ألقى ربّى غداً ١٩٨/٦٧
آه وانفساه من ملاّئكة تشهد عليّ غداً ١٩٨/١٨
آه وانفساه من نار تحرق الجلود ١٩٨/١٣
آه وانفساه من نار حرّها لايطفأ ١٩٨/١٢
آه وانفساه من دار لايعاد فيها المرضى ١٩٨/١٥
آه وانفساه من نارٍ جريحها لايداوى ١٩٨/١٤
آه وانفساه من دار بكى أهلها ١٩٨/٢١
آه وانفساه من يوم تزلّ فيه قدم ١٩٨/٢٠
آه وانفساه من نار تتوقّد ولاتطفأ ١٩٨/١٩
آه وانفساه من نارٍ يطول فيها مكث الأشقياء ١٩٨/١٧
آه وانفساه من نارٍ وقودها الرجال والنّساء ١٩٨/١٦
آه واحزناه عصيت ربّى وأنا أعلم أنّه مطّلع يرى ١٩٨/٣٢
آه وانفساه من موقفى بين يدى الرّحمن ١٩٨/٨
آه وانفساه لو كان هولاً واحداً لكفى ١٩٨/١١
آه وانفساه من أهوال يوم القيامة ١٩٨/١٠
آه وانفساه من يوم يشتغل فيه عن الأمهات ١٩٨/٩
آه وانفساه من الكتاب وما أحصى ١٩٨/٧

أ.و.ى

يَأْوِي: ويأوي من المتشابهات إلى حرز معقله ١٠٩/٨
يَأْوُونَ: فهم إلى أوكار الأفكار يأوون ١٩٣/٢
آوِي: واجعل لي عندك مقيلاً آوى إليه مطمئنّاً ١٤٧/١١١
آوِيْ: يامن آوىٰ المنقطعين إليه ١٩٩/٢٩
لايضطهد من آوىٰ إلى ظِلّ كنفك ١٥٢/١٠
من آوىٰ إلى ظلّ كنفك ١٥٣/٨
ناصر من إليك آوىٰ ١٥٥/٨
ويا أعطف من آوى إليه طريد ١٩١/٤
آوَاهُ: ولم تخرجنا في مدّة من... آواه «محمّد» ١٠/٢٩
آوَانَا: الحمدلله الّذى ... آوانا ٢٦٠/١
آوَيْتَهُ: وأنا الطريد الّذى آويته ١١٦/٦٣
والسّعيد من آويته إلى كنفك نعمتك ٣١/٥
فَآوَيْتَهُ: ومسافرٍ لاذ بكنفك فآويته ٢٠٢/٢
ولاذ بكنفك فآويته ٢٠٢/٥
أَنْ تُؤْوِيَنَا: أن تؤوبنا إلى شديد ركنك ١٩٥/٦
فآوِنى: إليك فررت من ذنوبى فآونى ١٤١/١٣
فآوِنَا: فآونا تائبين ١١٧/٢٢
مَأْوَىً: ولامأوى منك إلاّ إليك ١٤٨/١٤
خطيئتى كالطّير ليس له مأوى ١٩٨/٥٥
ويامأوى المنقطعين ١٩٥/١
وأنت ولىّ الصّفح ومأوى الكرم ٢٣٩/٥
الْمَأْوَىٰ: الحور العين في الجنّة المأوى ١٩٨/٤٩
وكانت القبور هى المأوى إلى ميقات يوم التّلاق ١٠٩/١٨
آيَةً: وجعلك آيةً من آيات ملكه ١١٠/٢
وجاعل آيةِ النهار مبصرةً ١٣٥/١
ياماحى آيةِ اللّيل ١٣٥/١
آيتانِ: أللّهمّ إنّ هذين آيتان من آياتك ٩٧/١
آيَتَيْنِ: ياجاعل اللّيل والنّهار آيتين ١٣٥/١
آياتِ: وجعلك آية من آيات ملكه ١١٠/٢
تلك آياتُ الكتاب المبين (قرآن) ١٤٤/١٦ ـ ١٥٩/١٥
الر تلك آياتُ الكتاب الحكيم (قرآن) ١٤٤/١٥
الْآيَاتِ: كلّما تراءت الآيات ونشرها ٢١٩/٣١
سبحانك ... باهر الآيات ١٤٧/٣٠
آياتُهُ: الر كتاب أحكمت آياتُهُ (قرآن) ١٤٤/١٦
بإعتقاد التسليم لمحكم آياتِهِ ١٠٩/٥
آياتِكَ: الظّلمة ... سعوا معاجزين فى آياتك ١١٩/٢
أللّهمّ إن الظّلمة جحدوا آياتك ١١٩/١
أللّهمّ اجزه بما... أدّى من آياتك ١٠٩/٢٧
أللّهمّ إنّ هذين آيتان من آياتك ٩٧/١
واتّخذوا بعض آياتك ربّاً ٣/٣
إسترشاداً لبرهان آياتك ٢٤٩/٣
مبلّغاً عنك حجج آياتك ١٠/٣
اجعل ... رهبتى عند تلاوة آياتك ١٤٧/١٠٤
هباتك الّتى دلّت عليها آياتك ٤٩/٢١
بآياتِهِ: وإن كان لم يسبقنا بآياته وعلاماته ١٠/٢٧
بِآيَاتِكَ: إنّهم «الظّلمة» اشتروا بآيَاتك ثمناً قليلاً ١١٩/١١
المستقلّ بما حمّلته من الأشارة بآياتك ١٠/١
بِآيَاتِنَا: فلايصلون إليكما بآياتنا أنتما (قرآن) ٢٢/٧ـ١٥٩/١٨

أ.هـ.ب

التَّأَهُّبِ: من انقضاء المدّة قبل التأهّب والعدّة ٢٣٦/٢

أ.هـ.ل

أَهَّلْتَهُ: فاجعلنا ممّن ... أهّلته لعبادتك ١٩٠/٣
أَهَّلْتَهَا: أهّلتها بتطوّلك غير مؤهّلها ٢٣٧/٢
أَهَّلْنَا: وأهّلنا فيه لما وعدت أولياءك ١١٥/١٧
أَهْلِ: من أهل ملّتك ... فلقّه اليسر ٦٧/١٦
أعطنى سؤلى في ... أهل حزانتى ١١٦/١٠٧
ولئن أدخلتنى النّار لأخبرنّ أهلَ النّار بحبّى لك ١١٦/١١٧
وإن كنت لاتكرم إلاّ أهل الوفاء بك ١١٦/١١٨
إلهى إن كنت لاتغفر إلاّ لأوليآئك وأهل طاعتك ١١٦/١١٨

أسألك ... عزم أهل الصّبر ١٣٧/٨
أسألك ... مناصحة أهل التّوبة ١٣٧/٨
أسألك ... توفيق أهل الهدى ١٣٧/٨
أسألك ... عمل أهلِ اليقين ١٣٧/٨
أسألك ... شوق أهل الجنّة ١٣٧/٨
أسألك ... حزم أهل الخشية ١٣٧/٨
أسألك ... طلب أهل الرّغبة ١٣٧/٨
أسألك ... تقيّة أهل الورع ١٣٧/٨
أسألك ... عرفان أهل العلم ١٣٧/٨
واجعلنا من أهل الخير ١٣٩/١٢
وتحسد أهل النعم ٢١٩/١١
وأهل بيته الأوصياء الهداة الدعاة ١١٤/٢٣
إلهى أحمدك وأنت للحمد أهلٌ ١٦٣/١
من أنبيائك ورسلك وأصفيائك وأهلِ الكرامة ١٢٣/١٠
على أهل بيته الطيّبين الأخيار ١٢٣/١٠
تجاوز عن ... أهل ديننا جميعاً ١٤٢/٦٢
صلّى الله عليه وعلى أهل بيته ١١٩/١٦
إلى مصارع أهل البذخ ٢١٩/٢٢
إنّك أهل التّقوى وأهل المغفرة ٢٣٧/٨ ـ ٣٤/١٢ ـ ١٢٨/٤
تحت راية الحقّ من أهل بيت نبيّك ١٢٧/١٠
أمن أهل الشّقاء خلقتنى ٢٠٣/٩ ـ ١١٢/٢
أنت أهلُ التقوى وأهل المغفرة ٨٩/٤ ـ ١١٦/١٠١
ويا أهلَ التقوى ويامن له الأسماء الحسنى ١٦٣/٨
صلّى الله عليه وعلى أهل بيته الطّيّبين ١٤٣/٢٣
تجاوز عن ... أهل ديننا جميعاً ١٤٢/٦٢
ذمّ الغفول أهلَ العقول ٢١٩/٢٦
في مطالع أهلِ البرزخ ٢١٩/٢٦
تأويل الحكمة إلاّ أهلُ الكتاب ٢١٩/٤٧
صلّ على محمّد وآل محمّد... وأهل بيت الوحى ٢٠/١
ومن هولنا أهلَ البيت عدّة وردءٌ ٨٣/٣
العبد الصالح من أهلِ بيت المرسلين ٤٢/٩
ليتنى علمت أمن أهل السّعادة جعلتنى ١٨٤/٣
وعلى الطّاهرين من أهل بيته ١٧٢/٨
إن كنت لاتكرم إلاّ أهل الوفاء بك ١٤٣/٤٢
إن كنت لاترحم إلاّ أهل طاعتك ١٤٣/٤٢
ألّلهمّ وأهل القبور من جميع المؤمنين ١٤٣/٣٩
أستودعك بإلهى ... أهل ولايتى ٢٤٨/٤
وأنا من أهل الذنوب والخطايا ٨٩/٤
واجعلنى من أهل السداد ومن أدلّة الرشاد ٥٥/٢٧
من أهلِ السّماوات والأرضين ٨٣/١٩

جعلت تلك الأسباب لخصائص من أهل الإحسان ٢٤٩/٢
وهب لى الأنس بك وبأوليائك وأهلِ طاعتك ٥٧/١٢
ثمّ رجعت عنهم إلى عمل أهلِ الإفلاس ٢١٤/٨٠
واقصم ... سآئر أهل البدع ١١٩/٢٦
إن كنت ممقوتاً في أهلِ السّمآء ١٩٨/٢٣
ولاأنا أهلٌ له باستيجابٍ ٤٩/١٨
من أهلِ بيت الرحمة المطهّرين ٤٢/٣٠
وضمّ أهل الفرقة وإصلاح ذات البين ٥٥/١٥
لم تكن أهلاً منه لذاك ٤٩/٥
إن تعذّبني فإنّى لذلك أهلٌ ١٦٢/٥
هلع أهلِ الحرص ٤٤/١٢
واجعلنا من أهل طاعته «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
أهلِ النقض والإبرام ١١٤/٢١
وقادة أهل التّقى على جميعهم السّلام ١٤/٢
من أهل الأرض بالغيب عند معارضة المعاندين ١٤/١
وجبريل ... المطاع في أهل سماواتك ١٢/٤
ورسلك من الملآئكة إلى أهل الأرض ١٢/١٢
ألّلهمّ فصلّ على... أهل الأمانة على رسالاتك ١٢/٦
وهاجر ... إستنصاراً على أهل الكفر بك ٩/٣
سيّد المرسلين وعلى أهل بيته الطّيّبين ٥٠/١٤
وإن تعذّبني فأنا لذلك أهلٌ ٢٠٥/١٥
فيما أعددته لأوليائك وأهل طاعتك ٢٥٧/٣٨
فأسترزق أهل رزقك ٥٥/٣٨
إجعلنا لشهرنا من خير أهلٍ وأصحاب ١١٥/١٩
وأجرنى ممّا يخافه أهل الإساءة ٣٤/١٢
لما عصاك أهلُ معرفتك ٢٠١/١٩
ومن ظنّة أهلِ الصلاح الثقّة ٥٥/٩
أبدلنى من بغضة أهلِ الشنآن المحبّة ٥٥/٩
ومن حسد أهل البغى المودّة ٥٥/٩
ورفض أهلِ البدع ومستعمل الرأى المخترع ٥٥/١٦
مرافقة محمّدٍ وأهلِ بيته ٣٦/١٠
وأنت أهلُ الغنى عنهم «خلقك» ٣٩/٣
ونسبتهم «الخلق» الى الفقر وهم أهلُ الفقر إليك ٣٩/٣
إلاّ ما وفّقت له أهل الإصطفاء ٢٢٣/١
وأرقّ على أهل البلآء منهم «جيرانى» رحمةً ٦٥/٤
وأهلِ بيته أصفيائك وأحبّائك ١١٤/٩
أم من أهل السّعادة خلقتنى ٢٠٣/٩ ـ ١١٢/٢
صلواتك على الأنبيآء وأهلِ بيوتات المرسلين ١٠/٣٤
ولاتجعلنى في أهلِ العقوق للآباء والامّهات ٦٣/١٢
فكن أنت أهلاً للتّفضّل علىّ ١٩٧/١١

إذا إنقطع ذكرى ونسيتنى أهلُ الدُّنيا ١٩٨/٥٢
فلك الحمد ياأهلَ الحمد والمجد ٢٣٧/٤
وادعنى عليّ إليك إنّك أهلُ التّقوى ٢٣٧/٨
وصلّ على محمّد وأهل بيته ٢٥١/٥٣
وصلّ على محمّد وأهلِ بيته المرضيّين ٢٥٢/٣١
ولاتوحش بي أهلَ أنسى ٢٥٣/٥
وأهلُ بيتك الطّيّبين ١٢٤/٦
فمن كان من أهلِ السّعادة ختمت له بها ١٤٦/٨
يامن لايجبه بالرّدّ أهلَ الدالّة عليه ١٤٦/١
يامن لايحتقر أهل الحاجة إليه ١٤٦/١
وعلى الأخيار من أهل بيته ١٢٣/٨
وأر أهل الموقف من النّبيّين وأتباعهم ١٠/٢٤
وأوهل أبصار أهلِ المعروف العلى ١٠/٢٤
ومن كان من أهل الشّقاوة خذلته لها ١٤٦/٨
أللّهمّ إنّا أهل هذا الشّهر ١٤٢/٤٨
وتولّنى بما تتولّى به أهلَ طاعتك ١٤٧/٨٤
ربّ صلّ ... صلوات ... أهل إجابتك ١٤٧/٥٤
صلوات ملآئكتك وأنبيائك ورسلك وأهل طاعتك ١٤٧/٥٤
ربّ صلّ على أطايب أهل بيته ١٤٧/٥٧
صلاةً لاترضى له إلاّ بها ولاترى غيره لها أهلاً ١٤٧/٥٢
هل أدلّكم على أهلِ بيتٍ (قرآن) ١٥٩/٢
فهم أهلُ ضرعٍ وضياعٍ ٧٠/٦
وحكم في أبشار المسلمين أهلُ الذّمّة ٧٠/٦
واستر عليّ وعلى ... أهل حزانتى ١١٧/٢٨
آه واخطيئتاه أبعدتنى خطيئتى عن أهلِ التّقوىٰ ١٩٨/٥٩
فإنّك ... أهلُ التّقوى وأهل المغفرة ١٤٧/٩٨
وأهل التّقوى وأهل المغفرة ١٤٧/٩٨
وارزقنا حذر أهلِ اليقين ٢٠٠/١٨
وأهلِ الزلفة عندك ١٢/١٠
جهنّم تزفر على أهل معصيتك ١٢/٩
أعذنى من ... هلع أهلِ الحرص ٤٤/١٢
أللّهمّ وفّر بذلك محال أهل الإسلام ٦٧/٩
صلواتك ... عليه «نبيّك» وعلى أهل بيته ١١٦/٤٥
فأنت أهلٌ أن تجود علينا ١١٦/٣٩
لأنّك أهل التّقوى وأهل المغفرة ١١٦/٢٨
وأنت المنّان بالعطيّات على أهلِ مملكتك ١١٦/١٥
فسمّاهم أهلُ الملكوت زوّاراً ٢٠٠/٤٢
وأسماهم أهلُ الجبروت عمّاراً ٢٠٠/٤٢
أعذنا من الميل إلى أهلِ الدُّنيا ٢٠٠/٢١
والحجّة عليهم السّلام أهلِ بيت الرّحمة ٨٧/٨
وأهلُ السّوء الّذين وعدت الكشف عنهم ٣٢/٣
أللّهمّ ألحقّ أهلَ بيت نبيّك وذريّتهم ٤٢/١٧
وإن شفعت فلست أهلاً للشفاعة ٨١/٤
فأنت أهلٌ أن تجود عليّ لسعة رحمتك ٢٤١/٨
على أهلِ بيته الطّيّبين الطّاهرين ٢٤٢/٤
وكلاهما أهلٌ منك للفضيحة والمنع ١٤٢/٣
صلّى الله عليه وعلى أهلِ بيته ١٤١/٣٣
وأن يكون مصيرى في أمان أهلِ الجنّة ١١٨/٢
سيّدى إن حجبت عن أهلِ توحيدك ١١٩/١١٢
وإن كنت لاتكرم إلاّ أهل الإحسان ١٩٩/١١٠
فأنت أهلٌ أن تعود على المذنبين ١٩٧/٢
أحزنه تحزّب أهل الشّرك عليهم ٦٧/٢٢
صلّ على محمّد وأهل بيته ٢٢٧/٥ ـ ٢٥١/٤٥
وإجعلنى برحمتك من أهلِ الرعاية ١٩٩/٦٦
على محمّد ... وعلى أهلِ بيته ١٩٩/٦٣
أللّهمّ صلّ على محمّد وعلى أهلِ بيته ٢٥١/٣٤
أللّهمّ فصلّ على محمّد وأهل بيته الطّاهرين ١٩٩/١٥٠
وبمحمّد وأهلِ بيته أستشفع ١٩٩/١٤٩
إلاّ كنت له أهلاً ومحلاً ١٩٩/١٨١
فإجعلنى ممّن ناسبهم من أهلِ طاعتك ١٩٩/١٨٩
ولاتدخلني فيمن جانبهم من أهلِ معصيتك ١٩٩/١٨٩
وصلّى الله ... على أهلِ بيته الطّاهرين ١٩٩/١٩٩
وازع العدل لكلّ خير أهلّ ١١٤/٤
ومعدن العلم وأهل بيت الوحى ١١٤/١ ـ ١١٣/١
وعلا أهلَ السُّلطان بسلطانه وربوبيّته ١٤٩/١٣
واصطفيتنا بفضله دون أهلِ الملل ١٤٢/٢٥
الأَهْلِ: أعطني... قُرَّة العين في الأهلِ والمال ١١٦/١١٠
أللّهمّ إنّى خلّفت الأهل والولد ١٤٩/٧١
وأنسه ذكر الأهل والولد ٦٧/١٧
أَهْلِه: وجعلنا من أهله «الحمد» ١١٥/١
فأنا مقرّ بأنّى لاأبلغ ما أنت أهلُهُ ٢٤٩/١٦
فكان كما هو أهلُهُ ١٤٩/٢١
وافعل بي ما أنت أهلُهُ ١٠٧/١ ـ ١٢٨/٤
وافعل بي ما أنت أهله لاما أنا أهلُهُ ٢٣٤/٨
إفعل بي ما أنت أهله ٢٤٥/٦ ـ ١١٦/٧
إلاّ نغّصت أهلَهُ قرّة أعينهم ٢١٩/٢٤
وافعل بنا ما أنت أهلُهُ فى الدّين والدُّنيا والآخرة ١٣/٣
الحمدلله وليّ الحمد وأهلِهِ ١٦٤/١
إفعل بي ما أنت أهلُهُ ياأرحم الرّاحمين ٤٢/٣١
وعرّفه «محمّد» في أهلِهِ الطّاهرين ٩/٤

وإن غفرت لي فبرحمتك وبما أنت أهلُهُ ٨٩/٤
فإن عذّبتني فبذنوبي وبما أنا أهلُهُ ٨٩/٣
وأسلمه أهلُهُ وأولاده ٢١٤/١٢١ ـ ٢١٤/٤٥
إذ فرّقت بينه وبين أهلِهِ ٢٥١/١٣
وعزّ جلاله وكما هو أهلُهُ ١٤١/١
على تناول ما أنت أهلُهُ من العبادة ١٤٢/٥١
ويسلكه أهلُهُ بالأمنة حقّ سلوكه ٢٢٣/٧
إذ فرّق بينه وبين أهلِهِ ٢٥٢/٨
وأن تجعل ما أنت أهلُهُ لي في الدُّنيا والآخرة ١١٨/٢
أرعب قلوب أهلِهِ ٧٠/١٠
أللّهمّ لك الحمد كما أنت أهلُهُ ١٦/٦
فامتن علينا بما أنت أهلُهُ ١١٦/٣٩
كما محمّدٌ وآل محمّدٍ أهلُهُ ١٣٢/١٠
كما أنت أهلُهُ وكما محمّدٌ وآل محمّدٍ أهلُهُ ١٣٢/١٠
ما محمّد أهلُهُ فبك فيما بلّغ في رضاك ١٠/١٦
ما أنت أهلُهُ في كرمك ١٠/١٦
واجعلنا من أسعد أهلِهِ به ١٤٢/٥٥
فتولّ من أمرى ما أنت أهلُهُ ١٩٧/١٠ ـ ١٩٩/١٢٥
فى الصفّ الّذى وصفت به أهلَهُ في كتابك ١٢٨/٤
إلهى...فأفعل بي ماأنت أهلُهُ من المغفرة والرّحمة ١٨٦/٨
لاتفعل بي ما أنا أهلُهُ ١٨٦/٨
ظلمتها إيّاه في ... أهلِهِ وولده ٢٣٨/٦
أَهْلِهِمْ: في أنفسهم واديانهم وأهلهم ١٢٧/٥
أَهْلُهَا: آه وانفساه من دار بكى أهلها ١٩٨/٢١
إجارتى ممّا فيه أهلُها من عذابك ١٤٧/١٠٤
رأت أهلَها في صورة لاتروقها ٢١٩/٣٧
وتسقي أهلها حميماً ٨٨/١٩
لأحدثنّ أهلَها إنّى أُحبّك ٢٠٣/٧
وأعوذبك ياإلهى من شرّ الدُّنيا وأهلِها ٢٥٢/٢٢
وأعوذبك ياإلهى من شرّ الدُّنيا وشرّ أهلِها ٢٥١/٢٩
وما تفجأ به أهلَها من تصرّف الحالات ٢١٩/١٦
فعوّض منها أهلها ٨١/٢ ـ ٨٠/١٤
أَهْلي: أعطنى سؤلى في نفسي وأهلي ١١٦/١٠٧
أللّهمّ بك أعيذ نفسى ودينى وأهلي ٢٢/٤
وحطتُ نفسى وأهلى ومالى وإخوانى ١٥٩/٣
وبارك لي في أهلي ومالي ٢٥٢/٢٦ ـ ٧٨/٧
من أمر دينى ودنياي وأهلي ومالي ١٤٨/٢١
أعيذ نفسى ودينى وأهلى ٢٢/٢٤
بسم الله على نفسى ومالى وأهلى ٢٢/٣٣
أعيذ ... أهلي ... بشدّة حول الله ٢٢/٢٧
بارك لي في أهلي وولدى ومالى ٢٥١/٣٣
وتكون أرحم بي من أهلى وقرابتى ١٩٧/٣٤
وعن أهلى ومالى وإخوانى وذرّيّتى ١١٧/٢١
وتكون أشفق عليّ من أهلى وقرابتى ١٩٩/١٣٩
فَأَهْلُ: إن تعاقبنى عليها فأهل ذلك أنا ٢٤٩/٩
إن تعف لي عنها فأهلُ ذلك أنت ٢٤٩/٩
وإن ترحمنى فأهلُ ذلك أنت بمنّك ١٤٨/١٥
فأهلٌ أن لايغترّ بك الصدّيقون ١٠١/١١
بِأَهْلِ: إن شفعت فلست بأهل الشفاعة ٨٠/١٩
أسألك بأهل خاصّتك من ملآئكتك ١٩٥/٥
وجدت بمعروفك فاخلطنى بأهل نوالك ١٩٩/٨٩
جدت بالمعروف فاخلطني بأهل نوالك ياكريم ١٤٠/٣
أحطت خبراً بأهلِ سماواتك وأرضك ١٢٨/١٢
لِأَهْلِ: ولأهل ملّتك مجمعاً ومحتشداً ١٤٢/٥٩
محبّاً لأهل طاعتك ٨٣/٧
مبغضا لأهلِ معصيتك ٨٣/٧
وشغلها بالنّصح لأهلِ دعوتك ٩/٣
ما أوجبت لأهل المبالغة في طاعتك ١١٥/١٧
الدرج المتّخذة لأهلِ ولايتك ١٠/١٢
تفضيلاً لأهلِ المنازل منك ٢٤٩/٢
جعله عبداً لأهل الإسلام ١٤٣/٣٤
ومن شرّ كلّ من نصب لرسولك ولأهلِ بيته ٦١/٦
ولأهل ملّتك مجمعاً محتشداً ١٤٢/٥٩
ولأهل الإيمان ناصحين ٢٠٦/١٢
أسألك ... الطّاعة لأهل طاعتك ٢٠٠/١٩
لِأَهْلِهِ: وأقمت لأهله دليلاً من لدن آدم إلى محمّد ١٤/٢
لايغفر ذنباً إلاّ لأهله ١٤٣/١٤
لِأَهْلِهَا: قسمت لأهلها من العطاء في يوم الجزاء ٢٤٦/٦
وأعددت لأهلها «ناراً» من أنواع العذاب فيها ٢٥٧/١٦
أسألك أنفةً عن الدُّنيا وبغضاً لأهلها ١٣٥/٤
لِأَهْلي: إغفرلي ... ولأهلي ٢٠٠/٤٨
الْأَهْلُونَ: ملآئكتي ... وحيد قد جفاه الأهلون ١٩٧/٣٣
وبعيد جفاه الأهلون ١٩٩/١٣٩
أَهْلِينَا: في أدياننا وأبداننا وأنفسنا وأهلينا ١٤٣/٣٢
أَهَالِينَا: وأعذنا وأهالينا وإخواننا ٥٠/١٥
إجعل آباءنا وأمّهاتنا وأولادنا وأهالينا ٥٠/٩
مُؤَهِّلِهَا: وأهّلتها بتطوّلك غير مؤهّلها ٢٣٧/٢
مُسْتَأْهِلٍ: إلهى إن كنت غير مستأهل لما أرجو ١٩٧/٢
الْمُسْتَأْهِلِينَ: عطاياك على المستأهلين ٢٣٩/٧

أ.ى.د

أَيَّدَنا: الحمدلله الّذى ... أيّدنا ٢٦٠/١
أَيَّدْتَ: أللّهمّ إنّك أيّدت دينك في كلّ أوان ١٤٧/٦١
وأيّدت فكفيت ١٩٩/١٠
أَيَّدْتَهُمْ: وأنت أيّدتهم بالنّقوىٰ حتّى عملوا ١٩٩/١٦٤
فَأَيَّدْنا: فأيّدنا الّذين آمنوا على عدوّهم (قرآن) ١١٤/١٨
أَيَّدْ: وأيّد حماتها «ثغور المسلمين» بقوّتك ٦٧/١
وأيّد بالعون مرناده ٢٣٣/٧
أَيَّدَهُ: أيّما غاز... أيّده بالنّصرة ٦٧/١٨
أَيَّدْني: ونجّني من عذابك وأيّدني بنصرك ١٢١/١٥
وأيّدني بالعصمة وأنطق لساني بالحكمة ٨٧/٣
أيّدني بالعصمة واستصلحني بالعافية ٤٩/٢٠
وأيّدني منك بنيّةٍ صادقةٍ ٤٢/١٢
أللّهمّ أيّدني منك بنصرٍ لاينفكُّ ١٥٥/٧
وأيّدني بتوفيقك وتسديدك ١٤٧/٩٥
أَيَّدْنا: وأيّدنا بعزّ لاينفقد ٩٦/٥
وأيّدنا بيقين المخلصين ٩٢/١
فَأَيَّدْنا: فأيّدنا بتوفيقك وسدّدنا بتسديدك ٣٠/٥
يُؤَيِّدُهُ: داخلاً فيما يؤيّده الدّين ويعصمه ١٩٩/١٩٠
لَمْ تُؤَيِّدْني: إن لم تؤيّدني بصحّة توفيقك ١٩٩/٧٠
يُؤَيِّدُ: ويؤيّد من أغرق نزعاً في توفيقه ١٤٧/٤١
بِتَأْييدٍ: فتولّني بتأييد من عونك ٢٤٩/٨
بِتَأْييدِكَ: ولاقوّة لي على طاعتك إلاّ بتأييدك ١٩٩/١٩٨
لايبلغ إلى فضائل القسم إلاّ بتأييدك ٢٤٩/٨
مُؤَيَّدَ: وضعفت عن غضبك فلا مؤيّد لي ٥٧/١
الْمُؤَيَّدُ: أللّهمّ أنت ... العون المؤيّد ١٩٩/٩
مُؤَيِّدي: وبامؤيّدي بالنّصر فلو لانصرك إيّاى ١٦٣/٧
الْمُؤَيَّدُ: أنّ محمّداً... المؤيّد بالنّور المضيّ ١٩٩/١٦

أ.ى.س

أَيِسَتْ: وأيست ممّا عند خلقك ١٧٢/١
آيَسُ: سيّدى كيف آيَسُ من حسن نظرك ١٩٩/١٢٣
لاآيَسُ: ولاآيس منه لذنب عظيم ركبته ٢٥٧/٧
آيَسُوا: وقد آيسوا من العليل ٢١٤/١٢١
وآيسوا من النظر إليه ٢١٤/١٣٥
آيَسْتَني: فمن رحمتك آيستنى ١١٦/٥٦
آيَسْتُ: فقد آيستُ ممّا عند خلقك ٤٢/٢٤
يُؤْيِسُنا: ولاسخطك يؤيسنا ١٩٩/١١٧
تُؤْيِسُني: أللّهمّ إنّ ذنوبي تؤيسنى أن أرجوك ٨٧/٢ـ٣٧/١
لاتُؤْيِسْني: ولاتؤيسنى من الأمل فبك ١٤٧/٩٠
أللّهمّ لاتؤيسنى من روحك ٢٥٢/٤١
الْإِياسِ: فلا تقابل آمالنا بالتّخييب والإياس ١٨٧/٣
آيِساً: ولاآيساً من إجابتك لي وإن أبطأت عنّى ٥٧/٧
ولاتطردنى من فنائك آيساً ١٧٧/٢
لاآيس من روحك ١٤٨/٢٧
ولاآيساً من إجابتك وإن أبطأت عنّى ١٢٦/٣
الْآيِسينَ: منزلة الآيسين من الخير ١١٦/٧٧
لم أسلّط على حسن ظنّى بك قنوط الآيسين ١٩٩/٨٤

أ.ى.ن

آنَ: أما آن لى أن استحيى من ربّى ٩١/٤
لايُأْيَنُ: ولايدرك بكيف ولايأيّن بأين ولابحيث ١٣١/٢
أَبْنِيَّتِكَ: ولم تدرك الأبصار موضع أبنيّتك ١٤٧/١٧

أ.ى.و.ب

أَيُّوبُ: وأدعوك أللّهمّ بما عادك به أيّوب ٢٥١/١٢
ياكاشف ضرّ أيّوبَ ١١٤/١٧
وبحقّ أيّوبَ وبليّته ١٨٠/٤
وأدعوك أللّهمّ بما دعاك به أيّوبُ ٢٥٢/٧

حرف الباء

ب.أ.س

بَأْسِهِ: فحصّنتني من بَأْسه بقدرتك ١٥٣/٨ ـ ١٥٢/١٠
بَأْسَهُمْ: أللّهمّ اكفف بأسهم «الظّلمة» ١١٩/٧
واجعل بأسهم بينهم «الظّلمة» ١١٩/٩
بَأْسَكَ: أللّهمّ إنّ الظّلمة... لم يحذروا بأسك ١١٩/٤
أنا الّذى ... لم يخف بأسك ١٤٧/٨٢
جنداً من ملائكتك ببأس من بأسِك ٦٧/١٤
بِبَأْسٍ: جنداً من ملائكتك ببأس من بأسك ٦٧/١٤
الْبَأْسآءِ: وامنن علينا بمتابعته في البأسآء والضرّآء ١١٩.٣٠
بُؤْسٍ: أو بُؤسٍ أو نعمآء إنّكَ سميع الدّعا ١٢٦/٣
او بلاءٍ أو بؤس أو نعماء أو جدةٍ ٥٧/٧
الْبُؤْسى: وياكاشف العسر والبؤسى ١٩٩/٦٥
بآئِساً: متضرّعاً إليك بآئساً فقيراً تآئباً ١٤٨/٢٧
الْبآئِسِ: وسألتك مسألة الحقير الذّليل البائس ١٤٧/٨٠
أدعوك دعاء البائس الفقير ٢٠٦/١٥
هذا مكان البآئس الفقير ١٤٩/٥٢
سائلك على الحياء منّى سؤال البائس ٣٤/٣
وأبتغى منك إبتغآء البآئس الفقير ١٣٢/٧
الْبائِسينَ: ويا كنز البآئسين ١٩٢/٥
وياعاصم البآئسين ١٩٥/١
بِئْسَ: بئس مافعلتُ من كثرة الذّنوب والعصيان ٢٠١/٢٦
أللّهمّ قد أسأت وظلمت وبئس ما صنعت ١٤٨/١٣
إن كنت بئس العبد فأنت نعم الرّب ١١٢/١١
وبئس ما صنعت ٨٦/١
فَبِئْسَ: فبئس العبد أنا لك ياسيّدى ومولاي ١٤٩/٣٢

ب.ت.ت

بِتُّ: مّا ظَلِلْت فيه اَوْ بِتُّ فيه من هٰذِهِ ٥١/٢
لاتَبُتَّ: لاتبتّ سببى منك ٣٩/١٠

ب.ت.ر

بَواتِرُ: ولاتقطّعه بواتر الصفاح ١١٤/١٧

ب.ت.ل

تَبَتَّلَ: وتبتّل إليك وآل بجميع بدنه إليك ٢٢٢/٦
التَّبَتُّلِ: خضوع التّبتّل في رهبة الإخبات ١٩٩/٣٩

ب.ث.ث

بَثَثْتَ: ... سماؤها وأرضها وما بثثت في كلّ ٢١/٦
أَبَثُّكَ: وأبثّك من سرّه ماأنت أعلم به منه خضوعاً ٨٠/٥
لِبَثِّها: فإنّه لامجرى لبثّها «ذنوبى» إلاّ إليك ١٤٨/٢١
الْمَبْثُوثِ: النّاس كالفراش المبثوث (قرآن) ٢٠٧/٥

ب.ج.س

إِنْبَجَسَتْ: وإنبجست ينابيع حكمته «محمّد» ١٠/٢٢

ب.ح.ب.ح

بُحْبُوحَةِ: غضبك إلى بحبوحة فضلك ١٦/٣
وأحللني بحبوحة جنّتكَ ١٠٨/١
أحللنا بحبوحة جنانك ١٨٨/١
وهجم عليهم «أولبائك» في بحبوحةَ قرارهم ٩/٣
الّذين أحللتهم بحبوحة جنّتك ١٩١/٣

ب.ح.ر

بَحْرٍ: لاأدرى في سهل ... أو في بحرٍ ٧٧/١٣
في برٍ ولابحر ولابخرق من الأرض ١٢٨/١١
غاصوا في بحر الحياة ٢٠٠/٢٤
الْبَحْرَ: بسم الله الّذى فلق البحر ٢٢/٢٩
الحمدلله الّذى حملنا في البرّ والبحر ٢٦١/١
فكما فلقت البحر لموسىٰ عليه السّلام ١٧٩/٥
بَحْرِها: برّها وبحرها وسهلها وجبلها ١١٩/٢٧
أَبْحُرُ: ولاأبحر ذات أمواج ١٢٨/١١
بُحُورِ: لطفت لـ.. غريق في بحور خطاياه ٢٤٣/١٠
وبكيتُ من خشيك مثل بحور السماوات ٢٣٠/٢
يليق بك سحائب الإحاطة في بحور وهم الأوهام ٢٤٧/٥
الْبُحُورِ: ويا مجري البحور ١٤١/٨
ولاتوارى منه البحور ١٤٩/٢٣
والحيتان في البحور ٨٩/١
تلاطمت البحور بالأمواج ١٩٩/١٩
الحمدلله ... العالم بما تجنّه البحور ١٩٩/٣
بِحارِ: أرسوا بشطّ بحار الرّضا ٢٠٠/٢٥
الْبِحارِ: أنفاس الحيتان في قعور البحار ٤/١٤
وباسمك الّذى تعلم به كيل البحار ٢٣٥/٢
وربّ اللّيل والنّهار والجبال والبحار ١٣٢/١

وسجّرت به البحار ونصبت به الجبال ٢٦٧/٥
فسبّحت له ... البحار وحيتانها ١٩٩/٥٦

ب.خ.ع

بُخُوعاً: بخوعاً لك في إكرامه وإعظامه ١١٣/٧
بَاخِعٌ: لعلّك باخعٌ نفسك ألاّ يكونوا مؤمنين (قرآن) ١٥٩/١٥

ب.خ.ل

فَبَخِلُوا: فبخلوا عنك فكيف بمن هو دونك ٧٧/١
لاَيَبْخَلُ: يالله ياجواداً لايبخل ١٣٥/٣
لاَتَبْخَلُ: لاتبخل بفضلك ١٩٩/١٩٦
بأنّك ... جواد لاتبخل ١٣٠/٥
لاَيُبَخِّلُكَ: الّذى لايبخّلك إلحاح الملحّين ٢٤١/٢
الْبُخْلِ: أعوذبك من العجز والبخل ١٥٣/٢٦
أللّهمّ إنّى أعوذبك من ... البخل ١١٦/١٢٦
الْبَاخِلِينَ: والرضا بقضائك عوضا من منع الباخلين ٢٢٠/٤ـ ١١٦/١٢
والاستراحة إلى ضمانك عوضا من منع الباخلين ٢٢١/٤
بَخِيلاً: وانكنت بخيلاً حين يستقرضنى ١٢٠/٤ـ١١٦/٤
يامن ... لم يكن بستره علىّ بخيلاً ١٩٩/٦٧
إلهى ما وجدتك بخيلاً حين سألتك ١٦٣/٥

ب.د.أ

بَدَأْتَ: بدأت وملائكتك بالصلاة عليه ١٤٣/٢٢
إلهى ما بدأت به من فضلك فتمّمه ١٨٦/٦
إبْدَأْ: وابدأ بهم في كلّ خير ١١٤/١١
وابدأ بهم وثنّ بي برحمتك ٢٢٨/٥
إبْتَدَأَ: أنت الّذى إبتدأ واخترع ١٤٧/٢٠
إبْتَدَأْتَ: وابتدأت الخلق على غير مثالٍ ١٤٩/٥
من غير أن تمارس فيما إبتدأت ٢٤٥/٤
أنت فطرتني وابتدأت خلقي ١٤٤/١
من غير أن تمارس فيما ابتدأت لغوباً ٢٤٥/٤
لانّك أنت الأوّل الّذى ابتدأت الإبتداء ٢٤١/١
إبْتَدَأْتَنِي: كما ابتدأتني بنعمتك ٧٧/٦
ولكنّك ابتدأتني بالإحسان ١٦٣/٢
وإن أمسكت عن مسألتك إبتدأتني ١٩٩/١٧٤
إبْتَدَأْتَنَا: من ماء مهين ابتدأتنا ٣٠/٤
فَابْتَدَأْتَ: لَمْ تُسأل فَابْتَدأْت ١٥٢/١٣
لم تُسأل فابتدأت واستميح فضلك فما أكديت ١٥٣/٩
فَابْتَدَأْتَنِي: فابتدأتنى بنصرك ١٥٣/٦ ـ ١٥٢/٦
تَبْتَدِئُ: تبتدئ بالإحسان نعماً ١١٦/٢٩
فَتَبْتَدِئُنِي: وأسكت عنك فتبتدئُنى ١٤٩/٣١
أَبْتَدِئُ: أبتدىء يومى هذا بين يدى ١٧/١
أَنْ أَبْتَدِئَ: ما أريد أن أبتدئ فيه من منطقى ٢٤٩/١٣
بِدْءَ: القديم الّذى لابدء له ١١٤/٨
إبْتِدَاءً: منّتك ابتداء وعفوك تفضّل ١٤٢/١
ولكن ابتدآءً منك بكرمك وجودك ١٤٩/٢٩
واذ كلّ نعمك ابتداءٌ ٣٤/٢
الْإبْتِدَاءَ: لانّك أنت الأوّل الّذى ابتدأت الإبتداء ٢٤١/١
إبْتِدَائِهِ: وبحقّ من تعبّد لك فيه من ابتدآئه ١١٥/١٦
قلت تباركت وتعاليت في عامّة ابتدائه ١٤٤/١٥
إبْتِدَآئِكَ: على ابتدآئك بالنّعم الجسام ٨٨/١٨
تغدو وتروح بفضل إبتدائك لاأعرف غيرها ٧٧/٥
مُبْدِئُ: يامبدئ يامعيد، يافعّالاً لما يريد ١٧٧/٢
مُبْدياً ومُعيداً ١١٦/٤٢
الْمُبْدِئُ: والمبدئ بلا أمدٍ ٢/٤ ـ ٧/٤
إنّك ... المبدئ المعيد ٦٧/٢٣
لنعم المبدئ أنت ٢٤٩/٢٣
لِمُبْتَدِئَّ: ومبتدئ النّعم قبل إستحقاقها ١١٤/١٠
بَدِيءُ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... بدئٌ لاينفد ١٣٠/٣
الْبَدِئُ: البدئ البديع الّذى ليس كمثلك شئ ١١٧/٣٤
الْمُبَدِّئ: ولاالحبيب المبدّى ٢١٤/١٢٥
بَوَادِي: بوادى أياديك وتواليها ١٩٩/١٧٤

ب.د.د

بَدَداً: واقتل أعدآئهم بدداً ١١٧/٣٣
بُدَّ: الّتى لابدّ منها ومن إجابتها ٣٣/٤
ولابدّ أن تفنى سريعاً لحوقها ٢١٩/٢١
آه وانفساه لابدّ من الموت ١٩٨/٢٥
ولابدّ من لقائك على كلّ حال ١٤٨/٢٤

ب.د.ر

يُبَادِرُ: يحثّ على تجهيزه ويبادر ٢١٤/١٢٦ ـ ٢١٤/٥٠
لايُبَادِرُ: يامن لايغيّر النّعمة ولايبادر بالنقمة ١٤٦/٢
بَادِرْهُ: بادِرْهُ «ظالمى» بالنّقمه ١٥٥/١
أللّهمّ بادِرْهُ، أللّهمّ بادرهُ «ظالمى» ١٥٥/٤
فَبَادِرْهُمْ: أللّهمّ فبادرهم بقواصف سخطك ٢٢٣/٥
إبْتَدَرُوهُ: إبتدروه سراعاً ولم ينظروه «العاصى» ١٢/١٣
فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا: فلم يبتدرنا بعقوبته ١/٢٣
يَبْتَدِرَان: يبتدران طاعتك ٩٧/١

بِالْمُبَادَرَةِ: وأنت ملّى بالمبادرة ١٤٦/١١
الْبِدَارِ: فالبدار البدار والحذار الحِذار ٢١٤/٢٥
فَالْبِدَارِ: فالبدار البدار والحذار الحذار ٢١٤/٢٥
بِالْبِدَارِ: الّذين هم بالبدار إليك يسارعون ١٨٩/٣
بَوَادِرِ: وأستعيذ بك من بوادر النقم ١٩٩/١٨٢
بَوَادِرُهُ: متّصلاً لاتنقطع بوادره ١٩٩/١٩٢
الْمُبَادِرِ: سؤال... المبادر بالتّوبة قبل الفوت ٢٤٥/١
مُبَادِرَةً: مبادرة تهوي إليه الذّخائر ٢١٤/١٨ ـ ٢١٤/٩٣
إلهي ... إلى الخطيئة مبادرة ١٨٣/١
الْبَدَارِ: فالبدار البدار والحذار الحذار ٢١٤/١٠٠
فَالْبَدَارِ: فالبدار البدار والحذار الْحِذار ٢١٤/١٠٠
بَدْرٍ: كفعلك يوم بدرٍ تقطع به دابرهم ٦٧/١٤

ب.د.ع

بَدَعْتُ: لوأنّى منذ بدعت فطرتي من أوّل الدّهر ٢٣٠/١
أَبْدَعْتَ: وأبدعت فأحسنت ١٩٩/١٠
إِبْتَدَعَ: الحمدلله... الّذى... إبتدع بقدرته ١/٣
أنت الّذى ... إستحدث وابتدع ١٤٧/٢٠
إِبْتَدَعْتَ: وابتدعت المبتدعات بلا احتذاء ١٤٧/١١
إِبْتَدَعْتَهُ: وبرأته وأنشأته وابتدعته ٢٤٩/٢٥
إِبْتِدَاعاً: الّذى... إبتدع بقدرته الخلق إبتداعاً ١/٣
بَدِيعُ: أللّهمّ وآدم بديعُ فطرتك ١١/١
فكوّنته يابديعاً بلطفك ٢٤١/١
أنت ... رازق بديعٌ مجيب سميع ٢٤١/٤
أنت المنّان بديع السّماوات والأرض ٤٣/١
أللّهمّ صلّ على آدم بديع فطرتك ٢٢٢/٢
أنت المنّان بديع السّماوات والأرض ٢٧٠/١
يابديع السّموات والأرض يالله ١٣٢/٢
الْبَدِيعُ: البدئ البديع الّذى ليس كمثلك شئ ١١٧/٣٤
مُبْتَدَعَاتِ: وجنّبني... مبتدعات الاعمال ١٣٨/٨
الْمُبْتَدَعَاتِ: وابتدعت المبتدعات بلا إحتذاء ١٤٧/١١
بِبِدْعٍ: فلست ببدع من ولايتك ٢٥١/٥٩
بِدْعَةٍ: تشفي بها قلبي من كلّ... بدعة ممرضة ١٩٩/٧٧
الْبِدَعِ: ورفض أهل البدع ٥٥/١٦
واقصم ... سآئر أهل البدع ١١٩/٢٤
ومجانبة البدع ٢١/١٣

ب.د.ل

أَبْدِلْنِي: أبدلني بسوء صنيعه بي رحمتك ٤٤/٦
وأبدلني مخافتك من مخافة المخلوقين ٢٠٤/٣
وأبدلني من بِضْعَةِ أهل الشّنآن المحبّة ٥٥/٩
وأبدلني بالدّنيا الفانية نعيم الدّار الباقية ٢٥٢/٢٣ ـ ٢٥١/٢٩ ـ ٧٨/٤
وأبدلني شعراً طاهراً لايعصيك ٢٦٨/١
بَدَّلُوا: الظّلمة... بدلّوا ما جاء به رسولك ١١٩/١
بُدِّلْتُ: وقد بُدِّلت أحكامك وغيّرت سنن نبيّك ٢٢٣/٤
لاتُبَدِّلُ: يامن لاتبدّل حكمته الوسائل ٣٩/٢
ولاتغيّر لي إسماً ولاتبدل لي جِسماً ١٤٧/١٠٦
... ولاتبدّل اسمي ١١٤/١٣
أَنْ تُبَدِّلَ: أللّهمّ إنّى أعوذبك من أن تبدّل اسمي ٢٥٤/٤
لايُبَدِّلُ: من القضآء الّذى لايردّ ولايبدّل ١١٧/٤١
ولايبدّل القول لديه ١٤٩/١٢
لِكَيْ يَسْتَبْدِلَ: لكى يستبدل بحاله في معصيتك ٨/١٥ـ٩٨/٩
لاتَسْتَبْدِلْ: ولاتستبدل بي غيري ١٤٩/٦٢
ولاتستبدل بي غيري ولاتغيّر لي إسماً ١٤٧/١٠٦
ولاتستبدل بنا غيرنا ١١٩/٣١
لَمْ تَسْتَبْدِلْ: ولم تستبدل به سواه ١٤٩/٥٥
لاأَسْتَبْدِلُ: ومتّعني بهدي صالح لاأستبدل به ٥٥/٦
بَدَلَ: دار بكى أهلها بدل الدّموع دماً ١٩٨/٢١
ذاق حلاوة محبّتك فرام منك بدلاً ١٩٠/١
الْأَبْدَالِ: واجعلنا بخدمتك للعبّاد والأبدال ٢٠٠/٣٨
تَبْدِيلَ: وعدك الحقّ الّذى لاخلف له ولاتبديل ١٧٣/٨
لاخلف لقولك ولاتبديل ٢٤٦/٣
يحول بك حال يصفك بها الملحد إلى تبديل ٢٤٧/٥
ووعدك الحقّ الّذى لاخلف فيه ولاتبديل ١٧٢/٧
إِسْتِبْدَالَكَ: فإنّ إستبدالك بناغيرنا عليك يسير ١١٩/٣١
مُبَدِّلَ: يامبدّل السيّئات بأضعافها من الحسنات ٦٣/٨ـ٩/٥
لامبدّل لكلماته (قرآن) ١٩٩/٥٩
مواقيتها إلى قضآئه لامبدّل لكلماته ١٤٩/١١
ولامبدّل لكلماته ١٤٩/٢٠
سبحانك ... ولامبدّل لكلماتك ١٤٧/٢٩
الْمُبَدِّلِينَ: وارزقني سفك دماء... المبدّلين ١٢٨/٥

ب.د.ن

الْبَدَنِ: أللّهمّ أعطني... القوّة في البدن ١١٦/١١١
أن ترحم ... هٰذا البدن الهلوع ٢٠٥/١٦
بَدَنَهُ: وعرّض فيك للمكروه بدنه «محمّد» ٩/٢
وآل بجميع بدنه إليك ٢٢٢/٦
بدنه غافل لسكون عروقه ١٦٦/٩
متى راحة من نصب لغيرك بدنه ٨٤/٣

بَدَني: مظالمهم الّتي... لم يقو عليه بدني ٢٥١/٣٨
لم يقو عليه بدني ٢٥٢/٣٠
عافيةً تولّدُ في بدني العافيةَ ٦١/٢
وامنن عليّ بـ... السلامةِ في ديني وبدني ٦١/٣
واستعمل بدني فيما تقبّله منّي ٥٧/٩
على ما لَمْ أزل أتصرّف فيه من سلامةِ بدني ٤٦/١
وإن ضعف عن ذلك بدني ٥٩/٧
وأصحّ فيه «رمضان» بدني ١١٧/٤
واستعمل به «كتابك» بدني ١٥٣/١٣
وسلامة من بدني واخلاص من قلبي ١٢٧/٥
لِبَدَن: أنا أفقرهم إليك... لبدن تعافيه ٢٥٧/٩
أَبْدانًا: إلهي هل... تعاقب أبداناً عملت بطاعتك ١٨٤/٥
الْأَبْدانِ: مختلفي الألسن والألوان والأبدان ٢٤٣/٢
تعجز الأبدان عن أداء شكره ٢٤٩/١٧
قبل أن تلبس الأبدان سرابيل القطران ٩٠/٧
إرحم به «الحقّ» الأبدان اللّغبة ٧٠/١٣
أَبْدانَهُمْ: أخل... أبدانهم «المشركين» من القوّة ٦٧/١٣
إلهي... وأصحّ لي أبدانهم وأديانهم وأخلاقهم ٦٤/١
أَبْدانِها: يوم خروج الأنفس من أبدانها ١٤/١٠
أَبْدانِنا: في أديانا وأبداننا وأنفسنا وأهلينا ١٤٣/٣٢
واجعل... فراغ أبداننا في شكر نعمتك ١٥/١٦ ـ ٨/٢٦

ب.د.و

بَدا: كشآءِ رتاع آمنات بدالها ٢١٤/١٣٧ ـ ٢١٤/٥٩
بَدَتْ: إلهي بدت قدرتك ٣/١
لَمْ تَبْدُ: ولم تَبْدُ هيئة جلالك ٣/١
يُبْدِيهِ: العالم بما ... يبديه النّور ١٩٩/٥
لَمْ تُبْدِ: ولم تبدلي عورة ١٤٨/٤
لم تبد سوءاتها لمن يلتمسُ معايبي ٤٩/١١
أُبْدي: أبدى للنّاس أحسن أمري ٢٧/٨
أُبْدِيهِ: ولاقول أعيده وأبديه في ذكرك ١٩٩/١٨١
فَأُبْدِيَ: فأبدي لك بأحسن أمري ١٤٨/٣١
بادٍ: بمدية باد للذراعين حاسر ٢١٤/٥٩
بادِي: بمديته بادى الذراعين حاسر ٢١٤/١٣٧
بادِياتٍ: ياربّ النّجوم... خافياتٍ وبادياتٍ ١٣٧/٦

ب.ذ.خ

الْبَذْخِ: إلى مصارع أهل البذخ ٢١٩/٢٢
الفخر والبذخ والأشر والبطر ١٥٣/٢٥
الْبَاذِخِ: والسلطان الباذخ والمجد الفاضل ٨٣/١

ب.ذ.ر

التَّبْذِيرِ: واقبضني بلطفك عن التبذير ٧٩/٣

ب.ذ.ل

بَذَلْتَهُ: حمداً ... مكافئاً لما بذلته ١٩٩/١٧٧
أَبْذُلَهُ: فأرني فيه عدلاً حتّى... أبذله فيك بذلاً ٢٤٨/٣
لاتَبْتَذِلْ: ولاتبتذل جاهي بالإقتار ٥٥/٣٨
بَذْلاً: فأرني فيه عدلاً حتّى... أبذله فيك بذلاً ٢٤٨/٣
بَذْلَهُ: أللّهمّ إنّي أستوهبك بإلهي مالاينقصك بذله ١٠١/٦
بَذْلِكَ: ولانستوحش من أحد مع بذلك ٨/٢٠
حتّى لانرغب إلى أحد مع بذلك ١٥/٧
وإسمع لي بالمرغوب فيه من بذلك بنعمتك ١٩٩/٨٠
لِبَذْلِ: ياخير من أستدعى لبذل الرّغآئب ٢٣٩/٤
بِبَذْلِ: وفرحنا ببذل رحمتك ١٩٩/١١٧
بِالْبَذْلِ: وأثيب من حرمني بالبذل ٥٥/١٣
وقوّمني بالبذل والإقتصاد ٧٩/٣
بِذْلَةً: وعمّرني ماكان عمري بذلة في طاعتك ٥٥/٧
مَبْذُولٌ: وغفرانك مبذول لمؤمّليه ٢٠٢/٧
مَبْذُوْلَةٌ: والإعانة لمن إستعان بك مبذولة ٢٥٥/٥
مَبْذُولاتٌ: بل هي مبذولات ٨٢/٢

ب.ر.أ

بَرَأَ: ولاتّخذ معيناً حين برأ النّسمات ٢٣٨/١
بَرَأَهُمْ: وبرأهم من الآفات ٢١٩/٤٨
بَرَأْتَ: وأمرت بطاعتهم «بالائتمّة» على من برأتَ ١٤٩/٤٧
وجميع ما ذرأت وبرأت منهنّ ٢٣٤/٧
فأعذه من شرّ ما خلقت وبرأت ١١٩/٢٠
وبرأت من أصناف خلقك ١٤٧/٥٤
بَرَأْتَهُ: شرّ كلّ من ذرأته وبرأته ٢٤٩/٢٥
بَرَأْتَهُمْ: جميع خلقك منذ برأتهم ١٦/٨
بَرِئْتُ: وبرئت ممّن عبد سواك ١٦٦/٧
أَبْرَأُ: أللّهمّ إنّي أبرأ إليك في يومي هذا ٢٣٦/٦
وأنا أبرء إليك من أن أستكبر ٣٤/١١
فَأَبْرَأُ: لاأجد عذراً أعتذر فأبرأ ٢٠٣/٣
إِبْرَأْ: وابرأ قلبي من الرّياء والشّك ١١٦/١٢٣
لايُبْرِئُهُ: جرحى لايبرئه إلاّ صفحك ١٩٢/٤
لايُبَرِّئُ: ولايبرّئ نفسه من استيجاب نقمتك ١٠١/٩
تَبَرَّأَ: قد تبرّأ جميع الخلق منّي ٩٠/٥
أَتَبَرَّأُ: أتبرّأُ إليك من عَدُوّهم ٤٢/١٨

بَرْءِ: ويئسوا من برء العليل ٢١٤/٤٥
بَرَآءَةُ: إلاّ من إجازته برآءة عمله ١٩٩/١١١
وأكتب لي برآءةً من النّار ١٣٣/٧
الْبَرَآءَةَ: ونولّى البرآءة منّي ٨٨/٧
بَرِيَّةٍ: أشهد بـ... بصيرة من الشّكّ بريّة ١٩٩/١٣
الْبَرِيَّةِ: فكلّ البريّة معترفة بأنّك غير ظالم ٩٨/٥
وارتفعت البرية بالعويل ٢١٤/١٢١
كلّ البريّة معترفة بأنّك غير ظالم لمن عاقبت ٨/٩
بَرِيَّتِهِ: وإصطفاه «محمّداً» من بريّته «الله» ٢/٩
بَرِيَّتَكَ: وعليّ‌بن محمّد... حجّتك على بريّتك ٤٢/١٢
... وحجّتك على بريّتك ٤٢/١١ ـ ٤٢/٩
بحقّ من اخترت من بريّتك ١٤٧/٨٣
محمّد وعترته الصّفوة من بريّتك الطّاهرين ٩٥/٤
... والمسلمين والمسلمات من بريّتك ٤٢/١٩
أسألك بـ... الصّالحين من بريّتك ١٩٥/٥
أللّهمّ وآدم... بكر حجّتك على عبادك وبريّتك ١١/١
فاجعلنا ممّن... صيّرته من صالحي بريّتك ١٩٠/٤
لِبَرِيَّتِهِ: المحصى لبريّته ١٤٩/١٩
الْبَرِيّاتِ: يا... فاطر أصناف البريّات ١٩٩/٥١
وما فيهنّ من الخلائق والبريّات ١٣٧/٥
الْبَرايا: برحمتك الّتي... عمّت البرايا ألطافها ١٩٩/٤٢
فأيقنت البرايا أنّك مدبّرها وخالقها ١٩٩/١١
أتقنت إنشاء البرايا فأحكمتها بلطف التّدبير ٢٤٧/٥
بارِئَ: سبحانك ... بارئَ النّسمات ١٤٧/٣٠
لاإله إلاّ أنت ... يابارئ يامصوّر ١٣٧/٢
والأرض والسّمآء يابارئ يامصوّر ١٣٢/١
بريئاً: فلست بريئاً فأعتذر ١٦٣/٩
وأنا برئ يالهي من الّذين بالتشبيه طلبوك ٣/١
مُبَرَّأً: تعليماً أنّ ما أمرت به من ذلك مبرّأٌ ٢٤٩/٢
مبرّأً من بوآئق الأهواء ١٩٩/١٩١

ب.ر.ج

أَبْراجِ: ولاسمآء ذات أبراج ١٢٨/١١
خلقتَ لها وللقمر والنّجوم منازل وأبراجاً ٢٤٥/٤
الْأَبْراجِ: ماجرت النّجوم في الأبراج ١٩٩/١٩
بُرُوجاً: يامن جعل في السّمآء بروجاً ١٣٢/٣

ب.ر.ح

بَرِحْتُ: ياسيّدي لوانتهرتني مابرحت من بابك ١١٦/٣٢
فوعزّتك لو انتهرتني ما برحت عن بابك ١١٦/٧٣

ب.ر.د

بَرَّدْتُ: وبمناجاتك بردت ألم الخوف عنّي ١١٦/٨٥
لايُبَرِّدُها: غلّتي لايبرّدها إلاّ وصلك ١٩٢/٢
لَمْ يُبَرِّدْ: لَمْ يبرّدْ حرارة غَيْظِهِ ١٥٣/٦
تُبَرِّدُ: تبرّد به مضاجعهم ١٤٣/٣٧
بَرْدُ: عندك ... برد لوعتي ١٨٩/٨
وأوجدني برد عفوك وروحك وريحانك ١٤٧/١٠٧
عن قلبي من برد خشيتي منك ٢١٩/١
وارزقني برد عفوكَ ١١٤/١١
ومالت أرواحهم إلى ظلّ برد المشتاقين ٢٠٠/٣٠
لاتخلني في مشهد القيامة من برد عفوك ١٨٢/٤
يانار كوني برداً وسلاماً (قرآن) ٢٢/٢٥
... أذقني برد السّلامة ٤٦/٥
الْبَرْدِ: ومشيّعي الثّلج والبرد ١٢/١١
من شرّ الصّواعق والبرد والرّيح والمطر ٢٤٩/٢٦
بَرْدَهُ: أللّهمّ... ولاتجعل برده علينا حسوماً ٥٣/٥

ب.ر.ر

بَرَرْتَ: صدقت وبررت يامولاي ٣٥/١٤ ـ ٢٠٥/١٤
بِرِّ: تعينهم بها على ما استعانوك عليه من برّ ١٤/٨
سيّدي لم تزل برّاً بي أيّام حياتي ١٩٩/١٢٢
وابرُّهما «الأبوين» برّ الأُمّ الرَّؤُوف ٩٣/٥
الْبِرِّ: وتعطّف بالعزّ والبرّ والجلال ٢/٢ ـ ٢/٧
وجاوزت البرّ إلى الإثم ١٦٤/١٣
ياعظيم البرّ ١٨٢/١٢
ووجّه في أبواب البرّ إنفاقي ٧٩/٤
سيّدي تتابع منك البرّ والعطآء ١٩٩/١٨١
وتولّيتني بعوآئد البرّ والإكرام ١٩٩/١٧٦
بلّغنا برحمتك غنآئم البرّ والإحسان ١٩٩/٣٤
بِرَّهُما: وأستكثر برّهما «الوالدين» بي ٦٣/٥
بِرِّهِمْ: وأعنّي على... برّهم «ولدي» ٦٤/٤
بِرِّكَ: فلا تقطع لطيف برّك بي بعد وفاتي ١١٩/١٢٢
فلا تقطع برّك عنّي بعد مماتي ١٩٧/٨
إلى غايتي هٰذه لأأعدم برّك ٨٨/١٦
أبتهل إليك بعواطف رحمتك ولطائف برّك ١٨٦/٤
يمتري العظيم من برّك ونداك ١٨٧/٨
إلهي ... ضربت عليّ لطآئف برّك ١٨٧/٥
وأدنيتني بحسن نظرك وبرّك ١٩٩/١٧٣
لحسن تطوّلك من نوافل برّك ١٩٩/١٨٠

ولاتقطع عن كافّتنا مادة برّك ٩٧/٤
وها أنا ... لنفحات برّك متعرّض ١٩٢/٨
برّي: ... واستقلّ برّى بهما «الوالدين» وان كثر ٦٣/٥
ولاأستبطئهما في برّى ٦٣/١٠
واجعل ... برّى بهما أقرّ لعيني ٦٣/٥
بِبِرِّهِما: واغفرلهما ببرّهما بي مغفرةً حتماً ٦٣/١٥
بِبِرِّكَ: وأخصّنا ببرّك ١٤٢/٢٢
بِالْبِرِّ: وأتولّى بالبرّ عامّتهم ٦٥/٣
وأجزى من هجرني بالبرّ ٥٥/١٣
وأعوذبك من أن أشترى ... القطيعة بالبرّ ١٦٤/٢٤
وإختم لي بالبرّ والتّقوىٰ عملي ١٩٩/٧٧
لأن نصل أرحامنا بالبرّ والصّلة ١١٥/١٣
لِلْبِرِّ: وأصب بي سبيل الهداية للبرّ ٥٥/٣٥
بَرَّ: أللّهمّ لاتهلكنا وأنت بنا برّ ٢٢/١٦
يابرّ بالطيف ١١٨/١
لاأدرى في سهلٍ ... أو في برّ ٧٧/١٣
إلهي إنّك لم تزل برّاً بي أيّام حياتي ١٩٧/٨
في برٍ ولابحرٍ ولابخرق من الأرض ١٢٨/١١
البَرُّ: أنت ... البَرّ الكريم ١٨٧/٣
فغذوتني بفضلك غذاء البرّ اللّطيف ٨٨/١٥
الحمدلله الّذى حملنا في البرّ والبحر ٢٦١/١
البرّ منهم والفاجر ١٢٣/٢
بَرَّها: برّها وبحرها وسهلها وجبلها ١١٩/٢٧
الْمَبَرَّةَ: ومن عقوق ذوى الأرحام المبرّة ٥٥/١٠
الْبَارّ: والبارّ من عترته البررة المتّقين ٤٢/٨
أَبْراراً: فجعلتهم طيّاباً أبراراً أتقياء ٢٠٦/١٦
إلهى ... واجعلهم «ولدى» أبراراً اتقياءَ ٦٤/٢
الْأَبْرارِ: الطّيّبين الأخيار الصّادقين الأبرار ١٤١/٣٣
سيّدى إن أقعدني التّخلّف عن السّبق مع الأبرار ١٩٩/٩٦
وهب لنا حسن شمائل الأبرار ١٠٩/١٠
بالصّالحين من صفوتك والأبرار من خاصّتك ١٩٦/٤
ألحقني بالصّالحين الأبرار ١٨٨/٤
إلهى، الجنّة دار الأبرار ٢٠١/٩
صلّ على محمّد وآل محمّد الطيّبين الأبرار ٢٠/٥ ـ ١١٣/٥
أللّهمّ ... أحللني دار الأبرار ٢٣٩/١١
على أهل بيته الطيّبين الأخيار الصادقين الأبرار ١٢٣/١٠
أللّهمّ صلّ ... إذا ذكر الأبرار ٨٨/٢٣
لو ... حلت بيني وبين الأبرار ١١٦/٧٤
ألحقني بالصّالحين والصّالحات والأبرار ٢٤١/٩
أنزل محمّداً في أشرف منازل الأبرار ١٤١/٢٥
فنعمل... كالمراصدين لمثوبتك بوسائل الأبرار ٢٠٠/٦
فصلوات الله عليه وآله ... الأبرار ٢/١٠
سهّلت له ... بالتوفيق في منازل الأبرار ٢٠٠/٣٥
وألحقني بأوليائك الصّالحين محمّد وآله الأبرار ١١٦/١١٦
لِأَبْرارِ: إغضب اليوم لمحمّد ولأبرار عترته ١١٧/٣٣
بِالْأَبْرارِ: وألحقنا وإيّاهم بالأبرار ٢٠٦/١٧
ألحقني وإيّاهما «والدين» بالأبرار ٢٤٧/١١
الْبَرَرَةِ: والبارّ من عترته البررة المتّقين ٤٢/٨
خاتم الأنبيآء وآله البررة الأتقيآء ١٩٩/٢٠
والسّفرة الكرام البررة ١٢/١٢
مَبْرُوراً: وتجعلني عندك مقبولاً مبروراً ١٢٧/٤
وصنيعك لدىّ مبرور ١٦٣/٦
وصحبنا صحبة مبرور ١٤٢/٢٦
والعمرة في عامي هذا متقبّلاً مبروراً خالصاً ١٣٢/١١
الْمَبْرُورِ: المبرور حجّهم ١١٧/٤٢
مَبْرُورَةً: إجعل ... أعمالنا مبرورة ٢٠٠/٢١
أَبَرُّ: يامن هو أبرّ بي من الوالد الشّفيق ١٩٩/٤٠
يامن هو ... أبرّ بي من الولد ١٩٩/٧٦
الْأَبَرُّ: وأقسمت وقسمك الأبرّ الأوفى ٧٦/٤
أَبَرُّهُما: وأبرُّهما «الأبوين» برّ الأمّ الرَّؤوف ٦٣/٥

ب.ر.ز

تَبْرُزُ: يوم تبرز الأخبار ١٩٩/٤٩
أَبْرَزْتَ: وأبرزت لك من شهواتها ٢١٤/١٠٠
لاتُبْرِزْ: ولاتبرز مكتومي ولاتكشف مستورى ١٠٨/٢
بارَزَكَ: أنا الّذي استخفي من عبادك وبارزك ١٤٧/٨٢
بارَزْتُ: وبارزت بذنوبي عند المولى ١٩٨/٣٤
وبارزت ربّى بالذّنوب والخطايا ١٩٨/٣٥
بارَزْتُكَ: وبارزتك بخطيئتي من جهلي ١٢٨/٩
سيّدى عظم جرمي إذ بارزتك بإكتسابه ١٩٩/٨٥
لِإِبْرازِهِ: وتشمّروا لإبرازه ٢١٤/٤٩
وشمّروا لإبرازه ٢١٤/١٢٥

ب.ر.زخ

الْبَرْزَخِ: حمداً يضيئ لنا به ظلمات البرزخ ١/١٤
في مطالع أهل البرزخ ٢١٩/٢٦

ب.ر.ص

الْبَرَصِ: أعوذبك من... البرص والجذام ١٥٣/٣١

ب.ر.ع

تَبَرَّعْتُ: واجعل ما ... تبرعت به ١٠١/٣

ب.ر.ق

بَرِقَتِ: حمداً تقرُّ به عيوننا إذا برقت الأبصار ١/١٦
بَرْقُهُ: ولاخلّب برقه أللّهمّ ابقنا غيثاً مُغيثاً ٥٣/٢
الْبُرُوقِ: التمعت صواعق البروق ١٢/١١
بُرُوقِهَا: وأو مض لي من كلّ أفق بروقها ٢١٩/١٢
بَارِقٍ: أو صبح بارقٍ ومن كيد كلّ مكيد ١٦١/٢
الْإِسْتَبْرَقِ: السندس والإستبرق ٢٠٦/٢٢

ب.ر.ك

بَارَكْتَ: كما صلّيت وباركت ١٤١/٢٤
صلّ ... كما صلّيت وباركت ١٤٣/٥٣
أَنْ تُبَارِكَ: أن تبارك لي فيما قسمت لي ١٢٩/٨
وأن تبارك لي في لقائك ١١٤/٩
وأن تبارك عليهم بأفضل بركاتك ٢٥١/١٤
أن تبارك عليهم «محمّد وآله» بأفضل بركاتك ٢٥٢/٨
بَارِكْ: وبارك عليهم افضل بركاتك ١٢٢/١١
وبارك لي فيما رزقتني ١٤٩/٦٢
وبارك عليه أتمّ بركاتك ١٤٧/٤٦
وبارك لي في أهلي وولدي ومالى ٢٥١/٣٣
وبارك لي فيما أعطيتني ٢٥١/٤١
وبارك عليهم «محمّد وآله» بأفضل بركاتك ٢٥١/٣٩-٢٥١/٤٥
٢٥١/٣٤ - ٢٥١/٥٣ - ٢٥١/٢ - ٢٥٢/٢ - ٢٥٢/٣١
أللّهمّ ارزقني من فضلك وبارك لي في رزقك ١٢١/١٠
وبارك على محمّد وآل محمّد بأفضل بركاتك ٢٥٢/٢٧
وبارك لي في أهلي ومالى ٧٨/٧ - ٢٥٢/٢٦
أللّهمّ وبارك لنا في الموت إذا نزل بنا ١٤٣/٣٨
بارك لنا في استقبال شهرنا هذا ١٤٣/٣١
وسّع عليّ في رزقي وبارك فيما رزقتني ١٢١/٨
وبارك لي فيما رزقتني وفيما خوّلتني ٥٩/٦
وبارك لي فيما رزقتني ١٣٨/٥
وبارك لنا في حلول دار البلىٰ ١٠٩/١٩
وبارك على محمّد وآل محمّد ١٤١/٢٤
وبارك لنا في يوم عيدنا وفطرنا ١٤٢/٥٤
فَبَارِكْ: فبارك لنا فيه «الطعام» ٢٥٩/١
ودنياي وآخرتي فبارك لي ١٥٣/٢٢
تَبَارَكَ: فقلت تبارك اسمك وتعالیت ١٤٢/١٠
تبارك الله ربّ العالمين ١١٦/٣٤
فقلت تبارك اسمك ١٤٢/٧
تبارك الله أحسن الخالقين ٢٥١/١٨ - ٢٥٢/١١
تَبَارَكْتَ: وقلت من بعد ذلك تباركت وتعالیت ٢٥٧/١٣
اذ قلت تباركت وتعالیت إنّ الإنسان ٢٥٧/٣٠
ولايعز من عاديت، تباركت وتعالیت ٨٣/٩
تباركت ياربّ العالمين ١١٦/٨٧
وقد علمت تباركت وتعالیت ٧٠/٤
فلمّا رَأَيْتَ بِالٰهي تباركت وتعالیت ١٥٢/٨
قلت تباركت وتعالیت في عامّة ابتدائه ١٤٤/١٥
تباركت وتَعالَيْتَ ياربّ العالمين ١١٦/١٠٢
لك الخلق والأمر تباركت وتعالیت ١٢٨/٢
فَتَبَارَكْتَ: فتباركت أن توصف إلاّ ٨/١٨ - ٩٨/١١
فتباركت وتعالیت لاإله إلاّ أنت ١٦٦/٧
مُبَارَكَةً: صلاة كثيرةً طيّبةً مباركة ١٢٢/٧
تجارةً نامية مباركةً لاتلهيني ٣٦/٧
الْمُبَارَكَةِ: إلاّ من فروع الشجرة المباركة ٢١٩/٤٨
بَرَكَةٍ: ان يجعلك هلال بركة لانمحقها الأيّام ١١٠/٤
أعظم لي في هذا اليوم بركة المغفرة ١٤٤/٢٨
أدخل عليهم من بركة دعائنا ما نجعله ١٤٣/٣٩
أدخل عليهم رحمة من بركة دعائنا لهم ١٤٣/٣٧
سلف من عمري بركةً وإيماناً ٢٠٢/٩
معافاةٍ وبركةٍ منك ١٥٣/١٤
الْبَرَكَةِ: محمّد ... مفتاح البركة ٩/٢
وأعظم لي فيه «رمضان» البركة ١١٧/٣
والشهادة والبركة والرحمة والقبول ١٤٣/٢٧
سلامٌ دآئم البركة إلى طلوع الفجر ١١٥/٥
بَرَكَتَهُ: أهطل علينا بركته «الحقّ» ٧٠/١١
بَرَكَتَهَا وأنزل علينا نفع هذه السّحائب وبركتها ٩٧/٢
صلاة تبلغنا بركتها ١٤٢/٦٤
بِبَرَكَةِ: جدت عليه بما قد أمّل ببركة دعآئي ٦٨/١
بِالْبَرَكَةِ: ووفّر ملكتي بالبركة فيه ٥٥/٣٥
بَرَكَاتِ: وارزقنا من بركات السماوات والارض ٥٣/٦
الْبَرَكَاتِ: يامنزل البركات وعالم الخفيّات ٢٣٧/١٠
نسألك ياواسع البركات ٢٠٠/١٣
أسألك ... من البركات أعمّها ١٩٩/٢٤
بَرَكَاتُهُ: ورحمة الله وبركاته ١١٦/٨-١٢٣/١١-١٢٢/١١
آله الطّيّبين الطّاهرين ورحمة الله وبركاته ١٠٩/٢٧
وأجسادهم ورحمة الله وبركاته ٢٥١/٤٥ - ٢٥٢/٢ - ٢٥١/٣٤ - ٢٥١/٣٩ - ٢٥١/٥٣
والسّلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته ٢٥٢/٣١

السّلام عليك ياأميرالمؤمنين ورحمة الله وبركاته ٢٥٥/١
والسّلام على ... ورحمة الله وبركاته ٢٥١/٢
سلام الله وبركاته عليهم أجمعين ١١٩/٧١
والسّلام عليكم ورحمة الله وبركاته ٢٦٢/٢
بَرَكاتِكَ: وتنزل عليّ شيئاً من بركاتك ١٤٩/٤٢
وأنزل عليّ من بركاتك نعمة منك سابغة ٢٥٢/١٩
فاجعل شرائف صلواتك ونوامي بركاتك ١٤٣/٢٣
صلواتك عليه وبركاتك عليه ٦١/٤
وأن تبارك عليهم بأفضل بركاتك ٢٥١/١٤
بارك عليهم «محمّد وآله» بأفضل بركاتك ٢٥٢/٣١
٢٥١/٣٩ ـ ٢٥١/٢ ـ ٢٥١/٥٣ ـ ٢٥١/٣٤ ـ ٢٥١/٤٥ ـ ١٢٢/١٠ ـ ٢٥٢/٢
أللّهمّ إجعل ... أشمل بركاتك ١٩٩/٦٢
أن تبارك عليهم «محمّد وآله» بأفضل بركاتك ٢٥٢/٨
وعلى ماض من بركاتك سلبناه ١٤٢/٤٧
وبارك عليهم «محمّد وآله» افضل بركاتك ١٢٢/١١
وبارك عليه أتمّ بركاتك ١٤٧/٤٦
واخصصهم بأفضل صلواتك ورحمتك وبركاتك ٦٣/١
وأنزل عليّ من بركاتك ٢٥١/٢٧
وبارك على محمّد وآل محمّد بأفضل بركاتك ٢٥٢/٢٧
بِالْبَرَكاتِ: الإقلاع عمّا... يذهب بالبركات ١٤٧/٩٣
السّلام عليك كما وفدت علينا بالبركات ١٤٢/٤١
مُبارَكاً: رزقاً واسعاً مباركاً طيّباً حلالاً ١٩٩/٢٠٠
الْمُبارَكَ: الفرد العظيم المبارك الكريم المثابة ١٤٣/٣٤
الْمُبارَكاتِ: الصلوات المباركات الزّاكيات ١٤٧/٦٩
وأسألك بهذه الأسمآء المباركات ١٣٧/٨

ب.ر.م

أَبْرَمَ: نبّطه إذا عزم، وانقض ما أبرم ٥٠/١١
بَرَماً: السّلام عليك غير مودّع برماً ١٤٢/٤٢
الْإِبْرامِ: أهل النقض والإبرام ١١٤/٢١

ب.ر.ه

بُرْهَةٍ: وجعلت في برهة من محن الدّنيا ٢١٩/٣٤
بُرْهاناً: ولم يعيك برهان ولابيان ١٤٧/١٥
وما حجّ به عقولنا من برهان رسالاته ١٠/٢٧
الْبُرْهانِ: ياذاالبرهان ياذاالجبروت ١٢٤/٣
والقوّة والبرهان ٢١٤/٧٤
من نور البيان وإيضاح البرهان ٢٠٠/٢٢
بُرْهانَهُ: وعظّم برهانه «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
الحمدلله العظيم شأنه الواضح برهانه ١٢٣/٤
وأستهديه بنور برهانه ١٩٩/٥٤
ونور هدى لايطفأ عن الشّاهدين برهانه ١٠٩/٤
بُرْهانَها: الدّلائل الهادية الّتي أوضح برهانها ١٩٩/١٧
بُرْهانَكَ: فسبحانك ما... أنطق بالصّدق برهانك ٢٤٧/٦
ولم يدحض لترك معاجلتهم برهانُك ١٢٦/٨
لِبُرْهانِ: إسترشاداً لبرهان آياتك ٢٤٩/٣

ب.ر.ى

لَمْ تَبْرِهِ: ولم تبره من سقمه ٢١٤/١١٣

ب.ز.ز

فَابْتَزَّ: فابتزّ أمور آل محمّد ٧٠/٥

ب.ز.ل

الْبُزَّلِ: تفسّح حاشية الإبل تحت أوراق البزّل ٢١٩/٤٣

ب.س.ط

بَسَطَ: إلهي جودك بسط أملى ١٩٧/١٣ـ٢٠١/٤٢ـ١٩٩/١٢٦
إلاّ أنّ جودك بسط أملي ١١٦/٨٣
بَسَطْتَ: أللّهمّ إن بسطت عليّ الدّنيا ١٢١/٧
سبحانك بسطت بالخيرات يدك ١٢٧/٢٤
بَسَطْتُ: تحقّق رجائى فيما بسطتُ من أملى ١٣٨/١٧
لنيل عطاياك بسطتُ أملى ١٨٥/٥
لايَبْسُطُ: واجعلنى ممّن لايبسطُ كفّه إلاّ إليك ٨٧/٤
تَبْسُطُهُ: أورزقٍ تبسطه بين عبادك ١٣٢/٥
فَتَبْسُطْ: إن لم تفضّل بعفوك ربّنا فتبسط آمالنا ٢٠٠/٧
لاتَبْسُطْ: ولاتبسط علينا فيه ألسن الطّاغين ١٤٢/٥٣
لاتَبْسُطَ: وحتّى لاتبسط أيدينا إلى محظور ١١٥/٨
إبْسِطْ: وابسط لي في رزقي ١٤٩/٦٨
أَبْسُطْ: وابسط يده «وليّك» على أعدائك ١٤٧/٦٦
أبسط عليّ طولك ٨٠/٢٠
وأبسط لسانه «محمّد» في الشّفاعة لأمّته ١٠/٢٤
فَابْسُطْ: وبسعتك فابسط يدى ٥٩/٤
إنْبَسَطَتْ: وفيما عندك إنبسطت رغبتى ١١٦/٨٤
بَسْطِ: وألبسنى زينة المتّقين في بسط العدل ٥٥/١٥
فلك الحمد على بسط لسانى ١١٦/٨٢
الْبَسْطِ: والحمدلله الّذى ركّب فينا آلات البسط ١/٢٢
وأقبض أيديهم «عدوّ أهل الثّغور» عن البسط ٦٧/٧
واجعلنا من الّذين ... إستلانوا البسط ٢٠٠/٢٦

بَاسِطَ: ياباسط اليَدَيْنِ بالرّحمة ١١٦/٣١
بَسِيطَتِكَ: ولسان قدرتك والخليفة في بسيطتك ٢٢٢/٢
مَبْسُوطٌ: رزقك مبسوط لمن عصاك ١٤٦/٦
الْمَبْسُوطَاتِ: ياربّ الأرضين المبسوطات ١٣٧/٥
أَبْسَطَهَا: أسألك... من الزّيادة أبسطها ١٩٩/٢١

ب.س.ل

فَلاَ تُبْسِلْنِي: وبعملي فلا تبسلني ٢٥١/٢٣

ب.ش.ر

بَشَّرَ: أنّه «محمّد» بشّر بما هو حقٌّ من الثّواب ٢٤٦/٤
بَشَّرَتْ: فأكرم بها «نفسي» أمنية بشّرت بعفوك ١٩٧/١٩
بَشَّرَتَ: وبشّرت به عبادك ١٦٢/٢
بُشِّرْتُ: أنا الّذي حين بشّرت بها خرجت ١١٦/٦٥
فَأَبْشَرَ: أم من أهل السّعادة خلقتني فأبشّر رجائي ١١٢/٢-٢٠٣/٩
بَشِّرْنِي: بشّرني بذلك في العاجل دون الآجل ٤٩/٢٠
بَاشَرَ: وأنا المقرّ على نفسي بما... باشر جسدي ١٤٨/٥
يُبَاشِرُ: يقيناً صادقاً يباشر قلبي ١٢٩/٤
تُبَاشِرُ: وأن تهب لي يقيناً تباشر به قلبي ١١٧/٣١
أللّهمّ إنّي أسألك إيماناً تباشرُ به قلبي ١١٦/١٣٥
أللّهمّ هب لي يقيناً تباشر به قلبي ١٣٧/٤
بِبِشَارَتِهَا: وأنست نفسي ببشارتها «المحبّة» ١٩٩/١٦٣
مُبَاشَرَةِ: من مباشرة معصيتك ١١٠/٨
الْبَشَرِيَّةِ: أللّهمّ إنّ جبلّة البشريّة وطباع الإنسانية ٢٢٣/١
مُبَشِّرَاتٍ: فأرني مبشّرات من إجابتك نفي ٢٤٩/٤
فصدّق بكرمك مبشّرات تنبّها ١٩٧/١٩
مُسْتَبْشِرٍ: كم شامتٍ مستبشر بوفاته ٢١٤/٤٨ - ٢١٤/١٢٤
مُسْتَبْشِرِينَ: وعند معاينة الموت مستبشرين ٢٠٦/٢١
مُسْتَبْشِرَةٌ: وجوهٌ يومئذٍ... مستبشرة (قرآن) ١١٦/٨١
بَشِيراً: المتعلّقين بعروته بشيراً ١٠/٨
الْبَشِيرِ: وقائد الخير البشير النّذير ١٢٣/٩
البشير النذير السراج المنير ١٤٣/٢٣
صلّ على محمّد وآل محمّد البشير النذير ١٤٣/٥١
الْبَشَرِ: ياإله البشر منك أطلب ١٧٧/٢
بَشَرِي: فحرّم شعري وبشري على النّار ٢٦٨/٢
أللّهمّ اجعل ... نوراً في بشري ١٣٤/٣
فقد آنسني بشرىٰ الغفران والرّضوان ١٨٦/٣
بُشْرىٰ: يوم يرون الملآئكة لابشرىٰ (قرآن) ٢٠٧/١٦
بُشْرىً: بشّرني بذلك ... بشرىً ٤٩/٢٠
أَبْشَارِ: وحكم في أبشار المسلمين أهل الذّمّة ٧٠/٦
الْأَبْشَارُ: به وجوهنا إذا اسودّت الأبشار ١/١٦

ب.ش.ش

بَشَاشَةَ: وهو يظهر لي بشاشة الملق ١٥٢/٧
وآليت لاتبقى الليالي بشاشة ٢١٩/٢٥
أو نعيم أنس أو بشاشة ألف ٢١٩/٢٤

ب.ص.ر

فَأَبْصَرُوا: فأبصروا جسيم الفطنة ٢٠٠/٢٩
لَأَبْصَرَتْ: لأبصرت من قبح المنيّة منظراً ٢١٤/٥٤
يُبْصِرُونَ: أم لهم أعيُنٌ يبصرون بها (قرآن) ١٥٩/٩
لاَيُبْصِرُونَ: تراهم ينظرون إليك وهم لايبصرون (قرآن) ١٥٩/١٠
وبصّرهم «أهل الثغور» ما لايبصرون ٦٧/٣
فأغشيناهم فهم لايبصرون (قرآن) ٢٣/٥ - ١٦١/٥
لَهُم أعينٌ لايبصرون بها (قرآن) ١٥٩/٧
صمٌ بكمٌ عميٌ فهم لايبصرون (قرآن) ٢٢/٩ - ٢٢/١٠
بَصَّرَ: وبصّر «محمّد» من لم تجعل على غشاوة ١٠/٣
بَصَّرْتَ: فلك الحمد على ما ... بصّرت ١٢٠/٢
وبصّرت فتعامينا ٨٧/٦
بَصَّرْتَنِي: بصّرتني ما جهله غيري ٢٤٨/٧
بَصَّرْتَنَا: وبصّرتنا الزّلفة لديك ١٤٢/٢٣
الحمد على ما ... بصّرتنا من مطالب الأقوات ٢١/٥
تُبَصِّرُنِي: ووفّقني للنّفوذ فيما تبصّرني من علمه ٦٣/٣
بَصَّرْهُمْ: وبصّرهم ما لايبصرون «أهل الثغور» ٦٧/٣
بَصَّرْنَا: بَصّرنا ما نكايده به ٥٠/٦
يَسْتَبْصِرُ: الدّلآئل الّتي يستبصر بنورها الموجودون ١٩٩/٧
أَسْتَبْصِرُ: بنورك أهتدي وأستبصر ١٩٩/٢
بَصَرُ: حتّى إذا انفتح له بصر الهدى ٨٠/٣
وغشى بصر كلّ ناظرٍ نورك ١٤٩/٤
بَصَرِهِ: وجعل على بصره غشاوة (قرآن) ٢٢/١٣
وشقّ سمعه وبصره ٢٥٢/١١ - ٢٥١/١٨
وبصّر من لم تجعل على بصره غشاوة القلوب ١٠/٣
وغمّض بصره إلى الأرض متخشّعاً ٨٠/٥
واجعل بين يديه سدّاً حتّى تعمى عنّي بصره ٦١/٨
بسمع الله وبصره وقوّته ٢٢/٨
بَصَرِي: وأضأت لي بصري بلطفك ١٤٨/٢٠
شاخصاً إليك بصري ٩٠/٥
واجعل النّور في بصرى ٢٥٢/١٣ - ٢٥١/٢١
تنوّر بها بصرى ١٤٣/٤٤

وأغضّ بصري عنهم «جيراني» عفّةً ٦٥/٣
وإلى جودك وكرمك أرفع بصري ١١٦/٩٠
نوّر به «كتابك» بصري ١٥٣/١٣
أن تجعل القرآن ربيع قلبي ونور بصري ٢٢/٤٠
ولك سمعي وبصري ١٥٣/١٥
أللّهمّ اجعل ... نوراً في بصري ١٣٤/٣
وتعيني على غضّ بصري وحفظ فرجي ١٢٧/٩
أَبْصارُ: أللّهمّ إليك... شخصت أبصار العابدين ٨٣/٥
قصرت عن رؤيته أبصار النّاظرين ١/٢
واعم أبصار قلوبنا عمّا خالف محبّتك ٣٠/٥
حتّى لاذت أبصار القلوب نحو السّماء ٢٠٠/٣٢
وخذ عنّي بـ.. أبصار أعدائي ١١٦/١١٤
وأوهل أبصار أهل المعروف العلى ١٠/٢٤
اَلْأَبْصارُ: يامن تنقطع دون رؤيته الأبصار ٨/٢٠ ـ ١٥/٤
إنحسرت الأبصار دون النّظر إلى سبحات وجهك ١٩٣/١
سبحانك طوت الأبصار في صنعتك ٢٢٢/٧
يوم ... تشخص القلوب والأبصار ١٩٩/٤٩
والحمدلله... حمداً تقرّ به عيوننا إذا برقت الأبصار ١/١٦
الخشّع الأبصار فلا يرومون النّظر إليك ١٢/٨
الأبصار الّتي كشفت عنها حجب العميّة ٢٠٠/٤١
ولم تدرك الأبصار موضع أينيّتك ١٤٧/١٧
فإنّها لاتعمى الأبصار (قرآن) ١٥٩/١٤
وحارت الأبصار دونك ١٤٩/٤
ليست الأبصار بمدركة لك ٢٤٣/٣
وإحتجب عن الأبصار بالعزّة ٢/١ ـ ٧/١
فلا الأبصار تثبت لرؤيته ٢/١ ـ ٧/١
أَبْصارِهِمْ: قد كشف الغطآء عن أبصارهم ١٩٣/٣
على ما لو سترته عنهم لم تدركه أبصارُهُم ١٤٢/١٤
وأبصارهم واولئك هم الغافلون (قرآن) ٢٢/١٣
طبع الله على قلوبهم وسمعهم وأبصارهم (قرآن) ١٥٩/١١
كانت عافيتك لنا حجاباً دون أبصارهم ٩٥/٢
خسأت أبصارهم عن عيب التّدبير ٢١٩/٣٠
أَبْصارُها: أبصارها خاشعةٌ (قرآن) ٢٠٧/١٥
أَبْصارَنا: متّع أبصارنا بالجولان في جلالك ٢٠٠/٣٦
لِأَبْصارِهِمْ: لأبصارهم ماأعددت فيها من مساكن ٦٧/٥
تَبْصيرُكَ: لو لاتبصرك ضللت عن السّبيل ١٩٩/٧١
بَصيرَةٍ: أشهد بـ.. بصيرة من الشّكّ بريّة ١٩٩/١٣
وزدهم «جيراني» بصيرةً في حقّي ٦٥/٥
أللّهمّ أعطني بصيرةً في دينك ١١٦/١٢٤
اَلْبَصيرَةَ: والبصيرة من العمى ١٦٤/٧
وامنن عليّ بـ.. البصيرة في قلبي ٦١/٣
والبصيرة عند تشبّه الفتنة ١٦٤/٢٢
بَصيرَتِهِ: ومحسن مخلص في بصيرته ١٩٩/١٣١
بَصيرَتِهِمْ: لم يثنهم ريب في بصيرتهم ١٤/٦
بَصيرَتي: تجلو به عن بصيرتي غشوات العمى ١٨٥/٧
أحكم في عبادتك بصيرتي ٨٠/١٠
اَلْبَصائِرِ: ناجاك عزم البصائر لي فيك ٢٤٩/٥
بَصائِرِهِمْ: تحيط بمبالغ بصائرهم ٢٥١/٥٧
بَصآئِرِنا: إقشع عن بصآئرنا سحاب الإرتياب ١٨٨/١
مُبْصِراً: جاء بالنّهار مبصراً برحمته ٢٤٤/١
وخلق لهم النّهار مبصراً ليبتغوا فيه من فضله ٢١/٣
مُبْصِرَةً: وجاعل آية النّهار مبصرةً ١٣٥/١
اَلْمُسْتَبْصِرُونَ: ولولاتسديدك لم ينج المستبصرون ١٩٩/١٦٤
بَصير: يالله ياسميع يابصير ١٤١/٢
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... بصيرٌ لايرتاب ١٣٠/٣
اَلْبَصيرُ: أنت... السميع البصير القديم الخبير ١٤٧/٦
وهو السّميع البصير سبحان مَن هو هكذا ١٣١/٣
ليس كمثله شيءٌ وهو السّميع البصير (قرآن) ١/١٢٣ ـ ٣/١٥٩
وهو السّميع البصير (قرآن) ٢/٨
بُصَرآءَ: واجعلهم أبراراً أتقياء بصراء سامعين ٦٤/٢
أَبْصَرَ: ياأبصر النّاظرين ٢٩/٤٢ ـ ١/١٨١

ب.ط.ؤ

أَبْطَأَ: إذا أبطأ عليّ ما قصدت فيه إليك ٤٠/٢
لعلّ الّذي أبطأ عليّ هو خيرٌ لي ٤٠/٢

ب.ط.أ

أَبْطَأَتْ: أو أبطات به فافةٌ ٦٧/٢٢
ولاآيساً من إجابتك وإن أبطأت عنّي ١٢٦/٣
ولا آيساً من إجابتك لي وإن أبطات عنّي ٥٧/٧
أَبْطَأْتَ: وأبطأت عليه من سطوات النّقمة ٨/١٦
وأبطأت به عليه من سطوات النّقمة ٩٨/١٠
أَبْطَأْتُ: وأبطأت في الإجابة والمسارعة إليها ١٦٤/١٩
فَأَبْطَأْتُ: يحجبني أمر أمرت به فأبطأت عنه ٣٤/١
لايُبْطِئُ: ولايبطئ بي حسن صنيعك ٨٨/١٦
لاأَسْتَبْطِئُهُما: ولاأستبطئهما في برّي ٦٣/١٠
نَسْتَبْطِئُ: عملاً نستبطئ معه المصير إليك ١٠٣/٣
اَلْإِبْطاءِ: أعوذبك من التّقصير والإبطآء ١٥٣/٣١
إِبْطاؤُكَ: إبطآؤك عن مُعاجلتي ٤٩/١٤
مُسْتَبْطِئٍ: غير مستبطىء منك ١٩٩/١٨٢

بَطيئاً: وإن كنت بطيئا حين يدعوني ٣/١١٦ ـ ٤/١٢٠
وإن كنت بطيئاً حين تدعوني ١٢/١٦٣
طوامس لاتجري بطيء خفوقها ٤١/٢١٩

ب.ط.ر

بَطِرْتُ: أشرت وبطرت وتهاونت ٢٧/٢٥٧
وبطرت وتهاونت حتّى جاء التّغيّر مكان العافية ٤/٣٥
فَبَطِرْتُ: فيما أوليتنيه فبطرت بالنّعم ١٢/١٦٤
أَبْطَرَني: جميل فضلك عليّ أبطرني ١٥٤/١٩٩
يُبْطِرُهُ: ولاتجعلني ممّن يبطره الرّخاء ٥/٢٠٤
بَطَراً: لاسمعة ولاأشراً ولابطراً ١٠٩/١١٦
بطراً في نعمتك عنده ٢/٤٤
الْبَطَرِ: والأشر والبطر والإعجاب بنفسي ٢٥/١٥٣
وأعذنا من الفشل ... والبطر ١٦/٢٠٠

ب.ط.ش

يَبْطُشُ: يبطش البطشة الكبرىٰ ٢٣/١٤٩
يَبْطِشُونَ: أم لهم أيدٍ يبطشون بها (قرآن) ٩/١٥٩
أَبْطُشْ: ابطش به البطشة الكبرىٰ ١/١٦٠
بَطْشَ: يعلم ... بطش الأيدي ٢٤/١٤٩
أعيذ نفسي ... بشدّة بطش الله ٢٧/٢٢
كفانا الله وإيّاكم... بطش الجبّارين ١/٢٦٢
الْبَطْشِ: بما يتغمّد به القادر على البطش ١٠١/١٤٧
باشديد البطش ١٧/١١٤
بَطْشِهِ: أعذني فيه من ... بطشه «الشيطان» ٧/١١٧
لايمتنع من بطشه شيْ ١٧/١٤٩
الْبَطْشَةَ: ابطُش به البطشة الكبرىٰ ١/١٦٠
يبطش البطشة الكبرىٰ ٢٣/١٤٩

ب.ط.ل

بَطَلَتْ: وبطلت حجّتي في عظيم وزرى ٨٢/١٩٩
لايَبْطُلُ: ولايبطل عندك شوق النّآئقين ٥/١٩٧
لاتُبْطِلْ: ولاتبطل سعيى ١٩/١٤١
فَلاَ تُبْطِلْ: فلا تبطل لي صدق رجآئي لك ٨٤/١٩٩
أَبْطِلْ: أبطِل كيده، واهدم كهفه ١٢/٥٠
بَاطِلٌ: أعوذ ... أقول لحقّ هذا باطلٌ ١٣/١٣٥
فلم ينهه عن باطل ٢٠/٢٠٠
أو شهادَةِ باطل أو اغتياب مؤمن غايب ٢٢/٥٥
أللّهمّ وما سوّل لنا من باطلٍ فعرّفناه ٦/٥٠
واضْمحلّ عنه كلّ باطل ٤/١٦٤
الْبَاطِلِ: وجدعت به «محمّد» أنف الباطل ٢٢/١٠
فقد أمتّ به «محمّد» لسان الباطل ٢٢/١٠
أللّهمّ وقد استحصد زرع الباطل ٧/٧٠
لما نبغ من الباطل بسيف الحقّ دامغاً ٨/١٠
وزهق الباطل وإنحسر ١٨/١٩٩
وجعلته «محمّد»... بين الحقّ والباطل فارقاً ٦/١٠
وانتقاص الباطل وإذ لاله ١٣/٢١
ولو لاأنّه صوّر لهم الباطل ٥/٩٨
وباسمك الّذى تفرّق به بين الحقّ والباطل ٢/٢٣٥
وأدحض كلمة الباطل واجعلها السّفلى ٨/٢٥٥
أزهق الباطل عن ضمآئرنا ٢/١٨٨
أعوذبك من ... ايثار الباطل على الحقّ ٢/٢٦
ومن أبعد غوراً في الباطل ١٣/٤٩
بل أنا ... أشدُّ في الباطل نهوُّراً ١٥/٤٩
ولو لاأنّه يصوّر لهم الباطل في مثال الحقّ ١٠/٨
ولألسنتنا عن الخوض في الباطل ١١/١٠٩
واقصم ... مقوّية الباطل ٢٦/١١٩
لِبَاطِلٍ: أعوذ ... أقول لباطل هذا حقٌّ ١٣/١٣٥
لِلْبَاطِلِ: فإنّها مختارة للباطل إلاّ ما وفّقت ٣/٣٠
الْمُبْطِلُونَ: يخسر فيه المبطلون ٤٧/١٩٧
بَطَّالاً: فأصبح بطّالاً وأمسي لاهياً ١٦/٢٠١
الْبَطَّالين: لعلّك رأيتني آلف مجالس البطّالين ٥٧/١١٦
الْأَبْطالِ: وجبّنهم «المشركين» عن مقارعة الأبطال ١٣/٦٧

ب.ط.ن

بَطَنَ: ما ظهر منها وما بطن فنجّني ٢٣/١٥٣
الفواحش ما ظهر منها وما بطن ١٢٦/١١٦
وأعوذبك من الفتن كلّها ما ظهر منها وما بطن ٢٣/١٦٤
بَطَنْتَ: بطنت الغيوب فخبرت مكنون أسرارها ١١/١٩٩
بَطْنِ: وأعوذبك من ... بطنٍ لايشبع ١٢٧/١١٦
بُطُونَ: وأسكنتهم بطون أطباق سماواتك ١٠/١٢
فهُم في بطون الأرض بعد ظهورها ٧٧/٢١٤ ـ ٢/٢١٤
في بطون الهلكات عظاماً ورفاتاً ٢٤/٢١٩
بُطُونِهِ: وياظاهراً في بطونه ١/١٣١
بُطُوْنُنا: وحتّى لاتعى بطوننا إلاّ ما أحللت ٩/١١٥
الْإِبْطانِ: مقرّباً من طاعتك في الإظهار والإبطان ١٩٠/١٩٩
بَاطِنُ: ياالله ياباطن ياالله ياحيّ ٢/١٣٣
كلّ قبيح باطن أو فاش ٢٦/١٩٩
وأنت أوّل آخر ظاهر باطن ٩/٢٥٧
ياباطناً ليس يخفى ١/١٣١

باباطناً في ظهوره وباظاهراً في بطونه ١٣١/١
ياظاهر ياباطن يارفيع يامنيع ١٢٢/٤
الْباطِنُ: وأنت الباطِنُ فلا شيء دونك ٢٦٩/١
بسم الله الظّاهر الباطنِ ٢٣/٢
باطِنُهُ: وباطنه وفق لصدق النّيّة فيه ١٤٧/٣٩
لِباطِنِهِ: حمداً ظاهره وفق لباطنه ١٤٧/٣٩
باطِنَةً: إلاّ أحدثت لي ذلّة باطنة ٥٥/٥
بَواطِنِ: بواطن سيّئاتي وظواهرها ٨٠/١١
ويا من تظهر عنده بواطنُ الأخبار ٨/٢٠ ـ ١٥/٦

ب.ع.ث

بَعَثَهُ: بعثه «محمّد» بالأوامر الشّافية ١٩٩/١٦
بعثه والنّاس في غمرة الضّلالة ساهون ١٩٩/٥٨
بَعَثَهُمْ: الّذى... بعثهم «الخلق» في سبيل محبّته ١/٤
بَعَثْتَ: أشهد... من بعثت من أنبيائك ورسلك ٢٤٦/٢
بَعَثْتَهُ: ثمّ بعثته مبيضّاً وجهه ٨٣/٨
فضل بعثته إليه ١٤٤/١٣
بَعَثْتَها: أللّهمّ وإن كنت بعثتها نقمة ٩٧/٣
بَعَثْتَني: وابْعثني إذا بعثتني عليه «الايمان» ١١٦/١٢٣
لك الحمد أن بعثتني من مرقدى ٢٤٢/١
يَبْعَثُ: وكلّ يبعث حزني ٢١٩/٣٩
تَبْعَثُهُمْ: تبعثهم بها على إعتقاد حسن الرّجاء لك ١٤/٩
تَبْعَثُني: ولاتخزني يوم تبعثني للقائك ١٤٧/٩٦
يُبْعَثُونَ: أللّهمّ... لاتخزني... يوم يبعثون ٧٧/١٢
ولاتخزني يوم يبعثون ٢٥٢/٤٢
أنظرني إلى يوم يبعثون ١٥١/٢
إبْعَثْ: وابعث عليهم جنداً من ملائكتك ببأس ٦٧/١٤
وابعث عليهم عذاباً من فوقهم «الظّلمة» ١١٩/٩
إبْعَثْهُ: ابعثه المقام المحمود الّذى وعدته ١٤١/٢٩ـ١٤٣/٢٤
إبْعَثْني: وابعثني إذا بَعَثْتَني عليه «الإيمان» ١١٦/١٢٣
فَابْعَثْني: المقامَ المحمود فَابعثني ١٥٣/٢٢
باعِثُ: ياالله ياباعث ياالله ياوارث ١٣٤/١
وياباعث من في القبور ١٤١/٨
يا ... باعث من في القبور ياالله ١٣٢/٤
وياباعث الرّسل وياصادق الوعد ١٠٧/١ ـ ١٦١/٧
ياباعث ياوارث يارحمٰن يارحيم ياالله ١٢٢/٤
ياربّاه ياالله ياباعث ياالله يامصوّر ١٣٨/٢
الْمَبْعُوثِ: على محمّد... المبعوث في الأمّيّين ١٩٩/٦٢
مُبْتَعَثٍ: بكلّ مبتعث قبله من الرّسل مؤمناً ١٠/٦
الْمَبْعَثِ: حمداً... يُضيءُ لنا به سبيل المبعث ١/١٤
مَبْعَثِنا: فاجعله نوراً لنا في قبورنا ومبعثنا ٢٠٠/٢٢

ب.ع.د

بَعُدَ: قرب المحسنون وبعد المسيئون ١٨٤/٩
يامن بعد عونه من الظالمين ٤٤/١
بَعُدَتْ: بعدت عليهم الشقّة ٢١٩/٤٣
لايَبْعُدُ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... قريبٌ لايبعد ١٣٠/٣
أَبْعَدَ: وما أبعد غايته من الفرج ١٤٦/١٠
آه واحزناه ما أبعد السّفر وأقلّ الزّاد غداً ١٩٨/٤٠
إنّ أحداً لايبلغ من شكرك غاية وإن أبعد ٨/١
أَبْعَدَتْني: أبعدتني خطيئتي عن أهل التّقوىٰ ١٩٨/٥٩
أَبْعَدْتَهُ: وعدم النّصر من أبعدته من فنائك ١٩٩/١٨٣
يُبْعِدُني: أن تحول ... وما يبعدني عنك ٢٣٧/٦
لاتُبْعِدْني: لاتبعدنى منك يانعيمي وجنّتي ١٨٩/٩
تُبَعِّدُني: أم بعد حبّى إيّاك تبعّدني ١٨٤/١
أَنْ تُبَعِّدَهُ: إلاّ ان تبعّده الأوزار عنك ٢٥٤/١
باعَدَ: مسارعة إلى ما باعد من رضاك ٢٠٠/٥
وأستهديك لما باعد منها ٨٨/٢١
فَباعَدْتَني: لعلّك لم تحبّ أن تسمع دعآئى فباعدتني ١١٦/٥٧
يُباعِدُني: واشغلني عمّا يباعدني عنك ٢٥١/٤٢
وإقترفت ما يباعدني عنك ١٩٩/١٧٣
وأجرني من... كلّ قول وفعل يباعدني منك ١٩٩/٧٧
وأعذني ممّا يباعدني عنك ١٤٧/٨٧
لَمْ يُباعِدْني: لم يباعدني عن إحسانك ١٩٩/١٧٣
لاتُباعِدْنا: لاتباعدنا عنك إنّ من تقه يسلم ١٥/٩
ولاتباعدنا عنك فإنّك من تقه يسلم ٨/٢٢
باعِدْ: وباعد بينهم وبين أزودتهم ٦٧/٦
بُعْدَ: أشكو إليك غربتي وبعد دارى ٢٥٢/١٦
أشكو إليك ... بعد دارى ٢٥١/٢٤
وأقصر أجلى في بعد أملى ١٦٤/١٤
بُعْدى: فما نفعهم قربهم ولاضرّني بعدى ٢٤٨/٧
لِبُعْدِ: أللزّاد أبكى أم لبعد مسافتى ٢١٦/٣
إبْعادِك: فأعذنا من طردك وإبعادك ١٩٣/٦
التَّباعُدُ: جلّلني التّباعد منك لباس مسكنتي ١٨٢/١
بَعيداً: كذب العادلون بالله وضلّوا ضلالاً بعيداً ١١٦/٤٩
وبعيدٍ جفاه الأهلون ١٩٩/١٣٩
أو إلى بعيدٍ فيتجهّمني ٢٥٢/١٧ ـ ٢٥١/٢٥
قد ضلّوا ضلالاً بعيداً ١٤٣/١٢
أن تصرف عنّى... شرّ كلّ قريب أو بعيدٍ ٢٤٩/٢٥
وأعذني وذرّيّتي... ومن شرّ كلّ قريب وبعيدٍ ٦١/٦

ولاتكلني ... إلى قريبٍ ولابعيدٍ ١٤٩/٦٣
اَلْبَعيدَ: إلهي ... قرّب علينا البعيد ١٨٩/٢
فيه الغنى عن القريب والبعيد ٢٠٦/١٦
بَعيدُها: وبعيدها قريب ٨٨/١٩
بَعيدَةً: ولكانت القوّة منّي بعيدة ٨٨/١٥
أَبْعَدُ: من أبعد غوراً في الباطل ٤٩/١٣
من أبعدُ منّى من استصلاحِ نفسه ٤٩/١٢
ونجنح إلى الّتى هى أبعد من حسن العاقبة ٩٢/٢
أَبْعَدِها: في أحصّ أرضك وأبعدها عنهم ٦٧/١٥
اَلْأَبْعَدينَ: ووالى فيك الأبعدين ٩/٢

ب.غ.ت

بَغْتَةً: وهل لك إن وافاك حتفك بغتةً ٢١٤/٧١ـ٢١٤/١٥٠

ب.غ.ض

أَبْغَضْتَ: وبغّض إليّ من أبغضت ١٢٨/٦
أَبْغَضْتُ: وأبغضت لقائك لضعف نفسي ٢٥٧/١٠
يُبْغِضُ: ولاممّن ... يبغض المسيئين ١٣٣/٤
لَمْ يُبْغِضْهُ: ولم يبغضه على معصية ٢٠٠/٢٠
تُبْغِضُ: على أنّك تبغض محبّيك ١٩٧/٤١
بَغِّضْ: وبغّض إليّ من أبغضتَ ١٢٨/٦
فَبَغَّضْهُ: وما كرهت فبغّضه إليّ ١٥٣/٢١
أَتَبَغَّضُ: وتتودّد إليّ وأتبغّض إليك ٤٠/٣
أتبغّضُ إليك بالمعاصي وأنا إليك محتاج ٣٨/٢
بُغْضاً: أسألك أنفةً عن الدّنيا وبغضاً لأهلها ١٣٥/٤
بِغْضَةِ: وأبدلني من بغضةِ أهل الشّنآن المحبّة ٥٥/٩
مُبْغِضٌ: وأنت لي مبغض ٢٦٤/١
مبغضاً لأهل معصيتك ٨٣/٧
مُبْغِضينَ: ولجميع أعدائك معاندين ومبغضين امين ٦٤/٢
اَلْبَغْضاءِ: فأمت قلبي عن البغضآء ١٩٩/٣١
أَبْغَضِ: ولم أعصك في أبغض الأشياء إليك ٢٢٩/١
وتركت معصيتك في أبغض الأشياء إليك ٢٠٩/٢
لِأَبْغَضِ: يامن استجاب لأبغض خلقه إليه ١٥١/٢

ب.غ.ى

بَغى: ظلمني وبغى عليّ ١٦٠/٧
أعوذبك... من بغى من بغى عليّ فيها ٢٥١/٣٠ ـ ٧٨/٥
بغى من بغى فيها «الدّنيا» ٢٥٢/٢٤
بَغاني: وكم من باغٍ بغاني بمكآئده ١٥٢/٧ ـ ١٥٣/٧
يَبْغيهِ: ويامولىً يبغيه كلّ راغب ٩٩/٢
فَابْتَغِىٰ: من ذاالّذي أنس بقربك فابتغى ١٩٠/١
لِيَبْتَغُوا: وخلق لهم النّهار مبصراً ليبتغوا ٢١/٣
أَبْتَغي: وأبتغي منك ابتغآء البآئِسِ الفقير ١٣٢/٧
لِاَنْبَتْغِيَ: ولانبتغي به مراداً سواك ١١٥/١٠
لِنَبْتَغِيَ: لنبتغي فضلاً منه ورضواناً ١٣٥/١
إِبْتَغِ: وابتغ بين ذٰلك سبيلاً (قرآن) ٢٢/١١
لاَنخافتْ بها وابتغ بين ذٰلك سبيلاً (قرآن) ٤٧/١
يَنْبَغي: إنّه لاينبغي لمن حمّلتَه من نعمك ٢٠٠/١٤
أنجحها وأفضلها الّتى ينبغي للعباد ١٤١/٥
فقد ينبغي لي أن أستحي من كثرة معاصى ١٤٨/٤
والحمدلله كما ينبغى لكرم وجهه ١٤١/١
وكان كما ينبغى له ١٤٩/٢١
لاَيَنْبَغي: لاينبغى لي أن أكون في غيرمرتبتي ٣٥/٢
وأنّه لاينبغى لي أن أكون في غيرمرتبتي ٢٥٧/٢٤
حمداً لاينبغى إلاّ لك ١٤٧/٣٣
بَغْيِ: أعوذبك من... بغى من بغى عليّ فيها ٢٥١/٣٠ـ٧٨/٥
كفانا الله وإيّاكم بغى الحاسدين ٢٦٢/١
بغى من بغى فيها «الدّنيا» ٢٥٢/٢٤
أعوذ بالله تعالى من ... بغى الظّالمين ٢٥٣/١
ما يحدث لي مخيلةً أو تأديّاً إلى بغى ٧٩/٤
اَلْبَغْيِ: وترك قليل البغى وكثيره ١٢٥/٥
أعوذبك من البغى والظُّلم ١٥٣/٢٦
ومن حسد أهل البغى المودّة ٥٥/٩
أللّهمّ سلّم لي قلبي من البغى ١٣٥/١٠
بَغْيِهِ: أعوذبك من... بغيه وظلمه «الشيطان» ١٥٣/٢٨
إِبْتِغاءَ: أللّهمّ إنّى تطهّرت... ابتغاء رضوانك ٢٦٨/٢
أللّهمّ إنّى تطهّرت ابتغاء سنّة المرسلين ٢٦٨/٢
يسّر لنا بلوغ ما نتمنّىٰ من إبتغآءِ رضوانك ١٨٨/١
إبتغاء وجهك ياربّ العالمين ١٤٧/١١٧
والصّوم في الهواجر ابتغاء وجهك ٣٦/٨
وتصدّ عن إبتغاء الوسيلة إليك ١٤٧/٩٤
وابتغى منك إبتغآءَ البآئسِ الفقير ١٣٢/٧
والرّيث في أمرك إبتغآء الوسيلة عندك ١٠/٤
لِإِبْتِغاءِ: نشّطتني بها لإبتغاء مرضاتك وفضلك ٤٦/٢
بُغْيَتي: رضاك بغيتي ورؤيتك حاجتي ١٨٩/٨
فأحيه «قلبى» بتوبة منك ياأملي وبغيتي ١٨٢/١
باغٍ: وكم مِنْ باغٍ بَغاني بِمَكآئِدِهِ ١٥٣/٧ ـ ١٥٢/٧
باغِياً: لاباغياً ولاحاسداً ١٤٨/٣٢
أعوذبك من شرّ كلّ حاسدٍ وباغٍ ١٥٣/٣٠
لاتسلّط عليّ من لايرحمني ولاباغياً ١٤٨/٣٣

الْباغينَ: وخذ عنّي بأسماع الباغين عَلَيَّ ١١٦/١١٤
بُغاةً: وامحق به بغاة قصدك عوجاً ١٤٧/٦٦
بُغاتِكَ: إكفني بكفايتك كيده وكيد بُغاتك ١٥٥/٥
مُبْتَغينَ: ولمرضاتك مبتغين ٢٠٦/١٨

ب.ق.ر

أَلْباقِرِ: أللّهمّ صلّ على... محمّدبن عليّ الباقر ١٨١/٤
بَاقِرِ: وباقر علم الاوّلين والآخرين ٤٣/٧

ب.ق.ع

بِقاعِ: حتّى لايعبد في بقاع الأرض غيرك ٦٧/٩

ب.ق.ى

بَقِيَ: إعصمني فيما بقى من عمري ٢٢٠/٨ ـ ١٣٢/١١ ـ ١١٧/٢٧ ـ ٢٢١/٥
وبقى لها نظرك ١٩٧/٧ ـ ٢٣٧/٥
أللّهمّ يامن... علّمهم علم ماكان وما بقى ١٣/١
وتعصمني فيما بقي من عمري ١٤١/١٢
السّلامة فيما بقى ٨٠/١٦
وصلّ عليه وآله ... ما بقى الأنام ١٩٩/١٩
هل بقى لي عندك وجه الإحسان ٢٠١/٤٤
واجعلني من صالح من بقى ١١٦/١٢١
وتمّ إحسانك فيما بقى من عمري ٢٥٣/٤
وما بقى للحمد لفظ تحمد به ١٤٢/٢١
لَبَقِيَ: ولبقى رهيناً بين يديك ٩٨/٨
ولبقى رهناً بين يديك بسآئر نعمك ٨/١٤
بَقِيَتْ: وبقيت فيها أخبارهم ٢١٤/١٣
سيّدى ... بقيت تبعتى ١٩٩/٨١
وبقيت الذّنوب على ظهرى ٢٠١/٢٩
بَقيتُ: بقيت فرداً كقرن الأعضب وحيداً ٢١٩/٣٤
كم بقيت متلذّذاً في طوامس هوامد ٢١٩/٢٧
إلهى، بقيت بين خوفٍ ورجآءٍ ٢٠١/٦
جلّ جلالك إن بقيت وإن متّ ١١٨/٣
يَبْقىٰ: ياحيٌّ يبقىٰ ويفنىٰ كلّ حَيّ ٤٢/١
تخرّب ما يبقى وتعمر فانياً ٢١٤/٧٠ ـ ٢١٤/١٤٩
وكم قد نرىٰ يبقى لها المتعاور ٢١٤/١١١
وكم ما عسىٰ يبقى لها المتعاور ٢١٤/٣٥
لايَبْقىٰ: حتّى لايبقى عليّ شيءٌ منه تُريد ٥٩/٨
فَلَمْ يَبْقَ: فلم يبق لي إلاّ رجاءك ١٧٢/٢ـ١٧٣/٣ـ٤٢/٢٤
لاتَبْقىٰ: لاتبقى لنا سيّئة نستوجب بها عقابك ٣٠/٦
وتقصر عنه المنىٰ حتّى لاتبقى ١٠/٢٠
اَبْقَيْتَني: وفي كلّ عام أبداً ما أبقيتني ١٢٧/٤
أللّهمّ... عافني أبداً ما أبقيتني ١٢٨/٣٥
وتوفّقني لما ينفعني ما أبقيتنى ٢٥٣/٤
أبداً ما أَبْقَيْتَنى في عامى هذا ٦١/٤
أللّهمّ فكما أبقيتنى له فأبقني لأمثاله ٢٢٤/٢
أبداً ما أبقيتنى ياربّ العالمين ١١٦/٥٢
أللّهمّ اجعل حياتي ما أبقيتنى زيادة ١٤١/٢١
أللّهمّ ارْحمنى بترك المعاصى ما أبقيتني ١٥٣/١٢
وأرزقنيه أبداً ما ابقيتنى ياكريم ١٣٢/١٢
أَبْقَيْتَنا: في عامنا هذا وفي كلّ عامّ ما أبقيتنا ١٤٣/٣٥
لاتُبْقِيَ: حتّى لاتبقى منهم دعامة لناجم ٢٢٣/٥
وآليت لاتبقى الليالي بشاشة ٢١٩/٢٥
ومن نار لاتبقي على من تضرّع إليها ٨٨/٢٠
لاتُبْقِ: ولاتبق لهم آثاراً ١١٩/٢٧
وتب عليّ توبَةً نصوحاً لاتبق معها ذنوباً ١٤٧/١٠٨
أَبْقِ: وأبق لنفسي من نفسي ما يصلحها ٥٥/٢٨
فَأَبْقِني: أللّهمّ فكما أبقيتني له فأبقنى لأمثاله ٢٢٤/٢
بَقاءً: واجعل التّوبة في أطولهما بقاءً ٣٠/٢
وأحبّ بَقآءَ النِّعْمَةِ عندهم نُصْحاً ٦٥/٤
أللّهمّ ومُنَّ عليَّ ببقاء وُلْدي ٦٤/١
اَلْبَقاءُ: وغير قليل ما عاقبته البقاء ٥١/٣
ونفيتني به من دار دوام البقآء ١١٨/٧
فأجرني من فضيحات دار البقاء ٨٨/١٢
وتعزّزت بالقدرة والبقاء ٢٤١/٣
اتربّص اشتمال البقاءِ ٢١٩/٨
بَقائِها: وغير طامع في بقائها ٢١٤/١٠٥ ـ ٢١٤/٢٩
بِبَقائِكَ: ويتّصل اتّصالها ببقائك ١٤٧/٥٣
أن تصل ... فناءنا ببقائك ٢٠٠/١٢
بِالْبَقاءِ: فيامن تعزّز بالبقاء وقهر عباده بالفناء ٢٤٧/٨
تعزّزت بالبقاء ٢٤٥/٢
الْإِبْقآءُ: وسنّتك الإبقاء على المعتدين ١٤٦/٧
باقي: واجعل باقى عمري في الحجّ والعمرة ١٤٧/١١٧
باقِياً: بٰاباقياً بعد فناء الخلق أجمعين ٢٣٩/١٠
باقٍ: واشملني من رعايتك بركن باق ١٩٩/٦٦
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... باقٍ لايَفْنىٰ ١٣٠/٥
اَلْباقي: والباقى بلانهاية ٢/٤
سجد وجهى ... لوجهك ... الباقي ٢٥٢/٩
وجهى البالى الفانى لوجهك الدّآئم الباقى ٢٥١/١٦
وهل يرحم الفانى إلاّ الباقي؟ ١٦٨/٦

مولاى مولاى أنت الباقى وأنا الفانى ١٦٨/٦
والعزّ الباقى على مرّ الدّهور ٨٨/١
الْباقِينَ: وأفضل ما تعطى الباقين من المؤمنين ١٣٢/١٠
وعلى جميع عباده الماضين والباقين ١/٢٧
باقِيَةً: واجعل علىّ منك جنّةً واقيةً باقيةً ١١٦/٥٠
صلاةً ... باقية بلا فناء ولاانقضاء ١٩٩/٢٠
الْباقِيَةِ: وأبدلني بالدّنيا الفانية نعيم الدّار الباقية ٢٥١/٢٩
٢٥٢/٢٣ ـ ٧٨/٤
بالغاية المديدة الباقية ٨/١٢
فاذخره «متاع الدّنيا» لي في خزائنك الباقية ٧٩/٥
وحلّني في تلك الباقية بزينة الأمن والسعادة ٣١/٤
الْباقِياتِ: إنّك وليّ الباقيات الصّالحات ٢٠٦/٢٤
لِلْباقِياتِ: العاملين للباقيات لصّالحات ١٨٨/٤
بَقايا: بقايا الصفوة الّذين أذهب الله عنهم ٢١٩/٤٨

ب.ک.ر

يُباكِرُ يروح علينا صرفها ويباكر ٢١٤/١١٠ ـ ٢١٤/٣٤
بِكْرُ: أللّهمّ وآدم ... بكر حجّتك على ١١/١
وبكر حجّتك ولسان قدرتك ٢٢٢/٢
بُكْرَةً: سبحان الله بكرة وأصيلاً ٢٢/١١ـ١٤١/٢٣
سبّحوه بكرة وأصيلاً (قرآن) ١٩٤/٥

ب.ک.م

بُكْمٌ: صمٌّ بكمٌ عميٌ فهم لايبصرون (قرآن) ٢٢/١٠
الْبَكْمِ: وأعوذبك من العمىٰ والصّم والبكم ١٥٣/٣١

ب.ک.ی

بَكىٰ: آه وانفساه من دار بكى أهلها ١٩٨/٢١
إذا بكىٰ على ما سلف من خطاياه ٢١٤/١١٧
وعبرة من بكى من خوفك مرحومة ٢٥٥/٥
وبكى عليها الغريب لطول غربتها ١٩٩/١٣٧
لايرحمون من شكا وبكى ١٩٨/٣٧
أنا جليس من ناح على نفسه وبكى ١٩٨/٣٩
بكىٰ على ما أسلف من خطاياه ٢١٤/٤١
وبكى كلّ غريب عليها لغربتها ١٩٧/٣٢
بَكاكَ: أم أنت غافرٌ لمن بكاك ٤٩/٦
بَكَتْ: إذا ذكرت عقوبتك بكت لها ١٩٩/١٠٣
فَبَكَتْ: فبكت العيون شجن القلوب فيها دماً ٢١٩/٣٣
بَكَيْتُ: وبكيتُ من خشيتك مثل بحور السماوات ٢٣٠/٢
ياإلهى لو بكيتُ إليك حتّى تسقط ٤٩/١٧
بَكَيْنٰا: إلهنٰا وسيّدنا ومولانا لو بكينا ٢١٣/١
يَبْكي: فكم موجع يبكى عليه تفجّعاً ٢١٤/٤٦
فكم موجع يبكى عليه مفجّع ٢١٤/١٢٢
فَلْيَبْكِ: فليبك قبل أن لاينفع البكآء ١٩٨/٦٠
فَلَمْ تَبْكِ: وكم عالم أفنت فلم تبك شجوه ٢١٩/٢١
أَبْكي: وأبكى على خيبتي فيها ١٦٤/١٨
أللزّاد أبكى أم لبعد مسافتى ٢١٥/٣
أبكى لسؤال منكرٍ ونكيرٍ إيّاى ١١٦/٧٩
أبكى لضيق لَحْدى ١١٦/٧٩
أبكى لحلول رمسى ١١٦/٧٩
أبكى بكاء الحزين ٢١٩/٢٧
أبكى لظلمة قبرى ١١٦/٧٩
أبكى لخروجى من قبري عرياناً ذَليلاً ١١٦/٨٠
من أبكى ومن أدع ٢١٩/٣٨
أبكى لخروج نفسى ١١٦/٧٩
أَبْكِهِمْ: إن أبكهم أجرض وكيف تجلّدى ٢١٩/٣٥
فَأَبْكي: من يسعدني فأبكى ٢١٩/٣٩
لاأَبْكي: ولاأبكى على نفسي ١٦٤/١٨
فمالى لاأبكى ١١٦/٧٩
ومالى لاأبكى ولاأدرى إلى ما ١١٦/٧٨ ـ ١٩٧/٤٤
أَبْكَتْهُ: عليه وأبكته الذّنوب الكبائر ٢١٤/١١٦ـ٢١٤/٤٠
بُكاءَ: أبكي بكاء الحزين ٢١٩/٢٧
تركتني خطيئتي في طول حزن وبكآءٍ ١٩٨/٥٨
الْبُكآءِ: عيناً عن البكاء من خوفك جامدةً ١٨٣/٤
غافرٌ لمن بكاك فأسرع في البكاء ٤٩/٦
وأكثروا البكاء عليه والإنتحاب ٢١٤/١٣٤
فليبك قبل أن لاينفع البكآء ١٩٨/٦٠
بُكآئِها: هذه العيون لفرط بكآئها ١٩٩/١١٥
بُكآئي: فارحم بكآئي بحقّ البيت والحرم ٢١٥/٤
أمن أهل الشّقاء خلقتني فأطيل بكائى ٢٠٣/٩ ـ ١١٢/٢
أللنّار خلقتني فأطيل بكآئى ١٩٧/٤٣
بِالْبُكآءِ: وأعنّى بالبكآء على نفسي ١١٦/٧٧
باكِيَةً: بالنّار عينى وكانت من خوفك باكيةً ٢٠١/٣٣
الْباكِياتِ: ولاأسعدهانحيب الباكيات الثّاكلات ١٩٩/١١٥

ب.ل.ج

إِبْتِلاجِ: أشرق نهار ذو إبتلاج ١٩٩/١٩
بِتَبَلُّجِ: ويفتدي بتبلّج إسفاره ١٠٩/٨

ب.ل.د

بَلَدِهِ: تلهّفنا على الّذين أخرجوه من بلده ١٠/٢٨
بِلادٍ: وهاجر إلى بلاد الغربة ٩/٣
الْبِلادِ: بيدك نواصي العباد ونواصي البلاد ٢٤١/٤
وطهّر البلاد منهم وعفّ عنها آثارهم ٢٢٣/٥
واعصم بذلك أعدائك في أقطار البلاد ٦٧/١١
يامن يقبل مَن لاتقبله البلاد ١٤٦/١
بها تحيى ميت البِلاد وبها تَنْشُرُ ارواح العباد ٥٢/١
بِلادَهُمْ: وارم بلادهم «المشركين» بالخسوف ٦٧/١٥
بِلادِكَ: بأصناف الدّعآء في بلادك ١٩٩/٩٨
أقمته علماً لعبادك ومناراً في بلادك ١٤٧/٦١
وَأَحْيِ بلادك ببلُوغ الزَّهرَةِ ٥٣/١
بِلادِنا: أللّهمّ أذهب محل بلادنا بسقياك ٩٧/٤
الْبُلْدانِ: فأجول في طلبه «رزقي» في البلدان ٧٧/١٣

ب.ل.س

أَبْلَسَ: وأبلس لمّا أعجزته المعاذر ٢١٤/٤٢
وأبلس لمّا أعجزته المقادر ٢١٤/١١٨
أَبْلِسْ: ولاترعني دوعة أبلس بها ١٤٧/١٠٣
الْإِبْلاسِ: لاتلبسنا سربال القنوط والإبلاس ١٨٧/٣
لِإِبْلِيسَ: فلا سلطان لإبليس عليه ٢٤٨/٢
الْأَبالِسَةِ: الأبالسة من الجنّ والإنس ٢٣/١

ب.ل.غ

بَلَغَ: بلغ نهيته واستحكم عموده ٧٠/٧
وبلغ «محمّد» مجهود الصّبر في إظهار حقّك ١٠/٤
قد بلغ مجهودي فهب لي نفسي ١٤٩/٤٤
حتّى إذا بلغ أقصى أثره وإستوعب حساب عمره ١/٨
بَلَغَتِ: إذا بلغت النّفوس التّراقي (قرآن) ١٠٩/١٧
فَبَلَغَتْ: خرقت النّجوم فبلغت أسافل الثّرى ١٩٧/٣٧
بَلَغْتَ: فلمّابلغت بيأجل الكتاب من علمك به ١٤٤/٣
فلمّا بلغت بي تناهى الرحمة منك ١٤٤/٤
بَلَغْتُ: ما بلغت إحراز حظّي ١٦٣/٢
يَبْلُغُ: حمدا يبلغ الوفاء وحقيقة الشّكر ١٦٣/٦
لايَبْلُغُ: يامن‌وصوفاً لايبلغ بكيُنونيّته موصوف ١٣١/١
لايبلغ الغايات إلاّ سبوقها ٢١٩/٤٤
إنّ أحداً لايبلغ من شكرك غاية ٩٨/١
ولايبلغ مبلغاً من طاعتك ٨/٢ ـ ٩٨/١
أللّهمّ إنّ أحداً لايبلغ من شكرك غاية ٨/١ ـ ٩٨/١
ولايبلغ أدنى ما استأثرت به من ذلك ٨٨/٢
لايَبْلُغُهُ: وما لايبلغه حذارى ٢٢/٣٧
لايَبْلُغُها: ورحمتك الّتي... لايبلغها مدى شرح ١٦/٩
أَنْ يَبْلُغَ: فليس‌لأحد أن يبلغ شيئاً من وصفك ٢٤٩/١٦
وما عسى أن يبلغ في مدحتك ثنآئي ١٤٩/٧
وما عسى أن يبلغ مقداري ١٩٤/١
تَبْلُغُ: ولاالأوهام تبلغ كنه عظمته ٧/١ ـ ٢/١
وتبلغ ما أحبّ من حيث لاآتي ما تكره ١٤٧/٩٩
وأن توزعني من شكر نعماك ما تبلغ بي غاية ٢٥٣/٣
تبلغ بي شرف الجنّةِ ٣٦/١٠
تَبْلُغُنا: صلاةً تبلغنا بركتها ١٤٢/٦٤
لاتَبْلُغُهُ: ما لاتبلغه مسألة السّآئلين ١٠/٢٠
لَمْ تَبْلُغْ: وإن لم تبلغ إلى مستراح الهدى ٢٠٠/٣٩
لَمْ تَبْلُغْهُ: أردد... مظالمهم... ما لم تبلغه قوّتي ٢٥١/٣٨
ما لم تبلغه قوّتي ٢٥٢/٣٠
حَتّىٰ تَبْلُغَ: حتّى تبلغ بي فيما فيه رضاك ٢٥٧/٣٨
أَبْلُغَ: وأبلغ من كشف الغطاء ٢١٩/١٩
معيشة ... أبلغ بها جميع حاجاتي ٢٥٢/١٨
لاأَبْلُغَ: فأنا مقرّ بأنّي لاأبلغ ما أنت أهله ٢٤٩/١٦
ولاأبلغ رضاك ولاأنال ما عندك ٥٧/٤
حَتّىٰ أَبْلُغَ: حتّى ابلغ منه رضاك ٣٥/١٥
أَبْلُغْ: وأبلغ به «محمّد» من تشريف منزلته ١٠/١٥
وابلغ بأعمارنا ما بين أيدينا ١٤٢/٥١
فَأُبْلِغَ: راحمٌ من دعاك فأبلغ في الدّعاء ٤٩/٦
لايُبْلَغُ: ولايبلغ جبروته ١٤٩/١٨
ولايبلغ مبلغه ولايقدر شيء قدرته ١٤٩/٢٠
لايبلغ إلى فضائل القسم إلاّ بتأييدك ٢٤٩/٨
بَلَّغَ: محمّد عبدك ورسولك كما بلّغ رسالتك ١٠٩/٢٢
أللّهمّ اجزه بما بلّغ من رسالاتكَ ١٠٩/٢٧
أنّ مُحَمَّداً قد بلّغ رسالاتك ١٤١/٣٠
ولمن بلّغ عنك شاهداً ١٠/٦
ما محمّد أهله فيك فيما بلّغ في رضاك ١٠/١٦
بَلِّغْهُ: يامن... إذا أمّل ما عنده بلّغه مناه ١٨٥/١
بَلَّغَنا: الحمدلله الّذي بلّغنا هذا اليوم ١٤٣/٣٤
بَلَّغْتَهُ: ما رزقت أحداً ممّن بلّغته ١١٧/١٦
ما وقفته عليه وبلّغته إيّاه ٢٤٩/١٦
دعوة توسّل بها إليك راج بلّغته أمله ١٤٣/٢٠
أو رجاك بها راج بلّغته أمّله ٢٢٠/٧
بَلَّغْتَهُمْ: ألحقنا بعبادك الّذين... بلّغتهم الرّغائب ١٨٩/٤
أللّهمّ وإذا... بلّغتهُم صلاتنا عليهم «ملائكة» ١٢/١٥
بَلَّغْتَني: وبلّغتني ما أحاول من سآئر مطالبي ١٩٩/١٧٢
بَلَّغْتَناهُ: فإذا بلّغتناه فأعنّا على تناول ١٤٢/٥١

لاٰيُبَلِّغُنيها: إلهي... أمنيتي لايبلّغنيها إلاّ فضلك ١٩٢/٢
تُبَلِّغُهُ: وتبلّغه «محمّد» قصوى مكنة غايتها ١٠/١٣
صلاة تبلّغه بها أفضل ما يأمّلُ من خيرك ١٠٩/٢٦
تُبَلِّغُهُمْ: تبلّغهم به السرور في ١٤٣/٣٧
أَنْ تُبَلِّغَهُ: أن تبلّغه «محمّد» إيّاه بصلاتنا عليه ١٠/١١
حَتّى تُبَلِّغَني: حتّى تبلّغني الدّرجة الّتي فيها ١٤٩/٦٠
بَلِّغْ: وبلّغ بايماني اكمل الايمان ٥٥/١
بلّغ روح محمّدٍ وآل محمّدٍ عليهم السّلام ١٤٩/٥١
بَلِّغْهُ: بلّغه الدّرجة والوسيلة والكرامة ١٤٣/٢٤
بَلِّغْهُما: وبلّغهما بالكرامة مواطن السّلامة ٦٣/١٥
بَلِّغْني: وبلّغني مبالغ من عنيت به وأنعمت عليه ١٤٧/٩٢
بلّغني رضوانك ١٢٣/١٣
وبلّغني فتح آل محمّدٍ ١٤٩/٦٧
وبلّغني برحمتك كمال العافية بدوام النّعمة ١٢٣/٢٢
وبلّغني فيه «رمضان» أملي ورجائي ١١٧/٤
بَلِّغْنا: بلّغنا برحمتك غنآئم البرّ والإحسان ١٩٩/٣٤
فَبَلِّغْ: فبلّغ محمّداً ما حوته لطآئف مسألتي ١٠/٣٢
فَبَلِّغْهُ: فبلّغه «محمّداً» غاية الوصلة ١٠/٤
فَبَلِّغْني: فبلّغني برحمتك ماأرجو من رحمتك ١٤١/١٤
بُلُوغِ: ولامنعهم عن بلوغ ما أمّلوه لديك مانع ١٩٩/٣٠
ونفسّخت دون بلوغ نعتك الصّفات ١٤٦/٣
فأعنّي بالتوفيق على بلوغ رضاك ١٤٤/٢٩
يسّرلنا بلوغ ما نتمنّى من ابتغآء رضوانك ١٨٨/١
وسهّل إلى بلوغ رضاك سبلي ٥٥/٤٠
إلهي قصرت الألسن عن بلوغ ثنآئك ١٩٣/١
لكنت مقصّراً في بلوغ أداء شكر ٢٣٠/١
أللّهمّ كلّت العبارة عن بلوغ مجدك ٢٣٧/٣
سقطت الأشياء دون بلوغ أمده ٨٨/٢
وبلوغ الأمل فيه «رمضان» وفي قيامه ١١٧/٨
كلّت عن بلوغ ذاته ألسن البلغاء ٢٤٣/٥
فأعطني من فضلك... بلوغ أملي فإنّك ثقتي ١٣٩/٨
الْبُلُوغِ: وماالّذي يهجم عليه عندالبلوغ مسبري ١٩٧/٤٥
بِبُلُوغِ: وأحي بلادك ببلوغ الزّهرة ٥٣/١
بَلاغاً: وما يكون صلاحاً للدّنيا وبلاغاً للآخرة ٨٧/١٠
أعطني... بلاغاً أنال به رضوانك ٢٥١/٢٨ - ٢٥٢/٢١
أعطني من ذلك... بلاغاً أنال به رضوانك ٧٨/٣
الْبَلاغِ: وعلى ما يتهجّم عند البلاغ مسبري ١٩٩/١٤٥
بِالْبَلاغِ: فشهادتي له «محمّد» بالبلاغ عندك ١٠/٣٣
بِبَلاغَةِ: فأسألك ببلاغة حكمتك ١٨٣/٦
إِبْلاغِ: فمن الوثوق به على إبلاغ الحجّة ٢١٩/٤٧
تَبْليغِ: وإصطفيته «محمّد» له من تبليغ رسالتك ١٠/١٨
وأدأب نفسه في تبليغ رسالتك ٩/٣
لِتَبْليغِ: اصطفاه على جميع خلقه لتبليغ الرسالة ١٢٣/٨
الْمُبالَغَةِ: ما أوجبت لأهل المبالغة في طاعتك ١١٥/١٧
بُلْغَةً: وعجّلت لي من متاعها بلغةً إلى جوارك ٧٩/٦
الْبالِغينَ: حُجَجِكَ البالغين من أهل بيت الرّحمة ٤٢/٣٠
البالغين فيه آمالهم ١١٤/٢٠
الْبالِغَةِ: والحمدلله على حجّة الله البالغة ١٢٣/٣
مع مالك من الحجج البالغة على جميع خلقه ٢٥٥/٢
الْبُلَغاءِ: كلّت عن بلوغ ذاته ألسن البلغاء ٢٤٣/٥
مُبْلَغاً: مبلّغاً عنك حجج آياتك ١٠/٣
ولما ائتمنته «محمّد» عليه من الرّسالة مبلّغاً ١٠/٨
مُبَلِّغي: فزادى قليل ما أراده مبلّغي ٢١٦/٣
مَبْلَغَ: تمام الكرامة ودوام النعمة ومبلغ السّرور ٢٥٧/٣٩
ثمّ له الحمد... حمداً... لامبلغ لغايته ١/٢٨
حمداً يكون مبلغ رضاك عنّي ١٦٣/٦
ولايبلغ مبلغاً من طاعتك ٨/٢ - ٩٨/١
مَبْلَغُهُ: ولايبلغ مبلغه ولايقدر شيءٌ قدرته ١٤٩/٢٠
مَبالِغَ: وبلّغني مبالغ من عنيت به وأنعمت عليه ١٤٧/٩٢
بِمَبالِغ: أللّهمّ أنت... تحيط بمبالغ بصائرهم ٢٥١/٥٧
أَبْلَغَ: أبلغ من الإعتراف به أتيته ١٩٧/٣١
بل لتكون حجتك أبلغ وكرمك أكمل ١٤٦/١٢
لسان حالي أبلغ ما وصلت إليه ١١٨/٧
أَبْلَغِهِ: وأبين الخشوع وأبلغه ١١٥/١٢

ب.ل.ل

لاٰيَبْلُهُ: لايبلّه إلاّ النّظر إلى وجهك ١٩٢/٣

ب.ل.و

يَبْلُو: بكلّ ذلك يصلح شأنهم ويبلوا أخبارهم ٢١/٤
تَبْلُو: يوم تبلو أخبار عبادك ٣٣/٥
أَنْ تَبْلُوَني: وإن كنت أردت أن تبلوني ٢٥٧/٣٠
وإن كنت أردت أن تبلوني فقد عرفت ضعفي ٣٥/٧
نَبْلُوَا: نبلوا أخباركم (قرآن) ١٤٤/٢٦
لَنَبْلُوَنَّكُمْ: ولنبلونّكم حتّى نعلم (قرآن) ١٤٤/٢٦

ب.ل.ى

بَلِيَ: طال حزني ودقّ عظمي وبلي جسمي ٢٠١/٢٩
إذا بَلي جسمي وتفرقت أعضائي ١٦٧/٥
لاٰيَبْلىٰ: الكريم الّذي لايبلى ولايتغيّر ١٦٦/١٢

لاتَبْلِنِي: أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك دائمٌ لاتبلى ١٣٠/٥
لَمْ تَبْلَ: قدنحلت أجسادهم بالحزن وإن لم تبل ٢٠٠/٣٩
أَبْلِنِي: على حسب ما أبلى في حقّك ١٠/٢٢
أَبْلاهُمْ: معرفة حمده على ما أبلاهم من ١/١٠
أَبْلَوُا: والّذين أبلوا البلاء الحسن في نصره ١٤/٣
أَبْلَيْتَ: أبليت الجميل فعصيتُ ثمّ عرفت ١٥٢/١
وأبليت الأعذار وقد تقدّمت بالوعيد ١٤٦/١١
أبليت الجميل فعصيت ١٥٣/١
ولك الشّكر على ما أبليت من التّطوّل ١٩٩/١٤٨
فلك الحمد على ما أبليت ١٩٧/٣٦
أللّهمّ لك الحمد أن... عافيت وأبليت ٢٤٢/٢
أم عظيم ما أبليت؟ ١١٦/٢٩
أَبْلَيْتَهُ: إلهي ما وصفت من بلآء أبليته ١٩٧/١٧
أَبْلَيْتَنِي: ولاغافلاً لإحسانك فيما أبليتني ٥٧/٧
لاتُبْلِنِي: ولاتبلنى بالخيبة والخسران ١٩١/٥
لايُبْلَى: وجديدها لايبلى وعطشانها لايروى ١١٢/٨
تُبْلَى: بموقف عدل يوم تبلى السّرائر ٢١٤/١٠٧
بموقف عدل حين تبلى السّرائر ٢١٤/٣١
يوم ... تبلى الأسرار ١٩٩/٤٩
ولانهلكني يوم تبلى السرائر (قرآن) ١٤٧/١١١
بالَيْتُ: وأسقطتني من عينك فما بالت ١١٦/٦٥
إبْتَلاهُ: وأمّاإذاماابتلاه فقدرعليه رزقه (قرآن) ٢٥٧/٣١
فأمّاالإنسانإذا ماابتلاهربّه فأكرمه (قرآن) ٢٥٧/٣١ـ٣٥/٨
إبْتَلَيْتَ: ولاشكر عندي إن ابتليت وأوليت ١٦٤/١٥
وعافني ممّا ابتليت به طبقات عبيدك وإمائك ١٤٧/٩٢
إبْتَلَيْتَنِي: تكشف بها عنّى ما ابتليتني به ١٧٣/٢ ـ ١٧٢/١
كقدرتك على ما ابتليتني به ١٧٢/٣ـ ١٧٣/٣
كقدرتك علىّ حَيث ابتليتنى به ٤٢/٢٥
وبأحكامك فيها «الدّنيا» ابتليتنى ٢٠٣/٣
وكم من بليّةٍ إبتليتنى قلَّ لك عندها صبري ١٥٨/٢
وكم من بليّة إبتليتنى بها ١٥٦/٢ ـ ١٥٤/١ ـ ١٩٩/١٥٤
إبْتَلَيْتَنا: أللّهمّ إنّك إبتليتنا في أرزاقنا بسوء الظّن ٧٦/١
إبْتَلَيْتُ: تكشف بها عنّى ما قد ابتليتُ به ٤٢/٢٣
لِيَبْتَلِيَ: ونهانا ليبتلى شكرنا ١/٢٣
لاتَبْتَلِنِي: ولاتبتلنى بمحنك فإنّى ضعيف ١٩٩/٢٨
لاتَبْتَلِيَنّي: ولاتبتليّنى بالكبر وعبّدنى لك ٥٥/٤
ولاتبتليّنى بالكسل عن عبادتك ٥٥/١٨
أَبْتَلِيَ: وأبتلى بذمّ من منعنى ٥٥/٣٨
فَابْتَلِهِ: فابتلِهِ ببلآءٍ لانَسُرُّهُ ١٦٠/٧
بَلآءٍ: إلهي ما وصفت من بلآء أبليته ١٩٧/١٧
لابلاء إلاّ دفعته ١٤٣/٤٧
إلهي فكم من بلآءٍ جاهد قد صرفت عنّى ١٦٣/٣
أو شدّة أو رخاءٍ أو عافيةٍ أو بلاءٍ أو بُؤس ٥٧/٧
إلهي في هذه الدّنيا هموم ... وبلاء ٢٠٠/٤٤
من هذه العافية بين يدى بلاءٍ لاينقطع ٥١/٢
أو بلآءٍ تدفعه أو شرّ تصرفه ١٣٢/٥
أو عافية أو بلآء أو بؤس أو نعمآء ١٢٦/٣
وأستجير بك من كلّ بلآءٍ فَأجِرني ٥٢/٤
الْبَلاءِ: فلك الحمد على ما وقيتنا من البلاء ٩٧/٥
وانتصرت بك في رفع البلآءِ ١٤٨/١٩
وأعوذبك ... من جهد البلآء ١٣٨/١٠
واصرف عنّى... الجَهْد وَالبَلاء ١١٧/٦
أرصد لي البلآءَ فيما لم أعمل فيه فكرى ١٥٣/٥
ولاتلبسنا بهما لباس البلاء ٩٧/١
آه وانفساه من ظلمة القبر ووحشة البلآء ١٩٨/٤٨
فأورثتهم الصّبر على طول البلاء ٢٠٠/٣٠
أللّهمّ ... لاقوّة لي على البلآء ١٤٩/٤٥
لاتجعلني ممّن ... يصرعه البلاءُ ٢٠٤/٥
حسن البلآء كريم الثناء ٨٣/٣
واجعلني... المعافين من البلآء برحمتك ٦٤/١٣
فامنن علىّ قبل البلاء بالعافية ٥٥/٣٠
بمكروه ما ينزل من البلاء ومحبوب الرّخاء ١٢/١٢
جاء التّغيّر مكان العافية بحلول البلاء ٣٥/٤
وصرفت عنّى جهد البلاء ١٦٣/٢
والبلاء قد جائنى ٣٥/٦
وأعذني ... من حلول البلاء ١٤٧/١٠١
لأنّ بلاءك عندى أحسن البلاء ٢٤٩/٩
لأنّى لم أدر ما عظيم البلآء ٢٥٧/٢٤
جآء التّغيير مكان العافية بحلول البلآء ٢٥٧/٢٧
والبلآء قد حلّ بى ٢٥٧/٢٩
ولاصبر لي على البلاء ٥٩/٢
وأرقّ على أهل البلآء منهم «جبرانى» رحمة ٦٥/٤
أعوذبك من ... الوثاق والشجون والبلآء ١٥٣/٣٣
والّذين أبلو البلاء الحسن في نصره ١٤/٣
لأنّى لم أذق طعم البلاء فأجد طعم الرّضا ٣٥/٢
أحمده على حسن البلاء ١٢٣/٤
لابدّ من الموت ووحشة القبر والبلآء ١٩٨/٢٥
بَلآئِهِ: وبا من قلّ عند بَلآئِهِ صبرى ١٥٤/٢ ـ ١٥٦/٣
لقد حَسُنَ بَلاؤُه عندنا ١/٢٤
ولايحصى إحسانه وجميل بلائه ١٤٩/٢٦

يامن جعل الصّبر عوناً على بلائه ٩٩/٤
بَلآئِك: لك الحمد على حسن بلآئك ١٨٧/٨
ما أحسن بلآءك عندي ١٤٨/١٧
ربّ وما أحسن بلاءك عندي ١٦٤/١٢
أللّهمّ لك الحمد بما صرفت عنّى من بلائك ٥١/١
فاجعل نفسي ... صابرة على نزول بلآئك ٢٥٥/٣
والإعاذة من بلائك ١٤٤/٢٢
الحمد لك على بلائك ٢٤٩/١٧
لأنّ بلاءك عندى أحسن البلاء ٢٤٩/٩
فكفرت ولم أشكر بلائك ٢٥٧/٢٥
بِبَلآءٍ: فابتله ببلآءٍ لانستره ١٦٠/٧
بِبَلآئِها: وكم غيّرت الأرض ببلائها ٢١٤/٨٠
بِبَلاْها: وكم غيّرت الأرض ببلاها ٢١٤/٥
بِبَلاْئِكَ: أسئلك سؤال معترف ببلائك القديم ١١٤/٩
بِالْبَلآءِ: ولاتتبعنى بالبلاء فقد ترى ضعفى ٥٢/٣
أللّهمّ غُمَّهُ «من يؤذينى» بالبلاء غمّاً ١٦٠/٤
أرصد لي بالبلآء فيما لم أعمل فيه فكرى ١٥٢/٥
لِلْبَلآءِ: ولم أزل أتعرّض للبلاء وتعافينى ١٤٩/٣٢
ربّ لاتجعلني للبلاء غَرَضاً ٥٢/٣
بَلِيَّةٍ: أنقذني من كلّ هلكة وبليّة ١٤٨/٣٥
كم من بليّة إبتليتني بها ١٥٦/٢ـ١٥٨/٢ـ١/١٥٤ـ١٥٤/١٩٩
يادافع كلّ بليّة ياكريم العفو ١٢٣/١٤
وأسألك العافية من كلّ بليّة ١٢٩/٦
عرضت لي بليّةٌ ازالت قدمي ١١٦/٥٤
أللّهمّ إنّى أعوذبك من... كلّ بليّة ١١٦/١٢٦
وياكاشف مايشاء من بليّةٍ ١٧٥/١
وبليّةٍ تدفعها ١١٦/١١٢
الْبَلِيَّةِ: ثمّ دعوناك عند البليّة ٢٠٠/١٠
من هول المنيّة ونزول البليّة ٢١٤/٤١
أنا الّذى... لم أدعها فيك عند حلول البليّة ١٤٨/٩
عند هول المنيّة ونزول البليّة ٢١٤/١١٧
بَلِيَّتِهِ: وبحقّ أيّوب وبليّته ١٨٠/٤
وعجز صبرى عند بليّته فلم يخذلنى ١٩٩/١٥٤
بِبَلِيَّتِهِ: أنا المرتهن ببليّته ١٤٧/٨٢
بِبَلِيَّتي: اعصمني وطهّرني واذهب ببليّتي ١٧١/٢
فأنا الأسير ببليّتي والمرتهن بِعَمَلي ١٦٧/١
الْبَلاْيا: كن لي... من البلايا واقياً ١٨٣/٦
أسير البلايا والنّدايا ١١٨/٣
أللّهمّ إنّى أسألك يامن يصرف البلايا ٢٣٩/١
له علىّ سلطان يسلك بي البلايا ٢٠٠/٤٥
ممّا حملتني عليه جوارحى من البلايا ١٩٨/٢
بِالْبَلِيّاتِ: أللّهمّ فخذهم «الظّلمة» بالبليّات ١١٩/١٤
بَلْوىٰ: ياشافى كلّ بلوىٰ ١٧٥/١
الْبَلْوىٰ: وخلّصنى من لهوات البلوىٰ ١٤٧/٨٩
ياكاشف الضّرّ والبلوىٰ مع السّقم ٢١٥/٢
ويادافع الضّرّ والبلوىٰ ١٩٩/٦٥
وياكاشف الضّرّ والبلوىٰ ١٩٧/٣٤
الْبَالِي: سجد وجهى البالى... لوجهك... الباقى ٢٥٢/٩
سجد وجهى البالى الفانى لوجهك الدّآئم ٢٥١/١٦
الْبِلىٰ: وبارك لنا في حلول دار البلى ١٠٩/١٩
وفي ذكر هول الموت والقبر والبلىٰ ٢١٤/١٠
كيف صنيعك بي في دارالوحشة والبلىٰ ١٩٧/٣٤ـ١٩٩/١٤٦
ونقلت إلى دار البِلى من أقرانك ٢١٤/١
عد إلى ذكر المنقول إلى دار البلى ٢١٤/١٣٩
بُوَالٍ: محاسنهم فيها بوالٍ دوائر ٢١٤/٢ـ ٢١٤/٧٧

ب.ن.و

بَنىٰ: ولادفعت عنه الحصون الّتى بنى ٢١٤/٩٤ ـ ٢١٤/١٩
بنى السماوات فأتقنهنّ وما فيهنّ بعظمته ١٤٩/٢١
وبنى المعالي بسؤدده وتمجّد بفخره ١٤٩/١٤
وبنى فيها القصور والدّساكر ٢١٤/٩٢
فَبَنَى: فبنى الحصون والدّساكر ٢١٤/١٧
بَنَيْتَ: ... غير أنّك بنيت أفعالك على التفضّل ١٤٢/٤
بَنَيْتَنا: أللّهمّ وإنّك... على الوهن بنيتنا ٣٠/٤
تَبْنيه: خارجاً ممّا تبنيه الدّنيا وتهدمه ١٩٩/١٩٠
الْبِنَاءَ: ورفع البناء وزخرف وعمّر ٢١٤/١٤٨
بُنْيانٌ: كأنّهم بنيان مرصوص (قرآن) ١٢٨/٤
بُنْيانَهُ: وشرّف بنيانه «محمّد» ١٠٩/٢٤
بُنْيانَهُمْ: واقبض بنيانهم «الظّلمة» ١١٩/٨
الْمَبْنِيّاتِ: ياربّ السّماوات المبنيات وما فيهنّ ١٣٧/٥
إبْنِ: وموسى بن جعفر العبد الصالح ٤٢/٩
حتّى ترينى رأس ابن زياد وأنا أتغدّى ٧٢/١
ما نالنى من فلان بن فلان ٤٤/٢
إلهي وسيّدي عبدك وابن عبديك يسألك ١٣٥/١٦
أللّهمّ إن كنت تعلم أنّ فلانابْنَ فُلانٍ ١٦٠/٧
أللّهمّ إنّ فُلانابْن فُلانٍ قد شهرني ونَوَّه بى المكان ١٦٠/٥
من ذرّيّة الحسين : ... جعفر بن محمّد ١١٩/١٧
من ذرّيّة الحسين : ... موسى بن جعفر ١١٩/١٧
من ذرّيّة الحسين : ... علىّ بن موسىٰ ١١٩/١٧
من ذرّيّة الحسين : ... محمّد بن على ١١٩/١٧

علىّ بن أبيطالب عليه السّلام ١١٩/١٦
من ذرّيّة الحسين : علىّ بن الحسين ١١٩/١٧
وابن اوليائك وحبيبك وابن احبّائك ٤٢/١١
ومحمّدبن علىّ الرشيد القائم بامرك ٤٢/١١
الحسن بن عَلىّ عَبْدِك ووليّك ٤٢/١٣
علىّ بن محمّدٍ السراج المنير ٤٢/١٢
وبحقّ علىّ بن ابيطالب وشجاعته ١٨٠/٥
أللّهمّ صلّ على ... علىّ بن الحسين زين العابدين ١٨١/٤
أللّهمّ صلّ على ... موسى بن جعفر الكاظم ١٨١/٤
أللّهمّ صلّ على ... محمّدبن علىّ الباقر ١٨١/٤
أللّهمّ صلّ على ... جعفربن محمّد الصّادق ١٨١/٤
أللّهمّ صلّ على ... علىّ بن موسى الرّضا ١٨١/٤
اللّهمّ صلّ على ... محمّدبن علىّ التّقى ١٨١/٤
أللّهمّ صلّ على ... علىّ بن محمّد النقى ١٨١/٤
أللّهمّ صلّ على ... الحسن بن علىّ العسكرى ١٨١/٤
أللّهمّ إن كان ضمرة بن سمرة ٧٣/١
... علىّ بن الحسين ... ٤٢/١٥
... محمّدبن علىّ ... ٤٢/١٥
... جعفربن محمّدٍ ... ٤٢/١٥
إنّى عبدك وابن عبدك وابن أمتك ٢٢/٣٩
أللّهمّ إنّى عبدك وابن عبدك ٢٢/٣٩
بأميرالمؤمنين علىّ بن أبى طالب ٤٢/٥
وعلىّ بن موسى الرّضا المرتضى الزكىّ المصطفىٰ ٤٢/١٠
علىّ بن الحسين زين العابدين ٤٢/٥
... يا علىّ بن محمّد ... ٤٢/١٥
... موسى بن جَعفرٍ ... ٤٢/١٥
... علىّ بن موسىٰ ... ٤٢/١٥
... الحسن بن علىٍّ ... ٤٢/١٥
... محمّدبن علىّ ... ٤٢/١٥
نبيّك محمّدبن عبدالله صلّى الله عليه وآله ١٢٧/١٠
أللّهمّ إنّ ابن شهاب قد فزع إلىّ ٦٨/١
وولاية ... علىّ بن محمّد ١١٩/١٧
وولاية ... الحسن بن علىّ ١١٩/١٧
أللّهمّ ادفع عن وليّك وابن نبيّك ١١٩/٢٠
وجعفربن محمّدٍ الصادق من أولاد النبيّين ٤٢/٧
إبْنِهِ: وصلّ على إبنه الخالص من صفوتك ٢٢٢/٣
أبْنَاءُ: وأبناء أئمّة الهدى ٢١٩/٤٧
الأبْنَاءِ: تنزّهت عن إتّخاذ الأبناء ٢٤٣/٣
قاتلوا الآباء والأبناء في تثبيت نبوّته ١٤/٣
وتلهى الأبناء عن الآباء ٢١٩/١٧
بِالأبْنَاءِ: وهى تفجع الآباء بالابناء ٢١٩/١٧
بَنُونَ: يوم لاينفع مال ولابنون (قرآن) ١٢/٧٧ـ٩/١٣٥ـ٢٦/٢٠٧
الْبَنُونُ: إذاماتناساه البنونُ الأصاغر ١٣١/٢١٤ـ٥٥/٢١٤
ووحيد فارقه المال والبنونَ ١٣٩/١٩٩
بَني: أعوذبك من ... غلبة بنى آدم ٩/١٣٨
بَنيهِ: يوم يفرّ المرء من ... بنيه (قرآن) ١٠/٢٠٧
لِبَني: فلق البحر لبنى إسرائيل ٢٩/٢٢
بَبَنيه: لو يفتدي من عذاب يومئذٍ ببنيه (قرآن) ١٤/٢٠٧
إبْنَتِهِ: وبحقّ شعيب وابنته ٣/١٨٠
وفاطمة إبنته ٨/٨٧

ب.و.ء

يَبُوءُ: وأسألك سؤال من يبوء بذنبه ٤/١٧٠
أبُوءُ: وكثر علىّ ما أبوء به من معصيتك ٤/٨٨

ب.و.أ

بَوَّأْتَهُ: بوّأته مقعد الصدق في جوارك ٣/١٩٠
بَوَّأْتَهُمْ: وبوّأتهم «صفوتك» دار كرامتك ٣/١٩١
بُوِّئْتُ: بوّئت في الضّريح مرتهناً بعملي ٧٤/١٩٩
يَتَبَوَّأُ: يَتبوّأ منها حيث يشاء (قرآن) ٢٢/٢٢
أتَبَوَّأُهَا: مثابة أتبوّأها وأقرّ عيناً ١١١/١٤٧

ب.و.ب

بَابَ: وافتح لى باب الرّحمة إليك ١٥/٢٥١
وافتح لي ياربّ باب الرّغبة إليك ٤٠/٢٥٢
فافتح لنا حسب كرمك باب فرج من عندك ١٤/٧٠
وما قصدت باباً إلاّ بابك ٢/٩٩
قرعت باب فضلك يد مسألتى ٣/٧٠ ـ ٦٢/٢٥١
سيّدى أصبحت على باب من أبواب ٩١/١٩٩
أنت الّذى فتحت لعبادك باباً إلى عفوك ٦/١٤٢
فقد قرعت بي باب فضلك فاقة ٣/٢١٩
واجعلنا من الّذين غلّقوا باب الشّهوة ٢٦/٢٠٠
فتحت لعبادك باباً إلى عفوك ٩/١٨٢
وافتح لي ياربّ باب الفرج بطولك ٥/٢٤
وقد فتحت لي باب التوبة إليك ٥/٣٤
يقرع باب إحسانك بدعائه ١٠٣/١١٦
واجعله باباً من أبواب مغفرتك ٤/١٠٣
أمسيت وأصبحت على باب من أبواب منحك ٨/٢٣٩
الّذى أغلق عنّا باب الحاجة إلاّ إليه ١/٢١
صلّ على محمّد ... مفتاح باب جنّتك ١/١٠

اَلْبابِ: وجعلت على ذلك الباب دليلاً من وحيك ١٤٢/٦
بعد فتح الباب وإقامة الدّليل ١٤٢/٨
إلهي... فماعذر من أغفل دخول الباب بعد فتحه؟ ١٨٢/٩
بابِهِ: فيامَن... بجذبهم إلى بابه ودودٌ عطوفٌ ١٨٩/٥
يامن ... بابه مفتوح لداعيه ١٨٥/٦
بابَكَ: ومن قرع بابك حقيق بالإجابة ٢٥٦/١
بابك على الدّوام يطرقون ١٨٩/٣
فإن طردتني من بابك فبمن ألوذ ١٨٢/٢
أيحسن أن أرجع عن بابك بالخيبة مصروفاً ١٨٥/٢
وما قصدت باباً إلاّ بابك فلا تطردني من بابك ٩٩/٢
فلا تردّني من بابك خائبا ١٧٧/٢
لو انتهرتني ما برحت من بابك ١١٦/٣٢
وبابُك مفتوح لقاصديه ٢٠٢/٧
وإلى أين مذهبنا عن بابك ٣٢/٢
سيّدى لعلّك عن بابك طردتني ١١٦/٥٥
فو عزّتك لو انتهرتني ما برحت عن بابك ١١٦/٧٣
وبابك مفتوح للسّآئلين ٢١٥/١
إلهي ... أتيتك ... طارقاً بابك ١٨٦/٨
وبابك مفتوح لمن دعاك ياسيّدي ٨٩/١
لاتردّني عن بابك ٢٣٢/٢
بابك مفتوح للرّاغبين ١٤٦/٦
بِبابِ: وها أنا بباب كرمك واقف ١٩٢/٨
فها أنا ذا بإلهى، واقفٌ بباب عزّك ٣٤/٣
بِبابِكَ: من الّذى أناخ ببابك مرتجياً نداك ١٨٥/٢
حقيرك ببابك ياكريم ٢٢٨/١
عصآئب العصاة من عبادك ببابك ١٩٩/٩٨
قد استجرت ببابك ١٧٧/٢
قد أنخنا بفنائك وببابك ١٤٠/٢
للمريدين المتعلّقين ببابك أحباباً ٢٠٠/٣٨
عبيدك ببابك أسيرك بفنائك ٢٣٢/٢
سيّدى عبدك ببابك أقامته الخصاصة ١١٦/١٠٣
بِبابي: ومن الّذي أقام ببابي فلم أجبه ٢٠١/٢٣
أَبْوابٌ: وأبواب الإجابة لهم مفتّحة ٢٥٥/٤
إذا دعيت بها على أبواب العُسر لليسر تيسّرت ٥٨/٢
إلهى لاتغلق على موحّديك أبواب رحمتك ١٨٤/٦
وأحوجتني الخطايا إلى استفتاح أبواب ١٩٥/٢
وأبواب الدّعاء إليك مفتّحةٌ ٢٢٠/٣ ـ ٢٢١/٢
وافتح لي أبواب رحمتك وجودك ٢٢١/٥
سيّدى أصبحت على باب من أبواب ١٩٩/٩١
وأبواب رحمتك غير محجوبات ٨٢/٢
ابواب سمائك لمن دعاك مفتّحات ٨٢/٢
ووجّه في أبواب البرّ إنفاقى ٧٩/٤
واجعله باباً من أبواب مغفرتك ١٠٣/٤
وافتح لي أبواب توبتك ورحمتك ورأفتك ١٤٧/١١٦
إفتح لي أبواب جودك ٢٢٠/٨
أمسيت وأصبحت علىٰ باب من أبواب منحك ٢٣٩/٨
إلاّ دون ما نورد من أبواب الطّاعة لك ١١٥/١٥
إذا دعيت بها على مغالق أبواب السماء ٥٨/١
فتح لنا من أبواب العلم بربوبيّته ١/١٢
وأبواب الدّعآء إليك للصّارخين مفتوحةٌ ١١٦/١١
الْأَبْواب: وأتيتك من الأبواب الّتى أمرت ١٤٧/٧٨
أَبْوابَها: إلهي غلّقت الملوك أبوابها ٢٠٢/٧
الهى ... غلّقت الملوك عليها ابوابها ٨٢/١
غلّقت الملوك أبوابها ٢١٥/١
أغلقت الملوك أبوابها ٨٩/١
اَبْوابُكَ: وأبوابك مفتّحات للسّائلين ٩١/١
فلا تردّنا عن أبوابك ٢٠٨/٣
أَبْوابِنا: وأمرتنا أن لانردّ المساكين عن أبوابنا ٢٠٨/٣
وأمرتنا أن لانردّ سائلاً عن أبوابنا ١٤٠/٢ ـ ١١٦/١٣٢

ب.و.ح

أَبَحْتَ: وأدرجني فيمن أبحت لهم عفوك ٢٣٧/٦
أَبِحْ: أبح لهما «والدين» جنّتك مع الأخيار ٢٤٧/١١
أَبِحْنا: وأبحنا وإيّاهم جنّاتك مع النّجباء الأخيار ٢٠٦/١٧
إستَبَاحُوا: إستباحوا حريمك وركبوا ٢٢٣/٤
لايُسْتَبَاحُ: أصبحت في حماك الّذى لايستباح ٢٢/١٨
اَنْ يُسْتَبَاحَ: جعلته لحمى الحقّ أن يستباح مانعاً ١٠/٨
مُبَاحٌ: وجودك مباح للسائلين ١٤٦/٦
مُبَاحَةً: والإستعانة بفضلك لمن أمّلك مباحةً ١١٦/١١
والاستغاثة لمن استغاث بك مباحة ٢٢٠/٣

ب.و.خ

لايَبُوخُ: وجمر فراق لايبوخ حريقها ٢١٩/١٨

ب.و.ر

لَنْ تَبُورَ: يرجون تجارة لن تبور في مودّته ١٤/٣
أَبِرْ: وأبر به «وليعصر» الكافرين ١١٩/٢٧
اَلْبَوارِ: باجترائه على الآثام حلول دار البوار ٢٤٣/١١
وسحبت عليهم أذيال البوار ٢١٩/٢٢
بَوارِهِ: أسكِنْهُ «ظالمى» دار بوارِهِ ١٥٥/٣

بِبَوارِكَ: واصطلمهم ببوارك حتّى لاتبقى منهم ٢٢٣/٥
اَلْبائِرَةِ: أليسني في هذه الحياة البائرة ٣١/٤
مُبيرِ: قاصم الجبّارين ومبير المتكبّرين ٢١٤/٢١
اَلْمُبيرُ: أللّهمّ أنت ... القاصم المبير ١٩٩/٩
بُوراً: أما صار جمعهم بوراً ومساكنهم قبوراً ٢١٤/١٤٨

ب.و.ق

بَوائِقِ: مبرّأ من بوائق الأهوآء ١٩٩/١٩١
لِبَوائِقِ: المشفق من الحشر لبوائق يوم القيامة ٢٤٥/١
بِبَوائِقِهِ: بيني وبين من يرميني ببوائقه ١١٤/١٧

ب.و.ل

بِبالِهِ: وأخطرنا بباله «محمّد» لندخل في عدّة ١٠/٣١
بِبالي: وأنزل بك كلّ ما يخطر ببالي ١٩٩/١٧٨
ولم يخطر ببالي ولم يجر على لساني ١٦١/٨

ب.هـ.ت

بُهتُ: فإنّي قد بهت وتحيّرت من كثرة الذّنوب ٢٠١/١
مَبْهُوتاً: وإذا وقفت بين يديك مبهوتاً ١١٨/٤

ب.هـ.ج

لايَبْتَهِجُ: فكيف لايبتهج رجآئي ١٩٧/٢٣
فكيف لايبتهج رجآئي بتحقيق موعودك ١٩٩/١٣٢
بَهْجَتِهِ: بإكثارٍ منها تلهيني عجآئب بهجته ٢٥٢/٢٠
بإكثار منها تلهيني بهجته ٢٥١/٢٨ ـ ٧٨/٢
بَهْجَتِها: من نعمة ظللت لأنيق بهجتها لابساً ١٩٩/٦٨
وأظهرت لك من بهجتها ٢١٤/١٠٠
ويتمتّع به من بهجتها ٢١٤/١٠٩ ـ ٢١٤/٣٣

ب.هـ.ر

باهِرَ: سبحانك ... باهر الآيات ١٤٧/٣٠

ب.هـ.ظ

بَهَظَني: ألمّ بي ما قد بهظني حمله ٢٤/٣
أستحملُكَ من ذنوبي ما قد بهظني حمله ١٠١/٧
بَهَظَتْهُ: الواقف بين يديك وقد بهظته ذنوبه ١٦/٧
لايَبْهَظُكَ: وأستحملُكَ ما لايبهظك حمله ١٠١/٦
فَتَبْهَظَني: فتبهظني ممّا تحمّلنيه ١٤٧/٩٠

ب.هـ.ل

أَبْتَهِلُ: وأبتهل إليك كأشدّ ابتهاله ١٦٤/٥
وأبتهل إليك إبتهال المذنب الذّليل ١٣٢/٧
أبتهل إليك إبتهال تائب من ذنوبه ٢٤٣/١
بك أبتهل فلا تردّني خائباً ممّا رجوت ٢٤٧/٩
أبتهل إليك بعواطف رحمتك ولطآئف برّك ١٨٦/٤
نَبْتَهِلُ: ونبتهل إليك في سؤال عفوك ٩٧/٣
إِبْتِهالَ: وأبتهل إليك إبتهال المذنب الذّليل ١٣٢/٧
أبتهل إليك إبتهال تائب من ذنوبه ٢٤٣/١
إِبْتِهالِهِ: وأبتهل إليك كأشدّ ابتهاله ١٦٤/٥
وخضوعه لديك وإبتهاله إليك ١٦٤/٤
إِبْتِهالي: إليك تضرّعي وإبتهالي ١٩٢/٦
مُبْتَهِلٌ: مبتهلٌ إليك في العفو عن المعاصي ١٤٩/٣٩
على باب من أبواب منحك سائلاً مبتهلا ٢٣٩/٨
اَلْمُبْتَهِلُونَ: إليك أخلص المبتهلون ١٧٣/١٠ ـ ٧/٧

ب.هـ.م

أُبْهِمَ: وقد أقلقني ما أبهم عليّ ١٩٩/١٠٦
بَهيم: أوضح به في ... بهيم الحيرة المدلهمّ ٧٠/١١
بَهيمَةِ: على مارزقهم من بهمية الأنعام (قرآن) ١٤٤/٢٣
اَلْبَهيمِيَّةِ: حدود الإنسانيّة إلى حدّ البهيميّة ١/١١
اَلْبَهائِمِ: أفبأفعال البهائم اقتدينا ٢١٤/٦١
وتنعش به البهائم والخلق وتكمل لنا به ٥٣/٤
اَلْبُهَمَ: وأوضح بك البهم ١١٠/٢

ب.هـ.ى

باهَيْتَ: وباهيتَ به مَن هو خيرٌ منه ١٤٩/٥٥
بَهآءِ: وبما أطاف العرش من بهاء كمالك ١١٤/١٥
فهو «الإمام» ... بهاء العالمين ١٤٧/٦٢
اَلْبَهاءِ: ذوالبهاء والمجد والكبرياء والحمد ١٤٧/٢٣
أللّهمّ إنّي أسألك يا ذاالبهاء ١٢٤/١
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق البهاء ٢٦٧/١
وأنت الله ... ذوالبهاء ١٤٧/١٠
وتمجّد بالفخر والبهآء ٢/٢ ـ ٧/٢
بَهائِهِ: وبحقّ هارون وبهائه ١٨٠/٣
بَهآئِكَ: وبما وارته الحجب من بهآئك ١٦٢/٦
وبما ورآء الحجب من بهائك ٢٠٥/١٦
بَهائي: ولاتقر عني قارعةٌ يذهب لها بهائي ١٤٧/١٠٣
مُباهاةِ: أعوذبك من ... مباهاة المكثرين ٢٦/٢

ب.ى.ت

بَيْتِ: والحجّة عليهم السّلام أهل بيت الرّحمة ٨٧/٨
أللّهمّ ألحق أهل بيت نبيّك وذرّيتهم ٤٢/١٧

تحت راية الحقّ من أهل بيت نبيّك ١٢٧/١٠
وأهل بيت الوحى ١١٣/١
من أهل بيت الرّحمة المطهّرين ٤٢/٣٠
صلّ على محمّد وآل محمّد... وأهل بيت الوحى ٢٠/١
العبد الصالح من أهل بيت المرسلين ٤٢/٩
هل أدُلُّكُمْ على اَهل بيتٍ (قرآن) ١٥٩/٢١
ومعدن العلم وأهل بيت الوحى ١١٤/١
الْبَيْتِ: ولنظرى له في هذا البيت الجديد راجياً ١٩٧/٣٤
أللّهمّ وإنّى أسألك بحقّ البيت الحرام ١١٤/٢٢
قد نام وفدك حول البيت قاطبة ٢١٥/٣
فارحم بكائى بحقّ البيت والحرم ٢١٥/٤
لله على النّاس حجّ البيت (قرآن) ١٤٤/٢٢
وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتى ١١٢/٧
ومن هولنا أهل البيت عدّة وردٌ ٨٣/٣
وارحم في ذلك البيت الجديد غربتى ١١٦/٩٧
سبحانك ياربّ البيت ٨٣/٩
وعلى الأخيار من أهل البيت ١٢٣/٨
بَيْتِهِ: وصلّى الله عليه وعلى أهل بيته ١٤١/٣٣
وصلّى الله ... على أهل بيته الطّاهرين ١٩٩/١٩٩
وأهل بيته أصفيائك وأحبّائك ١١٤/٩
على أهل بيته الطيّبين الأخيار ١٢٣/١٠
وأهل بيته الأوصياء الهداة الدعاة ١١٤/٢٣
مرافقة محمّدٍ وأهل بيته ٣٦/١٠
وبمحمّد وأهل بيته أستشفع ١٩٩/١٤٩
أللّهمّ فصلّ على محمّد وأهل بيته الطّاهرين ١٩٩/١٥٠
على محمّد ... وعلى أهل بيته ١٩٩/٦٣
وصلّ على محمّد وأهل بيته ٢٢٧/٥ـ٢٥١/٤٥ـ٢٥١/٥٣
وصلّ على محمّد وأهل بيته المرضيين ٢٥٢/٣١
ولأهل بيته حرباً من الجنّ والإنس ٦١/٦
وعلى أهل بيته الطيّبين وسلّم ١٤٣/٢٣
سيّد المرسلين وعلى أهل بيته ٥٠/١٤
افتتح فيه الحجّ إلى بيته الحرام ١٤٣/٣٤
صلّى الله عليه وعلى أهل بيته ١١٩/١٦
وعلى أهل بيته الطيّبين الطاهرين ٢٤٢/٤
صلواتك ... عليه «نبيّك» وعلى أهل بيته ١١٦/٤٥
وعلى الطاهرين من أهل بيته ١٧٢/٨
خرج من بيته مهاجراً معه «محمّد» ١٠/٢٩
أللّهمّ صلّ على محمّد وعلى أهل بيته ٢٥١/٣٤
ربّ صلّ على أطايب أهل بيته ١٢٧/٥٧
بَيْتِكَ: وارزقني حجّ بيتك الحرام ١١٦/٥١ ـ ١١٦/١١٣
وأهل بيتك الطيّبين ١٢٤/٦
بعد إذ فرضته إلى بيتك الّذى حرّمته ١٤٤/٢٢
إجعل لنا إلى بيتك الحرام سبيلاً ١٤٣/٣٥
وارزقنا حجّ بيتك ١١٦/٤٥
وترزقني الحج إلى بيتك الحرام ١٢٧/٤
أن تكتبنى من حجّاج بيتك الحرام ١١٧/٤٢
بِالْبَيْتِ: بالبيت الحرام وبالحلّ والإحرام ١٤٩/٦٥
والطّائفين بالبيت المعمور ١٢/١٢
بُيُوتِهَا: مستجير بأطناب بيوتها أجاروه ١٧٧/١
بُيُوتَاتِ: وأهل بيوتات المرسلين ١٠/٣٤
بَيَاتَ: وكيف يَنامُ من يخاف بياتَ ملك الموت ٨٢/٦
الْبَيَاتَ: أم كيف تنام عينا من يخشى البيات ٢١٤/١٠٥
أم كيف تنام عين من يخشى البيات ٢١٤/٢٩

ب.ى.د

لايَبِيدُ: يامن ... لايبيد مُلْكُهُ ٢٤٧/٣
أَبَادَ: وأباد بقوّته كلّ ديّان ٢١٤/٩٦
وأباد الجبابرة بقهره ١٤٩/١٤
أَبَدُهُ: أبده «من يؤذينى» ابطُشْ به البطشة الكبرىٰ ١٦٠/١
الْبَآئِدِ: وهشيمها البائد وسرابها الذّاهب ١٦٤/١٩
مُبِيدُ: قاصم الجبّارين ومبيد المتكبّرين ٢١٤/٩٦

ب.ى.ض

لَمْ تُبَيِّضْهُ: وأسود وجهي إن لم تبيّضه ١٦٤/١٦
بَيِّضْ: وبيّض وجهه «نبيّناً» ١٠٩/٢٤
وبيّض وجوهنا يوم تسودّ وجوه الظّلمة ١٠٩/٢١
وبيّض وجهى بنورك ١١٦/١٢٤
فَبَيِّضْ: يوم القيامة فبيّض وَجهي ١٥٣/٢٠
تَبْيَضُّ: حمداً تبيضّ به وجوهنا إذا ١/١٦
يوم تبيضّ وجوهٌ وتسودّ وجوه (قرآن) ٢٠٧/٩
بَيْضٌ: ومافيهامن حورعين كانّهن بيض مكنون ٢٥٧/١٢
الْبَيْضَةَ: كما تخلّصُ البيضة من جوف ١٧٤/٤
كما تخلّص الطائر من جوف البيضة ١٧٤/٥
بَيْضَتُهُ: قد هشمت في رأسه بيضته ١٠/٢٢
مُبْيَضّاً: ثمّ بعثته مبيضّا وجهه ٨٣/٨
بَيْضَآءُ: هى بيضاءُ للنّاظرين (قرآن) ١٥٩/١٦
الْبَيْضَآءِ: وأتوجّه إليك بالعلويّة البيضآءِ ١٥٣/١١
العلويّة البيضآءِ ١٥٢/١٥

ب.ى.ع

بَاعَتْ: فإنّها نفوس باعت زينة الدّنيا ١٩٧/٤٧
لاٰيَبيعُ: يامن لايبيع نعمه بالأثمان ٣٩/١
بَيْعِ: وربحت في بيع الدّنيا بالآخرة تجارتهم ١٩٣/٤

ب.ى.ن

فَبانُوا: سوى أنّهم كانوا فبانوا وأنّنى ٢١٩/٢٨
أَبانَ: أبان عن واضح سنّتك ١٤٤/١٨
فَأَبانَ: فأبان فضيلته على سائر الشّهور ١١٥/٤
أَبْيَنَ: فسبحانك ما أبين كرمك ٨/١١ ـ ٩٨/٦
أَبَنْتَهُ: ثمّ إنّك أبنته فقلت عززت وجللت ١٤٤/٢١
أَبِنْ: وأبن به الضّرّاء من سبيلك ١٤٧/٦٥
بَيَّنْتَ: في كلّ ذلك بيّنت بالكتاب مع القسم ١٤٤/١٧
لَمْ تُبَيِّنْ: ولو لم تبيّن لي أليم عقابك ما رهبت ١٩٩/٩٤
تَبَيَّنَ: قد تبيّن الرُّشد من الغيّ (قرآن) ١٨/٤
أَتَبَيَّنُهَا: عرّفني فيه عَلامَةَ أَتَبَيَّنُهَا ٤٩/٢٠
بَيْنَ: فلم يحل كرمك بيني وبين مغفرتك ١٩٩/١٦٢
كيف نظرك لي بين سكّان الثّرى ١٩٧/٣٤
المكسوّ حلل الأمان إذا وقف بين يديك ١٠/٢٣
ما أراك منصفاً لنفسك من بين الأنام ١٩٧/٤٦
وقد رجوت أن لايضيع بين ذين و ذين ١٩٧/٢٢
وألقتني السّيّئات بين عفوك ومغفرتك ١٩٧/٢٢
إلهي ألقتني الحسنات بين جودك وكرمك ١٩٧/٢٢
وأقدّمك بين يدى حوائجى ١٢٤/٦
وأقدّمه بين يدى حوائجى ١٢١/٢٠ ـ ١٢٤/٦
إلهي ... ولم أقم بين يديك ٢٠٥/٥
فإن كانت ذنوبى حالت بين دعائى ١٩٩/١٦٢
أقدّمهم بين يدى حوائجى ١٢١/٢١ ـ ١٢٤/٧
من يريد بي سوءاً أو مكروهاً من بين يدىّ ٢٢/٣٥
خيركم بين أعينكم ٢٢/٣٦
ما يكون بيني وبين معصيتك حاجزاً ١٩٩/١٥١
وجهاً طالماً خرّ ساجداً بين يديك ١٩٩/١٥٣
لقد رجوت ممّن ألبسنى بين الأحياء ١٩٧/١
إلهي كأنّى بنفسي قآئمة بين يديك ١٩٧/٤
سيّدى كيف نظرك لي بين سكّان الثّرى ١٩٩/١٤٦
وألقتني السّيّئات بين عفوك وغفرانك ١٩٩/١٣١
سيّدى ألقتني الحسنات بين جودك وإحسانك ١٩٩/١٣١
وباعد بينهم وبين أزودتهم «عدوّ أهل الثغور» ٦٧/٦
لقد جمعت بيني وبين من كنت أعاديه فيك ٢١٢/٧
مابين ثرى الأرض إلى أعنان السّمآء ١٩٩/١٤٠
أن لايعريني منه بين الأموات ١٩٧/١
إلهي خلت نفسي بأعمالها بين يديك ٢٠٢/٨
ولاذى خواطر حالت بيننا وبين الإعتراف ١٠/٢٧
كما وصل بيننا وبين معرفتك ١٠/٤
وجعلته «محمّد» بين الحقّ والباطل فارقاً ١٠/٦
فيه «الكتاب» الفرق بين الحلال والحرام ١٩٩/١٧
أن تحوّل بيني وبين معاصيك ٢٣٧/٦
وحلت بين القلوب وبين نصرّفها ١٩٩/١١
الّذى لم يرضه بين العالمين سعى نقيّته ١٩٩/١١١
ولبقى رهيناً بين يديك ٩٨/٨
حالت خطيئتي بين الأمّهات والآبآء ١٩٨/٦٣
إن حبل بيني وبين محمّد المصطفى ١٩٨/٢٦
بين الّذين لايؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً (قرآن) ٢٣/٥
ها أنا ذا ياربّ مطروح بين يديك ٤٩/٥
وبأسمك الّذى تفرّق به بين الحقّ والباطل ٢٣٥/٢
وانصب الموت بين أيدينا نصباً ١٠٣/٢
وجعلنا من بين أيديهم سدّاً (قرآن) ٢٣/٥ ـ ١٦١/٥
بالإسم المكنون المنفرج بين الكاف والنون ١٦١/٤
فها أنا ذا بين يديك خاضع ذليل راغم ١٦٢/٥
ولاتحل بيني وبين شيئ من ذلك بعرض ١١٧/١١
أقامته الخصاصة بين يديك ١١٦/١٠٣
فحال ذلك بيني وبين التّضرّع إليك ٣٥/٤
حل بيني وبين التعرّض لسخطك ٣٦/٦
يامن يحول بين المرء وقلبه ٣٦/٦
جلست بين يديك مولاى ٢٤٩/١٨
لئن فعلت لتجمعنّ بيني وبين قوم ٢١٧/١
إلهي الأمان ... عند الوقوف بين يديك ٢٠٧/٣
لاتخلّ في ذلك بين نفوسنا واختيارها ٣٠/٣
لاتجبهني بالرّدّ وقد انتصبت بين يديك ٤٩/٨
وارفعني بين عبادك ١٤٧/١٠٠
ذلّلني بين يديك وأعزّني عند خلقك ١٤٧/١٠٠
أمتني ميتة من يسعى نوره بين يديه ١٤٧/١٠٠
وواتر بين ميرهم «أهل الثغور» ٦٧/٢
فها أناذا بين يديك فخذ لنفسك ٨٦/٣
أللّهمّ ومتى وقفنا بين نقصين ٣٠/٢
قعدت بين يديك مستكيناً، متضرّعاً إليك ٢٤٩/١٢
المقسوم فيها بين عبادك ما تقسم ١١٤/١٣
فمثل بين يديك متضرّعاً ٨٠/٥
أللّهمّ فارحم وحدتى بين يديك ٨٠/١٩
وفرّق بينهم «عدوّ أهل الثغور» وبين أسلحتهم ٦٧/٦
وخالف بين كلمتهم «الظّلمة» ١١٩/٨
أو رزق تبسطه بين عبادك ١٣٢/٥

بل لقلّة حسناته بين سيّئاته ١٠١/١٠
والذّلة بين يديك ١١٥/٢٢
لهم زفرات... في مراتع الإحسان بين يديك ٢٠٠/٣٣
سكنت بين خوافي طابق العضلات ٢٠٠/٣٣
وحالت بيني وبين خدمتك ١١٦/٥٤
وتوكيداً بين حواشي القلوب لمودّته «محمّد» ١٠/١٠
ذنوبنا بين يديك ١١٦/٤٠
وقمت للصّلاة بين يديك ١١٦/٥٣
وجالت بين سرائر حجب الجبروت ٢٠٠/٣٠
إلهي لو ... منعتني سيبك من بين الأشهاد ١١٦/٧٤
واجمع بيني وبين المصطفى خيرتك من خلقك ١١٦/٧٦
فرّق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك ١١٦/٨٥
ألّلهمّ إجعل ... نوراً من بين يدىّ ١٣٤/٣
تب على عبدك ... الواقف بين يديك ١٦/٧
أبتدئ يومي هذا بين يدى نسياني وعجلتي ١٧/١
لو ... حلت بيني وبين الأبرار ١١٦/٧٤
ياربّ السّحاب بين الأرضين والسماوات ١٣٧/٦
يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم (قرآن) ١٨/٣
أقدّم في يومي هذا بين يدى نسياني وعجلتي ١٧/٢
إذ فرّق بينه وبين أهله إذ هو في السجن ٢٥٢/٨
نورهم يسعى بين أيديهم (قرآن) ١٤٢/٧
وفرقاناً فرقت به بين حلالك وحرامك ١٠٩/١
وسلّمني ما بيني وبين لقائك ١٤٩/٦٠
فيحول ذلك بيني وبين خوفي ٢٥٧/٢٠
وليقى رهناً بين يديك بسائر نعمك ٨/١٤
أخذني ربّي بذنوبي بين الملأ ١٩٨/٦
آه وانفساه من موقفي بين يدى الرّحمٰن ١٩٨/٨
ذنوبه إلى ذلّ مقامه بين يديك ١٦٤/٤
فيحول ذلك بيني وبين التضرّع إليك ٢٥٧/٢٦
إذ فرّقت بينه وبين أهله ٢٥١/١٣
فها أنا ذا بين يديك ٢٠٥/١٥
واجمع بيني وبين أوليائي ٢٥٥/٧
يكون واعظاً لما بين يدىّ من أشباههنّ ١٠٠/٣
إلهي بقيت بين خوف ورجاء ٢٠١/٦
من بين فرث ودم بقوّتك ١٧٤/٢
كما تخلّص الولد من بين المشيمة ١٧٤/١
من بين ماء وطين ورمل بقدرتك ١٧٤/٣
وأقامني مقام الأذلاّء بين يديك ضرّ حاجتي ١٩٩/٨٩
وإذا وقفت بين يديك مبهوتاً ١١٨/٤
وإذا قمت بين يديك في القبور ١١٨/٣
من بين يدى هول ذلك اللقاء ١١٨/٦
واقفاً بين الرغبة إليك والرهبة منك ٨٨/١١
إذا أجبتني في مقامي هذا بين يديك ١٤٤/٣٠
يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم (قرآن) ١٥٩/٦
ما ألّفت بين قلوبهم (قرآن) ٢٣/٦
ألّلهمّ احفظني بحفظ الإيمان من بين يدىّ ٢٨/٣ ـ ٢٩/٣
وابلغ بأعمارنا ما بين أيدينا ١٤٢/٥١
حين أقف بين دعوتك ودعوة الشيطان ٤٩/١٣
وقد رجوت أن لاتخيّب بين ذين ١١٦/٢٠
الأفواه عن النطق بين يديك ١٠/٣٤
وأحللهم أشرف المقام بين يديه ١٠/٣٤
وقد رجوت أن لايضيع بين ذين وذين ١٩٩/١٣١
وارزقني الشّهادة بين يديه حتّى ألقاك ١٤٩/٧٠
يحول بيني وبين الطّاعة والزّلفى ١٨٣/٣
وها أنا ذا بين يديك صاغراً ١٤٧/٧٥
ويحول بيني وبين حظّي منك ١٤٧/٨٧
وحل بيني وبين عدوّ يضلّني ١٤٧/٨٩
ولاتفضحني بين يدى أوليائك ١٤٧/٩٦
وارفعني بين عبادك ١٤٧/١٠٠
يسعى نوره بين يديه وعن يمينه ١٤٧/١٠٠
وذلّلني بين يديك ١٤٧/١٠٠
لو ... منعتني سيبك من بين العباد ١٩٩/٩٣
إضرب بيني وبين من يرميني ١١٤/١٧
بيني وبين أعدائي ستراً ١١٤/١٦
أوقعهم غضبك بين المشركين بكرباتهم ١١٩/١١٢
إرحم تضرّعي إليك وانتصابي بين يديك ١٤٨/٢٦
الْبَيْنِ: وإصلاح ذاتِ البين وإفشاء العارفة ٥٥/١٥
بَيْنَهُ: اجعل بيننا وبينه ستراً لايهتكه ٥٠/١
حل بيني وبينه «ظالمي» بشغل شاغل ١٥٥/١
إذ فرّق بينه وبين أهله ٢٥٢/٨
إذ فرّقت بينه وبين أهله ٢٥١/١٣
بَيْنَهُمَا: وأعوذبك ربّ من شرّ... ما بينهما ١٥٣/٣٢
وعلى من بينهما من النبيّين والمرسلين ٢٢٢/٤
وما بينهما طرفة عين لايدرك بكيف ١٣١/٢
عرّف بيني وبينهما في مستقرّ رحمتك ١٣٩/١١
وما بينهما وما تحت الثّرى (قرآن) ١٨/١
بَيْنَهُمْ: وباعد بينهم «عدوّ أهل الثّغور» ٦٧/٦
فبيني وبينهم خلّيتني ١١٦/٥٧
وفرّق بينهم «عدوّ أهل الثغور» وبين أسلحتهم ٦٧/٦
واجعل بأسهم بينهم «الظّلمة» ١١٩/٩

وتابع بيننا وبينهم بالخيرات ١١٦/٤٨
لكنّ الله ألّف بينهم إنّه عزيز حكيم (قرآن) ٢٣/٦
وحلّوا بدار لاتزاور بينهم ٢١٤/٩٠
كأنه لم يكن بينهم العزيز المفدّى ٢١٤/١٢٥
بَيْنَهُنَّ: وما فيهنّ وما بينهنّ وما تحتهنّ ١٤٩/٧٢
عدد أرضيك وما تحتهنّ وما بينهنّ ١٤٧/٦٠
بَيْنَكَ: إذا قرأت القرآن جعلنا بينك (قرآن) ٢٣/٥
بيني وبينك لايعلمها أحد غيرك ٢٢٢/٥
فان كانت ذنوبي قد حالت بيني وبينك ١٤٩/٤٢
لأنّك تحسن فيما بيني وبينك ٤٠/٣
حالت «ذنوبي» بيني وبينك بإقترافي لها ٢٤١/٨
حالت «الذنوب» بيني وبينك ٢٤٧/٢
إن أوحش ما بيني وبينك فرط العصيان والطّغيان ١٨٦/٣
وطلبي ما لديك توبةً فيما بيني وبينك ١٤٨/٢٦
بَيْني: فلم يحل كرمك بيني وبين مغفرتك ١٩٩/١٦٢
ما يكون بيني وبين معصيتك حاجزاً ١٩٩/١٥١
لقد جمعت بيني وبين من كنت أعاديه فيك ٢١٢/٧
حلت بيني وبين الأبرار ما قطعت ١١٦/٧٤
أن تحول بيني وبين معاصيك ٢٣٧/٦
إن حيل بيني وبين محمّد المصطفى ١٩٨/٢٦
بيني وبينك لايعلمها أحد غيرك ٢٢٢/٥
فحال ذلك بيني وبين التّضرّع إليك ٣٥/٤
ولانحل بيني وبين شيئ من ذلك بعرض ١١٧/١١
حل بيني وبين التّعرّض لسخطك ٣٦/٦
لئن فعلت لتجمعنّ بيني وبين قوم ٢١٧/١
فإن كانت ذنوبي قد حالت بيني وبينك ١٤٩/٤٢
وحل بيني وبينه «ظالمي» بشغل شاغل ١٥٥/١
لأنّك تحسن فيما بيني وبينك ٤٠/٣
حالت «ذنوبي» بيني وبينك باقترافي ٢٤١/٨
وحالت بيني وبين خدمتك ١١٦/٥٤
واجمع بيني وبين المصطفى خيرتك من خلقك ١١٦/٧٦
فرّق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك ١١٦/٨٥
عرّف بيني وبينهما في مستقرّ رحمتك ١٣٩/١١
حالت «الذنوب» بيني وبينك ٢٤٧/٢
وسلّمني ما بيني وبين لقائك ١٤٩/٦٠
فيحول ذلك بيني وبين التّضرع إليك ٢٥٧/٢٦
فيحول ذلك بيني وبين خوفي ٢٥٧/٢٠
واجمع بيني وبين أوليائي ٢٥٥/٧
إن أوحش ما بيني وبينك فرط العصيان والطّغيان ١٨٦/٣
يحول بيني وبين الطّاعة والزلفى ١٨٣/٣
وحل بيني وبين عدوّ يضلّني ١٤٧/٨٩
ويحول بيني وبين حظّي منك ١٤٧/٨٧
إضرب بيني وبين من يرميني ١١٤/١٧
بيني وبين أعدائي ستراً ١١٤/١٦
وطلبي ما لديك توبةً فيما بيني وبينك ١٤٨/٢٦
بَيْنَنا: كما وصل بيننا وبين معرفتك ١٠/٤
اجعل بيننا وبينه ستراً لايهتكه ٥٠/١
وتابع بيننا وبينهم بالخيرات ١١٦/٤٨
ولاذى خواطر حالت بيننا وبين الأعتراف ١٠/٢٧
فَبَيْني: فبيني وبينهم خلّيتني ١١٦/٥٧
بَيانٌ: ولم يعيك برهانٌ ولابيان ١٤٧/١٥
ولم تدعهم «عبادك» بغير بيان ولاهدى ١٩٩/١٦٦
الْبَيانِ: إستزلّني الشّيطان بعد الحجّة علىّ والبيان ٢٠٩/٣
وأزلّني الشّيطان بعد الحجّة علىّ والبيان ٢٣٣/٢ ـ ١٦٥/٢
ما أجريت على ألسنتنا من نور البيان ٢٠٠/٢٢
وأزلّني الشّيطان بعد الحجّة والبيان ٢٢٩/٢
استفزّني الشّيطان بعد الحجّة والمعرفة والبيان ٨٩/٣
بَيانُها: الدلائل الهادية التي... شرح بيانها ١٩٩/١٧
بِالْبَيانِ: وأسألك المخرج بالبيان من كلّ شبهة ١٢٥/٤
الْبائِنُ: أللّهمّ أنت المبين البائن المبيّن ٢٢٢/١
مُبيناً: وخسروا خسراناً مبيناً ١٤٣/١٢
قال أو لو جِئْتُكَ بِشَيءٍ مُبينٍ (قرآن) ١٥٩/١٦
فألقى عصاه فإذا هي ثعبانٌ مبينٌ (قرآن) ١٥٩/١٦
وخسروا خسراناً مبيناً ١١٦/٤٩
الْمُبينُ: أللّهمّ أنت الملك الحقّ المبين ٨٣/١
تلك آيات الكتاب المبين (قرآن) ١٤٤/١٦ ـ ١٥٩/١٥
أنت الله ... المبين ١٨١/٣
وحبله المتين وسلطانه المبين ٢٢/٨
أللّهمّ أنت المبين البائن المبيّن ٢٢٢/١
الْمُبَيِّنُ: أللّهمّ أنت المبيّن البائن المبيّن ٢٢٢/١
الْمُتَباينَةُ: على معرفتك جمعت العقول المتباينة ١٩٤/٣
بَيَّناً: وجعل له وقتاً بيّنا ١١٥/٤
بَيِّنَةٍ: لن يهلك من هلك إلاّ عن بيّنة ٢٤٨/٨
بَيِّناتٍ: وبيّنات من الهدى والفرقان ١١٧/١
هدىً للنّاس وبيّنات من الهدى والفرقان (قرآن) ١١٥/٣
الْبَيِّناتِ: من بعد ما جاءهم البيّنات (قرآن) ٢١٩/٤٦
بَيِّناتِهِ: بمتشابهه وموضحات بيّناته ١٠٩/٥
بَيِّناتِكَ: مبلّغاً عنك... أعلام شواهد بيّناتك ١٠/٣
نظروا إلى ... شواهد حجج بيّناتك ٢٠٠/٤٠
أَبْيَنِ: وأبين الخشوع وأبلغه ١١٥/١٢

حرف التاء

ت.ب.ب

إسْتَتَبَّ: حتّى إستتبّ له «محمّد» ماحاول في أعدائك ٩/٣

ت.ب.ر

تُتَبِّرُ: ولاتتبّرني فيمن تتبّر من ١٤٧/٨٨
لاتُتَبِّرْني: ولاتتبّرني فيمن تتبّر من ١٤٧/٨٨
تَبَّرْهُمْ: وتبّرهم «الظّلمة» تتبيراً ١١٩/١٢
تَتْبِيراً: وتبّرهم «الظّلمة» تتبيراً ١١٩/١٢

ت.ب.ع

تَتْبَعُها: تتبعها الرّادفة (قرآن) ٢٠٧/١٥
اَتْبَعَهُ: مسلم ... أتبعه في وجهه دعوةً ٦٧/٢٠
اَتْبَعْتَ: وأتبعت ذلك منك باليمين ٧٧/٧
اَتْبَعْتَهُ: وأتبعته من قسمك في كتابك قاطعاً ٧٦/٣
أَتْبَعْتُ: ثمّ أتبعت ذلك بالإنابة إليك ١٤٧/٧٩
لاتُتْبِعْني: وأقلني عثرتي ولاتتبعني بالبلاء ٥٢/٣
تابَعْتَ: بل تابعت عليّ في نعمك ١٩٩/١٧٣
تابِعْ: تابع بيننا وبينهم بالخيرات ١١٦/٤٨
إتَّبَعَ: وأن لاتجعلني ممّن... اتّبع هواهُ ١٣٥/٥
نعظ عن متابعته من اتّبع زجرنا ٥٠/١٣
إتَّبَعَهُمْ: أللّهمّ فصلّ عليهم وعلى من إتّبعهم ٤٢/١٦
إتَّبَعَكُما: بآياتنا أنتما ومن اتّبعكما الغالبون (قرآن) ٢٢/٧ ـ ١٥٩/١٨
إتَّبَعُوا: إنّهم «الظّلمة»... إتّبعوا الشّهوات ١١٩/١٣
إتَّبَعْتَ: واتّبعت سنن نبيّه «الله» ٢٥٥/٢
إتَّبَعْتُ: لكن اتّبعتُ هواي وأزلّني الشيطان ٢٣٣/٢ ـ ١٦٥/٢ ـ ٢٢٩/٢
فَأَتْبِعْ: فأتبعْ دعونه على غير عمىً منّى ٤٩/١٣
تَتابَعَ: سيّدى تتابع منك البرّ والعطآء ١٩٩/١٨١
تَبَعاً: ولاتبعاً إلاّ لمرضاتك ١٤٧/١٠٦
تَبَعاتِ: ولاأحتمل إصرّ تبعات المكسب ٥٥/٣٦
مُتابَعَةِ: ومتابعة من أرشدني ٥٥/١٢
أعوذبك من ... متابعة الهوى ٢٦/١
مُتابَعَتِهِ: نعظ عن متابعته من اتّبع زجرنا ٥٠/١٣
لِمُتابَعَتِهِ: وفّقنا لمتابعته «امام زمان» ١١٩/٢٩
بِمُتابَعَتِهِ: وامنن علينا بمتابعته «وليعصر»(عج) ١١٩/٣٠
إتِّباعِ: وطهّرنا من اتّباع الهوى ٢٠٠/١٧
وأعوذبك ... من ... إتّباع أهوائى ١٢٣/١٨
... واتّباع السنن ... ٢١/١٣
إتِّباعِي: ودام للشّهوات إتّباعى ٢٥١/٥٥
بِاتِّباعِهِ: الضّلالة والجهالة بإتّباعه ١٠٩/٣
تَتْابُعِ: فمن تتابع المهالك فأنقذنى ٢٣٧/٧
إلهى تتابُعُ إحسانك إلىّ يدلّنى ١٩٧/٢٤
إلهى أذهلني عن إقامة شكرك تتابع طولك ١٨٧/١
تابِعاً: واجعلني ... تابعاً لسنّة نبيّك ٢٦٨/٣
التّابِعينَ: وصلّ على التّابعين من يومنا هذا أوجه من ضممته من التّابعين لهم ١٤/٧ ١٠/٣٠
أللّهمّ وأوصل إلى التّابعين لهم بإحسان ١٤/٤
أَتْباعِ: من أتباع سنّتك ... فلقّه اليسر ٦٧/١٦
أللّهمّ وأتباع الرسل ومصدّقوهم ١٤/١
أَتْباعِهِ: فاجعلنا من أسعد أتباعه «محمّد» ١٠/٣٠
أعذنى فيه من ... أتباعه «الشيطان» ١١٧ /٧
إجعلني من أتباعه وأشياعه ١٨١/٥
إجعلني من أتباعه وشيعته ٢٤/٦
أَتْباعِهِمْ: وأرأهل الموقف من النّبيّين وأتباعهم ١٠/٢٤
التُّباعِ: والتّبّاع بينهم بالخيرات ٢٠٦/٢٤
مُتَّبِعاً: واجعلني له متّبعاً حتّى ألقاك ١١٣/٩
مُتَّبِعينَ: ولسنّة نبيّك ... متّبعين ٢٠٦/١٩
الْمُتَّبِعينَ: المتّبعين منهجهم ١٤٧/٦٨
المُتَتابِعَةِ: علىٰ ما أبلاهم من مننه المتتابعة ١/١٠
تَبِعَةٌ: فراغ سلامة لاتدركنا فيه تبعة ٣٣/٣
تَبِعَتِهِ: وأستجيربك...من تبعته«الدّين» بعد الوفاة ٧٩/٢
ورغبت إليك في وضع تبعته عنهما ٦٣/٩
تَبِعَتي: سيّدى ... بقيت تبعتي ١٩٩/٨١
تَبِعاتٌ: أللّهمّ وعليّ... تبعات قد نسيتهنّ ٨٠/١٤
أللّهمّ وعليّ تبعات قد حفظتهنّ ٨٠/١٤
عليّ تبعات قد نسيتهنّ ٨١/٢
التَّبِعاتِ: وأن تخلّص أموالنا من التّبعات ١١٥/١٣
وألبسني من نظرك ثوباً يغطّى عليّ التّبعات ١١٦/١٠١
وترضي عنّى أصحاب التّبعات من خلقك ١٣٤/٧
تَبِعاتِهِ: ضعف حججه في جميع تبعاته ١٠١/١٠
تَبِعاتُها: من ذنوب ... أقامت تبعاتها فلزمت ٨٠/٦
تَبِعاتِكَ: جارحة على حيالها من تبعاتك ٨٠/١٨
تَبِعاتِنا: واسلخ عنّا تبعاتنا مع إنسلاخ أيّامه ١١٥/٢٠

ت.ج.ر

تِجارَةً: يرجون تجارة لن تبور في مودّته ١٤/٣
تجارةٌ ناميةٌ مباركةٌ لاتلهيني ٣٦/٧
التِّجارَةِ: واجعلني...الرّابحين في التِّجارة عليك ٦٤/١٢
تِجارَتُهُمْ: الدّنيا بالآخرة تجارتهم ١٩٣/٤
تِجارَتي: واجعل تجارتي رابحةً ١٤٧/١٠٨
مُتاجَرَتِهِمْ: نريد ربحهم في متاجرتهم لك ١٤٢/٩

ت.ح.ف

أَتْحَفْتَني: والنعم الّتي أتحفتني بها تخفيفاً لمّا ثقل ٤٦/٣
يُتْحَفُ: يامن يجتبي صغير ما يتحف به ١٤٦/٢
أَتْحِفْني: وأتحفني بتحفة من تحفائك ١٤٧/١٠٨
بِتُحْفَةٍ: وأتحفني بتحفة من تحفائك ١٤٧/١٠٨
تُحَفائِكَ: وأتحفني بتحفة من تحفائك ١٤٧/١٠٨

ت.خ.م

تُخُومِ: في كنين أرض ولاسماء ولانخوم ٢٤٧/٣
النُّخُومِ: ضاقت به رحاب النّخوم ٢٤٥/١

ت.ر.ب

تُرابَ: وأكلنا تراب الأرض طول أعمارنا ٢١٣/٢
وأكلتُ تُراب الأرض طول عُمُري ٤٩/١٧
ويقول الكافر ياليتني كنت تراباً (قرآن) ٢٠٧/١٢
التُّرابِ: سجد وجهي متعفّراً في التّراب ٢٢٦/١
ومنشأ من التّراب نطق إعراباً بوحدانيّتك ٢٢٢/٢
فحثوا بأيديهم التّراب ٢١٤/٥٧
وامسوا رميماً في التّراب وعطّلت ٢١٤/٨٩
وأضحوا رمماً في التّراب ٢١٤/٨٨
وضمّتهم تحت التّراب الحفائر ٢١٤/٧٩ ـ ٢١٤/٤
ثمّ حثوا بأيديهم عليه التّراب ٢١٤/١٣٤
سجدوجهي متعفّراً في التّراب لخالقه ٢٥١/١٧-٢٥٢/١٠
وأضحوا رميماً في التّراب وأقفرت ٢١٤/١٤
آه وانفساه إذا أضحى التّراب لي فراشاً ووطآء ١٩٨/٤٥
حتّى يكشفوهم إلى منقطع التّراب ٦٧/١٠
ألحقتهم بتجافيف التّراب ٢١٩/٢٤
تُرابِها: وغيّبت في ترابها ممّن ٢١٤/٨٠

ت.ر.ع

مُتْرَعَةً: ومناهل الرّجاء لديك مترعةً ٢٢١/٢
٢٢٠/٣ـ ١١٦/١١
ومناهل الظمآء لديك مترعةٌ ٢٥٥/٦

ت.ر.ف

أَنْ تُتْرِفَنِي: من غير أن تترفني فيها فأطغى ٢٥٢/١٨
٢٥١/٢٦ ـ ٧٨/١
مُتْرَفٍ: ومن شرّ كلّ مترفٍ حفيدٍ ٦١/٦
مُتْرَفينَ: مترفين خاضعين لك بالعبوديّة ٢٤٧/٦
الْمُتْرَفينَ: فيامن ... لايندّه المترفين ١٤٧/٨١

ت.ر.ك

تَرَكَ: وأنّ أحبّ عبادك إليك من ترك ٣٤/١٠
تَرَكَهُ: وكلّ قلب تركه وجيب الخوف إليك ١٩٩/٩٨
تَرَكَها: ويغرق من تركها ٢٠/٢ ـ ١١٣/٢
تَرَكُوا: فلا تنس لهم اللّهمّ ما تركوا لك وفيك ١٤/٤
تَرَكُوهُ: وتركوه رهناً بما كسب وطلب ٢١٤/١٣٥
تَرَكْتَني: آه واخطيئتاه، تركتني خطيئتي ١٩٨/٥٥
تركتني خطيئتي كالحبّة في المقلى ١٩٨/٥٤
تركتني خطيئتي في موارد الهلكى ١٩٨/٥٧
تركتني خطيئتي في طول حزن وبكآء ١٩٨/٥٨
آه واخطيئتاه، تركتني خطيئتي كالسّقيم ١٩٨/٥٦
آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي مغموماً ١٩٨/٦١
تَرَكْتَني: تركتني كأنّي لاذنب لي ١٤٨/٤
تَرَكْتُ: وتركت معصيتك في أبغض الأشياء إليك ٢٠٩/٢
فَتَرَكْتُ: اللّهمّ إنّك أمرتني فتركت ٨٨/٩
يَتْرُكُ: فعمّا قليل يترك الدّار عامر ٢١٤/١٠٢
تَتْرُكُ: وتترك معاجلتهم إلى التّوبة ١٤٢/٥
لَمْ تَتْرُكْ: ولم تترُك عبادك هملاً ولاسدى ١٩٩/١٦٦
أَتْرُكُ: وأترك عزمي حين تعرّض شهوتي ٢٠١/١٦
لاأَتْرُكُ: واستعملني في مرضاتك عملاً لاأترك ١٧١/٧
لَمْ أَتْرُكْ: ولم أترك معاصيك ١٤٩/٣٤
تَرْكِ: عزمي على ترك ما يعرض لي من السيّئات ١٠٠/٤
ترك التّهمة فيما تحويه أيدي العباد ١٤/٩
ترك الشّكر لمن اصطنع العارفة عندنا ٢٦/٣
ترك الإنتقام ممّن ظلمني إلى يوم الفصل ٤٤/١١
وترك قليل البغي وكثيره ١٢٥/٥
تركٌ من حقّك ورضىً بدون واجبك ٩٨/١٠
وإيثار التفضّل وتركِ التّعيير ٥٥/١٥
التَّرْكَ: أسألك ... التّرك لشرّ ما أعلم ١٢٥/٣
إن يكن التّركُ لمعصيتك إنابة ٨١/٨ ـ ٨٠/٢٤
والتركِ لما يسخطك ١٢٧/٩
تَرْكِيَ: تركي للإستغفار مع سعة رحمتك عجزٌ ٣٨/١
وتركي الإستغفار مع علمي بسعة حلمك ٨٧/١

تركي الإستغفار مع علمي بسعة رحمتك ٣٧/١
تَرْكِنَا: ولاتشمته بنا بعد تركنا اياه لك ٣٢/٥
يَتْرُكِ: أللّهمّ ارحمني بترك المعاصي ما أبقيتني ١٥٣/١١
وارحمني بترك تكلُّف ما لايعنيني ١٥٣/١٢
لِتَرْكِ: ولم يدحض لترك معاجلتهم برهانك ١٤٦/٨
فَتَرْكٌ: فترك من حقّك ورضىً بدون واجبك ٨/١٦
التَّارِكِينَ: من... التّاركين لكلّ معصيتك ٦٤/١٤
مَتْرُوكٍ: ولامتروك صيامه سأماً ١٤٢/٤٢
التُّرْكِ: أعدائك في أقطار البلاد من... التّرك ٦٧/١١

ت.ع.ب

أَتْعَبَ: وأتعب نفسه في ذاتك ١٤٧/٨٤
أَتْعَبَهَا: وأتعبها بالدّعآء إلى ملّتك ٩/٣
التَّعَبِ: ليسكنوا فيه من حركات التعب ٢١/٢
واصرف عنّي ... التّعب والعناء ١١٧/٦
تَعَبِهِ: وكثرة تعبه في طلابها ٢١٤/٣٣
تَعَبِهِمَا: أين شدّة تعبهما «والديّ» في حراستي ٦٣/١١

ت.ق.ن

أَتْقَنَ: بصنع الله الّذى أتقن كلّ شيء ٤٨/١
فَأَتْقَنَهُنَّ: بنى السّماوات فأتقنهنّ ١٤٩/٢١
أَتْقَنْتَ: أتقنت إنشاء البرايا فأحكمتها ٢٤٧/٥
فَأَتْقَنْتَ: وصنعت فأتقنت ١٩٩/١٠

ت.ل.ف

تَلَفِ: وسعى في تلف عبادك المؤمنين ٧٠/٥
حللت شعاب تلفٍ تعرَّضت فيها لسطواتك ١٥/٢
التَّلَفِ: وحصّن رزقي من التّلف ٥٥/٣٥
تَلَفِي: تخلّلت شعاب تلفي ١٥٣/٢
الْمُتْلِفَةُ: المتلفة حلاّلها المحشوّة بالآفات ١٩٦/١

ت.ل.و

تَلَوْنَا: سيّدى إن تلونا من كتابك سعة رحمتك ١٩٩/١١٧
وإذا تلونا ذكر عقوبتك جددنا ١٩٩/١١٧
يَتْلُو: خير خلقك يتلو عليّ أفضل كتبك ٢٥٧/١٠
أَتْلُوهُ: واجعلني أتلوه «كتابك» على ما ١٥٣/١٣
تِلاوَةِ: وفرّغني فيه لـ... تلاوة كتابك ١١٧/٣
إجعل ... رهبتي عند تلاوة آياتك ١٤٧/١٠٤
تِلاوَتِهِ: أللّهمّ فإذ أفدتنا المعرفة على تلاوته ١٠٩/٥
وبحقّ القرآن وتلاوته ١٨٠/٥
لاتجعل حظّي من هذا الدّعآء تلاوته ١١٤/٢٣
بِتِلاوَتِهِ: وتحطّ بتلاوته «الكتاب» وزرى ٢٥٣/٤
تَالِياً: أتحرق بالنّار لساني وكان للقرآن تالياً ٢٠١/٣٤
التَّالِي: يلحق بها التّالي ١١٩/٢٩

ت.م.م

تَمَّ: وتمّ حكمه فيمن أضلّ منهم وهداه ١٩٩/٥٥
تَمَّتْ: وتمّت كلمة ربّك صدقاً وعدلاً (قرآن) ١٩٩/٥٩
تَتَمُّ: ... فبها «بنعمتك» تتمّ الصّالحات ٧٧/٦
أَتَمَّ: ونعمتك أتمّ كلّ ذلك كان ولم تزل ١٤٦/١٢
أَتْمَمْتَ: أتممت عليه نعمتك ١١٦/١٠٨
أو معافىً أتممت نعمتك عليه ٢٢٠/٧
أو معافى أتممت عليه نعمتك ١٤٣/٢٠
أَتْمَمْتَهُ: وعفوك تمام إحسانك إن أنت أتممته ١٩٧/١٧
أَتْمَمْتَهَا: ولاأكرومة فيّ ناقصةً إلاّ أتممتها ٥٥/٨
تُتِمَّ: وتتمّ إحسانك فيما بقى من عمرى ٢٥٣/٥
وتتمُّ نعمتك عليّ ١٤١/١٢
أَتْمِمْ: أتمم عليّ ما ظاهرت من تفضّلك ١٩٩/٦٧
وأتمم لنا أنوار معرفتك ١٩٦/٣
أللّهمّ ... أتمم عليّ نعمتك ٧٧/٣
وأتمم عليّ ما آتيتني فإنّي عبدك ١٢٦/٢
وبأيمانهم يقولون ربّنا أتمم لنا نورنا (قرآن) ١٤٢/٧
وأتمم لي إنعامك إنّك خير المنعمين ١٤٧/١١٦
أتمم به علينا نعمتك ١٤٣/٤٠
أتمم علينا باستكمال طاعتك فيه المنّة ١١٠/٩
أَتِمَّ: وأتمّ نوره «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
تَمِمْ: وتمّم لي ما آتيتني فإنّي عبدك المسكين ٥٧/٥
وتمّم إحسانك إلينا ٨٧/٧
وتمّم سبوغ نعمتك عليّ ١٤٧/١٠٩
فَتَمِّمْ: إلهى ... فتمّم علينا سوابغ النّعم ١٨٧/٧
فَتَمِّمْهُ: إلهى ما بدأت به من فضلك فتمّمه ١٨٦/٦
إِسْتَتَمَّ: وإستتمّ له «محمّد» ما دبّر في أوليائك ٩/٣
تَمَامِ: حتّى إنتهيت بي إلى تمام الصّورة ٨٨/١٤
واجمع لي علم ذلك كلّه تماماً ٦٣/٢
وعفوك تمامُ إحسانك إن أنت أتممته ١٩٧/١٧
وارزقني تمامَ صيامه «رمضان» ١١٧/٨
وأسألك تمام النّعمة في جميع الأشياء ١٢٥/٦
وأسألك تمام العافية ١٢٩/٦
ثمّ قد فارقنا عند تمام وقته ١٤٢/٢٧
محمّد الحبيب زين القيامة وتمام الكرامة ٢٥٧/٣٩

لسترك على ما في قلبي وتمام النّعمة عليّ ٢٤٨/١٠
التّمام: شهر الصّيام على التّكملة والّتمام ١١٤/٢١
تَمامِهَا: ومن تمامها «نعمة» أن توجب لي به ١٩٧/٤٠
وإيّاك أرغب في لباس العافية وتمامها ٢٣٦/٤
بِتَمام: إذا نزل الأمر بتمام وعدك ١٢/١٠
بِالتَّمام: صلاة مقرونة بالّتمام والّنماء ١٩٩/٢٠
إِتْماماً: إتماماً لنعمتك لديّ ١٩٩/١٧٢
لم تمنعك إساءتي عن إتمام إحسانك ١٥٢/١٣
فمن شواهد نعماء الكريم إتمامُ نعمائه ١٩٩/١٠٧
إِتْمامِهَا: ومن إتمامها «النعمة» أن توجب لي ١٩٩/١٤٢
بِإِتْمامِهَا: أنت أولى بإتمامها ١٩٩/١١٤
إِسْتِتْمَامَ: حتّى لانؤمّل استتمام ساعة بعد ساعة ١٠٣/١
تَامّاً: وجعلتني بتحنّن رأفتك تامّاً سويّاً ١٩٩/١٧٠
ياواسع ياكريم ياتامّ الكفاية ١٢٤/٢
التّامّةِ: أسألك بأسمائك الكبيرة... التّامّة ١٢٢/٢
مُتِمٌّ: أنت متمٌّ لي ما أخذت عليه ميثاقي ٢٤٩/١٤
أَتَمّ: على أتمّ الطّهور وأسبغه ١١٥/١٢
وبارك عليه أتمَّ بركاتك ١٤٧/٤٦
وأحييته حياةً طيّبةً في... أتمّ العَيشِ ١١٦/١٠٨
أَتَمَّهَا: أسألك ... من الزّيادات أتمّها ١٩٩/٢٤
كَأَتَمّ: كأتمّ ما مضى من صلواتك على أحدٍ ٦٧/٢٣

ت.و.ب

تَابَ: لاتجعلني ممّن إذا ... مرض تاب ١٣٣/٣
أللّهمّ أيّما عبد تاب إليك ٨٠/١٦
وما أنا بأظلم من تاب إليك فعدت عليه ٣٤/٩
تُبْتَ: بجميع ماتبت على جميع خلقك منذ برأتهم ١٦/٨
فَتُبْتَ: إلهي ما أنا بأوّل من عصاك فتبت عليه ١٨٢/١١
تُبْتُ: أستغفرك لما تبتُ إليك منه ثمّ عدت ٢٥٢/٤
فإنّي أستغفرك لما تبت إليك ٢٥١/٥
لَمْ يَتُبْ: لمن لم يتب إليك قبل دنوّ أجله ١٩٩/١١١
تَتُوبَ: بما تتوب على نسمتك وجبلّتك ١٦/٨
أَتُوبُ: أتوب إليك في مقامي هذا توبة نادمٍ ٣٤/١٠
أللّهمّ إنّي أستغفرك وأتوب إليك ٢٥٨/٢
أللّهمّ إنّي أتوب إليك في مقامي هذا ٨٠/١١
أللّهمّ وإنّي أتوب إليك من كلّ ما خالف إرادتك ٨٠/١٨
فكم أتوب منها وكم أعود إليها ٢٠١/٢٨
أستغفرالله ربّي وأتوب إليه ١١٧/٣٩
وأتوب إليه ١١٧/٤٠
لَمْ أَتُبْ: طال عمري كثرت خطاياي ولم أتب ٩١/٤
نَتُوب: أللّهمّ إنّا نتوب إليك في يوم فطرنا ١٤٢/٥٩
ونتوب إليك ١١٦/٤٠
تُبْ: وتب عليّ توبةً نصوحاً لاتبقِ معها ذنوباً ١٤٧/١٠٨
أللّهمّ تب على عبدك الخائف سطوتك ١٦/٧
وتب عليّ إنّك أنت التّوّاب الرّحيم ١٦٢/٨
يانوّاب تب عليّ واقبل توبتي ١٤٩/٥
ياحبيب التّائبين تب عليّ ١٣٣/١٠
أللّهمّ تب عليّ حتّى لاأعْصِيَكَ ١١٦/٥٢
وتُب علينا مستغفرين ١١٧/٢٢
إلهي بقدرتك عليّ تب عليّ ١٨٢/٨
وتب عليهم إنّك أنت التّواب الرّحيم ١٤٧/٧٠
وتب عليّ توبة نصوحاً تطهّر بها قلبي ١٩٩/١٦٠
وتب عليّ واعصمني ١٣٥/١٦
واعصمني وتب عليّ ١٣٥/١٨
فَتُبْ: منها ففررت إليك ربّ تائباً فتب عليّ ١٦٣/١٠
وإليك جئت تائباً فتب عليّ ١٤١/١٣
تُوبُوا: توبواإلىالله توبة نصوحاً (قرآن) ١٨٢/٩ ـ ١٤٢/٧
التَّوْبِ: ياقابل التّوب ياعظيم المنّ ١١٦/٢٦
تَوْبَةً: توبة من لاينطوي على رجوع إلى ذنب ١٤٢/٦٠
واعقد عزآئمي على توبة بك ١٩٩/٤٨
ربّ هب لي توبةً نصوحاً ١٣٥/١٧
آه وانفساه كلّما حدثت لي توبةٌ ١٩٨/٣
وتب عليّ توبة نصوحاً تطهّر بها قلبي ١٩٩/١٦٠
ربّ سهّل لي توبة إليك ١٩٩/٧٥
إلهي إن كان النّدم على الذّنب توبة ١٨٢/٧
وطلبي ما لديك توبةً فيما بيني وبينك ١٤٨/٢٦
توبةً نصوحاً خلصت من الشّك والإرتياب ١٤٢/٦٠
ياقابل توبة المذنبين ١٤٣/١٦
أللّهمّ إن يكن الندم توبةً إليك ٨٠/٢٤
توبة لاأحتاج بعدها إلى توبة ٨٠/١٦
توبةً موجبةً لمحو ما سلف ٨٠/١٦
فاجعل توبتي هذه توبة ٨٠/١٦
توبة من لايحدّث نفسه بمعصيته ٨٠/١١
توبةً تسلم بها كلّ جارحة على حيالهامن تبعاتك ٨٠/١٨
واجعل ... توبةً مقبولة ٣٣/٥
توبوا إلى الله توبةً نصوحاً (قرآن) ١٨٢/٩ ـ ١٤٢/٧
وتوبة من أناب إليك مقبولة ٢٥٥/٤
توبةً نصوحاً خلصت من الشّك والإرتياب ١٤٢/٦٠
إن يكن النّدم توبةً إليك فأنا أندم النادمين ٨١/٨
وتب عليّ توبةً نصوحاً لاتبق معها ذنوباً ١٤٧/١٠٨

أتوب إليك في مقامي هذا توبةَ نادمٍ ٣٤/١٠
توبةً توجب لي محبّتك يامحبّ التّوابين ١٠٠/٤
التَّوبَةَ: وارزقني ... الإنابة والتّوبة ١١٧/٩
أسألك ... مناصحة أهل التّوبةِ ١٣٧/٨
وسقوها من ماء التّوبة ٢٠٠/٢٨
وأسبلت عليهم ستور العصمة والتّوبة ١٩٩/١٨٥
وإستطرقوا سبل التّوبة ١٩٩/١٩٥
وحتّى أنا صحلك في التّوبة خوفاً منك ١٣٧/٩
باباً إلى عفوك سمّيته التّوبة ١٨٢/٩
وانقلني إلى درجة التّوبة إليك ١١٦/٧٧
ولجأت إليك فيه من التّوبة ٨٠/٢٢
وهنا «رمضان» شهر التّوبة ١١٧/١
وأحرز لي فيه «رمضان» التّوبة ١١٧/٣
أطفأوا نار الشّهوات بنضح ماء التّوبة ٢٠٠/٣٤
«إنّك تقبّل التّوبة عن عبادك» (قرآن) ٨٠/١٢
تقبل التّوبة وتغفر الحوب ١٦/٣
ولجأت إليك فيه من التّوبة ٨١/٦
فما هكذا كانت سنّته في التّوبة لمن كان قبلنا ١/٢٥
وسعياً إلى التّوبة الماحية والطريق المحمودة ٩٥/٣
والحمدلله الّذى دلّنا على التّوبة ١/٢٤
وتترك معاجلتهم إلى التّوبة ١٤٢/٥
سيّدى فاجعلني عبداً يفزع إلى التّوبة ٢٤٥/٧
واجعل التّوبة في أطولهما بقاءً ٣٠/٢
والتّوبة والأوبة وخير ما قسمت فيها ١١٤/٦
أسألك التّوبة منها إليك ٢٤٩/١٩
فتحت لعبادك باباً إلى عفوك وسمّيته التّوبة ١٤٢/٦
وقد فتحت لي باب التّوبة إليك ٣٤/٥
صيّرنا إلى محبوبك من التّوبة ٣٠/١
تنبيهاً لتناول التّوبة ٤٦/٣
أللّهمّ إنّ الشّقى من قنط وأمامه التّوبةُ ٨٧/٥
وأخلص «العبد» لك التّوبة ٣٤/٧
تَوْبَتُهُ: دعاء من... خلصت لوجهك توبته ٢٤٢/٣
تَوْبَتِكَ: وافتح لي أبواب توبتك ١٤٧/١١٦
أللّهمّ وآدم ... النّاهج سبل توبتك ١١/٢
تَوْبَتي: تقبّل توبتي ١٨٢/١٣
فكن ... قابل توبتي ١٨٩/٩
ياتوّاب تب عليّ واقبل توبتي ١٤٩/٥٠
فصلّ على محمّد وآله واقبل توبتي ٨٠/٢٥ ـ ٨١/٩
فاجعل توبتي هذه توبة ٨٠/١٦
وتقبل يارحيم توبتي ١٤٨/٢٣
فياويح نفسي كم أسوّف توبتى ٢١٤/٦٧
فيالهف نفسي كم أسوّف توبتى ٢١٤/١٤٥
فاقبل توبتى كما وعدت ٨٠/١٢
بِتَوْبَةٍ: فأحيه «قلبى» بتوبةٍ منك ياأملى وبغيتي ١٨٢/١
عافيتني من اقتراف الآثام بتوبةٍ منك عليّ ٣٦/٩
لِتَوْبَتِهِ: وهو في علم الغيب عندك فاسخ لتوبته ٨٠/١٦
بِالتَّوْبَةِ: يامن استصلح فاسدهم بالتّوبة ٣٤/٨
أرزقني حسن الإنابة وطهّرني بالتّوبة ٤٩/٢٠
سؤال ... المبادر بالتّوبة قبل الفوت ٢٤٥/١
أللّهمّ فكما أمرت بالتّوبة وضمنت القبول ٨٠/٢٥ ـ ٨١/٩
أشكو نفساً ... تسوّفنى بالتّوبة ١٨٣/٢
إنّه لاوفاء لى بالتّوبة إلاّ بعصمتك ٨١/٣ ـ ٨٠/١٥
أيّها... المسوّف بالتّوبة عاماً بعد عام ١٩٧/٤٦
لِلتَّوْبَةِ: راجٍ للتّوبة عليّ منك فيها ٣٦/٩
ووفّقنا فيه للتّوبة ١١٠/٨
تائِباً: وإليك جئت تائباً فتب عليّ ١٤١/١٣
متضرّعاً إليك باثساً فقيراً تائباً ١٤٨/٢٧
عاذ بإستغفارك تائباً ١٤٧/٨٤
أللّهمّ إنّى أتيتك هارباً من ذنوبي تائباً ١٣٥/١٨
منها فررت إليك ربّ تآئباً فتب عليّ ١٦٣/١٠
أنا مقيم عليه أو تائبٌ إليك منه ٣٦/٩
أبتهل إليك إبتهال تائبٍ من ذنوبه ٢٤٣/١
تآئبٌ إليك من ذنوبي ومن اقترابى ١٤٩/٣٨
تآئِبينَ: أمتنا ... تآئبين غير عاصين ١٠٣/٥
ومن الذّنوب والخطايا تآئبين ٢٠٦/٢٠
مُزَكّينَ تآئبين ساجدين راكعين ٤٢/١٧
فآونا تائبين ١١٧/٢٢
تائبون: إنّا إليك راغبون ومن الذّنوب تائبون ٩٥/٣
التّآئِبينَ: ياحبيب التّآئبين تب عليّ ١٣٣/١٠
ولاأكن أخيب عبادك التّآئبين ٨٨/٨
تَوّابُ: ياتوّاب تب عليّ واقبل توبتي ١٤٩/٤٩
التّوّابُ: إنّك أنت التّوّاب على المذنبين ٨٠/٢٥ ـ ٨١/٩
وتب عليّ إنّك أنت التّوّاب الرّحيم ١٦٢/٨
وتب عليهم إنّك أنت التّوّاب الرّحيم ١٤٧/٧٠
إنّك أنت التّوّاب الرّحيم ١٦/٩ ـ ١٣٥/١٨
التّوّابينَ: لي محبّتك يامحبّ التّوّابين ١٠٠/٤
واجعلنا عندك من التّوّابين ١٤٢/٦١
تحبّ التّوابين فاقبل توبتي كما وعدت (قرآن) ٨٠/١٢
وقرب من مجالس التّوابين مجلسي ١١٦/٥٤
وجسيم غفرانك يعمّ التّوّابين ١٩٩/٨٥

آه واحزناه كلّما طلبت التّوّابين ١٩٨/٢٩

ت.و.ج

تَوَّجْني: توّجني بالكفاية وسُمني حُسن الولاية ٥٥/٣٣
مُتَوَّجينَ: والزّبر جد متوّجين ٢٠٦/٢٣
بِالتّيجانِ: وبالتّيجان المكلّلةِ بالدّرّ... متوّجين ٢٠٦/٢٣

ت.و.ر.ا.ة

التَّوْراةِ: أللّهمّ ... ربّ التّوراة والإنجيل ٢٦٩/٢

ت.و.ه

تاهَتْ: الّتي... تاهت فيها العقول ٢٤٩/١٥

ت.هـ.م

التُّهامِيّ: وبحبّي للنّبيّ... التّهاميّ أرجو الزّلفة ١١٦/٧٠

ت.ى.ح

فَأَتِحْ: أللّهمّ فأتح له «الباطل» من الحقّ ٧٠/٨

حرف الثاء

ث.أ.ر

لِلثّارِ: وأثر للثّار مثيره ٢٢٣/٧

ث.ب.ت

تَثْبُتُ: فلا الأبصار تثبت لرؤيته ٧/١
نزلّ فيه قدم وتثبت فيه أُخرى ١٩٨/٢٠
فلا الأبصار تثبت لرؤيته ٢/١
أَثْبَتَ: والحمدلله الّذى...أثبت فيناجوارح الأعمال ١/٢٢
أَثْبَتَّ: وأثبتّ فيّ الجوارح كما نعتّ في كتابك ٨٨/١٤
أَثْبَتُّ: وثبّت حجّتى على ما أثبتُّمن دعواى ١٩٩/١٣٤
يُثْبِتُ: يمحو الله ما يشآء ويثبت (قرآن) كريم ٢٥١/٦٨
يامن يمحومايشآءويثبت وعنده أمّ الكتاب (قرآن) ١٤١/٨
تُثْبِتُ: إنّك تمحو ماتشاء وتثبت (قرآن) ٢٤١/٧
أَثْبِتِ: أثبت الحَقّ في سرائرنا ١٨٨/٢
ثَبَّتَهُ: ثمّ ثبّته بما مننت به عليه ٨٣/٨
لاتُثَبِّتْ: لاتثبّت له «ظالمى» قدماً ١٥٥/٢
لَمْ تُثَبِّتْهُ: وأزلّ لساني إن لم تثبّته! ١٦٤/١٦
لَمْ تُثَبِّتْني: ولو لم تثبّتني إذاً لزللت ١٩٩/٩٤
ثَبِّتْ: أللّهمّ ثبّت رجاءك في قلبي ١٢١/١٨
وثبّت به عند اضطراب جسر جهنّم ١٠٩/٢٠
وثبّت رجاءك في صدورنا ١١٦/٧١
وثبّت قلبي على دينك وطاعتك ١٣٣/١١
أللّهمّ وثبّت في طاعتك نيّتي ٨٠/١٠
وثبّت حجّتي على ما أثبتّ من دعواى ١٩٩/١٣٤
وثبّت رجاءك في قلبي وثبّت قدمى ١٢٨/٥
ثَبِّتْني: أللّهمّ ثبّتني على دينك ما أحييتني ٢٤٦/٥
أللّهمّ ... ثبّتني في كلّ مقامٍ ١٤٨/٣٤
وثبّتني بالعروة الوثقى ٢٠٠/٤٦
وثبّتني ياربّ ١١٦/١٢٢
وثبّتني بالقول الثّابت في الدّنيا ٢٠٠/٤٦
ثَبِّتْنا: وارض عنّا وثبّتنا عليها ١٤٢/٦٠
فَثَبِّتْني: في الحياة الدُّنيا وفي الآخرة فثبّتني ١٥٣/٢١
التَّثَبُّتَ: والثّبات والإنتقال بقدرتك ١٩٩/٧٥
إِثْباتِ: فقد دعا «محمّد» إلى إثبات الخلق ١٠/١٧
إِثْباتاً: ولكن أنشأتها «نفسي» إثباتاً لقدرتك ١٠١/٦
تَثْبِيتِ: قاتلوا الآباء والأبناء في تثبيت نبوّته ١٤/٣
أللّهمّ ارزقنا ... تثبيتاً ويقيناً ٢٠٠/٢٠
ثابِتٌ: وسلطانك ثابت لايزول ١٤٦/٩
الثّابِتِ: وبمعاقدالعزّمن عرشك الثابت الأركان ١١٤/١٥
وثبّتني بالقول الثّابت في الدُّنيا ٢٠٠/٤٦
وبالقول الثّابت في الحياة الدُّنيا ١٥٣/٢١
ثابِتِينَ: وعلى الإسلام ثابتين ٢٠٦/١٨
مُثْبَتاً: مثبتاً عندك في الكتب ١٩٩/١٩٢
وكلّ الّذى أسلفت في الصحف مثبتٌ ٢١٤/٦٨ـ٢١٤/١٤٦
مُثْبَتاتِ: سيّدى فامح مثبتات العثرات ١٩٩/١٠٩

ث.ب.ط

ثَبَّطَنا: وإن هممنا بعملٍ صالحٍ ثبّطنا عنه ٦٤/٧
ثَبِّطْهُ: وافسخ ما دبّر وثبّطْه إذا عزم ٥٠/١١
ثَبِّطْهُمْ: وثبّطهم «المشركين» بالفرقة عن الإحتشاد ٦٧/١٢
تَثَبَّطْتُ: وتثبّطت عن تشويقك ١٦٤/٢٠
فَتَثَبَّطْتُ: ودعتني دواعي الآخرة فتثبّطت عنها ١٦٤/١٩
تَثْبِيطِهِ: أعذني فيه من ... تثبيطه «شيطان» ١١٧/٧
تَثَبُّطي: وحوّل تثبّطى شوقاً ١٦٤/٢١
مُثَبِّطِينَ: بتخدير مثبّطين زعموا ٢١٩/٤٥

ث.ج.ج

ثَجّاجاً: أخرجت منها ماءً ثجّاجاً ونباتاً رجراجاً ٢٤٧/٧
أنزلت من المعصرات ماءً ثجّاجاً ٢٤٥/٤

ث.ر.و

ثَرْوَةٍ: أو أظنّ بصاحب ثروة فضلاً ٩٦/٤
الثَّرْوَةَ: ورامو الثّروة من سواك فافتقروا ٧٤/٢
بِثَرْوَةٍ: ومتّعنا بثروة لاتنفد ٩٦/٥

ث.ر.ى

ثَرَى: ما بين ثرى الأرض إلى أعنان السّمآء ١٩٩/١٤٠
الثَّرىٰ: واعتبر بموضعه تحت الثّرى ٢١٤/١٣٩
ونقل إلى الثّرىٰ من أقرانك ٢١٤/٧٦
كيف نظرك لي بين سكّان الثّرى ١٩٧/٣٤
توسّدت في الثّرى عجز حيلتها ١٩٧/٣٢
خرقت النّجوم فبلغت أسافل الثّرى ١٩٧/٣٧
عُد إلى ذكر المنقول إلى الثّرىٰ ٢١٤/٦١
إرحم في الثّرى طول وحدتي ١٩٩/١٤٥
سيّدى كيف نظرك لي بين سكّان الثّرى ١٩٩/١٤٦
توسّدت الثّرى عجز حيلتها ١٩٩/١٣٨
إلهى لو... خرقت النّجوم فبلغت أسافل الثّرى ١٩٧/٣٧
وما بينهما وما تحت الثّرى (قرآن) ١٨/١ ـ ١٥٣/٣٢
يعلم ... النّجوىٰ وما تحت الثّرىٰ ١٤٩/٢٤
وما علا في الهواء وما كنّ تحت الثّرى ٢١/٦
سبحانك تسمع وترى ما تحت الثّرى ٤/٨
وبارك لنا في... طول المقامة بين أطباق الثّرىٰ ١٠٩/١٩
ثَراها: وغيّبت في ثراها ممّن عاشرت ٢١٤/٥

ث.ع.ب

ثُعْبانٌ: فألقي عصاه فإذاهي ثعبانٌ مبينٌ (قرآن) ١٥٩/١٦

ث.غ.ر

ثُغُورَ: وحصّن ثغور المسلمين بعزّتك ٦٧/١

ث.ق.ب

ثاقِباً: وجعلته «محمّد» بمنّك على المشركين ثاقباً ١٠/٥
فقام محمّد ... بعزم ثاقبٍ ١٩٩/٥٨

ث.ق.ل

ثَقَّلَ: تخفيفاً لما ثقل على ظهرى من الخطيئات ٤٦/٣
أَنْ يَثْقُلَ: أن يثقل علينا ما كرّه إلينا ٥٠/١
لاتَثْقُلَ: ولاتثقل أركاني عن الحفوف فيما ألهمتنيه ٦٣/٣
أَثْقَلَتْهُ: هذا ظهرى قد أثقلته الخطايا ٤٩/١٦
ثَقِّلْ: وثقّل ميزانه «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
ثِقْلِ: وخفّف برحمتك من ثقل الأوزار ظهرى ١٩٩/١٢٥
واحطط بالقرآن عنّا ثقل الأوزار ١٠٩/١٠
ثِقْلَهُ: قد نزل بي ياربّ ما قد تكأّدنى ثقله ٢٤/٣
وأستعين بك على ما قد فدحنى ثقله ١٠١/٧
ثِقْلَها: خفّف عنّى ثقلها «تبعات» ٨١/٢ ـ ٨٠/١٤
ثِقْلي: حاملاً ثقلى على ظهرى ١١٦/٨٠
تَثْقيلِ: وسلاسلها وتثقيل أغلالها «جهنّم» ٢٠٦/٥
مِثْقالَ: ممّا يزيد في ملكك مثقال ذرّة ١٦٢/٧
سبحانك تعلم وزن الريح كم هى من مثقالِ ذرّة ٤/١٩
مَثاقيلَ: والّذين عرّفتهم مثاقيل المياه ١٢/١١
الْمُثْقِلينَ: ام مع المثقلين أحطّ ٩١/٣
لِلْمُثْقِلينَ: وللمثقلين حطّوا ٩١/٣
ثَقيلٍ: في محلّ ضنك ... ثقيل مدره ١٩٩/٤١
مُثْقَلٍ: وظهر مثقل من الخطايا ٨٨/١١

ث.ك.ل

الثّاكِلاتِ: نحيب الباكيات الثّاكلات ١٩٩/١١٥

ث.ل.ث

ثَلاثاً: فقيرك بفنائك ثلاثاً ٧/٦
وأنت باالله ثلاثاً لك الأسمآء الحسنى ١٣٨/٢
أللّهمّ إنّه يحجبنى عن مسألتك خلال ثلاثٌ ٣٤/١
في الدّين والدُّنيا والآخرة ثلاثاً ١٤٣/٤٤
العفو العفو ثلاثمأة مرّة ٨٥/١
ثالِثٍ: وكنت أنا وأنت بغير ثالثٍ ١١٨/٥

ث.ل.ج

أَثْلَجَ: وأثلج لصدرى من شربة الظمآن ٦٣/٥
الثَّلْجِ: ومشيّعى الثّلج والبرد ١٢/١١

ث.ل.ل

ثُلَّتِهِ: أعرفهم مقاماً بعد السّابقين الأوّلين في ثلّته ١٠/٣٠

ث.م.ر

أَثْمَرَتْ: أثمرت لهم ثمر النّدامة ٢٠٠/٢٨
يُثْمِرُ: ويامن يثمر الحسنة حتّى ينمّيها ١٤٦/٣
ثَمَّرَ: أما تذكر حال من جمع وثمّر ٢١٤/١٤٨
ثَمِّرْ: وثمّر به أموالهم «أهل الإسلام» ٦٧/٩
ثَمَرَ: أثمرت لهم ثمر النّدامة ٢٠٠/٢٨

الثَّمَر: الأشجار المتدلّية بصنوف الثمر ٦٧/٥
الثَّمَرَة: كما تخلّص الثمرة من بين ماءٍ وطينٍ ١٧٤/٣
وامنن على عبادك بايناع الثمرة ٥٣/١
ثِمارِ: وجنوا من ثمار النّسيم ٢٠٠/٢٤

ث.م.ن

ثَمَناً: إنّهم «الظّلمة» إشتروا بآياتك ثمناً قليلاً ١١٩/١١
بِالأَثْمانِ: يامن لايبيع نعمه بالأثمان ٣٩/١
الثَّمانِيَةِ: ربّ الملائكة الثمانية وربّ ٢٦٧/٣

ث.م.و.د

ثَمُودَ: ...كما أهلكتَ عاداً وثمود ١٦٠/٢

ث.ن.ى

ثَنَتْ: وثنت الألباب عن كنهك أعنّتها ٢٢٢/٧
لَمْ يَثْنِهِمْ: لم يثنهم ريب في بصيرتهم ١٤/٦
أَثْنَيْتَ: أثنى عليك بما أثنيت على نفسك ٢٤٩/١٨
يُثْنِيَ: يثنى بشكره العاملون ١٩٩/١٧٢
لاتُثْنِي: ولاتثني عليّ بإحيآئها سنّة ٨٨/٩
أَنْ تُثْنِيَنِي: وأن تثنيني بالكثير من ١٦٦/١٣
أُثْنِي: أللّهمّ أثنى عليك أحسن الثناء ٢٤٩/٩
أثني عليك ياسيّدى ١٤٩/٧
أثني عليك بما أثنيت على نفسك ٢٤٩/١٨
أَنْ أُثْنِيَ: وأوزعنى أن أثنى بما أو ليتنيه ١٤٧/٩٦
ثَنِّ: وابدأ بهم وثنّ بي برحمتك ٢٢٧/٥
فَانْثَنَى: ونكّس رأسه فانثنى ٣٤/٧
إِسْتَثْناها: الوسيلة الّتى إستثناها على أمّته ١٠/١٦
فَاسْتَثْنَيْتَ: واليت فاستثنيت فلا سلطان ٢٤٨/٢
ثَناءُ: أستجير بالله عزّ جار الله وجلّ ثناء الله ٢٢/٣
الثَّناءِ: أللّهمّ ياذاالجود والمجد والثّناء ١٦٤/٢
والنّاطق إذا خرست الألسن في الثّنآء عليك ١٠/٢٣
فلزمني الشّكر والثّناءُ ١٩٩/١٨١
أللّهمّ أثنى عليك أحسن الثّناء ٢٤٩/٩
ولاتخرس لساناً عوّدته الثّناء عليك ٣١/١
وأنطِق بحمدك وذكرك وحسن الثّناء عليك لساني ٦١/٥
كريم الثّنآء عظيم العفو عنّا ٨٣/٣
ولك منّى أعظم الثّنآء ١١٨/٧
لاعذر لمن جهلك بعد إستعلاء الثّناء عليك ٢٤٩/٨
احتويت بإلهيّتك على المجد والثّناء ٢٤١/٥
لاأبلغ ما أنت أهله من ... الثّناء عليك ٢٤٩/١٦
وإغراقاً في الثّناء عليك وذهاباً في تمجيدك ٥٥/٢٣
ثَنآؤُكَ: جلّ ثنآؤك وفضل عطاؤك ١٩٩/١٩٦
جلّ ثنآؤكَ وكرم صنائعك وفعالك ١١٦/٤٢
وثنائك رفيع وذكرك أحسن ٢٥٧/٨
مشغولة عن الدّنيا بحمدك وثنائك ٢٥٥/٣
أللّهمّ ... جلّ ثناؤكَ ولاإله غيرك ١٢٣/١٦
نكلّ عن علم ثنائك عليه ١٤٤/١٣
إلهى ... أعجزنى عن إحصآءِ ثنائك فيض فضلك ١٨٧/١
إلهى قصرت الألسن عن بلوغ ثنائك ١٩٣/١
ثَنائي: وما عسىٰ أن يبلغ في مدحتك ثنائي ١٤٩/٧
في جنب إكرامك إيّاى ثنائى ونشري ١٨٧/٤
واقبل ثنائى ٢٥٥/٧
واجعل ثنائى عليك ومدحى إيّاك ٥٧/٨
بِالثَّنآءِ: تخرس ألسنة نطقت بالثّنآء على مجدك ١٨٤/٤
الْمَثانِي: ولقد آتيناك سبعاً من المثانى (قرآن) ١٤٤/٧
السبع المثانى الموحاة إليه ١٤٤/٦
ثانِيَ: وإله لاثانى معه ٧/٣ ـ ٢/٣
ويا ثانى كلّ وحيد، إرحم في القبر وحدتي ١٩٧/٢٠
ويا ثاني كلّ وحيد ١٩٩/١٤٥
إِثْنَيْنِ: أولنى في كلّ يوم إثنين نعمتين ٢٣٨/٨
ثِنْتَيْنِ: في كلّ يوم إثنين نعمتين منك ثنتين ٢٣٨/٨
أَثْنآءِ: وتمكيناًفي أثنآءالصّدور لمحبّته «محمّد» ١٠/١٠

ث.و.ب

يُثيبُ: يامن رضى بالعفو يامن يثيب على العفو ١٤٩/٥١
تُثيبُ: وتثيب على قليل ما تطاع فيه ٩٨/٢ ـ ٨/٦
أُثيبَ: وأثيبَ من حرمنى بالبذل ٥٥/١٣
أَثِيبُهُما: واثبهما «والدىّ» على تكرمتى ٦٣/٧
ثَوْبَ: ممّن ألبسني بين الأحيآء ثوب عافيته ١٩٧/١
ألبسني في هذه الحياة البائرة ثوب العصمة ٣١/٤
ولبسوا ثوب الخدمة ٢٠٠/٢٩
يامن ... ألبس الخآئفين ثوب موالاته ١٩٩/٣٦
وقد ألبستني في الدّنيا ثوب عافيتك ١٩٩/١٩٣
إلهى ألبستني الخطايا ثوب مذلّتى ١٨٢/١
وألبسنى من نظرك ثوباً يغطّى علىّ التّبعات ١١٦/١٠١
ثَوْبَيْنِ: وكُفّن في ثوبين فاجتمعت له ٢١٤/٥٢
وكفّن في ثوبين واجتمعت له ٢١٤/١٢٨
ثِيابِ: و من ثياب الجنّة فاكسنى ٢٥١/٢٢
ومن ثياب السّندس والإستبرق لابسين ٢٠٦/٢٢
مَثُوبَةً: لك دار جزاء من الخير والشرّ مثوبةً ٢٢٣/٣

بركة المغفرة ومثوبة الأجر ١٤٤/٢٨
الْمَثُوبَةَ: فاحو المثوبة له على حسب ١٠/٢٢
مَثُوبَتِهِ: أبلغ به «محمّد» من... جزيل مثوبته ١٠/١٥
مَثُوبَتِكَ: وتسبّبنا إليه من مثوبتك ١٤٢/٢٥
وأن تعيننى على ... إستحقاق مثوبتك ٢٥٣/٣
عبادة أستحقّ بها جزيل مثوبتك ٢٤٤/٤
لِمَثُوبَتِكَ: كالمراصدين لمثوبتك ٢٠٠/٦
لِلْإِثَابَةِ: وأقيم على طاعتك رجاء للإثابة ٢٣٦/٦
بِالْإِثَابَةِ: وتسبيحي موصولاً بالإثابة ٢٠٢/٩
مَثَابَةً: مثابة أتبوّأها وأقرّ عيناً ١٤٧/١١١
الْمَثَابَةِ: الكريم المثابة المشهود الموعود ١٤٣/٣٤
مُثِيبَ: إيّاك أدعو ... يامثيب الصّابرين ١٤٩/١٥
ثَوَاب: أوجب له ثواب المجاهدين ٦٧/٢٢
ولايخاف إغفالك ثواب من أرضاك ٩٨/١١ ـ ٨/١٨
ولاتجعل ثوابي ثواب من عبد سواك ١١٦/٧١
فإنّك... ورغّبتنا في ثواب ما أمرتنا ٦٤/٦
ولكلّ راجٍ لك ثواباً ١٤٩/٥٦
وارزقنى ... شوق ثواب الموعود ٥٩/١٠
أرزقنا ... شوق ثواب الموعود ١٤٢/٦١
الرّاغبين الآجل ثواب الآخرة ٢٦٢/٢
واجعل ... ثواب دعآئى رضاك والجنّة ١١٦/١٣٠
واجعل ثواب مجلسي ... رضاك والجنّة ١١٦/١٣٠
واجعل ... ثواب منطقى ... رضاك والجنّة ١١٦/١٣٠
وشوق ثواب الموعود ١٤٢/٦١
الثَّوابَ: حتّى كأنّ الثّواب ليس منك ١٤٨/٣١
رجآء الواثقين بتوفير الثواب ١٩٩/٣٥
فقد رضينا الثواب وأمنّا العقاب ١٤٣/٥٤
إستوجبوا منك الثّواب ١٣٢/٦
نعوذ بك من ... حرمان الثّواب ٢٦/٨
أنّه بشّر بما هو حقٌّ من الثّواب ٢٤٦/٤
ثَوابُهُ: حمداً يكمل لديك ثوابه ١٤٧/٣٨
من موفور ثوابِهِ أو محذور عقابه ١/٨
ثَوابَهُمْ: وأعددت ثوابهم قبل أن يفيضوا في طاعتك ٨/٧
شكر عبادك الّذى أو جبت عليه ثوابهم ٨/٦
حتّى كأنّ شكر عبادك الّذى أو جبت عليه ثوابهم ٩٨/٣
وأعددت ثوابهم قبل أن يفيضوا ٩٨/٤
ثَوابُها: من مصيبة عظمت رزيّتها وساء ثوابها ٢٠٠/٧
ثَوابَكَ: كرمك ما رجوت ثوابك ١٩٩/١٣٠
سمع العابدون بجزيل ثوابِكَ فخشعوا ١٩٩/٩٧
فأسألك سيّدى توفيقى لما يوجب ثوابَك ١٩٩/٩٥
فقد دعانى إلى الجنّة مرجوّ ثوابِك ١٩٩/٨٦
ولو لم تدلّنى على كريم ثوابك ما رغبت ١٩٩/٩٤
وصوّر في قلبي مثال ما ادّخرت لي من ثوابك ٤٤/١٣
فمتى كان يستحقّ شيئاً من ثوابك لا، متى ٨/١٤
وزده «محمّد» من ثوابك بعد الرّضا ١٠/٢٠
فقد أدنانى رجآئى من ثوابك ١٩٧/٢٦
إجعل ... رغبتي في ثوابك ٢٤٢/٥
ولاتحرمنى ثوابَك ١١٦/٩٢
ولولا ما أعرف من كرمك ما رجوت ثوابك ١٩٧/١٨
لأوشك أن يفقد ثوابك ٨/١٢ ـ ٩٨/٧
شيئاً من ثوابك لامتى ٩٨/٨
ولاتتكلّف إلاّ ما يدنى من ثوابك ١١٥/٩
كما لو لامعرفتى بكرمك ما رجوت ثوابك ٢٥٦/٤
واجعل ... لهجات ألسنتنا في موجبات ثوابك ٣٠/٦
ثَوابى: واجعل ثوابى منه الجنّة ١١٦/١٢٢
ولاتجعل ثوابى ثواب من عبد سواك ١١٦/٧١
بِثَوابِكَ: فقد آذننى حسن ثقتى بثوابك ١٨٦/٢

ث.و.ر

أَثْرٌ: وأثر للثار مثيره ٢٢٣/٧
مُثِيرَهُ: وأثر للثار مثيره ٢٢٣/٧

ث.و.ى

ثَوىٰ: ثوىٰ مفرداً في لحده وتوزّعت ٢١٤/١٤٠
ثَوَوْا: فما أن ترى إلاّ قبوراً ثووا بها ٢١٤/٩١
فما أن ترىٰ إلاّ جثى قد ثووا بها ٢١٤/١٦
الْمَثْوىٰ: جهنّم هى المقيل والمثوى ١٩٨/٢٤
مَثْواهُ: وعظّم حباءه وأكرم مثواه «محمّد» ١٤١/٢٨
ظالم في وخيم عقباه وسوء مثواه ٢٢٣/٣
مَثْوايَ: ومنقلبي ومثواى في عافيةٍ منك ١٥٣/١٤
ومسكنتي وحالى ومنقلبي ومثواى ٢٢٩/١٢
وحبوتنى فأكرمت مثواى ١٩٩/١٧٦
صلّ على محمّد وآله وأكرم مثواى ٢٢٧/٨
غاية رجآئى في منقلبي ومثواى ٢٥٥/٧
واجعل في جنّتك مثواى ٥٧/١١

حرف الجيم

ج.أ.ر

جَأَرَ: بما تتغمّد به من جأر إليك متنصّلاً ١٤٧/٨٤
تَجْأَرُوْنَ: وإذا مسّكم الضّرّ فإليه تجأرون (قرآن) ٢٥٧/٣٣
الْجَأْرِ: لذلك خمد صوتى عن الجأر إليك ٤٩/١٠

ج.ب.ب

جُبَّهُ: واستأصلهُ وجُبَّه «ظالمى» ١٥٥/٢
الْجِبابَ: وتملأ منه الجباب وتفجّرُ به الْأنهار ٥٣/٤

ج.ب.ت

الْجِبْتَ: أللّهمّ العن الجبت والطاغوت ١٩/١
الْجَوابيتِ: الّذى وقيتهم به من الجوابيت. ١٥٥/٦

ج.ب.ر

جَبَرْتَ: عدم جبرت وصرعةٍ أنعشت ١٥٢/١٢
لاٰيَجْبُرُهُ: إلهى كسرى لايجبره إلاّ ١٩٢/١
تَجْبُرُ: تردّ به النّهيض وتجبر به المهيض ٥٣/٣
تَجْبُرُهُ: وأنا أفقرهم إليك ... لفقر تجبره ٢٥٧/٩
لاٰتَجْبُرُهُ: بفقرٍ لاتجبره ١٦٠/٧
أَجْبُرُ: وبغناك أجبر عيلتى ١١٦/٩٠
أُجْبُرْ: واجبر به «وليعصر» فقرنا ١١٩/٢٤
واجبر بالقرآن خلّتنا من عدم الإملاق ١٠٩/١٥
واجبر مصيبتنا بشهرنا ١٤٢/٥٤
فَاجْبُرْ: فاجبر فاقتنا بوسعك ٣٢/٢
تَجَبَّرَ: تجبّر بالعظمة والكبرياء ٢/٢ـ٧/٢
تَجَبَّرْتَ: فتعاليت وتجبّرت عن إتّخاذ وزير ٢٤٣/٣
الْجَبَرِيَّةِ: الإعجاب بنفسى والجبريّة ١٥٣/٢٥
الْجَبابِرُ: العزّةذى العرش الملوك الجبابر ٢١٨/٣ـ٢١٤/٢٤ـ٢١٤/٩٩
جَبابِرَةَ: واقتل به «وليعصر» جبابرة الكفر ١١٩/٢٦
الْجَبابِرَةَ: وذلّل به «وليعصر»(عج) الجبابرة ١١٩/٢٦
وأباد الجبابرة بقهره ١٤٩/١٤
وذلّلت الجبابرة بالفقر والفناء ٢٤١/٣
وتواضعت الجبابرة لهيبته ٢٣٨/٢
جَبابِرَتَهُمْ: وافهر جبابرتهم «الظّلمة» ١١٩/٨
جابِرَ: أسألك ... ياجابر العظم الكسير ١٨٢/٤
وياجابر المنكسرين ١٩٥/١
ولاأرى لكسرى غيرك جابراً ١٨٢/٢
جَبَرُوتِ: أعيذ نفسي ... بشدّة جبروت الله ٢٢/٢٧
وقهر كلّ شيء جبروتاً ٤١/١
الْجَبَرُوتِ: الحمدلله ذى العزّة والجبروت ٨٣/١١
والجبروت والكبرياء والملكوت ١٢٨/١
ياذاالجبروت ياالله لاإله إلاّ انت ١٢٤/٣
سبحان ذى العزّة والجبروت ٨٣/٤
ياالله ياذاالعظمة والجبروت ١٣٤/١
وجالت بين سرائر حجب الجبروت ٢٠٠/٣
وأسماهم أهل الجبروت عمّاراً ٢٠٠/٤٢
جَبَرُوتُهُ: ولايبلغ جبروته ١٤٩/١٨
لايزيد جبروتَهُ إيمان الموحّدين ١٩٩/٣٣
ونكسر جبروته «من أرادنى بسوءٍ» ٦١/٨
جَبَرُوتَهُمْ: وضع عزّهم وجبروتهم «الظّلمة» ١١٩/٥
بِجَبَرُوتِهِ: وعزّ بجبروته ١٤٩/١٤
بِجَبَرُوتِكَ: ستور رضوانك بجبروتك ١٦/٤
جَبّارُ: لاإله إلاّ انت... ياجبّار يامتكبّر ١٣٧/٢
ياعزيز ياجبّار يامتكبّر ياقادر ١٣٨/١٣
يامذلّ كل جبّارٍ ١٤٩/٤٤
ياخالق ياجبّار يارازق ١٣٢/١
أنا الّذى عصيت جبّار السمآء ١١٦/٦٤
ياجبّارَ الأرضين والسماوات ١٤٣/٥٠
فأنت ... جبّار كلّ مخلوق ووارثه ٢٤٥/٥
ياجبّار، ياقهّار ياغفّار ياستّار ١٨٤/٩
وأحترز به من كلّ جبّار فاجر ٢٤٠/٢
ياجبّار السماوات والأرضين ٢٣٩/١٠
أن تصرف عنّى شرّ كلّ جبّار عنيد ٢٤٩/٢٥
ياعلاّم الخفيّات والأسرار ياجبّار ياقهّار ٢٤٣/١١
ولم تسلّط علىّ جبّاراً ١٤٨/٤
الْجَبّارُ: فتعالى الملك الجَبّار ٢١٤/٢١
فتعالى الله الملك الجبّار ٢١٤/٩٦
توكّلتُ على الله العزيز الجبّارِ ١٥٩/٤
الحمدلله العزيز الجبّار ٨٣/١١
الْجَبّارِينَ: ومصانع الجبّارين ٢١٩/٢٢
قاصم الجبّارين ومبير المتكبّرين ٢١٤/٢١
كفانا الله وإيّاكم ... بطش الجبّارين ٢٦١/١
قاصم الجبّارين ومبيد المتكبّرين ٢١٤/٩٦
ياقاصم الجبّارين ١٤٣/١٧ ـ ١٦٠/٤
بِالْجَبّارِينَ: هتفت بالجبّارين ودعوت الأطبّاء ٢١٩/٢٧

ج.ب.ر.ئ.ى.ل

جَبْرَئِيلَ: وربّ جبرئيل وميكائيل ١٤١/٩ ـ ١١٧/١٨
وبحقّ جبرئيل وأمانته ١٨٠/١
أللّهمّ صلّ علىٰ جبرئيل وميكائيل ١٤٣/٥٠
جِبْرِيلُ: وجبريل الأمين على وحيك ١٢/٤
جبريل عن يميني ٢٢/٣٧

ج.ب.ر.ا.ئ.ى.ل

جَبْرائِيلُ: جبرائيل عن أيماننا وميكائيل ٢٢/٩

ج.ب.ل

مَجْبُولٌ: علمي بأنّكَ مجبولٌ على الكرم ٢١٠/٣
جِبِلَّةَ: أللّهمّ إنَّ جبلّة البشريّة ٢٢٣/١
جِبِلَّتِكَ: بما تتوب على نسمتك وجبلّتك ١٦/١٨
جَبَلٍ: ولاسهل ولاجبلٍ ١٢٨/١١
لاأدرى في سهل أو في جبل ٧٧/١٣
جَبَلِها: برّها وبحرها وسهلها وجبلها ١١٩/٢٧
جِبالٌ: ولاجبال ذات أنباج ١٢٨/١١
الْجِبالُ: وسجّرت به البحار ونصبت به الجبال ٢٦٧/٥
فسبّحت له ... الجبال وأعرافها ١٩٩/٥٦
باربّ الجبال الرّاسيات ١٣٧/٦
أللّهمّ ياجاعل ... الجبال اوتاداً ١٣٤/١
وربّ اللّيل والنّهار والجبال والبحار ١٣٢/١
وزواجر أمثاله الّتى ضعفت الجبال ١٠٩/١٢
السّباع قسّمت لحمي علىٰ أطراف الجبال ٢٠٥/٥
الّذى تعلم به ... وزن الجبال ٢٣٥/٢
بِالْجِبالِ: والموكّلين بالجبال فلا تزول ١٢/١١

ج.ب.ن

جَبَّنْهُمْ: وجبّنهم «المشركين» عن مقارعة الأبطال ٦٧/١٣
الْجُبْنِ: أيّما غاز ... اعفِهِ من الجبن ٦٧/١٧
أللّهمّ إنّى أعوذبك من ... الجبن ١١٦/١٢٦

ج.ب.و

إجْتَبَيْتَ: بحقّ ... من إجتبيت لشأنك ١٤٧/٨٣
إجْتَبَيْتَهُ: فاجعلنا ممّن... إجتبيتَهُ لِمشاهدتك ١٩٠/٣
إجْتَبَيْتَهُمْ: واجتبيتهم «بالأئمة» وحبوتهم ١٤٩/٤٧
يَجْتَبِي: يامن يجتبى صغير ما يتحف به ١٤٦/٢
تَجْتَبِي: تجتبى من تشآء فتدنيه ١٩٩/١٦٩
الْإجْتِباءِ: وأعنت عليه ذوى الإجتباء ٢٢٣/١
مُجْتَبىً: وأوّل مجتبىً للنُبوّة برحمتك ٢٢٢/٢
الْمُجْتَبىٰ: أللّهمّ صلّ علىٰ... الحسن المجتبىٰ ١٨١/٤

ج.ب.ه

جَبَهْتَ: لاتجبهنى بما جبهت به المعاندين لك ١٤٧/٩٧
لاَيَجْبَهُ: يامن لايجبه بالرّد أهل الدّالّةِ عليه ١٤٦/١
لاتَجْبَهْني: ولاتجبهنى بالرّد في مَسألتى ١٤٦/١٥
لاتجبهنى بما جبهت به المعاندين لك ١٤٧/٩٧
لاتجبهني بالرّد وقد انتصبتُ بين يديك ٤٩/٨
جَبْهَةٌ: ولانعفّر لأحد منهم جبهة دونك ٦٧/٩
جِباهِنا: كم حرّمت علىٰ جباهنا أن تسجد لغيرك ٢٠٨/٥

ج.ث.ث

تَجْثَثُ: نجتثّ «بدالحقّ» سنامه «الباطل» ٧٠/٨
أُجْتُثَّهُ: نَكِّلهُ وَاجتثّه «ظالمى» ١٥٥/٢
إجْتِثاثِ: في اجتثاث غضبك ٢٢٣/٥

ج.ث.و

جُثِيَّ: فما أن ترىٰ إلاّ جثيّ قد ثووابها ٢١٤/١٦

ج.ح.د

جَحَدَ: وجعلنا شهدآء على من جحد ٩/١
جَحَدَهُ: وكانوا مع الّذى كايده «محمّد» وجحده ١٠/٢٨
جَحَدُوْا: أللّهمّ إنّ الظّلمة جحدوا آياتك ١١٩/١
لايَجْحَدُ: نفعله بمن لايجحد استحقاق عقوبتك ١٠١/٩
جُحُودٍ: ولاجحودٍ لحقّك ٢٠٩/٣
ولاجحودٍ لربوبيّتك ولكن اتّبعت هواى ٢٢٩/٢
ولااستكبار ولاجحود لربوبيّتك ٨٩/٣
الْجُحُودِ: يوم الحشر بذوي الجحود ١٩٩/١١٣
ولاالجحود لربوبيّتكَ ولكن اتّبعت هواى ٢٣٣/٢
ولاالجحود لربوبيّتك ١٦٥/٢
جُحُودِهِمْ: وأقصى الأذنين على جحودهم ٩/٢
جاحِدٍ: وأنا لربوبيّتك جاحد ١١٦/٦٧
الْجاحِدُونَ: لايستطيع دفعها الجاحدون ١٩٩/٧
الْجاحِدين: الجاحدين بربوبيّتك ١١٦/١٠٢

ج.ح.ف

أَجْحَفَ: إن أجحف بى زاد الطّريق ١٩٩/١٠٢
مُجْحِفَةٍ: ربّ نفسي غريق خطايا مجحفة ٢٤٨/٩

ج.ح.م

جَحيماً: ووعدت فيها «ناراً» أنكالاً وجحيماً ٢٠١/٤٧
اَلْجَحيم: أم تراك تقيّد بأنكال الجحيم ١٩٩/١٥٣
خذوه فغلّوه ثمّ الجحيم صلّوه (قرآن) ١٢/١٣
وعذاب الجحيم وعذاب الحميم ١٢٩/٨

ج.د.ب

أَجْدَبَ: وأجدب المنتجعون إلاّ من انتجع فضلك ١٤٦/٥

ج.د.د

جَدّوُا: إجعلني من الّذين جدّوا في قصدك ١٩٩/٣٠
جَدَدْنا: جددنا في طاعتك ١٩٩/١١٧
فَجِدّ: فجِدّ ولاتغفل فعيشك زائل ٢١٤/٢٧
فَجُدَّ: فَجُدَّ ولاتغفل وكن متيقّظاً ٢١٨/٥ ـ ٢١٤/١٠٢
تُجَدِّدُ: ومن كرامة إلى فضل تجدّد لى ذلك ٢٥٧/٢٣
تجدّد لى ذلك في ليلى ونهارى ٣٥/١
جَدِّدْ: أللّهمّ وجدّد لى وصلة الإنقطاع إليك ٢٤٩/٧
اَلْجِدِّ: ولايؤثرون التّقصير على الجدّ في أمرك ١٢/١
وارزقنى الحج والعمرة والجدّ ١١٧/٩
وآثر «محمّد» الجدّ على التّقصير والرّيث في أمرك ١٠/٤
وهب لي الجدّ في طاعتك ٢٥١/٤٢
وارزقنافي شهرنا هذا «رمضان» الجِدّ والإجتهاد ١١٧/١٧
جِدَّةً: لاتحدث جدّةً إلاّ بخلوق جدّة ٢١٩/١١
جِدَّتِهِ: حتّىٰ يعود الحقّ إلى جدّته ٢٢٣/٧
جَدّي: وصلّ أللّهمّ على جدّى محمّد رسولك ٩٩/٤
وترينى وجه جدّى محمّد... في عرصات القيامة ٩١/١
اَلْجُدُودِ: أسألك ... من الجدود أسعدها ١٩٩/٢٤
مُجِدّاً: فقام محمّد... مجّداً في إنذاره ١٩٩/٥٨
اَلْمُجِدّينَ: إلاّ المجدّين في طاعتك ١٩٩/١١٠
مُسْتَجِدّينَ: فلك إتّفاق الخلق مستجدّين بإقرار ٢٤٧/٦
جَديدٌ: وهذا يوم حادث جديد وهو علينا ٢١/٨
اَلْجَديدِ: وإرحم في ذلك البيت الجديد غربتى ١١٦/٩٧
ولنظري له في هذا البيت الجديد راجياً ١٩٧/٣٤
جَديدُها: وجديدها لايبلى وعطشانها لايروى ١١٢/٨
جديدها «الدّنيا» يَخلَقُ ١٣٥/٤
جَدَدٌ: سبحانك سبيلك جدد وأمرك رشد ١٤٧/٢٦
على جدد قصد سريعاً لحوقها ٢١٩/٢٨

ج.د.ر

جَديرٌ: إنّك ... بالإجابة جدير ١٨٨/٤
ومن لزم عبادتك جدير بالإنابة ٢٥٤/١

ج.د.ع

جَدَعْتَ: وجدعت به «محمّد» أنف الباطل ١٠/٢٢
وجدعت أنف النّفاق بحجّة نبوّته ١٠/٥
تَجْدَعُ: تجدع «يد الحقّ» مراغمه «الباطل» ٧٠/٨

ج.د.ل

أُجادِلُ: وبك أخاصم وأجادل ١٩٩/٣
اَلْجِدالِ: أعذنا من الفشل ... والجدال ٢٠٠/١٦
جَداوِلَ: جداوِلَ رحمةٍ نشرتها ١٥٢/١١
تجرى إليه «محمّد» جداول فضلك فيها ١٠/١٣

ج.د.و

جَدْواهُ: الّذى عمّ الخلاّئق جدواه ١٩٩/٥٥
جَدْواكَ: أملى واقف على جدواك ١٩٩/٨٠
أللّهمّ إرحم ... فقيراً لايغنيه إلاّ جدواك ١٩٩/٩٠
لِلْمُجْتَدينَ: فإنّه ضمانك للمجتدين ٢٤٩/٤

ج.ذ.ب

بِجَذْبِهِمْ: بجذبهم إلى بابه ودودٌ عطوفٌ ١٨٩/٥

ج.ذ.ل

جَذلاً: واجعل الموت لى جذلاً وسروراً ١١٤/١٢

ج.ذ.م

لَجَذَمْتَني: ولو شئت لجذمتنى ١٤٩/٣٦
اَلْجُذامِ: وأعوذبك من... البرص والجذام ١٥٣/٣١

ج.ر.أ

أَجْرَأَني: وأجرأنى على عصيان من خلقني ١٦٤/١١
جَرَّأَني: حسن ظنّي بك جرّأنى على معاصيك ٢١٢/٦
فَجَرَّأَني: فجرّأنى على معصيتك ما ٢٥٧/٥
يُجَرِّئُني: يجرّئنى على معصيتك حلمك ١١٦/٢٥
لاتُجَرِّئْني: لاتجرّئنى على المعاصى ٥٩/٥
إجْتَرَأَ: لاالّذى أساء واجترأ عليك ١١٦/١
أنا الّذى على سيّده إجترأ ١١٦/٦٤
إرحم من ... إجترأ على سخطك ١٩٩/٤٧
إجْتَرَئُوا: الظلمة ... اجترئوا على معصيتك ١١٩/٤
إجْتَرَأْتُ: لما اجترأت عليه من معاصيك ١٤٨/٦
فكما حلمت عنّي فيما اجترأت عليه ١٤٨/١١

أللّهمّ كما عصيتك واجترأت عليك ٢٥١/٥
فكما ... إجترأت عليك فإنّي أستغفرك ٢٥٢/٤
سبحانك أيّ جرأة إجترأت عليك ١٦٧/٢
إجْتَرَأْنا: بأيّ حالةٍ عليك إجترأنا؟ ٢٠٠/١٠
تَجَرَّأَ: ياربّاه إرحم من تجرّأ عليك وإفترى ١٩٨/٧٠
جُرْأَةِ: سبحانك أيّ جرأة إجترأت عليك ١٦٧/٢
الْجُرْأَةَ: أيّما غاز ... ألهمه الجرأة ٦٧/١٧
وركبوا مراكب الإستمرار على الجرأة عليك ٢٢٣/٤
جُرْأَتي: مستوجباً لها «نار» لكبير جرأتي ٢٠١/٤٧
حجّتي ياالله في جرأتي على مسألتك ١١٦/٢٠
فلم يمنعك جرأتي على ما عنه نهيتني ١٩٩/١٥٥
فلم تمنعك جرأتي عليك ١٤٩/٣٠
إجْتِراءاً: إجتراءاً منّا على ما أسخط ٢٠٠/٥
بِاجْتِرائِهِ: باجترائه على الآثام حلول دار البوار ٢٤٣/١١
مُجْتَرِئاً: أنا الذي أقدم عليك مجترئاً ١٤٧/٨٢
الْمُتَجَرِّئِينْ: موقف الأشقياء المتجرّئين عليك ١٦٧/٢
الْجَرِيءَ: إرحم عبدك ... الجريءَ عليك ٣٦/٥

ج.ر.ب

جَرَّبْتُ: وقد جرّبت غيرك من المأمولين لغيري ٩٩/١

ج.ر.ح

إجْتَرَحْتُ: ولاتقاصّني بما اجترحت ١٠٨/٢
إجْتَرَحْتُها: وكبائر ذنوب إجترحتها ٨٨/١٠
إجْتَرَحْناهُ: لاتوقفنا بعدها على ذنب اجترحناه ٣٣/٥
إجْتِراحي: ووالهفا من سوء عملي وإجتراحي ١٨٢/٣
جارِحَةٌ: لاجارحةٌ تكلّفته ٤٦/٤
توبةً تسلم بها كلّ جارحةٍ على حيالها ٨٠/١٨
جَوارِحَ: أثبت فينا جوارح الأعمال ١/٢٢
الْجَوارِحِ: وأعنّا على صيامه بكفّ الجوارح ١١٥/٦
وأثبتّ فيّ الجوارح كما نعتّ في كتابك ٨٨/١٤
جَوارِحِهِمْ: وعافهم في أنفسهم وفي جوارحهم ٦٤/١
جَوارِحي: وإذاسألتني وشهدت معك جوارحي ١١٨/٥
وعصيتك بجميع جوارحي ولم يك هذا ١٤٩/٣٧
آه وإنفساه ممّا حملتني عليه جوارحي ١٩٨/٢
أنا المقرّ على نفسي بما ... عملته جوارحي ١٤٨/٥
وانتفاض جوارحي من هيبتك ٤٩/١٠
جَوارِحَنا: واشغل... جوارحنا بطاعتك عن كلّ ٣٣/٢
لاتجعل لشيء من جوارحنا نفوذاً في معصيتك ٣٠/٥
ولجوارحنا عن إقتراف الآثام زاجراً ١٠٩/١١

جَرِيح: بتذكّر قلب جريح ٢١٩/٢٩
جَرِيحُها: آه وانفساه من نارٍ جريحها لايداوىٰ ١٩٨/١٤
جُرْحي: جرحي لايبرئه إلاّ صفحك ١٩٢/٤

ج.ر.د

حَتّى تَتَجَرَّدَ: وخذني منها حتّى تتجرّد خواطر ٢١٩/١
تَجَرُّدي: وتجرّدي بسكوني إليك ١٤٧/١٠٤

ج.ر.ر

جَرِيرَةٍ: من سوء مفارقته بارتكاب جريرة ٢١/٩
الْجَرِيرَةِ: والآخذ على الجريرة لو لاأناته ١٤٧/١٠١
أَلْجَرآئِرِ: أن تهب لي موبقات ألجرآئر ١٨٢/٤
ولانقايسني بعظيمات الجرائر ١٤٧/١١١
جَرِيرَتُهُ: وشائته عندك جريرته ١٦٤/٣
جَرِيرَتي: لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني ١١٦/٥٧
بِجَرِيرَةٍ: ولم يسلم «الله» بجريرة ٨٣/٣
بِجَرِيرَتِهِ: مسيئ مرتهن بجريرته ١٩٩/١٣١
بِجَرِيرَتي: ولم تهلكني بجريرتي ١٦٣/١٢

ج.ر.ض

أَجْرَض: إن أبكهم أجرض وكيف تجلّدي ٢١٩/٣٥

ج.ر.ع

يُجَرِّعَني: يُجَرّعني زعاق مرارته ١٥٢/٤
يجرّعني زُعاف مرارته ١٥٣/٤
تَجَرَّعُوا: وتجرّعوا مرارة الكمد ٢٠٠/٢٧
تَجَرُّعِ: آه واحزناه من تجرّع الصّديد ١٩٨/٢٧

ج.ر.م

إجْتَرَمْتُ: فإن كنت... ناسياً ما إجترمت من ٢٣٩/٦
إجْتَرَمْتُها: معترفاً بخطايا جنيتها وعظائم اجترمتها ١٦/٢
جَرائِمِ: واعف عن جرائم الغافلين ٧/٨ ـ ١٧٣/١٠
أَلْجَرآئِمُ: وأصف ما كدّرته ١٩٩/١١٣
بِاجْرامي: سيّدي أنا ... المأسور بإجرامي ١٩٩/٨٢
الْمُجْرِمُ: يوم يودّ المجرم لو يفتدي من عذاب ٢٠٧/١٤
الْمُجْرِمينَ: ما كان أطولك على المجرمين ١٤٢/٣٧
خلّصته بتوفيقك من ورطات المجرمين ١٠١/٨
آه وانفساه إن غفرت ذنوب المجرمين ١٩٨/٦
الْمُجْرِمونَ: وسمع المجرمون بسعة ١٩٩/٩٧
ولايأس منك المجرمون ١٠١/١١

لِلْمُجْرِمِينَ: فإنّك... شديد العقاب للمجرمين ١٩٩/٨٢
برون الملآئكة لابشرىٰ يومئذٍ للمجرمين (قرآن) ٢٠٧/١٦
مُجْتَرَمي: مع سوء فعلى وزلّاتى ومجترمى ٢١٠/٢
جُرْم: سيّدى عفوك أعظم من كلّ جرم ١٩٩/١٢٤
وعمّن هو أعظم جرماً منّى ٢٥٧/٢٠
ولالمن هو أعظم جرماً منّى ٢٠١/٤٨
الْجُرْم: وصاحب الجرم العظيم ١٤٨/٧
جُرْمُهُ: وعظم جرمه عندك ١٤١/١٧
ربّ أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه ١١٦/١٨
جُرْمي: فقد عظم جرمي وقلّ حيآئي ٩٠/١
وجهى لكبير خطيئتى وعظيم جرمى ٢٤٩/١٧
إن كان جرمى قد أخافنى من عقوبتك ١٨٦/١
وإن أخذتنى بقبيح عملى فواحد من جرمى ٢٥٧/٢
سيّدى عظم جرمى إذا بارزتك بإكتسابه ١٩٩/٨٥
وعظيم جرمي وقديم إساءَتى ٢٠١/٤٧
واغفرلى ... جرمى وإسرافي ١١٧/٢٧
فقد خفت ... لكبير ذنبى وعظيم جرمى ٢٥٧/١٨
بِجُرْمي: المستكين لك بجرمى ١٤٩/٣٨
لعلّك بجرمى وجريرتى كافيتنى ١١٦/٥٧
إلهى ... وأنا أسيرٌ بجرمى ٢٠٣/٥

ج.ر.ن

جِرانِهِ: كما قمعت به «محمّد» الكفر على جرانه ١٠/٥
بِجَرانِهِ: وضرب بجرانه ٧٠/٧

ج.ر.ى

جَرىٰ: من جرىٰ في علمك ١٤٧/٢٥
آه وانفساه ... من القلم وما جرى ١٩٨/٧
جرى بقدرتك القضاء ٢٤/٢
جَرَتْ: جرت مقاديرك بأسبابى ٢٤٩/١٤
وماجرت عليه التركيباتُ النفسيّة ٢٢٣/١
لايحرز السبق الرّزاح وإن جرت ٢١٩/٤٤
ما جرت النّجوم في الأبراج ١٩٩/١٩
جَرَيْتُ: ثمّ لم ينهنى ذلك عن أن جريتُ ٤٩/١١
جَرَيْنا: وعلى عادتها جرينا ٢١٤/٦١
أم على عادتها جرينا ٢١٤/١٣٩
يَجْرِي: فبتسييرك يجرى سداد الأمور ١٩٩/١٩٧
لَمْ يَجْرِ: ولم يخطر ببالي ولم يجر على لساني ١٦١/٨
لأقرّ معها بانّ قضائك لم يجر إلاّ بالخيرة ٩٦/٣
تَجْرِي: في جنّات تجرى من تحتها الأنهار ١٤٣/٥٥
ويدخلكم جنّات تجرى من تحتها الأنهار (قرآن) ١٤٢/٧
ومالها لاتنهمل وتجرى ١٩٩/١٤٤
وتدخلنى جنّات تجرى من تحتها الأنهار ١٣٤/٥
لاتَجْرِي: طوامس لاتجرى بطيئ خفوقها ٢١٩/٤١
أَجْرِىٰ: وما أجرىٰ على لسانى من لفظَةِ فحشٍ ٥٥/٢٢
أجرىٰ علينا طيّباتِ الرّزق ١/١٩
أَجْرَيْتَ: إلى ما أجريت له من فضلك ٦٧/٢١
ما أجريت على ألسنتنا من نور البيان ٢٠٠/٢٢
وأجريت قدرتك على التجاوز ١٤٢/٤
حين أنفق ما أجريت علىّ من رزقك ٤٩/١٢
أجريت الماء من الصّمّ الصياخيد عذباً ٢٤٥/٤
أَجْرَيْتَهُ: أجريته لأمتك الّتي أسكنتني جوفها ٨٨/١٥
أسكنته صُدُورنا وأجريته مجارى دمائنا ٦٤/٦
تُجْرِي: فإنّك تجرى الأمور على إرادتك ٢٤٣/٩
تجرى إليه «محمّد» جداول فضلك فيها ١٠/١٣
أَجْرِ: وأجرلنا من صالح العمل ١٤٢/٥١
وأجر للنّاس على يدى الخير ٥٥/٤
وأجر به في أحبّ السبل إليك ٥٧/١٠
وأجر من أسباب الحلال أرزاقى ٧٩/٤
فَأَجْرِ: فأجر له مثل أجره وزناً بوزنٍ ٦٧/٢١
لاتُجَارىٰ: ولاتنازع ولاتجارى ١٤٧/٢٦
يَتَجارِيانِ: وارزقنى قلباً ولساناً يتجاريان ٢١٩/٢
جَرَيانُ: ومن أعظم النّعم علينا جريان ذكرك ١٩٤/١
جَرْيَتِهِ: وبحقّ القلم وجريته ١٨٠/١
الْجارِيَةِ: الفلك الجارية ١١٣/٢ ـ ٢٠/٢
مُجْرِىٰ: يامجرى الشّمس لمستَقَرّها بتقديرك ١٣٠/١
ويا مجرى البحور وياباعث من فى القبور ١٤١/٨
مَجْرىٰ: فإنّه لامجرىٰ لبتّها «ذنوبى» إلاّ إليك ١٤٨/٢١
مَجارِيَ: أللّهمّ... وأجريتَه مجارى دمائنا لايغفل ٦٤/٦

ج.ز.ر

جازِرُ: فلمّا نأى عنها الّذى هو جازر ٢١٤/١٣٨
فلمّا انتحى منها الّذى هو جازر ٢١٤/٦٠

ج.ز.ع

تَجْزَعُ: إن مسّها «النفس» الشّرّ تجزع ١٨٣/٢
جَزَعٌ: أعوذبك من يوم ... أوسطه جزع ٢٣٨/٤

الْجَزَعِ: فغشى من الجزع عليه ٢١٤/٥٣
وبخشىٰ من الجزع عليه ٢١٤/١٢٩
وأعوذبك من أن أشترى ... الجزع بالصّبر ١٦٤/٢٤
أعوذبك من ... الهلع والجزع ١٥٣/٢٦
جَزُوعاً: إذا مسّه الشرّ جزوعاً (قرآن) ٢٥٧/٣٠ ـ ٣٥/٧
الْجَزُوعَ: أن ترحم هذه النّفس الجزوع ٢٠٥/١٦
الْجَزُوعَةَ: إلاّ رحمت هذه النّفس الجزوعة ١٦٢/٦
جَوَازِعِ: ورنّة نسوان عليه جوازعِ ٢١٤/٥٦
وربّة نسوان عليه جوازعُ ٢١٤/١٣٢

ج.ز.ل

أَجْزَلَ: أجزل من أحرز نصيباً من رحمتك ١٠/١٤
أَجْزَلْتَ: وأجزلت فيه «يوم عرفه» عطيّتك ١٤٧/٧١
وأجزلت حبآءه وغفرت ذنوبه ١٤٩/٥٥
فَأَجْزَلْتَ: فأجزلت بلا استحقاق لذلك ١٤٩/٢٩
يُجْزِلُ: أللّهمّ إنّي أسألك يامن... يجزل العطايا ٢٣٩/١
تُجْزِلُ: صلاةً تجزل لهم بها من ١٤٧/٥٨
أَجْزِلْ: أجزل فيها قسمى ولاتبدّل إسمى ١١٤/١٣
وأجزل لى قسم المواهب من نوالك ١٤٧/١١٢
أجزل لنا به ذكراً ١٤٣/٣٩
وأجزل لنا فيه من الحسنات ٢١/٩
جَزْلاً: ياإلهى سهّل لي نصيباً جزلاً وقضاءً ٢٤٨/٢
جَزِيلِ: فأدّه عنّى من جزيل ما عندك ٢٥١/٣٨ـ٢٥٢/٣٠
أحمده على جزيل إحسانه ١٩٩/٥٤
فلك الحمد على جزيل جودك ١٩٩/١٧٧
لابَوْدُك في جزيلِ هباتك ٤٩/٢١
أن تحقّق ظنّى بما أُمّلته من جزيل إكرامك ١٨٦/٤
عبادة أستحقّ بها جزيل مثوبتك ٢٤٤/٤
ما أنت أهله في ... جزيل مواهبك ١٠/١٦
وجزيل عطائك عندى ١٦٣/١
ويعطى كلّ جزيلٍ ويفعل مايشاء ١٢٣/١٢
فأدّه عنّى من جزيلِ عطيّتك ٥٩/٨
وعطائك جزيل وعرشك كريم ٢٥٧/٨
أبلغ به «محمّد» من ... جزيلِ مثوبته ١٠/١٥
أنت ... جزيلُ العطايا ٢٤٧/٤
الْجَزِيلِ: وامنن عليه بطولك الجزيل ١٩٢/٩
أن تهب لى اللّيلة الجزيل من عطائك ١١٤/٢٢
بِجَزِيلِ: سمع العابدون بجزيل ثوابك فخشعوا ١٩٩/٩٧
كافنى عليه بجزيل عطائك ٢٤٩/٨
جَزِيلَةٌ: فالنّعمة عليهم منك جزيلة ١٩٩/١٦٤
صلاة جليلة جزيلة ١٩٩/٦٠
أَجْزِلَهِمْ: أن تجعلنى من ... أجزلهم ١٨٩/٦
وأجزلهم قسماً فيه ١٤٢/٥٥

ج.ز.ى

جَزَى: فلو كان يقال جزى الله شهراً ١٤٣/٢٩
جَزَاكَ: لقلناجزاك الله يا شهر رمضان عنّا خيراً ١٤٣/٢٩
جَزَيْتَ: عنّا أفضل وأكرم ما جزيت ٢١/١٧
أفضل ما جزيت أحداً من ملائكتك المقرّبين ١٠٩/٢٧
وأفضل ما جزيت به النبيّين عن أممهم ١٤١/٣١
يَجْزِي: يامن يجزى على العفو يامن يعفو ١٤٩/٥١
ويجزى الّذين أحسنوا بالحسنى (قرآن) ٢١/٤ ـ ١/٨
لايَجْزِي: يوم لايجزي والدٌ عن ولده (قرآن) ٢٠٧/٢٥
لِيَجْزِيَ: ليجزى الّذين أساءُوا (قرآن) ١/٨ ـ ٢١/٤
لِيَجْزِيَنَا: وليجزينا على ذلك جزآء المحسنين ١١٥/١
تَجْزِي: وأنت تجزي به من رضيت عنه ٨٣/٨
لاتَجْزِي: يوم لاتجزي نفسٌ عن نفسٍ شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٢٢
لاتَجْزِنِي: لاتجزنى جزائى من عقوبتك ٨٠/٢٠
أَجْزِيَ: وأجزى مَنْ هَجرنى بالبرّ ٥٥/١٣
واجعلنى أللّهمّ أجْزِي بالإحسانِ مسيئهم «جيرانى» ٦٥/٣
فَلاَ يُجْزىٰ: فلاَ يجزىٰ إلاّ مثلها (قرآن) ١٤٢/١٠
تُجْزىٰ: يوم تجزىٰ كلّ نفس بما كسبت ٦٣/١٢
يوم تجزىٰ كلّ نفس بما كسبت (قرآن) ١/١٤
نُجْزِي: وسبباً نجزى به النّجاة ١٠٩/٩
إِجْزِهِ: واجزه عنّا أفضل الجزاء ١٤١/٣١
أللّهمّ اجزه بما بلّغ من رسالاتك ١٠٩/٢٧
واجزه «محمّد وآله» عنّا أفضل وأكرم ما جزيت ٢١/١٧
إِجْزِهِمَا: اجزهما «والدىّ» عنّى خيراً ١٣٩/١١
واجزهما «والدىّ» بالإحسان إحساناً ١١٦/٤٧
وإجزهما عنّى خير الجزآء ١٤٩/٦٦
إِجْزِهِمْ: واجزهم جنّة وحريراً ١٤٣/٣٩
جَازَيْتَهُ: وبالفوز جازيته ٢٠٢/٣ ـ ٢٠٢/٥
ولكنّك جازيته على المدّة القصيرة ٨/١٢
ولكنّك بكرمك جازيته ٩٨/٧
جَازَيْتَنِي: لعلّك بقلّة حيآئى منك جازيتنى ١١٦/٥٧
فَجَازَيْتَهُمْ: أولم يكن سببه بيدك فجازيتهم ٩٨/٣
ولم يكن سببه بيدك فجازيتهم ٨/٦
فَجَازَيْتَنِي: فعلمته منّى فجازيتنى عليه ١٤٢/٢

يُجازي: يجازي عليه عادل الحكم قاهر ٢١٤/٦٨-٢١٤/١٤٦
يامن يشكر على القليل ويجازي بالجليل ١٤٦/٢
لايُجازيها: النّعم الّتي لايجازيها المجتهدون ١٩٩/٧
لاتُجازني: ولاتجازني بالإستحقاق ١٧٢/٩
أجازيهما: أو أجازيهما على مثلٍ ٦٣/١٠
جازِنا: وجازنا بالميزان الوفيّ ١٩٤/٢
جَزاءً: جزآء بما كانوا يعملون (قرآن) ٢٥٧/١٣
وهذه يداى جزاء بما صنعتا ٨٦/١
وليجزينا على ذلك جزآء المحسنين ١١٥/١
ياضامن جزآء المحسنين ١٠٣/٥
وإنّى لأعلم أنّ لك دار جزاءٍ ٢٢٣/٣
ويستغرق كلّ جزاءٍ جزآؤه ١٤٧/٣٨
ماسعى فيه جزآء للصّغرى من مننك ٨/١٤
أنت الّذى لايرغب في جزآء من أعطاه ٤٩/٤
وما كان ذلك جزاء إحسانك إلينا ٨٧/٦
جزآء للصّغرىٰ من أياديك ومننك ٩٨/٨
ولكلّ ملتمسٍ ما عندك جزآءٌ ١٤٩/٥٦
الْجَزآءِ: قسمت لأهلها من العطاء في يوم الجزاء ٢٤٦/٦
واجزهما عنّى خير الجزآء ١٤٩/٦٦
واجزه عنّا أفضل الجزاء ١٤١/٣١
أللّهمّ يامن لايرغب في الجزاء ١٤٢/١
فلا تحرمنى برحمتك الجزآء الّذى وعدتنيه ١٩٩/١٤٢
بتفضّله حسن الجزاء ٣٤/٨
جَزاؤُهُ: ويستغرق كلّ جزآءٍ جزاؤه ١٤٧/٣٨
أللّهمّ أحسن عنّا جزاءه «محمّد» ١٤١/٢٨
جَزاءَهُمْ: وأعظمت عنه جزاءهم ٩٨/٣
وأعظمت فيه «الشكر» جزآئهم ٨/٦
جَزآءَها: أستحيى من ذكرها وأخاف جزاءها ٢٤٩/٩
وعجز شكرى عن جزآئها «المنّة» ١٩٩/٦٩
جَزائَكَ: فكان جزائك منّا أن كافأناك ٢٠٠/٥
أن توجب لى محمود جزآئك ١٩٩/١٤٢
فلا تحرمنى جزآئك الّذى عرّفتنى ١٩٧/٤٠
متزودّة التّقوىٰ ليوم جزآئك ٢٥٥/٣
وأعددت لخصمى من جزائك وعقابك ٤٤/١٣
ولم يك هذا جزائك منّى ١٤٩/٣٧
أن توجب لى به محمود جزآئك ١٩٧/٤٠
حتّى لانفوتنا حسنة نستحقّ بها جزائك ٣٠/٦
وأوصل إلى التّابعين ... خير جزآئك ١٤/٥
جَزائي: وأعطنى جزائى ٢٥٥/٧
لاتجزنى جزائى منك في أوّل ما عصيتك النّار ٨٠/٢٠
إذ كان جزائى منك في أوّل ما عصيتك النّار ٤٩/١٨
بِجَزآئِها: وضقت ذرعاً في شكري لك بجزآئها ١٩٩/١٤٢-١٩٧/٣٥
مُجازاةِ: فإنّ كرمك يجلّ عن مجازاة المذنبين ١١٦/٢١
لِجَزائِكَ: إلهى ما... أعظم رجائى لجزائك ١٩٧/٥
ولم تكشف عنّى غطآءً مجازاة لذنوبى ١٤٨/٤
لأنّ كرمك أى ربّ يجلّ عن مجازاة المذنبين ١٦٦/٥٨
جازِياً: وكفى بك جازياً ١٦٢/٤
جازٍ: ولامولودٌ هو جازٍ عن والده شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٢٥
مُجازي: إنّك ... مجازى من أذعن ١٩٩/١٩٦

ج.س.أ

جَواسِىَ: وسهّلت جواسى ألسنتنا ١٠٩/٥

ج.س.د

اَلْجَسَدِ: فويلٌ لهذا الجسد الضّعيف ٢٠٥/٣
جَسَدي: وعاف فيها جسدى ١٧١/٨
إلهى، ليتنى لم أخلق لشقاوة جسدى ٢٠٦/٤
ومشت اليه رجلاى وباشر جسدى ١٤٨/٥
وأنا المقرّ على نفسي بما ... باشر جسدى ١٤٨/٥
الحمد على ما أحدثت بي من علّةٍ في جسدى ٤٦/١
أَجْسادِهِمْ: وعلى أرواحهم وأجسادهم ١٣٢/١٣
السّلام على أرواحهم وأجسادهم ٢٥١/٤٥-٢٥١/١١-١٢٢/٥٣
والسّلام عليهم وعلى أرواحهم وأجسادهم ٢٥٢/٢
وأجسادهم و رحمةالله وبركاته ٢٥١/٢-٢٥١/٣٤-٢٥١/٣٩
صلواتك عليهم وعلى أرواحهم وأجسادهم ١١٦/١١٦
قد نحلت أجسادهم بالحزن ٢٠٠/٣٩

ج.س.ر

جِسْرِ: ونبّت به عند اضطراب جسر جهنّم ١٠٩/٢٠

ج.س.س

لاتُجَسُّ: سبحانك لانحسّ ولانجسّ ولانمسّ ١٤٧/٢٦

ج.س.م

جَسُمَ: وجسم فضله علينا ١/٢٤
جَسيمَ: فأبصروا جسيم الفطنة ٢٠٠/٢٩
لعظيم حقّك وجسيم إفضالك ١١٨/٨
وجسيم غفرانك يعمّ التّوّابين ١٩٩/٨٥
أن لاتسلبنى ما منحتنى من جسيم نعمك ١٩٩/٣٣
بلّغنى ... وجسيم عطائك ١٢٣/١٣

الْجَسيمِ: أين منّك الجسيم ١١٦/٢٧
أو منعتنى فضلك الجسيم ٥٧/٣
أنا العبد ... الجسيم أملاً ٨٨/٤
بِجَسيمِ: موقعه منّى مع جودك بجسيم الأمور ٢٥٧/١٩
إنّك المنّان بجسيم المنن ٩٧/٦
تفضّلاً منك بجسيم نعمتك ١٩٩/١٦٩
لِجَسيمِ: إلاّ أنّى... راج لجسيم إفضالك ١٩٩/١١٤
بِالْجَسيمِ: إنّك أنت المنّان بالجسيم ٢١/١٨
الْجَسيمَةَ: إنّك تفيد الكريمة وتعطى الجسيمة ٩٢/٤
الْجِسامِ: الحمدلله... ذى... النّعم الجسام ٨٣/٢
لك المنن العظام والمواهب الجسام ٢٤٧/٢
والأيادى الجسام صلّ على محمّد وآله ٢٣٤/٨
فلك الحمد على ابتدآئك بالنّعم الجسام ٨٨/١٨
جِسْماً: إلهى خلقت لي جسماً ١٩٧/٢٨
وهب لي جسماً روحانياً ١٩٩/٣٢
ولانغيّرلى إسماً ولاتبدّل لي جسماً ١٤٧/١٠٦
الْجِسْمِ: أعطنى... الصّحة في الجسم ١١٦/١١١
فويلٌ لهذا الجسم الضعيف ٢٠٦/٣
جِسْمى: إذا بلى جسمى وتفرّقت أعضائى ١٦٧/٥
أعوذبك من أن ... تغيّر جسمى ٢٥٤/٤
سيّدى ضعف جسمى ١٩٩/٨١
سيّدى قد علمت حاجة جسمى ١٩٩/١٠٧
ولاتغيّر جسمى ١١٤/١٣
وفي صحّةٍ من جسمى وسلامة من بدني ١٢٧/٥
طال حزنى ودقّ عظمى وبلى جسمى ٢٠١/٢٩
إلهى أتحرق بالنّار جسمى ٢٠١/٣٦
لم ينحل الصيّام والقيام جسمى ٢٤٨/٩
وعظمت للنّار خلقى وجسمى ٢٣٠/٣
وأن تجعل ما ذهب من جسمى وعمرى ٨٨/١٨
بِجِسْمٍ: ممّا... يتمثّل بجسم أو قدر ١٩٩/٥٦

ج.ش.أ

جَشَأَتْ: وقد جشأت خوف المنيّة نفسه ٢١٤/٤٤ـ ٢١٤/١٢٠

ج.ش.م

لَمْ يُجَشِّمْنا: ولم يجشّمنا إلاّ يسراً ١/٢٥

ج.ع.ف.ر

جَعْفَرٍ: من ذرّيّة الحسين ... جعفربن محمّد ١١٩/١٧
من ذرّيّة الحسين ... موسى‌بن جعفر صلّ على ... جعفربن محمّد الصّادق ١٨١/٤
صلّ على ... موسى‌بن جعفر الكاظم ١٨١/٤
وموسى‌بن جعفر ... ٤٢/١٥
... وجعفربن محمّد ... ٤٢/١٥
وعلى ومحمّد وجعفر وموسى ٨٧/٨
وموسى‌بن جعفر العبد الصالح من أهل ٤٢/٩
وجعفربن محمّدٍ الصادق من أولاد النّبيّين ٤٢/٨

ج.ع.ل

جَعَلَ: جعل اللّيل سكناً والشمس والقمر(قرآن) ١٢٨/٢
وجعل الظلمات والنور (قرآن) ١٤٣/١١
يامن جعل اللّيل والنّهار خلفةً (قرآن) ١٣٢/٣
جعل لكلّ واحد منهما حدّاً محدوداً ٢١/١
وجعل أفئدة من النّاس تهوى إليهم (قرآن) ١٣/١
سبحان من جعل الإعتراف بالعجز ٦/٦
كما جعل علم العالمين أنّهم لايدركونه ٦/٤
وجعل معرفتهم بالتّقصير شكراً ٦/٣
وجعل له وقتاً بيّناً ١١٥/٤
بما جعل له من الحرمات الموفورة ١١٥/٤
الحمدلله الّذى جعل من تلك ١١٥/٣
سبحان من جعل الإعتراف بالنّعمة له حمداً ٦/٥
جعل لكلّ روح منهم قوتاً معلوماً ١/٦
يامن جعل في السّمآء بروجاً ١٣٢/٣
وجعل فيها سراجاً وقمراً منيراًياالله ١٣٢/٣
جعل عِرضى غرضاً لِمرامِيه ١٥٢/٩
والحمدلله الّذي ... جعل لنا الفضيلة ١/١٩
والحمدلله الّذى ... جَعَلَ لنا أدوات القبض ١/٢٢
ثمّ جعل منتهاها «الأمور» إلى مشيئته ١٤٩/١٠
الحمدلله الّذى جعل اللّيل لباساً ٢٤٢/١
جعل النّهار نشوراً ٢٤٢/١
وجعل الشّكر مادّة لنعمائه ٩٩/٤
يامن جعل الصّبر عوناً على بلائه ٩٩/٤
وجعل على بصره غشاوة (قرآن) ٢٢/١٣
وجعل معرفتهم «العارفين» بالتّقصير شكراً ٦/٣
كما جعل علم العالمين أنّهم لايدركونه إيماناً ٦/٤
جَعَلَهُ: جعله سبب نجحها دونك فقد ٣٥/٥
جعله عيداً لأهل الإسلام ١٤٣/٣٤
فلا جعله الله آخر العهد منك ولابك ١٤٣/٣٠
وجعله «الليل» لباساً ليلبسوا من راحته ومنامه ٢١/٢

جَعَلَهُمْ: يامن... جعلهم «محمّد وآله»ورثةالأنبياء ١٣/١
جَعَلَكَ: جعلَكَ مفتاح شهرٍ حادثٍ لأمرٍ ١١٠/٣
وجعلك آية من آيات ملكه ١١٠/٢
جَعَلَنا: وجعلنا من أهله «الحمد» ١١٥/١
وجعلنا شهداآء على من جحد ٩/١
جعلنا الله وإيّاكم من الزّاهدين ٢٦٢/٢
فَجَعَلَ: فجعل فَيْئَنا مغنماً ٧٠/٥
جَعَلْتَ: إلهي، جعلت لي عدوّاً يدخل قلبي ٢٠١/٤٩
أللّهمّ فكما جعلت قلوبنا له حملة ١٠٩/٧
ثمّ جعلت الشّمس عليه دليلاً ١٣٧/١
أنت الّذى جعلت لكلّ مَخلُوقٍ في نعمك سهماً ٤٩/٣
جعلت تلك الأسباب لخصائص من أهل الإحسان ٢٤٩/٢
أللّهمّ وأنت جعلت من صفايا تلك الوظائف ١٤٢/٢٤
وجعلت على ذلك الباب دليلاً من وحيك ١٤٢/٦
وجعلت لي فيه آلات أُطيعك بها ١٩٧/٢٨
وجعلت لي من نفسي داعية إلى الشّهوات ١٩٧/٢٨
جعلت لي قوتاً من فضل طعام وشراب ٨٨/١٥
بحقّ من ... جعلت معصيته كمعصيتك ١٤٧/٨٣
أللّهمّ ... وجعلت لنا عَدوّاً يَكيدُنا ٦٤/٦
وجعلت لكلّ شيء أمداً ١٤٧/١٦
جعلت الشّمس النّيّرة المنيرة سراجاً وهّاجاً ٢٤٥/٤
جعلت ما سدَّده مردوداً عليه ١٥٣/٦ ـ ١٥٢/٦
جَعَلْتَهُ: وجعلته «محمّد» مخلّداً في أعلى علوّها ١٠/٢٠
وجعلته نوراً نهتدى من ظلم الضّلالة ١٠٩/٣
وجعلته مهيمنا على كلّ كتاب أنزلته ١٠٩/١
أللّهمّ كما ... جعلته «محمّداً» شهيداً على خلقك ١٠/٣
وجعلته الذريعة إلى رضوانك ١٤٧/٦١
الّذى جعلته للمؤمنين عيداً وسروراً ١٤٢/٥٩
ولو شئت جعلته «مرقدى» سرمداً ٢٤٢/١
إلتزمت الصيام الّذى جعلته حقّاً ١٤٤/١٩
وجعلته نجاةً لكلّ حيّ ١٩٩/٣٨
وجعلته «محمّد» بمنّك على المشركين ثاقباً ١٠/٥
أللّهمّ وكما جعلته «محمّد» بأمرك صادعاً ١٠/٨
فخصصته أن جعلته قسمك حين أسميته ١٤٤/١٢
جَعَلْتَهُمْ: وجعلتهم حججاً ١٤٩/٤٧
وجعلتهم خزنة علمك وحفظة دينك ١٤٧/٥٧
الّذين ... جعلتهم ولاة الأمر ١٤٩/٤٤
الّذين... جعلتهم هداةً مهديّين ١٤٩/٤٦
وجعلتهم الوسيلة إليك ١٤٧/٥٧
واجعلنى ممّن ... جعلتهم معادن لعلمك ٢٦٨/٤
جَعَلْتَني: وجعلتنى بتحنّن رأفتك تامّاً سويّاً ١٩٩/١٧٠
وإن جعلتنى فاسداً لم يقدر على صلاحى سواك ٢٥٧/٤
ليتنى علمت أمن أهل السّعادة جعلتنى ١٨٤/٣
لَجَعَلْتَ: ولو شئت لجعلت مع نفاد ٢٤٨/١٠
لَجَعَلْتَهُ: بامادّ الظّلّ ولو شئت لجعلته ساكناً ١٣٧/١
فَجَعَلْتَهُ: فَجعلته ممّن هديته لدينك ١٤٧/٧٢
فَجَعَلْتَهُمْ: فجعلتهم طيّاباً أبراراً أتقياء ٢٠٦/١٦
جَعَلْتُ: فقد جعلت الإعتراف إليك بذنبى ١١٦/٩٣
وجعلت بك استغاثتى ١١٦/١٤
فقد جعلت الإعتراف بالذّنب ١٩٧/٦ ـ ١٩٩/١٢٠
جَعَلْنا: جعلنا على قلوبهم أكنّةً أن يفقهوه (قرآن) ١٥٩/١٢ ـ ٢٣/٤ ـ ٢٢/١٤ ـ ٢٢/١٠
جعلنا من بين أيديهم سدّاً (قرآن) ٢٢/١٠ ـ ٢٣/٥
إذا قرأت القرآن جعلنا بينك (قرآن) ٢٢/١٠ ـ ٢٣/٥
جَعَلْناكَ: جعلناك علينا كفيلاً ٢٠٠/٩
فَجَعَلْناهُمْ: فجعلناهم الأخسرين (قرآن) ٢٢/٢٥
جُعِلَتْ: وجعلت في برهة من محن الدّنيا ٢١٩/٣٤
يَجْعَلُ: يوم يجعل الولدان شيباً (قرآن) ٢٠٧/١٨
لَمْ يَجْعَلْ: كما لم يجعل في أحد من معرفة ٦/٢
سبحان من لم يجعل في أحد من معرفة نعمه ٦/١
لَمْ يَجْعَلْني: الحمدلله الّذى لم يجعلنى من ١٠٥/١
أَنْ يَجْعَلَكَ: وأن يجعلك هلال بركةٍ لاتمحقها الأيّام ١١٠/٤
أَنْ يَجْعَلَنا: أن يجعلنا عنده من المقبولين ١٤٣/١٥
تَجْعَلَ: وتجعل عملى متقبّلاً في يسرٍ ١٢٧/٥
تَجْعَلَهُ: ما تجعله نجاة لهم من العذاب ١٤٣/٣٩
تَجْعَلَني: تجعلني في حفظك فى الدّين ٤٢/٢٢
وتجعلنى من أولياآء طاعتك ٢٥١/٤
وتجعلنى عندك مقبولاً مبروراً في سعة رزقك ١٢٧/٤
تجعلنى من الّذين انتجبتهم لطاعتك ١٢٠/١٣
وتجعلنى ممّن تقتل به أعداءك ١٢٧/١٠
تجعلنى من طوارق الهموم والغموم في حصنك ٢٤٤/٥
تجعلنى عندك أهون هالكٍ ١٨٣/١
تَجْعَلَنا: وتجعلنا في الخير معه «وليعصر» ١١٩/٣١
لَمْ تَجْعَلْ: لم تجعل للخلق طريقاً إلى معرفتك إلّا بالعجز ١٩٣/١
وبصّر «محمّد» من لم تجعل على بصره ١٠/٣
لم تجعل سهمى فيمن لعنت ٢٤٨/١٠
لَمْ تَجْعَلْهُ: لم تجعله آخر العهد منّى ١٤٤/٢٩
لاتَجْعَلْ: فلا تجعل حظّى من رحمتك ما عجّلت ٥١/١

ولاتجعل فراقها «الدّنيا» عليّ حزناً ٢٥٢/٢٢
ولاتجعل ثوابي ثواب من عبد سواك ١١٦/٧١
ولاتجعل الدّنيا لي سجناً ٢٥١/٢٩ ـ ٢٥٢/٢٢
لاتجعل في قلوبنا غلّاً (قرآن) ٢٠٠/٤٨
ولاتجعل وجوهنا مبذولة لأحد ٢٠٠/٢٠
ولاتجعل شَيئاً ممّا أتقرّب به إليك ١١٦/١٠٩
ولاتجعل ماءَه علينا ٥٣/٥
أللّهمّ ... ولاتجعل صَوبَهُ علينا رجوماً ٥٣/٥
أللّهمّ... ولاتجعل بَردَهُ علينا... حُسُوماً ٥٣/٥
أللّهمّ لاتجعل ظلّه علينا سموماً ٥٣/٥
لاتجعل الدّنيا عليّ سجناً ٧٨/٤
ولاتجعل لفاجرٍ ولاكافرٍ عليّ منّة ٥٧/١٢
ولاتجعل ظنّي بتطوّلك كاذباً ١٩٩/١٥٧
ولاتجعل لهم «الظّلمة» في الأرض ناصراً ١١٩/١٢
ولاتجعل للشيطان فيه «ولبّاً» نصيباً ٢٥٨/١
ولاتجعل الحياة علينا نكداً ١٠٩/٢١
وان لاتجعل حظّي من هذا الدّعاء تلاوته ١١٤/٢٣
ولاتجعل عيشي كدّاً كدّاً ٥٥/٣٤
أللّهمّ لاتجعل له في قلوبنا مدخلاً ٥٠/٥
لاتجعل لشيء من جوارحنا نفوذاً في معصيتك ٣٠/٥
ولاتجعل ذكرنا له غِبّاً ١٠٣/٢
فَلاتَجْعَلْ: فلاتجعل نفسي في شيءٍ من عذابك ١١٦/١٢٩
لاتَجْعَلْهُ: ولاتجعله آخر شهر رمضان ١٤١/١١
لاتَجْعَلْني: لاتجعلني في مثل حاله ٤٤/٤
لاتجعلني ممّن طوّلت له في الدّنيا أمله ٢٤٨/٣
لاتجعلني ممّن تقدّم فمرق أو تأخّر فمحق ٢٤٨/١
ولاتجعلني للظالمين ظهيراً ١٤٧/١١٥
ولاتجعلني ممّن عن الرّشد عمى ١١٤/١٣
أللّهمّ لاتجعلني ناسياً لذكرك فيما أوليتني ١٢٦/٣
لاتجعلني من الغافلين ٧٧/٣
ولاتجعلني ناسياً لذكرك فيما أوليتني ٥٧/٧
ولاتجعلني ممّن يبطره الرّخاء ٢٠٤/٥
ولاتجعلني ممّن عبادته لك خطرات ٢٠٤/٧
أللّهمّ ... ولاتجعلني ممّن تكله الى نفسه ٣١/٤
وأن لاتجعلني ممّن اطمأنّ إليها «الدّنيا» ١٣٥/٥
ولاتجلعني في أهل العقوق للآبَاءِ والأُمّهات ٦٣/١٢
أن لاتجعلني ممّن إذا صحّ أمن ١٣٣/٣
ولاتجعلني ممّن ضلّ عن الرّشد ٢٠٢/٦
ولاتجعلني عبرةً لغيري ١٣٥/١٥
ربّ لاتجعلني للبلاءِ غرضاً ٥٢/٣
أن لاتجعلني لغير جودك متعرّضاً ١٨٣/٦
ولاتجعلني عظةً لمن اتّعظ ١٤٧/١٠٥
فَلاتَجْعَلْني: فلا تجعلني اليوم أخيب وفدك ١٤٩/٥٨
لاتَجْعَلْنا: ولاتجعلنا من المقارنين لأعدائك ٢٠٠/١٨
أللّهمّ لاتجعلنا في هذا الوقت ٢٣٤/١
أَنْ تَجْعَلَ: وأن تجعل ما ذهب من ٨٨/١٨
وأن تجعل خلاصي ممّا أنا فيه ٤٢/٢٧
أن تجعل رُشدي فيما قضيت من الخير ٤٢/٢٧
وأن تجعل وفاتي قتلاً في سبيلك ١٢٧/١٠
وأن تجعل لي مع الرسول سبيلاً ١٢٧/١١
أن تجعل أفضل جائزتك اليوم فكاك رقبتي ٢٤٩/٢٤
وأن تجعل فيما تقضي وتقدّر أن تطيل عمري ١١٧/٤٢
أن تجعل اسمي مع السّعداء ١٤١/٣
وأن تجعل فيما تقضي وتقدّر من الأمر ١١٧/٤١
وأن تجعل ما أنت أهله لي في الدّنيا والآخرة ١١٨/٢
أن تجعل القرآن ربيع قلبي ونور بصري ٢٢/٤٠
أن تجعل اسمي في هذا اليوم ١٣٧/٣ ـ ١٢٩/٣
أن تجعل علينا واقية تنجّينا من الهلكات ١٩٥/٥
وأن تجعل اسمي في السّعداء ١١٧/٣١
أَنْ تَجْعَلَني: أن تجعلني في حرزك وحفظك ١٨٠/٦
أن تجعلني سعيداً ٢٤٣/٩
أن تجعلني من خيار وفدك ١٤٩/٤٧
أن تجعلني في حرزك وجوارك ٢٢/١٩
أن تجعلني من الموقنين خبراً وفهماً ١٩٩/١٦٥
أسألك أن تجعلني من أوفرهم منك حظّاً ١٨٩/٦
أللّهمّ إنّي أسألك أن تجعلني من الّذين ١٤٢/٢٤
أن تجعلني فيه من المقبولين أعمالهم ١١٤/٢٠
أَجْعَلَ: أو أجعل لك ولداً أو نِدّاً ٢٠٩/٢
لاأَجْعَلُ: فإنّي لاأجعل لك ٥٥/٣٤
أَنْ أَجْعَلَ: أن أجعل لك شريكاً ٢٠٩/٢
حَتّىٰ أَجْعَلَ: حتّى أجعل محلاً لتقديسك ١٩٤/١
نَجْعَلُ: نجعل لكما سلطاناً فلا يصلون إليكما (قرآن) ١٥٩/١١٨ ـ ٢٢/٧
إِجْعَلِ: واجعل التّوبة في أطولهما بقاءً ٣٠/٢
واجعل همسات قلوبنا ... في موجبات ثوابك ٣٠/٦
واجعل آبآءَنا وأُمّهاتِنا وأوْلادنا ٥٠/٩
واجعل عاقبة أمري إلى غفرانك ١١٧/٣٦
واجعل النور في بصري ٢٥١/٢١

إجعل مؤونتنا إلى جنّتك غير خزايا ١٤٣/٥٤
واجعل لي من لدنك ولياً يرثني في حياتي ٢٥٨/١
واجعل لي من أمرى فرجاً ومخرجاً ٢٥١/٤٦
واجعل لي قلباً طاهراً ٢٥١/٤٧
اجعل جهادنا فيك ١٨٨/٣
أللّهمّ إجعل خير أيامى يوم لقائك ٢٤٧/١٠
إجعل حبّى ونصرتى ودينى فيهم ولهم ٢٤٨/٦
واجعل تجارتى رابحةً ١٤٧/١٠٨
إجعل هيبتى في وعيدك ١٤٧/١٠٤
واجعل الحيٰاة زيادة لي في كلّ خير ٢٤٠/٤
إجعل توسّلى به شافعاً ٢٤٤/٥
واجعل لنا من صالح الأعمال عملاً ١٠٣/٣
واجعل قلبي واثقا بما عندك ١٤٧/١١٣
واجعل بافى عمري في الحجّ والعمرة ١٤٧/١١٧
واجعل لنا في صدور المؤمنين ودّاً ١٠٩/٢١
أللّهمّ اجعل نبيّنا صلواتك عليه وعلى آله ١٠٩/٢٣
إجعل آل محمّد عليه وعليهم السّلام أتمّتى ٢٤٨/٦
واجعل دعآئى فيه إليك واصلاً ١١٧/١٤
واجعل حظّى منه إجابته ١١٤/٢٣
واجعل رغبتى فيما عندك ١٢١/١٧
وإجعل لي لسان صدق في الغابرين ١٤٧/١٠٩
واجعل لي في الحقّ طريقاً من كلّ رحمة ١٤٧/١١٢
واجعل هواى عندك ٥٩/٥
واجعل لي عندك مقيلاً آوى إليه مطمئناً ١٤٧/١١١
إجعل ذلك سبباً لقناعتى بما قضيت ٤٤/١٣
واجعل ذلك عوناً لى ٣٩/١٢
إجعل له شغلاً فيما يَلِيهِ ٤٤/٣
واجعل لي يداً على مَن ظلمتى ٥٥/١١
واجعل أوسع رزقك علىّ إذا كبرت ٥٥/١٧
إجعل عملنا فيه مقبولاً ١٤٣/٢٨
واجعل ما سمحتْ به من العفو عنهم ١٠١/٣
واجعل وفاتى إذا توفّيتنى راحة لى ١٤١/٢١
واجعل القبور بعد فراق الدّنيا خير منازلنا ١٠٩/١٩
واجعل من أرادنى بسوءٍ من جميع خلقك ١١٦/١١٥
واجعل رغبتى إليك فوق رغبة الرّاغبين ١٤٧/٩٧
وإجعل الخيرة العامّة فيما قضيت لى ١٩٩/٧٦
وإجعل سرّى معقوداً على مراقبتك ١٩٩/٣٢
واجعل ذلك ذريعة الى الرضا بما قضيت لنا ٩٢/١
أللّهمّ اجعل محمّداً أوّل شافع ١٤١/٢٦
واجعل بأسهم بينهم «الظّلمة» ١١٩/٩
واجعل عاقبة أمرهم «الظّلمة» خسراً ١١٩/١٠
واجعل آخر عمري أخيره ١٤١/٢٠
أللّهمّ اجعل حياتي ما أبقيتني زيادة ١٤١/٢١
واجعل الدّآئرة عليهم «الظّلمة» ١١٩/٨
واجعل سنّتى هذه مقرونة لصالح الأعمال ١١٨/٩
واجعل الموت لى جذلاً وسروراً ١١٤/١٢
أللّهمّ اجعل لى من أمري فرجاً ١١٧/٤٣
واجعل لي في هذا اليوم نصيباً ١٤٧/٧٧
واجعل الآخرة خيراً لنا من الدّنيا ١٤٣/٣٨
واجعل ما بعده خيراً لنا ممّا قبله ١٤٣/٣٨
واجعل الموت خير غائب ننتظره ١٤٣/٣٨
إجعل ذلك متقبّلاً في يسر منك ١٤٣/٣٥
إجعل لنا إلى بيتك الحرام سبيلاً ١٤٣/٣٥
واجعل بين يديه سدّاً حتّى نعمى عنّى بصره ٦١/٨
واجعل ذلك لنا خالصاً من كلّ شكّ وشبهة ١١٩/٣٠
واجعل علىّ منك جنّة واقية باقية ١١٦/٥٠
واجعل له من لدنك سلطاناً نصيراً ١١٩/٢٢
وإجعل سلامة قلوبنا في ذكر عظمتك ١٥/١٦
اجعل لنا في كلّ ساعة من ساعاته حظّا ٢١/١١
واجعل ذٰلك مقبولاً ٦١/٤
واجعل يقينى أفضل اليقين ٥٥/١
واجعل ندامتى على ما وقعت فيه من الزّلاّت ١٠٠/٤
واجعل فيما عندك رغبتي شوقاً إلى لقائك ١٧١/٥
واجعل لي من عندك مخرجاً وحيّاً ٢٤/٥
واجعل ميرهم في أحصّ أرضك ٦٧/١٥
واجعل فراى إليك ورغبتي فيما عندك ٥٧/١١
واجعل عليهم رجزك وعذابك ٨٣/١٨٠
بل اجعل سكون قلبى وأنس نفسى ٥٧/١٢
أللّهمّ اجعل ما يلقى الشيطان في روعى ٥٥/٢١
واجعل ما خوّلتنى من حطامها ٧٩/٦
واجعل تقواك من الدّنيا زادى ٥٧/١١
واجعل ثنايى عليك ٥٧/٨
واجعل في جنّتك مثواى ٥٧/١١
وإجعل لنا نصيباً في رحمتك ١٥/٣
إجعل كيده «من يؤذينى» في تَضليلٍ ١٦٠/٢
أللّهمّ اجعل لي قلباً يخشاك ١٣٧/٥
واجعل لي من أمرى فرجاً ومخرجاً ٢٥١/٣٥
واجعل القرآن لنا في ظلم اللّيالي ١٠٩/١١

واجعل القرآن وسيلةً لنا ١٠٩/٩
واجعل لى من همّى وكربى فرجاً ومخرجاً ١١٦/١١٥
واجعل ذلك سبباً لقناعتى بما قضيت ٤٤/١٣
واجعل شكرى لك على ما زويت عنّى ٩٦/٣
أللّهمّ اجعل ليلى ونهارى ... في عافية منك ١٥٣/١٤
واجعل ذلك خالصاً برحمتك ١٣٩/٦
إجعل قوّتى في طاعتك ٢٤٢/٥
اجعل أرزاقنا من عندك دارّة ٢٠٠/٢١
واجعل قلوبنا معقودة بسلاسل النّور ٢٠٠/٣٧
واجعل ما يقرّبنى إليك ١٣٧/٤
واجعل دعآئى منوطاً بالإجابة ٢٠٢/٩
واجعل ما صرّحت به من عدتك في وحيك ٧٦/٣
واجعل ثواب مجلسى ... رضاك والجنّة ١١٦/١٣٠
واجعل الجنّة نصب أعينهم ٦٧/٥
واجعل رغبتى فيما عندك ١١٦/١٢٥
واجعل ... فراغ أبداننا في شكر نعمتك ١٥/١٦
واجعل في ذلك اليوم مع أوليائك موقفي ١٦٧/٦
واجعل فكره وذكره ... فيك ولك ٦٧/١٨
ربّ اجعل جُنّتي من خطاياي حصينة ١٦٤/٢٣
اجعل النّور في بصرى ٢٥٢/١٣
اجعل لي من أمري فرجاً ومخرجاً ٢٥١/٣-٢٥١/٤٠-٢٥٢/٣
واجعل عملي مقبولاً ٢٥٢/٢٣
واجعل فيّ من الحول والقوّة ما يُسَهِّلُ ذلك على ١٥٣/١٣
واجعل لي نوراً يا نور السّمٰوات والأرض ١٣٤/٤
أللّهمّ اجعل نوراً في قلبي ١٣٤/٣
واجعل لي من لدنك فرجاً ٢٥١/٥٤
واجعل ختام ما تحصي ... توبة مقبولة ٣٣/٥
أللّهمّ إجعل أكمل صلواتك ١٩٩/٦٢
واجعل ما إعتقدته من ذكرك ١٩٩/١٨٩
واجعل لي في لقآئكَ الرّاحة ١١٦/١٢٠
إجعل عُقبٰاهُ «ظالمى» النّار ١٥٥/٣
واجعل ثوابى منه الجنّة ١١٦/١٢٢
واجعل سلامة قلوبنا في ذكر عظمتك ٨/٢٦
أللّهمّ اجعل أوّل يومى هذا صلاحاً ٢٣٨/٤
واجعل غدي وما بعده أفضل من ساعتى ٢٣٦/٥
واجعل مخرجى عن علّتى إلى عفوك ٤٦/٦
أللّهمّ... واجعل ذلك «اولاداً ذُكُوراً» خيراً لي ٦٤/٥
واجعل طاعتي لوالديّ ٦٣/٥
أللّهمّ اجعل رغبتى في مسألتى ١٧١/٧

واجعل لي أو في الحظوظ فيما عندهم «جيرانى» ٦٥/٥
واجعل كلّ يوم من أيّامى موفياً ٢٠٤/٨
اجعل لنا نصيباً من رحمتك ٨/٢٠
اجعل بيننا وبينه ستراً لايهتكه ٥٠/١
إجْعَلْهُ: إجعله «محمّد» أجزل من أحرز نصيباً ١٠/١٤
واجعله اللّهمّ الّذى تنتصر به لدينك ١٤٩/٦٩
واجعله من خير يوم مرّ علينا ١٤٢/٥٤
أللّهمّ واجعله لى شفيعاً مشفّعاً ١١٣/٩
واجعله «محمّد وآله» أيمن يوم عهدناه ٢١/١٤
إجعله في نظام الشّهداء والصّالحين ٦٧/٢٢
وإجعله «محمّد» خطيب وفد المؤمنين إليك ١٠/٢٣
واجعله في ودآئعك الّتى لايضيع ١١٩/٢١
واجعله في كنفك ١١٩/٢١
واجعله «وليّاً» خلقاً سوياً ٢٥٨/١
واجعله باباً من أبواب مغفرتك ١٠٣/٤
إجْعَلْهُمْ: أللّهمّ... واجعلهم «ولدى» لي محبّين ٦٤/٤
إلهي... واجعلهم «ولدى» ابراراً أتقيآء بصرآء ٦٤/٢
واجعلهم «وُلدى» لي عوناً على ما سئلتك ٦٤/٥
واجعلهم أئمةً يهدون بالحقّ وبه يعدلون ١٤٩/٦٧
إجْعَلْهَا: ثمّ جعلها لي خيراً من ألف شهر ١١٧/١٥
واجعلها موصولة بكرامتك إيّاى ٧٧/٣
وأظهر كلمة الحقّ واجعلها العليا ٢٥٥/٨
وأدحض كلمة الباطل واجعلها السّفلى ٢٥٥/٨
إجْعَلْني: واجعلني من ورثة جنّة النّعيم ٢٥٢/٤٢
إلهى إجعلني من المصطفين الأخيار ١٨٨/٣
إجعلنى من أتباعه وأشياعه ١٨١/٥
إجعلنى من صفوة عبيدك ١٨٥/٥
واجعلنى فيه لك من الشاكرين ١٢١/٢
واجعلنى في فوج الفائزين ١٠٨/٤
اجعلنى من أوليائِكَ ٢٤٠/٣
واجعلنى ممّن استجبت له من ٢٣٩/١٢
أللّهمّ اجعلني من جندك ٢٤٠/٣
واجعلنى من حزبك ٢٤٠/٣
واجعلني وجميع إخواني بك مؤمنين ٢٠٦/١٨
إجعلنى من أتباعه وشيعته ٢٤٦/٦
واجعلنى اللّهمّ أجزي بالإحسانِ مسيئهم ٦٥/٣
واجعلنى أسوة من قد أنهضته بتجاوزك ١٠١/٨
واجعلنى من الوارثين ١١٤/٧
واجعلنى من المقبولين ١٢٩/١١

إجعلني وإيّاهم ممّن حفظت ٢٤٨/٥
إجعلني ممّن هديته فهدى وزكيّته فنجا ٢٤٨/٢
إجعلني شهيداً سعيداً في قبضتك ٢٤٨/١
واجعلني ممّن لزم فلحق ٢٤٨/١
واجعلني ممّن يدعوك مخلصاً في الرّخاء ٥٩/١٥
أللّهمّ اجعلني أصول بك عند الضرورة ٥٥/١٩
واجعلني ممّن لايبسط كفّه إلاّ إليك ٨٧/٤
وإجعلني ممّن يندم على ما ضيّعه في أمسه ٨٧/٣
واجعلني بالتوكّل عليك عزيزاً ٢٥١/٤٨
إجعلني من عتقائك وطلقائك ١٤٣/٤٥
واجعلني معهم في الدّنيا والآخرة ١١٧/٣٦
واجعلني فيها «ليلة القدر» من عتقائك من جهنّم ١١٧/١٦
واجعلني مسلّماً لمن قال منهم بالصّدق عليك ١٢٣/١٧
أللّهمّ اجعلني في حفظك ١٢٣/١٦
واجعلني من العاملين بطاعتك ٧٧/١١
أللّهمّ واجعلني من المحفوظين في أنفسهم ١٢٧/٥
واجعلني ممّن خاف فآمنته ٢٠٢/٥
قال اجعلني على خزائن الأرض (قرآن) ٢٢/٢٢
اجعلني اهابهما هيبة السُّلطان العسوف ٦٣/٥
واجعلني أشدّ ما أكونه لك خوفاً ٢٠٤/٤
اجعلني ممّن تلحقه بصالح من مضى ١٢٣/١٧
واجعلني لهم قريناً واجعلني لهم نصيراً ٥٧/١٣
واجعلني في كلّ حالاتي محفوظاً ٥٩/٦
واجعلني على ملّتك أموت وأحيا ٥٥/٢٦
واجعلني من أهل السداد ٥٥/٢٧
واجعلني ممّن يلقاك على الحنيفيّة السّمحة ٢٦٨/٣
واجعلني من خيار مواليه «محمّد وآل محمّد» ١٤٩/٧٠
واجعلني من أوفر عبادك نصيباً ١٣٢/٥
إجعلني من الّذين جدّوا في قصدك ١٩٩/٣٠
واجعلني من أوفر عبادك عندك نصيباً ١١٦/١١٢
إجعلني طليقَ عفوك وعتيق رحمتك ٤٩/٢٠
واجعلني من أولياء طاعتك ٢٥٢/٣٧
وإجعلني من صفوتك الّذين أحللتهم ١٩١/٣
اللّهمّ اجعلني من رفقاء محمّدٍ حبيبك ١٥٣/١٨
واجعلني في جميع ذلك من المصلحين ٦٤/١٢
واجعلني برحمتك من أهل الرّعاية ١٩٩/٦٦
واجعلني من صالح مَن بَقِيَ ١١٦/١٢١
اجعلني متدرّعاً بدرعك الواقية ١٥٥/٧
وإجعلني ممّن شمله عفوك ١٩٩/١٩٣
واجعلني أتلوه «كتابك» على ما يرضيك بهعنّي ١٥٣/١٣
واجعلني ممّن تنتصر به لدينك ١٢٨/٤
واجعلني له متّبعاً حتّى ألقاك ١١٣/٩
إجعلني من السّالمين في حصنك ٢٠٣/١
اجعلني بهم وجيهاً في الدّنيا والآخرة ١٣٢/١٤
واجعلني لك من الخاشعين ١١٦/١٠٩
وإجعلني بحبّهم يوم العرض عليك نبيهاً ١٩٩/١٥٠
أللّهمّ ... اجعلني ممّن يعتصم بحبلك ١٣٥/١٤
واجعلني ممّن أطلت عمره ١١٦/١٠٨
إجْعَلْنا: واجعلنا لشهرنا من خيرأهل وأصحاب ١١٥.١٩
واجعلنا في نظم من استحقّ الرّفيع الأعلى ١١٥/١٧
أللّهمّ اجعلنا في نظم أعدائه ٥٠/١٣
واجعلنا من أرضى من طلع عليه ١١٠/٨
واجعلنا من أهل طاعته «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
أللّهمّ اجعلنا في هذا الوقت ممّن سألك ٢٣٤/٤
واجعلنا عندك من التّوابين ١٤٢/٦١
أللّهمّ اجعلنا ممّن دأبهم الإرتياح إليك ١٩٠/٥
أللّهمّ إجعلنا من الشّاكرين ٢٥٩/١
واجعلنا من عبادك الصّالحين ١١٥/٢٣
واجعلنا برحمتك ممّن يرد حوضه ١٤١/٢٨
واجعلنا ممّن تشفّعه فيه ١٤٣/٢٤ ـ ١٤١/٢٨
واجعلنا لهم سامعين ومطيعين كما أمرت ٩٥/٤
واجعلنا معهم «أولياء» في دار السّلام ١٤٧/٧٠
أللّهمّ واجعلنا في سائر الشّهور والأيّام ١١٥/٢٣
واجعلنا للمتّقين إماماً (قرآن) ٨٣/١٦
واجعلنا له «وليّك» سامعين مطيعين ١٤٧/٦٧
واجعلنا من دعاتك الدّاعين إليك ٨/٢٧ ـ ١٥/١٧
واجعلنا من أرضى من مرّ عليه الليل والنهار ٢١/١٤
واجعلنا فرجنا معه «وليعصر» وبه ١١٩/٢٨
واجعلنا من الطّالبين رضاك بمناصحته ١١٩/٣٠
وإجعلنا ممّن تكثّر به وارديه «محمّد» ١٠/٢٦
واجعلنا من سكّان دار النعيم ٢١٤/٧٤
واجعلنا من أسعد أهله به ١٤٢/٥٥
إجعلنا من الّذين أوضحت لهم الدّليل عليك ١٩٩/١٩٤
واجعلنا من الّذين أسرعت أرواحهم في العلى ٢٠٠/٢٣
إجعلنا في هذه السّاعة من أوجه من توجّه ١٤٣/٢٦
واجعلنا من الّذين غرسوا أشجار الخطايا ٢٠٠/٢٨
وإجعلنا من أخصّ عارفيك ١٩٣/٦
وإجعلنا من الّذين فتقت لهم ٢٠٠/٤٠
واجعلنا لأنعمك من الشّاكرين ١٣٩/٢
واجعلنا ممّن جاسوا خلال ديار الظّالمين ٢٠٠/٢٥

واجعلنا ممّن يجالس أوليائك ٢٠٠/١٨
واجعلنا من الّذين عرفوا أنفسهم ٢٠٠/٣٩
واجعلنا من الّذين تمسّكوا بعروة العلم ٢٠٠/٢٧
واجعلنا من الّذين أرسلت عليهم ٢٠٠/٣٦
واجعلنا ممّن سهّلت له طريق الطّاعة ٢٠٠/٣٥
واجعلنا بخدمتك للعبّاد والأبدال ٢٠٠/٣٨
واجعلنا من الّذين اشتغلوا بالذّكر ٢٠٠/٣٤
واجعلنا من الّذين شربوا بكأس الصّفاء ٢٠٠/٣٠
واجعلنا من الّذين رتعوا ٢٠٠/٣١
واجعلنا من أهل الخير ١٣٩/١٢
واجعلنا ممّن يعتصم بحبله ١٠٩/٨
واجعلنا ممّن يعترف بأنّه من عندك ١٠٩/٧
واجعلنا من الّذين غلّقوا باب الشّهوة ٢٠٠/٢٦
فَاجْعَلْ: فاجعل رقابنا من تلك الرّقاب ١١٥/١٩
فاجعل في الحلال مأكلي وملبسي ومنكحي ٢٤٨/٢
فاجعل ياوليّي وسيّدي فيما قضيت ١٧٣/٦
فاجعل ياوليّي وسيّدي فيما قدّرت ١٧٢/٥
فاجعل توبتي هذه توبةً ٨٠/١٦
فاجعل رزقك لي واسعاً ٧٧/١٤
سلطاناً نصيراً فاجعل لي ١٥٣/٢٢
فاجعل مردّها منك بالنّجاح ٢٣٧/٥
أللّهمّ فاجعل نفسي مطمئنّة بقدرك ٢٥٥/٣
أللّهمّ فاجعل أمني منك في هذه الدّنيا خوفاً ١٦٤/٢١
أللّهمّ فاجعل شرائف صلواتك ونوامي بركاتك ١٤٣/٢٣
فاجعل ما سترت من العورة ... واعظاً لنا ٩٥/٣
فَاجْعَلْهُ: فاجعله حطّةً لذنوبهما ٦٣/٨
فاجعله نوراً لنا في قبورنا ومبعثنا ٢٠٠/٢٢
فاجعله ذنباً تغفره ٩٩/٤
فاجعله فراغ سلامة ٣٣/٣
أللّهمّ ما رزقتني من رزق فاجعله حلالاً طيّباً ١٢١/١٧
فَاجْعَلْهُمَا: فاجعلهما لي سبباً إلى نيل غفرانك ١٩١/١
فَاجْعَلْنِي: فاجعلني عبداً إمّا طائعاً فأكرمته ١٩٩/١٣٦
فاجعلني ممّن ناسبهم من أهل طاعتك ١٩٩/١٨٩
ومن أوليائك يوم القيامة فاجْعَلْنِي ١٥٣/٢٣
فاجعلني من ذلك كلّه من أوليائك ١٣٢/٦
سيّدي فاجعلني عبداً يفزع إلى التّوبة ٢٤٥/٧
فَاجْعَلْنَا: فاجعلنا من أسعد أتباعه «محمّد» ١٠/٣٠
فاجْعلنا ممّن يرعاه حقّ رعايته ١٠٩/٥
إلهي فاجعلنا ممن اصطفيته لقربك وولايتك ١٩٠/٢
فاجعلنا من الّذين نرسّخت أشجار الشّوق ١٩٣/٢

جَاعِلَ: ياجاعل اللّيل والنّهار آيتين ١٣٥/١
وجاعل آية النّهار مُبصرة ١٣٥/١
أللّهمّ ياجاعل اللّيل لباساً ١٣٤/١
يافالق الإصباح وجاعل اللّيل سكناً ١٣٣/١
جَاعِلَهَا: وجاعلها خيراً من ألف شهرٍ ١٣٢/١

ج.ف.ف

جَفَّتْ: ما جفّت هذه العيون ١٩٩/١١٥
بِتَجَافِيفِ: ألحقتهم بتجافيف التراب ٢١٩/٢٤

ج.ف.ل

أَجْفَلَتْ: فراعت ولم ترتع قليلاً وأجفلت ٢١٤/٦٠
فريعت ولم ترتع قليلاً وأجفلت ٢١٤/١٣٨

ج.ف.ن

جُفُونُ: بكت لها جفون وسآئلي ١٩٩/١٠٣
فتقت لهم رتق ... جفون ٢٠٠/٤
الجُفُونُ: ولاجادت هذه الجفون بفيض مآئها ١٩٩/١١٥
يامن لايخفى عليه إغماض الجفون ٢٣٤/٦
جُفُونِهَا: قد أقرح السّهر دقّة جفونها ١٩٧/٤٧

ج.ف.و

جَفَاهُ: وبعيد جفاه الأهلون ١٩٩/١٣٩
ملآتكتي ... وحيد قد جفاه الأهلون ١٩٧/٣٣
تَجَافَتْ: أو مغيّب ضريح تجافت عنه ٢١٩/١٩
الْجَفَآءَ: أعوذبك من أن أشترى ... الجفآء ١٦٤/٢٤
التَّجَافِي: وحسن التّجافي منها ٢١٩/٢
التَّجَافِيَ: أللّهمّ ارزقني التّجافي عن دار الغرور ١٣٦/١
جَافِ: وجاف الأرض عن جنوبهم ١٤٣/٣٩
أللّهمّ جاف الأرض عن جنبيه ١٠٦/١

ج.ل.أ

جَلاَءَ: أن تجعل القرآن ... جلاء حزني ٢٢/٤٠

ج.ل.ب

أَجْلَبُهُ: أجلبه لعفو وأمحاه لذنب ١٤٢/٥٤

ج.ل.ب.ب

جِلْبَابَ: حسر عن ذراعيه جلبات الأنقيآء ١٩٩/٤٧
جَلاَبِيبَ: وانزع عنّا جلابيب مخالفتك ١٩٦/٢

ج.ل.ج.ل

مُجَلْجَلاً: مريئاً طبقاً مجلجلاً غير مُلِيقٍ وَرقُهُ ٥٣/٢

ج.ل.د

الْجِلْدَ: أن ترحم ... هذا الجلد الرّقيق ٢٠٥/١٦
الْجُلُودَ: آه وانفساه من نار تحرق الجلود ١٩٨/١٣
الْجَلَدِ: وعوّل على الْجلد من نفسه ٢٠٢/٦ ـ ٢٠٢/٣
تَجَلُّدي: إن أبكهم أجرض وكيف تجلّدى ٢١٩/٣٥

ج.ل.س

جَلَسْتُ: جلست بين يديك مولاى ٢٤٩/١٨
يُجالِسُ: واجعلنا ممّن يجالس أولياءك ٢٠٠/١٨
مُجالَسَةِ: وطهّرنا من ... مجالسة الدّناة ٢٠٠/١٧
بين مصافّ الكروبيّين ومجالسة الرّوحانيّين ٢٠٠/٣٢
مُجالِسُونَ: ولك بصدق الإرادة مجالسون ١٩٩/١٨٧
جَليسُ: آه واحزناه أنا جليس من ١٩٨/٣٩
مَجْلِسِ: وطاب في مجلس الأنس سرّهم ١٩٣/٤
يوم القيامة أقرب النبيّين منك مجلساً ١٠٩/٢٣
مَجْلِسي: إن كان في النّار مجلسي ٢٠٦/٨ ـ ٢٠٥/٧
وأعطني في مجلسي هذا مغفرةً ١٣٢/١١
وقرب من مجالس التّوابين مجلسي ١١٦/٥٤
وذلّ مقامي ومجلسي ١٦٤/٦
واجعل ثواب مجلسي ... رضاك والجنّة ١١٦/١٣٠
مَجالِسِ: وقرب من مجالس التّوابين مجلسي ١١٦/٥٤
أو لعلّك فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني ١١٦/٥٦
واعمر بي مجالس الصّالحين ١٠٨/٤
لعلّك رأيتني آلف مجالس البطّالين ١١٦/٥٧
جالت في مجالس الذّكر رطوبة ألسنة الذّاكرين ٢٠٠/٣٤
مجالس منهم عُطِّلت ومقاصر ٢١٤/١٤
مَجالِسُهُمْ: مجالسهم منهم وأخلت مقاصر ٢١٤/٨٩

ج.ل.ل

جَلَّ: جاهد «محمّد» في الله عزّوجلّ حقّ الجهاد ٢٤٦/٤
كما قلت جلّ قولك إنّ الله اشترى ١٤٤/٢٥
فشكر عزّوجلّ معرفة العارفين ٦/٣
أللّهمّ ... جلّ ثناؤك ولاإله غيرك ١٢٣/١٦
جلّ ثَناؤكَ وكرم صنائعك وفعالك ١١٦/٤٢
وجلّ إحسانه إلينا ١/٢٤
والحمد لك جلّ جلالك ١١٨/٣
جلّ ثناؤك وفضل عطاؤك ١٩٩/١٩٦
السّلام عليك من قرين جلّ قدره ١٤٢/٣١
أستجير بالله عزّ جار الله وجلّ ثناء الله ٢٢/٣
لايجيز جلّ وعزّ أن يقدّم قبله ١١٥/٤
قلت جلّ قولك له حين اختصصته ١٤٤/٨
فقلت جلّ اسمك ولقد آتيناك ١٤٤/٧
فقلت جلّ اسمك وللهِ على النّاس ١٤٤/٢٢
وجلّ طولك عن وصف الواصفين ٢٠٠/١
فقلت جلّ إسمك كتب عليكم الصّيام ١٤٤/٢٠
جَلَّتْ: وقلت جلّت أسماؤك ولنبلوّنكم ١٤٤/٢٦
قد جلّت نعمتك عن شكرى ٩٩/٤
فَجَلَّتْ: الّذى عظمت ذنوبُه فجلّت ٣٤/٥
جَلَلْتَ: قلت عززت وجللت ما فرّطنا ١٤٤/١٤
فقلت عززت وجللت شهر رمضان ١٤٤/٢١
يَجِلُّ: كرمك يجلّ عن مجازاة المذنبين ١١٦/٥٨ـ١١٦/٢١
أَجَلَّ: سبحانك ما أجلّ شأنك ١٤٧/٢١
أَجْلَلْتَ: وأجللت فيه من ليلة القدر ١٤٢/٢٤
جَلَّلَني: جلّلني التّباعد منك لباس مسكنتي ١٨٢/١
فبامن جلّلنى بستره ١٩٩/١٧٥
جَلَّلْتَني: إلهي... جلّلتنى نعمك من أنوار ١٨٧/٥
جَلِّلْني: وجلّلنى رضاك ٥٥/٣١
وجلّلنى شرائف نحلك في المقامات ١٤٧/١١٠
وجلّلنى بسترك ١١٦/٢٣ ـ ١١٦/٦٠ ـ ٨٠/٢٠ ـ ١١٢/٦
وجلّلني سوابغ نعمائك ١٤٧/٩٥
جلّلني عافيتك ٦١/١ ـ ١٢٣/١٦
جلّلنى من رأفتك بأمرٍ زاق ١٩٩/٦٦
وجلّلنى بنورك ١٥٥/٧
جَلِّلْنا: وجلّلنا بنعمتك ملابس العفو والغفران ١٩٩/٣٤
جَلالٍ: والجلال الأمجد فوق كل جلال ١٤٦/٢
والمتواضعون دون عظمتك وجلالِ كبريائك ١٢/٨
الْجَلالِ: ياذاالجلال والإكرام ١٧١/٤ـ٢٣٤/٨ـ١٣٣/١ـ٢٥٢/٣٤
بمنّك وفضلك ياذاالجلال والإكرام ١٣٣/٨
بديع السّماوات والأرض ذوالجلال والإكرام ١٤٧/١ـ٤٣/١
وتجاوز عنّي ياذاالجلال والإكرام ١٦٢/٨
ياذاالجلال والإكرام وإغفرلي وللمؤمنين ٢٤٣/١٢
ياذاالجلال والإكرام عند حُسن ظنّى بك ١٧٣/٧
ياالله ياذاالعظمة والجلال والإكرام ١٢٢/٣
ياذاالجلال والإكرام لاإله إلاّ ١٢٠/١٠
ياذاالجلال والإكرام ياذاالطّول ١٢١/١
وتوسّل إليك ... ياذاالجلال والإكرام ٢٣٤/٤
ياذاالجلال والإكرام، آمين ربّ العالمين ١٧٣/٩
ياذاالجلال والإكرام صلّ ١٧٢/١٠

فكن ياذاالجلال والإكرام ١٧٢/٦
ياذاالجلال والإكرام يارحمن يارحيم ١٤٣/٤٤
رزق حلال ياذاالجلال والإكرام ١٤٣/٣٥
والجلال الأمجد فوق كل جلال ١٤٦/٤
وتعطّف بالعزّ والبرّ والجلال ٧/٢
أللّهمّ إنّي أسألك ياذاالجلال والجمال ١٢٤/١
فاستجب لي ... ياذاالجلال ياذاالفخر ١٢٤/٢
وتعطّف بالعزّ والبرّ والجلال ٢/٢
وأنت وليّ منعام ذواالجلال والإكرام ٢٣٧/٥
ياذاالجلالِ والإكرام حبّب إليّ لقائك ١١٦/١٢٠
ياذاالجلال والإكرام ياقاضي الحاجات ١٣٣/٦
سبحانك ياذاالجلال والإكرام ١٣٩/١٧
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق الجلال ٢٦٧/٢
ياذاالجلال والإكرام ياإلهي ٢٥١/٥٢
ذواالجلال والإكرام وذوالأسماء العظام ٢٧٠/١
الحمدلله ... ذي الجلال والإكرام ٨٣/٢
الوهّاب الكريم ذواالجلال والإكرام ٤٦/٧
حتّى نظروا بعين القلوب إلى عزّ الجلال ٢٠٠/٤٣
جَلالِهِ: ... وعزّ جلاله وكما هو أهله ١٤١/١
جَلالِكَ: بمنّك وفضلك ووحدانيّتك وجلالك ١٤٨/١٥
إلهي وعزّتك وجلالك وعظمتك ٢٣٠/١
لاأبلغ ما أنت أهله من تعظيم جلالك ٢٤٩/١٦
حمداً ... يقابل عزّ جلالك ١٤٧/٤٥
إلهي وعزّتك وجلالك لقد أحببتك ١٩٧/٤١
إلهي ... أتيتك ... مستكيناً لعظمتك وجلالك ١٨٦/٨
بما وارت الحجب من جلالك وجمالك ١١٤/١٥
ولم تبد هيئة جلالك ٣/١
لاوعزّتك وجلالك لاتختزل حوائجهم دونك ٨٢/٣
أللّهمّ إنّي أسْألُكَ بنورك وعزّك وجلالك ١٦٠/١
والحمد لك جلّ جلالك ١١٨/٣
إلهي وسيّدي وعزّتك وجلالك ١١٦/١١٧
متّع أبصارنا بالجولان في جلالك ٢٠٠/٣٦
زدنا من فضلك على قدر جلالك ١٥٣/٣٣
فقلت عزّ جلالك في تأكيد الكتاب ١٤٤/١٣
سربال غفرانك بعظمتك وجلالك ١٦/٤
وعزّ جلالك ١٤٩/٤٣
وعزّتك وجلالك ما أردت بمعصيتي مخالفتك ٩١/٢
بِجَلالِ: وبجلال وجهك الكريم الّذي ١٦٦/١٢
بِجَلالِهِ: ويامن بجلاله ينشئ السّحاب ٢٠١/٢٣
بِجَلالِكَ: فلك الحجّة عليّ بجلالك ١١٨/٧
قصرت الألسن عن بلوغ ثنآئك كمايليق بجلالك ١٩٣/١
جَلالَتِكَ: نطقت بالثّنآء على مجدك وجلالتك ١٨٤/٤
بِجَلالَتِكَ: كماتخلّص البيضة من جوف الطائر بجلالتك ١٧٤/٤
جَلَلٌ: فكُلُّ مكروهٍ جللٌ دون سخطك ٤٤/٦
إجْلالَ: وإجلال حرمته ١١٥/٦
وإجلالاً لقدر رسالته «محمّد» ١٠/١٠
جَليلُ: فزادني جليل الخطب لفقدهم جوىً ٢١٩/٣٦
كُلُّ جليل عندك صغير ١٤٦/٤
وجليل حلمك عنّي غرّني ١٩٩/١٥٤
وجليل من الخطايا إجترمته مستجيراً بصفحك ١٤٧/٧٥
ياالله ياالطيف ياجليل ١٤١/٢
وجليل مخالفته جليلاً ٨٠/٣
أنا الّذي أعطيت على جليل المعاصي الرّشا ١١٦/٦٥
ياأله ياجليل ياأله ياجميل ١٣٤/١
ياعظيم ياجليل ياكريم يامنيل ١٩٣/٧
الْجَليلِ: الذّليل لوجهك الكريم الجليل ٢٥١/٢٠
أين عفوك الجليل ١١٦/٢٧
سجد وجهي ... لوجهك الكبير الجليل ٢٥٢/١٢
وأنّ التّجاوز عن الأثم الجليل لايستصعبك ٣٤/١٠
بِالْجَليلِ: القليل ويجازي بالجليل ١٤٦/٢
جَليلَةً: صلاة جليلة جزيلة ١٩٩/٦٠
الْجَليلَةِ: المرضية الجليلة التامّة المشهودة ١٢٢/٢
أَجَلُّ: الله ... أجلّ وأعظم ممّا أخاف وأحذر ٢٢/٢
أنت الأوّل أعزّ وأجلّ من أن تردّ ٢٣٧/٤
إجعل ... أجلّ هباتك وأرأفها ١٩٩/٦٢
حجّتك أجلّ من أن توصف بكلّها ١٤٦/١٣
سلطانك أجلّ وأمنع من كلّ سلطان ٢٢/٢٠
أنت أعزّ وأجلّ من العالم ٢٤١/٢
وعرّفه «محمّد» ... أجلّ ما وعدته ٩/٤
أَجَلَّهُمْ: أللّهمّ اجعل نبيّنا... أجلّهم عندك قدراً ١٠٩/٢٣
أَجَلَّها: أرفعها وأجلّها عاجلاً وآجلاً ١٨٧/٧
مُجَلَّلَةٍ: أهلّه علينا بعافية مجلّلة ١٤٣/٣١

ج.ل.و

لايَجْلُوهُ: رين قلبي لايجلوه إلاّ عفوك ١٩٢/٤
تَجْلُو: وتجلوبها العمىٰ عن قلبي ١٤٣/٤٤
تجلو به عن بصيرتي غشوات العَمىٰ ١٨٥/٧
أَجْلُ: واجل به «وليّك» صدأالجورعن طريقتك ١٤٧/٦٥
جَلَّيْتَ: وقلت جلّيت من قآئل ٢٥٧/٣٢

وقلت عزّيت وجلّيت ٢٥٧/٣٤
جَلَّيْتَها: وكم من سحآئب مكروهٍ قد جلّيتهاعنّي ١٥٣/٩
وكم من سحائب مكروهٍ جلّيتها عنّي ١٥٢/١٠
إنْجَلَتْ: وإنجلت ظلمة الرّيب عن ١٩٣/٣
تَجَلّىٰ: وتجلّىٰ لك من زينتها ٢١٤/٢٥
ولو تجلّى لشيء صار دكّاً ٢/٨
الحمدلله الّذى تجلّى للقلوب بالعظمة ٧/١ ـ ٢/١
وتجلّى ملك الموت لقبضها ١٠٩/١٨
مُجْتَلِياً: ولو عرفت مجتلياً لحاجتى منك ١٩٧/٣١

ج.م.د

جَامِدَةً: عبناً عن البكاءَ من خوفك جامدةً ١٨٣/٤

ج.م.ر

جَمْرِ: وجمر فراقٍ لايبوخ حريقها ٢١٩/١٨

ج.م.ع

جَمَعَ: أما تذكر حال من جمع وثمّر ٢١٤/١٤٨
وجمع الأعلاق والذّخائر ٢١٤/١٧
وجمع فيها الأموال والذّخائر ٢١٤/٩٢
جَمَعُوا: وخلّوا عن الدّنيا وما جمعوا لها ٢١٤/٧٩ـ٢١٤/٤
جَمَعَتِ: جمعت الأحيآء أطرافها ١٩٩/٤٢
لقد جمعت بينى وبين من كنت أعاديه فيك ٢١٢/٧
على معرفتك جمعت العقول المتباينة ١٩٤/٣
يَجْمَعُ: حمداً يجمع ما خلقت من الحمد ١٤٧/٤٢
تَجْمَعُ: وباسمك الّذى به تجمع المتفرّق ٢٣٥/١
لاتَجْمَعُ: ولاتجمع شملاً إلاّ بتفريق شمل ٢١٩/١١
لَتَجْمَعَنَّ: لئن فعلت لتجمعّن بينى ٢١٧/١
إجْمَعْ: واجمع به شملهم في غربة يوم القيامة ١٠/٣٤
واجمع به منتشر أمورنا ١٠٩/١٤
واجمع على التّقوىٰ أمرهم ١٤٧/٧٠
واجمع بينى وبين المصطفى خيرتك من خلقك ١١٦/٧٦
واجمع لي الغنى والعفاف والدّعة والمعافات ١٤٧/١١٤
واجمع بينى وبين أوليآئى ٢٥٥/٧
واجمع لي خير الدّنيا والآخرة ٢٢/٤١
واجمع به الأهواء المتفرّقة ٧٠/١٢
واجمع لي علم ذٰلك كلّه تماماً ٦٣/٢
فَأَجْمَعُوا: ومعاقباً أومعاتباً لي فأجمعوا أن يشفعوا ١١٨/٥
إجْتَمَعَ: مشفق ممّا اجتمع عليه ٣٤/١٠
ولامفارقة من إجتمع إليك ٥٥/١٨
إجْتَمَعَتْ: وكفّن في ثوبين واجتمعت له ٢١٤/١٢٨
فَاجْتَمَعَتْ: وكفّن في ثوبين فاجتمعت له ٢١٤/٥٢
تَجْتَمِعُ: تجتمع على صلاة كلّ ١٤٧/٥٤
حَتّى نَجْتَمِعَ: حتّى نجتمع برأفتك ٦٣/١٦
جَمْع: وصيَّرْته من بعد جمعٍ عَديدٍ وحده ١٥٢/٦ـ١٥٣/٦
جَمْعَهُمْ: وفرّق جمعهم «الظّلمة» ١١٩/٨
أما صار جمعهم بوراً ومساكنهم قبوراً ٢١٤/١٤٨
وألّف جمعهم «أهل الثغور» ٦٧/٢
جَمْعَها: وجمعها ينفد وصفوها يرنق ١٣٥/٤
مُجامَعَةِ: ولامجامعة من تفرّق عنك ٥٥/١٨
إجْتِماعِ: شتّى بعد إجتماع الكلمة ٧٠/١٠
جامِعاً: حمداً جامعاً لشكرك الواجب ١٩٩/١٧٧
جامع لكلّ رشد وصواب ١٩٩/١٧
جعلته «محمّد»... لشمل منتشر الهدىٰ جامعاً ١٠/٨
الْمجْتَمِعَ: تفرّق المجتمع ٢٣٥/١
مُجْتَمِعَةً: لاتدع للجور ... كلمة مجتمعة ٧٠/٩
جَمِيعِ: واجعلنى في جميع ذٰلك من المصلحين ٦٤/١٢
وتؤمننى من جميع ضرّه «من أرادنى بسوءٍ» ٦١/٩
أللّهمّ أعطنا جميع ذٰلك بتوفيقك ورحمتك ٦٤/١٥
صلّ على محمّد ... وجميع النّبيّن والمرسلين ٢٣٧/١٠
فختم بنا على جميع من ذرأ ٩/١
وكنفتنى بالرّعاية في جميع مذاهبى ١٩٩/١٧٢
جميع معاليك أن تأخذ من يؤذينى اخذ الزلزلة ١٦٠/١
وأصلح جميع أحوالى ١١٦/١٠٨
وتستجب لي جميع ما سألتك ١١٧/٢٩
أللّهمّ اذكرني وجميع المسلمين والمسلمات ١٣٩/١٠
وتكفيني وجميع المؤمنين ١٢٤/٨
ترخص به الاسعار في جميع الأمصار ٥٣/٤
كفضل ربّنا على جميع خلقه ١/٢٦
لو أنفقت ما فِي الأرض جميعاً (قرآن) ٢٣/٦
عدد ما أحاط به علمه من جميع الأشياء ١/٢٧
وعلىٰ جميع عباده الماضين ١/٢٧
والأرض جميعاً قبضته يوم القيامة... (قرآن) ٢/٧
أعدنى ... وجميع المؤمنين والمؤمنات ٢٦/٩
وبيدك ياإلهى جميع ذٰلك السبب ٥٧/٢
وحسّن في جميع أحوالي عملي ٥٥/٤٠
في جميع أموره الممات ٢١٤/١٠٥
بأنّك ترانى في جميع حالاتي ١٢٨/١٠
وجميع المؤمنين والمؤمنات من المغفرة ١٢٦/٢

واعطِ جميع المسلمين والمسلمات والمؤمنين ٦٤/١٥
ضعف حججه في جميع تبعاته ١٠١/١٠
فشّفعني ... في جميع أسلافي من ١٤٩/٦٦
وأبر به «وليعصر» ... جميع الملحدين ١١٩/٢٧
أعِذ ... جميع ما تلحقه عنايتي ٢٢/٢٤
أعِذ ... جميع نعم الله عندي ٢٢/٢٤
في جميع الليالي والأيّام من السماوات والأرض ٢٢/٣٢
على حجّة الله البالغة على جميع خلقه ١٢٣/٣
بسم الله الّذي الأرض جميعاً قبضته (قرآن) ٢٢/٣٠
من شرّ جميع من خلقه الله ٢٢/٢٦ ـ ٢٢/٣٠
من شرّ جميع من في هذه الدّنيا ٢٢/٣٠
واجعل من أرادني بسوء من جميع خلقك ١١٦/١١٥
جميع المؤمنينَ والمؤمنات ممّا استعذنا منه ٥٠/١٥
جميع الأنبياء والمرسلين ٤٢/٣٠
وحسن تقديرك لي في جميع الأمور ٣٩/١١
أسألك بحقّك الواجب على جميع خلقك ٣٦/١٠
إذ جميع إحسانك تفضّلٌ ٣٤/٢
واكفني شرّ جميع خلقك ١٢١/١٢
واقلع رجائي من جميع خلقك ١٢١/١٨
معيشةً أتقوّى بها على جميع حوائجي ٧٨/١
وانظر لي في جميع أموري ٥٩/٢
وهب لي قوّةً أحتمل بها جميع مرضاتك ٥٧/١١
قد تبرّأ جميع الخلق منّي ٩٠/٥
علىٰ نعمه الفاضلة السابغة على جميع خلقه ١٢٣/٢
فيما يكون فيه الخيرة بميسور جميع الأمور ١٢٥/٦
بقدرة الله المستطيلة على جميع خلقه ٢٢/٢٦
جميع نعم الله عندي بشدّة حول الله ٢٢/٢٧
إصطفاه على جميع خلقه لتبليغ الرسالة ١٢٣/٨
وقوّة على جميع أمري ١٢٧/٥
عهدي أن أهجر جميع معاصيك ٨٠/١٢
تجاوز عن ... أهل ديننا جميعاً ١٤٢/٦٢
وأخذ على جميع خلقه بالفضل ٩٦/١
وصرفت عنّي جميع ما أكره ١١٧/٢١
بإعطاء النصف من نفسي في جميع المواطن ١٢٥/٥
وأعطيتني جميع سؤلي ١١٧/٢١
ربّ ... جميع الملآئكة المقرّبين ١١٧/١٨
وربّ ... جميع النبيّين ١١٧/١٩
جعل لنا الفضيلة بالملكة علىٰ جميع الخلق ١/١٩
بجميع ما ثبت علىٰ جميع خلقك منذ برأتهم ١٦/٨
وفشت نعمتك في جميع المخلوقين ١٠١/١٢
أسألك تمام النعمة في جميع الأشياء ١٢٥/٦
وتقبّل منّي فيها جميع ما أدعوك به ١١٨/٩
ألّلهمّ وأهل القبور من جميع المؤمنين ١٤٣/٣٩
وجميع ما أنعمت به علينا ١٤٣/٣٢
وجميع فواضلها على أتمّ الطّهور وأسبغه ١١٥/١٢
وعلى جميع أنبيائك المرسلين ١٤٣/٤٩
واقض لي جميع حوائجي ١٣٨/١٩
سبحانك قضيت على جميع خلقك الموت ١٦٦/٦
وجميع ما ذرأت وبرأت منهنّ ٢٣٤/٧
أشهد جميع ملآئكتك وسكّان سماواتك ٢٤٦/٢
واجعلني وجميع إخواني بك مؤمنين ٢٠٦/١٨
ألّلهمّ أغنني بسعة فضلك عن جميع خلقك ١٢١/٣
إنّ الله يغفر الذنوب جميعاً ١٦٢/٢
وحجج الله على جميع الأنام ١١٤/٢١
أرضك انمونق في جميع الآفاقِ ٥٣/١
وأعطني بمسألتي إيّاك جميع سؤلي ٢٥١/٦٥
وأعطني ... جميع خير الدّنيا والآخرة ٢٥١/٦٥
واكفني جميع المهمّ من أمر الدّنيا والآخرة ٢٥١/٦٦
واردد إلى جميع خلقك مظالمهم ٢٥٢/٣٠
ولو فعلت به ذلك لذهب جميع ما كدح له ٨/١٤
وخرلي واخترلي في جميع أموري خيرةً في عافية ١٣٥/١٥
وأعطني ياربّ جميع ما سألتك ١١٦/١٣٠
على جميع ما رزقتني من ١١٦/١٢٨
وأعذني... من الشّيطان... وجميع مكائده ١١٧/٧
مع مالك من الحجج البالغة على جميع خلقه ٢٥٥/٢
عدد ما أنعمت به على جميع خلقك ١٦/٥
وفي جميع أيّامنا لإستعمال الخير ٢١/١٣
معيشة أقوى بها على جميع حاجاتي ٢٥١/٢٦
معيشة ... أبلغ بها جميع حاجاتي ٢٥٢/١٨
ألّلهمّ اردد على جميع خلقك مظالمهم ٢٥١/٣٨
من جميع خير الدّنيا والآخرة ٢٥١/٤٤
عبادك جميعاً إليك فقرآء ٢٥٧/٩
وتخيّرته من جميع الأزمنة والدّهور ١٤٢/٢٤
إلهي أسألك بحقّك الواجب على جميع خلقك ١٦٦/١٢
تجاوز عن ... اهل ديننا جميعاً ١٤٢/٦٢
جَميعِهِ: وفي جميعه إنهماكاً ١٥٢/١٢
جَميعِهِمْ: وقادة أهل التّقى على جميعهم السّلام ١٤/٢
بِجَميعِ: وآل بجميع بدنه إليك ٢٢٢/٦

أحطت بجميع الأمور ١٣١/٣
وتطوّل عليّ بجميع حوائجي ١١٧/٣٧
أتوسّل إليك ... بجميع المسآئل لديك ١١٨/٢
بجميع ما تبت على جميع خلقك منذ برأتهم ١٦/٨
عصيتك بجميع جوارحي ولم يك هذا ١٤٩/٣٧
ولو فعلت ذلك به لذهب بجميع ٩٨/٨
وصل بجميع ما سألتك وسألك ٢٢٧/٥
فَجَمِيعُ: فجميع ما أخّرت عنه من وقت العذاب ٨/١٦
فجميع ما أخّرت عنه من العذاب ٩٨/٨
لِجَمِيعِ: ولجميع اعدائك معاندين ٦٤/٢
كلّ ما أعددت لجميع خلقك ٨/١٦ ـ ٩٨/٩
مَجْمَعِ: إلى يوم الفصل ومجمع الخصم ٤٤/١١
ولأهل ملّتك مجمعاً ومحتشداً ١٤٢/٥٩
بِمَجَامِعِ: اخذت لوعة محبّتك بمجامع قلوبهم ١٩٣/٢
أَجْمَعِينَ: خير خلقه محمّدٍ وآله أجمعين ٢٠٧/٢٧
وصلّى الله على محمّد وآله أجمعين ٢/٢٧٠ـ١٤ـ٧٠ـ٤/٨٩ـ٨/١٦٠
صلّى الله عليه وآله أجمعين ١٣٢/١٣
وصلّى الله على خير خلقه أجمعين ١٣٢/١٥
ولسانك في خلقك أجمعين ٤٢/٩
حُجّتك على الخلق أجمعين ٤٢/١٠
الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين ٢٠٣/١٤
وحجّتك عى الخلق أجمعين ٤٢/٥
وكهف الخلق أجمعين ٤٢/٧
وصلّ على ... حملة عرشك أجمعين ١٤١/٣٢
وعليّ بن الحسين... القائم في خلقك أجمعين ٤٢/٦
عبادك الصّالحين من الجنّة والنّاس أجمعين ١٩٩/١٢
أهل بيت الرّحمة المطهّرين الزّاهرين أجمعين ٤٢/٣٠
لمّا صلّيت عليه وآله وعليهم أجمعين ١١٧/٢٠
سلام الله وبركاته عليهم أجمعين ١١٩/١٧
صلواتك عليه وعليهم أجمعين ١١٧/١٩
وعلى حملة العرش أجمعين ١٤٣/٥٠
سَلَّم تسليماً عليهم أجمعين ١٥٩/٥
ياباقياً بعد فناء الخلق أجمعين ٢٣٩/١٠
واغفرلنا ذنوبنا أجمعين ٢٣٤/٣
بحمد الخلائق وشكرهم أجمعين ٢٣٠/١
عذّبتني بعد ذلك بعذاب الخلائق أجمعين ٢٣٠/٣
اَلْجَمَاعَةِ: ولزوم الجماعة ورفض أهل البدع ٥٥/١٦
اَلْجُمُعاتِ: وقّفني لأداء فرض الجمعات ٢٤٦/٦

ج.م.ل

أَجْمَلَ: وأجمل الصّبر عند المصيبة ١٦٤/٨
وأجمل صلاتنا من فيض مواهبك ١٩٦/٢
جَمِّلْ: ياوليّ العافية جمّل عليّ بالسّتر ١٢٩/٧
جَمِّلْني: وجمّلني بالعافية وأجرني من النّار ١٤٩/٥٩
أللّهمّ ... وجملّني بالنّعم ٢٥٤/٥
اَلْجَمَالِ: وتقدّس بالحسن والجمال ٢/٢ ـ ٧/٢
أللّهمّ إنّي أسألك ياذا... الجلال والجمال ١٢٤/١
جَمَالِكَ: وافداً إلى حضرة جمالك ١٨٦/٨
عجزت العقول عن إدراك كنه جمالك ١٩٣/١
بما وارت الحجب من جلالك وجمالك ١١٤/١٥
جُمْلَةِ: وجملة ما سعىٰ فيه ٩٨/٨
ولصارت جملة ما سعىٰ فيه ٨/١٤
من مرّ عليه اللّيل والنّهار من جملة خلقك ٢١/١٤
بِجُمْلَتِهَا: وأصبحت الأشياء كلّها بجملتها لك ٢١/٦
إِجْمَالِ: وعلماً في استعمال وورعاً في إجمال ٥٥/٣٩
مُجْمِلُ: يامجمل يامنعم ١١٦/٢٧
اَلْمُجْمِلِ: الحمدلله المحسن المجمل ٨٣/٢
إنّك ... المحسن المجمل ذواالطّول ٩٧/٦
جَمِيلَ: راجياً منك جميل ما عرّفتنيه ١٩٩/١٥٧
جميل فضلك عليّ أبطرني ١٩٩/١٥٤
أجميل ما تنشر ١١٦/٢٩
ولايحصى إحسانه وجميل بلائه ١٤٩/٢٦
يامن لم يزل فعله بي حسناً جميلاً ١٩٩/٦٧
فظاهرت عليّ جميل سترك ١٩٩/١٧٣
وأنت لم تولني إلاّ جميلاً في حياتي ١٩٩/١٢٣
عوّدتني من جميل تطوّلك ١٩٩/١١٤
وليس من جميل إمتنانك ردّ سآئل ملهوف ١٩٩/٩١
يالله ياجميل يالله يانور ١٣٤/١
وما أسديت من جميل منّك إليهم ١٩٩/١٨٧
أللّهمّ إنّي أسألك صبراً جميلاً ١١٦/١٠٦
لاتعرني من جميل صفحك ١٨٢/٤
فاصبر صبراً جميلاً (قرآن) ٢٠٧/١٣
ياكريم ياجميل، ياأرحم الرّاحمين ١٩٢/٩
ياجميل السّتر ١٨٢/١٢
ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجآئه ١١٦/١٠٣
ولم تهتك عنّي جميل سترك ياحنّان ٢٤١/٦
وليس من جميل امتنانك ردّ سائل ٢٣٩/٨
جميل إنعامك في القربي منك ١٨٦/٤

لاتحجب مشتاقيك عن النّظر إلى جميل رؤيتك ١٨٤/٦
وافسح لي في انتظار جميل الصّنع ٢٥١/١٥ ـ ٢٥٢/٣٩
الْجَمِيلَ: أبليت الجميل فعصيت ثمّ عرفت ١٥٣/١ـ١٥٢/١
لم نولّني من نفسك إلاّ الجميل في حياتي ١٩٧/٩
أين سترك الجميل ١١٦/٢٧
ياذاالجود والمجد والثّناء الجميل والحمد ١٦٤/٢
بِجَمِيلِ: وعرّفني بجميل إختيارك لي ١٩٩/٣٣
فتجاوز ياربّ عن قبيح ما عندنا بجميل ماعندك ١١٦/٣٠
الْجَمِيلَةِ: الجنّة مع أفعالك الحسنة الجميلة ٢٠١/١٠
أَجْمَلَ: أللّهمّ إجعل ... أجمل تحبّاتك ١٩٩/٦٢
أَجْمَلِهَا: ويسّره لي على أحسن الوجوه وأجملها ٩٣/١
دبّرني بها إلى أحسن عاداتك وأجملها عندى ٤٢/٢٣
مُجْمَلاً: أللّهمّ إنّك أنزلته مجملاً ١٠٩/٦

ج.م.م

جَماماً: فيكون ذلك لهم جماماً وقوّة ٢١/٢
جَمٌّ: وعلمك جمّ ٢٥٧/٨
جَمَّةٍ: ربّ نفسي ... صاحب عيوب جمّة ٢٤٨/٩
فآلآؤك جمّة ضعف لساني عن إحصائها ١٨٧/٥

ج.ن.ب

جَنَّبَنا: جنّبنا ركوب الآثام وألزمنا الطاعة ١٤٤/١٨
والحمدلله علىٰ ما جنّبنا من الإلحاد ١/١٢
جَنَّبْتَني: ومن عقوبات المعاصى جنّبتنى ١١٦/٦٦
تُجَنِّبَنيهِ: أن تصرف عنّى الشّر وتجنّبنيه ٢٥/٢
تُجَنِّبُنا: علينا واقية ... تجنّبنا من الآفات ١٩٥/٥
جَنِّبْني: وجنّبنى منكرات الأهواء ومبتدعات الأعمال ١٣٨/٨
وجنّبنى فيه «رمضان» العلل والأسقام ١١٧/٦
جَنِّبْنا: وجنّبنا الإلحاد في توحيدك ١١٥/١٨
أللّهمّ ... جنّبنا معصيتك ١٨٨/١
وجنّبنا به «قرآن» الضرآئب المذمومة ١٠٩/١٥
فَجَنِّبْني: وللعُسرىٰ فَجَنّبْني ١٥٣/١٩
جانَبَ: وجانب الإصرار ٣٤/١٠
جانَبَهُمْ: ولاتدخلني فيمن جانبهم ١٩٩/١٨٩
فَاجْتَنَبْتُ: فاجتنبت ناحيته ٢٥٧/٦
لاَجْتَنَبْتُهُ: ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته ١١٦/٢٣
جَنْبِ: إلهى ... تضاءل في جنب إكرامك ١٨٧/٤
وكل شريف في جنب شرفك حقير ١٤٦/٤
فقد كبر في جنب رجائك أملي ١٩٩/٨٣
وما قدر لساني ياربّ في جنب شكرك ١١٦/٨٣
وكان في جنب معروفك مستصغراً مستقلاً ١٩٩/١٨١
سيّدى إن كان صغر في جنب طاعتك عملي ١٩٩/٨٣
وما قدر أعمالنا في جنب نعمك؟ ١١٦/٣١
وما قدر عملي في جنب نعمك وإحسانك إلىّ ١١٦/٨٣
جَنْبِكَ: ولاتؤاخذني بتفريطى في جنبك ١٤٧/٨٤
لافي جنبك سفك دمي ٢٤٨/٩
الّذين أوذوا في جنبك ٨٣/١٧
أبو الانبياء الّذين أُوذوا في جنبك ١١/٤
لِجَنْبِهِ: الإنسان الضرّ دعانا لجنبه (قرآن) ٢٥٧/٣٥ـ٣٥/١٠
جَنْبَيْهِ: أللّهمّ جاف الأرض عن جنبيه ١٠٦/١
جُنُوبِهِمْ: جاف الأرض عن جنوبهم ١٤٣/٣٩
مُجانَبَةِ: ... ومجانبة البدع ... ٢١/١٣
أن يذوب على طول مجانبة الأطبّاء ٢١٩/٤٠
الْمُجانَبَةِ: والمجانبة عمّا حذّرته أعداءك ١٦٣/١١
إِجْتِنابَ: أرزقنا ... إجتناب معصيتك ٢٤١/٧
الْإِجْتِنابِ: وامنن علىّ بـ... الاجتناب لما نهيتني ٦١/٣
جانِبَهُ: وألن جانبه «وليّك» لأوليائك ١٤٧/٦٦
جانِبي: وألين جانبى لهم «جيرانى» تواضعاً ٦٥/٣
جَنابَكَ: إلهى ... أتيتك ... قاصداً جنابك ١٨٦/٧
إن رددتني عن جنابك فبمن أعوذ ١٨٢/٣
بِجَنابِكَ: توسّلت بجنابك وترحّمك لديك ١٨٢/١٣

ج.ن.ح

جَنَحَ: فالويل الدائم لمن جنح عنك ١٤٦/٩
نَجْنَحَ: ونجنح إلى الّتى هى أبعد من حسن العاقبة ٩٢/٢
الْجَناحِ: خفض الجناح لمن إستجاب ١٠/٣٣
وخفض الجناح وحسن السيرة ٥٥/١٥
جَناحِهِ: ويسكن في ظلّ جناحه ١٠٩/٨
أَجْنِحَةِ: فرقت أرواحهم على أجنحة الملائكة ٢٠٠/٤٢
وقد خفقت عند رأسى أجنحة الموت ١١٦/٧٨ ـ ١٩٧/٤٥

ج.ن.د

جُنْداً: جنداً من ملآئكتك ٦٧/١٤
جُنْدَهُ: وأعزّ الله جنده وعبد وحده ١٩٩/٥٨
ربِّ أعوذبك من شرّ الشيطان ... وجنده ١٥٣/٢٨
أللّهمّ واهزم جنده وأبطل كيده ٥٠/١٢
جُنْدَكَ: فإنّ جندك هم الغالبون ٢٤٠/٣
أللّهمّ اجعلني من جندك ٢٤٠/٣

بِجُنْدِك: وامدده «وليّك» بجندك الأغلب ١٤٧/٦٤
جُنُودٍ: وجنود وأعوان، تمكّن من دنياه ٢١٤/١٧-٢١٤/٩٢
والسّلطان الممتنع بغير جنود ولاأعوان ٨٨/١

ج.ن.ز

جِنازَتي: تناول الاقرباء أطراف جنازتي ١١٦/٩٧-١١٢/٧

ج.ن.س

أَجْناساً: فطرتهم «الخلائق» أجناساً ٢٤٣/٢

ج.ن.ن

تَجِنُّهُ: الحمدلله ... العالم بما تجنّه البحور ١٩٩/٥
لاتُجِنُّ: ولاتجنّ منه السّتور ١٤٩/٢٣
جَنانِ: أنت ... المعظّم في كلّ جنان ١٩٤/٤
جُنَّةً: لاتدع للجور ... جنّةً إلاّ هتكتها ٧٠/٩
واجعل عليّ منك جنّة واقية باقية ١١٦/٥٠
وأن تجعل ... لي ... درعاً وجنّة ١١٨/٢
جُنَّتي: ربّ اجعل جنّتي من خطاياي حصينةً ١٦٤/٢٣
جُنَنَ: وألبسنا فيه «الهلال» جنن العافية ١١٠/٩
ألبسهم منه جُنَناً واقيةً ٥٠/٩
جِنّ: من دابّة وهامّةٍ أو جنّ أو إنس ممّا يتحرّك ١٥٣/٢٩
الْجِنّ: ومن شرّ الجنّ والإنس فسلّمني ٢٥١/٢٥ ـ ٢٥١/٢٥
لرسولك ولأهل بيته حرباً من الجن والإنس ٦١/٦
ولقد ذرأنا لجهنّم كثيراً من الجنّ والإنس (قرآن) ١٥٩/٦
بمواثيق الله وطاعته على الجنّ والإنس ٢٢/٢٧
وإكفني شرّ الجنّ والإنس ١٣٢/١٢
سددت أفواه ... الأبالسة من الجنّ والإنس ٢٣/١
سددت أفواه الجنّ والإنس ٢٣/١
وشرّ شياطين الإنس والجنّ ١٤٩/٥٩
الْجِنَّةِ: عبادك الصّالحين من الجنّة ١٩٩/١٢
جِنَّكَ: صلوٰة عبادك من جنّك وإنسك ١٤٧/٥٤
جَنَّةِ: إن حرمت الحور العين في جنّة المأوىٰ ١٩٨/٤٩
أو جدني برد ... جنّة نعيمك ١٤٧/١٠٧
واجعلني من ورثة جنّة النّعيم ٢٥٢/٤٢
واجزهم جنّة وحريراً ١٤٣/٣٩
لقّني روحاً وريحاناً وجنّة نعيم ١٤٨/٣٥
ياربّاه أدخلنا جنّة لانجوع فيها ولانعرى ١٩٨/٧٨
أللّهمّ إنّك خلقت جنّة لمن أطاعك ٢٥٧/١١
الْجَنَّةِ: تبلغ بي شرف الجنّة ٣٦/١٠
وفي نعيم الجنّة مقيمين ٢٠٦/٢٣
بأن لهم الجنّة يقاتلون في سبيل الله (قرآن) ١٤٤/٢٥
وأدخلني الجنّة بجودك وكرمك ١٣٨/١٩
إلهي الجنّة دار الأبرار ٢٠١/٩
فاليتني إذا حرمت الجنّة لم أدخل النّار ٢٠١/٩
وأتمنّى الجنّة مع أفعالي القبيحة ٢٠١/١٠
كيف لاأدعوك ولاأتمنّى الجنّة ٢٠١/١٠
نفساً سامية إلى نعيم الجنّة ٢٥١/٤٧
ومن ثياب الجنّة فاكسني ٢٥١/٢٢
توجب لي بها رضوانك والجنّة ١٤٣/٤٤
تدخلني الجنّة برحمتك ١٤٣/٤٣
تبلّغهم به السرور في الجنّة في نشورهم ١٤٣/٣٧
بأنّ منتهى دعوتك إلى الجنّة ٤٩/١٣
دعاني إلى الجنّة مرجوّ ثوابك ١٩٩/٨٦
وعرّفني وجوههم في رضوانك والجنّة ١٤٩/٦١
وتدخلني الجنّة بفضلك وإحسانك ١٣٠/٦
واجعل ثوابي منه الجنّة ١١٦/١٢٢
وأن يكون مصيري ... في أمان أهل الجنّة ١١٨/٢
أسألك ... شوق أهل الجنّة ١٣٧/٨
وإن أدخلتني الجنّة ففي ذلك سرور نبيّك ١١٦/١١٩
واجعل ثواب مجلسي ... رضاك والجنّة ١١٦/١٣٠
وأدخلني الجنّة برحمتك ١١٦/١١٦
واجعل الجنّة نصب أعينهم ٦٧/٥
واكتب لي ... نصيباً من الجنّة ١٣٣/٧
أللّهمّ ارزقني الجنّة ٢٦٦/١
جَنَّتِهِ: حمداً يكون ... طريقاً إلى جنّته ١/٢٩
فرفعه إلى روح جنّته ١٩٩/٥٩
جَنَّتَكَ: وارزقنا ... حتّى توردنا جنّتك ٢٠٠/١٨
صلّ على محمّد ... مفتاح باب جنّتك ١٠/١
تفسح لهم «التّابعين» في رياض جنّتك ١٤/٨
وصلة إلى قربك وذريعةً إلى جنّتك ٧٩/٦
بما كدح فيك إلى الدّرجة العليا من جنّتك ٩/٤
واجعل في جنّتك مثواى ٥٧/١١
أرزقنا ... حلول جنّتك ٢٤١/٧
فكيف أطمع أن أنال جنّتك بعملي ٢٥٧/١٤
أبح لهما «والدين» جنّتك مع الأخيار ٢٤٧/١١
وأحللني بحبوحة جنّتك ١٠٨/١
إجعل مؤوننا إلى جنّتك غير خزايا ١٤٣/٥٤
وجعلتهم ... المسلك إلى جنّتك ١٤٧/٥٧

الّذين أحللتهم بحبوحة جنّتك ١٩١/٣
أللّهمّ وهب له «محمّد» من رياض جنّتك ١٠/١٢
ومغفرتك ورضوانك وجنّتك ١٤١/١١
إلهي، خلقت جنّتك لمن أطاعك ٢٠١/٤٦
جَنّتي: يانعيمي وجنّتي يادنياي وآخرتي ١٨٩/٩
بِالْجَنَّةِ: أللّهمّ مُنّ عليّ بالجنّة ٢٦٦/١
والفوز بالجنّة ١١٧/١٣
فكاك رقبتي من النّار والفوز بالجنّة ٢٤٩/٢٤
المحبوسة لأمرك بالجنّة مع معصوم ٢٤٨/١
وهذا «رمضان» شهر ... الفوز بالجنّة ١١٧/١
وامنن عليّ بالجنّة ٢٠٦/١٥
وأكرمني بالجنّة ومنّ عليّ بالمغفرة ١٤٩/٥٨
لِلْجَنَّةِ: وللجنّة طالبين ٢٠٦/٢١ ـ ٢٠٦/٢٢
جَنّاتٍ: وجنّات من أعناب ٢٥٧/١٢
وارزقني مرافقة محمّدٍ وآل محمّدٍ في جنّات ١٣٣/٨
ويدخلكم جنّات تجرى من تحتها الأنهار(قرآن) ١٤٢/٧
إطمأنّت بنا الدار في جنّات تجرى ١٤٣/٥٥
وتدخلني جنّاتٍ تجرى من تحتها الأنهار ١٣٤/٥
جَنّاتِكَ: وأبحنا وإيّاهم جنّاتك ٢٠٦/١٧
أكثرهم «الأنبيآء» صفوف أمّة في جنّاتك ١٠/١٤
الْجِنانِ: ورضوان وسدنة الجنان ١٢/١٢
وجاور بى الأطيبين من أوليائك في الجنان ١٤٧/١١٠
ودرجاتي في الجنان رفيعةً ١٦٤/٢٣
جِنانَكَ: وأسكنتهم جنانك برأفتك وطولك ٢٣٧/٦
أحللنا بحبوحة جنانك ١٨٨/١
في القيامة إلى رضوانك وجنانك قائداً ١٠٩/١٦
الْجانّ: كافياً لي شرور الإنس والجانّ ١٩٩/١٧١

ج.ن.ى

جَنىٰ: في الوري خلق جنى كجنايتي ٩١/٥ ـ ٢١٦/٤
جَنَوْا: جنوا من ثمار النّسيم ٢٠٠/٢٤
جَنَتْ: أنا المقرّ على نفسي بما جنت عليّ يداي ١٤٨/٥
جَنَتاهُ: وجنتاه عليّ بخذلان صحبني ١٦/٢
جَنَيْتُهُ: فأنا المقرّ بما أحصيته وجنيته ١٩٩/١٣٥
جَنَيْتُها: معترفاً بخطايا جنيتها وعظائم اجترمتها ١٦/٢
تَجْنيها: وهب لي بجودك مدمّرات تجنيها ١٩٧/١٩
الْجِنايَةِ: صاحب الخطيئة والجناية ١٩٨/٦٩
جِنايَتي: أمات قلبي عظيم جنايتي ١٨٢/١
كَجِنايَتي: في الورى خلق جنى كجنايتي ٩١/٥ ـ ٢١٦/٤
بِجِنايَتي: مقرّ لك بجنايتي ١٤٩/٣٨
الْجِنايٰاتِ: وأنّ احتمال الجنايات ٣٤/١٠
جِنايٰاتُهُ: إرحم من ... حقّت به جناياته ١٩٩/٤٣
الْجاني: أنا الجاني على نفسه ١٤٧/٨٢

ج.و.ب

أَجابَ: ويا من كلّما نودي أجاب ٢٠١/٢٣
أجاب دعوته واستمسك بحبله ١٤٤/١٩
أَجَبْتَ: بكلّ دعوة دعاك بها داعٍ أجبت دعوته ٢٢٠/٧
أنت الّذي أجبت عند الإضطرار دعوتي ١٦٣/٤
الّذى إذا دعيت به أجبت ٢٠٢/٤
أَجَبْتَهُ: في دعاء من أجبته من المؤمنين ١٤٤/٣٠
أَجَبْتَني: أشركهم في دعائي إذا أجبتني ١٤٤/٣٠
فإن دعوتك أجبتني ١٩٩/١٧٤
فَأَجَبْتَ: فأجبت دعوتنا وكشفت كربتنا ٢٠٠/١٠
فَأَجَبْتَهُ: ومذنبٍ دعاك للمغفرة فأجبته ٢٠٢/٢
ودعاك للمغفرة فأجبته ٢٠٢/٥
فَأَجَبْتُهُ: ودعاني عدوّك إلى الهلكة فأجبته ٣٦/١
فَأَجَبْتُها: دعتني دواعي الدّنيا فأجبتها سريعاً ١٦٤/١٩
يُجيبُ: يامن يجيبُ دعا المضطرّ في الظّلم ٢١٥/٢
فَيُجيبُني: الحمدلله الّذى أدعوه فيجيبني ١٢٠/٦ـ١١٦/٣
فَتُجيبُني: أدعوك فتجيبني ١٤٩/٣١ ـ ١٦٣/١٢
أَنْ تُجيبَ: أن تجيب من دعاك به ١٣٦/٣
أَنْ تُجيبَهُ: أن تجيبه بالكرم تفضّلاً ١١٢/١
أُجيبُ: أجيب دعوة الدّاع إذا دعان (قرآن) ٢٠٠/٤٧
فَلَمْ أُجِبْهُ: ومن الّذي أقام ببابي فلم أجبه ٢٠١/٢٣
أَجِبْ: واسمع وأجب ياعزيز ١٧٢/١٠
أجب دعاءنا ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/١٧
فَأَجِبْني: فأجبني واكشف همّي وفرّج غمّي ١٧٢/٩
إِسْتَجابَ: يامن استجاب لأبغض خلقه إليه ١٥١/٢
خفض الجناح لمن إستجاب لك دعآءه إليك ١٠/٣٣
إِسْتَجابُوا: والّذين... استجابوا له حيث أسمعهم ١٤/٣
إِسْتَجَبْتَ: الصّالحين الّذين استجبت لهم ١٣٢/٦
فاستجب لي كما استجبت له ٢٥١/١٣
بكلّ دعوةٍ دعاك بها نبيّ... إستجبت دعوته ١٢٤/٥
أو مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبتدعوته ١٢١/١٩
واجعلني ممّن استجبت له من ٢٣٩/١٢
واستجبت دعآءه وقبلته ١٤٩/٥٥
فَاسْتَجَبْتَ: فاستجبت له فإنّه دعاكوهوعبدك ٢٥١/١١

أسألك بما دعاك به النّبيّون فاستجبت لهم ٢٥١/١٤
فَيَسْتَجِيبَ: فمن ذاالّذى أدعوه فيستجيب لي ١٧٩/٣
لم يَسْتَجِبْ: لم يستجب لي دعآئي ١١٦/٦
أَنْ يَسْتَجِيبَ: أن يستجيب دعاءنا ١٤٣/١٥
فَلْيَسْتَجِيبُوا: فادعوهم فليستجيبوا لكم (قرآن) ١٥٩/٨
تَسْتَجِيبَ: وتستجيب لي جميع ما سألتك ١١٧/٢٩
وأن تسمع ندآئي وتستجيب دعآئي ١٤٩/٤٠
وتستجيب لي فيها «ليلة القدر» صالح الدّعاء ١٢٧/٣
فَتَسْتَجِيبَ: وعدتني منك... فتستجيب لي ٢٥٧/٣٧
إلهى إذا لم أدعك فتستجيب لي ١٧٩/٣
أن أدعوك فتستجيب لى ٣٥/١٤
أَنْ تَسْتَجِيبَ: نرجو أن تستجيب لنا ١١٦/٣٧
أَسْتَجِبْ: أدعونى أستجب لكم (قرآن) ١٤٢/١٧-٨٠/٨
قلت أدعوني أستجب لكم (قرآن) ٢٤٩/١٩
لاٰنَسْتَجِيبُ: لانستجيبُ له إذا دعانا ٥٠/١٣
يُسْتَجَابُ: ويستجاب لها دعاؤنا ١٤٢/٦٤
إِسْتَجِبْ: واستجب لنا دعاءنا ١٣٩/٤
واستجب فيما دعوتك ١٢٨/٣
واستجب دعائى ودعاء من أخلص لك ١٧٢/١ ـ ١٧٣/٢
واستجب دعوتي إنّك على كلّ شئ قدير ١٧٣/٧
واستجب به «وليعصر» دعآئنا ١١٩/٢٥
واستجب دعائى ولاتختم يومي بخيبتي ١٤٦/١٥
واستجب فيه «رمضان» دعآئى ١١٧/٤
واستجب لي دُعآئى ١٣٣/٩
إستجب لي ياإلهى فإنّك بي عالم ٢٢٥/١
واكشف كربتي واستجب دعوتي ١٧٢/٦
واستجب دعائى وارحم تضرّعى وشكواى ١٣٨/١٨
إذ قال أنظرني إلى يوم يبعثون استجب لي ١٥١/٢
فَاسْتَجِبْ: فاستجب لي كما وعدتني ٢٥١/٢٥ ـ ٢٠٠/٤٧ ـ ٢٥٧/٣٧ ـ ١٢٤/١ ـ ٣٥/١٥
فاستجب لي ولهم يا أرحم الرّاحمين ١٤٤/٣٠
فاستجب دعآئى ٢٥٥/٧ ـ ١٨٢/١٣
إلهى وسيّدى فاستجب دعائى ١٤١/١٩
فأدعوك ياربّ فاستجب دعائى ٢٠١/٣٠
فاستجب لي كما استجبت له ٢٥١/١٣
إِجَابَةَ: يامن ضمن لهم إجابة الدّعآء ٣٤/٨
وأعلم أنّك للرّاجين بموضع إجابة ١١٦/١٢
عرّفني ما وعدت من إجابة المضطرّين ٤٤/٩
وأعلم أنّك لمن دعاك بموضع إجابة ٢٢١/٣
ولكلّ متضرّع إليك إجابة ١٤٩/٥٧
الْإِجَابَةِ: وأبواب الاجابة لهم مفتّحة ٢٥٥/٤
متنجّزاً وعدك فيما وعدت به من الاجابة ٨٠/٨
أمرت بالدّعاء وضمنت الإجابة ١١٤/١٠
وأبطأت في الإجابة والمسارعة إليها ١٦٤/١٩
والتّحنن والإجابة ١١٧/١٣
أسألك في هذه الّليلة الإجابة ١١٤/٦
إنّك أمرت بدعائك وضمنت الاجابة لعبادك ٢٥١/٦٠
ووعدت الاجابة ٨١/٩
ولاتمنعني الإجابة وقد ضمنتها لي ٦٤/١٠
أعلم أنّك لمن دعاك بموضع الإجابة ٢٢٠/٤
وعرّفني الإجابة ياربّ وارفعني ٥٢/١
ضمنت الإجابة لدعائك ٧٠/١
إِجَابَتَهُ: وأنا المضطرّ الّذي أوجبت إجابته ١٧٢/٨
واجعل حظّى منه إجابته ١١٤/٢٣
إِجَابَتَهُمْ: نحن ... الّذين أوجبت اجابتهم ٣٢/٢
إِجَابَتِهَا: لابدّ منها ومن إجابتها ٣٣/٤
إِجَابَتِكَ: ذنوبي حالت بين دعآئي وإجابتك ١٩٩/١٦٢
ولاآيساً من إجابتك لي وإن أبطات عنّي ٥٧/٧
ولاآيساً من إجابتك وإن أبطات عنّي ١٢٦/٣
واثقاً بسرعةِ إجابتك ١٥٣/٨ ـ ١٥٢/١٠
ربّ صلّ ... صلوات ... أهل إجابتك ١٤٧/٥٤
وأرني مصاديق إجابتك ٢١٩/٢
فأرني مبشّرات من إجابتك تفى بحسن الظّنّ بك ٢٤٩/٤
أَللّهمّ وقد عرّفتنا من حسن إجابتك ٧٠/١٤
إِجَابَتي: إجابتي إلى تسهيل كلّ ما أحاوله ١٩٩/١٧٨
بِإِجَابَتي: وأسرع بإجابتى ٢٠١/٣٠
أَللّهمّ دعآئى إيّاك بإجابتي ٢٥١/٦٣
بِالْإِجَابَةِ: بالدّعاء وتكفّلت بالإجابة ١٧٢/٧
إنّك ... بالاجابة جديرٌ ١٨٨/٤
وصله «الدّعآء» لي بالإجابة ٢٥٢/٤٠
وصله «الدّعاء» منك بالإجابة ٢٥١/١٥
فصل اللّهمّ دعآئي بالإجابة ٧٠/٤
أمرتني ياسيّدي بالدّعاء وتكفّلْتَ بالإجابة ١٧٣/٨
واجعل دعآئى منوطاً بالإجابة ٢٠٢/٩
صل دعائي بالإجابة ٤٤/٨
ومن قرع بابك حقيق بالإجابة ٢٥٦/١
لِلْإِجَابَةِ: وأخلص لك دعائي تعرّضاً للإجابة ٢٣٦/٦
إِسْتِجَابَتِهِمْ: وقرّب الأقصين على إستجابتهم لك ٩/٢

مُجِيبَ: فكن ... مجيب دعوتي ١٨٩/٩
إنّك قريب مجيب ٦٤/١٦ ـ ٣٥/١٦ ـ ١١٦/٤٥ ـ ٧٧/٤
إن ربّي قريب مجيب ١١٧/٣٩
سبحانه من ... مجيب ما أسمعه ١٩٩/١٥
كن لدعائي مجيباً ٣٩/١٠
أنت ... رازق بديع مجيب سميع ٢٤١/٤
ياأكرم الأكرمين ويامجيب المضطرّين ١٤٣/١٦
وأعطنا إنّك ... قريب مجيبٌ ١١٧/٢٣
ياالله يامجيب ياالله ياباعث ١٣٤/١
يامجيب الدّعوات ١٣٧/٧
ياقريب يامجيب ياعزيز ياجبّار ١٣٨/١٣
إغفر للمؤمنين وللمؤمنات إنّك قريب مجيب ٢٤١/٩
يامجيب الدّاعين أجب دعاءنا ١٤٣/١٧
ويامجيب دعوة المضطرّين ١٨١/٢ ـ ١١٧/٢٥ ـ ١٩٢/٥
يامجيب المضطرّ ١٨٢/١٢
فأنت مجيب من دعا ٢٠٣/٢
واستجب لنا دعاءنا يامجيب دعوة المضطرّين ١٣٩/٤
يامجيب المضطرّين ١٤/٢ ـ ٨٣/٦ ـ ١٩٥/١
ونأيت فكنت قريباً مجيباً ١٤٨/١٨
لما صدر عن إخلاص منهم مجيب ٢٥٦/٤
الْمُجِيبُ: وعزّتك سيّدى لنعم المجيب أنت ٢٤٩/٢٣
لِلْمُجِيبِ: شكراً للمجيب ٢٢٧/٢
مُجِيبِينَ: وعند مساءلتهم بالصّواب ٢٠٦/٢٢
الْمُجِيبُونَ: فلنعم المجيبون (قرآن) ٢٤٩/٢٢
مُسْتَجِيباً: مستجيباً لدعوته «الله» خاضعاً ١٩٩/٥٧
ومستجيب لمن ناداك ٣٣/٥
الْمُسْتَجِيبِينَ: عدد المستجيبين لرسالته ١٠/٢١
لِلْمُسْتَجِيبِينَ: وللمستجيبين له المتعلّقين ١٠/٨
مُسْتَجِيبَةً: وهى «الحاجات» مستجيبة لمشيّته ٢٣٨/٧
مُسْتَجَابٍ: ومرفوع العمل ومستجاب الدّعوة ١١٧/١٠
مُسْتَجَابَةً: ودعوة من ناجاك مستجابة ٢٥٥/٤
جَوَابٌ: وجوابٌ عَتيد أللّهمّ ومواعيدك الصادقة ١١١/١
جَوَابِكَ: وكلّ عن جوابك لساني ١١٦/٨٨

ج.و.ح

أَنْ يَجْتاحَ: فبعد أن يجتاح عدوّك بالقتل ٦٧/١٩
جائِحَةٍ: لايذكرك إلاّ عند وقوع جائحةٍ ٢٠٤/٦

ج.و.د

جادَ: وجاد عليها بالدّموع ١٩٩/١٣٧
وجاد بالدّموع عليها المشفقون في عشيرتها ١٩٧/٣٢
جادَتْ: ولاجادت هذه الجفون بفيض مآئها ١٩٩/١١٥
جُدْتَ: وجدت فأغنيت ١٩٩/١٠
إلهى ... جدت بالمعروف فاخلطني ١٤٠/٣
وجدت بمعروفك فأخلطني بأهل نوالك ١٩٩/٨٩
إلاّ جدت عليه بما قد أمّل ببركة دعآئي ٦٨/١
أنت الّذى جدت بالنّعم قبل استحقاقها ٢٣٧/٢
فَجُدْتَ: تعرّض لمعروفك فجدت عليه ١٨٢/١١
جُدْتُ: فقد وهبته لهما وجُدْتُ به عليهما ٦٣/٩
يَجُودُ: فمن يجود على العاصين بالنّعم ٢١٥/٥
تَجُودُ: إلهى، لولاأنّك بالعفو تجود لماعصيتك ٢٠١/٢٠
وجد عليّ بما تجود به ١٤٧/٧٦
وتجود على من لو شئت منعته ١٤٢/٣
فإنّك لطيف تجود على المذنبين والمسرفين ٢٣٩/٦
تَجُدْ: فإن تجد بها عليّ فمنة من مننك ٢٥٧/١
لَمْ تَجُدْ: وإن لم تجد إلاّ على من عمّر ١٩٩/١١١
فَلَمْ تَجُدْ: فلم تجد بإسعاده ١٩٩/٣٧
أَنْ تَجُودَ: فأنت أهل أن تجود ٢٤١/٨ ـ ١١٦/٣٩
جُدْ: وجد عليّ بما تجود به ١٤٧/٧٦
وجد علينا فإنّا محتاجون إلى نيلك ١١٦/٣٩
جد بغناك على فاقتى ١٩٩/٢٩
وجد عليّ منقولاً قد نزلت بك ١١٦/٩٧
وجد عليّ بعفوك ٨١/٤
فَجُدْ: فجد عليّ بفضلك يامولاي ٧٧/١٤
فجد بحلمك على جهلي ١٩٩/٨١
جُودَ: وقد عرفت جود رأفته ١٩٧/١
ولم يسئل العباد مثلك كرماً وجوداً ١١٧/٢٤
الْجُوْدِ: بمحاسن أدبك في ... الجُودِ بالنّوال ٦٦/١
ياذاالمنّ والجود والطّول والنّعم ٢٥١/٦٦
وأنت الّذي قلت أنا الجواد ومنّى الجود ٢٠١/٢٤
فاستجب لي ... ياذاالمجد والجود ١٢٤/٢
أللّهمّ ياذاالجود والمجد والثّناء ١٦٤/٢
جُوْدِهِ: سمّى نفسه من جوده الوّهاب ٢٥٢/٢ ـ ٢٥١/٢
جُودِكَ: وحطّ طمعى بفنآء جودك ١٩١/٢
ودلّنى القرآن على فواضل جودك ١٩٩/١٣٢
سيّدى ألقتني الحسنات بين جودك وإحسانك ١٩٩/١٣١
إلهي جودك بسط أملي ٢٠١/٤٢ ـ ١٩٧/١٣ ـ ١٩٩/١٢٦
فلك الحمد على جزيل جودك ١٩٩/١٧٧
وجودك الّتى لاتغلقها عن أحبّائك ٢٢١/٥

وأنّ في التلهُّف إلىٰ جودك ٢٢١/٤
جرأتي على مسألتك ... جودك وكَرَمُك ١١٦/٢٠
وإلى جودك وكرمك أرفع بصري ١١٦/٩٠
إلاّ أنّ جودك بسط أمَلي ١١٦/٨٣
أنّ في اللهف إلى جودك ١١٦/١٢ - ٢٢٠/٤
إفتح لي أبواب جودك ٢٢٠/٨
جودك وفضلك وعافيتك ١٤٣/٥٥
وجودك موجود لطالبيه ٢٠٢/٧
دلّني القرآن على فواضل جودك ١٩٧/٢٣ - ٢٠١/٤٣
بفضلك وجودك وكرمك لاباستحقاقي ١٣٤/٧
بل أيّ مستجير بفضلك لم ينل من فيض جودك ٢٥١/٦١
أن لاتجعلني لغير جودك متعرّضاً ١٨٣/٦
وعلى جودك وكرمك أتّكل ١٦٦/١٤
إلهي ألقنني الحسنات بين جودك وكرمك ١٩٧/٢٢
أيّ جهل ياربّ لايسعه جودك ١١٦/٣١
وامتلأت بفيض جودك أوعية الطلبات ١٤٦/٣
وجودك مباح للسائلين ١٤٦/٦
وموقعه منّي مع جودك بجسيم الأمور ٢٥٧/١٩
منتجع غيث جودك ولطفك ١٨٦/٥
ولكن ابتدآءً منك بكرمك وجودك ١٤٩/٢٩
بِجُودِهِ: وساد العظمآء بجوده ١٤٩/١٣
بِجُودِكَ: بجودك فرجعوا ١٩٩/٩٧
وانقرّب إليك بجودك وكرمك ٤٢/١
وبجودك أقصر طلبتي ١١٦/٨٩
إستشفعت بجودك وكرمك إليك ١٨٢/١٢
وهب لي بجودك مدمّرات تجنيها ١٩٧/١٩
لما انتهىٰ إليّ من المعرفة بجودك وكرمِكَ ١١٦/٣٢
بسؤالي إيّاك ... بجودِكَ وكَرمِكَ ٦٤/١٢
فهب لي نفسي بجودك وكرمك ٢٥٧/٢١
أغنني بجودك الواسع عن المخلوقين ٢٤٥/٧
وتعطّف عليّ بجودك وكرمك ١٣٨/١٧
وأدخلني الجنّة بجودك وكرمك ١٣٨/١٩
وتعتقني من النّار بجودك وكرمك ١٣٠/٦
فَبِجُودِكَ: وإن تعف عنّي وترحمني فبجودك ١٦٥/٣
وإن تعف عنّي فبجودك وكرمك ياكريم ٢٣٣/٣
وإن تغفرلي فبجودك ورحمتك ٢٠٩/٤
وإن ترحمني فبجودك ورحمتك ٢٢٩/٣
بِالْجُودِ: أغرقتني بالجود والكرم ٢٠١/٢٧
جَوَاداً: يالله ياجواداً لايبخل ١٣٥/٣
إنّك على ذٰلك قادر ياجواد ياكريم ٢٢/٤٢
إنّك جواد كريم ١٢/١٥
سبحانك من ... جوادٍ ما أوسعك ١٤٧/٢٣
وأنّك واحدٌ جواد ماجد رحمٰن رحيم ١٢٧/٢
حيّ قيّوم جواد كريم ٢٤١/٤
إنّك عالم جواد ٢٣٩/١٢
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... جوادٌ لاتبخل ١٣٠/٥
أللّهمّ إنّي أسألك ياجواد ياقريب... ١٣٨/١٣
تكفّلت باجواد الأرزاق ٢٤٧/٣
اَلْجَوَادِ: الحمدلله... الجواد على الخلق ١٩٩/٥٢
ومن محاسن آلآء الجواد إكمال آلائه ١٩٩/١٠٧
إنّك ذوالفضل العظيم الجواد الكريم ٩/٥
أنت ... الجواد بما سئلت من فضلك ١٤٢/٢٦
والجواد بنيله على خلقه من سعة ١٩٩/٥١
وأنت الّذي قلت أنا الجواد ومنّي الجود ٢٠١/٢٤
فأنت الجواد الكريم ٢٣٤/٨
وأنت الجواد الّذى لايضيق عفوك ١١٦/٣٥
وأنت الجواد الكريم ٧٩/٦
أَجْوَدَ: ياأجود الأجودين وأكرم الأكرمين ٢٤٥/٨.
أللّهمّ إنّا نسألك ياأجود الأجودين ١٤٣/١٦
ياأجود المعطين يامن سبقت رحمته غضبه ١٤٩/٥٣
يا ... أجود من أعطى ١١٦/١٠٧
اَلْاَجْوَدِينَ: ياأجود الأجودين وأكرم الأكرمين ٢٤٥/٨
أللّهمّ إنّا نسألك ياأجود الأجودين ١٤٣/١٦

ج.و.ر

جُرْتُ: أللّهمّ إنّي جُرت على نفسي في النّظرلها ٢٣٧/٥
إلهي إن جرت على نفسي في النّظر لها ١٩٧/٧
لايَجُورُ: وأنت العدل الّذى لايجور ٨٩/١
لاتَجُورُ: إنّي أسألك بأنّك... حليمٌ لاتجور ١٣٠/٤
عدلاً من قضائك لانجور فيه ١٤٦/١٠
أَجَارَنِي: حسن ظنّي بك قد أجارني ١١٩/١١٩-١٩٧/٣
أَجَارُوهُ: مستجير بأطناب بيوتها أجاروه ١٧٧/١
أَجَارَتْنِي: إنّ ... محبّتي لك قد أجارتني ١٩٧/١٠
يُجِيرُ: يامن يجير ولايجار عليه ١٣٥/٨
هَلْ يُجِيرُهُ: أم هل يجيره من سخطه أحد سواه ١٨٢/٦
لايُجِيرُ: ولايجير من عقابك إلاّ رحمتك ٢٠٥/١٤
ولايجير من عقابك إلاّ عفوك ٢٠٦/١٥
لايجير يإلهي إلاّ ربٌّ على مربوب ٥٧/٢

لاٰيُجيرُهُ: مسكيناً لايجيره إلاّ عطاؤك ١٩٩/٩٠
لَنْ يُجيرَني: أللّهمّ إنّه لن يجيرني منك أحد ١١٦/١٢٩
ياسيّدى ومولاى فإنّه لن يجيرني منك ١٤٨/٢٩
تُجيرُ: تجير ولايجار عليك ياقدير ٢٤٣/٩
تجير ولايجار منك ١٩٩/١٩٧
تُجيرُني: وتجيرني بها إجارة من ١٩٩/٤٨
أَنْ تُجيرَني: وأن تجيرني من النّار ١٣٥/٩
وأن تجيرني من عذاب النّار ١٤١/٧
لاٰيُجارُ: يامن يجير ولايجار عليه ١٣٥/٨
تجير ولايجار منك ١٩٩/١٩٧
تجير ولايجار عليك ياقدير ٢٤٣/٩
أَجِرْ: وأجر هربى وأنجح مطلبى ٥٧/٢
أَجِرْهُ: وأجره من غمّ الوحشة ٦٧/١٧
أَجِرْني: إلهى أجرني من أليم غضبك ١٨٤/٨
وأجرني منها بفضل رحمتك ٨٨/٢٢
وأجرني منه «الدّين» بوسع فاضل ٧٩/٢
وأجرني ممّا يخافه أهل الإساءة ٣٤/١٢
وأجرني من أخذ الإملاء ١٤٧/٨٩
وأجرني من كلّ عآئق يقطعني عنك ١٩٩/٧٧
أجرني منهم ياأرحم الرّاحمين ٢٢/٢١
وأجرني بعزّتك ممّا أرهب ٥٥/٣٧
وأجِرني من النّار بعفوِكَ ١١٦/١١٦
أجرني من فتنتها «الدّنيا» مرضيّاً عنّى ٢٥١/٢٩
أجرني من عذابك الأليم ١٣٩/١٦
وأجرني من الشيطان الرّجيم ١٣٨/١١
ربّ ... أجرني من الجَهْل والنّار ١٣٥/١٧
وأجرني على العادة الفاضلة ٣١/٤
ياجار المؤمنين أجرني ١٣٣/١٠
وجمّلني بالعافية وأجرني من النّار ١٤٩/٥٩
أَجِرْنا: أجرنا من عذابك ١١٦/٤٤/١٤٣/٤١
أجرنا فيه من معصيتك ١٤٣/٣٣
أجرنا من عذابك الأليم ٢١٤/٧٤
أجِرنا ممّا استجرنا بك من خوفه ٥٠/١٥
وأجرنا مستسلمين ١٧٧/٢٢
أللّهمّ ... وأجرنا من عذابك بتجاوزك ٣٢/١
فَأَجِرْني: من مضلاّت الفتن فأجرني ٢٥١/٢٢-٢٥٢/١٤
وأستجير بك من كل بلاءٍ فاجرنى ٥٢/٤
فأجرني من فضيحات دار البقاء ٨٨/١٢
مستجيراً فأجرنى ١٤١/١٣

جاوِرْ: وجاور بى الأطيبين من ١٤٧/١١٠
إِسْتَجارَ: استجار بكرمك ١١٦/٣٥
عبيدك العرب إذا استجار ١٧٧/١
ولايليق بمن إستجار بعزّك ١٩٥/٣
وإنّ من إستجار بك لغير مخذول ١٩٩/١٥٢
إِسْتَجارَهُ: لايسلم من إستجاره ١٩٩/٨٠
إِسْتَجَرْتُ: ها أنا ذا باإلهى قد إستجرت بك ٢٤٩/١٢
إستجرت بالله ١٥٩/٢
قد استجرت ببابك ١٧٧/٢
وبسم‌الله استجرت ١٦١/١
إلهى ... إستجرت بك منك ١٨٦/٧
بك استجرتُ منه «ظالمى» ١٥٥/٤
إِسْتَجَرْنا: أجرنا ممّا استجرنا بك من خوفه ٥٠/١٥
أَسْتَجيرُ: وأستجيربك ياربّ من ذلّته ٧٩/٢
بك أستجير ياذاالعفو والرّضوان ٢٣٦/٢
وكآبة ما أستجير بك منه ٥٩/١٠
أستجير بالله عزّ جار الله ٢٢/٣
أللّهمّ ... بقوّتك أستجير وأستنصر ١٩٩/٢
وأستجير بك من كلّ بلاء فأجرني ٥٢/٤
لاٰأَسْتَجيرُ: ولاأستجير بتهجّدى ليلاً ٨٨/٩
نَسْتَجيرُ: فبك إلهنا نستجير، ياعليم ياخبير ٢١٤/٧٣
نَسْتَجيرُكَ: وكآبة ما نستجيرك منه ١٤٢/٦١
فإنّا نستجيرك من غضبك ٩٧/٣
جَوْراً: عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً ١٤٩/٧٠
كما ملئت ظلماً وجوراً ٢٤٨/١
واحترز بسلطانك من جور السلاطين ٢٣٦/٤
وأعوذ بالله ... من جور الجائرين ٢٥٣/١
الْجَوْرِ: واجل به صدأ الجور ١٤٧/٦٥
أللّهمّ أمت به الجور ١١٩/٢٦
أرنا أنصار الجور عباديد ٧٠/١٠
وأعوذبك من أن أشترى ... الجور بالعدل ١٦٤/٢٤
جَوْرُكَ: لايخشى جورك على من عصاك ٩٨/١١-٨/١٨
جَوْري: حتّى يأمن عدوّى من ظلمى وجورى ٥٩/١٤
لِلْجَوْرِ: أللّهمّ ولاتدع للجور دعامة إلاّ قصمتها ٧٠/٩
جِوارِ: من أليم نار الله إلىٰ كريم جوار الله ١/١٧
في جوار محمّد الحبيب زين القيامة ٢٥٧/٣٩
جَوارِهِ: حتّى دعاك الله إلى جواره ٢٥٥/٢
جِوارِكَ: بقربك وجوارك خصصتني ١٨٤/٣
جوارُكَ طلبتي وقربك غاية سؤلى ١٨٩/٨

بوّأته مقعد الصّدق في جوارك ١٩٠/٣
وعجّلت لي من متاعها بلغةً إلى جوارك ٧٩/٦
أللّهمّ اجعلني ... في جوارك ١٢٣/١٦
أن تجعلني في ... جوارك ٢٢/١٩
في جوارك الّذى لايقهر ١١٩/٢١
وأمسيت في ... جوارك الّذى لايضام ٢٢/١٨
وفي جوارك من اللاّبثين في دار القرار ١١٤/٧
وفي أحبّائك مصدري وفي جوارك مسكني ١٦٧/٦
واجعلني ... من ... الساكنين في جوارك ٦٤/١٤
وأورثتهم «صفوتك» منازل الصّدق في جوارك ١٩١/٣
إجارَةً: وتجيرني بها إجارةمن معاطب إنتقامك ١٩٩/٤٨
إجارَتي: إجارتي ممّا فيه أهلها من عذابك ١٤٧/١٠٤
مُجاوَرَة: وإليها من مجاورة اللئام مفرّى ٢٤٠/٤
مُجاوَرَتِهِ: فأنا أشكو سوء مجاورته لي ٨٨/١٧
الإسْتِجارَةِ: لجأت إلى الإستجارة بك ٢٥١/٥٨
الدّليل على الاستجارة بعفوك من عقابك ١١/٢
إسْتِجارَتي: أم مع إستجارتي بعفوك تسلمني ١٨٤/١
جائِرُ: لنفسك عمداً أو عن الرشد جائر ٢١٤/١٢
وأحترز به من ... سلطانٍ جائر ٢٤٠/٢
أعوذبك من شرّ كلّ ... متعدّ وجائر ١٥٣/٣٠
الْجائِرِيْنَ: أعوذ بالله تعالى من جور الجآئرين ٢٥٣/١
مُجيراً: لم أجد لفاقتى مجيراً سواك ٢٤٧/١
ولَيسَ لَهُ مجيرٌ سواك ٢٣٧/١
لم يجد مجيراً سواك ٢٣٩/١
ويا مجيرَ الخآئفين ١٩٥/١
الْمُجيرُ: أللّهمّ أنت ... العاصم المجير ١٩٩/٩
الْمُجيرِينَ: ولاتخذلني ياخير المجيرين ٨٨/٢٢
مُجاوِرٍ: مجاور رقّت فيه القلوب ١٤٢/٣٣
مُسْتَجيرٌ: مستجير بأطناب بيوتها أجاروه ١٧٧/١
مستجيراً فلا تخذلني ١٦٣/١٠
بل أىّ مستجير بفضلك لم ينل من فيض جودك ٢٥١/٦١
فها أنا ذا عبدك مستجيرٌ بكرم وجهك ١٤٩/٤٣
مستجيراً فأجرني ١٤١/١٣
الْمُسْتَجيرِ: الخائف المستجير ١٤٧/٨٠
هذا مكان المستجير بعفوك ١٤٩/٥٢
تب على عبدك ... المستجير بك من أليم عقوبتك ١٦/٧
أللّهمّ ... مسكينك اللّهيف المستجير ١٩٩/٣٨
المهين الفقير الخائف المستجير ٥٧/٦
مُسْتَجيرِينَ: وأعذنا مستجيرين ١١٧/٢٢
الْمُسْتَجيرِينَ: ياجار المستجيرين ١٤٣/١٦
ظهر اللاّجين وجار المستجيرين ١٢٠/١٠
يا ... جار المستجيرين ٢٤٣/٧ - ١٤٩/١٦ - ٢٥١/٦٧
مُجاراً: واجعلني في كلّ حالاتي... مجاراً ٥٩/٦
المجارينَ: ذلك من... المُجارين بعزّك ٦٤/١٢
والمجارين من الظلم بعدلك ٦٤/١٣
الْمُسْتَجارُ: أنت ... المستجار به من ١٩٩/٧٨
جارٍ: من جار كنت أكاتمه سيّئاتي ٨٨/١٢
ظهر اللاّجين وجار المستجيرين ١٢٠/١٠
ياجار المستجيرين ويا صريخ المستصرخين ١٤٣/١٦
ياجار المؤمنين أجرني ١٣٣/١٠
وأعوذبك من جار السّوء ١٣٨/٩
يا ... جار المستجيرين ٢٤٣/٧ - ١٤٩/١٦ - ٢٥١/٦٧
أستجير بالله عزّ جار الله وجلّ ثناء الله ٢٢/٣
أللّهمّ إنّى أعوذبك ... من جارٍ يؤذى ١٣٥/١١
الْجارِ: يامن هو... أقرب إلىّ من الجار اللّصيق ١٩٩/٧٦
جارَكَ: وجارك أمنع وأحكم ٢٥٧/٨
أللّهمّ عزّ جارك وجلّ ثناؤك ١٢٣/١٦
جيرَتِها: المشيّعون من جيرتها ١٩٧/٣٢ - ١٩٩/٣٧
جيرَتي: لمن يلتمس معايبى من جيرتي ٤٩/١١
يغسّلني صالح جيرتي ١١٢/٧
ممدوداً على المغتسل يغسّلني صالح جيرتي ١١٦/٩٦
جيرانَ: محمّدٍ ... جيران في دار السّلام ٢٠٦/١٦
الْجيرانُ: فارقتني الألاّف والجيران ١٩٩/٤١
جيرانُهُ: وأعول لفقده جيرانه ٢١٤/٤٩ - ٢١٤/١٢٥
جيراني: وتولّني في جيراني وموالىّ ٦٥/١
أللّهمّ تولّني في جيراني بإقامة سنّتك ٦٦/١
إغفرلي ولـ.. جيراني من المؤمنين ٢٠٠/٤٨
جيرانَنا: أن تعاهد جيراننا بالإفضال والعطيّة ١١٥/١٣
قراباتنا وجيراننا من المؤمنين والمؤمنات ٥٠/٩

ج.و.ز

جُزْتُ: وجزت من العدل إلى الظّلم ١٦٤/١٣
لايَجُوزُ: سيّدى إن كان لايجوز على الصّراط ١٩٩/١١١
أجُوز: أمع المخفّين أجوز ٩١/٣
جُوزُوا: إذا قيل للمخفّين جوزوا ٩١/٣
أجازَتْهُ: إلاّ من أجازته برآءة عمله ١٩٩/١١١
لايُجيزُ: لايجيز جلّ وعزّ أن يقدّم قبله ١١٥/٤
جاوَزْتُ: وجاوزت البرّ إلى الإثم ١٦٤/١٣

لايُجاوِزُهُ: يامن لايجاوزه رجاء الرّاجين ٨٠/١
فَلايُجاوِزُونَ: قدّر وسع العباد فلا يجاوزون ذلك ٦/٤
تُجاوِزُ: صلاةٌ تجاوز رضوانك ١٤٧/٥٣
تَجاوَزَ: أنت أحقّ من تجاوز ٢٤٧/٤
ياربّاه ياأكرم من تجاوز وعفا ١٩٨/٨٦
يَتَجاوَزُ: ويتجاوز عن السَّيّئة حتّى يُعفّيها ١٤٦/٣
سيّدى إنّ أملي فيك يتجاوز ١٩٩/١٥٨
تَتَجاوَزُ: أو تتجاوز لي عن خطيئه فها أنا ذا ١٤٩/٤٢
وسيّئاتٍ تتجاوز عنها ١١٦/١١٢
وأنا افقرهم إليك ... لسيّئة تتجاوز عنها ٢٥٧/٩
تَجاوَزْ: أللّهمّ تجاوز عن آبائنا وأمّهاتنا ١٤٢/٦٢
تجاوز عن ذنوبي فقد أو بقتني ٢٤٧/١٠
أللّهمّ تجاوز عن آبائنا وأمّهاتنا ١٤٢/٦٢
وتجاوز عنّي ياذاالجلال والاكرام ١٦٢/٨
وتجاوز فرطاتها ٢٠٢/٨
واغفرلي وتجاوز عن سيّئاتي ٢٥١/٥٦
فَتَجاوَزْ: فتجاوز ياربّ عن قبيح ما عندنا ١١٦/٣٠
إسرافي في أمري فتجاوز عنّي ١٥٣/٢٢
جَوازاً: وأكتب لي ... جوازاً على الصّراط ١٣٣/٧
بِالْجَوازِ: فأتى بالجواز لمن لم يتب إليك ١٩٩/١١١
الْمَجازَ: يوم المجاز عليها زلل أقدامنا ١٠٩/٢٠
مُجاوَزَةَ: ولاأستطيع مجاوزة قدرتك ٥٧/٤
وتعدّى طورى في حدودك ومجاوزة أحكامك ١٤٧/٨٥
تَجاوُزِ: إنّك ذو ... تجاوزٍ كريم ١١٦/١٠١
التَّجاوُزَ: وأنت أولى ... التّجاوز عن المذنبين ٢٥٦/٥
ياحسن التّجاوز وتوفّني على ملّة ابراهيم ١٢٣/١٤
يامن تحمّد الى خلقه بحسن التّجاوز ٣٤/٨
وأنّ التّجاوز عن الإثم الجليل لايستصعبك ٣٤/١٠
أرحم من أسترحم في التّجاوز عن المذنبين ١٩٩/١٣٠
ياكريم الصّفح والتّجاوز ١٩٩/١٥١
وأجريت قدرتك على التّجاوز ١٤٢/٤
تَجاوُزِكَ: عن صرعتي إلى تجاوزك ٤٦/٦
تجاوزك عن خطاياي ٤٠/١
أرحم من استرحم في تجاوزك ١٩٧/١٨
وإلى تجاوزك اشتقت ٥٥/٢٤
بِتَجاوُزِكَ: أللّهمّ... وأجرنا من عذابك بتجاوزك ٣٢/١
واجعلني أسوة من قد أنهضته بتجاوزك ١٠١/٨
فأقدم عليه ... واثقاً بتجاوزك ١٤٧/٧٤
بِالتَّجاوُزِ: وأعرض بالتّجاوز عن ٦٥/٣

ج.و.ب

مرجوّ للمغفرة معروف بالتّجاوز ٣٤/١٢
جآئِزَةً: أللّهمّ إنّ لكلّ وافدٍ جآئزةً ١٤٩/٥٦
جائِزَتِكَ: أنتجعل أفضل جائزتك اليوم فكاك ٢٤٩/٢٤
جَوائِزَ: وجوائز السآئلين عندك موفّرة ٢٥٥/٦
الْجَوآئِزِ: يا ... معدن العوارف والجوآئز ١٩٩/١٥١
لِجَوائِزِكَ: فدعوناك ... منتقصين لجوائزك ٢٠٠/٦
مُتَجاوِزاً: كن عن ذنوبي صافحاً متجاوزاً ١٩٩/١٥١
أم أنت متجاوز عمّن عفّر لك وجهه ٤٩/٦

ج.و.س

جاسُوا: واجعلنا ممّن جاسوا ٢٠٠/٢٥

ج.و.ع

لاتَجُوعُ: لانجوع فيها ولانعرى ١٩٨/٧٨
بِالْجُوعِ: أصبهم «المشركين» بالجوع المقيم ٦٧/١٥
الْجآئِعَ: وأنا الجآئع الّذى أشبعته ١١٦/٦١

ج.و.ف

جَوْفِ: كما تخلّص الطّائر من جوف البيضة ١٧٤/٥
كما تخلّص البيضة من جوف الطّائر بجلالتك ١٧٤/٤
ياربّاه إرحم من صلّى جوف اللّيل وناجى ١٩٨/٨٨
جَوْفَها: أجرينه لأمّتك الّتي أسكنتني جوفها ٨٨/١٥

ج.و.ل

جُلْتُ: جالت في مجالس الذّكر ٢٠٠/٣٤
وجالت بين سرائر حجب الجبروت ٢٠٠/٣٠
لِتَجُولَ: وأطلقهامن الأسر لتجول في خدمتك ٢٠٠/٣٧
فَأَجُولُ: فأجول في طلبه «رزقى» في البلدان ٧٧/١٣
بِالْجَوَلانِ: متّع أبصارنا بالجولان في جلالك ٢٠٠/٣٦
الْجَوَالِينَ: لتجول في خدمتك مع الجوّالين ٢٠٠/٣٧

ج.و.ه

جاهاً: أللّهمّ اجعل نبيّنا... أوجههم عندك جاهاً ١٠٩/٢٣
الْجاهِ: وميكائيل ذوالجاه عندك ١٢/٣
جاهي: ولاتبتذل جاهى بالإقتار ٥٥/٣٨
بِجاهِ: بجاه محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٢/٤-١٣٥/٩-١٣٨/١٧

ج.و.هـ.ر

جَوْهَرٍ: ممّا... ينسب إلى عرض أو جوهر ١٩٩/٥٦

ج.و.ى

جَوىً: جوىً قاتل أو حتف نفس يسوقها ٢١٩/٣٢
فزادني جليل الخطب لفقدهم جوىً ٢١٩/٣٦
جَوِّ: ياربّ النّجوم المسخّرات في جوّ السّمآء ١٣٧/٦

ج.هـ.د

أَنْ يَجْهَدَ: وبعد أن يجهد بهم «المشركين»الأسر ٦٧/١٩
أَجْهَدَها: وأجهدها «نفس» في مرضاتك ١٤٧/٨٤
جاهَدَ: جاهد «محمّد» في الله ٢٤٦/٤
وجاهد في سبيلك أفضل ما جزيت ١٠٩/٢٧
وجاهد «محمّد» عدوّك ١٤١/٣٠
جاهَدَهُمْ: وأيّما... مجاهد جاهدهم «المشركين» ٦٧/١٦
جاهَدُوا: وجاهدوا فيك حقّ جهادك ٨٣/١٧
جاهَدْتَ: أشهدأنّك جاهدت في الله حقّ جهاده ٢٥٥/٢
إجْتَهَدَ: ولايبلغ مبلغاً من طاعتك وإن إجتهد ٩٨/١
حمداً يعان من اجتهد في تعديده ١٤٧/٤١
وإن إجتهد إلاّكان مقصّراً دونَ إستحقاقك ٨/٢
جَهْدِ: وأعوذبك ... من جهد البلاّء ١٣٨/١٠
وصرفت عنّي جهد البلاّء ١٦٣/٢
وهوّن بالقرآن جهد الأنين ١٠٩/١٧
الْجَهْدَ: واصرف عنّي... الجهد والبلاّء ١١٧/٦
بِجَهْدي: وخالفتك بجهدي ١١٦/٦٧
بِالْجَهْدِ: أللّهمّ لاطاقة لي بالجهد ٥٩/٢
جِهادِ: على جهاد عدوّك في سبيلك مع وليّك ١٤٤/٢٥
أن تعينني على جهاد نفسي ١٣٥/١٦
أيّما مسلم ... شحذه على جهاد ٦٧/٢٠
الْجِهادِ: في الله عزّوجلّ حقّ الجهاد ٢٤٦/٤
جِهادِهِ: أشهد أنّك جاهدت في الله حقّ جهاده ٢٥٥/٢
جِهادِكَ: مُجاهداً فيك حقّ جهادك ٨٣/٧
وجاهدوا فيك حقّ جهادك ٨٣/١٧
جِهادَنا: إجعل جهادنا فيك ١٨٨/٣
بِجِهادٍ: أوهمّ بجهادٍ فقعد به ضعف ٦٧/٢٢
مُجاهَدَتِكَ: حتّى نحلت في مجاهدتك ١٨٤/٥
الْإِجْتِهادَ: وارزقني... الجِدّ والإجتهاد ١١٧/٩
والاجتهاد فيما يُزلف لديك وعندك ١٤٧/١٠٧
وارزقنافي شهرنا هذا «رمضان» الجدّ والإجتهاد ١١٧/١٧
إجْتِهادُهُمْ: ممّاكان إجتهادهم فيه ١٠/٢٥
إجْتِهادي: واجتهادي لاينجح إلاّ بمعونتك ٢٠٤/٢
جاهِدٍ: إلهي فكم من بلاّء جاهد قد صرفت عنّي ١٦٣/٣
وإن امرء يسعى لدنياه جاهداً ٢١٤/٨
مُجاهِدٍ: وأيّما... مجاهدٍ جاهدهم «المشركين» ٦٧/١٦
مجاهداً فيك حقّ جهادك ٨٣/٧
وجعلته «محمّد» ... لمن أدبر عنك مجاهداً ١٠/٦
الْمجاهِدِ: المجاهد في سبيلك ١٤٣/٥٢
أللّهمّ ادفع عن ... المجاهد ١١٩/٢٠
الْمجاهِدينَ: حتّى نعلم المجاهدين (قرآن) ١٤٤/٢٦
أوجب له ثواب المجاهدين ٦٧/٢٢
الْمجْتَهِدِ: ادفع عن... المجتهد في طاعتك ١١٩/٢٠
أيّما المجتهد في آثار من مضى من قبلك ٢١٩/٢٤
الْمجْتَهِدُونَ: النّعم الّتي لايجازيها المجتهدون ١٩٩/٧
الْمجْتَهِدينَ: المجتهدين في طاعتهم ١٤٧/٦٨
إن كنت لاتقبل إلاّ من المجتهدين ١٩٩/١١٠
أللّهمّ إليك ... مدّت اعناق المجتهدين ٨٣/٥
مَجْهُودَ: وبلغ «محمّد» مجهود الصّبر في ١٠/٤
مَجْهُودي: قد بلغ مجهودى فهب لي نفسي ١٤٩/٤٤
الْجُهْدِ: أللّهمّ ... لاطاقة لي على الجهد ١٤٩/٤٥
جُهْدي: بالمعاصي جهدي وطاقتي ١٤٨/٨
أللّهمّ ولي إليك حاجة قد قصّر عنها جهدى ٣٩/٦
فضعف شكري لقلّة جهدى ٧٧/٥
أم بغاية جهدي في عملي أرضيك ١١٦/٨٣

ج.هـ.ر

لاتَجْهَرْ: لاتجهر بصلاتك (قرآن) ٢٢/١١ ـ ٤٧/١
فَلايَجْهَرُ: فلايجهر بها «أصوات» عليه «محمّد» ١٠/٩
جاهَرَهُ: إذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبه ١٨٥/١
جاهَرَكَ: إرحم من ... جاهرك بجهله ١٩٩/٤٦
جاهَرْتُهُمْ: وجاهرتهم بالمنكرات ٢١٩/٢٢
جاهَرْتُكَ: وكبر ذنبي إذ جاهرتك بإرتكابه ١٩٩/٨٥
جاهَرْناكَ: رجونا إقالتك وقد جاهرناك بالكبائر ٢٠٠/٨
الْإِجْهارِ: كعلمك بها في الإجهار والإعلان ٢٤٣/٤
جاهِراً: أحمده جاهراً بحمده ١٩٩/٧

ج.هـ.ز

تَجْهيزِهِ: يحثّ على تجهيزه ويبادر ٢١٤/٥٠ـ٢١٤/١٢٦
جِهازِهِ: ثمّ أقبلوا على جهازه ٢١٤/١٢٥ ـ ٢١٤/٤٩

ج.هـ.ل

جَهِلَ: حين جهل الأشقياء وقته ١٤٢/٤٨
وفضّلتنا على من جهل علمه ١٠٩/٦
جَهِلَهُ: بصرتني ما جهله غيري ٢٤٨/٧
جَهِلَكَ: فإنّه لاعذر لمن جهلك ٢٤٩/٨
فَجَهِلُوكَ: فجهلوك وقدّروك بالتقدير على غير ما ٣/١
جَهِلْتُ: سيّدي لولا ما جهلت من أمري ١٩٩/١٠٨
يَجْهَلُونَ: وعرّفهم «أهل الثغور» ما يجهلون ٦٧/٣

ولم تخاطبهم «عبادك» بما يجهلون ١٩٩/١٦٧
يُجْهَلُ: ولانفيصةً يجهل من أجلها مكاني ١٤٧/١٠٣
جَهْلٍ: كلّ ما نطقت به عن جهل ٨١/٦ ـ ٨٠/٢٢
وأيّ جهل ياربّ لايسعه جودك ١١٦/٣١
اَلْجَهْلَ: وأعوذبك من أن أشتري الجهل بالعلم ١٦٤/٢٤
اَلْجَهْلِ: غسلوا أوعية الجهل بصفو ماء الحياة ٢٠٠/٣٤
ربّ ... أجرني من الجهل والنّار ١٣٥/١٧
وركبت الجهل بعد العلم ١٤٨/١٠ ـ ١٦٤/١٣
جَهْلُهُ: عد بفضلك على عبد غمره جهله ٢٤٥/٦
وعد بفضلك على من قد غمره جهله ١٩٩/١٢٥
وعد بفضلك على عبد قد غمره جهله ١٩٧/١٠
جَهْلي: فجد بحلمك على جهلي ١٩٩/٨١
أللّهمّ إنّي أعتذر إليك من جهلي ٨٠/١٧
فاحلم ياحليم عن جهلي ١٤٨/٢٣
وزللاً عن قدرتك من جهلي ١٤٨/٣١
وجهلي وإسرافي في أمري فتجاوز عنّي ١٥٣/٢٢
وعد بحلمك على جهلي ١٦٧/٣
وبارزتك بخطيئتي من جهلي ١٢٨/٩
خطيئتي وجهلي وظلمي وإسرافي ١٣٨/٣
بِجَهْلِهِ: أنا الّذي بجهله عصاك ٤٩/٥
إرحم من ... جاهرك بجهله ١٩٩/٤٦
لِجَهْلي: ولاتَرُدّني لجهلي ١١٦/٨٨
بِجَهْلي: ولاتؤاخذني بجهلي يارحيم ١٩٩/٤٢
بِجَهْلِنا: وبجهلنا اغتررنا لابحلمك ٢٠٠/١١
اَلْجَهالَهِ: من ظلم الضّلالة والجهالة ١٠٩/٣
أنا الّذي أغرقت نفسي بالذّنوب والجهالة ٢٠١/٢٧
والنّاس ... في غرّة الجهالة لاهون ١٩٩/٥٨
فككتني به من الجهالة ١٤٤/٤
بِالْجَهالَةِ: ولم ترض منهم بالجهالة ١٩٩/١٦٦
جاهِلٌ: ولابنكالك جاهل ٩١/٢
وجاهل ضلّ عن الرّشد ٢٠٢/٣
اَلْجاهِلُ: وأنا الجاهل الّذي علّمته ١١٦/٦١
إرحم عبدك ... الجاهل بك ٣٦/٥
كَالْجاهِلِ: كالجاهل بقدرتك عليه ٨٠/٢
اَلْجاهِلينَ: واستوحشوا من مؤانسة الجاهلين ٢٠٠/٢٥
عند غفلات الجاهلين لآلائك ١٤٧/٩٦
اَلْجاهِلُونَ: وينسى الجاهلون ذكرك ٢٠٤/٥
مَجْهُولٍ: وإنّ من تعرّف بك لغير مجهول ١٩٩/١٥٢
أَجْهَلُ: فمن أجهل منّي ياإلهي بُرشده ٤٩/١٢

ج.هـ.م

تَجَهَّمُوني: وإن وكلتني إلى خلقك تجهّموني ٥٩/٣
فَيَتَجَهَّمُنِي: أو إلى بعيد فيتجهّمني ٢٥١/٢٥ـ٢٥٢/١٧

ج.هـ.ن

جَهَنَّمَ: والّذين يقولون إذا نظروا إلى جهنّم ١٢/٩
سيدخلون جهنّم داخرين (قرآن) ٢٤٩/١٩ ـ ١٤٢/١٧
آه وانفساه إن كانت جهنّم ١٩٨/٢٤
واجعلني فيها «ليلة القدر» من عتقائك من جهنّم ١١٧/١٦
إلهي ليتني لم أسمع بذكر جهنّم ٢٠٦/٥
ثمّ الويل لي إن كان إلى جهنّم محشري ٢٠٦/٧
وملأت جهنّم وأطباقها منّي ٢٣٠/٣
ونبّت به «بالقرآن» عند اضطراب جسر جهنّم ١٠٩/٢٠
ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم (قرآن) ٨٣/١٥
لِجَهَنَّمَ: ولقد ذرأنا لجهنّم كثيراً (قرآن) ١٥٩/٧
ولايكون لجهنّم حطبٌ سِواى ٢٣٠/٣
يوم نقول لجهنّم هل امتلأت (قرآن) ٢٠٧/١٩

ج.ى.أ

جاءَ: في تأكيد الكتاب وقبول ما جاء به ١٤٤/١٣
من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها (قرآن) ١٤٢/١٠
ومن جاء بالسّيئه فلا يجزىٰ إلاّ مثلها (قرآن) ١٤٢/١٠
أشرت وبطرت وتهاونت حتّى جآء التّغيير ٢٥٧/٢٧
الظّلمة... بدلوا ما جاء به رسولك ١١٩/١
جاء بالنّهار مبصراً برحمته ٢٤٤/١
حتّى جاء التّغيّر مكان العافية ٣٥/٤
جاءَهُمْ: من بعدها جاءهم البيّنات (قرآن) ٢١٩/٤٦
جائَني: والبلاء قد جائني ٣٥/٦
جِئْتُ: وإليك جئت تائباً فتب عليّ ١٤١/١٣
سيّدى جئت ملهوفاً قد لبست عدم فاقتى ١٩٩/٨٩
جِئْتُكَ: جئتك لتغفرلي وترحمني ٩١/١
وقد جئتك سآئلاً ١١٦/١٣٢
قال أو لو جئتك بشيءٍ مبين (قرآن) ١٥٩/١٦
أللّهمّ منها أنا ذا قد جئتك مطيعاً لأمرك ٨٠/٨
جئتك لتنظر إليّ برحمتك ٢١٥/١

ج.ى.ب

جُيُوبَها: فشقّت جيوبها نساؤه ٢١٤/١٢٥
شقّت جيوبها نساؤه ٢١٤/٤٩

ج.ى.ش

جُيُوشَهُ: وفضّ جيوشه ٧٠/١٠

حرف الحاء

ح.ب.ب

أَحَبَّ: إلاّ من أحبّ الله إنقاذه ١٩٩/٥٨
أَحَبَّتْ: وإن كرهت نفسي ذٰلك أو أحبّت ٩٤/٢
أَحْبَبْتَ: وما أحببت فحبّبه إليّ ١٥٣/٢١
وإن إنقرضت بغير ما أحببت من السّعى أيّامى ١٩٩/٨٨
إصرفنى بقدرتك إلى ما أحببت ٨٠/١٣
وحبّب إليّ من أحببت ١٢٨/٦
ولانكره ما أحببت ٩٢/٣
أَحْبَبْتُ: قد شقيت بما أحببت وسعد غيرى بما كرهت ٥١/١
وأحببتُ أن يكون ذٰلك لك ١٦٢/٨
أَحْبَبْتُكَ: وعزّتك لقد أحببتك محبّة ١٩٩/١٦٣
إلهى وعزّتك وجلالك لقد أحببتك محبّة ١٩٧/٤١
يُحِبُّ: ولاممّن يحبّ الصّالحين ولايعمل عملهم ١٣٣/٤
تُحِبُّ: واذقني طعم الفراغ لما تُحِبُّ ١٤٧/١٠٧
ولما تحبُّ وترضى فوفّقنى ١٥٣/٢٤
وارزقنا... ما تحبُّ وترضى ١١٧/١٧
العمل في طاعتك فيما تحبّ وترضى ١٣٣/٥
تحبّ التّوابين فاقبل توبتى كما وعدت (قرآن) ٨٠/١٢
أسألك عملاً تحبّ به من عمل به ١٧١/٤
وتهدى بكرامتك من تحبّ ١١٦/٨٢
تحبّ أن يكون عليها أحدٌ من أولياآئك ١١٧/١٥
بما تحبّ وترضى إنّك على كلّ شيءٍ قدير ٥٧/١٣
حبّب إليّ ما تحبّ من القول والعمل ٧٧/٤
لاتُحِبُّ: أعوذبك من ... كلّ ما لاتحبُّ ١٥٣/٢٧
أعذنا من... كثرة الكلام فيما لاتحبّ ٢٠٠/١٦
أفنيت عمري فيما لاتحبّ ١٤٩/٣٠
لَمْ تُحِبَّ: لعلّك لم تحبّ أن تسمع ١١٦/٥٧
أُحِبُّ: وتبلغ ما أحبّ من حيث لاآتى ما تكره ١٤٧/٩٩
وأحبّ بقآءَ النِّعْمَةِ عندهم نصحاً ٦٥/٤
أُحِبُّكَ: لأحدثنّ أهلها إنّى أحبّك ٢٠٣/٧
لاأُحِبَّ: حتّى لاأحبّ شيئاً من سُخْطِكَ ٥٧/٩
حتّى لاأحبّ تعجيل ما أخّرت ٢٢/٣٤ ـ ٢٥١/٦٩
أَنْ أُحَبَّ: إنّى أعوذبك أن أحبّ فيك ٢٦٤/١
نُحِبُّ: وحامّتنا الّتى نحبّ الدّنوّ منها ١٠٣/٣
لانُحِبَّ: حتّى لانحبّ تأخير ما عجّلت ٩٢/٣
أَحْبِبْ: وأحبب لِقآئي ١١٦/١٢٠
أَحْبِبْنى: أحببنى وحبّبنى ٧٧/٤
تُحَبِّبَ: لـ.. تحبّب إليهم العمل للآجل ١٤/١٠
حَبِّبْ: حبّب إلينا ما نكره من قضائك ٩٢/٣
حبّب إليّ ما تحبّ من القول والعمل ٧٧/٤
حبّب إليّ ما رضيت لى ٤٦/٥
حبّب إليّ لقآءَكَ ١١٦/١٢٠
وحبّب إليّ من أحببت ١٢٨/٦
وحبّب إليّ الدّعآء ٢٥٢/٤٠ ـ ٢٥١/١٥
ألّلهمّ حبّب إليّ صحبة الفقراء ٧٩/٥
حَبِّبْنى: أحببنى وحبّبنى ٧٧/٤
فَحَبَّبْهُ: وما أحببتَ فَحَبِّبْهُ إليّ ١٥٣/٢١
فَحَبِّبْنى: وإليك ياربّ فحبّبنى ٢٥١/٢٣
وإليك فحبّبنى ٢٥٢/١٥
تَحَبَّبَ: والحمدلله الّذى تحبّب إليّ ١٢٠/٧ ـ ١١٦/٨
وإنّ من تحبّب إليك لقمين بمرضاتك ١٩٩/١٥٢
ياحبيب من تحبّب إليك ١١٦/٣٠
تَتَحَبَّبُ: تتحبَّبُ إلينا بالنّعم ١١٦/٤١
إلهى كم تتحبّب إليّ بالنّعم ٣٨/٢
حُبّاً: أسألك أن تملأ قلبي حبّاً لك ١١٦/١٢٠
وأخرج حبَّ الدُّنيا من قلوبنا ١٩٦/٤
أخرج حبَّ الدّنيا من قلبى ١١٦/٧٦
وحتّى أخلص لك النّصيحة حُبّاً لك ١٣٧/١٠
وأنزع من قلبى حُبَّ دنيا دنيّة ١٤٧/٩٤
وأشدّهم له حُبّاً ١٤٩/٧٠
ولاتسلبنى صالحما منحت به عليّ من حُبِّ محمّد ١٢١/٢٣
شيطاناً ... يزيّن لي حبَّ الدّنيا ١٨٣/٣
ومن حبِّ المدارين تصحيح المقة ٥٥/١٠
حُبُّكَ: ياسيّدى تعذّبنى وحبُّك في قلبي ٢١٧/١
ولاخرج حبُّك من قلبي ١١٦/٧٥
وهب لي... يقيناً صادقاً في حبّكَ ١٩٩/٣٢
وقد عرفت حبّك في قلبي ٢٠٣/٤
ملأت لهم ضمائرهم من حبّك ١٨٩/٤
أوردنا حياض حبّك ١٨٨/٣
وما أطيب طعم حبّك ١٩٣/٥
حُبّي: إجعل حبّى ونصرتي ودينى فيهم ولهم ٢٤٨/٦
أم بعد حبّى إيّاك تبعّدنى ١٨٤/١
وحبّى لك شفيعى إليك ١١٦/١٧
بِحُبِّهِمْ: أَتَقَرَّبُ إليك بحُبّهم وموالاتهم ٤٢/١٨
وإجعلنى بحبّهم يوم العرض عليك نبيهاً ١٩٩/١٥٠
لِحُبِّكَ: فاجعلنا ممّن... فرّغت فؤاده لحبّك ١٩٠/٣
بِحُبّي: لأخبرنّ أهل النّار بحبّى لك ١١٦/١١٧
وبحبّى للنّبيّ... أرجو الزّلفة لديك ١١٦/٧٠

مَحَبَّةَ: ارزقنا دوام عافيتك ومحبّةَ طاعتك ٢٤١/٧
وعزّتك لقد أحببتك محبّةً ١٩٩/١٦٣
وألقيت عليك محبّةً منّي (قرآن) ١٥٩/٢٠
إلهي وعزّتك وجلالك لقد أحببتك محبّةً ١٩٧/٤١
الْمَحَبَّةِ: وأبدلني من بغضة أهل الشنآن المحبّةِ ٥٥/٩
من حياض المحبّة بكأس الملاطفة يكرعون ١٩٣/٢
مَحَبَّتِهِ: ومن كانوا منطوين على محبّته «محمّد» ١٤/٣
ثمّ جعل... مستفرّها «الأمور» إلى محبّته ١٤٩/١٠
الّذي ... بعثهم «الخلق» في سبيلِ محبّته ١/٤
مَحَبَّتِكَ: فاجعلنا ممّن... أخلصته لودّك ومحبّتك ١٩٠/٢
إلهي من ذاالّذي ذاق حلاوة محبّتك ١٩٠/١
في محبّتك ولهى ١٨٩/٧
الّذين أوجبت لهم محبّتك ١٤٢/٦١ ـ ١٤٢/٦١
وإغرس في أفئدتنا أشجار محبّتك ١٩٦/٣
وعقدت عزآئمهم بحبل محبّتك ١٩٩/١٨٦
زال عن محبّتك من خطرات قلبي ٨٠/١٨
أوجب لي محبّتك كما شرطت ٨٠/١٢
فتبهظني ممّا تحمّلنيه من فضل محبّتك ١٤٧/٩٠
وانهج لي إلى محبّتك سبيلاً سهلة ٥٥/٤١
توبة توجب لي محبّتك يامحبّ التّوابين ١٠٠/٤
واكتبه بدُؤُوبنا في محبّتك ٥٠/١
فروبت قلوبهم من محبّتك ١٩٩/٣٠
نطبع على قلوب إنطوت على محبّتك ١٨٤/٤
أن تغشيّ وجوهنا بأنوار محبّتك ١٩٥/٦
أن تسدّ أسباب رحمتك عن معتقدي محبّتك ١٩٩/١٦٣
ولابالتعرّض لخلاف محبّتك ٥٥/١٨
الصّابر على الأذى والتكذيب في محبّتك ١٤٣/٥٢
ألق عليّ محبّتك ١٢٣/١٣
أخذت لوعة محبّتك بمجامع قلوبهم ١٩٣/٢
واعم أبصار قلوبنا عمّا خالف محبّتك ٣٠/٥
مَحَبَّتي: أللّهمّ اقذف في قلوب عبادك محبّتي ٧٧/٣
وبك أنست محبّتي ١١٦/٨٤
فإن محبّتي لك قد آمنتني ١٩٩/١٢٥
إنّ ... محبّتي لك قد أجارتني ١٩٧/١٠
ملت بهواي وإرادتي ومحبّتي ٢٤٨/١٠
فأين رجائي ثمّ اين محبّتي ٩١/٥
لِمَحَبَّتِهِ: في أثناء الصّدور لمحبّته ١٠/١٠
أولاهم يوم القيامة لمحبّته «محمّد» ورأفته ١٠/٣٠
أشدّهم «أتباعه» في الدُّنيا إعتقاداً لمحبّته «محمّد» ١٠/٣٠
لِمَحَبَّتِكَ: مستعملاً لمحبّتك ٢١/١٢
وفرّغ قلبي لمحبّتك واشغله بذكرك ٥٧/١٠

لِلْحَبِّ: وطحنتهم طحن الرّحى للحبّ ٢١٩/٢٢
حَبَّةٍ: كمثل حبّة أنبتت سبع سنابل (قرآن) ١٤٢/١١
كَالْحَبَّةِ: آه واخطيئتاه، تركتني خطيئتي كالحبّة ١٩٨/٥٤
مُحِبَّ: توبة توجب لي محبّتك يامحبّ التّوابين ١٠٠/٤
أتحرق بالنّار قلبي وكان لك محبّاً؟! ٢٠١/٣٥
مُحبّاً لأهل طاعتك ٨٣/٧
مُحِبّينَ: إلهي... واجعلهم «ولدي» مُحِبّينَ ٦٤/٢
مُحِبّيكَ: محبّيك على أنّك تبغض محبّيك ١٩٧/٤١
مُحِبَّةً: فاجعل نفسي... محبّة لصفوة أولياّئك ٢٥٥/٣
حَبيبُ: ياالله ياحبيبُ ياالله ياجليل ١٣٤/١
ياحبيبَ من تحبّب إليك ١١٦/٣٠
ياحبيب التّآئبين تب عليّ ١٣٣/١٠
وخلا كلّ حبيبٍ بحبيبه ٨٩/١
ويا حبيبَ محمّدٍ وعليّ ٤٢/٣٠
ياحبيبَ محمّدٍ صلّى الله عليه وآله ٤٢/٣٠
الحَبيبِ: في جوار محمّد الحبيب زين القيامة ٢٥٧/٣٩
ولاالحبيبُ المبدّدُ ٢١٤/١٢٥
حَبيبِكَ: أللّهمّ اجعلني من رفقآءِ محمّدٍ حبيبك ١٥٣/١٨
وابن أوليائك وحبيبك وابن أحبّائك ٤٢/١١
هو حبيبُكَ ونبيّك محمّدٌ ١٤٤/٥
محمّد صلّى الله عليه وآله حبيبك ورسولك ٢٦٨/٣
بِحَبيبِهِ: وخلا كلّ حبيب بحبيبه ٨٩/١
الْأَحِبَّةِ: أتذكّر معارف الدّنيا وفراق الأحبّة ٢١٩/٣٦
أَحِبَّتِكَ: أرزقنا ... مرافقة أحبّتك ٢٤١/٧
أَحِبَّتي: تقلّبني أيدي أحبّتي ١١٢/٧
على الفراش تقلّبني أيدي أحبّتي ١١٦/٩٦
الْأَحِبّاءُ: إذا أسلموني الأحبّاء ١٩٨/٤٦
أَحِبّائِهِ: أوصيائه وأحبّائه وأنصاره ٤٢/٣٠
أَحِبّائِكَ: وابن أوليائك وحبيبك وابن أحبّائك ٤٢/١١
وفي أحبّائك مصدري وفي جوارك مسكني ١٦٧/٦
لاتغلقها عن أحبّائك وأصفيائك ٢٢٠/٨
وجودك الّتي لاتغلقها عن أحبّائك ٢٢١/٥
وأهل بيته أصفيائك وأحبّائك ١١٤/٩
لِأَحِبّائِكَ: في المقامات المعدّة لأحبّائك ١٤٧/١١٠
أَحْباباً: للمريدين المتعلّقين ببابك أحباباً ٢٠٠/٣٨
مَحْبُوبِ: من البلاء ومحبوب الرّخاء ١٢/١٢
كنت خير زائر محبُوبٍ ١٤٣/٣٠
الْمَحْبُوبُ: وأنت المحبوب إليّ ٨٩/١
مَحْبُوبِهِمْ: وقرّت بالنّظر إلى محبوبهم أعينهم ١٩٣/٢
مَحْبُوبِكَ: صيّرنا إلى محبوبك من التّوبة ٣٠/١
مَحْبُوبَةً: محبوبةً في أرضك وسمآئك ٢٥٥/٣

أَحَبُّ: لما عصاك أحبُّ الخلق إليك ٢٠١/٢١
إلهي، لولا أنّ العفو أحبُّ الأشياء لديك ٢٠١/٢١
أطعنك في أحبّ الأشياء إليك ٢٠٩/١ ـ ١٦٥/١
أحبّ خلقك إليك ١٤٩/٤٣
لأنّ عفوك عنّي أحبُّ إليك من عقوبتي ٤٩/١٤
فظلّ أحبُّ القوم كان لقربه ٢١٤/٥٠
وأنّ أحبَّ عبادك إليك من ترك الأستكبار عليك ٣٤/١٠
فقد أطعتك في أحبّ الأشياء إليك ٨٩/٢/١ـ٢٢٩/١ـ٢٣٣/١
أَحَبُّ إليّ لنفسي... ما يرشدها بهدايتك إليه ١٩٧/٣٨
في أحبّ خلقك إليك ١٢٨/٤
في أَحَبّ المواطن إليك ١٢٨/٤
وأجر به في أحبّ السبل إليك ٥٧/١٠
أن سرور نبيّك أحبُّ إليك من سرور عدوّك ١١٦/١١٩
وحلّ أحبُّ القوم كان بقربه ٢١٤/١٢٦
ووفّقني لأحبّ الأمور إليك ١٢٨/٧

ح.ب.ر

حَبْرَةَ: وأوصلت إلى نفوسهم حبرة الملوك ١٩٩/١٨٥

ح.ب.س

حَبَسَ: والحمدلله الّذي لو حبس عن عباده ١/١٠
تَحْبِسَهُ: سلطانه عنّا بسلطانك حتّى تحسبّه عنّا ٦٤/٩
أَحْبِسْ: واحبس لساني بذكرك ٢٥١/٩
الْحَبْسِ: أعوذبك من ... الحبس والوثاق ١٥٣/٣٣
حابِساً: نقلها إلى المعاصي حابساً ١٠٩/١١
الْمَحْبُوسَةَ: المحبوسة لأمرك بالجنّة مع معصوم ٢٤٨/١

ح.ب.ش

الحَبَشِ: أعدائك في أقطار البلاد من... الحبش ٦٧/١١

ح.ب.ط

يُحْبِطُ: الإقلاع عمّا يحبط الحسنات ١٤٧/٩٣
لاتُحْبِطُ: ولاتحبط حسناتي بما ١٤٧/١١٤
ولاتحبط به «عملي» أجري ١٤١/١٩

ح.ب.ل

حَبْلِ: يامن هو أقرب إليّ من حبل الوريد ١٣٩/١
حَبْلَهُ: بعد أن وصلت حبله بحبلك ١٤٧/٦١
ويعزّة الله وحبلِهِ المتين سلطانه المبين ٢٢/٨
حَبْلَكَ: ويحبل من أتّصل إن أنت قطعت حبلك عنّي ١١٦/٦٨
ويحبل من اعتصم إن قطعت حبلَكَ عنّي ٩١/٣
بِحَبْلِ: أللّهمّ إنّي أصبحت متمسّكا بحبلِ طاعتك ١٦/١
وظفروا بحبل النّجاة ٢٠٠/٢٦
وعقدت عزآئمهم بحبل محبّتك ١٩٩/١٨٦
وبحبل من أتّصل إن أنت قطعت حبلك عنّي ١١٦/٦٨
وبحبل طاعتك مددت رهبتي ١١٦/٨٤
وبحبل من اعتصم إن قطعت حبلك عنّي ٩١/٣
بِحَبْلِهِ: أجاب دعوته واستمسك بحبله ١٤٤/١٩
واجعلنا ممّن يعتصم بحبله ١٠٩/٨
لاأتمسّك إلاّ بحبله ٢٣٦/١
بِحَبْلِكَ: أنا أعتصم بحبلِكَ ١٨٥/٣
أللّهمّ ... بحبلك أعتصم ١٩٩/٨
أللّهمّ أعصمني بحبلك وارزقني من فضلك ١٢١/١٥
وها أنا ... بحبلك الشّديد معتصم ١٩٢/٨
وأعتصم بحبلك ٨٣/٧
وما حقّ من إعتصم بحبلك أن يخذل ١٩٥/٣
بعد أن وصلت حبله بحبلك ١٤٧/٦١
وعصمته بحبلك ١٤٧/٧٢
أسئلك بحرمة من... اعتصم بحبلك ٢٥٢/١ ـ ٢٥١/١
أللّهمّ ... اجعلني ممّن يعتصم بحبلك ١٣٥/١٤
حِبالِ: خير حبال العالمين وثيقها ٢١٩/٤٩
حِبالَتِهِ: في ربق حبالته الّتي كان يقدّرُ ١٥٢/٨
حَبائِلِ: علّقتنا بأبدى المنايا في حبآئل غدرها ١٩٦/١
حَبائِلِهِ: أعذني فيه من... حبائله «الشيطان» ١١٧/٧
وتؤمنني من ... حبآئله «من ارادني بسوء» ٦١/٩

ح.ب.و

حَبانا: الحمدلله الّذي حبانا بدينه ١١٥/٢
حَبَوْتَهُ: فاجعلنا ممّن ... حبوته برضاك ١٩٠/٢
حَبَوْتَهُمْ: وحبوتهم بخصآئص ١٩٩/١٨٦
واجتبيتهم «بالائمّة» وحبوتهم وجعلتهم ١٤٩/٤٧
حَبَوْتَني: وحبوتني فأكرمت مثواي ١٩٩/١٧٦
الحِبآء: عندك وذوى الحباء لديك ٢٤٩/٢
وحبوتهم بخصآئص الفوآئد والحبآء ١٩٩/١٨٦
حِباءَهُ: وعظّم حباءه وأكرم مثواه «محمّد» ١٤١/٢٨
وأجزلت حبآءه وغفرت ذنوبه ١٤٩/٥٥
بِالْحِبآءِ: ويحشر إلى ربّهم بالحبآء والسّرور ١٩٧/٤٧

ح.ت.ف

حَتْفُ: جوىً قاتل أو حتف نفس يسوقها ٢١٩/٣٢
حَتْفُكَ: وهل لك إن وافاك حتفك بغتة ٢١٤/٧١ـ٢١٤/١٥٠
الْحُتُوفُ: أسلمته الحتوف وكثرة زلله ٢٤٣/١٠

ح.ت.م

حَتَمْتَ: فأطعته كما أمرت وصدّقته فيما حتمت ١٤٢/٦
وحتمت عافيتي ومافيه صلاحي وخلاصي ١٧٣/٦/١٧٢/٥
حَتَمْتَهُ: وحتمته وقدّرته ٤٢/٢٧
تَحْتِمُ: والمحتوم فيها ما تحتم ١١٤/١٢
حَتْماً: واغفرلهما ببرّهما بي مغفرة حتماً ٦٣/١٥
سهّل لي نصيباً جزلاً وقضاءً حتماً ٢٤٨/٢
أنت الّذي أردت فكان حتماً ما أردت ١٤٧/١٤
سبحانك ... وقضائك حتمٌ ١٤٧/٢٨
أمرك ماض ووعدك حتمٌ ٢٤١/٢
مَحْتُوم: ولابردّ تدبير محتوم أمرك ٦٩/١
الْمَحْتُوم: تقضي ونقدّر من الأمر العظيم المحتوم ١١٧/٤١
... والمحتوم فيها ما تحتم ١١٤/١٣

ح.ث.ث

حَثَثْتَ: وحثثت على الصّفح عن المذنبين ١٩٩/١١٦
أللّهمّ فكما ... حثثت على الدّعاء ٨٠/٢٥
وحثثت على الدّعآء ووعدت الإجابة ٨١/٩
يَحُثُّ: يحثُّ على تجهيزه ويبادر ٢١٤/١٢٦ ـ ٢١٤/٥٠
أَحُثُّ: أحثّ الرّحلة إلى إيثارك بإستظهار ٢٤٩/٧
حَثَّنَا: حثّنا على الرّغبة إليك ١١٦/٣٨

ح.ث.و

حَثَوْا: ثمّ حثوا بأيديهم عليه التّراب ٢١٤/١٣٤
فَحَثَوا: فحثوا بأيديهم التّراب ٢١٤/٥٧

ح.ج.ب

حَجَبْتَ: سيّدي إن حجبت عن أهل توحيدك ١٩٩/١١٢
حَجَبْتَني: وحجبتني عن عين كلّ ناظر ١٩٩/١٥٥
يَحْجُبُهُ: إحتجب عن العباد ولاشيء يحجبه ٥/٣
يَحْجُبُني: ولاحصن يحجبني عنك ٨٨/٧
أللّهمّ إنّه يحجبني عن مسألتك خلال ثلاث ٣٤/١
أللّهمّ إنّه ... يحجبني أمر أمرت به ٣٤/١
يَحْجِبُني: وأن تعطيني من اليقين ما يحجبني ١٦١/٨
تَحْجُبُهُمْ: إنّما تحجبهم الآمال دونك ٢٢٠/٦
لاتَحْجُبُ: لاتحجب مشتاقيك عن النّظر إلى ١٨٤/٦
لاتحجب دعائي إذ فتحته ٢٤٧/٩
ولاتحجب دعائي عنك ٦٤/١٠
أَنْ تَحْجُبَهُمْ: إلاّ أن تحجبهم الأعمال دونك ١١٦/١٣
إلاّ أن تحجبهم الذّنوب دونك ٢٥٦/١
أَنْ يُحْجَبَ: وارحمنا قبل أن يحجب دعاؤنا ٢٠٠/١٥
أُحْجُبْ: واحجب به خطرات الوساوس ١٠٩/١٣
أُحْجُبْني: واحجبني عن السّرف والإزدياد ٧٩/٣
أُحْجُبْنا: أحجبنا عن الإلحاد في عظمتك ١٥/١ ـ ٨/٢٠
إحْتَجَبَ: وإحتجب عن الأبصار بالعزّة ٢/١ ـ ٧/١
سبحان من إحتجب عن العباد ولاشيء يحجبه ٥/٣
إحْتَجَبُوا: وإحتجبوا عمّن يسألهم حاجةً ٨٢/١
إحْتَجَبْتَ: إحتجبت بالكبرياء ٢٤١/٣
لاتَحْتَجِبُ: وأنّك لاتحتجب عن خلقك ١١٦/١٣
أنّك لاتحتجب عن خلقك ٢٢٠/٦
أللّهمّ إنّك لاتحتجب عن خلقك ٢٥٤/١
ولاتحتجب عن أحد منهم أرادك ٨٢/٣
حِجاباً: كانت عافيتك لنا حجاباً دون أبصارهم ٩٥/٢
لايؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً (قرآن) ٢٣/٥ ـ ٢٢/١٠
حِجابَ: فرقّق باستغفاري إيّاك حجاب ذنبي ٢٥٤/١
الحِجاب: قلوبنا أغشية المرية والحجاب ١٨٨/٢
حِجابُهُ: يامن ... حجابُه مرفوع لراجيه ١٨٥/٦
بِحِجابِ: وتعلّقوا بحجاب القدرة ٢٠٠/٤٢
حُجُبِ: أللّهمّ ومهما توارى عنّا من حجب ١٠/١٩
فخرّقت قلوبهم حجبَ النّور ٢٠٠/٤٣
أنت في غوامض سترات حجبِ الغيوب ٢٠٠/٤٠
الأبصار الّتي كشفت عنها حجبَ العميّة ٢٠٠/٤١
وتجلّى ملك الموت لقبضها من حجبِ الغيوب ١٠٩/١٨
هممهم في ملكوت سماواتك حجباً حجباً ٢٠٠/٣٦
وجالت بين سرائر حجبِ الجبروت ٢٠٠/٣٠
الْحُجُبُ: وبما وارته الحجب من بهائك ١٦٢/٦
وبما ورآء الحجبِ من بهائك ٢٠٥/١٦
أللّهمّ إنّي أسئلك بما وارت الحجبُ من جلالك ١١٤/١٥
والرّوح الّذي هو على ملائكة الحجبِ ١٢/٥
بِالْحُجُبِ: سترتها بالحجبِ ٨٨/١٤
حُجّابَها: ووكّلت بها حجّابها ٢٠٢/٧
مَحْجُوبٍ: وأعوذبك من دعاء محجوب ١٩٩/٢٧
مَحْجُوبَةٍ: غير محجوبة عن استماعك ٢٢٠/٥
ومناجاة العبد إيّاك غير محجوبةٍ ٢٢١/٣
مستترة دونهم ومنكتمة عنهم ومحجوبةٌ لديهم ١٦/٤
مَحْجُوباتٍ: ابواب رحمتك غير محجوبات ٨٢/٢
مُحَجَّبَةً: حتّى كأنّها غيرىٰ محجّبةً ضَنّاً ٢١٩/١١

ح.ج.ج

حَجَّ: وما حجّ به عقولنا من برهان رسالاته ١٠/٢٧
إحْتَجَّ: الّذين احتجّ الله بهم على عباده ٢١٩/٤٧
إحْتَجُّوا: إحتجّوا بمتشابه القرآن ٢١٩/٤٥

إحْتَجَجْتَ: واحتججت علىّ برقّى ١٦٤/٢٠
إحْتَجَجْتُ: ربّ لاحجّة لي إن احتججتُ ١٦٤/١٥
حَجَّ: وارزقنا حجّ بيتك ١١٦/٤٥
وارزقني حجّ بيتك الحرام ١١٦/٥١ - ١١٦/١١٣
اَلْحَجَّ: وترزقني الحجّ إلى بيتك الحرام ١٢٧/٤
وارزقني الحجّ والعمرة ١٣٢/١١ - ١١٧/٩ - ١١٧/٣٨
رغّبت في الحجّ بعد إذ فرضته ١٤٤/٢٢
إفتتح فيه الحجّ إلى بيته الحرام ١٤٣/٣٤
واجعل باقى عمرى في الحجّ والعمرة ١٤٧/١١٧
حَجُّهُمْ: المبرور حجّهم ١١٧/٤٢
بِالْحَجِّ: أسألك بالحجّ الأكبر ١٣٧/٨
أذّن في النّاس بالحجّ يأتوك رجالاً (قرآن) ١٤٤/٢٣
أللّهمّ وامنن علىّ بالحجّ والعمرة ٦١/٤
مَحَجَّةِ: إحملني على محجّة الإخبات لك ١٩٩/٧٥
اَلْمَحَجَّةِ: أللّهمّ أعنّا على... المحجّة العظمى ١١٩/٢٩
إحْتِجاجِ: وأعوذبك من ... إحتجاج مغلوب ١٩٩/٢٧
احتجاجاً بها على شكلها ١٠١/٦
اَلْإحْتِجاجِ: والإحتجاج لك على من أنكرك ١٠/٣٣
بِاحْتِجاجِكَ: وتهاونت بإحتجاجك ١٦٤/٢٠
حِجُّ: لله على النّاس حجّ البيت (قرآن) ١٤٤/٢٢
حُجّاج: أن تكتبنى من حجّاج بيتك الحرام ١١٧/٤٢
حُجَّةً: إستجابوا له حيث أسمعهم حجّة رسالاته ١٤/٣
ربّ لاحجّة لي إن احتججت ١٦٤/١٥
بصرى بلطفك حجّةً منك علىّ ١٤٨/٢٠
والحمدلله على حجّةِ الله البالغة ١٢٣/٣
ولم يدع لأحد منّا حجّةً ولاعذراً ١/٢٥
وانقطعت مقالتى فلا حجّة لى ١٦٧/١
أسألك ... الفلج بالصّواب في كلّ حجّةٍ ١٢٥/٤
لم يدع الخلق سدىً من غير حجّةٍ ٢١٩/٤٧
لاحجّةَ لمن أختزل عن طريق العلم بك ٢٤٩/٨
أعوذبك من ... حجّةٍ داحضة ٢٧/٤
اَلْحُجَّةِ: وأزلّنى الشّيطان بعد الحجّة ١٦٥/٢ - ٢٣٣/٢
ولكن استفزّنى الشّيطان بعد الحجّةِ والمعرفة ٨٩/٣
الحجّةِ بعد آبآئه على خلقك ٤٢/١٤
وألزم أعدائك الحجّة فى قتلهم إيّاك ٢٥٥/٢
وبعد ترادف الحجّة عليه ١٤٢/٥
والحجّة عليهم السّلام أهل بيت الرّحمة ٨٧/٨
ولك الحجّةُ علىّ إن عصيتك ٢٢٧/٤
ولكن استزلّني الشّيطان بعد الحجّة ٢٠٩/٣
أعلم أنّ الحجّةَ لك وأنّك أولىٰ بالفضل ١٤٧/٩٨
فلك الحجّةُ علىّ بجلالك ١١٨/٧
فمن الوثوق به على إبلاغ الحجّةِ ٢١٩/٤٧
وعصيتك والحجّةُ عَلَىَّ ٦٠/٢
شاهداً فى إمضاء الحجّةِ على عدلك ٢٤٩/٢
الحجّةِ القائم المهدىّ الإمام المنتظر(عج) ١٨١/٤
وأزلّنى الشّيطانُ بعد الحجّةِ والبيان ٢٢٩/٢
حُجَّتُهُ: حتّى كلّت حجّته «الباطل» ١٠/٢٢
يأمين الله في أرضه وحجّتَهُ على عباده ٢٥٥/١
مسألة من ... إنقطعت عنه حجّته ١٣٢/٨
حُجَّتَهُمْ: وادحض حجّتهم «الظّلمة» ١١٩/١٠
حُجَّتِكَ: وحُجَّتك على الخلق أجمعين ٤٢/١٠
وعلىّ بن محمّد ... حجّتك على بريّتك ٤٢/١٢
وحُجَّتك على بريّتك ٤٢/٩ - ٤٢/١١
أللّهمّ وآدم... بكر حُجّتك على عبادك وبريّتك ١١/١
وجعفربن محمّد ... حُجَّتك على العالمين ٤٢/٨
وبكر حجّتك ولسان قدرتك ٢٢٢/٢
وأظهرت علينا حجّتك ٢٠٠/٣
أللّهمّ ادفع عن ... حجّتك ١١٩/٢٠
حُجَّتك قائمة لاتدحض ١٤٦/٩
وكان «محمّد» حجّتك على من علمته بالمعاندة لك ١٠/٤
حجّتك أجلّ من أن توصف بكلّها ١٤٦/١٣
بل لتكون حجّتك أبلغ وكرمك أكمل ١٤٦/١٢
حُجَّتي: ولقّنى فيها حجّتى ١٧١/٨
وثبّت حجّتى على ما أثبتّ من دعواى ١٩٩/١٣٤
حُجَّتى يوم القيامة فَلَقّني ١٥٣/١٩
إلهى إرحمنى إذا إنقطعت حجّتى ١١٦/٨٨
وبطلت حجّتى في عظيم وزرى ١٩٩/٨٢
حجّتى ياألله في جرأتي على مسالتك ١١٦/٢٠
بِحُجَّةٍ: وجدعت أنف النّفاق بحجّة نبوّته ١٠/٥
بِحُجَّتِهِ: حالت بيننا وبين الإعتراف بحجّته ١٠/٢٧
وضرب وجوه المنكرين بحجّته «محمّد» ١٠/٢٩
لِحُجَّتِهِ: كما أكثرت... عدد... المعترفين لحجّته ١٠/٢١
لِحُجَّتِكَ: وإيجاباً لحجّتك علىّ ١٩٩/١٧٢
بِحُجَّتِكَ: بحجّتك مخصوصون ١٩٩/١٦٨
وتهاونى بحجّتك فرقاً منك ١٦٤/٢١
بِالْحُجَّةِ: على نفسه بالحجّة في دعواه ١٩٧/٣٠
لتبليغ الرّسالة بالحجّة على عباده ١٢٣/٨
تضرّع من أقرّ على نفسه بالحجّة في دعواه ١٩٩/١٣٤
حُجَّتَيْكَ: وحجّتيك على الخلق أجمعين ٤٢/٥
حُجَجَ: مبلّغاً عنك حجج آياتك ١٠/٣
وحجج الله على جميع الأنام ١١٤/٢١
وحبوتهم وجعلتهم حججاً على خلقك ١٤٩/٤٧

نظروا إلى ... شواهد حجج بيّناتك ٢٠٠/٤٠
الْحُجَجَ: فقد ظاهرت الحجج وأبليت الأعذار ١٤٦/١١
مع مالك من الحُجج البالغة على جميع خلقه ٢٥٥/٢
حُجَجِهِ: ضعف حجته في جميع تبعاته ١٠١/١٠
حُجَجِكَ: خلفائه المؤمنين وحججك البالغين ٤٢/٣٠
أسباب الإنابة إليك بمستوضحات من حججك ٢٢٩/١
وجعلتهم ... حججك على عبادك ١٤٧/٥٧

ح.ج.ر

حَجَرَ: وحجر فيه المطاعم والمشارب إكراماً ١١٥/٤
حَجَرَني: ولاحجرني ذلك عن ١٥٢/١٣
حَجَرْتَ: انتهك منّي ما حجرت عليه... فاغفر له ١٠١/٢
حِجْراً: يقولون حجراً محجوراً (قرآن) ٢٠٧/١٦
حِجارَةً: أمطريه حجارة فتمطرنى ١٩٩/١٥٩
الْحِجارَةُ: والنّار الّتى وقودها النّاس والحجارة ٢٥٧/١٧
مَحْجُورٍ: ولانخطو بأقدامنا إلى محجورٍ ١١٥/٨
يقولون حجراً محجوراً (قرآن) ٢٠٧/١٦

ح.ج.ز

حَجَزْتَ: انتهكه منّي ممّا حجزت عليه ٤٤/٢
يَحْجُزُني: يحجزنى عن معصيتك ١١٦/١٢٤
تَحْجُزُني: مخافةً تحجزني بها عن معاصيك ١٣٧/٩
حاجِزاً: ما يكون بينى وبين معصيتك حاجزاً ١٩٩/١٥١
حمداً يكون ... حاجزاً عن معصيته ١/٢٩

ح.ج.ل

الْمُحَجَّلِينَ: صلّ على... قائد الغرّ المحجّلين ١٤١/٢٧

ح.د.ب

حَدِبينَ: محبّين وعلىّ حدبين مقبلين ٦٤/٤

ح.د.ث

حَدَثَ: وامتلأت بحمل ما حدث علىّ همّاً ٢٤/٦
حَدَثْتَ: آه وانفساه كلّما حدثت لي توبة ١٩٨/٣
يَحْدُثُ: فيما يحدُث في حال الخوف والأمن ٥٩/١٢
علمت ما يحدث من طلبتى ٢٥١/٦٢
ما يحدث من طلبتى قبل أن يخطر بفكري ٧٠/٤
أَحْدَثَ: وإغفر ما أحدث المحدثون بعده في أمّته ١٠/٢٥
أَحْدَثْتَ: لك الحمد على ما أحدثت بي من علّةٍ ٤٦/١
ولانحدث لي عزّاً ظاهراً إلاّ أحدثت لي ذلّة ٥٥/٥
يُحْدِثُ: وازو عنّى من المال ما يحدث لي مخيلةً ٧٩/٤
لاتُحْدِثُ: لاتحدث جدّة إلاّ بخلوق جدّة ٢١٩/١١
ولاتحدث لي عزّاً ظاهراً إلاّ أحدثت لي ذلّة ٥٥/٥
حَدَّثَ: أشهد... أنّ القول كما حدّث ٢٥١/٣٦ ـ ٢٥٢/٢٨
لايُحَدِّثُ: توبة من لايحدّث نفسه بمعصية ٨٠/١١
ولايحدّث نفسه عن قرنه بفرار ٦٧/٥
لاأُحَدِّثُ: لاأحدّث نفسي بانتقال عافية ٣٥/٣ ـ ٢٥٧/٢٦
لأُحَدِّثَنَّ: لأحدّثنّ أهلها إنّى أحبّك ٢٠٣/٧
إسْتَحْدَثَ: أنت الّذى... إستحدث وابتدع ١٤٧/٢٠
حادِثٌ: أو أخّره عنه حادثٌ ٦٧/٢٢
وهذا يوم حادث جديد وهو علينا شاهد ٢١/٨
وجعلك مفتاح شهرٍ حادثٍ لأمرٍ ١١٠/٣
حَوادِثُ: الحركات وحوادث السّكون ١٩٩/١٩٤
لايستطاع من ... سوء حوادث النّهار ٢٢/١٩
حَوادِثُها: سوالف زلاّتى وحوادثها ٨٠/١١
بِحَوادِثِها: قديم فوائدك بحوادثها ١٤٧/١٠٢
الْمُحْدِثُونَ: وإغفر ما أحدث المحدثون ١٠/٢٥
حَديثٍ: وفضّلته على كلّ حديثٍ قصصته ١٠٩/١
ضحك وأضحك من حديثٍ رسول ٧٣/١
الْحَدَثانِ: بك أستجير... من... طوارق الحدثان ٢٣٦/٢
أَحْداثِ: أعْيُنِ أحداثٍ طمستها ١٥٢/١١
مُسْتَحْدَثاً: لم تكن مستحدثاً فتوجد منتفلاً ٢٤٧/٤

ح.د.د

أَنْ يُحَدَّ: ومجدك أرفع من أن يحدّ بكنهه ١٤٦/١٣
لاتُحَدُّ: أنت الّذى لاتحدّ فتكون محدوداً ١٤٧/١٨
حَدَّدْتَ: بحدودها الّتى حدّدت ١١٥/١١
حَدَّدْتَهُ: يعرف شيئاً من نعتك إلاّ ما حدّدته ٢٤٩/١٦
حَدَّ: وفلّ عنّى حدّ من نصب لي حدّه ٢٥١/٣١ ـ ٢٥٢/٢٥ ـ ٧٨/٦
لاحدّ مكابرة ولامعاندة ٨٩/٣
لخرجوا من حدود الإنسانيّة إلى حدّ البهيميّة ١/١١
جعل لكلّ واحد منهما حدّاً محدوداً ٢١/١
ليس له حدٌّ في مكان ٢/٥
صلاة لاحدَّ لها ولامنتهى يأرحم الرّاحمين ٨٨/٢٤
بكينونيّته موصوفٌ ولاحدٌّ محدودٌ ١٣١/١
يامن يفنأ به حدُّ الشّدائد ٢٤/١
وإكفنا حدَّ نوائب الزّمان ٨/٢٥ ـ ١٥/١٠
ليس له «الله» حدٌّ في مكان ٧/٥
يدركه حدٌّ يحويه ممّا يتصوّر في الفكر ١٩٩/٥٦
ليس له حدٌّ ولاأمد ١٩٩/٥١
وخرقت النّجوم إلى حدِّ الإنتهآء ١٩٩/١٤٠
عزّ سلطانك عزّاً لاحدَّ له باوّليّة ٨٨/٢

حَدَّهُ: حدّ من نصب لي حدّه ٢٥٢/٢٥ ـ ٧٨/٦ ـ ٢٥١/٣١
شددت أزرى بِفوّتك ثمّ فللت لى حدَّه ١٥٣/٦ ـ ١٥٢/٦
وافلل حدَّه عنّى بقدرتك ٤٤/٣
أرهف لى شبا حَدِّهِ ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤
حَدَّهُمْ: أللّهمّ... افلل حدّهم «الظّلمة» ١١٩/٧
بِحَدٍّ: بحدّ سنان نال قلبى فتوقها ٢١٩/٣
سلقنى بحدٍّ لسانه ١٥٢/٩
لِحَدِّهِ: ثمّ له الحمد... حمداً لامنتهى لحدّه ١/٢٨
بِحَدِّكَ: واقفةٌ بحدّك من إرادتك ٢٢٣/٢
حُدودِ: الذّبّ عن حدود نهيك ١٠/١٦
أسألك خوفاً تعيننى به على حدود رضاك ١٢٥/٣
لخرجوا من حدود الإنسانيّة إلى حدّ البهيميّة ١/١١
الحُدُود: أقم به الحدود المعطّلة ٧٠/١٢
حُدودِهِ: فيامن... ألزمنى إقامة حدوده ١٩٩/٧٢
حُدودِكَ: وتعدّيت عن مقامات حدودك ٨٨/١٠
تعدّى طورى في حدودك ١٤٧/٨٥
وأقم به كتابك وحدودك وشرائعك ١٤٧/٦٥
تعدّى حدودك والغفلة عن وعيدك ١٥٣/٩
ولنا في الدُّنيا عن سخطك وتعدّى حدودك ذآئداً ١٠٩/١٦
الظّلمة ... تعدّوا حدودك ١١٩/٢
بِحُدُودِهِ: وقام بحدوده حقّ قيامها ١٤٢/٥٦
بِحُدُودِهٰا: بحدودها الّتى حدّدت وفروضها ١١٥/١١
لِحُدُودِكَ: تعدّياً لحدودك وغفلة عن وعيدك ١٥٢/١٣
حِدَّتِه: وبحقّ الميزان وحِدَّتِه ١٨٠/١
حَديدِ: ولو أنّى كربت معادن حديد الدُّنيا ٢٣٠/٢
الْحَديدِ: أللّهمّ أذقه حرّ الحديد ٧١/١
بسم الله الّذى ألان الحديد لداود ٢٢/٢٩
بما وصفته من... مقامع الحديد ٢٥٧/١٦
مَحْدُودٌ: ولاحدّ محدودٌ ياغائباً غير مفقودٍ ١٣١/١
الحمدلله... الّذى... نصب له أمداً محدوداً ١/٧
جعل لكلّ واحد منهما حدّاً محدوداً ٢١/١
أنت الّذى لاتحدّ فتكون محدوداً ١٤٧/١٨

ح.د.ر

حَدَرْتَني: أللّهمّ وأنت حدرتني ماء مهيناً ٨٨/١٤

ح.د.ق

حَدَقِ: فتقت لهم رتق ... حدق عيون ٢٠٠/٤٠
حَدَقَتَايَ: سجدت لك حتّى تتفقّأ حدقتاى ٤٩/١٧
الْأَحْداقِ: الّذى... لايدرك بأناسيّ الأحداق ١٩٩/٥٣
أَحْداقُنا: وسجدنا حتّى تتفقّأ أحدافنا ٢١٣/٢
حَدائِقِ: إليك في حدآئق صدورهم ١٩٣/٢

ح.د.و

يَحْدُونِي: ويحدونى على مسألتك تفضّلك ٣٤/٢
تَحْدُونِي: وتحدونى عليها خِلّةٌ واحدةٌ ٣٤/١

ح.ذ.ر

حَذِرْتُ: وآمنّي ما حذرت ٨٨/١١
يَحْذَرُونَ: (سباحتهم ما يحذرون ١١٩/١٠
لَمْ يَحْذَرُوا: أللّهمّ إنّ الظّلمة... لم يحذروا بأسك ١١٩/٤
أَحْذَرُ: ولادفع عنها «نفس» شرّ ما أحذر عليها ٢٥٤/٢
من شرّ ما أخاف وأحذر ٢٢/٣٥
أن تكفينى شرّ ما أحذر ٢٢/٣٧
واكفنى شرّ ما أحذر وشرّ ما لاأحذر ١٤٩/٦٢
أكثر ممّا أخاف وأحذر وممّا لاأحذر ٢٢/٤٤
فاسترنى ياسيّدى ممّا أخاف وأحذر ٥٢/٤
الله ... أعظم ممّا أخاف وأحذر ٢٢/٢
صرفت عنّى جميع ما أكره وأحذر ١١٧/٢١
لاأَحْذَرُ: واكفنى شرّ ما أحذرو شرّ ما لاأحذر ١٤٩/٦٢
أكثر ممّا أخاف وأحذر وممّا لاأحذر ٢٢/٤٤
حَذَّرْتَ: وحذّرت فتعدّينا ٨٧/٦
واجعلنا ... أوقفهم عمّا حذّرت من نهيك ٢١/١٤
وحذّرت معصيته «الإمام» ١٤٧/٦٢
حَذَّرْتَهُ: والمجانبة عمّا حذّرته أعدآئك ١٦٣/١١
إلى ما زيّلته وإلى ما حذّرته ١٤٧/٧٣
حَذَّرْتَني: ولإنتهاكى ما منه حذّرتنى ١٩٩/١٥٥
حَذَّرْتَنيهِ: وما عملت من سوء فقد حذّرتنيه ١٧٠/٣
حَذَّرْتَنا: وحذّرتنا سبيل المهلكة ٢٠٠/٤
يُحاذِرُ: وليس له ممّا يحاذر ناصر ٢١٤/١١٩ ـ ٢١٤/٢٣
نُحاذِرُ: وتشغلنا اللّذّات عمّا نحاذر ٢١٤/٣٠ ـ ٢١٤/١٠٦
حِذْرِيْ: نقمتك لأخذت حذرى ٢٥٧/٦
حَذَراً: رأعظم ما أكون منك حذراً ٢٠٤/٤
وارزقنا ... حذر أهل اليقين ٢٠٠/١٨
حَذَري: إجعل... حذرى من إعذارك وإنذارك ١٤٧/١٠٤
حِذارِي: ما أحذر وما لايبلغه حذارى ٢٢/٣٧
التَّحاذُرُ: هو الموت لاينجيه منه التّحاذر ٢١٤/١١٥
مُحاذِرُ: لمثل الّذى لاقى أخوه محاذر ٢١٤/١٣٦ـ٢١٤/٥٨
حَذِرِ: أسألك سؤال ... حذرٍ من نقمتك ٢٤٧/١
مَحْذُورِ: من موفور ثوابه أو محذور عقابه ١/٨
ومنعت منّى محذورَ القضآء ١٦٣/٢
ياعظيم الّذى ... يدفع كلّ محذورٍ ١٢٣/١٢

وأفرخ روعه من كلّ محذورٍ منه سواك ٨٠/٥
أمناً لنا من محذورِ الدُّنيا والآخرة ٢٠٠/٢٢
مَحْذُورَاتِهَا: به الفتنة من محذوراتها ١٤/١٠
الحَذَارِ: فالبدارالبدار،والحذار الحذار ٢١٤/١٠٠-٢١٤/٢٥

ح.ذ.و

إحْتِذاء: وابتدعت المبتدعات بلا إحتذاء ١٤٧/١١

ح.ر.ب

حَارَبَ: وحارب في رضاك أسرته «محمّد» ٩/٢
حَارَبُوهُ: فنردّ أيدى الّذين حاربوه إلى صدورهم ١٠/٢٨
حَرْباً: ولأهل بيته حرباً من الجنّ والإنس ٦١/٦
حَرْبَاهُ: ويقول، ياويلاه واحرباه ٢١٤/١٢٩
مُحَارَبَتِهِمْ: وفرّغهم عن محاربتهم ٦٧/٩
بِمُحَارَبَتِهِ: ... ممّن قصدني بمحاربته ١٥٣/٥
عجزى عن الإنتصار ممّن قصدنى بمحاربته ١٥٢/٥
مَحَارِيبِ: ناجتك ... في محاريب قدس ٢٠٠/٣١

ح.ر.ث

حَرَثْتُ: وحرثت أرضها بأشفار عينى ٢٣٠/٢

ح.ر.ج

حَرْجَهُ: وحرّجه «ظالمى» في صدره ١٥٥/٢
حَرِجِ: من صلب متضائق العظام حَرِجِ المسالك ٨٨/١٤

ح.ر.ر

حَرِّ: وآمنّى يوم الفزع الأكبر من حرّ السّعير ٢٥٦/٥
أللّهمّ أذقه حرّ الحديد ٧١/١
الّتى لاتستطيع حرّ شمسك ١٦٢/٦
الّذى لايصبر على حرّ شمسك ٢٠٥/١٦
فكيف يصبر على حرّ نارك ٢٠٥/١٦
فكيف تستطيع حرّ نارك ١٦٢/٦
حَرُّهَا: ياربّاه أعوذبك من نار حرُّها لايطفأ ١٩٨/٧٤
آه وانفساه من نار حرّها لايطفأ ١٩٨/١٢
أعوذبك من نار حرّها لايطفى ١١٢/٨
حُرِّ: إن سحبتنى الملائكة على حرّ وجهى غداً ١٩٨/٥١
حُرِّنَا: أللّهمّ اغفر لـ.. حُرّنا ومملوكنا ١١٦/٤٩
لِحُرِّ: مولاى إرحم كبوتى لحرّ وجهى وزلّة قدمى ١٦٧/٣
حَرارَةَ: واطف عنه حرارة الشّوق ٦٧/١٧
لم يبرّد حرارة غيظه ١٥٣/٦
بِحَرارَةِ: كيف تحرقه بحرارة نيرانك ١٨٤/٧
مُحَرِّرِيكَ: من عتقائك وطلقائك ومحرّريك ١٤٣/٤٥
حَرِيراً: واجزهم جنّة وحريراً ١٤٣/٣٩
بِأَحَرَّ: تلقي سكّانها بأحرّ ما لديها ٨٨/٢٠
الْحَرَى: لذات الكبد الحرّى من المسغبة ٧٠/٦
الْحَرَائِرَ: وملح السّرارى والحرائر ٢١٤/٩٢

ح.ر.ز

لايَحْرِزُ: لايحرز السبق الرّزاح وإن جرت ٢١٩/٤٤
أَحْرَزَ: أجزل من أحرز نصيباً من رحمتك ١٠/١٤
أَحْرَزَهُ: ولايدرك شيء أحرزه ١٤٩/٢٠
أَحْرِزْ: وأحرز لي فيه «رمضان» التّوبة ١١٧/٣
إِحْتَرَزْتُ: إحترزتُ بالله ١٥٩/٢
أَحْتَرِزُ: ويك أحترز من الذّنب فاحفظنى ١٩٧/٢٩
وأحترزُ به من كلّ جبّار فاجر ٢٤٠/٢
وأحترز بسلطانك من جور السّلاطين ٢٣٦/٤
حِرْزَ: إيّاك أدعو... يا... حرز العارفين ١٤٩/١٦
وبأوي من المتشابهات إلى حرزِ معقله ١٠٩/٨
وحرز من لاحرز له ١٧٢/٨ - ١٧٣/٩
إعتمدتك حرزاً واقياً من دونك ٢٤٩/٤
في حرزٍ حارز وحصنٍ حافظٍ ٥٠/٩
حِرْزِكَ: أن تجعلني في حرزك وجوارك ٢٢/١٩
أن تجعلني في حرزك وحفظك ١٨٠/٦
أللّهمّ إنّى في ... حرزك ١٣٩/١٥
إِحْرَازَ: ما بلغت إحراز حظّي ١٦٣/٢
حَارِزٍ: فى حرزٍ حارزٍ وحصن حافظٍ ٥٠/٩
الْمُتَحَرِّزِينَ: بسم الله... مقالة المتحرّزين ٢٥٣/١

ح.ر.س

حُرِسْتُ: آه وانفساه إن حرست وحشرت ١٩٨/٥٠
أُحْرُسْ: وأحرس نفسي من الشّهوات ٢٥١/٩
وأحرس حوزتهم «أهل الثّغور» ٦٧/٢
أُحْرُسْنِيْ: واحرسنى من حيث أحترس ١١٧/٤٣
أللّهمّ أحرسنى بحراستك ١١٦/٥١
أللّهمّ أحرسنى بعينك الّتى لاتنام ١٥٦/١ - ١٥٨/١
أللّهمّ احرسنى بحراستك منه «ظالمى» ١٥٥/٥
أُحْرُسْنَا: أللّهمّ أُحرسنا بعينك الّتى لاتنامُ ٢٢/١٥
أَحْرِسْ: وأحرس نفسي من الشّهوات ٢٥٢/٣٨
إِحْتَرَسْتُ: إحترست بالله ١٥٩/٢
أُحْتَرِسُ: واحرسنى من حيث أحترس ١١٧/٤٣
لاأَحْتَرِسُ: أحترس ومن حيث لاأحترس ١١٧/٤٣
حِرَاسَتِهِ: لم تنم عنّى عينُ حراستِهِ ١٥٢/٤ - ١٥٣/٤

حَراسَتي: أين شدّة تعبهما في حراستي؟ ٦٣/١١
بِحَراسَتِكَ: أللّهمّ أحرسني بحراستك منه ١٥٥/٥
أللّهمّ أحرسني بحراستك ١١٦/٥١
الْإِحْتِراسِ: إلهي لاسبيل لي إلى الإحتراس ٢٠١/٤٠
وارزقني... الإحتراس من الزّلل في الدُّنيا والآخرة ٥٩/١٤
بِالْإِحْتِراسِ: فكيف لي بالإحتراس ٢٠١/٤٠
حارِساً: خطرات الوساوس حارساً ١٠٩/١١
حارِسَهُما: حارسهما«السّماء والأرض»أن تزولا ١٣٨/١
حُرّاسَها: وأقامت عليها حرّاسها ٢١٥/١
وطاف عليها حرّاسها ٨٢/١
ودارت عليها حرّاسها ٨٩/١

ح.ر.ص

فَهَلْ يَحْرِصُ: فهل يحرص عليها لبيب ٢١٤/٢٩ـ٢١٤/١٠٥
نَحْرِصُ: ونحرص له على وشك اللّحاق بك ١٠٣/٣
أَحْرَصَنا: السّلام عليك ما كان أحرصنا ١٤٢/٤٦
حِرْصَ: وارزقنا ... حرص المشتاقين ٢٠٠/١٨
الْحِرْصِ: العجز والبخل والحرص ١٥٣/٢٦
أعذني من ... هلع أهل الحرص ٤٤/١٢
وأعوذبك من الحرص فيها والإقبال عليها ١٢١/٤
هلع أهل الحرص ٤٤/١٢
أللّهمّ إنّي أعوذبك من هيجان الحرص ٢٦/١
حِرْصي: وازو حرصي عن كلّ مأثم ١٠١/١
حَريصٌ: لخطّا بها فيها حريص مكاثر ٢١٤/٦
الْمَحْرُوصِ: أنواع الذّخر المحروص عليه ١٤٢/٥٠

ح.ر.ف

الْمُنْحَرِفينَ: من المنحرفين عن سبلك ١٤٧/٨٨

ح.ر.ق

تَحْرِقُ: آه وانفساه من نارٍ تحرقُ الجلود ١٩٨/١٣
أَحْرَقَتْ: لهم زفرات أحرقت القلوب ٢٠٠/٣٣
أَحْرَقْتَني: إلهي إن أحرقتني لاينفعك ٢٠١/١٨
تُحْرِقُ: سيّدي أتراك تُحرق بالنّار وجهاً طالما ١٩٩/١٥٣
إلهي أتحرق بالنّار أركاني ٢٠١/٣٧
إلهي أتحرقُ بالنّار قلبي ٢٠١/٣٥
إلهي أتحرقُ بالنّار لساني ٢٠١/٣٤
إلهي أتحرقُ بالنّار عيني ٢٠١/٣٣
إلهي أتحرقُ بالنّار وجهي ٢٠١/٣٢
إلهي أتحرقُ بالنّار جسمي ٢٠١/٣٦
تُحْرِقُهُ: كيف تحرقه بحرارة نيرانك ١٨٤/٧
تُحْرِقُني: أتحرقني في النّار ياغاية المنى ٩١/٥ ـ ٢١٦/٥
فَلا تُحْرِقْني: فلا تحرقني بالنّار ١١٦/٩١
أَنْ تُحْرِقَ: فمحال أن تحرق نورك بنارك ٢٠١/٨
تَحْريقِ: تصبران غداً على تحريق النّار ٢٠٥/٢ ـ ٢٠٥/١
كيف يصبر غداً على تحريق النّار ٢٠٥/٣
كيف تصبران على تحريق النّار!؟ ٢٠٦/٢ ـ ٢٠٦/١
كيف يصبر على تحريق النّار ٢٠٦/٣
الْحَريقِ: وأن تجيرني من عذاب الحريق ١٤١/٧
وعذاب الحريق وعذاب السّعير ١٢٩/٨
بما وصفته من... عذاب الحريق ٢٥٧/١٦
حَريقُها: وجمر فراق لايبوخ حريقها ٢١٩/١٨
توارثها أعصارها وحريقها ٢١٩/٢٣

ح.ر.ك

يَتَحَرَّكُ: أو إنسٍ ممّا يتحرّك ١٥٣/٢٩
حَرَكَةٌ: يامن ... لاتعزب عنه حركة ولاسكون ٢٤٧/٣
حَرَكاتِ: فخلق لهم اللّيل ليسكنوا فيه من حركات ٢١/٢
وكانت حركات فسكنت ٢١٩/١٤
واجعل... حركاتِ أعضائنا ولمحات أعيننا ٣٠/٦
الْحَرَكاتِ: يامن يعلم علل الحركات ١٩٩/١٩٤
من تصرّف الحالات وسكون الحركات ٢١٩/١٦
وسكنت الحركاتُ ٢٠٢/١
وسكنت الحركاتُ من الطّير في الوكور ٨٩/١
مُتَحَرِّكُهُ: ساكنه ومتحرّكه ومقيمه وشاخصه ٢١/٦

ح.ر.م

حَرَمَني: وأثيب من حرمني بالبذل ٥٥/١٣
إلهي حرمني كلّ مسؤول رفده ٢٠٤/١
حَرَمُوني: وإن ألجأتني إلى قرابتي حرمونى ٥٩/٣
حَرَمْتَني: وهواى أرداني وشهواتي حرمتني ١٦٦/٨
حَرَمْتَ: وحرمت من استرفد فضلك ٣٢/٢
حَرَمْتَني: أو من أؤمّل عطاياه إن حرمتني ١٦٤/١٠
سيّدى إن حرمتنى رؤية محمّد ١٩٩/٩٢
حَرَمْتَنا: أمسينا لابغنينا أحد إن حرمتنا ٨٣/٤
فَحَرَمْتَني: غير شاكر لنعماك فحرمتنى ١١٦/٥٦
حُرِمُوا: وحرموا لشقائهم فضله ١٤٢/٤٨
حُرِمْتُ: وأنت منتجعى إن حرمت ٥٥/٢٩
فيالبتني إذا حرمت الجنّة لم أدخل النّار ٢٠١/٩
آه وانفساه إن حرمت الحور العين ١٩٨/٤٩
حُرِمْناهُ: وعلى فضلك الّذى حرمناه ١٤٢/٤٧
لايَحْرِمُ: يامن لايحرمُ زوّاره عطاياه ١٩٩/٨٠

فَلَمْ يَحْرِمْني: فيامن قلّ عند نعمته شكري فلم يحرمني ١٥٤/٢ ـ ١٥٨/٢
فيامن قلّ شكرى عند نعمه فلم يحرمني ١٩٩/١٥٤
فيامن قلّ عند نعمه شكرى فلم يحرمني ١٥٦/٣
تَحْرِمُني: لرحمتك وصفحك تحرمنى ١٨٤/١
لاتَحْرِمْني: لاتحرمني وقد رغبتُ إليك ٤٩/٨
ولاتحرمني بالخيبة منك ١٠٨/٢
لاتحرمني صحبته «محمّد» ٢٤٢/٤
ولاتحرمني ثوابك ١١٦/٩٢
فَلا تَحْرِمْني: فلا تحرمنى جزآئك الّذى ١٩٧/٤٠
سآئلاً فلا تحرمنى معتصماً فلا تسلمنى ١٦٣/١٠
إلهى فلا تحرمني خير الآخرة والأولى ١٦٣/١٤
فلا تحرمنى برحمتك الجزآء الّذى وعدتنيه ١٩٩/١٤٢
لاتَحْرِمْنا: باربّاه لاتحرمنا شفاعته «محمّد» غداً ١٩٨/٩١
فَلا تَحْرِمْنا: فلاتحرمنا فضلك لقلّة شكرنا ٨٣/٤
حَرَّمَ: وحرّم حرامك ووقف عند أمرك ١٤١/٣٠
الّذى أحلّ فيه الطعام وحرّم فيه الصيام ١٤٣/٣٤
فَحَرَّمَ: فحرّم فيه ما أحلّ في غيره إعظاماً ١١٥/٤
حَرَّمُوا: الظّلمة ... حرّموا حلالك ١١٩/٤
حَرَّمْتَ: كما حرّمت على جباهنا أن تسجد ٢٠٨/٥
ودخولى فيما حرّمت علىّ أن عدت علىّ ١٤٩/٣٠
أسألك ... الغنى عمّا حرّمت علىّ ١٣٣/٥
حَرَّمْتَهُ: بعد إذ فرضته إلى بيتك الّذى حرّمته ١٤٤/٢٢
حَرَّمْنا: وحرّمنا عليه المراضع من قبل (قرآن) ١٥٩/٢١
حُرِّمْتَ: آه وانفساه إن حرّمت رحمة ربّى ١٩٨/٢٢
يُحَرِّمُ: أللّهمّ... اجعلنى ممّن... يحرّم حرامك ١٣٥/١٤
فَحَرِّمْ: فحرّم شعرى وبشرى على النّار ٢٦٨/٢
الْحَرامِ: أفصح لنا عن الحلال والحرام ١٤٤/١٨
واجعل لنا إلى بيتك الحرام سبيلاً ١٤٣/٣٥
افتتح فيه الحجّ إلى بيته الحرام ١٤٣/٣٤
أللّهمّ وإنّى أسئلك بحقّ البيت الحرام ١١٤/٢٢
أن تكتبنى من حجّاج بيتك الحرام ١١٧/٤٢
وارزقنى حجّ بيتك الحرام ١١٦/٥١ ـ ١١٦/١١٣
وبالبيت الحرام وبالحلّ والإحرام ١٤٩/٦٥
وترزقنى الحجّ إلى بيتك الحرام ١٢٧/٤
فيه «الكتاب» الفرق بين الحلال والحرام ١٩٩/١٧
وبالحلال عن الحرام فأغنني ١٥٣/٢٣
أعوذبك من الإثم والمأثم والحرام والمحرّم ١٥٣/٢٧
حَرامِهِ: بتحليل حلاله وتحريم حرامه ١٠٩/١٦
حَرامَكَ: وحرّم حرامَكَ ووقف عند أمرك ١٤١/٣٠
فأغننا بحلالك عن حرامِكَ ٢٠٨/٥
وفرقاناً فرقت به بين حلالك وحرامك ١٠٩/١
أللّهمّ ... اجعلنى ممّن يحرّم حرامك ١٣٥/١٤
انّ الظّلمة ... استحلّوا حرامك ١١٩/٤
حِرْمانِ: نعوذبك من ... حرمان الثّواب ٢٦/٨
الْحِرْمانَ: فأفضلت عليه وهو يستوجب الحرمان ٣٩/٩
فلا تولنى الحرمان ١٩١/٥
وارحمنى من ... سوء الحرمان ٢٥٢/٣٧
حتّى استوجبت منك القطيعة والحرمان ٢٠١/٤٤
ترحمنى من ... سفع نار الحرمان ٢٥١/٤
حِرْمانِيْ: فامحُ من أمّ الكتاب شقآئى وحرمانى ٢٥١/٦٧
بِحِرْمانٍ: فلا تردّنى منك بحرمان ٢٣٩/٤
لِلْحِرْمانِ: فقد تعرّض للحرمان ٣٩/٥
حَرَمٍ: وربّ كلّ حرمٍ ومشعرٍ عظّمت قدره ١٤٩/٦٥
الْحَرَمِ: فارحم بكائى بحقّ البيت والحرم ٢١٥/٤
حَرَمِكَ: سابق المتذلّلين بحلق رأسه في حرمك ١١/٣
تذلّلاً لك في حرمك لعزّتك ٢٢٢/٢
بِحَرَمِ: وقد حلّ رجآئى بحرم كرمك ١٩١/٢
الْإِحْرامِ: وبالبيت الحرام وبالحلّ والإحرام ١٤٩/٦٥
تَحْريمِ: ولما عندك بتحليل حلاله وتحريم ١٠٩/١٦
حَريمَكَ: وإستباحوا حريمك وركبوا مراكب ٢٢٣/٤
مَحْروماً: أنقلب من عندك بالخيبة محروماً ١٩٩/٨٣
في أمّ الكتاب عندك أنّى شقى أو محروم ٢٥١/٦٧
مَحْرُومينَ: من رحمتك محرومين ٢٣٤/١
الْمُحَرَّمِ: الإثم والمأثم والحرام والمحرّم ١٥٣/٢٧
مَحْرَمِ: واكسو شهوتى عن كلّ محرمٍ ١٠١/١
الْمَحارِمِ: لاتفجعنى ...بإرتكاب المحارم ٢٢٤/٢
وورّعنى عن المحارم ٥٩/٥
مَحارِمِكَ: ووثوبى على محارمك ٢٥٧/٥
وتقطعنى عن ركوب محارمك ١٤٧/٩٤
وتعيننى على ... الكفّ عن محارمك ١٢٧/٩
أرزقنى ... الورع عن محارمك ١١٧/١٠
ويسر عنّى إلى التّوثّب على محارمك ١١٦/٢٥
أسألك ... الإنتهاء عن محارمك ٢٠٠/١٩
حُرْمَةٌ: وعليك حقّ وحرمة أن تصلّى ٢٥٦/٣
أللّهمّ أره حرمةَ أوليائك ٢٦٥/١
أو انتهكنا به حرمةً من غيرنا ١٤٢/٥٢
فرتع في مالك من لايرعى لك حرمةً ٧٠/٦
مسلم ... رعى له من ورآئه حرمةً ٦٧/٢٠
الْحُرْمَةُ: والحرمة المرعيّة والحقّ المقضىّ ١٤٢/٢٧
حُرْمَتِهِ: وإجلال حرمته ١١٥/٦
وحفظ حرمتهُ حقّ حفظها ١٤٢/٥٦

حُرْمَتِكَ: ولارعينا حقّ حرمتك ٢٠٠/٨
وما أسعد من رعى حرمتك بك ١٤٢/٣٥
بِحُرْمَةِ: المستخفّ بحرمة ربّه ٣٤/٥
أتوسّل إليك بحرمة هذا القرآن ٤٢/٣

ح.س.ن

حَسُنَ: لقد حسن ظنّي بالتّوكّل عليك ١٨٦/١
فكيف يشقى امرؤ حسن له منك النّظر ١٩٧/٢٤
بِحُرْمَةِ: بحرمة القرآن أعتمد عليك ١٩٧/٣٦ ـ ٢٢٤/٣
١١٦/٧٠ ـ ١٩٩/١٤٩
أسألك بحرمة من عاذ بك منك ٢٥٢/١
أللّهمّ إنّي أسئلك بحرمة من عاذ بك ٢٥١/١
لِحُرْمَةِ: إعظاماً منك لحرمة نبوّته «محمّد» ١٠/١٠
لِحُرْمَتِكَ: والإغفال لحرمتك ١١٥/١٨
حُرُمَاتٍ: حدودك إلى حرماتٍ انتهكتها ٨٨/١٠
الْحُرُمَاتِ: مسرفاً على نفسي بإنتهاك الحرمات ٢٣٩/٦
بما جعل له من الحرمات الموفورة ١١٥/٤
حُرُمَاتِكَ: كما عظّم حرماتك ١١/٥
أبيتُ إلاّ تفحّم حرماتك ١٥٣/٩
لِحُرُمَاتِكَ: أبيت إلاّ تفحُّماً لحرماتك ١٥٢/١٣

ح.ر.ى

تَحَرّى: تحرّى «محمّد» من حفظ حقّك ١٠/١٦
تَحَرَّوْا: الّذين «التابعين»... تحرّوا وجهتهم ١٤/٦
تَحَرِّياً: ممّا كان إجتهادهم فيه تحرّياً لمرضاتك ١٠/٢٥
التَّحَرِّي: والتّحرّي لكلّ ما يرضيك عنّي ١٦٤/٩
أَحْرى: لكنت أحرى بأن تنال شرف المقام ١٩٧/٤٦

ح.ز.ب

حِزْبُ: تفرّق حزب الشّيطان ١٩٩/٥٨
الْحِزْبُ: والحزب الّذى لانصافيه ١١٥/١٤
حِزْبِهِمْ: واحشرني في زمرتهم وتوفّني ١٤٩/٦١
حِزْبِكَ: وأدخلته في حزبك ١٤٧/٧٢
ليكون ... حزبُكَ الأقوى ٦٧/١٦
واجعلني من حزبِكَ فان حزبك هم المفلحون ٢٤٠/٣
أَحْزابِهِ: أعذني فيه من... أحزابه «الشّيطان» ١١٧/٧
تَحَزُّبُ: أحزنه تحزّب أهل الشّرك عليهم ٦٧/٢٢

ح.ز.م

أَتَحَزَّمُ: أللّهمّ... بركنك ألوذ وأتحزّم ١٩٩/٢
حَزْمَ: أسألك ... حزم أهل الخشية ١٣٧/٨
حازِمٌ: فصحّ بمعاينة أمثالهم حازم وفّقه اعتباره ٧٤/٢

ح.ز.ن

حَزِنْتُ: أنت عدّتي إن حزنت وأنت ٥٥/٢٩
لايَحْزُنُهُمْ: لايحزنهم الفزع الأكبر (قرآن) ١٩٩/٣٠
يَحْزَنُونَ: لاخوف عليهم ولاهم يحزنون ٢٤٠/٣
لاتَحْزَنْ: ولاتحزن ولتعلم أنّ (قرآن) ١٥٩/٢١
ولاتحزن وقتلت نفساً فنجّيناك (قرآن) ١٥٩/٢٠
أَحْزَنُ: وكيف أحزن وأنت الكريم ٢٠١/٣
وكيف أحزن وقد عرفتك ٢٠١/٣
لاأَحْزَنَ: ولاأحزن على ما منعتني فيها ٥٧/٨
أَحْزَنَهُ: أحزنه تحزّب أهل الشّرك عليهم ٦٧/٢٢
حُزْنٍ: لاحلول فقرٍ ولاخوفٍ ولاحزنٍ ٣٥/٣
ولاحزنٍ في عاجل دنياى وآجل آخرتى ٢٥٧/٢٦
تركتني خطيئتي في طول حزنٍ وبكاء ١٩٨/٥٨
أن نرزقنا خوفاً وحزناً تشغلنا ٢٠٠/١٤
ولاتجعل... فراقها «الدُّنيا» عليّ حزناً ٢٥١/٢٩
وأكره حزن الأصدقاء ٧٧/١٠
أللّهمّ فاكفني كلّ ... شرّ وحزنٍ ١٢٣/٢١
ولاتجعل فراقها عليّ حزناً ٢٥٢/٢٢
الْحُزْنُ: وقد غلب الحزن على فؤاده ٢١٤/٥٣ـ٢١٤/١٢٩
وصرت إلى الهرب من الخوف والحزنِ ١٦٤/١٣
أللّهمّ إنّي أعوذبك من ... الحزنِ ١١٦/١٢٦
أللّهمّ إنّي أعوذبك من الهمّ والحزن ١٣٨/٩
حُزْناهُ: آه واحزناه من تجرّع الصّديد ١٩٨/٢٧
آه واحزناه عصبت من ليس أعرف منه ١٩٨/٣٣
آه واحزناه أنا جليس من ناح ١٩٨/٣٩
آه واحزناه أنا الّذى أطعتك ياسيّدى صباحاً ١٩٨/٢٨
آه واحزناه ما أبعد السّفر وأقلّ الزّاد غداً ١٩٨/٤٠
آه واحزناه تشهد عليّ ملائكة السّمآء ١٩٨/٤٣
آه واحزناه إن طردت عن حوض ١٩٨/٤٤
آه واحزناه أنا المنقول إلى عسكر الموتىٰ ١٩٨/٤١
آه واحزناه أين المفرّ من ذنوبى غداً ١٩٨/٤٢
آه واحزناه من ربّ شديد القوى ١٩٨/٣٨
آه واحزناه ليتني لم أك شيئاً أبداً ١٩٨/٣٦
آه واحزناه إذا عرضت على الرّحمٰن غداً ١٩٨/٣١
آه واحزناه كم عاهدت ربّي فلم يجد عندى ١٩٨/٣٠
آه واحزناه كلّما طلبت التّوّابين ١٩٨/٢٩
آه واحزناه من ملائكة غلاظ شداد ١٩٨/٣٧
آه واحزناه إستترت بعملي ١٩٨/٣٥
آه واحزناه إستترت من الخلائق ١٩٨/٣٤

آه واحزناه عصيت ربّي و أنا أعلم ١٩٨/٣٢
حُزْني: وكل يبعث حزني ٢١٩/٣٩
إلهي طال حزني ودقّ عظمي ٢٠١/٢٩
أن تجعل القرآن ... جلاء حزني ٢٢/٤٠
بِالْحُزْنِ: نحلت أجسادهم بالحزن ٢٠٠/٣٩
حَزَناً: ولافراقها «الدُّنيا» عليّ حزناً ٧٨/٤
أَحْزَانٌ: إلهي في هذه الدُّنيا هموم وأحزان ٢٠٠/٤٤
الْأَحْزانِ: وآمنتهم من المخاوف والأحزان ٢٠٠/٢٩
وجنّبني فيه «رمضان» ... الأحزان ١١٧/٦
بك أستجير ... من تواتر الأحزانِ ٢٣٦/٢
أَحْزانُهُ: أحاطت به أحزانه وهمومه ٢١٤/١١٨
الْحَزينِ: أبكي بكاء الحزين ٢١٩/٢٧
مَحْزُونٍ: وكلّ محزونٍ إيّاك برتجي ١٩٩/٩٧
محزونٍ لظلامته، منسوب بولادته ٢٤٨/١
ومحزون عليه قبل فوته ١٤٢/٤٣
حُزّانَتِيْ: واستر عليّ وعلى... أهل حزانتي ١١٧/٢٨
أعطني سؤلي في ... أهل حزانتي ١١٦/١٠٧
حُزُونَةَ: أللّهمّ سهّل لي حزونة أمري ٢٢/٤٤
حُزُونَتَهُ: وسهّل لي ما أخاف حزونته ١٣٨/١٤

ح.س.ب

حَسِبْتُهُ: واغفرلي كلّ ذنب حسبته هيّناً ١٤١/١٥
أَحْسَبَهُ: إذا توكّل عليه أحسبه وكفاه ١٨٥/١
حاسَبْتُ: وحاسبت نفسي فوجدتها لاتقوى ٢٠٣/١٢
وحاسبت نفسي فلم أجدني أقوم ٢٥٧/١٤
وحاسبت نفسي فلم أجد ٢٠١/٤٦
حاسِبْهُمْ: وحاسبهم حساباً شديداً ١١٩/١٠
فَحاسِبْني: وحساباً يسيراً فحاسبني ١٥٣/٢٠
أَحْتَسِبُ: وارزقني من حيث أحتسب ١١٧/٤٣
لاأَحْتَسِبُ: ومن حيث لاأحتسب ١١٧/٤٣
حَسَبِ: ويشكرنا على حسب ما ١٠/٣١
فاحو المثوبة له على حسب ١٠/٢٢
فافتح لنا حسب كرمك باب فرج من عندك ٧٠/١٤
حَسْبُهُ: من يتوكّل على الله فهو حَسبهُ ١٥٩/٤
حَسْبُهُمْ: وهو حسبهم ونعم الوكيل ١٥٩/١
حَسْبِيَ: حسبي الله ونعم الوكيل ١٥٩/٤ - ١٢٧/١٢ - ٢٢/١٢ - ٢٢/١٧ - ٩٤/٢
حسبي الّذي لايمنّ على الّذين يمنّون ٢٢/١٧
حسبي الله الّذي يكفي ولايكفى منه شيء ٢٢/١٢
حسبي الله من خلقه ٢٢/١٢
وهو حسبي عليه توكّلتُ ١٥٥/٩
أنت حسبي وكفى ونعم الوكيل ١٣٩/٨ - ١٣٩/١٧
حسبي من لم يزل حسبي ٢٢/١٧
حسبي الله لاإله إلاّ هو ٢٢/١٧
حسبي الرّازق من المرزوقين ٢٢/١٧
حسبي الرّبّ من المربوبين ٢٢/١٧
حسبي الله الّذي لاإله إلاّ هو (قرآن) ٢٢/١٢
حسبي الخالق من المخلوقين ٢٢/١٧
توكّلت على الله حسبي الله ٢٨/٤
وأنت حسبي وكفى بك وكيلاً ١٩٩/٥٠
حَسْبُنا: فأنت حسبنا ونعم الوكيل ٢٥٦/٦
حسبنا الله وحده ١٩٩/١٩٩
حسبنا الله ونعم الوكيل ١٢٣/٣ - ٢٢/٤٥
حِسابَ: وإستوعب حساب عمره ١/٨
فإنّك ترزق ما تشاء بغير حسابٍ ١٢٨/٣
فإنّك ترزق من تشاء بغير حسابٍ ١٣٩/٤
ثمّ له الحمد... حمداً ... لاحسابَ لعدده ١/٢٨
وحساباً يسيراً فحاسبني ١٥٣/٢٠
وحاسبهم «الظّلمة» حساباً شديداً ١١٩/١٠
يارازق من يشاءبغير حساب ١٢٩/١
وفي الآخرة حسابٌ وعقاب ٢٠٠/٤٤
الْحِسابَ: قطّانٌ أرضك إلى وقت طيّك الحساب ١٦/٨
أما تذكر ما أمامك من شدّة الحسابِ ٢١٤/١٤٨
خوف المشفقين من سوء الحساب ١٩٩/٣٥
حِسابَهُمْ: تهوّن به حسابهم ١٤٣/٣٧
لِلْحِسابِ: وإذا نشرت للحساب بين يديك ١١٦/٩٥
حُسْباناً: ياجاعل الشّمس والقمر حسباناً ١٣٣/١
والشمس والقمر حسباناً (قرآن) ١٢٨/٢
إِحْتِسابٍ: وارزقني من غير إحتسابٍ ٥٥/٣٦
واستكمال ما يرضيك عنّي صبراً واحتساباً ١١٧/٨
الْحاسِبينَ: ياأسرع الحاسبين ١٨١/١ - ٤٢/٢٩
إيّاك أدعو ... يا ... أسرع الحاسبين ١٤٩/١٦
مُحْتَسِبينَ: ... صابرين محتسبين ٤٢/١٧
حَسيباً: وكفى بك حسيباً ١٦٢/٤
الْمُحاسَبِ: سؤال ... المسؤول المحاسب ٢٢٥/١

ح.س.د

حَسَدَ: نجّني من ... ضدّ أو حاسد حسد ١٦١/٢
تَحْسِدُ: وتحسد أهل النّعم ٢١٩/١١
فَاَحْسُدَ: ولاتفتنهم بما منعتني فأحسد خلقك ٩٦/٢
لاأَحْسُدَ: حتّى لاأحسد أحداً من خلقك ٥٩/١٣
حَسَدِ: ومِنْ حسد أهل البغي المودّة ٥٥/٩

من شرّ حسد كلّ حاسد ٢٢/٣٠
الحَسَدِ: أعوذبك من ... غلبة الحسد ٢٦/١
ما يلقى الشّيطان من التمنى والتظنّى والحسد ٥٥/٢١
وارزقنى سلامة الصّدر من الحسد ٥٩/١٣
أللّهمّ سلّم بي قلبي من ... الحسد ١٣٥/١٠
وخلّصنى من الحسد ٥٩/٥
حَسَدِهِ: وتؤمننى من ... حسده «من أرادنى بسوءٍ» ٦١/٩
حاسِدٍ: نجّنى من ... ضدّ أو حاسدٍ حسد ١٦١/٢
لاتسلّط عليّ من لايرحمني ولاباغياً ولاحاسداً ١٤٨/٣٣
أعوذبك من شرّ كلّ حاسدٍ وباغٍ ١٥٣/٣٠
من شرّ حسد كلّ حاسدٍ ٢٢/٣٠
وكم من حاسدٍ قد شرق بي‌بغصَّتِهِ ١٥٢/٩
الْحاسِدينَ: كفانا الله وإيّاكم بغى الحاسدين ٢٦٢/١
أعوذ بالله تعالى من ... كيد الحاسدين ٢٥٣/١
حَسَدَةِ: من جبرتى وحسدة نعمتك عندى ٤٩/١١
الْحَسَدَةِ: وادفع عنّى شرّ الحسدة ٢٥١/٣٢
إمنعنى وإيّاهم من ظلم الظّلمة وأعين الحسدة ٢٤٨/٥
وادفع عنّى شرّ الحسدة ٧٨/٦ - ٢٥٢/٢٦
حُسّادى: وخذ عنّى بأسماع ... حسّادى ١١٦/١١٤

ح.س.ر

حَسَرَ: إرحم من ... حسر عن ذراعيه ١٩٩/٤٧
إنْحَسَرَ: وزهق الباطل وإنحسر ١٩٩/١٨
إنْحَسَرَتِ: إنحسرت العقول عن كنه معرفته ٢٣٨/٢
إنحسرت الأبصار دون النّظر إلى سبحات وجهك ١٩٣/١
تَحَسَّرَ: وتحسّر على ما خلّف ٢١٤/٤١ - ٢١٤/١١٧
لايَسْتَحْسِرُونَ: لايستحسرون من عبادتك ١٢/١
حَسْرَةٌ: مافات منها «الدُّنيا» حسرةٌ ١٣٥/٤
الْحَسْرَةِ: نعوذبك من الحسرة العظمى ٢٦/٨
تسوّد وجوه الظّلمة في يوم الحسرة والنّدامة ١٠٩/٢١
حَسْرَتُهُ: عظمت لتفريطه حسرته ٢٤٢/٣
حَسَراتٌ: دون ذلك النّسيم هبوات وحسرات ٢١٩/١٤
الْحَسَراتِ: وأرهم «الظّلمة» الحسرات ١١٩/١٤
حَسَراتي: وتشتدّ حسراتي على ١٦٤/١٨
بِالْحُسُورِ: وقصاراىَ الإقرار بالحسور ١٤٦/١٤
حاسِرٌ: بمدية بادٍ للذّراعين حاسر ٢١٤/٥٩
بمديته بادى الذّراعين حاسر ٢١٤/١٣٧

ح.س.س

لاتُحَسُّ: سبحانك لاتحس ولاتحسّ ولاتمس ١٤٧/٢٦

ح.س.م

حَسْماً: وحسماً للإشتغال بما ضمنت الكفاية له ٧٦/٣
حُسُوماً: ولاتجعل برده حسوماً ٥٣/٥

ح.س.ن

حَسُنَ: لقد حسن بلاؤُه عندنا ١/٢٤
وحسن صنعه ١٤٩/٢٦
حسن ظنّى بك سبحان خالق النّور ١٣٧/١٠
وحسن أولئك رفيقاً (قرآن) ٢٥٧/٣٨
يَحْسُنُ: أيحسُن أن أرجع عن بابك ١٨٥/٢
فَلْيَحْسُنِ: فليحسن العفو من عندك ٢٣١/١ - ١٨٢/١٠
أَنْ يَحْسُنَ: أو أن يحسن عندنا ما حسَّن لنا ٥٠/١
أَنْ تَحْسُنَ: أعوذبك أن تحسن في لوامح ٢٧/١
أن تحسن فى رامقة العيون علانيتى ١٤٨/٣٠
أعوذبك أن تحسن في لامعة العيون ٢٧/٧
أعوذبك أن تحسن في مرأى العيون علانيتى ٢٧/٥
أَحْسَنَ: ما أحسن عفوك وأكرم قدرتك ١٤٣/٤٢
لاالّذى أحسن استغنى عن عونك ورحمتك ١١٦/١
ما أحسن ما فعلت بي ياربّ ٢٤٨/١٠
أنت الّذى ... أحسن صنع ما صنع ١٤٧/٢٠
ها أنا ... راج أحسن ما لديك ١٨٦/٥
متنجّز ما وعدت من الصّفح عمّن أحسن بك ظنّاً ١١٦/٥٩
ما أحسن بلاءَك عندي وأحسن فعالك ١٤٨/١٧
ما أحسن ما صنعت بي ياربّ إذ هديتني للإسلام ٢٤٨/٧
ربّ وما أحسن بلاءك عندي ١٦٤/١٢
عمّن أحسن بك ظنّاً ١١٦/٢٢
أَحْسَنُوا: الّذين أحسنوا بالحسنى (قرآن) ٢١/٤ - ١/٨
أصحاب محمّد خاصّة الّذين أحسنوا الصحابة ١٤/٣
أَحْسَنْتَ: كما أحسنت فيما مضى منه ياأرحم ٢٠٣/٥
فإن تعف فربّما ... أحسنت فتفضّلت ١٣٥/٧
وقد أحسنت بي في الدُّنيا إذ لم تظهرها ١٩٧/١٢
بما أحسنت لي النظرو أقلتني العثرة ١٤٨/٣
أللّهمّ كما أسأت وأحسنت إليّ ١٠٢/١
فَأَحْسَنْتَ: ووعدتني فأحسنت ١٤٩/٢٩
وأبدعت فأحسنت ١٩٩/١٠
وصوّرتنى فأحسنت تصويرى ١٩٩/١٧٠
وحفظتني فأحسنت حفظى ١٩٩/١٧٦
رزقت فأحسنت ٢٥٩/١
أللّهمّ فكما أسأت فأحسنت إليّ ٢٧/٢
أللّهمّ كما أسأت فأحسنت إليّ ٢٧/٦
أَحْسَنّا: إن أحسنّا ودّعنا بحمد ٢١/٨

تُحْسِنُ: لأنّك تحسن فيما بيني وبينك وأسيء ٤٠/٣
فَتُحْسِنُ: فتحسن هنالك ضيافتي ١٩٧/٣٤
فتحسن عند ذٰلك ضيافتي ١٩٩/١٣٩
أَحْسِنْ: أحسن عليه عوني ٤٤/٤
أحسن بتوفيقك عوننا عليه ٥٠/٦
أللّهمّ أحسن عنّا جزاءه «محمّد» ١٤١/٢٨
وأحسن لي فيه «رمضان» العافية ١١٧/٤
فَأَحْسِنْ: فأحسن عليّ فيهم الخلف ١٤٩/٧١
حَسَّن: أو أن يحسن عندنا ما حسَّن لنا ٥٠/١
حَسَّنْتَ: واجعلني ممّن... حسّنت عمله ١١٦/١٠٨
ربّ إنّك قد حسّنت خلقي ٣٥/١
ربّ حسّنت خلقي ٢٥٧/٢٣
حَسَّنْتَهَا: ولاعائبة أؤنّب بها إلاّ حسّنتها ٥٥/٨
حَسِّنْ: وحُسّن في جميع أحوالي عملي ٥٥/٤٠
إِسْتَحْسَنُوا: الخبر ممّا إستحسنوا ٢١٩/٤٥
حُسْنِ: سيّدي لم أسلّط على حسنِ ظنّي ١٩٩/٨٤
ياذاالجلال والإكرام عند حسن ظنّي بك ١٧٣/٧
وحسن النّجافي منها ٢١٩/٢
وهبني حسن المستعقب من نفسي ٢١٩/١
أللّهمّ خصّنا ... حسن الشّكر ٢٣٤/٢
فقد آذنني حسنُ ثقتي بثوابك ١٨٦/٢
وحسنِ الظّنّ بك ١٤٧/٧٩
وأسألك حسن الرّفادة ١٤٦/١٤
إحسانك إليّ يدلّني على حسن نظرك ١٩٧/٢٤
وآثره حسن النيّة ٦٧/١٧
وارزقني فيها ... حسن عبادتك ١١٧/٣٢
أحمده على حسن البلاء ١٢٣/٤
وعرّفه «محمّد» ... من حسن الشّفاعة ٩/٤
ونجنح إلى الّتي هي أبعد من حسن العاقبة ٩٢/٢
أللّهمّ لك الحمد على حُسن قضائك ٥١/١
أرزقني حسن الإنابة ٤٩/٢٠
فإنّ حسن نظرك لي قد أطلقني ١٩٩/١١٩
فإنّ حسن ظنّي بك قد أجارني ١٩٧/٣ - ١٩٩/١١٩
وقد أظلّها حسنُ توكّلي عليك ١٩٧/٤
أرزقني حسن النظر فيما يرضيك عنّي ١٥٣/١٢
إلهي كيف أيأس من حسن نظرك ١٩٧/٩
يُشبه حسن ظنّي بك ٦٠/٣
أللّهمّ إنّي أسألك حسن المعيشة ٧٨/١
أنلني حسن النّظر فيما شكوت ٢٤/٥
تتولّى حسن عملي بقبول إحسانك ١٩٧/٢١
وسمني حسن الولاية وهب لي صدق الهداية ٥٥/٣٣
لك الحمد على حسن بلآئك ١٨٧/٨
وحسن تقديرك لي في جميع الأمور ٣٩/١١
وكن عند حسن ظنّي بك ٣٧/٢
وامنحني حسن الإرشاد ٥٥/٣٠
يامن وعدهم على نفسه بتفضّله حسن الجزاء ٣٤/٨
وعلّمني حسن التّقدير ٧٩/٣
ولايبطيء بي حسنُ صنيعك ٨٨/١٦
أللّهمّ وقد عرّفتنا من حسنِ إجابتك ٧٠/١٤
وخفض الجناح وحسن السيرة ٥٥/١٥
على حسن صنيعك إليّ ١٦٣/١
تبعثهم بها على إعتقاد حسن الرّجاء لك ١٤/٩
صلّ على محمّد وآله وارزقنا حسن مصاحبته ٢١/٩
بما فتحت لنا من حسن القول فيهم ١٢/١٥
وأستعمل حسن الظّنّ في كافّتهم ٦٥/٣
حسن مواساتِهم «جبراني» بالماعون ٦٥/٢ - ٦٦/١
وأخاف من اغتابني إلى حسن الذّكر ٥٥/١٤
وامنحني حسنَ الدعة ٥٥/٣٤
ياسيّد السّادات عند حسن ظنّي بك ٤٢/٢٨
وأنطق بـ... حُسنِ الثّنآء عليك لساني ٦١/٥
وهب لنا حسن شمآئل الأبرار ١٠٩/١٠
حسن ظنّي بك جرّأني على معاصيك ٢١٢/٦
سيّدي كيف آيس من حسن نظرك ١٩٩/١٢٣
في هذه اللّيلة الإجابة وحسن الإنابة ١١٤/٦
لِحُسْنِ: ولاتخلى الرّاجين لحسن تطوّلك ١٩٩/١٨٠
بِحُسْنِ: وأرني مصاديق إجابتك بحسن توفيقك ٢١٩/٢
ووفد بحسن ظنّه إليك ٣٤/٢
فكيف لايبتهج رجآئي بحسنِ موعدك ١٩٧/٢٣
واجعلني ... متأدّباً بحسن تأديبك ٢٦٨/٣
أحبّ إليّ لنفسي... ما... يدلّها بحسن نظرك ١٩٧/٣٨
وسهّلت جواسي ألسنتنا بحسن عبارته ١٠٩/٥
إعصمنا منه بحسن رعايتك ٥٠/٣
تتردّد إلى خلقك بحسن الصنيع ٩١/٦
وأدنيتني بحسن نظرك وبرّك ١٩٩/١٧٣
وإصرفني بحسن نظرك لي عن ورطة المهالك ١٩٩/٣٣
وتولّ أمورنا بحسن كفايتك ١٩٦/٢
ولاتفرح أمنيتي بحسن مزيدك ١٩٩/١٣٢
ويظهر الحقّ بحسن صورته ٧٠/٨
وأعنّي على التّهجّد لك بحسن الخشوع في الظّلم ٣٦/٨
وأقلني عثراتي بحسن إقالتك ٨٨/٢٢
ويا من تحمّد إلى خلقه بحسن التّجاوز ٣٤/٨
وأعنّي على صحبتهم بحسن الصّبر ٧٩/٥

فأرنى مبشّرات من إجابتك تفى بحسن الظّنّ بك ٢٤٩/٤
أن هديتني بحسن دعائك ١٩٩/١٢٢
بِالْحُسْنِ: وتقدّس بالحسن والجمال ٧/٢ - ٢/٢
مَحَاسِنِ: أو حشتنى الخطايا من محاسن ١٩٩/٨٧
ومن محاسن آلائه الجواد إكمال آلائه ١٩٩/١٠٧
والحمدلله الّذى إختارلنا محاسن الخلق ١/١٩
مَحَاسِنُهُمْ: محاسنهم فيها بوال دوائر ٢١٤/٢ - ٢١٤/٧٧
مَحَاسِنِي: إذا أكلت الدّيدان محاسني واللّحم ١٩٨/٤٧
بِمَحَاسِنِ: وفّقهم لـ... الأخذ بمحاسن أدبك ٦٥/٢
الأخذ بمحاسن أدبك في إرفاق ضعيفهم ٦٦/١
إِحْسَانٌ: وظنّي فيك إحسانٌ ٢٠١/٢٢
وزد في إحسانِ المنيبين ١٧٣/١٠ - ٧/٨
ولالغيرى في إحسانٍ منك ٢٢٧/٤
إلهى ما وصفت من ... إحسانٍ أوليته ١٩٧/١٧
وأظهرت حسناتى... تفضّلاً وإحساناً ١٤٩/٣٣
واجزهما «والِدىّ» بالإحسان إحساناً ١١٦/٤٧
إحساناً من صنيعك إلىّ ٤٦/٤
الحمدلله ... المشكور على كلّ إحسانٍ ١٩٩/٥
وفضلاً وإحساناً ٢١/٩
أبيت إلاّ إحساناً وأبيت إلاّ تقحّم حرمانك ١٥٣/٩
وأقدم إحساناً إلىّ ٦٣/١٠
هلال ... ونعمة وإحسانٍ ١١٠/٧
أبيت يامولاى إلاّ إحساناً وامتناناً ١٥٢/١٣
ٱلْإِحْسَانِ: ونعم ما فعلت من الكرم والإحسان ٢٠١/٢٦
ياذاالمنّ والإحسان ولايمنّ عليك ١٢١/١
ياقديم الإحسان ١١٦/٢٦
ياالله ياذا ... الفضل والإحسان ١٣٤/١
وإن كنت لاتكرم إلاّ أهل الإحسان ١٩٩/١١٠
بلّغنا برحمتك غنآئم البرّ والإحسان ١٩٩/٣٤
من كثرة كرمك مع الإحسان ٢٠١/١
كافأناك على الإحسان بالإساءة ٢٠٠/٥
عادتك الإحسانُ إلى المسيئين ١٤٦/٧
ونسيت شكر ما أوليتنى فيها من الإحسان ١٩٩/٦٩
وصاحب سهّل سبل الإحسان ١٤٢/٣٤
هل بقى لي عندك وجه الإحسان ٢٠١/٤٤
جعلت تلك الأسباب لخصائص من أهل الإحسان ٢٤٩/٢
واستحقّ من عندك فوت الإحسان ٣٩/٥
ووفّر علىّ حظوظ الإحسانِ من إفضالك ١٤٧/١١٢
وإلهامك الشُّكر على الإحسان والإنعام ٨٨/١٨
وعادتك الإحسان وسبيلك العفو ٩٨/٤ - ٨/٨
لهم زفرات ... في مراتع الإحسان ٢٠٠/٣٣

من الرّأفة بي والإحسان إلىّ ٤٠/٣
إِحْسَانُهُ: وجلّ إحسانه إلينا ١/٢٤
وسبّلنا فى سبل إحسانِهِ ١١٥/٢
يامن إلى ذكر إحسانه يفزع المضطرُّون ٤٩/١
ولايحصى إحسانُهُ وجميل بلائه ١٤٩/٢٦
أحمده على جزيل إحسانِهِ ١٩٩/٥٤
إِحْسَانُكَ: ولو لاإحسانك إلىّ وسبوغ ١٦٣/٢
يقرع باب إحسانك بدعائه ١١٦/١٠٣
إذ جميع إحسانِكَ تفضّلٌ ٣٤/٢
إلهى تتابع إحسانك إلىّ يدلّنى ١٩٧/٢٤
وتتمّ إحسانَكَ فيما بقى من عمري ٢٥٣/٥
وتمّم إحسانك إلينا ٨٧/٧
وما كان ذٰلك جزاء إحسانك إلينا ٨٧/٦
وعفوك تمام إحسانك إن أنت أتممته ١٩٧/١٧
إلهى ... فقرى لايغنيه إلاّ عطفك وإحسانك ١٩٢/١
إلاّ حصل عليه من إحسانك ما يلزمه شكرك ٨/١
تتولّى حسن عملى بقبول إحسانك ١٩٧/٢١
إلاّ حصل عليه من إحسانك ما يلزمه شكراً ٩٨/١
أين إحسانُكَ القديم ١١٦/٢٧
وإسمع لي بعظيم إحسانك ١٩٩/٨٢
سيّدى إن لم تنشلنا يد إحسانك يوم الورود ١٩٩/١١٣
وما قدر عملى في جنب نعمك وإحسانك إلىّ ١١٦/٨٣
ولم يباعدنى عن إحسانك تعرّضى لعصيانك ١٩٩/١٧٣
سيّدى ألقتني الحسنات بين جودك وإحسانك ١٩٩/١٣١
إلهى ربّيتني في نعمك وإحسانك صغيراً ١١٦/١٦
وقد علمنا بفضلك وإحسانك ياكريم ١١٩/٣١
إلهى ... أتيتك طامعاً في إحسانك ١٨٦/٧
ياربّ هذا مقام من... ألف إحسانك ونعمك ١١٦/٣٥
وإنّ معادن إحسانك لاتفنى ١٤٢/٥٧
وإحسانُكَ أكثر من أن تشكر على أقلّه ١٤٦/١٣
وإحسانُك أو فى ونعمتك أتمّ ١٤٦/١٢
وإحسانُك دلّني ٣٩/١٣
أو كالمنكر فضل إحسانِك إليه ٨٠/٢
وتدخلني الجنّة وبفضلك وإحسانك ١٣٠/٦
لم تمنعك إساءتى عن إتمام إحسانك ١٥٢/١٣
مقرّ لك بأنّى لم أستسلم وقت إحسانك ٣٤/٣
من فضلك ونعمتك وإحسانك ياكريم ١٤١/١٢
أوليتنى من إحسانك ٤٠/١
إلاّ حصل عليه من إحسانك ٩٨/١
إِحْسَانِيْ: أن تجعل... إحسانى في علّيين ١١٧/٣١
وإحسانى في علّيين ١٤١/٣

فوعزّتك ما بزين ملكك إحسانى ١٦٩/١
بِإِحْسانٍ: لاأتوسّل إليك بإحسان ٢٤٨/٩
أللّهمّ وأوصل إلى التّابعين لهم بإحسان ١٤/٥
بِإِحْسانِهِ: فيامن ربّانى في الدّنيا بإحسانه ١١٦/١٦
رجوت ممّن تولاّني في حياتي بإحسانه ١٩٧/٨
لِإِحْسانِهِ: لنكون لإحسانه من الشّاكرين ١١٥/١
لِإِحْسانِكَ: ولاغافلاً لإحسانك فيما أبليتني ٥٧/٧
ولاغافلاً لإحسانك فيما أعطيتني ١٢٦/٣
بِإِحْسانِكَ: وبإحسانك على إساءتي ١٦٧/٣
فاستنجدنا بإحسانك على عصيانك ٢٠٠/٣
وأدلّ عليك بإحسانك ١٢٨/٩
ياسيّدى لاتكذّب ظنّى بإحسانك ١١٦/٩٢
إلهى منّ علىّ بإحسانك ٢٠٦/١٦
ولو شئت ما تردّدت إلىّ بإحسانك ٣٦/٤
واعترافاً بإحسانك وإحصاءً لمِننك ٥٥/٢٢
لاوجلاً مدلاًّ عليك بإحسانك إلىّ ٤٠/٢
بِالْإِحْسانِ: فأنت العوّاد بالإحسان ١٩٩/١٥٦
أعود بالإحسان وأهل التّقوى ١٤٧/٩٨
كان موصوفاً بالإحسان ١٤٢/٢٠
يامن تحمّد إلى عباده بالإحسان والفضل ١٤٢/٢٢
أنت مشهور بالإحسان ٢٠١/٢٧
لست أعرف سواك مولى بالإحسان موصوفاً ١٨٥/٢
فتباركت أن توصف إلاّ بالإحسان ٨/١٨
واجزهما «والدىّ» بالإحسان إحساناً ١١٦/٤٧
وأمرتنا بالإحسان إلى ما ملكت أيماننا ١١٦/١٣٢
أللّهمّ ... فكن آخراً بالإحسان ٣١/٢
تبتدىء بالإحسان نعماً ١١٦/٢٩
من التّابعين لهم بالإحسان إلى ١٠/٣٠
إنّك المتفضّل بالإحسان ٤٦/٧
ولكنّك إبتدأتنى بالإحسان ١٦٣/٢
أنت ... العائد علينا بالإحسان ٢١٤/٧٣
واجعلنى اللّهمّ أجزى بالإحسان مسيئهم «جيرانى» ٦٥/٣
فتباركت أن توصف إلاّ بالإحسان ٩٨/١١
مُحْسِنٌ: ذين وذين مسيء أو محسنٌ ١٩٧/٢٢
ومحسن مخلص في بصيرته ١٩٩/١٣١
يامحسن يامجمل ١١٦/٢٧
الْمُحْسِنِ: الحمدلله المحسن المجمل ٨٣/٢
إنّك ... المحسن المجمل ذوالطّول ٩٧/٦
أنت المحسن ونحن المسيئون ١١٦/٣٠
ياكريم المآب والمحسن الوهّاب ٢٣٩/٣
الْمُحْسِنُونَ: قرب المحسنون وبعد المسيئون ١٨٤/٩

من رحمتك الّتى يتوقّعها المحسنون ٢٠١/٣١ - ١٩٩/١٤٣
الْمُحْسِنِينَ: ياضامن جزآء المحسنين ١٠٣/٥
يامن قربت رحمته من المحسنين ١٩٩/٣٤
وارحمنا كما رحمت المحسنين ١٣٩/٣
لانضيع أجر المحسنين ٢٢/٢٢
يامن لايضيع لديه أجر المحسنين ٨٠/١
وليجزينا على ذٰلك جزآء المحسنين ١١٥/١
حَسَنٍ: وكم من ظنّ حسنٍ حقّقت ١٥٢/١٢
ياحسنَ الصُّحْبَةِ ياخليفة النّبيّين ١١٧/٣٤
من ذاالّذى يقرض الله قرضاً حسناً (قرآن) ١٤٢/١٢
حَسَنُ البلاّء كريم الثّناء ٨٣/٣
ووعدتهم عليه وعداً حسناً ٧٧/١
وعدتني منك وعداً حسناً ٢٥٧/٣٧ - ٣٥/١٤
فاستجب لي ... ياحسنَ الأسماء ١٢٤/٢
ياحَسَنَ التّجاوز وتوفّني على ملّة إبراهيم وفطرته ١٢٣/١٤
يامن لم يزل فعله بي حسناً جميلاً ١٩٩/٦٧
الْحَسَنِ: السّابق الفائق الحسن النّضير ٢٦٧/٣
وعلىّ ومحمّد وعلىّ والحسن ٨٧/٨
والحسن‌بنِ علىّ ٤٢/١٥
وبحقّ الحسن وسمته ١٨٠/٥
وولاية ... الحسن‌بن علىّ ١١٩/١٧
والّذين أبلو البلاّء الحسن في نصره ١٤/٣
أللّهمّ صلّ على ... الحسن المجتبىٰ ١٨١/٤
صلّ على ... الحسن‌بن علىّ العسكرى ١٨١/٤
فاطمة والحسن والحسين ٤٢/١٥
الحسن‌بن علىّ عبدك وولىّك ٤٢/١٣
والحَسنِ والحسينِ عَبدَيكَ ٤٢/٥
وولاية الحسن والحسين سبطى نبيّك ١١٩/١٦
بحقّ محمّد وعلىّ وفاطمة والحسن والحسين ٢٥٥/٧
بِالْحَسَنِ: وبالحسن والحسين ٨٧/٨
الْحِسانِ: الحور الحسان والأنهار المطّردة ٦٧/٥
حَسَنَةً: وآتنى في الدُّنيا حسنةً ١١٧/٣١
ربّنا آتنا في الدُّنيا حسنةً (قرآن) ١٤٣/٥٦ - ١٣٣/١٢
الحمدلله ... صاحب كلّ حسنةٍ ٨٣/٢
وآتنا في الدُّنيا حسنةً وفى الآخرة حسنة ٦٤/١٦ - ٨٧/١٠ - ٥٥/٤٢ - ١٤٣/٥٦
ليس لي حسنةٌ سبقت لي في طاعتك ٢٠٦/١٣
وفى الآخرة حسنةً وقنى عذاب النّار ١٢٩/٨
حتّى لاتفوتنا حسنةٌ نستحقّ بها جزائك ٣٠/٦
الْحَسَنَةِ: فى إحسان منك في حالِ الحسنة ٢٢٧/٤
يامن يثمر الحسنةَ حتّى ينمّيها ١٤٦/٣

الجنّة مع أفعالك الحسنةِ الجميلة ٢٠١/١٠
إنّك تقى الكريهة وتعطى الحسنةَ ٨٨/٢٢
وأن أشكر الحسنةَ وأغضى عن السّيّئة ٥٥/١٤
بِالْحَسَنَةِ: من جاء بالحسنةِ (قرآن) ١٤٢/١٠
حَسَنَاتٍ: وحسناتٍ تَتَقَبَّلُها ١١٦/١١٢
لك الحمد عدد حسناتِ خلقك وسيّئاتهم ١٦/٥
أو بأيّ حسناتٍ سبقت منّي في طاعتك ٢٠٥/١٢
الْحَسَنَاتِ: الإقلاع عمّا يحبط الحسنات ١٤٧/٩٣
يامبدّل السّيّئات بأضعافها من الحسناتِ ٩/٥ - ٦٣/٨
إلهى ألقتني الحسناتُ بين جودك وكرمك ١٩٧/٢٢
من نظائرهنّ في القرآن من تضاعيف الحسنات ١٤٢/١٣
وهب كثير السّيّئات بقليل الحسناتِ ١٩٩/١٠٩
سيّدى ألقتني الحسناتُ بين جودك وإحسانك ١٩٩/١٣١
ويتولّى كتّاب الحسنات عنّا مسرورين ٣٣/٣
حتّى أعمل الحسنات شوقاً ٥٩/٩
وأجزل لنا فيه من الحسنات ٢١/٩
ويضاعف من الحسنات القليل بالكثير ١٢٣/١٢
حَسَنَاتِهِ: بل لقلّة حسناته بين سيّئاته ١٠١/١٠
حَسَنَاتِهِمَا: فاجعله ... زيادةً في حسناتهما ٦٣/٨
حَسَنَاتِي: إلهى، لو سألتني حسناتي لوهبتها لك ٢٠٨/١
حتّى لاتخلّف عليّ شيئاً تنقصه من حسناتى ٢٥٢/٣٠
أن تقاصّنى به من حسناتى ٥٩/٨
فما أصغر حسناتي وأقلّها في كثرة ذنوبي ١٦٤/١٣
وأظهرت حسناتى القليلة الصّغار منّاً منك ١٤٩/٣٣
وحسناتى في علّيّين وذنوبي مغفورة ١٢٩/٣
وحسناتى مضاعفة زاكيّة ١٦٤/٢٣
عليّ شيئاً منه تنقصه حسناتى ٢٥١/٣٨
أسألك... أن تجعل... حسناتي في علّيّين ١٣٧/٣
فوعزّتك ما تزيّن ملكك حسناتى ٢٥٧/٣
وعدّدت سيّئاتى فأصبتها تسترق حسناتى ٢٥٧/١٤
ولاتحبط حسناتى بما يشوبها من معصيتك ١٤٧/١١٤
فوعزّتك ما تعزّ ملكك حسناتى ٢١٠/١
حَسَنَاتِنَا: بما كتبوا من حسناتنا ٣٣/٣
واملأ لنا من حسناتنا صحائفنا ٢١/١٠
بِحَسَنَاتِي: تقرّباً إلى المخلوقين بحسناتي ١٤٨/٣١
تقرّباً إلى النّاس بحسناتى ٢٧/٨
مُسْتَحْسَنٍ: وأعنّى على... مستحسن العمل ١٤٧/٩٥
أَحْسَنُ: أنت أحسن الخالقين ٢٤٧/١٠
وتردّنى إلى أحسن عاداتك عندى ١٧٣/٢
ياذاالجلال والإكرام عند أحسنِ ظنّى بك ١٧٢/٦
وأعد حالى إلى أحسنِ ماكانت عليه ١٧٢/٩
تبارك الله أحسنُ الخالقين ٢٥١/١٨ - ٢٥٢/١١
وذكرك أحسنُ وجارك أمنع ٢٥٧/٨
وبعملى إلى أحسنِ الأعمال ٥٥/١
وانته بنيّتى إلى أحسن النيّات ٥٥/١
ويسّره لي على أحسن الوجوه وأجملها ٩٣/١
فردّني إلى احسن عاداتك ٤٢/٢٤
دبّرني بها إلى أحسن عاداتك وأجملها عندى ٤٢/٢٣
فنكل عن أن يرى الحقّ في أحسنِ صورته ١٠/٣
وتعيدنى إلى أحسنِ عاداتك عندى ١٧٢/١
أن أكون لعدوّك أحسنَ طاعةً منّى لك ٣٦/١
رحمةً منت بها إلى أحسنِ طاعتك ٣٦/٥
لأنّ بلاءك عندى أحسنُ البلاء ٢٤٩/٩
أللّهمّ أثنى عليك أحسنَ الثّناء ٢٤٩/٩
أبدى للنّاس أحسنَ أمرى ٢٧/٨
وكن لي عند أحسنِ ظنّى بك ٨٧/٣
أنت ... أحسنُ الخالقين ٢٣٧/٤
بِأَحْسَنِ: أسألك الأخذ بأحسن ما أعلم ١٢٥/٣
فأبدي لك بأحسن أمري ١٤٨/٣١
ووصفتها بأحسن الصفة في كتابك ٢٥٧/١١
تحلّوا بأحسنِ السّنّة ٢١٩/٤٢
وصفوا الإسلام بأحسنِ صفاتهم ٢١٩/٤٢
أللّهمّ عافنى بأحسن عافيتك ١٢١/١٢
بِأَحْسَنِهِ: واختم عملي بأحسنه ١١٦/١٢١
الْحُسْنىٰ: ويامن له الأسماء الحسنىٰ ١٦٣/٨
أنت ياالله ثلاثاً لك الأسماء الحسنىٰ ١٣٨/٢
ياالله لك الأسماء الحسنىٰ ١٣٩/١ - ١٣٧/٢ - ١٤١/٢ - ١٣٥/٣
أللّهمّ لك الأسماء الحسنىٰ ١١٧/٣٠
وبأسمائك الحسنى وبنعمك الّتى لاتحصى ١٤١/٦
ما تدعوا فله الأسماءُ الحسنىٰ (قرآن) ٢٢/١١ - ٤٧/١
يامن له الأسمآء الحسنىٰ ١٣٢/٤
لك الأسماء الحُسنىٰ والأمثال العليا ١٣٠/٢ - ١٣٣/٢
فأستديمه عادة الحسنىٰ ٩٩/٢
لك الأسماء الحُسنىٰ ١٢٩/٢
يامن لم أزل أتعرّف منه الحسنىٰ ٩٠/٤
عصيت من ليس أعرف منه إلاّ الحسنىٰ ١٩٨/٣٣
بِالْحُسْنىٰ: أحسنوا بالحسنىٰ (قرآن) ٢١/٤ - ١/٨
الْحُسَيْنِ: وبالحسن والحسين ٨٧/٨
... عليّ بن الحسين ٤٢/١٥
وبحقّ الحسين وشهادته ١٨٠/٥
صلّ على ... عليّ بن الحسين زين العابدين ١٨١/٤
صلّ على ... الحسين الشّهيد بكربلاء ١٨١/٤

فاطمة والحسن والحسين ٤٢/١٥
وعليّ بن الحسين زين العابدين ٤٢/٦
والحسن والحسين عبديك ٤٢/٥
من ذرّيّة الحسين عليّ بن الحسين ١١٩/١٧
وولاية الحسن والحسين سبطي نبيّك ١١٩/١٦
بحقّ محمّد وعلي وفاطمة والحسن والحسين ٢٥٥/٧

ح.ش.د

الْإِحْتِشادِ: وتبّطهم بالفرقة عن الإحتشاد عليهم ٦٧/١٢
مُحْتَشَداً: ولأهل ملّتك مجمعاً ومحتشداً ١٤٢/٥٩

ح.ش.ر

حُشِرْتُ: آه وانفساه إن حرست وحشرت ١٩٨/٥٠
حتّى تَحْشُرَنا: حتّى تحشرنا يوم ١١٩/٣٠
يُحْشَرُ: يحشر إلى ربّهم بالحبآء ١٩٧/٤٧
في يوم الدّين يوم يحشر الظّالمون ١٣٥/٩
أَحْشُرْني: احشرني في زمرتهم ياأرحم الرّاحمين ٢٣٧/١٠ ـ ٢٤١/١٠ ـ ٢٣٩/١٣
إجعلني من أتباعه وشيعته واحشرني في زمرته ٢٤٦/٦
واحشرني في زمرتهم وتوفّني في حزبهم ١٤٩/٦١
أللّهمّ أحشرني في زمرتهم ١٣٢/١٤
أَحْشُرْنا: واحشرنا في زمرته «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
فَاحْشُرْني: فاحشرني مع محمّد وآله الطّيّبين ٢٠٣/١٤
الْحَشْرِ: إلى يوم الحشر والمأب ٢١٤/٨٨
أسألك سؤال ... المشفق من الحشر ٢٤٥/١
وإن كان لايفوز يوم الحشر إلاّ المتّقون ١٩٩/١١٠
إختلطنا في الخزى يوم الحشر بذوى الحجود ١٩٩/١١٣
وإذا أخرجتْ بصيحة الحشر الهائلة ١١٨/٤
حَشْري: مولاى وارحمني في حشري ونشري ١٦٧/٦
مَحْشَري: إن كان إلى جهنّم محشرى ٢٠٦/٧

ح.ش.ر.ج

حَشْرَجَ: فارحمني إذا ... حشرج صدرى ٢٠٣/١٣
الْحَشارِجِ: وهوّن بالقرآن... ترادف الحشارج ١٠٩/١٧

ح.ش.م

أَحْتَشِمُ: ومن ذي رحم كنت أحتشم منه ٨٨/١٢

ح.ش.و

حَشا: قد حشا مسامعي رافع ١٩٧/٤٥
أُحْشُ: وأحشُ قلوبنا نوراً يمنعها من الشّبهات ١٩٩/٣٥
الْمَحْشُوَّةُ: المحشوّة بالآفات ١٩٦/١

ح.ش.ى

خاشا: حاشا لوجهك الكريم أن تخيّبني ١٨٤/٢
خاشاكَ: حاشاك ولاأخاف على نفسي إلاّ إيّاك ٣٤/١٢
ولاأستعين بحاكم غيرك حاشاك ٤٢/٨
خاشِيَةِ: تفسّح حاشية الإبل ٢١٩/٤٣
حَواشِي: وتوكيداً بين حواشي القلوب ١٠/١٠

ح.ص.د

تَحْصُدُ: تحصد به شوكتهم ٦٧/١٤
أُسْتُحْصِدَ: أللّهمّ وقد أستحصد زرع الباطل ٧٠/٧
خاصِدَةً: فأتح له «الباطل» من الحقّ يداً حاصدةً ٧٠/٨

ح.ص.ر

أُحْصُرْني: واحصرني عن الذّنوب ٥٩/٥
لاتَنْحَصِرُ: ولاتنحصر لها «الصلاة» عدّة ١٩٩/١٨

ح.ص.ص

بِحِصَّتي: وأن ترضيني بحصّتي فيما قسمت لي ٨٨/١٨
أَحَصِّ: واجعل ميرهم في أحصّ أرضك ٦٧/١٥

ح.ص.ل

حَصَلَ: إلاّ حصل عليه من إحسانك ٨/١ ـ ٩٨/١
حَصَلُوا: إلهى ... منك أقصى مقاصدهم حصلوا ١٨٩/٤
حَصَلَتْ: أو حصلت لي قبلهُ حيّاً ١٠١/٢
تَحْصيلٌ: ولايدركه تحصيل ولاعدد ١٩٩/٥١
بِتَحْصيلِ: بتحصيل معرفتك ١٩٩/١٨٦
فكيف لي بتحصيل الشُّكر ١٨٧/٦
بِمَحْصُولِ: فعرفوك بمحصول فطن القلوب ٢٠٠/٤٠

ح.ص.ن

فَحَصَّنْتَني: فحصّنتني من بَأسه بقدرتك ١٥٣/٨ـ١٥٢/٩
لاتُحَصِّنُ: ولاتحصّن منه القصور ١٤٩/٢٣
حَصِّنْ: وحصّن به ديارهم «أهل الإسلام» ٦٧/٩
وحَصّن رزقى من التلف ٥٥/٣٥
وحَصّن ثغور المسلمين بعزّتك ٦٧/١
حَصِّنّي: حصّنّى بحصنك الّذى وقيتهم ١٥٥/٦
وحصّنى بعافيتك ٦١/١
تَحَصَّنْتُ: بسم الله تَحصَّنتُ ٢٢/٣٥
حِصْنٌ: ولاحصن يحجبني عنك ٨٨/٧
وباحِصْنَ اللاّجين ١٩٥/١
في حرزٍ حارزٍ وحصنٍ حافظٍ ٥٠/٩

حِصْنِكَ: إجعلني من السّالمين في حصنك ٢٠٣/١
تجعلني من طوارق الهموم والغموم في حصنك ٢٢٤/٥
بِحِصْنِكَ: حَصِّنّي بحصنك الّذي وقيتهم به ١٥٥/٦
الْحُصُونُ: ولادفعت عنه الحصونُ ٢١٤/٩٤ ـ ٢١٤/١٩
فبنى الحصونَ والدّساكر ٢١٤/١٧
حُصُونَها: وامنع حصونها منهم «المشركين» ٦٧/١٥
تَحْصيناً: وعبدٍ لك أنشأته تحصيناً لأمّتك ٢٢٢/٢
مُتَحَصِّنٌ: فإنّي متحصّن بك ١١٤/٢١
الْحَصين: الكهف الحصين ٢٠/٣ ـ ١١٣/٣
حَصينَةً: ربّ اجعل جُنّتي من خطاياي حصينةً ١٦٤/٢٣
الْحَصينَةَ: وألبسني درعك الحصينة ٧٨/٧ـ٢٥٢/٢٦ـ٢٥١/٣٢
وألبسه «ولي عصر» درعك الحصينة ١١٩/٢٢
مُحَصَّناً: محصّناً من لواحق الرّيآء ١٩٩/١٩١

ح.ص.ى

أَحْصىٰ: أحصى ما ظلم به نفسه ٨٠/٣
آه وانفساه من الكتاب وما أحصى ١٩٨/٧
سبحان الّذي أحصى كلّ شيء علمه ١٣٤/٢
فوا أسفاً على ما أحصى كتابك من عملي ١١٦/٦٩
أَحْصاهُ: فياسوْأتا ممّا أحصاه عليّ كتابك ١٦٢/٣
بل كلٌّ قد أحصاهُ علمك ٢٣٤/٦
أَحْصَيْتَ: أنت الّذي أحصيت كلّ شيءٍ عدداً ١٤٧/١٦
أللّهمّ إنّك قد أحصيت ذنوبي فاغفرها لي ٢٥/٣
أَحْصَتْهُ: ما أحصته في كتابك الكتبة ١٤٧/٣٦
أَحْصَيْتَهُ: هو ياربّ ممّا قد أحصيته عليّ ٥٩/٧
فأنا المقرّ بما أحصيته وجنيته ١٩٩/١٣٥
أَحْصَيْتَهُمْ: وقد أحصيتهم بمعرفتك ٦٧/١١
أَحْصَيْتَها: كم من خطيئة أحصيتها عليّ ٢٢٩/٩
لاٰيُحْصىٰ: لايحصى له الخلائق عدداً ٢٢٢/١
لاٰيُحْصيهِ: لاينقطع أبداً ولايحصيه غيره ٢٢٧/٣
لاٰيُحْصيها: ذى المنن الّتى لايحصيها العادّون ١٩٩/٧
بالأضعاف الّتى لايحصيها غيرك ١١٥/٢٧
فكم لك عندي من نعمة لايحصيها ١٤٨/١٧
أَنْ يُحْصيَهُ: أن يحصيه القائلون ١٩٩/١٧٢
تُحْصي: واجعل ختام ما تحصى ٣٣/٥
لاٰتُحْصي: وكيف لاتحصى ما أنت صنعته ١٦٦/١
أُحْصيها: كثرت عليّ منك النّعم فما أحصيها ١٦٤/١٢
لاٰأُحْصيها: منن قد سبقت منك لاأحصيها ٢٥٧/١٥
أَنْ أُحْصِيَ: من أن أحصى لك عيوبى ٢٩/١٥
لاٰيُحْصىٰ: ولايحصى عددها ٨٨/٢٣
الذّنوب الكثيرة الكبيرة الّتى لايحصى عددها ١٤٨/٧
ولايحصى إحسانه وجميل بلائه ١٤٩/٢٦
لاٰتُحْصىٰ: باذاالنّعمآءِ الّتى لاتحصىٰ ١٥٨/٣
بعزيمة الله الّتى لاتحصى ٢٢/٢٦
باذاالنّعماء الّتى لاتحصى عدداً ١٥٦/٤ ـ ١٥٤/٣
وبأسمائك الحسنى وبنعمك الّتى لاتحصى ١٤١/٦
أَنْ تُحْصىٰ: من أن تحصى بأسرها ١٤٦/١٣
أَحْصِهِمْ: وأحصهم عدداً ١١٧/٣٣
إِحْصآءِ: إلهي... أعجزني عن إحصاء ثنآئك ١٨٧/١
وإعترافاً بإحسانك وإحصاءً لمننك ٥٥/٢١
عظم فضلك عن إحصاء المحصين ٢٠٠/١
إِحْصائِهِ: حمداً يعجز عن إحصائه الحفظة ١٢٧/٣٦
إِحْصائها: صلاةً لايقدر على إحصائها غيرك ٤٢/١٦
كثرت أياديك فعجزت عن إحصائها ١٩٩/١٤٧ ـ ١٩٧/٣٥
فآلآؤك جمّة ضعف لساني عن إحصائها ١٨٧/٥
بِإِحْصائِها: وضقت ذرعاً بإحصآئها «المنّة» ١٩٩/٦٩
مُحْصٍ: أنت محص لما أريد التّفوّه ٢٢٩/١٣
الْمُحْصي: المحصى لبرّته ١٤٩/١٩
الْمُحْصينَ: عن إحصاء المحصين ٢٠٠/١
أَحْصىٰ: ما أنت أحصىٰ لها خشوعاً ٨٠/٥

ح.ض.ر

حَضَرَني: وأشهد من حضرني من ملآئكتك ١٩٩/١٢
حَضَرَتْ: وقد حضرت أوقات صلواتك ٢٠٥/١ـ٢٠٦/١
أَحْضَرُوهُ: من قد أحضروه لغسله ٢١٤/١٢٧ـ٢١٤/٥١ـ٢١٤/١٢٧
تُحْضِرُهُ: ما تحضره به كفاية المتوكّلين ١٩٩/٣٩
أَحْضِرْهُ: أحضره ذكرنا عند طلبته إليك فى أمّته ١٠/٣١
يُحاضِرَني: ويحاضرني بحقّي ٤٤/٩
إِسْتَحْضَرْتُنا: واستحضرتنا دعوتك الّتى لابدّ ٣٣/٤
حَضْرَةِ: أتيتك ... وافداً إلى حضرة جمالك ١٨٦/٨
حَضْرَتِكَ: التّهجّم على مقدّس حضرتك ١١٨/١
بِحَضْرَةِ: في دار الفناء بحضرة الأكفاء ٨٨/١٢
بِحَضْرَتي: مظلوم ظلم بحضرتي ١٠٠/١
حاضِرٍ: أو سبّ حاضرٍ وما أشبه ذلك نطقاً ٥٥/٢٢
لكلّ مسألة منك سمع حاضرٌ ١١١/١
سبحانك حاضرٌ كلّ ملاءٍ ٤/١١
ولانفضحنا في حاضرِ القيامة بموبقات آثامنا ١٠٩/١٩
عوّضه من فعله عوضاً حاضراً ٦٧/٢١
الْحاضِرينَ: خاصّتك الحاضرين لديك ٨/٢٧
حاضِرَةً: أعدني عليه عَدْوىً حاضرةً ٤٤/٥
مَحْضَري: وزيّن بهم «ولدى» محضري ٦٤/٣
أَحْضَرُهُمْ: أحضرهم لكفاية المتوكّلين عليك ٢٥١/٥٧

ح.ض.ض

حَضَضْتَ: وحضضت على إعطآء السّآئلين ١٩٩/١١٦
يَحُضُّنا: ما قد يحضّنا على مسألتك ٧٠/١٤
حَضّاً: حضّاً لهم على أداء مضمون شكرك ٢٤٩/١

ح.ض.ن

الْحَواضِنِ: علىّ قلوب الحواضن ١٩٩/١٧١

ح.ط.ب

إحْتَطَبْتُ: إقراري لك بما إحتطبت على نفسي ٢٤٩/١٧
حَطَبٌ: ولايكون لجهنّم حطبٌ سواى ٢٣٠/٣

ح.ط.ط

حَطَّ: وحطّ طمعي بفنآء جودك ١٩١/٢
حَطَطْتَها: ولارايةً إلاّ نكّستها وحططتها ٧٠/٩
حَطَطْتَني: درجةً إلاّ حططتني ٥٥/٥
تَحُطَّ: وتحطّ عنى وزرى وتعفو عن سيّئتي ١٢٧/٩
وتحطّ بتلاوته «الكتاب» وزرى ٢٥٣/٤
بساحتك تحطُّ رحال الرّاجين ١٨٧/٣
أَنْ تَحُطَّ: والقدرة والحول أن تحطّ عنّى وزرى ١٢٠/١٢
أَنْ تَحُطَّها: خطيئة أن تحطّها عنّى ٢٥٧/٢٠
أَحُطُّ: أم مع المثقلين أحطّ ٩١/٣
وبفنائك أحطّ رحلى ١١٦/٨٩
أُحْطُطْ: وأحطط عنّى وزرها «التبعات» ٨٠/١٤ ـ ٨١/٢
واحطط بالقرآن عنّا ثقل الأوزار ١٠٩/١٠
وأحطط من قاعاتها ومظانّها منارهم ٢٢٣/٥
حُطَّ: وحطّ وزرى ولاتذكّرنى بخطيئتي ١١٦/١٣٠
حطّ عنّى كلّ خطيئة ١٤٨/٣٤
حُطُّوا: وللمثقلين حطّوا ٩١/٣
حَطٌّ: وعافية وشدّ أزر وحطّ وزر ٢٢٢/٥
حِطَّةً: إلهى... إن كان الإستغفار من الخطيئة حطّة ١٨٢/٧
وإن يكن الإستغفار حطّة للذّنوب ٨١/٨
واستعملنا بما يكون حطّة وكفّارة ١٤٢/٥٣
إن يكن الإستغفار حطّةً للذّنوب ٨٠/٢٤
فاجعله حطّةً لذنوبهما ٦٣/٨
إنْحِطاطِ: ويبأس وليّ من مبلى وانحطاط هواى ٥٩/١٤
حاطّاً: أللّهمّ إنّى أصبحت... حاطّاً بفنائك ١٦/١
مُسْتَحِطّينَ: فدعوناك مستحطّين ٢٠٠/٦

ح.ط.م

الْحُطَمَةِ: وصفته «العذاب» ... الحطمة ٢٥٧/١٦
ألقه «من يؤذينى» في الحطمة الكبرىٰ ١٦٠/٢
حُطامِها: دواعى الدُّنيا وحطامها الهامد ١٦٤/١٩
واجعل ما خوّلتني من حطامها ٧٩/٦

ح.ظ.ر

حَظَرْتَ: ما نالنى من فلان بن فلان ممّا حظرت ٤٤/٢
وأيّما عبد نال منّى ما حظرت عليه ١٠١/٢
أو حظرت علىّ رزقك ٥٧/٣
والتّحفظ ممّا حظرت فيه ١١٥/٦
فَلا تَحْظُرْ: فلا تحظر علىّ رزقى ولاتكلنى إلى ٥٩/٢
مَحْظُورٍ: ومن طيّب رزقك ياربّ غير ممنون ولامحظور ارزقني ٢٥١/٢٢ ـ ٢٥٢/١٤
حتّى لانبسط أيدينا إلى محظورٍ ١١٥/٨
مَحْظُوراتٍ: لمن سألكها غير محظوراتٍ ٨٢/٢

ح.ظ.ظ

حَظَّ: المغفل حظّ نفسي ١٦٣/١٤
أنت مفزع المضيّع حظّ نفسه فلك الحمد ياإلهى ١٥٣/٣
أو فرهم «الأنبياء» حظّاً من رضوانك ١٠/١٤
وأو فرهم حظّاً منه ١٤٢/٥٥
نصيباً أنال به حظّاً من رضوانك ١٤٧/٧٧
في كلّ ساعة من ساعاته حظّاً من عبادك ٢١/١١
أسألك أن تجعلني من أو فرهم منك حظّاً ١٨٩/٦
الْحَظَّ: وتوفّر عليهم الحظّ من عوائدك وفوائدك ١٤٧/٥٨
حَظِّهِ: ومن أغفل منّى عن حظّه ٤٩/١٢
حَظِّهِمْ: وترغيبك الّذى فيه حظّهم ١٤٢/١٤
حَظُّكَ: ليكون ... حظّك الأوفىٰ ٦٧/١٦
حَظّي: فلا تجعل حظّى من رحمتك ما عجّلت ٥١/١
ويحول بينى وبين حظّى منك ١٤٧/٨٧
سيّدى أعطيتني فأسنيت حظّى ١٩٩/١٧٦
ما بلغت إحراز حظّي ١٦٣/٢
واجعل حظّى منه إجابته ١١٤/٢٣
لاتجعل حظّى من هذا الدُّعاء تلاوته ١١٤/٢٣
وحظّى فيه «رمضان» الأوفر ١١٣/١٤
لم تجعل ... حظّى فيمن أهنت ٢٤٨/١٠
لِحَظِّ: مفزع المضيّع لحظّ نفسه الملتجئ ١٥٢/٣
حُظُوظِ: إلهى ... آتنا من حظوظ الدّارين ١٨٧/٧
ووفّر على حظوظ الإحسان من إفضالك ١٤٧/١١٢
الْحُظُوظِ: واجعل لي أو في الحظوظ فيما ٦٥/٥

ح.ظ.و

فَأَحْظَيْتَهُ: أفنى بذكرك لبله فأحظيته ٢٠٢/٣ ـ ٢٠٢/٥
أَحْظىٰ: فأتفرّغ لما هو أحظىٰ لي عندك ٨٨/١٦

ح.ف.د

حَفِيدٍ: وأعذني وذرّيّتي... ومن شرّ كلّ مترفٍ حفيدٍ ٦/٦١

ح.ف.ر

حَفَرَتْ: إلهي أسكنتنا داراً حفرت لنا ١/١٩٦
حُفْرَتِهِ: رددته في مهوىٰ حفرته فانقمع ٨/١٥٢
حُفْرَتِهَا: قد أضجعت في قعر حفرتها ١٣٧/١٩٩
إلهي كأنّي بنفسي قد إضطجعت في حفرتها ٣٢/١٩٧
حُفْرَتي: قد نزلت بك وحيداً في حفرتي ٩٧/١١٦
فارحمني سيّدي يوم يفردني النّاس في حفرتي ٢٢/٢٤٩
حُفَرَ: أسكنتنا داراً حفرت لنا حفر مكرها ١/١٩٦
حافِرُ: ووجّه لمّا فاظ للقبر حافر ١٢٧/٢١٤ ـ ٥١/٢١٤
الْحَفَائِرُ: وضمّنتهم تحت التّراب الحفائر ٧٩/٢١٤ـ٤/٢١٤

ح.ف.ظ

حَفِظَ: وحفظ حرمته حقّ حفظها ٥٦/١٤٢
حَفِظَاهُ: واحفظ لهما «والدىّ» ما حفظاه ٧/٦٣
حَفِظْتَ: إجعلني وإيّاهم ممّن حفظت ٥/٢٤٨
فإنّه لاضيعة على من حفظت ١٢/٢٠٠
حَفَظْتَنِي: وحفظتني في المهد طفلاً صبيّاً ١٧٠/١٩٩
وحفظتني فأحسنت حفظي ١٧٦/١٩٩
فَحَفِظْتَهُ: وراقدٍ استودعك نفسه فحفظته ٢/٢٠٢
واستودعك نفسه فحفظته ٥/٢٠٢
حَفِظْتَهُنَّ: ألّلهمّ وعليّ تبعاتٌ قد حفظتهنّ ١٤/٨٠
حُفِظْتَ: حفظتَ بالله ٢/١٥٩
فَتَحْفَظُنِي: اللّيل والنّهار في تقلّبي فتحفظني ٣٢/١٤٩
إِحْفَظْ: واحفظ لنا ما نسيناه ١٥/٥٠
وإحفظ من قبل بالتّسليم والرّضا دعوته ٢٦/١٠
واحفظ لهما ما حفظاه «والدىّ» في صغري ٧/٦٣
إِحْفَظْنِي: إحفظني بحفظ الإيمان ٦/١٥٥ ـ ٣/٢٩ ـ ٣/٢٨
وإحفظني بعينك الّتي لاتنام ٧/٢٣٦
وإحفظني في يقظتي ونومي ٥/٢٣٦
وإحفظني وخلّصني من كلّ معصية ٣٢/٢٢
وإحفظني بحفظك ٥١/١١٦
إِحْفَظْنَا: واحفظنا فيه من مباشرة ٨/١١٠
واحفظنا من بين أيدينا ١٢/٢١
وقنا منك وإحفظنا بك ٩/١٥
فَاحْفَظْنِي: وبك أحترز من الذّنب فاحفظني ٢٩/١٩٧
إِسْتَحْفَظْتُ: وإستحفظتُ بالله خير الحافظين ٢/١٥٩
أَسْتَحْفِظُكَ: ألّلهمّ إنّي... أستحفظك ذلك كلّه ٩/١٣٩
نَسْتَحْفِظُ: وإيّاك نستحفظ ٥١/٢٠١
حِفْظِ: وتعبنني على ... حفظ فرجي ٩/١٢٧
فلا يؤدك حفظُ خلقك ٥/٢٤١
ولكلّ نازلٍ بك حفظاً ٥٧/١٤٩
تحرّى «محمّد» من حفظ حقّك ١٦/١٠
حفظاً عاصماً من معصيتك ١٢/٢١
ألزم قلبي حفظَ كتابك كما علّمتني ١٢/١٥٣
حِفْظُهُمَا: لايَؤُدُّهُ حفظهما (قرآن) ٣/١٨ ـ ٦/١٥٩
حِفْظَهُمْ: وأتولّى حفظهم كأنّهم لم يذنبوني ٢٤/٢٠١
حِفْظِهَا: وحفظ حرمته حقّ حفظها ٥٦/١٤٢
حِفْظِكَ: تجعلني في حفظك في الدّين ٢٢/٤٢
أضف عليّ سرادقات حفظك ١٦/١٣٩
ألّلهمّ إنّي في كنفك وحفظك ١٥/١٣٩
ألّلهمّ اجعلني في حفظك ١٦/١٢٣
أن تجعلني في حرزك وحفظك ٦/١٨٠
أن تجعلني في ... حفظك وأمانك ٩/٢٢
حِفْظي: لانسيان من حفظى له ١٣/٤٩
وحفظتني فأحسنت حفظى ١٧٦/١٩٩
بِحِفْظِ: احفظني بحفظ الإيمان ٣/٢٨ ـ ٣/٢٩ ـ ٦/١٥٥
بِحِفْظِهِ: علمها «الأمور» بحفظه ١٠/١٤٩
بِحِفْظِكَ: واحمه «وليّك» بحفظك ٦٣/١٤٧
واحفظني بحفظك ٥١/١١٦
التَّحَفُّظَ: والتّحفظ ممّا حظرت فيه ٦/١١٥
وارزقني التّحفّظ من الخطايا ١٤/٥٩
بل بالتّعاهد والتّحفظِ لك وفيك ١١/١١٧
حافِظٍ: في حرزٍ حارزٍ وحصنٍ حافظٍ ٩/٥٠
وحافظَ الأصحاب الحافظين ٣/١٥٩
ألّلهمّ إنّي أسألك بأنّك... حافظٌ لاتغفل ٥/١٣٠
وأنت حافظاً بل أنت خيرٌ حافظاً ٩/١٣٩
فأنت الله خيرٌ حافظاً وأنت أرحم الرّاحمين ٥/٢٣٦
الْحافِظُ: الحافظ أعمال خلقه ١٩/١٤٩
أنت إلهي مفزعي وملجأي والحافظ لي ٥/١٧٣ ـ ٤/١٧٢
كلّ من يعنيني أمره بالله الحافظِ اللّطيف ٣/١٥٩
حافِظَهُمَا: وحافظهما أن تزولا ٢/١٣٥
الْحافِظِينَ: واستحفظت بالله خير الحافظين ٢/١٥٩
وحافظ الأصحاب الحافظين ٣/١٥٩
الحافظين لأركانها ١٢/١١٥
حَفَظَةَ: وجعلتهم ... حفظة دينك ٥٧/١٤٧
الْحَفَظَةِ: والحفظة الكرام الكاتبين ١٢/١٢
حمداً يعجز عن إحصائه الحفظة ٣٦/١٤٧
مُحافِظاً: محافظاً على ريآء النّاس ٧/٢٧ ـ ٣٠/١٤٨
مُحافِظِينَ: وعلى الصلوات محافظين ١٨/٢٠٦

حَفيظٌ: قال ... إنّي حفيظ عليم (قرآن) ٢٢/٢٢
مَحْفُوظاً: واجعلني في كلّ حالاتي محفوظاً ٥٩/٦
الْمَحْفُوظُ: ولزمنا له الذّمام المحفوظ ١٤٢/٢٧
الْمَحْفُوظينَ: واجعلني من المحفوظين ١٢٧/٥
مَحْفُوظَةٌ: وأعمال العاملين لديك محفوظة ٢٥٥/٥

ح.ف.ف

حَفَّتْ: وحفّت بها أنهارها والدّساكر ٢١٤/١٩
وحفّت بها أنهاره والدّساكر ٢١٤/٩٤
إرحم من ... حفّت به جناياته ١٩٩/٤٣
حَفَفْتَهُ: شعبان الّذي حففته منك ١١٣/٧
الْحُفُوفِ: ولاتثقل أركاني عن الحفوف ٦٣/٣
حَفيفَةً: وإذا سبّحت به حفيفة السّحاب ١٢/١١
مَحْفُوفَةً: فتتلقّاهم... محفوفة بالنّضارة والنّور ١٩٩/٦١

ح.ف.و

لايُحْفيكَ: إلهي أنت الّذي لايحفيك سآئل ١١٦/١٠٥
حَفيّاً: فكن بحوائجي حفيّاً ٥٩/١١

ح.ق.ب

إسْتَحْقَبْتُها: مقرّاً بـ... أوزار إستحقبتها بما ١٦/٢

ح.ق.ر

لايُحَقِّرُ: أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... وكيلٌ لايحقّر ١٣٠/٤
لايُحْتَقِرُ: يامن لايحتفر أهل الحاجة إليه ١٤٦/١
إحْتِقارِ: نعوذبك من ... احتقار الصّغيرة ٢٦/٥
حَقيرٍ: من صغير حقيرٍ أو خطير كبير ١٩٩/٥٦
كلّ شريفٍ في جنب شرفك حقيرٌ ١٤٦/٤
فارحمني اللّهمّ فإنّي امرؤ حقيرٌ ١٦٢/٧
أنّ خطير ما أستوهبك حقيرٌ في وسعك ٣٩/٨
الْحَقيرُ: سجد وجهي الحقيرُ الذّليل ٢٥١/١٩ ـ ٢٥٢/١٢
وسألتك مسألة الحقيرِ الذّليل ١٤٧/٨٠
فإنّي عبدك ... الحقيرُ المهين الفقير ٥٧/٦
أتضرّع إليك ياربّ تضرّع المذنب الحقيرِ ٢٠٦/١٥
حَقيرُكَ: حقيرك ببابك ياكريم ٢٢٨/١

ح.ق.ق

حَقَّتْ: والنّاس... حقّت عليهم الشّقوة ١٩٩/٥٨
لايَحِقُّ: ولايحقّ له أن ترضىٰ عنه بإستيجابه ٨/٤
حَقَّقْتَ: وكم من ظنّ حسنٍ حقّقت ١٥٢/١٢
تُحَقِّقُ: تحقّق أمل الآملين ٢٣٩/٧
أَنْ تُحَقِّقَ: وأن تحقّق رجائي فيما ١٣٨/١٧
أن تحقّق ظنّي بما أؤمّله من جزيل إكرامك ١٨٦/٤
حَقِّقْ: وفرّح قلبي وحقّق ظنّي ١١٦/١١٤
وحقّق رجائي لك ٣٧/٢ ـ ٨٧/٢
وحقّق في رجآء رحمتك أملي ٥٥/٤٠
إلهي حقّق رجآئي وآمن خوفي ١١٦/١٠٠
وحقّق ظنّي فيما رجوت ١٩٧/٣٩
فَحَقِّقْ: فحقّق رجآءنا ياموٰلانا ١١٦/٣٨
فحقّق رجآئي ١١٦/٢٠
فحقّق فيك أملي ١٩١/٢
إسْتَحَقَّ: واستحقّ من عندك فوت الإحسان ٣٩/٥
واجعلنا في نظم من استحقّ الرّفيع الأعلى ١١٥/١٧
إسْتَحَقَّهَا: الخائف سطوتك الّتي استحقّها ١٦/٧
يَسْتَحِقُّ: فمتى كان يستحقّ شيئاً من ثوابك لامتى ٩٨/٨
ولقد كان يستحقّ في أوّل ما همّ بعصيانك ٩٨/٩
وهو يستحقّ المنع ٣٩/٩
ولقد كان يستحقّ ياإلهي في أوّل ٨/١٦
فمتى كان يستحقّ شيئاً من ثوابك لامتى ٨/١٤
يَسْتَحِقُّهُ: كما يستحقّه حمداً كثيراً ٢٤٠/١
وأدّنا إلى القيام بما يستحقّه من الطّاعة ١٤٢/٥١
لايَسْتَحِقُّ: وطلبت طلبة من لايستحقّ ٢٥٧/٢٨
وطلبت طلبة من لايستحقّ نجاح الطلبة ٣٥/٥
تَسْتَحِقُّهُ: ولك الحمد تستحقّه لعظيم حقّك ١١٨/٨
لَمْ تَسْتَحِقَّ: سؤلها وإن لم تستحقّ منك ٢٣٧/٥
أَسْتَحِقُّ: عملاً أستحقّ به كرامتك ١٣٧/٩
تعفو عنّي حين أستحقُّ عفوك ٤٩/١٨
عبادة أستحقّ بها جزيل مثوبتك ٢٤٤/٤
ولافي عملي ما أستحقّ به عفوك ٥٥/٢٤
فَأَسْتَحِقَّ: فأستحقّ بذلك خذلانك ٥٥/٢٠
لاأَسْتَحِقُّ: سيّدي أنا أسألك ما لاأستحقّ ١١٦/١٠١
لاأَسْتَحِقُّهُ: أطمعني في أن أسألك ما لاأستحقّه ٤٠/١
فقد سألتك من فضلك ما لاأستحقّه ٢٥٧/٧
نَسْتَحِقُّ: حتّى لاتفوتنا حسنة نستحقّ بها جزائك ٣٠/٦
حَقَّ: ويقيناً تنفع به من استيقن به حقّ اليقين ١٧١/٤
وجاهدوا فيك حقّ جهادك ٨٣/١٧
لتلك الدّعوة عليك حقٌّ ٢٢٠/٨
إلتزمت الصّيام الّذي جعلته حقّاً ١٤٤/١٩
وعليك حقٌّ وحرمة ٢٥٦/٣
لإله إلاّ الله حقّاً حقّاً ٢٢٤/١
ويسلكه أهله بالأمنة حقّ سلوكه ٢٢٣/٧
كأنّ الّذي تفعله بي أراه حقّاً واجباً عليك ٣٦/٤
وحقٌّ له أن يسجد ٢٥١/١٧
ومن حقّي ذي حقّ لزمني لمؤمن فلم أوقّره ١٠٠/٢

حقٌّ للدّاء أن يذوب على طول مجانبة الأطبّاء ٢١٩/٤٠
وحقّ لمن دعاك بالندم تذلّلاً ١١٢/١
وطريقة حقٍّ لاأزيغ عنها ٥٥/٦
إنّ وعد الله حقٌّ (قرآن) ١٥٩/٢١ ـ ٢٠٧/٢٥
أنّه بشّر بما هو حقٌّ من الثواب ٢٤٦/٤
جاهد «محمّد» في الله عزّوجلّ حقّ الجهاد ٢٤٦/٤
فاجعلنا ممّن يرعاه حقّ رعايته ١٠٩/٥
إحتمل عنّي حقّ الآباء والأمّهات ٢٤١/٩
والنّاس ... ولايستعملون حقّاً ١٩٩/٥٨
وأو من به حقّ إيمانه ١٩٩/٥٤
اوضاع قلبي لهما من حقّي ٦٣/٨
وقام بحدوده حقّ قيامها ١٤٢/٥٦
واتّقى ذنوبه حقّ تقاتها ١٤٢/٥٦
وحفظ حرمته حقّ حفظها ١٤٢/٥٦
من رعى حقّ هذا الشّهر حقّ رعايته ١٤٢/٥٦
سبحانك ما عبدناك حقّ عبادتك ١٢/٩
... وحقٌّ له أن يسجد ٢٥٢/١٠
وأسألك باسمك الأعظم الّذي حقٌّ عليك ١٣٦/٣
أعوذبك باربّ أن ... أقول لباطلٍ هذا حقٌّ ١٣٥/١٣
ياالله ياحقُّ ياالله ياوكيل ١٣٤/١
ووعده «الله» حقٌّ ٢/٨
فهما «والدي» أوجب حقّاً عليّ ٦٣/١٠
أشهد أنّك جاهدت في الله حقّ جهاده ٢٥٥/٢
أو ضيّعاه لي من حقٍّ ٦٣/٩
مجاهداً فيك حقّ جهادك ٨٣/٧
وما حقّ من إعتصم بحبلك أن يخذل ١٩٥/٣
متعفّراً في التّراب لخالقي وحقٌّ له ٢٢٦/١
ولارعينا حقّ حرمتك ٢٠٠/٨
أللّهمّ أنت الفاعل وقولك حقّ ١١٦/١٥
الْحَقِّ: إهدني في كلّ سبيل من سبل الحقّ ١٤٨/٣٤
إله الحقّ آمين ٨٣/١٨
كما أو جبت لنا الحقّ على الخلق بسببه ٦٣/٤
ووفّر من النصر زاده حتّى يعود الحقُّ ٢٢٣/٧
ما أوضح الحقّ عند من هديته سبيله ١٨٩/١
أثبت الحقّ في سرائرنا ١٨٨/٢
واجعل لي في الحقّ طريقاً من كلّ رحمة ١٤٧/١١٢
والحقّ الّذي إذا أقسمت به أوجبت ٢٠٢/٤
فأسمع من أذنت له في الإستماع من الحقّ ١٠/٣
وأظهر كلمة الحقّ واجعلها العليا ٢٥٥/٨
وقلت وقولك الحقُّ ٢٠٥/١٣
أعوذبك من ... إيثار الباطل على الحقّ ٢٦/٢
ياإله الحقّ إرحم دعآء المستصرخين ١٧٣/١٠ ـ ٧/٨
وياسمك الّذي تفرّق به بين الحقّ والباطل ٢٣٥/٢
وعدك الحقُّ الّذي لاخلف ١٧٢/٧ ـ ١٧٣/٨
في سبيلك مع أوليائك تحت راية الحقّ ١٢٧/١٠
وميزان قسط لايحيف عن الحقّ لسانه ١٠٩/٤
واهدنا به لما اختلف فيه من الحقّ ١١٩/٢٥
أنت ... الحقُّ المبين ١٨١/٣
فقلت وقولك الحقُّ الأصدق ٧٦/٤
وشفى من هيام الغليل حتّى علا الحقُّ وظهر ١٩٩/١٨
أللّهمّ أنت الملك الحقُّ المبين ٨٣/١
فنكل عن أن يرى الحقَّ في أحسن صورته ١٠/٣
جعلته «محمّد» لحمى الحقّ أن يستباح مانعاً ١٠/٨
لما نبغ من الباطل بسيف الحقّ دامغاً ١٠/٨
وارزقني الحقَّ عند تقصيري في الشُّكر لك ٥٩/١٢
يظهر الحقُّ بحسن صورته ٧٠/٨
أللّهمّ فأتح له «الباطل» من الحقّ ٧٠/٨
أسفرلنا عن نهار الحقّ والعدل ٧٠/١١
... ونصرة الحقّ وإعزازه ١٢/١٣
واسلك بنا سبيل الحقّ بإرشادك ١٥/١٥
والحرمة الرعيّة والحقُّ المقضيّ ١٤٢/٢٧
ربّ إنّك قلت ... وقولك الحقُّ ٧٧/٧
وجعلته «محمّد»... بين الحقّ والباطل فارقاً ١٠/٦
واسلك بنا سبل الحقّ بإرشادك ٨/٢٥
إلهي أنت قلت وقولك الحقُّ ١٩٤/٥
أرسله بالهدى ودين الحقّ ١٢٣/٧
ولو لاأنّه يصوّر لهم الباطل في مثال الحقّ ٨/١٠
فيزيله عن الحقّ إلى المعاطب ١٩٩/٩٩
صوّر لهم الباطل في مثال الحقّ ٩٨/٥
حَقِّهِ: عوناً على تأدية حقّه ووظايفه ١/٢٩
الحمدلله والحمد حقُّهُ كما يستحقّه ٢٤٠/١
وفّقنا لمتابعته وأداء حقّه ١١٩/٢٩
وللمتخلّفين عن ضوء نهار حقّه ١٠/٨
ولايستقصى من أحد حقَّهُ ١٠١/١١
أللّهمّ ... وأوفه «عبد» حقَّه من عندك ١٠١/٤
حَقَّهُمَا: هيهات ما يستوفيان منّي حقّهما ٦٣/١١
حَقَّهُمْ: أوجبت حقّهم ومودّتهم «محمّد وآله» ٢٠/٥
حَقَّكَ: على حسب ما أبلى في حقّك ١٠/٢٢
أللّهمّ فكما ... عرفت تضييعي حقَّك ١٤٨/١١
في كثير ما يجب من حقّك علىّ ٢٣٠/٢
فترك من حقّك ٨/١٦
ولم أؤدّ حقّك ١٤٩/٣٤

الناطق بحكمك وحقّك ٤٢/١١
وتحرّى «محمّد» من حفظ حقّك ١٠/١٦
ولك الحمد تستحقّه لعظيم حقّك ١١٨/٨
وبلغ «محمّد» مجهود الصّبر في إظهار حقّك ١٠/٤
ترك من حقّك ٩٨/١٠
خير خلقك الدّاعي إلى حقّك ٢٣٦/٧
وحقّنا أضعنا لاكبير حقّك ٢٠٠/١١
على ما قصّرنا فيه من حقّك ١٤٢/٥١
حَقّي: وزدهم «جبراني» بصيرة في حقّي ٦٥/٥
حَقَّنا: وحقّنا أضعنا لاكبير حقّك ٢٠٠/١١
بِحَقّ: وخلّصني ياربّ بحقّ محمّد وآل محمّد ١٧٤/١ - ١٧٤/٥ ـ ١٧٤/٢ ـ ١٧٤/٣ ـ ١٧٤/٤
إلهي ألأمان الأمان بحقّ محمّدٍ ٢٠٧/٢٧
وبحقّ الأنبياء والمرسلين ٢٠٧/٢٧
وبحقّ من تعبّد لك فيه ١١٥/١٦
أللّهمّ إنّي أسئلك بحقّ هذا الشّهر ١١٥/١٦
لزوم ما ليس لنا بحقّ ٢٦/٣
بحقّ محمّد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين ٢٥٥/٧
أسئلك بحقّ شهرنا هذا وأيّامه ١١٤/٢٠
أللّهمّ وإنّي أسألك بحقّ البيت الحرام ١١٤/٢٢
بحقّ من قرنت موالاته بموالاتك ١٤٧/٨٣
بالإله إلاّ أنت بحقّ لإله إلاّ أنت ١١٧/٣٦
بحقّ من وصلت طاعته بطاعتك ١٤٧/٨٣
بحقّ من إخترت من بريّتك ١٤٧/٨٣
بحقّ من انتجبت من خلقك ١٤٧/٨٣
بحقّ محمّد وآله صلّى الله عليه ٢١١/٢
بحقّ محمّد وآل محمّد صلواتك ورحمتك ٢٤٨/١١
أسألك بحقّ نبيّك محمّد صلّى الله عليه وآله ١٤٩/٤٦
بحقّ لإله إلاّ أنت العزيز الحكيم ١٥٣/٣٣
بحقّ هذه اللّيلة المقسوم فيها بين عبادك ١١٤/١٣
وبحقّ إسحٰق وذرّيّته ١٨٠/٣
وبحقّ موسىٰ ومناجاته ١٨٠/٣
وبحقّ هارون وبهائه ١٨٠/٣
وبحقّ دانيال وكرامته ١٨٠/٤
وبحقّ هود وهيبته ١٨٠/٢
وبحقّ ذي الكفل وخشيته ١٨٠/٤
وبحقّ ميكائيل وطاعته ١٨٠/١
وبحقّ عزرائيل وصولَتِهِ ١٨٠/٢
وبحقّ إسرافيل ونفخته ١٨٠/٢
وبحقّ صالح وناقته ١٨٠/٢
وبحقّ إسمٰعيل وذبيحته ١٨٠/٢
وبحقّ يعقوب وغُربته ١٨٠/٣
وبحقّ عُزَيرٍ وإماتته ١٨٠/٣
وبحقّ إبراهيم وخلّته ١٨٠/٢
وبحقّ نوح وسفينته ١٨٠/٢
وبحقّ شعيب وابنته ١٨٠/٣
وبحقّ داوود وقبضته ١٨٠/٣
وبحقّ سليمان ومملكته ١٨٠/٣
وبحقّ خلف الأئمّة الماضين ٤٢/١٤
وبحقّ الخضر وسياحته ١٨٠/٤
وبحقّ زكريّا وعبادته ١٨٠/٤
وبحقّ يونس ودعوته ١٨٠/٤
وبحقّ عيسىٰ وزهادته ١٨٠/٤
وبحقّ أيّوب وبليّته ١٨٠/٤
بحقّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٦٠/٨
وبحقّ جبرئيل وأمانته ١٨٠/١
وبحقّ الصراط ودقّته ١٨٠/١
وبحقّ اللّوح وحياطته ١٨٠/١
وبحقّ الميزان وحِدَّتِهِ ١٨٠/١
وبحقّ الكرسيّ وسعته ١٨٠/١
وبحقّ القلم وجريته ١٨٠/١
أللّهمّ إنّي أسألك بحقّ العرش وعظمته ١٨٠/١
وبحقّ يحيىٰ وطهارته ١٨٠/٤
وبحقّ الحسين وشهادته ١٨٠/٥
وبحقّ عليّ بن أبي طالب وشجاعته ١٨٠/٥
وبحقّ العلم ودرايته ١٨٠/٥
أسألك بحقّ هٰؤلاءِ وشرفهم ١٨٠/٦
وبحقّ الحسن وسمته ١٨٠/٥
وبحقّ محمّد وشفاعته ١٨٠/٥
وبحقّ القرآن وتلاوته ١٨٠/٥
فارحم بكائي بحقّ البيت والحرم ٢١٥/٤
فَبِحَقّ: إلهي فبحقّ الإسمِ الّذي ٢٠٢/٤
لِحَقّ: علمي بسعة رحمتك تضييع لحقّ الرّجاء ٣٧/١
حلمك تضييع لحقّ الرّجاء ٨٧/١
أعوذبك ياربّ أن... أقول لحقّ هذا باطلٌ ١٣٥/١٣
ولحقّ محمّد وآل محمّد أداء وقضاء ١١٣/٤ ـ ٢٠/٤
لَحَقٌّ: فوربّ السّماءوالأرض إنّه لحقّ (قرآن) ٧٦/٥ـ٧٧/٧
بِحَقِّهِ: اولحقه بي أو بسببي ظلم ففتّه بحقّه ١٠١/٤
بِحَقِّهِمْ: وبحقّهم «النبيّين» عليك ١١٧/٢٠
لِحَقِّهِمْ: تكون لك رضى ولحقّهم قضآء ١١٤/٣
بِحَقِّكَ: أسألك بحقّك الواجب ١٦٦/١٢ ـ ٣٦/١٠
لعلّك رأيتني مستخفّاً بحقّك فأقصيتني ١١٦/٥٥

وجعلته «محمّد»... بحقّك في عبادك ناطقاً ١٠/٦
وأسئلك بحقّك عليهم ١١٧/٢٠
وبحقّك العظيم ١١٧/٢٠
بحقّك لاإله إلاّ أنت ٢٢/٦
لِحَقِّكَ: ووفّقْتَهُ لِحقّكَ ١٤٧/٧٢
ولاجحودٍ لحقّك ٢٠٩/٣
والرّعاية لحقّك والوفاء بعهدك ١١٧/١١
ما يكون دركاً لحقّك في الشّهرين ١٤٢/٥١
بِحَقّي: يحاضرني بحقّي ٤٤/٩
بِحَقِّنا: وتولّني في جبراني وموالي العارفين بحقّنا ٦٥/١
بِالْحَقِّ: هذا كتابنا ينطق عليكم بالحقّ (قرآن) ١٤٤/١٣
إنّك لم تنزل كتبك إلاّ بالحقّ ١٩٩/١٦٦
وأنّ لك يوماً تأخذ فيه بالحقّ ٢٢٣/٣
والقول بالحقّ والصّدق في المواطن كلّها ٣٦/٧
والقول بالحقّ وإن عزّ ٥٥/١٥
فإنّك إن تكافني بالحقّ تهلكني ١٠١/٥
أمّ بالحقّ رأسه ٧٠/١٠
أنت الّذي ... أصدع بالحقّ فرقانك ١٤٧/٢١
واجعلهم أئمّةً يهدون بالحقّ وبه يعدلون ١٤٩/٦٧
لِلْحَقِّ: وأقم للحقّ مناصبه ٢٢٣/٧
حُقُوقاً: عليّ للآباء والأمّهات حقوقاً ٢٤٧/١١
مفترضات حقوق الآبآء والأمّهات ٢٣٧/٩
الحُقُوقَ: وأدّى الحقوق عن عبيده ٢٤٧/١١
حُقُوقَهُمْ: الّذين أوجبت حقوقهم ١١٣/٥
أوجبت حقوقهم مع الإخوة والأخوات ٢٤٣/١٢
حُقوقِكَ: وضيّعت من حقوقك ١٤٨/٦
فلست مستطيعاً لقضآء حقوقك ١٩٩/٧٠
وهب لنا حقوقك لدينا ٨٧/٧
تَحْقِيقِ: لاتسلبني ما وهبت لي من تحقيق ١٩٩/٧٢
وأظهرها تحقيقاً لوحدانيّتك ١٩٩/١٣
فأعطني من فضلك ... تحقيقَ رجائي ١٣٩/٨
بِتَحْقِيقِ: وأنت أولى الأكرمين بتحقيق ٢٥٦/٥
وإنشرحت بتحقيق المعرفة صدورهم ١٩٣/٣
وأنت أكرم الأكرمين بتحقيق آمال الآملين ١٩٩/١٣٠
فكيف لايبتهج رجآئي بتحقيق موعودك ١٩٩/١٣٢
وأنت أولى الأكرمين بتحقيق أمل الآملين ١٩٧/١٨
إِسْتِحْقاقِ: إستحقاق عقوبتك ١٠١/٩
فأجزلت بلا إستحقاقٍ لذلك بعمل منّي ١٤٩/٢٩
من غير استحقاقٍ لإستماعك منّي ١١٦/١٤
وأن تعينني على ... إستحقاق مثوبتك ٢٥٣/٣
الإِسْتِحْقاقِ: لاتحملني بعدلك على الإستحقاق ٣٩/٩
إِسْتِحْقاقِها: ومبتدئ النّعم قبل استحقاقها ١١٤/١٠
أنت الّذي جدت بالنّعم قبل استحقاقها ٢٣٧/٢
إِسْتِحْقاقِكَ: كان مقصّراً دون إستحقاقك ٨/٢ ـ ٩٨/١
بِإِسْتِحْقاقٍ: فإنّ ذلك غير واجب لي باستحقاقٍ ٤٩/١٨
بِإِسْتِحْقاقِهِ: أن تغفر له بإستحقاقه ٩٨/٢ ـ ٨/٤
بِإِسْتِحْقاقي: ولاباستحقاقي ياأرحم الرّاحمين ١٣٤/٧
بِالْإِسْتِحْقاقِ: ولانجازني بالإستحقاق ١٧٢/٩
الْمُسْتَحِقّ: والإفضال على غير المستحقّ ٥٥/١٥
مُسْتَحِقّي: ومستحقّي عفوبتك ١٤٨/١٥
لِمُسْتَحِقِّيهِ: وسلطانك رافع لمستحقّيه ٢٠٢/٧
حَقِيقٌ: ومن قرع بابك حقيق بالإجابة ٢٥٦/١
حَقيقَةَ: حمداً يبلغ الوفاء وحقيقة الشُّكر ١٦٣/٦
ووهبت لي من خلوص معرفتك حقيقةً ١٩٩/١١٤
ولو لم تعرّفني حقيقةَ معرفتك ما عرفت ١٩٩/٩٤
بِحَقِيقَةِ: وعاداه بحقيقة العبوديّة ٥/١٠
بِحَقائِقِ: والإشتياق إلى المرسلين بحقائق الإيمان ١٤/١
أَحَقُّ: وأحقّ من خشيه واتّقاه ٨٨/١١
وأنا أحقُّ بالخوف الدّآئم لإسائتي على نفسي ١٤٨/٢
وكان أحقَّ عبادك مع ما مننت عليه ١٤٧/٧٤
لكنت أنا أحقُّ بالهرب منك ١٦٢/٤
فما أدري بإلهي أيُّ الحالين أحقُّ بالشُّكر لك ٤٦/١
فربّي أحمد وهو أحقّ بحمدي ١٢٠/٩
فربّي ... أحقُّ بحمدي ١١٦/١٠
فمن أحقُّ بالسّتر منك ياستّار ١٩٩/١٢٦
أنت أحقُّ من تجاوز ٢٤٧/٤
وأحقُّ من سئل العبد ربّه ١١٧/٢٤
فَأَحَقُّ: وإن تك ساخطاً فأحقُّ من عفا أنت ٢٥٧/٢
فإن تك راضياً فأحقُّ من أعطيته ٢٥٧/٢
فأحقُّ ما أقدّم إليك قبل الذّكر لحاجتي ٢٤٩/١٥

ح.ق.ن

لِيَحْقِنُوا: ليحقنوا به دماءهم ١١٦/٧١

ح.ك.م

حَكَمَ: حكم فيها «الأمور» بعدله ١٤٩/١٠
حكم في عبادك غير المأمونين على دينك ٧٠/٥
حَكَمْتَ: وحكمت فعدلت ١٩٩/١٠
حكمت فكان نصفاً ما حكمت ١٤٧/١٤
بما قضيت لنا والتّسليم لما حكمت ٩٢/١
حَكَمْتُ: ومالي بعد أن حكمتُ على نفسي إلاّ فضلك ٥٥/٢٤
يَحْكُمُ: يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد ١٢٣/١٢

أللّهمّ ... وخلّصني ممّا يحكم به عدلك ١٠١/٥
تَحْكُمُ: فإنّك تفعل ما تشاء وتحكم ما تُريد ١٣٨/٢٠
وتحكم ما تريد ١٢٧/٢ ـ ٤٩/٢٢
تحكم بما شئت على من شئت ٩٧/٤
إنّك تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد ٢٣٩/٤
أَحْكَمَ: فيا ... من أحكم تدبير الأشياء ٢٤٣/٥
على من يشاء من عباده بما أحكم ١١٥/٥
أَحْكَمَكَ: يالهي ما أحلمك ... وأحكمك ٢٠٠/١
فَأَحْكَمْتَها: أتقنت إنشاء البرايا فأحكمتها ٢٤٧/٥
أُحْكِمَتْ: الّر كتاب أحكمت آياته (قرآن) ١٤٤/١٦
أَحْكِمْ: أحكم في عبادتك بصيرتي ٨٠/١٠
حاكَمْتُ: وإليك حاكمت وأنت حسبي ١٣٩/١٧
إِسْتَحْكَمَ: واستحكم عموده «زرع الباطل» ٧٠/٧
يَسْتَحْكِمَ: أو يستحكم غضبك علىّ ٥٥/٧
حُكْمٌ: سبحانك فولك حكمٌ وقضاؤك حتم ١٤٧/٢٨
وقوارع الموت ... يعتدل حكمَ الدُّنيا ٢١٩/٨
فقام محمّد ... ... حكم واجب ١٩٩/٥٨
الحُكْمِ: يجازى عليه عادلُ الحكمِ قاهر ٢١٤/٦٨ـ٢١٤/١٤٦
أيّما غاز ... سدّده في الحكم ٦٧/١٨
ومن أعدل في الحكم منك إن عذّبت ١٩٩/١٢١
وإن عذّبت فمن أعدل منك في الحكم ١١٦/٩٤
فمن أعدل منك في الحكم هنالك ١٩٧/٦
عدل في الحكم رؤوف بالعباد ٢١/١٦
حُكْمِهِ: ولم يشرك في حكمه أحداً ١٢٣/٦
وتمّ حكمُهُ فيمن أضلّ منهم وهداه ١٩٩/٥٥
وحكمُهُ «الله» عدل ٢/٨
ولايشرك في حكمِهِ أحداً ١٤٩
وإلاّ تفعل فلست ممّن يشارك في حكمِهِ ٢٥٧/١
يامن سبق علمُهُ ونفذ حكمُهُ ١٥٥/١
حُكْمِكَ: ووسّع بمواقع حكمك صدرى ٩٦/٣
فأحسد خلقك وأغمط حكمَكَ ٩٦/٢
الحجّة على عدلك وقوام وجوب حكمك ٢٤٩/٢
ماض فيّ حكمُكَ عدل فيّ قضاؤك ٥٧/٤
أقهر أمرك وأعدل حكمَكَ ١٤٣/٤٣
ووعدك حتم وحكمُك عزم ٢٤١/٢
لانضادّ في حكمِكَ ٢٥٣/٢
وحكمُكَ نافذ وعملك جمّ ٢٥٧/٨
كلّهم صائرون إلى حكمِكَ ١٤٦/٨
وإنصافاً من حكمك لاتحيف عليه ١٤٦/١٠
ناصيتى بيدك ماض فيّ حكمُكَ ٢٢/٣٩
فابتزّ أمور آل محمّد من نقض حكمَك ٧٠/٥
وسهّل علينا ما نستصعب من حكمِك ٩٢/٣
ياإلهى أن ليس في حكمِكَ ظُلْمٌ ٥٢/٢
أللّهمّ أعطني ... فهماً في حكمِكَ ١١٦/١٢٤
ولانضادّ في حكمِك ١١٦/٣٤
وقبيح ما فضحه في حكمك ٨٠/٦
ثمّ فنى ما يوجب له «عبدك» حكمُك ١٠١/٥
حُكْمي: تختلف حكمى في نفسي ٢١٩/٨
بِحُكْمِ: الحمدلله رضىً بحكم الله ٩٦/١
بِحُكْمِهِ: فضل فيها الامور بحكمه ١٤٩/١٠
لِحُكْمِهِ: الّذى ... سلّم لحكمه الحكماء ١٩٩/٥
لامعقّب لحكمه ١٤٩/١١
يامن لاراادّ لأمره ولامعقّب لحكمه ١١٤/١٦
لِحُكْمِكَ: عن قضائك خاضعاً لحكمك ٢٥١/٥٨
بِحُكْمِكَ: النّاطق بحكمك وحقّك ٤٢/١١
أَحْكام: متوسّم على سوء أحكام الدُّنيا ٢١٩/١٦
الْأَحْكامَ: أسرب به «الحقّ» الأحكام المهملة ٧٠/١٢
أَحْكامِهِ: ومنازل فروضه ومواقع أحكامه ٢١/٤
أَحْكامِها: أشتكي الدُّنيا وسوء أحكامها علىّ ٢١٩/٥
أَحْكامُكَ: وقد بدّلت أحكامك وغيّرت ٢٢٣/٤
وقرآناً أعربت به عن شرائع أحكامِك ١٠٩/٢
وتعدّى طورى في حدودك ومجاوزة أحكامك ١٤٧/٨٥
بِأَحْكامٍ: كما أمرت بأحكام التّقدير ٢٤١/١
بِأَحْكامِكَ: وبأحكامك فيها «الدُّنيا» إبتليتني ٢٠٣/٣
الْحِكْمَةِ: فاستشعروا مدارع الحكمة ١٩٩/١٩٥
تأويل الحكمة إلاّ أهل الكتاب ٢١٩/٤٧
تفرّقت ورثة الحكمة ٢١٩/٣٤
واجعلنى ممّن ... زرعت الحكمة في صدورهم ٢٦٨/٤
حِكْمَتَهُ: يامن لاتبدّل حكمته الوسائل ٣٩/٢
وإنبجست ينابيع حكمته «محمّد» ١٠/٢٢
حِكْمَتِكَ: فأسألك ببلاغة حكمتك ١٨٣/٦
نظروا إلى تدابير حكمتك ٢٠٠/٤٠
وإنّما يهتدى المتهدون بنور حكمتك ٨/٢٣
بِحِكْمَتِهِ: ودبّر أمره فيهنّ بحكمته ١٤٩/٢١
بِالْحِكْمَةِ: وأنطق لساني بالحكمة ٨٧/٣
بِحاكِمٍ: لاأستعين بحاكم غيرك حاشاك ٤٤/٨
الْحاكِمِينَ: بل لأنّك ... أحكم الحاكمين ١٣٦/٢٣
أللّهمّ ... أحكم الحاكمين ١٩٩/٢١
ياأحكم الحاكمين ٤٢/٢٩ ـ ١٨١/١
إيّاك أدعو ... يا ... أحكم الحاكمين ١٤٩/١٦
حَكيمٌ: يامعيد ياحليم ياحكيمُ ١٢٢/٤
عليم حكيم نافذ الأمر قاهر ٢١٤/٢٢ ـ ٢١٨/١

لكنّ الله ألّف بينهم إنّه عزيز حكيم (قرآن) ٢٣/٦
سبحانك من ... حكيم ما أعرفك ١٤٧/٢٢
وفرقت من كلّ أمرٍ حكيم ١١٤/٦
حكيمٌ عليم نافذ الأمر قاهر ٢١٤/٩٧
الْحَكيم: أللّهمّ ربّ ... القرآن الحكيم ٢٦٩/٢
الّر تلك آيات الكتاب الحكيم (قرآن) ١٤٤/١٥
يسّ والقرآن الحكيم (قرآن) ١٤٤/٩
إنّك أنت العزيز الحكيمُ ٢٤٦/٦ ـ ٢٥٧/٢٢
هو ... القادر الحكيمُ ٢/٦ ـ ٧/٥
في السّموات والأرض وهوالعزيز الحكيم (قرآن) ١٩٩/١٥
الرّحمٰن الرّحيم العليم الحكيمُ ١٤٧/٥
أللّهمّ أنت ... الخالق الحكيمُ ١٩٩/٩
يحقّ لإله إلاّ أنت العزيز الحكيمُ ١٥٣/٣٣
الْحُكَماءُ: الّذى ... سلّم لحكمه الحكماء ١٩٩/٥
دعوت الأطبّاء والحكماءَ ٢١٩/٢٧
مُحْكَم: قد قلت يالٰهى في محكمِ كتابك ٨٠/١٢
فكانوا كما وصف في محكم كتابه ١/١١
لِمُحْكَمِ: بإعتقاد التّسليم لمحكمِ آياته ١٠٩/٥
أَحْكَمَ: إيّاك أدعو... يا... أحكم الحاكمين ١٤٩/١٦
ياأحكم الحاكمين ٤٢/٢٩ ـ ١٨١/١
وجارك أمنع وأحكَمُ ٢٥٧/٨
أللّهمّ ... أحكَمَ الحاكمين ١٩٩/٢١
بل لأنّك ... وأحكمُ الحاكمينَ ١١٦/٢٣

ح.ك.ى

حِكٰايٰاتِ: حكايات لسانى ٨٠/١٨

ح.ل.ف

حَلْفِكَ: وحلفك لى عليه همّاً أنسانى ٧٧/٨

ح.ل.ق

بِحَلْقِ: سابق المتذلّلين بحلق رأسه في حرمك ١١/٣

ح.ل.ل

حَلَّ: وحلّ أحبّ القوم كان بقربه ٢١٤/١٢٦
والبلاء قد حلّ بي ٢٥٧/٢٩
في قضائك كان ما حلّ بي ١٧٣/٥
وقد حلّ رجآئى بحرم كرمك ١٩١/٢
في قضائك كان ما حلّ بي ١٧٢/٤
كاد أن يحلَّ بي لو لارحمتك ما حلَّ بساحته ١٥٢/٨
حَلَلْتَ: ولاإرتفاع درجة إلاّ حللت به إليها ١٠/٢٠
حَلَلْتُ: حللت شعابَ تلفٍ تَعَرَّضتُ فيها لسطواتك ١٥٢/٢
يَحِلُّ: ويحلّ بي شديد عقابك ٤٠/٤
ويحلُّ محلّ الرّأي والفكرة منّى ٢٠١/٤٩
كلّ كرب يحلُّ بهم يوم ١٤/١٠
فَيَحِلَّ: فيحلّ بي غضبك ١٤٨/٣٢
فيحلّ بي مقتك ٢٧/٨
أَنْ يَحُلَّ: قد كان أن يحلَّ بي لو لارحمتك ١٥٢/٨
تُحَلَّ: يامن تحلّ به عقد المكاره ٢٤/١
لاٰتُحَلَّ: إلهى... قلّدتنى مننك قلائد لاتحلّ ١٨٧/٥
أُحْلُلْ: أللّهمّ أحلل ما عقد، وافتُقْ ما رتق ٥٠/١١
حَلُّوا: وحلّوا بدار لاتزاور بينهم ٢١٤/١٥ ـ ٢١٤/٩٠
أَحَلَّ: الّذى أحلّ فيه الطّعام وحرّم فيه الصّيام ١٤٣/٣٤
وعادى عدوّك وأحلّ حلالك ١٤١/٣٠
فحرّم فيه ما أحلّ في غيره إعظاماً ١١٥/٤
أَحْلَلْتَ: وحتّى لاتعى بطوننا إلاّ ما أحللت ١١٥/٩
يسّرلي ما أحللت بي ٤٦/٥
أَحْلَلْتَهُمْ: وإجعلني من صفوتك الّذين أحللتهم ١٩١/٣
أَحْلَلْتُ: أنا الّذى أحللت العقوبة بنفسي ١٤٨/٨
يُحِلُّ: فواحد من جرمى يحلّ عذابك بي ٢٥٧/٢
أللّهمّ ... إجعلني ... ممّن يحلّ حلالك ١٣٥/١٤
تُحِلَّنيهِ: أن ترزقنى الفردوس وتحلّنيه ٢٥/٢
تُحِلَّنا: وتحلّنا محلّه ١١٩/٣٠
أَحْلِلْ: وأحلل بهم «الظّلمة» الويلات ١١٩/١٤
أَحْلِلْهُمْ: وأحللهم «الأنبياء» أشرف المقام ١٠/٣٤
أَحْلِلْني: وأحللنى بُحْبوحةَ جنّتك ١٠٨/١
أللّهمّ ... أحللنى دار الأبرار ٢٣٩/١١
أَحْلِلْنا: أحللنا بحبوحة جنانك ١٨٨/١
إِسْتَحَلَّهُ: أهب عرضى اليوم لمن إستحلّه ٢٦٣/٣
إِسْتَحَلُّوا: الظّلمة... إستحلّوا حرامك ١١٩/٤
بِالْحِلِّ: وبالبيت الحرام وبالحلّ والإحرام ١٤٩/٦٥
حُلُولِ: ولم يشركك في حلول نعمته ١٤٧/٨٥
نعوذبك من ... حلول العقاب ٢٦/٨
أعذنى ... من حلول البلآء ١٤٧/١٠١
أنا الّذى... لم أدعها فيك عند حلول البليّة ١٤٨/٩
بإجترائه على الآثام حلولُ دار البوار ٢٤٣/١١
أرزقنا ... حلولَ جنّتك ٢٤١/٧
لاحولَ فقرٍ ولاخوف ولاحزن ٣٥/٣
وحلولَ الأمرِ فيتبّه بالنفخةِ ١٢/٢
وأعوذ به من حلولِ خذلانه ١٩٩/٥٤
أللّهمّ ارزقنى...الإستعداداللموت قبل حلولِ الفوت ١٣٦ـ١
وبارك لنا في حلولِ دار البلى ١٠٩/١٩

فلا بدعوك إلاّ عند حلولِ نازلةٍ ٢٠٤/٦
بِحُلُولِ: جاء التّغيّر مكان العافية بحلول البلاَء ٣٥/٤
جاء التّغيير مكان العافية بحلول البلاَء ٢٥٧/٢٧
لِحُلُولِ: أبكى لحلول رمسى ١١٦/٧٩
بِحُلُولِها: بحلولها عقوباتك ١٥٢/٢
وبحلولها لعقوباتك ١٥٣/٢
حَلالٍ: أوسع عليّ من حلال رزقك ٧٨/٢
أللّهمّ ما رزقتني من رزق فاجعله حلالاً طيّباً ١٢١/١٧
أللّهمّ ارزقتني من فضلك رزقاً حلالاً طيّباً ١٢١/٩
وعافية وسعة رزق حلالٍ ١٤٣/٣٥
وارزقنى حلالاً طيّباً واسعاً ٢٥١/٥٤ ـ ٢٥١/٤٠ ـ ٢٥١/٤٦
إنّى أسألك من الدُّنيا وما فيها رزقاً حلالاً ١٢١/٦
أن ترزقنى رزقاً حلالاً طيّباً ١٣٨/١٣ ـ ١٢١/٢
وأوسع عليّ من حلالِ رزقك ٢٥١/٢٧ ـ ٢٥٢/١٩
وارزقنا من فضلك الواسع رزقاً حلالاً ٢١١/٢
وارزقنى من فضلك رزقاً واسعاً حلالاً ١١٦/٥٠
رزقاً واسعاً مباركاً طيّباً حلالاً ١٩٩/٢٠٠
وارزقنى حلالاً طيّباً ٢٥٢/٣ ـ ٢٥١/٣٥
ربّ هب لي ... مكتسباً حلالاً ١٣٥/١٧
وارزقنى رزقاً حلالاً طيّباً ٢٥١/٣
اَلْحَلالِ: أفصح لنا عن الحلال والحرام ١٤٢/١٨
وأجر من أسباب الحلال أرزاقى ٧٩/٤
فاجعل في الحلال مأكلى وملبسى ومنكحى ٢٤٨/٢
سعةً في الحال من الرّزق الحلال ٢٤٢/٦
ومن الحلال الطّيّب مرزوقين ٢٠٦/٢١
وأوسع عليّ من رزقك الحلال الطّيّب ١٤٩/٥٩
فيه «الكتاب»... الفرق بين الحلال والحرام ١٩٩/١٧
الموسّع عليهم الرّزقُ الحلال من فضلك ٦٤/١٢
حَلالِهِ: ولما عندك بتحليل حلاله ١٠٩/١٦
حَلالِكَ: وعادى عدوّك وأحلّ حلالك ١٤١/٣٠
وفرقاناً فرقت به بين حلالك وحرامك ١٠٩/١
أللّهمّ ... اجعلنى ... ممّن يحلّ حلالك ١٣٥/١٤
الظّلمة ... حرّموا حلالك ١١٩/٤
بِحَلالِكَ: فأغنتا بحلالك عن حرامك ٢٠٨/٥
بِالْحَلالِ: وبالحلال عن الحرام فأغنني ١٥٣/٢٣
تَحْليلَ: تحليل عقوبتك لما اجترأت عليه ١٤٨/٦
بِتَحْليلِ: ولما عندك بتحليل حلاله وتحريم ١٠٩/١٦
التَحَلُّلِ: وضاق وسعى عن ردّها إليه والتحلّل منه ٢٣٨/٦
مَحَلّ: ومحلّ كرامته الّتى لاتحول ١/١٨
محلّ مغفرتك ورحمتك ٦٣/١٦
دار القرار ومحلّ الأخيار ١١٣/٩ ـ ١١٤/٧
محلّ النّأي عن موطن رحله ٩/٣
إنتجاعاً بها محلَّ تصديقك ٢٤٩/٣
حتّى أجعل محلاًّ لتقديسك ١٩٤/١
إنفردت في محلّ ضنك ١٩٩/٤١
إلاّ كنت له أهلاً ومحلاًّ ١٩٩/١٨١
وأن يكون مصيرى إلى محلّ رضاك ١١٨/٢
ومحلُّ المعترف لك ٨٨/٨
ويحلّ محلَّ الرّأي والفكرة منّى ٢٠١/٤٩
وسلّماً نعرج فيه إلى محلّ السّلامة ١٠٩/٩
إلى محلّ حمامه ١١٣/٧
مَحَلِّهِ: ولىّ الحمد وأهله ومنتهاه ومحلّه ١٦٤/١
وتحلّنا محَلَّهُ ١١٩/٣٠
مَحالٌ: الخطرات في محالّ الظّنون ١٩٩/١٩٤
اَلْمَحالِّ: أسألك ... من المحالّ أشرفها ١٩٩/٢٢
حُلَلَ: واكسنا به حلل الأمان ١٠٩/١٤
المكسوّ حلل الأمان إذا وقف بين يديك ١٠/٢٣
جلّلتني نعمك من أنوار الإيمان حللاً ١٨٧/٥
حُلاّلُها: المنلفة حلاّلها، المحشوّة بالآفات ١٩٦/١

ح.ل.م

حَلُمْتَ: حلمك عنّى إذ حلمت ١٩٩/١٥٩
أللّهمّ فكما حلمت عنّى فيما إجترأت عليه ١٤٨/١١
وحلمت عنّى بتفُّضلك فلم تغيّر نعمتك عَلَىَّ ٢٩/١٩
وحلمت فسترت ١٩٩/١٠
فَحَلُمْتَ: فحلمت عنها ياكريم إلى أجلٍ قريبٍ ٢٠٦/٣
يَحْلُمُ: والحمدلله الّذى يحلم عنّى ١٢٠/٩ ـ ١١٦/١٠
تَحْلُمُ: تحلم بحلمك الكريم ٢٠٥/٣ ـ ٢٠٥/١ ـ ٢٠٥/٢
تحلم عنّى ياكريم إلى أجلٍ قريبٍ ٢٠٦/١ ـ ٢٠٦/٢
وتحلم كأنّك لم تُعص ٩١/٦
فَاحْلُمْ: فاحلم ياحليم عن جهلى ١٤٨/٢٣
أَحْلَمَكَ: فسبحانك ما أحلمك ١١٦/٤٢
سبحانك ياإلهى ما أحلمك وأعظمك ٢٠٠/١
حِلْماً: وإنّك قد أوسعت خلقك رحمةً وحلماً ٢٢٣/٤
أنت... أعظم حلماً من أن تقايسنى بعملي ١١٦/٦٠
أنت إلهى ... أعظم حلماً ١١٦/٤٣
وانتظر مراجعتنا برأفته حلماً ١/٢٣
اَلْحِلْم: أنا الّذى... ركبت الجهل بعد الحلم ١٤٨/١٠
حِلْمِهِ: ساد بعظيم حلمِهِ الحلماَء ١٩٩/٥
بما يتعمّد به القادر على البطش لو لاحلمُهُ ١٤٧/١٠١
الحمدلله على حلمِهِ بعد علمه ١٤٣/٦
حِلْمَكَ: أزل حلمك عن ظالمى ١٥٥/١

وحلمك يكبر عن مكافاة المقصّرين ١١٦/٥٨ ـ ١١٦/٢١
ولو لاحلمُك ما أمهلتنا ٢٠٠/٣
سيّدى غرّنى بك حلمُكَ عنّى إذ حلمت ١٩٩/١٥٩
وحلمُك معترضٌ لمن ناواك ١٤٦/٦
وجليل حلمِكَ عنّى غرّنى ١٩٩/١٥٤
ليس يردّ غضبك إلاّ حلمُكَ ٢٠٦/١٥
لم ينهنى حلمُك عنّى ٣٦/٣
لايردّ غضبك إلاّ حلمُك ٢٠٥/١٤
وتركى الإستغفار مع علمى بسعة حلمِك ٨٧/١
ووسعه حلمُك بلا مؤونةٍ وكلفةٍ ٢٣٤/٦
فلا يسعنى بعد ذٰلك إلاّ حلمك ١٤٤/٢٨
إلهى إنّه ليس يَرُدَّ غضبك إلاّ حلمك ٥٢/١
وعظم حلمُك عنّى ١٣٥/٦
ويحملني ويجرّئنى على معصيتك حلمُك عنّى ١١٦/٢٥
فلك الحمد على حلمِك بعد علمك ١١٦/٢٤
بِحِلْمِكَ: تحلم بحلمك الكريم ٢٠٥/١ ـ ٢٠٥/٢ ـ ٢٠٥/٣
وعُد بحلمك على جهلي ١٦٧/٣
إلهى ... بحلمك عنّى أعف عنّى ١٨٢/٨
بجهلنا اغتررنا لابحلمك ٢٠٠/١١
أن سترتني بحلمك السّاتر ١٩٩/١٥٥
ماكان منّى أن عدت بحلمك علىّ ٣٦/٢
فأعوذ بحلمك من سخطك يامولاى ٣٥/٧
فأعوذ بحلمك من سخطك ٢٥٧/٣٠
فجد بحلمك على جهلى ١٩٩/٨١
إلهى ... ما سترته علىّ بحلمك فلا تهتكه ١٨٦/٦
وتؤخّر العقوبة بحلمك ١١٦/٢٤
فَبِحِلْمِكَ: فبحلمك أمهلتني ١١٦/٦٦
بِالْحِلْمِ: أن أشترى... الجفآء بالحلم ١٦٤/٢٤
وتلقّيت من عصاك بالحلم ١٤٢/٤
الْأَحْلامُ: الّتى كلّت عنها الأحلام ٢٤٩/١٥
أللّهمّ إنّى أعوذبك من أضغاث الأحلامِ ٢٢/٣٥
حَليمٌ: فاحلم ياحليمُ عن جهلي ١٤٨/٢٣
وعائدة من عطفك ياحليمُ ١٤٢/٥
إنّه كان حليماً غفوراً (قرآن) ١٣٥/٢ ـ ٢٢/٢٨
أللّهمّ أنت حليمٌ قادر رؤوف غافر ٢٤١/٤
يامعيد ياحليم ياحكيم ١٢٢/٤
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... حليمٌ لاتجور ١٣٠/٤
ياحليمُ ياكريم ١١٦/٢٦
الْحَليم: الحليم الغفّار الواحد القهّار ٨٣/١١
هو ... الحليمُ المانع لما يشآء ٢/٦
لإله إلاّ هو الحىّ القيّوم الحليمُ ١١٧/٤٠
لإله إلاّ الله الحليمُ الكريم ١٤٩/٧٢ ـ ١٧٨/١
الْحُلَمآءُ: ساد بعظيم حلمه الحلمآء ١٩٩/٥

ح.ل.و

أَحْلىٰ: وما أحلىٰ المسير إليك بالأوهام ١٩٣/٥
حَلاوَةَ: وارزقنى برد عفوك وحلاوة ذكرك ١١٤/١١
وأذقنا حلاوة عفوك ١٩٦/٣
أو جدنى حلاوة العافية ٤٦/٥
أذقنى حلاوةَ المغفرة ٤٩/٢٠
إلهى من ذاالّذى ذاق حلاوةَ محبّتك ١٩٠/١
ومن مرارة خوف الظالمين حلاوة الأمنة ٥٥/١٠
فأرزقه من حلاوةِ مصافاتك ١٩٩/٣٩
أذقنا حلاوةَ ودّك وقربك ١٨٨/٣
حتّى متى أتذكّر حلاوةَ مذاق الدُّنيا ٢١٩/٣٦
أذقنى حلاوة الصّنع فيما سألت ٢٤/٥
الْحَلاوَةَ: وقد أمرّت تلك الحلاوة ٢١٩/١٤
حَلاوَتُها: محبّة إستقرّت حلاوتها في قلبي ١٩٧/٤١
إستقرّت في قلبي حلاوتها «المحبّة» ١٩٩/١٦٣

ح.ل.ى

حَلِّني: وحلّنى في تلك الباقية بزينة ٣١/٤
وحلّنى بحلية الصّالحين ٥٥/١٥
وحلّنى حلية المتّقين ١٤٧/١٠٩
تَحَلَّوْا: تحلّوا بأحسن السّنّة ٢١٩/٤٢
تَحَلَّتْ: وتحلّت لك من زينتها ٢١٤/١٠٠
حِلْيَةَ: وحلّنى حلية المتّقين ١٤٧/١٠٩
حِلْيَتِهِ: لينظر إليه «الباطل» بقبيح حليته ٧٠/٨
فاستخفى لقبح حليته «الباطل» ١٠/٢٢
بِحِلْيَةِ: وزيّنتهم بحلية الوقار والهيبة ١٩٩/١٨٥
وحلّنى بحلية الصالحين ٥٥/١٥

ح.م.د

حَمِدَ: فمن حمد عندك نفسه فإنّى عليها زار ٢٤٨/٩
حَمِدَهُ: حمداً نعمَّر به فيمن حمده من خلقه ١/١٣
والحمدلله بكُلّ ما حَمِده به أدنى ملائكته إليه ١/٢٦
يَحْمَدُكَ: لاأحمد ممّن يحمدك به ١٤٧/٤٣
لَمْ يَحْمَدْكَ: حمداً لم يحمدك خلقٌ مثله ١٤٧/٤٠
فَلَمْ يَحْمَدُوهُ: لتصرّفوا في مننه فلم يحمدوه ١/١٠
لِيَحْمَدُوكَ: ورزقتهم «عبادك» ليحمدوك ١٩٩/١٦٧
تَحْمَدُكَ: وتحمدك نفسي ولساني وعقلي ١٦٣/٦
أَحْمَدُ: فربّى أحمد، وهو أحقّ بحمدى ١٢٠/٩

أَحْمَدُهُ: أحمده على جزيل إحسانه ١٩٩/٥٤
وأحمده فوق حمد الحامدين ٢٥٣/١
أحمده على حسن البلاء ١٢٣/٤
أحمده جاهراً بحمده ١٩٩/٧
أَحْمَدُهَا: وأشكرها عليه وأحمدها به ٢٤٨/٩
أَحْمَدُكَ: إلهي أحمدك وأنت للحمد أهل ١٦٣/١
أَنْ أَحْمَدَكَ: أن أحمدك بها شكراً منّي عليها ٧٧/٥
تُحْمَدُ: بكلّ لسان تحمد ٢٤٧/٤
وما بقي للحمد لفظ تحمد به ١٤٢/٢١
تَحَمَّدَ: ويامن تحمّد إلى خلقه بحسن التّجاوز ٣٤/٨
يامن تحمّد إلى عباده بالإحسان والفضل ١٤٢/٢٢
حَمْداً: حمداً يكون مبلغ رضاك عنّي ١٦٣/٦
حمداً يبلغ الوفاء وحقيقة الشُّكر ١٦٣/٦
حمداً يكون وصلة إلى طاعته وعفوه ١/٢٩
حمداً يفضُلُ سائر الحمد ١/٢٦
حمداً نعتق به من أليم نار الله ١/١٧
حمداً نزاحم به ملائكته المقرّبين ١/١٨
حمداً يرتفع منّا إلى أعلىٰ علّيين ١/١٥
حمداً نعمّر به فيمن حمده من خلقه ١/١٣
لك الحمد ... حمداً يوافق رضاك ١٨٧/٨
حمداً يضيءُ لنا به ظلمات البرزخ ١/١٤
حمداً تقرّ به عيوننا إذا برقت الأبصار ١/١٦
وأحمده فوق حَمدِ الحامدين ٢٥٣/١
حمداً يعجز عن إحصائه الحفظة ١٤٧/٣٦
حمداً يتضاعف على كرور الأزمنة ١٤٧/٣٥
حمداً نسعد به في السّعدآء من أوليائه ١/٣٠
وهب لي ... حمداً على ما ألهمتني ٢٥١/٤١
حمداً يجب لكرم وجهك ويقابل عزّ جلالك ١٤٧/٤٥
حمداً لاينبغي إلا لك ١٤٧/٣٣
حمداً يستدام به الأوّل ١٤٧/٣٤
لك الحمد حمداً يدوم بدوامك ١٤٧/٣١
ولك الحمد حمداً يوازي صنعك ١٤٧/٣١
ولك الحمد حمداً خالداً بنعمتك ١٤٧/٣١
حمداً يملأ أرضه وسمائه ٩٧/٥
حمداً يخلّف حمدَ الحامدين وراءه ٩٧/٥
وقد أقام فينا هذا الشّهر مقام حمدٍ ١٤٢/٢٦
واملأ لنا ما بين طرفيه حمداً وشكراً ٢١/٩
ثمّ له الحمد ... حمداً لامنتهىٰ لحدّه ١/٢٨
حمداً جامعاً لشكرك الواجب ١٩٩/١٧٧
أللّهمّ ما عملت من خير فهو منك لاحمدَ لي عليه ١٧٠/٣
حمداً يضاهي آلاءك ويكا فيها ١٩٩/١٧٤
حمداً دائماً لاينقطع أبداً ٢٤٢/١
حمداً يتقبّله منّا ١١٥/٢
سبحان من جعل الإعتراف بالنّعمة له حمداً ٦/٥
أحمده ... حمد موفّق لرشده ١٩٩/٧
حمداً يوجِبُ بكرمك المزيد بوفوره ١٤٧/٤٤
ولك الحمد حمداً مع حمد كلّ حامد ١٤٧/٣٢
لك الحمد حمداً يزيد على رضاك ١٤٧/٣١
وحمدي إيّاك فوق حمدِ الحامدين ١٤٧/٩٧
حمداً لاحمد أقرب إلى قولك منه ١٤٧/٤٣
حمداً يجمع ما خلقت من الحمد ١٤٧/٤٢
حمداً يعان من اجتهد في تعديده ١٤٧/٤١
حمداً لم يحمدك خلق مثله ١٤٧/٤٠
حمداً ظاهره وفق لباطنه ١٤٧/٣٩
حمداً يكمل لديك ثوابه ١٤٧/٣٨
حمداً يوازن عرشك المجيد ١٤٧/٣٧
كما يستحقّه حمداً كثيراً ٢٤٠/١
اَلْحَمْدُ: بأنَّ لك الحمدُ لإله إلاّ أنت ٤٣/١
باإلهي فلك الحمد ٤٩/١١
أللّهمّ لك الحمدُ على ما لم أزل أتصرّف فيه ٤٦/١
لك الحمد على ما أحدثت لي من علّة ٤٦/١
بل لك الحمد والمنّ عليّ ١١٢/٩
والحمدلله الّذي أغلق عنّا باب الحاجة ١/٢١
فلك الحمد إلهي من مُقتدرٍ لايُغلب ١٥٢/١٤
الحمدلله الّذي حبانا بدينه ١١٥/٢
الحمدلله الّذي هدانا لحمده ١١٥/١
لك الحمد عدد ما أنعمت به على جميع ١٦/٥
الحمدلله الّذي لم يشهد أحداً ٢٣٨/١
الحمدلله الّذي بلّغنا هذا اليوم ١٤٣/٣٤
فلك الحمد على إبتدآئك بالنّعم الجسام ٨٨/١٨
الحمد لك على بلآئك ٢٤٩/١٧
والحمدلله ربّ العالمين ٢٥٧/٤٠ - ١٤٩/٧٢ - ١٩٨/٩٢ - ١٢٣/١ - ١٧٨/١ - ١٤٣/١ - ١٤٧/١
الحمدلله الّذي يطعم ولايطعم ٢٦٠/١
الحمدلله الّذي أطعمنا ٢٦٠/١
الحمدلله الّذي لو حبس عن عباده ١/١٠
حمداً يفضل سائر الحمد ١/٢٦
لك الحمد على حسن بلآئك ١٨٧/٨
الحمدلله الّذي أعاننا على صيام شهر ١٤٣/١٥
الحمدلله الّذي هدانا لدينه ١٤٣/١٤
الحمدلله الّذي خلق السّموات والأرض (قرآن) ١٤٣/١١
الحمدلله ربّ العالمين على كلّ حال ١٤٣/١٠

الحمدلله على السرّاء والضرّاء والشدّة ١٤٣/١٠
الحمدلله الّذى بنوره اهتدينا ١٤٣/٩
الحمدلله الّذى بنعمته أصبحنا وأمسينا ١٤٣/٩
والحمدلله على ما عرّفنا من نفسه ١/١٢
الحمدلله الّذى تجلّى للقلوب بالعظمة ٧/١ ـ ٢/١
الحمدلله الّذى حملنا في البرّ والبحر ٢٦١/١
ياذاالجود والمجد والثّنآء الجميل والحمد ١٦٤/٢
والحمدلله الّذى لايخفر من إنتصر ١٩٩/٦
الحمدلله رضىً بحكم الله ٩٦/١
الحمدلله الّذى خلق اللّيل والنّهار بقوّته ٢١/١
الحمدلله لاشريك له ١٤١/١ ـ ١٤٣/١
والحمدلله كما ينبغى لكرم وجهه ١٤١/١
الحمدلله الّذى شكر على ما به أنعم ٦٠/١
والحمدلله الّذى ذَمَّ على ما لوشاء منه ٦٠/١
سبحان الله والحمدلله ٨٣/١٩
الحمدلله ذى الملك والملكوت ٨٣/١١
الحمدلله ذى العزّة والجبروت ٨٣/١١
الحمدلله الحىّ الّذى لايموتُ ٨٣/١١
الحمدلله العزيز الجبّار ٨٣/١١
أللّهمّ لك الحمد على حُسنِ قضائك ٥١/١
فلك الحمد يا أهل الحمد والمجد ٢٣٧/٤
والحمدلله الّذى منّ علينا بمحمّد ٩/١
فلك الحمد على ما نقّيت من الشرك قلبي ١١٦/٨٢
فلك الحمد على بسط لساني ١١٦/٨٢
أللّهمّ فلك الحمد إقراراً بالإساءة ١٤٢/٤٩
الحمدلله العظيم شأنُه ١٢٣/٤
له الحمد يحيى ويميت ١٢٣/٥
الحمدلله الأوّل بلا أوّل كان قبله ١/١
أللّهمّ لك الحمد على سترك بعد علمك ٩٥/١
والحمدلله الّذى ركّبَ فينا آلات البسط ١/٢٢
والحمدلله الّذى دلّنا على التّوبة ١/٢٤
والحمدلله بكلّ ما حَمِده به أَدنى ملائكته إليه ١/٢٦
أللّهمّ لك الحمد إن أطعتُك ٢٢٧/٤
الحمدلله شكراً ٢٢٧/١
فلك الحمد ما وجد في حمدك مذهب ١٤٢/٢١
وأسألك اللّهمّ أكثر الحمد عند الرّخآء ١٦٤/٧
فلك الحمد متواتراً متّسقاً ومتوالياً ٢٣٨/٣
ذوالبهاء والمجد والكبرياء والحمد ١٤٧/٢٣ ـ ١٤٧/١٠
لك الحمد حمداً يدوم بدوامك ١٤٧/٣١
فلك الحمد على ذٰلك ياربّ العالمين ١٠١/١٢
والحمدلله كثيراً ١٤١/٢٣
والحمدلله الّذى لم يتّخذ ولداً (قرآن) ١٤١/٢٢
ولك الحمد حمداً يوازى صنعك ١٤٧/٣١
ولك الحمد حمداً خالداً بنعمتك ١٤٧/٣١
فلك الحمد على حلمك بعد علمك ١١٦/٢٤
في الشّدائد عليك يعتمد فلك الحمد ٢٤٧/٤
فلك الحمد على ما وقيتنا من البلآء ٩٧/٥
إنّك ... القابل يسير الحمد ٩٧/٦
فلك الحمد يا إلهى ١٥٣/٣ ـ ١٥٣/١
فلك الحمد إلهى من مُقتدرٍ لايغلب ١٥٣/١٠
لك الحمد عدد حسنات خلقك وسيّئاتهم ١٦/٥
لك الحمد عدد كلّ شىء في دنياك وآخرتك ١٦/٥
أللّهمّ لك الحمد كما أنت أهله ١٦/٥
الحمدلله على كلّ نعمة ٢٠/٧
وقل الحمدلله الّذى لم يتّخذ ولداً (قرآن) ٤٧/٢ ـ ٢٢/١١
من نشر لواء الحمد والإعتراف ١١٨/٧
والحمد لك جلّ جلالك ١١٨/٣
ولك الحمد تستحقّه لعظيم حقّك ١١٨/٨
الحمدلله خالق أمشاج النّسم ١٩٩/٥٢
وجب علىّ لذٰلك «الحمد» أن أقول لك الحمد ١٨٧/٦
ثمّ له الحمد مكان كلّ نعمةٍ له علينا ١/٢٧
فلك الحمد على جزيل جودك ١٩٩/١٧٧
فكلّما قلت لك الحمد ١٨٧/٦
والحمدلله الّذى إختارلنا محاسنَ الخلق ١/١٩
أللّهمّ فلك الحمد على ما فلقتَ لنا من الإصباح ٢١/٥
الحمدلله المحسن المجمل ٨٣/٢
إنّك وليّ الحمد ١٩٩/٣٢
فلك الحمدُ على ما أوليت من التّفضّل ١٩٩/١٤٨
فلك الحمدُ على بوادى أياديك وتواليها ١٩٩/١٧٤
الحمدلله المذكور بكلّ لسان ١٩٩/٥
فلك الحمد على ما هديت ١٢٠/٢
والحمدلله الّذى أدعوه فيجيبنى ١١٦/٣ ـ ١٢٠/٣
والحمدلله الّذى أسأله فيعطينى ١١٦/٤ ـ ١٢٠/٤
والحمدلله الّذى أناجيه لحاجتى إذا شئت ١٢٠/٥
ولك الحمد في الآخرة والأولى ١٣٠/٢
لك الحمد أن بعثتنى من مرقدى ٢٤٢/١
أللّهمّ لك الحمد أن خلقت فسوّيت ٢٤٢/٢
الحمدلله الّذى جعل اللّيل لباساً ٢٤٢/١
الحمدلله على نعمه الفاضلة ١٢٣/٢
والحمدلله على حجّة الله البالغة ١٢٣/٣
الحمدلله الّذى جعل من تلك ١١٥/٣
الحمدلله وليّ الحمد وأهله ١٦٤/١

والحمدلله الّذى يحلم عنّى ١٢٠/٩ - ١١٦/١٠
والحمدلله الّذى أدعوه ولاأدعو غيره ١١٦/٦
والحمدلله الّذى أرجوه ١١٦/٧
والحمدلله الّذى وكلنى إليه فأكرمنى ١١٦/٨
والحمدلله الّذى تحبّب إلىّ ١١٦/٨
والحمدلله الّذى أناديه ١١٦/٥
الحمدلله الّذى تواضع كلّ شىء لعظمته ١٤٣/٤
والحمدلله الّذى استسلم كلّ شىء لقدرته ١٤٣/٥
الحمدلله على عفوه بعد قدرته ١٤٣/٦
الحمدلله وليّ كلّ نعمة ١٤٣/٧
الحمدلله قاضى كلّ حاجة ١٤٣/٨
الحمدلله لاشريك له الحمدلله العلى ١٤٣/١
الحمدلله المحمود على نعمائه ١٤٣/٢
والحمدلله الّذى لاربّ سواه ١٤٣/٣
الحمدلله على حلمه بعد علمه ١٤٣/٦
فأقلت فعدت فسترت، فلك الحمد ١٥٢/١
الحمدلله الأوّل قبل الإنشاء والإحياء ٢٤٥/١
الحمدلله والحمد حقّه كما يستحقّه ٢٤٠/١
فلك الحمد على ما أبليت ١٩٧/٣٦
ولك الحمد حمداً يزيد على رضاك ١٤٧/٣١
ولك الحمد حمداً مع حمدٍ كلّ حامد ١٤٧/٣٢
أللّهمّ لك الحمد بديع السّماوات والأرض ١٤٧/١
حمداً يجمع ما خلقت من الحمد ١٤٧/٤٢
فلك الحمد والمجد وعلوّ الحمد ٢٣٤/٧
فلك ربّى المجد والحمد ٢٤٥/٣
فلك الحمد في الآخرة والأولى ٢٤١/٣
الحمدلله الّذى أذهب اللّيل مظلماً ٢٤٤/١
والحمدلله الّذى لاأرجو غيره ١٢٠/٦
الحمدلله الّذى وكلنى إليه فأكرمنى ١٢٠/٧
والحمدلله الّذى تحبّب إلىّ وهو غنىّ عنّى ١٢٠/٧
الحمدلله الّذى لم يجعلنى من السواد المخترم ١٠٥/١
حَمْدَهُ: ... فكيف نطيق حمده؟ ١/٢١
الّذى لو حبس عن عباده معرفة حمدِهِ ١/١٠
حَمْدِكَ: فلك الحمد ما وجد في حمدك مذهب ١٤٢/٢١
وأنت علّمته حمدك ١٤٢/٣
وتكافئ من حمدك ١٤٢/٣
حَمْدي: وحمدى إيّاك فوق حمد الحامدين ١٤٧/٩٧
ومدحى إيّاك وحمدى لك في كلّ حالاتى ٥٧/٨
بِحَمْدٍ: إن أحسنّا ودّعنا بحمد ٢١/٨
بحمدِ الخلائق وشكرهم أجمعين ٢٣٠/١
فأفتتن بحمد من أعطاني ٥٥/٣٨

بِحَمْدِهِ: سبحان الله وبحمده ٥/٤
أحمده جاهراً بحمدِهِ ١٩٩/٧
لِحَمْدِهِ: الحمدلله الّذى هدانا لحمده ١١٥/١
بِحَمْدِكَ: وإن من شىءٍ إلاّ يسبّح بحمدك ٢٣٤/٧
سبحانك أللّهمّ وبحمدك ٤/٢٣
فامنن علىّ بحمدك ٧٧/٦
وانطِق بحمدك وشكرك وذكرك ٦١/٥
ولانفتر عن التّسبيح بحمدك ١٩٩/٣٥
مشغولة عن الدُّنيا بحمدك وثنائك ٢٥٥/٣
بِحَمْدي: فربّى أحمد وهو أحقّ بحمدي ١٢٠/٩
فربّى ... أحقّ بحمدي ١١٦/١٠
بِالْحَمْدِ: وما أشبه ذلك نطقاً بالحمد لك ٥٥/٢٢
أىُّ الوقتين أولى بالحمد لك ٤٦/١
لِلْحَمْدِ: ومابقى للحمد لفظ تحمد به ١٤٢/٢١
إلهى أحمدك وأنت للحمد أهل ١٦٣/١
مَحامِدِكَ: شغلنى عن ذكر محامدك ترادف ١٨٧/١
وألهمني من محامدك أمدحها ١٩٩/٣٢
وهنا اللّسان عن نشر محامدك ٢٣٧/٣
التَّحْميدِ: سبيل الوصول إلى التّحميد ٢٤٣/٧
تَحْميدِكَ: وقد قصّر بى السكوت عن تحميدك ١٤٦/١٤
بِتَحْميدِكَ: ونطق لسانى بتحميدك ٢٠١/٤٣
بِالْمُحَمَّدِيَّةِ: أتقرّب إليك بالمحمّديّة الرفيعة ١٥٣/١١-١٥٢/١٥
حامِداً: لك إلى قيام السّاعة حامداً ١٠/٦
فلا حامدٌ منهم عليها وشاكر ٢١٤/١٤١
لك الحمد حمداً مع حمد كلّ حامدٍ ١٤٧/٣٢
فما حامدٌ منهم عليها وشاكر ٢١٤/٦٣
حامِدينَ: ... شاكرين حامدين ٤٢/١٧
الْحامِدينَ: وحمدى إيّاك فوق حمد الحامدين ١٤٧/٩٧
حمداً يخلّف حمد الحامدين وراءه ٩٧/٥
وأحمده فوق حمد الحامدين ٢٥٣/١
حامِديهِ: أرضى حامديه لديه ١/٢٦
حَميداً: فأعشته حميداً وتوفّيته سعيداً ١٤٧/٩٢
والسّعيد من... نقلته حميداً إلى منازل رحمتك ٣١/٥
إنّك حميدٌ مجيد ١٤٣/٥٣ - ٥٩/١٥ - ١٤١/٢٤
إنّه وليّ حميدٌ ١/٣٠
الْحَميدُ: إنّك المنّان الحميد ٦٧/٢٣ - ١١٠/٩
مَحْمُودَ: أن توجب لي به محمود جزآئك ١٩٧/٤٠
ومحموداً بكلّ لسان ١٤١/٢٠
أن توجب لى محمودَ جزآئك ١٩٩/١٤٢
فأنت عندى محمودٌ ١٦٣/٦
الْمَحْمُودِ: المقام المحمودِ الّذى وعدته ١٠/٢٤

الحمدلله المحمودِ على نعمائه ١٤٣/٢
المقام المحمودَ فابعثني ١٥٣/٢٢
أللّهمّ ابعثه المقام المحمودَ الّذى وعدته ١٤١/٢٩-١٤٣/٢٤
بين يديه ودرجات المنزل المحمودِ ١٠/٣٤
أقرّهم عيوناً في المقام المحمود برؤيته ١٠/٣٠
الْمَحْمُودَةِ: التوبة الماحية والطريق المحمودة ٩٥/٣
مُحَمَّدٍ: فأسألك ياربَّ محمّدٍ وآل محمّدٍ ٤٢/٢٧
ياحبيب محمّدٍ صلّى الله عليه وآله ٤٢/٣٠
وياحبيب محمّدٍ وعلى ٤٢/٣٠
بحقّ محمّد وعليّ وفاطمة والحسن والحسين ٢٥٥/٧
فانّ عدوّى عدوّ آل محمّد ٢٥١/٥٠ ـ ٢٥٢/٣٣
عدوّ آل محمّدٍ عدوّ محمّدٍ ٢٥١/٥٠ ـ ٢٥٢/٣٣
وعدوّ محمّد عدوّك ٢٥١/٥٠
ما منننت به عليّ من حبّ محمّدٍ ١٢١/٢٣
من حبّ محمّدٍ وآل محمّد ١٢١/٢٣
بجاه محمّدٍ وآل محمّد ١٣٢/٤ ـ ١٣٤/٤
وما كفيت محمّداً صلّى الله عليه وآله ١٢٣/٢٠
فى هذه السّاعة بجاه محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٥/٩
وإلى زيارة قبر محمّدٍ نبيّك ١٤٣/٣٥
أللّهمّ صلّ على محمّد عبدك ورسولك وآل محمّد ٦٧/٢٣
إجعل آل محمّدٍ عليه وعليهم السّلام أثمّتى ٢٤٨/٦
في جوار محمّدٍ الحبيب زين القيامة ٢٥٧/٣٩
ومن حوض محمّدٍ ... فاسقنى ٢٥١/٢٢
ومحمّدٍ صلّى الله عليه وآله حبيبك ٢٦٨/٣
وإلى قبر محمّدٍ صلّى الله عليه وآله عبدك ٢٥٤/١
مرافقة محمّدٍ وأهل بيته ٣٦/١٠
فيمن أكرمت بمحمّدٍ وآل محمّد ٢٤٨/١١
وعلى محمّدٍ وآله مصلّين ٢٠٦/٢١
وترزقنى ... زيارة محمّدٍ ١٢٧/٤
وخلّصني ياربّ بحقّ محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٧٤/٥ ـ ١٧٤/٤ ـ ١٧٤/٣ ـ ١٧٤/٢
بحقّ محمّدٍ وآل محمّدٍ صلواتك ورحمتك ٢٤٨/١١
إلى محمّدٍ وآل محمّدٍ عليه وعليهم السّلام ملت ٢٤٨/١٠
وتوفّنا على ملّتك وسنّة نبيّك محمّدٍ ١١٦/٤٦
أسألك بحقّ نبيّك محمّد ١٤٩/٤٦
وفرّج عن آل محمّدٍ ١٤٩/٦٧
هو حبيبك ونبيّك محمّدٌ ١٤٤/٥
أمرت بالصّلاة والتّسليم على نبيّك محمّدٍ ١٤٣/٢٢
أفضل سلامك ومعافاتك على محمّدٍ ١٤٣/٢٣
أن تسقينى من حوض محمّدٍ وتوردنيه ٢٥/٢
إلاّ صلّيت على محمّدٍ وآله ٢٢٠/٨
إن حبل بينى وبين محمّدٍ المصطفى ١٩٨/٢٦
رؤية محمّدٍ ... فى دار السّلام ١٩٩/٩٢
فاحشرنى مع محمّدٍ وآله الطّيّبين ٢٠٣/١٤
أللّهمّ وكما نصبت محمّداً علماً ١٠٩/٩
وولاية ... عليّ بن محمّد ... ١١٩/١٧
وأشهد أنّ محمّداً عبده ورسوله ١٢٣/٧
فأسئلك ياربّ محمّدٍ وآل محمّدٍ ٤٢/٢٧
عليّ بن محمّدٍ ... ٤٢/١٥
ياأحد ياصمد ياربّ محمّدٍ ١١٧/٣٣
وعليّ ومحمّد وعليّ والحسن ٨٧/٨
وعليّ ومحمّد وجعفر وموسى ٨٧/٨
وعدوّ محمّد عدوّك ٢٥٢/٣٣
واخصص محمّداً بأفضل الصّلاة والتّسليم ١٤١/٣٢
... محمّدبن عليّ وجعفربن محمّد ٤٢/١٥
... محمّدبن عليّ ٤٢/١٥
وأنّ محمّداً عبدُك ورسولُك ٤٢/٣
... نبيّ الرّحمة محمّدٍ صلّى الله عليه وآله ٤٢/٤
فقام محمّد صلوات الله عليه وآله فيهم ١٩٩/٥٨
وأشهد أنّ محمّداً عبده ورسوله ٢٥١/٣٦ ـ ٢/٩ ـ ٢٥٢/٢٨
وبارك على محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٤١/٢٤ ـ ٢٥٢/٢٧
ونضّروجه محمّدٍ بإستنقاذك إيّاهم ١٠/٣٤
فبلّغ محمّداً ما حوته لطآئف مسألتى ١٠/٣٢
وارزقنى مرافقة محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٣/٨
يامن نجىّ محمّداً من الفوم المستهزئين ١١٤/١٩
بحقّ محمّدٍ وآله صلّى الله عليه وآله ٢١١/٢
وبحقّ محمّدٍ وشفاعته ١٨٠/٥
وولاية محمّدٍ وآل محمّدٍ ٢٢٧/٦
ذكرالله محمّداً وآل محمّد بخير ٢٥٢/٢٨ـ ٢٥١/٣٦ـ ٢٥٢/٢٨
وبلّغنى فتح آل محمّدٍ ١٤٩/٦٧
بحقّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٦٠/٨
صلواتك ... على محمّدٍ خاتم النّبيّين ١٩٩/١٦٢
من ذرّيّة الحسين ... محمّدبن عليّ ١١٩/١٧
من ذرّيّة الحسين ... جعفربن محمّدٍ ١١٩/١٧
وتوفّنى ... على دين محمّدٍ وسنّته ١٢٣/١٤
وأتوجّه إليك بنبيّك محمّد نبيّ الرّحمة ١٢٤/٦
وأنّ محمّداً عبدك ورسولك ٢١/١٦ ـ ١٢٧/١
أنزل محمّداً في أشرف منازل الأبرار ١٤١/٢٥
أللّهمّ اجعل محمّداً أوّل شافع ١٤١/٢٦
أللّهمّ إنّا نشهدك أنّ محمّداً قد بلّغ ١٤١/٣٠
وملّة نبيّك محمّدٍ عليه السّلام إذا توفّيتني ٨٠/١٠
وألحقني بأوليائك الصّالحين محمّدٍ ١١٦/١١٦

ولحقّ محمّد وآل محمّد أدآءً ١١٣/٤
وربّ محمّد خاتم النّبيّين ١١٧/١٩
ولحقّ محمّد وآل محمّد أدآء وقضاءً ٢٠/٤
أدينك باربّ بـ... ولاية محمّدٍ ١١٩/١٦
ربَّ العرش العظيم ربَّ محمّدٍ وآله الطاهرين ١٥٧/١
كما محمّدٌ وآل محمّد أهله ١٣٢/١٠
أتوجّه إليك بمحمّدٍ صلّى الله عليه وآله ١٣٢/١٣
ما محمّدٌ أهله فيك فيما بلّغ في رضاك ١٠/١٦
ربّ محمّدٍ وآل محمّدٍ صلّ ١٢٩/١٠ ـ ١٤١/٩
آه واحزناه إن طردت عن حوض محمّدٍ ١٩٨/٤٤
باربّاه صلّ على محمّدٍ في الآخرة والأولى ١٩٨/٩٠
أللّهمّ يامن خصّ محمّداً وآله بالكرامة ١٣/١
أللّهمّ كما اخترت محمّداً على علم لأمرك ١٠/٣
وجعفربن محمّدٍ الصادق من أولادِ النّبيّين ٤٢/٨
وعليّبن محمّدٍ السراج المنير ٤٢/١٢
وأنَّ محمّداً وعَلِيّاً وزوجته وولديه ٤٢/١٩
وأشهد أنّ محمّداً عبده الكريم ١٩٩/٥٨
ومحمّدبن عليّ الرّشيد القائم بأمرك ٤٢/١١
يامحمّدُ ياابا القاسمﷺ بأبى أنت وأمّي ٤٢/١٥
بلّغ روح محمّدٍ وآل محمّدٍ عليهم السّلام ١٤٩/٥١
أنّ محمّداً ... عبدك ورسولك ٢٤٦/٤
بحقّ محمّدٍ وآل محمّدٍ من كلّ غمّ ١٧٤/١
ارزقنى رؤية قائم آل محمّدٍ ١٨١/٥
أهلك أعدآء آل محمّدٍ ١٨١/٥
أنصر شيعة آل محمّدٍ ١٨١/٥
وأسألك بجاه محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٨/١٧
لاإله إلاّ الله محمّدٌ رسول الله ١٥٩/٥
وشفّع فىّ محمّداً وآل محمّدٍ ١٣٨/١٨
أللّهمّ وأصحاب محمّد خاصّة ١٤/٣
وأقمت لأهله دليلاً من لدن آدم إلى محمّد ١٤/٢
وأشهد أنّ محمّداً نبيّه المرسل ١٩٩/١٦
فابتزّ أمور آل محمّد ٧٠/٥
محمّد صلواتك عليه وآله تنزيلاً ١٠٩/٢
صلّ على ... محمّدبن عليّ التّقى ١٨١/٤
محمّد صلّى الله عليه وآل مجملاً ١٠٩/٦
صلّ على ... جعفربن محمّد الصّادق ١٨١/٤
صلّ على ... محمّدبن عليّ الباقر ١٨١/٤
وبامصطفى محمّدٍ ١٧٥/١
أللّهمّ ... عجّل فرج آل محمّدٍ ١٨١/٥
صلّ على ... عليّبن محمد التّقى ١٨١/٤
فأعط محمّداً من ذلك حتّى يرضى ١٠/٢٠
وترينى وجه جدّى محمّد(ص) فى عرصات القيامة ٩١/١
محمّد وعترته الصّفوة من بريّتك الطّاهرين ٩٥/٤
أللّهمّ اجعلني من رُفقآءِ محمّدٍ حبيبك ١٥٣/١٨
أرزقنى شفاعة محمّدٍ ٢٤٢/٤
إلهى ألأمان الأمان بحقّ محمّدٍ ٢٠٧/٢٧
أتوسّل ... بمحمّدٍ وآل محمّدٍ ١٢٢/٧
محمّدبن عبدالله صلّى الله عليه وآله ١٢٧/١٠
محمّد صلواتك عليه وعلى آله ٢٠٦/١٦
أنت ... مفضّل محمّدٍ ١١٧/٣٥
أسئلك أن تنصر وصىّ محمّد ١١٧/٣٥
وخليفة محمّدٍ والقائم بالقسط من أوصياء محمّدٍ ١١٧/٣٥
أنت خليفة محمّد وناصر محمّدٍ ١١٧/٣٥
وطاعة رسولك محمّدٍ صلّى الله عليه وآله ١١٦/١١١
بِمُحَمَّدٍ: وبمحمّدٍ وأهل بيته أستشفع ١٩٩/١٤٩
ياربّاه إليك أتوجّه بمحمّد المصطفى ١٩٨/٨٠
والحمدلله الّذى منّ علينا بمحمّدٍ ٩/١
وتقبّل وسيلتى فإنّى بمحمّدٍ وعلىّ ١١٤/٢
وصّل بمحمّدٍ أرحامهم ١٠/٣٤
بمحمّد عبدك ورسولك ... إليك أتوجّه ٢٢/٤٣
فيمن أكرمت بمحمّد وآل محمّدٍ عليهم السّلام ٢٢٨/١١
فأسئلك بك وبمحمّدٍوآله ٣٩/١٣
وإنّا نتوسّل إليك بمحمّدٍ ٨٧/٨
أتوجّه إليك بمحمّدٍ نبيّك نبىّ الرّحمة ١٢١/٢١ ـ ١٢١/٢٠
وأتوجّه إليك بمحمّدٍ نبىّ الرّحمة ١٢٤/٧
أتوسّل ... بمحمّدٍ وآل محمّد ١٢٢/٧
بمحمّد المصطفى ... أستشفع لديك ٢٢٤/٣
لِمُحَمَّدٍ: إغضب اليوم لمحمّدٍ ١١٧/٣٣
والقبلة الّتى رضيت لمحمّدٍ صلّى الله عليه وآله ٢٥٤/١
أَحْمَدُ: فربّى أحمد شىء عندى ١١٦/١٠
لاأحمد ممّن يحمدك به ١٢٧/٤٣
واختم لنا بالّتى هى أحمدُ عاقبة ٩٢/٤
أَحْمَدُها: أسألك ... من العواقب أحمدها ١٩٩/٢٣

ح.م.ل

حَمَلَ: من حمل فضل غبره من الآدميّين ٢٠٠/٢٠
قد خاب من حمل ظلماً (قرآن) ٢٣/٣
حَمَلْنا: الحمدلله الّذى حملنا في البرّ والبحر ٢٦١/١
حَمَلْتَني: آه وانفساه ممّا حملتني عليه جوارحى ١٩٨/٢
وحملتني المخافة من نقمتك ١٩٥/٣
ولو حملتنى إلى دار الشّقاء ١١٨/٧
حَمَلْتَهُ: كما حملته على الّذين من قبلنا (قرآن) ٨٣/١٣

حُمِلْتُ: وإذا حملتُ إليك في الأكفان ١١٨/٣
يَحْمِلُني: ويحملني ويجرّئني على معصيتك ١١٦/٢٥
لاتَحْمِلْ: ربّنا ولاتحمل علينا إصراً (قرآن) ٨٣/١٣
ولاتحمل على ميزان الإنصاف عملي ١٠٨/٢
لَمْ تَحْمِلْهُ: ولم تحمله على المناقشات في الآلات ٩٨/٨
ولم تحمله على المناقشة في الآلات ٨/١٣
لاتَحْمِلْني: لاتحملني بعدلك على الإستحقاق ٣٩/٩
أَحْمِلُهُ: كلّما وفّقتني له من خير أحمله ٩٩/٣
إِحْمِلْني: إحملني على محجّة الإخبات لك ١٩٩/٧٥
واحملني بكرمك على التّفضّل ٣٩/٩
فَاحْمِلْني: ففي مثل سفينة نوح عليه‌السّلام فاحملني ٢٤٨/١١
إِحْمِلْنا: أللّهمّ احملنا في سفن نجاتك ١٨٨/٣
حَمَّلْتَهُ: إنّه لاينبغي لمن حمّلته من نعمك ٢٠٠/١٤
أدّى «محمّد» ما حمّلته إلى العباد ٢٤٦/٤
حمّلته «محمّد» رسالتك فأدّاها ٢١/١٦
المستقلّ بما حمّلته من الإشارة بآياتك ١٠/١
حَمَّلْتَنا: ما حمّلتنا أن يغفل عن شكرك ٢٠٠/١٤
تُحَمِّلْنيهِ: فتبهظني ممّا تحمّلنيه ١٤٧/٩٠
لاتُحَمِّلْني: ولاتحمّلني فوق طاقتي ١٩٩/٢٩
لاتُحَمِّلْنا: ربّنا ولاتحمّلنا ما لاطاقة لنا به (قرآن) ٨٣/١٣
أَحْتَمِلُ: وهب لي قوّةً أحتمل بها ٥٧/١١
لاأَحْتَمِلُ: ولاأحتمل إصر تبعات المكسب ٥٥/٣٦
إِحْتَمِلْ: وإحتمل عنّي مفترضات ٢٣٧/٩
إحتمل عنّي حقّ الآبآء والأمّهات ٢٤١/٩
وإحتمل عنّي ما افترضت عنّي ٢٣٩/١١
فَاحْتَمِلْ: فاحتمل عنّي أداء ذلك إليهم ٢٤٣/١٢
فَاحْتَمِلْهُ: فاحتمله عنّي لهما ٢٤٧/١١
تَحَمَّلْتُ: أللّهمّ ... تحمّلت بك عليك ٢٢/٣٧
تَحَمَّلْتُهُ: معترفاً بعظيم من الذّنوب تحمّلته ١٤٧/٧٥
أَسْتَحْمِلُكَ: وأستحملك ما لايَهُظُك حمله ١٠١/٦
وأستحملك من ذنوبي ما قد بهظني حمله ١٠١/٧
حَمْلِ: تعجز عن حمل واردات الأقضية ٢٢٣/١
وتضع كلّ ذات حملٍ حملها (قرآن) ٢٠٧/٢٣
حَمْلُهُ: وأستحملك ما لايبهظك حمله ١٠١/٦
وأستحملك من ذنوبي ما قد بهظني حمله ١٠١/٧
لترفعنا فوق من لم يطق حملَهُ ١٠٩/٦
أَلمّ بي ما قد بهظني حملُهُ ٢٤/٣
حَمْلِها: من منّة ضعفت قواى عن حملها ١٩٩/٦٩
وتضع كلّ ذات حملٍ حملَها (قرآن) ٢٠٧/٢٣
حَمْلي: كانت عاقراً بي ولم تعالج حملي ١٩٧/٤٤
بِحَمْلِ: وامتلأت بحملٍ ما حدث عليّ همّاً ٢٤/٦
إِحْتِمالِ: بإلهي إلى ضعفي عن إحتمال الفوادح ١٥٣/٤٥-١٥٢/٥
وأنّ احتمالَ الجنايات الفاحشة لايتكأّدُك ٣٤/١٠
إِحْتِمالِهِ: على صلابتها عن إحتماله ١٠٩/١٢
بِإِحْتِمالِ: ووكلّ رحمتك بإحتمال إصرى ١٠١/٧
تَحامُلٌ: أو تحامل عليه بميل أو هوى ٢٣٨/٦
حامِلاً: حاملاً ثقلي على ظهري ١١٦/٨٠
حَمَلَةَ: وعلى حملة العرش أجمعين ١٤٣/٥٠
وصلّ على ... حملة عرشك أجمعين ١٤١/٣٢
أللّهمّ فكما جعلت قلوبنا له حملةً ١٠٩/٧
أللّهمّ وحملةُ عرشك الّذين لايفترون من تسبيحك ١٢/١
أشهد ... حملة عرشك ٢٤٦/٢
حُمّالِ: وحمّال الغيب إلى رسلك ١٢/١٠
مَحْمُولاً: وإرحمني محمولاً قد تناول الأقرباء ١١٢/٧
تحنّن عليّ محمولاً قد تناول الأقربآء ١١٦/٩٧

ح م م

الْحِمامُ: فأفناهم الحمام فامتحت ٢١٤/١٣
حِمامِهِ: إلى محلّ حمامه ١١٣/٧
حِمامَكَ: وأنت منتظر حمامك ٢١٤/٦٥ - ٢١٤/١٤٣
حامَّتَهُ: وكاشف في الدُّعاء إليك حامّته «محمّد» ٩/٢
حامَّتَنا: وحامّتنا الّتي نحبّ الدُّنوّ منها ١٠٣/٣
لِحامَّتي: وأوجب لهم «جيراني» ما أوجب لحامّتي ٦٥/٤
حَميماً: وتسقي أهلها حميماً ٨٨/١٩
الْحَميم: أم لشرب الحميم خلقت أمعائي ١١٢/٣
الويل لي إن كان الحميمُ فيها شرابي ٢٠٥/١٠
وعذاب الحميم وعذاب السّموم ١٢٩/٨
ووصفته «العذاب» ... الحميم ٢٥٧/١٦ - ٢٥٧/١٧
يرحمني فيه الحميمُ ١٣٥/١٢
إن كان الحميمُ فيها شرابي ٢٠٦/١٠
أم لشرب الحميم خلقت أمعآئي ٢٠٣/١٠
حَميمي: ولانفجع بي حميمي وصديقي ١٧٢/١
ولاتشمت بي عدوّي ولانفجع بي حميمي ١٧٣/١
الْحَوامِيم: الطواسين والحواميم ١٤٤/١٧
يَحْمُومٍ: ووصفته ... ظلّ من يحمومٍ ٢٥٧/١٦

ح م ى

إِحْمِهِ: واحمه «وليّك» بحفظك ١٤٧/٦٣
حِمايَتِكَ: إلهي فلا تخلنا من حمايتك ١٩٥/٤
الْمُحاماةِ: من المحاماة عن دينك ١٠/١٦
حَميّةٍ: أو حميّة أو رياءٍ أو عصبيّة ٢٣٨/٦
الْحَميَّةِ: أعوذبك من ... ملكة الحميّة ٢٦/١

الحامِيَةِ: ووصفته «العذاب» بما وصفته من... النّار الحامية ٢٥٧/١٧
حُماتَها: وأيّد حماتها «ثغور المسلمين» بقوّتك ٦٧/١
حِماكَ: أللّهمّ إنّي أصبحت في حماك ٢٢/١٨
لِحِمىٰ: جعلته «محمّد»... لحمى الحقّ ١٠/٨

ح.ن.ج

الْحَناجِرُ: تردّدها منه اللّها والحناجر ٢١٤/١٢٠
تردّدها دون اللّهاة الحناجر ٢١٤/٤٤

ح.ن.ف

الْحَنيفِيَّةِ: يلقاك على الحنيفيّة السّمحة ٢٦٨/٣

ح.ن.ق

الحَنَقِ: ينظرني على شدّة الحنق ١٥٢/٧
حَنَقي: من حنقى عليه وفآءً ٤٤/٥

ح.ن.ن

تَحَنَّنْ: وتحنّن عليّ محمولاً قد تناول الأقرباءُ ١١٦/٩٧
حَنانُكَ: إلهى كسرى لايجبره إلاّ لطفك وحنانك ١٩٢/١
حَنانيكَ: سبحانك اللّهمّ وحنانيك ٤/١
تَحَنُّناً: يامن أعطى من سأله تحنّناً ٢٥١/٦٤ ـ ٢٥١/٤٣
التَّحَنُّنَ: والتحنّن والإجابة ١١٧/١٣
تَحَنَّنَهُ: وهب لنا ... تحنّنه «وليّك» ١٤٧/٦٦
تَحَنُّنِكَ: وذلك برأفة تحنّنك عليهم ١٩٩/١٨٧
وتولّني بعطف تحنّنك يارؤوف ١٩٩/٢٨
بِتَحَنُّنَ: والعآئد عليهم بتحنّن رأفتك ١١٦/١٥
وجعلتني بتحنّن رأفتك تامّاً سويّاً ١٩٩/١٧٠
الْمُتَحَنِّنُ: والذّابّ عنّى، المتحنّن عليّ الرحيم بي ١٧٢/٤
والمتحنّن عليّ الرحيم بي، المتكفّل برزقى ١٧٣/٥
الْحَنينُ: إجعلنا ممّن دأبهم الإرتياح إليك والحنين ١٩٠/٥
حَنينِها: ودامت فى الخلوات ضجّة حنينها ١٩٧/٤٧
حَنّانُ: أن تحول... ما يبعدنى عنك ياحنّان يامنّان ٢٣٧/٦
يالله ياحنّان يالله منّان ١٣٤/١
ياحنّانُ يامنّان ١٨٤/٩
ولم تهتك عنّى جميل سترك ياحنّان ٢٤١/٦

ح.ن.و

أَحْنَوْا: وأحنوا على أمواله يقسمونها ٢١٤/١٤١
فَانْحَنىٰ: قد تطأطأ لك فانحنى ٣٤/٧

ح.و.ب

الْحُوْبَ: تقبّل التّوبة وتغفر الحوب ١٦/٣
الْحَوْبَةِ: واعصمنا فيه «الهلال» من الحوبة ١١٠/٨
أشكو نفساً ... تسرع بي إلى الحوبة ١٨٣/٢
تذكيراً لمحو الحوبة بقديم النّعمة ٤٦/٣
الحَوْباتِ: فواضح الحوبات ١٤٧/٩٣

ح.و.ت

الْحيتانِ: تسمع أنفاس الحيتان في قعور البحار ٤/١٤
والحيتان في البحور ٨٩/١
حيتانُها: فسبّحت له «الله»... البحار وحيتانها ١٩٩/٥٦

ح.و.ج

أَحْوَجْتَني: وأحوجتني الخطايا إلى ١٩٥/٢
أَحْوَجْتَهُمْ: تُسهّلني لمن أحوجتهم الىّ ٤٢/٢٢
لاتُحْوِجْني: لاتحوجنى إلى الأشرار الضّالّين ٢٤٥/٧
لاتُحْوِجْنا: ولاتحوجنا إلى أحد من خلقك ٢١١/٢
إِحْتَجْتُ: حتّى إذا احتجت إلى رزقك ٨٨/١٥
يَحْتاجُ: ويحتاجُ إلى الظّلم الضعيف ٥٢/٢
وصرفت وجهى عمّن يحتاجُ إلى رفدك ٧٤/١
لايَحْتاجُ: يامن لايحتاجُ إلى التّقاضى ١٦٥/٤
يامن لايحتاج فى قصصهم إلى شهادات الشّاهدين ٤٤/١
يامن لايحتاج إلى تفسير ٢٣٣/٤
لاأَحْتاجُ: توبةً لاأحتاج بعدها إلى توبة ٨٠/١٦
مُحْتاجٌ: أتبغّض إليك بالمعاصى وأنا إليك محتاجٌ ٣٨/٢
قلت سبحان ربّى كيف يسأل محتاجٌ محتاجاً ٣٩/٧
وربّ محتاج إليه ٢٥٩/١
ياعضد كلّ محتاج طريدٍ ٤٩/٢
فكلّ أمل ساق صاحبه إليك محتاجاً ١٩٩/٩٨
الْمُحْتاجِ: ورأيت أنّ طلب المحتاج إلى المحتاج ٧٤/١
مُحْتاجُونَ: فإنّا محتاجون إلى نيلك ١١٦/٣٩
الْمُحْتاجُونَ: يا... أكرم من قصده المحتاجون ١٩٩/٧٣
الْمُحْتاجينَ: يامن لاتنقطع عنه حوائج المحتاجين ٣٩/٢
أَحُوجُ: وأنا إلى سترها «الذّنوب»... أحوج ١٩٩/١٧٥
أنا إلى سترها يوم القيامة أحوج ١٩٧/١٢
حاجَةً: إلهى ما أظنّك تردّنى في حاجة أفنيت ١٩٧/١٦
أللّهمّ خذها فلاحاجةَ لى فيها ٢٦٥/٢
ويامنتهى حاجةِ الرّاغبين ١١٧/٢٥
ألا أيّها المأمول في كلّ حاجةٍ ٢١٦/١
لاحاجةً من حوائج الدُّنيا والآخرة إلاّ قضيتها لي ١٢٢/٩
الحمدلله قاضى كلّ حاجةٍ ١٤٣/٨

أللّهمّ ولي إليك حاجةٌ قد قصّر عنها جهدي ٣٩/٦
ولاله عندي يداً ولابي إليهم حاجَةٌ ٥٧/١٢
لاحاجةً من حوائج الدُّنيا والآخرة ١٤٣/٤٨
لاحاجةَ بك إليه ولإنابة له ١٤٧/٩١
وذي حاجةٍ ناداك لها فلبّيته ٢٠٢/٢
وأنجح لي كلّ حاجةٍ ممّا فيه صلاح ١٤٩/٦٥
واحتجبوا عمّن يسألهم حاجةً ٨٢/١
سيّدي قد علمت حاجةَ جسمي ١٩٩/١٠٧
في حاجةٍ قد أفنيت عمري في طلبها منك ١٩٩/١٢٨
الْحاجَةِ: يامن لايحتقر أهل الحاجةِ إليه ١٤٦/١
كأنّ بك الحاجةَ إليهم وأنت يا سيّدي ٩١/٦
وأسألك عند الحاجةِ ٥٥/١٩
الّذي أغلق عنّا باب الحاجةِ إلاّ إليه ١/٢١
ربّ وأعوذبك من الفقر والفاقة والحاجةِ ١٥٣/٣٢
أرزقنا... غنىً عن الحاجةِ إلى المخلوقين ٢٠٠/٢٠
حاجَتُهُ: فالويل لمن كانت حاجته إليهم ٧٧/١
فقد طلب حاجته في مظانّها ٣٩/٤
حاجَتي: واقطع من الدُّنيا حاجتي ١٧١/٥
أللّهمّ واقض حاجتي وأنجح طلبتي ٣٤/١٣
أسألك اللّهمّ حاجتي الّتي بيني وبينك ٢٢٢/٥
وتعلم حاجتي فصلّ على محمّد وآله ٢٥٢/٣٢
إلهي ... حاجتي لايقضيها غيرك ١٩٢/٢
فهب لي ذنوبي كلّها واقض حاجتي ٢١٦/٢
تعلم حاجتي فاكفني ما أهمّني ٢٣٣/٦
بك أنزلت حاجتي ٢٤٧/٩
ومن حاجتي ياربّ كذا وكذا ٣٩/١٢
لاتوجّهني في حاجتي هذه وغيرها إلى سواك ٣٩/١٠
وتولّني بنجح طلبتي وقضاء حاجتي ٣٩/١١
وقلبني بقضاء حاجتي ٥٨/٢
تعرف حاجتي ومسكنتي وحالي ٢٤٩/١٢
أذكر لك حاجتي ٢٤٩/١٠
إنّك ... تعلم حاجتي فصلّ ٢٥١/٤٩
واقض حاجتي وأسرع بإجابتي ٢٠١/٣٠
أخلو به حيث شئت بسرّي فيقضي حاجتي ١٢٠/٥
رجوت بها قضاء حاجتي ياأرحم الرّاحمين ٢٤٤/٣
وتعلم حاجتي فأعطني مسألتي ١٣٤/٦
فتوّل اليوم قضاء حاجتي بقدرتك على ذلك ٢٤٩/٢١
إلهي إليك اعتمدت لقضاء حاجتي ٢٤٩/٢٠
رؤيتك حاجتي وجوارك طلبتي ١٨٩/٨
حاجتي الّتي إن أعطيتنيها لم يضرّني ما منعتني ١٤٩/٥٠
بغير شفيع فيقضي لي حاجتي ١١٦/٥

أللّهمّ هذه حاجتي فأعظم فيها رغبتي ١٧١/٨
إن قضيت الحوائج وحاجتي لم تقض ١٩٨/٥
ذمّتي الّتي رجوت بها قضاء حاجتي ١٩٧/٣٦
لاتمنعنيه يوم حاجتي إليه في الآجل ١٩٩/١٠٧
ودون كلّ مطلوب إليه وليّ حاجتي ٧٤/٣
أللّهمّ ... واعنّي بهم على حاجتي ٦٤/٣
فلا تردّني إلاّ بقضاء حاجتي ١١٦/١٣٢
وأقامني مقام الأذلاّء بين يديك ضرّ حاجتي ١٩٩/٨٩
أقدّمهم أمام حاجتي إليك ١٩٩/١٤٩
لِحاجَةٍ: إبتدأت خلقي لالحاجةٍ منك إليّ ١٤٤/١
بِحاجَتِهِ: من توجّه بحاجته إلى أحدٍ من خلقك ٣٩/٥
لن يخيب من ... قصد إليك بحاجته ٢٥١/٦٠
ولم يخب ... من قصدك بحاجته ٧٠/١
وظفرت يدا من بحاجته ناجاك ١٩٩/٧٨
بِحاجَتي: وتوجّهت إليك بحاجتي ١١٦/١٣
أللّهمّ وقد قصدت إليك بحاجتي ٢٥١/٦٢
ولاتكلني إلى خلقك بل تفرّد بحاجتي ٥٩/٢
لِحاجَتي: ليس لحاجتي مطلب سواك ٣٤/١٢
ولو عرفت مجتلياً لحاجتي منك ١٩٧/٣١
فأحقّ ما أقدّم إليك قبل الذّكر لحاجتي ٢٤٩/١٥
وإليك قصدت لحاجتي ١٣٨/١٦
أناديه كلّما شئت لحاجتي ١١٦/٥
والحمدلله الّذي أناجيه لحاجتي إذا شئت ٢٠/٥
حَوائِجِ: على قضاء حوائج السّائلين ١٧٦/١ - ٢٣٣/٤
وياقاضي حوائج الفقرآء والمساكين ١٩٢/٥
لاحاجة من حوائج الدُّنيا والآخرة إلاّ قضيتها لي ١٢٢/٩
يامن لاتنقطع عنه حوائجُ المحتاجين ٣٩/٢
لاحاجة من حوائجِ الدُّنيا والآخرة ١٤٣/٤٨
فافتح لنا ... باب ... قضاء حوائجِ بفضلك ٧٠/١٤
وحوائجَ خلقك عندك مقضيّة ٢٥٥/٦
يامن يملك حوائجَ السّائلين ١١١/١
يامن يقدر على حوائجِ السّائلين ١٦٥/٤
الْحَوائِجُ: آه وانفساه إن قضيت الحوائجُ ١٩٨/٥
وطلبت الحوائجُ ٨٣/٥
حَوائِجِهِ: وقلبته بكلّ حوائجه ١٤٩/٥٥
إلى من يرفع حوائجَهُ إليك ٣٩/٦
حَوائِجُهُمْ: لاتختزلُ حوائجهم دونك ٨٢/٣
حَوائِجي: إشفع مسألتي إيّاك بنجح حوائجي ٢٥١/٦٣
وأقدّمه بين يدي حوائجي ١٢٤/٦ - ١٢١/٢٠
أللّهمّ إنّك ... عرفت حوائجي فاقضها لي ٢٥/٤
وأقدّمهم بين يدي حوائجي ١٢٤/٧ - ١٢١/٢١

واجعلني ... إليك في حوائجي قاصداً ٢٥١/٤٨
وأن تقضي حوائجي للدُّنيا والآخرة ١١١/٢
وتطوّل عليّ بجميع حوائجي للآخرة والدُّنيا ١١٧/٣٨
وأقدّمك بين يدي حوائجي ١٢٤/٦
وأسألك كلّما شئت من حوائجي ١٦٣/١٢
واجعل ... إنزال حوائجي بك ١٤٧/١٠٤
واقض لي جميع حوائجي ١٣٨/١٩
وأن تقضي لي حوائجي الّتي أفضيت بها إليك ١٤٩/٢٧
واقض لي حوائجي ٦٤/١٠
طالبٌ إليك أن تنجح لي حوائجي ١٤٩/٤٠
معيشةً أتقوّى بها على جميع حوائجي ٧٨/١
حَوائِجِنا: يسّرلنا قضاء حوائجنا ١٣٩/٤
أن تقضي لنا حوائجنا في يسر منك وعافية ١٤٣/٢١
بِحَوائِجي: فكن بحوائجي حفيّاً ٥٩/١١
لِلْحَوائِجِ: وناداك للحوائج فلبّيته ٢٠٢/٥
الحاجاتِ: نسألك ... ياقاضي الحاجات ٢٠٠/١٣
أللّهمّ يامنتهى مطلب الحاجات ٣٩/١
وأنا أعتمدك في كلّ ما يعرض لي من الحاجات ١٩٩/١٧٨
ياقاضي الحاجات ١٣٧/٧
ياقاضي الحاجات يامنفّس الكربات ١٣٣/٦
فأسألك يامن يملك الحاجات ٢٣٨/٧
حاجاتِها: واقض حاجاتها ٢٠٢/٨
حاجاتي: معيشة... أبلغ بها جميع حاجاتي ٢٥٢/١٨
حاجاتي مصروفة إليك ٩٩/٣
معيشة أقوى بها على جميع حاجاتي ٢٥١/٢٦
بِالْحاجاتِ: دون مدى كرمك بالحاجات ١٤٦/٣

ح.و.ذ

إِسْتَحْوَذَ: فقد إستحوذ الشّيطان عليّ ٧٧/١٠
وقد إستحوذ عليّ عدوّك ٨٨/٦
هذا مقام من... إستحوذ عليه الشّيطان ٨٠/٢
أَنْ يَسْتَحْوِذَ: أن يستحوذ علينا الشّيطان ٢٦/٥

ح.و.ر

حورٍ: وأخبرت ... ما فيها من حور عين ٢٥٧/١٢
الْحُورَ: آه وانفساه إن حرمت الحور العين ١٩٨/٤٩
ولوّح منها «الجنّة»... من... الحور الحسان ٦٧/٥
وزوّجني من الحور العين بفضلك ١١٦/١١٦
ومن الحور العين مزوّجين ٢٠٦/٢٣
تزوّجني من الحور العين ١٢١/٢٢
مُحاوَرَتِهِ: ونلقاه بأحمدها عند محاورته ١٠/٩

ح.و.ز

حازَ: يامن حازَ كلَّ شيءٍ ملكوناً ٨٤/١ - ٤١/١
حَوْزَتَهُمْ: واحرس حوزتهم «أهل الثّغور» ٦٧/٢

ح.و.ش

حاشُوا: وارضهم من رضوانك وبما حاشوا الخلق ١٤/٢
إِحْتَوَشَتْهُ: إحتوشته أعماله ٢١٤/١٣٣

ح.و.ض

حَوْضِ: إن طردت عن حوض محمّد ١٩٨/٤٤
ومن حوض محمّد ... فاسقني ٢٥١/٢٢
أن تسقيني من حوض محمّد وتوردنيه ٢٥/٢
حَوْضَهُ: واجعلنا برحمتك ممّن يرد حوضه ١٤١/٢٨
أوردنا حوضه واسقنا بكأسه ١٤٣/٥٤
وأوردنا حوضه «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
لايذاد عن حوضِهِ إذا ورده «محمّد» ١٠/٢٦
حَوْضِهِمْ: واسقني من حوضهم مشرباً رويّاً ١٤٩/٦١
حِياضِ: من حياض المحبّة بكأس الملاطفة ١٩٣/٢
أوردنا حياض حبّك ١٨٨/٣
ولامن حياض مناجاتك صدراً ٨٤/٣

ح.و.ط

أَنْ تَحُوطَنا: فلا يمنعك ذلك من أن تحوطنا ١١٦/٤١
حُطْتُ: وحطت نفسي وأهلي ومالي وإخواني ١٥٩/٣
حُطْني: وحطني من حيث لاأعلم حياطة ١٤٧/١١٦
أَحاطَ: وأسألك من كلّ خيرٍ أحاط به علمك ١٤٩/٥٢
أحاط به علمه ٢٢/٣٠
عدد ما أحاط به علمه من جميع الأشياء ١/٢٧
وأحاط علماً بمن أطاعه وعصاه ١٩٩/٥٥
أَحاطَتْ: شيطاناً... أحاطت هواجسهُ بقلبي ١٨٣/٣
أحاطت به آفاته وهمومه ٢١٤/٤٢
الّتي قد أو بقتني وأحاطت بي فأهلكتني ١٦٣/٩
الّذي قد أحاطت به الغموم ٢٤٥/١
أحاطت به أحزانه وهمومه ٢١٤/١١٨
إحتوشته أعماله وأحاطت به خطاياه ٢١٤/١٣٣
إرحم من ... أحاطت به خطيئاته ١٩٩/٤٣
مسألة من ... أحاطت به خطيئته ١٣٢/٩
وإن أحاطت بي الذّنوب ٢٣٧/٣
وأحاطت بي المعاصي ٢٣٩/٥
أَحَطْتَ: وربُّ الأرباب أحطت بجميع الأمور ١٣١/٣
أحطت خبراً بأهل سماواتك وأرضك ١٢٨/١٢

لايُحيطُ: ولايحيط بوصفه أحد ١٩٩/٥١
ورحمتك الّتى ... لايحيط بها وصف ١٦/٩
لايُحيطُونَ: لايحيطون بشيءٍ من (قرآن) ١٨/٣ ـ ١٥٩/٦
تُحيطُ: أللّهمّ أنت ... تحيط بمبالغ بصائرهم ٢٥١/٥٧
وبما تحيط به قدرتك من ملكوت السُّلطان ١١٤/١٥
ربّ صلّ عليه وآله صلاة تحيط ١٤٧/٥٥
أَنْ تُحيطَ: تعزّزت أن تحيط بك ٢٤٧/٣
وأعوذبك ياإلهى أن تحيط بي شيئاً من خطيئتى ١٢٣/١٨
حِياطَةِ: ... وحياطة الإسلام ... ٢١/١٣
وحطنى من حيث لاأعلم حياطةً تقينى بها ١٤٧/١١٦
الْحِياطَةِ: أسألك ... من الحياطةِ أكنفها ١٩٩/٢٢
حِياطَتِهِ: وبحقّ اللّوح وحياطته ١٨٠/١
حِياطَتَكَ: وأوجبت لهم «أولياءك» حياطتك ٢٣٧/٧
الْإِحاطَةِ: قلوب الخلائق عن الإحاطة بها ١٦/٤
الّذى عجزت الأوهام عن الإحاطة بك ٢٣٩/٩
يليق بك سحائب الإحاطة في بحور وهم الأوهام ٢٤٧/٥
مُحيطٌ: وهو بكلّ شيءٍ محيطٌ ١٤٧/١
يامحيطاً بالغيوب أمسيت ٢٣٩/٨
الْمُحيطِ: المحيط المحيط بملكوت ٢٦٧/٤
والمحيط غير المحاط به ٢٢٢/٧
الْمُحيطينَ: المحيطين معرفة وعلماً ١٩٩/١٦٥
الْمُحاطِ: والمحيط غير المحاط به ٢٢٢/٧
أَحْوَطَهُا: أسألك ... من السّلامة أحوطها ١٩٩/٢١

ح.و.ل

حالَ: حال دون ذلك النسيم هبوات ٢١٩/١٤
حال الشك فى ذلك يقينا ٢٠٤/١
فَحالَ: فحال ذٰلك بينى وبين التضرّع إليك ٣٥/٤
حالَتْ: من فضيحة العار إذا... حالت الأحوال ١٨٤/٩
حالت «ذنوبى» بينى وبينك بإقترافي لها ٢٤١/٨
حالت «الذنوب» بينى وبينك ٢٤٧/٢
وحالت بينى وبين خدمتك ١١٦/٥٤
حالت خطيئتي بين الأُمّهات والآبآء ١٩٨/٦٣
فإن كانت ذنوبى حالت بين دعآئى ١٩٩/١٦٢
ولاذى خواطر حالت بيننا وبين الإعتراف ١٠/٢٧
فإن كانت ذنوبي قد حالت بينى وبينك ١٤٩/٤٢
حُلْتَ: حلت بينى وبين الأبرار ما ١١٦/٧٤
وحلت بين القلوب وبين تصرّفها على إختيارها ١٩٩/١١
حبلَ: إن حبل بينى وبين محمّد المصطفى ١٩٨/٢٦
يَحُولُ: يحول بينى وبين الطّاعة والزّلفىٰ ١٨٣/٣
يامن يحول بين المرء وقلبه ٣٦/٦
ويحول بينى وبين حظّى منك ١٤٧/٨٧
يحولَ بك حال يصفك بها الملحد إلى تبديل ٢٤٧/٥
فَيَحُولُ: فيحول ذٰلك بينى وبين ١٢٣/١٨
فيحول ذٰلك بينى وبين التّضرّع إليك ٢٥٧/٢٦
فيحول ذٰلك بينى وبين خوفى ٢٥٧/٢٠
لايَحُولُ: ولايحول شيءٌ دونه ١٤٩/٢٠
لايحول أحدٌ دون رضاك ١٥٣/١٦
ولايحول ولايفنى أن تصلّى ... ١٦٦/١٢
فَلَمْ يَحُلْ: فلم يحل كرمك ١٩٩/١٦٢
لاتَحُولُ: محلّ كرامته الّتى لاتحول ١/١٨
لاتَحُلْ: ولاتحل بينى وبين شيء من ذٰلك بعرض ١١٧/١١
أَنْ تَحُولَ: أن تحول بينى وبين معاصيك ٢٣٧/٦
حُلْ: حُل بينى وبينه «ظالمى» وبشغلٍ شاغلٍ ١٥٥/١
حل بينى وبين التّعرّض لسخطك ٣٦/٦
وحل بينى وبين عدوّ يضلّنى ١٤٧/٨٩
حَوَّلْتَ: صرعةٍ أنعشت ومسكنةٍ حوّلت ١٥٢/١٢
حَوِّلْ: وحوّل تثبّطي شوقاً ١٦٤/٢١
حوّل سُلطانه عنّا ٥٠/٨
حاوَلَ: فمن حاول سدّ خلّته من عندك ٣٩/٤
حتّى إستنبّ له «محمّد» ما حاول في أعدائك ٩/٣
أنت ... القريب إلى من حاول قربك ١٤٢/٢٦
حاوَلُوا: وحاولوا «أناس» الإرتفاع فاتّضعوا ٧٤/٢
أُحاوِلُ: ويصدّنى عمّا أحاول لديك ١٤٧/٨٧
ومنك أطلب ما أحاول ١٩٩/٣
وبلّغتنى ما أحاول من سآئر مطالبى ١٩٩/١٧٢
وأنا ممّا أحاول وأطالب كالحيران ٧٧/١٣
أُحاوِلُهُ: إجابتى إلى تسهيل كلّ ما أحاوله ١٩٩/١٧٨
إِسْتَحالَ: واستحال الرّجآء يأساً ٢٠٤/١
حَوْلَ: قد نام وفدك حول البيت قاطبة ٢١٥/٣
ولاحول ولاقوّة إلاّ بالله ١٣٢/١٥ ـ ١٢٧/١٢ ـ ٢٠١/٥١ ـ ٢٠/٧ ـ ٢٢/٣٠ ـ ١٥٥/٩ ـ ١٣٩/١٧ ـ ١٣٢/١٢ ـ ١٣٩/٨ ـ ٢٢/٣٧ ـ ١٤٦/١٦ ـ ١٢٣/٣ ـ ٩٤/٢ ـ ٢٢/٤٥
فإنّه لاحول ولاقوّة إلاّ بك ٢٩/٣ ـ ٢٨/٣ ـ ١٥٣/١٣
ولاحول لي عن معصيتك إلاّ بتسديدك ١٩٩/١٩٨
إنّه لاحول ولاقوّة إلاّ بك ٢٩/٣ ـ ١٢١/٨
فلا حول لنا إلاّ بقوّتك ٣٠/٤
بلاحول ولاقوّة إلاّ بالله العليّ العظيم ٢٢/٣٥
أعيذ نفسي ... بشدّة حول الله ٢٢/٢٧
إلهى لاحول ولاقوّة إلاّ بقدرتك ١٨٣/٥
الْحَوْلِ: وفضيلة الحول والقوّة ٧٤/٤
مبرّأٌ من الحول والقوّة إلاّ بك ٢٤٩/٢

بأنّ لك الطّول والقوّة والقدرة والحول ١٢٠/١٢
لكان الحولُ عنّي معتزلاً ٨٨/١٥
ياذاالحول والطّول والكبرياء والآلاء ١٣٧/١
فإنّ الحولَ والقوّة بمعونتك ١٩٩/٧٥
ياذا ... الحول والفضل ١٣٣/١
واجعل فيّ من الحول والقوّة ١٥٣/١٣
حَوْلَهُ: وصلّ على ... من حوله من المسبّحين ١٤١/٣٢
حَوْلِهِمْ: حولهم وقوّتهم وضرّهم وغدرهم ٢٢/٢٦
حَوْلِكَ: ولاتكلني ... دون حولك وقوّتك ١٤٧/٩٦
حَوْلي: في تلك الحالات إلى حولي ٨٨/١٥
ولاتكلني إلى حولي وقوّتي ١٤٧/٩٦
حَوْلُنا: بك حولنا وقوّتنا ١٤٣/٣١
بِحَوْلٍ: بحول منك وقوّة ياربّ العالمين ٢٠/٤
أداء وقضاءً بحولٍ منك ١١٣/٤
بِحَوْلِكَ: واكْسر عنّي سلطان الهمّ بحولك ٢٤/٥
وادفع عنّي بحولك وقوّتك ٢٩/٣
وادفع عنّي كلّ سوء ومكر بحولك وقوّتك ٢٨/٣
بحولك وقوّتك ورحمتك ١٧٤/٥
فاكفني شرّه بحولك وقوّتك ١٥٦/٤
مَحالٌ: ومحال في عدل أقضيتك ١٩٩/١٦٣
فَمَحالٌ: فمحال أن تحرق نورك بنارك ٢٠١/٨
مَحالَةَ: وأنت صائر إليها لامحالة ٢١٤/٦٥ - ٢١٤/١٤٣
تَحْويلِ: بانتقال عافية وتحويل فقر ٢٥٧/٢٦
وأعوذبك ... من تحويل العافية ١٣٨/١٠
التَّحْويلِ: مساغاً في إختلاف التّحويل ٢٤٧/٥
تَحْويلِكَ: أنا من تحويلك إيّاى عن الهدى وجل ٢٤٨/٨
الْإِحْتِيالِ: قلوبهم عن الإحتيال ٦٧/١٣
حائِلِ: ثمّ دعاك بصوت حائلٍ خفيّ ٣٤/٧
حِوَلاً: من ذاالّذى أنس بقربك فابتغىٰ عنك حولاً ١٩٠/١
الْمُحالِ: المحال بينهم وبين الذُّنوب بقدرتك ٦٤/١٤
الْمُحْتالُ: من يكون معه في دارٍ وهو المحتال ٢٠١/٥٠
مُتَحَوَّلي: إجعل ... متحوّلى عن صرعتى إلى ٤٦/٦
حالٍ: تصرّفني حالاً عن حالٍ ٨٨/١٤
فمن يكون أسوء حالاً منّى ١١٦/٧٧
ولابدّ من لقآئك على كلّ حالٍ ١٤٨/٢٤
حالَ الإنابة إلى طاعتك ٩٨/٩ - ٨/١٥
الحمدلله ربّ العالمين على كلّ حالٍ ١٤٣/١٠
بحول بك حالٌ يصفك به الملحد إلى تبديل ٢٤٧/٥
أما تذكر حالَ من جمع وثمّر ٢١٤/١٤٨
ووفّقني فيه للبلة القدر على أفضل حالٍ ١١٧/١٥
وأنا لاغنى بي عمّا سألتك على كلّ حالٍ ١٩٧/٤٢
في إحسان منك في حالِ الحسنة ٢٢٧/٤
وأنا فلا غنآء بي عنك في كلّ حالٍ ١٩٩/١٥٨
وأنت على حالٍ وشيك مسافر ٢١٤/١٤٤
وأنت على حالٍ وشيكاً مسافر ٢١٤/٦٦
وارزقني... الإحتراس... في حالِ الرّضا والغضب ٥٩/١٤
حتّى أكون في كلّ حالٍ حيث أردت ٢١٩/٢
فمن أسوء حالاً منّى إن لم تتداركني ١٩٩/٧٠
أللّهمّ ... والمصبر على كلّ حالٍ إليك ٣١/٣
فتوجد منتقلاً من حالٍ في حال ٢٤٧/٤
آه واخطيئتاه على أىّ حالٍ ألقى ربّى غداً ١٩٨/٦٧
فيما يحدث في حالِ الخوف والأمن ٥٩/١٢
وعلى كلّ حالٍ عدد ما صلّيت ١١٥/٢٧
هذا ياإلهى حالُ من أطاعك ٩٨/٩
الْحالِ: كيف تقلّبت في الحالِ في عقبات عدلك ١١٨/٦
سعةً في الحالِ من الرّزق الحلال ٢٤٤/٤
حالِهِ: لاتجعلني في مثل حاله ٤٤/٤
حالِهِمْ: وحالهم ومآبهم وكيف كانوا ٢١٩/٣١
حالي: إن أنا نقلت على مثل حالى إلى قبرى ١١٦/٧٧
وقلّت حيلتى واشتدّت حالي ١٧٣/٣ - ١٧٢/١
وأصلح لي حالي ٢٥٢/٢٦ - ٧٨/٧
مولاي وارحمني عند تغيّر صورتى وحالي ١٦٧/٥
أو تدركه الرّقّة عليّ لسوء حالي ٨٠/٢٣ - ٨١/٧
تعرف حاجتى ومسكنتى وحالى ومنقلبي ٢٤٩/١٢
ولمن كان في مثل حالي ٢٥٧/٤
وأعد حالى إلى أحسن ما كانت عليه ١٧٢/٩
وتعلم سرّى وعلانيتى وحالي ١٦٥/٦
من لسان حالى أبلغ ما وصلت إليه ١١٨/٧
وأصلح لي حالى للّم عيالى ٢٥١/٣٣
بِحالِهِ: لكى يستبدل بحاله فى معصيتك ٨/١٥ - ٩٨/٩
بِحالي: فأنت بحالى زعيم عليم وبي رحيم ١١٤/٦
الْحالَيْنِ: فما أدرى ياإلهى أىُّ الحالين أحقّ ٤٦/١
أَحْوالِ: بل ألزمنيه في أحوال السهو ١٤٧/٩٦
وصلاح أحوال عيالنا ٨٧/٩
الْأَحْوالُ: فضيحة العار إذا... حالت الأحوال ١٨٤/٩
أَحْوالي: وحسّن في جميع أحوالى عملى ٥٥/٤٠
أللّهمّ ... عليك أتوكّل في كلّ أحوالى ١٩٩/١
وأصلح جميع أحوالى ١١٦/١٠٨
حالَةُ: فهذه ياإلهى حالةُ من أطاعك ٨/١٥
بأىّ حالةٍ عليك إجترأنا؟ ٢٠٠/١٠
الْحالَةَ: كيف أمنت هذه الحالة ٢١٤/١٤٣ - ٢١٤/٦٥
الْحالاتِ: في تلك الحالات إلى حولي ٨٨/١٥

فوجدت عبادك في شتّى الحالات ٢٠٢/١
لم أخل في الحالات كلّها من إمتنانك ٣٤/٣
وما نفجأ به أهلها من تصرّف الحالات ٢١٩/١٦
مختلف الحالات ٧٤/٥
حالاتي: وحمدى لك في كلّ حالاتى ٥٧/٨
واجعلني في كلّ حالاتى محفوظاً ٥٩/٦
بأنّك ترانى في جميع حالاتى ١٢٨/١٠

ح.و.م

حَوْمَتَهُمْ: وامنع حومتهم «أهل الثّغور» ٦٧/٢

ح.و.ا

حَوْا: صلّ على أبينا آدم وأمّنا حوّا ١٤٣/٥٠

ح.و.ى

فَحَواهُ: وإستولى على الملك بعزّ أبد فحواه ١٩٩/٥٥
حَوَتْهُ: فبلّغ محمّداً ما حوته لطآئف مسألتى ١٠/٣٢
يَحْويهِ: يدركه حدّ يحويه ممّا يتصوّر في الفكر ١٩٩/٥٦
يَحْوينا: يحوينا ملكك وسلطانك ٢١/٧
لايَحْويكَ: أنت الّذى لايحويك مكانٌ ١٤٧/١٥
تَحْويهِ: ترك التّهمة فيما تحويه أيدى العباد ١٤/٩
أَنْ تَحْوِيَنا: أن تحوينا في أكناف عصمتك ١٩٥/٦
فَاحْوِ: فاحو المثوبة له على حسب ١٠/٢٢
إِحْتَوَيْتَ: على الملك إحتويت ٢٤٢/٢
إحتويت بإلهيّتك على المجد والثّناء ٢٤١/٥

ح.ى.ر

حارَ: الّذى حارَ في علمه العلماء ١٩٩/٥
حارَتْ: حارت الأفكار في معرفة عظمتك ١١٨/١
وحارت الأبصار دونك ١٤٩/٤
وحارت في كبريائك لطائف الأوهام ٨٨/٣
يَحارُ: من دين ... يحار فيه ذهني ٧٩/١
حَيَّرْهُمْ: وحيّرهم «عدوّ أهل الثّغور» في سبلهم ٦٧/٦
تَحَيَّرْتُ: قد بهتّ وتحيّرت من كثرة الذّنوب ٢٠١/١
حَيْرَةِ: أنقذت أولياءك من حيرة الشّكوك ١٩٩/١٨٥
الْحَيْرَةِ: استولت علينا عشوة الحيرة ٧٠/٥
أوضح به في ... بهيم الحيرة المدلهمّ ٧٠/١١
إستخلصتنى به من الحيرة ١٤٤/٤
الْحائِرُونَ: ضلّ الحآئرون ١٩٩/١٦٤
مُتَحَيِّرٌ: من ذنب أنا فيه مغرور متحيّر ١٤٨/٢
الْمُتَحَيِّرُ: فأنا... المتحيّر عن قصدى، المنقطع بي ١٦٧/١
سيّدى أنا... المتحيّر في قصد طريقى ١٩٩/٨٢
الْمُتَحَيِّرينَ: يادليل المتحيّرين ١٨١/١
كَالْحَيْرانِ: وأنا ممّا أحاول وأطالب كالحيران ٧٧/١٣
حَيارى: حيارى ولبل القوم داجٍ نجومه ٢١٩/٤١

ح.ى.ص

مَحيصَ: لامحيص لقدره ١٤٩/١١
وأيقن أنّه لامحيص له منك ٣٤/٦

ح.ى.ف

لايَحيفُ: وميزان قسط لايحيف عن الحقّ لسانه ١٠٩/٤
لاتَحيفُ: أسألك بأنّك ... عدلٌ لاتحيف ١٣٠/٤
وإنصافاً من حكمك لاتحيف عليه ١٤٦/١٠

ح.ى.ل

أَحْتالُ: وكيف أحتال ٧٧/٩
لايُحْتالُ: ولايحتال لكيده ١٤٩/١٧
حيلَةٍ: لاذا حيلةٍ فأنتصر ١٤٨/١٢
حيلَتُهُ: مسألة من ... ضلّت عنه حيلته ١٣٢/٨
أدعوك دعاء من ... إنقطعت حيلته ٢٤٢/٣
أدعوك دعاء من ... قلّت حيلتُهُ ١٧٥/٢
وقلّت حيلته ١٦٤/٣
حيلَتِها: توسّدت الثّرى عجز حيلتها ١٩٩/١٣٨
قد توسّدت فى الثّرى عجز حيلتها ١٩٧/٣٢
حيلَتِكَ: ولاتمكربى في حيلتك ١١٦/١
حيلَتي: وأعترف بضعف قوّتى وقلّة حيلتي ١٢٦/١
فقد غلبت الأمور قلّة حيلتي ٢٠٣/٢
أشكو إليك ... قلّة حيلتى ٢٥٢/١٦
وضعفى وقلّة حيلتى ٢٠١/٢٩
... وقلّت حيلتى ٤٢/٢٣
فقد ترى ضعفى وقلّة حيلتى فصبّرنى ٥٢/٣
وارحم ضعفى وقلّة حيلتى ١٧٣/٧ ـ ١٧٢/٦
فقد ضعفت قوّتى وقلّت حيلتى ١٧٢/١ ـ ١٧٣/٣
أسألك في أمر قد ضعفت عنه حيلتى ١٦١/٨
وضعفى ومسكنتى وقلّة حيلتى ١٦٧/٣
وقلّة حيلتى فأنجزلي ما وعدتنى ٥٧/٥
فقد عرفت ضعفى وقلّة حيلتى ٣٥/٧ ـ ٢٥٧/٣٠
الْحِيَلُ: يامفزعى إذا أعيتنى الحيلُ ٢٧/٣
أللّهمّ وقد أكدى الطلب وأعيت الحيلُ ٢٢٠/١
أعيت الحيل إلاّ عندك ٢٢١/١ ـ ١٤٣/١٩
حِيَلِهِ: ألطف لنا في نقض حيله ٥٠/٧

حِيَلي: تقطّعت دونها حبلى ٣٩/٥
حِيالِها: تسلم بها كلّ جارحة على حيالها ٨٠/١٨

ح.ى.ى

حَيّاهُمْ: وحيّاهم «محمّد وآله»بالسّلام ٢٥١/٣٦-٢٥٢/٢٨
فَحُيُّوا: فحيّوا وفرّبوا ... بخدمتك ٢٠٠/٣٥
اَحْيِنا: أللّهمّ بك أحيا وبك أموت ١٣٨/١٢
واجعلني على ملّتك أموت وأحيا ٥٥/٢٦
أَحْيَيْتَ: أللّهمّ لك الحمد أن... أمتّ وأحييت ٢٤٢/٢
أَحْيَيْتَهُ: واجعلني ممّن... أحييته حياةً طيّبةً ١١٦/١٠٨
وأحييته بعد الممات حياةً طيّبةً ١٤٩/٥٥
أَحْيَيْتَنِي: عن معاصيك ما أحييتني ٢٥٣/٤
أللّهمّ ثبّتني على دينك ما أحييتني ٢٤٦/٥
وأحيني ما أحييتني موفوراً ١١٤/١٢
أحيني ما أحييتني عليه «الإيمان» ١١٦/١٢٣
وأحييتني تحت ظلّك ١١٣/٦
يُحْيِي: ويميت ويحيى ١٢٣/٥
وله الحمد يحيى ويميت ١٢٣/٥
يُحْيِيني: ورجاؤُك يحييني ٢٠١/٦
تُحْيِيَ: بالقدرة الّتي بها تحيِيَ مَيتَ البلاد ٥٢/١
وابلٍ سريعٍ عاجلٍ تحيى به ما قدمات ٥٣/٢
أَنْ تُحْيِيَنِي: انشفّع بهم إليك أن تحييني محياهم ٤٢/٢١
أَحْيِ: أللّهمّ وأحي به الأرض الميتة ٧٠/١٢
واحيِ بلادك ببلوغ الزهرة ٥٣/١
أللّهمّ وأحي بهم «ولدي» ذكرى ٦٤/٣
وأحي به «وليّك» ما أماته الظالمون ١٤٧/٦٥
أَحْيِني: وأحيني في سترك ٢٥٢/٢٦
أحيني بعزّتك القاهرة ١٣٤/٨
وأحيني بيقين أسلم به من الإلحاد ١٩٩/٧٢
أحيني ما علمت الحياة خيراً لي ١٣٩/١٣
وأحيني ما أحييتني موفوراً ١١٤/١٢
أحيني ما أحييتني عليه «الإيمان» ١١٦/١٢٣
أَحْيِنا: وأحينا على سنّته «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
وأحينا حياة الصّالحين ٢٠٠/١٨
فَأَحْيِهِ: فأحيه «قلبي» بتوبةٍ منك ياأملي وبغيتي ١٨٢/١
فَأَحْيِني: فأحيني حياةً طيّبة تنتظم بما أريد ١٤٧/٩٩
إِسْتَحْيِي: وهذا مقام من استحيى لنفسه منك ٨٨/١١
إِسْتَحْيَيْتَنِي: حتّى كأنّك إستحييتني ١١٦/٦٦
إِسْتَحْيَيْتُ: وسترت عليّ فما إستحييت ١١٦/٦٥
إِسْتَحْيَيْنا: ولإستحيينا منك أنت ترانا ٢٠٠/٨
أَسْتَحيي: وأنا أستحيي أن أدعوك ٢٠١/٤
كم من خطيئة أحصيتها عليّ أستحيي من ذكرها ٢٤٩/٩
لَمْ أَسْتَحْيِكَ: لم أستحيك في الخلاء ١١٦/٦٤
أَنْ أَسْتَحِيَ: فقد ينبغي لي أن أستحي ١٤٨/٤
أما آن لي أن أستحيي من ربّي ٩١/٤
حَياةٍ: أعوذبك من حياة غرضاً ٢٧/٣
فأحيني حياةً طيّبة تنتظم بما أريد ١٤٧/٩٩
كنت لطيفاً بي في أيّام حياةِ الدُّنيا ١٩٧/٣٥
قد أقمت بقدسك حياةً لكلّ شيء ١٩٩/٣٨
من لاحياةَ له إلاّ برزقك ١٦٦/٢
وأحييته بعد الممات حياةً طيّبةً ١٤٩/٥٥
فقد كنت بي لطيفاً أيّام حياةِ الدُّنيا ١٩٩/١٤٦
واجعلني ممّن ... أحييته حياةً طيّبةً ١١٦/١٠٨
وأحينا حياة الصّالحين ٢٠٠/١٨
الْحَياةِ: وأتوصّل بها «معيشة» في الحياة إلى ٧٨/١
من الزّاهدين في عاجل زهرة الحياة الدُّنيا ٢٦٢/٢
وأستجير بك ياربّ من ذلّته «الدّين» في الحياة ٧٩/٢
أترضى بأن تفنى الحياة وتنقضى ٢١٤/١٥١
ورحمها المعادى لها في الحياة ١٩٧/٣٢
ولانجعل الحياةَ علينا نكداً ١٠٩/٢١
أترضى بأن تفنى الحياةُ وتنقضى ٢١٤/٧٢
معيشة... أتوصّل بها إليك في الحياةِ الدُّنيا ٢٥٢/١٨
ثمّ ضرب له في الحياةِ أجلاً موقوتاً ١/٧
وغاصوا في بحر الحياةِ ٢٠٠/٢٤
والحمدلله الّذي ... منّعنا بأرواح الحياة ١/٢٢
إجعل الحياةَ زيادة لي في كلّ خير ٢٤٠/٤
ورحمها المعادى لها في الحياة عند صرعتها ١٩٩/١٣٨
ألبسني في هذه الحياة الباثرة ثوب العصمة ٣١/٤
وبالقول الثابت في الحياة الدُّنيا ١٥٣/٢١
أحيني ما علمت الحياة خيراً لي ١٣٩/١٣
غسلوا أوعية الجهل بصفو ماء الحياةِ ٢٠٠/٣٤
بانفس حتّام إلى الحياة سكونك ٢١٤/١
حَياتَكَ: أم كيف ضيّعت حياتك ٢١٤/١٤٣
حَياتي: لدنك ولياً يرثني في حياتي ٢٥٨/١
وذلّله بالرّغبة فيما عندك أيّام حياتي كلّها ٥٧/١٠
إلى ما قد تكفّلت لي من الرّزق أيّام حياتي ١٩٩/١٠٧
وأنت لم تولني إلاّ جميلاً في حياتي ١٩٩/١٢٣
سيّدي لم تزل برّاً بي أيّام حياتي ١٩٩/١٢٢
بنشر صحآئف أيّام حياتي ١١٨/٤
ولانفتّر عليّ في حياتي إلى حين وفاتي ١١٤/١٢
أللّهمّ اجعل حياتي ما أبقيتني زيادة ١٤١/٢١
لقد رجوت ممّن تولاّني في حياتي ١٩٧/٨

إلهي إنّك لم تزل برّاً بي أيّام حياتي ١٩٧/٨
لم تولّني من نفسك إلاّ الجميل في حياتي ١٩٧/٩
وأتوصّل بها «معيشة» إليك في حياتي ٢٥١/٢٦
حَياتِنا: الّذي هو قوام حياتنا ٨٧/٩
وإذا انقضت ايّام حياتنا ٣٣/٤
بِحَياتِكَ: أم كيف تنهنأ بحياتك ٢١٤/٦٥
حَياءٍ: أنا مصرٌّ على ما نهيتني عنه قلّة حياءٍ ٣٧/١
وأنا مصرّ على ما نهيت قلّة حياءٍ ٨٧/١
كلّ ذلك حَياءً منّي بسوء عملي ٤٩/١٠
وأعوذبك من ... حياءٍ مسلوب ١٩٩/٢٧
الْحَياءِ: ويدعوني إلى قلّة الحياء سترك عليّ ١١٦/٢٥
زيّنتها بالفهم والحياء ٢٠٠/٣٦
إرحم من ألقى عن رأسه قناع الحياء ١٩٩/٤٧
خالص الحياء ممّا وقع فيه ٣٤/١٠
أنا القليل الحياء ١٤٧/٨٢
وسائلك على الحياء منّي سؤال البائس ٣٤/٣
حَيائي: فقد عظم جرمي وقلّ حيائي ٩٠/١
لعلّك بقلّة حيائي منك جازيتني ١١٦/٥٧
عدّتي في شدّتي مع قلّة حيائي ١١٦/٢٠
بِحَياءٍ: وأصحب رغباتنا بحياءٍ ١٩٩/٣٤
إحْياءِ: وقطع في إحياء دينك رحمه «محمّد» ٩/٢
الْإحْياءِ: الحمدلله الأوّل قبل الإنشاء والإحياء ٢٤٦/١
بِإحْيائِها: ولاتنسني عليّ بإحيائها سنّة ٨٨/٩
تَحِيَّةً: بلّغ روح محمّدٍ... عنّي تحيّةً وسلاماً ١٤٩/٥١
التَّحِيّاتِ: صلاةً ... مشرفة فوق التّحيّات ٦٧/٢٣
تَحِيّاتِها: فيضاعف الله لهم تحيّاتها ١٩٩/٦١
تَحِيّاتِكَ: أللّهمّ إجعل ... أجمل تحيّاتك ١٩٩/٦٢
أزكى تحيّاتك وأفضل سلامك ١٤٣/٢٣
إسْتِحْياءً: إلى آفاق السَّماء استحياءً منك ٤٩/١٧
مُحْيِي: يامحيي الموتى ٤٢/١
ومحيي كلّ نفس بعد الموت ١٧٤/١
يامحيي الأموات ومميت الأحياء ١٣٢/٤
ياحيّ ياقيّوم يامحيي الأموات ٢٢/٤١
مُسْتَحْيِياً: فأقبل نحوك مؤمّلاً لك، مستحيياً منك ٨٠/٤
الْحَيَوانِ: أوردني دار الحيوان ومساكن الأخيار ٢٥٢/٢٣
مقبولاً فيها «الدُّنيا» عملي إلى دار الحيوان ٢٥١/٢٩
مقبولاً فيها عملي إلى دار الحيوان ٧٨/٤
حَيّ: فإنّك حيٌّ قيّوم لايموت ١٣٤/٨
أو حصلت لي قبله حيّاً ١٠١/٢
ياحيُّ ياقيّوم ياكاشف الغمّ ١٠٧/١ - ١٦١/٧
ياحيُّ ياقيّوم يامحيي الأموات ٢٢/٤١
ياحَيُّ حين لاحَيَّ ٢٢/٤١ - ٤٢/١
ياحيُّ لاإله إلاّ أنت ٢٢/٤١ - ٤٢/١
ياحيُّ يبقى ويفنى كلّ حَيّ ٤٢/١
ياحَيُّ بعد كلّ حَيّ ٤٢/١
ياحَيُّ مع كلّ حيّ ٤٢/١
ياحيُّ ياكريم ٤٢/١
ياحيّ قبل كلّ حيّ ٤٢/١
وجعلته نجاةً لكلّ حيّ ١٩٩/٣٨
حيُّ قيّوم جواد كريم ٢٤١/٤
ياكريم ياكبير ياحيُّ ياقيّوم ١٢٨/٣
وللصّلاة والزّكاة ما دمت حيّاً فألهمني ١٥٣/١٩
أللّهمّ إنّي أسألك بانّك حيٌّ لايموت ١٣٠/٣
وأنت إلهي حيٌّ قيّوم ٨٢/٢
يااُلله ياحيُّ لإله إلاّ أنت ١٣٣/٢
يااُلله ياحيُّ يامحيي الأموات ١٣٢/٢
ياحيُّ ياقيّوم ١١٦/٢٦
سبحانك ... وأنت حيٌّ صمد ١٤٧/٢٧
حيّاً كان أو ميّتاً ٢٣٨/٦
الْحَيّ: الحمدلله الحيّ الّذي لايموتُ ٨٣/١١
وأنت الملك الحيُّ القيّوم ٢١٥/١
الحيّ الّذي لايموت ١١٣/٣٤ - ١١٤/٨
كذلك أبداً هو الإله الحيُّ القيّوم ٢/٥
لإله إلاّ هو الحيُّ القيّوم ١١٧/٢٠
اللهُ لاإله إلاّ هو الحيُّ القيّوم (قرآن) ١٨/١ - ١٥٩/٦
هو الإله الحيُّ القيّوم ٧/٥
وأنت الحيُّ الّذي لايموت وأنا خلق أموت ١٤٩/٨
سبحان الحيّ الّذي لايموت ٨٣/٤
مولاي مولاي أنت الحيُّ وأنا الميت ١٦٨/٧
وهل يرحم الميّت إلاّ الحيُّ ١٦٨/٧
ومخرج الحيّ من الميّت ومخرج الميّت من الحيّ ١٢٩/١
توكّلت على الحيّ الّذي لايموت ١٤١/٢١
وأنت الملك الحيُّ القيّوم ٢١٥/١
لِحَيِّنا: أللّهمّ اغفر لحيّنا وميّتنا ١١٦/٤٩
لِلْحَيّ: عنت الوجوه للحيّ القيّوم (قرآن) ٢٣/٣
بِالْحَيّ: بالحيّ الّذي لايموت من شرّ ماأخاف ٢٢/٣٥
حَيّاتِها: وحبّاتها الصائغة بأنيابها ٨٨/٢١
الْأَحْياءِ: المؤمنات الأحياء منهم والأموات ١١٦/٤٨
والأحياءُ في المضاجع كالأموات ٢٠٢/١
أم بسوء خلف الأحياء ٢١٩/٣٨
الأحياءِ منهم والأموات ياجبّار ١٤٣/٥٠
الأحياءِ منهم والأموات ١٤٣/٣٦

والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات	١٢٣/١١
المؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات	٢٠٦/٢٤
يامحيى الأموات ومميت الأحياء	١٣٢/٤
برحمتك الّتى ... جمعت الأحياءَ أطرافها	١٩٩/٤٢
لقد رجوت ممّن ألبسني بين الأحياء	١٩٧/١
من المؤمنين والمؤمنات والأحياءِ منهم	٢٠٠/٤٨
الْمَحْيا: وإنّ بيدك الممات والمحيا	٨٣/١٠
وهب له من ... سلامة المحيا والممات	١٩٩/٣٩
ومن فتنة المحيا والممات فخلّصنى	١٥٣/٢٣
وأعوذبك من فتنة المحيا والممات	١٣٨/٩
مَحْياهُمْ: أتشفّع بهم إليك أن تحيينى محياهم	٤٢/٢١
مَحْيايَ: لك محياى ومماتى	١٥٣/١٥
مَحْيانا: فاجعله نوراً لنا في... محيانا ومماتنا	٢٠٠/٢٢

حرف الخاء

خ.ب.أ

إِخْبَأْنِي: واخبأني من سترك الواقي ٧٨/٧

أَخْبِتْنِي: وأخبتني في سترك الواقي ٢٥١/٣٣

خ.ب.ت

إِخْبَاتَ: أللّهمّ إنّي أسألك... إخبات المستقيمين ١٣٩/٦

الْإِخْبَاتِ: خضوع التّبتّل في رهبة الإخبات ١٩٩/٣٩

إحملني على محجّة الإخبات لك ١٩٩/٧٥

والإنابة والإخلاص والخشوع والإخبات ١٢٩/١٠

مُخْبِتِينَ: ألحقنا بهم مؤمنين مخبتين ٤٢/١٧

الْمُخْبِتِينَ: أللّهمّ إنّي أسألك... ذكر المخبتين ١٣٩/٥

أللّهمّ إنّ قلوب المخبتين إليك والهةٌ ٢٥٥/٤

خ.ب.ث

خَبِيثٌ: إلهي، إنّ الشّيطان فاجرٌ خبيثٌ ٢٠١/٥٠

الْخَبِيثِ: وبالطّيّب عن الخبيث فاكفني ١٥٣/٢٣

أعوذبك من ... والمحرّم والخبيث ١٥٣/٢٧

لِخَبِيثِ: وعصيت أمرك لخبيث عملي ٢٥٧/١٠

خ.ب.ر

فَخَبَرْتَ: علمت فخبرت ١٩٩/١٠

بطنت الغيوب فخبرت مكنون أسرارها ١٩٩/١١

أَخْبَرْتَ: وأخبرت عن سكّانها «الجنّة» ٢٥٧/١٢

لَأُخْبِرَنَّ: ولئن أدخلتني النّار لأخبرنّ أهل ١١٦/١١٧

لِيَخْتَبِرَ: ثمّ أمرنا ليختبر طاعتنا ١/٢٣

خُبْراً: أحطت خبراً بأهل سماواتك وأرضك ١٢٨/١٢

أن تجعلني من الموقنين خبراً وفهماً ١٩٩/١٦٥

خُبْرِكَ: وانكشف كلّ مستور دون خبرك ٨٨/٥

الحمد على سترك بعد علمك ومعافاتك بعد خبرك ٩٥/١

الْخَبَرِ: ياعظيم الخطر بالطيف الخبر ١٧٧/٢

واتّهموا مأثور الخبر ممّا استحسنوا ٢١٩/٤٥

خَبَرِي: ولاتعلن على عبون الملأ خبري ١٠٨/٢

أَخْبَارَ: يوم تبلو أخبار عبادك ٣٣/٥

الْأَخْبَارِ: يامن تظهر عنده بواطن الأخبار ٨/٢٠ ـ ١٥/٦

يوم تبرز الأخبارُ ١٩٩/٤٩

أَخْبَارُهُمْ: وبقيت فيها أخبارهم ٢١٤/١٣

بكلّ ذلك يصلح شأنهم ويبلو أخبارهم ٢١/٤

أَخْبَارَكُمْ: نبلوا أخباركم (قرآن) ١٤٤/٢٦

خَبِيرٌ: أنت رؤوف رحيم خبيرٌ ٢٤٣/٩

إنّه خبيرٌ بما يفعلون ٤٨/١

فبك إلهنا نستجير، ياعليم ياخبيرُ ٢١٤/٧٣

ياعليم ياخبيرُ ياألله ياالطيف ١٤١/٢

ياخبيرُ ياربّ الأرباب ١٣٩/١

الْخَبِيرُ: وأنت الله ... القديم الخبير ١٤٧/٦

الرّحيم اللّطيف الخبير ١٤٣/١

أَخْبَرُ: وأخبر بما لم تأت وما أتينا ٨٧/٦

خ.ب.ل

خَبَالَهُ: وجعلت لنا عدوّاً... وإلاّ تقنا خباله يستزلّنا ٦٤/٨

خ.ت.ر

خَتْرَهُ: واكفنا خترة وولّنا ظهره ٥٠/٣

خ.ت.ل

تُخَاتِلُنِي: وأيّامي تخاتلني ١١٦/٧٨

وأرى نفسي تخاتلني وأيّامي تخادعني ١٩٧/٤٥

خ.ت.م

خَتَمَ: وختم على سمعه وقلبه (قرآن) ٢٢/١٣

أَللّهمّ: يامن... ختم بهم الأوصياء والأئمّة ١٣/١

ختم لنا فيك بخير ١٤٣/٣٠

فَخَتَمَ: فختم بنا على جميع من ذرأ ٩/١

خَتَمْتَ: فإن ختمت له بالسّعادة ٦٧/١٩

وختمت له بالمغفرة ١٤٩/٥٥

فمن كان من أهل السّعادة ختمت له بها ١٤٦/٨

تَخْتِمُ: لاأحصيها تختم لي بها كرامتك ٢٥٧/١٥

وتختمَ لي بالمغفرة ٢٥٦/٣

لاتَخْتِمْ: ولاتختم يومي بخيبتي ١٤٦/١٥

أَنْ تَخْتِمَ: وأن تختم لي عملي بما يرضيك ١٢٧/٦

نَخْتِمُ: اليوم نختم على أفواههم (قرآن) ٢٣/٦

إِخْتِمْ: أللّهمّ إختم بعفوك أجلي ٥٥/٤٠

أللّهمّ ... إختم لي بخيرٍ ١١٦/٥٠

أللّهمّ ... إختم لنا بخير ١٣٩/١٢

وإختم بالخير عملي ١٩١/٢

وإختم لنا بالّتي هي أحمد عاقبة ٩٢/٤

وإختم عملي بأحسنِهِ ١١٦/١٢١

وإختم لي بالبرّ والتّقوىٰ عملي ١٩٩/٧٧
وإختم لي بالإنقطاع إليك أمرى ٢٣٦/٧
وإختم لي بما ترضى به عنّى ١٩٩/٤٨
وإختم لي بالسّعادة والقبول ١١٤/١٣
فَاخْتِمْ: فاختم لنا فيه بالسّعادة والشّهادة ١٤٣/٢٧
خَتْمِ: أللّهمّ إنّك أعنتني على ختم كتابك ١٠٩/١
خِتَامَ: واجعل ختام ما تحصى... توبة مقبولة ٣٣/٥
خَاتِماً: وجعلته «محمّد»... لنبوّة المرسلين خاتماً ١٠/٥
مَخْتُوم: ورحيق مختوم وأسورة من فضّة ٢٥٧/١٢
خَاتَمِ: صلّ على محمّد خاتم النبيّين ٢٤٠/٥ ـ ٥٠/١٤
أللّهمّ صلّ على محمّد خاتم الأنبياء وآله ١٩٩/٢٠
وخاتم النبيّين محمّد صلّى الله عليه وآله ١١٦/٧٦
وربّ محمّد خاتم النبيّين ١١٧/١٩
فصلّ على محمّد خاتم النبيّين ٢٤٢/٤
على محمّدٍ خاتم النبيّين ١٩٩/٦٢ ـ ١٩٩/١٩٩
خَوَاتِمَهُ: واجعل... خير عملي خواتمه ١٤١/٢٠

خ.ج.ل

خَجْلَتي: فوا أسفا من خجلتي وافتضاحي ١٨٢/٣

خ.د.ج

خَدِيجَةَ: أللّهمّ صلّ على... خديجة الكبرىٰ ١٨١/٤

خ.د.د

خَدَّهُ: فيضرع لك خدّه ٢٠٤/٦
خَدَّيْهِ: وغرّقت دموعه «العبد» خدّيه ٣٤/٧
وقد خضّبت الدموع خدّيه ٢١٤/٥٣
الْخُدُودِ: مدامعها فوق الخدود غزائر ٢١٤/٥٦
مدامعهنّ فوق الخدود غوازر ٢١٤/١٣٢
خُدُودِهِمْ: ونضرب صفحات خدودهم ١٠/٢٨
خُدُودَهَا: ولطمت خدودها إماؤه ٢١٤/٤٩ ـ ٢١٤/١٢٥

خ.د.ر

بِتَخْدِيرِ: بتخدير مثبّطين زعموا ٢١٩/٤٥
الْخُدُورُ: ولاتكنّ منه الخدور ١٤٩/٢٣

خ.د.ع

تُخَادِعُنِي: وأيّامي تخادعني ١٩٧/٤٥
وأرى نفسي تخادعني ١١٦/٧٨
لاتُخَادَعُ: سبحانك... ولاتخادع ولاتماكر ١٤٧/٢٦
يَخْتَدِعُهُمْ: فلولا أنّ الشّيطان يختدعهم ٩٨/٥ ـ ٨/١٠
الْإِنْخِدَاعَ: والإنخداع لعدوّك الشّيطان الرّجيم ١١٥/١٨
خُدَعِهِ: أعذني فيه من... خدعه «الشّيطان» ١١٧/٧
خُدَعِهَا: فإليك نلتجئ من مكآئد خدعها ١٩٦/١
بِخُدَعِ: فيقطعهم بخدع غروره ١٠٩/١٠
خَدَائِعِهِ: وإنقطعت عنه أسباب خدآئعه ١٦٤/٤
الْخَدَّاعَةِ: عند لقائهم العدوّ ذكر دنياهم الخدّاعة ٦٧/٤

خ.د.م

الْخِدْمَةِ: ولبسوا ثوب الخدمة ٢٠٠/٢٩
خِدْمَتِهِمَا: بقاضٍ وظيفة خدمتهما ٦٣/١١
خِدْمَتِكَ: ولم أقض من خدمتك وطراً ٨٤/٣
فهم في خدمتك متصرّفون ١٩٩/١٨٧
وأطلقها من الأسر لتجول في خدمتك ٢٠٠/٣٧
سيّدى لعلّك... عن خدمتك نحّيتني ١١٦/٥٥
وحالت بيني وبين خدمتك ١١٦/٥٤
بِخِدْمَتِكَ: واجعلنا بخدمتك للعبّاد والأبدال ٢٠٠/٣٨
أكرموا وزيّنوا بخدمتك ٢٠٠/٣٥
الْخُدَّام: طوف الوصآئف والخدّام ١٩٩/٩٢
مُسْتَخْدِمِينَ: وللولدان المخلّدين مستخدمين ٢٠٦/٢٣

خ.ذ.ل

خَذَلَهُ: واخذل من خذله «وليعصر»(عج) ١١٩/٢٣
خَذَلَهُمْ: أللّهمّ... أخذل من خذلهم «الأئمّة» ١٨١/٥
خَذَلَنِي: وخذلني من كان يعدني في الدّنيا ١١٨/٥
خَذَلْتَ: لاناصر لمن خذلت ٢٤/٤
خَذَلْتَهُ: ومن كان من أهل الشّقاوة خذلته لها ١٤٦/٨
خَذَلْتَنِي: إن قطعت توفيقك خذلتني ٢١٢/١
فَخَذَلْتَنِي: مجالس العلمآء فخذلتني ١١٦/٥٦
فَيَخْذُلُنِي: فلا تكلني إلى... سواك فيخذلني ٢٥٧/٦
لَمْ يَخْذُلْ: لم يخذل «الله» عند كلّ شدّة ٨٣/٣
فَلَمْ يَخْذُلْنِي: عند بليّته فلم يخذلني ١٩٩/١٥٤
يامن قلّ عند بلآئه صبرى فلم يخذلني ١٥٤/٢ ـ ١٥٦/٣
ويامن قلّ عند نقمته صبري فلم يخذلني ١٥٨/٢
لاتَخْذُلْ: لاتخذل من لايستغني عنك بأحدٍ دونك ٤٩/٧
لاتَخْذُلْنِي: ولاتخذلني عند فاقتي إليك ١٤٧/٩٧
ولاتخذلني ياخير المجيرين ٨٨/٢٢
لاتَخْذُلْنَا: ولاتخذلنا راهبين ١١٧/٢٢
فَلا تَخْذُلْنِي: مستجيراً فلا تخذلني ١٦٣/١٠
مسلماً فلا تخذلني ١٤١/١٣

نَخْذُلَ: أعوذبك من ... نخذل ملهوفاً ٢٦/٣
أَنْ يُخْذَلَ: وما حقّ من إعتصم بحبلك أن يخذل ١٩٥/٣
أَخْذُلْ: واخذل خاذله «وليعصر»(عج) ١١٩/٢٦
واخذل من خذله «وليعصر»(عج) ١١٩/٢٣
أَلَهمّ... أخذل من خذلهم «أئمّة» ١٨١/٥
خِذْلانُ: ومن خذلان الأقربين النصرة ٥٥/١٠
لم يضرره خذلان الخاذلين ٨/٢٤ ـ ١٥/١٤
خِذْلانِه: وأعوذ به من حلول خذلانه ١٩٩/٥٤
خِذْلانَكَ: فأستحقّ بذلك خذلانك ٥٥/٢٠
بِخِذْلانٍ: وجنتاه عليّ بخذلانٍ صحبني ١٦/٢
خاذِلَهُ: واخذل خاذله «وليعصر»(عج) ١١٩/٢٦
الخاذِلينَ: لم يضرره خذلان الخاذلين ١٥/١٤ ـ ٨/٢٤
الْخاذِلَةُ: والخيبة الخاذلة لمن خاب منك ١٤٦/٩
مَخْذُولٍ: وإنّ من إستجار بك لغير مخذولٍ ١٩٩/١٥٢
باغوث كلّ مخذولٍ فريدٍ ٤٩/٢
الْمَخْذُولينَ: ونبّهني من... نعسة المخذولين ١٤٧/٨٦

خ.ذ.و

الْإِسْتِخْذآءِ: ألطف من الإستخذآء لك فعلته ١٩٧/٣١
الْمُسْتَخْذي: تب على عبدك... المستخذى لك ١٦/٧

خ.ر.ب

تُخَرِّبُ: تخرّب ما يبقى وتعمر فانياً ٢١٤/٧٠ ـ ٢١٤/١٤٩

خ.ر.ج

خَرَجَ: ولم يرضك خرج عن قدرتك ١١٦/١
ولاخرج حبّك من قلبي ١١٦/٧٥
خرج من بيته مهاجراً معه «محمّد» ١٠/٢٩
لَخَرَجُوا: ولو كانوا كذلك لخرجوا من ١/١١
خَرَجْتُ: طالما خرجت من منازلها ١٩٩/١٥٣
خرجت من يدىّ أسباب الوصلات ٨٨/٤
خَرَجْتُ: وإذا خرجت إليك مدهوشاً ١١٨/٤
حين بشّرت بها خرجت إليها أسعى ١١٦/٦٥
وما خوّلتني وخرجت إليك وإلى هذا الموضع ١٤٩/٧١
يَخْرُجُ: شرّ ما ذرأ في الأرض وما يخرج منها ١٥٣/٢٩
أَخْرُجَ: حبّب إليّ... حتّى... أخرج منه بنشاطٍ ٧٧/٤
أَخْرَجَني: وأخرجني إلى فنآء نقمتك طريداً ٨٨/٧
أَخْرَجُوهُ: وقد عظم تلهّفنا على الّذين أخرجوه ١٠/٢٨
أَخْرَجْتَ: أخرجت منها ماء ثجّاجاً نباتاً ورجراجاً ٢٤٧/٧
أَخْرَجْتَني: إلى دار الدّنيا أخرجتني ٢٠٣/٣
أَخْرِجَ: ثمّ أخرج من سعة قصره ٢١٤/٥٧ ـ ٢١٤/١٣٣
يُخْرِجُهُمْ: يخرجهم من الظّلمات إلى (قرآن) ١٨/٥
يُخْرِجُونَهُمْ: يخرجونهم من النّور إلى (قرآن) ١٨/٥
تُخْرِجُ: وتردّ به ما قد فات وتخرج به ما هو آتٍ ٥٣/٢
لَمْ تُخْرِجْنا: ولم تخرجنا في مدّة من ١٠/٢٩
أَخْرِجْ: وأخرج حبّ الدّنيا من قلبي ١١٦/٧٦
وأخرج حبّ الدّنيا من قلوبنا ١٩٦/٤
وأخرج وحر صدورنا برزقك ٩٧/٤
أَخْرِجْني: أخرجني من فتنتها «الدّنيا» مرضيّاً عنّى ٧٨/٤
أخرجني من فتنتها «الدّنيا» ٢٥٢/٢٢
أَخْرِجْنا: وأخرجنا بخروجه من سيّئاتنا ١٤٢/٥٥
وأخرجنا من الظّلمات إلى النّور ١٣٩/٣
خُرُوجِ: يوم خروج الأنفس من أبدانها ١٤/١٠
ومدّوا عند خروج نفسه يديه ورجليه ٢١٤/٤٥
ومدّوا عند خروج روحه رجليه ٢١٤/١٢١
الْخُرُوجِ: والخروج من معاصيك ١٢٥/١
ولاالخروج عن عبوديّتك ٢٣٣/٢
ولاقوّة على الخروج من سلطانك ٥٧/٤
خُرُوجِهِمْ: خروجهم من سعة المعاش إلى ضيقه ١٤/٤
لِخُرُوجِ: أبكى لخروج نفسي ١١٦/٧٩
بِخُرُوجِ: ولابخروج عن دينك ١٦٥/٢
بِخُرُوجِهِ: وأخرجنا بخروجه من سيّئاتنا ١٤٢/٥٥
لِخُرُوجي: أبكى لخروجى من قبري ١١٦/٨٠
بِإِخْراجِ: وأن نطهّرها بإخراج الزّكوات ١١٥/١٣
خارِجاً: خارجاً ممّا تبنيه الدّنيا وتهدمه ١٩٩/١٩٠
مُخْرِجَ: أللّهمّ مخرج الولد من الرّحم ٢٢/٣٨
ومخرج الميّت من الحىّ ١٢٩/١
ومخرج الحىّ من الميّت ١٢٩/١
الحمدلله... مخرج الموجود من العدم ١٩٩/٥٢
بِمُخْرَجِينَ: ما هم منها بمخرجين (قرآن) ٢٠٦/٢٣ ـ ١٤٣/٥٥
مَخْرَجاً: واجعل لي من عندك مخرجاً وحيّاً ٢٤/٥
اجعل لي من أمرى فرجاً ومخرجاً ١١٧/٤٣ ـ ٢٥١/٣٥ ـ ٢٥١/٤٦ ـ ٢٥١/٤٠
واجعل لي من همّى فرجاً ومخرجاً ١١٦/١١٥
وإجعل لي من لدنك فرجاً ومخرجاً ٢٥١/٥٤
الْمَخْرَجَ: يامن يلتمس منه المخرج إلى روح الفرج ٢٤/١
وما أقنطه من سهولة المخرَجِ ١٤٦/١٠
والمخرجَ من كلّ كبر ١٢٥/١
وأسألك المخرج بالبيان من كلّ شبهةٍ ١٢٥/٤

ضاق عليّ منها «الذّنوب» المخرجُ ١٩٩/١٧٥
مَخْرَجي: اجعل مخرجي عن علّتي إلى عفوك ٤٦/٦

خ.ر.ر

خَرَّ: وجهاً طالماً خرّ ساجداً بين يديك ١٩٩/١٥٣
خَرَّتْ: هل تسوّد وجوها خرّت ساجدة لعظمتك ١٨٤/٤

خ.ر.س

خَرِسَتْ: والنّاطق إذا خرست الألسن ١٠/٢٣
أَخْرَسَهُ: أدعوك ياسيّدى بلسانٍ قد أخرسه ١١٦/١٨
أَخْرَسَتْ: قد أخرست المعاصي لساني ٢٠١/٢
تُخْرِسُ: تخرس ألسنة نطقت بالثّناء على مجدك ١٨٤/٤
وتخرِسَ عنّي لسانه «المريد بالسّوء عليّ» ٦١/٨
لاتُخْرِسْ: ولاتخرس لساناً عوّدته الثناء عليك ٣١/١
مُخْرِساً: من غير ما آفةٍ مخرساً ١٠٩/١١

خ.ر.ع

إِخْتَرَعَ: أنت الّذى إبتدأ وإخترع ١٤٧/٢٠
إِخْتَرَعَهُمْ: الّذى... إخترعهم علىٰ مشيّته إختراعاً ١/٣
إِخْتِراعاً: الّذى... إخترعهم علىٰ مشيّته إختراعاً ١/٣
الْمُخْتَرَعِ: ومستعمل الرّأى المخترع ٥٥/١٦

خ.ر.ف

خَرِفَ: خرف وليده «زرع الباطل» ٧٠/٧

خ.ر.ق

خَرَقَتْ: وخرقت النّجوم إلى حدّ الإنتهآء ١٩٩/١٤٠
خرقت النّجوم فبلغت أسافل الثّرى ١٩٧/٣٧
فَخَرَّقْتَ: فخرّقت قلوبهم حجب النّور ٢٠٠/٤٣
لاتَخْرِقُ: يامن لاتخرق قدرته عواصف الرّياح ١١٤/١٧
بِخَرْقٍ: ولابخرق من الأرض ولاسماء ١٢٨/١١

خ.ر.م

خَرَمَتْ: كم خرمت أيدى المنون ٢١٤/٨٠
إِخْتَرَمَتْ: كم إخترمت أيدى المنون ٢١٤/٥
الْمُخْتَرَمِ: الّذى لم يجعلني من السّواد المخترم ١٠٥/١

خ.ز.ر

الْخَزَرِ: أعدائك في أقطار البلاد من... الخزر ٦٧/١١

خ.ز.ل

أُخْتُزِلَ: لاحجّة لمن أختزل عن طريق العلم بك ٢٤٩/٨
تُخْتَزَلُ: لاتختزل حوائجهم دونك ٨٢/٣

خ.ز.م

إِخْزِمْ: واخزم ألسنتهم عن النّطق ٦٧/٧

خ.ز.ن

خَازِنَ: وخازن النّور في السّماء ١٣٨/١
ياخازنَ اللّيل في الهواء ١٣٨/١
خَزَنَةَ: وجعلتهم خزنة علمك حفظة دينك ١٤٧/٥٧
الْخَزَنَةِ: ومالكٍ والخزنة ورضوان وسدنة الجنان ١٢/١٢
خُزَّانِ: وخزّان المطر، وزواجر السّحاب ١٢/١١
الْخُزَّانِ: فصلّ... وعلى آله الخزّان له ١٠٩/٧
خَزَآئِنِ: يامالك خزآئن الأقوات ١٩٩/٥١
وبامن لاتفنى خزآئنُ رحمته ٨/٢٠ ـ ١٥/٣
وكان في خزائنِ أمرك ١٠/١٩
قال اجعلني على خزائنِ الأرض (قرآن) ٢٢/٢٢
فإنّهم لو يملكون خزائنَ رحمتك لأمسكوا ٧٧/٢
والقوّام على خزائن الرّياح ١٢/١١
خَزَائِنُهُ: يامن لاتفنى خزائنه ٢٤٧/٣
يامن لاتفنى خزائنُهُ المسائل ٣٩/٢
خَزَائِنُكَ: وخزآئنك غير مغلّقات ٨٢/٢
ولاينقص من خزائنِك غنآئى ١٦٩/١
ولاينقص من خزائنك عناى ٢١٠/١
ولاينقص خزائنَك غناى ٢٥٧/٣
فاذخره «متاع الدّنيا» لي في خزائنِك الباقية ٧٩/٥
وإنّ خزائنَك لاتنقص بل تفيض ١٤٢/٥٧
مَخْزُوناً: مخزوناً في الدّيوان المكنون ١٩٩/١٩٢
الْمَخْزُونِ: بسم الله ... المكنون المخزون ٢٣/٢
بِالْمَخْزُونِ: ياربّ غير أنّي أسألك بالمخزون ٢٠٥/١٦
فأسألك اللّهمّ بالمخزون من أسمائك ١٦٢/٦
الْمَخْزُونَاتِ: المقدّسات المكنونات المخزونات ٢٦٧/٦

خ.ز.ى

نَخْزىٰ: وإنّا نعوذبك أن نذلّ ونخزىٰ ٨٣/١٠
لايُخْزِي: يوم لايخزى الله النّبيّ (قرآن) ١٤٢/٧
لَمْ يُخْزِ: ولم يخز «الله» في موطن ٨٣/٣
لاتُخْزِهِ: ولاتخزه «قلبى» بمعصيتك ٢٠/٦
لاتُخْزِنِي: لاتخزنى بمعصيتك ٢٧/٢ ـ ١١٤/٢ ـ ١١٣/٦

ولاتخزني يوم يبعثون ٢٥٢/٤٢
ولاتخزني يوم تبعثني للقائك ١٤٧/٩٦
أللّهمّ... لاتخزني يوم القيامة ٧٧/١٢
لاتسمني السُّوء ولاتخزني ١٥٣/١٩
لاتُخْزِنا: ولاتخزنا عندهم «كرام الكاتبين» ٢١/١٠
ولاتخزنا بزيارته ١٠٣/٤
فَلا تُخْزِني: وبسريرتي فلا تخزني ٢٥٢/١٥ ـ ٢٥١/٢٣
خِزْي: أعوذبك من خزى الدّنيا ٢٨/٥
الْخِزْي: ذنوبي مقام الخزي ٨١/٤ ـ ٨٠/١٩
إختلطنا في الخزي يوم الحشر بذوى الجحود ١٩٩/١١٣
ومن اشتمل عليه الخزى من عندك ١٤٧/٩١
وعذاب الخزى في الدّنيا والآخرة ١٢٩/٨
خِزْيِكَ: وأعوذبك من خزيك ١٣٩/١٤
بِخِزْيِهِمْ: واقطع بخزيهم أطماع من بعدهم ٦٧/٧
مُخْزٍ: ومنقلباً كريماً غير مخزٍ ولافاضح ٢٢٥/٣
خَزَايَا: إجعل مؤونتنا إلى جنّتك غير خزايا ١٤٣/٥٤
الْمَخَازِي: المخازي والعيوب ساتراً ١٨٣/٦

خ.س.أ

خَسَأَتْ: خسأت أبصارهم عن عيب التّدبير ٢١٩/٣٠
إِخْسَأْهُ: أللّهمّ اخسأه عنّا بعبادتك ٥٠/٢
إِخْسَئُوا: إخسئوا فيها ولاتكلّمون (قرآن) ٢٣/٣ ـ ٢٢/٧

خ.س.ر

خَسِرَ: وخسر المتعرّضون إلاّ لك ١٤٦/٥
خَسِرُوا: خسروا خسراناً مبينا ١٤٣/١٢ ـ ١١٦/٤٩
يَخْسَرُ: وقد الكرامة يوم يخسر فيه المبطلون ١٩٧/٤٧
خُسْراً: واجعل عاقبة أمرهم «الظّلمة» خسراً ١١٩/١٠
خُسْراناً: وخسروا خسراناً مبينا ١٤٣/١٢ ـ ١١٦/٤٩
الْخُسْرانِ: ولاتبلني بالخيبة والخسران ١٩١/٥
خاسِرُ: ويذهل عن أخراه لاشكّ خاسرٌ ٢١٤/٨
الْخاسِرُونَ: ولايأمن مكرك إلاّ... الخاسرون ٢٥٢/٤١
خاسِرَةٍ: وكرّتى غير خاسرة وأخفني مقامك ١٤٧/١٠٨
أعوذبك من صفقة خاسرةٍ ٢٧/٤
الخاسِرَةِ: الإنقلاب إلى الكرّة الخاسرةِ ٢٥٦/٥
الْأَخْسَرِينَ: فجعلناهم الأخسرين (قرآن) ٢٢/٢٥

خ.س.س

خَساسَة: أظنّ بذى عدم خساسة ٩٦/٤
خَسِيسَةً: ولاتسمنى خسيسةً ١٤٧/١٠٣
خَسِيسَتي: فرفعت خسيستي وأقلت عثرتي ١٤٩/٣٣

خ.س.ف

بِالْخُسُوفِ: ارم بلادهم بالخسوف ٦٧/١٥

خ.ش.ع

خَشَعَ: وخشع لعظمتك ما دون عرشك ١٤٧/٢٥
ولانقدر على التخفيف عمّن خشع لها ٨٨/٢٠
فَخَشَعُوا: بجزيل ثوابك فخشعوا ١٩٩/٩٧
خَشَعَتْ: خشعت الأصوات للرّحمٰن (قرآن) ٢٣/٣ـ٢٢/٢٢
خَشَعْتَ: لقد خشعت واستسلمت ٢١٤/٢٤ ـ ٢١٨/٣
خُشِعَ: وخشع ما أنت صانع بمقرّ لك بذنبه ١٤٩/٤١
لايَخْشَعُ: وأعوذبك من... قلب لايخشع ١١٦/١٢٧
يَتَخَشَّعُ: ويتخشّع لمولاه بالذُّلّ ١٤٩/٤٠
خُشُوعاً: ما أنت أحصى لها خشوعاً ٨٠/٥
وهب له من خشوع التّذلّل ١٩٩/٣٩
أللّهمّ إنّى أسألك... خشوعَ العابدين ١٣٩/٥
الْخُشُوعِ: وأبين الخشوعِ وأبلغه ١١٥/١٢
أعنّى على التّهجّد لك بحسن الخشوع في الظّلم ٣٦/٨
والإنابة والإخلاص والخشوع والإخبات ١٢٩/١٠
والخشوع لك والذّلّة بين يديك ١١٥/٢٢
أرزقني ... التّوبة ... والخشوعَ ١١٧/٩
خُشُوعي: خشوعى لك بالسّجود ٢٤٣/٦
بِخُشُوعِ: ناجاك بخشوع الإستكانة قلبي ٢٥١/٦٢
بِالْخُشُوعِ: ناداك بالخشوع والإستكانة قلبي ٧٠/٣
تَخَشُّعاً: أدعوك تخشّعاً وإلحافاً والحاحاً ١٤١/١٦
خاشِعاً: بين يديك... خاشعاً، خائفاً ١٤٧/٧٥
أتحرق بالنّار جسمي وكان لك خاشعاً ٢٠١/٣٦
وأسألك قلباً خاشعاً وعلماً نافعاً ١٢٩/٥
أللّهمّ إنّى أسألك قلباً خاشعاً زكيّاً ١٩٩/٢٥
مقرّاً له «الله» بالعبوديّة خاشعاً ١٩٩/٥٧
خاشعٍ لك بذلّه ١٤٩/٤١
خاشِعِينَ: ... خاشعين عابدين ... ٤٢/١٧
الْخاشِعِينَ: وأعطف بقلبي على الخاشعين ١٤٧/١٠٩
وعبادة الخاشعين لك ويقين المتوكّلين عليك ١٧١/٦
إقتبسى من سمت هدى الخاشعين ١٩٧/٤٧
واجعلنى لك من الخاشعين ١١٦/١٠٩
ناجتك... في محاريب قدس رهبانيّة الخاشعين ٢٠٠/٣١
وعلىّ بن الحسين ... وإمام الخاشعين ٤٢/٦
أللّهمّ إنّى أسألك... إخلاص الخاشعين ١٣٩/٥

الْخُشَّعُ: الخشّع الأبصار فلا يرومون النّظر إليك ١٢/٨
خَاشِعَةٌ: أبصارها خاشعةٌ (قرآن) ٢٠٧/١٥
فتلقّاك بنفس خاشعةٍ ٨٨/١١
مُتَخَشِّعاً: وغمّض بصره إلى الأرض متخشّعاً ٨٠/٥

خ.ش.ى

خَشْيَةُ: وأحقّ من خشيه واتّقاه ٨٨/١١
يَخْشىٰ: أم كيف تنام عين من يخشىٰ البيات ٢١٤/٢٩
ويخشىٰ من الجزع عليه ٢١٤/١٢٩
أم كيف تنام عينا من يخشى البيات ٢١٤/١٠٥
يَخْشاكَ: أللّهمّ اجعل لي قلباً يخشاك ١٣٧/٥
أَخْشىٰ: خطيئتي فيما أخاف وأخشى ١٩٨/٦٢
لاأَخْشىٰ: ولاأخشىٰ إلاّ عدله ٢٣٦/١
أَنْ أَخْشاكَ: بسعة رحمتك يؤمّنني أن أخشاك ٣٧/٢
علمي بسعة رحمتك يؤمنني أن أخشاك ٨٧/٢
لايُخْشىٰ: لايخشىٰ جورك على من عصاك ٩٨/١١ـ٨/١٨
ولايخشىٰ إلاّ عدله ١٩٧/٢٧ ـ ١٤٣/٤١ ـ ١٩٩/١٣٣
خَشْيَةً: أن تملأ قلبي... خشيةً منك ١١٦/١٢٠
لأمسكوا خشيةَ الإنفاق ٧٧/٢
يامن هو غاية خشيَةِ المتّقين ٨٠/١
الّذى ... لايمسك خشيةَ الإملاق ١٩٩/٥٣
الْخَشْيَةِ: وافتح لي ياربّ باب... الخشيةِ منك ٢٥٢/٤٠
وافتح لي باب ... الخشيةِ منك ٢٥١/١٥
أسألك ... حزم أهل الخشيةِ ١٣٧/٨
أنضجت نار الخشيةِ منابت الشّهوات ٢٠٠/٣٣
وامنن علىّ بـ... الخشيةِ لك ٦١/٣
خَشْيَتُهُ: قد أرعشت خشيته رجليه ٣٤/٧
وبحقّ ذى الكفل وخشيتِهِ ١٨٠/٤
خَشْيَتِكَ: مشفقون من خشيتك ١٤٨/١
وحبيب قلبي من خشيتك ٤٩/١٠
وبكيت من خشيتك مثل بحور السّماوات ٢٣٠/٢
وهب لي عصمة تدنيني من خشيتك ١٤٧/٩٤
وألهمني الخير... وخشيتك باللّيل والنّهار ١١٦/٥٢
فارحم... وجيب قلبي من خشيتك ٨٠/١٩ ـ ٨١/٤
أللّهمّ إنّى أسألك خشيتك في الغيب ١٣٩/١٤
خَشْيَتي: عن قلبي من برد خشيتي منك ٢١٩/١
بِخَشْيَةِ: واعمر قلبي بخشية ذوى الإشفاق ١٩٩/٦٦
لِخَشْيَتِهِ: وعنت الوجوه لخشيته ٢٣٨/٢
بِخَشْيَتِكَ: مشوباً بخشيتك في كلّ أوان ١٩٩/١٩٠
مَخْشِيٌّ: إلى النّار مخشىّ عقابك ١٩٩/٨٦

أَخْشىٰ: سبحانك أخشى خلقك لك ١٦٦/٣

خ.ص.ب

خِصْبَ: وخصب سعة الأرزاق ١٠٩/١٥

خ.ص.ص

خَصَّ: أللّهمّ يامن خصّ محمّداً وآله بالكرامة ١٣/١
خَصَصْتَ: أبوىّ بأفضل ما خصصت به ٦٣/١٣
خَصَصْتَهُ: خصصته بالكتاب المنزل عليه ١٤٤/٦
فاجعلنا ممّن... خصصته بمعرفتك ١٩٠/٣
خَصَصْتَهُمْ: وخصصتهم «بالأئمّة» بعلمك ١٤٩/٤٧
خَصَصْتَني: خصصتني بنوافل ١٩٩/١٧٦
بقربك وجوارك خصصتني ١٨٤/٣
فَخَصَصْتَهُ: فخصصته أن جعلته ١٤٤/١٢
خُصَّتْ: خصّت قلوبهم بطهارة الصّفاء ٢٠٠/٣٦
أَخُصُّ: فمن أخصّ بمعانيني ٢١٩/٣٨
أُخْصُصْ: واخصص اللّهمّ والدىّ بالكرامة لديك ٦٣/١
واخصص أبوىّ بأفضل ما خصصت به ٦٣/١٣
واخصص محمّداً بأفضل الصلاة والتّسليم ١٤١/٣٢
أُخْصُصْهُمْ: واخصصهم بأفضل صلواتك ٦٣/١
خُصَّني: أللّهمّ خصّني منك بخاصّة ذكرك ١١٦/١٠٩
خُصَّنا: أللّهمّ خصّنا بعظيم الأجر ٢٣٤/٢
أَخْصَصْنا: وأخصّنا ببرّك ١٤٢/٢٢
خَصَصْتَهُمْ: أللّهمّ يامن... خصّصهم بالوسيلة ١٣/١
إِخْتَصَصْنا: وإختصّنا بملّته ١١٥/٢
إِخْتَصَصْتَهُ: شهر رمضان الّذى إختصصته ١٤٢/٢٤
أو عبد صالح إختصصته ١١٥/١٦
القسم الّذى هو اسم من إختصصته لوحيك ١٤٤/١٧
حين إختصصته بما سمّيته من الأسماء ١٤٤/٨
إِخْتَصَصْتَهُمْ: الّذين إختصصتهم لنفسك ١٢/١٠
الْخَصَاصَةُ: أقامته الخصاصة بين يديك ١١٦/١٠٣
الْخاصّينَ: خاصّتك الخاصّين لديك ١٥/١٧
خاصَّةً: ويكون وسيلة لديه خاصّةً به ١٠/٣١
بلغ به «محمّد» من... خاصّةِ خالصته ١٠/١٥
أللّهمّ وأصحاب محمّد خاصّةً ١٤/٣
خاصَّتِكَ: والأبرار من خاصّتك ١٩٦/٤
واجعلنا... من خاصّتك الخاصّين لديك ١٥/١٧
أسألك بأهل خاصّتك من ملآئكتك ١٩٥/٥
واجعلنا... من خاصّتك الحاضرين لديك ٨/٢٧
بِخاصَّةِ: أللّهمّ خصّني منك بخاصّة ذكرك ١١٦/١٠٩

لِخاصَّتي: ما أرعىٰ لخاصّتي ٦٥/٤
لِلْخاصَّةِ: للخاصّة من أصفيائك ٢٠٠/٣٨
خَصائِص: وخصائص تلك الفروض ١٤٢/٢٤
لِخَصائِصَ: جعلت تلك الأسباب لخصائص ٢٤٩/٢
بِخَصآئِص: بخصآئص الفوآئد ١٩٩/١٨٦
اَلْمَخْصُوصِ: المخصوص الدّاعى إلى ٤٢/١٤
أنت المخصوصُ قبل كلّ مدعوّ بدعوتي ٧٤/٣
وعليّ‌بن موسى الرّضا... المخصوصِ بكرامتك ٤٢/١٠
مَخْصُوصُونَ: بحجّتك مخصوصون ١٩٩/١٦٨
أَخَصَّ: وإجعلنا من أخصّ عار فيك ١٩٣/٦

خ.ص.ل

خَصْلَةً: أللّهمّ لاتدع خصلةً تعابُ ٥٥/٨

خ.ص.م

خاصَمَني: ولساناً على من خاصمنى ٥٥/١١
أُخاصِمُ: وبك أخاصم وأجادل ١٩٩/٣
اَلْخَصْمِ: يوم الفصل ومجمع الخصم ٤٤/١١
لِخَصْمي: أعددت لخصمى من ٤٤/١٣
اَلْخُصُومَةِ: إنّ الشّيطان... شديد الخصومة ٢٠١/٥٠
اَلْخُصَمآءِ: ومن أيدى الخصمآء ١١٦/٦٨

خ.ض.ب

خَضَّبَتْ: وخضّبت الدّموع عينيه ٢١٤/١٢٩
وقد خضّبت الدّموع خدّيه ٢١٤/٥٣

خ.ض.ر

خَضْرآءَ: لاتدع للجور... خضرآء إلاّ أبدتها ٧٠/٩
اَلْخِضْرِ: وبحقّ الخضر وسياحته ١٨٠/٤

خ.ض.ع

خَضَعَ: غيره من الآدميين خضع له ٢٠٠/٢٠
وخضع لك خضوع من يؤمّلك لآخرته ودنياه ١٩٩/١٣٤
وخضع كلّ شيئ لقوّته ١٤٣/٥
أسألك مسألة من خضع لك برقبته ١٦٤/٢
سبحانك خضع لك من جرى في علمك ١٤٧/٢٥
مسألة من خضع لك رقبته ١٣٢/٨
خَضَعْتُ: لقد خضعت واستسلمت وتضاءلت ٢١٤/٩٩
فيامن... خضعت لعزّته الرُّؤساء ٢٤٣/٥
بسم الله الّذى خضعت له الرّقاب ٢٢/٢٥
خَضَعْتُ: قد خضعتُ بالإنابة إليك ١٨٢/٢
خُضِعَ: وأكرم من خضع له وخشع ١٤٩/٤١
يَخْضَعُ: وكذلك العبد الخاطئ يخضع لسيّده ١٤٩/٤٠
خُضُوعاً: ما أنت أعلم به منه خضوعاً ٨٠/٥
خضوع التّبتّل في رهبة الإخبات ١٩٩/٣٩
وخضع لك خضوعَ من يؤمّلك لآخرته ودنياه ١٩٩/١٣٤
خُضُوعِهِ: وخضوعه لديك ١٦٤/٤
خُضُوعي: وخضوعي إليك برقبتي ١٦٤/٦
بِالْخُضُوعِ: ولابالخضوع لسؤال ٥٥/٢٠
تَخَضُّعي: لك تخضّعى وسؤالى ١٩٢/٦
خاضِعاً: مستجيباً لدعوته خاضعاً ١٩٩/٥٧
وكلّ شيئ خاضعٌ لك ٢٥٧/٨ - ١١٦/٨٧
ومصدرها عن قضائك خاضعاً لحلمك ٢٥١/٥٨
فها أناذا بين يديك خاضعٌ ذليل راغم ١٦٢/٥
بين يديك ... خاضعاً خاشعاً ١٤٧/٧٥
أسألك مسألة ... مستكين خاضع ١٩٩/١٦٥
خاضعاً لك بإستكانة ذلّى ١٩٩/١٥٧
اَلْخاضِعِ: أسألك سؤال الخاضع الذّليل ١٧٠/٤
الخاضعُ لك بذلّى ١٤٩/٣٨
خاضِعِينَ: فظلّت أعناقهم لهاخاضعين(قرآن) ١٥٩/١٥
مترفين خاضعين لك بالعبوديّة ٢٤٧/٦
لك أصبحنا وصلّينا خاضعين ١٤٣/١٨
خاضِعَةً: وانتصبت بالرّغبة خاضعةً لديك ٢٠٢/٨
ورقبة خاضعةٍ وظهر مثقل من الخطايا ٨٨/١١
وهذه رقبتي خاضعةٌ لك لما أنت ٨٦/٢
أَخْضَعُهُمْ: وأخضعهم لك أعملهم بطاعتك ١٦٦/٣

خ.ض.م

يُخْضِمُونَها: وأنحو على أمواله يخضمونها ٢١٤/٦٣

خ.ط.أ

أَخْطَأْتُ: إن أخطأت طريق النّظر لنفسي ١٩٩/١٠٠
أَخْطَأْنا: ولاتؤاخذنا بما أخطأنا فيه وما نسينا ٨٧/٧
ربّنا لاتؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا (قرآن) ٨٣/١٣
أُخْطِئُ: أخطئ من حيث لاأعلم ١٢٥/٣
اَلْخَطَأَ: ولااستمساك بي عن الخطأ الاّ عن قوّتك ٨١/٣
وسوّل لي الخطأَ خاطر السّوء ففرّطت ٨٨/٩
لِخَطَإٍ: لالخطإٍ وعمدٍ كان منّى عملته أو أمرت به ٣٦/٩
خَطآءً: أو زلّ بها منّى خطاءٌ ١٢٥/٢
كلّ ذنب سلف منّى عمداً أو خطاءً ١٤١/١٥

الْخَطآءِ: من الذّنوب والزّلل والخطاء ٦٤/١٣
خَطآئِها: إلاّ لما أسلفته من عمدها و خطآئها ١٩٩/١١٥
بِخَطآئي: سيّدى أنا ... المقرّ بخطآئي ١٩٩/٨٢
خَاطِئٌ: أو مذنب خاطئ غفرت له ٢٢٠/٧ ـ ١٤٣/٢٠
أو خاطئ غفرت زلّته ٢٥٦/٢
الْخَاطِئُ: أنا السيئ المعترف الخاطئ العاثر ١٤٧/٨٢
وأنا الخاطئ الّذين أقلته ١١٦/٦٣
وكذلك العبد الخاطئ يخضع لسيّده ١٤٩/٤٠
وأنت الغفور وأنا الخاطئ ١٤٩/٨
خَاطِئِينَ: غير عاصين... ولاخاطئين ٦٤/٤
الْخَاطِئُونَ: يا... أكرم من إستغفره الخاطئون ١٩٩/١٢٧
فإلى من يلجأ الخاطئون ١٩٩/١١٠
يامن لخيفته ينتحب الخاطئون ٤٩/١
الْخَاطِئِينَ: فكاك رقاب الخاطئين ٤٩/١٥
يامن ... يتفضّل بإنظار الخاطئين ١٤٧/٨١
أنهضته بتجاوزك عن مصارع الخاطئين ١٠١/٨
وهى زلّةٌ من زلل الخاطئين ٣٩/٦
لِلْخَاطِئِينَ: للخاطئين المنيبين ٨١/٩ ـ ٨٠/٢٥
خَطِيئَةٍ: كم من خطيئة أحصيتها علىّ ٢٤٩/٩
لايتعاظمك ... خطيئةٌ أن تحطّها عنّى ٢٥٧/٢٠
لاخطيئةٌ إلاّ محوتها ١٢٢/٨
ولايعود بعدها في خطيئةٍ ١٤٢/٦٠
حطّ عنّى كلّ خطيئةٍ ١٤٨/٣٥
ولكن خطيئةٌ عرضت ١١٦/٦٧
وخطيئةٍ إرتكبناها ٩٥/٢
واكتسبنا فيه من خطيئةٍ على تعمّد منّا ١٤٢/٥٢
آه واخطيئتاه من كانت خطيئةٌ فليبك قبل ١٩٨/٦٠
لايضمر أن يعود في خطيئةٍ ٨٠/١١
أو تتجاوز لي عن خطيئةٍ فها أناذا عبدك ١٤٩/٤٢
الْخَطِيئَةِ: إلهى... إلى الخطيئة مبادرة ١٨٣/١
أسألك سؤال ... النّادم على الخطيئةِ ٢٤٥/١
واعظاً لنا وزاجراً عن سوء الخلق واقتراف الخطيئة ٩٥/٣
إلهى... إن كان الإستغفار من الخطيئةِ حطّة ١٨٢/٧
ياربّاه أنا صاحب الخطيئةِ والجناية العظمىٰ ١٩٨/٦٩
ونحن مقتحمون فيالخطيئة ٢٠٠/١٠
خَطِيئَتُهُ: مسألة من... أحاطت به خطيئته ١٣٢/٩
وفضحته عندك خطيئته ١٦٤/٣
عائد في ذنبه وخطيئتِهِ ٨٠/١٦
خَطِيئَتَاهُ: آه واخطيئتاه من كانت له خطيئة ١٩٨/٦٠
آه واخطيئتاه على أىّ حال ألقي ربّي غداً ١٩٨/٦٧
آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي ١٩٨/٥٧ ـ ١٩٨/٥٨
١٩٨/٥٦ ـ ١٩٨/٥٥
آه واخطيئتاه أبعدتني خطيئتي عن أهل التّقوىٰ ١٩٨/٥٩
آه واخطيئتاه أوقعتني خطيئتي ١٩٨/٦٢
آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي كالحبّة في المقلى ١٩٨/٥٤
آه واخطيئتاه كلّما زاد عمري زاد ذنبي ونما ١٩٨/٦٦
آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي مغموماً ١٩٨/٦١
آه واخطيئتاه كيف تقلّني الأرض ١٩٨/٦٥
آه واخطيئتاه حالت خطيئتي بين الأمّهات والآبآء ١٩٨/٦٣
آه واخطيئتاه أخلق وجهي ذلّ الخطايا ١٩٨/٦٨
آه واخطيئتاه مثل خطيئتي لايقاس ١٩٨/٦٤
خَطِيئَتِي: من أن تقايسنى بفعلى وخطيئتي ١١٦/٤٣
كفّر خطيئتي بمنّك ورحمتك ١٨٢/١٣
كففت عن خطيئتي ١٤٨/٤
أخلقت عندك وجهي لكبير خطيئتي ٢٤٩/١٧
وأن تغفر لي خطيئتي وجهلي ١٣٨/٣
وأعوذبك ياإلهى أن تحيط بي شيئاً من خطيئتي ١٢٣/١٨
آه واخطيئتاه، تركتنى خطيئتي كالحبّة في المقلي ١٩٨/٥٤
آه واخطيئتاه أوقعتنى خطيئتي ١٩٨/٦٢
آه واخطيئتاه مثل خطيئتي لايقاس في الخطايا ١٩٨/٦٤
آه واخطيئتاه تركتنى خطيئتي مغموماً ١٩٨/٦١
آه واخطيئتاه أبعدتني خطيئتي عن أهل التّقوىٰ ١٩٨/٥٩
آه واخطيئتاه تركتنى خطيئتى ١٩٨/٥٧ ـ ١٩٨/٥٨
١٩٨/٥٦ ـ ١٩٨/٥٥
فأنا ... المتردّد في خطيئتي ١٦٧/١
حالت خطيئتي بين الأمّهات والآبآء ١٩٨/٦٣
فأعطني من فضلك ... غفران خطيئتي ١٣٩/٨
بِخَطِيئَتِهِ: مسألة من... اعترف لك بخطيئته ١٣٢/٨
وأسألك سؤال من ... يعترف بخطيئته ١٧٠/٤
فأسألك ... سؤال من ... إعترف بخطيئته ١٦٦/١١
بِخَطِيئَتِي: وأنا مرتهن بخطيئتى ٢٥٧/١٤
إلهي أنت أوسع فضلاً... من... تستزّلني بخطيئتي ١١٦/٦٠
ولاتذكرنى بخطيئتي ١١٦/١٣٠
إلهى وسيّدى ... معترفٌ بخطيئتي ١٣٥/٧
المعترف بخطيئتي وهذه يدى ١٦٧/٣
وبارزتك بخطيئتي من جهلي ١٢٨/٩
لِخَطِيئَتِي: أستغفرك لخطيئتي ٢٤٩/١٨
وكنت عندك من المعذّبين لخطيئتي ١٠/٣٢
بِالْخَطِيئَةِ: مقرّ بالخطيئة نادم عليها ١٦/٣
الْخَطِيئَاتِ: ونشروا ديوان الخطيئات ٢٠٠/٢٧

وقد صفّيتنا فيه «شهر رمضان» من الخطيئات ١١٥/٢٠
وغسلت عنّا دنس الخطيئات ١٤٢/٤١
تخفيفاً لما ثقل على ظهري من الخطيئات ٤٦/٣
خَطِيئَاتُهُ: إرحم من... أحاطت به خطيئاته ١٩٩/٤٣
خَطِيئَاتِي: وأنا أسير خطيئاتي وذنوبي ٢٣٤/٨
إنتشرت عبراتي حين ذكرت خطيئاتي ١٩٧/٤٤
بِخَطِيئَاتِهِمْ: نظر تغمّدك بخطيئاتهم ١٩٩/١١٢
خَطَايَا: أفواجاً من خطايا وعندك ١٥١/١
ربّ نفسي غريق خطايا مجحفة ٢٤٨/٩
الْخَطَايَا: بالذّنوب والجهالة والخطايا ٢٠١/٢٧
وارزقني التّحفّظ من الخطايا ٥٩/١٤
هذا مقام من... قادته أزمّة الخطايا ٨٠/٢
وظهر مثقل من الخطايا ٨٨/١١
وأنا من أهل الذّنوب والخطايا ٨٩/٤
إستترت بعملي وبارزت ربّي بالذّنوب والخطايا ١٩٨/٣٥
أفردتني الخطايا فلا صاحب معي ٥٧/١
ومن الذّنوب والخطايا تائبين ٢٠٦/٢٠
إلهي ألبستني الخطايا ثوب مذلّتي ١٨٢/١
هذا ظهري ما أثقلته الخطايا ٤٩/١٦
أنا الّذي أوقرت الخطايا ظهره ٤٩/٥
وجليل من الخطايا اجترمته مستجيراً بصفحك ١٤٧/٧٥
وأذهب عنّي درن الخطايا ١٤٧/٩٥
وجنّبني فيه «رمضان» ... الخطايا ١١٧/٦
ياربّاه أنا صاحب الذّنوب والخطايا ١٩٨/٧٢
آه واخطيئتاه، أخلق وجهي ذلّ الخطايا ١٩٨/٦٨
آه واخطيئتاه مثل خطيئتي لايقاس في الخطايا ١٩٨/٦٤
وأحوجتني الخطايا إلى إستفتاح أبواب ١٩٥/٢
ياربّاه إرحم من أرخى السّتور على الخطايا ١٩٨/٨٧
سيّدي إن أوحشتني الخطايا من محاسن لطفك ١٩٩/٨٧
لإستمساك بي عن الخطايا إلاّ عن قوّتك ٨٠/١٥
وفّقني من الأعمال لما تغسل به دنس الخطايا عنّي ٨٠/١٠
يامن رآني على الخطايا فلم يفضحني ١٥٨/٣
إلهي ... أنا أسير الخطايا ٢٠٣/٥
واجعلنا من الّذين غرسوا أشجار الخطايا ٢٠٠/٢٨
من إرادة مقيم بمدرجة الخطايا ٢١٩/٤
خَطَايَاهُ: وأحاطت به خطاياه ٢١٤/١٣٣
لطفت لـ.. غريق في بحور خطاياه ٢٤٣/١٠
إذ بكى على ما سلف من خطاياه ٢١٤/١١٧
بكىٰ على ما أسلف من خطاياه ٢١٤/٤١
خَطَايَايَ: هب لي خطاياىَ بفضلك ١١٢/٦
تغمّد لي خطاياى فقد أوحشتني ٢٤٧/١٠
تجاوزك عن خطاياى ٤٠/١
ربّ اجعل جنّتي من خطاياى حصينةً ١٦٤/٢٣
كلّما طال عمرى كثرت خطاياى ولم أتب ٩١/٤
وأنقذني برحمتك من خطاياى ٢٥١/٥٦
شفّع في خطاياي كرمك ٨١/٥ - ٨٠/٢٠
قد أوجلتني خطاياى فليؤمنّى عفوك ٨٠/٢١
حين ذكرت خطاياى وعثراتي ١٩٩/١٤٤
خَطَايَانَا: هذا الشّهر من خطايانا ١٤٢/٥٥
بِخَطَايَانَا: معترفاً بخطايا جنيتها وعظائم اجترمتها ١٦/٢
بِخَطَايَايَ: وأمسى... مقرّاً بخطاياي ١٦٦/٨

خ.ط.ب

لَمْ تُخَاطِبْهُمْ: ولم تخاطبهم بما ١٩٩/١٦٧
الْخَطْبِ: فزادني جليل الخطب لفقدهم جوىً ٢١٩/٣٦
خَطِيبَ: وإجعله خطيب وفد المؤمنين ١٠/٢٣
الْخَطِيبِ: فصلّ على محمّد الخطيب به ١٠٩/٧
لِخُطَّابِهَا: لخطّابها فيها حريص مكاثر ٢١٤/٦

خ.ط.ر

خَطَرَتْ: وصلّ عليه وآله... ما خطرت الأوهام ١٩٩/١٩
أو خطرت بها منّى خطرات نسيان ١٢٥/٢
يَخْطُرُ: وأنزل بك كلّ ما يخطر ببالي ١٩٩/١٧٨
لَا يَخْطُرُ: ووعدت فيها ما لايخطر ٢٠١/٤٦
من النّعيم المقيم ما لايخطر على القلوب ٢٥٧/١١
لَمْ يَخْطُرْ: ولم يخطر ببالي ولم يجر على لساني ١٦١/٨
أَنْ يَخْطُرَ: علمت... قبل أن يخطر بفكري ٢٥١/٦٢
ما يحدث من طلبتي قبل أن يخطر بفكري ٧٠/٤
تَخْطُرُ: أطلبه «رزقى» بخطرات تخطر ٧٧/١٣
أَخْطِرُنَا: وأخطرنا بباله لندخل في عدّة من ١٠/٣١
تُخَاطِرُ: أتدري بماذا لو عقلت تخاطر ٢١٤/٧
خَطَرٍ: على خطر تمسي وتصبح لاهياً ٢١٤/٧
الْخَطَرِ: ياعظيم الخطر، ياالطيف الخبر ١٧٧/٢
خَطَرِهِ: يامن تصغر عند خطره الأخطار ٨/٢٠ - ١٥/٥
وكبير خطره لدىّ ٢٥٧/١٩
خَطَرِي: فإنّي امرؤ حقير وخطري يسير ١٦٢/٧
سيّدى ما أنا وما خطرى، هب لي خطاياى بفضلك ١١٢/٦
لصغر خطري في ملكك ٢٥٧/٢٠ - ٢٠١/٤٨
وما أنا ياسيّدى وما خطري ١١٦/٦٠
وما أنا ياربّ وما خطري ١١٦/٢٢

خَطَرَاتٌ: أو خطرت بها منّى خطرات نسيان ١٢٥/٢
وامح عن قلوبهم خطراتِ المال الفتون ٦٧/٤
زال عن محبّتك من خطراتِ قلبي ٨٠/١٨
واحجب به خطراتِ الوساوس ١٠٩/١٣
وخطراتِ الوساوس حارساً ١٠٩/١١
لاتجعلني ممّن عبادته لك خطراتٌ ٢٠٤/٧
الْخَطَرَاتِ: ولايخفى عليه عوارض الخطراتِ ١٩٩/١٩٤
خَطَرَاتِهَا: علمها في الغيوب قبل خطرانها ٦٠/١
بِخَطَرَاتٍ: وإنّما أطلبه «رزقى» بخطرات تخطر ٧٧/١٣
الْأَخْطَارُ: يوم تبرز الأخبار وتعظم الأخطار ١٩٩/٤٩
ويامن تصغر عند خطره الأخطار ٨/٢٠-١٥/٥
إِخْطَارِي: وتقفل دون إخطارى قلبه ٦١/٨
خَاطِرِ: أو خاطر شرّ أضمرناه ١٤٢/٥٩
وسوّل لي الخطأ خاطرُ السّوء ففرّطت ٨٨/٩
خَوَاطِرَ: وخذني منها حتّى تتجرّد خواطر الدّنيا ٢١٩/١
إلهى ما ألذّ خواطر الإلهام بذكرك ١٩٣/٥
ولاذى خواطر حالت بيننا وبين الإعتراف ١٠/٢٧
غير مخبّل في عدلك خواطر التّهم ١٩٩/١٨٢
خَوَاطِرَهُمْ: وآثرت خواطرهم ١٩٩/١٨٦
خَطِيرَ: أنّ خطير ما استوهبك حقير في وسعك ٣٩/٨
من صغير حقير، أو خطيرٍ كبير ١٩٩/٥٦

خ.ط.و

خَطَتْ: واجعلنا من الّذين... خطت هممهم ٢٠٠/٢٣
لاتَخْطُوَ: ولانخطو بأقدامنا إلى محجور ١١٥/٨
يَتَخَطّى: يتخطّى إليه «الأجل» بأيّام عمره ١/٨

خ.ف.ت

لاتُخَافِتْ: ولاتخافت بها (قرآن) ٤٧/١-٢٢/١١

خ.ف.ر

فَلْيَخْفُرْنِي: فليخفرني عفوك ٨١/٦
أللّهمّ لاخفير لي منك فليخفرني عزّك ٨٠/٢١
لايُخْفَرُ: والحمدلله الّذى لايخفر من انتصر ١٩٩/٦
لاتُخْفَرُ: وأمسيت في ذمّتك الّتى لاتخفر ٢٢/١٨
خَفِيرَ: أللّهمّ لاخفير لي منك ٨٠/٢١-٨١/٦
ولاخفيرٌ يؤمنني عليك ٨٨/٧
حمداً يكون ... خفيراً من نقمته ١/٢٩

خ.ف.ض

خَفَضْتَهَا: لاتدع للجور... قآئمة إلاّ خفضتها ٧٠/٩
إِخْفِضْ: أللّهمّ إخفض لهما «الأبوين» صوتى ٦٣/٦
خَفْضِ: ولين العريكة وخفض الجناح ٥٥/١٥
خفض الجناح لمن إستجاب لك دعآءه إليك ١٠/٣٣
مَخْفُوضَةً: وأن تكون كلّها مخفوضةً دون هيبته ١٠/٩

خ.ف.ف

خَفَّ: هنالك خفّ عنه عواده ٢١٤/١٢١-٢١٤/٢٥
أَخَفَّ: ربّ ما أخفّ ميزاني غداً إن لم ترجّحه ١٦٤/١٦
خَفِّفْ: أنت أولى من خفّف الأوزار ٢٢٧/١١
خَفِّفْ: وخفّف برحمتك من ١٩٩/١٢٥
خفّف عنّى ثقلها «تبعات» ٨١/٢-٨٠/١٤
وخفّف عنه بمنّك ٤٩/١٦
إِسْتَخْفَفْنَا: بأنفسنا إستخففنا عند معصيتك ٢٠٠/١١
تَخْفِيفاً: والنّعم الّتى أنحفتني بها تخفيفاً لما ثقل ٤٦/٣
التَّخْفِيفِ: ولاتقدر على التّخفيف عمّن ٨٨/٢٠
إِسْتِخْفَافٍ: ولاإستخفافٍ منّى بربوبيّتك ٢٠٩/٣
الْمُخِفِّينَ: أمع المخفّين أجوز ٩١/٣
لِلْمُخِفِّينَ: إذا قيل للمخفّين جوزوا ٩١/٣
مُسْتَخِفٌّ: ولابأمرك مستخفّ ١١٦/٦٧
أو لعلّك رأيتني مستخفّاً بحقّك ١١٦/٥٥
الْمُسْتَخِفِّ: المستخفّ بحرمة ربّه ٣٤/٥
الْمُسْتَخِفِّينَ: تمحق من المستخفّين ١٤٧/٨٨
المستخفّين بوعدك ١٦٧/٢
أَخَفُّ: وأخفّ المطلّعين علىّ ١١٦/٢٣

خ.ف.ق

خَفَقَتْ: وقدخفقت عند رأسي أجنحة ١١٦/٧٨-١٩٧/٤٥
وخفقت الظّنون ١٦١/٤
خُفُوقُهَا: طوامس لاتجرى بطيئ خفوقها ٢١٩/٤١

خ.ف.ى

خَفِيَ: فاغفرلي ما خفى على الآدميّين من عملي ١١٦/٩٦
واغفرلنا ما خفى من ذنوبنا وما علن ١٢٢/٥٤
إغفرلى ما قد خفى على النّاس من عملي ١٩٧/١١
فاغفرلى ما خفى على النّاس من أمري ١٩٩/١٢٥
خَفَيْتَ: خفيت من غير موتٍ ١٤٩/٢
يَخْفَى: وكيف يخفى عليك ياإلهى ما أنت خلقته ١٦٦/١
وياباطناً ليس يخفى ياظاهراً ليس يرى ١٣١/١
لايَخْفَى: يامن لايخفى عليه أنباءُ المتظلّمين ٢٢/١

يشكو إليك ما لايخفى عليك ٢٣٢/٢
يامن لايخفى عليه إغماض الجفون ٢٣٤/٦
ياأللّه الّذى لايخفى عليه شيء في الأرض ١٦٦/١
ولايخفى عليه عوارض الخطرات ١٩٩/١٩٤
ولايخفى عليه خافيةٌ وليس لنقمته واقيةٌ ١٤٩/٢٢
لَمْ يَخْفَ: ولم يخف على النّاظرين ١٩٧/٣٢
ولم يخف على النّاظرين إليها فرط المعاندين ١٩٩/١٣٨
تَخْفى: وسائر أمم الشّرك الّذين تخفى أسماؤهم ٦٧/١١
لاتَخْفى: وأنت لاتخفى عليك خافية في الأرض ١٦٢/٤
لاتخفى عليه خافية (قرآن) ٢/٧
يامن لاتخفى عليه خافية إغفرلي ١٩٧/١١
ولاتخفى عليه من الغوامض خافية ١٩٩/١٢٥
لايُخْفى: وظهور لايخفى وأمور لاتكفى ٢٢٢/٥
أَخْفَتْ: وأخفت عنك من قوائلها وهلكاتها ٢١٤/١٠٠
أَخْفَيْتَ: فاجعل ما... أخفيت من الدّخيلة واعظاً لنا ٩٥/٣
أَخْفَيْتُ: أو أظهرت أو أخفيتُ أو أعلنت ٦٤/١١
أَخْفَيْنا: وأنت أعلم بما أعلنّا وما أخفينا ٨٧/٦
أُخْفِيَ: فلا تعلم نفس ما أخفى لهم (قرآن) ٢٥٧/١٣
يُخْفيهِ: العالم بما ... يخفيه الظّلاّم ١٩٩/٥
تُخْفِي: يامن يعلم خائنة الأعين وما تخفى الصّدور ٢٣٣/٤ـ١٦٥/٥
يعلم هماهم الأنفس وما تخفى الصّدور ١٤٩/٢٤
أَخْفِ: أخف عنهم ما يكون نشره عليّ عاراً ١٠٨/٣
إسْتَخْفى: أنا الّذى استخفى من عبادك وبارزك ١٤٧/٨٢
فَاسْتَخْفى: فاستخفى لقبح حليته «الباطل» ١٠/٢٢
إسْتَخْفَيْنا: واستخفينا فيها «الكبائر» من ٢٠٠/٨
الْخَفاءِ: علمك بالأشياء في الخفاء كعلمك بها ٢٤٣/٤
خافِيَةٌ: وأنت لاتخفى عليك خافيةٌ في الأرض ١٦٢/٤
لاتخفى عليه خافية (قرآن) ٢/٧
يامن لاتخفى عليه خافية إغفرلي ١٩٧/١١
ولاتخفى عليه من الغوامض خافية ١٩٩/١٢٥
ولايخفى عليه خافيةٌ وليس لنقمته واقيةٌ ١٤٩/٢٢
خافِياتِ: ياربّ النّجوم... خافيات وباديات ١٣٧/٦
خَوافي: سكنت بين خوافي طابق العضلات ٢٠٠/٣٣
خَفِيّ: ثمّ دعاك بصوتٍ حائلٍ خفيّ ٣٤/٧
ياعالم ما تحت خفيّ الأنين ٢٠٣/١
الْخَفِيّ: وآنسنا بالذّكر الخفيّ ١٩٤/٢
خَفِيَّكَ: الّذين ... أطلعتهم على خفيّك ١٤٩/٤٦
خَفِيَّةٍ: وياعالم كلّ خفيّةٍ ١٢٣/١٤ ـ ١٧٥/١
الْخَفِيَّةِ: حتّى ناجتك ألسنة القلوب الخفيّة ٢٠٠/٣١
خَفِيّاتِ: تقبح في خفيّات القلوب سريرتي ٢٧/١ ـ ٢٧/٥
فأطلعتهم على ستور خفيّات العلى ٢٠٠/٢٩
الْخَفِيّاتِ: ياعلاّم الخفيّات والأسرار ٢٤٣/١١
يامنزل البركات وعالم الخفيّات ٢٣٧/١٠
ياعالم الخفيّات ١٣٧/٧
خَفايا: أللّهمّ وقد أشرف على خفايا ٨٨/٥
الْخَفايا: أللّهمّ إنّى أسألك يامن... يعلم الخفايا ٢٣٩/١
أَخْفى: يعلم... خائنة الأعين والسّرّ وأخفى ١٤٩/٢٤
شكر أخفى نعمة من نعمك عليّ ٢٣٠/١
خُفْيَةً: أدعوك ياربّ تضرّعاً وخفيةً ٢٥/٣

خ.ل.ب

خُلَّبٍ: غير ملثٍ ودقه ولاخُلَّبٍ برقُهُ ٥٣/٢

خ.ل.ج

لايَخْتَلِجَنّا: ولايختلجنا الزّيغ عن قصد طريقه ١٠٩/٧
لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ: لم يختلجهم شكّ في قفو ١٤/٦
مُخالَجَةٌ: وانتفت مخالجة الشّكّ عن ١٩٣/٣

خ.ل.د

أَخْلَدَ: وأن لاتجعلني ممّن... أخلد إليها «الدّنيا» ١٣٥/٥
خُلُودِ: عبدتك دوام خلود ربوبيّتك ٢٣٠/١
الْخُلُودِ: أللّهمّ ارزقني... الإنابة إلى دار الخلود ١٣٦/١
وكبّة النّار وطول الخلود فيها ١٤/١٠
إبتغآء ... طول الخلود في رحمتك ١٠/٤
بِالْخُلُودِ: أللّهمّ ياذاالملك المتأبّد بالخلود ٨٨/١
خالِداً: ولك الحمد حمداً خالداً بنعمتك ١٤٧/٣١
خالِدُونَ: أصحاب النّار هم فيها خالدون (قرآن) ١٨/٥
فهم فيما اشتهت أنفسهم خالدون ١٩٩/٣٠
والّذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون (قرآن) ١١٥/٢٤
خالِدِين: وفي دار المقامة خالدين ٢٠٦/٢٣
الْخالِدَةِ: الفانية بالمدّة الطّويلة الخالدة ٨/١٢ ـ ٩٨/٧
مُخْلِدِ: كم قد غرّت الدّنيا من مخلد إليها ٢١٤/١١٣
كم غرّت من مخلد إليها ٢١٤/٣٧
خَلَدي: قبل أن ... يقع في خلدي ٧٠/٤
مُخَلَّداً: وجعلته «محمّد» مخلّداً في أعلى علوّها ١٠/٢٠
الْمُخَلَّدِينَ: في ... عرصات المخلّدين ٢٠٠/٣٠
وللولدان المخلّدين مستخدمين ٢٠٦/٢٣
الْخُلْدِ: وارزقني مرافقة محمّدٍ وآل محمّدٍ في جنّات الخلد ١٣٣/٨
ما أعددت فيها من مساكن الخلد ٦٧/٥
لعلّك أن تسكني في رياض الخلد مع المتّقين ١٩٧/٤٧

خ.ل.ص

خَلُصَ: أو خلص إليهما عنّى من مكروه ٦٣/٨

خَلُصَتْ: دعاء من ... خلصت لوجهك توبته ٢٤٢/٣
توبة نصوحاً خلصت من الشّك والإرتياب ١٤٢/٦٠
أَخْلَصَ: أخلص من وحّده ١٦٤/١
إليك أخلص المبتهلون ١٧٣/١٠ ـ ٧/٧
أخلص لك بالوحدانيّة ٥٠/١٠
وأخلص «العبد» لك التّوبة ٣٤/٧
ودعاء من أخلص لك دعاه لي ١٧٣/٢
واستجب دعائي ودعاء من أخلص لك ١٧٢/١
أَخْلَصْتَهُ: فاجعلنا ممّن... أخلصته ١٩٠/٢
أَخْلَصْتَهُمْ: أتوسّل إليك بالأئمّة الّذين... أخلصتهم ١٤٩/٤٦
أَخْلَصْتَنا: وأخلصتنا فيه من السّيّئات ١١٥/٢٠
أَخْلَصْتُ: اللّهمّ إنّي أخلصت بإنقطاعي إليك ٧٤/١
أَخْلَصْتُهُ: ليس لي... كبير عمل أخلصته ١٩٩/١١٤
أُخْلِصُ: وأخلص لك دعائي تعرّضاً للإجابة ٢٣٦/٦
حَتّى أُخْلِصَ: حتّى أخلص لك النّصيحة حبّا ١٣٧/١٠
أَخْلِصْ: وأخلص سريرتي عن علائق الأهواء ١٩٩/٣١
أخلص نيّاتنا في معاملتك فإنّا بك ولك ١٨٨/٣
فَأَخْلِصْنِي: فأخلصني بخالصة توحيدك ١٨٥/٥
خَلَّصْتَهُ: خلّصته بتوفيقك من ١٠١/٨
يُخَلِّصُها: لنفسك من نفسي ما يخلّصها ٥٥/٢٨
يُخَلِّصُني: ومن أيدي الخصماء غداً من يخلّصني ١١٦/٦٨
لا يُخَلِّصُ: ولا يخلّص منك إلاّ رحمتك ٥٢/١
تُخَلِّصُ: وتخلّص من اعتصم بك ١٦٣/١٣
كما تخلّص الطائر من جوف البيضة ١٧٤/٥
كما تخلّص البيضة من جوف الطائر بجلالتك ١٧٤/٤
كما تخلّص الثمرة من بين ماء وطين ١٧٤/٣
كما تخلّص اللّبن من بين فرث ١٧٤/٢
كما تخلّص الولد من بين المشيمة ١٧٤/١
لَمْ تُخَلِّصْهُ: ولم تخلّصه من وصمه ٢١٤/١١٣
أَنْ نُخَلَّصَ: وأن نخلّص أموالنا من التّبعات ١١٥/١٣
خَلِّصْ: ثمّ خلّص ذلك كلّه من رياء المرائين ١١٩/١٠
خَلِّصْهُ: أيّما غاز... خلّصه من السّمعة ٦٧/١٨
خَلِّصْني: وخلّصني ممّا يحكم به عدلك ١٠١/٥
وخلّصني ياربّ بحقّ محمّد وآل محمّد ١٧٤/١
١٧٤/٢ ـ ١٧٤/٣ ـ ١٧٤/٤ ـ ١٧٤/٥
وخلّصني من الحسد ٥٩/٥
وخلّصني من كلّ ما أخاف على نفسي ١٤٨/٢١
خلّصني من لهوات البلوىٰ ١٤٧/٨٩
واحفظني وخلّصني من كلّ معصية ٢٢/٣٢
فَخَلِّصْني: وبرحمتك فخلّصني ١١٦/٢٧
ومن فتنة المحيا والممات فخلّصني ١٥٣/٢٣
إِسْتَخْلَصَ: واستخلص بالنّور والضّياء ٢/٢ ـ ٧/٢
إِسْتَخْلَصْتَني: إستخلصتني به من الحيرة ١٤٤/٤
أَسْتَخْلِصُهُ: أستخلصه لنفسي فلمّا كلّمهُ (قرآن) ١٥٩/٢٢
قال الملك ... أستخلصه لنفسي (قرآن) ٢٢/٢٢
خُلُوصِ: ووهبت لي من خلوص ١٩٩/١١٤
الْخَلاصِ: وأعدّها طمعاً في الخلاص والأمان ١٩٩/١٣
خَلاصي: إجعل... خلاصي من كربي إلى روحك ٤٦/٦
وأن تجعل خلاصي ممّا أنا فيه ٤٢/٢٧
وما فيه صلاحي وخلاصي ممّا أنا فيه ١٧٢/٥ ـ ١٧٣/٦
لِلْخَلاصِ: أوكد من رجائه للخلاص ١٠١/١٠
إِخْلاصاً: وفصدك بخوفه إخلاصاً ٨٠/٤
اللّهمّ إنّي أسألك... إخلاصَ الخاشعين ١٣٩/٥
والشّجرة النبويّة إخلاص الديّانة ٢١٩/٤٢
لما صدر عن إخلاصٍ منهم مجيب ٢٥٦/٤
وإخلاصٍ من قلبي، وسعة من ذات يدي ١٢٧/٥
الْإِخْلاصِ: سموا إلى العلوّ بنور الإخلاص ٢٠٠/٢٥
دلّنا عليه من الإخلاصِ له في توحيده ١/١٢
والإنابة والإخلاصَ والخشوع والإخبات ١٢٩/١٠
بِإِخْلاصٍ: شهادة أعتقدها بإخلاص وإيقان ١٩٩/١٣
بِالْإِخْلاصِ: فاسألك بالإخلاص من آبائي ٦٨
لِلْإِخْلاصِ: وللإخلاص مخلصين ولك ذاكرين ٢٠٦/١٨
تَخْليصي: تخليصي ممّا يكسب عقابك ١٩٩/٩٥
إِسْتِخْلاصِ: قدرة منك على استخلاص ٢٤٩/١
خالِصُ: ولك خالص رجائي وخوفي ١١٦/٨٤
متقبّلاً مبروراً خالصاً لوجهك ياكريم ١٣٢/١١
واجعل ذلك لنا خالصاً من كلّ شكّ وشبهة ١١٩/٣٠
حتّى يكون عملي خالصاً لك ١١٦/١٢٣
واجعل ما يقرّبني إليك من طاعتك خالصاً لك ١٣٧/٤
خالصاً من شبه الفتن ١٩٩/١٩٠
واجعل ذلك خالصاً برحمتك ١٣٩/٦
ثمّ اقسم اللّهمّ فيهم لي نصيباً خالصاً ١٤٩/٦٨
خالِصِ الحياء ممّا وقع فيه ٣٤/١٠
ويكون لك المنُّ عليّ فيه خالصاً ١٢١/٢
الْخالِصِ: وصلّ على ابنه الخالص من صفوتك ٢٢٢/٣
خُلَصائِكَ: ونمرّد الظّالمون على خلصائك ٢٢٣/٤
خالِصَةً: وألهمنا ثقة خالصةً تعفينا بها ٧٦/٢
خالِصَتِهِ: أبلغ به «محمّد» من... خاصّة خالصته ١٠/١٥
خالِصَتَكَ: واستعملني بما تستعمل به خالصتك ١٤٧/١١٣
بِخالِصَةِ: فأخلصني بخالصة توحيدك ١٨٥/٥

مُخْلِصاً: ومسترجع داع لهالله مخلصاً ٢١٤/١٢٣-٢١٤/٤٧
ومحسن مخلصٌ في بصيرته ١٩٩/١٣١
فوحّدتك مخلصاً لم أدع لك شريكاً ١٤٤/٣
واجعلني ممّن يدعوك مخلصاً في الرّخاء ٥٩/١٥
مُخْلِصينَ: وللإخلاص مخلصين ولك ذاكرين ٢٠٦/١٨
الْمُخْلِصينَ: وأيّدنا بيقين المخلصين ٩٢/١
ألّلهمّ إنّي أسألك... عبادة المخلصين ١٣٩/٥
دعاء المخلصين المضطرّين لك في الدّعاء ٥٩/١٥
أَخْلَصِ: وإجعلنا من... أخلص عبّادك ١٩٣/٦

خ.ل.ط

فَاخْلُطْني: فاخلطني بأهل نوالك ١٩٩/٨٩
جدت بالمعروف فاخلطني بأهل نوالك ١٤٠/٣
خالَطَني: واستغفرك لكلّ ما خالطني ٢٥٢/٥ - ٢٥١/٨
إخْتَلَطْنا: إختلطنا في الخزى يوم الحشر ١٩٩/١١٣
إخْتَلِطي: إختلطي ليلك ونهارك مع المتّقين ١٩٧/٤٧
مُخالَطَةِ: وطهّرنا من... مخالطةِ السّفهاء ٢٠٠/١٧

خ.ل.ع

إخْلَعْ: واخلع وثآئق أفئدتهم «عدوّ أهل الثّغور» ٦٧/٦
حَتّى يَنْخَلِعَ: ركعتُ لك حتّى ينخلع صُلبي ٤٩/١٧
حَتّى تَنْخَلِعَ: وركعنا حتّى تنخلع أوصالنا ٢١٣/١
خَلْعِ: خلع كلّ معبود دونك ١٠/٣٣

خ.ل.ف

خَلَفَ: ألّلهمّ وأيّما مسلم خلف غازياً ٦٧/٢٠
خَلَفْتَني: سبقاني إلى الغاية وخلفتني بعدهما ١٤٩/٦٦
فَتَخْلِفُ: وحتّى متى تعدني الدّنيا فتخلف ٢١٩/١٠
أَخْلَفَ: وخابت الثقة وأخلف الظنّ إلاّ بك ٢٢٠/٢-٢٢١/١
أخلف الظنّ إلاّ بك ١٤٣/١٩
أَخْلَفَني: وأخلفني من كنت أرجوه لرغبةٍ ٢٠٤/١
أَخْلَفَنا: وجعلت لنا عدوّاً يكيدنا... وإن منّانا أخلفنا ٦٤/٨
لَأَخْلَفَ: ولورجوت غيره لأخلف رجآئي ١١٦/٧-١٢٠/٦
أَخْلَفْتَ: وأخلفت العدات إلاّ عدتك ٢٢٠/٢
أدبر مولّياً قد أخلفت سراياه ١٥٢/٦ - ١٥٣/٦
أُخْلِفَتْ: أخلفت العداة إلاّ عندك ١٤٣/١٩
لايُخْلِفُ: يامن لايخلف الميعاد ١٢٤/٢
تُخْلِفُ: أفتراك ياربّ تخلف ظنوننا ١١٦/٣٦
لاتُخْلِفُ: ألّلهمّ إنّي أسألك بأنّك...وفيّ لاتخلف ١٣٠/٤
إنّك لاتخلف الميعاد ٢٠٠/٤٧

خَلَّفَ: وتحسّرعلى ماخلّف من دنياه ٢١٤/٤١-٢١٤/١١٧
خَلَّفْتُ: ووكلت ما خلّفت إليك ١٤٩/٧١
ألّلهمّ إنّي خلّفت الأهل والولد ١٤٩/٧١
يُخَلِّفُ: حمداً يخلّف حمد الحامدين وراءه ٩٧/٥
لاتُخَلِّفَ: حتّى لاتخلّف علىّ شيئاً منه ٢٥١/٣٨
حتّى لاتخلّف علىّ شيئاً تنقصه من حسناتي ٢٥٢/٣٠
خالَفَ: وفكّر فيما خالف به ربّه ٨٠/٣
واعم أبصار قلوبنا عمّا خالف محبّتك ٣٠/٥
ألّلهمّ وإنّي أتوب إليك من كلّ ما خالف إرادتك ٨٠/١٨
فَخالَفَ: نهيته عن معصيتك فخالف أمرك ١٤٧/٧٣
خالَفُوا: وكيف بهم وقد خالفوا الآمرين ٢١٩/٤٠
خالفوا دواعي العزّة بواضحات المعرفة ٢٠٠/٣٤
خالَفْتُ: وخالفت أمرك فيه فتعدّيته ١٩٩/١٣٥
خالَفْتُكَ: وخالفتك بجهدي ١١٦/٦٧
فَخالَفْتُ: فخالفت ما يقرّبني منك ١٩٩/١٧٣
فَخالَفْنا: فخالفنا عن طريق أمره ١/٢٣
أُخالِفَ: وأخالف من اغتابني إلى حسن الذّكر ٥٥/١٤
خالِفْ: وخالف بين كلمتهم «الظّلمة» ١١٩/٨
إخْتَلَفَ: وصلّ... ما اختلف اللّيل والنّهار ٨٨/٢٣
إخْتَلَفُوا: كالّذين تفرّقوا واختلفوا (قرآن) ٢١٩/٤٦
أُخْتُلِفَ: واهدنا به لما اختلف فيه ١١٩/٢٥
تَخْتَلِفُ: وقوارع الموت تختلف حكمي ٢١٩/٨
خَلَفِ: وبحقّ خلفِ الأئمّة الماضين ٤٢/١٤
أم بسوء خلفِ الأحياء ٢١٩/٣٨
إلى من يفزع خلفُ هذه الأمّة ٢١٩/٤٦
وعندك ممّافات خلفٌ ولما فسد صلاح ٥٥/٢٩
وارزقنا خلفاً إذا أكلناه ٢٥٩/١
فإنّك تجد منّى خلفاً ولاأجد منك ٢٥٧/٢٢
وضمنت لهم منه خلفاً ٧٧/١
الْخَلَفَ: فأحسن علىّ فيهم الخلف ١٤٩/٧١
... والخلفِ القائم المنتظر ... ٤٢/١٥
خُلْفَ: ووعدك الحقّ الّذى لاخلف فيه ولاتبديل ١٧٢/٧
لاخلف لقولك ولاتبديل ٢٤٦/٣
وعدك الحق الّذى لاخلف له ولاتبديل ١٧٣/٨
لاخلف لوعده ١٤٩/١١
خِلْفَةً: يامن جعل اللّيل والنّهار خلفةً (قرآن) ١٣٢/٣
خِلافَ: أسلك بنا من التُّقىٰ خلاف سبيله ٥٠/٤
الْخِلافِ: والخلاف على رسلك ١٠/٤
لِخِلافِ: ولابالتّعرّض لخلاف محبّتك ٥٥/١٨
مُخالَقَةِ: أعوذبك من ... مخالفة الهدى ٢٦/١

مُخالَفَتِهِ: وجليل مخالفته جليلاً ٨٠/٣
مُخالَفَتِكَ: وانزع عنّا جلابيب مخالفتك ١٩٦/٢
أشفقنا من مخالفتك ١٩٩/١١٧
وعزّتك وجلالك ما أردت بمعصيتي مخالفتَكَ ٩١/٢
وأنفقت نعمتك في سبيل مخالفتِك ١٩٩/١٥٥
إخْتِلافٍ: بلا مؤونة وكلفة ولااختلاف آدك ٢٣٤/٦
للزّيادة والنّقصان فيك مساغاً في اختلافِ التّحويل ٢٤٧/٥
الْإخْتِلافِ: دانت الأمّة بالفرقة والإختلافِ ٢١٩/٤٦
التَّخَلُّفُ: سيّدى إن أقعدني التّخلّف عن السّبق ١٩٩/٩٦
تَخَلُّفي: تخلّفى عنهم في فضالة طرق الدّنيا ٢١٩/٣٦
خالِفِيهِ: مسلم ... تعهّد خالفيه في غيبته ٦٧/٢٠
مُخالِفِينَ: ولأعاقبن ولامخالفين ٦٤/٤
مُخْتَلِفُ: مختلفُ الحالات ٧٤/٥
مُخْتَلِفاتٍ: مختلفات ممّا شئت ٢٤٣/٢
لِلْمُتَخَلِّفِينَ: وللمتخلّفين عن ضوء نهار ١٠/٨
خَلِيفَةَ: ياخليفة النّبيّين ١١٧/٣٤
أنت خليفةُ محمّد وناصر محمّد ١١٧/٣٥
وخليفة محمّد والقائم بالقسط ١١٧/٣٥
الْخَلِيفَةِ: لسان قدرتك والخليفة في بسيطتك ٢٢٢/٢
خَلِيفَتِكَ: الحسن‌بن عليّ... خليفتك المؤدّى ٤٢/١٣
إدفع عن وليّك وابن نبيّك وخليفتك ١١٩/٢٠
خُلَفَآءُ: خلفآء كآبة وذلّة ٧٠/٦
خُلَفآئِهِ: وخلفائه المؤمنين وحججك البالغين ٤٢/٣٠
خُلَفآئَكَ: وجعلتهم ... خلفائك في أرضك ١٤٧/٥٧
مُخْتَلَفِ: ومختلف الملآئكة ١١٣/١ ـ ١١٤/١ ـ ٢٠/١
مُخْتَلَفي: مختلفى الألسن والألوان والأبدان ٢٤٣/٢
مُتَخَلَّفَ: لامتخلّف عن دعوته ١٤٩/١١

خ.ل.ق

خَلَقَ: وخلق لهم النّهار مبصراً ليبتغوا فيه من فضله ٢١/٣
الحمدلله الّذى خلق اللّيل والنّهار بقوّته... ٢١/١
يامن خلق الخلق ودبّر الأمور ١٤٩/٩
وفضّلنا على كثير ممّن خلق تفضيلاً ٢٦١/١
الحمدلله الّذى خلق السّموات والأرض (قرآن) ١٤٣/١١
إذاً لذهب كلّ إله بما خلق (قرآن) ١٤٣/١٣
خَلَقَهُ: سجدوجهى لمن خلقه وصوّره ٢٥١/١١ـ٢٥٢/١١ـ١٨
من شرّ جميع من خلقه الله ٢٢/٣٠
خَلَقَني: وأجرأني على عصيان من خلقني ١٦٤/١١
فَخَلَقَ: فخلق لهم اللّيل ليسكنوا فيه ٢١/٢
خَلَقْتَ: إلهى خلقت لي جسماً ١٩٧/٢٨
وأعوذبك ربّ من شرّ ما خلقت في ١٥٣/٣٢
فأعذني من شرّ ما خلقت ١٥٣/١١
وأعوذبك من شرّ ما خلقت من دابّةٍ ١٥٣/٢٩
وخلقت فسوّيت ١٩٩/١٠
أللّهمّ لك الحمد أن خلقت فسوّيت ٢٤٢/٢
أللّهمّ وخلقت ناراً لمن عصاك ٢٥٧/١٦
وخلقت ناراً لمن عصاك ٢٠١/٤٧
أللّهمّ إنّك خلقت جنّة لمن أطاعك ٢٥٧/١١
إلهى، خلقت جنّتك لمن أطاعك ٢٠١/٤٦
أم لشرب الحميم خلقت أمعآئى؟ ٢٠٣/١٠ ـ ١١٢/٣
خلقت الخلق بقدرتك ١٤٩/٣
خلقت لها وللقمر والنّجوم منازل وأبراجاً ٢٤٥/٤
فأعذه من شرّ ما خلقت ١١٩/١٩
حمداً يجمع ما خلقت من الحمد ١٤٧/٤٢
خَلَقْتَهُ: إن عذّبتني فعبدٌ خلقته لما أردته فعذّبته ٢٠١/٣٩
وكيف يخفى عليك يااإلهى ما أنت خلقته ١٦٦/١
خَلَقْتَهُمْ: بل خلقتهم «عبادك» ليعبدوك ١٩٩/١٦٧
خَلَقْتَني: أم للشّقآء خلقتني ١٩٧/٤٣
أللنّار خلقتني فأطبل بكآئي ١٩٧/٤٣
فلاتكلني... إلى مخلوقٍ وأنت خلقتني ١٣٥/١٥
سيّدى خلقتني فأكملت تقديري ١٩٩/١٧٠
إلهى خلقتني بغير أمري ٢٠٠/٤٥
أم من أهل السّعادة خلقتني ١١٢/٢ ـ ٢٠٣/٩
لم أخل من نعمتك منذ خلقتني ١٧٣/٤ ـ ٤٢/٢٦
فوا سوأتاه إذ خلقتنى لعبادتك ٣٦/١
واستفرغ أيّامي فيما خلقتني له ٥٥/٣
أمن أهل الشّقاء خلقتني ٢٠٣/٩ ـ ١١٢/٢
أللّهمّ إنّك خلقتني سويّا ١٦٢/١
لأنّى لم أخل من نعمتك منذ خلقتني ١٧٢/٣
خَلَقْتَنا: خلقتنا بقدرتك ولم نك شيئاً ٢٠٠/٢
أللّهمّ... فإنّك خلقتنا وأمرتنا ونهيتنا ٦٤/٦
أللّهمّ وإنّك من الضعف خلقتنا ٣٠/٤
خُلِقَ: إن الإنسان خلق هلوعاً (قرآن) ٣٥/٧ ـ ٢٥٧/٣٠
الذّاهل عن الأمر الّذى خلق له ١٩٩/٤٥
يَخْلُقُ: جديدها «الدّنيا» يخلق ١٣٥/٤
تَخْلُقُهُ: وأفضل ما تعطى من تخلقه من أوليائك ١٣٢/١٠
لَمْ تَخْلُقْهَا: نفسي الّتى لم تخلقها ١٠١/٦
لَمْ تَخْلُقْني: فليتك لم تخلقني ١٩٧/٤٣
لَمْ أُخْلَقْ: إلهى، ليتني لم أخلق لشقاوة جسدي ٢٠٦/٤

أَخْلَقَ: آه واخطيئتاه، أخلق وجهي ذلّ الخطايا ١٩٨/٦٨
أَخْلَقْتُ: أخلقت عندك وجهي لكبير خطيئتي ٢٤٩/١٧
قد أخلقت الذّنوب وجهي ٢٠١/٢
تُخْلِقُ: وهب لي العافية من دين تخلق به وجهي ٧٩/١
خَلْقٍ: فلم يتعاظمك خلق خلق حين كوّنته ٢٤٣/٢
فما في الورى خلقٌ جنى كجنايتي ٢١٦/٤
وعصاك خلقٌ من ذرّيّته «آدم» ٢٠١/٤٥
وأنت الحيّ الّذى لايموت وأنا خلقٌ أموت ١٤٩/٨
وما في الورى خلقٌ جنى كجنايتي ٩١/٥
ثمّ أنشأتني خلقاً آخر (قرآن) ٨٨/١٤
واجعله «وليّاً» خلقاً سويّاً ٢٥٨/١
وفي خلقِ السّماوات والأرض متفكّرين ٢٠٦/١٩
حمداً لم يحمدك خلقٌ مثله ١٤٧/٤٠
الْخَلْقُ: لك الخلق والأمر ١١٦/٣٤
وحجّتك على الخلقِ أجمعين ٤٢/١٠ ـ ٤٢/٥
وإنّما أنا في هذا الخلق أحد عيالك ١٩٩/١٠٥
فقد دعا «محمّد» إلى إثبات الخلقِ ١٠/١٧
والأرض والماء ومن منهم على الخلقِ ١٢/١٣
يامن خلق الخلقَ ودبّر الأمور ١٤٩/٩
يامن له الخلقُ والأمر ١٣٥/٨
والخلقُ كلُّهم عيالك وفي قبضتك ١١٦/٨٧
وكهف الخلقِ أجمعين ٤٢/٧
ولك الخلقُ وإليك الإختيار ١٩٩/١٩٣
والحمدلله الّذى إختارلنا محاسن الخلقِ ١/١٩
آدم... الموسّل بين الخلقِ وبين معرفتك ١١/٢
له الخلقُ والأمر (قرآن) ٢/٧
وتنعش به البهائم والخلقَ ٥٣/٤
وابتدأت الخلقَ على غير مثالٍ ١٤٩/٥
خلقت الخلقَ بقدرتك ١٤٩/٣
أللّهمّ بـ... قدرتك على الخلقِ ١٣٩/١٣
الحمدلله ... الجواد على الخلقِ ١٩٩/٥٢
كما أوجبت لنا الحقّ على الخلقِ بسببه ٦٣/٤
جعل لنا الفضيلة بالملكة على جميع الخلق ١/١٩
إبتدع بقدرته الخلقَ إبتداعاً ١/٣
لم يدع الخلقَ سدىً من غير حجّة ٢١٩/٤٧
وارضهم من رضوانك وبما حاشوا الخلق عليك ١٤/٤
قد تبرّأ جميع الخلقِ منّى ٩٠/٥
وأيقن أنّ الخلقَ لك والأمر إليك ١١٦/١٠٣
لك الخلقُ والأمر تباركت وتعاليت ١٢٨/٢
باباقياً بعد فناء الخلق أجمعين ٢٣٩/١٠
أيّها الخلقُ المطيعُ الدّائب ١١٠/١
يامن مفزع الخلقِ إليه ١١٤/١٠
والخلقُ عيالك ٢٥٧/٨
كيف أؤمّل سواك والخلقُ والأمر لك ١٨٥/٣
فلك إتّفاق الخلقِ مستجدّين بإقرار الرّبوبيّة ٢٤٧/٦
لما عصاك أحبّ الخلقِ إليك ٢٠١/٢١
خَلْقِهِ: ... كفضل ربّنا على جميع خلقه ١/٢٦
وصلّى الله على خير خلقه أجمعين ١٣٢/١٥
فلم يقايس شيئاً بشيءٍ من خلقهِ ١٤٩/٩
والجواد بنيله على خلقه من سعة ١٩٩/٥١
حسبى الله من خلقه ٢٢/١٢
مع مالك من الحجج البالغة على جميع خلقه ٢٥٥/٢
لم يستعن على خلقه بغيره ١٤٩/٩
حمداً نعمّر به فيمن حمده من خلقه ١/١٣
نعمه الفاضلة السّابغة على جميع خلقه ١٢٣/٢
ويامن تحمّد إلى خلقه بحسن التّجاوز ٣٤/٨
وصلّى الله على خير خلقه ٢٠٧/٢٧
ولايؤآمر في خلقه ٢٥٧/١
الحافظ أعمال خلقه ١٤٩/١٩
يامن استجاب لأبغض خلقه إليه ١٥١/٢
وأخذ على جميع خلقه بالفضل ٩٦/١
على جميع خلقه ممّن أطاعه ١٢٣/٣
بقدرة الله المستطيلة على جميع خلقه ٢٢/٢٦
واصطفاه على جميع خلقه لتبليغ الرّسالة ١٢٣/٨
خَلْقِكَ: الّذى أنعمت عليه قبل خلقك له ١٤٧/٧٢
الّذى أنعمت عليه... بعد خلقك إيّاهُ ١٤٧/٧٢
وبرأت من أصناف خلقك ١٤٧/٥٤
أنت الّذى لم يعنك على خلقك شريك ١٤٧/١٢
وانقاد للتسليم لك كلّ خلقك ١٤٧/٢٥
بكلّ اسمٍ ... علّمته أحداً من خلقك ٢٢/٣٩
ولانفتنهم بما منعتني فأحسد خلقَك ٩٦/٢
من دينك مخافة أحد من خلقِك ١٧١/٧
و أيست ممّا عند خلقك ١٧٢/١
أللّهمّ ادفع عن... حجّتك على خلقك ١١٩/٢٠
النّبي الأمّى نجيبك وخيرتك من خلقك ١٢٣/٩
وأعزّنى عند خلقك ١٤٧/١٠٠
بحقّ من إنتجبت من خلقك ١٤٧/٨٣
وإنّك قد اوسعت خلقك رحمةً وحلماً ٢٢٣/٤
سبحانك أخشى خلقك لك أعلمهم بك ١٦٦/٣
وترضى عنّى أصحاب التّبعات من خلقك ١٣٤/٧

سبحانك قضيت على جميع خلقك الموت ١٦٦/٦
أنشأت من أصناف خلقك ٢٤٦/٢
وحوآئج خلقك عندك مقضيّة ٢٥٥/٦
ما أنا في خلقك إلاّ بمنزلة الذرّة في ملكك ٢٥٧/٢١
ما أنت معطيه أحداً من خلقك في الدّنيا والآخرة ١٢٣/١٣
كأفضل ما صلّيت على أحد من خلقك ٥٥/٤٢ ـ ١٢٣/١٠
تمدّحت بالغناء عن خلقك ٣٩/٣
وبارك لي في رزقك وأغنني عن خلقك ١٢١/١٠
وصلّ على خيرتك اللّهمّ من خلقك ٩٥/٤
بأعلام الهداية بمنّك على خلقك ٢٤٩/١
شرّ كلّ ضعيف من خلقك أو شديد ٢٤٩/٢٥
يكون لي غنىً عن خلقك ١٢١/٢
أغننى بسعة فضلك عن جميع خلقك بغناك ١٢١/٣
ويئست عمّا عند خلقك فلم يبق لي ١٧٣/٣
أموراً تفضّلت بها على كثير من خلقك ٢٥٧/١
ومن أنا في خلقك يامولاي وسيّدى ٢٥٧/٣
أللّهمّ إنّك لاتحتجب عن خلقك ٢٥٦/١
أسألك بكلّ اسم... علّمته أحداً من خلقِك ١٢٢/٥
فلا يؤدك حفظ خلقك ٢٤١/٥
وألبس قلبي الوحشة من شرار خلقك ٥٧/١٢
أللّهمّ أغننى عن خلقك ٥٦/١
أعطني من ذلك ياإلهى غنىً عن شرار خلقك ٧٨/٣
واستغنايى وكفايتى بك وبخيار خلقك ٥٧/١٢
ولاتكلني إلى خلقك بل تفرّد بحاجتي ٥٩/٢
واقلع رجائي من جميع خلقك ١٢١/٨
واكفني شرّ جميع خلقك ١٢١/١٢
من توجّه بحاجته إلى أحد من خلقك ٣٩/٥
أسألك بحقّك الواجب على جميع خلقك ٣٦/١٠
واستعطى شرار خلقك ٥٥/٣٨
إستنجدت الإعتصام بك كافياً من أسباب خلقك ٢٤٩/٤
وأغنني ياربّ عن خلقك ٨٧/٤
إنّ الغنىّ من استغني عن خلقك بك ٨٧/٤
وإن وكلتني إلى خلقك تجهّموني ٥٩/٣
او لخلقٍ من خلقِك وإن ضعف عن ذلك بدنى ٥٩/٧
أنّك لاتحتجب عن خلقك ٢٢٠/٦
أزلف خلقك عندك ١٤٤/٥
نجبّك وأمينك وخيرتك من خلقك ١٤٣/٢٣
وخيرتك من خلقك ١٤٣/٥٢
من مرّ عليه اللّيل والنّهار من جملة خلقك ٢١/١٤
بجميع ما تبت على جميع خلقك منذ برأتهم ١٦/٨
ولم تشارك في خلقك ١٤٩/٥
واستخفينا فيها «الكبائر» من أصاغر خلقك ٢٠٠/٨
محمّد ... نجيبك من خلقك ٩/٢
وفي خلقك ياإلهى مندوحة عن أن يناولوك ٣/٢
واجعل من أرادني بسوءٍ من جميع خلقك ١١٦/١١٥
سمّاك به أحدٌ من خلقك ١٣٦/٢
فإنّك وليُّ ذلك من خلقك ١٤٩/٧١
ولسانك في خلقك أجمعين ٤٢/٩
وعلىّ بن الحسين... والقائم في خلقك أجمعين ٤٢/٦
للّذي خفت من خلقك ١٢٨/٩
أحبّ خلقك إليك ١٢٨/٤ ـ ١٤٩/٤٣
أكثر ما صلّيت على أحد من خلقك ٢١/١٧
كلّ ما أعددت لجميع خلقك ٩٨/٩
فصلّ على محمّد وآله خير خلقك ٢٣٦/٧
أللّهمّ اردد على جميع خلقك مظالمهم ٢٥١/٣٨
وأعطني ... غنى عن شرار خلقك ٢٥٢/٢١ ـ ٢٥١/٢٨
واردد إلى جميع خلقك مظالمهم ٢٥٢/٣٠
أرسلت إليّ خير خلقك ٢٥٧/١٠
وعلّمته أحداً من خلقك ١٤١/٦
الّتى يغبطه بها الأوّلون والآخرون من خلقك ١٤١/٢٩
عدد ما أنعمت به على جميع خلقك ١٦/٥
فقد آيستُ ممّا عند خلقك ٤٢/٢٤
خليفتك المؤدّى عنك في خلقك ٤٢/١٣
والحجّة بعد آبائه على خلقك ٤٢/١٤
... وسائر خلقك في يومى هذا ... ٢١/١٥
وأنّ محمّداً عبدك ورسولك وخيرتك من خلقك ٢١/١٦
ولاتحوجنا إلى أحد من خلقك ٢١١/٢
في إسخاط خلقك إلتماساً لرضاك ١٦٤/٩
إلهى أسألك بحقّك الواجب على جميع خلقك ١٦٦/١٢
واجمع بيني وبين المصطفى خيرتك من خلقك ١١٦/٧٦
وجعلتهم حججاً على خلقك ١٤٩/٤٧
أحداً من خلقك على شيئ من فضلك ٥٩/٣
نعمةً من نعمك على أحدٍ من خلقك ٥٩/١٣
كلّ ما أعددت لجميع خلقك من عقوبتك ٨/١٦
تتودّد إلى خلقك بحسن الصّنيع ٩١/٦
ولاتكلنى إلى أحدٍ من خلقك ١٤٩/٦٣
أللّهمّ كما... جعلته «محمّداً» شهيداً على خلقك ١٠/٣
وسعدآء خلقك ١١٧/١٦
وأنّك لاتحتجب عن خلقك ١١٦/١٣
إكفني مؤونة خلقك ١٣٢/١٢

لك الحمد عدد حسنات خلقك وسيّئاتهم ١٦/٥
خَلْقي: على قدر صغر خلقي وضعف ركني ١٦٤/١٣
وطهّر خلقي وطيّب خلقي ٢٦٨/٢
أنت فطرتني ابتدأت خلقي ١٤٤/١
ربّ إنّك قد حسّنت خلقي ٣٥/١
وعظّمت للنّار خلقي وجسمي ٢٣٠/٣
ربّ حسّنت خلقي ٢٥٧/٢٣
لِخَلْق: أو لخلقٍ من خلقك ٥٩/٧
لِخَلْقِكَ: وتقدّم فيه «محمّد» من النّصيحة لخلقك ١٠/٢٢
ورضيتهم «بالأئمّة» لخلقك ١٤٩/٤٧
ولاتتّخذني هزؤاً لخلقك ١٤٧/١٠٦
بِخَلْقِكَ: بل ساووك بخلقك ٣/٢
لِلْخَلْقِ: ولم تجعل للخلق طريقاً إلى ١٩٣/١
بِالْخَلْقِ: ... رحيم بالخلق ٢١/١٦
خُلُوقُهَا: ولاجدة إلاّ سريعاً خلوقها ٢١٩/٢٥
الْمُخالَقَةِ: وسكون الرّيح وطيب المخالقة ٥٥/١٥
خالِقِ: سبحانه من خالق ما أصنعه ١٩٩/١٥
خالقٌ لانظير له ٢/٣ ـ ٧/٣
ياخالقَ المخلوقين ١٨١/١
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... خالقٌ لايغلب ١٣٠/٣
الحمدلله خالقِ أمشاج النّسم ١٩٩/٥٢
يا ... خالقَ سبع طرائق مسلوكات ١٩٩/٥١
حسن ظنّي بك سبحان خالقِ النّور ١٣٧/١٠
لاإله إلاّ أنت... ياخالقُ ياباريءُ ١٣٧/٢
أللّهمّ إنّي أسألك ياخالقَ الظّلمات والنّور ١٢٨/١
خالقُ ما يرى وما لايرىٰ ١١٤/٨
يامنشئ ياخالقُ ياجبّار ١٣٢/١
ولاخالقَ إلاّ إيّاه ولاإله غيره ١٤٣/٣
وخالقَ كلّ مخلوق ووارث كلّ شيءٍ ١٤٧/١
وأنت ياخالقَ العرب والعجم ١٧٧/١
الْخالِقُ: وهل يرحم المخلوق إلاّ الخالق؟! ١٦٨/٣
مولاي مولاي أنت الخالقُ وأنا المخلوق ١٦٨/٣
أللّهمّ أنت ... الخالق الحكيم ١٩٩/٩
وأنت ياربّ الخالق وأنا المخلوق ١٤٩/٨
لنعم الخالقُ أنت ٢٤٩/٢٣
حسبي الخالق من المخلوقين ٢٢/١٧
خالِقِهِ: وإلى من يلتجئ المخلوق إلاّ إلى خالقه ١١٦/٧٣
إلى من يتضرّع العبد إلاّ إلى خالقه ١٧٠/٢
فأنت الله إله كلّ شيء وخالقُهُ ٢٤٥/٥
ينتظم ما أنت خالقُهُ من بعد ١٤٧/٤٢

خالِقُهَا: فأيقنت البرايا أنّك مدبّرها وخالقها ١٩٩/١١
خالِقَكَ: وخالقي وخالقك ومقدّري ومقدّرك ١١٠/٤
خالِقي: سندي وخالقي وناصري ١٥٣/١٥
قدرتك سيّدي ومولاي وخالقي ومولاي ٤٢/٢٥
وخالقي وخالقك ومقدّري ومقدّرك ١١٠/٤
لِخالِقِهِ: متعفّراً في التّراب لخالقه ٢٥١/١٧ـ٢٥٢/١٠
لِخالِقي: وجهي متعفّراً في التّراب لخالقي ٢٢٦/١
الْخالِقينَ: تبارك الله أحسن الخالقين ٢٥١/١٨ ـ ٢٥٢/١١
أنت ... أحسن الخالقين ٢٣٧/٤ـ٢٤٧/١٠
الْمُخْلِقَةِ: أقلع عن سيّئاتي المخلقة ٤٩/١٤
بِخَلُوقٍ: لاتحدث جدّة إلاّ بخلوق جدّة ٢١٩/١١
خَليقَتِهِ: وإنتجبه «محمّداً» من خليقته «الله» ٢/٩
فكلّ خليقته منقادةٌ لنا بقدرته ١/٢٠
والحمدلله بكلّ ما حمده به ... أكرم خليقته عليه ١/٢٦
الْخَلائِقَ: أنت الّذي عمّ الخلائقَ منّك ٢٣٩/٢
لايحصى له الخلائقُ عدداً ٢٤٢/١
أنت الرّبّ الّذي ملكت الخلائقَ كلّهم ٢٤٣/٢
وأسمائك الّتي تعزب قلوب الخلائق عن ١٦/٤
سبحان الّذي عمّ الخلائقَ رزقه ١٣٤/٢
آه واحزناه إستترت من الخلائقِ ١٩٨/٣٤
وما فيهنّ من الخلائقِ والبريّات ١٣٧/٥
الّذي عمّ الخلائقَ جدواه ١٩٩/٥٥
بحمد الخلائقِ وشكرهم أجمعين ٢٣٠/١
عذّبتني بعد ذلك بعذاب الخلائقِ أجمعين ٢٣٠/٣
وأرزاق الخلائقِ من لدنك نازلة ٢٥٥/٦
إنقطع دون كنه معرفتها منطق الخلائق ٢٤٩/١٥
الّذي اتّسع الخلائقُ كلّهم في وسعه ٤٩/٤
إذ الخلائقُ في شأنٍ غير شأني ١١٦/٨٠
مَخْلُوقٌ: ولو دلّ مخلوقٌ مخلوقاً من نفسه ١٤٢/٢٠
فلا تكلني إلى... مخلوقٍ وأنت خلقتني ١٣٥/١٥
فأنت... جبّار كلّ مخلوقٍ ووارثه ٢٤٥/٥
أنت الّذي جعلت لكلّ مخلوقٍ في نعمك سهماً ٤٩/٣
وخالق كلّ مخلوقٍ ووارث كلّ شيءٍ ١٤٧/١
الْمَخْلُوقُ: المخلوقُ إلاّ إلى خالقه ١١٦/٧٣
وهل يرحم المخلوقَ إلاّ الخالق؟! ١٦٨/٣
مولاي مولاي أنت الخالق وأنا المخلوق ١٦٨/٣
وأنت ياربّ الخالق وأنا المخلوقُ ١٤٩/٨
الْمَخْلُوقينَ: ياخالقَ المخلوقين ١٨١/١
وفشت نعمتك في جميع المخلوقين ١٠١/١٢
ولاتكلني إلى المخلوقين فيضيّعوني ٧٥/٢

وامّحنى من المخلوقين ذكري ١٦٧/٤
وأبدلني مخافتك من مخافة المخلوقين ٢٠٤/٣
أرزقنا... غنىً عن الحاجة إلى المخلوقين ٢٠٠/٢٠
أغنني بجودك الواسع عن المخلوقين ٢٤٥/٧
تقرّباً إلى المخلوقين بحسناتي ١٤٨/٣١
حسبي الخالق من المخلوقين ٢٢/١٧
الْخُلُقِ: واعظاً لنا وزاجراً عن سوء الخلق ٩٥/٣
أعذنا من الفشل ... وسوء الخلق ٢٠٠/١٦
الْأَخْلاقِ: أسألك... من الأخلاق أطهرها ١٩٩/٢٣
وجنّبنا به «قرآن»... ومدانى الأخلاقِ ١٠٩/١٥
أللّهمّ سلّم لي قلبي من... سوء الأخلاق ١٣٥/١٠
وهب لي معالى الأخلاقِ ٥٥/٤
أَخْلاقَهُمْ: إلهي...وأصحّ لي أبدانهم وأديانهم وأخلاقهم ٦٤/١
لِأَخْلاقِ: مفارقة لأخلاق أعدائك ٢٥٥/٣
الْخُلُقِ: أعوذبك ... من شكاسة الخلق ٢٦/١
خُلُقي: وطهّر خَلْقي وطيّب خلقي ٢٦٨/٢

خ.ل.ل

لاتَخْتَلُّ: عزيمة صدقٍ لاتختلّ ١٥٥/٧
تَخَلَّلْتُ: تخلّلت شعاب تلفى ١٥٣/٢
خَليلاً: ياويلتي ليتني لم أتّخذ فلاناً خليلاً (قرآن) ٢٠٧/١٧
ويا متّخذ إبراهيم خليلاً ١٧٥/١
خَليلِكَ: رفقاء ... إبراهيم خليلك ١٥٣/١٨
ملّة إبراهيم خليلك ٢٦٨/٣
الظّلمة ... رغبوا عن ملّة خليلك ١١٩/١
الْأَخِلاّءِ: منقطعاً من الأخلاّء ٢١٩/٣٦
آه وانفساه إذا أسلموني الأحبّاء والأخِلاّء ١٩٨/٤٦
خِلَّةٌ: تحدوني عليها «مسألتك» خلّةٌ واحدةٌ ٣٤/١
خِلَّتِهِ: وبحقّ إبراهيم وخلّته ١٨٠/٢
لِخِلَّةٍ: وأنا أفقرهم إليك... لخلّةٍ تسدّها ٢٥٧/٩
خَلَّتِهِ: فمن حاول سدّ خلّته من عندك ٣٩/٤
خَلَّتِهِمْ: بمحاسن أدبك في... سدّ خلّتهم ٦٦/١
الأخذ بمحاسن أدبك في... سدّ خلّتهم ٦٥/٢
خَلَّتي: إلهي... خلّتي لايسدّها إلاّ طولك ١٩٢/٢
خَلَّتَنا: وسدّ به «وليعصر»(عج) خلّتنا ١١٩/٢٤
واجبر بالقرآن خلّتنا من عدم الإملاق ١٠٩/١٥
خِلالٌ: أللّهمّ إنّه يحجبني عن مسألتك خلال ثلاث ٣٤/١
ذكرتك في خلالِ ذلك حتّى يكلّ لساني ٤٩/١٧
قلّدني خلالاً لم تزل فيه ١٥٢/٩
في خلالِ ذلك ماكتب لي الكاتبان ٤٦/٤
واجعلنا ممّن جاسوا خلالَ ديار الظّالمين ٢٠٠/٢٥

خ.ل.و

خَلا: وخلا كلّ حبيب بحبيبه ٨٩/١
أسألك من خير كتاب قد خلا ١٧١/٦
ياخير من خلا به وحيد ١٩١/٤
خلا من الأولاد والصّاحبة ١٩٩/١٤
ياربّاه إرحم من لم يراقبك إذا خلا ١٩٨/٧١
قد خلا طمعه من كلّ مطموعٍ فيه غيرك ٨٠/٥
خَلَوْا: وخلوا عن الدّنيا وما جمعوا لها ٢١٤/٤
خَلَتْ: خلت دورهم، منهم وأقوت عراضهم ٢١٤/٧٨
إلهي خلت نفسي بأعمالها بين يديك ٢٠٢/٨
خَلَوْتُ: ياخير من خلوتُ به وحدي ٢٥/١
وضعني إذا خلوتُ بك ١٤٧/١٠٠
ومن ينطق لساني إذا خلوت بعملي ٩٠/٥
لَمْ تَخْلُ: ولم تخلُ منه السّماوات والأرض ١٣١/٢
أَخْلُوَ: وأخلو به «أنه» حيث شئت بسرّي ١٢٠/٥
تقبح فيما أخلو لك سريرتي ١٤٨/٣٠
وأخلُوَ لك بشرّ فعلي ١٤٨/٣١
وأخلُو به حيث شئت لسرّي ١١٦/٥
تقبح لك فيما أخلو سريرتي ٢٧/٧
لَمْ أَخْلُ: ولم أخل في الحالات كلّها من إمتنانك ٣٤/٣
لم أخل من نعمتك منذ خلقتني ١٧٣/٤ ـ ١٧٢/٣ ـ ٤٢/٢٦
أَخْلَتْ: مجالسهم منهم وأخلَتْ مقاصر ٢١٤/٨٩
أَخْلَيْتَ: فاجعلنا ممّن... أخليت وجهه لك ١٩٠/٣
لاتُخْلي: ولاتخلى الزّاجين لحسن تطوّلك ١٩٩/١٨٠
لاتُخْلِني: ولاتخلني ياربّ من تلك المشاهد ١١٦/٥١
لاتخلني في مشهد القيامة من برد عفوك ١٨٢/٤
فَلاتُخْلِني: فلاتخلني في الآخرة عن عواطف رأفتك ١٩٩/١٩٣
فَلا تُخْلِنا: إلهي فلا تخلنا من حمايتك ١٩٥/٤
أَخْلِ: أللّهمّ أخلِ قلوبهم «المشركين» من الأمنةِ ٦٧/١٣
أَخْلِنا: وأخلنا فيه من السّيّئات... ٢١/٩
خَلَّيْتَني: فبيني وبينهم خلّيتني ١١٦/٥٧
فَخَلَّيْتَهُ: وعوّل على الجلد من نفسه فخلّيته ٢٠٢/٦ـ٢٠٢/٣
خَلَوْا: وخلّوا عن الدّنيا وما جمعوا لها ٢١٤/٧٩
لاتُخَلِّ: لاتخلّ في ذلك بين نفوسنا واختيارها ٣٠/٣
تَخَلّى: وتخلّى عنه الصّديق والصّاحب الشّفيق ٢١٤/١٢١
خَلْوَةٍ: أنت... أنيسي في كلّ خلوة ووحدة ١٩٩/١٦١
الْخَلْوَةِ: أنت موضع أنسي في الخلوة ١٩٩/٤١
لِلْخَلْوَةِ: عن مناجذتهم للخلوة بك ٦٧/٩

الْخَلَوَاتِ: ودامت في الخلوات ضجّة حنينها ١٩٧/٤٧
خَلَوَاتي: ولاخلواتي بما يعرض لي ١٤٧/١١٤
الْخَلَآءِ: إلهي فألهمنا ذكرك في الخلآء والملأ ١٩٤/٢
أنا باربّ الّذى لم أستحيك في الخلآء ١١٦/٦٤
خَالِيَةً: لم ترجع يد... خالية من نحل هباتك ٢٥١/٦٠
... خالية من ذكر سيّئاتنا... ٣٣/٣
الْخَالِيَةِ: تلك الحلاوة على القرون الخالية ٢١٩/١٤
من سوء آثارها في الدّيار الخالية ٢١٩/٢٠
عن القرون الخالية الماضية ٢١٩/٣١
خَوالِي: وخوالى الأعوام ٨٨/١
خِلْواً: وأدرجت خلواً في كفنى ٢٠٣/١٣

خ.م.د

خَمَدَ: لذلك خمد صوتى عن الجأر إليك ٤٩/١٠
خُمُودِ: وخمود تلك الرّقدة وطول تلك الإقامة ٢١٩/٢٦
بِأَخْمَدِها: ونلقاه «محمّد» بأخمدها «أصوات» ١٠/٩

خ.م.س

خَمْساً: أللّهمّ إقض لي في الخميس خمساً ٢٢٤/٤
الْخَمْسِ: فقنافيه على مواقيت الصّلوات الخمس ١١٥/١١
خَمْسِينَ: خمسين ألف سنةٍ (قرآن) ٢٠٧/١٣
الْخَمِيسِ: أللّهمّ إقض لي في الخميس خمساً ٢٢٤/٤

خ.م.ص

الْخِمَاصَ: أللّهمّ وأشبع به «الحقّ» الخماص السّغبة ٧٠/١٣

خ.ن.ق

الْمُخَنَّقِ: خذه «ظالمى» بالمخنّق ١٥٥/٢

خ.و.ض

خَاضُوا: وخاضوا لجّة السّرور ٢٠٠/٢٤
الْخَوْضِ: ولألسنتنا عن الخوض في الباطل ١٠٩/١١

خ.و.ف

خَافَ: واجعلني ممّن خاف فآمنته ٢٠٢/٥
لاتجعلني ممّن إذا ... افتقر خاف ١٣٣/٣
أن لاتجعلني ممّن ... إذا سقم خاف ١٣٣/٣
خَافَتْهُ: بسم الله الّذى خافته الصّدور ٢٢/٢٥
خِفْتُ: ممّن هو دونك ممّن خفت سطوته ٢٥٧/٦
ولو خفت تعجيل نقمتك لأخذت حذرى ٢٥٧/٦
ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته ١١٦/٢٣
وعظم حلمك عنّى حتّى خفتُ أن أكون مستدرجاً ٦-١٣٥
فقد خفت يامولاي إذ كنت لك عاصياً ٢٥٧/١٨
وقد خفت يامولاي أن أكون ٢٠١/٤٧
للّذى خفت من خلقك ١٢٨/٩
إلهى لولا ما قرفت من الذّنوب ما خفت عقابك ١٩٧/١٨
ما إقترفت من الذّنوب ما خفت عقابك ١٩٩/١٣٠
ولولا ما أتيته من الذّنوب ما خفت عقابك ٢٥٦/٤
يَخَافُ: إنما يعجل من يخافُ الفوت الضعيف ٥٢/٢
وكيف ينام من يخافُ بيات ملك الموت ٨٢/٦
تأمن ممّا يخافُ المعتدون من أليم سطواتك ٨٠/١٨
يَخَافُهُ: وأجرني ممّا يخافه أهل الإساءة ٣٤/١٢
لايَخَافُ: لايخافُ لديَّ المرسلون (قرآن) ١٥٩/١٧
لَمْ يَخَفْ: أنا الّذى... لم يخف بأسك ١٤٧/٨٢
لايَخَافُكَ: من عرفك كيف لايخافك ٤/٢٢
لَمْ يَخَافُوا: أللّهمّ إنّ الظّلمة... لم يخافوا مقتك ١١٩/٤
تَخَافُكَ: ونفسي تخافك لشدّة عقابك ٢٥١/٤
لاتَخَفْ: خيفة موسىٰ قلنا لاتخف (قرآن) ١٥٩/١٣
ياموسىٰ لاتخف إنّى لايخاف (قرآن) ١٥٩/١٧
ياموسى أقبل ولاتخف إنّك من الآمنين (قرآن) ١٥٩/١٨
لاتَخَافَا: قال لاتخافا إنّني معكما (قرآن) ٢٢/٧
أَخَافُ: فإليك أفرّ ومنك أخافُ ١٦٦/١٤
أستحيى من ذكرها وأخاف جزاءها ٢٤٩/٩
وأخاف أن أكون فيها «العثرة» مستدرجاً ١٤٨/٣
وخلّصنى من كلّ ما أخافُ على نفسي ١٤٨/٢١
أكثر ممّا أخاف وأحذر وممّا لاأحذر ٢٢/٤٤
بالحىّ الّذى لايموت من شرّ ما أخافُ ٢٢/٣٥
... وأخافُ على نفسي ١١٧/٢١
كيف أخاف وأنت رجائى ١١٤/١٤
خطيئتي فيما أخاف وأخشى ١٩٨/٦٢
أللّه ... أعظم ممّا أخاف وأحذر ٢٢/٢
فاسترني ياسيّدى ممّا أخافُ وأحذر ٥٢/٤
أخاف شماتة الأعداء ٧٧/١٠
فلست أخاف بغير عدلك ١٢٨/٨
واكشف عنّى ما أخاف كربه ١٣٨/١٥
ونفّس عنّى ما أخاف غمّه ١٣٨/١٤
وفرّج عنّى ما أخافُ ضيقه ١٣٨/١٤
وسهّل لي ما أخاف حزونته ١٣٨/١٤
أللّهمّ يسّرلي ما أخافُ عسره ١٣٨/١٤

لاأَخَافُ: لاأخاف على نفسي إلاّ إيّاك ٣٤/١٢
وأخاف على نفسي وما لاأخافُ ١١٧/٢١
حَتّىٰ أَخَافَكَ: حتّى أخافك اللّهمّ مخافةً ١٣٧/٩
يُخَافُ: فيامن يخافُ عدله ٢٠٢/٩
لايُخَافُ: ولايخاف إغفالك ثواب من أرضاك ٨/١٨ ـ ٩٨/١١
أَن يُخَافَ: وكرمت أن يخاف منك إلاّ العدل ٩٨/١١ ـ ٨/١٨
أَخَافَنِي: إن كان جرمي قد أخافني من عقوبتك ١٨٦/١
إلهي إن كان ذنبي قد أخافني ١٩٧/٣
سيّدي إن كان ذنبي منك قد أخافني ١٩٩/١١٩
أَخَافَتْنِي: إلهي إنّ ذنوبي قد أخافتني ١٩٧/١٠
سيّدي إن كانت ذنوبي قد أخافتني ١٩٩/١٢٥
أَخَفْتَنِي: ومن يؤمنني منك وأنت أخفتني؟ ٥٧/١
أَخِفْنِي: وكرّني غير خاسرة وأخفني مقامك ١٤٧/١٠٨
خَوَّفْتَنِي: ربّ خوّفتني وشوّقتني ١٦٤/٢٠
يُخَوِّفُنَا: وجعلت لنا عدوّاً يكيدنا... ويخوّفنا بغيرك ٦٤/٧
خَوْفَ: أللّهمّ إنّي أسألك خوف العالمين ١٣٩/٥
ولانحن راقبناك خوفاً منك وأنت معنا ٢٠٠/٨
واجعلني أشدّ ما أكونُهُ لك خوفاً ٢٠٤/٤
أن ترزقنا خوفاً حزناً تشغلنا ٢٠٠/١٤
نارزقنا ... خوفَ المتّقين ٢٠٠/١٨
وقد جشأت خوف المنيّة نفسه ٢١٤/٤٤ ـ ٢١٤/١٢٠
وحتّى أناصحك في التّوبة خوفاً منك ١٣٧/٩
وأورع نفوسنا خوف المشفقين ١٩٩/٣٥
وألهمني خوف عقابك ٢٥١/٤٢
أللّهمّ إنّي أدعوك ياربّ خوفاً وطمعاً ١٤١/٦
أللّهمّ ارزقنا خوف عقاب الوعيد ١٤٢/٦١
أللّهمّ فاجعل أمني منك في هذه الدّنيا خوفاً ١٦٤/٢٠
وارزقني خوفَ غمّ الوعيد ٥٩/١٠
امن من السّيّئات فرقاً وخوفاً ٥٩/٩
أسألك خوفاً تعينني به على حدود رضاك ١٢٥/٣
إلهي، بقيت بين خوفٍ ورجاءٍ ٢٠١/٦
من اعتصم به نجا من كلّ خوفٍ ١٥٩/٤
بانتقال عافية وتحويل فقر ولاخوفٍ ٢٥٧/٢٦
فإنّ أولياءك لاخوفٌ عليهم ولاهم يحزنون ٢٤٠/٣
وأشرفتُ على خوفٍ لقائك فلا مسكّن لروعتي ٥٧/١
أسألك خوفَ العابدين لك ١٧١/٦
ومن مرارة خوفِ الظّالمين حلاوة الأمنة ٥٥/١٠
لاحلول فقرٍ ولاخوفٍ ولاحزنٍ ٣٥/٣
أدعوك ياربّ ... خوفاً وطمعاً ٢٥/٣
وأمن خوفَ نفسي ٣٤/١٣
يامن هو منتهى خوفِ العابدين ٨٠/١
الْخَوْفِ: أن تؤمنني في مواقف الخوفِ بأمنك ٢٤٤/٥
ولم يلهني الخوفُ فأعرف فضل الأمن ٣٥/٢
ولم يهمّني الخوفَ فأعرف فضل الأمن ٢٥٧/٢٤
وصرت إلى الهرب من الخوف والحزن ١٦٤/١٣
فيما يحدث في حال الخوف والأمن ٥٩/١٢
وبمناجاتك بردّت ألم الخوف عنّي ١١٦/٨٥
وكلّ قلب تركه وجيب الخوف إليك ١٩٩/٩٨
وامنن عليّ بـ... الخوف منك ٦١/٣
خَوْفِهِ: أجرنا ممّا استجرنا بك من خوفه ٥٠/١٥
بمن خوفُهُ منك أكثر من طمعه فيك ١٠١/١٠
وآمن خوفَهُ وخوفنا عليه ١٤٩/٦٩
خَوْفِكَ: وعبرة من بكى من خوفك مرحومة ٢٥٥/٥
خوفُك يميتني ورجاؤك يحييني ٢٠١/٦
فأطير في الهواء من خوفِك ٢٠٦/٦
بالنّار عيني وكانت من خوفِك باكيةً ٢٠١/٣٣
وفاضت من خوفك دموعه ١٦٤/٢
فأمنت خوفَكَ ١٦٤/٢٠
عيناً عن البكاء من خوفِك جامدةً ١٨٣/٤
وإن كان خوفُك قد أرىقني ١٩٩/١١٩
خَوْفي: وكذّب خوفي منك ٣٧/٢ ـ ٨٧/٢
وآمن خوفي فإنّ كثرة ذنوبي ١١٦/١٠٠
فبحول ذلك بيني وبين خوفي ٢٥٧/٢٠
ولك خالص رجآئي وخوفي ١١٦/٨٤
خَوْفَنَا: وآمن خوفه وخوفنا عليه ١٤٩/٦٩
أن تصل خوفنا بأمنك ٢٠٠/١٢
بِخَوْفِهِ: وقصدك بخوفه إخلاصاً ٨٠/٤
بِخَوْفِكَ: وانعشه بخوفك وبالوجل منك ٥٧/١٠
بِالْخَوْفِ: أنا أحقّ بالخوف الدّآئم لإسائتي ١٤٨/٢
خِيفَةً: ولاخيفةً أوجس دونها ١٤٧/١٠٣
ومع ذلك خيفةً وتضرّعاً ونعوذاً وتلوّذا ١٤٧/٨٠
فأوجس في نفسه خيفةً موسىٰ قلنالاتخف(قرآن) ١٥٩/١٣
خِيفَتِكَ: قد ترىٰ ياإلهي فيض دمعي من خيفتك ٤٩/١٠
لِخِيفَتِهِ: يامن لخيفته ينتحب الخاطئون ٤٩/١
مَخَافَةً: من دينك مخافة أحد من خلقك ١٧١/٧
وأبدلني مخافتك من مخافةِ المخلوقين ٢٠٤/٣
حتّى أخافك اللّهمّ مخافةً ١٣٧/٩
الْمَخَافَةِ: أنا العبد الوجل من المخافة ١١٨/١
وأمن في موطن المخافة سربهم ١٩٣/٤
وحملتني المخافةُ من نقمتك ١٩٥/٣

مَخافَتَكَ: وأبدلني مخافتك من ٢٠٤/٣
قسوةً من مخافتك من قلبي ١٤٨/٣١
مَخافَتي: فأين رجائي منك أين مخافتي ٢١٦/٥
بِمَخافَتِكَ: وأنتسلّى نفسي عن الدّنيا بمخافتك ١٦٦/١٣
خائِفاً: مشفقاً خآئفاً وجلاً فقيراً مضطرّاً إليك ١٦٣/١١
فمن خائفٍ لجأ إليك فآمنته ٢٠٢/٢
بين يديك ... خاشعاً خائفاً ١٤٧/٧٥
أسألك مستأنساً خائفاً ٤٠/٢
أدعوك ياربّ راهباً راغباً خائفاً ١١٦/١٩
الْخائِفِ: ألّلهمّ تب على عبدك الخائفِ سطوتك ١٦/٧
المهين الفقير الخائفُ المستجير ٥٧/٦
أسألك سؤال الخائفِ من وقفه الموقف ٢٤٥/١
سألتك مسألة ... الخائِفِ المستجير ١٤٧/٨٠
وأنا الخائفُ الّذى آمنته ١١٦/٦١
خآئِفُونَ: فهم من سطواته خائفون ١٦٣/٨
الْخآئِفُونَ: آمل من لجأ إليه الخآئفون ١٢٠/١١
... وأمّه الخائفون فوجدوه قريباً ... ٤١/٢
وأمّه الخائفون فوجدوه متفضّلاً ٨٤/٢
خآئِفينَ: ومن عدلك خآئفين ٢٠٦/١٩
الْخائِفينَ: منجى الخائفين ١١٣/٣ - ٢٠/٣
ياأمان الخائفين ويامعطى السّائلين ١٤٣/١٦
ياظهر اللاّجين ومأمن الخائفين ١٢١/١
إليك فررت بنفسي يا ملجأ الخآئفين ١٢٠/١١
وجار المستجيرين وأمان الخائفين ١٢٠/١٠
وياأمان الخآئفين ١٩٢/٥
إيّاك أدعو ... يا ... أمان الخآئفين ١٤٩/١٦
ويامجير الخآئفين ١٩٥/١
ياأمان الخآئفين وظهر اللاّجين ٢٥١/٦٧
يامن... ألبس الخآئفين ثوب موالاته ١٩٩/٣٦
ألّلهمّ إليك... نقلت أقدام الخآئفين ٨٣/٥
وارزقنا قلوب الخائفين ٢٠٠/١٨
فيا غاية الطّالبين وأمان الخائفين ٢٤٣/٧
خآئِفَةٌ: ونفسي خائفة لشدّة عقابك ٢٥٢/٣٦
مَخُوفٍ: كلّ مخوفٍ ومصيبةٍ لاصبر لي عليها ١٥٣/٣٣
الْمَخُوفِ: وواقى الأمر المخوفِ أفردتني الخطايا ٥٧/١
الْمَخاوِفِ: وآمنتهم من المخاوفِ والأحزان ٢٠٠/٢٩
إذا زالت عنّى المخاوفُ ٢٠٤/٤
وانصرفت عنّى المخاوِفُ ٢٠٤/٥

خ.و.ل

خَوَّلَهُ: إذا خوّله نعمة منه نسى (قرآن) ٣٥/١١ - ٢٥٧/٣٤
خَوَّلْتَني: وما خوّلتني وخرجت إليك ١٤٩/٧١
أوفر من شكري إيّاك على ما خوّلتني ٩٦/٣
واجعل ما خوّلتني من حطامها ٧٩/٦
وبارك لي فيما رزقتني وفيما خوّلتني ٥٩/٦
خَوَّلْتَنا: ولك الشّكر على ما خوّلتنا من النّعماء ٩٧/٥
خَوَلاً: إنّهم «الظّلمة» إتّخذوا... عبادك خولاً ١١٩/٦

خ.و.ن

خانَني: خانني الصّبر حتّى كأنّى أوّل ممتحن ٢١٩/٣٦
خانَتْنا: وخانتنا الصّفات ١٠/١٩
فَتَخُونُ: وأئتمنها فتخون ٢١٩/١٠
الْخِيانَةِ: أعوذبك من الخيانةِ ١٥٣/٢٦
خآئِنَةَ: يعلم... خائنة الأعين والسّرّ وأخفى ١٤٩/٢٤
يامن يعلم خائنةالأعين وما تخفى الصّدور ١٦٥/٥-٢٣٣/٤
الْمُخْتانينَ: عن شرّ موافف المختانين ٢٠٠/٣٧

خ.ى.ب

خابَ: سيّدى خاب رجآء من رجا سواك ١٩٩/٧٨
خاب من كان دعاؤه لغيرك ١٣٩/٧
قد خاب من حمل ظلماً (قرآن) ٢٣/٣
خاب الوافدون على غيرك ١٤٦/٥
والخيبة الخاذلة لمن خاب منك ١٤٦/٩
خابَتْ: وردّتني الضّرورة إليک حين خابت أمالي ٢٠٤/٢
خابت الثقة وأخلف الظنّ إلاّ بك ١٤٣/١٩-٢٢٠/٢-٢٢١/١
يَخيبُ: الّذى قلّ ما يخيب عليه راجيك ١٤٧/٧٩
لايَخيبُ: لايخيب منك الآملون ١٤٦/٦
لَمْ يَخِبْ: ولم يخب من فزع إليك برغبته ٧٠/١
لَنْ يَخيبَ: لن يخيب من فزع إليك برغبته ٢٥١/٦٠
لايُخَيِّبُ: أنت ... الّذى لايخيّب قاصديه ١٨٧/٣
الحمدلله ... الّذى ... لايخيّب من دعاه ٢٤٦/١
يامن لايخيّب سآئله لاتردّنى خائباً ١٤٩/٤٩
يامن لايخيّب الملحّين عليه ١٤٦/١
ولايخيّب من رجاه ١٤٣/٢
تُخَيِّبُ: أفتراك ياربّ... أو تخيّب آمالنا؟ ١١٦/٣٦
لاتُخَيِّبْ: وقد رجوت أن لاتخيّبُ بين ذين ١١٦/٢٠
لاتخيّب فيك رجآئي ١٨٢/١٣
إلهى لاتخيّب من لايجد معطياً غيرك ٤٩/٧
ألّلهمّ لاتخيّب رجاءً هو منوط بك... ٣١/١
ولاتخيّب رجآئى ولاتردّني خآئباً ولامقبوحاً ١٢٧/٧

فَلاتُخَيِّبْ: أللّهمّ... إيّاك آمل فلا تخيّب آمالي ١٩٩/١
لاتُخَيِّبْني: فلا تخيّبني إذا اشتدّت فاقتي ١١٦/٨٨
فلا تخيّبني ياسيّدي ١١٧/٢٩
طالباً فلا تخيّبني ١٤١/١٤
لاتُخَيِّبْنا: فامنن بذلك علينا ولاتخيّبنا ١٤٠/٢
أَنْ تُخَيِّبَني: حاشا لوجهك الكريم أن تخيّبني ١٨٤/٢
لاأُخَيَّبُ: ولاأخيّب منك دعائي ٢٠٣/١١
لايُخَيَّبُ: يامن ... لايخيّبُ آملهُ ١٨٥/٦
وأنت الكريم الّذى لايخيّب لديك ١٩٧/٥
خَيْبَةِ: ترحمني من خيبة الردّ ٢٥١/٤
وبإسعافك عن خيبةِ المرجوّين ٢٠٤/٣
وارحمني من خيبةِ الرّدّ ٢٥٢/٣٧
الْخَيْبَةِ: لاترجعني مرجع الخيبة من رحمتك ٨٠/٢٥-٨١/٩
والخيبةُ الخاذلة لمن خاب منك ١٤٦/٩
خَيْبَتي: وأبكى على خيبتي فيها ١٦٤/١٨
بِخَيْبَتي: ولاتختم يومي بخيبتي ١٤٦/١٥
بِالْخَيْبَةِ: ولاتبلني بالخيبةِ والخسران ١٩١/٥
سيّدى كيف أنقلب من عندك بالخيبة محروماً ١٩٩/٨٣
وجه تأميلى بالخيبةِ في دار المقام ١٩٩/٩٢
ولاتحرمني بالخيبة منك ١٠٨/٢
أيحسن أن أرجع عن بابك بالخيبةِ مصروفاً ١٨٥/٢
بِالتَّخْييبِ: فلا تقابل آمالنا بالتّخييب ١٨٧/٣
خَائِباً: خآئباً من مواهبك ٧٠/١
ولاتردّني خائباً ١٤٩/٦٠
ولاتردّني خائباً ومقبوحاً ١٢٩/١١ ـ ١٣٨/١٥ ـ ١٢٧/٧
داعياً فلا تردّني خآئباً ١٦٣/١٠
أن لاتردّنى خائباً ٣٩/١٣
يامن لايخيّب سآئله لاتردّنى خائباً ١٤٩/٤٩
ولاتردّنى خائباً لفساد نيّتي ١٣٨/١٧
بك أبتهل فلا تردّنى خائباً ممّا رجوت ٢٤٧/٩
فلا تردّنى من بابك خائباً ١٧٧/٢
فلا تصرف رجآئي من فضلك خآئباً ١٩٩/١٥٧
الْخآئِبُ: فأنا الخائب إن لم ترحمني ٢٥١/٥٦
خائِبينَ: لاتردّنا خائبين وتقبّل منّا صيامه ١٤٣/٢٧
صلّ على محمّد وآل محمّد ولاتردّنا خائبين ١٤٣/١٨
يشكر سعينا ويردّنا خائبين ١٤٣/١٥
الْخآئِبينَ: فأعذني من سوء مواقف الخائبين ١٩٩/١٦١
أَخْيَبَ: فلاتجعلني اليوم أخيب ١٤٩/٥٨
ولاأكن أخيب عبادك الّآئبين ٨٨/٨

خ.ى.ر

خِرْ: وخِرلي واخترلي في جميع أموري ١٣٥/١٥
إِخْتارَ: والحمدلله الّذى اختار لنا محاسن الخلق ١/١٩
إِخْتارَهُ: ثمّ اختاره «محمّداً» الله فرفعه ١٩٩/٥٩
إِخْتَرْتَ: أللّهمّ كما اخترت محمّداً على علم لأمرك ١٠/٣
بحقّ من اخترت من بريّتك ١٤٧/٨٣
إِخْتَرْتَهُ: فاجعلنا ممّن... إخترته لمناجاتك ١٩٠/٤
إِخْتَرْتَهُمْ: واخترتهم بعلمك ١٤٩/٤٦
بالأئمّة عليهم السّلام الّذين اخترتهم لسرّك ١٤٩/٤٦
أهل بيته الّذين اخترتهم لأمرك ١٤٧/٥٧
إِخْتَرْ: وخرلي واخترلي في جميع أموري ١٣٥/١٥
تَخَيَّرْتَ: ولانسمنا عجز المعرفة عمّا تخيّرت ٩٢/٢
ثقتي بما تخيّرت ٤٤/١٣
تَخَيَّرْتَهُ: وتخيّرته من جميع الأزمنة والدّهور ١٤٢/٢٤
لاتَتَخَيَّرَ: ولاتتخيّر ما كرهت ٩٢/٣
تَخَيَّرْ: أيّما غازٍ... تخيّر له الأصحاب ٦٧/١٦
أَسْتَخيرُكَ: أللّهمّ إنّى أستخيرك بعلمك ٩٢/١
خَيْرٌ: الّتى هى خيرٌ من ألف شهر ١٤٢/٤٥
وكم من خيرٍ أفبض بك علينا ١٤٢/٤٤
أنت التوّاب الرّحيم وخيرُ الغافرين ١٤٧/٧٠
إستدراج من منعنى خيرَ ما عنده ١٤٧/٨٥
لأجر الآخرة خيرٌ للّذين آمنوا (قرآن) ٢٢/٢٢
بسم الله خيرِ الأسماء ٢٢/٣٣
واجمع لي خيرَ الدّنيا والآخرة ٢٢/٤١
أعطني... كلّ ما رغبت إليك فيه من خيرِ الدّنيا ١٢٢/١٠
ولاترسلنى من يدك إرسال من لاخيرَ فيه ١٤٧/٩١
فإنّك خيرُ من انتجع لكشف الضرّ ٢٢٧/٨
أللّهمّ اجعل خيرَ أيامى يوم لقائك ٢٢٧/١٠
وأسألك من كلّ خيرٍ أحاط به علمك ١٤٩/٥٢
وأنت ياسيّدى خيرُ الموالى لعبيده ١٤٩/٣١
وجاعلها «ليلة القدر» خيراً من ألف شهرٍ ١٣٢/١
ياخيرَ مرجوّ وياأكرم مدعوّ ١٨٥/٦
صحبتُ خيرَ الصّاحبين ١٥٩/٣
فإنّى لم أر خيراً قطّ إلاّ منك ٢٢٩/٢١
إيّاك أدعو ... يا ... خيرَ الغافرين ١٤٩/١٦
وخيرَ ما قسمت فيها وفرقت ١١٤/٦
أن تصلّى على محمّد خيرِ أنبيائك ١١٤/٩
إقسم لي من خيرِ ما أنت معطيه أحداً ١٢٣/١٣
وأتمم لي إنعامك إنّك خيرُ المنعمين ١٤٧/١١٦
وخيرٍ لايشوبه شرٌّ ١١٠/٦
أسألك تعجيل ما تعجيل كان خيراً لي ١٢١/١٦

واقبل تضرّعنا ياخيرَ من سئل ٢٣٤/٥
إجعل الحياة زيادة لي في كلّ خيرٍ ٢٤٠/٤
أللّهمّ... ارزقني خيره وخيرَ مافيه وخيرَ ما بعده ٢٤٤/٢
ربّ لاتذرني فرداً وأنت خيرُ الوارثين ٢٥٨/١
أسألك... تأخير ما تأخيره كان خيراً لي ١٢١/١٦
وصلّى الله على خيرِ خلقه ٢٠٧/٢٧
أمرت بصلة السّؤال وأنت خيرُ المسؤولين ٢٠١/٣٨
أكمل لي بها خيرَ الدّنيا والآخرة ٥٥/٤١
أسألك من خيرِ كتاب قد خلا ١٧١/٦
ياأرحم الرّاحمين وخيرَ الغافرين ١٩٩/١٩٨ ـ ٩٠/٧
ولم تكتسب خيراً لدى الله عاذر ٢١٤/٧١ ـ ٢١٤/١٥٠
وخيرِ الدّنيا والآخرة ١١٧/١٣
ثمّ اجعلها لي خيراً من ألف شهر ١١٧/١٥
إجعلنا لشهرنا من خيرِ أهل وأصحاب ١١٥/١٩
إنّك خيرُ الرّازقين ٨٨/١٨
ياخيرَ من خلوت به وحدي ٢٥/١
ياخيرَ من ناجيته في سرّي ٢٥/١
ياخيرَ من مددت إليه عنقي ٢٥/١
ياخيرَ من أشرت إليه بكفّي ٢٥/١
ولاتخذلني ياخيرَ المجيرين ٨٨/٢٢
وأوصل إلى التّابعين... خيرَ جزائك ١٤/٥
أللّهمّ إنّي أسألك خيرَ أموري كلّها ٢٨/٥
إيّاك أدعو ... يا ... خيرَ الفاصلين ١٤٩/١٦
نحن نسأل الله خيرَ مسئول ١٤٣/١٥
خيرُ حبال العالمين وثيقها ٢١٩/٤٩
دركاً من خير الموازرين ٢٢١/٤ ـ ٢٢٠/٤
ياراحم المساكين وياخيرَ الرّازقين ١٤٣/١٧
فإن كنت تعلم أنّه خيرٌ لي في ديني ودنياي ٩٤/١
إن كان كذا وكذا خيراً لي في ديني ودنياي ٩٣/١
لقلنا جزاك الله ياشهر رمضان عنّا خيراً ١٤٣/٢٩
كنت خيرَ زائر محبوب ١٤٣/٣٠
واجعل الموت خيرَ غائب ننتظره ١٤٣/٣٨
واجعل ما بعده خيراً لنا ممّا قبله ١٤٣/٣٨
واجعل الآخرة خيراً لنا من الدّنيا ١٤٣/٣٨
الّذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيراً (قرآن) ١١٤/١٨
وارزقنا ياخيرَ الرّازقين ١٣٩/٤
وياهيت به من هو خيرٌ منه ١٤٩/٥٥
أللّهمّ... واجعل ذلك «اولاداً ذكوراً» خيراً لي ٦٤/٥
إنّك خيرُ مسؤول ٢٠٢/٩
كلّ خيرٍ نيل أو أصيب فمن خير فضلك ١٣٩/٧
بل أنت خيرٌ حافظاً ١٣٩/٩
فأنت الله خيرٌ حافظاً وأنت أرحم الرّاحمين ٢٣٦/٥
فارزقني بهم خيرَ الدّنيا والآخرة ٤٢/١٨
فاقبل عذرى ياخيرَ من اعتذر إليه المسيئون ١٩٩/١٢٧
ياخيرَ من دعاه الدّاعون ١٩٩/١٤٩
ياخير مدعوّ وياخيرَ مسئول ١٩٩/٢٠٠
وأنت خيرُ المعتقين ١٩٩/١١٦
إنّي لما أنزلت إليّ من خيرٍ فقير (قرآن) ٢٥٤/٢
أللّهمّ إنّي أصبحت لاأملك لنفسي خيرَ ما أرجو لها ٢٥٤/٢
وازع العدل، لكلّ خيرٍ أهل ١١٤/٤
أللّهمّ إنّي أسئلك خيرَ المعيشة ٢٥١/٢٦ ـ ٢٥٢/١٨
يامن أرجوه لكلّ خيرٍ ٢٥١/٦٤ ـ ٢٥١/٤٣
وأعطني... جميع خيرِ الدّنيا والآخرة ٢٥١/٦٥
اجزهما «والدىّ» عنّى خيراً ١٣٩/١١
أحينى ما علمت الحياة خيراً لي ١٣٩/١٣
كلّ خيرٍ نيل أو أصيب ١٣٩/٧
وأستغفرك لكلّ ما خالطني في كلّ خيرٍ ٢٥٢/٥
وياخيرَ مرتجى أرزقني ١٩٩/٢٠٠
وأنت خيرُ المسؤولين ١٩٩/١١٦
فصلّ على محمّد وآله خيرِ خلقك ٢٣٦/٧
في كلّ خيرٍ أردت به وجهك ٢٥١/٨
من جميع خيرِ الدّنيا والآخرة ٢٥١/٤٤
أرسلت إليّ خيرَ خلقك ٢٥٧/١٠
ياخيرَ من اعتذر إليه المسيئون ١٩٧/١٤
إيّاك أدعو... يا... خيرَ النّاصرين ١٤٩/١٦
ياخيرَ من دعاه داعٍ ١٩٧/٣٦ـ١١٦/٦٩ـ١١٦/٢٠
وأعنّى ياخيرَ من استعين به ٦٣/١٢
ياأملي يارجآئي ياخيرَ مستغاثٍ ١٤٩/٥٣
إستحفظت بالله خيرِ الحافظين ١٥٩/٢
أللّهمّ اغفرلي وأنت خيرُ الغافرين ٧٧/١٢
أللّهمّ ... ارحمني وأنت خيرُ الرّاحمين ٧٧/١٢
أللّهمّ ... اعف عنّى وأنت خيرُ العافين ٧٧/١٢
أللّهمّ ... ارزقنى وأنت خيرُ الرّازقين ٧٧/١٢
أللّهمّ... أفضل عليّ وأنت خيرُ المفضلين ٧٧/١٢
صلّ على ... خيرِ النّاطقين ١٤١/٢٧
واغفرلي إنّك خيرُ الغافرين ٨٨/٨
واجعل ... خيرَ عملي خواتمه ١٤١/٢٠
وخيرَ أيّامي يوم ألقاك ١٤١/٢٠
ما أبقيتني زيادة لي في كلّ خيرٍ ١٤١/٢١
واجعله «محمّد وآله»... خيرَ وقت ضللنا فيه ٢١/١٤

ياخيرَ من رجاه الرّاجون	١٩٩/٧٣
ياخيرَ من سئل وأجود من أعطى	١١٦/١٠٧
خيرِ ما سألك منه عبادك الصّالحون	١١٦/١٠٧
فأعنّي ياخيرَ المعينين	١٩٩/٤
فدعى إلى خيرِ سبيل	١٩٩/١٨
أللّهمّ ما عملت من خيرٍ فهو منك	١٧٠/٣
إلى خيرِ ما لايملكه أحد سواك	٢٣٧/٩
ياخيرَ من استدعى لبذل الرّغآئب	٢٣٩/٤
يعدّد منه خيرَ ما هو ذاكر	٢١٤/٤٧
وصلّى الله على خيرِ خلقه أجمعين	١٣٢/١٥
واجعله من خيرِ يوم مرّ علينا	١٤٢/٥٤
وياخيرَ شهر في الأيّام والسّاعات	١٤٢/٢٩
ليلة القدر الّتى هى خيرٌ من ألف شهر	١٤٢/٢٤
وكلّ خيرٍ عندك موجود	٩٩/١
وكلّ خيرٍ عند سواك مفقود	٩٩/١
كلّما وفّقتني له من خيرٍ أحمله	٩٩/٣
لعلّ الّذى أبطأ عليّ هو خيرٌ لي	٤٠/٢
ياخيرَ من سئل ويأكرم من قصد	١٧٧/١
واجزهما عنّى خيرَ الجزاء	١٤٩/٦٦
وجدتك خيرَ شفيع	٧٠/٣
فلا تحرمنى خيرَ الآخرة والأولى	١٦٣/١٤
ياخيرَ من خلا به وحيد	١٩١/٤
واجعل القبور بعد فراق الدّنيا خيرَ منازلنا	١٠٩/١٩
هى «ليلة القدر» خيرٌ من ألف شهر	١١٧/١
بل لأنّك خيرُ السّاترين	١١٦/٢٣
وأنت خيرُ الرّازقين	١١٤/١٤
ياخيرَ مرغوب إليه ومسئول	١١٤/١٣
وتوفّنى ... على خيرِ الوفادة	١٢٣/١٤
من كلّ خيرٍ أنزلته في هذه اللّيلة	١٣٢/٥
فصلّ... وأبدأبهم في كلّ خيرٍ	١١٤/١١
الْخَيْرِ: منزلة الآيسين من الخير	١١٦/٧٧
أعطني من الخيرِ أكثر ممّا أرجو	٢٢/٤٤
وإنّى لأعلم أنّ لك دار جزاء من الخير والشرّ	٢٢٣/٣
كيف أرجو غيرك والخيرُ كلّه بيدك	١٨٥/٣
إمام الخيرِ وقائد الخيرِ	١٢٣/٩
إن مسّها «النّفس» الخيرُ تمنع	١٨٣/٢
من أين لي الخيرِ ياربّ	١١٦/١
وإذا مسّه الخيرُ منوعاً (قرآن)	٢٥٧/٣٠ ـ ٣٥/٧
لاوصول لي إلى عمل الخيرِ إلاّ بمشيّتك	٢٠١/٤٠
أن تجعل رشدى فيما قضيت من الخيرِ	٤٢/٢٧
وأجر للنّاس على يدى الخيرِ ولاتمحقه بالمنّ	٥٥/٤
واستقلال الخيرِ وإن كثر من قولى وفعلي	٥٥/١٥
أسألك اللّهمّ أن ترزقني الخيرَ وتعطينيه	٢٥/٢
واجعلنا من أهل الخيرِ	١٣٩/١٢
فإنّما الخيرُ بيدك	٨٣/٨
ونحن نسألك من الخيرِ	٨٧/١٠
وأطلب الخيرَ من حيث تعوّدته	١٩٩/١٧٩
الخيرُ كلّه بيدك وعندك	١٣٩/٧
ياربّ الخيرِ كلّه	١٣٩/٧
وأنت المرجوّ ورازق الخيرِ	١١٤/٥
لاستعمال الخيرِ وهجران الشرّ	٢١/١٣
قرّب الخيرَ من متناولي	١٩٩/٧٦
أسألك باربّ من الخيرِ كلّه	١١٦/١٠٦
محمّد ... قآئد الخيرِ	٩/٢
أرزقني ... الخيرَ المقبول	١١٧/٩
... ولا من الخيرِ إلا ما أعطيت	٢١/٧
أللّهمّ ... والخيرُ متوقّعٌ منك	٣١/٣
وتجعلنا في الخيرِ معه «وليعصر»(عج)	١١٩/٣١
وألهمني الخيرَ والعمل به	١١٦/٥٢
خَيْرَهُ: أسألك أن تؤتيني خيره وتكفيني شرّه	١٥٧/٢
أرزقني خيرهُ وخير ما فيه وخير ما بعده	٢٤٤/٢
خَيْرَهَا: خيرها «الدّنيا» يتكدّر	١٣٥/٤
فإنّ خيرها زهيدٌ وشرّها عتيد	١٣٥/٤
خَيْرُكَ: خيرك إلينا نازل	١١٦/٤١
ورحمتك وخيرك إليّ فيه نازلاً	١١٧/١٤
إلى رحمتك وإلى خيرك المألوف	٢٣٩/٨
صلاة تبلّغه بها أفضل ما يأمل من خيرِك	١٠٩/٢٦
خَيْرُكُمْ: خيركم بين أعينكم	٢٢/٣٦
بِخَيْرٍ: أللّهمّ ... اختم لي بخير	١١٦/٥٠
ذكر الله محمّداً وآل محمّد بخير	٢٥٢/٢٨ ـ ٢٥١/٣٦
والمؤمنين والمؤمنات في الملاّء الأعلى بخيرٍ	١٣٩/١٠
أللّهمّ اردّني منك بخيرٍ	٢٥٤/٣
إلاّ طارقا يطرق بخيرٍ	١٤/٨
أللّهمّ افتح لنا بخيرٍ	١٣٩/١٢
أللّهمّ ... اختم لنا بخيرٍ	١٣٩/١٢
ختم لنا فيك بخيرٍ	١٤٣/٣٠
طارقا يطرق بخيرٍ يارحمن	٢٢/١٩
لِخَيْرٍ: وفّقني لخير القول والعمل	٢٧/٣
فَخَيْرُ: فإن عفوت فخير راحم	١١٦/١٩
بِخَيْرِهَا: فاقض لي بخيرها عاقبة	١٧١/٩

بِالْخَيْرِ: واختم بالخير عملي ١٩١/٢
وأن مريدي بالخيرِ لايقدر ٢٠٤/٢
يدع الإنسان بالشّرّ دعاءه بالخيرِ (قرآن) ٢٥٧/٣٦ ـ ٣٥/١٢
لِلْخَيْرِ: واكتبني عندك سعيداً موفّقاً للخير ٢٥١/٦٧
الموفّقين للخير والرُّشد والصّواب بطاعتك ٦٤/١٤
الْخَيْرَاتِ: يسارعون في الخيرات (قرآن) ١١٥/٢٦
وافتح على يديه «امام زمان» الخيرات ١١٩/٢٨
ملتمساً سنىّ الخيرات من عندك ١٨٦/٧
إجعلني من ... المسارعين إلى الخيرات ١٨٨/٤
وسهّل لي مسلك الخيرات إليك ١٤٧/٨٧
بِالْخَيْرَاتِ: وتابع بيننا وبينهم بالخيرات ١١٦/٤٨
بانفّاحاً بالخيرات ١٣٧/٧
سبحانك بسطت بالخيرات يدك ١٤٧/٢٤
وولاية القآئم السّابق منهم بالخيراتِ ١١٩/١٨
والتّبّاع بينهم «المؤمنين والمؤمنات» بالخيرات ٢٠٦/٢٤
خِيَارِ: أن تجعلني من خيار وفدك ١٤٩/٤٧
واجعلني من خيار مواليه «محمّد وآل محمّد» ١٤٩/٧٠
بِخِيَارِ: واستغنايى وكفايتى بك وبخيار خلقك ٥٧/١٢
الْأَخْيَارِ: الطّيّبين الأبرار الأخيار ١١٣/٥
وعلى أهل بيته الطّيّبين الأخيار ١٤١/٣٣
صلّى الله على محمّد وآله الطّيّبين الأخيار ٢٤١/١٠
فصلوات الله عليه وآله الطّيّبين الأخيار ٢/١٠
وألحقني بأوليائك... الأخيارِ ١١٦/١١٦
وأعلى درج الأخيار في أشرف رحمتك ١٤١/٢٥
فقد أقامتني النّقة بك على مدارج الأخيار ١٩٩/٩٦
وأنزلتني دار القرار ومحلّ الأخيار ١١٣/٩
إلى دار الحيوان ومساكن الأخيار ٢٥١/٢٩
الطّيّبين الطاهرين الأخيار الأنجبين ٢١/١٨
أوردني دار الحيوان ومساكن الأخيارِ ٢٥٢/٢٣
أللّهمّ أنت وليّ الأصفيآء والأخيارِ ١٩٩/١٩٣
صلّ على محمّد وآل محمّد الطّيّبين الأبرار الأخيار ٢٠/٥
عملى إلى دار الحيوان ومساكن الأخيار ٧٨/٤
محمّد وآله الطّيّبين الأخيار ٣٥/١٦
من حبّ محمّد وآل محمّد الطّيّبين الأخيار ١٢١/٢٣
أبح لهما «والدين» جنّتك مع الأخيار ٢٤٧/١١
وصلّى الله على محمّد وآله الأخيارِ ٢٣٩/١٣
وأبحنا وإيّاهم جنّاتك مع النّجباء الأخيارِ ٢٠٦/١٧
صلّ ... على أهل بيته الطّيّبين الأخيار ١٢٣/١٠
في دار القرار ومحلّ الأخيارِ ١١٤/٧
فضيحة العار إذا امتاز الأخيارُ من الأشرار ١٨٤/٩
إلهى اجعلني من المصطفين الأخيارِ ١٨٨/٣
فصلّى الله عليه وعلى الأخيارِ ١٢٣/٨
خِيَرَةً: وقضاؤك خيرةٌ ١٤٢/١
واخترلي في جميع أمورى خيرةً في عافية ١٣٥/١٥
الْخِيَرَةَ: واجعل الخيرةَ العامّة فيما قضيت لي ١٩٩/٧٦
أللّهمّ وإن كانت الخيرةُ لي عندك في تأخير ٤٢/١١
عترته النّجبآء الخيرةِ الأصفيآء ١٩٩/٢٠
علماً منّى بعواقب الخيرةِ في ذلك ٢٤٩/٣
أسألك ... الخيرةَ فيما يكون فيه الخيرةَ ١٢٥/٦
خِيَرَتِكَ: واجمع بيني وبين المصطفى خيرتك ١١٦/٧٦
وأنّ محمّداً عبدك ورسولك وخيرتُك من خلقك ٢١/١٦
وخيرتك من خلقك ١٤٣/٥٢
نجيّك وأمينك وخيرتك من خلقك ١٤٣/٢٣
النّبىّ الأمّى نجيبك وخيرتك من خلقك ١٢٣/٩
وصلّ على خيرتك اللّهمّ من خلقك ٩٥/٤
بِالْخِيَرَةِ: واقض لي بالخيرة ٩٢/١
لأقرّ معها بأنّ قضائك لم يجر إلاّ بالخيرة ٩٦/٣
الْإِخْتِيَارِ: وألهمنا معرفة الاختيار ٩٢/١
ولك الخلق وإليك الإختيارُ ١٩٩/١٩٣
إِخْتِيَارُهُ: وأرشده إلى طريق صوابه إختياره ٧٤/٢
إِخْتِيَارِهَا: وبين تصرّفها على اختيارها ١٩٩/١١
لاتخلّ في ذلك بين نفوسنا واختيارها ٣٠/٣
إِخْتِيَارِكَ: وعرّفني بجميل اختيارك لي منجيات ١٩٩/٣٣
بِإِخْتِيَارِهِ: وقبضك إليه «الله» باختياره ٢٥٥/٢
الْمُخْتَارِينَ: على... عترته النّجبآء المختارين ١٩٩/٦٣
مُخْتَارَةٌ: فإنّها مختارة للباطل إلاّ ما وفّقت ٣٠/٣
أَخْيَرَهُ: واجعل آخر عمري أخيره ١٤١/٢٠

خ.ى.ل

خَيْلُهُ: ولاقارعت عنه المنيّة خيلُهُ ٢١٤/٢٠ ـ ٢١٤/٩٥
أعدنى فيه من ... خيلِهِ «الشّيطان» ١١٧/٧
وتؤمنني من ... خيلِهِ «من أرادنى بسوء» ٦١/٩
مَخْيَلَةً: وازو عنّى من المال ما يحدث لي مخيلةً ٧٩/٤
مَخَايِلِ: أخذوا أنفسهم في مخائل الرهبانيّة ٢١٩/٤٢
مُخَيِّلِ: غير مخيّل في عدلك خواطر التّهم ١٩٩/١٨٢
الْخُيَلَاءِ: أعذنا من الفشل ... والخيلاء ٢٠٠/١٦
التّعظيم والخيلآء والفخر ١٥٣/٢٥

حرف الدال

د.أ.ب

يَدْأَبُ: يدأب في صيامه وقيامه ٢٠/١١٤ - ٧/١١٣
أَدْأَبَ: وأدأب نفسه في تبليغ رسالتك ٣/٩
دَأْبُهُم: إجعلنا ممّن دأبهم الإرتياح إليك والحنين ٥/١٩٠
دُؤُبٌ: والّذين لاتدخلهم سأمة من دُؤوب ٧/١٢
بِدُؤُوبِنا: واكبته بدُؤُوبنا في محبّتك ١/٥٠
الدّآئِبُ: وأنت الله الدّآئب فى غير وصب ١/١٤٩
أيّها الخلق المطيع الدّآئب ١/١١٠
الدّآئب الّذى لافراغ له ٧/١١٤

د.ا.ن.ى.ا.ل

دانِيال: وبحقّ دانيال وكرامته ٤/١٨٠

د.ا.و.و.د

دَاوُدَ: وبحقّ داوود وقبضته ٣/١٨٠
لِدَاوُدَ: ألان الحديد لداود ٢٩/٢٢

د.ب.ب

دابَّةٍ: واكفني شرّ كلّ دابّة ١٢/١٣٢
شرّ كلّ دابّة أنت آخذ بناصيتها ٣٣/١٤٣
وأعوذبك من شرّ ما خلقت من دابّةٍ ٢٩/١٥٣
ومن شرّ كلّ دابّةٍ أنتَ آخِذٌ بناصيتها ٦/٦١
ما من دابّةٍ إلاّ هُو آخِذٌ بناصيتها (فرآن) ٢٣/١٥٩
من شرّ كلّ دابّة صغيرة أوكبيرة ٢٦/٢٤٩
أعوذبك من شرّ كلّ دابّةٍ ٣/٢٦٩
دَوابِّهِمْ: واقطع نسل دوابّهم «عدوّ أهل الثغور» ٨/٦٧

د.ب.ر

أَدْبَرَ: يامن يدعو إلى نفسه من أدبر عنه ٢/١٤٦
وجعلته «محمّد» لمن أدبر عنك مجاهداً ٦/١٠
وأدبر مولّياً عنّي ٧/٨٨
أدبر مُوَلّياً قد أخلفت سراياهُ ٦/١٥٢ - ٦/١٥٣
واعف له عمّا أدبر به عنّى ٢/١٠١
أَدْبَرَتْ: من ذنوبٍ أدبرت لذّاتها فذهبت ٦/٨٠
وأدبرت أيّامه «العمر» فولّت ٥/٣٤
دَبِّرْ: وإستتمّ له «محمّد» ما دبّر في أوليائك ٣/٩
إفسخ ما دبّر ونَبِّطْهُ إذا عزم ١١/٥٠
ودبّر أمره فيهنّ بحكمته ٢١/١٤٩
سبحانه ما أعجب ما دبّر في أمرك ٣/١١٠
يامن خلق الخلق ودبّر الأمور ٩/١٤٩
دَبَّرْتَ: ودبّرت ما دونك تدبيراً ١٢/١٤٧
تُدَبِّرُهُ: أوكيف يغيب عنك ما أنت تدبّره ١/١٦٦
دَبِّرْ: ودبّر أمرهم «أهل الثغور» ٢/٦٧
دَبِّرْني: دبّرني بها إلى احسن عاداتك ٢٣/٤٢
تَدَبَّرَتِ: وصلّ عليه وآله ما ... تدبّرت الأفهام ١٩/١٩٩
بِالْإِدْبارِ: حتّى لايهمّ أحدٌ منهم بالإدبار ٥/٦٧
تَدْبيراً: وتدبيراً على عدوّك ٢١/٥٥
تَدْبيرُ: ولابردّ تدبير محتوم أمرك ١/٦٩
فيا ... من أحكم تدبير الأشياء ٥/٢٤٣
ودبّرت ما دونك تدبيراً ١٢/١٤٧
التَّدْبيرِ: عالم أنّ في قبضتك أزمّة التّدبير ٣٨/١٩٩
أيّها الخلق ... المتصرّف في فلك التّدبير ١/١١٠
أتقنت إنشاء البرايا فأحكمتها بلطف التّدبير ٥/٢٤٧
وبتقديرك يمضى إنقياد التّدبير ١٩٧/١٩٩
وبعزّتك الّتى تلى بها التّدبير ٦/٢٣٧
خسأت أبصارهم عن عيب التّدبير ٣٠/٢١٩
تَدْبيرِكَ: ولايعترض عليك أحدٌ في تدبيرك ٣٤/١١٦
ونتقلّب في تدبيرك ٧/٢١
تَدابيرِ: نظروا إلى تدابير حكمتك ٤٠/٢٠٠
التَّدابيرِ: أسألك ... من التّدابير أوكدها ٢٣/١٩٩
دابِرَهُمْ: كفعلك يوم بدر تقطع به دابرهم ١٤/٦٧
واقطع دابرهم «الظّلمة» ٥/١١٩
مُدْبِرٍ: مقبلاً في ذلك على عدوّك غير مدبر ١٠/١٢٧
مُدْبِرينَ: وبعد أن يولّى عدوّك مدبرين ١٩/٦٧
مُدَبِّرُ: الحمدلله ... مدبّر الأمور ٥/١٩٩
أللّهمّ إنّى أسألك يامدبّر الأمور ٨/١٤١
مُدَبِّرُها: فأيقنت البرايا أنّك مدبّرها وخالقها ١١/١٩٩
أَدْبارِ: أللّهمّ لاتنسنى ذكرهما في أدبار صلواتي ١٤/٦٣
أَدْبارِهِمْ: ولّوا على أدبارهم نفوراً (فرآن) ٤/٢٣-١٠/٢٢

د.ث.ر

دِثاري: ودعآؤك دِثاري ١٥/١٣٩
دَوائِرُ: محاسنهم فيها بوالٍ دوائر ٧٧/٢١٤

د.ج.ر

دَياجيرِ: في دياجير الظلمات ٤٠/٢١٩
ودياجير الظلمات بغير قبس نور ٢٥/٢١٩

د.ج.و

الدُّجى: ومصابيح الدجى الّذين احتجّ الله بهم ٢١٩/٤٧
داجٍ: ولأنّه لايوارى منك ليل داج ١٢٨/١١
حيارى وليل القوم داجٍ نجومه ٢١٩/٤١
ما إدلهمّ ليل داج ١٩٩/١٩
دَواجِي: أضاء بعظمتك دواجى الغسق ٢٤٥/٣

د.ح.ر

إدْحَرْ: ومن ارادني بسوءٍ... وادحر عنّى مكرهُ ٦١/٧

د.ح.ض

لَمْ يُدْحَضْ: ولم يدحض لِتَركِ مصاحبتهم برهانك ١٤٦/٨
لاتُدْحَضُ: حجّتك قائمة لاتدحض ١٤٦/٩
إدْحَضْ: أللّهمّ ... ادحض حجّتهم «الظّلمة» ١١٩/١٠
أدْحِضْ: وأدحض كلمة الباطل واجعلها السفلى ٢٥٥/٨
داحِضٌ: ذليلٌ، صاغرٌ راغمٌ داحضٌ ٢٠٥/١٥
داحِضَةٍ: أعوذبك من ... حجّة داحضة ٢٧/٤

د.خ.ر

داخراً: أللّهمّ إنّى أمسيت لك عبداً داخراً ١٢٦/١
إلهى أصبحت وأمسيت عبداً داخراً لك ٥٧/٥
داخِرينَ: جهنّم داخرين (قرآن) ٢٤٩/١٩ ـ ١٤٢/١٧

د.خ.ل

دَخَلَ: مع من دخل في زمرته من الموحّدين ١٩٩/٦٤
يَدْخُلُ: إلهى، جعلت لي عدُوّاً يدخل قلبي ٢٠١/٤٩
لايَدْخُلُ: الواحد الّذى لايدخل في عدد ١٩٩/١٤
سَيَدْخُلُونَ: سيدخلون جهنّم (قرآن) ١٤٢/١٧-٢٤٩/١٩
لاتَدْخُلُهُمْ: والّذين لاتدخلهم سأمّةٌ من دُؤُوب ١٢/٧
لَمْ أَدْخُلْ: فبالّذى إذا حرمت الجنّة لم أدخل النّار ٢٠١/٩
حَتّى أَدْخُلَ: حبّب إلىّ ... حتّى أدخل فيه بلذّةٍ ٧٧/٤
لِنَدْخُلَ: لندخل في عدّة من ترحمه بشفاعته ١٠/٣١
أَدْخَلَ: واكفنى همّ من أدخل علىّ همّه ٧٨/٦
٢٥١/٣٢ ـ ٢٥٢/٢٦
أَدْخَلْتَهُ: على من أدخلته في سعة رحمتك ١٩٩/١٦٩
وأدخلته في حزبك ١٤٧/٧٢
أَدْخَلْتَهُمْ: وأدخلتهم بالتّقوىٰ في سعة ١٢٠/١٣
أَدْخَلْتَنى: إلهى لئن أدخلتنى النّار ٢٠٣/٧
إلهى إن أدخلتنى النّار ١١٦/١١٩
ولئن أدخلتنى النّار لأخبرنّ ١١٦/١١٧
وإن أدخلتنى الجنّة ففى ذلك سرور نبيّك ١١٦/١١٩
إلهى وسيّدى ومولاى لئن أدخلتنى النّار ٢١٢/٧
يُدْخِلَكُمْ: ويدخلكم جنّات تجرى (قرآن) ١٤٢/٧
تُدْخِلَنى: وتدخلني الجنّة بفضلك وإحسانك ١٣٠/٦
وتدخلني جنّاتٍ تجرى من تحتها الأنهار ١٣٤/٥
تدخلني الجنّة برحمتك ١٤٣/٤٣
تُدْخِلَنا: وتدخلنا في رحمتك يأأرحم الرّاحمين ١٢٤/٨
لاتُدْخِلَنى: ولاتدخلنى فيمن جانبهم ١٩٩/١٨٩
أَدْخِلْ: أللّهمّ أدخل عليهم رحمة من ١٤٣/٣٧
أدخل عليهم من بركة دعائنا ما تجعله ١٤٣/٣٩
أَدْخِلَنى: وأعتقنى من النّار وأدخلنى الجنّة ١٣٨/١٩
وأدخلني مدخل صدقٍ ١٣٣/٧
وأدخلني الجنّة برحمتك ١١٦/١١٦
أللّهمّ ... أدخلني في شفاعتهم ١٣٢/١٤
أَدْخِلْنا: ياربّاه أدخلنا جنّة لانجوع فيها ولانعرى ١٩٨/٧٨
وأدخلنا في شفاعته يوم الدّين ١٩٩/٦٤
دُخُولِ: بينى وبين خوفى من دخول النّار ٢٥٧/٢٠
فما عذر من أغفل دخول ذلك المنزل ١٤٢/٨
إلهى ... فما عذر من أغفل دخول الباب بعد فتحه؟ ١٨٢/٩
الدُّخُولِ: والدّخولِ في كلّ ما يرضيك ١٢٥/١
دُخُولي: ودخولي فيما حرّمت علىّ ١٤٩/٣٠
مَدْخَلاً: أللّهمّ لاتجعل له في قلوبنا مدخلاً ٥٠/٥
مَدْخَلي: وفي مرضاتك مدخلى واجعل في جنّتك ٥٧/١١
داخِلاً: داخلاً فيما يؤيّده الدّين ويعصمه ١٩٩/١٩٠
الدّاخِلَ: إرحم عبدك ... الدّاخل في سخطك ٣٦/٥
الدَّخيلَةِ: فاجعل ما ... أخفيت من الدّخيلة ٩٥/٣
مُدْخَلَ: وأدخلني مدخل صدقٍ ١٣٣/٧

د.خ.ن

دُخانُها: دخانها لاينقطع أبداً ١٩٨/١٢
ياربّاه أعوذبك من نار... دخانها لاينقطع أبداً ١٩٨/٧٤

د.ر.أ

أَدْرَأُ: أدرأ بك في نحور أعدائي ٢٢/٢١
وأدرأ بك في نحر أعدائي ٢٢/٦
أدرأ بك في نحرِهِ ١٥٧/٢
فإنّى أدرأ بك فى نحره ١٥٤/٣
لايُدْرَأُ: ولايدرأ ملكه ١٤٩/١٧
إدْرَأْ: وادرأ عنّى شرّ فسقة العرب والعجم ١٤٩/٥٩
وادرأ عنّى شرّهُ «المريد بالسّوء» ٦١/٧
وادرأ عنّى بلطفك واغذُنى بنعمتك ٥٥/٣١
إدْرَأْهُ: إقطع رجاءَهُ منّا وادرأْهُ عن الولوع بنا ٥٠/٨

د.ر.ج

أُدْرِجْتُ: وأدرجت خلواً في كفني ٢٠٣/١٣
تُدْرِجَني: تدرجني درج المكرمين في صفحك ٢٤١/٨
أَدْرِجْني: وأدرجني فيمن أبحت لهم ٢٣٧/٦
لاتَسْتَدْرِجْني: ولاتستدرجني بإملائك لي ١٤٧/٨٥
إسْتَدْرِجْهُمْ: واستدرجهم «الظّلمة» ١١٩/١٠
دَرْجَ: تدرجني درج المكرمين في صفحك ٢٤١/٨
إسْتِدْراجَ: إستدراج من منعنى خير ما عنده ١٤٧/٨٥
بِمَدْرَجَةِ: من إرادة مقيم بمدرجة الخطايا ٢١٩/٤
مَدارِجِ: الثّقة بك على مدارج الأخبار ١٩٩/٩٦
مُسْتَدْرَجاً: ... حتّى خفت أن أكون مستدرجاً ١٣٥/٦
وأخاف أن أكون فيها «العثرة» مستدرجاً ١٤٨/٣
دَرَجِ: وأعلى درج الأخيار في أشرف رحمنك ١٤١/٢٥
الدَّرَجِ: الدّرج المتّخذة لأهل ولايتك ١٠/١٢
دَرَجَةٍ: ولإرتفاع درجة إلاّ حللت به إليها ١٠/٢٠
ودرجة العلوّ والرّفعة ٧٤/٤
وانقلني إلى درجة التّوبَة إليك ١١٦/٧٧
عند كلّ درجة نرقى به إليها ١٠/٣١
ولاترفعني في النّاس درجةً إلاّ حططتني ٥٥/٥
الدَّرَجَةَ: حتّى تبلّغني الدّرجة الّتي فيها ١٤٩/٦٠
بلّغه الدّرجة والوسيلة والكرامة ١٤٣/٢٤
وأعطه الدّرجة والوسيلة ١٤١/٢٩
بما كدح فيك إلى الدّرجة العليا من جنّتك ٩/٤
دَرَجَتِهِ: بشعاع نور درجته «محمّد» ١٠/٢٤
أبلغ به «محمّد» من ... رفع درجته ١٠/١٥
إرفع درجته «نبيتنا» ١٠٩/٢٤
دَرَجَتي: وارفع درجتي وحطّ وزري ١١٦/١٣٠
مشرّف درجتي برضوانك ١٠٨/٤
دَرَجاتِ: بين يديه ودرجات المنزل المحمود ١٠/٣٤
صلاة ترفعه بها على درجات النّبيّن ١٠/٧
إلى غايات درجات العبودية ١١٨/٨
إرفعني في أعلى درجات هذه النّدبة ٢١٩/١
صيّرنا بذلك في درجات الصّالحين ٥٠/١٥
الدَّرَجاتِ: يارفيع الدّرجات ١٣٧/٧
إجعلني من ... الشّاعين إلى رفيع الدّرجات ١٨٨/٤
دَرَجاتِهِما: فاجعله ... علّواً في درجاتهما ٦٣/٨
دَرَجاتي: ودرجاتي في الجنان رفيعةً ١٦٤/٢٣

د.ر.ر

أَدْرَرْتَ: بل أدررت أرزاق عبادك منك ٢٣٧/٢
تُدِرُّ: وتنبتُ لنا به الزرع وتُدِرُّ به الضّرع ٥٣/٤
أَدْرِرْ: وادرر لي وعلى يَدي ارزاقهم ٦٤/٢
إدْرارَ: نسألك إدرار الرّزق ٨٧/٨
الّذي ... لاينقصه إدرار الأرزاق ١٩٩/٥٣
دارَّةً: إجعل أرزاقنا من عندك دارّةً ٢٠٠/٢١
مُسْتَدِرّاتِ: زوافر الدّموع مستدرّات ١٩٧/٤٧
بِالدُّرِّ: وبالتّيجان المكلّلة بالدّرّ... متوّجين ٢٠٦/٢٣
دِرَرُهُ: نافع دائم غزره واسع دره ٥٣/٢

د.ر.س

دَرَسَتْ: قد درست أعلام الملّة ٢١٩/٤٦
ثمّ درست تلك المعالم فتنكّرت الآثار ٢١٩/٣٣
دُرِسَ: إرحمني إذا درس ذكري ١٩٩/٧٤
دُرِسَتْ: درست الآمال وانقطع الرجاء إلاّ منك ١٤٣/١٩

د.ر.ع

أَتَدَرَّعُ: أتدرّع به من كلّ ما نظرت العيون ١٦١/٤
دِرْعاً: في الدّنيا والآخرة درعاً وجنّة ١١٨/٢
دِرْعَكَ: ألبسني درعك الحصينة ٧٨/٧-٢٥١/٣٢-٢٥٢/٢٦
وألبسه «ولبعصر»(عج) درعك الحصينة ١١٩/٢٢
بِدِرْعِكَ: إجعلني متدرّعاً بدرعك الواقية ١٥٥/٧
مَدارِعَ: فاستشعروا مدارع الحكمة ١٩٩/١٩٥
مُتَدَرِّعاً: إجعلني متدرّعاً بدرعك الواقية ١٥٥/٧

د.ر.ك

لِأَدْرِكَ: لأدرك به ما عندك من فضلك ٧٧/٤
أَدْرَكَهُ: وأيّما عبد من عبيدك أدركه منّي درك ١٠١/٤
فَأَدْرَكُوا: فإن قوماً آمنوا ... فأدركوا ما أمّلوا ١١٦/٧١
أَدْرَكْتَ: وأدركت فاقتدرت ١٩٩/١٠
والفوز لها إن أدركت رحمتك ٢٠٢/٨
يُدْرِكُ: وبدرك عطاء من منحته سعة رزقك ٢٤١/٥
يُدْرِكُهُ: يدركه حدّ يحويه ممّا يتصوّر في الفكر ١٩٩/٥٦
يُدْرِكُني: ثمّ يدركني علمي بأنّك ٢١٠/٣
ومن يدركني إن لم تدركني ٢٠١/٥
لايُدْرِكُ: ولايدرك شيءٌ أثره ١٤٩/٢٠
لايُدْرِكُهُ: أكثر من العلم بأنّه لايدركه ٦/٢
ولايدركه تحصيل ولاعدد ١٩٩/٥١
لايُدْرِكُكَ: لاتنال بوصف ولايدركك وهم ٢٤٣/٤
لايُدْرِكُونَهُ: أنّهم لايدركونه إيماناً ٦/٤
لَمْ يُدْرِكُوكَ: إلهي ولم يدركوك ٣/١
تُدْرِكُهُ: أو تدركه الرّقّة عليّ لسوء حالي ٨١/٧ ـ ٨٠/٢٣

لاتُدْرِكْنا: فراغ سلامة لاتدركنا ٣٣/٣
لَمْ تُدْرِكْ: ولم تدرك الأبصار موضع أينيّتك ١٤٧/١٧
أَنْ تُدْرِكَ: وأن تدرك بي صيام الشّهر المفترض ١١٤/٢١
لَمْ تُدْرِكْهُ: لم تدركه أبصارهم ١٤٢/١٤
لَمْ تُدْرِكْني: ومن يدركني إن لم تدركني ٢٠١/٥
فكيف لي بالإحتراس ما لم تدركني فيه عصمتك ٢٠١/٤٠
لاأُدْرِكُ: ولاأدرك ما يجب عليّ لهما ٦٣/١١
لاأُدْرِكُهُ: ولاتشغلني بما لاأدركه إلاّ بك ١٤٧/٩٣
لايُدْرَكُ: ولايدرك علمه ١٤٩/١٧
ولايدرك شيءٌ أحرزه ١٤٩/٢٠
لايدرك بكيفٍ ولايأيّن بأين ولايحيث ١٣١/٢
الّذى ... لايدرك بأناسيّ الأحداق ١٩٩/٥٣
متّصلاً لاتنقطع بوادره ولايدرك آخره ١٩٩/١٩٢
فَأَدْرَكْنا: فأدركنا ما أمّلنا ١١٦/٧١
لَمْ تُدارِكْني: إن لم تداركني منك برحمةٍ تلقى ٧٧/١٠
إن لم تداركني منك برحمة تمنّ بها عليّ ٢٥٧/١٥
لَمْ تَتَدارَكْني: فمن أسوء حالاً منّي إن لم تتداركني ١٩٩/٧٠
وإذا لم تتداركني منك برحمة تنقذني ١٤٨/٢٢
فَتَدارَكْني: فتداركني برحمتك الّتي ١٩٩/٤٢
نَسْتَدْرِكُ: أجراً نستدرك به الفضل ١٤٢/٥٠
إِدْراكِ: ... وإدراك اللهيف ... ٢١/١٣
عجزت العقول عن إدراك كنه جمالك ١٩٣/١
إِدْراكِهِ: كما لم يجعل في أحد من معرفة إدراكه ٦/٢
إستعجمت عن إدراكه عبارة علوم العلماء ٢٤٣/٥
إِدْراكِها: قصر فهمي عن إدراكها ١٨٧/٥
بِإِدْراكِ: واستقرّ بإدراك السّؤال... قرارهم ١٩٣/٤
مُدْرِكَ: إيّاك أدعو ... يا ... مدرك الهاربين ١٤٩/١٦
يامدرك الهاربين وياعصمة المتوكّلين ١٤٣/١٧
الْمُدْرِكُ: فأنت المدرك غير المدرك ٢٢٢/٧
مُدْرِكي: ومدركي إن أنا فررت ١٦٢/٥
بِمُدْرِكَةٍ: ليست الأبصار بمدركة لك ٢٤٣/٣
الْمُدْرَكِ: فأنت المدرك غير المدرك ٢٢٢/٧
دَرَكاً: ودركاً من خير الموازرين ٢٢١/٤ ـ ٢٢٠/٤
أيّما عبد من عبيدك أدركه منّي درك ١٠١/٤
... ودرك الآجل في أخراهم ... ٢١/٣
ما يكون دركاً لحقّك في الشّهرين ١٤٢/٥١
الدَّرَكِ: والدّرك الأسفل من النّار ٢٥٧/١٧

د.ر.ن

دَرَنَ: واغسِل به درن قلوبنا ١٠٩/١٣
وأذهِب عنّي درن الخطايا ١٤٧/٩٥

د.ر.ى

تَدْري: أتدرى بما ذا لو عقلت تخاطر ٢١٤/٧
أَدْري: لست أدرى بأيّ علاجٍ أداوى ذنبى ٢٠١/٢٨
ولست أدرى إلى ما يكون مصيرى ١٩٩/١٤٥
فما أدرى ياإلهى أىُّ الحالين أحقّ بالشّكر لك ٤٦/١
لاأَدْري: ولاأدرى إلى ما يكون إليه مصيرى ١٩٧/٤٤
ولاأدرى إلى ما يكون مصيرى ١١٦/٧٨
ياربّاه لاأدرى أغفرت لي ذنوبي أم لا ١٩٨/٨٤
لاأدرى في سهل أو في جبل ٧٧/١٣
لَمْ أَدْرِ: ولو لاأنت لم أدر ما أنت ١١٦/٢
لأنّى لم أدر ما عظيم البلاء ٢٥٧/٢٤
نَدْري: فما ندرى ما نشكر ١١٦/٢٩
دِرايَتِهِ: وبحقّ العلم ودرايته ١٨٠/٥
مُدارَاةً: ولإنتظارك مداراة ١٤٦/١٢
الْمُدارِينَ: ومن حبّ المدارين تصحيح المقة ٥٥/١٠

د.س.ك

الدَّساكِرَ: وبنىٰ فيها القصور والدّساكر ٢١٤/٩٢
وحفّت بها أنهاره والدّساكر ٢١٤/١٩ ـ ٢١٤/٩٤
فبنى الحصون والدّساكر ٢١٤/١٧

د.ع.م

دِعامَةً: أللّهمّ ولاتدع للجور دعامة إلاّ قصمتها ٧٠/٩
حتّىٰ لاتبقى منهم دعامةٌ لنا جم ٢٢٣/٥

د.ع.و

دَعا: إذامسّ الإنسان ضرٌّ دعا ربّه (قرآن) ٣٥/١١ـ٢٥٧/٣٤
فأنت مجيب من دعا ٢٠٣/٢
فقد دعا «محمّد» إلى إثبات الخلق ١٠/١٧
دَعاهُ: الحمدلله... الّذى... لايخيّب من دعاه ٢٤٦/١
ولايردّ من دعاه ١٤٣/٢
ياخير من دعاه الدّاعون ١٩٩/١٤٩
ياخير من دعاه داعٍ ١٩٧/٣٦ ـ ١١٦/٦٩ ـ ١١٦/٢٠
بل دعاه هواه إلى ما زيّلته ١٤٧/٧٣
دُعاكَ: ثمّ دعاك بصوتٍ حآئلٍ خفىّ ٣٤/٧
وبابك مفتوح لمن دعاك ياسيّدى ٨٩/١
هل أنت ياإلهى راحم من دعاك ٤٩/٦
بكلّ دعوة دعاك بها نبيّ مرسل ١٢١/١٩
وحقّ لمن دعاك بالنّدم تذلّلاً ١١٢/١
واشركنى في دعاء من دعاك ٢٣٩/١٢

أنجح من سألك ودعاك وطلب إليك ١٤٣/٢٦
فإنّي أسئلك بكلّ دعوة دعاك راج ٢٥٦/٢
وأعلم أنّك لمن دعاك بموضع الإجابة ٢٢٠/٤
بكلّ دعوة دعاك بها داعٍ أجبت دعوته ٢٢٠/٧
فإنّه دعاك وهو عبدك ٢٥١/١٢ ـ ٢٥١/١٣
وأدعوك بما دعاك به يوسف ٢٥٢/٨ ـ ٢٥١/١٣
أسئلك بما دعاك به النّبيّون ٢٥١/١٤
أسئلك بما دعاك به ذوالنّون ٢٥١/١٠
فاستجبت له فإنّه دعاك وهو عبدك ٢٥١/١١
وأدعوك اللّهمّ بما دعاك به أيّوب ٢٥٢/٧ ـ ٢٥١/١٢
وأعلم أنّك لمن دعاك بموضع إجابة ٢٢١/٣
حتّى دعاك الله إلى جواره «الله» ٢٥٥/٢
إنّك رحيم بمن دعاك ٣٣/٥
أسألك ... بكلّ دعوةٍ دعاك بها نبيّ مرسل ١٢٤/٥
فإنّه «يوسف» دعاك وهو عبدك ٢٥٢/٨
فإنّه «ذوالنّون» دعاك وهو عبدك ٢٥٢/٧
وأسألك باسمك الأعظم... أن تجيب من دعاك به ١٣٦/٣
أبواب سمائك لمن دعاك مفتّحات ٨٢/٢
ودعاك للمغفرة فأجبته ٢٠٢/٥
ومذنبٍ دعاك للمغفرة فأجبته ٢٠٢/٢
فإنّه «أيّوب» دعاك وهو عبدك ٢٥٢/٧
دَعاني: ودعاني عدوّك إلى الهلكة فأجبته ٣٦/١
أنت الّذي قلت من الّذي دعاني فلم ألبّه ٢٠١/٢٣
سيّدى إن دعاني إلى النّار مخشىّ عقابك ١٩٩/٨٦
دعاني إلى التّعرّضِ لذلك ٤٠/٤
فقد دعاني إلى الجنّة مرجوّ ثوابك ١٩٩/٨٦
دَعانِ: أجيب دعوة الدّاع إذا دعان (قرآن) ٢٠٠/٤٧
دَعانا: لأستجيب له إذا دَعانا ٥٠/١٣
وإذا مسّ الإنسان الضّرّ دعانا (قرآن) ٣٥/١٠ ـ ٢٥٧/٣٥
فَدَعِ: فدعى إلى خير سبيل ١٩٩/١٨
دَعَوْكَ: فإنّهم «النّبيّون» دعوك وهم عبيدك ٢٥١/١٤
ودعوك بأمرك ١٤٢/١٩
فَدَعَوْهُ: فدعوه فتضرّعوا إليه فكشف ١٦٥/٦
وهو يريد أن يعذّبهم فدعوه وتضرّعوا إليه ٢٣٣/٥
دَعَتْني: ودعتني الإسآئة إلى الإناخة ١٩٥/٣
ربّ دعتني دواعي الدُّنيا ١٦٤/١٩
ودعتني دواعي الآخرة فتثبّطت عنها ١٦٤/١٩
دَعَوْتَني: أللّهمّ إنّك دعوتني إلى النّجاة فعصيتك ٣٦/١
ودعوتني إليك ١١٦/٢
دَعَوْتَنا: ودعوتنا إلى طاعتك ٢٠٠/٢
دَعَوْتُمُوهُمْ: سَواءٌ عليكم أدعوتموهم (قرآن) ١٥٩/٨
دَعَوْتُ: ولو لم تطلق لساني بدعآئك ما دعوت ١٩٩/٩٤
دعوت الأطبّاء والحكماء ٢١٩/٢٧
ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعآئي ١١٦/٦
دَعَوْتُكَ: وقد دعوتك بالإلهى كما أمرتني ٢٠٠/٤٧
دعوتك مقرّاً على نفسي بالإساءة ٢٣٩/٣
أللّهمّ إنّي دعوتك دعاءَ من عرفك ٢٢٢/٦
ودعوتك بالدّعآء الّذى علّمتنيه ١٩٩/١٤١
فإن دعوتك أجبتني ١٩٩/١٧٤
إلهى دعوتك بالدّعآء الّذى علّمتني ١٩٧/٤٠
دعوتك ياربّ مسكيناً مستكيناً ١٦٣/١١
واستجب فيما دعوتك ١٢٨/٣
فقد دعوتك بهذا الدُّعآء ١١٦/١٠٤
دَعَوْنا: إسمع لنا ما دعونا به ٥٠/١٥
دَعَوْناكَ: ودعوناك ونحن نرجو ١١٦/٣٧
ثمّ دعوناك عند البليّة ٢٠٠/١٠
فَدَعَوْناكَ: حتّى أتانا وعدك ... فدعوناك ٢٠٠/٦
دُعيتَ: وإذا دعيت بها على مضايق الأرضين ٥٨/١
أسألك بأسمائك الّتى إذا دعيت بها ٥٨/١ ـ ٥٨/٢
إلهى فبحقّ الأسم الّذى إذا دعيت به ٢٠٢/٤
يَدْعُو: يامن يدعو إلى نفسه من أدبر عنه ١٤٦/٢
وضلّ من يدعو العباد لكشف ضرّه ١٩٩/٧٨
نسى ما كان يدعوا إليه من قبل (قرآن) ٣٥/١١ ـ ٢٥٧/٣٤
يَدْعُ: ويدع الإنسان بالشرّ (قرآن) ٣٥/١٢ ـ ٢٥٧/٣٦
يَدْعُوكَ: واجعلني ممّن يدعوك ٥٩/١٥
يدعوك بيا أرحم الرّاحمين ٣٤/٨
يَدْعُوني: وإن كنت بطيئاً حين يدعوني ١٢٠/٤ ـ ١١٦/٣
ويدعوني إلى قلّة الحيآءِ سترك علىّ ١١٦/٢٥
لايَدْعُو: وكيف بعبدٍ لايدعو سيّده ٢٠١/٤
فَلايَدْعُوكَ: فلا يدعوك إلاّ عند حلول نازلةٍ ٢٠٤/٦
لَمْ يَدْعُ: أدعوك دعآء من لم يدع غيرك ١٩٩/١٠٤
لَمْ يَدْعُنا: كأن لم يدعنا إلى ضرّ مسّه (قرآن) ٢٥٧/٣٥
فلمّا كشفنا عنه ضرّه مرّ كأن لم يدعنا (قرآن) ٣٥/١٠
تَدْعُوهُمْ: وإن تدعوهم إلى الهدى (قرآن) ١٥٩/١٠
تَدْعُوني: وإن كنت بطيئاً حين تدعوني ١٦٣/١٢
لَمْ تَدْعُهُمْ: ولم تدعهم «عبادك» إلاّ إلى الطّاعة ١٩٩/١٦٦
تَدْعُهُمْ: إن تدعهم إلى الهُدى فلن يهتدوا (قرآن) ١٥٩/١٢ ـ ٢٢/١٤
تَدْعُونَ: انّ الّذين تدعون من دون الله عبادٌ (قرآن) ١٥٩/٨
تَدْعُوا: ماتدعُوا فله الأسمآءُ الحسنىٰ (قرآن) ٢٢/١١ ـ ٤٧/١
اُدْعُو: ولك ادعو وإليك ألجأ وبك ١٦٦/١٤

إيّاك أدعو وإيّاك أسأل ١٤٩/١٥
أَدْعُ: من أبكى ومن أدع ٢١٩/٣٨
أَدْعُوْهُ: فمن ذاالّذى أدعوه فيستجيب لي ١٧٩/٣
الحمدلله الّذى أدعوه فيجيبني ١٢٠/٣ ـ ١١٦/٣
والحمدلله الّذى أدعوه ولاأدعو غيره ١١٦/٦
أَدْعُوكَ: أدعوك ياربّ تضرّعاً وخفيةً ٢٥/٣
أدعوك ربّ دعاءً قد أمرت به ٢١٥/٤
فأنا أدعوك كما أمرتني ٢٥٧/٣٧ ـ ٣٥/١٥
أدعوك فتجيبني ١٤٩/٣١ ـ ١٦٣/١٢
إلهى، أنا الّذى أدعوك وإن عصيتك ٢٠١/١١
إلهى، وكيف أدعوك وأنّى ٢٠١/١٠
أدعوك ياربّ راهباً ١١٦/١٩
إلهى، كيف أدعوك وقد عصيتك ٢٠٣/٤
وأدعوك بما دعاك به يوسف ٢٥٢/٨ ـ ٢٥١/١٣
وأنا أدعوك وأنا عبدك ٢٥١/١٣
٢٥١/١٢ ـ ٢٥١/١١ ـ ٢٥٢/٨ ـ ٢٥٢/٧
وأدعوك اللّهمّ وأسألك ٢٥١/١٤
أللّهمّ إنّى أدعوك وأسألك ٢٥١/١٠
وأدعوك اللّهمّ بما دعاك به أيّوب ٢٥٢/٧ ـ ٢٥١/١٢
أدعوك ياسيّدى بلسان قد أخرسه ١١٦/١٨
فصرت أدعوك آمناً ٤٠/٢
حتّى أجد لذّة ما أدعوك له ٥٩/١٠
سيّدى أدعوك دعآء ملحّ لايملّ مولاه ١٩٩/١٣٤
أدعوك دعاء من اشتدّت فاقته ١٧٥/٢
أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني ١٢٤/١
أدعوك ربّ دعاء قد أمرت به ٢١٥/٤
أدعوك دعاء من ضعفت وسيلته ٢٤٢/٣
وأدعوك فيه «ما تحبّ» بنظرك منّى إليه ٧٧/٤
تقبّل منّى فيها جميع ما أدعوك به ١١٨/٩
أدعوك دعاءَ الْبائِسِ الفقير ٢٠٦/١٥
وكيف أدعوك وأنا أنا ٢٠١/٣
وبأىّ لسانٍ أدعوك ٢٠١/٢
وكيف أدعوك وأنا العاصي ٢٠١/٣
إلهى كيف أدعوك وأنا أنا ١٧٩/١
إلهى أدعوك دعآء ملحّ ١٩٧/٣٠
أدعوك دعآء من لم يدع غيرك ١٩٩/١٠٤
أللّهمّ إنّى أدعوك ياربّ خوفاً وطمعاً ١٤١/١٦
فَأَدْعُوهُ: مالى إله غيرك فأدعوه ١٧٤/١
فَأَدْعُوكَ: فأدعوك ياربّ فاستجب دعآئى ٢٠١/٣٠
لاأَدْعُو: ولاأدعو معك ندّاً ٥٥/٣٤

والحمدلله الّذى أدعوه ولاأدعو غيره ١١٦/٦
فَلاأَدْعُو: فلا أدعو سواك ولاأرجو غيرك ١٦٣/١٢
لاأَدْعُوكَ: وكيف لاأدعوك ولاأتمنّى الجنّة ٢٠١/١٠
إلهى ... كيف لاأدعوك ٢٠٣/٤
وكيف لاأدعوك وأنت أنت ٢٠١/٣
وكيف لاأدعوك وأنت الكريم ٢٠١/٣
لَمْ أَدْعُ: لم أتّخذ لك ولداً ولم أدع لك شريكاً ٢٣٣/١
ولم أدع لك شريكاً ١٦٥/١
لم أدع لك شريكاً في ملكك ١٤٤/٣
لَمْ أَدْعُكَ: إلهى إذا لم أدعك فتستجيب لي ١٧٩/٣
أَنْ أَدْعُوَكَ: وأنا أستحيى أن أدعوك ٢٠١/٤
أن أدعوك فتستجيب لي ٣٥/١٤٠
ووعدتنى ... أن أدعوك ٢٥٧/٣٧
نَدْعُوكَ: حتّى نجد لذّة ما ندعوك به ١٤٢/٦١
أُدْعُنِي: وادعنى علىّ إليك إنّك أهل التّقوىٰ ٢٣٧/٨
أُدْعُوا: قل ادعواالله أو ادعو الرّحمٰن (قرآن) ٤٧/١ـ٢٢/١١
قل ادعوا شركاءَكُم ثمّ كيدون (قرآن) ١٥٩/٩
أُدْعُونِي: أدعوني أستجب لكم (قرآن) ١٤٢/١٧ـ٢٤٩/١٩ـ٨٠/٨
يامن قال: أدعوني فإنّى قريب (قرآن) ٢٠٠/٤٧
فَادْعُوهُمْ: فادعوهم فَلْيَسْتَجِيبُوا لكم (قرآن) ١٥٩/٨
لَمْ أَدَعْ: لم أدّع لك ولداً ٢٢٩/١
أُسْتَدْعِيَ: ياخير من استدعى لبذل الرّغآئب ٢٣٩/٤
يُسْتَدْعىٰ: ويستدعىٰ به دوام الآخر ١٤٧/٣٤
دُعٰآءَ: بإاله الحقّ إرحم دعآء المستصرخين ٧/٨
فى دعاء من أجبته من المؤمنين ١٤٤/٣٠
دعاء المخلصين المضطرّين لك في الدّعا ٥٩/١٥
يامن يجيب دعا المضطرّ فى الظّلم ٢١٥/٢
يامن لايعنّيه دعآء الدّاعين ٣٩/٢
أدعوك ربّ دعاءً قد أمرت به ٢١٥/٤
واشركني في دعاء من دعاك ٢٣٩/١٢
ودعاءَ من أخلص لك دعاءه لي ١٧٣/٢
بإاله الحقّ إرحم دعاء المستصرخين ١٧٣/١٠
سيّدى أدعوك دعاءَ ملحّ لايملّ مولاه ١٩٩/١٣٤
أدعوك دعاءَ من اشتدّت فاقته ١٧٥/٢
أللّهمّ إنّى دعوتك دعاء من عرفك ٢٢٢/٦
أدعوك ... دعاء الغريق الغريب الفقير ١٧٥/٢
يامن يجيب دعَا المضطرّ في الظّلم ٢١٥/٢
أدعوك دعاءَ من ضعفت وسيلة ٢٤٢/٣
أسألك سؤال ملحّ لايملّ دعاءَ ربّه ٢٤٣/١
وأعوذبك من ... دعآءٍ لايسمع ١١٦/١٢٧

دعاءَ من لايجد لذنبه غافراً ١٤١/١٨
أدعوك دعاءَ البائس الفقير ٢٠٦/١٥
واستجب دعائى ودعاءَ من أخلص لك ١٧٢/١
إلهى أدعوك دعآءَ ملحّ لايملّ دعاء مولاه ١٩٧/٣٠
وأعوذبك من دعاءٍ محجوب ١٩٩/٢٧
أدعوك دعآءَ من لم يدع غيرك ١٩٩/١٠٤
دعاءَ من اشتدّت فاقته إليك ١٤١/١٧
الدُّعآءِ: إنّك سميع الدُّعآءِ ٢٥/١٦ـ٣٥/٦ـ١١٧/٣ـ١٢٦/١١ـ٢٤٧
ذوالعفو الرّفيع والدّعاء السّميع ١١٤/٥
وأبواب الدّعاء إليك مفتّحةٌ ٢٢٠/٣ ـ ٢٢١/٢
وأعطنا إنّك سميع الدّعاء ١١٧/٢٣
حتّى تحبسه عنّا بكثرة الدّعآءِ لك ٦٤/٩
وحبّب الىّ الدّعآء ٢٥١/١٥ ـ ٢٥٢/٤٠
وعجّت إليك الألسن بأصناف الدّعآء في بلادك ١٩٩/٩٨
فقد دعوتك بهذا الدعآء ١١٦/١٠٤
لاتجعل حظّى من هذا الدعاء تلاوته ١١٤/٢٣
دعاء المخلصين المضطرّين لك في الدّعاء ٥٩/١٥
راحمٌ من دعاك فأبلغ في الدُّعآءِ ٤٩/٦
يامن ضمن لهم إجابة الدّعاء ٣٤/٨
وكاشف في الدّعآء إليك حآمّته «محمّد» ٩/٢
مطيعاً لأمرك فيما أمرت به من الدّعاء ٨٠/٨
أللّهمّ فكما ... حثثت على الدّعاء ٨٠/٢٥
ياسميع الدّعآء ١٩١/٥
وحثثت على الدّعآء ووعدت الإجابة ٨١/٩
وتستجيب لي فيها «ليلة القدر» صالح الدّعاء ١٢٧/٣
أبواب الدّعآء إليك للصّارخين مفتوحةٌ ١١٦/١١
دُعآءَهُ: لمن استجاب لك دعآءه إليك ١٠/٣٣
خاب من كان دعاؤه لغيرك ١٣٩/٧
ودعاء من أخلص لك دعاءه ١٧٢/١
دعاء من لم يدع غيرك في دعآئه ١٩٩/١٠٤
واستجبت دعآءه وقبلته ١٤٩/٥٥
يدع الإنسان بالشّرّ دعاءه بالخير (قرآن) ٣٥/١٢ـ٢٥٧/٣٦
ودعاء من أخلص لك دعاءه لي ١٧٣/٢
دُعآئِهَا: تضرّعت في دعآئها إليك ١٩٩/١٥٣
دُعآؤُكَ: دعآؤك دثاري ١٣٩/١٥
فسمّيت دعاءك عبادة ١٤٢/١٨
فاجعل نفسي ... مولعة بذكرك ودعائك ٢٥٥/٣
أن هديتني بحسن دعآئك ١٩٩/١٤٢
وفرّغنى فيه «رمضان» لعبادتك ودعائك ١١٧/٣
دُعآئى: إلاّ جدت عليه بما قد أمّل ببركة دعآئى ٦٨/١
ولاتردّ دُعائى علىّ ردّاً ٥٥/٣٤
أم لزمنى في وقت دعائى مقتك ٣٤/٤
أللّهمّ فاستجب دعآئى ٢٥٥/٧
ولاتردّ دعائى ١١٧/٢٩
واقبل دعائى ١٩٩/١٣٤
وأخلص لك دعائى تعرّضاً للإجابة ٢٣٦/٦
واسمع دعائى ١١٦/٢٠
أللّهمّ ... واستجب لي دعائى ١٣٣/٩
أللّهمّ دعآئى إيّاك بإجابتي ٢٥١/٦٣
صل دعائى بالإجابة ٤٤/٨
ويكرمك أى ربّ أستفتح دعائى ١١٦/٩٠
لعلّك لم تحبّ أن تسمع دعآئى فباعدتني ١١٦/٥٧
واجعل ... ثواب دعائى رضاك والجنّة ١١٦/١٣٠
وأن تسمع ندآئى وتستجيب دعآئي ١٤٩/٤٠
بدعوة هى أسمع لديك من دعائى ٨٠/٧ ـ ٨١/٢٣
إلهى وسيّدى فاستجب دعائى ١٤١/١٩
واستجب فيه «رمضان» دعائى ١١٧/٤
عوّضنى ... ومن دعائى لهم «للعباد» رحمتك ١٠١/٣
واستجب دعائى ودعاء من أخلص لك ١٧٢/١ ـ ١٧٣/٢
ولاتحجب دعائى عنك ٦٤/١٠
واستجب دعائى ولاتختم يومى بخيبتى ١٤٦/١٥
فإن كانت ذنوبي حالت بين دعائى ١٩٩/١٦٢
فأدعوك ياربّ فاستجب دعائى ٢٠١/٣٠
ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعآئى ١١٦/٦
فصل اللّهمّ دعآئى بالإجابة ٧٠/٤
ولاأخيّب منك دعائى ٢٠٣/١١
واجعل دعائى منوطاً بالإجابة ٢٠٢/٩
ولايتّفق أحد معك في دعائى ٧٤/٣
وفي صلاتى وصيامى ودعائى ... فبارك لي ١٥٣/٢٢
واجعل دعائى فيه إليك واصلاً ١١٧/١٤
فاستجب دعائى ١٨٢/١٣
واستجب دعائى وارحم تضرّعى وشكواى ١٣٨/١٨
أشركهم في دعائى إذا أجبتني ١٤٤/٣٠
لاتحجب دعائى إذ فتحته ٢٤٧/٩
دُعاءَنا: أن يستجيب دعاءنا ويقبل منّا صومنا ١٤٣/١٥
أجب دعاءنا ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/١٧
واستجب به دعائنا ١١٩/٢٥
وارحمنا قبل أن يحجب دعاؤنا ٢٠٠/١٥
واستجب لنا دعاءنا يامجيب دعوة المضطرّين ١٣٩/٤
ويستجاب لها دعاؤنا ١٤٢/٦٤

أدخل عليهم رحمة من بركة دعائنا لهم ١٤٣/٣٧
أدخل عليهم من بركة دعائنا ما تجعله ١٤٣/٣٩
بِدُعآئِهِ: بقرع باب إحسانك بدعآئه ١١٦/١٠٣
بِدُعآئِكَ: إذنك لنا بدعآئك ١٩٤/١
أللّهمّ ... امرت بدعآئك ٧٠/١
ولو لم تطلق لساني بدعائك ما دعوت ١٩٩/٩٤
إنّك أمرت بدعائك وضمنت الإجابة لعبادك ٢٥١/٦٠
وبدعائك توسلى من غير استحقاق ١١٦/١٤
لِدُعآئِكَ: فمن النّعمة أن هديتنى لدعائك ١٩٧/٤٠
بِدُعآئي: وعرّفهما «لوالدىّ» بدعآئي ١٤٩/٦٦
واغفرلى بدعآئى لهما «والدىّ» ٦٣/١٥
إلهى وسيّدى إيّاك قصدت بدعآئى ١٣٨/١٦
لِدُعائي: كن لدعائى مجيباً ٣٩/١٠
بل وجدتك لدعآئى سامعاً ١٦٣/٥
بِالدُّعآءِ: وأتعبها بالدّعآء إلى ملّتك ٩/٣
أمرتني ياسيّدى بالدّعاء وتكفّلت بالإجابة ١٧٢/٧ ـ ١٧٣/٨
إلهى دعوتك بالدّعاء الّذى علّمتني ١٩٧/٤٠
فإنّك أمرت بالدّعاء ٢٥٦/٤
ودعوتك بالدّعآء الّذى علّمتنيه ١٩٩/١٤١
أمرت بالدّعآء وضمنت الإجابة ١١٤/١٠
وأنا ياإلهى عبدك الّذى أمرته بالدّعاء ٤٩/٥
دَعْواهُ: نفسه بالحجّة في دعواه ١٩٧/٣٠
تضرّع من أقرّ على نفسه بالحجّة في دعواه ١٩٩/١٣٤
دَعْوايَ: على ما أثبتّ من دعواى ١٩٩/١٣٤
دَعْوَةٍ: فإنّى أسئلك بكلّ دعوة دعاك راج ٢٥٦/٢
ودعوة من ناجاك مستجابة ٢٥٥/٤
مسألة من لايستوجب أن تسمع له دعوة ٢٥٧/٢٨
لايستوجب أن تسمع له دعوة ٣٥/٥
بكلّ دعوةٍ دعاك بها نبىّ مرسل ١٢١/١٩
ويامجيب دعوةِ المضطرّين ١٨١/٢ ـ ١١٧/٢٥ ـ ١٩٢/٥
مسلم ... أتبعه في وجهه دعوةً ٦٧/٢٠
بكلّ دعوةٍ دعاك بها داعٍ أجبت دعوته ٢٢٠/٧
دعوةٍ توسّل بها إليك راجٍ بلّغته أمله ١٤٣/٢٠
أسألك ... بكلّ دعوةٍ دعاك بها نبيٌّ مرسل ١٢٤/٥
حين أقف بين دعوتك ودعوةِ الشّيطان ٤٩/١٣
أجيب دعوة الدّاع إذا دعان (قرآن) ٢٠٠/٤٧
واستجب لنا دعآءنا يامجيب دعوةِ المضطرّين ١٣٩/٤
الدَّعْوَةِ: مرفوع العمل ومستجاب الدّعوة ١١٧/١٠
ولتلك الدّعوة عندك منزلة ٢٥٦/٢
لتلك الدّعوة ياربّ عندك زلفة ١٤٣/٢٠
لتلك الدّعوة عليك حقّ ٢٢٠/٨
دَعْوَتِهِ: والّذين... سابقوا إلى دعوته ١٤/٣
أو مؤمن امتحنت قلبه للإيمان واستجبت دعوته ١٢١/١٩
وبحقّ يونس ودعوته ١٨٠/٤
أجاب دعوته واستمسك بحبله ١٤٤/١٩
بكلّ دعوة دعاك بها داعٍ أجبت دعوته ٢٢٠/٧
بكلّ دعوةٍ دعاك بها نبىّ... إستجبت دعوته ١٢٤/٥
فأتبع دعوته على غير عمىً منّى ٤٩/١٣
منتهى دعوته إلى النّار ٤٩/١٣
وإحفظ من قبل بالتّسليم والرّضا دعوته ١٠/٢٦
لامتخلّف عن دعوته ١٤٩/١١
دَعْوَتِكَ: وشغلها بالنّصح لأهل دعوتك ٩/٣
موقنٌ بأنّ منتهى دعوتك إلى الجنّة ٤٩/١٣
حين أقف بين دعوتك ودعوة الشّيطان ٤٩/١٣
واستحضرتنا دعوتك التى لابدّ منها ومن اجابتها ٣٣/٤
دَعْوَتي: أنت الّذى أجبت عند الإضطرار دعوتى ١٦٣/٤
واستجب دعوتى إنّك على كلّ شىء قدير ١٧٣/٧
واكشف كربتى واستجب دعوتى ١٧٢/٦
فكن ... مجيب دعوتى ١٨٩/٩
دَعْوَتَنا: فأجبت دعوتنا وكشفت كربتنا ٢٠٠/١٠
بِدَعْوَةٍ: فينالنى منه بدعوة هى أسمع ٨٠/٢٣ ـ ٨١/٧
لِدَعْوَتِهِ: مستجيباً لدعوته «الله» خاضعاً ١٩٩/٥٧
بِدَعْوَتي: قبل كلّ مدعوّ بدعوتى ٧٤/٣
الدَّعَواتِ: يامجيب الدّعوات ١٣٧/٧
داعٍ: ومسترجع داعٍ له الله مخلصاً ٢١٤/٤٧ ـ ٢١٤/١٢٣
إلى رفضها داعٍ وبالزّهد آمر ٢١٤/٢٦ ـ ٢١٨/٤
وامنن علىّ بذلك وعلى كلّ داعٍ لك ١٧٢/٦ ـ ١٧٣/٨
ياخير من دعاه داعٍ ١٩٧/٣٦ ـ ١١٦/٦٩ ـ ١١٦/٢٠
إلى دفعها داعٍ وبالزّهد آمر ٢١٤/١٠١
بكلّ دعوة دعاك بها داعٍ أجبت دعوته ٢٢٠/٧
داعياً: وكان لي في دارِ الدّنيا داعياً ١٩٩/١٣٩
داعياً فاسعفنى سائلا فأعطنى ١٤١/١٤
داعياً فلا تردّنى خائباً ١٦٣/١٠
وقد كان لي في دار الدّنيا داعياً ١٩٧/٣٣
الدّاعي: البشير النّذير الداعى إليك بإذنك ١٢٣/٩
الداعى إليك بإذنك ١٤٣/٢٣
المخصوص الداعى إلى طاعتك ٤٢/١٤
خير خلقك الدّاعى إلى حقّك ٢٣٦/٧
وعلىّ بن موسى الرّضا ... الدّاعى إلى طاعتك ٤٢/١٠
وعلىّ بن محمّد ... الدّاعى إلى دينك ودين نبيّك ٤٢/١٢

الدّاع: أجيب دعوة الدّاع إذا دعان (قرآن) ٢٠٠/٤٧
الدّاعُونَ: ياخير من دعاه الدّاعون ١٩٩/١٤٩
الدّاعِينَ: يامن لايعنّيه دعاء الدّاعين ٣٩/٢
وأصوات الدّاعين إليك صاعدة ٢٥٥/٤
وأنت من الدّاعين قريب ٢٥٦/٤
يامجيب الدّاعين أجب دعاءنا ١٤٣/١٧
واجعلنا من دعاتك الدّاعين إليك ١٥/١٧ ـ ٨/٢٧
يامن ... لايشتبه عليه لغات الدّاعين ١٧٦/١
لِدَاعِيهِ: يامن ... بابه مفتوح لداعيه ١٨٥/٦
داعِيَةً: نفسي داعية إلى الشّهوات ١٩٧/٢٨
دَواعِي: ودعتني دواعي الآخرة فتثبّطت عنها ١٦٤/١٩
كما سارعت إلى دواعي الدّنيا ١٦٤/١٩
دعتني دواعي الدّنيا فأجبتها سريعاً ١٦٤/١٩
خالفوا دواعي العزّة بواضحات المعرفة ٢٠٠/٣٤
اعصمنا به «القرآن» من هوّة الكفر ودواعي النّفاق ١٠٩/١٦
دَواعِيكَ: وواقية من دواعيك ١١٤/١٧
دُعَاةً: وكانوا مع رسولك دعاة لك إليك ١٤/٤
الدُّعَاةِ: وأهل بيته الأوصياء الهداة الدّعاة ١١٤/٢٣
دُعَاتِكَ: واجعلنا من دعاتك الدّاعين إليك ١٥/١٧ ـ ٨/٢٧
لِدُعَاتِكَ: وضمنت الإجابة لدعاتكَ ٧٠/١
مَدْعُوٌّ: ياأكرم مدعوّ ويامن لايردّ سائله ١٨٥/٦
ياخير مدعوّ وياخير مسؤول ١٩٩/٢٠٠
أنت المخصوص قبل كلّ مدعوّ بدعوتي ٧٤/٣
الْمَدْعُوُّ: أنت المدعوّ للمهمّات ٢٤/٢
لنعم المدعوّ أنت ٢٤٩/٢٣
أنت ... المدعوّ بكلّ لسان ١٩٤/٤
أللّهمّ أنت المدعوّ ١١٤/٥
الْمُدَّعُونَ: كذب ... المدّعون غيره إلهاً ١٤٣/١٢

د.غ.ل

دَغَلَ: ياإلهي تباركت وتعاليت دغل سريرته ١٥٢/٨
أللّهمّ إنّهم «الظّلمة» إتّخذوا دينك دغلاً ١١٩/٦

د.ف.ع

دَفْعَها: الصّنائع الّتي لايستطيع دفعها الجاحدون ١٩٩/٧
دَفَعْتَ: ولادفعت عنه‌الحصون‌الّتي‌بنى ٢١٤/١٩ـ٢١٤/٩٤
دَفَعْتَ: لايندفع منها «الملمّات» إلاّ ما دفعت ٢٤/٣
دَفَعْتَهُ: لابلاء إلاّ دفعته ١٤٣/٤٧
يَدْفَعُ: ياعظيم الّذى ... يدفع كلّ محذور ١٢٣/١٢
تَدْفَعُهُ: أو بلاءٍ تدفعه أو شرٍّ تصرفه ١٣٢/٥
تَدْفَعُها: وبليّةً تدفعها ١١٦/١١٢
لاتَدْفَعُهُ: بسوءٍ لاتدفعه ١٦٠/٧
لاأَدْفَعُ: ولاأدفع عنها «نفس» شرّ ما أحذر عليها ٢٥٤/٢
إدْفَعْ: وادفع عنّى بحولك وقوّتك ٢٩/٣
وادفع عنّى شرّ الحسدة ٢٥١/٣٢ ـ ٢٥٢/٢٦ ـ ٧٨/٦
إلهى ... إدفع عنّا مكاره النّقم ١٨٧/٧
وادفع عنّى شرّه فإنّى أدرأ بك في نحره ١٥٤/٣
أللّهمّ ادفع عن وليّك ١١٩/٢٠
وادفع عنّى كلّ سوء ومكر بحولك وقوّتك ٢٨/٣
دَافَعْتَ: لو دافعت يومك ياغافلاً بالصّيام ١٩٧/٤٦
لاَيَنْدَفِعُ: لايندفع منها «الملمّات» إلاّ ما دفعت ٢٤/٣
أَسْتَدْفِعُ: بك أستدفع مكروه ما أنا فيه ١٥٨/٣
دَفْعِ: أنت القادر على ... دفع ما وقعت فيه ٢٤/٦
دَفْعِهَا: إلى دفعها داع وبالزّهد آمر ٢١٤/١٠١
لِدَفْعِ: فإنّى لاأرجوا لدفع ذلك غيرك ١٧٢/٥ ـ ١٧٣/٦
لِلدَّفْعِ: ولاأظلمنّ وأنت مطيق للدّفع عنّى ٥٥/٢٣
دِفَاعٌ: ما عند أحد دونك دفاع ٩٧/٤
الْمُدَافَعَةِ: والمدافعة عنه مكنفين ١٤٧/٦٧
دَافِعُ: ويادافع كلّ بليّة ياكريم العفو ١٢٣/١٤
ويا دافع الضّرّ والبلوىٰ ١٩٩/٦٥
الحمدلله ... دافع كلّ ضرورة ١٤٣/٨
الْمَدْفُوعِ: والمدفوع‌إلى هول ماترى ٢١٤/١٣٩ـ٢١٤/٦١

د.ق.ق

دَقَّ: إلهى طال حزنى ودقّ عظمى ٢٠١/٢٩
سيّدى ... دقّ عظمى ١٩٩/٨١
دِقَّتِهِ: وبحقّ الصّراط ودقّته ١٨٠/١
الدَّقِيقَ: أن ترحم ... هٰذا العظم الدّقيق ٢٠٥/١٦
دَقَائِقُ: ولاتنطوي عنك دقائق الأمور ٨٨/٥

د.ك.ك

دَكّاً: ولو تجلّى لشيء صار دكّاً ٢/٨

د.ل.ل

دَلَّ: ولو دلّ مخلوق مخلوقاً من نفسه ١٤٢/٢٠
دَلَّكَ: أم على هذا دلّك القرآن ٢١٤/٦٩
دَلَّنى: إلهى إذا ... دلّنى القرآن على ١٩٧/٢٣
ودلّنى القرآن على فواضل جودك ٢٠١/٤٣ ـ ١٩٩/١٣٢
وإحسانك دلّنى ٣٩/١٣
دَلَّنا: ودلّنا على سبيل مرضاتك ١١/٥
دلّنا عليه من الإخلاص له في توحيده ١/١٢
والحمدلله الّذى دلّنا على التوبة ١/٢٤

دَلَّتْ: هباتك الّتى دلّت عليها آياتك ٤٩/٢١
دَلَّتْنِي: معرفتى يامولاي دلّتنى عليك ١١٦/١٧
دَلَلْتَ: على مثل الّذى دللت عليه عبادك منك ١٤٢/٢٠
ودللت عقلي علىٰ توبيخ نفسي ١٤٨/٢٠
إلهى لو ... دللت على فضائحى عيون العباد ١١٦/٧٤
دَلَلْتَهُ: ودللته «محمّد» عليه من أعلام قدرتك ١٠/١٨
دَلَلْتَهُمْ: وأنت الّذى دللتهم بقولك من غيبك ١٤٢/١٤
ودللتهم «عبادك» على وحدانيّتك ليوحّدوك ١٩٩/١٦٧
دَلَلْتَنِي: وأنت دللتني عليك ١١٦/٢
يَدُلُّهَا: يدلّها بحسن نظرك ١٩٧/٣٨
يَدُلُّنِي: إلهى تتابع إحسانك إلىّ يدلّني ١٩٧/٢٤
فَلَمْ تَدُلُّلْ: وتستّر «كلّنا» بالمساوى فلم تدلل عليه ٩٥/١
لَمْ تَدُلَّنِي: ولو لم تدلّنى على كريم ١٩٩/٩٤
هَلْ اَدُلُّكُمْ: هل اَدُلّكم على أهل بيت (قرآن) ١٥٩/٢١
هل اَدُلكم على من يكفُلُهُ (قرآن) ١٥٩/٢٠
فَدُلَّنِي: او فهبت عنها فدلّنى على مصالحى ٢٥١/٥٩
أُدِلُّ: وأدلّ عليك بإحسانك ١٢٨/٩
دَلالَةً: أنت دليلى إذا انقطعت دلالة الأدلاّء ١٤٩/٢٨
الدَّلالَةِ: أللّهمّ إنّك أنهجت سبيل الدّلالة عليك ٢٤٩/١
دَلالَتَكَ: فإنّ دلالتك لاتنقطع ١٤٩/٢٨
بِدَلالَتِكَ: وأنا واثق من دليلى بدلالتك ١١٦/١٧
لِلدَّلالَةِ: كما نصبت محمّداً علماً للدّلالة عليك ١٠٩/٩
الدّالّينَ: واجعلنا من ... هداتك الدّالّين ٨/٢٧ - ١٥/١٧
الدّالَّةِ: يامن لايجبه بالرّد أهل الدّالّة عليه ١٤٦/١
بِدالَّةِ: ولامتعالياً بدالّة المطيعين ١٤٧/٨٠
مُدِلاً: ومدلاً بكريم تفضّلك ١٩٩/١٧٩
ولا وجلاً مدلاً عليك بإحسانك إلىّ ٤٠/٢
دَليلاً: ثمّ جعلت الشمس عليه دليلاً ١٣٧/١
سيّدى أنت دليل من إنقطع دليله ١٩٩/١٦٢
يادليل المتحيّرين ١٨١/١
وجعلت على ذٰلك الباب دليلاً من وحيك ١٤٢/٦
وأقمت لِأهله دليلاً من لدن آدم إلى محمّد ١٤/٢
الدَّليلِ: والدّليلِ على أمر النبيّين والمرسلين ٤٢/٧
أللّهمّ وآدم ... الدّليل على الاستجارة ١١/٢
بعد فتح الباب وإقامة الدّليل ١٤٢/٨
إجعلنا من الّذين أوضحت لهم الدّليل عليك ١٩٩/١٩٤
سيّدى لو لانورك عميت عن الدّليل ١٩٩/٧١
دَليلُهُ: سيّدى أنت دليل من إنقطع دليله ١٩٩/١٦٢
سبحانك ما أضيق الطّرق على من لم تكن دليله ١٨٩/١
دَليلُهُمْ: ما بهم من نعمة دليلهم عليك ٣/٢
دَليلي: ويا دليلي في الظّلام ١٤٩/٢٨
أنت دليلي إذا انقطعت دلالة الأدلاّء ١٤٩/٢٨
فأنت دليلي عليه وطريقه ٩٩/٣
وأنا واثق من دليلى بدلالتك ١١٦/١٧
وأنت دليلي على معرفتك ١٢٠/١
أَدِلَّةِ: ومن أدّلة الرشاد ومن صالحى العباد ٥٥/٢٧
الدَّلائِلِ: بعثه «محمّد» بـ... الدّلائل الهادية ١٩٩/١٦
الدّلائل الّتى يستبصر بنورها الموجودون ١٩٩/٧
الْأَدِلاّءِ: أنت دليلى إذا انقطعت دلالة الادلاّء ١٤٩/٢٨
قد أغرق في ذمّ الدّنيا الأدلاّء ٢١٩/٣٣

د.ل.م

الدَّيالِمَةِ: أعدائك في أقطار البلاد من... الدَّيالمة ٦٧/١١

د.ل.و

الْمُتَدَلِّيَةِ: الأشجار المتدلّية بصنوف الثّمر ٦٧/٥
أَدْلَيْتَ: أو فقيراً دليت غناك إليه ١٤٣/٢٠

د.ل.ه.م

إِدْلَهَمَّ: ما إدلهمّ ليل داج ١٩٩/١٩
الْمُدْلَهِمِّ: بهيم الحيرة المدلهمّ ٧٠/١١
مُدْلَهِمّاتِ: أنارلنا مدلهمّات الظّلام ١٤٢/١٨

د.م.د.م

اَلدَّمْدَمَةِ: أخذ الرابية أخذ الدّمدمة ١٦٠/١

د.م.ر

دَمِّرْ: ودمّر من نصب له «ولبعصر» ١١٩/٢٦
دَمِّرْهُمْ: ودمّرهم «الظّلمة» تدميراً ١١٩/١٢
تَدْمِيراً: ودمّرهم «الظّلمة» تدميراً ١١٩/١٢
مُدَمِّرَ: ياقاصم الجبّارين ويامدمّر المتكبّرين ١٤٣/١٧
مُدَمِّراتِ: وهب لي بجودك مدمّرات تجنيها ١٩٧/١٩

د.م.ع

دَمْعُ: فكيف يرقأ دمع لبيب ٢١٩/١٦
الدَّمْعُ: وقد سلبت القلوب لبّها ورقا الدمع ٢١٩/٣٩
دَمْعي: قد ترىٰ ياإلهى فيض دمعى من خيفتك ٤٩/١٠
دَمْعَةً: ودمعةً بالْآمال موصولَةً ٢٠٣/٤
الدُّمُوعِ: وهمعت زوافر الدّموع ١٩٧/٤٧
دار بكىٰ أهلها بدل الدّموع دماً ١٩٨/٢١
وخضّبت الدموع عينيه ٢١٤/١٢٩

وقد خضّبت الدموع خَدَّيه ٢١٤/٥٣
دُمُوعُهُ: وفاضت من خوفك دموعه ١٦٤/٢
مسألة من ... إنهملت دموعه ١٣٢/٨
وغرّقت دموعه «العبد» خديّه ٣٤/٧
بِالدُّمُوعِ: وجاد بالدّموع عليها ١٩٧/٣٢
وجاد عليها بالدّموع المشفق من عشيرتها ١٩٩/١٣٧
مَدَامِعُهَا: مدامعها فوق الخدود غزائر ٢١٤/٥٦
مَدَامِعُهُنْ: مدامعهن فوق الخدود غوازر ٢١٤/١٣٢

د.م.غ

دَمَغَتْ: ودمغت به «محمّد» الكفر ١٠/٢٢
دَامِغاً: لما نبغ من الباطل بسيف الحقّ دامغاً ١٠/٨

د.م.ى

دَماً: فبكت العيون شجن القلوب فيها دماً ٢١٩/٣٣
دار بكى أهلها بدل الدموع دماً ١٩٨/٢١
من بين فرث ودم بقوّتك ١٧٤/٢
دماً وصديداً لكان ذلك قليلاً ٢٣٠/٢
دَمي: لافي جنبك سفك دمى ٢٤٨/٩
أللّهمّ اجعل ... نوراً في دمي ١٣٤/٣
دِماءٍ: وارزقني سفك دماء المشركين والنّاكثين ١٢٨/٥
دِمَاءَهُمْ: ليحقنوا به دماءهم ١١٦/٧١
واسفك بأيدى المؤمنين دمآئهم «الظّلمة» ١١٩/٩
دِمَائِنَا: أللّهمّ... وَاَجْرَيْتَهُ مجارى دمائنا ٦٤/٦

د.ن.س

لاتُدَنِّسُهَا: وطهارةٍ لاتدنّسها الآثام ١١٠/٤
دَنَسِ: طهّرنى من دنس ما أسلفت ٤٦/٥
وفّقنى من الأعمال لما تغسل به دنس الخطايا عنّى ٨٠/١٠
وغسلت عنّا دنس الخطيئات ١٤٢/٤١
وهب لى التطهير من دنس العصيان ١٤٧/٩٥
حتّى تطهّرنا من كلّ دنس بتطهيره ١٠٩/١٠
الدَّنَسِ: وطهّرتهم من الرجس والدنس ١٤٧/٥٧

د.ن.و

دَنَا: ولم تتزوّد للرّحيل وقد دنا ٢١٤/٦٦ - ٢١٤/١٤٤
إلهى إن كان قد دنا أجلى ١١٦/٩٣ - ١٩٧/٦
سيّدى إن كان قد دنا منّى أجلى ١٩٩/١٢٠
ودنا منّا إلى الآخرة رحيلٌ وانطلاق ١٠٩/١٨
يامن يدنو إلى من دنا منه ١٤٦/٢
دَنَتْ: وإن كانت دنت وفاتي ٢٠٣/١٣
دَنَوْتَ: ودنوت من كلّ شيءٍ في ارتفاعك ١٤٩/٣
يَدْنُو: يامن يدنو إلى من دنا منه ١٤٦/٢
أَدْنَاهُ: يامن... إذا أقبل عليه قرّبه وأدناه ١٨٥/١
أَدْنَانِي: فقد أدنانى رجآئى من ثوابك ١٩٧/٢٦
أَدْنَيْتَنِي: وأدنيتنى بحسن نظرك وبرّك ١٩٩/١٧٣
يُدْنِي: ولاتتكلّف إلاّ ما يدنى من ثوابك ١١٥/٩
يُدْنِينِي: أستوفقك لما يدنينى منك ١٩٧/٢٩
تُدْنِينِي: وهب لي عصمة تدنينى من خشيتك ١٤٧/٩٤
فَتُدْنِيهِ: تجتبى من تشآء فتدنيه ١٩٩/١٦٩
أَدْنِنَا: أدننا من قربك ٨/٢٠
صلّ على محمّد وآله وأدننا إلى قربك ١٥/٤
تَدَانَى: دعاء من ... تدانى فى الدّنيا أمله ٢٤٢/٣
دُنُوّ: لمن لم يتب إليك قبل دنوّ أجله ١٩٩/١١١
الدُّنُوِّ: وحامّتنا الّتى نحبّ الدُّنو منها ١٠٣/٣
دُنُوِّهِ: الدانى في علوّه والعالى في دنوّه ١٤٧/٩
دُنُوِّي: قرارى لايقرّ دون دنوّى منك ١٩٢/٣
الدَّانِي: وأنت الله ... الدّانى في علوّه ١٤٧/٨
الدُّنَاةِ: وطهّرنا من ... مجالسة الدّناة ٢٠٠/١٧
دَنِيَّةٍ: وأنزع من قلبى حبّ دنيا دنيّة ١٤٧/٩٤
مَدَانِيَ: وجنّبنا به «قرآن» ... ومدانى الأخلاق ١٠٩/١٥
أَدْنَى: والحمدلله بكلّ ما حمده به أدنى إليه ١/٢٦
ولايبلغ أدنى ما استأثرت به من ذلك ٨٨/٢
الْأَدْنَى: وأعوذبك من العذاب الأدنى ١٢٩/٩
فلا تطردنى من بابك الأدنى ٩٩/٢
الْأَدْنَيْنِ: ومن عداوة الأدنين الولاية ٥٥/١٠
وأقصى الأدنين على جحودهم ٩/٢
دُنْيَا: وأنزع من قلبى حبّ دنيا دنيّة ١٤٧/٩٤
فمن التمسك لدين أو دنيا وجدك ١٤٧/٢٤
على أحد من خلقك في دينٍ أو دنيا ٥٩/١٣
ومن دنياً قد تزيّنت لي ٩٠/٣
منى وقفنا بين نقصين في دين أو دنيا ٣٠/٢
الدُّنْيَا: إلهى في هذه الدّنيا هموم وأحزان ٢٠٠/٤٤
سيّدى سترت علىّ ذنوبى في الدّنيا ١٩٩/١٢٦
تشغلنا بهما «خوفاً وحزناً» عن لذّات الدّنيا ٢٠٠/١٤
وثبّتني بالقول الثابت في الدّنيا والآخرة ٢٠٠/٤٦
ومن الدُّنيا فَسَلِّمْني ١٥٣/١٩
وإليك أمري في الدّنيا والآخرة ١٥٣/١٥
وما أهمّنى من الدُّنيا والآخرة فاكفنى ١٥٣/٢١
وبالقول الثّابت في الحياة الدّنيا ١٥٣/٢١

اجعلني بهم وجيهاً في الدّنيا والآخرة ١٣٢/١٤
من جميع خير الدّنيا والآخرة ٢٥١/٤٤
وأتوصّل بها «معيشة» إليك في حياتي الدّنيا ٢٥١/٢٦
وأعوذبك ياإلهي من شرّ الدّنيا ٢٥١/٢٩
ولاتجعل الدّنيا لي سجناً ٢٥٢/٢٢ ـ ٢٥١/٢٩
كنت لطيفاً بي في أيّام حياة الدّنيا ١٩٧/٣٥
وقد كان لي في دار الدّنيا داعياً ١٩٧/٣٣
ربّ كيف أطلب شهوات الدّنيا ١٦٤/١٨
فإنّها نفوس باعت زينة الدّنيا ١٩٧/٤٧
وتطوّل عليّ بجميع حوائجي للآخرة والدّنيا ١١٧/٣٨
واجعلني معهم في الدّنيا والآخرة ١١٧/٣٦
وأستعينه على ما آتانا من الدّنيا والآخرة ١٢٣/٤
وأن تجعل ما أنت أهله لي في الدّنيا والآخرة ١١٨/٢
من شرّ جميع من في هذه الدّنيا ٢٢/٣٠
كلّ ما أهمّنا من أمر الدّنيا والآخرة ١٢٤/٨
من الزّاهدين في عاجل زهرة الحياة الدّنيا ٢٦٢/٢
أشدّهم في الدّنيا إعتقاداً لمحبّته ١٠/٣٠
حتّى متى أتذكّر حلاوة مذاق الدّنيا ٢١٩/٣٦
وجعلت في برهة من محن الدّنيا ٢١٩/٣٤
قد أغرق في ذمّ الدّنيا الأدلاّء ٢١٩/٣٣
وما الدّنيا وغرور الأيّام ٢١٩/٣١
فصدعت الدّنيا عمّا ألتذّ ٢١٩/٢٩
واجمع لي خير الدّنيا والآخرة ٢٢/٤١
كلّ ما رغبت إليك فيه من خير الدّنيا والآخرة ١٢٢/١٠
من شرّ جميع من في هذه الدّنيا ٢٢/٢٦
ولاتكلني ... إلى الدّنيا فتلفظني ١٤٩/٦٣
دعتني دواعي الدّنيا فأجبتها سريعاً ١٦٤/١٩
تركتني خطيئتي مغموماً في دار الدّنيا ١٩٨/٦١
فامتحت من الدّنيا آثارهم ٢١٤/١٣
فحتّام على الدّنيا إقبالك ٢١٤/٩
وإلى الدّنيا وعمارتها ركونك ٢١٤/١
وغشّني سرور الدّنيا ١٢٢/١٠
يزيّن لي حبّ الدّنيا ١٨٣/٣
لانجاة لي من مكاره الدّنيا إلاّ بعصمتك ١٨٣/٥
أمناً لنا من محذور الدّنيا والآخرة ٢٠٠/٢٢
أعذنا من الميل إلى أهل الدّنيا ٢٠٠/٢١
ولاتفرّق بيني وبين عافيتك في الدّنيا والآخرة ٦١/١
عافية الدّنيا والآخرة ٦١/٢
في الدّنيا حسنة وفي الآخرة حسنة (قرآن ٥٥/٤٢ـ٦٤/١٦ـ١٤٣/٥٩)
فارزقني بهم خير الدّنيا والآخرة ... ٤٢/١٨
فيا عامر الدّنيا وياساعياً لها ٢١٤/١٤٢
يامؤثّر الدّنيا على الدّين ٢١٤/١٤٧
ولنا في الدّنيا عن سخطك و ... ذآئداً ١٠٩/١٦
ولولدي في عاجل الدّنيا ٦٤/١٥
وأنت على الدّنيا مكبّ منافر ٢١٤/٦
وما عسىٰ أن ينال صاحب الدّنيا من لذّتها ٢١٤/١٠٩
واجعل القبور بعد فراق الدّنيا خير منازلنا ١٠٩/١٩
وقوارع الموت ... يعتدل حكم الدّنيا ٢١٩/٨
وأقول بها «رحمة» على أمر الآخرة والدّنيا ٧٧/١٠
أشتكي ذلّ ملكة الدّنيا ٢١٩/٥
وحتّى متىٰ أصف محن الدّنيا ٢١٩/٤
وأعوذبك ... في دار الدّنيا والآخرة ١٣٨/٩
وحتّى متى تعدني الدّنيا فتخلف ٢١٩/١٠
مالك الدّنيا والآخرة تقضي ما تشاء ١٢٧/٢
وآتني في الدّنيا حسنةً ١٢٩/٨ ـ ١١٧/٣١
والسّلامة والعافية في الدّين والدّنيا والآخرة ١٢٩/٧
فيامن ربّاني في الدّنيا بإحسانه وتفضّله ونعمه ١١٦/١٦
أنا لاأنسى ... سترك عليّ في دار الدّنيا ١١٦/٧٥
إرحم في هذه الدّنيا غربتي ١١٦/٩٥
أخرج حبّ الدّنيا من قلبي ١١٦/٧٦
دعاء من ... تدانى في الدّنيا أمله ٢٤٢/٣
وأعوذبك ياإلهي من شرّ الدّنيا ٢٥٢/٢٢ ـ ٧٨/٣
معيشة ... أتوصّل بها إليك في الحياة الدّنيا ٢٥٢/١٨
يامالك الدّنيا والآخرة ١٣٥/٨
فقد كنت بي لطيفاً أيّام حياة الدّنيا ١٩٩/١٤٦
وكان لي في دار الدّنيا داعياً ١٩٩/١٣٩
إذا انقطع ذكرى ونسيتني أهل الدّنيا ١٩٨/٥٢
آتنا في الدّنيا حسنةً (قرآن) ١٣٣/١٢ ـ ٨٧/١٠
أسألك ... أن تعافيني من أهوال الدّنيا ١٧٦/١
وأعطني ... جميع خير الدّنيا والآخرة ٢٥١/٦٥
مشغولة عن الدّنيا بحمدك وثنآئك ٢٥٥/٣
وخذلني من كان يعدني في الدّنيا ١١٨/٥
نجعلني في حفظك في الدّين والدّنيا والآخرة ٤٢/٢٢
مولاى وارحمني إذا انقطع من الدّنيا اثرى ١٦٧/٤
وأعوذبك من فتنة الدّنيا والآخرة ١٣٨/٦
... أنت وليّهم في الدّنيا والآخرة ٤٢/١٩
واستر عليّ ... في الدّنيا والآخرة ١١٧/٢٨
وأعزّني في الدّنيا والآخرة برحمتك ٢٥٦/٦
وصغّر الدّنيا في عيني ٢٥٢/٣٨ ـ ٢٥١/٩
سيّدى سترت عليّ في الدّنيا ذنوباً ١٩٩/١٧٥

خارجاً ممّا تبنيه الدّنيا وتهدمه ١٩٩/١٩٠
كما سارعت إلى دواعى الدّنيا وحطامها الهامد ١٦٤/١٩
وأخرج حبّ الدّنيا من قلوبنا ١٩٦/٤
سؤال من ... استمكنت منه الدّنيا ١٦٦/١٠
واصرف عنّى شرّ الدّنيا والآخرة ٢٥١/٦٥
ثمّ بعد التّكوين إلى دار الدّنيا ٢٠٣/٣
واكفنى جميع المهمّ من أمر الدّنيا والآخرة ٢٥١/٦٦
والحذار الحذار من الدّنيا ٢١٤/٢٥
وما عسىٰ أن ينال طالب الدّنيا ٢١٤/٣٣
وقد أحسنت بي في الدّنيا إذ لم تظهرها ١٩٧/١٢
ولاتطلب الدّنيا فإنّ طلابها ٢١٨/٦ ـ ٢١٤/٢٨
وقد ألبستني في الدّنيا ثوب عافيتك ١٩٩/١٩٣
يانفس حتّام إلى الدّنيا سكونك ٢١٤/٧٥
وأنت على الدّنيا مكبّ منافس ٢١٤/٨١
من الدّنيا ومكائدها ٢١٤/١٠٠
ولاتطلب الدّنيا فإن نعيمها ٢١٤/١٠٤
أنت وليّى في الدّنيا والآخرة ١٩٩/٧٩
ياربّاه لاتذقنا القطران بعد فراق الدّنيا ١٩٨/٧٦
ياراقع الدّنيا بالدّين ٢١٤/٦٩
كم قد غرّت الدّنيا من مخلد إليها ٢١٤/١٣
وخلوا عن الدّنيا وما جمعوا لها ٢١٤/٤
وأن تسلّى نفسي عن الدُّنيا بمخافتك ١٦٦/١٣
أللّهمّ فاجعل أمنى منك في هذه الدّنيا خوفاً ١٦٤/٣١
وربحت في بيع الدّنيا بالآخرة تجارتهم ١٩٣/٤
أللّهمّ إنّى أسألك السَّعةَ في الدّنيا والآخرة ١٢١/٤
أللّهمّ إنّى أسألك الغنىٰ في الدّنيا ١٢١/٥
أسألك من الدّنيا وما فيها رزقاً حلالاً ١٢١/٦
أللّهمّ إنّى بسطت علىّ الدّنيا فزهّدني فيها ١٢١/٧
وما عسيت أن أصف من محن الدّنيا ٢١٩/١٩
وكيف عركتهم الدّنيا بكلاكل الفناء ٢١٩/٢٢
ولو أنّى كربت معادن حديد الدّنيا ٢٣٠/٢
قلباً ولساناً يتجاريان في ذمّ الدّنيا ٢١٩/٢
وخذني منها حتّى تتجرّد خواطر الدّنيا ٢١٩/١
متوسّم على سوء أحكام الدّنيا ٢١٩/١٦
غفلة بأدواء نبوة الدّنيا ٢١٩/١٣
وفي الدّنيا زاهدين وفي الآخرة راغبين ٢٠٦/٢٢
ولايعمّر في الدّنيا من كره لقآءك ١٦٦/٤
أسألك أنفةً عن الدّنيا ١٣٥/٤
بما تهوّن به علىّ مصيبات الدّنيا ١٨٥/٧
وافعل بنا ما أنت أهله في الدّين والدّنيا والآخرة ١٣/٣
حتّى لاأفرح بما آتيتنى من الدّنيا ٥٧/٨
وما زويت عنّى من متاع الدّنيا الفانية ٧٩/٥
واجعل تقواك من الدّنيا زادى ٥٧/١١
أكمل لي بها خير الدّنيا والآخرة ٥٥/٤١
لاتجعل الدّنيا علىّ سجناً ٧٨/٤
واقطع من الدّنيا حاجتى ١٧١/٥
يارحمٰن الدّنيا والآخرة ورحيمهُما ١٧١/١
الإحتراس من الزلل فى الدّنيا والآخرة ٥٩/١٤
خبر الدّنيا والآخرة ١١٧/١٣
تخلّقى عنهم في فضالة طرق الدّنيا ٢١٩/٣٦
أتذكّر معارف الدّنيا وفراق الأحبّة ٢١٩/٣٦
لاحاجة من حوائج الدّنيا والآخرة ١٢٢/٩ ـ ١٤٣/٤٨
في الدّين والدّنيا والآخرة ثلاثاً ١٤٣/٤٤
إكفنا كلّ مهمّ من أمر الدّنيا والآخرة ١٤٣/٤٠
واجعل الآخرة خيراً لنا من الدّنيا ١٤٣/٣٨
لاتجعلني ممّن طوّلت له في الدّنيا أمله ٢٤٨/٣
ما أنت معطيه أحداً من خلقك في الدّنيا والآخرة ١٢٣/١٣
وعذاب الخزي في الدّنيا والآخرة ١٢٩/٨
إلهى سترت علىّ في الدّنيا ذنوباً ولم تظهرها ٢٠١/٤١
فيا عامر الدّنيا ويا ساعياً لها ٢١٤/٦٤
فأفناهم الحمام فامتحت من الدّنيا آثارهم ٢١٤/١٣
وخلّوا عن الدّنيا وما جمعوا لها ٢١٤/٧٩
أعوذبك من خزى الدّنيا ٢٨/٥
دُنْياهُ: وجنود وأعوان، تمكّن من دنياه ٢١٤/٩٢ـ٢١٤/١٧
وتحسّر على ما خلّف من دنياه ٢١٤/١١٧ ـ ٢١٤/٤١
خضوع من يؤمّلك لآخرته ودنياه ١٩٩/١٣٤
دُنْياهُمْ: طلباً لما فيه نيل العاجل من دنياهم ٢١/٣
عند لقائهم العدوّ ذكر دنياهم ٦٧/٤
دُنْياكَ: واذ لم تقمنى مقام فضيحة في دنياك ١٤٧/١٠٢
لك الحمد عدد كلّ شيء في دنياك وآخرتك ١٦/٥
فكم ترقع بآخرتك دنياك ٢١٤/١٤٧
فكم ترقع بدينك دنياك ٢١٤/٦٩
دُنْياىَ: ودُنياى وآخرتى مبارك لى ١٥٣/٢٢
سخّر لي ما أريد من دنياى وآخرتى ٢٢/٣٨
إن كنت تعلم أنّه شرّ لي في دينى ودنياى ٩٤/١
وامنن علىّ بكلّ ما يصلحنى في دنياى وآخرتى ٦٤/١١
وخلّصنى ... من أمر دينى ودنياى ١٤٨/٢١
وأصلح لي دنياى الّتى فيها معيشتى ١٤١/١٩
واكفني ما أهمّني من أمر دنياى وآخرتى ١١٦/٥٠
وسهّل علىّ أمور دنياى وآخرتى ١٣٥/١٥

تطّلع على ... ما يصلح به امر آخرتي ودنياي ٨٢/٤
... ودنياي وآخرتي ١٥٣/١٤
تعلّم ما يصلحني من أمر دنياي وآخرتي ٥٩/١١
ممّا فيه صلاح ديني ودنياي وآخرتي ١٤٩/٦٥
حتّى يكون الغالب عليّ الزهد في دنياي ٥٩/٩
ما أهمّني من أمر ديني ودنياي ٢٣٣/٦ ـ ١٦٥/٦
يا دنياي وآخرتي ١٨٩/٩
في عاجل دنياي وآجل آخرتي ٢٥٧/٢٦
ولاحزن في عاجل دنياي وفي آجل آخرتي ٣٥/٣
إن كان كذا وكذا خيراً لي في ديني ودنياي ٩٣/١
إن كان كذا وكذا شرّاً لي في ديني ودنياي ٩٣/٢
دُنْيانا: بعافية مجلّلة في دنيانا وآخرتنا ١٤٣/٣١
بِدُنْياهُ: فلا هو مغبوط بدنياه آمن ٢١٤/١١٢ ـ ٢١٤/٣٦
لِدُنْياهُ: وإن امرءٌ يسعى لدنياه جاهداً ٢١٤/٨
بِالدُّنْيا: وأبدلني بالدّنيا الفانية نعيم الدّار الباقية ٢٥١/٢٩
٧٨/٤ ـ ٢٥٢/٢٣
لِلدُّنْيا: وما يكون صلاحاً للدّنيا وبلاغاً للآخرة ٨٧/١٠
وأعبّد نفسي للدّنيا على غضاضة ٢١٩/٧
وأن تقضى حوآئجي للدّنيا والآخرة ١١١/٢

د.و.أ

ذآءً: أسألك أن ... لاداء إلاّ أذهبته ١٢٢/٩
لِلدّاءِ: حقّ للداء أن يذوب على طول ٢١٩/٤٠
الأَدْواءِ: ومعضلات الأدواء ١٣٨/٨
بِأَدْواءِ: غفلة بأدواء نبوة الدّنيا ٢١٩/١٣
بِالأَدْوآءِ: وامزج ...أطعمتهم«المشركين»بالأدوآء ٦٧/١٥

د.و.د

الدّيدانُ: آه وانفساه إذا أكلت الدّيدان ١٩٨/٤٧

د.و.ر

دارَتْ: ودارت عليها حرّاسها ٨٩/١
أَنْ تَدُورَ: ويا آمناً من أن تدورالدّوائر ٢١٤/١٤٢ـ٢١٤/٦٤
أَدِرْ: وأدر رحى نقمتك على الملحدين ٩٧/٣
دَوْرِ: عمّا وكلّ به دور الفلك ٢١٩/١٩
الدّآئِرَةَ: واجعل الدّآئرة عليهم «الظّلمة» ١١٩/٨
الدّوائِرُ: ويا آمناً من أن تدور الدّوائر ٢١٤/١٤٢ـ٢١٤/٦٤
دَيّاراً: لاتذر على الأرض منهم ديّاراً ١١٩/٢٧
دارِ: مقبولاً فيها «الدّنيا» عملى إلى دار الحيوان ٢٥١/٢٩
وظفروا بـ... المقام في دار الكرامة ٢٠٠/٢٦
ونقلت إلى دار البلى من أقرانك ٢١٤/١
آه وانفساه من دارٍ بكى أهلها ١٩٨/٢١
آه وانفساه من دار لايعاد فيها المرضى ١٩٨/١٥
كيف ينجو من يكون معه في دارٍ ٢٠١/٥٠
وقد رشق في كلّ دار منها ١٩٩/١١٨
وجه تأميلي بالخيبة في دار المقام ١٩٩/٩٢
رؤية محمّد ... في دار السّلام ١٩٩/٩٢
وبارك لنا في حلول دار البلى ١٠٩/١٩
وارزقني ... سرود الابد في دار المروّة بمنّك ١٣٣/٨
نضامّ به أنبيائه المرسلين في دار المقامة ١/١٨
واجعلنا معهم «أولياء» في دار السّلام ١٤٧/٧٠
وقد كان لي في دار الدّنيا داعياً ١٩٧/٣٣
أيّها ... الطّالب مسكناً في دار السّلام ١٩٧/٤٦
وكيف صنيعك بي في دار الوحشة والبلى ١٩٧/٣٤
وأسكنتني داراً قد ملئت من الآفات ١٩٧/٢٨
وأعوذبك ... في دار الدّنيا والآخرة ١٣٨/٩
أللّهمّ ارزقني التّجافي عن دار الغرور ١٣٦/١
أللّهمّ ارزقني الإنابة إلى دار الخلود ١٣٦/١
أنا لاأنسي ... سترك عليّ في دار الدّنيا ١١٦/٧٥
ولو حملتني إلى دار الشّقاء ١١٨/٧
أسكنته «ظالمي» دار بوارِهِ ١٥٥/٣
نقدم بها على نعيم دار المقامة ١٠٩/٩
وأنزلتني دار القرار ١١٣/٩
وبوّأتهم «صفوتك» دار كرامتك ١٩١/٣
وكان لي في دار الدّنيا داعياً ١٩٩/١٣٩
وكيف صنيعك بي في دار الوحشة ١٩٩/١٤٦
ونفيتني به من دار دوام الْبقآء ١١٨/٧
أوردني دار الحيوان ومساكن الأخيار ٢٥٢/٢٣
وأنت إلى دار الإقامة صائر ٢١٤/١٠٣
فارزقنا في دارك دار المقامة ٢٥٧/٣٩
إلهى أسكنتنا داراً حضرت لنا ١٩٦/١
تركتني خطيئتى مغموماً في دار الدّنيا ١٩٨/٦١
ثمّ بعد التّكوين إلى دار الدّنيا ٢٠٣/٣
وأنت إلى دار المنيّة صائر ٢١٨/٥ ـ ٢١٤/٢٧
واجعلنا من سكّان دار النّعيم ٢١٤/٧٤
وإنّى لاعلم أنّ لك دار جزاء ٢٢٣/٣
إلهى ألجنّة دار الأبرار ٢٠١/٩
محمّدٍ ... جيران في دار السّلام ٢٠٦/١٦
وأصلح لي آخرتي فإنّها دارٌ مقرّى ٢٤٠/٤
أللّهمّ ... أحللني دار الأبرار ٢٣٩/١١
وفي دار المقامة خالدين ٢٠٦/٢٣

حتّى نجتمع برأفتك في دار كرامتك ٦٣/١٦
بإجترائه على الآثام حلول دار البوادر ٢٤٣/١١
وفي جوارك من اللابثين في دار القرار ١١٤/٧
في دار الفناء بحضرة الأكفاء ٨٨/١٢
فأجرني من فضيحات دار البقاء ٨٨/١٢
مقبولاً فيها عملي إلى دار الحيوان ٧٨/٤
عد إلى ذكر المنقول إلى دار البلى ٢١٤/١٣٩
الدّارِ: وأبدلني بالدّنياالفانية نعيم الدّار الباقية ٢٥١/٢٩
٧٨/٤ ـ ٢٥٢/٢٣
سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدّار (قرآن) ١٢/١٣
ولهم اللّعنة ولهم سوء الدّار (قرآن) ١٩٩/٤٩
فعمّا قليل يترك الدّار عامر ٢١٤/١٠٢
إطمأنّت بنا الدّار في جنّات ١٤٣/٥٥
دارِهِ: مسلم خلف ... مرابطاً في داره ٦٧/٢٠
دارِكَ: فارزقنا في دارك دار المقامة ٢٥٧/٣٩
دارِي: أشكو إليك غربتي وبعد داري ٢٥١/٢٤ ـ ٢٥٢/١٦
بِدارِ: وحلّوا بدار لاتزاور بينهم ٢١٤/٩٠ ـ ٢١٤/١٥
الدّارَيْنِ: آتنا من حظوظ الدّارين ١٨٧/٧
دِيارِ: واجعلنا ممّن جاسوا خلال ديار الظّالمين ٢٠٠/٢٥
واشكرهم على هجرهم فيك ديار قومهم ١٤/٤
الدِّيارِ: من سوء آثارها في الدّيار الخالية ٢١٩/٢٠
دِيارَهُمْ: وحصّن به ديارهم «أهل الإسلام» ٦٧/٩
وأورث المؤمنين أرضهم «الظّلمة» وديارهم ١١٩/٩
فغزاهم «أوليائك» في عقر ديارهم ٩/٣
دُورُهُمْ: خلت دورهم منهم وأقوت عراصهم ٢١٤/٣
٢١٤/٧٨

د.و.ف

ذافَ: داف لي قوائل سمومه ١٥٣/٤ ـ ١٥٢/٤
وداف لها من ذعاف الموت كأساً ١٠٩/١٨

د.و.ل

لاتُدِلْ: ولاتدل منّا ٨/٢١
وأدل لنا ولاتدل منّا ١٥/٨
لاتُدِلْهُمْ: ولاتدلهم «المشركين» منه ٦٧/١٩
أَدِلْ: وأدل لنا ولاتدل منّا ١٥/٨ ـ ٨/٢١
وأدل له منهم «المشركين» ٦٧/١٩
أَدِلَّهُ: أدله ممّن ناواه وعاداه ٧٠/١١
تَداوَلَتْهُ: هذا مقام من تداولته أيدى الذّنوب ٨٠/٢
دُوَلاً: أللّهمّ إنّهم «الظّلمة» إتّخذوا... مالك دولاً ١١٩/٦

د.و.م

دامَ: ودام للشّهوات اتّباعي ٢٥١/٥٥
دامَتْ: ودامت في الخلوات ضجّة حنينها ١٩٧/٤٧
دُمْتُ: وللصّلاة والزّكاة ما دمتُ حيّاً فألهمني ١٥٣/١٩
يَدُومُ: لك الحمد حمداً يدومُ بدوامك ١٤٧/٣١
فتقصد قصدى بغضب يدوم منك علىّ ٢٥٧/٢١
حتّى تقصد قصدى لغضبٍ منك يدوم علىّ ٢١٠/١
تُديمَ: تديم علىّ نعم إمتنانك ١٩٢/٧
أُديمُ: وإلى معروفك أديم نظري ١١٦/٩٠
أَدِمْ: وأدم لي صالح الّذى آتيتني ١٥٣/٢٣
وأدم بالقرآن صلاح ظاهرنا ١٠٩/١٣
وأدم لي ما به سترتني ١١٦/٩٦ ـ ١٩٧/١٥
أدم علينا نعمتك وعافيتك ١٤٣/٤٠
فَأَدِم: فأدم إمتاعي بماله هديتنى ١٩٩/١٢٩
فَأَسْتَدِيمُهُ: فأستديمه عادة الحسنى ٩٩/٢
يُسْتَدامُ: حمداً يستدام به الأوّل ١٤٧/٣٤
دَوامُ: ويستدعىٰ به دوام الآخر ١٤٧/٣٤
وأسألك دوام العافية ١٢٩/٧
ونفيتني به من دار دوامِ البقاء ١١٨/٧
ودوام عافيتك ومنقلب كريم ١٢٧/٤
وبين التّضرّع إليك في دوام ذلك لي ٢٥٧/٢٦
تمام الكرامة ودوام النعمة ٢٥٧/٣٩
أللّهمّ خُصّنا ... ودوام اليسر ١٣٤/٢
عبدتك دوام خلود ربوبيّتك ٢٣٠/١
أرزقنا دوام عافيتك ٢٤١/٧
دوام توفيقك ما أتّخذُهُ سُلّماً ١٥٤/١٦
في دوام ذلك لي مع ما أمرتني به ٣٥/٤
الدَّوامِ: بابك على الدّوام يطرقون ١٨٩/٣
دَوامِها: وشمول السّلامة ودوامها ٢٣٦/٤
تعرض دون دوامها الفترات ٢٠٤/٧
دَوامِكَ: دائماً ذلك مع دوامك ١١٨/٨
بِدَوامِ: وأمهلتهم ثقة بدوام ملكك ١٤٦/٧
وبلّغني برحمتك كمال العافية بدوام النعمة ١٢٣/٢٢
واكمل ذلك لي بدوام الطّاعة ٥٥/١٦
بِدَوامِكَ: لك الحمد حمداً يدومُ بدوامك ١٤٧/٣١
دَيْمُومُ: ياديموم ياحيّ ياقيّوم ١٠٧/١
يادائم ياديموم ياحيّ ياقيّوم ١٦١/٧
لِدَيْمُومِيَّتِهِ: له الملك الّذى لانفاد لديموميّته ١٩٩/٥٧
دائِمِ: بسقى منك نانع دائِم غُزْرُهُ ٥٣/٢
بشغلٍ شاغلٍ وسُقْمٍ دائمٍ ١٥٥/١

سلام دآئم البركة إلى طلوع الفجر ١١٥/٥
وعلى ذلك أنت دائم لاتزول ٨٨/٤
أللّهمّ هب لي... إيماناً دائماً يذهب الشّكّ عنّي ١٣٧/٤
حمداً دائماً لاينقطع أبداً ٢٤٢/١
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... دائمٌ لاتبلىٰ ١٣٠/٥
فاستجب لي ... ياعزيز يادائم ١٢٤/٢
لعظيم حقّك وجسيم إفضالك دائماً ١١٨/٨
وسلامه دآئماً سرمداً ٢٣٨/٣
ولم أشك أنّ الّذي أنا فيه دآئم ٢٥٧/٢٦
يادآئمُ يادَيموم ياحيّ ياقيّوم ١٦١/٧ - ١٠٧/١
صبر دائم وأعذني من سوء الرّغبة ٤٤/١٢
ولم أشكّ في أن الّذي أنا فيه دائم غير زائل عنّي ٣٥/٣
الدّائِمُ: الكريم الأكرم الدائم الأدوم ١٤٧/٧
ياذاالمنّ الدّائم الّذي لاينقطع أبداً ٢٢٧/٣
هو ... الدّآئم القديم ٧/٥
له الشّكر الدّآئم والأمر اللاّزم ١٩٩/٧
والدّآئم بلا فنآء ٢/٤ - ٧/٤
والدّآئم غير الغافل ١١٧/٣٤
فالويل الدّائم لمن جنح عنك ١٤٦/٩
هو ... الدّآئم القديم ٢/٦
سجد وجهي البالي ... لوجهك الدّآئم ٢٥٢/٩
وهل يرحم الزّائل إلاّ الدّآئم ١٦٨/٦
مولاي مولاي أنت الدّآئم وأنا الزّآئل ١٦٨/٦
والدّآئم في كبريآء الهيبة والرّفعة ١٩٩/٥١
سجد وجهي البالي الفاني لوجهك الدّائمِ ٢٥١/١٦
يالله ياذاالعظمة ... العظيم الدّائم ١٢٢/٣
الدّائم الّذي لانفاد له ١١٤/٨
وأنا أحقّ بالخوف الدّآئم لإساءتي على نفسي ١٤٨/٢
والدّائم الّذي لايزول ٨٩/١
دائِمَةً: دائمة بلا فنآء ولافتور ١٩٩/٦١
صلّ على محمّد ... صلاة دائمة ٣٩/١٢
صلّى الله عليه «محمّد» وآله صلاة دائمة ١٩٩/١٨
الدّآئِمَةِ: والعفو والمغفرة الدّآئمة ١١٧/١٣
أَدْوَمُ: وملكك أدوم من أن تزيد فيه ١٦٢/٨
وأحبيته حياةً طيّبة في أدوم السّرور ١١٦/١٠٨
الأَدْوَمُ: الكريم الأكرم الدّائم الأدوم ١٤٧/٧

د.و.ن

دانَتْ: دانت الأمّة بالفرقة والإختلاف ٢١٩/٤٦
ديوانَ: ونشروا ديوان الخطيئات ٢٠٠/٢٧
الدّيوانِ: مخزوناً في الدّيوان المكنون ١٩٩/١٩٢

د.و.ى

لَمْ تُداوِهِ: ولم تداوه من سقمه ٢١٤/٣٧
أُداوي: لست أدري بأيّ علاج أداوي ذنبي ٢٠١/٢٨
لايُداوىٰ: آه وانفساه من نارٍ جريحها لايداوىٰ ١٩٨/١٤
داوِني: وداوني بصنعك وأظلّني في ذراك ٥٥/٣٠
فَداوِنا: ربّنا فداونا قبل التعلّل ٢٠٠/١٥
دَواءَهُ: عندك دوآء علّتي ١٨٩/٨

د.هـ.ر

دَهْرٍ: في كلّ دهر وزمان أرسلت فيه رسولاً ١٤/٢
الدَّهْرِ: الشّهرين من شهور الدّهر ١٤٢/٥١
وأنا أعرض لنكبات الدّهر علىّ ٢١٩/٨
لايعتريك في مدى الدّهر صرف ٢٤٣/٤
لك الحمد ... من أوّل الدّهر إلى آخره ١٦/٥
لو أنّي منذ بدعت فطرتي من أوّل الدّهر ٢٣٠/١ - ٢٣/١
سيّدي ... نال الدّهر منّي ١٩٩/٨١
كلّما تراءت الآيات ونشرها من طيّ الدّهر ٢١٩/٣١
دَهْرِهِ: ... يرهقه «العمر» بأعوام دهره ١/٨
وقصّرت بنا عن دهره «محمّد» ١٠/٢٩
دَهْرُهُمْ: إجعلنا ممّن ... دهرهم الزّفرة والأنين ١٩٠/٥
دَهْري: شربت مآءَ الرّماد آخر دهري ٤٩/١٧
الدَّهْرِ: والعزّ الباقي على مرّ الدّهور ٨٨/١
وتخيّرته من جميع الأزمنة والدّهور ١٤٢/٢٤
الحمدلله ... مقدّر الدّهور ١٩٩/٥

د.هـ.ش

مَدْهُوشاً: وإذا خرجت إليك مدهوشاً ١١٨/٤

د.هـ.ى

دَهاها: ونسيت ما في أختها دهاها ٢١٤/٦١ - ٢١٤/١٣٩
دَواهي: تكنّنا من دواهي المصيبات ١٩٥/٥
الدَّواهِي: أنا صاحب الدّواهي العظمىٰ ١١٦/٦٤
أَدْهىٰ: كيف وما بعد الموت أعظم وأدهى ٩٠/٢

د.ى.ن

يَدينُ: ويدين لك بإعتقاد التّسليم ١٠٩/٥
يَدينُونَ: يدينون «التابعين» بدينهم «الرسل» ١٤/٦
أَدينُكَ: أدينك باربّ بطاعتهم ١١٩/١٩

ألّلهمّ إنّي أدينك ياربّ بطاعتك ١١٩/١٦
دَيْناً: لادیناً إلاّ قضیته ١٤٣/٤٧
وهب لي العافية من دينٍ تخلق به وجهي ٧٩/١
أسألك ان ... لادیناً إلاّ قضیته ١٢٢/٨
الدَّينَ: واقض عنّي الدَّين والظّلامات ١١٦/١١٣
ألّلهمّ إنّي ... أعوذبك ... من مذّلة الدّين ١٣٥/١١
ألّلهمّ إنّي أعوذبك من ... غلبة الدَّين ١٣٨/٩
أعوذبك ياربّ من ... شغل الدّين وسهره ٧٩/١
وأعوذبك ياربّ من همّ الدّين وفكره ٧٩/١
دَيْني: ألّلهمّ إنّي أسألك أن تقضي عنّي دیني ١٢٧/٦
وتقضي عنّي دیني ١٣٤/٧
واقض دیني وطهّر قلبي ١٣٣/٧
أن تجعل القرآن ... وقضاء دیني ٢٢/٤٠
وتؤدّي عنّي أمانتي ودیني ١١٧/٤٢
دَيّانَ: یادَيّان یوم الدّين ٢٣٩/١٠
وأباد بقوّته كلّ دیّانٍ ٢١٤/٩٦
الدَّيّانُ: وأنت المتفضّل المنّان القائم الدّيّان ٢١٤/٧٣
الدِيانَةِ: ینفسّحون تحت أعباء الدیانة ٢١٩/٤٣
والشجرة النبويّة إخلاص الدیانة ٢١٩/٤٢
دينٍ: متى وقفنا بين نقصين في دين أو دنيا ٣٠/٢
على أحدٍ من خلقك في دينٍ أو دنيا ٥٩/١٣
أرسله بالهدى ودينِ الحقّ (قرآن) ١٢٣/٧
وعلى‌بن محمّد ... الدّاعي إلى دينك ودين نبيّك ٤٢/١٢
وتوفّني ... على دين محمّدٍ وسنّته ١٢٣/١٤
الدِّينَ: أشهد أنّ الدّين كما شرع ٢٥٢/٢٨ ـ ٢٥١/٣٦
وأدخلنا في شفاعته يوم الدّين ١٩٩/٦٤
ألّلهمّ أعطني ... السّلامة في الدّين ١١٦/١١١
ودين الحقّ ليظهره على الدّين كلّه (قرآن) ١٢٣/٧
وصلّ على التّابعين من يومنا هذا إلى يوم الدّين ١٤/٧
یاموتّر الدّنيا على الدّين ٢١٤/١٤٧
یاناصر المظلومين ویامالك يوم الدّين ١٤٣/١٧
بعد مفارقتها أئمّة الدّين ٢١٩/٤٢
أسألك ... أن تجيرني من النّار في يوم الدّين ١٣٥/٩
واستمهلك إلى يوم الدّين لاضلالي فأمهلته ٨٨/٦
والسّلامة والعافية في الدّين والدّنيا والآخرة ١٢٩/٧
لإكراه في الدّين (قرآن) ١٨/٤
وافعل بنا ما أنت أهله في الدّين والدّنيا والآخرة ١٣/٣
یادَيّان يوم الدّين ٢٣٩/١٠
صلّ على محمّد وآل محمّد يوم الدّين ١٤٣/٥٣
أسألك العفو والعافية والمعافاة في الدّين ١٤٣/٤٤
هب لي سيّدى عفوك في موقفي يوم الدّين ٢٤٥/٨
یامالك يوم الدّين ١٨١/٢
تجعلني في حفظك في الدّين والدُّنيا والآخرة ٤٢/٢٢
تنضّر بها وجهه في موقف السّاعة يوم الدّين ١٠/٧
داخلاً فيما يؤيّده الدّين وبعصمه ١٩٩/١٩٠
دِينُهُ: ... حتّى إستفاض دينه «محمّد» ١٠/٢١
دِينِكَ: حكم في عبادك غير المأمونين على دينك ٧٠/٥
وما لم يكن تأليباً على دينك ١٠/٢٥
وجعلتهم ... حفظة دينك ١٤٧/٥٧
وأحى به ما أماته الظّالمون من معالم دينك ١٤٧/٦٥
ألّلهمّ إنّك أبّدت دينك في كلّ أوان ١٤٧/٦١
وجعفربن محمّد ... ووليّ دينك ٤٢/٨
واشرَحْ لمراشد دينك قلبي ٦١/٥
الظّلمة ... شرعوا غير دينك ١١٩/١
من دينك مخافة أحد من خلقك ١٧١/٧
وتولّى «محمّد» من المحاماة عن دينك ١٠/١٦
من كثّرت في إعزاز دينك من مظلومهم ١٤/٤
وهاجر «محمّد» ... لإعزاز دينك ٩/٣
وقطع في إحيآء دينك رحمه «محمّد» ٩/٢
والنّكّ في دينك والعمى عن سبيلك ١١٥/١٨
ودينك منقوص ومالك وافر ٢١٤/٧٢ ـ ٢١٤/١٥١
وأكرمتني بمعرفة دينك ٢٤١/٦
ألّلهمّ ثبّتني على دينك ما أحييتني ٢٤٦/٥
ولابخروج عن دينك ١٦٥/٢
ألّلهمّ أعطني بصيرة في دينك ١١٦/١٢٤
وعلىّ‌بن محمّد... الدّاعي إلى دينك ودين نبيّك ٤٢/١٢
وثبّت قلبي على دينك وطاعتك ١٣٣/١١
وابرأ قلبي من ... السّمعة فى دينك ١١٦/١٢٣
من أتباع سنّتك ليكون دينك الأعلى ٦٧/١٦
ألّلهمّ إنّهم «الظّلمة» إتّخذوا دينك دغلاً ١١٩/٦
ديني: ممّا فيه صلاح ديني ودنياى وآخرتى ١٤٩/٦٥
أعيذ نفسي وديني وأهلي ٢٢/٢٤
وامنن علىّ بـ... السّلامة في ديني وبدني ٦١/٣
ألّلهمّ بك أعيذ نفسي وديني ٢٢/٤
وأصلح لي ديني الّذى هو عصمة أمرى ١٤١/١٩
وخلّصني ... من أمر ديني ودنياي ١٤٨/٢١
ألّلهمّ سلّمني وسلّم لي ديني ١٣٥/١٤
وإن كنت تعلم إنّه شرّ لي في ديني ودنياى ٩٤/١
فإن كنت تعلم أنّه خير لي في ديني ودنياى ٩٤/١
ألّلهمّ إنّي أستودعك ... ديني ... ١٣٩/٩

وأعوذبك ياربّ على نفسي وولدي ودِيني ١١٦/١٢٨
أللّهمّ أصلح لي ديني فانّه عصمة أمري ٢٤٠/٤
إن كان كذا وكذا شرّاً لي في ديني ودنياى ٩٣/٢
أللّهمّ إن كان كذا وكذا خيراً لي في ديني ٩٣/١
ما أهمّني من أمر ديني ودنياى ٢٣٣/٦ ـ ١٦٥/٦
وتمام النّعمة عليّ في ديني ٢٤٨/١٠
إجعل حبّى ونصرتي ودينى فيهم ولهم ٢٤٨/٦
وتمنحنى السّلامة في ديني ونفسي ٢٥٣/٥
ورغبت عن سنّتك لفساد ديني ٢٥٧/١٠
دِينِنا: تجاوز عن ... أهل ديننا جميعاً ١٤٢/٦٢
لِدِينِ: فمن التمسك لدين أو دنيا وجدك ١٤٧/٢٤
لِدِينِهِ: ارتضاهُ لنفسه وانتجبه لدينه ١٢٣/٨
الحمدلله الّذى هدانا لدينه ١٤٣/١٤
بِدِينِهِ: الحمدلله الّذى حبانا بدينه ١١٥/٢
بِدِينِهِمْ: يدينون «التابعين» بدينهم «الرسل» ١٤/٦
بِدِينِكَ: فكم ترفع بدينك دنياك ٢١٤/٦٩
لِدِينِكَ: واجعله اللّهمّ الّذى تنتصر به لدينك ١٤٩/٦٩
فجعلته ممّن هديته لدينك ١٤٧/٧٢
واجعلني ممّن تنتصر به لدينك ١٢٨/٤
هديتنا لدينك الّذى اصطفيت ١٤٢/٢٣
بِالدِّينِ: ياراقع الدّنيا بالدّين ٢١٤/٦٩
أَدْيانِهِمْ: المحفوظين في أنفسهم وأديانهم ١٢٧/٥
إلهى ... وأصحّ لي أبدانهم وأديانهم وأخلاقهم ٦٤/١
أَدْيانِنا: في أديانا وأبداننا وأنفسنا وأهلينا ١٤٣/٣٢

حرف الذال

ذ.ب.ب

ذُبَّنِي: ذبّنى عن التماس ما عند الفاسقين ١٤٧/١١٥
الذِّئْبِ: لاطمعت في الذّئب عنه العساكر ٢١٤/٩٥ـ٢١٤/٢٠
وتولّى «محمّد» من ... الذّئب ١٠/١٦
الذِّئْبُ: وملجأى والحافظ لي والذّائب عنّى ١٧٣/٥
والذّائبُ عنّى المتحنّن عليّ ١٧٢/٤
إلهى وسيّدى والذّائبُ عنّى ٤٢/٢٦

ذ.ب.ح

ذَبِيحَتِهِ: وبحقّ إسمٰعيل وذبيحته ١٨٠/٢

ذ.خ.ر

فَاذْخَرْهُ: فاذخره «متاع الدّنيا» لي في ٧٩/٥
إِدَّخَرْتَ: وصوّر في قلبي مثال ما ادّخرت ٤٤/١٣
ذُخْراً: أجراً وذخراً وفضلاً وإحساناً ٢٩/٩
وياذخر المعدمين ١٩٢/٥
الذُّخْرِ: أللّهمّ خصّنا كريم الذّخر ٢٣٤/٢
ونعتاض به من أنواع الذّخر المحروص عليه ١٤٢/٥٠
ذُخْرِي: وياذخرى وظهري وعدّتى ١٤٩/٥٤
سيّدى أنت ... ذخرى لكلّ ملمّة ١٩٩/١٦١
ذَخِيرَةِ: ذخيرة كرامة توصلها إليه ١٠/١٩
الذَّخائِرُ: مبادرة تهوي إليه الذّخائِرُ ٢١٤/٩٣ـ٢١٤/١٨
وجمع فيها الأموال والذّخائِرِ ٢١٤/٩٢
وجمع الأعلاق والذّخائر ٢١٤/١٧
بِذَخائِرِ: فقد أو صلته بذخائر ما أعددته ١٩٩/١٠٢
مَذْخُورَ: فأوجب لنا بالإسلام مذخور هباتك ١٩٩/١١٣
واجعل ذٰلك مقبولاً مشكوراً ... مذخوراً ٦١/٤

ذ.ر.ء

ذَرَأَ: أعوذبك من شرّ ما ذرأ في الأرض ١٥٣/٢٩
فختم بنا على جميع من ذرأ ٩/١
ذَرَأْتَ: وجميع ما ذرأت وبرأت منهنّ ٢٣٤/٧
تجتمع على صلاة كلّ من ذرأت ١٤٧/٥٤
ذَرَأْتَهُ: شرّ كلّ من ذرأته وبرأته ٢٤٩/٢٥
ذَرَأْنا: ولقد ذرأنا لِجَهنَّم كثيراً من الجنّ (قرآن) ١٥٩/٧
ذِرْءَ: أللّهمّ وكما أكثرت ذرء أمّته «محمّد» ١٠/٢١

ذ.ر.ر

ذَرَّةٍ: ممّا يزيد في ملكك مثقال ذرّةٍ ١٦٢/٧
سبحانك تعلم وزن الرّيح كم هى من مثقال ذرّةٍ ٤/٢٠
الذَّرَّةِ: إلاّ بمنزلة الذّرّة في ملكك ٢٥٧/٢١
وأنا ... مثل الذرّة أو دونها ١٤٧/٨٠
ذُرِّيَّتِهِ: المعصومين من ذرّيّة الحسين ١١٩/١٧
ذُرِّيَّتِهِ: أعف عن الولد العصاة لك من ذرّيّته ٢٠١/٤٥
وبحقّ إسحٰق وذرّيته ١٨٠/٣
وعصاك خلق من ذرّيّته «آدم» ٢٠١/٤٥
صلّ على محمّد وآله وذرّيّته ٦٣/١٣
ذُرِّيَّتَهُمْ: أللّهمّ ألحق أهل بيت نبيّك وذرّيّتهم ٤٢/١٧
ذُرِّيَّتِي: أللّهمّ... وأعِذْنى وذُرّيّتى من ٦٤/٦
وأعِذْنى وذُرّيّتي منَ الشّيطانِ الرّجيم ٦١/٦
ومالى وإخواني وذُرّيّتي ١١٧/٢١

ذُرِّيّاتِهِمْ: واطمس على أموالهم وذرّيّاتِهِمْ ٢٢٣/٦
وصلّ ... على أزواجهم وعلى ذرّيّاتهم ١٤/٧
السّلام... على... الصالحين من ذرّيّاتهم ١٢٢/١١
ذُرِّيّاتِنا: ربّنا هب لنا من أزواجنا وذرّيّاتنا (قرآن) ٨٣/١٦

ذ.ر.ع

ذَرْعاً: فقد ضقت لما نزل بي باربّ ذرعاً ٢٤/٦
وضاق ذرعاً بمارآه ٢١٤/١٣٣
وضقت ذرعاً بإحصائها «المنّة» ١٩٩/٦٩
وضقت ذرعاً في شكري لك بجزآئها ١٩٩/١٤٧-١٩٧/٣٥
الذَّرَاعَةَ: والشفاعة والذراعة والفضيلة ١٤٣/٢٤
ذَرِيعَةٍ: ذريعة المؤمنين إلى رضوانك ١٠/١
واجعل ذٰلك ذريعةً إلى الرّضا بما قضيت لنا ٩٢/١
وذريعةً نقدم بها على نعيم ١٠٩/٩
حمداً يكون ... ذريعةً إلى مغفرته ١/٢٩
وصلة إلى قربك وذريعةً إلى جنّتك ٧٩/٦
إلهي ليس ... لي ذريعةٌ إليك إلاّ عوارف رحمتك ١٩١/١
الذَّرِيعَةَ: وجعلته الذريعة إلى رضوانك ١٤٧/٦١
ذَرِيعَتي: ذريعتي أنّي لم أشرك بك شيئاً ١٥٣/٢-١٥٢/٢
الذَّرَاعَيْنِ: بمديته بادى الذّراعين حاسر ٢١٤/١٣٧
ذِراعَيْهِ: إرحم من ... حسر عن ذراعيه ١٩٩/٤٧
لِلذِراعَيْنِ: بمديت بادٍ للذراعين حاسر ٢١٤/٥٩

ذ.ر.و

تَذْري: وتفيض مآئها وتذرى ١٩٩/١٤٤
ذِرْوَتِها: كرامة تنزله «محمّد» شرف ذروتها ١٠/١٣
الذّارِياتِ: باربّ الرياح الذّاريات ١٣٧/٦
الْمُسْتَذْري: تب على عبدك... المستذرى بظلّك ١٦/٧
ذَراكَ: وأظلّني في ذراك وجلّلني رضاك ٥٥/٣١

ذ.ق.ن

الْأَذْقانِ: النّواكس الأذقان الّذين قد طالت ١٢/٨

ذ.ع.ر

ذٰاعِرُ: وشيب القذال منذ ذلك ذاعر ٢١٤/١١

ذ.ع.ف

ذُغافِ: وداف لها من ذعاف الموت كأساً ١٠٩/١٨
وكأس مرارات ذعافاً أذوقها ٢١٩/٦

ذ.ع.ن

أَذْعَنَ: إنّك ... مجازى من أذعن ١٩٩/١٩٦
أَذْعَنَتْ: وأذعنت أنّك مقدّرها ورازقها ١٩٩/١١

ذ.ك.ر

ذَكَرَ: ذكر الله محمّداً وآل محمّد بخير ٢٥١/٣٦ - ٢٥٢/٢٨
ذَكَرَهُ: الّذى لاينسى من ذكره ١٤٣/٢ - ٢٤٦/١
فَذَكَرُوكَ: فذكروك بمنّك وشكروك بفضلك ١٤٢/١٩
ذَكَرْتَ: إذا ذكرت ربّك في القرآن (قرآن) ٢٣/٤ - ٢٢/١٠
ذَكَرْتَهُ: أسألك بكلّ اسم ... ذكرته في كتابك ١٢٢/٥
ذَكَرْتُ: سيّدى إذا ذكرتُ رحمتك ضحك ١٩٩/١٠٣
وإذا ذكرت عقوبتك بكت لها جفون وسآئلى ١٩٩/١٠٣
ولولا ما ذكرت من شدّة التّفريط ١٩٩/١٠٨
إنتشرت عبراتى حين ذكرت خطيئاتي ١٩٧/٤٤
حين ذكرت خطاياى وعثراتى ١٩٩/١٤٤
أللّهمّ إنّى إن ذكرتُ الموت وَهَول المُطّلع ٨٢/٥
ما يصلحني في دنياى وآخرتي ما ذكرت منه ٦٤/١١
إذا ذكرت أياديك الّتى سلف ٢١٠/٢
ذَكَرْتُهُ: ذكرتُهُ أو نسيته هو باربّ ممّا قد ٥٩/٧
ذَكَرْتُكَ: سيّدى قد ذكرتك ١٩٩/١٤١
ذكرتك في خلال ذٰلك حتّى يكلّ لسانى ٤٩/١٧
ذَكَرْتُكَ: وذكرناك حتّى تكلّ السنتنا ٢١٣/٢
ذُكِرَ: أللّهمّ صلّ ... إذا ذكر الأبرار ٨٨/٢٣
لاٰيَذْكُرُكَ: ولايذكرك إلاّ عند وقوع جائحةٍ ٢٠٤/٦
يَذْكُرُوا: ويذكروا اسم الله (قرآن) ١٤٤/٢٣
لَمْ يَذْكُروا: انّ الظّلمة... لم يذكروا الآتك ١١٩/٣
تَذْكُرُ: أما تذكر حال من جمع وثمّر ٢١٤/١٤٨
أما تذكر ما أمامك من شدّة الحساب ٢١٤/١٤٨
لاتَذْكُرُني: ولاتذكرني بخطيئتي ١١٦/١٣٠
أَنْ تَذْكُرَنا: ووعدتنا عليه أن تذكرنا تشريفاً لنا ١٩٤/٦
أَذْكُر: أذكُرُ لك حاجتى ٢٤٩/١٠
ولست أَذكُرُ منها إلاّ قتيلاً أفنته ٢١٩/١٩
أذكُرَ ما أنعمت به عليّ من معرفتك ٢٤٩/١٨
أَذْكُرُكُمْ: فاذكروني أذكركم (قرآن) ١٩٤/٥
فقلت أذكرونى أذكركم (قرآن) ١٤٢/١٥
أَذْكُرُني: أللّهمّ اذكرني وجميع ١٣٩/١٠
فَاذْكُرْهُمْ: فاذكرهم منك بمغفرة ورضوان ١٤/٢
أُذْكُروا: ياأيّها الّذين آمنوا اذكروا الله (قرآن) ١٩٤/٥
أُذْكُرُوني: فقلت أذكروني أذكركم (قرآن) ١٤٢/١٥
فَأَذْكُرُوني: فاذكروني أذكركم (قرآن) ١٩٤/٥
ذَكَّرْتَ: وذكّرت فتناسينا ٨٧/٦
فَذَكِّرْني: بذكرك فذكّرْنى ١٥٣/١٩

تَذَكَّرْتُ: تذكّرت مراتب الفهم ٢١٩/٢٩
أَنْ يَذَّكَّرَ: لمن أراد أن يذّكّر أو أراد شكوراً (قرآن) ١٣٢/٣
أَفَلا تَذَكَّرُونَ: من بعد الله أفلا تذكّرون (قرآن) ٢٢/١٣
أَتَذَكَّرُ: حتّى متى أتذكّر حلاوة مذاق الدُّنيا ٢١٩/٣٦
أتذكّر معارف الدُّنيا وفراق الأحبّة ٢١٩/٣٦
مولاي يامولاي أيّ الأهوال أتذكّر ٩٠/٢
أَتَذَكَّرُها: لقنطت عندما أتذكّرها ١١٦/٦٩
ذِكْراً: آمنوا اذكروا الله ذكراً كثيراً (قرآن) ١٩٤/١٥
واجعل سلامة قلوبنا في ذكرِ عظمتك ٨/٢٦
وأنسهم عند لقائهم العدوّ ذكرَ دنياهم ٦٧/٤
واجعل سلامة قلوبنا في ذكرِ عظمتك ١٥/١٦
عد إلى ذكرِ المنقول إلى دار البلىٰ ٢١٤/١٣٩
وإنّ ذكر عوائدك يؤنسني ١٧٢/٣
أجزل لنا به ذكراً ١٤٣/٣٩
يامن إلى ذكرِ إحسانه يفزع المضطرّون ٤٩/١
وإذا تلونا ذكرَ عقوبتك جددنا في طاعتك ١٩٩/١١٧
وذهلت فطنتي عن ذكرِ فضلها «المنّة» ١٩٩/٦٩
أللّهمّ إنّي أسألك ... ذكرَ المخبتين ١٣٩/٥
إلهي ... شغلني عن ذكرِ محامدك ترادف عوائدك ١٨٧/١
وأنسه ذكرَ الأهل والولد ٦٧/١٧
عُد إلى ذكرِ المنقول إلى الثرىٰ ٢١٤/٦١
وفي ذكر هول الموت والقبر والبلىٰ ٢١٤/١٠
أو أقدر على ذكر ذُنوبي ٤٩/١٥
فرسموا ذكرَ هيبتك في قلوبهم ٢٠٠/٣١
وأكثر ما أكونه لك ذكراً ٢٠٤/٤
واشغل قلوبنا بذكرك عن كلّ ذكرٍ ٣٣/٢
.. خالية من ذكرِ سيّئاتنا ... ٣٣/٣
أي ربِّ، ذِكرُ عَوائدك يؤنسني ١٧٣/٤
واجعل لي ... ذكراً ناميا في الآخرين ١٤٧/١٠٩
إلهي ذكرُ عوائدك يؤنسني ٤٢/٢٦
من التمنّي والتظنّي والحسد ذكراً لعظمتك ٥٥/٢١
الذِّكْرِ: وسهوت عند الذّكرِ ١٦٤/١٢
ص والقرآن ذي الذّكرِ (قرآن) ١٤٤/١٠
فأنبه الذّكرُ رقاد قلوبهم ٢٠٠/٣٣
جالت في مجالس الذّكرِ رطوبة ألسنة الذّاكرين ٢٠٠/٣٤
علّقها من أركان عرشك بأطناب الذّكرِ ٢٠٠/٣٧
وأخالف من اغنا بنى إلى حسن الذّكرِ ٥٥/١٤
فأحقّ ما أقدّم إليك قبل الذّكر لحاجتي ٢٤٩/١٥
لاأبلغ ما أنت أهله من... الذّكر لآلائك ٢٤٩/١٦
ذِكْرَهُ: ومن أوهمنا ذكره ولم نعلم مكانه منك ١٢/١٣
واجعل فكره وذكره ... فيك ولك ٦٧/١٨
يامن ذكرُهُ شرف للذّاكرين ٣٣/١
فيامن ... بالغافلين عن ذكرِهِ رحيم رؤوفٌ ١٨٩/٥
ذِكْرَهُما: أللّهمّ لاتنسنى ذكرهما في ٦٣/١٤
ذِكْرِها: أستحيى من ذكرها ٢٤٩/٩
ذِكْرِكَ: ومن أعظم النّعم علينا جريان ذكرك ١٩٤/١
إلهى فألهمنا ذكرَكَ في الخلاّء والملأ ١٩٤/٢
اجعل ... ذكرِكَ باللّيل والنّهار ٢٥٢/١٣
ولاتنسنى ذكرَكَ ١٤٧/٩٦
وذكرُكَ أحسن وجارك أمنح ٢٥٧/٨
وإجعل ما اعتقدته من ذكرِكَ ١٩٩/١٨٩
ولاقول أعيده وأبديه في ذكرك ١٩٩/١٨١
وأعوذبك من ... نسيان ذكرك ١٣٩/١٤
ذكرَكَ وشكرك ١٤١/٧
ذِكرُكَ شعاري ١٣٩/١٥
وارزقني فيها ذكرَكَ ١١٧/٣٢
ولاتنسنى شيئاً من ذكرِكَ ١٧٦/٢
أللّهمّ خصّنى بخاصّة ذكرِك ١١٦/١٠٩
أللّهمّ ... ارزقني شكرك وذكرَك ... ١٣٧/٤
الظّلمة ... قست قلوبهم عن ذكرِك ١١٩/٣
وارزقني برد عفوك وحلاوة ذكرك ١١٤/١١
تعالى ذكرُك عن المذكورين ١٠١/١٢
وأستغفرك من كلّ لذّة بغير ذكرِك ١٩٤/٤
وحلفك لي عليه همّاً أنسانى ذكرَك في نهاري ٧٧/٨
هدت إلى ذكرِك وإن لم تبلغ ٢٠٠/٣٩
وينسى الجاهلون ذكرَك ٢٠٤/٥
وأنطق بِحَمْدِكَ وشُكْرِكَ وذكرِك ٦١/٥
فإذا أوحشتني الغربة آنسنى ذكرُكَ ٢٥١/٥٨
وارزقني هذه الليلة شكرك وذكرَك ١٢٩/١٠
فاجعلنا ممّن ... ألهمته ذكرَك ١٩٠/٤
ولاينسىٰ قلبي ذكرَك ٢٠١/١١
واجعل ... ذكرَك ... على لسانى ٢٥١/٢١
تصمّ أسماعاً تلذذت بسماع ذكرِك في إرادتك ١٨٤/٥
ذِكْري: آه وانفساه إذا انقطع ذكرى ١٩٨/٥٢
إرحمني إذا ... درس ذكرى ١٩٩/٧٤
أللّهمّ تقبّل منّى وأعل ذكرى ١١٦/١٣٠
لنزّهتك من ذكرى إيّاك ١٩٤/١
على أنّ ذكرى لك بقدرى لابقدرك ١٩٤/١
وامّحىٰ من المخلوقين ذكري ١٦٧/٤
وتصمّ عن ذكرى سمعه «المريد بالسوء علىّ» ٦١/٨

أللّهمّ ... واحى بهم «ولدى» ذكري ٦٤/٣
ذِكْرَنا: ولاتجعل ذكرنا له غِبّاً ١٠٣/٢
أحضره ذكرنا عند طلبته إليك في أمّته ١٠/٣١
بِذِكْرِ: المستهترون بذكر آلائك ١٢/٨
إلهي ليتني لم أسمع بذكر جهنّم ٢٠٦/٥
بِذِكْرِكَ: وناسكٍ أفنى بذكرك ليله فأحظيته ٢٠٢/٣
وأفنى بذكرك ليلة فأحظيته ٢٠٢/٥
فاجعل نفسي ... مولعة بذكرك ٢٥٥/٣
فأمرتنا بذكرك ١٩٤/٦
أطلقت لساني بذكرك رحمة لي منك ١٤٨/٢٠
أللّهمّ بذكرك أستعيذ وأعتصم ١٩٩/٢
أللّهمّ بذكرك أستفتح مقالي ١٩٩/١
إلهي ما ألذّ خواطر الإلهام بذكرك ١٩٣/٥
بذكرك فذكّرْني ١٥٣/١٩
يامولاي بذكرك عاش قلبي ١١٦/٨٥
أللّهمّ أشغِلنا بذكرك ١١٦/٤٤
واشغل قلوبنا بذكرك عن كلّ ذكر ٣٣/٢
واشغله بذكرك وانعشه بخوفك ٥٧/١٠
وأطلق لساني بذكرك ٢٥٢/٣٨
واحبس لساني بذكرك عن النّطق بما لايرضيك ٢٥١/٩
لِذِكْرِكَ: ونبّهني لذكرك في أوقات الغفلة ٥٥/٤١
لاتجعلني ناسياً لذكرك فيما أوليتني ٥٧/٧ - ١٢٦/٣
بِالذِّكْرِ: بالذّكر الّذى ألهمتنيه ١٩٩/١٤١
إشتغلوا بالذّكر عن الشّهوات ٢٠٠/٣٤
وآنسنا بالذّكر الخفيّ ١٩٤/٢
تَذْكِيراً: تذكيراً لمحوِ الحوبة بقديم النّعمة ٤٦/٣
بِتَذْكِيرِكَ: ثمّ انتبهت بتذكيرك لي من غفلتي ٣٩/٧
تَذَكُّراً: أللّهمّ ارزقنا ... يقيناً وتذكّراً ٢٠٠/٢٠
بِتَذَكُّرِ: بتذكّر قلب جريح ٢١٩/٢٩
ذَاكِرُ: بعدّد منه كلّ ما هو ذاكِرٌ ٢١٤/١٢٣
فأنجز لنا ما وعدتنا ياذاكِرَ الذّاكرين ١٩٤/٦
يعدّد منه خير ما هو ذاكر ٢١٤/٤٧
ذَاكِرِي: كيف أنساك ولم تزل ذاكرى ١٨٥/٤
ذَاكِرِينَ: وللإخلاص مخلصين ولك ذاكرين ٢٠٦/١٨
الذَّاكِرِينَ: فأنجز لنا ما وعدتنا ياذكر الذّاكرين ١٩٤/٦
أللّهمّ إنّي أسألك ... تفكّر الذّاكرين ١٣٩/٥
جالت في مجالس الذّكر رطوبة ألسنة الذّاكرين ٢٠٠/٣٤
ذَاكِرُوكَ: وها نحن ذاكروك كما أمرتنا ١٩٤/٦
لِلذَّاكِرِينَ: يامن ذكره شرف للذّاكرين ٣٣/١
ذَاكِرَةً: فاجعل نفسي ... ذاكرة لسوابغ آلآئك ٢٥٥/٣
مَذْكُوراً: واجعل ذلك ... مذكوراً لديك ٦١/٤
الْمَذْكُورِ: الحمدلله المذكور في كلّ لسان ١٩٩/٥
المَذْكُورِينَ: تعالى ذكرُكَ عن المذكورين ١٠١/١٢
ذَكِرْنا: أللّهمّ اغفر لـ... ذكرنا وأنثانا ١١٦/٤٩
ذُكُوراً: وهب لي من لدنك معهم أولاداً ذكوراً ٦٤/٥
بِذِكْرَاكَ: فلا تطمئنّ القلوب إلاّ بذكراك ١٩٤/٣

ذ.ك.و

بِذُكَاءَ: ولمن استصبح بذكآء زنده «محمّد»مستنيراً ١٠/٨

ذ.ل.ل

ذَلَّ: وذلّ لعزّتك كلّ شيءٍ ١٤٩/٦
فيامن ذلّ لعظمته العظماء ٢٤٣/٥
الّذى ذلّ لعزّه كلّ سلطان ٢١٤/٩٦
وذلّ كلّ شيء لملكه وهيبته ١٤٣/٤
فَذَلُّوا: من أناس طلبوا العزّ بغيرك فذلّوا ٧٤/٢
ذَلَّتْ: ذلّت لقدرتك الصّعاب ٢٤/٢
لاَيَذِلُّ: انّهُ لايَذِلُّ من والَيتَ ولايعزُّ من عادَيتَ ٨٣/٩
ولايذلّ من واليت ١٤٩/٢٩
لاتَذِلُّ: أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... عزيزٌ لاتذلّ ١٣٠/٥
لاأَذِلَّنَّ: أللّهمّ ولاأذلّنّ على التّعزّز بك ٢٤٩/٥
أَنْ نَذِلَّ: وإنّا نعوذ بك أن نَذِلَّ ونخزىٰ ٨٣/١٠
لايُذَلُّ: ولايذلّ استكباره ١٤٩/١٧
أَذَلَّ: وأذلّ العظمآء بعزّه ١٤٩/١٤
أَذَلَّنِي: والفقر قد أذلّني ٢٥٧/٢٩ - ٣٥/٦
أَذْلَلْتَ: الذّليل من أذللت ٢٤٥/٥
أَذْلَلْتَنِي: إن رددتني إلى سؤال غيرك أذللتني ٢١٢/٣
لَمْ يُذْلِلْنِي: ولم يذللني الفقر فأعرف لذّة الغنى ٣٥/٢
لَمْ يُذِلَّنِيْ: ولم يذلّني الفقر فأعرف فضل الغنى ٢٥٧/٢٤
تَذِلَّ: وتذّل رقبَتُهُ «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٨
وتذّل عزّه «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٨
تُذِلُّها: كيف تذلّها بمهانة هجرانك ١٨٤/٧
لاتُذِلَّ: أللّهمّ... ولاتذلّ نفساً هى عزيزة ٣١/١
وإنّك ... لاتذلّ من واليت ١٩٩/١٦٣
ذَلَّلَ: وذلّل لك نفسه ١٦٤/٢
ذَلَّلْتَ: وذلّلت الجبابرة بالفقر والفناء ٢٤١/٣
ذَلَّلْ: وذلّل به «وليعصر» الجبابرة ١١٩/٢٩
ذلّل لي صعوبته «أمرى» ٢٢/٤٤
ذَلَّلْهُ: وذلّله بالرغبة فيما عندك أيّام حياتي كلّها ٥٧/١٠
ذَلَّلْنِي: وذلّلني بين يديك ١٤٧/١٠٠
ذلّلني بإعطاء النّصف من نفسي ١٢٥/٥

وذلّلني بين يديك وأعزّني عند خلقك ١٤٧/١٠٠
فَذَلِّلْنِيْ: ولك ياربّ في نفسي فذلّلني ٢٥٢/١٥-٢٥١/٢٣
وللمؤمنين فذلّلني ١٢٨/٦
ذُلَّ: في موقف العرض عليك ذلّ مقامنا ١٠٩/٢٠
وألجأته ذنوبه إلى ذلّ مقامه ١٦٤/٤
آه واخطيئتاه أخلق وجهي ذُلُّ الخطايا ١٩٨/٦٨
أشتكي ذلَّ ملكة الدُّنيا ٢١٩/٥
وذلّ مقامي ومجلسي ١٦٤/٦
أللّهمّ وقد تراني ووقوفي وذلّ مقامي بين يديك ٨٢/٤
وإذا نشرت للحساب بين يديك ذلّ موقفي ١١٦/٩٥
وإستنقذني من ذلّ مقام الكاذبين ١٩٩/١٦١
فاجعله ... عزّاً لنا لاذلاً علينا ٢٠٠/٢٢
الذُّلِّ: ولم يكن له وليّ من الذّلّ (فرآن) ١٤١/٢٢
لم يكن له وليٌّ من الذُّلِّ وكبّرْهُ تكبيراً (فرآن) ٤٧/٢-٢٢/١١
من... المعزّين من الذّلّ بك ٦٤/١٣
أعذني ... من الذّلّ والعناء ١٤٧/١٠١
فارعنا الذُّلّ والصّغار ٧٠/٥
ذُلّي: خاضعاً لك بإستكانة ذلّي ١٩٩/١٥٧
ياعزيز ارحم ذلّي ١٧٠/١
ذُلّنا: أن تصل ... ذلّنا بعزّك ٢٠٠/١٢
بِذُلِّهِ: وخاشع لك بذلّه ١٤٩/٤١
بِذُلّي: الخاضع لك بذلّي ١٤٩/٣٨
بِالذُّلِّ: ويتخشّع لمولاه بالذّلّ ١٤٩/٤٠
ذِلَّةً: ووجوهٌ يومئذٍ ... ترهقها قترة وذلّةٌ ١١٦/٨١
فهم ... خلفاء كآبة وذلّةٍ ٧٠/٦
ولاتحرث لي عزّاً ظاهراً إلاّ أحدثت لي ذلّةً ٥٥/٥
الذِّلَّةِ: أعوذبك من العيلة والذّلّة والمسكنة ١٣٨/١٠
وأعوذبك من القلّة والذِّلّة ١٥٣/٣٣
أللّهمّ إنّي أعوذبك من ... الذّلّة ١١٦/١٢٦
والذّلّة بين يديك ١١٥/٢٢
ذِلَّتِهِ: أستجير بك ياربّ من ذلّته «الدّين» ٧٩/٢
ذِلّتي: إلهي ... ذلّتي لايعزّها إلاّ سلطانك ١٩٢/١
ذِلّتَنا: وأعزز به «وليعصر»(عج) ذلّتنا ١١٩/٢٤
مَذَلَّةِ: أللّهمّ إنّي... أعوذبك... من مذلّة الدّين ١٣٥/١١
المَذَلَّةِ: يامن وضعت له الملوك نير المذلّة ١٦٣/٨
مَذَلّتي: إلهي ألبستني الخطايا ثوب مذلّتي ١٨٢/١
إذْلالِهِ: ... وانتقاص الباطل وإذلاله ... ٢١/١٣
تَذَلُّلاً: ساحف شعر رأسه تذلّلاً لك ٢٢٢/٢
وحقّ لمن دعاك بالنّدم تذلّلاً ١١٢/١
أنت متجاوزٌ عمّن عفّر لك وجهه تذلُّلاً ٢٩/٦

التَّذَلُّلِ: والتَّذَلُّلِ والإستكانة لك ١٤٧/٧٩
وتشرّفني بسعة فضلك عن التّذلّل لعبادك ٢٥١/٤
وهب له من خشوع التّذلّل ١٩٩/٣٩
مُذِلٌّ: يامذلّ كلّ جبّارٍ ١٤٩/٤٤
مُذَلِّلَ: ياكاشف الكرب ومذلّل كل صعب ١١٤/١٠
مُتَذَلِّلاً: وطأطأ رأسه لعزّتك متذلّلاً ٨٠/٥
المُتَذَلِّلينَ: سابق المتذلّلين بحلق رأسه ١١/٣
ذَليلٌ: تضرّع إليه عبد ذليل فرحمه ٨٠/٢٠
وافعل بي فعل عزيز تضرّع إليه عبد ذليل ٨١/٥
وها أنا ذا بين يديك صاغراً ذليلاً ١٤٧/٧٥
أبكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً ١١٦/٨٠
فها أنا ذا بين يديك خاضع ذليل راغم ١٦٢/٥
أنا بإسرافي على نفسي ذليل ١٦٦/٨
يامعزّ كلّ ذليلٍ ١٤٩/٤٤
وأنا عبد ذليلٌ ١٦/٣
فانقمع بعد استطالته ذليلاً ١٥٢/٨
فها أنا ذا بين يديك ذليلٌ، صاغرٌ ٢٠٥/١٥
الذَّليلَ: إلهي إرحم عبدك الذّليل ١٩٢/٩
وسألتك مسألة الحقير الذّليلِ ١٤٧/٨٠
واقفٌ بباب عزّك وقوف المستسلم الذّليل ٣٤/٣
بل أقول مقال العبد الذّليلِ ٣٤/٥
سجد وجهي الحقير الذّليلُ لوجهك ٢٥١/١٩ ـ ٢٥٢/١٢
أللّهمّ إنّي أسألك سؤال الخاضع الذّليلِ ١٧٠/٤
وهل يرحم الذّليل إلاّ العزيز؟! ١٦٨/٢
مولاي مولاي أنت العزيز وأنا الذّليلُ ١٦٨/٢
وأنا الذّليلُ الّذي أعززته ١١٦/٦٢
وأبتهل إليك إبتهال المذنب الذّليل ١٣٢/٧
فاني عبدك ... الذّليلُ الحقير المهين ٥٧/٦
الذّليلُ من أذللت ٢٤٥/٥
سجد وجهي الثيم الذّليل لوجهك الكريم ٢٥١/٢٠
الأَذِلّاءِ: قد أوقفت نفسي موقف الأذلاّء المذنبين ١٦٧/٢
وأقامني مقام الأذلاّء بين يديك ١٩٩/٨٩
مُذَلَّلاتٍ: من فوق سبع أرضين مذلّلات ١٩٩/٥١
أَذَلُّ: وأنا بعد أقلّ الأقلّين وأذلّ الأذلّين ١٤٧/٨٠
الأَذَلّينَ: وأنا بعد أقلّ الأقلّين وأذلّ الأذلّين ١٤٧/٨٠

ذ.م.م

ذَمَّ: ذمّ الغفول أهل العقول ٢١٩/٢٦
والحمدلله الّذي ذمّ على ما لوشاء ٦٠/١
ذَمُّوا: وذمُّوا كثيراً فبفضلك أللّهمّ فأغننى ٥٩/٤٣
ذَمَّ: قد أغرق في ذمّ الدُّنيا الأدلاّء ٢١٩/٣٣

قلباً ولساناً يتجاريان في ذمّ الدُّنيا ٢١٩/٢
بِذَمّ: وإن أسأنا فارقنا بذمّ ٢١/٨
وأبتلى بذمّ من منعني ٥٥/٣٨
ذَميم: لانسيان لما سبق من ذميم فعلى ٨١/٦ - ٨٠/٢٢
ولاذميم الملابسة ١٤٢/٤٠
الذِّمام: ولزمنا له الذّمام المحفوظ ١٤٢/٢٧
الذِّمّة: وحكم في أبشار المسلمين أهلُ الذّمّة ٧٠/٦
ذِمّتِكَ: وأمسيت في ذمّتك الّتي لاتخفر ٢٢/١٨
ذِمّتي: فاعرف اللّهمّ ذمّتي الّتي رجوت بها ٢٤٤/٣
فاعرف لها «أياديك» ذمّتي ١٩٧/٣٦
بِذِمّةِ: أللّهمّ إنّي بذمّة الإسلام أتوسّل إليك ٢٤٤/٣
بذمّة الإسلام أتوسّل إليك ١١٦/٧٠ - ١٩٩/١٤٩ - ١٩٧/٣٦
بِذِمّتِهِ: الّذي لايخفر من انتصر بذمّته ٩/٦
مَذْمُومِكَ: ضماني ألاّ أرجع في مذمومك ٨٠/١٢
الْمَذْمُومَةِ: وجنّبنابه«القرآن»الضرائب المذمومة ١٠٩/١٥

ذ.ن.ب

أَذْنَبْناهُ: من كلّ ذنب أذنبناه ١٤٢/٥٩
لَمْ يُذْنِبُوني: كأنّهم لم يذنبوني ٢٠١/٢٤
ذَنْبٍ: من كلّ ذنب أذنبناه ١٤٢/٥٩
توبة من لاينطوى على رجوع إلى ذنب ١٤٢/٦٠
لايتعاظمك ياسيّدى ذنبٌ أن تغفره ٢٥٧/٢٠
فكم لي ياربّ من ذنبٍ أنا فيه مغرور متحيّر ١٤٨/٢
تركتني كأنّي لاذنبَ لي ١٤٨/٤
أسألك أن لاتدع لي ذنباً إلاّ غفرته ١٢٢/٨
الّذى يزيدنى ذنباً إلى ذنبى ٢٤٠/٢
الّذى يحلم عنّى حتّى كأنّى لاذنبَ لي ١٢٠/٩
أللّهمّ لاتدع لي ... ذنباً إلاّ غفرته ١٤٣/٤٦
كم من ذنبٍ غطّيته عليّ فلم تشهرنى ٤٩/١١
فاجعله ذنباً تغفره ٩٩/٤
حتّى كأنّى لاذنب لي ١١٦/١٠
إلهى وسيّدى كم لي من ذنبٍ بعد ذنبٍ ١٣٥/٦
أو واقعنا فيه من ذنبٍ ١٤٢/٥٢
لايغفر ذنباً إلاّ لأهله ١٤٣/١٤
أو تغفر لي ذنباً ١٤٩/٤٢
لاتوقفنا بعدها «توبة» على ذنبٍ اجترحناه... ٣٣/٥
فلا يتعاظمك ذنبٌ تغفره لي ٢٠١/٤٨
فاغفرلي ماسترت من غبرك من ذنبٍ ١٢٨/٩
أستغفر الله من كلّ ذنبٍ ٢٠/٧
واغفرلي كلّ ذنبٍ حسبته هيّنا ١٤١/١٥
واغفرلى ذنبى وكلّ ذنبٍ سلف منّى ١٤١/١٥
الذَّنْبِ: إلهى لو عرفت اعتذاراً من الذّنب ١٩٧/٣١
عظم الذّنبُ من عبدك فليحسن العفو ٢٣١/١
إلهى لاسبيل لي إلى الإحتراس من الذّنبِ ٢٠١/٤٠
الّذى لايتعاظمه غفران الذّنب العظيم ٨٠/٧
استغفارى إيّاك مع الإصرار على الذّنب لؤم ٣٨/١
عالم بأنّ العفو عن الذّنب العظيم لايتعاظمك ٣٤/١٠
لما عصيتك وإلى الذّنب أعود ٢٠١/٢٠
وبك أحترز من الذّنب فاحفظني ١٩٧/٢٩
سيّدى لو عرفت اعتذاراً من الذّنب لأتيته ١٩٩/١٣٥
إن كان قبح الذّنبُ من عبدك ١٨٢/١٠
إلهى إن كان النّدم على الذّنبِ توبة ١٨٢/٧
أسألك ياغافر الذّنب الكبير ١٨٢/٤
ياغافر الذّنب ويا قابل التوب ١١٦/٢٦
تستر الذّنبَ بكرمك ١١٦/٢٤
وتعفو عن الذّنبِ كرماً ١١٦/٢٩
مضحك عن الذّنب الكبير ٢٥٧/١٩
فإنّه لايغفر الذّنبَ العظيم إلاّ العظيم ١٤٩/٤٨
ذَنْبِهِ: يامن... إذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبه ١٨٥/١
عائد في ذنبه وخطيئته ٨٠/١٦
أو مذنب خاطئٌ غفرت له ذَنبَهُ ٢٢٠/٧
أدعوك ياسيّدى بلسانٍ قد أخرسه ذنبُهُ ١١٦/١٨
ذَنْبي: وذنبى فيه «رمضان» مغفوراً ١١٧/١٤
أللّهمّ اغفرلي ذنبي وطيّب لي كسبى ١٢١/١٣
واغفر ذنبى وآمن خوف نفسي ٣٤/١٣
فرقّق باستغفارى إيّاك حجاب ذنبى ٢٥٦/١
أللّهمّ اغفرلي ذنبى ووسّع عليّ في رزقى ١٢١/٨
الّذى يزيدنى ذنباً إلى ذنبى ٢٤٠/٢
فهب لي ذنبي بالإعتراف ١٩٩/١٣٥ - ١٩٧/٣١
إلهى إن عرّضني ذنبى لعقابك ١٩٧/٢٦
لست أدرى بأىّ علاج أداوى ذنبى؟ ٢٠١/٢٨
إلهى وسيّدى ومولاى عظم ذنبى ٢١٢/٥
أن أكون لها مستوجباً لكبير ذنبى ٢٥٧/١٨
سيّدى إن كان ذنبى منك قد أخافني ١٩٩/١١٩
وكبر ذنبي إذ جاهرتك بإرتكابه ١٩٩/٨٥
آه واخطيئتاه كلّما زاد عمري زاد ذنبي ونما ١٩٨/٦٦
إلهى إن كان ذنبى قد أخافني ١٩٧/٣
وأسألك أن تغفرلي ذنبى وتحطّ عنّى وزرى ١٢٧/٩
أللّهمّ اغفرلي ذنبي ١٣٨/١١
فرّق بينى وبين ذنبى المانع لي من لزوم طاعتك ١١٦/٨٥
فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ١١٦/٢٣
فامنن عليّ بعفوك عن ذنبي ١٩٩/١٦٠
وعفوك عن ذنبى إذ رحمت ١٩٩/١٥٩

واغفرلي ذنبي وكلّ ذنب سلف منّي ١٤١/١٥
ياعظيماً يرجىٰ لكلّ عظيم إغفرلي ذنبي ١٤٩/٤٨
إن كان ذنبي قد عرّضني لعقابك ١٨٦/٢
لِذَنْبٍ: ولاآيس منه لذنبٍ عظيم ركبته ٢٥٧/٧
أجلبه لعفو وأمحاه لذنب ١٤٢/٥٤
لاتعرّض عنّي لذنبٍ ركبته ٣٦/٩
وأنا أفقرهم إليك لذنبٍ تغفره ٢٥٧/٩
بِذَنْبِهِ: وأسألك سؤال من يبوء بذنبه ١٧٠/٤
ما أنت صانع بمقرٍّ لك بذنبه ١٤٩/٤١
لِذَنْبِهِ: ولالذنبه غافراً غيرك ١٧١/٣
دعاء من لايجد لذنبه غافراً ١٤١/١٨
بِذَنْبي: مقرٌّ بذنبي معترف بخطيئتي ١٣٥/٧
أللّهمّ إنّي أصبح ... معترفاً بذنبي ١٦٦/٨
فها أنا ذا عبدك المقرّ بذنبي ١٤٩/٣٨
فأنا المقرّ بذنبي ١٦٧/٣
فقد جعلت الإعتراف إليك بذنبي وسائل عللى ١١٦/٩٣
وارحم صراخي واعترافي بذنبي وتضرّعي ١٤٩/٤٨
لِذَنْبي: لالذنبي غافر غيرك ٣٤/١٢
وإن لم يكن لذنبي عندك عذر تقبله ٩٩/٤
بِالذَّنْبِ: فقد جعلت الإعتراف بالذّنب ١٩٧/٦-١٩٩/١٢٠
لِلذَّنْبِ: الغافر للذّنب العظيم ١١٧/٤٠
ذُنُوبَ: واغفرلي ذنوب الليل والنّهار ٢٣٩/١١
إلهي سترت عليّ في الدُّنيا ذنوباً ولم تظهرها ٢٠١/٤١
وتب عليّ توبةً نصوحاً لاتبق معها ذنوباً ١٤٧/١٠٨
وكبائر ذنوبٍ اجترحتها ٨٨/١٠
أو قرتني نعماً وأوقرت نفسي ذنوباً ٢٤٩/٩
ربّ نفسي... رهين ذنوبٍ موبقة ٢٤٨/٩
وذنوبَ المستغفرين مغفورة ٢٥٥/٦
إلهي سترت عليّ ذنوباً ١٩٧/١٢
آه وانفساه إن غفرت ذنوب المجرمين ١٩٨/٦
سيّدي سترت عليّ في الدُّنيا ذنوباً ١٩٩/١٧٥
وقد هربت إليك من صغائر ذنوبٍ موبقة ٨٨/٦
بل أنا ياإلهي أكثر ذنوباً ٤٩/١٥
من ذنوبٍ أدبرت لذّاتها فذهبت ٨٠/٦
إن كنت ياإلهي اقترفت ذنوباً ٢٤١/٨
أللّهمّ إنَّ عندى أفواجاً من ذنوبٍ ١٥١/١
الذُّنُوبِ: وإلى من الفرار من الذّنوب ١١٦/٩٩
والوجل من الذُّنوب ٢٥١/١٥
فقد غرقتني الذُّنُوبُ ٢٠٥/١٧
عليه وأبكته الذُّنوبُ الكبائر ٢١٤/١١٦ - ٢١٤/٤٠
من ... والمعصومين من الذُّنوبِ ٦٤/١٣
إرفعني عن مصارع الذُّنوبِ ٨٠/٩
أللّهمّ وهذه رقبتي قد أرقّتها الذُّنوبُ ٤٩/١٦
إلهي لولا ما قرفت من الذُّنوبِ ما خفت عقابك ١٩٧/١٨
وجنّبني فيه «رمضان» ... الذُّنوبَ ١١٧/٦
بل لأنّك ياربّ ... غفّار الذُّنُوبِ ١١٦/٢٣
إنّا إليك راغبون ومن الذُّنوبِ تائبون ٩٥/٣
أرهقتني الذُّنوبُ ٢٤٧/٢
ربّ أعوذبك من... الفواحش والذُّنوبِ ١٥٣/٢٧
وقلّت فيه الذُّنوبُ ١٤٢/٣٣
وطهّرني من الذُّنوبِ كلّها ١١٦/١١٥
أعوذبك من موقفٍ... تسوءني فيه الذُّنوبُ ١٣٥/١٢
وقد ألجأتني الذُّنوبُ إلى التّشبّث ١٩٥/٢
سيّدى قد أصبت من الذُّنوبِ ما قد عرفت ١٩٩/١٣٦
ياربّاه أنا صاحب الذُّنوب والخطايا ١٩٨/٧٢
ياربّاه إرحم من عاد في الذُّنوب مرّة اخرى ١٩٨/٧٣
معترفاً بعظيم من الذُّنوب تحمّلته ١٤٧/٧
سيّدى لولا ما اقترفت من الذُّنوبِ ١٩٩/١٣٠
ترتجى منك محو الذُّنوب ٢٣٧/٧
وبقيت الذُّنوبُ على ظهرى ٢٠١/٢٩
قد أخلقت الذُّنوبُ وجهي ٢٠١/٢
قد بهت وتحيّرت من كثرة الذُّنوبِ ٢٠١/١
إنّه لايغفر الذُّنوبَ إلاّ أنت ١١٧/٤٠
ولاتؤاخذنى بما كسبت من الذُّنوبِ ١٩٩/٨١
يامن هو الإله ولايغفر الذُّنوب سواه ٢٣٨/٨
وإن أحاطت بي الذُّنوبُ ٢٣٧/٣
ولولا ما أتيته من الذُّنوبِ ما خفت عقابك ٢٥٦/٤
إلاّ أن تحجبهم الذُّنوبُ دونك ٢٥٦/١
باب ... الوجل من الذُّنوبِ ٢٥٢/٤٠
إلهي الذُّنوبُ صفاتنا والعفو صفاتك ٢٠١/٧
فإنّه لايغفر الذُّنوبَ العظيمة ٢٠١/١٥
هذا مقام من تداولته أيدى الذُّنوبِ ٨٠/٢
فإنّه لايغفر الذُّنوبَ إلاّ أنت ٨٩/٤
وأنا من أهل الذُّنوب والخطايا ٨٩/٤
واحصرني عن الذّنوبِ ٥٩/٥
أنا صاحب الذُّنوبِ الكثيرة الكبيرة ١٤٨/٧
أنا الّذى أفنت الذُّنوبُ عمره ٤٩/٥
بما تطهّرنا به من الذُّنوبِ ١١٥/١٥
قد أكثرت على نفسي من الذُّنوبِ والإساءة ١٤٨/٣
من الذُّنوبِ الّتى علمها في الغيوب ٦٠/١
إنَّ الله يغفر الذُّنوبَ جميعاً ١٦٢/٢
أنا الّذى لم أعقل عند الذُّنوبِ نهيك ١٤٨/١٠

والمحال بينهم وبين الذُّنوبِ بقدرتك ٦٤/١٤
بئس ما فعلت من كثرة الذُّنوبِ والعصيان ٢٠١/٢٦
وأنت غفّار الذُّنوب ٢٠١/٢٥
فأنا فعّال الذُّنوبِ ٢٠١/٢٥
إلهي ... ومن الّذى يغفر الذُّنوبَ ٢٠١/٢٥
إلهي من الّذي يفعل الذُّنوبَ ٢٠١/٢٥
من موبقات الذُّنوبِ الّتى قد أوبقتني ٢٤٩/١٧
ومن الذُّنوبِ والخطايا تآبين ٢٠٦/٢٠
وأنا مصرٌّ على الذُّنوبِ ٢٠١/٤
ذُنُوبِه: سؤال... المتنصّل عن سيّىء ذنوبه ٢٤٥/١
وتوسّل إليك من ذنوبه كلّها فغفرتها له ٢٣٤/٤
الّذى عظمت ذنوبُهُ فجلّت ٣٤/٥
وضعفت قوّته وكثرت ذنوبُهُ ١٧١/٣
وألجأته ذنوبُهُ إلى ذلّ مقامه ١٦٤/٤
واتّقى ذنوبَهُ حقّ تقاتها ١٤٢/٥٦
فأسألك ... سؤال من استكثر ذنوبَهُ ١٦٦/١٠
وأجزلت حبآءه وغفرت ذنوبه ١٤٩/٥٥
أبتهل إليك إبتهال تائب من ذنوبِهِ ٢٤٣/١
مسألة من ... غمرته ذنوبُهُ ١٣٢/٨
وعدّد من ذنوبِهِ ما أنت أحصى لها خشوعاً ٨٠/٥
الواقف بين يديك وقد بهظته ذنوبُهُ ١٦/٧
وكثرت ذنوبُهُ لديك ١٤١/١٧
ذُنُوبِهِمْ: وتهيّئ من أناتهم واغتفار ذنوبهم لهم ١٦/٩
المغفور ذُنوبُهُمْ ١١٧/٤٢
ذُنُوبي: تجاوز عن ذنوبي فقد أوبقتني ٢٤٧/١٠
إلهي وسيّدى إليك فررت من ذنوبي فآونى ١٤١/١٣
من كبائر ذنوبي وصغائرها ٨٠/١١
أو أقدر على ذكر ذنوبي ٤٩/١٥
أقامتني باربّ ذنوبي مقام الخزى بفنائك ٨١/٤ ـ ٨٠/١٩
مغفرةً تؤمننى بها من ذنوبي ١٣٢/١١
وذنوبى مغفورةً باربّ العالمين ١٢٩/٣
واغفرلي ذنوبي ٢٥٢/٣٢
تآبّ إليك من ذنوبى ومن اقترافي ١٤٩/٣٨
وارزقني ... مغفرة ذنوبى ١٤١/١٠
ربّ اَفحَمتني ذنوبى ١٦٧/١
إلهي ظلّل على ذنوبى غمام رحمتك ١٨٢/٥
واغفرلي ذنوبي وعيوبي ١١٧/٢٧
واغفرلي كلّما سلف من ذنوبى ١١٧/٢٧
ألّلهمّ عفوك عن ذنوبي ٤٠/١
إنّى لأعلم أنّ واحداً من ذنوبي ٤٠/٤
منّت عليّ بغفران ما مضى من ذنوبي ٢٢٠/٨
آه واحزناه أين المفرّ من ذنوبي غداً ١٩٨/٤٢
ألّلهمّ إنّى أتيتك هارباً من ذنوبي تائباً ١٣٥/١٨
إلهي وسيّدى لو أطبقت ذنوبي ١٩٩/١٤٠
سيّدى إن كانت ذنوبي قد أخافتني ١٩٩/١٢٥
ياربّاه لاأدرى أغفرت لي ذنوبي أم لا؟ ١٩٨/٨٤
إلهي لو طبّقت ذنوبي الأرض والسّمآء ١٩٧/٣٧
إلهي وسيّدى ومولاى أوبقتنى ذنوبى ٢١٢/٤
فاغفر ... ما مضى من ذنوبي ٢٢١/٥
سيّدى سترت عليّ ذنوبي في الدُّنيا ١٩٩/١٢٦
كن عن ذنوبي صافحاً متجاوزاً ١٩٩/١٥١
قد أكلّت لسانى كثرة ذنوبي ٢٠١/١
فما أصغر حسناتي وأقلّها في كثرة ذنوبي ١٦٤/١٣
فإن كانت ذنوبي حالت بين دعآئى ١٩٩/١٦٢
واغفرلي ما تعلم من ذنوبي ١٦٣/١٤
وما أكثر ذنوبي وأعظمها ١٦٤/١٣
سيّدى ... لم تزدد ذنوبي إلاّ كثرةً ١٤٨/٢٥
إليك أشكو ذنوبي ١٤٨/٢١
تكاثفت ذنوبي وتظاهرت عيوبي ٢٥١/٥٥
وعن ذنوبي غاضياً ١١٣/٩
إذا رأيت مولاى ذنوبي فزعت ١١٦/١٩
إلهي إنّ ذنوبي قد أخافتني ١٩٧/١٠
فهب لي ذنوبي كلّها واقض حاجتي ٢١٦/٢
واغفرلي ذنوبى ٢٥١/٤٩
ولكنّ عفوك أعظم من ذنوبي ٢٠١/١٤
إلهي، ذنوبي عظيمةٌ ٢٠١/١٤
وطالت مصيبتى بكثرة ذنوبي ٢٠١/١٣
أنا الّذى إذا طال عمري زادت ذنوبي ٢٠١/١٣
إلهي، ذنوبي لاتضرّك ٢٠١/١٧
بعفوك العظيم اغفرلي ذنوبي العظيمة ٢٠١/١٥
ألّلهمّ إنّ ذنوبي تؤيسني أن أرجوك ٨٧/٢
ألّلهمّ إنّك قد أحصيت ذنوبي فاغفرها لي ٢٥/٣
فإنّ كثرة ذنوبي لاأرجو فيها إلاّ عفوك ١١٦/١٠٠
وأستحملك من ذنوبي ماقد بهظني حمله ١٠١/٧
ألّلهمّ إنّ ذنوبي تؤيسني أن أرجوك ٣٧/٢
عملت سوءاً ولم تضرّك ذنوبي ١٤٨/١٣
سترت عليّ ذنوبي ٢٤١/٦
رحمتك وعفوك أوسع من ذنوبي ٢٤٩/٢٠
وأتنصّل إليك من ذنوبي ١٦٣/٩
فإن كانت ذنوبي قد حالت بيني وبينك ١٤٩/٤٢
وأنا أسير خطيئاتي وذنوبي ٢٣٤/٨
ذُنُوبَنا: واغفرلنا ذنوبنا أجمعين ٢٣٤/٣

وامحق ذنوبنا مع إمحاق هلاله ١١٥/٢٠
ومن نرجو لغفران ذنوبنا سواك ٢١٤/٧٣
واغفر لنا ما خفى من ذنوبنا وما علن ١٤٢/٥٤
ومن ذنوبنا معتذرين فاقبل عذرنا ١٤٣/١٨
أللّهمّ إليك فررنا من ذنوبنا ١١٧/٢٢
وجوهنا المسوّدة من ذنوبنا ٢٠٠/١١
ذنوبنا بين يديك ١١٦/٤٠
ولاتعذّبنا لكثرة ذنوبنا وما قدّمت ايدينا ٨٣/٤
بِذَنُوبٍ: أللّهمّ إنّي أصبحت... مقرّاً بذنوب ركبتها ١٦/١
بِذَنُوبِهِ: وإعترف لك بذنوبه ١٦٤/٣
لِذَنُوبِهِما: فاجعله حطّةً لذنوبهما ٦٣/٨
لِذَنُوبي: ولم تكشف عنّي غطآء مجازاة لذنوبي ١٤٨/٤
فوعزّتك ما أجد لذنوبي سواك غافراً ١٨٢/٢
بِذُنُوبي: وبارزت بذنوبي عند المولى ١٩٨/٣٤
أعترف لك بذنوبي ٢٤٩/١٨ - ٢٤٩/١٠
بذنوبي فلا تفضحني ٢٥٢/١٥
أخذني ربّي بذنوبي بين الملأ ١٩٨/٦
ربّ كيف لي بذنوبي الّتي سلفت منّي ١٦٤/١٧
أن تقبل اعترافي لك بذنوبي ١١٨/٢
وبذنوبي فلا تفضحني ٢٥١/٢٣
إلهي... لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنّك بعفوك ١١٦/١١٧
فَبِذُنوبي: فإن تعذّبني فبذنوبي غير ظالم ٢٢٩/٣
١٦٥/٣ - ٢٣٣/٣ - ٢٠٩/٤
فإن عذّبتني فبذنوبي وبما أنا أهله ٨٩/٣
بِالذُّنوبِ: وبارزت ربّي بالذُّنوب والخطايا ١٩٨/٣٥
قد مددتهما إليك بالذُّنوب مملوّة ١١٢/١
إن كنت عاصياً مددت يداً بالذُّنوب ٢٠٣/٤
يأكرم من أقرّله بالذُّنوب ١٤٩/٤١
ونعارضك بالذُّنوب ١١٦/٤١
أنا الّذى أغرقت نفسي بالذُّنوب ٢٠١/٢٧
لِلذُّنوبِ: السّلام عليك ماكان أمحاك للذُّنوبِ ١٤٢/٣٦
إن يكن الإستغفار حطّة للذُّنوب ٨١/٨ - ٨٠/٢٤
مُذْنِبٌ: أو مذنبٌ خاطئٌ غفرت له ١٤٣/٢٠
ومذنبٍ دعاك للمغفرة فأجبته ٢٠٢/٢
أللّهمّ إنّي أسئلك سؤال مذنبٍ ٢٣٧/١
أو مذنبٌ خاطئٌ غفرت له ذنبه ٢٢٠/٧
المُذْنِبِ: وأبتهل إليك إبتهال المذنب الذّليل ١٣٢/٧
وأنا المذنبُ الّذى سترته ١١٦/٦٣
وكيف يستغنى المذنبُ عمّن يملك عقوبته ١٤٨/٢٤
أتضرّع إليك ياربّ تضرّعَ المذنبِ الحقير ٢٠٦/١٥
المُذْنِبينَ: أو تنقص منه معصية المذنبين ١٦٢/٨
أن تجود علينا وعلى المذنبين ١١٦/٣٩
تطوّل عليّ يامتطوّلاً على المذنبين ٢٤٣/١١
زلّة عن زلل الخاطئين وعثرة من عثرات المذنبين ٣٩/٦
يفزع إلى التّوبة فإنّها مفزع المذنبين ٢٤٥/٧
فانّ كرمك يجلّ عن مجازاة المذنبين ١١٦/٢١
وحثثت على الصّفح عن المذنبين ١٩٩/١١٦
أرحم من استرحم في التّجاوز عن المذنبين ١٩٩/١٣٠
ومن أولى منك بالعفو عن المذنبين ياغفّار ١٩٩/١٢٦
فإنّك لطيف تجود على المذنبين والمسرفين ٢٣٩/٦
ياقابل توبة المذنبين ١٤٣/١٦
فأنت أهل أن تعود على المذنبين ١٩٧/٢
قد أوقفت نفسي موقف الأذلاّء المذنبين ١٦٧/٢
لأنّ كرمك أى ربّ يجلّ عن مجازاة المذنبين ١١٦/٥٨
فطالما عفوت عن المذنبين قبلى ١١٦/٥٨
وكيف يضيق على المذنبين ١١٦/٣١
إنّك أنت التّوّاب على المذنبين ٨١/٩ - ٨٠/٢٥
من استرحم في تجاوزك عن المذنبين ١٩٧/١٨
رأفتك الّتى بها صلاحُ أمر المذنبين ٤٩/١٥
وأنت أولى ... التّجاوز عن المذنبين ٢٥٦/٥
المُذْنِبُونَ: فإلى من يفزع المذنبون ١١٦/١١٨-١٤٣/٤٢
أللّهمّ يامن برحمته يستغيث المذنبون ٤٩/١
أنتظر عفوك كما ينتظره المذنبون ١٩٩/١٤٣ - ٢٠١/٣١
فبمن يستغيث المذنبون ١٩٩/١١٠

ذ.و.ب

أَنْ يَذُوبَ: حقّ للداء أن يذوب على طول ٢١٩/٤٠

ذ.و.د

يَذُودُهُمْ: فلا ذآئد يذودهم عن هلكة ٧٠/٦
لايُذادُ: لايذاد عن حوضه إذا ورده «محمّد» ١٠/٢٦
ذُدْنا: وذدنا عن موارد الهلكة ١٩٥/٤
ذآداً: عن سخطك وتعدّى حدودك ذائداً ١٠٩/١٦
فلا ذآئدٌ يذودهم عن هلكة ٧٠/٦

ذ.و.ق

ذاقَ: إلهى من ذاالّذى ذاق حلاوة محبّتك ١٩٠/١
لَمْ أَذُقْ: لأنّى لم أذق طعم البلاء فأجد طعم الرّضا ٣٥/٢
أَذَقْتَني: ما لاأستحقّه بما أذقتنى من رحمتك ٤٠/١
فجرّأنى على معصيتك ما أذقتنى من رحمتك ٢٥٧/٥
أَذَقْنا: إذا أذقنا الإنسان منّا رحمةً فرح لها (قرآن) ٣٥/١٣
لاتُذِقْنا: ياربّاه لاتذقنا القطران بعد فراق الدُّنيا ١٩٨/٧٦
أَذُوقُها: وكأس مرارات ذعافاً أذوقها ٢١٩/٦
أَذِقْهُ: أللّهمّ أذقه حرّ الحديد ٧١/١
أَذِقْني: وأَذِقْني طعم الفراغ لما تحبّ ١٤٧/١٠٧

أذقني برد السَّلامة ٤٦/٥
أذقني حلاوة المغفرة ٤٩/٢٠
أذقني حلاوة الصنع فيما سألت ٢٤/٥
أَذَقْنا: وأذقنا حلاوة عفوك ١٩٦/٣
أذقنا حلاوة وُدّك وقربك ١٨٨/٣
مَذاقِ: حتّى متى أتذكّر حلاوة مذاق الدُّنيا ٢١٩/٣٦
الْمَذاقِ: كأساً مسمومة المذاق ١٠٩/١٨
ذائِقٌ: وكلّ ذائق الموت وكلّ صائر إليك ١٦٦/٦

ذ.و.ا.ل.ن.و.ن

ذُوالنُّونِ: أدعوك وأسألك بما دعاك به ذوالنّون ٢٥١/١٠
أللّهمّ إنّي أسئلك بما سئلك به ذوالنّون ٢٥٢/٦

ذ.و.و

ذاتِ: وضمّ أهل الفرقة وإصلاح ذات البين ٥٥/١٥
ذاتِكَ: وأتعب نفسه في ذاتك ١٤٧/٨٤
ذاتِيَّتِكَ: أنت الّذى قصرت الأوهام عن ذاتيّتك ١٤٧/١٧

ذ.هـ.ب

ذَهَبَ: ذهب آخرون إلى التقصير في أمرنا ٢١٩/٤٥
وذهب كلّ عالم بما فيه ٢١٩/١٤
إذ ذهب مغاضباً (قرآن) ٢٥٢/٦ - ٢٥١/١٠
وأن تجعل ما ذهب من جسمي وعمري ٨٨/١٨
لَذَهَبَ: إذاً لذهب كلّ إله بما خلق (قرآن) ١٤٣/١٣
ولو فعلت به ذلك لذهب جميع ما كدح له ٨/١٤
ولو فعلت ذلك به لذهب بجميع ٩٨/٨
ذَهَبَتْ: سيّدى ... ذهبت شهوتى ١٩٩/٨١
فَذَهَبَتْ: من ذنوبٍ أدبرت لذّاتها فذهبت ٨٠/٦
يَذْهَبُ: الإقلاع عمّا... يذهب بالبركات ١٤٧/٩٣
ولاتقر عنى قارعة يذهب لها بهائى ١٤٧/١٠٣
إلى من يذهب العبد إلاّ إلى مولاه ١١٦/٧٣
أَذْهَبُ: وأين أذهب؟ ٧٧/٩
إِذْهَبْ: إعصمني وطهّرني واذهب ببلّيتي ١٧١/٢
أَذْهَبَ: الّذين أذهب الله عنهم الرّجس ١٢٣/١٠
٢١٩/٤٨ - ١٤١/٣٣ - ٢/١٠
الحمدلله الّذى أذهب اللّيل مظلماً ٢٤٤/١
أَذْهَبَتْ: وأذهبت عنّى مآء وجهى ٢٠١/١
أَذْهَبْتَهُ: أسألك أن ... لادآء إلاّ أذهبته ١٢٢/٩
يُذْهِبُ: وإيماناً يذهب الشّكّ عنّى ١٢٩/٤
هب لي ... ايماناً دائماً يذهب الشّكّ عنّى ١٣٧/٤
لاتُذْهِبْ: ولاتذهب عنّى شكرك ١٤٧/٩٦
أَذْهِبْ: وأذهب غيظ قلبي وغلّ صدرى ١٣٨/١١
وأذهب عنّى درن الخطايا ١٤٧/٩٥
أللّهمّ أذهب عنى كلّ همّ ١٤٨/٣٤
وأذهب عنّى فيه «رمضان» النّعاس ١١٧/٥
أللّهمّ أذهب محل بلادنا بسقياك ٩٧/٤
ذَهّابَ: أن تجعل القرآن ... ذهاب همّى ٢٢/٤٠
وذهاباً في تمجيدك وشكراً لنعمتك ٥٥/٢٢
مَذْهَبَ: أوكيف ينجو منك من لامذهب له ١٦٦/٢
فلك الحمد ما وجد في حمدك مذهبٌ ١٤٢/٢١
مَذْهَبَنا: والى أين مذهبنا عن بابك؟ ٣٢/٢
الْمَذاهِبُ: ياكهفي حين تعييني المذاهب ١٦٣/٧
وضاقت المذاهب وامتنعت المطالب ٢٢١/١ - ٢٢٠/١
ضاقت المذاهب وانقطعت الطرق ١٤٣/١٩
وضاقت عليّ المذاهب وأنت خير الرّازقين ١١٤/١٤
أسألك ... من المذاهِبِ أقصدها ١٩٩/٢٣
مَذاهِبي: وكنفتنى بالرّعاية في جميع مذاهبى ١٩٩/١٧٢
إِذْهابِ: رازقى عَلى إذهاب ما أنا فيه ٤٢/٢٥
الذّاهِبِ: وهشيمها البآئد وسرابها الذّاهب ١٦٤/١٩

ذ.هـ.ل

ذَهِلُوا: ألممتنى ما ذهلوا عنه ٢٤٨/٧
ذَهِلَتْ: وذهلت فطنتى عن ذكر فضلها «المنّة» ١٩٩/٦٩
يَذْهَلُ: ويذهل عن أخراه لاشكّ خاسر ٢١٤/٨
تَذْهَلُ: يوم تذهل كلّ مرضعةٍ (قرآن) ٢٠٧/٢٣
لاتَذْهَلُ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... سريعٌ لاتذهل ١٣٠/٥
أَذْهَلَني: أذهلني عن إقامة شكرك ١٨٧/١
تُذْهِلُ: وتذهل عن التّقرّب منك ١٤٧/٩٤
أَذْهِلْ: وأذهل قلوبهم «المشركين» عن الإحتيال ٦٧/١٣
إِسْتَذْهَلَتْ: وقد استذهلت عقله بسكونها ٢١٩/٣٠
ذُهُولِ: وأشرب قلبي عند ذهول ١٤٧/١١٣
الذّاهِلَ: الذّاهل عن الأمر الّذى خلق له ١٩٩/٤٥

ذ.هـ.ن

ذِهْني: من دين ... يحار فيه ذهنى ٧٩/١

ذ.ى.ع

أَذاعَ: لايكدى من أذاع شكر نعمته ١٩٩/٦

ذ.ى.ا.ل.ك.ف.ل

ذِي الكِفْلِ: وبحقّ ذى الكفل وخشيته ١٨٠/٤

ذ.ى.ل

بِذَيْلِ: بذيل كرمك أعلقت يدى ١٩١/٥ - ١٨٥/٥
أَذْيالِ: وسحبت عليهم أذيال البوار ٢١٩/٢٢
أَذْيالَها: تسحب عليهم أذيالها ٢١٩/٢٢
بِأَذْيالِ: إلى التّشبّث بأذيال عفوك ١٩٥/٢

ذ.ى.ن

ذَيْنِ: أن لايضيع بين ذين وذين ١٩٩/١٣١ - ١٩٧/٢٢
أن لاتخيّب بين ذين وذين ١١٦/٢٠

حرف الراء

ر.أ.س

رَأْس: أللّهمّ لاتمتنى حتّى ترينى رأس‌ابن زياد ٧٢/١
رَأْسِهِ: أركسته لأمّ رأسه في زبيته ١٥٢/٨
ونقمع رأسَهُ «من أرادنى بسوء» ٦١/٨
وساحف شعر رأسِهِ تذلّلاً لك ٢٢٢/٢
إرحم من ألقى عن رأسه قناع الحيآء ١٩٩/٤٧
فأضحى مأموماً قد هشمت في رأسه بيضته ١٠/٢٢
أمّ بالحقّ رأسَهُ ٧٠/١٠
سابق المتذلّلين بحلق رأسِهِ في حرمك ١١/٣
وطأطأ رأسَهُ لعزّتك متذلّلاً ٨٠/٥
ونكّس رأسَهُ فانثنى ٣٤/٧
وهاجر «محمّد» ... عن ... مسقط رأسِهِ ٩/٣
رَأْسي: وقد خفقت عند رأسي ١١٦/٧٨ ـ ١٩٧/٤٥
أرفع بها إليك رأسى ٢٠٥/١٢ ـ ٢٠٦/١٣
بِرَأْسي: ولم تنكّس برأسي عند إخواني ١٤٩/٣٣
رُؤُوسِ: عنّى على رؤوس العالمين ١٩٩/١٧٥
واقصم رؤوس الضّلالة ١١٩/٢٦
فلا تفضحنى ... على رؤوس العالمين ٢٠١/٤١ ـ ١٩٧/١٢
رؤوس الأشهاد ٣٣/٥
الرُّؤُوسِ: مقموعى الرُّؤس بعد الظّهور ٧٠/١٠
الرُّؤَساءُ: فيامن... خضعت لعزّته الرُّؤساء ٢٤٣/٥

ر.أ.ف

أَرْأَفَكَ: سبحانك من ... رؤوفٍ ما أرأفك ١٤٧/٢٢
رَأْفَةً: ولكلّ مسكينٍ إليك رأفةً ١٤٩/٥٧
الرَّأْفَةِ: أوجبته على نفسك من الرّأفة والرّحمة ١١٦/٨٦
ثمّ لم يمنعك ذٰلك من الرّأفة بي ٤٠/٣
رَأْفَتَهُ: وهب لنا رأفته ورحمته «وليّك» ١٤٧/٦٦
وقد عرفت جود رأفَتِهِ ١٩٧/١
أولادهم يوم القيامة لمحبّته «محمّد» ورأفتِهِ ١٠/٣٠
رَأْفَتِكَ: عن عواطف رأفتك ١٩٩/١٩٣
أكفّاً رفعتها الآمال إليك رجآء رأفتك ١٨٤/٥
وافتح لي أبواب توبتك ورحمتك ورأفتِكَ ١٤٧/١١٦
إلهى ليس لي وسيلة إليك إلاّ عواطف رأفتك ١٩١/١
إلهى ... ضرّى لايكشفه غير رأفتك ١٩٢/٢
وعدّتى في شدّتى ... رأفتُكَ ورحمتك ١١٦/٢٠
وارزقنى من فضلك ورأفتك ورحمتك ١٤١/١٠
أوّبخ بهذا نفسي طمعاً في رأفتِكَ ٤٩/١٥
إلهى ... أرسل على عيوبي سحاب رأفتِكَ ١٨٢/٥
والعائد عليهم بتحنّن رأفتِكَ ١١٦/١٥
وجعلتني بتحنّن رأفتكَ تامّاً سويّاً ١٩٩/١٧٠
جلّلنى من رأفتِك بأمرواق ١٩٩/٦٦
فما نام عن استنقاذى منها عيون رأفتك ١٩٧/٢٥
بِرَأْفَةِ: وذٰلك برأفة تحنّنك عليهم ١٩٩/١٨٧
سيّئ عملي برأفة غفرانك ١٩٧/٢١
بِرَأْفَتِهِ: وانتظر مراجعتنا برأفته حلماً ١/٢٣
بِرَأْفَتِكَ: حتّى نجتمع برأفتكَ في دار كرامتك ٦٣/١٦
برأفتك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٨٣/٥ ـ ١٩٥/٦
برأفتك أرجو رحمتك ١٥٣/١٦
أن لاتَرُدّنى معرفة منّى برأفتك ١١٦/١٠٤
لما أنكرت منّا فيه برأفتك الّتى لاتنفد ١٤٢/٥٣
وأسكنتهم جنانك برأفتك وطولك ٢٣٧/٦
تَرَؤُّفِكَ: نفسك في عطفك وترؤّفك ٢٢٣/٣
رَؤُوفٌ: ربّنا إنّك رؤوف رحيم (قرآن) ٢٠٠/٤٨
إنّك قريبٌ ... رؤُوفٌ رحيمٌ ٦٤/١٦
يارؤوف احتمل عنّى حقّ الآباء والأمّهات ٢٤١/٩
فيامن ... بالغافلين عن ذكره رحيم رؤوف ١٨٩/٥
فكن بي رؤوفاً رحيماً ١٤٤/٢٨
رؤوف بالعباد مالك الملك ... ٢١/١٦
أنت رؤوفٌ رحيم خبير ٢٤٣/٩
أللّهمّ أنت حليم قادر رؤوفٌ غافر ٢٤١/٤
وتولّنى بعطف تحنّنك يارؤوف ١٩٩/٢٨
سبحانك من ... رؤوفٍ ما أرأفك ١٤٧/٢٢
الرَّؤُوفِ: وأبرُّهُما «الأبوين» برَّ الأُمّ الرّؤوف ٦٣/٥
فأنت ... الرّؤوف الرّحيم ٢٣٤/٨
أنت الرّؤوفُ الرّحيم ١٨٧/٣
إنّك أنت التّوّاب الرّحيم الرّؤوف الكريم ١٦/٩
الرؤوف الرحيم بعبادك ١٤٣/٥٢
أَرْأَفُ: ولامغيثٌ أرأف به منك ٢٣٧/١
يا ... أرأف من لجأ إليه اللاّجون ١٩٩/٧٣
وأرأفُ من استرحم فارحمني ٨٨/١٣
ياأكرم الأكرمين وأرأف الرّاحمين ١٩٩/١٦٩
أَرْأَفَها: إجعل ... أجلّ هباتك وأرأفها ١٩٩/٦٢

ر.أ.ى

رَأَىٰ: حتّى إذا رأى مدّة العمل قد انقضت ٣٤/٦

فلمّا رأى أن لانجاة وأنّه ٢١٤/٣٩ ـ ٢١٤/١١٥
رُؤاهُ: الإنسان ليطغىٰ أن رآهُ استغنى (قرآن) ٣٥/٩ـ٢٥٧/٣٢
وضاق ذرعاً بما رآهُ ٢١٤/١٣٣
رَآها: ولاعلى من رآها قد توسّدت ١٩٧/٣٢
ولم يخف ... على من قد رآها «نفسي» ١٩٩/١٣٨
رَآكَ: ورآك الأنبيآء والأولياآء معرضاً عنّى ١١٨/٥
رَآني: يا من رآنى على المعاصى ١٥٤/٢ ـ ١٥٦/٣
ويا من رآنى على الخطايا فلم يفضحنى ١٥٨/٣
فَرَأى: فرأى كثير عصيانه كثيراً ٨٠/٣
رَأَتْ: رأت أهلها في صورة لاتروقها ٢١٩/٣٧
رَأَيْتَ: فلمّا رأيت ياإلهى تباركت وتعاليت ١٥٢/٨
فلو رأيت الأصغر من أولاده ٢١٤/٥٣ ـ ٢١٤/١٢٩
رَأَيْتَني: أو لعلّك رأيتني آلف مجالس ١١٦/٥٧
لعلّك رأيتني مستخفّاً بحقّك فأقصيتنى ١١٦/٥٥
لعلّك رأيتني معرضاً عنك فقليتنى ١١٦/٥٥
لعلّك رأيتني غير شاكر لنعمائك فحرمتنى ١١٦/٥٦
لعلّك رأيتني فى الغافلين فمن رحمتك آيستني ١١٦/٥٦
فَرَأَيْتَ: أفرأيت من اتّخذ إلهه هواه (قرآن) ٢٢/١٣
رَأَيْتُ: ووثوبى على محارمك ما رأيتُ من عفوك ٢٥٧/٥
فكم قد رأيت ياإلهى من أناس ٧٤/٢
فقد رأيت وسمعت لو كنت أسمع ٢١٩/٥
إذا رأيت مولاى ذنوبي فزعت ١١٦/١٩
وإذا رأيت كرمك طمعت ١١٦/١٩
رأيت أنّ طلب المحتاج إلى المحتاج ٧٤/١
فَرَأَيْتُهُ: فرأيته ضعيفاً يامولاى ٢٠١/٤٦
فنظرت في عملى فرأيته ضعيفاً يامولاى ٢٥٧/١٤
يَرىٰ: وأنا أعلم أنّه مطّلع يرى ١٩٨/٣٢
يرىٰ ولايرىٰ وهو بالمنظر الأعلىٰ ١٤٩/٢٢
يَراكَ: قلباً يخشاك كأنّه يراك حتّى يلقاك ١٣٧/٥
أَنْ يَرىٰ: فنكل عن أن يرى الحقّ في ١٠/٣
أَنْ يَرانى: الّتى كان يقدّر أن يرانى فيها ١٥٢/٨
يَرَوْنَ: يوم يرون الملآئكة لابشرىٰ (قرآن) ٢٠٧/١٦
تَرىٰ: قد ترى ياإلهى فيض دمعى من خيفتك ٤٩/٩
قد ترى مكاني وتعلم سرّى وعلانيتى ١٦٥/٦
قد ترى مكاني وتسمع كلامي ٢٣٣/٦
وفضاعة ما تسمع وترىٰ ٢١٩/٢٠
وترى النّاس سكارىٰ (قرآن) ٢٠٧/٢٣
سبحانك ترىٰ ما في قعر الماء ٤/١٣
والمدفوع إلى هول ما ترىٰ ٢١٤/١٣٩ ـ ٢١٤/٦١
ولاتتبعنى بالبلاء فقد ترىٰ ضعفى وقلّة حيلتى ٥٢/٣
ألّلهمّ إنّك ترىٰ ولاترىٰ ٨٣/١٠
سبحانك تسمع وترى ما تحت الثّرىٰ ٤/٨
تَراهُمْ: تراهم ينظرون إليك وهم (قرآن) ١٥٩/١٠
تَراني: مع علمى بأنّك ترانى في جميع حالاتي ١٢٨/١٠
فعلى علم منّى بأنّك ترانى ٢٥٧/٤
ترانى وتعلم ما في نفسي وتسمع كلامي ٢٤٩/١٢
أللّهمّ وقد ترانى ووقوفى وذلّ مقامى بين يديك ٨٢/٤
تَرانا: ولااستحيينا منك وأنت ترانا ٢٠٠/٨
لاتَرىٰ: ولاترى غيره لها أهلاً ١٤٧/٥٢
لاتَراهُ: يامن ... لاتراه العيون ٢٤٧/٣
أَنْ تَرىٰ: فما أن ترىٰ إلاّ قبوراً ثوابها ٢١٤/٩١
فما أن ترىٰ إلاّ جثىّ قد ثوابها ٢١٤/١٦
أَرىٰ: وأرى نفسى تخاتلنى وأيّامى تخادعنى ١٩٧/٤٥
قال لاتخافا إنّنى معكما أسمع وأرى (قرآن) ٢٢/٧
وأرى نفسى تخادِعُني ١١٦/٧٨
أَراهُ: فزادي قليلٌ ما أَراهُ مبلّغى ٢١٦/٣
كأنّ الّذى تفعله بي أراه حقّاً واجباً عليك ٣٦/٤
أَراكَ: ما أراك منصفاً لنفسك من بين الأنام ١٩٧/٤٦
أراك ضعيف اليقين ٢١٤/١٤٧
لَأَراكَ: إنّى لأراك ضعيف اليقين ٢١٤/٦٩
لاأَرىٰ: حتّى لاأرىٰ نعمةً من نعمك على أحدٍ ٥٩/١٣
ولاأرىٰ لكسري غيرك جابراً ١٨٢/٢
لَمْ أَرَ: فإنّى لم أرَ خيراً قطُّ إلاّ منك ٢٤٩/٢١
فَلَمْ أَرَ: فلم أرَ مولىً كريماً أصبر على عبدٍ ٤٠/٣
حَتّىٰ أَرىٰ: فأرنى فيه عدلاً حتّى أرىٰ قليله كثيراً ٢٤٨/٣
نَرىٰ: وكم قد نرىٰ يبقىٰ لها المتعاور ٢١٤/١١١
أما قد نرىٰ في كلّ يوم وليلة ٢١٤/١١٠
كانّا نرىٰ أن لانشور وأنّنا ٢١٤/٣٢ ـ ٢١٤/١٠٨
تُرَيَنى: وترينى وجه جدّى محمّد في ٩١/١
حَتّىٰ تُرِيَنى: أللّهمّ لاتمتنى حتّى ترينى ٧٢/١
يُرىٰ: ياظاهراً ليس يرى ١٣١/١
خالق ما يرى وما لايرىٰ ١١٤/٨
لايُرىٰ: يرى ولايُرىٰ وهو بالمنظر الأعلىٰ ١٤٩/٢٢
خالق ما يرى وما لايرىٰ ١١٤/٨
تُراكَ: سيّدى أتراك تحرق بالنّار وجهاً طالما ١٩٩/١٥٣
أم تراك تقيّد بأنكال الجحيم ١٩٩/١٥٣
أم تراك تغلّ إلى الأعناق ١٩٩/١٥٣
إلهى أتراك بعد الإيمان بك تعذّبنى ١٨٤/١
فَتُراكَ: أفتراك باربّ تخلف ظنوننا ١١٦/٣٦
لاتُرىٰ: سبحانك تعصى كأنّك لاترىٰ ٩١/٦

أللّهمّ إنّك ترىٰ ولاترىٰ ٨٣/١٠
أَرِ: وأر أهل الموقف من النّبيّن وأتباعهم ١٠/٢٤
أَرِهِ: وأره «محمّد» من أشرف صلواتنا ١٠/٣١
أللّهمّ أره حرمة أوليائك ٢٦٥/١
أَرِهِمْ: وأرهمُ «الظّلمة» الحسرات ١١٩/١٤
أَرِني: أرنى صحّة التّصديق بما سألت ١٤٤/٢٨
وأرنى مصاديق إجابتك ٢١٩/٢
وأرنى الرّخآء والسّرور ٢٥١/٥٢ ـ ٢٥٢/٣٥
فَأَرِني: فأرني مبشّرات من إجابتك تفى بحسن ٢٤٩/٤
أللّهمّ فأرنى ذٰلك السبيل حتّى أقاتل ١٤٤/٢٧
ما رزقتني من رزق فأرنى فيه عدلاً ٢٤٨/٣
أَرِنا: وأرنا أنصار الجور عباديد ٧٠/١٠
أَرِناهُ: أللّهمّ ... أرناه سرمداً ٧٠/١١
تَرْاءَتْ: كلّما تراءت الآيات ونشرها ٢١٩/٣١
رَأْي: وأعوذبك من ... رأى غير مصيب ١٩٩/٢٧
الرَّأْيِ: ويحلّ محلّ الرّأي والفكرة منّى ٢٠١/٢٩
ومستعمل الرّأى المخترع ٥٥/١٦
رَأْيِهِ: طلب المحتاج إلى المحتاج سفه من رأيه ٧٤/١
رَأْيي: مع قلّة عملي وقصر رأيي ١٤٩/٧
ولاتكلني ... إلى رأيى فيعجزنى ١٤٩/٦٣
الْآراءُ: إقرارى بربوبيّتك الّتى ضلّت عنها الآراء ٢٤٩/١٥
بِآرائِهِمْ: القرآن فتأوّلوه بآرائهم ٢١٩/٤٥
رُؤْيَةَ: سيّدى إن حرمتني رؤية محمّد ١٩٩/٩٢
أرزقنى رؤية قآئم آل محمّد ١٨١/٥
رُؤْيَتِهِ: الحمدلله... الّذى قصرت عن رؤيته ١/٢
يامن تنقطع دون رؤيته الأبصار ٨/٢٠ ـ ١٥/٤
تأخيرنا عن رؤيته «محمّد» ١٠/٢٧
رُؤْيَتُكَ: رؤيتك حاجتى وجوارك طلبتى ١٨٩/٨
لانحجب مشتاقيك عن النّظر إلى جميل رؤيتك ١٨٤/٦
ولم أسبق إلى رؤيتك لقساوة قلبي ٢٥٧/١٠
لِرُؤْيَتِهِ: فلا الأبصار تثبت لرويته ٢/١ ـ ٧/١
بِرُؤْيَتِهِ: أقرّهم عيوناً في المقام المحمود برؤيته ١٠/٣٠
بِرُؤْيَتِكَ: وأقرر أعيننا يوم لقآئك برؤيتك ١٩٦/٣
رِياءِ: محافظاً على رياءِ النّاس من نفسي ٢٧/٧ـ١٤٨/٣٠
ثمّ خلّص ذلك كلّه من رياء المرآئين ١١٥/١٠
واجعل ذلك لنا خالصاً من... رياءٍ وسمعة ١١٩/٣٠
أو رياءٍ أو عصبيّة غائباً كان أو شاهداً ٢٣٨/٦
ولاتجعل شيئاً ممّا أتقرّب به إليك... رياءً ١١٦/١٠٩
الرِّياءِ: وعن الرّياء والسّمعة منزّهين ٢٠٦/٢٠
أللّهمّ إنّى أعوذبك من الرّيآءِ والسُّمعة ١٥٣/٢٥
وأعوذبك من الرّيآءِ والسّمعة ١٣٨/١٠
أللّهمّ سلّم لي قلبي من... الرّيآء ١٣٥/١٠
وابرأ قلبي من الرّيآء والشّك ١١٦/١٢٣
أيّما غاز ... إعزل عنه الرّياء ٦٧/١٨
أعذنا من الفشل ... والرّياء ٢٠٠/١٦
محصّنا من لواحق الرّيآء ١٩٩/١٩١
الْمُرآئِينَ: خلّص ذلك كلّه من رياء المرآئين ١١٥/١٠
مَرْأًى: أعوذبك أن تحسن في مرأى ٢٧/٥
لِمَرْآهُ: يهال لمرآه ويرتاع ناظر ٢١٤/١٣٠ ـ ٢١٤/٥٤
مِرْآةِ: ونظروا في مرآة الفكر ٢٠٠/٢٩
رُؤْياكَ: ولاتسكن النّفوس إلاّ عند رؤياك ١٩٤/٣

ر.ب.ب

رَبِّ: فأنتَ ياربّ ورجآئى ٤٢/٢٦
فأسألك ياربّ محمّدٍ وآل محمّدٍ ٤٢/٢٧
آمين ربّ العالمين إنّك ذوالفضل العظيم ٤٤/١٤
فكم لي ياربّ من ذنب أنا فيه مغرور متحيّر ١٤٨/٢
ياربّ ياربّ ياربّ ١٤١/٨ ـ ١١٦/١
من أين لي الخير ياربّ ١١٦/١
ومن حاجتى ياربّ كذا وكذا ٣٩/١٢
آمين ربّ العالمين ٢٠٠/٢٤ ـ ٣٤/١٣
١٥٣/٣٣ ـ ١٢١/٢٣ ـ ١٠٨/٤ ـ ٦٥/٥ ـ ٣٦/١٠
مراتب المؤمنين، آمين ربّ العالمين ٥٠/١٥
فكن ياربَّ الأرباب ٤٢/٢٨
ياذاالجلال والإكرام آمين ربّ العالمين ١٧٣/٩
أللّهمّ ربَّ محمّد وآل محمّد صل ١٢٩/١٠
وخلّصنى ياربّ بحقّ محمّد وآل محمّد ١٧٤/١
١٧٤/٤ ـ ١٧٤/٣ ـ ١٧٤/٢
والكفر بالإيمان آمين ربّ العالمين ١٦٤/٢٤
او تضاعف به من سبّحانى يوم ألقاك ياربّ ٥٩/٨
وأعوذبك ياربّ من همّ الدّين وفكره ٧٩/١
أى ربّ ذكر عوائدك يؤنسنى ١٧٣/٤
تباركت وتعاليت ياربّ العالمين ١١٦/١٠ ـ ١٢٨/٢
مع غناك عنها وأنت ربٌّ ٢٠٨/١
أى ربّ فبأىّ وجه عزّ وجهك نلقاك؟ ٢٠٠/٩
أى ربّ بأنفسنا استخففنا عند معصيتك ٢٠٠/١١
فوربّ السّماء والأرض إنّه لحقّ مثل ما أنّكم (قرآن) ٧٧/٧
ربّ إنّك قلت: وفى السّماء رزقكم وما توعدون ٧٧/٧
ما أحسن ما فعلت بي ياربّ ٢٢٨/١٠
حتّى لاأرجو أحداً غيرك ياربّ العالمين ١٢١/١٨

أللّهمّ ربّ النبأ العظيم في انسلاخ ١٤٣/٢٤
لتلك الدعوة ياربّ عندك زلفة ١٤٣/٢٠
وافتح لي ياربّ باب الفرج بطولك ٢٤/٥
ذكرته أونسيته هو ياربّ ممّا قد أحصيته عليّ ٥٩/٧
ربّ نفسي غريق خطايا مجحفة ٢٤٨/٩
إبتغاء وجهك ياربّ العالمين ١٤٧/١١٧
وهو ياربّ منك عدل ١٦٢/٥
ما أحسن ما صنعت بي ياربّ إذ هديتني للإسلام ٢٤٨/٧
ياربّ غير أنّي أسألك بالمخزون ٢٠٥/١٦
ولك ياربّ في نفسي فذلّلني ٢٥١/٢٣
ومن طيّب رزقك ياربّ ... فارزقني ٢٥١/٢٢
الحمدلله ربّ العالمين ١٩٨/٩٢ ـ ٢٥٧/٤٠ ـ ١٢٣/١
١٤٧/٥ ـ ١٤٩/٧٢ ـ ١٧٨/١ ـ ١٤٣/١
ربّ لاتذرني فرداً وأنت خير الوارثين (قرآن) ٢٥٨/١
ربّ حسّنت خلقي ٢٥٧/٢٣
ياربّ المؤمنين لاتقطع رجآئي ١٤٩/٤٩
وربّ اللّيل والنّهار والجبال والبحار ١٣٢/١
أللّهمّ إنّي أسألك ياربّ ليلة القدر ١٣٢/١
أنت نور النّور وربّ الأرباب ١٣١/٢
والحمدلله الّذي لاربّ سواه ١٤٣/٣
وأفضل من ذلك ياربّ العالمين ١٤٢/٦٣
وافتح لي ياربّ باب الرّغبة إليك ٢٥٢/٤٠
وقد تعلم أي ربّ ما الرّغبة إليك ٢٢٣/٢
... وهو ربّ العرش العظيم (قرآن) ٢٢/١٢
آمين ياربّ العالمين ١١٧/٤٢
ربّ إنّي عملت سوءاً ١١٧/٤٠
أعوذ بالله من ذلك ياربّ العالمين ٢٧/٩
بحول منك وقوّة ياربّ العالمين ٢٠/٤
يا ... ربّ العالمين وغياث المستغيثين ٢٤٣/٧
سبحانك ياربّ البيت ٨٣/٩
الحمدلله ربّ العالمين على كلّ حال ١٤٣/١٠
وأغنني ياربّ عن خلقك ٨٧/٤
ربّ اعزم لي على رشدي وإن كرهت نفسي ذلك ٩٤/٢
ربّ صلّ على محمّد وآله ٩٣/٣
ياربّ إنّك تهدي من تشآء ١١٩/٢٥
ربّ وما أطول أملي في قصر أجلي ١٦٤/١٤
ربّ دعتني دواعي الدّنيا ١٦٤/١٩
ربّ لاحجّة لي إن احتججت ١٦٤/١٥
لك ياربّ شرطي ألاّ أعود في مكروهك ٨٠/١٢
فقد أقامتني ياربّ ذنوبي مقام الخزي بفنائك ٨٠/١٩
ربّ كم من نعمةٍ أنعمت بها عليّ ١٥٤/١
قد نزل بي ياربّ ما قد تكأدني ثقله ٢٤/٣
وأستجير بك ياربّ من ذلّته «الدّين» في الحياة ٧٩/٢
أللّهمّ ربّ الفجر وليال عشر ١١٧/١٨
ذاالجلال والإكرام ربّ الأرباب ١٤٧/١
ربّ إنّك أمرتنا أن نعفو ... ١٤٠/١
ياربّ الأرباب ١٣٩/١
فأسألك ... سؤال من لاربّ له غيرك ١٦٦/١١
وفي جوارك مسكني، ياربّ العالمين ١٦٧/٦
ربّ اجعل جنّتي من خطاياي حصينةً ١٦٤/٢٣
ربّ خوّفتني وشوّقتني ١٦٤/٢٠
وإطمأنّت بالرّجوع إلى ربّ الأرباب أنفسهم ١٩٣/٤
وربّ محمّد وآل محمّد صلّ ... ١٤١/٩
وربّ جبرئيل وميكائيل وإسرافيل ١٤١/٩
وربّ شهر رمضان الّذي أنزل فيه القرآن ١٤١/٩
أللّهمّ ربّ الفجر واللّيالي العشر ١٤١/٩
أدعوك ربّ دعاء قد أمرت به ٢١٥/٤
وما قدر لساني ياربّ في جنب شكرك ١١٦/٨٣
وأغنني ياربّ بكرمك عن لؤم المسؤولين ٢٠٤/٣
أللّهمّ إنّي أدعوك ياربّ خوفاً وطمعاً ١٤١/١٦
ربّ صلّ عليهم زنة عرشك وما دونه ١٤٧/٦٠
ربّ صلّ عليه وآله صلاةً تحيط ١٤٧/٥٥
ربّ صلّ على محمّد وآله صلاةً تنتظم ١٤٧/٥٤
وأنت ياربّ الخالق وأنا المخلوق ١٤٩/٨
ولاأكره مانولّياه من أمري ياربّ ٦٣/١٠
أي ربّ جلّلني بِسِترك ١١٦/٦٠ ـ ١١٦/٢٣
ربّ أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه ١١٦/١٨
وما أنا ياربّ وما خطري ١١٦/٢٢
لاإله إلاّ هو ربّ العرش العظيم ٢٧٠/٣
أللّهمّ ... ربّ الأرضين السّبع ٢٦٩/٢
أللّهمّ ... ربّ التّوراة والإنجيل ٢٦٩/٢
إلهي وسيّدي ومولاي أنّ ربّ أرتجيه ٢٣٩/٥
فنعم المشتكى إليك ياربّ ٢٥١/٢٤
إلى من تكلني ياربّ المستضعفين ٢٥١/٢٥
أدعوك ياربّ راهباً ١١٦/١٩
وإليك ياربّ فحبّبني ٢٥١/٢٣
ربّ أعوذبك من شرّ الشيطان ١٥٣/٢٨
ربّ وأعوذبك من المعصية والقطيعة ١٥٣/٢٧
... ربّ فنجّني ١٥٣/٢٥
هو ربُّ العرش العظيم ١٥٥/٩

ربّ وأعوذبك من الفقر والفاقة ١٥٣/٣٢
وأعوذبك ربّ من شرّ ما خلقت ١٥٣/٣٢
وبكرمك أى ربّ أستفتح دعآئى ١١٦/٩٠
ولاتردّنى في سوءٍ ... ياربّ العالمين ١١٦/١٢٢
ثبّتني ياربّ ١١٦/١٢٢
تباركت ياربّ العالمين ١١٦/٨٧
ربّ العرش العظيم ربّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٥٧/١
فلك الحمد على ذلك ياربّ العالمين ١٠١/١٢
بحول منك وقوّة ياربّ العالمين ١١٣/٤
سرفٍ بعد سرفٍ سترته ياربّ ١٣٥/٦
ياألله ياربّ ياألله يامغيث ١٣٤/١
آه واحزناه من ربّ شديد القوى ١٩٨/٣٨
ربّ هب لي توبةً نصوحاً ١٣٥/١٧
أللّهمّ إنّى... أعوذبك ياربّ أن أعادى لك وليّاً ١٣٥/١٣
أللّهمّ ربّ العالمين ١٩٩/٢١
أدعوك ياربّ تضرّعاً وخفيةً ٢٥/٣
ربّ سهّل لي توبة إليك ١٩٩/٧٥
ياربّ السّحاب الممسكات ... ١٣٧/٦
ياربّ النّجوم المسخّرات في جوّ السّماء ١٣٧/٦
فأعطنى ياربّ ما رجوت ٨٨/١١
أن تجعل... إساءتى مغفورةً ياربّ العالمين ١٣٧/٣
فقد ضقت لما نزل بي ياربّ ذرعاً ٢٤/٦
ياربّ الجبال الرّاسيات ١٣٧/٦
ياربّ الرّياح الذّاريات ١٣٧/٦
ياربّ السّماوات المبنيّات ... ١٣٧/٥
ياربّ الأرضين المبسوطات ... ١٣٧/٥
أللّهمّ أنت الله ربّ العالمين ١٤٩/١
ياربّ الخير كلّه ١٣٩/٧
ووثقت بك ربّ في المغفرة لي ٨٨/١٢
لم أثق بهم ربّ في السّتر علىّ ٨٨/١٣
ولو تكلني ياربّ في تلك الحالات إلى حولي ٨٨/١٥
ياربّ العالمين ٢٥١/٦٩ - ٨٣/١٩
لايجبر ياإلهى إلاّ ربّ على مربوب ٥٧/٢
ربّ إنّك قد حسّنت خلقى ٣٥/١
أللّهمّ ربّ السّماوات السّبع وما أظللن ١٥٧/١
ربّ العرش العظيم ربّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٥٧/١
فإنّى ياربّ ضعيف متضرّع إليك ياربّ ٥٢/٣
أنت ربّ العرش العظيم ٢٢/٣١
أللّهمّ إنّى أدينك ياربّ بطاعتك ١١٩/١٦
بل لأنّك ياربّ خير السّاترين ١١٦/٢٣
ويقينى بمعرفتك منّى أن لاربّ لي غيرك ١١٦/١٤
وذنوبى مغفورةٌ ياربّ العالمين ١٢٩/٣
تبارك الله ربّ العالمين ١١٦/٣٤
فتجاوز ياربّ عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك ١١٦/٣٠
وأىّ جهل ياربّ لايسعُهُ جُودك ١١٦/٣١
ياربّ إنّ لنا فيك أملاً طويلاً كثيراً ١١٦/٣٧
أفتراك ياربّ تخلف ظنوننا ١١٦/٣٦
ياربّ هذا مقام من لاذبك ١١٦/٣٥
أبداً ما أبقيتنى ياربّ العالمين ١١٦/٥٢
فإن عفوت ياربّ فطالما عفوت ١١٦/٥٨
لإنّ كرمك أى ربّ يجلّ عن مجازاة المذنبين ١١٦/٥٨
ولاتخلني ياربّ من تلك المشاهد ١١٦/٥١
أنا ياربّ الّذى لم أستحيك فى الخلاء ١١٦/٦٤
يارَبّ إن ترفعنى فمن يضَعُنى ٥٢/٢
وعرّفنى الإجابة ياربّ وارفعني ولاتضعنى ٥٢/١
ربّ لاتجعلنى للبلاء غرضاً ٥٢/٣
أنت الله ربُّ العالمين ١٨١/٣
عملى بما يرضيك عنّى ياربّ العالمين ١٢٧/٦
وخلّصنى ياربّ بحق محمّد وآل محمّد ١٧٤/٥
ربّ أسأت وظلمت نفسي ٨٦/١
دعوتك ياربّ مسكيناً مستكيناً ١٦٣/١١
وأعوذبك ياربّ من همزات الشّياطين ٢٣٦/٤
منها فررت إليك ربّ تآئباً فتب علىّ ١٦٣/١٠
فوربّ السّماء والأرض إنّه لحقّ (قرآن) ٧٦/٥
ها أنا ذا ياربّ مطروحٌ بين يديك ٤٩/٥
ربّ كلّ شىءٍ الّذى يسكن له ٤٨/٢
وربّ العرش العظيم ١٤٩/٧٢ - ١٧٨/١
سبحان الله ربّ السّماوات السّبع ١٤٩/٧٢ - ١٧٨/١
وربّ الأرضين السّبع ١٤٩/٧٢ - ١٧٨/١
أتضرّع إليك ياربّ تضرّع المذنب الحقير ٢٠٦/١٥
وربّ محمّد خاتم النّبيّين ١١٧/١٩
وربّ موسى وعيسى ١١٧/١٩
وربّ إبراهيم واسماعيل ١١٧/١٩
وربّ جبرئيل وميكائيل ١١٧/١٨
أللّهمّ ... ربّ شهر رمضان ١١٧/١٨
ربّ الملائكة الثّمانية وربّ العرش العظيم ٢٦٧/٣
أللّهمّ ربّ السّماوات السّبع ٢٦٩/٢
واتّخذوا بعض آياتك ربّاً ٣/٣
ربّ الشّفع والوتر سخّرلي ٢٢/٣٨
فأدعوك ياربّ فاستجب دعآئى ٢٠١/٣٠

ربّ أفحمتني ذنوبي ١٦٧/١
أللّهمّ ربّ الشّفع والوتر واللّيل إذا يسر ١١٤/١٣
ففرّج عنّي ياربّ كما فرّجت عنه «ذوالنّون» ٢٥٢/٧
إلى من تكلني ياربّ ٢٥٢/١٧
ولك ياربّ في نفسي فذلّلني ٢٥٢/١٥
بأفضل بركاتك ياربّ العالمين ٢٥٢/٢٧
وربّ كلّ حرمٍ ومشعرٍ عظّمت قدره ١٤٩/٦٥
أللّهمّ ربّ هذه الأمكنة الشّريفة ١٤٩/٦٥
ربّ ما أخفّ ميزاني غداً إن لم ترجّحه ١٦٤/١٦
ربّ كيف أطلب شهوات الدّنيا ١٦٤/١٨
ربّ كيف لي بذنوبي الّتي سلفت منّي ١٦٤/١٧
ربّ قد كنت لطيفاً بي في أيّام ١٩٧/٣٥
وربّ النّبيّين والملآئكة المقرّبين ٨٣/٦
وياربّ المستضعفين ١١٧/٢٥
والأجر العظيم ياربّ العالمين ١١٧/٨
وأعطني ياربّ جميع ما سألتك ١١٦/١٣٠
إنّي إليك راغب ياربّ العالمين ١١٦/١٣٠
فقد أقامتني ياربّ ذنوبي مقام الخزي بفنآئك ٨١/٤
عجّل ذلك ياربّ، السّاعة السّاعة ١٦٠/٦ ـ ١٦٠/٨
لاإله إلاّ هو ربُّ العرش العظيم (قرآن) ١٥٩/١٧
ياأحد ياصمد ياربَّ محمّد ١١٧/٣٣
ومن طيّب رزقك ياربّ ... فارزقني ٢٥٢/١٤
والسرور عاجلاً غيرآجل ياربّ العالمين ٢٥٢/٣٥
أدينك ياربّ بطاعتهم ١١٩/١٩
ربُّ كلّ شيءٍ ربّنا ١٢٣/٦
ياربّ، راهباً لك، راغباً فيما لديك ١١٩/١٩
ربّنا وربّ آبائنا الأوّلين ١٢٣/٦
ياأرحم الرّاحمين ياربّ العالمين ١٤١/٣
صلّ على ... رسول ربّ العالمين ١٤١/٢٧
ربّ صلّ على محمّد وآل محمّد صلاةً ترضيه ١٤٧/٥٠
ربّ صلّ على محمّد وآله صلاةً زاكيةً ١٤٧/٤٧
ربّ صلّ على محمّد وآل محمّد المنتجب ١٤٧/٤٦
ربّ صلّ على أطايب أهل بيته ١٤٧/٥٧
ربّ صلّ على محمّد وآله صلاةً تجاوز رضوانك ١٤٧/٥٣
ربّ صلّ عليه وعليهم صلاةً لاأمد في أوّلها ١٤٧/٥٩
ربّ صلّ على محمّد وآله صلاةً تجزل ١٤٧/٥٨
ربّ إصرف وجهي عن النّار ١٣٣/٥
ربّ وما أحسن بلاءك عندي ١٦٤/١٢
ربّ ما أسوء فعلي ١٦٤/١١
ربّ من أرجوه إن لم ترحمني ١٦٤/١٠
والتّقرّب إليك ربّ لترضى ١٦٤/٩
وأعوذبك ياربّ على نفسي... من الشّيطان ١١٦/١٢٨
أسألك ياربّ من الخير كُلِّهِ ١١٦/١٠٦
إلاّ هو ربّ العرش العظيم ٢٢/١٧
بسم الله ربّ الأرض والسّماء ٢٢/٣٣
الرَّبُّ: أللّهمّ أنت الرّبّ الغفور الرّحيم الودود ١٦/٣
لأنّك الرّبّ الكريم الّذى لايتعاظمه غفران ٨٠/٧
لنعم الرّبّ أنت ٢٤٩/٢٣
لايغفر الذّنوب العظيمة إلاّ الرّبُّ العظيم ٢٠١/١٥
أنت الملك الأبد والرّبُّ الصّمد ٢٤٧/٥
إن كنت بئس العبد فأنت نعم الرّبُّ ١١٢/١١
والرَّبُّ بلا شريك ٢/٤ ـ ٧/٤
وأنت الرّبُّ وأنا العبد ١٤٩/٨
لأنّك الرّبُّ العظيم ١٠١/١١
أنت الرَّبُّ الّذى ملكت الخلآئق كلّهم ٢٤٣/٢
رَبِّهِ: أسألك سؤال ملحّ لايملّ دعاء ربّه ٢٤٣/١
أيّها المناجى ربّه بأنواع الكلام ١٩٧/٤٦
وأحقّ من سأل العبد ربّه ١١٧/٢٤
وكيف يستغنى العبد عن ربّه ١٤٨/٢٤
المستخفّ بحرمة ربّه ٣٤/٥
فأمّا الإنسان إذا ما ابتلاه ربّه (قرآن) ٢٥٧/٣١ ـ ٣٥/٨
إذا مسّ الإنسان ضرٌّ دعا ربّه (قرآن) ٢٥٧/٣٤ ـ ٣٥/١١
ولو أنّ أحداً استطاع الهرب من ربّه ١٦٢/٤
وفكّر فيما خالف به ربّه ٨٠/٣
رَبّاهُ: يارحيم يارباه ياالله ياباعث ١٣٨/٢
يارباه يارباه يارباه ياالله أسألك بك ١٢١/٢١
يارباه يارباه يارباه ٢٣٤/٨ ـ ١٢١/٢١
يارباه إليك الشّكوى وإليك المشتكى ١٩٨/٧٧
يارباه لاأدرى أغفرت لي ذنوبي أم لا ١٩٨/٨٤
يارباه قد استوجبت العقوبة العظمى ١٩٨/٨١
يارباه ياأكرم من تجاوز وعفا ١٩٨/٨٦
يارباه أدخلنا جنّة لانجوع فيها ولانعرى ١٩٨/٧٨
يارباه أعوذبك من نار حرّها لايطفأ ١٩٨/٧٤
يارباه نجّنا من الأهوال غداً ١٩٨/٧٥
يارباه لاتذقنا القطران بعد فراق الدّنيا ١٩٨/٧٦
يارباه إرحم من عاد في الذّنوب مرة أخرى ١٩٨/٧٣
يارباه أنا صاحب الذّنوب والخطايا ١٩٨/٧٢
يارباه أنا صاحب الخطيئة والجناية العظمى ١٩٨/٦٩
يارباه إسقنا شربة لانظمأ بعدها أبداً ١٩٨/٨٥
يارباه إرحم من تجرّأ عليك وإفترى ١٩٨/٧٠

يارتّاه إرحم من لم يراقبك إذا خلا ١٩٨/٧١
يالله يارتّاه يالله يارتّاه ١٢٤/٧ ـ ١٢٤/٤
يارتّاه أناديك بعظيم الرّجآء ١٩٨/٨٣
يارتّاه إليك أتوجّه بمحمّد المصطفى ١٩٨/٨٠
يارتّاه إسقنا العسل المصفّى ١٩٨/٧٩
يارتّاه إرحم من أرخى السّتور على الخطايا ١٩٨/٨٧
يارتّاه صلّ على محمّد فى الآخرة والأولى ١٩٨/٩٠
يارتّاه لاتحرمنا شفاعته «محمّد» غداً ١٩٨/٩١
يارتّاه إرحم من صلّى جوف اللّيل وناجى ١٩٨/٨٨
يارتّاه إرحمنى إذا نزلت منزلاً لاأزار فيه ١٩٨/٨٢
يارتّاه إرحم من لم يزل يعصيك ١٩٨/٨٩
يارتّاه صلّ على الملآئكة السّعدآء ١٩٨/٩٢
رَبَّهُمْ: ناجوا ربّهم عند كلّ شهوة ٢٠٠/٤٢
ويحشر إلى رَبِّهِمْ بالحبآء والسّرور المتّقون ١٩٧/٤٧
أنّهم إلى ربِّهم راجعون (قرآن) ١١٥/٢٥
فيها بإذن ربِّهم من كلّ أمر (قرآن) ١١٥/٥
رَبِّكَ: إنّى أتوجّه بك إلى ربّكَ ١٢٤/٦
وتمّت كلمة ربّك صدقاً وعدلاً (قرآن) ١٩٩/٥٩
سألتك بالله ربّى وربّك ٤٨/٢
فأسأل الله ربّى وربّكَ ١١٠/٤
إذا ذكرت ربّك فى القرآن وحده (قرآن) ٢٣/٤ ـ ٢٢/١٠
رَبِّكُمْ: إنّى توكّلت على الله ربّى وربّكم (قرآن) ١٥٩/٢٣
عسى ربّكم أن يكفّر عنكم سيّئاتكم (قرآن) ١٢٢/٧
إستغفروا ربّكم إنّه كان غفّاراً (قرآن) ٢٤٩/١٩
رَبّى: إنّ ربّى رحيم ودود ١١٧/٣٩
أستغفر الله ربّى وأتوب إليه ١١٧/٣٩
كم عاهدت ربّى فلم يجد عندي صدقاً ولاوفآء ١٩٨/٣٠
آه واحزناه عصيت ربى وأنا أعلم أنّه مطّلع برى ١٩٨/٣٢
أخذنى ربّى بذنوبي بين الملأ ١٩٨/٦
ومن نفس أمّارة بالسّوء إلاّ ما رحم ربّى ٩٠/٣
فلك ربّى المجد والحمد ٢٤٥/٣
النّفس لأمّارةٌ بالسّوء الاّ ما رحم ربّى (قرآن) ٢٤٠/١
فأسألُ الله ربّى وربّك ١١٠/٤
إنّ ربّى على صراط مستقيم ٢٤٩/٢٦
هربتُ إليك ربّى ٢٤٩/١٨
أقلني عثرتى ربّي فقد كان الّذي كان ٢٠١/٢٢
فأكرمه ونعّمه فيقول ربّى أكرمن ٢٥٧/٣١ ـ ٣٥/٨
فيقول ربّى أهانن (قرآن) ٢٥٧/٣١ ـ ٣٥/٨
قلت سبحانك ربّى كيف يسأل محتاج محتاجاً؟ ٣٩/٧
قدرتك ياسيّدى وربّى وخالقى ومولاى ٤٢/٢٥

أما آن لي أن أستحيى من ربّى ٩١/٤
آه وانفساه إن لم يرض علىّ ربّى غداً ١٩٨/٥٣
سألتك بالله ربّى وربّك ٤٨/٢
إنّ ربّى قريب مجيب ١١٧/٣٩
... إنّ رَبّى على صراطٍ مستقيم (قرآن) ١٥٩/٢٣
إنّى توكّلت على الله ربّى وربّكم (قرآن) ١٥٩/٢٣
أللّهمّ أنت ربّى وأنا عبدك ١١٧/٢٤
أعيذ نفسي وما أعطانى ربّى ٢٢/٣٦
إنّ ربّى على صراطٍ مستقيم ١٣٢/١٢
آه واخطيئتاه على أىّ حال ألقى ربّى غداً ١٩٨/٦٧
أللّهمّ أنت ربّى ومولاى وسيّدى ١٥٣/١٥
أنّك أنت الله ربّى ١٩٩/١٤
آه وانفساه إن حرّمت رحمة ربّى ١٩٨/٢٢
فنعم المشتكى إليه أنت ربّى ٢٥٢/١٦
وعيناى تنتظران رحمة ربّى ٢٠١/٣٠
كلّ أركان ربّى شداد ٢٢/٣٦
وبارزت ربّى بالذّنوب والخطايا ١٩٨/٣٥
قال كلاّ إنّ معى ربّى سيهدين (قرآن) ١٥٩/١٧
بسم الله على كلّ شىء أعطانى ربّى ٢٢/٣٣
رَبُّنا : رَبُّنا وربّ آبائنا الأوّلين ١٢٣/٦
ربّنا إنّك رؤوف رحيم (قرآن) ٢٠٠/٤٨
ربّنا ولاتحمّلنا ما لاطاقة لنا به (قرآن) ٨٣/١٣
ربّنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا (قرآن) ٨٣/١٤
ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم (قرآن) ٨٣/١٥
ربّنا هب لنا من أزواجنا وذرّيّاتنا (قرآن) ٨٣/١٦
ربّنا لاتؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا (قرآن) ٨٣/١٣
ربّنا ولاتحمل علينا اصراً (قرآن) ٨٣/١٣
يقولون ربّنا اغفرلنا ولإخواننا (قرآن) ١٤/٥
ربّنا فداونا قبل التعلّل ٢٠٠/١٥
إن لم تتفضّل بعفوك ربّنا ٢٠٠/٧
ربّنا آتنا في الدّنيا حسنة (قرآن) ١٣٣/١٢ ـ ١٤٣/٥٦
وبأيمانهم يقولون ربّنا أتمم لنا نورنا (قرآن) ١٤٢/٧
وأنت ربّنا وحصننا ورجاؤنا ٢٢/١٦
... كفضل ربّنا على جميع خلقه ١/٢٦
لِرَبِّ : يوم يقوم النّاس لرب العالمين (قرآن) ٢٠٧/٧
بِرَبِّهِ: بمن يلوذ العبد إلاّ بربّه ١٧٠/٢
لِرَبِّهِمْ: فإنّك قلت فما استكانوا لربّهم (قرآن) ٢٤٩/١١
بِرَبِّهِمْ: ثمّ الّذين كفروا بربّهم يعدلون (قرآن) ١٤٣/١١
فَرَبّى: فربّى أحمد وهو أحقّ بحمدى ١٢٠/٩
فربّى أحمد شيىء عندى ١١٦/١٠

الْأَرْبابِ: ياربّ الأرباب ١٣٩/١
وإطمأنّت بالرّجوع إلى ربّ الأرباب أنفسهم ١٩٣/٤
استعبد الارباب بعزّه ١٤٩/١٣
سبحانك قاهر الأرباب ١٤٧/٣٠
ذاالجلال والإكرام ربّ الأربابِ ١٤٧/١
فكن ياربّ الأرباب ٤٢/٢٨
وربُّ الأرباب أحطت بجميع الأمور ١٣١/٣
الرُّبُوبِيَّةِ: مستجدّين بإقرار الرّبوبيّة ٢٤٧/٦
رُبُوبِيَّتِهِ: وعلا أهل السُّلطان بسلطانه وربوبيّته ١٤٩/١٣
رُبُوبِيَّتِكَ: عبدتك دوام خلود ربوبيّتك ٢٣٠/١
لأقرّ لك بوحدانيّتك وبوجود ربوبيّتك ٢٤٩/١٨
بِرُبُوبِيَّتِهِ: فتح لنا من أبواب العلم بربوبيّته ١/١٢
بِرُبُوبِيَّتِكَ: آدم... أوّل معترف من الطّين بربوبيّتك ١١/١
لمعرفة وحدانيّتك والإقرار بربوبيّتك ١٤٤/٣
إقرارى بربوبيّتك اللتى ضلّت عنها الآراء ٢٤٩/١٥
تفيض سيبك على ... الجاحدين بربوبيّتك ١١٦/١٠٢
ولااستخفافٍ منّى بربوبيّتك ٢٠٩/٣
عارف بربوبيّتك مقرّ بوحدانيّتك ١٢٨/١٢
أسرّها تصديقاً بربوبيّتك ١٩٩/١٣
لِرُبُوبِيَّتِكَ: ولاجحود لربوبيّتك ٢٢٩/٢
ولاالجحود لربوبيّتك ٢٣٣/٢ ـ ١٦٥/٢
حين عصيتك وأنا لربوبيّتك جاحد ١١٦/٦٧
ولااستكبار ولاجحود لربوبيّتك ٨٩/٣
بِالرُّبُوبِيَّةِ: أقررت لك بالرّبوبيّة ١٤٤/٥
واعمم بذلك من شهد لك بالرُّبوبيّة ٥٠/١٠
ولم يشر «محمّد» بالرّبوبيّة إلاّ إليك ١٠/١٧
مَرْبُوبٍ: لايجبر ياإلهى إلاّ ربّ على مربوبٍ ٥٧/٢

ر.ب.ح

رَبِحَتْ: وربحت في بيع الدّنيا بالآخرة تجارتهم ١٩٣/٤
أَرْبَحَنا: وأربحنا أفضل أرباح العالمين ١٤٢/٢٦
رِبْحَهُمْ: تريد ربحهم في متاجرتهم لك ١٤٢/٩
أَرْباحِ: وأربحنا أفضل أرباح العالمين ١٤٢/٢٦
رابِحَةً: واجعل تجارتى رابحةً ١٤٧/١٠٨
الرّابِحينَ: الرّابحين في التجارة عليك ٦٤/١٢

ر.ب.ص

أَتَرَبَّصُ: أتربّص اشتمال البقاء ٢١٩/٨
تَرَبُّصُ: أبعد اقتراب الأربعين تربّصُ ٢١٤/١١

ر.ب.ط

مُرابِطاً: مسلم خلف ... مرابطاً في داره ٦٧/٢٠

ر.ب.ع

الرُّبُوعِ: والرّسوم الفانية والربوع الصّموت ٢١٩/٢٠
رَبيعِ: رتعوا في زهرة ربيع الفهم ٢٠٠/٣١
أن تجعل القرآن ربيعَ قلبي ونور بصرى ٢٢/٤٠
أَرْبَعاً: أللّهمّ اقض لي في الأربعاء أربعاً ٢٤٢/٥
الْأَرْبَعاءِ: أللّهمّ اقض لي في الأربعاءِ أربعاً ٢٤٢/٥
الْأَرْبَعينَ: أبعد اقتراب الأربعين تربّص ٢١٤/١١

ر.ب.ق

وإن كان خوفك قد أربقنى ١٩٩/١١٩
رِبْقِ: فانقمع بعد استطالته ذليلاً في ربق حبالته ١٥٢/٨

ر.ب.و

رَبّاني: فبامن ربّانى في الدّنيا بإحسانه ١١٦/١٦
رَبَّياني: ارحمهما كما ربّياني صغيراً ١١٦/٤٧ـ١١/١٣٩ـ
١٤٩/٦٦
رَبَّوْنا: وارحمهم كما ربّونا صغاراً ١٤٣/٣٦
رَبَّتْني: إلهى أللنّار ربّتنى أمّى ١٩٧/٤٤
أللشّقاء ولدتنى أمّى أم للعنآء ربّتني ١٨٤/٢
رَبَّيْتَهُ: سيّدى أنا الصّغير الّذى ربّيته ١١٦/٦١
لاطفلاً إلاّ ربّيته ١٤٣/٤٨
رَبَّيْتَني: إلهى ربّيتَني في نعمك ١١٦/١٦
وربّيتني صغيراً ١٦٢/١
رَبَّيْتَنا: إلهى ... ربّيتنا بصنعك ١٨٧/٧
لَمْ تُرَبِّني: فليتها «أمّى» لم تلدني ولم تربّنى ١٨٤/٣
فليتها «أمّى» لم تربّنى ١٩٧/٤٤
رَبِّ: إلهى ... وربّ لى صغيرهم «ولدى» ٦٤/١
تَرْبِيَتِهِمْ: وأعنى على تربيتهم وتأديبهم ٦٤/٤
تَرْبيَتي: أللّهمّ اشكر لهما «ولدى» تربيتى ٦٣/٧
بِتَرْبِيَتي: أبن اذاً ياإلهى طول شغلهما بتربيتى ٦٣/١١
الرّابِيَةِ: أخذ الرّابية أخذ الدّمدمة ١٦٠/١
الْمُرَبّياتِ: قلوب الحواضن والمربّيات ١٩٩/١٧١

ر.ت.ب

رُتْبَتِهِ: أبلغ به «محمّد» من... إعلاء رتبته ١٠/١٥
مَرْتَبَةٍ: فارفعه... حتّى... لايكافأ في مرتبة ٩/٤
مَرْتَبَتي: أن أكون في غير مرتبتى ٣٥/٢ ـ ٢٥٧/٢٤

مَراتِبِ: مراتب المؤمنين آمين ربّ العالمين ٥٠/١٥
تذكّرت مراتب الفهم ٢١٩/٢٩

ر.ت.ع

فَرتَعَ: فرتع في مالك من لايرعى لك حرمة ٧٠/٦
رَتَعُوا: واجعلنا من الّذين رتعوا ٢٠٠/٣١
يَرْتَعُونَ: في رياض القرب والمكاشفة يرتعون ١٩٣/٢
رِتاعٍ: كشآء رتاعٍ آمنات بدالها ٢١٤/١٣٧ ـ ٢١٤/٥٩
مَرْتَعاً: فإذا كان عمري مرتعاً للشّيطان فاقبضني ٥٥/٧
مَراتِعِ: لهم زفرات ... في مراتع الإحسان ٢٠٠/٣٣

ر.ت.ق

رَتَقَ: وافتق ما رتق وافسخ ما دبّر ٥٠/١١
أُرْتُقْ: وارتق به «ولى عصر» فتقنا ١١٩/٢٤
رَتْقَ: فتقت لهم رتق عظيم غواشي ٢٠٠/٤٠

ر.ج.ح

لَمْ تُرَجِّحْهُ: ميزاني غداً إن لم ترجّحه ١٦٤/١٦
أَرْجَحَها: أسألك ... من الفوآئد أرجحها ١٩٩/٢٤

ر.ج.ر.ج

رَجْراجاً: أخرجت منها ماء ثجّاجاً ونباتاً رجراجاً ٢٤٧/٧

ر.ج.ز

رِجْزَكَ: واجعل عليهم رجزك وعذابك ٨٣/١٨

ر.ج.س

الرِّجْسَ: أذهب الله عنهم الرّجس ١٢٣/١٠
الّذين أذهب الله عنهم الرّجس ٢/١٠ ـ ١٤١/٣٣ ـ ٢١٩/٤٨
وطهّرتهم من الرّجس والدّنس تطهيراً بإرادتك ١٤٧/٥٧
الْأَرْجاسِ: من الأنجاس والأرجاس نزيهاً ١٩٩/١٥٠

ر.ج.ع

رَجَعُوا: رجعوا على أعقابهم ناكصين ٢١٩/٤٣
فَرَجَعُوا: عن القصد بجودك فرجعوا ١٩٩/٩٧
فَرَجَعَتْ: فرجعت القلوب إلى الصّدور ٢٠٠/٤٣
رَجَعْتَ: ثمّ رجعت عنهم إلى عمل ٢١٤/٨٠
فلو رجعت تلك الليالى كعهدها ٢١٩/٣٧
فَرَجَعْناكَ: فرجعناك إلى أمّك (قرآن) ١٥٩/٢٠
يَرْجِعُ: الطّريقة الوسطى الّتى يرجع إليها العالى ١١٩/٢٩
هَلْ يَرْجِعُ: إلهى هل يرجع العبد الآبق ١٨٢/٦
لَمْ يَرْجِعْ: ولم يرجع منك الطّالب ٧٠/١
لَمْ تَرْجِعْ: لم ترجع يدٌ طالبة صفراً من عطائك ٢٥١/٦٠
لاتَرْجِعْنِي: ولاترجعني مرجع الخيبة ٨١/٩
لانرجعني مرجع الخيبة من رحمتك ٨٠/٢٥
لاأَرْجِعَ: ضمانى ألاّ أرجع في مذمومك ٨٠/١٢
أَنْ أَرْجِعَ: أيحسن أن أرجع عن بابك ١٨٥/٢
أَنْ نُراجِعَ: وأن نراجع من هاجرنا ١١٥/١٤
رَجْعَ: يعلم ... نطق الألسن ورجع الثّناء ١٤٩/٢٤
رُجُوعِ: توبة من لاينطوى على رجوع إلى ذنب ١٤٢/٦٠
الرُّجُوعِ: لقد غرّتهم أنانك عن الرُّجوع ١٤٦/٧
بِالرُّجُوعِ: واطمئنّت بالرّجوع إلى ربّ ١٩٣/٤
الرُّجعى: وإنّ إليك المنتهى والرُّجعى ٨٣/١٠
مَرْجِعَ: لانرجعنى مرجع الخيبة من رحمتك ٨١/٩ ـ ٨٠/٢٥
الْمَرْجِعِ: ومن سوء المرجع في القبر ٢٢٥/٢
مُراجَعَةَ: وقبلت منهم مراجعة طاعتك ١٤٢/٦١
مُراجَعَتَنا: وانتظر مراجعتنا حلماً ١/٢٣
راجِعٌ: طالما ارتكبت نفسي بما هو راجعٌ إلىّ ٢٠٥/٣
راجِعُونَ: فإنّا لله وإنّا إليه راجعون من مصيبة ٢٠٠/٧
فإنّا لله وإنّا إليه راجعون على فراق شهر رمضان ١٤٣/٢٨
إنّهم إلى ربّهم راجعون (قرآن) ١١٥/٢٥
مُسْتَرْجِعٍ: ومسترجعٍ داع له الله مخلصاً ١٢٣/٢١٤ ـ ٤٧/٢١٤

ر.ج.ف

تَرْجُفُ: يوم ترجف الرّاجفةُ (قرآن) ١٥/٢٠٧
الرّاجِفَةُ: يوم ترجف الرّاجفةُ (قرآن) ١٥/٢٠٧

ر.ج.ل

رِجْلِهِ: محلّ النّأي عن ... موضع رجله ٩/٣
بِرِجْلي: وعصينك برجلى ولو شئت لجذمتني ١٤٩/٣٦
رِجْلَيْهِ: قد أرعشت خشيته رجليه ٣٤/٧
ومدّوا عند خروج روحه رجليه ٢١٤/١٢١
ومدّوا عند خروج نفسه يديه ورجليه ٢١٤/٤٥
رِجْلاي: نفسي بما... مشت إليه رجلاى ١٤٨/٥
أَرْجُلاً: أَلَهُم أرجُلٌ يمشون بها (قرآن) ١٥٩/٩
هل... تعذّب أرجلاً سعت في عبادتك ١٨٤/٥
أَرْجُلُهُمْ: تشهد أرجلهم بما كانوا يكسبون (قرآن) ٢٣/٦
وابعث عذاباً ... من تحت أرجلهم «الظّلمة» ١١٩/٩
رِجالاً: أذّن في النّاس بالحجّ يأتوك رجالاً (قرآن) ١٤٤/٢٣
الرِّجالِ: ومن الرّجال الّذين يأتونه ١٤٤/٢٤

من نار وقودها الرّجالُ والنّساء ١٩٨/١٦
وأوهن أركانهم «المشركين» عن منازلة الرّجالِ ٦٧/١٣
رِجالِهِمْ: ويبّس أصلاب رجالهم ٦٧/٨
رَجِلِهِ: وتؤمنني من ... رجله «من أرادني بسوء» ٦١/٩
أعذني فيه من ... رجله «شيطان» ١١٧/٧

ر.ج.م

رُجُوماً: ولاتجعل صوبه علينا رجوماً ٥٣/٥
الرَّجيم: أعذني وذرّيّتي من الشّيطان الرّجيم ٦١/٦-٦٤/٦
انّا نعوذبك من نزغات الشّيطان الرّجيم ٥٠/١
وأجرني من الشّيطان الرّجيم ١٣٨/١١
جميع ما رزقتني من الشّيطان الرّجيم ١١٦/١٢٨
وأعذني فيه «رمضان» من الشّيطان الرّجيم ١١٧/٧
والإنخداع لعدوّك الشّيطان الرّجيم ١١٥/١٨

ر.ج.و

رَجا: سيّدى خاب رجآء من رجا سواك ١٩٩/٧٨
كما رجا منك كلّ موحّد من المؤمنين ٢٤٧/١١
رَجاهُ: ياخير من رجاهُ الرّاجون ١٩٩/٧٣
يا ... أفضل من رجاهُ راج ١٩٧/٣٦
يا ... أفضل من رجاهُ الرّاجون ١٩٩/١٤٩
وأنت أولى من رجاهُ ٨٨/١١
وأفضل من رجاهُ راجٍ ١١٦/٢٠ - ١١٦/٦٩
لايقطع رجاء من رجاهُ ٢٤٦/١
ولايخيّب من رجاهُ ١٤٣/٢
رَجاكَ: أو رجاك بها راجٍ بلّغته أمله ٢٢٠/٧
أجلّ من أن نردّ من أمّلك ورجاك ٢٣٧/٤
رَجَوْتُ: ولورجوتُ غيره لأخلفَ رجائى ١٢٠/٦-١١٦/٧
وقد رجوتُ أن لايضيع بين ذين وذين ١٩٩/١٣١-١٩٧/٢٢
ذمّتى الّتى رجوت بها قضآء حاجتي ١٩٧/٣٦
وحقّق ظنّى فيما رجوت ١٩٧/٣٩
ولولا ما عرفت من كرمك ما رجوتُ ثوابك ١٩٩/١٣٠
ولولا ما أعرف من كرمك ما رجوتُ ثوابك ١٩٧/١٨
فأعطنى ياربّ ما رجوتُ ٨٨/١١
أو سعةٍ أو رخاءٍ إلاّ رجوتُ لنفسي ٥٩/١٣
لقد رجوتُ ممّن ألبسني بين الأحياء ١٩٧/١
وقد رجوتُ أن لاتخيّب ١١٦/٢٠
لقد رجوتُ ممّن تولاّنى من حياتي ١٩٧/٨
ورجوتُ من عفوك ١٢٨/٩
كما لو لامعرفتى بكرمك ما رجوتُ ثوابك ٢٥٦/٤
وإيّاك رجوتُ لمسألتي ١٣٨/١٦
بك أبتهل فلا تردّنى خائباً ممّا رجوتُ ٢٤٧/٩
فاعرف ألّلهمّ ذمّتى الّتى رجوتُ بها ٢٤٤/٣
وقد رجوتُ أن تكون في لطفك ١٩٧/٢١
رَجَوْنا: وأنفسنا ظلمنا ورحمتك رجونا ٢٠٠/١١
رجونا إقالتك وقد جاهرناك بالكبائر ٢٠٠/٨
يَرْجُوكَ: أتضرّع إليك تضرّع غريق يرجوك ٢٤٣/١
قلبي يرجوك لسعة رحمتك ٢٥١/٤ - ٢٥٢/٣٦
لايَرْجُوهُ: إن كان عفوك لايرجوه ذو سرف ٢١٥/٥
يَرْجُونَ: ومن كانوا منطوين على محبّته يرجون ١٤/٣
أَرْجُو: رزق من أرجو إذا لم أرج رزقك ١٤٨/١٦
مغفرة من أرجو إذا لم أرج مغفرتك ١٤٨/١٦
رحمة من أرجو إذا لم أرج رحمتك ١٤٨/١٦
عفو من أرجو إذا لم أرج عفوك ١٤٨/١٦
فضل من أرجو إذا لم أرج فضلك ١٤٨/١٦
الّذى أرجو منك في عاقبة أمري ٢٤٩/١٣
لولا ما أرجو من كرمك ... لقنطت ١١٦/٦٩
وبحبّى للنّبيّ ... أرجو الزّلفة لديك ١١٦/٧٠
فبلّغنى برحمتك ما أرجو من رحمتك ١٤١/١٤
إلهى إن كنت غير مستأهل لما أرجو ١٩٧/٢
وبك أستغيثُ وإيّاك أرجو ١٦٦/١٤
برأفتك أرجو رحمتك ١٥٣/١٦
برحمتك أرجو رضوانك ١٥٣/١٦
فكيف أرجو ما قد عجز عنّى ١٥٣/١٧
وأنا أرجو أن لاتردّنى معرفة منّى ١١٦/١٠٤
ولديك أرجو سدّ فاقتى ١١٦/٩٠
ألّلهمّ إنّى أصبحت لاأملك لنفسى خير ما أرجو لها ٢٥٤/٢
أعطنى من الخير أكثر ممّا أرجو ٢٢/٤٤
عافية من أرجو إذا لم أرج عافيتك ١٤٨/١٦
كيف أرجو غيرك والخير كلّه بيدك ١٨٥/٣
أَرْجُوهُ: يامن أرجوه لكلّ خير ٣٥١/٦٤ - ٢٥١/٤٣
والحمدلله الّذى أرجوه ١١٦/٧
وأخلفني من كنت أرجوه لرغبةٍ ٢٠٤/١
ربّ من أرجوه إن لم ترحمني ١٦٤/١٠٠
أَرْجُوكَ: سيّدى لاتعذّبنى وأنا أرجوك ١١٦/١٠٠
وأرجوك رجآء من لم يقصد غيرك برجآئه ١٩٩/١٠٤
إلهى، أنا الّذى أرجوك وإن عصيتك ٢٠١/١٢
فَأَرْجُوه: ولاشريك له فأرجوه ١٧٤/١
لاأَرْجُو: ذنوبي لاأرجو فيها إلاّ عفوك ١١٦/١٠٠
الّذى أرجوه ولاأرجو غيره ١١٦/٧

فإنّي لاأرجو ادفع ذلك غيرك ١٧٢/٥ ـ ١٧٣/٦
حتّى لاأرجو أحداً غيرك ١٢١/١٨
لاأرجو ذلك بعملي ١٥٣/١٦
بسم الله الّذي لاأرجو إلاّ فضله ٢٣٦/١
والحمدلله الّذي لاأرجو غيره ١٢٠/٦
فلا أدعو سواك ولاأرجو غيرك ١٦٣/١٢
لَمْ أَرْجُ: فضل من أرجو إذا لم أرجُ فضلك ١٤٨/١٦
رزق من أرجو إذا لم أرجُ رزقك ١٤٨/١٦
مغفرة من أرجو إذا لم أرجُ مغفرتك ١٤٨/١٦
رحمة من أرجو إذا لم أرجُ رحمتك ١٤٨/١٦
عفو من أرجو إذا لم أرجُ عفوك ١٤٨/١٦
عافية من أرجو إذا لم أرجُ عافيتك ١٤٨/١٦
أَنْ أَرْجُوكَ: إنّ ذنوبي تؤيسني أن أرجوك ٨٧/٢ ـ ٣٧/٢
نَرْجُو: دعوناك ونحن نرجو أن تستجيب لنا ١١٦/٣٧
عصيناك ونحن نرجو أن تستر علينا ١١٦/٣٧
ومن نرجو لغفران ذنوبنا سواك ٢١٤/٧٣
يُرْجِنِي: فيامن ... يرجىٰ فضله ٢٠٢/٩
فيا عظيماً يُرجى لكلّ عظيم ١١٦/٨٨
ياعظيماً يرجىٰ لكلّ عظيم إغفرلي ذنبي ١٤٩/٤٨
لايُرْجىٰ: فيامن لايرجى إلاّ فضله ١٤٣/٤١
١٩٩/١٣٣ ـ ١٩٧/٢٧
يُرْجِيهَا: إستعبدتني متمرّدة علىّ بما يرجيها ١٩٩/١٠١
يَرْتَجِي: يامن ... كلّ طالب إيّاه يرتجى ١٨٥/٦
وكلّ محزون إيّاك يرتجى ١٩٩/٩٧
لَمْ يَرْتَجِ: فأنت ... رجاء من لم يرتج معتمداً ٢٣٩/١٠
تَرْتَجِي: ترتجى منك محو الذّنوب ٢٣٧/٧
أَرْتَجِيهِ: إلهي وسيّدي ومولاي وأيّ ربّ أرتجيه ٢٣٩/٥
رَجَاءَ: رجاءً لرحمتك الّتي بها فكاكُ رقاب ٤٩/١٥
وقني المكاره كلّها يارجاءَ المؤمنين ١٩٩/٤
أللّهمّ لاتخيّب رجاءً ... بك ... ٣١/١
وأعوذبك من ... رجاءٍ مكذوب ١٩٩/٢٧
أللّهمّ من أصبح له ثقة أو رجاءٌ غيرك ١٧١/٩
إلهي قدّمني إليك رجاءٌ لايشربه قنوط ٢٣٩/٨
لايقطع رجاءَ من رجاه ٢٤٦/١
تغلّ أكفّا رفعتها الآمال إليك رجاءَ رأفتك ١٨٢/٥
ورجاءُ إنعامِكَ يقرّبني ٤٢/٢٦
رهبة لك ورجاءً لعفوك ١٧٣/١٠
إلتماساً منّي لرحمتك ورجاءً منّي لعفوك ٢٤٩/٢٠
بتحقيق رجآء المسترحمين ٢٥٦/٥
إلهي بقيت بين خوف ورجاءٍ ٢٠١/٦
إلهي لك يرهب ... رجآءً لعفوك ٧/٧
فأنت ... رجاءُ من لم يرتج معتمداً ٢٣٩/١٠
يامن لايجاوزه رجاءُ الرّاجين ٨٠/١
إنّ لنا فيك رجاءً عظيماً ١١٦/٣٧
وحقّق في رجاءِ رحمتك أملي ٥٥/٤٠
في هذا الموضع الّذي شرّفته رجاءً لما عندك ١٤٩/٥٨
سيّدي خاب رجاءُ من رجا سواك ١٩٩/٧٨
وأقيم على طاعتك رجاءً للإثابة ٢٣٦/٦
رجاءَ الواثقين بتوفير الثّواب ١٩٩/٣٥
وإلى هذا الموضع الّذي شرّفته رجاءَ ما عندك ١٤٩/٧١
وأرجوك رجاءَ من لم يقصد غيرك برجائه ١٩٩/١٠٤
الرَّجَاءُ: والرّجاءُ لإنعامك ورحمتك ١٧٣/٤
يامن هو الرّجآءُ والأمل ١١٤/١٤
إنقطع الرّجاءُ إلاّ منك ١٤٣/١٩
وتصرّمت الآمال وانقطع الرّجاءُ إلاّ منك ٢٢٠/٢
ومناهل الرّجاءِ لديك مترعة ٢٢١/٢ ـ ١١٦/١١ ـ ٢٢٠/٣
تبعثهم بها على إعتقاد حسن الرّجاء لك ١٤/٩
وينطلق بها لساني إلاّ الرّجاءُ منك ٢٠٥/١٢
فقد سألتك ... لقديم الرّجاءِ فيك ٢٥٧/٧
علمي بسعة رحمتك تضييع لحقّ الرّجاءِ ٣٧/١
فأنت إلهي ورجائي إذا ضاق عنّي الرّجاء ٢٤٥/٢
تضييع لحقّ الرّجآء ٨٧/١
ياربّاه أناديك بعظيم الرّجآء ١٩٨/٨٣
والرّجآءَ في إنعامك وفضلك يقوّيني ١٧٢/٣
ليس لي إلاّ الرّجآءُ منك ٢٠٦/١٣
واستحال الرّجآءُ يأساً ٢٠٤/١
فإنّما أسألك لقديم الرّجآءِ لك ١١٦/٨٦
سبحانك عظيم الرّجاءِ ٤/١٢
أقصدني إليك الرّجاءُ ٢٣٧/٣ ـ ٢٤٧/٢
أللّهمّ أنت أنت انقطع الرّجاء ١٤٩/٦٤
وانقطع الرّجاءُ إلاّ منك ٢٢١/١
أرزقني ... الرّجآءَ لك ١١٧/١٠
رَجَائِهِ: أوكد من رجآئِهِ للخلاص ١٠١/١٠
يستعطف جميل نظرك بمكنون رجآئه ١١٦/١٠٣
إقطع رجآءَهُ منّا وادرأهُ عن الولوع بنا ٥٠/٨
رَجَائَهُمْ: أللّهمّ ... إقطع رجآئهم «الظّلمة» ١١٩/١٠
رَجَاؤُكَ: فلم يبق لي إلاّ رجاؤك ١٧٢/١ـ٤٢/٢٤ـ١٧٣/٣
فلم يبق إلاّ رجاؤُك في قلبي ورجاؤُكَ يحيبني ٢٠١/٦
أللّهمّ ثبّت رجاءك في قلبي ١٢١/١٨
وثبّت رجاءك في قلبي ١٢٨/٥

وثبّت رجاءَك في صدورنا ١١٦/٧١
واجعلني ... على رجآئك معتمداً ٢٥١/٤٨
أسألك ... من رجآئك بما تطمئنّ به نفسي ١٨٥/٧
فقد كبر في جنب رجآئكَ أملي ١٩٩/٨٣
رَجآئي: حاطّا بفنائك ركائب رجائي ١٦/١
أللّهمّ أنت ... ثقتي ورجآئي ١٥٣/١٥
فأين رجائي منك أين مخافتي ٢١٦/٥
كيف أخاف وأنت رجائي ١١٤/١٤
ما قطعتُ رجائي منك ١١٦/٧٥
ولك خالص رجآئي وخوفي ١١٦/٨٤
ألا يارجائي أنت كاشف كربتي ٢١٦/٢
إلهي ما ... أعظم رجآئي لجزائك ١٩٧/٥
فقد أصبحت وأنت ثقتي ورجائي ١٧١/٩
وكيف أقطع رجائي منك وأنت أنت ١٧٩/١
فكيف ينقطع رجائي بموعودك ٢٠١/٤٣
ولو رجوت غيره لأخلف رجائي ١٢٠/٦
إلهي حقّق رجائي وآمن خوفي ١١٦/١٠٠
أم من أهل السّعادة خلقتني فأبشّر رجائي ٢٠٣/٩ ـ ١١٢/٢
ولاتخيّب رجائي ولاتردّني خائباً ولامقبوحاً ١٢٧/٧
فأين رجائي ثمّ أين محبّتي أنبت باعمال قباح ردّية ٩١/٥
وبلّغني فيه «رمضان» أملي ورجائي ١١٧/٤
وتوكّلي ورجائي لديك ٢٠١/٤٨
فأعطني من فضلك ... تحقيق رجآئي ١٣٩/٨
فلا أهلَكُ وأنت رجآئي ١٥٦/١
فيا عظيماً يرجى لكلّ عظيم أنت رجآئي ١١٦/٨٨
فلا أهلكنّ وأنت رجآئي ١٥٨/١
لصغر خطري ... مع ... رجآئي إيّاك ٢٥٧/٢٠
ولاتقطع رجائي بسوء عملي ١٣٨/١٧
وطال رجآئي بكثرة عفوك يامولاي ٢٠١/١٣
ولاينقطع رجآئي من رحمتك ٢٠١/١٢
أن تحقّق رجآئي فيما بسطت من أملي ١٣٨/١٧
لاتخيّب فيك رجآئي ١٨٢/١٣
وأوفدت عليك رجآئي بالثّقة بك ٣٩/٨
ولاتقطع رجآئي عنك ٣٩/١٠
سيّدي عليك ... رجآئي وتوكّلي ١١٦/٨٩
إلهي، رجآئي منك غفرانٌ ٢٠١/٢٢
ورجآئي ومعتمدي ١٤٩/٥٤
فكيف لايبتهج رجآئي بحسن موعدك ١٩٧/٢٣
أأقطع رجآئي منك وقد أوليتني ١٨٥/٣
ياأملي يارجآئي ياخير مستغاثٍ ١٤٩/٥٣
ولو رجوت غيره لأخلف رجآئي ١١٦/٧
فلا تبطل لي صدق رجآئي لك ١٩٩/٨٤
فلا تصرف رجآئي من فضلك خآئباً ١٩٩/١٥٧
إلهي ومولاي وغاية رجآئي ٢٠٢/١
فانّ رجآئي قد أشعرني بالأمن من نقمتك ١٨٦/١
غاية رجآئي في منقلبي ومثواى ٢٥٥/٧
وحقّق رجآئي لك ٣٧/٢ ـ ٨٧/٢
فأنت ياربّ ورجائي ٤٢/٢٦
ويائقتي في كلّ شدّة ويارجآئي في كلّ كربةٍ ١٤٩/٢٨
أم مع رجآئي لرحمتك وصفحك تحرمني ١٨٤/١
فأنت إلهي ورجائي إذا ضاق عنّي الرّجاء ٢٤٥/٢
ياربّ المؤمنين لاتقطع رجآئي ١٤٩/٤٩
فقد أدناني رجآئي من ثوابك ١٩٧/٢٦
واقلع رجآئي من جميع خلقك ١٢١/١٨
أنا الّذى لاأقطع منك رجآئي ٢٠٣/١١
ولكن رجآئي يأبى أن يصرفني عنك ١٩٧/٣٩
ما قطعت رجآئي منك ١٩٩/٩٣
سيّدى عليك ... رجآئي ١١٦/٨٢
لايشركك أحد في رجآئي ٧٤/٣
فكيف لايبتهج رجآئي بتحقيق موعودك ١٩٩/١٣٢
فحقّق رجآئي ١١٦/٢٠
فلا تقطع عصمة رجآئي ١٩٩/١٣٤
أللّهمّ ... ولاتقطع منك رجائي ١٣٣/٩
وقد حلّ رجآئي بحرم كرمك ١٩١/٢
رَجاؤُنا: أللّهمّ أنت ثقتنا ورجاؤنا ١٤٣/٣١
ولاتقطع رجاءنا بمنعك ٣٢/٢
فَحَقّق رجآءنا يامولانا ١١٦/٣٨
بِرَجآئِهِ: من لم يقصد غيرك برجآئه ١٩٩/١٠٤
بِرَجآئِكَ: وشفعته برجائك الّذى قلّ ١٤٧/٧٩
بِالرَّجاءِ: وعيناً بالرّجاء ممدودة ٢٠٣/٤
وعيناى إليك بالرّجاء ممدودة ١١٢/١
أَرْجائِها: والّذين على أرجائها إذا نزل الأمر ١٢/١٠
لِارْتِجآءِ: لارتجاء كشف فاقته غيرك ٢٣٩/١
زاجٍ: دعوة توسّل بها إليك راجٍ بلّغته أمله ١٤٣/٢٠
أو رجاك بها راجٍ بلّغته أمله ٢٢٠/٧
راجٍ للتّوبة علىّ منك فيها ٣٦/٩
ها أنا ... راجٍ أحسن ما لديك ١٨٦/٥
فإنّى أسئلك بكلّ دعوة دعاك راجٍ ٢٥٦/٢
إلاّ أنّى ... راجٍ لجسيم إفضالك ١٩٩/١١٤
وأفضل من رجاه راجٍ ١١٦/٢٠ ـ ١١٦/٦٩

راجٍ لك في موقفي هذا ١٤٩/٣٨
راجٍ لرحمتك لعلمي بك ١٤٨/٢٨
ولكلّ راجٍ لك ثواباً ١٤٩/٥٦
يا ... أفضل من رجاه راجٍ ١٩٧/٣٦
وأيّ راجٍ أمّك فلم يجدك قريباً ٧٠/٢
فأقدم عليه ... راجياً لعفوك ١٤٧/٧٤
متضرّعاً إليك راجياً لما عندك ٢٤٩/١٢
راجياً طولك مؤمّلا فضلك ١٦/١
راجياً فلا تقبحني ١٤١/١٤
ولنظري له في هذا اليوم راجياً ١٩٩/١٣٩
ولنظري له في هذا البيت راجياً ١٩٧/٣٤
راجياً منك جميل ما عرّفتنيه ١٩٩/١٥٧
راجينَ: ولفضلك راجين ٢٠٦/١٩
إليك أقبلنا راجين ١٤٣/١٨
الرّاجينَ: يامن لايجاوزه رجاء الرّاجين ٨٠/١
بساحتك تحطّ رجال الرّاجين ١٨٧/٣
ولاتخلى الرّاجين لحسن تطوّلك ١٩٩/١٨٠
الرّاجُونَ: يا ... أفضل من رجاه الرّاجون ١٩٩/١٤٩
ياخير من رجاه الرّاجون ١٩٩/٧٣
راجيهِ: ولم يردد راجيه فيزيله عن الحقّ ١٩٩/٩٩
راجيكَ: الّذى قلّ ما يخيب عليه راجيك ١٤٧/٧٩
لِراجيهِ: يامن ... حجابه مرفوع لراجيه ١٨٥/٦
لِلرّاجينَ: وأعلم أنّك للرّاجين بموضع إجابة ١١٦/١٢
مُرْتَجِياً: من الّذى أناخ ببابك مرتجياً نداك ١٨٥/٢
مَرْجُوٌّ: ياخير مَرجُوٍّ وأكرم مدعوّ ١٨٥/٦
فقد دعانى إلى الجنّة مرجُوٌّ ثوابك ١٩٩/٨٦
ومرجُوٍّ آلم فراقه ١٤٢/٣١
فإنّك مليئ بالعفو مرجُوٌّ للمغفرة ٣٤/١٢
الْمَرْجُوُّ: أللّهمّ أنت المدعوّ وأنت المرجوُّ ١١٤/٥
الْمَرْجُوّينَ: وبإسعافك عن خيبة المرجوّين ٢٠٤/٣
مُرْتَجىً : وياخير مرتجىً أرزقنى ١٩٩/٢٠٠
الْمُرْتَجى: يامن هو ... المرتجىٰ لكلّ يسر ٢٤٧/٩
أَرْجِئْ: عفوك أرجئ منّى لعملي ٢٤٩/٢٠

ر.ح.ب

رِحابُ: ضاقت به رحاب التخوم ٢٤٥/١

ر.ح.ق

رَحيقٍ: ورحيق مختوم وأسورة من فضّة ٢٥٧/١٢

ر.ح.ل

رَحْلِهِ: محلّ النّأى عن موطن رحله ٩/٣
رَحْلي: إرحم طرحى رحلى بفنآئك ١٤٩/٤٨
ويفنائك أحطّ رحلى ١١٦/٨٩
زاحِلٍ: أىّ راحل أمّك فلم يجدك قريباً ٢٥١/٦١
الرّاحِلَ: وإنّ الرّاحِلَ إليك قريب المسافة ١١٦/١٢
أفضل زاد الرّاحل إليك عزم الإرادة ٢٢٠/٦
وإنّ الرّاحل إليك قريب منك ٢٥٦/١
رَحيلٌ: ودنا منّا إلى الآخرة رحيلٌ وانطلاق ١٠٩/١٨
لِلرَّحيلِ: ولم تتزوّد للرّحيلُ وقد دنا ٢١٤/١٤٤-٢١٤/٦٦
الرِّحْلَةُ: أحثّ الرّحلة إلى إيثارك باستظهار ٢٤٩/٧
رِحْلَتي: وإلى رحمتك رحلتى وفي ٥٧/١١
رِحالُ: بساحتك تحطّ رحالُ الرّاجين ١٨٧/٣

ر.ح.م

رَحِمَ: النّفس لأمّارةٌ بالسّوء إلاّ مارحم ربّى (قرآن) ٢٤٠/١
ومن نفس أمّارة بالسّوء إلاّ ما رحم ربّي ٩٠/٣
فإن رحم فبمنّه «الله» ١٢٣/٣
رَحِمَهُ: إلاّ من ... رحمهُ وأعانه ١٩٩/٥٨
رَحِمَهَا: ورحمها المعادى لها فى الحياة ١٩٧/٣٢-١٩٩/١٣٨
فَرَحِمَهُ: تضرّع إليه عبد ذليل فرحمه ٨١/٥-٨٠/٢٠
رَحِمْتَ: إلاّ رحمت هذه النّفس الجزوعة ١٦٢/٦
إن كنت رحمت مثلى فارحمني ٩٠/٤
ورحمت فقرنا وفاقتنا ٢٠٠/١٠
ورحمت فغفرت ١٩٩/١٠
وعفوك عن ذنبي إذ رحمت ١٩٩/١٥٩
سيّدى من أولى بالرّحمة منك إن رحمت ١٩٩/١٢١
وارحمنا كما رحمت المحسنين ١٣٩/٣
أمّارة بالسّوء إلاّ ما رحمت ٣٠/٣
رَحِمْتَهُ: ولايستعظم عفوك إن عفوت عنه ورحمته ٨٠/٧
رَحِمْتَني: وإن رحمتنى كما عرّفتنى به توحيدك ١٠/٣٣
فَرَحِمْتَهُ: فإجعلني عبداً ... عاصياً فرحمته ١٩٩/١٣٦
يَرْحَمُ: يامن يرحم من لايرحمه العباد ١٤٦/١
يَرْحَمُهُ: فما للعبد من يرحمه إلاّ مولاه ١١٢/٧
يَرْحَمُني: ومن يرحمنى إن لم ترحمنى ٢٠١/٥
أللّهمّ إنّك ... لاأجد من يرحمنى سواك ١٤٨/١٤
فإن لم ترحمني فمن يرحمني ٩٠/٥
إنّى أعوذبك من موقفٍ... يرحمنى فيه الحميم ١٣٥/١٢
سيّدى من لي ومن يرحمني إن لم ترحمنى ١١٦/٩٩
فلعلّ بعضهم برحمتك يرحمنى ٨١/٧-٨٠/٢٣

أللّهمّ ... لاأجد من يرحمني غيرك ١٤٩/٤٥
ولاأجد من يرحمني سواك ١٤٨/١٤
هَلْ يَرْحَمُ: وهل يرحم الفقير إلاّ الغنيّ ١٦٨/٩
وهل يرحم العبد إلاّ المولى ١٦٨/١
وهل يرحم الميّت إلاّ الحيّ ١٦٨/٧
وهل يرحم الصّغير إلاّ الكبير ١٦٨/١٠
وهل يرحم الزّآئل إلاّ الدّآئم ١٦٨/٦
وهل يرحم الفاني إلاّ الباقي؟! ١٦٨/٦
وهل يرحم الضّعيف إلاّ القويّ ١٦٨/٨
وهل يرحم المخلوق إلاّ الخالق؟! ١٦٨/٣
وهل يرحم الذّليل إلاّ العزيز ١٦٨/٢
وهل يرحم السّآئل إلاّ المعطي؟! ١٦٨/٤
وهل يرحم المستغيث إلاّ المغيث؟! ١٦٨/٥
وهل يرحم المملوك إلاّ المالك ١٦٨/١١
فَيَرْحَمَني: فمن ذاالّذى أتضرّع إليه فيرحمنى ١٧٩/٤
لايَرْحَمُهُ: تسلّط عليه من لايرحمه ١٦٠/٧
يامن يرحم من لايرحمه العباد ١٤٦/١
لايَرْحَمُني: ولاتسلّط عليّ من لايرحمني ١٣٥/١٥
١٤٨/٣٣ ـ ١١٦/٥٠
لايَرْحَمُونَ: ملآئكة غلاظ شداد لايرحمون ١٩٨/٣٧
تَرْحَمَ: وترحم تضرّعي وشكواي ١٤٩/٤٠
وترحمُ بها «التوبة» عبراتي ١٩٩/٤٨
وترحمُ من تنشآء بما تنشآء كيف تشاء ١١٦/٣٣
تَرْحَمُهُ: لندخل في عدّة من ترحمه ١٠/٣١
تَرْحَمَني: ترحمني من خيبة الردّ ٢٥١/٤
وترحمني بصدّى عن معاصيك ما أحييتني ٢٥٣/٤
إن ترحمني فأهل ذلك أنت بمنّك ١٤٨/١٥
جئتك لتغفرلي وترحمني ٩١/١
وإن تعف عنّي وترحمني فبجودك وكرمك ياكريم ١٦٥/٣
وإن ترحمني فبجودك ورحمتك ٢٢٩/٣
تَرْحَمَنا: أن تغفرلنا وترحمنا ١٤٣/٢١
فَتَرْحَمَني: إلهي إذا لم أتضرّع إليك فترحمني ١٧٩/٤
لاتَرْحَمُ: إن كنت لاترحمُ إلاّ أهل طاعتك ١٤٣/٤٢
ولانرحمُ من استعطفها ٨٨/٢٠
إن كنت لاترحمُ إلاّ المجدّين ١٩٩/١١٠
لَمْ تَرْحَمْني: ومن يرحمني إن لم ترحمني ٢٠١/٥
فإن لم ترحمني فمن يرحمني ٩٠/٥
سيّدى من لى ومن يرحمنى إن لم ترحمنى ١١٦/٩٩
ربّ من أرجوه إن لم ترحمني ١٦٢/١٠
أَنْ تَرْحَمَ: أن ترحم هذه النّفس الجزوع ٢٠٥/١٦
فأنا الخآئب إن لم ترحمنى ٢٥١/٥٦
أَنْ تَرْحَمَني: وأن ترحمنى برحمتك ١٣٠/٦
لايُرْحَمُ: من دار ... لايرحمُ فيها الأشقياّء ١٩٨/١٥
إرْحَمْ: سيّدى ارحم تضرّعي إليك ١٤٨/٢٦
وارحم ضعفى وقلّة حيلتي واكشف كربتي ١٧٢/٦
ياإله الحق ارحم دعاء المستصرخين ٧/٨ ـ ١٧٣/١٠
إرحم عبدك المتعرّض لمقتك ٣٦/٥
وياقويّ ارحم ضعفي ١٧٠/١
ياغنيّ ارحم فقري ١٧٠/١
ياعزيز ارحم ذلّى ١٧٠/١
وياثانى كلّ وحيد، إرحم في القبر وحدتي ١٩٧/٢٠
ياربّاه ارحم من تجرّأ عليك وإفترى ١٩٨/٧٠
ياربّاه ارحم من عاد في الذّنوب مرّه أخرى ١٩٨/٧٣
إرحم من نقض العهد وغدر ١٩٩/٤٦
أللّهمّ ... وارحم تضرّعى وشكواى ١٣٣/٩
أللّهمّ ارحم مسكيناً لايجبره إلاّ عطآؤك ١٩٩/٩٠
إرحم من لم يزل مسقطاً عثّاراً ١٩٩/٤٧
إرحم شيبتي ونفاد أيّامي ١٦٧/٣
مولاى إرحم كبوتى لحرّ وجهى وزلّة قدمي ١٦٧/٣
إرحم من ألقى عن رأسه قناع الحيآء ١٩٩/٤٧
إرحم الغافل عمّا أضلّه ١٩٩/٤٥
إرحم في هذه الدّنيا غربتى ١١٦/٩٥
وإرحم في ذلك البيت الجديد غربتى ١١٦/٩٧
يا ربّاه إرحم من صلّى جوف اللّيل وناجى ١٩٨/٨٨
ياربّاه إرحم من أرخى السّتور على الخطايا ١٩٨/٨٧
ياربّاهُ إرحم من لم يزل يعصيك ١٩٨/٨٩
ياربّاه إرحم من لم يراقبك إذا خلا ١٩٨/٧١
أللّهمّ ارحم من اكتنفته سيّئاته ١٩٩/٤٣
إرحم من ليس له من عمله شافع ١٩٩/٤٤
إرحم به «الحقّ» الأبدان اللّغبة ٧٠/١٣
أللّهمّ ارحم عبادك الصّالحين ٨٣/١٩
إرحم فى الثّرىٰ طول وحدتى ١٩٩/١٤٥
وارحم ضعفى وقلّة حيلتى ١٧٣/٧
إلهى إرحم عبدك الذّليل ١٩٢/٩
وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتى ١١٢/٧
إرحم من أساء واقترف واستكان واعترف ١١٢/١٠
إرحم مسيرى إليك ياأكرم من سئل ١٤٩/٤٨
إرحم طرحى رحلى بفنآئك ١٤٩/٤٨
وارحم صراخى واعترافى بذنبى وتضرّعى ١٤٩/٤٨
واستجب دعآئى وارحم تضرّعى وشكواى ١٣٨/١٨

وارحم بالقرآن في موقف العرض عليك ١٠٩/٢٠
إرْحَمْهُمَا: وارحمهما «والديّ» كما ربّياني صغيراً ١٤٩/٦٦
١٣٩/١١ ـ ١١٦/٤٧
إرْحَمْهُمْ: وارحمهم كما ربّونا صغاراً ١٤٣/٣٦
إرْحَمْني: فصلّ على محمّدٍ وآله وارحمني ٤٩/٩
أللّهمّ ارحمني فإنّك رحيم ١٠٤/٢
أللّهمّ ارحمني فإنّك كريم ١٠٤/١
مولاي وارحمني في حشري ونشري ١٦٧/٦
مولاي وارحمني عند تغيّر صورتي وحالي ١٦٧/٥
مولاي وارحمني إذا انقطع من الدّنيا أثري ١٦٧/٤
وارحمني رحمة تشفى بها قلبي ١٩٩/٧٧
إرحمني إذا انقطع معلوم عمري ١٩٩/٧٤
ياربّاه إرحمني إذا نزلت منزلاً لاأزار فيه ١٩٨/٨٢
وارحمني بترك تكلُّف ما لايغنيني ١٥٣/١٢
أللّهمّ ارحمني بترك المعاصي ما أبقيتني ١٥٣/١٢
وارحمني لضعفي ١١٦/٨٨
إلهي إرحمني إذا انقطعت حجّتي ١١٦/٨٨
وارحمني صريعاً على الفراش ١١٦/٩٦
وارحمني واعصمني وتب عليّ ١٣٥/١٨
أللّهمّ ... ارحمني وأنت خير الرّاحمين ٧٧/١٢
أللّهمّ اغفرلي وارحمني واعف عنّي ١٤٣/٤٥
إرحمني يوم آتيك فرداً ٩٠/٥
وارحمني مطروحاً على المغتسل ١١٢/٧
إرحمني مطروحاً على الفراش ١١٢/٧
وارحمني محمولاً قد تناول الأقرباء ١١٢/٧
وارحمني من خيبة الرّدّ ٢٥٢/٣٧
وارحمني برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٥٢/٤٢
إرْحَمْنا: وارحمنا برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١١٩/١٥
وارحمنا كما رحمت المحسنين ١٣٩/٣
وارحمنا بقدرتك يارحمٰن ٢٢/١٥
واعفُ عنّا واغفرلنا وارحمنا (قرآن) ٨٣/١٣
وارحمنا قبل أن يُحجب دعاؤنا ٢٠٠/١٥
فَارْحَمْ: فارحم تضرّعنا وكبونا لوجهك ٢٠٠/١١
فارحم طول تضرُّعي ٤٩/١٩
فارحم بكآئي بحقّ البيت والحرم ٢١٥/٤
أللّهمّ فارحم استكانة منطقي ١٦٤/٦
أللّهمّ فارحم وحدتي بين يديك ٨٠/١٩ ـ ٨١/٤
فارحم تضرّعنا إليك ٣٢/٤
أللّهمّ فارحم ندائي إذا ناديتك ٢٤٩/١٠
فَارْحَمْني: وأرأف من استرحم فارحمني ٨٨/١٣
فارحمني إذا طاش عقلي ٢٠٣/١٣
فارحمني سيّدي يوم يفردني النّاس في حفرتي ٢٤٩/٢٢
إن كنت رحمت مثلي فارحمني ٩٠/٤
فارحمني أللّهمّ فإنّي امرؤ حقير ١٦٢/٧
فارحمني ياأرحم الرّاحمين ١٦٢/٨
تَرَحَّمْتَ: وترحّمت على إبراهيم ١٤١/٢٤
تَرَحَّمْ: وترحَّم عليه أمتع رحماتك ١٤٧/٢٦
إسْتَوْجَمَكَ: ... رحمة من استرحمك ... ٣٢/٤
أُسْتُرْحِمَ: وأنت... أرحم من استرحم في ١٩٧/١٨
ياخير من سئل وياأرحم من استرحم ٢٣٤/٥
وأرأف من استرحم فارحمني ٨٨/١٣
أرحم من استرحم في التّجاوز عن المذنبين ١٩٩/١٣٠
رَحْمَةٌ: وأجسادهم ورحمة الله وبركاته ٢٥١/٤٥ـ٢٥٢/٢
السّلام عليك ياأميرالمؤمنين ورحمة الله وبركاته ٢٥٥/١
وعيناي تنتظران رحمة ربّي ٢٠١/٣٠
آه وانفساه إن حرّمت رحمةُ ربّي ١٩٨/٢٢
ورحمة الله وبركاته ٢٥٢/٣١ ـ ٢٥١/٣٤ ـ ١٢٣/٨ ـ ١٢٢/١١
١٠٩/٢٧ ـ ٢٥١/٢ ـ ٢٦٢/٢ ـ ٢٥١/٥٣ ـ ٢٥١/٣٩
يامن أعطى من سأله تحنّنا منه ورحمةً ٢٥١/٤٣
أو رحمةٍ تنشرها أو رزق تبسطه ١٣٢/٥
أطلقت لساني بذكرك رحمةً لي منك ١٤٨/٢٠
أنت الّذي وسعت كلّ شيء رحمةً وعلماً ٤٩/٣
إذا أذقنا الإنسان منّا رحمةً فرح بها (قرآن) ٣٥/١٣
وأرقّ على أهل البلاء منهم «جيرانى» رحمةً ٦٥/٤
فيامن وسع كلّ شيء رحمةً ٣٦/٥
رحمةً مننت بها إلى أحسن طاعتك ٣٦/٥
جداول رحمةٍ نشرتها ١٥٢/١١
وهب لنا من لدنك رحمةً (قرآن) ٨٣/١٤ ـ ١١٦/٧٢
ثمّ وهبت لي رحمةَ الآبآء والأمّهات ١٩٩/١٧١
وتهب لي من عندك رحمةً ٢٣٨/٧
رحمةً من أرجو إذا لم أرج رحمتك ١٤٨/١٦
في كلّ سنةٍ من رحمةٍ تنشرها ١١٦/١١٢
يامن أعطى من سأله تحنّناً منه ورحمةً ٢٥١/٦٤
وارحمني رحمةً تشفى بها قلبي ١٩٩/٧٧
ولكلّ من فزع إليك رحمةً ١٤٩/٥٦
وإنّك قد أوسعت خلقك رحمةً وحلماً ٢٢٣/٤
صلواتك عليهم ... ورحمةُ الله وبركاته ١١٦/١١٦
هب لي من لدنك رحمةً وفرجاً هنيئاً ٢٤/٥
... رحمةً من استرحمك ... ٣٢/٤
أدخل عليهم رحمةً من بركة دعائنا لهم ١٤٣/٣٧

يامن وسع كلّ شيىء رحمةً وعلماً ١٤٣/٢٧
هب لى من لدنك رحمةً ٢٤٦/٥
واجعل لي فى الحقّ طريقاً من كلّ رحمةٍ ١٤٧/١١٢
إنّك ذو رحمةٍ واسعةٍ وفضلٍ كريم ١٠٩/٢٦
أسرفوا على أنفسهم لاتقنطوا من رحمةِ الله ١٦٢/٢
عندك أفواجٌ من رحمةٍ وأفواجٌ من مغفرةٍ ١٥١/١
الرَّحْمَة: وخلفه «الشفى» الرّحمةُ ٨٧/٥
يارحمٰن يامنتهى الرّحمةِ ١٤١/٢
حتّى أناخوا في رياض الرّحمةِ ١٩٩/١٩٥
ما أنت أهله من المغفرة والرّحمةِ ١٨٦/٨
والحجّة عليهم السّلام أهل بيت الرّحمة ٨٧/٨
... نبيّ الرّحمةِ محمّدٍ صلّى الله عليه وآله... ٤٢/٤
أتوجّه إليك بمحمّد نبيّ الرّحمةِ ١٢٤/٧
وقد توثّقنا منك بـ... الرّحمة الواسعة ١١٦/٣٥
وأتوجّه إليك بنبيّك محمّد نبيّ الرّحمة ١٢٤/٦
وتضرّعت تضرّع من لايستوجب الرّحمةَ ٣٥/٥-٢٥٧/٢٩
الّذى أوجبته على نفسك من الرّحمةِ ٢٥٧/٧
بالصّفح الكريم ... والرّحمة الواسعة ٢٥٧/٥
من أهل بيت الرّحمةِ المطهّرين ٤٢/٣٠
قد أوجبت منك الرّحمةَ والرّضوان ١١٣/٩
محمّد ... إمام الرّحمةِ ٩/٢
أوجبته على نفسك من الرّأفة والرّحمةِ ١١٦/٨٦
وهذا «رمضان» شهر المغفرة والرّحمةِ ١١٧/١
ولاراحم ينظر إليهم بعين الرّحمةِ ٧٠/٦
... شفاعة نبيّك نبيّ الرّحمةِ ١٩١/١
البركة والرّحمةِ والقبول ١٤٣/٢٧
فلمّا بلغت بي تناهى الرّحمةِ منك ١٤٤/٤
باالله ياذاالعظمة ... والرّحمةِ ١٢٢/٣
أفضل ما تعطى أولياءك المقرّبين من الرّحمةِ ١١٧/١٣
وأتوجّه إليك بمحمّد نبيّك نبيّ الرّحمةِ ١٢١/٢١-١٢١/٢٠
وافتح لي باب الرّحمة إليك ٢٥١/١٥
رَحْمَتَهُ: وهب لنا رأفته ورحمته «وليّك» ١٤٧/٦٦
أنت الّذى تسعىٰ رحمتُهُ أمام غضبه ٤٩/٣
ويامن لاتفنى خزآئن رحمَتِهِ ٨/٢٠ - ١٥/٣
يامن سبقت رحمتُهُ غضبه ١٤٩/٥٣
يامن قربت رحمتُهُ من المحسنين ١٩٩/٣٤
رَحْمَتِكَ: وإن تغفرلي فبجودك ورحمتِكَ ٢٠٩/٤
والسعيد من... حميداً إلى منازل رحمتك ٣١/٥
لاتردّنى معرفةً منّى برأفتك ورحمتك ١١٦/١٠٤
ووكّل رحمَتَكَ بإحتمال إصرى ١٠١/٧
فكم قد لحقت رحمتُكَ بالمسيئين ١٠١/٧
أياديك الفاضلة ورحمتك الواسعة ١١١/١
ومفتاحاً من مفاتيح رحمتِكَ ١٠٣/٤
بحولك وقوّتك ورحمتَكَ ١٧٤/٥
وأسألك رحمتَكَ ورضوانك وعفوك ١٢٧/٨
ولايُخَلّص منك إلاّ رحمتُكَ والتضرّع إليك ٥٢/١
فمن رحمتِكَ آيستنى ١١٦/٥٦
صلواتك ورحمتُكَ ومغفرتك ورضوانك عليه ١١٦/٤٥
ولانقلّ رحمتُكَ ١١٦/٣٥
أين رحمتُك الواسعة ١١٦/٢٧
على محارمك معرفتي بسعة رحمتِكَ ١١٦/٢٥
على المذنبين ما وسعهم من رحمتِكَ ١١٦/٣١
فأوجب لي ما طمعت فيه من رحمتكَ ١٢٨/١٠
فيحول ذلك بينى وبين رحمتِكَ ١٢٣/١٨
فإنّهم لو يملكون خزائن رحمتِك لأمسكوا ٧٧/٢
إجعلني طليق عفوك وعتيق رحمتِكَ ٤٩/٢٠
ولاقانطٍ من رحمتِكَ ١٤٨/٢٧
أبتهل إليك بعواطف رحمتك ولطآئف برّك ١٨٦/٤
إلهى لاتغلق على موحّديك أبواب رحمتِكَ ١٨٤/٦
تركى الإستغفار مع علمى بسعة رحمتِكَ ٣٧/١
إنّ علمى بسعة رحمتِك يؤمّننى أن أخشاك ٣٧/٢
وتركى للأستغفار مع سعة رحمتِكَ عجزٌ ٣٨/١
لاالّذى أحسن استغنى عن عونك ورحمتِكَ ١١٦/١
فإنّه لايقنط من رحمتِك إلاّ القوم الضّالون ٢٥٢/٤١
فقد سبقت رحمتُكَ غضبك ٢٠٥/١٢ - ٢٠٦/١٣
فجرّأنى على معصيتك ما أذقتني من رحمتِكَ ٢٥٧/٥
قد كاد أن يحلّ بي لولا رحمتُكَ ١٥٢/٨
فإنّى في رحمتِكَ قويّ الأمل ٨٧/٥
فلا تجعل حظّى من رحمتِكَ ما عجّلتَ ٥١/١
أللّهمّ ... لاغنىً لي عن رحمتِكَ ١٤٩/٤٥
برأفتك أرجو رحمتَكَ ١٥٣/١٦
فيغلب عليّ القنوط من رحمتِكَ ١٤٧/٩٠
وعطفت رحمتَك عليه ١٤٢/٥٦
أن تنزّل علينا من السّماء رحمتَكَ ١٣٩/٢
وأوفر مزيدنا من سعة رحمتِكَ ١٩٦/٢
برأفتك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٩٥/٦ - ١٨٣/٦
إن كنت غير مستأهل لما أرجو من رحمتِكَ ١٩٧/٢
بفضلك ورحمتِكَ ياأرحم الرّاحمين ١٧٩/٥
بل توجب لي فيه رحمتَكَ ١٤١/١١
وانشر علينا رحمتَكَ بغيثك المُغدِق ٥٣/١

أبدلني بسوء صنعه بي رحمتَك ٤٤/٦
لقّنته ما رضيت به عنه بمنّك عليه ورحمتك له ١١/٣
ونشرت فيه «يوم عرفة» رحمتَكَ ١٤٧/٧١
لولا ما أرجو من كرمك وسعة رحمتك... لقنطتُ ١١٦/٦٩
فبلّغني برحمتك ما أرجو من رحمتِكَ ١٤١/١٤
آملاً لمعروفك ورحمتِكَ ١٤١/١٤
من المعرفة بكرمك وسعة رحمتِكَ ١١٦/٧٣
وارزقني من فضلك ورأفتك ورحمتِكَ ١٤١/١٠
ورحمتِكَ ياأرحم الرّاحمين ١١٧/٣٦
سائلاً فسيحة رحمتِكَ وسعة طولك ١٦/٣
إبتغآء ... طول الخلود في رحمتِكَ ١٠/٤
لاتشغلك رحمتُكَ عن عذابك ١٤٩/١
ولاعذابك عن رحمتِكَ ١٤٩/١
إلاّ ما وصله رحمتُكَ ٨٨/٤
أبواب رحمتك غير محجوباتٍ ٨٢/٢
عدّتي في شدّتي ... رأفتك ورحمتُكَ ١١٦/٢٠
هذا مكان المضطرّ إلى رحمتِكَ ١٤٩/٥٢
أللّهمّ ... في رحمتِكَ أرغب ١٩٩/٨
فلا رحمتُك تؤمننا ولاسخطك يؤيسنا ١٩٩/١١٧
وفرحنا ببذل رحمتِكَ ١٩٩/١١٧
سيّدى إن تلونا من كنابك سعة رحمتِكَ ١٩٩/١١٧
وإنّ علمى بسعة رحمتِكَ يؤمننى أن أخشاك ٨٧/٢
وأسعدنى بسعة رحمتِكَ ياسيّدى ٢٥١/٥٦
في أشرف رحمتِكَ وأفضل كرامتك ١٤١/٢٥
فإنّه لايقنط من رحمتِكَ إلاّ الضّالّون ٧٧/٦
فلا تنزع منّى ما عوّدتني من رحمتك ٧٧/٦
سيّدى إذا ذكرت رحمتَك ضحكت ١٩٩/١٠٣
وسمع المجرمون بسعة رحمتِك فطمعوا ١٩٩/٩٧
إلهى ظلّل على ذنوبي غمام رحمتِكَ ١٨٢/٥
والفوز لها إن أدركت رحمتَكَ ٢٠٢/٨
إشتدّت إلى رحمتِك فاقته ٢٤٢/٣
أن تسدّ أسباب رحمتِكَ ١٩٩/١٦٣
أللّهمّ أعطنا جميع ذٰلك بتوفيقك ورحمتِكَ ٦٤/١٥
فأنت أهل أن تجود علىّ بسعة رحمتِك ٢٤١/٨
ما لاأستحقّه بما أذقتني من رحمتِك ٤٠/١
رحمة، من أرجو إذا لم أرج رحمتَكَ ١٤٨/١٦
وارزقنى من فضلك ورحمتِك ١١٧/٢٧
أجزل من أحرز نصيباً مَن رحمتِكَ ١٠/١٤
غمرتهم بسعة رحمتِك وتطوّلك ٢٣٩/٢
فلتسعنى رحمتَكَ ياأرحم الرّاحمين ٢٥١/٦٨

ورحمتِك الّتى وسعت كلّ شيءٍ ... ٤٢/٢
واسترنى بسعة رحمتِكَ وفضلك ٢٥٢/٣٧
أللّهمّ إنّ قلبي يرجوك لسعة رحمتِك ٢٥٢/٣٦
وافتح لي أبواب رحمتِكَ ٢٢١/٥
ولست أيأس من رحمتِك الّتى يتوقّعها ٢٠١/٣١
وتدخلنا في رحمتِك ياأرحم الرّاحمين ١٢٢/٨
وانشر علىّ من رحمتِكَ ٢٥١/٢٧ ـ ٢٥٢/١٩
إجعل لنا نصيباً من رحمتِك ٨/٢٠
وأطلب رحمتَك لفاقتى ٢٠٣/٢
أللّهمّ قلبي يرجوك لسعة رحمتِك ٢٥١/٤
لايقنط من رحمتِك إلاّ من تولّى وكفر ١٩٩/٧٩
لما عرّضتنا له من رحمتِك ١٤٢/٢٥
أللّهمّ أعطنى... كفلين من رحمتِك ١١٦/١٢٤
ورحمتِك الّتى لايشاكلها نوالٌ ١٦/٩
ولاينقطع رجآئى من رحمتِك ٢٠١/١٢
ولاتقنّطنى من رحمتِك ٢٥٢/٤١
لاتجعلنا في هذا الوقت من رحمتِك محرومين ٢٣٤/١
رحمتُك وعفوك أوسع من ذنوبي ٢٤٩/٢٠
عوّضنى ... ومن دعآئى لهم «للعباد» رحمتَك ١٠١/٣
وعد علىّ بعائدة رحمتِك ٨٨/١١
أللّهمّ ... أوجب لي ولهم من رحمتِك ١٣٩/١٠
وإلى رحمتك رحلتى وفي مرضاتك مدخلى ٥٧/١١
وحقّق في رجاء رحمتِك أملي ٥٥/٤٠
وأنا إلى رحمتِك فقير ٧٧/١٤
وتنشر علىّ رحمتَك ١٤٩/٤٢
عرّف بينى وبينهما «والدىّ» في مستقرّ رحمتِك ١٣٩/١١
فأعطني من ... سعة رحمتِك ١٣٩/٨
من رحمتِك الّتى يتوقّعها المحسنون ١٩٩/١٤٣
إلهى ليس... لي ذريعة إليك إلاّ عوارف رحمتِك ١٩١/١
إلهى ... كربى لايفرّجه سوى رحمتِك ١٩٢/٢
فاضممنى إلى كنف رحمتِك تطوّلاً ٨٠/١٧
لاترجعنى مرجع الخيبة من رحمتِك ٨١/٩ ـ ٨٠/٢٥
وأجرني منها بفضل رحمتِك ٨٨/٢٢
ولاأنال ما عندك إلاّ بطاعتك وبفضل رحمتِك ٥٧/٤
والرّجاء لإنعامك ورحمتِك وفضلك يقوّينى ١٧٣/٤
ولاشيء أتّكل عليه إلاّ رحمتُك ٢٠٥/١٧
وأنفسنا ظلمنا ورحمتَك رجونا ٢٠٠/١١
على من أدخلته في سعة رحمتِك ١٩٩/١٦٩
بحقّ محمّد وآل محمّد صلواتك ورحمتُك ٢٢٨/١١
وإن ترحمنى فبجودك ورحمتِك ٢٢٩/٣

وأوردني مشارع رحمتِك ١٠٨/١
على ما فضّلتني من رحمتِك ١٦٣/١
فهب لي يالٰهي من رحمتِك ١٥٢/١٦
إنّا إلى رحمتِك فقراء ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/٢١
بأفضل صلواتك ورحمتِك وبركاتك وسلامك ٦٣/١
صلواتك عليه ورحمتُك وبركاتك ٦١/٤
واجعل لنا نصيباً في رحمتك ١٥/٣
سائل ملهوف مضطرّ إلى رحمتِك ٢٣٩/٨
ولاتصرف عنّا رحمتَك ياأرحم الرّاحمين ٢٣٤/٣
وألحقني بالّذين غمرتهم سعة رحمتِك ٢٠٦/١٦
عن جميع خلقك بغناك وسعة رحمتِك ١٢١/٣
أدخلتهم بالتّقوى في سعة رحمتِك ورضوانك ١٢٠/١٣
وأفكّر ... في فقرى إلى رحمتِك ٢٥٧/١٩
ورحمتَك وخيرك إليّ فيه نازلاً ١١٧/١٤
كفّر خطيئتي بمنّك ورحمتِك ١٨٢/١٣
وافتح لي أبواب توبتك ورحمتِك ورأفتك ١٤٧/١١٦
ومحلّ مغفرتك ورحمتِك ٦٣/١٦
فإن تعف عنّي فقديماً شملتني رحمتُك ٢٠٥/١٥
ولايجير من عقابك إلاّ رحمتُك ٢٠٥/١٤
رَحْمَتي: ورحمتي وسعت كلّ شيء (قرآن) ٢٥١/٦٨
بِرَحْمَةٍ: برحمة نافعة ٩٧/١
وإذا لم تتداركني منك برحمة تنقذني بها ١٤٨/٢٢
إن لم تداركني منك برحمة تمنّ بها عليّ ٢٥٧/١٥
تقبّل منّا برحمةٍ ١٤٣/٣٠
إن لم تداركني منك برحمةٍ تلقى بها في ٧٧/١٠
بِرَحْمَتِهِ: بل تأنّانا برحمته تكرّماً ١/٢٣
أللّهمّ يامن برحمته يستغيثُ المذنبون ٤٩/١
جاء بالنّهار مبصراً برحمته ٢٤٤/١
يامن سعد برحمته القاصدون ١٨٥/٤
لايهلك من تغمّده برحمته ١٩٩/٦
ووسع كلّ شيءٍ برحمته ١٤٩/١٤
بِرَحْمَتِكَ: ...وارحمنابرحمتك ياأرحم الرّاحمين ١١٩/١٥
وإلاّ تغمّدني برحمتك توبقني ١٠١/٥
برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٣٩/٦ - ١٣٩/٦
٢٠٤/٨ - ٢٠٧/٢٧ - ٢٠٨/٥ - ٢١٤/٧٤ - ١١٧/١١
١٨٥/٧ - ١٨٦/٨ - ١٨٧/٨ - ١٨٨/٤ - ١٣٩/١١
١٤٧/٧٠ - ١٦٠/٨ - ١٧١/٩ - ١٨١/٥ - ١٣٣/١٢
١٢٧/٧ - ١٢١/٢٢
وبرحمتك فخلّصني ١١٦/٢٧
وبلّغني برحمتك كمال العافية بدوام النعمة ١٢٣/٢٢
أللّهمّ ... آنسني برحمتك ٧٧/٣
وبرحمتك الّتي وسعت كلّ شيء ١٧٧/٣
ولكن برحمتك الّتي وسعت كلّ شيء ١٧٢/٩
نجّني برحمتك من عذاب النّار ١٨٤/٩
فلا تكلني إلى نفسي برحمتك فأعجز عنها ٢٥٧/٦
من استحقّ الرّفيع الأعلى برحمتك ١١٥/١٧
جئتك لتنظر إليّ برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢١٥/١
فهب لي نفسي السّاعة السّاعة برحمتك ١٤٩/٤٤
وبرحمتك أرجو رضوانك ١٥٣/١٦
وأن تثنيني بالكثير من كرامتك برحمتك ١٦٦/١٣
برحمتك ومنّك ياأرحم الرّاحمين ١٩٣/٧
لتنظر الليّ برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢١٥/١
فبلّغني برحمتك ما أرجو رحمتك ١٤١/١٤
وعرّفتنا برحمتك شرفه وفضله ١٠٩/٧
أعذني من كلّ ذلك برحمتك ٢٦/٩
وخفّف برحمتك من ثقل الأوزار ظهري ١٩٩/١٢٥
وبرحمتك تعلّقي ١١٦/٨٢ - ١١٦/٨٩
تصبب برحمتك من تشآء ١١٦/٨٢
وأنقذني برحمتك من خطاياي ٢٥١/٥٦
ربّ إنّك ... تغمّدتني برحمتك ٧٧/٥
فاحشرني ... برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٠٣/١٤
فلعلّ بعضهم برحمتك برحمني بسُوء موقفي ٨١/٧
وتفضّل عليّ برحمتك ومغفرتك ٢٥٢/٣٧
برحمتك الّتي وسعت كلّ شيء استعنت ٢٢/٤١
وأوّل مجتبىً للنبوّة برحمتِك ٢٢٢/٢
أللّهمّ إنّي أسألك برحمتك الّتي لاتنال ١٢٥/١
وتتفضّل عليّ برحمتك ومغفرتك ٢٥١/٤
واجعلني برحمتك من أهل الرّعاية ١٩٩/٦٦
وابدأبهم وثنّ بي برحمتك ٢٢٧/٥
بلّغنا برحمتك غنآئم البرّ والإحسان ١٩٩/٣٤
فأنجح لي المطلوب من فضلك برحمتك ١٩٩/٨٠
ثوابي منه الجنّة برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١١٦/١٢٢
الآخرة من الفائزين برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٢٩/١١
وارحمني برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٥٢/٤٢
واجعلنا برحمتِك ممّن برد حوضه ١٤١/٢٨
وافسح لنا برحمتك في ضيق ملاحدنا ١٠٩/١٩
برحمتك ياأرحم الرّاحمين وياأكرم الأكرمين ١٩٦/٤
وأدخلني الجنّة برحمتك ١١٦/١١٦
فتداركني برحمتك الّتي وسعت الأشياء ١٩٩/٤٢
وقني برحمتك عذاب النّار (قرآن) ٥٥/٤٢

أنت الّذى ... تسبّبه «رزقى» برحمتك ٧٧/١٣
فلا تحرمنى برحمتك الجزآء الّذى وعدتنيه ١٩٩/١٤٢
ومن المقرّبين برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٣٢/١٤
فلعلّ بعضهم برحمتك يرحمنى ٨٠/٢٣
تدخلنى الجنّة برحمتك ١٤٣/٤٣
وأن ترحمنى برحمتك وتعتقنى من النّار ١٣٠/٦
واجعلنا ممّن تشفّعه فيه برحمتك ١٤٣/٢٤
المعافين من البلآء برحمتك ٦٤/١٣
وأعزّنى في الدّنيا والآخرة برحمتك ٢٥٦/٦
لِرَحْمَتِكَ: وإن كنّا غير مستوجبين لرحمتك ١١٦/٣٨
راج لرحمتك لعلمي بك ١٤٨/٢٨
إلتماساً منّى لرحمتك ورجاءً منّى لعفوك ٢٤٩/٢٠
لرحمتك الّتى بها فكاك رقاب الخاطئين ٤٩/١٥
فإنّى لرحمتك وعفوك أرجى منّى لعملي ٢٤٩/٢٠
أم مع رجآئى لرحمتك وصفحك تحرمنى ١٨٤/١
فَبِرَحْمَتِكَ: وإن غفرت لي فبرحمتك ٨٩/٤
بِرَحْمَتِنا: نصيب برحمتنا في نشاء (قرآن) ٢٢/٢٢
بِالرَّحْمَةِ: فتطوّل عليّ فيه بالرّحمة والمغفرة ١٤٩/٦٤
سيّدى من أولى بالرّحمة منك إن رحمت ١٩٩/١٢١
ياباسط اليدين بالرّحمة ١١٦/٣١
يامنّان منّ عليّ بالرّحمة ياأرحم الرّاحمين ١٤٩/٤٩
أنت الّذى وصفت نفسك بالرّحمة ٤٩/٩
شعبان الّذى حففته منك بالرّحمة والرّضوان ١١٣/٧
رَحَماتِكَ: وترحّم عليه أمتع رحماتك ١٤٧/٤٦
تَرَحُّمِكَ: توسّلت بجنابك وترحّمك لديك ١٨٢/١٣
راحِمٌ: ولتضرّعى راحماً ٣٩/١٠
هل أنت ياإلهى راحمٌ من دعاك ٤٩/٦
ياراحم العبد الضّعيف ١١٨/١
ياراحمَ رنّة العليل ٢٠٣/١
فإن عفوت فخير راحمٍ ١١٦/١٩
وياراحمَ المساكين ١٤٣/١٧ - ١٩٥/١
فأنت ... راحمٌ من لاذبك ٢٠٣/٢
لاراحمٌ ينظر إليهم بعين الرّحمة ٧٠/٦
الرّاحِمُ: والرّاحمٌ لى والمتكفّل برزقى ٤٢/٢٦
أللّهمّ أنت ... الرّاحم الغفور ١٩٩/٩
الرّاحِمينَ: ولامقبوحاً ياأرحم الرّاحمين ١٣٨/١٥
فبجودك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٠٩/٤ - ٢٢٩/٣
ياأكرم الأكرمين وأرأف الرّاحمين ١٩٩/١٦٩
أللّهمّ ... ارحمنى وأنت خير الرّاحمين ٧٧/١٢
مسّنى الضرّ وأنت أرحم الرّاحمين ١١٤/١٤
إلاّ رحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٠٥/١٧
برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢١٤/٧٤ - ٢٣٩/٦ - ١٣٩/٦
١٨٧/٨ - ١٨٨/٤ - ٢٠٤/٨ - ٢٠٧/٢٧ - ٢٠٨/٥ - ١١٧/١١
١٦٠/٨ - ١٧١/٩ - ١٨١/٥ - ١٨٥/٧ - ١٨٦/٨ - ١٣٩/١١
١١٦/١٢٢ - ١٢١/٢٢ - ١٢٧/٧ - ١٤٣/٢٤ - ١٤٧/٧٠ - ١٣٣/١٢
فأستحقّ بذلك ... ياأرحم الرّاحمين ٥٥/٢٠
يدعوك بيا أرحم الرّاحمين ٣٤/٨
صلاة لاحدّ لها ولامنتهى ياأرحم الرّاحمين ٨٨/٢٤
إنّه هو أرحم الرّاحمين ١٤٣/٣٠
رضوانك والجنّة ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/٤٤
ياسميع الدّعاء ياأرحم الرّاحمين ١٩١/٥
ومن المقرّبين برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٣٢/١٤
أولى الأمرين بك ياأرحم الرّاحمين ٨٢/٣
ياأرحم الرّاحمين وخير الغافرين ٩٠/٧
بل ... أنت أرحم الرّاحمين ١٣٩/٩
لاأشقى بعدها أبداً ياأرحم الرّاحمين ١٣٦/٣
يانور السّماوات والأرض ياأرحم الرّاحمين ١٣٤/٤
فاكفنى شرّه بحولك وقوّتك ياأرحم الرّاحمين ١٥٦/٤
آمن به من عقابك ياأرحم الرّاحمين ١٥٢/١٦
ولاتضرّك الموهبة ياأرحم الرّاحمين ٢٣٨/٧
خير حافظاً وأنت أرحم الرّاحمين ٢٣٦/٥
فأنجز لنا ما وعدتنا ... ياأرحم الرّاحمين ١٩٤/٦
أنت أرحم الرّاحمين وأنعم الرّازقين ٢٣٧/٤
ياأكرم الأكرمين وياأرحم الرّاحمين ١٩٩/٦٤
ما أحسنت فيما مضى منه ياأرحم الرّاحمين ٢٥٣/٥
وإن تغفر فأنت أرحم الرّاحمين ١٦٣/١٤
تنقصه من حسناتى ياأرحم الرّاحمين ٢٥٢/٣٠
وتدخلنا في رحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٢٤/٨
وأصفيائك ياأرحم الرّاحمين ٢٢١/٥
أجرني منهم ياأرحم الرّاحمين ٢٢/٢١
فلتسعنى رحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٥١/٦٨
ياأرحم الرّاحمين وسلّم كثيراً ٢٣٧/١٠
في هذا اليوم ياأرحم الرّاحمين ١٤٩/٦٦
إنّك على كلّ شيء قدير ياأرحم الرّاحمين ١٩٩/٢٠٠
ياأرحم الرّاحمين ١٩٢/٥ - ٢٥٢/٣٨ - ٢٥٢/٤٠ - ١١/٥
١١٦/١٣٥ - ١٤٨/٣٥ - ١٨١/١ - ٢٥٢/٣٧ - ١١٧/١٦
٨٩/٤ - ٦٣/١
يارحيم ياأرحم الرّاحمين ١١٧/٢٦
بأفضل صلواتك ياأرحم الرّاحمين ١١٧/٣٢
أعوذبك من شرّه ياأرحم الرّاحمين ١٥٨/٣

أحشرني في زمرتهم ياأرحم الرّاحمين ٢٤١/١٠
لاانفصام لها ياأرحم الرّاحمين ٢٠٠/٤٦
بشطّ بحار الرّضا ياأرحم الرّاحمين ٢٠٠/٢٥
ولانحرمني صحبته إنّك أنت أرحم الرّاحمين ٢٤٢/٤
فاحشرني ... برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٠٣/١٤
إنّي كنت من الظّالمين ياأرحم الرّاحمين ١٩٩/١٩٨
ياأرحم الرّاحمين ياربّ العالمين ١٤١/٣
من حسناتي ياأرحم الرّاحمين ٢٥١/٣٨
إنّه هو أرحم الرّاحمين ١٤٣/١٥
أللّهمّ ... أرحم الرّاحمين ١٩٩/٢١
برأفتك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٩٥/٦ ـ ١٨٣/٦
يا ... جار المستجيرين وأرحم الرّاحمين ٢٤٣/٧
محذور الدّنيا والآخرة ياأرحم الرّاحمين ٢٠٠/٢٢
بما وسّعت عليّ ياأرحم الرّاحمين ٢٧/٢
المؤمنين والمؤمنات ياأرحم الرّاحمين ٢٦/٩
لايعلمه أحد من النّاس غيرك ياأرحم الرّاحمين ٢٥/٤
أنت أرحم الرّاحمين ٦٣/١٦ ـ ٢٥١/١٢ ـ ١١٧/٣٤
إنّك أرحم الرّاحمين ١١٧/٤٠
إيّاك أدعو ... يا ... أرحم الرّاحمين ١٤٩/١٦
لتنظر إليّ برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢١٥/١
برحمتك ومنّك ياأرحم الرّاحمين ١٩٣/٧
ياأرحم الرّاحمين يامن يملكني ١٨٠/٦
بفضلك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٧٩/٥
إلاّ أنت ياأرحم الرّاحمين ١٧٥/٢ ـ ١٧٠/٥
برحمتك ياأرحم الرّاحمين وياأكرم الأكرمين ١٩٦/٤
ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١١٧/٣٦
جئتك لتنظر إليّ برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢١٥/١
إفعل بي ما أنت أهله ياأرحم الرّاحمين ٤٢/٣١
يامنّان منّ عليّ بالرّحمة ياأرحم الرّاحمين ١٤٩/٤٩
ومنّك وفضلك ياأرحم الرّاحمين ١٣٨/١٩
حسن ظنّي ياأرحم الرّاحمين ٣٧/٢
ياأرحم الرّاحمين وصلّى الله على سيدنا ١٣٠/٦
لاباستحقاقي ياأرحم الرّاحمين ١٣٤/٧
فأعطني مسألتي ياأرحم الرّاحمين ١٣٤/٦
وارحمنا برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١١٩/١٥
او فعل يقرّبني إليك زلفى ياأرحم الرّاحمين ١٢٣/١٥
النعمة إلى منتهى أجلي ياأرحم الرّاحمين ١٢٣/٢٢
والجود بالنوال ياأرحم الرّاحمين ٦٦/١
في سعة رحمتك ورضوانك ياأرحم الرّاحمين ١٢٠/١٣
واليقين لما برضيك عنّي ياأرحم الرّاحمين ١٢٩/١٠
برحمتك ياأرحم الرّاحمين وصلّى الله ١٢٩/١١
وارحمني برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٥٢/٤٢
ياأرحم الرّاحمين وأجود الأجودين ٢٤٥/٨
يادنياي وآخرتي ياأرحم الرّاحمين ١٨٩/٩
فاستجب لي ولهم ياأرحم الرّاحمين ١٤٤/٣٠
في الدّنيا والآخرة برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٥٦/٦
وأمّهاتهم ياأرحم الرّاحمين ٦٣/١٣
ياكريم ياجميل، ياأرحم الرّاحمين ١٩٢/٩
فارحمني ياأرحم الرّاحمين ١٦٢/٨
كفّر خطيئتي بمنّك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٨٢/١٣
رجوت بها قضاء حاجتي ياأرحم الرّاحمين ٢٤٤/٣
إنّك أنت أرحم الرّاحمين ٢٤٤/٥
ولاتصرف عنّا رحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٣٤/٣
واحشرني في زمرتهم ياأرحم الرّاحمين ٢٣٩/١٣
الخاصّين لديك ياأرحم الرّاحمين ١٥/١٧
بنجح حوآئجي ياأرحم الرّاحمين ٢٥١/٦٣
وكرمك ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/٥٥
وأصفيائك ياأرحم الرّاحمين ٢٢٠/٨
أجب دعاءنا ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/١٧
فاقبل عذرنا ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/١٨
إنّا إلى رحمتك فقراء ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/٢١
الْمُسْتَرْحِمِينَ: بتحقيق رجآء المسترحمين ٢٥٦/٥
الْمُسْتَرْحِمُونَ: وياأرحم من انتابه المسترحمون ٣٤/٨
رَحِيمٌ: يالله يارحمٰن يارحيمُ ١٤١/٨ ـ ١١٧/٢٦
إنّك قريبٌ ... رؤوفٌ رحيمٌ ٦٤/١٦
ربّنا إنّك رؤوف رحيمٌ (قرآن) ٢٠٠/٤٨
إنّك رحيم بمن دعاك ٣٣/٥
... رحيمٌ بالخلق ... ٢١/١٦
وأنت أرحم من كلّ رحيم ٢١/١٨
أستغفر الله إنّ الله كان غفوراً رحيماً ١١٧/٤٠
إنّ ربّي رحيمٌ ودود ١١٧/٣٩
يارحيمُ يارحمٰن ١٨٤/٩
ياغفور يارحيم يارحيم ياربّاه ١٣٨/٢
وتقبّل يارحيمُ توبتي ١٤٨/٢٣
وأنّك واحد جواد ماجد رحمٰن رحيمٌ ١٢٧/٢
ياعظيم يارحيمُ ياواسع ١٢٤/٢
فأنت بحالي زعيم عليمٌ وبي رحيمٌ ١١٤/٦
أنت رؤوف رحيمٌ خبير ٢٤٣/٩
ولاتؤاخذني بجهلي يارحيمُ ١٩٩/٤٢
يارحمٰن يارحيم اغفرلي مغفرة ١٤٣/٤٤

يارحمٰن يارحيمُ يالله ١٤١/٨ ـ ١٢٢/٤
علاّم الغيوب والشّهادة يارحمٰن يارحيمُ ١٣٧/١
أللّهمّ ارحمني فإنّك رحيمٌ ١٠٤/٢
فكن بي رؤوفاً رحيماً ١٤٤/٢٨
فيامن ... بالغافلين عن ذكره رحيمٌ رؤوف ١٨٩/٥
الرّحيم: بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ إلهي من ذا ١٩٠/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ الحمدلله ٢٤٤/١ ـ ١٤٣/١
الرّحيمِ اللّطيف الخبير ١٤٣/١
إنّك أنت الغفور الرّحيمُ ٢٣٦/٧ ـ ٢٥٨/٢
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم أللّهمّ ألهمنا ١٨٨/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ سبحانك ١٨٩/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهي ألبستني ١٨٢/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم أللّهمّ إنّي ١٧٦/١ ـ ٢٤٧/١
٢٣٩/١ ـ ٢٤٣/١ ـ ٢٤٥/١ ـ ٢٤١/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ إلهي قصرت ١٩٣/١
وتب عليّ إنّك أنت التّوّاب الرّحيمُ ١٦٢/٨
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم الحمدلله ٢٤٦/١ ـ ٢٤٠/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم بسم الله وبالله ١٥٩/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم طسم تلك (قرآن) ١٥٩/١٥
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ إلهي ٨٢/١ ـ ١٨٣/١ ـ ٢٠٧/١
والمتحنّن عليّ الرّحيمُ بي المتكفّل برزقي ١٧٣/٥
الرؤوف الرّحيمِ بعبادك ١٤٣/٥٢
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ، إلهي كسرى... ١٩٢/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ، إلهي ليس لي... ١٩١/١
ببسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ ٩٤/٢
إنّك أنت التّوّابُ الرّحيمُ ١٤٧/٧٠ ـ ١٣٥/١٨
لاإله إلاّ هو الرّحمٰن الرّحيمُ ٢٧٠/٢
أعيذ ... ببسم الله الرّحمن الرّحيمِ ٢٢/٢٤
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم أللّهمّ بذكرك ١٩٩/١
إنّك أنت الرّحيمُ الغفور ١١٦/١٣٤
باسمك بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ ١١٧/٣٠
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم الحمدلله الّذي ٢٤٢/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم ياأسمع السّامعين ١٨١/١
الرّحمٰن الرّحيمُ العليم الحكيم ١٤٧/٥
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ أن تجعل ١٤١/٣
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم الله اكبر ٢٢/١
إنّك أنت... الرّحيمُ للخاطئين المنيبين ٨١/٩ ـ ٨٠/٢٥
وأنت الله الرّحمٰن الرّحيمُ ١٤٩/١
إنّك أنت التّوّاب الرّحيم الرؤوف الكريم ١٦/٩
أللّهمّ أنت الرّبّ الغفور الرّحيمُ الودود ١٦/٣
أسألك باسمك بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ ١٣٧/٣
أنت الرّؤوف الرّحيمُ ١٨٧/٣
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ إلهي أسكنتنا ١٩٦/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهي أذهلني ١٨٧/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ، لقد رجوت ١٩٧/١
نبيّء عبادي أنّي أنا الغفور الرّحيمُ (قرآن) ٢٠٥/١٣ـ٢٠٦/١٤
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ يامن إذا ١٨٥/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيمِ إلهي أتراك ١٨٤/١
والذّاب عنّي، المتحنّن عليّ، الرّحيم بي ١٧٢/٤
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهي إن كان ١٨٦/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم ووقع القول ٢٣/٣
وأسألك ببسم الله الرّحمن الرّحيمِ ١٢٩/٣
الرّحمن الرّحيمِ الّذي ليس كمثله شيء ١٢٣/١
فأنت ... الرّؤوف الرّحيمُ ٢٣٤/٨
رَحيمَهُما: يارحمن الدّنيا والآخرة ورحيمهُما ١٧١/١
رَحيمَةً: بحقّك... لمّا... نظرت إليّ نظرة رحيمةً ١١٧/٢٠
أللّهمّ هب لي لحظة رحيمةً من لحظاتك ١٧٣/٢
أنظر إليّ نظرة رحيمةً من نظراتك ١١٤/١٢
الرَّحيمَةِ: بلحظة من لحظاتك الكريمة الرّحيمةِ ٢٢/٢٣
رَحْمٰنُ: يارحمٰن ياقدّوس ياواحد ياأحد ١٣٠/٢
ياالله يارحمنُ ١٢٢/١ ـ ١٢٢/٢
أللّهمّ يارحمٰنُ ياالله ١٢٢/١
ياالله ياالله يارحمٰنُ ١٢٢/١
يارحمنُ يارحيم ياالله ١٢٢/٤
يارحمنُ يارحيم اغفرلي مغفرة ١٤٣/٤٤
ياالله يارحمنُ يافرد ١٣٣/٢
يارحمن الدّنيا والآخرة ورحيمهما ١٧١/١
ولاشبيهٌ ولاعدل ياالله يارحمنُ ٨٣/١٢
وارحمنا بقدرتك يارحمنُ ٢٢/١٥
يارحمنُ أنهلكنا وأنت ربّنا وحصننا ورجاؤنا ٢٢/١٦
ياالله يارحمنُ يارحيم ١٤١/٨ ـ ١١٧/٢٦
إذ كنت أرحم بها «نفسي» من نفسي يارحمنُ ١٩٧/٣٨
ياالله يارحمنُ ياالله يارحمن ياالله يارحمنُ ١٤١/٥
يارحمن يامنتهى الرّحمة ١٤١/٢
طارقاً يطرق بخير يارحمنُ ٢٢/١٩
فصلّ يارحمن وملآئكتُك ١١/٥
يارحمنُ يارحيم ياالله ياأحد ١٤١/٨
علاّم الغيوب والشّهادة يارحمنُ يارحيم ١٣٧/١
يارحيم يارحمٰنُ ١٨٤/٩
وأنّك واحد جواد ماجد رحمنٌ رحيم ١٢٧/٢

يارحمنُ يالله ياقيّوم يالله ١٣٢/٢
يالله يارحمنُ ١٢٩/٢
يالله يارحمنُ لك الأسماء الحسنىٰ ١٢٩/٢
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم أللّهمّ بذكرك ١٩٩/١
باسمك بسم الله الرّحمٰن الرّحيم ١١٧/٣٠
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم الحمدلله الّذى ٢٤٢/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم ياأسمع السّامعين ١٨١/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم أللّهمّ إنّى ٢٤٣/١ـ٢٤٧/١ـ٢٤٥/١
٢٣٩/١ ـ ١٧٦/١ ـ ٢٤١/١
الرّحمنُ الرّحيم العليم الحكيم ١٤٧/٥
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم أن تجعل اسمى ١٤١/٣
بسم الله الرحمن الرّحيم اللهاكبر ٢٢/١
ببسم الله الرّحمٰن الرّحيم ٩٤/٢
وأنت الله الرّحمٰن الرّحيم ١٤٩/١
قل ادعوا الله أو ادعوا الرّحمنَ... (قرآن) ٢٢/١١ ـ ٤٧/١
أفبهذا أمرك الرحمنُ ٢١٤/٦٩
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم لقد رجوت ١٩٧/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم، إلهى أسكنتنا ١٩٦/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهى أذهلنى ١٨٧/١
أسألك باسمك بسم الله الرّحمٰن الرّحيم ١٣٧/٣
أبهذا أمرك الرّحمنُ ٢١٤/١٤٨
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهى إن كان ١٨٦/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم يامن إذا ١٨٥/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم ووقع القول ٢٣/٣
وأسألك ببسم الله الرّحمن الرّحيم ١٢٩/٣
الرّحمٰن الرّحيم الّذى ليس كمثله شيىء ١٢٣/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم الحمدلله ٢٤٤/١ـ١٤٣/١ـ٢٤٠/١
أعيذ ... ببسم الله الرّحمٰن الرّحيم ٢٢/٢٤
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم الهى غارت ٨٢/١
لاإله إلاّ هو الرّحمٰن الرّحيم ٢٧٠/٢
آه واحزناه إذا عرضت على الرّحمن غداً ١٩٨/٣١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم، إلهى ليس لى ... ١٩١/١
آه وانفساه من موقفى بين يدى الرّحمن ١٩٨/٨
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهى كسرى ... ١٩٢/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم أللّهمّ ألهمنا ١٨٨/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهى ألبستني ١٨٢/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهى أتراك ١٨٤/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهى إليك ١٨٣/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهى قصرت ١٩٣/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم الحمدلله الأوّل ٢٤٦/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم بسم الله وبالله ١٥٩/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم طسم تلك (قرآن) ١٥٩/١٥
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهى الأمان الأمان ٢٠٧/١
لايتكلّمون إلاّ من أذن له الرّحمٰنُ (قرآن) ٢٠٧/١١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم سبحانك ١٨٩/١
بسم الله الرّحمٰن الرّحيم إلهى من ذا ١٩٠/١
بِالرَّحْمٰنِ: قالت إنّى أعوذ بالرحمن (قرآن) ٢٢/٧
لِلرَّحْمٰنِ: خشعت الأصوات للرّحمٰن فلا تسمع إلاّ همساً (قرآن) ٢٢/٢٣ ـ ٢٣/٣
مَرْحُومٌ: وظنّى بك أنّك تقلبنى بالنّجاة مرحوماً ١٩٩/٨٣
ومن سواك مرحومٌ في عمره ٧٤/٥
مَرْحُومَةٌ: وعبرة من بكى من خوفك مرحومةٌ ٢٥٥/٥
أَرْحَمَ: وكرمك ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/٥٥
وأصفيائك ياأرحم الرّاحمين ٢٢٠/٨
أجب دعاءنا ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/١٧
فاقبل عذرنا ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/١٨
إنّا إلى رحمتك فقراء ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/٢١
برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٣٩/٦ ـ ١٤٧/٧٠ ـ ٢٣٩/٦
١١٧/١١ ـ ٢١٤/٧٤ ـ ٢٠٧/٢٧ ـ ٢٠٤/٨
١٣٩/١١ ـ ١٨٨/٤ ـ ١٨٧/٨ ـ ١٨٦/٨ ـ ١٨٥/٧
١٣٣/١٢ ـ ١٨١/٥ ـ ١٧١/٩ ـ ١٦٠/٨ ـ ١٤٣/٢٤
١٢٧/٧ ـ ١٣١/٢٢
ولاتردّني خائباً ولامقبوحاً ياأرحم الرّاحمين ١٣٨/١٥
فبجودك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٢٩/٣ ـ ٢٠٩/٤
مسّنى الضرّ وأنت أرحمُ الرّاحمين ١١٤/١٤
إلاّ رحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٠٥/١٧
فأستحقّ بذلك ... ياأرحم الرّاحمين ٥٥/٢٠
يدعوك بياأرحم الرّاحمين ٣٤/٨
وياأرحم من انتابه المسترحمون ٣٤/٨
واليقين لما يرضيك عنّى ياأرحم الرّاحمين ١٢٩/١٠
الآخرة الفائزين برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٢٩/١١
وارحمنى برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٥٢/٤٢
ياأرحم الرّاحمين وأجود الأجودين ٢٤٥/٨
ياأرحم الرّاحمين ١١/٥ ـ ٢٥٢/٤٠ ـ ٢٥٢/٣٨
١١٧/١٦ ـ ٢٥٢/٣٧ ـ ١٩٢/٥ ـ ١٨١/١ ـ ١٤٨/٣٥
٦٣/١ ـ ١١٦/١٣٥ ـ ٨٩/٤
يادنياى وآخرتى ياأرحم الرّاحمين ١٨٩/٩
فاستجب لى ولهم ياأرحم الرّاحمين ١٤٤/٣٠
والآخرة برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٥٦/٦
أنت أرحمُ الرّاحمين ٦٣/١٦ ـ ٢٥١/١٢ ـ ١١٧/٣٤

وأمّهاتهم يأأرحم الرّاحمين ٦٣/١٣
ياكريم ياجميل، يأأرحم الرّاحمين ١٩٢/٩
فارحمني يأأرحم الرّاحمين ١٦٢/٨
كفّر خطيئتي بمنّك ورحمتك يأأرحم الرّاحمين ١٨٢/١٣
رجوت بها قضاء حاجتي يأأرحم الرّاحمين ٢٤٤/٣
إنّك أنت أرحم الرّاحمين ٢٤٤/٥
ولاتصرف عنّا رحمتك يأأرحم الرّاحمين ٢٣٤/٣
ياخير من سئل ويأأرحم من استرحم ٢٣٤/٥
واحشرني في زمرتهم يأأرحم الرّاحمين ٢٣٩/١٣
الخاصّين لديك يأأرحم الرّاحمين ١٥/١٧
بدوام النّعمة إلى منتهى أجلي يأأرحم الرّاحمين ١٢٣/٢٢
مسألتي إيّاك بنجح حوآئجي يأأرحم الرّاحمين ٢٥١/٦٣
صلاة لاحدّ لها ولامنتهى يأأرحم الرّاحمين ٨٨/٢٤
إنّه هو أرحم الرّاحمين ١٤٣/٣٠
رضوانك والجنّة يأأرحم الرّاحمين ١٤٣/٤٤
ولايجد القاصدون أرحم منه «الله» ١٩١/٤
ياسميع الدّعاء يأأرحم الرّاحمين ١٩١/٥
ومن المقرّبين برحمتك يأأرحم الرّاحمين ١٣٢/١٤
أولى الأمرين بك يأأرحم الرّاحمين ٨٤/٣
يأأرحم الرّاحمين وخير الغافرين ٩٠/٧
بل ... أنت أرحم الرّاحمين ١٣٩/٩
لاأشقى بعدها أبداً يأأرحم الرّاحمين ١٣٦/٣
يانور السّماوات والأرض، يأأرحم الرّاحمين ١٣٤/٤
فاكفني شرّه بحولك وقوّتك يأأرحم الرّاحمين ١٥٦/٤
منه الجنّة برحمتك يأأرحم الرّاحمين ١١٦/١٢٢
من عقابك يأأرحم الرّاحمين ١٥٢/١٦
يامن هو أرحمُ لي من الوالد الشّفيق ١٩٩/٧٦
ولاتضرّك الموهبة ياأرحمَ الرّاحمين ٢٣٨/٧
ياأكرم الأكرمين ويأأرحم الرّاحمين ١٩٩/٦٤
خيرٌ حافظاً وأنت أرحم الرّاحمين ٢٣٦/٥
فأنجز لنا ما وعدتنا ... يأأرحم الرّاحمين ١٩٢/٦
أنت أرحمُ الرّاحمين وأنعم الرّازقين ٢٣٧/٤
وأنت... أرحمُ من استرحم ١٩٧/١٨
كما أحسنت فيما مضى منه يأأرحم الرّاحمين ٢٥٣/٥
وتكون أرحم بي من أهلي وقرابتي ١٩٧/٣٤
وإن تغفر فأنت أرحم الرّاحمين ١٦٣/١٤
تنقصه من حسناتي يأأرحم الرّاحمين ٢٥٢/٣٠
وتدخلنا في رحمتك يأأرحم الرّاحمين ١٣٤/٨
وأصفيائك يأأرحم الرّاحمين ٢٢١/٥
أجرني منهم يأأرحم الرّاحمين ٢٢/٢١
فلتسعني رحمتك يأأرحم الرّاحمين ٢٥١/٦٨
بأفضل صلواتك يأأرحم الرّاحمين ١١٧/٣٢
ياأرحم الرّاحمين وسلّم كثيراً ٢٣٧/١٠
في هذا اليوم يأأرحم الرّاحمين ١٤٩/٦٦
إنّك على كلّ شيء قدير ياأرحم الرّاحمين ١٩٩/٢٠٠
أرحم من أسترحم في التّجاوز عن المذنبين ١٩٩/١٣٠
يارحيم ياأرحم الرّاحمين ١١٧/٢٦
أعوذبك من شرّه ياأرحم الرّاحمين ١٥٨/٣
ولاتحرمني صحبته إنّك أنت أرحم الرّاحمين ٢٤٢/٤
أحشرني في زمرتهم ياأرحم الرّاحمين ٢٤١/١٠
لاانفصام لها ياأرحم الرّاحمين ٢٠٠/٤٦
بشطّ بحار الرّضا ياأرحم الرّاحمين ٢٠٠/٢٥
إذ كنت أرحم بها «نفسي» من نفسي يارحمن ١٩٧/٣٨
فاحشرني... برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢٠٣/١٤
إنّي كنت من الظّالمين يأأرحم الرّاحمين ١٩٩/١٩٨
ياأرحم الرّاحمين ياربّ العالمين ١٤١/٣
من حسناتي يأأرحم الرّاحمين ٢٥١/٣٨
إنّه هو أرحم الرّاحمين ١٤٣/١٥
أللّهمّ ... أرحم الرّاحمين ١٩٩/٢١
برأفتك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٩٥/٦ ـ ١٨٣/٦
يا ... جار المستجيرين وأرحم الرّاحمين ٢٤٣/٧
محذور الدّنيا والآخرة ياأرحم الرّاحمين ٢٠٠/٢٢
وأنت أرحمُ من كلّ رحيم ٢١/١٨
بما وسّعت عليّ ياأرحم الرّاحمين ٢٧/٢
المؤمنين والمؤمنات ياأرحم الرّاحمين ٢٦/٩
لايعلمه أحد من النّاس غيرك ياأرحم الرّاحمين ٢٥/٤
إنّك أرحم الرّاحمين ١١٧/٤٠
إيّاك أدعو ... يا ... أرحم الرّاحمين ١٤٩/١٦
لتنظر إليّ برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢١٥/١
ياأرحم الرّاحمين يامن بملكني ١٨٠/٦
برحمتك ومنّك ياأرحم الرّاحمين ١٩٣/٧
بفضلك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٧٩/٥
إلاّ أنت ياأرحم الرّاحمين ١٧٥/٢ ـ ١٧٠/٥
برحمتك ياأرحم الرّاحمين ويأأكرم الأكرمين ١٩٦/٤
ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١١٧/٣٤
جئتك لتنظر إليّ برحمتك ياأرحم الرّاحمين ٢١٥/١
إفعل بي ما أنت أهله ياأرحم الرّاحمين ٤٢/٣١
يامنّان منّ عليّ بالرّحمة ياأرحم الرّاحمين ١٤٩/٤٩
ومنّك وفضلك ياأرحم الرّاحمين ١٣٨/١٩
حسن ظنّي بك ياأرحم الرّاحمين ٣٧/٢

فما ذلك عليك بعزيزٍ يأرحم الرّاحمين ١٣٠/٦
لاباستحقاقي يأرحم الرّاحمين ١٣٤/٧
فأعطني مسألتي يأرحم الرّاحمين ١٣٤/٦
في سعة رحمتك ورضوانك يأرحم الرّاحمين ١٢٠/١٣
او فعل يقرّبني إليك زلفى يأرحم الرّاحمين ١٢٣/١٥
والجود بالنوال يأرحم الرّاحمين ٦٦/١
وارحمنا برحمتك يأرحم الرّاحمين ١١٩/١٥
رَحِمٍ: إلى رحمٍ ضيّقة ٨٨/١٤
ومن ذي رحمٍ كنت أحتشم منه ٨٨/١٢
الرَّحِمِ: أللّهمّ مخرج الولد من الرّحِمِ ٢٢/٣٨
رَحِمِهِ: وعلى آله وأقربيه وذوى رحمه ١٩٩/٦٠
وقطع في إحياء دينك رحمه «محمّد» ٩/٢
رَحِمِهَا: وأودعتني قرار رحمها ٨٨/١٥
أَرْحَامَ: أللّهمّ عقّم أرحام نسآئهم ٦٧/٨
الْأَرْحَامِ: ومن عفوق ذوى الأرحامِ المبرّة ٥٥/١٠
وصلّ بمحمّد أرحامهم بوم تقاطع الأرحام ١٠/٣٤
أَرْحَامُهُ: مواريثه أرحامه والأواصر ٢١٤/٦٢
أَرْحَامَهُمْ: وصلّ بمحمّد أرحامهم ١٠/٣٤
أَرْحَامَنَا: وقّفنا فيه لأن نصل أرحامنا بالبرّ ١١٥/١٣
ذوى أرحامِنا وقراباتنا وجيراننا ٥٠/٩

ر.ح.و

رَحىٰ: وأدر رحى نقمتك على الملحدين ٩٧/٣
الرَّحىٰ: وطحنتهم طحن الرّحىٰ للحبّ ٢١٩/٢٢

ر.خ.ص

تُرْخِصُ: وتنبت به الأشجار وترخصُ به الأسعار ٥٣/٤

ر.خ.و

أَرْخىٰ: باربّاه إرحم من أرخى السّتور ١٩٨/٨٧
رَخآءٍ: أو شدّة أو رخاءٍ أو عافية أو بلاء ٥٧/٧ ـ ١٢٦/٣
أو سعةٍ أو رخاءٍ إلاّ رجوت لنفسي ٥٩/١٣
الرَّخآءِ: وأسألك اللّهمّ اكثر الحمد عند الرّخاء ١٦٤/٨
والتّضرّع إليك في الشّدّة والرَّخآءِ ٣٦/٨
واجعلني ممّن يدعوك مخلصاً في الرّخاء ٥٩/١٥
ماعظيم البلاء فأجد لذّة الرّخآء ٢٥٧/٢٤
بمكروه ما ينزل من البلاء ومحبوب الرّخاء ١٢/١٢
ولاتجعلني ممّن يبطره الرّخآءُ ٢٠٤/٥
الحمدلله على ... الشدّة والرّخاء ١٤٣/١٠
أنت المؤمّل في الشّدّة والرّخآءِ ١٩٩/٧٨
وأرني الرّخآءَ والسّرور ٢٥١/٥٢ ـ ٢٥٢/٣٥
رَخآئي: كيف أضيع وأنت لشدّتي ورخائي ١١٤/١٤
الْمُرْخِيٰ: وغرّني سترك المرخى عليّ ١١٦/٦٧
وأعانني على ذلك سترك المرخىٰ به عليّ ٩١/٢

ر.د.أ

رَدِيَّةٍ: أتيت بأعمال قباح رديّة ٢١٦/٤
فأين رجائي ثمّ أين محبّتي أتيت بأعمال قباح رديّة ٩١/٥
رِدْءٌ: ومن هولنا أهل البيت عدّة ورددٌ ٨٣/٣

ر.د.د

رَدَّ: وردّ الله الّذين كفروا بغيظهم (قرآن) ١١٤/١٨
رَدَّنِي: ومارددّني اليأس عن توقّع غفرانك ١٩٧/٣٧ـ١٩٩/١٤٠
رَدَدْتَنِي: وردّتني الضرورة إليك حين خابت آمالي ٢٠٤/٢
رَدَدْتَ: وداع من رددت إليه عمله ١٤١/١١
رَدَدْتَهُ: رددته في مَهوىٰ حفرته فانقمع ١٥٢/٨
رَدَدْتَنِي: وسيّدي ومولاي إن رددتني ٢١٢/٣ ـ ٢١٢/٢
وإن رددتني عن جنابك فبمن أعوذ ١٨٢/٣
فَرَدَدْتَهُ: فرددته لم يشف غليله ١٥٣/٦
فرددته لم يشف غيظه ١٥٢/٦
فَرَدَدْنَاهُ: فرددناهُ إلى أمّه كي تقرّ عينها (قرآن) ١٥٩/٢١
يَرُدُّ: ياسيّدي ليس يردُّ غضبك إلاّ حلمك ٢٠٦/١٥
إلهي إنّه ليس بردّ غضبك إلاّ حلمك ٥٢/١
أللّهمّ... اجعلني ممّن... يردُّ أموره كلّها إليك ١٣٥/١٤
لايَرُدُّ: لايردُّ غضبك إلاّ حلمك ٢٠٥/١٤
ولايردُّ من دعاه ١٤٣/٢
لَمْ يَرُدُّهُ: ولم يردد راجيه فيزيله عن الحقّ ١٩٩/٩٩
لايَرُدُّهَا: لهفتي لايردّها إلاّ روحك ١٩٢/٣
لايَرُدُّنَا: يشكر سعينا ولايردّنا خائبين ١٤٣/١٥
أَنْ يَرُدَّ: من كره قضاءك أن يردَّ أمرك ١٦٦/٤
تَرُدُّ: تحيى به ما قدمات وترُدّ به ما قد فات ٥٣/٢
عريضاً واسعاً عزيزاً ترُدُّ به النهيض ٥٣/٣
ولاترُدّ دعائي ١١٧/٢٩
تَرُدُّنِي: إلهي ما أظنّك تردّني في حاجة أفنيت ١٩٧/١٦
وتردّني إلى أحسن عاداتك عندي ١٧٣/٢
لاتَرُدُّ: وأنت إلهي الكريم الّذي لاتردّ سائلاً ٨٢/٣
ولاتردّ دعايي عليّ ردّاً ٥٥/٣٤
أَنْ تَرُدَّ: أنت الأوّل أعزّ وأجلّ من أن تردّ ٢٣٧/٤
لاتَرُدَّهُ: ولاتردّه «عملي» عليّ ١٤١/١٩
لِتَرُدَّهُمْ: لتردّهم إلى الرّغبة إليك والرّهبة منك ١٤/٩

لاتَرُدَّني: ولاتردّني خائباً ولامقبوحاً ١٢٧/٧ ـ ١٢٩/١١
لاتردّني عن بابك ٢٣٢/٢
ولاتردّني خائباً لفساد نيّتي ١٣٨/١٧
لاتردّني خائباً ١٤٩/٦٠ ـ ٣٩/١٣
يامن لايخيّب سآئله لاتردّني خآئباً ١٤٩/٤٩
وزكّ عملي ولاتردّني خائباً ١٣٨/١٥
وأنا أرجو أن لاتردَّني معرفة منّي برأفتك ١١٦/١٠٤
ولاتردّني في طلبتي عند الإنصراف ١٩٩/١٣٥
ولاتردّني لجهلي ١١٦/٨٨
ولاتردّني في سوءٍ استنقذتني منه ١١٦/١٢٢
ولاتردَّني بهلكةٍ ١١٦/١٢٩
ولاتردّني بعذابٍ أليم ١١٦/١٢٩
لاتردّني في حاجة قد أفنيت عمري ١٩٩/١٢٨
ولاتردّني صفراً ممّا ينقلب به المتعبّدون ١٤٧/٧٧
فَلا تَرُدَّني: وبك أبتهل فلا تردّني خائباً ٢٤٧/٩
داعياً فلا تردّني خائباً ١٦٣/١٠
فلا تردّني من بابك خائباً ١٧٧/٢
فلا تردّني منك بحرمان ٢٣٩/٤
فلا تردّني إلاّ بقضآء حاجتي ١١٦/١٣٢
لاتَرُدَّنا: لاتردّنا خائبين وتقبّل منّا ١٤٣/١٨ ـ ١٤٣/٢٧
فَلا تَرُدَّنا: فنحن مساكينك فلا تردّنا عن أبوابك ٢٠٨/٣
أَنْ تَرُدَّ: أنت الأوّل أعزّ وأجلّ من أن تردّ ٢٣٧/٤
أَرُدُّ: سيّدي وكيف أردّ عارض ١٩٩/١٠٥
فَنَرُدَّ: فنردّ أيدي الّذين حاربوه إلى صدورهم ١٠/٢٨
لانَرُدَّ: وأمرتنا أن لانردّ المساكين عن أبوابنا ٢٠٨/٣
وأمرتنا أن لانردّ سائلاً عن أبوابنا ١١٦/١٣٢
ربّ إنّك... أمرتنا أن لانردّ سائلاً عن أبوابنا ١٤٠/٢
لايُرَدُّ: ولايردّ تدبير محتوم أمرك ٦٩/١
أتاه من الله ما لايردّ ٢١٤/٢١ ـ ٢١٤/٩٦
مليك عزيز لايردّ قضائه ٢١٤/٢٢ ـ ٢١٨/١ ـ ٢١٤/٩٧
من القضاء الّذي لايردّ ولايبدّل ١١٧/٤١
يامن لايردُّ سآئله ١٨٥/٦
أَنْ أُرَدَّ: وأعوذبك أن أردّ إلى أرذل العمر ١٣٨/٦
أُرْدُدْ: واردد عليّ نعمتك ٣٥/١٥
واردد إلى جميع خلقك مظالمهم ٢٥٢/٣٠
وأردد كيدَه «ظالمي» في نحره ١٥٥/١
أللّهمّ اردد على جميع خلقك مظالمهم ٢٥١/٣٨
أُرْدُدْني: أللّهمّ اردّدني منك بخير ٢٥٤/٣
رُدَّ: ومن أرادني بسوءٍ ... رُدّ كيده في نحره ٦١/٧
فَرُدَّني: وعن معاصيك فردّني ٢٣٧/٧
... فرُدّني إلى أحسن عاداتك ٤٢/٢٤
تُرَدِّدُها: تردّدها دون اللّهاة الحناجر ٢١٤/٤٤
تردّدها منه اللّها والحناجر ٢١٤/١٢٠
فَتَرَدَّدُوا: فتردّدوا في مصافّ المسبّحين ٢٠٠/٤٢
تَرَدَّدَتْ: وتردّدت عبرته واعترف لك بذنوبه ١٦٤/٣
تَرَدَّدْتَ: ولو شئت ما تردّدتَ إليّ بإحسانك ٣٦/٤
رَدُّ: وليس من جميل امتنانك ردُّ سآئل ١٩٩/٩١ ـ ٢٣٩/٨
وكيف يستطيع ردَّ ما نفذت به مشيّتك ١٠/٢
في ردِّ قديم ما أنعمت عليّ ١٧٣/٣
ومن ردِّ الملابسين كرم العشرة ٥٥/١٠
ولاتردّ دعائي عليّ ردّاً ٥٥/٣٤
الرَّدِّ: فاقتطعته عوآئق الرّدّ دونك ٢٥١/٦١ ـ ٧٠/٢
فأسئلك أن ... ترحمني من خيبة الرّدّ ٢٥١/٤
وارحمني من خيبة الرّدّ ٢٥٢/٣٧
رَدِّها: وضاق وسعي عن ردّها إليه ٢٣٨/٦
بِالرَّدِّ: ولاتجبهني بالردّ في مسألتي ١٤٦/١٥
ولاتسمني بالرّدّ عنك ١٠٨/٢
لاتجبهني بالرّدّ وقد انتصبت بين يديك ٤٩/٨
يامن لايجبه بالردّ أهل الدّآلّة عليه ١٤٦/١
التَّرَدُّدِ: وأغنني من التّردد إلى عبادك ٢٥٢/٣٧
تَرَدُّدَهُ: وما اطول تردّده في عقابك ١٤٦/١٠
زادَ: سبحانك لازادّ لمشيّتك ١٤٧/٢٩
فإنّه لازادّ لفضلك ٢٥٤/٣
يامن لازادّ لأمره ولامعقّب لحكمه ١١٤/١٦
لازادّ لقضآئه ولامستزاح عن أمره ١٤٩/١١
المُتَرَدِّدُ: فأنا ... المتردّد في خطيئتي ١٦٧/١
أيّها الخلق ... المتردّد في منازل التّقدير ١١٠/١
مَرْدُود: فإذا كلّ قاصد لغيرك مردودٌ ٩٩/١
جعلت ما سدّده مردوداً عليه ١٥٣/٦ ـ ١٥٢/٦
مَرَدَّ: إرمه «من يؤذيني» بيوم لامردّ له ١٦٠/٤
مَرَدَّها: فاجعل مردّها منك بالنّجاح ٢٣٧/٥

ر.د.ع

فَلَمْ يَرْدَعْنا: كافأناك... فلم يردعنا ذلك ٢٠٠/٥
لِأَنْ أَرْتَدِعَ: لأن أرتدع عن معصيتك المسخطة ٤٩/١٤

ر.د.ف

تَرادُفُ: محامدك ترادفُ عوائدك ١٨٧/١
وبعد ترادُفِ الحجّة عليه ١٤٢/٥
جهد الأنين وترادف الحشارج ١٠٩/١٧

الرّادِفَةُ: يوم... تتبعها الرّادفة (قرآن) ٢٠٧/١٥
مُرْدِفِينَ: بملآئكة من عندك مردفين ٦٧/١٠
مُتَرادِفَةً: ويتزايد أضعافاً مترادفةً ١٤٧/٣٥
مُرْدَفٌ: القرآن مردفٌ به إلاّ وهو اسمه ١٤٤/١٢

ر.د.م

رَدْماً: ردماً مصمتاً لايَفُكُّهُ ٥٠/٢
عافيتك ... ردماً دون أسماعهم ٩٥/٢

ر.د.ى

أَرْدانِي: وهواى أردانى وشهواتي حرمتنى ١٦٦/٨
رَدِّني: ورَدّنى رداء معافاتك ١٤٧/٩٥
تَرَدَّيْتَ: وترديت بالكبرياء في الأرض ١٤٩/٢
مُرْدِيَةٍ: وكبائر أعمال مرديةٍ ٨٨/٦
الْمُتَرَدِّينَ: بل خذ بيدى من سقطة المتردّين ١٤٧/٩٢
الرَّدى: وعمري فانٍ والرّدىٰ لي ناظر ٢١٤/٦٧ـ٢١٤/١٤٥
أسلك بنا من النُّفىٰ خلاف سبيله من الرَّدى ٥٠/٤
رِداءَ: وردّنى رداءَ معافاتك ١٤٧/٩٥
رِداؤُكَ: أنت ... الكبرياءُ رداؤُك ١٨١/٣
سبحانك أللّهمّ والعظمة رداؤُك ٤/٤

ر.ذ.ل

أَرْذَلِ: وأعوذبك أن أردّ إلى أرذل العمر ١٣٨/٦

ر.ز.أ

رَزَّيْتُها: من مصيبة عظمت رزّيتها وساء ثوابها ٢٠٠/٧
لِرَزِيَّتِهِ: وتوجّع لرزيّته إخوانه ٢١٤/٤٩ ـ ٢١٤/١٢٥
مَرْزِئَةٍ: كلّ مرزئة سوآءٌ مع موجدتك ٤٤/٦

ر.ز.ح

الرَّزاحُ: لايحرز السبق الرّزاح وان جرت ٢١٩/٤٤

ر.ز.ق

رَزَقَهُمْ: على ما رزقهم من بهيمة الأنعام (قرآن) ١٤٤/٢٣
رَزَقْتَ: وارزقنى فيها أفضل ما رزقت أحداً ١١٧/١٦
رزقت فأحسنت ٢٥٩/١
رَزَقْتَهُمْ: ورزقتهم «عبادك» ليحمدوك ١٩٩/١٦٧
رَزَقْتَنِي: وقنّعنى بما رزقتنى ٢٥١/٤١
قنّعنى يالٰهى بما رزقتنى ٢٤٨/٣
ثمّ رزقتنى من ألطاف المعاش ١٩٩/١٧١
وأعوذبك... على جميع ما رزقتني من الشّيطان ١١٦/١٢٨
ورزقتنى من الغذآء سائغاً هنيئاً ١٩٩/١٧٠
وبارك لي فيما رزقتني ١٣٨/٥ ـ ١٤٩/٦٢
ورزقتني في أموري كلّها الكفاية ١٦٣/٢
وبارك لي فيما رزقتني وفيما خوّلتني ٥٩/٦
وسّع علىّ في رزقى وبارك فيما رزقتنى ١٢١/٨
ما رزقتني من رزق فأرنى فيه عدلاً ٢٤٨/٣
ورزقتني مكفيّاً ١٦٢/١
أنعمت علىّ فأسبغت ورزقتنى فوقّرت ١٤٩/٢٩
وقنّعنى بما رزقتنى ولاتكلنى إلى نفسى ١٢١/١٣
واجعلنى... بما رزقتني قانعاً راضياً ٢٥١/٤٨
أللّهمّ ما رزقتني من رزق فاجعله حلالاً طيّباً ١٢١/١٧
رَزَقْنا: ورزقنا من الطيّبات ٢٦١/١
تَرْزُقُ: فإنّك ترزق من تشآء بغير حسابٍ ١٣٩/٤
فإنّك ترزق ما تشاء بغير حساب ١٢٨/٣
تَرْزُقَهُ: من أنت ترزقه وهو يعبد غيرك ١٦٦/٣
تَرْزُقَني: وترزقنى الحجّ إلى بيتك الحرام ١٢٧/٤
أَنْ تَرْزُقَني: وأن ترزقني في هذا اليوم العظيم ١٤١/٧
أن ترزقنى الفردوس وتحلّنيه ٢٥/٢
أسألك أللّهمّ أن ترزقنى الخير وتعطينيه ٢٥/٢
وأن ترزقنى رزقاً حلالاً طيّباً ١٢١/٢ ـ ١٣٨/١٣
أَنْ تَرْزُقَنا: أن ترزقنا خوفاً وحزناً تشغلنا ٢٠٠/١٤
أُرْزُقُهُ: أيّما غاز ... أرزقه السّدّة ٦٧/١٧
أَرْزُقْني: وارزقنى حلالاً طيّباً ٢٥٢/٣ـ٢٥١/٤٠ـ٢٥١/٣٥
وارزقنى حلالاً طيّباً واسعاً ٢٥١/٤٦ ـ ٢٥١/٥٤
وارزقنى مرافقة محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٣/٨
أرزقنى شفاعة محمّد ٢٤٢/٤
وارزقنى فيها ذكرك ١١٧/٣٢
وارزقنى الحجّ والعمرة ١١٧/٣٨ ـ ١١٧/٩
وارزقنى من فضلك ورحمتك ١١٧/٢٧
وارزقنى تمام صيامه «رمضان» ١١٧/٨
وارزقنى الشّهادة بين يديه حتّى ألقاك ١٤٩/٧٠
وارزقنى شكر العافية ٢٥٢/٥
وارزقنى برد عفوك ١١٤/١١
وارزقنى حجّ بيتك الحرام ١١٦/٥١ ـ ١١٦/١١٣
وارزقنى رزقاً واسعاً ١١٦/١١٣
أللّهمّ أرزقنى الجنّة ٢٦٦/١
وارزقنى رزقاً حلالاً ٢٥١/٣
وارزقنى سلامة الصّدر من الحسد ٥٩/١٣
وارزقنى الحقّ عند تقصيرى فى الشّكر لك ٥٩/١٢

وارزقني خوف غمّ الوعيد ٥٩/١٠
أرزقني حسن النّظر فيما برضيك عنّي ١٥٣/١٢
أللّهمّ ارزقني التّجافي عن دار الغرور ١٣٦/١
أللّهمّ ... ارزقني شكرك وذكرك ... ١٣٧/٤
وارزقني الحجّ والعمرة في عامي هذا ١٣٢/١١
وارزقني من فضلك رزقاً ١١٦/٥٠
وانصرني وارزقني وعافني من الآفات ٥٢/١
وارزقني مثل ذلك منهم ٦٥/٥
أرزقني حسن الإنابة ٤٩/٢٠
وباخير مرتجى ارزقني ١٩٩/٢٠٠
وارزقني من حيث أحتسب ١١٧/٤٣
وارزقني من فضلك ورأفتك ورحمتك ١٤١/١٠
وارزقني مواساة من قتّرت عليه ١١٣/٦ ـ ٢٠/٦ ـ ١١٤/٤ ـ ٢٧/٦ ـ ٢٧/٢
يارازق المقلّين ارزقني ١٣٣/١٠
وارزقني سفك دماء المشركين والنّاكثين ١٢٨/٥
وارزقني فيها «ليلة القدر» أفضل ما رزقت أحداً ١١٧/١٦
أللّهمّ ... ارزقني وأنت خير الرّازقين ٧٧/١٢
أرزقني من فضلك رزقاً حلالاً طيّباً ١٢١/٩
وارزقني قلباً ولساناً يتجاريان ٢١٩/٢
وارزقني الرغبة في العمل لك لآخرتي ٥٩/٩
وارزقني فوز المعاد وسلامة المرصاد ٥٥/٢٧
أرزقني خيره و خير مافيه وخير ما بعده ٢٤٤/٢
وارزقني ما أتقوّى به من فضلك على طاعتك ١٢١/٨
أرزقني رؤية قائم آل محمّد ١٨١/٥
وارزقني في هذه اللّيلة ١٢٩/١٠
وارزقني التحفّظ من الخطايا ٥٩/١٤
أللّهمّ ارزقني من فضلك مالاً طيّباً ٣٦/٧
أللّهمّ اعصمني بحبلك وارزقني من فضلك ١٢١/١٥
أللّهمّ ارزقني من فضلك وبارك لي في رزقك ١٢١/١٠
وارزقني من فضلك ١٢١/١٢
وارزقني من غير احتساب ٥٥/٣٦
وارزقني صحةً في عبادةٍ ٥٥/٣٩
أُرْزُقْنيهِ: وارزقنيه أبداً ما أبقيتني ياكريم ١٣٢/١٢
أُرْزُقْنا: أللّهمّ ارزقنا خوف عقاب الوعيد ١٤٢/٦١
أللّهمّ ارزقنا معروفاً من غير أذى ٢٠٠/٢٠
وارزقنا قلوب الخائفين ٢٠٠/١٨
وارزقنا حجّ بيتك ١١٦/٤٥
وارزقنا من مواهبك ١١٦/٤٤
أرزقنا عملاً بطاعتك ١١٦/٤٦
أرزقنا دوام عافيتك ٢٤١/٧
وارزقنا في شهرنا هذا «رمضان» الجدّ والإجتهاد ١١٧/١٦
وارزقنا ياخير الرّازقين ١٣٩/٤
وارزقنا من فضلك الواسع رزقاً حلالاً ٢١١/٢
وارزقنا من بركات السّماوات والأرض ٥٣/٦
وارزقنا حسن مصاحبته ٢١/٩
وارزقنا خلفاً إذا أكلناه ٢٥٩/١
فَارْزُقْهُ: فارزقه من حلاوة مصافاتك ١٩٩/٣٩
فَارْزُقْني: ... فارزقني بهم خير الدُّنيا والآخرة ٤٢/١٨
ومن طيّب رزقك ... فارزقني ٢٥٢/١٤
من فضلك فارزقني ١٥٣/٢٠
رزقك ياربّ غير ممنون ولامحظور فارزقني ٢٥١/٢٢
فَارْزُقْنا: فارزقنا في دارك دار المقامة ٢٥٧/٣٩
فَأَسْتَرْزِقَ: فأسترزق أهل رزقك ٥٥/٣٨
رِزْقَ: رزق من أرجو إذا لم أرج رزقك ١٤٨/١٦
وارزقني رزقاً واسعاً ١١٦/١١٣
وارزقني رزقاً حلالاً طيّباً ٢٥١/٣
وأن ترزقني رزقاً حلالاً طيّباً ١٣٨/١٣
فافتح لنا ... باب ... رزقٍ طيّب ٧٠/١٤
ولاتعنّني بطلب ما لم تقدّر لي فيه رزقاً ٧٧/١٤
وارزقني من فضلك رزقاً واسعاً ١١٦/٥٠
أو رزقٍ تبسطه بين عبادك ١٣٢/٥
وتجعلني عندك مقبولاً مبروراً في سعة رزقٍ منك ١٢٧/٤
وأوسع علىّ من واسع رزقك رزقاً ١٩٩/٢٠٠
وارزقنا من فضلك الواسع رزقاً حلالاً ٢١١/٢
أللّهمّ إنّي أسألك ... رزقاً واسعاً هنيّاً ١٩٩/٢٥
وعافية وسعة رزقٍ حلال ١٤٣/٣٥
قدّرت لي أجلاً ورزقاً لاأتعدّاهما ١٤٤/١
أسألك من الدّنيا وما فيها رزقاً حلالاً ١٢١/٦
أن ترزقني رزقاً حلالاً طيّباً واسعاً ١٢١/٢
ما رزقتني من رزق فأرنى فيه عدلاً ٢٤٨/٣
أللّهمّ ارزقني من فضلك رزقاً حلالاً طيّباً ١٢١/٩
أللّهمّ ما رزقتني من رزقٍ فاجعله حلالاً طيّباً ١٢١/١٧
الرِّزْقِ: أسألك السعة في الرّزق ١٢٥/٤
أجرى علينا طيّبات الرّزق ١/١٩
نسألك إدرار الرّزق ٨٧/٩
أللّهمّ أعطني السّعة في الرّزق ١١٦/١١٠
وتكمل لنا به طيّبات الرّزق وتنبت لنا به الزّرع ٥٣/٤
واسكُب له «ابن شهاب» من الرّزق ٦٨/١
إلى ما قد تكفّلت لى من الرّزق أيّام حياتى ١٩٩/١٠٧

والحمدلله الّذى... غذّانا بطيّبات الرّزق ١/٢٢
المُوسّع عليهم الرّزقُ الحلالُ من فضلك ٦٤/١٢
سعة في الحال من الرّزق الحلال ٢٤٤/٤
ولم تقطع عنّى الرّزق ١٤٨/٤
رِزْقِهِ: قوتا معلوما مقسوما من رزقه ١/٦
سبحان الّذى عمّ الخلاّئق رزقُهُ ١٣٤/٢
وتوسّعوا «عباده» في رزقِهِ فلم يشكروه ١/١٠
وخلق لهم النّهار... لينسيّبوا إلى رزقه ٢١/٣
فقدر عليه رزقَهُ (قرآن) ٣٥/٨ ـ ٢٥٧/٣١
رِزْقُكَ: رزقُك مبسوط لمن عصاك ١٤٦/٦
فدعوناك مستحطّين لمسيور رزقِك ٢٠٠/٦
وغذوتنا بطيّب رزقِك ٢٠٠/٢
رزق من أرجو إذا لم أرج رزقَك ١٤٨/١٦
وأوسع عليّ من حلال رزقِك ٧٨/٢ ـ ٢٥١/٢٧ ـ ٢٥٢/١٩
القصاص فيما أكل من رزقِك ٩٨/٨ ـ ٨/١٣
وأوسع عليّ من رزقِك الحلال الطّيّب ١٤٩/٥٩
حتّى إذا احتجت إلى رزقِك ٨٨/١٥
فاجعل رزقَك لي واسعاً ٧٧/١٤
وأغننى وأوسع عليّ في رزقِك ٥٥/٣
وسّعت عليّ في رزقِك ٣٥/١
ويدرك عطاء من منحته سعة رزقِك ٢٤١/٥
وأوسع عليّ من واسع رزقِك ١٩٩/٢٠٠
حين أنفق ما أجريت عليّ من رزقِك ٤٩/١٢
ثمّ رضّنى بما قسمت لي من رزقِك ١٦٤/٢١
مواسات من قتّرت عليه من رزقِكَ ١١٣/٦ـ٢٠/٦ـ١١٤/٤
أعمّ رزقَك وأوسع نعمتك ١٤٣/٤٢
أسبغ علينا رزقَك ١٤٣/٤٠
أو حظرت عليّ رزقَك أو قطعت عنّى سببك ٥٧/٣
وأوسع عليّ من رزقك ٧٧/١١
واجعل أوسع رزقِك عليّ إذا كبرت ٥٥/١٧
وافتح لي أبواب ... رزقِك الواسع ١٤٧/١١٦
ومن طيّب رزقك ... فارزقنى ٢٥١/٢٢ ـ ٢٥٢/١٤
فأوسعت عليّ من رزقك ٣٦/٢
ووسّعت عليّ من رزقك ٣٦/١
أللّهمّ إنّى أسألك السّعة من طيّب رزقِك ١٢١/١١
وبارك لي في رزقك واغنني عن خلقك ١٢١/١٠
أوقت الصّحّة الّتى هنّأتنى فيها طيّبات رزقِك ٤٦/٢
فأسترزق أهل رزقك ٥٥/٣٨
رِزْقُكُمْ: وفي السّماء رزقكم (قرآن) ٧٧/٧ ـ ٧٦/٤
رِزْقي: مقتّر عليّ رزقى فامح ٢٥١/٦٧
وابسط لي في رزقي ١٤٩/٦٨
واكتبنى ... موسّعاً عليّ في رزقي ٢٥١/٦٧
فامح من أمّ الكتاب ... إقتار رزقى ٢٥١/٦٧
وأوسع لي فيه «رمضان» رزقى ١١٧/٤
وسهّل عليّ رزقى ٨٨/١٨
وأسألك في أن تسهّل إلى رزقى سبيلاً ٨٨/١٧
فلا تحظر عليّ رزقى ولاتكلنى إلى خلقك ٥٩/٢
ضمّن السّماوات والأرض رزقى ٧٧/٣
وبيدك رزقى وإليك أمرى ١٥٣/١٥
وتوسّع رزقى ١١٧/٤٢
أللّهمّ إنّه لاعلم لي بموضع رزقى ٧٧/١٣
أللّهمّ اغفرلى ذنبى ووسّع عليّ في رزقى ١٢١/٨
وإن قتّرت عليّ رزقى فلا ترغبنى فيها ١٢١/٧
ووسّعت عليّ فيرزقى ٢٥٧/٢٣
عليك رزقى وبيدك ناصيتى ٢٤٥/٦
وحصّن رزقى من التلف ٥٥/٣٥
والمتكفّل برزقى ٤٢/٢٦
بِرِزْقِكَ: من لاحياة له إلاّ برزقك ١٦٦/٢
وتقوّيت برزقِك على سخطك ١٤٩/٣٠
وبرزقك قانعين ٢٠٦/٢٠
وأخرج وحر صدورنا برزقك ٩٧/٤
بِرِزْقي: وكفّلت لي برزقي ١٦٤/٢٠
والمتحنّن عليّ الرّحيم بي المتكفّل برزقى ١٧٣/٥
المتكفّل برزقى في قضائك ١٧٢/٤
بِالرِّزْقِ: لإهتمامنا بالرّزق الّذى تكفّلت به ٧٦/٣
أَرْزاقَ: بل أدررت أرزاق عبادك منك ٢٣٧/٢
وأرزاق الخلاّئق من لدنك نازلة ٢٥٥/٦
الْأَرْزاقِ: يامقدّر الآجال يامقسّم الأرزاق ١٤٩/٦٨
الّذى ... لاينقصه إدرار الأرزاق ١٩٩/٥٣
أسألك ... من الأرزاق أغزرها ١٩٩/٢٣
وخصب سعة الأرزاق ١٠٩/١٥
تكفّلت باجواد الأرزاق ٢٤٧/٣
وقسّمت الأرزاق بعدلك ١٤٩/٣
أَرْزاقَهُمْ: قدّرت آجالهم وأرزاقهم ٢٤٣/٢
إلهى ... وأدررلى وعلى يدى أرزاقهم «ولدى» ٦٤/٢
أَرْزاقَكَ: حتّى التمسنا أرزاقك من عند المرزوقين ٧٦/١
أَرْزاقي: وأجر من أسباب الحلال أرزاقى ٧٩/٤
أَرْزاقِنا: أللّهمّ إنّك ابتليتنا في أرزقانا بسوء الظنّ ٧٦/١
إجعل أرزاقنا من عندك دارّة ٢٠٠/٢١
رازِقَ: يارازقَ المرزوقين ١٨١/١

ورازقٌ لامعين له ٢/٣ ـ ٧/٣
بارازقَ من يشاء بغير حساب ١٢٩/١
ياجبّار يارازقُ يامنّان يالله ١٣٢/٢
أنت ... رازقٌ بديع مجيب سميع ٢٤١/٤
وأنت المرجّو ورازقُ الخير ١١٤/٥
يارازق المقلّين ويارحم المساكين ١٤٣/١٧
يارازق المقلّين ارزقني ١٣٣/١٠
سبحانه من ... رازقٍ ما أوسعه ١٩٩/١٥
الرّازِقُ: أللّهمّ أنت ... الرّازقُ الكريم ١٩٩/٩
حسبي الرّازقُ من المرزوقين ٢٢/١٧
رازِقِهِ: إلى من يشكو العبد إلاّ إلى رازقه ١٧٠/٢
رازِقُها: وأذعنت أنّك مقدّرها ورازقها ١٩٩/١١
رازِقي: ورازقي على إذهاب ما أنا فيه ٤٢/٢٥
الرّازِقينَ: ياخير الرّازقين وبائقة الملهوفين ١٤٣/١٧
وأنت خير الرّازقين ١١٤/١٤
أللّهمّ ... ارزقني وأنت خير الرّازقين ٧٧/١٢
وارزقنا ياخير الرّازقين ١٣٩/٤
إنّك خير الرّازقين ٨٨/١٨
أنت أرحم الرّاحمين وأنعم الرّازقين ٢٣٧/٤
مَرْزُوقاً: ولاكنت مرزوقاً من سواك ٩٩/٢
مَرْزوقينَ: ومن الحلال الطّيّب مرزوقين ٢٠٦/٢١
الْمَرْزُوقينَ: يارازق المرزوقين ١٨١/١
التمسنا أرزاقك من عند المرزوقين ٧٦/١
حسبي الرّازق من المرزوقين ٢٢/١٧

ر.ز.ى

الرَّزايا: يتمنّع من فيها من طوارق الرّزايا ١٩٩/١١٨

ر.س.خ

تَرَسَّخَتْ: فاجعلنا من الّذين ترسّخت أشجار ١٩٣/٢

ر.س.ل

أَرْسَلَهُ: أرسله بالهدى ودين الحق (قرآن) ١٢٣/٧
أَرْسَلْتَ: أرسلت إليّ خير خلقك ٢٥٧/١٠
في كلّ دهر وزمان أرسلت فيه رسولاً ١٤/٢
أَرْسَلْتَهُ: أو نبيّ أرسلته ١١٥/١٦
أَرْسَلْتَهُمْ: والمرسلين عمّن أرسلتهم إليهم ١٤١/٣١
أَرْسَلْتَها: بعثتها نقمة وأرسلتها سخطة ٩٧/٣
أَرْسَلْتَ: واجعلنا من الّذين أرسلت عليهم ٢٠٠/٣٦
لَمْ تُرْسِلْ: ولم ترسل رسلك إلاّ بالصّدق ١٩٩/١٦٦
لاتُرْسِلْ: ولاترسل على معايشنا عاهة ٩٧/٢
لاتُرْسِلْني: لاترسلني من يدك إرسال ١٤٧/٩١
أَرْسِلْ: إلهي... أرسل على عبوبي سحاب رأفتك ١٨٢/٥
أرسل عليه «من يؤذيني» طيراً أبابيل ١٦٠/٢
الرِّسالَةِ: جميع خلقه لتبليغ الرّسالة ١٢٣/٨
والّذي لم يستطع إلاّ ... قبول الرّسالة ١٠/٢
وموضع الرّسالة ومختلف الملآئكة ١١٣/١
شجرة النبوّة وموضع الرّسالة ١١٤/١
ولما ائتمنته «محمّد» عليه من الرّسالة مبلّغاً ١٠/٨
نادبت معادن الرّسالة والأنبياء ٢١٩/٢٧
صلّ على محمّد وآل محمّد ... وموضع الرّسالة ٢٠/١
رِسالَتِهِ: وإجلالاً لقدر رسالتِه «محمّد» ١٠/١٠
من الحقّ الّذي صرّحت عنه رسالتُهُ ١٠/٣
رِسالَتِكَ: له من تبليغ رسالتك ١٠/١٨
وأدأب نفسه في تبليغ رسالتك ٩/٣
حمّلته «محمّد» رسالَتَك فأدّاها ٢١/١٦
عبدك ورسولك كما بلّغ رسالتك ١٠٩/٢٢
لِرِسالَتِهِ: عدد المستجيبين لرسالته «محمّد» ١٠/٢١
بِرِسالَتِهِ: إرتضاه «محمّداً» برسالته «الله» ٢/٩
بِالرِّسالَةِ: أللّهمّ يامن... حباهم بالرّسالة ١٣/١
أقررت لك بالربوبيّة وله بالرّسالة ١٤٤/٥
رِسالاتِهِ: وما حجّ به عقولنا من برهان رسالاته ١٠/٢٧
والّذين... استجابوا له حيث أسمعهم حجّة رسالاته ١٤/٣
رِسالاتِكَ: أنّ محمّداً قد بلّغ رسالاتك ١٤١/٣٠
فصلّ على ... أهل الأمانة على رسالاتك ١٢/٦
أللّهمّ اجزه بما بلّغ من رسالاتك ١٠٩/٢٧
إرْسالَ: ولاترسلني من يدك إرسال ١٤٧/٩١
لهم زفرات ... عند إرسالِ الفكر ٢٠٠/٣٣
رَسُولِ: صلّ على ... رسول ربّ العالمين ١٤١/٢٧
يارسول الله بأبي أنت وأمّي ١٢٤/٦
الّذي كان رسولُ الله ١١٣/٧
سيّدنا محمّد رسولِ الله ١٧١/١٠
وفي سبيل الله وعلى ملّة رسولِ الله ٢٩/١ ـ ٢٨/١
في كلّ دهر وزمان أرسلت فيه رسولاً ١٤/٢
أضحك من حديث رسولِ الله ٧٣/١
محمّد رسولُ الله صلّى الله عليه وآله ١٥٩/٥
الرَّسُولِ: وأن تجعل لي مع الرّسول سبيلاً ١٢٧/١١
يقول ياليتني اتّخذت مع الرّسول سبيلاً (قرآن) ٢٠٧/١٧
رَسُولَهُ: أشهد أنّ محمّداً عبده ورسولُهُ ٢/٩ ـ ١٢٣/٧
٢٥٢/٢٨ ـ ٢٥١/٣٦

وصلّى الله على رسولِهِ سيّدنا محمّد ١٣٩/١٧ ـ ١٢٤/٨
١٣٨/٢٠ ـ ١٢٧/١٢
وصلواته على رسولِهِ أبداً ٢٣٨/٣
أنّ محمّداً ... رسولُهُ الطّاهر المعصوم ١٩٩/٥٨
وصلّى الله على رسولِهِ سيّدنا محمّدٍ النبيّ وآله ١٣٥/١٨ـ١٣٣/١٢
وصلّى الله على رسولِهِ سيّدنا محمّدٍ وآله وسلّم ١٢٢/١١
رَسُولِكَ: بمحمّدٍ عبدك ورسولك... إليك أتوجّه ٢٢/٤٣
عبدك ورسولك النبيّ الأمّي ١٢٣/٩
وإليك وإلى رسولك صلواتك أللّهمّ عليه وآله ١٤٧/٦٧
بمحمّد صلواتك عليه وآله رسولك ٨٧/٨
وأنّ محمّداً عبدك ورسولُك ٢٤٦/٤ ـ ١٢٧/١ ـ ٤٢/٣
أللّهمّ صلّ على محمّد عبدك ورسولك ١٠٩/٢٢ ـ ١٠/١
٦٧/٢٣
واستعملني بطاعتك وطاعة رسولك ١١٦/١١١
أسئلك أن تصلّي على محمد عبدك ورسولك ٢٥٣/٣
عبدك ورسولك أسندت ظهري ٢٥٤/١
ومحمّد صلّى الله عليه وآله حبيبك ورسولك ٢٦٨/٣
متأدّباً بحسن تأديبك وتأديب رسولك ٢٦٨/٤
ووفّقني فيه «رمضان» لطاعتك وطاعة رسولك ١١٧/٣
وصلّ اللّهمّ على جدّي محمّد رسولك ٩٩/٤
وولاية ... ولدى رسولك ١١٩/١٦
أدينك ياربّ بـ... ولاية محمّد رسولك ١١٩/١٦
الّذي أمرت رسولك أن يبشّرك به ١٦٦/١٢
أللّهمّ وامنن عليّ ... زيارة قبر رسولك ٦١/٤
وأنم به «وليّك» ... سنن رسولك ١٤٧/٦٥
والصّلاة على رسولك صلّى الله عليه وآله ١٤١/٧
وأنّ محمّداً عبدك ورسولُك وخيرتك من خلقك ٢١/١٦
الظّلمة ... بدّلوا ما جاء به رسولُك ١١٩/١
على ما سنّه عبدك ورسولُك ١١٥/١٢
صلّ على محمّد عبدك ورسولك ١٧٣/٩ ـ ١٤٣/٥٢
وأعداء آل رسولك عليه السّلام ١٢٧/١٠
الّذي كان رسولُك... يدأب في صيامه وقيامه ١١٤/٢٠
محمّد عبدك ورسولك وصفيّك ١٤٣/٢٣
وتوفّني ... على ملّة رسولك ١١٦/١٢٥
صلواتك عليه ... وآل رسولك ٦١/٤
وكانوا مع رسولك دعاة لك إليك ١٤/٤
بِرَسُولِكَ: فآمنت برسولك ولم أقتد بهداه ٢٥٧/١٠
لِرَسُولِكَ: ومن شرّ كلّ من نصب لرسولك ٦١/٦
الرُّسُلِ: والرّسلِ المكرّمين والشّهداء والصّالحين ٨٨/١٢
بكلّ مبتعث قبله من الرُّسل مؤمناً ١٠/٦
أللّهمّ وأتباع الرّسل ومصدّقوهم ١٤/١
ياباعث الرّسُلِ وياصادق الوعد ١٠٧/١ ـ ١٦١/٧
رُسُلَكَ: لاينقص سلطانك من كذّب رُسُلَك ١٦٦/٤
أن تفرّج عني كما فرجّت عن أنبيائك ورسلِك ٢٥٢/٨
الّذي سترت به رسلَكَ عن الطّواغيت ١٥٥/٦
وهذا شهر نبيّك وسيّد رسلِك ١١٣/٧
ويكذّبون رسلَكَ ٨٣/١٨
أللّهمّ إنّ الظّلمة ... كذّبوا رسلَكَ ١١٩/١
أللّهمّ وإذا صلّيت على ملآئكتك ورسلِك ١٢/١٥
صلواة ملآئكتك وأنبيائك ورسلِك ١٤٧/٥٤
آمنت بك وصدّقت رُسُلَكَ ١٦٦/٧
والخلاف على رسلِكَ ١٠/٤
وحمّال الغبب إلى رسلِك ١٢/١٠
أتوسّل ... بمحمّد ... وأنبيائك ورسلِك ١٢٢/٧
ولم ترسل رسلَكَ إلاّ بالصّدق ١٩٩/١٦٦
ورسلِك من الملآئكة إلى أهل الأرض ١٢/١٢
أشهد ... من بعثت من أنبيائك ورسلِك ٢٤٦/٢
من أنبيائك ورسلِك وأصفيائك ١٢٣/١٠
كما فرّجت عن أنبيائك ورسلِك ٢٥١/١٤
مُرْسَلٌ: ولايوازيه لديك ملك مقرّب ولانبيّ مرسل ٩/٤
بكلّ دعوةٍ دعاك بها نبيٌّ مرسلٌ ١٢٤/٥ ـ ١٢١/١٩
الْمُرْسَلِ: في كتابك المنزل على نبيّك المرسل ٢٥١/٦٨
فإنّك قلت ... على نبيّك المرسلِ ٢٠٦/١٤
وأشهد أنّ محمّداً نبيّه المرسلُ ١٩٩/١٦
الْمُرْسَلِينَ: شيعتهم بنبيّك سيّد المرسلين ٤٢/١٧
صلّ على محمّد وآل محمّد سيّد المرسلين ١٤١/٢٧
صلّ على محمّد... وجميع النّبيّين والمرسلين ٢٣٧/١٠
وعلى من بينهما من النّبيّين والمرسلين ٢٢٢/٤
وإله المرسلين ٨٣/٦
أللّهمّ إنّي تطهّرت ابتغاء سنّة المرسلين ٢٤٨/٢
صلواتك على الأنبياء وأهل بيوتات المرسلين ١٠/٣٤
على محمّد ... أكرم المرسلين ١٩٩/٦٢
وأولى العزم من المرسلين ٨٣/١٧
والحمدلله... حمداً... نضامّ به أنبياءه المرسلين... ١/١٨
وربّ ... جميع ... المرسلين ١١٧/١٩
وجعلته «محمّد»... لنبوّة المرسلين خاتماً ١٠/٥
علي‌بن الحسين ... وارث النّبيّين والمرسلين ٤٢/٦
العبد الصّالح من أهل بيت المرسلين ٤٢/٩
... والدليل على أمر النّبيّين والمرسلين ٤٢/٧
والمرسلين عمّن أرسلتهم إليهم ١٤١/٣١

صلّ على ... أنبيائك المرسلين ١٢٣/١١ ـ ١٤١/٣٢
وعلى جميع أنبيائك المرسلين ١٤٣/٤٩
والإشتياق إلى المرسلين بحقائق الإيمان ١٤/١
إلهي ... بحقّ الأنبياء والمرسلين ٢٠٧/٢٧
صلّ على محمّدٍ وآل محمّد صلاة المرسلين ٤٢/١٦
وأنبيائك المرسلين المصطفين ١٠٩/٢٧
كما صلّيت على أنبيائك المرسلين ١٤٢/٦٣
سبّد المرسلين وعلى أهل بيته ٥٠/١٤
جميع الأنبياء المرسلين ٤٢/٣٠
الْمُرْسَلُونَ: لايخاف لديَّ المرسلوْن (قرآن) ١٥٩/١٧

ر.س.م

فَرَسَمُوا: فرسموا ذكر هيبتك في قلوبهم ٢٠٠/٣١
الرُّسُومِ: والرّسوم الفانية والرّبوع الصّموت ٢١٩/٢٠

ر.س.و

أَرْسَوْا: أرسوا بشطّ بحار الرّضا ٢٠٠/٢٥
الرَّاسِيَاتِ: ياربّ الجبال الرّاسيات ١٣٧/٦
الرَّوَاسِي: الّتي ضعفت الجبال الرّواسي ١٠٩/١٢

ر.ش.د

أَرْشُدُ: ومن أرشُدُ بندبتي ٢١٩/٣٨
أَرْشَدَهُ: وأرشده إلى طريق صوابه اختياره ٧٤/٢
أَرْشَدَنِي: ومتابعة من أرشدني ٥٥/١٢
أَرْشَدْتَهُ: وأرشدته لموالاة أوليائك ١٤٧/٧٢
فَأَرْشَدْتَهُ: وضالّ استرشدك فأرشدته ٢٠٢/٢
واسترشدك فأرشدته ٢٠٢/٥
يُرْشِدُهَا: رمسى ما يرشدها بهدايتك إليه ١٩٧/٣٨
لَمْ أَرْشَدْ: لولا تعريفك لم أرشد للقبول ١٩٩/٧١
أَرْشِدْنِي: ربّ ... أرشدني إليها «الحجّة» ١٩٩/٧٥
إِسْتَرْشَدَكَ: وضالّ استرشدك فأرشدته ٢٠٢/٢
أم من ذاالّذى استرشدك ١٩٩/٣٧
واسترشدك فأرشدته ٢٠٢/٥
أَسْتَرْشِدُ: وإيّاك أسترشد لما فيه ٢٣٦/٣
رُشْدِ: كتاب ... جامع لكلّ رشدٍ صواب ١٩٩/١٧
ونية رشدٍ لاأشكُّ فيها ٥٥/٦
الرُّشْدَ: والرّشد من الغواية ١٦٤/٧
ولاتجعلني ممّن ضلّ عن الرّشدِ ٢٠٢/٦
وجاهلٍ ضلّ عن الرُّشدِ ٢٠٢/٣
لنفسك عمداً أو عن الرّشدِ جائر ٢١٤/١٢
ولاتجعلني ممّن عن الرّشدِ عمى ١١٤/١٣
قد تبيّن الرُّشدُ من الغيّ (قرآن) ١٨/٤
الموفّقين للخير والرّشدِ والصّواب بطاعتك ٦٤/١٤
زعموا أنّهم على الرّشدِ من غيّهم ٢١٩/٤٥
رُشْدِي: واعزم لي على رشدي ٩٣/٣ ـ ٩٤/٢
أن تجعل رشدى فيما قضيت من الخير ٤٢/٢٧
بِرُشْدِهِ: فمن أجهل منّى يالٰهى برشده ٤٩/١٢
لِرُشْدِهِ: أحمده ... حمد موفّق لرشده ١٩٩/٧
الرَّشَادِ: ومن أدلة الرّشاد ومن صالحى العباد ٥٥/٢٧
بِالرَّشَادِ: وقبل الضّلال بالرّشاد ٥٥/٣٠
لِلرَّشَادِ: واقدح للرشاد زنادهُ ٢٢٣/٧
إِرْشَادِ: وإرشادِ الضالّ ومعاونة الضعيف ٢١/١٣
الْإِرْشَادِ: وامنحنى حسن الإرشاد ٥٥/٣٠
بِإِرْشَادِهِ: إسترشدك فلم تمنن بإرشاده ١٩٩/٣٧
بِإِرْشَادِكَ: واسلك بنا سبيل الحقّ بإرشادك ٨/٢٥
واسلك بنا سبيل الحقّ بإرشادك ١٥/١٥
إِسْتِرْشَاداً: واسترشاداً لبرهان آياتك ٢٤٩/٣
مُرْشِداً: فقام محمّد ... مرشداً لأنواره ١٩٩/٥٨
فأصابوه مرشداً ٨٤/٢
الْمُرْشِدُ: أللّهمّ أنت الوليّ المرشد ١٩٩/٩
مُسْتَرْشِدِهِمْ: بمحاسن أدبك في... هداية مسترشدهم ٦٦/١ ـ ٦٥/١
رَشَدَ: سبحانك ... وأمرك رشدٌ ١٤٧/٢٧
الرَّشِيدِ: محمّدبن على الرشيد القائم بأمرك ٤٢/١١
مَرَاشِدِي: خذ بقلبي إلى مراشدى ٢٥١/٥٩
لِمَرَاشِدِ: واشرح لمراشد دينك قلبي ٦١/٥
أَرْشَدَهَا: أسألك... من الأمور أرشدها ١٩٩/٢٣

ر.ش.ق

رُشِقَ: وقد رشق في كلّ دار منها ١٩٩/١١٨

ر.ش.و

الرُّشَا: من دار ... لايقبل فيها الرّشا ١٩٨/١٥
أنا الّذى أعطيت على جليل المعاصى الرّشا ١١٦/٦٥

ر.ص.د

أَرْصَدَ: أرصد لي بالبلاّء فيما لم اعمل فيه فكرى ١٥٢/٥
أرصد لي البلاّء فيما لم أعمل فيه فكرى ١٥٣/٥
رَصَدُ: لأنّك عماد المعتمد ورصد المرتصد ٢٤٧/٢
كَالْمُرَاصِدِينَ: كالمراصدين لمثوبتك ٢٠٠/٦

الْمُرْتَصِدِ: لأنّك عماد المعتمد ورصد المرتصد ٢٤٧/٢
بِمَرْصَدِ: للصارخ إليك بمرصد الإغاثة ٢٢٠/٤٠
وللملهوفين بمرصد إغاثةٍ ١١٦/١٢
للصارخ إليك بمرصد إغاثةٍ ٢٢١/٣
الْمِرْصَادِ: وارزقني فوز المعاد وسلامة المرصاد ٥٥/٢٧
بِالْمِرْصَادِ: وأنت بالمرصاد لكلّ ظالم ٢٢٣/٣

ر.ص.ص

مَرْصُوصٌ: كأنّهم بنيان مرصوص (قرآن) ١٢٨/٤

ر.ض.ع

أَرْضَعَتْ: كلّ مرضعةٍ عمّا أرضعت (قرآن) ٢٠٧/٢٣
مُرْضِعَةٍ: يوم تذهل كلّ مرضعةٍ (قرآن) ٢٠٧/٢٣
الْمَرَاضِعَ: حرّمنا عليه المراضع من قبل ١٥٩/٢١

ر.ض.و

رَضِيَ: ورضي عنك فتلقّاك بنفس خاشعة ٨٨/١١
يامن رضى من فعلهم باليسير ٣٤/٨
يامن رضى بالعفو يامن يشيب على العفو ١٤٩/٥١
رَضِيْتَ: أدينك ... راضياً بما رضيت به ١١٩/١٩
ومن رضيت عنه فبفضلك ٨/٥ ـ ٩٨/٢
من عنيت به وأنعمت عليه ورضيت عنه ١٤٧/٩٢
واجعلني ممّن ... رضَيت عنه ١١٦/١٠٨
وأنت تجزى به من رضِيتَ عنه ٨٣/٨
جنّب إليّ ما رضِيتَ لي ٤٦/٥
أللّهمّ وآدم ... لقّنته ما رضِيتَ به عنه ١١/٣
بأفضل ما انقلب به من رضيت عنه ١٤٩/٥٥
ربّ إنّك ... رضيت منّي بما أسديت إليّ ٧٧/٥
ما سألك من رضيت عنه ٢٥٧/٢
بكلّ دعوة دعاك راج رضيت عمله ٢٥٦/٢
فطوبى لمن رضيت عنه ٢٥٧/١٥
رَضِيَتَهُمْ: ورضيتهم «بالأئمّة» لخلقك ١٤٩/٤٧
رضيتُ: والقبلة الّتي رضيتُ لمحمّد صلّى الله ٢٥٤/١
فإنّي رضيت بهم هداةً ١٤٩/٦١
فَرَضِيتُ: فرضيت بما إليه صيّرتني ٢٥٧/٢٩
رَضِينَا: فقد رضينا الثواب وأمنّا العقاب ١٤٣/٥٤
يَرْضَى: ويرضى به «حمداً» عنّا ١١٥/٢
لَمْ يَرْضَ: إن لم يرض عليّ ربّي غداً ١٩٨/٥٣
حَتَّى يَرْضَى: وزده «محمّد» من عندك حتّى يرضى ١٠/٣٢
فأعط محمّداً من ذلك حتّى يرضى ١٠/٢٠
أللّهمّ إنّي أسألك أن تعطيه حتّى يرضى ١٤١/٣١
صلّى الله عليه حتّى يرضى ٨٨/٢٤
تَرْضَى: وهب لي شكراً ترضى به عنّي ٢٥١/٤١
والعمل في طاعتك فيما تحبّ وترضى ١٣٣/٥
وإختم لي بما ترضى به عنّي ١٩٩/٤٨
بما تحبّ وترضى إنّك على كلّ شيء قدير ٥٧/١٣
... ونظرت إليّ نظرة رحيمة ترضى بها عنّي ١١٧/٢٠
وارزقنا ... ما تحبّ وترضى ١١٧/١٧
وبما تحبُّ وترضى فوفّقني ١٥٣/٢٤
أترضى بأن تفنى الحياة وتنقضي ٢١٤/١٥١ ـ ٢١٤/٧٢
نظرة منك إليّ ترضى بها عنّي ٣٦/١٠
أللّهمّ وفّقني لكلّ عمل صالح ترضاهُ عنّي ١٢٣/١٩
لاتَرْضَى: وصلّ عليه صلاةً لاترضى له إلاّ بها ١٤٧/٥٢
ولاتعرض عنّي إعراض من لاترضى عنه ١٤٧/٩٠
لَمْ تَرْضَ: ولم ترض منهم بالجهالة ١٩٩/١٦٦
حَتَّى تَرْضَى: إلهي ... لك العتبى حتّى ترضى ١٨٢/٧
فخذ لنفسك الرّضا من نفسي حتّى ترضى ٨٦/٣
أسألك ... الشّكر بها عليّ حتّى ترضى ١٢٥/٦
أَنْ تَرْضَى: ولايحقّ له أن ترضى عنه باستيجابه ٨/٤
ولاأن ترضى عنه باستيجابه ٩٨/٢
لِتَرْضَى: والتّقرّب إليك ربّ لترضى ١٦٤/٩
إِرْضَ: فتقبّلها منّا وارض عنّا ١٤٢/٦٠
وارضَ عنهما بشفاعتي لهما ٦٣/١٥
إِرْضَهُمْ: وارضهم «اصحاب محمّد» من رضوانك ١٤/٤
فَارْضَ: فارض عنّي ولاتسخط عليّ يامولاى ٢٥٧/١٥
أَرْضَاكَ: ولايخاف إغفالك ثواب من أرضاك ٨/١٨
٩٨/١١
يُرْضِيكَ: والتّحرّي لكلّ ما يرضيك عنّي ١٦٤/٩
واستكمال ما يرضيك عنّي صبراً ١١٧/٨
والدخول في كلّ ما يرضيك ١٢٥/١
واجعلني أتلوه «كتابك» على ما يرضيك به عنّي ١٥٣/١٣
أرزقني حسن النّظر فيما يرضيك عنّي ١٥٣/١٢
فأعطني من نفسي ما يرضيك عنّي ٥٩/١
وأن تختم لي عملي بما يرضيك عنّي ١٢٧/٦
فمن ذاالّذى يرضيك عنّي ٢٠٦/١٢
واستعمالها فيه بما يرضيك ١١٥/٦
واليقين لما يرضيك عليّ ياأرحم الرّاحمين ١٢٩/١٠
فما الّذى يرضيك عنّي ٢٠٥/١١
فمل بنا إلى ما يرضيك عنّا ٣٠/٣
إذا هممنا بهمّين يرضيك أحدهما عنّا ٣٠/٣

لايُرْضيكَ: إلاّ بك عمّا لايرضيك عنّى غيره ١٤٧/٩٣
واحبس لسانى بذكرك عن النّطق بما لايرضيك ٢٥١/٩
لَمْ يُرْضِهِ: لم يرضه بين العالمين ١٩٩/١١١
لَمْ يُرْضِكَ: ولم يرضك خرج عن قدرتك ١١٦/١
تُرضِىَ: وترضى عنّى أصحاب التّبعات ١٣٤/٧
تُرْضِيهِ: ربّ صلّ ... صلاةً ترضيه ١٤٧/٥٠
تُرْضِيكَ: صلاةً ترضيك وتزيد على رضاك له ١٤٧/٥١
تُرْضِيَنى: أللّهمّ ... ترضينى بما قسمت لي ١٣٧/٤
أَنْ تُرْضِيَهُ: وأن ترضيه «محمّد» عنّى بما شئت ٢٣٨/٧
أَنْ تُرْضِيَنى: وأن ترضيني بحصّتي فيما ٨٨/١٨
أُرْضِيكَ: أم بغاية جهدى في عملى أرضيك ١١٦/٨٣
وجعلت لي فيه آلات ... أرضيك بها ١٩٧/٢٨
أَرْضِهِ: أللّهمّ ... وأرضه «عبد» عنّى من وجدك ١٠١/٤
فَأَرْضِنى: فأرضنى يامولاى بوعدك ٧٧/١١
رَضَّيْتَهُ: فاجعلنا ممّن ... رضّيته بقضائك ١٩٠/٢
رَضِّنى: أللّهمّ رضّنى بما قضيت ٢٢/٣٤
ورضّنى من العيش بما قسمت لي ١١٦/١٣٥
ثمّ رضّني بما قسمت لي رزقك ١٦٤/٢١
رضّنى بما أخذت لي ومنّى ٤٤/١٠
إِرْتَضَاهُ: إرتضاه لنفسه وانتجبه لدينه ١٢٣/٨
إرتضاه «محمّداً» برسالته ٢/٩
إِرْتَضَيْتَ: وملّتك الّتى ارتضيت ١٤٢/٢٣
رِضىً: ورضىً بما قسمت لي ١١٧/٣١
ورضىً بدون واجبك ٩٨/١٠ ـ ٨/١٦
تكون لهم رضىً ١١٣/٤
ومن كرامةٍ إلى رضىً ٣٥/١
رضىً لاسخط علىّ بعده أبداً ١١٧/٢٠
الحمدلله رضىً بحكم الله ٩٦/١
صلاة كثيرة طيّبة تكون لك رضىً ١١٤/٣
تكون لك ولهم رضىً ١٤٧/٦٠
لك فيها رضىً ولى فيها صلاح ١٤٣/٤٨
صلاة كثيرة تكون لهم رضىً ٢٠/٤
وارض عنهما بشفاعتى لهما رضىً عزماً ٦٣/١٥
الرِّضا: وبعد الرّضا والخيرة فيما يكون ١٢٥/٦
من نفسي في جميع المواطن في الرّضا والسخط ١٢٥/٥
أرسوا بشطّ بحار الرّضا ٢٠٠/٢٥
وأنّ في التّلهف إلى جودك والرّضا بعدتك ٢٢١/٤
منّ علىّ با... لرّضا بقدرك ٢٥١/٦٩
واحفظ من قبل بالتّسليم والرّضا دعوته ١٠/٢٦
وزده «محمّد» من ثوابك بعد الرّضا ١٠/٢٠
وأنهجت بآله سبل الرّضا إليك ١٠٩/٩
فيما يحدث في حال الخوف والأمن والرّضا ٥٩/١٢
حتّى أتعرّف من نفسي روح الرّضا ٥٩/١٢
لأنّى لم أذق طعم البلاّء فأجد طعم الرّضا ٣٥/٢
أسألك ... كلمة العدل في الرّضا ١٣٩/١٤
أللّهمّ صلّ على... علىّ‌ابن موسى الرّضا ١٨١/٤
فخذ لنفسك الرّضا من نفسي حتّى ترضى ٨٦/٣
وعلى‌بن موسى الرّضا المرتضى الزكىّ المصطفى ٤٢/١٠
واجعل ذلك ذريعة إلى الرّضا بما قضيت لنا ٩٢/١
والرّضا بقضآئك عوضاً من منع الباخلين ٢٢٠/٤ـ١١٦/١٢
وصلّى الله عليه وآله بعد الرّضا ٨٨/٢٤
وارزقنى ... الإحتراس ... في حال الرّضا والغضب ٥٩/١٤
رِضاهُ: صلاة ترضيه وتزيد على رضاه ١٤٧/٥٠
وفي رضاه «وليّك» ساعين ١٤٧/٦٧
ويامن رضاه أوفر من سخطه ٣٤/٨
حمداً... نسبق به من سبق إلى رضاه ١/١٣
رِضاهُما: وأقدّم على رضاى رضاهما «الوالدين» ٦٣/٥
رِضاها: وخذ لنفسك رضاها من نفسي في عافية ٥٩/١
رِضاكَ: مسارعة إلى ما باعد من رضاك ٢٠٠/٥
صلاةً ترضيك وتزيد على رضاك له ١٤٧/٥١
واجعل ثواب مجلسى ... رضاك والجنّة ١١٦/١٣٠
ولك الحمد حمداً يزيد على رضاك ١٤٧/٣١
أسألك خوفاً تعيننى به على حدود رضاك ١٢٥/٣
شكر نعماك ما تبلغ بي غاية رضاك ٢٥٣/٣
وأن يكون مصيرى إلى محلّ رضاك ١١٨/٢
وتوعّدت بها من صدف عن رضاك ٨٨/١٩
ولاأسخط شيئاً من رضاك ٥٧/٩
وسهّل إلى بلوغ رضاك سُبُلى ٥٥/٤٠
ما محمّد أهله فبك فيما بلّغ في رضاك ١٠/١٦
واجعلنا من الطّالبين رضاك بمناصحته ١١٩/٣٠
لايحول أحدٌ دون رضاك ١٥٣/١٦
أو تقرّب إليك بقربة أوجبت رضاك له ١٤٢/٥٦
رضاك عند السّخطة ١٦٤/٢٢
وحارب في رضاك أسرته «محمّد» ٩/٢
ونكره موضع رضاك ٩٢/٢
وجلّلنى رضاك ٥٥/٣١
ولاأبلغ رضاك ولاأنال ما عندك ٥٧/٤
حمداً يكون مبلغ رضاك عنّي ١٦٣/٦
لك الحمد ... حمداً يوافق رضاك ١٨٧/٨
حتّى تبلغ بي فيما فيه رضاك ٢٥٧/٣٨

فأعنّي بالتوفيق على بلوغ رضاك ١٤٤/٢٩
طلب رضاك فأكون فيه من الفائزين ١٤٤/٢٧
رضاك بغيتي ورؤيتك حاجتي ١٨٩/٨
فارّ من سخطك إلى رضاك ١٨٦/٥
حتّى أبلغ منه رضاك ٣٥/١٥
رِضايَ: وأقدّم على رضاى رضاهما «الوالدين» ٦٣/٥
ورضاى فيما يرد علىّ منك ٥٩/٥
بِرِضاكَ: أعوذ برضاك من سخطك ١٤٩/٥٣
وفوزهم برضاك ١٤٢/١٩
وأمنوا برضاك من العذاب ياكريم ١٣٢/٦
وفوزي برضاك ٨١/٧
تكون بها «شفاعة» ... فوزتي برضاك ٨٠/٢٣
إلهي فاجعلنا ممّن ... حبوته برضاك ١٩٠/٢
لِرِضاكَ: في إسخاط خلقك إلتماساً لرضاك ١٦٤/٩
مؤثراً لرضاك على ما سواهما في الأولياء والأعداء ٥٩/١٤
بِالرِّضا: لاتنال منك إلاّ بالرّضا ١٢٥/١
رِضْوانَ: ورضوان وسدنة الجنان ١٢/١٢
فاذكرهم منك بمغفرة ورضوانٍ ١٤/٢
ولَقّهِ منك رضواناً ١٠٦/١
لنبتغي فضلاً منه ورضواناً ١٣٥/١
الرِّضْوانَ: حففته منك بالرّحمة والرّضوان ١١٣/٧
وتهطل ... طوائف المزيد والرّضوان من فوقها ١٠/١٣
بك أستجير ياذالعفو والرّضوان ٢٣٦/٢
قد أوجبت لي منك الرّحمة والرّضوان ١١٣/٩
فقد آنسني بشرى الغفران والرّضوان ١٨٦/٣
رِضْوانِهِ: حمداً يكون ... سبباً إلى رضوانه ١/٢٩
لنسلكها بمنّه إلى رضوانه ١١٥/٢
رِضْوانَكَ: أعطني... بلاغاً أنال به رضوانك ٢٥١/٢٨
٧٨/٣ ـ ٢٥٢/٢١
ربّ صلّ ... صلاةً تجاوز رضوانَك ١٤٧/٥٣
وجعلته «الإمام» الذّريعة إلى رضوانِك ١٤٧/٦١
نصيباً أنال به حظّاً من رضوانِك ١٤٧/٧٧
ولاصرفني القنوط عن انتظار رضوانِك ١٩٧/٣٧
أوفرهم «الأنبياء» حظّاً من رضوانِك ١٠/١٤
وأدرجني فيمن أبحت لهم عفوك ورضوانَك ٢٣٧/٦
أللّهمّ إنّي تطهّرت ... ابتغاء رضوانِك ٢٦٨/٢
ما أتّخذه سلّماً أعرجُ به إلى رضوانك ١٥٢/١٦
لنا في القيامة إلى رضوانِك وجنانك قائداً ١٠٩/١٦
ولاصرفني القنوط عن انتظار رضوانِك ١٩٩/١٤٠
فيحول ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانِك ١٢٣/١٨
صلواتك ... ورضوانُك عليه «نبيّك» ١١٦/٤٥
وأسألك رحمتك ورضوانَك وعفوك ١٢٧/٨
أدخلتهم بالتّقوى في سعة رحمتك ورضوانِك ١٢٠/١٣
برحمتك أرجو رضوانَك ١٥٣/١٦
أسألك أن تنيلني من روح رضوانِك ١٩٢/٧
ومغفرتك ورضوانَك وجنّتك ١٤١/١١
أسجف على نفسي ستور رضوانِك ١٦/٤
... بمغفرتك ورضوانِك ١١٧/١٦
وعرّفني وجوههم في رضوانك والجنّة ١٤٩/٦١
توجب لي بها رضوانَك والجنّة ١٤٣/٤٤
صلواتك ورحمتك ورضوانُك عليهم ٢٤٨/١١
ذريعة المؤمنين إلى رضوانِك ١٠/١
وارضهم «أصحاب محمّد» من رضوانِك ١٤/٣
أللّهمّ ... بلّغني رضوانك ١٢٣/١٣
يسّر لنا بلوغ ما نتمنّى من ابتغآء رضوانِك ١٨٨/١
بِرِضْوانِكَ: شرّف درجتي برضوانِك ١٠٨/٤
وصبّرهما لي وصلة إلى الفوز برضوانك ١٩١/١
مَرْضاتِهِ: وأسرعهم «مواليه» إلى مرضاته ١٤٩/٧٠
تحرّياً لمرضاتك ومرضانه «محمّد» ١٠/٢٥
مَرْضاتِكَ: وقلّ كدحه وسعيه في مرضاتِك ١٤١/١٧
سيّدى بك وصلوا إلى مرضاتِك ١٩٩/١٨٨
ما يصير به إلى مرضاتِك ١٩٩/٣٩
وهب لي قوّةً أحتمل بها جميع مرضاتِك ٥٧/١١
وفي مرضاتِك مدخلي واجعل في جنّتك مثواى ٥٧/١١
نشّطتني بها لابتغاء مرضاتِك وفضلك ٤٦/٢
وأجهدها «النفس» في مرضاتِك ١٤٧/٨٤
إلهي ... أتيتك ... طالباً مرضاتَك ١٨٦/٧
ودلّنا على سبيل مرضاتِك ١١/٥
وفي الفقه ومرضاتك فاستعملني ١٥٣/٢٠
الساعى في مرضاتِك ١٤٣/٥٢
ووسيلة إلى طاعتك ومرضاتِك ١٢٧/١١
بِمَرْضاتِكَ: إليك لقمين بمرضاتك ١٩٩/١٥٢
لِمَرْضاتِكَ: أللّهمّ... وفّقني لمرضاتك ١٣٥/١٤
ممّا كان اجتهادهم فيه تحرّياً لمرضاتك ١٠/٢٥
ولاتبعاً إلاّ لمرضاتك ١٤٧/١٠٦
راضٍ: حتّى ألقاك وأنت عنّى راضٍ ١٤٩/٧٠
راضٍ بقضائك ١٤٨/٢٧
وأنت عنّى راضٍ غير غضبان ... ١٣٣/١١
زاضِياً: فإن تك راضياً فأحقّ من أعطيته ٢٥٧/٢
واجعلني ... بما رزقتني قانعاً راضياً ٢٥١/٤٨

حتّى ألقاك يوم القيامة عنّي راضياً ١١٣/٩
فقبضه «محمّداً» ... راضياً مرضيّاً ١٩٩/٥٩
راضياً بما رضيت به ١١٩/١٩
أدينك ياربّ ... راضياً غير منكر ١١٩/١٩
راضِينَ: إليك فوّضنا أمرنا راضين ١٤٣/١٨
الرّاضِينَ: والرّاضين بفعله «القائم» ١٨١/٥
راضِيَةً: وصلّ عليه صلاةً راضيةً ١٤٧/٤٩
فاجعل نفسي ... راضيةً بقضائك ٢٥٥/٣
الرّضيّة: الكبيرة العظيمة الرّضيّة ١٢٢/٢
مَرْضِيّاً: فقبضه «محمّداً» راضياً مرضيّاً ١٩٩/٥٩
مَرْضيّ: وأعنّي على ... مرضيّ القول ١٤٧/٩٥
أخرجني من فتنتها «الدّنيا» مرضيّاً عنّي ٧٨/٤
أجرني من فتنتها «الدّنيا» مرضيّاً عنّي ٢٥١/٢٩
الْمَرْضيّ: أنّ محمّداً... المسدّد بالأمر المرضيّ ١٩٩/١٦
واستعملنا بـ... السّعي المرضيّ ١٩٤/٢
الْمَرْضيّينَ: أللّهمّ صلّ على ... المرضيّين ٢٥١/٣٤
وصلّ على ... الأوصياء المرضيّين ٢٥١/٤٥
وصلّ على محمّد وآل محمّد المرضيّين ٢٥١/٣٩
٢٥٢/٢ ـ ٢٥١/٢
أللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد المرضيّين ٢٥٢/٢٧
وصلّ على محمّد وأهل بيته المرضيّين ٢٥٢/٣١-٢٥١/٥٣
صلاةً مرضيّةً لك ولمن دونك ١٤٧/٥٦
الْمَرْضِيّة: الكبيرة العظيمة الرضيّة المرضيّة ١٢٢/٢
الْمُرْتَضىٰ: أللّهمّ صلّ ... على عليّ المرتضى ١٨١/٤
عليّ بن موسى الرّضا المرتضى الزكيّ المصطفىٰ ٤٢/١٠
أَرْضىٰ: والحمدلله ... أرضى حامديه لديه ١/٢٦
واستعملني بما هو أرضى ٥٥/٢٥
واجعلنا من أرضى من مرّ عليه اللّيل والنّهار ٢١/١٤
واجعلنا من أرضى من طلع عليه ١١٠/٨
أَرْضاها: وأرضاها لديك وأفضلها عندك ١٢٨/٧
وأرضاها لك ثمّ اجعلها لي خيراً ١١٧/١٥
لِأَرْضاها: وإذا تناقضت الملل لأرضاها ٥٥/٣٢

ر.ط.ب

رُطُوبَةُ: الذّكر رطوبة ألسنة الذّاكرين ٢٠٠/٣٤

ر.ع.ب

أَرْعِبْ: وأرعب قلوبهم «الظّلمة» ١١٩/٥
وأرعب قلوب أهله ٧٠/١٠
الرُّعْبَ: ألق الرّعب في قلوب أعدائك منّي ٧٧/٣
واملأ أفئدتهم «عدوّ هل الثّغور» الرّعب ٦٧/٧

ر.ع.د

رَعْدِكَ: ولايطيق صوت رعدك ٢٠٥/١٦
والّتي لاتستطيع صوت رعدك ١٦٢/٦
الرُّعُودِ: يسمع زجل الرّعود ١٢/١١

ر.ع.ش

أَرْعَشَتْ: قد أرعشت خشيته رجليه ٣٤/٧

ر.ع.و

إِرْعَوَيْتُ: أنا الّذي أمهلتني فما ارعويت ١١٦/٦٥

ر.ع.ى

رَعىٰ: مسلم ... رعىٰ له من ورائه حرمةً ٦٧/٢٠
وما أسعد من رعى حرمتك بك ١٤٢/٣٥
أللّهمّ ومن رعى حقّ هذا الشّهر ١٤٢/٥٦
رَعَيْنا: ولارعينا حقّ حرمتك ٢٠٠/٨
يَرْعاهُ: فاجعلنا ممّن يرعاه حقّ رعايته ١٠٩/٥
لايَرْعىٰ: فرتع في مالك من لايرعى لك حرمة ٧٠/٦
أَرْعىٰ: وأرعى لهم «جبرائي» ما أرعى لخاصّتي ٦٥/٤
راعِهِ: وراعه «ولبّك» بعينك واحمه بحفظك ١٤٧/٦٣
رِعايَةَ: تميره به رعاية المكفولين ١٩٩/٣٩
الرِّعايَةِ: واجعلني برحمتك من أهل الرّعاية ١٩٩/٦٦
أسألك ... من الرّعاية أعطفها ١٩٩/٢٢
يامن شأنه الكفاية وسرادقه الرّعاية ١١٤/١٤
بل بالتّعاهد ... والرّعاية لحقّك ١١٧/١١
رِعايَتِهِ: وكّل بي تفقُّد رعايته ١٥٣/٧ ـ ١٥٢/٧
من رعى حقّ هذا الشّهر حقّ رعايته ١٤٢/٥٦
فاجعلنا ممّن يرعاه حقّ رعايته ١٠٩/٥
رِعايَتِكَ: من سقط من عين رعايتك ١٤٧/٩٢
إعصمنا منه بحسن رعايتك ٥٠/٣
ولاتعرنا من رعايتك ١٩٥/٤
واشملنا من رعايتك بركن باق ١٩٩/٦٦
ها أنا ... مفتقر إلى رعايتك ١٨٦/٥
بِرِعايَتِكَ: وأظلتهم «أوليائك» برعايتك ٢٣٧/٧
بِالرِّعايَةِ: وكنفتني بالرّعاية في جميع مذاهبي ١٩٩/١٧٢
الْمَرْعِيَّةُ: والحرمة المرعيّة والحقّ المقضيّ ١٤٢/٢٧
مَرْعاها: عادت إلى مرعاها ٢١٤/١٣٩ ـ ٢١٤/٦١

ر.غ.ب

رَغِبَ: والسّعيد منّا من رغب إليه ١/٢٥
ولكلّ من رغب إليك زُلفىٰ ١٤٩/٥٧
فما أنا بأوّل راغبٍ رغب إليك فأعطيته ٣٩/٩
رَغِبُوا: الظّلمة ... رغبوا عن ملّة خليلك ١١٩/١
رَغِبْتُ: كريم ثوابك ما رغبت ١٩٩/٩٤
ورغبت عن سنّتك لفساد دينى ٢٥٧/١٠
ورغبتُ إليك في وضع تبعته عنهما ٦٣/٩
باوليّ المؤمنين... أعطنى... كلّ ما رغبت إليك فيه ١٢٢/١٠
لاتحرمنى وقد رغبت إليك ٤٩/٨
رُغِبَ: وأنت الملئ بما رغب فيه إليك ١٤٢/٢٦
وأعطى من رغب إليه ٨٨/١٣
وقّفنى ياأهدىٰ من رغب إليه ٦٣/١٢
إنّك أكرم من رغب إليه ١٤٢/٦٤
يَرْغَبُ: أنّى يرغب معدمٌ إلى معدمٍ ٣٩/٧
لايَرْغَبُ: أللّهمّ يامن لايرغب فى الجزاء ١٤٢/١
أنت الّذى لايرغب في جزآء من أعطاهُ ٤٩/٤
لَمْ يَرْغَبْ: وأرغب إليك ولم يرغب العباد إلى مثلك ١٤١/٤
أَرْغَبُ: وأرغب إليك ولم يرغب العباد إلى مثلك ١٤١/٤
وأرغب إليك كرغبته ١٦٤/٥
وإليك أرغب ياغاية المستضعفين ١٤٩/١٥
وإيّاك أرغب في لباس العافية وتمامها ١٣٦/٤
أللّهمّ ... في رحمتك أرغب ١٩٩/٨
لاتَرْغَبَ: حتّى لانرغب إلى أحدٍ مع ١٥/٧ ـ ٨/٢٠
يُرْغَبُ: يامن يرغب إليه ولايرغب عنه ٣٩/٢
لايُرْغَبُ: يامن يرغب إليه ولايرغب عنه ٣٩/٢
رَغَّبْتَ: ورغّبت فيه من القيام ١٤٢/٢٤
رغّبت في الحجّ بعد إذ فرضته ١٤٤/٢٢
رَغَّبْتَهُ: فاجعلنا ممّن ... رغّبته فيما عندك ١٩٠/٣
رَغَّبْتَنِي: رغّبتنى فيما لديك ٢٥٧/١٠
رَغَّبْتَنَا: ونهيتنا ورغّبتنا في ثواب ما أمرتنا ٦٤/٦
فَلا تُرَغِّبْنِي: فلا ترغبنى فيها «الدنيا» ١٢١/٧
رَغَباً: أدعوك ... رغباً ورهباً واستكانة ١٤١/١٦
الرَّغَبِ: حاجتى إليك في الرّغب والرّهب ١٩٩/١٤٩
رَغْبَةِ: أنت موضع رغبة الرّاغبين ١٤١/٤
وياأعلى رغبة الرّاغبين ١٩٢/٥
ورغبةً إليك ١٤٩/٧١
لارغبةً ياإلهى بل عجزاً ١٤٦/١٤
ورغبةً إليك فلا تجعلنى اليوم أخيب وفدك ١٤٩/٥٨
واجعل غربتى فوق رغبةِ الرّاغبين ١٤٧/٩٧
مثل رغبة أوليائك في مسائلهم ١٧١/٧
يامنتهى رغبةِ السّائلين يارازق المقلّين ١٤٣/١٧
أدعوك ياربّ ... رغبةً ورهبة ٢٥/٣
الحمدلله وليّ كلّ نعمة ومنتهى كلّ رغبةٍ ١٤٣/٧
منتهى رغبةِ الرّاغبين ١٤١/١٤ ـ ١١٤/٢ ـ ١٣٠/١
الرَّغْبَةِ: أعذنى من سوء الرّغبة ٤٤/١٢
وطهّرنا من ... الرّغبة عن القّراء ٢٠٠/١٧
أرزقنى ... التّوبة ... والرّغبَةَ ١١٧/٩
أللّهمّ... ارزقنى... ذكرك والرّغبةَ إليك ١٣٧/٤
واقفاً بين الرّغبة إليك والرّهبة منك ٨٨/١١
أسألك ... طلب أهل الرّغبةِ ١٣٧/٨
لتردّهم إلى الرّغبةِ إليك والرّهبة منك ١٤/٩
وارزقنى الرّغبةَ في العمل لك لآخرتى ٥٩/٩
وأعوذبك من الرّغبة فيها ١٢١/٥
وافتح لي ياربّ باب الرّغبة إليك ٢٥٢/٤٠
وقد تعلم اي ربّ ما الرّغبةُ إليك ٢٢٣/٢
شكرك وذكرك والرّغبةَ إليك ١٢٩/١٠
الرَّغْبَةِ: لاتصرفنا عنك حتّنا على الرّغبة إليك ١١٦/٣٨
رَغْبَتُهُ: ولانعينه رغبته على العمل ١٣٣/٤
ووجّه رغبَتَهُ إليك ثقةً بك ٨٠/٤
رَغْبَتُهُمْ: الّذين قد طالت رغبتهم فيما لديك ١٢/٨
رَغْبَتِي: واجعل رغبتى إليك فوق ١٤٧/٩٧
واجعل رغبتى فيما عندك ١٢١/١٧ ـ ١١٦/١٢٥
إجعل ... رغبتى في ثوابك ٢٤٢/٥
وأعطنى رغبتى فيما سألتك ٢٥٢/٣٤
وفيما عندك انبسطت رغبتى ١١٦/٨٤
واجعل فرارى إليك ورغبتى فيما عندك ٥٧/١١
واجعل فيما عندك رغبتى شوقاً إلى لقائك ١٧١/٥
وتعطيني فوق رغبتي ١٤٩/٤٠
وأعطيتنى جميع سؤلى ورغبتى ١١٧/٢١
سيّدى إليك رغبتي ١١٦/٨٤
أللّهمّ هذه حاجتى فأعظم فيها رغبتى ١٧١/٨
أللّهمّ اجعل رغبتى في مسألتي ١٧١/٧
وغاية أملي ورغبتي ١٤٩/٥٤
أن تعطينى منه ما لم تنته إليه رغبتي ١٦١/٨
إنصرفت نحوك رغبتى ١٨٩/٧
أعطنى رغبتى فيما سألتك في عدوّك ٢٥١/٥١
رَغْبَتِنَا: وأعطنا به «وليعصر» فوق رغبتنا ١١٩/٢٥
ورغبتنا عنه إليك ٣٢/٥
لِرَغْبَةِ: وأخلفنى من كنت أرجوه لرغبةِ ٢٠٤/١

بِرَغْبَتِهِ: ولم يخب من فزع إليك برغبته ٧٠/١
لن يخيب من فزع إليك برغبته ٢٥١/٦٠
كَرَغْبَتِهِ: وأرغب إليك كرغبته ١٦٤/٥
بِالرَّغْبَةِ: وانتصبت بالرّغبة خاضعةً لديك ٢٠٢/٨
وقوّه بالرّغبة إليك وأمله إلى طاعتك ٥٧/١٠
وذلّله بالرّغبة فيما عندك أيّام حياتي كلّها ٥٧/١٠
فقصدتك يإلهي بالرّغبة ٣٩/٨
الرَّغَبَاتِ: ياولىّ الرّغبات يامعطى السّؤالات ١٣٣/٦
وأنت... الوفىّ بتكثير الرّغبات ١٩٩/٨٠
رَغَباتِنا: وأصحب رغباتنا بحيآء ١٩٩/٣٤
التَّرْغِيبِ: وتلطّفت في التّرغيب ١٤٦/١١
تَرْغِيبِكَ: وترغيبك الّذى فيه حظّهم ١٤٢/١٤
رَاغِباً: أدنيك ... راغباً فيما لديك ١١٩/١٩
وزدنى من فضلك إنّى إليك راغبٌ ٢٥١/٤٤
وبامولى يبغيه كلّ راغبٍ ٩٩/٢
إنّى إليك راغبٌ ١١٦/١٣٠
أدعوك ياربّ راهباً راغباً ١١٦/١٩
ولكلّ راغبٍ إليك هبةٌ ١٤٩/٥٦
أللّهمّ إنّى أتيتك ... وإليك راغباً ١٣٥/١٨
راغبٌ إليك في فكاك رقبتي من النّار ١٤٩/٣٩
راغبٌ إليك في تغطيتى بالإقالة والصّفح ١٦/٣
إلهى ... أتيتك ... راغباً في إمتنانك ١٨٦/٧
فإنّى راغبٌ إليك لي ولهم ١٤٤/٣٠
فما أنا بأوّل راغبٍ رغب إليك فأعطيته ٣٩/٩
لِرَاغِبٍ: ولالراغبٍ مندوحة عنك ١٩٩/١٩٧
رَاغِبُونَ: إنّا إليك راغبون ومن الذّنوب تائبون ٩٥/٣
ونحن إليك راغبون ١١٧/٢٩
راغِبِينَ: وآمنّا راغبين ١١٧/٢٣
ومنتهى رغبة الرّاغبين ١١٤/٢
وفي الآخرة راغبين ٢٠٦/٢٢
الرَّاغِبِينَ: أنت موضع رغبة الرّاغبين ١٤١/٤
ويأعلى رغبة الرّاغبين ١٩٢/٥
الرّاغبين الآجل ثواب الآخرة ٢٦٢/٢
يامنتهى حاجة الرّاغبين ١١٧/٢٥
وسبل الرّاغبين إليك شارعة ٢٥٥/٤
واجعل رغبتى إليك فوق رغبة الرّاغبين ١٤٧/٩٧
يامنتهى رغبة الرّاغبين الطّالبين ١٤١/١٤
إنّى إليك من الرّاغبين ١٤٧/١١٦
ياعليم يامنتهى رغبة الرّاغبين ١٣٠/١
الرَّاغِبُونَ: ... منه «الله» يطلُبُ الرّاغبون ١٥٩/١
لِلرَّاغِبِينَ: ووفاؤك للرّاغبين إليك ٢٤٩/٤
بابك مفتوح للرّاغبين ١٤٦/٦
الرَّغَائِبُ: وعسرت الرّغائب ٢٢١/١ ـ ٢٢٠/١
ياخير من استدعى لبذل الرّغآئبِ ٢٣٩/٤
يامعطى الرّغآئب صلّ على محمّد ٢٥٢/٣٤ ـ ٢٥١/٥١
ألحقنا بعبادك الّذين ... بلّغتهم الرّغائبَ ١٨٩/٤
مَرْغُوبَ: ياخير مرغوب إليه ومسئول ١١٤/١٣
الْمَرْغُوبَ: نستدرك به الفضل المرغوب ١٤٢/٥٠
بِالْمَرْغُوبِ: واسمح لي بالمرغوب فيه ١٩٩/٨٠

ر.غ.د

أَرْغِدْ: أرغد عيشى وأظهر مروّتى ١١٦/١٠٧
رَغَدَ: وسق الينا به «قرآن» رغد العيش ١٠٩/١٥
رَغْداً: أللّهمّ إنّى أسألك ... عيشاً رغداً مريئاً ١٩٩/٢٥

ر.غ.م

رَغَمَ: ورغم لك أنفه ١٦٤/١
مسألة من ... رغم لك أنفه ١٣٢/٨
أَرْغِمْ: وأهدم كهفه وأرغم أنفه ٥٠/١٢
راغِمٌ: بين يديك خاضع ذليل راغم ١٦٢/٥
فها أناذا بين يديك، ذليلٌ، صاغرٌ راغمٌ ٢٠٥/١٥
مَرَاغِمَهُ: تجدع «بدالحقّ» مراغمه «الباطل» ٧٠/٨

ر.ف.ت

رُفَاتاً: في بطون الهلكات عظاماً ورفاتاً ٢١٩/٢٤

ر.ف.د

إِسْتَرْفَدَ: وحرمت من استرفد فضلك ٣٢/٢
رِفْدَهُ: إلهى حرمنى كلّ مسؤولٍ رفده ٢٠٤/١
رِفْدِكَ: وصرفت وجهى عمّن يحتاج إلى رفدك ٧٤/١
إلهى ... أتيتك ... واردا شريعة رفدك ١٨٦/٧
لِرِفْدِهِ: أحمده ... شاكراً لرفده ١٩٩/٧
الرِّفَادَةِ: وأسألك حسن الرّفادة ١٤٦/١٤
بِإِرْفَادِكَ: وأغننا عن غيرك بإرفادك ١٥/١٥ ـ ٨/٢٥
الْمُرْفِدُ: أللّهمّ أنت ... الغنىّ المرفد ١٩٩/٩
الْمُسْتَرْفِدِينَ: بعرصتك تقف آمال المسترفدين ١٨٧/٣

ر.ف.ض

فَرَفَضْتَنِي: في مقام الكاذبين فرفضتنى ١١٦/٥٥
رَفْضِ: ورفض أهل البدع ٥٥/١٦

رَفْضِها: إلى رفضها داع وبالزّهد آمر ٢١٤/٢٦ ـ ٢١٨/٤

ر.ف.ع

رَفَعَ: ورفع البناء وزخرف وعمّر ٢١٤/١٤٨
فَرَفَعَهُ: ثمّ اختاره «محمّداً» الله فرفعه ١٩٩/٥٩
رَفَعَتْها: إلهي هل... تغلّ أكفّاً رفعتها الآمال ١٨٤/٥
رَفَعْتَ: رفعت بلطفك الفرق ٢٤٥/٣
رَفَعْتَهُ: أنا الوضيع الّذى رفعته ١١٦/٦١
فَرَفَعْتَ: فرفعت خسيستى وأقلت عثرتى ١٤٩/٣٣
فَرَفَعْتَها: سمكت السّماء فرفعتها ٢٤٧/٧
رُفِعَتْ: أللّهمّ إليك رفعت أيدى السّآئلين ٨٣/٥
يَرْفَعُ: ويرفع بالمسألة إليك يده ٢٠٤/٦
إلى من يرفع حوائجه إليك ٣٩/٦
يَرْفَعُني: وان تضعنى فمن يرفعنى ٥٢/٢
تَرْفَعَ: أو ترفع لي إليك صوتاً ١٤٩/٤٢
تَرْفَعُهُ: أنا أفقرهم إليك... لكلام طيّب ترفعه ٢٥٧/٩
فصلّ عليه «محمّد» صلاة ترفعه ١٠/٧
تَرْفَعُني: ياربّ إن ترفعني فمن يضَعُنى ٥٢/٢
لاتَرْفَعُني: ولاترفعنى في النّاس درجة إلاّ ٥٥/٥
لِتَرْفَعَنا: وقوّيتنا عليه لترفعنا فوق ١٠٩/٦
أَرْفَعُ: أرفع بها إليك رأسي ٢٠٦/١٣ ـ ٢٠٥/١٢
... بك أرفعُ في نحره ١٥٦/٤
وإلى جودك وكرمك أرفع بصرى ١١٦/٩٠
لَمْ أَرْفَعْ: ثمّ لم أرفع طرفى إلى آفاق ٤٩/١٧
لاتَرْفَعَ: وأمرتنا أن لانرفع الأصوات على ١٠/٩
لاتُرْفَعُ: وأعوذبك من ... صلاة لاترفع ١١٦/١٢٧
إِرْفَعْ: وارفع درجته «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
أللّهمّ ... ارفع درجتى وحطّ وزرى ١١٦/١٣٠
إرفع عنّى شرّ «فلانٍ» بك أدفع فى نحره ١٥٦/٤
وارفع له «ابن‌شهاب» من القدر ٦٨/١
إِرْفَعْني: إرفعنى عن مصارع الذّنوب ٨٠/٩
ياربّ وارفعنى ولاتضعنى وانصرني ٥٢/١
وارفعنى بين عبادك ١٤٧/١٠٠
إرفعنى في أعلىٰ درجات هذه النّدبة ٢١٩/١
فَارْفَعْهُ: فارفعه «محمّد» بسلامنا إلى ١٠/١١
أللّهمّ فارفعه «محمّد» بما كدح فيك ٩/٤
أَرْفَعَهُ: سبحانه من ... قريب ما أرفعه ١٩٩/١٥
أَرْفَعَكَ: سبحانك من ... رفيع ما أرفعك ١٤٧/٢٣
إِرْتَفَعَتْ: وارتفعت الرّنّة والعويل ٢١٤/٢٥
وارتفعت البريّة بالعويل ٢١٤/١٢١
يَرْتَفِعُ: حمداً يرتفع منّا إلى أعلىٰ علّيين ١/١٥
لايَرْتَفِعُ: ووزرٍ لايرتفعُ فقدّم لى ما اخّرت... ٥١/٢
رَفْعِ: أبلغ به «محمّد» من ... رفع درجته ١٠/١٥
وانتصرت بك في رفع البلاّء ١٤٨/١٩
رَفْعَها: سوّلت لي نفسي رفعها ٣٩/٦
الرِّفْعَةِ: والدّآئم في كبريآء الهيبة والرّفعة ١٩٩/٥١
ودرجة العلوّ والرفعة ٧٤/٤
إِرْتِفاعِ: تعاليت في ارتفاع شأنك ٢٤٧/٥
ولاارتفاعُ درجة إلاّ حللت به إليها ١٠/٢٠
الْإِرْتِفاعَ: وحاولوا «أناس» الإرتفاع فانّضعوا ٧٤/٢
إِرْتِفاعِكَ: ودنوت من كلّ شيءٍ في ارتفاعك ١٤٩/٣
رافِعُ: حشا مسامعي رافعُ الصّوت ١٩٧/٤٥
وسلطانك رافعٌ لمستحقّيه ٢٠٢/٧
رَفيعِ: إجعلنى من ... السّاعين إلى رفيع الدّرجات ١٨٨/٤
يارفيعُ يامنيع ياكريم ياعظيم ١٢٢/٤
ومن رفيع المطعم والمشرب ١٦٤/٢٣
يارفيعَ الدّرجات ١٣٧/٧
وثنآئك رفيعٌ وذكرك أحسن ٢٥٧/٨
سبحانك من ... رفيعٍ ما أرفعك ١٤٧/٢٣
الرَّفيعُ: واجعلنا في نظم من استحقّ الرّفيع ١١٥/١٧
ياذاالشأن الرّفيعِ ياذاالبرهان ١٢٤/٣
والمكان الرّفيعِ من طاعتك ١٢/٣
كاشف السّوء الغفّار ذوالعفو الرّفيعِ ١١٤/٥
ويعادل كرسيّك الرّفيعَ ١٤٧/٣٧
رَفيعَةً: ودرجاتى في الجنان رفيعةً ١٦٤/٢٣
الرَّفيعَةِ: أتقرّب إليك بالمحمّديّة الرّفيعة ١٥٣/١١ـ١٥٢/١٥
مَرْفُوعٌ: يامن ... حجابه مرفوعٌ لراجيه ١٨٥/٦
صالح القول و ... مرفوعِ العمل ١١٧/١٠
الْمَرْفُوعَةِ: الكتب المرفوعة في علّيين ١٩٩/١٩٢
أَرْفَعُ: ومجدك أرفع من أن يحدّ بكنهه ١٤٦/١٣
أَرْفَعَها: أرفعها وأجلّها عاجلاً وآجلاً ١٨٧/٧

ر.ف.ق

إِرْفَقْ: إلهى ... بعلمك بي إرفق بي ١٨٢/٨
رِفْقٌ: فيامن له رفقٌ بمن يعاديه ٢٠١/٢٢
الرِّفْقُ: ومن كرم العظماء الرّفق بالأسراء ٢٠٣/٥
إِرْفاقِ: بمحاسن أدبك في إرفاق ضعيفهم ٦٥/٢ـ٦٦/١
مُرافَقَةَ: وارزقني مرافقة محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٣/٨
أرزقنا ... مرافقة أحبّتك ٢٤١/٧
حتّى تبلّغنى الدّرجة الّتى فيها مرافقةُ أوليائك ١٤٩/٦٠

ومرافقةَ محمّدٍ وأهل بيته ٣٦/١٠
رَفيقاً: وصيّرني لهما «والديّ» رفيقاً ٦٣/٦
وحسن أولئك رفيقاً (قرآن) ٢٥٧/٣٨
الرَّفيقِ: يامن هو... أبرّ بي من الولد الرّفيق ١٩٩/٧٦
رُفَقَآءِ: أللّهمّ اجعلني من رفقآء محمّدٍ حبيبك ١٥٣/١٨

ر.ق.ء

يَرْقَأَ: فكيف برقأ دمع لبيب ٢١٩/١٦

ر.ق.ب

راقَبْناكَ: ولانحن راقبناك خوفاً منك وأنت معنا ٢٠٠/٨
لَمْ يُراقِبْكَ: ياربّاه إرحم من لم يراقبك إذا خلا ١٩٨/٧١
لَمْ أُراقِبْ: لم أراقب عند اللّذّات زجرك ١٤٨/١٠
لَمْ أُراقِبْكَ: لم أقف عند الهوى ولم أراقبك ١٤٨/٩
ولم أراقبك في الملاّء ١١٦/٦٤
إرْتِقاباً: أقلُّ لوعيدك انتباهاً وارتقاباً ٤٩/١٥
مُراقَبَتِكَ: وهب لي من مراقبتك ١٩٩/١٥١
واجعل سرّي معقوداً على مراقبتك ١٩٩/٣٢
مُراقِبي: كيف ألهو عنك وأنت مراقبي ١٨٥/٤
رَقيبٌ: وهو عليٌ كلّ شيءٍ رقيبٌ ١٤٧/٢
الرَّقيبُ: وأنت الرّقيبُ على كلّ شيء ٢٤١/٣
رَقَبَةٍ: ورقبة خاضعة وظهر مثقل من الخطايا ٨٨/١١
رَقَبَتَهُ: وتذلّ رقبتهُ «من أرادني بسوء» ٦١/٨
مسألة من خضع لك رقبته ١٣٢/٨
رَقَبَتي: راغبٌ إليك في فكاك رقبتي من النّار ١٤٩/٣٩
وهذه رقبتي خاضعة لك لما أنت ٨٦/٢
منازلتي إيّاك في فكاك رقبتي من نارك ١٤٧/١٠٤
فكاك رقبتي من النّار ١٤٩/٤٩ ـ ١٤٩/٥٠
أللّهمّ وهذه رقبتي قد أرقّتها الذُّنوب... ٤٩/١٦
أن تجعل أفضل جائزتك اليوم فكاك رقبتي ٢٤٩/٢٤
بِرَقَبَتِهِ: أسألك مسألة من خضع لك برقبته ١٦٤/٢
بِرَقَبَتي: وخضوعي إليك برقبتي ١٦٤/٦
رِقابِ: لرحمتك الّتي بها فكاك رتاب الخاطئين ٤٩/١٥
شهرنا هذا رقابٌ يعتقها عفوك ١١٥/١٩
الرِّقابُ: بسم الله الّذي خضعت له الرّقاب ٢٢/٢٥
وندبت إلى عتق الرّقاب ١٩٩/١١٦
رِقابَنا: فاعتق رقابنا من النّار ١١٦/١٣٢
فاجعل رقابنا من تلك الرّقاب ١١٥/١٩
إعتق رقابنا من نقمتك ٨/٢٠ ـ ١٥/٢
من نؤمّل لفكاك رقابنا غيرك ٢١٤/٧٣

ر.ق.د

رُقادَ: فأنبه الذّكر رقاد قلوبهم ٢٠٠/٣٣
رُقادي: ومنعني «الموت» رقادي ٨٢/٥
رَقْدَةٍ: اقرّ لعيني من رقدة الوسنان ٦٣/٥
ونبّهني من رقدة الغافلين ١٤٧/٨٦
الرَّقْدَةِ: خمود تلك الرّقدة وطول تلك الإقامة ٢١٩/٢٦
لِرَقْدَتي: ولم أمهّده «لرقدتي» ١١٦/٧٧
راقِدٍ: وراقدٍ استودعك نفسه فحفظته ٢٠٢/٢
مَرْقَدي: لك الحمد أن بعثتني من مرقدي ٢٤٢/١

ر.ق.ع

تَرْقَعُ: فكم ترقع بدينك دنياك ٢١٤/٦٩
فكم ترقع بآخرتك دنياك ٢١٤/١٤٧
راقِعَ: ياراقع الدّنيا بالدّين ٢١٤/٦٩

ر.ق.ق

رَقَّتْ: من مجاور رقّت فيه القلوب ١٤٢/٣٣
أرِقُّ: وأرقُّ على أهل البلاّء منهم رحمةً ٦٥/٤
أَرَقَّتْها: أللّهمّ وهذه رقبتي قد أرقّتها الذُّنوب ٤٩/١٦
فَرَقِّقْ: فرقّق باستغفاري إيّاك حجاب ذنبي ٢٥٦/١
رِقّاً: لإله إلاّ الله تعبُّداً ورقّاً ٢٢٤/١
بِرِقّي: واحتججت عليّ برقّي ١٦٤/٢٠
رِقَّةَ: تشبّهي بنفوس قد أقرح السّهر رقّة جفونها ١٩٧/٤٧
الرِّقَّةَ: أرزقني ... الرّقّة ١١٧/٩
أو تدركه الرّقّةُ عليّ لسوء حالي ٨٠/٢٣ ـ ٨١/٧
الرَّقيقَ: أن ترحم ... هذا الجلد الرّقيق ٢٠٥/١٦
أَرِقّاؤُكَ: ونحن أرقّاؤك ١١٦/١٣٢

ر.ق.م

مَرْقُومٍ: حمداً... في كتابٍ مرقومٍ (قرآن) ١/١٥

ر.ق.ى

رَقا: وقد سلبت القلوب لبّها ورقا الدمع ٢١٩/٣٩
فَرَقَتْ: فرقت أرواحهم على أجنحة الملاّئكة ٢٠٠/٤٢
تَرْقى: أم ترقى إلى نور ضياء قدسك ٢٠٠/٤١
نَرْقى: عند كلّ درجة نرقى به إليها ١٠/٣١
التَّراقِيَ: إذا بلغت النّفوس التّراقي (قرآن) ١٠٩/١٧
راقٍ: وقيل من راقٍ (قرآن) ١٠٩/١٧
وأعوذبك من شرّ كلّ كاهنٍ و ... راقٍ ١٥٣/٣٠

ر.ك.ب

رَكِبَهَا: يأمن من ركبها ٢٠/٢ ـ ١١٣/٢
رَكِبُوا: ركبوا في سفينة النّجاة ٢٠٠/٢٥
وركبوا مراكب الإستمرار على الجرأة عليك ٢٢٣/٤
رَكِبَتْ: إلهي طالما ركبت نفسي ما نهيت عنه ٢٠٦/٣
رَكِبْتُ: وركبْتُ الجهل بعد العلم ١٦٤/١٣
أنا الّذي ... ركبت الجهل بعد الحلم ١٤٨/١٠
رَكِبْتُهُ: لاتعرض عنّي لذنبٍ ركبته ٣٦/٩
ولاآيس منه لذنب عظيم ركبته ٢٥٧/٧
رَكِبْتُهَا: أللّهمّ إنّي أصبحت... مقرّاً بذنوب ركبتها ١٦/٢
فَرَكِبْتُ: فركبت إلى ما إليه صيّرتني ٣٥/٥
ونهيتني فركبت ٨٨/٩
رَكِبْنَا: وركبنا متون زجره فلم يبتدرنا بعقوبته ١/٢٣
تَرْكَبُ: وتركب غيّك وهواك ٢١٤/١٤٧
وتركب في ذلك هواك ٢١٤/٦٩
رَكَّبَ: والحمدلله الّذي ركّب فينا آلات البسط ١/٢٢
رَكَّبْتَ: ألوقع مقامع الزّبانية ركّبت أعضائي ٢٠٣/١٠
اِرْتَكَبَ: فكلّنا قد ... ارتكب الفاحشة فلم تفضحه ٩٥/١
ولاتقفه على ما ارتكب فيّ ١٠١/٢
اِرْتَكَبْتُ: إلهي، طالما ارتكبت ٢٠٥/٣
اِرْتَكَبْتُ: إعترافي لك بقبيح ما إرتَكَبْتُ ٣٤/٤
اِرْتَكَبْنَاهَا: وخطيئة إرتكبناها ٩٥/٢
أَرْتَكِبُ: لاأرتكب ما نهيت عنه ١٤٧/٩٩
رُكُوبِ: وتقطعني عن ركوبِ محارمك ١٤٧/٩٤
جنّبنا ركوبَ الآثام وألزمنا الطّاعة ١٤٤/١٨
رُكُوبِي: وركوبي ما نهيتني عنه ١٤٩/٣٠
ضعفي من شكر نعمتك وركوبي معصيتك ١٤٨/١١
التَّرْكِيبَاتُ: وما جرت عليه التَّركيباتُ النَّفسيّة ٢٢٣/١
إِرْتِكَابِ: لاحجرني ذلك عن ارتكاب مساخطك ١٥٢/١٣
بِارْتِكَابِ: لانفجعني ... بارتكاب المحارم ٢٤٤/٢
واعصمنا من سوء مفارقته بارتكاب جريرة ٢١/٩
إلهي إن كنت عصيتك بارتكاب شبيء ٢٠٩/١
إجترأ على سخطك بارتكاب الفحشآء ١٩٩/٤٧
حين عدت بارتكاب معاصيك ١٩٩/١٥٦
بِارْتِكَابِهِ: وكبر ذنبي إذ جاهرتك بارتكابه ١٩٩/٨٥
رَكَائِبَ: حاطّا بفنائك ركائب رجائي ١٦/١
قد أمّتك ركائبُ طلبتي ٢٢٩/٥
مَرَاكِبَ: وركبوا مراكب الإستمرار على ٢٢٣/٤

ر.ك.س

أَرْكَسْتَهُ: أركسته لأمّ رأسه في زيبته ١٥٢/٨

ر.ك.ع

رَكَعْتُ: ركعتُ لك حتّى ينخلع صُلبي ٤٩/١٧
رَكَعْنَا: وركعنا حتّى تنخلع أوصالنا ٢١٣/١
رُكُوعِهَا: عليه وآله في ركوعها وسجودها ١١٥/١٢
رَاكِعِينَ: ... ساجدين راكعين ... ٤٢/١٧
رُكَّعاً: وكانت لك ركّعاً سجّداً ٢٠١/٣٧

ر.ك.م

مُتَرَاكِماً: وتوسّع به في الأقوات سحاباً متراكماً هنيئاً ٥٣/٢

ر.ك.ن

رَكَنْتُ: وركنتُ إليها طائعاً ١٦٤/١٩
رُكُونُكِ: وإلى الدّنيا وعمارتها ركونك ٢١٤/١
وإلى عمارتها ركونك ٢١٤/٧٥
بِالرُّكُونِ: أيقظنا عن سنة الغفلة بالرُّكون إليه ٥٠/٦
الرُّكْنِ: بالحلّ والإحرام والرّكن والمقام ١٤٩/٦٥
وعلي بن محمّد ... والرّكن الوثيق ٤٢/١٢
والرّكن والمقام والمشاعر العظام ١١٤/٢٢
رُكْنُهُ: ولايتضعضع ركنه ١٤٩/١٨
رُكْنِكَ: أن تؤوينا إلى شديد ركنك ١٩٥/٦
رُكْنِي: على قدر صغر خلقي وضعف ركني ١٦٤/١٣
بِرُكْنِ: وذوي عنايتي بركن الله الأشدّ ٢٢/٣٦
واشملني من رعايتك بركنٍ باق ١٩٩/٦٦
بِرُكْنِكَ: وأعنه «وليّك» بركنك الأعزّ ١٤٧/٦٣
وأكنفنا بركنك الّذي لايرام ٢٢/١٥
واكنفني بركنك الّذي لايرام ١٥٨/١ ـ ١٥٦/١
أللّهمّ ... بركنك ألوذ وأنحرّم ١٩٩/٢
أَرْكَانِ: كلّ أركان ربّي شداد ٢٢/٣٦
وجهك الّذي أضاء له أركانُ عرشك ١٧٧/٣
علّقها من أركانِ عرشك بأطناب الذّكر ٢٠٠/٣٧
وملأت بعظمتك أركانَ عرشك ١٤٩/٤
الْأَرْكَانَ: بسم الله الّذي ملأ الأركان كلّها ٢٢/٢٦
وبمعاقد العزّ من عرشك الثابت الأركان ١١٤/١٥
أَرْكَانَهُمْ: واوهن أركانهم عن منازلة الرّجال ٦٧/١٣
أَرْكَانِي: قد هدّت لها أركاني ١٦٤/١٧
إلهي أتحرق بالنّار أركاني ٢٠١/٣٧
فارحم ... اضطراب أركاني من هيبتك ٨١/٤ ـ ٨٠/١٩
ولاتثقل أركاني عن الحفوف فيما ألهمتنيه ٦٣/٣

لِأَرْكانِها: الحافظين لأركانها ١١٥/١٢

ر.م.ح

الرِّماحِ: ولاتنفذ فيه عوامل الرّماح ١١٤/١٧

ر.م.د

الرِّمادِ: شربت ماء الرّمادِ آخر دهرى ٤٩/١٧

ر.م.ز

رمُوز: لا س س ح ح د م كرم ل له ومحى... ٤٧/٢

ر.م.س

رَمْسي: أبكى لحلول رمسى ١١٦/٧٩

وأعودها علىّ عاقبة في رمسى ما برشدها ١٩٧/٣٨

الْأَرْماسِ: وشيّعتهم إلى الأرماس ٢١٤/٥ ـ ٢١٤/٨٠

ر.م.ض

رَمَضانَ: شهر رمضان الّذى (قرآن) ١٤٤/٢١

فإنّا لله وإنّا إليه راجعون على فراق شهر رمضان ١٤٣/٢٨

لقلنا جزاك الله ياشهر رمضان عنّا خيراً ١٤٣/٢٩

تلك السّبل شهره، شهر رمضان ١١٥/٣

الّذى أعاننا على صيام شهر رمضان وقيامه ١٤٣/١٥

ولاتجعله آخر شهر رمضان صمته لك ١٤١/١١

وربّ شهر رمضان الّذى أنزل فيه القرآن ١٤١/٩

من شهر رمضان المقبل ١٤٢/٥١

أللّهمّ ... ربّ شهر رمضان ١١٧/١٨

أللّهمّ هذا شهر رمضان ١١٧/١

شهر رمضان الّذى اختصصته ١٤٢/٢٤

وتنزله في شهر رمضانَ في ليلة القدر ١١٦/١١٢

ر.م.ق

رَمَقَتْني: ورمقتنى من قريب أعين الفوت ١٩٧/٤٥

رامِقَةِ: أعوذبك أن تحسن في رامقة ١٤٨/٣٠

رَوامِقِ: نصب روامق القلوب ٢٠٠/٢٨

ر.م.ل

رَمْلٍ: من بين ماء وطين ورمل بقدرتك ١٧٤/٣

الرِّمالِ: الّذى تعلم به كيل البحار وعدد الرّمال ٢٣٥/٢

الْأَرْمَلَةِ: واشتريت الملاهى ... بسهم الأرملة ٧٠/٦

أَرامِلِهِمْ: فقرآء المسلمين وأراملهم ١٤٩/٧٠

ر.م.م

الرِّمَّةَ: وهذه الرّمّة الهلوعة ١٦٢/٦

رِمَماً: وأضحوا رمماً في التّراب ٢١٤/٨٨

رَميماً: أمسوا رميماً في التّراب وعطّلت ٢١٤/٨٩

وأضحوا رميماً في التّراب وأقفرت ٢١٤/١٤

ومن نار تذر العظام رميماً ٨٨/١٩

ر.م.ن

رُمّانٍ: وفاكهة ونخل ورمّان ٢٥٧/١٢

رمُوز: لا س س ح ح د م كرم ل له ومحى ... ٤٧/٢

ر.م.ى

رَماها: ورماها عن قوس المنايا بأسهم ١٠٩/١٨

رَمَيْتُ: رميت من يريد بى سوءً أو مكروهاً ٢٢/٣٥

يَرْمِيني: واضرب بينى وبين من يرمينى ١١٤/١٧

تَرْمي: وترمي قساوات القلوب بأسهم ٢١٩/١٨

لاتَرْمِ: ولاترم بي رمى من سقط ١٤٧/٩١

يُرْمى: فسبحانك أىّ عين يرمى بها ٢٠٠/٤١

إِرْمِ: وارم بلادهم «المشركين» بالخسوف ٦٧/١٥

إِرْمِهِ: وارمه «من يؤذينى» بيوم لامردّ له ١٦٠/٤

رَمْي: ولاترم بي رمى من سقط ١٤٧/٩١

ر.ن.ق

يَرْنَقُ: صفوها «الدّنيا» يرنق ١٣٥/٤

ر.ن.ن

رَنَّةِ: ياراحم رنّة العليل ٢٠٣/١

ورنّةُ نسوان عليه جوازع ٢١٤/٥٦

الرَّنَّةُ: وارتفعت الرّنّة والعويل ٢١٤/٤٥

ر.و.ح

يَروُحُ: يروح علينا صرفها ويباكر ٢١٤/١١٠ـ٢١٤/٣٤

تَرُوحُ: تغدو وتروح بفضل ابتدائك لاأعرف غيرها ٧٧/٥

إِسْتَراحَ: ومتى استراح من أرادت ١٩٩/٣٧

يَسْتَريحُ: ويستريح إلى وطنه ٢٠١/٣٠

رَوْحِ: يامن يلتمس منه المخرج إلى روح الفرج ٢٤/١

أسئلك أن تنيلنى من روح رضوانك ١٩٢/٧

لقّنى روحاً وريحاناً وجنّة نعيم ١٤٨/٣٥

حتّى أتصرّف من نفسي روح الرّضا ٥٩/١٢

فرفعه إلى روحِ جنّته ١٩٩/٥٩
سيّدى ما أعظم روحَ قلوب المتوكّلين عليك ١٩٩/١٨٤
واسلبه «ظالمى» روح الرّاحة ١٥٥/٢
الرَّوْحَ: أسألك الرّوح والرّاحة عند الموت ٨٢/٧
رَوْحِكَ: فإنّه لاييأس من روحك ٢٥٢/٤١
ها أنا متعرّض لنفحات روحِك وعطفك ١٨٦/٥
أللّهمّ لاتؤيسنى من روحِك ٢٥٢/٤١
وأوجدنى برد عفوك وروحك وريحانك ١٤٧/١٠٧
إجعل ... خلاصى من كربى إلى روحك ٤٦/٦
لاآيس من روحك ١٤٨/٢٧
وأنهضتنا إلى نسيم روحك ٢٠٠/٢
ولاييأس من روحك إلاّ من عصى وأصرّ ١٩٩/٧٩
لهفتى لايردّها إلاّ روحُك ١٩٢/٣
رَوْحي: في مناجاتك روحى وراحتى ١٨٩/٨
بِالرَّوْحِ: فتتلقّاهم مقرونة بِالرّوح والسّرور ١٩٩/٦١
رَوْاحي: أستودعك باإلهى غدوّى ورواحى ٢٤٨/٤
راحَةٌ: متى راحة من نصب لغيرك بدنه ٨٤/٣
وأستغفرك ... من كلّ راحة ١٩٤/٤
واجعل وفاتى إذا توفّيتنى راحةً لي من كلّ سوء ١٤١/٢١
الوفاة راحةً لي من كلّ شرّ ٢٤٠/٤
الرّاحَةِ: ووجدوا الرّاحةِ في المنقلب ٢٠٠/٢٧
واسلبه «ظالمى» روح الرّاحةِ ١٥٥/٢
فأين الرّاحةُ والفرج ٢٠٠/٤٤
أسألك ... من الرّاحةِ أشفاها ١٩٩/٢٢
واجعل لي في لقآئك الرّاحَةَ والفرج ١١٦/١٢٠
ومالت أرواحهم ... في رياض الرّاحةِ ٢٠٠/٣٠
أسألك الرّوح والرّاحة عند الموت ٨٢/٧
راحَتِهِ: لباساً ليلبسوا من راحته ومنامه ٢١/٢
راحَتي: في مناجاتك روحى وراحتى ١٨٩/٨
الْإِرْتِياحُ: ممّن دأبهم الإرتياح إليك ١٩٠/٥
الْإِسْتِراحَةِ: والإستراحة إلى ضمانك عوضاً ٢٢١/٤
الرّائِحاتِ: الصلوات ... الغاديات الرّائحات ١٤٧/٦٩
مُرَوِّحاً: أسألك سؤال من لايجد ... لغمّه مروّحاً ١٧٠/٥
مُسْتَراحِ: وإن لم تبلغ إلى مستراح الهدى ٢٠٠/٣٩
رُوحِ: جعل لكلّ روحٍ منهم قوتاً معلوماً ١/٦
بلّغ روحَ محمّدٍ وآل محمّدٍ عليهم السّلام ١٤٩/٥١
الرُّوحِ: ... تنزّل الملآئكة والرّوح فصلّ ١١٧/٣٢
تنزّل الملآئكة والرّوحِ فيها أن تصلّى ١١٧/٣٠
تنزّل الملآئكة والرّوحُ فيها (قرآن) ١١٥/٥
يوم يقوم الرّوحُ والملآئكة صفّاً (قرآن) ٢٠٧/١١
إلهى، ألأمان ... وعند مفارقة الرّوحِ ٢٠٧/٢
والرّوحُ الّذى هو من أمرك ١٢/٥
والرّوحُ الّذى هو على ملآئكة الحجب ١٢/٥
رُوحِهِ: ومدّوا عند خروج روحه رجليه ٢١٤/١٢١
رُوحي: أنتجعل... روحى مع الشّهداء ١١٧/٣١-١٣٧/٣
وروحى مع الشّهداء ١٢٩/٣ - ١٤١/٣
رَوْحانِيّاً: وهب لي جسماً روحانيّاً ١٩٩/٣٢
الرُّوحانيّينَ: ومجالسة الرّوحانيّين ٢٠٠/٣٢
فصلّ عليهم وعلى الرّوحانيّين من ملآئكتك ١٢/١٠
أَرْواحَ: أتنسّم أرواحَ الماضين ٢١٩/٣٦
الّتى بها تحيى ميت البلاد وبها تنشر أرواح العباد ٥٢/١
أَرْواحِهِمْ: والسّلام عليهم وعلى أرواحهم ١٢٢/١١
وتبقّنت بالفوز والفلاح أرواحُهُم ١٩٣/٤
صلاة ... تنتهى إلى مقرّ أرواحِهِم ١٩٩/٦٠
والسّلام على ... أرواحِهِم وأجسادهم ٢٥١/٢
صلواتك عليهم وعلى أرواحِهِم ١١٦/١١٦
وعلى أرواحِهِم وأجسادهم ٢٥٢/٢ - ٢٥١/٥٣ - ١٣٢/١٣
عليه وعليهم وعلى أرواحهم ٢٥١/٣٤-٢٥١/٤٥-٢٥١/٣٩
فرقت أرواحهم على أجنحة الملآئكة ٢٠٠/٤٢
وسلّم عليهم وعلى أرواحِهِم ١٤٧/٦٩
ومالت أرواحُهُم إلى ظلّ برد المشتاقين ٢٠٠/٣٠
واجعلنا من الّذين أسرعت أرواحُهُم في العلى ٢٠٠/٢٣
بِأَرْواحِ: والحمدلله الّذى ... متّعنا بأرواح الحياة ١/٢٢
الرّيحِ: وسكون الرّيح وطيب المخالقة ٥٥/١٥
سبحانك تعلم وزن الرّيح كم هى من مثقال ذرّة ٤/٢٠
من شرّ الصّواعق والبرد والرّيح والمطر ٢٤٩/٢٦
بِريحِ: وأقلعوا بريح اليقين ٢٠٠/٢٥
الرِّياحَ: يامن لاتخرق قدرته عواصف الرّياح ١١٤/١٧
فسبّحت له «الله» ... هبوب الرّياح ١٩٩/٥٦
ياربّ الرّياح الذّاريات ١٣٧/٦
واستودعتهم هوج الرّياح ٢١٩/٢٢
والقوّام على خزائن الرّياح ١٢/١١
رَيْحاناً: لقّنى روحاً وريحاناً وجنّة نعيم ١٤٨/٣٥
رَيْحانِكَ: عفوك وروحك وريحانك ١٤٧/١٠٧

ر.و.د

أَرادَ: وإنّما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول (قرآن) ٢/٨
لمن أراد أن يذّكّر أو أراد شكوراً (قرآن) ١٣٢/٣
أَرادَهُ: لايمتنع منه أحدٌ أرادهُ ١٤٩/١١
أَرادَكَ: ولاتحتجب عن أحد منهم أرادك ٨٢/٣

أَرادَني: واجعل من أرادني بسوءٍ من جميع خلقك ١١٦/١١٥
اللّهمّ ... من أرادني فأرده ٧٨/٦
اللّهمّ من أرادني بسوءٍ ٢٥١/٥٠ ـ ٢٥٢/٣٣
من أرادني ... وأرده ٢٥٢/٢٥ ـ ٢٥١/٣١
ومن أرادني بسوءٍ فاصرفه عنّي ٦١/٧
أَرادُوا: أرادوا به «إبراهيم» كيداً (قرآن) ٢٢/٢٥
أَرادَتْ: ومتى استراح من أرادت غيرك عزيمته ١٩٩/٣٧
أَرَدْتَ: ونقضى بما أردت فيمن أردت ٩٧/٤
أنت الّذي أردت فكان حتماً ما أردت ١٤٧/١٤
المشاحّة فيها على ما أردت ١٤٧/٨٧
وإنّما أمرك إذا أردت شيئاً (قرآن) ٢٤١/٢
ولو أردت فضيحتي لم تعافني ١٩٧/١٥
إلهي إنّك لو أردت إهانتي لم تهدني ١٩٧/١٥
ولو أردت فضيحتي لم تسترني ١٩٩/١٢٩
سيّدي لو أردت إهانتي لم تهدني ١٩٩/١٢٩
وإذا أردت بقوم فتنةً أو سوءً فنجّني ١٤٧/١٠٢
إنكنتأردتأن تبلوني فقد عرفت ضعفي ٣٥/٧ـ٢٥٧/٣٠
أَرَدْتَهُ: إن عذّبتني فعبدٌ خلقته لما أردته فعذّبته ٢٠١/٣٩
أَرَدْتَنا: ولايمتنعنا منك أحد إن أردتنا ٨٣/٤
أَرَدْتُ: ما خالطني في كلّ خير أردت به وجهك ٢٥٢/٥
في كلّ خير أردت به وجهك فإنّك أنت ٢٥١/٨
وعزّتك وجلالك ما أردت بمعصيتي مخالفتك ٩١/٢
حتّى أكون في كلّ حالٍ حيث أردت ٢١٩/٢
أَرَدْتُكَ: ولامنقبضاً حين أردتك ١٦٣/٥
يُرِيدُ: والفعّال «الله» لما يريد ٢/٦
ومن يريد بي سوءً أو مكروهاً ٢٢/٣٥
فأعذني من ... شرّ من يريد بي سوءً ١٥٣/١١
يامبدئ يامعيد، يافعّالاً لما يريد ١٧٧/٢
فأسألك ... ياوليّ المؤمنين والفعّال لما يريد ٢٤٩/٢٤
يفعل ما يشاءُ ويحكم ما يريد ١٢٣/١٢
وهو يريد أن يعذّبهم ٢٣٣/٥ ـ ١٦٥/٦
تُرِيدُ: إنّك غير ضائقٍ بما تريد ١٤٦/١٦
تريد ربحهم في متاجرتهم لك ١٤٢/٩
إنّك فعّالٌ لما تريد ١٧٤/٥ ـ ١١٥/٢٧
وتحكم ما تريد ٤٩/٢٢ ـ ١٢٧/٢
إنّك ... الفعّال لما تريد ٦٧/٢٣
وتفعل ما تريد ٨٨/٢٢ ـ ٩٢/٤
إنّك تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد ٢٣٩/٤ ـ ١٣٨/٢٠
بغضب يدوم منك عليّ تريد به عذابي ٢٥٧/٢١
لكنّك شكورٌ فعّالٌ لما تريد ٣٦/٤
حتّى لايبقى عليّ شيء منه تريد ٥٩/٨
أُرِيدُ: فأحيني حياة طيّبة تنتظم بما أريد ١٤٧/٩٩
سخّرلي ما أريد من دنياي وآخرتي ٢٢/٣٨
أنت محص لما أريد التفوّه به من مقالي ٢٤٩/١٣
ما أريد أن أبتدئ فيه من منطقي ٢٤٩/١٣
لاأُرِيدُ: ولانريد به سواك ١١٩/٣٠
يُرادُ: وأنت عمّا يراد بك ساهٍ ٢١٤/٩
وتقطّعت أوصالي، ياغفلتي عمّا يراد بي ١٦٧/٥
أُرِدْهُ: ومن أرادني فصلّ على محمّد وآله وأرده ٢٥١/٣١
فَأَرِدْهُ: أللّهمّ ... من أرادني فأرده ٧٨/٦
إِرادَة: عزم إرادةٍ من غير فخر ولاكبرٍ ياكريم ١٣٧/٢
وأنتحل عزماً من إرادةٍ مقيم ٢١٩/٢
وهاجر «محمّد» إرادةً منه ٩/٣
الْإِرادَةِ: وقد ناجاك بعزيمة الإرادة قلبي ٢٥٦/١
قد ناجاك بعزم الإرادة قلبي ٢٢٠/٦
أعنّي بعزم الإرادة ٢١٩/١
أفضل زاد الرّاحل إليك عزم الإرادة ٢٢٠/٦
ومن ذاالّذي قصدك بصدق الإرادةِ ١٩٩/٣٧
ولك بصدق الإرادة مجالسون ١٩٩/١٨٧
إِرادَتِهِ: أنت «الهلال» له مطيع وإلى إرادته سريع ١١٠/٢
الحمدلله... الّذي... سلك بهم «الخلق» طريق إرادته ١/٤
وهي «الحاجات» ... مسرعة إلى إرادته ٢٣٨/٧
عرض له دون إرادته مانعٌ ٦٧/٢٢
إِرادَتِكَ: واقفة بحدّك من إرادتك ٢٢٣/٢
تصمّ أسماعاً تلذّذت بسماع ذكرك في إرادتك ١٨٤/٥
مضت على إرادتك الأشياء ٢٤/٢
أللّهمّ وإنّي أتوب إليك من كلّ ما خالف إرادتك ٨٠/١٨
فإنّك تجري الأمور على إرادتك ٢٤٣/٩
مصادر المقادير عن إرادتك ١٩٩/٣٨
سبحانك ... وإرادتُك عزم ١٤٧/٢٨
إِرادَتي: ملت بهواي وإرادتي ومحبّتي ٢٤٨/١٠
وأعطيتني ... إرادتي ١١٧/٢١
لِإِرادَتِكَ: فاجعلنا ممّن... همّت قلبه لإرادتك ١٩٠/٣
بِإِرادَتِكَ: بإرادتك دون نهيك منزجرة ٢٤/٢
وطهّرتهم من الرّجس والدّنس تطهيراً بإرادتك ١٤٧/٥٧
رائِداً: ولامناصاً لقاصد ولارائداً لمرتادٍ ٢٢٣/٥
مُرِيداً: إلهي ... أتيتك ... مريداً وجهك ١٨٦/٨
مُرِيدي: وأنّ مريدي بالخير لايقدر ٢٠٤/٢
الْمُرِيدِينَ: أقتفي آثار المريدين ٢١٩/٣٦
لِلْمُرِيدِينَ: للمريدين المتعلّقين ببابك أحباباً ٢٠٠/٣٨

مُراداً: ولاتبتغي به مراداً سواك ١١٥/١٠
مُرادِهِ: فلم تشفّعه في مراده ١٩٩/١٣٧
مُرادِكَ: الأفهام عن وصف مرادك به ١٤٤/١٣
مُرادي: فأنت لاغيرك مرادي ١٨٩/٧
مُرْتادَهُ: وأيّد بالعون مرتاده ٢٢٣/٧
لِمُرْتادٍ: ولامناصاً لقاصدٍ ولارائداً لمرتادٍ ٢٢٣/٥

ر.و.ض

رِياضِ: في رياض القرب والمكاشفة يرتعون ١٩٣/٢
ومالت أرواحهم ... في رياض الرّاحة ٢٠٠/٣٠
حتّى أناخوا في رياض ١٩٩/١٩٥ ـ ٢٠٠/٢٤
أللّهمّ وهب له «محمّد» من رياض جنّتك ١٠/١٢
لعلّك أن تسكنني في رياض الخلد مع المتّقين ١٩٧/٤٧
صلاة... نفسح لهم «تابعين» في رياض جنّتك ١٤/٨

ر.و.ع

فَراعَتْ: فراعت ولم ترتع قليلاً وأجفلت ٢١٤/٦٠
فَريعَتْ: فريعت ولم ترتع قليلاً وأجفلت ٢١٤/١٣٨
لاتُرَوِّعْني: ولاترعني روعةً أبلس بها ١٤٧/١٠٣
يَرْتاعُ: بهال لمرآه وبرتاع ناظر ٢١٤/١٣٠ ـ ٢١٤/٥٤
لَمْ تَرْتَعْ: فراعت ولم ترتع قليلاً واجفلت ٢١٤/٦٠
فريعت ولم ترتع قليلاً وأجفلت ٢١٤/١٣٨
رَوْعُهُ: وأفرخ روعه من كلّ محذورٍ منه سواك ٨٠/٥
رَوْعَةً: ولاترعني روعةً أبلس بها ١٤٧/١٠٣
رَوْعَتَهُمْ: آمن روعتهم «أهل ولايتي» وروعتي ٢٤٨/٦
رَوْعَتي: آمن روعتهم «أهل ولايتي» وروعتي ٢٤٨/٦
إلهي ... روعتي لايسكّنها إلاّ أمانك ١٩٢/١
لِرَوْعَتي: فلا مسكّن لروعتي ٥٧/١
رَوْعاتِ: واكفني روعات القنوط ٢٥١/١٥
واكفني روعاتِ القلوب ٢٥٢/٣٩
رُوعي: أللّهمّ اجعل ما يلقي الشّيطان في روعي ٥٥/٢١
رَوْعاتِ: تسكّن روعات الوجلين ٢٣٩/٧

ر.و.ق

لاتَرُوقُها: رأت أهلها في صورة لاتروقها ٢١٩/٣٧

ر.و.م

فَلا يَرُومُونَ: الخشّع الأبصار فلا يرومون ١٢/٨
لاتَرُومُهُ: الذّي لاترومه الأعداء ٢٠٣/١
نَرُومَ: نروم ما ليس لنا بحقّ ٢٦/٣
لِمَراميهِ: جعل عرضي غرضاً لمراميه ١٥٢/٩
الرُّوم: أعدائك في أقطار البلاد من الهند والرّوم ٦٧/١١
رُومانَ: ومنكر ونكير ورومان فتّان القبور ١٢/١٢

ر.و.ى

فَرَوِيَتْ: فرويت قلوبهم من محبّتك ١٩٩/٣٠
رَوَيْتَهُمْ: رويتهم من صافي شربك ١٨٩/٤
لايُرْوىٰ: جديدها لايبلى وعطشانها لايروى ١١٢/٨
إرْوِ: وارِ به في موقف العرض عليك ١٠٩/١٤
أرْوَيْتَهُ: وأنا العطشان الّذي أرويته ١١٦/٦٢
رَوِيّاً: واسقني من حوضهم مشرباً رويّاً ١٢٩/٦١
واسقنا منه كأساً رويّاً لانظمأ بعده ١٠/٢٦

ر.هـ.ب

رَهِبْتُ: ولو لم تبيّن لي أليم عقابك ما رهبت ١٩٩/٩٤
ولابالتضرّع إلى من دونك إذا رهبت ٥٥/٢٠
يَرْهَبُ: إلهي لك يرهب المترهّبون ٧/٧
لَمْ يَرْهَبْ: أنا الّذي لم يرهب سطوتك ١٤٧/٨٢
أرْهَبُ: أللّهمّ ... من نقمتك أرهب ١٩٩/٨
وأجرني بعزّتك ممّا أرهب ٥٥/٣٧
رَهَّبْتَنا: أللّهمّ... فإنّك خلقتنا... ورهّبتنا عقابه ٦٤/٦
تَرَهَّبَ: أللّهمّ لك ترهّب المترهّبون ١٧٣/١٠
رَهَباً: أدعوك ... رغباً ورهباً واستكانة ١٤١/١٦
الرَّهَبِ: حاجتي إليك في الرّغب والرّهب ١٩٩/١٤٩
رَهْبَةَ: أدعوك ياربّ ... رغبةً ورهبةً ٢٥/٣
خضوع التّبتّل في رهبةِ الإخبات ١٩٩/٣٩
ورهبتي مثل رهبةِ أوليائك ١٧١/٧
رهبةً لك ورجاء لعفوك ٧/٧ ـ ١٧٣/١٠
الرَّهْبَةَ: أرزقني... التّوبة... والرّهبة ١١٧/٩
لتردّهم إلى الرّغبة إليك والرّهبة منك ١٤/٩
وافقاً بين الرّغبة إليك والرّهبة منك ٨٨/١١
رَهْبَتُهُ: ولاتمنعه رهبته عن الكسل ١٣٣/٤
رَهْبَتي: وبحبل طاعتك مددت رهبتي ١١٦/٨٤
ورهبتي مثل رهبة أوليائك ١٧١/٧
سيّدي ... ومنك رهبتي ١١٦/٨٤
إجعل ... رهبتي عن تلاوة آياتك ١٤٧/١٠٤
لِرَهْبَتِهِ: أرجوه لرغبة أقصده لرهبة ٢٠٤/١
رَهْبانِيَّةِ: في محاريب قدس رهبانيّة الخاشعين ٢٠٠/٣١
الرَّهْبانِيَّةِ: أخذوا أنفسهم في مخائل الرّهبانيّة ٢١٩/٤٢
راهِباً: أدينك ... ياربّ راهباً لك ١١٩/١٩

أدعوك باربّ راهباً ١١٦/١٩
راهِبينَ: ولاتخذلنا راهبين ١١٧/٢٣
الْمُتَرَهِّبُونَ: إلهى لك يرهب المترهّبون ٧/٧
أللّهمّ لك ترهّب المترهّبون ١٧٣/١٠

ر.هـ.ف

أَرْهَفَ: أرهف لي شباحدّه ١٥٣/٤ ـ ١٥٢/٤

ر.هـ.ق

يَرْهَقُهُ: ... ويرهقه «العمر» بأعوام دهره ١/٨
تَرْهَقُهُا: عليها غبرة ترهقها قترة (قرآن) ١١٦/٨١
تَرْهَقُني: هوى يوبقنى ومنقصة ترهقنى ١٤٧/٨٩
أَرْهَقْتَني: أرهقتنى الذّنوب ٢٤٧/٢

ر.هـ.ن

رَهْناً: وتركوه رهناً بما كسب وطلب ٢١٤/١٣٥
ولبقى رهناً بين يديك بسآئر نعمك ٨/١٤
رَهيناً: ولبقى رهيناً بين يديك ٩٨/٨
ربّ نفسي ... رهين ذنوب موبقة ٢٤٨/٩
رَهائنَ: فينبّه بالنّفخة صرعى رهائن القبور ١٢/٢
مُرْتَهَنٌ: وأنا مرتهن بخطيئتى ٢٥٧/١٤
بوّئت في الضّريح مرتهناً بعملي ١٩٩/٧٤
إلهى ... مرتهنٌ بعملي ٢٠٣/٥
مسيئ مرتهنٌ بجريرته ١٩٩/١٣١
الْمُرْتَهَنُ: سيّدى أنا ... المرتهنُ بآثامي ١٩٩/٨٢
أنا المرتهن ببليّته ١٤٧/٨٢
فأنا الأسير ببليّتى والمرتهن بعملى ١٦٧/١

ر.ى.ب

لايَرْتابُ: إنّى أسألك بأنّك... بصيرٌ لايرتاب ١٣٠/٣
رَيْبَ: الَم ذلك الكتاب لاريب فيه (قرآن) ١٤٤/١٦
فأزح عنّا ريب الارتياب ٩٢/١

الّذين مضوا على شاكلتهم لم يثنهم ريبٌ في ١٤/٦
الرَّيْبِ: وانجلت ظلمة الرّيب عن ١٩٣/٣
وأعوذبك من ... الشكّ والرّيب ١٥٣/٣١
الإرْتِياب: خلصت من الشّكّ والإرتياب ١٤٢/٦٠
إقشع عن بصائرنا سحاب الإرتياب ١٨٨/١
فأزح عنّا ريب الإرتياب ٩٢/١

ر.ى.ث

الرَّيْثِ: وآثر «محمّد» الجدّ على التّقصير والرّيث ١٠/٤

ر.ى.ش

الرِّياش: ثمّ رزقتنى من ... أصناف الرّياش ١٩٩/١٧٢

ر.ى.ق

بِريقِهِ: كُبَّهُ لمنخره وأغصصه بريقه «ظالمى» ١٥٥/١
بِريقي: وأغصّني «الموت» بريقي ٨٢/٥

ر.ى.م

زامَ: رام صرف الفقر عن نفسه بك ٣٩/٤
فَرامَ: الّذى ذاق حلاوة محبّتك فرام منك بدلاً ١٩٠/١
رامُوا: ورامو الثّروة من سواك فافتقروا ٧٤/٢
لايُرامُ: أن تجعلنى في ... منعك الّذى لايرام ٢٢/١٩
أنت ... ذوالعزّ الّذى لايرام ٢٧٠/١
واكنُفني بركنك الّذى لايرام ١٥٦/١ ـ ١٥٨/١
واكنفنا بركنك الّذى لايرام ٢٢/١٥
لاتُرامُ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... قدّوس لاترام ١٣٠/٥
ولاترام قوّته ١٤٩/١٨

ر.ى.ن

رَيْنُ: رين قلبي لايجلوه إلاّ عفوك ١٩٢/٤
بِالرَّينِ: بالرّين والطّبع متلبّساً ١٨٣/٤

ر.ى.ى

زايَةِ: مع أوليائك تحت رايةِ الحقّ ١٢٧/١٠
لاتدع للجور... رايةً إلاّ نكّستها ٧٠/٩

حرف الزاء

ز.ب.ر

الزَّبَرْجَدِ: والزّبرجد متوّجين ٢٠٦/٢٣

ز.ب.ن

الزَّبانِيَةِ: والزّبانية الّذين إذا قيل لهم ١٢/١٣
ألوقع مقامع الزّبانية ركّبت أعضآئى؟ ٢٠٣/١٠
زَبانِيَتِهِ: من شرّ الشّيطان وزبانيته ١٥٣/٢٨

ز.ب.ور

الزَّبُورِ: أللّهمّ ربّ... الزّبور والقرآن الحكيم ٢٦٩/٢

ز.ب.ى

زُبْيَتِهِ: أركسته لأمّ رأسه في زبيته ١٥٢/٨

ز.ج.ر

زَجَرْتَهُ: وزجرته فلم ينزجر ١٤٧/٧٣
زَجَرْتَني: وزجرتنى فلم أنزجر ١٤٩/٣٤
زَجَرْتَهُمْ: زجرتهم بقل هو الله أحد ١٦١/٣

أَنْ تَزْجُرَ: أن تزجر عنّي الشّيطان وتكفينيه ٢٥/٢
أَزْجُرْنِي: وازجرني عن المنى لمنازل المتّقين ٢٥١/٤٢
فَلَمْ يَنْزَجِرْ: وزجرته فلم ينزجر ١٤٧/٧٣
فَلَمْ أَنْزَجِرْ: وزجرتني فلم أنزجر ١٤٩/٣٤
إِنْزَجِرْ: ثمّ قلت: إنزجر عبدي ١٩٧/٢٨
زَجْرِهِ: وركبنا متون زجره فلم يبتدرنا بعقوبته ١/٢٣
والّذي بصوت زجره يسمع زجل الرّعود ١٢/١١
زَجْرَكَ: لم أراقب عند اللّذّات زجرك ١٤٨/١٠
زَجْرَنَا: نعظ عن متابعته من اتّبع زجرنا ٥٠/١٣
الْإِزْدِجَارَ: أشعر قلبي الإزدجار ١٤٧/٩٣
زاجِرُ: عن اللّهو واللّذّات للمرء زاجرٌ ٢١٤/١٠
ولجوارحنا عن اقتراف الآثام زاجراً ١٠٩/١١
واعظاً لنا وزاجراً عن سوء الخلق ٩٥/٣
زَواجِرِ: وخزّان المطر، وزواجر السّحاب ١٢/١١
وزواجر أمثاله الّتي ضعفت الجبال ١٠٩/١٢
كافأناك ... إعراضاً على زواجر آجالنا ٢٠٠/٥
الزَّواجِرِ: بعثه «محمّد» بـ... الزّواجر النّاهية ١٩٩/١٦
مُنْزَجِرَةً: بإرادتك دون نهيك منزجرة ٢٤/٢

ز.ج.ل

زَجَلُ: والّذي بصوت زجره يسمع زجل الرّعود ١٢/١١

ز.ح.ز.ح

زَحْزَحْتَ: عن النّار فزحزحني ٢٤٨/١١
فَزَحْزِحْنِي: عن النّار فزحزحني ٢٤٨/١١

ز.ح.م

نُزاحِمُ: حمداً نزاحم به ملآئكته المقرّبين ١/١٨
إِزْدَحَمَتْ: حتّى إزدحمت عصآئب العصاة ١٩٩/٩٨

ز.خ.ر.ف

زَخْرَفَ: ورفع البناء وزخرف وعمّر ٢١٤/١٤٨
بِزَخارِفِ: الإغترار بزخارف زينتها ١٩٦/١

ز.ر.ع

زَرَعْتَ: واجعلني ممّن... زرعت الحكمة ٢٦٨/٤
زَرْعَ: أللّهمّ وقد أستحصد زرعُ الباطل ٧٠/٧
الزَّرْعَ: وتنبت لنا به الزّرع وتُذِرّ به الضّرع ٥٣/٤

ز.ر.ى

تَزْدَرِيني: موقفٍ... تزدريني فيه العيون ١٣٥/١٢
زُارِ: فمن حمد عندك نفسه فإنّي عليها زار ٢٤٨/٩
الْإِزْراء: أعوذبك من... الإزراء بالمقلّين ٢٦/٢

ز.ع.ف

زُعافَ: يجرّعني زعاف مرارته ١٥٣/٤

ز.ع.ق

زُعاقَ: يُجَرّعني زُعاقَ مَرارته ١٥٢/٤

ز.ع.م

زَعَمُوا: زعموا أنّهم على الرُّشد من غيّهم ٢١٩/٤٥
زَعيمٌ: فأنت بحالي زعيم عليم وبي رحيم ١١٤/٦

ز.ف.ر

تَزْفِرُ: جهنّم تزفر على أهل معصيتك ١٢/٩
الزَّفْرَةُ: إجعلنا ممّن... دهرهم الزّفرة والأنين ١٩٠/٥
زَفَراتٌ: لهم زفرات أحرقت القلوب ٢٠٠/٣٣
زَوافِرُ: وهمعت زوافر الدّموع ١٩٧/٤٧

ز.ق.م

الزَّقُّومُ: إن كان الزّقّوم فيها طعامي ٢٠٦/٩
الويل لي إن كان الزّقّوم طعامي ٢٠٥/٨
ووصفته «العذاب» بما وصفته من ... الزّقّوم ٢٥٧/١٦

ز.ك.ر.ى.ا

زَكَرِيّا: وبحقّ زكريّا وعبادته ١٨٠/٤

ز.ك.ن

زاكِنٍ: أعوذبك من شرّ كلّ... وزاكنٍ ١٥٣/٣٠

ز.ك.و

زَكَّيْتَهُ: إجعلني ممّن هديته فهدى وزكّيته فنجا ٢٤٨/٢
زَكَّيْتَني: وزكّيتني بما ليس فيّ ١٤٨/٤
يُزَكّي: ويزكّي أعمالنا ويشكر سعينا ١٤٣/١٥
أُزَكّي: فبأيّ ذلك أزكّي نفسي وأشكرها عليه ٢٤٨/٩
زَكِّ: وطيّب خلقي وزكّ عملي ٢٦٨/٢
وتقبّل متّى سعيي وزكّ عملي ١٣٨/١٥
وطهّر قلبي وزكّ عملي ١٣٣/٧
تَزْكِيَةً: وتزكية صيامي وصلاتي وقيامي ١٤١/١٠
زاكِينَ: ... عاملين زاكين ... ٤٢/١٧
زاكِيَةً: ربّ صلّ ... صلاةً زاكيةً ١٤٧/٤٧
وحسناتي مضاعفة زاكيةً ١٦٤/٢٣
الزّاكِيَةِ: من الأعمال الزّاكية بما تطهّرنا ١١٥/١٥
الزّاكِياتِ: الصلوات المباركات الزّاكيات ١٤٧/٦٩

زَكِيّاً: أللّهمّ إنّي أسألك قلباً خاشعاً زكيّاً ١٩٩/٢٥
فقبضه «محمّداً» نقيّاً زكيّاً ١٩٩/٥٩
ما كتب لي الكاتبان من زكيّ الأعمال ٤٦/٤
الزَّكِيّ: واستعملنا بالعمل الزّكيّ ١٩٤/٢
... الإمام الزّكيّ الهادي المهديّ ٤٢/١٤
عليّ بن موسى الرّضا المرتضى الزّكيّ المصطفى ٤٢/١٠
زَكِيَّةٍ: أنّي أشهد بسريرة زكيّةٍ ١٩٩/١٣
مُزَكِّيْنَ: ... مُزكّين تائبينَ ... ٤٢/١٧
أَزْكىٰ: أزكىٰ صدقات المتصدّقين ١٠١/٣
ربّ صلّ ... لاتكون صلاةٌ أزكىٰ منها ١٤٧/٤٧
ووفّقني للتي هي أزكىٰ ٥٥/٢٥
وأزكى تحيّاتك وأفضل سلامك ١٤٣/٢٣
واجعلنا من ... أزكىٰ من نظر إليه ١١٠/٨
لِأَزْكاها: وإذا تشابهت الأعمال لأزكاها ٥٥/٣٢
الزَّكاةِ: وإيتاء الزّكاة والصوم في الهواجر ٣٦/٨
أقمت الصّلاة وآتيت الزّكاة ١٤٤/١٩
وللصّلاة والزّكاة ما دمت حيّاً فألهمني ١٥٣/١٩
لِلزَّكاةِ: وللزّكاة فاعلين ٢٠٦/١٨
الزَّكَواتِ: وأن نطهّرها بإخراج الزّكوات ١١٥/١٣

ز.ل.ز.ل

زَلْزِلْ: وزلزل أقدامهم «الظّلمة» ١١٩/٥
الزَّلْزَلَة: أن تأخذ من يؤذيني أخذ الزلزلة ١٦٠/١
زِلْزالِها: أللّهمّ إنّي أعوذبك من أزلها وزلزالها «الدّنيا» ٢٥١/٣٠-٧٨/٥-٢٥٢/٢٤

ز.ل.ف

يُزْلِفُ: والاجتهاد فيما يزلفُ لديك وعندك ١٤٧/١٠٧
زُلْفَةً: وقرّبني إليك زلفةً ٣٦/٩
لتلك الدعوة ياربّ عندك زلفةً ١٤٣/٢٠
أقرب الأنبياء زلفةً يوم المقعد عندك ١٠/١٤
الزُّلْفَةَ: وبحبّي لِلنّبيّ... أرجو الزّلفةَ لديك ١١٦/٧٠
والزّلفةِ لديك وطول الخلود في رحمتك ١٠/٤
وأهل الزّلفة عندك ١٢/١٠
وبصّرتنا الزّلفةَ لديك ١٤٢/٢٣
زُلْفَتِهِ: أبلغ به «محمّد» من ... مكنة زلفته ١٠/١٥
أَزْلَفَ: أزلف خلقك عندك ١٤٤/٥
زُلْفىٰ: صلاةً تقرّبهم منك زلفىٰ ١٤٧/٦٠
ولكلّ من رغب إليك زُلفى ١٤٩/٥٧
أللّهمّ وفّقني لكلّ عمل... يقرّبني إليك زلفىٰ ١٢٣/١٩
التوفيق لكلّ... فعلٍ يقرّبني إليك زلفى ١٢٣/١٥
وأتقرّب بهم إليك زلفىٰ ١٣٢/١٣
الزُّلْفىٰ: في القربى منك والزّلفى لديك ١٨٦/٤
والزّلفى لديك والمكانة منك ١٤٧/٨٤
يحول بيني وبين الطّاعة والزّلفىٰ ١٨٣/٣

ز.ل.ل

زَلَلَ: وزلل من استقالك مقالة ٢٥٥/٥
زَلَّ: أو زلّ بها متّي خطآء ١٢٥/٢
زَلَّتْ: فإنّك إن وكلتني إلى نفسي زلّت قدمي ٢٤٨/٦
لَزَلَلْتُ: ولو لم تثبّتني إذاً لزللت ١٩٩/٩٤
تَزِلُّ: آه وانفساه من يوم تزلّ فيه قدم ١٩٨/٢٠
أَزَلَّ: وأزلّ لساني إن لم تثبّته ١٦٤/١٦
أَزَلَّني: وأزلّني الشّيطان بعد الحجّة عليّ ١٦٥/١ ـ ٢٣٣/٢
وأزلّني الشّيطان بعد الحجّة والبيان ٢٢٩/٢
إِسْتَزَلَّني: ولكن استزلّني الشّيطان بعد الحجّة ٢٠٩/٣
يَسْتَزِلَّنا: وإلاّ تقنا خباله يستزلّنا ٦٤/٨
أَنْ تَسْتَزِلَّني: اوسع فضلاً... أن تستزلّني ١١٦/٦٠
زَلَلِ: وهي زلّةٌ من زلل الخاطئين ٣٩/٦
وزللاً عن قدرتك من جهلي ١٤٨/٣١
يوم المجاز عليها زلل أقدامنا ١٠٩/٢٠
الزَّلَلِ: الإحتراس من الزّلل في الدّنيا والآخرة ٥٩/١٤
المعصومين من الذّنوب والزّلل والخطآء بتقواك ٦٤/١٣
زَلَلِهِ: أمل من لم يكن له أمل لكثير زلله ٢٣٩/١٠
أسلمته الحتوف وكثرة زلله ٢٤٣/١٠
زَلَلي: مسؤولاً عمّا أسلفته من فارط زللي ١٩٩/٧٤
زَلَلِنا: وفي عدوّك العفو عن زللنا . ٢٠٠/٧
زَلَّةَ: مولاي إرحم كبوتي لحرّ وجهي وزلّة قدمي ١٦٧/٣
بل خذ بيدي من ... زلّةِ المغرورين ١٤٧/٩٢
لايستغني في طلباته عنك زلّةٌ من زلل الخاطئين ٣٩/٦
زَلَّتَهُ: أو خاطئٌ غفرت زلّته ٢٥٦/٢
دعاء من ... كثرت زلّتُهُ وعثرته ٢٤٢/٣
زَلَّتي: فكن ... غافر زلّتي ١٨٩/٩
وأقلت عند العثار زلّتي ١٦٣/٤
ونهضت بتوفيقك من زلّتي ٣٩/٧
الزَّلّاتِ: على ما وقعت فيه من الزّلاّت ١٠٠/٤
زَلّاتِهِمْ: واغتفار ذنوبهم لهم وتغمّد زلاّتهم ١٦/٩
زَلّاتي: مع سوء فعلي وزلاّتي ومجترمي ٢١٠/٢
سوالف زلاّتي وحوادثها ٨٠/١١

ز.م.ر

زُمْرَتِهِ: مع من دخل في زمرته من الموحّدين ١٩٩/٦٤
إجعلني من أتباعه وشيعته واحشرني في زمرته ٢٤٦/٦
واحشرنا في زمرته ونبيّنا ١٠٩/٢٥
من التّابعين بالإحسان إلى زمرته ١٠/٣٠
زُمْرَتِهِمْ: واحشرني في زمرتهم يا أرحم الرّاحمين ٢٣٧/١٠-٢٣٩/١٣-٢٤١/١٠
واحشرني في زمرتهم وتوفّني في حزبهم ١٤٩/٦١
أللّهمّ احشرني في زمرتهم ١٣٢/١٤

ز.م.م

أَزِمَّةُ: هذا مقام من... قادته أزمّة الخطايا ٨٠/٢
علماً بأنّ أزمّةَ الأمور بيدك ٢٥١/٥٨
عالم أنّ في قبضتك أزمّةُ التّدبير ١٩٩/٣٨

ز.م.ن

زَمانٍ: أنت ... المعبود في كلّ زمانٍ ١٩٤/٤
لايغيّرك زمانٌ ٢٤٥/٣
وكلّ زمانٍ من زماني ١٦٣/٥
في كلّ دهر وزمان أرسلت فيه رسولاً ١٤/٢
ولاغاية في زمانٍ ٢/٥ - ٧/٥
وأيّ زمانٍ أطول من أناتك ١١٦/٣١
سبقهم زمانُ الهادين ٢١٩/٤٠
الزَّمانِ: المفترض الطّاعة صاحب الزّمان ١١٩/١٨
واكفنا حدّ نوآئب الزّمان ١٥/١٠ - ٨/٢٥
بك أستجير ... من غير الزّمان ٢٣٦/٢
نعوذبك أن ... ينكبنا الزّمانُ ٢٦/٥
زَماني: وكلّ زمان من زماني ١٦٣/٥
الْأَزْمِنَةِ: حمداً يتضاعف على كرور الأزمنة ١٤٧/٣٥
وتخيّرته من جميع الأزمنة والدّهور ١٤٢/٢٤
الْأَزْمانِ: ومواضي الأزمان والأيّام ٨٨/١

ز.ن.ج

الزَّنْجِ: أعدائك في أقطار البلاد من... الزّنجِ ٦٧/١١

ز.ن.د

زَنْدِهِ: ولمن استصبح بذكآء زنده «محمّد» مستنيراً ١٠/٨
زِنادَهُ: واقدح للرّشاد زناده ٢٢٣/٧

ز.و.ج

تُزَوِّجَني: تزوّجني من الحور العين ١٢١/٢٢
زَوِّجْني: وزوّجني من الحُور العينِ بفضلك ١١٦/١١٦
زَوْجَتَهُ: ... زوجَتَهُ وولديه عبيدُك وإماؤُك... ٤٢/١٩
الْأَزْواجَ: فارقوا الأزواج والأولاد في إظهار كلمته ١٤/٣
أَزْواجِهِمْ: وصلّ... على أزواجهم وعلى ١٤/٧
أَزْواجِنا: ربّناهب لنا من أزواجنا وذرّيّاتنا (قرآن) ٨٣/١٦
مُزَوَّجِينَ: ومن الحور العين مزوّجين ٢٠٦/٢٣

ز.و.ح

لايُزيحُهُ: وسواس صدري لايزيحه إلاّ أمرك ١٩٢/٤
فَأَزِحْ: فأزح عنّا ريب الإرتياب ٩٢/١
إِنْزاحَتْ: وانزاحت المكاره وانصرفت ٢٠٤/٤
إِزاحَةِ: مع إزاحة اليقين مواقع الشكوك فيك ٢٤٩/٨
مُسْتَزاحَ: لارادّ لقضآئه ولامستزاح عن أمره ١٤٩/١١

ز.و.د

زَوِّدْنا: زوِّدنا من التّقوىٰ ضدّ غوايته ٥٠/٤
لَمْ تَتَزَوَّدْ: ولم تتزوّدللرّحيل وقد دنا ٢١٤/٦٦-٢١٤/١٤٤
زادٍ: لاتقدمة زاد ولااعتداد لمعاد ١٩٩/٤١
إن أجحف بي زادُ الطّريق في المسير ١٩٩/١٠٢
أنّ أفضل زادِ الراحل إليك عزم الإرادة ٢٢٠/٦
الزّادَ: آه واحزناه ما أبعد السّفر وأقلّ الزّاد غداً ١٩٨/٤٠
وقد أعددت ليوم المعاد توفرة الزّاد ٢٠٤/٨
زادَهُ: ووفّر من النصر زادهُ حتّى يعود الحقّ ٢٢٣/٧
زادي: واجعل تقواك من الدُّنيا زادي ٥٧/١١
إلهي إن كان قلّ زادي في المسير إليك ١٨٦/١
فَزادي: فزادي قليل ما أراه مبلّغي ٢١٦/٣
لِلزّادِ: أللزّاد أبكي أم لبعد مسافتي ٢١٦/٣
أَزْوِدَتِهِمْ: وباعد بينهم وبين أزودتهم ٦٧/٦
تَزَوُّدِ: العون لنا ولكم على تزوّد ٢٦٢/٢
مُتَزَوِّدَةً: فاجعل نفسي ... متزوّدة التّقوى ٢٥٥/٣

ز.و.ر

لاأُزارُ: إذا نزلت منزلاً لاأزار فيه ١٩٨/٨٢
زِيارَةَ: وارزقنا زيارة قبر نبيّك ١١٦/٤٥
وارزقني... زيارة قبر نبيّك والأئمّة عليهم السّلام ١١٦/٥١
وامنن عليّ بالحج والعمرة وزيارة قبر رسولك ٦١/٤
وترزقني ... زيارة محمّد صلّى الله عليه وآله ١٢٧/٤
وإلى زيارة قبر محمّد نبيّك ١٤٣/٣٥
بِزِيارَتِهِ: ولاتخزنا بزيارته «الموت» ١٠٣/٤
تَزاوَرَ: وحلّوا بدار لاتزاور بينهم ٢١٤/١٥ - ٢١٤/٩٠
التَّزاوُرُ: وأنّى لسكّان القبور التّزاور ٢١٤/١٥ - ٢١٤/٩٠
زائِرٍ: ولكلّ زآئرٍ كرامةٌ ١٤٩/٥٥
كنت خير زائرٍ محبوب ١٤٣/٣٠

فإذا أوردته علينا ... فأسعدنا به زائراً ١٠٣/٤
زآئِرُكَ: ياكريم فقيرك زائرك ٢٢٨/١
زُوّاراً: فسمّاهم أهل الملكوت زوّاراً ٢٠٠/٤٢
زُوّارَهُ: يامن لايحرم زوّاره عطاياه ١٩٩/٨٠

ز.و.غ

زُغْنا: وإن زغنا فيه «شهر رمضان» فقوّمنا ١١٥/٢١

ز.و.ل

زالَ: زال عن محبّتك من خطرات قلبي ٨٠/١٨
زالَتْ: إذا زالت عنّي المخاوف ٢٠٤/٤
زالَتا: ولئن زالتا إن أمسكهما (قرآن) ١٣٥/٢ ـ ٢٢/٢٨
لايَزُولُ: لم يزل ولايزول ولن يزال كذلك أبداً ٢/٥ ـ ٧/٥
والدّائم الّذي لايزول ٨٩/١
وسلطانك ثابت لايزول ١٤٦/٩
لاتَزُولُ: وعلى ذلك أنت دائم لاتزول ٨٨/٤
أنبياءه المرسلين في دار المقامة الّتي لاتزول ١/١٨
فَلا تَزُولُ: والموكّلين بالجبال فلا تزول ١٢/١١
أَنْ تَزُولَ: أن تزول عنه نعمتك ٨/١٢ ـ ٩٨/٧
أَنْ تَزُولا: حارسهما «السّماء والأرض» أن تزولا ١٣٨/١
وحافظهما «السّماوات والأرض» أن تزولا ١٣٥/٢
يمسك السّموات والأرض أن تزولا (قرآن) ٢٢/٢٨
أَزالَتْ: عرضت لي بليّة أزالت قدمي ١١٦/٥٤
فَيُزيلَهُ: فيزيله عن الحقّ إلى المعاطب ١٩٩/٩٩
لايُزيلُهُ: غمّ لايزيله إلاّ قربك ١٩٢/٤
تُزيلُ: أعوذبك من أن ... تزيل نعمتك عنّي ٢٥٤/٤
لاتُزِلْ: لاتزل سترك عنّي ١٩٩/١٧٥
أَزِلْ: وأزل به «ولبّك» النّاكبين عن صراطك ١٤٧/٦٥
أزل حلمك عن ظالمي ١٥٥/١
وأزل عنّي كلّ شكّ وشبهة ١٤٧/١١٢
أَزِلْنا: أزلنا عن مكروهك من الإصرار ٣٠/١
زَوالٍ: والأوّل بلا زوال ٢/٤ ـ ٧/٤
بهلكات الأمم وزوالِ النّعم ٢١٩/٢٠
فأنا المستوجب ياإلهي زوالَ نعمتك ١٤٨/٦
زَوالي: نيل سؤلي قبل زوالي عن موقفي هذا ٣٩/١١
بِإِزالَةِ: وأقبل الفقر بإزالة الغنى ٣٥/٤
زآئِلٍ: الّذي أنا فيه دآئم غير زائلٍ عنّي ٣٥/٣ ـ ٢٥٧/٢٦
فجدّ ولاتغفل فعيشك زائلٌ ٢١٤/٢٧ ـ ٢١٨/٥
فشمّر ولاتفتر فعمرك زائلٌ ٢١٤/١٠٣
الزّآئِلَ: وهل يرحم الزّآئل إلاّ الدّآئم ١٦٨/٦
مولاي مولاي أنت الدّآئم وأنا الزّآئلُ ١٦٨/٦
الزّآئِلَةِ: بنشر صحآئف أيّام حياتي الزآئلة ١١٨/٤
وأقطع نفسي عن طلب العاجلة الزّائلة ٣١/٤
وعلى الغاية القريبة الزّائلة ٨/١٢ ـ ٩٨/٧

ز.و.ى

زَوَيْتَ: وما زويت عنّي من متاع الدّنيا الفانية ٧٩/٥
واجعل شكرى لك على ما زويت عنّي ٩٦/٣
إِزْوِ: وازو حرصي عن كلّ مأثم ١٠١/١
وازو عنّي من المال ما يحدث لي ٧٩/٤

ز.هـ.د

تُزَهِّدَهُمْ: لا... تزهّدهم في سعة العاجل ١٤/١٠
فَزَهِّدْني: إن بسطت عليّ الدّنيا فزهّدني ١٢١/٧
فَزَهَّدْنا: إلهي فزهّدنا فيها «الدّنيا» ١٩٦/٢
الزُّهْدَ: أسألك ... الزُّهد فيما هو وبال ١٢٥/٤
فأسأل الله ... الزُّهد فيها ٢٦٢/٢
إنّي أسألك السعة في الدّنيا والآخرة والزّهد ١٢١/٤
حتّى يكون الغالب عليّ الزّهد في دنياى ٥٩/٩
زُهْدي: إجعل ... زهدى فيما يوجب لي أليم ٢٤٢/٥
بِالزُّهْدِ: من عمّر بالزّهد مكنون سريرته ١٩٩/١١١
إلى رفضها داع وبالزّهد آمر ٢١٤/٢٦ ـ ٢١٨/٤
إلى دفعها داع وبالزّهد آمر ٢١٤/١٠١
زَهادَةً: وفراغاً في زهادةً وعلماً في استعمال ٥٥/٣٩
الزَّهادَةِ: لسبق السّعادة في الزّهادة ١٩٣/٣
زَهادَتِهِ: وبحقّ عيسىٰ وزهادته ١٨٠/٤
زاهِدينَ: وفي الدّنيا زاهدين ٢٠٦/٢٢
الزّاهِدينَ: جعلنا الله وإيّاكم من الزّاهدين ٢٦٢/٢
وارزقنا ... صبر الزّاهدين ٢٠٠/١٨
وعليّ بن الحسين ... نور الزّاهدين ٤٢/٦
زَهيدٌ: فإنّ خيرها زهيدٌ وشرّها عتيد ١٣٥/٤

ز.هـ.ر

زَهْرَةِ: رتعوا في زهرة ربيع الفهم ٢٠٠/٣١
الزّاهدين في عاجل زهرة الحياة الدّنيا ٢٦٢/٢
الزَّهْرَةِ: وأحى بلادك ببلوغ الزّهرة ٥٣/١
زَهْراتُ: وتفتنني زهراتُ زهوته ٧٨/٢
تفتنني زهرات نضرته ٢٥١/٢٨ ـ ٢٥٢/٢٠
الزّاهِرينَ: بيت الرّحمة المطهّرين الزّاهرين ٤٢/٣٠
الزَّهْراءِ: أللّهمّ صلّ على ... فاطمة الزّهرا ١٨١/٤
وفاطمة الزّهراء ٤٢/٥

ز.هـ.ق

زَهَقَ: وزهق الباطل وانحسر ١٩٩/١٨
أَزْهِقْ: أزهق الباطل عن ضمآئرنا ١٨٨/٢
زاهِقٌ: المتأخّر عنهم زاهق ٢٠/٢ ـ ١١٣/٢

ز.هـ.و

الزَّهْوِ: لما كنت فيه من الزّهو والإستطاله ٢٥٧/٢٩
للّذى كنت فيه من الزّهو والاستطالة ٣٥/٥
زَهْوَتِهِ: وتفتننى زهرات زهوته ٧٨/٢

ز.ى.د

زادَ: آه واخطيئتاه كلّما زاد عمرى زاد ذنبى ونما ١٩٨/٦٦
زادَهُ: الحمدلله ... الّذى ... لاينقص من زاده ناقص ١/٦
فَزادَني: فزادنى جليل الخطب لفقدهم جوىً ٢١٩/٣٦
زادَتْ: أنا الّذى إذا طال عمري زادت ذنوبي ٢٠١/١٣
زِدْتَ: وأنت الّذى زدت في السّوم على نفسك ١٤٢/٩
زِدْتَني: وإن شكرتك زدتنى ١٩٩/١٧٤
فَزِدْتَهُ: اجعلنا ... ممّن ... شكرك فزدته ٢٣٤/٤
يَزيدُ: ولو أنّ عذابي ممّا يزيد في ملكك لسألتك ١٦٢/٧
وليس عذابي ممّا يزيد فى ملكك ١٦٢/٧
لو أنّ عذابي يزيد في ملكك لسألتك ١١٢/٥
ويزيد على ما أحصته في كتابك الكتبة ١٤٧/٣٦
ولك الحمد حمداً يزيد على رضاك ١٤٧/٣١
يَزيدُني: الّذى يزيدنى ذنباً إلى ذنبى ٢٤٠/٢
لايَزيدُ: ولايزيد فيها «خزائنك» فقري ١٦٩/١
ولايزيد في سلطانه طاعة مطيع ١٤٩/١٢
ولايزيد بها «السيّئة» فقرى ٢١٠/١
أعلم أنّه لايزيد في ملكك طاعة المطيعين ١١٢/٥
ولايزيد فيها فقرى ٢٥٧/٣
يامن ... لايزيد جبروته إيمان الموحّدين ١٩٩/٣٣
الحمدلله... الّذى... لايزيد من نقص منهم زائد ١/٦
تَزيدُ: فما عيشه إلاّ تزيد مرارة ٢١٩/١٥
صلاةً ترضيه وتزيد على رضاه ١٤٧/٥٠
صلاةً ترضيك وتزيد على رضاك له ١٤٧/٥١
تَزيدُهُمْ: صلاةً تزيدهم كرامة على كرامتهم ١٢/١٤
تَزيدُها: وتزيدُها على كرور الأيّام زيادةً ١٤٧/٥٦
تَزيدُني: وتزيدنى من فضلك ١١٧/٢٩
تزيدنى بذلك «رزقاً» شكراً ١٣٨/١٣
فَتَزيدُني: وأستزيدك فتزيدني ١٤٩/٣١
أَنْ تَزيدَ: وملكك أدوم من أن تزيد فيه ١٦٢/٨
لأَزيدَنَّكُمْ: لئن شكرتم لأزيدنّكم (قرآن) ١٤٢/١٦
زِدْ: إلهى ... وزِدْ في آجالهم «ولدى» ٦٤/١
وزد في إحسان المنيبين ١٧٣/١٠ ـ ٧/٨
زِدْهُ: وزده «محمّد» من ثوابك بعد الرّضا ١٠/٢٠
وزده «محمّد» كما وصل بيننا وبين معرفتك ١٠/٤
وزده «محمّد» من عندك حتّى يرضىٰ ١٠/٣٢
زِدْهُمْ: وزدهم «جيرانى» بصيرةً في حقّى ٦٥/٥
زِدْني: وزدنى من فضلك ٢٥١/٤٤ ـ ١١٦/١٣٠
وزدنى من هداك ما أصل به إلى ٩٨/١٢ ـ ٨/١٩
وزدنى إليك فاقةً وفقراً ١٤٧/١٠٠
وزدنى من نعمتك وعافيتك ٢٥٧/٣٨
زِدْنا: زدنا من فضلك على قدر جلالك ١٥٣/٣٣
تُزيدُنا: وتزيدنا به قوّةً إلى قوّتنا ٥٣/٤
يَزْدادُ: ولاضيقة إلاّ وبزداد ضيقها ٢١٩/١٥
لَمْ يَزْدَدْ: سيّدى ... لم يزدد عفوك إلاّ سعةً ١٤٨/٢٥
لَمْ تَزْدَدْ: سيّدى ... لم تزدد عنّى إلاّ غنىً ١٤٨/٢٥
سيّدى ... لم تزدد ذنوبى إلاّ كثرةً ١٤٨/٢٥
لَمْ أَزْدَدْ: سيّدى لم أزدد إليك إلاّ فقراً ١٤٨/٢٥
يَتَزايَدُ: ويتزايد أضعافاً مترادفة ١٤٧/٣٥
أَسْتَزيدُكَ: سيّدى أستزيدك من فوآئد النّعم ١٩٩/١٨٢
وأستزيدك فتزيدنى ١٤٩/٣١
زيادةً: فاجعله ... زيادةً فى حسناتهما ٦٣/٨
إجعل الحياة زيادةً لي في كلّ خير ٢٤٠/٤
وتزيدها على كرور الأيّام زيادةً ١٤٧/٥٦
ما أبقيتنى زيادةً لي في كلّ خير ١٤١/٢١
الزِّيادَةَ: ثمّ سألتك الزّيادة من فضلك ٣٦/٢
مسلّماً لي من الزّيادة والنّقصان ١٩٩/١٧١
أسألك ... من الزّيادةِ أبسطها ١٩٩/٢١
وفوزهم بالوفادة عليك والزّيادة منك ١٤٢/١٠
أبلغ به «محمّد» من ... الزّيادة في كرامته ١٠/١٥
زِيادَتي: بيدك لابيد غيرك زيادتى ونقصانى ٢٤٩/١٤
لِلزِّيادَةِ: يجد للزّيادة والنّقصان فيك مساغاً ٢٤٧/٥
بِالزِّيادَةِ: وامتهنك بالزّيادة والنقصان ١١٠/٢
الزِّياداتِ: أسألك ... من الزّيادات أتمّها ١٩٩/٢٤
زياد: أللّهمّ لاتمتنى حتّى ترينى رأس ابن‌زياد ٧٢/١
الإِزْدِيادِ: واحجبنى عن السّرف والإزدياد ٧٩/٣
زائِداً: ثمّ أنبتّنى زآئداً في كلّ عام ١٩٩/١٧١
الحمدلله... الّذى... لايزيد من نقص منهم زائدٌ ١/٦
مَزيدٍ: وتقول هل من مزيدٍ (قرآن) ٢٥٧/١٧ ـ ٢٠٧/١٩
وتصله بمزيدٍ بعد مزيد طولاً منك ١٤٧/٢٤

الْمَزِيدَ: حمداً يوجب بكرمك المزيد بوفوره ١٤٧/٤٤
وعوآئد المزيد متواترة ٢٥٥/٦
وعوآئد المزيدِ إليهم واصلة ٢٥٥/٦
ووعدتني عليه من المزيدِ من لدنك ٣٥/٤ ـ ٢٥٧/٢٦
أوجب لي المزيد من لدنك ٧٧/٣
وتهطل ... طوآئف المزيدِ والرّضوان ١٠/١٣
مَزِيدِكَ: فلك الحمد على ... نوافل مزيدك ١٩٩/١٧٧
ولاتفرح أمنيتي بحسن مزيدِك ١٩٩/١٣٢
مَزِيدَنَا: وأوفر مزيدنا من سعة رحمتك ١٩٦/٢
بِمَزِيدٍ: وتصله بمزيدٍ بعد مزيد طولاً منك ١٤٧/٤٤
لِمَزِيدِهَا: صلاةً ... لانقطاع لمزيدها ١٩٩/٦٠
لِمَزِيدِكَ: وتصدّقوا لك طلباً لمزيدك ١٤٢/١٩
أيّ مستنبط لمزيدك أكدى ٧٠/٢ ـ ٢٥١/٦١

ز.ى.غ

لاأَزِيغُ: وطريقة حقّ لاأزيغ عنها ٥٥/٦
لاتُزِغْ: لاتزغ قلبي بعد إذ هديتني ٢٤٦/٥
لاتزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا (قرآن) ٨٣/١٤ ـ ١١٦/٧٢
زَيْغُ: أللّهمّ وقد شملنا زيغ الفتن ٧٠/٥
الزَّيْغِ: ومن الشّرك والزّيغ ... معصومين ٢٠٦/٢٠
ولايختلجنا الزّيغُ عن قصد طريقه ١٠٩/٧
أعوذبك من ... الزّيغِ والقمع ١٥٣/٢٦

ز.ى.ل

لايَزَالُ: ولم يزل ولايزال ملك كريم يأتيك عنّا ١١٦/٤١
يامن ... لم يزل ولايزال ٢٤٧/٣
لَمْ يَزَلْ: حسبي من لم يزل حسبي ٢٢/١٧
إرحم من لم يزل مسقطاً عثّاراً ١٩٩/٤٧
يامن لم يزل فعله بي حسناً جميلاً ١٩٩/٦٧
فيامن لم يزل عفوّاً غفّاراً ١٩٩/٤٧
ارحم من لم يزل يعصيك صغيراً وكبيراً ١٩٨/٨٩
يامن ... لم يزل ولايزال ٢٤٧/٣
ولم يزل ولايزال ملك كريم يأتيك عنّا ١١٦/٤١
لم يزل ولايزول ولن يزال ٧/٥ ـ ٢/٥
لَنْ يَزَالَ: لم يزل «الله» ولايزول ولن يزال ٧/٥ ـ ٢/٥
لاتَزَالُ: وهو كائن ولاتزال ١٤٦/١٢
في مدى الدّهر صرف لم تزل ولاتزال ٢٤٣/٤
لَمْ تَزَلْ: كل ذلك كان ولم تزل ١٤٦/١٢
لم تزل برّاً بي أيّام حياتي ١٩٧/٨ ـ ١٩٩/١٢٢
ولم تزل تنقلني من نعمة إلى كرامة ٣٥/١ ـ ٢٥٧/٢٣
قلّدني خلالاً لم تزل فيه ١٥٢/٩
كيف أنساك ولم تزل ذاكري ١٨٥/٤
فإنّك لم تزل آخذاً بالفضل على من ٢٤٣/١١
في مدى الدّهر صرف لم تزل ولاتزال ٢٤٣/٤
فَلَمْ تَزَلْ: فلم تزل قلوبهم والهةً طائرةً ٢٠٠/٢٣
لَمْ أَزَلْ: ولم أزل أتعرّض للهلكة وتنجيني ١٤٩/٣٢
ولم أزل أتعرّض للبلآء وتعافيني ١٤٩/٣٢
أنا الّذي لم أزل أُسيءُ وتغفرلي ١٤٩/٣٢
ولم أزل أضيع في اللّيل والنّهار في تقلّبي ١٤٩/٣٢
أللّهمّ لك الحمد على ما لم أزل أتصرّف ٤٦/١
يامن لم أزل أتعرّف منه الحسنىٰ ٩٠/٤
زَيَّلَتْهُ: بل دعاه هواه إلى ما زيّلته ١٤٧/٧٣

ز.ى.ن

يَزِينُ: فوّ عزّتك ما يزين ملكك إحساني ١٦٩/١
زَيَّنْتَهُمْ: وزيّنتهم بحلية الوقار والهيبة ١٩٩/١٨٥
زَيَّنْتَهَا: الجنان الّتي زيّنتها لأصفيائك ١٤٧/١١٠
زيّنتها بالفهم والحياء ٢٠٠/٣٦
زُيِّنُوا: أكرموا وزيّنوا بخدمتك ٢٠٠/٣٥
يُزَيِّنُ: شبطاناً ... يزيّن لي حبّ الدّنيا ١٨٣/٣
تُزَيِّنُ: فوّ عزّتك ما تزيّن ملكك حسناتي ٢٥٧/٣
وتزيّن المعاذير وخسأت أبصارهم ٢١٩/٣٠
زَيِّنْ: أللّهمّ ... وزيّن بهم «ولدي» محضري ٦٤/٣
وزيّن أوقاته «شهر رمضان» بطاعتنا لك ١١٥/٢٢
وزيّن لي التفرّد بمناجاتك باللّيل والنهار ١٤٧/٩٤
زَيِّنِّي: زيّنّي وإيّاهم بالتّقوىٰ واليسر ٢٤٨/٤
أللّهمّ زينّي بالتّقوىٰ ٢٥٤/٥
تَزَيَّنَتْ: ومن دنيا قد تزيّنت لي ٩٠/٣
زَيْنِ: في جوار محمّد الحبيب زين القيامة ٢٥٧/٣٩
السراج المنير زينِ يوم القيامة ١٤٣/٥١
عليّ بن الحسين زين العابدين ١٨١/٤ ـ ٤٢/٦
زِينَةَ: وألبسني زينة المتّقين في بسط العدل ٥٥/١٥
فإنّها نفوس باعت زينة الدّنيا ١٩٧/٤٧
زِينَتِهَا: وتجلّى لك من زينتها ٢١٤/٢٥
وتحلّت لك من زينتها ٢١٤/١٠٠
وبك نعتصم من الإغترار بزخارف زينتها ١٩٦/١
بِزِينَةِ: حلّني في تلك الباقية بزينة الأمن ٣١/٤

حرف السين

س.ل.م

سَلِمُوا: وسلموا من الإعتراض بالعصمة ١٩٩/١٩٥
حتّى سلموا من الآفات ٢٠٠/٢٧
يَسْلَمُ: فإنّك من تقه يسلم ٨/٢٢
إنّ من تقه يسلم ١٥/٩
تَسْلَمُ: توبةً تسلم بها كلّ جارحة على ٨٠/١٨
لَمْ تَسْلَمْ: فلها «نفسي» الويل إن لم تسلم به ١٩٧/٧
أَنْ يُسْلَمَ: بمن استجار بعزّك أن يسلم أو يهمل ١٩٥/٣
أَسْلَمُ: وأحيني بيقين أسلم به من الإلحاد ١٩٩/٧٢
أَسْلَمَهُ: وأسلمه أهله وأولاده ٢١٤/٤٥ ـ ٢١٤/١٢١
أَسْلَمُوني: آه وانفساه إذا أسلموني ١٩٨/٤٦
أَسْلَمَتْهُ: أسلمته الحتوف وكثرة زلله ٢٤٣/١٠
أَسْلَمْتُ: وأسلمت نفسي ١٣٥/١٤
أللّهمّ إليك أسلمت نفسي ٢٩/٢
أللّهمّ إنّي إليك أسلمت نفسي ٢٨/٢
أَسْلَمْنا: إليك أسلمنا أنفسنا طائعين ١٤٣/١٨
لايُسْلِمُ: يامن... لايسلم من استجاره واستكفاه ١٩٩/٨٠
لَمْ يُسْلِمْ: ولم يسلم «الله» بجريرة ٨٣/٣
تُسْلِمُني: أم مع استجارتي بعفوك تسلمني ١٨٤/١
فَلا تُسْلِمْني: معتصماً فلا تسلمني ١٦٣/١٠
سَلَّمَ: صلّى الله عليه وآله وسلّم ١٢٣/٧
محمّدٍ النّبيّ وآله وسلّم تسليماً ١٢٤/٨ ـ ١٣٧/١٠ ـ ١٣٤/٨ ـ ١٣٨/٢٠
سيّدنا محمّد النّبيّ وآله الطّاهرين وسلّم ٢٤٣/١٢
سيّدنا محمّدٍ النّبيّ وآله وسلّم ١٢٧/١٢ ـ ١٢٩/١١ ـ ١١٩/٣١ ـ ١٣٩/١٧ ـ ١٣٥/١٨ ـ ١٣٠/٦
وصلّى الله على محمّدٍ النّبي وآله وسلّم ١٢١/٢٣ ـ ٢٦٢/٢ ـ ١٢٠/١٣
سيّدنا محمّد وآله وسلّم ١٢٢/١١
وعلى أهل بيته الطيّبين وسلّم ١٤٣/٢٣
وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله وسلّم ١٢٨/١٢ ـ ٢٢/١٧
وصلّى الله على محمّدٍ النّبي وعلى آله وسلّم ٢٥٧/٤٠
سلّم تسليماً عليهم أجمعين ١٥٩/٥
محمّد وآله الطّاهرين وسلّم ٢٤٥/٨
آله الطّاهرين وسلّم كثيراً ٢٣٩/١٣
الّذي ... سلّم لحكمه الحكماء ١٩٩/٥
وصلّى الله على محمّد وآله وسلّم ٢٢/٣ ـ ١١٧/٤٣
محمّدٍ وآله الطّيّبين وسلّم ١٣٢/١٥
نبيّ الرّحمة محمّد صلّى الله عليه وآله وسلّم تسليماً ٤٢/٤
وسلّم تسليماً كثيراً ٢٠٧/٢٧ ـ ١٩٩/١٩٩
وصلّى الله على محمّد وآل محمّد وسلّم تسليماً ١٤١/٢٣
سَلِّمْ: ياأرحم الرّاحمين وسلّم كثيراً ٢٣٧/١٠
وسلّم عليهم وعلى أرواحهم ١٤٧/٦٩
أللّهمّ سلّمني وسلّم لي ديني ١٣٥/١٤
اللهمَّ سلّم لي قلبي من البغي ١٣٥/١٠
صلّ على محمّد وآله الطيّبين الطّاهرين وسلّم كثيراً ٥٢/٦
سَلِّمْهُ: وسلّمه «رمضان» لي وسلّمني فيه ١١٧/٢
سَلِّمْني: وسلّمني ما بيني وبين لقآئك ١٤٩/٦٠
أللّهمّ سلّمني وسلّم لي ديني ١٣٥/١٤
... وسلّمني فيه «رمضان» وتسلّمه منّي ١١٧/٢
سَلِّمْنا: وسلّمنا من غروره ١٠٣/١
وسلّمنا منها «الدّنيا» بتوفيقك وعصمتك ١٩٦/٢
فَسَلِّمْني: ومن الدّنيا فسلّمني ١٥٣/١٩
ومن شرّ الجنّ والإنس فسلّمني ٢٥٢/١٦ ـ ٢٥١/٢٥
سَلِّمُوا: صلّوا عليه وسلّموا تسليماً (قرآن) ١٤٣/٢٢
سالَمَ: إستولى عليه التسويف حتّى سالم الأيّام ٢٤٥/٦
سالَمْتُ: سالمت الأيّام باقتراف الآثام ٢٣٧/٥
أَنْ نُسالِمَ: وأن نسالم من عادانا ١١٥/١٤
تَسَلَّمْهُ: وتسلّمه «رمضان» منّي ١١٧/٢
إِسْتَسْلَمَ: عمن خشع لها واستسلم إليها ٨٨/٢٠
الحمدلله الّذي استسلم كلّ شيىء لقدرته ١٤٣/٥
إِسْتَسْلَمَتْ: لقدخضعت واستسلمت وتضاءلت ٢١٤/٩٩
لقد خشعت واستسلمت وتضاءلت ٢١٨/٣ ـ ٢١٤/٢٤
لَمْ أَسْتَسْلِمْ: مقرّ لك بأنّي لم أستسلم ٣٤/٣
سَلامٌ: سلامٌ دائم البركة إلى طلوع الفجر ١١٥/٥
ياناركوني برداً وسلاماً (قرآن) ٢٢/٢٥
سلامُ الله وبركاته عليهم أجمعين ١١٩/١٧
صاحب الزّمان سلامُ الله عليه ١١٩/١٨
بلّغ روح محمّدٍ ... عنّي تحيّةً وسلاماً ١٤٩/٥١
الّذين يقولون سلامٌ عليكم بما صبرتم (قرآن) ١٢/١٣
هو من كلّ أمر سلام ١٤٢/٣٩
وسلامُ الله عليه وعليهم كثيراً ١٤١/٣٣
لاإله إلاّ أنت ياقدّوس ياسلامُ ١٣٧/٢
السّلامُ: نبيّك محمّد عليه السّلام ٨٠/١٠
وزيارة قبر نبيّك والأئمّة عليهم السّلامُ ١١٦/٥١
عليّ بن ابيطالب عليه السّلام ١١٩/١٦

وولدى رسولك عليهما السّلام ١١٩/١٦
السّلام عليك من شهر قربت فيه الآمال ١٤٢/٣٠
السّلام عليك يأكرم مصحوب من الأوقات ١٤٢/٢٩
السّلام عليك ماكان أمحاك للذّنوب ١٤٢/٣٦
السّلامُ عليك ما أكثر عتقاء الله فيك ١٤٢/٣٥
السّلام عليك من ناصر أعان على الشّيطان ١٤٢/٣٤
السّلام عليك من مجاور رقّت فيه القلوب ١٤٢/٣٣
السّلام عليك من أليف آنس مقبلاً فسرّ ١٤٢/٣٢
السّلام عليك من قرين جلّ قدره ١٤٢/٣١
السّلام عليك ياشهر الله الأكبر ١٤٢/٢٨
وأتوسّل إليك بالأئمّة عليهم السّلام الّذين ١٤٩/٤٦
عليهم منك أفضل الصّلوة والسّلام ١١٤/٢١
السّلام عليك وعلى فضلك الّذى حرمناه ١٤٢/٤٧
السّلام عليك ماكان أحرصنا بالأمس عليك ١٤٢/٤٦
السّلام عليك كم من سوء صرف بك عنّا ١٤٢/٤٤
السّلام عليك من مطلوب قبل وقته ١٤٢/٤٣
السّلام عليك غير مودّع برماً ١٤٢/٤٢
السّلام عليك كما وفدت علينا بالبركات ١٤٢/٤١
السّلام عليك غير كريه المصاحبة ١٤٢/٤٠
السّلام عليك من شهر هو من كلّ أمر سلام ١٤٢/٣٩
السّلام عليك من شهر لاتنافسه الأيّام ١٤٢/٣٨
السّلام عليك وعلى ليلة القدر ١٤٢/٤٥
السّلام عليك ماكان أطولك على المجرمين ١٤٢/٣٧
إلى محمّد وآل محمّد عليه وعليهم السّلام ملت ٢٤٨/١٠
ففى مثل سفينة نوح عليه السّلام فاحملني ٢٤٨/١١
والسّلام عليه وعليهم أبد الآبدين ١٤٧/١١٧
والسّلام عليه وعلى آله الطيّبين ١٠٩/٢٧
أيّها... الطّالب مسكناً في دار السّلام ١٩٧/٤٦
وقادة أهل التّقى على جميعهم السّلام ١٤/٢
والسّلام عليكم ورحمة الله وبركاته ٢٦٢/٢
وآل رسولك عليهم السّلام ٦١/٤
السّلام عليك ياأمين الله في أرضه ٢٥٥/١
السّلام عليك ياأمير المؤمنين ٢٥٥/١
واجعلنا معهم في دار السّلامِ ١٤٧/٧٠
والسّلام عليهم وعلى أرواحهم ٢٥٢/٢ ـ ١٢٢/١١
والسّلام عليه وعليهم وعلى أرواحهم ٢٥١/٣٩ـ٢٥١/٢ـ٢٥١/٣٤
والسّلام عليه وعليهم ورحمة الله ١٢٣/٨ ـ ٢٥٢/٣١
والسّلام عليه وعليهم «محمّد وآله» ٢٥١/٤٥ ـ ٢٥١/٥٣
وولاية محمّد وآل محمّد عليه وعليهم السّلام ٢٢٧/٦
رؤية محمّد ... في دار السّلام ١٩٩/٩٢

والحجّة عليهم السّلام أهل بيت الرّحمة ٨٧/٨
وفاطمة والحسن والحسين عليهم السّلام ٢٥٥/٧
بلّغ روح محمّدٍ وآل محمّدٍ عليهم السّلام ١٤٩/٥١
محمّد ... جيران في دار السّلامِ ٢٠٦/١٦
فكما فلقت البحر لموسىٰ عليه السّلام ١٧٩/٥
وأعداء آل رسولك عليه السّلام ١٢٧/١٠
إجعل آل محمّد عليه وعليهم السّلام أئمّتى ٢٤٨/٦
بمحمّد وآل محمّد عليهم السّلام فأكرمني ٢٤٨/١١
سَلامُهُ: وسلامه دآئماً سرمداً ٢٣٨/٣
سَلامِكَ: أزكى تحيّاتك وأفضل سلامك ١٤٣/٢٣
واخصصهم «النبيّ والآل» بأفضل ... سلامك ٦٣/١
صلواتك عليه وآله وسلامُك ٢٠٦/١٤
بِسَلامِنا: فارفعه «محمّد» بسلامنا إلى ١٠/١١
بِالسَّلامِ: وحيّاهم بالسّلام ٢٥١/٣٦ ـ ٢٥٢/٢٨
سَلامَةِ: ما لم أزل أتصرّف فيه من سلامةِ بدني ٤٦/١
وتكذيباً لمن قصبنى وسلامةً ممّن توعّدنى ٥٥/١٢
هلال ... وسلامةٍ وإسلامٍ ١١٠/٧
هلال ... سلامةٍ من السّيّئات ١١٠/٥
وسلامةٍ من بدنى واخلاص من قلبي ١٢٧/٥
سلامةً أقوى بها على طاعتك ٢٤٤/٤
واجعلَ سلامةً قلوبنا في ذكر عظمتك ٨/٢٦
وهب له من... سلامةِ المحيا والممات ١٩٩/٣٩
وارزقني فوز المعاد وسلامةَ المرصاد ٥٥/٢٧
... فاجعله فراغ سلامةٍ ... ٣٣/٣
وارزقنى سلامةَ الصّدر من الحسد ٥٩/١٣
أللّهمّ صلّ على محمّد وآله واجعل سلامةَ قلوبنا ١٥/١٦
السَّلامَةِ: وبلّغهما بالكرامة مواطن السّلامةِ ٦٣/١٥
وشمول السّلامةِ ودوامها ٢٣٦/٤
أسألك ... من السّلامةِ أحوطها ١٩٩/٢١
وتمنحنى السّلامةَ في ديني ونفسي ٢٥٣/٥
وامنن علىّ بـ... السّلامةِ في دينى وبدني ٦١/٣
وسلّماً نعرج فيه إلى محلّ السّلامةِ ١٠٩/٩
أللّهمّ أعطني ... السّلامةَ في الدّين ١١٦/١١١
أيّما غاز ... إصحبه السّلامة ٦٧/١٧
وظفروا بحبل النّجاة وعروة السّلامةِ ٢٠٠/٢٦
جمّل علىّ بالسّتر والسّلامةِ والعافية ١٢٩/٧
... أذقني برد السّلامةِ ٤٦/٥
السّلامة فيما بقى ٨٠/١٦
سَلامَتُها: طريق الفرج بما فيه سلامتها ١٩٩/١٠٠
سَلامَتي: إجعل... سلامتى من هذه الشّدّة ٤٦/٦

إسلام: هلال ... وسلامةٍ وإسلامٍ ١١٠/٧
أللّهمّ إنّي أسألك ... إسلامَ المؤمنين ١٣٩/٦
الإسْلام: وشهر الإسلامِ ١١٥/٣
وطال به «محمّد» الإسلامُ ١٠/٢٢
وصفو الإسلامَ بأحسن صفاتهم ٢١٩/٤٢
واغفر لكلّ والد ولدنا في الإسلامِ ١٤٣/٣٦
وعلى الإسلامِ ثابتين ٢٠٦/١٨
أشهد أنّ ... الإسلامَ كما وصف ٢٥٢/٢٨ ـ ٢٥١/٣٦
أللّهمّ بذمّة الإسلامِ أتوسّل إليك ١١٦/٧٠
جعله عبداً لأهل الإسلام ١٤٣/٣٤
بذمّة الإسلامِ أتوسّل إليك ٢٤٤/٣ ـ ١٩٩/١٤٩ ـ ١٩٧/٣٦
... بحرمة الإسلام ... ٤٢/٣
سيّدى لو لم تهدني إلى الإسلام لضللت ١٩٩/٩٤
أللّهمّ وأيّما مسلم أهمّه أمر الإسلامِ ٦٧/٢٢
... وحياطة الإسلامِ ... ٢١/١٣
أللّهمّ وفّ بذلك محالّ أهل الإسلام ٦٧/٩
بالإسْلام: فأوجب لنا بالإسلام ١٩٩/١١٣
لِلإسْلام: باربّ إذ هديتني للإسلام ٢٤٨/٧
تَسْليماً: محمّدٍ النّبيّ وآله وسلّم تسليماً ١٣٤/٨
١٣٨/٢٠ ـ ١٣٧/١٠
وصلّى الله على رسوله ... سلّم تسليماً ١٢٤/٨
صلّوا عليه وسلّموا تسليماً (قرآن) ١٤٣/٢٢
محمّد النّبيّ وعلى آله وسلّم تسليماً ٢٥٧/٤٠
سلّم تسليماً عليهم أجمعين ١٥٩/٥
نبيّ الرّحمة محمّد صلّى الله عليه وآله وسلّم تسليماً ٤٢/٤
وصلّى الله على محمّد وآله وسلّم تسليماً ١١٧/٤٣
وسلّم تسليماً كثيراً ٢٠٧/٢٧ ـ ١٩٩/١٩٩
وصلّ الله على محمّد وآل محمّد وسلّم تسليماً ١٤١/٢٣
التَّسْليم: بما قضيت لنا والتّسليم لما حكمت ٩٢/١
ويدين لك بإعتقاد التّسليم ١٠٩/٥
أمرت بالصّلاة والتّسليم على نبيّك محمّد ١٤٣/٢٢
ومنّ عليّ با ... التّسليم لأمرك ٢٥١/٦٩
بطاعتهم وولايتهم والتّسليم لفرضهم ١١٩/١٩
واخصص محمّداً بأفضل الصّلاة التّسليم ١٤١/٣٢
والتّسليم عند الشّبهات ١٦٤/٨
لِلتَّسْليم: وانقاد للتسليم لك كلّ خلقك ١٤٧/٢٥
بِالتَّسْليم: واحفظ من قبل بالتّسليم ١٠/٢٦
سالِماً: سالماً من تمويه الأسرار والعلن ١٩٩/١٩٠
السّالِمَ: وإنّ السّالم من وقيت ٩٧/٤
السّالِمينَ: إجعلني من السّالمين في حصنك ٢٠٣/١
مُسْلِماً: توفّني مسلماً وألحقني بالصّالحين ١٩٩/٧٩
مسلماً فلا تخذلني ١٤١/١٣
أللّهمّ وأيّما مسلم أهمّهُ أمر الإسلام ٦٧/٢٢
أللّهمّ ... توفّني مسلماً ٧٧/١٢
أذى كلّ مؤمن ومؤمنه ومسلم ١٠١/١
أللّهمّ وأيّما مسلمٍ خلف غازياً ٦٧/٢٠
الْمُسْلِمينَ: اغز بكلّ ناحية من المسلمين ٦٧/١٠
المسلمين لأمرهم المجتهدين فى طاعتهم ١٤٧/٦٨
كرب كلّ مكروب من المسلمين ١٣٨/١٥
وحصّن ثغور المسلمين بعزّتك ٦٧/١
واغفرلي ولوالدىّ ولمن ولدني من المسلمين ١٤٩/٦٥
والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم ١٤٣/٥٠
والمسلمين والمسلمات فافسح لهم في قبورهم ١٤٣/٣٩
من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات ١٤٣/٣٦
عن تناول أطراف المسلمين ٦٧/١٢
واعط جميع المسلمين والمسلمات ٦٤/١٥
إذ لم تظهرها لعصابة من المسلمين ١٩٧/١٢
أللّهمّ إنّي أسألك ... هدى المسلمين ١٣٩/٦
أللّهمّ اذكرني وجميع المسلمين والمسلمات ١٣٩/١٠
إغفر لـ.. المسلمين والمسلمات ١٢٣/١١
وحكم في أبشار المسلمين أهل الذّمّة ٧٠/٦
وامنن به على فقرآء المسلمين ١٤٩/٧٠
... والمسلمين والمسلمات من بريّتك ... ٤٢/١٩
وبعد أن تأمن أطراف المسلمين ٦٧/١٩
مُسْلِمَةٍ: وامنعني عن أذى كلّ... ومسلم ومسلمةٍ ١٠١/١
الْمُسْلِماتِ: المسلمين والمسلمات ١٤٣/٥٠
والمسلمين والمسلمات فافسح لهم في قبورهم ١٤٣/٣٩
من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات ١٤٣/٣٦
واعط جميع المسلمين والمسلمات ٦٤/١٥
أللّهمّ اذكرني وجميع المسلمين والمسلمات ١٣٩/١٠
اغفر لـ.. المسلمين والمسلمات ١٢٣/١١
... والمسلمين والمسلمات من بريّتك ... ٤٢/١٩
مُسَلِّمٌ: فإنّي لك مسلّمٌ أعلم أنّ الحجّة لك ١٤٧/٩٨
أدينك ... مسلّماً مقرّاً بذلك ١١٩/١٩
مسلّماً لي من الزّيادة والنّقصان ١٩٩/١٧١
واجعلني مسلّماً لمن قال منهم بالصّدق عليك ١٢٣/١٧
مُسْتَسْلِمٌ: بل مستسلمٍ لأمرك ١٤٨/٢٧
الْمُسْتَسْلِمِ: وقوف المستسلم الذّليل ٣٤/٣
مُسْتَسْلِمينَ: وأجرنا مستسلمين ١١٧/٢٢
سَليمٍ: إلاّ من أتىالله بقلبٍ سليمٍ (قرآن) ١٣٥/٩ـ٢٠٧/٢٦

السَّليم: أتململ تململ السّليم ٢١٩/٢٧
سُلَّماً: ما أتّخذه سلّماً أعرج به إلى رضوانك ١٥٢/١٦
وسلّماً نعرج فيه إلى محلّ السّلامة ١٠٩/٩
أَسْلَمُ: واستعملني بما هو أسلم ٢٤/١٠

س.ل.و

أَنْ تُسَلِّيَ: وأن تسلّى نفسي ١٦٦/١٣

س.ل.ى.م.ا.ن

سُلَيْمانَ: وبحقّ سليمان ومملكته ١٨٠/٣

س.م.ت

سَمْتِ: إقتبسى من سمت هدى الخاشعين ١٩٧/٤٧
سَمْتَهُمْ: الّذى «التّابعين» قصدوا سمتهم ١٤/٦

س.م.ح

سَمَحَ: فيامن سمح لي به متفضّلاً في العاجل ١٩٩/١٠٧
سَمَحْتُ: واجعل ما سمحت به من العفو عنهم ١٠١/٣
إِسْمَحْ: واسمح لي بالمرغوب فيه من ١٩٩/٨٠
واسمح لي بعظيم إحسانك ١٩٩/٨٢
السَّمْحَةِ: يلقاك على الحنيفيّة السّمحة ٢٦٨/٣
أَسْمَحَها: وهب لي من فوآئدك أسمحها ١٩٩/٣٢

س.م.ر

سَمْرَةَ: أللّهمّ إن كان ضمرةبن سمرة ٧٣/١

س.م.ع

سَمِعَ: وسمع المجرمون بسعة رحمتك فطمعوا ١٩٩/٩٧
سمع المولّون عن القصد بجودك فرجعوا ١٩٩/٩٧
سمع العابدون بجزيل ثوابك فخشعوا ١٩٩/٩٧
سَمِعْتُ: وسمعت أذناي بقدرتك نظراً منك ١٤٨/٢٠
سَمِعَتْهُ: أنا المقرّ على نفسي بما... سمعته أذناى ١٤٨/٥
سَمِعْتُ: فقد رأيت وسمعت لوكنت أسمع ٢١٩/٥
يَسْمَعُونَ: آذانٌ يسمعون بها (قرآن) ١٥٩/٩ ـ ١٥٩/١٤
لايَسْمَعُونَ: لهم آذانٌ لايسمعون بها (قرآن) ١٥٩/٧
لايَسْمَعُوا: إلى الهدى لايسمعوا (قرآن) ١٥٩/١٠
تَسْمَعُ: وفضاعة ما تسمع وترىٰ ٢١٩/٢٠
ترانى وتعلم ما في نفسي وتسمع كلامي ٢٤٩/١٢
قد ترىٰ مكانى وتسمع كلامى ٢٣٣/٦
سبحانك تسمع أنفاس الحيتان في قعور البحار ٤/١٤
سبحانك تسمع وترى ما تحت الثّرى ٤/٨
لبّيك لبّيك تسمع من شكا إليك ١٦٣/١٣
أناجيك ياموجود في كلّ مكان لعلّك تسمع ندآئي ٩٠/١
فَلاٰ تَسْمَعُ: فلا تسمعُ إلاّ همساً (قرآن) ٢٣/٣ ـ ٢٢/٢٢
لِتَسْمَعَ: ولكن لتسمع سماواتك ومن فيها ٨١/٦
لكن لتسمع سمائك ومن فيها ٨٠/٢٢
أَنْ تَسْمَعَ: أو لعلّك لم تحبّ أن تسمع دعآئى ١١٦/٥٧
لايستوجب أن تسمع له دعوة لعظيم ٢٥٧/٢٨ ـ ٣٥/٥
وأن تسمع ندآئى وتستجيب دعآئي ١٤٩/٤٠
أَسْمَعُ: فقد رأيت وسمعت لوكنت أسمعُ ٢١٩/٥
قال لانخافا إنّنى معكما أسمع وأرى (قرآن) ٢٢/٧
لَمْ أَسْمَعْ: إلهى ليتني لم أسمع بذكر جهنّم ٢٠٦/٥
يُسْمَعُ: والّذى بصوت زجره يسمع زجل الرّعود ١٢/١١
لايُسْمَعُ: وأعوذبك من ... دعآء لايسمع ١١٦/١٢٧
إِسْمَعْ: إسمع لنا ما دعونا به ٥٠/١٥
فصلّ على محمّد وآله واسمع نجواى ١٤٦/١٥
واسمع وأجب ياعزيز ١٧٢/١٠
واسمع دعآئى ١١٦/٢٠
واسمع تضرّعى واقبل دعائى ١٩٩/١٣٤
فَاسْمَعْ: شكوت إليك الضّرّ فاسمع شكايتى ٢١٦/١
أَسْمَعَهُ: سبحانه من ... مجيب ما أسمعه ١٩٩/١٥
أَسْمَعَهُمْ: والّذين ... استجابوا له حيث أسمعهم ١٤/٣
فَأَسْمَعَ: فأسمع من أذنت له في الإستماع ١٠/٣
سَمْعٌ: لكلّ مسئلةٍ منك سمعٌ حاضر ١١١/١
سَمْعَهُ: شقّ سمعه وبصره ٢٥١/١٨
ونصمّ عن ذكرى سمعهُ «المريد بالسّوء علىّ» ٦١/٨
سجد وجهى لمن خلقه ... وشقّ سمعه ٢٥٢/١١
وختم على سمعِهِ وقلبه (قرآن) ٢٢/١٣
سَمْعِهِمْ: أولئك الّذين طبع الله على قلوبهم وسمعهم (قرآن) ٢٢/١٣ ـ ١٥٩/١١
سَمْعي: أللّهمّ اجعل... نوراً في سمعي ١٣٤/٣
ولك سمعي وبصري ١٥٣/١٥
أوعد «كتابك» سمعى ١٥٣/١٣
بِسَمْعٍ: إنّى أخذت بسمع من بطالبنى بالسّوء... ٢٢/٨
بسمع الله وبصره وقوّته ... ٢٢/٨
بِسَمْعي: وعصيتك بسمعي ولوشئت لأصممتني ١٤٩/٣٥
أَسْماعاً: تصمّ أسماعاً تلذّذت بسماع ذكرك ١٨٤/٥
أَسْماعِهِمْ: عافينك ... ردماً دون أسماعهم ٩٥/١
ولم تعه أسماعُهُمْ ١٤٢/١٤
بِأَسْماعٍ: وخذ عنّى بأسماعٍ أصدادى ١١٦/١١٤

بِسَماعِ: تصمّ أسماعاً تلذّذت بسماعِ ذكرك ١٨٤/٥
سُمْعَةِ: من رياء المرائين وسمعةِ المستمعين ١١٥/١٠
ولاتجعل شيئاً ممّا أتقرّب به إليك ... سمعةً ١١٦/١٠٩
واجعل ذلك لنا خالصاً من ... رياء وسمعةٍ ١١٩/٣٠
السُّمْعَةِ: وعن الرّياء والسّمعةِ منزّهين ٢٠٦/٢٠
وأعوذبك من الرّيآء والسّمعة ١٣٨/١٠
أيّما غاز خلّصه من السّمعةِ ٦٧/١٨
أللّهمّ إنّي أعوذبك من الرّياء والسُّمعةِ ١٥٣/٢٥
أعذنا من الفشل ... والسّمعة ٢٠٠/١٦
وابرأ قلبي من ... السّمعةِ في دينك ١١٦/١٢٣
الْإِسْتِماعِ: فأسمع من أذنت له في الإستماع ١٠/٣
إسْتِماعِهِ: بفهم التّصديق إلى استماعه ١٠٩/٣
إسْتِماعِكَ: غير محجوبة عن استماعك ٢٢٠/٥
ومناجاة العبد إيّاك غير محجوبة عن استماعك ٢٢١/٣
لِاسْتِماعِكَ: من غير استحقاق لاستماعك متّى ١١٦/١٤
سامِعاً: ولصوتي سامعاً ٣٩/١٠
ياموضع كلّ شكوىٰ وياسامعَ كلّ نجوىٰ ١٧٥/١
ياسامعَ السّرّ والنّجوىٰ ١٩٩/٦٥
ياسامع كلّ صوت ومحيي كلّ نفس ١٧٤/١
ياسامع الأصوات ١٣٧/٧
بل وجدتك لدعائي سامعاً ١٦٣/٥
السّامِعُ: فاعتبر أيّها السّامعُ بهلكات الأمم ٢١٩/٢٠
سامِعِينَ: واجعلنا لهم سامعين ومطيعين ٩٥/٤
واجعلنا له «وليّك» سامعين مطيعين ١٢٧/٦٧
واجعلهم أبراراً أتقياءَ بصراء سامعين ٦٤/٢
سامِعُونَ: سامعون مطيعون لك ١٤٨/١
السّامِعِينَ: ياأسمع السّامعين ٤٢/٢٩ ـ ١٨١/١
الْمُسْتَمِعِينَ: رياءالمرائين وسمعة المستمعين ١١٥/١٠
سَمِيعُ: إنّك سميعُ الدّعاء ١٢٦/٣ ـ ٣٥/١٦ ـ ٢٥/٣ ـ ١١٧/٦
أنت ... رازق بديع مجيب سميعٌ ٢٤١/٤
إنّك سميعُ الدّعاء وصلّى الله على محمّد وآله ٢٤٧/١١
إنّك قريبٌ مجيبٌ سميعٌ عليمٌ ٦٤/١٦
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... سميعٌ لايشكّ ١٣٠/٣
ياأله ياسميع ياأله ياقريب ١٣٤/١
ياسميعَ الدّعآء ١٩١/٥
لاانفصام لها والله سميعٌ عليم (قرآن) ١٨/٥
ياالله ياسميعُ يابصير ١٤١/٢
وأعطنا إنّك سميع الدّعاء ١١٧/٢٣
أقول فلا أجد سميعاً ٢١٩/٣٤
السَّمِيعُ: هو السّميع العليم ١٣١/٣ ـ ٤٨/٢ ـ ٢٢/٣٣
تقبّل منّا إنّك أنت السّميعُ العليم ١٤٣/١٨
ليس كمثله شيء وهوالسّميع البصير (قرآن) ١٢٣/١ـ١٥٩/٣
فسيكفيكهم الله وهو السّميعُ والعليم (قرآن) ٢٢/٦
لامبدّل لكلماته وهو السّميعُ العليم (قرآن) ١٩٩/٥٩
أنت ... السّميع البصير القديم الخبير ١٤٧/٦
ذوالعفو الرّفيع والدّعاء السّميع ١١٤/٥
إنّك أنت السّميعُ العليم ١١٦/١٢٨
... وهو السّميعُ البصير (قرآن) ٢/٨
مَسامِعي: فما عذرى وقد حشا مسامعي ١٩٧/٤٥
أَسْمَعَ: ياأسمع السّامعين ٤٢/٢٩ ـ ١٨١/١
فينالني منه بدعوة هي أسمعُ لديك من دعائى ٨٠/٢٣

س.م.ك

سَمَكْتَ: سمكت السّماء فرفعتها ٢٤٧/٧
السَّمْكِ: محلّ ضنك قصير السّمك ١٩٩/٤١

س.م.م

سُمُوماً: أللّهمّ لاتجعل ظلّه علينا سموماً ٥٣/٥
سُمُومِهِ: داف لي قواتل سمومه ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤
السّامَّةِ: وأعذني ... ومن شرّ السّامّة ٦١/٦
السَّمُومِ: ومن عذاب السّموم ١٤١/٧
ووصفته «العذاب»... عذاب السّموم ٢٥٧/١٦
عذاب السّموم وعذاب الحزى في الدّنيا والآخرة ١٢٩/٨
مَسْمُومَةَ: الموت كأساً مسمومة المذاق ١٠٩/١٨

س.م.و

سَمَوْا: سموا إلى العلوّ بنور الإخلاص ٢٠٠/٢٥
أَسْماهُمْ: وأسماهم أهل الجبروت عمّاراً ٢٠٠/٤٢
أَسْمَيْتَهُ: أسميته القرآن وأكنيته الفرقان العظيم ١٤٤/٧
حين أسميته وقرنت القرآن به ١٤٤/١٢
سَمّىٰ: سمّى نفسه من جوده الوهّاب ٢٥١/٢ ـ ٢٥٢/٢
سَمّاها: وسمّاها ليلة القدر ١١٥/٥
سَمّاكَ: سمّاك به أحدٌ من خلقك ١٣٦/٢
فَسَمّاهُمْ: فسمّاهم أهل الملكوت زوّاراً ٢٠٠/٤٢
سَمَّيْتَ: أنت الّذى سمّيتَ نفسك بالعفوّ ٤٩/٩
أسألك بكلّ اسمٍ سمّيت به نفسك ٢٢/٣٩
بكلّ اسم هو لك سمّيت به نفسك ١٢٢/٥ ـ ١٤١/٦
سَمَّيْتَهُ: حين اختصصته بما سمّيته من الأسماء ١٤٤/٨
فتحت لعبادك باباً إلى عفوك وسمّيته التّوبة ١٤٢/٦
باباً إلى عفوك سمّيته التّوبة ١٨٢/٩

فَسَمَّيْتَ: فسمّيت دعاءك عبادة ١٤٢/١٨
لايُسَمّىٰ: الّتى لايسمّى بها أحدٌ غيرك ١٢٢/٢
تَسامىٰ: حتّى تسامىٰ بهم السّموّ ٢٠٠/٣١
السُّمُوُّ: حتّى تسامى بهم السّموّ ٢٠٠/٣١
تَسْمِيَةٌ: كلّ ما وقع عليه وصف وتسمية ١٩٩/٥٦
سامِيَةً: نفساً ساميةً إلى نعيم الجنّة ٢٥١/٤٧
سَمِيّ: ولاصاحبة له ولاسميّ له ١٤٩/١٩
إسْم: وبكلّ اسم هو لك سمّيت به نفسك ١٤١/٦
وبذكروا اسمَ الله في أيّام معلومات (قرآن) ١٤٤/٢٣
ولاتغيّر لي اسماً ولاتبدّل لي جسماً ١٤٧/١٠٦
أللّهمّ إنّى أسألك وأقسم عليك بكلّ اسمٍ هولك ١٣٦/٢
أسألك بكلّ اسمٍ سمّيت به نفسك ٢٢/٣٩
أسألك بكلّ اسمٍ هو لك سمّيت به نفسك ١٢٢/٥
مع القسم الّذى هو اسمٌ من اختصصته لوحيك ١٤٤/١٧
الإسْم: إلهى فبحقّ الإسم الّذى اذا دعيت به ٢٠٢/٤
إسْمَهُ: فاكتب اسمه في العابدين ٦٧/٢٢
القرآن مردف به إلاّ وهو اسمُهُ ١٤٤/١٢
بسم الله الّذى لايضرّ مع اسمِهِ شيىء ٢٢/٣٣
إسْمُكَ: فقلت تبارك اسمك ١٤٢/١٠ ـ ١٤٢/٧
فقلت جلّ اسمُك كتب عليكم الصيام ١٤٤/٢٠
فقلت جلّ اسمُك ولله على النّاس ١٤٤/٢٢
فقلت جلّ اسمك ولقد آتيناك ١٤٤/٧
إسْمي: وأن تجعل اسمى في السّعدآء ١١٧/٣١
... ولاتبدّل اسمى ١١٤/١٣
أن تجعل اسمى مع السّعدآء ١٤١/٣
أن تجعل اسمي في هذا اليوم ١٢٩/٣
أن تجعل اسمى في هذا اليوم في السّعدآء ١٣٧/٣
أللّهمّ إنّى أعوذبك من أن تبدّل اسمي ٢٥٤/٤
بِسْمِ: بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحيم ٢٣٩/١ـ١٤١/٣ـ٨١/١ـ٢٢/١
بسم الله وبالله سددت أفواه الجنّ ٢٣/١
بسم الله آمنت بالله توكّلت على الله ٢٦٣/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم، أللّهمّ بذكرك ١٩٩/١
بسم الله كلمة المعتصمين ٢٥٣/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهي أسكنتنا ١٩٦/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهي من ذا ١٩٠/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم أللّهمّ ألهمنا ١٨٨/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم سبحانك ١٨٩/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهى إن كان ١٨٦/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم يامن إذا ١٨٥/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهى أتراك ١٨٤/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهى ألبستني ١٨٢/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم بسم الله وبالله ١٥٩/١
باسمك بسم الله الرّحمن الرّحيم ١١٧/٣٠
بسم الله وماشاء الله ١٧/١ ـ ١٧/٢
بسم الله الرّحمن الرّحيم طسم تلك (قرآن) ١٥٩/١٥
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهى أذهلني ١٨٧/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم، لقد رجوت ١٩٧/١
أسألك باسمك بسم الله الرّحمن الرّحيم ١٣٧/٣
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهى كسرى ... ١٩٢/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم ياأسمع السّامعين ١٨١/١
بسم الله استعنت ١٦١/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم، إلهى ليس لي... ١٩١/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم الحمدلله ٢٢٢/١ ـ ١٤٣/١
٢٢٤/١ ـ ٢٢٦/١ ـ ٢٢٠/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهى إليك ١٨٣/١
بسم الله آمنت بالله ٢٨/٤
بسم الله وبالله ومن الله وإلى الله ٢٩/١ ـ ٢٨/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهى قصرت ١٩٣/١
بسم الله خير الأسماء ٢٢/٣٣
بسم الله الرّحمن الرّحيم أللّهمّ إنّى ٢٢١/١
٢٢٥/١ ـ ٢٢٧/١٦ ـ ٢٢٣/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم ووقع القول ٢٣/٣
بسم الله الظّاهر الباطن ٢٣/٢
بسم‌الله الّذى خافته‌الصّدور وبسم الله الذى وجلت ٢٢/٢٥
بسم الله الّذى قال به ياناز ٢٢/٢٥
بسم الله الّذى ملأ الأركان كلّها ٢٢/٢٦
بسم الله الّذى ألان الحديد لداود ٢٢/٢٩
بسم الله الّذى فلق البحر لبنى إسرائيل ٢٢/٢٩
بسم الله الّذى الأرض جميعاً قبضته ٢٢/٣٠
بسم الله ربّ الأرض والسّماء ٢٢/٣٣
بسم الله الّذى لايضرّ مع اسمه شيءٌ ٢٢/٣٣
بسم الله تحصّنت ٢٢/٣٥
بسم الله على كلّ شيء أعطانى ربّى ٢٢/٣٣
بسم الله الّذى يمسك السّموات ٢٢/٢٨
بسم الله الّذى خضعت له الرّقاب ٢٢/٢٥
بسم الله على نفسى ومالى وأهلى ٢٢/٣٢
بسم الله الرّحمن الرّحيم أللّهمّ إنّى أسئلك يامن... ١٧٦/١
بسم الله الّذى لاأرجو الا فضله ٢٣٦/١
بسم الله الرّحمن الرّحيم إلهى الأمان الأمان ٢٠٧/١
بسم الله بسم الله بسم الله ٤٨/١

بِسْمِ: أعيذ ... ببسم الله الرّحمن الرّحيم ٢٢/٢٤
وأسألك ببسم الله الرّحمن الرّحيم ١٢٩/٣
وببسم الله استجرت ١٦١/١
ببسم الله الرّحمن الرّحيم ٩٤/٢
بِاسْمِكَ: وأسألك باسمك المكتوب في ٢٦٧/١
وأسألك باسمك المكتوب في سرادق السرائر ٢٦٧/٣
وأسألك باسمك المكتوب في سرادق الجلال ٢٦٧/٢
أللّهمّ إنّي أسألك باسمك الله الله الله الله ٢٧٠/٣
وأسألك باسمك المكتوب في سرادق العزّة ٢٦٧/٢
وأسألك باسمك المكتوب في سرادق القدرة ٢٦٧/٢
أسألك باسمك الّذي تمضي به المقادير ٢٣٧/٦
وباسمك العظيم الّذي أمرت ١٦٦/١٢
أسألك باسمك بسم الله الرّحمن ١٣٧/٣ ـ ١١٧/٣٠
أسألك باسمك الوافي ١٤١/٣
أسألك باسمك العظيم ١٦٤/٢٢
وأسألك باسمك الأعظم الّذي حقّ عليك ١٣٦/٣
أسألك باسمك المكتوب في سرادق المجد ٢٦٧/١
وأسألك باسمك المكتوب في سرادق العظمة ٢٦٧/١
وباسمك الّذي تعلم به كيل البحار ٢٣٥/٢
وبإسمك الّذي تفرّق به بين الحقّ والباطل ٢٣٥/٢
وباسمك الّذي به تجمع المتفرّق ٢٣٥/١
أللّهمّ إنّي أسئلك باسمك الّذي به تقوم ٢٣٥/١
بِاسْمي: وتوّهت باسمي كبيراً ١١٦/١٦
بِالْإِسْمِ: وبالإسم المكنون المنفرج بين ١٦١/٤
وبالإسم الغامض المكنون الّذي تكوّن منه ١٦١/٤
وبالإسم الّذي قام به العرش والكرسيّ ٢٦٧/٦
وبالإسم الأعظم الأعظم الأعظم ٢٦٧/٤
وبالإسم الّذي أشرقت به الشّمس ٢٦٧/٥
وبالإسم الأكبر الأكبر الأكبر ٢٦٧/٣
الْأَسْمآءُ: لك الأسماءُ الحسنىٰ ١٣٠/٢ ـ ١٤١/٢
١٣٥/٢ ـ ١٣٣/٢ ـ ١٢٩/٢ ـ ١١٧/٣٠ ـ ١٣٩/١
بسم الله خير الأسماءِ ٢٢/٣٣
حين اختصصته بما سمّيته من الأسماءِ ١٤٤/٨
أيّا ما تدعوا فله الأسماءُ الحسنىٰ (قرآن) ٢٢/١١ ـ ٤٧/١
يامن له الأسمآءُ الحسنىٰ ١٦٣/٨ ـ ١٣٢/٤
فلستجب لي ... ياحسن الأسماءِ ١٢٤/٢
يالله يالله لك الأسماءُ الحسنىٰ ١٣٧/٢
وأنت يالله ثلاثاً لك الأسماءُ الحسنىٰ ١٣٨/٢
أسألك بهذه الأسماءِ المباركات ١٣٧/٨
أنت ... ذو الأسماءِ العظام ٢٧٠/١
أَسْماؤُهُ: الحمدلله... الّذي... تقدّست أسماؤه ١/٩
أَسْماؤُهُمْ: الشّرك الّذين تخفى أسماؤُهم ٦٧/١١
أَسْماؤُكَ: وتقدّست أسماؤك عن المنسوبين ١٠١/١٢
وتقدّست أسماؤك ١٩٩/١٩٦ ـ ١١٦/٤٢
وأسمائِك الّتي تعزب قلوب الخلائق ١٦/٤
وقلت جلّت أسماؤُك ولنبلونّكم ١٤٤/٢٦
فأسألك اللّهمّ بالمخزون من أسمائِك ١٦٢/٦
غير أنّي أسألك بالمخزون من أسمآئك ٢٠٥/١٦
قلت تقدّست أسمائُك صَ ١٤٤/١٠
أَسْمآؤُنا: أسمآءنا عند كلّ درجة نرقى به ١٠/٣١
بِأَسْماءِ: فنوّهت بأسماء الملوك ٢١٩/٢٧
بِأَسْمائِكَ: أسألك بأسمائك ما علمت منها ١٤١/٥
وبأسمائك الحسنىٰ وبنعمك الّتي لانحصى ١٤١/٦
ذو اعتصام بأسمائك العظام ١١٤/٢٠
أسألك بأسمائك الّتي إذا دعيت بها ٥٨/١ ـ ٥٨/٢
وأسألك بأسمائك الّتي ... انتشرت ٥٨/٢
وبأسمائك المكرّمات المقدّسات ٢٦٧/٦
أسألك بأسمائك الكبيرة ١٢٢/٢
أسألك وأتوسّل بأسمائك كلّها ١٢٢/٧
سَمآءٍ: ولابخرق من الأرض ولاسماءٍ ١٢٨/١١
ولاسماءٌ ذات أبراج ١٢٨/١١
لاأدرى في سهل ... أو في سماءٍ ٧٧/١٣
في كنين أرض ولاسماءٍ ولاتخوم ٢٤٧/٣
السَّماءُ: تظلّني الأرض أم كيف تظلّني السّماءُ ١٩٨/٦٥
سمكت السّماءَ فرفعتها ٢٤٧/٧
إلى آفاقِ السّماءِ استحياءً منك ٤٩/١٧
فوربّ السماءِ والأرض إنّه لحقّ (قرآن) ٧٧/٧ ـ ٧٦/٥
وفي السّماءِ رزقكم وما توعدون (قرآن) ٧٧/٧ ـ ٧٦/٤
أنا الّذي عصيت جبّار السّماءِ ١١٦/٦٤
يامن جعل في السّماءِ بروجاً ١٣٢/٣
ولافي السّمآءِ عاذراً ١١٩/١٢
إن نشأ ننزّل عليهم من السّماءِ (قرآن) ١٥٩/١٥
لاتخفىٰ عليه خافية في الأرض ولافي السّماء (قرآن) ٢/٧
آه واحزناه تشهد عليّ ملائكة السّمآءِ ١٩٨/٤٣
أعوذبك من شرّ ما ينزل من السّماء ١٥٣/٢٨
ما بين ثرى الأرض إلى أعنان السّمآءِ ١٩٩/١٤٠
وصيّرت هممهم في ملكوت السّماءِ ١٩٩/١٨٦
أن تنزّل علينا من السّمآءِ رحمتك ١٣٩/٢
ومانع السّمآءِ أن تقع على الأرض إلاّ بإذنه ١٣٨/١
وخازن النّور في السّماء ١٣٨/١

والظّلم والأنوار والأرض والسّماءِ ١٣٢/١
لايخفى عليه شيء في الأرض ولا في السّماءِ ١٦٦/١
ولا في السّماءِ إلاّ أتيت بها ١٦٢/٤
إذا دعيت بها على مغالق أبواب السّماءِ ٥٨/١
تملأ الأرض والسّماءَ ٨٨/٢٣
وتردّيت بالكبرياءِ في الأرض وفي السّماءِ ١٤٩/٢
ياربّ النّجوم المسخّرات في جوّ السّمآءِ ١٣٧/٦
حتّى لاذت أبصار القلوب نحو السّماء ٢٠٠/٣٢
بسم الله ربّ الأرض والسّماءِ ٢٢/٣٣
مع اسمه شيء في الأرض ولا في السّماءِ ٢٢/٣٣
إلهي لو طبّقت ذنوبي الأرض والسّماءَ ١٩٧/٣٧
إن كنت ممقوتاً في أهل السّماءِ ١٩٨/٢٣
ولو كان لي مصعد في السّماءِ ١٤٨/١٤
باسمك الّذي به تقوم السّماءُ والأرض ٢٣٥/١
يوم ... السّمآءُ منفطرٌ به ٢٠٧/١٨
سَمائَهُ: حمداً يملأ أرضه وسمائهُ ٩٧/٥
سَماؤُها: ... سماؤها وأرضها وما بثثت في كلّ ٢١/٦
وتهطل سمآؤها عليه «محمّد» ١٠/١٩
سَماؤُكَ: لكن تسمع سماؤك ومن فيها ٨٠/٢٢
بما تتوب على ... سكّان سمائك ١٦/٨
فاجعل نفسي... محبوبة في أرضك وسمآئك ٢٥٥/٣
سمائك وأرضك ومن اسكنتهما ٢١/١٥
أبواب سمائك لمن دعاك مفتّحات ٨٢/٢
إلهي غارت نجوم سمائك ٨٢/١
لِسَمائِهِمْ: ولاتأذن لسمائهم في قطر ٦٧/٨
لِلسَّمآءِ: أن تقول... للسّماء أمطريه ١٩٩/١٥٩
السَّماواتِ: أللّهمّ لك الحمد بديع السّماوات والأرض ١٤٧/١
المحيط بملكوت السّماوات والأرض ٢٦٧/٤
فسبّحت له السّماواتُ وأكنافها ١٩٩/٥٦
حين فطر السّماواتِ والأرض ٢٣٨/١
سبحانك تعلم وزن السّماواتِ ٤/١٥
له ما في السّمٰواتِ وما في الأرض (قرآن) ١٨/١ ـ ١٥٩/٦
يامانع السّماواتِ أن تقع على الأرض إلاّ بإذنه ١٣٥/٢
ولم تخل منه السّماواتُ والأرض ١٣١/٢
وفي خلق السّماواتِ والأرض متفكّرين ٢٠٦/١٩
تسبّح لك السّماواتُ بأقطارها ٢٣٤/٧
الّذي أقام به السّماواتِ والأرض ٢٣/٢
ضمّن السّماوات والأرض رزقي ٧٧/٣
ياجبّار الأرضين والسّماواتِ ١٤٣/٥٠
في جميع اللّيالي والأيّام من السّماواتِ والأرض ٢٢/٣٢
وسع كرسيّه السّماوات والأرض (قرآن) ١٥٩/٦ ـ ١٨/٣
يابديع السّماواتِ والأرض ياأللّه ١٣٢/٢
ياأللّه ياإله الأرضين والسّمٰواتِ ١١٩/١٤
من شرّ ما خلقت في السّموات والأرض ١٥٣/٣٢
سبحان الله ربّ السّماواتِ السّبع ١٧٨/١ ـ ١٤٩/٧٢
وارزقنا من بركات السّماواتِ والأرض ٥٣/٦
بنى السّماواتِ فأتقنهنّ وما فيهنّ بعظمته ١٤٩/٢١
من أهل السّماوات والأرضين ٨٣/١٩
له المثل الأعلى في السّمواتِ والأرض (قرآن) ١٩٩/١٥
ياجبّار السّماوات والأرضين ٢٣٩/١٠
يامن له السّماواتُ والأرض ١٣٥/٨
ياربّ السّحاب ... بين الأرضيين والسّماواتِ ١٣٧/٦
ياربّ السّماوات المبنيّات ... ١٣٧/٥
يانور السّماوات والأرض ١٣٤/٤
أللّهمّ ربّ السّماواتِ السّبع ١٥٧/١ ـ ٢٦٩/٢
أنت المنّان بديع السّماواتِ والأرض ٤٣/١ ـ ٢٧٠/١
يمسك السّمواتِ والأرض (قرآن) ٢٢/٢٨
السّمواتُ مطويّات بيمينه (قرآن) ٢/٧ ـ ٢٢/٣٠
سبحانك ... فاطر السّماواتِ ١٤٧/٣٠
وبكيت من خشيتك مثل بحور السّماوات ٢٣٠/٢
الحمدلله الّذي خلق السّماواتِ والأرض (قرآن) ١٤٣/١١
سَماواتِكَ: إلهي غارت نجوم سماواتك ٩١/١
أحطت خبراً بأهل سماواتك وأرضك ١٢٨/١٢
وأسكنتهم بطون أطباق سماواتك ١٢/١٠
وجبريل ... المطاع في أهل سماواتك ١٢/٤
على الملآئكة الّذي من دونهم من سكّان سماواتك ١٢/٦
هممهم في ملكوت سماواتك حجباً حجباً ٢٠٠/٣٦
أشهد جميع ملآئكتك وسكّان سماواتك ٢٤٦/٢
أشرفت من عرشك على ... سكّان سماواتِك ٢٠٢/١
ولكن لتسمع سماواتُك ومن فيها ٨١/٦
زنة عرشك ومادونه وملأ سماواتِك وما فوقهنّ ١٤٧/٦٠
وملآئكتك وسكّان سماواتِك وأرضك ١١/٥
سَماوِيّاً: وهب لي ... قلباً سماوِيّاً ١٩٩/٣٢

س.ن.ب.ل

سُنْبُلَةٍ: في كلّ سنبلة مائة حبّة (قرآن) ١٤٢/١١
سَنابِلَ: كمثل حبّة أنبتت سبع سنابل (قرآن) ١٤٢/١١

س.ن.خ

سِنْخٍ: الّذي أنشأت الأشياء من غير سنخ ١٤٧/١١

س.ن.د

أَسْنَدْتُ: عبدك ورسولك أسندت ظهرى ٢٥٤/١

سَنَدي: إلهى وغياثى وسندى وخالقى ١٥٣/١٥

س.ن.د.س

سُنْدُس: وسندس واستبرق وسلسبيل ٢٥٧/١٢

السُّنْدُس: ومن ثياب السّندس ٢٠٦/٢٢

س.ن.م

سَنامَهُ: تجتثّ يد الحقّ سنامه «الباطل» ٧٠/٨

مُسَنَّمَةٌ: مسنّمةٌ تسفى عليها الأعاصر ٢١٤/١٦

س.ن.ن

سَنَّهُ: على ما سنّه عبدك ورسولك ١١٥/١٢

إسْتَنُّوا: الظّلمة ... استنّوا بغير سنّتك ١١٩/٢

الْإسْتِنانِ: أللّهمّ فأعنّا على الإستنان بسنّته فيه ١١٣/٨

مُسْتَنَّةً: فاجعل نفسي... مستنّة بسنن أوليائك ٢٥٥/٣

سُنَّةِ: وتوفّنا على ملّتك وسنّة نبيّك ١١٦/٤٦

ولاتثني عليّ بإحبآئها سنّةٌ ٨٨/٩

أللّهمّ إنّى تطهّرت ابتغاء سنّةِ المرسلين ٢٦٨/٢

السُّنَّةِ: تحلّوا بأحسن السّنّة ٢١٩/٤٢

سُنَّتِهِ: وتوفّنى ... على دين محمّد وسنّته ١٢٣/١٤

وأحينا على سنّته «نبيّنا» ١٠٩/٢٥

وهديتنا له من سنّته ١٤٢/٤٨

فما هكذا كانت سنّتُهُ في التّوبة لمن كان قبلنا ١/٢٥

لايضلّ من أمّ قصد سنّتِهِ ١٠٩/٤

سُنَّتِكَ: الظّلمة ... استنّوا بغير سنّتك ١١٩/٢

من أتباع سنّتك ... فلقّه اليسر ٦٧/١٦

وذلك أنّ سنّتك الإفضال ٩٨/٤ ـ ٨/٨

لاتشغلني بالإهتمام عن ... استعمال سنّتك ٢٤/٦

أبان عن واضح سنّتك ١٤٤/١٨

ورغبت عن سنّتك لفساد ديني ٢٥٧/١٠

وسنّتُكَ الإبقاء على المعتدين ١٤٦/٧

أللّهمّ تولّنى في جيراني بإقامة سنّتِك ٦٦/١

ووفّقهم لإقامة سنّتك ٦٥/٢

لِسُنَّةِ: واجعلني ... تابعاً لسنّة نبيّك ٢٦٨/٣

ولسنّة نبيّك صلواتك عليه وعلى آله متّبعين ٢٠٦/١٩

بِسُنَّتِهِ: أللّهمّ فأعنّا على الإستنان بسنّته فيه ١١٣/٨

بِسُنَّتِكَ: أسألك ... التّمسّك بسنّتك ٢٠٠/١٩

سُنَنَ: وأفم به «وليّك» ... سنن رسولك ١٤٧/٦٥

واتّبعت سنن نبيّه «الله» ٢٥٥/٢

وغيّرت سنن نبيّك ٢٢٣/٤

السُّنَنِ: ... واتّباع السّنن ... ٢١/١٣

أيّما غاز ... علّمه السّير والسّنَنَ ٦٧/١٨

بِسُنَنِ: فاجعل نفسي ... مستنّة بسنن أوليائك ٢٥٥/٣

سِنّي: سيّدى ... كبر سنّى ١٩٩/٨١

سَنانٍ: بحدّ سنانٍ نال قلبي فتوقها ٢١٩/٣

س.ن.و

سَنَةٍ: وما أنت منزّله في كلّ سنةٍ ١١٦/١١٢

كان مقداره خمسين ألف سنةٍ (قرآن) ٢٠٧/١٣

السَّنَةَ: وآثرته على كلّ أوقات السّنة ١٤٢/٢٤

سَنَتي: واجعل سنتى هذه مقرونة ١١٨/٩

سِنِيهِ: يدأب في صيامه وقيامه مدى سنيه ١١٤/٢٠

س.ن.ى

أَسْنىٰ: سبحانك ... أسنى في الأماكن مكانك ١٤٧/٢١

فَأَسْنَيْتَ: سيّدى أعطيتني فأسنيت حظّى ١٩٩/١٧٦

سَنِيَّ: أتيتك... ملتمساً سنيّ الخيرات ١٨٦/٧

غير مستبطئ منك فيه سنّى الكرم ١٩٩/١٨٢

السَّنِيَّةُ: أين صنائعك السّنيّةُ ١١٦/٢٧

أَسْناها: أسألك ... من القسم أسناها ١٩٩/٢٣

س.و.ء

سآءَ: عظم ياسيّدى أملى وساء عملي ١١٦/٢١

من مصيبة عظمت رزيّتها وساء ثوابها ٢٠٠/٧

ساءَتْ: إنّها ساءت مستقرّاً ومقاماً (قرآن) ٨٣/١٥

تَسُوءُني: من موقفٍ... تسوءني فيه الذّنوب ١٣٥/١٢

أَسْوَءَ: ربّ ما أسوء فعلي ١٦٤/١١

أَسآءَ: إرحم من أسآء واقترف ١١٢/١٠

لاالّذى أسآءَ واجترأ عليك ١١٦/١

وإن أسآء فاعف عنّي ٨٨/٤

وعفا عمّن ظلم وأساءَ ٢٤٧/٤

أَساؤُا: ليجزى الّذين أساؤا بما عملوا (قرآن) ١/٨ـ٢١/٤

أَسَأْتُ: أللّهمّ قد أسأت وظلمت ١٤٨/١٣

ربّ أسأت وظلمت نفسي ٨٦/١

أللّهمّ فكما أسأت فأحسنت إلىّ ٢٧/٢

أللّهمّ كما أسأتُ وأحسنت إلىّ ١٠٢/١

أللّهمّ كما أسأتُ فأحسنت إلىّ ٢٧/٦

أَسَأْنا: وإن أسأنا فارقنا بذمّ ٢١/٨

أُسِيءُ: أنا الّذى لم أزل أُسِيءُ وتغفرلي ١٤٩/٣٢
لأنّك تحسن فيما بيني وبينك وأُسِيءُ ٤٠/٣
السَّوْءِ: فلا تمطرنا بهما مطر السّوء ٩٧/١
سَوْأَتا: فيا سوأتا ممّا أحصاه عليّ كتابك ١٦٢/٣
سَوْءَتاهُ: فوا سوءتاه إذا خلقتني لعبادتك ٣٦/١
فوا سوءتاه غداً من الوقوف بين يديك ٩١/٣
فيا سوءتاه وياسوء صنيعاه ٢٠٠/١٠
سَوْءاتِها: لم تبد سوءاتها لمن يلتمس معايبي ٤٩/١١
بِالْمَساوي: وتستّر بالمساوى فلم تدلل ٩٥/١
الْإِساءَةِ: نفسي من الذّنوب والإساءة ١٤٨/٣
بعد الإساءة منّا والعصيان ٢١٤/٧٣
ودعتني الإساءةُ إلى الإناخة ١٩٥/٣
وكثرت منّى الإساءةِ ١٣٥/٦
وأجرني ممّا يخافه أهل الإساءةِ ٣٤/١٢
إِساءَتُهُ: مسألة من ... أغرقته إساءته ١٣٢/٩
إِساءَتي: فقد خفت ... ا... قديم إسائتى ٢٥٧/١٨
وعظيم جرمي وقديم إساءتي ٢٠١/٤٧
أن تجعل ... إساءتى مغفورة ١١٧/٣١ ـ ١٣٧/٣
لم تمنعك إساءتى عن إتمام إحسانك ١٥٢/١٣
وبإحسانك على إساءتي ١٦٧/٣
ولايقبّحه «ملكك» إساءتي ١٦٩/١
وإساءتي مغفورة عندك ١٤١/٣
واغفرلي ذنوبي وعيوبي وإساءتى ١١٧/٢٧
بِإِساءَتي: سيّدى أنا المعترف بإساءتي ١٩٩/٨٢
سيّدى أنا ... المتهوّر بإساءتي ١٩٩/٨٢
لِإِساءَتي: وأنا أحقّ بالخوف الدّآئم لإسائتى ١٤٨/٢
بِالْإِساءَةِ: أللّهمّ فلك الحمد إقراراً بالإساءة ١٤٢/٤٩
دعوتك مقرّاً على نفسي بالإساءة ٢٣٩/٣
كافأناك على الإحسان بالإساءة ٢٠٠/٥
مُسيئاً: وإن أنجيتني فعبدٌ وجدته مسيئاً فأنجيته ٢٠١/٣٩
فأكون عندك مسيئاً، أو متعرّضاً ١٢٣/١٨
ومن مسيءٍ اعتذر إليّ فلم أعذره ١٠٠/١
مسيءٌ مرتهن بجريرته ١٩٩/١٣١
أن لايضيع بين ذين وذين مسيئ أو محسن ١٩٧/٢٢
الْمُسيئُ: إليك مفرُّ المسيئ ١٥٢/٣
أنا المسيئ المعترف الخاطئ العاثر ١٤٧/٨٢
إليك يفرُّ المسيئُ ١٥٣/٣
مُسيئَهُمْ: أجزي بالإحسان مسيئهم «جيراني» ٦٥/٣
الْمُسيئينَ: فكم قد لحفت رحمتك بالمسيئين ١٠١/٧
عادتك الإحسان إلى المسيئين ١٤٦/٧
فيامن لم يعاجل المسيئين ١٤٧/٨١
ولا ممّن... يبغض المسيئين وهو أحدهم ١٣٣/٤
الْمُسيئُونَ: فإلى من يستغيث المسيئون ١٤٣/٤٢
قرب المحسنون وبعد المسيئون ١٨٤/٩
فبمن يستغيث المسيئون ١١٦/١١٨
ياخير من إعتذر إليه المسيئون ١٩٧/١٤
فاقبل عذرى ياخير من إعتذر إليه المسيئون ١٩٩/١٢٧
كيف يصنع المسيئون ١٩٩/١١٠
أنت المحسن ونحن المسيئون ١١٦/٣٠
سَيِّئَ: سيّئ عملي برأفة غفرانك ١٩٧/٢١
سئوال... المتنصّل عن سيّئ ذنوبه ٢٤٥/١
فما كان من عمل سيّءٍ أتيته ٢٥٧/٤
بِسيِّئِ: سطوتك الّتى استحقّها بسيّئ فعله ١٦/٧
سَيِّئَةٍ: وسيّئة اكتسبناها ٩٥/٢
والعفو عن كلّ سيّئة يأتى بها منّى ١٢٥/٢
ما استوجبت بذلك محو سيّئةٍ واحدةٍ ٤٩/١٧
ما استوجبنا بذلك محو سيّئةٍ من سيّئاتنا ٢١٣/٢
لاتبقى لنا سيّئةٌ نستوجب بها عقابك ٣٠/٦
السَّيِّئَةَ: وأن أشكر الحسنة وأغضى عن السيّئة ٥٥/١٤
يظهر السّيّئةَ من أخيه ويكتمها من نفسه ١٣٣/٤
ويتجاوز عن السّيّئةِ حتّى يعفّيها ١٤٦/٣
ربّ وأعوذبك من... السّيّئة والفواحش والذّنوب ١٥٣/٢٧
سَيِّئَتي: وتعفو عن سيّئتي وتعيننى ١٢٧/٩
لِسَيِّئَةٍ: وأنا أفقرهم إليك... لسيّئة تتجاوز عنها ٢٥٧/٩
لالسيّئةٍ أتيتها ولالفاحشة ٣٦/٩
بِالسَّيِّئَةِ: ومن جاء بالسّيّئة (قرآن) ١٤٢/١٠
السَّيِّئاتِ: «تعفو عن السّيّئات» (قرآن) ٨٠/١٢
وأخلصتنا فيه «شهر رمضان» من السّيّئات ١١٥/٢٠
تطهيراً لما انغمست فيه من السّيّئات ٤٦/٣
وسلامة من السّيّئاتِ ١١٠/٥
وألقتني السّيّئاتُ بين عفوك ومغفرتك ١٩٩/٣١ ـ ١٩٧/٢٢
وأشعر قلبي الإزدجار عن قبائح السّيّئات ١٤٧/٩٣
يامبدّل السّيّئات بأضعافها من الحسنات ٩/٥ ـ ٦٣/٨
عزمى على ترك ما يعرض لي من السّيّئات ١٠٠/٤
حتّى ينصرف عنّا كتّاب السّيّئات بصحيفة... ٣٣/٣
آمن من السّيّئاتِ فرقاً وخوفاً ٥٩/٩
وقرأوا صحيفة السّيّئات ٢٠٠/٢٧
وهب كثير السّيّئات بقليل الحسنات ١٩٩/١٠٩
إنّهم «الظّلمة» ... عملوا السّيّئات ١١٩/١٣
وأخلنا فيه من السّيّئاتِ ٢١/٩

سَيِّئاتُهُ: أللّهمّ ارحم من اكتنفته سيّئاتُهُ ١٩٩/٤٣
بل لقلّة حسناته بين سيّئاتِهِ ١٠١/١٠
سَيِّئاتُهُمْ: المكفّر عنهم سيّئاتهم ١١٧/٤٢
لك الحمد عدد حسنات خلقك وسيّئاتِهِم ١٦/٥
سَيِّئاتِكُمْ: أن يكفّر عنكم سيّئاتكم (قرآن) ١٤٢/٧
سَيِّئاتي: فكيف لاتهب لي سيّئاتي مع غناك عنها ٢٠٨/١
وعدّدت سيّئاتي فأصبتها تسترق حسناتي ٢٥٧/١٤
محو سيّئةٍ واحدةٍ من سيّئاتي ٤٩/١٧
ما تزيّن ملكك حسناتي ولانقبّحه سيّئاتي ٢٥٧/٣
واغفرلي وتجاوز عن سيّئاتي ٢٥١/٥٦
أو تضاعف به من سيّئاتي يوم ألقاك ياربّ ٥٩/٨
من جارك كنت أكاتمه سيّئاتي ٨٨/١٢
ولاتشينه سيّئاتي ٢١٠/١
أقلع عن سيّئاتي المخلقة ٤٩/١٤
وارزقني ... محو سيّئاتي ١٤١/١٠
بواطن سيّئاتي وظواهرها ٨٠/١١
أعف عن سيّئاتي كما ضمنت ٨٠/١٢
عد على سيّئاتي بعفوك ٨٠/٢٠
سَيِّئاتِنا: ... خالية من ذكر سيّئاتنا ... ٣٣/٣
وأخرجنا بخروجه من سيّئاتنا ١٤٢/٥٥
ما استوجبنا بذلك محو سيّئةٍ من سيّئاتنا ٢١٣/٢
بِسَيِّئاتي: فراراً منهم إليك بسيّئاتي ١٤٨/٣١ ـ ٢٧/٨
سَيِّئاتِ: واكفني شرّ ... سيّئات عملي ١١٦/١١٥
وسيّئاتٍ تتجاوز عنها ١١٦/١١٢
بِالسَّيِّئاتِ: وبالسّيّئات عفواً وغفراناً ١١٦/٤٧
أَسْوَءُ: فمن أسوء حالاً منّي إن لم تتداركني ١٩٩/٧٠
فمن يكون أسوءَ حالاً منّي ١١٦/٧٧
بِأَسْوَءِ: ولاتؤاخذني بأسوء عملي ١١٦/٢١
أقضى إليك بأسوء عملي ٢٧/٨
الْأَسْوَءَ: واصرف عنّي ياسيّدي الأسواءَ ١١٦/١١٣
سُوءٍ: أو سوءٍ أسلفناه ١٤٢/٥٩
إذا توفيتني راحة لي من كلّ سوءٍ ١٤١/٢١
أستوهبك سوءَ فعلي ٨٠/١٧
أعذني من سوءِ الرّغبةِ ٤٤/١٢
ولاأصرف عنها سوءاً أشهد بذلك على نفسي ١٢٦/١
ولاتردّني في سوءٍ استنقذتني منه ١١٦/١٢٢
فأعذني من... شرّ من يريد بي سوءاً ١٥٣/١١
فيا سوءتاه وياسوءَ ضيعاه ٢٠٠/١٠
أعذنا من الفشل ... وسوءِ الخلق ٢٠٠/١٦
السّلام عليك كم من سوءٍ صرف بك عنّا ١٤٢/٤٤
عن أن جريت إلى سوءٍ ما عهدت منّي ٤٩/١١
ربّ إنّي عملت سوءاً ١١٧/٤٠
أو سوءٍ أسلفناه أو خاطر شرّ أضمرناه ١٤٢/٥٩
موارد سوءٍ ما لهنّ مصادر ٢١٤/١١٤ ـ ٢١٤/٣٨
أعوذبك من ... سوءِ الولاية ٢٦/٣
نعوذ بك من سوءِ السّريرة ٢٦/٥
متوسّم على سوءِ أحكام الدّنيا ٢١٩/١٦
وادفع عنّي كلّ سوءٍ ومكر بحولك وقوّتك ٢٨/٣
مع سوءِ فعلي وزلّاتي ومجترمي ٢١٠/٢
أللّهمّ سلّم لي قلبي من ... سوءِ الأخلاق ١٣٥/١٠
على غضاضة سوءِ الاعتداد من ملكاتها ٢١٩/٧
أشتكي ... الدّنيا وسوءِ أحكامها عليّ ٢١٩/٥
خوف المشفقين من سوء الحساب ١٩٩/٣٥
اعصمنا من سوءِ مفارقته بارتكاب جريرة ٢١/٩
واكفنا ... سوءَ مصآئد الشّيطان ٨/٢٥
ولهم اللّعنة ولهم سوءُ الدّار (قرآن) ١٩٩/٤٩
وما عملت من سوءٍ فقد حذّرتنيه ١٧٠/٣
وارحمني من ... سوءِ الحرمان ٢٥٢/٣٧
ووالهفا من سوءِ عملي واجتراحي ١٨٢/٣
الفزع الأكبر من ... سوءِ المصير ٢٥٦/٥
لم يصرف عنّي سوءاً قطّ أحدٌ غيرك ٢٤٩/٢١
شدّة مسكنتي وسوءَ موقفي ٤٩/١٩
نعوذ بك من ... سوءِ المآب ٢٦/٨
لايستطاع من ... سوءِ حوادث النّهار ٢٢/١٩
لايستطاع من غضبك وسوءِ عقابك ٢٢/١٩
لاسوءاً إلاّ صرفته ١٤٣/٤٧
ظالم في وخيم عقباه وسوءِ مثواه ٢٢٣/٣
ومن سوءِ المرجع في القبر ٢٢٥/٢
عمّا ألتذّ بنواظر فكرها من سوءِ الغفلة ٢١٩/٢٩
رميت من يريد بي سوءاً أو مكروهاً ٢٢/٣٥
فأعذني من سوءِ مواقف الخآئبين ١٩٩/١٦١
قد ملك الشّيطان عناني في سوء الظّنّ ٨٨/١٧
فأنا أشكو سوءَ مجاورته لي ٨٨/١٧
واعظا لنا وزاجرا عن سوءِ الخلق اقتراف الخطيئة ٩٥/٣
عملت سوءاً ولم تضرّك ذنوبي ١٤٨/١٣
وإذا أردت بقومٍ فتنةً أو سوءاً فنجّني ١٤٧/١٠٢
أعذني من سوءِ الرّغبة ٤٤/١٢
من سوءِ آثارها في الدّيار الخالية ٢١٩/٢٠
نفسي الّتي لم تخلقها التمتنع بها من سوءٍ ١٠١/٦
السُّوءَ: واصرف عنّي فيه السوء والفحشا ١١٧/٦

وكشف ما به من السّوء ١٧٢/٨
وأعوذبك من جار السّوء وقرين السّوء ١٣٨/٩
وكاشف السّوءِ الغفّار ذو العفو الرّفيع ١١٤/٥
لاتسمني السّوءَ ولاتخزني ١٥٣/١٩
وأهل السّوءِ الّذين وعدت الكشف عنهم ٣٢/٣
أشدُّ إقداماً على السّوءِ منّي ٤٩/١٣
وسوّل لي الخطا خاطر السّوءِ ففرّطت ٨٨/٩
بِسُوءٍ: كلّ ذلك حياءً منّي بسوءِ عملي ٤٩/١٠
إقراري عندك بسوءِ ما اكتسبت ٣٤/٤
سيّدى أتيتك معترفاً لك بسوء فعلي ١٩٩/١٥٧
واجعل من أرادني بسوءٍ من جميع خلقك ١١٦/١١٥
أم بسوءِ خلف الأحياء ٢١٩/٣٨
من أرادني بسوءٍ... اصرفه عنّي ٢٥٢/٣٣ ـ ٢٥١/٥٠
فما كلّ ما نطقت به عن جهل منّي بسوءِ ٨٠/٢٢ ـ ٨١/٦
فلعلّ بعضهم برحمتك يرحمني بسوءِ موقفي ٨١/٧
رجاء من لم يرتج معتمداً بسوءِ سبيله سواك ٢٣٩/١٠
ولانقطع رجآئي بسوءِ عملي ١٣٨/١٧
بسوءٍ لاتدفعُهُ ١٦٠/٧
ومن أرادني بسوءٍ فاصرفه عنّي ٦١/٧
ولاتخزنا عندهم «كرام الكاتبين» بسوء أعمالنا... ٢١/١٠
أبدلني بسوءِ صنيعه بي رحمتك ٤٤/٦
أللّهمّ إنّك ابتليتنا في أرزاقنا بسوء الظّنّ ٧٦/١
واستوجبت بسوءِ سعيي سخطتك ٨٨/٧
لِسُوءٍ: أو تدركه الرّقّة عليّ لسوءِ حالي ٨٠/٢٣ ـ ٨١/٧
فلعلّ بعضهم برحمتك يرحمني لسوءِ موقفي ٨٠/٢٣
بِالسُّوءِ: إنّ النفس لأمّارةٌ بالسّوء (قرآن) ٢٤٠/١
إنّي أخذت بسمع من يطالبني بالسوء ... ٢٢/٨
أمّارة بالسّوءِ إلاّ ما رحمت ٣٠/٣
ومن نفس أمّارة بالسّوء إلاّ ما رحم ربّي ٩٠/٣
إلهي إليك أشكو نفساً بالسّوء أمّارة ١٨٣/١

س.و.ح

ساحَتُهُ: مغشّاة بالظّلمة ساحته ١٩٩/٤١
بِساحَتِهِ: لولا رحمتك ما حلّ بساحتِهِ ١٥٢/٨
بِساحَتِهِمْ: أنزل بساحتهم ما يحذرون ١١٩/١٠
بِساحَتِكَ: بساحتك تحطّ رحال الرّاجين ١٨٧/٣

س.و.د

سادَ: وسادَ العظماء بجوده ١٤٩/١٣
سادَ بعظيم حلمه الحلماء ١٩٩/٥
أَسْوَدَ: وأسود وجهي إن لم تبيّضه ١٦٤/١٦
هَلْ تُسَوِّدُ: إلهي هل تسوّد وجوهاً ١٨٤/٤
لاتُسَوِّدْ: ولاتسوّد وجهي في طلبتي ١٩٧/٣١
لاتُسَوِّدُ: الّذى لاتسوّد لديه وجوه المطالب ١٩٩/٩٩
إسْوَدَّتِ: تبيّض به وجوهنا إذا اسودّت الأبشار ١/١٦
تَسْوَدُّ: يوم تبيّض وجوه وتسودّ وجوهٌ (قرآن) ٢٠٧/٩
وبيّض وجوهنا يوم تسودّ وجوه الظّلمة ١٠٩/٢١
بِسُؤْدَدِهِ: وبنى المعالي بسؤدده وتمجّد بفخره ١٤٩/١٤
السُّادَةَ: وعلا السّادة بمجده ١٤٩/١٣
السُّادَاتِ: ياسيّد السّادات عند حسن ظنّي بك ٤٢/٢٨
ياسيّد السّادات يالله ١٣٩/١
السَّوادِ: لم يجعلني من السّواد المخترم ١٠٥/١
سَيِّدِ: وهذا شهر نبيّك سيّد رسلك ١١٣/٧
صلّ على محمّد وآل محمّد سيّد المرسلين ١٤١/٢٧
ياسيّد السّادات يأالله ١٣٩/١
... شيعتهم بنبيّك سيّد المرسلين ... ٤٢/١٧
سيّد المرسلين وعلى أهل بيته ٥٠/١٤
ياسيّد السّادات عند حسن ظنّي بك ٤٢/٢٨
سَيِّدِهِ: أنا الّذى على سيّده اجترأ ١١٦/٦٤
وإلى من يطلب العبد إلاّ إلى سيّده ١٧٠/٢
وكيف بعبدٍ لايدعو سيّدَهُ ٢٠١/٤
سَيِّدي: سيّدى إن أقعدني التّخلّف ١٩٩/٩٦
فأسألك سيّدى توفيقى لما يوجب ثوابك ١٩٩/٩٥
سيّدى لو لم تهدني إلى الإسلام لضللت ١٩٩/٩٤
سيّدى إن كنت لاترحم إلاّ ١٩٩/١١٠
سيّدى ليس لي عندك عهد اتّخذته ١٩٩/١١٤
سيّدى إن لم تنشلنا يد إحسانك يوم الورود ١٩٩/١١٣
سيّدى إن حجبت عن أهل توحيدك ١٩٩/١١٢
سيّدى فأمح مثبتات العثرات ١٩٩/١٠٩
سيّدى من أولى بالرّحمة منك إن رحمت ١٩٩/١٢١
سيّدى إن كان قد دنا منّي أجلي ١٩٩/١٢٠
سيّدى إن كان ذنبي منك قد أخافني ١٩٩/١١٩
سيّدى إن تلونا من كتابك سعة رحمتك ١٩٩/١١٧
وأنت القادر سيّدى على كشف غمّاتها ١٩٩/١١٥
أللّهمّ أنت ربّي ومولاي وسيّدى وأملي ١٥٣/١٥
إلهى وسيّدى ومولاي إن رددتني ٢١٢/٣ ـ ٢١٢/٢
إلهى وسيّدى ومولاي إن قطعت ٢١٢/١
إلهى وسيّدى ومولاي أويقتني ذنوبي ٢١٢/٤
أسألك ياسيّدى وليس مثلك شيء ١٢١/١٩
إلهى وسيّدى بك عرفتك ١٢٠/١

سيّدى سيّدى سيّدى ١١٦/٤٣
وليس من صفاتك ياسيّدى أن تأمر ١١٦/١٥
فو عزّتك ياسيّدى لو انتهرتني ١١٦/٣٢
سيّدى أنا الصّغير الّذى ربّيته ١١٦/٦١
وما أنا ياسيّدى وما خطري ١١٦/٦٠
سيّدى لعلّك عن بابك طردتني ١١٦/٥٥
فاسترني ياسيّدى ممّا أخاف وأحذر ٥٢/٤
حتّى ألقاك سيّدى وأنا من المتّقين ٧٧/١١
إلهى وسيّدى فاستجب دعائي ١٤١/١٩
فلا تخيّبني ياسيّدى ١١٧/٢٩
سيّدى أكثرت علىّ من النّعم ١٤٨/١٧
سيّدى عاقبة من أرجو إذا لم أرج عافيتك ١٤٨/١٦
إلهى وسيّدى ومولاى لئن أدخلتني النّار ٢١٢/٧
إلهى وسيّدى ومولاى حسن ظنّى ٢١٢/٦
إلهى وسيّدى ومولاى عظم ذنبي ٢١٢/٥
سيّدى إذا شهد لي الإيمان بتوحيدك ١٩٩/١٣٢
إلهى وسيّدى إنهملت بالسّكب عبراتي ١٩٩/١٤٤
إلهى وسيّدى لو أطبقت ذنوبي ١٩٩/١٤٠
سيّدى قد ذكرتك بالذّكر الّذى ألهمتنيه ١٩٩/١٤١
سيّدى أنتظر عفوك كما ينتظره المذنبون ١٩٩/١٤٣
سيّدى كأنّى بنفسي قد أضجعت ١٩٩/١٣٧
سيّدى قد أصبت من الذّنوب ما قد عرفت ١٩٩/١٣٦
سيّدى لو عرفت اعتذاراً من الذّنب لأتيته ١٩٩/١٣٥
سيّدى أنراك تحرق بالنّار وجهاً طالما ١٩٩/١٥٣
سيّدى إنّ من تقرّب منك لمكين من موالاتك ١٩٩/١٥٢
سيّدى كيف نظرك لي بين سكّان الثّرى ١٩٩/١٤٦
سيّدى قد علمت حاجة جسمي ١٩٩/١٠٧
سيّدى كيف أسكت بالإفحام، لسان ضراعتى ١٩٩/١٠٦
سيّدى وكيف أردّ عارض تطلّعى إلى نوالك ١٩٩/١٠٥
سيّدى إذا ذكرت رحمتك ضحكت ١٩٩/١٠٣
سيّدى إن أجحف بى زاد الطّريق ١٩٩/١٠٢
سيّدى كلّ مكروب إليك يلتجئ ١٩٩/٩٧
سيّدى خلقتني فأكملت تقديري ١٩٩/١٧٠
سيّدى فاجعلني ممّن ناسبهم من أهل طاعتك ١٩٩/١٨٩
سيّدى بك وصلوا إلى مرضاتك ١٩٩/١٨٨
سيّدى أنت أنقذت أولياءك ١٩٩/١٨٥
سيّدى عظم قدر من أسعدته باصطفائك ١٩٩/١٨٣
سيّدى ما أعظم روح قلوب المتوكّلين عليك ١٩٩/١٨٤
سيّدى أستزيدك من فوائد النّعم ١٩٩/١٨٢
سيّدى تتابع منك البرّ والعطاء ١٩٩/١٨١
سيّدى عوّدتني إسعافي بكلّ ما أسألك ١٩٩/١٧٨
سيّدي أعطيتني فأسنيت حظّى ١٩٩/١٧٦
سيّدى سترت علىّ في الدّنيا ذنوباً ١٩٩/١٧٥
سيّدى ما جفّت هذه العيون لفرط بكائها ١٩٩/١١٥
سيّدى ألقتني الحسنات بين جودك وإحسانك ١٩٩/١٣١
سيّدى لم تزل برّاً بي أيّام حياتي ١٩٩/١٢٢
سيّدى عفوك أعظم من كلّ جرم ١٩٩/١٢٤
سيّدى إن كانت ذنوبي قد أخافتني ١٩٩/١٢٥
سيّدى لو أردت إهانتي لم تهدني ١٩٩/١٢٩
سيّدى ليس اعتذارى إليك ١٩٩/١٢٧
سيّدى أدعوك دعآء ملحّ لايملّ مولاه ١٩٩/١٣٤
سيّدى إن غفرت فبفضلك ١٩٩/١٣٣
سيّدى كرمت بكرمك فأكرمني ١٩٩/٨٩
سيّدى جئت ملهوفاً قد لبست عدم فاقتي ١٩٩/٨٩
سيّدى وعزّتك لو قرنتني في الأصفار ١٩٩/٩٣
سيّدى أصبحت على باب من أبواب ١٩٩/٩١
أثنى عليك ياسيّدي ١٤٩/٧
فبئس العبد أنا لك ياسيّدى ومولاي ١٤٩/٣٢
سيّدى عليك معتمدي ١١٦/٨٩ ـ ١١٦/٨٢
وكذلك نسبت نفسك ياسيّدى باللّطيف ١١٧/٣٧
إلهي وسيّدي هدأت العيون ٨٩/١
وبابك مفتوح لمن دعاك ياسيّدي ٨٩/١
واصرف عنّى ياسيّدى الأسوآءَ ١١٦/١١٣
فارحمني سيّدى يوم يفردني النّاس في حفرتي ٢٤٩/٢٢
فقد قلت سيّدى ولقد نادانا نوحٌ ٢٤٩/٢٢
أجل وعزّتك سيّدى لنعم المجيب أنت ٢٤٩/٢٣
من أمر من أمر ديني ودنياي وآخرتي ياسيّدى ١٦٥/٦
سيّدى ومولاي على طول معصيتي ٢٤٧/٢
إلهى وسيّدى هذه يدىّ وناصيتي بيدك ١٣٥/٧
سيّدى لاتعذّبنى وأنا أرجوك ١١٦/١٠٠
سيّدى لو أنّ عذابى يزيد في ملكك لسألتك ١١٢/٥
سيّدى ما أنا وما خطري ١١٢/٦
سيّدى كم من نعمة لك علىّ ١٩٩/١٥٤
إلهى وسيّدى فأعطنى من فضلك ١٣٩/٨
عظم ياسيّدى أملي ١١٦/٢١
وأنا ياسيّدى عآئذٌ بفضلك ١١٦/٢٢
أدعوك ياسيّدى بلسان قد أخرسه ١١٦/١٨
سيّدى كيف يتمتّع من فيها ١٩٩/١١٨
سيّدى أمرت بالمعروف ١٩٩/١١٦
إلهى وسيّدى ومولاى أىّ ربّ أرنجيه ٢٣٩/٥

سيّدى كم من نعمة ظللت ١٩٩/٦٨
وأسعدني بسعة رحمتك ياسيّدى ٢٥١/٥٦
فأعوذبك ياسيّدى أن تكلني ٧٧/٢
سيّدى إرحم تضرّعي إليك ١٤٨/٢٦
إلهى وسيّدى إليك فررت من ذنوبي فآوني ١٤١/١٣
سيّدى صلّ على محمّد وآل محمّد ١١٦/٧٥
سيّدى إليك رغبتي ١١٦/٨٤
سيّدى فبمن أستغيث إن لم تُقِلني عثرتي ١١٦/٩٨
وارحم... غربتي حتّى لااستأنس بغيرك ياسيّدى ١١٦/٩٧
ياسيّدي لاتكذّب ظنّى بإحسانك ١١٦/٩٢
سيّدى من لي ومن يرحمني إن لم ترحمني ١١٦/٩٩
إلهى وسيّدى وعزّتك وجلالك ١١٦/١١٧
إلهى وسيّدى، إن كنت لاتغفر إلاّ لأوليائك ١١٦/١٨
إلهى وسيّدى كم لي من ذنبٍ بعد ذنبٍ ١٣٥/٦
إلهى وسيّدي عبدك وابن عبديك يسألك ١٣٥/١٦
ياسيّدى ومولاى وثقتى ١٤٩/٥٤
سيّدى لولا نورك عميت عن الدّليل ١٩٩/٧١
سيّدى خاب رجآء من رجا سواك ١٩٩/٧٨
سيّدى أنا المعترف بإساءتي ١٩٩/٨٢
سيّدى لم أسلّط على حسن ظنّى ١٩٩/٨٤
سيّدى عظم جرمي إذ بارزتك باكتسابه ١٩٩/٨٥
سيّدى إن كان صغر في جنب طاعتك عملي ١٩٩/٨٣
سيّدى إن أوحشتني الخطايا من محاسن لطفك ١٩٩/٨٧
سيّدى كيف أنقلب من عندك بالخيبة محروماً ١٩٩/٨٣
سيّدى ضعف جسمي ١٩٩/٨١
سيّدى كيف آيس من حسن نظرك ١٩٩/١٢٣
سيّدى سترت علىّ ذنوبي في الدّنيا ١٩٩/١٢٦
سيّدى لولا ما جهلت من أمري ١٩٩/١٠٨
سيّدى إن كان لايجوز على الصّراط ١٩٩/١١١
سيّدى لاتردّني في حاجة قد أفنيت ١٩٩/١٢٨
سيّدى لولا ما إقترفت من الذّنوب ١٩٩/١٣٠
آه واحزناه أنا الّذى أطعتك ياسيّدى صباحاً ١٩٨/٢٨
سيّدى إن دعاني إلى النّار ١٩٩/٨٦
سيّدى إن كانت نفسي إستعبدتني ١٩٩/١٠١
سيّدى أدعوك دعآء من لم يدع غيرك ١٩٩/١٠٤
سيّدى إن حرمتني رؤية محمّد ١٩٩/٩٢
سيّدى إن أخطأت طريق النّظر ١٩٩/١٠٠
فاجعل ياولىّى وسيّدى فيما قدّرت ١٧٢/٥
أمرتني ياسيّدى بالدّعاء وتكفّلت بالإجابة ١٧٣/٨ ـ ١٧٢/٧
واقبل سيّدى ومولاي معذرتي ٢٥١/٤٩ ـ ٢٥٢/٣٢

هب لي سيّدى عفوك في موقفي يوم الدّين ٢٤٥/٨
أنت إلهى وسيّدى ومولاي ٢٥٥/٨
سيّدى وأنت المسؤول الّذى ١٩٩/٩٩
سيّدى فاجعلني عبداً يفزع إلى التّوبة ٢٤٥/٧
ومن أنا ياسيّدى فتقصد قصدى بغضب ٢٥٧/٢١
سيّدى متعوّذاً بك ١٤٨/٢٧
سيّدى بل مشفقٍ من عذابك ١٤٨/٢٨
تضرّعت إليك سيّدى ٢٤٩/١٨
لايتعاظمك ياسيّدى ذنب أن تغفره ٢٥٧/٢٠
صدقت وبررت ياسيّدى ٢٠٥/١٤
صدقت ياسيّدى ومولاي ٢٥٧/٣٧
ومن أنا في خلقك يامولاي وسيّدى ٢٥٧/٣
وأنت ياسيّدى خير الموالى لعبيده ١٤٩/٣١
ياسيّدى ليس يردّ غضبك إلاّ حلمك ٢٠٦/١٥
سيّدى ومولاى ولابدّ من لقآئك ١٤٨/٢٤
سيّدى لم أزدد إليك إلاّ فقراً ١٤٨/٢٥
ياسيّدى ومولاي فإنّه لن يجيرني منك ١٤٨/٢٩
ياالله ياسيّدى يامعيد ياحليم ياحكيم ١٢٢/٤
توحّدت سيّدى بالعزّة والعلى ٢٤٥/٢
ياسيّدى ياسيّدى سبعين مرّة ٢٣٣/٦
سيّدى ما أنا وماخطرى هب لي خطاياى ١١٢/٦
سيّدى غرّنى بك حلمك عنّى إذ حلمت ١٩٩/١٥٩
سيّدى أنت نوري في كلّ ظلمة ١٩٩/١٦١
سيّدى لولا توفيقك ضلّ الحآئرون ١٩٩/١٦٤
سيّدى أسألك مسألة مسكين ضارع ١٩٩/١٦٥
سيّدى أتيتك معترفاً لك بسوء فعلي ١٩٩/١٥٧
سيّدى أنت دليل من إنقطع دليله ١٩٩/١٦٢
سيّدى إنّ أملي فيك يتجاوز ١٩٩/١٥٨
إلهى وسيّدى أنت فطرتني ١٢٢/١
بل تفرّد بالصّنع لي ياسيّدى ومولاي ١٤٩/٦٣
فاجعل ياولىّى وسيّدى فيما قضيت ١٧٣/٦
سيّدى قويت بعافيتك ١٩٩/١٥٥
فإليك أشكو سيّدى فقري وفاقتي ٢٠١/٢٩
كأنّ بك الحاجة إليهم وأنت ياسيّدى الغنىّ عنهم ٩١/٦
وقد تعاليت عن ذلك ياسيّدى علوّاً كبيراً ٥٢/٢
فاستغفرك ياسيّدى ومولاي وسبحانك ١٤٨/١٣
إلهى وسيّدى والذّابُّ عنّى ٤٢/٢٦
قدرتك ياسيّدى وربّى وخالقى ومولاى ٤٢/٢٥
سيّدى أمن أهل الشّقاء خلقتني ١١٢/٢
سيّدى سيّدى وهذه يداى قد مددتهما إليك ١١٢/١

سيّدى ألضرب المقامع خلقت أعضائي ١١٢/٣
سيّدى لو أنّ عبداً إستطاع لهرب من مولاه ١١٢/٤
إلهى وسيّدى إيّاك قصدت بدعائى ١٣٨/١٦
ياسيّدى تعذّبنى وحبّك في قلبي ٢١٧/١
سيّدى أنا أسألك ما لاأستحقّ ١١٦/١٠١
فكيف سيّدى بمن سألك ١١٦/١٠٢
سيّدى عبدك ببابك أقامته الخصاصة ١١٦/١٠٢
إلهى وسيّدى إرحمني مطروحاً على الفراش ١١٢/٧
سَيِّدِنا: صلّى الله على رسوله سيّدنا محمّد وآله وسلّم ١٢٢/١١
صلّ على سيّدنا محمّد وآله الطّاهرين ٢٠٢/٨
إلهنا وسيّدنا ومولانا لو بكينا ٢١٣/١
وصلّى الله على رسوله سيّدنا محمّدٍ النّبيّ وآله ١٣٩/١٧
١٣٧/١٠ ـ ١٣٣/١٢
وصلّى الله على سيّدنا محمّدٍ النّبيّ ١٢٨/١٢ ـ ١٣٠/٦
١١٩/٣١ ـ ٢٤٣/١٢ ـ ١٢٩/١١ ـ ١٣٤/٨
وصلّى الله على سيّدنا محمّدوآله ٢٤٧/١١-٢٢/١٧-٢٤٥/٨
وصلّى الله على سيّدنا محمّد رسول ١٧١/١٠
وصلّى الله على رسوله سيّدنا محمّد ١٣٨/٨-١٢٤/١٨-١٣٥/١٢-١٢٧/١٢
إلهنا وسيّدنا إن كنت لاترحم إلاّ ١٤٣/٤٢
إلهنا وسيّدنا إن غفرت فبفضلك ١٤٣/٤١
لِسَيِّدِهِ: وكذلك العبد الخاطئ يخضع لسيّده ١٤٩/٤٠
الْمُسْوَدَّةَ: وجوهنا المسودّة من ذنوبنا ٢٠٠/١١

س.و.ر

سَوْرَةَ: أعوذبك من ... سورة الغضب ٢٦/١
سُوَرِ: في أمثالها من سور الطّواسين والحواميم ١٤٤/١٧
أَسْوِرَةٍ: ورحيق مختوم وأسورة من فضّة ٢٥٧/١٢

س.و.ع

ساعَةٍ: أللّهمّ اجعل لنا في كلّ ساعة من ساعاته ٢١/١١
في كلّ ساعةٍ من ساعات نهاري ٦٣/١٤
وفقوا ساعةً عليه ٢١٤/١٣٥ ـ ٢١٤/٥٧
يوم لايستأخرون ساعةً ولايستقدمون (قرآن) ٢٠٧/١
حتّى لانؤمّل إستتمام ساعةٍ بعد ساعةٍ ١٠٣/١
السّاعَةَ: أسألك في هذه السّاعة ١٣٥/٩
عجّل ذلك ياربّ، السّاعة السّاعة ١٦٠/٦ ـ ١٦٠/٨
وجعلته «محمّد»... لك إلى قيام السّاعةِ حامداً ١٠/٦
تنضّر بها وجهه في موقف السّاعة يوم الدّين ١٠/٧
فهب لي نفسي السّاعة السّاعة برحمتك ١٤٩/٤٤
إلهى، ألأمان ألأمان يوم تقوم السّاعة (قرآن) ٢٠٧/٦
إجعلنا في هذه السّاعة من أوجه من توجّه ١٤٣/٢٦
ساعَتي: ... في يومى هذا وساعتى هذه ... ٢١/١٥
واجعل غدى وما بعده أفضل من ساعتى ٢٣٦/٥
بِساعَةٍ: إرمه «من يؤذينى»... بساعةٍ لاانقضاء لها ١٦٠/٤
ساعاتٍ: وفي كلّ ساعة من ساعات نهارى ٦٣/١٤
السّاعاتِ: وباخير شهر في الأيّام والسّاعات ١٤٢/٢٩
ساعاتِهِ: إجعل لنا في كلّ ساعة من ساعاتِهِ ٢١/١١

س.و.غ

تَسيغُ: أم كيف تسيغ طعامك ٢١٤/٦٥
لاتُسَوِّغْ: لانسوّغ له ظلمي ٤٤/٣
سَوِّغْناهُ: وسوّغناه وارزقنا خلفاً إذا أكلناه ٢٥٩/١
سائِغاً: ورزقتني من الغذآء سائغاً هنيئاً ١٩٩/١٧٠
وارزقني حلالاً طيّباً سائغاً ٢٥٢/٣
مَساغاً: يجد للزّيادة والنّقصان فيك مساغاً ٢٤٧/٥

س.و.ف

تُسَوِّفُني: أشكو نفساً ... تسوّفني بالتّوبة ١٨٣/٢
أُسَوِّفُ: فيا ويح نفسي كم أسوّف توبتي ٢١٤/٦٧
فيالهف نفسي كم أسوّف توبتي ٢١٤/١٤٥
الْمَسافَةِ: وإنّ الرّاحل إليك قريب المسافة ١١٦/١٢
وأنّ القاصد إليك لقريب المسافة منك ٢٢١/٣ ـ ٢٢٠/٥
مَسافَتي: أللزّاد أبكى أم لبعد مسافتي ٢١٦/٣
التَّسْويفِ: فقد أفنيت بالتّسويف ١١٦/٧٧
إستولى عليه التّسويفُ حتّى سالم الأيّام ٢٤٥/٦
الْمُسَوِّفُ: أيّها... المسوّف بالتّوبة عاماً بعد عام ١٩٧/٤٦

س.و.ق

ساقَ: فكلّ أمل ساق صاحبه إليك محتاجاً ١٩٩/٩٨
ساقَني: قد ساقني إليك أملي ١١٦/٨٤
ساقَتْهُمْ: وساقتهم نحو المنايا المقادر ٢١٤/٧٨ ـ ٢١٤/٣
يَسُوقُها: جوىّ قاتل أو حتف نفس يسوقها ٢١٩/٣٢
سُقْ: وسق إلينا به «قرآن» رغد العيش ١٠٩/١٥
وسق كرائم مواهبك إلىّ ١٤٧/١١٠
السِّياقِ: وهوّن بالقرآن ... كرب السّياق ١٠٩/١٧
سائِقٌ: يوم تأتى كلّ نفس معها سائق وشهيد ١٢/١٤
الْمُنْساقِ: وانشر علينا... من السحاب المنساق ٥٣/١
سُوقَهُ: تصرع بها قائمه وسوقه ٧٠/٨

س.و.ل

سَوَّلَ: وسوّل لي الخطأ خاطر السّوء ففرّطت ٨٨/٩
أللّهمّ وما سوّل لنا من باطل فعرّفناه ٥٠/٦
سَوَّلَتْ: وسوّلت لي نفسي ١١٦/٦٧
ولكن سوّلت لي نفسي ٩١/٢
وسوّلت لي نفسي رفعها ٣٩/٦

س.و.م

أَنْ يَسُومَني: أضمرأن يسومنيالمكروه ١٥٣/٤-١٥٢/٤
لَمْ تَسُمْهُ: ثمّ لم تسمه القصاص فيما أكل ٩٨/٨
ثمّ لم تسمه القصاص فيما أكل من رزقك ٨/١٣
لاتَسُمْني: ولاتسمني بالرّدّ عنك ١٠٨/١
ولاتسمني خسيسةً يصغر لها قدري ١٤٧/١٠٣
لاتَسُمْنا: ولانسمنا عجز المعرفة عمّا تخيّرت ٩٢/٢
وقرّب الوقت فيه ولاتسمنا الغفلة عنك ٩٥/٣
سُمْني: وسمني حسن الولاية ٥٥/٣٣
لاتُسِمْني: ولاتسمني السُّوء ولاتخزني ١٥٣/١٨
السَّوْمِ: وأنت الّذي زدت في السّوم على نفسك ١٤٢/٩

س.و.ى

فَسَوَّيْتَ: أللّهمّ لك الحمد أن خلقت فسوّيت ٢٤٢/٢
وخلقت فسوّيت ١٩٩/١٠
ساوَوْكَ: بل ساووك بخلقك ٣/٢
لايُساوِى: حتّى لايساوىٰ في منزلته ٩/٤
إسْتَوىٰ: ثمّ استوىٰ على العرش ٢٣/٢
إسْتَوَيْتَ: على العرش استويت ٢٤٢/٢
سَوِيّاً: وجعلتني بتحنّن رأفتك تامّاً سويّاً ١٩٩/١٧٠
أللّهمّ إنّك خلقتني سويّاً ١٦٢/١
واجعله «وليّاً» خلقاً سويّاً ٢٥٨/١
سَوِيَّةً: أللّهمّ إنّي أسألك عيشةً سويّةً ٢٢٥/٣
سَواءً: كلّ مرزئة سواءٌ مع موجدتك ٤٤/٦
سواءٌ عليكم أدعوتموهم أم أنتم صامتُون (قرآن) ١٥٩/٨
حتّى أكون بما يرد عليّ منهما بمنزلة سواءٍ ٥٩/١٤
السَّواءِ: يامن لايكافئ عبده على السّواء ١٤٢/١
بِالسَّواءِ: على ما أنت تولّيته له بالسّواء ٨/١٢

س.هـ.د

سُهادِي: لك لالسواك سهرى وسهادى ١٨٩/٧

س.هـ.ر

لِتُسْهِرَنا: لتسهرناعمّا نامتعنه قلوب الغافلين ٢٠٠/٣٦
السَّهَرُ: تشبُّهى بنفوس قد أفرح السّهر ١٩٧/٤٧
سَهَرِهِ: أعوذبك ياربّ من... شغل الدّين وسهره ٧٩/١
سَهَري: لك لالسواك سهرى وسهادى ١٨٩/٧

س.هـ.ل

سَهَّلَ: وصاحب سهّل سبل الإحسان ١٤٢/٣٤
سَهَّلْتَ: وسهّلت لنا المسلك إلى النّجاة ٢٠٠/٤
وسبيلك الّذى سهّلت ١٤٢/٢٣
واجعلنا ممّن سهّلت له طريق الطّاعة ٢٠٠/٣٥
أنت سهّلت لهم السّبيل حتّى وصلوا ١٩٩/١٦٤
وسهّلت جواسى ألسنتنا ١٠٩/٥
يُسَهِّلُ: ما يسهّل ذلك عليّ فإنّه لاحول ١٥٣/١٣
والحمدلله... حمداً... يسهّل علينا به سبيل المبعث ١/١٤
تُسَهِّلَني: ... تسهّلني لمن أحوجتهم إليّ ٤٢/٢٢
أَنْ تُسَهِّلَ: أن تسهّل إلى رزقي سبيلاً ٨٨/١٧
سَهِّلْ: وسهّل لي ما أخاف حزونته ١٣٨/١٤
وسهّل عليّ أمور دنياى وآخرتي ١٣٥/١٥
وسهّل لي مسلك الخيرات إليك ١٤٧/٨٧
ربّ سهّل لي توبة إليك ١٩٩/٧٥
سهّل علينا العسير الشّديد ١٨٩/٢
أللّهمّ سهّل لي حزونة أمرى ٢٢/٢٤
وسهّل إلى بلوغ رضاك سُبُلى ٥٥/٤٠
ياإلهى سهّل لي نصيباً جزلاً وقضاءً حتماً ٢٤٨/٢
وسهّل علينا ما نستصعب من حكمك ٩٢/٣
وسهّل عليّ رزقي ٨٨/١٨
فَسَهِّلْ: أللّهمّ... فسهّل لنا عفوك بمنّك ٣٢/١
سُهُولَةِ: وما أقتطه من سهولة المخرج ١٢٦/١٠
سَهْلٍ: ولاسهلٍ ولاجبل ١٢٨/١١
وكلّ عسير عليك سهلٌ يسيرٌ ٣١/٦
لاأدرى في سهلٍ أو في جبل ٧٧/١٣
فاجعل رزقك لي واسعاً ومطلبه سهلاً ٧٧/١٤
سَهْلِها: برّها وبحرها وسهلها وجبلها ١١٩/٢٧
سَهْلَةً: وانهج لي إلى محبّتك سبيلاً سهلةً ٥٥/٤١
تَسْهِيلِ: إجابتي إلى تسهيل كلّ ما أحاوله ١٩٩/١٧٨

س.هـ.م

سَهْمٌ: سهمٌ من سهام المنايا ١٩٩/١١٨
... أنت الّذى جعلت لكلّ مخلوق في نعمك سهماً ٤٩/٣
سَهْمي: لم تجعل سهمى فيمن لعنت ٢٤٨/١٠
بِسَهْمٍ: واشتريت الملاهى... بسهم الأرملة ٧٠/٦

سِهَامِ: سهم من سهامِ المنايا ١٩٩/١١٨
سِهَامِهِ: سدّد نحوى صوائب سهامه ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤
بِأَسْهُمِ: بأسهم وحشة الفراق ١٠٩/١٨
وترمي قساوات القلوب بأسهم ٢١٩/١٨

س.هـ.و

سَهَوْتُ: وسهوت عند الذّكر ١٦٤/١٢
فَسَهَوْتُ: فسهوت ولهوت وغفلت وأمنت ٢٥٧/٢٧
فسهوت ولهوت وغفلت وأشرت ٣٥/٤
سَهْوُ: ولايقطعهم عن تعظيمك سهو الغفلات ١٢/٧
السَّهْوِ: أشكو نفسا... مملوءة بالغفلة والسّهو ١٨٣/٢
بل ألزمنيه في أحوال السّهو ١٤٧/٩٦
ساهِياً: ولا في غمرتي ساهياً حتّى حين ١٤٧/١٠٥
ساهٍ: وأنت عمّا يراد بك ساهٍ ٢١٤/٩
ساهُونَ: في غمرة الضّلالة ساهون ١٩٩/٥٨

س.ى.ب

سَيْبِ: أفض عليّ من سيب فضلك ٧٨/٢
سَيْبَكَ: لو ... منعتني سيبك من بين العباد ١٩٩/٩٣
إلهي لو ... منعتني سيبك من بين الأشهاد ١١٦/٧٤
أنت الّذي تفيض سيبك على من لايسألك ١١٦/١٠٢

س.ى.ح

سِيَاحَتِهِ: وبحقّ الخضر وسياحته ١٨٠/٤

س.ى.ر

فَلَمْ يَسِيرُوا: أفلم يسيروافي الأرض فتكون(قرآن) ١٥٩/١٤
سَيَّرْتَ: سيّرت هممهم ... حجباً حجباً ٢٠٠/٣٦
سَيَّرْنا: سيّرنا في أقرب الطّرق للوفود عليك ١٨٩/٢
سَيْراً: ومن أقطع عذراً من مغذّ سيراً ٢١٩/١٣
الْمَسِيرَ: وما أحلى المسير إليك بالأوهام ١٩٣/٥
إن أجحف بى زاد الطّريق في المسير ١٩٩/١٠٢
إلهي إن كان قلّ زادى في المسير إليك ١٨٦/١
مَسِيرِي: وعلى ما يتهجّم عند البلاغ مسيري ١٩٩/١٤٥
وما الّذي يهجم عليه عند البلوغ مسيري ١٩٧/٤٥
إرحم مسيرى إليك ياأكرم من سئل ١٤٩/٤٨
السِّيرَةِ: وحسن السّيرة وسكون الرّبح ٥٥/١٥
السَّيْرَ: أيّما غاز ... علّمه السّير والسّنن ٦٧/١٨
فَبِتَسْيِيرِكَ: فبتسييرك يجرى سداد الأمور ١٩٩/١٩٧
سائِرِ: أللّهمّ واجعلنا في سائر الشّهور والأيام ١١٥/٢٣
الّذى اختصصته من سائر الشّهور ١٤٢/٢٤
ثمّ آثرتنا به على سائر الأمم ١٤٢/٢٥
وبلّغتني ما أحاول من سائر مطالبي ١٩٩/١٧٢
... وسائر خلقك في يومى هذا ... ٢١/١٥
حمداً يفضل سائر الحمد ١/٢٦
واقصم ... سائر أهل البدع ١١٩/٢٦
في أقطار البلاد ... وسائر أمم الشّرك ٦٧/١١
فأبان فضيلته على سائِرِ الشّهور ١١٥/٤
بِسائِرِ: ولبقي رهناً بين يديك بسآئِرِ نعمك ٨/١٤
ولبقى رهيناً بين يديك بسائر نعمك ٩٨/٨
يَسِيرٌ: وكلّ عسير عليك سهلٌ يسيرٌ ٣١/٦
إنّك على كلّ شيء قديرٌ وذلك عليك يسيرٌ ٣٤/١٣

س.ى.ف

سَيْفَ: عدوّ إنتضي عليّ سيف عداوته ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤
بِسَيْفِ: لما نبغ من الباطل بسيف الحقّ دامغاً ١٠/٨
أنا الّذى قتلت نفسي بسيف العصيان ٢٠١/٤٤
بِسُيُوفِ: في نظم الشّهداء بسيوف أعدائه ١/٣٠

س.ى.ل

تُسيلُ: أللّهمّ اسقنا سقياً تسيلُ منه الظّراب ٥٣/٤

س.ئ.ل

سَأَلَ: وأحقّ من سأل العبد ربّه ١١٧/٢٤
سَئَلَهُ: يامن أعطى من سأله ٢٥١/٤٣ ـ ٢٥١/٦٤
يامن إذا سأله عبد أعطاه ١٨٥/١
سَأَلَهُمْ: فكيف بمن هو دونك إذا سألهم ٧٧/١
سَأَلَكَهَا: وفوائدك لمن سألكها غير محظورات ٨٢/٢
سَأَلَكَ: من المؤمنين سألك ٨٢/٣
أللّهمّ اجعلنا في هذا الوقت ممّن سألك ٢٣٤/٤
خير ما سألك منه عبادك الصّالحون ١١٦/١٠٧
أللّهمّ إنّى أسئلك بما سألك به ذوالنّون ٢٥٢/٦
وسألك «ذوالنّون» وأنا أسألك ٢٥٢/٧
وسألك «أيّوب» وأنا أسئلك ٢٥٢/٧
وسألك «يوسف» وأنا أسئلك ٢٥١/١٣ ـ ٢٥٢/٨
وصل بجميع ما سألتك وسألك ٢٢٧/٥
ما سألك من رضيت عنه ٢٥٧/٢
وسألك وأنا أسألك ٢٥١/١٢ ـ ٢٥١/١١
أنجح من سألك ودعاك وطلب إليك ١٤٣/٢٦
لابأوّل سائلٍ سألك فأفضلت عليه ٣٩/٩

فكيف سيّدى بمن سألك ١١٦/١٠٢
سَأَلَني: ومن الّذى سألنى فلم أعطه ٢٠١/٢٣
ومن ذى فاقة سألنى فلم أوثره ١٠٠/١
سَأَلُوكَ: وسألوك «النّبيّون» وأنا أسئلك ٢٥١/١٤
سَأَلْتَ: أللّهمّ سألت عبادك فرضاً ممّا تفضّلت ٧٧/١
سَأَلْتَني: وإذا سألتنى وشهدت معك جوارحى ١١٨/٥
إلهى لو سألتنى حسناني لوهبتها لك ٢٠٨/١
وسألتني عمّا أنت أعلم به منّي ٩٠/٥
سَأَلْتُ: أذقنى حلاوة الصّنع فيما سألت ٢٤/٥
أرنى صحّة التّصديق بما سألت ١٤٤/٢٨
سَأَلْتُكَ: سألتك بالله ربّى وربّك ٤٨/٢
إلهى ما وجدتك بخيلاً حين سألتك ١٦٣/٥
وسألتك مسألة الحقير الذّليل ١٤٧/٨٠
وصل بجميع ما سألتك وسألك ٢٢٧/٥
سَئَلْتُكَ: وسألتك عآئلا فأغنيتنى ١٤٨/١٨
واجعلهم «وُلدى» لي عوناً على ما سئلتك ٦٤/١٥
فقد سألتك من فضلك ما لاأستحقّه ٢٥٧/٧
أعطنى رغبتى فيما سألتك ٢٥٢/٣٤ ـ ٢٥١/٥١
وتستجيب لي جميع ما سألتك ١١٧/٢٩
وأنا لاغنى بي عمّا سألتك على كلّ حال ١٩٧/٤٢
وإن سألتك أعطيتني ١٩٩/١٧٤
وأعطنى ياربّ جميع ما سألتك ١١٦/١٣٠
وآتيتنى أكثر ما سألتك ٣٦/٢
ثمّ سألتك الزّيادة من فضلك ٣٦/٢
وأعطنى ما سألتك فإنّك ترزق ١٢٨/٣
المؤمنين والمؤمنات مثل الّذى سئلتك لنفسي ٦٤/١٥
لَسَأَلْتُكَ: لسئلتك الصّبر عليه ١١٢/٥
ولو أنّ عذابى ممّا يزيد في ملكك لسألتك ١٦٢/٧
فَسَأَلْتُكَ: فسألتك مسألة من لايستوجب ٢٥٧/٢٨ـ٣٤/٥
سَأَلْناكَ: وأعطنا ما سألناك يامعطى السّآئلين ١٣٩/٤
أللّهمّ أعطنا كلّ الّذى سألناك ١٥٣/٣٣
سُئِلَ: ياخير من سئل ويأكرم من قصد ١٧٧/١
وأقبل تضرّعنا ياخير من سئل ٢٣٤/٥
ياخير من سئل وأجود من أعطى ١١٦/١٠٧
وأعطى من سئل من فضله ١٤٢/٦٤
إرحم مسيرى إليك ياأكرم من سئل ١٤٩/٤٨
سُئِلْتَ: أنت ... الجواد بما سئلت من فضلك ١٤٢/٢٦
ولقد سئلت فأعطيت ١٥٣/٩
يَسْأَلُ: قلت سبحان ربّى كيف يسأل ٣٩/٧
يَسْأَلُهُمْ: واحتجبو عمّن يسألهم حاجةً ٨٢/١
يَسْأَلُكَ: وسيّدى عبدك وابن عبديك يسألك ١٣٥/١٦
يسألك ما لايقدر عليه غيرك ٢٣٢/١
لايَسْأَلُكَ: تفيض سيبك على من لايسألك ١١٦/١٠٢
لَمْ يَسْأَلْ: ولم يسأل العباد مثلك كرماً وجوراً ١١٧/٢٤
أللّهمّ إنّى أسألك ولم يسأل العباد مثلك ١٤١/٤
لَمْ يَسْأَلْهُ: يامن أعطى من لم يسأله ٢٥١/٤٣ ـ ٢٥١/٦٤
أَنْ يَسْأَلُوكَ: ينبغى للعباد أن يسألوك بها ١٤١/٥
تَسْأَلَني: واستعلمنى بما تسألنى غداً عنه ٥٥/٣
أَسْأَلُ: وإيّاك أسأل وعليك أتوكّل ١٢٧/٧
ولك أسئل يامجيب المضطرّين ١١٤/٢
فإيّاك أسأل بك ١٢٨/٨
وإيّاك أسأل ومنك أطلب ١٤٩/١٥
أللّهمّ إيّاك أسأل ١٩٩/٨
أَسْأَلُهُ: والحمدلله الّذى أسأله فيعطينى ١١٦/٤ ـ ١٢١/٤
فمن ذاالّذى أسأله فيعطينى ١٧٩/٢
أَسْأَلُكَ: وأسئلك بحقّك عليهم «النّبيين» ١١٧/٢٠
أللّهمّ إنّى أسألك بما وارت الحجب ... ١١٤/١٥
أسألك بأسمائك ما علمت منها ١٤١/٥
أسألك باسمك الوافى ١٤١/٣
أللّهمّ إنّى أسألك ولم يسأل العباد مثلك ١٤١/٤
أسألك بأعظم المسائل كلّها ١٤١/٥
وأسألك أن تهب لي يقيناً صادقاً يباشر قلبي ١٢٩/٤
وأسألك قلباً خاشعاً وعلماً نافعاً ١٢٩/٥
وأسألك العافية من كلّ بليّة ١٢٩/٦
وأسألك تمام العافية ١٢٩/٦
وأسألك دوام العافية ١٢٩/٧
أللّهمّ إنّى أسألك أن تبارك لي فيما قسمت لي ١٢٩/٨
أللّهمّ إنّى أسألك مسألة المسكين المستكين ١٣٢/٧
أسألك أن تصلّى على محمّدٍ وآل محمّدٍ ٢٤١/٦ ـ ٢٢/٣٧
١٧٩/٥ ـ ١٤٩/٥٥ ـ ١٣٨/١٣ ـ ١٣٨/٣ ـ ١٣٠/٦ ـ ١٢٧/١٠
١٣٩/٢ ـ ١٣٣/٣ ـ ١٣٤/٧ ـ ١٣٥/١٦ ـ ١٢٩/٢
وأسألك ببسم الله الرّحمن الرّحيم ١٢٩/٣
أللّهمّ إنّى أسألك بانّك الله لاإله إلاّ أنت ١٢٧/١
أسألك بقول لاإله إلاّ أنت ١٢٤/٣
أسألك بشرف لاإله إلاّ أنت ١٢٤/٤
أسألك ياسيّدى وليس مثلك شىء ١٢١/١٩ ـ ١٢٤/٥
أللّهمّ إنّى أسألك ياذاالبهاء ١٢٤/١
أللّهمّ إنّى أسألك التوفيق لكلّ عمل ١٢٣/١٥
أسألك اللّهمّ سؤال من هو بمنزلته ١٦٤/٥
أللّهمّ إنّى أسألك إيماناً تباشر به قلبي ١١٦/١٣٥

إلهي أسألك بحقّك الواجب على جميع خلقك ١٦٦/١٢
أللّهمّ إنّي أسألك سؤال الخاضع الذّليل ١٧٠/٤
وأسألك سؤال من لايجد لعثرته مقيلاً ١٧٠/٥
وأسألك سؤال من يبوء بذنبه ١٧٠/٤
أسألك باسمك العظيم ١٦٢/٢٢
وأسألك سؤال العائذ المستقيل ١٧٠/٤
أللّهمّ إنّي أسألك بحقّ العرش وعظمته ١٨٠/١
أسألك أن تنيلني من روح رضوانك ١٩٢/٧
أسألك بحقّ هؤلآء وشرفهم ١٨٠/٦
أسألك أللّهمّ الهدى من الضّلالة ١٦٤/٧
وأسألك أللّهمّ أكثر الحمد عند الرّخآء ١٦٤/٨
وأسألك القوّة في طاعتك ١٦٤/٩
أسألك أن تملأ قلبي حبّاً لك ١١٦/١٢٠
أللّهمّ إنّي أسألك إيماناً لاأجل له ١١٦/١٢٣
أسألك أن تؤتيني خيرهُ وتكفيني شرّهُ ١٥٧/٢
أللّهمّ إنّي أسألك بنورك وعزّك وجلالك ١٦٠/١
سيّدي عوّدتني إسعافي بكلّ ما أسألك ١٩٩/١٧٨
أللّهمّ إنّي أسألك العمل بفرائضك ٢٠٠/١٩
أللّهمّ إنّي أسألك يامدبّر الأمور ١٤١/٨
أللّهمّ إنّي أسألك خوف العالمين ١٣٩/٥
أسألك باسمك بسم الله الرّحمن الرّحيم ١٣٧/٣-١١٧/٣٠
أسألك أللّهمّ بما استعملت به من قام بأمرك ٨٣/٧
أللّهمّ إنّي أسألك أن تعطيه حتّى يرضى ١٤١/٣١
أسألك بحقّ نبيّك محمّدٍ صلّى الله عليه وآله ١٤٩/٤٦
أسألك يامن عظم صفحه ١٤٩/٢٦
أللّهمّ وإنّي أسألك في أمر قد ضعفت ١٦١/٨
أسألك بحقّ شهرنا هذا وأيّامه ١١٤/٢٠
أللّهمّ وإنّي أسألك بحقّ البيت الحرام ١١٤/٢٢
أسألك أن تنصر وصيّ محمّد ١١٧/٣٥
إنّي أسئلك أن تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ ١١٧/٤١
أللّهمّ إنّي أسألك فكاك رقبتي من النّار ١٤٩/٤٩
وأسألك من كلّ خيرٍ أحاط به علمك ١٤٩/٥٢
وأسألك اليوم العفو ١٤٩/٥٢
أللّهمّ إنّي أسألك أن تجعلني من الّذين ١٤٢/٢٤
أللّهمّ إنّي أسألك خير أموري كلّها ٢٨/٥
أللّهمّ إنّي أسألك ياعظيم الّذي يمنُّ بالعظيم ١٢٣/١٢
وأسألك بجاه محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٨/١٧
أسألك بأسمائك الّتي إذا دعيت بها ٥٨/١ - ٥٨/٢
وأسألك بأسمائك الّتي ... إنتشرت ٥٨/٢
أسألك أللّهمّ أن ترزقني الخير ٢٥/٢
إنّي أسئلك سؤال من اشتدّت فاقته ١٧١/٣
أسألك عملاً تحبّ به من عمل به ١٧١/٤
أسألك من خير كتاب قد خلا ١٧١/٦
أسألك خوف العابدين لك ١٧١/٦
أللّهمّ إنّي أسألك حسن المعيشة ٧٨/١
أسألك أن تعفو عنّي ١٦٣/٩
أسألك في هذه اللّيلة الإجابة ١١٤/٦
وأسألك كلّما شئت من حوآئجي ١٦٣/١٢
أللّهمّ إنّي أسألك أن تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٢٧/٨
١٣٥/٨ - ١٢٧/١١ - ١٣٤/٥
أسألك في هذه السّاعة ١٣٥/٩
أللّهمّ إنّي أسألك خشيتك في الغيب ١٣٩/١٤
فإنّي أسألك بمعاقد العزّ من عرشك ٢٤٣/٨
وأسألك قرّة عينٍ لاتنقطع ١٣٩/١٤
أللّهمّ إنّي أسألك ياجواد ياقريب... ١٣٨/١٣
أسألك بالحجّ الأكبر ١٣٧/٨
وأسألك بهذه الأسماء المباركات ١٣٧/٨
وأسألك باسمك الأعظم الّذي حقّ عليك ١٣٦/٣
أللّهمّ إنّي أسألك وأقسم عليك بكلّ اسمٍ هولك ١٣٦/٢
أللّهمّ إنّي أسألك العفو والعافية ١٤٣/٤٤ - ١٣٥/١٨
أسألك ياربّ من الخير كلّه ١١٦/١٠٦
أللّهمّ إنّي أسألك العصمة منها «الدّنيا» ١٣٥/٥
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق البهاء ٢٦٧/١
أسألك بإسمك المكتوب في سرادق ٢٦٧/١ - ٢٦٧/٢
أسئلك أن تصلّي على محمّد عبدك ٢٥٣/٣
أسألك بذلك كلّه أن تصلّي على ٢٦٧/٦
أللّهمّ إنّي أسألك صبراً جميلاً ١١٦/١٠٦
أسألك ياغافر الذّنب الكبير ١٨٢/٤
أسألك أللّهمّ من خير ما سألك منه ١١٦/١٠٧
أللّهمّ إنّي أسألك الهدى والتّقوىٰ ١٣٣/٥
أللّهمّ إنّي أسألك ياالله ياواحد ١٣٣/٦
أللّهمّ إنّي أسألك سؤال ملحّ ٢٤٣/١
أللّهمّ إنّي أسألك بانّك حيّ لايموت ١٣٠/٣
فإنّما أسألك لقديم الرّجآء لك ١١٦/٨٦
أللّهمّ إنّي أسألك العافية والشّكر على العافية ٦٢
وأسألك باسمك المكتوب في سرادق السّرائر ٢٦٧/٣
وأسألك باسمك المكتوب في سرادق الجلال ٢٦٧/٢
أللّهمّ إنّي أسألك بإسمك الله الله الله الله ٢٧٠/٣
أللّهمّ إنّي أسألك بحرمة من عاذبك ٢٥١/١
أللّهمّ إنّي أسألك خير المعيشة ٢٥١/٢٦ - ٢٥٢/١٨

أللّهمّ إنّي أسألك بما سألك به ذوالنّون ٢٥٢/٦
وسألك «ذوالنّون» وأنا أسئلك ٢٥٢/٧
وسألك وأنا أسألك ٢٥١/١١ ـ ٢٥١/١٢ ـ ٢٥٢/٧
وسألك «يوسف» وأنا أسألك ٢٥٢/٨
أللّهمّ إنّي أسألك عيشةً سويّةً ٢٢٥/٣
أسألك بأهل خاصّتك من ملآئكتك ١٩٥/٥
أللّهمّ إنّي أسألك سؤال مذنب ٢٣٧/١
وأسألك أللّهمّ حاجتي الّتي بيني وبينك ٢٢٢/٥
أسألك بإسمك الّذي تمضي به المقادير ٢٣٧/٦
وأسألك في مظالم عبادك عندي ٢٣٨/٦
أللّهمّ إنّي أسألك يامن يصرف البلايا ٢٣٩/١
أللّهمّ إنّي أسألك قلباً خاشعاً زكيّاً ١٩٩/٢٥
أسئلك من الشّهادة أقسطها ١٩٩/٢١
فإنّي أسئلك بكلّ دعوةٍ دعاك راج ٢٥٦/٢
أسألك أن تجعلني من أوفرهم منك حظّاً ١٨٩/٦
أسألك بسبحات وجهك ١٨٦/٤
أسألك بكرمك أن تمنّ عليّ من عطائك ١٨٥/٧
وأسألك فتعطيني ١٤٩/٣١
أسألك أنفةً عن الدّنيا ١٣٥/٤
أللّهمّ إنّي أسألك ياربّ ليلة القدر ١٣٢/١
أللّهمّ إنّي أسألك أن تغفرلي ما قدّمت ١٣٨/٤
وأنا أسئلك فاستجب لي ٢٥١/١٣
وأسألك بما دعاك به النّبيّون ٢٥١/١٤
وسألوك «النّبيّون» وأنا أسئلك ٢٥١/١٤
أللّهمّ إنّي أسألك أُموراً تفضّلت بها ٢٥٧/١
أللّهمّ إنّي أدعوك وأسألك ٢٥١/١٠
ياربّ غير أنّي أسألك بالمخزون ٢٠٥/١٦
أللّهمّ إنّي أسألك سؤال وجل من انتقامك ٢٤٧/١
أسألك التّوبة منها إليك ٢٤٩/١٩
وأسألك مسألة المسكين الضّرير ٢٠٦/١٥
أسألك بنور وجهك الّذي أضاء له ١٧٧/٣
وأسألك تمام النّعمة في جميع الأشياء ١٢٥/٦
وأسألك السّعة في الرّزق ١٢٥/٤
أسألك المخرج بالبيان من كلّ شبهةٍ ١٢٥/٤
وأسألك أللّهمّ بعزّتك وقدرتك ٢٢/١٩
أسألك أن لاتدع لي ذنباً إلاّ غفرته ١٢٢/٨
أسألك بكلّ اسم هو لك سمّيت به نفسك ١٢٢/٥
أسألك وأتوسّل بأسمائك ١٢٢/٧
أللّهمّ إنّي أسألك ياخالق الظّلمات والنّور ١٢٨/١
أللّهمّ إنّي أسألك سؤال الخائف ٢٤٥/١
أللّهمّ إنّي أسألك سؤال من لم يجد ٢٤١/١
أسئلك بأنّ لك الطّول والقوّة ١٢٠/١٢
ومأمن الخائفين أسألك أن تصلّي ١٢١/١
أللّهمّ إنّي أسألك السّعة في الدّنيا والآخرة ١٢١/٤
أللّهمّ إنّي أسألك الغنى في الدّنيا ١٢١/٥
إنّي أسألك من الدّنيا وما فيها رزقاً حلالاً ١٢١/٦
سبحانك أسألك أن تصلّي ١٤٣/٤٣
أسألك الرّوح والرّاحة عند الموت ٨٢/٧
وأسألك مستأنساً لاخائفاً ٤٠/٢
أسألك بكلّ اسم سمّيت به نفسك ٢٢/٣٩
إلهي أسألك أن تعصمني حتّى لاأعصيك ٢٠١/١
سيّدي أسألك مسألة مسكين ضارع ١٩٩/١٦٥
أسألك الأخذ بأحسن ما أعلم ١٢٥/٣
أسألك خوفاً تعينني به على حدود رضاك ١٢٥/٣
إنّي أسألك بك فليس كمثلك شيء ١٢٤/٧
أللّهمّ إنّي أسألك برحمتك الّتي لاتنال ١٢٥/١
وأسألك حسن الرّفادة ١٤٦/١٤
أسألك مسألة من خضع لك برقبته ١٦٤/٢
وأسألك في أن تسهّل إلى رزقي سبيلاً ٨٨/١٧
وأسألك أن تغفرلي ذنبي ١٢٧/٩
وأسألك رحمتك ورضوانك وعفوك ١٢٧/٨
أللّهمّ إنّي أسئلك أن تقضي عنّي ديني ١٢٧/٦
بسم الله الرّحمن الرّحيم، أللّهمّ إنّي أسألك ١٧٦/١
أسألك بحقّك الواجب على جميع خلقك ٣٦/١٠
علمت أنّ كثير ما أسألك يسير في وجدك ٣٩/٨
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّ لك الحمد ٤٣/١
أللّهمّ إنّي أسألك السّعة من طيّب رزقك ١٢١/١١
أسألك تعجيل ما تعجيله كان خيراً لي ١٢١/١٦
أللّهمّ إنّي أسألك بحقّ هذا الشّهر ١١٥/١٦
وأسألك عند الحاجة ٥٥/١٩
أسألك بأسمائك الكبيرة ١٢٢/٢
بأالله أسألك بك فليس كمثلك شيء ١٢١/٢٠
أللّهمّ إنّي أسألك باسمك الّذي به تقوم ٢٣٥/١
أسئلك سؤال معترف ببلائك القديم ١١٤/٩
سيّدي أنا أسألك ما لاأستحقّ ١١٦/١٠١
فَأَسْأَلُ: فأسألالله العون لناولكم على تزوّد التّقوى ٢٦٢/٢
فأسأل الله ربّي وربّك ١١٠/٤
فَأَسْأَلَكَ: فأسئلك أن تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ ١١١/٢ـ٢٥١/٤ـ٢٠٤/٣ـ١٣٢/١٠
فأسألك ياربّ محمّدٍ وآل محمّدٍ ٤٢/٢٧

فأسألك بالإخلاص من آبائى ٦٨
فَأَسْئَلُكَ: فأسئلك بك وبمحمّد وآله ٣٩/١٣
فأسألك أللّهمّ بكلّ دعوة دعاك بها ٢٢٠/٧
فأسألك يامولاي سؤال من نفسه ١٦٦/٩
فأسألك يامن يملك الحاجات ٢٣٨/٧
فأسألك ببلاغة حكمتك ١٨٣/٦
فأسألك ياصريخ المكروبين ٢٤٩/٢٤
فأسألك أللّهمّ بالمخزون من أسمائك ١٦٢/٦
فأسألك سيّدى توفيقى لما يوجب ثوابك ١٩٩/٩٥
أَنْ أَسْأَلَ: عن أن أسأل أحداً من العالمين ١٦١/٨
وأعوذبك أن أسأل غيرك ١٣٨/٧
لَمْ أَسْأَلْهُ: وقد أوليتنى ما لم أسأله من فضلك ١٨٥/٣
لَمْ أَسْأَلْكَ: إلهى إذا لم أسألك فتعطينى ١٧٩/٢
أَنْ أَسْأَلَكَ: أطمعنى في أن أسألك ما لاأستحقّه ٤٠/١
نَسْأَلُ: ونحن نسأل الله خير مسؤول ١٤٣/١٥
وارحمنا ... فيما نسأل ٢٠٠/١٥
نَسْأَلُكَ: أللّهمّ إنّا نسألك ياأجود الأجودين ١٤٣/١٦
أللّهمّ إنّا نسألك بكلّ دعوة توسّل بها إليك ١٤٣/٢٠
ونحن نسألك من الخير ٧٨/١٠
نسألك إدرار الرّزق ٨٧/٨
أللّهمّ إنّا نسألك العفو والعافية ١٤٣/٣٢
نَسْأَلُكَ: نسألك ياواسع البركات ٢٠٠/١٣
فَنَسْأَلُكَ: فنسألك أن تصلّى على ٢٠٠/١٢
لاٰيُسْئَلُ: لايسئل عمّا يفعل وهم يسئلون (قرآن) ١/٩
يُسْئَلُونَ: لايسئل عمّا يفعل وهم يسئلون (قرآن) ١/٩
تُسْأَلُ: لاعاجز عمّا تسأل ١٤٦/١٦
لاٰتُسْأَلُ: لاتسأل عمّا تفعل ١٥٣/٩ ـ ١٥٢/١٣
ولاتسأل عن فعلك ١١٦/٣٤ ـ ١٩٩/١٩٦
لَمْ تُسْأَلْ: لم تسأل فابتدأت واستميح فضلك فما أكديت ١٥٣/٩ ـ ١٥٢/١٣
إِسْأَلُوا: واسألوا الله من فضله (قرآن) ١١٦/١٥
سُؤَالَ: وسؤالى إيّاك لايشبه سؤال السّآئلين ١٩٩/١٥٨
لاسؤالاً إلاّ أعطيته ١٤٣/٤٦
أللّهمّ إنّى أسألك سؤال من لم يجد ٢٤١/١
أللّهمّ إنّى أسألك سؤال الخائف ٢٤٥/١
أللّهمّ إنّى أسألك سؤال وجل من انتقامك ٢٤٧/١
فأسألك يامولاي سؤال من نفسه ١٦٦/٩
سؤال نادم على اقتراف الآثام ٢٣٩/١
أللّهمّ إنّى أسألك سؤال مذنب ٢٣٧/١
ولانفذ منعك سؤال ملحّ ٢٣٧/٢
أللّهمّ إنّى أسألك سؤال ملحّ ٢٤٣/١
سؤال من لايجد لفاقته مغيثاً ١٧١/٣
إنّى أسئلك سؤال من اشتدّت فاقته ١٧١/٣
إن رددتنى إلى سؤال غيرك أذللتني ٢١٢/٣
أللّهمّ إنّى أسألك سؤال الخاضع الذّليل ١٧٠/٤
سؤال من قد غلب عليه الأمل ١٦٦/١٠
فأسألك... سؤال من استكثر ذنوبه ١٦٦/١٠
وأسألك سؤال من لايجد لعثرته مقيلاً ١٧٠/٥
وأسألك سؤال العائذ المستقيل ١٧٠/٤
وأسألك سؤال من يبوء بذنبه ١٧٠/٤
فأسألك... سؤال من لاربّ له غيرك ١٦٦/١١
أسألك أللّهمّ سؤال من هو بمنزلته ١٦٤/٥
ونبتهل إليك في سؤال عفوك ٩٧/٣
أسئلك سؤال معترف ببلآئك القديم ١١٤/٩
كرمك لايضيق عن سؤال أحدٍ ٣٩/٨
وسائلك على الحياء منى سؤال البائس المعيل ٣٤/٣
السُّؤالِ: أمرت بصلة السّؤال وأنت خير المسؤولين ٢٠١/٣٨
لأنّ السّائل إذا منع إمتنع عن السّؤال ١٩٧/٤٢ ـ ١٩٩/١٥٨
إعطاء ما يجب لهم قبل السُّؤال ٦٦/١ ـ ٦٥/٢
واستقرّ بإرادتك السّؤال ... قرارهم ١٩٣/٤
سُؤالِكَ: وطاش عند سؤالك إيّاى لبّى ١١٦/٨٨
سُؤالي: أللّهمّ ... بشكرك أستنجح سؤالى ١٩٩/١
ويأرحم الرّاحمين لك تخضّعى وسؤالى ١٩٢/٦
وسؤالى إيّاك لايشبه سؤال السّآئلين ١٩٩/١٥٨
لِسُؤالِ: ولابالخضوع لسؤال غيرك إذا فتقرت ٥٥/٢٠
أبكى لسؤال منكر ونكير إيّاى ١١٦/٧٩
لِسُؤالِهِ: سؤال من لم يجد لسؤاله مسئولاً سواك ٢٤١/١
بِسُؤالي: من المصلحين بسؤالى إيّاك ٦٤/١٢
بِالسُّؤالِ: أن تأمر بالسّؤال وتمنع العطيّه ١١٦/١٥
السُّؤُلاٰتِ: يامعطى السُّؤلات باكافى المهمّات ١٣٣/٦
مَسْأَلَةٍ: لكلّ مسألةٍ منك سمع حاضر ١١١/١
فسألتك مسألةَ من لايستوجب ٣٥/٥
أبسألك مسألةَ من خضع لك برقبته ١٦٤/٢
سبّدى أسألك مسألةَ مسكين ضارع ١٩٩/١٦٥
أسألك مسألةَ المسكين الضّرير ٢٠٦/١٥
فسألتك مسألة من لايستوجب ٢٥٧/٢٨
من صغير أوكبير من غير مسألةٍ منهم لك ٢٥٧/١
وسألتك مسألةَ الحقير الذّليل ١٤٧/٨٠
وزده «محمّد»... ما لاتبلغه مسألةُ السّآئلين ١٠/٢٠
ما تقصر عنه مسألةُ السّآئلين من عبادك ١٠/١٢

مسألَةَ من خضع لك رقبته ١٣٢/٨
أللّهمّ إنّي أسألك مسألةَ المسكين المستكين ١٣٢/٧
الْمَسْأَلَةِ: ربّ وأعوذبك من... والمسألة ١٥٣/٣٢
مَسْأَلَتِهِ: ونكفّ من غرب الألسن لدى مسألته ١٠/٩
مَسْأَلَتِكَ: ما قد يحضّنا على مسألتك ٧٠/١٤
ويحدونى على مسألتك تفضّلك ٣٤/٢
أللّهمّ إنّه يحجبنى عن مسألتك خلال ثلاث ٣٤/١
أللّهمّ إن عميت عن مسألتك أو فهمت عنها ٢٥١/٥٩
من يستنكف عن مسألتك لكشف ضرّه ١٩٩/١٢٧
حجّتى يالله في جرأتى على مسألتك ١١٦/٢٠
وإن أمسكت عن مسألتك ابتدأتني ١٩٩/١٧٤
مَسْأَلَتي: وأعطنى مسألتى ٢٥١/٤٩ ـ ٤٢/٢٨
وأعطنى مسألتى ولاتخيّب رجآئى ١٢٧/٧
قرعت باب فضلك يد مسألتى ٢٥١/٦٢ ـ ٧٠/٣
ولاتجبهنى بالرّد في مسألتي ١٤٦/١٥
أللّهمّ اجعل رغبتي في مسألتى ١٧١/٧
إشفع مسألتى إيّاك بنجح حوآئجى ٢٥١/٦٣
واشفع مسألتى إيّاك بنجح طلبتي ٧٠/٤
وتعلم حاجتى فأعطنى مسألتي ١٣٤/٦
فبلّغ محمّداً ما حوته لطآئف مسألتى ١٠/٣٢
إلهى ليس تشبه مسألتى مسآئل السّآئلين ١٩٧/٤٢
فأنت يامولاي دون كلّ مسئول موضع مسألتى ٧٤/٣
وقلبت مسألتى عمّن لم يستغن عن فضلك ٧٤/١
لِمَسْأَلَتي: وإيّاك رجوت لمسألتي ١٣٨/١٦
بِمَسْأَلَتي: وأعطنى بمسألتى إيّاك ٢٥١/٦٥ ـ ٢٥١/٤٤
بِالْمَسْأَلَةِ: وبرفع بالمسألة إليك يده ٢٠٤/٦
مَسائِلَ: تشبه مسألتى مسائل السّآئلين ١٩٧/٤٢
الْمَسآئِلِ: أتوسّل إليك ... بجميع المسآئل ١١٨/٢
أسألك بأعظم المسائل كلّها ١٤١/٥
يامن لاتفنى خزائنه المسائلُ ٣٩/٢
مَسائِلِهِمْ: مثل رغبة أوليائك فيمسائلهم ١٧١/٧
مَسآئِلي: ضحكت لها عبون مسآئلي ١٩٩/١٠٣
مُساءَلَتِهِمْ: وعند مساءلتهم بالصّواب مجيبين ٢٠٦/٢٢
بِالتَّسآؤُلِ: وأنطقهم بالتّسآؤل لدى ١٠/٣٤
سآئِلٌ: إلهى أنت الّذى لايحفيك سائلٌ ١١٦/١٠٥
على باب من أبواب منحك سائلاً ١٩٩/٩١ ـ ٢٣٩/٨
وليس من جميل امتنانك ردّ سائلٍ ٢٣٩/٨
لابأوّل سائلٍ سألك فأفضلت عليه ٣٩/٩
وأنت إلهى الكريم الّذى لاتردّ سائلاً ٨٢/٣
سائلاً فأعطنى ١٤١/١٤
سآئلاً فلا تحرمني معتصماً فلا تسلمني ١٦٣/١٠
ولكلّ سآئلٍ لك عطيّةً ١٤٩/٥٦
وليس من جميل امتنانك ردّ سائلٍ ملهوف ١٩٩/٩١
أمرتنا أن لانردّ سائلاً عن أبوابنا ١٤٠/٢ ـ ١١٦/١٣٢
وقد جئتك سآئلاً ١١٦/١٣٢
سائلاً فسيحة رحمتك وسعة طولك ١٦/٣
إجعل محمّداً ... أنجح سائلٍ ١٤١/٢٦
السّآئلَ: وأنت المعطي وأنا السّآئلُ ١٤٩/٨
لأنّ السّآئل إذا منع امتنع عن السّؤال ١٩٩/١٥٨ ـ ١٩٧/٤٢
المعطى وأنا السّآئلُ وهل برحم السائل ١٦٨/٤
وأنا السّآئلُ الّذى أعطيته ١١٦/٦٢
سآئِلَهُ: يامن لايردّ سآئله ١٨٥/٦
يامن لايخيب سآئلَهُ لاتردّنى خآئباً ١٤٩/٤٩
سآئِلُكَ: وسائلك على الحياء منّى سؤال البائس ٣٤/٣
سآئلك بفنائك ٢٣٢/١ ـ ٢٣٢/٣ ـ ٧/٦
سائلك بفنائك يشكو إليك ما لايخفى عليك ٢٣٢/٢
سآئِلينَ: وشفّعنا سآئلين ١١٧/٢٣
السّائِلينَ: ياأمان الخائفين ويامعطى السّائلين ١٤٣/١٦
يامنتهى رغبة السائلين ويارازق المقلّين ١٤٣/١٧
وسؤالى إيّاك لايشبه سؤال السآئلين ١٩٩/١٥٨
ياموضع شكوى السّائلين ١١٧/٢٥
يامن يقدر على قضاء حوائج السّائلين ١٧٦/١ ـ ٢٣٣/٤
وجوائز السّائلين عندك موفّرة ٢٥٥/٦
يامن يقدر على حوائج السّائلين ١٦٥/٤
وحضضت على إعطاء السّائلين ١٩٩/١١٦
أللّهمّ إليك رفعت أيدى السّائلين ٨٣/٥
يامن يملك حوائج السّآئلين ١١١/١
وزده «محمّد» ما لاتبلغه مسألة السّآئلين ١٠/٢٠
إلهى ليس تشبه مسألتى مسآئل السّآئلين ١٩٧/٤٢
وأعطنا ما سألناك يامعطى السّآئلين ١٣٩/٤
ما تقصر عنه مسألة السّآئلين من عبادك ١٠/١٢
من المأمولين لغيرى من السّائلين ٩٩/١
وياغاية سؤال السّائلين ١٩٢/٥
ما أعطيت السّآئلين من عبادك الصّالحين ١٣٢/١٠
لِلسّائِلينَ: وأبوابك مفتّحات للسّائلين ٩١/١
وجودك مباح للسّائلين ١٤٦/٦
وبابك مفتوح للسّآئلين ٢١٥/١ ـ ٢١٥/٩
سُؤْالاً: قد أتيناك سؤّالاً ومساكين ١٤٠/٢
سُؤّالِكَ: فأكرمنى إذ كنت من سؤّالك ١٤٠/٣ ـ ١٩٩/٨٩
مَسْؤُولٍ: نحن نسأل الله خير مسؤول ١٤٣/١٥

سئوال من لم يجد لسؤاله مسؤولاً سواك ٢٤١/١
مسؤولاً عمّا أسلفته من فارط زللي ١٩٩/٧٤
فأنت يامولاي دون كلّ مسؤولٍ موضع مسألتي ٧٤/٣
ياخير مدعوّ وياخير مسؤولٍ ١٩٩/٢٠٠
إلهي حرمني كلّ مسؤولٍ رفده ٢٠٤/١
ياخير مرغوبٍ إليه ومسؤولٍ ١١٤/١٣
الْمَسْؤولِ: أسألك سؤال ... المسؤول المحاسب ٢٤٥/١
سيّدي وأنت المسؤولُ الّذي ١٩٩/٩٩
الْمَسْؤولينَ: إنّك أكرم المسؤولين ٨٨/١١
أنت ... أكرم المسؤولين ٢٤٧/١٠
وأنت خير المسؤولين ٢٠١/٣٨ ـ ١٩٩/١١٦
وأغنني ... عن لؤم المسؤولين ٢٠٤/٣
سُؤْلِ: وياغاية سؤلِ السّائلين ١٩٢/٥
سُؤْلَها: وإمنحها «نفسي» سؤلها ٢٣٧/٥
سُؤْلي: ونيل سؤلي قبل زوالي عن موقفي هذا ٣٩/١١
أللّهمّ أعطني كلّ سؤلي ٦٤/١٠
قربك غاية سؤلي ١٨٩/٨
فأعطني سؤلي يامولاي في عدوّي ٢٥٢/٣٤ ـ ٢٥١/٥٠
فأحبه «قلبي» بتوبة منك ... ياسؤلي ومنيتي ١٨٢/١
أعطني سؤلي واكفني ما أهمّني ٢٥١/٥٦
ويامنتهى سؤلي فرّق بيني وبين ذنبي ١١٦/٨٥
أعطني سؤلي في نفسي وأهلي ١١٦/١٠٧
صلّ على محمّد وآل محمّد وأعطني سؤلي ٢٥١/٦٦
وأعطني بمسألتي إيّاك جميع سؤلي ٢٥١/٦٥
وأعطيتني جميع سؤلي ١١٧/٢١

س.ئ.م

لايَسْأَمُونَ: وحملة عرشك الذين... لايسأمون ١٢/١
لاتَسْأَمُ: ولاتغفل ولاتسأم ٨٣/١
سَأَماً: ولامتروك صيامه سأماً ١٤٢/٤٢
سَأْمَةٌ: والّذين لاتدخلهم سأمة من دؤوب ١٢/٧
ولاتلحقنا فيه سأمة ٣٣/٣
السَّأْمَةَ: وأذهب عنّي فيه «رمضان»... السّأمة ١١٧/٥
السَّآمَةَ: اصرف عنّا في أمره «وليعصر» السّآمة ١١٩/٣١
سَئِماً: ... حتّى ألقاك من العيش سئماً ١١٤/١٢

س.ب.ب

تُسَبِّبُهُ: أنت الّذي... تسبّبه «رزقي» برحمتك ٧٧/١٣
سَبِّبْ: وسبّب لي ذلك من فضلك ١٩٩/٢٠٠
تَسَبَّبَ: تسبّب باستعمالها إلى مغفرتك ٩٨/٨ ـ ٨/١٣
تَسَبَّبَتْ: تسبّبت بلطفك الأسباب ٢٤/٢
تَسَبَّبْتُ: وإليه به تسبّبت وتوصّلت ٩٩/٢
تَسَبَّبْنا: وتسبّبنا إليه من مثوبتك ١٤٢/٢٥
لِيَتَسَبَّبُوا: وخلق لهم النّهار... ليتسبّبوا إلى رزقه ٢١/٣
سَبٍّ: أو سبّ حاضر وما أشبه ذلك ٥٥/٢٢
سَبَباً: إجعل ذلك سبباً لقناعتي بما قضيت ٤٤/١٣
فاجعلنا لي سبباً إلى نيل غفرانك ١٩١/١
وسبباً نجزى به النّجاة ١٠٩/٩
حمداً يكون ... سبباً إلى رضوانه ١/٢٩
واجعل ذلك «محمّد» سبباً لنجاح طلبتي ٣٩/١٢
جعله سبب نجحها دونك فقد تعرّض للحرمان ٣٩/٥
السَّبَبِ: وبيدك ياإلهي جميع ذلك السّبب ٥٧/٢
سَبَبُهُ: أو لم يكن سببه بيدك فجازيتهم ٩٨/٣
ولم يكن سببه بيدك فجازيتهم ٨/٦
سَبَبَكَ: أو قطعت عنّي سببك لم أجد السبيل ٥٧/٣
سَبَبي: لاتبتّ سببي منك ٣٩/١٠
أصدد قوى سببي عن سواك ٢٤٩/٧
بِسَبَبِهِ: كما أو حبت لنا الحقّ على الخلق بسببه ٦٣/٤
بِسَبَبي: أو بسببي ظلم ففتّه بحقّه ١٠١/٤
أَسْبابِ: وأجر من أسباب الحلال أرزاقي ٧٩/٤
خرجت من يديّ أسبابُ الوصلات ٨٨/٤
أن تسدّ أسبابَ رحمتك ١٩٩/١٦٣
وانقطعت عنه أسباب خدآئمه ١٦٤/٤
إستنجدت الإعتصام بك كافياً من أسباب خلقك ٢٤٩/٤
تولّيت أسبابَ الإنابة إليك بمستوضحاتٍ ٢٤٩/١
الْأَسْبابُ: تسبّب بلطفك الأسبابُ ٢٤/٢
جعلت تلك الأسبابَ لخصائص من أهل الاحسان ٢٤٩/٢
أَسْبابَهُ: وأنّ أسبابه «رزقي» بيدك ٧٧/١٣
أَسْبابي: وانقطعت أسبابي ٢٠٤/٢
بِأَسْبابي: جرت مقاديرك بأسبابي ٢٤٩/١٤

س.ب.ت

سُباتاً: جعل اللّيل لباساً والنّوم سباتاً ٢٤٢/١

س.ب.ح

فَسَبَّحَكَ: فسبّحك نباتها «الأرض» ومياهها ٢٤٧/٧
سَبَّحَتْ: وإذا سبّحت به حفيفة السّحاب ١٢/١١
فَسَبَّحَتْ: فسبّحت له السّموات وأكنافها ١٩٩/٥٦
سُبِّحْتَ: سبحانك سبّحت في الملاء الأعلى ٤/٧
يُسَبِّحُ: وإن من شيء إلاّ يسبّح بحمدك ٢٣٤/٧

أَنْ يُسَبِّحَكَ: أمرت رسولك أن يسبّحك به ١٦٦/١٢
يُسَبِّحُونَ: لايفترون اللّيل والنّهار يسبّحون ١٤٨/٢
تُسَبِّحُ: تسبّح لك السّماوات بأفطارها ٢٣٤/٧
سَبِّحُوهُ: سبّحوه بكرة وأصيلاً (قرآن) ١٩٤/٥
سُبْحانَ: سبحان الله بكرة وأصيلاً ٢٢/١١ ـ ١٤١/٢٣
سبحان الله وبحمده ٥/٤
سبحان من لم يجعل في أحدٍ من معرفة نعمه ... ٦/١
سبحان من احتجب عن العباد ... ٥/٣
سبحان من قدّر بقدرته كلّ قدرة ٥/٢
سبحان من أشرق نوره كلّ ظلمة ٥/١
سبحان الله ربّ السّماوات السّبع ١٧٨/١ ـ ١٤٩/٧٢
سبحان الله العظيم ٨٣/١٢
سبحان الله والحمدلله ٨٣/١٩
سبحان الله الّذى لم يتّخذ صاحبة ولاولداً ٨٣/١٢
سبحان الله العلىّ العظيم ٤/٢٤
حسن ظنّى بك سبحان خالق النّور ١٣٧/١٠
سبحان الّذى عمّ الخلاّئق رزقه ١٣٤/٢
سبحان الّذى أحصى كلّ شىء علمه ١٣٤/٢
سبحان ذى العزّة والجبروت ٨٣/٤
سبحان الحيّ الّذي لايموت ٨٣/٤
سبحان ذى الملك والملكوت ٨٣/٤
سبحان الله عمّا يصفون (قرآن) ١٤٣/١٣
سبحان من هو هكذا ولاهكذا غيره ١٣١/٣
سبحان من ليس كمثله شىء ١٣١/٣
سبحان من جعل الإعتراف بالعجز ٦/٦
سبحان من جعل الإعتراف بالنّعمة له حمداً ٦/٥
قلت سبحان ربّى كيف يسأل محتاجٌ محتاجاً؟ ٣٩/٧
سبحان الواحد الّذى لاإله غيره ١١٤/٨
سُبْحانَهُ: سبحانه وتعالى عمّا يشركون (قرآن) ٢/٧
١١٤/٨ ـ ٢٢/٣٠
سبحانه ما أعجب ما دبّر في أمرك ١١٠/٣
سبحانه من خالق ما أصنعه ١٩٩/١٥
سُبْحانَكَ: سبحانك ما عبدناك حقّ عبادتك ١٢/٩
سبحانك لاإله إلاّ أنت ١٩٩/١٩٨ ـ ١٣٩/٨ ـ ١٣٤/٢
سبحانك إنّى كنت من الظّالمين (قرآن) ٢٥١/١٠ ـ ١٣٤/٢
١٤٨/٣ ـ ١٧٥/٢ ـ ١٩٩/١٩٨ ـ ٢٥٢/٦ ـ ١٤٣/٤٢
سبحانك ياإلهى ما أحلمك وأعظمك ٢٠٠/١
سبحانك نحن المضطرّون ٣٢/٣
سبحانك أىّ جرأة اجترأت عليك ١٦٧/٢
سبحانك ما أعظم شأنك ١٤٣/٤٣ ـ ٦٩/١ ـ ١٦٦/٥
سبحانك قضيت على جميع خلقك الموت ١٦٦/٦
سبحانك ما أعجب ما أشهد به على نفسى ٤٩/١٤
سبحانك أللّهمّ وبحمدك ٤/٢٣
سبحانك ياذاالجلال والإكرام ١٣٩/١٧
سبحانك سبحانك لاأجد عذراً ٢٠٣/٣
سبحانك ياربّ البيت ٨٣/٩
سبحانك طوتِ الأبصار في صنعتك ٢٢٢/٧
سبحانك سبّحت في الملأ الأعلى ٤/٧
سبحانك أنت شاهد كلّ نجوى ٤/٩
سبحانك موضع كلّ شكوىٰ ٤/١٠
سبحانك حاضر كلّ ملاءٍ ٤/١١
سبحانك عظيم الرّجاء ٤/١٢
سبحانك أللّهمّ وحنانيك ٤/١
سبحانك أللّهمّ والكبرياء سلطانك ٤/٥
سبحانك أللّهمّ والعظمة رداؤك ٤/٤
سبحانك أللّهمّ والعزّ إزارك ٤/٣
سبحانك من عظيم ما أعظمك ٤/٦
سبحانك تسمع وترى ما تحت الثّرى ٤/٨
سبحانك ما أضيق الطّرق على من لم تكن دليله ١٨٩/١
سبحانك أللّهمّ وتعاليت ٤/٢
سبحانك أخشى خلقك لك أعلمهم بك ١٦٦/٣
وقلت سبحانك إذا مسكّم الضّرّ فإليه تجارون ٢٥٧/٣٣
سبحانك تسمع أنفاس الحيتان في قعور البحار ٤/١٤
سبحانك ترى ما في قعر الماء ٤/١٣
سبحانك تعلم وزن السّماوات ٤/١٥
سبحانك تعلم وزن الظّلمة والنّور ٤/١٨
سبحانك تعلم وزن الفئ والهواء ٤/١٩
سبحانك تعلم وزن الشّمس والقمر ٤/١٦
سبحانك تعلم وزن الأرضين ٤/١٦
سبحانك لاينقص سلطانك من أشرك بك ١٦٦/٤
سبحانك تعلم وزن الرّيح كم هى من مثقال ذرّة ٤/٢٠
سبحانك قدّوس قدّوس قدّوس ٤/٢١
سبحانك عجباً من عرفك كيف لايخافك ٤/٢٢
سبحانك تعاليت عمّا يقول الظّالمون علوّاً كبيراً ٢٣٤/٧
سبحانك أسألك أن تصلّى ١٤٣/٤٣
سبحانك خضع لك من جرى في علمك ١٤٧/٢٥
سبحانك قاهر الأرباب ١٤٧/٣٠
سبحانك لاتحسّ ولانجسّ ولانمسّ ١٤٧/٢٦
سبحانك سبيلك جود وأمرك رشد ١٤٧/٢٧
سبحانك لاراادّ لمشيّتك ١٤٧/٢٩

سبحانك قولك حكم وقضائك حتم ١٤٧/٢٨
لإله إلاّ أنت سبحانك (قرآن) ٢٢/٤٠
سبحانك ما أجلّ شأنك ١٤٧/٢١
سبحانك من لطيف ما ألطفك ١٤٧/٢٢
سبحانك من مليك ما أمنعك ١٤٧/٢٣
سبحانك بسطت بالخيرات يدك ١٤٧/٢٤
سبحانك تعصى كأنّك لاترى ٩١/٦
سبحانك لاأيئس منك وقد فتحت ٣٤/٥
فاستغفرك ياسيّدى ومولاى وسبحانك ١٤٨/١٣
فَسُبْحانَكَ: فسبحانك ما أعظم شأنك ٢٤٧/٦
فسبحانك ما أبين كرمك ٩٨/٦ ـ ٨/١١
فسبحانك أىّ عين يرمى بها ٢٠٠/٤١
فسبحانك ما أحلمك ١١٦/٤٢
فسبحانك لاإله إلاّ أنت ٧٤/٥
سُبُحاتِ: من أشرف صلواتنا وسبحات نورها ١٠/٣١
إنحسرت الأبصار دون النّظر إلى سبحات وجهك ١٩٣/١
بِسُبُحاتِ: أسألك بسبحات وجهك ١٨٦/٤
التَّسْبيحِ: ولانفتر عن التّسبيح بحمدك ١٩٩/٣٥
سبيل الوصول إلى التّحميد والتّسبيح والتّمجيد ٢٤٣/٧
ياسبّوح يامنتهى التّسبيح ١٤١/١
تَسْبيحِكَ: أعظم النّعم... تسبيحك ١٩٤/١
أللّهمّ وحملة عرشك الّذين لايفترون من تسبيحك ١٢/١
ولاتشغلهم عن تسبيحك الشّهوات ١٢/٧
تَسْبيحي: وتسبيحي موصولاً بالإثابة ٢٠٢/٩
الْمُسَبِّحينَ: من حوله من المسبّحين ١٤١/٣٢
فتردّدوا في مصافّ المسبّحين ٢٠٠/٤٢
فبصلوات العترة الهادية والملآئكة المسبّحين ٢٠٢/٨
سُبُّوحُ: ياسبّوح يامنتهى التّسبيح ١٤١/١
الْمُسَبَّحُ: أنت المسبّح في كلّ مكان ١٩٤/٤

س.ب.ط

سِبْطَى: وولاية الحسن والحسين سبطى نبيّك ١١٩/١٤

س.ب.ع

سَبْعَ: كمثل حبّة أنبتت سبع سنابل ١٤٢/١١
يا... خالق سبع طرآئق مسلوكات ١٩٩/٥١
فوق سبع أرضين مذلّلات ١٩٩/٥١
ولقد آتيناك سبعاً من المثانى (قرآن) ١٤٤/٧
السَّبْعِ: أللّهمّ ربّ السّماوات السّبع وما أظللن ١٥٧/١
والأرضين السّبع وما أقللن ١٥٧/١
سبحان الله ربّ السّماوات السّبع ١٧٨/١ ـ ١٤٩/٧٢
وربّ الأرضين السّبع ١٧٨/١ ـ ١٤٩/٧٢
ربّ الأرضين السّبع ٢٦٩/٢ ـ ٢٦٩/٢
والسّبع المثانى الموحاة إليه ١٤٤/٦
سَبْعينَ: ياسيّدى ياسيّدى سبعين مرّة ٢٣٣/٦
السَّبُعِ: أضبأ إلىّ إضباءَ السّبع لطريدته ١٥٢/٧
السِّباعَ: إلهى ليت السّباع قسّمت لحمي ٢٠٥/٥
سِباعُها: فسبّحت له... سباعها ١٩٩/٥٦

س.ب.غ

أَسْبَغَ: وأسبغ علينا منّتك ١٤٢/٢٢
والحمدلله ... على ما ... اسبغ عليهم من نعمه ١/١٠
أَسْبَغْتَ: وقد أسبغت علىّ ملابس الإنعام ١٩٩/١٧١
وأسبغت علينا نعمتك ٢٠٠/٣
وأسبغت علىّ من نعمتك ١٦٣/١
أَسْبَغْتَها: كم من نعمة أسبغتها علىّ ٢٤٩/٩
فَاَسْبَغْتَ: أنعمت علىّ فأسبغت ١٤٩/٢٩
أَسْبِغْ: وأسبغ عليه في النّفقة ٦٧/١٦
وأسبغ نعمك علىّ ٢٥١/٤١
وأسبغ نعمتك علينا ٨٧/٧
أسبغ علينا رزقك ١٤٣/٤٠
أسبغ علينا نعمتك ٢٤١/٧
وأسبغ عطاياهم «أهل الثّغور» من جدتك ٦٧/١
سُبُوغُ: ولو لاحسانك إلىّ، وسبوغ نعمائك علىّ ١٦٣/٢
لك الحمد على... سبوغ نعمائك ١٨٧/٨
وتمّم سبوغَ نعمتك علىّ ١٤٧/١٠٩
وسبوغ نعمائك علىّ ١٦٣/١
بِسُبُوغِ: هذا مقام من اعترف بسبوغ النّعمآء ١٨٧/٢
هذا مقام من اعترف بسبوغ النّعم ١٥٢/١٤
سابِغَة: وكم من نعمة سابغةٍ أقررت بها عيني ١٦٣/٣
ووجدت نعماك علىّ سابغةً في كلّ شأن ١٦٣/٥
نعمةً منك سابغةً وعطاءً غير ممنون ٧٨/٢
وأنزل علىّ ... نعمة منك سابغةً ٢٥٢/١٩ ـ ٢٥١/٢٧
السّابِغَةِ: والحمدلله على نعمه الفاضلة السّابغة ١٢٣/٢
سَوابِغَ: إلهى ... فتمّم علينا سوابغ النّعم ١٨٧/٧
وجللّنى سوابغ نعمائك ١٤٧/٩٥
لِسَوابِغِ: فاجعل نفسي... ذاكرة لسوابغ الآئك ٢٥٥/٣
بِسَوابِغِ: الجواد على الخلق بسوابغ النّعم ١٩٩/٥٢
شملتهم «الخلآئق» بسوابغ نعمتك ٢٣٩/٢
أَسْبَغِ: في أدوم السّرور وأسبغ الكرامة ١١٦/١٠٨

أَسْبَغِهِ: على أنمّ الطّهور وأسبغه ١١٥/١٢

س.ب.ق

سَبَقَ: لانسبان لما سبق من ذميم فعلى ٨١/٦ ـ ٨٠/٢٢
يامن سبق علمه ونفذ حكمه ١٥٥/١
أللّهمّ وإن كان علمك قد سبق بشقوتى ١٠/٣٢
حمداً... نسبق به من سبق إلى رضاه ١/١٣
سَبَقَهُمْ: سبقهم زمان الهادين ٢١٩/٤٠
سَبَقَكَ: نظرت إليه من أحد سبقك ١٤٩/٥
سَبَقَنا: أللّهمّ إنّه قد سبقنا بتقديمك إيّاه ١٠/٢٧
سَبَقاني: فإنّهما «لوالدىّ» قد سبقانى إلى الغاية ١٤٩/٦٦
سَبَقُونا: ولإخواننا الّذى سبقونا بالإيمان (قرآن) ٢٠٠/٤٨
ربّنا اغفرلنا ولإخواننا الّذين سبقونا بالإيمان (قرآن) ١٤/٥
سَبَقَتْ: وإن سبقت مغفرتك لهما فشفّعهما ٦٣/١٦
يامن سبقت رحمته غضبه ١٤٩/٥٣
أو بأيّ حسناتٍ سبقت منّى في طاعتك ٢٠٥/١٢
فقد سبقت رحمتك غضبك ٢٠٦/١٣ ـ ٢٠٥/١٢
في منن قد سبقت منك لاأحصيها ٢٥٧/١٥
ليس لي حسنةٌ سبقت لي في طاعتك ٢٠٦/١٣
وإن سبقت مغفرتك لي فشفّعني فيهما ٦٣/١٦
سَبَقْتُهُ: أو سبقته بمظلمته ١٠١/٤
أَنْ يَسْبِقَ: قبل أن يسبق مقتُك إليّ ٥٥/٧
لَمْ يَسْبِقْنا: وإن كان لم يسبقنا بآياته وعلاماته ١٠/٢٧
لايَسْبِقُونَكَ: لايسبقونك بالقول وهم ٤٢/٢٠
لَمْ أَسْبِقْ: ولم أسبق إلى رؤيتك لقساوة قلبي ٢٥٧/١٠
نَسْبِقُ: حمداً... نسبق به من سبق إلى رضاه ١/١٣
سابَقُوا: والّذين... سابقوا إلى دعوته ١٤/٣
السَّبْق: إن أقعدني التّخلّف عن السّبق ١٩٩/٩٦
لايحرز السّبقَ الرّزاح وإن جرت ٢١٩/٤٤
وطيب المخالقة والسّبق إلى الفضيلة ٥٥/١٥
سَبْقِهِمْ: مع سبقهم إلى الغلّ والفساد ٢١٩/٣٦
لِسَبْقِ: وعلت لسبق السّعادة في الزّهادة هممهم ١٩٣/٣
السَّباقِ: وأوصلني بعنايتك إلى غاية السّباق ١٩٩/٦٦
الْمُسابَقَةَ: المسابقة إليها من حيث أمرت ١٤٧/١٧
بِالْمُسابَقَةِ: وأمرت بالمسابقة إليها «الجنّة» ٢٥٧/١١
سابِقِ: قدّرت في سابق علمك ١٠/١١
وآدم... سابقُ المتذلّلين بحلق رأسه ١١/٣
السّابِقِ: السّابق الفائق الحسن النّضير ٢٦٧/٣
الحمدلله... السّابق الأزليّة بالقدم ١٩٩/٥٢
أللّهمّ أنت ... السّابقُ القديم ١٩٩/٩
وولاية القآئم السّابق منهم بالخيرات ١١٩/١٨
السّابق في علمه ما لايهجس ١١٤/٨
سابِقُونَ: وهم لها سابقون (قرآن) ١١٥/٢٦
السّابِقينَ: إجعلنى من... السّابقين ١٨٨/٤
أعرفهم مقاماً بعد السّابقين الأوّلين في ثلّته ١٠/٣٠
سابِقَتِهِ: شكر قديم سابقته ١٠/١٥
سَبُوقُها: لايبلغ الغايات إلاّ سبوقها ٢١٩/٤٤

س.ب.ل

أَسْبَلْتَ: وأسبلت عليهم ستور العصمة والتّوبة ١٩٩/١٨٥
أَسْبِلْ: أسبل علىّ سترك ١٥٥/٦
أسبل علينا سترك ١٤٣/٤٠
سَبَّلَنا: وسبّلنا في سبل إحسانه ١١٥/٢
مُسْبِلَ: يا... مسبل السّتر على الورى ١٩٩/٦٥
سَبيلاً: وابتغ بين ذلك سبيلاً (قرآن) ٤٧/١ ـ ٢٢/١١
وأسلك بنا سبيلَ الحقّ بإرشادك ١٥/١٥
وخذبى سبيل الصّالحين ١١٦/١٢١
مثل الّذين ينفقون أموالهم في سبيلِ الله (قرآن) ١٤٢/١١
وحذّرتنا سبيلَ المهلكة ٢٠٠/٤
الحمدلله... الّذى... بعثهم «الخلق» في سبيلِ محبّته ١/٤
إن هم إلاّ كالأنعام بل هم أضلّ سبيلاً (قرآن) ١/١١
بأنّ لهم الجنّة يقاتلون في سبيل الله (قرآن) ١٤٤/٢٥
الّذين يستطيعون إليه سبيلاً ١٤٤/٢٤
إلى الله وفي سبيلِ الله ٢٩/١
وفي سبيلِ الله وعلى ملّة رسول الله ٢٨/١
واجعل لنا إلى بيتك الحرام سبيلاً ١٤٣/٣٥
قد مهّدت لعبادك سبيلَ الوصول ٢٤٣/٧
من الّذين آمنوا سبيلاً ١٣٥/١٣
ودلّنا على سبيلِ مرضاتك ١١/٥
من استطاع إليه سبيلاً (قرآن) ١٤٤/٢٢
وسبيلُ من تعبّدلك ٩٨/٩
والحمدلله... حمداً... يسهّل علينا به سبيلَ المبعث ١/١٤
فدعى إلى خير سبيلٍ ١٩٩/١٨
فليس لهم علينا سبيلٌ ولاسلطان إن‌شاء الله ٢٢/٨
إهدني في كلّ سبيلٍ من سبل الحقّ ١٤٨/٣٤
وانهج لي إلى محبّتك سبيلاً سهلة ٥٥/٤١
وأن تجعل لي مع الرّسول سبيلاً ١٢٧/١١
ناكصين عن سبيلِ الهدى وعلم النّجاة ٢١٩/٤٣
وأنفقت نعمتك في سبيل مخالفتك ١٩٩/١٥٥
فهذه ... سبيلٌ من تعبّد لك ٨/١٥

وأسألك في أن تسهّل إلى رزقي سبيلاً ٨٨/١٧
ما ذهب من جسمي وعمري في سبيلِ طاعتك ٨٨/١٨
وأصب بى سبيلَ الهداية للبرّ ٥٥/٣٥
فلا سلطان لإبليس عليه ولاسبيل له إليه ٢٤٨/٢
إلهى لاسبيلَ لي إلى الإحتراس من الذّنب ٢٠١/٤٠
يقول ياليتني اتّخذت ملع الرّسول سبيلاً (قرآن) ٢٠٧/١٧
أللّهمّ إنّك أنهجت سبيلَ الدّلالة عليك ٢٤٩/١
السَّبيلَ: وفسحت لهم السّبيل إليك ١٩٩/١٩٤
أللّهمّ فأرنى ذلك السّبيل حتّى أقاتل ١٤٤/٢٧
لم أجد السّبيلَ إلى شيء من أملي غيرك ٥٧/٣
لو لاتبصيرك ضللت عن السّبيلِ ١٩٩/٧١
أنت سهّلت لهم السّبيل حتّى وصلوا ١٩٩/١٦٤
سَبيلَهُ: واسلك بنا سبيلهُ «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
رجاء من لم يرتج معتمداً بسوء سبيلِهِ سواك ٢٣٩/١٠
ما أوضح الحقّ عند من هديته سبيلَهُ ١٨٩/١
أسلك بنا من التُّقى خلاف سبيلهِ من الرّدىٰ ٥٠/٤
سَبيلِها: لاأصدّ عن سبيلها ١٩٩/١٣
سَبيلِكَ: الظّلمة... صدّوا عن سبيلك ١١٩/٢
إلهى ... بك اهتديت إلى سبيلك ١٢٠/١
وتوفّنى في سبيلك ١١٦/١٢٥
وسبيلك الّذى سهّلت ١٤٢/٢٣
وأوذى في سبيلك وجاهد عدوّك ١٤١/٣٠
وجاهد في سبيلك أفضل ما جزيت ١٠٩/٢٧
على جهاد عدوّك في سبيلك مع وليّك ١٤٢/٢٥
وسبيلك العفو ٩٨/٤ - ٨/٨
وأبن به الضّرّاء من سبيلك ١٤٧/٦٥
وأن تجعل وفاتى قتلاً في سبيلك مع أوليائك ١٢٧/١٠
المجاهد في سبيلك ١٤٣/٥٢
الهادى إلى سبيلك ١٤٣/٢٣
سبحانك سبيلُك جدد وأمرك رشد ١٤٧/٢٦
والعمى عن سبيلك ١١٥/١٨
ولاالعمى عن سبيلك ولابالتعرّض لخلاف محبّتك ٥٥/١٨
بِسَبيلٍ: من كان منّى بسبيلٍ من المؤمنين ١١٧/٢٨
سُبُلَ: وإستطرقوا سبل النّوبة ١٩٩/١٩٥
إلهى فأسئلك بنا سبل الوصول إليك ١٨٩/٢
وصاحب سهّل سبل الإحسان ١٤٢/٣٤
وسبّلنا في سبل إحسانه ١١٥/٢
وأنهجت بآله سبل الرّضا إليك ١٠٩/٩
أللّهمّ وآدم... النّاهج سبل توبتك ١١/٢
واسلك بنا سبل الحقّ بإرشادك ٨/٢٥
أللّهمّ إنّي أجد سبل المطالب إليك ١١٦/١١ - ٢٢١/٢
إهدني في كلّ سبيلٍ من سبلِ الحقّ ١٤٨/٣٤
وسبلَ الرّاغبين إليك شارعة ٢٥٥/٤
أللّهمّ وإنّى أجد سبلَ المطالب إليك مشرعة ٢٢٠/٣
السُّبُلِ: وأجر به في أحبّ السبل إليك ٥٧/١٠
جعل من تلك السّبل شهره ١١٥/٣
سُبُلِهِمْ: وحيّرهم في سبلهم «عدوّ أهل الثّغور» ٦٧/٦
سُبُلِكَ: تتبّر من المنحرفين عن سبلك ١٤٧/٨٨
سُبُلي: وسهّل إلى بلوغ رضاك سبلى ٥٥/٤٠
بِمُسْبَلاتِ: العثرات بمسبلات العبرات ١٩٩/١٠٩

س.ت.ر

سَتَرَ: يامن... إذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبه ١٨٥/١
الّذى ستر الله به الأنبياء من الفراعنة ٢٢/٩
سَتَرْتَ: سترت علىّ ذنوبي ٢٤١/٦
إلهى سترت علىّ في الدّنيا ذنوباً ولم تظهرها ٢٠١/٤١
أسترنى وإيّاهم «أهل ولايتى» فيمن سترت ٢٤٨/٥
سترت علىّ ولم تفضحني ١٤٨/٣
فاجعل ما سترت من العورة ... واعظالنا ٩٥/٣
سيّدى سترت علىّ ذنوبى فيالدّنيا ١٩٩/١٢٦
ولاتؤاخذنى بما سترت علىّ ١٩٩/٦٧
إلهى سترت علىّ ذنوباً ١٩٧/١٢
بل سترت العورة ١٣٥/٦
بل سترت علىّ القبآئح العظام والفضآئح الكبار ١٤٩/٣٣
وسترت عورتى ولم تفضحنى بسريرتى ١٤٩/٣٣
سيّدى سترت علىّ في الدّنيا ذنوباً ١٩٩/١٧٥
الّذى سترت به رسلك عن الطّواغيت ١٥٥/٦
وسترت علىّ فما استحييت ١١٦/٦٥
سَتَرْتَهُ: سرفٍ بعد سرفٍ سترته ياربّ ١٣٥/٦
على ما لو سترته عنهم لم تدركه أبصارهم ١٤٢/١٤
أو عاقبتى عليه سترته علىّ او هتكته ٣٦/٩
ولاتكشف عنّا ستراً سترته على رؤوس الأشهاد ٣٣/٥
لاعيباً إلاّ سترته ١٤٣/٤٦
إلهى... ما سترته علىّ بحلمك فلا تهتكه ١٨٦/٦
وأنا المذنب الّذى سترته ١١٦/٦٣
سَتَرْتَها: فكم من عائبةٍ سترتها ٤٩/١١
سترتها بالحجب ٨٨/١٤
سَتَرْتَني: وبسترك سترتنى ١١٦/٦٦
وأدم لي ما به سترتني ١٩٧/١٥ - ١١٦/٩٦
أللّهمّ وإذ سترتني بعفوك ٨٨/١٢

أن سترتني بحلمك السّاتر ١٩٩/١٥٥
ولاانتهك عنّي ما به سترتني ١٩٩/١٢٩
فَسَتَرْتَ: فاستغفرت فأقلت فعدت فسترت ١٥٢/١
وحلمت فسترت ١٩٩/١٠
فأقلت فعدت فسترت ١٥٣/١
فَسَتَرْتَهَا: كم من معصيةٍ أنيتها فسترتها ١٥٤/١
سَتَرْتُ: سترتُ بيننا وبينهم بستر النبوّة... ٢٢/٩
فاغفرلي ما سترت من غيرك ١٢٨/٩
تَسْتُرُ: وتستر بها «التّوبة» عورانى ١٩٩/٤٨
تستر على من لو شئت فضحته ١٤٢/٣
أسألك... أن... تستُرَ عليّ فاضحات السّرآئر ١٨٢/٤
تستُرُ الذنب بكرمك ١١٦/٢٤
أم قبيح ما تستر؟ ١١٦/٢٩
تَسْتُرُهَا: وأنا افقرهم إليك... لعورة تسترها ٢٥٧/٩
لاتَسْتُرُهُ: فابتله ببلآءٍ لاتستره ١٦٠/٧
لَمْ تَسْتُرْنِي: ولو أردت فضيحتى لم تسترني ١٩٩/١٢٩
أَنْ تَسْتُرَ: عصيناك ونحن نرجو أن تستر علينا ١١٦/٣٧
بِأَنْ تَسْتُرَ: وأنك بأن تستر أقرب منك ١٤٧/٩٨
فَلَمْ أَسْتُرْهُ: ومن عيب مؤمن ظهرلى فلم أستره ١٠٠/٢
أُسْتُرْ: واستر عليّ وعلى والديّ ١١٧/٢٨
أُسْتُرْهَا: في القيامة واسترها «ذنوبى» ١٩٩/١٢٦
أُسْتُرْنِي: أسترني وإيّاهم فيمن سترت ٢٤٨/٥
واسترنى بسعة رحمتك وفضلك ٢٥٢/٣٧
أسترنى بسترك كما تأتيتنى عن الإنتقام منّى ٨٠/٩
أسترنى بستر عافيتك تفضّلاً ٨٠/١٧
أَسْتُرْنَا: واسترنا بسترك ١٤٢/٥٣
فَاسْتُرْنِي: وأستر بك فاسترنى ٥٢/٤
أَسْتَرَكَ: وأسترك لأنواع العيوب ١٤٢/٣٦
إِسْتَتَرَ: ولا ما استتر في المكنون ٢٣٤/٦
لايقهر من استتر بعظمته ١٩٩/٦
جاهرك بجهله وما استتر ١٩٩/٤٦
إِسْتَتَرْتُ: آه واحزناه استترت بعملي ١٩٨/٣٥
آه واحزناه استترت من الخلاّئق ١٩٨/٣٤
إستترتُ بالله ١٥٩/٢
بك استترتُ من ضرّآئِهِ «ظالمى» ١٥٥/٤
بك بك بك استترتُ ٥٢/٥
أَسْتَتِرُ: وأستتر بهم من عذابك ١٣٢/١٣
لاأقدر أستتر منك في ليلٍ ولانهار ١٢٨/١١
وأستتر بك فاسترني ٥٢/٤
تَسَتَّرَ: وتستّر «كلّنا» بالمساوئ فلم تدلل عليه ٩٥/١
سَتْرِ: وإفشاء العارفة وستر الطائبة ٥٥/١٥
الأخذ بمحاسن أدبك في ... ستر عوراتهم ٦٦/١ ـ ٦٥/٢
فأعطني من فضلك ... سترَ عورتي ١٣٩/٨
سَتْرِهَا: أنا إلى سترها يوم القيامة أحوج ١٩٧/١٢
سَتْرُكَ: وسترك قبل عملي ١٩٩/١٢٦
فلو لاسترك عورتي لكنت من المفضوحين ١٦٣/٧
لاتعرنى من جميل صفحك وسترِكَ ١٨٢/٤
... وكلائتك وسترِك ٢٥٧/٣٨
وسترُك على قبيح عملى ... ٤٠/١
بِسَتْرِهِ: يامن... لم يكن بستره عليّ بخيلاً ١٩٩/٦٧
بِسَتْرِكَ: ما أمهلتنا إذ كنت قد سدلتنا بسترك ٢٠٠/٣
بِالسَّتْرِ: فمن أحقّ بالسّتر منك ياستّار ١٩٩/١٢٦
سُتُرَاتُ: أنت في غوامض سترات ٢٠٠/٤٠
سَاتِرَ: ياساتر العورات ١٣٧/٧
كن لي... على المخازى والعيوب ساتراً ١٨٣/٦
السَّاتِرِ: أن سترتني بحلمك السّاتر ١٩٩/١٥٥
السَّاتِرِينَ: بل لأنّك باربّ خير السّاترين ١١٦/٢٣
مُسْتَتِرَةٌ: إذ هى «أسماء الله» مستترة دونهم ١٦/٤
سَتَّارُ: بل لأنّك باربّ ... ستّار العيوب ١١٦/٢٣
فمن أحقّ بالسّتر منك ياستّار ١٩٩/١٢٦
ياغفّار ياستّار ١٨٤/٩
مَسْتُوراً: واجعلنى في كلّ حالاتى... مستوراً ٥٩/٦
لايؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً(قرآن) ٢٢/١٠ ـ ٢٣/٥
وأحينى ما أحييتنى موفوراً مستوراً ١١٤/١٢
وانكشف كلّ مستورٍ دون خبرك ٨٨/٥
مَسْتُوري: ولانكشف مستورى ١٠٨/٢
سِتْراً: ثمّ لم تهتك لي ستراً ١٤٨/٤
... ولانكشف عنّا ستراً ... ٣٣/٥
إجعل بيننا وبينه ستراً لايهتكه ٥٠/١
كانت عافيتك لي من فضائحها ستراً ٨٨/١٠
إضرب بيني وبين أعدآئى ستراً ١١٤/١٦
السِّتْرِ: ياجميل السّتر ١٨٢/١٢
لم أثق بهم ربّ في السّتر عليّ ٨٨/١٣
يا... مسبل السّتر على الورى ١٩٩/٦٥
سِتْرَهَا: فلم تهتك عنّى سترَها ٤٩/١١
وأنا إلى سترها «الذّنوب» عليّ في القيامة أحوج ١٩٩/١٧٥
سِتْرُكَ: وأعاننى على ذلك سترُك المرخى به عليّ ٩١/٢
ولم تهتك عنّى جميل سترِك ياحنّان ٢٤١/٦
أللّهمّ لك الحمد على سترك بعد علمك ٩٥/١
أسبل علينا سترَك ١٤٣/٤٠

وأخبثني في سترك الواقي ٢٥١/٣٣
وأحيني في سترك ٢٥٢/٢٦
أنا لاأنسى... سترك عليّ في دار الدّنيا ١١٦/٧٥
وغرّني سترُك المرخى عليّ ١١٦/٦٧
وأعوذبك من ... كشف سترك ١٣٩/١٤
ولم تكشف سترَك عنّي ١٣٥/٦
واخبأني من سترك الواقي ٧٨/٧
أللّهمّ ألبسني سترَك ١٢٣/١٣
بيني وبين أعدآئي ستراً من سترك ١١٤/١٦
لاتزل سترك عنّي على رؤوس العالمين ١٩٩/١٧٥
فظاهرت عليّ جميل سترك ١٩٩/١٧٣
أسبل عليّ سترَك ١٥٥/٦
ويدعونى إلى قلّة الحيآء سترُك عليّ ١١٦/٢٥
أين سترُك الجميل ١١٦/٢٧
بِسِتْرِ: أسترني بستر عافيتك تفضّلاً ٨٠/١٧
سترت بيننا وبينهم بستر النبوّة ... ٢٢/٩
بِسِتْرِهِ: فيامن جلّلني بستره ١٩٩/١٧٥
بِسِتْرِكَ: جلّلني بسترك ١١٢/٦ ـ ٨٠/٢٠
أسترني بسترك كما تأنّيتني عن الإنتقام منّي ٨٠/٩
إلهي فإذ قد تغمّدتني بسترك فلم تفضحني ٤٩/١٩
وبسترك سترتني ١١٦/٦٦
أي ربّ جلّلني بسترك ١١٦/٦٠ ـ ١١٦/٢٣
واسترنا بسترك ١٤٢/٥٣
لِسِتْرِكَ: أللّهمّ لسترك على ما في قلبي ٢٤٨/١٠
بِالسِّتْرِ: جمّل عليّ بالسّتر والسّلامة والعافية ١٢٩/٧
سُتُورُ: أرسلت عليهم ستور عصمة الأولياء ٢٠٠/٣٦
وأسبلت عليهم ستورَ العصمة والتّوبة ١٩٩/١٨٥
فأطلعتهم على ستورِ خفيّات العلى ٢٠٠/٢٩
أسجف على نفسي ستورَ رضوانك ١٦/٤
السُّتُورُ: ولاتجنّ منه السّتور ١٤٩/٢٣
ياربّاه إرحم من أرخى السّتورَ على الخطايا ١٩٨/٨٧
الْأَسْتَارُ: يوم ... تهتك الأستارُ ١٩٩/٤٩

س.ج.د

سَجَدَ: سجد وجهي اللّئيم لوجهك العزيز ٢٥٢/١٢
سجد وجهي لمن خلقه وصوّره ٢٥١/١٨ ـ ٢٥٢/١١
سجد وجهي الحقير الذّليل لوجهك ٢٥١/١٩ ـ ٢٥٢/١٢
سجد وجهي البالي الفاني لوجهك الدّآئم ٢٥١/١٦ـ٢٥٢/٩
سجد وجهي متعفّراً في التّراب ٢٥٢/١٠ـ٢٥١/١٧ـ٢٢٦/١
سجد وجهي اللّئيم ... لوجهك الكريم ٢٥١/٢٠
سَجَدْنَا: وسجدنا حتّى تنفقّأ أحداقنا ٢١٣/٢
سَجَدْتُ: سجدتُ لك حتّى تنفقّأ حدقتاي ٤٩/١٧
أَنْ يَسْجُدَ: وحقّ له أن يسجد ٢٥١/١٧ ـ ٢٥٢/١٠
أَنْ تَسْجُدَ: جباهنا أن تسجد لغيرك ٢٠٨/٥
سُجُودِهَا: في ركوعها وسجودها ١١٥/١٢
سُجُودِي: وسجودي لك بغير منّ منّي عليك ١١٢/٩
بِالسُّجُودِ: خشوعي لك بالسّجود ٢٤٣/٦
سَاجِداً: وجهاً طالما خرّ ساجداً بين يديك ١٩٩/١٥٣
سَاجِدِينَ: ... ساجدين راكعين ... ٤٢/١٧
سُجَّداً: وكانت لك ركّعاً سجّداً ٢٠١/٣٧
سَاجِدَةً: خرّت ساجدة لعظمتك ١٨٤/٤

س.ج.ر

سُجِّرَتْ: وسجّرت به البحار ونصبت به الجبال ٢٦٧/٥

س.ج.ف

أَسْجِفْ: أسجف على نفسي ستور رضوانك ١٦/٤

س.ج.ل

سِجَالِ: دون استماحة سجال نعمتك ٧٠/٢
دون استماحة سجال عطيّتك ٢٥١/٦١
تفيض سجال عطاياك على المستأهلين ٢٣٩/٧
لِسِجَالِ: أنضر من أشرق وجهه لسجال عطيّتك ١٠/١٤

س.ج.ن

سِجْناً: لاتجعل الدّنيا عليّ سجناً ٧٨/٤
لاتجعل الدّنيا لي سجناً ٢٥١/٢٩ ـ ٢٥٢/٢٢
السِّجْنِ: إذ هو السّجن ففرّجت عنه ٢٥١/١٣ ـ ٢٥٢/٨
السُّجُونِ: الوثاق والسّجون والبلآء ١٥٣/٣٣

س.ح.ب

سَحَبَتْ: وسحبت عليهم أذيال البوار ٢١٩/٢٢
سَحَبْتَنِي: آه وانفساه إن سحبتني الملآئكة ١٩٨/٥١
تَسْحَبُ: تسحب عليهم أذيالها ٢١٩/٢٢
سَحَابَ: إلهي... أرسل على عيوبي سحاب رأفتك ١٨٢/٥
وتوسع به في الاقوات سحاباً متراكماً هنيئاً ٥٣/٢
إقشع عن بصآئرنا سحاب الإرتياب ١٨٨/١
السَّحَابِ: من السحاب المنساق لنبات ٥٣/١
وخزّان المطر، وزواجر السّحاب ١٢/١١
وإذا سجّت به حفيفة السّحاب ١٢/١١

يارِبّ السّحاب الممسكات ... ١٣٧/٦
ويامن بجلاله ينشئ السّحاب ٢٠١/٢٣
سَحائِبَ: وتهطل سحائب النّعيم ١٠/١٣
وتقشّعت عنه سحائبُ العمى ٨٠/٣
سحائبَ نعمٍ أمطرتها عليَّ ١٥٢/١١
وكم من سحائبَ مكروهٍ جلّيتها عنّي ١٥٣/٩ ـ ١٥٢/١١
يليق بك سجائبُ الإحاطة في بحور وهم الأوهام ٢٤٧/٥
وأنزل علينا نفع هذه السّحائبِ وبركتها ٩٧/٢

س.ح.ر

ساحِرٍ: إنّما صنعوا كيد ساحرٍ (قرآن) ١٥٩/١٣
وأعوذبك من شرّ كلّ كاهنٍ وساحرٍ ١٥٣/٣٠
السّاحِرُ: لايفلح السّاحرُ حيثُ أتىٰ (قرآن) ١٥٩/١٣
السَّحَرَةِ: ياقابل السّحرة اقبلني ٩٠/٤
سددت أفواه ... الشّياطين والسّحرة ٢٣/١

س.ح.ف

ساحِفِ: وساحف شعر رأسه تذلّلاً لك ٢٢٢/٢

س.خ.ر

سَخَّرْ: سخّرلي ما أريد من دنياى وآخرتى ٢٢/٣٨
سُخْرِيّاً: ولاسخرياً لك ولاتبعاً إلاّ لمرضاتك ١٤٧/١٠٦
مُسَخَّراتٍ: والنّجوم مسخّرات بأمره (قرآن) ١٢٨/٢
الْمُسَخَّراتِ: ياربّ النّجوم المسخّرات ١٣٧/٦

س.خ.ط

سَخِطَ: وسخِطَ عليها ورضى عنك ٨٨/١١
سَخِطْتَ: وويل لمن سخطت عليه ٢٥٧/١٥
لاتَسْخَطْ: ولاتسخط عليّ يامولاي ٢٥٧/١٥
لاأَسْخَطُ: ولاأسخط شيئاً من رضاك ٥٧/٩
أَسْخَطَ: كافأناك ... إجتراءً منّا على ما أسخَطَ ٢٠٠/٥
يُسْخِطُكَ: بما يسخطك من العمل ٢٥١/٤٢
والتّرك لما يسخطك ١٢٧/٩
ويسخطك الآخر علينا ٣٠/٣
أوهن قوّتنا عمّا يسخطك علينا ٣٠/٣
سَخَطٍ: فإن يك ذلك من سخط منك ٢٥٧/٣٠
رضى لاسخط عليّ بعده أبدا ١١٧/٢٠
السَّخَطِ: في الرّضا والسّخط والتّواضع ١٢٥/٥
سَخَطِهِ: أم هل يجبره من سخطه أحد ١٨٢/٦
ويامن رضاه أوفر من سخطه ٣٤/٨
وآمن سخطَهُ عند كلّ عثرة ٢٥١/٦٤
سَخَطِكَ: ولنا في الدّنيا عن سخطك و... ذآئداً ١٠٩/١٦
فكُلّ مكروهٍ حللْ دون سخطك ٤٤/٦
وأعذنا من سخطك ١١٦/٤٤
فلا رحمتك تؤمننا ولاسخطُكَ يؤيسنا ١٩٩/١١٧
وعافني من سخطِك ٢٥٢/٣٦
أللّهمّ لاقوّة لي على سخطك ١٤٩/٤٥
فنجّني من سخطك ١٦٣/٦
وتقوّيت برزقك على سخطك ١٤٩/٣٠
أعوذ برضاك من سخطك ١٤٩/٥٣
وتعافيني من سخطِك ٢٥١/٤
إرحم من ... اجترأ على سخطِك ١٩٩/٤٧
فارّ من سخطِك إلى رضاك ١٨٦/٥
إلهي أجرني من... عظيم سخطِك ١٨٤/٨
أكتب لي أماناً من سخطِك ٤٩/٢٠
أللّهمّ فبادرهم بقواصف سخطِك ٢٢٣/٥
إرحم عبدك ... الدّاخل في سخطك ٣٦/٥
فإن بك ذلك ياإلهي من سخطك عليّ ٣٥/٧
فأعوذ بحلمك من سخطِك ٣٥/٧ ـ ٢٥٧/٣٠
لِسَخَطِكَ: أو متعرّضاً لسخطك ونقمتك ١٢٣/١٨
لسخطك متعرّضة تسلك بي مسالك المهالك ١٨٣/١
حل بيني وبين التّعرّض لسخطك ٣٦/٦
السُّخْطِ: والأمن والرّضا والسّخط ٥٩/١٢
سُخْطِكَ: حتّى أحبّ شيئاً من سخطِك ٥٧/٩
أم أوجبت لي في مقامي هذا سخطك ٣٤/٤
فأصبح طليق عفوك من إسار سخطِك ١٠١/٨
بِسُخْطِكَ: وإنّ طاقتي لاتنهض بسخطك ١٠١/٥
سَخْطَةً: بعثتها نقمة وأرسلتها سخطةً ٩٧/٣
السَّخْطَةِ: رضاك عند السّخطةِ ١٦٤/٢٢
سَخْطَتَكَ: إن نظرت إليّ بالهلكة عيون سخطتك ١٩٧/٢٥
واستوجبت بسوء سعيي سخطتَكَ ٨٨/٧
إسْخاطِ: في إسخاطِ خلقك إلتماساً لرضاك ١٦٤/٩
ساخِطاً: وإن تك ساخطاً فأحقّ من عفا أنت ٢٥٧/٢
وأنت ساخطٌ عليّ ٢٠٦/١٢
إذا أنا قدمت إليك وأنت ساخطٌ عليّ ٢٠٥/١١
الْمُسْخِطَةِ: لأن أرتدع عن معصيتك المسخطة ٤٩/١٤
مُسْتَسْخِطٍ: ولامستكبرٍ ولامستسخطٍ بل ١٤٨/٢٧
مَساخِطِكَ: عن ارتكاب مساخطك ١٥٢/١٣

س.د.د

سَدَدْتَهَا: أسألك أن ... لافاقةً إلاّ سددتها ١٢٢/٨
سَدَدْتُ: سددت أفواه الجنّ والإنس ٢٣/١
لايَسُدُّهَا: إلهي... خلّتي لايسدّها إلاّ طولك ١٩٢/٢
تَسُدُّهَا: وأنا أفقرهم إليك... لخلّة تسدّها ٢٥٧/٩
أَنْ تَسُدَّ: أن تسدّ أسباب رحمتك ١٩٩/١٦٣
سُدَّ: وسدّ به «وليعصر» خلّتنا ١١٩/٢٤
سَدَّدَ: سدّد نحوى صوائب سهامه ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤
سَدَّدَهُ: جعلت ما سدّده مردوداً عليه ١٥٢/٦ ـ ١٥٣/٦
سَدَّدَني: ووفّقني لطاعة من سدّدني ٥٥/١٢
سَدَّدَهُ: أيّما غاز سدّده في الحكم ٦٧/١٨
سَدِّدْني: وسدّدني لأنّ أعارض من ٥٥/١٣
وسدّدني واهدني وقني شحّ نفسي ١٣٨/٥
سَدِّدْنا: فأيّدنا بتوفيقك وسدّدنا بتسديدك ٣٠/٥
أللّهمّ وفّقنا وسدّدنا واعصمنا ٢٣٤/٥
سَدّاً: سدّاً حتّى تعمى عنّى بصره ٦١/٨
بين أيديهم سدّاً ومن خلفهم سدّاً(قرآن) ١٦١/٥ـ٢٣/٥ـ٢٢/٩
ولديك أرجو سدَّ فاقتي ١١٦/٩٠
بمحاسن أدبك في ... سدّ خلّتهم ٦٥/٢ ـ ٦٦/١
فمن حاول سدّ خلّته من عندك ٣٩/٤
سَدادُ: فبتسييرك يجرى سداد الأمور ١٩٩/١٩٧
السَّدادِ: واجعلني من أهل السّداد ٥٥/٢٧
تَسْديدِكَ: وأيّدني بتوفيقك وتسديدك ١٤٧/٩٥
لايبلغ إلى فضائل القسم إلاّ بتأييدك وتسديدك ٢٤٩/٨
ولو لاتسديدُك لم ينج المستبصرون ١٩٩/١٦٤
بِتَسْديدِهِ: عن الضّلالة بتسديده ١٩٩/٧٢
بِتَسْديدِكَ: فأيّدنا بتوفيقك وسدّدنا بتسديدك ٣٠/٥
ولاحول لي عن معصيتك إلاّ بتسديدك ١٩٩/١٩٨ ونكصت
بتسديدك عن عثرتي ٣٩/٧
سادّاً: أسألك سؤال من لايجد... لفاقته سادّاً ١٧٠/٥
مُسِدّاً: ولالفاقته مسدّاً ١٤١/١٨
مَسْدُودٌ: وكلّ طريق إلى سواك مسدود ٩٩/١
الْمُسَدَّدُ: أنّ محمّداً... المسدّد بالأمر المرضيّ ١٩٩/١٦
مُسَدَّدينَ: ... موفّقين مسدّدين ... ٤٢/١٧

س.د.ل

سَدَلْتَنا: ما أمهلتنا إذ كنت قد سدلتنا بسترك ٢٠٠/٣

س.د.ن

سَدَنَةِ: ورضوان وسدنة الجنان ١٢/١٢

س.د.ى

أَسْدَيْتَ: بما أسديت إليّ أن أحمدك بها ٧٧/٥
وما أسديت من جميل منّك إليهم ١٩٩/١٨٧
وسالف ما أسديت من فضلك ٦٠/٣
كم أسديت عندى من يد ١٩٩/٦٨
أَسْدَيْتَهُ: وأعترف بما أسديته إليّ ١٤٧/٩٦
أَسْدَيْتُهُ: ولاتهلكني بما أسديته إليك ١٤٧/٩٧
أُسِدَى: ومن معروف أسدى إليّ فلم أشكره ١٠٠/١
سُدىً: ولم تترك عبادك هملاً ولاسدىً ١٩٩/١٦٦
سُدىً ما لنا بعد الفناء مصائر ٢١٤/٣٢
سدىً ما لنا بعد الممات مصادر ٢١٤/١٠٨
لم يدع الخلق سدىً من غير حجّة ٢١٩/٤٧

س.ر.ب

أَسْرِبْ: أسرب به الأحكام المهملة ٧٠/١٢
سِرْبُهُمْ: وأمن في مواطن المخافة سربهم ١٩٣/٤
سَرابِها: وهشيمها البآئد وسرابها الذاهب ١٦٤/١٩

س.ر.ب.ل

سَرْبِلْني: وسربلني بسربال عافيتك ١٤٧/٩٥
سِرْبالَ: إلهي ... لاتلبسنا سربال القنوط ١٨٧/٣
أغدف اللّهمّ علىّ سربال غفرانك ١٦/٤
بِسِرْبالِ: وسربلني بسربال عافيتك ١٤٧/٩٥
سَرابيلَ: قبل أن تلبس الأبدان سرابيل القطران ٩٠/٧
ووصفته «العذاب» ... سرابيل القطران ٢٥٧/١٦

س.ر.ج

سِراجاً: وجعل فيها سراجاً وقمراً منيراً يا أللّه ١٣٢/٣
وللمتخلّفين ... نذيراً وسراجاً منيراً ١٠/٨
جعلت الشّمس النّيّرة المنيرة سراجاً وهّاجاً ٢٤٥/٤
السّراجِ: علىّ بن محمّدٍ السّراج المنير ٤٢/١٢
الدّاعى إليك بإذنك السّراج المنير ١٢٣/٩
السّراج المنير زين يوم القيامة ١٤٣/٥١
البشير النذير السّراج المنير ١٤٣/٢٣

س.ر.ح

يَسْرَحُوا: النّهار... لـ... يسرحوا في أرضه ٢١/٣
أَسْرِحْنا: وأسرحنا في ملك الأبد ٩٦/٥

س.ر.د.ق

سُرادِقِ: بإسمك المكتوب في سرادق المجد ٢٦٧/١
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق البهاء ٢٦٧/١
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق الجلال ٢٦٧/٢
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق العظمة ٢٦٧/١
أسألك بإسمك المكتوب في سرادق العزّة ٢٦٧/٢
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق القدرة ٢٦٧/٢
سُرادِقُهُ: يامن شأنه الكفاية وسرادقه الرّعاية ١١٤/١٤
سُرادِقاتِ: أضف عليّ سرادقات حفظك ١٣٩/١٦
ووصفته «العذاب» ... سرادقات النّار ٢٥٧/١٦

س.ر.ر

فَسَرَّ: السّلام عليك من أليف آنس مقبلاً فسرّ ١٤٢/٣٢
يَسُرُّ: أو يسرّ بها أريب ٢١٤/١٠٥
أو يسرُّ بلذّتها أريب ٢١٤/٢٩
يَسُرُّها: أشكو ... إلى ما يسرّها طامحةً ١٨٣/٤
يَسُرُّكَ: وهب لي ما يسرّك ٢٠٣/٨
لايَسُرُّكَ: ولاتفعل بي ما لايسرّك ٢٠١/١٨
هب لنا ما لايسرّك ٢١١/١
تَسُرُّكَ: إلهي الطّاعة تسرّك ٢٠٣/٨
لاتَسُرُّكَ: يامن لاتسرّك طاعتنا ٢١١/١
فَسُرَّني: فسرّني بلقائك عند اقتراب أجلي ٢٠١/٤٢
١٩٩/١٢٦ ـ ١٩٧/١٣
أَسْرَرْتُ: ما يصلحني... أعلنت أو أسررت ٦٤/١١
وما أعلنت وما أسررتُ ١٣٨/٤
أُسِرُّ: وأسرُّلهم «جبرانى» بالغيب مودّةً ٦٥/٤
أُسِرُّها: وأسرّها تصديقاً بربوبيّتك ١٩٩/١٣
سُروراً: واجعل الموت لي جذلاً وسروراً ١١٤/١٢
الّذى جعلته للمؤمنين عبداً وسروراً ١٤٢/٥٩
يتعجّل به ... سرورَ ما أتى ٦٧/٢١
وارزقنى... سرور الأبد في دار المروّة بمنّك ١٣٣/٨
وإن أدخلتنى الجنّة ففى ذلك سرورِ نبيّك ١١٦/١١٩
إلهى إن أدخلتنى النّار ففى ذلك سرورُ عدوّك ١١٦/١١٩
من كلّ سرورٍ بغير قربك ١٩٤/٤
لفّهم نظرة وسروراً ١٤٣/٣٩
وغشّنى سرورَ الدّنيا ١٢٢/١٠
أن سرورَ نبيّك أحبّ إليك من سرور عدوّك ١١٦/١١٩
السُّرورَ: تبلّغهم به السّرور في الجنّة ١٤٣/٣٧
دوام النّعمة ومبلغ السّرورِ ٢٥٧/٣٩
فتتلقّاهم مقرونة بالرّوح والسّرورِ ١٩٩/٦١
وأرنى الرّخآء والسّرورَ ٢٥١/٥٢ ـ ٢٥٢/٣٥
وأحييته حياةً طيّبة في أدوم السُّرورِ ١١٦/١٠٨
ويحشر إلى ربّهم بالحبآء والسّرورِ المتّقون ١٩٧/٤٧
وخاضوا لجّة السّرور ٢٠٠/٢٤
الْمَسَرَّةَ: وتتيلنى بها «التّوبة» المسرّة ١٩٩/٤٩
الْإِسْرارِ: فألهمنا ذكرك في... الإعلان والإسرار ١٩٢/٢
سَرِيرَةً: ولاتذر معها علانيّةً ولاسريرةً ١٤٧/١٠٨
السَّرِيرَةِ: نعوذ بك من سوء السّريرة ٢٦/٥
سَرِيرَتِهِ: إلهى تباركت وتعاليت دغل سريرته ١٥٢/٨
من عمّر بالزّهد مكنون سريرته ١٩٩/١١١
سَرِيرَتِكَ: على مكنون سريرتك ٢٢٢/٣
سَرِيرَتي: وما أقبح سريرتي وعلانيّتي ١٦٤/١٤
وما يكون منّى في سريرتي وعلانيّتى ٢٤٩/١٤
تقبح فيما أحلو لك سريرتي ١٤٨/٣٠
وأخلص سريرتى عن علائق الأهوآء ١٩٩/٣١
أللّهمّ إنّك تعلم سريرتى ٢٥١/٤٩ ـ ٢٥٢/٣٢
تقبح لك فيما أحلو سريرتى ٢٧/٧
تقبح في خفيّات القلوب سريرتى ٢٧/٥ ـ ٢٧/١
وتعلمُ سريرتي وتطّلعُ على ما في قلبي ٨٢/٤
ومالي كلّما قلت قد صلحت سريرتي ١١٦/٥٤
بِسَرِيرَةٍ: ولم يفضح «الله» بسريرة ٨٣/٣
أنّى أشهد بسريرةٍ زكيّة ١٩٩/١٣
بِسَرِيرَتي: وبسريرتي فلا تخزنى ٢٥١/٢٣ ـ ٢٥٢/١٥
إلهى، لئن طالبتنى بسريرتى ٢٠٣/٦
إلهى لم تفضحني بسريرتي ١٦٣/١٢
وسترت عورتي ولم تفضحني بسريرتي ١٤٩/٣٣
سَرِيراتي: أحتشم منه في سريراتي ٨٨/١٢
سَرائِرِ: وجالت بين سرائر حجب الجبروت ٢٠٠/٣٠
السَّرائِرَ: بموقف عدل يوم تبلى السّرائر ٢١٤/٣٠٧
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق السّرائر ٢٦٧/٣
بموقف عدل حين تبلى السّرائر ٢١٤/٣١
ولاتهلكنى يوم تبلى السّرائرُ (قرآن) ١٤٧/١١١
أسألك... أن... تستر عليّ فاضحات السّرائِرِ ١٨٢/٤
ولاتعزب عنك غيّبات السّرائِرِ ٨٨/٦
سَرآئِرِهِمْ: أللّهمّ أنت... تطّلع على سرآئرهم ٢٥١/٥٧
وانتفت مخالجة الشّكّ عن قلوبهم وسرآئرهم ١٩٣/٣
سَرآئِرِنا: أثبت الحقّ في سرائرنا ١٨٨/٢
سُرُرٍ: على سرر متقابلين (قرآن) ١٤٣/٥٥
السَّراري: وملح السّراري والحرائر ٢١٤/٩٢
سَرّاءَ: وإن أبطات عنّى في سرّاء كنت أو ضرّاء ٥٧/٧
في سرّآء كنت أو ضرّاء أو شدّة أو رخاء ١٢٦/٣

السَّرّاءِ: وعليه في السّرّآء والضّرّآء عوّلت ٩٩/٢
الحمدلله على السّرّاء والضّرّاء والشدّة ١٤٣/١٠
فألهمنا ذكرك في... السّرّاء والضّرّآء ١٩٤/٢
مَسْرُورِينَ: وبلقآء منكرٍ ونكيرٍ مسرورين ٢٠٦/٢٢
ويتولّى كتّاب الحسنات عنّامسرورين ٣٣/٣
سِرَّ: إستودعته سرّ غيبك ١٤٤/١٧
السِّرِّ: ياسامع السّرّ والنّجوى ١٩٩/٦٥
ياعالم السّرّ والنّجوى ١٩٧/٣٤
ياعليماً بما فى السّرّ ١٨٢/١٢
يعلم ... خآئنة الأعين والسّرّ وأخفى ١٤٩/٢٤
يعلم السّرَّ والعلانيّة ١٤٩/٢٢
يامن السّرُّ عنده علانيّة ١٩٩/١٢٥
سِرِّهِ: وأبنّك من سرّه ما أنت أعلم به منه خضوعاً ٨٠/٥
سِرُّهُمْ: وطاب في مجلس الأنس سرّهم ١٩٣/٤
سِرّيْ: سرّى لك ألّلهمّ مكشوف ٢٥١/٥٧
واجعل سرّى معقوداً على مراقبتك ١٩٩/٣٢
ألّلهمّ إنّك تعلم سرّى فاقبل معذرتى ١٣٤/٦
وحيث ما كنت وضعت عندك سرّى ١٦٣/١٢
ياخبر من ناجيته في سرّى ٢٥/١
وتعلم سرّي وعلانيتى وحالي ١٦٥/٦
لِسِرِّكَ: الّذين اخترتهم لسرّك ١٤٩/٤٦
لِسِرّي: وأخلو به حيث شئت لسرّى ١١٦/٥
بِسِرّى: وأخلو به «الله» حيث شئت بسرّى ١٢٠/٥
وأنت العالم بسرّى وإعلاني ١٩٩/٣١
الْأَسْرارِ: سالماً من تمويه الأسرار والعلن ١٩٩/١٩٠
يامطّلعاً على الأسرار ٢٣٩/١١
يوم ... تبلى الأسرارُ ١٩٩/٤٩
ياعلاّم الخفيّات والأسرارِ ياجبّار ياقهّار ٢٤٣/١١
أَسْرارِهِمْ: الأخذ بمحاسن أدبك فى... كتمان أسرارهم «الجبران» ٦٥/٢-٦٦/١
أَسْرارِها: فخبرت مكنون أسرارها ١٩٩/١١

س.ر.ع

أَسْرَعُوا: والّذين... كانفوه وأسرعوا إلى وفادته ١٤/٣
أَسْرَعْتَ: واجعلنا من الّذين أسرعت أرواحهم ٢٠٠/٢٣
فَأَسْرَعْتُ: ونهيٌ نهيتنى عنه فأسرعت إليه ٣٤/١
يُسْرِعُني: ويسرعني إلى التّوثّب على محارمك ١١٦/٢٥
تُسْرِعُ: أشكو نفساً... تسرع بي إلى الحوبة ١٨٣/٢
فَأَسْرِعَ: أنت غافرٌ لمن بكاك فأسرع في البكاء ٤٩/٦
أَسْرِعْ: وأسرع بإجابتي ٢٠١/٣٠
أَسْرِعِهِمْ: وأسرعهم «مواليه» إلى مرضاته ١٤٩/٧٠
سارَعْتُ: كما سارعت إلى دواعى الدّنيا ١٦٤/١٩
يُسارِعُونَ: الّذى هم بالبدار إليك يسارعون ١٨٩/٣
يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون (قرآن) ١١٥/٢٦
بِسُرْعَةِ: واثقاً بسرعة إجابتك ١٥٢/١٠ ـ ١٥٣/٨
مُسارَعَةً: مسارعةً إلى ما باعد من رضاك ٢٠٠/٥
الْمُسارَعَةِ: ضعف نفسي عن المسارعة ١٦٣/١١
وأبطأت في الإجابة والمسارعة إليها ١٦٤/١٩
سِراعاً: إبتدروه سراعاً ولم ينظروه ١٢/١٣
مُسْرِعَةٌ: وهى «الحاجات» مسرعةٌ إلى إرادته ٢٣٨/٧
الْمُسارِعينَ: المسارعين إلى الخيرات ١٨٨/٤
سَريعاً: ولابدّ أن تفنىٰ سريعاً لحوقها ٢١٩/٢١
ولاجدة إلاّ سريعاً خلوقها ٢١٩/٢٥
دعتني دواعى الدّنيا فأجبتها سريعاً ١٦٤/١٩
على جدد قصد سريعاً لحوقها ٢١٩/٢٨
سَريعٌ: ألّلهمّ إنّى أسألك بأنّك... سريع لاتذهل ١٣٠/٥
أنت له مطيع وإلىٰ إرادته سريعٌ ١١٠/٢
واسع درّرُهُ وابلٍ سريعٍ عاجلٍ ٥٣/٢
السَّريعُ: أين غياثك السّريعُ ١١٦/٢٧
أيّها الخلق المطيع الدّائب السّريعُ ١١٠/١
أَسْرَعَ: ياأسرع الحاسبين ٤٢/٢٩ ـ ١٨١/١
إيّاك أدعو... يا... أسرع الحاسبين ١٤٩/١٦
بِأَسْرَعِها: فأوقع النّقص بأسرعها فناءً ٣٠/٢

س.ر.ف

أَسْرَفْا: أو أسرفا علىّ فيه من فعلٍ ٦٣/٩
أَسْرَفُوا: أن قلت ياعبادى الّذين أسرفوا (قرآن) ١٦٢/٢
أَسْرَفْتُ: وأسرفت على نفسي بما قد علمت ١٩٩/١٣٦
سَرَفٍ: إن كان عفوك لايرجوه ذوسرفٍ ٢١٥/٥
كم لي من... سرفٍ بعد سرفٍ سترته ١٣٥/٦
السَّرَفِ: واحجبني عن السّرف والإزدياد ٧٩/٣
وامنعنى من السّرف وحصّن رزقى من التّلف ٥٥/٣٥
الإسْرافِ: نعوذ بك من تناول الإسراف ٢٦/٦
إسْرافي: واغفرلي... إسرافى على نفسي ١١٧/٢٧
وأعوذبك... من... إسرافى على نفسي ١٢٣/١٨
وإسرافى في أمرى فتجاوز عنّى ١٥٣/٢٢
إلهى ظلمت نفسي وعظم عليها إسرافى ٢٥١/٥٥
وظلمي بإسرافي على نفسي ١٣٨/٣
بِإسْرافي: أنا بإسرافي على نفسي ذليل ١٦٦/٨
مُسْرِفاً: فإن كنت ياإلهى مسرفاً على نفسي ٢٣٩/٦

لِمُسْرِفٍ: فقديماً لطفت لمسرفٍ على نفسه ٢٤٣/١٠
الْمُسْرِفِينَ: ونبّهني من... سنة المسرفين ١٤٧/٨٦
فإنّك لطيف تجود على المذنبين والمسرفين ٢٣٩/٦

س.ر.ق

تَسْتَرِقُ: فأصبتها تسترق حسناتي ٢٥٧/١٤

س.ر.م.د

سَرْمَداً: أللّهمّ ... أرناه سرمداً ٧٠/١١
ولو شئت جعلته «مرقدى» سرمداً ٢٤٢/١
وسلامه دائماً سرمداً ٢٣٨/٣
أضعافاً مضاعفة أبداً سرمداً ... ١/٢٧
بكلّ شعرة في كلّ طرفة عينٍ سرمد الأبد ٢٣٠/١
السَّرْمَدِ: وعجّل إلى عذابك السّرمد إنقلابهم ٢٢٣/٦

س.ر.ى

يُسْري: ويسرى إلىّ طوارقه ١١٤/١٧
سَرايَاهُ: أدبر موليّاً قد أخلفت سراياه ١٥٢/٦ ـ ١٥٣/٦

س.ط.ح

مُسَطَّحَةً: مسطّحة تسفى عليها الأعاصر ٢١٤/٩١

س.ط.و

سَطَوَاتِ: وأبطأت به عليه من سطوات النّقمة ٩٨/١٠
أعوذبك من... سطوات شياطينها «الدّنيا» ٧٨/٥
أعوذبك من... سطوات سلطانها «الدّنيا» ٢٥١/٣٠ـ٢٥٢/٢٤
وأبطأت عليه من سطوات النّقمة ٨/١٦
سَطْوَةِ: أعيذ نفسي ... بشدّة سطوة الله ٢٢/٢٧
سَطْوَتَهُ: ممّن هو دونك ممّن خفت سطوته ٢٥٧/٦
سَطْوَتِكَ: لايستطاع من ... سطوتك ٢٢/١٩
أنا الّذى لم يرهب سطوتَك ١٤٧/٨٢
واجعلني ممّن ... لم تنله سطوتُك ١٩٩/١٩٣
أللّهمّ تب على عبدك الخائف سطوتَك الّتى ١٦/٧
ولابأحد عن سطوتك امتناع ٩٧/٤
سَطَواتِهِ: فهم من سطواته خائفون ١٦٣/٨
سَطَواتِهِمْ: من شرّ سلطانهم وسطواتهم ٢٢/٢٦
سَطَواتِكَ: يخاف المعتدون من أليم سطواتك ٨٠/١٨
لِسَطَواتِكَ: تعرّضت فيها لسطواتك ١٥٢/٢ ـ ١٥٣/٢

س.ع.د

سَعِدَ: يامن سعد برحمته القاصدون ١٨٥/٤
وسعد غيرى بما كرهت ٥١/١
يَسْعَدُني: ومن يسعدنى فأبكي ٢١٩/٣٩
حَتّىٰ يَسْعَدَ: حتّى يسعد كلّ واحد منّا بفضلك ١٠١/٣
حَتّى يَسْعَدُوا: حتّى يسعدوا بي وأسعد ٦٥/٥
نَسْعَدُ: حمداً نسعد به في السّعداء من أوليائه ١/٣٠
لايُسْعَدُ: ولايسعد من أشقيت ١٩٩/١٦٣
أَسْعَدَ: وما أسعد من رعى حرمتك بك ١٤٢/٣٥
حتّى يسعدوا بي وأسعد بهم «جيرانى» ٦٥/٥
أَسْعَدَهُا: ولاأسعدها نحيب الباكيات الثّاكلات ١٩٩/١١٥
أَسْعَدْتَ: السّعيد من أسعدت ٢٤٥/٥
أَسْعَدْتَهُ: عظم قدر من أسعدته ١٩٩/١٨٣
تُسْعِدَني: تسعدني في هذه اللّيلة سعادةً ١٣٦/٣
أَسْعِدْني: وأسعدنى بسعة رحمتك ياسيّدى ٢٥١/٥٦
فَأَسْعِدْنا: فإذا أوردته علينا... فأسعدنا به زائراً ١٠٣/٤
يُساعِدُني: ومن يساعدنى وأنت أفردتنى؟ ٥٧/١
إِسْتَسْعَدَ: فتكون قد أشقيت من استسعد بك ٣٢/٢
سَعْدٍ: هلال سعدٍ لانحس فيه ١١٠/٦
سَعْدَيْكَ: فقال لبّيك وسعديك ٤٩/٥
سَعادَةً: سعادةً في أوّله «اثنين» بطاعتك ٢٣٨/٨
تسعدني في هذه اللّيلة سعادة لاأشقى بعدها ١٣٦/٣
وأوفاه سعادةً وأمناً ٢٠٢/٩
السَّعادَةِ: أم من أهل السّعادة خلقتني ٢٠٣/٩ ـ ١١٢/٢
وعلت لسبق السّعادة في الزّهادةهممهم ٢٠٣/٩ ـ ١٩٣/٣
ليتني علمت أمن أهل السّعادة جعلتني ١٨٤/٣
فمن كان من أهل السّعادة ختمت له بها ١٤٦/٨
وحلّنى في تلك الباقية بزينة الأمن والسّعادة ٣١/٤
بِالسَّعادَةِ: فاختم لنا فيه بالسّعادة والشّهادة ١٤٣/٢٧
فان ختمت له «غاز المسلم» بالسّعادة ٦٧/١٩
واختم لي بالسّعادة والقبول ١١٤/١٣
بِإِسْعادِهِ: في أمره فلم تجد بإسعاده ١٩٩/٣٧
سَعيداً: واكتبني عندك سعيداً ٢٥١/٦٧
فأعشته حميداً وتوفّيته سعيداً ١٤٧/٩٢
أن تجعلني سعيداً ٢٤٣/٩
إجعلني شهيداً سعيداً في قبضتك ٢٤٨/١
السَّعيدُ: السّعيد من أسعدت ٢٤٥/٥
والسّعيد منّا من رغب إليه ١/٢٥
والسّعيدُ من آويته إلى كنف نعمتك ٣١/٥
سُعَدآءِ: وسعدآء خلقك ١١٧/١٦
السُّعَدآءِ: حمداً نسعد به في السّعداء من أوليائه ١/٣٠

يارتاه صلّ على الملآئكة السّعدآء ١٩٨/٩٢
أن تجعل اسمي في هذا اليوم في السّعدآء ١٣٧/٣
في هذا اليوم الشريف من السّعداء ١٢٩/٣
أن تجعل اسمي مع السّعداء ١٤١/٣
وأن تجعل اسمي في السّعداء ١١٧/٣١
أَسْعَدِ: فاجعلنا من أسعد أتباعه «محمّد» ١٠/٣٠
اجعلنا من أسعد أهله به ١٢٢/٥٥
واجعلنا من... أسعد من تعبّد لك فيه ١١٠/٨
أَسْعَدَهَا: أسألك... من الجدود أسعدها ١٩٩/٢٤

س.ع.ر

السَّعِيرِ: أللّهمّ... وأعذنا من عذاب السّعير ٦٤/١٥
وصفته «العذاب» بما وصفته من...السّعير ٢٥٧/١٧
وآمنّي يوم الفزع الأكبر من حرّ السّعير ٢٥٦/٥
وعذاب السّعير وعذاب الجحيم ١٢٩/٨
الأَسْعَارَ: وترخصُ به الأسعار في جميع الامصار ٥٣/٤

س.ع.ف

فَاسْعِفْنِي: داعياً فاسعفني سائلاً فأعطني ١٤١/١٤
إِسْعَافِي: سيّدى عوّدتني إسعافى ١٩٩/١٧٨
بِإِسْعَافِكَ: وبإسعافك عن خيبة المرجوّين ٢٠٤/٣

س.ع.ى

سعىٰ: ولصارت جملة ما سعىٰ فيه ٨/١٤
وجملة ما سعى فيه ٩٨/٨
وسعى في تلف عبادك المؤمنين ٧٠/٥
سَعَوْا: الظّلمة... سعوا معاجزين في آياتك ١١٩/٢
سَعَتْ: تعذّب أرجلاً سعت في عبادتك ١٨٤/٥
يَسْعىٰ: وأمتني ميتة من يسعى نوره بين يديه ١٤٧/١٠٠
وإن امره يسعىٰ لدنياه جاهداً ٢١٤/٨ ـ ٢١٤/٨
نورهم يسعى بين أيديهم (قرآن) ١٤٢/٧
تَسْعىٰ: أنت الّذى تسعىٰ رحمته أمام غضبه ٤٩/٣
أَسْعىٰ: بشّرت خرجت إليها أسعى ١١٦/٦٥
سَعْيُ: الّذى لم يرضه بين العالمين سعيُ نفيّته ١١٩/١١١
وسعياً إلى التّوبة الماحية والطّريق المحمودة ٩٥/٣
أللّهمّ وآدم... أكثر سكّان الأرض سعياً في طاعتك ١١/٤
وأنجح سعيَ الآملين لما لديك ١٩٩/١٨٤
السَّعْيِ: مع صالح القول ومقبول السّعى ١١٧/١٠
وإن انقرضت بغير ما أحببت من السّعى ١٩٩/٨٨
واستعملنا بـ... السّعي المرضيّ ١٩٤/٢
سَعْيُهُ: وقلّ كدحه وسعيه في مرضاتك ١٤١/١٧
سَعْيُهُمْ: المشكور سعيهم ١١٧/٤٢
سَعْيِي: ولاتبطل سعيى ١٤١/١٩
واستوجبت بسوء سعيي سخطتك ٨٨/٧
ومن كان له كدّي وسعيي ٩٠/٥
وأيقنت أنّ سعيى لايفلح ٢٠٤/٢
وسعيى فيه «رمضان» مشكوراً ١١٧/١٤
وتقبّل منّى سعيى وزكّ عملي ١٣٨/١٥
سَعْيَنَا: وسعينا فيه مشكوراً ١٤٣/٢٨
ويشكر سعينا ولايردّنا خائبين ١٤٣/١٥
سِعَايَةِ: ومن شرّ... سعاية كلّ ساعٍ ٢٢/٣٠
سَاعٍ: من شرّ كلّ ساعٍ وواشٍ ١٩٩/٢٦
من شرّ... سعاية كلّ ساعٍ ٢٢/٣٠
فيا عامر الدّنيا وياساعياً لها ٢١٤/١٤٢ ـ ٢١٤/٦٤
السّاعى: السّاعى في مرضاتك ١٤٣/٥٢
ساعِينَ: وفي رضاه «وليّك» ساعينَ ١٤٧/٦٧
السّاعِينَ: السّاعين إلى رفيع الدّرجات ١٨٨/٤

س.غ.ب

الْمَسْغَبَةِ: لذات الكبد الحرّىٰ من المسغبة ٧٠/٦
السَّغِبَةَ: أللّهمّ وأشبع به «الحقّ» الخماص السّغبة ٧٠/١٣

س.ف.ر

أَسْفِرْ: وأسفر لنا عن نهار الحقّ والعدل ٧٠/١١
السَّفَرَ: آه واحزناه ما أبعد السّفر وأقلّ الزّاد غداً ١٩٨/٤٠
أَسْفَارِي: إنّى في كنفك... في... أسفاري ١٣٩/١٥
إِسْفَارِهِ: ويقتدي بتبلّج إسفاره ١٠٩/٨
السَّفَرَةِ: والسّفرة الكرام البررة ١٢/١٢
وأشهد ملآئكتك الكرام السَّفَرَة بسقي منك نافع ٥٣/٢
مُسْفِرَةٌ: وجوهٌ يومئذ مسفرة (قرآن) ١١٦/٨١
مُسَافِرُ: وأنت على حال وشيكاً مسافر ٢١٤/٦٦
وأنت على حال وشيك مسافر ٢١٤/١٤٤
ومسافرٍ لاذ بكنفك فآويته ٢٠٢/٢

س.ف.ع

سَفْعِ: ترحمنى من خيبة الرّدّ وسفع نار الحرمان ٢٥١/٤

س.ف.ك

سُفِكَ: لافي جنبك سفك دمي ٢٤٨/٩
إِسْفِكْ: واسفك بأيدى المؤمنين ١١٩/٩

سَفْكَ: وارزقني سفك دماء المشركين والنّاكثين ١٢٨/٥

س.ف.ل

أَسْفَلْتَهُ: لاتدع للجور... علوّاً إلاّ أسفلته ٧٠/٩
الأَسْفَلِ: والدّرك الأسفل من النّار ٢٥٧/١٧
أَسافِلَ: خرقت النّجوم فبلغت أسافل الثّرى ١٩٧/٣٧
السُّفْلىٰ: وأدحض كلمة الباطل واجعلها السفلى ٢٥٥/٨

س.ف.ن

سَفِينَةِ: ركبوا في سفينة النّجاة ٢٠٠/٢٥
ففي مثل سفينة نوح عليه السّلام فاحملني ٢٢٨/١١
سَفِينَتِهِ: وبحقّ نوح وسفينته ١٨٠/٢
سُفُنِ: أللّهمّ احملنا في سفن نجاتك ١٨٨/٣

س.ف.ه

سَفَهٌ: ورأيت أنّ طلب المحتاج إلى المحتاج سفه ٧٤/١
السَّفَهِ: أعذنا من الفشل... والسّفه ٢٠٠/١٦
السُّفَهاءِ: وطهّرنا من... مخالطة السّفهاء ٢٠٠/١٧

س.ف.ى

تَسْفي: مسنّمة تسفى عليها الأعاصر ٢١٤/١٦
مسطّحة تسفي عليها الأعاصر ٢١٤/٩١

س.ق.ط

سَقَطَ: ولاترم بي رمى من سقط ١٤٧/٩١
سَقَطْتُ: سقطت الأشياء دون بلوغ أمده ٨٨/٢
مسألة من... سقطت لك ناصيته ١٣٢/٨
حَتّى تَسْقُطَ: لو بكينا حتّى تسقط أشفارنا ٢١٣/١
لو بكيت إليك حتّى تسقط أشفارُ عينيَّ ٤٩/١٧
أَسْقَلْتَني: وأسقطتني من عينك فما باليت ١١٦/٦٥
سَقْطَةِ: بل خذ بيدي من سقطة المتردّين ١٤٧/٩٢
مُسْقَطاً: إرحم من لم يزل مسقطاً عثّاراً ١٩٩/٤٧
مَسْقَطِ: وهاجر «محمّد»... عن... مسقط رأسه ٩/٣

س.ق.ل.ب

السَّقالِبَةِ: أعدائك في أقطار البلاد من... السَّقالِبَةِ ٦٧/١١

س.ق.م

سَقِمَ: أن لاتجعلني ممّن... إذا سقم خاف ١٣٣/٣
سُقْمٍ: أللّهمّ فاكفني كلّ هولٍ وآفة وسقمٍ ١٢٣/٢١
حل بيني وبينه «ظالمي» بشغلٍ شاغلٍ وسُقمٍ دائمٍ ١٥٥/١
وبين شيء من ذلك بعرض... ولاسقمٍ ١١٧/١١
السُّقْمِ: أصبهم «المشركين» بـ... السّقم الأليم ٦٧/١٥
بمنزلة الصّحة وبأنواع السّقم والأذى ٢٥٧/٢٧
بِسُقْمٍ: ... بسقمٍ عاجلٍ بشغله عنّي ١٦٠/٥
الأَسْقامَ: وجنبيني فيه «رمضان» العلل والأسقام ١١٧/٦
أَسْقامِها: وما يكابد من أسقامها وأوصابها ٢١٤/١٠٩
وتكابده من أسقامها وأوصابها ٢١٤/٣٣
السَّقِيمُ: وأنا السّقيم الّذي شفيته ١١٦/٦٢
كَالسَّقِيمِ: خطيئتي كالسّقيم ليس له شفآء ١٩٨/٥٦
السَّقَمِ: بما أنعمت عليّ ... والسّقم ٥٩/١٢
ياكاشف الضرّ والبلوى مع السّقم ٢١٥/٢
سَقَمِهِ: ولم تبره من سقمه ٢١٤/١١٣
ولم تداوه من سقمه ٢١٤/٣٧
سَقَمي: سقمي لايشفيه إلاّ طبّك ١٩٢/٣

س.ق.ى

سَقانا: الحمدلله أطعمنا وسقانا ٢٦٠/١
سَقَوْها: وسقوها من ماء التّوبة ٢٠٠/٢٨
تَسْقي: وتسقي أهلها حميماً ٨٨/١٩
أَنْ تَسْقِيَنِي: أن تسقيني من حوض ٢٥/٢
إسْقِني: واسقني من حوضهم مشرباً رويّاً ١٤٩/٦١
إسْقِنا: أللّهمّ اسقنا الغيثَ وانشر علينا رحمتك ٥٣/١
أللّهمّ اسقنا غيثاً مغيثاً مريعاً ممرعاً ٥٣/٣
واسقنا بكأسِهِ «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
واسقنا منه كأساً رويّاً لانظمأ بعده ١٠/٢٦
ياربّاه إسقنا العسل المصفّى ١٩٨/٧٩
ياربّاه إسقنا شربة لانظمأ بعدها أبداً ١٩٨/٨٥
أوردنا حوضه واسقنا بكأسه ١٤٣/٥٤
فَاسْقِني: ومن حوض محمّد ... فاسقني ٢٥١/٢٢
إسْقِنا: أللّهمّ اسقنا سقياً تُسبلُ منه الظّراب ٥٣/٤
سقياً: أللّهمّ اسقنا سقياً تسيل منه الظّراب ٥٣/٤
بِسَقْيِ: وأشهد ملآئكتك الكرام السفرة بسقي ٥٣/٢
بِسُقْياكَ: أللّهمّ أذهب محل بلادنا بسقياك ٩٧/٤
مُسْتَسْقِياً: إلهي... أتيتك... مستسقياً وابل طولك ١٨٦/٧

س.ك.ب

لَمْ أَسْكُبْ: لم أسكب عبراتي ١٩٩/١٠٨
أُسْكُبْ: واسكب له من الرّزق ٦٨/١
بِالسَّكْبِ: انهملت بالسّكب عبراتي ١٩٩/١٤٢

س.ك.ت

سَكَتُّ: فإن سكتُّ لم ينطق عنّى أحد ٨١/٤ ـ ٨٠/١٩
أَسْكُتُ: وأسكُت عنك فتبتدئني ١٤٩/٣١
أُسْكِتُ: كيف أسكت بالإفحام لسان ١٩٩/١٠٦
السُّكُوتُ: وقد قصّر بي السّكوت عن تحميدك ١٤٦/١٤

س.ك.ر

سَكَرَاتِ: ألأمان عند سكرات الموت ٢٠٧/٢
سُكارىٰ: وترى النّاس سكارى (قرآن) ٢٠٧/٢٣
بِسُكارىٰ: وما هم بسكارى (قرآن) ٢٠٧/٢٣

س.ك.ن

سَكَنَ: الّذى سكن له ما في اللّيل والنّهار ٤٨/٢
وسكن اللّحد غريباً ١٩٩/١٣٩
سَكَنُوا: انتفت منهم القرابان إذ سكنوا ١٤/٣
سَكَنَتْ: وسكنت الحركات ٢٠٢/١
سكنت بين خوافي طابق العضلات ٢٠٠/٣٣
وسكنت الحركات من الطّير في الوكور ٨٩/١
فَسَكَنَتْ: وكانت حركات فسكنت ٢١٩/١٤
يَسْكُنُ: ويسكن في ظلّ جناحه ١٠٩/٨
وكيف يسكن إليها من يعرفها ٢١٩/٣٠ ـ ٢١٩/١٧
يسكن إلى معرس غفلة ٢١٩/١٣
لَمْ يَسْكُنْ: لم يسكن غليلُهُ قد عضَّ على شواه ١٥٢/٦
لِيَسْكُنُوا: فخلق لهم اللّيل ليسكنوا فيه من ٢١/٢
تَسْكُنُ: وتسكن نفس من توقّع ٢١٤/١٠٥
أو تسكن نفس من يتوقّع الممات ٢١٤/٢٩
لاتَسْكُنُ: ولاتسكن النّفوس إلاّ عند رؤياك ١٩٤/٣
أَنْ تَسْكُنَني: لعلّك أن تسكني في رياض ١٩٧/٤٧
أَسْكُنُ: متى أتعلّل بالأماني وأسكن إلى الغرور ٢١٩/٧
أَسْكُنْ: أسْكُنْ أيّها الوجع ٤٨/٢
أَسْكَنْتَهُ: عليه منه أسكنته صدورنا ٦٤/٦
أَسْكَنْتَهُما: ومن أسكنتهما من ملائكتك ٢١/١٥
أَسْكَنْتَهُمْ: وأسكنتهم جنانك برأفتك وطولك ٢٣٧/٦
وأسكنتهم بطون أطباق سماواتك ١٢/١٠
أَسْكَنْتَني: وأسكنتني داراً قد ملئت من الآفات ١٩٧/٢٨
أجريته لأمتك الّتي أسكنتني جوفها ٨٨/١٥
أَسْكَنْتَنا: إلهي أسكنتنا داراً حفرت لنا ١٩٦/١
لاتُسْكِنّي: ولاتسكنّى الهاوية فإنّك قرّة عيني ١١٦/٩١
أَسْكِنْهُ: أسكنه «ظالمى» دار بوارِهِ ١٥٥/٣
لايُسَكِّنُها: إلهي... روعتى لايسكّنها إلاّ أمانك ١٩٢/١
تُسَكِّنُ: تسكّن روعات الوجلين ٢٣٩/٧
إسْتَكانَ: إرحم من أساء واقترف واستكان ١١٢/١٠
واستكان على مشيّتك كما أمرت بأحكام التّقدير ٢٤١/١
إسْتَكانُوا: قلت فما استكانوا لربّهم (قرآن) ٢٤٩/١١
سَكَناً: يا... جاعل اللّيل سكناً ١٣٣/١
يامن جعل اللّيل سكناً والشّمس والقمر (قرآن) ١٢٨/٢
سُكُونِ: وحسن السيرة وسكون الرّيح ٥٥/١٥
يامن ... لاتعزب عنه حركة ولاسكونٌ ٢٤٧/٣
بل اجعل سكونَ قلبي وأنس نفسي ٥٧/١٢
من تصرّف الحالات وسكونِ الحركات ٢١٩/١٦
السُّكُونِ: يامن يعلم علل الحركات وحوادث السّكونِ ١٩٩/١٩٤
سُكُونُكِ: يانفس حتّام إلى الدّنيا سكونكِ ٢١٤/٧٥
يانفس حتّام إلى الحياة سكونُكِ ٢١٤/١
سُكُوني: وسكوني إلى صدق وعدك ١١٦/١٤
لِسُكُونِ: بدنه غافل لسكون عروقه ١٦٦/٩
بِسُكُونِها: قد استذهلت عقله بسكونها ٢١٩/٣٠
بِسُكُوني: إجعل ... تجرّدى بسكونى إليك ١٤٧/١٠٤
مَسْكَنَةٍ: صرعةٍ أنعشت ومسكنةٍ حوّلت ١٥٢/١٢
فهم ... أسرآء مسكنةٍ ٧٠/٦
الْمَسْكَنَةِ: وأتضرّع إليك عند المسكنة ٥٥/١٨
أعوذبك من ... الذّلّة والمسكنة ١٣٨/١٠
أللّهمّ إنّى أعوذبك من ... المسكنةِ ١١٦/١٢٦
مَسْكَنَتي: تعرف حاجتى ومسكنتي وحالى ٢٤٩/١٢
أشكو إليك مسكنتي وفاقتى وقسوة قلبي ٢٤٩/١٠
شِدَّة مسكنتي وسوء موقفي ٤٩/١٩
جلّلنى التّباعد منك لباس مسكنتي ١٨٢/١
إرحم... ضعفى ومسكنتي وقلّة حيلتى ١٦٧/٣
إسْتِكانَةَ: أللّهمّ فارحم استكانة منطقي ١٦٤/٦
الْإسْتِكانَةِ: والتّذلّل والإستكانة لك ١٤٧/٧٩
ناجاك بخشوع الإستكانة قلبي ٢٥١/٦٢
ناداك بالخشوع والإستكانة قلبي ٧٠/٣
بِإسْتِكانَةِ: خاضعة لك باستكانة ذلّى ١٩٩/١٥٧
بِالْإسْتِكانَةِ: عنوت بالإستكانة لديك ١٨٢/٢
ساكِناً: ياماذ الظّلّ ولو شئت لجعلته ساكناً ١٣٧/١
وساكنٌ من شفيعى إلى شفاعتك ١١٦/١٧
ساكِنُهُ: ... ساكنه ومتحرّكه ومقيمه وشاخصه... ٢١/٦
السّاكِنينَ: السّاكنين في جوارك ٦٤/١٤
سُكّانِ: كيف نظرك لي بين سكّان الثّرى ١٩٧/٣٤
أشرفت من عرشك على... سكّان سماواتك ٢٠٢/١
واجعلنا من سكّان دار النّعيم ٢١٤/٧٤

أشهد جميع ملآئكتك وسكّانَ سماواتك ٢٤٦/٢
وسكّانِ الهواء والأرض والماء ١٢/١٣
فصلّ عليه يارحمٰن وملآئكتك وسكّانُ سماواتك ١١/٥
أللّهمّ وآدم... أكثر سكّانِ الأرض سعياً في طاعتك ١١/٤
الّذين من دونهم من سكّانِ سماواتك ١٢/٦
سيّدى كيف نظرك لي بين سكّانِ الثّرى ١٩٩/١٤٦
تب على عبدك... بما تتوب على... سكّانِ سمائك ١٦/٨
سُكّانِها: وأخبرت عن سكّانها «جنّت» ٢٥٧/١٢
الّذى يقطّع أمعآء وأفئدة سكّانها ٨٨/٢١
تلقي سكّانها بأحرّما لديها ٨٨/٢٠
لِسُكّانِ: وأنّى لسكّان القبور النّزاور ٢١٤/١٥ ـ ٢١٤/٩٠
مُسَكِّنَ: لقائك فلا مسكّن لروعتي ٥٧/١
مُسْتَكِينٍ: أسألك مسألة... مستكينٍ خاضع ١٩٩/١٦٥
قعدت بين يديك مستكيناً، متضرّعاً إليك ٢٤٩/١٢
دعوتك ياربّ مسكيناً مستكيناً ١٦٣/١١
ولكلّ مستكينٍ إليك رأفةً ١٤٩/٥٧
إلهى... أتيتك... مستكيناً لعظمتك وجلالك ١٨٦/٨
الْمُسْتَكِينُ: المستكين لك بجرمي ١٤٩/٣٨
فإنّى عبدك المسكين المستكين الضعيف الضرير ٥٧/٦
فإنّى عبدك المسكين المستكينُ ١٢٦/٢
أللّهمّ إنّى أسألك مسألة المسكين المستكين ١٣٢/٧
وغياث المضطرّ المستكين ١١٣/٣
سَكِينَتِكَ: أسألك... أن تنزل علينا من سكينتك ١٩٥/٦
بِالسَّكِينَةِ: أللّهمّ اعصمه بالسّكينة ١١٩/٢٢
اعصمني من ذلك بالسّكينة ٧٨/٧ ـ ٢٥١/٣٢ ـ ٢٥٢/٢٦
مَسْكَناً: أيّها... الطّالب مسكناً في دار السّلام ١٩٧/٤٦
مَسْكَنى: وفي جوارك مسكنى، ياربّ العالمين ١٦٧/٦
مَساكِنِ: إلى دار الحيوان ومساكن الأخيار ٢٥١/٢٩
أوردني دار الحيوان ومساكنَ الأخيار ٢٥٢/٢٣
ما أعددت فيها من مساكن الخلد ٦٧/٥
عملي إلى دار الحيوان ومساكن الأخيار ٧٨/٤
مَساكِنُهُمْ: ومساكنهم قبوراً ٢١٤/١٤٨
مِسْكِينٍ: سيّدى أسألك مسألة مسكين ضارع ١٩٩/١٦٥
دعوتك ياربّ مسكيناً مستكيناً ١٦٣/١١
أللّهمّ ارحم مسكيناً لايجيره إلاّ عطآؤك ١٩٩/٩٠
الْمِسْكِينِ: واشتريت الملاهى... بسهم... المسكين ٧٠/٦
أسألك مسألة المسكينِ الضّرير ٢٠٦/١٥
فإنّى عبدك المسكين المستكينُ ٥٧/٦ ـ ١٢٦/٢
أللّهمّ إنّى أسألك مسألة المسكينِ المستكين ١٣٢/٧
مِسْكِينُكَ: ياكريم مسكينك بفنائك ٢٢٨/١
مسكينك بفنائك سائلك بفنائك ٢٣٢/٢ ـ ٢٣٢/٣
أللّهمّ... مسكينك اللّهيف المتسجير ١٩٩/٣٨
عبيدك بفنائك مسكينك بفنائك ٢٣٢/١
مَساكِينَ: قد أتيناك سؤّالاً ومساكينَ ١٤٠/٢
المَساكين: ياراحم المساكين وياخير الرّازقين ١٤٣/١٧
وأمرتنا أن لانردّ المساكين عن أبوابنا ٢٠٨/٣
وياراحم المساكين ١٩٥/١
وياقاضى حوائج الفقراء والمساكين ١٩٢/٥
مَساكِينِهِمْ: المسلمين وأراملهم ومساكينهم ١٤٩/٧٠
مَساكِينُكَ: ونحن مساكينك فلا تردّنا ٢٠٨/٣

س.ل.ب

سَلَبْتَنى: وسلبتنى مناجاتك إذا أنا ناجيت ١١٦/٥٣
سُلِبَتْ: قد سلبت القلوب لبّها ٢١٩/٣٩
سُلِبْناهُ: وعلى ماض من بركاتك سلبناه ١٤٢/٤٧
تَسْلُبُهُمْ: وتسلبهم قرّة عيونهم ٢١٩/١٧
لاتَسْلُبْ: ولاتسلب عقلاً هو مستضيئ ٣١/١
لاتَسْلُبَنى: أن لاتسلبنى ما منحتني ١٩٩/٣٣
فَلا تَسْلِبْهُ: لي من كرمك فلا تسلبه ١٨٦/٦
لاتَسْلُبْنى: ولاتسلبني صالح ما أنعمت به علىّ ١١٦/٥٠
ولاتسلبنى صالح ما أعطيتني ١٤١/١٢
أللّهمّ لاتسلبنى ما أنعمت به علىّ ٢٢٧/٦
لاتسلبنى ما وهبت لي من تحقيق معرفتك ١٩٩/٧٢
ولاتسلبنى صالح ما منننت به علىّ ١٢١/٢٣
لاأُسْلَبَنَّ: أللّهمّ ولاأسلبنّ عوائد مننك ٢٤٩/٦
أُسْلُبُهُ: واسلُبه «ظالمى» روح الرّاحة ١٥٥/٢
أللّهمّ اسلبه «ظالمى» التّوفيق ١٥٥/٤
سَلْبِ: بعد محو آثاره وسلب قراره «ظالمى» ١٥٥/٣
مَسْلُوبٍ: وأعوذبك من ... حيآء مسلوبٍ ١٩٩/٢٧

س.ل.ح

أَسْلِحَةً: أعطهم عليه أسلحةً ماضية ٥٠/٩
أَسْلِحَتِهِمْ: وفرّق بينهم وبين أسلحتهم ٦٧/٦
واشحذ أسلحتَهُمْ «أهل الثّغور» ٦٧/٢

س.ل.خ

إِسْلَخْ: واسلخ عنّا تبعاتنا مع انسلاخ أيّامه ١١٥/٢٠
إِسْلَخْهُما: واسلخهما عنّى بانسلاخى من الآثام ١١٤/٢١
إِسْلَخْنا: إسلخنا بانسلاخ هذا الشّهر ١٤٢/٥٥
إِنْسِلاخِ: في انسلاخ هذا الشّهر العظيم ١٤٣/٢٥

واسلخ عنّا تبعاتنا مع انسلاخ أيّامه ١١٥/٢٠
بِانْسِلاخِ: إسلخنا بانسلاخ هذا الشّهر ١٤٢/٥٥
بِانْسِلاخِي: عنّي بانسلاخي من الآثام ١١٤/٢١
سالِخَ: ياسالخ اللّيل من النّهار فإذا هم مظلمون ١٣٠/١

س.ل.س.ب.ي.ل

سَلْسَبِيلٍ: وسندس واستبرق وسلسبيل ٢٥٧/١٢

س.ل.س.ل

السَّلاسِلِ: ووصفته «العذاب»... السّلاسل ٢٥٧/١٦
سَلاسِلِها: لم أسمع بذكر جهنّم وسلاسلها ٢٠٦/٥
بِسَلاسِلِ: واجعل قلوبنا معقودة بسلاسل النّور ٢٠٠/٣٧

س.ل.ط

سَلَّطْتَهُ: وجعلت لنا عدوّاً يكيدُنا سلّطته منّا ٦٤/٦
تُسَلِّطُها: أم تسلّطها «النّار» علىّ بعد إقراري ٢٤٣/٦
لاتُسَلِّطْ: ولاتسلّط علىّ من لايرحمني ١١٦/٥٠
١٤٨/٣٣ ـ ١٣٥/١٥
لَمْ تُسَلِّطْ: ولم تسلّط علىّ جبّاراً ١٤٨/٤
لَمْ تُسَلِّطْنا: ما لم تسلّطنا عليه منه ٦٤/٦
لَمْ أُسَلِّطْ: سيّدى لم أسلّط على حسن ظنّى ١٩٩/٨٤
سَلِّطْ: سلّط عليه من لايرحمُهُ ١٦٠/٧
سُلْطاناً: نجعل لكما سلطاناً فلا يصلون إليكما (قرآن) ١٥٩/١٨ـ٢٢/٧
كم عاينت من ذى عزّ وسلطانٍ ٢١٤/١٧
له علىّ سلطانٌ يسلك بي البلايا ٢٠٠/٤٥
سلطاناً نصيراً فاجعل له ١٥٣/٢٢
وأحترز به من ... سلطانٍ جائرٍ ٢٤٠/٢
وأعذني وذرّيّتى من... ومن شرّ كلّ سلطانٍ عنيد ٦١/٦
فليس لهم علينا سبيل ولاسلطانٌ إن شاء الله ٢٢/٨
كم من ذى منعة وسلطانٍ ٢١٤/٩٢
الّذى ذلّ لعزّه كلّ سلطانٍ ٢١٤/٩٦
سلطانك أجلّ وأمنع من كلّ سلطانٍ ٢٢/٢٠
ولم يقم لسلطانك سلطانٌ ١٤٧/١٥
واجعل له من لدنك سلطاناً نصيراً ١١٩/٢٢
واكسر عنّى سلطانَ الهمّ بحولك ٢٤/٥
واليت فاستثنيت فلا سلطانَ لإبليس عليه ٢٤٨/٢
وآته «وليّك» من لدنك سلطاناً نصيراً ١٤٧/٦٣
السُّلْطانِ: فاستجب لي... ياذاالسّلطان ياذاالملك ١٢٤/٢
تحيط به قدرتك من ملكوت السّطان ١١٤/١٥
اجعلني أهابهما هيبة السلطان العسوف ٦٣/٥
نعوذبك... أن... يتهضّمنا السّلطانُ ٢٦/٥
واكفنا ... مرارة صولة السّلطانِ ٨/٢٥ ـ ١٥/١٠
وعلا أهل السّلطان بسلطانه وربوبيّته ١٤٩/١٣
واكفنى ... شرّ السّلطان ١١٦/١١٥
ياألله ياذا ... المنّ والسّلطان ١٣٤/١
والسّلطانِ الممتنع بغير جنود ولاأعوان ٨٨/١
والسّلطانِ الباذخ والمجد الفاضل ٨٣/١
ياذاالعزّة والسّلطانِ ٢١٤/٧٤
ياذاالقدرة والسّلطان ١٢٨/١
سُلْطانِهِ: لايزيد في سلطانه طاعة مطيع ١٤٩/١٢
حتّى تحشرنا يوم القيامة في... معونة سلطانه ١١٩/٣٠
وجعلك ... علامة من علاماتِ سلطانه ١١٠/٢
أللّهمّ فاقهر سلطانَهُ عنّا بسلطانك ٦٤/٩
وحبله المتين وسلطانِهِ المبين ٢٢/٨
حوّل سلطانَهُ عنّا ٥٠/٨
سُلْطانِهِمْ: من شرّ سلطانهم وسطواتهم ٢٢/٢٦
سُلْطانِها: أعوذ... من... سطوات سلطانها «الدّنيا» ٢٥٢/٢٤ـ٢٥١/٣٠
سُلْطانُكَ: وسلطانك رافع لمستحقّيه ٢٠٢/٧
إلهى... ذلّتى لايعزّها إلاّ سلطانك ١٩٢/١
لم يهن على طول مدّتهم سلطانك ١٤٦/٨
وسلطانك ثابت لايزول ١٤٦/٩
وسلطانك العظيم فإنّك حىّ قيّوم لايموت ١٣٤/٨
سبحانك ما ... أقهر سلطانَكَ ١٦٦/٥
ولكنّ سلطانَك اللّهمّ أعظم ١٦٢/٨
ولاقوّة لي على الخروج من سلطانِك ٥٧/٤
وقويت في سلطانِك ١٤٩/٢
وجلالك وكبريائك وعظمتك وسلطانِك ١٤٨/١٥
عزّ سلطانُك عزّاً لاحدّله باوّليّة ٨٨/٢
يحوينا ملكك وسلطانُك ٢١/٧
سبحانك أللّهمّ والكبرياء سلطانُك ٤/٥
سبحانك لاينقص سلطانك من أشرك بك ١٦٦/٤
سلطانُك أجلّ وأمنع من كلّ سلطان ٢٢/٢٠
أعزّ سلطانك وأقهر أمرك ١٤٣/٤٣
بِسُلْطانِهِ: وعلا أهل السّلطان بسلطانِهِ وربوبيّته ١٤٩/١٣
بِسُلْطانِكَ: قدّرت علىّ بسلطانِك ١٥٣/١٥
وأعذنا بسلطانِك الّذى لايضام ٢٢/١٥
بسلطانِك وجّهته إلىّ ٢٤/٣
أللّهمّ فاقهر سلطانه عنّا بسلطانك ٦٤/٩

وأحترز بسلطانك من جور السّلاطين ٢٣٦/٤
لِسُلْطانِكَ: ولم يقم لسلطانك سلطان ١٤٧/١٥
السَّلاطينَ: من جور السّلاطين ٢٣٦/٤
سددت أفواه ... السّلاطين ٢٣/١
سَلاطينِها: أعوذ... سطوات شياطينها وسلاطينها ٧٨/٥

س.ل.ف

سَلَفَ: واغفرلي كلّما سلف من ذنوبي ١١٧/٢٧
من سلف منهم ومن غبر ١٤٢/٦٢
توبةً موجبةً لمحو ما سلف ٨٠/١٦
تب على عبدك... المعترف بما سلف من أوزاره ١٦/٧
سلف من عمري بركة وإيماناً ٢٠٢/٩
واغفرلى ذنبى وكلّ ذنب سلف منّى ١٤١/١٥
من سلف منهم ومن غبر إلى يوم القيامة ١٤٢/٦٢
إذ بكى على ما سلف من خطاياه ٢١٤/١١٧
سَلَفَتْ: إذا ذكرت أياديك الّتى سلفت ٢١٠/٢
ربّ كيف لي بذنوبي الّتى سلفت منّى ١٦٤/١٧
أَسْلَفَ: بكى على ما أسلف من خطاياه ٢١٤/٤١
أَسْلَفَتْهُ: إلاّ لما أسلفته من عمدها وخطآئها ١٩٩/١١٥
أَسْلَفْتُ: طهّرنى من دنس ما أسلفتُ ٤٦/٥
وكلّ الّذى أسلفت في الصحف مثبت ٢١٤/١٤٦ـ٢١٤/٦٨
أَسْلَفْتُهُ: مسؤولاً عمّا أسلفته من فارط زللى ١٩٩/٧٤
أَسْلَفْناهُ: أو سوء أسلفناه أو خاطر شرّ أضمرناه ١٤٢/٥٩
سالِفَ: وسالف ما أسديت من فضلك ٦٠/٣
كسبت من الذّنوب العظام في سالِفِ الأيّام ١٩٩/٨١
سالِفَةٍ: تحبط بكلّ صلاةٍ سالفةٍ ومستأنفة ١٤٧/٥٥
السّالِفَةِ: دون الأمم الماضية والقرون السّالفة ٩/١
من مضى من قبلك من الأمم السالفةِ ٢١٩/٤٤
السّالِفاتِ: السّالفات من أعوامي ١٩٩/٨٨
سَوالِفِ: سوالف زلاّتي وحوادثها ٨٠/١١
أَسْلافِكِ: بمن مضى من أسلافك ٢١٤/٧٥ ـ ٢١٤/١
أَسْلافي: فشفّعنى... وفي جميع أسلافي من ١٤٩/٦٦

س.ل.ق

سَلَقَني: سلقنى بحدّ لسانه ١٥٢/٩

س.ل.ك

سَلَكَ: الحمدلله... الّذى... سلك بهم طريق إرادته ١/٤
سَلَكُوا: سلكوا الطّريق إليك فلم يعدلوا ١٩٩/٣٠
سَلَكْتُهُ: وهنّ المنايا أىّ وادٍ سلكته ٢١٩/٩
لَسَلَكْتُ: أو مسلك في الأرض لسلكت ١٤٨/١٤
يَسْلُكُ: له علىّ سلطان يسلك بي البلايا ٢٠٠/٤٥
يَسْلُكَهُ: ويسلكه أهله بالأمنة حقّ سلوكه ٢٢٣/٧
تَسْلُكُ: تسلك بي مسالك المهالك ١٨٣/١
لِنَسْلُكَها: لنسلكها بمنّة إلى رضوانه ١١٥/٢
أَسْلُكُ: واسلك بنا سبيل الحقّ بإرشادك ١٥/١٥
واسلك بنا سبيله «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
أللّهمّ اسلك بى الطريقة المثلى ٥٥/٢٦
واسلك بنا سبل الحقّ بإرشادك ٨/٢٥
أسلك بنا من النُّقى خلاف سبيله من الرّدى ٥٠/٤
فَاسْلُكْ: إلهى فاسلك بنا سبل الوصول إليك ١٨٩/٢
سُلُوكِ: أللّهمّ أعنّا على سلوك المنهاج ١١٩/٢٩
سُلُوكِهِ: ويسلكه أهله بالأمنة حقّ سلوكه ٢٢٣/٧
مَسْلُوكاتٍ: يا... خالق سبع طرآئق مسلوكات ١٩٩/٥١
مَسْلَكٌ: أو مسلك في الأرض لسلكت ١٤٨/١٤
وسهّل لي مسلَكَ الخيرات إليك ١٤٧/٨٧
الْمَسْلَكَ: وسهّلت لنا المسلك إلى النّجاة ٢٠٠/٤
الوسيلة إليك والمسلك إلى جنّتك ١٤٧/٥٧
مَسالِكِ: ووجّهني في مسالك الآمنين ١٠٨/٤
تسلك بي مسالك المهالك ١٨٣/١
بالأوهام في مسالك الغيوب ١٩٣/٥
الْمَسالِكِ: أوقعته معاصيه في ضيّق المسالك ٢٣٧/١
وعرّفتنى بجميل اختيارك لي منجيات المسالك ١٩٩/٣٣
من صلب متضائق العظام حرج المسالك ٨٨/١٤

حرف الشين

ش.أ.ف

شَأْفَتَهُمْ: واستأصل شأفتهم «الظّلمة» ١١٩/٥

ش.أ.ن

شَأْنٍ: إذ الخلاّئق في شأنٍ غير شانى ١١٦/٨٠
لكلّ امرىءٍ منهم يومئذٍ شأنٌ يغنيه(قرآن) ١١٦/٨١-٢٠٧/١٠
وجدت نعماك عليّ سابغة في كلّ شأنٍ ١٦٣/٥
أنت كلّ يوم في شأنٍ ١١٧/٣٤
الشَّأْنِ: ياقديرُ ياذاالشأن الرّفيع ١٢٤/٣
شَأْنُهُ: أللّهمّ يامن شأنُهُ الكفاية ١١٤/١٤
بالله العليّ العظيم شأنه ٢٢/٣٠
الحمدلله العظيم شأنه ١٢٣/٤
مقهور على شأنِهِ ٧٤/٥
شَأْنَهُمْ: وصغّر شأنهم «المشركين» في قلبه ٦٧/١٩
بكلّ ذلك يصلح شأنهم ٢١/٤
شَأْنَكَ: سبحانك ما أعظم شأنك ٦٩/١
سبحانه ما ... ألطف ما صنع في شأنك ١١٠/٣
فسبحانك ما أعظم شأنك ١٤٣/٤٣ - ٢٤٧/٦ - ١٦٦/٥
سبحانك ما أجلّ شأنك ١٤٧/٢١
تعاليت في ارتفاع شأنك ٢٤٧/٥
شَأْني: فقد استصعب عليّ شأني ١٤٨/٢٢
نعماك عليّ سابغة في كلّ شأن من شأني ١٦٣/٥
إذ الخلائق في شأن غير شأني ١١٦/٨٠
لِشَأْنِكَ: بحقّ ... من اجتبيت لشأنك ١٤٧/٨٣
الشُّؤُونِ: فيه «الكتاب» تفصيل الشّؤون ١٩٩/١٧
أسألك ... من الشّؤون أعودها ١٩٩/٢٤
شُؤونَهُمْ: وأصلح لهم شؤونهم ١٤٧/٧٠

ش.ب.ب

شَبَّ: أطف عنّى نار من شبّ لى وقوده ٧٨/٦
وأطفى عنّى نار من شبّ لي وقوده ٢٥١/٣١ - ٢٥٢/٢٥

ش.ب.ث

التَّشَبُّثِ: وقد ألجأتنى الذّنوب إلى التّشبّث ١٩٥/٢

ش.ب.ع

لايَشْبَعُ: وأعوذبك من ... بطن لايشبع ١١٦/١٢٧
تَشْبَعُ: أم كيف تشبع من طعامك ٢١٤/١٤٣
أَشْبَعْتَهُ: وأنا الجائع الّذى أشبعته ١١٦/٦١
أَشْبِعْ: أللّهمّ وأشبع به «الحقّ» الخماص السّغبة ٧٠/١٣

ش.ب.و

شَبا: أرهف لي شباحدّه ١٥٣/٤ - ١٥٢/٤

ش.ب.ه

أَشْبَهَ: وما أشبه ذلك نطقاً بالحمد لك ٥٥/٢٢
يُشْبِهُ: يشبه حسن ظنّى بك ٦٠/٣
يُشْبِهُكَ: فصنعت بي ما يشبهك ١٩٧/٤
لايُشْبِهُ: وسؤالى إيّاك لايشبه سؤال السّآئلين ١٩٩/١٥٨
تُشْبِهُ: إلهى ليس تشبه مسألتى مسآئل السّآئلين ١٩٧/٤٢
شَبَّهُوكَ: شبّهوك وأنا برئٌ بإلهى من الّذين ٣/١
لايُشَبَّهُ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... أحدٌ لايشبّه ١٣٠/٥
تَشابَهَتْ: وإذا تشابهت الأعمال لأزكاها ٥٥/٣٢
لايُشْتَبِهُ: يامن... لايشتبه عليه لغات الدّاعين ١٧٦/١
تَشَبَّهي: تشبّهى بنفوس قد أقرع ١٩٧/٤٧
شُبْهَةٍ: وأزل عنّى كلّ شكّ وشبهة ١٤٧/١١٢
أسألك المخرج بالبيان من كلّ شبهةٍ ١٢٥/٤
واجعل ذلك لنا خالصاً من كلّ شكّ وشبهة ١١٩/٣٠
تشفى بها قلبى من كلّ شبهة معترضة ١٩٩/٧٧
شُبَهِ: خالصاً من شبه الفتن ١٩٩/١٩٠
الشُّبُهاتِ: وعند الشّبهات واقفين ٢٠٦/٢١
يقتحمون في أغمار الشّبهات ٢١٩/٤٥
والتّسليم عند الشّبهات ١٦٤/٨
نوراً يمنعها من الشّبهات ١٩٩/٣٥
وأستضىء به من الشّك والشّبهات ٥٩/٩
بِالشُّبُهاتِ: ينصبُ لنا بالشّبهات ٦٤/٨
بِالتَّشْبِيهِ: برئٌ بإلهى من الّذين بالتشبيه طلبوك ٣/١
تَشَبُّهِ: والبصيرة عند تشبّه الفتنة ١٦٤/٢٢
بِمُتَشابِهِ: واحتجّوا بمتشابه القرآن ٢١٩/٤٥
بِمُتَشابِهِهِ: ويفزع إلى الإقرار بمتشابهه ١٠٩/٥
الْمُتَشابِهاتِ: ويأوى من المتشابهات ١٠٩/٨
شَبيهَ: ولاشبيه له ولانظير له ١٤٩/١٩

ولاشبيهٌ ولاعدل ياالله يارحمٰنُ ٨٣/١٢
ليس لك شبيهٌ ولاعديل ٢٤٣/٣
الْمُشَبَّهُونَ: إلهى عمّا به المشبّهون نعتوك ٣/٣
أَشْبَهُ: وأنَّ أناتك أشبه الأشياء بكرمك ٢٢٣/٣
نحن ... أشبهُ الأشياء بمشيّتك ٣٢/٤
الْأَشْباهِ: ونفى الأضداد والأنداد والأشباه عنك ١٤٧/٧٨
فتعاليت عن الأشباه والأضداد ٧٤/٥
أَشْباهِهِنَّ: يكونواعظاً لمابين يدىّ من أشباههنّ ١٠٠/٣

ش.ت.ت

شُتِّتَ: وشتّت علىّ أمرى ١٤٨/٢٢
شَتَّتْ: وشتّت أمرهم «الظّلمة» ١١٩/٨
تَشْتيتِ: أعوذبك ... من ... تشتيت الأمر ١٣٨/١٠
شَتَّى: فوجدت عبادك في شتّى الحالات ٢٠٢/١
أرنا أنصار الجور ... شتّى ٧٠/١٠
أهوال يوم القيامة وشدآئد شتّى ١٩٨/١٠

ش.ت.م

شَتْمِ: أو هجر أو شتم عرض أو شهادة باطل ٥٥/٢٢

ش.ج.ر

الشَّجَرُ: فسبّحت له ... الشّجر وأغصانها ١٩٩/٥٦
شَجَرَةٍ: صلّ على محمّد وآل محمّد شجرةِالنبوّة ١١٣/١
١/٢٠ ـ ١١٤/١
الشَّجَرَةَ: والشّجرة النبويّة إخلاص الديانة ٢١٩/٤٢
إلاّ من فروع الشّجرة المباركة ٢١٩/٤٨
أَشْجارَ: الّذين غرسوا أشجار الخطايا ٢٠٠/٢٨
فاجعلنا من الّذين ترسّخت أشجارُ الشّوق إليك ١٩٣/٢
واغرس في أفئدتنا أشجارَ محبّتك ١٩٦/٣
الْأَشْجارِ: الأشجار المتدليّة بصنوف الثّمر ٦٧/٥
وتنبتُ به الأشجارَ وترخِصُ به الأسعارَ ٥٣/٤

ش.ج.ع

شَجَّعَنا: إن هممنا بفاحشةٍ شجّعنا عليها ٦٤/٧
شُجاعَتِهِ: وبحقّ علىّ بن ابى طالب وشجاعته ١٨٠/٥

ش.ج.ن

شَجَنَ: فبكت العيون شجن القلوب فيها دماً ٢١٩/٣٣
أَشْجانَ: تعدمهم أشجان قلوبهم ٢١٩/١٧
الْأَشْجانِ: وآمنتهم من ... الأشجان ٢٠٠/٢٩

ش.ج.و

شَجِيَ: شجى منّى بغيظه وسلقنى بحدّ لسانه ١٥٢/٩
أَشْجُو: أشجو بهلكة الأموات ٢١٩/٣٨
شَجْوَهُ: وكم عالم أفنت فلم تبك شجوه ٢١٩/٢١
بِشَجْوٍ: ويقول بشجوٍ واويلاه ٢١٤/٥٣

ش.ح.ح

شُحَّ: وقنى شحّ نفسي ١٣٨/٥
الْمُشاحَّةَ: المشاحّة فيها على ما أردت ١٤٧/٨٧

ش.ح.ذ

شَحَذَ: شحذ لي ظُبَةَ مُديته ١٥٣/٤ ـ ١٥٢/٣
شَحَذَهُ: أيّما مسلم... شحذه على جهادٍ ٦٧/٢٠
إِشْحَذْ: واشحذ أسلحتهم «أهل الثغور» ٦٧/٢

ش.ح.ن

تَشْحَنُ: صلاة تشحن الهوآء ٨٨/٢٣
إِشْحَنْهُ: اشحنه «شهر رمضان» بعبادتنا ١١٥/٢٢
الْمَشْحُونَةُ: فإنّها ... المشحونة بالنّكبات ١٩٦/١

ش.خ.ص

شَخُصَتْ: أللّهمّ إليك... شخصت أبصار العابدين ٨٣/٥
تَشْخَصُ: يوم ... تشخص القلوب والأبصار ١٩٩/٤٩
شُخُوصي: دنت وفاتى وشخوصى إليك ٢٠٣/١٣
شاخِصاً: شاخصاً إليك بصري ٩٠/٥
الشّاخِص: الشّاخص الّذى ينتظر منك الإذن ١٢/٢
شاخِصُهُ: ساكنه ومتحرّكه ومقيمه وشاخصه ٢١/٦

ش.د.د

شَدَدْتَ: شددت أزرى بقوّتك ١٥٢/٦ ـ ١٥٣/٦
سَنَشُدُّ: قال سنشدّ عضدك بأخيك(قرآن) ١٥٩/١٨ـ٢٢/٧
أُشْدُدْ: أللّهمّ اشدد بهم «ولدى» عَضُدى ٦٤/٣
أللّهمّ اشدُد قبضتك عليه «ظالمى» ١٥٥/٤
أشدد عليه «ظالمى» الوطأة ١٥٥/٢
أعنه «وليّك» بركنك الأعزّ واشدد أزره ١٤٧/٦٣

أَشَدَّ: سبحانك ما ... أشدّ قوّتك ١٦٦/٥
وأشدّ شوقنا غداً إليك ١٤٢/٤٦
إِشْتَدَّتْ: ادعوك دعاء من اشتدّت فاقته ١٧٥/٢
دعاء من اشتدّت فاقته إليك ١٤١/١٧
إنّي أسئلك سؤال من اشتدّت فاقته ١٧١/٣
وقلّت حيلتي واشتدّت حالي ١٧٣/٣ - ١٧٢/١
فلا تخيّبني إذا اشتدّت فاقتي ١١٦/٨٨
إشتدّت إلى رحمتك فاقته ٢٤٢/٣
تَشْتَدُّ: وتشتدّ حسراتي على عصياني ١٦٤/١٨
شَدِّ: وعافية وشدِّ أزرٍ وحطّ وزرٍ ٢٢٢/٥
شَدِيدَ: ويحلّ بي شديد عقابك ٤٠/٤
إنّ الشّيطان ... شديدٌ الخصومة ٢٠١/٥٠
أن تؤوينا إلى شديد ركنك ١٩٥/٦
آه واحزناه من ربّ شديد القوى ١٩٨/٣٨
فإنّك ... شديد العقاب للمجرمين ١٩٩/٨٢
ياشديد البطش ١١٤/١٧
واعذني وذرّيّتي ... ومن كلّ ضعيف وشديدٍ ٦١/٦
من أليم النّكال وشديدِ الوبال ٨٨/٢٠
شرّ كلّ ضعيف من خلقك أو شديدٍ ٢٤٩/٢٥
ولكنّ عذاب الله شديدٌ (قرآن) ٢٠٧/٢٣
وحاسبهم «الظّلمة» حساباً شديداً ١١٩/١٠
الشَّدِيدَ: سهّل علينا العسير الشّديد ١٨٩/٢
وها أنا ... بحبلك الشّديدِ معتصم ١٩٢/٨
ووصفته «العذاب»... العذاب الشّديدِ ٢٥٧/١٦
العليّ المتعال الشديدُ المحال ١٤٧/٤
لَشَدِيد: ولئن كفرتم إنّ عذابي لشديد (قرآن) ١٤٢/١٦
شِدَادٍ: آه واحزناه من ملائكة غلاظ شدادٍ ١٩٨/٣٧
كلّ أركان ربّي شدادٌ ٢٢/٣٦
شَدَائِدَ: أهوال يوم القيامة وشدائدَ شتّى ١٩٨/١٠
ونجّنا شدائدِ أهوال يوم الطّامّة ١٠٩/٢٠
الشَّدَائِدِ: ومفزعهم عند الأهوال والشّدائدِ العظام ٨٣/٦
يامن يفئ به حدّ الشّدائد ٢٤/١
وعليه «الله» في الشدائد المتّكل ١١٤/١٤
في الشّدائدِ عليك يعتمد ٢٤٧/٤
شَدَائِدِها: عند هول القيامة وشدائدها ٢٠٧/٤
أَشَدَّ: واجعلني أشدّ ما أكونه لك خوفاً ٢٠٤/٤
بل أنا ... أشَدُّ في الباطل تهوُّراً ٤٩/١٥
أشدُّ إقداماً على السُّوء منّي ٤٩/١٣
الْأَشَدِّ: وذوي عنايتي بركن الله الأشدّ ٢٢/٣٦
أَشَدِّهِمْ: فاجعلنا من... أشدّهم «أتباعه» في الدُّنيا ١٠/٣٠
وأشدّهم له حبّاً ١٤٩/٧٠
كَأَشَدِّ: وأبتهل إليك كأشدّ ابتهاله ١٦٤/٥
شِدَّةُ: وأين شدّة تعبهما «والدي» في حراستي ٦٣/١١
لم يخذل «الله» عند كلّ شدّةٍ ٨٣/٣
تعفينا بها من شدّةِ النّصب ٧٦/٢
وبائقتي في كلّ شدّة ويارجائي في كلّ كربةٍ ١٤٩/٢٨
أنت ... عمادي عند كلّ شدّةٍ ١٩٩/١٦١
أما تذكر ما أمامك من شدّةِ الحساب ٢١٤/١٤٨
وشِدَّةَ مسكنتي وسُوء مَوقفي ٤٩/١٩
نعوذ بك ... من معيشة في شدّةٍ ٢٦/٧
أو شدّةٍ أو رخاء أو عافية أو بلاءٍ أو بُؤس ٥٧/٧
ينظرني على شدّةِ الحنق ١٥٢/٧
ولولا ما ذكرت من شدّةِ التّفريط ١٩٩/١٠٨
في سرّآء كنت أو ضرّآء أو شدّةٍ أو رخاء ١٢٦/٣
الشِّدَّةِ: الحمدلله على... الشّدّةِ والرّخاء ١٤٣/١٠
أعوذبك من الضيق والشّدّةِ ١٥٣/٣٣
أيّما غاز ... ارزقه الشّدّةَ ٦٧/١٧
أنت المؤمّل في الشّدّةِ والرّخآء ١٩٩/٧٨
إجعل ... سلامتي من هذه الشّدّة إلى فرجك ٤٦/٦
والتّضرّع إليك في الشّدّة والرّخآء ٣٦/٨
شِدَّتي: وعدّتي في شدّتي مع قلّة حيائي منك ١١٦/٢٠
وياغوثي عند شدّتي ١١٦/١٣٣
بِشِدَّةِ: أعيذنفسي... بشدّة حول‌الله وبشدّة قوّة‌الله ٢٢/٢٧
وبشدّةسطوة‌الله وبشدّة بطش‌الله وبشدّةجبروت‌الله ٢٢/٢٧
لِشِدَّةِ: ونفسي خائفة لشدّة عقابك ٢٥٢/٣٦
ونفسي تخافك لشدّة عقابك ٢٥١/٤
لِشِدَّتي: وكيف أضيع وأنت لشدّتي ورخآئي ١١٤/١٤

ش.ر.ب

شَرِبُوا: وشربوا بكأس العيش ٢٠٠/٢٤
واجعلنا من الّذين شربوا بكأس الصفاء ٢٠٠/٣٠
شَرِبْتُ: شربتُ مآءَ الرّماد آخر دهري ... ٤٩/١٧
أَشْرِبْ: أللّهمّ وأشرب قلوبنا إنكارَ عمله ٥٠/٧
وأشرب قلبي عند ذهول العقول ١٤٧/١١٣
شِرْبَ: وما أعذب شرب قربك ١٩٣/٥
شِرْبُهُمْ: وعذب في معين المعاملة شربهم ١٩٣/٣

شِرْبِكَ: رويتهم من صافى شربك ١٨٩/٤
لِشُرْبِ: أم لشرب الحميم خلقت أمعآئى ١١٢/٣ - ٢٠٣/١٠
شَرْبَةً: ياربّاه إسقنا شربةً لانظمأ بعدها أبداً ١٩٨/٨٥
واثلج لصدرى من شربةِ الظمآن ٦٣/٥
شارِبينَ: وكأسٍ من معينٍ شاربينَ ٢٠٦/٢٣
مَشْرَباً: واسقنى من حوضهم مشرباً رويّاً ١٤٩/٦١
الْمَشْرَبِ: ومن رفيع المطعم والمشرب ١٦٤/٢٣
مَشْرَبي: نغّصنى «الموت» مطعمي ومشربى ٨٢/٥
مَشارِبِ: عذوبة مشارب أيّامها ٢١٩/٣٦
الْمَشارِبَ: الّذين صفّيت لهم المشارب ١٨٩/٤
حجر فيه المطاعم والمشارب إكراماً ١١٥/٤
شَرابٍ: جعلت لي قوتاً من فضل طعام وشرابٍ ٨٨/١٥
وشرابِ طهور وملك كبير ٢٥٧/١٢
الشَّرابِ: وأنهار من طيّب الشّراب ٢٥٧/١٢
وأغنيتهم عن الطّعام والشّراب بتقديسك ١٢/١٠
شَرابِها: وشرابها الّذي يقطّع أمعآء ٨٨/٢١
شَرابي: إن كان الحميم فيها شرابي ٢٠٦/١٠
الويل لي إن كان الحميم شرابي ٢٠٥/١٠
الْأَشْرِبَةِ: الأنهارِ المطّردة بأنواع الأشربة ٦٧/٥

ش.ر.ح

شَرَحَ: الدّلآئل الهادية الّتى... شرح بيانها ١٩٩/١٧
تَشْرَحُ: تشرح بها صدرى ١٤٣/٤٤
أَنْ تَشْرَحَ: وأن تشرح بكتابك صدرى ٢٥٣/٤
اِشْرَحْ: واشرح لمراشد دينك قلبي ٦١/٥
واشرح به «كتابك» صدرى ١٥٣/١٣
إِنْشَرَحَتْ: وانشرحت بتحقيق المعرفة ١٩٣/٣
شَرْحٍ: ورحمتك الّتى ... لايبلغها مدى شرحٍ ١٦/٩

ش.ر.د

شَرِّدْ: وشرّدبهم «عدوّ أهل الثّغور» من خلفهم ٦٧/٧

ش.ر.ر

شَرَّ: واكفنى شرّ الشيطان ١١٦/١١٥
أجرنى ... من شرِّ أعدآئك ١٣٩/١٦
أو خاطر شرٍّ أضمرناه ١٤٢/٥٩
واكفنى ... شرَّ السُّلطان ١١٦/١١٥
أللّهمّ فاكفنى كلَّ ... شرٍّ وحزن ١٢٣/٢١
واكفنى ... شرّ كلّ ذي شرّ وشرّ كلّ دابّة ١٣٢/١٢
واكفنى شرّ فسقة العرب والعجم ١٣٢/١٢
أو بلآءٍ تدفعه أو شرٍّ تصرفه ١٣٢/٥
واكفنى شرّ الجنّ والإنس ١٣٢/١٢
أن تصرف عنّى ... شرَّ كلّ شيطان مريد ٢٤٩/٢٥
شرَّ كلّ ضعيف من خلقك أو شديد ٢٤٩/٢٥
أن تصرف عنّى ... شرَّ كلّ قريب أو بعيد ٢٤٩/٢٥
أن تصرف عنّى شرَّ كلّ جبّار عنيد ٢٤٩/٢٥
وأعوذ به من شرّ نفسي ٢٤٠/١
الوفاة راحة لي من كلّ شرٍّ ٢٤٠/٤
وأعوذ به من شرّ الشّيطان ٢٤٠/٢
من شرّ كلّ دابّة صغيرة أو كبيرة ٢٤٩/٢٦
من شرّ كلّ ذى شرّ ٢٢/٣٠ - ٢٤٩/٢٦
من شرّ الصّواعق والبرد والرّيح والمطر ٢٤٩/٢٦
شرَّ كلّ من ذرأته وبرأته وأنشأته وابتدعته ٢٤٩/٢٥
إصرف عنّى شرّه وشرّ ما فيه وشرّ ما بعده ٢٤٤/٢
أتوجّه إليك بهما أن تعيذنى من شرّ كذا وكذا ١٥٢/١٥
وأعوذبك ياإلهى من شرّ الدُّنيا ٢٥٢/٢٢ - ٢٥١/٢٩ - ٧٨/٣
وأعوذبك ياإلهى من شرّ الدُّنيا وشرّ ما فيها ٧٨/٣
وشرّ المآب، أما تذكر حال من جمع ٢١٤/١٤٨
واكفنى شرَّ جميع خلقك ١٢١/١٢
واكفنا ... وشرَّ مصائد الشّيطان ١٥/١٠
وخير لايشوبه شرٌّ ١١٠/٦
أن تكفينى شرَّ ما أحذر ٢٢/٣٧
شرِّ كلّ ساعٍ وواش ١٩٩/٢٦
من شرِّ جميع من في هذه الدُّنيا ٢٢/٣٠
فأعذه من شرّ ما خلقت ١١٩/٢٠
واكفنى شرَّ ما أحذر وشرَّ ما لاأحذر ١٤٩/٦٢
من شرِّ جميع من خلقه الله ٢٢/٣٠
بالحيّ الّذى لايموت من شرّ ما أخاف ٢٢/٣٥
من شرِّ حسد كلّ حاسد ٢٢/٣٠
من شرِّ جميع من في هذه الدُّنيا ٢٢/٢٦
من شرِّ سلطانهم وسطواتهم ٢٢/٢٦
وامحُ عنّى شرَّ ما قدّمت ٤٦/٥
وأعذنى وذرّيّتى من... شرِّ السّامّة... ومن شرّ كلّ شيطان مريد
ومن شرّ كلّ سلطان عنيد ومن شرّ كلّ مترف حفيد ومن شرّ
كلّ ضعيف وشديد ومن شرّ كلّ شريف ووضيع ومن شرّ كلّ
صغير وكبير ومن شرّ كلّ قريب وبعيد ومن شرّ كلّ من نصب

لرسولك... ومن شرّ كلّ دابّة ٦١/٦
واشغلها بالنّظر إليك عن شرّ مواقف المختانين ٢٠٠/٣٧
أعوذبك ... من شرّ شياطينها «الدُّنيا» ٢٥٢/٢٤ ـ ٢٥١/٣٠
ومن شرّ الجنّ والإنس فسلّمني ٢٥٢/١٦ ـ ٢٥١/٢٥
أعوذبك من شرّ كلّ دابّة ٢٦٩/٣
واصرف عنّي شرّ الدُّنيا والآخرة ٢٥١/٦٥
واصرف عنّي شرّ كلّ ذي شرّ ٢٣٧/٩
فامنعنا بعزّتك من شرّ عبادك ٨/٢٥
ولاأدفع عنها «نفس» شرَّ ما أحذر عليها ٢٥٤/٢
أعوذبك من شرّ كلّ حاسدٍ وباغٍ ١٥٣/٣٠
فأعذني من ... شرّ من يريد بي سوءاً ١٥٣/١١
وأعوذبك ربّ من شرّ ما خلقت ١٥٣/٣٢
وقني شرَّ ما قضيت ٨٣/٩
ومن شرّ ما أعلم ومن شرّ ما لاأعلم ١٦٤/٢٣
من شرّ ذلك اليوم العصيب ١٠/٣٤
أعوذبك ... شرّ ما فيها «الدُّنيا» ٢٥١/٢٩
وادفع عنّي شرّ الحسدة ٢٥١/٣٢ ـ ٢٥٢/٢٦ ـ ٧٨/٦
من شرّ الدُّنيا وأهلها وشرّ ما فيها ٢٥٢/٢٢
إدفع عنّي شرّ (فلان) بك أدفع في نحره ١٥٦/٤
ربّ أعوذبك من شرّ الشيطان ١٥٣/٢٨
وأعوذبك من شرّ كلّ كاهن ١٥٣/٣٠
أعوذبك من شرّ ما ينزل من السّماء ١٥٣/٢٨
وأعوذبك من شرّ ما خلقت من دابّةٍ ١٥٣/٢٩
أعوذبك من شرّ ما ذَرَأ في الأرض ١٥٣/٢٩
فأعذني من شرّ ما خلقت ١٥٣/١١
وادرأعنّي شرّ فسقة العرب والعجم وشرّ شياطين ١٤٩/٥٩
وأنت ياسيّدي خير الموالي لعبيده وأنا شرُّ العبيد ١٤٩/٣١
شرّاً في ديني ودنياي وآخرتي ٩٣/٢
وإن كنت تعلم أنّه شرٌّ لي في ديني ودنياي ٩٤/١
أو خاطر شرٍّ أضمرناه ١٤٢/٥٩
إكفنا فيه شرّ كلّ ذي شرّ وشرّ كلّ دابّة ١٤٣/٣٣
الشَّرُّ: إن مسّها «النّفس» الشّرُّ تجزع ١٨٣/٢
أن تصرف عنّي الشّرَّ وتجنّبنيه ٢٥/٢
واستكثار الشرّ وإن قلّ من قولي وفعلي ٥٥/١٥
إذا مسّه الشّرُّ جزوعاً (قرآن) ٣٥/٧ ـ ٢٥٧/٣٠
واصرف عنّي من الشرّ ٢٢/٤٤
وإنّي لأعلَمُ أنَّ لك دار جزاءٍ من الخير والشرّ ٢٢٣/٣
... وهجران الشرّ ... ٢١/١٣

شَرَّهُ: إصرف عنّي شرّه وشرّ ما فيه ٢٤٤/٢
وادرأ عنّي شرّهُ «المربد بالسوء» ٦١/٧
وتؤمنني من ... شرّهِ «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٩
أعوذبك من شرّه ياأرحم الرّاحمين ١٥٨/٣
أستعيذُ من شرّهِ وأستعين عليه ١٥٦/٤
فاكفني شرَّهُ بحولك وقوّتك ١٥٦/٤
أعوذبك من شرّهِ ١٥٧/٢
أسألك أن تؤتيني خيره وتكفيني شرَّهُ ١٥٧/٢
أستعيذ بك من شرّهِ ١٥٤/٣
ادفع عني شرَّهُ فإنّي أدرأ بك في نحره ١٥٤/٣
فاصرف عنّي شرَّهُ بسُقمٍ عاجلٍ يشغله عنّي ١٦٠/٥
شَرَّهُما: واصرف عنّي شرّهما بمنّك ٢٢/٤١
شَرَّهُا: فإنّ ... شرّها عنيدٌ وجمعها ينفد ١٣٥/٤
شَرُّكُمْ: أعوذبالله من شرّكم شرّكم تحت أقدامكم ٢٢/٣٦
شَرُّنا: وشرّنا إليك صاعد ١١٦/٤١
لِشَرّ: أسألك ... الترك لشرّ ما أعلم ١٢٥/٣
بِشَرّ: وأخلو لك بشرّ فعلي ١٤٨/٣١
بالشَّرّ: الإنسان بالشّر دعاءه بالخير (قرآن) ٣٥/١٢ـ٢٥٧/٣٦
شُرُورَ: كافياً لي شرور الإنس والجانّ ١٩٩/١٧١
شُرُورِهِ: وآمنّا من شروره ١٠٣/١
شُرُورِهِمْ: أعوذبك من شرورهم ٢٢/٢١
شِرارِ: أعطني من ذلك بالإلهي غنىً عن شرارِ ٧٨/٣
وألبس قلبي لوحشة من شرارِ خلقك ٥٧/١٢
وأستعطي شرارَ خلقك ٥٥/٣٨
أللّهمّ أغنني عن شرارِ خلقك ٥٦/١
أعطني ... غني عن شرارِ خلقك ٢٥١/٢٨ ـ ٢٥٢/٢١
الأَشْرارِ: لانحوجني إلى الأشرار الضّالّين ٢٤٥/٧
فضيحة العار إذا امتاز الأخيار من الأشرار ١٨٤/٩

ش.ر.ط

شَرَطْتَ: أوجب لي محبّتك كما شرطت ٨٠/١٢
شَرْطي: لك ياربّ شرطي ألاّ أعود ٨٠/١٢
شُرُوطُ: أوضح لنا منه شروط فرائضك ١٤٤/١٨

ش.ر.ع

شَرَعَ: أشهد أنّ الدّين كما شرع ٢٥١/٣٦ ـ ٢٥٢/٢٨
شَرَعُوا: الظّلمة ... شرعوا غير دينك ١١٩/١
شَرَعْتَ: اجعلنا ... أقومهم بما شرعت ٢١/١٤

شارِعَةً: وسبل الرّاغبين إليك شارعة ٢٥٥/٤
شَرِيعَةَ: إلهى ... أتيتك ... وارِداً شريعة رفدك ١٨٦/٧
لِشَرِيعَتِهِ: تأليباً على دينك ونقضاً لشريعته ١٠/٢٥
شَرائِعَ: وشرآئع المصافاة يردون ١٩٣/٢
وقرآنا أعربت به عن شرائعِ أحكامك ١٠٩/٢
شَرائِعَكَ: وأقم به «ولبّك»... وشرائعك ١٤٧/٦٥
واجعلنا... أقومهم بما شرعت من شرائعِكَ ٢١/١٤
بِشَرائِعِكَ: واجعلنى ... عاملاً بشرائعك ٢٦٨/٣
مُشْرَعَةً: أللّهمّ وإنّى أجدسُبل المطالب إليك مشرعةً ١١٦-٢٢٠/٣
مَشارِعَ: وأوردنى مشارعَ رحمتك ١٠٨/١

ش.ر.ف

أَشْرَفَ: وقد أشرف على خفايا الأعمال ٨٨/٥
أَشْرَفَها: أسألك ... من المحالّ أشرفها ١٩٩/٢٢
أَشْرَفْتُ: وقد أشرفت على هلكتى نفسي ١٤٨/٢٢
أَشْرَفْتَ: أشرَفْتَ من عرشك على أرضيك ٢٠٢/١
وأشرفْتَ عليهم بقدرتك ٦٧/١١
أَشْرَفْتُ: وأشرَفْتُ على خوف لقآئك فلامسكّن لروعتى ٥٧/١
شَرَّفْتَهُ: فإنّ الشّريف من شرّفته طاعتك ٩٦/٤
شَرَّفْتَ: به سواه وشرّفت مقامه ١٤٩/٥٥
شَرَّفْتَهُ: هذا الموضع الّذى شرّفته ١٤٩/٥٨ - ١٤٩/٧١
أللّهمّ هذا يوم عرفة يوم شرّفته ١٤٧/٧١
حرمٍ ومشعرٍ عظّمت قدره وشرّفته ١٤٩/٦٥
ذٰلك شرف شرّفته به ١٤٤/١٣
شَرَّفْتَنا: الّذى شرّفتنا به ١٤٢/٤٨
أللّهمّ صلّ على محمّد وآله كما شرّفتنا به ٦٣/٤
يُشَرِّفُ: يشرّف به منازلنا عند مواقف الأشهاد ١/١٤
ويشرّف لديهم صلواتها ١٩٩/٦١
تُشَرِّفُهُ: تشرّفه «محمّد» بالوسيلة على نازليها ١٠/١٣
تُشَرِّفَنِيْ: تشرّفنى بسعة فضلك عن ٢٥١/٤
شَرِّفْ: شرّف درجتى برضوانك ١٠٨/٤
وشرّف بنيانه «محمّد» ١٠٩/٢٤
إسْتَشْرَفَ: واستشرف لك من فتنها ٢١٤/٢٥
شَرَفَ: كرامة تنزله «محمّد» شرف ذروتها ١٠/١٣
بلّغنى رضوانك وشرف كرامتك ١٢٣/١٣
يامن ذكره شرفٌ للذّاكرين ٣٣/١
تبلغ بى شرف الجنّةِ ٣٦/١٠
لكنت أحرى بأن تنال شرف المقام ١٩٧/٤٦
ذٰلك شرفٌ شرّفته به ١٤٤/١٣
الشَّرَفِ: يااللّه ياذا ... والقدس والشّرفِ ١٢٢/٣
شَرَفَهُ: وعرّفتنا برحمتك شرفه وفضله ١٠٩/٧
شَرَفِهِمْ: أسألك بحقّ هولآء وشرفهم ١٨٠/٦
شَرَفِكَ: وكلّ شريف فى جنب شرفِك حقير ١٤٦/٤
بِشَرَفِ: أسألك بشرفِ لاإله إلاّ أنت ١٢٤/٤
تَشْرِيفِ: أبلغ به «محمّد» من تشريف منزلته ١٠/١٥
تَشْرِيفاً: ووعدتنا عليه أن تذكرنا تشريفاً لنا ١٩٤/٦
مُشْرِفَةً: صلاة ... مشرفة فوق التّحيّات ٦٧/٢٣
شَرِيفٍ: وكلّ شريفٍ في جنب شرفك حقير ١٤٦/٤
ومن شرّ كلّ شريفٍ ووضيعٍ ٦١/٦
الشَّرِيفِ: في هذا اليوم الشّريف من السُّعدآء ١٢٩/٣
فإنّ الشريف من شرّفته طاعتك ٩٦/٤
وفّقنا في هذا اليوم العظيم الشريفِ لطاعتك ١٤٣/٣٢
هذا اليوم الشريفَ الفرد العظيم ١٤٣/٣٤
إستقبال هذا العيد الشريفِ المشهور ١٤٣/٢٥
الشَّرِيفَةِ: من تلك المشاهدِ الشّريفة ١١٦/٥١
أللّهمّ ربَّ هذه الامكنة الشّريفة ١٤٩/٦٥
بلحظة من لحظاتك الكريمة الرحيمة الشريفة ٤٢/٢٣
وفي هذه اللّيلة الشّريفة ١٤١/٧
في هذه اللّيلة العظيمة الشريفة ١٤٣/٤٦
شَرائِفَ: جلّلنى شرائفَ نحلك في المقامات ١٤٧/١١٠
فاجعل شرائفَ صلواتك ونوامى بركاتك ١٤٣/٢٣
أَشْرَفِ: في أشرف رحمتك وأفضل كرامتك ١٤١/٢٥
أنزل محمّداً في أشرف منازل الأبرار ١٤١/٢٥
إلى أشرف منازل الكرامة ١٠٩/٩
وأحللهم «الأنبياء» أشرف المقام ١٠/٣٤
وأره «محمّد» من أشرفِ صلواتنا وسبحات نورها ١٠/٣١
أَشْرَفَها: أللّهمّ اجعل أكمل صلواتك وأشرفها ١٩٩/٦٢

ش.ر.ق

شَرِقَ: وكم من حاسدٍ قد شرقَ بى بغصّته ١٥٢/٩
أَشْرَقَ: أنضر من أشرق وجهه لسجال عطيّتك ١٠/١٤
أشرق نهار ذو ابتلاج ١٩٩/١٩
سبحان من أشرق نوره كلّ ظلمة ٥/١
أَشْرَقْتُ: وبالإسم الّذى أشرقت به الشّمس ٢٦٧/٥
مَشارِقِ: الملحدين في مشارقِ الأرض ١١٩/٢٧
سألك من في مشارق الأرض ٢٢٧/٥

ش.ر.ك

لاٰيَشْرَكُكَ: لايشركك أحد في رجائى ٧٤/٣
لَمْ يَشْرَكْكَ: ولم يشركك في حلول نعمته ١٤٧/٨٥
إِشْرَكْني: واشركنى في دعاء من دعاك ٢٣٩/١٢
أَشْرَكَ: لاينقص سلطانك من أشرك بك ١٦٦/٤
لاٰيُشْرِكُ: ولايشرك في حكمه أحداً ١٤٩/١٢
لَمْ يُشْرِكْ: ولم يشرك في حكمه أحداً ١٢٣/٦
يُشْرِكُونَ: سبحانه وتعالى عمّا يشركون (قرآن) ١١٤/٨
٢/٧ ـ ٢٢/٣٠
فتعالى عمّا يشركون (قرآن) ١٤٣/١٣
لاأُشْرِكُ: لاأشركُ بك أحداً ١٩٩/١٤
لَمْ أُشْرِكْ: ذريعتى أنّى لم أشركْ بك شيئاً ١٥٣/٢ـ١٥٢/٢
لانُشْرِكَ: لانشركَ فيه أحداً دونك ١١٥/١٠
أَشْرِكْهُمْ: أشركهم في دعائى إذا أجبتنى ١٤٤/٣٠
أَشْرِكْني: أشركنى بإلهى في هذا اليوم ١٤٤/٣٠
يُشارَكُ: وإلاّ تفعل فلست ممّن يشارك ٢٥٧/١
لَمْ يُشارَكْ: لم يشارك فى الإلهيّة ٢٣٨/١
لاتُشارَكُ: لاتشارك في أمرك ١١٦/٣٤
لَمْ تُشارَكْ: ولم تشارك في خلقك ١٤٩/٥
شَرَكَ: نصب لي شرك مصآئدِهِ ١٥٢/٧
شَرَكِهِ: أعذنى فيه من ... شركه «الشيطان» ١١٧/٧
أعوذبك من شرّ الشيطان ... وشركه ١٥٣/٢٨
أَشْراكَ: نصب لي أشراك مصائده ١٥٣/٧
الشِّرْكِ: ومن الشّرك والزّيغ ... معصومين ٢٠٦/٢٠
في أقطار البلاد ... وسائر أمم الشّرك ٦٧/١١
فلك الحمد على ما نقّيت من الشّرك قلبى ١١٦/٨٢
من الآحاد من الشّرك والالحاد ٢٣٦/٦
أحزنه تحزّب أهل الشّرك عليهم ٦٧/٢٢
المُشْرِكينَ: على من بازائهم من المشركين ٦٧/١٠
ألّلهمّ اشغل المشركين بالمشركين ٦٧/١٢
جعلته «محمّد» ... لعدد المشركين قاطعاً ١٠/٨
وجعلته «محمّد» بمنّك على المشركين ثاقباً ١٠/٥
فمل بالغضب إلى المشركين ٩٧/٣
أوقعهم غضبك بين المشركين بكرباتهم ١٩٩/١١٢
وارزقنى سفك دماء المشركين والنّاكثين ١٢٨/٥
فصانه «محمّد» بنفسه عن المشركين ١٠/٢٩
الْمُشْرِكُونَ: وهجم... ولو كره المشركون ٩/٣
ولو كره المشركون (قرآن) ١٢٣/٧
بِالْمُشْرِكينَ: ألّلهمّ اشغل المشركين بالمشركين ٦٧/١٢
شَريكٌ: ولم يكن له شريك فى الملك (قرآن) ١٤١/٢٢
٨٣/١٢ ـ ٤٧/٢ ـ ٢٢/١١
أشهد أن لإله إلاّ الله وحده لاشريكَ له ٢/٩ ـ ٢٥٢/٢٨
تعزّزت عن مؤامرة شريكٍ ٢٤٣/٣
لإلهإلاّأنت وحدك لاشريكَ لك ٤٢/٣ـ١٢٨/١٢ـ١٣٩/١ـ١٢٧/١
وحدك لاشريكَ لك ٢٠٠/٤٣ ـ ٦٧/١٠ ـ ١١٦/١٤
٥٩/١٣ ـ ٨٩/٢ ـ ١٦٦/٧ ـ ٤٢/٢٧
وحدك لاشريكَ لك ولاعديل ٢٤٦/٣
الحمدلله لاشريكَ له ١٤٣/١ ـ ١٤١/١
أن أجعل لك شَريكاً ٢٠٩/٢
أنت الّذى لم يعنك على خلقك شريكٌ ١٤٧/١٣
وحده لاشريكَ له ١٩٩/١٤
وفاطر لاشريكَ له ٢/٣ ـ ٧/٣
والرّبّ بلا شريكٍ ٢/٤ ـ ٧/٤
وحده لاشريك له له الملك ١٢٣/٥
فالأمر لك وحدك لاشريكَ لك ٢٥٧/٨
ولم أدع لك شريكاً ١٤٤/٣ ـ ١٦٥/١ ـ ٢٣٣/١
لإله إلاّ الله وحده لاشريكَ له ٢٥١/٣٦ ـ ١٩٩/٥٥ ـ ٢٢/٣
ولم أتّخذ لك شريكاً ٢٢٩/١
أنت ... الواحد الّذى لاشريكَ لك ١٩٩/٦٥
وحدك وحدك لاشريكَ لك ٢٧٠/١
ألّلهمّ أنت الواحد بلا شريكٍ ٢٥٣/٢
ولاشريك له فأرجوه ١٧٤/١
لامعبود إلاّ هو وحده لاشريكَ له ١٤٣/٣
شُرَكائِهِ: وأعذنى... من الشيطان... وشركائه ١١٧/٧
شُرَكاءَكُمْ: قل ادعوا شركاءكم ثمّ (قرآن) ١٥٩/٩

ش.ر.ى

إِشْتَرىٰ: إنّ الله اشترى من (قرآن) ١٤٤/٢٥
إِشْتَرَوْا: ألّلهمّ إنّهم «الظّلمة» اشتروا بآياتك ١١٩/١١
أَشْتَرَيْتَ: واشتريت الملاهى ... بسهم الأرملة ٧٠/٦
أَنْ أَشْتَرِيَ: وأعوذبك من أن أشتري ١٦٤/٢٤
إِشْتَرِ: ألّلهمّ اشتر منّى نفسي الموقوفة عليك ٢٤٨/١

ش.ط.ط

بِشَطِّ: أرسوا بشطّ بحار الرّضا ٢٠٠/٢٥

ش.ط.ن

شَيْطانٍ: إلهي أشكو إليك... شيطاناً يغويني ١٨٣/٣
من شرّ كلّ شيطانٍ مريدٍ ٢٤٩/٢٥ ـ ٦١/٦
الشَّيْطانُ: قد ملك الشّيطان عناني في سوء الظّنّ ٨٨/١٧
أن تزجر عنّي الشّيطانَ وتكفينيه ٢٥/٢
وازلّني الشّيطانُ بعد الحجّة والبيان ٢٢٩/٢
وأعوذ به من شرّ الشيطانِ ٢٤٠/٢
واكفني شرّ الشّيطانِ ١١٦/١١٥
وأجرني من الشيطان الرّجيم ١٣٨/١١
وأعوذبك... على جميع ما رزقتني من الشّيطان ١١٦/١٢٨
إلهي، إنّ الشّيطان فاجرٌ خبيثٌ ٢٠١/٥٠
فقد استحوذ الشّيطانُ عليّ ٧٧/١٠
وان اشتمل علينا عدوّك الشّيطانُ فاستنقذنا منه ١١٥/٢١
وأعذني فيه «رمضان» من الشّيطانِ الرّجيم ١١٧/٧
واكفنا ... سوء مصآئد الشّيطانِ ٨/٢٥
فلولا أنّ الشيطان يختدعهم ٩٨/٥
فقام محمّد ... تفرّق حزب الشّيطانِ ١٩٩/٥٨
صلاة ... تمنعهم «تابعين» بها من كيد الشّيطان ١٤/٨
وأعذني وذرّيّتي من الشّيطانِ الرّجيم ٦١/٦
وأزلّني الشّيطانُ بعد الحجّة عليّ والبيان ١٦٥/١ ـ ٢٣٣/٢
أن يلعب بي الشيطانُ في اليقظة والمنام ٢٢/٣٥
ولكن آستزلّني الشّيطانُ بعد الحجّة ٢٠٩/٣
حين أقف بين دعوتك ودعوة الشّيطانِ ٤٩/١٣
أللّهمّ إنّا نعوذ بك من نزغات الشّيطان ٥٠/١
والإنخداع لعدوّك الشّيطانِ الرّجيم ١١٥/١٨
كان الشيطانُ والكفّار فيها أقراني ٢٠٦/١١
نعوذ بك من ... أن يستحوذ علينا الشّيطانُ ٢٦/٥
واكفنا ... شرّ مصائد الشّيطانِ ١٥/١٠
ولكن استفزّني الشّيطانُ بعد الحجّة والمعرفة ٨٩/٣
أللّهمّ اجعل ما يلقى الشّيطانُ في روعي ٥٥/٢١
هذا مقام من ... استحوذ عليه الشّيطانُ ٨٠/٢
السّلام عليك من ناصر أعان على الشّيطانِ ١٤٢/٣٤
ربّ أعوذبك من شرّ الشّيطانِ ١٥٣/٢٨
فلولا أنّ الشّيطانَ يختدعهم عن طاعتك ٨/١٠
ومن نزغات الشّيطانِ ... حارساً ١٠٩/١١
أللّهمّ إنّ الشّيطانَ قد شمت بنا... ٣٢/٥
أللّهمّ ... وأعذني وذرّيّتي من الشّيطانِ الرّجيم ٦٤/٦
لِلشَّيْطانِ: مرتعاً للشيطان فاقبضني ٥٥/٧
ولاتجعل للشّيطان فيه «الولج» نصيباً ٢٥٨/١
شَياطينِ: وشرّ شياطين الإنس والجنّ ١٤٩/٥٩
الشَّياطين: سددت أفواه ... الشّياطين والسّحرة ٢٣/١
وأعوذبك ياربّ من همزات الشّياطين ٢٣٦/٤
شَياطينِها: أعوذبك من ... سطوات شياطينها ٧٨/٥
أعوذبك من... شرّ شياطينها «الدّنيا» ٢٥٢/٢٤ ـ ٢٥١/٣٠

ش.ع.ب

إشْعَبْ: أللّهمّ اشعب به «وليعصر» صدعنا ١١٩/٢٤
يَتَشَعَّبُ: من دين ... يتشعّب له فكرى ٧٩/١
شِعابَ: تخلّلت شعاب تلفى ١٥٣/٢
حللتُ شعاب تلفٍ تعرّضت فيها ١٥٢/٢
شَعْبانُ: شعبان الّذى حففته منك ١١٣/٧
شُعَيْبٍ: وبحقّ شعيبٍ وابنته ١٨٠/٣

ش.ع.ث

شَعْثَنا: والمم به «صاحب الزّمان» شعثنا ١١٩/٢٤

ش.ع.ر

لايَشْعُرُونَ: بالعذاب من حيث لايشعرون ١١٩/١٠
أَشْعَرَني: فإنّ رجآئى قد أشعرنى بالأمن ١٨٦/١
لَمْ تُشْعِرْ: ولو لم تشعر قلبي الإيمان بك ١٩٩/٩٤
أَشْعِرْ: وأشعر قلبي تقواك ٥٧/٩
وأشعر قلبي الإزدجار عن قبائح السّيّئات ١٤٧/٩٣
إسْتَشْعَرُوا: وبكرمك استشعروا ١٩٩/١٨٨
فَاسْتَشْعَرُوا: فاستشعروا مدارع الحكمة ١٩٩/١٩٥
شَعْرِ: وساحف شعر رأسه تذلّلاً لك ٢٢٢/٢
شَعْري: أللّهمّ اجعل ... نوراً في شعرى ١٣٤/٣
فليت شعرى ما أنت صانع بذلك ١١٨/٦
ليت شعرى أللشّقآء ولدتنى أمّي ١٨٤/٢
شَعَراً: وأبدلنى شعراً طاهراً لايعصيك ٢٦٨/١
شَعَري: فحرّم شعرى وبشرى على النّار ٢٦٨/٢
شِعاري: ذكرك شعاري ١٣٩/١٥
شَعْرَةٍ: بكلّ شعرةٍ في كلّ طرفة عينٍ ٢٣٠/١
مَشْعَرِ: وربّ كلّ حرمٍ ومشعر عظّمت قدره ١٤٩/٦٥
الْمَشاعِرِ: والرّكن والمقام والمشاعر العظام ١١٤/٢٢

ش.ع.ع

بِشُعاعِ: بشعاع نور درجته «محمّد» ١٠/٢٤

أَتَشَفَّعُ: أَتشفّعُ بهم إليك أن تحيينى محياهم ٤٢/٢١
إلى الله أتشفّع بك «محمّد» ٤٢/١٥
إِسْتَشْفَعْتُ: إستشفعت بجودك وكرمك إليك ١٨٢/١٢
أللّهمّ وقد استشفعت المعرفة بذلك إليك ٢٤٩/٣
إلهى استشفعت بك إليك ١٨٦/٧
أَسْتَشْفِعُ: إليك أستشفع بقديم كرمك ١٩٩/٣٣
وبمحمّد وأهل بيته أستشفع ١٩٩/١٤٩
بمحمّد المصطفى أستشفع لديك ٢٢٤/٣
وأستشفع إليك بنبيّك نبيّ الرّحمة ٤٢/٤
الشَّفْعِ: أللّهمّ ربّ ... الشّفع والوتر ١١٧/١٨
أللّهمّ ربّ الشفع والوتر والليل إذا يسر (قرآن) ١١٤/١٣
ربّ الشفع والوتر سخّرلى ٢٢/٣٨
شَفَاعَةً: ولايقبل منها «النّفس» شفاعةً (قرآن) ٢٠٧/٢٢
أللّهمّ اجعل نبيّنا أمكنهم منك شفاعةً ١٠٩/٢٣
أو شفاعةٍ هي أوكد عندك من شفاعتي ٨١/٧
أرزقنى شفاعةَ محمّد ٢٢٢/٤
شفاعةٍ أوكد عندك من شفاعتى ٨٠/٢٣
إلهى ليس لي ... إلاّ ... شفاعةُ نبيّك ١٩١/١
ولا ذو شفاعةٍ يشفع لذات الكبد ٧٠/٦
الشَّفَاعَةِ: وابسط لسانه «محمّد» في الشّفاعةِ ١٠/٢٤
وعرّفه «محمّد» ... من حسن الشّفاعة ٩/٤
ونيل الشّفاعةِ لديه ١١٣/٨
إن شفعت فلست بأهل الشّفاعة ٨٠/١٩
وعدنا من بعدها الشّفاعةَ ١٢٤/١٨
والشّفاعة والذراعة والفضيلة ١٤٣/٢٤
شَفَاعَتِهِ: وأدخلنا في شفاعته يوم الدّين ١٩٩/٦٤
يارتّاه لاتحرمنا شفاعَتَهُ «محمّد» غداً ١٩٨/٩١
وتقبل شفاعته «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
وتقبّل شفاعته في أمّته ١٤١/٢٨
وبحقّ محمّد وشفاعته ١٨٠/٥
شَفَاعَتِهِمْ: أللّهمّ... أدخلنى في شفاعتهم ١٣٢/١٤
شَفَاعَتَكَ: وساكن من شفيعى إلى شفاعتك ١١٦/١٧
شَفَاعَتي: أو شفاعة هي أوكد عندك من شفاعتي ٨١/٧
شفاعةٍ أوكد عندك من شفاعتى ٨٠/٢٣
بِشَفَاعَةِ: ولامستطيلاً بشفاعةِ الشّافعين ١٤٧/٨٠
بِشَفَاعَتِهِ: لندخل في عدّة من ترحمه بشفاعته ١٠/٣١
بِشَفَاعَتي: وارض عنهما بشفاعتي لهما رضىً ٦٣/١٥
لِلشَّفَاعَةِ: وان شفعت فلست أهلا للشّفاعة ٨١/٤
شَافِعاً: إجعل توسّلى به شافعاً ٢٤٤/٥
لاأجد شافعاً إليك إلاّ معرفتى ١٢٠/١١
إرحم من ليس له من عمله شافعٌ ١٩٩/٤٤
أللّهمّ اجعل محمّداً أوّل شافعٍ ١٤١/٢٦
الشَّافِعِينَ: ولامستطيلاً بشفاعة الشّافعين ١٤٧/٨٠
مُسْتَشْفِعَةً: ومستشفعةً بكرمك إليك ٢٠٢/٨
شَفِيعٍ: بغير شفيعٍ فيقضى لى حاجتى ١١٦/٥
وجدتك خير شفيعٍ ٧٠/٣
لاشفيع لى إليك فليشفع لى فضلك ٨٠/٢١
لاشفيعٌ يشفع لي إليك ٨٨/٧
ولاشفيعَ لي إليك ٨١/٦
أللّهمّ واجعله لي شفيعاً مشفّعاً ١١٣/٩
شَفِيعي: وحبّى لك شفيعى إليك ١١٦/١٧
وساكن من شفيعى إلى شفاعتك ١١٦/١٧
مُشَفَّعٍ: إجعل محمّداً أوّل شافع وأول مشفَّعٍ ١٤١/٢٦
أللّهمّ واجعله لي شفيعاً مشفّعاً ١١٣/٩

ش.ف.ق

أَشْفَقْتُ: ألجأ إليك فيما أشفقت عليه منهم ٢٢/٢١
أَشْفَقْنا: أشفقنا من مخالفتك ١٩٩/١١٧
الْإِشْفاقِ: واعمر قلبي بخشية ذوى الإشفاق ١٩٩/٦٦
مُشْفِقاً: مشفقاً خآئفاً وجلاً فقيراً مضطرّاً إليك ١٦٣/١١
مشفقٍ ممّا اجتمع عليه ٣٤/١٠
سبّدى بل مشفقٍ من عذابك ١٤٨/٢٨
الْمُشْفِقِ: أسألك سؤال ... المشفق من الحشر ٢٤٥/١
وجاء عليها بالدّموع المشفقُ من عشيرتها ١٩٩/١٣٧
مُشْفِقِينَ: ومن عذابك مشفقين ٢٠٦/١٩
مُشْفِقُونَ: هم من هيبتك مشفقون ١٨٩/٣
أللّهمّ إنّ ملآئكتك مشفقون من خشيتك ١٤٨/١
الْمُشْفِقُونَ: وجاء بالدّموع عليها المشفقون ١٩٧/٣٢
الْمُشْفِقِينَ: وأودع نفوسنا خوف المشفقين ١٩٩/٣٥
شَفِيقاً: صيّرنى بهما «الوالدين»... شفيقاً ٦٣/٦
الشَّفِيقُ: يامن هو أرحم لى من الوالد الشّفيق ١٩٩/٧٦
وتخلّى عنه الصّديق والصّاحب الشفيق ٢١٤/١٢١
يامن هو أبربى من الوالد الشّفيق ١٩٩/٤٠
أَشْفَقَ: وتكون أشفق علىّ من أهلى وقرابتى ١٩٩/١٣٩

ش.ف.ه

الشِّفاهِ: يعلم... نطق الألسن ورجع الشّفاه ١٤٩/٢٤

ش.ف.ى

شَفىٰ: وشفى من هيام الغليل ١٩٩/١٨
شَفَيْتَ: أللّهمّ لك الحمد أن ... أمرضت وشفيت ٢٤٢/٢
شَفَيْتَهُ: وأنا السّقيم الّذى شفيته ١١٦/٦٢
لامريضاً إلاّ شفيته ١٢٣/٢٧
أسألك أن ... لامريضاً إلاّ شفيته ١٢٢/٩
لايَشْفيهِ: سقمى لايشفيه إلاّ طبّك ١٩٢/٣
لَمْ يَشْفِ: فرددته لم يشف غيظه ١٥٢/٦
فرددته لم يشف غليله ١٥٣/٦
تَشْفي: وارحمنى رحمة تشفى بها قلبي ١٩٩/٧٧
لَمْ تَشْفِهِ: ولم تشفه من ألمه ٢١٤/١١٣ ـ ٢١٤/٣٧
إشْفِ: أللّهمّ ... واشف صدور المؤمنين ١١٩/٧
واشف به «وليعصر» صدورنا ١١٩/٢٥
شِفاءً: تكون من غيظى به شفاءً ٤٢/٥
أن تجعل القرآن ... شفاءَ صدرى ٢٢/٤٠
تركتنى خطيئتى كالسّقيم ليس له شفاءٌ ١٩٨/٥٦
وشفاءً لمن أنصت بفهم التّصديق ١٠٩/٣
عندك ... شفاءُ غلّتى ١٨٩/٨
شافِيَ: ياشافى كلّ بلوى ١٧٥/١
شافِيةً: وعافنى عافيةً كافيةً شافيةً عاليةً ناميةً ٦١/٢
الشّافِيَةِ: بعثه «محمّد» بالأوامر الشّافية ١٩٩/١٦
أَشْفاها: أسألك ... من الرّاحة أشفاها ١٩٩/٢٢

ش.ق.ق

شَقَّ: سجد وجهى لمن ... شقّ سمعه ٢٥٢/١١
وشقّ سمعه وبصره ٢٥١/١٨
شَقَّتْ: شقّت جيوبها نساؤه ٢١٤/٤٩
فَشَقَّتْ: فشقّت جيوبها نساءه ٢١٤/١٢٥
شاقُّوا: الظّلمة ... شاقّوا ولاة أمرك ١١٩/٣
الشِّقاقِ: والشّقاق والنفاق معصومين ٢٠٦/٢٠
الشِّقَّةُ: بعدت عليهم الشّقّة ٢١٩/٤٣

ش.ق.و

شَقِيْتُ: فأكونَ قد شقيتُ بما أحببتُ ٥١/١
يَشْقىٰ: فكيف يشقى امرؤ حسن له منك النّظر ١٩٧/٢٤
لايَشْقىٰ: ولايشقى بنقمتك المستغفرون ١٤٦/٦
ولايشقى بنعمتك شقيّهم ١٤٢/٥
لَمْ يَشْقَ: لم يشق بنقمته المستغفرون ١٨٥/٢
لِتَشْقىٰ: طَه ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى (قرآن) ١٢٢/٨
فَأَشْقىٰ: او تقتّر بها «معيشة» عليّ فأشقى ٧٨/١
أو تقترها «معيشة» عليّ فأشقى ٢٥٢/١٨ ـ ٢٥١/٢٦
لاأَشْقىٰ: تسعدنى في هذه الليلة سعادةً لاأشقى ١٣٦/٣
أَشْقَيْتَ: ولايسعد من أشقيت ١٩٩/١٦٣
الشّقىّ من أشقيت ٢٢٥/٥
فتكون قد أشقيت من استسعد بك ٣٢/٢
لاتُشْقِنا: ولاتشقنا بضيافته «الموت» ١٠٣/٤
شَقاءً: وقضاءً حتماً لايغيّره شقاء ٢٢٨/٢
الشَّقاءِ: ولو حملتنى إلى دار الشّقاء ١١٨/٧
والشّقاءُ الأشقى لمن اغترّ بك ١٢٦/٩
نعوذ بك من ... أشقى الشّقاء ٢٦/٨
أمن أهل الشّقاء خلقتنى ٢٠٣/٩ ـ ١١٢/٢
لِشَقائِهِمْ: وحرموا لشقائهم فضله ١٢٢/٢٨
لِلشَّقاءِ: ليت شعرى أللّشقاء ولدتنى أمّى ١٨٢/٢
أم للشّقاء خلقتنى ١٩٧/٢٣
أم للشّقاء ولدتنى ١٩٧/٢٤
الشَّقاوَةِ: ومن كان من أهل الشّقاوة خذلته لها ١٢٦/٨
لِشَقاوَةٍ: إلهى، ليتنى لم أخلق لشقاوة جسدى ٢٠٦/٤
الشَّقْوَةُ: والنّاس ... حقّت عليهم الشّقوة ١٩٩/٥٨
شِقْوَتى: وأعاننى عليها «هواى» شقوتى ١١٦/٦٧
بِشَقْوَتى: علمك قد سبق بشقوتى ١٠/٣٢
شِقائى: فامح من أمّ الكتاب شقائى ٢٥١/٦٧
شَقِيٌّ: إن كان فى أم الكتاب عندك أنّى شقىّ ٢٥١/٦٧
في أمّ الكتاب كتبتنى شقيّاً ٢٢٣/٨
الشَّقِيُّ: الشّقىُّ من أشقيت ٢٢٥/٥
إنّ الشّقيّ من قنط وأمامه التّوبة ٨٧/٥
شَقِيَّهُمْ: ولايشقى بنعمتك شقيّهم ١٤٢/٥
فَالشَّقِيُّ: أللّهمّ ... فالشّقىّ من لم تأخذ بيده ٣١/٥
الأَشْقِياءِ: من نارٍ يطول فيها مكث الأشقياء ١٩٨/١٧
كلّما طلبت التّوّابين وقفت مع الأشقياء ١٩٨/٢٩
موقف الأشقياء المتجرّئين عليك ١٦٧/٢
من دار ... لايرحم فيها الأشقياءَ ١٩٨/١٥
حين جهل الأشقياء وقته ١٤٢/٢٨
أَشْقىٰ: ومن أشقى ممّن هلك عليك ٩٨/١١ ـ ٨/١٧
نعوذبك من ... أشقى الشّقاء ٢٦/٨
الأَشْقىٰ: والشّقاء الأشقى لمن اغترّ بك ١٢٦/٩

ش.ك.ر

شَكَرَ: الحمدلله الّذى شكر على ما به أنعم ٦٠/١
شَكَرَهُ: الحمدلله ... الّذى ... لاينقص من شكره ٢٤٦/١
شَكَرَكَ: اجعلنا ... ممّن ... شكرك فزدته ٢٣٤/٤
تشكر من شكرك وأنت ألهمته شكرك ١٤٢/٢
فَشَكَرَ: فشكر عزّوجلّ معرفة العارفين بالتقصير ٦/٣
شَكَرُوكَ: وشكروك بفضلك ودعوك بأمرك ١٤٢/١٩
شَكَرْتَنِي: ولاشكرتنى بنعمتك علىّ ٣٦/٤
شَكَرْتُمْ: لئن شكرتم لأزيدنّكم (قرآن) ١٤٢/١٦
شَكَرْتُكَ: وإن شكرتك زدتنى ١٩٩/١٧٤
شُكِرْتَهُ: تشكر يسير ما شكرته ٩٨/٣
يَشْكُرَ: يزكّى أعمالنا ويشكر سعينا ١٤٣/١٥
ويا من يشكُرُ على القليل ويجازى بالجليل ١٤٦/٢
ويشكر يسير ما يحمل له ١٤٦/٢
يَشْكُرُنا: ويشكرنا على حسب ما مننت به علينا ١٠/٣١
أَنْ يَشْكُرُوا: أن يشكروا نعمتك الّتى ٨٣/١٨
فَلَمْ يَشْكُرُوهُ: وتوسّعوا في رزقه فلم يشكروه ١/١٠
تَشْكُرَ: تشكر المطيع على ما أنت تولّيته له ٨/١١
تشكر من شكرك وأنت ألهمته شكرك ١٤٢/٢
تشكر للمطيع ما أنت تولّيته له ٩٨/٦
تشكر يسير ما تشكر به ٨/٦
تشكر يسير ما شكرته ٩٨/٣
أَشْكُرَها: فبأىّ ذلك أزكىّ نفسي وأشكرها عليه ٢٤٨/٩
أَشْكُرَكَ: أفبلسانى هذا الكالّ أشكرك ١١٦/٨٣
لاأَشْكُرَكَ: وكيف لاأشكرك ياإلهى ١٤٨/١٩
لَمْ أَشْكُرْ: ولم أشكر نعمتك ١٤٩/٣٤
فكفرت ولم أشكر بلائك ٢٥٧/٢٥
أنا الّذى لم أشكر نعمك عند معاصىّ إيّاك ١٤٨/٩
ياإلهي ... لم أشكر نعماك ٣٥/٣
فَلَمْ أَشْكُرْهُ: أسدى إلىّ فلم أشكره ١٠٠/١
أَنْ أَشْكُرَ: وأن أشكر الحسنة وأغضى عن‌السّيّئة ٥٥/١٤
نَشْكُرُ: فما ندرى ما نشكر ١١٦/٢٩
تُشْكَرَ: تشكر يسير ما تشكر به ٨/٦
أَنْ تُشْكَرَ: وإحسانك أكثر من أن تشكر ١٤٦/١٣
اُشْكُرْ: اللّهمّ اشكر لهما «والدىّ» تربيتى ٦٣/٧
أُشْكُرْهُمْ: واشكرهم على هجرهم فيك ١٤/٤
أُشْكُرُوا: واشكروا لي ولاتكفرون (قرآن) ١٤٢/١٥
شُكْراً: إلاّ حصل عليه من إحسانك ما يلزمه شكراً ٩٨/١
حتّى كأنّ شكرَ عبادك الّذى أوجبتَ عليه ثوابهم ٩٨/٣
أبلغ به «محمّد» من ... شُكرِ قديم سابقته ١٠/١٥
تزيدنى بذلك «رزقاً» شكراً ١٣٨/١٣
فوجدتها «نفسى» لاتقوى على شكرِ نعمةٍ ٢٠٣/١٢
إستغرقت نعمتك شكرَ الشّاكرين ٢٠٠/١
لكنت مقصّراً في بلوغ أداء شكرِ ٢٣٠/١
ثمّ لاتشغلنى عن شكر نعمتك ٧٨/٢
وشكراً لنعمتك واعترافاً بإحسانك ٥٥/٢٢
حتّى كأنّ شكرَ عبادك الّذى أوجبت ٨/٦
ضعفى عن شكرِ نعمتك وركوبى معصيتك ١٤٨/١١
وأوزعنا فيه «الهلال» شكرَ نعمتك ١١٠/٨
أوزعنى شكرَ نعمتك ٣٦/٦
فأوزع لوليّك شكرَ ما أنعمت به عليه ١٤٧/٦٣
حارت الأفكار في ... شكرِ نعمتك ١١٨/١
وشكراً يقصر عنه شكر كلّ شاكر ١٤٧/٣٢
لايكدى من أذاع شكرَ نعمته ١٩٩/٦
ولاشكرَ عندي إن ابتليت وأوليت ١٦٤/١٥
إن لم تعنّى على شكرِ ما أوليت ١٦٤/١٥
أن أحمدك بها شكراً متّى عليها ٧٧/٥
واملأ لنا ما بين طرفيه حمداً وشكراً... ٢١/٩
وهجران الشرّ وشكرِ النعم ... ٢١/١٣
وجعل معرفتهم «العارفين» بالتّقصير شكراً ٦/٣
واجعل ... فراغ أبداننا في شكرِ نعمتك ٨/٢٦ - ١٥/١٦
واشغل ... ألسنتنا بشكرك عن كلّ شكرٍ ٣٣/٢
وعجز من شكره شكرَ الشّاكرين ٩٩/١
توزعنى شكرَ ما اصطنعت عندى ١٩٩/٧٠
ونسيت شكرَ ما أوليتنى فيها من الإحسان ١٩٩/٦٩
ولاتشغلنى عن شكرِ نعمتك علىّ ٢٥١/٢٨
الحمدلله شكراً ٢٢٧/١
شكراً للمجيب ٢٢٧/٢
من إحسانك ما يلزمه شكراً ٩٨/١
وأن توزعنى من شكرِ نعماك ٢٥٣/٣
وارزقنى شكرَ العافية ٢٥٤/٥
ولاتشغلنى عن شكر نعمتك ٢٥٢/٢٠
وهب لي شكراً ترضى به عنّى ٢٥١/٤١
شكرى إيّاك يفتقر إلى شكرٍ ١٨٧/٦
الإعتراف بالعجز عن الشّكر شكراً ٦/٦
وجعل معرفتهم بالتّقصير شكراً ٦/٣

الشُّكْرُ: ولك الشّكر على ما خوّلتنا من النّعماء ٩٧/٥
وحسن الشّكرِ ودوام اليُسر ٢٣٤/٢
حمداً يبلغ الوفاء وحقيقة الشّكر ١٦٣/٦
والهامك الشُّكرَ على الإحسان والإنعام ٨٨/١٨
ترك الشّكرِ لمن اصطنع العارفة عندنا ٢٦/٣
فلك ... الشّكرُ على ما أوليت ١٩٧/٣٦
وقلّ متّى الشّكر فيما أوليتنيه ١٦٤/١٢
له الشّكر الدّآئم والأمر اللاّزم ١٩٩/٧
الشّكرِ لك على نعمائك ٢٤٩/١٧
أسألك ... الشّكرَ بها عليّ حتّى ترضى ١٢٥/٦
أللّهمّ إنّي أسألك العافية والشّكرَ على العافية ٦٢/١
فلزمني الشّكرُ والثّنآء ١٩٩/١٨١
ولك الشّكرُ على ما أبليت من التّطوّل ١٩٩/١٤٨
وجعل الشّكرَ مادّة لنعمائه ٩٩/٢
إنّك ... الشّاكر قليل الشّكرِ ٩٧/٦
أقللت لك من الشّكرِ ١٤٨/١٧
وأفضل الشّكرِ عند موضع الشّكر ١٦٤/٨
فكيف لي بتحصيل الشُّكرِ ١٨٧/٦
وارزقني الحقّ عند تقصيري في الشّكرِ لك ٥٩/١٢
ولك الشُّكرُ متّى ١١٨/٦
الإعتراف بالعجز عن الشّكرِ شكراً ٦/٦
وأحمدها به بل الشّكرُ لك ٢٤٨/٩
شُكْرُهُ: أم متى نؤدّي شكره؟ لامتى ١/٢١
والحمدلله على ما... ألهمنا من شكره ١/١٢
وعجز عن شكره شكر الشّاكرين ٩٩/١
ويا من شكرُهُ فوز للشّاكرين ٣٣/١
تعجز الأبدان عن أداء شكرِهِ ٢٤٩/١٧
شُكْرِهِمْ: بحمد الخلائق وشكرهم أجمعين ٢٣٠/١
شُكْرَها: كم من نعمة أسبغتها عليّ لم أؤدّ شكرها ٢٤٩/٩
فقصّرت في شكرِها ٣٤/١
شُكْرَكَ: أوزعنا شكرك ١٢٣/٣٠
تشكر من شكرك وأنت ألهمته شكرك ١٢٢/٢
ذكرك وشكركَ ١٤١/٧
وارزقني فيها ذكرك وشكركَ ١١٧/٣٢
إلهي أذهلني عن إقامة شكرك تتابع طولك ١٨٧/١
إلهي ... شكرُك قبل عملي ١٩٧/١٣
أللّهمّ إنّ أحداً لايبلغ من شكرك غاية ٨/١ ـ ٩٨/١
فما من شيء أنشره وأطويه من شكرك ١٩٩/١٨١
وأنطق بحمدك وشكرك وذكرك ٦١/٥
أللّهمّ اجعل لنا ... نصيباً من شكرِكَ ٢١/١١
فاجعلنا ممّن ... أوزعته شكرَكَ ١٩٠/٤
مع ما أمرتني به من شكرك ٣٥/٤ ـ ٢٥٧/٢٦
ولاتذهب عنّي شكرَكَ ١٤٧/٩٦
وارزقني من هذه الليلة شكرك وذكرك ١٢٩/١٠
أللّهمّ ... أوزعني شكرَكَ ٧٧/٣
فأشكر عبادك عاجز عن شكرِكَ ٩٨/١ ـ ٨/٣
إلاّ حصل عليه من إحسانك ما يلزمه شكرك ٨/١
وشكرُكَ قبل عملي ١١٦/٨٣ ـ ٢٠١/٤٢
إنّك ... مجازي من أذعن بوجوب شكرِك ١٩٩/١٩٦
حضّاً لهم على أداء مضمون شكرِك ٢٤٩/١
لاينبغي ... أن يغفل عن شكرك ٢٠٠/١٤
وارزقني برد عفوك وحلاوة ذكرك وشكرك ١١٤/١١
وما قدر لساني ياربّ في جنب شكرك ١١٦/٨٣
أللّهمّ ... ارزقني شكرَك وذكرك ... ١٣٧/٤
شُكْري: وشكري ودنياي وآخرتي فبارك لي ١٥٣/٢٢
فكم من نعمةٍ قد أنعمت عليّ قلّ عندها شكري ١٥٨/١
فيامن قلّ عند نعمته شكري فلم يحرمني ١٥٨/٢ ـ ١٥٤/٢
فيامن قل عند نعمه شكرى فلم يحرمنى ١٥٦/٣
أنعمت بها عليّ قلّ لك عندها شكرى ١٥٤/١
قد أنعمت عليّ قلّ لك عندها شكري ١٥٦/٢
إلهى تصاغر عند تعاظم آلآئك شكري ١٨٧/٤
شكري إيّاك يفتقر إلى شكرٍ ١٨٧/٦
وعجز شكرى عن جزآئها «المنّة» ١٩٩/٦٩
وضقت ذرعاً في شكري لك بجزائها ١٩٧/٣٥ـ١٩٩/١٤٧
واجعل شكرى لك على ما زويت عنّى ٩٦/٣
أوفر من شكرى إيّاك على ما خوّلتنى ٩٦/٣
وقلّ شكري لك ٢٠٥/١٧
فلا تحرمني خير الآخرة والأولى لقلّة شكري ١٦٣/١٤
فيامن قلّ شكري عند نعمه فلم يحرمني ١٩٩/١٥٤
قلّ لك عندها «نعمة» شكرى ١٩٩/١٥٤
قد جلّت نعمتك عن شكرى ٩٩/٤
فقد اصطنعت عندى ما يعجز عنه شكرى ١٦٣/١
فضعف شكرى لقلّة جهدى ٧٧/٥
شُكْرَنا: ونهانا ليبتلى شكرنا ١/٢٣
فلا تحرمنا فضلك لقلّة شكرنا ٨٣/٤
وأن تقبل ... شكرنا ١٣٩/٢

بِشُكْرِ: فلم أجد أن أقوم بشكر ما أنعمت علىّ ٢٠١/٤٦
فلم أجدنى أقوم بشكر ما أنعمت علىّ ٢٥٧/١٤
بِشُكْرِهِ: يثنى بشكره العاملون ١٩٩/١٧٢
بِشُكْرِكَ: أللّهمّ ... بشكرك أستنجح سؤالى ١٩٩/١
واشغل ... ألسنتنا بشكرك عن كلّ شكر ٣٣/٢
لِشُكْرِكَ: حمداً جامعاً لشكرك الواجب ١٩٩/١٧٧
بِالشُّكْرِ: أىُّ الحالين أحقّ بالشّكر لك ٤٦/١
شَكُوراً: لمن أراد أن يذّكّر أو أراد شكوراً(قرآن) ١٣٢/٣
شاكِراً: أحمده ... شاكراً لرفده ١٩٩/٧
وشكراً يقصر عنه شكر كلّ شاكرٍ ١٤٧/٣٢
فما حامد منهم عليها وشاكرٌ ٢١٤/٦٣
فلا حامد منهم عليها وشاكر ٢١٤/١٤١
لعلّك رأيتنى غير شاكرٍ لنعمائك فحرمتنى ١١٦/٥٦
الشّاكِرُ: إنّك الشّاكر قليل الشّكر ٩٧/٦
شاكِرِينَ: شاكرين حامدين ... ٤٢/١٧
الشّاكِرِينَ: واستغرفت نعمتك شكر الشّاكرين ٢٠٠/١
واجعلنى فيه لك من الشّاكرين ١٢١/٢
لنكون لإحسانه من الشّاكرين ١١٥/١
أللّهمّ اجعلنا من الشّاكرين ٢٥٩/١
وعجز عن شكره شكر الشّاكرين ٩٩/١
واجعلنا لأنعمك من الشّاكرين ١٣٩/٢
لِلشّاكِرِينَ: ويامن شكره فوز للشّاكرين ٣٣/١
شاكِرَةً: شاكرة لفواضل نعمائك ٢٥٥/٣
شَكُورٌ: ولكنّك شكور، فعّال لما تريد ٣٦/٤
مَشْكُوراً: واجعل ذلك مقبولاً مشكوراً ٦١/٤
وسعيى فيه «رمضان» مشكوراً ١١٧/١٤
وسعينا فيه مشكوراً ١٤٣/٢٨
الْمَشْكُورِ: المشكور سعيهم ١١٧/٤٢
أنت المشكورُ على إلهامها «معرفتك» ١٩٩/١١٤
الحمدلله ... المشكورِ على كلّ إحسان ١٩٩/٥
المشكورِ على آلائه ١٤٣/٢
أَشْكَرَهُمْ: واجعلنا... أشكرهم لما أوليت ٢١/١٤
فَأَشْكُرَ: فأشكر عبادك عاجز عن شكرك ٨/٣ - ٩٨/١

ش.ك.س

شَكاسَةِ: أعوذبك من ... شكاسة الخلق ٢٦/١

ش.ك.ك

لايَشُكُّ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... سميع لايشكّ ١٣٠/٣
لاأَشُكُّ: ونيّة رشدٍ لاأشكّ فيها ٥٥/٦
لَمْ أَشُكَّ: ولم أشكّ في أنّ الّذى أنا فيه دائمٌ ٣٥/٣
ولم أشكّ أن الّذى أنا فيه دائم ٢٥٧/٢٦
شَكٍّ: واجعل ذلك لنا خالصاً من كلّ شكّ ١١٩/٣٠
ويذهل عن أخراه لاشكّ خاسر ٢١٤/٨
وأزل عنّى كلّ شكٍّ وشبهة ١٤٧/١١٢
لم يختلجهم شكٌّ في قفو آثارهم «الأصحاب» ١٤/٦
وإيماناً لايشوبه شكٌّ ١١٧/٣١
الشَّكِّ: هب لي... إيماناً دائماً يذهب الشّكّ عنّى ١٣٧/٤
وإيماناً يذهب الشّكّ عنّى ١٢٩/٤
وانتفت مخالجة الشّكّ عن قلوبهم سرآئرهم ١٩٣/٣
أطرد عنّى وعنهم الشّكّ والعسر ٢٤٨/٥
والشّكّ في دينك والعمى عن سبيلك ١١٥/١٨
أشهد بـ... بصيرة من الشّكّ بريّة ١٩٩/١٣
وحال الشّكُّ في ذلك يقيناً ٢٠٤/١
حتّى لايعارضنا الشّكّ في تصديقه ١٠٩/٧
وأستضىء به من الشّكّ والشّبهات ٥٩/٩
وابرأ قلبى من الرّيآء والشّكّ ١١٦/١٢٣
وأعوذبك من ... الشّكّ والرّيب ١٥٣/٣١
توبة نصوحاً خلصت من الشّكّ والإرتياب ١٤٢/٦٠
والشّكّ في دينك ١١٥/١٨
جنّبنا من الإلحاد والشّكّ فى أمره ١/١٢
الشُّكُوكِ: أنقذت أولياّئك من حيرة الشّكوك ١٩٩/١٨٥
فإنّ الشّكوك والظّنون لواقحُ الفتن ١٨٨/٢
مع إزاحة اليقين مواقع الشّكوك فيك ٢٤٩/٨
شاكٌّ: وما عصيتك إذ عصيتك وأنا بك شاكّ ٩١/٢
شُكّاكٍ: فآمنّا به «محمّد» غير شكّاكٍ ١٠/٢٧

ش.ك.ل

لايُشاكِلُها: ورحمتك الّذى لايشاكلها نوالٌ ١٦/٩
إشْتَكَلَتْ: ووفّقنى إذا اشتكلت علىّ ٥٥/٣٢
شَكْلِها: احتجاجاً بها،على شكلها ١٠١/٦
الْمُشاكَلَةِ: علا عن المشاكلة والمناسبة ١٩٩/١٤
شاكِلَتِهِمْ: الّذين مضوا على شاكلتهم لم يثنهم ١٤/٦

ش.ك.و

شَكا: تسمع من شكا إليك ١٦٣/١٣

وشكا أستعطفك عليّ ٢٠٣/٢
غلاظ شداد لايرحمون من شكا وبكى ١٩٨/٣٧
أم أنت مغنٍ من شكا إليك فقره توكُّلاً ٤٩/٦
شَكَوْتُ: أنلني حسن النّظر فيما شكوت ٢٤/٥
شكوت إليك الضّرّ فاسمع شكايتي ٢١٦/١
شَكَوْتُها: وشكوتها «حوائجي» إليك مع ما ١٤٩/٢٧
يَشْكُو: يشكو إليك ما لايخفى عليك ٢٣٢/٢
إلى من يشكو العبد إلاّ إلى رازقه ١٧٠/٢
أَشْكُو: أشكو إليك مسكنتي وفاقتي ٢٤٩/١٠
أشكو إليك فاقتي ١٥٣/١٧
إلهي إليك أشكو قلباً قاسياً ١٨٣/٤
أشكو إليك غربتي ٢٥١/٢٤ - ٢٥٢/١٦
فإليك أشكو سيّدي فقري وفاقتي ٢٠١/٢٩
إليك أشكو ذنوبي ١٤٨/٢١
فأنا أشكو سوء مجاورته لي ٨٨/١٧
أشكو إليك يالهي ضعف نفسي ١٦٣/١١
إلهي أشكو إليك عدوّاً يضلّني ١٨٣/٣
إلهي إليك أشكو نفساً بالسّوء أمّارة ١٨٣/١
لاأَشْكُو: أللّهمّ لاأشكو إلى أحدٍ سواك ٤٤/٨
أَشْتَكي: أشتكي ذُلَّ ملكة الدّنيا ٢١٩/٥
شِكايَتي: إقرن شكايتي بالتّغيير ٤٤/٨
شكوت إليك الضّرّ فاسمع شكايتي ٢١٦/١
شَكْوىٰ: ياموضع كلّ شكوىٰ ١٢٣/١٣
ياموضع شكوى السّائلين ١١٧/٢٥
سبحانك موضع كلّ شكوىٰ ٤/١٠
ياموضع كلّ شكوىٰ وياسامع كلّ نجوىٰ ١٧٥/١
الشَّكْوىٰ: ياربّاه إليك الشّكوىٰ ١٩٨/٧٧
شَكْوايَ: وترحم تضرّعي وشكواي ١٤٩/٤٠
أللّهمّ ... وارحم تضرّعي وشكواي ١٣٣/٩
واستجب دعائي وارحم تضرّعي وشكواي ١٣٨/١٨
مُشْتَكىٰ: أتوجّع فلا مشتكى ٢١٩/٣٤
الْمُشْتَكىٰ: فنعم المشتكى إليك ياربّ ٢٥١/٢٤
ياربّاه إليك الشّكوى وإليك المشتكى ١٩٨/٧٧
فنعم المشتكى إليه أنت ربّي ٢٥٢/١٦

ش.م.ت

شَمِتَ: أللّهمّ إن الشّيطان قد شمت بنا ٣٢/٥
يَشْمَتُ: أعوذبك من موقفٍ... يشمت بي فيه ١٣٥/١٢
لاتُشْمِتْ: إلهي لاتشمت بي عدوّي ١٧٢/١
ولانشمت بي عدوّي ولانفجع بي حميمي ١٧٣/١
لاتُشْمِتْهُ: ولانشمته بنا بعد تركنا إيّاه لك... ٣٢/٥
أَشْمِتْ: وأشمت عدوّهم «الظّلمة» ١١٩/٧
شَماتَةِ: نعوذ بك من شماتة الأعداء ٢٦/٧
وأعذني من شماتة الأعداء ١٤٧/١٠١
أحاف شماتةَ الأعداء ٧٧/١٠
أعوذبك ... من شماتة العدوّ ١٣٥/١١
شامِتٍ: وكم شامت مستبشر بوفاته ٢١٤/١٢٤ - ٢١٤/٤٨
الشّامِتينَ: ولاتنصبنا فيه لأعين الشّامتين ١٤٢/٥٣

ش.م.خ

الشّامِخِ: ذواالعزّ الشّامخ ٨٣/١

ش.م.ر

شَمَّرَ: وشمّر من قد أحضروه لغسله ٢١٤/١٢٧-٢١٤/٥١
شَمَّروا: وشمّروا لإبرازه ٢١٤/١٢٥
فَشَمِّرْ: فشمّر ولاتفتر فعمرك زائل ٢١٤/١٠٣
تَشَمَّرُوا: وتشمّروا لإبرازه ٢١٤/٢٩

ش.م.س

الشَّمْسَ: ثمّ جعلت الشّمسَ عليه دليلاً ١٣٧/١
يامن جعل اللّيل سكناً والشّمس (قرآن) ١٢٨/٢
جعلت الشّمس النّيّرة المنيرة سراجاً وهّاجاً ٢٤٥/٤
يامجرى الشّمسِ لمستقرّها بتقديرك ياعليم ١٣٠/١
وبالإسم الّذى أشرقت به الشّمسُ ٢٦٧/٥
ياجاعل الشّمسِ والقمر حسباناً ١٣٣/١
سبحانك تعلم وزن الشّمسِ والقمر ٤/١٧
شَمْسَهُ: أللّهمّ وكوّر شمسه ٧٠/١٠
شَمْسِكَ: الّتي لاتستطيع حرّ شمسك ١٦٢/٦
الّذى لايصبر على حرّ شمسك ٢٠٥/١٦

ش.م.ل

شَمِلَ: وكم قد شمل عفوك الظّالمين ١٠١/٧
الّذى شمل كلّ شيءٍ لألفيت بيدي ١٦٢/٣
شَمِلَهُ: واجعلني ممّن شمله عفوك ١٩٩/١٩٣
شَمَلَني: وإن تعف عنّي فقديماً شملني عفوك ١٦٢/٥
شَمَلَنا: أللّهمّ وقد شملنا زيغ الفتن ٧٠/٥

شَمَلَتْني: فقديماً شملتني رحمتك ٢٠٥/١٥
شَمَلْتَهُمْ: شملتهم بسوابغ نعمتك ٢٣٩/٢
إشْمِلْني: واشملني من رعايتك بركن باق ١٩٩/٦٦
أشْمَلَ: أللّهمّ اجعل ... أشمل بركاتك ١٩٩/٦٢
إشْتَمَلَ: وإن اشتمل علينا عدوّك الشّيطان ١١٥/٢١
ومن اشتمل عليه الخزى من عندك ١٤٧/٩١
تَشْتَمِلُ: تشتمل على صلوات عبادك ١٤٧/٥٤
شَمْلِ: ولاتجمع شملاً إلاّ بتفريقِ شملِ ٢١٩/١١
شَمْلَهُمْ: واجمع به شملهم في غربة يوم القيامة ١٠/٣٤
لِشَمْلِ: لشمل منتشر الهدى جامعاً ١٠/٨
شُمُولِ: وشمول السّلامة ودوامها ٢٣٦/٤
إشْتِمالَ: أتربّص اشتمال البقاء ٢١٩/٨
شَمَآئِلِ: وهب لنا حسن شمآئل الأبرار ١٠٩/١٠

ش.ن.أ

شَنَآنَ: وشنآن الفاسقين وأعنّى على التهجّد ٣٦/٧
الشَّنَآنِ: وأبدلني من بغضة أهل الشنآنِ المحبّة ٥٥/٩

ش.ن.ر

شَناراً: واطو عنهم ما يلحقني عندك شناراً ١٠٨/٣
شَنارِها: لم تقلّدني مكروه شنارها ٤٩/١١

ش.ن.ع

أَشْنَعُ: بل أنا ... أشنعُ أفعالاً ٤٩/١٥

ش.و.ب

يَشُوبُها: بما يشوبها من معصيتك ١٤٧/١١٤
لايَشُوبُهُ: إلهي قدّمني إليك رجاء لايشوبه فنوط ٢٣٩/٨
وإيماناً لايشوبه شكٌّ ١١٧/٣١
وخبر لايشوبه شرٌّ ١١٠/٦
لَمْ تَشُبْ: إن أعطيت لم تشب عطاءك بمنّ ١٤٢/٢
شائِبَةٍ: كم من شائبةٍ ألممت بها ٤٩/١١
مَشُوباً: مشوباً بخشيتك في كلّ أوان ١٩٩/١٩٠

ش.و.ر

أَشارَ: وأشار لي في الآخرة إلى عفوه وكرمه ١١٦/١٦
لَمْ يُشِرْ: ولم يشر «محمّد» بالرّبوبيّة إلا إليك ١٠/١٧
لاتَسْتَشيرُ: أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك...فردلاتستشيرُ ١٣٠/٥
الْإِشارَةِ: المستقلّ بما حمّلته من الإشارة بآياتك ١٠/١
مُسْتَشيرِهِمْ: مناصحة مستشيرهم ٦٥/٢ ـ ٦٦/١

ش.و.ق

أَشْوَقَني: إلهي ما أشوقني إلى لقائك ١٩٧/٥
شَوَّقْتَ: وشوّقت إليها «جنّت» عبادك ٢٥٧/١١
شَوَّقْتَهُ: فاجعلنا ممّن ... شوّقته إلى لقآئك ١٩٠/٢
شَوَّقْتَني: ربّ خوّفتني وشوّقتني ١٦٤/٢٠
أللّهمّ إنّك شوّقتني إليك ٢٥٧/١٠
شَوِّقْني: وشوّقني لقاءك وتب ١٤٧/١٠٨
إشْتَقْتُ: وإلى تجاوزك اشتقت وبفضلك وثقت ٥٥/٢٤
نَشْتاقُ: ومألفنا الّذى نشتاق إليه ١٠٣/٣
شَوْقَ: أرزقنا ... شوق ثواب الموعود ١٤٢/٦١
أسألك ... شوق أهل الجنّة ١٣٧/٨
واجعل فيما عندك رغبتي شوقاً إلى لقائك ١٧١/٥
وحوّل تنبّطى شوقاً ١٦٤/٢١
ولايبطل عندك شوقُ الشّآئقين ١٩٧/٥
حتّى أعمل المحسنات شوقاً ٥٩/٩
وارزقني ... شوق ثواب الموعود ٥٩/١٠
أن تملأ قلبى ... شوقاً إليك ١١٦/١٢٠
وشوقَ ثواب الموعود ١٤٢/٦١
الشَّوْقِ: الّذين ترسّخت أشجار الشّوق إليك ١٩٣/٢
واطف عنه حرارة الشّوق ٦٧/١٧
شَوْقي: شوقى إليك لايبلّه إلاّ النّظر إلى وجهك ١٩٢/٣
إليك شوقى وفي محبّتك ولهى ١٨٩/٧
شَوْقَنا: وأشدّ شوقنا غداً إليك ١٤٢/٤٦
بِشَوْقٍ: وامنن علىّ بشوق إليك ٥٧/١٣
تَشْويقِكَ: وتنبّطت عن تشويقك ١٦٤/٢٠
الإشْتِياقِ: والإشتياق إلى المرسلين ١٤/١
الشّآئِقينَ: ولايبطل عندك شوق الشّآئقين ١٩٧/٥
الْمُشْتاقينَ: وارزقنا ... حرص المشتاقين ٢٠٠/١٨
ومالت أرواحهم إلى ظلّ برد المشتاقين ٢٠٠/٣٠
مُشْتاقيكَ: لاتحجب مشتاقيك عن النّظر ١٨٤/٦
مُشْتاقَةً: فاجعل نفسي مشتاقة إلى فرحة لقائك ٢٥٥/٣

ش.و.ك

شَوْكَتَهُمْ: جنداً ... تحصد به شوكتهم ٦٧/١٤

ش.و.ه

شَاهَتِ: شاهت الوجوه ٢٢/١٠

ش.و.ى

شَوَاهُ: لم يسكن غليله قد عضّ على شواهُ ١٥٢/٦
قد عضَّ علىَّ شواهُ ١٥٣/٦
كَشَاءِ: كشاء رتاع آمنات بدالها ٢١٤/١٣٧ - ٢١٤/٥٩

ش.هـ.ب

شِهَابُ: حتّى تألّق شهاب الإيمان ١٩٩/٥٨
أللّهمّ إنّ ابن شهابٍ قد فزع إلىّ ٦٨/١

ش.هـ.د

شَهِدَ: هذا مقام من ... شهد على نفسه ١٨٧/٢
وشهد على نفسه بالتّضييع ١٥٢/١٤ - ١٥٣/١٠
فمن شهد منكم الشّهر فليصمه (قرآن) ١٤٤/٢١
سيّدى إذا شهد لي الإيمان بتوحيدك ١٩٩/١٣٢
إلهى إذا شهد لي الإيمان بتوحيدك ٢٠١/٤٣ - ١٩٧/٢٣
واعصم بذلك من شهد لك بالرُّبوبيّة ٥٠/١٠
أللّهمّ واعصم بذلك من شهد لك بالرُّبوبيّة ٥٠/١٠
شَهِدَتْ: وإذا سألتنى وشهدت معك جوارحى ١١٨/٥
شَهِدْتُ: شَهِدْتُ أنّ الله قسم معايش عباده بالعدل ٩٦/١
حتّى شهِدْتُ من الأمر ما لم يشهدوا وأنا غائب ٢٤٨/٧
فَشَهِدْتُ: فشهدت معه بالوحدانيّة ١٤٤/٥
شَهِدْنَا: وتمنّينا أن لو شهدنا مشهداً من مشاهده ١٠/٢٨
يَشْهَدُهُ: كتابٍ مرقومٍ يشهده المقرّبون (قرآن) ١/١٥
الّذى يشهده المقرّبون ١٩٩/١٩٢
لاَيَشْهَدَ: حتّى لايشهد نهاره علينا بغفلة ١١٥/٢٢
لِيَشْهَدُوا: الّذين يأتونه ليشهدوا منافع لهم ١٤٤/٢٤
ليشهدوا منافع لهم ويذكروا اسم الله (قرآن) ١٤٤/٢٣
لَمْ يَشْهَدُوا: ما لم يشهدوا وأنا غائب ٢٤٨/٧
تَشْهَدُ: آه واحزناه تشهد علىّ ملآئكة السّمآء ١٩٨/٤٣
تشهد أرجلهم بما كانوا يكسبون (قرآن) ٢٣/٦
آه وانفساه من ملآئكة تشهد ١٩٨/١٨
أَشْهَدُ: وأشهدُ أنّ الدّين كما شرع ٢٥١/٣٦
وأشهدأنّ محمّداًعبده ورسوله ٢٥٢/٢٨-٢٥١/٣٦-٢/٩-١٢٣/٧
أشهد أن لإله إلاّ الله وحده ٢٥٢/٢٨ - ٢٥١/٣٦
أشهد أنّك جاهدت في الله حقّ جهاده ٢٥٥/٢
وأشهد أن لإله إلاّ الله ٢/٩ - ١٢٣/٥ - ١٩٩/٥٥
وأشهد أنّ محمّداً عبده الكريم ١٩٩/٥٨
أشهد أنّهم عبادُك المؤمنون ٤٢/٢٠
وأشهد أنّ محمّداً نبيّه المرسل ١٩٩/١٦
أنّى أشهد بسريرة زكيّة ١٩٩/١٣
ما أشهد به على نفسى ٤٩/١٤
أشهد بذلك على نفسى ٥٧/٥
أنّى أشهد أنّك أنت الله ٢١/١٦ - ٢٤٦/٣
ولاأصرف عنها سوءاً أشهد بذلك على نفسى ١٢٦/١
لَمْ يُشْهَدْ: الحمدلله الّذى لم يشهد أحداً ٢٣٨/١
أُشْهِدُ: وأُشهد من حضرنى من ١٩٩/١٢
وأُشهد سماءك وأرضك ومن ٢١/١٥
أُشهد جميع ملآئكتك وسكّان سماواتك ٢٤٦/٢
أُشْهِدُكَ: أللّهمّ إنّى أشهدك وأنت ١٩٩/١٢
أللّهمّ إنّى أشهدك بأنّك ٤٢/١٩
أللّهمّ إنّى أشهدك وكفى بك شهيداً ٢٤٦/٢ - ٢١/١٥
نُشْهِدُكَ: أللّهمّ إنّا نشهدك أنّ محمّداً قد بلّغ ١٤١/٣٠
أَشْهِدْ: أشهد ملآئكتك الكرام السفرة بسقى ٥٣/٢
تُشَاهِدُهُمْ: تشاهدهم في ضمآئرهم ٢٥١/٥٧
لاأَسْتَشْهِدُ: ولاأستشهد على صبامي نهاراً ٨٨/٩
شَهَادَةً: شهادةً أعتقدها بإخلاص وإيقان ١٩٩/١٣
وشهادةِ أن لإله إلاّ أنت وحدك لاشريك لك ٤٢/٣
أو شتم عرض أو شهادةً باطل أو اغتياب مؤمن ٥٥/٢٢
الشَّهَادَةِ: فاختم لنا فيه بالسّعادة والشّهادة ١٤٣/٢٧
لإله إلاّ أنت علاّم ... الشهادة ١٣٧/١
أسألك من الشّهادة أقسطها ١٩٩/٢١
عالم الغيب والشّهادة (قرآن) ١٤٣/١٣ - ١٨/٢
وارزقنى الشّهادةَ بين يديه حتّى ألقاك ١٤٩/٧٠
أسألك خشيتك فى الغيب والشّهادةِ ١٣٩/١٤
شَهَادَتِهِ: وبحقّ الحسين وشهادته ١٨٠/٥
شَهَادَتي: التّفرّه بطلبتى شهادتى بوحدانيّتك ٢٤٩/١٥
فَشَهَادَتي: فشهادتى له «محمّد» بالبلاغ عندك ١٠/٣٣
بِالشَّهَادَةِ: وقضيت له بالشّهادة ٦٧/١٩
شَهَاداتِ: إلى شهاداتِ الشّاهدين ٤٤/١
لِمُشَاهَدَتِكَ: فاجعلنا ممّن... اجتبيته لمشاهدتك ١٩٠/٣
شَاهِدِ: فما في كتابك من شاهد قسم ١٤٤/١٢
وباشاهداً غير مشهودٍ ١٣١/٢
سبحانك أنت شاهدُ كلّ نجوى ٤/٩

غائباً كان أو شاهداً ٢٣٨/٦
وشاهدٌ بأنّك متفضّل على من عافيت ٩٨/٥
وهذا يوم حادث جديد وهو علينا شاهدٌ عتيد ٢١/٨
وجعلته «محمّد» ... لمن بلّغ عنك شاهداً ١٠/٦
أللّهمّ اجعل لنا ... شاهدَ صدق من ملآئكتك ٢١/١١
ياشاهدَ كلّ نجوى وياعالم كلّ خفيّةٍ ١٢٣/١٤
شاهداً في إمضاء الحجّة على عدلك ٢٤٩/٢
ولما عندك بتحليل حلاله وتحريم حرامه شاهداً ١٠٩/١٦
الشّاهِدِ: أللّهمّ ادفع عن... والشّاهد على عبادك ١١٩/٢٠
الشّاهد على عبادك ١٤٣/٢٣
قلت ألم أكن الشّاهِدَ عليك ٩٠/٦
شاهِدِنا: أللّهمّ اغفرل.. شاهدنا وغائبنا ١١٦/٤٩
الشّاهِدِينَ: لايطفأ عن الشّاهدين برهانه ١٠٩/٤
أللّهمّ إنّي أشهدك وأنت أقرب الشّاهدين ١٩٩/١٢
إلى شهاداتِ الشّاهدين ٤٤/١
شاهِدَةٌ: البريّة ... شاهدةٌ بأنّك متفضّل ٨/٩
شَواهِدِ: نظروا إلى ... شواهد حجج بيّناتك ٢٠٠/٤٠
فمن شواهِدِ نعمآء الكريم إتمام نعمآئه ١٩٩/١٠٧
مبلّغاً عنك ... أعلام شواهد بيّناتك ١٠/٣
الأَشْهادِ: ولاتكشف... على رُؤُوس الأشهادِ ٣٣/٥
عند مواقف الأشهاد من الملآئكة ٨٨/١٢
يشرّف به منازلنا عند مواقف الأشهاد ١/١٤
إلهي لو ... منعتني سيبك من بين الأشهاد ١١٦/٧٤
مُشاهِدٌ: لم يكن لك مشاهد ولانظير ١٢٧/١٣
شَهيدٌ: يوم تأتي كلّ نفس معها سائق وشهيدٌ ١٢/١٤
أللّهمّ كما ... جعلته «محمّداً» شهيداً على خلقك ١٠/٣
أللّهمّ إنّي أشهدك وكفى بك شهيداً ٢٤٦/٢ ـ ٢١/١٥
إجعلني شهيداً سعيداً في قبضتك ٢٤٨/١
فصرت ... بعد المغيب شهيداً ١٩٩/١٧٠
الشَّهيدِ: صلّ على... الحسين الشّهيد ١٨١/٤
شَهيدُهُ: وأشهد أنّ محمّداً ... شهيده المعدّل ١٩٩/١٦
شُهَداءَهُ: وجعلنا شهدآء على من جحد ٩/١
الشُّهَداءِ: الملآئكة السّعداء والأنبياء والشّهداء ١٩٨/٩٢
حمداً ... نصير به في نظم الشّهداء بسيوف أعدائه ١/٣٠
أن تجعل ... روحي مع الشُّهداء ١٣٧/٣ ـ ١١٧/٣١
وأنال ... مع النبيّين والصّديقين والشّهداء (قرآن) ٢٥٧/٣٨
اجعله في نظام الشّهداء والصّالحين ٦٧/٢٢
والشّهداء والصّالحين ٨٨/١٢
والصّديقين والشّهداء والصّالحين ٢٢٢/٤
وروحي مع الشُّهداء ١٢٩/٣
اسمي مع السّعداء وروحي مع الشّهداء ١٤١/٣
مَشْهُودٍ: ياشاهداً غير مشهودٍ يُطلب فيصاب ١٣١/٢
الْمَشْهُودَ: الكريم المثابة المشهود الموعود ١٤٣/٣٤
الْمَشْهُودَةِ: أسألك بأسمائك ... المشهودة ١٢٢/٢
مَشْهَداً: وتمنّينا أن لو شهدنا مشهداً من مشاهده ١٠/٢٨
لاتخلني في مشهدِ القيامة من بردِ عفوك ١٨٢/٤
الْمَشاهِدِ: ولاتخلني ياربّ من تلك المشاهد ١١٦/٥١
مَشاهِدِهِ: شهدنا مشهداً من مشاهده ١٠/٢٨

ش.هـ.ر

شَهَرَني: قد شهرني ونوّه بي المكان ١٦٠/٥
تَشْهَرُهُ: فكلّنا قد اقترف العائبة فلم تشهره ٩٥/١
فَلَمْ تَشْهَرْني: غطّيته عليّ فلم تشهرني ٤٩/١١
أَنْ تَشْهَرَ: أقرب منك إلى أن تشهر ١٤٧/٩٨
شَهْرُ: اللهمّ هذا شهر رمضان... وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر الإنابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنّة وهذا شهر فيه
ليلة القدر الّتي هي خير من ألف شهر ١١٧/١
ثمّ اجعلها لي خيراً من ألف شهرٍ ١١٧/١٥
أللّهمّ ... ربّ شهرِ رمضان ١١٧/١٨
وهذا شهرُ نبيّك سيّد رسلك ١١٣/٧
وجعلت مفتاح شهرٍ حادثٍ لأمرٍ ١١٠/٣
شهرِ الصّيام على التكملة والتّمام ١١٤/٢١
من شهرِ رمضان المقبل ١٤٢/٥١
الّتي هي خير من ألف شهرٍ ١٤٢/٤٥
السّلام عليك من شهرٍ لاتنافسه الأيّام ١٤٢/٣٨
السّلام عليك من شهرٍ هو من كلّ ١٤٢/٣٩
وتنزله في شهرِ رمضان في ليلة القدر ١١٦/١١٢
من لياليه على ليالي ألف شهرٍ ١١٥/٥
من تلك السّبل شهره شهرَ رمضان شهر الصيام وشهر الإسلام
وشهر الطهور وشهر التمحيص وشهر القيام ١١٥/٣
السّلام عليك من شهرٍ قربت فيه الآمال ١٤٢/٣٠
السّلام عليك ياشهر الله الأكبر ١٤٢/٢٨
وياخير شهرٍ في الأيّام والسّاعات ١٤٢/٢٩
شهرَ رمضان الّذي اختصصته ١٤٢/٢٤
ليلة القدر الّتي هي خير من ألف شهرٍ ١٤٢/٢٤

ولاتجعله آخر شهر رمضان صمته لك ١٤١/١١
وربّ شهر رمضان الّذى أنزل فيه القرآن ١٤١/٩
فلو كان بقال جزى الله شهراً ١٤٣/٢٩
لقلنا جزاك الله ياشهرَ رمضان عنّا خيراً ١٤٣/٢٩
وجاعلها «ليلة القدر» خيراً من ألف شهرٍ ١٣٢/١
على فراق شهرِ رمضان شهر الصّيام ١٤٣/٢٨
شهر القيام وشهر القرآن وغرر الأيّام ١٤٣/٢٨
فإن كان آخر شهرٍ صمناه فاختم ١٤٣/٢٧
الّذى أعاننا على صيام شهر رمضان وقيامه ١٤٣/١٥
شهرُ رمضان الّذى أنزل فيه القرآن (قرآن) ١٤٤/٢١
الشَّهْرِ: وأن تدرك بي صيام الشّهر المفترض ١١٤/٢١
ألّلهمّ إنّى أسئلك بحقّ هذا الشّهر ١١٥/١٦
ألّلهمّ إنّا أهل هذا الشّهر ١٤٢/٢٨
وقد أقام فينا هذا الشّهرُ مقام حمد ١٤٢/٢٦
اسلخنا بانسلاخ هذا الشّهرِ من خطايانا ١٤٢/٥٥
ألّلهمّ ومن رعى حقّ هذا الشّهرِ ١٤٢/٥٦
في انسلاخ هذا الشّهرِ العظيم ١٤٣/٢٥
فمن شهد منكم الشّهرَ فليصمه (قرآن) ١٤٤/٢١
شَهْرَهُ: الّذى جعل من تلك السّبل شهره ١١٥/٣
شَهْرِنا: وارزقنا في شهرنا هذا «رمضان» الجِدّ ١١٧/١٧
أسئلك بحقّ شهرنا هذا وأيّامه ١١٤/٢٠
ألّلهمّ وما ألممنا به في شهرنا هذا ١٤٢/٥٢
بارك لنا في استقبال شهرنا هذا ١٤٣/٣١
فيا شهرَنا غير مودّع ودّعناك ١٤٣/٢٩
في كلّ ليلة من ليالى شهرنا هذا ١١٥/١٩
بِشَهْرِنا: واجبر مصيبتنا بشهرنا ١٤٢/٥٤
لِشَهْرِنا: واجعلنا لشهرنا من خير أهل ١١٥/١٩
الشَّهْرَيْنِ: ما يكون دركاً لحقّك في الشّهرين ١٤٢/٥١
شُهُورِ: فى الشّهرين من شهورِ الدّهر ١٤٢/٥١
الشُّهُورِ: ألّلهمّ واجعلنا في سائر الشّهور ١١٥/٢٣
فأبان فضيلته على سائر الشّهورِ ١١٥/٤
الّذى اختصصته من سائر الشّهور ١٤٢/٢٤
مَشْهُورٌ: أنت مشهورٌ بالإحسان وأنا مشهورٌ بالعصيان ٢٠١/٢٧
الْمَشْهُورِ: العيد الشريف المشهور ١٤٣/٢٥
الْمَشْهُورَةِ: والفضآئل المشهورة ١١٥/٤

ش.هـ.و

إِشْتَهَتْ: فهم فيما اشتهت أنفسهم خالدون ١٩٩/٣٠
شَهْوَةٍ: ناجَوا ربّهم عند كلّ شهوةٍ ٢٠٠/٤٢
ولينالوا به لذّة وشهوةً ٢١/٢
الشَّهْوَةِ: واجعلنا من الّذين غلّقوا باب الشّهوة ٢٠٠/٢٦
الّذى... لم اقبل عند الشّهوةِ نصيحتك ١٤٨/٩١٠
أعذنا من الفشل ... والشّهوة ٢٠٠/١٦
أعوذبك من ... إلحاح الشّهوة ٢٦/١
شَهْوَتي: واكْسِرْ شهوتي عن كلّ محرم ١٠١/١
وأترك عزمي حين تعرض شهوتي ٢٠١/١٦
سيّدى ... ذهبت شهوتى ١٩٩/٨١
بِشَهْوَتِها: وبشهونها اشتغالك ٢١٤/٩
شَهَواتِ: ربّ كيف أطلب شهواتِ الدُّنيا ١٦٤/١٨
الشَّهَواتِ: إنّهم «الظّلمة» ... اتّبعوا الشّهوات ١١٩/١٣
وجعلت لي من نفسي داعية إلى الشّهوات ١٩٧/٢٨
واحرس نفسي من الشّهواتِ ٢٥٢/٣٨ ـ ٢٥١/٩
ولاتشغلهم عن تسبيحك الشّهواتُ ١٢/٧
أنضجت نار الخشية منابت الشّهواتِ ٢٠٠/٣٣
أطفأوا نار الشّهوات بنضح ماء التّوبة ٢٠٠/٣٤
إشتغلوا بالذّكر عن الشّهواتِ ٢٠٠/٣٤
وأصحب رغباتنا بحيآء يقطعها عن الشّهوات ١٩٩/٣٤
شَهَواتِها: وأبرزت لك من شهواتها ٢١٤/١٠٠
تشغلنا بهما عن لذّات الدّنيا وشهواتها ٢٠٠/١٤
شَهَواتي: وهواي أرداني وشهواتي حرمتني ١٦٦/٨
بِشَهَواتي: إشتغالى بشهواتى ١٢٣/١٨
بِالشَّهَواتِ: أم كيف تهنأ بالشّهوات ٢١٤/١٤٣
وجعلت لنا عدوّاً يكيدنا... يتعرّض لنا بالشّهواتِ ٦٤/٨
لِلشَّهَواتِ: ودام للشّهوات اتّباعى ٢٥١/٥٥

ش.ى.ء

شآءَ: ماشآءَ اللهُ لاقوّة إلاّ بالله ١٥٩/٥
فليس لهم علينا سبيل ولاسلطان إن شاءالله ٢٢/٨
ماشاءالله ولاحول ولاقوّة ١٣٢/١٥
بسم الله وماشاء الله ١٧/١ ـ ١٧/٢
ولايحيطون بشىء من علمه إلاّ بماشاء (قرآن) ١٨/٣
ماشاء الله لاحول ولاقوّة إلاّ بالله ٩٤/٢
والحمدلله الّذى ذمّ على ما لوشاء ٦٠/١
إلاّ بما شاء وسع كُرسيُّه السّموات والأرض (قرآن) ١٥٩/٦
شِئْتَ: وتجود على من لو شئت منعته ١٤٢/٣
تستر على من لو شئت فضحته ١٤٢/٣

بما شئت وأنى شئت وكيف شئت وحيث شئت ٢٢/٦
ياماذا الظلّ ولو شئت لجعلته ساكناً ١٣٧/١
وعصيتك بسمعي ولو شئت لأصممتني ١٤٩/٣٥
وعصيتك بفرجي ولو شئت لعقمتني ١٤٩/٣٧
وعصيتك برجلي ولو شئت لجذمتني ١٤٩/٣٦
وعصيتك بيدي ولو شئت لكنعتني ١٤٩/٣٦
ولو شئت لأعميتني فلم تفعل ذلك بي ١٤٩/٣٥
وارزقني... ممّا شئت وأنّى شئت وكيف شئت فإنّه لايكون إلاّ ماشئت حيث شئت كما شئت٢٥١/٣- ٢٥١/٥٤- ٢٥١/٤٦-٢٥١/٤٠-٢٥١/٣٥
وارزقني حلالاً... ممّا شئت وكيف شئت وأنّى شئت فإنّه لايكون إلاّ ماشئت حيث شئت ٢٥٢/٣
وأفض عليّ من حيث شئت من فضلك ٢٥٢/١٩-٢٥١/٢٧
وأن ترضيه «محمّد» عنّي بما شئت ٢٣٨/٧
ولو شئت جعلته «مرقدي» سرمداً ٢٤٢/١
مختلفات ممّا شئت ٢٤٣/٢
فلم يتعاظمك خلق خلق حين كوّنته كما شئت ٢٤٣/٢
فهو «تدبيرك» كيف شئت وأنّى شئت ٦٩/١
كما شئت حتّى إذا احتجت إلى رزقك ٨٨/١٤
ولو شئت ما تردّدت إليّ بإحسانك ٣٦/٤
اللّهمّ إن شئت أن تفعل فعلت ١٢٥/١
ولو شئت لجعلت مع نفاد عمره عمري ٢٤٨/١٠
تحكم بما شئت على من شئت ٩٧/٤
شِئْتُ: واخلو به «الله» حيث شئت بسرّي ١٢٠/٥
والحمدلله الّذي أناجيه لحاجتي إذا شئتُ ١٢٠/٥
وأسألك كلّما شئتُ من حوآئجي ١٦٣/١٢
أناديه كلّما شئتُ لحاجتي ١١٦/٥
وأخلوا به حيث شئت لسرّي ١١٦/٥
يَشاءُ: وياكاشف مايشاء من بليّةٍ ١٧٥/١
هو ... الحليم المانع لما يشآء ٢/٦
يامن يمحو مايشاء ويثبت وعنده أمّ الكتاب(قرآن) ١٤١/٨
والله يضاعف لمن يشاء (قرآن) ١٤٢/١١
فإنّك العزيز الّذي لايمانع عمّا يشاءُ ١٥٥/٩
يمحو الله ما يشاءُ ويثبت (قرآن) ٢٥١/٦٨
على من يشاء من عباده بما أحكم ١١٥/٥
لايفعل ما يشاءُ غيرك ١١٦/١٠٨
يفعل ما يشاءُ ويحكم ما يريد ١٢٣/١٢
تبوّأ منها حيث يشاءَ (قرآن) ٢٢/٢٢
يارازق من يشاءُ بغير حساب ١٢٩/١
تَشآءُ: ياربّ إنّك تهدي من تشاءَ ١١٩/٢٥
فإنّك ترزق من تشاءُ بغير حسابٍ ١٣٩/٤
إنّك واسعٌ لما تشآءُ ١٥٥/٨
إنّك على ما تشاءُ قدير ٣١/٦
وترحم من تشآءُ بما تشآءُ كيف تشآء ١١٦/٣٣
إنّك تفعل ما تشآء ٤٩/٢٢ - ٢٣٩/٤ - ١١٦/١٠٨
تعذّب من تشاء بما تشآءُ كيف تشآء ١١٦/٣٣
إنّك لطيف لما تشاءُ ٢٤٢/٥ - ١١٧/٣٧ - ٣٦/٥
تقضي ما تشآءُ وتحكم ما تريد ١٢٧/٢
وأنت الفاعل لما تشآءُ ١١٦/٣٣
تجتبي من تشآءُ فتدنيه ١٩٩/١٦٩
إنّك تمحو ما تشاءُ وتثبت ٢٤١/٧
فإنّك ترزق ما تشاءُ بغير حساب ١٢٨/٣
فإنّك تفعل ما تشاءُ وتحكم ما تريد ١٣٨/٢٠
نصيب برحمتك من تشآء ١١٦/٨٢
أللّهمّ إنّك ... ما تشاءُ من أمر يكن ٢٢/٤٢
تَشَأْ: أللّهمّ إن تشأ تعف عنّا فبفضلك ٣٢/١
أللّهمّ ... وإن تشأ تعذّبنا فبعدلك ٣٢/١
نَشآءُ: نصيب برحمتنا من نشآءُ (قرآن) ٢٢/٢٢
نَشَأْ: إن نشأْ ننزّل عليهم من السّمآء (قرآن) ١٥٩/١٥
شَيْىءٍ: بقدرته الّتي لاتعجز عن شيىءٍ ٩/١
لايكبر عليه شيىءٌ صنعه ١٤٩/١٢
وهو بكلّ شيىءٍ عليمٌ ١٤٩/٢٣
وهو على كلّ شيءٍ قديرٌ ١٤٩/٢٣
ولم أكُ شيئاً فكوّنتني ٢٠٣/٢
ولاشيئاً أستعين به دونك فأعنّي ٢٠٣/٣
قد أقمت بقدسك حياةً لكلّ شيىءٍ ١٩٩/٣٨
إنّك على كلّ شيء قدير ١٢٨/٧ - ١١٨/٩ - ١١٤/١٢ - ١٣/٣ - ٢٢/٣٢ - ٢٢/٣٧ - ٢٢/٣٨ - ٢٢/٦ - ١١٤/٢٣ - ٣٤/١٣ - ٣٦/٥ - ٣٨/٣ - ٤٩/٢٢ - ٥٣/٦ - ١١١/٢ - ١٢٢/١٠ - ١٢٣/١١ - ١٤٣/٣٧ - ١٤٣/٤٠ - ١٤٣/٤٨ - ١٦١/٨ - ١٧٦/٢ - ١٨٨/٤ - ١٩٩/٢٠٠ - ٢٢٣/٧ - ٢٤٣/١٢ - ٢٥٥/٨ - ٢٥٧/٣٩
ورحمتي وسعت كلّ شيءٍ (قرآن) ٢٥١/٦٨
وأنا شيءٌ فلتسعني رحمتك ٢٥١/٦٨
الله غالبٌ على كلّ شيء وبه يغلب الغالبون ١٥٩/١
وأنت ... بكلّ شيءٍ عليم ٢٥٧/٩
حتّى لاتخلّف عليّ شيئاً تنقصه من حسناتي ٢٥٢/٣٠

وأنت الباطن فلا شيء دونك ٢٦٩/١
وأنت الآخر فلا شيء بعدك ٢٦٩/١
وأنت الظّاهر فلا شيء فوقك ٢٦٩/١
أللّهمّ أنت الأوّل فلا شيء قبلك ٢٦٩/١
ولايفوتها «قدرته» شيء وإن لطف ٩/١
شيئاً من ثوابك لامتي ٩٨/٨
آه واحزناه ليتني لم أك شيئاً أبداً ١٩٨/٣٦
فما من شيءٍ أنشره وأطويه من شكرك ١٩٩/١٨١
لايشغلك شيءٌ عن شيء ٨٢/٢
يوم الفاقة إنّك على كلّ شيءٍ قدير ٨١/١٠
ونفد في كلّ شيءٍ علمك ١٤٩/٣
وإنّما أمره إذا شيئاً أن يقول له كن فيكون (قرآن) ٢/٨
سبحان من احتجب عن العباد ولاشيءَ يحجبه ٥/٣
فليس كمثله شيءٌ وهو السّميع البصير (قرآن) ٢/٨
لك الحمد عدد كلّ شيءٍ في دنياك وآخرتك ١٦/٥
حسبي الله الّذي يكفي ولايكفى منه شيءٌ ٢٢/١٢
الحمدلله الّذي تواضع كلّ شيءٍ لعظمته ١٤٣/٤
ذلّ كلّ شيءٍ لملكه وهيبته ١٤٣/٤
الحمدلله الّذي استسلم كلّ شيءٍ لقدرته ١٤٣/٥
وخضع كلّ شيءٍ لقوّته ١٤٣/٥
ذريعتي أنّي لم أشرك بك شيئاً ١٥٢/٢
ليس كمثله شيءٌ وهو السّميع البصير ١٣١/٣
يامفصّل كلّ شيءٍ تفصيلاً ١٣٥/١
ولكن برحمتك الّتي وسعت كلّ شيء ١٧٢/٩
قطعت عنه كلّ شيءٍ بقطعه عنك ١٩٠/٤
ليس كمثله شيءٌ وهو السّميع البصير (قرآن) ١٢٣/١
ولاتنسني شيئاً من ذكرك ١٧٦/٢
وأنت على كلّ شيءٍ قدير ١٢٨/١٢ ـ ٤٤/١٤ ـ ٩٢/٤ ـ ١٣٨/١٢ ـ ١٣٨/١٢ ـ ١٤٢/٦٤ ـ ١٤٦/١٦ ـ ١٥٣/١١ ـ ١٧٤/٥
ومنقلب كريم إنّك على كلّ شيءٍ قدير ١٢٧/٤
واغفرلنا إنّك على كلّ شيءٍ قدير (قرآن) ١٤٢/٧
ليس كمثلك شيءٌ ٣/١
يامن حاز كلّ شيء ملكوتاً ٤١/١ ـ ٨٤/١
رحمتك الّتي وسعت كلَّ شيءٍ ٤٢/٢
يامن ... قهر كلّ شيءٍ جبروتاً ٨٤/١ ـ ٤١/١
ووفّقني... حتّى لايفوتني استعمال شيءٍ علّمتنيه ٦٣/٣
لايعجزه شيءٌ طلبه ١٤٩/١١
لايعظم عليه شيءٌ فعله ١٤٩/١٢
أحداً من خلقك على شيءٍ من فضلك ٥٩/١٣
ولاينسىٰ شيئاً لشيءٍ ١٤٩/٢٥
ولايشغله شيءٌ عن شيءٍ ١٤٩/٢٥
ولايفرّط في شيءٍ ١٤٩/٢٥
ذريعتي أنّي لم أشرك بك شيئاً ١٥٣/٢
وأن تغنيني عن كلّ شيءٍ بعبادتك ١٦٦/١٣
حتّى لانخلّف علىّ شيئاً منه ٢٥١/٣٨
ووسع كلّ شيءٍ برحمته ١٤٩/١٤
فإنّك على كلّ شيءٍ قدير ١١٧/٢٩
فلم يقايس شيئاً بشيءٍ من خلقه ١٤٩/٩
وذلّ لعزّتك كلّ شيءٍ ١٤٩/٦
يامن وسع كلّ شيءٍ رحمة وعلماً ١٤٣/٢٧
وانقاد لعظمتك كلّ شيءٍ ١٤٩/٦
من أحد سبقك إلى صنعة شيءٍ منه ١٤٩/٥
ودنوت من كلّ شيءٍ في ارتفاعك ١٤٩/٣
وظهرت فلا شيءَ فوقك ١٤٩/٢
وتنزّل علىّ شيئاً من بركاتك ١٤٩/٤٢
فلا تجعل نفسي في شيءٍ من عذابك ١١٦/١٢٩
ولم تستعن بأحدٍ في شيءٍ من أمرك ١٤٩/٥
يامن بيده ملكوت كلّ شيءٍ ١٣٥/٨
سبحان الّذي أحصى كلّ شيءٍ علمه ١٣٤/٢
ولاتجعل شيئاً ممّا أتقرّب به إليك... رياءاً ١١٦/١٠٩
وكلّ شيءٍ خاضعٌ لك ١١٦/٨٧
إنَّ الله كان بكلّ شيءٍ عليماً (قرآن) ١١٦/١٥
لايشغلك شيءٌ عن شيء ١٢٨/١٢
خلقتنا بقدرتك ولم نك شيئاً ٢٠٠/٢
وليس مثلك شيءٌ بكلّ دعوة دعاك بها نبيّ مرسل ١٢٤/٥
وأعوذبك يالٰهي أن تحيط بي شيئاً من خطيئتي ١٢٣/١٨
وإن من شيءٍ إلاّ يسبّح بحمدك ٢٣٤/٧
يامن هو عوض من كلّ شيءٍ ٢٠٠/١٤
يوم لايغني مولىً عن مولىً شيئاً (قرآن) ١/١٤ ـ ٢٠٧/٢٠
يوم لاتجزى نفسٌ عن نفسٍ شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٢٢
يوم لاتملك نفسٌ لنفسٍ شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٨
واستجب دعوتي إنّك على كلّ شيءٍ قدير ١٧٣/٧
ولامولود هو جازٍ عن والده شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٢٥
وإنّما أمرك إذا أردت شيئاً (قرآن) ٢٤١/٢
لايعزب عنك شيءٌ ٢٤١/٢
وأنت الرّقيب على كلّ شيءٍ ٢٤١/٣

ولايبلغ مبلغه ولايقدر شيئٌ قدرته ولايدرك شيء أثره ١٤٩/٦٢
ولاينزل شيء منزلته ولايدرك شيء أحرزه ولايحول شيئٌ ١٤٩/٦٢
لايمتنع من بطشه شيئٌ ١٤٩/١٧
الّذى شمل كلّ شيءٍ لألفيت بيدى ١٦٢/٣
في قدرتك وأنت على كلّ شيءٍ قدير ١٥٢/١٥
عالم كلّ شيءٍ بغير تعليم ١١٤/٨
لم أجد السبيل إلى شيءٍ من أملى غيرك ٥٧/٣
ولا أسخط شيئاً من رضاك ٥٧/٩
إنّك على كلّ شيءٍ قدير وذلك عليك يسير ٥٧/١٣
حتّى لاأحب شيئاً من سخطك ٥٧/٩
حتّى لايبقى علىّ شيءٍ منه تريد ٥٩/٨
وتفعل ما تريد وأنت على كلّ شيءٍ قدير ٨٨/٢٢
ربّ كلّ شيءٍ الّذى سكن له ٤٨/٢
أسألك ياسيّدى وليس مثلك شيءٌ ١٢١/١٨
ولانحل بينى وبين شيءٍ من ذلك بعرض ١١٧/١١
ما استعملتنى فيه من شيءٍ فاجعل فى الحلال ٢٤٨/٢
ياألله أسألك بك فليس كمثلك شيءٌ ١٢١/٢
قبل كلّ شيءٍ وبعد كلّ شيءٍ ١٢١/٢١
فيامن وسع كلّ شيءٍ رحمةً ٣٦/٥
وخالق كلّ مخلوق ووارث كلّ شيءٍ... ولايعزب عنه علم شيءٍ
وهو بكلّ شيءٍ محيط وهو على كلّ شيء رقيب ١٤٧/١
ليس كمثله شيءٌ (قرآن) ١٤٧/١
أنت الّذى قدّرت كلّ شيءٍ تقديراً ١٤٧/١٢
عملاً لاأترك معه شيئاً ١٧١/٧
وبرحمتك الّتى وسعت كلّ شيءٍ ١٧٧/٣
أنت الّذى وسعت كلّ شيءٍ رحمةً وعلماً ٤٩/٣
كلّ شيءٍ إنّه خبيرٌ بما يفعلون ٤٨/١
وقدرت كلّ شيءٍ تقديراً ١٤٧/١٦
أنت الّذى أحصيت كلّ شيءٍ عدداً ١٤٧/١٦
ويسّرت كلّ شيءٍ تيسيراً ١٤٧/١٢
برحمتك الّتى وسعت كلّ شيءٍ استعنت ٢٢/٤١
الّذى ليس كمثلك شيءٌ ١١٧/٣٤
إلهى إن كنت عصيتك بارتكاب شيءٍ ٢٠٩/١
فربّى أحمد شيءٍ عندى ١١٦/١٠
متى كان يستحقّ شيئاً من ثوابك لا، متى ٨/١٤
حتّى لاأتأذّى بشيءٍ منه ١١٦/١١٣
وجعلت لكلّ شيءٍ أمداً ١٤٧/١٦
إنّى أسألك بك فليس كمثلك شيءٌ ١٢٤/٧

ياكافى كلّ شيءٍ ولايكفى منه شيءٌ ١٤٩/٦٢
ليس كمثله شيءٌ وهو السّميع البصير ١٥٩/٣
ربّ كلّ شيءٍ ربّنا ١٢٣/٦
وهو على كلّ شيءٍ قدير ١٢٣/٥
فليس لأحد أن يبلغ شيئاً من وصفك ٢٤٩/١٦
فليس لأحد أن ... يعرف شيئاً من نعتك ٢٤٩/١٦
بسم الله الّذى لايضرّ مع اسمه شيءٌ ٢٢/٣٣
بسم الله على كلّ شيءٍ أعطانى ربّى ٢٢/٣٣
ولاشيءَ أتّكل عليه إلاّ رحمتك ٢٠٥/١٧
يامن هو على كلّ شيءٍ قدير ٢٥٢/٤٢
فأنت الله إله كلّ شيءٍ وخالقه ٢٤٥/٥
وكلّ شيءٍ خاضع لك ٢٥٧/٨
ياكائناًقبل كلّ شيء ويا كائنابعد كلّ شيء ويامكون كلّ شيء ٢٢٥/١
ما فرّطنا في الكتاب من شيءٍ (قرآن) ١٤٤/١٤
لاينقصنى أحد منهما شيئاً ١٤٤/١
وأنزلته في شيءٍ من كتبك ١٤١/٦
بِشَيْءٍ: لايحيطون بشيءٍ من علمه إلاّ (قرآن) ١٨/٣ـ١٥٩/٦
لاينبغي ... أن يتشاغل بشيءٍ غيرك ٢٠٠/١٤
التّصنّع لهم بشيءٍ من الأشياء ٢٠٠/٢١
فيعمل بشيءٍ من الطّاعة من يومه ٢٠٤/٧
قال أو لو جئتك بشيءٍ مبينٍ (قرآن) ١٥٩/١٦
فلم يقايس شيئاً بشيءٍ من خلقه ١٤٩/٩
لِشَيْءٍ: ولو تجلّى لشيءٍ صار دكّاً ٢/٨
لشيءٍ من جوارحنا نفوذاً في معصيتك ٣٠/٥
ولاينسىٰ شيئاً لشيءٍ ١٤٩/٢٥
أَشْيآءَ: وقد عصيتك في أشياء كثيرةٍ ١٦٥/٢
وعصيتك في أشياء على غير مكاثرةٍ منّى ٢٢٩/٢
وأشياء نهيتني عنها ٨٩/٢ ـ ٨٩/٣
عصيتك في أشياء أمرتنى بها ٨٩/٣ ـ ٨٩/٢
الْأَشْيآءِ: وأنّ أناتك أشبه الأشياء بكرمك ٢٢٣/٣
إلهى، لولا أنّ العفو أحبّ الأشياء لديك ٢٠١/٢١
فقد أطعتك فى أحبّ الأشياء إليك ٨٩/٢ـ١٦٥/١ـ٢٢٩/١ـ٢٣٣/١
أسألك تمام النّعمة في جميع الأشياء ١٢٥/٦
فإنّى قد أطعتك في أحبّ الأشياء إليك ٢٠٩/١
وتركت معصيتك في أبغض الأشياء إليك ٢٠٩/٢
أنشأت الأشياء من غير سنخ ١٤٧/١١
وتكمل لهم الأشياء من عطاياك ونوافلك ١٤٧/٥٨
مضت على إرادتك الأشياءُ ٢٤/٢

الحمدلله ... الآخر بعد فناء الأشياء ٢٤٦/١
فيا ... من أحكم تدبير الأشياء ٢٤٣/٥
التّصنّع لهم بشيء من الأشياءِ ٢٠٠/٢١
سقطت الأشياءُ دون بلوغ أمده ٨٨/٢
أصبحنا وأصبحت الأشياء كلّها بجملتها لك ٢١/٦
فتداركني برحمتك الّتي وسعت الأشياءَ ١٩٩/٤٢
ولم أعصك في أبغض الأشياء إليك ٢٢٩/١
وأشبه الأشياءِ بمشيّتك ٣٢/٤
واقتدر على الأشياء بالقدرة ٢/١ ـ ٧/١
... عدد ما أحاط به علمه من جميع الأشياء ١/٢٧
بِالْأَشياءِ: علمك بالأشياءِ في الخفاء كعلمك بها ٢٤٣/٤
الْمَشيئَةَ: والمشيئة لك في ملكك ٢٢٣/٢
قامت على مستقرّ المشيئة كما أمرتها ٢٤٧/٧
مَشيئَتِهِ: ثمّ جعل منتهاها «الأمور» إلى مشيئته ١٤٩/١٠
مَشيَّتِهِ: إخترعهم «الخلق» على مشيّته اختراعاً ١/٣
مَشيَّتِكَ: واستكان على مشيّتك كما أمرت ٢٤١/١
مختلفي الألسن والألوان والأبدان على مشيّتك ٢٤٣/٢
وكيف يستطيع ردّ ما نفذت به مشيّتُك ١٠/٢
وتضمّنا مشيّتك ٢١/٧
فأسألك ببلاغة حكمتك ونفاذ مشيّتك ١٨٣/٦
وألهمنا الإنقياد لما أوردت علينا من مشيّتك ٩٢/٣
لِمَشيَّتِهِ: متضرّعاً لمشيّته «الله» متواضعاً ١٩٩/٥٧
وهي «الحاجات» مستجيبةٌ لمشيّته ٢٣٨/٧
لِمَشيَّتِكَ: سبحانك لارادّ لمشيّتك ١٤٧/٢٩
بِمَشيَّتِكَ: فهي بمشيّتك دون قولك مؤتمرة ٢٤/٢
لاوصول لي إلى عمل الخير إلاّ بمشيّتك ٢٠١/٤٠
نحن ... أشبه الأشياءِ بمشيّتك ٣٢/٤

ش.ى.ب

شابَ: من قد شاب في ملكنا ٢٠٨/٤
شِبْنا: وقد شبنا في ملكك ٢٠٨/٤
شَيْبٌ: وشيب القذال منذ ذلك ذاعر ٢١٤/١١
شِيباً: يوم يجعل الولدان شيباً (قرآن) ٢٠٧/١٨
الشَّيْبَةُ: إلهي الشَّيبةُ نورٌ من أنوارك ٢٠١/٨
شَيْبَتي: إرحم شيبتي ونفاد أيّامي ١٦٧/٣

ش.ى.د

لِمَشيدِها: صلاة ... لاتّضاع لمشيدها ١٩٩/٦٠

ش.ى.ع

شَيَّعَتْهُمْ: وشيّعتهم إلى الأرماس ٢١٤/٨٠ ـ ٢١٤/٥
شايَعْناهُ: الشّيطان... شايعناه على معصيتك ٣٢/٥
مُشَيِّعي: ومشيّعي الثّلج والبرد ١٢/١١
الْمُشَيِّعُونَ: وانصرف عنها المشيّعون من جبر ١٩٧/٣٢ـ١٩٩/١٥٧
مُشَيِّعَةً: مشيّعةً إخوانه والعشائر ٢١٤/١٢٨ ـ ٢١٤/٥٢
شيعَةَ: أنصر شيعة آل محمّد ١٨١/٥
شيعَتِهِ: إجعلني من أتباعه وشيعته ٢٤٦/٦
واجعلني من خيار مواليه وشيعته ١٤٩/٧٠
صلواتك ... على ... شيعته الأوفياء ١٩٩/٦٣
شِيعَتَهُمْ: وشيعتهم بنبيّك سيّد المرسلين ٤٢/١٧
أَشْياعِهِ: إجعلني من أتباعه وأشياعه ١٨١/٥
أعذني فيه من ... أشياعه «شيطان» ١١٧/٧

ش.ى.م

الْمَشيمَةِ: كما تخلّص الولد من بين المشيمة ١٧٤/١

ش.ى.ن

شانَتْهُ: وشانته عندك جريرته ١٦٤/٣
لاتَشينُهُ: ولاتشينه سيّئاتي ٢١٠/١

حرف الصاد

ص

صٓ: صٓ والقرآن ذى الذّكر (قرآن) ١٤٤/١٠

ص.ب.ب

أُصْبُبْ: وأصبب عليهم «الظّلمة» عذابك ١١٩/٥
صَبابَتي: إلى هواك صبابتي ١٨٩/٨

ص.ب.ح

أَصْبَحَ: وحيد... أصبح في اللّحد غريباً ١٩٧/٣٣
أللّهمّ من أصبح له ثقة أو رجاء غيرك ١٧١/٩
فَأَصْبَحَ: فأصبح طليق عفوك من إسار سخطك ١٠١/٨
فَأَصْبَحُوا: فأصبحوا ظاهرين (قرآن) ١١٤/١٨
أَصْبَحْتُ: أصبحنا وأصبحت الأشياء كلّها ٢١/٦
وأصبحت الأمور بيدك ٢٥٤/٢
أَصْبَحْتُ: أمسيت وأصبحت على باب من أبواب ٢٣٩/٨
أللّهمّ إنّى أصبحت لاأملك لنفسي خير ما أرجو لها ٢٥٤/٢
إلهى أصبحتُ وأمسيت عبداً داخراً لك ٥٧/٥
سيّدى أصبحت على باب من أبواب ١٩٩/٩١
أللّهمّ إنّى أصبحت متمسّكاً بحبل طاعتك ١٦/١
علم من لم ينتفع بعلمه حين أصبحتُ وأمسيت ٧٧/٨
أللّهمّ إنّى أصبحت في حماك ٢٢/١٨
فقد أصبحت وأنت ثقتي ورجائي ١٧١/٩
فَأَصْبَحْتُ: يالهى فأصبحتُ وأمسيت في غفلةٍ ٣٥/٣
فأصبحت وأمسيت في غفلة ممّا فيه غيري ٢٥٧/٢٥
أَصْبَحْنا: وبنعمتك أصبحنا وأمسينا ١١٦/٤٠
أصبحنا في قبضتك ٢١/٧
أصبحنا وأصبحت الأشياء كلّها بجملتها لك ٢١/٦
الحمدلله الّذى بنعمته أصبحنا وأمسينا ١٤٣/٩
لك أصبحنا وصلّينا خاضعين ١٤٣/١٨
تُصْبِحُ: على خطر تمسي وتصبح لاهياً ٢١٤/٧
أُصْبِحُ: أللّهمّ إنّى أصبح وأمسى مستقلاً لعملي ١٦٦/٨
فَأُصْبِحُ: فأصبح بطّالاً وأمسي لاهياً ٢٠١/١٦
فَنُصْبِحَ: أللّهمّ فاقهر سلطانه عنّا فنصبح من ٦٤/٩
إِسْتَصْبَحَ: ولمن إستصبح بذكاء زنده ١٠/٨
يَسْتَصْبِحُ: ويستصبح بمصباحه ١٠٩/٨
صَباحاً: يامن يغذّيني بالنّعم صباحاً ومساءً ٩٠/٥
وليلى مقروناً بعظيم صباحٍ ٢٠٢/٩
آه واحزناه أنا الّذى أطعتك ياسيّدى صباحاً ١٩٨/٢٨
صَباحِهِ: ويهتدي بضوء صباحه ١٠٩/٨
الإِصْباحِ: على ما فلقت لنا من الإصباح ٢١/٥
فإجعل مردّها منك بالنّجاح يافالق الإصباح ٢٣٧/٥
يافالق الإصباح وجاعل اللّيل سكناً ١٣٣/١
بِمِصْباحِهِ: ويستصبح بمصباحه ١٠٩/٨
مَصابيحُ: طفئت مصابيح النّظر ٢١٩/٢٦
مصابيحُ الدّجى الّذين احتجّ الله بهم ٢١٩/٤٧
مصابيح الظلام وحجج الله على جميع الأنام ١١٤/٢١
صُبْحٍ: أو صبح بارق ومن كيد كلّ مكيد ١٦١/٢

ص.ب.ر

صَبَرَ: وصبر «محمّد» على الأذى فيك ١٠/١٧
وصبر على الأخذ بكتابك ٨٣/٧
صَبَرْتُمْ: يقولون سلام عليكم بما صبرتم(قرآن) ١٢/١٣
يَصْبِرُ: كيف يصبر على تحريق النّار ٢٠٦/٣
كيف يصبر غداً على تحريق النّار ٢٠٥/٣
فكيف يصبر علىٰ حرّ نارك ٢٠٥/١٦
لايَصْبِرُ: الّذى لايصبر على حرّ شمسك ٢٠٥/١٦
تَصْبِرانِ: تصبران غداً على تحريق النّار ٢٠٥/٢-٢٠٥/١
كيف تصبران على تحريق النّار ٢٠٦/٢ - ٢٠٦/١
فَاصْبِرْ: فاصبر صبراً جميلاً (قرآن) ٢٠٧/١٣
أَصْبَرَ: فلم أرمولىً كريماً أصبر على عبدٍ ٤٠/٣
فَصَبِّرْني: فقد ترى ضعفى وقلّة حيلتي فصبّرني ٥٢/٣
صَبْراً: ومستنجد صبراً وما هو صابر ٢١٤/١٢٢-٢١٤/٤٦
كلّ مخوفٍ ومصيبةٍ لاصبر لي عليها ١٥٣/٣٣
صبرٍ دائمٍ وأعذني من سوء الرّغبة ٤٤/١٢
صبراً علىٰ العمل بطاعتك ٣٦/٧
ولاصبر لي على البلاّء ٥٩/٢
واستكمال ما يرضيك عنّى صبراً ١١٧/٨
أللّهمّ إنّى أسألك صبراً جميلاً ١١٦/١٠٦
وارزقنا ... صبرَ الزّاهدين ٢٠٠/١٨
أللّهمّ ... لاصبرَ لي على عذابك ١٤٩/٤٥
فاصبر صبراً جميلاً (قرآن) ٢٠٧/١٣
الصَّبْرِ: أعوذبك من ... ضعف الصّبر ٢٦/١
وبلغ «محمّد» مجهود الصّبرِ في إظهار حقّك ١٠/٤
فأورثتهم الصّبر على طول البلاّء ٢٠٠/٣٠
يامن جعل الصّبرَ عوناً على بلاّئه ٩٩/٤
يزيد في ملكك لسألتك الصّبر عليه ١٦٢/٧ - ١١٢/٥

وأعنّى على صحبتهم بحسن الصّبر ٧٩/٥
أسألك ... عزم أهل الصّبر ١٣٧/٨
خانني الصّبرُ كأنّى أوّل ممتحن ٢١٩/٣٦
وأفرغ الصّبرَ علىّ ١٢٨/٦
وأجمل الصّبرِ عند المصيبة ١٦٤/٨
صَبْرِي: إبتليتني بها عجز عنها صبري ١٩٩/١٥٤
وعجز صبري عند بليّته فلم يخذلني ١٩٩/١٥٤
ولاتمنعني لقلّة صبري ١١٦/٨٨
وكم من بليّة إبتليتني قلّ لك عندها صبري ١٥٨/٢
يامن قلّ عند نقمته صبري فلم يخذلني ١٥٨/٢
من بليّةٍ إبتليتني بها قلّ لك عندها صبرى ١٥٦/٢ ـ ١٥٤/١
يامن قلّ عند بلآئه صبري فلم يخذلني ١٥٦/٣ ـ ١٥٤/٢
بِالصَّبْرِ: وأعنهم «أهل الثّغور» بالصّبر ٦٧/٢
وأعوذبك من أن أشترى ... الجزع بالصّبر ١٦٤/٢٤
صَابِرٌ: ومستنجد صبراً وما هو صابر ٢١٤/١٢٢-٢١٤/٤٦
الصَّابِرِ: الصّابر على الأذى ١٤٣/٥٢
صَابِرِينَ: صابرين محتسبين ... ٤٢/١٧
الصَّابِرِينَ: إيّاك أدعو... يا... مثيب الصّابرين ١٤٩/١٥
وارزقنا ... يقين الصّابرين ٢٠٠/١٨
حتّى نعلم المجاهدين منكم والصّابرين (قرآن) ١٤٤/٢٦
صَابِرَةً: فاجعل نفسي ... صابرة على ٢٥٥/٣

ص.ب.و

صَبِيّاً: وحفظتني فى المهد طفلاً صبيّاً ١٩٩/١٧٠

ص.ح.ب

صَحِبَنِي: وجنناه علىّ بخذلان صحبني ١٦/٢
صَحِبَنَا: وصحبنا صحبة مبرور ١٤٢/٢٦
صَحِبْتُ: صحبت خير الصّاحبين وحافظ ١٥٩/٣
صَحِبْنَاهُ: أفضل صاحب صحبناه ٢١/١٤
إِصْحِبْهُ: أيّما غاز ... إصحبه السّلامة ٦٧/١٧
أَصْحِبْ: وأصحب رغباتنا بحيآء ١٩٩/٣٤
صُحْبَةَ: أللّهمّ حبّب إلىّ صحبة الفقراء ٧٩/٥
وصحبنا صحبة مبرور ١٤٢/٢٦
الصُّحْبَةِ: ياحسن الصّحبة ياخليفة النّبيّين ١١٧/٣٤
صُحْبَتَهُ: لاتحرمني صحبته «محمّد» ٢٤٢/٤
صُحْبَتِهِمْ: وأعنّى على صحبتهم بحسن الصّبر ٧٩/٥
بِصُحْبَتِكَ: وأن تصل ... وحدتنا بصحبتك ٢٠٠/١٢
الْمُصَاحَبَةِ: السّلام عليك غير كريه المصاحبة ١٤٢/٤٠
مُصَاحَبَتِهِ: وارزقنا حسن مصاحبته ٢١/٩
صَاحِبْ: وصاحبٍ سهّل سبل الإحسان ١٤٢/٣٤
أنا صاحبُ الدّواهى العظمى ١١٦/٦٤
كفى بك صاحباً ١٣٩/٩
وصاحب الجرم العظيم ١٤٨/٧
أنا صاحب الذّنوب الكثيرة الكبيرة ١٤٨/٧
أفردتني الخطايا فلا صاحبَ معى ٥٧/١
ياربّاه أنا صاحب الذّنوب والخطايا ١٩٨/٧٢
ياربّاه أنا صاحبُ الخطيئة والجناية العظمى ١٩٨/٦٩
الحمدلله صاحبِ كلّ حسنة ٨٣/٢
وإسرافيل صاحبُ الصّور ١٢/٢
واجعله «محمّد وآله» ... أفضل صاحبٍ صحبناه ٢١/١٤
الفآئم... المفترض الطّاعة صاحبِ الزّمان ١١٩/١٨
وما عسىٰ أن ينال صاحبُ الدّنيا من لذّتها ٢١٤/١٠٩
ربّ نفسي ... صاحبُ عيوب جمّة ٢٤٨/٩
الصَّاحِبِ: أقرب إلىّ من الصّاحب اللّزيق ١٩٩/٤٠
وتخلّى عنه الصّديق والصّاحبُ الشفيق ٢١٤/١٢١
صَاحِبَهُ: فكلّ أمل ساق صاحبَهُ إليك محتاجاً ١٩٩/٩٨
ويولج صاحبهُ فيه بتقدير منه للعباد فيما يغذوهم به ٢١/١
يولج كلّ واحد منهما «اللّيل والنّهار» في صاحِبِهِ ٢١/١
بِصَاحِبٍ: أو أظنّ بصاحب ثروة فضلاً ٩٦/٤
الصَّاحِبِينَ: صحبت خير الصّاحبين ١٥٩/٣
صَاحِبَةً: ولاصاحبة له ولاسمّى له ١٤٩/١٩
لم أنسب إليك صاحبةً ولاولداً ١٤٤/٣
لم يتّخذ صاحبةً ولاولداً ١٢٣/٦
سبحان الله الّذى لم يتّخذ صاحبةً ولاولداً ٨٣/١٢
الصَّاحِبَةِ: خلا من الأولاد والصّاحبةِ ١٩٩/١٤
صَاحِبَتِهِ: يوم يفرّ المرء من... صاحبته (قرآن) ٢٠٧/١٠
لو يفتدى من عذاب يومئذٍ ببنيه وصاحبته (قرآن) ٢٠٧/١٤
الصَّحَابَةَ: خاصّة الّذين أحسنوا الصّحابة ١٤/٣
أَصْحَابِ: من خير أهل وأصحابٍ ١١٥/١٩
للخاصّة من أصفيائك أصحاباً ٢٠٠/٣٨
أولئك «كفّار» أصحابُ النّار هم فيها خالدون (قرآن) ١٨/٥
أللّهمّ وأصحابُ محمّد خاصّة الّذين أحسنوا ١٤/٣
وأنظمنى في أصحابِ اليمين ١٠٨/٤
وترضي عنّى أصحابَ التّبعات من خلقك ١٣٤/٧
الْأَصْحَابَ: أيّما غاز... تخيّر له الأصحاب ٦٧/١٦
وحافظ الأصحابِ الحافظين ١٥٩/٣
أَصْحَابِهِ: أصحابه المنتجبين ١٩٩/١٩٩
مَصْحُوبٍ: أكرم مصحوب من الأوقات ١٤٢/٢٩

ص.ح.ح

صَحَّ: أن لاتجعلني ممّن إذا صحّ أمن ٣/١٣٣
فَصَحَّ: فصحّ بمعاينة أمثالهم حازم وقّفه اعتباره ٢/٧٤
صَحَّتْ: صحّت النّيّات والقلوب ٣٠/١٤٣
أَصِحَّ: وأصحّ فيه «رمضان» بدني ٤/١١٧
إلهي... وأصحّ لي أبدانهم «ولدى» ١/٦٤
صَحِّحْ: وصحّح بما عندك يقيني ٢/٥٥
صِحَّةَ: خطرات الوساوس عن صحّة ضمآئرنا ١٣/١٠٩
وارزقني صحّةً في عبادة ٣٩/٥٥
وفي صحّةٍ من جسمي وسلامة من بدني ٥/١٢٧
أرني صحّةَ التّصديق بما سألت ٢٨/١٤٤
الصِّحَّةِ: في اليسر والعسر والصّحة والسّقم ١٢/٥٩
واجمع لي ... المعافات والصّحّة والسّعة ١١٤/١٤٧
ونزل الضّرّ منزل الصّحّة بأنواع الأذىٰ ٤/٣٥
أوقت الصّحّة الّتي هنّأتني فيها طيّبات رزقك ٢/٤٦
أعطني ... الصّحة في الجسم ١١١/١١٦
ونزل الضرّ بمنزلة الصّحّة ٢٧/٢٥٧
بِصِحَّةٍ: إن لم تؤيّدني بصحّة توفيقك ٧٠/١٩٩
وامنن عليّ بالصّحة والأمن ٣/٦١
تَصْحِيحُ: ومن حبّ المدارين تصحيح المقة ١٠/٥٥

ص.ح.ر

فَأَصْحَرَني: فأصحرني لغضبك فريداً ٧/٨٨

ص.ح.ف

صَحِيفَةَ: وقرأوا صحيفة السّيّئات ٢٧/٢٠٠
بِصَحِيفَةٍ: كتّاب السّيّئات بصحيفةٍ ٣/٣٣
صَحَائِفِ: بنشر صحآئف أيّام حياتي ٤/١١٨
صَحَائِفَنَا: واملأ لنا من حسناتنا صحائفنا ١٠/٢١
الصُّحُفِ: وكلّ الّذي أسلفت في الصّحف مثبتة ٦٨/٢١٤ـ١٤٦/٢١٤

ص.خ.د

الصَّيَاخِيدِ: أجريت الماء من الصّمّ الصياخيد عذباً ٤/٢٤٥

ص.د.أ

صَدَأً: واجل به صدأ الجور ٦٥/١٤٧

ص.د.د

صَدَّهُمْ: وصدّهم إمهالك عن النزوع ٧/١٤٦
صَدُّوا: الظّلمة ... صدّوا عن سبيلك ٢/١١٩
يَصُدُّنِي: ويصدّني عمّا أحاول لديك ٨٧/١٤٧
يَصُدُّونَ: الّذين يصدّون عن كتابك ١٨/٨٣
تَصُدُّ: وتصدّ عن ابتغاء الوسيلة إليك ٩٤/١٤٧
لاأَصُدُّ: لاأصدُّ عن سبيلها ١٣/١٩٩
لايُصَدُّ: ونزل به من قضائه ما لايصدّ ٢١/٢١٤ ـ ٩٦/٢١٤
أُصْدُدْ: أصدد قوى سببي عن سواك ٧/٢٤٩
بِصَدِّيْ: وأن ترحمني بصدّي عن ٤/٢٥٣
صَدِيداً: دماً وصديداً لكان ذلك قليلاً ٢/٢٣٠
الصَّدِيدِ: الصّديد والغسلين والزقّوم ١٦/٢٥٧
آد واحزناه من تجرّع الصّديد ٢٧/١٩٨

ص.د.ر

صَدَرَ: لما صدر عن إخلاصٍ منهم مجيب ٤/٢٥٦
أَصْدَرْتَ: ثمّ عرفت ما أصدرت إذ عرّفتنيه ١/١٥٢
صَدْراً: ولا من حياض مناجاتك صدراً ٣/٨٤
الصَّدْرِ: وارزقني سلامة الصّدر من الحسد ١٣/٥٩
أعوذبك... من وسوسة الصّدر وتشتيت الأمر ١٠/١٣٨
صَدْرِهِ: حرّجه «ظالمي» في صدره ٢/١٥٥
صَدْرِي: ووسّع بمواقع حكمك صدرى ٣/٩٦
ويملأ صدرى همّه ٢٠/٢٥٢ ـ ٢٨/٢٥١ ـ ٢/٧٨
وسواس صدري لايزيحه إلاّ أمرك ٤/١٩٢
إجعل... النّصيحة في صدرى ٢١/٢٥١ ـ ١٣/٢٥٢
وأن تشرح بكتابك صدرى ٤/٢٥٣
فارحمني إذا ... حشرج صدرى ١٣/٢٠٣
وأذهب غيظ قلبى وغلّ صدرى ١١/١٣٨
تشرح بها صدرى ٤٤/١٤٣
شيطاناً يغويني قد ملأ بالوسواس صدرى ٣/١٨٣
وأنزع الغلّ من صدرى للمؤمنين ١٠٩/١٤٧
علمت ... قبل أن ... يقع في صدرى ٦٢/٢٥١
واشرح به «كتابك» صدرى ١٣/١٥٣
إلهى ضاق صدرى ولست أدرى ٢٨/٢٠١
أن تجعل القرآن ... شفاء صدرى ٤٠/٢٢
ففرّج عنّى ما ضاق به صدري ٢١/١٤٨
لِصَدْرِي: وأثلج لصدرى من شربة الظمآن ٥/٦٣
صُدُورِ: وفي صدور الكافرين فعظّمني ٦/١٢٨
واجعل لنا في صدور المؤمنين ودّاً ٢١/١٠٩
واشف صدور المؤمنين ٧/١١٩
وأهيبك في صدور المؤمنين ٣٧/١٤٢
الصُّدُورُ: وما دما تخفى الصّدورُ ٥/١٦٥ ـ ٤/٢٣٣
يعلم هما هم الأنفس وما تخفى الصّدورُ ٢٤/١٤٩

وتمكيناً في أثناء الصّدورِ لمحبّته «محمّد» ١٠/١٠
ولكن تعمى القلوب الّتي في الصّدورِ (قرآن) ١٥٩/١٤
وياعالم ما في الصّدورِ ١٤١/٨
فرجعت القلوب إلى الصّدورِ على النّيّات ٢٠٠/٤٣
العالم بما ... تكنّه الصّدورُ ١٩٩/٥
بسم الله الّذي خافته الصّدورِ ٢٢/٢٥
صُدُورِهِمْ: الشّوق إليك في حدآئق صدورهم ١٩٣/٢
فتردّ أيدى الّذين حاربوه إلى صدورهم ١٠/٢٨
واجعلني ممّن ... زرعت الحكمة في صدورهم ٢٦٨/٤
وإنشرحت بتحقيق المعرفة صدورُهُم ١٩٣/٣
سكنت بين خوافى العضلات من صدورِهِم ٢٠٠/٣٣
صُدُورَنا: أسكنته صدورنا وأجريته مجارى دمائنا ٦٤/٦
وثبّت رجاءك في صدورنا ١١٦/٧١
وأخرج وحر صدورنا برزقك ٩٧/٤
واشف به «وليعصر»(عج) صدورنا ١١٩/٢٥
مُصْدِرَ: فلا مصدر لما أوردت ٢٤/٤
مَصْدَرَها: ومصدرها عن قضائك ٢٥١/٥٨
مَصْدَرِي: وفي أحبّائك مصدري وفي جوارك ١٦٧/٦
مَصادِرَ: مصادر المقادير عن إرادتك ١٩٩/٣٨
موارد سوء ما لهنّ مصادِرُ ٢١٤/١١٤ ـ ٢١٤/٣٨
سدىً ما لنا بعد الممات مصادِرُ ٢١٤/١٠٨

ص.د.ع

صَدَعَ: وصدع بأمرك ونصح لعبادك ١٠٩/٢٢
فَصَدَعْتُ: فصدعت الدّنيا عمّا ألذّ ٢١٩/٢٩
أَصْدَعَ: أصدع بالحقّ فرقانك ١٤٧/٢١
صَدْعَنا: اشعب به «وليعصر»(عج) صدعنا ١١٩/٢٤
صادِعاً: ألّلهمّ وكما جعلته «محمّد» بأمرك صادعاً ١٠/٨
الصّادِعِ: الموفى بعهدك الصّادع بأمرك ١٤٣/٥٢

ص.د.ف

صَدَفَ: فأوجب... النّار على من عصاه وصدف ٢/٩
وتوعّدت بها من صدف عن رضاك ٨٨/١٩
صادَفَتْ: فالويل لها إن صادفت نقمتك ٢٠٢/٨

ص.د.ق

صَدَقْتَ: صدقت صدقت ياسيّدى ليس ٢٠٦/١٥
صدقت وبررت يامولاي ٣٥/١٤
صدقت ياسيّدى ومولاي ٢٥٧/٣٧
صدقت وبررت ياسيّدى ٢٠٥/١٤
صَدَقْتُ: حتّى لاأقول إلاّ صدقتُ ٢١٩/٢
أَصْدِقْ: وأصدق قولى بفعالي ٧٨/٧
صَدَّقْتُ: ما آمنت ولاصدّقت ١٩٩/٩٢
آمنت بك وصدّقت رسلك ١٦٦/٧
وصدّقت بكتابك ولم أعمل به ٢٥٧/١٠
صَدَّقْتُهُ: فأطعته كما أمرت وصدّقته فيما حتمت ١٢٢/٦
صَدِّقْ: صدّق مقالى بفعالي ٢٥٢/٢٦ ـ ٢٥١/٣٣
فَصَدِّقْ: فصدّق بكرمك مبشّرات تمنّيها ١٩٧/١٩
أَتَصَدَّقُ: ألّلهمّ إنّى أتصدّق اليوم ٢٦٣/٣
أَنْ نَتَصَدَّقَ: وأمرتنا أن نتصدّق على فقرآئنا ٢٠٨/٢
تَصَدَّقْ: وتصدّق علىّ بعافيتك ٦١/١
تصدّق علىّ بعفوك ١١٦/٢٢ ـ ١١٦/٦٠
فَتَصَدَّقْ: ونحن فقراؤك فتصدّق علينا ٢٠٨/٢
تَصَدَّقُوا: وتصدّقوا لك طلباً لمزيدك ١٢٢/١٩
صِدْقُ: ومن ألسنتنا صدقُ الإعتذار ١٢٢/٢٩
عزيمة صدقٍ لاتختلُّ ١٥٥/٧
وقوله «الله» صدقٌ ٢/٨
ألّلهمّ اجعل لنا ... شاهد صدقٍ من ملآئكتك ٢١/١١
والنّاس ... لايقولون صدقاً ١٩٩/٥٨
وتمّت كلمة ربّك صدقاً وعدلاً (قرآن) ١٩٩/٥٩
فلا تبطل لي صدقَ رجآئي لك ١٩٩/٨٢
وهب لي صدقَ التوكّل عليك ١٧١/٥
واجعل لي لسان صدقٍ فى الغابرين ١٢٧/١٠٩
ثمّ لاتجد عندي صدقاً ولاوفاءً ٩٠/٣
حتّى أعرف صدقَ ذلك من قلبي ٥٩/٩
وهب لي صدقَ الهداية ولاتفتنّى بالسّعة ٥٥/٣٣
أرزقنى ... صدقَ اللّسان ١١٧/١٠
وسكوني إلى صدقٍ وعدك ١١٦/١٤
وأدخلني مدخل صدقٍ ١٣٣/٧
عاهدت ربّى فلم يجد عندي صدقاً ولاوفاء ١٩٨/٣٠
وعدك صدقٌ وأسألوا الله من فضله ١١٦/١٥
أنذر «محمّد» بما هو صدقٌ من العقاب ٢٢٦/٤
لإله إلاّ الله إيماناً وصدقاً ٢٢٤/١
الصِّدْقَ: أسألك ... الصّدقَ فيما علىّ ولى ١٢٥/٤
واقبض على الصّدقِ نفسي ١٧١/٥
والقول بالحقّ والصّدقَ في المواطن كلّها ٣٦/٧
وأورثتهم «صفوتك» منازل الصّدقِ في جوارك ١٩١/٣
بوّأته مقعد الصّدقِ في جوارك ١٩٠/٣
بِصِدْقِ: ولك بصدق الإرادة مجالسون ١٩٩/١٨٧
ومن ذاالّذى قصدك بصدقِ الإرادة ١٩٩/٣٧

وقصّره «طول الأمل» عمّا بصدقِ العمل ١٠٣/١
لِصِدْقِ: وباطنه وفق لصدقِ النّيّة فيه ١٤٧/٣٩
بِالصِّدْقِ: مسلّماً لمن قال منهم بالصّدق ١٢٣/١٧
ولم ترسل رسلك إلاّ بالصّدقِ ١٩٩/١٦٦
فسبحانك ما... أنطق بالصّدق برهانك ٢٤٧/٦
الصَّدَقَةِ: تبرّعت به من الصّدقة عليهم ١٠١/٣
صَدَقاتِ: ... أزكى صدقاتِ المتصدّقين ١٠١/٣
تَصْديقاً: أسرّها تصديقاً بربوبيّتك ١٩٩/١٣
أن تملأ قلبي ... تصديقاً بكتابك ١١٦/١٢٠
التَّصْديقِ: وشفاء لمن أنصت بفهم التّصديق ١٠٩/٣
أرنى صحّة التّصديق بما سألت ١٤٤/٢٨
تَصْديقِهِ: حتّى لايعارضنا الشّكّ في تصديقه ١٠٩/٧
تَصْديقَكَ: إنتجاعاً بها محلّ تصديقك ٢٤٩/٣
صادِقاً: وهب لنا يقيناً صادقاً تكفينا به ٧٦/٢
أللّهمّ إنّى أسألك ... لساناً صادقاً عليّاً ١٩٩/٢٥
وهب لي ... يقيناً صادقاً في حبّك ١٩٩/٣٢
أللّهمّ إن كان صادقاً فاغفرلي ٤٥/١
ياصادقَ الوعد صلّ على محمّد وآل‌محمّد ١٦١/٧-١٠٧/١
واجعل لي ... لساناً صادقاً ٢٥١/٤٧
أللّهمّ إنّى أسألك ... يقيناً صادقاً ١١٦/١٣٥
أللّهمّ إنّى أسألك ... قولاً صادقاً ١١٦/١٠٦
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك ... صادقٌ لايكذب ١٣٠/٣
وأسألك أن تهب لي يقيناً صادقاً بباشر قلبي ١٢٩/٤
الصّادِقِ: وجعفربن محمّد الصّادقِ من ٤٢/٨
أللّهمّ صلّ على ... جعفربن محمّد الصّادق ١٨١/٤
صادِقِينَ: إن كنتم صادقين (قرآن) ١٥٨/٩
الصّادِقِينَ: إن كنت من الصّادقين (قرآن) ١٥٩/١٦
الطّيّبين الأخيار الصّادقين الأبرار ١٤١/٣٣
في خلقك عن آبائه الصّادقين ٤٢/١٣
على أهل بيته الطّيّبين الأخيار الصّادقين ١٢٣/١٠
وامتحنوا بمحن الصّادقين ٢١٩/٤٣
صادِقَةٍ: أيّدني منك بنيّة صادقةٍ ٤٤/١٢
ربّ هب لي ... نيّةً صادقةً ١٣٥/١٧
واجعل ما يقرّبني إليك... بنيّةٍ صادقةٍ ١٣٧/٤
الصّادِقَةُ: أللّهمّ ومواعيدك الصّادقةُ ١١١/١
أرزقني ... النّيّة الصّادقَةَ ١١٧/١٠
مُصَدَّقٌ: مصدّقٌ منك بالوعيد لي ٢٥٧/٤
وجعلته «محمّد» ... لمن تقدّمه من الأنبيآء مصدّقاً ١٠/٦
مُصَدِّقُوهُمْ: أللّهمّ وأتباع الرّسل ومصدّقوم ١٤/١
الْمُتَصَدِّقِينَ: ... أزكى صدقات المتصدّقين ١٠١/٣
الصَّديقُ: من موقفٍ يعرض فيه الصّديق ١٣٥/١٢
وتخلّى عنه الصّديق والصّاحب الشفيق ٢١٤/١٢١
صَديقي: ولاتفجع بي حميمي وصديقي ١٧٢/١
الْأَصْدِقاءِ: وأكره حزن الأصدقاء ٧٧/١٠
الصِّدّيقينَ: وأنبيائك والصّدّيقين ٨٣/١٧
والمرسلين والصّدّيقين والشّهداء والصّالحين ٢٢٢/٤
متى أصف محن الدّنيا ومقام الصّدّيقين ٢١٩/٤
صلاة المرسلين والصّدّيقين والصّالحين ٤٢/١٦
وأنال ... مع النّبيّين والصّدّيقين (قرآن) ٢٥٧/٣٨
الصَّدّيقُونَ: أن لايغترّ بك الصّدّيقون ١٠١/١١
مَصاديقَ: وأرنى مصاديق إجابتك ٢١٩/٢
أَصْدَقِ: وإجعلنا من ... أصدقِ طائعيك ١٩٣/٦
الْأَصْدَقُ: فقلت وقولك الحقّ الأصدق ٧٦/٤
أَصْدَقَهُا: أسألك ... من الأقوال أصدقها ١٩٩/٢١

ص.ر.ح

صَرَّحَتْ: الّذى صرّحت عنه رسالته ١٠/٣
صَرَّحْتَ: واجعل ما صرّحت به من ٧٦/٣

ص.ر.خ

صُراخي: وارحم صراخى واعترافى ١٤٩/٤٨
صَريخَ: ياصريخ المستصرخين ١٤٣/١٦
إيّاك أدعو ... ياصريخ المستصرخين ١٤٩/١٥
ياصريخَ المكروبين ١٨١/٢
ياصريخ المستصرخين ١١٧/٢٥
فأسألك ياصريخ المكروبين ٢٤٩/٢٤
الصَّريخُ: لنعم الصّريخ أنت ٢٤٩/٢٣
صَرْخَتَهُ: أو صارخ أغثت صرخته ٢٥٦/٢ - ٢٢٠/٧
صارِخٌ: أو صارخ أغثت صرخته ٢٥٦/٢ - ٢٢٠/٧
لِلصّارِخِ: وللصّارخ إليك بمرصد إغاثةٍ ٢٢٠/٤ - ٢٢١/٣
لِلصّارِخينَ: للصّارخين مفتوحة ١١٦/١١
مُسْتَصْرِخاً: ناديتك مستغيثاً مستصرخاً فأغثتني ١٤٨/١٨
الْمُسْتَصْرِخينَ: ياصريخ المستصرخين ١١٧/٢٥
ياإله الحقّ إرحم دعاء المستصرخين ٧/٨ - ١٧٣/١٠
إيّاك أدعو ... ياصريخ المستصرخين ١٤٩/١٥
ياصريخ المستصرخين وياغياث المستغيثين ١٤٣/١٦

ص.ر.ر

أَصَرَّ: ولاييأس من روحك إلاّ من عصى وأصرّ ١٩٩/٧٩
على معصيتك إنطوى وأصرّ ١٩٩/٤٦

فَأَصْرَرْتُ: عرّفت فأصررتُ ١٥٣/١
فَيُصِرَّ: من إنكارك فيصرّ على ظلمي ٤٤/٩
لَمْ يُصِرَّ: المنيب الّذى لم يصرّ على معصيتك ١١/٣
أَنْ أُصِرَّ: وأعوذبك من أن أصرّ ٣٤/١١
الْإِصْرارِ: أعوذبك من ... الإصرار على المأثم ٢٦/٢
أزلنا عن مكروهك من الإصرار ٣٠/١
استغفارى إيّاك مع الإصرار على الذنب لؤم ٣٨/١
من ترك الأستكبار عليك، وجانب الإصرار ٣٤/١٠
مُصِرٌّ: وأنا مصرّ على ما نهيت قلّة حياء ٨٧/١
أنا مصرٌّ على ما نهيتني عنه قلّة حياء ٣٧/١
وأنا مصرٌّ على الذّنوب ٢٠١/٤
مُصِرِّينَ: أمتنا... تائبين غير عاصين ولامصرّين ١٠٣/٥

ص.ر.ط

صِراطٍ: تهدى من تشاء إلى صراط مستقيم ١١٩/٢٥
إنّك على صراطٍ مستقيم ٢٦٩/٣ - ١٤٣/٣٣ - ٦١/٦
إنّ ربّى على صراطٍ مستقيم(قرآن) ٢٤٩/٢٦-١٥٩/٢٣-١٣٢/١٢
الصِّراطِ: سيّدى إن كان لايجوز على الصّراط ١٩٩/١١١
وأكتب لي ... جوازاً على الصّراطِ ١٣٣/٧
فلك الحمد على ما..أوضحت من الصّراط المستقيم ١٢٠/٢
وبحقّ الصّراط ودقّته ١٨٠/١
صِراطِكَ: النّاكبين عن صراطك ١٤٧/٦٥
وإلى صراطك المستقيم فاهدني ١٥٣/٢٤

ص.ر.ع

صَرَعَتْ: وصرعت من مكبّ عليها ٢١٤/١١٣-٢١٤/٣٧
يَصْرَعُهُ: لاتجعلنى ممّن ... يصرعه البلاّء ٢٠٤/٥
تَصْرَعُ: تصرع بها «يداً» قائمه «الباطل» ٧٠/٨
صَرْعَةٍ: صرعةٍ أنعشت ومسكنةٍ حوّلت ١٥٢/١٢
صَرْعَتِهِ: ولم تنقذه من صرعته ٢١٤/١١٣
فلم تنعشه من صرعته ٢١٤/٣٧
صَرْعَتِها: المعادى لها في الحياة عند صرعتها ١٩٧/٣٢
ورحمها المعادى لها في الحياة عند صرعتها ١٩٩/١٣٨
صَرْعَتي: عن صرعتى إلى تجاوزك ٤٦/٦
صَريعاً: وارحمني صريعاً على الفراش ١١٦/٩٦
صَرْعىٰ: فينبّه بالنّفخة صرعى رهائن القبور ١٢/٢
مُصْرَعاً: هوىٰ مصرعاً في لحده وتوزّعت ٢١٤/٦٢
مَصارِعِ: إرفعني عن مصارع الذّنوب ٨٠/٩
حتّى أفرّ عن مصارع الهلكات إليك ٢٤٩/٧
أنهضته بتجاوزك عن مصارع الخاطئين ١٠١/٨
فانظر بعين قلبك إلى مصارعِ أهل البذخ ٢١٩/٢٢
مَصارِعِهِمْ: فوق مصارعهم في ٢١٩/٢٢

ص.ر.ف

صَرَفَني: ولاصرفني القنوط عن إنتظار رضوانك ١٩٩/١٤٠-١٩٧/٣٥
صَرَفْتَ: فما صرفت كفّ المنيّة إذ أتت ٢١٤/٩٣-٢١٤/١٨
صَرَفْتَ: وصرفت عنّى جميع ما أكره ١١٧/٢١
أللّهمّ إنّك إن صرفت عنّى وجهك الكريم ٥٧/٣
إلهى فكم من بلاّء جاهد قد صرفت عنّي ١٦٣/٣
وصرفت عنّى جهد البلاء ١٦٣/٢
سيّدى إن ... صرفت وجه تأميلي ١٩٩/٩٢
أللّهمّ لك الحمد على حسن قضائك وبما صرفت ٥١/١
صَرَفْتَهُ: أسألك أن ... لامكروهاً إلاّ صرفته ١٢٢/٩
لاسوءاً إلاّ صرفته ١٤٣/٢٧
صَرَفْتُ: ولاصرفتُ وجه تأميلي للعفو عنك ١١٦/٧٥
ولاصرفت وجه إنتظارى للعفو منك ١٩٩/٩٣
وصرفت وجهى عمّن يحتاج إلى رفدك ٧٤/١
صُرِفَ: كم من سوء صرف بك عنّا ١٤٢/٤٤
يَصْرِفُ: أللّهمّ إنّى أسألك بامن يصرف البلايا ٢٣٩/١
يَصْرِفُني: وأعوذبك ممّا يصرفنى عنك ١٩٧/٢٩
لَمْ يَصْرِفْ: لم يصرف عنّى سوءاً ٢٤٩/٢١
أَنْ يَصْرِفَني: يأبي أن يصرفني عنك ١٩٧/٣٩
تَصْرِفُهُ: أو شرّ تصرفه أو ضرّ تكشفه ١٣٢/٥
لاتَصْرِفْ: ولاتصرف عنّا رحمتك ٢٣٤/٣
ولاتصرف عنّى وجهك ١٧٦/٢
وإلاّ تصرف عنّا كيده يضلّنا ٦٤/٨
فَلا تَصْرِفْ: فلا تصرف رجآئي ١٩٩/١٥٧
أَنْ تَصْرِفَ: أن تصرف عنّى شرّ ٢٤٩/٢٥
أن تصرف عنّى الشّرّ وتجنّبنيه ٢٥/٢
لاتَصْرِفْنا: وعلمنا بأنّك لاتصرفنا عنك ١١٦/٣٨
لاتَصْرِفْهُ: بوجهك الكريم إلىّ ولاتصرفه ١٥٣/٢٣
لاأَصْرِفُ: ولاأصرف عنها سوءاً أشهد بذلك ١٢٦/١
إصْرِفْ: إصرف عنّى شرّه وشرّ ما فيه ٢٤٤/٢
واصرف عنّا في أمره السآمة ١١٩/٣١
وإصرفِ النّار عن وجهي ١٣٣/٥
واصرف عنّى شرّ الدّنيا والآخرة ٢٥١/٦٥
ربّ إصرف وجهى عن النّار ١٣٣/٥
واصرف عنّى شرّ كلّ ذي شرّ ٢٣٧/٩
واصرف عنّا أذاها ومضرّتها «السحائب» ٩٧/٢
واصرف عنّى بهم أهوالِ يوم القيامة ٤٢/١٨

واصرف عنّي فيه «رمضان» السوء والفحشاء ١١٧/٦
واصرف عنّي باسيّدي الأسوآءَ ١١٦/١١٣
واصرف عنّي شرّهما بمنّك ٢٢/٤١
واصرف عنّي من الشّرّ ٢٢/٤٤
ربّنا إصرف عنّا عذاب جهنّم (قرآن) ٨٣/١٥
إصْرِفْهُ: من أرادني بسوءٍ ... واصرفهُ عنّي ٢٥١/٥٠
فصلّ على محمّد وآله واصرفه عنّي ٩٣/٢
أللّهمّ من أرادني بسوءٍ ... واصرفه عنّي ٢٥٢/٣٣
إصْرِفْني: واصرفني بقدرتك إلى ما أوجبت ٨١/١
وإصرفني بحسن نظرك لي عن ورطة المهالك ١٩٩/٣٣
إصرفني بقدرتك إلى ما أحببت ٨٠/١٣
فَاصْرِفْ: فاصرف عنّي شرّه بسقمٍ عاجلٍ ١٦٠/٥
فَاصْرِفْهُ: في ديني ودنياي وآخرتي فاصرفه عنّي ٩٤/١
ومن أرادني بسوءٍ فاصرفه عنّي ٦١/٧
تُصَرِّفُني: تصرّفني حالاً عن حال ٨٨/١٤
إنْصَرَفَ: وإنصرف عنها المشيّعون من جيرتها ١٩٩/١٣٧-١٩٧/٣٢
إنْصَرَفْتَ: إنصرفت نحوك رغبتي ١٨٩/٧
وانصرفت عنّي المخاوف ٢٠٤/٥
إنصرفت الآمال دون مدى كرمك بالحاجات ١٤٦/٣
يَنْصَرِفُ: ومعنى ينصرف إليه ١٤٢/٢١
حَتّى يَنْصَرِفَ: حتّى ينصرف عنّا كتّاب السّيّئات ٣٣/٣
لِتَصَرَّفُوا: معرفة حمده ... لتصرّفوا في مننه ١/١٠
أَتَصَرَّفُ: على ما لم أزل أتصرّف فيه ٤٦/١
نَتَصَرَّفُ: ونتصرّف عن أمرك ٢١/٧
صَرْفِ: وأتضرّع إليك في صرف كيده عنّي ٨٨/١٧
رام صرفَ الفقر عن نفسه بك ٣٩/٤
لايعتريك في مدى الدّهر صرفٌ ٢٤٣/٤
صَرْفُها: يروح علينا صرفها ويباكر ٢١٤/١١٠ - ٢١٤/٣٤
تَصاريفُ: تعزّزت أن تحيط بك تصاريف اللّغات ٢٤٧/٣
الإنْصِرافِ: ولاتردّني في طلبتي عند الإنصراف ١٩٩/١٣٥
ولاتسوّد وجهي في طلبتي عند الإنصراف ١٩٧/٣١
إنْصِرافُهُ: وغمّنا وأوحشنا إنصرافه عنّا ١٤٢/٢٧
تَصَرُّفِ: وماتفجأ به أهلها من تصرّف الحالات ٢١٩/١٦
تَصَرُّفَهُ: ما أكثر تصرّفه في عذابك ١٤٦/١٠
تَصَرُّفِها: بين القلوب وبين تصرّفها ١٩٩/١١
صارِفُ: إنّك ... صارفُ اللّأوآء والنّقم ١٩٩/٥٠
لاصارفَ لما وجّهت ٢٤/٤
مُنْصَرِفٌ: ووجه طلبتي منصرفٌ عمّن سواك ١٩٩/٨٠
الْمُتَصَرِّفُ: أيّها الخلق... المتصرّف في ١١٠/١
مُتَصَرِّفُونَ: فهم في خدمتك متصرّفون ١٩٩/١٨٧

مَصْرُوفاً: عن بابك بالخيبة مصروفاً ١٨٥/٢
مَصْرُوفَةٌ: حاجاتي مصروفةٌ إليك ٩٩/٣
مُنْصَرَفي: وأكرم من عندك منصرفي ١٤٦/١٥

ص.ر.م

تَصَرَّمَتْ: وتصرّمت مدد أعمارنا ٣٣/٤
وتصرّمتِ الآمال وانقطع الرّجاء إلاّ منك ٢٢٠/٢ - ٢٢١/١
آه وانفساه إذا ... تصرّمت الأعضاء ١٩٨/٤٧
إنْصِرامِ: واستعملنا بطاعتك قبل إنصرام الأجل ٢٠٠/١٥

ص.ع.ب

إسْتَصْعَبَ: فقد استصعب علىّ شأني ١٤٨/٢٢
لايَسْتَصْعِبُكَ: وأنّ التجاوز عن الأثم الجليل لايستصعبك ٣٤/١٠
نَسْتَصْعِبُ: وسهّل علينا ما نستصعب ٩٢/٣
صَعْبِ: ياكاشف الكرب ومذلّل كلّ صعب ١١٤/١٠
صُعُوبَتَه: ذلّل لي صعوبته «أمري» ٢٢/٤٤
الصِّعابُ: ذلّت لقدرتك الصّعاب ٢٤/٢

ص.ع.د

صَعِّدْ: وصعّد عمله ولقّه منك رضواناً ١٠٦/١
لايَتَصَعَّدُكَ: لايتصعّدك في أناتك ٤٩/٢١
لِصُعُودِها: صلاة ... لإمتناع لصعودها ١٩٩/٦٠
صاعِدٌ: وشرّنا إليك صاعدٌ ١١٦/٤١
صاعِدَةٌ: وأصوات الدّاعين إليك صاعدةٌ ٢٥٥/٤
مَصْعَدٌ: ولو كان لي مصعد في السّمآء ١٤٨/١٤

ص.ع.ق

صَواعِقُ: التمعت صواعق البروق ١٢/١١
الصّواعِقِ: من شرّ الصواعق والبرد ٢٤٩/٢٦

ص.غ.ر

صَغُرَ: سيّدي إن كان صغر في جنب ١٩٩/٨٣
يَصْغُرُ: ولاتسمني خسيسةً يصغر لها قدري ١٤٧/١٠٣
تَصْغُرُ: ويامن تصغر عند خطره الأخطار ٨/٢٠ - ١٥/٥
لاتَصْغَرُ: ولاتصغر عظمته ١٤٩/١٨
أَصْغَرَ: فما أصغر حسناتي وأقلّها ١٦٤/١٣
صَغَّرَ: وصغّر الدّنيا في عيني ٢٥١/٩ - ٢٥٢/٣٨
وصغّر شأنهم «المشركين» في قلبه ٦٧/١٩
تَصاغَرَ: إلهي تصاغر عند تعاظم آلائك شكري ١٨٧/٤
صِغَرِ: على قدر صغر خلقي وضعف ركني ١٦٤/١٣

صِغَرِي: واحفظ لهما«والدىّ»ما حفظاهفي صغرى ٦٣/٧
لِصِغَرِ: لصغر خطري في ملكك مع يقيني بك ٢٠١/٤٨
لصغر خطري مع ملكك مع تضرّعي ٢٥٧/٢٠
الصَّغَارَ: ألبسه «ظالمى» الصّغارَ ١٥٥/٣
فارعنا الذّلّ والصّغارُ ٧٠/٥
إسْتِصْغَارِ: أعوذبك من... استصغارِ المعصية ٢٦/٢
صَاغِرٌ: فكم من عزيز للمهيمن صاغرٌ ٢١٤/٩٨
وها أناذا بين يديك صاغراً ذليلاً ١٤٧/٧٥
فكلّ عزيز للمهيمن صاغرٌ ٢١٨/٢ ـ ٢١٤/٢٣
فها أناذا بين يديك: ذليلٌ، صاغرٌ ٢٠٥/١٥
صَاغِرِينَ: فغلبواهنالك وانقلبواصاغرين(قرآن) ٢٢/١٠
صَغِيرٍ: وارحمهما «والدىّ» كما ربّياني صغيراً ١١٦/٤٧
وربّيتني صغيراً ١٦٢/١
من صغيرٍ حقير، أو خطير كبير ١٩٩/٥٦
وارحمهما كما ربّياني صغيراً ١٤٩/٦٦
كلّ جليل عندك صغيرٌ ١٤٦/٤
يامن يجتبى صغيرَ ما يتحف به ١٤٦/٢
من لم يزل يعصيك صغيراً وكبيراً ١٩٨/٨٩
ومن شرّ كلّ صغيرٍ وكبير ٦١/٦
إلهى ربّيتني في نعمك وإحسانك صغيراً ١١٦/١٦
على كثير من خلقك من صغيرٍ أوكبير ٢٥٧/١
الصَّغِيرُ: سيّدى أنا الصّغير الّذى ربّيته ١١٦/٦١
مولاى مولاى أنت الكبير وأنا الصّغيرُ ١٦٨/١٠
وهل يرحم الصّغيرَ إلاّ الكبير ١٦٨/١٠
صَغِيرَهُمْ: إلهى ... ربّ لي صغيرهم ٦٤/١
صَغِيرَهَا: صغيرها وكبيرها ٢٥٢/٣٠
مظالمهم الّتى قبلى صغيرها وكبيرها ٢٥١/٣٨
صَغِيرِنَا: أللّهمّ اغفرلـ... صغيرنا وكبيرنا ١١٦/٤٩
صَغِيرَةً: لاتبق معها ذنباً صغيرةً ولاكبيرةً ١٤٧/١٠٨
أو إقتراف صغيرةٍ أو كبيرة ٢١/٩
من شرّ كلّ دابّة صغيرةٍ أو كبيرة ٢٤٩/٢٦
الصَّغِيرَةَ: نعوذبك من ... إحتقار الصّغيرة ٢٦/٥
صَغَائِرِ: وقد هربت إليك من صغائر ذنوب مويقة ٨٨/٦
صَغَائِرِهَا: من كبائر ذنوبي وصغائرها ٨٠/١١
صِغَاراً: وارحمهم كما ربّونا صغاراً ١٤٣/٣٦
الصِّغَارَ: وأظهرت حسناتي القليلةالصّغارمنّاًمنك ١٤٩/٣٣
مُسْتَصْغَراً: وكان في جنب معروفك مستصغراً ١٩٩/٨١
الْأَصْغَرَ: فلورأيت الأصغرمن أولاده ٢١٤/١٢٩ـ٢١٤/٥٣
أَصَاغِرِ: واستخفيتافيها«الكبائر»من أصاغر خلقك ٢٠٠/٨
الْأَصَاغِرِ: إذاماتناساه البنون الأصاغر ٢١٤/٥٥ـ٢١٤/١٣١

لِلصُّغْرَى: جزآء للصّغرىٰ من أياديك ومننك ٩٨/٨
ما سعى فيه جزآء للصّغرى من مننك ٨/١٤

ص.غ.و

لاَنْصُغِيَ: حتّى لانصغى بأسماعنا إلى لغوٍ ١١٥/٧

ص.ف.ح

صَفَحْتَ: صفحت لي عنه أو عاقبتي عليه ٣٦/٩
فإن تعف فربّما ... صفحت ١٣٥/٧
إصْفَحْ: إصفح عنّى ٢٤٣/١١
صَفْحٍ: إنّك ذو منّ قديم وصفحٍ عظيم ١١٦/١٠١
الصَّفْحِ: راغب إليك في تغطيتي بالإقالة والصّفح ١٦/٣
وأنت وليّ الصّفح ومأوى الكرم ٢٣٩/٥
وحثثت على الصّفح عن المذنبين ١٩٩/١١٦
متنجّز ما وعدت من الصّفح عمّن أحسن بك ظنّاً ١١٦/٥٩
ياكريم الصّفح والتّجاوز ١٩٩/١٥١
مستنجزٌ ما وعدت من الصّفح ١١٦/٢٢
تطوّل علىّ ... بالعفو والصّفح ٢٤٣/١١
صَفْحُهُ: أسألك يامن عظم صفحه ١٤٩/٢٦
صَفْحِكَ: لاتعرني من جميل صفحك ١٨٢/٤
إلى إستفتاح أبواب صفحك ١٩٥/٢
أو يهبها صفحُكَ ١١٥/١٩
تدرجني درج المكرمين في صفحِكَ ٢٤١/٨
جرحى لايبرئه إلاّ صفحُكَ ١٩٢/٤
أم مع رجآئي لرحمتك وصفحِكَ تحرمني ١٨٤/١
صفحِكَ عن الذّنب الكبير ٢٥٧/١٩
بِصَفْحِ: وأصف ماكدّرته الجرآئم بصفح صلاتك ١٩٩/١١٣
بِالصَّفْحِ: وقد توثّقنا منك بالصّفح القديم ١١٦/٣٥
واثق بعد ذلك منك بالصّفح الكريم ٢٥٧/٥
الصِّفَاحِ: ولانقطّعه بواتر الصّفاح ١١٤/١٧
صَفَحَاتِ: ونضرب صفحات خدودهم ١٠/٢٨
تَصَفُّحِ: من تصفّح الإعتبار ناشراً ١٠٩/١١
صَافِحاً: كن عن ذنوبي صافحاً متجاوزاً ١٩٩/١٥١
الصَّافِحِينَ: وأنت أكرم الصّافحين ١٩٩/١١٦
الصَّفِيحِ: في محلّ ضنك... مطبق الصّفيح ١٩٩/٤١

ص.ف.د

الْأَصْفَادِ: لو قرنتني في الأصفاد ١٩٩/٩٣
بِالْأَصْفَادِ: إلهى لوقرنتني بالأصفاد...مافقطعت رجآئى منك ١١٦/٧٢

ص.ف.ر

لاتُصَفِّرْ: ولاتصفّر كفّاً هي ممدودة إليك ٣١/١
صِفْراً: ولاتردّني صفراً ممّا ينقلب به المتعبّدون ١٤٧/٧٧
ولم يرجع منك الطّالب صفراً من عطآئك ٧٠/١
لم ترجع يدٌ طالبة صفراً من عطائك ٢٥١/٦٠

ص.ف.ف

ضافَّ: فإذا صافّ عدوّك وعدوّه ٦٧/١٩
صَفّاً: يوم يقوم الرّوح والملآئكة صفّاً (قرآن) ٢٠٧/١١
الصَّفِّ: من الصّفّ الّذى وصفت به أهله في كتابك ١٢٨/٤
صُفُوفَ: صفوف أمّة في جنّاتك ١٠/١٤
مَصافِّ: بين مصافّ الكروبيّين ٢٠٠/٣٢
فتردّدوا في مصافّ المسبّحين ٢٠٠/٤٢

ص.ف.ق

صَفْقَةٍ: أعوذبك من صفقةٍ خاسرة ٢٧/٤

ص.ف.و

أَصْفَيْتَهُمْ: وأتوسّل إليك بالأئمّة الّذين... أصفيتهم ١٤٩/٤٦
أَصْفِ: أصف ما كدّرته الجرآئم ١٩٩/١١٣
صَفَّيْتَ: الّذين صفّيت لهم المشارب ١٨٩/٤
صَفَّيْتَنا: وقد صفّيتنا فيه «شهر رمضان» من الخطيئات ١١٥/٢٠
لاتُصافِيهِ: والحزب الّذى لاتصافيه ١١٥/١٤
إِصْطَفاهُ: واصطفاه على جميع خلقه ١٢٣/٨
وإصطفاه «محمّداً» من بريّته ٢/٩
إِصْطَفَيْتَ: هديتنا لدينك الّذى اصطفيت ١٤٢/٢٣
إِصْطَفَيْتَهُ: بمن اصطفيته لنفسك ١٤٧/٨٣
وإصطفيته «محمّد» له من تبليغ رسالتك ١٠/١٨
إلهى فاجعلنا ممّن إصطفيته لقربك وولايتك ١٩٠/٢
إِصْطَفَيْتَهُمْ: وأتوسّل إليك بالأئمّة الّذين... إصطفيتهم ١٤٩/٤٦
إِصْطَفَيْتَنا: واصطفيتنا بفضله دون أهل الملل ١٤٢/٢٥
صَفْوَها: صفوها «الدّنيا» يرنق ١٣٥/٤
بِصَفْوِ: غسلوا أوعية الجهل بصفو ماء الحياة ٢٠٠/٤٣
لِصَفْوِ: مكدّرة لصفو المنآئح والمنن ١٨٨/٢
الصَّفاءِ: خصّت قلوبهم بطهارة الصّفاء ٢٠٠/٣٦
واجعلنا من الّذين شربوا بكأس الصّفاء ٢٠٠/٣٠
صَفْوَةِ: إجعلني من صفوة عبيدك ١٨٥/٥
الصَّفْوَةِ: محمّد وعترته الصّفوة من ٩٥/٤
بقايا الصّفوة الّذين أذهب الله عنهم ٢١٩/٤٨
صَفْوَتِكَ: كما فعلت بالصّالحين من صفوتك ١٩٦/٤
وصلّ على إبنه الخالص من صفوتك ٢٢٢/٣
وإجعلني من صفوتك الّذين أحللتهم ١٩١/٣
لِصَفْوَةِ: فاجعل نفسي محبّة لصفوة أوليائك ٢٥٥/٣
الْمُصافاةِ: وشرآئع المصافاة يردون ١٩٣/٢
مُصافاتِكَ: فارزقه من حلاوة مصافاتك ١٩٩/٣٩
الْإِصْطِفآءِ: إلاّ ما وفّقت له أهل الإصطفاء ٢٢٣/١
بِإِصْطِفائِكَ: من أسعدته بإصطفائك ١٩٩/١٨٣
صافي: رويتهم من صافى شربك ١٨٩/٤
صَفِيِّكَ: محمّد ... صفيّك من عبادك ٩/٢
محمّد عبدك ورسولك وصفيّك ١٤٣/٢٣
الْأَصْفِيآءِ: ألّلهمّ أنت وليّ الأصفيآء والأخيار ١٩٩/١٩٣
وعلى أهل بيته الأصفياء الطّاهرين ١٩٩/٦٣
ألّلهمّ صلّ... على عترته النّجباء الخيرة الأصفيآء ١٩٩/٢٠
زيّنتها ... في منزل الأصفياء ٢٠٠/٣٦
أَصْفِيائِكَ: وأصفيائك ياأرحم الرّاحمين ٢٢٠/٨
وأهل بيته أصفيائك وأحبّائك ١١٤/٩
من أنبيائك ورسلك وأصفيائك ١٢٣/١٠
لاتغلقها عن أحبّائك وأصفيائك ٢٢١/٥
واجعلنا بخدمتك ... للخاصّة من أصفيائك ٢٠٠/٣٨
لِأَصْفِيائِكَ: الجنان الّتى زيّنتها لأصفيائك ١٤٧/١١٠
صَفايا: من صفايا تلك الوظائف ١٤٢/٢٤
الْمُصَفّىٰ: ياربّاه إسقنا العسل المصفّى ١٩٨/٧٩
مُصْطَفىٰ: ويامصطفى محمّدٍ ويامتّخذ ١٧٥/١
الْمُصْطَفىٰ: بمحمّدٍ المصطفى ... ٢٤٤/٣
ألّلهمّ صلّ على محمّد المصطفىٰ ١٨١/٤
عن حوض محمّد المصطفى ١٩٨/٤٤
المنتجب المصطفى المكرّم المقرّب ١٤٧/٤٦
واجمع بيني وبين المصطفى خيرتك من خلقك ١١٦/٧٦
ياربّاه إليك أتوجّه بمحمّد المصطفى ١٩٨/٨٠
آه وانفساه إن حيل بيني وبين محمّد المصطفى ١٩٨/٢٦
علىبن موسى الرّضا المرتضى الزكيّ المصطفىٰ ٤٢/١٠
سيّدنا محمّد رسول الله المصطفىٰ ١٧١/١٠
الْمُصْطَفَيْنَ: أنبيائك المرسلين المصطفين ١٠٩/٢٧
إلهى إجعلني من المصطفين الأخيار ١٨٨/٤

ص.ل.ب

صَلابَتِها: الجبال الرّواسي على صلابتها ١٠٩/١٢
صُلْبِ: من صلب متضائق العظام حرج المسالك ٨٨/١٤
صُلْبي: ركعت لك حتّى ينخلع صلبي ٤٩/١٧
أَصْلابَ: ويبّس أصلاب رجالهم ٦٧/٨

أَصْلابَهُمْ: وافكك أصلابهم وعجّل إلى عذابك ٢٢٣/٦

ص.ل.ح

صَلُحَتْ: ومالي كلّما قلت قد صلحت سريرتي ١١٦/٥٤
يَصْلُحُ: تطّلع على... ما يصلح به أمرُ ٨٢/٤
أَصْلَحْتَهُ: لافاسداً إلاّ أصلحته ١٤٣/٤٨
أَصْلَحْتَهَا: لاتدع خصلة تعاب منّي إلاّ أصلحتها ٥٥/٨
فَأَصْلَحَ: فأصلح منه فاسداً ٢٥٧/٢
يُصْلِحُ: بكلّ ذلك يصلح شأنهم ٢١/٤
يُصْلِحُهَا: وأبق لنفسي من نفس ما يصلحها ٥٥/٢٨
يُصْلِحُني: أللّهمّ قد تعلم ما يصلحني من أمر ٥٩/١١
وإن عزب لبّي عن تقديم ما يصلحني ١٩٩/٨٨
وامنن عليّ بكلّ ما يصلحني في دنياي وآخرتي ٦٤/١١
تُصْلِحُهُ: وأنا أفقرهم إليك ... لفساد نصلحه ٢٥٧/٩
أَصْلِحْ: وأصلح منّي ما كان فاسداً ١٤٨/٣٣ ـ ١٣٨/١٨
وأصلح لي آخرتي فإنّها دار مقرّي ٢٤٠/٤
أللّهمّ أصلح لي ديني فإنّه عصمة أمري ٢٤٠/٤
أللّهمّ صلّ ... وأصلح لنا امامنا ١٤٩/٦٩
وأصلح لنا إمامنا واستصلحه وأصلح على يديه ١٤٩/٦٩
وأصلح لي حالي ٧٨/٧ ـ ٢٥٢/٢٦
وأصلح لي حالي للمّ عيالي ٢٥١/٣٣
وأصلح جميع أحوالي ١١٦/١٠٨
وأصلح لي عافيتك ٦١/١
وأصلح لي دنياي الّتي فيها معيشتي ١٤١/١٩
وأصلح لي ديني الّذي هو عصمة أمري ١٤١/١٩
وأصلح لي آخرتي الّتي إليها منقلبي ١٤١/١٩
وأصلح لهم شؤونهم ١٤٧/٧٠
أَصْلِحْني: وأعذني بنعمتك وأصلحني بكرمك ٥٥/٣١
أصلحني بعلمك الّذي لايعلمه أحد ٢٥/٤
إِسْتَصْلَحَ: يامن إستصلح فاسدهم بالتّوبة ٣٤/٨
وصحّح بما عندك يقيني وإستصلح بقدرتك ٥٥/٢
إِسْتَصْلِحْهُ: وأصلح لنا إمامنا واستصلحه ١٤٩/٦٩
إِسْتَصْلِحْني: واستصلحني بالعافية ٤٩/٢٠
صَلاحاً: وما يكون صلاحاً للدّنيا وبلاغاً للآخرة ٨٧/١٠
وصلاحُ أحوال عيالنا ٨٧/٩
لك فيها رضى ولي فيها صلاحٌ ١٤٣/٤٨
وأدم بالقرآن صلاحَ ظاهرنا ١٠٩/١٣
وعندك ممّا فات خلف ولما فسد صلاحٌ ٥٥/٢٩
وأنجح لي كلّ حاجةٍ ممّا فيه صلاحُ ١٤٩/٦٥
رأفتك الّتي بها صلاحُ أمر المذنبين ٤٩/١٥
أللّهمّ اجعل أوّل يومي هذا صلاحاً ٢٣٨/٤
الصَّلاحِ: ومن ظنّة أهل الصّلاحِ الثقة ٥٥/٩
وإيّاك أسترشد لما فيه الصّلاحُ والإصلاح ٢٣٦/٣
صَلاحي: وما صلاحي وفسادي إلاّ إليك ٢٥٧/٣
وإن جعلتني فاسداً لم يقدر على صلاحي سواك ٢٥٧/٤
وما فيه صلاحي وخلاصي ممّا أنا فيه ١٧٣/٦ ـ ١٧٢/٥
مَصْلَحَتُهَا: ولم أقم ما فيه مصلحتها ٥٩/٣
مَصالِحي: فدلّني على مصالحي ٢٥١/٥٩
بِمَصالِحي: في الدّنيا أنّه يقوم بمصالحي ١١٨/٥
إِصْلاحِ: وضمّ أهل الفرقة وإصلاح ذات البين ٥٥/١٥
ولإصلاحَ نفسي ١٦٣/٢
الإِصْلاحُ: لما فيه الصّلاح والإصلاحُ ٢٣٦/٣
اِصْلاحِهِمْ: أللّهمّ ومُنّ عليّ ... بإصلاحهم لي ٦٤/١
إِسْتِصْلاحِ: من أبعد منّي من إستصلاحِ نفسه ٤٩/١٢
صالِحاً: أللّهمّ تقبّل منّي ما كان صالحاً ١٤٨/٣٣
وأعنّي على صالحِ النّيّة ١٤٧/٩٥
وأجر لنا من صالحِ العمل ١٤٢/٥١
وأعنّي على صالحِ ما أعطيتني ١١٦/١٢٢
واجعلني من صالحِ من بقي ١١٦/١٢١
ومتّعني بهدى صالحٍ لاأستبدلُ به ٥٥/٦
أو عبد صالحٍ إختصصته ١١٥/١٦
ولاتسلبني صالحَ ما أعطيتني ١٤١/١٢
ولاتسلبني صالحَ ما منتت به عليّ ١٢١/٢٣
واجعل لنا من صالحِ الأعمال عملاً ١٠٣/٣
الورع عن محارمك مع صالحِ القول ١١٧/١٠
ولاتسلبني صالحَ ما أنعمت به عليّ ١١٦/٥٠
أللّهمّ وفّقني لكلّ عمل صالحٍ ترضاه عنّي ١٢٣/١٩
عارجاً إليك مع صالحِ الأعمال ١٩٩/١٩١
وأنا أفقرهم إليك ... بعمل صالحٍ تتقبّله ٢٥٧/٩
ولانقصّر في صالحِ الأعمال ١٩٩/٣٥
وبحقّ صالح ونافته ١٨٠/٢
وتستجيب لي فيها «ليلة القدر» صالحَ الدّعآء ١٢٧/٣
إن هممنا بعملٍ صالحٍ ثبّطنا عنه ٦٤/٧
ممدوداًعلى المغتسل يغسّلني صالحُ جيرتي ١١٢/٧ ـ ١١٦/٩٦
وأدم لي صالحَ الّذي آتيتني ١٥٣/٢٣
وتقبّل منّي ما كان صالحاً ١٣٨/١٨
فإن صيّرتني صالحاً كنت صالحاً ٢٥٧/٤
ما لاأستحقّه بعمل صالحٍ قدّمته ٢٥٧/٧
الصّالحِ: ولم أفرشه بالعمل الصّالح لضجعتي ١١٦/٧٧
العبد الصالح من أهل بيتِ المرسلين ٤٢/٩

بِصالِحِ: الأخذ بصالح ما ندبت إليه عبادك ٢٤٩/٣
واجعل ستّتي هذه مقرونة بصالح الأعمال ١١٨/٩
بصالح من مضى من أوليائك الصّالحين ١٢٣/١٧
أللّهمّ ألحقني بصالحِ من مضى ١١٦/١٢١
صالِحِينَ: فائزين، متّقين صالحين ٤٢/١٧
صالِحي: ومن صالحي العباد ٥٥/٢٧
فاجعلنا ممّن... صيّرته من صالحي بريّتك ١٩٠/٤
الصّالِحينَ: أللّهمّ إرحم عبادك الصّالحين ٨٣/١٩
بوقايتك الّتي وقيت بها عبادك الصّالحين ١٤٨/٣٢
وأشهد من حضرني من ... عبادك الصّالحين ١٩٩/١٢
أيّتها النّفس إقتربي من الصّالحين ١٩٧/٤٧
وأعنّي على نفسي بما تعين به الصّالحين ١١٦/١٢١
وخذبي سبيل الصّالحين ١١٦/١٢١
واجعلنا من عبادك الصّالحين ١١٥/٢٣
وطاعة آبائه الصّالحين ٤٢/١٤
والمقتدى بآبآئه الصّالحين ٤٢/٨ ـ ٤٢/٧
وأحينا حياة الصّالحين ٢٠٠/١٨
أسألك ... الصّالحين من بريّتك ١٩٥/٥
إجعله في نظام الشّهداء والصّالحين ٦٧/٢٢
والشّهداء والصّالحين ٨٨/١٢
وحلّني بحلية الصّالحين ٥٥/١٥
صيّرنا بذلك في درجات الصّالحين ٥٠/١٥
وأنال به ما عندك فيما أعددته لأوليائك الصّالحين ٣٥/١٥
واقسم لي فيه أفضل ما تقسمه لعبادك الصّالحين ١١٧/١٢
أللّهمّ صلّ على ... عبادك الصّالحين ١٢٣/١١
أفضل ما أوجبت لأحد من عبادك الصّالحين ١٣٩/١٠
وألحقني بأوليائك الصّالحين ١١٦/١١٦
ولاممّن يحبّ الصّالحين ولايعمل عملهم ١٣٣/٤
ما أعطيت السّائلين من عبادك الصّالحين ١٣٢/١٠
فإجعلني من ذلك كلّه من أوليائك الصّالحين ١٣٢/٦
والصّدّيقين والشّهداء والصّالحين ٢٢٢/٤
كما فرّجت عن ... عبادك الصّالحين ٢٥٢/٨
إيّاك أدعو ... يا ... عصمة الصّالحين ١٤٩/١٥
وياوليّ الصّالحين ١٩٢/٥
وهو يتولّى الصّالحين (قرآن) ١٥٩/٩
وألحقني بميدان الصّالحين المطبعين لك ٤١/١
صلاة المرسلين والصّدّيقين والصّالحين ٤٢/١٦
بصالح من مضى من أوليائك الصّالحين ١٢٣/١٧
والسّلام... على... الصّالحين من ذرّيّاتهم ١٢٢/١١
وياعون الصّالحين أعنّي ١٣٣/١٠
واعمر بي مجالس الصّالحين ١٠٨/٤
كما صلّيت على عبادك الصّالحين ١٤٢/٦٣
تفرّج عنّي كما فرّجت ... عبادك الصّالحين ٢٥١/١٤
وأنال ... مع ... الصّالحين (قرآن) ٢٥٧/٣٨
الصّالِحُونَ: خيرماسألك منه عبادك الصّالحون ١١٦/١٠٧
بِالصّالِحِينَ: أللّهمّ ... ألحقني بالصّالحين ١٣٩/١١
ألحقني بالصّالحين والصّالحات والأبرار ٢٤١/٩
ألحقني بالصّالحين الأبرار ١٨٨/٤
توفّني مسلماً وألحقني بالصّالحين ١٩٩/٧٩
كما فعلت بالصّالحين من صفوتك ١٩٦/٤
وألحقني بالصّالحين من عبادك ٣٦/٦
أللّهمّ ... توفّني مسلماً وألحقني بالصّالحين ٧٧/١٢
لِلصّالِحِينَ: وكن لي كما تكون للصّالحين ١٤٧/١٠٩
الصّالِحاتِ: ما قدّموه من الصّالحاتِ ١٤٧/٧٨
فبها «بنعمتك» تتمّ الصّالحاتُ ٧٧/٦
أسألك ... من الصّالحاتِ أعظمها ١٩٩/٢٤
إنّك وليّ الباقيات الصّالحاتِ ٢٠٦/٢٤
إجعلني من... العاملين للباقيات الصّالحات ١٨٨/٤
ألحقني بالصّالحين والصالحات ٢٤١/٩
الْمُصْلِحِينَ: من المصلحين بسؤالي اياك ٦٤/١٢
مُسْتَصْلَحَ: ومستصلح عمل المفسدين ١٠٣/٥
أَصْلَحِ: وإجعلنا من ... أصلحِ عبادك ١٩٣/٦

ص.ل.ق

الصّالِقَةِ: وحيّانها الصّالقة بأنيابها ٨٨/٢١

ص.ل.ل

صَلْصالاً: وصلصالاً في الأرض هامدون ٢١٩/٢٤

ص.ل.و

صَلّى: ياربّاه إرحم من صلّى ١٩٨/٨٨
صلّى الله عليه حتّى يرضى ٨٨/٢٤
فَصَلّى: فصلّى الله عليه وعلى الأخيار ١٢٣/٨
صَلَّيْتَ: عدد ما صلّيت على من صلّيت عليه ١١٥/٢٧
كما صلّيت وباركت وترحّمت على إبراهيم ١٤١/٢٤
أللّهمّ وإذا صلّيت على ملآئكتك ورسلك ١٢/١٥
إلاّ صلّيت على محمّد وآله ٢٢٠/٨
كأفضل ما صلّيت على أحدٍ من خلقك ١٢٣/١٠ ـ ٥٥/٤٢
أكثر ما صلّيت على أحد من خلقك ٢١/١٧
صلّ ... كما صلّيت وباركت ١٤٣/٥٣

وصلّ عليه وآله كما صلّيت على أنبيائك ١٤٢/٦٣
كما صلّيت على ملآئكتك المقرّبين ١٤٢/٦٣
كما صلّيت على عبادك الصّالحين ١٤٢/٦٣
صَلَّيْتُ: ألفيت عليّ نعاساً إذا أنا صلّيتُ ١١٦/٥٣
صَلَّيْنَا: لك أصبحنا وصلّينا خاضعين ١٤٣/١٨
يُصَلُّونَ: الله وملآئكته يصلّون (قرآن) ١٤٣/٢٢
صَلِّ: وصلّ على ملآئكتك المقرّبين ١٤١/٣٢ - ٨٣/١٧
ربّ صلّ على أطايب أهل بيته ١٤٧/٥٧
ياربّاه صلّ على الملآئكة السّعداء ١٩٨/٩٢
ياربّاه صلّ على محمّد في الآخرة والأولىٰ ١٩٨/٩٠
أللّهمّ صلّ على آدم بديع فطرتك ٢٢٢/٢
وصلّ على إبنه الخالص من صفوتك ٢٢٢/٣
وصلّ على التّابعين من يومنا هذا ١٤/٧
وصلّ عليهم صلاة تزيدهم كرامة على كرامتهم ١٢/١٤
أللّهمّ صلّ على ملائكتك المقرّبين ١٢٣/١١
وصلّ على خيرتك أللّهمّ من خلقك ٩٥/٤
صلّ على أبينا آدم وأمّنا حوّا ١٤٣/٥٠
فَصَلِّ: فصلّ عليه صلاة ترفعه ١٠/٧
فصلّ عليهم وعلى الرّوحانيّين ١٢/١٠
فصلّ عليه أنت يارحمن ١١/٥
أللّهمّ فصلّ عليهم وعلى من اتّبعهُم ٤٢/١٦
فصلّ عليهم يوم تأتي كلّ نفس معها سائق ١٢/١٤
فصلّ عليهم بما فتحت لنا من حسن القول فيهم ١٢/١٥
فصلّ عليهم وعلى الملآئكة الّذين من دونهم ١٢/٦
صَلُّوا: ياأيّها الّذين آمنوا صلّوا عليه (قرآن) ١٤٣/٢٢
صَلُّوهُ: خذوه فغلّوه ثمّ الجحيم صلّوه (قرآن) ١٢/١٣
صَلاةً: ربّ صلّ عليه وعليهم صلاةً ١٤٧/٥٩
صلاةً تجزل لهم بها من نحلك وكرامتك ١٤٧/٥٨
ربّ صلّ عليه وآله صلاةً تحيط ١٤٧/٥٥
تجتمع على صلاةٍ كلّ من ذرأت وبرأت ١٤٧/٥٤
صلاةً تنتظم صلوات ملآئكتك ١٤٧/٥٤
صلاةً تقرّبهم منك زلفىٰ ١٤٧/٦٠
صلاةً مرضيّة لك ولمن دونك ١٤٧/٥٦
تحيط بكلّ صلاةٍ سالفةٍ ومستأنفة ١٤٧/٥٥
وصلّ عليه صلاةً ترضيك ١٤٧/٥١
وصلّ عليه صلاةً لاترضى له إلاّ بها ١٤٧/٥٢
صلاةً تجاوز رضوانك ١٤٧/٥٣
وصلّ عليه صلاةً راضيةً لانكون صلاةٌ فوقها ١٤٧/٤٩
صلاةً نامية لانكون صلاةٌ أنمى منها ١٤٧/٤٨
وصلّ عليه صلاةً نامية ١٤٧/٤٨
ربّ صلّ ... لاتكون صلاةٌ أزكى منها ١٤٧/٤٧
ربّ صلّ ... صلاةً زاكيةً ١٤٧/٤٧
ربّ صلّ ... صلاةً ترضيه ١٤٧/٥٠
فصلّ عليه «محمّد» صلاةً ترفعه ١٠/٧
صلاةً تشفع لنا يوم القيامة ٨٠/٢٦ - ٨١/١٠
صلاةً تعصمهم «تابعين» بها من معصيتك ١٤/٨
صلاةً لايقدر على إحصائها غيرُك ٤٢/١٦
صلاةً مقرونة بالتّمام والنّماء ١٩٩/٢٠
صلاةً المرسلين والصّدّيقين والصّالحين ٤٢/١٦
صلّى الله عليه «محمّد» وآله صلاةً دآئمة ممهّدة ١٩٩/١٨
صلاةً جليلة جزيلة ١٩٩/٦٠
صلاةً لاينتهى مددها ٦٧/٢٣
صلاةً عاليةً على الصّلوات ٦٧/٢٣
صلّ على محمّد وآل محمّد صلاةً كثيرة ٢٠/٤
١١٣/٤ - ١١٤/٣ - ١٢٢/٧
صلاةً تزيدهم كرامة على كرامتهم ١٢/١٤
صلّ على محمّد ... صلاةً دائمة نامية ٣٩/١٢
وصلّ أللّهمّ على محمّد وآله صلاةً ١٠٩/٢٦
صلاةً لاينقطع مددها ٨٨/٢٣
صلاةً تشحن الهوآء ٨٨/٢٣
صلاةً لاحدّ لها ولامنتهى ياأرحم الرّاحمين ٨٨/٢٤
وأعوذبك من ... صلاةٍ لاترفع ١١٦/١٢٧
صلاةً تبلغنا بركتها ١٤٢/٦٤
الصَّلاةِ: وفي ليله «شهر رمضان» على الصّلوة ١١٥/٢٢
وإقام الصّلاة وايتاء الزّكاة ٣٦/٨
أقمت الصلوةَ وآتيت الزّكاة ١٤٤/١٩
الصّلاةِ منك ياأرحم الرّاحمين ٦٣/١
عليهم منك أفضل الصّلاةِ والسّلام ١١٤/٢١
والصّلاةَ على رسولك صلّى الله عليه وآله ١٤١/٧
منننت به «محمّد» علينا من الصّلاةِ عليه ١٠/٣١
واخصص محمّداً بأفضل الصّلاةِ والتّسليم ١٤١/٣٢
فيه «الكتاب» فرض الصّلاةِ والصّيام ١٩٩/١٧
صَلاتي: فتقبّل ماكان من صلاتي وصومي ٢٣٦/٥
وتزكية صيامي وصلاتي وقيامي ١٤١/١٠
وفي صلاتي وصيامي ودعائي ... تبارك لي ١٥٣/٢٢
صَلاتَنَا: بلّغتهم صلاتنا عليهم ١٢/١٥
وأن تقبل صومنا وصلاتنا ١٣٩/٢
بِصَلاتِكَ: لاتجهر بصلاتك (قرآن) ٤٧/١ - ٢٢/١١
بِصَلاتِنَا: أن تبلّغه اياّه بصلاتنا عليه ١٠/١١
بِالصَّلاةِ: أمرت بالصّلاةِ والتّسليم ١٤٣/٢٢

بدأت وملآئكتك بالصّلاة عليه ١٤٣/٢٢
لِلصَّلاةِ: وقمت للصّلاة بين يديك ١١٦/٥٣
ولِلصَّلاة والزّكاة ما دمتُ حيّاً فألهمني ١٥٣/١٩
صَلَواتِ: وتنشِيءُ مع ذلك صلواتِ ١٤٧/٥٦
الطّاهرين صلواتُ الله عليهم ٢٠٣/١٤
تشتمل على صلواتِ عبادك ١٤٧/٥٤
صلاةً تنتظم صلواتِ ملآئكتك ١٤٧/٥٤
الصَّلَواتِ: الصّلواتِ المباركات الزّاكيات ١٤٧/٦٩
صلوات تضاعف معها تلك الصلواتِ عندها ١٤٧/٥٦
صلاة عالية على الصّلواتِ ٦٧/٢٣
قفنا فيه على مواقيت الصّلواتِ ١١٥/١١
وعلى الصّلوات محافظين ٢٠٦/١٨
إنّهم «الظّلمة» أضاعوا الصّلواتِ ١١٩/١٣
صَلَواتُهُ: وصلواته على رسوله أبداً ٢٣٨/٣
صَلَواتِها: ويشرّف لديهم صلواتها ١٩٩/٦١
صَلَواتِكَ: ربّ صلّ ... أفضل صلواتِك ١٤٧/٤٦
وقد حضرت أوقات صلواتِك ٢٠٦/١ - ٢٠٥/١
واخصصهم «النّبيّ والآل» بأفضل صلواتك ٦٣/١
أللّهمّ إجعل أكمل صلواتِك ١٩٩/٦٢
ما مضى من صلواتك على أحدٍ من أوليائك ٦٧/٢٣
فاجعل شرائف صلواتك ونوامي بركاتك ١٤٣/٢٣
محمّد وأهل بيته المرضيّين بأفضل صلواتك ٢٥١/٥٣
زيارة قبر رسولك صلواتُكَ عليه ٦١/٤
صلواتُك على الأنبيآء وأهل بيوتات المرسلين ١٠/٣٤
بمحمّد وآله صلواتُك عليهم ٣٩/١٣
صلواتُك ورحمتك ومغفرتك ورضوانك عليه ١١٦/٤٥
أللّهمّ صلّ ... بأفضل صلواتِك ٢٥٢/٢٩
وجعلتهم معادن لعلمك صلواتُك عليهم ٢٦٨/٤
أللّهمّ صلّ على محمّد ... بأفضل صلواتِك ٢٥١/٢
المرضيّين بأفضل صلواتِك ٢٥١/٣٤ - ٢٥٢/٢ - ٢٥١/٣٩
صلّ...بأفضل صلواتِك ٢٥١/٣٧-٢٥٢/٣١-١١٧/٣٢-٢٥١/٤٥
وآل محمّد ... بأفضل صلواتِك ٢٥٢/٢٧
أسألك أن تصلّى ... بأفضل صلواتِك ٢٥١/١٤ - ٢٥٢/٨
وإنّا نتوسّل إليك بمحمّد صلواتُك ٨٧/٨
أللّهمّ صلّ ... افضل صلواتِك ١٢٢/١١
بحقّ محمّد وآل محمّد صلواتُك ورحمتك ٢٤٨/١١
محمّد صلواتُك عليه وعلى آله ٢٠٦/١٦
صَلَواتي: ذكرهما في أدبار صلواتي ٦٣/١٤
صَلَواتِنا: وأره «محمّد» من أشرف صلواتنا ١٠/٣١
بِصَلَواتِ: وبصلوات العترة الهادية ٢٠٢/٤
فَبِصَلَواتِ: فبصلوات العترة الهادية ٢٠٢/٨
مُصَلٍّ: وأنت مصلّ على أحد بعده ٥٥/٤٢
مُصَلِّياً: أتحرق بالنّار وجهي وكان لك مصلّياً ٢٠١/٣٢
مُصَلِّينَ: وعلى محمّدٍ وآله مصلّين ٢٠٦/٢١

ص.م.ت

أَصْمِتْ: وأصمت لساني عن الفحشآء ١٩٩/٣١
صامِتُونَ: أم أنتم صامتون (قرآن) ١٥٩/٨
الصّامِتِينَ: ويعلم ضمير الصّامتين ١١١/١
يامن ... بعلم ضمير الصّامتين ٢٣٣/٤ - ١٧٦/١
ويعلم ما في ضمير الصّامتين ١٦٥/٤
الصَّمُوتِ: والرّسوم الفانية والرّبوع الصّموت ٢١٤/٢٠
مُصْمَتاً: ردماً مصمتاً لايفتقه ٥٠/٢

ص.م.د

صَمَدٌ: سبحانك ... وأنت حيّ صمدٌ ١٤٧/٢٧
إلهاً واحداً صمداً ١٢٣/٦
وصمدٌ لاكفو له ٢/٣ - ٧/٣
ياواحدٌ ياأحد ياصمدُ يامن لم يلد ولم يولد ١٧١/٢
ياأحدُ يافرد ياصمدُ ياوتر ١٣٠/٢
أللّهمّ إنّى أسألك ... ياأحدُ ياصمدُ ١٣٣/٦
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك ... صمدٌ لايطعم ١٣٠/٣
وأنّك واحدٌ أحدٌ صمدٌ ١٢٧/١
ياأحدُ ياصمدُ ياربّ محمّد ١١٧/٣٣
يافردُ ياصمدُ ياوتر يامتعالى ١٤١/٨
ياأحدُ يافرد ياوتر ياصمدُ ١٢٨/٣
ياواحد ياأحد ياصمدُ ١٢٢/٤
ياأحد ياصمدُ يارحمن يارحمن يارحمن ١٢٢/٦
ياأحدُ ياصمدُ ياأحد ياصمد ١٢٢/٧ - ١٢٢/٦
ياأله ياصمدُ ياأله ياوهّاب ١٣٥/٣
الصَّمَدُ: الصّمدُ الّذى لم تلد ولم تولد ٩٦/٥
وملكة القدرة الصّمدِ ٧٤/٤
أله الصّمدُ لم يلد ولم يولد (قرآن) ١٦١/٣
الأوّل الآخر العالم الأحد الصّمدُ ٢٤٣/٤
أنت الملك الأبد والرّبّ الصّمدُ ٢٤٧/٥

ص.م.م

لَأَصْمَمْتَني: ولو شئت لاصممتني ١٤٩/٣٥
تُصِمَّ: وتصمّ عن ذكري سمعه ٦١/٨
تصمُّ أسماعاً تلذّذت بسماع ذكرك في إرداتك ١٨٤/٥

الصَّمَم: وأعوذبك من العمى والصَّمم ١٥٣/٣١
صُمٌّ: صمٌّ بكمٌ عميٌ فهم لايبصرون (قرآن) ٢٢/١٠
الصَّمِ: أجريت الماء من الصّمّ الصياخيه عذباً ٢٤٥/٤

ص.ن.ع

صَنَعَ: أنت الّذى ... أحسن صنع ما صنع ١٤٧/٢٠
سبحانه ما ... ألطف ما صنع في شأنك ١١٠/٣
صَنَعَهُ: لايكبر عليه شيئ صنعه ١٤٩/١٢
صَنَعُوا: تلقف ما صنعوا (قرآن) ١٥٩/١٣
إنّما صنعوا كيد ساحرٍ (قرآن) ١٥٩/١٣
فهمتنى قبيح ما فعلوا وصنعوا ٢٤٨/٧
صَنَعْتَا: وهذه يداى جزاء بها صنعتا ٨٦/١
صَنَعْتَ: وصُنعت فأتقنت ١٩٩/١٠
ما أحسن ما صنعت بي باربّ إذ هديتني للإسلام ٢٤٨/٧
صَنَعْتَهُ: وكيف لاتحصى ما أنت صنعته ١٦٦/١
فَصَنَعْتَ: فصنعت بي ما يشبهك ١٩٧/٤
صَنَعْتُ: وبئس ما صنعتُ ٨٦/١
أللّهمّ قد أسأت وظلمتُ وبئس ما صنعت ١٤٨/١٣
يَصْنَعُ: فكيف يصنع المسيئون ١٩٩/١١٠
أَصْنَعُ: ومن لي؟ وما أصنع؟ ٧٧/٩
لِتُصْنَعَ: لتصنع على عيني (قرآن) ١٥٩/٢٠
أَصْنَعَهُ: سبحانه من خالق ما أصنعه ١٩٩/١٥
إِصْطَنَعَ: ترك الشّكر لمن إصطنع العارفة عندنا ٢٦/٣
إِصْطَنَعْتَ: توزعنى شكر ما إصطنعت عندي ١٩٩/٧٠
فقد إصطنعت عندي ما يعجز عنه شكري ١٦٣/١
صُنْعَ: لاصنع لي ولالغيري في إحسان منك ٢٢٧/٤
أنت الّذى ... أحسن صنع ما صنع ١٤٧/٢٠
الصُّنْعِ: أذقني حلاوة الصّنع فيما سألت ٢٤/٥
وافسح لي في إنتظار جميل الصّنع ٢٥٢/٣٩ - ٢٥١/١٥
صُنْعُهُ: وحسن صنعه ١٤٩/٢٦
صُنْعِكَ: وعتيق صنعك من وثاق عدلك ١٠١/٨
ولك الحمد حمداً يوازى صنعَكَ ١٤٧/٣١
بِصُنْعِ: بصنع الله الّذى أتقن كلّ شيء ٤٨/١
بِصُنْعِكَ: إلهى ... ربّيتنا بصنعك ١٨٧/٧
ودوانى بصنعك وأظلّنى في ذراك ٥٥/٣١
بِالصُّنْعِ: بل تفرّد بالصّنع لي ياسيّدى ومولاي ١٤٩/٦٣
صَنْعَةِ: من أحدٍ سبقك إلى صنعةِ شيءٍ منه ١٤٩/٥
صَنْعَتِكَ: سبحانك طوت الأبصار في صنعتك ٢٢٢/٧
التَّصَنُّعِ: أعذنا من ... التّصنّع لهم «أهل الدّنيا» ٢٠٠/٢١
إِصْطِنَاعاً: تفضّلاً وإحساناً وإنعاماً وإصطناعاً ١٤٩/٣٣
صُنَاعٌ: وخشع ما أنت صانعٌ ١٤٩/٤١
ما أنت صانعٌ بي في هذا اليوم ١٤٩/٥٤
ما أنت صانعٌ بذلك العبد الغادر ١١٨/٦
الصَّانِعُ: والصّانع بلا أحد ٧/٤
والصّانع بلا ظهير ٢/٤
الصَّنِيعِ: تتودّد إلى خلقك بحسن الصّنيع ٩١/٦
صَنِيعِهِ: أبدلني بسوءِ صنيعه بي رحمتك ٤٢/٦
صَنِيعَاهُ: فيا سوأتاه وياسوء صنيعاه ٢٠٠/١٠
صَنِيعُكَ: وكيف صنيعُك بي في دار ١٩٧/٣٤
إحساناً من صنيعِك إلىّ ٤٦/٤
ولايبطئ بي حسن صنيعك ٨٨/١٦
وصنيعُك لديّ مبرور ١٦٣/٦
على حسن صنيعِك إلىّ ١٦٣/١
وكيف صنيعُك بي في دار الوحشة ١٩٩/١٤٦
صَنِيعَةٍ: وكم من صنيعةٍ كريمة لك عندي ١٦٣/٣
الصَّنَائِعِ: الصّنآئع الّتى لايستطيع ١٩٩/٧
صَنَائِعُكَ: وكرم صنآئعك وفعالك ١١٦/٢٢
أين صنائعُك السّنيّة ١١٦/٢٧
مَصَانِعَ: ومصانع الجبّارين ٢١٩/٢٢

ص.ن.ف

أَصْنَافِ: وبرأت من أصنافِ خلقك ١٤٧/٥٤
ثمّ رزقتني من ... أصناف الرّياش ١٩٩/١٧٢
يا ... فاطر أصناف البريّات ١٩٩/٥١
وأصناف عجائبها ٢١٤/٣٣
أنشأت من أصناف خلقك ٢٢٦/٢
بِأَصْنَافِ: وعجّت إليك الألسن بأصنافِ ١٩٩/٩٨
صُنُوفٍ: ممّن عاشرت من صنوفٍ ٢١٤/٨٠
ممّن عاشرت من صنوفِ النّاس ٢١٤/٥
مع صنوفِ عجائبها وقوارع فجائعها ٢١٤/١٠٩
بِصُنُوفِ: فقد عجّت الأصوات بصنوفِ اللّغات ٢٣٧/٧
الأشجار المتدلّية بصنوف الثّمر ٦٧/٥

ص.و.ب

أَصَابَنَا: فأجرنا على ما أصابنا فيه من التّفريط ١٤٢/٥٠
فَأَصَابُوهُ: فأصابوه مرشداً ٨٤/٢
أَصَبْتُ: قد أصبت من الذّنوب ١٩٩/١٣٦
فقد أصبت طريق الفرج بما فيه سلامتها ١٩٩/١٠٠
فَأَصَبْتُهَا: وعدّدت سيّئاتي فأصبتها ٢٥٧/١٤
أُصِيبَ: وما أصيبَ منها «الدّنيا» فتنةٌ ١٣٥/٤

كلّ خبرٍ نيل أو أصيبَ ١٣٩/٧
لَنْ يُصِيبَنِي: حتّى أعلم أنّه لن يصيبني إلاّ ١١٦/١٣٥
تُصِيبُ: تصيب برحمتك من تشآء ١١٦/٨٢
تُصِبْنَا: ولانصبنا فيها «السحائب» بآفة ٩٧/٢
نُصِيبُ: نصيب برحمتنا من نشاء (قرآن) ٢٢/٢٢
فَيُصَابُ: يطلب فيصاب ولم تخل منه السّماوات ١٣١/٢
أَصِبْ: وأصب بي سبيل الهداية للبرّ ٥٥/٣٥
أَصِبْهُمْ: أصبهم «المشركين» بالجوع المقيم ٦٧/١٥
صَوْبَهُ: ولاتجعل صوبه علينا رجوماً ٥٣/٥
صَوابٍ: كتاب... جامع لكلّ رشد وصوابٍ ١٩٩/١٧
وأودعت قلبي صوابَ معرفتك ١٩٩/١٩٣
يقوم الرّوح والملآئكة ... وقال صواباً (قرآن) ٢٠٧/١١
الصّواب: والرّشد والصّواب بطاعتك ٦٤/١٤
صَوابِهِ: وأرشده إلى طريق صوابِهِ إختياره ٧٤/٢
بِالصَّوابِ: أسألك ... الفلج بالصّواب ١٢٥/٤
وعند مساءلتهم بالصّواب مجيبين ٢٠٦/٢٢
صَوآئِبَ: سدّد نحوى صوآئب سهامه ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤
مُصيبٍ: وأعوذبك من ... أرى غير مصيبٍ ١٩٩/٢٧
مُصِيبِينَ: مُنيبين مصيبين ٤٢/١٧
الْمُصِيبِينَ: منزلة المصيبين لمنازلها ١١٥/١٢
مُصِيبَةٍ: من مصيبةٍ عظمت رزيّتها ٢٠٠/٧
كلّ مخوفٍ ومصيبةٍ لاصبر لي عليها ١٥٣/٣٣
مصيبةٍ نزلت في هذا اليوم ٢٢/٣٢
الْمُصِيبَةِ: نعوذبك من ... المصيبةِ الكبرىٰ ٢٦/٨
وأجمل الصّبر عند المصيبة ١٦٤/٨
مُصِيبَتِي: وطالت مصيبتي بكثرة ذنوبي ٢٠١/١٣
مُصِيبَتَنَا: واجبر مصيبتنا بشهرنا ١٤٢/٥٤
مُصِيباتِ: بما تهوّن به عليّ مصيبات الدّنيا ١٨٥/٧
الْمُصِيباتِ: تكنّنا من دواهي المصيبات ١٩٥/٥
مَصَائِبِهَا: مع فنون مصائبها ٢١٤/٣٣
مُصَابِهَا: وكثرة عذابه في مصابها وطلبها ٢١٤/١٠٩

ص.و.ت

صَوْتَ: فكيف تستطيع صوت غضبك ١٦٢/٦
والّتى لاتستطيع صوتَ رعدك ١٦٢/٦
أو ترفع لي إليك صوتاً ١٤٩/٤٢
ياسامع كلّ صوتٍ ومحيي كلّ نفس ١٧٤/١٠
ولايطيق صوتَ رعدك ٢٠٥/١٦
فكيف يطيق صوتَ غضبك ٢٠٥/١٦
الصَّوْتِ: حشا مسامعى رافع الصّوت ١٩٧/٤٥
صَوْتِهِ: لانرفع الأصوات على صوته ١٠/٩
صَوْتِي: انتحبت حتّى ينقطع صوتى ٤٩/١٧
أللّهمّ خفّض لهما «للأبوين» صوتى ٦٣/٦
لذلك خمد صوتى عن الجأر إليك ٤٩/١٠
بِصَوْتِ: والّذى بصوت زجره يسمع ١٢/١١
ثمّ دعاك بصوتٍ حائلٍ خفيّ ٣٤/٧
لِصَوْتِي: ولصوتي سامعاً ٣٩/١٠
أَصْوَاتُ: إلهى... هدأت أصواتُ عبادك وأنعامك ٨٢/١
إلهى... هدأت أصواتُ عبادك وانعامك ٨٢/١
وأصواتَ الدّاعين إليك صاعدة ٢٥٥/٤
الْأَصْوَاتُ: خشعت الأصواتُ للرّحمن فلا تسمع إلاّ همساً (قرآن) ٢٢/٢٣ ـ ٢٣/٣
وقد انقطعت الأصواتُ ٢٠٢/١
فقد عجّت الأصواتُ بصنوف اللغّات ٢٣٧/٧
ياسامع الأصواتِ ١٣٧/٧
الّذى فزعت إليك فيه الأصواتُ ١٤٩/٥٤
وأمرتنا أن لانرفع الأصواتَ على صوته «محمّد» ١٠/٩
أَصْوَاتَنَا: وانتحبنا حتّى تنقطع أصواتنا ٢١٣/١

ص.و.ر

صَوَّرَ: ولولا أنّه صوّر لهم الباطل ٩٨/٥
صَوَّرَهُ: سجد وجهى لمن خلقه وصوّره ٢٥٢/١١
سجد وجهى لمن خلقه وصوّره ٢٥١/١٨
صَوَّرْتَ: وصوّرت ما صوّرت من غير مثال ١٤٧/١١
صَوَّرْتَنِي: وصوّرتني فأحسنت تصويري ١٩٩/١٧٠
صَوَّرْتَنَا: وصوّرتنا في الظّلماء بكنه لطفك ٢٠٠/٢
يُصَوِّرُ: ولولا أنّه يصوّر لهم الباطل في مثال الحقّ ٨/١٠
صَوِّرْ: وصوّر في قلبي مثال ما ادّخرت ٤٤/١٣
يَتَصَوَّرُ: ممّا يتصوّر في الفكر ١٩٩/٥٦
تَصْوِيرِي: وصوّرتني فأحسنت تصويرى ١٩٩/١٧٠
مُصَوِّرُ: يامصوّر وأنت ياألله ثلاثاً لك الأسماء ١٣٨/٢
لاإله إلاّ أنت ... ياباريءُ يامصوّر ١٣٧/٢
ياباريءُ يامصوّر يامنشيءُ ١٣٢/١
مُصَوِّرَكَ: ومصوّرى ومصوّرك أن يصلّى ١١٠/٤
مُصَوِّرِي: ومصوّرى ومصوّرك أن يصلّى ١١٠/٤
الصُّورِ: وإسرافيل صاحب الصُّور ١٢/٢
صُورَةٍ: رأت أهلها في صورةٍ لاتروقها ٢١٩/٣٧
الصُّورَةِ: حتّى إنتهيت بي إلى تمام الصّورة ٨٨/١٤
صُورَتِهِ: أن يرى الحقّ في أحسن صورته ١٠/٣
يظهر الحقّ بحسن صورته ٧٠/٨

صُورَتي: عند تغيّر صورتي وحالي ١٦٧/٥

ص.و.ل

يَصُولُ: ويصول بعضها على بعض ٨٨/١٩
أَصُولُ: أللّهمّ اجعلني أصول بك عند الضرورة ٥٥/١٩
أللّهمّ بك أعوذ وبك ألوذ وبك أصول ٢٢/٥
صَوْلَةِ: واكفنا ... مرارة صولة السّلطان ٨/٢٥ ـ ١٥/١٠
صَوْلَتِهِ: وبحقّ عزرائيل وصولته ١٨٠/٢

ص.و.م

صَامَهُ: واكتب لنا مثل أجور من صامه ١٤٢/٥٨
صُمْتُهُ: ولانجعله آخر شهر رمضان صمته لك ١٤١/١١
صُمْنَاهُ: فإن كان آخر شهر صمناه فاختم ١٤٣/٢٧
صُمْنَاكَ: لابملل صمناك ولامقليّاً فارقناك ١٤٣/٢٩
فَصُمْنَا: فصمنا بأمرك نهاره ١٤٢/٢٥
فَلْيَصُمْهُ: فمن شهد منكم الشّهر فليصمه(قرآن) ١٤٤/٢١
الصَّوْمِ: والصّوم في الهواجر ابتغاء وجهك ٣٦/٨
صَوْمي: فتقبّل ما كان من صلاتي وصومي ٢٣٦/٥
صَوْمَنَا: يقبل منّا صومنا ويزكيّ أعمالنا ١٤٣/١٥
وأن تقبل صومنا وصلاتنا ١٣٩/٢
صِيَامَ: وأن تدرك بي صيام الشّهر المفترض ١١٤/٢١
الحمدلله الّذي أعاننا على صيام شهر ١٤٣/١٥
الصِّيَامِ: فيه «الكتاب» فرض الصّلاة والصّيامِ ١٩٩/١٧
شهر الصّيام على التّكملة والتمام ١١٤/٢١
إلتزمت الصّيامَ الّذي جعلته حقّاً ١٤٤/١٩
كتب عليكم الصّيامُ كما كتب (قرآن) ١٤٤/٢٠
وفرضت فيه من الصّيامِ ١٤٢/٢٤
لم ينحل الصّيامُ والقيام جسمي ٢٤٨/٩
الّذي أحلّ فيه الطّعام وحرّم فيه الصّيامَ ١٤٣/٣٤
على فراق شهر رمضان شهر الصّيامِ ١٤٣/٢٨
وهذا شهر الصّيامِ ١١٧/١
شهر رمضان، شهر الصّيامِ ١١٥/٣
صِيَامَهُ: ولم تقبل منه صيامهُ وقيامه وعبادته ١٤١/١١
وأعنّا على صيامِهِ بكفّ الجوارح ١١٥/٦
وأعنّي على صيامِهِ «رمضان» ١١٧/٢
كان رسولك يدأب في صيامِهِ وقيامه ١١٤/٢٠
لاتردّنا خائبين وتقبّل منّا صيامَهُ ١٤٣/٢٧
يدأب في صيامِهِ وقيامه ١١٣/٧
وأعنّا في نهاره على صيامِهِ «شهر رمضان» ١١٥/٢٢
وقد تولّينا بتوفيقك صيامَهُ وقيامه ١٤٢/٤٨
ولامتروك صيامُهُ سأماً ١٤٢/٤٢
وارزقني تمام صيامه «رمضان» ١١٧/٨
صِيَامي: ولاأستشهد على صيامي نهاراً ٨٨/٩
وتزكية صيامي وصلاتي وقيامي ١٤١/١٠
وفي صلاتي وصيامي ... فبارك لي ١٥٣/٢٢
بِصِيَامِهِ: متعرّضين بصيامِهِ وقيامه ١٤٢/٢٥
بِالصِّيَامِ: لو دافعت يومك ياغافلاً بالصّيام ١٩٧/٤٦

ص.و.ن

فَصَانَهُ: فصانه «محمّد» بنفسه عن المشركين ١٠/٢٩
صُنْ: وصن وجهي باليسار ٥٥/٣٨
وصن وجهي عن الطلب إلى أحد من العالمين ١٤٧/١١٥
صِيَانَتِكَ: صيانتك لي بنعمةٍ موصولةٍ بكرامة ٣٦/١٠

ص.هـ.ر

الأَصَاهِرُ: مواريثه أولاده والأصاهر ٢١٤/١٤٠

ص.ى.ح

بِصَيْحَةِ: خرجت إليك مدهوشاً بصيحة الحشر ١١٨/٤

ص.ى.د

مَصَائِدِ: واكفنا ... شرّ مصائد الشّيطان ١٥/١٠
واكفنا ... سوء مصائد الشّيطان ٨/٢٥
مَصَائِدِهِ: بأمانيّه ومواعيده وغروره ومصائده ٥٠/١
نصب لي أشراك مصائده ١٥٣/٧
وتؤمنني من ... مصائده «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٩
نصب لي شرك مصائده ١٥٢/٧
من الثّقة بأمانيّه ومواعيده وغروره ومصائده ٥٠/١
مَصَائِدِهَا: ومانصبت لك من مصائدها ٢١٤/٢٥ ـ ٢١٤/١٠٠

ص.ى.ر

صَارَ: ولو تجلّى لشيئ صار دكّاً ٢/٨
وعمّا قليل كالّذي صار صائر ٢١٤/٤٨
أما صار جمعهم بوراً ومساكنهم قبوراً ٢١٤/١٤٨
وعمّا قليل للّذي صار صائر ٢١٤/١٢٤
فَصَارَ: فصار الفقر ممثّلاً بين عينيّ ٧٧/٨
صَارَتْ: وصارت الأعمال قلائد في الأعناق ١٠٩/١٨
لَصَارَتْ: ولصارت جملة ما سعى فيه ٨/١٤
صِرْتُ: وبعلمك ما صرتُ إليه ١٧٣/٥ ـ ١٧٢/٤
آه وانفساه إن... صرتُ في النّار مع من هوى ١٩٨/٥٠
فعرفت ما كنت فيه للّذي صرتُ إليه ٢٥٧/٢٧ ـ ٣٥/٤

وصرتُ إلى الهرب من الخوف والحزن ١٦٤/١٣
فَصِرْتُ: فصرت أدعوك آمناً ٤٠/٢
فصرت بعد العدم موجوداً ١٩٩/١٧٠
يَصيرُ: ما يصير به إلى مرضاتك ١٩٩/٣٩
نَصيرُ: حمداً... نصير به في نظم الشّهداء بسيوف ١/٣٠
صَيَّرْتَ: وصيّرت هممهم في ١٩٩/١٨٦
صَيَّرْتَهُ: صيّرته من صالحي بريّتك ١٩٠/٤
صيّرته من بعد جمعٍ عديدٍ وحده ١٥٣/٦ ـ ١٥٢/٦
صَيَّرْتَني: فرضيت بما إليه صيّرتني ٢٥٧/٢٩
فإن صيّرتني صالحاً كنت صالحاً ٢٥٧/٤
والإستكانة فركبت إلى ما إليه صيّرتني ٣٥/٦
يُصَيِّرُهُ: وغيّره ما يصيّره كفتاً ٦٨/١
تُصَيِّرُهُمْ: صلاة... تصيّرهم «تابعين» إلى أمن ١٤/١٠
فَتُصَيِّرَني: فتصيّرني معهم إنّك أنت ٢٥٧/٢٢
لاتُصَيِّرْني: لاتصيّرني للفتن غرضاً ١٨٣/٦
صَيِّرْهُما: وصيّرهما لي وصلة إلى ١٩١/١
صَيِّرْني: وصيّرني بهما «والديّ» رفيقاً ٦٣/٦
صَيِّرْنا: صيّرنا بذلك في درجات الصّالحين ٥٠/١٥
صيّرنا إلى محبوبك من التّوبة ٣٠/١
مَصيراً: هي أحمد عاقبة وأكرم مصيراً ٩٢/٤
الْمَصيرُ: لاإله إلاّ أنت إليك المصيرُ ٩٧/٦
أللّهمّ ... والمصيرُ على كلّ حالٍ إليك ٣١/٣
عملاً نستبطئ معه المصيرَ إليك ١٠٣/٣
الفزع الأكبر من ... سوء المصير ٢٥٦/٥
مَصيري: وأن يكون مصيري إلى محلّ رضاك ٢ ـ ١١٨
ولاأدرى إلى ما يكون مصيري ١١٦/٧٨
لاأدرى إلى ما يكون إليه مصيري ١٩٧/٤٤
ولست أدرى إلى ما يكون مصيرى ١٩٩/١٤٥
مَصائِرُ: سدىً ما لنا بعد الفناء مصائرُ ٢١٤/٣٢
صائِرٌ: وأنت صائرٌ إليها لامحالة ٢١٤/١٤٣ ـ ٢١٤/٦٥
وعمّا قليل للّذى صار صائر ٢١٤/١٢٤
وأنت إلى دار الإقامة صائرُ ٢١٤/١٠٣
وعمّا قليل كالّذى صار صائرُ ٢١٤/٤٨
وأنت إلى دار المنيّة صائرُ ٢١٨/٥ ـ ٢١٤/٢٧
وكلّ ذائق الموت وكلّ صائرٌ إليك ١٦٦/٦
فأسألك وفكره قليل لما هو صائرٌ إليه ١٦٦/٩
صائِرُونَ: كلهم صائرون إلى حكمك ١٤٦/٨
صائِرَةٌ: فكلّ خليقته... صائرةٌ إلى طاعتنا بعزّته ١/٢٠

حرف الضاد

ض.ئ.ل

تَضاءَلَ: تضاءل في جنب إكرامك إيّاى ١٨٧/٤
تَضاءَلْتُ: لقد خضعت واستسلمت وتضاءلت ٢١٨/٣ـ٢١٤/٢٤
لقد خضعت واستسلمت وتضاءلت ٢١٤/٩٩

ض.ب.أ

أَضْبَأَ: أضبأ إلىّ إضبآءَ السَّبع لطريدته ١٥٣/٧ ـ ١٥٢/٧
إضْبآءَ: أضبا إلىّ إضبآءَ السّبع لطريدته ١٥٢/٧ ـ ١٥٣/٧

ض.ج.ج

ضَجَّةُ: ودامت في الخلوات ضجّة حنينها ١٩٧/٤٧

ض.ج.ر

الضَّجَرِ: أعذنا من الفشل ... والضّجر ٢٠٠/١٦

ض.ج.ع

أُضْجِعَتْ: قد أضجعت في قعر حفرتها ١٩٩/١٣٧
إضْطَجَعَتْ: قد إضطجعت في حفرتها ١٩٧/٣٢
ضَجْعَتي: إن فقدت عنايتك في ضجعتي ١١٦/٩٨
لِضَجْعَتي: ولم أفرشه بالعمل الصالح لضجعتي ١١٦/٧٧
الْمُضَجَّعُ: المضيّع الآثم المقصّر المضجّع ١٦٣/١٤
الْمَضاجِعِ: والاحياء في المضاجع كالأموات ٢٠٢/١
مَضاجِعَهُمْ: تبرّد به مضاجعهم ١٤٣/٣٧
نوّر عليهم في مضاجعِهم ١٤٣/٣٩
العاصين أن أكلأهم في مضاجعهم ٢٠١/٢٤

ض.ح.ك

ضَحِكَ: ضمرةبن سمرة ضحك وأضحك ٧٣/١
ضَحِكَتْ: ضحكت لها عيون مسآئلى ١٩٩/١٠٣
أَضْحَكَ: ضمرةبن سمرة ضحك وأضحك ٧٣/١
ضاحِكَةٌ: وجوه يومئذٍ مسفرة ضاحكةٌ (قرآن) ١١٦/٨١

ض.ح.و

أَضْحى: آه وانفساه إذا أضحى التّراب ١٩٨/٤٥
فَأَضْحى: فأضحى مأموماً قد هشمت ١٠/٢٢
أَضْحَوْا: وأضحوا رميماً في التّراب وأقفرت ٢١٤/١٣ـ٢١٤/١٤

فَأَضْحَوْا: فأضحوا في فجوات ٢١٩/٢٤

ض.د.د

لاٰيُضادُّ: أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... قاهرٌ لايضادّ ١٣٠/٣
لاٰتُضادُّ: ولاتضادُّ في حكمك ٢٥٣/٢ ـ ١١٦/٣٣
ضِدَّ: وواحد لاضدّ له ٧/٣
وماجد لاضدّ له ٢/٣
وأقرب إلى ضدِّ العافية ٩٢/٢
زوّدنا من التّقوىٰ ضدَّ غوايته ٥٠/٤
أنت الّذي لاضدّ معك فيعاندك ١٤٧/١٩
فإنّي لاأجعل لك ضدّاً ٥٥/٣٤
لاضدّ له ولاندّ له ١٤٩/١٩
نجّني من ... ضدٍّ أو حاسد حسد ١٦١/٢
الْأَضْدادِ: غلبة الأضداد والأوباش ١٩٩/٢٦
ونفى الأضدادِ والأنداد والأشباه عنك ١٤٧/٧٨
فتعاليت عن الأشباه والأضداد ٧٤/٥
أَضْدادي: وخذ عنّي بأسماع أضدادي ١١٦/١١٤

ض.ر.ب

ضَرَبَ: وضرب بجرانه ٧٠/٧
ثمّ ضرب له في الحياة أجلاً موقوتاً ١/٧
ضَرَبَتْ: ضربت عليّ لطآئف برّك ١٨٧/٥
ضَرَبْتَ: وضربت الأمثال وأطلت الإمهال ١٤٦/١١
لاٰتَضْرِبْ: ولاتضرب به «عملي» وجهي ١٤١/١٩
نَضْرِبَ: ونضرب صفحات خدودهم ١٠/٢٨
إِضْرِبْ: واضرب بيني وبين من يرميني ١١٤/١٧
إضرب بيني وبين أعدآئي ستراً من سترك ١١٤/١٦
ضَرْبِ: آه واحزناه من تجرّع الصّديد وضربِ ١٩٨/٢٧
وضربُ وجوه المنكرين بحجّته «محمّد» ١٠/٢٩
لِضَرْبِ: سيّدي ألضرب المقامع خلقت أعضائي ١١٢/٣
إِضْطِرابِ: وثبّت به عند إضطراب جسر جهنّم ١٠٩/٢٠
أللّهمّ فارحم ... إضطرابَ أركاني من هيبتك ٨١/٤
فارحم ... إضطرابَ أركاني من هيبتك ٨٠/١٩
الضَّرآئِبَ: وجنّبنا به الضّرائب ١٠٩/١٥

ض.ر.ح

ضَريح: أو مغيّب ضريحٍ تجافت عنه ٢١٩/١٩
الضَّريحِ: بوّئت في الضّريح مرتهناً بعملي ١٩٩/٧٤
قصير السّمك ضيّق الضّريح ١٩٩/٤١

ض.ر.ر

ضَرَّني: فما نفعهم قربهم ولاضرّني بعدى ٢٤٨/٧
يَضُرُّني: أو من يضرّني هوانه إن أكرمتني ١٦٤/١٠
لايَضُرُّ: بسم الله الّذى لايضرّ مع اسمه شيءٌ ٢٢/٣٣
لايَضُرُّكَ: واغفرلنا ما لايضرّك ٢١١/١
فافعل بي ما لايضرّك ٢٠١/١٨
وإن غفرت لي لايضرّك ٢٠١/١٨
فاغفرلي ما لايضرّك ٢٠١/١٧
واغفرلي ما لايضرّك ٢٠٣/٨
لَمْ يَضُرُّزْهُ: لم يضرره خذلان الخاذلين ١٥/١٤
أللّهمّ إنّك من واليت لم يضرره ٨/٢٤
لَمْ يَضُرَّني: حاجتي الّتي أعطيتنيها لم يضرّني ١٤٩/٥٠
لاٰتَضُرُّكَ: ولانضرّك معصيتنا ٢١١/١
إلهي، ذنوبي لاتضرّك ٢٠١/١٧
إلهي ... المعاصي لاتضرّك ٢٠٣/٨
ولاتضرّك الموهبةُ ياأرحم الرّاحمين ٢٣٨/٧
لَمْ تَضُرَّكَ: عملت سوءاً ولم تضرّك ذنوبي ١٤٨/١٣
أُضْطُرِرْتُ: بغيرك إذا إضطررت ٥٥/٢٠
تَضْطَرُّني: أو تضطرّني إلى قوّتي ٨٨/١٥
ضَرّاً: وأملك لنفسي نفعاً ولاضرّاً ١٢٦/١
لاأملك لنفسي نفعاً ولاضرّاً إلاّ بك ٥٧/٥
ضَرِّهِ: وتؤمنني من جميع ضرّه «من أرداني بسوءٍ» ٦١/٩
ضُرِّهِمْ: بسم الله ... من شرّ ... ضرّهم ٢٢/٢٦
ضُرٌّ: وإذا مسّ الإنسان ضرّ (قرآن) ٣٥/١١ ـ ٢٥٧/٣٤
كأن لم يدعنا إلى ضرٍّ مسّه (قرآن) ٣٥/١٠ ـ ٢٥٧/٣٥
ياكاشف ضرِّ أيّوب ١١٤/١٧
أو شرّ تصرفه أو ضرّ تكشفه ١٣٢/٥
بين يديك ضرّ حاجتي ١٩٩/٨٩
الضُّرِّ: ياكاشف الضّرّ والبلوىٰ مع السّقم ٢١٥/٢
ياكاشف الضّرّ ١٩٧/٣٤ ـ ١٨٢/١٢
فإنّك خير من أنتجع لكشف الضّرّ ٢٤٧/٨
بما دعاك به أيّوب إذ مسّه الضّرُّ ٢٥٢/٧ ـ ٢٥١/١٢
إنّي مسني الضّرُّ وأنت أرحم الرّاحمين (قرآن) ٢٥١/١٢
وإذامسّ الإنسان الضرُّ دعانا لجنبه (قرآن) ٣٥.٣٥/١٠ ـ ٢٥٧/٣٥
إذا مسّكم الضرّ فإليه تجأرون (قرآن) ٢٥٧/٣٣
ونزل الضّرّ بمنزلة الصّحة ٢٥٧/٢٧
وإن كان الضرُّ قد مسّني ٣٥/٦ ـ ٢٥٧/٢٩
مسّني الضّرُّ وأنت أرحم الرّاحمين ١١٤/١٤
ويادافع الضّرّ والبلوى ١٩٩/٦٥
وياكاشف الضرّ عن المكروبين ٢٤٣/٧

والأمن والرّضا والسّخط والضّرّ والنّفع ٥٩/١٢
ونزل الضّرُّ منزل الصّحّة بأنواع الأذىٰ ٣٥/٤
شكوت إليك الضّرَّ فاسمع شكايتي ٢١٦/١
أنجح مأمول لكشف الضّرّ ٢٣٩/٤
ضُرِّهِ: لكشف ضرّهِ إلاّ إيّاك ١٩٩/٧٨
من يستنكف عن مسألتك لكشف ضرّهِ ١٩٩/١٢٧
ضُرَّهُ: فلمّا كشفنا عنه ضرَّهُ مرّ (قرآن) ٣٥/١٠ ـ ٢٥٧/٣٥
برجوك لكشف ضرّهِ وكربه ٢٤٣/١
ضُرّي: إلهي ... ضرّي لايكشفه غير رأفتك ١٩٢/٢
لِضُرِّهِ: ولم يجد لضرّه كاشفاً غيرك ١٣٢/٩
أسألك سؤال من لايجد ... لضرّه كاشفاً ١٧٠/٥
الضَّرَرِ: أعذنا من الفشل ... والضّرر ٢٠٠/١٦
مَضَرَّةٍ: وأعوذبك من ضرّاء أو مضرّةٍ ١٣٩/١٤
مَضَرَّتَها: عنّا أذاها ومضرّتها ٩٧/٢
الْإِضْطِرارِ: عند الإضطرار دعوتي ١٦٣/٤
ضارّة: أو نقمة ضارّة ٩٧/١
الضَّريرِ: إليك تضرّع الضّعيف الضّرير ١٣٢/٧
عبدك المسكين المستكين الضعيف الضريرُ ٥٧/٦
أسألك مسألة المسكين الضّريرِ ٢٠٦/١٥
مُضْطَرٍّ: ومضطرٍّ لإنتظار فضلك المألوف ١٩٩/٩١
ردّ سائل ملهوف مضطرٍّ إلى رحمتك ٢٣٩/٨
مشفقاً خائفاً وجلاً فقيراً مضطرّاً إليك ١٦٣/١١
واستعنت بك مضطرّاً فأعنتني ١٤٨/١٨
الْمُضْطَرِّ: وغياث المضطرّ المستكين ١١٣/٣
وأنا المضطرُّ الّذى أوجبت إجابته ١٧٢/٨
يامن يجيب دعا المضطرّ في الظّلم ٢١٥/٢
يامجيب المضطرّ ١٨٢/١٢
هذا مكان المضطرّ إلى رحمتك ١٤٩/٥٢
لِلْمُضْطَرِّ: فمن للمضطرّ الّذى لم يرضه ١٩٩/١١١
الْمُضْطَرّينَ: ولك أسئل يامجيب المضطرّين ١١٤/٢
محمّد وآل محمّد ... غياث المضطرّين ٢٠/٣
عرّفنى ما وعدت من إجابة المضطرّين ٤٤/٩
يامجيب المضطرّين ١٤٣/١٦ ـ ١٩٥/١ ـ ٨٣/٦
يامجيب دعوة المضطرّين ١٩٢/٥ ـ ١١٧/٢٥ ـ ١٨١/٢
واستجب لنا دعاءنا يامجيب دعوة المضطرّين ١٣٩/٤
دعاء المخلصين المضطرّين لك في الدّعاء ٥٩/١٥
يامن إلى ذكر إحسانه يفزع المضطرّون ٤٩/١
سبحانك نحن المضطرّون ٣٢/٣
ضَرّاءَ: في سرّاء كنت أو ضرّاء أو شدّة أو رخاء ١٢٦/٣
وأعوذبك من ضرّاءَ أو مضرّة ١٣٩/١٤
وإن أبطات عنّى في سراء كنت أو ضرّاء ٥٧/٧
أنت ... المفزع في كلّ كربة وضرّآء ١٩٩/٧٨
الضَّرّاءِ: الحمدلله على السّراء والضرّاء ١٤٣/١٠
وامنن علينا بمتابعته في البأسآء والضرّاء ١١٩/٣٠
وعليه في السّراء والضرّاء عوّلت ٩٩/٢
وإكفنى بأمانك من عوآئق الضّراء ١٩٩/٣١
وأبن به «وليّك» الضّرّاء من سبيلك ١٤٧/٦٥
فألهمنا ذكرك في ... السّرّاء والضّرّاء ١٩٤/٢
ضَرّآئِهِ: بك استترتُ به ضرّآئه «ظالمى» ١٥٥/٤
ضَرُورَةٍ: الحمدلله ... دافع كلّ ضرورةٍ ١٤٣/٨
الضَّرُورَةُ: وردّتني الضّرورةُ إليك حين ٢٠٤/٢
أللّهمّ اجعلنى أصول بك عند الضّرورةِ ٥٥/١٩

ض.ر.ع

فَيُضْرِعُ: فيضرع لك خدّه ٢٠٤/٦
تَضَرَّعَ: إفعل بي فعل عزيز تضرّع إليه ٨١/٥ ـ ٨٠/٢٠
ومن نار لاتبقي على من تضرّع إليها ٨٨/٢٠
تَضَرَّعَتْ: تضرّعت في دعآئها إليك ١٩٩/١٥٣
تَضَرَّعْتُ: وتضرّعت تضرّع من لايستوجب الرّحمة ٣٥/٥ ـ ٢٥٧/٢٩
تضرّعت إليك سيّدى ٢٤٩/١٨
يَتَضَرَّعُ: إلهى وسيّدى ... يتضرّع إليك ١٣٥/١٦
إلى من يتضرّع العبد إلاّ إلى خالقه ١٧٠/٢
يَتَضَرَّعُونَ: وما يتضرّعون (قرآن) ٢٤٩/١١
أَتَضَرَّعُ: وأتضرّع إليك عند المسكنة ٥٥/١٨
وأتضرّع إليك تضرّع من أقرّ ١٩٩/١٣٤
أتضرّع إليك ياربّ تضرّع المذنب الحقير ٢٠٦/١٥
فمن ذاالّذى أتضرّع إليه فيرحمني ١٧٩/٤
وأتضرّع إليك تضرّع الضّعيف الضّرير ١٣٢/٧
أتضرّع إليك تضرّع غريق يرجوك ٢٤٣/١
وأتضرّع ضراعة من أقرّ على نفسه ١٩٧/٣٠
وأتضرّع إليك كتضرّعه ١٦٤/٥
وأتضرّع إليك في صرف كيده عنّي ٨٨/١٧
لَمْ أَتَضَرَّعْ: إلهى إذا لم أتضرّع إليك فترحمني ١٧٩/٤
تَضَرَّعُوا: فدعوه وتضرّعوا إليه ٢٣٣/٥
فَتَضَرَّعُوا: فدعوه فتضرّعو إليه فكشف ١٦٥/٦
الضَّرْع: وتدرّ به الضرع وتزيدنا به قوّة إلى قوّتنا ٥٣/٤
ضَرَعٍ: فهم أهل ضرعٍ وضياعٍ ٧٠/٦
ضَراعَةَ: وأتضرّع ضراعة من أقرّ على نفسه ١٩٧/٣٠
ضَراعَتي: بالإفحام لسان ضراعتى ١٩٩/١٠٦
تَضَرُّعَ: ولانضرّعى تضرّع من ١٩٩/١٢٧

أنضرّع إليك ياربّ تضرّعَ المذنب الحقير ٢٠٦/١٥
ومع ذلك خيفةً وتضرّعاً وتعوّذاً وتلوّذاً ١٤٧/٨٠
وأنضرع إليك تضرّعَ الضّعيف الضّرير ١٣٢/٧
وتضرّعت تضرّع من لايستوجب الرّحمة ٢٥٧/٢٩ ـ ٣٥/٥
أنضرّع إليك تضرّع غريق يرجوك ٢٤٣/١
أدعوك ياربّ تضرّعاً وخفيةً ٢٥/٣
تضرّع من أقرّ على نفسه بالحجّة في دعواه ١٩٩/١٣٤
التَّضَرُّعُ: لاينجي منك إلاّ التّضرّع إليك ٢٠٦/١٥ـ٢٠٥/١٤
وفي ليله على الصّلوة والتّضرع إليك ١١٥/٢٢
ولايخلّص منك إلاّ رحمتك والتّضرُّعُ إليك ٥٢/١
فبحول ذلك بيني وبين التّضرع إليك ٢٥٧/٢٦
والتّضرّع إليك في الشّدّة والرّخاء ٣٦/٨
أرزقني ... التّوبة ... والتّضرّعَ ١١٧/٩
فحال ذلك بيني وبين التّضرّع إليك ٣٥/٤
تَضَرُّعي: ولاتضرّعي تضرّع من يستنكف ١٩٩/١٢٧
سيّدي إرحم تضرّعي إليك ١٤٨/٢٦
وإسمع تضرّعي واقبل دعائي ١٩٩/١٣٤
فارحم طول تضرّعي ٤٩/١٩
إليك تضرّعي وإبتهالي ١٩٢/٦
أللّهمّ ... وإرحم تضرّعي وشكواي ١٣٣/٩
لصغر خطري في ملكك مع تضرّعي ٢٥٧/٢٠
واستجب دعائي وارحم تضرّعي وشكواي ١٣٨/١٨
وارحم صراخي واعترافي بذنبي وتضرّعي ١٤٩/٤٨
وترحم تضرّعي وشكواي ١٤٩/٤٠
تَضَرَّعْنا: فارحم تضرّعنا إليك ٣٢/٤
واقبل تضرّعنا ياخير من سئل ٢٣٤/٥
فارحم تضرّعنا وكبونا لوجهك ٢٠٠/١١
كَتَضَرُّعِهِ: وأتضرّع إليك كتضرّعه ١٦٤/٥
لِتَضَرُّعي: ولتضرّعي راحماً ٣٩/١٠
بِالتَّضَرُّعِ: ولابالتّضرّع إلى من دونك إذا رهبت ٥٥/٢٠
ضارِعٍ: سيّدي أسألك مسألة مسكين ضارعٍ ١٩٩/١٦٥
مُتَضَرِّعاً: متضرّعاً إليك بائساً فقيراً تائباً ١٤٨/٢٧
فإنّي ياربّ ضعيف متضرّعٌ إليك ياربّ ٥٢/٣
فمثل بين يديك متضرّعاً ٨٠/٥
قعدت بين يديك مستكيناً متضرّعاً إليك ٢٤٩/١٢
متضرّعٌ إليك ١٤٩/٣٨
ولكلّ متضرّعٍ إليك إجابةً ١٤٩/٥٧
متضرّعاً لمشيّته «الله» متواضعاً ١٩٩/٥٧
الضَّريعِ: وصفته «العذاب» ... الضّريع ٢٥٧/١٦

ض.ع.ض.ع

لايَتَضَعْضَعُ: ولايتضعضع ركنه ١٤٩/١٨

ض.ع.ف

ضَعُفَ: سيّدي ضعف جسمي ١٩٩/٨١
فآلاؤك جمّة ضعف لساني عن إحصائها ١٨٧/٥
وقلّ شكرى لك وضعف عملي ٢٠٥/١٧
وإن ضعف عن ذلك بدني ٥٩/٧
وضعف عمله وقلّ كدحه وسعيه ١٤١/١٧
فَضَعُفَ: فضعف شكري لقلّة جهدي ٧٧/٥
ضَعُفْتُ: فقدضعفت قوّتي وقلّت حيلتي ١٧٣/٣ـ١٧٢/١
أسألك في أمر قد ضعفت عنه حيلتي ١٦١/٨
وضعفت قوّته وكثرت ذنوبه ١٧١/٣
وكم قلّدتني من منّة ضعفت قواى ١٩٩/٦٩
أدعوك دعاء من ضعفت وسيلته ٢٤٢/٣
وزواجر أمثاله الّتى ضعفت الجبال ١٠٩/١٢
فقد ضعفت قوّتى ٤٢/٢٤
أدعوك دعاء من ... ضعفت قوّته ١٧٥/٢
وضعفت عند ذلك قوّته ١٦٤/٣
ضَعُفْتُ: وضعفت عن غضبك فلا مؤيّدلى ٥٧/١
لاتَضْعُفُ: إنّى أسألك بأنّك... قويٌّ لاتضعف ١٣٠/٤
أَضْعَفْتَني: ومن يقوّينى وأنت أضعفتني ٥٧/١
ضاعَفْتَ: وضاعفت فيه من الإيمان ١٤٢/٢٤
يُضاعِفُ: ويضاعف من الحسنات ١٢٣/١٢
والله يضاعف لمن يشاء (قرآن) ١٤٢/١١
فَيُضاعِفُ: فيضاعف الله لهم تحيّاتها ١٩٩/٦١
فَيُضاعِفَهُ: فيضاعفه له أضعافاً كثيرةً (قرآن) ١٤٢/١٢
تُضاعِفَ: أو تضاعف به من سيّئاتى يوم ٥٩/٨
وتنشئ من ذلك صلوات تضاعفُ معها ١٤٧/٥٦
يَتَضاعَفُ: حمداً يتضاعف على كرور الأزمنة ١٤٧/٣٥
ضُعْفِ: على قدر صغر خلقي وضعف ركني ١٦٤/١٣
ضَعْفَ: أشكو إليك ياإلهى ضعفَ نفسى ١٦٣/١١
وضعفِ اليقين ٨٨/١٧
فقعد به ضعفٌ ٦٧/٢٢
أشكو إليك ... ضعفَ قوّتي ١٥٣/١٧
ولاضعفَ على من قوّيت ٢٠٠/١٢
أعوذبك من ... ضعفِ الصّبر ٢٦/١
ضعفِ حججه في جميع تبعاته ١٠١/١٠
فهب لي ضعفَ عملى لقوّة أملي ٨٧/٥
الضَّعْفَ: والضّعفَ عن معصيتك ١٦٤/٩

ألّلهمّ وإنّك من الضعفِ خلقتنا ٣٠/٤
ضَعْفِهِ: متقوّياً على ضعفه «محمّد» بنصرك ٩/٣
ضَعْفي: وارحم ضعفي وقلّة حيلتي ١٧٢/٦ ـ ١٧٣/٧
فقد عرفت ضعفي وقلّة حيلتي ٢٥٧/٣٠
ضعفي عن شكر نعمتك وركوبي معصيتك ١٤٨/١١
فنظرت ياإلهي إلى ضعفي عن احتمال ١٥٣/٥ ـ ١٥٢/٥
وياقويّ إرحم ضعفي ١٧٠/١
إرحم ... إقتراب أجلي وضعفي ومسكنتي ١٦٧/٣
وإن كنت أردت أن تبلوني فقد عرفت ضعفي ٣٥/٧
فقد ترىٰ ضعفي وقلّة حيلتي فصبّرني ٥٢/٣
وضعفي وقلّة حيلتي ٢٠١/٢٩
ضَعْفَنا: أن تصل ... ضعفنا بقوّتك ٢٠٠/١٢
بِضَعْفِ: وأعترف لك بضعف قوّتي ١٢٦/١
وأعترف بضعف قوّتي وقلّة حيلتي ٥٧/٥
لِضَعْفِ: وأبغضت لقآئك لضعف نفسي ٢٥٧/١٠
لِضَعْفِهِ: لايجد لفاقته مغيثاً ولالضعفه مقوّياً ١٧١/٣
أسألك سؤال من لايجد ... لضعفه مقوّياً ١٧٠/٥
ولالضعفه مقوّياً ١٤١/١٨
لِضَعْفي: وارحمني لضعفي ١١٦/٨٨
أَضْعافَ: فيضاعفه له أضعافاً كثيرة (قرآن) ١٤٢/١٢
وأضعافَ ذلك كلّه بالأضعاف ١١٥/٢٧
ويتزايد أضعافاً مترادفة ١٤٧/٣٥
أضعافاً مضاعفة أبداً سرمداً ١/٢٧
أَضْعافَهُ: وأعطنا أضعافه من فضلك ١٤٢/٥٧
بِأَضْعافِها: يامبدّل السّيّئات بأضعافها من الحسنات ٩/٥ـ٦٣/٨
بِالْأَضْعافِ: ذلك منّي بالأضعاف الكثيرة ١١٧/٨
وأضعاف ذلك كلّه بالأضعاف الّتي ١١٥/٢٧
تَضاعيفَ: زيادةً في تضاعيف لايعدّها غيرك ١٤٧/٥٦
في القرآن من تضاعيف الحسنات ١٤٢/١٣
مُضاعَفَةً: أضعافاً مضاعفةً أبداً سرمداً ١/٢٧
وحسناتي مضاعفةً زاكية ١٦٤/٢٣
ضَعيفٍ: شرّ كلّ ضعيفٍ من خلقك أو شديد ٢٤٩/٢٥
وإن كنت ضعيفَ العمل ٨٧/٥
ونظرت إلى عملي فرأيته ضعيفاً ٢٠١/٤٦
نظرت إلى عملي فوجدته ضعيفاً ٢٠٣/١٢
فنظرت في عملي فرأيته ضعيفاً ياموالاى ٢٥٧/١٤
إلاّ أنّي أجد كيده ضعيفاً ٢٠١/٥٠
أراك ضعيفَ اليقين ٢١٤/١٤٧
إنّي لأراك ضعيفَ اليقين ٢١٤/٦٩
وأعذني ... ومن شرّ كلّ ضعيفٍ وشديدٍ ٦١/٦
فإنّي ياربّ ضعيفٌ متضرعٌ إليك ياربّ ٥٢/٣
ولاتبتلني بمحنك فإنّي ضعيفٌ ١٩٩/٢٨
الضَعيفِ: ألّلهمّ ياكافي الفرد الضعيفِ ٥٧/١
مولاى مولاى أنت القويّ وأنا الضّعيفُ ١٦٨/٨
وهل يرحم الضّعيفَ إلاّ القويّ ١٦٨/٨
فإنّي عبدك المسكين المستكين الضعيفُ الضّرير ٥٧/٦
ألّلهمّ عبدك الضّعيفُ الفقير ١٩٩/٣٨
ياراحم العبد الضّعيفِ ١١٨/١
الضّعيفُ الفقير المهين ١٢٦/٢
وأتضرّع إليك تضرّع الضّعيفِ الضّرير ١٣٢/٧
وأنا الضّعيفُ الّذى قوّيته ١١٦/٦٢
ومعاونة الضعيفِ وإدراك اللهيف ٢١/١٣
ويحتاج إلى الظّلم الضّعيفُ ٥٢/٢
وأنا العبد الضّعيفُ عملاً ٨٨/٤
فويلٌ لهذا الجسم الضّعيفِ ٢٠٦/٣
فويلٌ لهذا الجسد الضّعيفِ ٢٠٥/٣
ضَعيفَهُمْ: إلهى ... وقوّلى ضعيفهم ٦٤/١
والأخذ بمحاسن أدبك في إرفاق ضعيفِهِم ٦٥/٢ ـ ٦٦/١
الْمُسْتَضْعَفُ: أنا المستضعف الّذى نصرته ١١٦/٦٣
الْمُسْتَضْعَفينَ: أمنن علىّ بمامننت به على المستضعفين ١١٤/٧
وياربّ المستضعفين ١١٧/٢٥
إيّاك أدعو ... ياغاية المستضعفين ١٤٩/١٥
وياناصر المستضعفين ١٩٥/١
وإلى من تكلني ياربّ إلى المستضعفين؟ ٢٥١/٢٥
إلى من تكلني ياربّ إلى المستضعفين لى ٢٥٢/١٧
أَضْعَفُ: أضعف عند طاعتك تيقّظاً ٤٩/١٥

ض.غ.ث

أَضْغاثِ: أعوذبك من أضغاث الأحلام ٢٢/٣٥

ض.ف.و

أَضْفِ: أضف علىّ سرادقات حفظك ١٣٩/١٦

ض.ل.ل

ضَلَّ: ولاتجعلني ممّن ضلّ عن الرّشد ٢٠٢/٦
وضلّ من يدعوا العباد لكشف ضرّه ١٩٩/٧٨
ما ضلّ عن طريقك ضالّ ٩٨/٥
وضلّ عمري ١٩٩/٨٢
ما ضلّ عن طريقك ضالّ ٨/١٠
وجاهلٍ ضلّ عن الرّشد ٢٠٢/٣

سيّدي لو لاتوفيقك ضلّ الحآئرون ١٩٩/١٦٤
ضَلُّوا: قد ضلّوا ضلالاً بعيداً ١٤٣/١٢
كذب العادلون بالله وضلّوا ضلالاً بعيداً ١١٦/٤٩
ضَلَّتْ: إقراري بربوبيّتك الّتي ضلّت فها الآراء ٢٤٩/١٥
مسألة من ... ضلّت عنه حيلته ١٣٢/٨
ضلّت فيك الصّفات ٨٨/٣
ضَلَلْتُ: لو لاتبصيرك ضللت عن السّبيل ١٩٩/٧١
سيّدي كم من نعمة ظللتُ ١٩٩/٦٨
لَظَلَلْتُ: إلى الإسلام لضللت ١٩٩/٩٤
لايَضِلُّ: لايضلّ من هديت ١٤٩/٢٨
وعلم نجاة لايضلّ من أمّ ١٠٩/٤
لِئَلاَّ يَضِلُّوا: دليلاً من وحيك لئلاّ يضلّوا عنه ١٤٢/٦
أَضَلَّ: ونمّ حكمه فيمن أضلّ منهم وهداه ١٩٩/٥٥
أَضَلَّهُ: إرحم الغافل عمّا أضلّه ١٩٩/٤٥
وأضلّه الله على علم (قرآن) ٢٢/١٣
يُضِلُّني: إلهي أشكو إليك عدوّاً يضلّني ١٨٣/٣
وحل بيني وبين عدوّ يضلّني ١٤٧/٨٩
يُضِلُّنا: وإلاّ تَصْرف عنا كيده يُضلّنا ٦٤/٨
لاتُضِلُّ: وإنّك لانضلّ من هديت ١٩٩/١٦٣
لأُضِلَّنَّ: ولأضلّنّ وقد أمكنتك هدايتي ٥٥/٢٣
ضَلَّلْ: أللّهمّ ضلّل أعمالهم «الظّلمة» ١١٩/١٠
ضَلِّلْهُمْ: وضلّلهم «عدوّ أهل الثغور» عن وجههم ٦٧/٦
ضَلالاً: كذب العادلون بالله وضلّوا ضلالاً بعيداً ١١٦/٤٩
قد ضلّوا ضلالاً بعيداً ١٤٣/١٢
الضَّلالِ: وقطعت قرآئن الضّلال بنور ١٠/٥
وقبل الضّلالِ بالرّشاد ٥٥/٣٠
لما نجم من قرن الضّلال قاصفاً ١٠/٨
ضَلالَةٍ: أرزقنا ... عزّاً بك في غير ضلالة ٢٠٠/٢٠
الضَّلالَةِ: مننت عليّ بمن هديتني به من الضّلالة ١٤٤/٤
لأستقفيّ نهج الضّلالة عنك ٢٤٩/٥
بعثه والنّاس في غمرة الضّلالة ساهون ١٩٩/٥٨
فيامن ... عصمني عن الضّلالة بتسديده ١٩٩/٧٢
أسألك أللّهمّ الهدى من الضّلالة ١٦٤/٧
واقصم رؤوس الضّلالة ١١٩/٢٦
وجعلته نوراً تهتدى من ظلم الضّلالة ١٠٩/٣
ضَلالَتِهِ: أمتعنا من الهدى بمثل ضلالته ٥٠/٤
بِالضَّلالَةِ: والهدى بالضّلالة والكفر بالإيمان ١٦٤/٢٤
الضَّلالاتِ: يتنسّكون في الضلالات ٢١٩/٤٠
ضَلَّةً: ... وضلّة من عقله ٧٤/١
إِضْلالُ: لم يغوه إضلال المضلّين ١٥/١٤ - ٨/٢٤
إِضْلالِنا: أن يطمع نفسه في إضلالنا عن طاعتك ٥٠/١
لِلإِضْلالي: يوم الدّين لإضلالي فأمهلته ٨٨/٦
تَضْليلِ: إجعل كيده «من يؤذيني» في تضليلٍ ١٦٠/٢
ضالٌّ: ما ضلّ عن طريقك ضالٌّ ٨/١٠ - ٩٨/٥
وضالٍّ إسترشدك فأرشدته ٢٠٢/٢
الضّالّ: وأنا الضّالّ الّذى هديته ١١٦/٦١
وإرشاد الضّالّ ومعاونة الضعيف ٢١/١٣
ضالّين: أمتنا مهتدين غير ضالّين ١٠٣/٥
الضّالّين: لانحوجني إلى الأشرار الضّالّين ٢٤٥/٧
ولايقنط من رحمتك إلاّ القوم الضّالون ٢٥٢/٤١
فإنّه لايقنط من رحمتك إلاّ الضّالّون ٧٧/٦
مُضِلَّةٍ: وأعوذبك من ... فتنةٍ مضلّةٍ ١٣٩/١٤
الْمُضِلّينَ: لم يغوه إضلال المضلّين ١٥/١٤ - ٨/٢٤
مُضِلاّتِ: ومن مضلاّت الفتن فأجرني ٢٥٢/١٤-٢٥١/٢٢
ونجّني من مضلاّت الفتن ١٧١/٩
أَضَلُّ: إن هم إلاّ كالأنعام بل هم أضلُّ سبيلاً (قرآن) ١/١١
اولئك كالأنعام بل هم أضلُّ (قرآن) ١٥٩/٧

ض.م.ح

إِضْمَحَلَّ: واضمحلّ عنه كلّ باطل ١٦٢/٤
إِضْمَحَلَّتْ: إضمحلّت غوامض الفكر ٢١٩/٢٦
لايَضْمَحِلُّ: ولايضمحلّ فخره ١٤٩/١٨

ض.م.ر

أَضْمَرَ: أضمر أن يسومني المكروه ١٥٢/٤ - ١٥٣/٤
أَضْمَرْناهُ: أو خاطر شرّ أضمرناه ١٤٢/٥٩
لايُضْمِرُ: لايضمر أن يعود في خطيئةٍ ٨٠/١١
ضَمْرَةُ: أللّهمّ إن كان ضمرةبن سمرة ٧٣/١
ضامِرٍ: على كلّ ضامر يأتين (قرآن) ١٤٤/٢٣
ضَميرَ: يامن يعلم ضمير الصّامتين ٢٣٣/٤
ضميرٌ إنعقد على مودّتك ١٨٤/٧
ويعلم ما في ضميرِ الصّامتين ١٦٥/٤
ويعلم ضميرَ الصّامتين ١١١/١
يامن ... يعلم ضميرَ الصّامتين ١٧٦/١
ضَمآئِرُ: وما تنعقد ضمآئرُ محبّيك ١٩٧/٤١
ضَمآئِرِهِمْ: عن عقائدهم وضمآئرهم ١٩٣/٣
ونشاهدهم في ضمآئرهم ٢٥١/٥٧
ملأت لهم ضمآئرَهُم من حبّك ١٨٩/٤
ضَمآئِرِنا: عن صحّة ضمآئرنا ١٠٩/١٣
أزهق الباطل عن ضمائرنا ١٨٨/٢

ض.م.م

ضَمَّتْهُمْ: ضمّتهم تحت التّراب الحفائر ٢١٤/٤-٢١٤/٧٩

ضَمَمْتَهُ: فاجعلنا من... أوجه من ضممته من ١٠/٣٠

تَضُمُّنا: وتضمّنا مشيّتك ٢١/٧

فَاضْمُمْنِي: فاضممني إلى كنف رحمتك تطوّلاً ٨٠/١٧

نُضَامُّ: والحمدلله... حمداً... نضامُّ به ١/١٨

ضَمّ: وإطفاء النائرة وضمّ أهل الفرقة ٥٥/١٥

بِمُضَامَّةٍ: الّذى... لايوصف بمضامّةٍ ولاإفتراق ١٩٩/٥٣

ض.م.ن

ضَمِنَ: يامن ضمن لهم إجابة الدّعاء ٣٤/٨

ضَمِنْتَ: أمرت بالدّعاء وضمنت الإجابة ١١٤/١٠

أعف عن سيّئاتى كما ضمنت ٨٠/١٢

أللّهمّ فكما أمرت بالتّوبة وضمنت القبول ٨١/٩ - ٨٠/٢٥

وضمنت لهم منه خلفاً ٧٧/١

ضمنت الإجابة لعبادك ٢٥١/٦٠

أللّهمّ ... ضمنت الإجابة لدعائك ٧٠/١

وحسماً للإشتغال بما ضمنت الكفاية له ٧٦/٣

ضَمِنْتَهَا: ولانمنعى الإجابة وقد ضمنتها لي ٦٤/١٠

ضَمِّنِ: ضمّن السّماوات والأرض رزقى ٧٧/٣

ضَمَانِكَ: وأنا مهتمّ بعد ضمانك لي ٧٧/٨

والإستراحة إلى ضمانِك عوضاً من منع الباخلين ٢٢١/٤

فإنّه ضمانُك للمجتدين ووفاؤك للرّاغبين إليك ٢٤٩/٤

ولم أتّكل على ضمانِك ١٦٤/٢٠

ضَمَانِي: ضمانى ألاّ أرجع في مذمومك ٨٠/١٢

ضَامِنَ: ياضامن جزاءِ المحسنين ١٠٣/٥

مَضْمُونِ: حضّاً لهم على أداء مضمون شكرك ٢٤٩/١

ما انطوت عليه مضمونُ القلوب ٢٣٤/٦

ض.ن.ك

ضَنْكِ: إنفردت في محلّ ضنكٍ ١٩٩/٤١

وأعوذبك من ضنكِ المعاش ١٩٩/٢٦

ض.ن.ن

ضَنّاً: حتّى كأنّها غيرىٰ محجّبةً ضنّاً ٢١٩/١١

ض.و.ء

أَضَاءَ: أسألك بنور وجهك الّذى أضاء له ١٧٧/٣

وأضاء به القمر وسجّرت به البحار ٢٦٧/٥

أضاء بعظمتك دواجى الغسق ٢٤٥/٣

أَضَأْتَ: وأضأت لي بصري بلطفك ١٤٨/٢٠

يُضِئُ: والحمدلله... حمداً يضئ لنا به ١/١٤

إِسْتَضَاءُوا: الّذين استضاءوا بنوره ١٠٩/١٠

أَسْتَضِيءُ: وأستضيء به من الشّك والشّبهات ٥٩/٩

ضَوْءِ: متّعتنا به من ضوء النّهار ٢١/٥

وللمتخلّفين عن ضوء نهار حقّه نذيراً ١٠/٨

بِضَوْءِ: ويهتدى بضوء صباحه ١٠٩/٨

ضِيَاءِ: أم ترقى إلى نور ضياء قدسك ٢٠٠/٤١

الضِّيَاءِ: وإستخلص بالنّور والضّياء ٢/٢ - ٧/٢

ضِيَاءَهُ: الحمدلله الّذى ... كسانى ضياءه ٢٢٤/١

مُسْتَضِيءٌ: ولاتسلب عقلاً هو مستضيءٌ ٣١/١

ض.و.ر

ضَائِرُ: وإن نلت منها غبّةً لك ضائرٌ ٢١٤/١٠٤ - ٢١٤/٢٨

كأنّك معنيٌّ بما هو ضائرٌ ٢١٤/١٢

وإن نلت منها غبّها لك ضائرٌ ٢١٨/٦

ض.هـ.د

إِضْطَهَدَنِي: وقدرةً على من اضطهدنى ٥٥/١٢

لَايُضْطَهَدُ: عالماً أنّه لايضطهد من آوى ١٥٣/٨

عالماً أنّه لايضطهد من آوىٰ ١٥٢/١٠

الْمُضْطَهَدِينَ: معتمد المضطهدين ١٤٩/١٥

ض.هـ.ى

يُضَاهِي: حمداً يضاهى آلاءك ويكافيها ١٩٩/٧٤

ض.ى.ع

ضَاعَ: أو ضاع قلبي لهما من حقّ ٦٣/٨

وضاعَ الملمّون إلاّ بك ١٤٦/٥

لَايَضِيعَ: قد رجوت أن لايضيعَ ١٩٧/٢٢ - ١٩٩/١٣١

واجعله في ودائعك الّتى لايضيعُ ١١٩/٢١

فإنّه لايضيعُ ضيعته علىٰ ١٣٩/٩

أَضِيعُ: وكيف أضيع وأنت لشدّتى ورخائى ١١٤/١٤

ولم أزل أضيع في اللّيل والنّهار في تقلّبي ١٤٩/٣٢

أَضَاعُوا: إنّهم «الظّلمة» أضاعوا الصّلوات ١١٩/١٣

أَضَعْنَا: وحقّنا أضعنا لاكبير حقّك ٢٠٠/١١

لَايُضِيعُ: يامن لايضيعُ لديه أجر المحسنين ٨٠/١

لَانُضِيعُ: لانضيع أجر المحسنين (قرآن) ٢٢/٢٢

ضَيَّعَهُ: يندم على ما ضيّعه في أمسه ٨٧/٣

ضَيَّعَهَا: حاشى فروضك الّتى من ضيّعها هلك ٨٨/٩

ضَيَّعاهُ: أو ضيّعاه لي من حقّي ٦٣/٩
ضَيَّعْتَ: أم كيف ضيّعت حياتك ٢١٤/١٤٣
من معاصيك وضيّعت من حقوقك ١٤٨/٦
فَيُضَيِّعُونِي: ولاتكلني إلى المخلوقين فيضيّعوني ٧٥/٢
ضَيْعَةَ: إنّي أستودعك... كلّ ضيعةٍ هي لي ١٣٩/٩
فإنّه لاضيعةَ على من حفظت ٢٠٠/١٢
الضَّيْعَةِ: أعوذبك من ... الضّيعة والعائلة ١٥٣/٣٢
ضَيْعَتَهُ: فإنّه لايضيع ضيعته علىّ ١٣٩/٩
الْإِضاعَةِ: ولم ترض منهم «عبادك» بالجهالة والاضاعة ١٩٩/١٦٦
بِالْإِضاعَةِ: وإعترافاً بالإضاعة ١٤٢/٤٩
تَضْييعٌ: تضييعٌ لحقّ الرّجآء ٨٧/١
علمي بسعة رحمتك تضييعٌ لحقّ الرّجاء ٣٧/١
التَّضْييعِ: شهد على نفسه بالإهمال والتّضييع ١٨٧/٢
أعوذبك من ... العجلة والتّضييع والتّقصير ١٥٣/٣١
تَضْييعي: عرفت تضييعي حقّك ١٤٨/١١
بِالتَّضْييعِ: وشهد على نفسه بالتّضييع ١٥٣/١٠-١٥٢/١٤
ضِياعٍ: فهم أهل ضرعٍ وضياعٍ ٧٠/٦
مُضَيِّعاً: مضيّعاً ما أنت مطّلع عليه منّى ١٤٨/٣٠ - ٢٧/٧
الْمُضَيِّعِ: أنت مفزع المضيّع حظّ نفسه فلك ١٥٣/٣
مفزع المضيّع لحظّ نفسه الملتجىء ١٥٢/٣
فأنا ... المضيّعُ الآثم ١٦٣/١٤

ض.ى.ف

ضِيافَتي: فتحسن هنالك ضيافتى ١٩٧/٣٤
فتحسن عند ذلك ضيافتى ١٩٩/١٣٩
بِضِيافَتِهِ: ولاتشفنا بضيافته ١٠٣/٤

ض.ى.ق

ضاقَ: إلهى ضاق صدرى ولست أدرى ٢٠١/٢٨
ففرّج عنّى ما ضاق به صدري ١٤٨/٢١
فقصرت يدى وضاق وسعى عن ردّها إليه ٢٣٨/٦
ضاق علىّ منها «الذّنوب» المخرج ١٩٩/١٧٥
وضاق ذرعاً بمارآه ٢١٤/١٣٣
فأنت إلهى ورجآئى إذا ضاق عنّى الرّجاء ٢٤٥/٢
ضاقَتْ: وأين الفرار إذا ضاقت لديك أمنيّتي ٢٠١/٥
ضاقت به رحاب التّخوم ٢٤٥/١
وضاقت المذاهب وامتنعت المطالب ٢٢٠/١ - ٢٢١/١
ضاقت المذاهب وانقطعت الطرق ١٤٣/١٩
وضاقت علىّ المذاهب وأنت خير الرّازقين ١١٤/١٤
ضِقْتُ: وضقت ذرعاً في شكري لك بجزائها ١٩٧/٣٥
وضقت ذرعاً في شكرى لك بجزآئها ١٩٩/١٤٧
فقد ضقت لما نزل بي ياربّ ذرعاً ٢٤/٦
وضقت ذرعاً بإحصائها «المنّة» ١٩٩/٦٩
يَضيقُ: كيف يضيقُ على المذنبين ١١٦/٣١
لايَضيقُ: كرمك لايضيقُ عن سؤال أحدٍ ٣٩/٨
فإنّ ذلك لايضيقُ عليك في وجدك ١٥٣/١١ - ١٥٢/١٥
إنّ ذلك لايضيقُ عليك في وسعك ٤٩/٢١
وأنت الجود الّذى لايضيقُ عفوك ١١٦/٣٥
فَلا يَضيقَنَّ: فلا يضيقنّ عنّي فضلك ٨٨/٨
لَنْ يَضيقَ: ولن يضيق عليك عفو عن عبدك ٨٨/٤
أَضْيَقَ: ما أضيق الطّرق على من لم تكن دليله ١٨٩/١
ضيقِ: لم أخرج من سعة قصره إلى ضيق قبره ٢١٤/٥٧
تفسح به عليهم ضيقَ ملاحدهم ١٤٣/٣٧
أخرج من سعة قصره إلى ضيقِ قبره ٢١٤/١٣٣
وافسح لنا برحمتك في ضيقِ ملاحدنا ١٠٩/١٩
أللّهمّ فاكفنى كلّ ... ضيقِ المعاش ١٢٣/٢١
ضِيقِهِ: خروجهم من سعة المعاش إلى ضيقه ١٤/٤
لِضيقِ: أبكى لضيق لحدى ١١٦/٧٩
الضَّيْقِ: أعوذبك من الضّيقِ والشّدّة ١٥٣/٣٣
ضَيْقَهُ: وفرّج عنّى ما أخاف ضيقه ١٣٨/١٤
ضَيْقُها: ولاضيقة إلاّ ويزداد ضيقها ٢١٩/١٥
ضَيْقَةٌ: ولاضيقةٌ إلاّ ويزداد ضيقها ٢١٩/١٥
ضائِقٍ: إنّك غير ضائق بما تريد ١٤٦/١٦
مُتَضائِقِ: من صلب متضائق العظام ٨٨/١٤
ضَيِّقِ: قصير السّمك ضيّق الضّريح ١٩٩/٤١
أوقعته معاصيه في ضيّق المسالك ٢٣٧/١
ضَيِّقَةٍ: إلى رحم ضيقةٍ ٨٨/١٤
مَضايِقِ: وإذا رعيت بها على مضايق الأرضين ٥٨/١

ض.ى.م

لايُضامُ: وأعزّني بعزّك الّذى لايضام ٢٣٦/٧
وأمسيت في ... جوارك الّذى لايضامُ ٢٢/١٨
وأعذنا بسلطانك الّذى لايضام ٢٢/١٥

حرف الطاء

ط.أ.ط.أ

طَأْطَأَ: وطأطأ رأسه لعزّتك متذلّلاً ٨٠/٥
تَطَأْطَأَ: قد تطأطأ لك فانحنى ٣٤/٧

ط.ب.ب

طِبُّكَ: سقمى لايشفيه إلاّ طبّك ١٩٢/٣
الْأَطِبّاءِ: أن يذوب على طول مجانبة الأطبّاء ٢١٩/٤٠
دعوت الأطبّاءَ والحكماء ٢١٩/٢٧

ط.ب.ع

طَبَعَ: الّذى طبع الله على قلوبهم (قرآن) ١٥٩/١١ـ٢٢/١٣
تَطْبَعُ: تطبعُ على قلوب انطوت على محبّتك ١٨٤/٤
الطَّبْعِ: أعوذبك من الطّمع والطّبعِ ١٥٣/٢٦
بالرّين والطّبع متلبّساً ١٨٣/٤
بِطَبْعِكَ: القلوب الّتى لم تغلّفها بطبعك ١٠/٣
طِباعِ: أللّهمّ إنّ جبلة البشرية وطباع الإنسانيّة ٢٢٣/١

ط.ب.ق

أَطْبَقَتْ: إلهى وسيّدى لو أطبقت ذنوبي ١٩٩/١٤٠
طَبَّقَتْ: إلهى لو طبّقت ذنوبي الأرض والسّمآء ١٩٧/٣٧
طَبَقاً: متراكماً هنيئاً مريئاً طبقاً مجلجلاً غير ملتّ ٥٣/٢
أَطْباقِ: طول المقامة بين أطباق الثّرى ١٠٩/١٩
وأسكنتهم بطون أطباق سماواتك ١٢/١٠
أَطْباقَها: وملأت جهنّم وأطباقها منّى ٢٣٠/٣
طَبَقاتِ: ممّا ابتليت به طبقات عبيدك ١٤٧/٩٢
طابِقِ: سكنت بين خوافي طابق العضلات ٢٠٠/٣٣
مُطْبَقِ: في محلّ ضنك ... مطبق الصّفيح ١٩٩/٤١

ط.ح.ن

طَحَنَتْهُمْ: وطحنتهم طحن الرّحىٰ للحبّ ٢١٩/٢٢
طَحَنَ: وطحنتهم طحن الرّحى للحبّ ٢١٩/٢٢

ط.ر.ح

طَرَحْنا: ... وأغننا إذ طرحنا أنفسنا بين يديك ٣٢/٤
طَرْحِيَ: إرحم طرحى رحلى بفنائك ١٤٩/٤٨
مَطْرُوحاً: إرحمني مطروحاً على الفراش تقلّبني ١١٧/٧
وارحمنى مطروحاً على المغتسل ١١٢/٧
ها أنا ذا باربّ مطروحٌ بين يديك ٤٩/٥

ط.ر.د

طَرَدْتَني: سيّدى لعلّك عن بابك طردتني ١١٦/٥٥
فإن طردتني من بابك فبمن ألوذ ١٨٢/٢
طُرِدْتُ: إن طردت عن حوض محمّد ١٩٨/٤٤
يَطْرُدُهُ: وأين مفرّه وملجأه إن يطرده ٢٠١/٤
لايَطْرُدُ: أنت... الّذى... لايطرد عن فنآئه آمليه ١٨٧/٣
لاتَطْرُدْني: ولاتطردني من فنائك آيساً ١٧٧/٢
فَلا تَطْرُدْني: فلا تطردنى من بابك الأدنى ٩٩/٢
أُطْرُدْ: أطرد عنّى وعنهم الشّك والعسر ٢٤٨/٥
طَرْدِكَ: فأعذنا من طردك وإبعادك ١٩٣/٦
الْمُطَّرِدَةِ: الأنهار المطّردة بأنواع الأشربة ٦٧/٥
طَريداً: وأخرجنى إلى فناء نقمتك طريداً ٨٨/٧
ياعضد كلّ محتاج طريدٍ ٤٩/٢
ويأعطف من آوىٰ إليه طريدُ ١٩١/٤
الطَّريدُ: وأنا الطّريدُ الّذى آويته ١١٦/٦٣
طَريدُهُ: ووسق طريدُهُ «زرع الباطل» ٧٠/٧
لِطَريدَتِهِ: أضبأ إليّ إضباء السّبع لطريدته ١٥٣/٧ـ١٥٢/٧

ط.ر.ف

طَرْفُ: وقصر دونك طرفُ كلّ طارفٍ ١٤٩/٤
أو يهدأ طرف متوسّم ٢١٩/١٦
طَرْفي: لم أرفع طرفي إلى آفاق السّمآءِ ٤٩/١٧
أَطْرافُ: وبعد أن تأمن أطرافُ المسلمين ٦٧/١٩
آناء اللّيل وأطرافَ النّهار ١٠٩/١٠
ممّا أتقرّبُ به إليك في... أطرافِ النّهار ١١٦/١٠٩
قد تناول الأقرباء أطرافَ جنازتي ١١٢/٧ ـ ١١٦/٩٧
السّباع قسّمت لحمي على أطرافِ الجبال ٢٠٥/٥
عن تناول أطرافِ المسلمين ٦٧/١٢
أَطْرافُها: فسبّحت له ... الأرض وأطرافها ١٩٩/٥٦
برحمتك الّتى... جمعت الأحيآء أطرافها ١٩٩/٤٢
طَرْفَةَ: ولاتكلني إلى نفسي طرفةَ عين ٢٥١/٥٦ـ١٢١/١٣
بكلّ شعرةٍ في كلّ طرفةِ عين ٢٣٠/١
وما بينهما طرفةَ عينٍ لايدرك بكيف ١٣١/٢
طارِفٍ: وقصر دونك طرف كلّ طارفٍ ١٤٩/٤
طَرَفَيْهِ: وإملأ لنا ما بين طرفيه حمداً وشكراً ٢١/٩

ط.ر.ق

يَطْرُقُ: طارقاً يطرقُ بخير يارحمن ٢٢/١٩
نجّني من طارق يطرق في ليل غاسق ١٦١/٢
إلاّ طارقاً يطرق بخير ١٤/٨
يَطْرُقُونَ: بابك على الدّوام يطرقون ١٨٩/٣
لِتَطَرَّقَ: لم تخلقها... لتطرّق بها إلى نفع ١٠١/٦
إسْتَطْرَقُوا: وإستطرقوا سبل التّوبة ١٩٩/١٩٥
طَارِقاً: إلهي... أتيتك ... طارقاً بابك ١٨٦/٨
نجّني من طارقٍ يطرق في ليل غاسق ١٦١/٢
طارقاً يطرق بخير يارحمن ٢٢/١٩
إلاّ طارقاً يطرق بخير ١٤/٨
طَوارِقِ: وقيتنا فيه من طوارقِ الآفات ٢١/٥
صلاة ... تقيهم طوارقَ اللّيل والنّهار ١٤/٨
من يخاف بياتَ ملك الموت في طوارقِ اللّيل ٨٢/٦
من يخاف بيات ملك الموت في طوارقِ اللّيل ٨٢/٦
بك أستجير ... من ... طوارقِ الحدثان ٢٣٦/٢
لايستطاع من ... سوء ... طوارق اللّيل ٢٢/١٩
نجعلني من طوارقِ الهموم والغموم في حصنك ٢٢٤/٥
كيف يتمتّع من فيها من طوارقِ الرّزايا ١٩٩/١١٨
طَوارِقَهُ: وبسرى إليّ طوارقه ١١٤/١٧
طَرِيقِ: لاحجّة لمن أختزل عن طريق العلم بك ٢٤٩/٨
وطريقاً إليك مهيعاً ١١٣/٩
فخالفنا عن طريقِ أمره ١/٢٣
إن أخطأت طريقَ النّظر لنفسي ١٩٩/١٠٠
فقد أصبت طريقَ الفرج بما فيه سلامتها ١٩٩/١٠٠
وكلّ طريقٍ إلى سواك مسدود ٩٩/١
واجعلنا ممن سهّلت له طريقَ الطّاعة ٢٠٠/٣٥
أقمت لهم «الخلق» منار القصد إلى طريقِ أمرك ٢٤٩/١
ولم تجعل للخلق طريقاً إلى معرفتك إلاّ بالعجز ١٩٣/١
واجعل لي في الحقّ طريقاً من كلّ رحمة ١٤٧/١١٢
وأرشده إلى طريقِ صوابه إختياره ٧٤/٢
الحمدلله... الّذي... سلك بهم «الخلق» طريقَ إرادته ١/٤
حمداً يكون ... طريقاً إلى جنّته ١/٢٩
الطَّرِيقِ: سيّدى إن أجحف بي زاد الطّريق ١٩٩/١٠٢
سلكوا الطّريقَ إليك فلم يعدلوا ١٩٩/٣٠
وسعياً إلى التّوبة الماحية والطّريقِ المحمودة ٩٥/٣
طَرِيقِهِ: ولايختلجنا الزّيغ عن قصد طريقِهِ ١٠٩/٧
فأنت دليلي عليه وطريقُهُ ٩٩/٣
طَرِيقُها: عليها طريقي أو علىّ طريقها ٢١٩/٩
طَرِيقَكَ: ما ضلّ عن طريقك ضالّ ٩٨/٥ ـ ٨/١٠
طَرِيقي: عليها طريقي أو علىّ طريقها ٢١٩/٩
سيّدى أنا ... المتحيّر في قصد طريقي ١٩٩/٨٢
طُرُقِ: تخلّفي عنهم في فضالة طرقِ الدّنيا ٢١٩/٣٦
علي طرقِ النّجاة من كلّ عالم ٢١٩/٣٣
الطُّرُقَ: ماأضيق الطّرقَ على من لم تكن دليله ١٨٩/١
إنقطعت الطّرقُ إلاّ إليك ٢٢١/١ ـ ٢٢٠/١ ـ ١٤٣/١٩
سيّرنا في أقرب الطّرق للوفود عليك ١٨٩/٢
طَرِيقَةَ: وطريقة حقّ لاأزيغُ عنها ٥٥/٦
الطَّرِيقَةِ: أعنّا على ... الطّريقةِ الوسطى ١١٩/٢٩
أللّهمّ اسلك بي الطّريقةَ المثلى ٥٥/٢٦
طَرِيقَتِكَ: صدأ الجور عن طريقتك ١٤٧/٦٥
طَرَائِقَ: يا ... خالق سبع طرآئقَ مسلوكات ١٩٩/٥١

ط.س

الطَّواسِينِ: سور الطّواسين والحواميم ١٤٤/١٧

ط.س.م

طسم: طَسم تلك آياتُ الكتاب المبين (قرآن) ١٥٩/١٥

ط.غ.و

الطّاغُوت: الّذين كفروا أولياؤهم الطّاغوت(قرآن) ١٨/٥
أللّهمّ العن الجبت والطّاغوت ١٩/١
بِالطّاغُوتِ: فمن يكفر بالطّاغوت (قرآن) ١٨/٥
الطَّواغِيتِ: رسلك عن الطّواغيت ١٥٥/٦

ط.غ.ى

لَيَطْغىٰ: إنّ الإنسان ليطغى (قرآن) ٣٥/٩ ـ ٢٥٧/٣٢
فَأَطْغىٰ: من غير أن تنرفنى فيها فأطغى ٢٥٢/١٨
لأُطْغَيَنَّ: ولأطغينّ ومن عندك وجدى ٥٥/٢٣
٧٨/١ ـ ٢٥١/٢٦
يُطْغِي: إنّي أعوذبك ياإلهى من غنىً يطغى ١٣٥/١١
لايُطْغِيني: أللّهمّ ارزقني... مالاً... لايطغيني ٣٦/٧
طُغْيانا: ما أتعقّب منه طغياناً ٧٩/٤
الطُّغْيانِ: من الخيانة والعدوان والطّغيان ١٥٣/٢٦
إن أوحش ما بيني وبينك فرط العصيان والطّغيان ١٨٦/٣
طُغْياني: ولاتذرني في طغياني عامهاً ١٤٧/١٠٥
طاغ: أعوذبك من شرّ كلّ ... طاغ وظالم ١٥٣/٣٠
الطّاغِينَ: ولاتبسط علينا فيه ألسن الطّاغين ١٤٢/٥٣

ط.ف.أ

طُفِئَتْ: طفئت مصابيح النّظر ٢١٩/٢٦

لايَطْفَأ: ونور هدىً لايطفأ عن الشّاهدين برهانه ١٠٩/٤
إطْفِ: واطفِ عنه حرارة الشّوق ٦٧/١٧
أَطْفَأُوا: أطفأوا نار الشّهوات بنضح ماء التّوبة ٢٠٠/٣٤
لايُطْفِيها: لوعتي لايطفيها إلاّ لقائك ١٩٢/٣
لايُطْفَئ: يامن له نورٌ لايطفى ٢٢٢/٥
أعوذبك من نار حرّها لايطفى ١١٢/٨
لايُطْفَأُ: ياربّاه أعوذبك من نار حرّها لايطفأ ١٩٨/٧٤
آه وانفساه من نار حرّها لايطفأ ١٩٨/١٢
لاتُطْفَأُ: بما وصفته من... النّار الّتى لاتطفأ ٢٥٧/١٧
آه وانفساه من نار تتوقّد ولاتطفأ ١٩٨/١٩
أَطْفِ: أطف عنّى نار من شبّ لي وقوده ٧٨/٦
أَطْفِئ: أللّهمّ وكوّر سمسّه وأطفئ نوره ٧٠/١٠
وأطفئ عنّى نار من شبّ لي وقوده ٢٥١/٣١ ـ ٢٥٢/٢٥
إطْفآءِ: وكظم الغيظ وإطفاء النايرة ٥٥/١٥
الظّلمة ... تعاونوا على إطفاءِ نورك ١١٩/٢

ط.ف.ق

طَفِقْتُ: قد طفقت بهدايتها منافساً ١٩٩/٦٨

ط.ف.ل

طِفْلاً: لاطفلاً إلاّ ربّيته ١٤٣/٤٨
وحفظتني في المهد طفلاً صبيّاً ١٩٩/١٧٠
والكفاية طفلاً وناشئاً من غير عمل عملته ١٤٤/٢

ط.ع.م

أَطْعَمَنا: الحمدلله الّذى أطعمنا ٢٦٠/١
يُطْعِمُ: الحمدلله الّذى يطعم ولايطعم ٢٦٠/١
لايُطْعَمُ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... صمدٌ لايطعم ١٣٠/٣
الحمدلله الّذى يطعم ولايطعم ٢٦٠/١
طَعْمَ: وما أطيب طعم حبّك ١٩٣/٥
أذقني طعم الفراغ لما تحبّ بسعة من سعتك ١٤٧/١٠٧
لأنّى لم أذق طعم البلاّء فأجد طعم الرّضا ٣٥/٢
طَعام: جعلت لي قوتاً من فضل طعامٍ وشراب ٨٨/١٥
الطَّعامَ: الّذى أحلّ فيه الطّعامَ وحرّم فيه الصّيام ١٤٣/٣٤
إقتصرت على القليل من لعق الطّعامِ ١٩٧/٤٦
وأغنيتهم عن الطّعام والشّراب بتقديسك ١٢/١٠
طَعامِكَ: أم كيف تشبع طعامِك ٢١٤/١٤٣
أم كيف تسيغ من طعامَكَ ٢١٤/٦٥
طَعامي: إن كان الزّقّوم فيها طعامى ٢٠٦/٩
الويل لي إن كان الزّقّوم طعامي ٢٠٥/٨
أَطْعِمَتَهُمْ: وامزج... أطعمتهم بالأدوآءِ ٦٧/١٥
الْمُسْتَطْعِمينَ: وموآئد المستطعمين معدّة ٢٥٥/٦
الْمَطْعَمِ: ومن رفيع المطعم والمشرب ١٦٤/٢٣
مَطْعَمي: نغّصنى «الموت» مطعمي ومشربي ٨٢/٥
الْمَطاعِمَ: وحجر فيه المطاعم والمشارب إكراماً ١١٥/٤

ط.ل.ب

طَلَبَ: أنجح من سألك ودعاك وطلب إليك ١٤٣/٢٦
وتركوه رهناً بما كسب وطلب ٢١٤/١٣٥
فقد طلب حاجته في مظانّها ٣٩/٤
اجعلنا ... ممّن ... طلب إليك فقبلته ٢٣٤/٤
طَلَبَهُ: لايعجزه شيء طلبهُ ١٤٩/١١
طَلَبُوا: فكم قد رأيت ياإلهى من أناس طلبوا العزّ ٧٤/٢
طَلَبُوكَ: ياإلهى من الّذين بالتشبيه طلبوك ٣/١
طَلَبْتُ: وطلبت طلبة من لايستحقّ ٣٥/٥ ـ ٢٥٧/٢٨
وبك طلبت لفاقتي ١٣٨/١٦
آه واحزناه كلّما طلبت التّوابين ١٩٨/٢٩
طُلِبَتْ: وطُلِبَت الحوآئج ٨٣/٥
يَطْلُبُ: وإلى من يطلب العبد إلاّ إلى سيّده ١٧٠/٢
ومنه «الله» يطلبُ الرّاغبون ١٥٩/١
لاتَطْلُبْ: ولاتطلب الدّنيا فإنّ طلابها ٢١٨/٦ ـ ٢١٤/٢٨
ولاتطلب الدّنيا فإنّ نعيمها ٢١٤/١٠٤
أَطْلُبُ: أللّهمّ إنّى منك أطلب وإيّاك أسأل ١٢٧/٧
ربّ كيف أطلبُ شهوات الدّنيا ١٦٤/١٨
ياإله البشر منك أطلُبُ ١٧٧/٢
أللّهمّ فأطلبنى بقدرتك ما أطلُبُ ٥٥/٣٧
ومنك أطلُبُ ما أحاول ١٩٩/٣
ومنك أطلُبُ وإليك أرغب ١٤٩/١٥
وأطلب الخير من حيث تعوّدتُهُ ١٩٩/١٧٩
ومن أين أطلب؟ ٧٧/٩
وأطلب رحمتك لفاقتي ٢٠٣/٢
وأطلُبَ من سواك ١٣٨/٧
أَطْلُبُهُ: وإنّما أطلبه «رزقى» بخطرات تخطر ٧٧/١٣
لاأَطْلُبُ: ولاأطلُبُ الفرج إلاّ منك ١١٦/١٣٣
لَأَطْلُبَنَّ: لأطلبنّ منك عفوك ٢٠٣/٦
نَطْلُبُ: قد أنخنا بفنائك وببابك نطلب نائلك ١٤٠/٢
يُطْلَبُ: ياشاهداً غير مشهورٍ يطلب فيصاب ١٣١/٢
لايُطْلَبُ: لايطلبُ به «وليعصر»(عج) غيرك ١١٩/٣٠
فَأَطْلِبْني: أللّهمّ فأطلبنى بقدرتك ما أطلب ٥٥/٣٧
طالَبْتَني: إلهى... ولئن طالبتني بلُؤمي ١١٦/١١٧

إلهي... لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنّك بعفوك ١١٦/١١٧
إلهي، لئن طالبتني بسريرتي ٢٠٣/٦
يُطالِبُني: إنّي أخذت بسمع من يطالبني بالسوء ٢٢/٨
أُطالِبُ: وأنا ممّا أحاولُ وأطالب كالحيران ٧٧/١٣
لَأُطالِبَنَّكَ: طالبتني بِلُؤمي لأطالبنّك بكرمك ١١٦/١١٧
إلهي... لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنّك بعفوك ١١٦/١١٧
لاأُطالَبُ: ولاأطالبُ بها إنّك ذو منّ قديم ١١٦/١٠١
طَلَبَ: واكفني طلب ما قدّرته لي عندك ٢٥٢/٣٨
واكفني طلب ما قدّرت لي عندك ٢٥١/٩
وتصدّقوا لك طلباً لمزيدك ١٤٢/١٩
أسألك ... طلب أهل الرّغبة ١٣٧/٨
ورأيت أنّ طلب المحتاج إلى المحتاج سفه من رأيه ٧٤/١
طلب رضاك فأكون فيه من الفائزين ١٢٤/٢٧
طلباً لما فيه نيل العاجل من دنياهم ٢١/٣
وأفطم نفسي عن طلبِ العاجلة الزائلة ٣١/٤
الطَّلَبِ: وقبل الطّلب بالجدّة وقبل الضلال بالرّشاد ٥٥/٣٠
وصن وجهي عن الطّلب إلى أحد من العالمين ١٤٧/١٥
وهب لنا يقيناً صادقاً تكفينا به من مؤونة الطّلبِ ٧٦/٢
قد أكدى الطّلبُ وأعيت الحيل ٢٢١/١ ـ ٢٢٠/١ ـ ١٤٣/١٩
طَلَبِهِ: فأجول في طلبه «رزقي» في البلدان ٧٧/١٣
طَلَبِها: وكثرة عذابه في مصابها وطلبها ٢١٤/١٠٩
قد أفنيت عمري في طلبها منك ١٩٩/١٢٨
في حاجة أفنيت عمري في طلبها منك ١٩٧/١٦
طَلَبي: وطلبي ما لديك توبةً فيما بيني وبينك ١٤٨/٢٦
بِطَلَبٍ: ولاتعنّني بطلب ما لم تقدّر لي فيه رزقاً ٧٧/١٤
بِالطَّلَبِ: اجعلني... من... المنجحين بالطّلب إليك ٦٤/١٢
فلا أشتغل عن عبادتك بالطّلب ٥٥/٣٦
طِلْبَتي: جوارك طلبتي وقربك غاية سؤلي ١٨٩/٨
تِطْلابِها: ولاهو عن تطلابها النفس قاصر ٢١٤/١١٢ـ٢١٤/٣٦
طِلابَها: وكثرة تعبه في طلابِها ٢١٤/٣٣
ولاتطلب الدّنيا فإنّ طلابَها ٢١٤/٢٨ ـ ٢١٨/٦
طَلَبَةِ: وياأقصى طلبة الطّالبين ١٩٢/٥
وطلبت طلبة من لايستحقّ ٣٥/٥ ـ ٢٥٧/٢٨
الطَّلَبَةِ: طلبةَ من لايستحقّ نجاح الطلبة ٣٥/٥ـ٢٥٧/٢٨
طَلَبَتِهِ: أحضره «محمّد» ذكرنا عند طلبته إليك ١٠/٣١
وأتى طلبتَهُ من وجهها ٣٩/٤
طَلَبَتي: ولانسوّد وجهي في طلبتي ١٩٧/٣١
قد أمّتك ركائب طلبتي ٢٤٩/٥
فأنجح طلبتي وأعطني مسألتي ١٢٧/٧
واشفع مسألتي إيّاك بنجح طلبتي ٧٠/٤
ما يحدث من طلبتي قبل أن يخطر بفكري ٧٠/٤
وتولّني بنجح طلبتي وقضاء حاجتي ٣٩/١١
واجعل «محمّد» ... سبباً لنجاح طلبتي ٣٩/١٢
وأنجح طلبتي واغفر ذنبي ٣٤/١٣
ووجه طلبتي منصرف عمّن سواك ١٩٩/٨٠
ولانردّني في طلبتي عند الإنصراف ١٩٩/١٣٥
وبجودك أقصر طلبتي ١١٦/٨٩
علمت ما يحدث من طلبتي ٢٥١/٦٢
طَلِبَتَنا: وأنجح به «وليعصر»(عج) طلبتنا ١١٩/٢٥
بِطَلِبَتي: التّفوّه بطلبتي شهادتي بوحدانيّتك ٢٤٩/١٥
وقد قصدت إليك بطلبتي ٧٠/٣ ـ ١١٦/١٣
الطَّلِباتِ: نسألك ... يامنجح الطّلبات ٢٠٠/١٣
وأنزل بك كلّ ما يخطر ببالي من الطّلبات ١٩٩/١٧٨
وأنت المليّ بتيسير الطّلبات ١٩٩/٨٠
يامن عنده نيل الطّلبات ٣٩/١
وامتلأت بفيض جودك أوعية الطّلبات ١٤٦/٣
طَلِباتِهِ: أللّهمّ ... لايستغني في طلباته عنك ٣٩/٦
طالِباً: إلهي ... أتيتك ... طالباً مرضاتك ١٨٦/٧
ويحقّ عليّ بن أبي طالبٍ وشجاعته ١٨٠/٥
طالبٌ إليك أن تنجح لي حوآئجي ١٤٩/٤٠
أللّهمّ إنّي أتيتك ... ولمغفرتك طالباً ١٣٥/١٨
إيّاك أدعو ... يا ... طالبَ الغادرين ١٤٩/١٦
وما عسىٰ أن ينال طالبُ الدّنيا ٢١٤/٣٣
يامن ... كلّ طالبٍ إيّاه يرتجي ١٨٥/٦
ولايعين إلاّ طالبٌ على مطلوب ٥٧/٢
طالباً فلا تخيّبني ١٤١/١٤
بأمير المؤمنين عليّ بن ابي طالبٍ ٤٢/٥
عليّ بن أبي طالبٍ عليه السّلام ١١٩/١٦
الطّالِبُ: أيّها ... الطّالب مسكناً في دار السّلام ١٩٧/٤٦
ولم يرجع منك الطّالبُ صفراً من عطآئك ٧٠/١
مناجاة الطّالبِ إيّاك غير محجوبة عن استماعك ٢٢٠/٥
طالِبي: أللّهمّ إنّك طالبي إن أنا هربت ١٦٢/٥
طالِبينَ: وللجنّة طالبين ٢٠٦/٢١ ـ ٢٠٦/٢٢
الطّالِبُونَ: يامن قصده الطّالبون ٤١/٢
يامن قصده الطّالبون ٨٤/٢
الطّالِبينَ: يامنتهى رغبة الرّاغبين الطّالبين ١٤١/١٤
ومنتهى غاية الطّالبين ١٤١/٢
وياأقصى طلبة الطّالبين ١٩٢/٥
فيا غاية الطّالبين وأمان الخائفين ٢٤٣/٧
ومنتهى رغبة الرّاغبين ونيل الطّالبين ١١٤/٢

واجعلني من الطّالبين رضاك بمناصحته ١١٩/٣٠
لِطالِبِيهِ: جودك موجود لطالبيه ٢٠٢/٧
لِلطّالِبِينَ: فإنّك ذومغفرة للطّالبين ١٩٩/٨٢
طالِبَةٌ: لم ترجع يد طالبة صفراً من عطآئك ٢٥١/٦٠
طُلّاباً: واجعلنا بخدمتك ... في أقطارها طلاّباً ٢٠٠/٣٨
طُلّابَها: فإنّها المهلكة طلاّبها ١٩٦/١
مَطْلُوبٍ: ودون كلّ مطلوب إليه ولىّ حاجتى ٧٤/٣
السّلام عليك من مطلوب قبل وقته ١٤٢/٤٣
ولايعبن إلاّ طالب على مطلوبٍ ٥٧/٢
الْمَطْلُوبَ: فأنجح لي المطلوبَ من ١٩٩/٨٠
مَطْلَبِ: أللّهمّ يامنتهى مطلب الحاجات ٣٩/١
ليس لحاجتي مطلبٌ سواك ٣٤/١٢
مَطْلَبَهُ: فاجعل رزقك لي واسعاً ومطلبهُ سهلاً ٧٧/١٤
مَطْلَبي: وأجر هربي وأنجح مطلبي ٥٧/٢
مَطالِبِ: بصّرتنا من مطالب الأقوات ٢١/٥
الْمَطالِبَ: أنجحت لهم المطالب ١٨٩/٤
إنّى أجد سبل المطالِبِ ٢٢٠/٣ ـ ٢٢١/٢ ـ ١١٦/١١
فلا تنقصك المواهب ولاتفوتك المطالِبُ ٢٤٧/٢
ياقديراً لاتؤده المطالبُ ٩٩/٢
وضاقت المذاهب وامتنعت المطالبُ ٢٢١/١
الذى لاتسوّد لديه وجوه المطالبِ ١٩٩/٩٩
وامتنعت المطالبُ وعسرت الرّغائب ٢٢٠/١
مَطالِبي: وبلّغتني ما أحاول من سائر مطالبي ١٩٩/١٧٢
لِمَطالِبي: ولمطالبي معطياً ١٦٣/٥

ط.ل.ع

طَلَعَ: واجعلنا من أرضى من طلع عليه ١١٠/٨
أَطْلَعْتَهُمْ: الّذين... أطلعتهم على خفيّك ١٤٩/٤٦
فَأَطْلَعْتَهُمْ: فأطلعتهم على ستور خفيّات العلى ٢٠٠/٢٩
إِطَّلَعَ: فلو اطّلع اليوم على ذنبى غيرك ما فعلته ١١٦/٢٣
اطَّلَعْتَ: تغمّدنى فيما اطّلعت عليه منّى ١٤٧/١٠١
تَطَّلِعُ: أللّهمّ أنت ... تطّلع على سرآئرهم ٢٥١/٥٧
وتعلم سريرتى وتطّلع على ما في قلبي ٨٢/٤
والنّار الموقدة الّتى تطّلع على الأفئدة ٢٥٧/١٧
طُلُوع: سلامٌ دآئم البركة إلى طلوع الفجر ١١٥/٥
الطُّلُوع: والطّلوع والأفول والإنارة والكسوف ١١٠/٢
تَطَلُّعي: وكيف أردّ عارض تطلّعى ١٩٩/١٠٥
مُطَّلِعاً: يامطّلعاً على الأسرار ٢٣٩/١١
آه واحزناه عصيت ربّى وأنا أعلم أنّه مطّلعٌ يرى ١٩٨/٣٢
ومضيّعاً ما أنت مطّلعٌ عليه منّى ٢٧/٧ ـ ١٤٨/٣٠
وأنت مطّلعٌ علىّ ٢٠٥/٣ ـ ٢٠٥/٢ ـ ٢٠٥/١ ـ ٢٠٦/١
وأنت مطّلعٌ علىّ تحلم عنّى ٢٠٦/٢
والله مطّلع علينا ٢٢/٩
الْمُطَّلَعَ: كنت المطّلع عليها «السيّئة» دون النّاظرين ٩٥/٢
الْمُطَّلِعِينَ: وأخفّت المطّلعين علىّ ١١٦/٢٣
الْمُطَّلَعِ: إلهى: ألأمان ألأمان عند هول المطّلع ٢٠٧/٣
أللّهمّ إنّى إن ذكرتُ الموت وهول المطّلع ٨٢/٥
مَطالِعِ: في مطالع أهل البرزخ ٢١٩/٢٦
مَطالِعِها: فسبّحت له «الله» النّجوم في مطالعها ١٩٩/٥٦

ط.ل.ق

أَطْلَقَنى: فإن حسن نظرك لي قد أطلقني ١٩٩/١١٩
أَطْلَقْتَ: أطلقت لساني بذكرك رحمة لي منك ١٤٨/٢٠
لَمْ تُطْلِقْ: ولو لم تطلق لساني بدعآئك ١٩٩/٩٤
أَطْلِقْ: وأطلق لساني بذكرك ٢٥٢/٣٨
أطلق به «كتابك» لساني ١٥٣/١٣
أَطْلِقْها: وأطلقها من الأسر لتجول في خدمتك ٢٠٠/٣٧
إِنْطَلَقَ: إلهى إذا ... إنطلق لساني بتمجيدك ١٩٧/٢٣
يَنْطَلِقُ: وينطلق بها لساني إلاّ الرّجآء منك ٢٠٥/١٢
إِنْطِلاقٌ: ودنا منّا إلى الآخرة رحيل وانطلاقٌ ١٠٩/١٨
واجعل ... إنطلاقَ ألسنتنا في وصف منّتك ١٥/١٦
إنطلاق ألسننا في وصف منّتك ٨/٢٦
مُطْلِقَ: يامطلق الأسارى ٢٥٢/٢
طَليقَ: فأصبح طليق عفوك من إسار سخطك ١٠١/٨
واجعلني طليق عفوك وعتيق رحمتك ٤٩/٢٠
طُلَقآئِكَ: وطلقآئك من النّار ١١٧/١٦
إجعلني من عتقائك وطلقائك ١٤٣/٤٥

ط.ل.م

إِصْطَلِمْهُمْ: واصطلمهم ببوارك حتّى ٢٢٣/٥
طالِماً: سيّدى أتراك تحرق بالنّار وجهاً طالما ١٩٩/١٥٣

ط.م.أ.ن

إِطْمَأَنَّ: وأن لاتجعلني ممّن اطمأنّ إليها «الدّنيا» ١٣٥/٥
إِطْمَئْنَنْتُ: واطمئنّت بالرّجوع إلى ربّ ١٩٣/٤
إطمأنّت بنا الدّار في جنّات ١٤٣/٥٥
تَطْمَئِنَّ: فتقرّ بذلك عينى وتطمئنّ له نفسي ١٨٤/٣
أسألك... من رجآئك بما تطمئنّ به نفسي ١٨٥/٧
فَلا تَطْمَئِنُّ: فلا تطمئنُّ القلوب إلاّ بذكراك ١٩٤/٣
طُمَأْنِينَةَ: وطمأنينة النّفس منّى بما يجب لك ٥٩/١٢

الطُمَأْنِينَةَ: واجمع لي... السّعة والطمأنينة ١٤٧/١١٤
مُطْمَئِنّاً: مقبلاً آوى إليه مطمئناً ١٤٧/١١١
مُطْمَئِنِّينَ: عليك توكّلنا مطمئنّين ١٤٣/١٨
مُطْمَئِنَّةً: أللّهمّ فاجعل نفسي مطمئنّة بقدرك ٢٥٥/٣

ط.م.ح

طامِحَةً: أشكو ... إلى ما يسرّها طامحةً ١٨٣/٤

ط.م.س

طَمَسْتَها: أعين أحداثٍ طمستها ١٥٢/١١
إطْمِسْ: واطمس على أموالهم وذرّيّاتهم ٢٢٣/٦
طَوامِسِ: متلذّذاً في طوامسِ هو امد ٢١٩/٢٧
طوامسُ لاتجرى بطيئ خفوفها ٢١٩/٤١

ط.م.ع

طَمِعَ: وطمع فيما قبلك ٢٣٧/٤
فَطَمِعُوا: المجرمون بسعة رحمتك فطمعوا ١٩٩/٩٧
طَمِعْتُ: ولاطمعت في الذّبّ عنه العساكر ٢١٤/٢٠ـ٢١٤/٩٥
طَمِعْتُ: مع هوان ما طمعتُ فيه منك عليك ٢٥٧/١٩
فأوجب لي ما طمعتُ فيه من رحمتك ١٢٨/١٠
إذا رأيت كرمك طمعتُ ١١٦/١٩
طَمِعْنا: وطمعنا بآمالنا في أعمار المعمّرين ٧٦/١
أَطْمَعُ: فكيف أطمعُ أن أناجيك ٢٠٣/١٢
فكيف أطمع أن أنال جنّتك بعملي ٢٥٧/١٤
أَطْمَعَني: أطمعني في أن أسألك ما لاأستحقّه ٤٠/١
أَنْ يُطْمِعَ: أن يطمع نفسه في اضلالنا عن طاعتك ٥٠/١
طَمَعاً: أللّهمّ إنّي أدعوك ياربّ خوفاً وطمعاً... ١٤١/١٦
أللّهمّ إنّي أعوذ من طمعٍ يهدى إلى طمع ١٣٨/٧
ومن طمعٍ حين لاطمع ١٣٨/٧
أدعوك يارَبّ ... خوفاً وطمعاً ٢٥/٣
وأعدّها طمعاً في الخلاص والأمان ١٩٩/١٣
طالما خرجت من منازلها طمعاً فيما لديك ١٩٩/١٥٣
أويّخ بهذا نفسى طمعاً في رأفتك ٤٩/١٥
الطَّمَعِ: أعوذبك من الطّمع والطّبع ١٥٣/٢٦
فإنّما أسألك لـ.. عظيم الطّمع فيك ١١٦/٨٦
صلاة... تبعثهم «تابعين» بها على... الطّمعِ فيما عندك ١٤/٩
لقديم الرّجآء فيك وعظيم الطّمع منك ٢٥٧/٧
طَمَعُهُ: أو أن يكون طمعه إغتراراً ١٠١/١٠
قد خلا طمعه من كلّ مطموعٍ فيه غيرك ٨٠/٥
بمن خوفه منك أكثر من طمعِهِ فيك ١٠١/١٠
طَمَعي: وحطّ طمعي بفناء جودك ١٩١/٢
ورجائى إيّاك وطمعى فيك ٢٥٧/٢٠
طَمَعُنا: ولاهذا طمعنا فيك ١١٦/٣٦
بِطَمَعِهِ: فأمّك بطمعه يقيناً ٨٠/٤
أَطْماعَ: واقطع بخزيهم أطماع من بعدهم ٦٧/٧
طامِعاً: إلهى ... أتيتك طامعاً في إحسانك ١٨٦/٧
وغير طامعٍ في بقائها ٢١٤/١٠٥ ـ ٢١٤/٢٩
مَطْمُوعٍ: قد خلا طمعه من كلّ مطموعٍ فيه غيرك ٨٠/٥

ط.م.م

طُمَّهُ: أللّهمّ ... طمّه «من يؤذينى» به طمّاً ١٦٠/٤
طَمّاً: طُمَّه «من يؤذينى» به طمّاً ١٦٠/٤
الطّامَّةِ: نجّنا ... وشدائد أهوال يوم الطّامّة ١٠٩/٢٠

ط.ن.ب

بِأَطْنابِ: أركان عرشك بأطناب الذّكر ٢٠٠/٣٧
مستجير بأطناب بيوتها أجاروه ١٧٧/١

ط.و.ر

طَوْري: وتعدّى طورى في حدودك ١٤٧/٨٥

ط.و.ع

أَطاعَ: نأمر بمناواته من أطاع أمرنا ٥٠/١٣
فكنت ممّن أطاع أمره وأجاب دعوته ١٢٤/١٩
أَطاعَهُ: على جميع خلقه ممّن أطاعه ١٢٣/٣
وفاز من أطاعه ١٦٤/١
وأحاط علماً بمن أطاعهُ وعصاه ١٩٩/٥٥
فأوجب الفوز لمن أطاعه «محمّداً» ٢/٩
أَطاعَكَ: أللّهمّ إنّك خلقت جنّته لمن أطاعك ٢٥٧/١١
فهذه ياإلهى حالة من أطاعك ٨/١٥
في معاملة من أطاعك أو عصاك ٨/١١ ـ ٩٨/٦
هذا ياإلهى حال من أطاعك ٩٨/٩
وصلّ ... على من أطاعك منهم ١٤/٧
إلهى، خلقت جنّتك لمن أطاعك ٢٠١/٤٦
أَطَعْتُكَ: فقد أطعتك في الإيمان ١٦٥/١
أطعتك في أحبّ الأشياء إليك ٢٠٩/١ ـ ٨٩/٢ ـ ١٦٥/١
إلهى إن كنت قد عصيتك فقد أطعتك ٢٣٣/١
أللّهمّ إنّى أطعتك والمنّة لك ٦٠/٢
آه واحزناه أنا الّذى أطعتك باسيّدى صباحاً ١٩٨/٢٨
أللّهمّ لك الحمد إن أطعتك ٢٢٧/٤

فقد أطعتك في أحبّ الأشياء ٢٢٩/١
فَأَطَعْتُهُ: فأطعته كما أمرت وصدّقته فيما حتمت ١٤٤/٦
أُطِيعُكَ: وجعلت لي فيه آلات أطيعك بها ١٩٧/٢٨
لاتُطْبِعُ: لانطيع له إذا استهوانا ٥٠/١٣
تُطَاعُ: وتثيب على قليل ما تطاع فيه ٨/٦ ـ ٩٨/٣
إِسْتَطَاعَ: ولو أنّ أحداً استطاعَ الهرب من ربّه ١٦٢/٤
لو أنّ عبداً استطاعَ الهرب من مولاه ١١٢/٤
من استطاع إليه سبيلاً (قرآن) ١٤٤/٢٢
يَسْتَطِيعُ: أو كيف يستطيع أن يهرب منك ١٦٦/٢
وليس يستطيع من كره قضاءك أن يردّ أمرك ١٦٦/٤
وكيف يستطيعُ ردّ ما نفذت به مشيّتك ١٠/٢
لايَسْتَطِيعُ: الصّنائع الّتي لايستطيع ١٩٩/٧
لَمْ يَسْتَطِعْ: والّذي لم يستطع إلاّ موافقة علمك ١٠/٢
يَسْتَطِيعُونَ: أن تجعلني من الّذين يستطيعون ١٤٤/٢٤
لايَسْتَطِيعُونَ: ولايستطيعون «الخلق» تقدّماً إلى ما أخّرهم عنه ١/٥
تَسْتَطِيعُ: فكيف تستطيع حرّ نارك ١٦٢/٦
فكيف تستطيع صوت غضبك ١٦٢/٦
لاتَسْتَطِيعُ: الّتي لاتستطيع حرّ شمسك ١٦٢/٦
والّتي لاتستطيع صوت رعدك ١٦٢/٦
لاأَسْتَطِيعُ: ولاأستطيع مجاوزة قدرتك ٥٧/٤
لايُسْتَطَاعُ: عزّك الّذي لايستطاعُ من غضبك ٢٢/١٩
لاتُسْتَطَاعُ: ولانستطاع إلاّ بك ١١٦/١
طَوْعاً: وأطوعهم «مواليه» له طوعاً ١٤٩/٧٠
طَاعَةُ: لايزيد في سلطانه طاعةُ مطيعٍ ١٤٩/١٢
ووفّقني فيه «رمضان» لطاعتك وطاعةِ رسولك ١١٧/٣
تمنعني من طاعةِ عدوّهم ٤٢/٢١
... وطاعةِ آبائه الصّالحين ... ٤٢/١٤
واشغل ... جوارحنا بطاعتك عن كلّ طاعةٍ ٣٣/٢
أن أكون لعدوّك أحسن طاعةً منّي لك ٣٦/١
لايزيد في ملكك طاعةُ المطيعين ١١٢/٥
أدوم من أن تزيد فيه طاعةُ المطيعين ١٦٢/٨
وطاعةَ نفسي له ٨٨/١٧
واستعملني بطاعتك وطاعةِ رسولك ١١٦/١١١
الطَّاعَةِ: يحول بيني وبين الطّاعة والزّلفى ١٨٣/٣
إلهي الطّاعةُ تسرّك ٢٠٣/٨
أوجبت له عليّ الطّاعةَ ١٤٤/٦
جنّبنا ركوب الآثام وألزمنا الطّاعةَ ١٤٤/١٨
أسألك... الطّاعةَ لأهل طاعتك ٢٠٠/١٩
فيعمل بشيءٍ من الطّاعةِ من يومه ٢٠٤/٧
واجعلنا ممّن سهّلت له طريق الطّاعة ٢٠٠/٣٥
إلاّ دون ما نورد من أبواب الطّاعةِ لك ١١٥/١٥
ولم تدعهم «عبادك» إلاّ إلى الطّاعَةِ ١٩٩/١٦٦
القآئم ... المفترض الطّاعةِ ١١٩/١٨
وأكمل ذلك لي بدوام الطّاعةِ ولزوم الجماعة ٥٥/١٦
أعوذبك من ... استكبار الطّاعةِ ٢٦/٢
وأدّنا إلى القيام بما يستحقّه من الطّاعةِ ١٤٢/٥١
طَاعَتِهِ: وبحقّ مبكائل وطاعته ١٨٠/٢
ويامن طاعته نجاة للمطيعين ٣٣/١
... وينظر كيف هم في أوقات طاعتِهِ ... ٢١/٤
واجعلنا من أهل طاعته «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
وافترضت طاعتَهُ «الإمام» ١٤٧/٦٢
بحقّ من وصلت طاعتَهُ بطاعتك ١٤٧/٨٣
بموائق الله وطاعتِهِ على الجنّ والإنس ٢٢/٢٧
حمداً يكون ... ظهيراً على طاعتِهِ ١/٢٩
ثمّ له الحمد... حمداً يكون وصلة إلى طاعتِهِ وعفوه ١/٢٩
طَاعَتَهُمْ: بعترته ... الّذين افترضت طاعتهم ١٤٩/٤٤
فرضت طاعتهم وولايتهم ٢٠/٥ ـ ١١٣/٥
... تميتني على طاعتِهِم ومِلّتهم ٤٢/٢١
المجتهدين في طاعتِهِمُ المنتظرين أيّامهم ١٤٧/٦٨
أتقرّب إليك بـ... وطاعتِهِم ٤٢/١٨
طَاعَتِكَ: وأسألك القوّة في طاعتِكَ ١٦٤/٩
وارزقني فيها ... طاعتَكَ ١١٧/٣٢
إلهي إن كنت لاتغفر إلاّ لأوليائك وأهل طاعتِك ١١٦/١١٨
أللّهمّ ... أعنّي على طاعتِك ١٣٥/١٤
واجعل ما يقرّبني إليك من طاعتِكَ خالصاً لك ١٣٧/٤
الّذي يقوىٰ به على طاعتِك ٨/١٣
فلولا أنّ الشّيطان يخدعهم عن طاعتِك ٨/١٠
وأن تعينني على طاعتِك ٢٥٣/٣
معيشة أقوى بها على طاعتِك ٢٥٢/١٨
وتجعلني من أولياء طاعتِك ٢٥١/٤
وهب لي الجدّ في طاعتِك ٢٥١/٤٢
وبحبل طاعتِك مددت رهبتي ١١٦/٨٤
إجعل قوّتي في طاعتك ٢٤٢/٥
أسألك ... العمل في طاعتك ١٣٣/٥
وقبلت منهم مراجعة طاعتِك ١٤٢/٦١
وأعبدهم مقصّر عن طاعتِك ٩٨/١
وأكثر سكّان الأرض سعياً في طاعتِك ١١/٤
والدّاعي إلى طاعتِك ٤٢/١٠
وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتِك ١١٦/٨٥
أللّهمّ وثبّت في طاعتِك نيّتي ٨٠/١٠

... وأنال به «ما تحبّ» طاعتَكَ ٧٧/٤
المخصوص الدّاعي إلى طاعتِك ... ٤٢/١٤
هاديا إلى طاعتِكَ ٢١/١٢
أللّهمّ إنّي أصبحت متمسّكا بحبل طاعتِك ١٦/١
يبتدران طاعتَك ٩٧/١
فإنّ الشريف من شرّفته طاعتُك ٩٦/٤
قلّ عندي ما أعتدّ به من طاعتِك ٨٨/٤
الّذي يقوى به علىٰ طاعتِك ٩٨/٨
حال الإنابة إلى طاعتِك ٨/١٥ ـ ٩٨/٩
من كلّ شغل بغير طاعتِك ١٩٤/٤
قبل أن يفيضوا في طاعتِك ٩٨/٤
يختدعهم عن طاعتِك ما عصاك عاص ٩٨/٥
وإلى طاعتِك فمل بي ٢٣٧/٧
وأقيم على طاعتِك رجاء للإثابة ٢٣٦/٦
أسألك ... الطّاعة لأهل طاعتِك ٢٠٠/١٩
فاجعلني ممّن ناسبهم من أهل طاعتِك ١٩٩/١٨٩
ولاقوّة لي على طاعتِك إلاّ بتأييدك ١٩٩/١٩٨
ودعوتنا إلى طاعتِك ٢٠٠/٢
مقرّباً من طاعتِك في الإظهار والإبطان ١٩٩/١٩٠
إن كنت لاترحم إلا أهل طاعتِك ١٤٣/٤٢
لاترحم إلاّ المجدّين في طاعتِك ١٩٩/١١٠
وإذا تلونا ذكر عقوبتك جددنا في طاعتِك ١٩٩/١١٧
سيّدى إن كان صغر في جنب طاعتِك عملي ١٩٩/٨٣
وامنن علىّ بـ... القوّة على ما أمرتني به من طاعتِك ٦١/٣
فكانت أعمارهم في طاعتِك تفنىٰ ٢٠٠/٣٩
وأنفقته في غير طاعتِك ٣٦/١
قوّيتني معها على ما وفّقتني له من طاعتِك ٤٦/٢
ما أوجبت لأهل المبالغة في طاعتِك ١١٥/١٧
وعمّرني ما كان عمري بذلة في طاعتِك ٥٥/٧
ووسيلة إلى طاعتِك ومرضاتك ١٢٧/١١
وارزقني ما أتقرّى به من فضلك على طاعتِك ١٢١/٨
سلامة أقوى بها على طاعتِك ٢٤٤/٤
ارزقنا دوام عافيتك ومحبّة طاعتِك ٢٤١/٧
وأشرب قلبي عند ذهول العقول طاعتَك ١٤٧/١١٣
والقاضين في طاعتِك آجالهم ١١٤/٢٠
أللّهمّ يامقلّب القلوب قلّب قلبي على طاعتِك ١٢١/١٤
والعون على طاعتِك والقوّة على عبادتك ١٢١/١١
وأتمم علينا باستكمال طاعتِك فيه المنّة ١١٠/٩
رحمةً منت بها إلى أحسن طاعتِك ٣٦/٥
وأقبل بقلبي إلى طاعتِك ٣٦/٦
وقبلت منهم مراجعة طاعتِك ١٤٢/٦١
ليس لي حسنةٌ سبقت لي في طاعتِك ٢٠٦/١٣
أن يطمع نفسه في إضلالنا عن طاعتِك ٥٠/١
وتولّني بما تتولّى به أهل طاعتِك ١٤٧/٨٤
ادفع عن ... المجتهد في طاعتِك ١١٩/٢٠
واجعلنى من أولياّء طاعتِك ٢٥٢/٣٧
محبّاً لأهل طاعتِك ٨٣/٧
وثبّت قلبي على دينك وطاعتِك حتّى ألقاك ١٣٣/١١
ما ذهب من جسمي وعمري في سبيل طاعتك ٨٨/١٨
وهب لى الأنس بك وبأوليائك وأهل طاعتِك ٥٧/١٢
وأمله «قلبى» إلى طاعتِك ٥٧/١٠
ولايبلغ مبلغاً من طاعتِك ٩٨/١ ـ ٨/٢
وأعبدهم لك مقصّر عن طاعتِك ٨/٣
وفرضته علىّ لك في وجه من وجوه طاعتِك ٥٩/٧
وأعددت ثوابهم قبل أن يفيضوا في طاعتِك ٨/٧
والمكان الرّفيع من طاعتِك ١٢/٣
وأفنيت عمري في غير طاعتِك ١٩٩/١٥٥
طالما مشت قدماى في غير طاعتِك ٢٠٦/٢ ـ ٢٠٥/٢
أضعف عند طاعتِك تيقّظاً ٤٩/١٥
صلواة ملآئكتك وأنبيائك ورسلك وأهل طاعتِك ١٤٧/٥٤
فيما أعددته لأوليآئك وأهل طاعتِك ٢٥٧/٣٨
أو بأىّ حسناتٍ سبقت منّى في طاعتِك ٢٠٥/١٢
أللّهمّ ألهمنا طاعتَك ١٨٨/١
إجعل ... همّتنا في طاعتِك ١٨٨/٣
طاعَتي: واجعل طاعتي لوالديّ ٦٣/٥
طاعَتُنا: يامن لاتسرّك طاعتُنا ٢١١/١
ثمّ أمرنا ليختبر طاعتَنا ١/٢٣
... فكلّ خليقته ... صائرةٌ إلى طاعتِنا بعزّته ١/٢٠
لِطاعَةِ: ووفّقني لطاعة من سدّدنى ٥٥/١٢
بِطاعَتِهِمْ: وأمرت بطاعتهم «بالأئمّة» ١٤٩/٤٧
أدينك باربّ بطاعتِهم ١١٩/١٩
لِطاعَتِكَ: ووفّقني فيه «رمضان» لطاعتِك ١١٧/٣
ووفّقنا في هذا اليوم العظيم الشريف لطاعتِكَ ١٤٣/٣٢
وإجعل ... إعلانى موافقاً لطاعتِكَ ١٩٩/٣٢
وتجعلني من الّذين انتجبتهم لطاعتِك ١٢٠/١٣
بِطاعَتِكَ: وحتّى أعمل بطاعتِك عملاً ١٣٧/٩
واستعملني بطاعتِك ١١٦/١١١ ـ ٢٥١/٤١
وارزقنا عملاً بطاعتِك ١١٦/٤٦
أللّهمّ إنّى أدينك باربّ بطاعتِك ١١٩/١٦
اعمر قلبي بطاعتِك ٢٠/٦ ـ ١١٤/٤ ـ ١١٣/٦

الموفّقين للخير والرّشدِ والصّواب بطاعتِك ٦٤/١٤
واجعلني من العاملين بطاعتِك ٧٧/١١
واشغل ... جوارحنا بطاعتِك عن كلّ طاعة ٣٣/٢
سعادة في أوّله «اثنين» بطاعتك ٢٣٨/٨
واستعملنا بطاعتِك قبل انصرام الأجل ٢٠٠/١٥
ما يعترض لنا فيها عن العمل بطاعتِك ٢٠٠/١٤
صبراً على العمل بطاعتِك ٣٦/٧
عاملاً بطاعتك مؤثّراً لرضاك ٥٩/١٤
واستعملني بطاعتِك في أيّام المهلة ٥٥/٤١
والعمل بطاعتِك والترك لما يسخطك ١٢٧/٩
أعملهم «أخشى خلقك» بطاعتِك ١٦٦/٣
بحقّ من وصلت طاعته بطاعتِك ١٤٧/٨٣
ولاأنال ما عندك إلاّ بطاعتِك وبفضل رحمتك ٥٧/٤
واشغل بطاعتك نفسي عن كلّ ما يرد علىّ ٥٧/٩
فاعمرني بطاعتِك ٢٧/٢
فاجعلنا ممّن ... شغلته بطاعتك ١٩٠/٤
إلهي هل ... تعاقب أبداناً عملت بطاعتِك ١٨٤/٥
بِطاعَتِنا: وزيّن أوقاته بطاعتنا لك ١١٥/٢٢
بِالطّاعَةِ: المتوسّل بعد المعصية بالطّاعة ١١/٣
إستعملني بالطّاعة ٤٩/٢٠
الطّاغاتِ: ما أوجبت علىّ فيها من الطّاعات ٢٤٦/٦
إسْتِطاعَةَ: أمرملكواستطاعةالإمتناع منه دونك ٨/٦-٩٨/٣
طائِعاً: وركنت إليها طائعاً ١٦٤/١٩
معترفاً له «الله» بالوحدانيّة طائعاً ١٩٩/٥٧
فاجعلني عبداً إمّا طائعاً فأكرمته ١٩٩/١٣٦
طائِعينَ: أمتنا ... طآئعين غير مستكرهين ١٠٣/٥
إليك أسلمنا أنفسنا طائعين ١٤٣/١٨
طآئِعيكَ: واجعلنا من ... أصدق طآئعيك ١٩٣/٦
مُطيعٌ: في كلّ ذلك أنت «الهلال» له مطيعٌ ١١٠/٢
أللّهمّ فها أنا ذا قد جئتك مطيعاً لأمرك ٨٠/٨
ولايزيد في سلطانه طاعة مطيع ١٤٩/١٢
المُطيعُ: أيّها الخلق المطيع الدّائب ١١٠/١
ولو كافأت المطيعَ على ما أنت تولّيته ٩٨/٧
تشكر المطيعَ على ما أنت تولّيته له ٨/١١
ولو كافيت المطيعَ على ما أنت تولّيته ٨/١٢
لِلْمُطيعِ: تشكر للمطيع ما أنت تولّيته له ٩٨/٦
مُطيعُونَ: سامعون مطيعون لك ١٤٨/١
مُطيعينَ: واجعلنا لهم سامعين ومطيعين ٩٥/٤
واجعلنا له «ولبّك» سامعين مطيعين ١٤٧/٦٧
أللّهمّ واجعلهم «ولدى» لي مطيعين ٦٤/٤
إلهي واجعلهم «ولدى» ... مطيعين لك ولأوليائك ٦٤/٢
الْمُطيعينَ: وألحقني بميدان المطيعين لك ٨٤/١
وألحقني بميدان الصّالحين المطيعين لك ٤١/١
ولامتعالياً بدالّة المطيعين ١٤٧/٨٠
أدوم من أن تزيد فيه طاعة المطيعين ١٦٢/٨
لايزيد في ملكك طاعة المطيعين ١١٢/٥
لِلْمُطيعينَ: ويامن طاعته نجاة للمطيعين ٣٣/١
مُسْتَطيعٌ: وأخّرت وأنت مستطيعٌ للمعاجلة ١٤٦/١١
فلست مستطيعاً لقضآء حقوقك ١٩٩/٧٠
الْمُطاعُ: وجبريل ... المطاع في أهل سماواتك ١٢/٤
أطْوَعِهِمْ: وأطوعهم «مواليه» له طوعاً ١٤٩/٧٠
وأطوعهم لك ١٤٩/٤٣

ط.و.ف

طافَ: وطاف عليهم حرّاسها ٨٢/١
أطافَ: أللّهمّ إنّي أسألك... بما أطاف العرش ١١٤/١٥
وبأعطف من أطاف به المستغفرون ٣٤/٨
طَوْفَ: إن... أعدمتني طوف الوصآئف ١٩٩/٩٢
بِطآئِفَةٍ: مسلم... أعانه بطآئفة من ماله ٦٧/٢٠
طَوآئِفَ: وتهطل ... طوآئف المزيد والرّضوان ١٠/١٣
وقد انتحلت طوائف من هذه الأمّة ٢١٩/٤٢

ط.و.ق

أطيقُهُ: كلّما وفّقتني له من خير أحمله وأطيقه ٩٩/٣
يُطيقُ: فكيف يطيق صوت غضبك ٢٠٥/١٦
لايُطيقُ: ولايطيق صوت رعدك ٢٠٥/١٦
لايُطيقُها: لايطيقها إلاّ نعمك ٢٤٤/٤
لَمْ يُطِقْ: فوق من لم يطق حمله ١٠٩/٦
لايُطيقُونَ: من الأمر ما لايطيقون ١٩٩/١٦٧
لاأُطيقُها: وفي القلب منّي لوعة لاأطيقها ٢١٩/٣٥
نُطيقُ: ... فكيف نطيق حمده؟ ١/٢١
طَوَّقْتَني: إلهي ... طوّقتني أطواقاً لاتفلّ ١٨٧/٥
طَوِّقْني: وطوّقني طوق الإقلاع ١٤٧/٩٣
طَوْقَ: وطوّقني طوق الإقلاع عمّا يحبط الحسنات ١٤٧/٩٣
طاقَةَ: نزل بي ما لاطاقة لي به ٤٢/٢٤
أللّهمّ ... لاطاقة لي على الجهد ١٤٩/٤٥
لقد وضع عنّا ما لاطاقة لنا به ١/٢٥
أللّهمّ ... فإنّه لاطاقة لنا بعد لك ٣٢/١
ولاتمتحنّي بما لاطاقة لي به ١٤٧/٩٠
ولاتحمّلنا ما لاطاقة لنا به (قرآن) ٨٣/١٣

أللّهمّ لاطاقةَ لي بالجهد ٥٩/٢
طاقَتي: وإنّ طاقتي لاتنهض بسخطك ١٠١/٥
أوبقتها «بنفسي» بالمعاصي جهدي وطاقتي ١٤٨/٨
ولاتحمّلني فوق طاقتي ١٩٩/٢٩
أَطْواقاً: إلهي ... طوّقتني أطواقاً لاتفلّ ١٨٧/٥
مُطيقٌ: ولاأظلمنّ وأنت مطيق للدفع عنّي ٥٥/٢٣

ط.و.ل

طالَ: وطال به «محمّد» الإسلام ١٠/٢٢
إلهي طال حزني ودقّ عظمي ٢٠١/٢٩
وطال بك اغترارى ٢٥١/٥٥
وطال في معاصيك إنهماكي ٢٥١/٥٥
وظلّ عقابها «مصيبة» وطال عذابها ٢٠٠/٧
حتّى إذا طال عليهم الأمد ٢١٩/٤٣
أنا الّذى إذا طال عمري زادت ذنوبي ٢٠١/١٣
وطال رجائي بكثرة عفوك يامولاي ٢٠١/١٣
وبلى كلّما طال عمرى كثرت خطاياى ولم أتب ٩١/٤
طالَما: لتجمعنّ بيني وبين قوم طالما عاديتهم ٢١٧/١
إلهي طالما ركبت نفسي ما نهيت عنه ٢٠٦/٣
إلهي طالما مشت قدماى في غير طاعتك ٢٠٥/٢ ـ ٢٠٦/٢
تقيّد بأنكال الجحيم أقداماً طالما ١٩٩/١٥٣
أم تراك تغلّ إلى الأعناق أكفّاً طالما ١٩٩/١٥٣
إلهي، طالما نامت عيناى ٢٠٦/١ ـ ٢٠٥/١
إلهي، طالما ارتكبت نفسي ٢٠٥/٣
فَطالَما: فطالما عفوت عن المذنبين قبلي ١١٦/٥٨
طالَتْ: النّواكس الأذقان الّذين قد طالت رغبتهم ١٢/٨
وطالت مصيبتي بكثرة ذنوبي ٢٠١/١٣
يَطُولُ: من دين ... يطول بممارسته شغلي ٧٩/١
آه وانفساه من نار يطول فيها مكث ١٩٨/١٧
أَطْوَلَ: وأطول أملي ١٦٤/١١
وما أطول تردُّده في عقابك ١٤٦/١٠
ربّ وما أطول أملي في قصر أجلي ١٦٤/١٤
أَطْوَلَكَ: ماكان أطولك على المجرمين ١٤٢/٣٧
أَطَلْتَ: وأطلت الإمهال وأخّرت ١٤٦/١١
واجعلني ممّن أطلت عمره ١١٦/١٠٨
أَنْ تُطيلَ: وتقدّر أن تطيل عمرى ١١٧/٤٢
فَأُطيلَ: أللنّار خلقتني فأطيل بكآئى ١٩٧/٤٣
أمن أهل الشّقآء خلقتني فأطيل بكآئى؟ ١١٢/٢ ـ ٢٠٣/٩
طَوَّلْتَ: لاتجعلني ممّن طوّلت له في الدّنيا أمله ٢٤٨/٣
تَطَوَّلْ: تطوّل عليّ يامتطوّلاً على المذنبين ٢٤٣/١١
وتطوّل عليّ بجميع حوائجي ١١٧/٣٨
فَتَطَوَّلْ: فتطوّل عليّ فيه بالرّحمة والمغفرة ١٤٩/٦٤
طُولِ: ... إلاّ عن طولِ الإعذار إليه ١٤٢/٥
تندّم لو يغنيه طولُ ندامة ٢١٤/٤٠
لم يهن على طولِ مدّتهم سلطانك ١٤٦/٨
أن يذوب على طولِ مجانبة الأطبّاء ٢١٩/٤٠
وخمود تلك الرّقدة وطولِ تلك الإقامة ٢١٩/٢٦
فارحم طولَ تضرُّعي ٤٩/١٩
أكلتُ تراب الأرض طول عمري ٤٩/١٧
واكفنا طولَ الأمل ١٠٣/١
تركتني خطيئتي في طولِ حزن وبكآء ١٩٨/٥٨
إرحم في الثّرى طولَ وحدتي ١٩٩/١٤٥
وأكلنا تراب الأرض طولَ أعمارنا ٢١٣/٢
وكبّة النّار وطولِ الخلود فيها ١٤/١٠
فأورثتهم الصّبر على طولِ البلآء ٢٠٠/٣٠
إبتغآء ... طولِ الخلود في رحمتك ١٠/٤
أشكو إليك ... طولَ أملي ٢٥٢/١٦ ـ ٢٥١/٢٤
أين إذاً ياإلهي طولُ شغلهما بتربيتي؟ ٦٣/١١
سيّدى ومولاي على طولِ معصيتي ٢٤٧/٢
طولِ المقامة بين أطباق الثّرىٰ ١٠٩/١٩
لِطُولِ: سؤال من نفسه لاهية لطولِ أمله ١٦٦/٩
وبكى عليها الغريب لطولِ غربتها ١٩٩/١٣٧
بِطُولِ: ناجتك ... بطولِ استغفار الوحدة ٢٠٠/٣١
إبتليتنا ... في آجالنا بطول الأمل ٧٦/١
يامن آنس العارفين بطولِ مناجاته ١٩٩/٣٦
طَوْلاً: وتصله بمزيد بعد مزيد طولاً منك ١٤٧/٤٤
الطَّوْلَ: أسئلك بأنّ لك الطّول والقوّة والقدرة ١٢٠/١٢
ياذاالجلال والإكرام ياذاالطّولِ ١٢١/١
ياذاالطّولِ والإنعام ١٩٩/٩٢ ـ ٢٣٤/٨
ياذاالطّولِ ياذاالجلال والإكرام ١٢٠/١٠
إنّك ... المحسن المجمل ذواالطّولِ ٩٧/٦
وغمرهم بالمنّ والطّولِ ١٤٢/٢٢
ياذاالطّولِ لاإله إلاّ أنت ٢٥١/٦٧
ياذاالمنّ والجود والطّول والنعم ٢٥١/٦٦
ياذاالطّول والمنّ ١٣٣/١
ياذاالحول والطّول والكبرياء والآلآء ١٣٧/١
طَوْلِكَ: إلهي... أتيتك... مستسقيا وابل طولك ١٨٦/٧
بمنّك وطولك وجودك وفضلك ١٤٣/٥٥
إلهي ... خلّتي لايسدّها إلاّ طولُك ١٩٢/٢
وظاهر لديّ فضلك وطولك ١٤٧/٩٥

لم أجد لفاقتي ... أمناً غير فنائك وطولك ٢٤٧/١
فبالآئك وطولك ٢٣٩/٩
وأسكنتهم جنانك برأفتك وطولك ٢٣٧/٦
رجلّ طولُك عن وصف الواصفين ٢٠٠/١
وانفاً بقديم طولك ١٩٩/١٧٩
إلهي أذهلني عن إقامة شكرك تتابع طولك ١٨٧/١
أللّهمّ إنّي أصبحت... راجياً طولَك مؤمّلاً فضلك ١٦/١
سائلاً فسيحة رحمتك وسعة طولك ١٦/٣
أبسط عليّ طولَك ٨٠/٢٠
بِطَوْلِكَ: وافتح لي ياربّ باب الفرج بطولك ٢٤/٥
وامنن عليه بطولك الجزيل ١٩٢/٩
فَبِطَوْلِكَ: فمن غفرت له فبطولك ٨/٥ ـ ٩٨/٢
تَطَوُّلاً: تفعل ذلك بي تطوّلاً عليّ ٨٨/١٦
بل كان ذلك منك تطوّلاً عليّ وامتناناً ١٤٢/٢
كلُّ ذلك إنعاماً وتطوّلاً منك ١٥٢/١٢
إلاّ إحساناً وامتناناً وتطوّلاً وإنعاماً ١٥٢/١٣
بل أدررت أرزاق عبادك منك تطوّلاً ٢٣٧/٢
فاضممني إلى كنف رحمتك تطوّلاً ٨٠/١٧
التَّطَوُّلِ: ما أبليت من التّطوّل ١٩٩/١٤٨
كأنّ لي التّطوّل عليك ٤٠/٣
تَطَوُّلِكَ: ولاتخلى الرّاجين لحسن تطوّلك ١٩٩/١٨٠
عوّدتني من جميل تطوّلك ١٩٩/١١٤
غمرتهم بسعة رحمتك وتطوّلك ٢٣٩/٢
بِتَطَوُّلِكَ: أهّلتها بتطوّلك غير مؤهّلها ٢٣٧/٢
ولاتجعل ظنّي بتطوّلك كاذباً ١٩٩/١٥٧
الْإِسْتِطَالَةِ: للّذى كنت فيه من الزّهو والإستطالة ٣٥/٥
لما كنت فيه من الزّهو والإستطالة ٢٥٧/٢٩
إِسْتِطَالَتِهِ: فانقمع بعد إستطالته ذليلاً ١٥٢/٨
مُتَطَوِّلاً: تطوّل عليّ يامتطوّلاً على المذنبين ٢٤٣/١١
الْمُتَطَوِّلُ: إنّك ... المتطوّل بالإمتنان ٤٦/٧
مُسْتَطِيلاً: لامستطيلاً بتكبّر المتكبّرين ١٤٧/٨٠
ولامستطيلاً بشفاعة الشّافعين ١٤٧/٨٠
الْمُسْتَطِيلَةِ: بقدرة الله المستطيلة على ٢٢/٢٦
طَوِيلاً: ياربّ إنّ لنا فيك أملاً طويلاً كثيراً ١١٦/٣٧
ومنّوا عليّ طويلاً وذمّوا كثيراً ٥٩/٣
الطَّوِيلُ: أنا الطّويل العناء ١٤٧/٨٢
طَوِيلَةَ: إليك أشكو نفساً ... طويلة الأمل ١٨٣/٢
الطَّوِيلَةِ: الفانية بالمدّة الطّويلة الخالدة ٩٨/٧
بالمدّة الطويلة الخالدة ٨/١٢
أَطْوَلُ: أيّ زمان أطول من أناتك ١١٦/٣١
أَطْوَلِهِمَا: واجعل التّوبة في أطولهما بقاءً ٣٠/٢

ط.و.ى

طَوَتِ: ولما طوتِ الغفلة عنّا ١٠٩/١١
سبحانك طوت الأبصار في صنعتك ٢٢٢/٧
أَطْوِيهِ: أنشره وأطويه من شكرك ١٩٩/١٨١
إِطْوِ: واطوِ عنهم ما يلحقني عندك شناراً ١٠٨/٣
إِنْطَوَى: إرحم من ... على معصيتك انطوى ١٩٩/٤٦
وقبح ما إنطوى عليه ١٥٢/٨
إِنْطَوَتْ: ما انطوت عليه مضمونُ القلوب ٢٣٤/٦
تطبع على قلوب انطوت على محبّتك ١٨٤/٤
لايَنْطَوِي: توبة من لاينطوى على ١٤٢/٦٠
لاتَنْطَوِي: ولاتنطوي عنك دقائق الأمور ٨٨/٥
أَنْ نَنْطَوِيَ: نعوذبك أن ننطوى على غشّ أحد ٢٦/٤
طَيَّ: كلّما تراءت الآيات ونشرها من طيّ الدّهر ٢١٩/٣١
وتولّيت طيّ علمه عن عبادك ١٠/١٩
طَيِّكَ: قطّان أرضك إلى وقت طيّك الحساب ١٦/١٨
مُنْطَوِينَ: ومن كانوا منطوين على محبّته «محمّد» ١٤/٣
مَطْوِيَّاتِ: السّموات مطويّاتٍ بيمينه (قرآن) ٢٢/٣٠ـ٢/٧

ط.ـه

طٰهٰ: طٰه ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى (قرآن) ١٤٤/٨

ط.هـر

طَهِّرْ: أللّهمّ طيّب ما طهر منّي ٢٦٨/١
طَهَّرْهُمْ: وطهّرهم تطهيراً ٢/١٠ ـ ١٢٣/١٠ ـ ٢١٩/٤٨
اللّذين أذهبت الله عنهم الرّجس وطهّرهم تطهيراً ١٤١/٣٣
طَهَّرْتَهُمْ: بالأئمّة الّذين... طهّرتهم ١٤٩/٤٦
وطهّرتهم من الرّجس والدّنس تطهيراً بإرادتك ١٤٧/٥٧
طَهَّرْتَنِي: أسألك ... لمّا طهّرتني من الآفات ٣٦/١٠
تُطَهِّرُ: إغفرلي مغفرة تطهّر بها قلبي ١٤٣/٤٤
وتب عليّ توبة نصوحاً تطهّر بها قلبي ١٩٩/١٦٠
تُطَهِّرُنَا: بما تطهّرنا به من الذّنوب ١١٥/١٥
حَتّىٰ تُطَهِّرَنَا: حتّى تطهّرنا من كلّ ١٠٩/١٠
أَنْ تُطَهِّرَهَا: وأن تطهّرها بإخراج الزّكوات ١١٥/١٣
طَهِّرِ: وطهّر البلاد منهم وعفّ عنها آثارهم ٢٢٣/٥
وطهّر قلبي واقض ديني ١٣٣/٧
وطهّر خَلقي وطيّب خُلُقي ٢٦٨/٢
وطهّر ما طاب منّي ٢٦٨/١
طَهِّرْنِي: ارزقني حسن الإنابة وطهّرني بالتّوبة ٤٩/٢٠

طهّرني بالتّوبة ٤٩/٢٠
إعصمني وطهّرني واذهب ببليّتي ١٧١/٢
وطهّرني من الذّنوب كلّها ١١٦/١١٥
طهّرني من دنس ما أسلفتُ ٤٦/٥
طَهَّرْنا: وطهّرنا من اتّباع الهوى ٢٠٠/١٧
تَطَهَّرْتُ: أللّهمّ إنّي تطهّرت ابتغاء سنّة المرسلين ٢٦٨/٢
طَهارَةً: وطهارةً على طهارتهم ١٢/١٤
طهارةٍ لأتدنّسها الآثام ١١٠/٤
طَهارَتِه: وبحقّ يحيىٰ وطهارته ١٨٠/٤
طَهارَتِهِمْ: وطهارة على طهارتهم ١٢/١٤
بِطَهارَةِ: خصّت قلوبهم بطهارة الصفاء ٢٠٠/٣٦
تَطْهيراً: طهّرهم تطهيراً ١٢٣/١٠ ـ ٢/١٠
تطهيراً لما انغمست فيه من السّيّئات ٤٦/٣
وطهّرتهم من الرّجس والدّنس تطهيراً بإرادتك ١٤٧/٥٧
أذهب‌الله عنهم‌الرّجس‌وطهّرهم تطهيراً ٢١٩/٤٨-١٤١/٣٣
التَّطْهيرَ: وهب لي التطهير من دنس العصيان ١٤٧/٩٥
بِتَطْهيرِهِ: حتّى تطهّرنا من كلّ دنس بتطهيره ١٠٩/١٠
طاهِراً: فقبضه «محمّداً» ... طاهراً نقيّاً ١٩٩/٥٩
فقام «العبد» إليك بقلب طاهرٍ ٣٤/٧
واجعل لي قلباً طاهراً ٢٥١/٤٧
وأبدلني شعراً طاهراً لايعصيك ٢٦٨/١
الطّاهِرُ: أن محمّداً ... رسوله الطّاهر المعصوم ١٩٩/٥٨
الطّاهِرينَ: ربّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٥٧/١
بحقّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٦٠/٨
صلّى الله على محمّدٍ وآله الطّاهرين ٢٣/٧ ـ ١٥٥/٩
١٤٨/٣٥ ـ ٢٣٩/١٣
صلّ على محمّد وآل محمّد الطّيّبين الطّاهرين ٢٥١/٥٢
وعلى أهل بيته الأصفياء الطّاهرين ١٩٩/٦٣
وألحقني بأوليائك ... الطّاهرين ١١٦/١١٦
وعلى أهل بيته الطّيّبين الطّاهرين ٢٤٢/٤
صلّ على محمّد وآله الطّيّبين الطّاهرين وسلّم كثيراً ٥٢/٦
وولاية الطّاهرين المعصيومن ١١٩/١٧
فصلوات الله عليه وآله ... الطّاهرين ٢/١٠
صلّ على محمّد وآله الطّيّبين الطّاهرين ٢٥٢/٣٥-٢٣٧/١٠
فاحشرني مع محمّدٍ وآله الطّيّبين الطّاهرين ٢٠٣/١٤
صلّ على سيّدنا محمّد وآله الطّاهرين ٢٠٢/٨
أللّهمّ فصلّ على محمّد وأهل بيته الطّاهرين ١٩٩/١٥٠
وصلّى الله ... على أهل بيته الطّاهرين ١٩٩/١٩٩
وعلى أهل بيته الطّيّبين الطّاهرين ٥٠/١٤
إلهي... بحقّ... الأئمّة الطّيّبين الطّاهرين ٢٠٧/٢٧
سيّدنا محمّد النّبيّ وآله الطّاهرين وسلّم ٢٤٣/١٢
وصلّى الله على محمّد وآله الطّيّبين الطّاهرين ١٤٧/١١٧
آله الطّيّبين الطّاهرين ورحمة الله وبركاته ١٠٩/٢٧
نبيّك نبيّ الرّحمة ويعترته الطّاهرين الطّيّبين ١٢١/٢١
محمّد وآله الطّيّبين الطّاهرين ١١٠/١٠
وعلى الطّاهرين من أهل بيته ١٧٢/٨
الطّيّبين الطّاهرين وسلّم تسليماً ١٥٩/٥
رسول الله المصطفى وعلى آله الطّاهرين ١٧١/١٠
فصلّ على محمّد وآله الطّيّبين الطّاهرين ٢١/١٨
وعرّفه «محمّد» في أهله الطّاهرين ٩/٢
فصلّ على محمّد وآله الطّاهرين ١٣/٢
محمّد وآله الطّاهرين وسلّم ٢٤٥/٨
محمّد وعترته الصّفوة من بريّتك الطّاهرين ٩٥/٤
طَهُورٍ: وشراب طهورٍ وملك كبير ٢٥٧/١٢
الطَّهُورِ: وشهر الطّهور ١١٥/٣
على أتمّ الطّهور وأسبغه ١١٥/١٢
الْمُطَهَّرُونَ: ولايمسّه إلاّ المطهّرون ١٩٩/١٩٢
الْمُطَهَّرِينَ: من أهل بيت الرّحمة المطهّرين ٤٢/٣٠
أَطْهَرَها: أسألك ... من الأخلاق أطهرها ١٩٩/٢٣

ط.ى.ب

طابَ: وطاب في مجلس الأنس سرّهم ١٩٣/٤
وطهّر ما طاب منّي ٢٦٨/١
أَطْيَبَ: وما أطيب طعم حبّك! ١٩٣/٥
أَطِبْ: وأطب لهما «والدىّ» كلامى ٦٣/٦
طَيِّبْ: وطهّر خلقي وطيّب خُلقي ٢٦٨/٢
أللّهمّ طيّب ما طهر منّي ٢٦٨/١
أللّهمّ اغفرلي ذنبي وطيّب لي كسبي ١٢١/١٣
وطيّب بقضائك نفسي ٩٦/٣
طيبِ: ومرارة العيش وطيبِ نسيم الغرور ٢١٩/١٣
وسُكون الريح وطيب المخالقة ٥٥/١٥
طَيِّباً: أن ترزقني رزقاً حلالاً طيّباً ١٢١/٢ ـ ١٣٨/١٣
أنا أفقرهم إليك ... لكلام طيّب ترفعه ٢٥٧/٩
وارزقني حلالاً طيّباً واسعاً ٢٥١/٤٦ ـ ٢٥١/٤٠ ـ ٢٥١/٥٤
ومن طيّبِ رزقك ... فارزقني ٢٥٢/١٤
وارزقني رزقاً حلالاً طيّباً ٢٥١/٣
وارزقني حلالاً طيّباً ٢٥٢/٣ ـ ٢٥١/٣٥
وارزقني من فضلك رزقاً واسعاً حلالاً طيّباً ١١٦/٥٠
رزقاً واسعاً مباركاً طيّباً حلالاً ١٩٩/٢٠٠
أللّهمّ إنّي أسألك السعة من طيّبِ رزقك ١٢١/١١

إنّي أسألك من الدّنيا وما فيها رزقاً حلالاً طيّباً ۱۲۱/۶
فاجعله حلالاً طيّباً في يسرٍ منك وعافية ۱۲۱/۱۷
ألّلهمّ ارزقني من فضلك رزقاً حلالاً طيّباً ۱۲۱/۹
ألّلهمّ ارزقني من فضلك مالاً طيّباً ۳۶/۷
فافتح لنا ... باب ... رزقٍ طيّب ۷۰/۱۴
وأنهار من طيّبِ الشراب ۲۵۷/۱۲
ومنِ طيّب رزقك ... فارزقني ۲۵۱/۲۲
الطَّيِّبِ: وأوسع عليّ من رزقك الحلال الطّيّب ۱۴۹/۵۹
ومن الحلال الطّيّب مرزوقين ۲۰۶/۱۲
بِطَيِّبٍ: وغذوتنا بطيّب رزقك ۲۰۰/۲
بِالطَّيِّبِ: وبالطّيّب عن الخبيث فاكفني ۱۵۳/۲۳
الطّيّبينَ: محمّدٍ وآله الطّيّبين وسلّم ۱۳۲/۱۵
الصّالحين محمّد وآله الأبرار الطّيّبين ۱۱۶/۱۱۶
صلّ على محمّد وآل محمّدالطّيّبين ۱۱۳/۵ـ۲۰/۵ـ۲۵۲/۳۵
صلّ على محمّد وآله الطّيّبين الطّاهرين ۵۲/۶ـ۲۳۷/۱۰
على جدّي محمّد رسولك وآله الطّيّبين ۹۹/۴
صلّ على محمّد وآل محمّد الطّيّبين الطّاهرين ۲۵۱/۵۲
وعلى أهل بيته الطّيّبين الطّاهرين ۲۴۲/۴ ـ ۵۰/۱۴
صلّى الله على محمّد وآله الطّيّبين ۲۴۱/۱۰ ـ ۱۴۷/۱۱۷
فصلوات الله عليه وآله الطّيّبين ۲/۱۰
فصلّ على محمّد وآله الطّيّبين الطّاهرين ۲۱/۱۸
فاحشرني مع محمّدٍ وآله الطّيّبين ۲۰۳/۱۴
بحقّ ... الأئمّة الطّيّبين الطّاهرين ۲۰۷/۲۷
صلّ ... على أهل بيته الطّيّبين الأخيار ۱۲۳/۱۰
من حبّ محمّد وآل محمّد الطّيّبين الأخيار ۱۲۱/۲۳
نبيّك نبيّ الرّحمة وبعترته الطّاهرين الطّيّبين ۱۲۱/۲۱
والسّلام عليه وعلى آله الطّيّبين ۱۰۹/۲۷
وعلى أهل بيته الطّيّبين وسلّم ۱۴۳/۲۳
وصلّى الله على محمّد وآله الطّيّبين ۱۱۰/۱۰
محمّد وآله الطّيّبين الأخيار ۳۵/۱۶
وأهل بيتك الطّيّبين ۱۲۴/۶
بمحمّد نبيّ الرّحمة وبعترته الطّيّبين ۱۲۴/۷
وعلى أهل بيته الطّيّبين الأخيار ۱۴۱/۳۳
صلّى الله عليه وآله الطّيّبين الطّاهرين ۱۵۹/۵
طَيِّبَةً: وأحييته بعد الممات حياةً طيّبةً ۱۴۹/۵۵
صلاة كثيرة طيّبة تكون لك رضى ۱۱۴/۳
واجعلني ممّن ... أحييته حياةً طيّبة ۱۱۶/۱۰۸
صلاةً كثيرةً طيّبةً مباركة ۱۲۲/۷
فأحيني حياة طيّبةً تنتظم بما أريد ۱۴۷/۹
طَيِّباتِ: هنّأتني فيها طيّبات رزقك ۴۶/۲
والحمدلله الّذي ... أجرىٰ علينا طيّبات الرّزق ۱/۱۹
وتكمل لنا به طيّبات الرّزق وتنبت لنا به الزّرع ۵۳/۴
الطَّيِّباتِ: ورزقنا من الطّيّبات ۲۶۱/۱
بِطَيِّباتِ: والحمدلله الّذي ... غذّانا بطيّبات الرّزق ۱/۲۲
طَيِّاباً: فجعلتهم طيّاباً أبراراً أتقياء ۲۰۶/۱۶
الْأَطْيَبِينَ: وجاور بي الأطيبين من أوليائك ۱۴۷/۱۱۰
أَطْايِبِ: ربّ صلّ على أطايب أهل بيته ۱۴۷/۵۷
فَطُوبىٰ: فطوبىٰ لمن رضيت عنه ۲۵۷/۱۵

ط.ى.ر

فَأَطِيرَ: إلهي، ليتني كنت طيراً فأطير ۲۰۵/۶
إلهي ليتني كنت طائراً فأطيرَ ۲۰۶/۶
طَيْراً: أرسل عليه «من يؤذيني» طيراً أبابيل ۱۶۰/۲
إلهي ليتني كنت طيراً فأطير ۲۰۵/۶
الطَّيْرِ: وسكنت الحركات من الطّير في الوكور ۸۹/۱
كَالطَّيْرِ: تركتني خطيئتي كالطّير ليس له ۱۹۸/۵۵
طائِراً: إلهي ليتني كنت طائراً ۲۰۶/۶
الطّائِرِ: البيضة من جوف الطّائر ۱۷۴/۴
كما تخلّص الطّائر من جوف البيضة ۱۷۴/۵
طائِرَةً: فلم تزل قلوبهم والهةً طائرةً ۲۰۰/۲۳

ط.ى.ش

طاشَ: وطاش عند سؤالك إيّاي لبّي ۱۱۶/۸۸
فارحمني إذا طاشَ عقلي ۲۰۳/۱۳
الطَّيْشِ: أعذنا من الفشل ... والطّيش ۲۰۰/۱۶

ط.ى.ن

طين: من بين ماء وطينٍ ورمل بقدرتك ۱۷۴/۳
الطِّينِ: وآدم... أوّل معترفٍ من الطّين ۱۱/۱

حرف الظاء

ظ.ب.و

ظُبَةَ: شحذلي ظبة مديته ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤

ظ.ر.ب

الظِّرابَ: ... منه الظِّرابَ وتملأ منه الجباب ٥٣/٤

ظ.ع.ن

ظَعْنَهُ: واجعل ... ظعنه ... فيك ولك ٦٧/١٨

ظَعْني: إنّي في كنفك ... في ... ظعني ١٣٩/١٥

ظ.ف.ر

ظَفِروا: ظفروا بحبل النّجاة ٢٠٠/٢٦

ظَفِرَتْ: سيّدي ... ظفرت يدا من بحاجته ناجاك ١٩٩/٧٨

ظَفَراً: وظفراً بمن عاندني ٥٥/١١

أَظْفارَهُمْ: وأقلم عنهم أظفارهم ٦٧/٦

ظ.ل.ل

ظَلَّ: وساء ثوابها «مصيبة» وظلّ عقابها ٢٠٠/٧

فَظَلَّ: فظلّ أحبّ القوم كان لقربه ٢١٤/٥٠

فَظَلَّتْ: فظلّت أعناقهم لها خاضعين (قرآن) ١٥٩/١٥

ظَلِلْتُ: وإن يكن ما ظللت فيه أوبتُ ... ٥١/٢

ظَلِّلْنا: واجعله «محمّد وآله»... خير وقت ظللنا ٢١/١٤

أَظَلَّهُ: فأسألك يامولاي... سؤال من أظلّه الأجل ١٦٦/١٠

أَظَلَّها: وقد أظلّها حسن توكّلي عليك ١٩٧/٤

أَظْلَلْنَ: ألّلهمّ ربّ السّماوات السّبع وما أظللن ١٥٧/١

أَظْلَلْتَهُمْ: وأظللتهم «أوليائك» برعايتك ٢٣٧/٧

تُظِلُّني: أم كيف تظلّني السّماء ١٩٨/٦٥

أَظِلَّني: وأظلّني في ذراك وجلّلني رضاك ٥٥/٣١

فَأَظِلَّني: وبإظلالك فأظلّني ١٥٣/١٨

ظَلِّلْ: إلهي ظلّل على ذنوبي غمام رحمتك ١٨٢/٥

إِسْتَظَلُّوا: إستظلّوا في ظلّ الكرامة ٢٠٠/٢٤

بِإِظْلالِكَ: وبإظلالك فأظلّني ١٥٣/١٨

ظِلِّ: انتفت منهم القرابات إذ سكنوا في ظلّ قرابته ١٤/٣

ومالت أرواحهم إلى ظلّ برد المشتاقين ٢٠٠/٣٠

وصفته من ... ظلّ من يحموم ٢٥٧/١٦

لايضطهد من آوىٰ إلى ظلّ كنفك ١٥٢/١٠

ويسكن في ظلّ جناحه ١٠٩/٨

واستظلّوا في ظلّ الكرامة ٢٠٠/٢٤

من آوى إلى ظلّ كنفك ١٥٣/٨

وتحت ظلّ عفوك فيامي ١١٦/٩٠

الظِّلِّ: ياماذ الظّلّ ولو شئت لجعلته ساكناً ١٣٧/١

ظِلَّهُ: ألّلهمّ لاتجعل ظلّه علينا سموماً ٥٣/٥

ظِلِّكَ: واكنفه «عبدك» تحت ظلّك الظّليل ١٩٢/٩

وأحبيتني تحت ظلّك ١١٣/٦

بِظِلِّكَ: تب على عبدك... المستذرى بظلّك الظّليل ١٦/٧

الظَّلِيلِ: تب على عبدك... المستذرى بظلّك الظّليل ١٦/٧

وأكنفه «عبدك» تحت ظلّك الظّليل ١٩٢/٩

ظ.ل.م

ظَلَمَ: أحصى ما ظلم به نفسه ٨٠/٣

وعفا عمّن ظلم وأساء ٢٤٧/٤

ظَلَمَهُمْ: ألّلهمّ ... العن من ظلمهم «الأئمّة» ١٨١/٥

ظَلَمَني: ترك الإنتقام ممّن ظلمني ٤٤/١١

ظلمني و بغى علىّ ١٦٠/٧

واجعل لي يداً على من ظلمني ٥٥/١١

ظَلَمْنا: ألّلهمّ... وأمرتنا أن نعفو عمّن ظلمنا ١١٦/١٣١

أن نعفو عمّن ظلمنا وقد ظلمنا أنفسنا ١٤٠/١

وأن ننصف من ظلمنا ١١٥/١٤

إلهي أمرتنا أن نعفو عمّن ظلمنا ٢٠٨/٢

ظَلَمُوا: ووقع القول عليهم بما ظلموا (قرآن) ٢٣/٣

ظَلَمْتُ: ألّلهمّ قد أسأت وظلمتُ ١٤٨/١٣

ربّ أسأت وظلمتُ نفسي ٨٦/١

وظلمتُ نفسي فاغفرلي ١١٧/٤٠

إلهي ظلمتُ نفسي وعظم عليها إسرافي ٢٥١/٥٥

ظَلَمْتُها: مظلمة ظلمتها إيّاه «عبد» في نفسه ٢٣٨/٦

ظَلَمْنا: وقد ظلمنا أنفسنا فاعف عنّا ٢٠٨/٢

وأنفسنا ظلمنا ورحمتك رجونا ٢٠٠/١١

ربّ ... فنحن قد عفونا عمّن ظلمنا كما أمرت ١٤٠/١

أن نعفو عمّن ظلمنا وقد ظلمنا أنفسنا ١٤٠/١

أو على نسيان ظلمنا فيه أنفسنا ١٤٢/٥٢

وقد ظلمنا أنفسنا ١١٦/١٣١

ظُلِمَ: ألّلهمّ إنّي أعتذر إليك من مظلوم ظلم ١٠٠/١

لايَظْلِمُ: ألّلهمّ إنّي أسألك بأنّك... قادرٌ لايظلم ١٣٠/٣

أَنْ أَظْلِمَ: فقني من أن أظلم ٤٤/٧

لاأَظْلِمَنَّ: ولاأظلمنّ وأنت القادر على ٥٥/٢٣

لايُظْلَمُونَ: وهم لايظلمون (قرآن) ١/١٤ ـ ٢٠٧/٢١

وفّيت كلّ نفس ما كسبت وهم لايظلمون (قرآن) ١٨٤/٩

كلّ نفس بما كسبت وهم لايظلمون ٦٣/١٢
أَنْ أَظْلَمَ: ألّلهمّ فكما كرّهت إليّ أن أظلم ٤٤/٧
لاأَظْلَمَنَّ: ولاأظلمنّ وأنت مطيق للدفع عنّى ٥٥/٢٣
ظَلْمٌ: أو بسببي ظلمٌ نفثه بحقّه ١٠١/٤
ليس في حكمك ظلمٌ ٥٢/٢
قد خاب من حمل ظلماً (قرآن) ٢٣/٣
إمنعني وإيّاهم من ظلم الظّلمة ٢٤٨/٥
كما ملئت ظلماً وجوراً ١٤٩/٧٠ ـ ٢٤٨/١
الظُّلْمِ: أعوذبك من البغى والظّلم والإعتداء ١٥٣/٢٦
وجزت من العدل إلى الظّلم ١٦٤/١٣
ويحتاجُ إلى الظّلم الضّعيفُ ٥٢/٢
أنا الّذى ... غدوت إلى الظّلم بعد العلم ١٤٨/١٠
المجارين من الظّلم بعدلك ٦٤/١٣
بك أستجير ... من الظّلم والعدوان ٢٣٦/٢
ظُلْمِهِ: عوّضني من ظلمه لي عفوك ٤٢/٦
ربّ أعوذبك من ... ظلمه وعداوته «شيطان» ١٥٣/٢٨
ظُلْمِها: وهب لنفسي على ظلمها نفسي ١٠١/٧
ظُلْمي: أن تحيط بي شيئاً من خطيئتي وظلمي ١٢٣/١٨
لاتفتنه بالأمن من إنكارك فيصّر على ظلمى ٤٢/٩
ومستغفر لك من ظلمي لنفسي ١٤٩/٣٨
واغفرلي ... ظلمي وجرمى ١١٧/٢٧
حتّى يأمن عدوّى من ظلمى وجورى ٥٩/١٤
وظلمي وجهلي وإسرافي في أمري فتجاوز ١٥٣/٢٢
لاتسوّع له ظلمي ٤٢/٤
عدوّى عن ظلمى بقوّتك ٤٢/٣
وجهلي وظلمى وإسرافي على نفسي ١٣٨/٣
بِالظُّلْمِ: وأمهلت من قصد لنفسه بالظّلم ١٤٢/٤
مَظْلَمَةٌ: فأيّما عبد ... كانت له قبلى مظلمة ٢٣٨/٦
بِمَظْلَمَتِهِ: عبيدك... سبقته بمظلمته ١٠١/٤
مَظالِمِ: وأسألك في مظالم عبادك عندى ٢٣٨/٦
مَظالِمَهُمْ: واردد إلى جميع خلقك مظالمهم ٢٥٢/٣٠
ألّلهمّ اردد على جميع خلقك مظالمهم ٢٥١/٣٨
ظُلْمَةِ: سيّدى أنت نوري في كلّ ظلمةٍ ١٩٩/١٦١
سبحان من أشرق نوره كلّ ظلمةٍ ٥/١
آه وانفساه من ظلمةِ القبر ووحشة البلاّء ١٩٨/٤٨
ومن نار نورها ظلمةٌ ٨٨/١٩
يانوري في كلّ ظلمةٍ ١٤٩/٢٨
وإنجلت ظلمةُ الرّيب عن عقآئدهم وضمآئرهم ١٩٣/٣
الظُّلْمَةِ: والنّور عند الظّلمةِ ١٦٤/٢٢
سبحانك تعلم وزن الظّلمةِ والنّور ٤/١٨
لِظُلْمَةِ: أبكى لظلمة قبري ١١٦/٧٩
بِالظُّلْمَةِ: مغشّاة بالظّلمة ساحته ١٩٩/٤١
ظُلُماتِ: حمداً يضيءُ لنا به ظلماتِ البرزخ ١/١٤
الظُّلُماتِ: يخرجونهم من النّور إلى الظّلمات (قرآن) ١٨/٥
وما فيهنّ من النّور والظّلمات ١٣٧/٥
وأخرجنا من الظّلماتِ إلى النّور ١٣٩/٣
وأهدني به في الظّلمات ٥٩/٩
فنادى في الظلماتِ أن لإإله إلاّ أنت (قرآن) ٢٥٢/٦
وجعل الظّلمات والنّور (قرآن) ١٤٣/١١
وديأجير الظّلمات بغير قبس نور ٢١٩/٤٥
في الضلالات في دياجير الظّلمات ٢١٩/٤٠
الّذى آمنوا يخرجهم من الظلماتُ إلى النّور (قرآن) ١٨/٥
فنادى في الظّلماتِ (قرآن) ٢٥١/١٠
ألّلهمّ إنّى أسألك ياخالق الظّلماتِ والنّور ١٢٨/١
ظُلَمِ: القرآن لنا في ظلمِ اللّيالي مؤنساً ١٠٩/١١
وجعلته نوراً نهتدى من ظلمِ الضّلالة ١٠٩/٣
الظُّلَمَ: آمنت بمن نوّر بك الظُّلم ١١٠/٢
يامن يجيب دعا المضطرّ في الظّلم ٢١٥/٢
الحمدلله ... مولج الأنوار في الظّلم ١٩٩/٥٢
أعنّى على التّهجّد لك بحسن الخشوع في الظّلم ٣٦/٨
والظّلم والأنوار والأرض والسّماء ١٣٢/١
ظالِمٌ: أعوذبك من شرّ كلّ ... طاغٍ وظالمٍ ١٥٣/٣٠
فكلّ البريّة معترفة بأنّك غيرظالمٍ ٩٨/٥
وإن عذّبت فغير ظالمٍ ١١٦/١٩
البريّة معترفة بأنّك غير ظالمٍ لمن عاقبت ٨/٩
أعوذبك من ... أن نعضد ظالماً ٢٦/٣
فإن تعذّبني فبذنوبي غير ظالمٍ ٢٢٩/٣ ـ ٢٠٩/٤
فإن تعذّبنى فبذنوبي غير ظالمٍ ١٦٥/٣ ـ ٤٩/١٨ ـ ٢٣٣/٣
وأنت بالمرصاد لكلّ ظالمٍ في وخيم عقباه ٢٣٣/٣
الظّالِمُ: إن تعذّب فأنا الظّالمُ المفرّط ١٦٣/١٤
بل أقول مقال العبد الذّليل الظّالمِ لنفسه ٣٤/٥
يوم يعضّ الظّالمُ على يديه (قرآن) ٢٠٧/١٧
ظالِمِهِمْ: وأعرضْ بالتّجاوز عن ظالمهم «جيرانى» ٦٥/٣
ظالِمي: خذ ظالمى وعدوّى عن ظلمى بقوّتك ٤٤/٣
أزل حلمك عن ظالمي ١٥٥/١
الظّالِمينَ: عرّفه عمّا قليلٍ ما أوعدت الظّالمين ٤٤/٩
سبحانك إنّى كنت من الظّالمين (قرآن) ١٣٤/٢ ـ ١٣٩/٨
٢٥٢/٦ـ ١٧٥/٢ـ١٤٨/١٣ـ٢٥١/١٠ـ١٤٣/٤٢
يوم لاينفع الظّالمين معذرتهم (قرآن) ١٩٩/٤٩
كفانا الله وإيّاكم كيد الظّالمين ٢٦٢/١

أعوذ بالله تعالى من ... بغى الظّالمين ٢٥٣/١
يامن نجّى نوحاً من القوم الظّالمين ١١٤/١٩
واجعلنا ممّن جاسوا خلال ديار الظّالمين ٢٠٠/٢٥
إنّى كنت من الظّالمين (قرآن) ١٩٩/١٩٨ ـ ٢٢/٤٠
يامن بعد عونه من الظّالمين ٤٤/١
ومن مرارة خوف الظّالمين حلاوة الأمنة ٥٥/١٠
وكم قد شمل عفوك الظّالمين ١٠١/٧
الظّالِمُونَ: تعاليت عمّا يقول الظّالمون علوّا ٢٣٤/٧
وتمرّد الظّالمون على خلصائك ٢٢٣/٤
فإنّه لايبأس من روحك إلاّ القوم الظّالمون ٢٥٢/٤١
وأحى به «وليّك» ما أماته الظّالمون ١٤٧/٦٥
تعاليت عمّا يقول الظّالمون ١٩٩/١١ ـ ٢٠٠/٤٣
من النّار في يوم الدّين يوم يحشر الظّالمون ١٣٥/٩
لِلظّالِمينَ: ولاتجعلني للظّالمين ظهيراً ١٤٧/١١٥
الظَّلَمَةِ: وبيّض وجوهنا يوم تسودّ وجوه الظّلمة ١٠٩/٢١
إمنعني وإيّاهم من ظلم الظّلمة ٢٤٨/٥
أللّهمّ إنّ الظّلمة جحدوا آياتك ١١٩/١
مُظْلِماً: الحمدلله الّذى أذهب اللّيل مظلماً ٢٤٤/١
الْمُظْلِمِ: وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتي ١١٢/٧
أوضح به «الحق» في غسق اللّيل المظلم ٧٠/١١
مُظْلِمُونَ: سالخ اللّيل من النّهار فإذا هم مظلمون ١٣٠/١
الْمُتَظَلِّمينَ: يامن لايخفى عليه أنباءُ المتظلّمين ٤٤/١
الظُّلَماءِ: وصوّرتنا في الظّلماء بكنه لطفك ٢٠٠/٢
الظَّلّامُ: العالم بما ... يخفيه الظّلاّم ١٩٩/٥
بِظَلاّمٍ: وما الله بظلاّمٍ للعبيد ١٢٣/٣
وما أنت بظلاّمٍ للعبيد ١٣٥/٧
مَظْلُوم: أللّهمّ إنّى أعتذر إليك من مظلومٍ ظلم ١٠٠/١
مَظْلُومِهِمْ: إعزاز دينك من مظلومهم ١٤/٤
بمحاسن أدبك في ... نصرة مظلومهم ٦٥/٢ ـ ٦٦/١
الْمَظْلُومينَ: ياناصر المظلومين ١٤٣/١٧
يامن قربت نصرته من المظلومين ٤٤/١
بِأَظْلَمَ: وما أنا بأظلم من تاب إليك فعدت عليه ٣٤/٩
الظَّلامِ: مصابيح الظّلام وحجج الله على جميع ١١٤/٢١
وبادليلي في الظّلام ١٤٩/٢٨
أنارلنا مد لهمّات الظّلام ١٤٤/١٨
إلهى قد تقشّع الظّلامُ ٨٤/٣
لِظُلامَتِهِ: محزون لظلامته منسوب بولادته ٢٤٨/١
بِظُلامَتي: وأخذت لي من الأعداء بظلامتي ١٦٣/٤
أللّهمّ وأيّما عبد ... فمضى بظلامتي ميتاً ١٠١/٢
الظُّلاماتِ: واقض عنى الدّين والظّلامات ١١٦/١١٣

ظ.م.أ

لاأَظْمَأُ: مشرباً رويّاً لاأظمأ بعده أبداً ١٤٩/٦١
لاتَظْمَأُ: باريّاه إسقنا شربة لانظمأ بعدها أبداً ١٩٨/٨٥
وإسقنا منه كأساً رويّاً لانظمأ بعده ١٠/٢٦
ظَمَأً: وارو به ... ظمأ هو اجرنا ١٠٩/١٤
الظمآن: وإثلج لصدرى من شربة الظمآن ٦٣/٥
الظَّمآءِ: ومناهل الظمآء لديك مترعة ٢٥٥/٦

ظ.ن.ن

فَظَنَّ: مغاضباًفظنّ أن لن نقدر عليه(قرآن) ٢٥١/١٠ـ٢٥٢/٦
ظَنُّوا: حتّى ظنّوا أنّك أهملتهم ٦٩/١
ظَنَنْتُ: حتّى ظننت أن ذلك واجب عليك لي ٣٥/٢ـ٢٥٧/٢٣
فهب لي ما ظننت ١٩٧/٣٩
أَظُنَّ: أو أظنّ بصاحب ثروة فضلاً ٩٦/٤
أَظُنُّكَ: إلهى ما أظنّك تردّنى في حاجة أفنيت ١٩٧/١٦
أَنْ أَظُنَّ: واعصمني من أن أظنّ بذى عدم خساسة ٩٦/٤
ظَنٌّ: وكم من ظنٍّ حسنٍ حقّقت ١٥٢/١٢
عمّن أحسن بك ظنّاً ١١٦/٥٩ ـ ١١٦/٢٢
الظَّنِّ: واستعمل حسن الظّنّ في كافّتهم ٦٥/٣
أللّهمّ إنّك ابتليتنا في أرزاقنا بسوء الظّنّ ٧٦/١
خابت الثقة وأخلف الظنّ إلاّ بك ٢٢٠/٢ـ١٤٣/١٩ـ٢٢١/١
وحال الشّكّ في ذلك يقيناً والظّنّ عرفاناً ٢٠٤/١
وحسن الظّنّ بك ١٤٧/٧٩
فأرنى مبشّرات من إجابتك تفى بحسن الظّنّ بك ٢٤٩/٤
قد ملك الشّيطان عنانى في سوء الظّنّ ٨٨/١٧
ظَنِّهِ: ووفد بحسن ظنّه إليك ٣٤/٢
ظَنّي: ياذاالجلال والإكرام عند حسن ظنّى بك ١٧٣/٧
ياذاالجلال والإكرام عند أحسن ظنّى بك ١٧٢/٦
لقد حسن ظنّى بالتّوكّل عليك ١٨٦/١
وظنّى فيك إحسانٌ ٢٠١/٢٢
أن تحقّق ظنّى بما أؤمّله من جزيل إكرامك ١٨٦/٤
ياسيّدى لاتكذّب ظنّى بإحسانك ١١٦/٩٢
حسن ظنّى بك سبحان خالق النّور ١٣٧/١٠
وحقّق ظنّى فيما رجوت ١٩٧/٣٩
حسن ظنّى بك جرّأنى على معاصيك ٢١٢/٦
لم أسلّط على حسن ظنّى بك ١٩٩/٨٤
وكن لي عند أحسن ظنّى بك ٨٧/٣
وفرّح قلبي وحقّق ظنّى ١١٦/١١٤
فإنّ حسن ظنّى بك قد أجارنى ١٩٧/٣ ـ ١٩٩/١١٩
وظنّى بك أنّك تقلبني بالنّجاة مرحوماً ١٩٩/٨٣

ولاتجعل ظنّي بتطوّلك كاذباً ١٩٩/١٥٧
يشبه حسن ظنّي بك ٦٠/٣
ياسيّد السّادات عند حسن ظنّي بك ٤٢/٢٨
وكن عند حسن ظنّي بك ٣٧/٢
ظَنَّنا: فليس هذا ظنّنا بك ١١٦/٣٦
الظُّنُونُ: وخفقت الظّنون ١٦١/٤
فانّ الشكوك والظّنون لواقح الفتن ١٨٨/٢
عوارض الخطرات في محالّ الظّنون ١٩٩/١٩٤
ظُنُونَنا: أفتراك ياربّ تخلف ظنوننا ١١٦/٣٦
ظِنَّةِ: ومن ظنّة أهل الصلاح الثقة ٥٥/٩
التَّظَنّي: في روعي من التمنّي والتظنّي ٥٥/٢١
مَظانّ: لاأثرة علم من مظانّ العلم ٢١٩/٤٥
مَظانَّها: فقد طلب حاجته في مظانّها ٣٩/٤
واحطط من قاعاتها ومظانّها منارهم ٢٢٣/٥

ظ.هـ.ر

ظَهَرَ: وهجم ... حتّى ظهر أمرك ٩/٣
وشفى من هيام الغليل حتّى علا الحقّ وظهر ١٩٩/١٨
ومن الفواحش ما ظهر منها وما بطن فنجّني ١٥٣/٢٣
الفواحش ما ظهر منها وما بطن ١١٦/١٢٦
وأعوذبك من الفتن كلّها ما ظهر منها وما بطن ١٦٤/٢٣
ومن عيب مؤمن ظهر لي فلم أستره ١٠٠/٢
ظَهَرْتَ: وظهرت فلا شيء فوقك ١٤٩/٢
يَظْهَرَ: ويظهر الحقّ بحسن صورته ٧٠/٨
تَظْهَرُ: ويامن تظهر عنده بواطن الأخبار ١٥/٦ ـ ٨/٢٠
أَظْهَرَ: وأظهر نعماءك عليّ ١٦٤/١٢
أَظْهَرَتْ: وأظهرتْ لك من بهجتها ٢١٤/١٠٠
أَظْهَرْتَ: وأظهرتَ حسناتي القليلة الصّغار متّاً ١٤٩/٣٣
وأظهرتَ علينا حجّتك ٢٠٠/٣
أَظْهَرْتُ: ما أظهرتُ لك من النّدم ٨١/٦
... ما ذكرت منه وما نسيت أو أظهرتُ ٦٤/١١
ما أظهرتُ لك من النّدم ٨٠/٢٢
يُظْهِرُ: يظهر السّيّئة من أخيه ويكتمها من نفسه ١٣٣/٤
وهو يظهر لي بشاشة الملقِ ١٥٢/٧
فَلا يُظْهِرُ: فلا يظهر على غيبه أحداً (قرآن) ١٨/٢
لِيُظْهِرَهُ: ودين الحق ليظهره على الدّين (قرآن) ١٢٣/٧
لَمْ تُظْهِرْها: في الدّنيا إذ لم تظهرها ١٩٧/١٢
إلهي سترت عليّ في الدّنيا ذنوباً ولم تظهرها ٢٠١/٤١
فَلَمْ تُظْهِرْها: في الدّنيا فلم تظهرها ١٩٩/١٢٦
أَظْهِرْها: وأظهرها تحقيقاً لوحدانيّتك ١٩٩/١٣
أَظْهِرْ: وأظهر فيها عذرى ١٧١/٨
أظهر به «وليعصر»(عج) العدل ١١٩/٢٦
وأظهر مُرُوّتي وأصلح جميع أحوالي ١١٦/١٠٧
وأظهر كلمة الحقّ واجعلها العليا ٢٥٥/٨
أَظْهِرْهُ: أللّهمّ أظهره وافتح على يديه الخيرات ١١٩/٢٨
ظاهَرْتَ: أتمم عليّ ما ظاهرتَ من تفضّلك ١٩٩/٦٧
فقد ظاهرتَ الحجج وأبليت الأعذار ١٤٦/١١
فَظاهَرْتَ: فظاهرت عليّ جميل سترك ١٩٩/١٧٣
لَمْ يُظاهَرْ: لم يظاهر في الوحدانيّة ٢٣٨/١
ظاهِرْ: وظاهر لديّ فضلك وطولك ١٤٧/٩٥
وظاهر كراماتها لديّ ١٤٧/١٠٩
تَظاهَرَتْ: وتظاهرت نعمآؤك ١٩٩/١٩٦
الحمدلله ... الّذى ... تظاهرت الآؤه ١/٩
وتظاهرت عيوبي ٢٥١/٥٥
إِسْتَظْهَرَ: إستظهر بك عليه في معرفة ٥٠/١٠
ظُهُورٌ: وظهور لايخفى وأمورٌ لاتكفى ٢٢٢/٥
الظُّهُورِ: مقموعى الرُّؤوس بعد الظّهور ٧٠/١٠
ظُهُورِهِ: باباطناً في ظهوره وباظاهراً في بطونه ١٣١/١
ظُهُورِها: بطون الأرض بعد ظهورها ٢١٤/٧٧ ـ ٢١٤/٢
ظَهْرَ: إيّاك أدعو ... يا ... ظهر اللاّجين ١٤٩/١٦
ياأمان الخائفين وظهر اللاّجين ٢٥١/٦٧
ولاتدع على ظهرِ الأرض منهم أحداً ١١٧/٣٣
لاإله إلاّ أنت ظهرَ اللاّجين ١٢٠/١٠
ياظهر اللاّجين ومأمن الخائفين ١٢١/١
وظهر مثقل من الخطايا ٨٨/١١
الظَّهْرَ: أيّما غاز ... استقوله الظّهر ٦٧/١٦
ظَهْرَهُ: أنا الّذى أو قرت الخطايا ظهره ٤٩/٥
ولّنا ظهره، واقطع عنّا إثره ٥٠/٣
ظَهْري: هذا ظهرى قد أثقلته الخطايا ٤٩/١٦
حاملاً ثقلى على ظهرى ١١٦/٨٠
وبقيت الذّنوب على ظهرى ٢٠١/٢٩
وخفّف برحمتك من ثقل الأوزار ظهرى ١٩٩/١٢٥
وياذخرى وظهري وعدّتي ١٤٩/٥٤
وإلى قبر محمّد صلّى الله عليه وآله أسندت ظهرى ٢٥٤/١
إليك ألجأت ظهرى ٢٨/٢ ـ ٢٩/٢
وألجأت ظهرى فلا تكلني إلى نفسى ١٣٥/١٤
تخفيفاً لما ثقل على ظهرى من الخطيئات ٤٦/٣
إِظْهارِ: فارقوا الأزواج والأولاد في إظهار كلمته ١٤/٣
وبلغ «محمّد» مجهود الصّبر في إظهار حقّك ١٠/٤
الْإِظْهارِ: طاعتك في الإظهار والإبطان ١٩٩/١٩٠

تَظاهُر: أحمده على ... تظاهر النّعماء ١٢٣/٤
بِاسْتِظْهارِ: إبتارك بإستظهار اليقين فيك ٢٤٩/٧
ظاهِرُ: وظاهرُ ما بهم من نعمة دليلهم ٣/٢
وأنت أوّل آخر ظاهرٌ باطن ٢٥٧/٩
يالله ياظاهرُ ياالله ياباطن ١٣٣/٢
ولاتحدث لي عزّاً ظاهراً إلاّ أحدثت لي ذلّة ٥٥/٥
وياباطناً في ظهوره وياظاهراً في بطونه ١٣١/١
ياظاهرُ ياباطن يارفيع يامنيع ١٢٢/٤
ياباطناً ليس يخفى وياظاهراً ليس يرى ١٣١/١
الظّاهِرِ: بسم الله الظّاهرِ الباطن ٢٣/٢
وأنت الظّاهرُ فلا شيء فوقك ٢٦٩/١
ظاهِرُهُ: حمداً ظاهره وفق لباطنه ١٤٧/٣٩
ظاهِرِنا: وأدم بالقرآن صلاح ظاهرنا ١٠٩/١٣
ظاهِرِينَ: فأصبحوا ظاهرين (قرآن) ١١٤/١٨
ظَواهِرِها: بواطن سيّئاتي وظواهرها ٨٠/١١
الْمُتَظاهِرَةِ: أسبغ عليهم من نعمه المتظاهرة... ١/١٠
ظَهيراً: ولاتجعلني للظّالمين ظهيراً ١٤٧/١١٥
والصّانع بلا ظهيرٍ ٢/٤
حمداً يكون ... ظهيراً على طاعته ١/٢٩

حرف العين

ع.ا.د

عاداً: ... كما أهلكت عاداً وثمود ١٦٠/٢

ع.ب.أ

تَعَبَّأْتُ: اَللّهمّ إنّي كلّما قلت قد تهيّأت وتعبّأت ١١٦/٥٣

أَعْباءِ: يتفسّحون تحت أعباء الدّيانة ٢١٩/٤٣

ع.ب.ب

مَعْبُوبٍ: وأعوذبك من ... إخآء معبوبٍ ١٩٩/٢٧

ع.ب.د

عَبَدَ: ولاتجعل ثوابى ثواب من عبد سواك ١١٦/٧١

وبرئت ممّن عبد سواك ١٦٦/٧

ولايفوتك من عبد غيرك ١٦٦/٤

عَبَدَهُ: واهتدى من عبده ١٦٤/١

عَبَدَكَ: وعبدك حتّى أتاه اليقين ١٤١/٣٠

عَبَدُوكَ: وحّدوك وعبدوك حتّى أتاهم اليقين ٨٣/١٧

عَبَدْتُكَ: عبدتك دوام خلود ربوبيّتك ٢٣٠/١

وعبدتك فيه «شهر رمضان» ١٤١/١١

عَبَدْناكَ: سبحانك ما عبدناك حقّ عبادتك ١٢/٩

عُبِدَ: وأعزّ الله جنده وعبد وحده ١٩٩/٥٨

يَعْبُدُ: من أنت ترزقه وهو يعبد غيرك ١٦٦/٣

يَعْبُدُونَ: إيّاك في اللّيل والنّهار يعبدون ١٨٩/٣

لِيَعْبُدُوكَ: بل خلقتهم «عبادك» ليعبدوك ١٩٩/١٦٧

أَعْبُدُ: إيّاك أستعين وأعبد ١٩٩/٣

إيّاك أعبد وإيّاك أستعين ٢٢/٥

نَعْبُدُ: إيّاك نعبد وإياك نستعين ١٨١/٢

فإيّاك نعبد وإياك نستعين ٢٠١/٥١

لِأَيْعْبَدَ: حتّى لايعبد في بقاع الأرض غيرك ٦٧/٩

أُعَبِّدُ: وأعبّد نفسي للدّنيا على غضاضة ٢١٩/٧

عَبِّدْني: وعبّدني لك ولاتفسد عبادتي بالعجب ٥٥/٤

تَعَبَّدَ: أو تعبّد لك فيه إلى يوم القيامة ١٤٢/٥٨

فهذه ... سبيل من تعبّد لك ٨/١٥

وبحقّ من تعبّد لك فيه «شهر رمضان» ١١٥/١٦

واجعلنا من ... أسعد من تعبّد لك فيه ١١٠/٨

وسبيل من تعبّد لك ٩٨/٩

إِسْتَعْبَدَ: وإستعبد الأرباب بعزّه ١٤٩/١٣

إِسْتَعْبَدَتْني: إستعبدتني متمرّدة ١٩٩/١٠١

إِسْتَعْبَدْتَ: استعبدت به المتعبّدين ١٤٧/٨٦

إِسْتَعْبَدْتُها: فقد إستعبدتها الآن على ١٩٩/١٠١

عِبادَةً: عبادةً أستحقّ بها جزيل مثوبتك ٢٤٤/٤

وارزقني صحة في عبادةٍ ٥٥/٣٩

وعبادةَ الخاشعين لك ويقين المتوكّلين عليك ١٧١/٦

فسمّيت دعاءك عبادةً ١٤٢/١٨

أللّهمّ إنّي أسألك ... عبادة المخلصين ١٣٩/٥

اَلْعِبادَةِ: على تناول ما أنت أهله من العبادةِ ١٤٢/٥١

أسألك ... من العبادةِ أنشطها ١٩٩/٢١

عِبادَتِهِ: وبحقّ زكريّا وعبادته ١٨٠/٤

ولم تقبل منه صيامه وقيامه وعبادَتَهُ ١٤١/١١

عِبادَتِكَ: لاتجعلني ممّن عبادتُهُ لك خطراتٌ ٢٠٤/٧

ولاتبتليني بالكسل عن عبادتك ٥٥/١٨

قبل أن يملكوا عبادتَكَ ٨/٧ ـ ٩٨/٤

ومن لزم عبادتَك جدير بالإنابة ٢٥٦/١

إلهي هل ... تعذّب أرجلاً سعت في عبادتِك ١٨٤/٥

ولاالإستكبار عن عبادتِك ١٦٥/٢

ولاإستكبار عن عبادتِك ٢٢٩/٢

فلا أشتغل عن عبادتِك بالطلب ٥٥/٣٦

والعون على طاعتك والقوّة على عبادتِك ١٢١/١١

أحسن طاعتك وأفضل عبادتِك ٣٦/٥

وقدرةً على عبادتِك ٣٦/٧

وارزقني فيها ... حسن عبادتِك ١١٧/٣٢

أحكم في عبادتِك بصبرتي ٨٠/١٠

وأن تعينني على ... لزوم عبادتِك ٢٥٣/٣

ولولا أنت ... لإهتديت إلى عبادتِك ١٢٠/١

إنّ الظّلمة ... استنكفوا عن عبادتِك ١١٩/١

إجعل ... نشاطي في عبادتِك ٢٤٢/٥

والعزيز من أعزّته عبادتُك ٩٦/٤

سبحانك ما عبدناك حقّ عبادتِك ١٢/٩٠

حملة عرشك الّذين ... لايستحسرون من عبادتِك ١٢/١

عِبادَتي: ولاتفسد عبادتي بالعجب ٥٥/٤

إنّ الّذين يستكبرون عن عبادتي (قرآن) ١٤٢/١٧ـ٢٤٩/١٩

عِبادَتَنا: وأن تقبل ... عبادتنا وشكرنا ١٣٩/٢

لِعِبادَتِكَ: واعمر ليلي بإيقاظي فيه لعبادتِك ١٤٧/١٠٤

فوا سوأتاه إذ خلقتني لعبادتِك ٣٦/١

وفرّغني فيه «رمضان» لعبادتِك ودعائك ١١٧/٣

ووفّقني فيها «سنّتي» لعبادتِك ١١٨/٩

ولعبادتِك فوفّقني ١٥٣/٢٠
وفرّغهم «أهل الإسلام» عن محاربتهم لعبادتِك ٦٧/٩
فاجعلنا ممّن ... أهّلته لعبادتِك ١٩٠/٣
بِعِبادَتِكَ: وأن تغنيني عن كلّ شيء بعبادتِك ١٦٦/١٣
أللّهمّ اخسأه عنّا بعبادتِك ٥٠/١
بِعِبادَتِنا: اشحنه «شهر رمضان» بعبادتنا ١١٥/٢٢
تَعَبُّداً: لاإله إلاّ الله تعبُّداً ورقّا ٢٢٤/١
الْعُبُودِيَّةِ: إلى غايات درجات العبوديّة ١١٨/٨
وعاداه لك بحقيقة العبوديّة ٥٠/١٠
عُبُودِيَّتِكَ: ولاالخروج عن عبوديّتك ٢٣٣/٢
بِالْعُبُودِيَّةِ: مقرّاً له «الله» بالعبوديّة خاشعاً ١٩٩/٥٧
مترفين خاضعين لك بالعبوديّة ٢٤٧/٦
غابِدِينَ: ... خاشعين عابدين ... ٤٢/١٧
الْغابِدِينَ: عليّ‌بن الحسين زين العابدين ٤٢/٦
أللّهمّ إليك ... شخصت أبصار العابدين ٨٣/٥
أللّهمّ صلّ على... عليّ‌بن الحسين زين العابدين ١٨١/٤
أللّهمّ إنّي أسألك ... خشوع العابدين ١٣٩/٥
وارزقنا ... أعمال العابدين ٢٠٠/١٨
فاكتب إسمه في العابدين ٦٧/٢٢
يامن هو منتهى خوف العابدين ٨٠/١
الْغابِدُونَ: سمع العابدون بجزيل ١٩٩/٩٧
ولجأ إليه العابدون فوجدوه نوّالاً ٨٤/٢
عُبّادِكَ: وإجعلنا من ... أخلص عبّادك ١٩٣/٦
لِلْعُبّادِ: واجعلنا بخدمتك للعبّاد والأبدال ٢٠٠/٣٨
الْمُتَعَبِّدِينَ: استعبدت به المتعبّدين ١٤٧/٨٦
الْمُتَعَبِّدُونَ: ممّا ينقلب به المتعبّدون ١٤٧/٧٧
مَعْبُودُ: أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... معبودٌ لاتنسى ١٣٠/٥
فشهادتي له «محمّد» بـ... خلع كلّ معبودٍ دونك ١٠/٣٣
وكفرت بكلّ معبودٍ غيرك ١٦٦/٧
ولامعبودَ إلاّ هو وحده لاشريك له ١٤٣/٣
الْمَعْبُودِ: الحمدلله ... المعبود في كلّ مكان ١٩٩/٥
أنت ... المعبودُ في كلّ زمان ١٩٤/٤
أَعْبَدُهُمْ: وأعبدهم لك مقصّر عن طاعتك ٨/٣
وأعبدهم مقصّر عن طاعتك ٩٨/١
عَبْداً: سيّدى فاجعلني عبداً يفزع إلى التّوبة ٢٤٥/٧
عد بفضلك على عبدٍ غمره جهله ٢٤٥/٦
يامن إذا سأله عبدٌ أعطاه ١٨٥/١
مع فقرى إليها «حسناتى» وأنا عبدٌ ٢٠٨/١
أو عبدٍ صالح اختصصته ١١٥/١٦
سيّدى، لو أنّ عبداً استطاع الهرب من مولاه ١١٢/٤
نبيّك محمّدبن عبدِالله صلّى الله عليه وآله ١٢٧/١٠
إلهى أصبحت وأمسيت عبداً داخراً لك ٥٧/٥
فلم أرمولىً كريماً أصبر على عبدٍ ٤٠/٣
وعد بفضلك على عبدٍ ١٩٧/١٠
ما كنت عبداً لغيرك ٩٩/٢
فاجعلني عبداً إمّا طائعاً فأكرمته ١٩٩/١٣٦
أللّهمّ إنّى أمسيت لك عبداً داخراً ١٢٦/١
أللّهمّ وأيّما عبدٍ من عبيدك أدركه منّى ١٠١/٤
إفعل بى فعل عزيز تضرّع إليه عبدٌ ذليل ٨١/٥ ـ ٨٠/٢٠
أللّهمّ أيّما عبدٍ تاب إليك ٨٠/١٦
غنىّ تعرّض له عبدٌ فقير فنعشه ٨١/٥ ـ ٨٠/٢٠
وعبدٍ لك أنشأته تحصيناً لأمّتك ٢٢٢/٢
فأيّما عبدٍ من عبيدك ٢٣٨/٦
أللّهمّ وأيّما عبدٍ نال منّى ما حظرت عليه ١٠١/٢
وأنا عبدٌ ذليل ١٦/٣
الْعَبْدُ: إن كنت بئس العبدُ، فأنت نعم الرّبّ ١١٢/١١
فبئس العبدُ أنالك ياسيّدى ومولاي ١٤٩/٣٢
وكيف يستغنى العبدُ عن ربّه ١٤٨/٢٤
إلهى هل يرجع العبدُ الآبق إلاّ إلى مولاه ١٨٢/٦
مولاي مولاي أنت المولى وأنا العبدُ ١٦٨/١
وهل يرحم العبدَ إلاّ المولى ١٦٨/١
بل أقول مقال العبدِ الذّليل ٣٤/٥
أنا العبدُ الوجل من المخافة ١١٨/١
ياراحم العبدِ الضّعيف ١١٨/١
وأنا العبدُ الضّعيف عملاً ٨٨/٤
إلى من يشكو العبدُ إلاّ إلى رازقه ١٧٠/٢
بمن يلوذ العبدُ إلاّ بربّه ١٧٠/٢
إلى من يتضرّع العبدُ إلاّ إلى خالقه ١٧٠/٢
وإلى من يطلب العبدُ إلاّ إلى سيّده ١٧٠/٢
بمن يستغيث العبدُ إلاّ بمولاه ١٧٠/٢
ما أنت صانع بذلك العبدِ الغادر ١١٨/٦
وأحقّ من سأل العبد ربّه ١١٧/٢٤
إلى من يذهب العبدُ إلاّ إلى مولاه ١١٦/٧٣
وأنت الرّبّ وأنا العبدُ ١٤٩/٨
ومناجاة العبدِ إيّاك غير محجوبةٍ ٢٢١/٣
وموسى‌بن جعفر العبدِ الصالح ٤٢/٩
وكذلك العبدُ الخاطئ يخضع لسيّده ١٤٩/٤٠
عَبْدِهِ: وأكرم من غفرو عاد بفضله على عبدِهِ ٢٥٧/٢
وأشهد أنّ محمّداً عبدُهُ ورسوله ٢/٩ - ١٢٣/٧
٢٥١/٣٦ - ٢٥٢/٢٨

وأشهد أنّ محمّداً عبده الكريم ١٩٩/٥٨
يامن لايكافئ عبدَهُ على السّواء ١٤٢/١
عَبْدِكَ: محمّد عبدِك ورسولك وصفيّك ١٤٣/٢٣
أللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد عبدِك ٦٧/٢٣
إلهي إرحم عبدَك الذّليل ١٩٢/٩
أنّ محمّداً ... عبدُك ورسولك ٢٤٦/٤
وأنّ محمّداً عبدك ورسولك ٤٢/٣
فصلّ على محمّد نبيّك وعبدِك ١٧٢/٨
فصلّ على محمّد عبدِك ورسولك وآله ١٧٣/٩
وأنا أدعوك وأنا عبدُكَ ٢٥١/١٢ ـ ٢٥٢/٧ ـ ٢٥٢/٨
فإنّه دعاك وهو عبدُك ٢٥١/١٢
وأنا عبدُك سألك وأنا أسألك ٢٥١/١١ ـ ٢٥١/١٣
وهوَ «ذوالنّون» عبدُك ٢٥٢/٧ ـ ٢٥١/١١
فإنّه «يوسف» دعاك وهو عبدُك ٢٥١/١٣ ـ ٢٥٢/٨
أللّهمّ إنّي عبدُك وابن عبدِك ٢٢/٣٩
على ما سنّه عبدُك ورسولك ١١٥/١٢
صلّ على محمّد عبدِك ورسولك ١٠/١ـ١٤٣/٥٢ـ١٠٩/٢٢
وأنا ياإلهي عبدُك الّذي أمرته بالدّعاء ٤٩/٥
بمحمّدٍ عبدِك ورسولك ... إليك أتوجّه ٢٢/٤٣
سيّدي عبدُك ببابك أقامته الخصاصة ١١٦/١٠٣
أللّهمّ عبدُك الضّعيف الفقير ١٩٩/٣٨
أللّهمّ وأنا عبدُك الّذي أنعمت عليه ١٤٧/٧٢
محمّد وآل محمّد عبدِك ورسولك ١٢٣/٩
عظم الذّنب من عبدِك فليحسن العفو ٢٣١/١
إرحم عبدَك المتعرّض لمقتك ٣٦/٥
فإنّي عبدك المسكين المستكين ١٢٦/٢
فإنّي عبدُك وفي قبضتك ٥٧/٤
فإنّي عبدُك المسكين المستكين الضّعيف الضّرير ٥٧/٦
إن كان قبح الذّنب من عبدِك ١٨٢/١٠
عبدِك ورسولك أسندت ظهري ٢٥٤/١
أسئلك أن تصلّي على محمّد عبدِك ورسولك ٢٥٣/٣
وأنّ محمّداً عبدُك ورسولك ١٢٧/١
فإنّه «أيّوب» دعاك وهو عبدُك ٢٥٢/٧
ولن يضيق عليك عفو عن عبدِك ٨٨/٤
أللّهمّ أنت ربّي وأنا عبدُك ١١٧/٢٤
فها أناذا عبدُك المقرّ بذنبي ١٢٩/٣٨
وأنّ محمّداً عبدُك ورسولك وخيرتك من خلقك ٢١/١٦
أو تتجاوز لي عن خطيئةٍ فها أناذا عبدُك ١٢٩/٤٣
إلهي وسيّدي عبدُك وابن عبديك يسألك ١٣٥/١٦
الحسن بن عليّ عبدِك ووليّك ٤٢/١٣
أللّهمّ تب على عبدِك الخائف سطوتك ١٦/٧
عَبْدي: ثمّ قلت: إنزجر عبدي ١٩٧/٢٨
فَعَبْدُ: إن عذّبتني فعبدٌ خلقته لما أردته فعذّبته ٢٠١/٣٩
إن أنجيتني فعبدٌ وجدته مسيئاً فأنجيته ٢٠١/٣٩
بِعَبْدٍ: وكيف بعبدٍ لايدعو سيّده ٢٠١/٤
لِلْعَبْدِ: فما للعبدِ من يرحمه إلاّ مولاه ١١٢/٧
عَبْدَيْكَ: والحسن والحسين عبديك ٤٢/٥
إلهي وسيّدي عبدك وابن عبدَيك يسألك ١٣٥/١٦
عِبادٌ: إنّ الّذين تدعون من دون الله عبادٌ (قرآن) ١٥٩/٨
الْعِبادِ: أدّى «محمّد» ما حمّلته إلى العباد ٢٤٦/٤
ومن صالحي العباد وارزقني فوز المعاد ٥٥/٢٧
واكفني مؤونة معرّة العبادِ ٥٥/٣٠
يامن يرحم من لايرحمه العبادُ ١٤٦/١
بيدك نواصي العبادِ وقواصي البلاد ٢٤١/٤
وبها تنشر أرواح العبادِ ٥٢/١
ينام العبادُ ولاتنام ٨٣/١
لو... منعتني سببك من بين العبادِ ١٩٩/٩٣
أللّهمّ إنّي أسألك ولم يسأل العبادُ مثلك ١٤١/٤
وأرغب إليك ولم يرغب العبادُ إلى مثلك ١٤١/٤
ولم يسأل العبادُ مثلك كرماً وجوداً ١١٧/٢٤
إلهي لو... دللت على فضآئحي عيون العبادِ ١١٦/٧٤
وضلّ من يدعو العبادَ لكشف ضرّه ١٩٩/٧٨
ترك التّهمة فيما تحويه أيدي العبادِ ١٤/٩
سبحان من إحتجب عن العباد ... ٥/٣
... علماً منه أنّه قدّر وسع العبادِ فلا يجاوزون ذلك ٦/٤
عِبادِهِ: الّذين احتجّ الله بهم على عباده ٢١٩/٤٧
الحمدلله الّذي ... وقهر عبادَهُ بالموت ١٠٥/٢
يامن تعزّز بالبقاء وقهر عبادَهُ بالفناء ٢٤٧/٨
يامن عوّد عبادَهُ قبول الإنابة ٣٤/٨
لتبليغ الرّسالة بالحجّة على عبادِهِ ١٢٣/٨
ياأمين الله في أرضه وحجّته على عبادِه ٢٥٥/١
على من يشاء من عباده ١١٥/٥
شهدت أنّ الله قسم معايش عباده بالعدل ٩٦/١
يامن تحمّد إلى عبادِهِ بالإحسان والفضل ١٤٢/٢٢
والحمدلله الّذي لوحبس عن عبادِهِ ١/١٠
... وعلى جميع عبادِهِ الماضين ... ١/٢٧
عِبادِكَ: الشّاهد على عبادِكَ ١٤٣/٢٣
إنّك أمهلت عبادَك حتّى ظنّوا أنّك أهملتهم ٦٩/١
بما مننت به على المستضعفين من عبادِك ١١٢/٧
فأشكر عبادِك عاجز عن شكرك ٨/٣ ـ ٩٨/١

حتّى كأنّ شكر عبادك الّذى أوجبت ٨/٦
أللّهمّ ارحم عبادَك الصّالحين ٨٣/١٩
الأخذ بصالح ما ندبت إليه عبادَك ٢٤٩/٣
وأغننى عن التردّد إلى عبادِك ٢٥٢/٣٧
حتّى أستغني عمّا في يد عبادِك ٢٥٢/٣٨
كما صلّيت على عبادِكَ الصّالحين ١٤٢/٦٣
وامنن على عبادِك بايناع الثمرة ٥٣/١
حكم في عبادِك غير المأمونين على دينك ٧٠/٥
وسعى في تلف عبادِك المؤمنين ٧٠/٥
وشوّقت إليها «جنّت» عبادَك ٢٥٧/١١
أن تفرّج عنّى كما فرجّت عن ... عبادِك ٢٥١/١٤
حتّى أستغنى به عمّا في أيدى عبادِك ٢٥١/٩
وأشهد من حضرني من ... عبادِك الصّالحين ١٩٩/١٢
ولم تترك عبادَك هملاً ولاسدى ١٩٩/١٦٦
قدرة منك على إستخلاص أفاضل عبادِك ٢٤٩/١
فوجدت عبادَك في شتّى الحالات ٢٠٢/١
وأنّ أحبّ عبادِك إليك من ترك الإستكبار عليك ٣٤/١٠
أللّهمّ صلّ على ... عبادِك الصّالحين ١٢٣/١١
وقني بوقايتك الّتى وقيت بها عبادَك ١٤٨/٣٢
أنا الّذى هاب عبادَك وأمنك ١٤٧/٨٢
أنا الّذى استخفى من عبادِك وبارزك ١٤٧/٨٢
ممّا ينقلب به المتعبّدون لك من عبادِك ١٤٧/٧٧
وكان أحقّ عبادِك مع ما منتت عليه ١٤٧/٧٤
واجعلني من أوفر عبادِك عندك ١١٦/١١٢
وتفضّلت به «يوم عرفة» على عبادِك ١٤٧/٧١
وجعلتهم ... حجبك على عبادَك ١٤٧/٥٧
أللّهمّ ادفع عن ... والشّاهد على عبادِك ١١٩/٢٠
عبادُك جميعاً إليك فقرآء ٢٥٧/٩
وبقدرتك الّتى ملأت بها عبادَك ١٧٧/٣
أللّهمّ اقذف في قلوب عبادِك محبّتي ٧٧/٣
سألت عبادَك قرضاً ممّا تفضّلت به عليهم ٧٧/١
وإجعلنا من ... أصلح عبادِك ١٩٣/٦
وتولّيت طيّ علمه عن عبادِك ١٠/١٩
وألحقني بالصّالحين من عبادِك ٣٦/٦
إنّك تقبل التّوبة عن عبادك (قرآن) ٨٠/١٢
وبشّرت به عبادَك ١٦٢/٢
وإجعلني من أوفر عبادِك نصيباً ١٣٢/٥
ما أعطيت السّآئلين من عبادِك الصّالحين ١٣٢/١٠
أو رزقٍ تبسطه بين عبادِك ١٣٢/٥
تشتمل على صلوات عبادِك ١٤٧/٥٤
عن أنبيائك ورسلك وعبادكَ الصّالحين ٢٥٢/٨
النّاهض بأعبآء مواثيق عهدك إلى عبادِك ١٠/١
إلهى ... هدأت أصوات عبادِك وانعامك ٨٢/١
واجعلنا من عبادِك الصّالحين ١١٥/٢٣
... المقسوم فيها بين عبادِك ما تقسم ١١٤/١٣
إنّهم «الظّلمة» إتّخذوا ... عبادَك خولا ١١٩/٦
حتّى إزدحمت عصآئب العصاة من عبادِك ببابك ١٩٩/٩٨
ها نحن عبادُك بين يديك ٣٢/٢
حتّى كأنّ شكر عبادِك الّذى أوجبت عليه ثوابهم ٩٨/٣
ما خصصت به آبآء عبادِك المؤمنين ٦٣/١٣
خير ما سألك منه عبادُك الصّالحون ١١٦/١٠٧
ولاأكن أخيب عبادِك التّآئبين ٨٨/٨
وأفضل ما أعطيت أحداً من عبادِك ١٤١/١١
ما تقصر عنه مسألة السّآئلين من عبادِك ١٠/١٢
بل أدررت أرزاق عبادِك منك ٢٣٧/٢
وأسألك من مظالم عبادِك عندى ٢٣٨/٦
محمّد ... صفيّك من عبادِك ٩/٢
فامنعنا بعزّتك من شرّ عبادِك ٨/٢٥
يوم تبلو أخبار عبادِك ٣٣/٥
على مثل الّذى دللت عليه عبادَك منك ١٤٢/٢٠
أللّهمّ وآدم... بكر حجّتك على عبادِك وبريّتك ١١/١
أفضل ما آتيت أحداً من عبادِك ٢١/١٧
أفضل ما أوجبت لأحدٍ من عبادِك الصّالحين ١٣٩/١٠
وجعلته «محمّد»... بحقّك في عبادِك ناطقاً ١٠/٦
وإمنعنا بعزّك من عبادِك ١٥/١٥
أشهد أنّهم عبادُك المؤمنون ٤٢/١٩
في كلّ ساعة من ساعاته حظّا من عبادِك ٢١/١١
عِبادي: أن قلت ياعبادى الّذين أسرفوا (قرآن) ١٦٢/٢
نبّئ عبادى أنّى أناالغفور الرّحيم (قرآن) ٢٠٦/١٤-٢٠٥/١٣
لِعبادِكَ: أنت الّذى فتحت لعبادِك باباً إلى عفوك ١٤٢/٦
وقد مهّدت لعبادِك سبيل الوصول ٢٤٣/٧
لعبادِك نريد ربحهم في متاجرتهم لك ١٤٢/٩
بإمام أقمته علماً لعبادِك ومناراً في بلادك ١٤٧/٦١
وتشرّفتى بسعة فضلك عن التّذلّل لعبادِك ٢٥١/٤
إلهى أنت الّذى فتحت لعبادِك ١٨٢/٩
أللّهمّ اجزه بما ... نصح لعبادِك ١٠٩/٢٧
ونصح «محمّد» لعبادِك ١٠٩/٢٢
واقسم لي فيه أفضل ما تقسمه لعبادِك ١١٧/١٢
وكتاباً فصّلته لعبادِك تفصيلاً ١٠٩/٢
وعدائك لعبادِك منجزة ٢٥٥/٥

أَنْ نَعْتِقَ: إلهي، أمرتنا أن نعتق من مماليكنا ٢٠٨/٤
إِعْتِقْ: وإعتق رقابنا من نقمتك ٢٠/٨ ـ ١٥/٢
إِعْتِقْنِي: واعتقني من النّار ١٢٨/٨
يُعْتِقُهَا: شهرنا هذا رقاب يعتقها عفوك ١١٥/١٩
تُعْتِقَنِي: وتعتقني من النّار بجودك ١٣٠/٦
فَتُعْتِقَنِي: فتعتقني فيها من النّار ١٢٧/٣
أَنْ تُعْتِقَنِي: أن‌تعتقني من النّار ٤٣/١٤٣ـ٥/١٣٤ـ٨/١٢٤
وأن تعتقني اليوم ووالديّ ٢٢/١٢١
أَعْتِقْهَا: أعتقها بعفوك ١٦/٤٩
أَعْتِقْنِي: وأعتقني من النّار وأدخلني الجنّة ١٩/١٣٨
فَأَعْتِقْ: فأعتق رقابنا من النّار ١٣٢/١١٦
فَأَعْتِقْنِي: عليهم من النّار فأعتقني ١١/٢٤٨
فَأَعْتِقْنَا: وقد شبنا في ملكك فأعتقنا من النّار ٤/٢٠٨
عِتْقِ: وندبت إلى عتق الرّقاب ١١٦/١٩٩
الْعِتْقِ: وهذا «رمضان» شهر العتق من النّار ١/١١٧
والعتق من النّار ١٣/١١٧
الْمُعْتِقِينَ: وأنت خير المعتقين ١١٦/١٩٩
عَتِيقَ: اجعلني طليق عفوك وعتيق رحمتك ٢٠/٤٩
وعتيق صنعك من وثاق عدلك ٨/١٠١
عُتَقَاءَ: السّلام عليك ما أكثر عتقاء الله فيك ٣٥/١٤٢
عُتَقَآئِكَ: من عتقائك من جهنّم ١٦/١١٧
إجعلني من عتقائك وطلقائك ٤٥/١٤٣

ع.ت.و

عَتَوْا: إنّهم «الظّلمة» ... عتوا عتوّاً كبيراً ١١/١١٩
عُتُوّاً: إنّهم «الظّلمة» ... عتوا عتوّاً كبيراً ١١/١١٩
الْعَاتِيَةِ: والملوك العاتية كيف انتسفتهم الأيّام ١٣/٢١٤

ع.ث.ر

العِثَارِ: وأقلت عند العثار زلّتي ٤/١٦٣
عَثْرَةِ: ... يامن آمن عقوبته عند كلّ عثرةٍ ٤٣/٢٥١
آمن سخطه عند كلّ عثرةٍ ٦٤/٢٥١
زلّة من زلل الخاطئين وعثرةٌ من عثرات المذنبين ٦/٣٩
أسألك أن ... لاعثرة إلاّ أقلتها ٨/١٢٢
الْعَثْرَةِ: أسألك سؤال ... المأخوذ على العثرة ١/٢٤٥
بما أحسنت لي النّظر وأقلتني العثرةَ ٣/١٤٨
عَثْرَتِهِ: ولم تقله من عثرتِهِ ٣٧/٢١٤
دعاء من ... كثرت زلّته وعثرتُهُ ٣/٢٤٢
فلم تنعشه من عثرَتِهِ ١١٣/٢١٤
عَثْرَتِي: وتعلم ما في نفسي فأقلني عثرتي ٦/١٣٤
فأعطني من فضلك ... إقالة عثرتي ٨/١٣٩
فرفعت خسيستي وأقلت عثرتي ٣٣/١٤٩
سيّدي فبمن أستغيث إن لم تقلني عثرتي ٩٨/١١٦
ياكهفي حين تعييني المذاهب ويامقيلي عثرتي ٧/١٦٣
ونكصت بتسديدك عن عثرتي ٧/٣٩
وأقلني يامقيل عثرتي ٢٣/١٤٨
وأقلني عثرتي ياغاية الآملين ١٠/٢٣٩
وأقلني عثرتي وامنن عليّ بذلك ٨/١٧٣ ـ ٦/١٧٢
فكن ... مقيل عثرتي ٩/١٨٩
إلهي، بمن أستغيث إن لم تقلني عثرتي ٥/٢٠١
أقلني عثرتي ربّي فقد كان الّذي كان ٢٢/٢٠١
وأقلني عثرتي ولاتتبعني بالبلاء ٣/٥٢
لِعَثْرَتِهِ: وأسألك سؤال من لايجد لعثرته مقيلاً ٥/١٧٠
ولالعثرته مقيلاً ١٨/١٤١
عَثَرَاتِ: وعثرة من عثرات المذنبين ٦/٣٩
الْعَثَرَاتِ: سيّدي فأمح مثبتات العثرات ١٠٩/١٩٩
يامقيل العثرات ٧/١٣٧
عَثَرَاتي: تقيلني بها «التّوبة» عثراتي ٤٨/١٩٩
لم أستقلك عثراتي ١٠٨/١٩٩
حين ذكرت خطاياي وعثراتي ١٤٤/١٩٩
وأستقيلك عثراتي ٩/١٦٣
وأقلني عثراتي بحسن إقالتك ٢٢/٨٨
الْعَاثِرَ: أنا المسيئ المعترف الخاطئ العاثر ٨٢/١٤٧
الْعَاثِرِينَ: على العاثرين بالمغفرة ١١/٢٤٣
يامن يمنّ بإقالة العاثرين ٨١/١٤٧
عَثَّاراً: إرحم من لم يزل مسفطاً عثّاراً ٤٧/١٩٩

ع.ج.ب

أَعْجَبَ: سبحانه ما أعجب ما دبّر في أمرك ٣/١١٠
سبحانك ما أعجب ما أشهد بي على نفسي ١٤/٤٩
أَنْ نُعْجَبَ: نعوذبك ... أن نعجب بأعمالنا ٤/٢٦
عَجَبٍ: ومن عجبٍ كيف يسكن إليها من يعرفها ٣٠/٢١٩
سبحانك عجباً من عرفك كيف لايخافك ٢٢/٤
الْإِعْجَابِ: والإعجاب بنفسي والجبريّة ٢٥/١٥٣
عَجَآئِبُ: يامن لاتنقضي عجآئب عظمته ١/١٥ ـ ٢٠/٨
بإكثار منها تلهيني عجآئب بهجته ٢٨/٢٥١ ـ ٢٠/٢٥٢
عَجَآئِبِهِ: حتّى توصل إلى قلوبنا فهم عجائبه ١٢/١٠٩
وألهمته علم عجآئبِهِ مكمّلاً ٦/١٠٩
عَجَآئِبِهَا: مع صنوف عجائبها ١٠٩/٢١٤
وأصناف عجائبها ٣٣/٢١٤

أَعْجَبُ: أعجبُ من ذلك أناتك عنّي ٤٩/١٤
الْعُجْبِ: أللّهمّ سلّم لي قلبي من ... العجب ١٣٥/١٠
أعذنا من الفشل ... والعجب ٢٠٠/١٦
بِالْعُجْبِ: ولاتفسد عبادتي بالعجب ٥٥/٤

ع.ج.ج

عَجَّتِ: فقد عجّت الأصوات بصنوف اللّغات ٢٣٧/٧
وعجّت إليك الألسن بأصناف الدّعآء في بلاَدك ١٩٩/٩٨
عُجاجُها: هبوب الرّياح وعجاجها ١٩٩/٥٦

ع.ج.ز

عَجَزَ: فقد عجز عنّي عملي ١٥٣/١٦
فكيف أرجو ما قد عجز عنّي ١٥٣/١٧
وعجز عن شكره شكر الشّاكرين ٩٩/١
وعجز شكري عن جزآئها «المنّة» ١٩٩/٦٩
إبتليتني بها عجز عنها صبري ١٩٩/١٥٤
وعجز صبري عند بليّته فلم يخذلني ١٩٩/١٥٤
عَجَزَتْ: عجزت العقول عن إدراك كنه جمالك ١٩٣/١
أللّهمّ أنت الّذي عجزت الأوهام ٢٣٩/٩
وعجزت الأفهام عن كيفيّتك ١٤٧/١٧
الّذي ... عجزت عن نعته أوهام الواصفين ١/٢
عَجَزْتُ: وأستعين بك على ما عجزتُ عنه ٣٤/١١
فإنّك إن وكلتني إلى نفسي عجزتُ عنها ٥٩/٣
فَعَجَزْتُ: فعجزتُ عن إحصائها ١٩٧/٣٥ ـ ١٩٩/١٤٧
يَعْجِزُ: فقد اصطنعت عندي ما يعجز عنه شكري ١٦٣/١
حمداً يعجز عن إحصائه الحفظة ١٤٧/٣٦
تَعْجَزُ: تعجز عن حمل واردات الأقضية ٢٢٣/١
تعجز الألسن والأفهام عن ١٤٤/١٣
تعجزُ الأبدان عن أداء شكر ٢٤٩/١٧
فَتَعْجَزُ: نفسي طرفة عين فتعجز عنّي ٢٥١/٥٦
لاتَعْجِزُ: بقدرته الّتي لاتعجز عن شيء ٩/١
فَأَعْجَزَ: أللّهمّ لاتكلني إلى نفسي فأعجزُ عنها ٧٥/١
فلا تكلني إلى نفسي برحمتك فأعجز ٢٥٧/٦
أَعْجَزَني: أعجزني عن إحصآء ثنآئك ١٨٧/١
أَعْجَزَتْهُ: وأبلس لمّا أعجزته المقادر ٢١٤/١١٨
لَمّا أَعْجَزَتْهُ: وأبلس لمّا أعجزته المعاذر ٢١٤/٤٢
فَيُعْجِزَني: ولاتكلني ... إلى رأيي فيعجزني ١٤٩/٦٣
لايُعْجِزُهُ: لايعجزه شيء طلبه ١٤٩/١١
الّذي لايعجزه كثرة الإنفاق ١٩٩/٥٣
عَجْزَ: ولاتسمنا عجز المعرفة عمّا تخيّرت ٩٢/٢
توسّدت الثّرى عجزُ حيلتها ١٩٩/١٣٨
والفاعل بلا عجزٍ ٢/٤
وتركى للأستغفار مع سعة رحمتك عجزٌ ٣٨/١
لم تكن أناتك عجزاً ١٤٦/١٢
عجزاً عمّا يناويه ٤٤/٣
قد توسّدت في الثّرى عجزُ حيلتها ١٩٧/٣٢
لارغبة يالهي بل عجزاً ١٤٦/١٤
والفعّال بلا عجزٍ ٧/٤
الْعَجْزِ: أعذنا من الفشل والكسل والعجز ٢٠٠/١٦
أعوذبك من الفشل والكسل والعجزِ والتفريط ١٥٣/٣١
وأعوذبك من العجزِ والبخل والحرص ١٥٣/٢٦
عَجْزي: عجزي عن الإنتصار ممّن قصدني بمحاربة ١٥٢/٥ ـ ١٥٣/٥
بِعَجْزي: فتفضّل على إقراري بعجزي ٩٩/٤
بِالْعَجْزِ: الإعتراف بالعجز عن الشّكر شكراً ٦/٦
ولم تجعل للخلق طريقاً إلى معرفتك إلاّ بالعجز ١٩٣/١
عاجِزٌ: فأشكر عبادك عاجزٌ عن شكرك ٩٨/١ ـ ٨/٣
لاعاجزٍ عمّا تسأل ١٤٦/١٦
مُعاجِزينَ: الظّلمة ... سعوا معاجزين في آياتك ١١٩/٢

ع.ج.ل

يَعْجَلُ: إنّما يعجلُ من يخافُ الفوت ٥٢/٢
لايَعْجَلُ: ذى أناةٍ لايعجل ١٥٣/١٠
لاتَعْجَلُ: ذى أناةٍ لاتعجلُ ١٥٢/١٤
عَجَّلْتَ: وعجّلت لي من متاعها بلغةً إلى جوارك ٧٩/٦
حتّى لأحبّ ... تأخير ما عجّلت ٢٢/٣٤ ـ ٢٥١/٦٩
حتّى لانحبّ تأخير ما عجّلت ٩٢/٣
من رحمتك ما عجّلت لي من عافيتك ٥١/١
عَجِّلْ: وعجّل إلى عذابك السّرمد إنقلابهم ٢٢٣/٦
وإليك أهرب عجّل بالفرج ١٧٧/٢
عجّل ذلك ياربّ، السّاعة السّاعة ١٦٠/٦ ـ ١٦٠/٨
أللّهمّ ... عجّل فرج آل محمّد ١٨١/٥
عَجِّلْهُ: أللّهمّ عجّله ولاتؤجّله «ظالمي» ١٥٥/٤
لَمْ يُعاجِلْ: فيامن لم يعاجل المسيئين ١٤٧/٨١
لَمْ يُعاجِلْنا: ولم يعاجلنا بنقمته ١/٢٣
فَلَمْ تُعاجِلْهُ: فلم تعاجله بنقمتك ٨/١٥ ـ ٩٨/٩
فَلَمْ تُعاجِلْني: وتأنّيتني بكرمك فلم تعاجلني ٤٩/١٩
عاجِلْهُ: عاجله «ظالمي» بالإستئصال ١٥٥/١
يَتَعَجَّلُ: يتعجّل به نفع ما قدّم ٦٧/٢١
عَجَلَةٌ: ولافي نقمتك عجلة انما يعجلُ من يخافُ ٥٢/٢
الْعَجَلَةِ: ... أعوذبك من الفشل ... والعجلة ١٥٣/٣١

عَجَلَتي: بين يدى نسيانى وعجلتي ١٧/١
أقدّم في يومى هذا بين يدى نسيانى وعجلتي ١٧/٢
تَعْجيلَ: ولو خفت تعجيل نقمتك ٢٥٧/٦
حتّى لاأحبّ تعجيل ما أخّرت ٢٥١/٦٩ ـ ٢٢/٣٤
فأمنت تعجيل نقمتك ١٢٨/٩
أسألك تعجيل ما تعجيله كان خيراً لي ١٢١/١٦
ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته ١١٦/٢٣
ولاتعجيل ما أخّرت ٩٢/٣
تَعْجيلُهُ: أسألك تعجيل ما تعجيلُهُ كان خيراً لي ١٢١/١٦
مُعاجَلَتَهُ: فيما تملك معاجلته فيه ٨/١١ ـ ٩٨/٦
مُعاجَلَتَهُمْ: وتترك معاجلتهم إلى التّوبة ١٤٢/٥
ولم يدحض لترك معاجلتِهم برهانك ١٤٦/٨
مُعاجَلَتي: إبطآؤك عن معاجلتى وليس ذلك ٤٩/١٤
لِلْمُعاجَلَةِ: وأخّرت وأنت مستطيع للمعاجلة ١٤٦/١١
عاجِلِ: وعاجل أمرى وآجله ٩٣/١ ـ ٩٣/٢
وأرنى الرّخآء والسّرور عاجلاً ٢٥١/٥٢ ـ ٢٥٢/٣٥
فأعطني سؤلى ... عاجلاً غيرآجل ٢٥١/٥٠ ـ ٢٥٢/٣٤
الّذى سئلتك لنفسي ولولديّ في عاجل الدّنيا ٦٤/١٥
أللّهمّ أهلكه «من يؤذينى» هلاكاً عاجلاً ١٦٠/٢
... بسقمٍ عاجلٍ يشغله عنّى ١٦٠/٥
وتفرّج عنّى فرجاً عاجلاً غير آجلٍ ١٧٩/٥
في عاجلِ دنياى وآجل آخرتي ٢٥٧/٢٦
واسع درره وابل سريع عاجلِ ٥٣/٢
في عاجلِ زهرة الحياة الدّنيا ٢٦٢/٢
أرفعها وأجلّها عاجلاً وآجلاً ١٨٧/٧
لاحزن في عاجلِ دنياى وفي آجل آخرتي ٣٥/٣
الْعاجِلِ: به متفضّلاً في العاجِلِ ١٩٩/١٠٧
... طلباً لما فيه نيل العاجل من دنياهم ... ٢١/٣
لـ... تزهّد «صلاة»هم «تابعين» في سعة العاجِلِ ١٤/١٠
بشّرنى بذلك فى العاجل دون الآجل ٤٩/٢٠
الْعاجِلَةِ: وأفطم نفسي عن طلب العاجلة الزّائلة ٣١/٤
عَجُولاً: لم يكن ... بعقوبته عليّ عجولاً ١٩٩/٦٧
كان الإنسان عجولاً (قرآن) ٣٥/١٢ ـ ٢٥٧/٣٦

ع.ج.م

إسْتَعْجَمَتْ: إستعجمت عن إدراكه ٢٤٣/٥
الْعَجَمِ: وادراً عنّى شرّ فسقة العرب والعجم ١٤٩/٥٩
وإكفني شرّ فسقة العرب والعجم ١٣٢/١٢
وأنت ياخالق العرب والعجم ١٧٧/١

ع.د.د

لايَعُدُّها: زيادةً في تضاعيف لايعدّها غيرك ١٤٧/٥٦
أَعْدَدْتَ: وأعددت فيها من النّعيم المقيم ٢٥٧/١١
أعددت لخصمى من جزائك وعقابك ٤٤/١٣
لأبصارهم ما أعددت فيها من مساكن الخلد ٦٧/٥
وأعددت لأهلها «النّار» من أنواع العذاب فيها ٢٥٧/١٦
وأعددت له من كرامتك ٦٧/٢١
وأعددت ثوابهم قبل أن يفيضوا ٨/٧ ـ ٩٨/٤
كلّ ما أعددت لجميع خلقك ٨/١٦ ـ ٩٨/٩
أَعْدَدْتَهُ: وأنال به، عندك فيما أعددته لأوليائك ٢٥٧/٣٨
وأنال به ما عندك فيما أعددته لأوليائك ٣٥/١٥
أَعْدَدْتُ: وقد أعددتُ ليوم المعاد توفرة الزّاد ٢٠٤/٨
أَعْدَدْتُهُ: ما أعددتُهُ من فضل تعويلى عليك ١٩٩/١٠٢
أُعِدُّها: وأعدّها طمعاً في الخلاص والأمان ١٩٩/١٣
نُعِدُّهُ: ألهمنا ما نعدُّه له ٥٠/٦
عَدَّدَ: وعدّد من ذنوبه ما أنت أحصى لها خشوعاً ٨٠/٥
عَدَّدْتُ: وعدّدت سيّئاتي فأصبتها ٢٥٧/١٤
يُعَدِّدُ: يعدّد منه كلّ ما هو ذاكر ٢١٤/١٢٣
يعدّد منه خير ما هو ذاكر ٢١٤/٤٧
أُعَدِّدُهُ: أعدّده من مكتوم أمري ٤٩/١٤
أَعْتَدُّ: قلّ عندى ما أعتدّ به من طاعتك ٨٨/٤
لَمْ نَعْتَدِدْ: فلو لم نعتدد من فضله إلاّ بها «توبة» ١/٢٤
عِدادِ: واعزلنا عن عداد أوليائه ٥٠/١٣
عِدَّةٌ: ولاتنحصر لها «الصّلاة» عدّةٌ ١٩٩/١٨
عِدَّةٍ: وأخطرنا بباله لندخل في عدّة من ١٠/٣١
عِدَّتَهُمْ: وكثّر عدّتهم «أهل الثّغور» ٦٧/٢
لِعِدَّتِهِ: له الملك الّذى... لاإنقضآء لعدّته ١٩٩/٥٧
عُدَّةً: ومن هولنا أهل البيت عدّةٌ ورده ٨٣/٣
نعوذبك من ... ميتةٍ على غير عدّةٍ ٢٦/٧
الْعُدَّةِ: من إنقضاء المدّة قبل التأهبّ والعدّة ٢٣٦/٢
عُدَّتَكَ: أن تجعلني في ... عدّتك وعقدك ٢٢/١٩
عُدَّتي: أنت عُدّتى إن حزنتْ ٥٥/٢٩
وياذخرى وظهرى وعدّتى ١٤٩/٥٤
وعدّتي في شدّتى مع قلة حيائى منك ١١٦/٢٠
فإنّك ثقتى وعدّتي وأنت جسمى ... ١٣٩/٨
تَعْديدِهِ: حمداً يعان من إجتهد فى تعديده ١٤٧/٤١
إعْتِدادٍ: لاتقدمة زاد ولاإعتداد لمعاد ١٩٩/٤١
الْإِعْتِدادِ: سوء الإعتداد من ملكاتها ٢١٩/٧
الْإِسْتِعْدادَ: والإستعدادَ لما بعد الموت ١٤/١٠
أرزقني... الإستعداد للموت قبل حلول الفوت ١٣٦/١

وإن أنامتني الغفلة عن الإستعدادِ للقآئك ١٨٦/٢ ـ ١٩٩/٨٧
الْعادُّونَ: ذى المنن الّتى لايحصيها العادّون ١٩٩/٧
عَديدِ: صيّرته من بعد جمعٍ عديدٍ وحده ١٥٢/٦ ـ ١٥٣/٦
مُعَدَّةً: وموآئد المستطعمين معدّةً ٢٥٥/٦
الْمُعَدَّةِ: وجلّلني شرائف نحلك في المقامات المعدّة لأحبّائك ١٤٧/١١٠
عَدَدَ: عدد المستجيبين لرسالته «محمّد» ١٠/٢١
الواحد الّذى لايدخل في عددٍ ١٩٩/١٤
أنت الّذى أحصيت كلّ شيءٍ عدداً ١٤٧/١٦
وحدتي في كثير عددٍ من ناوأني ١٥٣/٥ ـ ١٥٢/٥
وأنت الله ... الآخر بعد كلّ عددٍ ١٤٧/٨
وأحصهم عدداً ١١٧/٣٣
الّذى تعلم به كيل البحار وعدد الرّمال ٢٣٥/٢
عدد أرضيك وما تحتهنّ وما بينهنّ ١٤٧/٦٠
عدد ما صلّيت على من صلّيت عليه ١١٥/٢٧
ولايدركه تحصيل ولاعددٌ ١٩٩/٥١
باذاالنّعمآء الّتى لاتحصىٰ عدداً ١٥٤/٣ ـ ١٥٦/٤
لايحصى له الخلآئق عدداً ٢٤٢/١
... عَدَدَ ما أحاط به علمه من جميع الأشياء ١/٢٧
أللّهمّ لك الحمد عدد ما أنعمت به على ١٦/٥
لك الحمد عدد حسنات خلقك وسيّئاتهم ١٦/٥
لك الحمد عدد كلّ شيء في دنياك وآخرتك ١٦/٥
الْعَدَدُ: لك ياإلهى وحدانيّة العددِ ٧٤/٤
وانقص منهم «عدوّ أهل الثّغور» العددَ ٦٧/٦
عَدَدِهِ: وانقطاع مدّته ووفاء عددهِ ١٤٢/٢٧
عَدَدَهُمْ: وابعث عليهم جنداً ... تفرّق به عددهم ٦٧/١٤
عَدَدُها: ولايحصى عددها ٨٨/٢٣
الذّنوب الكثيرة الكبيرة الّتى لايحصى عددها ١٤٨/٧
... ومكان كلّ واحدة منها عددها ... ١/٢٧
صلاةً ... لاينقطع عددها ٦٧/٢٣
عَدَدي: وكثّر بهم «والدى» عددي ٦٤/٣
لِعَدَدِهِ: جعلته «محمّد» ... لعدد المشركين قاطعاً ١٠/٨
لِعَدَدِهِ: ثمّ له الحمد... حمداً... لاحساب لعدده ١/٢٨

ع.د.ل

عَدَلَ: وعدل فيها «الأمور» بفضله ١٤٩/١٠
فَعَدَلْتَ: وحكمت فعدلت ١٩٩/١٠
يَعْدِلُونَ: يهدون بالحقّ وبه يعدلون ١٤٩/٦٧
ثمّ الّذين كفروا بربّهم يعدلون (قرآن) ١٤٣/١١
فَلَمْ يَعْدِلُوا: سلكوا الطّريق إليك فلم يعدلوا ١٩٩/٣٠
أَعْدَلَ: أقهر أمرك وأعدل حكمك ١٤٣/٤٣
فَعَدَّلْنا: وإن ملنا فيه «شهر رمضان» فعدّلنا ١١٥/٢١
يُعادِلُ: ويعادل كرسيّك الرّفيع ١٤٧/٣٧
يَعْتَدِلُ: وفوارع الموت ... يعتدلُ حكم الدّنيا ٢١٩/٨
عَدْلٌ: وحكمه «الله» عدلٌ ٢/٨
عدلٌ فى الحكم رؤوف بالعباد ٢١/١٦
وعقوبتك عدل وقضاءك خيرة ١٤٢/١
... قبضه إلى ما ندبه إليه ... عدلاً منه ١/٨
أللّهمّ إملأ الأرض به عدلاً وقسطاً ١٤٩/٧٠
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك ... عدلٌ لاتحيف ١٣٠/٤
بموقف عدلٍ حين تبلى السّرائر ٢١٤/٣١
وتمّت كلمة ربّك صدقاً وعدلاً (قرآن) ١٩٩/٥٩
عدلٌ فىّ قضاؤك ٥٧/٤ ـ ٢٢/٣٩
عدلاً من قضائك لاتجور فيه ١٤٦/١٠
ومحال في عدلٍ أقضيتك ١٩٩/١٦٣
بموقف عدلٍ يوم تبلى السّرائر ٢١٤/١٠٧
تملأ به الأرض عدلاً وقسطاً ٢٤٨/١
ما رزقتني من رزق فأرنى فيه عدلاً ٢٤٨/٣
قضيت فكان عدلاً ما قضيت ١٤٧/١٤
ولايؤخذ منها «النّفس» عدلٌ (قرآن) ٢٠٧/٢٢
وهو «العذاب» منك عدلٌ ٢٠٥/١٥
وهو يارب منك عدلٌ ١٦٢/٥
الْعَدْلِ: أسألك ... كلمة العدل في الرّضا ١٣٩/١٤
وكرمت أن يخاف منك إلاّ العدلُ ٨/١٨ ـ ٩٨/١١
أسفرلنا عن نهار الحقّ والعدلِ ٧٠/١١
وأنت العدلُ الّذي لايجور ٨٩/١
فإنّك واسع الفضل وازع العدلِ ١١٤/٤
وألبسنى زينة المتّقين في بسط العدلِ ٥٥/١٥
وأظهر به العدلَ ١١٩/٢٦
وجزت من العدلِ إلى الظّلم ١٦٤/١٣
عَدْلُهُ: فيامن يخاف عدلُه ٢٠٢/٩
ولايخشى إلاّ عدلُهُ ١٩٧/٢٧ ـ ١٩٩/١٣٣
ولاأخشى إلاّ عدلَهُ ٢٣٥/١
عَدْلِكَ: غير مخبّل في عدلك خواطر التّهم ١٩٩/١٨٢
وخلّصني ممّا يحكم به عدلُك ١٠١/٥
ولاتستنقص عليّ في عدلِك ١٩٩/١٣٣
كيف تقلّبت فى الحال في عقبات عدلِك ١١٨/٦
ونشرت عليّ من عدلِك ١١٣/٦
فلست أخاف بغير عدلِك ١٢٨/٨
فإن قلت نعم فأين المهرب من عدلِك ٩٠/٦

شاهداً في إمضاء الحجّة على عدلِك ٢٤٩/٢
لاينكر باإلهي عدلَك إن عاقبته ٨٠/٧
ومن عدلِك خآئفين ٢٠٦/١٩
وعدلُك قديم وعطآؤك جزيل ٢٥٧/٨
وعتيق صنعك من وثاق عدلِك ١٠١/٨
بِعَدْلٍ: أعظم منّة لديَّ من أن أقاصّهما بعدلٍ ٦٣/١٠
بِعَدْلِهِ: حكم فيها «الأمور» بعدله ١٤٩/١٠
أجّلها إلى أجلٍ قضى فيها بعدله ١٤٩/١٠
بِعَدْلِكَ: لكان ذلك بعدلك عليّ قليلاً ٢٣٠/٣
ولاتستقص علينا بعدلِك ١٩٧/٢٧
لاتحملني بعدلِك على الإستحقاق ٣٩/٩
والمجارين من الظّلم بعدلِك ٦٤/١٣
أللّهمّ ... فإنّه لاطاقة لنا بعدلك ٣٢/١
وقسّمت الأرزاق بعدلِك ١٤٩/٣
وعلى بن محمّد ... القائم بعدلك ٤٢/١٢
فَبِعَدْلِكَ: وإن عذّبت فبعدلك ١٩٧/٢٧ـ١٩٩/١٣٣ـ١٤٣/٤١
أللّهمّ ... وإن نشأ تعذّبنا فبعدلك ٣٢/١
بِالْعَدْلِ: وأعوذبك من أن أشترى... الجور بالعدل ١٦٤/٢٤
وشهدت أنّ الله قسم معايش عباده بالعدل ٩٦/١
عادِلٌ: يجازى عليه عادلُ الحكم قاهر ٢١٤/١٤٦ـ٢١٤/٦٨
سيّدى أصبحت... عن التّعرّض لسواك عادلاً ١٩٩/٩١
الْعادِلُونَ: كذب العادلون بالله ١١٦/٤٩ ـ ١٤٣/١٢
الْعادِلِينَ: مراجعة طاعتك بأعدل العادلين ١٤٢/٦١
وقبلت منهم مراجعة طاعتك بأعدل العادلين ١٤٢/٦١
عَدِيلٌ: ليس لك شبيه ولاعديلٌ ٢٤٣/٣
وحدك لاشريك لك ولاعديلَ ٢٤٦/٣
الْمُعَدَّلُ: وأشهد أنّ محمّداً... شهيده المعدّل ١٩٩/١٦
مَعْدِلاً: ولاأجد غيرك معدلاً بها «حاجة» عنك ١٩٩/١٢٨
أَعْدَلَ: مراجعة طاعتك بأعدل العادلين ١٤٢/٦١
وإن عذّبت فمن أعدلُ منك في الحكم ١٩٧/٦ ـ ١١٦/٩٤
ومن أعدلُ في الحكم منك إن عذّبت ١٩٩/١٢١
مراجعة طاعتك بأعدلَ العادلين ١٤٢/٦١
عِدْلَ: أنت الّذى ... لاعدلَ لك فيكاثرك ١٤٧/١٩
ولاشبيهٌ ولاعدلٌ يالله يارحمن ٨٣/١٢

ع.د.م

عَدِمَ: وعدم النّصر من أبعدته من فنآئك ١٩٩/١٨٣
عَدِمْتُ: إن عدمت فضلك يوم فاقتي ١١٦/٩٩
تَعْدِمُهُمْ: تعدمهم أشجان قلوبهم ٢١٩/١٧
لاأَعْدَمُ: إلى غايتي هذه لاأعدمُ برّك ٨٨/١٦
أَعْدَمْتَنِي: أعدمتني طوف الوصآئف ١٩٩/٩٢
عُدْمَ: سيّدى جئت ملهوفاً قد لبست عدم فاقتى ١٩٩/٨٩
عَدَمٍ: واعصمنى من أن أظنّ بذى عدمٍ خساسة ٩٦/٤
واجبر بالقرآن خلّتنا من عدَمِ الإملاق ١٠٩/١٥
الْعَدَمِ: فصرت بعد العدم موجوداً ١٩٩/١٧٠
الحمدلله ... مخرج الموجود من العدم ١٩٩/٥٢
إِنْعِدامِ: وأنطقهم بالتّسآئل لدى إنعدام الأفواه ١٠/٣٤
مُعْدِمٌ: أنّى يرغب معدمٌ إلى معدمٍ ٣٩/٧
عَدِمٍ: عدمٍ جبرت وصرعة أنعشت ١٥٢/١٢
الْمُعْدَمِينَ: وياذخر المعدمين ١٩٢/٥

ع.د.ن

مَعْدِنِ: ومالت أرواحهم... فى... معدِنِ العزّ ٢٠٠/٣٠
إنّك معدنُ الآلآء والكرم ١٩٩/٥٠
يا ... معدِنَ العوارف والجوائز ١٩٩/١٥١
ومعدِنِ العلم وأهل بيت الوحى ٢٠/١ ـ ١١٣/١ ـ ١١٤/١
هم العروة الوثقى وهم معدِنُ التّقى ٢١٩/٤٩
مَعْدِنِهِ: من معدنِهِ الّذى تعرّفته ١٩٩/١٧٩
مَعادِنَ: وإنّ معادنَ إحسانك لاتفنى ١٤٢/٥٧
واجعلنى ممّن ... جعلتهم معادنَ لعلمك ٢٦٨/٤
ولو أنّى كربتُ معادنَ حديد الدّنيا ٢٣٠/٢
ناديت معادنَ الرّسالة والأنبياء ٢١٩/٢٧
بِمَعادِنِ: طريق أمرك بمعادن لطفك ٢٤٨/١

ع.د.و

عادىٰ: وعادى فيك الأقربين ٩/٢
وعادىٰ عدوّك وأحلّ حلالك ١٤١/٣٠
عاداهُ: عاد من عاداهُ «وليعصر»(عج) ١١٩/٢٣
أدله ممّن ناواه وعاداهُ ٧٠/١١
وعاداه لك بحقيقة العبوديّة ٥٠/١٠
عاداهُمْ: أللّهمّ... عادِ من عاداهم «الأئمّة» ١٨١/٥
عادانا: وأن نسالم من عادانا ١١٥/١٤
عادَوْا: أللّهمّ إنّ الظّلمة ... عادوا أولياءك ١١٩/٣
عادَيْتَ: انّه لايذلُّ من واليت ولايعزُّ من عاديت، ٨٣/٩
عُوْدِيَ: حاشا من عودى فيك ولك ١١٥/١٤
يُعادِيهِ: فيامن له رفقٌ بمن يعاديه ٢٠١/٢٢
أُعادِيهِ: وبين من كنت أعاديه فيك ٢١٢/٧
أَنْ أُعادِيَ: أعوذبك ياربّ أن أعادى لك وليّاً ١٣٥/١٣
عادِ: أللّهمّ... عادِ من عاداهم «الأئمّة» ١٨١/٥
عادِ من عاداه «وليعصر»(عج) ١١٩/٢٣

تَعَدَّيا: أللّهمّ وما تعدّيا عليّ فيه من قولٍ ٦٣/٩
تَعَدَّوْا: الظّلمة ... تعدّوا حدودك ١١٩/٢
تَعَدَّيْتُ: وتعدّيت عن مقامات حدودك ٨٨/١٠
فَتَعَدَّيْتُ: وعملت بالمعاصي فتعدّيت ١١٦/٦٥
فَتَعَدَّيْتُهُ: وخالفت أمرك فيه فتعدّيته ١٩٩/١٣٥
فَتَعَدَّيْنا: وحذّرت فتعدّينا ٨٧/٦
فَتَعَدَّيْناهُ: وامر قد وقفتنا عليه فتعدّيناه ٩٥/٢
لاأَتَعَدّاهُما: قدّرت لي أجلاً ورزقاً لاأتعدّاهما ١٤٤/١
إسْتَعْدى: عون من بك إستعدىٰ ١٥٥/٨
الْعُدوانِ: بك أستجير ... من الظّلم والعدوان ٢٣٦/٢
أعوذبك من الخيانة والعدوان والطُّغيان ١٥٣/٢٦
مُعاداةِ: وأرشدته لـ... معاداةِ أعدائك ١٤٧/٧٢
مُعاداتَهُ: بحقّ من ... نطت معاداتَهُ بمعاداتك ١٤٧/٨٣
بِمُعاداتِكَ: بحقّ من ... نطت معاداته بمعاداتك ١٤٧/٨٣
الْإِعْتِداءِ: أعوذبك من ... والإعتداء ١٥٣/٢٦
تَعَدّي: وتعدّى طورى في حدودك ١٤٧/٨٥
تعدّياً لحدودك وغفلة عن وعيدك ١٥٢/١٣
... تعدّى حدودك والغفلة عن وعيدك ١٥٣/٩
ولنا في الدّنيا عن سخطك وتعدّى حدودك ذآئداً ١٠٩/١٦
وإن منعت لم يكن منعك تعدّياً ١٤٢/٢
عَداوَةِ: ومن عداوة الأدنين الولاية ٥٥/١٠
الْعَداوَةِ: إنّ الشّيطان ... قديم العداوة ٢٠١/٥٠
عَداوَتِهِ: انتضى عليّ سيف عداوته ١٥٢/٣ ـ ١٥٣/٤
ربّ أعوذبك من شرّ الشيطان ... وعداوته ١٥٣/٢٨
وتؤمنني من ... عداوته «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٩
الْغادِينَ: يامن نجّى هوداً من القوم العادين ١١٤/١٩
مُعادِياً: لأوليائك ومعادياً لأعدائك ١٢٣/١٤
الْمُعادي: ورحمها المعادى لها في ١٩٩/١٣٨ ـ ١٩٧/٣٢
الْمُعْتَدِينَ: وستّنك الإبقاء على المعتدين ١٤٦/٧
مُتَعَدٍّ: من شرّ كلّ ... ظالمٍ ومتعدٍّ ١٥٣/٣٠
عَدُوّاً: أعوذبك يارب أن... أوالي لك عدوّاً ١٣٥/١٣
ومن عدوٍّ قد استكلب عليّ ٩٠/٣
وأحترز به من ... عدوٍّ فاهر ٢٤٠/٢
وعدوٍّ محمّد عدوّك ٢٥١/٥٠ ـ ٢٥٢/٣٣
عدوّ آل محمّد عدوّ محمّد ٢٥١/٥٠ ـ ٢٥٢/٣٣
فإنّ عدوّى عدوّ آل محمّد ٢٥١/٥٠ ـ ٢٥٢/٣٣
فكم من عدوٍّ انتضىٰ عليّ سيف عداوته ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤
لاعدوّاً إلّاكفيته ١٢٢/٩ ـ ١٤٣/٤٧
إلهى أشكو إليك عدوّاً يضلّني ١٨٣/٣
وحل بيني وبين عدوٍّ يضلّني ١٤٧/٨٩
إلى عدوٍّ ملّكته أمرى أم إلى بعيد فيتجهّمني ٢٥١/٢٥
إلى المستضعفين لي أم إلى عدوٍّ ملّكته أمرى ٢٥٢/١٧
أللّهمّ ... وجعلت لنا عدوّاً يكيدنا ٦٤/٦
وكلّت بي عدوّاً لي ٢٠٠/٤٥
إلهى، جعلت لي عدوّاً يدخل قلبي ٢٠١/٤٩
الْعَدُوَّ: فإنّه العدوُّ الّذى لانواليه ١١٥/١٤
وأنسهم عند لقائهم «أهل الثّغور» العدوّ ذكر دنياهم ٦٧/٤
أعوذبك من موقفٍ... يشمت بي فيه العدوُّ ١٣٥/١٢
أللّهمّ إنّى... أعوذبك... من شماتة العدوّ ١٣٥/١١
عَدُوَّهُ: وأعانه على ذلك عدوّك وعدوّه ١٤٧/٧٤
كفيت محمّداً صلّى الله عليه وآله هول عدوّهِ ١٢٣/٢٠
فإذا صافّ عدوّك وعدوّهُ ٦٧/١٩
عَدُوَّهُمْ: أللّهمّ افلل بذلك عدوّهم ٦٧/٦
فأيّدنا الّذين آمنوا على عدوّهِم (قرآن) ١١٤/١٨
وأشمت عدُوَّهُمْ «الظّلمة» ١١٩/٧
... أتبرّأُ إليك من عدوّهم ... ٤٢/١٨
تمنعني من طاعة عدوّهِم ٤٢/٢١
تمنع عدوّك وعدوَّهُم منّى ٤٢/٢١
عَدُوَّكَ: وعدوّ محمّد عدوّك ٢٥١/٥٠ ـ ٢٥٢/٣٣
أعطنى رغبتى فيما سألتك في عدوّك ٢٥١/٥١
على جهاد عدوّكَ في سبيلك مع وليّك ١٤٤/٢٥
وأعانه على ذلك عدوُّك وعدوّه ١٤٧/٧٤
وتقتل به عدوّك ١٢٨/٤
مقبلاً في ذلك على عدوّك غير مدبر ١٢٧/١٠
دعانى عدوُّك إلى الهلكة فأجبته ٣٦/١
وتدبيراً على عدوّك ٥٥/٢١
فإذا صافّ عدوَّك وعدوّه ٦٧/١٩
سرور نبيّك أحبّ إليك من سرور عدوّك ١١٦/١١٩
فبعد أن يحتاج عدوَّك بالقتل ٦٧/١٩
وبعد أن يولّى عدوُّك مدبرين ٦٧/١٩
وعاند عدوَّك ٨٣/٧
وإن إشتمل علينا عدوُّك الشّيطان فاستنقذنا منه ١١٥/٢١
وجاهد «محمّد» عدوَّك ١٤١/٣٠
إلهى إن أدخلتني النّار ففى ذلك سرور عدوّك ١١٦/١١٩
وقد إستحوذ عليّ عدوُّك ٨٨/٦
وعادى عدوَّك وأحلّ حلالك ١٤١/٣٠
... تمنع عدوَّك وعدوَّهم منّى ٤٢/٢١
عَدُوّي: اكفنى كيد عدوّى ٢٥١/٥٠ ـ ٢٥٢/٣٣
فإنّ عدوّى عدوّ آل محمّد ٢٥١/٥٠
لاتشمت بي عدوّى ١٩٣/١

عَدوّى عن ظلمى بقوّتك ٤٤/٣
حتّى يأمن عدوّى من ظلمى وجورى ٥٩/١٤
إلهى لاتشمت بي عدوّى ١٧٢/١
فإنّ عدوّى عدوّ آل محمّد ٢٥٢/٣٣
فأعطني سؤلى يامولاى في عدوّى ٢٥١/٥٠ - ٢٥٢/٣٤
لِعَدُوِّكَ: والإنخداع لعدوّك الشّيطان الرّجيم ١١٥/١٨
أن أكون لعدوّك أحسن طاعةً منّى لك ٣٦/١
أَعْداآءَ: أهلك أعداآءَ آل محمّد ١٨١/٥
تقتل به أعدائك وأعداء آل رسولك ١٢٧/١٠
الْأَعْداآءِ: نعوذبك من شماتة الأعداءِ ٢٦/٧
أخاف شماتة الأعداءِ ٧٧/١٠
على ما سواهما في الأولياء والأعداءِ ٥٩/١٤
وأعذني من شماتة الأعداءِ ١٤٧/١٠١
وأخذت لي من الأعداآءِ بظلامتي ١٦٣/٤
الّذى فيه الغنى عن ... الأعداءِ ٢٠٦/١٦
كن لي على الأعداءِ ناصراً ١٨٣/٦
الّذى لاترومه الأعداآءُ ٢٠٣/١
أَعْدائِهِ: أللّهمّ اجعلنا في نظم أعدائِهِ ٥٠/١٣
حمداً ... نصير به في نظم الشّهداء بسيوف أعدائِهِ ١/٣٠
أَعْدائَهُمْ: واقتل أعدائهم «محمّد وآله» ١١٧/٣٣
أَعْدائِكَ: ما حاول في أعدائك ٩/٣
أللّهمّ واعمم بذلك أعدائَكَ ٦٧/١١
ألق الرّعب في قلوب أعدائِك منّى ٧٧/٣
وأرشدته لـ... معاداة أعدائِك ١٤٧/٧٢
فاجعل نفسي ... مفارقة لأخلاق أعدائِك ٢٥٥/٣
والمجانبة عمّا حذّرته أعدائَك ١٦٣/١١
وتجعلني ممّن تقتل به أعدائَك ١٢٧/١٠
إشغله عنّا ببعض أعدائِك ٥٠/٣
وألزم أعدآئَك الحجّة في قتلهم إيّاك ٢٥٥/٢
وابسط يده «وليّك» على أعدائِك ١٤٧/٦٦
أللّهمّ إنّ الظّلمة ... والوا أعدائَك ١١٩/٣
واجعلهم «ولدى»... ولجميع أعدائك ٦٤/٢
أجرني ... من شرّ أعدائِك ١٣٩/١٦
أَعْدائي: أدرأ بك في نحور أعدائي ٢٢/٢١
وخذ عنّى بـ... أبصار أعدائى ١١٦/١١٤
إضرب بينى وبين أعدآئي ستراً ١١٤/١٦
وأدرأ بك في نحر أعدائى ٢٢/٦
أَعْدائِنا: وكفّ عنّا أعدائنا ٢٥٥/٨
لِأَعْدائِكَ: ولاتجعلنا من المقارنين لأعدائك ٢٠٠/١٨
فتوفّنى مواليّاً لأوليائك ومعادياً لأعدائك ١٢٣/١٤
لِأَعْدائِنا: وتولّنى في ... المنابذين لأعدائنا ٦٥/١
الْمُعْتَدُونَ: تأمن ممّا يخاف المعتدون ٨٠/١٨
عَدُوِّى: أعدني عليه عدوىّ حاضرة ٤٤/٥

ع.ذ.ب

عَذُبَ: وعذب في معين المعاملة شربهم ١٩٣/٣
أَعْذَبَ: وما أعذب شرب قربك ١٩٣/٥
عَذَّبْتَ: وإن عذّبت فبعدلك ١٣٣/١٩٩ـ٤١/١٤٣ـ٢٧/١٩٧
وإن عذّبت فمن أعدل منك ٩٤/١١٦ - ٦/١٩٧
وإن عذّبت فغير ظالم ١١٦/١٩
ومن أعدل في الحكم منك إن عذّبت ١٢١/١٩٩
عَذَّبْتَني: ولو أنّك بالإلهى عذّبتني بعد ذلك ٢٣٠/٣
فإن عذّبتني فبذنوبي وبما أنا أهله ٨٩/٣
إن عذّبتني فعبدٌ خلقته لما أردته فعذّبته ٢٠١/٣٩
فَعَذَّبْتَهُ: خلقته لما أردته فعذّبته ٢٠١/٣٩
أَنْ يُعَذِّبَهُمْ: وهو يريد أن يعذّبهم فدعوه ٢٣٣/٥
وهو يريد أن يعذّبهم ١٦٥/٦
تُعَذِّبُ: هل... تعذّبُ أرجلاً سعت في ١٨٤/٥
تعذّبُ من تشآء بما تشاء كيف تشاء ١١٦/٣٣
أللّهمّ ... تجد من تعذّبُ غيرى ١٤٩/٤٥
إن تعذّبْ فأنا الظّالم المفرّط ١٦٣/١٤
تُعَذِّبُهُ: أللّهمّ إنّك تجد من تعذّبه غيري ١٤٨/١٤
تُعَذِّبُني: إلهى أتراك بعد الإيمان بك تعذّبني ١٨٤/١
إلهى كيف تقرّلي نفسي بأنّك تعذّبني ١٩٧/٢١
ياسيّدى تعذّبنى وحبّك في قلبي ٢١٧/١
أتعذّبنى بالنّار وأنت أملي ٢٤٣/٦
أللّهمّ إن تعذّبنى فأهل ذلك أنا ١٤٨/١٥
إن تعذّبنى فإنّى لذلك أهل ١٦٢/٥
فإن تعذّبنى فبذنوبي غير ظالم ٢٠٩/٤ - ٢٢٩/٣ - ٢٣٣/٣
وإن تعذّبنى فأنا لذلك أهلٌ ٢٠٥/١٥
فإن تعذّبنى فبذنوبي غير ظالم أنت ١٦٥/٣
فإن تعذّبنى فأنت غير ظالم لي ٤٩/١٨
وإن تعذّبنى فبما قدّمت يداى ١٣٥/٧
تُعَذِّبْنا: أللّهمّ... وإن تشأ تعذّبنا فبعدلك ٣٢/١
لاتُعَذِّبْني: ولاتعذّبني فإنّك علىّ قادرٌ ٢٢٥/١
سيّدى لاتعذّبني وأنا أرجوك ١١٦/١٠٠
لاتعذّبني عليه «الرّزق» ١٩٩/٢٠٠
لاتُعَذِّبْنا: ولاتعذّبنا لكثرة ذنوبنا وما قدّمت أيدينا ٨٣/٤
عَذِّبِ: أللّهمّ عذّب الكفرة ٨٤/١٨
عَذِّبْهُمْ: وعذّبهم «الظّلمة» عذاباً نكراً ١١٩/١٠

إسْتَعْذَبُوا: واستعذبوا مرارة العيش ٢٠٠/٢٦
عَذْبٌ: فسبّحت له ... عذبُ المياه ١٩٩/٥٦
أجريت الماء من الصّمّ الصّياخيد عذباً ٢٤٥/٤
عُذُوبَةَ: عذوبة مشارب أيّامها ٢١٩/٣٦
مُعَذَّبٌ: حتّى لايكون في النّار معذّبٌ غيري ٢٣٠/٣
مَعَذَّبِينَ: حتّى توردنا جنّتك غير معذّبين ٢٠٠/١٨
الْمُعَذَّبِينَ: وكنت عندك من المعذّبين ١٠/٣٢
عَذاباً: فيها «ناراً» أنكالاً وجحيماً وعذاباً ٢٠١/٤٧
وأن تجيرني ... من عذابِ الحريق ١٤١/٧
وأن تجيرني من عذابِ النّار ١٤١/٧
ومن عذابِ السّموم ١٤١/٧
وابعث عليهم «الظّلمة» عذاباً من فوقهم ١١٩/٩
وقني عذابَ النّار قرآن ٦٤/١٦
١٣٨/٥ ـ ١٣٣/١٢ ـ ١١٧/٣١ ـ ٨٧/١٠ ـ ١٤٣/٥٦
أللّهمّ ... واعذنا من عذابِ السّعير ٦٤/١٥
وعذّبهم «الظّلمة» عذاباً نكراً ١١٩/١٠
بما وصفته من... عذابِ الحريق وعذاب السموم ٢٥٧/١٦
وقني برحمتك عذاب النّار (قرآن) ٥٥/٤٢
ولكنّ عذابَ الله شديدٌ (قرآن) ٢٠٧/٢٣
لو يفتدى من عذابِ يومئذٍ ببنيه (قرآن) ٢٠٧/١٤
نجّني برحمتك من عذابِ النّار ١٨٤/٩
وأعوذبك من فتنة الدّنيا والآخرة وعذابِ النّار ١٣٨/٦
ربّنا اصرف عنّا عذابَ جهنّم (قرآن) ٨٣/١٥
أعوذبك من ... عذاب الآخرة ٢٨/٥
وقني عذاب النار وعذاب الحريق وعذاب السعير وعذاب الجحيم وعذاب الحميم وعذاب السموم وعذاب الخزى ١٢٩/٨
الْعَذابِ: فجميع ما أخّرت عنه من العذابِ ٩٨/١٠
فجميع ما أخرّت عنه من وقت العذاب ٨/١٦
وأكتب لي ... أماناً من العذابِ ١٣٣/٧
وأمنوا برضاك من العذابِ ياكريم ١٣٢/٦
ما أنا أهله من العذابِ والنّقمة ١٨٦/٨
وأعددت لأهلها «ناراً» من أنواع العذابِ فيها ٢٥٧/١٦
ووصفته «العذابِ» بما وصفته من... العذابِ الغليظ والعذاب الشديد والعذاب المهين والعذاب المقيم ٢٥٧/١٦
وأنّ عذابى هو العذابُ الأليم (قرآن) ٢٠٥/١٣ ـ ٢٠٦/١٤
ما تجعله نجاة لهم من العذابِ ١٤٣/٣٩
يامن أنزل العذابَ على قوم يونس ٢٣٣/٥ ـ ١٦٥/٦
فدعوه فتضرّعوا إليه فكشف عنهم العذابَ ١٦٥/٦
فكشف عنهم العذابَ ومتّعهم إلى حين ٢٣٣/٥
وأعوذبك من العذاب الأدني وأعوذبك من العذاب الأكبر ١٢٩/٩
عَذابِهِ: وكثرة عذابه في مصابها وطلبها ٢١٤/١٠٩
عَذابَها: إنّ عذابها كان غراماً (قرآن) ٨٣/١٥
وظلّ عقابها «مصيبة» وطال عذابُها ٢٠٠/٧
عَذابِكَ: لاتشتغلك رحمتك عن عذابِك ١٤٩/١
ولاعذابُك عن رحمتك ١٤٩/١
أجرني من عذابِك الأليم ١٣٩/١٦
فلا تجعل نفسي في شيئ من عذابِك ١١٦/١٢٩
وأجرنا من عذابِك ٢١٤/٧٤ ـ ١٤٣/٤١ ـ ١١٦/٤٤
أللّهمّ قنا عذابَك ٨/٢٢
أللّهمّ ... لاصبرلي على عذابِك ١٤٩/٤٥
حمداً ... مانعاً من عذابِك الواصب ١٩٩/١٧٧
فالآن من عذابِك من يستنقذني ١١٦/٦٨
وأستربهم من عذابِك ١٣٢/١٣
أللّهمّ ... وأجرنا من عذابِك بتجاوزك ٣٢/١
واصبب عليهم «الظّلمة» عذابَك ١١٩/٥
فأنا الآن من عذابِك من يستنقذني ٩١/٢
إرحم من ... لايمنعه من عذابِك مانع ١٩٩/٤٤
واحداً من ذنوبي يوجب لي أليم عذابِك ٤٠/٤
سبّدى بل مشفق من عذابِك ١٤٨/٢٨
وارزقني من فضلك ونجّني من عذابِك ١٢١/١٥
ما أكثر تصرّفه في عذابِك ١٤٦/١٠
فواحد من جرمى يحلّ عذابَك بي ٢٥٧/٢
إجارتي ممّا فيه أهلها من عذابِك ١٤٧/١٠٤
ومن عذابِك مشفقين ٢٠٦/١٩
وعجّل إلى عذابِك السّرمد إنقلابهم ٢٢٣/٦
واجعل عليهم رجزك وعذابَك ٨٣/١٨
عَذابي: وأفكّر في غناك عن عذابى ٢٥٧/١٩
لو أنّ عذابى يزيد في ملكك لسألتك ١١٢/٥٠
أنّ عذابى هو العذاب الأليم (قرآن) ٢٠٥/١٣ ـ ٢٠٦/١٤
ولو أنّ عذابي ممّا يزيد في ملكك لسألتك ١٦٢/٧
وليس عذابي ممّا يزيد في ملكك ١٦٢/٧
ولئن كفرتم إنّ عذابي لشديد (قرآن) ١٤٢/١٦
فإنّك غنيّ عن عذابي ٧٧/١٤
بغضب يدوم منك عليّ تريد به عذابي ٢٥٧/٢١
بِعَذابٍ: ولاتردّني بعذابٍ أليمٍ ١١٦/١٢٩
ياإلهي عذّبتني بعد ذلك بعذابِ الخلاّئق ٢٣٠/٣
بِالعَذابِ: وآتهم «الظّلمة» بالعذابِ ١١٩/١٠

ع.ذ.ر

فَلَمْ أَعْذِرْهُ: ومن مسيئ إعتذر إليّ فلم أعذره ١٠٠/١

إِعْتَذَرَ: ياخيرمن‌إعتذر إليه المسيئون ١٩٧/١٤-١٩٩/١٢٧
ومن مسيئ إعتذر إليّ فلم أعذره ١٠٠/١
وما أنا بألوم من إعتذر إليك فقبلت منه ٣٤/٩
إِعْتَذَرْتُ: ولاعذر لي إن اعتذرت ١٦٤/١٥
أَعْتَذِرَ: أعتذر إليك ياإلهي منهنّ ومن نظائرهنّ ١٠٠/٣
أللّهمّ إنّي أعتذرُ إليك من مظلوم ١٠٠/١
لاأجد عذراً أعتذرُ فأبرأ ٢٠٣/٣
أللّهمّ إنّي أعتذرُ إليك من جهلي ٨٠/١٧
لاعذر لي فأعتذرَ ٨٩/٣
فلست بريئاً فأعتذرَ ١٦٣/٩
أللّهمّ إنّي لست ذا عذر فأعتذرَ ١٤٨/١٢
عُذْرَ: فإنّه لاعذرَ لمن جهلك ٢٤٩/٨
ومن أقطع عذراً من مُعَذِّبٍ سيراً ٢١٩/١٣
وإن لم يكن لذنبي عندك عذرٌ تقبله ٩٩/٤
لاعُذرَ لي فأعتذر ٨٩/٣
ولاعذر لي إن اعتذرت ١٦٤/١٥
أللّهمّ إنّي لست ذا عذر فأعتذر ١٤٨/١٢
فقد حذّرتنيه فلا عذرَ لي فيه ١٧٠/٣
لاأجد عذراً أعتذر فأبرأ ٢٠٣/٣
إلهي... فما عذرٌ من أغفل دخول الباب بعد فتحه ١٨٢/٩
فما عذرٌ من أغفل دخول ذلك المنزل ١٤٢/٨
ولم يدع لأحدٍ منّا حجّةً ولاعذراً ١/٢٥
الْعُذْرِ: يا ... قابل العذرِ والعتبى ١٩٩/٦٥
عُذْرِهِ: إعتذارمن‌يستغني عن قبول‌عذره ١٩٧/١٤-١٩٩/١٢٧
عُذْرَكَ: وأوجب لنا عُذرَك ١٤٢/٥١
عُذْرِي: فاقبل عذرى ياخير من ١٩٩/١٢٧
فما عذرى وقد حشا مسامعي رافع الصّوت ١٩٧/٤٥
فإقبل ياإلهي عذري ١٩٧/١٤
وأظهر فيها عذري ١٧١/٨
عُذْرَنا: فاقبل عذرنا ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/١٨
الْأَعْذَارَ: وأبليت الأعذار وقد تقدّمت بالوعيد ١٤٦/١١
مَعْذِرَتُهُمْ: يوم‌لاينفع‌الظّالمين معذرتهم(قرآن) ١٩٩/٤٩
مَعْذِرَتي: واقبل سيّدى ومولاي معذرتي ٢٥٢/٣٢ - ٢٥١/٤٩
أللّهمّ إنّك تعلم سرّى فاقبل معذرتي ١٣٤/٦
الْمَعاذِرُ: وأبلس لمّا أعجزته المعاذر ٢١٤/٤٢
الْإِعْذارِ: إلاّ عن طول الإعذار إليه ١٤٢/٥
إِعْذارِكَ: حذرى من إعذارك ١٤٧/١٠٤
إِعْتِذارَ: إعتذار ندامةٍ يكون واعظاً لما بين يدىّ ١٠٠/٣
إلهي ليس إعتذارى إليك إعتذارَ ١٩٧/١٤
إلهي أو عرفت إعتذاراً من الذّنب ١٩٧/٣١
إعتذارَ من يستغني عن قبول عذره ١٩٩/١٢٧
سيّدى لو عرفت إعتذاراً من الذّنب لأتيته ١٩٩/١٣٥
الْإِعْتِذارُ: لاينفعه الإستغفار ولاينجيه الإعتذارُ ٢١٤/١١٧
ومن ألسنتنا صدق الإعتذارِ ١٤٢/٤٩
ولاينجيه الإعتذارُ ٢١٤/٤١
إِعْتِذارِي: إلهي ليس إعتذاري إليك إعتذار ١٩٧/١٤
سيّدى ليس إعتذارى إليك ١٩٩/١٢٧
غاذِراً: ولاتفي السّماء عاذراً ١١٩/١٢
ولم تكتسب خيراً لدى الله عاذرٌ ٢١٤/١٥٠ - ٢١٤/٧١
مُعْتَذِرِينَ: ومن ذنوبنا معتذرين فاقبل عذرنا ١٢٣/١٨
الْمَعاذِيرَ: تزيّن المعاذير وخسأت أبصارهم ٢١٩/٣٠
عِذارَ: فتل عنّي عذار غدره ٨٨/٧

ع.ر.ب

أَعْرَبْتَ: وقرآنا أعربت به عن شرايع أحكامك ١٠٩/٢
الْعَرَبِ: وادرأ عنّى شرّ فسقة العرب والعجم ١٤٩/٥٩
وإكفني شرّ فسقة العرب والعجم ١٣٢/١٢
عبيدك العربُ إذا استجار ١٧٧/١
وأنت ياخالق العربِ والعجم ١٧٧/١
إِعْراباً: ومنشأ من التّراب نطق إعراباً بوحدانيّتك ٢٢٢/٢
الْعَرَبِيّ: وبحبّى للنّبيّ... العربيّ... أرجو ١١٦/٧٠

ع.ر.ج

يَعْرُجُ: أعوذبك من شرّ... وما يعرج فيها ١٥٣/٢٨
أَعْرُجُ: ما أتّخذُهُ سلّماً أعرج به إلى رضوانك ١٥٢/١٦
نَعْرُجُ: وسلّماً نعرج فيه إلى محلّ السّلامة ١٠٩/٩
عارِجاً: عارجاً إليك مع صالح الأعمال ١٩٩/١٩١
كَالْعُرْجُونِ: منازل حتّى عاد كالعرجون القديم ١٣٠/١

ع.ر.ر

مَعَرَّةِ: واكفني مؤونة معرّة العباد ٥٥/٣٠

ع.ر.س

مُعْرَسِ: يسكن إلى معرسٍ غفلة ٢١٩/١٣

ع.ر.ش

الْعَرْشِ: وهو ربّ العرش العظيم (قرآن) ٢٢/١٢-١٥٥/٩
إنّى أسألك... بما أطاف العرشُ من بهاء كمالك ١١٤/١٥
ياشديد البطش ياعالى العرشِ ١١٤/١٧
... ربّ العرشِ العظيم ربّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٥٧/١

وربّ العرشِ العظيم ٢٦٧/٣ - ١٧٨/١ - ١٤٩/٧٢
وعلى العرشِ إستويت ٢٤٢/٢
لاإله إلاّ هو ربّ العرشِ العظيم (قرآن) ٢٧٠/٣ - ١٥٩/١٧
لعزّة ذي العرشِ الملوك الجبابر ٢١٨/٣-٢٤/٢١٤-٩٩/٢١٤
وبالإسم الّذى قام به العرشُ والكرسىّ ٢٦٧/٦
أللّهمّ إنّى أسألك بحقّ العرشِ وعظمته ١٨٠/١
ياودود، ياذاالعرشِ المجيد ١٧٧/٢٠
ثمّ إستوى على العرشِ ٢٣/٢
إلاّ هو ربّ العرشِ العظيم ٢٢/١٧
وعلى حملة العرشِ أجمعين ١٤٣/٥٠
أنت ربّ العرش العظيم ٢٢/٣١
وإن لم أستوجبه منك ياذاالعرشِ العظيم ٢٤/٦
عَرْشِكَ: فإنّى أسألك بمعاقد العزّ من عرشك ٢٤٣/٨
وصلّ على ... حملة عرشِك أجمعين ١٤١/٣٢
علّقها من أركان عرشِك بأطناب الذّكر ٢٠٠/٣٧
أللّهمّ وحملة عرشِك الّذين لايفترون من تسبيحك ١٢/١
ربّ صلّ عليهم زنةَ عرشك وما دونه ١٤٧/٦٠
وبمعاقد العزّ من عرشِك الثابت الأركان ١١٤/١٥
وملأت بعظمتك أركان عرشك ١٤٩/٤
وخشع لعظمتك ما دون عرشك ١٤٧/٢٥
أشرفت من عرشِك على أرضيك ٢٠٢/١
وعرشُكَ كريم وثنائك رفيع ٢٥٧/٨
وجهك الّذى أضاء له أركان عرشِك ١٧٧/٣
حمداً يوازن عرشَك المجيد ١٤٧/٣٧
أشهد ... حملة عرشِك ٢٤٦/٢

ع.ر.ص

عَرْصَةِ: للمؤمنين في عرصةِ القيامة قائداً ١٠/٦
وسبباً نجزى به النّجاة في عرصةِ القيامة ١٠٩/٩
واف بي عرصةَ الأوّلين ١٤٧/١٠٩
عَرْصَتُهُ: مستقلّة بالوحشة عرصته ١٩٩/٤١
بِعَرْصَتِكَ: بعرصتك تقف آمال ١٨٧/٣
عَرَصاتِ: كيف تقلّبت في ... عرصاتِ فضلك ١١٨/٦
أرواحهم... في... عرصات المخلّدين ٢٠٠/٣٠
وترينى وجه جدّى محمّد(ص) في عرصات القيامة ٩١/١
عِزاصُهُمْ: خلت دورهم منهم وأقوت عراصهم ٢١٤/٧٨-٢١٤/٣

ع.ر.ض

عَرَضَ: ومن كلّ إثم عرض لي فلم أهجره ١٠٠/٢
عرض له دون إرادته مانع ٦٧/٢٢
عَرَضْتُ: عرضت لي معصية أخرى ١٩٨/٣
عرضت لي بليّة أزالت قدمي ١١٦/٥٤
ولكن خطيئةٌ عرضت ١١٦/٦٧
عُرِضْتُ: آه واحزناه إذا عرضت على ١٩٨/٣١
يَعْرِضُ: وأنا أعتمدك في كلّ ما يعرض لي ١٩٩/١٧٨
ترك ما يعرض لي من السّيّئات ١٠٠/٤
لاخلواتى بما يعرضُ لي من نزعات فتنتك ١٤٧/١١٤
تَعْرُضُ: وأترك عزمي حين تعرضُ شهوتي ٢٠١/١٦
تعرض دون دوامها الفترات ٢٠٤/٧
أَعْرِضُ: وأعرضُ بالتّجاوز عن ظالمهم «جيرانى» ٦٥/٣
وأنا أعرضُ لنكبات الدّهر عليّ ٢١٩/٨
فَأَعْرَضُوا: الأنبياءوالأولياءمعرضاً عنّى فأعرضوا ١١٨/٥
يُعْرِضُ: من موقف يعرض فيه الصدّيق ١٣٥/١٢
لاتُعْرِضْ: لاتعرض عنّى وقد أقبلت عليك ٤٩/٨
ولاتعرض عنّى إعراض من لاترضى عنه ١٤٧/٩٠
لاتعرض عنّى لذنب ركبته ٣٦/٩
فَلاتُعْرِضْ: فلا تعرض بوجهك الكريم عنّى ١١٦/١٠٤
عَرَّضَ: وعرّض فيك للمكروه بدنه «محمّد» ٩/٢
عَرَّضَنى: إلهى إن عرّضنى ذنبى لعقابك ١٩٧/٢٦
إن كان ذنبي قد عرّضنى لعقابك ١٨٦/٢
عَرَّضْتَنا: لما عرّضتنا له من رحمتك ١٤٢/٢٥
عَرَّضْتُها: وعرّضتها للمهالك بكلّ قوّتي ١٤٨/٨
فَيُعارِضَكَ: أنت الّذى ... لاندّ لك فيعارضك ١٤٧/١٩
لايُعارِضَنا: حتّى لايعارضنا الشّكّ في تصديقه ١٠٩/٧
لِأَنْ أُعارِضَ: لأن أعارض من غنّنى ٥٥/١٣
نُعارِضُكَ: ونعارضُك بالذّنوب ١١٦/٤١
يَعْتَرِضُ: وما يعترضُ لنا فيها عن ٢٠٠/١٤
لايَعْتَرِضُ: ولايعترضُ عليك أحدٌ في تدبيرك ١١٦/٣٤
تَعَرَّضَ: تعرّض لمعروفك فجدت عليه ١٨٢/١١
غنىّ تعرّض له عبد فقير فنعشه ٨١/٥ - ٨٠/٢٠
بحاجته إلى أحد من خلقك ... فقد تعرّضَ للحرمان ٣٩/٥
تَعَرَّضْتُ: تعرّضت فيها لسطواتك ١٥٣/٢
وتعرّضت للنّقم ١٦٤/١٢
حللت شعاب تلف تعرّضتُ فيها لسطواتك ١٥٢/٢
يَتَعَرَّضُ: يتعرّضُ لنا بالشّهوات ٦٤/٨
أَتَعَرَّضُ: لم أزل أتعرّض للبلاء وتعافيني ١٤٩/٣٢
لم أزل أتعرّض للهلكة وتنجيني ١٤٩/٣٢
الْعَرْضِ: يوم العرضِ عليك نبيهاً ١٩٩/١٥٠
وارو به في موقف العرضِ عليك ١٠٩/١٤
في موقف العرضِ عليك ذُلّ مقامنا ١٠٩/٢٠

أسألك سؤال ... الوجل من العرضِ ٢٤٥/١
عَرْضي: أللّهمّ إنّ عرضي لك اليوم ٢٦٣/٢
أهب عرضي اليوم لمن استحلّه ٢٦٣/٣
إنّ عرضي لك اليوم ٢٦٣/٢
إعْراضَ: إعراض من لاترضى عنه ١٤٧/٩٠
كافأناك ... إعراضاً على زواجر آجالنا ٢٠٠/٥
إعْراضَكَ: ومنعك وإعراضك ياأرحم الرّاحمين ٥٥/٢٠
مُعارَضَةِ: عند معارضة المعاندين لهم بالتّكذيب ١٤/١
الإعْتِراضِ: وسلموا من الإعتراضِ بالعصمة ١٩٩/١٩٥
تَعَرُّضاً: وأخلص لك دعائي تعرّضاً للإجابة ٢٣٦/٦
التَّعَرُّضِ: حل بيني وبين التّعرّض لسخطك ٣٦/٦
وعفوك عنّي من التّعرُّض لمقتك ٣٦/٣
دعاني إلى التّعرّضِ لذلك ٤٠/٤
سيّدي أصبحت ... عن التّعرّض لسواك عادلاً ١٩٩/٩١
تَعَرُّضي: إحسانك تعرّضي لعصيانك ١٩٩/١٧٣
بِالتَّعَرُّضِ: ولابالتّعرّضِ لخلاف محبّتك ٥٥/١٨
عارِضَ: كيف أردّ عارضَ تطلّعي ١٩٩/١٠٥
عَوارِضَ: تنفي عوارضَ التّهم لفضائك ٢٤٩/٤
ولايخفى عليه عوارضُ الخطرات ١٩٩/١٩٤
مُعْرِضاً: لعلّك رأيتني معرضاً عنك فقليتني ١١٦/٥٥
وراك الأنبياء والأولياء معرضاً عنّي ١١٨/٥
مُعْتَرِضٌ: وحلمك معترضٌ لمن ناواك ١٤٦/٦
مُعْتَرِضَةٍ: من كلّ شبهة معترضةٍ ١٩٩/٧٧
مُتَعَرِّضٌ: ها أنا متعرّضٌ لنفحات ١٨٦/٥
أن لاتجعلني لغير جودك متعرّضاً ١٨٣/٦
وها أنا لنفحات برّك متعرّضٌ ١٩٢/٨
فأكون عندك مسيئاً أو متعرّضاً لسخطك ونقمتك ١٢٣/١٨
ولالعقوبتك متعرّضٌ ١١٦/٦٧ - ٩١/٢
الْمُتَعَرِّضَ: إرحم عبدك المتعرّض لمقتك ٣٦/٥
مُتَعَرِّضينَ: متعرّضين بصيامه وقيامه ١٤٢/٢٥
الْمُتَعَرِّضينَ: تهلك من المتعرّضين لمقتك ١٤٧/٨٨
الْمُتَعَرِّضُونَ: وخسر المتعرّضون إلاّ لك ١٤٦/٥
لايأس من عطائك المتعرّضون ١٤٦/٦
مُتَعَرِّضَةً: لسخطك متعرّضة تسلك بي ١٨٣/١
عَريضاً: مغيثاً مريعاً ممرعاً عريضاً واسعاً غزيراً ٥٣/٣
عَرَضٍ: ممّا ... ينسب إلى عرضٍ أو جوهر ١٩٩/٥٦
بِعَرَضٍ: وبين شيئ من ذلك بعرضٍ ١١٧/١١
الْأَعْراضَ: وجنّبني فيه «رمضان» الأعراض ١١٧/٦
عِرْضٍ: أو هجر أو شتم عرضٍ أو شهادة باطل ٥٥/٢٢
عِرْضِهِ: في نفسه أو في عرضِهِ ٢٣٨/٦
عِرْضي: جعل عرضي غرضاً لمراميه ١٥٢/٩

ع.ر.ف

عَرَفَكَ: سبحانك عجباً من عرفك كيف لايخافك ٤/٢٢
أللّهمّ إنّي دعوتك دعاء من عرفك ٢٢٢/٦
عَرَفُوا: الظّلمة... عرفوا ثمّ أنكروا نعمتك ١١٩/٣
واجعلنا من الّذين عرفوا أنفسهم ٢٠٠/٣٩
عَرَفُوكَ: ما بهم من نعمة دليلهم عليك لو عرفوك ٣/٢
فَعَرَفُوكَ: فعرفوك بمحصول فطن القلوب ٢٠٠/٤٠
عَرَفْتَ: عرفت حوآئجي فاقضها لي ٢٥/٤ - ٢٥/٥
فقد عرفت ضعفي وقلّة حيلتي ٢٥٧/٣٠
أللّهمّ فكما ... عرفت تضييعي حقّك ١٤٨/١١
وإن كنت أردت أن تبلوني فقد عرفت ضعفي ٣٥/٧
وعرفت قلّة إستغنآئي عنه بعد وفاتي ١٩٩/١٠٧
سيّدي قد أصبت من الذّنوب ما قد عرفتَ ١٩٩/١٣٦
عَرَفْتُ: ثمّ عرفتُ ما أصدرت إذ عرّفتنيه ١٥٢/١
وقد عرفتُ جود رأفته ١٩٧/١
ولو عرفت مجتلياً لحاجتي منك ١٩٧/٣١
لو عرفتُ إعتذاراً من الذّنب ١٩٩/١٣٥ - ١٩٧/٣١
وقد عرفتُ حبّك في قلبي ٢٠٣/٤
ولولا أنت ما عرفتُ توحيدك ١٢٠/١
ولو لم تعرّفني حقيقة معرفتك ما عرفتُ ١٩٩/٩٤
ولولا ما عرفتُ من كرمك ما رجوت ثوابك ١٩٩/١٣٠
عَرَفْتُكَ: وكيف أحزن وقد عرفتك ٢٠١/٣
بك عرفتُك وأنت دللتني عليك ١١٦/٢
إلهي وسيّدي بك عرفتُك ١٢٠/١
فَعَرَفْتُ: فعرفتُ ما كنت فيه للّذي صرت إليه ٢٥٧/٢٧
٣٥/٤
عُرِفْتَ: وعرفت الهداية من عندك ١٤٧/٢٤
يَعْرِفَ: فليس لأحد أن ... يعرفَ شيئاً من نعتك ٢٤٩/١٦
يَعْرِفُها: وكيف يسكن إليها من يعرفُها ٢١٩/١٧
ومن عجب كيف يسكن إليها من يعرفها ٢١٩/٣٠
لايَعْرِفُ: ولايعرفُ أحد سواك فضله ١٤٧/٤٠
لَمْ يَعْرِفْهُ: يامن أعطى... من لم يعرفه ٢٥١/٦٤-٢٥١/٤٣
لَمْ يَعْرِفُوكَ: فمن ثمّ لم يعرفوك ٣/٢
تَعْرِفُ: تعرف حاجتي ومسكنتي وحالي ٢٤٩/١٢
هَلْ تَعْرِفُونَهُمْ: هل تعرفونهم أو تجدونهم ٢١٩/٤٨
أَعْرِفُ: لست أعرفُ سواك مولى ١٨٥/٢
ولولا ما أعرفُ من كرمك ما رجوت ثوابك ١٩٧/١٨
من ليس أعرَفُ منه إلاّ الحسنىٰ ١٩٨/٣٣

أَعْرِفُهَا: هذه صفاتي الّتي أعرفها من نفسي ٢٥٧/٣٧
في العاجل دون الآجل بُشرىً أعرفها ٤٩/٢٠
فهذه صفاتي الّتي أعرفها من نفسي ٣٥/١٤
فَأَعْرِفُ: فأعرف فضل الأمن ٣٥/٢
فأعرف لذّة الغنى ٣٥/٢
ولم يذلّني الفقر فأعرِفَ فضل الغنى ٢٥٧/٢٤
ولم يهنّي الخوف فأعرِفَ فضل الأمن ٢٥٧/٢٤
لاأَعْرِفُ: لاأعرفُ غير ما أنا فيه ٣٥/٢ ـ ٢٥٧/٢٣
تغدو وتروح بفضل إبتدائك لاأعرفُ غيرها ٧٧/٥
حَتّىٰ أَعْرِفَ: حتّى أعرفَ صدق ذلك من قلبي ٥٩/٩
فَاعْرِفْ: فاعرف لها «أياديك» ذمّتي ١٩٧/٣٦
فاعرِفِ ٱللّهمّ ذمّتي الّتي رجوت بها ٢٤٤/٣
سبحانك من ... حكيم ما أعرفَك ١٤٧/٢٢
عَرَّفَنَا: والحمدلله على ما عرّفنا من نفسه ١/١٢
عَرَّفْتَ: عرّفت فأصررت ثم عرّفت فاستغفرت ١٥٣/١
عَرَّفْتَهُمْ: والّذين عرّفتهم مثاقيل المياه ١٢/١١
عَرَّفْتَنِي: عرّفتني ما أنكره غيري ٢٤٨/٧
فلا تحرمني جزآئك الّذي عرّفتني ١٩٧/٤٠
وإن رحمتني كما عرّفتني به «محمّد» توحيدك ١٠/٣٣
عَرَّفْتَنِيهِ: ثمّ عرّفت ما أصدرت إذ عرّفتنيه ١٥٢/١
راجياً منك جميل ما عرّفتنيه ١٩٩/١٥٧
عَرَّفْتَنَا: ٱللّهمّ وقد عرّفتنا من حسن إجابتك ٧٠/١٤
وعرّفتنا برحمتك شرفه وفضله ١٠٩/٧
عَرَّفْتَنَاهُ: إذا عرّفتناه فقِناه وبصّرنا ما نكايدُهُ به ٥٠/٦
تُعَرِّفُهُ: ما تعرّفه به أسماؤنا عند كلّ درجة ١٠/٣١
لَمْ تُعَرِّفْنِي: ولو لم تعرّفني حقيقة ١٩٩/٩٤
عَرِّفْ: عرّف بيني وبينهما «والدىّ» ١٣٩/١١
عَرَّفَهُ: عرّفه عمّا قليلٍ ما أوعدتَ الظّالمين ٤٤/٩
وعرّفه «محمّد» في أهله الطّاهرين ٩/٤
عَرَّفْهُمَا: وعرّفهما «لوالدىّ» بدعآئي لهما ١٤٩/٦٦
عَرَّفْهُمْ: وعرّفهم «أهل الثّغور» ما يجهلون ٦٧/٣
عَرِّفْنِي: وعرّفني وجوههم في ١٤٩/٦١
عرّفني فيه علامةً أتبيّنُها ٤٩/٢٠
وعرّفني بجميل إختبارك لي منجيات المسالك ١٩٩/٣٣
ولاتهلكني وعرّفني الإجابة ياربّ ٥٢/١
عرّفني ما وعدت من إجابة المضطرّين ٤٤/٩
فَعَرَّفْنَاهُ: ٱللّهمّ وما سوّل لنا من باطلٍ فعرّفناه ٥٠/٦
تَعَرَّفَ: وإنّ من تعرّف بك لغير مجهول ١٩٩/١٥٢
تَعَرَّفْتَهُ: من معدنه الّذي تعرّفته ١٩٩/١٧٩
أَتَعَرَّفُ: يامن لم أزل أتعرّف منه الحسنىٰ ٩٠/٤

حَتّىٰ أَتَعَرَّفَ: حتّى أتعرّف من نفسي ٥٩/١٢
إِعْتَرَفَ: إرحم من أساء واقترف واستكان واعترف ١١٢/١٠
وإعترف لك بذنوبه ١٦٤/٢
هذا مقام من اعترفَ بسبوغ النّعم ١٥٢/١٤
فأسألك ... سؤال من ... إعترفَ بخطيئته ١٦٦/١١
هذا مقام من إعترف بسبوغ النّعماء ١٨٧/٢
مسألة من ... إعترفَ لك بخطيئته ١٣٢/٨
هذا مقام من إعترف لك بالتّقصير ١٥٣/١٠
يَعْتَرِفُ: واجعلنا ممّن يعترف بأنّه من عندك ١٠٩/٧
وأسألك سؤال من ... يعترفُ بخطيئته ١٧٠/٤
أَعْتَرِفَ: أعترفَ لك بذنوبي ٢٤٩/١٨
فإنّي أعترفُ لك بذنوبي ٢٤٩/١٠
وأعترفَ بما أسديته إليّ ١٤٧/٩٦
وأعترفُ لك بضعف قوّتي وقلّة حيلتي ١٢٦/١
وأعترفُ بضعف قوّتي وقلّة حيلتي ٥٧/٥
عِرْفَاناً: وحال الشّكّ في ذلك يقيناً والظّنّ عرفاناً ٢٠٤/١
أسألك ... عرفانَ أهل العلم ١٣٧/٨
مَعْرِفَةِ: عليه في معرفةِ العلوم الرّبّانيّة ٥٠/١٠
أن تجعلني من ... المحيطين معرفةً وعلماً ١٩٩/١٦٥
وزدهم «جيراني» ... معرفةً بفضلي ٦٥/٥
وأنا أرجو أن لاتردّني معرفةً منّي برأفتك ١١٦/١٠٤
وألهمنا معرفةَ فضله ١١٥/٦
على غير عمىً منّي في معرفةٍ به ٤٩/١٣
حارت الأفكار في معرفةِ عظمتك ١١٨/١
لو لاتوفيقك لم أهتد إلى معرفةِ التّأويل ١٩٩/٧١
وألهمنا معرفة الإختيار ٩٢/١
والحمدلله الّذي لوحبس عن عباده معرفَةَ حمده ١/١٠
سبحان من لم يجعل في أحد من معرفة نعمه ... ٦/١
فشكر عزّوجلّ معرفةَ العارفين بالتّقصير عن معرفةَ ٦/٣
كما لم يجعل في أحد من معرفةِ إدراكه ٦/٢
الْمَعْرِفَةُ: فقد نبّهتني المعرفةُ بكرمك وآلآئك ١٨٦/٢
وإنشرحت بتحقيق المعرفَةِ صدورهم ١٩٣/٣
ولكن إستفزّني الشّيطان بعد الحجّة والمعرفةِ ٨٩/٣
ٱللّهمّ وقد إستشفعت المعرفةِ بذلك إليك ٢٤٩/٣
ولكنّ المعرفةَ بك والثّقة بكرمك ٤٠/٤
فقد أيقظتني المعرفَةُ بقديم آلآئك ١٩٩/٨٧
لما ألهم قلبي من المعرفة بكرمك ١١٦/٧٣
لما إنتهى إليّ من المعرفةِ بجودك وكرمك ١١٦/٣٢
ولاتسمنا عجز المعرفة عمّا تخيّرت فنغمط قدرك ٩٢/٢
خالفوا دواعي العزّة بواضحات المعرفة ٢٠٠/٣٤

معرفة نعمة إلاّ المعرفة بالتّقصير عن معرفتها ٦/١
مَعْرِفَتِهِ: وأنت وليّ ما آثرتنا به من معرفته ١٤٢/٤٨
وإنحسرت العقول عن كنه معرفته ٢٣٨/٢
فشكر عزّوجلّ معرفة العارفين بالتّقصير عن معرفته ٦/٣
مَعْرِفَتَهُمْ: وجعل معرفتهم «العارفين» بالتّقصير شكراً ٦/٣
مَعْرِفَتِهَا: انقطع دون كنه معرفتها ٢٤٩/١٥
من معرفة نعمه إلاّ المعرفة بالتّقصير عن معرفتها ٦/١
مَعْرِفَتِكَ: طريقاً إلى معرفتك إلاّ بالعجز ١٩٣/١
ولم تجعل للخلق طريقاً إلى معرفتك إلاّ بالعجز ١٩٣/١
أذكر ما أنعمت به عليّ من معرفتك ٢٤٩/١٨
لما عصاك أهل معرفتك ٢٠١/١٩
أن تجعلني من... أفضلهم في معرفتك نصيباً ١٨٩/٦
ومكّنت في قلبه «محمّد» من معرفتك ١٠/١٨
وأتمم لنا أنوار معرفتك ١٩٦/٣
وأنت دليلي على معرفتك ١٢٠/١
ولو لم تعرّفني حقيقة معرفتك ما عرفت ١٩٩/٩٤
لانسلبني ما وهبت لي من تحقيق معرفتك ١٩٩/٧٢
ووهبت لي من خلوص معرفتك حقيقةً ١٩٩/١١٤
على معرفتك جمعت العقول المتباينة ١٩٤/٣
والفاحص عن معرفتك ٢٢٢/٣
وآثرت خواطرهم بتحصيل معرفتك ١٩٩/١٨٦
وأودعت قلبي صواب معرفتك ١٩٩/١٩٣
وزده «محمّد» كما وصل بيننا وبين معرفتك ١٠/٤
أللّهمّ وآدم ... الموسّل بين الخلق وبين معرفتك ١١/٢
مَعْرِفَتي: لاأجد شافعاً إليك إلاّ معرفتي ١٢٠/١١
كما لو لامعرفتي بكرمك ما رجوت ثوابك ٢٥٦/٤
أشكو إليك ... قلّة معرفتي ٢٥١/٢٤
على محارمك معرفتي بسعة رحمتك ١١٦/٢٥
معرفتي ياموليّ دلّتني عليك ١١٦/١٧
بِمَعْرِفَةِ: أكرمتني بمعرفة دينك ٢٤١/٦
فرجعت القلوب ... بمعرفة توحيدك ٢٠٠/٤٣
لَمَعْرِفَةِ: وفّقتني لمعرفة وحدانيّتك ١٤٤/٣
بِمَعْرِفَتِكَ: وقد أحصيتهم بمعرفتك ٦٧/١١
فاجعلنا ممّن ... خصصته بمعرفتك ١٩٠/٣
وأنست نفوسهم بمعرفتك ١٩٩/٣٠
ويقيني بمعرفتك منّي أن لاربّ لي غيرك ١١٦/١٤
وأكرمتنا بمعرفتك ٢٠٠/٣
هي عزيزة عليك بمعرفتك ... ٣١/١
مَعارِفَ: أتذكّر معارف الدّنيا وفراق الأحبّة ٢١٩/٣٦
تَعْرِيفُكَ: لو لاتعريفك لم أرشد للقبول ١٩٩/٧١

إعْتِرافاً: واعترافاً بإحسانك واحصاءً لمننك ٥٥/٢٢
وإعترافاً بالإضاعة ١٤٢/٤٩
الإعْتِرافَ: سبحان من جعل الإعتراف ٦/٦
سبحان من جعل الإعترافَ بالنّعمة له حمداً ٦/٥
أبلغ من الإعتراف به أنيته ١٩٧/٣١
ولاذى خواطر حالت بيننا وبين الإعترافِ ١٠/٢٧
فقد جعلت الإعترافَ بالذّنب ١٩٩/١٢٠ ـ ١٩٧/٦
من نشر لواء الحمد والإعترافِ ١١٨/٧
فقد جعلت الإعترافَ إليك بذنبي وسائل عللي ١١٦/٩٣
إعْتِرافي: وهل ينجيني منك إعترافي لك ٣٤/٤
أن تقبل إعترافي لك بذنوبي ١١٨/٢
وارحم صراخي وإعترافي بذنبي وتضرّعي ١٤٩/٤٨
بِالْإعْتِرافِ: فهب لي ذنبي بالإعترافِ ١٩٧/٣١ـ١٩٩/١٣٥
عارِفاً: فأقدم عليه عارفاً بوعيدك ١٢٧/٧٤
عارفٌ بربوبيّتك مقرّ بوحدانيّتك ١٢٨/١٢
الْعارِفُ: فإنّك العارف بفقري ١١٦/٩٢
الْعارِفينَ: وأفئدة العارفين منك فارغة ٢٥٥/٤
وتولّني في جيراني وموالي العارفين بحقّنا ٦٥/١
يامن آنس العارفين بطول مناجاته ١٩٩/٣٦
إيّاك أدعو ... يا ... حرز العارفين ١٤٩/١٦
فشكر عزّوجلّ معرفة العارفين بالتّقصير عن معرفته ٦/٣
عارِفيكَ: وإجعلنا من أخصّ عارفيك ١٩٣/٦
الْعارِفَةَ: ترك الشّكر لمن اصطنع العارفة عندنا ٢٦/٣
وإصلاح ذات البين وافشاء العارفة ٥٥/١٥
عَوارِفُ: ليس... لي ذريعة إليك إلاّ عوارفُ رحمتك ١٩١/١
الْعَوارِفِ: يا... معدن العوارف والجوآئز ١٩٩/١٥١
عَوارِفِكَ: أعيانى عن نشر عوارفك توالي أياديك ١٨٧/١
مُعْتَرِفاً: سيّدى أتيتك معترفاً لك بسوء فعلي ١٩٩/١٥٧
أللّهمّ إنّى أصبح ... معترفاً بذنبي ١٦٦/٨
بين يديك ... خاشعاً خائفاً معترفاً ١٤٧/٧٥
معترفاً له «الله» بالوحدانيّة طائعاً ١٩٩/٥٧
أللّهمّ وآدم... أوّل معترفٍ من الطّين بربوبيّتك ١١/١
إلهى وسيّدى ... معترفٌ بخطيئتي ١٣٥/٧
معترفاً بخطايا جنيتها وعظائم إجترمتها ١٦/٢
الْمُعْتَرِفُ: أنا المسيئ المعترفُ الخاطئ العاثر ١٤٧/٨٢
المعترفُ بخطيئتي وهذه يدى ... ١٦٧/٣
سيّدى أنا المعترف بإساءتي ١٩٩/٨٢
ومحلّ المعترفِ لك ٨٨/٨
تب على عبدك... المعترفِ بما سلف من أوزاره ١٦/٧
الْمُعْتَرِفينَ: عدد... المعترفين لحجّته ١٠/٢١

أللّهمّ وصلّ على أوليائهم المعترفين بمقامهم ١٤٧/٦٨
إلاّ أنّ عظيم عفوك يسع المعترفين ١٩٩/٨٥
مُعْتَرِفَةٌ: البريّة معترفةٌ بأنّك غير ظالم لمن عاقبت ٨/٩
فكلّ البريّة معترفةٌ بأنّك غير ظالم ٩٨/٥
مَعْرُوفٌ: مرجوّ للمغفرة معروفٌ بالتّجاوز ٣٤/١٢
ومن معروفٍ أسدى إليّ فلم أشكره ١٠٠/١
أللّهمّ ارزقنا معروفاً في غير أذى ٢٠٠/٢٠
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... معروفٌ لاتنكر ١٣٠/٤
الْمَعْرُوفِ: وأوهل أبصار أهل المعروفِ العلى ١٠/٢٤
وياذاالمعروفِ الّذى لاينفدُ أبداً ٢٢٧/٣
ياذاالمعروفِ الّذى لاينقطع أبداً ١٥٤/٣ ـ ١٥٦/٤
... والأمر بالمعروفِ ... ٢١/١٣
مَعْرُوفُهُ: ليس يقع معروفُهُ عند ١٩٧/١١
مَعْرُوفَكَ: لم تكدّر معروفك عندى ٤٩/١٩
ياسيّدى لاتكذّب ظنّى بإحسانك ومعروفِك ١١٦/٩٢
وإلى معروفِك أديم نظري ١١٦/٩٠
قد أنخنا ... ببابك نطلب ... معروفَك ١٤٠/٢
وكان في جنب معروفِك مستصغراً مستقلاً ١٩٩/١٨١
وجدت بمعروفِك فاخلطني بأهل نوالك ١٩٩/٨٩
لِمَعْرُوفِكَ: تعرّض لمعروفِك فجدت عليه ١٨٢/١١
إلهى إن كنت غير مستوجب لمعروفِك ١٩٧/١١
آملاً لمعروفِك ورحمتك ١٤١/١٤
بِالْمَعْرُوفِ: إلهى أمرت بالمعروفِ ٢٠١/٣٨
سيّدى أمرت بالمعروفِ ١٩٩/١١٦
إلهى ... جدت بالمعروفِ فاخلطنى ١٤٠/٣
مُعْتَرَفٍ: أسئلك سؤال معترفٍ ببلائك القديم ١١٤/٩
أَعْرَفِهِمْ: أعرفهم مقاماً بعد السّابقين ١٠/٣٠
عَرَفَةَ: أللّهمّ هذا يوم عرفة يوم شرّفته ١٤٧/٧١
عَرَفَاتٍ: أسألك بالحجّ الأكبر ومنى وعرفاتٍ ١٣٧/٨
أَعْرَافُهَا: فسبّحت له ... الجبال وأعرافها ١٩٩/٥٦

ع.ر.ق

عُرُوقِهِ: بدنه غافل لسكون عروقه ١٦٦/٩

ع.ر.ك

عَرَكَتْهُمْ: وكيف عركتهمُ الدّنيا بكلاكل الفناء ٢١٩/٢٢
الْعَرِيكَةِ: ولين العريكة وخفض الجناح ٥٥/١٥
عَرِيكَتِي: وألن لهما «والدىّ» عريكتي ٦٣/٦

ع.ر.و

لاَيَعْتَرِيكَ: لايعتريك في مدى الدّهر صرف ٢٤٣/٤
عُرْوَةَ: وظفروا بحبل النّجاة وعروة السّلامة ٢٠٠/٢٦
فهو «الإمام» ... عروةُ المتمسّكين ١٤٧/٦٢
الْعُرْوَةُ: هم العروةُ الوثقى وهم معدن التقى ٢١٩/٤٩
بِعُرْوَةِ: واجعلنا من الّذين تمسّكوا بعروة العلم ٢٠٠/٢٧
على التّمسّك بعروة عطفك ١٩٥/٣
من تعلّق بعروةِ عصمته ١٠٩/٤
بِعُرْوَتِهِ: المتعلّقين بعروتِهِ بشبراً ١٠/٨
والّذين هجرتهم العشائر إذ تعلّقوا بعروته ١٤/٣
بِعُرْوَتِهِمْ: المستمسكين بعروتهم ١٤٧/٦٨
بِعُرْوَتِكَ: وها أنا... بعروتك الوثقى متمسّك ١٩٢/٨
بِالْعُرْوَةِ: فقد استمسك بالعروة الوثقى (قرآن) ١٨/٤
وثبّتني بالعروة الوثقى ٢٠٠/٤٦
بِعُرَىٰ: تب على عبدك... اللاّئذ بعرىٰ غفرانك ١٦/٧

ع.ر.ى

لاَتَعْرَىٰ: جنّة لانجوع فيها ولانعرى ١٩٨/٧٨
لاَيُعْرِيَنِي: أن لايعرينى منه بين الأموات ١٩٧/١
لاَتُعْرِنِي: لاتعرنى من جميل صفحك ١٨٢/٢
لاَتُعْرِنَا: ولاتعرنا من رعايتك ١٩٥/٤
الْعَارِي: وأنا العارى الّذى كسوته ١١٦/٦٢
عُرْيَاناً: أسألك أن ... لاعرياناً إلاّ كسوتها ١٢٢/٨
أبكى لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً ١١٦/٨٠

ع.ز.ب

عَزُبَ: وإن عزب لبّى عن تقديم ما يصلحنى ١٩٩/٨٨
لاَيَعْزُبُ: ولايعزب عنه علم شىء ١٤٧/١
لايعزب عنك شيئ ٢٤١/٢
فَلَمْ يَعْزُبْ: فلم يعزب إيقاني بنظرك ١٩٩/٨٨
تَعْزُبُ: وأسمائك الّتى تعزب قلوب الخلائق ١٦/٤
لاَتَعْزُبُ: ولاتعزب عنك غيّبات السّرائر ٨٨/٥
يامن ... لاتعزُبُ عنه حركة ولاسكون ٢٤٧/٣

ع.ز.ر

عَزَّرَهُ: في مدّة من نصره وعزّره ١٠/٢٩
إِعْتَزَزْتُ: إعتززتُ بالله ١٥٩/٢

ع.ز.ر.ا.ئ.ى.ل

عِزْرائِيلَ: وبحقّ عزرائيل وصولته ١٨٠/٢
صلّ على ... إسرافيل وعزرائيل ١٤٣/٥٠

ع.ز.ز

عَزَّ: أستجير بالله عزّ جار الله وجلّ ثناء الله ٢٢/٣
فشكر عزّوجلّ معرفة العارفين بالتّقصير عن معرفته ٦/٣
أيّ ربّ فبأيّ وجه عزّ وجهك نلقاك؟ ٢٠٠/٩
فنحن مودّعوه وداع من عزّ فراقه علينا ١٤٢/٢٧
عزّ سلطانك عزّاً لاحدّ له بأوّليّة ٨٨/٢
لايجيز جلّ وعزّ أن يقدّم قبله ١١٥/٤
أللّهمّ ... عزّ جارك وجلّ ثناؤك ١٢٣/١٦
وعزّ بجبروته ١٤٩/١٤
جاهد «محمّد» في الله عزّوجلّ حقّ الجهاد ٢٤٦/٤
والقول بالحقّ وإن عزّ ٥٥/١٥
فقلت عزّ جلالك في تأكيد الكتاب ١٤٤/١٣
قلت عزّ قولك يسّ والقرآن الحكيم ١٤٢/٩
عَزَزْتَ: قلت عززت وجللت ما فرّطنا ١٤٤/١٤
فقلت عززت وجللت شهر رمضان ١٤٤/٢١
لايَعِزُّ: إنّه لايذلُّ من واليت ولايعزُّ من عاديت، ٨٣/٩
فَلَمْ يَعْزُزْكَ: فلم يعززك منع ولاتكأدك إعطاءٌ ٢٣٧/٢
أَعَزَّ: أعزّ سلطانك وأظهر أمرك ١٤٣/٤٣
وأعزّ الله جنده وعبد وحده ١٩٩/٥٨
أَعَزَّكَ: ياإلهي ما أحلمك وأعظمك وأعزّك ٢٠٠/١
أَعَزَّتْهُ: والعزيز من أعزّته عبادتك ٩٦/٤
أَعْزَزْتَ: العزيز من أعززت ٢٤٥/٥
أَعْزَزْتَهُ: وأنا الذّليل الّذى أعززته ١١٦/٦٢
أَعْزَزْتَهَا: إلهي نفس أعززتها بتوحيدك ١٨٤/٧
لايُعِزُّهَا: إلهي ... ذلّتي لايعزّها إلاّ سلطانك ١٩٢/١
تُعِزُّ: فوعزّتك ما تعزّ ملكك حسناتي ٢١٠/١
أَعْزِزْ: وأعزز به «ولي عصر» ذلّتنا ١١٩/٢٤
أَعِزَّنِي: وأعزّني في الدّنيا والآخرة برحمتك ٢٥٦/٦
وذلّلني بين يديك وأعزّني عند خلقك ١٤٧/١٠٠
وأعزّني ولاتبتليّني بالكبر ٥٥/٤
وأعزّني عند خلقك ١٤٧/١٠٠
وأعزّني بعزّك الّذى لايضام ٢٣٦/٧
وأعزّني في عشيرتي وقومي ٢٣٦/٥
تَعَزَّزَ: الحمدلله الّذى تعزّز بالقدرة ١٠٥/٢
فيامن تعزّز بالبقاء وقهر عباده بالفناء ٢٤٧/٨
تَعَزَّزْتَ: تعزّزت بالبقاء ٢٤٥/٢
وتعزّزت بالقدرة والبقاء ٢٤١/٣
تعزّزت عن مؤامرة شريك ٢٤٣/٣
تعزّزت أن تحيط بك تصاريف اللغات ٢٤٧/٣
عِزٌّ: أنظر أيّ عزّ ملك أو نعيم أنس ٢١٩/٢٤
بلى أوردته بعد عزٍّ ومنعةٍ ٢١٤/٣٨
ولاتحدث لي عزّاً إلاّ أحدثت لي ذلّة ٥٥/٥
عناكلّ ذى عزٍّ لعزّة وجهه ٢١٤/٩٨ ـ ٢١٤/٢٣ ـ ٢١٨/٢
وعزّ جلاله وكما هو أهله ١٤١/١
أرزقنا ... عزّاً بك في غير ضلالة ٢٠٠/٢٠
بل أوردته بعد عزٍّ ومنعة ٢١٤/١١٤
حمداً ... يقابل عزّ جلالك ١٤٧/٤٥
عزّ سلطانك عزّاً لاحدّ له بأوّليّة ٨٨/٢
حتّى نظروا بعين القلوب إلى عزّ الجلال ٢٠٠/٤٣
كم عاينت من ذى عزٍّ وسلطان ٢١٤/١٧
خطت هممهم في عزّ الورى ٢٠٠/٢٣
فاجعله ... عزّاً لنا لاذلاً علينا ٢٠٠/٢٢
وعزّ جلالك ١٤٩/٤٣
الْعِزُّ: والعزّ الباقي على مرّ الدّهور ٨٨/١
ذوالعزّ الشّامخ ... ٨٣/١
ضربت عليّ لطآئف برّك من العزّ ١٨٧/٥
وبمعاقد العزّ من عرشك الثّابت الأركان ١١٤/١٥
ياإلهي من أناس طلبوا العزّ بغيرك فذلّوا ... ٧٤/٢
العالي في وقار العزّ والمنعة ١٩٩/٥١
فإنّي أسألك بمعاقد العزّ من عرشك ٢٤٣/٨
ومالت أرواحهم ... في ... معدن العزّ ٢٠٠/٣٠
سبحانك أللّهمّ والعزُّ إزارك ٤/٣
أنت ... ذوالعزّ الّذى لايرام ٢٧٠/١
عِزَّهُ: وتذلّ عزّه «من أرادني بسوء» ٦١/٨
ولايقهر عزُّهُ ١٤٩/١٧
عِزَّهُمْ: وضع عزّهم «الظّلمة» وجبروتهم ١١٩/٥
عِزَّكَ: أسئلك بحرمة من ... لجأ إلى عزّك ٢٥٢/١
أللّهمّ إنّي أسألك بنورك وعزّك وجلالك ١٦٠/١
ودعتني الإساءة إلى الإناخة بفناء عزّك ١٩٥/٣
عزّك الّذى لايستطاع من غضبك ٢٢/١٩
فها أناذا ياإلهي، واقف بباب عزّك ٣٤/٣
أسئلك بحرمة من ... لجأ إلى عزّك ٢٥١/١
أللّهمّ لاتخفير لي منك فليخفرني عزُّك ٨٠/٢١
بِعِزٍّ: وإستولى على الملك بعزّ أبد فحواه ١٩٩/٥٥
وأيّدنا بعزٍّ لايفقد ٩٦/٥
بِعِزِّهِ: وفخر بعزّه ١٤٩/١٤
وأذلّ العظماء بعزّه ١٤٩/١٤
وإستعبد الأرباب بعزّه ١٤٩/١٣
لِعِزِّهِ: الّذى ذلّ لعزّه كلّ سلطانٍ ٢١٤/٩٦
بِعِزِّكَ: بمن إستجار بعزّك أن يسلم أو يهمل ١٩٥/٣

واجعلني في جميع ذلك من... المجارين بعزّكَ ٦٤/١٢
وأعزّني بعزّك الّذى لايضام ٢٣٦/٧
أن تصل ... ذلّنا بعزّك ٢٠٠/١٢
وإمنعنا بعزّك من عبادك ١٥/١٥
بِالْعِزِّ: وتعطّف بالعزّ والبرّ والجلال ٧/٢
وتعطّف بالعزّ والبرّ والجلال ٢/٢
عِزَّةٍ: عزّتك أعزّ من كلّ عزّةٍ ٢٢/٢٠
الْعِزَّةِ: ياذاالعزّةِ والسّلطان ٢١٤/٧٤
الحمدلله ذى العزّةِ والجبروتِ ٨٣/١١
أنت ... ذو العزّةِ والقدرة ٢٤٧/٤
سبحان ذى العزّة والجبروت ٨٣/٤
خالفوا دواعى العزّة بواضحات المعرفة ٢٠٠/٣٤
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق العزّةِ ٢٦٧/٢
عِزَّتِكَ: وعزّتك لتفعلنّ وعزّتك لتفعلنّ ٢٢٢/٧
إلهى وعزّتك وجلالك وعظمتك ٢٣٠/١
أما وعزّتك لئن فعلت لتجمعنّ بيني ٢١٧/١
فوعزّتك ما أجد لذنوبي سواك غافراً ١٨٢/٢
فوعزّتك ما تزيّن ملكك حسناتي ٢٥٧/٣
أجل وعزّتك سيّدى لنعم المجيب أنت ٢٤٩/٢٣
فوعزّتك ما تعزّ ملكك حسناتي ٢١٠/١
عزّتُك أعزّ من كلّ عزّة ٢٢/٢٠
إلهى وعزّتك وجلالك لقد أحببتك ١٩٧/٤١
وعزّتك وجلالك ما أردت بمعصيتي مخالفتك ٩١/٢
فوعزّتك ما يزين ملكك إحسانى ١٦٩/١
وعزّتك لقد أحببتك محبّةً ١٩٩/١٦٣
إلهى ... فإنّى وعزّتك من النّادمين ١٨٢/٧
سيّدى وعزّتك لو قرنتني في الأصفاد ١٩٩/٩٣
إلهى وسيّدى وعزّتك وجلالك ١١٦/١١٧
فوعزّتك لو انتهرتني ما برحت عن بابك ١١٦/٧٣
فوعزّتك ياسيّدى لو انتهرتني ما برحت من بابك ١١٦/٣٢
لاوعزّتك وجلالك لاتخترلُ حوائجهم دونك ٨٢/٣
بِعِزَّةِ: وبعزّة الله وحبله المتين وسلطانه المبين ٢٢/٨
لِعِزَّةِ: لعزّة ذى العرش الملوك الجبابر ٢١٨/٣
٢١٤/٢٤ ـ ٢١٤/٩٩
عنا كلّ ذى عزّ لعزّةِ وجهه ٢١٤/٢٣ ـ ٢١٤/٩٨ ـ ٢١٨/٢
بِعِزَّتِهِ: ... فكلّ خليقته... صآئرةٌ إلى طاعتنا بعزّته ١/٢٠
لِعِزَّتِهِ: الّذى ... تواضع لعزّتِهِ العظمآء ١٩٩/٥
فبامن ... خضعت لعزّته الرّؤساء ٢٤٣/٥
لِعِزَّتِكَ: وطأطأ رأسه لعزّتك متذلّلاً ٨٠/٥
تذلّلاً لك في حرمك لعزّتك ٢٢٢/٢
وذلّ لعزّتك كلّ شيءٍ ١٤٩/٦
بِعِزَّتِكَ: أحيني بعزّتك القاهرة ١٣٤/٨
الولد من بين المشيمة واللحم بعزّتك ١٧٤/١
وأجرني بعزّتك ممّا أرهب ٥٥/٣٧
وحصّن ثغور المسلمين بعزّتك ٦٧/١
وأسألك أللّهمّ بعزّتك وقدرتك ٢٢/١٩
إن لم أعذ بعزّتك فبمن أعوذ ١٩٥/٢
وبعزّتك الّتى تلى بها التّدبير ٢٣٧/٦
فامنعنا بعزّتك من شرّ عبادك ٨/٢٥
بِالْعِزَّةِ: واحتجب عن الأبصار بالعزّة ٢/١ ـ ٧/١
توحّدت سيّدى بالعزّة والعلى ٢٤٥/٢
إِعْزَازِ: من كثّرت في إعزاز دينك من مظلومهم ١٤/٤
إِعْزَازِهِ: ... ونصرة الحق وإعزازه ... ٢١/١٣
لِإِعْزَازِ: وهاجر «محمّد» ... لإعزاز دينك ٩/٣
تَعْزِيزَهُ: وفرضت علينا تعزيزه «محمّد» ١٠/٩
الْتَّعَزُّزِ: أللّهمّ ولاأذلّنّ على التّعزّز بك ٢٤٩/٥
عَزِيزاً: واجعلني بالتّوكّل عليك عزيزاً ٢٥١/٤٨
واسمع وأجب ياعزيزُ ١٧٢/١٠
سبحانه من ... عزيزٍ ما أمنعه ١٩٩/١٥
وانصره بنصرك العزيز نصراً عزيزاً ١١٩/٢٢
فكلّ عزيزٍ للمهيمن صاغر ٢١٤/٢٣ ـ ٢١٨/٢
مليك عزيزٌ لايردّ قضاؤه ٢١٤/٢٢ ـ ٢١٤/٩٧ ـ ٢١٨/١
لكنّ الله ألّف بينهم إنّه عزيز حكيم (قرآن) ٢٣/٦
وكان الله قويّاً عزيزاً (قرآن) ١١٤/١٨
فكم من عزيزٍ للمهيمن صاغر ٢١٤/٩٨
فاستجب لي ... ياعزيزُ يادائم ١٢٤/٢
خذه «من يؤذينى» أخذ عزيزٍ مقتدرٍ ١٦٠/٢
إنّك عزيزٌ قديرٌ ٦١/٩
ياعزيزُ أرحم ذلّى ١٧٠/١
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... عزيزٌ لاتذلّ ١٣٠/٥
ياعزيزُ ياذاالطّول والمنّ ١٣٣/١
إفعل بي فعل عزيزٍ تضرّع إليه عبد ذليل ٨١/٥ ـ ٨٠/٢٠
لاإله إلاّ أنت ... ياعزيزُ ياجبّار ... ١٣٧/٢
يامجيب ياعزيزُ ياجبّار ... ١٣٨/١٣
إنّك واحد عزيزٌ غفّار ١٣٤/٥
الْعَزِيزَ: والعزيز من أعزّته عبادتك ٩٦/٤
سجد وجهى اللّئيم لوجهك العزيزِ ٢٥٢/١٢
فإنّك العزيزُ الّذى لايمانع عمّا يشاءُ ١٥٥/٩
بحقّ لاإله إلاّ أنت العزيز الحكيم ١٥٣/٣٣
إنّك أنت العزيزُ الحكيم ٢٤٦/٦ ـ ٢٥٧/٢٢

الملك الجبّار المتكبّر العزيزُ القهّار ٢١٤/٩٦
وهل يرحم الذّليل إلاّ العزيز؟! ١٦٨/٢
مولاي مولاي أنت العزيزُ وأنا الذّليل ١٦٨/٢
وانصره بنصرك العزيزِ ١١٩/٢١
من يلوذبهم بالله العزيزِ الأعزّ ٢٣/١
كأنّه لم يكن بينهم العزيزُ المفدّىٰ ٢١٤/١٢٥
وانصره «وليعصر»(عج) بنصرك العزيزِ ١١٩/٢٢
في السّموات والأرض وهو العزيزُ الحكيم(قرآن) ١٩٩/١٥
سجد وجهي الحقير ... لوجهك العزيزِ ٢٥١/١٩
توكّلتُ على الله العزيزِ الجبّار ١٥٩/٤
العزيزُ من أعززت ٢٤٥/٥
الحمدلله العزيزِ الجبّار ٨٣/١١
بِعَزيزٍ: فما ذلك عليك بعزيز ياأرحم الرّاحمين ١٣٠/٦
عَزيزَةٌ: هي عزيزةٌ عليك بمعرفتك ٣١/١
الْأَعِزّاءُ: تواضع لك الأعزّاء ٢٤١/٥
مُعِزٌّ: يامعزّ كلّ ذليلٍ ١٤٩/٢٤
الْمُتَعَزِّزُ: فأنت المتعزّز المتفرّد بالمجد ٢٤٥/٢
الْمُعَزّينَ: بسؤالي إيّاك ... المعزّين من الذّلّ بك ٦٤/١٣
أَعَزُّ: أنت أعزّ وأجلّ من العالم ٢٤١/٢
عزّتك أعزّ من كلّ عزّة ٢٢/٢٠
أنت الأوّل أعزّ وأجلّ من أن تردّ ٢٣٧/٤
الْأَعَزِّ: من يلوذبهم بالله العزيز الأعزّ ٢٣/١
وأعِنهُ «وليك» بركنك الأعزّ واشدد أزره ١٤٧/٦٣

ع.ز.ف

الْمَعازِفُ: واشتريت ... المعازف ... بسهم الأرملة ٧٠/٦

ع.ز.ل

إِعْزِلْ: أيّما غازٍ ... إعزل عنه الرّياء ٦٧/١٨
إِعْزِلْنا: واعزلنا عن عداد أوليائه ٥٠/١٣
مُعْتَزِلاً: لكان الحول عنّي معتزلاً ٨٨/١٥

ع.ز.م

عَزَمَ: ثبّطه إذا عزم، وانقص ما أبرم ٥٠/١١
إِعْزِمْ: ربّ اعزم لي على رشدى وإن كرهت نفسي ٩٤/٢
واعزمٍ لي على رشدى ٩٣/٣
عَزْماً: وأنتحل عزماً من إرادة مقيم ٢١٩/٤
أسألك ... عزمَ أهل الصّبر ١٣٧/٨
وعزمٍ إرادةٍ في غير فخرٍ ولاكبرٍ باكريم ١٣٧/٤
وعدك حتم وحكمك عزمٌ ٢٤١/٢
وارض عنهما بشفاعتي لهما رضىً عزماً ٦٣/١٥
سبحانك ... وإرادتك عزمٌ ١٤٧/٢٨
ناجاك عزمُ البصائر لي فيك ٢٤٩/٥
أفضل زاد الرّاحل إليك عزمُ الإرادة ٢٢٠/٦
الْعَزْمِ: وأولى العزم من المرسلين ٨٣/١٧
عَزْمي: عزمي على ترك ما يعرض لي ١٠٠/٤
وأترك عزمي حين تعرض شهوتي ٢٠١/١٦
بِعَزْمٍ: فقام محمّد ... بعزمٍ ثاقب ١٩٩/٥٨
أعنّي بعزمِ الإرادة ٢١٩/١
قد ناجاك بعزمِ الإرادة قلبي ٢٢٠/٦
عَزيمَةِ: عزيمة صدقٍ لاتختلُّ ١٥٥/٧
عَزيمَتُهُ: من أرادت غبرك عزيمته ١٩٩/٣٧
بِعَزيمَةِ: بعزيمة الله الّتي لاتحصى ٢٢/٢٦
وقد ناجاك بعزيمة الأرادة قلبي ٢٥٦/١
عَزائِمَهُمْ: وعقدت عزآئمهم بحبل محبّتك ١٩٩/١٨٦
عَزائِمي: وأعقد عزآئمي على توبة بك ١٩٩/٢٨

ع.ز.ى

عَزَّيْتَ: وقلت عزّيت من قآئل ٢٥٧/٣١
وقلت عزّيت وجلّيت ٢٥٧/٣٤
عَزآئِها: الباكيات الثّاكلات لفقد عزآئها ١٩٩/١١٥
عُزَيْرٍ: وبحقّ عزيرٍ وإمائته ١٨٠/٣

ع.س.ر

عَسُرَتِ: إمتنعت المطالب وعسرت الرّغائب ٢٢١/١-٢٢٠/١
عَسَّرْتَ: لاميسّر لما عسّرت ٢٤/٤
عُسْرٌ: ويسر لايمازجه عسرٌ ١١٠/٦
يامن هو المأمول عند كلّ عسرٍ ٢٤٧/٩
الْعُسْرِ: بما أنعمت عليّ في اليسر والعسر ٥٩/١٢
وياكاشف العسرِ والبؤسى ١٩٩/٦٥
على أبواب العسرِ لليسر تيسّرت ٥٨/٢
أطرد عنّي وعنهم الشّكّ والعسرَ ٢٤٨/٥
عُسْرَهُ: أللّهمّ يسّرلي ما أخاف عسرَهُ ١٣٨/١٤
وعسرهِ عندى ويسره عليك ٢٥٧/١٩
عُسْرَتَنا: ويسرّ به «امام زمان»(عج) عسرتنا ١١٩/٢٥
عَسيرٍ: عند كلّ عسيرٍ ويسير ٨٣/٣
إنّك ... ميسّر كلّ عسيرٍ ٣١/٦
وكلّ عسيرٍ عليك سهل يسير ٣١/٦
فإنّ استبدالك بنا عليك يسير وعلينا عسيرٌ ١١٩/٣١
لاعسيراً إلاّ يسّرته ١٤٣/٤٨

الْعَسيرُ: يامن العسيرُ عليه يسيرُ يسّرلنا ١٣٩/٤
سهّل علينا العسيرَ الشّديد ١٨٩/٢
بتيسيرك لي العسيرَ ٣٩/١١
بِمَعْسُورِها: بميسور جميع الأمور لابمعسورها ١٢٥/٦
لِلْعُسْرىٰ: وللعُسرى فجنّبني ١٥٣/١٩

ع.س.ف

الْمُتَعَسِّفينَ: خذ بيدى من ... وهلة المتعسّفين ١٤٧/٩٢
الْعَسُوفِ: هيبة السّلطان العسوف ٦٣/٥

ع.س.ك.ر

عَسْكَرِ: أنا المنقول إلى عسكر الموتى ١٩٨/٤١
الْعَسْكَرِيِّ: صلّ على...الحسن بن علىّ العسكرىّ ١٨١/٤
الْعَساكِرُ: ولاطمعت في الذّبّ عنه العساكر ٢١٤/٢٠
٢١٤/٩٥

ع.س.ل

الْعَسَلَ: ياربّاه إسقنا العسل المصفّى ١٩٨/٧٩

ع.س.ى

عَسىٰ: وكم ما عسى يبقى لها المتعاور ٢١٤/٣٥
عسىٰ ربّكم أن يكفّر عنكم سيّئاتكم (قرآن) ١٤٢/٧
وما عسىٰ أن يبلغ في مدحتك ثنآئي ١٤٩/٧
وما عسىٰ أن ينال طالب الدّنيا ٢١٤/٣٣
وما عسى أن يبلغ مقداري ١٩٤/١
وما عسى أن ينال صاحب الدّنيا من لذّتها ٢١٤/١٠٩
عَسَيْتُ: وما عسيتُ أن أصف من محن الدّنيا ٢١٩/١٩

ع.ش.ر

عاشَرَتْ: وغيّبت في ثراها ممّن عاشرت ٢١٤/٥
وغيّبت في ترابها ممّن عاشرت من صنوف ٢١٤/٨٠
الْعِشْرَةِ: ومن ردّ الملابسين كرم العشرة ٥٥/١٠
عَشيرَتِها: بالدّموع المشفق من عشيرتها ١٩٩/١٣٧
وجاد بالدّموع عليها المشفقون من عشيرتها ١٩٧/٣٢
عَشيرَتي: وأعزّني في عشيرتي وقومى ٢٣٦/٥
الْعَشائِرُ: مشيّعة إخوانه والعشائر ٢١٤/١٢٨ ـ ٢١٤/٥٢
والّذين هجرتهم العشائر إذ تعلّقوا بعروته ١٤/٣
عَشْرُ: من جاء بالحسنه فله عشرُ أمثالها (قرآن) ١٤٢/١٠
أللّهمّ ربّ الفجر وليال عشرٍ ١١٧/١٨
الْعَشْرِ: أللّهمّ ربّ الفجر والّليالى العشر ١٤١/٩

ع.ش.و

عَشْوَةُ: إستولت علينا عشوة الحيرة ٧٠/٥

ع.ص.ب

لِعِصابَةٍ: إذ لم تظهرها لعصابة من المسلمين ١٩٧/١٢
عَصائِبُ: حتّى إزدحمت عصآئب العصاة ١٩٩/٩٨
الْعَصيبِ: من شرّ ذلك اليوم العصيبِ ١٠/٣٤
عَصَبِيَّةٍ: أو رياءٍ أو عصبيّة غائباً كان أو شاهداً ٢٣٨/٦

ع.ص.ر

الْمُعْصِراتِ: أنزلت من المعصرات ماءً ثجّاجاً ٢٤٥/٤
أَعْصارُها: توارثها أعصارها وحريقها ٢١٩/٢٣
الأَعاصِرُ: مسنّمة تسفي عليها الأعاصر ٢١٤/١٦
مسطّحة تسفى عليها الأعاصر ٢١٤/٩١

ع.ص.ف

عَواصِفِ: وعواصِفِ تنكيلات في اجتثاث غضبك ٢٣٣/٥
يامن لاتخرق قدرته عواصف الرّياح ١١٤/١٧

ع.ص.م

عَصَمَني: فيامن ... عصمني عن ١٩٩/٧٢
لَعَصَمَ: الّذى ذمّ على ما لوشاء منه لعصم ٦٠/١
عَصَمْتَهُ: وعصمته بحبلك ١٤٧/٧٢
عَصَمْتَهُمْ: وعصمتهم «بالأئمّة» عن معاصيك ١٤٩/٤٧
يَعْصِمُهُ: داخلاً فيما يؤيّده الدّين ويعصمه ١٩٩/٩٠
تَعْصِمُهُمْ: تعصمهم بها من معصيتك ١٤/٨
تَعْصِمَها: فإنّ نفسي هالكةٌ أو تعصمها ٥٥/٢٨
تَعْصِمُني: وتعصمُني فيما بقى من عمري ١٤١/١٢
تعصمني وتجعلني من الّذين انتجبتهم ١٢٠/١٣
تَعْصِمُنا: تعصمنا فيه ممّا نستأنف من العيوب ١١٥/١٥
أَنْ تَعْصِمَني: أسألك أن تعصمني حتّى لاأعصيك ٢٠١/١
إعْصِمْهُ: أللّهمّ اعصمه بالسّكينة ١١٩/٢٢
إعْصِمْني: إعصمني فيما بقى من عمري ٢٢٠/٨
١٣٢/١١ ـ ٢٢١/٥ ـ ١١٧/٢٧
واعصمني من الفخر ٥٥/٤
إعصمني من ذلك «الدّنيا» بالسّكينة ٧٨/٧
إعصمني من مثل أفعالِهِ ٢٤/٤
إعصمني وطهّرني واذهب ببليّتي ١٧١/٢
أللّهمّ إعصمني بحبلك وارزقني من فضلك ١٢١/١٥

واعصمني من ذلك بالسّكينة ٢٥١/٣٢ - ٢٥٢/٢٦
إعصمني من أن أقارف مثلها «تبعات» ٨٠/١٤
واعصمني وتب عليّ ١٣٥/١٨
واعصمني من أن أظنّ بذي عدمٍ خساسة ٩٦/٤
واعصمني أن أقارف مثلها «تبعات» ٨١/٢
وتب عليّ واعصمني ١٣٥/١٦
إعْصِمْنا: واعصمنا به «قرآن» من هوّة الكفر ١٠٩/١٦
أللّهمّ وفّقنا وسدّدنا واعصمنا ٢٣٤/٥
إعصمنا منه بحسن رعايتك ٥٠/٣
واعصمنا فيه «الهلال» من الحوية ١١٠/٨
واعصمنا من سوء مفارقته «محمّد وآله» ٢١/٩
فَاعْصِمْني: أعتصم بك فاعصمني ٢٣٧/٨
فبك أعتصم فاعصمني ١٩٧/٢٩
إعْتَصَمَ: من اعتصم به نجا من كلّ خوفٍ ١٥٩/٤
وتخلّص من اعتصم بك ١٦٣/١٣
أسئلك بحرمة ... من اعتصم بحبلك ٢٥١/١
واعتصم بحبلك ٨٣/٧
أسئلك بحرمة من ... اعتصم بحبلك ٢٥٢/١
وما حقّ من اعتصم بحبلك أن يخذل ١٩٥/٣
إنّك وليّ من اعتصم بنصرك ١٩٩/١٩٦
إعْتَصَمْتُ: وبه إعتصمت وما توفيقي إلاّ بالله ١٦١/١ إعتصمتُ
بالله الّذي من اعتصم به نجا ١٥٩/٤
بك إعتصمت عليه «ظالمي» ١٥٥/٤
يَعْتَصِمُ: واجعلنا ممّن يعتصم بحبله ١٠٩/٨
به «الله» يعتصمُ المعتصمون ١٥٩/١
أللّهمّ ... اجعلني ممّن يعتصم بحبلك ١٣٥/١٤
أَعْتَصِمُ: وبحبل من أعتصم إن قطعت حبلك عنّي ٩١/٣
أللّهمّ بذكرك أستعيذ وأعتصم ١٩٩/٢
أللّهمّ ... بحبلك أعتصمُ ١٩٩/٨
وأعتصم بك فاعصمني ٢٣٧/٨
أنا أعتصمُ بحبلك ١٨٥/٣
فبك أعتصم فاعصمني ١٩٧/٢٩
نَعْتَصِمُ: وبك نعتصم من الإعترار ١٩٦/١
أَسْتَعْصِمُكَ: وأستعصمك من ملكته ٨٨/١٧
عِصْمَةُ: أللّهمّ أصلح ديني فإنّه عصمةُ أمري ٢٤٠/٤
صلّ على محمّد وآل محمّد ... عصمةِ المعتصمين ٢٠/٣
وما أصيب منها «الدّنيا» فتنةٌ إلاّ من نالته منك عصمةٌ ١٣٥/٤
أرسلت عليهم ستور عصمةِ الأولياء ٢٠٠/٣٦
فلا تقطع عصمةَ رجائي ١٩٩/١٣٤
وعصمةِ المعتصمين ١١٣/٣
وأصلح لي ديني الّذي هو عصمةُ أمري ١٤١/١٩
إيّاك أدعو ... يا ... عصمةَ الصّالحين ١٤٩/١٥
فهو «الإمام» عصمةُ اللاّئذين ١٤٧/٦٢
وهب لي عصمةً تدنيني من خشيتك ١٤٧/٩٤
يامدرك الهاربين وياعصمةَ المتوكّلين ١٤٣/١٧
الْعِصْمَةِ: أسألك ... من العصمةِ أكفاها ١٩٩/٢٢
ألبسني في هذه الحياة البائرة ثوب العصمةِ ٣١/٣
وأسبلت عليهم ستور العصمةِ والتّوبة ١٩٩/١٨٥
العصمة من أن أعصي وأنا أعلم ١٢٥/٣
أللّهمّ إنّي أسألك العصمةَ منها «الدّنيا» ١٣٥/٥
عِصْمَتِهِ: من تعلّق بعروة عصمته ١٠٩/٤
عِصْمَتِكَ: أن تحوينا في أكناف عصمتك ١٩٥/٦
وسلّمنا منها «الدّنيا» بتوفيقك وعصمتك ١٩٦/٢
فكيف لي بالإحتراس ما لم تدركني فيه عصمتُك ٢٠١/٤٠
عِصْمَتي: فكن ... وليّ عصمتي ١٨٩/٩
بِعِصْمَةٍ: تولّني بعصمة مانعة ٨١/٣ - ٨٠/١٥
بِعِصْمَتِكَ: لانجاة لي من مكاره الدّنيا إلاّ بعصمتك ١٨٣/٥
أللّهمّ وإنّه لاوفاء لي بالتّوبة إلاّ بعصمتك ٨١/٣ - ٨٠/١٥
لاسبيل لي إلى الإحتراس من الذّنب إلاّ بعصمتك ٢٠١/٤٠
بِالْعِصْمَةِ: وأيّدني بالعصمةِ ٨٧/٣
أيّدني بالعصمةِ واستصلحني بالعافية ٤٩/٢٠
وسلموا من الإعتراض بالعصمةِ ١٩٩/١٩٥
عِصَمُ: وتقطّعت عنّي عصمُ الآمال ٨٨/٤
إعْتِصام: ذو اعتصام بأسمائك العظام ١١٤/٢١
الْإعْتِصامَ: إستنجدت الإعتصام بك كافياً من ٢٤٩/٤
غاصِماً: كن لي ... عن المعاصي عاصماً ١٨٣/٦
وياعاصمَ البآئسين ١٩٥/١
حفظاً عاصماً من معصيتك ٢١/١٢
الْعاصِمُ: أللّهمّ أنت ... العاصمُ المجير ١٩٩/٩
مُعْتَصِمٌ: وها أنا ... بحبلك الشّديد معتصمٌ ١٩٢/٨
سآئلاً فلا تحرمني معتصماً فلا تسلمني ١٦٣/١٠
إلاّ ما أنا معتصمٌ به من عفوك ٨٨/٤
أللّهمّ إنّي أصبحت ... معتصماً بوثائق مغفرتك ١٦/١
الْمُعْتَصِمُ: وأمن المعتصمُ به ١٦٤/١
الْمُعْتَصِمينَ: بسم الله كلمة المعتصمين ٢٥٣/١
وعصمة المعتصمين ١١٣/٣
صلّ على محمّد وآل محمّد ... عصمة المعتصمين ٢٠/٣
الْمُعْتَصِمُونَ: به «الله» يعتصمُ المعتصمون ١٥٩/١
مَعْصُوم: المحبوسة لأمرك بالجنّة مع معصومٍ ٢٤٨/١
الْمَعْصُومُ: رسوله الطّاهر المعصومُ ١٩٩/٥٨

مَعْصُومِينَ: ومن الشّرك ... معصومين ٢٠٦/٢٠
الْمَعْصُومِينَ: وولاية الطّاهرين المعصومين ١١٩/١٧
في جميع ذلك من ... المعصومين من ٦٤/١٣
فنصبح من كيده في المعصومين بك ٦٤/٩

ع.ص.ى

عَصىٰ: روحك إلاّ من عصى وأصرّ ١٩٩/٧٩
عَصَاهُ: أنت الّذى لايفرط في عقاب من عصاهُ ٤٩/٤
على جميع خلقه ممّن أطاعه وممّن عصاه ١٢٣/٣
وأحاط علماً بمن أطاعه وعصاهُ ١٩٩/٥٥
فأوجب ... النّار علىٰ من عصاهُ «محمّداً» ٢/٩
والمنتقم ممّن عصاه بأليم العقاب ٢٣٩/٣
فألقى عصاه فإذا هى ثعبانٌ مبينٌ (قرآن) ١٥٩/١٦
عَصَاكَ: لايخشى جورك على من عصاك ٨/١٨ ـ ٩٨/١١
يخدعهم عن طاعتك ما عصاك أحد ٨/١٠
إلهى ما أنا بأوّل من عصاك فتبت عليه ١٨٢/١١
في معاملة من أطاعك أو عصاك ٨/١١
أللّهمّ وخلقت ناراً لمن عصاك ٢٥٧/١٦
رزقك مبسوط لمن عصاك ١٤٦/٦
ما أنا بأعصى من عصاك فغفرت له ٣٤/٩
أنا الّذى بجهله عصاك ٤٩/٥
لولا أنّ العفو من صفاتك لما عصاكَ ٢٠١/١٩
أعوذبك من نار تغلّظت بها على من عصاك ٨٨/١٩
وتلقّيت من عصاك بالحلم ١٤٢/٤
وخلقت ناراً لمن عصاك ٢٠١/٤٧
لما عصاك أحبّ الخلق إليك ٢٠١/٢١
يخدعهم عن طاعتك ما عصاك عاص ٩٨/٥
أنا الّذى عصاك متعمّداً ١٤٧/٨٢
في معاملة من أطاعك أو عصاك ٩٨/٦
وعصاك خلقٌ من ذرّيّته «آدم» ٢٠١/٤٥
إلهى، عصاك آدم فغفرت له ٢٠١/٤٥
عَصَيْتُ: آه واحزناه عصيتُ ربّى وأنا أعلم ١٩٨/٣٢
أنا الّذى عصيتُ جبّار السّماء ١١٦/٦٤
آه واحزناه عصيت من ليس أعرف ١٩٨/٣٣
وعصيتُ أمرك لخبيث عملي ٢٥٧/١٠
عَصَيْتُكَ: إلهى عصيتك في أشياء أمرتني بها ٨٩/٣
إلهى، لولا أنّك بالعفو تجود لما عصيتك ٢٠١/٢٠
وكيف أفرح وقد عصيتُك ٢٠١/٣
وقد عصيتُك على غيروجه المكابرة ٢٣٣/٢
إلهى، إن كنت قد عصيتُك فقد أطعتك ٢٣٣/١
إن كنت قد عصيتُك فقد أطعتك في الإيمان ١٦٥/١
وقد عصيتُك في أشياء كثيرة ١٦٥/٢
إلهى، أنا الّذي أرجوك وإن عصيتك ٢٠١/١٢
إلهى، أنا الّذى أدعوك وإن عصيتُك ٢٠١/١١
وعصيتُك على غير مكابرةٍ ٢٠٩/٣
كنت عصيتُك في أشياء أمرتني بها ٨٩/٢
إلهى إن كنت عصيتُك بإرتكاب شيئ ٢٠٩/١
وعصيتُك والحجّة علىّ ٦٠/٢
إذ كان جزائى منك في أوّل ما عصيتُك النّار ٤٩/١٧
أللّهمّ إن كنت قد عصيتُك ٢٢٩/١
وعصيتُك في أشياء على غير مكاثرة منّى ٢٢٩/٢
ولك الحجّة علىّ إن عصيتُك ٢٢٧/٤
إلهى، كيف أدعوك وقد عصيتُك ٢٠٣/٤
أللّهمّ كما عصيتُك ... فإنّى أستغفرك ٢٥١/٥
أللّهمّ فكما عصيتك ... أستغفرك ٢٥٢/٤
وما عصيتُك إذ عصيتك وأنابك شاكّ ٩١/٢
إلهى لم أعصك حين عصيتُك ١١٦/٦٧
فقد عصيتُك وخالفتك بجهدي ١١٦/٦٧
وعصيتُك بفرجي ولو شئت لعقمتني ١٤٩/٣٧
وعصتُك برجلي ولو شئت لجذمتني ١٤٩/٣٦
وعصيتُك بجميع جوارحى ولم يك هذا ١٤٩/٣٧
وعصيتُك بيدى ولو شئت لكنعتني ١٤٩/٣٦
وعصيتُك بسمعي ولو شئت لأصممتني ١٤٩/٣٥
بل عصيتُك بعيني ١٤٩/٣٥
فَعَصَيْتُ: أبليت الجميل فعصيتُ ١٥٢/١ ـ ١٥٣/١
فَعَصَيْتُكَ: أللّهمّ إنّك دعوتني إلى النّجاة فعصيتُك ٣٦/١
عَصَيْنَاكَ: عصيناك ونحن نرجو أن تستر علينا ١١٦/٣٧
فَعَصَيْنَا: أللّهمّ أمرت فعصينا ٨٧/٦
يَعْصِيكَ: ياربّاه إرحم من لم يزل يعصيك ١٩٨/٨٩
لايَعْصِيكَ: وأبدلني شعراً طاهراً لايعصيك ٢٦٨/١
لايَعْصُونَ: الّذى لايعصون الله ما أمرهم (قرآن) ١٢/١٣
لَمْ يَعْصُونِي: كأنّهم لم يعصوني ٢٠١/٢٤
أَعْصِيكَ: وجعلت لي فيه آلات ... أعصيك بها ١٩٧/٢٨
لاأَعْصِيكَ: أللّهمّ تب علىّ حتّى لاأعصيك ١١٦/٥٢
إلهي أسألك أن تعصمني حتّى لاأعصيك ٢٠١/١
لَمْ أَعْصِكَ: ولم أعصِك في أبغض الأشياء إليك ٢٢٩/١
إلهي لم أعصك حين عصيتك ١١٦/٦٧
أَنْ أَعْصِيَ: العصمة من أن أعصى وأنا أعلم ١٢٥/٣
تَعْصِىٰ: سبحانك تعصى كأنّك لاترى ٩١/٦
لَمْ تُعْصَ: وتحلم كأنّك لم تعص ٩١/٦

مَعْصِيَةٍ: ولم يبغضه على معصيةٍ ٢٠٠/٢٠
... ولامعصيةٍ اقترفناها ٣٣/٥
لاتنقصه معصيةٌ عاصٍ ١٤٩/١٢
كم من معصيةٍ أتيتُها فسترتها ولم تفضحني ١٥٤/١
أو تنقص منه معصيةُ المذنبين ١٦٢/٨
عرضت لي معصيةٌ أخرى ١٩٨/٣
واحفظني وخلّصني من كلّ معصيةٍ ٢٢/٣٢
الْمَعْصِيَةِ: أعوذبك من ... استصغار المعصيةِ ٢٦/٢
ربّ وأعوذبك من المعصيةِ والقطيعة ١٥٣/٢٧
آدم ... المتوسّل بعد المعصيةِ بالطّاعة إلى عفوك ١١/٣
مَعْصِيَتَهُ: ولاينقص منه معصيتهُ العاصين ١١٢/٥
بحقّ من ... جعلت معصيتهُ كمعصيتك ١٤٧/٨٣
وحذّرت معصيتُه «الإمام» ١٤٧/٦٢
... حمداً يكون ... حاجزاً عن معصيتِهِ ١/٢٩
فيامن عفا عن الوالد معصيتَهُ ٢٠١/٤٥
مَعْصِيَتِكَ: المنيب الّذى لم يُصِرَّ على معصيتك ١١/٣
الإجتناب لما نهيتني عنه من معصيتك ٦١/٣
حفظاً عاصماً من معصيتك ٢١/١٢
جهنّم نزفر على أهل معصيتك ١٢/٩
لكى يستبدل بحاله في معصيتك ٩٨/٩
إرحم من ... على معصيتك إنطوى ١٩٩/٤٦
بأنفسنا استخففنا عند معصيتك ٢٠٠/١١
ولاحول لي عن معصيتك إلاّ بتسديدك ١٩٩/١٩٨
ولاتدخلني فيهن جانبهم من أهل معصيتك ١٩٩/١٨٩
ما يكون بيني وبين معصيتك حاجزاً ١٩٩/١٥١
ويحملني ويجرّئني على معصيتك حلمك عنّى ١١٦/٢٥
حتّى إذا قارفت معصيتَك ٨٨/٧
صلاة تعصمهم «تابعين» بها من معصيتك ١٤/٨
أللّهمّ إن الشّيطان ... شايعناه على معصيتك ٣٢/٥
إنّ الظّلمة ... إجترؤا على معصيتك ١١٩/٤
وكثر عليّ ما أبوء به من معصيتك ٨٨/٤
التّاركين لكلّ معصيتك ٦٤/١٤
لأن أرتدع عن معصيتك المسخطة ٤٩/١٤
مبغضاً لأهل معصيتك ٨٣/٧
والضّعف عن معصيتك ١٦٤/٩
أعطني ... ورعاً يحجزني عن معصيتك ١١٦/١٢٤
فاستعنت به على معصيتك ٣٦/١
لكى يستبدل بحاله في معصيتك ٨/١٥
أرزقنا ... إجتناب معصيتك ٢٤١/٧
واحفظنا فيه «الهلال» من مباشرة معصيتك ١١٠/٨
ضعفى عن شكر نعمتك وركوبي معصيتك ١٤٨/١١
ولاتحبط حسناتي بما يشوبها من معصيتك ١٤٧/١١٤
ونهيته عن معصيتك فخالف أمرك ١٤٧/٧٣
سيّدى قويت بعافيتك على معصيتك ١٩٩/١٥٥
فيما نهيتني عنه من معصيتك ٤٩/١٢
أجرنا فيه من معصيتك ١٤٣/٣٣
وتركت معصيتك في أبغض الأشياء إليك ٢٠٩/٢
أللّهمّ ... جنّبنا معصيتك ١٨٨/١
فجرّأني على معصيتك ما أذقتني من رحمتك ٢٥٧/٥
لاتجعل لشيء من جوارحنا نفوذاً في معصيتك ٣٠/٥
مَعْصِيَتي: سيّدى ومولاي على طول معصيتي ٢٤٧/٢
مَعْصِيَتُنا: ولانضرّك معصيتنا ٢١١/١
بِمَعْصِيَةٍ: توبة من لايحدّث نفسه بمعصيةٍ ٨٠/١١
لِمَعْصِيَتِكَ: إن يكن التّرك لمعصيتك إنابةً ٨٠/٢٤-٨١/٨
بِمَعْصِيَتِكَ: ولاتخزه «قلبى» بمعصيتك ٢٠/٦
ولاتخزنى بمعصيتك ١١٣/٦ - ١١٤/٤ - ٢٧/٢
في إضلالنا عن طاعتك وامتهاننا بمعصيتك ٥٠/١
كَمَعْصِيَتِكَ: معصيته كمعصيتك ١٤٧/٨٣
بِمَعْصِيَتي: ما أردت بمعصيتي مخالفتك ٩١/٢
الْمَعاصي: مبتهلٌ إليك فى العفو عن المعاصى ١٤٩/٣٩
وأحاطت بى المعاصى ٢٣٩/٥
متألّم على المعاصي مرّ اللّيالى والأيّام ٢٣٩/١
أللّهمّ ارحمني بترك المعاصى ما أبقيتني ١٥٣/١١
إلهى ... المعاصى لاتضرّك ٢٠٣/٨
ويامن رآنى على المعاصي فلم يفضحني ١٥٤/٢ - ١٥٦/٣
أنا الّذى أعطيت على جليل المعاصى الرّشا ١١٦/٦٥
ومن عقوبات المعاصى جنّبتني ١١٦/٦٦
ولأقدامنا عن نقلها إلى المعاصي حابساً ١٠٩/١١
كن لي ... عن المعاصى عاصماً ١٨٣/٦
قنى من المعاصى ٤٩/٢٠
ولانجرّئني على المعاصى ٥٩/٥
قد أخرست المعاصي لساني ٢٠١/٢
فأنت العآئد بالفضل وأنا العآئد في المعاصي ١٤٩/٣١
مَعاصيهِ: أسئلك سؤال مذنبٍ أوقعته معاصيه ٢٣٧/١
مَعاصيكَ: أن تحول بينى وبين معاصيك ٢٣٧/٦
وعن معاصيك فردّنى ٢٣٧/٧
وعصمتهم «بالأئمّة» عن معاصيك ١٤٩/٤٧
ولم أترك معاصيك ١٤٩/٣٤
مخافةً تحجزني بها عن معاصيك ١٣٧/٩
حسن ظنّى بك جرّأني على معاصيك ٢١٢/٦

وطال في معاصيك انهماكي ٢٥١/٥٥
وأعنّا على صيامه ... عن معاصيك ١١٥/٦
وترحمني بصدّي عن معاصيك ما أحييتني ٢٥٣/٤
عهدي أن أهجر جميع معاصيك ٨٠/١٢
حلمت عنّي فيما اجترأت عليه من معاصيك ١٤٨/١١
حين عدت بإرتكاب معاصيكَ ١٩٩/١٥٦
في جميعه إنهماكاً منّي على معاصيك ١٥٢/١٢
تحليل عقوبتك لما اجترأت عليه من معاصيك ١٤٨/٦
لاتنال منك إلاّ بالرّضا والخروج من معاصيكَ ١٢٥/١
وتهدي من أناب إليك من معاصيك فتنجيه ١٩٩/١٦٩
بفضلك أن عدت في معاصيك ١٤٩/٣٠
فأنفقت نعمتك في معاصيك ١٤٩/٣٠
مَعاصِيّ: أن أستحي من كثرة معاصيّ ١٤٨/٤
مَعاصِيّي: لم أشكر نعمك عند معاصيّي ١٤٨/٩
بِمَعاصِيكَ: بمعاصيك مولعة ١٨٣/١
لِلْمَعاصِي: وأستغفرك للمعاصي التي ٢٥٢/٥ ـ ٢٥١/٧
بِالْمَعاصِي: وعملت بالمعاصي فتعدّيت ١١٦/٦٥
أتبغّض إليك بالمعاصي وأنا إليك محتاج ٣٨/٢
وأنا اللئيمُ العوّاد بالمعاصي ١٤٨/٢٣
أوبقتها «بنفسي» بالمعاصي جهدي وطاقتي ١٤٨/٨
عاصياً: فإجعلني عبداً ... عاصياً فرحمته ١٩٩/١٣٦
وإن كنت عاصياً مددت يداً بالذّنوب ٢٠٣/٤
فقد خفت يامولاي إذ كنت لك عاصياً ٢٥٧/١٨
عاصٍ: يخدعهم عن طاعتك ما عصاك عاصٍ ٩٨/٥
ولاتنقصه معصية عاصٍ ١٤٩/١٢
الْعاصي: فأمّا العاصي أمرك ٨/١٥ ـ ٩٨/٩
وكيف أدعوك وأنا العاصي...وكيف أفرح وأنا العاصي ٢٠١/٣
لِلْعاصي: للعاصي فيما تملك معاجلته فيه ٨/١١ ـ ٩٨/٦
عاصينَ: أمتنا ... تائبين غير عاصين ١٠٣/٥
واجعلهم «ولدي» لي... مطيعين غير عاصين ٦٤/٤
الْعاصينَ: فمن يجود على العاصين بالنّعم ٢١٥/٥
ومن كرمي في العاصين أن أكلأهم ٢٠١/٢٤
ولاينقص منه معصية العاصين ١١٢/٥
الْعُصاةِ: حتّى إزدحمت عصائب العصاةِ ١٩٩/٩٨
أعف عن الولد العصاةِ لك من ذرّيته ٢٠١/٤٥
عِصْيانِ: وطهّرنا من ... عصيانِ العلماء ٢٠٠/١٧ لاينقص
ملكوته عصيانُ المتمرّدين ١٩٩/٣٣
وأجرأني على عصيانِ من خلقني ١٦٤/١١
الْعِصْيانِ: من كثرة الذّنوب مع العصيانِ ٢٠١/١
أنا الّذي قتلت نفسي بسيف العصيانِ ٢٠١/٤٤
بئس ما فعلت من كثرة الذّنوب والعصيانِ ٢٠١/٢٦
وهب لي التّطهير من دنس العصيانِ ١٤٧/٩٥
إن أوحش ما بيني وبينك فرط العصيانِ والطّغيان ١٨٦/٣
بعد الإساءة منّا والعصيانِ ٢١٤/٧٣
عِصْيانِهِ: فرأى كثير عصيانه كثيراً ٨٠/٣
عِصْيانِكَ: فاستنجدنا بإحسانك على عصيانك ٢٠٠/٣
لم أستسلم وقت إحسانك إلاّ بالإقلاع عن عصيانك ٣٤/٣
عِصْياني: حسراتي على عصياني ١٦٤/١٨
بِـعِصْيانِكَ: ولقد كان يستحقّ بالإلهي في أوّل ما همّ بعصيانك ٨/١٦ ـ ٩٨/٩
لِعِصْيانِكَ: إحسانك تعرّضي لعصيانك ١٩٩/١٧٣
بِالْعِصْيانِ: قابلتك فيها «المنّة» بالعصيان ١٩٩/٦٩
وأنا العوّاد بالعصيانِ ١٩٩/١٥٦
أنا مشهور بالعصيان ٢٠١/٢٧
يامن ... إذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبه ١٨٥/١
بِأَعْصِيْ: ما أنا بأعصى من عصاك فغفرت له ٣٤/٩

ع.ض.ب

الأَعْضَبِ: بقيت فرداً كقرن الأعضب وحيداً ٢١٩/٣٤

ع.ض.د

أَنْ نَعْضُدَ: أعوذبك من ... أن نعضد ظالماً ٢٦/٣
أَعْضُدُهُمْ: واعضدهم «أهل الثّغور» بالنّصر ٦٧/٢
يُعاضِدُ: شيطاناً ... يعاضد لي الهوى ١٨٣/٣
عَضُدَ: ياعضد كلّ محتاجٍ طريدٍ ٢ ٤٩
عَضُدَهُ: وقوّ عضده وراعه بعينك ١٢٧/٦٣
عَضُدَكَ: قال سنشدّ عضدك بأخيك (قرآن) ١٥٩/١٨ـ٢٢/٧
عَضُدي: أللّهمّ اشدد بهم «ولدي» عضُدي ٦٤/٣
أَعْضادَهُمْ: أللّهمّ افتت أعضادهم «الظّلمة» ١١٩/٨

ع.ض.ض

عَضَّ: قد عضّ عليّ شيواهُ ١٥٣/٦
لم يسكن غليله قد عضّ على شواه ١٥٢/٦
يَعَضُّ: يوم يعضّ الظّالم على يديه (قرآن) ٢٠٧/١٧

ع.ض.ل

الْعَضَلاتِ: طابق العضلات من صدورهم ٢٠٠/٣٣
مُعْضِلاتِ: مبتدعات الأعمال ومعضلات الأدواء ١٣٨/٨

ع.ض.و

الْأَعْضاءُ: آه وانفساه إذا... تصرّمت الأعضاءُ ١٩٨/٤٧
أَعْضائي: ألوقع مقامع الزّبانية ركّبت أعضائي ٢٠٣/١٠
إذا بلى جسمي وتفرّقت أعضائي ١٦٧/٥
ألضرب المقامع خلقت أعضائي ١١٢/٣
أَعْضائِنا: واجعل ... حركات أعضائنا ٣٠/٦

ع.ط.ب

مَعاطِبِ: إجارة من معاطبِ إنتقامك ١٩٩/٤٨
الْمَعاطِبِ: فبزيله عن الحقّ إلى المعاطب ١٩٩/٩٩

ع.ط.ش

الْعَطْشانُ: وأنا العطشانُ الّذى أرويته ١١٦/٦٢
عَطْشانُها: وعطشانها لايُروى ١١٢/٨

ع.ط.ف

عَطَفْتَ: وعطفت رحمتك عليه ١٤٢/٥٦
إعْطِفْ: إعطف عليهم «محمّد وآله» نصرك ١١٧/٣٥
أَعْطِفْ: وأعطف عليهما «والدىّ» قلبي ٦٣/٦
وأعطف بقلبي على الخاشعين ١٤٧/١٠٩
عَطَّفْتَ: وعطّفت علىّ قلوب ١٩٩/١٧١
تَعَطَّفَ: وتعطّف بالعزّ والبرّ والجلال ٧/٢ ـ ٢/٢
تَعَطَّفْتَني: أللّهمّ ... تعطّفتني عليك ٢٥٧/١٠
تَعَطَّفْ: وتعطّف علىّ بجودك وكرمك ١٣٨/١٧
إسْتَعْطَفَها: ولاترحم من إستعطفها ٨٨/٢٠
يَسْتَعْطِفُ: ويستعطفُ جميل نظرك ١١٦/١٠٣
أَسْتَعْطِفُكَ: إلهى أستعطفك علىّ أبداً أبداً ٢٠٣/٣
وشكا أستعطفك علىّ ٢٠٣/٢
عَطْفِكَ: وعائدة من عطفك ياحليم ١٤٢/٥
إلهى ... فقري لايغنيه إلاّ عطفك وإحسانك ١٩٢/١
على التّمسّك بعروة عطفك ١٩٥/٣
فقد آنسنى اليقين بمكارم عطفك ١٩٩/٨٧
ها أنا متعرّض لنفحات روحك وعطفك ١٨٦/٥
بما وصفت به نفسك في عطفك وترؤّفك ٢٢٣/٣
بِعَطْفِ: وتولّني بعطفِ تحنّنك يارؤوف ١٩٩/٢٨
بِالْعَطْفِ: بالعطفِ عليهم عآئدٌ مفضلٌ ١٨٩/٥
تَعَطَّفْهُ: وهب لنا ... وتعطّفه «وليّك» ١٤٧/٦٦
عَواطِفِ: الآخرة عن عواطفِ رأفتك ١٩٩/١٩٣
إلهى ليس لي وسيلة إليك إلاّ عواطفُ رأفتك ١٩١/١
بِعَواطِفِ: أبتهل إليك بعواطفِ رحمتك ١٨٦/٤
عَطُوفٌ: فيامن ... بجذبهم إلى بابه ودودٌ عطوفٌ ١٨٩/٥
أَعْطَفَ: ويأأعطف من آوى إليه طريد ١٩١/٢
ويأأعطف من أطاف به المستغفرون ٣٤/٨
أَعْطَفَها: أسألك ... من الرّعاية أعطفها ١٩٩/٢٢
إجعل ... أشمل بركاتك وأعطفها ١٩٩/٦٢

ع.ط.ل

عُطِّلَتْ: مجالس منهم عطّلت ومقاصر ٢١٤/١٤
وأمسوا رميماً في التّراب وعطّلت ٢١٤/٨٩
الْمُعَطَّلَةَ: أقم به «الحقّ» الحدود المعطّلة ٧٠/١٢

ع.ط.و

إعْطِنا: فصلّ على محمّد وآله واعطنا ١٥/١٢
أَعْطِنى: وأعطى من سئل من فضله ١٤٢/٦٤
ويأأوسع من أعطى ١٩٩/٢٠٠
يا ... أجود من أعطى ١١٦/١٠٧
من أعطى من لم يسأله ٢٥١/٦٤ ـ ٢٥١/٤٣
يامن أعطى الكثير بالقليل ٢٥١/٤٣
يامن أعطى من سأله ٢٥١/٦٤ ـ ٢٥١/٤٣
وأعطى من رغب إليه ٨٨/١٣
أَعْطاهُ: يامن إذا سأله عبد أعطاه ١٨٥/١
أنت الّذى لايرغب في جزآء من أعطاهُ ٤٩/٤
أَعْطانِي: بسم الله على كلّ شيىء أعطانى ربّى ٢٢/٣٣
فأفتنن بحمد من أعطانى ٥٥/٣٨
أعيذ نفسي وما أعطانى ربّى ٢٢/٣٦
أَعْطَوْا: وإن أعطوا أعطوا قليلاً نكداً ٥٩/٣
أَعْطَيْتَ: وأفضل ما أعطيت أحداً من عبادك ١٤١/١١
من أعطيتَ لم ينقصه منع المانعين ١٥/١٤ ـ ٨/٢٤
أعطيتَ كلاّ منهما ما لم يجب له ٩٨/٦
إن أعطيت لم تشب عطاءك بمنّ ١٤٢/٢
... ولامن الخير إلا ما أعطيت ٢١/٧
وتولّني فيمن تولّيت وبارك لي فيما أعطيتَ ٨٣/٩
أعطيت كلاّ منهما ما لايجب له ٨/١١
فإنّه غير منقوص ما أعطيتَ ٢٥١/٦٥ ـ ٢٥١/٤٤
وأن تعطيني أفضل ما أعطيتَ السّآئلين ١٣٢/١٠
أَعْطَيْتَهُ: فإن تك راضياً فأحقّ من أعطيتهُ ٢٥٧/٢
وأنا السّائل الّذى أعطيته ١١٦/٦٢
لاسؤالاً إلاّ أعطيته ١٤٣/٤٦
أَعْطَيْتَهُمْ: ولاتفتنّى بما أعطيتهم «أصحاب الدّنيا» ٩٦/٢
أَعْطَيْتَني: ولاتسلبنى صالح ما أعطيتني ١٤١/١٢
سيّدى أعطيتني فأسنيت حظّى ١٩٩/١٧٦

وإن سألتك أعطيتني ١٩٩/١٧٤
ولاغافلاً لإحسانك فيما أعطيتني ١٢٦/٣
وأعطيتني جميع سؤلي ١١٧/٢١
وأعنّي على صالح ما أعطيتني ١١٦/١٢٢
وبارك لي فيما أعطيتني ٢٥١/٤١
وأعطيتني فأجزلت بلا إستحقاقٍ لذلك بعمل منّي ١٤٩/٢٩
إن منعتنيها «حاجتي» لم ينفعني ما أعطيتني ١٤٩/٥٠
أَعْطَيْتَنِيهَا: حاجتي الّتي إن أعطيتنيها ١٤٩/٥٠
فَأَعْطَيْتَ: ولقد سئلت فأعطيت ١٥٢/١٣ ـ ١٥٣/٩
فَأَعْطَيْتَهُ: فما أنا بأوّل راغبٍ رغب إليك فأعطيتهُ ٣٩/٩ إجعلنا
في هذا الوقت ممّن سألك فأعطيته ٢٣٤/٤
أَعْطَيْتُ: أنا الّذي أعطيتُ على جليل ١١٦/٦٥
يُعْطِي: ويعطي كلّ جزيل ويفعل ما يشاء ١٢٣/١٢
يامن يعطي الكثير بالقليل ٢٥١/٤٣ ـ ٢٥١/٦٤
وإنّما يعطي المعطون من فضل جدتك ١٥/١٢ ـ ٨/٢٣
فَيُعْطِينِي: والحمدلله الّذي أسأله فيعطيني ١١٦/٤ ـ ١٢٠/٤
فمن ذاالّذي أسأله فيعطيني ١٧٩/٢
تُعْطِي: واعطني فيه أفضل ما تعطي أوليآئك ١١٧/١٣
إنّك تقي الكريهة وتعطي الحسنة ٨٨/٢٢
وأفضل ما تعطي من تخلقه من أوليآئك ١٣٢/١٠
وأفضل ما تعطي الباقين من المؤمنين ١٣٢/١٠
إنّك تفيد الكريمة وتعطي الجسيمة ٩٢/٤
فأنت الكريم الّذي تعطي من سعة ٨٧/٩
تُعْطِيَنِي: وتعطيني فوق رغبتي ١٤٩/٤٠
تُعْطِيَنِيهِ: أسألك اللّهمّ أن ترزقني الخير وتعطينيه ٢٥/٢
فَتُعْطِينِي: وأسألك فتعطيني ١٤٩/٣١
إلهي إذا لم أسألك فتعطيني ١٧٩/٢
أَنْ تُعْطِيَهُ: أن تعطيه حتّى يرضى ١٤١/٣١
أَنْ تُعْطِيَنِي: وأن تعطيني أفضل ما أعطيت السّآئلين ١٣٢/١٠
أن تعطيني منه ما لم تنته إليه رغبتي ١٦١/٨
وأن تعطيني من اليقين ما يحجبني ١٦١/٨
فَلَمْ أُعْطِهِ: ومن الّذي سألني فلم أعطه ٢٠١/٢٣
أَعْطِ: وأعطِ جميع المسلمين والمسلمات ٦٤/١٥
أَعْطِهِ: وأعطه الدّرجة والوسيلة ١٤١/٢٩
أَعْطِهِمْ: أعطهم عليه أسلحةً ماضِيَةً ٥٠/٩
أَعْطِنِي: أعطني من ذلك بالإلهي غنىً عن شرار ٧٨/٣
وأعطني ما لاينقصك ٢٠١/١٧
أعطني رغبتي فيما سألتك في عدوّك ٢٥١/٥١
وأعطني مسألتي ٤٢/٢٨ ـ ٢٥١/٤٩
وأعطني جزآئي ٢٥٥/٧
وأعطني فيه أفضل ما تعطي أوليائك ١١٧/١٣
أعطني من الخير أكثر ممّا أرجو ٢٢/٤٤
وأعطني في هذه اللّيلة أُمنيتي ١١٤/١
وأعطني ما سألتك ١٢٨/٣
صلّ على محمّد وآل محمّد وأعطني سؤلي ٢٥١/٦٦
وأعطني بمسألتي إيّاك جميع سؤلي ٢٥١/٦٥
وأعطني في مجلسي هذا مغفرة ١٣٢/١١
واعطني سؤلي واكفني ما أهمّني ٢٥١/٥٦
أعطني بمسألتي إيّاك ٢٥١/٤٤
وأعطني أفضل أمنيتي ١٢٢/١٠
أللّهمّ أعطني كلّ سؤلي ٦٤/١٠
وأعطني رغبتي فيما سألتك ٢٥٢/٣٤
أعطني بالإلهي من ذلك غنىً ٢٥٢/٢١
أللّهمّ أعطني بصيرةً في دينك ١١٦/١٢٤
وأعطني من ذلك بالإلهي غنىً ٢٥١/٢٨
أللّهمّ أعطني السَّعةَ في الرّزق ١١٦/١١٠
أعطني سؤلي في نفسي وأهلي ١١٦/١٠٧
أللّهمّ أعطني نوراً وهب لي نوراً ١٣٤/٤
وأعطني لفقري ١١٦/٨٨
وأعطني باربّ جميع ما سألتك ١١٦/١٣٠
وأعطني مسألتي ولانخيّب رجآئي ١٢٧/٧
أَعْطِنَا: وأعطنا به «ولعصر» **(عج)** فوق رغبتنا ١١٩/٢٥
أعطنا ما أغفلناه ٥٠/١٥
أللّهمّ أعطنا كلّ الّذي سألناك ١٥٣/٣٤
أللّهمّ أعطنا جميع ذلك بتوفيقك ورحمتك ٦٤/١٥
وأعطنا إنّك سميع الدّعآء ١١٧/٢٣
وأعطنا أضعافه من فضلك ١٤٢/٥٧
وأعطنا ما سألناك يامعطي السّآئلين ١٣٩/٤
فَأَعْطِ: فأعط محمّداً من ذلك حتّى يرضى ١٠/٢٠
فَأَعْطِنِي: فأعطني باربّ ما رجوت ٨٨/١١
فأعطني سؤلي يامولاي في عدوّي ٢٥٢/٣٤ ـ ٢٥١/٥٠
ونعلم حاجتي فأعطني مسألتي ١٣٤/٦
فأعطني من عفوك بمقدار أملي ١١٦/٢١
فأعطني من نفسي ما يرضيك عنّي ٥٩/١
سائلاً فأعطني ١٤١/١٤
إلهي وسيّدي فأعطني من فضلك ١٣٩/٨
فَأَعْطِنَا: يعطي المعطون من فضل جدتك فأعطنا ٨/٢٣
تَعَاطَنِي: وتعاطى ما نهيت عنه تغريراً ٨٠/٢
لاتَتَعَاطَنِي: ولاتتعاطى إلاّ الّذي يقي من عقابك ١١٥/٩
أَسْتَعْطِيَ: وأستعطي شرار خلقك ٥٥/٣٨

عَطاءً: وأنزل عليّ ... عطآءً غير ممنون ٢٥١/٢٧-٢٥٢/١٩
ويدرك عطاءً من منحته سعة رزقك ٢٤١/٥
من فضل عطاءٍ تؤتيه ١٠/١٩
نعمةً منك سابغةً وعطاءً غير ممنون ٧٨/٢
الْعَطاءِ: ويامن لايندم على العطاء ١٤٢/١
سيّدى تتابع منك البرّ والعطاءُ ١٩٩/١٨١
قسمت لأهلها من العطاءِ في يوم الجزاء ٢٤٦/٦
عَطاؤُهُ: أنت الّذى عطاؤهُ أكثر من منعه ٤٩/٤
عَطائَكَ: إن أعطيت لم تشب عطائَك بمنّ ١٤٢/٢
وفضل عطاؤُك وتظاهرت نعماؤك ١٩٩/١٩٦
قد أنخنا بفنائكَ ببابك نطلب ... عطائَك ١٤٠/٢
وإنّ عطائك للعطاء المهنّا ١٤٢/٥٧
أللّهمّ إرحم مسكيناً لايجبره إلاّ عطآؤُك ١٩٩/٩٠
بلّغنى ... وجسيم عطآئِك ١٢٣/١٣
لاييأس من عطائكَ المتعرّضون ١٤٦/٦
أن تهب لي اللّيلة الجزيل من عطائِك ١١٤/٢٢
وجزيل عطائِك عندي ١٦٣/١
كافني عليه بجزيل عطائِك ٢٤٩/٨
ولم يرجع منك الطّالب صفراً من عطائِك ٧٠/١
أللّهمّ هذا من منّك وفضلك وعطائك ٢٥٩/١
أسألك بكرمك أن تمنّ عليّ من عطآئك ١٨٥/٧
وعطائُك جزيل وعرشك كريم ٢٥٧/٨
ولالفضل ما نؤمّله من عطائِك قانطين ٢٣٤/١
لم ترجع يد طالبة صفراً من عطائِك ٢٥١/٦٠
لِلْعَطآءِ: وإنّ عطائك للعطاءُ المهنّا ١٤٢/٥٧
إعْطآءِ: وحضضت على إعطاء السّائلين ١٩٩/١١٦
إعطاء ما يجب لهم «جيرانى» قبل السُّؤال ٦٦/١
ولاتكأدك إعطاء ٢٣٧/٢
الْإعْطاءِ: وأنت من دونهم وليّ الإعطاء والمنع ٥٥/٣٨
إعْطائِهِ: أبلغ بـ... إعطائه «محمّد» الوسيلة ١٠/١٦
بِإعْطاءِ: ذلّلني بإعطاء النصف من نفسي ١٢٥/٥
تَعاطِي: أعوذبك من ... تعاطى الكلفة ٢٦/٢
عَطِيَّةً: ولكلّ سائل لك عطيّةٌ ١٤٩/٥٦
الْعَطِيَّةَ: أن تأمر بالسُّؤال وتمنع العطيّة ١١٦/١٥
أن تتعاهد جيراننا بالإفضال والعطيّة ١١٥/١٣
عَطِيَّتِكَ: أنضر من أشرق وجهه لسجال عطيّتك ١٠/١٤
وأجزلت فيه «يوم عرفة» عطيّتك ١٤٧/٧١
فأدّه عنّى من جزيل عطيّتك ٥٩/٨
دون استماحة سجال عطيّتك ٢٥١/٦١
بِالْعَطِيّاتِ: وأنت المنّان بالعطيّات ١١٦/١٥
الْعَطايا: أنت الّذى أغرقتني بالجود... والعطايا ٢٠١/٢٧
ياواهب العطايا ٢٥١/٢
ياوهّاب العطايا ٢٥٢/٢
إلهى أنت ملك العطايا ٢٠٣/٥
أللّهمّ إنّى أسألك يامن ... يجزل العطايا ٢٣٩/١
أنت ... جزيل العطايا ٢٤٧/٤
عَطاياهُ: يامن لايكدّر عطاياه بالإمتنان ٣٩/١
أو من أوْمّل عطاياه إن حرمتني ١٦٤/١٠
يامن لايحرم زوّاره عطاياه ١٩٩/٨٠
عَطاياهُمْ: وأسبغ عطاياهم من جدتك ٦٧/١
عَطاياكَ: لنيل عطاياك بسطت أملي ١٨٥/٥
نفيض سجال عطاياك على المستأهلين ٢٣٩/٧
وتكمل لهم الأشياء من عطاياك ونوافلك ١٤٧/٥٨
أين عطاياك الفاضلة ١١٦/٢٧
بِالْعَطايا: أنّ يدك بالعطايا أعلى من كلّ يدٍ ٣٩/٨
مُعْطِي: يامعطى الرّغآئب صلّ ٢٥١/٥١ - ٢٥٢/٣٤
إلهى لاتخيّب من لايجد معطياً غيرك ٤٩/٧
ياأمان الخائفين ويامعطى السّائلين ١٤٣/١٦
لمطالبي معطياً ١٦٣/٥
يامعطى السّؤالات ياكافى المهمّات ١٣٣/٦
وأعطنا ما سألناك يامعطى السّائلين ١٣٩/٤
الْمُعْطي: وهل يرحم السّآئل إلاّ المعطي ١٦٨/٤
مولاي مولاي أنت المعطي وأنا السّائل ١٦٨/٤
وأنت المعطي وأنا السّائل ١٤٩/٨
مُعْطِيهِ: إقسم لي من خير ما أنت معطيهِ أحداً ١٢٣/١٣
الْمُعْطينَ: ياأجود المعطينَ يامن سبقت ١٤٩/٥٣
الْمُعْطُونَ: يعطى المعطون من فضل جدتك ٨/٢٣ - ١٥/١٢

ع.ظ.م

عَظُمَ: فقد عظم جرمي وقلّ حيآئي ٩٠/١
عظمُ الذّنب من عبدك فليحسن العفو ٢٣١/١
عظم ياسيّدى أملي ١١٦/٢١
وقد عظم تلهّفنا على الّذين أخرجوه ١٠/٢٨
سيّدى عظم جرمي إذ بارزتك بإكتسابه ١٩٩/٨٥
إلهى ظلمت نفسي وعظم عليها إسرافي ٢٥١/٥٥
إلهى وسيّدى ومولاي عظم ذنبي ٢١٢/٥
سيّدى عظم قدر من أسعدته بإصطفآئك ١٩٩/١٨٣
أسألك يامن عظم صفحه ١٤٩/٢٦
وعظم فضلك عن إحصاء المحصين ٢٠٠/١
بقدرته الّتى لاتعجز عن شيىء وإن عظم ٩/١

وعظم جرمه عندك ١٤١/١٧
وعظم حلمك عنّي ١٣٥/٦
عَظُمَتْ: قلت عظُمَت آلاؤك قَ ١٤٤/١١
الّذى عظمت ذنوبه فجلّت ٣٤/٥
عظمت لتفريطه حسرته ٢٤٢/٣
من مصيبة عظمت رزيّتها ٢٠٠/٧
عَظُمْتَ: وعظمت فقهرت ١٩٩/١٠
لايَعْظُمُ: لايعظم عليه شيءٌ فعله ١٤٩/١٢
تَعْظُمُ: يوم تبرز الأخبار وتعظم الأخطار ١٩٩/٤٩
أَعْظَمَ: سبحانك ما أعظم شأنك ١٦٦/٥
٢٤٧/٦ ـ ١٤٣/٤٣ ـ ٦٩/١
سيّدى ما أعظم روح قلوب المتوكّلين عليك ١٩٩/١٨٤
إلهى ما ... أعظم رجآئي لجزائك ١٩٧/٥
أَعْظَمَهَا: وما أكثر ذنوبي وأعظمها ١٦٤/١٣
أَعْظَمَكَ: سبحانك ياإلهى ما أحلمك وأعظمك ٢٠٠/١
فسبحانك ما أحلمك وأعظمك وأكرمك ١١٦/٤٢
سبحانك من عظيم ما أعظمك ٤/٦
أَعْظَمْتَ: ثوابهم وأعظمت عنه جزاءهم ٩٨/٣
وأعظمت فيه «الشّكر» جزآئهم ٨/٦
أَعْظِمْ: وأعظم لي فيه «رمضان» البركة ١١٧/٣
أعظم لي في هذا اليوم بركة المغفرة ١٤٢/٢٨
فَأَعْظِمْ: أللّهمّ هذه حاجتي فأعظم فيها رغبتي ١٧١/٨
عَظَّمَ: ... كما عظّم حرماتك ١١/٥
عَظَّمْتَ: وعظّمت للنّار خلقى وجسمي ٢٣٠/٣
وعظّمت عافيتي ٢٥٧/٢٣
ربّ ... وعظّمت عافيتي ٣٥/١
وربّ كلّ حرمٍ ومشعرٍ عظّمت قدره ١٤٩/٦٥
عَظَّمْتَهُ: يوم شرّفته وكرّمته وعظّمته ١٤٧/٧١
عَظِّمْ: أللّهمّ عظّم النّور في قلبي ٢٥٢/٣٨
وعظّم برهانه «محمّد» ١٠٩/٢٤
وعظّم حباءه وأكرم مثواه «محمّد» ١٤١/٢٨
وعظّم النّور في قلبي ٢٥١/٩
فَعَظَّمْني: وفي أعين النّاس فعظّمني ٢٥٢/١٥ ـ ٢٥١/٢٣
وفي صدور الكافرين فعظّمني ١٢٨/٦
يَتَعَاظَمُكَ: وامنن عليّ بما يتعاظمك ١٤٧/٧٦
لايَتَعَاظَمُهُ: الّذى لايتعاظمه غفران الذّنب العظيم ٨٠/٧
لايَتَعَاظَمُهَا: الّتى لايتعاظمها عظيم ٢٤٣/٨
لايَتَعَاظَمُكَ: لايتعاظمك ياسيّدى ٢٥٧/٢٠
عالم بأنّ العفو عن الذّنب العظيم لايتعاظمك ٣٤/١٠
فَلا يَتَعَاظَمُكَ: فلا يتعاظمُك ذنبٌ تغفره لي ٢٠١/٤٨

فَلَمْ يَتَعَاظَمْكَ: فلم يتعاظمك خلق خلق ٢٤٣/٢
لايَسْتَعْظِمُ: لايستعظم عفوك إن عفوت ٨٠/٧
الْعَظْمَ: أن ترحم ... هذا العظم الدّقيق ٢٠٥/١٦
أسألك ... ياجابر العظم الكسير ١٨٢/٤
عَظْمي: إلهى طال حزني ودقّ عظمى ٢٠١/٢٩
سيّدى ... دقّ عظمي ١٩٩/٨١
عِظَم: نظروا بعين القلوب ... في عظم الملكوت ٢٠٠/٤٣
إِعْظَاماً: فحرّم فيه ما أحلّ في غيره إعظاماً ١١٥/٤
أن تذكرنا تشريفاً لنا وتفخيماً وإعظاماً ١٩٤/٦
إعظاماً منك لحرمة نبوّته «محمّد» ١٠/١٠
إِعْظَامِهِ: بخوعاً لك في إكرامه وإعظامه ١١٣/٧
تَعْظِيمِ: لأبلغ ما أنت أهله من تعظيم جلالك ٢٤٩/١٦
التَّعْظِيمِ: أعوذبك من... التّعظيم ١٥٣/٢٥
تَعْظِيمِكَ: ولايقطعهم عن تعظيمك سهو الغفلات ١٢/٧
تَعَاظُمِ: إلهى تصاغر عند تعاظم آلائك شكري ١٨٧/٤
الْمُتَعَظِّمُ: العظيم المتعظّم الكبير المتكبّر ١٤٧/٣
عَظِيمِ: وعظيم جرمي وقديم إسآءتي ٢٠١/٤٧
سبحانك عظيمُ الرّجاء ٤/١٢
سبحانك من عظيمٍ ما أعظمك ٤/٦
فتقت لهم رتق عظيمِ غواشي ٢٠٠/٤٠
كل ذنب حسبته هيّنا وهو عندك عظيمٌ ١٤١/١٥
عظيمُ العفو عنّا ٨٣/٣
الكبرياء والعظمة الّتى لايتعاظمها عظيمٌ ٢٤٣/٨
وإنقاد كلّ عظيمٍ لعظمته ٢٣٨/٢
إنّ لنا فيك رجآءً عظيماً ١١٦/٣٧
ياعظيمَ المنّ ١١٦/٢٦
أم عظيمَ ما أبليت ١١٦/٢٩
معرفتي بسعة رحمتك، وعظيمِ عفوك ١١٦/٢٥
أللّهمّ إنّى أسألك ... أجراً عظيماً ١١٦/١٠٦
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك ... عظيمٌ لاتوصف ١٣٠/٤
فإنّما أسألك ا... عظيم الطّمع فيك ١١٦/٨٦
فيا عظيماً يرجى لكلّ عظيمٍ أنت رجآئي ١١٦/٨٨
وبطلت حجّتي في عظيمِ وزري ١٩٩/٨٢
إلاّ أنّ عظيمَ عفوك يسع المعترفين ١٩٩/٨٥
ياعظيمُ ياربّاه ياالله ياربّاه ١٢٤/٤
ياعظيمُ يارحيمُ ياواسعُ ١٢٤/٢
أللّهمّ إنّى أسألك ياعظيمُ الّذى يمنّ بالعظيم ١٢٣/١٢
ياعظيمَ البرّ ١٨٢/١٢
فقد خفت ... لكبير ذنبي وعظيم جرمي ٢٥٧/١٨
ياعظيمَ الخطر ياالطيف الخبر ١٧٧/٢

ياالله ياعظيمُ ياكريم ياكبير ١٢٨/٣
ياعظيمُ، ياجليل ياكريمُ يامنيل ١٩٣/٧
ياعظيمُ ياكريم برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٨٧/٨
لأنّى لم أدر ما عظيمُ البلاءِ ٢٥٧/٢٤
وقالوا قولاً عظيماً ما اتّخذ الله ١٤٣/١٣
إنّك ذو منّ قديم وصفح عظيمٍ ١١٦/١٠١
إنّك ذو فضل عظيمٍ ٧٧/١٤
وعظيمِ قدره عندي ٢٥٧/١٩
لقديم الرّجاء فيك وعظيم الطّمع منك ٢٥٧/٧
ولاآيس منه لذنب عظيمٍ ركبته ٢٥٧/٧
لكبير خطيئتي وعظيم جرمي ٢٤٩/١٧
ياكريم ياعظيمُ يافرد ياوتر ١٢٢/٤
ياعظيماً يرجى لكلّ عظيمٍ إغفرلي ذنبي ١٤٩/٤٨
وأنت العظيم أعظم من كلّ عظيمٍ ٥٢/٥
واستغاث بك من عظيمٍ ما وقع به في علمك ٨٠/٦
إلهى أجرني من ... عظيمِ سخطك ١٨٤/٨
أمات قلبي عظيمُ جنايتي ١٨٢/١
وأنت العظيم أعظم من كلّ عظيمٍ ٥٢/٥
الْعَظيم: وهو ربّ العرش العظيم (قرآن) ٢٢/١٢-١٥٥/٩
ولايؤده حفظهما وهو العليّ العظيمُ (قرآن) ١٨/٣
لإله إلاّ أنت تنزيهاً لوجهك العظيم ١٣٩/١٦
لاحول ولاقوّة إلاّ بالله العليّ العظيم ١٣٩/٨ ـ ١٣٩/١٧
١٣٢/١٢ ـ ٢٢/٤٥ ـ ١٢٣/٣ ـ ٢٢/٣٧ ـ ١٢٧/١٢ ـ ١٤٦/١٦
وقد توثّقنا منك بالصّفح القديم والفضل العظيمِ ١١٦/٣٥
أين فضلك العظيمُ ١١٦/٢٧
ربّ العرش العظيمِ ربّ محمّدٍ وآله الطّاهرين ١٥٧/١
لإله إلاّ الله العليّ العظيم ١٤٩/٧٢ ـ ١٧٨/١
ولايغفر العظيمَ أحد سواك ٢١٢/٥
وربّ العرش العظيم ١٤٩/٧٢ ـ ٢٦٧/٣ ـ ١٧٨/١
بالأضعاف الكثيرة والأجر العظيمِ ١١٧/٨
ولاقوّة إلاّ بالله العليّ العظيمِ ١٣٢/١٥
لأنّك الرّبّ العظيمُ ١٠١/١١
وأن ترزقني في هذا اليوم العظيم ١٤١/٧
الغافر للذنب العظيمِ ١١٧/٤٠
فيما تقضى وتقدّر من الأمر العظيمِ ١١٧/٤١
الحليم العظيمُ العليم الكريم ١١٧/٤٠
وبحقّك العظيمِ ١١٧/٢٠
إنّك ذوالفضل العظيم الجواد الكريم ٩/٥
وياكاشف الكرب العظيم ١١٧/٢٦
إنّك ذوالفضل العظيم ٦٣/١٦ ـ ٧٩/٦
الّذى لايتعاظمه غفران الذّنب العظيم ٨٠/٧
وأنت العظيمُ أعظم من كلّ عظيم ٥٢/٥
وبإسمك العظيم الّذى أمرت ١٦٦/١٢
لإله إلاّ هو ربّ العرش العظيمِ (قرآن) ١٥٩/١٧ ـ ٢٧٠/٣
أسألك بإسمك العظيمِ ١٦٤/٢٢
نجّيناهما وقومهما من الكرب العظيمِ (قرآن) ١٥٩/١٩
إلاّ هو ربّ العرش العظيم ٢٢/١٧
بالله العليّ العظيم شأنه ٢٢/٣٠
العظيمُ المتعظّم الكبير المتكبّر ١٤٧/٣
الحمدلله العظيم شأنه ١٢٣/٤
يمترى العظيمَ من برّك ونداك ١٨٧/٨
فإنّه لايغفر الذّنب العظيمُ إلاّ العظيم ١٤٩/٤٨
وهو العليّ العظيم (قرآن) ١٥٩/٦
بعفوك العظيمِ إغفرلى ذنوبى العظيمة ٢٠١/١٥
سبحان الله العظيمِ ٨٣/١٢
لايغفر الذّنوب العظيمة إلاّ الرّبّ العظيمُ ٢٠١/١٥
إلاّ بمنزلة الذّرّة في ملكك العظيمِ ٢٥٧/١٢
سبحان الله العليّ العظيم ٤/٢٤
وإن لم أستوجبه منك ياذاالعرش العظيم ٢٤/٧
سبعاً من المثانى والقرآن العظيم (قرآن) ١٤٤/٧
أكنيته الفرقان العظيمَ ١٤٤/٧
في انسلاخ هذا الشّهر العظيم ١٤٣/٢٥
ربّ النّبأ العظيم في إنسلاخ هذا الشّهر العظيم ١٤٣/٢٥
آمين ربّ العالمين إنّك ذوالفضل العظيم ٤٤/١٤
وصاحب الجرم العظيم ١٤٨/٧
عالم بأنّ العفو عن الذّنب العظيم لايتعاظمك ٣٤/١٠
وفّقنا في هذا اليوم العظيمِ ١٤٣/٣٢
الفرد العظيمَ المبارك الكريم المثابة ١٤٣/٣٤
ياألله ياذاالعظمة ... والفضل العظيمِ ١٢٢/٣
يامفرّج الكرب العظيم فرّج كربي ١٣٨/١٥
بلاحول ولاقوّة إلاّ بالله العليّ العظيم ٢٢/٣٥
أنت ربّ العرش العظيم ٢٢/٣١
وسلطانك العظيم فإنّك حىّ قيّوم لايموت ١٣٤/٨
إغفرلي ذنبى العظيمَ ١٤٩/٤٨
العليم الكريم العظيمِ ١٤٣/١
بِعَظيم: ألّلهمّ خُصّنا بعظيم الأجر ٢٣٤/٢
ساد بعظيم حلمه الحلماء ١٩٩/٥
معترفاً بعظيمٍ من الذّنوب تحمّلتُهُ ١٤٧/٧٥
وإسمح لي بعظيمِ إحسانك ١٩٩/٨٢
ياربّاه أناديك بعظيم الرّجاء ١٩٨/٨٣

وليلى مقروناً بعظيمِ صباحِ ٢٠٢/٩
لِعَظِيمِ: لعظيم ما كنت فيه من الغفلة ٢٥٧/٢٨ ـ ٣٥/٥
إنّك ... الوهّاب لعظيم النّعم ٩٧/٦
ولك الحمد تستحقّه لعظيم حقّك ١١٨/٨
لِلْعَظِيمِ: إنّك أنت ... الغافر للعظيم ٢١/١٨
بِالْعَظِيمِ: ياعظيم الّذى يمُنُّ بالعظيم ١٢٣/١٢
عِظاماً: في بطون الهلكات عظاماً ورفاتاً ٢١٩/٢٤
ثمّ مضغة ثمّ عظاماً (قرآن) ٨٨/١٤
الْعِظامِ: من صلب متضائق العظامِ ٨٨/١٤
ذو إعتصامٍ بأسمائك العظامِ ١١٤/٢٠
والرّكن والمقام والمشاعر العظام ١١٤/٢٢
أنت ... ذوالأسماء العظام ٢٧٠/١
ثمّ كسوت العظامَ لحماً (قرآن) ٨٨/١٤
ومفزعهم عند الأهوال والشّدائد العظام ٨٣/٦
بل سترت عليّ القبآئح العظامَ والفضآئح الكبار ١٤٩/٣٣
ولاتؤاخذنى بما كسبت من الذّنوب العظامِ ١٩٩/٨١
لك المنن العظامُ والمواهب الجسام ٢٤٧/٢
الحمدلله ... ذى الفواضل العظام ٨٣/٢
ومن نار تذر العظامَ رميماً ٨٨/١٩
عِظامي: ألّلهمّ اجعل ... نوراً في عظامي ١٣٤/٣
الْعُظَمَآءُ: الّذى ... تواضع لعزّته العظماء ١٩٩/٥
وساد العظمآء بجوده ١٤٩/١٣
وأذلّ العظماء بعزّه ١٤٩/١٤
من كرم العظماء الرّفق بالأسراء ٢٠٣/٥
فيامن ذلّ لعظمته العظماءُ ٢٤٣/٥
عَظِيمَةٌ: إلهى ذنوبي عظيمةٌ ٢٠١/١٤
الْعَظِيمَةَ: فإنّه لايغفر الذّنوب العظيمة ٢٠١/١٥
بعفوك العظيم إغفرلي ذنوبي العظيمة ٢٠١/١٥
لاتدع لي في هذه اللّيلة العظيمة ١٤٣/٤٦
أسألك بأسمائك الكبيرة العظيمة ١٢٢/٢
عَظائِمَ: معترفاً بخطايا جنيتها وعظائم اجترمتها ١٦/٢
الْعَظائِمَ: تتمنّى عليك العظائم ٢٠٠/٦
وتفكّنى من أسر العظائمِ ١٤٧/٩٤
بِعَظِيماتِ: ولاتقايسنى بعظيماتِ الجرائر ١٤٧/١١١
الْمُعَظَّمُ: أنت ... المعظّم في كلّ جنان ١٩٤/٤
أَعْظَمُ: كيف وما بعد الموت أعظمُ وأدهن ٩٠/٢
وعمّن هو أعظمُ جرماً منّى ٢٥٧/٢٠
ولكنّ عفوك أعظمُ من ذنوبي ٢٠١/١٤
ومن أعظمِ النّعم علينا جريان ذكرك ١٩٤/١
ولكنّ سلطانك ألّلهمّ أعظمُ ١٦٢/٨
أعظمُ منّةً لدىّ من أن أقاصّهما بعدل ٦٣/١٠
وأعظمُ حلماً من أن تقايسني بعملي ١١٦/٦٠
سيّدى عفوك أعظمُ من كلّ جرم ١٩٩/١٢٤
ولك منّى أعظمُ الثّناء ١١٨/٧
أنت إلهى ... أعظمُ حلماً ١١٦/٤٣
وأعظمَ ما أكون منك حذراً ٢٠٤/٤
أللّه ... أعظمُ ممّا أخاف وأحذر ... ٢٢/٢
ولالمن هو أعظمُ جرماً منّى ٢٠١/٤٨
وأنت العظيم أعظم من كلّ عظيم ٥٢/٥
الْأَعْظَمِ: وبالإسم الأعظمِ الأعظمِ الأعظمِ ٢٦٧/٤
وأسألك بإسمك الأعظمِ الّذى حقّ عليك ١٣٦/٣
أَعْظَمِهِمْ: وأعظمهم منك منزلةً وعندك مكاناً ١٤٩/٤٣
أَعْظَمَهَا: أسألك ... من الصّالحات أعظمها ١٩٩/٢٤
بِأَعْظَمِ: أسألك بأعظمِ المسائل كلّها ١٤١/٥
الْعُظْمىٰ: نعوذبك من الحسرة العظمىٰ ٢٦/٨
ألّلهمّ أعنّا على ... المحجّة العظمىٰ ١١٩/٢٩
أنا صاحب الدّواهى العظمىٰ ١١٦/٦٤
ياربّاه قد إستوجبت العقوبة العظمىٰ ١٩٨/٨١
ياربّاه أنا صاحب الخطيئة والجناية العظمىٰ ١٩٨/٦٩
الْعَظَمَةِ: ياأله ياذاالعظمةِ والجلال والإكرام ١٢٢/٣
والعظمةِ والجبروت والكبرياء والملكوت ١٢٨/١
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق العظمة ٢٦٧/١
ياأله ياذاالعظمةِ والجبروت ١٣٤/١
الكبرياء والعظمةِ الّتى لايتعاظمها عظيم ٢٤٣/٨
سبحانك ألّلهمّ والعظمةُ رداؤك ٤/٤
عَظَمَتِهِ: يامن لاتنقضى عجآئب عظمتِهِ ١٥/١ ـ ٨/٢٠
ألّلهمّ إنّى أسألك بحقّ العرش وعظمته ١٨٠/١
ولاتصغر عظمتُهُ ١٤٩/١٨
ولاالأوهام تبلغ كنه عظمتِهِ ٧/١ـ ٢/١
عَظَمَتِكَ: إلهى وعزّتك وجلالك وعظمتك ٢٣٠/١
أحجبنا عن الإلحاد في عظمتِك ٨/٢٠ ـ ١٥/١
وكبريائك وعظمتك وسلطانك ١٤٨/١٥
... وعظمتك بحقّ لاإله إلاّ أنت ١٥٣/٣٤
نحن ... أولى الأمور بك في عظمتك ٣٢/٤
حارت الأفكار في معرفة عظمتِك ١١٨/١
ولطفت في عظمتك ١٤٩/٦
واجعل سلامة قلوبنا في ذكر عظمتك ٨/٢٦
والمتواضعون دون عظمتك وجلال كبريائك ١٢/٨
واجعل سلامة قلوبنا في ذكر عظمتك ١٥/١٦
لِعَظَمَتِهِ: تواضع كلّ شيىء لعظمته ١٤٣/٤

وإنقاد كلّ عظيم لعظمته ٢٣٨/٢
فيامن ذلّ لعظمته العظماء ٢٤٣/٥
بِعَظَمَتِهِ: فأتقنهنّ وما فيهنّ بعظمته ١٤٩/٢١
لايقهر من إستتر بعظمته ١٩٩/٦
لِعَظَمَتِكَ: خرّت ساجدة لعظمتك ١٨٤/٤
وخشع لعظمتك ما دون عرشك ١٤٧/٢٥
إلهي ... أتيتك ... مستكيناً لعظمتك وجلالك ١٨٦/٨
ذكراً لعظمتك وتفكّراً في قدرتك ٥٥/٢١
ألّلهمّ ... لعظمتك أستكين ١٩٩/٨
وانقاد لعظمتك كلّ شيء ١٤٩/٦
بِعَظَمَتِكَ: وبعظمتك فانعشني ٥٩/٤
أضاء بعظمتك دواجي الغسق ٢٤٥/٣
بأنفسنا إستخففنا عند معصيتك لابعظمتك ٢٠٠/١١
وملأت بعظمتك أركان عرشك ١٤٩/٤
علىّ سربال غفرانك بعظمتك وجلالك ١٦/٤
بِالْعَظَمَةِ: تجبّر بالعظمة والكبرياء ٢/٢ ـ ٧/٢
الحمدلله الّذى تجلىّ للقلوب بالعظمة ٢/١ ـ ٧/١

ع.ف.ر

عَفَّرَ: مسألة من ... عفّر لك وجهه ١٣٢/٨
أم أنت متجاوزٌ عمّن عفّر لك وجهه ٤٩/٦
وعفّر لك وجهه ١٦٤/٢
لاتُعَفِّرَ: ولاتعفّر لأحدٍ منهم «أهل الإسلام» ٦٧/٩
تَعْفيري: لاتقلّب وجهى في النّار بعد تعفيرى ١١٢/٩
مُتَعَفِّراً: سجد وجهى متعفّراً في التّراب لخالقه ٢٥٢/١٠
٢٥١/١٧
سجد وجهى متعفّراً في التّراب ٢٢٦/١

ع.ف.ف

عُفَّ: وعفّ عنها آثارهم ٢٢٣/٥
عُفَّتْ: ففيك عفّت الفروج والنفوس ١٤٣/٣٠
عِفَّةً: وأغضّ بصرى عنهم «جيرانى» عفّةً ٦٥/٣
الْعِفَّةَ: ألّلهمّ إنّى أسألك ... العفّةَ والغنى ١٣٣/٥
الْعَفافَ: واجمع لى الغنى والعفاف والدّعة ١٤٧/١١٤
تَعَفُّفاً: وبك عمّن سواك تعفّفاً وغنىً ١٣٨/١٣
ألّلهمّ ارزقنا ... قناعةً وتعفّفاً ٢٠٠/٢٠

ع.ف.و

عَفا: وإن تك ساخطاً فأحقّ من عفا أنت ٢٥٧/٢
يامن ... إذا توعّد عفا ٢١١/٢
إذا توعّد عفا ٣٨/٣
ياربّاه ياأكرم من تجاوز وعفا ١٩٨/٨٦
وأنت أولىٰ من عفا عنّى ٢١٢/٤
وعفا عمّن ظلم وأساء ٢٤٧/٤
فيامن عفا عن الوالد معصيته ٢٠١/٤٥
عَفَوْتَ: إن منننت عليه بها وعفوتَ ٢٤٥/١
ولايستعظم عفوك إن عفوت عنه ورحمته ٨٠/٧
فإن عفوت فمن أولى منك بذلك ١٩٧/٦
فإن عفوت فخير راحم ١١٦/١٩
فإن عفوت يارتِّ فطالما عفوت عن المذنبين ١١٦/٥٨
إلهى إن عفوت فمن أولى منك بالعفو؟ ١١٦/٩٢
فإن تعف فربّما عفوت ١٣٥/٧
عَفَوْنا: ربّ..فنحن قدعفوناعمّن ظلمناكما أمرت ١٤٠/١
يَعْفُو: يامن يجزى على العفو يامن يعفو ١٤٩/٥١
ويعفو عن الكثير ١١٦/١٣٤
تَعْفُو: تعفو عنّى حين أستحقُّ عفوك ٤٩/١٨
تعفو عن السيّئات (قرآن) ٨٠/١٢
وتعفو عن الذّنب كرماً ١١٦/٢٩
وتحطّ عنّى وزرى وتعفوَ عن سيّئتي ١٢٧/٩
تَعْفُ: فإن تعف فربّما عفوت ١٣٥/٧
فإن تعف عنّى فقديماً شملتني رحمتك ٢٠٥/١٥
وإن تعف عنّى فبجودك وكرمك ياكريم ٢٣٣/٣
وإن تعف عنّى وترحمني فبجودك وكرمك ياكريم ١٦٥/٣
إن تعف لي عنها فأهل ذلك أنت ٢٢٩/٩
وإن تعف عنّى فقديماً شملني عفوك ١٦٢/٥
ألّلهمّ إن تشأ تعف عنّا فبفضلك ٣٢/١
لَمْ تَعْفُ: وأنا الهالك إن لم تعف عنّى ٢٥١/٥٦
أَنْ تَعْفُوَ: أسألك أن تعفو عنّي ١٦٣/٩
بِأَنْ تَعْفُوَ: بأن تعفو أولى منك ١٤٧/٩٨
لِتَعْفُوَ: وإنّا آمنّا بك ... لتعفو عنّا ١١٦/٧١
أَنْ نَعْفُوَ: إلهى، أمرتنا أن نعفو عمّن ظلمنا ٢٠٨/٢
ربّ إنّك أمرتنا أن نعفو ... ١٤٠/١
أمرتنا أن نعفو عمّن ظلمنا ١١٦/١٣١
أَعْفُ: واعف عن جرآئم الغافلين ١٧٣/١٠ ـ ٧/٨
واعفُ عنّا واغفرلنا وارحمنا (قرآن) ٨٣/١٣
ياعفوّ اعف عنّي ١٤٩/٥٠
ألّلهمّ عافنى واعف عنّى وسدّدني ١٣٨/٥
ألّلهمّ اعف عنّى وأنت خير العافين ٧٧/١٢
ألّلهمّ اغفرلي وارحمني واعف عنّى ١٤٣/٤٥
واعف عن توبيخى بكرم وجهك ٢٣/١١٦/٦٠ـ١٢١/٦

واعف عنّي واغفرلي ١١٧/٢٧
أعف عن سيّئاتي كما ضمنت ٨٠/١٢
إلهي ... بحلمك عنّي أعفُ عنّي ١٨٢/٨
واعف عنّا بعفوك ١٤٢/٥٣
واعف عنّي الكثير ١١٦/١٣٤
واعف له عمّا أدبر به عنّي ١٠١/٢
أعف عن الولد العصاة لك من ذرّيّته ٢٠١/٤٥
إعْفِهِ: أيّما غاز ... اعفه من الجبن ٦٧/١٧
فَاعْفُ: وقد ظلمنا أنفسنا فاعف عنّا ٢٠٨/٢
أنت الّذي سمّيت نفسك بالعفوّ فاعف عنّي ٤٩/٩
فاعف عنّا فإنّك أولى بذلك منّا ١٤٠/١ ـ ١١٦/١٣١
وإن أساء فاعف عنّي ٨٨/٤
تُعْفِينا: وألهمنا ثقة خالصة تعفينا بها ٧٦/٢
حَتّى يُعَفِّيَها: ويتجاوز عن السّيّئة حتّى يعفّيها ١٤٦/٣
عافَيْتَ: شاهدة بأنّك متفضّل على من عافيت ٨/٩
أللّهمّ لك الحمد أن ... عافيت وأبليت ٢٤٢/٢
أم كثير ما منه نجّيت وعافيت ١١٦/٢٩
وشاهد بأنّك متفضّل على من عافيت ٩٨/٥
أللّهمّ اهدني فيمن هديت، وعافني فيمن عافيت ٨٣/٩
عافَيْتَني: وعافيتني من اقتراف الآثام بتوبة ٣٦/١٠
عُوفِيَ: لاتجعلني ممّن إذا ... عوفى عاد ١٣٣/٣
تُعافِيهِ: أنا أفقرهم إليك ... لبدن تعافيه ٢٥٧/٩
تُعافِيَهُمْ: تعافيهم ممّا تقع به الفتنة ١٤/١٠
تُعافيني: ولم أزل أتعرّض للبلاء وتعافيني ١٤٩/٣٢
وتعافيني من سخطك ٢٥١/٤
لَمْ تُعافِني: ولو أردت فضيحتي لم تعافني ١٩٧/١٥
أَنْ تُعافِيَني: أن تعافيني من أهوال ١٧٦/١
عافِ: وعاف فيها جسدي ١٧١/٨
عافِهِمْ: إلهي ... وعافهم في أنفسهم ٦٤/١
عافِني: أللّهمّ عافني واعف عنّي ١٣٨/٥
وعافني ممّا أستوجبه منك ٣٤/١٢
وعافني من النّار ٢٠٦/١٥
أللّهمّ ... عافني فيما أمضيت ٢٢/٣٤
وعافني ممّا ابتليت به طبقات عبيدك وإمائك ١٤٧/٩٢
أللّهمّ ... عافني أبداً ما أبقيتني ١٤٨/٣٥
أللّهمّ عافني بأحسن عافيتك ١٢١/١٢
وانصرني وارزقني وعافني من الآفات ٥٢/١
وعافني من سخطك ٢٥٢/٣٦
وعافني عافية كافية شافية عالية نامية ٦١/٢
أللّهمّ اهدني فيمن هديت، وعافني فيمن عافيت ٨٣/٩

عَفْوَ: عفو من أرجو إذا لم أرجُ عفوك ١٤٨/١٦
ولن يضيق عليك عفوٌ عن عبدك ٨٨/٤
وبالسّيّئات عفواً وغفراناً ١١٦/٤٧
ولكلّ متوسّلٍ إليك عفواً ١٢٩/٥٧
الْعَفْوَ: والرّاحة عند الموت والعفوَ عنّي حين ألقاك ٨٢/٧
مبتهل إليك في العفوِ عن المعاصي ١٢٩/٣٩
عظيم العفوِ عنّا ٨٣/٣
أللّهمّ إنّك أنزلت في كتابك العفوِ ١١٦/١٣١
فالعفو العفوَ العفوَ ١١٦/٤٣
وسبيلك العفوُ ٩٨/٤
وفي وعدك العفوُ عن زللنا ٢٠٠/٧
أللّهمّ ... واجعل ما سمحت به من العفوِ عنهم ١٠١/٣
أللّهمّ إنّي أسألك العفو والعافية ١٣٥/١٨
وجلّلنا بنعمتك ملابس العفوِ والغفران ١٩٩/١٣٤
إلهي ... فليحسن العفوُ من عندك ١٨٢/١٠
وكاشف السّوء الغفّار ذوالعفوِ الرّفيع ١١٤/٥
ياكريم العفوِ ياحسن التّجاوز ١٢٣/١٤
بك أستجير ياذاالعفوِ والرّضوان ٢٣٦/٢
عظم الذّنب من عبدك فليحسن العفوُ ٢٣١/١
والعفوِ والمغفرة الدّائمة والعافية ١١٧/١٣
عالم بأنّ العفوَ عن الذّنب العظيم لايتعاظمك ٣٤/١٠
نسألك العفو والعافية والمعافاة ١٤٣/٣٢
أللّهمّ إنّي أسألك العفوَ والعافية ١٤٣/٤٤
والعفو عن كلّ سيّئة يأتي بها منّي ١٢٥/١
إلهي، لولا أنّ العفو من صفاتك ٢٠١/١٩
إلهي الذّنوب صفاتنا والعفوُ صفاتك ٢٠١/٧
وأسألك اليوم العفوَ ١٢٩/٥٢
يامن يثيب على العفوِ العفوِ العفوِ ١٢٩/٥١
يامن يجزى على العفوِ يامن يعفو ١٢٩/٥١
بالصّفح الكريم والعفوِ القديم ٢٥٧/٥
إلهي، لولا أنّ العفوَ أحبّ الأشياء لديك ٢٠١/٢١
وسبيلك العفوُ ٨/٨
فأنت نعم الربّ، العفوَ العفوَ مائة مرّة ١١٢/١١
العفوَ العفوَ ثلاثماة مرّة ٨٥/١
عَفْوِهِ: حمداً يكون وصلة إلى طاعته وعفوه ١/٢٩
وكرم عفوُهُ ١٢٩/٢٦
وأشار لي في الآخرة إلى عفوِهِ وكرمه ١١٦/١٦
يامن ... أوجب عفوَهُ للأوّابين ١٩٩/٣٤
حمداً ... نسبق به من سبق إلى رضاه وعفوِهِ ١/١٣
أو من ينفعني عفوُهُ إن عاقبتني ١٦٤/١٠

أنت الّذى عفوُهُ أعلى من عقابه ٤٩/٣
وبامن عفوُهُ أكثر من نقمته ٣٤/٨
الحمدلله على عفوِهِ بعد قدرته ١٤٣/٦
يامن عفوُهُ منتهى الأمل ٢٧/٣
عَفْوِكَ: المتوسّل بعد المعصية بالطّاعة إلى عفوك ١١/٣
عرّضنى من ظلمه لي عفوَكَ ٤٤/٦
ونبتهل إليك في سؤال عفوِك ٩٧/٣
فليخفرني عفوُك ٨١/٦
كرماً من عفوِك ياكريم ١٤٢/٥
أنت الّذى فتحت لعبادك باباً إلى عفوك ١٤٢/٦
وعفوُك تفضّل وعقوبتك عدل ١٤٢/١
إلى سعة عفوِك مددت يدي ١٩١/٥
وأسألك رحمتك ورضوانك عفوَك ١٢٧/٨
وأدرجني فيمن أبحت لهم عفوَك ورضوانك ٢٣٧/٦
ولامتعمد عليه غير عفوِك ٢٣٧/١
وإجعلني ممّن شمله عفوُك ١٩٩/١٩٣
ولم يك هذا جزاؤك منّى فعفوك عفوَك ١٢٩/٣٧
وأنت الجواد الّذى لايضيق عفوُك ١١٦/٣٥
أين عفوُك الجليل ١١٦/٢٧
وعلى عفوِك بعد قدرتك ١١٦/٢٤
معرفتي بسعة رحمتك وعظيم عفوِك ١١٦/٢٥
ولايقصرنّ دونى عفوُك ٨٨/٨
قد أوجلتني خطاياى فليؤمّنى عفوُك ٨٠/٢١
وتحت ظلّ عفوِك قيامي ١١٦/٩٠
وعوّضني من عفوى عنهم «عباد» عفوَك ١٠١/٣
وأجرنى من النّار بعفوك ١١٦/١١٦
إلى التشبّث بأذيال عفوِك ١٩٥/٢
سيّدى أنتظر عفوَك كما يتنظره المذنبون ١٩٩/١٤٣
وألقتني السّيّئات بين عفوِك وغفرانك ١٩٩/١٣١
سيّدى عفوُك أعظم من كلّ جرم ١٩٩/١٢٤
إلاّ أنّ عظيم عفوِك يسع المعترفين ١٩٩/٨٥
ألّلهمّ ... ولانجاة لأحد منّا دون عفوِك ٣٢/١
ألّلهمّ ... فسهّل لنا عفوَك بمنّك ٣٢/١
وارزقني برد عفوِك ١١٤/١١
رين قلبى لايجلوه إلاّ عفوُك ١٩٢/٤
إلاّ ما أنا معتصم به من عفوِك ٨٨/٤
لاينجى من عقابك إلاّ عفوُك ٥٢/١
لأنّ عفوَك عنّى أحبُّ إليك من عقوبتي ٤٩/١٥
فلولا المواقف الّتى أوْمّل من عفوك ١٦٢/٣
وأذقنا حلاوة عفوِك ١٩٦/٣
لاتخلني في مشهد القيامة من برد عفوِك ١٨٢/٤
فتحت لعبادك باباً إلى عفوِك ١٨٢/٩
ولايستعظم عفوَك إن عفوت عنه ورحمته ٨٠/٧
عفو من أرجو إذا لم أرج عفوَك ١٤٨/١٦
ألّلهمّ عفوُك عن ذنوبي ٤٠/١
وعفوُك عنّى من التّعرّض لمقتك ٣٦/٣
تعفو عنّى حين أستحقّ عفوَك ٤٩/١٨
سيّدى ... لم يزدد عفوُك إلاّ سعةً ١٤٨/٢٥
وعفوك تمام إحسانك إن أنت أتممته ١٩٧/١٧
ورجوت من عفوِك ١٢٨/٩
لأطلبنّ منك عفوك ٢٠٣/٦
فاعطني من عفوِك بمقدار أملي ١١٦/٢١
إن كان عفوُك لايرجوه ذوسرف ٢١٥/٥
وعفوُك عن ذنبى إذ رحمت ١٩٩/١٥٩
عفوَك عفوَك عفوَك ٢٠٦/١٣
على من ألقى بيده إليك من عفوِك ١٢٧/٧٦
إلهى أنتظر عفوَك ٢٠١/٣١
لايجير من عقابك إلاّ عفوُك ٢٠٦/١٥
اجعلني طليق عفوِك وعتيق رحمتك ٤٩/٢٠
فإنّ كثرة ذنوبي لاأرجو فيها إلاّ عفوُك ١١٦/١٠٠
رقاب يعتقها عفوُك ١١٥/١٩
ما أحسن عفوَك وأكرم قدرتك ١٤٣/٤٢
وألقتني السّيّئات بين عفوِك ومغفرتك ١٩٧/٢٢
وطال رجآئي بكثرة عفوِك يامولاي ٢٠١/١٣
ولكنّ عفوَك أعظم من ذنوبي ٢٠١/١٤
إجعل مخرجى عن علّتي إلى عفوِك ٤٦/٦
وأوجدني برد عفوِك وروحك وريحانك ١٤٧/١٠٧
هب لي سيّدى عفوَك في موقفى يوم الدّين ٢٤٥
عفوَك عفوَك عفوَك فقد غرّقتني الذّنوب ٢٠٥/١٧
وعفوُك إيّاىَ لاينقصك ٢٠١/١٧
وإلى عفوِك قصدت ٥٥/٢٤
ولافي عملي ما أستحقّ به عفوَك ٥٥/٢٤
فعفوك عفوَك يامولاي قبل أن تلبس الأبدان ٩٠/٧
عفوَك عفوَك يامولاي قبل أن نغلّ الأيدى ٩٠/٧
فإنّى لرحمتك وعفوِك أرجى منّى لعملي ٢٤٩/٢٠
رحمتك وعفوُك أوسع من ذنوبي ٢٤٩/٢٠
ووثوبي على محارمك ما رأيت من عفوِك ٢٥٧/٥
وإن تعف عنّى فقديماً شملني عفوُك ١٦٢/٥
وكم قد شمل عفوُك الظّالمين ١٠١/٧
فأصبح طليق عفوك من إسار سخطك ١٠١/٨

عَفْوي: وعوّضني من عفوي عنهم عفوك ١٠١/٣
لِعَفْوٍ: أجلبه لعفوٍ وأمحاه لذنب ١٤٢/٥٤
بِعَفْوٍ: بعفوٍ أنت أقدر عليه وأوسع له منّي ٩٩/٤
فَعَفْوُكَ: فعفوك عفوك يامولاي ٩٠/٧
ولم يك هذا جزاؤك منّي فعفوك عفوك ١٤٩/٣٧
لِعَفْوِكَ: إلهي لك يرهب ... رجاء لعفوك ٧/٧
إلتماساً منّي لرحمتك ورجاءً منّي لعفوك ٢٤٩/٢٠
رهبة لك ورجاءً لعفوك ١٧٣/١٠
فأقدم عليه ... راجياً لعفوك ١٤٧/٧٤
ولإستيجاب لعفوك عنّي ١١٦/١٤
بِعَفْوِكَ: أللّهمّ وإذ سترتني بعفوك ٨٨/١٢
بعفوك العظيم إغفرلي ذنوبي العظيمة ٢٠١/١٥
أم مع إستجارتي بعفوك تسلمني ١٨٤/١
أللّهمّ اختم بعفوك أجلي ٥٥/٤٠
فأكرم بها «نفسي» أمنية بشّرت بعفوك ١٩٧/١٩
فامنن عليّ بعفوك عن ذنبي ١٩٩/١٦٠
هذا مكان المستجير بعفوك من عقوبتك ١٤٩/٥٢
ومننت فيه «يوم عرفة» بعفوك ١٤٧/٧١
وتغمّدتني بعفوك ١٩٧/٤
بعفوك إرحم من ليس له من عمله ١٩٩/٤٣
وعد عليّ بعفوك ياكريم ١٩٩/٤٢
وأعتقها بعفوك ٤٩/١٦
تصدّق عليّ بعفوك ١١٦/٢٢ ـ ١١٦/٦٠
فجد ... بعفوك على قبيح فعلي ١٩٩/٨١
إلهي... لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنّك بعفوك ١١٦/١١٧
واعف عنّا بعفوك ١٤٢/٥٣
عد على سيّئاتي بعفوك ٨٠/٢٠
إن لم تتفضّل بعفوك ربّنا ٢٠٠/٧
وجد عليّ بعفوك ٨١/٥
الدّليل على الإستجارة بعفوك من عقابك ١١/٢
بِالْعَفْوِ: يامن أمر بالعفو ١٤٩/٥١
يامن رضى بالعفو يامن يثيب على العفو ١٤٩/٥١
فإنّك مليٌ بالعفو مرجوّ للمغفرة ٣٤/١٢
تطوّل عليّ ... بالعفو والصّفح ٢٤٣/١١
ومستحقّ عقوبتك بالعفوِ والمغفرة ١٤٨/١٥
ومن أولى منك بالعفو عن المذنبين ياغفّار ١٩٩/١٢٦
إلهي إن عفوت فمن أولى منك بالعفو ١١٦/٩٤
إلهي، لولا أنّك بالعفوِ تجود لما عصيتك ٢٠١/٢٠
فَالْعَفْوَ: فالعفو العفو العفو ١١٦/٤٣
لِلْعَفْوِ: ولاصرفت وجد إنتظاري للعفو منك ١٩٩/٩٣

عَافِيَةً: عافيةَ الدّنيا والآخرة ٦١/٢
واخترلي في جميع أموري خيرةً في عافيةٍ ٩٩/٤
وعافني عافيةً كافيةً شافيةً عاليةً ناميةً ٦١/٢
عافيةً تولّد في بدني العافية ٦١/٢
عملي متقبّلاً في يسرٍ منك وعافية ١٢٧/٥
وإمضائها في يسرٍ منك وعافيةٍ ٢٢٢/٥
في عافيةٍ منك ومعافاةٍ وبركةٍ منك ١٥٣/١٤
في دينٍ أو دنيا أو عافيةٍ أو تقوىٰ ٥٩/١٣
صغيرها وكبيرها في يسرٍ منك وعافيةٍ ٢٥١/٣٨ ـ ٢٥٢/٣٠
أو عافيةٍ أو بلاءٍ أو بؤسٍ أو نعماء ٥٧/٧ ـ ١٢٦/٣
عافيةَ من أرجو إذا لم أرج عافيتك ١٤٨/١٦
في يسرٍ منك وعافيةٍ واجعل رغبتي فيما عندك ١٢١/١٧
وخذ لنفسك رضاها من نفسي في عافيةٍ ٥٩/١
من رحمة تنشرها وعافيةٍ تلبسها ١١٦/١١٢
إلاّ قضيتها لي ويسّرتها في عافيةٍ ١٤٣/٤٨
في يسر منك وعافيةٍ وسعة رزق حلال ١٤٣/٣٥
لاأحدّث نفسي بانتقال عافيةٍ وتحويل فقر ٢٥٧/٢٦
عافيةٍ ألبستها ١٥٢/١١
لاأحدّث نفسي بانتقال عافيةٍ ٣٥/٣
أن تقضي لنا حوائجنا في يسر منك وعافيةٍ ١٤٣/٢١
الْعَافِيَةَ: تلبسني العافية حتّى تهنّئني المعيشة ٤٢/٢٢
وأعوذبك ... ومن تحويل العافيةِ ١٣٨/١٠
أللّهمّ إنّي أسألك العافيةِ والشّكر على العافية ٦٢/١
عافية تولّد في بدني العافيةَ ٦١/٢
أو بتٌّ فيه من هذه العافية بين يدى بلاء لاينقطع ٥١/٢
وأقرب إلى ضدّ العافيةِ ٩٢/٢
أللّهمّ إنّي أسألك العفو والعافيةَ ١٣٥/١٨
وأحسن لي فيه «رمضان» العافيةَ ١١٧/٤
وأسألك العافيةَ من كلّ بليّة ١٢٩/٦
وأسألك تمام العافية ١٢٩/٦
وأسألك دوام العافيةِ ياوليّ العافية ١٢٩/٧
ياوليّ العافية جمّل عليّ بالسّتر ١٢٩/٧
وجمّل عليّ بالسّتر والسّلامة والعافيةِ في الدّين ١٢٩/٧
وإيّاك أرغب في لباس العافيةِ وتمامها ٢٣٦/٤
وبلّغني برحمتك كمال العافيةِ بدوام النّعمة ١٢٣/٢٢
جاء التّغيّر مكان العافيةِ بحلول البلاء ٣٥/٤
وألبسنا فيه «الهلال» جنن العافيةِ ١١٠/٩
واجمع لي... السعة والطمأنينة والعافيةَ ١٤٧/١١٤
وارزقني شكر العافيةِ ٢٥٤/٥

أيّدني بالعصمة وإستصلحني بالعافية ٤٩/٢١
والعفو والمغفرة الدّائمة والعافية والمعافات ١١٧/١٣
نسألك العفو والعافية والمعافاة ١٤٣/٣٢
أللّهمّ إنّي أسألك العفو والعافية ١٤٣/٤٤
وهب لي العافية من دينٍ تخلق به وجهي ٧٩/١
حتّى جاء التّغيير مكان العافية ٢٥٧/٢٧
أوجدني حلاوة العافية ٤٦/٥
عافِيَتِهِ: ممّن ألبسني بين الأحياء ثوب عافيته ١٩٧/١
عافِيَتِكَ: فضلك وعافيتك وكرمك ١٤٣/٥٥
كانت عافيتُك لي من فضائحها ستراً ٨٨/١٠
لاأعرف غير ما أنا فيه من عافيتك يامولاي ٣٥/٢
وألبسني عافيتَك ٦١/١ ـ ١٦٢/٥ ـ ٢٠٥/١٥
ربّ إنّك عوّدتني عافيتَكَ ٧٧/٥
وزدني من نعمتك وعافيتك ٢٥٧/٣٨
أدم علينا نعمتك وعافيتَك ١٤٣/٤٠
ألبسني مع ذلك عافيتَك ١٢٣/١٣
وسربلني بسربال عافيتك ١٤٧/٩٥
أللّهمّ عافني بأحسن عافيتِك ١٢١/١٢
أرزقنا دوام عافيتِك ٢٤١/٧
عافية من أرجو إذا لم أرج عافيتَك ١٤٨/١٦
أللّهمّ ... جلّلني عافيتَك ١٢٣/١٦
كانت عافيتُك لنا حجاباً دون أبصارهم ٩٥/٢
أسترني بستر عافيتك تفضّلاً ٨٠/١٧
وقد ألبستني في الدّنيا ثوب عافيتك ١٩٩/١٩٣
وأسألك ... وعفوَك وعافيتَك ومغفرتك ١٢٧/٨
ودوام عافيتِك ومنقلب كريم إنّك على ١٢٧/٤
من رحمتك ما عجّلت لي من عافيتِك ٥١/١
وهب لي عافيتَك ٦١/١
أصلح لي عافيتَك ولاتفرّق بيني وبين عافيتك ٦١/١
وجلّلني عافيتَك ... وأفرشني عافيتك ٦١/١
عافِيَتي: وعظّمت عافيتي ٣٥/١ ـ ٢٥٧/٢٣
وحتمت عافيتي وما فيه صلاحي ١٧٣/٦ ـ ١٧٢/٥
بِعافِيَةٍ: أهلّه علينا بعافيةٍ مجلّلة ١٤٣/٣١
بِعافِيَتِكَ: أغنني بعافيتِك وتصدّق عليّ بعافيتك ٦١/١
وحصّني بعافيتِك وأكرمني بعافيتك ٦١/١
سيّدي قويت بعافيتِك على معصيتك ١٩٩/١٥٥
بِالْعافِيَةِ: وتمتّعني بالعافية ٢٥٦/٣
فامنن عليّ قبل البلاء بالعافية ٥٥/٣٠
واغمرني بالعافيةِ ٢٥٤/٥
أيّما غاز غزاهم ... تولّه بالعافيةِ ٦٧/١٧
وجمّلني بالعافيةِ وأجرني من النّار ١٤٩/٥٩
مُعافاةٍ: ومعافاةٍ وبركةٍ منك ١٥٣/١٤
الْمُعافاةَ: نسألك العفو والعافية والمعافاة ١٤٣/٣٢ أسألك
العفو والعافية والمعافاة في ١٤٣/٤٤
وأكثرت عليّ من المعافاة ١٤٨/٣
والعفو والمغفرة الدّائمة والعافية والمعافاةِ ١١٧/١٣
واجمع لي ... المعافاةَ والصحّة والسعة ١٤٧/١١٤
مُعافاتِكَ: ردّني رداء معافاتك ١٤٧/٩٥
أفضل سلامك ومعافاتِك على محمّد ١٤٣/٢٣
أللّهمّ لك الحمد على ... معافاتِك بعد خبرك ٩٥/١
الْعافِينَ: أللّهمّ... اعف عنّي وأنت خير العافين ٧٧/١٢
الْمُعافينَ: المعافين من البلاء برحمتك ٦٤/١٣
عَفُوٌّ: إنّك قريبٌ مجيبٌ سميعٌ عليمٌ عفوّ غفور ٦٤/١٦
ياعفوُّ اعفُ عنّي ١٤٩/٥٠
فيامن لم يزل عفوّاً غفّاراً ١٩٩/٤٧
بِالْعَفْوِ: أنت الّذي سمّيت نفسك بالعفوّ ٤٩/٩
مُعافىٰ: أو معافى أتممت عليه نعمتك ١٤٣/٢٠
أو معافىً أتممت نعمتك عليه ٢٢٠/٧

ع.ق.ب

عاقَبَ: وإن عاقب فيما قدّمت أيديهم ١٢٣/٣
عاقَبَهُ: ولاينتصر من عاقبهُ ١٤٩/١٧
عاقَبْتَ: البريّة معترفة بأنّك غير ظالم لمن عاقبت ٨/٩
بأنّك غير ظالم لمن عاقبت ٩٨/٥
عاقَبْتَهُ: لاينكر ياإلهي عدلك إن عاقبته ٨٠/٧
عاقَبْتَني: أو عاقبتني عليه، سترته عليّ أو هتكته ٣٦/٩
أو من ينفعني عفوه إن عاقبتني ١٦٤/١٠
تُعاقِبُ: تعاقب أبداناً عملت بطاعتك ١٨٤/٥
تُعاقِبُني: إن تعاقبني عليها فأهل ذلك أنا ٢٤٩/٩
بِأَنْ تُعاقِبَ: أولى منك بأن تعاقب ١٤٧/٩٨
تَعاقَبَتِ: وصلّ ... ما تعاقبت الأيّام ١٩٩/١٩
أَتَعَقَّبُ: ما أتعقّب منه طغياناً ٧٩/٤
عاقِبَةً: واختم لنا بالّتي هي أحمد عاقبةً ٩٢/٤
الْعاقِبَةِ: هي أبعد من حسن العاقبة ٩٢/٢
عاقِبَتُهُ: وغير قليل ما عاقبته البقاء وصلّ ... ٥١/٣
فغير كثير ما عاقبتُهُ الفناء ٥١/٣
الْعَواقِبِ: أسألك ... من العواقب أحمدها ١٩٩/٢٣
بِعَواقِبِ: علماً منّي بعواقب الخيرة في ذلك ٢٤٩/٣
لعلمك بعواقبِ الأمور ٤٠/٢
عُقُوبَةً: من الخير والشرّ مثوبة وعقوبة ٢٢٣/٣

الْعُقُوبَةَ: أنا الّذى أحللت العقوبة بنفسي ١٤٧/٨
ياربّاه قد إستوجبت العقوبة العظمى ١٩٨/٨١
ونؤخّر العقوبة بحلمك ١١٦/٢٤
ولو خفت تعجيل العقوبةِ لاجتنبته ١١٦/٢٣
عُقُوبَتَهُ: عمّن يملك عقوبتَهُ ومغفرته ١٤٨/٢٤
يامن آمن عقوبته عند كلّ عثرة ٢٥١/٤٣
عُقُوبَتِكَ: المستجير بك من أليم عقوبتك ١٦/٧
وعقوبتُك عدل وقضاؤك خيرة ١٤٢/١
لجسيم خلقك من عقوبتِك ٩٨/٩
ومستعيذ بك من مسّ عقوبتِك ٢٢٢/٢
لانجزني جزائي من عقوبتِك ٨٠/٢٠
ولالعقوبتك متعرّض ١١٦/٦٧
وإذا تلونا ذكر عقوبتِك جددنا في طاعتك ١٩٩/١١٧
وإذا ذكرت عقوبتَك بكت لها جفون وسآئلي ١٩٩/١٠٣
ومستحقّ عقوبتِك بالعفو والمغفرة ١٤٨/١٥
كلّ ما أعددت لجميع خلقك من عقوبتِك ٨/١٦
إلهي آمنّا من عقوبتِك ٢٤١/٧
هذا مكان المستجير بعفوك من عقوبتِك ١٢٩/٥٢
فأنا المستوجب ياإلهي... تحليل عقوبتِك ١٢٨/٦
إن كان جرمي قد أخافني من عقوبتِك ١٨٦/١
في كثير ما استوجبه من عقوبتِك ٢٣٠/٣
تفعله بمن لايجحد استحقاق عقوبتِك ١٠١/٩
عُقُوبَتي: لأنّ عفوك عنّي أحبُّ إليك من عقوبتي ٤٩/١٤
بِعُقُوبَتِهِ: لم يكن ... بعقوبته عليّ عجولاً ١٩٩/٦٧
وركبنا متون زجره فلم يبتدرنا بعقوبته ١/٢٣
بِعَقُوبَتِكَ: إلهي لاتؤدّبني بعقوبتك ١١٦/١
لِعُقُوبَتِكَ: ولالعقوبتك متعرّض ٩١/٢
عُقُوباتِ: ومن عقوباتِ المعاصي جنّبتني ١١٦/٦٦
عُقُوباتِكَ: بحلولها عقوباتك ١٥٢/٢
لِعُقُوباتِكَ: بحلولها لعقوباتك ١٥٣/٢
عِقابِ: ألّلهمّ ارزقنا خوف عقاب الوعيد ١٤٢/٦١
أنت الّذى لايفرط فى عقابِ من عصاهُ ٤٩/٤
وفي الآخرة حساب وعقابٌ ٢٠٠/٤٤
ألّلهمّ ارزقنا خوف عقاب الوعيد ١٤٢/٦١
الْعِقابِ: نعوذبك من ... حلول العقابِ ٢٦/٨
أنذر «محمّد» بما هو صدق من العقابِ ٢٤٦/٤
وأمناً من العقابِ ١٤٣/٣٩
فقد رضينا الثّواب وأمّنا العقابَ ١٤٣/٥٤
وكانّ العقابَ ليس إليك ١٢٨/٣١
فإنّك ... شديد العقابِ للمجرمين ١٩٩/٨٢
والمنتقم ممّن عصاه بأليم العقابِ ٢٣٩/٣
وأبطأت به عليه من سطوات النّقمة والعقابِ ٩٨/١٠
عِقابِه: أنت الّذى عفوه أعلى من عقابِهِ ٢٩/٣
فإنّك خلقتنا وأمرتنا ... ورهبتنا عقابَهُ ٦٤/٦
من موفود ثوابه أو محذور عقابِهِ ١/٨
عِقابُها: وساء ثوابها «مصيبة» وظلّ عقابها ٢٠٠/٧
عِقابِكَ: ولابجبير من عقابك إلاّ رحمتك ٢٠٥/١٤
ولولا ما أتيته من الذّنوب ما خفت عقابَك ٢٥٦/٤
أعددت لخصمي من جزائك وعقابِك ٤٤/١٣
ولاتتعاطى إلاّ الّذى يقي من عقابِك ١١٥/٩
لايستطاع من غضبك وسوء عقابِك ٢٢/١٩
لايجبر من عقابِك إلاّ عفوك ٢٠٦/١٥
إلهي لولا ما قرفت من الذّنوب ما خفت عقابَك ١٩٧/١٨
وما أطول تردّده في عقابِك ١٤٦/١٠
لانبقى لنا سيّئة نستوجب بها عقابَك ٣٠/٦
ولاأخّرت عقابك عنّي بما قدّمت يداي ٣٦/٤
ويحلّ بي شديد عقابِك ٤٠/٤
ونفسي تخافك لشدّة عقابِك ٢٥١/٤
وألهمني خوف عقابك ٢٥١/٤٢
ولاينجى من عقابِك إلاّ عفوك ٥٢/١
وجعلت لنا عدوّاً يكيدنا... يؤمننا عقابَك ٦٤/٧
ولو لم تبيّن لي أليم عقابِك ما رهبت ١٩٩/٩٤
ونفسي خآئفة لشدّة عقابِك ٢٥٢/٣٦
تخليصي ممّا يكسب عقابَك ١٩٩/٩٥
فأنت أهل أن ... تنقذني من عقابِك ٢٤١/٨
زهدي فيما يوجب لي أليم عقابِك ٢٤٢/٥
لسنا نتّكل في النّجاة من عقابِك على أعمالنا ١١٦/٢٨
فهب لي... ما آمنُ به من عقابِك ١٥٢/١٦
سيّدى إن دعانى إلى النّار مخشىّ عقابِك ١٩٩/٨٦
وأعددت لخصمي من جزائك وعقابِك ٤٤/١٣
الدّليل على الإستجارة بعفوك من عقابِك ١١/٢
ما إقترفت من الذّنوب ما خفت عقابَك ١٩٩/١٣٠
لِعِقابِكَ: إلهي إن عرّضني ذنبي لعقابِك ١٩٧/٢٦
إن كان ذنبي قد عرّضني لعقابِك ١٨٦/٢
غاقِبَةَ: الّذى أرجو منك في عاقبةِ أمري ٢٤٩/١٣
فاقض لي بخيرها عاقبةً ١٧١/٩
واجعل عاقبةَ أمرهم «الظّلمة» خسراً ١١٩/١٠
واجعل عاقبةَ أمرى إلى غفرانِك ١١٧/٣٦
وأعودها عليّ عاقبةً في رمسي ما يرشدها ١٩٧/٣٨
عُاقِبَتي: أبهم عليّ من تدبير عاقبتي ١٩٩/١٠٦

مُعَقِّبَ: لامعقّب لحكمه ١٤٩/١١
يامن لارادّ لأمره ولامعقّب لحكمه ١١٤/١٥
مُعاقِباً: معاقباً أو معاتباً لي فأجمعوا أن يشفعوا ١١٨/٥
عَقَبَاتِ: كيف تقلّبت في الحال في عقبات عدلك ١١٨/٦
أَعْقابَهُمْ: وامحق أعقابهم وافكك أصلابهم ٢٢٣/٦
رجعوا على أعقابِهم ناكصين ٢١٩/٤٣
الْمُعاقَبِ: سؤال ... المسؤول المحاسب المعاقب ٢٤٥/١
الْمُسْتَعْقَبِ: وهبني حسن المستعقب من نفسي ٢١٩/١
عُقْبىٰ: بما صبرتم فنعم عقبى الدّار (قرآن) ١٢/١٣
عُقْباهُ: إجعل عقباه «ظالمي» النّار ١٥٥/٣
وأنت بالمرصاد لكلّ ظالم في وخيم عقباه ٢٢٣/٣

ع.ق.د

عَقَدَ: أللّهمّ احلل ما عقد وافتق ما رتق ٥٠/١١
عَقَدْتَ: وعقدت عزائمهم بحبل محبّتك ١٩٩/١٨٦
عُقِدَ: أنا المقرّ على نفسي بما ... عقد عليه قلبي ١٤٨/٥
أُعْقِدُ: واعقد عزآئمي على توبة بك ١٩٩/٤٨
إعْتَقَدْتُهُ: وإجعل ما إعتقدتُهُ من ذكرك ١٩٩/١٨٩
أُعْتَقِدُها: شهادة أعتقدها بإخلاص وإيقان ١٩٩/١٣
إنْعَقَدَ: ضمير إنعقد على مودّتك ١٨٤/٧
إنْعَقَدَتْ: وانعقدت به عقودُ النشيّة ٢٢٣/١
تَنْعَقِدُ: وما تنعقدُ ضمآئر محبّيك ١٩٧/٤١
عَقْدُ: ولك من قلوبنا عقد النّدم ١٤٢/٤٩
عَقْدِكَ: أن تجعلني في ... عدّتك وعقدِك ٢٢/١٩
عُقُودُ: وانعقدت به عقودُ النشيّة ٢٢٣/١
عَقَدُ: يامن تحلّ به عقدُ المكاره ٢٤/١
إعْتِقاداً: أشدّهم في الدّنيا اعتقاداً لمحبّته «محمّد» ١٠/٣٠
بما على إعتقادِ حسن الرّجاء لك ١٤/٩
بِإعْتِقادِ: وبدين لك بإعتقاد التّسليم ١٠٩/٥
مُعْتَقِدي: رحمنك عن معتقدي محبّتك ١٩٩/١٦٣
عَقائِدِهِمْ: ظلمة الرّيب عن عقآئدهم ١٩٣/٣
مَعْقُوداً: وإجعل سرّي معقوداً على مراقبتك ١٩٩/٣٢
مَعْقُودَةً: واجعل قلوبنا معقودةً بسلاسل النّور ٢٠٠/٣٧
بِمَعاقِدِ: فإنّي أسألك بمعاقد العزّ من عرشك ٢٤٣/٨ وبمعاقد
العزّ من عرشك الثّابت الأركان ١١٤/١٥

ع.ق.ر

عُقْرِ: فغزاهم «أوليائك» في عقر ديارهم ٩/٣
عاقِراً: ليت أمّي كانت عاقراً بي ١٩٧/٤٤
عَقارِبِها: وأعوذبك من عقاربها الفاغرة أفواهها ٨٨/٢١

ع.ق.ق

عُقُوقِ: ومن عقوق ذوى الأرحام المبرّة ٥٥/١٠
الْعُقُوقِ: لاتجعلني في أهل العقوق ٦٣/١٢
عاقّينَ: مطيعين غير عاصين ولاعاقّين ٦٤/٤

ع.ق.ل

عَقَلْتَ: أتدرى بماذا لو عقلت تخاطر ٢١٤/٧
يَعْقِلُونَ: لهم قلوبٌ يعقلون بها (قرآن) ١٥٩/١٤
لَمْ أَعْقِلْ: أنا الّذى لم أعقل عند الذّنوب نهيك ١٤٨/١٠
عَقْلاً: ولانسلب عقلاً هو مستضيءٌ بنور هدايتك ٣١/١
عَقْلِهِ: ... وضلّة من عقلِهِ ٧٤/١
قد استذهلت عقلَهُ بسكونها ٢١٩/٣٠
عَقْلي: فارحمني إذا طاش عقلي ٢٠٣/١٣
ودللت عقلي على توبيخ نفسي ١٤٨/٢٠
وتحمدك نفسي ولساني وعقلي ١٦٣/٦
الْعُقُولُ: وإنحسرت العقولُ عن كنه معرفته ٢٣٨/٢
على معرفتك جمعت العقولُ المتباينة ١٩٤/٣
وأشرب قلبي عند ذهول العقولِ طاعتك ١٤٧/١١٣
إقرارى بربوبيّتك الّتى ... تاهت فيها العقولُ ٢٤٩/١٥
عجزت العقولُ عن إدراك كنه جمالك ١٩٣/١
غضاضة فطن العقولِ ٢١٩/٢٩
ذمّ الغفول أهل العقولِ ٢١٩/٢٦
وما حجّ به عقولنا من برهان رسالاته ١٠/٢٧
الْعاقِلُ: بل كيف ينام العاقلُ وملك الموت لاينام ٨٢/٦
مَعْقِلِ: لايفزع من لجأ إلى معقل إنتصارك ١٥٢/١٠
مَعْقِلِهِ: ويأوي من المتشابهات إلى حرز معقله ١٠٩/٨
مَعاقِلِ: لن يفزع من لجأ إلى معاقِلِ إنتصارك ١٥٣/٨
وتأمّل معاقِلَ الملوك ٢١٩/٢٢

ع.ق.م

لَعَقَمْتَني: ولو شئت لعقمتني فلم تفعل ١٤٩/٣٧
عَقِّمْ: أللّهمّ عقّم أرحام نسآئهم «عدوّ أهل الثّغور» ٦٧/٨

ع.ک.ف

عَكَفَتْ: وعليك ياواحدى عكفت همّتي ١١٦/٨٤

ع.ل.ج

لَمْ تُعالِجْ: كانت عاقراً بي ولم تعالج حملي ١٩٧/٤٤
عِلاجِ: لست أدرى بأىّ علاجٍ أداوى ذنبي ٢٠١/٢٨

من غير أن تمارس فيما إبتدأت لغوياً وعلاجاً ٢٤٥/٤
بِمُعالَجَةِ: كيف لي بمعالجة الأغلال ١٩٨/١
عَوٰالِجِها: كبل ما تحويه لواعج الأمطار وعوالجها ١٢/١١

ع.ل.ق

أَعْلَقْتُ: وبذيل كرمك أعلقت كفيّ ١٩١/٥
إلهي بذيل كرمك أعلقت يدى ١٨٥/٥
عَلَّقَتْنا: علّقتنا بأيدى المنايا في حبآئل غدرها ١٩٦/١
عَلَّقْها: علّقها من أركان عرشك بأطناب الذّكر ٢٠٠/٣٧
تَعَلَّقَ: من تعلّق بعروة عصمته ١٠٩/٤
تَعَلَّقُوا: وتعلّقوا بحجاب القدرة ٢٠٠/٤٢
والّذين هجرتهم العشائر إذ تعلّقوا بعروته ١٤/٣
الْأَعْلاقَ: وجمع الأعلاقَ الذّخائر ٢١٤/١٧
عَلَقَةً: نطفة ثمّ علقه ثمّ مضغة (قرآن) ٨٨/١٤
تَعَلُّقي: وبرحمتك تعلّقي ١١٦/٨٢ ـ ١١٦/٨٩
الْمُتَعَلِّقينَ: للمريدين المتعلّقين ببابك أحباباً ٢٠٠/٣٨
وللمستجيبين له «محمّد» المتعلّقين بعروته بشيراً ١٠/٨
عَلائِقِ: وأخلص سريرتي عن علآئق الأهوآء ١٩٩/٣١
واغسل به درن قلوبنا وعلآئقَ أوزارنا ١٠٩/١٣

ع.ل.ل

أَتَعَلَّلَ: وحتّى متى أتعلّل بالأماني ٢١٩/٧
عِلَّة: ألحمد على ما أحدثت بي من علّةٍ ٤٦/١
الْعِلَّةِ: أم وقت العلّة الّتى محّصتني بها ٤٦/٣
عِلّتي: عندك دوآءُ علّتي ١٨٩/٨
إجعل مخرجى عن علّتي إلى عفوك ٤٦/٦
عِلَلَ: يامن يعلم علل الحركات ١٩٩/١٩٤
الْعِلَلِ: أعذنا من الفشل ... والعلل ٢٠٠/١٦
وجنّبنى فيه «رمضان» العلل والأسقام ١١٧/٦
إليك أشكو نفساً ... كثيرة العلل ١٨٣/٢
عِلَلي: أوجه وسائل عللى ١٩٩/١٢٠
فقد جعلت الإعتراف إليك بذنبي وسائل عللى ١١٦/٩٣
فقد جعلت الإعتراف بالذّنب وسآئل عللي ١٩٧/٦
التَّعَلُّلِ: ربّنا فداونا قبل التّعلّل ٢٠٠/١٥
الْعَليلِ: ويئسوا من برء العليل ٢١٤/٤٥
ياراحم رنّة العليلِ ٢٠٣/١
وقد آيسوا من العليل ٢١٤/١٢١

ع.ل.م

عَلِمَها: علمها «الأمور» بحفظه ١٤٩/١٠
عَلِمْتَ: قد علمتَ يااِلهى ما نالنى من فلان بن فلان ٤٤/٢
وقد تقدّم منّى ما قد علمتَ ١٦٢/٣
علمت ما يحدث من طلبتي ٢٥١/٦٢
إذ علمت ذلك منّى أنّه كذلك ١٢٨/١٠
علمت فخبرت ١٩٩/١٠
سيّدى قد علمت حاجة جسمى ١٩٩/١٠٧
وأسرفت على نفسي بما قد علمتَ ١٩٩/١٣٦
فاغفرلي ما علمت واصرفنى بقدرتك ٨٠/١٣
فاغفرلي ما علمت وما عملت ٨١/١
أحينى ما علمت الحياة خيراً لي ١٣٩/١٣
عَلِمْتَهُ: إلهى... ما علمته من قبيح فعلى فاغفره ١٨٦/٦
وكان «محمّد» حجّتك على من علمته ١٠/٤
أللّهمّ إنّى قد هممت بأمر قد علمتَهُ ٩٤/١
فَعَلِمْتَهُ: من غير عمل عملته فعلمته منّى ١٤٤/٢
عَلِمْتُ: قد علمتُ يااِلهى أن أفضل زاد الرّاحل ٢٢٠/٦
وقد علمتُ أنّ علم ذلك كلّه عندك ٧٧/١٣
ليتني علمتُ أمن أهل السّعادة جعلتني ١٨٤/٣
وقد علمتُ تباركت وتعاليت ٧٠/٤
أتوسّل بأسمائك كلّها ما علمتُ منها ١٢٢/٧
وقد علمتُ أنّك قادر أن تقول للأرض ١٩٩/١٥٩
علمت أنّ كثير ما أسألك يسير في وجدك ٣٩/٨
وقد علمتُ يااِلهى أن ليس في حكمك ظلم ٥٢/٢
إلهى قد علمتُ ما أستوجب بعملي منك ١٩٧/٣٩
ما عملتُ منها وما لم أعلم ١٤١/٥
ما عملتُ منه وما لم أعلم ١١٦/١٠٦
فَعَلِمْتُ: فعلمت ذلك علم من لم ينتفع بعلمه ٧٧/٨
عَلِمْنا: وقد علمنا بفضلك وإحسانك ١١٩/٣١
فقد علمنا ما نستوجب بأعمالنا ١١٦/٣٨
يَعْلَمُ: يامن يعلم ضمير الصّامتين ٢٣٣/٤ ـ ١٧٦/١
يامن يعلم خائنة الأعين وما تخفى الصّدور ٢٣٣/٤ ـ ١٦٥/٥
يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم (قرآن) ١٥٩/٦ ـ ١٩/٣
ويعلم ما في ضمير الصّامتين ١٦٥/٤
من تهده يعلم ٨/٢٢ ـ ١٥/٩
ويعلم ضمير الصّامتين ١١١/١
يامن يعلم ما هو كائن قبل أن يكون ٦٠/٢
يعلم السّرّ والعلانية ١٤٩/٢٢
يعلم هماهم الأنفس وما تخفى الصّدور ١٤٩/٢٤
يامن يعلم علل الحركات ١٩٩/١٩٤
أللّهمّ إنّى أسألك يامن ... يعلم الخفايا ٢٣٩/١
لايَعْلَمُهُ: أصلحنى بعلمك الّذى لايعلمه أحد ٢٥/٤

لايَعْلَمُهَا: بيني وبينك لايعلمها أحد غيرك ٢٢٢/٥
لايَعْلَمُونَ: وعلّمهم ما لايعلمون «أهل الثّغور» ٦٧/٣
لكثرّ أكثرهم لايعلمون (قرآن) ١٥٩/٢١
واستدرجهم «الظّلمة» من حيث لايعلمون ١١٩/١٠
تَعْلَمُ: وقد تعلمُ أي ربّ ما الرّغبة إليك ٢٢٣/٢
وتعلم حاجتي فاكفني ما أهمّني ٢٣٣/٦
أللّهمّ إنّك تعلم سريرتي فصلّ ٢٥١/٤٩
إنّك ... تعلم حاجتي فصلّ ٢٥١/٤٩
تعلم ما في نفسي فصلّ ٢٥١/٢٩
وتعلم سرّي وعلانيتي وحالي ١٦٥/٦
واغفرلي ما تعلم من ذنوبي ١٦٣/١٤
ترانى وتعلم ما في نفسي وتسمع كلامي ٢٤٩/١٢
تعلم ما في نفسي ولاأعلم ما في نفسك (قرآن) ٢٤٣/١٠
أللّهمّ إن كنت تعلم أنّ فلاناً بنَ فلانٍ ١٦٠/٧
وباسمك الّذى تعلم به كيل البحار ٢٣٥/٢
وتعلم حاجتي فصلّ على محمّد وآله ٢٥٢/٣٢
أللّهمّ إنّك تعلم سريرتي ٢٥٢/٣٢
أللّهمّ قد تعلم ما يصلحني من أمر ٥٩/١١
أللّهمّ إنّك تعلم سرّي فاقبل معذرتي ١٣٤/٦
وتعلم حاجتي فأعطني مسألتي ١٣٤/٦
سبحانك تعلم وزن الريح كم هى من مثقال ذرّة ٤/٢٠
وتعلم سريرتي وتطّلع على ما في قلبي ٨٢/٤
سبحانك تعلم وزن السّماوات ٤/١٥
سبحانك تعلم وزن الأرضين ٤/١٦
سبحانك تعلم وزن الشمس والقمر ٤/١٧
سبحانك تعلم وزن الظّلمة والنّور ٤/١٨
سبحانك تعلم وزن الفئ والهواء ٤/١٩
وتعلم ما في نفسي فأقلني عثرتي ١٣٤/٦
وإن كنت تعلم أنّه شرّ لي في ديني ودنياى ٩٤/١
وإن كنت تعلم أنّه خير لي في ديني ودنياى ٩٤/١
فَلاتَعْلَمُ: فلاتعلم نفس ما أخفى لهم (قرآن) ٢٥٧/١٣
لِتَعْلَمَ: لاتحزن ولتعلم أنّ وعد الله حق (قرآن) ١٥٩/٢١
أَعْلَمُ: وأعلم أنّك للرّاجين بموضع إجابة ١١٦/١٢
وأسألك الأخذ بأحسن ما أعلم ١٢٥/٣
والترك لشرّ ما أعلم ١٢٥/٣
غير أنّى أعلم أنّه لايزيد في ملكك طاعة ١١٢/٥
لكنّى أعلم أنّى لاأفوتك ١١٢/٤
أعلم أنّ الحجّة لك وأنّك أولى بالفضل ١٤٧/٩٨
العصمة من أن أعصى وأنا أعلم ١٢٥/٣
ومن شرّ ما أعلم ١٦٤/٢٣
آه واحزناه عصيت ربّى وأنا أعلم أنّه مطّلع برى ١٩٨/٣٢
أعلم أنّك لمن دعاك بموضع إجابة ٢٢٠/٢ ـ ٢٢١/٣
وأعلم أنّك لاتكل اللاّجين إليك ١٩٩/١٨٠
وأنا والله أعلم أنّ سرور نبيّك ١١٦/١١٩
لأَعْلَمُ: وإنّى لأعلم أنّ لك دار جزآء ٢٢٣/٣
وإنّى لأعلم أنّ واحداً من ذنوبي ٤٠/٤
لاأَعْلَمُ: أخطئ من حيث لاأعلم ١٢٥/٣
وحطنى من حيث لاأعلم حياطةً تقيني بها ١٤٧/١١٦
تعلم ما في نفسي ولاأعلم ما في نفسك (قرآن) ٢٢٣/١٠
ومن شرّ ما لاأعلمُ ١٦٤/٢٣
لَمْ أَعْلَمْ: أتوسّل بأسمائك كلّها... وما لم أعلم ١٢٢/٧
ما علمت منها وما لم أعلم ١٤١/٥
ما علمت منه وما لم أعلم ١١٦/١٠٦
حَتّى أَعْلَمَ: حتّى أعلم أنّه لن يصيبني إلاّ ١١٦/١٣٥
لَمْ نَعْلَمْ: ومن أوهمنا ذكره ولم نعلم مكانه منك ١٢/١٣
حَتّى نَعْلَمَ: حتّى نعلم المجاهدين (قرآن) ١٢٤/٢٦
أَعْلَمَكَ: باإلهى ما أحلمك ... وأعلمك ٢٠٠/١
عَلَّمَهُمْ: علّمهم علم ما كان ومابقى ١٣/١
عَلَّمْتَ: فلك الحمد على ما هديت وعلّمت ١٢٠/٢
عَلَّمْتَهُ: وغيّره ما يصيّره كفئاً لما علّمته من العلم ٦٨/١
أسألك بكلّ اسم ... علّمته أحداً من خلقك ١٢٢/٥
أسألك بكلّ اسم ... علّمته أحداً ٢٢/٣٩
وأنا الجاهل الّذى علّمتهُ ١١٦/٦١
وعلّمته أحداً من خلقك ١٤١/٦
وأنت علّمته حمدك ١٤٢/٣
عَلَّمْتَنِي: إلهى دعوتك بالدّعآء الّذى علّمتني ١٩٧/٤٠
ألزم قلبي حفظ كتابك كما علّمتنى ١٥٣/١٢
عَلَّمْتَنِيهِ: ودعوتك بالدّعاء الّذى علّمتنيه ١٩٩/١٤١
ووفّقني... حتّى لايفوتني إستعمال شيء علّمتنيه ٦٣/٣
لايُعَلَّمُ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... عالمٌ لايعلّم ١٣٠/٤
عَلَّمُهُ: أيّما غاز... علّمه السّير والسّنن ٦٧/١٨
عَلَّمْهُمْ: وعلّمهم «أهل الثّغور» ما لايعلمون ٦٧/٣
عَلَّمْنِي: وعلّمنى حسن التّقدير ٧٩/٣
عِلْم: وأضلّه الله على علم (قرآن) ٢٢/١٣
وارث علم الماضين من الوصيين ٤٢/١٤
علماً منه أنّه قدّر وسع العباد فلا يجاوزون ذلك ٦/٤
كما جعل علمَ العالمين أنّهم لايدركونه إيماناً ٦/٤
أللّهمّ... وألهمني علمَ ما يجب لهما علىّ الهاماً ٦٣/٢
واجمع لي علمَ ذلك «ما يجب للأبوين علىّ» ٦٣/٢
علىّ بن الحسين ... وارث علم النّبيّين والمرسلين ٤٢/٦

وباقر علم الأوّلين والآخرين ٤٢/٧
أللّهمّ يامن علمهم «محمّد وآله» علمَ ما كان وما بقى ١٣/١
وهو في علمِ الغيب عندك فاسخ لنوبته ٨٠/١٦
إستأثرت به في علمِ الغيب عندك ١٣٦/٢-٣٩-٢٢/٥-١٢٢
أو إستأثرت به في علمِ الغيب عندك ١٤١/٦
أللّهمّ كما إخترت محمّداً على علمِ لأمرك ١٠/٣
وأحاط علماً بمن أطاعه وعصاه ١٩٩/٥٥
وأسألك قلباً خاشعاً وعلماً نافعاً ١٢٩/٥
وبأسمائك ... المخزونات في علمِ الغيب عندك ٢٦٧/٦
أنت الّذى وسعت كلّ شيءٍ رحمةً وعلماً ٤٩/٣
ولايعزب عنه علمُ شيء ١٤٧/١
وعلماً في استعمال وورعاً في اجمال ٥٥/٣٩
يامن وسع كلّ شيء رحمة وعلماً ١٤٣/٢٧
أن تجعلنى من... المحيطين معرفة وعلماً ١٩٩/١٦٥
أللّهمّ إنّه لاعلمَ لي بموضع رزقى ٧٧/١٣
فعلمت ذلك علمَ من لم ينتفع بعلمه ٧٧/٨
فعلى علمٍ منّى بأنّك ترانى ٢٥٧/٤
علماً منّى بعواقب الخيرة في ذلك ٢٤٩/٣
نقول في العلم بغير علم ٢٦/٣
أنّ علمَ ذلك «رزقى» كلّه عندك ٧٧/١٣
ناكصين عن سبيل الهدى وعلمِ النّجاة ٢١٩/٤٣
ولاأثرة علمٍ من مظانّ العلم ٢١٩/٤٥
نكلّ عن علمِ ثنائك عليه ١٤٤/١٣
وألهمته علمَ عجآئبه مكمّلاً ١٠٩/٦
علماً بأنّ أزمّة الأمور بيدك ٢٥١/٥٨
الْعِلْمِ: لأأثرة علم من مظانّ العلمِ ٢١٩/٤٥
وغيّره ما يصيّره كفتاً لما علّمته من العلم ٦٨/١
أنا الّذى ... غدوت إلى الظّلم بعد العلم ١٤٨/١٠
ومعدن العلم وأهل بيت الوحى ١١٤/١ - ١١٣/١
نقول في العلم بغير علم ٢٦/٣
وركبت الجهل بعد العلمِ ١٦٤/١٣
لاحجّة لمن أختزل عن طريق العلم بك ٢٤٩/٨
وبحقّ العلمِ ودرايته ١٨٠/٥
فتح لنا من أبواب العلم بربوبيّته ١/١٢
واجعلنا من الّذين تمسّكوا بعروة العلمِ ٢٠٠/٢٧
أسألك ... عرفان أهل العلمِ ١٣٧/٨
أكثر من العلم بأنّه لايدركه ٦/٢
صلّ على محمّد وآل محمّد ... ومعدن العلمِ ٢٠/١
عِلْمِهِ: السّابق في علمه ما لايهجس ١١٤/٨
الحمدلله على حلمه بعد علمه ١٤٣/٦
الّذى حار في علمه العلماء ١٩٩/٥
ولايدرك علمُهُ ١٤٩/١٧
أحاط به علمُهُ ٢٢/٣٠
وتولّيت طيّ علمِهِ عن عبادك ١٠/١٩
يامن سبق علمُهُ ونفذ حكمه ١٥٥/١
وفضّلتنا على من جهل علمَهُ ١٠٩/٦
وورّثنا علمَهُ مفسّراً ١٠٩/٦
سبحان الّذى أحصى كلّ شيء علمُهُ ١٣٤/٢
ووفّقني للنفوذ فيما تبصّرني من علمِهِ ٦٣/٣
عدد ما أحاط به علمُهُ من جميع الأشياء ١/٢٧
لايحيطون بشيءمن علمِهِ إلاّ بماشاء (قرآن) ١٥٩/٦-١٨/٣
عِلْمُهَا: من الذّنوب الّتى علمها في الغيوب ٦٠/١
عِلْمِكَ: أجل الكتاب من علمك بي ١٤٤/٣
بل كلٌّ قد أحصاه علمُك ٢٣٤/٦
وأسألك من كلّ خيرٍ أحاط به علمُك ١٤٩/٥٢
واستغاث بك من عظيم ما وقع به في علمِك ٨٠/٦
وقد مضى علمُك فيّ يامولاي ٢٥٧/٣٧
سبحانك خضع لك من جرى في علمِك ١٤٧/٢٥
وجعلتهم خزنة علمِك وحفظة دينك ١٤٧/٥٧
وعلمُك جمّ ٢٥٧/٨
ولم ينتهني حلمك عنّى وعلمُك بي ٣٦/٣
والّذى لم يستطع إلاّ موافقة علمِك ١٠/٢
أللّهمّ أعطني ... فقهاً في علمِك ١١٦/١٢٤
كلّهنّ «تبعات» بـ... علمِك الّذى لاينسى ٨٠/١٤
أللّهمّ وقد أشرف على خفايا الأعمال علمُك ٨٨/٥
بسلامنا إلى حيث قدّرت في سابق علمِك ١٠/١١
فلك الحمد على حلمك بعد علمِك ١١٦/٢٤
وسع علمُك تمرّد المتكبّرين ٢٠٠/١
ولكن علمُك فينا ١١٦/٣٨
علمُك بالأشياء في الخفاء كعلمك بها ٢٤٣/٤
أللّهمّ لك الحمد على سترك بعد علمِك ٩٥/١
أللّهمّ وإن كان علمُك قد سبق بشقوتي ١٠/٣٢
وعلمِك الّذي لاينسي ٨١/٢
ونفذ في كلّ شيءٍ علمُك ١٤٩/٣
عِلْمي: وتركي الإستغفار مع علمى بسعة حلمك ٨٧/١
علمى بأنّك مجبولٌ على الكرم ٢١٠/٣
تركي الإستغفار مع علمى بسعة رحمتك ٣٧/١
إنّ علمى بسعة رحمتك يؤمّنني أن أخشاك ٨٧/٢ - ٣٧/٢
مع علمى بأنّك ترانى في جميع حالاتي ١٢٨/١٠
عِلْمُنا: وعلمنا بأنّك لاتصرفُنا عنك ١١٦/٣٨

بِعِلْمِهِ: فعلمت ذلك علم من لم ينتفع بعلمه ٧٧/٨
بِعِلْمِكَ: وبعلمك ما صرت إليه ١٧٣/٥
إلهي ... بعلمك بي إرفق بي ١٨٢/٨
وخصصتهم «بالأئمّة» بعلمِك ١٤٩/٤٧
وأتوسّل إليك بالأئمّة الّذين... واخترتهم بعلمِك ١٤٩/٤٦
أللّهمّ إنّي أستخيرك بعلمِك ٩٢/١
أللّهمّ بعلمِك الغيب ١٣٩/١٣
وقدّرت الأمور بعلمِك ١٤٩/٣
وبعلمك ما صرت إليه ١٧٢/٤
أصلحني بعلمك الّذى لايعلمه أحد ٢٥/٤
لِعِلْمِكَ: لعلمك بعواقب الأمور ٤٠/٢
واجعلني ممّن ... جعلتهم معادن لعلمك ٢٦٨/٤
كَعِلْمِكَ: علمك بالأشياء في الخفاء كعلمك بها ٢٤٣/٤
لِعِلْمي: راجٍ لرحمتك لعلمي بك ١٤٨/٢٨
بِالْعِلْمِ: وأعوذبك من أن أشترى الجهل بالعلم ١٦٤/٢٤
عُلُومِ: وكّل به دور الفلك من علوم الغيوب ٢١٩/١٩
إستعجمت عن إدراكه عبارة علوم العلماء ٢٤٣/٥
الْعُلُومِ: تغالوا في العلوم ٢١٩/٤٢
إستظهر بك في معرفة العلوم الرّبانيّة ٥٠/١٠
تَعْليماً: تعليماً أنّ ما أمرت به من ذلك مبرّأ ٢٤٩/٢
عالم كلّ شيء بغير تعليم ١١٤/٨
عالِم: عالِم كلّ شيء بغير تعليم ١١٤/٨
إستجب لي ياإلهي فإنّك بي عالمٌ ٢٢٥/١
إنّك عالمٌ جواد ٢٣٩/١٢
عالماً أنّه لايضطهد من آوىٰ ١٥٢/١٠
وكم عالمٍ أفنت فلم تبك شجوه ٢١٩/٢١
عالمِ الغيب والشّهادة فتعالى عمّا يشركون(قرآن) ١٤٣/١٣
عالم بأنّ العفو عن الذّنب العظيم لايتعاظمك ٣٤/١٠
عالمٌ أنّ في قبضتك أزمّة التّدبير ١٩٩/٣٨
ياعالمَ ما تحت خفيّ الأنين ٢٠٣/١
ياعالمَ السّرّ والنّجوى ١٩٧/٣٤
وياعالمَ كلّ خفيّة ويادافع كلّ بليّة ١٢٣/١٤
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... عالمٌ لايعلّم ١٣٠/٤
ياعالمٌ ياخبير ياربّ الأرباب ١٣٩/١
ياعالمَ الخفيّات ١٣٧/٧
وياعالمَ ما في الصّدور ١٤١/٨
عالماً أنّه لايضطهد من آوىٰ إلى ظلّ كنفك ١٥٣/٨
يامنزل البركات وعالمَ الخفيات ٢٣٧/١٠
وياعالم كلّ خفيّة ١٧٥/١
عالم الغيب والشّهادة (قرآن) ١٩/٢
الْعالِمُ: وأنت العالمُ بسرّي وإعلاني ١٩٩/٣١
الحمدلله ... العالم بما تجنّه البحور ١٩٩/٥
أنت الفرد الأوّل الآخر العالمُ الأحد ٢٤٣/٤
عالِمُونَ: بل هم «عبادك» بمنهجك عالمون ١٩٩/١٦٨
الْعالِمينَ: كما جعل علم العالمين أنّهم ٦/٤
أللّهمّ إنّي أسألك خوف العالمين ١٣٩/٥
كما جعل علم العالمين أنّهم لايدركونه ٦/٤
عَليمُ: ياعليمُ يامنتهىٰ رغبة الرّغبين ١٣٠/١
بتقديريك ياعليمُ يامقدّر القمر منازل ١٣٠/١
فأنت بحالي زعيم عليمٌ ربي رحيم ١١٤/٦
ياعليماً بما في السّرّ ١٨٢/١٢
قال ... إنّي حفيظ عليمٌ (قرآن) ٢٢/٢٢
حكيم عليمٌ نافذ الأمر قاهر ٢١٤/٩٧
فبك إلهنا نستجير، ياعليمُ ياخبير ٢١٤/٧٣
وأنت ... بكلّ شيءٍ عليم ٢٥٧/٩
فاستجب لي ... ياعليمُ ياقديم ١٢٤/٢
إنّك قريبٌ مجيبٌ سميعٌ عليمٌ ٦٤/١٦
ياعليمُ ياخبير يالله يالطيف ١٤١/١
عليمُ حكيم نافذ الأمر قاهر ٢١٨/١ ـ ٢١٤/٢٢
وهو بكلّ شيءٍ عليمٌ ١٤٩/٢٣
إنّ الله كان بكلّ شيءٍ عليماً (قرآن) ١١٦/١٥
لاانفصام لها والله سميع عليم (قرآن) ١٨/٥
الْعَليمِ: العليمِ الّذى لاينسى من ذكره ٢٤٦/١
العليم الكريم العظيم ١٤٣/١
هو السّميع العليمُ ٤٨/٢ ـ ٢٢/٣٣
الرّحمن الرّحيم العليمُ الحكيم ١٤٧/٥
لامبدّل لكلماته وهو السّميع العليمُ (قرآن) ١٩٩/٥٩
العظيم العليمُ الكريم ١١٧/٤٠
هو ... العليمُ القاهر ٢/٦
إنّك أنت السّميع العليمُ ١١٦/١٢٨
فسيكفيكهم الله وهو السّميع العليم (قرآن) ٢٢/٦
تقبّل منّا إنّك أنت السّميع العليمُ ١٤٣/١٨
الْعُلَمآءُ: الّذى حار في علمه العلمآءُ ١٩٩/٥
أو لعلّك فقدتني من مجالس العلماءِ فخذلتني ١١٦/٥٦
وطهّرنا من ... عصيان العلماءِ ٢٠٠/١٧
إستعجمت عن إدراكه عبارة علوم العلماءِ ٢٤٣/٥
عَلاّمَ: ياعلاّمَ الخفيّات والأسرار ٢٤٣/١١
إنّك أنت علاّمُ الغيوب (قرآن) ٢٤٣/١٠
وأنت علاّمُ الغيوب ٢٤١/٦
بل لأنّك ياربّ ... علاّمُ الغيوب ١١٦/٢٣

لإله إلاّ أنت علاّمُ الغيوب ١٣٧/١
ياعلاّمَ الغيوب أستهديك فاهدني ٢٣٧/٨
مَعْلُومٌ: إرحمني إذا إنقطع معلومُ عمري ١٩٩/٧٤
لكلّ روح منهم قوتاً معلوماً مقسوماً من رزقه ١/٦
مَعْلُوماتٍ: في أيّام معلوماتٍ (قرآن) ١٤٤/٢٣
مَعَالِمِ: أماته الظّالمون من معالم دينك ١٤٧/٦٥
وينير معالمَ مقاصده ٢٢٣/٧
الْمَعَالِمُ: ثمّ درست تلك المعالم فتنكّرت الآثار ٢١٩/٣٣
أَعْلَمُ: لما أنت أعلمُ به منّا ٦٩/١
وما أنت أعلمُ به منّى ١٣٨/٣ ـ ١٦٢/٣ ـ ١٥٣/١٧
وأبثّك من سرّه ما أنت أعلمُ به منه خضوعاً ٨٠/٥
وسألتني عمّا أنت أعلم به منّى ٩٠/٥
أللّهمّ إنّك أعلم بما عملت ٨٠/١٣
وأنت أعلم بما أعلنّا وما أخفينا ٨٧/٦
أللّهمّ إنّك أعلمُ بما عملت ٨١/١
أَعْلَمَهُمْ: أخشى خلقك لك أعلمهم ١٦٦/٣
عَالَمِ: على طرق النّجاة من كلّ عالمٍ ٢١٩/٣٣
وذهبَ كلّ عالمٍ بما فيه ٢١٩/١٤
الْعَالَمِ: أنت أعزّ وأجلّ من العالمِ ٢٤١/٢
الْعَالَمِينَ: والحمدلله ربّ العالمين ١٤٧/١ ـ ١٢٣/١ ـ ١٤٣/١ ـ ١٤٩/٧٢ ـ ١٧٨/١ ـ ١٩٨/٩٢ ـ ٢٥٧/٤٠
آمين ربّ العالمين ١٠٨/٤ ـ ٣٤/١٣ ـ ٣٦/١٠ ـ ١١٧/٤٢ ـ ٦٥/٥ ـ ١٢١/٢٣ ـ ١٥٣/٣٣ ـ ٢٠٠/٢٤
يوم يقوم النّاس لربّ العالمين (قرآن) ٢٠٧/٧
ياذاالجلال والإكرام، آمين ربّ العالمين ١٧٣/٩
والكفر بالإيمان آمين ربّ العالمين ١٦٤/٢٤
وأفضل من ذلك ياربّ العالمين ١٤٢/٦٣
ياربّ العالمين ٢٥١/٦٩ ـ ١١٦/١٣٠ ـ ٨٣/١٩
أعوذ بالله من ذلك ياربّ العالمين ٢٧/٩
خير حبال العالمين وثيقها ٢١٩/٤٩
فهو «الإمام» ... بهاء العالمين ١٤٧/٦٢
عن أن أسأل أحداً من العالمين ١٦١/٨
تعاليت ياربّ العالمين ١١٦/١٠٢
فلك الحمد على ذلك ياربّ العالمين ١٠١/١٢
الحمدلله ربّ العالمين على كلّ حال ١٤٣/١٠
آمين ربّ العالمين إنّك ذوالفضل العظيم ٤٤/١٤
مراتب المؤمنين آمين ربّ العالمين ٥٠/١٥
وذنوبي مغفورةً ياربّ العالمين ١٢٩/٣
فلا تفضحني ... على رؤوس العالمين ٢٠١/٤١ ـ ١٩٧/١٢
وفي جوارك مسكني ياربّ العالمين ١٦٧/٦
إبتغاء وجهك ياربّ العالمين ١٤٧/١١٧
وصن وجهي عن الطّلب إلى أحد من العالمين ١٤٧/١١٥
تباركت وتعاليت ياربّ العالمين ١٢٨/٢
وانصره ... ياإله العالمين ١١٩/٢١
صلّ على ... أفضل العالمين ١٤١/٢٧
صلّ على ... رسول ربّ العالمين ١٤١/٢٧
أللّهمّ ربّ العالمين ١٩٩/٢١
وجعفربن محمّد ... حجّتك على العالمين ٤٢/٨
أنت الله ربّ العالمين ١٨١/٣
أسألك..أن تجعل..إساءتي مغفورةً ياربّ العالمين ١٣٧/٣
والأجر العظيم ياربّ العالمين ١١٧/٨
الّذى لم يرضه بين العالمين سعى نقيّته ١٩٩/١١١
لاتجعل وجوهنا مبذولة لأحد من العالمين ٢٠٠/٢٠
ولاتردّني في سوءٍ ... ياربّ العالمين ١١٦/١٢٢
بأفضل بركاتك ياربّ العالمين ٢٥٢/٢٧
ياأرحم الرّاحمين ياربّ العالمين ١٤١/٣
والسّرور عاجلاً غيرآجل ياربّ العالمين ٢٥٢/٣٥
أبداً ما أبقيتني ياربّ العالمين ١١٦/٥٢
بحول منك وقوّة ياربّ العالمين ٢٠/٤ ـ ١١٣/٤
أللّهمّ أنت الله ربّ العالمين ١٤٩/١
عملي بما يرضيك عنّى ياربّ العالمين ١٢٧/٦
لانزل سترك عنّى على رؤوس العالمين ١٩٩/١٧٥
وأربحنا أفضل أرباح العالمين ١٤٢/٢٦
تبارك الله ربّ العالمين ١١٦/٣٤
يا ... ربّ العالمين وغياث المستغيثين ٢٤٣/٧
تباركت ياربّ العالمين ١١٦/٨٧
ياوليّ النّعمة على العالمين ١٣٠/١
حتّى لاأرجو أحداً غيرك ياربّ العالمين ١٢١/١٨
عَلَماً: في كلّ أوان بإمام أقمته علماً لعبادك ١٤٧/٦١
أللّهمّ وكما نصبت محمّداً علماً ١٠٩/٩
وعلمَ نجاة لايضلّ من أمّ قصد سنّته ١٠٩/٤
ولاعلماً لآمٍ ولامناصاً لقاصد ٢٢٣/٥
أَعْلَامِ: ودللته «محمّد» عليه من أعلامِ قدرتك ١٠/١٨
قد درست أعلامُ الملّة ٢١٩/٤٦
وأعلامَ القاصدين إليك واضحة ٢٥٥/٤
مبلّغاً عنك ... أعلامَ شواهد بيّناتك ١٠/٣
بِأَعْلَامٍ: الدّلالة عليك بأعلام الهداية ٢٤٩/١
عَلَامَةً: وجعلك ... علامةً من علامات سلطانه ١١٠/٢
عرّفني فيه علامةً أتبيّنها ٤٩/٢٠
عَلَامَاتِ: وجعلك ... علامةً من علامات سلطانه ١١٠/٢

عَلاماتِهِ: وإن كان لم يسبقنا بآياته وعلاماته ١٠/٢٧

ع.ل.ن

عَلَنَ: واغفرلنا ما خفي من ذنوبنا وما علن ١٤٢/٥٤
أَعْلَنْتُ: أخفيت أو أعلنت أو أسررت ٦٤/١١
وما أعلنتُ وما أسررت ١٣٨/٤
أَعْلَنَّا: وأنت أعلم بما أعلنّا وما أخفينا ٨٧/٦
لاتُعْلِنْ: ولاتعلن على عيون الملأ خبرى ١٠٨/٢
الْعَلَنِ: سالماً من تمويه الأسرار والعلن ١٩٩/١٩٠
عَلانِيَةٌ: يامن السّرّ عنده علانيةٌ ١٩٩/١٢٥
ولاتذر معها علانيةً ولاسريرة ١٤٧/١٠٨
الْعَلانِيَةَ: يعلم السّرّ والعلانيةَ ١٤٩/٢٢
عَلانِيَتي: في رامقة العيون علانيتي ١٤٨/٣٠
وما أقبح سريرتي وعلانيتي ١٦٤/١٤
وتعلم سرّى وعلانيتي وحالي ١٦٥/٦
وما يكون منّى في سريرتي وعلانيتى ٢٤٩/١٤
أعوذبك أن تحسن في لوامع العيون علانيتى ٢٧/١
أن تحسن في لامعة العيون علانيتى ٢٧/٧
أعوذبك أن تحسن في مرأى العيون علانيتى ٢٧/٥
الْإِعْلانِ: كعلمك بها في الإجهار والإعلان ٢٤٣/٤
فألهمنا ذكرك في ... الإعلان والإسرار ١٩٤/٢
إِعْلانِها: والقادر على إعلانها «السيّئة» ٩٥/٢
إِعْلانِي: وإجعل ... إعلانى موافقاً لطاعتك ١٩٩/٣٢
وأنت العالم بسرّى وإعلاني ١٩٩/٣١

ع.ل.و

عَلا: علا عن المشاكلة والمناسبة ١٩٩/١٤
وعلا أهل السّلطان بسلطانه وربوبيّته ١٤٩/١٣
وعلا السّادة بمجده ١٤٩/١٣
... وما علا في الهواء وما كنّ تحت الثّرى ... ٢١/٦
حتّى علا الحقّ وظهر ١٩٩/١٨
لَعَلا: ولعلا بعضهم على بعض (قرآن) ١٤٣/١٣
عَلَتْ: وعلت لسبق السّعادة في الزّهادة هممهم ١٩٣/٣
وعلت كلمة «محمّد» ١٠/٢١
وهجم ... حتّى ... علت كلمتك ٩/٣
أَعْلاكَ: يالهى ما أحلمك ... وأعلاك ٢٠٠/١
أَعْلَيْتَ: أعليت كعبى عليه ١٥٣/٦ ـ ١٥٢/٦
أَعْلِ: أللّهمّ تقبّل منّى وأعلِ ذكرى ١١٦/١٣٠
تَعالَى: سبحانه وتعالى عمّا يشركون (قرآن) ١١٢/٨
٢/٧ ـ ٢٢/٣٠
أعوذ بالله تعالى من جور الجائرين ٢٥٣/١
تعالى ذكرك عن المذكورين ١٠١/١٢
والله تعالى يقول ولاتكونوا كالّذين ٢١٩/٤٦
فَتَعالى: فتعالى عمّا يشركون (قرآن) ١٤٣/١٣
فتعالى الله الملك الجبّار ٢١٤/٩٦
فتعالى الملك الجبّار ٢١٤/٢١
تَعالَيْتَ: قلت تباركت وتعاليت في عامّة إبتدائه ١٤٤/١٥
فلمّا رأيت ياإلهى تباركت وتعاليت ١٥٢/٨
سبحانك تعاليت عمّا يقول الظّالمون علوّاً كبيراً ٢٣٤/٧
تعاليت في إرتفاع شأنك ٢٤٧/٥
وقلت من بعد ذلك تباركت وتعاليت ٢٥٧/١٣
إذ قلت تباركت وتعاليت إنّ الانسان ٢٥٧/٣٠
وقد علمت تباركت وتعاليت ٧٠/٤
تعاليت ياربّ العالمين ١١٦/١٠٢
تباركت وتعاليت ياربّ العالمين ١٢٨/٢
فتباركت وتعاليت لإله إلاّ أنت ١٦٦/٧
سبحانك أللّهمّ وتعاليت ٤/٢
وقد تعاليت عن ذلك ياسيّدى علوّاً كبيراً ٥٢/٢
فقلت تبارك اسمك وتعاليت ١٤٢/١٠
تباركت وتعاليت ٨٣/٩
تعاليت عمّا يقول الظّالمون ١٩٩/١١ ـ ٢٠٠/٤٣
فَتَعالَيْتَ: فتعاليت عن الأشباه والأضداد ٧٤/٥
فتعاليت ياإلهى عمّا به المشبّهون نعتوك ٣/٣
فتعاليت وتجبّرت عن إتّخاذ وزير ٢٤٣/٣
إِسْتَعْلى: واستعلى ملكك علوّاً ٨٨/٢
عُلُوٌّ: ولك الحمد والمجد وعلوّ الحمد ٢٣٤/٧
وقد تعاليت عن ذلك ياسيّدى علوّاً كبيراً ٥٢/٢
واستعلى ملكك علوّاً ٨٨/٢
تعاليت عمّا يقول الظّالمون علوّاً كبيراً ٢٠٠/٤٣ـ٧ـ٢٣٤/٧ـ
١٩٩/١١
فاجعله ... علوّاً في درجاتهما ٦٣/٨
لاتدع للجور ... علوّاً إلاّ أسفلته ٧٠/٩
الْعُلُوِّ: ودرجة العلوّ والرّفعة ٧٤/٤
فلك العلوّ الأعلى فوق كلّ عال ١٤٦/٤
سموا إلى العلوّ بنور الإخلاص ٢٠٠/٢٥
عُلُوِّهِ: وأنت الله ... الدّاني في علوّه ١٢٧/٩
عُلُوِّها: وجعلته «محمّد» مخلّداً في أعلى علوّها ١٠/٢٠
عُلُوِّكَ: وتقدّست في علوّك ١٤٩/٢
إِعْلاءِ: أبلغ به «محمّد» من ... إعلاء رتبته ١٠/١٥
إِسْتِعْلاءِ: بعد إستعلاء الثّناء عليك ٢٤٩/٨

الْعَلَوِيَّة: والعلويّة البيضآء ١٥/١٥٢
بِالْعَلَوِيَّةِ: وأتوجّه إليك بالعلويّة البيضاء ١١/١٥٣
عٰالِيَ: بلطفك وكرمك ياعالى الملكوت ١٢/٢٣٩
ياشديد البطش ياعالى العرش ١٧/١١٤
عٰالٍ: فلك العلوّ الأعلى فوق كلّ عالٍ ٣/١٤٦
الْعالي: الّتى يرجع إليها العالى ٢٩/١١٩
الدّانى في علوّه والعالى في دنوّه ٩/١٤٧
العالي في وقار العزّ والمنعة ٥١/١٩٩
عٰالِيَةً: وعافنى عافيةً كافيةً شافيةً عاليةً ناميةً ٢/٦١
صلاة عاليةً على الصلوات ٢٣/٦٧
مُتَعالِياً: ولامتعالياً بدالّة المطيعين ٨٠/١٤٧
ياوتر يامتعالى ٨/١٤١
مُتَعالٍ: فاستجب لي ... ياكبير يامتعالٍ ٢/١٢٤
الْمُتَعالِ: الواحد القهّار الكبير المتعالِ ١١/٨٣
العلىّ المتعال الشديد المحال ٤/١٤٧
عَلِيٍّ: وعلىّ بن محمّدٍ السّراج المنير ١٢/٤٢
محمّدبن علىّ الرّشيد القائم بامرك ١١/٤٢
الحسن بن علىّ عبدك ووليّك ١٣/٤٢
بعلىّ أميرالمؤمنين ... ١٥/٤٢
... أنّ محمّداً وعليّاً وزوجته وولديه ... ١٩/٤٢
بأميرالمؤمنين علىّ بن ابى طالبٍ ٥/٤٢
... علىّ بن الحسين ... ١٥/٤٢
... وعلىّ بن موسىٰ ... ١٥/٤٢
... الحسن بن علىّ ... ١٥/٤٢
... محمّدبن علىّ ... ١٥/٤٢
... وعلى بن محمّد ... ١٥/٤٢
وعلىّ ومحمّد وعلىّ والحسن ٨/٨٧
وعلى ومحمّد وجعفر وموسىٰ ٨/٨٧
وعلىّ والحسن ٨/٨٧
وعلى بن الحسين زين العابدين ٦/٤٢
وعلىّ بن موسى الرّضا المرتضى الزّكى المصطفىٰ ١٠/٤٢
أللّهمّ صلّ على ... الحسن بن علىّ العسكرى ٤/١٨١
أللّهمّ صلّ على ... ومحمّدبن علىّ الباقر ٤/١٨١
أللّهمّ صلّ على ... علىّ ابن موسى الرّضا ٤/١٨١
أللّهمّ صلّ على ... محمّدبن علىّ التّقى ٤/١٨١
أللّهمّ إنّى أسألك ... لساناً صادقاً عليّاً ٢٥/١٩٩
أللّهمّ صلّ على ... علىّ بن محمّد النّقى ٤/١٨١
أللّهمّ صلّ على ... علىٍّ المرتضى ٤/١٨١
أللّهمّ صلّ على ... علىّ بن الحسين زين العابدين ٤/١٨١
ياعلىٌّ ياكبير ياذاالمنّ ٣/١٢٤
وولاية أميرالمؤمنين علىّ بن ابيطالب ١٦/١١٩
من ذرّيّة الحسين : علىّ بن الحسين ١٧/١١٩
من ذرّيّة الحسين : محمّدبن على ١٧/١١٩
من ذرّيّة الحسين : ... علىّ بن موسىٰ ١٧/١١٩
وبحقّ علىّ بن ابى طالب وشجاعته ٥/١٨٠
بمحمّد وعلىّ وأوصيائهما إليك أتوسّل ٢/١١٤
وولاية ... الحسن بن علىّ ١٧/١١٩
وولاية ... علىّ بن محمّد ١٧/١١٩
وولاية ... محمّدبن علىّ ١٧/١١٩
وياحبيب محمّدٍ وعلىّ ٣٠/٤٢
بحقّ محمّد وعلىّ وفاطمة والحسن والحسين ٧/٢٥٥
الْعَلِيُّ: سبحان الله العلىّ العظيم ٢٤/٤
وهو العلىُّ العظيم (قرآن) ٣/١٨ ـ ٦/١٥٩
الحمدلله العلىّ الأعلى ١/١٤٣
لاحول ولاقوّة إلاّ بالله العلىّ العظيم ١٦/١٤٦ ـ ٨/١٣٩ ـ ١٢/١٢٧ ـ ١٢/١٣٢ ـ ١٧/١٣٩ ـ ٣٧/٢٢ ـ ٤٥/٢٢ ـ ٣/١٢٣
بالله العلىّ العظيم شأنه ٣٠/٢٢
بلاحول ولاقوّة إلاّ بالله العلىّ العظيم ٣٥/٢٢
العلىُّ المتعال الشديد المحال ٤/١٤٧
لاإله إلاّ الله العلىّ العظيم ٧٢/١٤٩ ـ ١/١٧٨
ولاقوّة إلاّ بالله العلىّ العظيم ١٥/١٣٢
بِعَلِيٍّ: وبعلىّ وصيّه ٨/٨٧
مَعالِيَ: وهب لى معالى الأخلاق ٤/٥٥
الْمَعالِي: وبنى المعالي بسؤدده وتمجّد بفخره ١٤/١٤٩
مَعالِيكَ: جميع معاليك أن تأخذ من يؤذينى ١/١٦٠
أَعْلىٰ: وجعلته «محمّد» مخلّداً في أعلى علوّها ٢٠/١٠
فسبحانك ما أعظم شأنك وأعلى مكانك ٦/٢٤٧
إرفعني في أعلى درجات هذه النّدبة ١/٢١٩
أنت الّذى عفوه أعلى من عقابه ٣/٤٩
أنّ يدك بالعطايا أعلى من كلّ يدٍ ٨/٣٩
وياأعلى رغبة الرّاغبين ٥/١٩٢
في أعلى علّيّين وأكرم منازل النّبيّين ٢٥/١٤١
وأعلى درج الأخبار في أشرف رحمتك ٢٥/١٤١
حمداً يرتفع منّا إلى أعلى علّيّين ١/١٥
وأعلى صلات المتقرّبين ٣/١٠١
حتّى تسامى بهم السّمّو إلى أعلى علّيّين ٣١/٢٠٠
... أللهاكبر وأعلى وأجلّ وأعظم ممّا أخاف وأحذر ٢/٢٢
الْأَعْلىٰ: سبحانك سبّحت في الملأ الأعلى ٧/٤ والمؤمنين
والمؤمنات في الملآء الأعلى ١٠/١٣٩
إنّك أنت الأعلى وألقِ ما في يمينك (قرآن) ١٣/١٥٩

من أتباع سنّتك ليكون دينك الأعلى ٦٧/١٦
فلك العلوّ الأعلى فوق كلّ عال ١٤٦/٤
يرى ولايرى وهو بالمنظر الأعلى ١٤٩/٢٢
من إستحقّ الرّفيع الأعلى برحمتك ١١٥/١٧
له المثل الأعلى في السّموات والأرض (قرآن) ١٩٩/١٥
الحمدلله العليّ الأعلى ١٤٣/١
وأنت بالمنظر الأعلى ٨٣/١٠
أَعْلاهُمْ: أن تجعلني من ... أعلاهم عندك منزلاً ١٨٩/٦
أَعْلاها: أسألك ... من الهمم أعلاها ١٩٩/٢٣
الْعُلْيا: والأمثال العليا والكبرياء والآلاء ١٢٩/٢-١٣٠/٢
١٣٨/٢ - ١٤١/٢
بما كدح فيك إلى الدّرجة العليا من جنّتك ٩/٤
واظهر كلمة الحقّ واجعلها العليا ٢٥٥/٨
ياالله لك ... الأمثال العليا ١٣٥/٣
أللّهمّ لك ... الأمثال العليا ١١٧/٣٠
لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا ١٣٣/٢
لك ... الأمثال العليا ١٣٩/١
ياالله لك ... الأمثال العليا ١٣٧/٢
الْعُلى: وأوهل أبصار أهل المعروف العلى ١٠/٢٤
فأطلعتهم على ستور خفيّات العلى ٢٠٠/٢٩
واجعلنا من الّذين أسرعت أرواحهم في العلى ٢٠٠/٢٣
توحّدت سيّدى بالعزّة والعلى ٢٤٥/٢
عِلّيّينَ: أن تجعل ... إحسانى في علّيّين ١١٧/٣١
وحسناتى في علّيّين وذنوبي مغفورة ١٢٩/٣
في أعلى علّيّين وأكرم منازل النّبيّين ١٤١/٢٥
حمداً يرتفع منّا إلى أعلى علّيّين ١/١٥
وإحسانى في علّيّين ١٤١/٣
أسألك ... أن تجعل ... حسناتى في علّيّين ١٣٧/٣
مثبتاً عندك في الكتب المرفوعة في علّيّين ١٩٩/١٩٢
حتّى تسامى بهم السّمّو إلى أعلى علّيّين ٢٠٠/٣١

ع.م.د

إِعْتَمَدَ: أم من ذاالّذى إعتمد عليك في أمره ١٩٩/٣٧
إِعْتَمَدُوا: إعتمدوا عليك في الوصول ١٩٩/٣٠
إِعْتَمَدْتُ: واعتمدتُ على الله ١٥٩/٢
إلهى إليك اعتمدتُ لقضاء حاجتى ٢٤٩/٢٠
إِعْتَمَدْتُكَ: إعتمدتك حرزاً واقياً من دونك ٢٤٩/٤
أَعْتَمِدُ: أعتمد عليك إعتماد من لايجد لاعتماده ٢٤١/١
بحرمة القرآن أعتمد عليك ١١٦/٧٠-١٩٧/٣٦-١٩٩/١٤٩-٢٤٤/٣
لاإله إلاّ أنت عليك أعتمد ١٩٩/٥٠
أَعْتَمِدُكَ: وأنا أعتمدُك في كلّ ما يعرض لي ١٩٩/١٧٨
لاأَعْتَمِدُ: ولاأعتمد فيه إلاّ عليك ١٧٣/٦ ـ ٤٢/٢٨ ـ ١٧٢/٥
ولاأعتمد إلاّ قوله ٢٣٦/١
حتّى لاأعتمد إلاّ عليك ٢٥١/٤٨
يُعْتَمَدُ: في الشّدائد عليك يعتمد ٢٤٧/٤
عَمْدٌ: والعفو عن كلّ سيّئةٍ يأتي بها متّى عمدٌ ١٢٥/٢
لنفسك عمداً أو عن الرّشد جائر ٢١٤/١٢
لالخطأٍ وعمدٍ كان متّى عملته أو أمرت به ٣٦/٩
كلّ ذنب سلف متّى عمداً أو خطأً ١٤١/١٥
عَمْدِها: إلاّ لما أسلفته من عمدها وخطائها ١٩٩/١١٥
الْعَمَدِ: والنّار المؤصدة ذات العمدِ الممدّة ٢٥٧/١٧
إِعْتِمادَ: أعتمد عليك إعتماد من لايجد لاعتماده ٢٤١/١
لِإِعْتِمادِهِ: إعتماد من لايجد لاعتماده ٢٤١/١
تَعَمُّدٍ: واكتسبنا فيه من خطيئة على تعمّد منّا ١٤٢/٥٢
مُعْتَمِداً: واجعلني ... على رجائك معتمداً ٢٥١/٤٨
إعتماد من لايجد لإعتماده معتمداً غيرك ٢٤١/١
الْمُعْتَمِدِ: لأنّك عماد المعتمد ٢٤٧/٢
مُتَعَمِّداً: أنا الّذى عصاك متعمّداً ١٤٧/٨٢
مُعْتَمَدَ: إيّاك أدعو... يا... معتمد المضطهدين ١٤٩/١٥
ولامعتمدٌ عليه غير عفوك ٢٣٧/١
فأنت ... رجاء من لم يرتج معتمداً ٢٣٩/١٠
مُعْتَمَدي: ورجآئي ومعتمدي ١٤٩/٥٤
سيّدى عليك معتمدي ١١٦/٨٢ ـ ١١٦/٨٩
عِمادُ: لأنّك عمادُ المعتمد ٢٤٧/٢
فيا غاية الطّالبين ... وعمادَ الملهوفين ٢٤٣/٧
عِمادي: أنت ... عمادى عند كلّ شدّة ١٩٩/١٦١
عَمُودُهُ: واستحكم عموده «زرع الباطل» ٧٠/٧

ع.م.ر

أُعْمُرْ: واعمر بي مجالس الصّالحين ١٠٨/٤
وأعمر ليلى بايقاظى فيه لعبادتك ١٤٧/١٠٤
أللّهمّ اعمر قلبي بطاعتك ١١٤/٤
وأعمر قلبي بخشية ذوى الإشفاق ١٩٩/٦٦
واعمر قلبي بطاعتك ١١٣/٦
صلّ على محمّد وآل محمّد واعمر قلبي بطاعتك ٢٠/٦
فَاعْمُرْني: فاعمرنى بطاعتك ٢٧/٢
تُعْمِرُ: تخرّب ما يبقى وتعمر فانياً ٢١٤/١٤٩ ـ ٢١٤/٧٠
عَمَّرَ: ورفع البناء وزخرف وعمّر ٢١٤/١٤٨
وإن لم تجد إلاّ على من عمّر ١٩٩/١١١
عَمَّرْتَني: إن أنت عمّرتني إلى عام مثله ١٤٤/٢٩

عَمَّرْتَنا: في سائرالشّهور والأيّام كذلك ماعمّرتنا ١١٥/٢٣
لايُعَمَّرُ: ولايعمّر في الدّنيا من كره لقآءك ١٦٦/٤
نُعَمِّرُ: حمداً نعمّر به فيمن حمده من خلقه ١/١٣
عَمِّرْني: وعَمّرني ما كان عُمُري بذلة في طاعتك ٥٥/٧
إسْتَعْمَرْتَني: بطاعتك... أبداً ما استعمرتني ١١٦/١١١
الْعُمُر: وغاية العمر قد انتهت ٣٤/٦
وأعوذبك أن أردّ إلى أرذل العمر ١٣٨/٦
عُمُرَهُ: واجعلني ممّن أطلت عمره ١١٦/١٠٨
أنا الّذى أفنت الذّنوب عمره ٤٩/٥
ولو شئت لجعلت مع نفاد عمُرِهِ عمري ٢٤٨/١٠
ومن سواك مرحوم في عمرِهِ ٧٤/٥
... يتخطّى إليه «الأجل» بأيّام عمرِهِ ١/٨
... وإستوعب حساب عمرِهِ ... ١/٨
عُمُري: إعصمني فيما بقى من عمرى ٢٢٠/٨ ـ ١١٧/٢٧
١٣٢/١١ ـ ٢٢١/٥
في حاجة أفنيت عمرى في طلبها منك ١٩٧/١٦
فإذا كان عمرى مرتعاً للشيطان فاقبضني ٥٥/٧
وعمّرني ما كان عمرى بذلة في طاعتك ٥٥/٧
وأن تجعل ما ذهب من جسمى وعمري ٨٨/١٨
أفنيت عمري فيما لانحبّ ١٤٩/٣٠
ولو شئت لجعلت مع نفاد عمره عمرى ٢٤٨/١٠
أنا الّذى إذا طال عمرى زادت ذنوبي ٢٠١/١٣
فحتّى متى يكون وقد أفنيت بها عمرى ٢٠١/٢٨
وأفنيت عمرى في غير طاعتك ١٩٩/١٥٥
واجعل باقى عمري فى الحجّ والعمرة ١٤٧/١١٧
وتمّ إحسانك فيما بقى من عمرى ٢٥٣/٥
فقد أفنيت بالتّسويف والآمال عمرى ١١٦/٧٧
إفسح لي في عمري ١٤٩/٦٨
وأن تجعل فيما تقضى وتقدّر أن تطيل عمرى ١١٧/٤٢
آه واخطيئتاه كلّما زاد عمري زاد ذنبى ونما ١٩٨/٦٦
واجعل آخر عمرى أخيره ١٤١/٢٠
إرحمني إذا إنقطع معلوم عمرى ١٩٩/٧٤
وضلّ عمرى ١٩٩/٨٢
سلف من عمري بركة وإيماناً ٢٠٢/٩
في حاجة قد أفنيت عمرى في طلبها منك ١٩٩/١٢٨
واختم ...بالمغفرة عمرى ٢٣٦/٧
وتعصمني فيما بقى من عمرى ١٤١/١٢
وعمرى فانٍ والرّدىٰ لي ناظر ٢١٤/١٤٥ ـ ٢١٤/٦٧
ويلى كلّما طال عمرى كثرت خطاياى ولم أتب ٩١/٤
أكلتُ تراب الأرض طول عمرى ٤٩/١٧

فَعُمْرُكَ: فشمّر ولانفتر فعمرك زائل ٢١٤/١٠٣
أَعْمارِ: وطمعنا بآمالنا في أعمار المعمّرين ٧٦/١
أَعْمارِهِمْ: إلهى امدُد لي في أعمارهم ٦٤/١
أَعْمارُهُمْ: فكانت أعمارهم في طاعتك تفنى ٢٠٠/٣٩
أَعْمارُنا: وتصرّمت مدد أعمارنا ... ٣٣/٤
وأكلنا ترابُ الأرض طول أعمارنا ٢١٣/٢
بِأَعْمارِنا: وأبلغ بأعمارنا ما بين أيدينا ١٤٢/٥١
عِمارَتِها: وإلى الدّنيا وعمارتها ركونك ٢١٤/١
وإلى عمارتها ركونك ٢١٤/٧٥
عامِرُ: فلا ذاك موفور ولاذاك عامرُ ٢١٤/١٤٩
فعمّا قليل يترك الدّار عامرُ ٢١٤/١٠٢
فيا عامرَ الدّنيا وياساعياً لها ٢١٤/٦٤ ـ ٢١٤/١٤٢
ولاذاك موفور ولاذاك عامرُ ٢١٤/٧٠
عُمّاراً: وأسماهم أهل الجبروت عمّاراً ٢٠٠/٤٢
المَعْمُور: والطّائفين بالبيت المعمور ١٢/١٢
الْمُعَمَّرِينَ: وطمعنا بآمالنا في أعمار المعمّرين ٧٦/١
الْعُمْرَةِ: عمري في الحجّ والعمرة ١٤٧/١١٧
وارزقني الحجّ والعمرة في عامى هذا ١٣٢/١١
وارزقني الحجّ والعمرة ١١٧/٩ ـ ١١٧/٣٨
أللّهمّ وامنن علىّ بالحجّ والعمرة ٦١/٤

ع.م.ق

عَميقٍ: يأتين من كلّ فجّ عميق (قرآن) ١٢٤/٢٣

ع.م.ل

عَمِلَ: أسألك عملاً تحبُّ به من عمل به ١٧١/٤
عَمِلُوا: وأنت أيّدتهم بالتّقوى حتّى عملوا ١٩٩/١٦٤
إنّهم «الظّلمة» ... عملوا السّيّئات ١١٩/١٣
ليجزى الّذين أساءوا بما عملوا... (قرآن) ١/٨ ـ ٢١/٤
عَمِلْتُ: إلهى هل... تعاقب أبداناً عملت بطاعتك ١٨٤/٥
عَمِلَتْهُ: نفسى بما ... عملته جوارحى ١٤٨/٥
عَمِلْتَ: أشهد أنّك ... عملت بكتابه «الله» ٢٥٥/٢
عَمِلْتُ: عملتُ سوءاً ولم تضرّك ذنوبي ١٤٨/١٣
وما عملتُ من سوء فقد حذّرتنيه ١٧٠/٣
ربّ إنّى عملتُ سوءاً ١١٧/٤٠
وعملتُ بالمعاصى فتعدّيت ١١٦/٦٥
أللّهمّ إنّك أعلم بما عملتُ ٨٠/١٣
فاغفرلي ما علمت وما عملتُ ٨١/١
أللّهمّ إنّك أعلم بما عملتُ ٨١/١
أللّهمّ ما عملتُ من خير فهو منك ١٧٠/٣

عَمِلْتُهُ: من غير عمل عملته فعلمته منّى ١٤٢/٢
لالخطإ وعمد كان منّى عملته أو أمرت به ٣٦/٩
فَيَعْمَلُ: فيعمل بشيءٍ من الطّاعة من يومِهِ ٢٠٤/٧
لايَعْمَلُ: ممّن يحبّ الصّالحين ولايعمل عملهم ١٣٣/٤
يَعْمَلُونَ: وهم «ملآئكتك» بأمرك يعملون ١٢٨/١
من قرّة أعين جزآء بما كانوا يعملون (قرآن) ٢٥٧/١٣
لايسبقونك بالقول وهم بأمرك يعملون ٤٢/٢٠
لَمْ أَعْمَلْ: وصدّقت بكتابك ولم أعمل به ٢٥٧/١٠
حَتّى أَعْمَلَ: حتّى أعمل الحسنات شوقاً ٥٩/٩
حتّى أعمل بطاعتك عملاً ١٣٧/٩
فَنَعْمَلُ: فنعمل بأعمال الفجّار ٢٠٠/٦
يُعْمَلُ: ويشكر يسير ما يعمل له ١٤٦/٢
لَمْ أُعْمِلْ: فيما لم أعمل فيه فكرى ١٥٣/٥
أرصد لي بالبلآء فيما لم أعمل فيه فكرى ١٥٢/٥
إِسْتَعْمَلْتَ: خذ بقلبي إلى ما إستعملت ١٤٧/٨٦
أسألك اللّهمّ بما استعملت به من قام بأمرك ٨٣/٧
إِسْتَعْمَلْتَنِي: ما إستعملتني فيه من شيء فاجعل ٢٤٨/٢
لايَسْتَعْمِلُونَ: والنّاس... ولايستعملون حقّاً ١٩٩/٥٨
تَسْتَعْمِلُ: استعملني بما تستعمل ١٤٧/١١٣
أَسْتَعْمِلُ: واستعملُ حسن الظّنّ في كافّتهم ٦٥/٣
إِسْتَعْمِلْ: واستعمل بدنى فيما تقبله منّى ٥٧/٩
واستعمل به «كتابك» بدنى ١٥٣/١٣
إِسْتَعْمِلْنِي: واستعملني بطاعتك ٢٥١/٤١ - ١١٦/١١١
واستعملني بما هو أرضى ٥٥/٢٥
واستعملني بطاعتك في أيّام المهلة ٥٥/٤١
واستعملني بما تستعمل به خالصتك ١٤٧/١١٣
إستعملني بالطّاعة ٤٩/٢٠
واستعملني في مرضاتك عملاً ١٧١/٧
واستعملني بما تسألني ... ٥٥/٣
ثمّ استعملني بما تلهمني منه ٦٣/٣
واستعملني بما هو أسلم ٤٤/١٠
إِسْتَعْمِلْنا: وإستعملنا بالعمل الزّكيّ ١٩٤/٢
واستعملنا بما يكون حطّة وكفّارة ١٤٢/٥٣
واستعملنا بطاعتك قبل إنصرام الأجل ٢٠٠/١٥
فَاسْتَعْمِلْهَا: فإستعملها «نفسى» بذلك منّى ١٩٧/٣٨
فَاسْتَعْمِلْنِي: ومرضاتك فاستعملني ١٥٣/٢٠
عَمَلاً: ربّ هب لي ... وعملاً متقبّلاً ١٣٥/١٧
وأعوذبك من ... عملٍ لاينفع ١١٦/١٢٧
عملاً أستحقّ به كرامتك ١٣٧/٩
وارزقنا عملاً بطاعتك ١١٦/٤٦
أسألك ... عمل أهل اليقين ١٣٧/٨
سيّدى ليس لي عندك ... كبير عملٍ أخلصته ١٩٩/١١٤
وأنا العبد الضّعيف عملاً ٨٨/٤
أللّهمّ إنّى أسألك التّوفيق لكلّ عملٍ ١٢٣/١٥
أللّهمّ وفّقنى لكلّ عملٍ صالحٍ ترضاه عنّى ١٢٣/١٩
لاوصول لي إلى عملِ الخير إلاّ بمشيّتك ٢٠١/٤٠
واستعملنى في مرضاتك عملاً ١٧١/٧
ثمّ رجعت عنهم إلى عملِ أهل الإفلاس ٢١٢/٨٠
ومستصلح عملِ المفسدين ١٠٣/٥
أسألك عملاً تحبّ به من عمل به ١٧١/٤
الّذى لايقبل عملاً إلاّ بإذنه ١٤٣/١٤
فما كان من عملٍ سيّىء أتيته ٢٥٧/٤
واجعل لنا من صالح الأعمال عملاً ١٠٣/٣
من غير عملٍ عملته فعلمته منى ١٤٤/٢
الْعَمَلِ: وإن كنت ضعيف العمل ٨٧/٥
وقصّره «طول الأمل» عنّا بصدق العملِ ١٠٣/١
إرحم عبدك الذّليل ذا... العمل القليل ١٩٢/٩
وفّقني لخير القول والعملِ ٢٧/٣
وارزقني الرّغبة في العمل لك لآخرتى ٥٩/٩
إذا رأى مدّة العمل قد انقضت ٣٤/٦
مع صالح القول ... ومرفوع العمل ١١٧/١٠
حبّب إلىّ ما تحبّ من القول والعملِ ٧٧/٤
وأعنّى على ... مستحسن العمل ١٤٧/٩٥
صبراً على العمل بطاعتك ٣٦/٧
ولم يلههم الأمل عن العمل ١٠٩/١٠
وأجر لنا من صالح العملِ ١٤٢/٥١
لمنازل المتّقين بما يسخطك من العملِ ٢٥١/٤٢
وألهمني الخير والعملَ به ١١٦/٥٢
لا... تحبّب «صلاة» إليهم «تابعين» العملَ للآجل ١٤/١٠
أللّهمّ إنّى أسألك العملَ بفرائضك ٢٠٠/١٩
ولاتعبنه رغبته على العملِ ١٣٣/٤
أسألك ... العملَ في طاعتك ١٣٣/٥
ما يعترض لنا فيها عن العملِ بطاعتك ٢٠٠/١٤
وتعيننى على ... العملِ بطاعتك ١٢٧/٩
ويملّ العملَ في غده ٢٠٤/٧
عَمَلُهُ: وضعف عملُهُ وقلّ كدحه وسعيه ١٤١/١٧
بما يقصر عملُهُ عنه ٩٨/٦
إلاّ من أجازته برآءة عملِهِ ١٩٩/١١١
ولاوداعى إيّاه وداع من رددت إليه عملَهُ ١٤١/١١
واجعلني ممّن ... حسّنت عملَهُ ١١٦/١٠٨

أللّهمّ وأشرب قلوبنا إنكار عملِهِ	٥٠/٧
بكلّ دعوة دعاك راج رضيت عملَهُ	٢٥٦/٢
وصعّد عملَهُ ولقّه منك رضواناً	١٠٦/١
فأنت ثقة من لايثق بنفسه لإفراط عملِهِ	٢٣٩/١٠
قد إنقضى أجله وهو مغبون عملُهُ	٢٤٨/٣
وتفضّلت ... بما يقصر عملُهُ عنه	٨/١١
إرحم من ليس له من عملِهِ شافع	١٩٩/٤٤
عَمَلَهُمْ:ولاممّن يحبّ الصّالحين ولايعمل عملهم	١٣٣/٤
عَمَلي: ونظرت إلى عملي فرأيته ضعيفاً	٢٠١/٤٦
فهب لي ضعف عملي لقوّة أملي	٨٧/٥
وإختم بالخير عملي	١٩١/٢
وتجعل عملي متقبّلاً في يسر منك وعافية	١٢٧/٥
وأن تختم لي عملي بما يرضيك عنّي	١٢٧/٦
نظرت إلى عملي فوجدته ضعيفاً	٢٠٣/١٢
مع قلّة عملي وقصر رأيي	١٤٩/٧
وارزقني ... قبول عملي	١٤١/١٠
فقد عجز عنّي عملي	١٥٣/١٦
بقبيح عملي فلا تفضحني	١٥٣/٢٠
أم بغاية جهدي في عملي أرضيك	١١٦/٨٣
وما قدر عملي في جنب نعمك وإحسانك إليّ	١١٦/٨٣
وشكرك قبل عملي	١١٦/٨٣
فوا أسفاً على ما أحصى كتابك من عملي	١١٦/٦٩
واكفني شرّ ... سيّئات عملي	١١٦/١١٥
طهّر قلبي وزكّ عملي	١٣٣/٧
إلهي إن كان قددنا أجلي ولم يقرّبني منك عملي	١١٦/٩٣
فاغفرلي ما خفي على الآدميّين من عملي	١١٦/٩٦
واختم عملي بأحسنه	١١٦/١٢١
وستركَ قبل عملي	١٩٩/١٢٦
ولم يقرّبني منك عملي	١٩٩/١٢٠
حتّى يكون عملي خالصاً لك	١١٦/١٢٣
وإختم لي بالبرّ والتّقوى عملي	١٩٩/٧٧
ما أصل به إلى التّوفيق في عملي	٩٨/١٢
سيّدي إن كان صغر في جنب طاعتك عملي	١٩٩/٨٣
فاستجب دعائي وتقبّل منّي عملي	١٤١/١٩
واجعل ... خير عملي خواتمه	١٤١/٢٠
ربّ ما ... وأقبح عملي	١٦٤/١١
ووالهفا من سوء عملي وإجتراحي	١٨٢/٣
واجعل عملي مقبولاً	٢٥٢/٢٣
مقبولاً فيها «الدّنيا» عملي	٢٥١/٢٩
إغفرلي ما قد خفي على النّاس من عملي	١٩٧/١١
وعملي مقبولاً	١٢٩/٣
وطيّب خلقي وزكّ عملي	٢٦٨/٢
ولاتؤاخذني بأسوء عملي	١١٦/٢١
مقبولاً فيها عملي إلى دار الحيوان	٧٨/٤
أفضى إليك بأسوء عملي	٢٧/٨
ولافي عملي ما أستحقّ به عفوك	٥٥/٢٤
وقلّ شكري لك وضعف عملي	٢٠٥/١٧
وزكّ عملي ولاتردّني خآئباً	١٣٨/١٥
ولاتقطع رجآئي بسوءِ عملي	١٣٨/١٧
فنظرت في عملي فرأيته ضعيفاً يامولاي	٢٥٧/١٤
وإن أخذتني بقبيح عملي فواحد من جرمي	٢٥٧/٢
ولاتحمل على ميزان الإنصاف عملي	١٠٨/٢
مقلّداً عملي	٩٠/٥
سيّىء عملي برأفة غفرانك	١٩٧/٢١
كلّ ذلك حياءً منّي بسوء عملي	٤٩/١٠
وعملي فيه «رمضان» مقبولاً	١١٧/١٤
وحسّن في جميع أحوالي عملي	٥٥/٤٠
ما أصل به إلى توفيق عملي	٨/١٩
إلهي ... شكرك قبل عملي	١٩٧/١٣
عظم ياسيّدي أملي وساء عملي	١١٦/٢١
وعصيت أمرك لخبيث عملي	٢٥٧/١٠
تتولّى حسن عملي بقبول إحسانك	١٩٧/٢١
عملي أهلكني وهواى أرداني	١٦٦/٨
وستركَ على قبيح عملي ...	٤٠/١
ولم يقرّبني منك عملي	١٩٧/٦
وشكرك قبل عملي	٢٠١/٤٢
عَمَلَنا: إجعل عملنا فيه مقبولاً	١٤٣/٢٨
بِعَمَلٍ: لايزال ملكٌ كريم يأتيك عنّا بعملٍ قبيح	١١٦/٤١
وإن هممنا بعملٍ صالح ثبّطنا عنه	٦٤/٧
فقد سألتك من فضلك ما لاأستحقّه بعملٍ	٢٥٧/٧
فأجزلت بلا إستحقاق لذلك بعملٍ منّي	١٤٩/٢٩
لِعَمَلٍ: وأنا أفقرهم إليك ... لعملٍ صالح تتقبّله	٢٥٧/٩
بِعَمَلِهِ: المتنصّل عن سيّىء ذنوبه المقرّ بعمله	٢٤٥/١
بِعَمَلي: آه واحزناه إستترت بعملي	١٩٨/٣٥
لاأرجو ذلك بعملي	١٥٣/٦
ولاإقلال عليّ منها يقصر بعملي	٢٥٢/٢٠
إلهي أنت... أعظم حلماً من أن تقايسني بعملي	١١٦/٦٠
وبعملي إلى أحسن الأعمال	٥٥/١
وبعملي فلا تبسلني	٢٥١/٢٣
بإقلال عليّ منها فيقصر بعملي كدّه	٢٥١/٢٨

ولابإقلال عليّ منها يقصر بعملي كدّه ٧٨/٢
فكيف أطمع أن أنال جنّتك بعملي ٢٥٧/١٤
فارحمني سيّدي يوم... أفضي إليك بعملي ٢٤٩/٢٢
ومن ينطق لساني إذا خلوت بعملي ٩٠/٥
إلهي ... مرتهنٌ بعملي ٢٠٣/٥
فأنا الأسير ببليّتي، المرتهن بعملي ١٦٧/١
إلهي قد علمت ما أستوجب بعملي منك ١٩٧/٣٩
بوّئت في الضّريح مرتهناً بعملي ١٩٩/٧٤
لِعَمَلي: وعفوك أرجى منّي لعملي ٢٤٩/٢٠
أللّهمّ إنّي أصبح وأمسي مستقلاً لعملي ١٦٦/٨
بِالْعَمَلِ: وبالعمل لك بما تحبّ وترضى ٥٧/١٣
ولم أفرشه بالعمل الصّالح لضجعتي ١١٦/٧٧
وإستعملنا بالعمل الزّكيّ ١٩٤/٢
أَعْمالَ: وأعمال العاملين لديك محفوظة ٢٥٥/٥
الحافظ أعمال خلقه ١٤٩/١٩
وارزقنا ... أعمال العابدين ٢٠٠/١٨
وكبائر أعمالٍ مردية ٨٨/٦
وكيف نستكثر أعمالاً نقابل بها كرمك ١١٦/٣١
الْأَعْمالِ: واجعل لنا من صالح الأعمال عملاً ١٠٣/٣
مبتدعات الأعمال ومعضلات الأدواء ١٣٨/٨
وإذا تشابهت الأعمالُ لأزكاها ٥٥/٣٢
وأن نتقرّب إليك فيه من الأعمالِ الزّاكية ١١٥/١٤
ولانقصّر في صالح الأعمالِ ١٩٩/٣٥
وقّفني من الأعمالِ لما تغسل به دنس الخطايا عنّي ٨٠/١٠
إلاّ أن تحجبهم الأعمالُ دونك ١١٦/١٣
وصارت الأعمالُ قلاّئد في الأعناق ١٠٩/١٨
واجعل سنّتي هذه مقرونة بصالح الأعمالِ ١١٨/٩
أسألك ... من الأعمالِ أوسطها ١٩٩/٢١
وبعملي إلى أحسن الأعمالِ ٥٥/١
أللّهمّ وقد أشرف على خفايا الأعمالِ علمك ٨٨/٥
ونشرت فيه الأعمالُ ١٤٢/٣٠
عارجاً إليك مع صالح الأعمالِ ١٩٩/١٩١
والحمدلله الّذي ... أثبت فينا جوارح الأعمالِ ١/٢٢
أَعْمالُهُ: إحتوشته أعماله، وأحاطت به خطاياه ٢١٤/١٣٣
أَعْمالَهُمْ: أللّهمّ ضلّ أعمالهم «الظّلمة» ١١٩/١٠
أن تجعلني فيه من المقبولين أعمالهم ١١٤/٢٠
أَعْمالي: وأعمالي كلّها متقبّلة ١٦٤/٢٣
أَعْمالَنا: ويزكيّ أعمالنا ويشكر سعينا ١٤٣/١٥
وما قدر أعمالنا في جنب نعمك ١١٦/٣١
لسنانتّكل في النّجاة من عقابك على أعمالنا ١١٦/٢٨

... كتبة أعمالنا ... ٣٣/٥
إجعل ... أعمالنا مبرورةً ٢٠٠/٢١
ولاتخزنا عندهم «كرام الكاتبين» بسوء أعمالنا ٢١/١٠
بِأَعْمالٍ: أتيت بأعمالٍ قباح رديّة ٩١/٥ ـ ٢١٦/٤
فنعمل بأعمالِ الفجّار ٢٠٠/٦
بِأَعْمالِها: إلهي خلت نفسي بأعمالها بين يديك ٢٠٢/٨
بِأَعْمالِنا: نعوذبك ... أن نعجب بأعمالنا ٢٦/٤
فقد علمنا ما نستوجب بأعمالنا ١١٦/٣٨
مُعامَلَةِ: في معاملة من أطاعك أو عصاك ٨/١١
في معاملة من أطاعك أو عصاك ٩٨/٦
الْمُعامَلَةِ: وعذب في معين المعاملةِ شربهم ١٩٣/٣
مُعامَلَتِكَ: أخلص نيّاتنا في معاملتك ١٨٨/٣
إِسْتِعْمالٍ: وعلماً في استعمالٍ وورعاً في إجمال ٥٥/٣٩
لاتشغلني بالإهتمام عن... إستعمال سنّتك ٢٤/٦
ووفّقني ... حتّى لايفوتني إستعمالُ شيءٍ علّمتنيه ٦٣/٣
إِسْتِعْمالِها: واستعمالها فيه بما برضيك ١١٥/٦
لِاسْتِعْمالِ: لإستعمال الخير وهجران الشرّ ٢١/١٣
بِإِسْتِعْمالِها: الّتي تسبّب بإستعمالها إلى مغفرتك ٨/١٣
٩٨/٨
عامِلاً: واجعلني ... عاملاً بشرائعك ٢٦٨/٣
عاملاً بطاعتك مؤثراً لرضاك ٥٩/١٤
عَوامِلُ: ولاتنفذ فيه عواملُ الرّماح ١١٤/١٧
عامِلِينَ: عاملين زاكين ٤٢/١٧
الْعامِلِينَ: وأعمال العاملين لديك محفوظة ٢٥٥/٥
واجعلني من العاملين بطاعتك ٧٧/١١
إجعلني من ... العاملين للباقيات الصّالحات ١٨٨/٤
الْعامِلُونَ: يثني بشكره العاملون ١٩٩/١٧٢
مُسْتَعْمِلِ: ومستعملِ الرّأي المخترع ٥٥/١٦
مستعملاً لمحبّتك ٢١/١٢
أَعْمَلَهُمْ: أعملهم بطاعتك وأهونهم عليك ١٦٦/٣

ع.م.م

عَمَّ: أنت الّذي عمّ الخلاّئق منّك ٢٣٩/٢
سبحان الّذي عمّ الخلاّئق رزقه ١٣٤/٢
الّذي عمّ الخلاّئق جدواه ١٩٩/٥٥
عَمَّتِ: برحمتك الّتي... عمّت البرايا ألطافها ١٩٩/٤٢
يَعُمُّ: وجسيم غفرانك يعمّ التّوّابين ١٩٩/٨٥
أَعْمُمْ: واعمم بذلك من شهد لك بالرّبوبيّة ٥٠/١٠
أللّهمّ واعمم بذلك أعدائك ٦٧/١١
أَعَمَّ: أعمّ رزقك وأوسع نعمتك ١٤٣/٤٢

عامَّةِ: قلت تباركت وتعاليت في عامّة ابتدائه ١٤٤/١٥
الْعامَّةِ: ومن شرّ السامّة والهامّة والعامّةِ واللّامّة ٦١/٦
وإجعل الخيرة العامّةَ فيما قضيت لي ١٩٩/٧٦
عامَّتَهُمْ: وأتولّى بالبرّ عامّتهم ٦٥/٣
أَعَمَّها: أسألك ... من البركات أعمّها ١٩٩/٢٤

ع.م.ه

عامِهاً: ولاتذرني في طغياني عامهاً ١٤٧/١٠٥

ع.م.ى

عَمِيَ: لاتجعلني ممّن عن الرّشد عملى ١١٤/١٣
عَميتُ: سيّدى لو لانورك عميتُ عن الدّليل ١٩٩/٧١
أللّهمّ إن عميت عن مسألتك أو فهت عنها ٢٥١/٥٩
تَعْمىٰ: ولكن تعمى القلوب (قرآن) ١٥٩/١٤
لاٰتَعْمَى: فإنّها لاتعمى الأبصار (قرآن) ١٥٩/١٤
إِعْمِ: واعم أبصار قلوبنا عمّا خالف محبّتك ٣٠/٥
لَأَعْمَيْتَني: ولو شئت لأعميتني ١٤٩/٣٥
حَتّى تُعْمِيَ: بين يديه سدّاً حتّى تعمى عنّى بصره ٦١/٨
فَتَعامَيْنا: وبصّرت فتعامينا ٨٧/٦
عَمىً: فأتبع دعوته على غير عمىً منّى ٤٩/١٣
الْعَمىٰ: ولاالعمى عن سبيلك ولاالتّعرّض ٥٥/١٨
وتقشّعت عنه سحائب العمى ٨٠/٣
تجلو به عن بصيرتي غشوات العمىٰ ١٨٥/٧
تجلوبها العمىٰ عن قلبي ١٤٣/٤٤
والعمى عن سبيلك ١١٥/١٨
وأعوذبك من العمى والصّمم والبكم ١٥٣/٣١
والبصيرة من العمىٰ ١٦٤/٧
الْعَمِيَّة: الأبصار الّتى كشفت عنها حجب العميّة ٢٠٠/٤١
أَعْمىٰ: وحشرت يوم القيامة أعمى ١٩٨/٥٠
عُمْىٌ: صمّ بكم عمىٌ فهم لايبصرون (قرآن) ٢٢/١٠

ع.ن.ب

أَعْنابٍ: وجنّات من أعناب ٢٥٧/١٢

ع.ن.د

عانَدَ: وعاند عدوّك ٨٣/٧
عانَدَني: وظفراً بمن عاندني ٥٥/١١
فَيُعانِدَكَ: أنت الّذى لاضدّ معك فيعاندك ١٤٧/١٩
مُعانَدَةً: لامعاندةً لك والإستكباراً عليك ١٤٧/٧٣
لاحدّ مكابرة ولامعاندةٍ ٨٩/٣
وعصيتك على غير مكابرة ولامعاندةٍ ٢٠٩/٣
بِالْمُعانَدَةِ: على من علمته بالمعاندةِ لك ١٠/٤
مُعانِدِينَ: ولجميع أعدائك معاندين ٦٤/٢
الْمُعانِدِينَ: بما جبهت به المعاندين لك ١٤٧/٩٧
عند معارضة المعاندين لهم بالتّكذيب ١٤/١
عَنِيدٍ: ومن شرّ كلّ سلطان عنيدٍ ٦١/٦
أن تصرف عنّى شرّ كلّ جبّار عنيدٍ ٢٤٩/٢٥

ع.ن.ق

عُنُقي: ياخير من مددت إليه عنقى ٢٥/١
أَعْناقُ: أللّهمّ إليك ... مدّت أعناق المجتهدين ٨٣/٥
الْأَعْناقِ: وصارت الأعمال قلائد في الأعناقِ ١٠٩/١٨
قبل أن تغلّ الأيدي إلى الأعناقِ ٩٠/٧
أم تراك تغلّ إلى الأعناق أكفّاً طالما ١٩٩/١٥٣
أَعْناقُهُمْ: فظلّت أعناقهم لها خاضعين (قرآن) ١٥٩/١٥
أَعْناقِها: نير المذلّة على أعناقها ١٦٣/٨

ع.ن.ن

عِناني: قد ملك الشّيطان عناني في سوء الظّنّ ٨٨/١٧
أَعْنانِ: ما بين ثرى الأرض إلى أعنان السّماء ١٩٩/١٤٠
أَعِنَّتَها: وثنت الألباب وعن كنهك أعنّتها ٢٢٢/٧

ع.ن.و

عَنا: عناكلّ ذىعزّ لعزّة وجهه ٢١٤/٩٨-٢١٤/٢٣-٢١٨/٢
عَنَتْ: عنت الوجوه للحىّ القيّوم (قرآن) ٢٣/٣
وعنت الوجوه لخشيته ٢٣٨/٢
لك عنتِ الوجوه ٢٣٩/٤
عَنَوْتُ: عنوت بالإستكانة لديك ١٨٢/٢
عانٍ: أللّهمّ ... والوجه عانٍ لك ... ٣١/٣

ع.ن.ى

عُنيتَ: وبلّغني مبالغ من عنيتَ به وأنعمت عليه ١٤٧/٩٢
عُنيتُ: وعافهم ... في كلّ ما عُنيتُ به من أمرهم ٦٤/١
يَعْنيني: ومن يعنينى أمره ٢٢/٤
كلّ من يعنينى أمره بالله الحافظ اللّطيف ١٥٩/٣
لايَعْنيني: وارحمنى بترك تكلّف ما لايعنينى ١٥٣/١٢
لايُعَنّيهِ: يامن لايعنّيه دعاء الدّاعين ٣٩/٢
لاتُعَنِّني: ولاتعنّنى بطلب ما لم تقدّر لي فيه رزقاً ٧٧/١٤
عِنايَتَكَ: إن فقدت عنايتك في ضجعتى ١١٦/٩٨
وأن تعيننى على طاعتك ... بلطف عنايتك ٢٥٣/٣

عِنايَتي: ما ملكته يدى وذوى عنايتى ٢٢/٣٦
أعِذ ... ذوي عنايتى وجميع نعم ٢٢/٢٧
أعِذ ... جميع ما تلحقه عنايتى ٢٢/٢٤
بِعِنايَتِكَ: وأوصلني بعنايتك إلى غاية السّباق ١٩٩/٦٦
عَناءٍ: والقآئم بلا عناءٍ ٢/٤ ـ ٧/٤
الْعَناءَ: واصرف عنّى ... التّعب والعناء ١١٧/٦
أنا الطويل العناء ١٤٧/٨٢
وأعذنى ... من الذّلّ والعناء ١٤٧/١٠١
لِلْعَناءِ: أللشّقاء ولدتني أمّى أم للعناء ربّتنى؟ ١٨٤/٢
مَعْنِيٌّ: كأنّك معنىّ بما هو ضائرٌ ٢١٤/١٢
مَعْنِيّ: ومعنىّ بنصرف إليه ١٤٢/٢١
على معنىّ ما أنزلت في كتابك ١١٩/١٩

ع.م.د

أَعْمَدُ: وإليك أقصد وأعمد ١٩٩/٣

ع.و.ج

عِوَجاً: وامحق به «ولبّك» بغاة قصدك عوجاً ١٤٧/٦٦

ع.و.د

عادَ: منازل حتّى عاد كالعرجون القديم ١٣٠/١
وأكرم من غفر وعاد بفضله على عبده ٢٥٧/٢
ياربّاه إرحم من عاد في الذّنوب مرّة أخرى ١٩٨/٨٣
لاتجعلني ممّن إذا ... عوفى عاد ١٣٣/٣
عادَتْ: عادت إلى مرعاها ٢١٤/٦١ ـ ٢١٤/١٣٩
عُدْتَ: فبما حرّمت علىّ أن عدتَ علىّ بفضلك ١٤٩/٣٠
وعدت بكريم أياديك حين عدت ١٩٩/١٥٦
ما كان متّى أن عدت بحلمك علىّ ٣٦/٢
وعدت بفضلك وكرمك ١٩٩/١٧٣
فَعُدْتَ: وما أنا بأظلم من تاب إليك فعدت عليه ٣٤/٩
عُدْتُ: فإذا عدت فعد علىّ ٢٧/٦ ـ ٢٧/٢
علىّ بفضلك أن عدتُ في معاصيك ١٤٩/٣٠
فإن عدتُ بعد علىّ ١٠٢/١
حين عدت بإرتكاب معاصيك ١٩٩/١٥٦
تبت إليك منه ثمّ عدت فيه ٢٥١/٥ ـ ٢٥٢/٤
فَعُدْتُ: فاستغفرت فأقلت، فعدتُ فسترت ١٥٢/١
فأقلت فعدتُ فسترت ١٥٣/١
يَعُودُ: ومن يعود علىّ ٧٧/٩
أو من يعود علىّ إن أقصيتني ١٦٤/١٠
لايَعُودُ: ولايعود بعدها في خطيئة ١٤٢/٦٠
أعذنا من ... التشاغل بما لايعود علينا نفعه ٢٠٠/١٦
حَتّى يَعُودَ: النصر زاده حتّى يعودَ الحقّ ٢٢٣/٧
أَنْ يَعُودَ: لايضمر أن يعود في خطيئةٍ ٨٠/١١
تَعُودُ: فعد علىّ بما تعودُ به ١٤٧/٧٦
أَنْ تَعُودَ: فأنت أهل أن تعود على المذنبين ١٩٧/٢
أَعُودُ: وكم أعودُ إليها ٢٠١/٢٨
لما عصيتك وإلى الذّنب أعودُ ٢٠١/٢٠
لاأَعُودُ: لك العتبى لاأعود لاأعود لاأعود ٨٦/٣
شرطى ألاّ أعودَ في مكروهك ٨٠/١٢
لايُعادُ: آه وانفساه من دار لايعادُ فيها المرضى ١٩٨/١٥
عُدْ: وعد علىّ بعائدة رحمتك ٨٨/١١
عد بفضلك على عبد غمره جهله ٢٤٥/٦
عد إلى ذكر المنقول إلى دار البلى ٢١٤/١٣٩
عد إلى ذكر المنقول إلى الثرىٰ ٢١٤/٦١
وعد بحلمك على جهلي ١٦٧/٣
وعد علىّ بعفوك ياكريم ١٩٩/٤٢
وعد بفضلك على عبد ١٩٧/١٠
وعد بفضلك على من قد غمره جهله ١٩٩/١٢٥
عد على سيّئاتى بعفوك ٨٠/٢٠
فَعُدْ: فإذا عدت فعد علىّ ٢٧/٦ ـ ٢٧/٢
فإن عدت فعد علىّ ١٠٢/١
فعد علىّ بما تعود به ١٤٧/٧٦
تُعيدُني: وتعيدنى إلى أحسن عاداتك عندى ١٧٢/١
أُعيدُهُ: ولاتقول أعيده وأبديه في ذكرك ١٩٩/١٨١
أَعِدْ: وأعد حالى إلى أحسن ما كانت عليه ١٧٢/٩
أَعِدْني: أعدنى عليه عدوىّ حاضرةً ٢٤/٥
عَوَّدَ: ويامن عوّد عباده قبول الإنابة ٣٤/٨
عَوَّدْتَهُ: ولاتخرس لساناً عوّدته الثناء عليك ٣١/١
عَوَّدْتَني: فلا تنزع منّى ما عوّدتني من رحمتك ٧٧/٦
ربّ إنّك عوّدتني عافيتك ٧٧/٥
عوّدتني من جميل تطوّلك ١٩٩/١١٤
سيّدى عوّدتني إسعافي بكلّ ما أسألك ١٩٩/١٧٨
عَوَّدْتَنيهِ: من الفضل الّذى عوّدتنيه ١٩٩/١٥٧
عادَيْتَهُمْ: وبين قوم ظالما عاديتهم فيك ٢١٧/١
تَعَوَّدْتُهُ: وأطلب الخير من حيث تعوّدته ١٩٩/١٧٩
الْعَوْدِ: العود عليهم بالجدة والإفضال ٦٥/٢
العودِ عليهم «جيرانى» بالجدة والإفضال ٦٦/١
أسألك ... العودَ منك علىّ بالمغفرة لها ٢٤٩/١٩
عَوْدُكَ: ولم يمنعني عودك علىّ بفضلك ١٤٩/٣٠
الْمَعادِ: وهب لي أمن يوم المعاد ٥٥/٣٠

وارزقني فوز المعاد وسلامة المرصاد ٥٥/٢٧
وقد أعددت ليوم المعاد توفرة الزّاد ٢٠٤/٨
لِمَعادٍ: لانقدمة زاد ولإعتداد لمعادٍ ١٩٩/٤١
عِيادَةِ: الأخذ بمحاسن أدبك في... عيادة مريضهم ٦٥/٢
بمحاسن أدبك في ... عيادة مريضهم ٦٦/١
غائِدٌ: فيامن ... بالعطف عليهم عائدٌ مفضلٌ ١٨٩/٥
عائدٌ في ذنبه وخطيئته ٨٠/١٦
الْعائِدُ: أنت ... العائدُ علينا بالإحسان ٢١٤/٧٣
فأنت العآئدُ بالفضل وأنا العآئدُ في المعاصي ١٤٩/٣١
والعائد عليهم بتحنّن رأفتك ١١٦/١٥
عُوّادُهُ: هنالك خفّ عنه عُوّادُه ٢١٤/٤٥
هنالك خفّ عوّاده ٢١٤/١٢١
غائِدَةً: وعائدةً من عطفك ياحليم ١٤٢/٥
بِغائِدَةٍ: وعد عليّ بعائدةِ رحمتك ٨٨/١١
عَوائِدَ: أللّهمّ ولاأسلبنّ عوائدَ مننك ٢٤٩/٦
وعوائد المزيد إليهم واصلة ٢٥٥/٦
وعوآئدَ المزيد متواترة ٢٥٥/٦
الْعَوآئِدِ: أسألك ... من العوآئدِ أنجحها ١٩٩/٢٤
عَوائِدِكَ: أي ربّ ذكر عوائدك يؤنسني ١٧٣/٤
إلهي ذكر عوائدك يؤنسني ٤٢/٢٦
وتوفّر عليهم الحظّ من عوائدكَ وفوائدك ١٤٧/٥٨
وإنّ ذكر عوائدِك يؤنسني ١٧٢/٣
شغلني عن ذكر محامدك ترادف عوآئدك ١٨٧/١
بِعَوائِدِ: وتولّيتني بعوائد البرّ والإكرام ١٩٩/١٧٦
مُعيدُ: يامبدئ يامعيدُ، يافعّالاً لما يريد ١٧٧/٢
يامعيدُ ياحليم ياحكيم ١٢٢/٤
ومبدياً ومعيداً ١١٦/٤٢
الْمُعيدُ: لنعم المعيد أنت ٢٤٩/٢٣
إنّك المبدئ المعيدُ ٦٧/٢٣
الْعَوّادُ: وأنا اللّئيم العوّاد بالمعاصي ١٤٨/٢٣
فأنت العوّاد بالإحسان ١٩٩/١٥٦
أنت الكريم العوّادُ بالمغفرة ١٤٨/٢٣
وأنا العوّاد بالعصيان ١٩٩/١٥٦
العوّاد عليهم بالفضل والكرم ١٩٩/٥٢
الْمُعَوَّدينَ: المعوّدين بالتّعوُّذ بك ٦٤/١٢
أَعْوَدُ: وأنّك أولى بالفضل وأعود بالإحسان ١٤٧/٩٨
أَعْوَدُها: وأعودها عليّ عاقبة في رمسي ١٩٧/٣٨
أسألك ... من الشّؤون أعودَها ١٩٩/٢٤
عبداً: جعله عبداً لأهل الإسلام ١٤٣/٣٤
الّذي جعلته للمؤمنين عيداً وسروراً ١٤٢/٥٩
السّلام عليك ... ياعيدَ أوليائه ١٤٢/٢٨
الْعيدِ: إستقبال هذا العيدِ الشريف المشهور ١٤٣/٢٥
عيدِنا: بارك لنا في يوم عيدنا وفطرنا ١٤٢/٥٤
عادَةَ: فأستديمه عادة الحسنى ٩٩/٢
عوّدتني من جميل تطوّلك عادةً ١٩٩/١١٤
الْعادَةِ: وأجرني على العادة الفاضلة ٣١/٤
عادَتِها: أم على عادتها جرينا ٢١٤/١٣٩
وعلى عادتها جرينا ٢١٤/٦١
عادَتَكَ: وعادتك الإحسان ٩٨/٤-٨/٨
عادتُك الإحسان إلى المسيئين ١٤٦/٧
عاداتِكَ: فردّني إلى أحسن عاداتك ٤٢/٢٤
دبّرني بها إلى أحسن عاداتك وأجملها عندي ٤٢/٢٣
وتعيدني إلى أحسن عاداتك عندى ١٧٢/١
وتردّنى إلى أحسن عاداتك عندى ١٧٣/٢
أَعْوادِ: وإذا حملت اليك في الأكفان على أعواد المنايا ١١٨/٣

ع.و.ذ

عاذَ: أسألك بحرمة من عاذبك منك ٢٥٢/١
أللّهمّ إنّى أسئلك بحرمة من عاذبك ٢٥١/١
عاذ باستغفارك تائباً ١٤٧/٨٤
أَعُوذُ: أللّهمّ إنّى... أعوذبك ياربّ أن أعادى لك ولياً ١٣٥/١٣
أللّهمّ إنّى أعوذبك يالهى من غنىً يطغى ١٣٥/١١
أللّهمّ إنّى ... أعوذبك من فضائح الفقر ١٣٥/١١
إنّى أعوذبك من موقف يعرض فيه الصّديق ١٣٥/١٢
وأعوذبك من ضرّاء أو مضرّة ١٣٩/١٤
وأعوذبك من خزيك ١٣٩/١٢
وأعوذبك من فتنة المحيا والممات ١٣٨/٩
وأعوذبك من جار السّوء ... ١٣٨/٩
أللّهمّ إنّى أعوذبك من الغفلة ١٣٨/١٠
قالت إنّى أعوذ بالرّحمن منك إن كنت تقيّاً (قرآن) ٢٢/٧
أللّهمّ بك أعوذ وبك ألوذ ٢٢/٥
أعوذبك من الرّياء والسّمعة ١٥٣/٢٥ - ١٣٨/١٠
وأعوذبك من الكفر والفقر ١٣٨/١٠
أللّهمّ إنّى أعوذبك من الكسلِ ١١٦/١٢٦
وأعوذبك من نفس لاتقنع ١١٦/١٢٧
وأعوذبك ياربّ على نفسي ١١٦/١٢٨
وأعوذبك من يوم أوّله فزع ٢٣٨/٤
فإنّى أعوذبك أن أكون كذلك «فاسخ لتوبته» ٨٠/١٦
إن لم أعذ بعزّتك فبمن أعوذ ١٩٥/٢
أعوذبك من شرّهِ ١٥٧/٢

وأعوذبك ياإلهي من شرّ الدّنيا ٢٥١/٢٩ ـ ٢٥٢/٢٢
٢٥١/٢٩ ـ ٧٨/٣
وأعوذ به من حلول خذلانه ١٩٩/٥٤
ياربّاه أعوذبك من نار حرّها لايطفأ ١٩٨/٧٤
وأعوذبك من أن أشترى الجهل بالعلم ١٦٤/٢٤
أعوذبك من أزلها «الدّنيا» ٧٨/٥ ـ ٢٥١/٣٠ ـ ٢٥٢/٢٤
أللّهمّ إنّى أعوذبك من أن تبدّل إسمى ٢٥٤/٤
أعوذبك من شرّه ياأرحم الرّاحمين ١٥٨/٣
وأعوذبك ياإلهي أن تحيط بي شيئاً من خطيئتي ١٢٣/١٨
وأعوذبك من الفتن كلّها ما ظهر منها وما بطن ١٦٤/٢٣
أعوذبك من شرّ كلّ دابّة ٢٦٩/٣
أللّهمّ إنّى أعوذبك أن أحبّ فيك ٢٦٤/١
أعوذ بالله تعالى من جور الجائرين ٢٥٣/١
وأعوذبك ياربّ من همزات الشّياطين ٢٣٦/٤
أعوذبك من الفشل والكسل ١٥٣/٣١
وأعوذبك ربّ من شرّ ما خلقت ١٥٣/٣٢
ربّ وأعوذبك من الفقر ١٥٣/٣٢
وأعوذبك من القلّة والذّلّة ١٥٣/٣٣
أعوذبك من الضّيق والشدّة ١٥٣/٣٣
أعوذبك من شرّ كلّ حاسدٍ ١٥٣/٣٠
أعوذبك من شرّ كلّ كاهنٍ ١٥٣/٣٠
وأعوذبك من العمىٰ والصّمم ١٥٣/٣١
وأعوذبك من شرّ ما خلقت من دابّةٍ ١٥٣/٢٩
أعوذبك من شرّ ما ذرأ في الأرض ١٥٣/٢٩
أعوذبك من الخيانة والعدوان والطّغيان ١٥٣/٢٦
ربّ وأعوذبك من المعصية ١٥٣/٢٧
أعوذبك من الإثم والمأثم والحرام ١٥٣/٢٧
ربّ أعوذبك من شرّ الشّيطان ١٥٣/٢٧
أعوذبك من شرّ ما ينزل من السّماء ١٥٣/٢٨
وأعوذبك من العجز والبخل ١٥٣/٢٦
أعوذبك من الطّمع والطّبع ١٥٣/٢٦
أعوذبك من البغى والظّلم ١٥٣/٢٦
أللّهمّ إنّى أعوذبك أن تحسن ١٤٨/٣٠
أعوذ برضاك من سخطك ١٤٩/٥٣
أعوذبك من شرورهم ٢٢/٢١
وأعوذبك من أن أصرّ ٣٤/١١
وأعوذبك من عقاربها الفاغرة أفواهها ٨٨/٢١
أعوذبك من نار حرّها لايطفى ١١٢/٨
وأعوذبك ضنك المعاش ١٩٩/٢٦
وأعوذبك ممّا يصرفنى عنك ١٩٧/٢٩

وأعوذبك ياربّ من همّ الدّين وفكره ٧٩/١
أللّهمّ إنّى أعوذبك من أضغاث الأحلام ٢٢/٣٥
أعوذ بالله من شرّكم ٢٢/٣٦
وأعوذبك من دعاء محجوب ١٩٩/٢٧
إن رددتني عن جنابك فبمن أعوذ ١٨٢/٣
وأعوذبك منك فأعذني ٥٢/٤
أللّهمّ إنّى أعوذبك من طمعٍ يهدى إلى طمع ١٣٨/٧
أللّهمّ إنّى أعوذبك من الفخر والكبر ١٣٨/٦
وأعوذبك أن أردّ إلى أرذل العمر ١٣٨/٦
وأعوذبك من فتنة الدّنيا ١٣٨/٦
وأعوذ به من شرّ نفسي ٢٤٠/١
وأعوذ به من شرّ الشّيطان ٢٤٠/٢
أللّهمّ إنّى أعوذبك من الغفلة عند الموت ٢٢٥/٢
أللّهمّ إنّى أعوذبك من الهمّ ١٣٨/٩
وأعوذبك أن أسأل غيرك ١٣٨/٧
أللّهمّ إنّى أعوذبك من نار تغلّظت بها ٨٨/١٩
أعوذ بالله من ذلك ياربّ العالمين ٢٧/٩
أعوذبك من خزى الدّنيا ٢٨/٥
أعوذبك أن تحسن فى لامعة العيون ٢٧/٧
أعوذبك أن تحسن في لوامح العيون علانيتي ٢٧/١
أللّهمّ إنّى أعوذبك من هيجان الحرص ٢٦/١
أعوذبك من حياة غرضاً ٢٧/٣
أعوذبك من صفقة خاسرة ٢٧/٤
أعوذبك أن تحسن في مرأى العيون علانيتى ٢٧/٥
وأعوذبك ياإلهي من شرّ الدنيا ٧٨/٣
وأعوذبك من العذاب الأدنىٰ ١٢٩/٩
وأعوذبك من العذاب الأكبر ١٢٩/٩
وأعوذبك من الحرص فيها والإقبال عليها ١٢١/٤
وأعوذبك من الرّغبة فيها ١٢١/٥
فَأَعُوذُ: فأعوذ بحلمك من سخطك يامولاي ٣٥/٧
فأعوذبك ياسيّدى أن تكلني ٧٧/٢
فأعوذ بحلمك من سخطك ٢٥٧/٣٠
لَم أَعُذْ: إن لم أعذ بعزّتك فبمن أعوذ ١٩٥/٢
نَعُوذُ: أللّهمّ إنّا نعوذبك من نزغات الشّيطان ٥٠/١
وإنّا نعوذبك أن نذلّ ونخزى ٨٣/١٠
نعوذبك من سوء السّريرة ٢٦/٥
نعوذبك من تناول الإسراف ٢٦/٦
نعوذبك أن ننطوى على غشّ أحد ٢٦/٤
نعوذبك من شماتة الأعداء ٢٦/٧
نعوذبك من الحسرة العظمى ٢٦/٨

أَعَذْتَهُ: فاجعلنا ممّن ... أعذته من هجرك وقلاك ١٩٠/٢
أَنْ تُعيذَني: أتوجّه إليك بهما أن تعيذني ١٥٢/١٥
أُعيذُ: أعيذ نفسي ودينى وأهلى ٢٢/٢٤
أعيذ نفسي ... بشدّة حول الله ٢٢/٢٧
أعيذ نفسي وما أعطاني ربّي ٢٢/٣٦
أللّهمّ بك أعيذُ نفسي ودينى ... ٢٢/٤
أَعِذْني: أعذني من كلّ ذلك برحمتك ٢٦/٩
أعذنى من سوء الرّغبة ٤٤/١٢
وأعذني منه «الدّين» ٧٩/٢
وأعذني من شماتة الأعداء ١٤٧/١٠١
وأعذنى ممّا يباعدني عنك ١٤٧/٨٧
وأعذنى فيه «رمضان» من الشّيطان الرّجيم ١١٧/٧
أللّهمّ ... وأعذني وذرّيّتي من الشّيطان الرّجيم ٦٤/٦
وأعذنى وذرّيّتى من الشّيطان الرّجيم ٦١/٦
أَعِذْنا: وأعذنا بسلطانك الّذى لايضام ٢٢/١٥
أللّهمّ وأعذنا من عذاب السّعير ٦٤/١٥
وأعذنا مستجيرين ١١٧/٢٢
وأعذنا من الفشل والكسل ٢٠٠/١٦
وأعذنا من سخطك ١١٦/٤٤
أعذنا من الميل إلى أهل الدّنيا ٢٠٠/٢١
وأعذنا وأهالينا وإخواننا وجميع المؤمنين ٥٠/١٥
فَأَعِذْهُ: فأعذه من شرّ ما خلقت ١١٩/٢٠
فَأَعِذْني: وأعوذبك منك فاعذنى ٥٢/٤
وينالنى مقتك فأعذني من ذلك كلّه ١٤٨/٣٢
فأعذنى من سوء مواقف الخآئبين ١٩٩/١٦١
متعوّذاً فأعذني ١٦٣/١٠
فأعذني من شرّ ما خلقت ١٥٣/١١
مستعيذاً فأعذني ١٤١/١٣
فَأَعِذْنا: فأعذنا من طردك وإبعادك ١٩٣/٦
إِسْتَعَذْنا: والمؤنات ممّا استعذنا منه ٥٠/١٥
أَسْتَعيذُ: أستعيذُ بك من شرّه ١٥٤/٣
أللّهمّ بذكرك أستعيذ وأعتصم ١٩٩/٢
أستعيذُ من شرّه وأستعين عليه ١٥٦/٤
وأستعيذُ بك من بوادر النّقم ١٩٩/١٨٢
مَعاذَ: وياملاذ العآئذين ١٩٥/١
عِياذاً: ياعياذ المكروبين وياقابل توبة المذنبين ١٤٣/١٦
عِياذِكَ: أن تجعلني في ... أمنك وعياذك ٢٢/١٩
الْإِعاذَةَ: والإعاذة من بلائك ١١٤/٢٢
تَعَوُّذاً: ومع ذلك خيفةً وتضرّعاً وتعوّذاً وتلوُّذاً ١٤٧/٨٠
بِالتَّعَوُّذِ: المعوّدين بالتّعوّذ بك ٦٤/١٢
عائِذٌ: عائذ بك لي ولهم ١٤٤/٣٠
وأنا عآئذٌ بفضلك ١١٦/٥٩
وأنا ياسيّدى عائذٌ بفضلك ١١٦/٢٢
الْعائِذِ: هذا مكان العآئذِ بك منك ١٤٩/٥٢
وأسألك سؤال العائذِ المستقيل ١٧٠/٤
فهذا مقام العائذ بك ٨٨/٨
الْعآئِذينَ: ويامعاذ العآئذين ١٩٥/١
الْعائِذُونَ: ولجأ إليه العائذون فوجدوه نوّالاً ... ٤١/٢
مُتَعَوِّذاً: متعوّذاً فأعذني ١٦٣/١٠
سيّدى متعوّذاً بك ١٤٨/٢٧
مُتَعَوِّذينَ: واغفرلنا متعوّذين ١١٧/٢٢
مُسْتَعيذٍ: ومستعيذٍ بك من مسّ عقوبتك ٢٢٢/٢
مستعيذاً فأعذني ١٤١/١٣
مُعاذاً: واجعلني في كلّ حالاتى ... معاذاً ٥٩/٦
الْمُسْتَعاذُ: أللّهمّ أنت المستعان والمستعاذ ١٩٩/٢٨

ع.و.ر

تُعاوِرُهُ: تعاوره آفاتها وهمومها ٢١٤/٣٥
تُعاوِرُنا: تعاورنا آفاتها وهمومها ٢١٤/١١١
عَوْرَةً: ولم تبدلي عورةً ١٤٨/٤
الْعَوْرَةَ: بل سترت العورة ١٣٥/٦
فاجعل ما سترت من العورةِ ... واعظاً لنا ٩٥/٣
عَوْرَتي: فأعطني من فضلك ... ستر عورتي ١٣٩/٨
وسترت عورتى ولم تفضحني بسريرتي ١٤٩/٣٣
فلو لاسترك عورتي لكنت من المفضوحين ١٦٣/٧
لِعَوْرَةٍ: وأنا أفقرهم إليك ... لعورةٍ تسترها ٢٥٧/٩
الْعَوْراتِ: ياساتر العورات ١٣٧/٧
عَوْراتِهِمْ: الأخذ بمحاسن أدبك في... ستر عوراتهم «جبرانى» ٦٦/١ ـ ٦٥/٢
عَوْراتي: وتستر بها «التّوبة» عوراتى ١٩٩/٤٨
الْمُتَعاوِرُ: وكم ما عسىٰ يبقى لها المتعاور ٢١٤/٣٥
وكم قد نرىٰ يبقى لها المتعاور ٢١٤/١١١

ع.و.ض

عَوِّضْهُ: عوّضه من فعله عوضاً حاضراً ٦٧/٢١
عَوِّضْني: وعوّضنى من عفوى عنهم عفوك ١٠١/٣
عوّضني من ظلمه لي عفوك ٤٤/٦
فَعَوِّضْ: فعوّض منها أهلها ٨١/٢ ـ ٨٠/١٤
نَعْتاضُ: ونعتاض به من أنواع الذّخر ١٤٢/٥٠
عِوَضاً: عوّضه من فعله عوضاً حاضراً ٦٧/٢١

والإستراحة إلى ضمانك عوضاً من منع الباخلين ٢٢١/٤
يامن هو عوضٌ من كلّ شيء وليس منه عوض ٢٠٠/١٤
الرّضا بقضائك عوضاً من منع الباخلين ٢٢٠/٤ ـ ١١٦/١٢

ع.و.ق

عآئِقِ: وأجرني من كلّ عآئق يقطعني عنك ١٩٩/٧٧
عَوآئِقِ: وإكفني بأمانك من عوآئق الضّرّاء ١٩٩/٣١
فاقتطعته عوآئقُ الرّدّ دونك ٢٥١/٦١ ـ ٧٠/٢

ع.و.ل

أَعْوَلَ: وأعول لفقده جبرانه ٢١٤/١٢٥ ـ ٢١٤/٤٩
عَوَّلَ: وعوّل على الجلد من نفسه فخلّيته ٢٠٢/٦
وعوّل على الجلد من نفسه ٢٠٢/٣
عَوَّلْتُ: في السّرّاء والضّرّاء عوّلت وتوكّلت ٩٩/٢
تَعْويلي: ما أعددته من فضل تعويلي عليك ١٩٩/١٠٢
عِيالُكَ: والخلق عيالُك ٢٥٧/٨
وإنّما أنا في هذا الخلق أحد عيالِكَ ١٩٩/١٠٥
والخلق كلّهم عيالُك وفي قبضتك ١١٦/٨٧
عِيالي: وأصلح لي حالي للمّ عيالي ٢٥١/٣٣
عِيالِنا: وصلاح أحوال عيالنا ٧٨/٩
عآئِلاً: وسألتك عآئلاً فأغنيتني ١٤٨/١٨
عآئِلَنا: وأغن به «وليعصر»(عج) عآئلنا ١١٩/٢٥
الْعائِلَةِ: ربّ وأعوذبك من... الضّيعة والعائلة ١٥٣/٣٣
لِعآئِلَةٍ: لفقر تجبره ولعآئلة تغنيها ٢٥٧/٩
الْمُعيلِ: الحياء منّي سؤال البائس المعيل ٣٤/٣
مُعْوِلينَ: فولّوا عليه معولين وكلّهم ٢١٤/٥٨
مُعَوَّلٌ: ها أنا ... معوّلٌ على مواهبك ١٨٦/٥
الْعَويلُ: وارتفعت الرّنّة والعويلُ ٢١٤/٤٥
بِالْعَويلِ: وارتفعت البرنّة بالعويل ٢١٤/١٢١
الْمُعَوَّلُ: عليك المعوّل وبك الملاذ ١٩٩/٢٨
مُعَوَّلي: وبك ثقتي وعليك معوّلي ١٩٩/١٩٨
سيّدي عليك معتمدي ومعوّلي ١١٦/٨٢ ـ ١١٦/٨٩
مُعَوَّلينَ: فولّوا عليه معوّلين وكلّهم ٢١٤/١٣٦

ع.و.م

عامٍ: في عامي هذا وفي كلّ عامٍ ٦١/٤
في عامي هذا وفي كلّ عامٍ أبداً ما أبقيتني ١٢٧/٤
ثمّ أنبتّني زآئداً في كلّ عامٍ ١٩٩/١٧١
وارزقني حجّ بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كلّ عامٍ ١١٦/١١٣ ـ ١١٦/٥١
أيّها... المسوّف بالتّوبة عاماً بعد عامٍ ١٩٧/٤٦
في عامنا هذا وفي كلّ عامٍ ما أبقيتنا ١٤٣/٣٥
إن أنت عمّرتني إلى عامٍ مثله ١٤٤/٢٩
عامي: في عامي هذا وفي كلّ عامٍ أبداً ما أبقيتني ١٢٧/٤
بالحجّ والعمرة وزيارة... في عامي هذا ٦١/٤
وارزقني الحجّ والعمرة في عامي هذا ١١٧/٣٨
... والعمرة في عامي هذا متقبّلاً ١٣٢/١١
عامِنا: في عامنا هذا وفي كلّ عامٍ ما أبقيتنا ١٤٣/٣٥
ارزقني حجّ بيتك الحرام في عامنا هذا ١١٦/٥١ـ١١٦/١١٣
الْأَعْوامِ: وخوالي الأعوام ٨٨/١
وصلّ عليه وآله ما... تناوبت الأعوام ١٩٩/١٩
أَعْوامِهِ: في صيامه وقيامه مدى سنيه وأعوامه ١١٤/٢٠
أَعْوامي: السّالفات من أعوامي ١٩٩/٨٨
بِأَعْوامٍ: ... يرهقه «العمر» بأعوام دهره ١/٨

ع.و.ن

أَعانَ: من ناصر أعان على الشّيطان ١٤٢/٣٤
أَعانَهُ: وأعانه على ذلك عدوّك وعدوّه ١٤٧/٧٤
إلاّ من ... رحمه وأعانه ١٩٩/٥٨
مسلم ... أعانه بطآئفةٍ من ماله ٦٧/٢٠
أَعانَني: وأعانني على ذلك سترك المرخى به عليّ ٩١/٢
وأعانني عليها «هواي» شقوني ١١٦/٦٧
أَعانَنا: الحمدلله الّذي أعاننا على صيام شهر ١٤٣/١٥
أَعَنْتَ: ولاوهن على من أعنت ٢٠٠/١٢
وأعنت عليه ذوي الإجتباء ٢٢٣/١
أَعَنْتَني: إنّك أعنتني على ختم كتابك ١٠٩/١
فَأَعَنْتَني: واستعنت بك مضطرّاً فأعنتني ١٤٨/١٨
يُعينُ: وأنا أتوسّل إليك بكلّ من يعين عليك ١١٨/٢
لايُعينُ: ولايعين إلاّ طالب على مطلوب ٥٧/٢
لَمْ يُعِنْكَ: أنت الّذي لم يعنك على ١٤٧/١٣
تُعينُ: نفسي بما تعينُ به الصّالحين ١١٦/١٢١
تُعينُهُمْ: صلاة... تعينهم بها على ما استعانوك ١٤/٨
تُعينُني: أسألك خوفاً تعينني به على ١٢٥/٣
وتعينني على غضّ بصري ١٢٧/٩
لاتُعينُهُ: ولاتعينه رغبته على العمل ١٣٣/٤
لَمْ تُعِنّي: إن لم تعنّي على شكر ما أوليت ١٦٤/١٥
أَنْ تُعينَني: وأن تعينني على طاعتك ٢٥٣/٣
أن تعينني على جهاد نفسي ١٣٥/١٦
يُعانُ: حمداً يعان من اجتهد في تعديده ١٤٧/٤١
أَعِنْهُ: أعنه «وليعصر»(عج) وانصره بنصرك ١١٩/٢٢
وأعنه «وليّك» بركنك الأعزّ واشدد أزره ١٤٧/٦٣
أَعِنْهُمْ: وأعنهم «أهل الثّغور» بالصّبر ٦٧/٢

أَعِنّي: وأعنّي على صحبتهم بحسن الصّبر ٧٩/٥
أعنّي اللّهمّ على جهاد عدوّك في سبيلك ١٤٤/٢٥
وأعنّي على ما كلّفتني ١٣٨/٥
وأعنّي بالتوكّل ٢٥١/١٥
وأعنّي بعزم الإرادة ٢١٩/١
وأعنّي ياخير من استعين به ٦٣/١٢
وأعنّي على صالح النّيّة ١٤٧/٩٥
وأعنّي بالبكاء على نفسي ١١٦/٧٧
وأعنّي على التهجّد لك بحسن الخشوع في الظّلم ٣٦/٨
وأعنّي على نفسي بما تعين به الصّالحين ١١٦/١٢١
ربّ ... أعنّي عليها «التّوبة» ١٩٩/٧٥
وأعنّي عليه «رمضان» بأفضل عونك ١١٧/٢
وأعنّي على صيامه «شهر رمضان» وقيامه ١١٧/٢
أللّهمّ ... وأعنّي على تربيتهم «ولدى» ٦٤/٤
اللّهمّ ... وأعنّي بهم «ولدى» على حاجتي ٦٤/٣
وأعنّي على صالح ما أعطيتني ١١٦/١٢٢
وياعون الصّالحين أعنّي ١٣٣/١٠
أللّهمّ ... أعنّي على طاعتك ١٣٥/١٤
أَعِنّا: أللّهمّ أعنّا على سلوك المنهاج ١١٩/٢٩
وأعنّا على صيامه ١١٥/٦
وأعنّا في نهاره على صيامه «شهر رمضان» ١١٥/٢٢
أللّهمّ فأعنّا على الإستنان بسنّته فيه ١١٣/٨
فَأَعِنّي: فأعنّي بالتوفيق على بلوغ ١٤٢/٢٩
الّتي وسعت كلّ شيء إستعنت فأعنّي ٢٢/٤١
لاشيئاً أستعين به دونك فأعنّي ٢٠٣/٣
فأعنّي ياخير المعينين ١٩٩/٤
فَأَعِنّا: فأعنّا على تناول ما أنت أهله من العبادة ١٤٢/٥١
تَعاوَنُوا: الظّلمة ... تعاونوا على إطفاء نورك ١١٩/٢
إسْتَعانَ: والإعانة لمن إستعان بك مبذولة ٢٥٥/٥
إسْتَعانُوكَ: على ما إستعانوك عليه من برّ ١٤/٨
إسْتَعَنْتُ: بسم الله إستعنت ١٦١/١
برحمتك الّتي وسعت كلّ شيء إستعنت ٢٢/٤١
واستعنت بك مضطرّاً فأعنتني ١٤٨/١٨
وإستعنت بالله ١٥٩/٢
فَاسْتَعَنْتُ: فاستعنت به على معصيتك ٣٦/١
أُسْتُعِينَ: وأعنّي ياخير من أستعين به ٦٣/١٢
لَمْ يَسْتَعِنْ: لم يستعن على خلقه بغيره ١٤٩/٩
لَمْ تَسْتَعِنْ: ولم تستعن بأحدٍ في شيءٍ ١٤٩/٥
أَسْتَعِينُ: وأستعين بك على ما قد فدحني ثقله ١٠١/٧
وأستعين بك على ما عجزت عنه ٣٤/١١
أستعين بك عليهم ٢٢/٢١
أللّهمّ بك أستعين ٢٢/٣١
وبك أستعين فيما يقترن به النجاح والإنجاح ٢٣٦/٣
ولاشيئاً أستعين به دونك فأعنّي ٢٠٣/٣
إيّاك أستعين وأعبد ١٩٩/٣
أللّهمّ ... بعونك أستعينُ ١٩٩/٨
أستعيذُ من شرّه وأستعين عليه ١٥٦/٤
وبك أثق وإيّاك أستعينُ ١٦٦/١٤
عليك أعتمد وبك أستعين ١٩٩/٥٠
إيّاك أعبد وإيّاك أستعينُ ٢٢/٥
وأدرأ بك في نحر أعدائي وأستعين بك عليهم ٢٢/٦
أَسْتَعِينُهُ: وأستعينه على ما آتانا من ١٢٣/٤
لاأَسْتَعِينُ: لاأستعين بحاكم غيرك حاشاك ٢٤/٨
نَسْتَعِينُ: إيّاك نعبد وإيّاك نستعين ١٨١/٢
فإيّاك نعبد وإيّاك نستعين ٢٠١/٥١
عَوْناً: واجعل ذلك «محمّد» عوناً لي ٣٩/١٢
عونٌ من بك استعدىٰ ١٥٥/٨
يامن جعل الصّبر عوناً على بلآئه ٩٩/٤
وأين الفرار إذا لم يكن منك عونٌ عليه ٢٠١/٤٩
أللّهمّ... واجعلهم «ولدى» لي عوناً على ما سألتك ٦٤/٥
حمداً يكون... عوناً على تأدية حقّه ووظائفه ١/٢٩
وياعونَ الصّالحين أعنّي ١٣٣/١٠
الْعَوْنَ: فأسأل الله العون لنا ولكم على ٢٦٢/٢
أسألك ... العون على طاعتك ١٢١/١١
أللّهمّ أنت ... العونُ المؤيّد ١٩٩/٩
عَوْنَهُ: يامن بعد عونه من الظّالمين ٤٤/١
عَوْنِكَ: فتولّني بتأييد من عونك ٢٤٩/٨
لاالّذي أحسن استغنى عن عونك ورحمتك ١١٦/١
وأعنّي عليه «رمضان» بأفضل عونك ١١٧/٢
عَوْني: أحسن عليه عوني ٤٤/٤
عَوْنَنا: أحسن بتوفيقك عوننا عليه ٥٠/٦
بِعَوْنِكَ: فنهد إليهم «أوليائك» مستفتحاً بعونك ٩/٣
لاقوّة لنا إلاّ بعونك ٣٠/٤
أللّهمّ ... بعونك أستعين ١٩٩/٨
وقمنا بعونك ليله ١٤٢/٢٥
بِالْعَوْنِ: وأيّد بالعون مرناده ٢٢٣/٧
عَوْنانِ: وهذين عونان من أعوانك ٩٧/١
أَعْوانٍ: والسّلطان الممتنع بغير جنود ولاأعوانٍ ٨٨/١
وجنود وأعوان، تمكّن من دنياه ٢١٤/١٧ ـ ٢١٤/٩٢
أَعْوانِهِ: وملك الموت وأعوانِه ١٢/١٢

حتّى تحشرنا يوم القيامة في أعوانه «وليعصر» ١١٩/٣٠
أعذني فيه من ... أعوانه «شيطان» ١١٧/٧
أَعْوانِكَ: وهذين عونان من أعوانك ٩٧/١
الْإِعانَةَ: والإعانة لمن إستعان بك مبذولة ٢٥٥/٥
مُعاوَنَةِ: ومعاونة الضّعيف وإدراك اللهيف ٢١/١٣
الْإِسْتِعانَةَ: والإستعانة بفضلك لمن ١١٦/١١
بِالْإِسْتِعانَةِ: لاتفتنّي بالإستعانة بغيرك ٥٥/٢٠
مَعُونَةِ: يوم القيامة في... معونة سلطانه ١١٩/٣٠
الْمَعُونَةَ: أللّهمّ فإذ أفدتنا المعونة على تلاوته ١٠٩/٥
مَعُونَتِكَ: بما أوليته من نعمك ومعونتك ٢٢٢/٣
بِمَعُونَةِ: ولم أقدر على ما عندك بمعونة سواك ٥٧/٣
بِمَعُونَتِكَ: فإنّ الحول والقوّة بمعونتك ١٩٩/٧٥
واجتهادي لاينجح إلاّ بمعونتك ٢٠٤/٢
مُعيناً: ولامعيناً على قدرتك ١٤٤/٣
ورازق لامعينَ له ٢/٣ ـ ٧/٣
ومعينَ المغلوبين ٨٣/٦
ولاإتّخذ معيناً حين برأ النّسمات ٢٣٨/١
الْمُعِينُ: حسبنا الله وحده ونعم المعين ١٩٩/١٩٩
الْمُعينينَ: فأعنّي ياخير المعينين ١٩٩/٤
الْمُسْتَعانُ: لنعم المستعان أنت ٢٤٩/٢٣
أللّهمّ أنت المستعانُ والمستعاذ ١٩٩/٢٨

ع.و.ـه

عاهَةً: ولاترسل على معايشنا عاهةً ٩٧/٣

ع.هـ.د

عَهِدْتَ: عن أن جريت إلى سوء ما عهدت منّى ٤٩/١١
عَهِدْناهُ: واجعله «محمّد وآله» أيمن يوم عهدناه ٢١/١٤
عاهَدْتُ: كم عاهدت ربّى فلم يجد ١٩٨/٣٠
عاهَدْتُهُ: لكلّ عهدٍ عاهدته ٢٣٨/٥
أُعاهِدُكَ: أعاهدك فأنقض عهدي ٢٠١/١٦
أَنْ نَتَعاهَدَ: وأن نتعاهد جيراننا ١١٥/١٣
تَعَهَّدَ: مسلم ... تعهّد خالفيه في غيبته ٦٧/٢٠
عَهْدِ: لكلّ عهدٍ عاهدته ٢٣٨/٥
سيّدى لبس لي عندك عهدٌ إتّخذته ١٩٩/١١٤
الْعَهْدَ: صباحاً ونقضت العهد مساءً ١٩٨/٢٨
إرحم من نقض العهدَ وغدر ١٩٩/٤٦
لم تجعله آخر العهدِ منّى ١٤٤/٢٩
فلا جعله الله آخر العهدِ منك ولابك ١٤٣/٣٠
عَهْدِكَ: النّاهض بأعبآء مواثيق عهدك إلى عبادك ١٠/١
عَهْدي: إلهي أنا الّذى أعاهدك فأنقض عهدي ٢٠١/١٦
عهدي أن أهجر جميع معاصيك ٨٠/١٢
عَهْدَنا: فجعل ... أمانتنا وعهدنا ميراثاً ٧٠/٥
كَعَهْدِها: فلو رجعت تلك الليالي كعهدها ٢١٩/٣٧
بِعَهْدِكَ: بوعدك كى أُوفى بعهدك ٧٧/١١
بل بالتّعاهد ... والوفآء بعهدك ١١٧/١١
الموفى بعهدك الصادع بأمرك ١٤٣/٥٢
وتوحّدنى بما تتوحّد به من وفى بعهدك ١٤٧/٨٤
الْعُهُودَ: وقد نقضنا العهود بعد توكيدها ٢٠٠/٩
تَعاهُدِ: لاتشغلنى بالإهتمام عن تعاهد فروضك ٢٤/٦
بِالتَّعاهُدِ: بل بالتّعاهد والتّحفظ لك وفيك ١١٧/١١
تَعَهُّدِ: بمحاسن أدبك في... تعهّد قادمهم ٦٥/٢ ـ ٦٦/١

ع.ى.ب

تُعابُ: أللّهمّ لاتدع خصلة تعاب منّى إلاّ أصلحتها ٥٥/٨
عَيْبِ: ومن عيب مؤمن ظهرلي فلم أستره ١٠٠/٢
لاعيباً إلاّ سترته ١٤٣/٤٦
خسأت أبصارهم عن عيب التّدبير ٢١٩/٣٠
عُيُوبِ: ربّ نفسي ... صاحب عيوبٍ جمّة ٢٤٨/٩
الْعُيُوبِ: وأسترك لأنواع العيوبِ ١٤٢/٣٦
بل لأنّك ياربّ ... ستّار العيوب ١١٦/٢٣
كن لي ... على المخازى والعيوب ساتراً ١٨٣/٦
وتعصمنا فيه ممّا نستأنف من العيوبِ ١١٥/١٥
عُيُوبِهِ: وحرني بقرف عيوبه ١٥٢/٩
عُيُوبي: وتظاهرت عيوبى ٢٥١/٥٥
أرسل على عيوبي سحاب رأفتك ١٨٢/٥
من أن أحصى لك عيوبي ٤٩/١٥
واغفرلي ذنوبي وعيوبي ١١٧/٢٧
عآئِبَةٍ: فكم من غائبةٍ سترتها علىّ فلم تفضحني ٤٩/١١
ولاعائبةً أوْثَب بها إلاّ حسّنتها ٥٥/٨
الْعائِبَةَ: فكلّنا قد اقترف العائبةَ فلم تشهره ٩٥/١
وإفشاء العارفة وستر العائبة ٥٥/١٥
مَعايِبي: لم تبد سوءاتها لمن يلتمس معايبي ٤٩/١١

ع.ى.ر

تُعيِرُهُ: تعيره به ولاية المتّصلين المقبولين ١٩٩/٣٩
غاراً: أخف عنهم ما يكون نشره علىّ عاراً ١٠٨/٣
الْعارِ: نجّني ... من ... فضيحة العار ١٨٤/٩
التَّعْيِيرِ: وإيثار التّفضل وترك التعيير ٥٥/١٥

ع.ى.س.ى

عِيْسىٰ: وربّ ... عيسى وجميع النّبيّين ١١٧/١٩
وبحقّ عيسىٰ وزهادته ١٨٠/٤

ع.ى.ش

عاشَ: يامولاي بذكرك عاش قلبي ١١٦/٨٥

فَأَعَشْتَهُ: فأعشته حميداً وتوفّيته سعيداً ١٤٧/٩٢
عَيْشاً: أللّهمّ إنّي أسألك ... عيشاً رغداً مريئاً ١٩٩/٢٥
الْعَيْشِ: ورضّني من العيش بما قسمت لي ١١٦/١٣٥
وسق إلينا به «قرآن» رغد العيش ١٠٩/١٥
وأحييته حياةً طيّبة في ... أتمّ العيشِ ١١٦/١٠٨
وشربوا بكأس العيش ٢٠٠/٢٤
واستعذبوا مرارة العيش ٢٠٠/٢٦
... حتّى ألقاك من العيش سئماً ١١٤/١٢
وكيف يلذّ العيشَ من هو موقن ٢١٤/٣١
وكيف يلذّ العيشُ من هو موقف ٢١٤/١٠٧
ومرارة العيشِ وطيب نسيم الغرور ٢١٩/١٣
عَيْشُهُ: فما عيشه إلاّ تزيد مرارة ٢١٩/١٥
عَيْشي: وأرغد عيشي وأظهر مروّتي ١١٦/١٠٧
ولاتجعل عيشي كدّاً كدّاً ٥٥/٣٤
فَعَيْشُكَ: فجدّ ولاتغفل فعيشك زائل ٢١٨/٥ - ٢١٤/٢٧
عِيشَةً: أللّهمّ إنّي أسألك عيشةً سويّةً ٢٢٥/٣
مَعاشاً: أللّهمّ ياجاعل ... النّهار معاشاً ١٣٤/١
الْمَعاشِ: خروجهم من سعة المعاش إلى ضيقه ١٤/٤
وأعوذبك من ضنك المعاشِ ١٩٩/٢٦
أللّهمّ فاكفني كلّ ضيق المعاش ١٢٣/٢١
ثمّ رزقتني من ألطاف المعاش ١٩٩/١٧٢
مَعيشَةً: معيشةً أقوى بها على طاعتك ٢٥٢/١٨
معيشةً أقوى بها على جميع حاجاتي ٢٥١/٢٦
نعوذبك ... من معيشةٍ في شدّة ٢٦/٧
معيشةً أتقوّى بها على جميع حوائجي ٧٨/١
الْمَعيشَةَ: تلبسني العافية حتّى تهنّئني المعيشة ٤٢/٢٢
أللّهمّ إنّي أسألك خير المعيشةَ ٢٥١/٢٦ - ٢٥٢/١٨
أللّهمّ إنّي أسألك حسن المعيشةِ ٧٨/١
مَعيشَتي: وأصلح لي دنياي الّتي فيها معيشتي ١٤١/١٩
مَعايِشَ: شهدت أنّ الله قسم معايش عباده بالعدل ٩٦/١
مَعايِشِنا: ولاترسل على معايشنا عاهة ٩٧/٢

ع.ى.ل

عَيْلَةً: أسألك أن ... لاعيلةً إلاّ أغنيتها ١٢٢/٨
الْعَيْلَةِ: أعوذبك من الغفلة والقسوة والعيلة ١٣٨/١٠
عَيْلَتي: وبغناك أجبر عيلتي ١١٦/٩٠

ع.ى.ن

غايَنْتِ: كم عاينتِ من ذي عزّ وسلطان ٢١٤/١٧
غايَنْتَ: وفي دون ما عاينتَ من فجعاتها ٢١٤/٢٦
٢١٨/٤ - ٢١٤/١٠١
لَغايَنْتَ: لعاينت من قبح المنيّة منظراً ٢١٤/١٣٠
عَيْنٍ: بكلّ شعرة في كلّ طرفة عينٍ ٢٣٠/١
مثابة أتبوّأها وأقرّ عيناً ١٤٧/١١١
لم تنم عنّي عينٌ حراسته ١٥٢/٤
وما بينهما طرفة عينٍ لايدرك بكيف ١٣١/٢
إلهي ينام كلّ ذي عينٍ ٢٠١/٣٠
وحجبتني عن عينِ كلّ ناظر ١٩٩/١٥٥
ولاترم بي رمى من سقط من عين رعايتك ١٤٧/٩١
عيناً عن البكاء من خوفك جامدةً ١٨٣/٤
أم كيف تنام عينٌ من يخشى البيات ٢١٤/٢٩
وعيناً بالرّجاء ممدودةً ٢٠٣/٤
ولانكلني إلى نفسي طرفة عينٍ ١٢١/١٣ - ٢٥١/٥٦
ولاتقذ عيناً فتحتها بنعمتك ٣١/١
وياقرّة عينٍ من لاذبك ١١٦/٣٠
لم تنم عنّي عينٌ حراسته ١٥٣/٤
فسبحانك أيّ عينٍ يرمي بها ٢٠٠/٤١
وأسألك قرّة عينٍ لاتنقطع ١٣٩/١٤
الْعَيْنِ: أعطني... قرّة العينِ في الأهل ١١٦/١١٠
فقرّت أعينهم بما وجدوا من العينِ ٢٠٠/٣٠
عَيْنِهِ: فقلّلهم «المشركين» في عينه ٦٧/١٩
عَيْنُهَا: فرددناهُ إلى أُمّه كي تقرّ عينها (قرآن) ١٥٩/٢١
فرجعناك إلى أمّك كي تقرّ عينها (قرآن) ١٥٩/٢٠
عَيْنِكَ: وأسقطتني من عينك فما بالیت ١١٦/٦٥
عَيْني: وحرثت أرضها بأشفار عيني ٢٣٠/٢ - ٢٣٠/٢
فتقرّ بذلك عيني وتطمئنّ له نفسي ١٨٤/٣
أن تمنّ عليّ من عطائك بما تقرّ به عيني ١٨٥/٧
لقآؤك قرّة عيني ١٨٩/٧
زال عن محبّتك من ... لحظات عيني ٨٠/١٨
وكم من نعمة سابغة أقررت بها عيني ١٦٣/٣
إلهي أتحرق بالنّار عيني ٢٠١/٣٣
وأقرّ عيني وفرّح قلبي ١١٦/١١٤
لتصنع على عيني إذ تمشى أختك (قرآن) ١٥٩/٢٠
وصغّر الدّنيا في عيني ٢٥١/٩ - ٢٥٢/٣٨
ولاتسكنّي الهاوية فإنّك قرّة عيني ١١٦/٩١
بِعَيْنٍ: فانظر بعين قلبك إلى مصارع ٢١٩/٢٢
ولاراحم ينظر إليهم بعينِ الرّحمة ٧٠/٦
حتّى نظروا بعينِ القلوب إلى عزّ الجلال ٢٠٠/٤٣
بِعَيْنِكَ: وهذا كلّه بعينك ٦٩/١
وراعه «وليّك» بعينك واحمه بحفظك ١٤٧/٦٣
فإنّا بعينك وفي كنفك ولك ١٩٥/٤
أللّهمّ احرسنا بعينك الّتي لاتنام ٢٢/١٥

أللّهمّ احرسني بعينك الّتي لاتنام ١/١٥٦ ـ ١/١٥٨
كلّهن «تبعات» بعينك الّتي لاتنام ٢/٨١ ـ ١٤/٨٠
واحفظني بعينك الّتي لاتنام ٧/٢٣٦
بِعَيْنِي: بل عصيتك بعيني ٣٥/١٤٩
لِعَيْنِي: أقرّ لعيني من رقدة الوسنان ٥/٦٣
بِالْعَيْنِ: وبالعين الّتي لاتنام ٣/٢٦٧
عَيْنَا: أم كيف تنام عينا من يخشى البيات ١٠٥/٢١٤
الْعَيْنَيْنِ: فويلٌ لهاتين العينين ١/٢٠٦ ـ ١/٢٠٥
عَيْنَيْهِ: وخضّبت الدّموع عينيه ١٢٩/٢١٤
فغمّضوا بأيديهم عينيه ١٢١/٢١٤
غمّضوا بأيديهم عينيه ٤٥/٢١٤
عَيْنَيَّ: فصار الفقر ممثّلاً بين عينيّ ٨/٧٧
لو بكيت إليك حتّى تسقط أشفارُ عينيّ ١٧/٤٩
عَيْنَايَ: ونظرت إليه عيناى ٥/١٤٨
وعيناى إليك بالرّجاء ممدودة ١/١١٢
وأنا المقرّ على نفسي بما... نظرت إليه عيناى ٥/١٤٨
إلهى، طالما نامت عيناى ١/٢٠٥ ـ ١/٢٠٦
أنا وجل القلوب وعيناى تنتظران ٣٠/٢٠١
أَعْيُنٍ: قرّة أعينٍ واجعلنا للمتّقين إماماً (قرآن) ١٦/٨٣
أعينٍ أحداثٍ طمَسَتْها ١١/١٥٢
فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قرّة أعينٍ (قرآن) ١٣/٢٥٧
وفي أعينِ النّاس فعظّمني ١٥/٢٥٢ ـ ٢٣/٢٥١
إمنعني وإيّاهم من ظلم الظّلمة وأعينِ الحسدة ٥/٢٤٨
ورمقتني من قريب أعينُ الفوت ٤٥/١٩٧
أم لهم أعينٌ يبصرون بها (قرآن) ٧/١٥٩ ـ ٩/١٥٩
عبرت أعينُ النّوّاحين ٣٢/٢٠٠
الْأَعْيُنِ: يامن يعلم خائنة الأعين وماتخفى الصّدور ٤/٢٣٣ ـ ٥/١٦٥
يعلم ... خائنة الأعينِ والسّرّ وأخفى ٢٤/١٤٩
أَعْيُنَهُمَا: وعرّفهما بدعآئى لهما ما يقرّ أعينهما ٦٦/١٤٩
أَعْيُنِهِمْ: إلاّ نغّصت أهله قرّة أعينهم ٢٤/٢١٩
المادّين إليهم أعينَهم ٦٨/١٤٧
وقرّت بالنّظر إلى محبوبهم أعينُهُمْ ٤/١٩٣
واجعل الجنّة نصب أعيُنِهم ٥/٦٧
وأقررت أعينَهم «صفوتك» بالنّظر إليك يوم لقآئك ٣/١٩١
فقرّت أعيُنُهم بما وجدوا من العين ٣٠/٢٠٠
أَعْيُنِكُمْ: خبركم بين أعينكم ٣٦/٢٢
أَعْيُنِنَا: واجعل ... حركات أعضائنا ولمحات أعيننا ٦/٣٠
وأقرر أعيننا يوم لقآئك برؤيتك ٣/١٩٦
لِأَعْيُنٍ: ولاتنصبنا فيه لأعينِ الشّامتين ٥٣/١٢٢
عُيُونٍ: ولاتعلن على عيونِ الملأ خبري ٢/١٠٨
وافقأ عتّى عيونَ الكفرة ٦/٧٨
فما نام عن إستنقاذى منها عيونُ رأفتك ٢٥/١٩٧
إلهى إن نظرت إلىّ بالهلكة عيونُ سخطتك ٢٥/١٩٧
أفرّهم عيوناً في المقام المحمود برؤيته ٣٠/١٠
وهجعت عيونُ أنامك ١/٩١
إلهى ... نامت عيونُ أنامك ١/٨٢
إلهى لو ... دللت على فضآئحى عيونَ العباد ٧٤/١١٦
ضحكت لها عيونُ مسآئلي ١٠٣/١٩٩
فتقت لهم رتق ... عيونِ القلوب ٤٠/٢٠٠
الْعُيُونُ: نامت العيونُ وغارت النّجوم ١/٢١٥
أعوذبك أن تحسن في مرأي العيونِ علانيتي ٥/٢٧
فبكت العيونُ شجن القلوب فيها دماً ٣٣/٢١٩
أعوذبك أن تحسن في لامعة العيونِ ٧/٢٧
أعوذبك أن تحسن في لوامح العيونِ علانيتي ١/٢٧
يامن لايخفى عليه ... لحظات العيونِ ٦/٢٣٤
إلهى وسيّدى هدأت العيونُ ١/٨٩
أتدرّع به من كلّ ما نظرت العيونُ ٤/١٦١
أعوذبك أن تحسن في رامقة العيونِ علانيتي ٣٠/١٤٨
سيّدى ما جفّت هذه العيونُ لفرط بكائها ١١٥/١٩٩
يامن ... لاتراه العيونُ ٣/٢٤٧
أللّهمّ إنّى أعوذبك من موقفٍ...تزدريني فيه العيونُ ١٢/١٣٥
عُيُونِهِمْ: وتسلبهم قرّة عيونهم ١٧/٢١٩
عُيُونِهَا: الدّموع مستدرّات عيونها ٤٧/١٩٧
عُيُونُنَا: حمداً تقرّ به عيوننا إذا برقت الأبصار ١/١٦
مُعَايَنَةِ: إلهى، ألأمان... وعند معاينةِ الموت ٢/٢٠٧
وعند معاينةِ الموت مستبشرين ٢١/٢٠٦
بِمُعَايَنَةِ: فصحّ بمعاينة أمثالهم حازم وقّفه اعتباره ٢/٧٤
عِيْنٍ: وأخبرت ... ما فيها من حور عينٍ ١٢/٢٥٧
الْعِينِ: ومن الحور العينِ مزوّجين ٢٣/٢٠٦
تزوّجنى من الحور العين ٢٢/١٢١
وزوّجني من الحور العين بفضلك ١١٦/١١٦
آه وانفساه إن حرمت الحور العينَ ٤٩/١٩٨

ع.ى.ى

أَعْيَانِي: أعياني عن نشر عوارفك توالى ١/١٨٧
أَعْيَتْ: وأعيت الحيل إلاّ عندك ١/٢٢١ ـ ١٩/١٤٣
أللّهمّ وقد أكدى الطلب وأعيت الحيل ١/٢٢٠
أَعْيَتْنِي: يامفزعى إذا أعيتني الحيل ٣/٢٧
لَمْ يُعْيِكَ: ولم يعيك برهان ولابيان ١٥/١٤٧
تُعْيِينِي: ياكهفي حين تعييني المذاهب ٧/١٦٣
إِعْيَاءً: ولاإعياءً من لغوب ولافتور ٧/١٢

حرف الغين

غ.ب.ب

غِبّاً: ولاتجعل ذكرنا له غبّاً ١٠٣/٢
غِبَّهَا: وإن نلت منها غبّها لك ضائر ٢١٨/٦
غُبَّةً: وإن نلت منها غبّةً لك ضائر ٢١٤/٢٨ ـ ٢١٤/١٠٤

غ.ب.ر

غَبَرَ: ومن غبر إلى يوم القيامة ١٤٢/٦٢
غَبَرَةً: ووجوهٌ يومئذٍ عليها غبرة (قرآن) ١١٦/٨١
الْغابِرِينَ: صدق في الغابرينَ ١٤٧/١٠٩

غ.ب.ط

يَغْبِطُهُ: الّتي يغبطه بها الأوّلون والآخرون ١٤١/٢٩
غِبْطَةٍ: حتّى لاتبقى غاية غبطةٍ ١٠/٢٠
إغْتِباطاً: كافأناك ... إغتباطاً بغرور آمالنا ٢٠٠/٥
مَغْبُوطٌ: فلا هو مغبوط بدنياه آمن ٢١٤/٣٦ـ٢١٤/١١٢
أَغْبَطَهَا: أسألك ... من الكرامة أغبطها ١٩٩/٢١

غ.ب.ن

مَغْبُونٌ: وقد إنقضى أجله وهو مغبونٌ عمله ٢٤٨/٣

غ.ب.و

غَباوَةِ: الإنصات إلى فهم غباوة الفطن ٢٤٩/٣

غ.د.ر

غَدَرَ: إرحم من نقض العهد وغدر ١٩٩/٤٦
لاتَغْدُرُ: أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... ملكٌ لاتغدر ١٣٠/٤
الْغَدْرِ: أعذنا من الفشل ... والغدر ٢٠٠/١٦
غَدْرِهِ: فتل عنّي عذار غدره ٨٨/٧
غَدْرِهِمْ: بسم الله ... من شرّ ... غدرهم ٢٢/٢٦
غَدْرِهَا: علّقتنا بأيدى المنايا في حبآئل غدرها ١٩٦/١
الْغادِرِ: ما أنت صانع بذلك العبد الغادر ١١٨/٦
الْغادِرِينَ: إيّاك أدعو ... يا ... طالب الغادرين ١٤٩/١٦

غ.د.ف

أَغْدِفِ: أغدف اللّهمّ عليّ سربال غفرانك ١٦/٤

غ.د.ق

الْمُغْدِقِ: وانشر علينا رحمتك بغيثك المُغدق ٥٣/١

غ.د.و

غَدَوْتُ: أنا الّذى... غدوت إلى الظّلم بعد العلم ١٤٨/١٠
تَغْدُو: تغدو وتروح بفضل إبتدائك لاأعرف غيرها ٧٧/٥
أَتَغَدّىٰ: حتّى ترينى رأس ابن زياد وأنا أتغدّى ٧٢/١
الْغُدُوِّ: ولانفترعن التّسبيح بحمدك في الغدوّ والآصال ١٩٩/٣٥
غُدُوّي: أستودعك يا إلهى غدوّى ورواحى ٢٤٨/٤
بِالْغُدُوِّ: عارجاً إليك... بالغدوّ والآصال ١٩٩/١٩١
غداً: وأشدّ شوقنا غداً إليك ١٤٢/٤٦
فواسوءتاه غداً من الوقوف بين يديك إذا قيل ٩١/٣
آه وانفساه كيف لي بمعالجة الأغلال غداً ١٩٨/١
إن حرّمت رحمة ربّى عليّ غداً ١٩٨/٢٢
ربّ ما أخفّ ميزانى غداً إن لم ترجّحه ١٦٤/١٦
آه وانفساه من ملآئكة تشهد عليّ غداً ١٩٨/١٨
آه وانفساه من موقفى بين يدى الرّحمن غداً ١٩٨/٨
كيف تصبران غداً على تحريق النّار ٢٠٥/١ ـ ٢٠٥/٢
كيف يصبر غداً على تحريق النّار ٢٠٥/٣
ومن أيدى الخصماء غداً من يخلّصنى ١١٦/٦٨
آه واحزناه إذا عرضت على الرّحمن غداً ١٩٨/٣١
تجرّع الصّديد وضرب المقامع غداً ١٩٨/٢٧
ياربّاه نجّنا من الاهوال غداً ١٩٨/٧٥
ياربّاه لاتحرمنا شفاعته «محمّد» غداً ١٩٨/٩١
آه واخطيئتاه على أىّ حال ألقى ربّى غداً ١٩٨/٦٧
آه وانفساه إن لم يرض عليّ ربّى غداً ١٩٨/٥٣
سحبتني الملآئكة على حرّ وجهي غداً ١٩٨/٥١
آه واحزناه أين المفرّ من ذنوبي غداً ١٩٨/٤٢
آه واحزناه ما أبعد السّفر وأقلّ الزّاد غداً ١٩٨/٤٠
غَدِهِ: فالشّقى من ... لم تؤمنه من غده ٣١/٥
ويملّ العمل في غده ٢٠٤/٧
واجعل كلّ يوم ... مقصّراً عن غده ٢٠٤/٨
غَدي: واجعل غدى وما بعده أفضل من ساعتى ٢٣٦/٥
الْغادِياتِ: الصّلوات ... الغاديات الرّائحات ١٤٧/٦٩

غ.ذ.ذ

مُغَذٍّ: ومن أقطع عذراً من مغذٍّ سيراً ٢١٩/١٣

غ.ذ.و

غَذَوْتَهُمْ: تأديب أوليائك الّذين غذوتهم بأدبك ٢٦٨/٤
غَذَوْتَنِي: ربّ إنّك ... غذوتني بنعمتك ٧٧/٥
غَذَوْتَنَا: وغذوتنا بطيّب رزقك ٢٠٠/٢
فَغَذَوْتَنِي: فغذوتني بفضلك غذاء البرّ اللّطيف ٨٨/١٥
يَغْذُوهُمْ: بتقدير منه للعباد فيما يغذوهم به ٢١/١
أَغْذُنِي: واغذني بنعمتك واصلحني بكرمك ٥٥/٣١
غَذَّانَا: والحمدلله الّذى ... غذّانا بطيّبات الرزق ١/٢٢
غَذَّيْتَنِي: وغذّيتني فأنعمت غذائى ١٩٩/١٧٦
غَذَّيْتَنَا: إلهى فكما غذّينا بلطفك ١٨٧/٧
يُغَذِّينِي: يامن يغذّيني بالنّعم صباحاً ومساءً ٩٠/٥
غِذَآءَ: فغذوتني بفضلك غذاء البرّ اللّطيف ٨٨/١٥
الْغِذَآءِ: ورزقتني من الغذآء سآئغاً هنيئاً ١٩٩/١٧٠
غِذَآئِي: وغذّيتني فأنعمت غذآئى ١٩٩/١٧٦

غ.ر.ب

غُرْبَتْ: وغربت الألسن وأحلفت ٢٢٠/٢
غَرْبِ: ونكفّ من غرب الألسن ١٠/٩
غُرْبَةِ: واجمع به شملهم في غربة يوم القيامة ١٠/٣٤
الْغُرْبَةِ: وهاجر إلى بلاد الغربةِ ٩/٣
فإذا أوحشتني الغربةُ آنسنى ذكرك ٢٥١/٥٨
غُرْبَتُهُ: وبحقّ يعقوب وغربته ١٨٠/٣
غُرْبَتِهَا: ويكى عليها الغريب لطول غربتها ١٩٩/١٣٧
غُرْبَتِي: وحشتى وغربتي ووحدتي ١١٢/٧
إرحم في هذه الدّنيا غربتي ١١٦/٩٥
وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي ١١٦/٩٧
أشكو إليك غربتي ٢٥١/٢٤ ـ ٢٥٢/١٦
ياأنيس كلّ غريب، آنس في القبر غربتي ١٩٧/٢٠
لِغُرْبَتِهَا: كلّ غريب عليها لغربتها ١٩٧/٣٢
غَرِيبٍ: ياأنس كلّ مستوحشٍ غريبٍ ٤٩/٢
ويكى كلّ غريبٍ عليها لغربتها «نفسى» ١٩٧/٣٢
وحيد ... أصبح فى اللّحد غريباً ١٩٧/٣٣
ياأنس كلّ غريبٍ مفرد ١٩٩/١٢٥
وسكن اللحد غريباً ١٩٩/١٣٩
ياأنيس كلّ غريبٍ آنس في القبر غربتي ١٩٧/٢٠
الْغَرِيبِ: أدعوك ... دعاء الغريق الغريبِ الفقير ١٧٥/٣
ويكى عليها الغريبُ لطول غربتها ١٩٩/١٣٧
مَغَارِبِهَا: في مشارق الأرض ومغاربها ٢٢٧/٥ـ١١٩/٢٧

غ.ر.ر

غَرَّنِي: غرّنى بك حلمك عنّى ١٩٩/١٥٩
وجليل حلمك عنّى غرّنى ١٩٩/١٥٤
وغرّنى سترك المرخى علىّ ١١٦/٦٧
غَرَّتْ: كم قد غرّت الدّنيا من مخلد إليها ٢١٤/١١٣
كم غرّت من مخلد إليها ٢١٤/٣٧
غَرَّتْهُمْ: حتّى لقد غرّتهم أناتك ١٤٦/٧
نَغُرَّ: ألا لاولكّنا نغرّ نفوسنا ٢١٤/٣٠ ـ ٢١٤/١٠٦
غَرَرْتُ: وأىّ تغرير غرّرت بنفسي ١٦٧/٢
غَرَّرْنَا: وأىّ تغرير بمهجنا غرّرنا؟ ٢٠٠/١٠
إِغْتَرَّ: والشّقاء الأشقى لمن اغترّ بك ١٤٦/٩
إِغْتَرُّوا: أللّهمّ إنّ الظّلمة... إغترّوا بنعمتك ١١٩/٤
إِغْتَرَرْنَا: بجهلنا اغتررنا لابحلمك ٢٠٠/١١
لَايَغْتَرَّ: فأهل أن لايغترّ بك الصّدّيقون ١٠١/١١
فَلَا نَغْتَرَّ: فلا نغترّ بالإمهال ١٩٩/٣٥
غِرَّةِ: والنّاس... في غرّةِ الجهالة لاهون ١٩٩/٥٨
الْغِرَّةِ: للّذى كنت فيه من اللّهو والغرّة ٣٥/٥
والقسوة والغفلة والغرّة ١١٧/٥
غُرُورِ: ما الدّنيا وغرور الأيّام ٢١٩/٣١
الْغُرُورِ: ومرارة العيش وطيب نسيم الغرور ٢١٩/١٣
أللّهمّ ارزقني النّجافي عن دار الغرور ١٣٦/١
متى أتعلّل بالأماني وأسكن إلى الغرور ٢١٩/٧
غُرُورِهِ: من الثّقة بأمانيّه ومواعيده وغروره ٥٠/١
أعذني فيه من ... غروره «الشّيطان» ١١٧/٧
فيقطعهم بخدع غروره ١٠٩/١٠
وسلّمنا من غروره ١٠٣/١
بِغُرُورٍ: كافأناك... إغتباطاً بغرورِ آمالنا ٢٠٠/٥
تَغْرِيراً: وتعاطى ما نهيت عنه تغريراً ٨٠/٢
وأىّ تغريرٍ بمهجنا غرّرنا؟ ٢٠٠/١٠
وأىّ تغريرٍ غرّرت بنفسي ١٦٧/٢
إِغْتِرَاراً: واغتراراً بتكبرك عليه ٤٤/٢
أو أن يكون طمعه إغتراراً ١٠١/١٠
إِغْتِرَارِى: وطال بك إغترارى ٢٥١/٥٥
الإِغْتِرَارِ: الإغترار بزخارف زينتها ١٩٦/١

الْغُرِّ: صلّ على ... قائد الغرّ المحجّلين ١٤١/٢٧

غُرَرِ: شهر القرآن وغرر الأيّام ١٤٣/٢٨

الْغَرُورِ: ذكر دنياهم الخدّاعة الغرور ٦٧/٤

مَغْرُورٌ: من ذنب أنا فيه مغرورٌ متحيّر ١٤٨/٢

سلطان يسلك بى البلايا مغروراً ٢٠٠/٤٥

الْمَغْرُورونَ: حين يأمن المغرورون مكرك ٢٠٤/٥

الْمَغْرُورِينَ: خذ بيدى من... زلّة المغرورين ١٤٧/٩٢

غ.ر.س

غَرَسُوا: غرسوا أشجار الخطايا ٢٠٠/٢٨

إغْرِسْ: واغرس في أفئدتنا أشجار محبّتك ١٩٦/٣

غ.ر.ض

غَرَضاً: أعوذبك من حياة غرضاً ٢٧/٣

جعل عرضى غرضاً لمراميه ١٥٢/٩

ربّ لاتجعلنى للبلاّء غرضاً ٥٢/٣

لاتصيّرني للفتن غرضاً ١٨٣/٦

غ.ر.ف

الْغُرُفَاتِ: هوامد تلك الغرفات ٢١٩/٢٧

غ.ر.ق

يَغْرَقُ: ويغرق من تركها ١١٣/٢ ـ ٢٠/٢

أَغْرَقَ: قد أغرق في ذمّ الدّنيا الأدلاّء ٢١٩/٣٣

ويؤيّد من أغرق نزعاً في توفيته ١٤٧/٤١

أَغْرَقَتْهُ: مسألة من ... أغرقته إساءته ١٣٢/٩

أَغْرَقْتَنِي: أنت الّذى أغرقتني بالجود ٢٠١/٢٧

أَغْرَقْتُ: أنا الّذى أغرقت نفسي بالذّنوب ٢٠١/٢٧

غَرَّقَتْ: وغرّقت دموعه «العبد» خدّيه ٣٤/٧

غَرَّقَتْنِي: فقد غرّقتني الذّنوب ٢٠٥/١٧

إسْتَغْرَقَتْ: وإستغرقت نعمتك شكر الشّاكرين ٢٠٠/١

يَسْتَغْرِقُ: ويستغرقُ كلّ جزاءٍ جزاؤُه ١٤٧/٣٨

إغْزَاقاً: وإغراقاً في الثناء عليك ٥٥/٢٢

غَرِيقُ: ربّ نفسي غريقُ خطايا مجحفة ٢٤٨/٩

أتضرّع إليك تضرّع غريقٍ يرجوك ٢٤٣/١

لطفت ل... غريقٍ في بحور خطاياه ٢٤٣/١٠

الْغَرِيقِ: أدعوك... دعاء الغريقِ الغريب الفقير ١٧٥/٣

غ.ر.م

فَغَرِمْتُهُنَّ: والأمّهات حقوقاً فغرمتهنّ ٢٤٧/١١

غَراماً: إنّ عذابها كان غراماً (قرآن) ٨٣/١٥

مَغْرَمِنا: واقض به «وليعصر»(عج) عن مغرمنا ١١٩/٢٤

غ.ز.ر

غُزْرَهُ: يسقي منك نافع دائم غزرُه واسع دِرَرُه ٥٣/٢

غَزِيراً: عريضاً واسعاً غَزيراً تَرُدُّ به النَّهِيض ٥٣/٣

غَزائِرُ: مدامعها فوق الخدود غزائرُ ٢١٤/٥٦

غَوازِرُ: مدامعهن فوق الخدود غوازر ٢١٤/١٣٢

أَغْزَرَهَا: أسألك ... من الأرزاق أغزرها ١٩٩/٢٣

غ.ز.و

غَزَاهُمْ: ألّلهمّ وأيّما غازٍ غزاهم «المشركين» ٦٧/١٦

فَغَزَاهُمْ: فغزاهم «أولبائك» في عقر ديارهم ٩/٣

أُغْزُ: ألّلهمّ اغز بكلّ ناحية من المسلمين ٦٧/١٠

غَزْواً: فنوى غزواً أوهمّ بجهاد ٦٧/٢٢

غازٍ: ألّلهمّ وأيّما غازٍ غزاهم «المشركين» ٦٧/١٦

ألّلهمّ وأيّما مسلم خلف غازياً ٦٧/٢٠

غ.س.ق

غَسَقِ: أوضح به «الحق» في غسق اللّيل المظلم ٧٠/١١

الْغَسَقِ: أضاء بعظمتك دواجى الغسق ٢٤٥/٣

غاسِقِ: نجّنى من طارق يطرق في ليل غاسق ١٦١/١٢

الْغَسَّاقِ: وصفته «العذاب» ... الغسّاق ٢٥٧/١٦

غ.س.ل

غَسَلُوا: غسلوا أوعية الجهل بصفو ماء الحياة ٢٠٠/٣٤

غَسَلْتَ: وغسلت عنّا دنس الخطيئات ١٤٢/٤١

تَغْسِلُ: وقّفنى من الأعمال لما تغسل به دنس ٨٠/١٠

إغْسِلْ: واغسل به درن قلوبنا ١٠٩/١٣

يُغَسِّلُنِي: على المغتسل يغسلّنى صالح جيرتي ١١٢/٧

وتفضّل علىّ ممدوداً على المغتسل يغسّلنى ١١٦/٩٦

لِغَسْلِهِ: شمّرمن قد أحضروه لغسله ٢١٤/٥١ـ٢١٤/١٢٧

الْمُغْتَسَلِ: وارحمني مطروحاً على المغتسل ١١٢/٧

الْغِسْلِينَ: وصفته «العذاب»... الغسلين ٢٥٧/١٦

غ.ض.ى

أُغْضِيَ: وأن أشكر الحسنة وأغضى عن السّيّئة ٥٥/١٤
غاضِياً: وعن ذنوبي غاضياً ١١٣/٩

غ.ط.و

غَطّاهُ: إذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبه وغطّاه ١٨٥/١
غَطَّيْتَهُ: كم من ذنبٍ غطّيتهُ عليّ فلم تشهرني ٤٩/١١
يُغَطّى: والبسني من نظرك ثوباً يغطّى ١١٦/١٠١
غِطاءً: ولم تكشف عنّي غطاءً مجازاة لذنوبي ١٤٨/٤
الْغِطاءِ: وأبلغ من كشف الغطاء ٢١٩/١٩
قد كشف الغطآءُ عن أبصارهم ١٩٣/٣
تَغْطِيَتي: راغب إليك في تغطيتي بالإقالة والصّفح ١٦/٣

غ.ف.ر

غَفَرَ: وأكرم من غفر وعاد بفضله على عبده ٢٥٧/٢
غَفَرْتَ: إلهنا وسيّدنا إن غفرت فبفضلك ١٤٣/٣١
وأجزلت حبآءه وغفرت ذنوبه ١٤٩/٥٥
واغفرلنا كما غفرت للمؤمنين ١٣٩/٣
ياربّاه لاأدرى أغفرت لي ذنوبي أم لا ١٩٨/٨٤
سيّدى إن غفرت فبفضلك ١٩٩/١٣٣
فمن غفرت له فبطولك ٨/٥ ـ ٩٨/٢
إلهى إن غفرت فبفضلك ١٩٧/٢٧
وإن غفرت لي لايضرّك ٢٠١/١٨
أو خاطئٌ غفرت زلّته ٢٥٦/٢
وإن غفرت لي فبرحمتك وبما أنت أهله ٨٩/٤
أو مذنب خاطئٌ غفرت له ٢٢٠/٧ ـ ١٤٣/٢٠
غَفَرْتَهُ: أسألك أن لاتدع لي ذنباً إلاّ غفرته ١٢٢/٨
لاتدع لي ... ذنباً إلاّ غفرته ١٤٣/٤٦
فَغَفَرْتَ: ما أنا بأعصى من عصاك فغفرت له ٣٤/٩
ورحمت فغفرت ١٩٩/١٠
إلهى، عصاك آدم فغفرت له ٢٠١/٤٥
فَغَفَرْتَها: وتوسّل إليك من ذنوبه كلّها فغفرتها له ٢٣٤/٤
غُفِرَتْ: آه وانفساه إن غفرت ذنوب المجرمين ١٩٨/٦
يَغْفِرُ: إلهى... ومن الّذي يغفرُ الذّنوب ٢٠١/٢٥
إنّ الله يغفر الذّنوب جميعاً ١٦٢/٢
لايَغْفِرُ: ولايغفر العظيم أحد سواك ٢١٢/٥
يامن هو الإله ولايغفر الذّنوب سواه ٢٣٨/٨
فإنّه لايغفر الذّنب العظيمة ٢٠١/١٥
فإنّه لايغفر الذّنب العظيم إلاّ العظيم ١٤٩/٤٨
فإنّه لايغفر الذّنوب إلاّ أنت ٨٩/٤
ولايغفر ذنباً إلاّ لأهله ١٤٣/١٤
إنّه لايغفر الذّنوب إلاّ أنت ١١٧/٤٠
تَغْفِرُ: إلهى نفسي تمنّيني بأنّك تغفرُ لي ١٩٧/١٩
أو تغفرَ لي ذنباً ١٤٩/٤٢
وتغفرَ لي فلست بريئاً فأعتذر ١٦٣/٩
تقبل التّوبة وتغفرُ الحوب ١٦/٣
أنا الّذى لم أزل أسيئُ وتغفرُ لي ١٤٩/٣٢
وإن تغفر لي فبجودك ورحمتك ٢٠٩/٤
وإن تغفر فأنت أرحم الرّاحمين ١٦٣/١٤
وإن كنت تغفر لي حين أستوجبُ مغفرتك ٤٩/١٨
تَغْفِرُهُ: فلا يتعاظمك ذنبٌ تغفره لي ٢٠١/٤٨
وأنا أفقرهم لذنب تغفره ٢٥٧/٩
فاجعله ذنباً تغفره ٩٩/٤
تَغْفِرُها: وتغفرها «التّبعات» لي ١١٦/١٠١
لاتَغْفِرُ: إن كنت لاتغفر إلاّ لأوليائك ١١٦/١١٨
لاتَغْفِرُ: ولاتغفر لهم أبداً ١١٧/٣٣
أَنْ تَغْفِرَ: لايجب لأحد أن تغفر له بإستحقاقه ٩٨/٢
وأسألك أن تغفرَ لي ذنبى وتحطّ عنّى وزرى ١٢٧/٩
أللّهمّ إنّى أسألك أن تغفرَ لي ما قدّمتُ ١٣٨/٤
لايجب لأحد منهم أن تغفر له بإستحقاقه ٨/٤
أن تغفر لنا وترحمنا ١٤٣/٢١
وأن تغفر لي خطيئتي وجهلي ١٣٨/٣
لِتَغْفِرَ: جئتك لتغفر لي وترحمني ٩١/١
أَنْ تَغْفِرَهُ: ذنب أن تغفره ٢٥٧/٢٠
إغْفِرْ: أللّهمّ اغفرلي ذنبي ١٢١/١٣ ـ ١٣٨/١١
فصلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ واغفرلي ١٣٥/١٨ ـ ٢٥١/٥٦
أللّهمّ اغفرلي ولوالدىّ وارحمهما ١١٦/٤٧ ـ ١٣٩/١١
إغفر للمؤمنين واللمؤمنات إنّك قريب مجيب ٢٤١/٩
أللّهمّ ... إغفرلي إذا توفّيتني ١٤٨/٣٥
أللّهمّ إغفرلي إنّك أرحم الرّاحمين ١١٧/٤٠
ربّنا إغفرلنا ولإخواننا الّذين سبقونا بالإيمان (قرآن) ١٤/٥
ياعظيماً يرجى لكلّ عظيم إغفرلي ذنبي ١٤٩/٤٨
واغفرلي ذنوبي ٢٥٢/٣٢ ـ ٢٥١/٤٩
أللّهمّ اغفرلنا ولإخواننا المؤمنين ٢٠٦/٢٤
بعفوك العظيم اغفرلي ذنوبى العظيمة ٢٠١/١٥
واغفرلي ذنوب اللّيل والنّهار ٢٣٩/١١

واغفرلنا ذنوبنا أجمعين ٢٣٤/٣
واغفر للمؤمنين والمؤمنات مع الآباء ٢٠٦/١٧
واغفرلي بدعآئي لهما «والدىّ» ٦٣/١٥
واغفر لهما ببرّهما بي مغفرة حتماً ٦٣/١٥
إغفر للمؤمنين والمؤمنات ١٢٣/١١
أنت إلهى وسيّدى ومولاي إغفر لأولياّئنا ٢٥٥/٨
وإغفر ما أحدث المحدثون بعده في أمّته ١٠/٢٥
واغفرلي ما تعلم من ذنوبي ١٦٣/١٤
واغفرلي ولوالدىّ ولمن ولدني ١٤٩/٦٦
واغفرلنا إنّك على كلّ شيء قدير (قرآن) ١٤٢/٧
واغفر ذنبي وآمن خوف نفسي ٣٤/١٣
واعفُ عنّا واغفرلنا وارحمنا (قرآن) ٨٣/١٣
إغفرلنا وللمؤمنين والمؤمنات ٨٣/١٨
أللّهمّ اغفر لحيّنا وميّتنا ١١٦/٤٩
أللّهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات ١١٦/٤٨
يامن لاتخفى عليه خافية إغفرلي ١٩٧/١١
أللّهمّ إغفرلي ما مضى منّى ١٩٩/٤٨
وإغفرلي وللمؤمنين والمؤمنات ٢٣٧/٩
واغفرلي إنّك خير الغافرين ٨٨/٨
إغفرلى ولوالدىّ وما ولدا ٢٠٠/٤٨
أللّهمّ اغفرلي وأنت خير الغافرين ٧٧/١٢
واغفرلي ما لايضرّك ٢٠٣/٨
واغفرلي ذنبى وكلّ ذنب سلف منّى ١٤١/١٥
واغفرلي كلّ ذنب حسبته هيّناً ١٤١/١٥
إغفر لهما «والدين» كما رجا منك ٢٤٧/١١
أللّهمّ إغفرلي ذنبى ووسّع علىّ في رزقي ١٢١/٨
ياذاالجلال والإكرام وإغفرلي وللمؤمنين ٢٤٣/١٢
واغفرلنا ما لايضرّك ٢١١/١
واغفرلنا متعوّذين ١١٧/٢٢
واغفرلي كلّما سلف من ذنوبي ١١٧/٢٧
واغفرلي ذنوبي وعيوبي ١١٧/٢٧
واغفر لكلّ والد ولدنا في الإسلام ١٤٣/٣٦
واغفرلي بقدرتك علىّ ١٥٦/١
واغفرلنا كما غفرت للمؤمنين ١٣٩/٣
واغفرلنا ما خفى من ذنوبنا وما علن ١٤٢/٥٤
اغفر بقدرتك علىّ فلا أهلكنّ وأنت رجائى ١٥٨/١
واغفرلنا ولآبائنا وأمّهاتنا ١٤٣/٣٦
أللّهمّ اغفرلي وارحمني واعف عنّى ١٤٣/٤٥

إغفرلي مغفرة تطهّر بها قلبي ١٤٣/٤٤
فَاغْفِرْ: فاغفرلي ما سترت من غيرك ١٢٨/٩
مستغفراً فاغفرلي ١٤١/١٣
فإغفرلي ما خفى على النّاس من أمرى ١٩٩/١٢٥
فاغفرلي ما علمت ٨٠/١٣
عبد نال منّى ما حظرت عليه... فاغفر له ١٠١/٢
فاغفر يالإله إلاّ أنت ٢٢١/٥
فاغفر له ما ألمّ به منّى ١٠١/٢
فاغفرلي ما علمت وما عملت ٨١/١
إن كان صادقاً فاغفرلي وإن كان كاذباً فاغفرله ٤٥/١
فاغفرلي وألبسني من نظرك ثوباً ١١٦/١٠١
فاغفرلي فإنّه لايغفر الذّنوب إلاّ أنت ٨٩/٤
فاغفرلي ما لايضرّك ٢٠١/١٧
فاغفرلي إنّه لايغفر الذّنوب إلاّ أنت ١١٧/٤٠
فاغفرلي ما خفى على الآدميّين من عملى ١١٦/٩٦
فَاغْفِرْهُ: إلهى... ما علمته من قبيح فعلى فاغفره ١٨٦/٦
فَاغْفِرْهَا: قد أحصيت ذنوبي فاغفرها لي ٢٥/٣
إسْتَغْفَرَ: واستغفر حين لاينفعه الإستغفار ٢١٤/١١٧
إسْتَغْفَرَهُ: يا... أكرم من إستغفره الخاطئون ١٩٩/١٢٧
فَاسْتَغْفَرْتُ: ثمّ عرّفت فاستغفرت ١٥٣/١
فاستغفرت فأقلت فعدت فسترت ١٥٢/١
يَسْتَغْفِرُ: ويستغفر لي بعد وفاتي ٢٥٨/١
أَسْتَغْفِرُ: أستغفر الله من كلّ ذنب ٢٠/٧
أستغفر الله إنّ الله كان غفوراً رحيماً ١١٧/٤٠
أستغفر الله ربّى وأتوب إليه ١١٧/٣٩
أستغفر الله الّذى لاإله الاّ هو ١١٧/٤٠
أَسْتَغْفِرُكَ: أللّهمّ إنّى أستغفرك لكلّ نذر نذرته ٢٣٨/٥
وأستغفرك لما وأيت به على نفسي ٢٥٢/٤ ـ ٢٥١/٦
فإنّى أستغفرك لما تبت إليك ٢٥١/٥
وأستغفرُك من كلّ لذّة بغير ذكرك ١٩٤/٤
وأستغفرُك لكلّ ما خالطنى في كلّ خير ٢٥١/٨ ـ ٢٥٢/٥
وأستغفرك للمعاصى الّتى قويت عليها ٢٥١/٧ ـ ٢٥٢/٥
أللّهمّ فكما عصيتك ... أستغفرك ٢٥٢/٤
وأستغفرك لما قصّرت فيه ٣٤/١١
أللّهمّ إنّى أستغفرك وأتوب إليك ٢٥٨/٢
أستغفرك لخطيئتي ٢٤٩/١٨
فَأَسْتَغْفِرُ: فاستغفر الله من الذّنوب الّتى ٦٠/١
فَأَسْتَغْفِرُكَ: فأستغفرك ياسيّدى ١٤٨/١٣

نَسْتَغْفِرُكَ: نستغفرك أللّهمّ منها ونتوب إليك ١١٦/٤٠
إسْتَغْفِرُوا: إستغفروا ربّكم إنّه كان غفّاراً (قرآن) ٢٤٩/١٩
مَغْفِرَةٍ: عندك أفواجٌ من ... مغفرةٍ ١٥١/١
واغفر لهما ببرّهما بي مغفرةً حتماً ٦٣/١٥
مغفرةً تؤمنني بها من ذنوبي ١٣٢/١١
فإنّك ذومغفرةٍ للطّالبين ١٩٩/٨٢
مغفرةً من أرجو إذا لم أرجُ مغفرتك ١٤٨/١٦
وارزقني ... مغفرةً ذنوبي ١٤١/١٠
اغفرلي مغفرةً تطهّر بها قلبي ١٤٣/٤٤
الْمَغْفِرَةَ: وأنت واسع المغفرة ١١٧/٢٨
أذقني حلاوة المغفرةِ ٤٩/٢٠
فإنّك ... أهل التّقوىٰ وأهل المغفرة ١٤٧/٩٨
ووثقت بك ربّ في المغفرةِ لي ٨٨/١٣
أنت أهل التّقوىٰ وأهل المغفرةِ ١١٦/١٠١ ـ ٨٩/٤
أعظم لي فيهذا اليوم بركة المغفرةِ ١٢٤/٢٨
والعفو والمغفرةِ الدّائمة ١١٧/١٣
... من الرّحمة والمغفرةِ ١١٧/١٣
فتطوّل عليّ فيه بالرّحمةِ والمغفرةِ ١٤٩/٦٤
إنّك أهل التّقوى وأهل المغفرةِ ٢٣٧/٨٠ ـ ١٢٨/٤ ـ ٣٤/١٢
وجميع المؤمنين والمؤمنات من المغفرةِ ١٢٦/٢
ياواسع المغفرةِ ١١٦/٣١
إنّه لاتنقصك المغفرةُ ٢٣٨/٧
وهذا «رمضان» شهر المغفرةِ والرّحمة ١١٧/١
لأنّك أهل التّقوى وأهل المغفرةِ ١١٦/٢٨
إلهي... فأفعل بي ما أنت أهله من المغفرةِ والرّحمة ١٨٦/٨
ومستحقّي عقوبتك بالعفو والمغفرةِ ١٤٨/١٥
مَغْفِرَتِهِ: حمداً يكون ... ذريعة إلى مغفرتِهِ ١/٢٩
عمّن يملك عقوبته ومغفرتَهُ ١٤٨/٢٤
مَغْفِرَتُكَ: مغفرة من أرجو إذا لم أرج مغفرتُك ١٤٨/١٦
من برد عفوك ومغفرتِك ١٨٢/٤
وأذقنا حلاوة عفوك ولذّة مغفرتك ١٩٦/٣
أللّهمّ إنّي أصبحت... معتصماً بوثائق مغفرتك ١٦/١
الّتي تسبّب بإستعمالها إلى مغفرتِك ٩٨/٨ ـ ٨/١٣
وتتفضّل عليّ برحمتك ومغفرتِك ٢٥١/٤
إنّي تطهّرت ... إبتغاء رضوانك ومغفرتِك ٢٦٨/٢
صلواتك ورحمتك ومغفرتُك ورضوانك عليه ١١٦/٤٥
وليس عندي ما يوجب لي مغفرتِك ٥٥/٢٤
أللّهمّ إلى مغفرتِك وفدتُ ٥٥/٢٤
باتّساع قدرتك عليّ وفقري إلى مغفرتِك ٦٠/٢
فلم يحل كرمك بيني وبين مغفرتِك ١٩٩/١٦٢
رحمتك ورضوانك وعفوك وعافيتك ومغفرتُك ١٢٧/٨
بل توجب لي فيه رحمتك ومغفرتَك ١٤١/١١
وتفضّل عليّ برحمتك ومغفرتِك ٢٥٢/٣٧
وألقني السّيّئات بين عفوك ومغفرتِك ١٩٧/٢٢
واجعله باباً من أبواب مغفرتِك ١٠٣/٤
ومحلّ مغفرتِك ورحمتك ٦٣/١٦
وإن سبقت مغفرتُك لي فشفّعني فيهما ٦٣/١٦
أللّهمّ وإن سبقت مغفرتك لهما فشفّعهما فيّ ٦٣/١٦
وإن كنت تغفرلي حين أستوجبُ مغفرتَك ٤٩/١٨
بِمَغْفِرَةٍ: فاذكرهم منك بمغفرةٍ ورضوان ١٤/٢
بِمَغْفِرَتِكَ: إلقنى بمغفرتك كما لقيتك بإقرارى ٨٠/٩
نعمة في آخره بمغفرتك ٢٣٨/٨
... بمغفرتك ورضوانك ... ١١٧/١٦
لِمَغْفِرَتِكَ: أللّهمّ إنّي أتيتك... ولمغفرتك طالباً ١٣٥/١٨
بِالْمَغْفِرَةِ: وأكرمني بالجنّة ومنّ عليّ بالمغفرةِ ١٤٩/٥٨
وختمت له بالمغفرة ١٤٩/٥٥
على العائرين بالمغفرة ٢٤٣/١١
واختم ... بالمغفرةِ عمري ٢٣٦/٧
وتختم لي بالمغفرةِ ٢٥٦/٣
أسألك ... العود منك عليّ بالمغفرةِ لها ٢٤٩/١٩
أنت الكريم العوّاد بالمغفرةِ ١٤٨/٢٣
لِلْمَغْفِرَةِ: أللّهمّ فإنّك مليّ بالعفو مرجوّ للمغفرة ٣٤/١٢
ودعاك للمغفرةِ فأجبته ٢٠٢/٥
ومذنب دعاك للمغفرةِ فأجبته ٢٠٢/٢
غُفْراناً: واجزهما «والديّ»... وغفراناً ١١٦/٤٧
الّذى لايتعاظمه غفرانُ الذّنب العظيم ٨٠/٧
إلهي، رجآئي منك غفرانٌ ٢٠١/٢٢
فأعطني من فضلك ... غفرانَ خطيئتي ١٣٩/٨
الْغُفْرانِ: ملابس العفو والغفرانِ ١٩٩/٣٤
عنّي راضٍ غير غضبان انّك ذوالمنّ والغفرانِ ١٣٣/١١
فقد آنسني بشرى الغفرانِ والرّضوان ١٨٦/٣
غُفْرانِكَ: فامنن عليّ بكريم غفرانِك ١٩٩/٨٢
وجسيم غفرانِك يعمّ التّوّابين ١٩٩/٨٥
تب على عبدك ... اللائذ بعرى غفرانك ١٦/٧
أغدف أللّهمّ عليّ سربال غفرانِك ١٦/٤
وألقني السّيّئات بين عفوك وغفرانِك ١٩٩/١٣١

ما ردّني اليأس عن توقّع غفرانِك ١٩٧/٣٧ ـ ١٩٩/١٤٠
وغفرانُك مبذول لمؤمّليه ٢٠٢/٧
فاجعلهما لي سبباً إلى نيل غفرانِك ١٩١/١
سبّبْ عملي برأفة غفرانِك ١٩٧/٢١
واجعل عاقبة أمرى إلى غفرانِك ١١٧/٣٦
لاأن تمنّ به على من أمّلك من غفرانِك ١٤٧/٧٦
بِغُفْرانٍ: منّت عليّ بغفران ما مضى من ذنوبي ٢٢٠/٨
لِغُفْرانٍ: ومن نرجو لغفرانِ ذنوبنا سواك ٢١٤/٧٣
بِغُفْرانِهِ: أن يشفعه عند موتى بغفرانِه ١٩٧/٨
بِغُفْرانِكَ: بغفرانِك الّذى لاكفاء له ١٦/٩
وأكمل كرامتى بغفرانِك ١٠٨/٤
بِالْغُفْرانِ: إن لم تتداركني بالغفران ١٩٩/٧٠
إِغْتِفارِ: وتهيّىء من أناتهم واغتفار ذنوبهم لهم ١٦/٩
إِسْتِغْفارٍ: ناجتك ... بطول استغفار الوحدة ٢٠٠/٣١
الْإِسْتِغْفارُ: إن كان الإستغفارُ من الخطيئة ١٨٢/٧
إن يكن الإستغفارُ حطّةً للذّنوب ٨١/٨ ـ ٨٠/٢٤
وتركى الإستغفارَ مع علمي بسعة حلمك ٣٧/١ ـ ٨٧/١
وجانب الإصرار، ولزم الإستغفارَ ٣٤/١٠
واستغفر حين لاينفعه الإستغفارُ ٢١٤/١١٧
إِسْتِغْفارِي: أللّهمّ إنّ استغفاري إيّاك ٣٧/١ ـ ٨٧/١
إستغفارى إيّاك مع الإصرار على الذّنب لؤم ٣٨/١
بِاسْتِغْفارِكَ: عاذ باستغفارك تائباً ١٤٧/٨٤
بِاسْتِغْفارِي: فرقّق باستغفارى إيّاك ٢٥٦/١
لِلْإِسْتِغْفارِ: تركى للإستغفار مع سعة ٣٨/١
غافِرَ: أسألك ياغافر الذّنب الكبير ١٨٢/٤
أللّهمّ أنت حليم قادر رؤوف غافرٌ ٢٢١/٤
ياغافرَ الذّنب ياقابل التّوب ١١٦/٢٦
لاالذنبي غافرٌ غيرك ٣٤/١٢
ولاالذنبه غافراً غيرك ١٧١/٣
أم أنت غافرٌ لمن بكاك ٤٩/٦
فوعزّتك ما أجد لذنوبي سواك غافراً ١٨٢/٢
فكن ... غافِرَ زلّتي ١٨٩/٩
دعاء من لايجد لذنبه غافراً ١٤١/١٨
الْغافِرُ: إنّك أنت ... الغافرُ للعظيم ٢١/١٨
العليم الكريم الغافر للذّنب ١١٧/٤٠
الْغافِرِينَ: إيّاك أدعو... يا... خير الغافرين ١٤٩/١٦
أللّهمّ اغفرلي وأنت خير الغافرين ٧٧/١٢
ياأرحم الرّاحمين وخير الغافرين ٩٠/٧ ـ ١٩٩/١٩٨
واغفرلي إنّك خير الغافرين ٨٨/٨
إنّك أنت ... خير الغافرين ١٤٧/٧٠
مُسْتَغْفِرٌ: ومستغفرٌ لك من ظلمى لنفسي ١٤٩/٣٨
مستغفراً فاغفرلي ١٤١/١٣
مُسْتَغْفِرِينَ: وتب علينا مستغفرين ١١٧/٢٢
وللإخوان فيك مستغفرين ٢٠٦/٢١
الْمُسْتَغْفِرِينَ: إلهى... فإنّى لك من المستغفرين ١٨٢/٧
حطّة للذّنوب فإنّي من المستغفرين ٨١/٨
حطّةً للذّنوب فإنّي لك من المستغفرين ٨٠/٢٤
وذنوب المستغفرين مغفورة ٢٥٥/٦
الْمُسْتَغْفِرُونَ: لم يشق بنقمته المستغفرون ١٨٥/٤
وياأعطف من أطاف به المستغفرون ٣٤/٨
ولايشقى بنقمتك المستغفرون ١٤٦/٦
غَفُورٌ: إنّك قريب مجيبٌ سميع عليمٌ عفوّ غفورٌ ٦٤/١٦
إنّه كان حليماً غفوراً (قرآن) ١٣٥/٢ ـ ٢٢/٢٨
أستغفرالله إنّ الله كان غفوراً رحيماً ١١٧/٤٠
ياغفورُ يارحيم يارحيم ياربّاه ١٣٨/٢
الْغَفُورُ: إنّك أنت الرّحيم الغفورُ ١١٦/١٣٤
وأنت الغفورُ وأنا الخاطئ ١٤٩/٨
أللّهمّ أنت ... الرّاحم الغفورُ ١٩٩/٩
أللّهمّ أنت الرّبّ الغفورُ الرّحيم الودود ١٦/٣
إنّك أنت الغفورُ الرّحيم ٢٥٨/٢ ـ ٢٣٦/٧
نبّىء عبادي أنّى أنا الغفورُ الرّحيم(قرآن) ٢٠٦/١٣ـ٢٠٥/١٤
غَفّارُ: وأنت غفّارُ الذّنوب ٢٠١/٢٥
ومن أولى منك بالعفو عن المذنبين ياغفّارُ ١٩٩/١٢٦
فبامن لم يزل عفوّاً غفّاراً ١٩٩/٤٧
ياغفّارُ بنورك اهتدينا ١١٦/٤٠
بل لأنّك ياربّ ... غفّارُ الذّنوب ١١٦/٢٣
ياغفّارُ ياستّارُ ١٨٤/٩
إستغفروا ربّكم إنّه كان غفّاراً (قرآن) ٢٤٩/١٩
وأتوب إليه إنّه كان غفّاراً ١١٧/٣٩
إنّك واحد عزيز غفّارٌ ١٣٤/٥
الْغَفّارُ: وكاشف السّوء الغفّارُ ذوالعفو الرّفيع ١١٤/٥
الحليم الغفّارِ الواحد القهّار ٨٣/١١
مَغْفُوراً: وذنبى فيه «رمضان» مغفوراً ١١٧/١٤
الْمَغْفُورِ: المغفور ذنوبهم ١١٧/٤٢
مَغْفُورَةً: وذنوبي مغفورةً ياربّ العالمين ١٢٩/٣
وإسآئتي مغفورةً ١٤١/٣ ـ ١١٧/٣١

وذنوب المستغفرين مغفورةٌ ٢٥٥/٦
أن تجعل... إسآئتي مغفورةً ياربّ العالمين ١٣٧/٣

غ.ف.ل

غَفَلْتُ: ولهوت وغفلت وأشرت وبطرت ٣٥/٤
فسهوت ولهوت وغفلت وأمنت ٢٥٧/٢٧
غَفَلْنا: لايغفل إن غفلنا ولاينسى إن نسينا ٦٤/٧
لايَغْفُلُ: لايغفل إن غفلنا ولاينسى إن نسينا ٦٤/٧
أَنْ يَغْفَلَ: لاينبغي ... أن يغفل عن شكرك ٢٠٠/١٤
لايَغْفُلُونَ: ولايغفلون عن الوله إليك ١٢/١
لاتَغْفَلُ: ولاتغفلُ ولاتسأم ٨٣/١
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... حافظٌ لاتغفلُ ١٣٠/٥
لاتَغْفَلْ: فجدّ ولاتغفَلْ فعيشك زائل ٢١٨/٥ ـ ٢١٤/٢٧
فجدّ ولاتغفَلْ وكن متيقّظاً ٢١٤/١٠٢
أَغْفَلَ: فما عذر من أغفل دخول الباب بعد فتحه ١٨٢/٩
فما عذر من أغفل دخول ذلك المنزل ١٤٢/٨
أَغْفَلْتَ: بفضل نافلة مع كثير ما أغفلت ٨٨/١٠
أَغْفَلْتَني: حتّى كأنّك أغفلتني ١١٦/٦٦
أَغْفَلْتُهُ: وأغفلته أنا من نفسي ٥٩/٧
أَغْفَلْناهُ: أعطنا ما أغفلناهُ ٥٠/١٥
الْغُفُولُ: ذمّ الغفولُ أهل العقول ٢١٩/٢٦
غَفْلَةٍ: ولإمساكك غفلةً ١٤٦/١٢
غفلةً عن وعيدك ١٥٢/١٣
شيء من ذلك بعرض ... ولاغفلةٍ ١١٧/١١
فأصبحت وأمسيت في غفلةٍ ممّا فيه غيري ٢٥٧/٢٥ـ٣٥/٣
يسكن إلى معرس غفلةً ٢١٩/١٣
الْغَفْلَةُ: ولما طوت الغفلةُ عنّا ١٠٩/١١
أللّهمّ إنّي أعوذبك من ... الغفلةِ ١١٦/١٢٦
أللّهمّ إنّي أعوذبك من الغفلة ١٣٨/١٠
تعدّى حدودك، والغفلةَ عن وعيدك ١٥٣/٩
وإن أنامتني الغفلةُ عن الإستعداد للقآئك ١٨٦/٢ ـ ١٩٩/٨٧
واستنقذوا من الغفلةِ أنفسهم ٢٠٠/٢٦
والقسوة والغفلةَ والغرّة ١١٧/٥
أيقظنا عن سنة الغفلةِ بالرُّكون إليه ٥٠/٦
وقرّب الوقت فيه ولاتسمنا الغفلةَ عنك ٩٥/٣
ونبّهني لذكرك في أوقات الغفلةِ ٥٥/٤١
لعظيم ماكنت فيه من الغفلةِ ٢٥٧/٢٨ ـ ٣٥/٥
أللّهمّ إنّي أعوذبك من الغفلةِ عند الموت ٢٢٥/٢
أعوذبك من ... سنّة الغفلةِ ٢٦/٢
عمّا ألتذّ بنواظر فكرها من سوء الغفلةِ ٢١٩/٢٩
غَفْلَتي: وتفطّعت أوصالي، ياغفلتي عمّا يراد بي ١٦٧/٥
ثمّ انتبهت بتذكيرك لي من غفلتي ٣٩/٧
بِغَفْلَةٍ: لايشهد نهاره «شهر رمضان» علينا بغفلةٍ ١١٥/٢٢
بِالْغَفْلَةِ: أشكو نفساً ... مملوءة بالغفلة والسّهو ١٨٣/٢
غَفَلاتِ: عند غفلات الجاهلين لآلائك ١٤٧/٩٦
الْغَفَلاتِ: ولايقطعهم عن تعظيمك سهو الغفلات ١٢/٧
الْإِغْفالَ: والإغفال لحرمتك ١١٥/١٨
إِغْفالُكَ: لايخاف إغفالك ثواب من أرضاك ٩٨/١١ـ٨/١٨
غافِلاً: لو دافعت يومك ياغافلاً بالصّيام ١٩٧/٤٦
وأنّك غير غافلٍ عنّي ٢٥٧/٤
بدنه غافلٌ لسكون عروقه ١٦٦/٩
ولاغافلاً لإحسانك فيما أعطيتني ١٢٦/٣
ولاغافلاً لإحسانك فيما أبليتني ٥٧/٧
الْغافِلْ: والذّآئم غير الغافِلِ ١١٧/٣٤
إرحم الغافلَ عمّا أضلّه ١٩٩/٤٥
الْغافِلُونَ: أولئك كالأنعام بل هم أضلُّ أولئك هم الغافلون (قرآن) ١٥٩/٧
... وأولئك هم الغافلون (قرآن) ١٥٩/١١ ـ ٢٢/١٣
الْغافِلِينَ: نامت عنه قلوب الغافلين ٢٠٠/٣٦
أو لعلّك رأيتني في الغافلين فمن ١١٦/٥٦
واعف عن جرآئم الغافلين ١٧٣/١٠ ـ ٧/٨
ونبّهني من رقدة الغافلين ١٤٧/٨٦
لاتجعلني من الغافلين ٧٧/٣
بِالْغافِلِينَ: بالغافلين عن ذكره رحيم ١٨٩/٥
الْمُغْفِلُ: المغفل حظّ نفسي ١٦٣/١٤
أَغْفَلُ: من أغفل منّي عن حظّه ٤٩/١٢

غ.ل.ب

غَلَبَ: وقد غلب الحزن على فواده ٢١٤/١٢٩ ـ ٢١٤/٥٣
سؤال من قد غلب عليه الأمل ١٦٦/١٠
غَلَبَني: وغلبني هواى ١١٦/٦٧
وأغلب لي من غلبني ١١٤/١٨
واغوثاه بك يالله من هوى قد غلبني ٩٠/٣
غَلَبَتْ: فقد غلبتِ الأمور قلّة حيلتي ٢٠٣/٢
غَلَبْتُ: وغلبتُ بالله ١٥٩/٢
فَغُلِبُوا: فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين (قرآن) ٢٢/١٠

يَغْلِبُ: به «الله» يغلبُ الغالبون ١٥٩/١
فَيَغْلِبَ: فيغلبَ عليّ القنوط من رحمتك ١٤٧/٩٠
لايُغْلَبُ: إذ لايغلبُ قضآؤك ٦٩/١
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... غالبٌ لايغلب ١٣٠/٤
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... خالق لايغلبُ ١٣٠/٣
فلك الحمد إلهي من مقتدر لايغلبُ ١٥٢/١٤ ـ ١٥٣/١٠
أَغْلِبْ: وأغلب لي من غلبني ١١٤/١٨
غَلَبَةِ: غلبة الأضداد والأوباش ١٩٩/٢٦
أللّهمّ إنّي أعوذبك من ... غلبةِ الدّين ١٣٨/٩
أعوذبك من ... غلبةِ بني آدم ١٣٨/٩
أعوذبك من ... غلبةِ الحسد ٢٦/١
غالِباً: ياغالباً غير مغلوب ١١٤/١٨
لاغالبَ إلاّ الله ١٥٩/١
أنه غالبٌ على كلّ شيءٍ وبه يغلب الغالبون ١٥٩/١
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... غالبٌ لايغلب ١٣٠/٤
ولايؤمن إلاّ غالب على مغلوب ٥٧/٢
الْغالِبُ: حتّى يكون الغالب عليّ الزّهد في دنياي ٥٩/٩
الْغالِبُونَ: به «الله» يغلب الغالبونَ ١٥٩/١
... ومن اتّبعكما الغالبون (قرآن) ١٥٩/١٨ ـ ٢٢/٧
فإنّ جندك هم الغالبون ٢٤٠/٣
الْغالِبينَ: نصرناهم فكانوا هم الغالبين (قرآن) ١٥٩/١٩
مَغْلُوبٍ: وأعوذبك من ... إحتجاج مغلوبٍ ١٩٩/٢٧
ولايؤمن إلاّ غالب على مغلوبٍ ٥٧/٢
... مغلوبٌ على أمره ٧٤/٥
ياغالباً غير مغلوبٍ ١١٤/١٨
الْمَغْلُوبينَ: ومعين المغلوبين ٨٣/٦
فلو لانصرك إيّاى لكنت من المغلوبين ١٦٣/٧
أَغْلَبُ: وقدرتك عليه وعليّ أغلب من قدرتي ٥٩/١
الْأَغْلَبِ: وامدده «وليّك» بجندك الأغلب ١٤٧/٦٤

غ.ل.ظ

تَغَلَّظْتَ: أعوذبك من نار تغلّظت بها ٨٨/١٩
غِلاظٍ: آه واحزناه من ملآئكة غلاظٍ شداد ١٩٨/٣٨
الْغَليظِ: بما وصفته... من العذابِ الغليظ ٢٥٧/١٦

غ.ل.ف

لَمْ تُغَلِّفْها: إلى القلوب الّتي لم تغلّفها بطبعك ١٠/٣

غ.ل.ق

أَغْلَقَ: والحمدلله الّذي أغلق عنّا باب ١/٢١
أَغْلَقَتْ: أغلقت الملوك أبوابها ٨٩/١
أَغْلَقْتَ: لافاتح لما أغلقت ٢٤/٤
لاتُغْلِقْ: إلهي لاتغلق على موحّدبك ١٨٤/٦
لاتُغْلِقُها: الّتي لاتغلقها عن أحبّائك وأصفيائك ٢٢٠/٨
وجودك الّتي لاتغلقها عن أحبّائك ٢٢١/٥
غَلِّقُوا: واجعلنا من الّذين غلّقوا باب الشّهوة ٢٠٠/٢٦
غَلَّقَتْ: غلّقتِ الملوك أبوابها ٢٠٢/٧ ـ ٢١٥/١
إلهي ... غلّقتِ الملوك عليها أبوابها ٨٢/١
مُغْلَقٍ: لامغلقَ لما فتحت ٢٤/٤
مُغَلَّقاتٍ: وخزآئنك غير مغلّقاتٍ ٨٢/٢
مَغالِقِ: إذا دعيت بها على مغالقِ أبواب السّماء ٥٨/١

غ.ل.ل

تَغُلَّ: تغلّ أكفّاً رفعتها الآمال إليك رجآء ١٨٤/٥
أم تراك تغلّ إلى الأعناق أكفّاً طالما ١٩٩/١٥٣
لاتَغُلَّ: لاتغلّ يدى إلى نحرى حتّى تفعل ذلك ١١٧/٢٩
أَنْ تُغَلَّ: قبل أن تغلّ الأيدى إلى الأعناق ٩٠/٧
فَغُلُّوهُ: خذوه فغلّوه ثمّ الجحيم صلّوه ١٢/١٣
الْغُلِّ: مع سبقهم إلى الغلّ والفساد ٢١٩/٣٦
الْأَغْلالِ: كيف لي بمعالجة الأغلال غداً ١٩٨/١
ووصفته بما وصفته «العذاب» من ... الأغلال ٢٥٧/١٦
أَغْلالِها: وسلاسلها وتثقيل أغلالها «جهنّم» ٢٠٦/٥
غُلَّتي: عندك ... شفآءُ غلّتي ١٨٩/٨
غلّتي لايبرّدها إلاّ وصلك ١٩٢/٢
غِلِّ: وأذهب غيظ قلبي وغِلَّ صدرى ١٣٨/١١
لاتجعل في قلوبنا غلّاً (قرآن) ٢٠٠/٤٨
الْغِلِّ: وأنزع الغلّ من صدرى للمؤمنين ١٤٧/١٠٩
الْغَليلِ: وشفى من هيام الغليل ١٩٩/١٨
غَليلُهُ: لم يسكن غليله قد عضّ على شواهُ ١٥٢/٦
فرددته لم يشف غليلَهُ ١٥٣/٦
تَغالَوْا: تغالوا في العلوم ٢١٩/٤٢

غ.م.د

تَغَمَّدَهُ: لايهلك من تغمّده برحمته ١٩٩/٦
تَغَمَّدْتَني: وتغمّدتني بفضلك في دار الفناء ٨٨/١٢
إلهي فإذ قد تغمّدتني بسترك ٤٩/١٩

ربّ إنّك ... تغمّدتني برحمتك ٧٧/٥
وتغمّدتني بعفوك ١٩٧/٤
يَتَغَمَّدُ: اطّلعت عليه منّى بما يتغمّد ١٤٧/١٠١
تَتَغَمَّدُ: بما تتغمّد به من جار إليك ١٤٧/٨٤
لاتَغَمَّدْني: وإلاّ تغمّدني برحمتك توبقني ١٠١/٥
تَغَمَّدْ: تغمّد لي خطاياى فقد أوحشتني ٢٤٧/١٠
وتغمّد هفواتها ٢٠٢/٨
تَغَمَّدْني: تغمّدني في يومى هذا ١٤٧/٨٤
تغمّدني فيما اطّلعت عليه منّى بما يتغمّد ١٤٧/١٠١
تَغَمُّدِ: وتهيّئ من ... تغمّد زلاّتهم ١٦/٩
تَغَمُّدِكَ: على من اقترب من تغمّدك ١٤٧/٧٦
نظر تغمّدك بخطيئاتهم ١٩٩/١١٢

غ.م.ر

غَمَرَهُ: عد بفضلك على عبد غمرهُ جهله ٢٤٥/٦
وعد بفضلك على عبد قد غمرهُ جهله ١٩٧/١٠
وعد بفضلك على من قد غمره جهله ١٩٩/١٢٥
غَمَرَهُمْ: وغمرهم بالمنّ والطّول ١٤٣/٢٢
غَمَرَتْهُ: مسألة من ... غمرتهُ ذنوبه ١٣٢/٨
غَمَرَتْهُمْ: غمرتهم سعة رحمتك ٢٠٦/١٦
غَمَرَتْني: وغمرتني النّعم وقلّ شكرى لك ٢٠٥/١٧
غَمَرْتَهُمْ: وغمرتهم بسعةِ رحمتك وتطوّلك ٢٣٩/٢
أَغْمُرْني: أللّهمّ ... واغمرني بالعافية ٢٥٤/٥
غَمْرَةِ: بعثه والنّاس في غمرة الضّلالة ساهون ١٩٩/٥٨
غَمْرَتي: ولافي غمرتي ساهياً حتّى حين ١٤٧/١٠٥
غَمَراتِ: ونجّنى من غمراتِ الفتنة ١٤٧/٨٩
الْغامِرَةِ: الفلك الجارية فى اللّجج الغامرة ٢٠/٢ـ١١٣/٢
أَغْمارِ: يقتحمون في أغمار الشّبهات ٢١٩/٤٥

غ.م.ز

غَمْزِهِ: وتؤمنني من... غمزه «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٩

غ.م.س

إِنْغَمَسْتُ: تطهيراً لما انغمست فيه من السّيّئات ٤٦/٣

غ.م.ض

غَمَّضَ: وغمّض بصره إلى الأرض متخشّعاً ٨٠/٥
غَمَّضُوا: غمّضوا بأيديهم عينيه ٢١٤/٤٥
فَغَمَّضُوا: فغمّضوا بأيديهم عينيه ٢١٤/١٢١
إِغْماضُ: يامن لايخفى عليه إغماضُ الجفون ٢٣٤/٦
الْغامِضِ: وبالإسم الغامض المكنون الّذى ١٦١/٤
غَوامِضُ: إضمحلّت غوامضُ الفكر ٢١٩/٢٦
أنت في غوامضِ سترات حجب النّور ٢٠٠/٤٠
الْغَوامِضِ: لاتخفى عليه من الغوامض ١٩٩/١٢٥

غ.م.ط

أَغْمِطَ: فأحسد خلقك وأغمط حكمك ٩٦/٢
فَنَغْمِطَ: عمّا تخيّرت فنغمط قدرك ٩٢/٢

غ.م.م

غَمَّنا: وغمّنا وأوحشنا انصرافه عنّا ١٤٢/٢٧
غُمَّهُ: أللّهمّ غمَّهُ «من يؤذينى» بالبلاء غمّاً ١٦٠/٤
غَمّاً: لاغمّاً إلاّ كشفته ١٢٢/٨ ـ ١٤٣/٢٦
أللّهمّ ... فرّج عنّى كلّ غمٍّ ١٤٨/٣٤
بحقّ محمّد وآل محمّد من كلّ غمّ ١٧٤/١
وخلّصني ... من كلّ غمّ ١٧٤/٣ ـ ١٧٤/٤ ـ ١٧٥/٥
وخلّصني ... من كلّ همّ وغمّ ١٧٤/٢
بين شبيء من ذلك بعرض ... ولاغمّ ١١٧/١١
وفرّج همّى وغمّى يافارج غمّ يعقوب ١١٤/١٨
وأجره من غمّ الوحشة ٦٧/١٧
أللّهمّ غُمَّهُ «من يؤذينى» بالبلاء غمّاً ١٦٠/٤
وارزقني خوف غمّ الوعيد ٥٩/١٠
الْغَمّ: قتلت نفساً فنجّيناك من الغمّ (قرآن) ١٥٩/٢٠
ياكاشف الغمّ ويافارج الهمّ ١٦١/٧ ـ ١٠٧/١
وكاشف الغمّ يارحمن الدّنيا والآخرة ١٧١/١
غَمَّهُ: ونفّس عنّى ما أخاف غمّه ١٣٨/١٤
غَمِّي: وفرّج همّى وغمّى يافارج غمّ يعقوب ١١٤/١٨
فأجبنى واكشف همّى وفرّج غمّى ١٧٢/٩
وافرج همّى واكشف غمّي ١٧١/١
غمّى لايزيله إلاّ قربك ١٩٢/٤
لِغَمِّهِ: ولالغمّه مفرّجاً ١٤١/١٨
أسألك سؤال من لايجد ... لغمّه مروّحاً ١٧٠/٥
غُمُومٌ: إلهي في هذه الدّنيا هموم ... وغمومٌ ٢٠٠/٤٤
الْغُمُومِ: وآمنتهم من ... الغمومِ ٢٠٠/٢٩
الّذى قد أحاطت به الغمومُ ٢٤٥/١
تجعلني من طوارق الهموم والغمومِ في حصنك ٢٤٤/٥

مَغْمُوماً: آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي مغموماً ١٩٨/٦١
غَمّآئِها: على كشف غمّائها ١٩٩/١١٥
غَمامَ: إلهي ... أتيتك ... مستمطراً غمامَ فضلك ١٨٦/٧
إلهي ظلّل على ذنوبي غمامَ رحمتك ١٨٢/٥
الْغُمَّةِ: ... نبيّك ... منقذ الأمّة من الغمّة ١٩١/١

غ.ن.م

يَغْنَمْ: ومن تقرّ به إليك يغنم ١٥/٩ ـ ٨/٢٢
أَغْتَنِمُ: أللّهمّ ... بفضلك أغتنم ١٩٩/٨
غَنآئِمَ: بلّغنا برحمتك غنآئم البرّ والإحسان ١٩٩/٣٤
مَغْنَماً: فجعل فينا مغنماً ٧٠/٥

غ.ن.ى

إِغْنِنا: واغننا عن غيرك بإرفادك ٨/٢٥
أَغْنانا: والحمدلله الّذى ... أغنانا بفضله ١/٢٢
أَغْنَيْتَ: فإنّ الغنىّ من أغنيتَ ٩٧/٤
ولايفتقر من أغنيتَ ١٩٩/١٦٣
الغنىّ من أغنيت ٢٤٥/٥
أَغْنَيْتَهُ: وبأوليائك عمّن أغنيته عنّى ٤٢/٢٢
وأنا الفقير الّذى أغنيته ١١٦/٦٢
أَغْنَيْتَهُمْ: وأغنيتهم عن الطّعام ١٢/١٠
أَغْنَيْتَها: أسألك أن ... لاعيلةً إلاّ أغنيتها ١٢٢/٨
فَأَغْنَيْتَ: وجدت فأغنيت ١٩٩/١٠
فَأَغْنَيْتَنِي: وسألتك عآئلاً فأغنيتني ١٤٨/١٨
يُغْنِيهِ: تندّم لو يغنيه طول ندامة ٢١٤/٤٠
لكلّ امرئٍ منهم يومئذٍ شأنٌ يغنيه (قرآن) ٢٠٧/١٠ـ١١٦/٨١
لايُغْنِي: يوم لايغني مولىً عن مولىً (قرآن) ١/١٤ـ٢٠٧/٢٠
لايُغْنِيهِ: أللّهمّ إرحم... فقيراً لايغنيه إلاّ جدواك ١٩٩/٩٠
إلهي... فقرى لايغنيه إلاّ عطفك وإحسانك ١٩٢/١
لايُغْنِينا: أمسينا لايغنينا أحد إن حرمتنا ٨٣/٤
تُغْنِيها: لفقر تجبره ولعآئلة تغنيها ٢٥٧/٩
تُغْنِيَنِي: تغنيني بك وبأوليائك عمّن أغنيته عنّى ٤٢/٢٢
لَمْ تُغْنِ: تندّم إذ لم تغن عنه ندامة ٢١٤/١١٦
أَنْ تُغْنِيَنِي: وأن تغنيني عن كلّ شىء بعبادتك ١٦٦/١٣
أَغْنِ: وأغن به «وليعصر» (عج) عآئلنا ١١٩/٢٥
أَغْنِنِي: وأغننى باربّ بكرمك ٢٠٤/٣
أللّهمّ أغننى بسعةِ فضلك عن جميع خلقك ١٢١/٣
وأغننى بعافيتك ٦١/١
وأغنني عمّن هو غنىّ عنّى ١٤٧/١٦ ـ ١٤٧/١٠٠
أللّهمّ أغننى عن شرار خلقِك ٥٦/١
وأغننى ياربّ عن خلقك ٨٧/٤
وأغننى وأوسع علىّ في رزقك ٥٥/٣
وأغنني عن التردّد إلى عبادك ٢٥٢/٣٧
أغننى بجودك الواسع عن المخلوقين ٢٤٥/٧
أغننى باليقين وأعنّى بالتوكّل ٢٥١/١٥
وبارك لي في رزقك وأغنني عن خلقك ١٢١/١٠
أللّهمّ أغننى باليقين ٢٥٢/٣٩
أَغْنِنا: أغننا بغناك عمّن سواك ٢١١/٢
وأغننا عن غيرك بإرفادك ١٥/١٥
وأغننا عن هبة الواهبين بهبتك ٨/٢٠
وأغننا إذ طرحنا أنفسنا بين يديك ٣٢/٤
أللّهمّ أغننا عن هبة الوهّابين بهبتك ١٥/٧
فَأَغْنِ: فإنّى فقيرٌ إليك فأغن فقري ١٣٥/١٧
فَأَغْنِنِي: وبالحلال عن الحرام فأغنني ١٥٣/٢٣
فبفضلك أللّهمّ فأغنني ٥٩/٤
فأغننا بحلالك عن حرامك ٢٠٨/٥
إِسْتَغْنَىٰ: أن لاتجعلني ممّن... إذا استغنىٰ فُتن ١٣٣/٣
إنّ الغنىّ من استغنى عن خلقك بك ٨٧/٤
إنّ الإنسان ليطغى أن راه استغنى (قرآن) ٢٥٧/٣٢ ـ ٣٥/٩
لاالّذى أحسن استغنىٰ عن عونك ورحمتك ١١٦/١
إِسْتَغْنَيْنا: وبفضلك استغنينا ١١٦/٤٠
الّذى بنوره اهتدينا وبفضله استغنينا ١٤٣/٩
يَسْتَغْنِي: وكيف يستغنى العبد عن ربّه ١٤٨/٢٤
إعتذار من يستغني عن قبول عذره ١٩٧/١٤ـ١٩٩/١٢٧
وكيف يستغنى المذنب عمّن يملك ١٤٨/٢٤
لايَسْتَغْنِي: لايستغني في طلباته عنك ٣٩/٦
لاتخذل من لايستغنى عنك بأحدٍ دونك ٤٩/٧
لَمْ يَسْتَغْنِ: وقلبت مسألتي عمّن لم يستغنِ عن ٧٤/١
لَمْ أَسْتَغْنِ: ولم أستغن عن غياث فضلك ٨٨/١٥
حَتّى أَسْتَغْنِيَ: حتّى أستغنى عمّا في يد عبادك ٢٥٢/٣٨
حتّى أستغنى به عمّا في أيدى عبادك ٢٥١/٩
يُسْتَغْنىٰ: يامن يستغنىٰ به ولايستغنى عنه ٣٩/١
لايُسْتَغْنىٰ: يامن يستغنى به ولايستغنى عنه ٣٩/١
غِنىً: سيّدى... لم تزدد عنّى إلاّ عنىً ١٤٨/٢٥
أولاًواء أو فقر أو غنىً ٥٧/٧
ويك غنى عنّى ولاغنىً بي ٢٥٧/٢٢

أللّهمّ إنّي أعوذبك يالٰهي من غنىً يطغى ١٣٥/١١
أعطني من ذلك يالٰهي غنىً عن شرار ٧٨/٣
أعطني يالٰهي من ذلك غنىً ٢٥٢/٢١
وأعطني من ذلك يالٰهي غنىً ٢٥١/٢٨
وبك عمّن سواك تعفّفا وغنىً ١٣٨/١٣
ارزقنا ... غنىً عن الحاجة إلى المخلوقين ٢٠٠/٢٠
طيّباً واسعاً يكون لي غنىً عن خلقك ١٢١/٢
أللّهمّ ... لاغنىً لي عن رحمتك ١٤٩/٤٥
وأنا لاغنى بي عمّا سألتك على كلّ حال ١٩٧/٤٢
الْغِنىٰ: الّذى فيه الغنىٰ عن القريب ٢٠٦/١٦
وأقبل الفقر بإزالة الغنىٰ ٣٥/٤
وأنت أهل الغنىٰ عنهم «خلقك» ٣٩/٣
ولم يذلّني الفقر فأعرف فضل الغنىٰ ٢٥٧/٢٤
وأقبل الفقر بأزاء الغنىٰ ٢٥٧/٢٧
واجمع لي الغنىٰ والعفاف والدعة ١٤٧/١١٤
فأعرف لذّة الغنىٰ ٣٥/٢
أللّهمّ إنّي أسألك ... الغنىٰ ١٣٣/٥
برحمةٍ تلقى بها في نفسي الغنىٰ ٧٧/١٠
أللّهمّ إنّي أسألك الغنىٰ في الدّنيا ١٢١/٥
غِناكَ: أفكّر في غناكَ عن عذابي ٢٥٧/١٩
أو فقير أهديت غناك له ٢٥٦/٢
فكيف لاتهب لي سيّئاتي مع غناك عنها ٢٠٨/١
أو فقير أهديت غناك إليه ٢٢٠/٧
أو فقير أدليت غناك إليه ١٤٣/٢٠
غِناىَ: ولاينقص من خزائنك غناى ٢١٠/١
ولاينقص خزائنك غناى ٢٥٧/٣
بِغِناكَ: والمغنين من الفقر بغناك ٦٤/١٣
عن جميع خلقك بغناك وسعة رحمتك ١٢١/٣
أغننا بغناك عمّن سواك ٢١١/٢
وبغناك أجبر عيلتي ١١٦/٩٠
جد بغناك على فاقتي ١٩٩/٢٩
غِناءَهُ: وأنا فلا غناءَ بي عنك في كلّ حال ١٩٩/١٥٨
غِناآئي: ولاينقص من خزائنك غناآئي ١٦٩/١
بِالْغِناءِ: تمدّحت بالغناء عن خلقك ٣٩/٣
إِسْتِغْنائي: وأنس نفسي وإستغنائي ٥٧/١٢
وعرفت قلّة إستغنائي عنه بعد وفاتي ١٩٩/١٠٧
مُغْنٍ: أم أنت مغنٍ من شكا إليك فقرهُ توكّلاً ٤٩/٦
مُغْنِيَ: فكن ... مغنىَ فاقتى ١٨٩/٩
الْمُغْنِينَ: المغنين من الفقر بغناك ٦٤/١٣
غَنِيٌّ: والحمدلله الّذى تحبّب إليّ وهو غنيٌّ عنّى ١٢٠/٧
ياغنيٌّ إرحم فقري ١٧٠/١
غنيٌّ تعرّض له عبد فقير فنعشه ٨١/٥ ـ ٨٠/٢٠
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... غنيٌّ لانفتقر ١٣٠/٤
وأغنى عمّن هو غنيٌّ عنّى ١٤٧/١٠٠
فإنّك غنيٌّ عن عذابي ٧٧/١٤
ياغنيَّ الأغنياءها نحن عبادك بين يديك ٣٢/٢
كم تتحبّب إليّ بالنّعم وأنت عنّى غنيٌّ ٣٨/٢
الّذى تحبّب إليّ وهو غنيٌّ عنّى ١١٦/٩
بما أتوقّعه منك غنيّاً ٢٥١/٤٨
الْغَنِيُّ: وأنت الغنيّ وأنا الفقير ١٤٩/٨
أنت ... الغنيّ الفاخر ٨٣/١
وهل يرحم الفقير إلاّ الغنيُّ ١٦٨/٩
مولاي مولاي أنت الغنيُّ وأنا الفقير ١٦٨/٩
أللّهمّ أنت ... الغنيُّ المرفد ١٩٩/٩
كأنّ بك الحاجة إليهم وأنت ياسيّدى الغنيُّ عنهم ٩١/٦
إنّ الغنيَّ من استغنى عن خلقك بك ٨٧/٤
الغنيُّ من أغنيت ٩٧/٤ ـ ٢٤٥/٥
الأَغْنِياءِ: ياغنيّ الأغنياءها نحن عبادك بين يديك ٣٢/٢
مَغانيهِمْ: فتلك مغانيهم وهذا قبورهم ٢١٩/٢٣
أَغْنَى: يامن ... أغنى المتوكّلين عليه ١٩٩/٢٩

غ.و.ث

أَغَثْتَ: أو صارخ أغثت صرخته ٢٥٦/٢ ـ ٢٢٠/٧
فَأَغَثْتَني: ناديتك مستغيثاً مستصرخاً فأغثتني ١٤٨/١٨
أَغِثْني: ياغياث المستغيثين أغثني ١٣٣/١٠
وأغثنى فإنّك غياث من لاغياث له ١٧٢/٨ ـ ١٧٣/٩
يالٰهي أغثني، يامغيث أغثني ١٧٧/٣
فَأَغِثْني: فأغثني وفرّج عنّى ١١٦/١٣٣
مستغيثاً فأغثني ١٤١/١٣
إِسْتَغاثَ: واستغاث بك من عظيم ما وقع ٨٠/٦
... وغوث من استغاث بك ... ٣٢/٤
والإغاثة لمن إستغاث بك موجودة ٢٥٥/٥
والإستغاثة لمن استغاثَ لك مباحة ٢٢٠/٣
إِسْتَغَثْتُ: إليك فزعتُ وبك إستغثت ١١٦/١٣٣
يَسْتَغيثُ: فإلى من يستغيث المسيئون ١٤٣/٤٢
بمن يستغيث العبد إلاّ بمولاه؟! ١٧٠/٢

فبمن يستغيث المذنبون ١٩٩/١١٠
فبمن يستغيث المسيؤن ١١٦/١١٨
أللّهمّ يامن برحمته يستغيث المذنبون ٤٩/١
أَسْتَغِيثُ: ومنك أخاف وبك أستغيث ١٦٦/١٤
سيّدى فبمن أستغيثُ إن لم تقلني عثرتي ١١٦/٩٨
بك أستغيثُ وعليك أتوكّل ٢٢/٣١
إلهى، بمن أستغيثُ إن لم تقلني عثرتي ٢٠١/٥
غَوْث: ... وغوثٌ من استغاث بك ... ٣٢/٤
باغوثَ كلّ مخذولٍ فريدٍ ٤٩/٢
غَوْثاهُ: فيا غوثاه ثمّ واغوثاه بك يالله ٩٠/٣
غَوْثي: وياغوثى عند شدّتي ١١٦/١٣٣
غِياثَ: ياغياثَ المستغيثين ١٩٢/٥ ـ ١١٧/٢٥ ـ ١٨١/٢
يا ... ربّ العالمين وغياث المستغيثين ٢٤٣/٧
وغياثِ المضطرّين وملجأ الهاربين ٢٠/٣
وغياثِ المضطرّ المستكين ١١٣/٢
ياغياث المستغيثين اغثنى ١٣٣/١٠
فأسألك ... ياغياثَ المستغيثين ٢٤٩/٢٤
ولم أستغن عن غياثِ فضلك ٨٨/١٥
ياصريخ المستصرخين وياغياثَ المستغيثين ١٤٣/١٦
أغثنى فإنّك غياثَ من لاغياثَ له ١٧٢/٨ ـ ١٧٣/٩
غِياثُكَ: أين غياثك السّريع ١١٦/٢٧
غِياثي: أللّهمّ أنت ربّي ومولاى... وغياثى ١٥٣/١٥
ياغياثي ياوارثي ١٤٩/٥٤
إغاثَةٍ: وللملهوفين بمرصد إغاثةٍ ١١٦/١٢
وللصّارخ إليك بمرصد إغاثةٍ ٢٢١/٣
الإغاثَةِ: للصارخ إليك بمرصد الإغاثة ٢٢٠/٤
والإغاثةَ لمن إستغاث بك موجودة ٢٥٥/٥
إغاثَتُكَ: وإغاثتك قريبة من المستغيثين ١٤٦/٦
الْإسْتِغاثَةِ: والاستغاثةِ لمن استغاث بك مباحة ٢٢٠/٣
إسْتِغاثَتي: وبك إستغاثتي إن كرثتْ ٥٥/٢٩
وجعلت بك إستغاثتي ١١٦/١٤
مُغيثَ: وبامغيث المكروبين ١٩٥/١
ولامغيثٌ أرأف به منك ٢٣٧/١
أللّهمّ اسقنا غيثاً مغيثاً مريعاً ممرعاً عريضاً واسعاً ٥٣/٣
سؤال من لايجد لفاقته مغيثاً ١٧١/٣
ياإلهى أغثنى، يامغيثُ أغثنى ١٧٧/٣
ياالله يامغيثُ ياحبيب ١٣٤/١
الْمُغيثُ: أنت المغيثُ وأنا المستغيث وهل برحم المستغيث إلاّ المغيث ١٦٨/٥
مُسْتَغيثاً: فناديتك ياإلهى مستغيثاً بك ١٥٢/١٠ ـ ١٥٣/٨
ناديتك مستغيثاً مستصرخاً فأغثتني ١٤٨/١٨
مستغيثاً فأغثني ١٤١/١٣
الْمُسْتَغيثَ: مولاي مولاي أنت المغيث وأنا المستغيثُ وهل برحم المستغيث إلاّ المغيث ١٦٨/٥
الْمُسْتَغيثينَ: وغياث المستغيثين ٢٤٣/٧ ـ ١١٧/٢٥
ياغياث المستغيثين ١٩٢/٥ ـ ١٨١/٢
ياغياث المستغيثين أغثني ١٣٣/١٠
فأسألك ... ياغياثَ المستغيثين ٢٤٩/٢٤
ياصريخ المستصرخين وياغياث المستغيثين ١٤٣/١٦
وإغاثتك قريبةٌ من المستغيثين ١٤٦/٦
مُسْتَغاثٍ: ياأملي يارجآئي ياخير مستغاثٍ ١٤٩/٥٣
الْمُسْتَغاثُ: لنعم المستغاثُ أنت ٢٤٩/٢٣

غ.و.ر

غارَتْ: وغارتِ النّجوم وسكنت الحركات ٨٩/١
نامت العيون وغارتِ النّجوم ٢١٥/١
إلهى غارتْ نجوم سماواتك ٩١/١
إلهى غارتْ نجوم سماءك ٨٢/١
غَوْراً: ومن أبعد غوراً في الباطل ٤٩/١٣

غ.و.ص

غاصُوا: وغاصوا في بحر الحياة ٢٠٠/٢٤
الْغائِصِ: والغائص المأمون على ٢٢٢/٣

غ.و.ى

يَغْويني: إلهى أشكو إليك ... شيطاناً يغويني ١٨٣/٣
لَمْ يَغْوِهِ: ومن هديت لم يغوه إضلال ١٥/١٤ ـ ٨/٢٤
الْغَيّ: والتّمادى في الغىّ منّى ٣٦/٣
قد تبيّن الرّشد من الغىّ (قرآن) ١٨/٤
غَيِّهِمْ: زعموا أنّهم على الرّشد من غيّهم ٢١٩/٤٥
غَيِّكَ: وتركب غيّك وهواك ٢١٤/١٤٧
الْغَوايَةِ: والرّشد من الغواية ١٦٤/٧
غَوايَتِهِ: زوّدنا من التّقوى ضدّ غوايته ٥٠/٤
لِغَوايَتي: الّذى استنظرك لغوايتى فأنظرته ٨٨/٦

غ.ى.ب

يَغِيبُ: أو كيف يغيب عنك ما أنت تدبّره ١٦٦/١
غَيَّبَتْ: وغيّبت في ثراها ممّن عاشرت ٢١٤/٥
وغيّبت في ترابها ممّن عاشرت من صنوف ٢١٤/٨٠
إِغْتَابَنِي: وأخالف من اغتابني إلى حسن الذّكر ٥٥/١٤
إِغْتَبْتُهُ: أو غيبة إغتبته بها ٢٣٨/٦
الْغَيْبِ: وحمّال الغيب إلى رسلك ١٢/١٠
عالم الغيب والشّهادة ١٨/٢
وهو في علم الغيبِ عندك فاسخ لتوبته ٨٠/١٦
أو إستأثرت به في علم الغيبِ عندك ١٤١/٦
وبأسمائك ... المخزونات في علم الغيبِ ٢٦٧/٦
إستأثرت به في علم الغيب عندك ١٣٦/٢ـ٢٢/٣٩ـ١٢٢/٥
عالم الغيب والشّهادة فتعالى عمّا يشركون (قرآن) ١٤٣/١٣
أللّهمّ إنّي أسألك خشيتك في الغيب ١٣٩/١٤
أللّهمّ بعلمك الغيبَ ١٣٩/١٣
غَيْبِهِ: فلا يظهر على غيبه أحداً (قرآن) ١٨/٢
غَيْبِكَ: وأنت الّذى دللتهم بقولك من غيبك ١٤٢/١٤
إستودعته سرّ غيبك ١٤٤/١٧
بِالْغَيْبِ: من أهل الأرض بالغيب عند معارضة ١٤/١
وأسرُّ لهم «جيرانى» بالغيب مودّةً ٦٥/٤
الْغُيُوبِ: بالأوهام في مسالك الغيوب ١٩٣/٥
وأنت علاّم الغيوبِ ٢٤١/٦
إنّك أنت علاّم الغيوب (قرآن) ٢٤٣/١٠
أنت في غوامض سترات حجب الغيوبِ ٢٠٠/٤٠
بطنت الغيوب فخبرت مكنون أسرارها ١٩٩/١١
ياعلاّم الغيوبِ أستهديك فاهدني ٢٣٧/٨
وتجلّى ملك الموت لقبضها من حجب الغيوبِ ١٠٩/١٨
بل لأنّك ياربّ ... علاّم الغيوبِ ١١٦/٢٣
من الذّنوب الّتى علمها في الغيوبِ ٦٠/١
أللّهمّ ومهما توارى عنّا من حجب الغيوبِ ١٠/١٩
وكلّ به دور الفلك من علوم الغيوبِ ٢١٩/١٩
لاإله إلاّ أنت علاّم الغيوب ... ١٣٧/١
بِالْغُيُوبِ: يامحيطاً بالغيوبِ أمسيت ٢٣٩/٨
غِيْبَةٌ: أو غيبةٌ إغتبته بها ٢٣٨/٦
غَيْبَتِهِ: مسلم ... تعهّد خالفيه في غيبته ٦٧/٢٠
غَيْبَتِي: واكفني بهم في غيبتي ٦٤/٣
الْمَغِيبِ: فصرت ... بعد المغيب شهيداً ١٩٩/١٧٠
إِغْتِيَابِ: أو إغتياب مؤمن غائب او سبّ حاضر ٥٥/٢٢
غَائِباً: غائباً كان أو شاهداً ٢٣٨/٦
ولاحدّ محدودٌ ياغائباً غير مفقودٌ ١٣١/١
حتّى شهدت من الأمر ما لم يشهدوا وأنا غائبٌ ٢٤٨/٧
أو إغتياب مؤمن غائبٍ او سبّ حاضر ٥٥/٢٢
لاغائباً إلاّ أدّيته ١٤٣/٤٧
واجعل الموت خير غائبٍ تنتظره ١٤٣/٣٨
غَائِبِنَا: أللّهمّ اغفرل.. شاهدنا وغائبنا ١١٦/٤٩
غَيَّبَاتُ: ولاتعزب عنك غيّبات السّرائر ٨٨/٥
مُغَيَّبَ: أو مغيّب ضريحٍ تجافت عنه ٢١٩/١٩

غ.ى.ث

غَيْثَ: منتجع غيثَ جودك ولطفك ١٨٦/٥
أللّهمّ اسقنا غيثاً مغيثاً مريعاً ممرعاً ٥٣/٣
الْغَيْثَ: أللّهمّ اسقنا الغيثَ وانشر علينا رحمتك ٥٣/١
بِغَيْثِكَ: وانشر علينا رحمتك بغيثك المغدقِ ٥٣/١

غ.ى.ر

تَغَارُ: تغارُ علىّ الألفة ٢١٩/١١
غَيَّرَتِ: وكم غيّرت الأرض بيلاها ٢١٤/٥
وكم غيّرَتْ الأرض ببلائها ٢١٤/٨٠
غُيِّرَتْ: وغُيّرت سنن نبيّك ٢٢٣/٤
لاَيُغَيِّرُ: يامن لايغيّر النّعمة ولايبادر بالنقمة ١٤٦/٢
لاَيُغَيِّرُهُ: قضاء حتماً لايغيّره شفاء ٢٤٨/٢
لاَيُغَيِّرُكَ: لايغيّرك زمانٌ ٢٤٥/٣
تُغَيِّرُ: أعوذبك من أن ... تغيّر جسمي ٢٥٤/٤
لاَتُغَيِّرُ: ولاتستبدل بي غيري ولاتغيّر لي إسماً ١٤٧/١٠٦
ولاتغيّر جسمي ١١٤/١٣
فَلَمْ تُغَيِّرُ: فلم تغيّر نعمتك علىّ ٤٩/١٩
غَيِّرُهُ: وغيّره ما يصيّره كفتاً ٦٨/١
لاَيَتَغَيَّرُ: الكريم الّذى لايبلى ولايتغيّر ١٦٦/١٢
تَغْيِيرٌ: وفيما أنكرت تغيير فامنن علىّ قبل البلاَء ٥٥/٢٩
التَّغْيِيرُ: أن ينفذ فيك التّغييرُ ٢٤٧/٥
وأشرت وبطرت وتهاونت حتّى جاء التّغييرُ ٢٥٧/٢٧
بِالتَّغْيِيرِ: إقرن شكايتى بالتّغيير ٤٤/٨
تَغَيُّرِ: مولاي وارحمني عند تغيّر صورتي وحالي ١٦٧/٥
التَّغَيُّرُ: حتّى جاء التّغيّر مكان العافية ٣٥/٤
غَيْرِىٰ: حتّى كأنّها غيرىٰ محجّبة ضنّاً ٢١٩/١١
غِيَرِ: بك أستجير ... من غير الزّمان ٢٣٦/٢

غ.ى.ض

لايَغيضُ: فإنّ فضلك لايغيض ١٤٢/٥٧

غ.ى.ظ

غَيْظَ: وأذهب غيظ قلبي وغلّ صدرى ١٣٨/١١
الْغَيْظِ: وكظم الغيظ وإطفاء النايرة ٥٥/١٥
والنّار الّتى تكاد تميّز من الغيظ ٢٥٧/١٧
غَيْظَهُ: فرددته لم يشف غيظه ١٥٢/٦
لم يبرّد حرارة غيظِهِ ١٥٣/٦
غَيْظي: تكون من غيظى به شفاءً ٤٤/٥
بِغَيْظِهِ: شجى منّى بغيظه وسلقنى بحدّ لسانه ١٥٢/٩
بِغَيْظِهِمْ: وردّ الله الّذين كفروا بغيظهم (قرآن) ١١٤/١٨

غ.ى.ى

غايَةَ: ولاغايةَ لأمدها ولانهاية لآخرها ١٤٧/٥٩
كلّت الألسن عن غايةِ وصفها ٢٤٩/١٥
وغايَةَ العمر قد انتهت ٣٤/٦
يامن هو غايةُ خشية المتّقين ٨٠/١
أللّهمّ إنّ أحداً لايبلغ من شكرك غايةً ٨/١ ـ ٩٨/١
قربك غايةُ سؤلى ١٨٩/٨
أقلني عثرتى ياغايةَ الآملين ٢٣٩/١٠
غايةُ رجآئي في منقلبي ومثواى ٢٥٥/٧
حتّى لاتبقى غاية غبطة ١٠/٢٠
إلهى ومولاى وغايةَ رجائي ٢٠٢/١
ولاغايةٌ في زمان ٢/٥ ـ ٧/٥
أتحرقني بالنّار ياغايةَ المنى ٩١/٥
أتحرقني في النّار ياغايةَ المنى ٢١٦/٥
شكر نعمآك ما تبلغ بي غايةَ رضاك ٢٥٣/٣
وأوصلني بعنايتك إلى غايةِ السّباق ١٩٩/٦٦
كلّت الألسن عن غاية صفته ٢٣٨/٢
ومنتهى غايةِ الطّالبين ١٤١/٤
فبلّغه «محمّد» غايةَ الوصلة ١٠/٤
وياغايةَ سؤل السّآئلين ١٩٢/٥
فيا غايةَ الطّالبين وأمان الخائفين ٢٤٣/٧
وغايةَ أملي ورغبتي ١٤٩/٥٢
إيّاك أدعو ... ياغايةَ المستضعفين ١٤٩/١٥
الْغايَةِ: وعلى الغايةِ القريبة الزّائلة ٨/١٢
بالغاية المديدة الباقية ٨/١٢
وعلى الغايةِ القريبة الزّائلة بالغاية المديدة ٩٨/٧
فإنّهما «الوالدىّ» قد سبقاني إلى الغايةِ ١٤٩/٦٦
غايَتَهُ: ما أبعد غايتهُ من الفرج ١٤٦/١٠
غايَتِها: وتبلّغه «محمّد» قصوى مكنة غايتها ١٠/١٣
غايَتي: تطوّلاً علىّ إلى غايتي هذه ٨٨/١٦
بِغايَةِ: أم بغايةِ جهدي في عملي أرضيك ١١٦/٨٣
لِغايَتِهِ: ثمّ له الحمد... حمداً... لامبلغ لغايته ١/٢٨
غاياتِ: إلى غاياتِ درجات العبودية ١١٨/٨
الْغاياتِ: لايبلغ الغايات إلاّ سبوقها ٢١٩/٤٤

حرف الفاء

ف.ؤ.د

فُؤَادَهُ: فاجعلنا ممّن ... فرّغت فؤاده لحبّك ١٩٠/٣

فُؤَادِهِ: وقد غلب الحزن على فؤادِهِ ٢١٤/١٢٩ ـ ٢١٤/٥٣

أَفْئِدَةً: وجعل أفئدةً من النّاس تهوى إليهم (قرآن) ١٣/١

الّذى يقطّع أمعآء وأفئدةَ سكّانها ٨٨/٢١

وأفئدةَ العارفين منك فازعة ٢٥٥/٤

الْأَفْئِدَةِ: والنّارالموقدة الّتى تطّلع الأفئدة ٢٥٧/١٧

أَفْئِدَتَهُمْ: واملأْ أفئدتهمُ «عدوّ أهل الثّغور» الرّعب ٦٧/٧

واخلع وثائق أفئدتِهم «عدوّ أهل الثّغور» ٦٧/٦

أَفْئِدَتِنا: وإغرس في أفئدتنا أشجار محبّتك ١٩٦/٣

ف.ت.ت

أُفْتُتْ: أللّهمّ افتت أعضادهم «الظّلمة» ١١٩/٨

ف.ت.ح

فَتَحَ: فتح لنا من أبواب العلم بربوبيّته ١/١٢

فَتَحْتَ: إلهى أنت الّذى فتحت لعبادك ١٨٢/٩

لامغلق لما فتحت ٢٤/٤

وقد فتحت لي باب التّوبة إليك ٣٤/٥

فصلّ عليهم «ملآئكة» بما فتحت لنا من ١٢/١٥

أنت الّذى فتحتَ لعبادك باباً إلى عفوك ١٤٢/٦

فَتَحْتَهُ: لاتحجب دعائى إذ فتحته ٢٤٧/٩

فَتَحْتَهَا: ولاتقذ عيناً فتحتها بنعمتك ٣١/١

إِفْتَحْ: وافتح لي ياربّ باب الرّغبة إليك ٢٥٢/٤٠

وافتح لي باب الرّحمة إليك ٢٥١/١٥

أللّهمّ افتح لنا بخيرٍ ١٣٩/١٢

وافتح لي ياربّ باب الفرج بطولك ٢٤/٥

وافتح له «وليّك» فتحاً يسيراً ١٤٧/٦٣

وافتح لي أبواب توبتك ورحمتك ورأفتك ١٤٧/١١٦

وافتح له «وليعصر»(عج) فتحاً يسيراً ١٩/٢٢

وافتح على يديه «امام زمان» الخيرات ١١٩/٢٨

وافتح لي أبواب رحمتك وجودك ٢٢١/٥

إفتح أبواب جودك ٢٢٠/٨

فَافْتَحْ: فافتح لنا حسب كرمك باب ٧٠/١٤

إِفْتَتَحَ: إفتتح فيه الحجّ إلى بيته الحرام ١٤٣/٣٤

إِنْفَتَحَتْ: على مغالق أبواب السّماء للفتح انفتحت ٥٨/١

إِنْفَتَحَ: حتّى إذا انفتح له بصر الهدى ٨٠/٣

أَسْتَفْتِحُ: أللّهمّ بذكرك أستفتح مقالي ١٩٩/١

وبكرمك أى ربّ أستفتح دعآئي ١١٦/٩٠

أَللّهمّ بك أستفتح وبك أستنجح ٢٢/٤٣

فَتْحِ: بعد فتح الباب وإقامة الدّليل ١٤٢/٨

وافتح له «وليّك» فتحاً يسيراً ١٤٧/٦٣

وبلّغنى فتحَ آل محمّدٍ ١٤٩/٦٧

وافتح له «وليعصر»(عج) فتحاً يسيراً ١١٩/٢٢

فَتْحِهِ: فما عذر من أغفل دخول البابِ بعدفتحه؟ ١٨٢/٩

لِلْفَتْحِ: على مغالق أبواب السّماء للفتح إنفتحت ٥٨/١

إِسْتِفْتَاحِ: وأحوجتني الخطايا إلى إستفتاح ١٩٥/٢

فَاتِحَ: لافاتح لما أغلقت ٢٤/٤

مُسْتَفْتِحاً: فنهد إليهم «أوليائك» مستفتحاً بعونك ٩/٣

مَفْتُوحٌ: بامن ... بابه مفتوحٌ لداعيه ١٨٥/٦

وبابك مفتوحٌ لمن دعاك ياسيّدي ٨٩/١

وبابك مفتوح للسّائلين ٢١٥/١

بابك مفتوح للرّاغبين ١٤٦/٦

وبابك مفتوحٌ لقاصديه ٢٠٢/٧

مَفْتُوحَةً: إليك للصّارخين مفتوحةً ١١٦/١١

مُفَتَّحَةٌ: وأبواب الإجابة لهم مفتّحةٌ ٢٥٥/٤

وأبواب الدّعاء إليك مفتّحةً ٢٢٠/٣ ـ ٢٢١/٢

مُفَتَّحَاتٌ: وأبوابك مفتّحاتٌ للسّائلين ٩١/١

أبواب سمائك لمن دعاك مفتّحاتٌ ٨٢/٢

مِفْتَاحاً: ومفتاحاً من مفاتيح رحمتك ١٠٣/٤

جعلك مفتاحَ شهرِ حادثٍ لأمرٍ ١١٠/٣

أللّهمّ صلّ على محمّد... مفتاحِ باب جنّتك ١٠/١

محمّد ... مفتاح البركة ٩/٢

مَفَاتِيحِ: ومفتاحاً من مفاتيح رحمتك ١٠٣/٤

ف.ت.ر

لَايَفْتُرُونَ: لايفترون اللّيل والنّهار يسبّحون ١٤٨/١

أللّهمّ وحملة عرشك الّذين لايفترون من تسبيحك ١٢/١

لَاتَفْتُرْ: فشمّر ولاتفتر فعمرك زائل ٢١٤/١٠٣

لَانَفْتُرَ: ولانفتر عن التّسبيح بحمدك ١٩٩/٣٥

فُتُورٍ: ولاإعياء من لغوب ولافتورٍ ١٢/٧

دآئمة بلا فناء ولافتورٍ ١٩٩/٦١

الْفَتْرَةِ: للّذي كنت فيه من اللّهو والفترةِ ٢٥٧/٢٨

واصرف عنّا في أمره «وليعصر»(عج)... الفترةَ ١١٩/٣١

وأذهب عنّى فيه «رمضان» ... الفترةَ ١١٧/٥

تعرض دون دوامها الفتراتُ ٢٠٤/٧

ف.ت.ق

فَتَقْتَ: واجعلنا من الّذين فتقت لهم ٢٠٠/٤٠
لايَفْتُقُهُ: رداً مصمتاً لايفتقه ٥٠/١
أُفْتُقْ: وافتق ما رتق وافسخ ما دبّر ٥٠/١١
فَتْقْنَا: وارتق به «ولبعصر»(عج) فتقنا ١١٩/٢٤
فُتُوقُهَا: بحدّ سنان نال قلبي فتوقها ٢١٩/٣

ف.ت.ل

فَتَلَ: فتل عنّي عذار غدره ٨٨/٧

ف.ت.ن

فَتَنَهُ: فأسألك يامولاي... سؤال من فتنه الهوى ١٦٦/١٠
فَتَنْاكَ: فنجّيناك من الغمّ وفتنّاك فتوناً (قرآن) ١٥٩/٢٠
فُتِنَ: لاتجعلني ممّن إذا ... استغنىٰ فتن ١٣٣/٣
تَفْتِنُني: وتفتنني زهرات زهوته ٧٨/٢
تفتنني زهرات نضرته ٢٥١/٢٨ ـ ٢٥٢/٢٠
لاتَفْتِنْهُ: لاتفتنه بالأمن من إنكارك ٤٤/٩
لاتَفْتِنْهُمْ: ولاتفتنهم بما منعتني فأحسد خلقك ٩٦/٢
لاتَفْتِنّي: ولاتفتنّي بالإستعانة بغيرك إذا اضطررت ٥٥/٢٠
ولاتفتنّي بالسّعة وامنحني حسن الدّعة ٥٥/٣٣
ولاتفتنّي بالنّظر وأعزّني ٥٥/٤
ولاتفتنّي بما أعطيتهم «أصحاب الدّنيا» ٩٦/١
أللّهمّ لاتفتنّي بالقنوط من إنصافك ٤٤/٩
فَأَفْتَنِنَ: فأفتن بحمد من أعطاني ٥٥/٣٨
فِتْنَةِ: وأعوذبك من فتنةِ الدُّنيا ١٣٨/٦
ولافتنةً لمن نظر ولاتمكر بي فيمن تمكر به ١٤٧/١٠٥
وأعوذبك من ... فتنةِ مضلّةِ ١٣٩/١٤
وما أصيب منها «الدّنيا» فتنةٌ ١٣٥/٤
وأعوذبك من فتنةِ المحيا والممات ١٣٨/٩
وإذا أردت بقوم فتنةً أو سوءاً فنجّني ١٤٧/١٠٢
أللّهمّ فاكفني كلّ... سقم وفتنةِ ١٢٣/٢١
ومن فتنةِ المحيا والممات فخلّصني ١٥٣/٢٣
الْفِتْنَةِ: ونجّني من غمرات الفتنةِ ١٤٧/٨٩
والبصيرة عند تشبّه الفتنة ١٦٤/٢٢
تعافيهم ممّا تقع به الفتنةُ من محذورتها ١٤/١٠
فِتْنَتِهَا: أجرني من فتنتها «الدّنيا» مرضيّاً عنّي ٢٥١/٢٩
أخرجني من فتنتها «الدّنيا» ٧٨/٤ ـ ٢٥٢/٢٢
فِتْنَتِكَ: لاخلواتي بمايعرض لي من نزغات فتنتك ١٤٧/١١٤
الْفِتَنِ: فإنّ الشّكوك والظّنون لواقع الفتن ١٨٨/٢
ومن مضلّات الفتن فأجرني ٢٥١/٢٢ ـ ٢٥٢/١٤
ونجّني من مضلّات الفتنِ ١٧١/٩
وأعوذبك من الفتنِ كلّها ما ظهر منها وما بطن ١٦٤/٢٣
أللّهمّ وقد شملنا زيغ الفتن ٧٠/٥
خالصاً من شبه الفتن ١٩٩/١٩٠
فِتْنِهِ: أعذني فيه من ... فتنِهِ «الشيطان» ١١٧/٧
فِتَنِهَا: واستشرف لك من فتنها ٢١٤/٢٥
لِلْفِتَنِ: لانصبّرني للفتن غرضاً ١٨٣/٦
فُتُوناً: فنجّيناك من الغمّ وفتنّاك فتوناً (قرآن) ١٥٩/٢٠
الْفُتُونِ: وامح عن قلوبهم خطرات المال الفتون ٦٧/٤
فَتَّانِ: ومنكر ونكير ورومان فتّان القبور ١٢/١٢
مَفْتُونٌ: فأسألك وقلبه مفتونٌ بكثرة النّعم عليه ١٦٦/٩

ف.ث.أ

يُفْثَأُ: يامن يفثأ به حدّ الشّدائد ٢٤/١

ف.ج.أ

تَفْجَأُ: وما تفجأ به أهلها من تصرّف الحالات ٢١٩/١٦
فُجَاءَةِ: أعوذ برضاك ... من فجاءة نقمتك ١٤٩/٥٣
مُفَاجَأَةَ: فأنا المستوجب ياإلهي... مفاجأة نقمتك ١٤٨/٦

ف.ج.ج

فَجٍّ: يأتين من كلّ فجّ عميق (قرآن) ١٤٤/٢٣
فِجَاجِ: ولاأرض ذات فجاجِ ١٢٨/١١

ف.ج.ر

تَفَجُّرُ: وتملأ منه الجباب وتفجّر به الأنهار ٥٣/٤
الْفَجْرِ: سلام دائم البركة إلى طلوع الفجر ١١٥/٥
أللّهمّ ربّ الفجر ولبال عشر ١١٧/١٨
أللّهمّ ربّ الفجر واللّيالي العشر ١٤١/٩
الْفُجُورِ: أعوذبك من ... والفجور ١٥٣/٢٦
فَاجِرٌ: إلهي، إنّ الشّيطان فاجرٌ خبيثٌ ٢٠١/٥٠
وأحترز به من كلّ جبّارٍ فاجرٍ ٢٤٠/٢
الْفَاجِرِ: البرّ منهم والفاجر ١٢٣/٢
لِفَاجِرٍ: ولاتجعل لفاجرٍ ولاكافر عليّ منّة ٥٧/١٢
فَاجِرَةٍ: أعوذبك من ... يمين فاجرةٍ ٢٧/٤
الْفُجَّارِ: فنعمل بأعمال الفجّارِ ٢٠٠/٦

ف.ج.ع

فَجِعْتِ: ومن فجعتِ به من إخوانك ٢١٤/٧٦
فُجِعْتِ: ومن فُجِعْتِ به من إخوانك ٢١٤/١

تَفْجَعُ: وهي تفجع الآباء بالأبناء ٢١٩/١٧

لاتَفْجَعْ: لاتفجع بي حميمي ١٧٢/١ ـ ١٧٣/١

لاتَفْجَعْني: لاتفجعني فيه وفي غيره من ٢٤٤/٢

أَفْجَعَ: وأفجع فقده مفقوداً ١٤٢/٣١

فَجَعَاتِها: وفي دون ما عاينت من فجعاتها ٢١٤/١٠١ ٢١٨/٤ ـ ٢١٤/٢٦

تَفَجُّعاً: فكم موجع يبكى عليه تفجّعاً ٢١٤/٤٦

فَجيعَةً: وكلّاً ألاقى نكبة وفجيعة ٢١٩/٦

فَجائِعِها: وقوارع فجائعها ٢١٤/١٠٩

مُفَجَّعٌ: فكم موجع يبكى عليه مفجّعٌ ٢١٤/١٢٢

ف.ج.و

فَجَواتِ: فأضحوا في فجوات قبورهم يتقلّبون ٢١٩/٢٤

ف.ح.ص

الْفاحِصِ: والفاحص عن معرفتك ٢٢٢/٣

ف.ح.ش

فُحْشٍ: من لفظة فحش أو هجر أو شتم عرض ٥٥/٢٢

الفاحِشَةِ: الفاحشة لايتكأدك ٣٤/١٠

فكلّنا قد ... ارتكب الفاحشة فلم تفضحه ٩٥/١

لِفاحِشَةٍ: لالفاحشةٍ أنا مقيمٌ عليها راجٍ للتّوبة علىّ ٣٦/٩

بِفاحِشَةٍ: إن هممنا بفاحشةٍ شجّعنا عليها ٦٤/٧

الْفَواحِشَ: أعوذبك من ... الفواحش ١١٦/١٢٦

ومن الفواحش ما ظهر منها وما بطن فنجّنى ١٥٣/٢٣

ربّ وأعوذبك من ... الفواحش والذّنوب ١٥٣/٢٧

الْفَحْشآءِ: واصرف عنّى السّوء والفحشآءَ ٦ ـ ١١٧

وأصمت لسانى عن الفحشاءِ ١٩٩/٣١

إجترأ على سخطك بإرتكاب الفحشاءِ ١٩٩/٤٧

ف.ح.م

أَفْحَمَتْني: ربّ أفحمتني ذنوبى ١٦٧/١

بِالْإِفْحامِ: كيف أسكت بالإفحام ١٩٩/١٠٦

ف.خ.ر

فَخَرَ: وفخر بعزّه ١٤٩/١٤

عزم إرادةٍ في غير فخرٍ ولاكبرٍ ياكريم ١٣٧/٤

الْفَخْرِ: أللّهمّ إنّى أعوذبك من الفقر والكبر ١٣٨/٦

واعصمني من الفخر أللّهمّ صلّ على محمّد وآله ٥٥/٤

فاستجب لي ... ياذاالفخر ياذاالمجد والجود ١٢٤/٢

الخُيلآء والفخر والبذخ والأشر ١٥٣/٢٥

فَخْرُهُ: ولايضمحلّ فخره ١٤٩/١٨

بِفَخْرِهِ: وبنى المعالي بسؤدده وتمجّد بفخره ١٤٩/١٤

بِالْفَخْرِ: وتمجّد بالفخر والبهاء ٢/٢ ـ ٧/٢

الْفاخِرُ: أنت ... الغنىّ الفاخر ٨٣/١

ف.خ.م

تَفْخيماً: أن تذكرنا تشريفاً لنا وتفخيماً ١٩٤/٦

ف.د.ح

فَدَحَني: أستعين بك على ما قد فدحنى ثقله ١٠١/٧

فادِحَةٍ: المستجار به من كلّ فادحةٍ ١٩٩/٧٨

الْفَوادِحِ: فنظرت بالهى إلى ضعفى عن إحتمال الفوادح ١٥٣/٤ ـ ١٥٢/٥

ف.د.ى

يَفْتَدي: لو يفتدي من عذاب يومئذٍ ببنيه (قرآن) ٢٠٧/١٤

الْمُفَدّىٰ: كانّه لم يكن بينهم العزيز المفدّى ٢١٤/١٢٥

ف.ر.ث

فَرْثٍ: من بين فرثٍ ودمٍ بقوّتك ١٧٤/٢

ف.ر.ج

أَفْرُجْ: وافرج همّى واكشف غمّى ١٧١/١

إِفْرِجْ: ... وافرج همّى ١١٤/١١

فَرَّجْتَ: ففرّج عنّى ياربّ كما فرّجت ٢٥٢/٧

أن تفرّج عنّى كما فرّجت عن أنبيائك ٢٥١/١٤ ـ ٢٥٢/٨

أللّهمّ وكما كفيت محمّداً... وفرّجت همّه ١٢٣/٢٠

ففرّج عنّى كما فرّجت عنه ٢٥١/١٢

وفرّج عنّى كما فرّجت عنه «بوسف» ٢٥١/١٣

ففرّج عنّى كما فرّجت عنه «ذوالنّون» ٢٥١/١١

أو مكروب فرّجت عنه ٢٢٠/٧

ففرّج عنّى ياربّ كما فرّجت عنه «ذوالنّون» ٢٥٢/٧

فَرَّجْتَهُ: أسألك أن ... لاهمّاً إلاّ فرّجته ١٢٢/٨

لاهمّاً إلاّ فرّجته ١٤٣/٢٦

لاكرباً إلاّ فرّجته ١٤٣/٢٧

فَفَرَّجْتَ: ففرّجت عنه فإنّه دعاك ٢٥١/١٢ ـ ٢٥٢/٨

ففرّجت عنه فإنّه دعاك وهو عبدك ٢٥٢/٧ ـ ٢٥١/١٣

بما دعاك به أيّوب ... ففرّجت عنه ٢٥٢/٧

لايُفَرِّجُهُ: إلهي ... كربي لايفرّجه سوى رحمتك ١٩٢/٢
تُفَرِّجَ: وتفرّج عنّي فرجاً عاجلاً غير آجِلٍ ١٧٩/٥
وتفرّجُ عمّن لاذبك ١٦٣/١٣
أَنْ تُفَرِّجَ: أن تفرّج عنّي كما فرّجت عن أنبيائك ٢٥١/١٤ـ٢٥٢/٨
فَرِّجْ: اللّهمّ ... فرّج عنّي كلّ غمّ ١٤٨/٣٤
وفرّج عنّي يامن يقبل اليسير ١١٦/١٣٣
فرّج عنّي واكفني ما أهمّني ٢٢/٤٢
وفرّج همّي وغمّي يافارج غمّ يعقوب ١١٤/١٨
صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وفرّج ١٤٩/٦٧
يامفرّجاً عن المكروبين فرّج عنّي ١٣٣/١٠
فأجبني واكشف همّي وفرّج غمّي ١٧٢/٩
وفرّج عنّي كما فرّجت عنه ٢٥١/١٣
وفرّج عنّي ما أخاف ضيقه ١٣٨/١٤
فرّج به «كتابك» عن قلبي ١٥٣/١٣
يامفرّج الكرب العظيم فرّج كربي ١٣٨/١٥
فَفَرِّجْ: ففرّج عنّي ما ضاق به صدري ١٤٨/٢١
ففرّج عنّي ياربّ كما فرّجت عنه «أيّوب» ٢٥٢/٧
ففرّج عنّي كما فرّجت عنه ٢٥١/١٢
ففرّج عنّي كما فرّجت عنه «ذوالنّون» ٢٥١/١١
ففرّج عنّي ياربّ كما فرّجت عنه «ذوالنّون» ٢٥٢/٧
إِنْفَرَجَتْ: مضايق الأرضين للفرج انفرجت ٥٨/١
فَرْجي: وتعيبني على... حفظ فرجي ١٢٧/٩
بِفَرْجي: وعصيتك بفرجي ولو شئت لعقمتني ١٤٩/٣٧
اَلْفُرُوجُ: ففيك عفّت الفروجُ والنّفوس ١٤٣/٣٠
اَلْفُرْجَةَ: والفرجة عند الكربة ١٦٤/٢٢
فارِجٌ: فليس له من كربة الموت فارجٌ ٢١٤/١١٩
يافارجَ الهمّ ويابَاعث الرّسل ١٠٧/١ ـ ١٦١/٧
يافارجَ غمّ يعقوب ١١٤/١٨
ويافارجَ همّ المهمومين ١١٧/٢٦
يافارج الهمّ وكاشف الغمّ ١٧١/١
فليس له من كربة الموت فارجٌ ٢١٤/٤٣
مُفَرِّجاً: ولالغمّه مفرّجاً ١٤١/١٨
ولم يجد ... لكربه مفرّجاً سواك ١٣٢/٩
أسألك سؤال من لايجد ... لكربته مفرّجاً ١٧٠/٥
يامفرّجاً عن المكروبين فرّج عنّي ١٣٣/١٠
يامفرّجَ الكرب العظيم ١٣٨/١٥
اَلْمُنْفَرِجِ: وبالإسم المكنون المنفرج ١٦١/٤
فَرَجَ: ويافرجَ كلّ مكروبٍ كئيب ٤٩/٢
أللّهمّ اجعل لي من أمري فرجاً ١١٧/٤٣
واجعل لي من أمري فرجاً ٢٥١/٣ ـ ٢٥١/٤٠
واجعل لي من أمري فرجاً ومخرجاً ٢٥١/٤٦ ـ ٢٥١/٣٥
واجعل لي من لدنك فرجاً ٢٥١/٥٤
اجعل لي من أمري فرجاً ومخرجاً ٢٥٢/٣
وتفرّج عنّي فرجاً عاجلاً غير آجلٍ ١٧٩/٥
هب لي من لدنك رحمةً وفرجاً هنيئاً ٢٤/٥
فهب لي يااللهي فرجاً بالقدرة الّتي بها ... ٥٢/١
أللّهمّ ... عجّل فرجَ آل محمّد ١٨١/٥
فافتح لنا حسب كرمك باب فرجٍ من عندك ٧٠/١٤
واجعل لي من همّي وكربي فرجاً ومخرجاً ١١٦/١١٥
أللّهمّ إنّي أسألك ... فرجاً قريباً ١١٦/١٠٦
اَلْفَرَجِ: وما أبعد غايته من الفرجِ ١٤٦/١٠
ولاأطلب الفرجَ إلاّ منك ١١٦/١٣٣
فقد أصبت طريق الفرجِ بما فيه سلامتها ١٩٩/١٠٠
يامن يلتمس منه المخرج إلى روح الفرجِ ٢٤/١
وافتح لي ياربّ باب الفرجِ بطولك ٢٤/٥
واجعل لي في لقائك الرّاحة والفرجَ ١١٦/١٢٠
فأين الرّاحة والفرجُ ٢٠٠/٤٤
فَرَجُكَ: أين فرجُك القريب ١١٦/٢٧
إجعل ... سلامتي من هذه الشّدّةِ إلى فرجِك ٤٦/٦
فَرَجْنا: واجعل فرجنا معه وبه ١١٩/٢٨
بِفَرَجٍ: وأن تأتيني بفرجٍ من عندك ٦٠/٣
لِلْفَرَجِ: مضايق الأرضين للفرج إنفرجت ٥٨/١
بِالْفَرَجِ: وإليك أهرب، عجّل بالفرجِ ١٧٧/٢

ف.ر.ح

فَرِحَ: إذا أذقنا الإنسان منّا رحمةً فرح بها (قرآن) ٣٥/١٣
متى فرح من قصدت سواك همّته ١٩٩/٣٧
فَرِحْنا: وفرحنا ببذل رحمتك ١٩٩/١١٧
لاتَفْرَحُ: ولاتفرح أمنيتي بحسن مزيدك ١٩٩/١٣٢
أَفْرَحُ: وكيف أفرح وقد عصيتك ٢٠١/٣
وكيف أفرحُ وأنا العاصي ٢٠١/٣
لاأَفْرَحَ: حتّى لاأفرح بما آتيتني من الدّنيا ٥٧/٨
فَرِّحْ: وفرّح قلبي وحقّق ظنّي ١١٦/١١٤
فَرَحَ: قلبي فرح الإقبال عليك ٤١/١
ومتى فرحُ من قصد سواك بنيّته؟! ٨٤/٣
أولج قلبي فرحَ الإقبال عليك ٨٤/١
فَرْحَةِ: فاجعل نفسي ... مشتاقة إلى فرحة لقآئك ٢٥٥/٣
فَرِحِينَ: وفي وحشة القبر فرحينَ ٢٠٦/٢٢

ف.ر.خ

أَفْرَخَ: وأفرخ روعه من كلّ محذورٍ منه سواك ٨٠/٥

ف.ر.د

أَفْرَدْتَني: أفردتني الخطايا فلا صاحب معي ٥٧/١
أَفْرَدْتَني: ومن يساعدني وأنت أفردتني ٥٧/١
يُفْرِدُني: فارحمني سيّدي يوم يفردني النّاس ٢٤٩/٢٢
إِنْفَرَدْتُ: إنفردت في محلّ ضنك ١٩٩/٤١
تَفَرَّدْتَ: تفرّدت بالوحدانيّة ٢٤٥/٢
تَفَرَّدْ: بل تفرّد بالصنع لي ياسيّدي ومولاي ١٤٩/٦٣
ولاتكلني إلى خلقك بل تفرّد بحاجتي ٥٩/٢
فَرْدُ: ياأحد يافرد ياصمد ياوتر ١٣٠/٢
ياواحد ياأحد يافردُ ياوترُ ١٢٨/٣
إرحمني يوم آتيك فرداً ٩٠/٥
ربّ لاتذرني فرداً وأنت خير الوارثين ٢٥٨/١
يافردُ ياوتر ياواحد ياأحد ياصمد ١٢٢/٤
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... فردٌ لاتستشير ١٣٠/٥
يافردُ ياصمدُ ياوتر يامتعالي ١٤١/٨
يارحمن يافردُ يامؤمن ١٣٣/٢
بقيت فرداً كقرن الأعضب وحيداً ٢١٩/٣٤
الْفَرْدُ: الأحد المتوحّد الفردُ المتفرّد ١٤٧/٢
أللّهمّ ياكافي الفردِ الضعيف ٥٧/١
هذا اليوم الشريف الفردَ العظيم ١٤٣/٣٤
والفردُ الّذي لايقاس بأحد ١٩٩/١٤
أنت الفردُ الأوّل الآخر العالم الأحد ٢٤٣/٤
التَّفَرُّدَ: وزيّن لي التفرّد بمناجاتك باللّيل والنّهار ١٤٧/٩٤
تَفَرُّدي: واجعل ... تفرّدي بالتّهجّد لك ١٤٧/١٠٤
الْمُتَفَرِّدُ: الأحد المتوحّد الفرد المتفرّد ١٤٧/٢
فأنت المتعزّز المتفرّد بالمجد ٢٤٥/٢
فَريدٍ: ياغوث كلّ مخذولٍ فريدٍ ٤٩/٢
فقلت ملآئكتي فريدٌ قد نأى عنه ١٩٧/٣٣
فقلت ملآئكتي فريدٌ نأى عنه الأقربون ١٩٩/١٣٩
فأصحرني لغضبك فريداً ٨٨/٧
مُفْرِداً: ثوىٰ مفرداً في لحده وتوزّعت ٢١٤/١٤٠
ياأنس كلّ غريب مفردٍ ١٩٩/١٤٥
الْفِرْدَوْسَ: الّذين يرثون الفردوس (قرآن) ١١٥/٢٤
أن ترزقني الفردوسَ وتحلّنيه ٢٥/٢
لِلْفِرْدَوْسِ: وللفردوس وارثين ٢٠٦/٢٢

فَرَرْتُ: إليك فررت بنفسي ياملجأ الخآئفين ١٢٠/١١
منها فررت إليك ربّ تآئباً فتب عليّ ١٦٣/١٠
ومدركي إن أنا فررتُ ١٦٢/٥
وقد فررتُ إليك بنفسي ١٥٢/٣
قد فررتُ إليك من نفسي وإليك يفرُّ المسيئُ ١٥٣/٣
إلهي وسيّدي إليك فررتُ من ذنوبي فآوني ١٤١/١٣
فَرَرْنا: أللّهمّ إليك فررنا من ذنوبنا ١١٧/٢٢
يَفِرُّ: إليك يفرُّ المسيئُ ١٥٣/٣
يوم يفرّ المرء من أخيه (قرآن) ٢٠٧/١٠
أَفِرُّ: فإنّي منك إليك أفرّ ١٢٨/٨
فإليك أفرّ ومنك أخاف ١٦٦/١٤
فَأَفِرَّ: ولامفرّ لي فأفرّ ١٦٣/٩
حَتّىٰ أَفِرَّ: حتّى أفرّ عن مصارع الهلكات إليك ٢٤٩/٧
فِراراً: فراراً منهم إليك بسيّئاتي ١٤٨/٣١ ـ ٢٧/٨
الْفِرارُ: وإلى من الفرار من الذّنوب ١١٦/٩٩
وأين الفرارُ إذا ضاقت لديك أمنيّتي ٢٠١/٥
وأين الفرارُ إذا لم يكن منك عونٌ عليه ٢٠١/٤٩
فِراري: واجعل فراري إليك ورغبتي فيما عندك ٥٧/١١
بِفِرارٍ: ولايحدّث نفسه عن قربه بفرار ٦٧/٥
فارّ: فارٌّ من سخطك إلى رضاك ١٨٦/٥
مَفَرّاً: الّذي ... لاوجد مفرّاً إلاّ إليك ٢٤٥/١
ولامفرَّ لي فأفرّ ١٦٣/٩
إليك مفرُّ المسيئ ١٥٢/٣
الْمَفَرَّ: وإليك المفرُّ والمهرب فصلّ على ٥٧/٢
آه واحزناه أين المفرّ من ذنوبي غداً ١٩٨/٤٢
إلهي أين المفرُّ عنك ١٤٤/٢٨
مَفَرَّهُ: وأين مفرّه وملجأه إن يطرده ٢٠١/٤
مَفَرّي: وإليها من مجاورة اللّئام مفرّي ٢٤٠/٤

ف.ر.س

لِفَريسَتِهِ: إنتظاراً لانتهاز الفرصة لفريسته ١٥٢/٧ـ١٥٣/٧

ف.ر.ش

فَفَرَشْتَهَا: مهّدت الأرض ففرشتها ٢٤٧/٧
لَمْ أَفْرِشْهُ: ولم أفرشه بالعمل ١١٦/٧٧
أَفْرِشْني: وأفرشني عافيتك ٦١/١
وأفرشني مهاد كرامتك ١٠٨/١
فِراشاً: إذا أضحى التّراب لي فراشاً ١٩٨/٤٥

ف.ر.ر

الْفِراشِ: وارحمني صريعاً على الفراش ١١٦/٩٦
إرحمني مطروحاً على الفراش تقلّبني ١١٢/٧
كَالْفَراشِ: كالفراش المبثوث (قرآن) ٢٠٧/٥

ف.ر.ص

الْفُرْصَةِ: إنتظاراً لانتهاز الفرصة لفريسته ١٥٢/٧ـ١٥٣/٧

ف.ر.ض

فَرَضْتَ: وفروضها الّتي فرضتَ ١١٥/١١
فرضت طاعتهم وولايتهم ١١٣/٥ ـ ٢٠/٥
فرضت علينا تعزيزه «محمّد» ١٠/٩
وفرضتَ فيه من الصّيام ١٤٢/٢٤
فَرَضْتَهُ: واقض عنّي كلّ ما ألزمتنيه وفرضته ٥٩/٧
بعد إذ فرضته إلى بيتك الّذي حرّمته ١٤٤/٢٢
إِفْتَرَضَ: افترض مودّتهم في الكتاب ٢١٩/٤٨
إِفْتَرَضْتَ: وافترضت طاعته «الإمام» ١٤٧/٦٢
إنّك إفترضت عليّ للآباء والأمّهات حقوقاً ٢٤٧/١١
بعترته ... الّذين أفترضت طاعتهم ١٤٩/٤٤
إحتمل عنّي ما إفترضت عليّ ٢٣٩/١١
فَرْضِ: ما ألزمتنيه من فرضِ الآباء والأمّهات ٢٤٣/١٢
فيه «الكتاب» فرضُ الصّلاة والصّيام ١٩٩/١٧
وقّفني لأداء فرضِ الجمعات ٢٤٦/٦
لِفَرْضِهِمْ: وولايتهم والتّسليم لفرضهم ١١٩/١٩
الْفُرُوضِ: وخصائص تلك الفروضِ ١٤٢/٢٤
فُرُوضِهِ: في أوقات طاعته ومنازل فروضه ٢١/٤
فُرُوضِهَا: وفروضها الّتي فرضت ١١٥/١١
فُرُوضِكَ: عن تعاهد فروضِك ٢٤/٦
مع كثير ما أغفلت من وظائف فروضك ٨٨/١٠
حاشى فروضِك الّتي من ضيّعها هلك ٨٨/٩
فَريضَةً: فريضةً منك واجبة وكرامة فاضلة ١٤٣/٢٢
فَرائِضِكَ: أوضح لنا منه شروط فرائضك ١٤٤/١٨
بِفَرائِضِكَ: أللّهمّ إنّي أسألك العمل بفرائضك ٢٠٠/١٩
لِفَرائِضِكَ: ولفرآئضك مؤدّين ٢٠٦/١٨
الْمُفْتَرَضِ: القآئم ... المفترض الطّاعة ١١٩/١٨
وأن تدرك بي صيام الشّهر المفترض ١١٤/٢١
مُفْتَرَضاتِ: وإحتمل عنّي مفترضات حقوق ٢٣٧/٩

ف.ر.ط

فَرَطَ: في مقامي هذا توبة نادمٍ على ما فرط منه ٣٤/١٠
لايُفْرِطُ: أنت الّذي لايفرط في عقاب من عصاهُ ٤٩/٤
فَفَرَّطْتُ: وسوّل لي الخطا خاطر السّوء ففرّطت ٨٨/٩
فَرَّطْنا: ما فرّطنا في الكتاب من شيىء (قرآن) ١٤٤/١٤
لايُفَرِّطُ: ولايفرّط في شيءٍ ١٤٩/٢٥
فَرْطُ: إن أوحش ما بينى وبينك فرط ١٨٦/٣
ولم يخف على النّاظرين إليها فرط فاقتها ١٩٩/١٣٨
لِفَرْطِ: هذه العيون لفرط بكآئها ١٩٩/١١٥
فَرَطاتِها: وتجاوز فرطاتها ٢٠٢/٨
إِفْراطي: أشكو إليك ... إفراطي في أمري ١٥٣/١٧
لِإِفْراطِ: فأنت ثقة من لايثق بنفسه لإفراط عمله ٢٣٩/١٠
تَفْريطاً: فقصّر عمّا أمرت به تفريطاً ٨٠/٢
التَّفْريطِ: فأجرنا على ما أصابنا فيه من التّفريطِ ١٤٢/٥٠
أعوذبك من الفشل والكسل والعجز والتّفريطِ ١٥٣/٣١
ولولا ما ذكرت من شدّة التّفريطِ ١٩٩/١٠٨
تَفْريطِها: وتفريطها إلى اقتراب أجلي ١٤٨/٢
تَفْريطي: على عصياني وتفريطي ١٦٤/١٨
مع ما كان من تفريطي فيما أمرتني به ١٤٩/٢٧
بِتَفْريطٍ: ولاليله «شهر رمضان» بتفريط ١١٥/٢٢
لِتَفْريطِهِ: عظمت لتفريطه حسرته ٢٤٢/٣
بِتَفْريطي: ولاتؤاخذني بتفريطي في جنبك ١٤٧/٨٤
فارِطِ: مسؤولاً عمّا أسلفته من فارطِ زللي ١٩٩/٧٤
الْمُفَرِّطُ: إن تعذّب فأنا الظّالم المفرّط ١٦٣/١٤

ف.ر.ع

إِفْرَعْها: وافرعها «بلاد المشركين» بالمحول ٦٧/١٥
فُرُوعِ: إلاّ من فروع الشجرة المباركة ٢١٩/٤٨

ف.ر.ع.ن

الْفَراعِنَةِ: الّذي ستر الله به الأنبياء من الفراعنة ٢٢/٩

ف.ر.غ

أَفْرِغْ: وأفرغ الصّبر عليّ ١٢٨/٦
فَرَّغْتَ: فاجعلنا ممّن ... فرّغت فؤاده لحبّك ١٩٠/٣
فَرِّغْ: وفرّغ قلبي لمحبّتك واشغله بذكرك ٥٧/١٠
فَرِّغْهُمْ: وفرّغهم عن محاربتهم لعبادتك ٦٧/٩
فَرِّغْني: وفرّغني فيه «رمضان» لعبادتك ١١٧/٣
فَأَتَفَرَّغَ: فأتفرّغ لما هو أحظى لي عندك ٨٨/١٦
إِسْتَفْرِغْ: واستفرغ أيّامي فيما خلقتني له ٥٥/٣
فَراغاً: وفراغاً في زهادة وعلماً في إستعمال ٥٥/٣٩
الدّائب الّذي لافراغَ له ١١٤/٨
واجعل ... فراغَ أبداننا في شكر نعمتك ٨/٢٦ ـ ١٥/١٦
فإن قدّرت لنا فراغاً من شغل فاجعله فراغَ سلامة ٣٣/٣

الفَراغ: وأذقني طعم الفراغ لما تحب ١٤٧/١٠٧
مُسْتَفْرَغاً: وهمّي مستفرغاً لما هو لك ١٤٧/١١٣

ف.ر.ق

فَرَّقْتَ: وفرقاناً فرقت به بين حلالك وحرامك ١٠٩/١
وخير ما قسمت فيها وفرقت ١١٤/٦
فَرِّقْنا: وفرقنا من أليم نقمتك ١٩٩/١١٧
فارَقَهُ: ووحيد فارقهُ المال والبنون ١٩٩/١٣٩
فارَقَنا: وإن أسأنا فارقنا بذمّ ٢١/٨
ثمّ قد فارقنا عند تمام وقته ١٤٢/٢٧
فارَقُوا: فارقوا الأزواج والأولاد في اظهار كلمته ١٤/٣
فارَقَتْني: الخلوة إذا... فارقتني الألاّف ١٩٩/٤١
فارَقْناكَ: لابملل صمناك ولامقليّاً فارقناك ١٤٣/٢٩
فَرَّقَتْهُمْ: فرّقتهم أيدى المنون ٢١٩/٢٤
فَرَّقْتَ: إذ فرّقت بينه وبين أهله ٢٥١/١٣
فَرَّقْتَها: كلمة مجتمعه إلاّ فرّقتها ٧٠/٩
فُرِّقَ: إذ فرّق بينه وبين أهله ٢٥٢/٨
تُفَرِّقُ: وبه «اسمك» الّذى تفرّق به ٢٣٥/٢
وبه تفرّقُ المجتمع ٢٣٥/١
وابعث عليهم جنداً ... تفرّق به عددهم ٦٧/١٤
لاتُفَرِّقْ: ولاتفرّق بينى وبين عافيتك ٦١/١
فَرِّقْ: وفرّق جمعهم «الظّلمة» ١١٩/٨
فرّق بينى وبين ذنبى المانع لي من لزوم طاعتك ١١٦/٨٥
وفرّق بينهم «عدوّ أهل الثّغور» وبين أسلحتهم ٦٧/٦
تَفَرَّقَ: ولامجامعة من تفرّق عنك ولامفارقة من ٥٥/١٨
فقام محمّد ... تفرّق حزب الشّيطان ١٩٩/٥٨
تَفَرَّقُوا: كالّذين تفرّقوا واختلفوا (قرآن) ٢١٩/٤٦
تَفَرَّقَتْ: إذا بلى جسمى وتفرّقت أعضائي ١٦٧/٥
تفرّقت ورثة الحكمة ويقيت فرداً ٢١٩/٣٤
الْفَرْقُ: فيه «الكتاب» الفرقُ بين الحلال والحرام ١٩٩/١٧
فَرَقاً: وتهاوني بحجّتك فرقاً منك ١٦٤/٢١
آمن من السّيّئات فرقاً وخوفاً ٥٩/٩
أن تملأ قلبي ... فرقاً منك ١١٦/١٢٠
الْفَرَقَ: رفعت بلطفك الفرقَ ٢٤٥/٣
فَرَقَكَ: طيراً فأطير في الهوآء من فرقك ٢٠٥/٦
فُرْقاناً: وفرقاناً فرقت به بين حلالك وحرامك ١٠٩/١
الْفُرْقانِ: هدىً للنّاس وبيّنات من الهدى والفرقان (قرآن) ١١٧/١ ـ ١١٥/٣
أكنيته الفرقان العظيم ١٤٤/٧
فُرْقانَكَ: أنت الّذى... أصدع بالحقّ فرقانك ١٤٧/٢١
فُرْقَةٍ: فقد آذنتني بإنقطاع وفرقةٍ ٢١٩/١٢
الْفُرْقَةِ: وضمّ أهل الفرقة وإصلاح ذات البين ٥٥/١٥
بِالْفُرْقَةِ: دانت الأمّة بالفرقة والإختلاف ٢١٩/٤٦
وثبّطهم «المشركين» بالفرقة عن الإحتشاد عليهم ٦٧/١٢
بِتَفْريقٍ: ولاتجمع شملاً إلاّ بتفريق شمل ٢١٩/١١
مُفارَقَةِ: ولامفارقة من إجتمع إليك ٥٥/١٨
إلهى، ألأمان ... وعند مفارقةِ الرّوح ٢٠٧/٢
مُفارَقَتِهِ: واعصمنا من سوء مفارقته ٢١/٩
مُفارَقَتِها: بعد مفارقتها أئمّة الدّين ٢١٩/٤٢
إفْتِراقٍ: الّذى ... لايوصف بمضامّة ولاإفتراقٍ ١٩٩/٥٣
فِراقٍ: على فراق شهر رمضان ١٤٣/٢٨
واجعل القبور بعد فراقِ الدّنيا خير منازلنا ١٠٩/١٩
وجمر فراقٍ لايبوخ حريقها ٢١٩/١٨
ياربّاه لاتذقنا القطران بعد فراقِ الدّنيا ١٩٨/٧٦
أتذكّر معارف الدّنيا وفراقَ الأحبّة ٢١٩/٣٦
الْفِراقِ: بأسهم وحشة الفراقِ ١٠٩/١٨
فِراقُهُ: فنحن مودّعوه وداع من عزّ فراقه علينا ١٤٢/٢٧
ومرجوّ آلم فراقُهُ ١٤٢/٣١
فِراقَها: ولافراقها «الدّنيا» علىّ حزناً ٧٨/٤
ولانجعل... فراقها «الدّنيا» علىّ حزناً ٢٥٢/٢٢ ـ ٢٥١/٢٩
فارِغاً: وجعلته «محمّد»... بين الحقّ والباطل فارقاً ١٠/٦
مُفارِقَةً: فاجعل نفسي... مفارقةً لأخلاق أعدائك ٢٥٥/٣
الْمُتَفَرِّقَ: وبإسمك الّذى به تجمع المتفرّق ٢٣٥/١
الْمُتَفَرِّقَةَ: إجمع به الأهوآء المتفرّقة ٧٠/١٢
الْفِرَقَ: فألّفت بمكانك الفرق ٢٤٥/٣

ف.ر.ى

إفْتَرىٰ: ياربّاه إرحم من تجرّأ عليك وإفترىٰ ١٩٨/٧٠
الْمُفْتَرُونَ: كذب ... المفترون على الله الكذب ١٤٣/١٢

ف.ز.ز

إسْتَفَزَّني: ولكن استفزّني الشّيطان بعد الحجّة ٨٩/٣

ف.ز.ع

فَزِعَ: أللّهمّ إنّ ابن شهاب قد فزع إلىّ ٦٨/١
لن يخيب من فزع إليك برغبته ٢٥١/٦٠
ولم يخب من فزع إليك برغبته ٧٠/١
ولكلّ من فزع إليك رحمةٌ ١٤٩/٥٦
فَزِعَتْ: الّذى فزعت إليك فيه الأصوات ١٤٩/٥٤
فَزِعْتُ: إليك فزعتُ ١١٦/١٣٣

إذا رأيتُ مولاى ذنوبي فزعتُ ١١٦/١٩
يَفْزَعُ: إلى من يفزع خلف هذه الأمّة ٢١٩/٤٦
فإلى من يفزع المقصّرون ١٩٩/١١٠
فإلى من يفزع المذنبون ١٤٣/٤٢ ـ ١١٦/١١٨
بامن إلى ذكر إحسانه يفزعُ المضطرّون ٤٩/١
سيّدى فاجعلني عبداً يفزعُ إلى التّوبة ٢٤٥/٧
ويفزع إلى الإقرار بمتشابهه ١٠٩/٥
ولامؤمّلاً يفزعُ إليه ٢٣٩/١
لايَفْزَعُ: لايفزع من لجأ إلى معقل إنتصارك ١٥٢/١٠
لَنْ يَفْزَعَ: لن يفزع من لجأ إلى معاقل إنتصارك ١٥٣/٨
أَفْزَعُ: وإلى من أفزعُ إن فقدت عنايتك ١١٦/٩٨
فَزَعٌ: وأعوذبك من يوم أوّله فزعٌ ٢٣٨/٤
الْفَزَعِ: ومن الفزع الأكبر آمنين ٢٠٦/١٩
وآمنّى يوم الفزع الأكبر من حرّ السّعير ٢٥٦/٥
لايحزنهم الفزعُ الأكبر (قرآن) ١٩٩/٣٠
واكسنا به حلل الأمان يوم الفزعِ الأكبر ١٠٩/١٤
تؤمنهم به من الفزعِ الأكبر ١٤٣/٣٧
قد آمنته من الفزعِ الأكبر ٨٣/٨
يوم الفزعِ الأكبر من الآمنين فآمنّى ١٥٣/١٨
أَفْزاع: أسألك ... أن تعافيني من... أفزاع الآخرة ١٧٦/١
فازِعَةً: وأفئدة العارفين منك فازعة ٢٥٥/٤
فَزِع: سؤال ... حذر من نقمتك فزعٍ إليك ٢٤٧/١
مَفْزَعٌ: يامن مفزعُ الخلق إليه ١١٤/١٠
يفزع إلى التّوبة فإنّها مفزعُ المذنبين ٢٤٥/٧
مفزع المُضيّع لحظّ نفسه الملتجئ ١٥٢/٣
أنت مفزعُ المضيّع حظّ نفسه فلك الحمد ياإلهى ١٥٣/٣
الْمَفْزَعُ: أنت المفزعُ في الملمّات ٢٤/٣
المفزعُ في كلّ كربة وضرّاء ١٩٩/٧٨
مَفْزَعي: وأنت إلهى مفزعى وملجأي ١٧٢/٤
يامفزعى إذا أعيتني الحيل ٢٧/٣
يامفزعي عند كربتي ١١٦/١٣٣
فأنت إلهى مفزعي وملجأى ١٧٣/٥
مَفْزِعَهُمْ: ومفزعهم عند الأهوال والشّدائد العظام ٨٣/٦

ف.س.ح

فَسَحْتَ: وفسحت لهم السّبيل إليك ١٩٩/١٩٤
وفسحت له في قبره ٨٣/٨
تَفْسَحُ: تفسح به عليهم ضيق ملاحدهم ١٤٣/٣٧
صلاة ... تفسح لهم «تابعين» في رياض جنّتك ١٤/٨
إِفْسَحْ: إفسح لي في عمري ١٤٩/٦٨
وافسح لي في إنتظار جميل الصّنع ٢٥١/١٥ ـ ٢٥٢/٣٩
وافسح لنا برحمتك في ضيق ملاحدنا ١٠٩/١٩
فَافْسَحْ: فافسح لهم في قبورهم ١٤٣/٣٩
يَتَفَسَّحُونَ: يتفسّحون تحت أعباء الدّيانة ٢١٩/٤٣
تَفَسَّحَ: تفسّح حاشية الإبل ٢١٩/٤٣
فَسبح: فرفعه إلى ... فسبح كرامته ١٩٩/٥٩
فَسيحَةً: سائلاً فسيحة رحمتك وسعة طولك ١٦/٣

ف.س.خ

تَفْسَخَ: وتفسخ كبرَهُ «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٨
إِفْسَخْ: إفسخ ما دبّر وثبّطهُ إذا عزم ٥٠/١١
تَفَسَّخَتْ: وتفسّخت دون بلوغ نعتك الصفات ١٤٦/٣
وتفسّخت دونك النّعوت ٨٨/٣
فاسِخٌ: وهو في علم الغيب عندك فاسخٌ لتوبته ٨٠/١٦

ف.س.د

فَسَدَ: وعندك ممّا فات خلف ولما فسد صلاح ٥٥/٢٩
واستصلح بقدرتك ما فسد منّى ٥٥/٢
لاتُفْسِدْ: وعبّدني لك ولاتفسد عبادتي بالعجب ٥٥/٤
الْفَسادِ: أعوذبك من... الفساد ١٥٣/٢٦
مع سبقهم إلى الغلّ والفسادِ ٢١٩/٣٦
فَسادي: وما صلاحى وفسادى إلاّ إليك ٢٥٧/٣
لِفَسادِ: ولاتردّني خائباً لفسادِ نيّتي ١٣٨/١٧
وأنا أفقرهم إليك ... لفسادٍ تصلحه ٢٥٧/٩
ورغبت عن سنّتك لفساد ديني ٢٥٧/١٠
فاسِداً: وإن جعلتني فاسداً لم يقدر على ٢٥٧/٤
أصلح منّى ما كان فاسداً ١٣٨/١٨ ـ ١٤٨/٣٣
فأصلح منه «عبد» فاسداً ٢٥٧/٢
لافاسداً إلاّ أصلحته ١٤٣/٤٨
فاسِدَهُمْ: يامن إستصلح فاسدهم بالتّوبة ٣٤/٨
الْمُفْسِدينَ: ومستصلح عمل المفسدين ١٠٣/٥

ف.س.ر

تَفْسير: يامن يحتاج إلى تفسيرٍ ٢٣٣/٤
مُفَسَّراً: وورّثتنا علمه مفسّراً ١٠٩/٦

ف.س.ق

الْفُسُوقِ: أعوذبك من ... والفسوق ١٥٣/٢٦
الْفاسِقينَ: وشنآن الفاسقين ٣٦/٧
وذبّني عن التماس ما عند الفاسقين ١٢٧/١١٥

المارقين والفاسقين والنّابذين ١٢٨/٥
يامن نجّى لوطاً من القوم الفاسقين ١١٤/١٩
فَسَقَةِ: وإكفني شرّ فسقة العرب والعجم ١٣٢/١٢
وادرأ عنّي شرّ فسقة العرب والعجم ١٤٩/٥٩

ف.ش.ل

الْفَشَلِ: أللّهمّ إنّي أعوذبك من الكسل والفشل ١١٦/١٢٦
أعوذبك من الفشل والكسل ١٥٣/٣١
أعذنا من الفشل والكسل ٢٠٠/١٦

ف.ش.و

فَشَتْ: وفشت نعمتك في جميع المخلوقين ١٠١/١٢
أَفْشى: والطّول ما أفشى فينا نعمتك ١٤٢/٢٢
إِفْشاءِ: وإصلاح ذات البين وإفشاء العارفةِ ٥٥/١٥
فاشٍ: كلّ قبيح باطن أو فاش ١٩٩/٢٦

ف.ص.ح

أَفْصَحَ: أفصح لنا عن الحلال والحرام ١٤٤/١٨
أَفْصَحْتُ: حتّى أفصحت ناطقاً بالكلام ١٩٩/١٧١

ف.ص.ل

فَصَلَ: فصل فيها «الأمور» بحكمه ١٤٩/١٠
فَصَّلْتَهُ: وكتاباً فصّلته لعبادك تفصيلاً ١٠٩/٢
الْفَصْلِ: ترك الإنتقام ممّن ظلمني إلى يوم الفصل ٤٤/١١
تَفْصيلاً: يامفصّل كلّ شيءٍ تفصيلاً ١٣٥/١
وكتاباً فصّلته لعبادك تفصيلاً ١٠٩/٢
فيه «الكتاب» ... تفصيلُ الشّؤون ١٩٩/١٧
بِانْفِصالي: بإنفصالي من بين يدى هول ١١٨/٦
الْفاصِلينَ: إيّاك أدعو ... يا ... خير الفاصلين ١٤٩/١٦
مُفَصِّلَ: يامفصّل كلّ شيءٍ تفصيلاً ١٣٥/١

ف.ص.م

إِنْفِصامَ: لاانفصام لها والله سميع عليم (قرآن) ١٨/٥
ثبّتني بالعروة الوثقى الّتي لاانفصام لها ٢٠٠/٤٦

ف.ض.ح

فَضَحَهُ: وقبيح ما فضحه في حكمك ٨٠/٦
فَضَحَتْهُ: وفضحته عندك خطيئته ١٦٤/٣
فَضَحْتَهُ: تستر على من لو شئت فضحته ١٤٢/٣
لَمْ يَفْضَحْ: ولم يفضح «الله» بسريرة ٨٣/٣
فَلَمْ يَفْضَحْني: يامن رآني على المعاصي فلم يفضحني ١٥٤/٢-١٥٦/٣
ويامن رآني على الخطايا فلم يفضحني ١٥٨/٣
فَلَمْ تَفْضَحْهُ: ارتكب الفاحشة فلم تفضحه ٩٥/١
لَمْ تَفْضَحْني: إلهي لم تفضحني بسريرتي ١٦٣/١٢
سترت عليّ ولم تفضحني ١٤٨/٣
وسترت عورتي ولم تفضحني بسريرتي ١٤٩/٣٣
كم من معصيةٍ أتيتها فسترتها ولم تفضحني ١٥٢/١
ولم تفضحني يامنّان ٢٢١/٦
فَلَمْ تَفْضَحْني: فإذ قد تغمّدتني بسترك فلم تفضحني ٤٩/١٩
فكم من عآئبةٍ سترتها عليّ فلم تفضحني ٤٩/١١
لاتَفْضَحْني: لاتفضحني بين يدى أوليائك ١٤٧/٩٦
فَلا تَفْضَحْني: فلا تفضحني بها يوم القيامة ٢٠١/٤١
فلا تفضحني بها في القيامة واسترها ١٩٩/١٢٦
وبذنوبي فلا تفضحني ٢٥٢/١٥
فلا تفضحني بها «الذّنوب» ذلك اليوم ١٩٧/١٢
وبذنوبي فلا تفضحني ٢٥١/٢٣
بقبيح عملي فلا تفضحني ١٥٣/٢٠
لاتَفْضَحْنا: ولاتفضحنا في حاضر القيامة بموبقات آثامنا ١٠٩/١٩
لاتفضحنا لديك ٨/٢٠ - ١٥/٦
إِفْتِضاحي: فوا أسفا من خجلتي وإفتضاحي ١٨٢/٣
فاضِحِ: ومنقلباً كريماً غير مخزولا فاضحٍ ٢٢٥/٣
فاضِحاتِ: تستر عليّ فاضحاتِ السّرآئر ١٨٢/٤
فَواضِحِ: الإزدجار عن ... فواضح الحوبات ١٤٧/٩٣
فَضيحَةِ: نجّني ... من ... فضيحةِ العار ١٨٤/٩
وإذا لم تنمني مقام فضيحةٍ في دنياك ١٤٧/١٠٢
فَضيحَتي: ولو أردت فضيحتي لم تسترني ١٩٩/١٢٩
ولو أردت فضيحتي لم تعافني ١٩٧/١٥
لِلْفَضيحَةِ: وكلاهما أهل منك للفضيحةِ والمنع ١٢٢/٣
فَضيحاتِ: فأجرني من فضيحات دار البقاء ٨٨/١٢
فَضائِحِ: أللّهمّ إنّي... أعوذبك من فضائح الفقر ١٣٥/١١
الْفَضائِحَ: بل سترت عليّ القبائح العظام والفضائحَ ١٤٩/٣٣
فَضائِحِها: كانت عافيتك لي من فضائحها ستراً ٨٨/١٠
فَضائِحي: إلهي لو... دللت على فضائحي ١١٦/٧٤
الْمَفْضُوحينَ: لكنت من المفضوحين ١٦٣/٧

ف.ض.ض

فُضَّ: أللّهمّ ... وفضّ جيوشه ٧٠/١٠
فِضَّةٍ: ورحيق مختوم وأسورة من فضّةٍ ٢٥٧/١٢

ف.ض.ع

فَضاعَةِ: وفضاعةِ ما تسمع وترىٰ ٢١٩/٢٠

ف.ض.ل

فَضْلَ: يامن فضل إنعامه إنعام المنعمين ٩٩/١
وفضْلِ عطآؤك وتظاهرت نعماؤك ١٩٩/١٩٦
يَفْضُلُ: حمداً يفضل سائر الحمد ١/٢٦
أَفْضَلَ: الحمدلله الّذى ... أنعم علينا وأفضل ٢٦٠/١
فَأَفْضَلْتَ: فأفضلت عليه وهو بستوجب الحرمان ٣٩/٩
وأنعمت فأفضلت ١٩٩/١٠
أَفْضِلْ: أفضل عليّ وأنت خير المفضلين ٧٧/١٢
فَضَّلَ: ثمّ فضّل ليلة واحدةً من لياليه ١١٥/٥
فَضَّلَنا: وفضلّنا على كثير ممّن خلق تفضيلاً ٢٦١/١
فَضَّلْتَهُ: وفضّلته على كلّ حديث قصصته ١٠٩/١
فَضَّلْتَني: وعلى ما فضّلتنى من رحمتك ١٦٣/١
فَضَّلْتَنا: وفضّلتنا على من جهل علمه ١٠٩/٦
تَفَضَّلْتَ: وتفضّلت على كلّ منهما ٩٨/٦ ـ ٨/١١
وتفضّلت به «يوم عرفة» على عبادك ١٤٧/٧١
سألت عبادك فرضاً ممّا تفضّلت به عليهم ٧٧/١
أللّهمّ إنّى أسئلك أموراً تفضّلت بها ٢٥٧/١
فَتَفَضَّلْتَ: فإن تعف فربّما... أحسنت فتفضّلت ١٣٥/٧
يَتَفَضَّلُ: يامن ... يتفضّل بإنظار الخاطئين ١٤٧/٨١
تَتَفَضَّلَ: وتتفضّل عليّ برحمتك ومغفرتك ٢٥١/٤
وتتفضّل علينا بآلآئك ١١٦/٤١
لَمْ تَتَفَضَّلْ: إن لم تتفضّل بعفوك ربّنا ٢٠٠/٧
تَفَضَّلْ: فصلّ على محمّد وآله وتفضّل عليّ ٥٥/٢٤
وتفضّل عليّ ممدوداً على المُغتسلِ يُغسّلنى ١١٦/٩٦
واعف عنّى وتفضّل عليّ ١٤٣/٤٥
وتفضّل على برحمتك ومغفرتك ٢٥٢/٣٧
فَتَفَضَّلْ: فتفضّل على إقرارى بعجزى ٩٩/٤
فَضْلِ: وإنّما يعطى المعطون من فضل جدتك ٨/٢٣
أو أظنّ بصاحب ثروة فضلاً ٩٦/٤
... وذخراً وفضلاً وإحساناً ... ٢١/٩
فأعرف فضلَ الأمن ٣٥/٢
إنّك ذوفضلٍ عظيم ٧٧/١٤
فضل من أرجو إذا لم أرج فضلك ١٤٨/١٦
فضلٌ بعثته إليه ١٤٤/١٣
من حمل فضلَ غيره من الآدميّين خضع له ٢٠٠/٢٠
ما أعددته من فضلِ تعويلى عليك ١٩٩/١٠٢
من فضلِ عطآء تؤتيه ١٠/١٩
آثرت فضلَ الآخرة على الأولى ١٩٧/٤٧
أنت إلهى أوسع فضلاً ١١٦/٤٣
إلهى أنت أوسع فضلاً ١١٦/٦٠
فتبهظني ممّا تحمّلنيه من فضلِ محبّتك ١٤٧/٩٠
إنّما يعطى المعطون من فضلِ جدتك ١٥/١٢
إنّك ذورحمةٍ واسعة وفضل كريم ١٠٩/٢٦
وفضل من أوّمّلُ إن عدمت فضلك يوم فاقتى ١١٦/٩٩
ولم يهنّى الخوف فأعرف فضل الأمن ٢٥٧/٢٤
ولم يذلّنى الفقر فأعرف فضل الغنى ٢٥٧/٢٤
فضلاً عن إسقصائها ١٨٧/٥
ومن كرامة إلى فضل تجدّد لي ذلك ٢٥٧/٢٣
لتبتغي فضلاً منه ورضواناً ١٣٥/١
أو كالمنكر فضلَ إحسانك إليه ٨٠/٢
جعلت لي قوتا من فضلِ طعام وشراب ٨٨/١٥
الْفَضْلِ: إنّك «الله» ذوالفضلِ العظيم الجواد الكريم ٩/٥
يالله ياذالعظمة ... والفضل ١٢٢/٣
فإنّك واسع الفضلِ ١١٤/٤
من الفضل الّذى عوّدتنيه ١٩٩/١٥٧
وقد توثّقنا منك بـ... الفضل العظيم ١١٦/٣٥
أجراً نستدرك به الفضل المرغوب فيه ١٤٢/٥٠
آمين ربّ العالمين إنّك ذوالفضل العظيم ٤٤/١٤
يالله ياذا... الفضلِ والإحسان ١٣٤/١
إنّك ذوالفضل العظيم ٧٩/٦ ـ ٦٣/١٦
يامن تحمّد إلى عباده بالإحسان والفضلِ ١٤٢/٢٢
ياذا ... الفضل والإنعام ١٣٣/١
وخصصتني بنوافل الفضلِ والإنعام ١٩٩/١٧٦
فَضْلِهِ: وأسألوا الله من فضله (قرآن) ١١٦/١٥
الّذى دلّنا على التّوبة الّتى لم نفدها إلاّ من فضله ١/٢٤
لايمنع أحداً فضلهُ ١٠١/١١٠
فلو لم نعتدد من فضلِهِ إلاّ بها «توبة» لقد حسن ١/٢٤
وجسُم فضلُهُ علينا ١/٢٤
وخلق لهم النّهار مبصراً ليبتغوا فيه من فضلِهِ ٢١/٣
وألهمنا معرفة فضلِهِ ١١٥/٦
فاق بسعة فضلِهِ الكرمآء ١٩٩/٥
فيامن لايرجى إلاّ فضلُهُ ١٩٩/١٣٣ ـ ١٩٧/٢٧ ـ ١٤٣/٤١
وعرّفتنا برحمتك شرفه وفضلَهُ ١٠٩/٧
فيامن ... يرجىٰ فضلُهُ ٢٠٢/٩
ولايعرف أحد سواك فضلَهُ ١٤٧/٤٠
وحرموا لشقائهم فضلَهُ ١٤٢/٤٨
وأعطى من سئل من فضلِهِ ١٤٢/٦٤

بسم الله الّذى لاأرجو إلاّ فضلَهُ ٢٣٦/١
فَضْلِها: وذهلت فطنتي عن ذكر فضلها «المنّة» ١٩٩/٦٩
فَضْلِكَ: في دار المروّة بمنّك وفضلك ١٣٣/٨
بما وسّعت عليّ من فضلِك ١١٣/٦ ـ ٢٠/٦ ـ ١١٤/٤
لاشفيع لي إليك فليشفع لي فضلُك ٨٠/٢١
فلا يضيقنّ عنّي فضلُك ٨٨/٨
أللّهمّ إنّى أصبحت... راجياً طولك مؤمّلاً فضلَك ١٦/١
هارب من فورة غضبك إلى بحبوحة فضلِك ١٦/٣
من فضلِك ونعمتك وإحسانك ياكريم ١٤١/١٢
فلا تحرمنا فضلَك لقلّة شكرنا ٨٣/٤
وحرمت من إسترفد فضلَك ٣٢/٢
وسبّب لي ذلك من فضلِك ١٩٩/٢٠٠
فليشفع لي فضلُك ٨١/٦
واسترني بسعة رحمتك وفضلِك ٢٥٢/٣٧
وقلبت مسألتى عمّن لم يستغن عن فضلِك ٧٤/١
وتشرّفني بسعة فضلِك عن التّذلّل لعبادك ٢٥١/٤
وأفض عليّ من حيث شئت من فضلِك ٢٥١/٢٧
حتّى لانرغب إلى أحد مع فضلِك ٨/٢٠
من فضلِك فارزقني ١٥٣/٢٠
وارزقني من فضلِك ورأفتك ورحمتك ١٤١/١٠
وأعطنا أضعافه من فضلِك ١٤٢/٥٦
فإنّ فضلَك لايغيض ١٤٢/٥٧
وفضلِك الّذى لاينقض ١٤٢/٥٣
لأدرك به ما عندك من فضلِك ٧٧/٤
الموسّع عليهم الرّزق الحلال من فضلك الواسعِ ٦٤/١٢
زدنا من فضلِك على قدر جلالك ١٥٣/٣٣
فأدّه عنّى ... من فضلِك ٢٥١/٣٨ ـ ٢٥٢/٣٠
قرعت باب فضلِك يد مسألتي ٧٠/٣ ـ ٢٥١/٦٢
وزدني من فضلِك ١١٦/١٣٠ ـ ٢٥١/٤٤
وارزقنا من فضلِك الواسع رزقاً حلالاً ٢١١/٢
إلى ما أجريت له من فضلك ٦٧/٢١
وتزيدني من فضلِك ١١٧/٢٩
فضل من أرجو إذا لم أرج فضلك ١٤٨/١٦
وارزقني من فضلك ورحمتك ١١٧/٢٧
أحداً من خلقك على شيءٍ من فضلِك ٥٩/١٣
أفض عليّ من سيب فضلِك ٧٨/٢
والرّجاء لإنعامك ورحمتك وفضلِك يقوّيني ١٧٣/٤
وارزقني ما أتقوّى به من فضلِك على طاعتك ١٢١/٨
أللّهمّ أغننى بسعة فضلك عن جميع خلقك ١٢١/٣
إلهى ... أمنيتي لايبلّغنيها إلاّ فضلُك ١٩٢/٢
بما وسّعت عليّ من فضلك ١١٤/٢
فأنجح لي المطلوب من فضلِك برحمتك ١٩٩/٨٠
فضلِك وعافيتك وكرمك ١٤٣/٥٥
وأفض عليّ من حيث شئت من فضلِك ٢٥٢/١٩
أنت ... الجواد بما سئلت من فضلِك ١٤٢/٢٦
كيف تقلّبت في ... عرصات فضلِك ١١٨/٦
وأجدب المنتجعون إلاّ من إنتجع فضلَك ١٤٦/٥
فلا تصرف رجآئي من فضلِك خآئباً ١٩٩/١٥٧
جميل فضلِك عليّ أبطرني ١٩٩/١٥٤
وارزقني رزقاً واسعاً من فضلِك ١١٦/١١٣
وبما أنعمت به عليه «محمّد» من فضلِك ١٠/١٨
وسالف ما أسديت من فضلِك ٦٠/٣
السّلام عليك وعلى فضلِك الّذى حرمناه ١٤٢/٤٧
أللّهمّ هذا من منّك وفضلِك وعطآئك ٢٥٩/١
إلهى... أتيتك... مستمطراً غمام فضلِك ١٨٦/٧
لايضيق عفوك ولاينقص فضلُك ١١٦/٣٥
وأنعم علينا من فضلِك ١١٦/٤٤
وارزقني من فضلِك رزقاً ١١٦/٥٠
أين فضلُك العظيم ١١٦/٢٧
واصرف عنّى شرّهما بمنّك وسعة فضلِك ٢٢/٤١
والرّجاء في إنعامِك وفضلِك يقوّيني ١٧٢/٣
أفضل ما يأمُلُ من خبرك وفضلِك ١٠٩/٢٦
واستميح فضلُك فما أكديت ١٥٣/٩ ـ ١٥٢/١٣
وظاهر لدىّ فضلَك وطولك ١٤٧/٩٥
كلّ خير نيل أو أصيب ١٣٩/٧
وفضل من أوّمّل إن عدمت فضلَك يوم فاقتي ١١٦/٩٩
ولانستوحش من أحد مع فضلِك ١٥/٧
بمنّك وفضلِك ووحدانيّتك وجلالك ١٤٨/١٥
أللّهمّ ارزقني من فضلِك رزقاً حلالاً طيّباً ١٢١/٩
أللّهمّ اعصمني بحبلك وارزقني من فضلِك ١٢١/١٥
أللّهمّ ارزقني من فضلِك وبارك لي في رزقك ١٢١/١٠
وارزقني من فضلِك ١٢١/١٢
فضلُك آنسني وإحسانك دلّني ٣٩/١٣
أللّهمّ ارزقني من فضلِك مالاً طيّباً ٣٦/٧
ثمّ سألتك الزّيادة من فضلِك ٣٦/٢
نشّطتنى بها لإبتغاء مرضاتك وفضلِك ٤٦/٢
إلهى ما بدأت به من فضلِك فتمّمهُ ١٨٦/٦
وقد أوليتني ما لم أسأله من فضلِك ١٨٥/٣
فقد سألتك من فضلِك ما لاأستحقّه ٢٥٧/٧
تجرى إليه «محمّد» جداول فضلِك فيها ١٠/١٣

ما أنت أهله في كرمك وفيض فضلِك ١٠/١٦
إلهي وسيّدي فأعطني من فضلِك ... ١٣٩/٨
فقد قرعت بي باب فضلِك فاقة ٢١٩/٣
وأن ترزقني رزقاً ... من سعة فضلِك ١٣٨/١٣
إلهي... أعجزني عن إحصاء ثنائك فيض فضلِك ١٨٧/١
ومضطرّ لإنتظار فضلك المألوف ١٩٩/٩١
قضيت لهم من فضلِك المارب ١٨٩/٤
ومنّك وفضلِك بأرحم الرّاحمين ١٣٨/١٩
أو منعتني فضلَك الجسيم ٥٧/٣
ولم أستغن عن غياث فضلِك ٨٨/١٥
ومالي بعد أن حكمت على نفسي إلاّ فضلُك ٥٥/٢٤
ألّلهمّ إنّك قد ندبت إلى فضلِك ٧٠/١
عظم فضلك عن إحصاء المحصين ٢٠٠/١
بِفَضْلِ: ألّلهمّ إنّما يكفى الكفاة بفضلِ قوّتك ٨/٢٣
... تغدو وتروح بفضل إبتدائك لاأعرف غيرها ٧٧/٥
بفضلِ نافلة مع كثير ما أغفلت ٨٨/١٠
فأنت أهل أن تجود ... بفضل سعتك ١١٦/٣٩
أن تعود على المذنبين بفضل سعتك ١٩٧/٢
ألّلهمّ إنّما يكتفى المكتفون بفضل قوّتك ١٥/١١
ولاأنال ما عندك إلاّ بطاعتك وبفضل رحمتك ٥٧/٤
وأجرني منها بفضل رحمتك ٨٨/٢٢
لِفَضْلِ: ولالفضل ما نؤمّله من عطائك قانطين ٢٣٤/١
كَفَضْلِ: ... كفضل ربّنا على جميع خلقه ١/٢٦
بِفَضْلِهِ: وأكرم من غفر وعاد بفضله على عبده ٢٥٧/٢
والحمدلله الّذى ... أغنانا بفضله ١/٢٢
واصطفيتنا بفضلِهِ دون أهل الملل ١٤٢/٢٥
عدل فيها «الأمور» بفضلِهِ ١٤٩/١٠
الّذى بنوره اهتدينا وبفضلِهِ استغنينا ١٤٣/٩
بِفَضْلِكَ: علمنا بفضلِك وإحسانك ياكريم ١١٩/٣١
والإستعانة بفضلِك لمن أمّلك مباحة ١١٦/٦
أن تعتقني من النّار بفضلِك ١٤٣/٤٣
أمنن علينا بفضلِك ١٤٣/٢١ ـ ١٩٧/٢٧
وتغمّدتني بفضلِك في دار الفناء ٨٨/١٢
فجد علىّ بفضلِك يامولاي ٧٧/١٤
بفضلِك ورحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٧٩/٥
هبني بفضلِك وتصدّق علىّ ١١٦/٢٢
وأنا ياسيّدى عآئذ بفضلِك ١١٦/٢٢
وعد بفضلِك على عبد ١٩٧/١٠
وعدت بفضلِك وكرمك ١٩٩/١٧٣
لاتبخل بفضلِك ١٩٩/١٩٦
بل بفضلِك علينا ١١٦/٢٨
أمنن علينا بفضلك ١٩٧/٢٧
وبفضلِك إستغنَينا ١١٦/٤٠
إلآكان مقصّراً دون إستحقاقك بفضلِك ٨/٢
هب لي خطاياى بفضلِك ١١٢/٦
أنا عائذ بفضلِك ١١٦/٥٩
هبنى بفضلِك ١١٦/٦٠
وزوّجني من الحور العين بفضلِك ١١٦/١١٦
فأغننا ... بفضلِك عمّن سواك ٢٠٨/٥
ولم يمنعني عودك علىّ بفضلِك ١٤٩/٣٠
أن عدت علىّ بفضلِك ١٤٩/٣٠
ألّلهمّ ... بفضلِك أغتنم ١٩٩/٨
أمنن علىّ بفضلِك ١٩٩/١٣٣
وعد بفضلِك على من قد غمره جهله ١٩٩/١٢٥
عد بفضلِك على عبد غمره جهله ٢٤٥/٦
وتدخلني الجنّة بفضلِك وإحسانك ١٣٠/٦
بفضلِك وجودك وكرمك لابإستحقاقي ١٣٤/٧
فغذوتني بفضلِك غذاء البرّ الّطيف ٨٨/١٥
وبفضلِك وثقت ٥٥/٢٤
قضاء حوائج بفضلِك ٧٠/١٤
إلآكان مقصّراً دون إستحقاقك بفضلِك ٩٨/١
حتّى يسعد كلّ واحدٍ منّا بفضلِك ١٠١/٣
وشكروك بفضلِك ودعوك بأمرك ١٤٢/١٩
فَبِفَضْلِكَ: ألّلهمّ إن تشأ تعف عنّا فبفضلِك ٣٢/١
ومن رضيت عنه فبفضلِك ٩٨/٢ ـ ٨/٥
إلهى إن غفرت فبفضلك ١٩٧/٢٧
فبفضلك ألّلهمّ فأغنني ٥٩/٤
سيّدى إن غفرت فبفضلِك ١٩٩/١٣٣
إلهنا وسيّدنا إن غفرت فبفضلِك ١٤٣/٤١
لِفَضْلِكَ: بل أنّى مستجير بفضلِك لم ينل من ٢٥١/٦١
فإنّه لارادّ لفضلِك ٢٥٤/٣
ولفضلِك راجينَ ٢٠٦/١٩
بِفَضْلي: وزدهم «جبرانى» ... معرفة بفضلي ٦٥/٥
بِالْفَضْلِ: وأخذ على جميع خلقه بالفضل ٩٦/١
وأنّك أولى بالفضل وأعود بالإحسان ١٤٧/٩٨
فأنت العآئد بالفضلِ وأنا العائد في المعاصي ١٤٩/٣١
العوّاد عليهم بالفضل والكرم ١٩٩/٥٢
فإنّك لم تزل آخذاً بالفضلِ ٢٤٣/١١
إفْضالاً: بل إفضالاً منك علىّ ٤٦/٤
الْإِفْضالُ: وذلك أنّ سنّتك الإفضال ٩٨/٤ ـ ٨/٨

والإفضالِ عليهم بغفرانك الّذى لاكفاء له ١٦/٩
وترك التعيير والإفضال على غير المستحق ٥٥/١٥
العود عليهم «جيرانى» بالجدة والإفضالِ ٦٥/٢ ـ ٦٦/١
إفْضالِكَ: لعظيم حقّك وجسيم إفضالِك ١١٨/٨
ووفّر علىّ حظوظ الإحسان من إفضالِك ١٤٧/١١٢
إلاّ أنّى ... راج لجسيم إفضالِك ١٩٩/١١٤
بِالْإِفْضالِ: أن تتعاهد جيراننا بالإفضال والعطيّة ١١٥/١٣
تَفْضيلاً: تفضيلاً لأهل المنازل منك ٢٤٩/٢
وفضّلنا على كثير ممّن خلق تفضيلاً ٢٦١/١
تَفَضُّلاً: أدررت أرزاق عبادك ... تفضّلاً ٢٣٧/٢
بامن أعطى ... تفضّلاً منه وكرماً ٢٥١/٤٣ ـ ٢٥١/٦٤
وأظهرت حسناتي...تفضّلاً وإحساناً وإنعاماً واصطناعاً ١٤٩/٣٣
بل تفضّلاً منك علىّ ١٤٤/١
بل تأتياً منك لي وتفضّلاً منك علىّ ٤٩/١٤
إذ جميع إحسانك تفضّلٌ ٣٤/٢
تفضّلاً منك بجسيم نعمتك ١٩٩/١٦٩
أن تجيبه بالكرم تفضّلاً ١١٢/١
أسترني بستر عافيتك تفضّلاً ٨٠/١٧
وعفوك تفضّلٌ وعقوبتك عدل ١٤٢/١
التَّفَضُّلِ: وإيثار التّفضّل وترك التعيير ٥٥/١٥
فلك الحمد على ما أوليت من التّفضّل ١٩٩/١٤٨
واحملني بكرمك على التّفضّل ٣٩/٩
غير أنّك بنيت أفعالك على التفضّل ١٤٢/٤
تَفَضُّلِهِ: ربّاني في الدّنيا بإحسانه وتفضّله ١١٦/١٦
تَفَضُّلِكَ: ومدلاً بكريم تفضّلك ١٩٩/١٧٩
وهفا اللّسان عن نشر محامدك وتفضّلِك ٢٣٧/٣
أتمم علىّ ما ظاهرت من تفضّلك ١٩٩/٦٧
ويحدوني على مسألتك تفضّلُك ٣٤/٢
بِتَفَضُّلِهِ: يامن وعدهم على نفسه بتفضّله ٣٤/٨
بِتَفَضُّلِكَ: حلمت عنّى بتفضّلك فلم تغيّر ٤٩/١٩
بِالتَّفَضُّلِ: كنت أوّلاً بالتّفضّل فكن آخراً بالإحسان ٣١/٢
لِلتَّفَضُّلِ: فكن أنت أهلاً للتّفضّل علىّ ١٩٧/١١
فاضِلاً: ارزقني ... مالاً ... كثيراً فاضلاً ٣٦/٧
وأجرني منه «الدّين» بوسع فاضلِ ٧٩/٢
الْفاضِلِ: والمجد الفاضِلِ ٨٣/١
فاضِلَةً: فريضة منك واجبة وكرامة فاضلةً ١٤٣/٢٢
الْفاضِلَةِ: اللّهمّ ... وأجرني على العادة الفاضلة ٣١/٤
وأياديك الفاضلةُ ورحمتك الواسعة ١١١/١
والحمدلله على نعمه الفاضلةِ ١٢٣/٢
أين عطاياك الفاضلة ١١٦/٢٧
فَواضِلِ: دلّني القرآن على فواضل جودك ٢٠١/٤٣
١٩٧/٢٣ ـ ١٩٩/١٣٢
الْفَواضِلِ: الحمدلله ... ذى الفواضل العظام ٨٣/٢
فَواضِلِها: وجميع فواضلها على أتمّ ١١٥/١٢
لِفَواضِلِ: شاكرة لفواضل نعمآئك ٢٥٥/٣
أَفاضِلِ: إستخلاص أفاضل عبادك ٢٤٩/١
مُفْضِلٌ: يامنعم يامفضلُ ١١٦/٢٧
فيامن ... بالعطف عليهم عآئدٌ مفضلٌ ١٨٩/٥
الْمُفْضِلِ: الحمدلله ... المنعم المفضل ٨٣/٢
الْمُفْضِلينَ: أفضل علىّ وأنت خير المفضلين ٧٧/١٢
يا... أنعم المفضلين في نعمآئه ١٩٩/١٤٧ ـ ١٩٧/٣٥
مُفَضَّلٌ: أنت ... مفضّل محمّد ١١٧/٣٥
مُتَفَضِّلٌ: وشاهد بأنّك متفضّلٌ على من عافيت ٩٨/٥
وأمّه الخائفون فوجدوه متفضّلاً ٨٤/٢
يامن قصده الطالبون فوجدوه متفضّلاً ٤١/٢
البريّة ... شاهدة بأنّك متفضّلٌ ٨/٩
فيامن سمح لي به متفضّلاً في العاجل ١٩٩/١٠٧
الْمُتَفَضِّلُ: إنّك المتفضّلُ بالإحسان ٤٦/٧
وأنت المتفضّلُ المنّان القائم الدّيان ٢١٤/٧٣
إنّك أنت المتفضّلُ المنّان ٧٠/١٧
أنت المتفضّل فافتح لنا حسب كرمك ٧٠/١٤
فَضيلَةٌ: وفضيلة الحول والقوّة ٧٤/٤
الْفَضيلَةِ: والسبق إلى الفضيلةِ وإيثار التّفضل ٥٥/١٥
والشّفاعة والذراعة والفضيلَةَ ١٤٣/٢٤
والحمدلله الّذى ... جعل لنا الفضيلَةَ ١/١٩
فَضيلَتَهُ: فأبان فضيلتَهُ على سائر الشّهور ١١٥/٤
بِفَضيلَتِها: وثقت بفضيلتها «المعرفة» عندك ٢٤٩/٣
فَضائِلِ: لايبلغ إلى فضائل القسم إلاّ بتأييدك ٢٤٩/٨
الْفَضائِلِ: والفضائل المشهورة ١١٥/٤
الْمُفَضَّلُ: وأشهد أنّ محمّداً ... وليّه المفضّل ١٩٩/١٦
أَفْضَلَ: واجعل غدى وما بعده أفضلَ من ساعتي ٢٣٦/٥
وأفضل ما أعطيت أحداً من عبادك ١٤١/١١
واجعل يقيني أفضل اليقين وانته ٥٥/١
وآته «محمّد وآله» عنّا أفضل ما آتيت ٢١/١٧
واجعله «محمّد وآله» ... أفضل صاحب صحبناه ٢١/١٤
صلّ على ... أفضل العالمين ١٤١/٢٧
في أشرف رحمتك وأفضل كرامتك ١٤١/٢٥
وارزقني فيها «ليلة القدر» أفضل ما رزقت أحداً ١١٧/١٦
وأفضل ما تعطى من تخلقه من أوليائك ١٣٢/١٠
وأفضل ما تعطى الباقين من المؤمنين ١٣٢/١٠

وأن تعطيني أفضل ما أعطيت السّآئلين ١٣٢/١٠
واجزه عنّا أفضل الجزاء ١٤١/٣١
وأفضل ما جزيت به النّبيّين عن أممهم ١٤١/٣١
بأنّك أفضلُ من قصد إليه المقصّرون ١٢٠/١١
وأعطني أفضلَ أُمنيتي ١٢٢/١٠
وبارك عليهم «محمّد وآله» أفضلَ بركاتك ١٢٢/١١
صلّ على ... افضلَ صلواتك ١٢٢/١١
إلاّ قضيتها لي على أفضلِ أملي ١٢٢/٩
وأفضلَ الشّكر عند موضع الشّكر ١٦٤/٨
خير خلقك يتلو عليّ أفضلَ كتبك ٢٥٧/١٠
أفضلَ من رجاه راجٍ ١١٦/٦٩ ـ ١٩٧/٣٦ ـ ١١٦/٢٠
وأربحنا أفضلَ أرباح العالمين ١٤٢/٢٦
إلاّ رجوت لنفسي أفضلَ ذلك بك ومنك ٥٩/١٣
أزكى تحيّاتك وأفضلَ سلامك ١٤٣/٢٣
أنّ أفضل زاد الرّاحل إليك عزم الإرادة ٢٢٠/٦
يا ... أفضلَ من رجاه الرّاجون ١٩٩/١٤٩
ياأفضلَ المنعمين في آلآئه ١٩٩/١٤٧ ـ ١٩٧/٣٥
عبلهم منك أفضلُ الصّلاة والسّلام ١١٤/٢١
ووفّقني فيه لليلة القدر على أفضلِ حال ١١٧/١٥
وأعطني فيه أفضل ما تعطى أوليائك ١١٧/١٣
واقسم لي فيه أفضلَ ما تقسمه ١١٧/١٢
ربّ صلّ ... أفضلَ صلواتك ١٤٧/٤٦
أحسن طاعتك وأفضلِ عبادتك ٣٦/٥
صلاةً تبلّغه بها أفضلَ ما يأمل من خيرك ١٠٩/٢٦
أفضلَ ما جزيت أحداً من ملآئكتك المقرّبين ١٠٩/٢٧
أفضلَ ما أوجبت لأحدٍ من عبادك الصّالحين ١٣٩/١٠
أن تجعل أفضلَ جائزتك اليوم فكاك رقبتي ٢٤٩/٢٤
وانقلني ممّا أنا فيه إلى ما هو أفضلُ منه ٢٥٧/٣٨
وأفضلَ من ذلك ياربّ العالمين ١٤٢/٦٣
واجزه عنّا أفضل وأكرم ما جزيت ٢١/١٧
أَفْضَلِهِمْ: أفضلهم في معرفتك نصيباً ١٨٩/٦
أَفْضَلِها: أنجحها وأفضلها الّتي ينبغي للعباد ١٤١/٥
أرضاها لديك وأفضلها عندك ١٢٨/٧
بِأَفْضَلِ: وأعنّي عليه «رمضان» بأفضلِ عونك ١١٧/٢
وبارك عليهم «محمّد وآله» بأفضل بركاتك ٢٥١/٣٤ ـ ٢٥١/٢ ـ ٢٥١/٤٥ ـ ٢٥١/٥٣ ـ ٢٥٢/٣١ ـ ٢٥٢/٣٩ ـ ٢٥١/٣٧ ـ ١١٧/٣٢ ـ ٢٥٢/٢
وعلى أهل بيته المرضيّين بأفضل صلواتك ٢٥١/٣٤
واخصصهم «النبيّ والآل» بأفضل صلواتك ٦٣/١
واخصص محمّداً بأفضل الصّلاة والتّسليم ١٤١/٣٢
المرضيّين بأفضل صلواتك ٢٥٢/٢٧ ـ ٢٥١/٣٩ ـ ٢٥٢/٢
وصلّ ... بأفضل صلواتك ٢٥٢/٣١ ـ ٢٥١/٢ ـ ٢٥١/٤٥ ـ ٢٥١/٣٧ ـ ١١٧/٣٢ ـ ٢٥١/٥٣
أسئلك أن تصلّى ... بأفضلِ صلواتك ٢٥٢/٨
أن تبارك عليهم «محمّد وآله» بأفضل بركاتك ٢٥٢/٨
وبارك على محمّد وآل محمّد بأفضل بركاتك ٢٥٢/٢٧
أللّهمّ صلّ ... بأفضل صلواتك ٢٥٢/٢٩
واخصص أبويّ بأفضلِ ما خصصت ٦٣/١٣
وأن تقلبني فيه «عرفة» بأفضلِ ما انقلب به من ١٤٩/٥٥
وأن تبارك عليهم بأفضل بركاتك ٢٥١/١٤
أن تصلّى ... بأفضل صلواتك ٢٥١/١٤
والمنابذين لأعدائنا بأفضلِ ولايتك ٦٥/١
كَأَفْضَلِ: كأفضل ما صلّيت على أحدٍ من خلقك ٥٥/٤٢ ـ ١٢٣/١٠
فَضالَةِ: تخلّفى عنهم في فضالة طرق الدّنيا ٢١٩/٣٦

ف.ض.و

أَفْضَتْ: أللّهمّ إليك... أفضت قلوب المتّقين ٨٣/٥
أَفْضَيْتُ: حوآئجي الّتى أفضيتُ بها إليك ١٤٩/٢٧
أُفْضي: أفضى إليك بأسوء عملي ٢٧/٨
فارحمني سيّدى يوم ... أفضي إليك بعملي ٢٤٩/٢٢

ف.ط.ر

فَطَرَ: حين فطر السّماوات والأرض ٢٣٨/١
فَطَرْتَهُمْ: فطرتهم «الخلائق» أجناساً ٢٤٣/٢
فَطَرْتَني: إلهى وسيّدى أنت فطرتني ١٤٤/١
فِطْرِنا: أللّهمّ إنّا نتوب إليك في يوم فطرنا ١٤٢/٥٩
وبارك لنا في يوم عيدنا وفطرنا ١٤٢/٥٤
فِطْرَتِهِ: وتوفّني على ملّة إبراهيم وفطرته ١٢٣/١٤
فِطْرَتِكَ: أللّهمّ وآدم بديعُ فطرتك ١١/١
أللّهمّ صلّ على آدم بديع فطرتك ٢٢٢/٢
فِطْرَتي: لو أنّى منذ بدعت فطرتي من أوّل الدّهر ٢٣٠/١
فاطِرَ: سبحانك ... فاطرَ السّماوات ١٤٧/٣٠
وفاطرٌ لاشريك له ٢/٣ ـ ٧/٣
يا ... فاطرَ أصناف البريّات ١٩٩/٥١
الْفاطِرُ: والفاطرُ بلا كلفة ٢/٤ ـ ٧/٤
مُنْفَطِرٌ: يوم ... السّمآء منفطرٌ به ٢٠٧/١٨

ف.ط.م

أَفْطِمْ: وأفطم نفسي عن طلب العاجلة الزّائلة ٣١/٤
فاطِمَةَ: بحقّ محمّد وعليّ وفاطمة ٢٥٥/٧

ألّلهمّ صلّ على ... فاطمةَ الزّهراء ١٨١/٤
... وفاطمة والحسن والحسين ... ٤٢/١٥
وفاطمة الزّهراء ٤٢/٥
وفاطمة ابنته ٨٧/٨

ف.ط.ن

فَطْن: غضاضة فطن العقول ٢١٩/٢٩
الْفِطْنَةِ: فأبصروا جسيم الفطنة ٢٠٠/٢٩
فِطْنَتي: وذهلت فطنتي عن ذكر فضلها «المنّة» ١٩٩/٦٩
فِطَن: فعرفوك بمحصول فطنِ القلوب ٢٠٠/٤٠
الْفِطَنِ: غباوة الفطن عن توحيدك ٢٤٩/٣

ف.ع.ل

فَعَلَهُ: لايعظم عليه شيءٌ فعله ١٤٩/١٢
فَعَلُوا: فهّمتني قبيح ما فعلوا وصنعوا ٢٤٨/٧
فَعَلْتَ: ولو فعلت ذلك به لذهب بجميع ٩٨/٨
ولو فعلت به ذلك لذهب جميع ماكدح له ٨/١٤
لئن فعلت لتجمعنّ بيني ٢١٧/١
ما أحسن ما فعلت بي ياربّ ٢٤٨/١٠
كما فعلتَ بالصّالحين من صفوتك ١٩٦/٤
ألّلهمّ إن شئت أن تفعل فعلتَ ١٤٥/١
ونعم ما فعلت من الكرم والإحسان ٢٠١/٢٦
فَعَلْتَهُ: فكلّ ذلك بنا قد فعلته ١٩٧/١٧
فَعَلْتُ: بئس ما فعلتُ من كثرة ٢٠١/٢٦
فَعَلْتُهُ: فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلتُهُ ١١٦/٢٣
ألطف من الإستخذاء لك فعلته ١٩٧/٣١
يَفْعَلُ: لايسئل عمّا يفعل وهم يسئلون (قرآن) ١/٩
ويفعلُ مايشاءُ ويحكم ما يريد ١٢٣/١٢
إلهي، من الّذي يفعل الذّنوب ٢٠١/٢٥
لايَفْعَلُ: ولايفعل مايشاء غيرُك ١١٦/١٠٨
أَلاّ يَفْعَلَ: مع ما منننت عليه ألاّ يفعل ١٤٧/٧٤
يَفْعَلُونَ: ما أمرهم ويفعلون ما يؤمرون (قرآن) ١٢/١٣
كلّ شيءٍ إنّه خبيرٌ بما يفعلون ٤٨/١
تَفْعَلُ: لانسألُ عمّا تفعلُ ١٥٢/١٣ ـ ١٥٣/٩
وتفعل ما تريد ٩٢/٤
إنّك تفعل ما تشآء ١١٦/١٠٨ ـ ٢٩/٢٢ ـ ٢٣٩/٤
تفعل ذلك يالٰهي بمن خوفه منك ١٠١/١٠
تفعلُ ذلك بي تطوّلاً عليّ ٨٨/١٦
وتفعلُ ما تريد وأنت على كلّ شيءٍ قدير ٨٨/٢٢
فإنّك تفعل ما تشاء ١٣٨/٢٠
تَفْعَلْ: إنّك إن تفعلْ ذلك يالٰهي تفعله بمن ١٠١/٩
تَفْعَلُهُ: كأنّ الّذى تفعله بي أراه حقّاً واجباً عليك ٣٦/٤
تَفْعَلُهُ: تفعلُهُ بمن لايجحد استحقاق عقوبتك ١٠١/٩
فَلَمْ تَفْعَلْ: لعقمتني فلم تفعل ذلك بي ١٤٩/٣٧
ولو شئت لجذمتني فلم تفعل ذلك بي ١٤٩/٣٦
ولو شئت لكنعتني فلم تفعل ذلك بي ١٤٩/٣٦
ولو شئت لأصممتني فلم تفعل ذلك بي ١٤٩/٣٥
ولو شئت لأعميتني فلم تفعل ذلك بي ١٤٩/٣٥
لاتَفْعَلْ: لاتفعل بي ما أنا أهله من العذاب والنّقمة ١٨٦/٨
ولاتفعل بي ما لايسرّك ٢٠١/١٨
إلاّ تَفْعَلْ: وإلاّ تفعل فلست ممّن يشارك ٢٥٧/١
أَنْ تَفْعَلَ: وأن تفعل بي كذا وكذا ٢٣٥/٢ ـ ٤٣/١ ـ ٢٦٧/٦
ألّلهمّ إن شئت أن تفعل فعلت ١٤٥/١
حَتّى تَفْعَلَ: إلى نحرى حتّى تفعل ذلك بي ١١٧/٢٩
لَتَفْعَلَنَّ: وعزّتك لتفعلنّ وعزّتك لتفعلنّ بي ٢٢٢/٧
لَمْ أَفْعَلْ: وإن قلت: لم أفعل ٩٠/٦
إِفْعَلْ: إفعل بي فعل عزيز تضرّع إليه عبد ذليل فرحمه ٨١/٥ ـ ٨٠/٢٠
وافعل بي ما أنت أهلُهُ ١٢٨/٤ ـ ١٦١/٧ ـ ٢٤٥/٦ ـ ١٠٧/١
وإفعل بي ما أنت أهله لاما أنا أهله ٢٣٤/٨
وافعل بنا ما أنت أهله في الدّين والدّنيا والآخرة ١٣/٣
وافعل بي أولى الأمرين بك ٨٤/٣ ـ ٣٨/٣
إفعل بي ما أنت أهلهُ ياأرحم الرّاحمين ٤٢/٣١
فَافْعَلْ: فافعل بي ذلك وإن لم أستوجبه منك ٢٤/٧
إلهي... فافعل بي ما أنت أهله من المغفرة والرّحمة ١٨٦/٨
فافعل بي ما لايضرّك ٢٠١/١٨
فِعْلَ: إفعل بي فعلَ عزيز تضرّع إليه عبد ذليل فرحمه ٨١/٥ ـ ٨٠/٢٠
أسألك التّوفيق لكلّ... فعلٍ يقرّبني إليك ١٢٣/١٥
أو أسرفُ عليّ فيه من فعلٍ ٦٣/٩
وأجرني من ... كلّ قولٍ وفعلٍ يباعدني ١٩٩/٧٧
الْفِعْلِ: قليل البغي وكثيره في القول منّي والفعل ١٢٥/٥
فِعْلِهِ: سطوتك الّتي إستحقّها بسيّئ فعله ١٦/٧
يامن لم يزل فعلُهُ بي حسناً جميلاً ١٩٩/٦٧
عوّضه من فعلِهِ عوضاً حاضراً ٦٧/٣١
فِعْلِهِمْ: يامن رضى من فعلهم باليسير ٣٤/٨
فِعْلِكَ: ولاتسأل عن فعلِك ١١٦/٣٤ ـ ١٩٩/١٩٦
فِعْلي: أستوهبك سوء فعلي ٨٠/١٧
ولانسيان لما سبق من ذميم فعلي ٨٠/٢٢ ـ ٨١/٦
فجد ... بعفوك على قبيح فعلي ١٩٩/٨١

سيّدى أتيتك معترفاً لك بسوء فعلي ١٩٩/١٥٧
ربّ ما أسوء فعلي ١٦٤/١١
وأخلو لك بشرّ فعلي ١٤٨/٣١
إلهى ... ما علمته من قبيح فعلي فاغفره ١٨٦/٦
واستقلال الخير وإن كثر من قولى وفعلي ٥٥/١٥
واستكثار الشرّ وإن قلّ من قولى وفعلى ٥٥/١٥
ولاتؤاخذني بقبيح فعلي ١٣٨/١٧
مع سوء فعلى وزلّاتي ومجترمي ٢١٠/٢
بِفِعْلِهِ: إجعلني من... الرّاضين بفعله «القائم» ١٨١/٥
كَفِعْلِكَ: كفعلك يوم بدرٍ تقطع به دابرهم ٦٧/١٤
بِفِعْلي: من أن تقايسني بفعلي وخطيئتي ١١٦/٤٣
أَفْعالاً: بل أنا ... أشنعُ أفعالاً ٤٩/١٥
أَفْعالِهِ: إعصمني من مثل أفعاله ٤٤/٤
أَفْعالَكَ: ... غير أنّك بنيت أفعالَك على التّفضّل ١٤٢/٤
الجنّة مع أفعالِك الحسنة الجميلة ٢٠١/١٠
إلاّ أنّى واثق بكريم أفعالِك ١٩٩/١١٤
أَفْعالِيَ: وأتمنّي الجنّة مع أفعالي القبيحة ٢٠١/١٠
فَبِأَفْعالِ: أفبأفعال الأنعام اقتدينا ٢١٤/١٣٩
أفبأفعال البهائم اقتدينا ٢١٤/٦١
فِعالَكَ: ما ... أحسن فعالَك ١٤٨/١٧
وكرم صنائعك وفعالك ١١٦/٤٢
بِفِعالي: وصدّق مقالى بفعالي ٢٥٢/٢٦ ـ ٢٥١/٣٣
وأصدق قولى بفعالي ٧٨/٧
الْفاعِلُ: وأنت الفاعل لما تشاء ١١٦/٣٣
والفاعلُ بلا عجز ٢/٤
فاعِلِينَ: وللزّكاة فاعلين ٢٠٦/١٨
فَعّالٌ: إنّك فعّال لما تريد ١١٥/٢٧ ـ ١٧٤/٥
لكنّك شكورٌ فعّالٌ لاتريد ٣٦/٤
يامبدئ يامعيد يافعّالاً لما يريد ١٧٧/٢
فأنا فعّالُ الذّنوب ٢٠١/٢٥
الْفَعّالُ: والفعّالُ «الله» لما يريد ٢/٦
والفعّال بلا عجز ٧/٤
فأسألك... ياوليّ المؤمنين والفعّال لما يريد ٢٤٩/٢٤
إنّك ... المبدئُ المعيد الفعّال ٦٧/٢٣
مَفْعُولاً: كان وعده مفعولاً (قرآن) ٢٠٧/١٨

ف.غ.ر

الْفاغِرَةِ: وأعوذبك من عقاربها الفاغرة أفواهها ٨٨/٢١

ف.ق.أ

إِفْقَأْ: وافقأ عنّى عيون الكفرة ٧٨/٦
حَتّى تَتَفَقَّأَ: وسجدنا حتّى تتفقّأ أحداقنا ٢١٣/٢
سجدت لك حتّى تتفقأ حدقتاى ٤٩/١٧

ف.ق.د

فَقَدْتَني: أو لعلّك فقدتني من مجالس ١١٦/٥٦
فَقَدْتُ: إن فقدت عنايتك في ضجعتي ١١٦/٩٨
أَنْ يَفْقُدَ: لأوشك أن يفقد ثوابك ٨/١٢
لأوشك أن يفقِدَ ثوابك ٩٨/٧
لايُفْقَدُ: وأيّدنا بعزّ لايفقَدُ ٩٦/٥
فَقْدَهُ: وأفجع فقدُهُ مفقوداً ١٤٢/٣١
لِفَقْدِ: الباكيات النّاكلات لفقد عزآئها ١٩٩/١١٥
لِفَقْدِهِ: وأعول لفقده جيرانه ٢١٤/١٢٥ ـ ٢١٤/٤٩
لِفَقْدِهِمْ: فزادني جليل الخطب لفقدهم جوىً ٢١٩/٣٦
فِقْدانِ: نعوذبك .. من فقدانِ الكفاف ٢٦/٦
تَفَقَّدَ: وكلّ بي تفقُّد رعايته ١٥٢/٧ ـ ١٥٣/٧
مَفْقُودٌ: وكلّ خير عند سواك مفقودٌ ٩٩/١
ياغائباً غير مفقودٍ ١٣١/١
وأفجع فقده مفقوداً ١٤٢/٣١

ف.ق.ر

أَفْقَرْتَ: الفقير من أفقرت ٢٤٥/٥
تُفْقِرُني: أم تفقرنى إلى مثلى وأنا اعتصم بحبلك ١٨٥/٣
إِفْتَقَرَ: ... لاتجعلنى ممّن إذا ... افتقر خاف ١٣٣/٣
فَافْتَقَرُوا: ورامو الثّروة من سواك فافتقروا ٧٤/٢
إِفْتَقَرْتُ: ولابالخضوع لسؤال غيرك إذا افتقرتُ ٥٥/٢٠
يَفْتَقِرُ: شكري إيّاك يفتقر إلى شكرٍ ١٨٧/٦
لايَفْتَقِرُ: ولايفتقر من أغنيت ١٩٩/١٦٣
لاتَفْتَقِرُ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... غنيٌّ لاتفتقر ١٣٠/٤
لاأَفْتَقِرُ: لاأفتقرُ معه إلى أحد سواك ١٢١/٩
لاأَفْتَقِرَنَّ: ولاأفتقرنّ ومن عندك وسعي ٥٥/٢٣
فَقْرٍ: لاطول فقرٍ ولاخوف ولاحزن ٣٥/٣
بفقرٍ لانجبره ١٦٠/٧
وزدنى إليك فاقةً وفقراً ١٤٧/١٠٠
سيّدى لم أزدد إليك إلاّ فقراً ١٢٨/٢٥
وزدني فاقةً وفقراً ١٤٧/١٠٠
أللّهمّ إنّى أعوذبك ... من فقرٍ يُنسي ١٣٥/١١
وإليك فاقة وفقراً ١٣٨/١٣
لاأحدّث نفسي بإنتقال عافية وتحويل فقرٍ ٢٥٧/٢٦
أو جدة أولأواء أو فقرٍ أو غنى ٥٧/٧

الْفَقْرِ: المغنين من الفقر بغناك ٦٤/١٣
فصار الفقرُ ممثّلاً بين عينيّ ٧٧/٨
ولم يذللني الفقرُ فأعرف لذّة الغنى ٣٥/٢
نعوذبك ... من الفقرِ إلى الأكفاء ٢٦/٧
وأقبل الفقرُ بإزالة الغنى ٣٥/٤
رام صرف الفقرِ عن نفسه بك ٣٩/٤
ونسبتهم «الخلق» إلى الفقرِ وهم أهل الفقر إليك ٣٩/٣
وأعوذبك من الكفر والفقرِ ١٣٨/١٠
أللّهمّ إنّي ... أعوذبك من فضائح الفقرِ ١٣٥/١١
أللّهمّ إنّي أعوذبك من ... الفقرِ ١١٦/١٢٦
وأقبل الفقرُ بأزاء الغنى ٢٥٧/٢٧
ولم يذلّني الفقرَ فأعرف فضل الغنى ٢٥٧/٢٤
والفقرُ قد أذلّني ٣٥/٦ ـ ٢٥٧/٢٩
ولاقوّة لي على الفقرِ ٥٩/٢
ربّ وأعوذبك من الفقرِ والفاقةِ ١٥٣/٣٢
فَقْرَهُ: أنت مغن من شكا إليك فقرهُ توكّلاً ٤٩/٦
فَقْري: إلهي... فقرى لايغنيه إلاّ عطفك وإحسانك ١٩٢/١
ياغنيّ إرحم فقري ١٧٠/١
ولايزيد فيها «خزائنك» فقري ١٦٩/١
باتّساع قدرتك عليّ وفقري إلى مغفرتك ٦٠/٢
فإليك أشكو سيّدى فقري وفاقتي ٢٠١/٢٩
فإنّي فقيرٌ إليك فأغن فقري ١٣٥/١٧
مع فقري إليها «حسناتي» وأنا عبدٌ ٢٠٨/١
أفكّر في ... فقري إلى رحمتك ٢٥٧/١٩
ولايزيد فيها فقري ٢٥٧/٣
بك أنزلت اليوم فقرى وفاقتي ٢٤٩/٢٠
ولايزيد بها «السّيّئة» فقرى ٢١٠/١
فَقْرَنا: ورحمت فقرنا وفاقتنا ٢٠٠/١٠
واجبر به فقرنا ١١٩/٢٤
لِفَقْرٍ: وأنا أفقرهم إليك ... لفقر تجبره ٢٥٧/٩
لِفَقْري: وأعطني لفقري ١١٦/٨٨
بِفَقْري: فإنّك العارف بفقري ١١٦/٩٢
بِالْفَقْرِ: وذلّلت الجبابرة بالفقرِ والفناء ٢٤١/٣
مُفْتَقِرٌ: ها أنا... مفتقرٌ إلى رعايتك ١٨٦/٥
فَقيرَ: لافقيرَ أفقر منّي ٢٥٤/٢
أو فقيرٌ أدليت غناك إليه ١٤٣/٢٠
أو فقيرٌ أهديت غناك إليه ٢٢٠/٧
غنيّ تعرّض له عبد فقيرٌ فنعشه ٨٠/٢٠ ـ ٨١/٥
وأنا إلى رحمتك فقيرٌ ٧٧/١٤
إنّي لما أنزلت إليّ من خير فقيرٌ (قرآن) ٢٥٤/٢
متضرّعاً إليك بائساً فقيراً تائباً ١٤٨/٢٧
فإنّي فقيرٌ إليك فأغن فقري ١٣٥/١٧
أللّهمّ إرحم... فقيراً لايغنيه إلاّ جدواك ١٩٩/٩٠
أو فقيرٌ أهديت غناك له ٢٥٦/٢
مشفقاً خآئفاً وجلاً فقيراً مضطرّاً إليك ١٦٣/١١
الْفَقيرُ: وأنت الغنيّ وأنا الفقيرُ ١٤٩/٨
الضعيف الفقيرُ المهين ١٢٦/٢
أدعوك ... دعاء الغريق الغريب الفقيرِ ١٧٥/٢
وهل يرحم الفقيرَ إلاّ الغنيّ ١٦٨/٩
أللّهمّ عبدك الضّعيف الفقيرُ ١٩٩/٣٨
هذا مكان البآئس الفقير ١٤٩/٥٢
وابتغى منك إبتغآء البآئس الفقيرِ ١٣٢/٧
مولاي مولاي أنت الغنيّ وأنا الفقيرُ ١٦٨/٩
الفقيرُ من أفقرت ٢٤٥/٥
وسألتك مسألة ... البآئس الفقيرِ ١٤٧/٨٠
أدعوك دعاء البائس الفقيرِ ٢٠٦/١٥
فإنّي عبدك ... المهين الفقيرُ ٥٧/٦
وأنا الفقيرُ الّذى أغنيته ١١٦/٦٢
فَقيرُكَ: ياكريم فقيرُك زائرك ٢٢٨/١
فقيرُك بفنائك ثلاثا ٧/٦
فقيرُك بفنائك سائلك بفنائك ٢٣٢/١
فُقَرآءُ: عبادك جميعاً إليك فقرآءُ ٢٥٧/٩
إنّا إلى رحمتك فقراءُ ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/٢١
وامتن به على فقرآء المسلمين ١٤٩/٧٠
الْفُقَرآءِ: وأنا افقر الفقراء إليك ٣٢/٢
وياقاضى حوآئج الفقرآء والمساكين ١٩٢/٥
أللّهمّ حبّب إليّ صحبة الفقراء ٧٩/٥
فُقَرآؤُكَ: ونحن فقرآؤك فتصدّق علينا ٢٠٨/٢
فُقَرآئِنا: وأمرتنا أن نتصدّق على فقرآئنا ٢٠٨/٢
الْمُفْتَقَرينَ: وياكنز المفتقرين ١٩٥/١
أَفْقَرُ: ولافقير أفقر منّى ٢٥٤/٢
وأنا أفقرُ الفقراء إليك ٣٢/٢
أَفْقَرُهُمْ: وأنا أفقرهم إليك لذنب تغفره ٢٥٧/٩

ف.ق.ـه

لايَفْقَهُونَ: لهم قلوب لايفقهون بها (قرآن) ١٥٩/٧
أَنْ يَفْقَهُوهُ: جعلنا على قلوبهم أكنّةً أن يفقهوه (قرآن) ٢٢/١٠ ـ ٢٣/٤ ـ ٢٢/١٤ ـ ١٥٩/١٣
فِقْهاً: أللّهمّ أعطنى ... فقهاً في علمك ١١٦/١٢٤

الْفِقْهِ: في الفقهِ ومرضاتك فاستعملني ١٥٣/٢٠

ف.ك.ر

فَكَّرَ: وفكّر فيما خالف به ربّه ٨٠/٣
ما لاقلبٌ فكّر فيه ٤٦/٤
أُفَكِّرُ: وأفكّر في غناك عن عذابي ٢٥٧/١٩
الْفِكْرِ: يدركه حدّ يحويه ممّا يتصوّر في الفكر ١٩٩/٥٦
لهم زفرات ... عند إرسال الفكرِ ٢٠٠/٣٣
ونظروا في مرآة الفكر ٢٠٠/٢٩
فِكْرِهِ: وأعوذبك ياربّ من همّ الدّين وفكرِهِ ٧٩/١
فأسألك... وفكرُهُ قليل لما هو صائر إليه ١٦٦/٩
واجعل فكرَهُ ... فيك ولك ٦٧/١٨
فِكْرِها: عمّا ألتذّ بنواظر فكرها من سوء الغفلة ٢١٩/٢٩
فِكْري: من دين ... يتشعّب له فكرى ٧٩/١
أرصد لي البلاّء فيما لم أعمل فيه فكرى ١٥٢/٥ ـ ١٥٣/٥
بِفِكْري: قبل أن يخطر بفكرى ٢٥١/٦٢ ـ ٧٠/٤
الْأَفْكارِ: فهم إلى أوكار الأفكار يأوون ١٩٣/٢
حارت الأفكارُ في معرفة عظمتك ١١٨/١
الْفِكْرَةِ: ويحلّ محلّ الرّأي والفكرة متّى ٢٠١/٤٩
الْفِكَرِ: إضمحلّت غوامض الفكر ٢١٩/٢٦
تَفَكُّراً: ذكراً لعظمتك وتفكّراً في قدرتك ٥٥/٢١
أللّهمّ إنّي أسألك ... تفكّر الذّاكرين ٥ ـ ١٣٩
مُتَفَكِّرِينَ: السّماوات والأرض متفكّرين ٢٠٦/١٩

ف.ك.ك

فَكَكْتَني: فككتني به من الجهالة ١٤٤/٢
تَفُكُّني: وتفكّني من أسر العظائم ١٤٧/٩٤
إِفْكِكْ: وامحق أعقابهم وافكك أصلابهم ٢٢٣/٦
لاَيَنْفَكُّ: أللّهمّ أيّدني منك بنصرٍ لاينفكُّ ١٥٥/٧
فَكاكَ: فكاك رقبتي من النّار ١٤٩/٥٠
منازلتي إيّاك في فكاك رقبتي من نارك ١٤٧/١٠٤
راغبٌ إليك في فكاك رقبتى من النّار ١٤٩/٣٩
أللّهمّ إنّي أسألك فكاك رقبتي من النّار ١٤٩/٤٩
أن تجعل أفضل جائزتك اليوم فكاك رقبتي ٢٢٩/٢٤
لرحمتك الّتى بها فكاكُ رقاب الخاطئين ٤٩/١٥
لِفِكاكِ: من نؤمّل لفكاك رقابنا غيرك ٢١٤/٧٣

ف.ك.ه

فاكِهَةٍ: وفاكهةٍ ونخل ورمّان ٢٥٧/١٢

ف.ل.ج

الْفَلَجِ: وأسألك ... الفلج بالصّواب في كلّ حجّة ١٢٥/٤

ف.ل.ح

لايُفْلِحُ: وأيقنت أنّ سعيى لايفلح ٢٠٤/٢
لايفلح السّاحِرُ حيثُ أتى (قرآن) ١٥٩/١٣
فَلاحاً: وأوسطه «يومى» فلاحاً ٢٣٨/٤
الْفَلاحِ: وتبقّنت بالفوز والفلاح أرواحهم ١٩٣/٤
فَلاحِهِمْ: تنتهى إلى ... مقام فلاحهم ١٩٩/٦٠
مُفْلِحاً: أن تقلبني فيه مفلحاً منجحاً ١٤٩/٥٥
الْمُفْلِحُونَ: فإنّ حزبك هم المفلحون ٢٤٠/٣

ف.ل.س

الْإِفْلاسِ: ثمّ رجعت عنهم إلى عمل أهل الإفلاس ٢١٤/٨٠

ف.ل.ق

فَلَقَ: بسم الله الّذى فلق البحر ٢٢/٢٩
فَلَقْتَ: فكما فلقت البحر لموسى عليه السّلام ١٧٩/٥
فلقت بقدرتك الفلق ٢٤٥/٣
أللّهمّ فلك الحمد على ما فلقت لنا من الإصباح ٢١/٥
الْفَلَقَ: فلقت بقدرتك الفلق ٢٤٥/٣
فالِقَ: فاجعل مردّها منك بالنّجاح يافالق الإصباح ٢٣٧/٥
يافالقَ الإصباح ١٣٣/١

ف.ل.ك

فَلَكِ: أيّها الخلق... المتصرّف في فلك التّدبير ١١٠/١
الْفَلَكِ: عمّا وكلّ به دور الفلكِ ٢١٩/١٩
الْفُلْكِ: صلّ على محمّد وآل محمّد الفُلكِ الجارية ١١٣/٢ـ٢٠/٢

ف.ل.ل

فَلَلْتَ: شددت أزرى بقوّتك ثمّ فللت لي حدّه ١٥٢/٦
ثمّ فللت لي حدّه ١٥٣/٦
لاتُفَلُّ: إلهى... طوّقتني أطواقاً لاتفلّ ١٨٧/٥
أُفْلُلْ: وافلل حدَّهُ عنّى بقدرتك ٤٤/٣
أللّهمّ ... افلل حدّهم «الظّلمة» ١١٩/٧
أللّهمّ افلل بذلك عدوّهم ٦٧/٦
فُلَّ: فلّ عنّى حدّ من نصب لي حدّه ٢٥١/٣١ـ٢٥٢/٢٥ـ٧٨/٦

ف.ل.ن

فُلانَ: ياويلتي ليتني لم أتّخذ فلاناً خليلاً (قرآن) ٢٠٧/١٧
ما نالني من فلان بن فلان ٤٤/٢
أللّهمّ إن كنت تعلم أنّ فلاناً بن فلانٍ ١٦٠/٧
أللّهمّ إنّ فلاناً بن فلان قد شهرني ونوّه بي المكان ١٦٠/٥
إدفع عنّي شرّ فلانٍ بك أدفع في نحره ١٥٦/٤

ف.ل.و

فَلَواتِ: فوق مصارعهم في فلواتِ الأرض ٢١٩/٢٢

ف.ن.ن

فُنُونِ: مع فنونِ مصائبها ٢١٤/٣٣

ف.ن.ى

يَفْنىٰ: ياحيّ يبقى ويفنىٰ كلّ حيّ ... ٤٢/١
لايَفْنىٰ: ولايحول ولايفنى أن تصلّى ١٦٦/١٢
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... باقٍ لايفنى ١٣٠/٥
تَفْنىٰ: فكانت أعمارهم في طاعتك تفنى ٢٠٠/٣٩
لاتَفْنىٰ: وإنّ معادن إحسانك لاتفنىٰ ١٤٢/٥٧
ويامن لاتفنىٰ خزآئن رحمته ٨/٢٠ ـ ١٥/٣
يامن لاتفنى خزائنه ٢٤٧/٣
أَنْ تَفْنىٰ: ولابدّ أن تفنى سريعاً لحوقها ٢١٩/٢١
بِأَنْ تَفْنىٰ: أترضى بأن تفنى الحياة و ٢١٤/١٥١ـ ٢١٤/٧٢
أَفْنىٰ: وأفنى بذكرك ليله فأحظيته ٢٠٢/٣ ـ ٢٠٢/٥
فَأَفْنَاهُمْ: فأفناهم الحمام، فامتحت ٢١٤/١٣
أَفْنَتْ: وكم عالم أفنت فلم تبك شجوه ٢١٩/٢١
أنا الّذى أفنت الذّنوب عمره ٤٩/٥
أَفْنَتْهُ: ولست أذكر منها إلاّ قتيلاً أفنته ٢١٩/١٩
أَفْنَيْتُ: في حاجة قد أفنيت عمرى ١٩٩/١٢٨
إلهى ما أظنّك تردّني في حاجة أفنيتُ ١٩٧/١٦
فحتّى متى يكون وقد أفنيتُ بها عمري ٢٠١/٢٨
وأفنيتُ عمري في غير طاعتك ١٩٩/١٥٥
فقد أفنيتُ بالتّسويف والآمال عمري ١١٦/٧٧
وأفنيتُ عمري فيما لاتحبّ ١٤٩/٣٠
لاتُفْنِي: يامن لاتفنى خزائنه المسائل ٣٩/٢
فَنَآءِ: دآئمة بلا فناءٍ ولافتور ١٩٩/٦١
والدّآئم بلا فناءٍ ٧/٤ ـ ٢/٤
أللّهمّ صلّ ... صلاة ... باقية بلا فناءٍ ١٩٩/٢٠
ياباقياً بعد فناء الخلق أجمعين ٢٣٩/١٠
الحمدلله ... الآخر بعد فناءِ الأشياء ٢٤٦/١
فأوقع النّقص بأسرعهما فناءً ٣٠/٢
الْفَنَاءُ: فغير كثير ما عاقبتُهُ الفناءُ ٥١/٣
وذلّلت الجبابرة بالفقر والفناءِ ٢٤١/٣
وكيف عركتهم الدّنيا بكلاكل الفناء ٢١٩/٢٢
في دار الفناء بحضرة الأكفاء ٨٨/١٢
سدىً ما لنا بعد الفناء مصائر ٢١٤/٣٢
فَنَائِهِ: من إبتدائه إلى وقت فنائه ١١٥/١٦
فَنَائِهَا: وهو على ثقةٍ من فنائها ٢١٤/٢٩ ـ ٢١٤/١٠٥
أن تصل ... فناءنا ببقائك ٢٠٠/١٢
بِالْفَنَاءِ: فيامن تعزّز بالبقاء وقهر عباده بالفناء ٢٤٧/٨
فَانِياً: تخرّب ما يبقى وتعمر فانياً ٢١٤/١٤٩ ـ ٢١٤/٧٠
فَانٍ: وعمري فانٍ والرّدىٰ لي ناظر ٢١٤/١٤٥ ـ ٢١٤/٦٧
الْفَانِي: مولاي مولاي أنت الباقى وأنا الفاني ١٦٨/٦
وهل يرحم الفانى إلاّ الباقى؟ ١٦٨/٦
سجد وجهى البالى الفانى لوجهك ٢٥٢/٩ ـ ٢٥١/١٦
الْفَانِيَةِ: الفانيةِ بالمدّة الطّويلة الخالدة ٩٨/٧
والقرون الفانية ٢١٤/١٣
والرّسوم الفانية والرّبوع الصموت ٢١٩/٢٠
وأبدلنى بالدّنيا الفانية نعيم الدّار الباقية ٢٥٢/٢٣ـ ٢٥١/٢٩ـ ٧٨/٤
ولكنّك جازيته على المدّة القصيرة الفانية ٨/١٢
أنظرى إلى الأمم الماضية والقرون الفانية ٢١٤/١٣
وما زويت عنّى من متاع الدّنيا الفانية ٧٩/٥
فِنَاءِ: وأخرجنى إلى فناء نقمتك طريداً ٨٨/٧
فِنَآئِهِ: أنت... الّذى... لايطرد عن فنائه آمليه ١٨٧/٣
فِنَآئِكَ: وبفنائك أحُطّ رحلي ١١٦/٨٩
ولاتطردنى من فنائك آيساً ١٧٧/٢
لم أجد لفاقتي ... أمناً غير فنائك وطولك ٢٤٧/١
وعدم النّصر من أبعدته من فنائك ١٩٩/١٨٣
بِفِنَآءِ: وحطّ طمعى بفنآءِ جودك ١٩١/٢
ودعتني الإساءة إلى الإناخة بفناءِ عزّك ١٩٥/٣
بِفِنَائِكَ: عبيدك بفنائك مسكينك بفنائك سائلك بفنائك ٢٣٢/٣
إرحم طرحى رحلى بفنائك ١٢٩/٤٨
عبيدك بفنائك مسكينك بفنائك فقيرك بفنائك سائلك بفنائك ٢٣٢/
ونزلت بفنائك ١٧٧/٢
أسيرك بفنائك مسكينك بفنائك سائلك بفنائك ٢٣٢/٢
إلهى عبيدك بفنائك سائلك بفنائك فقيرك بفنائك ٧/٦
أقامتني ياربّ ذنوبي مقام الخزي بفنائك ٨١/٤ ـ ٨٠/١٩
أللّهمّ إنّى أصبحت... حاطّا بفنائك ركائب رجائي ١٦/١
ياكريم مسكينك بفنائك ٢٢٨/١
قد أنخنا بفنائك وببابك ١٤٠/٢

ف.و.ت

فاتَ: وعندك ممّا فات خلف ولما فسد صلاح ٥٥/٢٩
ما فات منها «الدّنيا» حسرةٌ ١٣٥/٤
وتردّ به ما قد فات وتخرج به ما هوآتٍ ٥٣/٢
فاتَتْنا: أللّهمّ فإذ قد فاتتنا نصرته «محمّد» ١٠/٢٩
فَفُتُّهُ: ففتُّه بحقّه او سبقته بمظلمته ١٠١/٤
لايَفُوتُها: ولايفوتها «قدرته» شيء وإن لطف ٩/١
لايَفُوتُكَ: ولايفوتك من عبد غيرك ١٦٦/٤
لايَفُوتَني: حتّى لايفوتني إستعمال شيءٍ ٦٣/٣
لاتَفُوتُكَ: ولاتفوتك المطالب ٢٤٧/٢
لاتَفُوتَنا: حتّى لاتفوتنا حسنة نستحقّ بها جزائك ٣٠/٦
لاأَفُوتُكَ: لكنّى أعلم أنّى لاأفوتك ١١٢/٤
واستحقّ من عندك فوت الإحسان ٣٩/٥
الْفَوْتِ: ورمقتني من قريب أعين الفوتِ ١٩٧/٤٥
إنّما يعجل من يخافُ الفوتَ ٥٢/٢
سؤال ... المبادر بالتّوبة قبل الفوت ٢٤٥/١
الإستعداد للموت قبل حلول الفوت ١٣٦/١
فَوْتِهِ: ومحزون عليه قبل فوته ١٤٢/٤٣

ف.و.ج

فَوْجِ: واجعلني في فوجِ الفائزين ١٠٨/٤
أَفْواجاً: أللّهمّ إنّ عندى أفواجاً من ذنوبٍ وأفواجاً من خطايا
وعندك أفواج من رحمة وأفواجٌ من مغفرةٍ ١٥١/١

ف.و.ر

فَوْرَةِ: هارب من فورة غضبك إلى ١٦/٣

ف.و.ز

فازَ: وفاز من أطاعه ١٦٤/١
لايَفُوزُ: لايفوز يوم الحشر إلاّ ١٩٩/١١٠
فَوْزٌ: ويا من شكره فوز للشّاكرين ٣٣/١
وارزقني فوز المعاد وسلامة المرصاد ٥٥/٢٧
أللّهمّ إنّى أسألك ... فوز المكرمين ١٣٩/٥
الْفَوْزَ: فكاك رقبتى من النّار والفوزَ بالجنّة ٢٤٩/٢٤
والفوزِ بالجنّة ١١٧/١٣
وصيّرهما لي وصلة إلى الفوزِ برضوانك ١٩١/١
وهذا «رمضان» شهر ... الفوز بالجنّة ١١٧/١
فأوجب الفوزَ لمن أطاعه «محمّداً» ٢/٩
والفوزُ لها إن أدركت رحمتك ٢٠٢/٨
فَوْزُهُمْ: وفوزهم برضاك ١٤٢/١٩
وفوزَهُمْ بالوفادة عليك والزّيادة منك ١٤٢/١٠
فَوْزي: وفوزي برضاك ٨١/٧
بِالْفَوْزِ: وبالفوز جازيته ٢٠٢/٥ ـ ٢٠٢/٣
وتيقّنت بالفوزِ والفلاح أرواحهم ١٩٣/٤
فَوْزَتي: تكون بها «شفاعة» ... فوزتى برضاك ٨٠/٢٣
بِمَفازَةٍ: وبمفازةٍ من النّار فنجّني ١٥٣/١٨
فَآئِزِينَ: ... فائزين، متّقين صالحين ... ٤٢/١٧
الْفائِزِينَ: طلب رضاك فأكون فيه من الفائزين ١٤٤/٢٧
وفي الآخرة من الفائزين برحمتك ياأرحم ١٢٩/١١
أللّهمّ إنّى أسألك ... توكّل الفائزين ١٣٩/٥
وفي الآخرة من الفائزين ١٤٣/١٥
واجعلني في فوجِ الفائزينَ ١٠٨/٤

ف.و.ض

فاضَتْ: وفاضت من خوفك دموعه ١٦٤/٢
أَنْ يَفيضُوا: وأعددت ثوابهم قبل أن يفيضوا ٩٨/٤
فَوَّضْتُ: وفوّضتُ أمري إليك ١٣٥/١٤
فوّضتُ أمرى إلى الله الّذى ليس كمثله ١٥٩/٣
إليك ألجأت ظهرى وإليك فوّضت أمرى ٢٨/٢
إليك فوّضت أمري ٢٩/٢
فَوَّضْنا: إليك فوّضنا أمرنا راضين ١٤٣/١٨

ف.و.ظ

فاظَ: ووجّه لمّا فاظ للقبر حافر ٢١٤/٥١

ف.و.ق

فاقَ: فاق بسعة فضله الكرماء ١٩٩/٥
أَفاقَ: ثمّ أفاق وهو يندب أباه ٢١٤/٥٣
الْفائِقِ: السّابق الفائق الحسن النّضير ٢٦٧/٣
فاقَةٌ: فقد قرعت بي باب فضلك فاقةٌ ٢١٩/٣
وإليك فاقةً وفقراً ١٣٨/١٣
وزدني إليك فاقةً وفقراً ١٤٧/١٠٠
ومن ذي فاقةٍ سألنى فلم أوثره ١٠٠/١
أو أبطات به فاقة ٦٧/٢٢
أسألك أن ... لافاقة إلاّ سددتها ١٢٢/٨
الْفاقَةِ: أللّهمّ إنّى أعوذبك من... الفاقةِ ١١٦/١٢٦
صلاة تشفع لنا يوم القيامة ويوم الفاقة إليك ٨٠/٢٦
يوم الفاقة إنّك على كلّ شيء قدير ٨١/١٠
ربّ وأعوذبك من الفقر والفاقةِ ١٥٣/٣٢
فَاقَتُهُ: أسألك سؤال من اشتدّت فاقته ١٧١/٣

أدعوك دعاء من اشتدّت فاقته ١٧٥/٢
لارتجآء كشف فاقتِهِ غيرك ٢٣٩/١
دعاء من اشتدّت فاقتَهُ إليك ١٤١/١٧
إشتدّت إلى رحمتك فاقتُهُ ٢٤٢/٣
فَاقَتُهَا: ولم يخف على النّاظرين فاقتها «نفسي» ١٩٧/٣٢
ولم يخف على النّاظرين إليها فرط فاقتِها ١٩٩/١٣٨
فَاقَتي: فكن ... مغني فاقتي ١٨٩/٩
سيّدى جئت ملهوفاً قد لبست عدم فاقتي ١٩٩/٨٩
بك أنزلت اليوم فقري وفاقتى ٢٤٩/٢٠
وفضل من أُؤمّل إن عدمت فضلك يوم فاقتى ١١٦/٩٩
ولديك أرجو سدّ فاقتى ١١٦/٩٠
فلا تخيّبني إذا إشتدّت فاقتي ١١٦/٨٨
ولاتخذلني عند فاقتى إليك ١٤٧/٩٧
فإليك أشكو سيّدى فقري وفاقتي ٢٠١/٢٩
أشكو إليك مسكنتي وفاقتي وقسوة قلبي ٢٤٩/١٠
جد بغناك على فاقتي ١٩٩/٢٩
أشكو إليك فاقتي ١٥٣/١٧
فَاقَتَنَا: وأنا أفقر الفقراء إليك، فاجبر فاقتنا بوسعك ٣٢/٢
ورحمت فقرنا وفاقتنا ٢٠٠/١٠
لِفَاقَتِهِ: سؤال من لايجد لفاقته مغيثاً ١٧١/٣
أسألك سؤال من لايجد ... لفاقته ساداً ١٧٠/٥
ولالفاقته مُسِدّاً ١٤١/١٨
لِفَاقَتي: وبك طلبت لفاقتي ١٣٨/١٦
وأطلب رحمتك لفاقتي ٢٠٣/٢
لم أجد لفاقتى مجيراً سواك ٢٤٧/١

ف.و.ه

التَّفَوُّهَ: أنت محص لما أريد التّفوّه به من مقالي ٢٤٩/١٣
التّفوّه بطلبني شهادتي بوحدانيّتك ٢٤٩/١٥
أَفْوَاهَ: سددت أفواه الجنّ والإنس ٢٣/١
الأَفْوَاهِ: وأنطقهم بالتّساؤل لدى إنعدام الأفواه ١٠/٣٤
أَفْوَاهِهِمْ: اليوم نختم على أفواههم (قرآن) ٢٣/٦
أَفْوَاهَهَا: وأعوذبك من عقاربها الفاغرة أفواهها ٨٨/٢١

ف.هـ.م

يَفْهَمُ: أو أىّ فهم يفهم ما دون ذلك ٢٠٠/٤١
فَهَّمْتَ: فلك الحمد على ما ... فهّمت ١٢٠/٢
فَهَّمْتَني: فهّمتني قبيح ما فعلوا وصنعوا ٢٤٨/٧
تَفَهَّمْ: تفهّم وانظر أىّ عزّ ملك ٢١٩/٢٤
فَهْمِ: الإنصات إلى فهم غبارة الفطن عن توحيدك ٢٤٩/٣
أن تجعلني من الموقنين خبراً وفهماً ١٩٩/١٦٥
لو كنت أسمع في أداة فهمٍ ٢١٩/٥
حتّى توصل إلى قلوبنا فهمَ عجائبه ١٠٩/١٢
أو أىّ فهم يفهم ما دون ذلك ٢٠٠/٤١
أللّهمّ أعطني ... فهماً في حكمك ١١٦/١٢٤
الْفَهْمِ: رتعوا في زهرة ربيع الفهمِ ٢٠٠/٣١
تذكّرت مراتب الفهمِ ٢١٩/٢٩
فَهْمي: قصر فهمى عن إدراكها «نعماوك» ١٨٧/٥
بِفَهْمِهِم: وشفاء لمن أنصت بفهم التّصديق ١٠٩/٣
بِالْفَهْمِ: زيّنتها بالفهم والحياء ٢٠٠/٣٦
أدّبوا أنفسهم بالفهم ٢٠٠/٢٧
الأَفْهَامُ: وعجزت الأفهام عن كيفيّتك ١٤٧/١٧
وصلّ عليه وآله ما ... تدبّرت الأفهام ١٩٩/١٩
تعجز الألسن والأفهام عن وصف مرادك به ١٤٤/١٣

ف.هـ.ه

فَهِهْتُ: عميت عن مسألتك أو فهِهت عنها ٢٥١/٥٩
فَهَّهَني: وفهّهني الإمساك عن تمجيدك ١٤٦/١٤

ف.ى.أ

لِيَفِيؤُا: وإنّما تأنّيت بهم ليفيؤُا إلى أمرك ١٤٦/٧
الْفَيْءِ: سبحانك تعلم وزن الفيء والهواء ٢/١٩
فَيْئَنَا: فجعل فيئنا مغنماً ٧٠/٥

ف.ى.د

أَفَدْتَنَا: أللّهمّ فإذ أفدتنا المعونة على تلاوته ١٠٩/٥
تُفِيدُ: إنّك تفيد الكريمة ٩٢/٤
لَمْ نُفِدْهَا: دلّنا على التّوبة الّتى لم نفدها ١/٢٤
فَائِدَةً: أو ينتجع منهم فائدةً ٨٢/١
فَوَائِدِ: ما إصطنعت عندي من فوآئد الإمتنان ١٩٩/٧٠
سيّدى أستزيدك من فوآئد النّعم ١٩٩/١٨٢
الْفَوَائِدِ: وحبوتهم بخصائص الفوآئد والحباء ١٩٩/١٨٦
أسألك ... من الفوائدِ أرجحها ١٩٩/٢٤
فَوَآئِدِكَ: وهب لي من فوآئدك أسمحها ١٩٩/٣٢
قديم فوائدك بحوادثها ١٤٧/١٠٢
وتوفّر عليهم الحظّ من عوائدك وفوائدك ١٤٧/٥٨
وفوائدُك لمن سالكها غير محظوراتٍ ٨٢/٢
إملاء من فوائدِك يدىّ ١٤٧/١١٠

ف.ى.ض

فاضَ: ووجّه لمّا فاضَ للقبر حاضر ٢١٤/١٢٧
فاضَتْ: مسألة ... من فاضت إليك عبرته ١٣٢/٨
أَنْ يَفيضُوا: وأعددت ثوابهم قبل أن يفيضوا في ٨/٧
تَفيضُ: وإنّ خزائنك لاتنقص بل تفيض ١٤٢/٥٧
أُفيضَ: وكم من خير أفيضَ بك علينا ١٤٢/٤٤
تُفيضُ: أنت الّذى تفيض سيبك ١١٦/١٠٢
وتفيض مآنها وتذرى ١٩٩/١٤٤
تفيض سجال عطاياك على المستأهلين ٢٣٩/٧
أَفِضْ: أفض عليّ من سيب فضلك ٧٨/٢
وأفض عليّ من حيث شئت من فضلك ٢٥٢/١٩ ـ ٢٥١/٢٧
إِسْتَفاضَ: حتّى إستفاض دينه «محمّد» ١٠/٢١
فَيْضِ: وأجمل صلاتنا من فيضِ مواهبك ١٩٦/٢
إلهى... أعجزني عن إحصاء ثنائك فيضُ فضلك ١٨٧/١
ما أنت أهله في كرمك وفيضِ فضلك ١٠/١٦
قد ترىٰ ياإلهى فيضَ دمعي من خيفتك ٤٩/١٠
بل أىّ مستجير بفضلك لم ينل من فيضِ جودك ٢٥١/٦١
بِفَيْضِ: ولاجادت هذه الجفون بفيض مآنها ١٩٩/١١٥
وامتلأت بفيض جودك أوعية الطّلبات ١٤٦/٣

حرف القاف

ق.

قَ: قَ والقرآن المجيد (قرآن) ١٤٤/١١

ق.ب.ح

قَبَحَ: إن كان قبح الذّنب من عبدك ١٨٢/١٠

تَقْبُحَ: تقبح في خفيّات القلوب سريرتي ٢٧/١ ـ ٢٧/٥

تقبح لك فيما أخلو سريرتي ٢٧/٧

تقبح فيما أخلو لك سريرتي ١٤٨/٣٠

فَلا تَقْبَحْني: راجياً فلا تقبحني ١٤١/١٤

أَقْبَحَ: ربّ ما أسوء فعلى وأقبح عملي ١٦٤/١١

وما أقبح سريرتي وعلانيتي ١٦٤/١٤

لايُقَبِّحُهُ: ولايقبّحه إساءتي ١٦٩/١

لاتُقَبِّحُهُ: ولاتقبّحه سيّئاتي ٢٥٧/٣

قُبْحَ: وقبح ما انطوى عليه ١٥٢/٨

لأبصرت من قبح المنيّة منظراً ٢١٤/٥٤

لعاينت من قبح المنيّة منظراً ٢١٤/١٣٠

لِقُبْحِ: فاستخفى لقبح حليته «الباطل» ١٠/٢٢

قَبيحِ: فجد ... بعفوك على قبيحِ فعلى ١٩٩/٨١

وقبيحِ ما فضحه في حكمك ٨٠/٦

ملك كريم يأتيك عنّا بعمل قبيحِ ١١٦/٤١

فتجاوز ياربّ عن قبيحَ ما عندنا بجميل ما عندك ١١٦/٣٠

أم قبيحَ ما تستُرُ؟ ١١٦/٢٩

إلهي... ما علمته من قبيحِ فعلي فاغفره ١٨٦/٦

كلّ قبيحِ باطن أو فاش ١٩٩/٢٦

وستركَ على قبيحِ عملي ٤٠/١

فهّمتني قبيحَ ما فعلوا وصنعوا ٢٤٨/٧

بِقَبيحِ: إعترافي لك بقبيح ما ارتكبت ٣٤/٤

بقبيح عملى فلا تفضحني ١٥٣/٢٠

لينظر إليه «الباطل» بقبيحِ حليته ٧٠/٨

وإن أخذتني بقبيحِ عملى فواحد من جرمي ٢٥٧/٢

ولاتؤاخذني بقبيحِ فعلي ١٣٨/١٧

قِباحِ: اتيت بأعمال قباحِ رديّة ٢١٦/٤ ـ ٩١/٥

الْقَبيحَةِ: وأتمنّى الجنّة مع أفعالي القبيحة ٢٠١/١٠

قَبائِحَ: أشعر قلبي الإزدجار عن قبائح السّيّئات ١٤٧/٩٣

الْقَبائِحَ: بل سترت عليّ القبآئح العظام ١٤٩/٣٣

مَقْبُوحاً: ولاتردّني خائباً ولامقبوحاً ١٢٩/١١ـ١٢٧/٧ـ١٣٨/١٥

أَقْبَحُ: بل أنا ... أقبحُ آثاراً ٤٩/١٥

ق.ب.ر

قَبْرِ: وارزقني... زيارة قبر نبيّك ١١٦/٥١

وارزقنا ... زيارة قبر نبيّك ١١٦/٤٥

أللّهمّ وامنن عليّ ... وزيارةِ قبرِ رسولك ٦١/٤

وإلى قبر محمد صلّى الله عليه وآله عبدك ٢٥٤/١

وإلى زيارة قبر محمّد نبيّك ١٤٣/٣٥

الْقَبْرِ: إرحم ... وفي القبرِ وحدتي ١١٦/٩٥

آه وانفساه من ظلمة القبر ووحشة البلآء ١٩٨/٤٨

ومن يؤنس في القبرِ وحشتي؟ ٩٠/٥

وياثاني كلّ وحيد، إرحم في القبر وحدتي ١٩٧/٢٠

ياأنيس كلّ غريب، آنس في القبر غربتي ١٩٧/٢٠

وفي ذكر هول الموت والقبر والبلىٰ ٢١٤/١٠

وناداها من شفير القبرِ ذوو مودّتها ١٩٧/٣٢ ـ ١٩٩/١٣٧

آنس في القبر وحشتي ١٩٩/١٤٥

لابدّ من الموت ووحشة القبر والبلآء ١٩٨/٢٥

ومن سوء المرجع في القبرِ ٢٢٥/٢

وفي وحشة القبرِ فرحين ٢٠٦/٢٢

قَبْرِهِ: وفسحت له في قبره ٨٣/٨

ثمّ أخرج من سعةقصره إلى ضيق قبره ٢١٤/٥٧ـ٢١٤/١٣٣

قَبْري: أبكى لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً ١١٦/٨٠

إن أنا نقلت على مثل حالي إلى قبري ١١٦/٧٧

أبكى لظلمة قبري ١١٦/٧٩

لِلْقَبْرِ: ووجّه لمّا فاظ للقبر حافر ٢١٤/١٢٧ ـ ٢١٤/٥١

قُبُوراً: أما صار جمعهم بوراً ومساكنهم قبوراً ٢١٤/١٤٨

فما أن ترىٰ إلاّ قبوراً ثوابها ٢١٤/٩١

الْقُبُورِ: يا ... باعث من في القبور ياألله ١٣٢/٤

وكانت القبور هى المأوى إلى ميقات يوم التّلاق ١٠٩/١٨

واجعل القبورَ بعد فراق الدّنيا خير منازلنا ١٠٩/١٩

إذا دعيت على القبورِ للنّشور انتشرت ٥٨/٢

وأنّى لسكّان القبور التّزاور ٢١٤/٩٠ ـ ٢١٤/١٥

ويابأعث من في القبور ١٤١/٨

وإذا قمت بين يديك في القبور ١١٨/٣

أللّهمّ وأهل القبور من جميع المؤمنين ١٤٣/٣٩

فينبّه بالنّفخة صرعى رهائن القبورِ ١٢/٢

ومنكر ونكير ورومان فتّان القبور ١٢/١٢

قُبُورُهُمْ: فتلك مغانيهم وهذى قبورُهُم ٢١٩/٢٣

فأضحوا في فجوات قبورِهِم يتقلّبون ٢١٩/٢٤

ما تنوّر به قبورَهُم وتفسح به عليهم ١٤٣/٣٧

فافسح لهم في قبورهم ١٤٣/٣٩
قُبُورِنَا: فاجعله نوراً لنا في قبورنا ومبعثنا ٢٠٠/٢٢

ق.ب.س

إِقْتَبِسِي: إقتبسي من سمت هدى الخاشعين ١٩٧/٤٧
قَبَسِ: ودياجير الظّلمات بغير قبس نور ٢١٩/٤٥

ق.ب.ض

قَبَضَهُ: قبضه «روح» إلى ماند به إليه من موفور ثوابه ١/٨
قَبَضَكَ: وقبضك إليه بإختياره ٢٥٥/٢
فَقَبَضَهُ: فقبضه «محمّداً» تقيّاً زكيّاً ١٩٩/٥٩
قَبَضْتَهُ: ثمّ قبضته إليك قبضاً يسيراً ١٣٧/١
إِقْبِضْ: واقبض على الصّدق نفسي ١٧١/٥
إِقْبِضْنِي: واقبضني بلطفك عن التبذير ٧٩/٣
فَاقْبِضْنِي: مرتعاً للشيطان فاقبضني إليك ٥٥/٧
أَقْبِضْ: وأقبض أيديهم عن البسط ٦٧/٧
قَبْضاً: ثمّ قبضته إليك قبضاً يسيراً ١٣٧/١
الْقَبْضِ: والحمدلله الّذي... جعل لنا أدوات القبض ١/٢٢
ولاأظلمنّ وأنت القادر على القبضِ منّي ٥٥/٢٣
لِقَبْضِهَا: وتجلّى ملك الموتِ لقبضها ١٠٩/١٨
قَبْضَتُهُ: والأرض جميعاً قبضته (قرآن) ٢/٧ ـ ٢٢/٣٠
وبحقّ داوود وقبضتِهِ ١٨٠/٣
قَبْضَتِكَ: والخلقُ كلُّهم عيالك وفي قبضتك ١١٦/٨٧
أصبحنا في قبضتك ٢١/٧
ما نفذت به مشيّتك من يتقلّب في قبضتك ١٠/٢
فإنّي عبدك وفي قبضتك ناصيتي بيدك ٥٧/٤
عالم أنّ في قبضتِك أزمّة التّدبير ١٩٩/٣٨
ألّلهمّ اشدد قبضَتَك عليه «ظالمي» ١٥٥/٤
إجعلني شهيداً سعيداً في قبضتِك ٢٤٨/١
ألّلهمّ وإنّ القلوب في قبضتِك ٢٢٣/٢
مُنْقَبِضاً: ولامنقبضاً حين أردتك ١٦٣/٥

ق.ب.ل

قَبِلَ: وإحفظ من قبل بالتّسليم والرّضا دعوته ١٠/٢٦
شكرك قبِلَ عملي ١١٦/٨٣ ـ ٢٠١/٤٢ ـ ١٩٧/١٣
وسترك قبلَ عملي ١٩٩/١٢٦
فأوجب الفوز لمن أطاعه «محمّداً» وقبلَ منه ٢/٩
قَبِلْتَ: وقبلت منهم مراجعة طاعتك ١٤٢/٦١
وإن كنت قبلت مثلى فاقبلني ٩٠/٤
قَبِلْتَهُ: واستجبت دعآءه وقبلتَهُ ١٤٩/٥٥
فَقَبِلْتَ: وما أنا بألوم من إعتذر إليك فقبلت منه ٣٤/٩
فَقَبِلْتَهُ: إجعلنا... ممّن... طلب إليك فقبلته ٢٣٤/٤
قَبِلْتُ: وقبلت كتابك ١٦٦/٧
يَقْبَلُ: يامن يقبل اليسير ١١٦/١٣٤
يقبَل منّا صومنا ويزكّى أعمالنا ١٤٣/١٥
يامن يقبَلُ من لاتقبله البلاّد ١٤٦/١
لاَيَقْبَلُ: الّذى لايقبل عملاً إلاّ بإذنه ١٤٣/١٤
ولايقبل أن يؤخّر عنه ١١٥/٤
تَقْبَلُ: إنّك تقبل التّوبة عن عبادك (قرآن) ٨٠/١٢
تقبَلُ التّوبة وتغفر الحوب ١٦/٣
تَقْبَلُهُ: وإن لم يكن لذنبي عندك عذر تقبله ٩٩/٤
واستعمل بدنى فيما تقبلهُ منّى ٥٧/٩
لاَتَقْبَلُ: وإن كنت لاتقبل إلاّ من المجتهدين ١٩٩/١١٠
لاَتَقْبَلُهُ: يامن يقبل من لاتقبله البلاد ١٤٦/١
لَمْ تَقْبَلْ: ولم تقبل منه صيامه وقيامه وعبادته ١٤١/١١
أَنْ تَقْبَلَ: وأن تقبل صومنا وصلاتنا ١٣٩/٢
أن تقبل إعترافى لك بذنوبى ١١٨/٢
لَمْ أَقْبَلْ: ولم أشكر نعمتك ولم أقبل نصيحتك ١٤٩/٣٤
أنا الّذى ... لم أقبل عند الشّهوة نصيحتك ١٤٨/١٠
لاَيُقْبَلُ: من دارٍ ... لايقبلُ فيها الرّشا ١٩٨/١٥
ولايقبل منها «النفس» شفاعةٌ (قرآن) ٢٠٧/٢٢
إِقْبَلْ: ياتوّاب تب عليّ واقبل توبتي ١٤٩/٥٠
واقبل سيّدى ومولاي معذرتي ٢٥٢/٣٢ ـ ٢٥١/٢٩
واقبل ثنائى ٢٥٥/٧
إقبل منّى اليسير ١١٦/١٣٤
واقبل منّى ما أقول ١١٦/١٠٤
وإقبل دعائي ١٩٩/١٣٤
فصلّ على محمّد وآله واقبل توبتي ٨٠/٢٥ ـ ٨١/٩
ألّلهمّ وفّقنا وسدّدنا واعصمنا واقبل تضرّعنا ٢٣٤/٥
إِقْبَلْنِي: واقبلني وتقبّل منّى ١٤٤/٢٨
ياقابل السّحرة اقبلني ٩٠/٤
إِقْبَلْنَا: ألّلهمّ اقبلنا وتقبّل منّا ٢٣٤/٣
فَاقْبَلْ: فاقبل ياإلهى عذري ١٩٧/١٤
فاقبل عذرنا ياأرحم الرّاحمين ١٤٣/١٨
ألّلهمّ إنّك تعلم سرّى فاقبل معذرتي ١٣٤/٦
فاقبل عذرى ياخير من إعتذر إليه المسيئون ١٩٩/١٢٧
فاقبل توبتي كما وعدت ٨٠/١٢
فَاقْبَلْنِي: وإن كنت قبلت مثلى فاقبلني ٩٠/٤
أَقْبَلَ: يامن ... إذا أقبل عليه قرّ به وأدناه ١٨٥/١
وأقبل الفقر بأزاء الغنى ٢٥٧/٢٧

وأقبل الفقر بإزالة الغنى ٣٥/٤
تفضّلك على من أقبل بوجهه إليك ٣٤/٢
فَأَقْبَلَ: فأقبل نحوك مؤمّلاً لك ٨٠/٤
أَقْبَلُوا: ثمّ أقبلوا على جهازه ٢١٤/٤٩ ـ ٢١٤/١٢٥
أَقْبَلْتُ: آه وانفساه أقبلت على قلبي ١٩٨/٤
وأقبلتُ بكلّي عليك ٧٤/١
لانعرض عنّي وقد أقبلتُ عليك ٤٩/٨
أَقْبَلْنا: إليك أقبلنا راجين ١٤٣/١٨
أَنْ تُقْبِلَ: حالت بيني وبينك أن تقبل عليّ بوجهك ١٤٩/٤٢
أَقْبِلْ: أقبل عليّ إذا ناجيتك ٢٤٩/١٠
أقبل بوجهك الكريم إليّ ١٥٣/٢٤
وأقبل بقلبي إلى ما يقرّبني إليك ٢٥١/٤٢
وأقبل بقلبي إلى طاعتك ٣٦/٦
ياموسىٰ أقبل ولاتخف إنّك من الآمنين (قرآن) ١٥٩/١٨
قابَلَها: قابلها بالتّقصير ١٥٢/١٤
هذا مقامُ من ... قابلها «النّعماء» بالتّقصير ١٨٧/٢
قابَلْتُكَ: قابلتُك فيها «المنّة» بالعصيان ١٩٩/٦٩
يُقابِلُ: حمداً ... ويقابل عزّ جلالك ١٤٧/٤٥
فَلا تُقابِلْ: إلهي... فلا تقابل آمالنا ١٨٧/٣
نُقابِلُ: وكيف نستكثر أعمالاً نقابلُ بها كرمك ١١٦/٣١
تَقَبَّلْتَ: أللّهمّ تقبّل منّا كما تقبّلت من المتّقين ١٣٩/٣
يَتَقَبَّلُهُ: حمداً يتقبّله منّا ١١٥/٢
تَتَقَبَّلَهُ: وأنا أفقرهم إليك ... لعمل صالح تتقبّله ٢٥٧/٩
تَتَقَبَّلُها: وحسناتٍ تتقبّلها ١١٦/١١٢
تَقَبَّلْ: وتقبّل منّي سَعيي وزلّ عملي ١٣٨/١٥
أللّهمّ اقبلنا وتقبّل منّا ٢٣٢/٣
واقبلني وتقبّل منّي ١٤٢/٢٨
وتقبّل يارحيم توبتي ١٤٨/٢٣
تقبّل منّي ما كان صالحاً ١٤٨/٣٣ ـ ١٣٨/١٨
وتقبّل شفاعته «نبيّنا» ١٤١/٢٨ ـ ١٠٩/٢٤
تقبّل توبتي ١٨٢/١٣
تقبّل منّا برحمة ١٤٣/٣٠
لاتردّنا خائبين وتقبّل منّا صيامه ١٤٣/٢٧
أللّهمّ تقبّل منّي وأعل ذكري ١١٦/١٣٠
ثمّ تقبّل ذلك منّي بالأضعاف الكثيرة ١١٧/٨
أللّهمّ تقبّل منّا كما تقبّلت من المتّقين ١٣٩/٣
تقبّل منّا إنّك أنت السميع العليم ١٤٣/١٨
وتقبّل وسيلتي ١١٤/١
فاستجب دعائي وتقبّل منّي عملي ١٤١/١٩
وتقبّل منّي فيها جميع ما أدعوك به ١١٨/٩
فَتَقَبَّلْ: فتقبّل ما كان من صلاتي وصومي ٢٣٦/٥
فَتَقَبَّلْها: فتقبّلها منّا وأرض عنّا وثبّتنا عليها ١٤٢/٦٠
إِسْتَقْبَلْتُ: لمحمّد صلّى الله عليه وآله إستقبلت ٢٥٤/١
قَبُولِ: من يستغني عن قبولِ عذره ١٩٧/١٤ ـ ١٩٩/١٢٧
وارزقني ... قبولَ عملي ١٤١/١٠
في تأكيد الكتاب وقبولِ ما جاء به ١٤٤/١٣
يامن عوّد عباده قبولَ الإنابة ٣٤/٨
إلهي لولا الواجب من قبولِ أمرك ١٩٤/١
والّذي لم يستطع إلاّ .. قبولَ الرّسالة ١٠/٢
الْقَبُولِ: البركة والرّحمة والقبولِ ١٤٣/٢٧
واختم لي بالسّعادة والقبولِ ١١٤/١٣
أللّهمّ فكما أمرت بالتّوبة وضمنت القبولَ ٨١/٩
أللّهمّ فكما أمرت بالتّوبة وضمنت القبولَ ٨٠/٢٥
قَبُولُها: إذ تقدّم له «محمّد» قبولها «الرّسالة» ١٠/٢
بِقَبُولِ: تتولّى حسن عملي بقبولِ إحسانك ١٩٧/٢١
لِقَبُولِ: وفّقني لقبول ما قضيت لي وعليّ ٤٤/١٠
لِلْقَبُولِ: لولا تعريفك لم أرشد للقبول ١٩٩/٧١
الإِقْبالِ: الحرص فيها والإقبال عليها ١٢١/٤
أولج قلبي فرح الإقبال عليك ٨٤/١
فرح الإقبال عليك ٤١/١
إِقْبالُكَ: فحتّام على الدّنيا إقبالُك ٢١٤/٩
إِسْتِقْبالِ: واستقبال هذا العيد ١٤٣/٢٥
بارك لنا في إستقبالِ شهرنا هذا ١٤٣/٣١
قابِلَ: فكن ... قابلَ توبتي ١٨٩/٩
ياقابلَ توبة المذنبين ١٤٣/١٦
يا ... قابل العذر والعتبىٰ ١٩٩/٦٥
ياقابل السّحرة اقبلني ٩٠/٤
ياقابل التّوب ياعظيم المنّ ١١٦/٢٦
الْقابِلُ: إنّك القابل يسير الحمد ٩٧/٦
مُقْبِلٌ: فيامن هو على المقبلين عليه مقبلٌ ١٨٩/٥
مقبلاً في ذلك على عدوّك غير مدبر ١٢٧/١٠
السّلام عليك من أليف آنس مقبلاً فسرّ ١٤٢/٣٢
الْمُقْبِلِ: من شهر رمضان المقبلِ ١٤٢/٥١
مُقْبِلِينَ: لي محبّين وعليّ حدبين مقبلين ٦٤/٤
الْمُقْبِلِينَ: فيامن هو على المقبلين عليه مقبلٌ ١٨٩/٥
مُتَقابِلِينَ: على سرر متقابلين (قرآن) ١٤٣/٥٥
قَبائِلِ: وقبائل الملائكة الّذين ١٢/١٠
مَقْبُولاً: وعملي فيه «رمضان» مقبولاً ١١٧/١٤
اجعل عملنا فيه مقبولاً ١٤٣/٢٨
ومقبولِ السّعي ومرفوع العمل ١١٧/١٠

واجعل عملي مقبولاً ٢٥٢/٢٣
مقبولاً فيها «الدّنيا» عملي ٢٥١/٢٩
مقبولاً فيها عملي إلى دار الحيوان ٧٨/٤
واجعل ذلك مقبولاً ٦١/٤
وتجعلني عندك مقبولاً مبروراً في سعة رزق منك ١٢٧/٤
وعملي مقبولاً ١٢٩/٣
الْمَقْبُولَ: أرزقني... التّوبة... والخير المقبول ١١٧/٩
الْمَقْبُولِينَ: واجعلني من المقبولين ١٢٩/١١
أن تجعلني فيه من المقبولين أعمالهم ١١٤/٢٠
أن يجعلنا عنده من المقبولين ١٤٣/١٥
تعيره به ولاية المتّصلين المقبولين ١٩٩/٣٩
مَقْبُولَةً: وتوبة من أناب إليك مقبولةً ٢٥٥/٤
صلوة ... موصولة مقبولةً ١٩٩/٦٠
واجعل ... توبة مقبولةً ٣٣/٥
مُتَقَبَّلاً: ربّ هب لي ... عملاً متقبّلاً ١٣٥/١٧
إجعل ذلك متقبّلاً في يسر منك ١٤٣/٣٥
وتجعل عملي متقبّلاً في يسر منك عافية ١٢٧/٥
والعمرة في عامي هذا متقبّلاً مبروراً ١٣٢/١١
مَتَقَبَّلَةٍ: على توبة بك متّصلة ولديك متقبّلةٍ ١٩٩/٤٨
وأعمالي كلّها متقبّلةً ١٦٤/٢٣
أَقْبِلِهِمْ: وأقبلهم «مواليه» لقوله ١٤٩/٧٠
الْقِبْلَةَ: والقبلة الّتي رضيت لمحمّد ٢٥٤/١

ق.ت.ر

قَتَّرْتَ: وارزقني مواساة من قتّرت عليه من رزقك ٢٠/٦
١١٤/٤ ـ ١١٣/٦
وارزقني مواساة من قتّرت عليه ٢٧/٢ ـ ٢٧/٦
وإن قتّرت عليّ رزقي فلا ترغبني فيها ١٢١/٧
تُقَتِّرَ: او تقتّر بها «معيشة» عليّ فأشقي ٧٨/١
تُقَتِّرَهَا: أوتقتّرها «معيشة» عليّ فأشقي ٢٥٢/١٨ـ٢٥١/٢٦
لاتُقَتِّرْ: وأقدر لي ولاتقتّر عليّ في حياتي ١١٤/١٢
قَتَرَةٌ: ترهقها قترةٌ (قرآن) ١١٦/٨١
إِقْتَارَ: فامح من أمّ الكتاب... إقتار رزقي ٢٥١/٦٧
إِقْتَارُهُمَا: وأين إقتارهما على أنفسهما ٦٣/١١
بِالْإِقْتَارِ: ولاتبتذل جاهي بالإقتار ٥٥/٣٨
الْقَتِيرُ: وقد وخطك القتير ووافاك النّذير ٢١٤/٩
قَتُوراً: وكان الإنسان قتوراً (قرآن) ٧٧/٢
مُقَتِّرٌ: أو مقتّر عليّ رزقي ... فامح شقائي ٢٥١/٦٧

ق.ت.ل

قَتَلْتَ: قتلت نفساً فنجّيناك (قرآن) ١٥٩/٢٠
قَتَلْتُ: أنا الّذى قتلتُ نفسي بسيف العصيان ٢٠١/٤٤
تَقْتُلُ: وتقتل به عدوّك ١٢٨/٤
وتجعلني ممّن تقتل به أعدائك ١٢٧/١٠
أَقْتُلْ: وأقتل أعدائهم «محمّد وآله» ١١٧/٣٣
واقتل به «ولبعصر» جبابرة الكفر ١١٩/٢٦
قَاتَلُوا: قاتلوا الآباء والأبناء في تثبيت نبوّته ١٤/٣
يُقَاتِلُونَ: بأنّ لهم الجنّة يقاتلون (قرآن) ١٤٤/٢٥
حَتَّى أُقَاتِلَ: حتّى أقاتل فيه بنفسي ومالي ١٤٤/٢٧
قَتْلاً: قتلاً في أرضك وأسراً ٦٧/١٠
وأن تجعلني وفاتى قتلاً في سبيلك مع أوليائك ١٢٧/١٠
قَتْلِهِمْ: وألزم أعدائك الحجّة في قتلهم إيّاك ٢٥٥/٢
بِالْقَتْلِ: فبعد أن يجتاح عدوّك بالقتل ٦٧/١٩
الْقِتَالَ: وكفى الله المؤمنين القتالَ (قرآن) ١١٤/١٨
قَاتِلٌ: جوىً قاتل اوحتف نفس بسوقها ٢١٩/٣٢
قَوَاتِلَ: داف لي قواتل سمومه ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤
قَوَاتِلِهَا: وأخفت عنك من قواتلها وهلكاتها ٢١٤/١٠٠
قَتِيلاً: ولست أذكر منها إلاّ قتيلاً أفنته ٢١٩/١٩

ق.ح.م

يَقْتَحِمُونَ: يقتحمون في أغمار الشّبهات ٢١٩/٤٥
تَقَحَّمْتُ: تقحّمت أودية هلاكى ١٥٣/٢
إلهى تقحّمتُ أودية الهلاك ١٥٢/٢
تَقَحُّمِ: أبيت إلاّ تقحّم حُرُماتك ١٥٣/٩
أبيت إلاّ تقحّماً لحرماتك ١٥٢/١٣
مُقْتَحِمُونَ: ونحن مقتحمون في الخطيئة ٢٠٠/١٠

ق.د.ح

إِقْدَحْ: واقدح للرّشاد زناده ٢٢٣/٧

ق.د.ر

فَقَدَرَ: إذا ما ابتلاه فقدر عليه رزقه (قرآن) ٣٥/٨ـ٢٥٧/٣١
يَقْدِرُ: يامن يقدرُ على حوائج السّائلين ١٦٥/٤
يامن يقدرُ على قضاء حوائج السّائلين ١٧٦/١ ـ ٢٣٣/٤
لايَقْدِرُ: ولايبلغ مبلغه ولايقدر شيء قدرته ١٤٩/٢٠
يسألك ما لايقدرُ عليه غيرك ٢٣٢/١
أنّ مريدى بالخير لايقدرُ ٢٠٤/٢
صلاةً لايقدر على احصائها غيرك ٤٢/١٦
لَمْ يَقْدِرْ: لم يقدر على صلاحى سواك ٢٥٧/٤
لاتَقْدِرُ: ولاتقدرُ على التّخفيف عمّن خشع لها ٨٨/٢٠

أَقْدِرَ: أو أقدر على ذكر ذنوبي ٤٩/١٥
لاأَقْدِرُ: فإنّي لاأقدرُ على ذلك إلاّ بك ٤٢/٢٧
لاأقدر أستتر منك في ليل ولانهارٍ ١٢٨/١١
لَمْ أَقْدِرْ: ولم أقدر على ما عندك بمعونة سواك ٥٧/٣
لَنْ نَقْدِرَ: أن لن نقدر عليه (قرآن) ٢٥٢/٦ ـ ٢٥١/١٠
فاقْدِرْهُ: دينى ودنياى وآخرتي فاقدره لي ٩٤/١
أَقْدِرْ: وأقدر لي ولاتقتّر عليّ في حياتي ١١٤/١٢
قَدَّرَ: علماً منه أنّه قدّر وسع العباد ٦/٤
سبحان من قدّر بقدرته كلّ قدرة ٥/٢
قَدَّرُوكَ: فجهلوك وقدّروك بالتّقدير على غير ٣/١
قَدَّرْتَ: فإن قدّرت لنا فراغاً من شغل ٣٣/٣
واكفني طلب ما قدّرت لي عندك ٢٥١/٩
فاجعل ياوليّى وسيّدى فيما قدّرت ١٧٢/٥
وقدّرت عليّ بسلطانك ١٥٣/١٥
وقدّرت الأمور بعلمك ١٤٩/٣
فارفعه «محمّد» بسلامنا إلى حيث قدّرت ١٠/١١
قدّرت لي أجلاً ورزقاً لاأتعدّاهما ١٢٤/١
فاجعل ياوليّى وسيّدى فيما قضيت وقدّرت عليّ ١٧٣/٦
أنت الّذى قدّرت كلّ شيء تقديراً ١٤٧/١٢
أنت الرّبّ الّذى ... قدّرت آجالهم ٢٤٣/٢
أللّهمّ لك الحمد أن ... قدّرت وقضيت ٢٤٢/٢
وقدّرت كلّ شيءٍ تقديراً ١٤٧/١٦
قَدَّرْتَهُ: واكفني طلب ما قدّرته لي عندك ٢٥٢/٣٨
حتمته وقدّرته ٤٢/٢٧
يُقَدِّرُ: كان يقدّر أن يراني فيها ١٥٢/٨
تُقَدِّرُ: وأن تجعل فيما تقضى وتقدّر ١١٧/٤١
وأن تجعل فيما تقضى وتقدّر أن تطيل عمري ١١٧/٤٢
لَمْ تُقَدِّرْ: ولاتعنّى بطلب ما لم تقدّر لي فيه رزقاً ٧٧/١٤
إِقْتَدَرَ: وإقتدر على الأشياء بالقدرة ٧/١ ـ ٢/١
فَاقْتَدَرْتَ: وأدركت فاقتدرت ١٩٩/١٠
قَدْرَ: أللّهمّ اجعل نبيّنا... أجلّهم عندك قدراً ١٠٩/٢٣
على قدرِ صغر خلقي وضعف ركني ١٦٤/١٣
وما قدرُ أعمالنا في جنب نعمك ١١٦/٣١
وما قدرُ عملي في جنب نعمك وإحسانك إليّ ١١٦/٨٣
وما قدرُ لساني ياربّ في جنب شكرك ١١٦/٨٣
سيّدى عظم قدرُ من أسعدته بإصطفائك ١٩٩/١٨٣
الْقَدْرِ: ووفّقني فيه «رمضان» لليلة القدرِ ١١٧/١٥
ياربّ ليلة القدرِ وجاعلها خيراً ١٣٢/١
خير أنزلته وتنزله ... في ليلة القدر ١١٦/١١٢
وأجللت فيه من ليلة القدرِ ١٤٢/١٤
وسمّاها ليلة القدرِ ١١٥/٥
السّلام عليك وعلى ليلة القدرِ ١٤٢/٤٥
فيما تقضى وتقدّر ... في ليلة القدر ١١٧/٤١
وارفع له «ابن شهاب» من القدرِ ٦٨/١
وهذا «رمضان» شهر فيه ليلة القدرِ ١١٧/١
وأن توفّقني لليلة القدرِ ١٢٧/٣
قَدْرِهِ: وعظيم قدرهِ عندي ٢٥٧/١٩
حرم ومشعرٍ عظّمت قدرُهُ وشرّفته ١٤٩/٦٥
السّلام عليك من قرين جلّ قدرُهُ ١٤٢/٣١
قَدْرَكَ: عمّا تخيّرت فنغمط قدرك ٩٢/٢
قَدْري: ولانسمنى خسيسةً يصغر لها قدري ١٤٧/١٠٣
لِقَدْرِ: وإجلالاً لقدر رسالته «محمّد» ١٠/١٠
بِقَدْرِكَ: على أنّ ذكرى لك بقدري لابقدرك ١٩٤/١١
بِقَدْرِي: على أنّ ذكرى لك بقدرى لابقدرك ١٩٤/١
قَدَرِ: زدنا من فضلك على قدرِ جلالك ١٥٣/٣٣
ممّا ... يتمثّل بجسم أو قدرٍ ١٩٩/٥٦
لِقَدَرِهِ: لامحيص لقدره ١٤٩/١١
بِقَدَرِها: ذلّة باطنة عند نفسى بقدرها ٥٥/٥
بِقَدَرِكَ: ومنّ عليّ با ... لرضا بقدرك ٢٥١/٦٩
أللّهمّ فاجعل نفسي مطمئنّة بقدرك ٢٥٥/٣
قُدْرَةً: قدرةً منك على إستخلاص أفاضل عبادك ٢٤٩/١
وقدرةً على عبادتك ٣٦/٧
وتمنع عن قدرةٍ ٨٧/٩
سبحان من قدّر بقدرته كلّ قدرةٍ ٥/٢
وقدرةً على من اضطهدني ٥٥/١٢
الْقُدْرَةُ: لك القدرةُ في أمري وناصيتى بيدك ١٥٣/١٦
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق القدرة ٢٦٧/٢
أنت ... ذوالعزّة والقدرةِ ٢٤٧/٤
أسألك بأنّ لك الطول والقوّة والقدرة ١٢٠/١٢
ياذاالقدرة والسّلطان ١٢٨/١
ياالله ياذاالعظمة ... والقدرةِ ١٢٢/٣
تعلّقوا بحجاب القدرةِ ٢٠٠/٤٢
وملكة القدرةِ الصّمد ٧٤/٤
قُدْرَتِهِ: الحمدلله على عفوه بعد قدرته ١٤٣/٦
ولايبلغ مبلغه ولايقدر شيىء قدرتَهُ ١٤٩/٢٠
يامن لاتخرق قدرتُهُ عواصف الرّياح ١١٤/١٧
قُدْرَتِكَ: في قدرتك وأنت على كلّ شيءٍ قديرٌ ١٥٢/١٥
لايتكأدُك في قدرتك ٤٩/٢١
وزللاً عن قدرتك من جهلي ١٤٨/٣١
إلهى إنّ قدرتك على كشف ما أنا فيه ١٧٢/٣

ولم يرضك خرج عن قدرتك ١١٦/١
ما أحسن عفوك وأكرم قدرتك ١٤٣/٤٢
ولاينكأدك في قدرتك وأنت على كلّ شيء قديرٌ ١٥٣/١١
صلّ على آدم ... لسان قدرتك ٢٢٢/٢
ودللته «محمّد» عليه من أعلام قدرتك ١٠/١٨
ولامعيناً على قدرتك ١٤٤/٣
أللّهمّ بـ... قدرتك على الخلق ١٣٩/١٣
فإنّ قدرتك على كشف ما أنا فيه ١٧٣/٣
قدرتُك ياسيّدي وربّي وخالقي ومولاي ٤٢/٢٥
وقدرتُك عليّ وعفوك عنّي من التعرّض لمقتك ٣٦/٣
ولاأستطيع مجاوزة قدرتك ٥٧/٤
وتفكّراً في قدرتك وتدبيراً على عدوّك ٥٥/٢١
وقدرتُك عليه وعليّ أغلب من قدرتي ٥٩/١
باتّساع قدرتك عليّ وفقري إلى مغفرتك ٦٠/٢
وبما تحيط به قدرتُك من ملكوت السّلطان ١١٤/١٥
وأجريت قدرتك على النّجاوز ١٤٢/٤
إلهي بدت قدرتُك ٣/١
فلك الحمد على... عفوك بعد قدرتك ١١٦/٢٤
ستور رضوانك بجبروتك وقدرتك ١٦/٤
وأسألك اللّهمّ بعزّتك وقدرتك ٢٢/١٩
قُدْرَتي: وقدرتك عليه وعليّ أغلب من قدرتي ٥٩/١
بِقُدْرَةِ: بقدرة الله المستطيلة على جميع خلقه ٢٢/٢٦
بِقُدْرَتِهِ: بقدرته الّتي لاتعجز عن شيء ٩/١
الّذي أذهب اللّيل مظلماً بقدرتِهِ ٢٤٤/١
وأسّس الأمور بقدرتِهِ ١٤٩/١٤
الّذي ملك الملوك بقدرتِهِ ١٤٩/١٣
الحمدلله ... الّذي ... إبتدع بقدرته الخلق إبتداعاً ١/٣
الحمدلله الّذي... ميّز بينهما «اللّيل والنّهار» بقدرته ٢١/١
فكلّ خليقته منقادةٌ لنا بقدرتِهِ ١/٢٠
سبحان من قدّر بقدرتِهِ كلّ قدرة ٥/٢
لِقُدْرَتِهِ: الحمدلله الّذي استسلم كلّ شيء لقدرته ١٤٣/٥
بِقُدْرَتِكَ: بقدرتك على ذلك ٢٤٩/٢١
ولايمتنع منك من كذّب بقدرتك ١٦٦/٤
في كشفه واقعة لأوقاتها بقدرتك ٢٢٣/٢
وبقدرتك الّتي ملأت بها عبادك ١٧٧/٣
وسمعت أذناي بقدرتك نظراً منك ١٤٨/٢٠
فحصّنتني من بأسه بقدرتك ١٥٢/١٠
من بين ماء وطين ورمل بقدرتك ١٧٤/٣
واغفرلي بقدرتك عليّ ١٥٦/١
اغفر بقدرتك عليّ فلا أهلكنّ وأنت رجائي ١٥٨/١
خلقت الخلق بقدرتك ١٤٩/٣
ملكتني بقدرتك ١٥٣/١٥
فلقت بقدرتك الفلق ٢٤٥/٣
وإن لم ألذ بقدرتك فبمن ألوذ؟ ١٩٥/٢
إلهي لاحول ولاقوّة إلاّ بقدرتك ١٨٣/٥
بقدرتك أوردته عليّ ٢٤/٣
جرى بقدرتك القضاء ٢٤/٢
كالجاهل بقدرتك عليه ٨٠/٢
وأشرفت عليهم بقدرتك ٦٧/١١
واسصلح بقدرتك ما فسد منّي ٥٥/٢
وارحمنا بقدرتك يارحمن ٢٢/١٥
واصرفني بقدرتك إلى ما أوجبت ٨١/١
إصرفني بقدرتك إلى ما أحببت ٨٠/١٣
والثّبات والإنتقال بقدرتك ١٩٩/٧٥
قد مضت بقدرتك فيّ ٣٥/١٤
وافلل حدّه عنّي بقدرتك ٤٤/٣
أللّهمّ فاطلبني بقدرتك ما أطلب ٥٥/٣٧
خلقتنا بقدرتك ولم نك شيئاً ٢٠٠/٢
إلهي بقدرتك عليّ تب عليّ ١٨٢/٨
والمحال بينهم وبين الذّنوب بقدرتك ٦٤/١٤
لِقُدْرَتِكَ: ولكن أنشأتها «نفسي» إثباتاً لقدرتك ١٠١/٦
ذلّت لقدرتك الصّعاب ٢٤/٢
كَقُدْرَتِكَ: كقدرتك على ما ابتليتني به ١٧٣/٣ ـ ١٧٢/٣
كقدرتك عليّ حيث ابتليتني به ٤٢/٢٥
بِالْقُدْرَةِ: وإقتدر على الأشياء بالقدرة ٢/١ ـ ٧/١
الحمدلله الذي تعزّز بالقدرة ١٠٥/٢
وتعزّزت بالقدرة والبقاء ٢٤١/٣
فهب لي باإلهي فرجاً بالقدرة الّتي بها تحيى ٥٢/١
مَقْدُرَتي: ولم تنله مقدرتي ولم يسعه مالي ٥٩/٧
مِقْدارُهُ: في يوم كان مقدارهُ (قرآن) ٢٠٧/١٣
مِقْداري: وما عسى أن يبلغ مقداري ١٩٤/١
بِمِقْدارِ: فأعطني من عفوك بمقدار أملي ١١٦/٢١
الْمَقادِرُ: وأبلس لمّا أعجزته المقادر ٢١٤/١١٨
وسافتهم نحو المنايا المقادر ٢١٤/٧٨ ـ ٢١٤/٣
الْمَقاديرَ: الّذي تمضي به المقادير ٢٣٧/٦
مصادر المقاديرِ عن إرادتك ١٩٩/٣٨
مَقاديرُكَ: جرت مقاديرُك بأسبابي ٢٤٩/١٤
تَقْديراً: أنت الّذي قدّرت كلّ شيءٍ تقدير ١٤٧/١٢
وقد أقلقني ما أبهم عليّ من تقديرِ عاقبتي ١٩٩/١٠٦
وقدّرت كلّ شيءٍ تقديراً ١٤٧/١٦

التَّقْدِيرِ: أيّها الخلق... المتردّد في منازل التّقديرِ ١١٠/١
واستكان على مشيّتك كما أمرت بأحكام التّقدير ٢٤١/١
وعلّمني حسن التّقدير ٧٩/٣
تَقْدِيرِكَ: وحسن تقديرك لي في جميع الأمور ٣٩/١١
تَقْدِيري: سيّدى خلقتني فأكملت تقديرى ١٩٩/١٧٠
بِتَقْدِيرٍ: ويولج صاحبه فيه بتقدير منه للعباد ٢١/١
بِتَقْدِيرِكَ: وأن تقنّعني بتقديرك لي ٨٨/١٨
يامجرى الشّمس لمستقرّها بتقديرك ياعليم ١٣٠/١
حتّى عاد كالعرجون القديم بتقديرك ١٣٠/١
وبتقديرك يمضى إنقياد التّدبير ١٩٩/١٩٧
بِالتَّقْدِيرِ: فجهلوك وقدّروك بالتّقدير على غير ٣/١
قَادِرٌ: ولاتعذّبني فإنّك علىّ قادرٌ ٢٢٥/١
وقد علمت أنّك قادرٌ أن تقول للأرض ١٩٩/١٥٩
يامتكبّر ياقادرُ يامقتدر ١٣٨/١٣
أللّهمّ أنت حليم قادرٌ رؤوف غافر ٢٤١/٤
إنّك على ذلك قادرٌ ياجواد ياكريم ٢٢/٤٢
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... قادرٌ لايظلم ١٣٠/٣
ياالله ياقادرُ ياالله ياقاهر ١٣٤/١
الْقَادِرُ: لنعم القادرُ أنت ٢٤٩/٢٣
وأنت القادر سيّدى على كشف غمّائها ١٩٩/١١٥
هو ... القادر الحكيم ٢/٦ ـ ٧/٥
ولاأظلمنّ وأنت القادرُ على القبض منّى ٥٥/٢١
أنت ... الكبير القادرُ ٨٣/١
والقادرَ على إعلانها «السيّئة» فوق القادرين ٩٥/٢
أنت القادرُ على كشف ما منيت به ٢٤/٦
بما يتغمّد به القادرُ على البطش ١٤٧/١٠١
الْقَادِرِينَ: على إعلانها فوق القادرين ٩٥/٢
ياأقدر القادرينَ ٤٢/٢٩
مُقَدِّرَ: يامقدّر القمر منازل حتّى عاد كالعرجون ١٣٠/١
الحمدلله ... مقدّرِ الدّهور ١٩٩/٥
يامقدّر الآجال يامقسّم الأرزاقِ ١٤٩/٦٨
مُقَدِّرُها: وأذعنت أنّك مقدّرها ورازقها ١٩٩/١١
مُقَدِّرَكَ: ومقدّري ومقدّرك ومصوّرى ومصوّرك ١١٠/٤
مُقَدِّري: ومقدّرى ومقدّرك ومصوّرى ومصوّرك ١١٠/٤
مُقْتَدِرٍ: فلك الحمد إلهى من مقتدرٍ ١٥٣/١٠ ـ ١٥٢/١٤
ياقادرُ يامقتدرُ أسألك ١٣٨/١٣
أللّهمّ إنّك مليك مقتدرٌ ٢٢/٤٢
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك ... مقتدرٌ لاينازع ١٣٠/٥
خذه «من يؤذينى» أخذ عزيزٍ مقتدرٍ ١٦٠/٢
قَدِيرٌ: وأنت على كلّ شيء قدير ١٧٤/٥ ـ ١٤٢/٦٤
١٣٨/١٢ ـ ٤٤/١٤ ـ ٩٢/٤ ـ ١٤٦/١١ ـ ١٥٣/١١ ـ ١٢٨/١٢
إنّك على كلّ شيءٍ قديرٌ ١٨٨/٤ـ١٢٨/٧ـ١١٨/٩ـ١١٤/١٢
٣/١٣ـ٣٢/٢٢ـ٣٧/٢٢ـ٣٨/٢٢ـ٦/٢٢ـ٢٣/١١٤ـ١٣/٣٤ـ٥/٣٦ـ
٣/٣٨ـ٢٢/٤٩ـ٦/٥٣ـ٢/١١١ـ١٠/١٢٢ـ١١/١٢٣ـ٣٧/١٤٣ـ
٤٠/١٤٣ـ٤٨/١٤٣ـ٨/١٦١ـ٢/١٧٦ـ٢٠٠/١٩٩ـ٧/٢٢٣ـ١٢/٢٤٣ـ
٨/٢٥٥ ـ ٣٩/٢٥٧
يامن هو على كلّ شيء قديرٌ ٤٢/٢٥٢
في قدرتك وأنت على كلّ شيءٍ قديرٌ ١٥/١٥٢
فإنّك على كلّ شيءٍ قديرٌ ٢٩/١١٧
وهو على كلّ شيءٍ قديرٌ ٥/١٢٣ ـ ٢٣/١٤٩
تجبر ولايجار عليك ياقديرُ ٩/٢٤٣
واستجب دعوتى إنّك على كلّ شيء قديرٌ ٨/١٧٣
إنّك على كلّ شيءٍ قدير وذلك عليك يسير ١٣/٥٧
وتفعل ما تريد وأنت على كلّ شيءٍ قديرٌ ٢٢/٨٨
إنّك على ما تشاء قديرٌ ٦/٣١
يوم الفاقة إنّك على كلّ شيء قديرٌ ١٠/٨١
واغفرلنا إنّك على كلّ شيء قديرٌ (قرآن) ٧/١٤٢
إنّك عزيزٌ قديرٌ ٩/٦١
ومنقلب كريم إنّك على كلّ شيء قديرٌ ٤/١٢٧
ياقديراً لاتؤده المطالب ٢/٩٩
أَقْدَرَ: ياأقدر القادرين ٢٩/٤٢
بعفو أنت أقدرُ عليه وأوسع له منّى ٤/٩٩

ق.د.س

تَقَدَّسَ: وتقدّس بالحسن والجمال ٢/٧ ـ ٢/٢
تَقَدَّسَتْ: وتقدّست أسماؤك ٤٢/١١٦ ـ ١٩٦/١٩٩
وتقدّست أسماؤك عن المنسوبين ١٢/١٠١
الحمدلله ... الّذى ... تقدّست أسماؤه ٩/١
قلت تقدّست أسماؤك ١٠/١٤٤
تَقَدَّسْتَ: تقدّست عن تناول الصّفات ٣/٢٤٧
وتقدّست في علوّك ٢/١٤٩
تقدّست عن ملامسة النّساء ٣/٢٤٣
قُدْسِ: ناجتك... في محاريب قدس ٣١/٢٠٠
قُدْسِكَ: أم ترقى إلى نور ضياء قدسك ٤١/٢٠٠
أسألك ... بأنوار قدسك ٤/١٨٦
بِقُدْسِكَ: قد أقمت بقدسك حياةً لكلّ شيء ٣٨/١٩٩
الْقُدْسِ: ياالله ياذا ... الكبرياء والقدس ٣/١٢٢
تَقْدِيسِ: تقديس مجدك وتمجيدك ١٦/٢٤٩
تَقْدِيسِكَ: الّذين... لايسأمون من تقديسك ١/١٢
لِتَقْدِيسِكَ: حتى أجعل محلاً لتقديسك ١/١٩٤

بِتَقْدِيسِكَ: وأغنيتهم عن الطّعام والشّراب بتقديسك ١٢/١٠
قُدُّوسٌ: ياقدّوسُ يانور ياقدّوسُ ١٤١/١
سبحانك قدّوسٌ قدّوسٌ قدّوس ٤/٢١
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... قدّوس لانرام ١٣٠/٥
لاإله إلاّ أنت ياقدّوسُ ياسلام ١٣٧/٢
يارحمن ياقدّوسُ ياواحد ياأحد ١٣٠/٢
مُقَدَّسٍ: على التّهجّم على مقدّس حضرتك ١١٨/١
لِمُقَدَّسِ: درجات العبوديّة لمقدّس مقامك ١١٨/٨
الْمُقَدَّسَاتِ: وبأسمائك المكرّمات المقدّسات ٢٦٧/٦

ق.د.م

قَدِمْتُ: إن أنا قدمتُ عليك ٢٠٦/١٢
الويل لي إذا أنا قدمتُ إليك ٢٠٥/١١
قَدِمْنَا: وفيما بعد الموت إذا قدمنا عليه ١٤٣/٣٨
نَقْدُمُ: وذريعة نقدمُ بها على نعيم ١٠٩/٩
أَقْدَمَ: أنا الّذى أقدم عليك مجترئاً ١٤٧/٨٢
أَقْدَمَكَ: ياإلهي ما أحلمك ... وأقدمك ٢٠٠/١
فَأَقْدَمَ: فأقدم عليه عارفاً بوعيدك ١٤٧/٧٤
قَدَّمَ: يتعجّل به نفع ما قدّم ٦٧/٢١
قَدَّمَهُمْ: ... لايملكون «الخلق» تأخيراً عمّا قدّمهم إليه ١/٥
قَدَّمَنِي: إلهي قدّمني إليك رجاء لايشوبه قنوط ٢٣٩/٨
قَدَّمُوهُ: ما قدّموه من الصّالحات ١٤٧/٧٨
قَدَّمَتْ: يوم ينظر المرء ما قدّمت يداه (قرآن) ٢٠٧/١٢
وإن تعذّبني فبما قدّمت يداى ١٣٥/٧
لأخّرت عقابك عنّى بما قدّمت يداى ٣٦/٤
ولاتعذّبنا لكثرة ذنوبنا وما قدّمت أبدينا ٨٣/٤
وإن عاقب فبما قدّمت أيديهم ١٢٣/٣
قَدَّمْتَ: وأخّر عنّى ما قدّمت ٥١/٢
قَدَّمْتُ: وامح عنّى شرّ ما قدّمتُ ٤٦/٥
أن تغفر لي ما قدّمتُ وما أخّرتُ ١٣٨/٤
وتكتب ما قدّمتُ يومي وليلتي ٢٠١/١٦
قدّمتُ الثّقة بك وسيلةً في إستنجاز موعودك ٢٤٩/٣
فقد قدّمت توحيدك ١٤٧/٧٨
قَدَّمْتُهُ: لاأستحقّه بعمل صالح قدّمته ٢٥٧/٧
أُقَدِّمُ: فأحقّ ما أقدّمُ إليك قبل الذّكر لحاجتي ٢٤٩/١٥
وأقدّمَ على رضاى رضاهما «الوالدين» ٦٣/٥
أقدّمُ في يومي هذا بين نسياني وعجلتي ١٧/٢
أُقَدِّمُهُ: وأقدّمُهُ بين يدى حوائجي ١٢٤/٦ ـ ١٢١/٢٠
أُقَدِّمُهُمْ: وأقدّمهم بين يدى حوائجي ١٢٤/٧ ـ ١٢١/٢١
أقدّمهم أمام حاجتي إليك ١٩٩/١٤٩
أُقَدِّمُكَ: وأقدّمك بين يدى حوائجي ١٢٤/٦
لَمْ أُقَدِّمْ: وإن لم أقدّم ما قدّموه ١٤٧/٧٨
أَنْ يُقَدِّمَ: لايجيز جلّ وعزّ أن يقدّم قبله ١١٥/٤
فَقَدَّمْ: فقدّم لي ما أخّرت وأخّر عنّى ما قدّمت ٥١/٢
تَقَدَّمَ: وقد تقدّم منّى ما قد علمت ١٦٢/٣
لاتجعلني ممّن تقدّم فمرق أو تأخّر فمحق ٢٤٨/١
وتقدّم فيه «محمّد» من النّصيحة لخلقك ١٠/٢٢
إذ تقدّم له «محمّد» قبولها «الرّسالة» في ١٠/٢
تَقَدَّمَهُ: لمن تقدّمه من الأنبياء مصدّقاً ١٠/٦
تَقَدَّمْتَ: وقد تقدّمت بالوعيد ١٤٦/١١
تَقَدَّمْتُ: وإذا تقدّمتُ بانفصالى من بين يدي ١١٨/٦
أَلاَّ يَتَقَدَّمَهُ: وألاّ يتقدّمه «الإمام» متقدّم ١٤٧/٦٢
لاَيَسْتَقْدِمُونَ: لايستأخرون ساعة ولايستقدمون (قرآن) ٢٠٧/١
بِالْقِدَمِ: الحمدلله... السّابق الأزليّة بالقدمِ ١٩٩/٥٢
إِقْداماً: أشدُّ إقداماً على السّوءِ منّى ٤٩/١٣
تَقْدِمَةِ: لاتقدمة زاد ولاإعتداد لمعاد ١٩٩/٤١
تَقْدِيمِ: وإن عزب لبّى عن تقديمِ ما يصلحني ١٩٩/٨٨
بِتَقْدِيمِكَ: أللّهمّ إنّه قد سبقنا بتقديمك إيّاه ١٠/٢٧
تَقَدُّماً: ولايستطيعون تقدّماً إلى ما أخّرهم عنه ١/٥
قَادِماً: وآنسنا به قادماً ١٠٣/٤
قَادِمِهِمْ: الأخذ بمحاسن أدبك في... تعهّد قادمهم ٦٥/٢
بمحاسن أدبك في ... تعهّد قادمهم ٦٦/١
مُتَقَدِّمٌ: وألاّ يتقدّمه «الإمام» متقدّم ١٤٧/٦٢
الْمُتَقَدِّمُ: المتقدّمُ لهم مارق ١١٣/٢
المتقدّم لهم «محمّد وآل محمّد» مارق ٢٠/٢
قَدِيم: ياقديمُ ياذاالشأن الرّفيع ١٢٤/٣
قديمَ فوائدك بحوادثها ١٤٧/١٠٢
ياقديمَ الإحسان ١١٦/٢٦
فاستجب لي ... ياعليم ياقديمُ ١٢٤/٢
قديماً ما مننتَ عليّ ٤٢/٢٤
في ردّ قديمِ ما أنعمت عليّ ١٧٣/٣
إنّك ذومنّ قديمِ ١١٦/١٠١
أبلغ به «محمّد» من ... شكر قديمِ سابقته ١٠/١٥
وعظيم جرمي وقديمِ إساءتي ٢٠١/٤٧
إنّ الشّيطان ... قديمُ العداوة ٢٠١/٥٠
وعدلك قديمٌ وعطاؤك جزيل ٢٥٧/٨
فقد خفت ... ا ... قديمِ إساءتي ٢٥٧/١٨
الْقَدِيم: وقد توثّقنا منك بالصّفح القديمِ ١١٦/٣٥
أللّهمّ أنت ... السّابق القديمُ ١٩٩/٩
أين إحسانك القديمُ ١١٦/٢٧

هو ... الدّآئم القديمُ ٢/٦ ـ ٧/٥
وأنت ... السّميع البصير القديمُ الخبير ١٤٧/٦
القديمِ الّذى لابدء له ١١٤/٨
أسئلك سؤال معترف ببلائك القديمِ ١١٤/٩
إنّك ذوالفضل العظيم والمنّ القديمِ ٦٣/١٦
بالصّفح الكريم والعفو القديمِ ٢٥٧/٥
حتّى عاد كالعرجون القديمِ بتقديرك ١٣٠/١
بِقَديمِ: واثقاً بقديم طولك ١٩٩/١٧٩
إليك أستشفع بقديمِ كرمك ١٩٩/٣٣
فقد أيقظتني المعرفة بقديمِ آلآئك ١٩٩/٨٧
تذكيراً لمحو الحوبة بقديمِ النّعمة ٤٦/٣
لِقَديمِ: فقد سألتك ... لقديمِ الرّجاء فيك ٢٥٧/٧
فإنّما أسألك لقديمِ الرّجآء لك ١١٦/٨٦
فَقَديماً: فقديماً شملتني رحمتك ٢٠٥/١٥
وإن تعف عنّى فقديماً شملني عفوك ١٦٢/٥
فقديماً ما مننت على أوليائك ١٤٨/١٥
فقديماً لطفت لمسرف على نفسه ٢٤٣/١٠
أَقْدَمُ: وأقدمُ إحساناً إلىّ ٦٣/١٠
قَدَمُ: آه وانفساه من يوم تزلّ فيه قدمٌ ١٩٨/٢٠
ولالحوق قدم بقدم ١٠٣/١
قَدَمي: لحرّ وجهي وزلّة قدمي ١٦٧/٣
لاتثبّت له «ظالمى» قدماً ١٥٥/٢
قَدَمي: عرضت لي بليّةٌ أزالت قدمي ١١٦/٥٤
وثبت قدمى وأفرغ الصبر علىّ ١٢٨/٥
من جميع خلقك تحت قدمي ١١٦/١١٥
فإنّك إن وكلتني إلى نفسى زلّت قدمي ٢٤٨/٦
بِقَدَمِ: ولالحوق قدم بقدمِ ١٠٣/١
اَلْقَدَمَيْنِ: فويل لهاتين القدمين ٢٠٦/٢ ـ ٢٠٥/٢
قَدَمَايَ: قمت لك حتّى تتنشّر قدماي ٤٩/١٧
إلهى طالما مشت قدماى ٢٠٦/٢ ـ ٢٠٥/٢
أَقْداماً: تقيّد بأنكال الجحيم أقداماً طالما ١٩٩/١٥٣
أللّهمّ إليك ... نقلت أقدامُ الخاطئين ٨٣/٥
الْأَقْدام: يعلم ... نقل الأقدامِ ١٤٩/٢٤
أَقْدامَهُمْ: وزلزل أقدامهم «الظّلمة» ١١٩/٥
أَقْدامِكُمْ: شرّكم تحت أقدامكم ٢٢/٣٦
أَقْدامِنا: يوم المجاز عليها زلل أقدامنا ١٠٩/٢٠
وثّمنا حتّى تيبس أقدامُنا ٢١٣/١
لِأَقْدامِنا: لأقدامنا عن نقلها إلى ١٠٩/١١
بِأَقْدامِنا: ولانخطو بأقدامنا إلى محجور ١١٥/٨

ق.د.و

إِقْتَدَوْا: الظّلمة ... إقتدوا بغير هداك ١١٩/٢
إِقْتَدَيْنا: أفبأفعال البهائم إقتدينا ٢١٤/٦١
أفبأفعال الأنعام إقتدينا ٢١٤/١٣٩
يَقْتَدي: ويقتدي بتبلّج إسفاره ١٠٩/٨
لَمْ أَقْتَدِ: فآمنت برسولك ولم أقتد بهداه ٢٥٧/١٠
اَلْمُقْتَدىٰ: والمقتدىٰ بآبآئه الصّالحين ٤٢/٧ ـ ٤٢/٨

ق.ذ.ف

إِقْذِفْ: أللّهمّ اقذف في قلوب عبادك محبّتي ٧٧/٣
بِالْقُذُوفِ: وألحّ عليها «بلاد المشركين» بالقذوف ٦٧/١٥

ق.ذ.ل

اَلْقِذالِ: وشيب القذال منذ ذلك ذاعر ٢١٤/١١

ق.ذ.ى

لاتُقْذِ: ولاتقذ عيناً فتحتها بنعمتك ٣١/١

ق.ر.أ

قَرَأُوا: وقرأوا صحيفة السّيّئات ٢٠٠/٢٧
قَرَأْتَ: وإذاقرأتالقرآن جعلنا بينك (قرآن) ٢٣/٥ـ٢٢/١٠
قرآناً: وقرآناً أعربت به عن شرائع أحكامك ١٠٩/٢
اَلْقُرْآنَ: أن تجعل القرآن ربيع قلبي ونور بصرى ٢٢/٤٠
وإذا ذكرت ربّك في القرآنِ وحده (قرآن) ٢٢/١٠
واجبر بالقرآنِ خلّتنا من عدم الإملاق ١٠٩/١٥
وبحرمة القرآن أعتمد عليك ١١٦/٧٠
١٩٧/٣٦ ـ ٢٤٤/٣ ـ ١٩٩/١٤٩
وإذا قرأت القرآن جعلنا بينك... (قرآن) ٢٣/٥ ـ ٢٢/١٠
... أتوسّل إليك بحرمة هذا القرآن ... ٤٢/٣
أنزلت فيه «رمضان» القرآنَ هدىً للنّاس ١١٧/١
وما أنزلت فيه «رمضان» من القرآنِ ١١٧/١٨
وبحقّ القرآن وتلاوته ١٨٠/٥
القرآنَ لنا في ظلم اللّيالي مؤنساً ١٠٩/١١
الّذى أنزل فيه القرآنُ هدىً (قرآن) ١١٥/٣
واجعل القرآنَ وسيلةً لنا ١٠٩/٩
ودلّنى القرآنُ على فواضل جودك ٢٠١/٤٣ ـ ١٩٩/١٣٢
واحتجّوا بمتشابه القرآنِ ٢١٩/٤٥
أسميته القرآنَ وأكنيته الفرقان العظيم ١٤٤/٧
آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم (قرآن) ١٤٤/٧
طٰه ما أنزلنا عليك القرآنَ لتشقى (قرآن) ١٤٤/٨

يسّ والقرآنِ الحكيم (قرآن) ١٤٤/٩
صّ والقرآنِ ذى الذكر (قرآن) ١٤٤/١٠
قّ والقرآنِ المجيد (قرآن) ١٤٤/١١
حين أسميته وقرنت القرآنَ به ١٤٤/١٢
القرآنُ مردف به إلاّ وهو اسمه ١٤٤/١٢
شهر رمضان الّذى أنزل فيه القرآنُ (قرآن) ١٤٤/٢١
إلهى إذا... دلّني القرآنُ على فواضل جودك ١٩٧/٢٣
وربّ شهر رمضان الّذى أنزل فيه القرآنُ ١٤١/٩
أللّهمّ ربّ ... الزّبور والقرآنِ الحكيم ٢٦٩/٢
وما أنزلت من نظائرهنّ في القرآنِ ١٤٢/١٣
بما أنزلت فيه من القرآنِ والنّور ١٤٢/٢٤
شهر القيام وشهر القرآنِ وغرر الأيّام ١٤٣/٢٨
أم على هذا ذلك القرآنُ ٢١٤/٦٩
أم على هذا نزل القرآنِ ٢١٢/١٤٨
إذا ذكرت ربّك في القرآنِ وحده (قرآن) ٢٣/٤
بِالْقُرْآنِ: وهوّن بالقرآنِ عند الموت على ١٠٩/١٧
وأدم بالقرآنِ صلاح ظاهرنا ١٠٩/١٣
واحطط بالقرآنِ عنّا ثقل الأوزار ١٠٩/١٠
وارحم بالقرآن في موقف العرض عليك ١٠٩/٢٠
لِلْقُرْآنِ: أتحرّق بالنّار لساني وكان للقرآن تالياً ٢٠١/٣٤
الْقُرَّاءِ: وطهّرنا من ... الرّغبة عن القرّاء ٢٠٠/١٧

ق.ر.ب

قَرُبَ: قربَ المحسنون وبعد المسيئون ١٨٤/٩
وقرب من مجالس التّوابين مجلسي ١١٦/٥٤
قَرُبَتْ: السّلام عليك من شهر قربت فيه الآمال ١٤٢/٣٠
يامن قربت رحمته من المحسنين ١٩٩/٣٤
يامن قربت نصرته من المظلومين ٤٤/١
لايَقْرُبُ: وتقرّبت إليك بما لايقرب به ١٤٧/٧٨
قَرَّبَ: وقرّب الأقصين على إستجابتهم لك ٩/٢
قَرَّبَهُ: يامن ... إذا أقبل عليه قرّبه وأدناه ١٨٥/١
قَرَّبْتَهُ: إلى وقت فنآئه من ملك قرّبته ١١٥/١٦
قُرِّبُوا: فحيّوا وقرّبوا ... بخدمتك ٢٠٠/٣٥
يُقَرِّبُني: فخالفت ما يقرّبني منك ١٩٩/١٧٣
واجعل ما يقرّبني إليك من طاعتك خالصاً لك ١٣٧/٤
وأقبل بقلبي إلى ما يقرّبني إليك ٢٥١/٤٢
ورجاءُ إنعامك يقرّبني ٤٢/٢٦
إنّى أسألك التّوفيق لكلّ... فعلٍ يقرّبني ١٢٣/١٥
أللّهمّ وفّقني لكلّ عمل... يقرّبني إليك زلفى ١٢٣/١٩
لَمْ يُقَرِّبْني: ولم يقرّبني منك عملي ١٩٧/٦ - ١٩٩/١٢٠
إلهى إن كان قددنا أجلي ولم يقرّبني منك عملي ١١٦/٩٣
تُقَرِّبُهُ: ومن تقرّبه إليك يغنم ١٥/٩ - ٨/٢٢
تُقَرِّبُهُمْ: ربّ صلّ ... صلاةً تقرّبهم منك زلفى ١٤٧/٦٠
قَرِّبْ: إلهى ... قرّب علينا البعيد ١٨٩/٢
وقرّب وسيلتَهُ «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
وقرّب الوقت فيه ولاتسمنا الغفلة عنك ٩٥/٣
قرّب الخير من متناولي ١٩٩/٧٦
أللّهمّ قرّب أجله، واقطع أثره ١٦٠/٦ - ١٦٠/٨
أللّهمّ قرّب أجله
قَرِّبْني: وقرّبنى إليك زلفةً ٣٦/٩
إِقْتَرَبَ: أدعوك دعاء من ... إقترب أجله ٢٤٢/٣
إِقْتَرِبي: أيّتها النّفس إقتربي من الصّالحين ١٩٧/٤٧
تَقَرَّبَ: سيّدى إنّ من تقرّب منك ١٩٩/١٥٢
أوجه من توجّه وأقرب من تقرّب ١٤٣/٢٦
أو تقرّب إليك بقربة أوجبت رضاك له ١٤٢/٥٦
تَقَرَّبْتُ: وتقرّبت إليك بما لايقرب به ١٤٧/٧٨
أَتَقَرَّبُ: أللّهمّ فإنّى أتقرّبُ إليك بالمحمّديّة ١٥٢/١٥
أللّهمّ إنّى أتقرّبُ إليك بالمحمّديّة الرّفعية ١٥٣/١١
ولاأجد أحداً ... أتقرّب به ١٣٢/١٣
وأتقرّب بهم إليك زلفىٰ ١٣٢/١٣
ولاتجعل شيئاً ممّا أتقرّبُ به إليك... رياءاً ١١٦/١٠٩
وأتقرّب إليك بنعمتك ١٢٨/٩
... وأتقرّب إليك بجودك وكرمك ... ٤٢/٢
... أتقرّب إليك بحبّهم ومولانهم ... ٤٢/١٨
وبمحمّد وأهل بيته ... أتقرّبُ ١٩٩/١٤٩
أَنْ نَتَقَرَّبَ: وأن نتقرّب إليك فيه من الأعمال ١١٥/١٥
لاأَتَقَرَّبُ: حمداً ... لايتقرّب به إلاّ إليك ١٤٧/٣٣
الْقُرْبِ: في رياض القربِ والمكاشفة يرتعون ١٩٣/٢
قُرْبُهُمْ: فما نفعهم قربهم ولاضرّنى بعدى ٢٤٨/٧
قُرْبِكَ: أذقنا حلاوة ودّك وقربك ١٨٨/٣
قربُك غاية سؤلي ١٨٩/٨
من كلّ سرور بغير قربك ١٩٤/٤
أدننا من قربك ٨/٢٠
أنت ... القريب إلى من حاول قربَك ١٤٢/٢٦
صلّ على محمّد وآله وأدننا إلى قربك ١٥/٤
وصلةً إلى قربك وذريعة إلى جنّتك ٧٩/٦
وما أعذب شرب قربك ١٩٣/٥
غمّى لايزيله إلاّ قربُك ١٩٢/٤
بِقُرْبِهِ: وحلّ أحبّ القوم كان بقربه ٢١٤/١٢٦
لِقُرْبِهِ: فظلّ أحبّ القوم كان لقربهِ ٢١٤/٥٠

بِقُرْبِكَ: بقربك وجوارك خصصتني ١٨٤/٣
من ذاالّذى أنس بقربك فابتغىٰ عنك حولاً ١٩٠/١
لِقُرْبِكَ: ممّن اصطفيته لقربك ١٩٠/٢
قُرْبَةً: ويكون وسيلة لديه خاصّة به قربةً منه ١٠/٣١
الْقُرْبَةَ: أرزقني ... التّوفيق والقربة ١١٧/٩
وأنواع القربَةِ إليك ١١٥/١٥
بِقُرْبَةٍ: أو تقرّب إليك بقربَةٍ أوجبت رضاك له ١٤٢/٥٦
قَرابَتِهِ: إذ سكنوا في ظلّ قرابته ١٤/٣
قَرابَتي: واستر عليّ وعلى ... قرابتي ١١٧/٢٨
وتكون أرحم بي من أهلي وقرابتي ١٩٧/٣٤
وتكون أشفق عليّ من أهلي وقرابتي ١٩٩/١٣٩
وإن ألجأتني إلى قرابتي حرموني ٥٩/٣
الْقَرابَاتُ: انتفت منهم القرابات إذ سكنوا ١٤/٣
قَرابَاتِنا: وذوى أرحامنا وقراباتنا وجيراننا ٥٠/٩
إقْتِرابِ: فسرّني بلقائك عند إقتراب أجلى ١٩٩/١٢٦
٢٠١/٤٢ ـ ١٩٧/١٣
أبعد إقتراب الأربعين تربّص ٢١٤/١١
أشكو إليك ... إقترابَ أجلي ٢٥٢/١٦ ـ ٢٥١/٢٤
وتفريطها إلى إقترابِ أجلي ١٤٨/٢
إرحم... إقترابَ أجلي وضعفي ومسكنتي ١٦٧/٣
تَقَرُّباً: تقرّباً إلى المخلوقين بحسناتي ١٤٨/٣١
تقرّباً إلى النّاس بحسناتي ٢٧/٨
التَّقَرُّبِ: وتذهل عن التقرّب منك ١٤٧/٩٤
والتقرّبَ إليك ربّ لترضى ١٦٤/٩
بِالتَّقَرُّبِ: أحد منك إلاّ بالتّقرّب به ١٤٧/٧٨
مُتَقَرَّبٌ: ومتقرّب إليك بنبيّك ١٤٩/٤٣
مُتَقَرِّبِينَ: عليه وآله بذلك متقرّبين ١٤٧/٦٧
قَريبٍ: أن تصرف عنّى... شرّكلّ قريبٍ أو بعيد ٢٤٩/٢٥
وإنّ الرّاحل إليك قريبٌ منك ٢٥٦/١
وأنت من الدّاعين قريبٌ ٢٥٦/٤
ولاقريبَ له ولاكفو له ١٤٩/١٩
نزل بي قريباً ١٩٩/١٣٩
وأعطنا إنّك ... قريبٌ مجيب ١١٧/٢٣
ونأيت فكنت قريباً مجيباً ١٤٨/١٨
وحبد ... نزل بي قريباً ١٩٧/٣٣
ورمقتني من قريبٍ أعين الفوت ١٩٧/٤٥
وأىّ راج أمّك فلم يجدك قريباً ٧٠/٢
سبحانه من ... قريبٍ ما أرفعه ١٩٩/١٥
ولاتكلني ... إلى قريبٍ ولابعيدٍ ١٤٩/٦٣
وإنّ الرّاحل إليك قريبُ المسافة ١١٦/١٢
يالله ياقريبُ ياالله يامجيب ١٣٤/١
أللّهمّ إنّى أسألك ... فرجاً قريباً ١١٦/١٠٦
ياجوادُ ياقريبُ يامجيبُ ١٣٨/١٣
أىّ راحل أمّك فلم يجدك قريباً ٢٥١/٦١
إنّك منيب قريبٌ ٢٤٧/١٠
يامن قال: أدعونى فإنّى قريبٌ (فرآن) ٢٠٠/٤٧
من ندائي قريباً ولتضرّعى راحماً ٣٩/١٠
إنّ ربّى قريبٌ مجيب ١١٧/٣٩
وبعيدها قريبٌ ٨٨/١٩
إنّك قريبٌ مجيبٌ ١١٦/٤٥ ـ ٧٧/٤ ـ ٣٥/١٦ ـ ٦٤/١٦
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... قريبٌ لايبعد ١٣٠/٣
وأعذني وذرّيّتي... ومن شرّكلّ قريبٍ وبعيد ٦١/٦
... وأمّه الخائفون فوجدوه قريباً ... ٤١/٢
إغفر للمؤمنين واللمؤمنات إنّك قريبٌ مجيب ٢٤١/٩
تحلم عنّى ياكريم إلى أجلٍ قريبٍ ٢٠٦/٢ ـ ٢٠٦/١
فحلمت عنها ياكريم إلى أجل قريبٍ ٢٠٦/٣
تحلم بحلمك الكريم إلى أجلٍ قريبٍ ٢٠٥/٣
٢٠٥/٢ ـ ٢٠٥/١
فاجعل ... مأخذه «رزقك» قريباً ٧٧/١٤
الْقَريبِ: بإحسانك الّذى فيه الغنى عن القريب ٢٠٦/١٦
أنت ... القريبُ إلى من حاول قربك ١٤٢/٢٦
أين فرجك القريبُ ١١٦/٢٧
لَقَريبٌ: إنّ القاصد إليك لقريبُ المسافة منك ٢٢١/٣
أنّ القاصد إليك لقريبُ المسافة عنك ٢٢٠/٥
قَريبَةٌ: وإغاثتك قريبةٌ من المستغيثين ١٤٦/٦
الْقَريبَةِ: وعلى الغاية القريبةِ الزّائلة ٩٨/٧ ـ ٨/١٢
مُقَرَّبٌ: دعاك بها نبيّ مرسل وملك مقرّبٌ ١٢١/١٩
بالتّوسّل بهم إليك مقرّباً وجيهاً ١٩٩/١٥٠
ولابوازيه «محمّد» لديك ملك مقرّبٌ ٩/٤
أسألك ... بكلّ دعوةٍ دعاك بها... ملك مقرّبٌ ١٢٤/٥
مقرّباً من طاعتك في الإظهار والإبطان ١٩٩/١٩٠
الْمُقَرَّبُ: وجبريل ... المقرّبُ عندك ١٢/٤
المنتجب المصطفى المكرّم المقرّبِ ١٤٧/٤٦
الْمُقَرَّبِينَ: أتوسّل... بـ... ملآئكتك المقرّبين ١٢٢/٧
كما صلّيت على ملآئكتك المقرّبين ١٤٢/٦٣
أفضل ما جزيت أحداً من ملآئكتك المقرّبين ١٠٩/٢٧
وأعطني فيه أفضل ما تعطى أولياءك المقرّبين ١١٧/١٣
أللّهمّ صلّ على ملآئكتك المقرّبين ١٢٣/٤٩ ـ ١٢٣/١١
من المقرّبين برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٣٢/١٤
وأشهد من حضرني من ملآئكتك المقرّبين ١٩٩/١٢

وصلّ على ملآئكتك المقرّبين ١٤١/٣٢ ـ ٨٣/١٧
ربّ ... جميع الملآئكة المقرّبين ١١٧/١٨
والحمدلله ... حمداً نزاحم به ملآئكته المقرّبين ١/١٨
وربّ النّبيّين والملآئكة المقرّبين ٨٣/٦
الْمُتَقَرَّبِينَ: وأعلى صلات المتقرّبين ١٠١/٣
الْمُقَرَّبِينَ: والملآئكة المقرّبين ٢٠٢/٤
عند مواقف الأشهاد من الملآئكة المقرّبين ٨٨/١٢
الْمُقَرَّبُونَ: يشهده المقرّبون (قرآن) ١/١٥
الّذى يشهده المقرّبون ١٩٩/١٩٢
أَقْرَبِ: سيّرنا في أقربِ الطّرق للوفود عليك ١٨٩/٢
يوم القيامة أقربَ النّبيّين منك مجلساً ١٠٩/٢٣
أوجه من توجّه وأقربِ من تقرّب ١٤٣/٢٦
أقربَ الأنبياء زلفة يوم المقعد عندك ١٠/١٤
لأقربَ من محمّدٍ وآله ١٣٢/١٣
يامن هو أقربُ إليّ من حبل الوريد ١٣٩/١
وأنّك بأن تستر أقربُ منك إلى أن تشهر ١٤٧/٩٨
وأقربُ إلى ضدّ العافية ٩٢/٢
أللّهمّ إنّي أشهدك وأنت أقربُ الشّاهدين ١٩٩/١٢
أقربُ إليّ من الصّاحب اللّزيق ١٩٩/٤٠
يامن هو... أقربُ إليّ من الجار اللّصيق ١٩٩/٧٦
حمداً لاحمد أقربُ إلى قولك منه ١٤٧/٤٣
الْأَقْرَبُونَ: ملآئكتي فريد قد نأى عنه الأقربون ١٩٧/٣٣
فقلت ملآئكتي فريد نأى عنه الأقربون ١٩٩/١٣٩
الْأَقْرَبِينَ: وعادى فيك الأقربين ٩/٢
ومن خذلان الأقربين النصرة ٥٥/١٠
أَقْرَبِيهِ: صلّى الله عليه وعلى آله وأقربيه ١٩٩/٦٠
الْأَقْرِبَاءَ: الأقرباء أطراف جنازتي ١١٢/٧ ـ ١١٦/٩٧
أَقَارِبِي: إغفرلي ولـ... أقاربي ٢٠٠/٤٨
الْقُرْبَى: جميل إنعامك في القربى منك ١٨٦/٤

ق.ر.ح

أَقْرَحَ: تشبّهى بنفوس قد أقرح ١٩٧/٤٧

ق.ر.ر

قَرَّتْ: وقرّت بالنّظر إلى محبوبهم أعينهم ١٩٣/٤
فَقَرَّتْ: فقرّت أعينهم بما وجدوا من العين ٢٠٠/٣٠
يَقَرُّ: بدعآئي لهما ما يقرّ أعينهما ١٤٩/٦٦
لايَقَرُّ: قراري لايقرّ دون دنوّى منك ١٩٢/٣
تَقَرُّ: أن تمنّ عليّ من عطآئك بما تقرّ به عيني ١٨٥/٧
والحمدلله... حمداً تقرُّ به عيوننا إذا برقت الأبصار ١/١٦
فَتَقَرَّ: فتقرّ بذلك عيني وتطمئنّ له نفسي ١٨٤/٣
كَيْ تَقَرَّ: فرددناهُ إلى أمه كى تقرّ عينُها (قرآن) ١٥٩/٢١
فرجعناك إلى أمّك كى تقرّ عينها (قرآن) ١٥٩/٢٠
أَقَرُّ: مثابة أتبوّأها وأقرّ عيناً ١٤٧/١١١
وأتضرّع ضراعة من أقرّ على نفسه ١٩٧/٣٠
تضرّع من أقرّ على نفسه بالحجّة في دعواه ١٩٩/١٣٤
أَقْرَرْتَ: وكم من نعمة سابغة أقررت بها عيني ١٦٣/٣
وأقررت أعينهم «صفوتك» بالنّظر إليك يوم لقآئك ١٩١/٣
أَقْرَرْتُ: أقررتُ لك بالرّبوبيّة ١٢٤/٥
أُقِرَّ: ياأكرم من أقرّ له بالذّنوب ١٢٩/٤١
يُقِرُّوا: يقرُّوا بأنّك أنت الله الّذى ٦٧/١٠
تُقِرَّ: إلهى كيف تقرّ لي نفسي بأنّك تعذّبني ١٩٧/٢١
لِأُقِرَّ: لأقرّ لك بوحدانيّتك وبوجود ربوبيّتك ٢٢٩/١٨
وهب لي الثّقة لأقرّ معها بأنّ قضائك ٩٦/٣
أَقْرِرْ: وأقرر أعيننا يوم لقآئك برؤيتك ١٩٦/٣
أَقِرَّ: وأقرّ عيني وفرّح قلبي ١١٦/١١٤
إِسْتَقَرَّ: فلمّا استقرّ في اللحد ٢١٤/١٣٣
وإستقرّ إدراك السّؤل ... قرارهم ١٩٣/٤
إِسْتَقَرَّتْ: إستقرّت في قلبي ١٩٩/١٦٣
لقد أحببتك محبّة إستقرّت حلاوتها ١٩٧/٤١
قَرارَ: وأودعتني قرارَ رحمها ٨٨/١٥
الْقَرارِ: وفي جوارك من اللآبثين في دار القرارِ ١١٤/٧
وأنزلتني دار القرارِ ١١٣/٩
قَرارِهِ: سلب قراره «ظالمى» ١٥٥/٣
قَرارِهِمْ: في بحبوحة قرارهم ٩/٣
وإستقرّ بإدراك السّؤل ونيل المأمول قرارُهُم ١٩٣/٤
قَرارِي: من نومى وقراري وظعني وأسفارى ١٣٩/١٥
قراري لايقرّدون دنوّى منك ١٩٢/٣
قُرَّةَ: وتسلبهم قرّة عيونهم ٢١٩/١٧
لقآؤك قرّةُ عيني ١٨٩/٧
فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قرّة أعين (قرآن) ٢٥٧/١٣
وقرّة العين في الأهل والمال ١١٦/١١٠
إلاّ نغّصت أهله قرّة أعينهم ٢١٩/٢٤
وأسألك قرّةَ عين لاتنقطع ١٣٩/١٤
قرّةَ أعين واجعلنا للمتّقين اماماً (قرآن) ٨٣/١٦
وياقرّةَ عين من لاذبكَ ١١٦/٣٠
ولاتسكنّى الهاوية فإنّك قرّةُ عيني ١١٦/٩١
إِقْراراً: أللّهمّ فلك الحمد إقراراً بالإساءة ١٤٢/٤٩
الْإِقْرارِ: ويفزع إلى الإقرار بمتشابهه ١٠٩/٥
لمعرفة وحدانيّتك والإقرار بربوبيّتك ١٤٤/٣

وقصاراي الإقرارُ بالحسود ١٤٦/١٤
ولجآئي إلى الإقرارِ بتوحيدك ١١٦/١٤
إقْراري: إقراري بربوبيّتك الّتي ٢٤٩/١٥
إقراري لك بما إحتطبت على نفسي ٢٤٩/١٧
أم تسلّطها «النّار» عليّ بعد إقراري ٢٤٣/٦
فهل ينفعني بالإلهي، إقراري عندك ٣٤/٤
فتفضّل على إقراري بعجزي ٩٩/٤
بِإقْرارِ: مستجدّين بإقرار الرّبوبيّة ٢٤٧/٦
إلقني بمغفرتك كما لقيتك بإقراري ٨٠/٩
مُقِرٌّ: فأنا مقرٌّ بأنّي لاأبلغ ما أنت أهله ٢٤٩/١٦
مقرٌّ لك بجنايتي ١٤٩/٣٨
دعوتك مقرّاً على نفسي بالإساءة ٢٣٩/٣
وكلّ مقرٌّ على نفسه بالتّقصير ٨/٩ ـ ٩٨/٥
مقرٌّ بذنبي معترف بخطيئتي ١٣٥/٧
مقرٌّ لك بأنّي لم أستسلم وقت إحسانك ٣٤/٣
أدينك ... مسلّماً مقرّاً بذلك ١١٩/١٩
أللّهمّ إنّي أصبح وأمسي ... مقرّاً بخطاياي ١٦٦/٨
مقرٌّ بالخطيئة نادم عليها ١٦/٣
أللّهمّ إنّي أصبحت... مقرّاً بذنوب ركبتها ١٦/٢
مقرّاً له «الله» بالعبودية خاشعاً ١٩٩/٥٧
مقرٌّ بوحدانيّتك ١٢٨/١٢
الْمُقِرُّ: فها أناذا عبدك المقرُّ بذنبي ١٤٩/٣٨
المتنصّل عن سيّىء ذنوبه المقرّ بعمله ٢٤٥/١
فأنا المقرُّ بما أحصيته وجنيته ١٩٩/١٣٥
أنا المقرُّ على نفسي بما جنت عليّ يداي ١٤٨/٥
سيّدى أنا ... المقرُّ بخطآئي ١٩٩/٨٢
فأنا المقرُّ بذنبي ١٦٧/٣
بِمُقِرٍّ: وخشع ما أنت صانع بمقرٍّ لك بذنبه ١٤٩/٤١
مُسْتَقَرٍّ: قامت على مستقرّ المشيئة كما أمرتها ٢٤٧/٧
عرّف بيني وبينهما «والدىّ» في مستقرّ رحمتك ١٣٩/١١
إنّها ساءت مستقرّاً ومقاماً (قرآن) ٨٣/١٥
مُسْتَقَرَّها: مستقرّها «الأمور» إلى محبّته ١٤٩/١٠
مُسْتَقَرّي: ... وليلتي هذه ومستقرّى هذا ٢١/١٥
بِمُسْتَقَرِّهِمْ: أيقنوا بمستقرّهم ٢٠٠/٣٩
لِمُسْتَقَرِّها: يامجرى الشّمس لمستقرّها ١٣٠/١
مَقَرّ: صلاة ... تنتهي إلى مقرّ أرواحهم ١٩٩/٦٠
وأصلح لي آخرتي فإنّها دار مقرّي ٢٤٠/٤
أَقَرَّ: واجعل... برّى بهما أقرّ لعيني ٦٣/٥
أَقَرَّهِمْ: أقرّهم عيوناً في المقام المحمود برؤيته ١٠/٣٠

ق.ر.ش

الْقُرَشيّ: وبحبّى للنّبيّ الأمّى القرشيّ... ١١٦/٧٠

ق.ر.ض

يُقْرِضُ: من ذاالّذي يقرض الله (قرآن) ١٤٢/١٢
إنْقَرَضَتْ: وإن إنقرضت بغير ما أحببت ١٩٩/٨٨
يَسْتَقْرِضُني: وإن كنت بخيلاًحين يستقرضني ١٢٠/٤-١١٦/٤
قَرْضاً: يقرض الله قرضاً حسناً (قرآن) ١٤٢/١٢
سألت عبادك قرضاً ممّا تفضّلت به عليهم ٧٧/١

ق.ر.ع

قَرَعَ: ومن قرعَ بابك حقيق بالإجابة ٢٥٦/١
قَرَعْتُ: قرعت باب فضلك يد مسألتي ٢٥١/٦٢ ـ ٧٠/٣
فقد قرعت بي باب فضلك فاقة ٢١٩/٣
يَقْرَعُ: يقرع باب إحسانك بدعآئه ١١٦/١٠٣
لاتَقْرَعْني: ولاتقرعني قارعةً ١٤٧/١٠٣
قارَعَنا: قارعنا الذّلّ والصّغار ٧٠/٥
قارَعَتْ: ولاقارعت عنه المنيّة خيله ٢١٤/٢٠ ـ ٢١٤/٩٥
مُقارَعَةِ: وجبّنهُم«المشركين» عن مقارعةِالأبطال ٦٧/١٣
قارِعَةً: ولاتقرعني قارعةً يذهب لها بهائي ١٤٧/١٠٣
قَوارِعُ: وقوارع الموت تختلف حكمى في نفسي ٢١٩/٨
مع صنوف عجائبها وقوارع فجائعها ٢١٤/١٠٩

ق.ر.ف

قَرَفْتُ: إلهى لولا ما قرفت من الذّنوب ١٩٧/١٨
قارَفْتُ: حتّى إذا قارفت معصيتك ٨٨/٧
أَنْ أُقارِفَ: إعصمني من أن أقارف ٨٠/١٤
وأعصمني أن أقارفَ مثلها «تبعات» ٨١/٢
إقْتَرَفَ: فكلّنا قد اقترف العائبة فلم تشهره ٩٥/١
على من إقترف من تغمّدك ١٤٧/٧٦
إرحم من أسآء واقترف وإستكان واعترف ١١٢/١٠
إقْتَرَفْتُ: سيّدى لولا ما إقترفتُ من الذّنوب ١٩٩/١٣٠
إن كنت بالإلهى إقترفت ذنوباً ٢٤١/٨
وإقترفت ما يباعدني عنك ١٩٩/١٧٣
إقْتَرَفْناها: ... ولامعصية إقترفناها ٣٣/٥
بِقَرْفِ: وحرني بقرف عيوبه ١٥٢/٩
إقْتِرافِ: سؤال نادم على إقتراف الآثام ٢٣٩/١
ولجوارحنا عن إقتراف الآثام زاجراً ١٠٩/١١
وعافيتني من إقتراف الآثام بتوبةٍ منك عليّ ٣٦/١٠
... أو إقتراف صغيرة أو كبيرة ... ٢١/٩

واعظاً لنا وزاجراً عن سوء الخلق وإقتراف الخطيئة ٩٥/٣
إقْتِرافي: تأنّب إليك من ذنوبي ومن إقترافي ١٢٩/٣٨
بِإقْتِرافِ: سالمت الأيّام بإقتراف الآثام ٢٣٧/٥
بِإقْتِرافي: حالت بيني وبينك بإقترافي ٢٤١/٨

ق.ر.م

قَرِماً: وإلى الآخرة قرماً ١١٤/١٢

ق.ر.ن

قَرَنْتَ: بحقّ من قرنت موالاته بموالاتك ١٤٧/٨٣
حبن أسميته وقرنت القرآن به ١٢٤/١٢
قَرَنْتَني: سيّدى وعزّتك لو قرنتني في الأصفاد ١٩٩/٩٣
إلهى لو قرنتني بالأصفاد... ما قطعت رجائي بك ١١٦/٧٤
إقْرِنْ: إقرن شكايتي بالتّغيير ٤٤/٨
يَقْتَرِنُ: وبك أستعين فيما يقترن به ٢٣٦/٣
قَرْنِ: لما نجم من قرنِ الضّلال قاصفاً ١٠/٨
كَقَرْنِ: بقيت فرداً كقرن الأعضب وحيداً ٢١٩/٣٤
قُرُونٍ: أيدى‌المنون‌من قرون بعد قرونٍ ٢١٤/٥-٢١٤/٨٠
الْقُرُونِ: فيه «الكتاب» نبأ القرونِ ١٩٩/١٧
والقرونِ الفانية ٢١٤/١٣
عن القرونِ الخالية الماضية ٢١٩/٣١
دون الأمم الماضية والقرونِ السّالفة ٩/١
أنظري إلى الأمم الماضية والقرونِ الفانية ٢١٤/١٣
تلك الحلاوة على القرونِ الخالية ٢١٩/١٤
الْمُقارِنينَ: ولاتجعلنا من المقارنين لأعدائك ٢٠٠/١٨
قَريناً: واجعلني لهم «محمّد وآل محمّد» قريناً ٥٧/١٣
السّلام عليك من قرينٍ جلّ قدره ١٤٢/٣١
أعوذبك من... قرينِ السُّوء في دار الدّنيا والآخرة ١٣٨/٩
قَرائِنَ: وقطعت قرائن الضّلال بنور هدايته ١٠/٥
مَقْرُوناً: وليلي مقروناً بعظيم صباحٍ ٢٠٢/٩
مَقْرُونَةً: اجعل‌سنتى هذه مقرونة بصالح الأعمال ١١٨/٩
صلاة مقرونةً بالتّمام والنّماء ١٩٩/٢٠
فتتلقّاهم مقرونةً بالرّوح والسّرور ١٩٩/٦١
قِرْنِهِ: ولايحدّث نفسه عن قرنه بفرار ٦٧/٥
أَقْرانِكِ: ونقلت إلى دار البلى من أقرانك ٢١٤/١
ونقل إلى الثّرى من أقرانك ٢١٤/٧٦
أَقْراني: إن كان الشيطان والكفّار فيها أقراني ٢٠٦/١١

ق.ر.ى

قَرَيْتَهُ: نزل بك ملتمساً قراك فما قريته ١٨٥/٢
قِراكَ: إلهى من الّذى نزل بك ملتمساً قراك ١٨٥/٢

ق.س.ط

قِسْطاً: إملأ الأرض به عدلاً وقسطاً ١٤٩/٧٠
وميزان قسطٍ لايحيف عن الحقّ لسانه ١٠٩/٤
تملأ به الأرض عدلاً وقسطاً ٢٤٨/١
الْقِسْطُ: والقسطُ الّذى لايميل ٨٩/١
بِالْقِسْطِ: قائم بالقسطِ عدل في الحكم ٢١/١٦
والقآئم بالقسط من أوصياء محمّد ١١٧/٣٥
الْقاسِطينَ: القاسطين والمارقين والفاسقين ١٢٨/٥
أَقْسَطَها: أسألك من النّهادة أقسطها ١٩٩/٢١

ق.س.م

قَسَمَ: شهدت أنّ الله قسمَ معايش عباده بالعدل ٩٦/١
قَسَمْتَ: وخير ما قسمت فيها وفرقت ١١٤/٦
قسمت لأهلها من العطاء في يوم الجزاء ٢٤٦/٦
ورضى بما قسمت لي ١١٧/٣١
ورضّنى من العيش بما قسمت لي ١١٦/١٣٥
أللّهمّ ... ترضيني بما قسمت لي ١٣٧/٤
وأن ترضيني بحصّتي فيما قسمت لي ٨٨/١٨
ثمّ رضّني بما قسمت لي من رزقك ١٦٤/٢١
أن تبارك لي فيما قسمت لي ١٢٩/٨
يَقْسِمُونَها: وأحنوا على أمواله يقسمونها ٢١٤/١٤١
تَقْسِمُ: ... المقسوم فيها بين عبادك ما تقسم ١١٤/١٢
تَقْسِمُهُ: وأنت الّذى تقسمه «رزقى» بلطفك ٧٧/١٣
واقسم لي فيه أفضل ما تقسمه ١١٧/١٢
إقْسِمْ: ثمّ إقسم أللّهمّ فيهم لي نصيباً خالصاً ١٤٩/٦٨
واقسم لي فيه أفضل ما تقسمه ١١٧/١٢
إقسم لي من خير ما أنت معطيه ١٢٣/١٣
أَقْسَمْتَ: وأقسمت وقسمك الأبرّ الأوفى ٧٦/٤
والحقّ الّذى إذا أقسمت به أوحيت ٢٠٢/٤
أُقْسِمُ: أللّهمّ إنّى أسألك وأقسم عليك ١٣٦/٢
قَسَّمْتَ: إلهى ليت السّباع قسّمت لحمي ٢٠٥/٥
وقسّمت الأرزاق بعدلك ١٤٩/٣
قِسْماً: وأجز لهم قسماً فيه ١٤٢/٥٥
وأجزل لي قسمَ المواهب من نوالك ١٤٧/١١٢
أن تجعلني من... أجز لهم من ودّك قسماً ١٨٩/٦
قِسْمي: أجزل فيها قسمي ولاتبدّل إسمى ١١٤/١٣
الْقِسَمِ: أسألك ... من القسمِ أسناها ١٩٩/٢٣
لايبلغ إلى فضائل القسمِ إلاّ بتأييدك ٢٤٩/٨

أَقْسام: لما بذلته من أقسام المواهب ١٩٩/١٧٧
الْقاسِماهُ: يامحمّد ياأبا القاسماهُ ... ٤٢/١٥
مُقَسِّمَ: يامقدّر الآجال يامقسم الأرزاق ١٢٩/٦٨
مَقْسُوماً: لكلّ روح منهم قوتاً معلوماً مقسوماً ١/٦
الْمَقْسُومِ: بحقّ هذه اللّيلة المقسوم فيها بين ١١٤/١٣
قَسَمِ: فما في كتابك من شاهد قسمٍ ١٢٤/١٢
الْقَسَمِ: مع القسم الّذى هو اسم من ١٢٤/١٧
قَسَمِكَ: وأتبعته من قسمك في كتابك قاطعاً ٧٦/٣
أن جعلته قسمَك حين أسميته ١٢٤/١٢
وأقسمت وقسمُك الأبرّ الأوفى ٧٦/٤

ق.س.و

قَسا: أقبلت على قلبي بعد ما قسا ١٩٨/٤
قَسَتْ: إنّ الظّلمة ... قست قلوبهم ١١٩/٣
فَقَسَوْتُ: وعظت فقسوتُ ١٥٢/١ ـ ١٥٣/١
يَقْسُوا: ولاتمدد لي مدّاً يقسوا معه قلبي ١٢٧/١٠٣
أَقْسىٰ: وأقسى قلبي ١٦٤/١١
قَسْوَةَ: مسكنتي وفاقتي وقسوة قلبي ٢٢٩/١٠
قسوةً من مخافتك من قلبي ١٢٨/٣١
الْقَسْوَةَ: والقسوة والغفلة والغرّة ١١٧/٥
قد إكتنفتهم القسوةُ ١٩٩/٥٨
أعوذبك من الغفلة والقسوة والعيلة ١٣٨/١٠
أللّهمّ إنّى أعوذبك من ... القسوة ١١٦/١٢٦
لِقَساوَةِ: ولم أسبق إلى رؤيتك لقساوة قلبي ٢٥٧/١٠
قَساواتِ: ونرمي قساوات القلوب بأسهم ٢١٩/١٨
قاسِياً: إلهى إليك أشكو قلباً قاسياً ١٨٣/٤

ق.ش.ع

إِقْشَعْ: إقشع عن بصآئرنا سحاب الإرتياب ١٨٨/١
تَقَشَّعَ: إلهى قد تقشّع الظّلام ٨٤/٣
تَقَشَّعَتْ: وتقشّعت عنه سحائب العمى ٨٠/٣

ق.ص.ب

قَصَبَني: وتكذيباً لمن قصبنى وسلامة ٥٥/١٢

ق.ص.د

قَصَدَ: ومنى فرح من قصد سواك بنيّته؟ ٨٤/٣
وأمهلت من قصد لنفسه بالظّلم ١٤٢/٢
لن يخيب من ... قصدٍ إليك بحاجته ٢٥١/٦٠
بأنّك أفضل من قصد إليه المقصّرون ١٢٠/١١
قَصَدَهُ: يا... أكرم من قصده المحتاجون ١٩٩/٧٣
يامن قصده الطّالبون ... ٤١/٢ ـ ٨٤/٢
قَصَدَكَ: وقصدك بخوفه إخلاصاً ٨٠/٤
ومن ذاالّذى قصدك بصدق الإرادة ١٩٩/٣٧
ولم يخب من ... قصدك بحاجته ٧٠/١
قَصَدَني: عجزى عن الإنتصار ممّن قصدني بمحار ١٥٣/٥ـ١٥٢/٥
قصدني بمكيدته ١٥٢/٩
قَصَدُوا: الّذين «التّابعين» قصدوا سمتهم ١٤/٦
قَصَدْتَ: متى فرح من قصدت سواك همّته ١٩٩/٣٧
قَصَدْتُ: أللّهمّ وقد قصدتُ إليك بطلبتي ٧٠/٣
إذا أبطأ علىّ ما قصدتُ فيه إليك ٤٠/٢
مع هوان ما قصدتُ فيه إليك عليك ٢٥٧/٢
وما قصدتُ باباً إلاّ بابك ٩٩/٢
وقد قصدتُ إليك بطلبتي ١١٦/١٣
وإلى عفوك قصدتُ ٥٥/٢٤
أللّهمّ وقد قصدتُ إليك بحاجتى ٢٥١/٦٢
وإليك قصدت لحاجتي ١٣٨/١٦
إلهى وسيّدى إيّاك قصدتُ بدعائي ١٣٨/١٦
فَقَصَدْتُكَ: فقصدتك ياإلهى بالرّغبة ٣٩/٨
قُصِدَ: ياخير من سئل وياأكرم من قصد ١٧٧/١
لَمْ يَقْصُدْ: لم يقصد غيرك برجائه ١٩٩/١٠٤
فَتَقْصُدَ: فتقصد قصدى بغضب ٢٥٧/٢١
حَتّى تَقْصُدَ: ومن أنا حتّى تقصد قصدى ٢١٠/١
أَقْصُدُ: وإليك أقصد وأعمد ١٩٩/٣
أَقْصُدُهُ: أرجوه لرغبة أقصده لرهبة ٢٠٤/١
أم أىّ إله أقصده ٢٣٩/٥
أَقْصَدَني: أقصدني إليك الرّجاء ٢٤٧/٢ ـ ٢٣٧/٣
قَصْدِ: منزّهاً عن قصدِ أحد سواك ١٩٩/١٩١
سيّدى أنا ... المتحيّر في قصدِ طريقي ١٩٩/٨٢
ولايختلجنا الزّيغ عن قصد طريقه ١٠٩/٧
على جدد قصدٍ سريعاً لحوقها ٢١٩/٢٨
لابضلّ من أمّ قصدَ سنّته ١٠٩/٤
الْقَصْدِ: وسمع المولّون عن القصدِ ١٩٩/٩٧
في الرّضا والخط والتّواضع والقصدِ ١٢٥/٥
أقمت لهم «الخلق» منار القصدِ إلى طريق ٢٤٩/١
قَصْدِكَ: وامحق به «وليّك» بغاة قصدِك عوجاً ١٤٧/٦٦
إجعلني من الّذين جدّوا في قصدك ١٩٩/٣٠
قَصْدي: فأنا ... المتحيّر عن قصدي، المنقطع بي ١٦٧/١
ومن أنا حتّى تقصد قصدي لغضب منك ٢١٠/١
ومن أنا ياسيّدى فتقصد قصدى بغضب ٢٥٧/٢١

الْإِقْتِصَادِ: وقوّمني بالبذل والإقتصاد ٧٩/٣
بِالْإِقْتِصَادِ: ومتّعني بالإقتصاد واجعلني من أهل السّداد ٥٥/٢٧
قَاصِدٍ: فإذا كلّ قاصدٍ لغيرك مردود ٩٩/١
إلهي ... أتيتك ... قاصداً جنابك ١٨٦/٧
واجعلني ... إليك في حوآئجي قاصداً ٢٥١/٤٨
الْقَاصِدَ: أنّ القاصدَ إليك لقريب ٢٢١/٣ ـ ٢٢٠/٥
لِقَاصِدٍ: ولامناصاً لقاصد ولاراآئداً لمرتاد ٢٢٣/٥
الْقَاصِدِينَ: وأعلام القاصدين إليك واضحة ٢٥٥/٤
الْقَاصِدُونَ: ولايجد القاصدون أرحم منه «الله» ١٩١/٤
يامن سعد برحمته القاصدون ١٨٥/٤
قَاصِدِيهِ: أنت ... الّذى لايخيّب قاصديه ١٨٧/٣
لِقَاصِدِيهِ: وبابك مفتوحٌ لقاصديه ٢٠٢/٧
مَقَاصِدِهِ: وينير معالم مقاصده ٢٢٣/٧
مَقَاصِدِهِمْ: إلهي... منك أقصى مقاصدهم حصلوا ١٨٩/٤
أَقْصَدَهَا: أسألك... من المذاهب أقصدها ١٩٩/٢٣

ق.ص.ر

قَصُرَ: وقصر دونك طرف كلّ طارفٍ ١٤٩/٤
قصر فهمي عن إدراكها «نعماؤك» ١٨٧/٥
قَصُرَتْ: الّذى قصرت الأوهام ١٤٧/١٧
الحمدلله ... الّذى قصرت عن رؤيته أبصار النّاظرين ١/٢
إلهى قصرت الألسن عن بلوغ ثنائك ١٩٣/١
إقرارى بربوبيّتك الّتى ... قصرت دونها الأوهام ٢٤٩/١٥
فَقَصُرَتْ: فقصرت يدى وضاق وسعى ٢٣٨/٦
يَقْصُرُ: ولاباقلال علىّ منها يقصر بعملي كدّه ٧٨/٢
وشكراً يقصر عند شكر كلّ شاكر ١٤٧/٣٢
ولاباقلال علىّ منها يقصر بعملي ٢٥٢/٢٠
بما يقصر عمله عنه ٩٨/٦
وتفضّلت ... بما يقصر عمله عنه ٨/١١
فَيَقْصُرُ: بإقلال علىّ منها فيقصر بعملي كدّه ٢٥١/٢٨
لَايَقْصُرَنَّ: ولايقصرنّ دوني عفوك ٨٨/٨
تَقْصُرُ: وتقصر عنه المنى حتّى لاتبغى ١٠/٢٠
ما تقصر عنه مسألة السّآئلين من عبادك ١٠/١٢
أَقْصُرُ: وبجودك أقصر طلبتي ١١٦/٨٩
أَقْصَرَ: وأقصر أجلي ١٦٤/١١
وأقصر أجلي في بعد أملي ١٦٤/١٤
قَصَّرَ: أللّهمّ ولى إليك حاجةٌ قد قصّر عنها جهدي ٣٩/٦
وقد قصّر بي السكوت عن تحميدك ١٤٦/١٤
فَقَصَّرَ: فقصّر عمّا أمرت به تفريطاً ٨٠/٢
قَصَّرا: أو قصّرا بي عنه من واجب ٦٣/٩
قَصَّرْتَ: وقصّرت بنا عن دهره «محمّد» ١٠/٢٩
قَصَّرْتُ: وأستغفرك لما قصّرتُ فيه ٣٤/١١
فَقَصَّرْتُ: فقصّرت في شكرها ٣٤/١
قَصَّرْنَا: على ما قصّرنا فيه من حقّك ١٤٢/٥١
لَانُقَصِّرُ: ولانقصّر في صالح الأعمال ١٩٩/٣٥
قَصِّرْهُ: وقصّره «طول الأمل» عنّا بصدق العمل ١٠٣/١
إِقْتَصَرَتْ: إقتصرت على القليل ١٩٧/٤٦
قَصْرِهِ: ثمّ أخرج من سعة قصره إلى ضيق قبره ٢١٤/٥٧
ثمّ أخرج من سعة قصره ٢١٤/١٣٣
الْقُصُورُ: ولاتحصّن منه القصور ١٤٩/٢٣
وبنى فيها القصور والدساكر ٢١٤/٩٢
قِصَرِ: مع قلّة عملي وقصر رأيي ١٤٩/٧
ربّ وما أطول أملي في قصرِ أجلي ١٦٤/١٤
تَقْصِيرٍ: صيامه وقيامه على تقصيرٍ ١٤٢/٤٨
التَّقْصِيرِ: وآثر «محمّد» الجدّ على التّقصير ١٠/٤
لايؤثرون «حملة عرشك» التّقصير على الجدّ ١٢/١
ذهب آخرون إلى التقصير في أمرنا ٢١٩/٤٥
والتّقصيرَ في تمجيدك ١١٥/١٨
أعوذبك من ... التّقصيرِ والإبطاء ١٥٣/٣١
تَقْصِيرِي: على طول معصيتي وتقصيرى ٢٤٧/٢
وتقصيرى فيما نهيتني عنه ١٤٩/٢٧
وارزقني الحقّ عند تقصيري في الشّكر لك ٥٩/١٢
بِالتَّقْصِيرِ: إلاّ المعرفة بالتّقصير عن معرفتها ٦/١
فشكر عزّوجلّ معرفة العارفين بالتّقصير عن معرفته ٦/٣
وجعل معرفتهم «العارفين» بالتّقصير شكراً ٦/٣
هذا مقام من... قابلها «النّعمآء» بالتّقصير ١٨٧/٢
وجعل معرفتهم بالتّقصير شكراً ٦/٣
وكلّ مقرّ على نفسه بالتّقصير ٩٨/٥ ـ ٨/٩
هذا مقام من اعترف لك بالتّقصير ١٥٣/١٠
قابلها بالتّقصير ١٥٢/١٤
قَاصِرٌ: لاهوعن تطلابهاالنّفس قاصرٌ ٢١٤/٣٦ـ٢١٤/١١٢
مُقَصِّراً: كان مقصّراً دون إستحقاقك بفضلك ٩٨/١ـ٨/٢
واجعل كلّ يومٍ ... مقصّراً عن غده ٢٠٤/٨
وأعبدهم مقصّرٌ عن طاعتك ٩٨/١
وأعبدهم لك مقصّرٌ عن طاعتك ٨/٣
إلاّكان مقصّراً دون إستحقاقك ٩٨/١
لكنت مقصّراً في بلوغ أداء شكر ٢٣٠/١
الْمُقَصِّرُ: فأنا .. المقصّر المضجّع ١٦٣/١٤
الْمُقَصِّرُونَ: فإلى من يفزع المقصّرون ١٩٩/١١٠
بأنّك أفضل من قصد إليه المقصّرون ١٢٠/١١

الْمُقَصّرينَ: حلمك يكبر عن مكافاة المقصّرين ٢١/١١٦ـ٥٨/١١٦
قَصيرِ: محلّ ضنك قصيرِ السّمك ٤١/١٩٩
الْقَصيرَةِ: بكرمك جازيته على المدّة القصيرة ٧/٩٨
ولكنّك جازيته على المدّة القصيرةِ ١٢/٨
مَقاصِرُ: مجالس منهم عطّلت ومقاصرُ ١٤/٢١٤
مجالسهم منهم وأخلت مقاصرُ ٨٩/٢١٤
قُصارَايَ: وقصاراى الإقرار بالحسور ١٤/١٤٦

ق.ص.ص

قَصَصْتَهُ: وفضّلته على كلّ حديث قصصته ١/١٠٩
لاتُقاصّني: ولاتقاصّني بما اجترحت ٢/١٠٨
أَنْ تُقاصّني: تريد أن تقاصّني به من حسناتي ٨/٥٩
أَنْ أُقاصّهما: من أن أقاصّهما بعدلٍ ١٠/٦٣
قَصَصِهِمْ: يامن لايحتاج في قصصهم ١/٤٤
الْقِصاصَ: ثمّ لم تسمه القصاص فيما أكل ١٣/٨ ـ ٨/٩٨

ق.ص.ف

قاصِفاً: لما نجم من قرن الضّلال قاصفاً ٨/١٠
بِقَواصِفِ: أللّهمّ فبادرهم بقواصف سخطك ٥/٢٢٣

ق.ص.م

قَصَمْتَها: أللّهمّ ولاتدع للجور دعامة إلاّ قصمتها ٩/٧٠
إقْصِمْ: واقصم رؤوس الضّلالة ٢٦/١١٩
قاصِمَ: ياقاصم الجبّارين ٤/١٦٠
المتكبّر القهّار، قاصمُ الجبّارين ٢١/٢١٤
ياقاصمَ الجبّارين ويامدمّر المتكبّرين ١٧/١٤٣
قاصمُ الجبّارين ومبيد المتكبّرين ٩٦/٢١٤
الْقاصِمُ: أللّهمّ أنت ... القاصمُ المبير ٩/١٩٩

ق.ص.و

أَقْصَيْتَني: أو من يعود عليّ إن أقصيتني ١٠/١٦٤
فَأَقْصَيْتَني: مستحقّاً بحقّك فأقصيتني ٥٥/١١٦
لايَسْتَقْصي: ولايستقصى من أحد حقّه ١١/١٠١
لاتَسْتَقْصِ: ولاتستقص عليّ في عدلك ١٣٣/١٩٩
ولاتستقص علينا بعدلك ٢٧/١٩٧
إسْتِقْصائِها: فضلاً عن إستقصائها ٥/١٨٧
قَواصي: بيدك نواصى العباد وقواصى البلاد ٤/٢٤١
أَقْصىٰ: وياأقصى طلبة الطّالبين ٥/١٩٢
حتّى إذا بلغ أقصى أثره ١/٨
أقصى نعت النّاعتين ٢/٨٨
وأقصى الأذنين على جحودهم ٢/٩
منك أقصى مقاصدهم حصلوا ٤/١٨٩
الْأَقْصَيْنَ: وقرّب الأقصين على إستجابتهم لك ٢/٩
قُصْوىٰ: وتبلّغه «محمّد» قصوىٰ مكنة غايتها ١٣/١٠

ق.ض.ض

أُقُضُّ: واقضض بنيانهم «الظّلمة» ٨/١١٩

ق.ض.ى

قَضىٰ: أجّلها «الأمور» إلى أجل قضىٰ فيها ١٠/١٤٩
قَضَيْتَ: قضيت على جميع خلقك ٦/١٦٦
قضيت لهم من فضلك المارب ٤/١٨٩
فاجعل ياوليّي وسيّدي فيما قدّرت وقضيت ٥/١٧٢
إن كنت قضيت في هذه اللّيلة ٣٠/١١٧
فاجعل ياوليّي وسيّدي فيما قضيتَ ٦/١٧٣
أن تجعل رشدي فيما قضيتَ من الخير ٢٧/٤٢
أللّهمّ رضّني بما قضيتَ ٣٤/٢٢
ليس لنا من الأمر إلاّ ما قضيتَ ٧/٢١
وقني شرّ ما قضيتَ إنّك تقضي ولايقضىٰ عليك ٩/٨٣
وقّفني لقبول ما قضيتَ لي وعليّ ١٠/٤٤
واجعل ذلك سبباً لقناعتي بما قضيتَ ١٣/٤٤
أللّهمّ لك الحمد أن ... قدّرت وقضيتَ ٢/٢٤٢
واجعل ذلك ذريعة إلى الرّضا بما قضيتَ لنا ١/٩٢
وإجعل الخيرة العامّة فيما قضيت لي ٧٦/١٩٩
قضيتَ فكان عدلاً ما قضيتَ ١٤/١٤٧
وإن لم تكن قضيتَ في هذه اللّيلة ٣٢/١١٧
وقضيتَ له بالشّهادة ١٩/٦٧
قَضَيْتَهُ: لاديناً إلاّ قضيته ٨/١٢٢ ـ ٤٧/١٤٣
قَضَيْتَها: إلاّ قضيتها لي ويسّرتها في عافية ٤٨/١٤٣
ولاحاجة من حوائج الدّنيا والآخرة إلاّ قضيتها لي ٩/١٢٢
قُضِيَتِ: آه وانفساه إن قضيتِ الحوآئج ٥/١٩٨
فَيَقْضي: بغير شفيع، فيقضى لي حاجتي ٥/١١٦
أخلو به «الله» حيث شئت بسرّى فيقضي حاجتي ٥/١٢٠
لايَقْضيها: إلهى ... حاجتي لايقضيها غيرك ٢/١٩٢
ولايقضيها «الحوائج» احد غيرك ٣/٨٢
تَقْضِيَ: وتقضي عنّى ديني ٧/١٣٤
وأن تجعل فيما تقضي وتقدّر أن تطيل عمري ٤٢/١١٧
وأن تجعل فيما تقضى وتقدّر من الأمر ٤١/١١٧
وتقضي بما أردت فيمن أردت ٤/٩٧
وقني شرّ ما قضيت إنّك تقضي ولايقضي عليك ٩/٨٣

تقضي ما تنشآء وتحكم ما تريد ١٢٧/٢
أَنْ تَقْضِيَ: وأن تقضى حوآئجى للدّنيا والآخرة ١١١/٢
وأن تقضي لي حوآئجي الّتى أفضيت بها إليك ١٤٩/٢٧
أن تقضي لنا حوائجنا في يسر منك وعافية ١٤٣/٢١
أللّهمّ إنّى أسألك أن تقضي عنّى دينى ١٢٧/٦
لَمْ أَقْضِ: ولم أقض من خدمتك وطراً ٨٤/٣
يُقْضَى: وقنى شرّ ما قضيت إنّك تقضي ولايقضي ٨٣/٩
لَمْ تُقْضَ: إن قضيت الحوائج وحاجتى لم تقض ١٩٨/٥
إِقْضِ: واقض ديني وطهّر قلبي ١٣٣/٧
واقض لي جميع حوائجي ١٣٨/١٩
واقض به «ولبعصر» (عج) عن مغرمنا ١١٩/٢٤
واقض عنّى الدّين والظّلامات ١١٦/١١٣
أللّهمّ إقض لي في الخميس خمساً ٢٤٢/٤
واقض حاجاتها ٢٠٢/٨
فهب لي ذنوبي كلّها واقض حاجتي ٢١٦/٢
واقض عنّى كلّ ما ألزمتنيه ٥٩/٧
واقض حاجتي وأنجح طلبتي ٣٤/١٣
وأقض لي حوائجي ٦٤/١٠
أللّهمّ إقض لي في الاربعاء أربعاً ٢٤٢/٥
واقض لي بالخيرة ٩٢/١
واقض حاجتى وأسرع بإجابتي ٢٠١/٣٠
فَاقْضِ: فاقض لي بخيرها عاقبة ١٧١/٩
فَاقْضِهَا: أللّهمّ إنّك... عرفت حوائجى فاقضها لي ٢٥/٤
إِنْقَضَى: من الذّنوب إذا نقضى أجلي ١١٦/٩٩
قد إنقضى أجله وهو مغبون عمله ٢٤٨/٣
إِنْقَضَتْ: إذا رأى مدّة العمل قد إنقضت ٣٤/٦
وإذا انقضت أيّام حياتنا ... ٣٣/٤
حَتَّى يَنْقَضِيَ: حتّى ينقضى عنّا وقد صفّيتنا فيه ١١٥/٢٠
تَنْقَضِيَ: أترضى بأن تفنى الحياة وتنقضى ٢١٤/١٥١-٢١٤/٧٢
لاتَنْقَضي: ياذاالأيادى الّتى لاتنقضي ١٥٨/٣
يامن لاتنقضى عجآئب عظمته ٨/٢٠ ـ ١٥/١
لاتنقضى لها «الصّلاة» مدّة ١٩٩/١٨
قَضَاءَ: أن تجعل القرآن ... وقضاءَ ديني ٢٢/٤٠
أللّهمّ إنّى أسألك يامن يقدر على قضاء ١٧٦/١
وبحقّ محمّد وآل محمّد أداءً وقضاءً ٢٠/٤
أداءً وقضاءً بحول منك ١١٣/٤
فافتح لنا... باب... قضاءِ حوائج بفضلك ٧٠/١٤
وتولّني بنجح طلبتي وقضاءِ حاجتي ٣٩/١١
تكون لك رضى ولحقّهم قضاءً ١١٤/٣
رجوت بها قضاءَ حاجتي ياأرحم الرّاحمين ٢٤٤/٣
ذمّتى الّتي رجوت بها قضاءَ حاجتي ١٩٧/٣٦
يامن العسير عليه يسير يسّرلنا قضاءَ حوائجنا ١٣٩/٤
ياإلهي سهّل لي نصيباً جزلاً وقضاءً ٢٤٨/٢
يامن يقدر على قضاء حوائج السّائلين ٢٣٣/٤
فتوّل اليوم قضاءَ حاجتى بقدرتك على ذلك ٢٤٩/٢١
الْقَضَاء: من القضآءِ الّذى لايردّ ولايبدّل ١١٧/٤١
جرى بقدرتك القضاءُ ٢٤/٢
ومنعت منّى محذور القضاءِ ١٦٣/٢
قَضَائِهِ: ونزل به من قضائه ما لايُصدُّ ٢١٤/٩٦-٢١٤/٢١
مليك عزيز لايردّ قضآئُهُ ٢١٤/٢٢ ـ ٢١٨/١ ـ ٢١٤/٩٧
يامن خلق الخلق... ثمّ أمضى الأمور على قضائِهِ ١٤٩/١٠
ثمّ جعل... مواقيتها «الأمور» إلى قضائِهِ ١٤٩/١٠
بما أحكم من قضائِهِ ١١٥/٥
قَضَائِهَا: أن تأتي على قضائها وإمضائها ٢٢٢/٥
قَضَائِكَ: المتكفّل برزقي في قضائك ١٧٢/٤
وليس يستطيع من كره قضائَكَ أن يردّ أمرك ١٦٦/٤
ومصدرها عن قضائِك خاضعاً لحلمك ٢٥١/٥٨
في قضائِك كان ما حلّ بي ١٧٣/٥
سبحانك ... وقضائُك حتم ١٤٧/٢٨
عدل فيّ قضائُك ٢٢/٣٩ ـ ٥٧/٤
عدلاً من قضائِك لانجور فيه ١٤٦/١٠
إذ لايغلب قضاؤك ٦٩/١
وقضائُك خيرة ١٤٢/١
بأنّ قضائك لم يجر إلاّ بالخيرة ٩٦/٣
أللّهمّ لك الحمد على حسن قضائِك ٥١/١
حبّب إلينا ما نكره من قضائِك ٩٢/٣
بِقَضَاءِ: واقلبني بقضاء حاجتي ٥٨/٢
فلا تردّني إلاّ بقضاءِ حاجتي ١١٦/١٣٢
لِقَضَاءِ: فلست مستطيعاً لقضآءِ حقوقك ١٩٩/٧٠
إلهي إليك اعتمدت لقضاءِ حاجتي ٢٤٩/٢٠
لِقَضَائِهِ: لارادّ لقضآئه ولامستزاح عن أمره ١٤٩/١١
لِقَضَائِكَ: تنفي عوارض التّهم لقضائِك ٢٤٩/٤
بِقَضَائِكَ: راضٍ بقضائِك ١٤٨/٢٧
فاجعلنا ممّن ... رضّيته بقضائِك ١٩٠/٢
فاجعل نفسي ... راضية بقضائِك ٢٥٥/٣
الرّضا بقضائك عوضاً من منع الباخلين ١١٦/١٢ ـ ٢٢٠/٤
وطيّب بقضائك نفسي ٩٦/٣
الْأَقْضِيَةِ: تعجز عن حمل واردات الأقضية ٢٢٣/١
أَقْضِيَتِكَ: ومحال في عدل أقضيتك ١٩٩/١٦٣
إِنْقِضَاءِ: من انقضاء المدّة قبل التأهّب والعدّة ٢٣٦/٢

أللّهمّ صلّ ... صلاة ... باقية بلا فناء ولاإنقضاء ١٩٩/٢٠
له الملك الّذى ... لاإنقضاءَ لعدّته ١٩٩/٥٧
إرمه «من يؤذينى» ... بساعةٍ لاإنقضاءَ لها ١٦٠/٤
التَّقاضي: يامن لايحتاج إلى النّقاضي ١٦٥/٤
قاضِيَ: ياقاضى الحاجات يامنفّس الكربات ١٣٣/٦
ياقاضى الحاجات ١٣٧/٧
الحمدلله قاضى كلّ حاجة ١٤٣/٨
وياقاضى حوائج الفقرآء والمساكين ١٩٢/٥
نسألك ... ياقاضي الحاجات ٢٠٠/١٣ .
بِقاضٍ: ولاأنا بقاضٍ وظيفة خدمتهما «والدىّ» ٦٣/١١
الْقاضينَ: والقاضينَ في طاعتك آجالهم ١١٤/٢٠
مُنْقَضِياً: وأوحش منقضياً فمضّ ١٤٢/٣٢
الْمُقْضِيُّ: والحرمة المرعيّة والحقّ المقضيُّ ١٤٢/٢٧
مَقْضِيَّةٌ: وحوآئج خلقك عندك مقضيّةٌ ٢٥٥/٦

ق.ط.ب

قاطِبَةً: قد نام وفدك حول البيت قاطبةً ٢١٥/٣

ق.ط.ر

قَطْرِ: ولاتأذن لسمآئهم «عدوّ أهل الثّغور» في قطرٍ ٦٧/٨
والهابطين مع قطرِ المطر إذا نزل ١٢/١١
أَقْطارِ: واعمم بذلك أعدائك في أقطار البلاد ٦٧/١١
أَقْطارِها: في أقطارها طلاّباً ٢٠٠/٣٨
بِأَقْطارِها: تسبّح لك السّماوات بأقطارها ٢٣٤/٧
الْقَطِرانَ: ياربّاه لاتذقنا القطرانَ بعد فراق الدّنيا ١٩٨/٧٦
قبل أن تلبس الأبدان سرابيل القطرانِ ٩٠/٧
بما وصفته من... سرابيل القطران ٢٥٧/١٦
الويل لي إن كان القطرانُ لباسي ٢٠٥/٩

ق.ط.ع

قَطَعَ: وقطع في إحيآء دينك رحمه «محمّد» ٩/٢
قَطَعَني: وأكافىء من قطعنى بالصلة ٥٥/١٤
قَطَعْتَ: قطعت عنه كلّ شيءٍ يقطعه عنك ١٩٠/٤
أو قطعتَ عنّى سببك لم أجد السبيل ٥٧/٣
إلهى وسيّدى ومولاي إن قطعتَ ٢١٢/١
وبحبل من أتّصل إن أنت قطعتَ حبلك عنّى ١١٦/٦٨
وقطعت قرآئن الضّلال بنور هدايته ١٠/٥
وبحبل من اعتصم إن قطعتَ حبلك عنّى ٩١/٣
قَطَعْتُ: ما قطعتُ رجآئى عنك ١١٦/٧٤ ـ ١٩٩/٩٣
يَقْطَعُهُ: قطعت عنه كلّ شيءٍ يقطعه عنك ١٩٠/٤
يَقْطَعُها: بحيآء يقطعها عن الشّهوات ١٩٩/٣٤
وأجرني من كلّ عآئق يقطعني عنك ١٩٩/٧٧
فَيَقْطَعَهُمْ: فيقطعهم بخدع غروره ١٠٩/١٠
لايَقْطَعُ: لايقطعُ رجاء من رجاه ٢٤٦/١
لايَقْطَعُهُمْ: ولايقطعُهم عن تعظيمك ١٢/٧
فَلَمْ يَقْطَعْهُمْ: فلم يقطعهم عنك قاطع ١٩٩/٣٠
تَقْطَعُ: كفعلك يوم بدر تقطع به دابرهم ٦٧/١٤
تَقْطَعَني: وتقطعني عن ركوب محارمك ١٤٧/٩٤
لاتَقْطَعُ: ياربّ المؤمنين لاتقطع رجآئي ١٤٩/٤٩
ولاتقطع رجآئى بسوء عملي ١٣٨/١٧
ولاتقطع رجائى عنك ٣٩/١٠
ولاتقطع رجاءنا بمنعك ٣٢/٢
ولاتقطع عن كافّتنا مادّة برّك ٩٧/٤
أللّهمّ ... ولاتقطع منك رجآئي ١٣٣/٩
فَلا تَقْطَعْ: فلا تقطع لطيف برّك بي بعد وفاتي ١٩٩/١٢٢
فلا تقطع برّك عنّى بعد مماتي ١٩٧/٨
فلا تقطع عصمة رجآئي ١٩٩/١٣٤
لاتَقْطَعْني: لاتقطعني عنك ولاتبعدني منك ١٨٩/٩
لَمْ تَقْطَعْ: ولم تقطع عنّى الرّزق ١٤٨/٤
أَقْطَعُ: أأقطع رجآئي منك وقد أوليتني ١٨٥/٣
وكيف أقطع رجآئي منك وأنت أنت ١٧٩/١
لاأَقْطَعُ: أنا الّذى لاأقطع منك رجآئي ٢٠٣/١١
إِقْطَعْ: إقطع أثرهُ وعجّل ذلك ياربّ ١٦٠/٦
أللّهمّ قرّب أجله واقطع أثره ١٦٠/٨
واقطع نسل دوابّهم «عدوّ أهل الثّغور» ٦٧/٨
واقطع بخزيهم «عدوّ أهل الثّغور» أطماع من بعدهم ٦٧/٧
واقطع عنهم «عدوّ أهل الثّغور» المدد ٦٧/٦
ولّنا ظهره واقطع عنّا إثرهُ ٥٠/٣
واقطع دابرهم «الظّلمة» ١١٩/٥
أللّهمّ ... إقطع رجآئهم «الظّلمة» ١١٩/١٠
واقطع من الدّنيا حاجتي ١٧١/٥
إقطع رجائهُ منّى وادرأه عن الولوغ بنا ٥٠/٨
يَقْطَعُ: الّذى يقطّع أمعآء وأفئدة سكّانها ٨٨/٢١
لايَتَقَطَّعُهُ: ولاتقطّعه بواتر الصّفاح ١١٤/١٧
فَاقْتَطَعَتْهُ: أىّ وافد وفد إليك فاقتطعته ٢٥١/٦١
فاقتطعته عوآئق الرّدّ دونك ٧٠/٢
إِنْقَطَعَ: إنقطع دون كنه معرفتها منطق الخلاّئق ٢٤٩/١٥
وانقطع الرّجاء إلاّ منك ٢٢١/١
آه وانفساه إذا إنقطع ذكرى ١٩٨/٥٢
سيّدى أنت دليل من إنقطع دليله ١٩٩/١٦٢

إنقطع الرّجاء إلاّ منك ٢/٢٢٠ ـ ٦٤/١٤٩ ـ ١٩/١٤٣
وباقرّة عين من لاذبك وانقطع إليك ٣٠/١١٦
إرحمني إذا إنقطع معلوم عمري ٧٤/١٩٩
مولاي وارحمني إذا إنقطع من الدّنيا أثري ٤/١٦٧
إنْقَطَعَتْ: أنت دليلي إذا انقطعت دلالة الأدلاّء ٢٨/١٤٩
فقد إنقطعت إليك همّتي ٧/١٨٩
وإنقطعت عنه أسباب خدآئِهِ ٤/١٦٤
وانقطعت الطّرق إلاّ إليك ١/٢٢٠ ـ ١٩/١٤٣ ـ ١/٢٢١
وأنقطعت أسبابي ٢/٢٠٤
إلهي إرحمني إذا إنقطعت حجّتي ٨٨/١١٦
أدعوك دعاء من ... إنقطعت حيلته ٣/٢٤٢
إنقطعت مقالتي ٨٢/١٩٩
وقد إنقطعتِ الأصوات ١/٢٠٢
وإنقطعت مقالتي، فلا حجّة لي ١/١٦٧
مسألة من .. إنقطعت عنه حجّته ٨/١٣٢
يَنْقَطِعُ: فكيف ينقطعُ رجآئي بموعودك ٤٣/٢٠١
لايَنْقَطِعُ: ولاينقطعُ رجآئي من رحمتك ١٢/٢٠١
ياذاالمعروف الّذى لاينقطع أبداً ٣/١٥٤ ـ ٤/١٥٦
ودخانها لاينقطعُ أبداً ١٢/١٩٨
ياذاالمنّ الدّآئم الّذى لاينقطع أبداً ٣/٢٢٧
صلاة لاينقطع مددها ٢٣/٨٨
صلاة ... لاينقطعُ عددها ٢٣/٦٧
ياربّاه أعوذبك من نار... دخانها لاينقطع أبداً ٧٤/١٩٨
حمداً دائماً لاينقطع أبداً ١/٢٤٢
بين يدى بلاءٍ لاينقطعُ ووزرٍ لايرتفع ٢/٥١
حَتّى يَنْقَطِعَ: إنتحبتُ حتّى ينقطعَ صوتي ١٧/٤٩
تَنْقَطِعُ: ويامن تنقطعُ دون رؤيته الأبصار ٤/١٥ ـ ٢٠/٨
لاتَنْقَطِعُ: فإنّ دلالتك لاتنقطع ٢٨/١٤٩
وأسألك قرّة عينٍ لاتنقطعُ ١٤/١٣٩
يامن لاتنقطعُ عنه حوائج المحتاجين ٢/٣٩
متّصلاً لاتنقطعُ بوادره ١٩٢/١٩٩
حَتّى تَنْقَطِعَ: وانتحبنا حتّى تنقطع أصواتنا ١/٢١٣
تَقَطَّعَتْ: تقطّعت دونها حيلى ٦/٣٩
وتقطّعت عنّي عصم الآمال ٤/٨٨
وتقطّعت أوصالى، ياغفلتي عمّا يراد بي ٥/١٦٧
إنْقِطاعَ: صلاة ... لإنقطاعَ لمزيدها ٦٠/١٩٩
وإنقطاع مدّته ووفاء عدده ٢٧/١٤٢
صلاة دائمة نامية لإنقطاع لأبدها ١٢/٣٩
... حمداً ... لإنقطاعَ لأمده ٢٨/١
الْإنْقِطاعِ: أللّهمّ وجدّد لي وصلة الإنقطاعِ إليك ٧/٢٤٩
إنْقِطاعي: أللّهمّ إنّى أخلصت بإنقطاعى إليك ١/٧٤
بِإنْقِطاعٍ: فقد آذنتني بإنقطاعٍ وفرقة ١٢/٢١٩
بِالْإنْقِطاعِ: واختم لي بالإنقطاعِ إليك أمري ٧/٢٣٦
تَقاطُعِ: أرحامهم يوم تقاطع الأرحام ٣٤/١٠
قاطِعاً: جعلته «محمّد» ... لعدد المشركين قاطعاً ٨/١٠
وأتبعته من قسمك في كتابك قاطعاً ٣/٧٦
فلم يقطعهم عنك قاطعٌ ٣٠/١٩٩
الْقاطِعينَ: وإكفنا وحشة القاطعين بصلتك ٧/١٥ ـ ٢٠/٨
مُنْقَطِعاً: منقطعاً من الأخلاّء ٣٦/٢١٩
حتّى يكشفوهم إلى منقطعِ التّراب قتلاً ١٠/٦٧
الْمُنْقَطِعُ: فأنا... المتحيّر عن قصدى، المنقطع بي ١/١٦٧
الْمُنْقَطِعينَ: يامن آوى المنقطعين إليه ٢٨/١٩٩
وياملأوى المنقطعين ١/١٩٥
الْقَطيعَةَ: استوجبت منك القطيعة ٤٤/٢٠١
ربّ وأعوذبك من المعصية والقطيعةِ ٢٧/١٥٣
وأعوذبك من أن أشترى ... القطيعةَ بالبرّ ٢٤/١٦٤
أَقْطَعُ: ومن أقطع عذراً من مغذّ سيراً ١٣/٢١٩

ق.ط.ن

قُطْانِ: بما تتوب على... قطّانِ أرضك إلى وقت ٨/١٦

ق.ع.د

فَقَعَدَ: فقعد به ضعفٌ ٢٢/٦٧
قَعَدْتُ: قعدت بين يديك مستكيناً، ١٢/٢٤٩
أَقْعَدَني: سيّدى إن أقعدني التّخلّف عن السّبق ٩٦/١٩٩
قاعِداً: دعانا لجنبه أو قاعداً (قرآن) ١٠/٣٥
دعانا لجنبه أو قاعداً أو قائماً (قرآن) ٣٥/٢٥٧
مَقْعَدَ: بؤّأته مقعد الصّدق في جوارك ٣/١٩٠
الْمَقْعَدِ: أقرب الأنبياء زلفة يوم المقعد عندك ١٤/١٠

ق.ع.ر

قَعْرِ: سبحانك ترى ما في قعر الماء ١٣/٤
بنفسي قد أضجعت في قعر حفرتها ١٣٧/١٩٩
قُعُورِ: أنفاس الحيتان في قعور البحار ١٤/٤

ق.ف.ر

أَقْفَرَتْ: وأضحوا رميماً في التّراب وأقفرت ١٤/٢١٤

ق.ف.ل

تُقْفِلَ: وتقفل دون إخطارى قلبه ٨/٦١

ق.ف.و

تَقْفُو: وتقفو بنا آثار الّذين استضاءوا بنوره ١٠٩/١٠
أَقْفُ: واقف بنا آثار الّذين فاموا لك ١٠٩/١٠
أَقْتَفِي: أقتفي آثار المريدين ٢١٩/٣٦
لاأَسْتَقْفِيَنَّ: لاأستقفينّ نهج الضّلالة عنك ٢٤٩/٥
قَفْوِ: لم يختلجهم شكّ في قفو ١٤/٦
الْمُقْتَفِينَ: المتّبعين منهجهم المقتفين آثارهم ١٢٧/٦٨

ق.ل.ب

قَلْبَتَهُ: وقلبته بكلّ حوائجه ١٤٩/٥٥
قَلَبْتُ: وقلبت مسألتي عمّن لم يستغن عن فضلك ٧٤/١
تَقْلِبُنِي: وظنّي بك أنّك تقلبني بالنّجاة مرحوماً ١٩٩/٨٣
أَنْ تَقْلِبَنِي: أن تقلبني فيه «يوم عرفة» مفلحاً ١٤٩/٥٥
أَقْلِبُنِي: واقلبني بقضاء حاجتي ٥٨/٢
أَقْلِبْنَا: وتقبّل منّا وأقلبنا منجحين ٢٣٤/٣
تُقَلِّبُنِي: تقلّبني أيدى أحبّتي ١١٢/٧ ـ ١١٦/٩٦
لاتُقَلِّبُ: لاتقلّب وجهي في النّار بعد تعفيرى ١١٢/٩
قَلِّبْ: يامقلّب القلوب قلّب قلبي ١٢١/١٤
إِنْقَلَبَ: بأفضل ما انقلب به من رضيت عنه ١٢٩/٥٥
إِنْقَلَبُوا: فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين (قرآن) ٢٢/١٠
يَنْقَلِبُ: ولاتردّني صفراً ممّا ينقلبُ به المتعبّدون ١٤٧/٧٧
أَنْقَلِبُ: سيّدى كيف أنقلب من عندك ١٩٩/٨٣
تَقَلَّبْتُ: كيف تقلّبت في الحال في عقبات ١١٨/٦
يَتَقَلَّبُ: مشيئتك من يتقلّب في قبضتك ١٠/٢
يَتَقَلَّبُونَ: فأضحوا في فجوات قبورهم يتقلّبون ٢١٩/٢٤
نَتَقَلَّبُ: ونتقلّبُ في تدبيرك ٢١/٧
قَلْباً: وارزقني قلباً ولساناً يتجاريان ٢١٩/٢
واجعل لي قلباً طاهراً ٢٥١/٤٧
وهب لي ... قلباً سماويّاً ١٩٩/٣٢
إلهى إليك أشكو قلباً قاسياً ١٨٣/٤
ما لاقلبٌ فكّر فيه ٤٦/٤
أللّهمّ إنّى أسألك قلباً خاشعاً زكيّاً ١٩٩/٢٥
وكلّ قلبٍ تركه وجيب الخوف إليك ١٩٩/٩٨
وأعوذبك من ... قلبٍ لايخشع ١١٦/١٢٧
أللّهمّ اجعل لي قلباً يخشاك ... ١٣٧/٥
بتذكّر قلبٍ جريح ٢١٩/٢٩
وأسألك قلباً خاشعاً وعلماً نافعاً ١٢٩/٥
الْقَلْبِ: في القلبِ منّى لوعة لاأطيقها ٢١٩/٣٥
أنا وجل القلبِ وعيناي تنتظران ٢٠١/٣٠
قَلْبُهُ: فأسألك... وقلبه مفتون بكثرة النّعم عليه ١٦٦/٩
بكلّ دعوةٍ دعاك بها... مؤمن إمتحنت قلبَهُ بالإيمان ١٢٤/٥
وتقفل دون إخطاري قلبه «المريد بالسّوء عليّ» ٦١/٨
وختم على سمعه وقلبِهِ (قرآن) ٢٢/١٣
فاجعلنا ممّن... هيّمت قلبَهُ لإرادتك ١٩٠/٣
مؤمن إمتحنت قلبَهُ للإيمان ١٢١/١٩
يامن يحول بين المرء وقلبِهِ ٣٦/٦
ومكّنت في قلبِهِ «محمّد» من معرفتك ١٠/١٨
وصغّر شأنهم «المشركين» في قلبِهِ ٦٧/١٩
قَلْبِكَ: فانظر بعين قلبك إلى مصارع ٢١٩/٢٢
قَلْبِي: يامقلّب القلوب قلّب قلبي ١٢١/١٤
يقيناً صادقاً يباشر قلبي ١٢٩/٤
وأقسي قلبي ١٦٤/١١
ورين قلبي لايجلوه إلاّ عفوك ١٩٢/٤
وأودعت قلبي صواب معرفتك ١٩٩/١٩٣
صوِّر في قلبي مثال ما ادّخرت لي من ثوابك ٤٤/١٣
وجيب قلبي من خشيتك ٤٩/١٠
أللّهمّ سلّم لي قلبي من البغى .. ١٣٥/١٠
أللّهمّ اجعل نوراً في قلبي ١٣٤/٣
قد ناجاك بعزم الإرادة قلبي ٢٢٠/٦
آه وانفساه أقبلت على قلبي ١٩٨/٤
وفرّح قلبي وحقّق ظنّى ١١٦/١١٤
فأمت قلبي عن البغضآء ١٩٩/٣١
أللّهمّ لك قلبي ولساني ١٩٩/٣١
ناداك بالخشوع والإستكانة قلبي ٧٠/٣
وتب عليّ توبة نصوحاً تطهّر بها قلبي ١٩٩/١٦٠
إستقرّت في قلبي حلاوتها «المحبّة» ١٩٩/١٦٣
وأذهب غيظ قلبي وغلّ صدرى ١٣٨/١١
أللّهمّ إنّى أسألك إيماناً تباشر به قلبي ١١٦/١٣٥
إلهى، جعلت لي عدوّاً يدخل قلبي ٢٠١/٤٩
بحدّ سنان نال قلبي فتوقها ٢١٩/٣
ولو لم تشعر قلبي الإيمان بك ١٩٩/٩٤
وقد عرفت حبّك في قلبي ٢٠٣/٤
ولم أسبق إلى رؤيتك لقساوة قلبي ٢٥٧/١٠
أن تجعل القرآن ربيع قلبي ونور بصري ٢٢/٤٠
إلهى أتحرّق بالنّار قلبي ٢٠١/٣٥
وارحمني رحمة تشفي بها قلبي ١٩٩/٧٧
وتعلم سريرتي وتطّلع على ما في قلبي ٨٢/٤
وإخلاص من قلبي وسعة من ذات يدى ١٢٧/٥
وصوّر في قلبي مثال ما ادّخرت لي من ثوابك ٤٤/١٣
فارحم ... وجيب قلبي من خشيتك ٨٠/١٩
زال عن محبّتك من خطرات قلبي ٨٠/١٨
وإنّما أطلبه «رزقى» بخطرات تخطر على قلبي ٧٧/١٣

فصار الفقر ممثّلاً بين عينيّ وملأ قلبي ٧٧/٨
لما ألهم قلبي من المعرفة بكرمك ١١٦/٧٣
أخرج حبّ الدّنيا من قلبي ١١٦/٧٦
ولاخرج حبّك من قلبي ١١٦/٧٥
يامولاي بذكرك عاش قلبي ١١٦/٨٥
أللّهمّ فارحم ... وجيب قلبي من خشيتك ٨١/٤
وأعطف عليهما «والديّ» قلبي ٦٣/٦
أو ضاع قلبي لهما من حقّي ٦٣/٨
أللّهمّ إنّ قلبي يرجوك لسعة رحمتك ٢٥٢/٣٦
قلبي فرح الإقبال عليك ٤١/١
أولج قلبي فرح الإقبال عليك ٨٤/١
وثبّت قلبي على دينك وطاعتك ١٣٣/١١
واشرح لمراشد دينك قلبي ٦١/٥
اعمر قلبي بطاعتك ٢٠/٦ ـ ١١٤/٢ ـ ١١٣/٦
محبّة إستقرّت حلاوتها في قلبي ١٩٧/٤١
فلك الحمد على ما نقّيت من الشّرك قلبي ١١٦/٨٢
بل اجعل سكون قلبي وأنس نفسي ٥٧/١٢
وفرّغ قلبي لمحبّتك واشغله بذكرك ٥٧/١٠
وألبس قلبي الوحشة من شرار خلقك ٥٧/١٢
وأشعر قلبي تقواك ٥٧/٩
حتّى أعرف صدق ذلك من قلبي ٥٩/٩
أنا المقرّ على نفسي بما... عقد عليه قلبي ١٤٨/٥
فلم يبق إلاّ رجاؤك في قلبي ٤٢/٢٤
وثبّت رجاءك في قلبي ١٢٨/٥
إجعل ... اليقين في قلبي ٢٥٢/١٣
أللّهمّ قلبي يرجوك لسعة رحمتك ٢٥١/٤
وعظّم النّور في قلبي ٢٥١/٩
واعمر قلبي بخشية ذوى الإشفاق ١٩٩/٦٦
ناجاك بخشوع الإستكانة قلبي ٢٥١/٦٢
وأشعر قلبي الإزدجار عن قبائح السّيّئات ١٤٧/٩٣
وأنزع من قلبي حبّ دنيا دنيّة ١٤٧/٩٤
لي يقيناً تباشر به قلبي ١٣٧/٤ ـ ١١٧/٣١
أسألك أن تملأ قلبي حبّاً لك ١١٦/١٢٠
وابرأ قلبي من الرّيآء والشّكّ ١١٦/١٢٣
ألزم قلبي حفظ كتابك كما علّمتني ١٥٣/١٢
فرّج به «كتابك» عن قلبي ١٥٣/١٣
اغفرلي مغفرة تطهّر بها قلبي ١٤٣/٤٤
تجلو بها العمى عن قلبي ١٤٣/٤٤
أشكو إليك مسكتني وفاقتي وقسوة قلبي ٢٤٩/١٠
واجعل قلبي واثقا بما عندك ١٤٧/١١٣
أمات قلبي عظيم جنايتي ١٨٢/١
أللّهمّ سترك على ما في قلبي ٢٤٨/١٠
وطهّر قلبي وزكّ عملي ١٣٣/٧
قسوةً من مخافتك من قلبي ١٤٨/٣١
وأشرب قلبي عند ذهول العقول طاعتك ١٤٧/١١٣
أللّهمّ ثبّت رجاءك في قلبي ١٢١/١٨
واليقين في قلبي ٢٥١/٢١
أللّهمّ عظّم النّور في قلبي ٢٥٢/٣٨
وقد ناجاك بعزيمة الإرادة قلبي ٢٥٤/١
ولاينسىٰ قلبي ذكرك ٢٠١/١١
ولاتمدد لي مدّاً يقسو معه قلبي ١٤٧/١٠٣
لانزغ قلبي بعد إذ هديتني ٢٤٦/٥
ياسيّدى تعذّبني وحبّك في قلبي ٢١٧/١
عن قلبي من برد خشيتي منك ٢١٩/١
بِقَلْبٍ: فقام «العبد» إليك بقلبٍ طاهر ٣٤/٧
إلاّ من أتى الله بقلبٍ سليم (قرآن) ٢٠٧/٢٦ ـ ١٣٥/٩
ربّ أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه ١١٦/١٨
بِقَلْبي: وأعطف بقلبي على الخاشعين ١٤٧/١٠٩
شيطاناً ... أحاطت هواجسه بقلبي ١٨٣/٣
وخذ بقلبي إلى ما استعملت به القانتين ١٤٧/٨٦
وأقبل بقلبي إلى ما يقرّبني إليك ٢٥١/٤٢
وأقبل بقلبي إلى طاعتك ٣٦/٦
خذ بقلبي إلى مراشدي ٢٥١/٥٩
قُلُوبِ: ألق الرّعب في قلوبِ أعدائك منّى ٧٧/٣
أللّهمّ اقذف في قلوبِ عبادك محبّتي ٧٧/٣
قلوبٌ يومئذٍ واجفةٌ أبصارها خاشعةٌ (قرآن) ٢٠٧/١٥
لهم قلوبٌ لايفقهون بها (قرآن) ١٥٩/٧
وأرعب قلوبَ أهله ٧٠/١٠
فتكون لهم قلوبٌ يعقلون بها (قرآن) ١٥٩/١٤
وارزقنا قلوبَ الخائفين ٢٠٠/١٨
أللّهمّ إليك ... أفضت قلوبُ المتّقين ٨٣/٥
لتسهرنا عمّا نامت عنه قلوبُ الغافلين ٢٠٠/٣
وأسمائك الّتى تعزب قلوبُ الخلائق ١٦/٤
أللّهمّ إنّ قلوبَ المخبتين إليك والهة ٢٥٥/٤
وعطّفت عليّ قلوبَ الحواضن والمربّيات ١٩٩/١٧١
سيّدى ما أعظم روح قلوبِ المتوكّلين عليك ١٩٩/١٨٤
تطبع على قلوبٍ إنطوت على محبّتك ١٨٤/٤
الْقُلُوبُ: ولكن تعمى القلوبُ (قرآن) ١٥٩/١٤
فبكت العيون شجن القلوبِ فيها دماً ٢١٩/٣٣
فلم تهتد القلوبُ إلى منازلك فيه ١٠/١٩

وتوكيداً بين حواشي القلوبِ لمودّته «محمّد» ١٠/١٠
وحلت بين القلوبِ وبين تصرّفها ١٩٩/١١
يوم ... تشخص القلوبُ والأبصار ١٩٩/٤٩
حتّى ناجتك ألسنة القلوبِ الخفيّة ٢٠٠/٣١
حتّى لاذت أبصار القلوب نحو السّماء ٢٠٠/٣٢
وأوصل بإذنك الهدى إلى القلوبِ ١٠/٣
لهم زفرات أحرقت القلوبَ ٢٠٠/٣٣
فعرفوك بمحصول فطن القلوبِ ٢٠٠/٤٠
فتقت لهم رتق ... عيون القلوبِ ٢٠٠/٤٠
من لم تجعل على بصره غشاوة القلوبِ ١٠/٣
ما ألذّ خواطر الإلهام بذكرك على القلوبِ ١٩٣/٥
علمها في الغيوب قبل خطراتها على القلوبِ ٦٠/١
تقبح في خفيّات القلوبِ سريرتي ٢٧/٥
السّلام عليك من مجاور رقّت فيه القلوبُ ١٤٢/٣٣
إلهي بك هامت القلوبُ الواهة ١٩٤/٣
فلا تطمئنّ القلوبُ إلاّ بذكراك ١٩٤/٣
حتّى نظروا بعين القلوبِ إلى عزّ الجلال ٢٠٠/٤٣
فرجعت القلوبُ إلى الصّدور على النّيّات ٢٠٠/٤٣
غرسوا أشجار الخطايا نصب روامق القلوبِ ٢٠٠/٢٨
يعلم ... وساوسها «الأنفس» ونيّات القلوبِ ١٤٩/٢٤
صحّت النّيّات والقلوبُ ١٤٣/٣٠
قد سلبت القلوبُ لبّها ٢١٩/٣٩
تقبح في خفيّات القلوبِ سريرتي ٢٧/١
أللّهمّ يامقلّب القلوبِ قلّب قلبي على طاعتك ١٢١/١٤
من النّعيم المقيم ما لايخطر على القلوبِ ٢٥٧/١١
واكفني روعات القلوبِ ٢٥٢/٣٩
أللّهمّ وإنّ القلوبَ في قبضتك ٢٢٣/٢
وترمي فساوات القلوبِ بأسهم ٢١٩/١٨
ما انطوت عليه مضمون القلوبِ ٢٣٤/٦
قُلُوبُهُمْ: فرويت قلوبهم من محبّتك ١٩٩/٣٠
وامح عن قلوبِهم «أهل الثّغور» خطرات المالِ الفتون ٦٧/٤
جعلنا على قلوبِهم أكنّة أن يفقهوه (قرآن) ٢٢/١٢-١٥٩/١٢
أولئك الّذين طبع الله على قلوبِهم (قرآن) ٢٢/١٣-١٥٩/١١
وجعلنا على قلوبِهم أكنّة أن يفقهوه... (قرآن) ٢٢/١٠-٢٣/٤
خصّت قلوبُهم بطهارة الصّفاء ٢٠٠/٣٦
حتّى تولّهت قلوبُهم في الملكوت ٢٠٠/٣٠
فلم تزل قلوبهم والهةً طائرةً ٢٠٠/٢٣
أنضجت نار الخشية منابت الشّهوات من قلوبِهم ٢٠٠/٣٣
فأنبه الذّكر رقاد قلوبِهم ٢٠٠/٣٣
فرسموا ذكر هيبتك في قلوبِهم ٢٠٠/٣١
والّذين يؤتون ما آتو وقلوبُهم وجلة (قرآن) ١١٥/٢٥
وأرعب قلوبَهُم «الظّلمة» ١١٩/٥
إنّ الظّلمة ... قست قلوبُهم ١١٩/٣
أللّهمّ أخل قلوبَهُم «المشركين» من الأمنة ٦٧/١٣
وأذهل قلوبَهُم «المشركين» عن الإحتيال ٦٧/١٣
وينزع قلوبَهُم ٨٨/٢١
ما ألّفت بين قلوبِهم (قرآن) ٢٣/٦
فخرّقت قلوبُهم حجب النّور ٢٠٠/٤٣
غلّقوا باب الشّهوة من قلوبِهم ٢٠٠/٢٦
أخذت لوعة محبّتك بمجامع قلوبِهم ١٩٣/٢
وإنتفت مخالجة الشّكّ عن قلوبِهم وسرآئرهم ١٩٣/٣
تعدمهم أشجان قلوبِهم ٢١٩/١٧
قُلُوبِنا: واجعل سلامة قلوبنا في ذكر عظمتك ٨/٢٦
واجعل سلامة قلوبنا في ذكر عظمتك ١٥/١٦
واجعل قلوبنا معقودة بسلاسل النّور ٢٠٠/٣٧
وإنّا آمنّا بك بألسنتنا وقلوبنا ١١٦/٧١
واشغل قلوبنا بذكرك عن كلّ ذكر ٣٣/٢
وأخرج حبّ الدنيا من قلوبنا ١٩٦/٤
واعم أبصار قلوبنا عمّا خالف محبّتك ٣٠/٥
لاتزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا (قرآن) ٨٣/١٤ ـ ١١٦/٧٢
واجعل همسات قلوبنا ... في موجبات ثوابك ٣٠/٦
أللّهمّ لاتجعل له في قلوبنا مدخلاً ٥٠/٥
أللّهمّ وأشرب قلوبنا إنكار عمله ٥٠/٧
ولك من قلوبنا عقد النّدم ١٤٢/٤٩
حتّى توصل إلى قلوبنا فهم عجائبه ١٠٩/١٢
واغسل به درن قلوبنا ١٠٩/١٣
أللّهمّ فكما جعلت قلوبنا له حملةً ١٠٩/٧
واحش قلوبنا نوراً يمنعها ١٩٩/٣٥
لاتجعل في قلوبنا غلاً (قرآن) ٢٠٠/٤٨
إكشف عن قلوبنا أغشية المريبة والحجاب ١٨٨/٢
بِالْقُلُوبِ: فيها ما لايخطر بالقلوب ٢٠١/٤٦
لِلْقُلُوبِ: الحمدلله الّذي تجلّى للقلوب بالعظمة ٢/١-٧/١
الْإِنْقِلابِ: الإنقلاب إلى الكرّة الخاسرة ٢٥٦/٥
إِنْقِلابَهُمْ: وعجّل إلى عذابك السّرمد إنقلابهم ٢٢٣/٦
تَقَلُّبِي: اللّيل والنّهار في تقلّبي فتحفظني ١٤٩/٣٢
مُقَلِّبَ: أللّهمّ يامقلّب القلوب قلّب ١٢١/١٤
مُنْقَلَبٍ: ومنقلب كريم إنّك على كلّ شيء قدير ١٢٧/٤
مُتَقَلِّباً: مع الوسواس متقلّباً ١٨٣/٤
مُنْقَلَبٍ: أعوذبك من ... منقَلَبٍ ندماً ٢٧/٣
ومنقلباً كريماً غير مخز ولافاضح ٢٢٥/٣

المُنْقَلَبِ: ووجدوا الرّاحة في المنقلبِ ٢٠٠/٢٧
مُنْقَلَبي: نعرف... ومنقلبي ومثواى ٢٤٩/١٢
ومنقلبي ومثواي في عافيةٍ منك ... ١٥٣/١٤
وإليك منقلبي إنّك غير ضائق بما تريد ١٤٦/١٥
وأصلح لي آخرتي الّتي إليها منقلبي ١٤١/١٩
غاية رجائي في منقلبي ومثواي ٢٥٥/٧
مُنْقَلَبُنا: فإلى من حينئذٍ منقلبنا عنك؟ ٣٢/٢

ق.ل.د

قَلَّدَني: قلّدني خلالاً لم تزل فيه ١٥٢/٩
قَلَّدْتني: إلهي... قلّدتني مننك قلائد لانحلّ ١٨٧/٥
وكم قلّدتني من منّة ضعفت قواي ١٩٩/٦٩
لَمْ تُقَلِّدْني: لم تقلّدني مكروه شنارها ٤٩/١١
مُقَلِّداً: مقلّداً عملي ٩٠/٥
قَلائِدَ: وصارت الأعمال قلائد في الأعناق ١٠٩/١٨
إلهي ... قلّدتني مننك قلائد لانحلّ ١٨٧/٥
أَقالِيدَ: أللّهمّ إنّي أصبحت... ملقياً إليك أقاليد آمالي ١٦/١

ق.ل.ع

إقْلَعْ: واقلع رجائي من جميع خلقك ١٢١/١٨
أَقْلَعُوا: أقلعوا بربح اليقين ٢٠٠/٢٥
أَقْلَعَ: أقلع عن سيّئاتي المخلقة ٤٩/١٤
الإقْلاعِ: وطوّقني طوق الإقلاع ١٢٧/٩٣
بِالإقْلاعِ: لم استسلم وقت إحسانك إلاّ بالإقلاع ٣٤/٣

ق.ل.ق

أَقْلَقَني: وأقلقني «الموت» عن وسادي ٨٢/٥
وقد أقلقني ما أبهم عليّ من تقدير عاقبتي ١٩٩/١٠٦

ق.ل.ل

قَلَّ: كم من بليّةٍ ابتليتني بها قلّ لك عندها صبري ١٥٤/١
ربّ كم من نعمةٍ أنعمت بها عليّ قلّ لك ١٥٤/١
ويامن قلّ عند بلائه صبري فلم يخذُلني ١٥٦/٣ ـ ١٥٤/٢
فيامن قلّ عند نعمته شكري فلم يحرمني ١٥٨/٢ ـ ١٥٤/٢
وقلّ متّى السّكر فيما أوليتنيه ١٦٤/١٢
قلّ لك عندها «نعمة» شكري ١٩٩/١٥٤
فيامن قلّ شكري عند نعمه فلم يحرمني ١٩٩/١٥٤
وكثّرنا بمنّه على من قلّ ٩/١
وأستكثر برّهما «الوالدين» بي وان قلّ ٦٣/٥
وقلّ كدحه وسعيه في مرضاتك ١٤١/١٧
قلّ عندي ما اعتدّ به من طاعتك ٨٨/٤
فقد عظم جرمي وقلّ حيائي ٩٠/١
وشفعته برجائك الّذى قلّ ١٤٧/٧٩
واستكثار الشرّ وإن قلّ من قولي وفعلي ٥٥/١٥
وكم من بليّة إبتليتني قلّ لك عندها صبري ١٥٨/٢
ويامن قلّ عند نقمته صبري فلم يخذلني ١٥٨/٢
كم من بليّةٍ ابتليتني بها قلّ عندها صبري ١٥٦/٢
فيامن قلّ عند نعمه شكري فلم يحرمني ١٥٦/٣
أنعمت بها عليّ قلّ عندها شكري ١٥٨/١ ـ ١٥٦/٢
إلهي إن كان قلّ زادي في المسير إليك ١٨٦/١
وقلّ شكري لك ٢٠٥/١٧
قَلَّتْ: فقد ضعفت قوّتى وقلّت حيلتي ١٧٣/٣ ـ ١٧٢/١
وقلّت حيلته ١٦٤/٣
وقلّت فيه الذّنوب ١٤٢/٣٣
أدعوك دعاء من ... قلّت حيلته ١٧٥/٢
... وقلّت حيلتي ٤٢/٢٤
لاتَقِلُّ: وأنت الجواد الّذى ... لاتقلُّ رحمتك ١١٦/٣٥
أَقَلَّ: آه واحزناه ما أبعد السّفر وأقلّ الزّاد غداً ١٩٨/٤٠
أَقَلَّها: فما أصغر حسناتي وأقلّها في كثرة ذنوبي ١٦٤/١٣
أَقْلَلْنَ: والأرضين السّبع وما أقللن ١٥٧/١
أَقْلَلْتُ: أقللت لك من السّكر ١٤٨/١٧
تُقِلُّني: آه واخطيئتاه كيف تقلّني الأرض ... ١٩٨/٦٥
فَقَلَّلْهُمْ: فقلّلهم «المشركين» في عينه ٦٧/١٩
لاتَسْتَقِلُّ: فإنّ قوّتي لاتستقلّ بنقمتك ١٠١/٥
أَسْتَقِلَّ: وأستقلّ بريّ بهما «الوالدين» وإن كثر ٦٣/٥
قِلَّة: إرحم... وضعفي ومسكنتي وقلّة حيلتي ١٦٧/٣
وضعفي وقلّةَ حيلتي ٢٠١/٢٩
فقد غلبت الأمور قلّةَ حيلتي ٢٠٣/٢
عدّتي في شدّتي مع قلّةِ حياتي ١١٦/٢٠
فقد ترىٰ ضعفي وقلّةَ حيلتي فصبّرني ٥٢/٣
ويدعوني إلى قلّةِ الحياء سترك عليّ ١١٦/٢٥
وأعترف لك بضعف قوّتى وقلّة حيلتي ١٢٦/١
وأنا مصرّ على ما نهيت قلّةً حياءٍ ٨٧/١
وقلّةِ حيلتي فأنجزلي ما وعدتني ٥٧/٥
أنا مصرّ على ما نهيتني عنه قلّةً حياء ٣٧/١
قد عرفت ضعفي وقلّةَ حيلتي ٣٥/٧
أشكو إليك ... قلّةَ معرفتي ٢٥١/٢٤
أشكو إليك ... قلّة حيلتي ٢٥٢/١٦
وارحم ضعفي وقلّةَ حيلتي ١٧٣/٧
مع قلّةِ عملي وقصر رأيي ١٤٩/٧

وعرفت قلّةَ إستغنائي عنه بعد وفاتي ١٩٩/١٠٧
أعوذبك من ... قلّةِ القناعة ٢٦/١
وارحم ضعفي وقلّة حيلتي ١٧٢/٦
فقد عرفت ضعفي وقلّة حيلتي ٢٥٧/٣٠
الْقِلَّةِ: وأعوذبك من القلّة والذلّة ١٥٣/٣٣
قِلَّتَنا: وكثّر به «وليغصر» (عج) قلّتنا ١١٩/٢٤
بِقِلَّةِ: لعلّك بقلّة حيآئي منك جازيتني ١١٦/٥٧
لِقِلَّةِ: ولاتمنعني لقلّة صبري ١١٦/٨٨
فلا تحرمني خير الآخرة والأولى لقلّة ١٦٣/١٤
فضعف شكري لقلّة جهدي ٧٧/٥
بل لقلّة حسناته بين سيئاته ١٠١/١٠
فلا تحرمنا فضلك لقلّة شكرنا ٨٣/٤
بِإِقْلالٍ: ولابإقلالٍ عليّ منها يقصر بعملي ٢٥٢/٢٠ـ٧٨/٢
ولانشغلني ... بإقلالٍ عليّ منها «نعمة» ٢٥١/٢٨
إِسْتِقْلالِ: واستقلال الخير وان كثر من ٥٥/١٥
الْمُقِلِّينَ: يارازق المقلّين ارزقني ١٣٣/١٠
يارازق المقلّين ويارحم المساكين ١٤٣/١٧
بِالْمُقِلِّينَ: أعوذبك من ... الإزراء بالمقلّين ٢٦/٢
مُسْتَقِلاً: أللّهمّ إنّي أصبح وأمسي مستقلاً لعملي ١٦٦/٨
الْمُسْتَقِلِّ: المستقلّ بما حمّلته من الإشارة بآياتك ١٠/١
مُسْتَقِلَّةٍ: مستقلّةٍ بالوحشة عرصته ١٩٩/٤١
قَلِيلاً: إنّهم «الظّلمة» إشتروا بآياتك ثمناً قليلاً ١١٩/١١
فراعت ولم ترتع قليلاً وأجفلت ٢١٤/٦٠
فعمّا قليلٍ بترك الدّار عامر ٢١٤/١٠٢
وغيرُ قليلٍ ما عاقبته البقاءُ ٥١/٣
عرّفه عمّا قليلٍ ما أوعدت الظّالمين ٤٤/٩
وتثيب على قليلٍ ما تطاع فيه ٩٨/٣ ـ ٨/٦
إنّك ... الشّاكر قليلَ الشّكر ٩٧/٦
فأسألك ... وفكره قليلٌ لما هو صائر إليه ١٦٦/٩
وترك قليلٍ البغى وكثيره ١٢٥/٥
وأدّينا فيه قليلاً من كثير ١٤٢/٤٨
وإن أعطوا أعطوا قليلاً نكداً ٥٩/٣
فزادى قليلٌ ما أراه مبلّغي ٢١٦/٣
وعمّا قليلٍ كالّذى صار صائر ٢١٤/٤٨
وعمّا قليل للّذى صار صائر ٢١٤/١٢٤
فريعت ولم ترتع قليلاً وأجفلت ٢١٤/١٣٨
لكان ذلك بعد لك عليّ قليلاً ٢٣٠/٣
دماً وصديداً لكان ذلك قليلاً ٢٣٠/٢
الْقَلِيلِ: إقتصرت على القليلِ من لعق الطّعام ١٩٧/٤٦
وأنا القليلُ الّذى كثّرته ١١٦/٦٣
بامن يشكر على القليل ويجازى بالجليل ١٤٦/٢
أنا القليلُ الحياء ١٤٧/٨٢
إلهى إرحم عبدك الذّليل ذا... العمل القليلِ ١٩٢/٩
ويضاعف من الحسنات القليلِ بالكثير ١٢٣/١٢
مع القليل فنجّني ٢٤٨/١١
قَلِيلَهُ: فأرني فيه عدلاً حتّى أرى قليلهُ كثيراً ٢٤٨/٣
قَلِيلَهُمْ: يامن كافأ قليلهم بالكثير ٣٤/٨
بِقَلِيلِ: وهب كثير السّيّئات بقليل الحسنات ١٩٩/١٠٩
بِالْقَلِيلِ: يامن يعطى الكثير بالقليلِ ٢٥١/٤٣ ـ ٢٥١/٦٤
يامن أعطى الكثير بالقليلِ ٢٥١/٤٣
الْقَلِيلَةَ: وأظهرت حسناتى القليلة ١٤٩/٣٣
مُسْتَقَلاً: معروفك مستصغراً مستقلاً ١٩٩/١٨١
أَقَلَّ: أقلَّ لوعيدك إنتباهاً وارتقاباً ٤٩/١٥
وأنا بعد أقلُّ الأقلّين وأذلّ الأذلّين ١٤٧/٨٠
أَقَلِّهِ: وإحسانك أكثر من أن تشكر على أقلّه ١٤٦/١٣
الْأَقَلِّينَ: وأنا بعد أقلّ الأقلّين وأذلّ الأذلّين ١٤٧/٨٠

ق.ل.م

أَقْلِمْ: وأقلم عنهم أظفارهم ٦٧/٦
الْقَلَمِ: وبحقّ القلم وجريته ١٨٠/١
آه وانفساه ... من القلمِ وما جرىٰ ١٩٨/٧

ق.ل.ى

فَقَلَيْتَنِي: لعلّك رأيتني معرضاً عنك فقليتني ١١٦/٥٥
قِلاكَ: فاجعلنا ممّن ... أعذته من هجرك وقلاك ١٩٠/٢
مَقْلِيّاً: لابملل صمناك ولامقليّاً فارفناك ١٤٣/٢٩
الْمِقْلىٰ: تركتني خطيئتي كالحبّة في المقلى ١٩٨/٥٤

ق.م.ر

قَمَراً: وجعل فيها سراجاً وقمراً منيراً بالله ١٣٢/٣
الْقَمَرِ: سبحانك تعلم وزن الشّمس والقمر ٤/١٧
يامن جعل اللّيل سكناً والشمس والقمر (قرآن) ١٢٨/٢
يا ... جاعل الشّمس والقمرِ حسباناً ١٣٣/١
وأضاء به القمرُ وسجّرت به الجبال ٢٦٧/٥
يامقدّر القمرِ منازل حتّى عاد كالعرجون القديم ١٣٠/١
لِلْقَمَرِ: خلقت لها وللقمر والنّجوم منازل وأبراجاً ٢٤٥/٤

ق.م.ع

قَمَعْتَ: أللّهمّ وكما قمعت به «محمّد» الكفر ١٠/٥
تَقْمَعَ: وتقمع رأسه «المريد بالسّوء عليّ» ٦١/٨

فَانْقَمَعَ: فانقمع بعد استطالته ١٥٢/٨
الْقَمْعِ: أعوذبك من ... الزيغ والقمع ١٥٣/٢٦
مَقْمُوعي: مقموعي الرُّؤُوس بعد الظّهور ٧٠/١٠
مَقامِعِ: ألوقع مقامع الرّبانية ركّبت أعضائي؟ ٢٠٣/١٠
بما وصفته من ... مقامع الحديد ٢٥٧/١٦
الْمَقامِعِ: آه واحزناه من ... ضرب المقامِعِ ١٩٨/٢٧
سيّدى أَلضرب المقامع خلقت أعضائي ١١٢/٣

ق.م.ن

لَقَمِينٌ: وإنّ من تحبّب إليك لقمينٌ بمرضاتك ١٩٩/١٥٢

ق.ن.ت

الْقانِتِينَ: ما استعملت به القانتين ١٤٧/٨٦

ق.ن.ط

قَنَطَ: إنّ الشّقيّ من قنط وأمامه التّوبة ٨٧/٥
لَقَنَطْتُ: لولا ما أرجوّ من كرمك ... لقنطت ١١٦/٦٩
لايَقْنَطُ: لايقنط من رحمتك إلاّ من تولّى وكفر ١٩٩/٧٩
فإنّه لايقنطُ من رحمتك إلاّ الضّالّون ٧٧/٦
ولايقنُطُ من رحمتك إلاّ القوم الضّالون ٢٥٢/٤١
لاتَقْنَطُوا: أسرفوا على أنفسهم لاتقنطوا ١٦٢/٢
أَقْنَطَهُ: وما أقنطهُ من سهولة المخرج ١٤٦/١٠
لاتُقَنِّطْني: ولاتقنّطني من رحمتك ٢٥٢/٤١
قُنُوطَ: لاأن يكون يأسه قنوطاً ١٠١/١٠
لم أسلّط على حسن ظنّى بك قنوطَ ١٩٩/٨٤
إلهى قدّمني إليك رجاء لايشوبه قنوط ٢٣٩/٨
الْقُنُوطُ: ولاصرفني القنوطُ عن إنتظار رضوانك ١٩٧/٣٧
١٩٩/١٤٠
لولا ما أرجو من ... نهيك عن القنوطِ لقنطت ١١٦/٦٩
لاتلبسنا سربال القنوطِ ١٨٧/٣
فيغلب عليّ القنوطُ من رحمتك ١٤٧/٩٠
واكفني روعات القنوطِ ٢٥١/١٥
بِالْقُنُوطِ: أللّهمّ لاتفتنّى بالقنوطِ من إنصافك ٤٤/٩
قانِطٍ: ولاقانطٍ من رحمتك ١٤٨/٢٧
قانِطِينَ: ولالفضل ما نؤمّله من عطائك قانطين ٢٣٤/١
الْقانِطِينَ: من رحمتك فأكون من القانطين ٧٧/٦
أَقْنَطَ: ولاأقنطَ وفودك الآملين ٨٨/٨

ق.ن.ع

لاتَقْنَعُ: وأعوذبك من نفس لاتقنع ١١٦/١٢٧
أَنْ تُقَنِّعَني: وأن تقنّعني بتقديرك لي ٨٨/١٨
قَنِّعْني: وقنّعني بما رزقتني ٢٥١/٤١-١٢١/١٣
قنّعني بإالهى بما رزقتني ٢٤٨/٣
قَناعَةَ: وارزقنا ... قناعةَ المنيبين ٢٠٠/١٨
أللّهمّ ارزقنا ... تذكّراً وقناعةً ٢٠٠/٢٠
الْقَناعَةِ: أعوذبك من ... قلّة القناعة ٢٦/١
لِقَناعَتي: إجعل ذالك سبباً لقناعتي بما قضيت ٤٤/١٣
قِناعَ: إرحم من ألقى عن رأسه قناعَ الحيآء ١٩٩/٤٧
قانِعاً: واجعلني ... بما رزقتني قانعاً راضياً ٢٥١/٤٨
قانِعِينَ: وبرزقك قانعين ٢٠٦/٢٠

ق.ن.ى

أَقْنانا: والحمدلله الّذى أقانا بمنّه ١/٢٢

ق.و.ت

قُوتاً: جعلت لي قوتاً من فضل طعام وشراب ٨٨/١٥
جعل لكلّ روح منهم «الخلق» قوتاً معلوما ١/٦
الْأَقْواتِ: يامالك خزآئن الأقوات ١٩٩/٥١
وتوسّع به في الأقواتِ سحاباً متراكماً ٥٣/٢
الحمد على ما... بصّرتنا من مطالب الأقوات ٢١/٥

ق.و.د

قادَتْهُ: هذا مقام من... قادته أزمّة الخطايا ٨٠/٢
إِنْقادَ: وانقاد للتسليم لك كلّ خلقك ١٢٧/٢٥
وانقاد لعظمتك كلّ شيءٍ ١٢٩/٦
وإنقاد كلّ عظيم لعظمته ٢٣٨/٢
بِالْقَوَدِ: أستكين بالقود من نفسي ١٦٧/٣
إِنْقِيادُ: وبتقديرك بمضى إنقياد التّدبير ١٩٩/١٩٧
الْإِنْقِيادَ: وألهمنا الإنقياد لما أوردت ٩٢/٣
قائِدِ: محمّد ... قآئد الخير ٩/٢ - ١٢٣/٩
وجعلته «محمّداً»... للمؤمنين في عرصة القيامة قآئداً ١٠/٦
صلّ على ... قائدِ الغرّ المحجّلين ١٤١/٢٧
في القيامة إلى رضوانك وجنانك قائداً ١٠٩/١٦
قادَةَ: وقادة أهل التّقى على جميعهم السّلام ١٤/٢
قادَتي: إجعل آل محمّد ... أئمّتى وقادتي ٢٤٨/٦
مُنْقادَةً: فكلّ خليقته منقادةٌ لنا بقدرته ١/٢٠

ق.و.س

قَوْسِ: ورماها عن قوسِ المنايا بأسهم ١٠٩/١٨

ق.و.ع

قاعاتِها: واحطط من قاعاتها ومظانّها منارهم ٢٢٣/٥

ق.و.ل

قالَ: يقوم الرّوح والملآئكة... وقالَ صواباً (قرآن) ٢٠٧/١١
إذ قال أنظرني إلى يوم يبعثون ١٥١/٢
قال لاتخافا إنّني معكما أسمع وأرى (قرآن) ٢٢/٧
وقالَ الملك ائتوني به (قرآن) ١٥٩/٢٢ ـ ٢٢/٢٢
قال كلاّ إنّ معي ربّي سيهدين (قرآن) ١٥٩/١٧
قال سنشدُّ عضدك بأخيك (قرآن) ٢٢/٧ ـ ١٥٩/١٨
قال فأت به إن كنت من الصّادقين (قرآن) ١٥٩/١٦
قال أو لو جئتك بشيءٍ مبينٍ (قرآن) ١٥٩/١٥
واجعلني مسلّماً لمن قال منهم بالصّدق عليك ١٢٣/١٧
قال اخسئوا فيها ولاتكلّمون (قرآن) ٢٣/٣
... قال انّك اليوم لدينا مكينٌ أمينٌ (قرآن) ١٥٩/٢٢
يامن قال : أدعوني ٢٠٠/٤٧
فلمّا كلّمه قال انّك اليوم لدينا (قرآن) ٢٢/٢٢
بسم الله الّذى قال به ياناز ٢٢/٢٥
قال اجعلني على خزائن الأرض (قرآن) ٢٢/٢٢
فَقالَ: فقال لبّيك وسعديك ٤٩/٥
قالُوا: وقالوا قولاً عظيماً ما اتّخذ الله ١٤٣/١٣
قالَتْ: قالت إنّي أعوذ بالرّحمن منك (قرآن) ٢٢/٧
فَقالَتْ: فقالت هل أدلّكم على أهل بيتٍ (قرآن) ١٥٩/٢١
قُلْتَ: فقد قلت سيّدى ولقد ناداناً نوحٌ ٢٤٩/٢٢
قلتَ أدعوني أستجب لكم (قرآن) ٢٤٩/١٩ـ١٤٢/١٧
فإنّك قلت إستغفروا ربّكم إنّه كان غفّاراً ٢٤٩/١٩
كما قلتَ جلّ قولك إنّ الله اشترى ١٤٤/٢٥
وقلت جلّت أسماؤك ولنبلونّكم ١٤٤/٢٦
ربّ انّك قلت وفي السّماء رزقكم وما توعدون ٧٧/٧
قد قلت ياإلهي في محكم كتابك ٨٠/١٢
وحتّى قلتَ له فتولّ عنهم فما أنت بملوم ١٠/٤
وقلت إذا أذقنا الإنسان منّا رحمةً ٣٥/١٣
وقلت إذا مسّ الإنسان ضرّ دعا ربّه ٣٥/١١
وقلت إنّ الإنسان ليطغى أن راه استغنى ٣٥/٩
وقلت وقولك الحقّ ٢٠٥/١٣
وقلت من بعد ذلك تباركت وتعاليت ٢٥٧/١٣
وقلت سبحانك إذا مسّكم الضّرّ فإليه تجأرون ٢٥٧/٣٣
وقلت : وإذا مسّ الإنسان الضرّ ٢٥٧/٣٥
وقلت ويدع الإنسان بالشرّ ٢٥٧/٣٦
إذ قلت تباركت وتعاليت ٢٥٧/٣٠
وقلت عزّيت وجلّيت ٢٥٧/٣٤
وقلت عزّيت من قآئل ٢٥٧/٣١
وقلت جلّيت من قآئل ٢٥٧/٣٢
أن قلت ياعبادى الّذين أسرفوا ١٦٢/٢
ثمّ قلتَ فوربّ السّماء والأرض ٧٦/٥
فإنّك قلتَ في كتابك المنزل ٢٠٦/١٤
فإنّك قلت فما إستكانوا لربّهم وما يتضرّعون ٢٤٩/١١
وقلت لئن شكرتم لأزيدنّكم ١٤٢/١٦
ثمّ قلت إنزجر عبدي ١٩٧/٢٨
أنت الّذى قلت من الّذي دعاني فلم ألبّه ٢٠١/٢٣
ثمّ قلت وأذّن في النّاس بالحجّ ١٤٤/٢٣
وقلت فمن شهد منكم الشهر فليصمه ١٤٤/٢١
قلت تباركت وتعاليت في عامّة ابتدائه ١٤٤/١٥
قلت عززت وجللت ما فرّطنا ١٤٤/١٤
قلت عظمت آلاؤك قَ ١٤٤/١١
قلت تقدّست أسماؤك صَ ١٤٤/١٠
قلت عزّ قولك يسّ والقرآن الحكيم ١٤٤/٩
وقلت جلّ قولك له حين اختصصته ١٤٤/٨
وأنت الّذى قلت أنا الجواد ومنّى الجود ٢٠١/٢٤
وقلت لي : إستمسك ٢٠٠/٤٥
إلهي أنت قلت وقولك الحقّ ١٩٤/٥
وقلت وقولك الحقّ فاذكروني أذكركم ١٩٤/٥
وقلت ورحمتي وسعت كلّ شيء ٢٥١/٦٨
فإنّك قلت في كتابك المنزل ٢٥١/٦٨
وقلت فأمّا الإنسان إذا ما ابتلاه ربّه ٣٥/٨
إذ قلت إنّ الإنسان خلق هلوعاً ٣٥/٧
قلت : ألم أكن الشاهد عليك ٩٠/٦
فَقُلْتَ: فقلت تبارك إسمك ١٤٢/١٠ ـ ١٤٢/٧
... لأكون من الموقنين فقلتَ ... ٧٧/٧
فقلت توبوا إلى الله توبة نصوحاً ١٨٢/٩
فقلت وقولك الحقّ الأصدق ٧٦/٤
فقلت أذكروني أذكركم ١٤٢/١٥
فقلت ملآئكتي فريد قد نأى عنه ١٩٧/٣٣ ـ ١٩٩/١٣٩
فقلت جلّ اسمك ولله على النّاس ١٤٤/٢٢
فقلت جلّ إسمك كتب عليكم الصّيام ١٤٤/٢٠
فقلت عززت وجللت شهر رمضان ١٤٤/٢١
فقلت عزّ جلالك في تأكيد الكتاب ١٤٤/١٣
فقلت جلّ إسمك ولقد آتيناك ١٤٤/٧
فقلت إنّ الله وملآئكته يصلّون ١٤٣/٢٢
قُلْتُ: وقلتُ ويدع الإنسان بالشّرّ دعاه بالخير ٣٥/١٢

أللّهمّ إنّي كلّما قلتُ قد تهيّأتُ ١١٦/٥٣
ومالي كلّما قلتُ قد صلحت سريرتي ١١٦/٥٤
وقلتُ وإذا مسّ الإنسان الضرّ دعانا ٣٥/١٠
قلت سبحان ربّي كيف يسأل محتاجٌ محتاجاً ٣٩/٧
وإن قلت : لم أفعل ٩٠/٦
فإن قلت نعم فأين المهرب من عدلك ٩٠/٦
فكلّما قلت لك الحمد ... ١٨٧/٦
قُلْنا: خيفةً موسى قلنا لاتخف (قرآن) ١٥٩/١٣
لَقُلْنا: لقلنا جزاك الله ياشهر رمضان عنّا خيراً ١٤٣/٢٩
قيلَ: وقيل من راقٍ (قرآن) ١٠٩/١٧
والرّبانيّة الّذين إذا قيل لهم ... ١٢/١٣
فوا سوءتاه غداً من الوقوف بين يديك إذا قيل ٩١/٣
يَقُولُ: ويقول الكافر ياليتني كنت تراباً (قرآن) ٢٠٧/١٢
يقول ياليتني اتّخذت مع الرّسول سبيلاً (قرآن) ٢٠٧/١٧
ويقول ياويلاه واحرباه ٢١٤/١٢٩
ويقول بشجو واويلاه ٢١٤/٥٣
تعاليت عمّا يقول الظّالمون ٢٠٠/٤٣ ـ ٢٣٤/٧ ـ ١٩٩/١١
والله تعالى يقول ولاتكونوا كالّذين ٢١٩/٤٦
فَيَقُولُ: فيقول ربّي أهانن (قرآن) ٢٥٧/٣١ ـ ٣٥/٨
فيقول ربّي أكرمن (قرآن) ٣٥/٨ ـ ٢٥٧/٣١
أَنْ يَقُولَ: وإنّما أمره إذا أراد شيئاً أن يقولَ (قرآن) ٢/٨
يَقُولُونَ: يقولون حجراً محجوراً (قرآن) ٢٠٧/١٦
وبأيمانهم يقولون ربّنا أتمم لنا نورنا (قرآن) ١٤٢/٧
الّذين يقولون سلام عليكم بما صبرتم ١٢/١٣
والّذين يقولون إذا نظروا إلى جهنّم ١٢/٩
يقولون ربّنا اغفرلنا ولإخواننا (قرآن) ١٤/٥
لايَقُولُونَ: والنّاس ... لايقولون صدقاً ١٩٩/٥٨
تَقُولُ: وتقول هل من مزيدٍ (قرآن) ٢٥٧/١٧ ـ ٢٠٧/١٩
إذ تقول أدعوني أستجب لكم ٨٠/٨
أنت كما تقولُ وفوق ما نقولُ ١١٦/١٠٥
فَتَقُولُ: فتقول هل أدلّكم على من يكفُلُهُ(قرآن) ١٥٩/٢٠
أَنْ تَقُولَ: أنّك قادر أن تقول للأرض ١٩٩/١٥٩
إذا أردت شيئاً أن تقول له كن فيكون (قرآن) ٢٤١/٢
أَقُولُ: أقول من أين ٧٧/٩
واقبل منّي ما أقولُ ١١٦/١٠٤
أقولُ فلا أجد سميعاً ٢١٩/٣٤
أعوذبك ياربّ أن... أقولَ لحقّ هذا باطلٌ ١٣٥/١٣
أعوذبك ياربّ أن... أقولَ لباطلٍ هذا حقٌّ ١٣٥/١٣
أعوذبك ياربّ أن... أقولَ للّذين كفروا... ١٣٥/١٣
بل أقولُ مقال العبد الذّليل ٣٤/٥
حتّى متى والى متى أقولُ لك العتبىٰ ٩٠/٣
لاأَقُولَ: حتّى لاأقولَ إلاّ صدقت ٢١٩/٢
أَنْ أَقُولَ: لذلك «الحمد» أن أقولَ لك الحمد ١٨٧/٦
نَقُولُ: يوم نقول لجهنّم هل امتلأت (قرآن) ٢٠٧/١٩
أنت كما تقول وفوق ما نقولُ ١١٦/١٠٥
نقولَ في العلم بغير علم ٢٦/٣
يُقَالُ: والنّار الّتي يقالُ لها هل امتلأت ٢٥٧/١٧
فلو كان يقال جزى الله شهراً ١٤٣/٢٩
قُلِ: وقل الحمدلله الّذي لم يتّخذ ولداً (قرآن) ٤٧/٢ـ٢٢/١١
قل ادعوا الله أو ادعوا الرّحمن (قرآن) ٢٢/١ ـ ٤٧/١
قل ادعوا شركاءكم ثمّ كيدون فلا تنظرون (قرآن) ١٥٩/٩
بِقُلْ: زجرتهم بقل هو الله أحد (قرآن) ١٦١/٣
قَوْلِ: وأجرني من ... كلّ قولٍ وفعل يباعدني ١٩٩/٧٧
ولاقولٍ أعيده وأبديه في ذكرك ١٩٩/١٨١
أللّهمّ إنّي أسألك التّوفيق لكلّ عملٍ أو قولٍ ١٢٣/١٥
... أللّهمّ وما تعدّيا عليّ فيه من قولٍ ٦٣/٩
وقالوا قولاً عظيماً ماتّخذ الله ١٤٣/١٣
أللّهمّ إنّي أسألك ... قولاً صادقاً ١١٦/١٠٦
الْقَوْلِ: بما فتحت لنا من حسن القولِ فيهم ١٢/١٥
حبّب إليّ ما تحبّ من القولِ والعمل ٧٧/٤
ووقع القولُ عليهم بما ظلموا فهم لاينطقون (قرآن) ٢٣/٣
وقّفني لخير القولِ والعمل ٢٧/٣
الورع عن محارمك مع صالح القولِ ١١٧/١٠
وأعنّي على ... مرضى القولِ ١٤٧/٩٥
أشهد أنّ ... القول كما حدّث ٢٥٢/٢٨ ـ ٢٥١/٣٦
لايبدّل القولُ لديه ١٤٩/١٢
والقولَ بالحقّ والصّدق في المواطن كلّها ٣٦/٧
ياوافي القولِ ٩/٥
قليل البغي وكثيره في القولِ منّي والفعل ١٢٥/٥
والقولِ بالحقّ وان عزّ ٥٥/١٥
قَوْلُهُ: وقولُهُ «الله» صدقٌ ٢/٨
ولاأعتمد إلاّ قولَهُ ٢٣٦/١
قَوْلُكَ: كما قلت جلّ قولُك إنّ الله اشترى ١٤٤/٢٥
أللّهمّ أنت القائلُ وقولُك حقّ ١١٦/١٥
ربّ إنّك قلت ... وقولك الحقّ ٧٧/٧
حمداً لاحمد أقرب إلى قولك منه ١٤٧/٤٣
وقلت وقولُك الحقّ ٧٦/٤ ـ ٢٠٥/١٣
قلت عزّ قولُك يسّ والقرآن الحكيم ١٤٤/٩
قلت جلّ قولك له حين اختصصته ١٤٤/٨
سبحانك قولُك حكم وقضائك حتم ١٤٧/٢٨

إلهي أنت قلت وقولك الحقّ ١٩٤/٥
وقلت وقولك الحقّ فاذكروني أذكركم ١٩٤/٥
فهى بمشيّتك دون قولك مؤتمرة ٢٤/٢
قَوْلي: واستقلال الخير وإن كثر من قولي وفعلي ٥٥/١٥
وأصدق قولي بفعالي ٧٨/٧
وإستكثار الشّرّ وإن قلّ من قولي وفعلي ٥٥/١٥
بِقَوْلٍ: أسألك بقولٍ لاإله إلاّ أنت ١٢٤/٣
لِقَوْلِهِ: وأقبلهم «مواليه» لقوله ١٤٩/٧٠
بِقَوْلِكَ: وأنت الّذى دللتهم بقولك من غيبك ١٤٢/١٤
لِقَوْلِكَ: ولاخلف لقولك ولاتبديل ٢٤٦/٣
بِالْقَوْلِ: لايسبقونك بالقول وهم بأمرك يعملون ٤٢/٢٠
وبالقول الثّابت في الحياة الدّنيا ١٥٣/٢١
وثبّتني بالقول الثّابت في الدّنيا ٢٠٠/٤٦
الْأَقْوالِ: أسألك ... من الأقوال أصدقها ١٩٩/٢١
قائِلٍ: إجعل محمّداً ... أوّل قائل ١٤١/٢٦
وقلت عزّيت من قآئلٍ ٢٥٧/٣١
وقلت جلّيت من قائلٍ ٢٥٧/٣٢
الْقائِلُ: أللّهمّ أنت القآئلُ ١١٦/١٥
قائِلُونَ: فنحن قائلون السّلام عليك ياشهر الله ١٤٢/٢٧
الْقائِلُونَ: وذلك أكثر من أن يحصيه القائلون ١٩٩/١٧٢
مَقالَ: بل أقول مقال العبد الذّليل ٣٤/٥
مَقالي: أنت محص لما أريد التفوّه به من مقالى ٢٤٩/١٣
أللّهمّ بذكرك أستفتح مقالي ١٩٩/١
صدّق مقالى بفعالي ٢٥١/٣٣ ـ ٢٥٢/٢٦
مَقالَةِ: بسم الله ... مقالةِ المتحرّزين ٢٥٣/١
مَقالَتي: إنقطعت مقالتي ١٩٩/٨٢
وانقطعت مقالتي فلا حجة لي ١٦٧/١

ق.و.م

قُمْ: أسألك اللّهمّ بما استعلمت به من قام بأمرك ٨٣/٧
وبالإسم الّذى قام به العرش والكرسيّ ٢٦٧/٦
وقامَ بحدوده حقّ قيامها ١٤٢/٥٦
فَقامَ: فقام محمّد صلوات الله عليه وآله فيهم ١٩٩/٥٨
فقام «العبد» إليك بقلب طاهر ٣٤/٧
قامُوا: واقف بنا آثار الّذى قاموا لك به ١٠٩/١٠
وقاموا بأمرك ٨٣/١٧
قامَتْ: قامت على مستقرّ المشيئة كما أمرتها ٢٤٧/٧
قُمْتُ: وقمت إليك فيه وعبدتك فيه ١٤١/١١
وقمتُ بها «حوائجى» بين يديك ١٤٩/٢٧
وإذا قمت بين يديك في القبور ١١٨/٣
قمت لك حتّى تتنشّر قدماى ٤٩/١٧
قلتُ قد تهيّأت و تعبّأت وقمتُ للصّلاة ١١٦/٥٣
قُمْنا: وقمنا حتّى تيبس أقدامنا ٢١٣/١
وقمنا بعونك ليله ١٤٢/٢٥
يَقُومُ: في الدّنيا أنّه يقومُ بمصالحى ١١٨/٥
يوم يقومُ النّاس لربّ العالمين (قرآن) ٢٠٧/٧
يوم يقوم الرّوح والملآئكة صفّاً (قرآن) ٢٠٧/١١
لَمْ يَقُمْ: ولم يقم لسلطانك سلطان ١٤٧/١٥
تَقُومُ: إلهى، ألأمان الأمان يوم تقومُ السّاعة (قرآن) ٢٠٧/٦
بإسمك الّذى به تقومُ السّماء والأرض ٢٣٤/١
أَقُومُ: وجيهاً عندك يوم أقومُ لك و ألقاك ١٩٩/١٩١
إلهى لاتغضب علىّ فلست أقومُ لغضبك ١٩٧/٤٣
وحاسبت نفسى فلم أجدني أقومُ ٢٥٧/١٤
لَمْ أَقُمْ: إلهى ... ولم أقُم بين يديك ٢٠٥/٥
أَنْ أَقُومَ: فلم أجد أن أقومَ بشكر ٢٠١/٤٦
أَقامَ: ومن الّذي أقامَ ببابي فلم أجبه ٢٠١/٢٣
الّذى أقامَ به السّماوات والأرض ٢٣/٢
وقد أقام فينا هذا الشّهر مقام حمد ١٤٢/٢٦
وأقامني مقام الأذلّاء بين يديك ضرّ حاجتى ١٩٩/٨٩
أَقامَتْ: من ذنوبٍ ... أقامت تبعاتها فلزمت ٨٠/٦
وأقامت عليها حرّاسها ٢١٥/١
أَقامَتْهُ: سيّدى عبدك ببابك أقامتهُ الخصاصة ١١٦/١٠٣
أَقامَتْني: فقد أقامتني ياربّ ذنوبي ٨٠/١٩ ـ ٨١/٤
فقد أقامتني الثّقة بك على مدارج الأخيار ١٩٩/٩٦
أَقَمْتَ: أقمت لهم «الخلق» منار القصد إلى طريق ٢٤٩/١
قد أقمت بقدسك حياة لكلّ شيىء ١٩٩/٣٨
وأقمت لأهله دليلاً من لدن آدم إلى محمّد ١٤/٢
أَقَمْتَهُ: في كلّ أوانٍ بإمام أقمته علماً لعبادك ١٤٧/٦١
أَقَمْتُ: أقمت الصّلاة وآتيت الزّكاة ١٤٤/١٩
لَمْ تُقِمْني: وإذ لم تقمني مقام فضيحةٍ في ١٤٧/١٠٢
فَلا تُقِمْني: فلا تقمني مثله في آخرتك ١٤٧/١٠٢
أُقيمُ: وأقيم على طاعتك رجاء للإثابة ٢٣٦/٦
لَمْ أُقِمْ: ولم أقم ما فيه مصلحتها ٥٩/٣
أَقِمْ: وأقم به «وليّك» كتابك ١٤٧/٦٥
أقم به «الحقّ» الحدود المعطّلة ٧٠/١٢
أللّهمّ ... وأقم بهم «ولدى» أودى ٦٤/٣
وأقم للحقّ مناصبه ٢٢٣/٧
قَوِّمْ: وقوّم منه إوداً ٢٥٧/٢
قَوِّمْني: وقوّمني بالبذل والإقتصاد ٧٩/٣
فَقَوِّمْنا: وإن زغنا فيه «شهر رمضان» فقوّمنا ١١٥/٢١

قَوْم: فإنّ قوماً آمنوا بألسنتهم ليحقنوا به دماءهم ١١٦/٧١
يامن أنزل العذاب على قومِ يونس ٢٣٣/٥ ـ ١٦٥/٦
وبين قومٍ طالما عاديتهم فيك ٢١٧/١
الْقَوْمُ: ولايأمن مكرك إلاّ القومُ الخاسرون ٢٥٢/٤١
ولايقنط من رحمتك إلاّ القومُ الضّالون ٢٥٢/٤١
فإنّه لايأيأس من روحك إلاّ القومُ الظّالمون ٢٥٢/٤١
وحلّ أحبّ القومِ كان بقربه ٢١٤/١٢٦
حيارى وليل القومِ داجٍ نجومه ٢١٩/٤١
فظلّ أحبّ القومِ كان لقربه ٢١٤/٥٠
يامن نجىّ هوداً من القومِ العادين ١١٤/١٩
يامن نجىّ محمّداً من القومِ المستهزئين ١١٤/١٩
يامن نجىّ لوطاً من القومِ الفاسقين ١١٤/١٩
يامن نجىّ نوحاً من القومِ الظّالمين ١١٤/١٩
مولانا فانصرنا على القومِ الكافرين (قرآن) ٨٣/١٣
قَوْمَهُمَا: نجّيناهما و قومهما (قرآن) ١٥٩/١٩
قَوْمِهِمْ: واشكرهم على هجرهم فيك ديار قومهم ١٤/٤
قَوْمي: وأعزّني في عشيرتي وقومي ٢٣٦/٥
بِقَوْمٍ: وإذا أردت بقومٍ فتنةً أو سوءاً فنجّني ١٤٧/١٠٢
قِيامٍ: وجعلته «محمّد»... لك إلى قيام السّاعة حامداً ١٠/٦
الْقِيامِ: وهذا شهر القيام ١١٧/١
لم ينحل الصّيام والقيامُ جسمي ٢٤٨/٩
ورغّبت فيه من القيامِ ١٤٢/٢٤
شهر القيام وشهر القرآن وغرر الأيّام ١٤٣/٢٨
وشهر القيام الّذى أنزل فيه القرآن ١١٥/٣
وأدّنا إلى القيام بما يستحقّه من الطّاعة ١٤٢/٥١
قِيامِهِ: يدأب في صيامه وقيامه ١١٤/٢٠ ـ ١١٣/٧
وأعنّى على صيامه «رمضان» وقيامه ١١٧/٢
بلوغ الأمل فيه وفي قيامه ١١٧/٨
ولم تقبل منه صيامه وقيامَهُ وعبادته ١٤١/١١
الّذى أعاننا على صيام شهر رمضان وقيامِهِ ١٤٣/١٥
متعرّضين بصيامه وقيامِهِ ١٤٢/٢٥
وقد تولّينا بتوفيقك صيامه وقيامَهُ ١٤٢/٤٨
قِيامِها:وقام بحدوده حقّ قيامها ١٤٢/٥٦
قِيامي: وتزكية صيامي وصلاتى وقيامى ١٤١/١٠
قِيامَنا: وأن تقبل ... قيامنا وعبادتنا ١٣٩/٢
إِقامَةَ: فيامن ... ألزمني إقامة حدوده ١٩٩/٧٢
بعد فتح الباب وإقامةِ الدّليل ١٤٢/٨
إلهى أذهلني عن إقامةِ شكرك تتابع طولك ١٨٧/١
الْإِقامَةِ: وأنت إلى دار الإقامةِ صائر ٢١٤/١٠٣
خمود تلك الرّقدة وطول تلك الإقامةِ ٢١٩/٢٦
إِقامَتَهُ: واجعل ... إقامتهُ فيك ولك ٦٧/١٨
لِإِقامَةِ: ووفّقهم لإقامة سنّتك ٦٥/٢
بِإِقامَةِ: أللّهمّ تولّني في جبراني بإقامة سنّتك ٦٦/١
إِقامَ: وإقام الصّلاة وإيتاء الزّكاة ٣٦/٨
قِيامي: وتحت ظلّ عفوك قيامي ١١٦/٩٠
قِوامُ: الّذي هو قوامُ حياتنا ٨٧/٩
الحجّة على عدلك وقوامِ وجوب حكمك ٢٤٩/٢
إِسْتِقامَةِ: أللّهمّ إنّى أسألك... إستقامةَ المهتدين ١٣٩/٦
قائِمٌ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... قائمٌ لاتنام ١٣٠/٥
... ياقآئمٌ على كلّ نفس بما كسبت ... ٤٢/١
قائمٌ بالقسط عدل في الحكم ٢١/١٦
وإذا مسّ الإنسان الضّرّ دعانا... قائماً (قرآن) ٣٥/١٠
دعانا لجنبه أو قاعداً أو قائماً (قرآن) ٢٥٧/٣٥
أرزقني رؤية قائمِ آل محمّد ١٨١/٥
الْقائِمِ: وعلىّ بن الحسين... والقائمِ في ٤٢/٦
والقائمُ بلا عنآء ٧/٤ ـ ٢/٤
... الخلف القائمِ المنتظر ... ٤٢/١٥
أنت ... القائمُ الّذى لم يلد ولم يولد ٢٤٣/٤
ومحمّدبن علىّ الرشيد القائمِ بأمرك ٤٢/١١
وعلىّ بن محمّد ... القائمِ بعدلك ٤٢/١٢
صلّ على... الحجّة القائمِ المهدىّ الإمام ١٨١/٤
القائمُ على كلّ نفس بما كسبت ٢٢/٤١
وأنت المتفضّل المنّان القائمُ الدّيان ٢١٤/٧٣
والقائمَ بالقسط من أوصياء محمّد ١١٧/٣٥
وولاية القائمِ السابق منهم بالخيرات ١١٩/١٨
قآئِمَهُ: تصرع بها «بدلاً» قآئمه «الباطل» ٧٠/٨
قآئِمَةً: لاتدع للجور ... قائمةً إلاّ خفضتها ٧٠/٩
حجّتك قائمةٌ لاتدحض ١٤٦/٩
إلهى كأنّى بنفسي قآئمةٌ بين يديك ١٩٧/٤
مُقيمٍ: وأنتحل عزماً من إرادة مقيمٍ ٢١٩/٤
أنا مقيمٌ عليها راجٍ للتّوبة علىّ منك فيها ٣٦/٩
أنا مقيمٌ عليه أو تأتّب إليك منه ٣٦/٩
الْمُقيمُ: وأعددت فيها من النّعيم المقيم ٢٥٧/١١
بما وصفته من... العذاب المقيمِ ٢٥٧/١٦
أصبهم «المشركين» بالجوع المقيمِ ٦٧/١٥
مُقيمُهُ: ... ساكنه ومتحرّكه ومقيمه وشاخصه... ٢١/٦
مُقيمينَ: وفي نعيم الجنّة مقيمين ٢٠٦/٢٣
مُسْتَقيمٍ: إنّك على صراطٍ مستقيمٍ ٢٦٩/٣ـ٦١/٦ـ٣٣/١٤٣
إنّ ربّى على صراط مستقيم ١٥٩/٢٣ ـ ١٣٢/١٢ ـ ٢٤٩/٢٦
تهدى من تشاء إلى صراط مستقيمٍ ١١٩/٢٥

الْمُسْتَقيم: أوضحت من الصّراط المستقيم ١٢٠/٢
وإلى صراطك المستقيم فاهدني ١٥٣/٢٤
مُسْتَقيمين: وعلىّ حدبين مقبلين مستقيمين ٦٤/٤
الْمُسْتَقيمَين: إنّى أسألك... إخبات المستقيمين ١٣٩/٦
قَيُّومْ: ياحىّ ياقيومُ ياكاشف الغمّ ١٠٧/١ ـ ١٦١/٧
وسلطانك العظيم فإنّك حىّ قيّومٌ لايموت ١٣٤/٨
وأنت الهى حىٌّ قيّومٌ ٨٢/٢
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... قيّومٌ لاينام ١٣٠/٣
ياحىّ ياقيّومُ يامحيى الأموات ٢٢/٤١
ياقيوم ياالله يابديع السّماوات والأرض ١٣٢/٢
ياقيّومُ ياغافر الذّنب ١١٦/٢٦
وأنت وحدك ياقيّومُ لم تنم ٢١٥/٣
حىّ قيّومٌ جواد كريم ٢٤١/٤
ياحىّ ياقيّومُ ياواحد ياأحد ١٢٨/٣
الْقَيُّومْ: كذلك أبداً هو الإله الحىّ القيّومُ ٢/٥
أللّه لإله إلاّ هو الحىّ القيُّومُ (قرآن) ١٨/١ ـ ١٥٩/٦
عنت الوجوه للحىّ القيّوم (قرآن) ٢٣/٣
وأنت الملك الحىّ القيومُ ٢١٥/١
هو الإله الحىّ القيّومُ ٧/٥
لإله الاّ هو الحىّ القيّومُ ١١٧/٤٠
الْقُوّام: والقوّام على خزائن الرّياح ١٢/١١
مُقاماً: إنّها ساءت مستقرّاً ومقاماً (قرآن) ٨٣/١٥
الْمُقام: وظفروا بـ... المقام في دار الكرامة ٢٠٠/٢٦
وجه تأميلي بالخيبة في دار المقام ١٩٩/٩٢
الْمُقامَةِ: وفي دار المقامة خالدين ٢٠٦/٢٣
وبارك لنا في... طول المقامة بين أطباق الثّرى ١٠٩/١٩
حمداً... نضامّ به انبيائه المرسلين في دار المقامة... ١/١٨
فارزقنا في دارك دار المقامةِ ٢٥٧/٣٩
نقدم بها على نعيم دار المقامةِ ١٠٩/٩
مَقامَ: ياربّ هذا مقامُ من لاذبك ١١٦/٣٥
لعلّك وجدتني في مقامِ الكاذبين فرفضتني ١١٦/٥٥
فهذا مقامُ العآئذ بك ٨٨/٨
أقامتني ياربّ ذنوبي مقامَ الخزى بفنائك ٨١/٤ ـ ٨٠/١٩
وأقامني مقامَ الأذلاّء بين يديك ضرّ حاجتي ١٩٩/٨٩
وهذا مقامُ من استحيى لنفسه منك ٨٨/١١
وإذ لم تقمني مقامَ فضيحة في دنياك فلا تقمني ١٤٧/١٠٢
أللّهمّ ... ثبّتني في كلّ مقامٍ ١٤٨/٣٤
هذا مقامُ من اعترف بسبوغ النّعم ١٥٢/١٤
هذا مقامُ من إعترف لك بالتّقصير ١٥٣/١٠
متى أصف محن الدّنيا ومقامَ الصّديقين ٢١٩/٤
وإستنقذني من ذلّ مقامِ الكاذبين ١٩٩/١٦١
تنتهي إلى... مقامٍ فلاحهم ١٩٩/٦٠
وقد أقام فينا هذا الشّهر مقامَ حمد ١٤٢/٢٦
أعرفهم مقاماً بعد السّابقين الأوّلين في ثلّته ١٠/٣٠
هذا مقامُ من تداولته أيدى الذّنوب ٨٠/٢
هذا مقامُ من اعترف بسبوغ النّعماء ١٨٧/٢
الْمَقامَ: ابعثه المقامَ المحمود الّذى وعدته ١٤٣/٢٤ـ١٤١/٢٩
والرّكن والمقامِ والمشاعر العظام ١١٤/٢٢
والمقامَ المحمود فابعثني ١٥٣/٢٢
لكنت أحرى بأن تنال شرف المقامِ ١٩٧/٤٦
وقفه «محمّد» في المقامِ المحمود الّذى وعدته ١٠/٢٤
بالحلّ والإحرام والرّكن والمقامِ ١٤٩/٦٥
والمال والولد والمقامِ في نعمك عندي ١١٦/١١٠
أقرّهم عيوناً في المقامِ المحمود برؤيته ١٠/٣٠
وأحللهم «الأنبياء» أشرف المقامِ ١٠/٣٤
مَقامِهِ: وألجأته ذنوبه إلى ذلّ مقامِهِ ١٦٤/٤
وأكرمته ولم تستبدل به سواه وشرّفت مقامَهُ ١٤٩/٥٥
مَقامَكَ: وكرّتي غير خاسرة وأخفني مقامَك ١٤٧/١٠٨
إلى غايات درجات العبوديّة لمقدّس مقامك ١١٨/٨
مَقامي: أن تكرمني في مقامي هذا وفيما بعده ٢٤٩/٢٤
إذا أجبتني في مقامي هذا بين يديك ١٤٤/٣٠
أللّهمّ إنّى أتوب إليك في مقامى هذا ٨٠/١١
أللّهمّ وقد تراني ووقوفي وذلّ مقامي بين يديك ٨٢/٤
وذلّ مقامي ومجلسي ١٦٤/٦
أم أوجبت لي في مقامي هذا سخطك ٣٤/٤
أتوب إليك في مقامي هذا توبة نادم ٣٤/١٠
مَقامِنا: في موقف العرض عليك ذلّ مقامنا ١٠٩/٢٠
بِمَقامِهِمْ: أوليائهم المعترفين بمقامهم ١٤٧/٦٨
مَقاماتِ: وتعدّيت عن مقاماتِ حدودك ٨٨/١٠
الْمَقاماتِ: في المقامات المعدّة لأحبّائك ١٤٧/١١٠
أَقْوَمْ: واهدني للّتي هى أقومُ ٣٤/١٠
أَقْوَمَهُمْ: أقومهم بما شرعت من ٢١/١٤
وأقومهم «موالبه» بأمره «محمّد وآل محمّد» ١٤٩/٧٠
الْقِيامَةِ: عند هول القيامةِ وشدآئدها ٢٠٧/٤
ومن غبر إلى يوم القيامةِ ١٤٢/٦٢
أو تعبّد لك فيه إلى يوم القيامةِ ١٤٢/٥٨
ولانفضحنا في حاضر القيامةِ بموبقات آثامنا ١٠٩/١٩
صلاة تشفع لنا يوم القيامةِ ٨١/١٠
وهول يوم القيامةِ ٨٣/٨
والأرض جميعاً قبضته يوم القيامة ... (قرآن) ٢/٧

أضعافاً مضاعفة أبداً سرمداً إلى يوم القيامةِ ١/٢٧
أللّهمّ ... لاتخزني يوم القيامةِ ٧٧/١٢
صلّ على محمّد وآله صلاةً تشفع لنا يوم القيامةِ ٨٠/٢٦
ممّن يرد حوضه يوم القيامةِ ١٤١/٢٨
حتّى يكون لنا في القيامةِ إلى رضوانك ١٠٩/١٦
وجعلته «محمّد»... للمؤمنين في عرصة القيامةِ فآئداً ١٠/٦
واصرف عنّي بهم أهوال يوم القيامةِ ٤٢/١٨
وتريني وجه جدّي محمّد... في عرصات القيامة ٩١/١
حتّى تحشرنا يوم القيامةِ في أعوانه «وليعصر» ١١٩/٣٠
في جوار محمّد الحبيب زين القيامةِ ٢٥٧/٣٩
ونجّنا به من كلّ كرب يوم القيامة ١٠٩/٢٠
أللّهمّ اجعل نبيّنا ... يوم القيامة ١٠٩/٢٣
السّراج المنير زين يوم القيامة ١٤٣/٥١
آه وانفساه من أهوال يوم القيامةِ ١٩٨/١٠
فلا تفضحني بها في القيامةِ واسترها «ذنوبي» ١٩٩/١٢٦
أنا إلى سترها يوم القيامةِ أحوج ١٩٧/١٢
وأنا إلى سترها «الذّنوب» عليّ في القيامة ١٩٩/١٧٥
يوم القيامة فبيّض وجهي ١٥٣/٢٠
ومن أوليائك يوم القيامةِ فاجعلني ١٥٣/٢٣
وحجّتي يوم القيامة فلقّنّي ١٥٣/١٩
فلا تفضحني بها يوم القيامةِ ٢٠١/٤١
المشفق من الحشر لبواثق يوم القيامةِ ٢٤٥/١
إجعل توسّلي به شافعاً يوم القيامة نافعاً ٢٤٤/٥
أعوذ ... من النّدامة يوم القيامةِ ٢٢٥/٢
وسبباً نجزى به النّجاة في عرصة القيامة - ١٠٩/٩
يوم القيامةِ عنّي راضياً ١١٣/٩
أولادهم يوم القيامة لمحبّته «محمّد» ورأفته ١٠/٣٠
واجمع به شملهم في غربة يوم القيامةِ ١٠/٣٤
الأرض جميعاً قبضته يوم القيامةِ (قرآن) ٢٢/٣٠
إن حرست وحشرت يوم القيامةِ ١٩٨/٥٠
لاتخلني في مشهد القيامةِ من برد عفوك ١٨٢/٤

ق.و.ى

قَوَيْتَ: وقويتَ في سلطانك ١٤٩/٢
قَويتُ: سيّدى قويتُ بعافيتك على معصيتك ١٩٩/١٥٥
وأستغفرك للمعاصي الّتى قويتُ عليها ٢٥٢/٥
وأستغفرك للمعاصى الّتى قويتُ عليها بنعمتك ٢٥١/٧
يَقْوىٰ: الّذى يقوىٰ به على طاعتك ٩٨/٨ - ٨/١٣
لَمْ يَقْوَ: لم يقو عليه بدني ٢٥٢/٣٠
مظالمهم الّتى ... لم يقو عليه بدني ٢٥١/٣٨
لاٰتَقْوىٰ: وحاسبت نفسى فوجدتها لاتقوى ٢٠٣/١٢
أَقْوىٰ: وأقوى بها على أمر الأخرة ٧٧/١٠
سلامة أقوى بها على طاعتك ٢٤٤/٤
معيشة أقوى بها على جميع حاجاتي ٢٥١/٢٦
معيشة أقوى بها على طاعتك ٢٥٢/١٨
أَقْوَتْ: خلت دورهم، منهم وأقوت عراصهم ٢١٤/٣-٢١٤/٧٨
قَوَّيْتَ: ولاضعف على من قوّيتَ ٢٠٠/١٢
قَوَّيْتَهُ: وأنا الضّعيف الّذى قوّيته ١١٦/٦٢
قَوَّيْتَنِي: قوّيتني معها على ما وفّقتني ٤٦/٢
قَوَّيْتَنَا: وقوّيتنا عليه لترفعنا ١٠٩/٦
يَقَوّيني: والرّجاء في إنعامك وفضلك يقوّيني ١٧٢/٣
والرّجاء لإنعامك ورحمتك وفضلك يقوّيني ١٧٣/٤
ومن يقوّيني وأنت أضعفتني ٥٧/١
قَوِّ: إلهى ... وقوّلي ضعيفهم «ولدى» ٦٤/١
أللّهمّ وقوّ بذلك محالّ أهل الإسلام ٦٧/٩
وقوّ ناصره «وليعصر» ١١٩/٢٦
وقوّ عضده «وليّك» وراعه بعينك ١٤٧/٦٣
قَوِّهِ: وقوّه بالرّغبة إليك وأمله إلى طاعتك ٥٧/١٠
فَقَوِّني: فقوّني بقوّة كافية ٨٠/١٥ - ٨١/٣
وعلى ذلك فقوّني ١٢٨/٦
تَقَوَّيْتُ: وتقوّيت برزقك على سخطك ١٤٩/٣٠
أَتَقَوّىٰ: معيشة أتقوّى بها على جميع حوائجي ٧٨/١
وارزقني ما أتقوّى به من فضلك على طاعتك ١٢١/٨
إِسْتَقْوِ: أيّما غاز ... إستقوله الظّهر ٦٧/١٦
قُوَّةَ: لاحول ولاقوّة إلاّ بالله العليّ العظيم ١٣٩/١٧-٢٢/٣٧
١٣٢/١٢ - ٢٢/٤٥ - ١٢٣/٣ - ١٢٧/١٢ - ١٤٦/١٦ - ١٣٩/٨
ماشاء الله ولاحول ولاقوّة إلاّ بالله ١٣٢/١٥ - ٩٤/٢
لاحول ولاقوّة إلاّ بالله ٢٠١/٥١ - ٢٢/٣٠ - ١٥٥/٩
أللّهمّ ... لاقوّة لي على البلاء ١٤٩/٤٥
أللّهمّ لاقوّةَ لي على سخطك ١٤٩/٤٥
بسم الله وبالله ولاقوّةَ إلاّ بالله ولاغالب إلاّ الله ١٥٩/١
فإنّه لاحول ولاقوّةَ إلاّ بك ١٥٣/١٣ - ٢٨/٣ - ٢٩/٣
ماشاء الله لاقوّة إلاّ بالله ١٥٩/٥
ولاقوّة لي على طاعتك إلاّ بتأييدك ١٩٩/١٩٨
وقوّةٍ على جميع أمري ١٢٧/٥
لاحول ولاقوّةَ إلاّ بالله من كلّ هول ٢٠/٧
بحول منك وقوّةٍ ياربّ العالمين ٢٠/٤
وتزيدنا به قوّةً إلى قوّتنا ٥٣/٤
... فيكون ذلك لهم جماما قوّةً ... ٢١/٢
وقضاء بحول منك وقوّةٍ ١١٣/٤

ولابذى قوّةٍ فأنتصر ١٦٣/٩
إنّه لاحول ولاقوّةَ إلاّ بك ١٢٩/٨
إلهى لاحول ولاقوّةَ إلاّ بقدرتك ١٨٣/٥
بلاحول ولاقوّةَ إلاّ بالله العليّ العظيم ٢٢/٣٥
ولاقوّةَ لي على الخروج من سلطانك ٥٧/٤
وهب لي قوّةً أحتمل بها جميع مرضاتك ٥٧/١١
ولاقوّةَ لي على الفقر ٥٩/٢
لاقوّةَ لنا إلاّ بعونك ٣٠/٤
أعبذ نفسي ... بشدّة قوّةِ الله ٢٢/٢٧
قوّتك أقوى من كلّ قوّةٍ ٢٢/٢٠
الْقُوَّةَ: وارزقني ... القوّةَ والنّشاط ١١٧/٩
والعون على طاعتك والقوّة على عبادتك ١٢١/١١
واجعل فيَّ من الحول والقوّةِ ١٥٣/١٣
والقوّةِ والبرهان ٢١٤/٧٤
وأسألك القوّةَ في طاعتك ١٦٤/٩
حتّى أتانا وعدك ليأخد القوّةَ منّا ٢٠٠/٦
فإنّ الحول والقوّةَ بمعونتك ١٩٩/٧٥
ياذاالقوّةِ المتين صلّ على محمّد وآل محمّد ١٣٣/١١
وفضيلة الحول والقوّةِ ٧٤/٤
وامنن عليّ بـ... القوّة على ما أمرتني به من طاعتك ٦١/٣
وارزقنا ... القوّةَ والنّشاط ١١٧/١٧
مبرّأ من الحول والقوّة إلاّ بك ٢٤٩/٢
ياذا ... القوّة والحول ١٣٣/١
أللّهمّ أعطني ... القوّةَ في البدن ١١٦/١١١
ياذاالقوّةِ المتين وياناصر المظلومين ١٤٣/١٧
أسألك بأنّ لك الطّول والقوّةَ ١٢٠/١٢
ولكانت القوّةُ منّي بعيدة ٨٨/١٥
أخل ... أبدانهم «المشركين» من القوّةِ ٦٧/١٣
قُوَّتِهِ: بسمع الله وبصره وقوّته ... ٢٢/٨
أدعوك دعاء من ... ضعفت قوّتُهُ ١٧٥/٢
ولاترام قوّتُهُ ١٤٩/١٨
وضعفت عند ذلك قوّتُهُ ١٦٤/٣
وضعفت قوّتُهُ وكثرت ذنوبه ١٧١/٣
قُوَّتِهِمْ: بسم الله ... من شرّ ... قوّتهم ٢٢/٢٦
قَوَّتَكَ: سبحانك ما ... أشدّ قوّتك ١٦٦/٥
ولاإستمساك بي عن الخطأ إلاّ عن قوّتك ٨١/٣
لاإستمساك بي عن الخطايا إلاّ عن قوّتك ٨٠/١٥
بحولك وقوّتك ورحمتك ١٧٤/٥
... فاكفني شرّه بحولك وقوّتك ١٥٦/٤
ولاتكلني ... دون حولك وقوّتك ١٤٧/٩٦
أللّهمّ إنّما يكفى الكفاة بفضل قوّتك ٨/٢٣
وادفع عنّى بحولك وقوّتك ٢٩/٣
وادفع عنّى كلّ سوء ومكر بحولك وقوّتك ٢٨/٣
أللّهمّ إنّما يكتفى المكتفون بفضل قوّتك ١٥/١١
قوّتُك أقوى من كلّ قوّة ٢٢/٢٠
وأقوى قوّتك فيّ إذا نصبت ٥٥/١٧
قُوَّتي: وأعترف لك بضعف قوّتي وقلّة حيلتي ١٢٦/١
إجعل قوّتى في طاعتك ٢٤٢/٥
فإنّ قوّتي لاتستقلّ بنقمتك ١٠١/٥
فقد ضعفت قوّتي ٤٢/٢٤
وأعترف بضعف قوّتي وقلّة حيلتي ٥٧/٥
فقد ضعفت قوّتي وقلّت حيلتي ١٧٢/١ ـ ١٧٣/٣
أشكو إليك ... ضعف قوّتي ١٥٣/١٧
ولاتكلني إلى حولى وقوّتي ١٤٧/٩٦
مالم تبلغه قوّتي ٢٥٢/٣٠
أردد ... مظالمهم ... ما لم تبلغه قوّتى ٢٥١/٣٨
وعرّضتها للمهالك بكلّ قوّتي ١٤٨/٨
وهنت عند قوّتي ولم تنله مقدرتي ٥٩/٧
أو تضطرّني إلى قوّتي ٨٨/١٥
قُوَّتِنا: وتزيدنا به قوّةً إلى قوّتنا ٥٣/٤
بك حولنا وقوّتُنا ١٤٣/٣١
أوهن قوّتَنا عمّا يسخطك علينا ٣٠/٣
لِقُوَّةٍ: فهب لي ضعف عملي لقوّة أملي ٨٧/٥
بِقُوَّةٍ: فقوّني بقوّةٍ كافية ٨٠/١٥ ـ ٨١/٣
ناهضاً بقوّةِ إنعامك ١١٨/٨
بِقُوَّتِهِ: الحمدلله الّذى خلق اللبل والنّهار بقوّته... ٢١/١
وأباد بقوّته كلّ ديّان ٢١٤/٩٦
لِقُوَّتِهِ: خضع كلّ شيىء لقوّته ١٤٣/٥
بِقُوَّتِكَ: عدوّى عن ظلمى بقوّتك ٤٤/٣
وأيّد حماتها «ثغور المسلمين» بقوّتك ٦٧/١
من بين فرث ودم بقوّتك ١٧٤/٢
شددت أزرى بقوّتك ١٥٣/٦
فلاحول لنا إلاّ بقوّتك ٣٠/٤
شددت أزرى بقوّتك ثمّ فللت لي حدّهُ ١٥٢/٦
أن تصل ... ضعفنا بقوّتك ٢٠٠/١٢
أللّهمّ ... بقوّتك أستجير وأستنصر ١٩٩/٢
قِوىٰ: أصدد قوى سببى عن سواك ٢٤٩/٧
قِوايَ: وكم قلّدتني من منّة ضعفت قوايَ ١٩٩/٦٩
الْقُوىٰ: آه واحزناه من ربّ شديد القوىٰ ١٩٨/٣٨
مُقَوِّياً: ولالضعفه مقوّياً ١٤١/١٨

لايجد لفاقته مغيثاً ولالضعفه مقوّياً ١٧١/٣
أسألك سؤال من لايجد لضعفه مقوّياً ١٧٠/٥
مُقَوِّيَة: واقصم ... مقوّية الباطل ١١٩/٢٦
مُتَقَوِّياً: متقوّياً على ضعفه «محمّد» بنصرك ٩/٣
قَوِيّ: أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... قويٌّ لانضعف ١٣٠/٤
وكان الله قويّاً عزيزاً (قرآن) ١١٤/١٨
فإنّي في رحمتك قويُّ الأمل ٨٧/٥
وياقويُّ إرحم ضعفي ١٧٠/١
الْقَوِيُّ: وهل يرحم الضّعيف إلاّ القويُّ ١٦٨/٨
مولاي مولاي أنت القويُّ وأنا الضّعيف ١٦٨/٨
أَقْوىٰ: وأقوى قوّتك فيّ إذا نصبتُ ٥٥/١٧
قوّتك أقوى من كلّ قوّة ٢٢/٢٠
الْأَقْوىٰ: ليكون ... حزبك الأقوى ٦٧/١٦

ق.هـ.ر

قَهَرَ: يامن تعزّز بالبقاء وقهر عباده بالفناء ٢٤٧/٨
الحمدلله الّذي... قهر عباده بالموت ١٠٥/٢
وقهر كلّ شيءٍ جبروتا ٤١/١ ـ ٨٤/١
فَقَهَرْتَ: وعظمت فقهرت ١٩٩/١٠
قَهَرْتُ: وقهرتُ بالله ١٥٩/٢
لاتَقْهَرُ: أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... ممتنع لاتقهر ١٣٠/٤
لايُقْهَرُ: في جوارك الّذي لايقهر ١١٩/٢١
لايقهرُ من إستتر بعظمته ١٩٩/٦
ولايقهرُ عزّه ١٤٩/١٧
إِقْهَرْ: واقهر جبابرتهم «الظّلمة» ١١٩/٨
فَاقْهَرْ: أللّهمّ فاقهر سلطانَهُ عنّا بسلطانك ٦٤/٩
أَقْهَرَ: أعزّ سلطانك وأقهر أمرك ١٤٣/٤٣
سبحانك ما... أقهرَ سلطانك ١٦٦/٥
قَهْرُكَ: وقهرُك بنواصيهم «عبادك» آخذ ١٩٩/١٦٨
بِقَهْرِهِ: وأباد الجبابرة بقهره ١٤٩/١٤
قَاهِرُ: ياالله ياقاهر ياالله ياحنّان ١٣٤/١
أللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... قاهرٌ لايضادّ ١٣٠/٣
عليم حكيم نافذ الأمر قاهرُ ٢١٨/١ ـ ٢١٤/٢٢
سبحانك قاهر الأرباب ١٤٧/٣٠
يجازي عليه عادل الحكم قاهرُ ٢١٤/١٤٦ ـ ٢١٤/٦٨
حكيم عليم نافذ الأمر قاهر ٢١٤/٩٧
وأحترز به من ... عدوٍّ قاهرٍ ٢٤٠/٢
الْقَاهِرُ: أنت الملك القاهرُ ٨٣/١
هو ... العليم القاهرُ ٢/٦
أنت ... الملك القاهرُ ٢٤٧/٤
الْقَاهِرِينَ: ياأقهر القاهرين ٤٢/٢٩
الْقَاهِرَةَ: أحيني بعزّتك القاهرة ١٣٤/٨
قَهَّارُ: ياعلاّم الخفيّات والأسرار ياجبّار ياقهّار ٢٤٣/١١
ياجبّار ياقهّارُ ١٨٤/٩
الْقَهَّارِ: الحليم الغفّار الواحد القهّار ٨٣/١١
المتكبّر القهّارُ، قاصم الجبّارين ٢١٤/٢١
الملك الجبّار المتكبّر العزيز القهّارُ ٢١٤/٩٦
مَقْهُورٌ: مقهورٌ على شأنه ٧٤/٥
أَقْهَرَ: ياأقهرَ القاهرين ٤٢/٢٩

ق.ى.د

تُقَيِّدُ: أم تراك تقيّدُ بأنكال الجحيم ١٩٩/١٥٣
الْقَيْدِ: أعوذبك من ... القيدِ والجس ١٥٣/٣٣

ق.ى.س

لايُقَاسُ: خطيئتي لايقاسُ في الخطايا ١٩٨/٦٤
والفرد الّذي لايقاسُ بأحد ١٩٩/١٤
فَلَمْ يُقَايِسْ: فلم يقايس شيئاً بشيءٍ من خلقه ١٤٩/٩
لاتُقَايِسْنِي: ولاتقايسني بعظيمات الجرائر ١٤٧/١١١
أَنْتُقَايِسَنِي: أوسع فضلاً وأعظم حلماً من أن تقايسني ١١٦/٤٣ ـ ١١٦/٦٠

ق.ى.ل

أَقَلْتَ: فرفعت خسيستي وأقلتَ عثرتي ١٤٩/٣٣
وأقلت عند العثار زلّتي ١٦٣/٤
أَقَلْتَهُ: وأنا الخاطئ الّذي أقلتهُ ١١٦/٦٣
أَقَلْتَهَا: أسألك أن ... لاعثرة إلاّ أقلتها ١٢٢/٨
أَقَلْتَنِي: بما أحسنت لي النظر وأقلتني العثرة ١٤٨/٣
فَأَقَلْتَ: فأقلت فعدت فسترت ١٥٣/١
فاستغفرت فأقلت فعدت فسترت ١٥٢/١
تُقِيلُنِي: تقيلني بها «التّوبة» عثراتي ١٩٩/٤٨
لَمْ تُقِلْهُ: ولم تقله من عثرته ٢١٤/٣٧
لَمْ تُقِلْنِي: فبمن أستغيث إن لم تقلني ١١٦/٩٨
إلهي، بمن أستغيث إن لم تقلني عثرتي ٢٠١/٥
أَقِلْنِي: نفّسني وأقلني عثرتي ولاتتبعني بالبلاء ٥٢/٣
وأقلني عثراتي بحسن إقالتك ٨٨/٢٢
وأقلني عثرتي وامنن عليّ بذلك ١٧٢/٦ ـ ١٧٣/٨
وأقلني عثرتي يامقيل عثرتي ١٤٨/٢٣
أقلني عثرتي ربّي فقد كان الّذي كان ٢٠١/٢٢
وأقلني عثرتي ياغاية الآملين ٢٣٩/١٠

فَأَقِلْني: وتعلم ما في نفسي فأقلني عثرتي ١٣٤/٦
إِسْتَقالَكَ: وزلل من إستقالك مقالة ٢٥٥/٥
أَسْتَقيلُكَ: وأستقيلك عثراتي ١٦٣/٩
لَمْ أَسْتَقِلْكَ: لم أستقلك عثراتي ١٩٩/١٠٨
إِقالَة: فأعطني من فضلك ... إقالة عثرتي ١٣٩/٨
إِقالَتَكَ: رجونا إقالتك وقد جاهرناك بالكبائر ٢٠٠/٨
وأقلني عثراتي بحسن إقالتِك ٨٨/٢٢
بِإِقالَة: يامن يمنّ بإقالة العاثرين ١٤٧/٨١
بِالْإِقالَةِ: راغب إليك في تغطيتي بالإقالةِ والصفح ١٦/٣
مُقيلَ: ولاعثرته مقيلاً ١٤١/١٨
وأسألك سؤال من لايجد لعثرته مقيلاً ١٧٠/٥
يامقيلَ العثرات ١٣٧/٧
وأقلني يامقيلُ عثرتي ١٤٨/٢٣
فكن ... مقيلَ عثرتي ١٨٩/٩
مُقيلي: تعييني المذاهب ويامقيلي عثرتي ١٦٣/٧
الْمُسْتَقيلِ: وأسألك سؤال العائذ المستقيل ١٧٠/٤
مُقالَةٌ: وزلل من إستقالك مقالةٌ ٢٥٥/٥
مَقيلٍ: صلاة... تصيّرهم إلى أمن من مقيلِ المتّقين ١٤/١٠
واجعل لي عندك مقيلاً آوى إليه مطمئناً ١٤٧/١١١
الْمَقيلَ: إن كانت جهنّم هي المقيل والمثوى ١٩٨/٢٤
مَقيلي: أستودعك يالهي... مقيلي وأهل ولايتي ٢٤٨/٤

حرف الكاف

ك.أ.ب

كَآبَةَ: وكآبة ما نستجبرك منه ١٤٢/٦١
وكآبة ما أستجير بك منه ٥٩/١٠
فهم ... خلفاء كآبةٍ وذلّة ٧٠/٦
إكْتِئابُهُمْ: أكابر أولاد يهيج اكتئابهم ٢١٤/١٣١ـ٢١٤/٥٥
كَئيبٍ: يافرج كلّ مكروب كئيبٍ ٤٩/٢

ك.أ.د

تَكَأَّدَكَ: فلم يعززك منع ولاتكأدك إعطاءٌ ٢٣٧/٢
تَكَأَّدَني: قد نزل بي ياربّ ما قد تكأّدني ثقله ٢٤/٣
لايَتَكَأَّدُكَ: لايتكأّدك في قدرتك ٤٩/٢١ـ١٥٢/١٥
لايتكأّدُك في قدرتك وأنت على كلّ شيءٍ قديرٌ ١٥٣/١١
وأنّ احتمال الجنايات الفاحشة لايتكأّدك ٣٤/١٠

ك.أ.س

كَأْسٍ: وكأسٍ من معينٍ شاربين ٢٠٦/٢٣
واسقنا منه كأساً رويّاً لانظمأ بعده ١٠/٢٦
وداف لها من ذعاف الموت كأساً ١٠٩/١٨
وكأسَ مرارات ذعافاً أذوقها ٢١٩/٦
بِكَأْسٍ: بكأس الملاطفة يكرعون ١٩٣/٢
واجعلنا من الّذين شربوا بكأس الصّفاء ٢٠٠/٣٠
وشربوا بكأس العيش ٢٠٠/٢٤
بِكَأْسِهِ: واسقنا بكأسه «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
أوردنا حوضه واسقنا بكأسه ١٤٣/٥٤

ك.ب.ب

كُبَّهُ: كبّه لمنخره وأغصصهُ بريقه «ظالمي» ١٥٥/١
كَبَّةِ: وكبّةِ النّار وطول الخلود فيها ١٤/١٠
مُكِبٌّ: وصرعت من مكبٍّ عليها ٢١٤/١١٣ـ٢١٤/٣٧
وأنت على الدّنيا مكبٌّ منافر ٢١٤/٦
وأنت على الدّنيا مكبٌّ منافس ٢١٤/٨١

ك.ب.ت

إكْبِتْهُ: واكبته بدؤوينا في محبّتك ٥٠/٢

ك.ب.د

يُكابِدُ: وما يكابدُ من أسقامها وأوصابها ٢١٤/١٠٩
الْكَبَدَ: لذّات الكبد الحرىّ من المسغبة ٧٠/٦
تَكابُدِهِ: وتكابده من أسقامها وأوصابها ٢١٤/٣٣

ك.ب.ر

كَبُرَ: سيّدى ... كبر سنّى ١٩٩/٨١
وكبر ذنبي إذ جاهرتك بإرتكابه ١٩٩/٨٥
فقد كبر في جنب رجآئك أملي ١٩٩/٨٣
كَبِرْتُ: واجعل أوسع رزقك عليّ إذا كبرتُ ٥٥/١٧
يَكْبُرُ: وحلمك يكبر عن مكافاة ١١٦/٢١ـ١١٦/٥٨
لايَكْبُرُ: لايكبر عليه شيءٌ صنعه ١٤٩/١٢
لِيُكَبِّرُوا: ليكبّروا الله على ما هداهم ١٤٤/٢٤
كَبِّرْهُ: ولم يكن له وليّ من الذّل وكبّره تكبيراً (فرآن) ١٤١/٢٢
٢٢/١١ ـ ٤٧/٢
تَكَبَّرْتَ: وتكبّرت عن الأمثال والأنداد ٧٤/٥
يَسْتَكْبِرُونَ: إنّ الّذين يستكبرون عن عبادتي (قرآن)
١٤٢/١٧ ـ ٢٤٩/١٩
أَنْ أَسْتَكْبِرَ: وأنا أبرء إليك من أن أستكبر ٣٤/١١
تَكْبيراً: ولم يكن له وليّ من الذّل وكبّره تكبيراً (قرآن)
٤٧/٢ ـ ١٤١/٢٢ ـ ٢٢/١١
مُكابَرَةٍ: ولامكابرةٍ ولااستكبارٍ عن عبادتك ٢٢٩/٢
وعصيتك على غيرمكابرةٍ ٢٠٩/٣
لاحدّ مكابرةٍ ولامعاندة ٨٩/٣
الْمُكابَرَةِ: وقد عصيتك على غير وجه المكابرةِ ٢٣٣/٢
على غيروجه المكابرةِ لك ١٦٥/٢
بِتَكَبُّرٍ: لامستطيلاً بتكبّر المتكبّرين ١٤٧/٨٠
إسْتِكْبارٍ: ولإستكبارٍ عن عبادتك ٢٢٩/٢
أعوذبك من ... إستكبار الطّاعة ٢٦/٢
لامعاندة لك ولاإستكباراً عليك ١٤٧/٧٣
ولإستكبارٍ ولاجحود لربوبيّتك ٨٩/٣
الْإِسْتِكْبارِ: ولاالإستكبارِ عن عبادتك ١٦٥/٢
وأنّ أحبّ عبادك إليك من ترك الإستكبارَ عليك ٣٤/١٠
إسْتِكْبارُهُ: ولايذلّ استكباره ١٤٩/١٧
مُتَكَبِّرٌ: ياجبّارُ يامتكبّرُ ياقادر يامقتدر... ١٣٨/١٣
الّتى لايتعاظمها عظيم ولامتكبّرٌ ٢٤٣/٨
لاإله إلاّ أنت ... يامتكبّرُ ياخالق ١٣٧/٢
الْمُتَكَبِّرُ: العظيم المتعظّم الكبير المتكبّرُ ١٤٧/٣
فتعالى الله الملك الجبّار المتكبّرُ ٢١٤/٩٦
المتكبّرُ القهّار، قاصم الجبارين ٢١٤/٢١
الْمُتَكَبِّرِينَ: قاصم الجبّارين ومبيد المتكبّرين ٢١٤/٩٦

لامستطيلاً بتكبّر المتكبّرين ١٤٧/٨٠
وسع علمك تمرّد المتكبّرين ٢٠٠/١
قاصم الجبّارين ومبير المتكبّرين ٢١٤/٢١
ياقاصم الجبّارين ويا مدمّر المتكبّرين ١٤٣/١٧
مُسْتَكْبِرٍ: راضياً غير منكر ولامستكبرٍ ١١٩/١٩
ولامستكبرٍ ولامستسخطٍ بل مستسلمٍ لأمرك ١٤٨/٢٧
كَبيرٍ: من صغير حقير أو خطير كبيرٍ ١٩٩/٥٦
سيّدى ليس لي عندك ... كبيرٌ عمل أخلصته ١٩٩/١٤٤
ياالله ياعظيم ياكريم ياكبير ١٢٨/٣
سبحانك تعاليت عمّا يقول الظّالمون علوّاً كبيراً ٢٣٤/٧
من لم يزل يعصيك صغيراً وكبيراً منذ نشأ ١٩٨/٨٩
تعاليت عمّا يقول الظّالمون علوّاً كبيراً ١٩٩/١١-٢٠٠/٤٣
وقد تعاليتَ عن ذلك ياسيّدى علواً كبيراً ٥٢/٢
على كثير من خلقك من صغير أو كبيرٍ ٢٥٧/١
وكبيرٍ خطره لدىّ ٢٥٧/١٩
وملك كبيرٍ ٢٥٧/١٢
ملكك كبيرٌ وعدلك قديم ٢٥٧/٨
فأدّه عنّى من جزيل عطيّتك وكبيرٍ ما عندك ٥٩/٨
ونوّهت بإسمي كبيراً ١١٦/١٦
الله اكبر كبيراً ١٤١/٢٣
والعنهم «الظّلمة» لعناً كبيراً ١١٩/١٢
إنّهم «الظّلمة» ... عتوا عتوّاً كبيراً ١١٩/١١
فاستجب لي ... ياكبيرُ يامتعال ١٢٤/٢
ياعليُّ ياكبيرُ ياذاالمنّ ١٢٤/٣
وحقّنا أضعنا لاكبيرَ حقّك ٢٠٠/١١
ومن شرّ كلّ صغيرٍ وكبيرٍ ٦١/٦
الْكَبيرُ: أنت ... الكبيرُ القادر ٨٣/١
العظيم المتعظّم الكبيرُ المتكبّر ١٤٧/٣
من يلوذبهم ... بالله الكبيرِ الأكبر ٢٣/١
صفحك عن الذّنب الكبيرِ ٢٥٧/١٩
سجد وجهي ... لوجهك الكبيرِ ٢٥٢/١٢
الواحد القهّار الكبيرِ المتعالِ ٨٣/١١
أسألك ياغافر الذّنب الكبيرِ ١٨٢/٤
وهل يرحم الصّغير إلاّ الكبيرُ ١٦٨/١٠
مولاي مولاي أنت الكبيرُ وأنا الصّغير ١٦٨/١٠
كَبيرَها: مظالمهم الّتى قبلى صغيرها وكبيرها ٢٥١/٣٨
واردد ... مظالمهم ... صغيرها وكبيرها ٢٥٢/٣٠
كَبيرِنا: أللّهمّ اغفرلـ.. صغيرنا وكبيرنا ١١٦/٤٩
لِكَبيرِ: أن أكون بها مستوجباً لكبير ذنبي ٢٥٧/١٨
أن أكون مستوجباً لها «ناراً» لكبير جرأتي ٢٠١/٤٧
أخلقت عندك وجهى لكبيرِ خطيئتي ٢٤٩/١٧
الْكِبارَ: القبآئح العظام والفضائح الكبار ١٤٩/٣٣
الْكِبارَاتُ: واشتريت... الكبارات... بسهم الأرملة ٧٠/٦
كَبيرَةٍ: ... أو إقتراف صغيرةٍ أو كبيرة... ٢١/٩
لاتبق معها ذنوباً صغيرةً ولاكبيرةً ١٤٧/١٠٨
من شرّ كلّ دابّة صغيرة أو كبيرةٍ ٢٤٩/٢٦
الْكَبيرَةِ: أسألك بأسمائك الكبيرةِ العظيمة ١٢٢/٢
أنا صاحب الذّنوب الكثيرة الكبيرة ١٤٨/٧
كَبائِرِ: من كبائر ذنوبي وصغائرها ٨٠/١١
وكبائر أعمال مردية ٨٨/٦
وكبائر ذنوب اجترحتها ٨٨/١٠
الْكَبائِرُ: عليه وأبكته الذّنوب الكبائرُ ٢١٤/١١٦-٢١٤/٤٠
بِالْكَبائِرِ: رجونا إقالتك وقد جاهرناك بالكبائرِ ٢٠٠/٨
أَكْبَرُ: الله أكبر الله أكبر الله أكبر وأعلى ... ٢٢/٢
وانقلني ممّا أنا فيه إلى ما هو أكبرُ منه ٣٥/١٥
الله أكبر كبيراً ١٤١/٢٣
ولاإله إلاّ الله والله أكبرُ ٨٣/١٩
الْأَكْبَرِ: ومن الفزع الأكبر آمنين ٢٠٦/١٩
من يلوذبهم ... بالله الكبير الأكبر ٢٣/١
حتّى يكون نصيبي فيه «رمضان» الأكبر ١١٧/١٤
وأعوذبك من العذاب الأكبرِ ١٢٩/٩
لايحزنهم الفزع الأكبرُ (قرآن) ١٩٩/٣٠
وآمنّى يوم الفزع الأكبرِ من حرّ السّعير ٢٥٦/٥
قد آمنته من الفزع الأكبرِ ٨٣/٨
وبالإسم الأكبر الأكبر الأكبر ٢٦٧/٣
أسألك بالحجّ الأكبرِ ١٣٧/٨
واكسنا به «قرآن» حلل الأمان يوم الفزع الأكبرِ ١٠٩/١٤
يوم الفزع الأكبرِ من الآمنين فآمنّى ١٥٣/١٨
السّلام عليك ياشهر الله الأكبر ١٤٢/٢٨
تؤمنهم به من الفزع الأكبرِ ١٤٣/٣٧
أَكابِرُ: أكابِرُ أولاد يهيج اكتئابهم ٢١٤/١٣١-٢١٤/٥٥
الْكُبْرىٰ: ألقه في الحطمة ١٦٠/٢
يبطش البطشة الكبرىٰ ١٤٩/٢٣
أللّهمّ صلّ على ... خديجة الكبرىٰ ١٨١/٤
أبده «من يؤذينى» أبطش به البطشة الكبرىٰ ١٦٠/١
نعوذبك من ... المصيبة الكبرىٰ ٢٦/٨
كِبْرِ: عزم إرادةٍ في غير فخرٍ ولاكبرٍ ياكريم ١٣٧/٤
والمخرج من كلّ كبرٍ ١٢٥/٢
الْكِبْرِ: أللّهمّ إنّى أعوذبك من الفخر والكبرِ ١٣٨/٦
أللّهمّ سلّم لي قلبي من... الكبرِ ١٣٥/١٠

كِبْرَهُ: ونفسخ كبرهُ «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٨
بِالْكِبْرِ: ولاتبتليني بالكبر وعبّدني لك ٥٥/٤
كِبْرِيَآءِ: والدّائم في كبريآءِ الهيبة والرّفعة ١٩٩/٥١
الْكِبْرِيَاءُ: والكبرياءُ والآلآءِ ١٢٩/٢
ياالله لك ... الكبرياءُ والآلآءِ ١٣٥/٣
ياالله ياذا... الإكرام والكبرياءِ ١٢٢/٣
سبحانك اللّهمّ والكبرياءُ سلطانك ٤/٥
والعظمة والجبروت والكبرياءِ والملكوت ١٢٨/١
والأمثال العلياء والكبرياءُ والآلآءِ ١٣٠/٢ ـ ١٤١/٢ ـ ١٣٨/٢
ياالله ياالله لك ... الكبرياء والآلآءِ ١٣٧/٢
ياذاالحول والطّول والكبرياءِ والآلآءِ ١٣٧/١
أعوذبك من الرّياءِ والسُّمعة والكبرياءِ ١٥٣/٢٥
لك ... الكبرياءُ والآلآءِ ١١٧/٣٠ ـ ١٣٩/١ ـ ١٣٣/٢
أنت ... الكبرياءُ ردآؤُك ١٨١/٣
ذوالبهاء والمجد والكبرياءِ والحمد ١٤٧/٢٣ ـ ١٤٧/١٠
وتجبّر بالعظمة والكبرياءِ ٢/٢ ـ ٧/٢
الكبرياءِ والعظمة الّتى لايتعاظمها عظيم ٢٤٣/٨
كِبْرِيَائِكَ: عظمتك وجلال كبريائك ١٢/٨
وحارت في كبريائك لطائف الأوهام ٨٨/٣
وكبريائك وعظمتك وسلطانك ١٤٨/١٥
بِالْكِبْرِيَاءِ: إحتجبت بالكبرياء ٢٤١/٣
وتردّيت بالكبرياءِ في الأرض وفي السّماء ١٤٩/٢

ك.ب.و

كَبْوَنَا: فارحم تضرّعنا وكبونا لوجهك ٢٠٠/١١
كَبْوَتي: مولاي إرحم كبوتي لحرّ ١٦٧/٣

ك.ت.ب

كَتَبَ: في خلال ذلك ماكتب لي الكاتبان ٤٦/٤
كَتَبُوا: ... بما كتبوا من حسناتنا ٣٣/٣
كَتَبْتَ: لن يصيبني إلاّ ماكتبت لي ١١٦/١٣٥
كَتَبْتَنِي: في أمّ الكتاب كتبتني شقيّاً ٢٤٣/٨
كُتِبَ: كتب عليكم الصّيام كما كتب (قرآن) ١٤٤/٢٠
تَكْتُبُ: وتكتب ما قدّمت يومي وليلتي ٢٠١/١٦
أَنْ تَكْتُبَنِي: أن تكتبني من حجّاج بيتك ١١٧/٤٢
أُكْتُبْ: واكتب لنا مثل أجور من صامه ١٤٢/٥٨
واكتب لي برآءةً من النّار ١٣٣/٧
أكتب لي أماناً من سخطك ٤٩/٢٠
أُكْتُبْنِي: وأكتبني عندك سعيداً ٢٥١/٦٧
فَاكْتُبْ: فاكتب إسمه في العابدين ٦٧/٢٢
كِتَابٌ: الَر كتابٌ أحكمت آياته (قرآن) ١٤٤/١٦
الَر كتاب أنزلناه (قرآن) ١٤٤/١٦
أسألك من خير كتابٍ قد خلا ١٧١/٦
في كتابٍ مهيمن على كلّ كتابٍ ١٩٩/١٧
وجعلته مهيمناً على كلّ كتابٍ أنزلته ١٠٩/١
وكتاباً فصّلته لعبادك تفصيلاً ١٠٩/٢
حمداً ... في كتابٍ مرقومٍ يشهده المقرّبون (قرآن) ١/١٥
الْكِتَابِ: إن كان في أمّ الكتابِ عندك أنّى شقى ٢٥١/٦٧
آه وانفساه من الكتابِ وما أحصى ١٩٨/٧
فلمّا بلغت بي أجل الكتابِ من علمك بي ١٤٤/٣
افترض مودّتهم في الكتابِ ٢١٩/٤٨
تأويل الحكمة إلاّ أهل الكتابِ ٢١٩/٤٧
بغير قبس نور من الكتابِ ٢١٩/٤٥
فقلت عزّ جلالك في تأكيد الكتابِ ١٤٤/١٣
ما فرّطنا في الكتابِ من شيىء (قرآن) ١٤٤/١٤
الَم ذلك الكتابُ لاريب فيه (قرآن) ١٤٤/١٦
الَر تلك آيات الكتابِ المبين (قرآن) ١٤٤/١٦
الَر تلك آيات الكتابِ الحكيم (قرآن) ١٤٤/١٥
وعنده أمّ الكتاب (قرآن) ٢٥١/٦٨
إذ تقدّم له قبولها في أمّ الكتاب عندك ١٠/٢
وعندك امّ الكتابِ ٢٤١/٧
أللّهمّ إن كنت عندك في أمّ الكتابِ ٢٤٣/٨
فامح من أمّ الكتابِ شقآئي ٢٥١/٦٧
تلك آياتُ الكتاب المبين (قرآن) ١٥٩/١٥
نزّل الكتابَ وهو يتولّى الصالحين (قرآن) ١٥٩/٩
يامن يمحو ما يشاء ويثبت وعنده أمّ الكتابِ (قرآن) ١٤١/٨
كِتَابِهِ: فكانوا كما وصف في محكم كتابه ١/١١
كِتَابِكَ: أسألك بكلّ إسم ... أنزلته في كتابك ٢٢/٣٩
على معنا ما أنزلت في كتابك ١١٩/١٩
وأتبعته من فسمك في كتابك قاطعاً ٧٦/٣
وأقم به «وليّك» كتابك وحدودك وشرائعك ١٢٧/٦٥
فما في كتابك من شاهد قسم ١٢٤/١٢
فإنّك قلت في كتابك المنزل ٢٠٦/١٤
ولم تنزله في تأويل لديه في كتابك ١٠/١٩
ووصفتها «الجنّة» بأحسن الصفة في كتابك ٢٥٧/١١
ويزيد على ما أحصته في كتابك الكتبة ١٢٧/٣٦
أسألك بكلّ إسم ... ذكرته في كتابك ١٢٢/٥
فيا سوأتا ممّا أحصاه عليّ كتابك ١٦٢/٣
ولالهم على محو كتابك يداً ونصيراً ١٤٧/١١٥
أللّهمّ إنّي وجدت فيما أنزلت من كتابك ١٦٢/٢

أللّهمّ إنّك أعنتني على ختم كتابك ١٠٩/١
سيّدي إن تلونا من كتابك سعة رحمتك ١٩٩/١١٧
عذّب الكفرة الّذين يصدّون عن كتابك ٨٣/١٨
وقبلت كتابَكَ ١٦٦/٧
وصفت به أهله في كتابِكَ (قرآن) ١٢٨/٤
وأثبتّ فيّ الجوارح كما نعتّ في كتابك ٨٨/١٤
فإنّك قلت في كتابك المنزل ٢٥١/٦٨
فوا أسفا على ما أحصى كتابُك من عملي ١١٦/٦٩
أللّهمّ إنّك أنزلت في كتابك العفو ١١٦/١٣١
قد قلت يا إلهي في محكم كتابك ٨٠/١٢
وفرّغني فيه لـ.. تلاوة كتابك ١١٧/٣
ألزم قلبي حفظ كتابك كما علّمتني ١٥٣/١٢
كِتابُنا: هذا كتابنا ينطق عليكم بالحقّ (قرآن) ١٤٤/١٣
بِكِتابِه: أشهد أنّك ... عملت بكتابه «الله» ٢٥٥/٢
بِكِتابِكَ: وصبر على الأخذ بكتابك ٨٣/٧
وأن تشرح بكتابك صدري ٢٥٣/٤
أللّهمّ إنّ الظّلمة ... كفروا بكتابك ١١٩/١
أن تملأ قلبي ... تصديقاً بكتابك ١١٦/١٢٠
وصدّقت بكتابك ولم أعمل به ٢٥٧/١٠
بِالْكِتابِ: خصصته بالكتاب المنزل عليه ١٤٤/٦
في كلّ ذلك بيّنت بالكتاب مع القسم ١٤٤/١٧
الْكُتُبِ: مثبتاً عندك في الكتب ١٩٩/١٩٢
وجعلته «محمّد» ... على الكتب الأولى مهيمناً ١٠/٥
كُتُبِكَ: وأنزلته في شيء من كتبك ١٤١/٦
خير خلقك يتلو على أفضل كتبك ٢٥٧/١٠
إنّك لم تنزل كتبكَ إلاّ بالحقّ ١٩٩/١٦٦
الْكاتِبانِ: في خلال ذلك ما كتب لي الكاتبان ٤٦/٤
الْكاتِبِينَ: أللّهمّ يسّر على الكرام الكاتبين مؤونتنا ٢١/١٠
والحفظة الكرام الكاتبين ١٢/١٢
كَتَبَةُ: ما تحصى علينا كتبةُ أعمالنا ٣٣/٥
الْكَتَبَةُ: ويزيد على ما أحصته في كتابك الكتبةُ ١٤٧/٣٦
كُتّابُ: حتّى ينصرف عنّا كتّابُ السّيّئات ... ٣٣/٣
ويتولّى كتّابُ الحسنات عنّا مسرورين ٣٣/٣
الْمَكْتُوبِ: أللّهمّ إنّي أسألك بإسمك الكتوبِ ٢٦٧/١
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق العظمة ٢٦٧/١
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق البهاء ٢٦٧/١
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق الجلال ٢٦٧/٢
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق القدرة ٢٦٧/١
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق السرائر ٢٦٧/٣
وأسألك بإسمك المكتوب في سرادق العزّة ٢٦٧/٢

ك.ث.م

يَكْتُمُها: يظهر السّيّئة من أخيه ويكتمها من نفسه ١٣٣/٤
أُكاتِمُهُ: من جارك كنت أكاتمه سيّئاتي ٨٨/١٢
كِتْمانِ: الأخذ بمحاسن أدبك في... كتمان أسرارهم «الجيران» ٦٥/٢ - ٦٦/١
مُنْكَتِمَةٌ: إذ هي مستترة دونهم ومنكتمة عنهم ١٦/٤
مَكْتُوم: أعدّده من مكتوم أمري ٢٩/١٤
مَكْتُومي: ولاتبرز مكتومي ولاتكشف مستوري ١٠٨/٢

ك.ث.ر

كَثُرَ: واستقلال الخير وإن كثر من قولي وفعلي ٥٥/١٥
... واستقلّ برّي بهما «الوالدين» وإن كثر ٦٣/٥
وكثر عليّ ما أبوء به من معصيتك ٨٨/٤
كَثُرَتْ: وإذا كثُرت عليّ الهموم لجأت إلى ٢٥١/٥٨
ويلي كلّما طال عمري كثرت خطاياي ولم أتب ٩١/٤
كثرت أياديك فعجزت عن إحصائها ١٩٧/٣٥ - ١٩٩/١٤٧
وكثرت نعمه ١٢٩/٢٦
وكثرت ذنوبه لديك ١٤١/١٧
كثرت عليّ منك النّعم فما أُحصيها ١٦٤/١٢
وكثرت منّي الإساءة ١٣٥/٦
دعاء من ... كثرت زلّته وعثرته ٢٤٢/٣
وضعفت قوّته وكثرت ذنوبه ١٧١/٣
أَكْثَرَ: ما أكثر تصرّفه في عذابك ١٤٦/١٠
أَكْثَرُوا: وأكثروا البكاء عليه والإنتحاب ٢١٤/١٣٤
وأكثروا التلدّد والإنتحاب ٢١٤/٥٧
أَكْثَرْتَ: أللّهمّ وكما أكثرت ذرء أمّته «محمّد» ١٠/٢١
وأكثرت عليّ من المعافاة ١٤٨/٣
سيّدي أكثرتَ عليّ من النّعم ١٤٨/١٧
أَكْثَرْتُ: إنّي قد أكثرتُ على نفسي من الذّنوب ١٤٨/٣
كَثَّرْتَنا: وكثّرنا بمنّه على من قلّ ٩/١
كَثَّرْتَ: من كثّرت في إعزاز دينك من مظلومهم ١٤/٤
كَثَّرْتَهُ: وأنا القليل الّذي كثّرته ١١٦/٦٣
تُكَثِّرُ: واجعلنا ممّن تكثّر به وارديه «محمّد» ١٠/٢٦
كَثِّرْ: أللّهمّ وكثّر بهم «ولدي» عددي ٦٤/٣
وكثّر به «وليعصر» (عج) قلّتنا ١١٩/٢٤
وكثّر عدّتهم «أهل الثّغور» ٦٧/٢
فَيُكاثِرَكَ: أنت الّذي ... لاعدل لك فيكاثرك ١٤٧/١٩
إِسْتَكْثَرَ: فأسألك ... سؤال من إستكثر ذنوبه ١٦٦/١٠
أَسْتَكْثِرَ: وأستكثر برّهما «الوالدين» بي وإن قلّ ٦٣/٥

نَسْتَكْثِرُ: وكيف نستكثرُ أعمالاً ١١٦/٣١
كَثْرَةِ: فما أصغر حسناتي وأقلّها في كثرةِ ذنوبي ١٦٤/١٣
من كثرةِ كرمك مع الإحسان ٢٠١/١
قد بهتّ وتحيّرت من كثرةِ الذّنوب ٢٠١/١
قد أكلّت لساني كثرةُ ذنوبي ٢٠١/١
أعذنا من ... كثرةِ الكلام فيما لاتحبّ ٢٠٠/١٦
وكثرةِ تعبه في طلابها ٢١٤/٣٣
فقد ينبغي لي أن أستحيي من كثرةِ معاصيّ ١٤٨/٤
الّذى لايعجزه كثرةُ الإنفاق ١٩٩/٥٣
فإن كثرةَ ذنوبي لاأرجو فيها إلاّ عفوك ١١٦/١٠٠
بئس ما فعلت من كثرةِ الذّنوب والعصيان ٢٠١/٢٦
وكثرةَ همومي ووسوسة نفسي ١٦٣/١١
أسلمته الحتوف وكثرةُ زلله ٢٤٣/١٠
وكثرةِ عذابه في مصابها وطلبها ٢١٤/١٠٩
سيّدى ... لم تزدد ذنوبي إلاّ كثرةً ١٤٨/٢٥
بِكَثْرَةِ: فأسألك ... وقلبه مفتون بكثرةِ النّعم عليه ١٦٦/٩
حتّى تحبسه عنّا بكثرةِ الدّعاء لك ٦٤/٩
وطال رجآئي بكثرةِ عفوك يامولاي ٢٠١/١٣
وطالت مصيبتي بكثرةِ ذنوبي ٢٠١/١٣
لِكَثْرَةِ: ولاتعذّبنا لكثرةِ ذنوبنا وما قدمت أيدينا ٨٣/٤
بِإِكْثارٍ: ولاتشغلني عن شكر نعمتك بإكثارٍ منها ٢٥١/٢٨
ولاتشغلني عن شكر نعمتك عليّ بإكثارٍ منها ٢٥٢/٢٠
بإكثارٍ منها تلهيني بهجته ٧٨/٢
بِتَكْثِيرٍ: وأنت ... الوفيّ بتكثيرِ الرّغبات ١٩٩/٨٠
مُكاثَرَةٍ: أشياء على غير مكاثرةٍ منّى ٢٢٩/٢
إِسْتِكْثارِ: واستكثار الشرّ وإن قلّ من ٥٥/١٥
الْمُكْثِرِينَ: أعوذبك من ... مباهاة المكثرين ٢٦/٢
مُكاثِرُ: لخطّابها فيها حريص مكاثرُ ٢١٤/٦
كَثِيرَ: أم كثيرَ ما منه نجّيت وعافيت؟ ١١٦/٢٩
وفضّلنا على كثيرٍ ممّن خلق تفضيلاً ٢٦١/١
وذمّوا كثيراً فبفضلك أللّهمّ فأغنني ٥٩/٣
ياربّ إنّ لنا فيك أملاً طويلاً كثيراً ١١٦/٣٧
إلهى، إنّ الشّيطان ... كثيرُ المكر ٢٠١/٥٠
ياأرحم الرّاحمين وسلّم كثيراً ٢٣٧/١٠
فرأى كثيرَ عصيانه كثيراً ٨٠/٣
والحمدلله كثيراً ١٤١/٢٣
وسلّم تسليماً كثيراً ١٩٩/١٩٩
صلّ على محمّد وآله الطّيّبين الطّاهرين وسلّم كثيراً ٥٢/٦
وحدتي في كثيرٍ عدد من ناواني ١٥٢/٥ ـ ١٥٣/٥
ارزقني ... مالاً ... كثيراً فاضلاً ٣٦/٧
بفضل نافلة مع كثيرِ ما أغفلت ٨٨/١٠
ولقد ذرأنا لجهنّم كثيراً من الجنّ والإنس (قرآن) ١٥٩/٦
علمت أنّ كثيرَ ما أسألك يسير في وجدك ٣٩/٨
فغيرُ كثيرٍ ما عاقبتُهُ الفناء ٥١/٣
فأرني فيه عدلاً حتّى أرى قليله كثيراً ٢٤٨/٣
وآله الطّاهرين وسلّم كثيراً ٢٣٩/١٣
كما يستحقّه حمداً كثيراً ٢٤٠/١
في كثيرِ ما يجب من حقّك عليّ ٢٣٠/٢
عليّ قليلاً في كثيرِ ما استوجبه ٢٣٠/٣
وسلّم تسليماً كثيراً كثيراً ٢٠٧/٢٧
آمنوا اذكروا الله ذكراً كثيراً (قرآن) ١٩٤/٥
وسلام الله عليه وعليهم كثيراً ١٤١/٣٣
وهب كثيرَ السّيّئات بقليل الحسنات ١٩٩/١٠٩
وصلّى الله على محمّد وآله وسلّم كثيراً ٢٢/٣
وأدّينا فيه قليلاً من كثيرٍ ١٤٢/٤٨
محمّد وآله وسلّم تسليماً كثيراً ١١٧/٤٣
محمّد النبيّ وعلى آله وسلّم تسليماً كثيراً ٢٥٧/٤٠
أموراً نفضّلت بها على كثيرٍ من خلقك ٢٥٧/١
سيّدنا محمّد وآله وسلّم كثيراً ٢٢/١٧
الْكَثِيرَ: يامن يعطى الكثير بالقليل ٢٥١/٦٤ ـ ٢٥١/٤٣
يامن أعطى الكثير بالقليل ٢٥١/٤٣
ويعفو عن الكثيرِ ١١٦/١٣٤
واعف عنّى الكثيرَ ١١٦/١٣٤
كَثِيرَهِ: وترك قليل البغى وكثيره ١٢٥/٥
لِكَثِيرِ: أمل من لم يكن له أمل لكثير زلله ٢٣٩/١٠
بِالْكَثِيرِ: يامن كافأ قليلهم بالكثيرِ ٣٤/٨
يضاعف من الحسنات القليل بالكثير ١٢٣/١٢
وأن تثنيني بالكثيرِ من كرامتك برحمتك ١٦٦/١٣
كَثِيرَةً: فيضاعفه له أضعافاً كثيرةً (قرآن) ١٤٢/١٢
ونعماؤك كثيرةٌ قصر فهمي عن إدراكها ١٨٧/٥
صلوةً كثيرةً طيّبة تكون لك رضى ١١٤/٣
صلاة كثيرةً تكون لهم رضى ١١٣/٤ ـ ٢٠/٤
صلاةً كثيرةً طيّبة مباركة ١٢٢/٧
إليك أشكو نفساً ... كثيرةَ العلل ١٨٣/٢
وقد عصيتك في أشياء كثيرةٍ ١٦٥/٢
الْكَثِيرَةِ: أنا صاحب الذّنوب الكثيرةِ الكبيرة ١٤٨/٧
ثمّ تقبّل ذلك منّى بالأضعاف الكثيرة ١١٧/٨
أَكْثَرُ: ونعمتك أكثرُ من أن تحصى بأسرها ١٤٦/١٣
وإحسانك أكثرُ من أن تشكر على أقلّه ١٤٦/١٣
وأنت الّذى عطاؤه أكثرُ من منعه ٤٩/٢

بل أنا ياإلهي أكثرُ ذنوباً ٤٩/١٥
وذلك أكثرُ من أن يحصيه القآئلون ١٩٩/١٧٢
ويا من عفوه أكثرُ من نقمته ٣٤/٨
السّلام عليك ما أكثرَ عتقاء الله فيك ١٤٢/٣٥
وما أكثرَ ذنوبي وأعظمها ١٦٤/١٣
أعطني من الخير أكثرَ ممّا أرجو ٢٢/٤٤
أكثر ممّا أخاف وأحذر وممّا لاأحذر ٢٢/٤٤
بمن خوفه منك أكثرُ من طمعه فيك ١٠١/١٠
أكثرَ ما صلّيت على أحد من خلقك ٢١/١٧
من معرفة إدراكه أكثر من العلم بأنّه لايدركه ٦/٢
وأكثرَ ما أكونه لك ذكراً ٢٠٤/٤
وآتيتني أكثرَ ما سألتك ٣٦/٢
وأسألك ألّلهمّ أكثرَ الحمد عند الرّخاء ١٦٤/٨
ألّلهمّ وآدم... أكثرُ سكّان الأرض سعياً في طاعتك ١١/٤
أَكْثَرَهُمْ: ... لكنّ أكثرهم لايعلمون (قرآن) ١٥٩/٢١
أكثرهم «الأنبياء» صفوف أمّة في جنّاتك ١٠/١٤

ك.د.ح

كَدَحَ: ولو فعلت به ذلك لذهب جميع ماكدح له ٨/١٤
لذهب بجميع ماكدح له ٩٨/٨
ألّلهمّ فارفعه «محمّد» بماكدح فيك ٩/٤
كَدْحُهُ: وقلّ كدحه وسعيه في مرضاتك ١٤١/١٧
تَكَادُحِهِ: وتكادحه في اكتسابه ٢١٤/٣٣

ك.د.د

كَدّاً: ولاتجعل عيشي كدّاً كدّاً ٥٥/٣٤
كَدُّهُ: ولاإقلال عليّ منهايقصر بعملي كدّه ٢٥٢/٢٠-٧٨/٢
بإقلال عليّ منها فيقصر بعملي كدّه ٢٥١/٢٨
كَدّي: ومن كان له كدّي وسعيي ٩٠/٥

ك.د.ر

كَدَّرَتْهُ: أصف ماكدّرته الجرائم ١٩٩/١١٣
لايُكَدِّرُ: يامن لايكدّرُ عطاياه بالإمتنان ٣٩/١
لايُكَدِّرُهُ: أمل لايكدّره يأس ٢٣٩/٨
لَمْ تُكَدِّرْ: لم تُكدّر معروفك عندي ٤٩/١٩
يَتَكَدَّرُ: خيرها «الدّنيا» يتكدّر ١٣٥/٤
مُكَدِّرَةٌ: مكدّرةٌ لصفو المنائح والمنن ١٨٨/٢

ك.د.ى

أَكْدىٰ: ألّلهمّ وقد أكدى الطّلب ٢٢١/١
ألّلهمّ قد أكدى الطلب وأعيت الحيل ٢٢٠/١ - ١٤٣/١٩
أَكْدَيْتَ: واستميح فضلك فما أكديت ١٥٢/١٣ - ١٥٣/٩
لايُكْدي: لايكدى من أذاع شكر نعمته ١٩٩/٦
أيّ مستنبط لمزيدك أكدى ٧٠/٢ - ٢٥١/٦١

ك.ذ.ب

كَذَبَ: كذب العادلون بالله ١٤٣/١٢ - ١١٦/٤٩
كَذَبَنا: وجعلت لنا عدوّاً يكيدنا... إن وعدنا كذبنا ٦٤/٨
كَذَبْتُ: كذبت الألسن وأخلفت العداة إلاّ عندك ١٤٣/١٩
لايَكْذِبُ: أسألك بأنّك... صادقٌ لايكذبُ ١٣٠/٣
كَذَّبَ: لاينقص سلطانك من ... كذّب رسلك ١٦٦/٤
ولايمتنع منك من كذّب بقدرتك ١٦٦/٤
كَذَّبُوا: ألّلهمّ إنّ الظّلمة... كذّبوا رسلك ١١٩/١
يُكَذِّبُونَ: ويكذّبون رسلك ٨٣/١٨
لاتُكَذِّبْ: ياسيّدي لاتكذّب ظنّي بإحسانك ١١٦/٩٢
كَذِّبْ: وكذّب خوفي منك ٣٧/٢ - ٨٧/٢
الْكَذِبَ: كذب ... المفترون على الله الكذب ١٤٣/١٢
تَكْذيباً: وتكذيباً لمن قصبني وسلامة ٥٥/١٢
التَّكْذيبِ: والتّكذيب في محبّتك ١٤٣/٥٢
بِالتَّكْذيبِ: عند معارضة المعاندين لهم بالتّكذيب ١٤/١
كاذِباً: إن كان كاذباً فاغفرله ٤٥/١
ولاتجعل ظنّي بتطوّلك كاذباً ١٩٩/١٥٧
الْكاذِبينَ: في مقام الكاذبين فرفضتني ١١٦/٥٥
وإستنقذني من ذلّ مقام الكاذبين ١٩٩/١٦١
مَكْذُوبٍ: وأعوذبك من ... رجاء مكذوبٍ ١٩٩/٢٧

ك.ر.ب

كَرَبْتُ: ولو أنّي كربتُ معادن حديد الدّنيا ٢٣٠/٢
كَرْبَ: فرّج كربي وكرب كلّ مكروب ١٣٨/١٥
تهوّن عليهم كلّ كربٍ يحلّ بهم ١٤/١٠
لاكرباً إلاّ فرّجته ١٤٣/٤٧
ونجّنا به من كلّ كربٍ يوم القيامة ١٠٩/٢٠
وياكاشف كربِ المكروبين ١١٧/٢٦
وهوّن بالقرآن... كربَ السّياق ١٠٩/١٧
الْكَرْبِ: من الكرب العظيم (قرآن) ١٥٩/١٩
ياكاشف الكربِ ومذلّل كلّ صعب ١١٤/١٠
يامفرّج الكربِ العظيم ١٣٨/١٥
وياكاشف الكربِ العظيم ١١٧/٢٦
كَرْبَهُ: واكشف عنّي ما أخاف كربَهُ ١٣٨/١٥
يرجوك لكشف ضرّه وكربِهِ ٢٤٣/١

كَرْبي: إلهي... كربي لايفرّجه سوى رحمتك ١٩٢/٢
فرّج كربي وكرب كلّ مكروب ١٣٨/١٥
إجعل ... خلاصي من كربي إلى روحك ٤٦/٦
واجعل لي من همّي وكربي فرجاً ومخرجاً ١١٦/١١٥
لِكَرْبِهِ: ولم يجد... لكربه مفرّجاً سواك ١٣٢/٩
كُرْبَةٍ: أنت... المفزع في كلّ كربةٍ وضرّآء ١٩٩/٧٨
فليس له من كربةِ الموت فارج ٢١٤/١١٩ ـ ٢١٤/٤٣
وبائقتي في كلّ شدة وبارجآئي في كلّ كربةٍ ١٤٩/٢٨
الْكُرْبَةِ: والفرجة عند الكربة ١٦٤/٢٢
كُرْبَتي: عندك ... كشف كربتي ١٨٩/٨
واكشف كربتي واستجب دعوتي ١٧٣/٧ ـ ١٧٢/٦
إرحم ... وعند الموت كربتي ١١٦/٩٥
وإلى من ألتجئ إن لم تنفّس كربتي ١١٦/٩٨
يامفزعي عند كربتي ١١٦/١٣٣
ألا يارجائي أنت كاشف كربتي ٢١٦/٢
وأنّ تنفّس عنّي كربتي ١٣٤/٧
كُرْبَتَنا: فأجبت دعوتنا وكشفت كربتنا ٢٠٠/١٠
لِكُرْبَتِهِ: أسألك سؤال من لايجد... لكربته مفرّجاً ١٧٠/٥
ولالكربته كاشفاً ١٤١/١٨
كُرُباتِ: ومنفّس كرباتِ المكروبين ٨٣/٦
غواشي كرباتٍ كشفتها ١٥٢/١١ ـ ١٥٣/٩
الْكُرُباتِ: وياكاشف الكرباتِ ١٣٧/٧
يامنفّس الكربات ياوليّ الرّغبات ١٣٣/٦
بِكُرُباتِهِمْ: بين المشركين بكرباتهم ١٩٩/١١٢
الْكُرُوبِيّينَ: بين مضافّ الكرّوبيّين ٢٠٠/٤٣
مَكْرُوبٌ: أو مكروبٌ فرّجت عنه ٢٢٠/٧
سيّدي كلّ مكروبٍ إليك يلتجئ ١٩٩/٩٧
يافرج كلّ مكروبٍ كئيبٍ ٤٩/٢
وكرب كلّ مكروبٍ من المسلمين ١٣٨/١٥
الْمَكْرُوبينَ: ياكاشف الضرّ عن المكروبين ٢٤٣/٧
يامفرّج عن المكروبين فرّج عنّي ١٣٣/١٠
ومنفّس كربات المكروبين ٨٣/٦
ويامغيث المكروبين ١٩٥/١
فأسألك ياصريخ المكروبين ٢٤٩/٢٤
وياكاشف كرب المكروبين ١١٧/٢٦
ياصريخ المكروبين ١٨١/٢
ياغياث المكروبين وياقابل توبة المذنبين ١٤٣/١٦
بِكَرْبَلا: الحسين الشّهيد بكربلا ١٨١/٤

ك.ر.ث

كَرِثْتُ: وبك إستغاثتي إن كرثتُ ٥٥/٢٩

ك.ر.ر

الكَرَّةِ: الإنقلاب إلى الكرّة الخاسرة ٢٥٦/٥
كَرَّتي: وكرّتي غير خاسرة وأخفني مقامك ١٤٧/١٠٨
كُرُورِ: حمداً يتضاعف على كرورِ الأزمنة ١٤٧/٣٥
وتزيدها على كرور الأيّام زيادةً ١٤٧/٥٦

ك.ر.س

الْكُرْسيّ: وبالإسم الّذى قام به العرش والكرسيّ ٢٦٧/٦
وبحقّ الكرسيّ وسعته ١٨٠/١
كُرْسِيُّهُ: إلاّ بماشاء وسع كرسيّهُ السّماوات والأرض (فرآن) ١٥٩/٦ ـ ١٨/٣
كُرْسِيِّكَ: وبعادل كرسيّك الرفيع ١٤٧/٣٧

ك.ر.ع

يَكْرَعُونَ: بكأس الملاطفة يكرعون ١٩٣/٢

ك.ر.م

كَرَمَ: وكرمُ عفوه ١٤٩/٢٦
كرم صنائعك وفعالك ١١٦/٤٢
كَرُمْتَ: وكرمت أن يخاف منك إلاّ العدل ٩٨/١١ ـ ٨/١٨
سيّدى كرمتَ بكرمك فأكرمني ١٩٩/٨٩
إلهى كرمت فأكرمني ... ١٤٠/٣
أَنْ تَكْرُمَني: أن تكرمني في مقامي هذا ٢٤٩/٢٤
أَكْرَمَ: ما أحسن عفوك وأكرم قدرتك ١٤٣/٤٢
أَكْرَمَكَ: ياإلهى ما أحلمك ... وأكرمك ٢٠٠/١
فسبحانك ما أحلمك وأعظمك وأكرمك ١١٦/٤٢
أَكْرَمَني: فيامن أكرمني بتوحيده ١٩٩/٧٢
أَكْرَمَنِ: فيقول ربّى أكرمن (قرآن) ٣٥/٨ ـ ٢٥٧/٣١
فَأَكْرَمَهُ: فأكرمه ونعّمه فيقول ربّى (قرآن) ٣٥/٨ـ٢٥٧/٣١
فَأَكْرَمَني: الّذى وكلني إليه فأكرمني ١١٦/٨ ـ ١٢٠/٧
أَكْرَمْتَ: فيمن أكرمت بمحمّد وآل محمّد ٢٤٨/١١
أللّهمّ أنت أكرمت أولياءك بكرمك ٢٣٧/٧
أَكْرَمْتَهُ: وأكرمته ولم تستبدل به سواه ١٤٩/٥٥
... وأكرمتهُ «من» بها «ليلة القدر» ١١٧/١٦
أَكْرَمْتَني: أو من بضرّني هوانه إن أكرمتني ١٦٤/١٠
أكرمتني بمعرفة دينك ٢٤١/٦
أَكْرَمْتَنيهِ: ووحّدتك بالتّوحيد الّذى أكرمتنيه ١٩٩/١٤١
أَكْرَمْتَنا: وأكرمتنا بمعرفتك ٢٠٠/٣

فَأَكْرَمْتَ: وحبوتني فأكرمت مثواي ١٩٩/١٧٦
فَأَكْرَمْتَهُ: فاجعلني عبداً إنّا طائعاً فأكرمته ١٩٩/١٣٦
أُكْرِمُوا: أكرموا وزيّنوا بخدمتك ٢٠٠/٣٥
لاتُكْرِمُ: وإن كنت لاتكرم إلاّ أهل الإحسان ١٩٩/١١٠
إن كنت لاتكرم إلاّ أهل الوفاء بك ١١٦/١١٨ ـ ١٤٣/٤٢
أَكْرِمْ: وأكرم من عندك منصرفي ١٤٦/١٥
صلّ على محمّد وآله وأكرم مثواي ٢٤٧/٨
وعظّم حباءه وأكرم مثواه «محمّد» ١٤١/٢٨
أَكْرِمْنِي: وأكرمني بالجنّة ومنّ عليّ بالمغفرة ١٤٩/٥٨
وأكرمني بعافيتك ٦١/١
فَأَكْرِمْ: فأكرم بها «نفسي» أمنية بشّرت بعفوك ١٩٧/١٩
فَأَكْرِمْنِي: فيمن أكرمت بمحمّد... فأكرمني ٢٤٨/١١
سيّدي كرمت بكرمك فأكرمني ١٩٩/٨٩
إلهي كرمت فأكرمني إذ كنت من سؤالك ١٤٠/٣
كَرَّمْتَهُ: يوم شرّفته وكرّمته وعظّمته ١٤٧/٧١
كَرِّمْنا: صلّ على محمّد وآله وكرّمنا عليك ١٥/٥
كرّمنا عليك ٨/٢٠
كَرَماً: يامن أعطي... تفضّلاً منه وكرماً ٢٥١/٤٣ـ٢٥١/٦٤
كرماً من عفوك ياكريم ١٤٢/٥
من كرم العظمآء الرّفق بالاسراء ٢٠٣/٥
ومن ردّ الملابسين كرم العشرة ٥٥/١٠
ولم يسئل العباد مثلك كرماً وجوداً ١١٧/٢٤
وتعفو عن الذّنب كرماً ١١٦/٢٩
الْكَرَمِ: علمي بأنّك مجبولٌ على الكرمِ ٢١٠/٣
وأنا الكريم ومنّي الكرمُ ٢٠١/٢٤
ونعم ما فعلت من الكرمِ والإحسان ٢٠١/٢٦
العوّاد عليهم بالفضل والكرمِ ١٩٩/٥٢
إلهي أنت الّذي أغرقتني بالجود والكرمِ ٢٠١/٢٧
إنّك معدن الآلاء والكرمِ ١٩٩/٥٠
غيرمستبطئ منك فيه سنيّ الكرمِ ١٩٩/١٨٢
وأنت وليّ الصّفح ومأوى الكرمِ ٢٣٩/٥
كَرَمِهِ: وأشارلي في الآخرة إلى عفوه وكرمه ١١٦/١٦
كَرَمُكَ: وكرمك أكمل وإحسانك أوفى ١٤٦/١٢
من كثرة كرمِك مع الإحسان ٢٠١/١
وإن تعف عنّي وترحمني فبجودك وكرمِك ياكريم ١٦٥/٣
وإن تعف عنّي فبجودك وكرمِك ياكريم ٢٣٣/٣
فهب لي نفسي بجودك وكرمِك ٢٥٧/٢١
إلهي ألقتني الحسنات بين جودك وكرمِك ١٩٧/٢٢
إنصرفت الآمال دون مدى كرمِك بالحاجات ١٤٦/٣
إستشفعت بجودك وكرمِك إليك ١٨٢/١٢
فضلك وعافيتك وكرمِك ١٤٣/٥٥
وعلى جودك وكرمِك أتّكل ١٦٦/١٤
إلهي بذيل كرمِك أعلقت يدى ١٨٥/٥
إكفني ما أهمّني بلطفك وكرمِك ٢٣٩/١٢
ولايتّسع لها إلاّ كرمُك ٢٤٤/٤
وشفّع في خطاياي كرمَك ٨١/٥
أتقرّب إليك بجودك وكرمِك ٤٢/٢
ولولا ما عرفت من كرمِك ما رجوت ثوابك ١٩٩/١٣٠
وقد حلّ رجآئي بحرم كرمِك ١٩١/٢
وبذيل كرمِك أعلقت كفّي ١٩١/٥
ولولا ما أعرف من كرمِك ما رجوت ثوابك ١٩٧/١٨
أنّ كرمَك لايضيق عن سؤال أحدٍ ٣٩/٨
وتعطّف عليّ بجودك وكرمِك ١٣٨/١٧
وأدخلني الجنّة بجودك وكرمِك ١٣٨/١٩
لاأبلغ ما أنت أهله من ... تمجيدك وكرمِك ٢٢٩/١٦
بفضلك وجودك وكرمِك لابإستحقاقي ١٣٢/٧
بجودك وكرمِك وتدخلني الجنّة ١٣٠/٦
إليك أستشفع بقديم كرمِك ١٩٩/٣٣
إلهي ... ما وهبت لي من كرمِك فلا تسلبه ١٨٦/٦
وها أنا بباب كرمِك واقف ١٩٢/٧
فإنّ كرمَك يجلّ عن مجازاة المذنبين ١١٦/٢١
فلم يحل كرمُك بيني وبين مغفرتك ١٩٩/١٦٢
جرأتي على مسألتك ... جودك وكرمُك ١١٦/٢٠
إذا رأيت كرمَك طمعت ١١٦/١٩
فسبحانك ما أبين كرمَك ٩٨/٦ ـ ٨/١١
فافتح لنا حسب كرمِك باب فرج من عندك ٧٠/١٤
وعدت بفضلك وكرمِك ١٩٩/١٧٣
شفّع في خطاياي كرمَك ٨٠/٢٠
ما أنت أهله في كرمِك ١٠/١٦
وإلى جودك وكرمِك أرفع بصري ١١٦/٩٠
لولا ما أرجو من كرمِك ... لقنطتُ ١١٦/٦٩
لأنّ كرمَك أى ربّ يجلّ عن مجازاة المذنبين ١١٦/٥٨
وكيف نستكثر أعمالاً نقابل بها كرمَك ١١٦/٣١
أين كرمُك ياكريم ١١٦/٢٧
لما انتهىٰ إليّ من المعرفة بجودك وكرمِك ١١٦/٣٢
بسؤالي إيّاك ... بجودك وكرمِك ٦٤/١٢
كَرَمي: ليس ذلك من كرمي عليك ٤٩/١٤
ومن كرمي في العاصين ٢٠١/٢٤
بِكَرَمِ: عبدك مستجيرٌ بكرم وجهك ١٤٩/٤٣
واعف عن توبيخي بكرمِ وجهك ١١٦/٦٠ـ١١٦/٢٣ـ١١٢/٤

لِكَرَمِ: حمداً يجب لكرم وجهك ١٤٧/٤٥
والحمدلله كما ينبغي لكرم وجهه ١٤١/١
بِكَرَمِكَ: حمداً يوجب بكرمِك المزيد بوفوره ١٤٧/٤٤
وأنّ أناتك أشبه الأشياء بكرمِك ٢٢٣/٣
كما لو لامعرفتي بكرمِك ما رجوت ثوابك ٢٥٦/٤
فقد نبّهتني المعرفة بكرمِك وآلائك ١٨٦/٢
أسألك بكرمِك أن تمنّ عليّ من عطائك ١٨٥/٧
تأنّيتني بكرمِك فلم تعاجلني ٤٩/١٩
سيّدي كرمت بكرمِك فأكرمني ١٩٩/٨٩
فصدّق بكرمِك مبشّرات تمنّيها ١٩٧/١٩
واحملني بكرمِك على التّفضّل ٣٩/٩
ولكن إبتداءً منك بكرمِك وجودك ١٤٩/٢٩
ومستشفعةً بكرمِك إليك ٢٠٢/٨
وبكرمِك إستشعروا ملابس موالاتك ١٩٩/١٨٨
ولكنّك بكرمِك جازيته ٩٨/٧
أللّهمّ أنت أكرمت أولبائك بكرمِك ٢٣٧/٧
لكنّ المعرفة بك والثّقة بكرمِك ٤٠/٤
لئن طالبتني بلؤمي لأطالبنّك بكرمك ١١٦/١١٧
لما ألهم قلبي من المعرفة بكرمِك ١١٦/٧٣
وبكرمِك أى ربّ أستفتح دعآئي ١١٦/٩٠
تستر الذّنب بكرمِك ١١٦/٢٤
ياربّ هذا مقام من ... إستجار بكرمِك ١١٦/٣٥
بل لثقتي بكرمِك ١١٦/١٤
وأغنني ياربّ بكرمِك عن لؤم المسؤولين ٢٠٤/٣
وأصلحني بكرمِك وداوني بصنعك ٥٥/٣١
بِالْكَرَمِ: أن تجيبه بالكرم تفضّلاً ١١٢/١
كَرامَة: تنقلني من نعمة إلى كرامةٍ ٣٥/١ ـ ٢٥٧/٢٣
ومن كرامةٍ إلى فضل تجدّد لي ذلك ٢٥٧/٢٣
ذخيرة كرامةً توصلها إليه ١٠/١٩
فريضة منك واجبة وكرامةً فاضلة ١٤٣/٢٢
أن تكرمني ... كرامةً لاتهينني بعدها أبداً ٢٤٩/٢٤
ومن كرامةٍ إلى رضىً ٣٥/١
ولكلّ زآئرٍ كرامةً ١٤٩/٥٦
كرامةً تنزله «محمّد» شرف ذروتها ١٠/١٣
صلاة تزيدهم كرامةً على كرامتهم ١٢/١٤
الْكَرامَةِ: زين القيامة، تمام الكرامةِ ٢٥٧/٣٩
اولئك وفد الكرامةِ يوم يخسر فيه ١٩٧/٤٧
ورسلك وأصفيائك وأهل الكرامةِ عليك ١٢٣/١٠
بلّغه الدّرجة والوسيلة والكرامةَ ١٤٣/٢٤
إلى أشرف منازل الكرامةِ ١٠٩/٩
أسألك ... من الكرامةِ أغبطها ١٩٩/٢١
لوّح منها «الجنّة» ... من ... منازل الكرامة ٦٧/٥
واستظلّوا في ظلّ الكرامةِ ٢٠٠/٢٤
وظفروا بـ... المقام في دار الكرامةِ ٢٠٠/٢٦
واجعل لي في لقائك ... الكرامةَ ١١٦/١٢٠
في أدوم السّرور وأسبغ الكرامةِ ١١٦/١٠٨
كَرامَتِهِ: وبحقّ دانيال وكرامتِهِ ١٨٠/٤
أبلغ به «محمّد» من ... الزّيادة في كرامته ١٠/١٥
فرفعه إلى ... فسيح كرامته ١٩٩/٥٩
محلّ كرامتِهِ الّتي لاتحول ١/١٨
كَرامَتِهِمْ: صلاة تزيدهم كرامة على كرامتهم ١٢/١٤
كَرامَتُها: طريق النّظر لنفسي بما فيه كرامتها ١٩٩/١٠٠
كَرامَتِكَ: رحمتك وتطوّلك وكرامتِك ٢٣٩/٢
صلاةً تجزل لهم بها من نحلك وكرامتِك ١٤٧/٥٨
والوصول إلى كرامتِك ١٤٢/٢٣
أفضل ما يأمل من خيرك وفضلِك وكرامتك ١٠٩/٢٦
بلّغني رضوانك وشرف كرامتِك ١٢٣/١٣
حتّى نجتمع برأفتك في دار كرامتِك ٦٣/١٦
وأفرشني مهاد كرامتِك ١٠٨/١
لاأحصيها تختم لي بها كرامتَك ٢٥٧/١٥
عملاً أستحقّ به كرامتَك ١٣٧/٩
أعددت له من كرامتِك ٦٧/٢١
في أشرف رحمتك وأفضل كرامتِك ١٤١/٢٥
أللّهمّ ... هبني كرامتَك ١٢٣/١٦
هيّئ لنا كرامتَك ١٤٣/٤٠
لما وعدت أولبائك من كرامتِك ١١٥/١٧
وأن تثنيني بالكثير من كرامتِك برحمتك ١٦٦/١٣
وبوّأتهم «صفونك» دار كرامتِك ١٩١/٣
كَرامَتي: أو من يملك كرامتي إن أهنتني؟! ١٦٤/١٠
وأكمل كرامتي بغفرانك ١٠٨/٤
بِكَرامَةٍ: وصيانتك لي بنعمةٍ موصولةٍ بكرامةٍ ٣٦/١٠
بِكَرامَتِكَ: واجعلها موصولةً بكرامتِك إيّاي ٧٧/٣
وتهدى بكرامتِك من تحبّ ١١٦/٨٢
وعلي‌بن موسى‌الرّضا ... المخصوص بكرامتِك ٤٢/١٠
بِالْكَرامَةِ: أللّهمّ يامن خصّ محمّداً وآله بالكرامةِ ١٣/١
ويلّغهما بالكرامةِ مواطن السّلامة ٦٣/١٥
واخصص اللّهمّ والدىّ بالكرامةِ لديك ٦٣/١
كَرامَاتِها: وظاهر كراماتها لدىّ ١٤٧/١٠٩
إِكْراماً: وحجر فيه المطاعم والمشارب إكراماً ١١٥/٤
الْإِكْرامِ: ياذاالجلال والإكرام، آمين ربّ العالمين ١٧٣/٩

ياذاالجلال والإكرام صلّ ١٧٢/١٠
وتجاوز عنّي ياذاالجلال والإكرامِ ١٦٢/٨
بديع السّماوات والأرض ذاالجلال والإكرام ١٤٧/١-٤٣/١
فكن ياذاالجلال والإكرام ١٧٢/٦
وتوسّل إليك ... ياذاالجلال والإكرامِ ٢٣٤/٤
ياذاالجلال والإكرام لاإله إلاّ أنت ١٢٠/١٠
ياذاالجلال والإكرام ياذاالطّول ١٢١/١
ياذاالجلال والإكرام عند حسن ظنّي بك ١٧٣/٧
ياذاالجلال والإكرام إغفرلي وللمؤمنين ٢٤٣/١٢
ياذاالجلال والإكرام ١٧١/٤ ـ ٢٥٢/٣٤ ـ ٢٣٤/٨
الحمدلله ... ذي‌الجلال والإكرام ٨٣/٢
ياذاالجلال والإكرام ياإلهي ٢٥١/٥٢
بالله ياذاالعظمة والجلال والإكرامِ ١٢٢/٣
رزق حلال ياذاالجلال والإكرام ١٤٣/٣٥
ياذاالجلال والإكرام يارحمٰن يارحيم ١٤٣/٤٤
وتولّيتني بعوائد البرّ والإكرامِ ١٩٩/١٧٦
أنت وليّ منعام ذواالجلال والإكرام ٢٣٧/٥
ياذاالجلال والإكرام حبّب ١١٦/١٢٠
ياذا ... الإكرام ياالله يارحمن ١٣٣/١
سبحانك ياذاالجلال والإكرام ١٣٩/١٧
ياذاالجلال والإكرام ياقاضي الحاجات ١٣٣/٦
ذواالجلال والإكرام وذوالأسماء العظام ٢٧٠/١
الوهّاب الكريم ذواالجلال والأكرام ٤٦/٧
بمنّك وفضلك ياذاالجلال والإكرام ١٣٣/٨
إكْرامِهِ: بخوعاً لك في إكرامه ١١٣/٧
إكْرامِكَ: بما أوّمّله من جزيل إكرامِك ١٨٦/٤
تضاءل في جنب إكرامِك إيّاي ١٨٧/٤
تَكْرِمَتي: وأثبهما «والدىّ» على تكرمتى ٦٣/٧
تَكَرُّماً: بل تأنّانا برحمته تكرّماً ١/٢٣
الْمُتَكَرِّمُ: أنت الله لاإله إلاّ أنت الكريم المتكرّم ١٤٧/٣
كَريمٌ: إنّك واسعٌ كريمٌ ٣٩/١٢
ياعظيم ياكريمُ برحمتك ياأرحم الرّاحمين ١٨٧/٨
وإن تعف عنّي وترحمني فبجودك وكرمِك ياكريمُ ١٦٥/٣
يوم الوفود عليك ياكريمُ ٧/٨ ـ ١٧٣/١٠
وإن تعف عنّي فبجودك وكرمك ياكريمُ ٢٣٣/٣
ألّلهمّ خصّنا ... كريم الذّخر ٢٣٤/٢
إنّك منّان كريمٌ ٩٨/١٢ ـ ٨/١٩
بميسور جميع الأمور لابمعسورها ياكريمُ ١٢٥/٦
إنّك على ذلك قادر ياجواد ياكريمُ ٢٢/٤٢
ومنقلب كريمٍ إنّك على كلّ شيءٍ قدير ١٢٧/٤
ياكريمُ ياكريمُ ياكريمُ أن تكرمني في مقامي هذا ٢٤٩/٢٤
ياكريمُ ياعظيمُ يافردُ ياوتر ١٢٢/٤
ياالله ياعظيم ياكريمُ ياكبير ١٢٨/٣
حيّ قيّوم جواد كريمٌ ٢٤١/٤
إنّك ذو ... تجاوزٍ كريمٍ ١١٦/١٠١
ألّلهمّ ارحمني فإنّك كريمٌ ١٠٤/١
ياكريمُ ياجميل، ياأرحم الرّاحمين ١٩٢/٩
إنّك ذورحمة واسعة وفضل كريمٍ ١٠٩/٢٦
ياكريمُ ياكريمُ ياكريمُ ٢٠١/٥١ ـ ٢٢٧/٣
ومنقلباً كريماً غير مخزٍ ولافاضحٍ ٢٢٥/٣
ياحيُّ ياكريمُ ... ٤٢/١
كرماً من عفوك ياكريمُ ١٤٢/٥
إنّك جواد كريمٌ ١٢/١٥
وأمنوا برضاك من العذاب ياكريم ١٣٢/٦
ولو لم تدلّني على كريمٍ ثوابك ما رغبت ١٩٩/٩٤
ياكريمُ ياكريمُ صلّ على محمّد ٢٢٧/٥
ياكريمُ مسكينك بفنائك ٢٢٨/١
حقيرك ببابك ياكريمُ ٢٢٨/١
ياكريمُ فقيرك زائرك ٢٢٨/١
وعد عليّ بعفوك ياكريمُ ١٩٩/٤٢
بما قسمت لي من رزقِك ياكريمُ ياكريم ١٦٤/٢١
ياعظيم ياجليل ياكريمُ يامنيل ١٩٣/٧
فحلمت عنها ياكريمُ إلى أجلٍ قريبٍ ٢٠٦/٣
تحلم عنّي ياكريمُ إلى أجل قريبٍ ٢٠٦/١ ـ ٢٠٦/٢
جدت بالمعروف فاخلطني بأهل نوالك ياكريمُ ١٤٠/٣
ياكريمَ المآب والمحسن الوهّاب ٢٣٩/٣
ياكريمَ الصّفح والتّجاوز ١٩٩/١٥١
ياكريمَ العفو ياحسن التّجاوز ١٢٣/١٤
ياواسع ياكريمُ يانامّ الكفاية ١٢٤/٢
فلم أرمولىً كريماً أصبر على عبدٍ ٤٠/٣
عزم إرادة في غير فخرٍ ولاكبرٍ ياكريمُ ١٣٧/٤
كلاّ ياكريمُ فليس هذا ظنّنا بك ١١٦/٣٦
ملكٌ كريمٌ يأتيك عنّا بعمل قبيح ١١٦/٤١
ياكريمُ ياحيّ ياقيّوم ١١٦/٢٦
أين كرمك ياكريمُ ١١٦/٢٧
خالصاً لوجهك ياكريمُ ١٣٢/١١
وقد علمنا بفضلك وإحسانك ياكريمُ ١١٩/٣١
وأرزقنيه أبداً ما أبقيتني ياكريمُ ١٣٢/١٢
وأفضل ما تعطى من تخلقه من أوليائك ياكريمُ ١٣٢/١٠
وعرشك كريمٌ وثنائك رفيع ٢٥٧/٨

من أليم نار الله إلى كريم جوار الله ١/١٧
فإنّك واسعٌ كريمٌ ٥٩/٨
من فضلك ونعمتك وإحسانك ياكريمُ ١٤١/١٢
كريمُ الثّناء عظيم العفو عنّا ٨٣/٣
الْكَرِيم: وكيف لاأدعوك وأنت الكريمُ ٢٠١/٣
وكيف أحزن وأنت الكريمُ ٢٠١/٣
واثق بعد ذلك منك بالصّفح الكريمِ ٢٥٧/٥
سجد وجهي ... لوجهك ... الكريمِ ٢٥١/١٩
العليم الكريمُ الغافر ١١٧/٤٠
العليم الكريمِ العظيم ١٤٣/١
حاشا لوجهك الكريمِ أن تخيّبني ١٨٤/٢
أنت الكريمُ العوّاد بالمغفرة ١٤٨/٢٣
لاإله إلاّ الله الحليم الكريمُ ١٤٩/٧٢ ـ ١٧٨/١
أنت الله لاإله إلاّ أنت الكريمُ المتكرّم ١٤٧/٣
وأنت الله ... الكريمُ ١٤٧/٧
فأنت الجواد الكريمُ ٢٣٤/٨
وأنا الكريمُ ومنّى الكرم ٢٠١/٢٤
فلا تعرض بوجهك الكريم عنّي ١١٦/١٠٤
فأنت الكريمُ الّذى تعطي من سعةٍ ٨٧/٩
إنّك «الله» ذوالفضل العظيم الجواد الكريمُ ٩/٥
فمن شواهد نعماء الكريمِ إتمام نعمائه ١٩٩/١٠٧
وأشهد أنّ محمّداً عبده الكريمُ ١٩٩/٥٨
تحلم بحلمك الكريمِ إلى أجلٍ ٢٠٥/٣ ـ ٢٠٥/٢ ـ ٢٠٥/١
أللّهمّ أنت ... الرّازق الكريمُ ١٩٩/٩
وأنت الكريمُ الّذى لايخيّب لديك ١٩٧/٥
أنت ... البرّ الكريمُ ١٨٧/٣
وبجلال وجهك الكريمِ الّذى لايبلى ولايتغيّر ١٦٦/١٢
لأنّك الرّبّ الكريمُ الّذى لايتعاظمه ٨٠/٧
الكريمَ المثابة المشهود الموعود ١٤٣/٣٤
أقبل بوجهك الكريمِ إليّ ١٥٣/٢٣
سجد وجهي اللّئيم لوجهك العزيز الكريمِ ٢٥٢/١٢
سجد وجهى ... لوجهك الكريمِ ٢٥١/٢٠ ـ ٢٥٢/٩
أللّهمّ إنّك إن صرفت عنّى وجهك الكريمَ ٥٧/٣
وأنت الجوادُ الكريمُ ٧٩/٦
إنّك أنت التّوّاب الرّحيم الرّؤوف الكريمُ ١٦/٩
الوهّاب الكريمُ ذوالجلال والإكرام ٢٦/٧
وأنت إلهى الكريمُ الّذى لاتردّ سائلاً ٨٢/٣
بِكَرِيمِ: وعدت بكريمِ أياديك حين عدت ١٩٩/١٥٦
إلاّ أنّى واثق بكريمِ أفعالك ١٩٩/١١٤
فامنن علىّ بكريمِ غفرانك ١٩٩/٨٢
ومدلاًّ بكريمِ تفضّلك ١٩٩/١٧٩
فَالْكَرِيمُ: فالكريمُ ليس يقع معروفه ١٩٧/١١
الْكِرَامِ: وموالاة أوليائك الكرامِ ١١٤/٢١
وأشهد ملائكتك الكرامَ السّفرة بسقي منك نافع ٥٣/٢
والسّفرة الكرام البررة ١٢/١٢
والحفظة الكرامِ الكاتبين ١٢/١٢
أللّهمّ يسّر على الكرامِ الكاتبين مؤونتنا ٢١/١٠
الْكُرَمَاءُ: فاق بسعة فضله الكرماء ١٩٩/٥
كَرِيمَةٍ: وكم من صنيعة كريمةٍ لك عندي ١٦٣/٣
الْكَرِيمَةِ: العظيمة الشّريفة الكريمةِ ١٤٣/٤٦
ولاتخلني ياربّ من تلك ... المواقف الكريمةِ ١١٦/٥١
الحظني بلحظة من لحظاتك الكريمةِ ٤٢/٢٣
إنّك تفيد الكريمة ٩٢/٤
كَرَائِمَ: وسق كرائمَ مواهبك إليّ ١٤٧/١١٠
الْمُكْرَمِينَ: تدرجني درج المكرمين ٢٤١/٨
أللّهمّ إنّى أسألك ... فوز المكرمين ١٣٩/٥
الْمُكَرَّمِ: المنتجب المصطفى المكرّم المقرّب ١٤٧/٤٦
الْمُكَرَّمِينَ: والرّسل المكرّمين ٨٨/١٢
الْمُكَرَّمَاتِ: وبأسمائك المكرّمات المقدّسات ٢٦٧/٦
بِمَكَارِمِ: فقد آنسني اليقين بمكارمِ عطفك ١٩٩/٨٧
أَكْرَمُ: فمن أكرم ياإلهى منك ٨/١٧
أجود الأجودين وأكرم الأكرمين ٢٤٥/٨
وأكرمُ من غفرو عاد بفضله على عبده ٢٥٧/٢
ياخير من سئل ويأكرم من قصد ١٧٧/١
إنّك أكرمُ من رغب إليه ١٤٢/٦٤
ياأكرمَ مدعوّ ويامن لايردّ سائله ١٨٥/٦
ياأكرم الأكرمين وأرأف الرّاحمين ١٩٩/١٦٩
أنت ... أكرمُ المسئولين ٢٤٧/١٠
على محمّد ... أكرمِ المرسلين ١٩٩/٦٢
ياأكرمَ الأكرمين ويأرحم الرّاحمين ١٩٩/٦٤
يا ... أكرمَ من إستغفره الخاطئون ١٩٩/١٢٧
وأنت أكرمُ الأكرمين بتحقيق آمال الآملين ١٩٩/١٣٠
يامن لايفد الوافدون على أكرمَ منه ١٩١/٤
إرحم مسبرى إليك ياأكرمَ من سئل ١٤٩/٤٨
ياأكرم الأكرمين ويامجيب المضطرّين ١٤٣/١٦
وأكرم مأمول أن يستجيب دعاءنا ١٤٣/١٥
يا ... أكرمَ من قصده المحتاجون ١٩٩/٧٣
ياربّاه ياأكرمَ من تجاوز وعفا ١٩٨/٨٦
ياأرحم الرّاحمين ويأكرم الأكرمين ١٩٦/٤
ويأكرم الأكرمين ١٩٢/٥

إنّك أكرمُ المسؤولين ٨٨/١١
عند أحسن ظنّي بك ياأكرم الأكرمين ٨٧/٣
السّلام عليك ياأكرمَ مصحوب من الأوقات ١٤٢/٢٩
فمن أكرمُ منك ياإلهي ٩٨/١١
في أعلى علّيين وأكرمِ منازل النّبيّين ١٤١/٢٥
وأنت أكرمُ الصّافحين ١٩٩/١١٦
وأكرمَ من خضع له وخشع ما أنت صانع ١٤٩/٤١
ياأكرمَ من أقرّ له بالذّنوب ١٤٩/٤١
بل لأنّك ... وأكرمُ الأكرمين ١١٦/٢٣
واجزه «محمّد وآله» عنّا أفضل وأكرمَ ما جزيت ٢١/١٧
واختم لنا بالّتي هي أحمد عاقبة وأكرمُ مصيراً ٩١/٤
والحمدلله بكلّ ما حمده به... أكرمُ خليقته عليه ١/٢٦
الْأَكْرَمُ: الكريم الأكرمُ الدّائم الأدوم ١٤٧/٧
أَكْرَمَهُمْ: أكرمَهُم منزلة لديك فشهدت معه ١٢٤/٥
وأكرمِهم لديك ١٤٩/٤٣
الْأَكْرَمِينَ: أجود الأجودين وأكرم الأكرمين ٢٤٥/٨
وأنت أولى الأكرمين بتحقيق ١٩٧/١٨ ـ ٢٥٦/٥
ياأكرم الأكرمين وأرأف الرّاحمين ١٩٩/١٦٩
ياأكرم الأكرمين ويارحم الرّاحمين ١٩٩/٦٤
وأنت أولى الأكرمين بتحقيق أمل الآملين ١٩٧/١٨
ياأكرم الأكرمين ويامجيب المضطرّين ١٤٣/١٦
ياأرحم الرّاحمين ياأكرم الأكرمينَ ١٩٦/٤
وياأكرم الأكرمين ويارحم الرّاحمين ١٩٢/٥
ياأكرم الأكرمين وأيّدني بالعصمة ٨٧/٣
بل لأنّك ... وأكرم الأكرمين ١١٦/٢٣
أُكْرُومَةً: ولاأكرومةً فيّ ناقصةٍ إلاّ أتممتها ٥٥/٨
الْمَكْرُمَاتِ: السّابقين إلى المكرمات ١٨٨/٤

ك.ر.ه

كَرِهَ: وهجم ... ولو كره المشركون ٩/٣
ولايعمّر في الدّنيا من كرهَ لقآئك ١٦٦/٤
ولو كره المشكرون (قرآن) ١٢٣/٧
وليس يستطيع من كرهَ قضائك أن يردّ أمرك ١٦٦/٤
كَرِهْتَ: وإن كَرِهت ذلك أو أبته نفسي ٩٣/٣
ربّ اعزم لي على رشدي وإن كرهت نفسي ٩٤/٢
كَرِهْتَ: ولاتتخيّر ما كرهتَ ٩٢/٣
وما كرهتَ فبغّضهُ إليّ ١٥٣/٢١
كَرِهْتُ: وسعد غيري بما كرهتُ ٥١/١
تَكْرَهُ: مع إتياني ما تكرهُ ١١٦/٢٠
وتبلغ ما أحبّ من حيث لاآتي ما تكرهُ ١٤٧/٩٩
أَكْرَهُ: صرفت عنّي جميع ما أكرهُ ١١٧/٢١
وأكرهُ حزن الأصدقاء ٧٧/١٠
لاأَكْرَهُ: ولاأكرهُ ما تولّياه من أمري ياربّ ٦٣/١٠
نَكْرَهَ: ونكره موضع رضاك ٩٢/٢
حبّب إلينا ما نكرهُ من قضائك ٩٢/٣
لانَكْرَهَ: ولانكره ما أحببت ٩٢/٣
كَرَّهَ: أن يثقل علينا ما كرّه إلينا ٥٠/١
كَرَّهْتَ: أللّهمّ فكما كرّهت إليّ أن أظلم ٤٢/٧
إِكْرَاهَ: لإكراه في الدّين (قرآن) ١٨/٤
مُسْتَكْرِهِينَ: أمتنا ... طائعين غير مستكرهين ١٠٣/٥
كَرِيمِهِ: السّلام عليك غير كريمِ المصاحبة ١٤٢/٤٠
الْكَرِيهَةَ: إنّك تقي الكريهةَ وتعطي الحسنة ٨٨/٢٢
مَكْرُوهٍ: أو خلص إليهما عنّي من مكروهٍ ٦٣/٨
فكلُّ مكروهٍ جلّ دون سخطك ٤٢/٦
بك أستدفع مكروهَ ما أنا فيه ١٥٨/٣
وكم من سحائبَ مكروهٍ قد جلّيتها عنّي ١٥٣/٩
لم تقلّدني مكروهَ شنارها ٤٩/١١
ولايصل إليّ فيه مكروهُ الأذى ٢٠٣/٢
أسألك أن ... لامكروهاً إلاّ صرفته ١٢٢/٩
وكم من سحائب مكروهٍ جلّيتها عنّي ١٥٢/١١
رميت من يريد بي سوءاً أو مكروهاً ٢٢/٣٥
الْمَكْرُوهَ: أضمر أن يسومني المكروه ١٥٢/٤ ـ ١٥٣/٤
مَكْرُوهِكَ: شرطي ألاّ أعود في مكروهِك ٨٠/١٢
أزلنا عن مكروهِك من الإصرار ٣٠/١
بِمَكْرُوهٍ: بمكروهٍ ما ينزل من البلاء ١٢/١٢
لِلْمَكْرُوهِ: وعرّض فيك للمكروه بدنه «محمّد» ٩/٢
مَكَارِهِ: لانجاة لي من مكارهِ الدّنيا إلاّ بعصمتك ١٨٣/٥
إلهي ... إدفع عنّا مكارهَ النّقم ١٨٧/٧
الْمَكَارِهُ: وانزاحت المكارهُ ٢٠٤/٤
يامن تحلّ به عقد المكارهِ ٢٤/١
وقني المكارهَ كلّها يارجاء المؤمنين ١٩٩/٤

ك.س.ب

كَسَبَ: وتركوه رهناً بما كسب وطلب ٢١٤/١٣٥
كَسَبْتُ: مقرّاً بـ... أوزار إستحقبتها بما كسبت بداي ١٦/٢
يوم تجزى كلّ نفس بما كسبت ٦٣/١٢
القائم على كلّ نفس بما كسبت ٢٢/٤١
وفّيت كلّ نفس ما كسبت وهم لايظلمون (قرآن) ١٨٤/٩
يوم تأتي كلّ نفس بما كسبت (قرآن) ٢٠٧/٢١

يافائم على كلّ نفس بما كسبت ۴۲/۱
يوم تجزى كلّ نفس بما كسبت (قرآن) ۱/۱۴
كَسَبْتُ: ولاتؤاخذني بما كسبتُ من الذّنوب ۱۹۹/۸۱
يَكْسِبُ: تخليصى ممّا يكسب ۱۹۹/۹۵
يَكْسِبُونَ: تشهدأرجلهم بما كانوا يكسبون (قرآن) ۲۳/۶
لَمْ تَكْتَسِبْ: ولم تكتسب خيراًلدى الله ۲۱۴/۷۱-۲۱۴/۱۵۰
إكْتَسَبَ: ولاتكشفه عمّا اكتسب لي ۱۰۱/۲
إكْتَسَبْتُ: إقراري عندك بسوء ما اكتسبت ۳۴/۴
ولاتناقشني بما اكتسبت ۱۰۸/۲
إكْتَسَبْنا: واكتسبنا فيه من خطيئةٍ على تعمّد منّا ۱۴۲/۵۲
إكْتَسَبْناها: وسيّئة إكتسبناها ۹۵/۲
كَسْبي: أللّهمّ إغفرلي ذنبي وطيّب لي كسبي ۱۲۱/۱۳
إكْتِسابِ: بإرتكاب المحارم وإكتساب المآثم ۲۴۴/۲
الْإكْتِسابِ: واكفني مؤونة الإكتسابِ ۵۵/۳۶
إكْتِسابِها: وتكادحه في إكتسابها ۲۱۴/۳۳
بِاكْتِسابِهِ: جرمي إذا بارزتك باكتسابه ۱۹۹/۸۵
مُكْتَسَباً: ربّ هب لي ... مكتسباً حلالاً ۱۳۵/۱۷
الْمَكْسَبِ: ولاأحتمل إصر تبعات المكسب ۵۵/۳۶

ک.س.ر

تَكْسِرَ: وتكسر جبروته «من أرادني بسوء» ۶۱/۸
إكْسِرْ: واكسر عنّى سلطان الهمّ بحولك ۲۴/۵
واكسر شهوتي عن كلّ محرمٍ ۱۰۱/۱
كَسْري: إلهى كسرى لايجبره إلاّ لطفك وحنانك ۱۹۲/۱
لِكَسْري: ولاأرى لكسرى غيرك جابراً ۱۸۲/۲
الْمُنْكَسِرينَ: وياجابر المنكسرين ۱۹۵/۱
الْكَسيرِ: أسألك ... ياجابر العظم الكسير ۱۸۲/۴

ک.س.ف

الْكُسُوفِ: وامتهنك بـ... الإنارةِ والكسوف ۱۱۰/۲

ک.س.ل

الْكَسَلِ: أعذنا من الفشل والكسل ۲۰۰/۱۶
وأذهب عنّى فيه «رمضان» النّعاس والكسل ۱۱۷/۵
أعوذبك من الفشل والكسل ۱۵۳/۳۱
أللّهمّ إنّى أعوذبك من الكسلِ ۱۱۶/۱۲۶
أعوذبك من ... الكسل ۱۳۸/۹
ولاتمنعه رهبته عن الكسل ۱۳۳/۴
واصرف عنّا في أمره «وليعصر»... الكسلَ ۱۱۹/۳۱
بِالْكَسَلِ: ولاتبتليّنى بالكسلِ عن عبادتك ۵۵/۱۸

ک.س.و

كَساني: الحمدلله الّذى ... كسانى ضيائه ۲۴۴/۱
كَسَوْتَ: ثمّ كسوت العظام لحما (قرآن) ۸۸/۱۴
كَسَوْتَهُ: وأنا العارى الّذى كسوتهُ ۱۱۶/۶۲
أسألك أن ... لاعرياناً إلاّكسوته ۱۲۲/۸
أكْسُنا: واكسنا به حلل الأمان ۱۰۹/۱۴
فَاكْسُني: ومن ثياب الجنّة فاكسني ۲۵۱/۲۲
الْمَكْسُوَّ: المكسوّ حلل الأمان إذا ۱۰/۲۳

ک.ش.ف

فَكَشَفَ: فدعوه فتضرّعوا إليه فكشف ۱۶۵/۶
فكشف عنهم العذاب ومتّعهم إلى حين ۲۳۳/۵
كَشَفْتَ: الأبصار الّتى كشفت عنها ۲۰۰/۴۱
فأجبت دعوتنا وكشفت كربتنا ۲۰۰/۱۰
لاينكشف منها «الملمّات» إلاّ ما كشفتَ ۲۴/۳
كَشَفْتَهُ: لاغمّاً إلاّكشفتهُ ۱۲۲/۸ - ۱۴۳/۴۶
كَشَفْتَها: وغواشى كرباتٍ كشفتها ۱۵۳/۹ - ۱۵۲/۱۱
فَكَشَفْتَهُ: في مرضى فكشفته عنّى ۱۴۸/۱۹
كَشَفْنا: فلمّا كشفنا عنه ضرّه (قرآن) ۲۵۷/۳۵ - ۳۵/۱۰
كُشِفَ: قد كشف الغطاء عن أبصارهم ۱۹۳/۳
لايَكْشِفُهُ: إلهى ... ضرّى لايكشفه غير رأفتك ۱۹۲/۲
حَتّى يَكْشِفُوهُمْ: حتّى يكشفوهم إلى منقطع ۶۷/۱۰
تَكْشِفُ: تكشف بها عنّى ما قد ابتليتُ به ۴۲/۲۳
تكشف بها عنّى ما ابتليتني به ۱۷۳/۲ - ۱۷۲/۱
تَكْشِفُهُ: أو شرّ تصرفه أو ضرّ تكشفهُ ۱۳۲/۵
لاتَكْشِفْ: ولاتكشف عنّا ستراً سترته ۳۳/۵
ولاتكشف مستورى ۱۰۸/۲
لَمْ تَكْشِفْ: ولم تكشف عنّى غطاءً ۱۴۸/۴
ولم تكشف سترك عنّى ۱۳۵/۶
لاتَكْشِفْهُ: ولاتكشفهُ عمّا اكتسب بي ۱۰۱/۲
إكْشِفْ: وافرج همّى إكشف غمّى ۱۷۱/۱
واكشف عنّى ما أخاف كربه ۱۳۸/۱۵
إكشف عن قلوبنا أغشية المرية والحجاب ۱۸۸/۲
فأجبني واكشف همّى وفرّج غمّي ۱۷۲/۹
واكشف كربتى واستجب دعوتي ۱۷۲/۶
وارحم ضعفى وقلّة حيلتي واكشف كربتي ۱۷۳/۷
إكشف ضرّى ياكاشف ضرّ أيّوب ۱۱۴/۱۷
كاشَفَ: وكاشفَ في الدّعآء إليك حامّته «محمّد» ۹/۲
تَكاشَفَتْ: تكاشفت ذنوبي وتظاهرت عيوبي ۲۵۱/۵۵
إنْكَشَفَ: وإنكشف كلّ مستور دون خبرك ۸۸/۵
لايَنْكَشِفُ: لاينكشف منها إلاّ ما كشفت ۲۴/۳

كَشْفِ: أنت القادر على كشف ما منيت به ٢٤/٦
لارتجاء كشف فاقته غيرك ٢٣٩/١
وأعوذبك من ... كشفِ سترك ١٣٩/١٤
عندك ... كشفُ كربتي ١٨٩/٨
وكشفَ ما به من السّوء ١٧٢/٨
إلهي إنّ قدرتك على كشفِ ما أنا فيه ١٧٢/٣
وأبلغ من كشفِ الغطاء ٢١٩/١٩
فإنّ قدرتك على كشفِ ما أنا فيه ١٧٣/٣
وأنت القادر سبّدى على كشفِ غمّائها ١٩٩/١١٥
الْكَشْفَ: وأهل السّوء الّذين وعدت الكشفَ عنهم ٣٢/٣
كَشْفِهِ: في كشفه واقعة لأوقانها بقدرتك ٢٢٣/٢
لِكَشْفِ: لكشف ضرّه إلاّ إيّاك ١٩٩/٧٨
أنجح مأمول لكشف الضّرّ ٢٣٩/٤
من يستنكف عن مسألتك لكشف ضرّه ١٩٩/١٢٧
يرجوك لكشف ضرّه وكربه ٢٤٣/١
الّذى لايجد لكشفِ ما هو فيه ١٧٥/٢
فإنّك خير من أُنتجع لكشفِ الضّرّ ٢٤٧/٨
الْمُكَاشَفَةِ: والمكاشفة يرتعون ١٩٣/٢
كَاشِفَ: وكاشف الغمّ يارحمن الدّنيا والآخرة ١٧١/١
وكاشفُ السّوء الغفّار ذوالعفو الرّفيع ١١٤/٥
ألا يارجائي أنت كاشفُ كربتي ٢١٦/٢
أسألك سؤال من لايجد ... لضرّه كاشفاً ١٧٠/٥
ولالكربته كاشفاً ١٤١/١٨
وياكاشفَ كرب المكروبين ١١٧/٢٦
وياكاشفَ الكرب العظيم ١١٧/٢٦
ياكاشفَ الضّرّ عن المكروبين ٢٤٣/٧
ياكاشفَ الكربات ١٣٧/٧
ولم يجد لضرّه كاشفاً غيرك ١٣٢/٩
وياكاشفَ مايشاء من بليّةٍ ١٧٥/١
ياكاشفَ الضّرّ والبلوى ١٩٧/٣٤ ـ ٢١٥/٢
ياكاشفَ الغمّ بافارج الهمّ ١٦١/٧ ـ ١٠٧/١
ياكاشف الضّرّ ياعظيم البرّ ١٨٢/١٢
وياكاشفَ العسر والبؤسى ١٩٩/٦٥
ياكاشفَ الكرب ومذلّل كل صعب ١١٤/١٠
كَاشِفَةٌ: ليس لها من دون الله كاشفةٌ (قرآن) ٢٠٧/٢٤
مَكْشُوفٌ: سرّى لك اللّهمّ مكشوفٌ ٢٥١/٥٧

ك.ظ.م

كَظْمِ: وألبسني زينة المتّقين في... كظمِ الغيظ ٥٥/١٥
الْكَاظِمِ: موسى بن جعفر الكاظمِ ١٨١/٤

ك.ع.ب

كَعْبي: وأعليت كعبى عليه ١٥٣/٦ ـ ١٥٢/٦

ك.ف.أ

كَافَأَ: يامن كافأ قليلهم بالكثير ٣٤/٨
كَافَأْتَ: ولو كافأتَ المطيع على ما أنت تولّيته ٩٨/٧
فَكَافَأْتَهُمْ: الإمتناع منه دونك فكافأتهم ٨/٦
كَافَأْتَنَاكَ: فكان جزائك منّا أن كافأناك ٢٠٠/٥
لاَيُكَافِئُ: ويامن لايكافئ عبده على السّواء ١٤٢/١
تُكَافِئُ: وتكافئ من حمدك ١٤٢/٣
أُكَافِئَ: وأكافئ من قطعني بالصلة ٥٥/١٤
لاَيُكَافَأُ: فإرفعه ... حتّى ... لايكافأ في مرتبةٍ ٩/٤
مُكَافَأَةٍ: وحلمك يكبر عن مكافأة المقصّرين ١١٦/٢١
مُكَافِئاً: حمداً ... مكافئاً لما بذلته ١٩٩/١٧٧

ك.ف.ت

كَفِتاً: وغيّره ما يصيّره كفِتاً ٦٨/١

ك.ف.ر

كَفَرَ: لايقنط من رحمتك إلاّ من تولّى وكفرَ ١٩٩/٧٩
من وحّدك ومن كفر بك ١٦٦/٦
كَفَرُوا: والّذين كفروا أولياؤهم الطّاغوت (قرآن) ١٨/٥
وردّ الله الّذين كفروا بغيظهم (قرآن) ١١٤/١٨
أعوذبك ياربّ أن ... أقول للّذين كفروا ١٣٥/١٣
أللّهمّ إنّ الظّلمة ... كفروا بكتابك ١١٩/١
أللّهمّ إنّ الظّلمة ... كفروا نعمائك ١١٩/٢
ثمّ الّذين كفروا بربّهم يعدلون (قرآن) ١٤٣/١١
كَفَرْتُمْ: ولئن كفرتم إنّ عذابى لشديد (قرآن) ١٤٢/١٦
كَفَرْتُ: وكفرت بكلّ معبود غيرك ١٦٦/٧
فَكَفَرْتُ: فكفرت ولم أشكر بلائك ٢٥٧/٢٥
يَكْفُرُ: فمن يكفر بالطّاغوت ويؤمن بالله (قرآن) ١٨/٤
لاَتَكْفُرُونَ: واشكروا لي ولاتكفرون (قرآن) ١٤٢/١٥
يُكَفِّرُ: يكفّر بعضهم بعضاً ٢١٩/٤٦
أَنْ يُكَفِّرَ: عسى ربّكم أن يكفّر عنكم (قرآن) ١٤٢/٧
كَفِّرْ: كفّر خطيئتي بمنّك ورحمتك ١٨٢/١٣
الْكُفْرِ: ومن الشّرك ... والكفرِ ... معصومين ٢٠٦/٢٠
واعصمنا به «قرآن» من هوّة الكفرِ ١٠٩/١٦
وأعوذبك من الكفر والفقر ١٣٨/١٠
وإستنقذتني من هوّة الكفرِ إلى نجاة الإيمان ١٠/٣٣
ودمغت به «محمّد» الكفرَ ١٠/٢٢

وهاجر... إستنصاراً على أهل الكفرِ بك ٩/٣
والكفر بالإيمان آمين ربّ العالمين ١٦٤/٢٤
واقتل به جبابرة الكفرِ ١١٩/٢٦
أللّهمّ وكما قمعت به «محمّد» الكفرَ على جرانه ١٠/٥
كُفْرِهِ: وتلقّاني بكلمة كفرِهِ ٨٨/٧
كافِرٍ: ولاتجعل لفاجرٍ ولاكافرٍ عليّ منّة ٥٧/١٢
الْكافِرُ: ويقول الكافرُ ياليتني كنت تراباً (قرآن) ٢٠٧/١٢
الْكافِرينَ: وفي صدور الكافرين فعظّمني ١٢٨/٦
وأبر به «وليعصر» الكافرين ١١٩/٢٧
مولانا فانصرنا على القوم الكافرين (قرآن) ٨٣/١٣
الْكَفَرَةِ: وافقأ عنّي عيون الكفرةِ ٧٨/٦
عذّب الكفرةَ الّذين يصدّون عن كتابك ٨٣/١٨
الْكُفّارُ: إن كان الشّيطان والكفّارُ فيها أقراني ٢٠٦/١١
كَفّارَةً: واستعملنا بما يكون حطّة وكفّارةً ١٤٢/٥٣
الْمُكَفِّرِ: المكفّرِ عنهم سيّئاتهم ١١٧/٤٢

ك.ف.ف

كَفَفْتَ: كففت عن خطيئتي ١٤٨/٤
كَفَفْتُ: ولاكففتُ عن تملّقك ١١٦/٣٢
لو انتهرتني ... لاكففتُ عن تملّقك ١١٦/٧٣
نَكُفَّ: ونكفّ من غرب الألسن ١٠/٩
أَكْفُفْ: أللّهمّ اكفف بأسهم «الظّلمة» ١١٩/٧
كُفَّ: وكفّ به «وليعصر» وجوهنا ١١٩/٢٥
وكفّ عنّا أعدائنا ٢٥٥/٨
كَفّاً: أللّهمّ... لاتصفّر كفّاً هي ممدودة إليك ٣١/١
فما صرفت كفّ المنيّة إذ أتت ٢١٤/١٨ ـ ٢١٤/٩٣
الْكَفِّ: وتعينني على... الكفّ عن محارمك ١٢٧/٩
كَفَّهُ: واجعلني ممّن لايبسط كفّهُ إلاّ إليك ٨٧/٤
كَفّي: وبذيل كرمك أعلقت كفّي ١٩١/٥
بِكَفٍّ: وأعنّا على صيامه بكفّ الجوارح ١١٥/٦
بِكَفّي: ياخير من أشرت إليه بكفّي ٢٥/١
أَكُفّاً: إلهي هل ... تغلّ أكفّاً ١٨٤/٥
أم تراك تغلّ إلى الأعناق أكفّاً طالما ١٩٩/١٥٣
أَكُفَّنا: وحرّمت على أكفّنا أن تمدّ إلى سواك ٢٠٨/٥
كَفافٍ: بوسع فاضل، أو كفاف واصل ٧٩/٢
الْكَفافِ: نعوذبك ... من فقدان الكفاف ٢٦/٦
كافَّتِهِمْ: وأستعمل حسن الظّنّ في كافّتهم ٦٥/٣
كافَّتِنا: ولانقطع عن كافّتنا مادّة برّك ٩٧/٤

ك.ف.ل

يَكْفُلُهُ: هل أدلّكم على من يكفله (قرآن) ١٥٩/٢٠
يَكْفُلُونَهُ: يكفلونه لكم وهم له ناصحون (قرآن) ١٥٩/٢١
كَفَلْتَ: وكفلت لي برزقي ١٦٤/٢٠
تَكَفَّلْتَ: إلى ما قد تكفّلت لي من ١٩٩/١٠٧
أمرتني ياسيّدي بالدّعاء وتكفّلت بالإجابة ١٧٢/٧ ـ ١٧٣/٨
لإهتمامنا بالرّزق الّذي تكفّلت به ٧٦/٣
تكفّلت ياجواد الأرزاق ٢٤٧/٣
كِفْلَيْنِ: أللّهمّ أعطني... كفلينِ من رحمتك ١١٦/١٢٤
الْمُتَكَفِّلُ: الرّحيم بي، المتكفّل برزقي ١٧٣/٥
المتكفّل برزقي في قضائك ١٧٢/٤
والمتكفّلُ برزقي ٤٢/٢٦
كَفيلُ: ياأله ياكفيلُ ياأله ياربّ ١٣٤/١
جعلناك علينا كفيلاً ٢٠٠/٩
الْمَكْفُولينَ: تميره به رعاية المكفولين ١٩٩/٣٩

ك.ف.ن

كُفِّنَ: وكفّن في ثوبين واجتمعت له ٢١٤/١٢٨
وكفّن في ثوبين فاجتمعت له ٢١٤/٥٢
كَفَني: وأدرجت خلواً في كفني ٢٠٣/١٣
الْأَكْفانِ: وإذا حملت إليك في الأكفان ١١٨/٣

ك.ف.و

كُفُوَ: ولاقريب له ولاكفو له ١٤٩/١٩
وصمد لاكفو له ٢/٣ ـ ٧/٣
ولم يكن له كفواً أحد (قرآن) ١٧١/٢ ـ ١٦١/٣ ـ ٩٦/٥
ولم يكن لك كفواً أحدٌ ١٢٧/١
يامن ... لم يكن له كفواً أحد ١٣٣/٦
القائم الّذي ... لم يكن له كفواً أحد ٢٤٣/٤

ك.ف.ى

كَفى: أللّهمّ إنّي أشهدك وكفى بك شهيداً ٢٤٦/٢
وأنت حسبي وكفى بك وكيلاً ١٩٩/٥٠
وأنت حسبي وكفى ونعم الوكيل ١٣٩/٨ ـ ١٣٩/١٧
... وكفى بك صاحباً ١٣٩/٩
وأتوكّل عليه وكفى بالله وكيلاً ١٢٣/٤
وكفى بالله وليّاً وكفى بالله نصيراً ١٦١/٦
وكفى بك جازياً ١٦٢/٤
وكفى بك حسيباً ١٦٢/٤
وكفى الله المؤمنين القتال (قرآن) ١١٤/١٨
أللّهمّ إنّي أشهدك وكفى بك شهيداً ٢١/١٥
كَفاهُ: إذا توكّل عليه أحسبه وكفاه ١٨٥/١

كَفَانَا: كفانا الله وإيّاكم كيد الظّالمين ٢٦٢/١
الحمدلله الّذى أطعمنا وسقانا وكفانا ٢٦٠/١
لَكَفَىٰ: ولو لم يكن إلاّ الموت لكفىٰ ٩٠/٢
آه وانفساه لو كان هولاً واحداً لكفىٰ ١٩٨/١١
فَكَفَىٰ: فكفى مقتاً عندك أن أكون لعدوّك ٣٦/١
كَفَيْتَ: أللّهمّ وكما كفيت محمّداً ... فاكفني ١٢٣/٢٠
كَفَيْتَهُ: لاعدوّاً إلاّ كفيته ١٤٣/٤٧
أسألك أن لا ... عدوّاً إلاّ كفيته ١٢٢/٩
فَكَفَيْتَ: وأيّدت فكفيت ١٩٩/١٠
يَكْفِي: أللّهمّ إنّما يكفي الكفاة بفضل قوّتك ٨/٢٣
حسبى الله الّذى يكفي ولايكفى منه شيىء ٢٢/١٢
فَسَيَكْفِيكَهُمْ: فسيكفيكهم الله (قرآن) ٢٢/٦
لايَكْفِي: ياكافى كلّ شيءٍ ولايكفى منه شيءٌ ١٤٩/٦٢
حسبى الله الّذى يكفى ولايكفى منه شيىء ٢٢/١٢
تَكْفِيَنِي: وتكفينى وجميع المؤمنين والمؤمنات ١٢٢/٨
أسألك أن تؤتيني خيره وتكفيني شرّه ١٥٧/٢
تَكْفِيَنِيهِ: أن تزجر عنّى الشّيطان وتكفينيه ٢٥/٢
تَكْفِينَا: وهب لنا يقيناً صادقاً تكفينا به ٧٦/٢
أَنْ تَكْفِيَنِي: أن تكفيني شرّ ما أحذر ٢٢/٣٧
لاتُكْفَىٰ: وظهور لايخفى وأمور لاتكفى ٢٢٢/٥
إكْفِنِي: واكفني جميع المهمّ من ٢٥١/٦٦
وإكفني بأمانك من عوآئق الضّرّاء ١٩٩/٣١
واكفني ما أهمّني من أمر ديني ودنياي ١٦٥/٦
واكفني مؤونة الإكتساب ٥٥/٣٦
واكفني فيه «رمضان» ما أهمّنى ١١٧/٤
واكفني بكفايتك كيده «ظالمى» ١٥٥/٥
واكفني كلّ هولٍ دونهم «محمّد وآل محمّد» ١٤٩/٦٨
ياكافى المهمّات إكفني ما أهمّني ١٣٣/٧
واكفني شرّ الشّيطان ١١٦/١١٥
واكفني ما أهمّني من أمر دنياي وآخرتي ١١٦/٥٠
وإكفنى شرّ الجنّ والإنس ١٣٢/١٢
إكفني مؤونه خلقك ١٣٢/١٢
وإكفني شرّ فسقة العرب والعجم ١٣٢/١٢
واكفني همّ من أدخل علىّ همّه ٢٥٢/٢٦ـ٢٥١/٣٢ـ ٧٨/٦
واكفني مكر المكرة ٧٨/٦
واكفني مؤونة معرّة العباد ٥٥/٣٠
واكفني ما يشغلني ٥٥/٣٠
واكفني كيد عدوّى ٢٥٢/٣٣ ـ ٢٥١/٥٠
واكفني طلب ما قدّرته لي عندك ٢٥٢/٣٨
واكفني روعات القلوب ٢٥٢/٣٩
إكفني بالتوكّل عليك ٢٥٢/٣٩
وإكفنى طلب ما قدّرت لي عندك ٢٥١/٩
وإكفني روعات القنوط ٢٥١/١٥
وإكفني شرّ ما أحذر وشرّ ما لاأحذر ١٤٩/٦٢
وإكفني ما أهمّني ٢٥١/٥٦ ـ ٢٢/٣٨
فرّج عنّى وإكفني ما أهمّني ٢٢/٤٢
ياوليّ المؤمنين إكفني همّى ١٢٢/١٠
وارزقني من فضلك واكفنى شرّ جميع خلقك ١٢١/١٢
وإكفني ما أهمّني بلطفك وكرمك ٢٣٩/١٢
أللّهمّ ... وإكفنى بهم «ولدى» في غيبتي ٦٤/٣
إكْفِنَا: إكفنا كلّ مهمّ من أمر الدّنيا والآخرة ١٤٣/٤٠
إكفنا فيه شرّ كلّ ذى شرّ ١٤٣/٣٣
وإكفنا وحشة القاطعين بصلتك ١٥/٧ ـ ٨/٢٠
وإكفنا حدّ نوآئب الزّمان ١٥/١٠ ـ ٨/٢٥
فصلّ على محمّد وآله وإكفنا ١٥/١١
إكفنا خيره وولّنا ظهره ٥٠/٣
وإكفنا طول الأمل ١٠٣/١
فَاكْفِنِي: وما أهمّني من الدّنيا والآخرة فاكفني ١٥٣/٢١
وبالطّيّب عن الخبيث فاكفني ١٥٣/٢٣
أللّهمّ فاكفني كلّ هول وآفة ١٢٣/٢١
فاكفني شرّهُ بحولك وقوّتك ١٥٦/٤
فاكفني ذلك كلّهُ ١٥٣/١٧
وبما عندك فاكفني ٥٩/٤
فاكفني ما أهمّني من أمر دينى ودنياي ٢٣٣/٦
فَاكْفِنِيهِمْ: فاكفنيهم بما شئت ٢٢/٦
فَاكْفِنَا: إنّما يكفى الكفاةُ بفضل قوّتك فاكفنا ٨/٢٣
كَافَيْتَ: ولو كافيت المطيع على ما أنت تولّيته ٨/١٢
كَافَيْتَنِي: لعلّك بجرمي وجريرتي كافيتني ١١٦/٥٧
فَكَافَيْتَهُمْ: الإمتناع منه دونك فكافيتهم ٩٨/٣
يُكَافِيهَا: حمداً يضاهى آلآئك ويكافيها ١٩٩/١٧٢
تُكَافِنِي: فإنّك إن تكافني بالحقّ تهلكني ١٠١/٥
كَافِنِي: كافنى عليه بجزيل عطائك ٢٢٩/٨
يَكْتَفِي: أللّهمّ إنّما يكتفى المكتفون بفضل قوّتك ١٥/١١
إسْتَكْفَى: كافى من بك إستكفىٰ ١٥٥/٨
إسْتَكْفَاهُ: من إستجاره وإستكفاه ١٩٩/٨٠
إسْتَكْفَيْتَ: بك استكفيت دونه «ظالمى» ١٥٥/٤
أَسْتَكْفِيكَهُمْ: وأستكفيكهم «أعدائى» فاكفنيهم ٢٢/٦
كِفَايَةَ: ما تحضره به كفاية المتوكّلين ١٩٩/٣٩
الْكِفَايَةِ: ياوٰاسع ياكريم ياتامّ الكفاية ١٢٢/٢
أللّهمّ يامن شأنه الكفايةُ ١١٢/١٢

ورزقتني في أموري كلّها الكفايةَ ١٦٣/٢
كنفتني منك بأنواع النّعم والكفايةِ ١٤٤/٢
وحسماً للإشتغال بما ضمنت الكفايةَ له ٧٦/٣
كِفايَتِكَ: وتولّ أمورنا بحسن كفايتك ١٩٦/٢
كِفايَتي: وأنس نفسي واستغنايي وكفايتي بك ٥٧/١٢
وتولّ كفايتي وانظر إليّ ٥٩/٢
بِكِفايَةِ: وتوحّد بكفايةِ مؤنهم «أهل الثّغور» ٦٧/٢
لِكِفايَةِ: أحضرهم لكفايةِ المتوكّلين عليك ٢٥١/٥٧
بِكِفايَتِكَ: إكفني بكفايتك كيده «ظالمي» ١٥٥/٥
بِالْكِفايَةِ: وتوّجني بالكفاية وسمني ٥٥/٣٣
مُكافاةِ: حلمك يكبر عن مكافاةِ المقصّرين ١١٦/٥٨
كافِياً: إستنجدت الإعتصام بك كافياً من ٢٤٩/٤
كافياً لي شرور الإنس والجانّ ١٩٩/١٧١
كافِيَ: كافى من بك استكفىٰ ١٥٥/٨
ياكافى المهمّات إكفني ما أهمّني ١٣٣/٦
ياكافي كلّ شيءٍ ولايكفى منه شيءٌ ١٤٩/٦٢
أللّهمّ ياكافيَ الفرد الضعيف ٥٧/١
كافِيَةً: وعافنى عافيةً كافيةً شافيةً عاليةً ناميةً ٦١/٢
فقوّني بقوّة كافيةٍ ٨٠/١٥ ـ ٨١/٣
وكافيةً من أمرك ١١٤/١٦
بِكافِيَةٍ: بكافيةٍ من كوافيك ١١٤/١٧
كَوافيكَ: بكافية من كوافيك ١١٤/١٧
الْكُفاةُ: أللّهمّ إنّما يكفى الكفاةُ بفضل قوّتك ٨/٢٣
مَكْفِيّاً: ورزقتني مكفيّاً ١٦٢/١
الْمُكْتَفُونَ: أللّهمّ إنّما يكتفى المكتفون ١٥/١١
أَكْفِنِي: وأكفنى من توكّل عليه ١٤٢/٦٤
أَكْفاها: أسألك ... من العصمة أكفاها ١٩٩/٢٢
كَفاءَ: بغفرانك الّذى لاكفاء له ١٦/٩
الْأَكْفاءِ: في دار الفناء بحضرة الأكفاء ٨٨/١٢
نعوذبك ... من الفقر إلى الأكفاء ٢٦/٧
ومن الفقر إلى الأكفاء ومن معيشة في شدّة ٢٦/٦

ك.ل.أ

أَنْ أَكْلأَهُمْ: أن أكلأهم في مضاجعهم ٢٠١/٢٤
إِكْلأْني: إكلأني بكلاءتك الوافية ١٥٥/٧
واكلأني بكلاءتك ١١٦/٥١
إِكْتَلأْتُ: إكتلأتُ بالله ١٥٩/٣
كَلاءَتِكَ: وكلاءتك وسترك ٢٥٧/٣٨
بِكَلاءَتِكَ: إكلأني بكلاءتك الوافية ١٥٥/٧
واكلأني بكلاءتك ١١٦/٥١
مَكْلُوءاً: واجعلني في كلّ حالاتي... مكلوءاً مستوراً ٥٩/٦

ك.ل.ب

إِسْتَكْلَبَ: ومن عدوّ قد إستكلب عليّ ٩٠/٣

ك.ل.ف

كَلَّفْتَني: وأعنّى على ما كلّفتني ١٣٨/٥
إنّك كلّفتني من نفسى ما أنت أملك به منى ٥٩/١
لَمْ يُكَلِّفْنا: ولم يكلّفنا إلاّ وسعاً ١/٢٥
لَمْ تُكَلِّفْهُمْ: ولم تكلّفهم من الأمر ١٩٩/١٦٧
تَكَلَّفَتْهُ: لاجارحةٌ تكلّفته ... ٤٦/٤
لاتَتَكَلَّفَ: ولاتتكلّف إلاّ ما يدني من ثوابك ١١٥/٩
كُلْفَةٍ: والفاطر بلاكلفةٍ ٢/٤ ـ ٧/٤
ووسعهُ حلمك بلا مؤونة وكلفةٍ ٢٣٤/٦
الْكُلْفَةِ: أعوذبك من ... تعاطى الكلفةِ ٢٦/٢
تَكَلُّفِ: وارحمني بترك تكلّف ما لايعنيني ١٥٣/١٢

ك.ل.ك.ل

بِكَلاكِلِ: وكيف عركتهم الدّنيا بكلاكل الفناء ٢١٩/٢٢

ك.ل.ل

كَلَّ: كلّ لساني عن مناجاتك ٤٩/١٠
وكلّ عن جوابك لساني ١١٦/٨٨
كَلَّتْ: كلّت عنها الأحلام ٢٤٩/١٥
كلّت الألسن عن غاية وصفها ٢٤٩/١٥
كلّتِ الألسن عن غاية صفته ٢٣٨/٢
أللّهمّ كلّت العبارة عن بلوغ مجدك ٢٣٧/٣
كلّت عن بلوغ ذاته ألسن البلغاء ٢٤٣/٥
وكلّت الألسن عن صفاتك ١٤٩/٤
حتّى كلّت حجّته «الباطل» ١٠/٢٢
وكلّت الألسن دون عبارته «محمّد» ١٠/١٩
كلّت الألسن عن صفة ذاتك ٢٣٩/٩
حَتّىٰ يَكِلَّ: ذلك حتّى يكلّ لساني ٤٩/١٧
تَكِلُ: ذلك ما تكلّ الألسن عن صفته ٢٤٩/١٧
تكلّ عن علم ثنائك عليه ١٤٤/١٣
حَتّىٰ تَكِلَّ: وذكرناك حتّى تكلّ ألسنتنا ٢١٣/٢
أَكَلَّتْ: قد أكلّت لساني كثرة ذنوبي ٢٠١/١
الْكالِّ: أفبلساني هذا الكالّ أشكرك ١١٦/٨٣
الْكَليلِ: إرحم عبدك الذّليل ذاللّسان الكليل ١٩٢/٩
الْمُكَلَّلَةِ: وبالتّيجان المكلّلة بالدّرّ... متوّجين ٢٠٦/٢٣

كِلَلاً: ضربت عليّ لطآئف برّك من العزّ كللاً ١٨٧/٥

ك.ل.م

كَلَّمَهُ: فلمّا كلّمه قال إنّك اليوم (قرآن) ١٥٩/٢٢ ـ ٢٢/٢٢
تُكَلِّمُنا: أفواههم وتكلّمنا أيديهم (قرآن) ٢٣/٦
لاتُكَلِّمُونَ: اخسئوا فيها ولاتكلّمون (قرآن) ٢٢/٣ـ٢٣/٧
لايَتَكَلَّمُونَ: لايتكلّمون إلاّ من أذن له (قرآن) ٢٠٧/١١
كَلِمَةُ: وتمّت كلمةُ ربّك صدقاً وعدلاً (قرآن) ١٩٩/٥٩
وأدحض كلمةَ الباطل واجعلها السّفلى ٢٥٥/٨
وأظهر كلمةَ الحقّ واجعلها العليا ٢٥٥/٨
بسم‌الله كلمةِ المعتصمين ٢٥٣/١
أسألك ... كلمةَ العدل في الرّضا ١٣٩/١٤
لاتدع للجور ... كلمةً مجتمعة ٧٠/٩
الْكَلِمَةِ: شتّى بعد إجتماع الكلمةِ ٧٠/١٠
كَلِمَتُهُ: وعلت كلمته «محمّد» ١٠/٢١
فارقوا الأزواج والأولاد في إظهار كلمتِهِ ١٤/٣
كَلِمَتِهِمْ: وخالف بين كلمتهم «الظّلمة» ١١٩/٨
كَلِمَتُكَ: وهجم ... حتّى ... علت كلمتُك ٩/٣
بِكَلِمَةٍ: وتلقّاني بكلمةِ كفره ٨٨/٧
كَلِماتُكَ: ولاينفد كما لاتنفد كلماتُك ١٤٧/٥٣
لِكَلِماتِهِ: ولامبدّل لكلماته (قرآن) ١٩٩/٥٩ ـ ١٤٩/٢٠
إلى فضائله لامبدّل لكلماته ١٤٩/١١
سبحانك ... ولامبدّل لكلماتِك ١٤٧/٢٩
الْكَلامِ: أعذنا من... كثرة الكلام فيها لاتحبّ ٢٠٠/١٦
أيّها المناجي ربّه بأنواع الكلامِ ١٩٧/٤٦
كَلامي: ما في نفسي وتسمع كلامي ٢٤٩/١٢
قد ترىٰ مكاني وتسمع كلامي ٢٣٣/٦
وأطب لهما «والدىّ» كلامي ٦٣/٦
لِكَلامِ: وأنا أفقرهم إليك ... لكلامِ طيّب ترفعه ٢٥٧/٩
بِالْكَلامِ: حتّى أفصحت ناطقاً بالكلامِ ١٩٩/١٧١

ك.ل.ى

الْكُلىٰ: نار تحرق الجلود وتنضج الكلى ١٩٨/١٣

ك.م.د

الْكَمَدِ: وتجرّعوا مرارة الكمدِ ٢٠٠/٢٧

ك.م.ل

يَكْمُلُ: حمداً يكمُلُ لديك ثوابه ١٤٧/٣٨
فَأَكْمَلْتَ: سيّدى خلقتني فأكملت تقديرى ١٩٩/١٧٠
تُكْمِلُ: وتنعش به... وتكملُ لنا به طيّبات الرّزق ٥٣/٤
وتكمل لهم الأشياء عن عطاياك ونوافلك ١٢٧/٥٨
أَكْمِلْ: وأكمل كرامتي بغفرانك ١٠٨/٤
وأكمل ذلك لي بدوام الطّاعة ٥٥/١٦
أكمل لي بها خير الدّنيا والآخرة ٥٥/٤١
كَمالَ: وبلّغني برحمتك كمال العافية ١٢٣/٢٢
كَمالِكَ: بما أطاف العرش من بهاء كمالِك ١١٤/١٥
إِكْمالُ: ومن محاسن آلآء الجواد إكمال آلآئه ١٩٩/١٠٧
التَّكْمِلَةِ: شهر الصّيام على التّكملة والتّمام ١١٤/٢١
إِسْتِكْمالَ: واستكمال ما يرضيك عنّى صبراً ١١٧/٨
بِإِسْتِكْمالِ: بإستكمال طاعتك فيه المنّة ١١٠/٩
مُكَمَّلاً: وألهمته علم عجآئبه مكمّلاً ١٠٩/٦
أَكْمَلَ: أللّهمّ إجعل أكمل صلواتك ١٩٩/٦٢
وبلّغ بإيماني أكملَ الإيمان ٥٥/١
وكرمك أكمل وإحسانك أوفىٰ ١٤٦/١٢

ك.ن.ز

كَنْزَ: وياكنز المفتقرين ١٩٥/١
وياكنز البآئسين ١٩٢/٥

ك.ن.ع

لَكَنَعْتَني: وعصيتك بيدي ولو شئت لكنعتني ١٤٩/٣٦

ك.ن.ف

كَنَفْتَني: وكنفتني بالرّعاية في جميع مذاهبي ١٩٩/١٧٢
كنفتني منك بأنواع النّعم والكفايةِ ١٢٤/٢
أُكْنُفُهُ: واكنفه تحت ظلّك الظّليل ١٩٢/٩
أُكْنُفُني: واكنفني بركنك الّذى لايرام ١٥٨/١ ـ ١٥٦/١
أُكْنُفُنا: واكنفنا بركنك الّذى لايرام ٢٢/١٥
كانَفُوهُ: والّذين... كانفوه وأسرعوا إلى وفادته ١٤/٣
إِكْتَنَفَتْهُ: أللّهمّ إرحم من إكتنفته سيّئاته ١٩٩/٤٣
إِكْتَنَفَتْهُمْ: والنّاس ... قد إكتنفتهم القسوة ١٩٩/٥٨
كَنَفِ: فاضممني إلى كنفِ رحمتك تطوّلاً ٨٠/١٧
والسّعيد من آويته إلى كنف نعمتك ٣١/٥
كَنَفِكَ: من آوىٰ إلى ظلّ كنفك ١٥٣/٨
أللّهمّ اجعلني ... في كنفك ١٢٣/١٦
أللّهمّ إنّي في كنفك وحفظك ١٣٩/١٥
لايضطهد من آوىٰ إلى ظلّ كنفِك ١٥٢/١٠
واجعله في كنفك ١١٩/٢١
فإنّا بعينك وفي كنفك ولك ١٩٥/٤

بِكَنَفِكَ: ولاذ بكنفك فآويته ٢٠٢/٥
ومسافر لاذ بكنفك فآويته ٢٠٢/٢
أَكْنَافِ: أن تحوينا في أكنافِ عصمتك ١٩٥/٦
أَكْنَافُهَا: برحمتك الّتي وسعت الأشياء أكنافها ١٩٩/٤٢
فسبّحت له السّموات وأكنافها ١٩٩/٥٦
بِأَكْنَافِهَا: والأرضون بأكنافها وجميع ما ذرأت ٢٣٤/٧
مُكْنِفِينَ: والمدافعة عنه مكنفين ١٤٧/٦٧
مُكَانِفِينَ: مكانفين وموازرين لهم ١٤/٦
أَكْنَفَهَا: أسألك ... من الحياطة أكنفها ١٩٩/٢٢

ك.ن.ن

كَنَّ: وما علا في الهواء وما كنّ تحت الثّرى ٢١/٦
لَمْ يَكُنَّهُ: سؤال ... الّذى لم يكنّه مكان عنك ٢٤٥/١
تُكِنُّهُ: العالم بما ... تكنّهُ الصّدور ١٩٩/٥
تُكِنُّنَا: تكنّنا من دواهي المصيبات ١٩٥/٥
لاتُكِنُّ: ولاتكنّ منه الخدور ١٤٩/٢٣
كَنين: في كنين أرضٍ ولاسماء ولاتخوم ٢٤٧/٣
مَكْنُونٌ: حور عين كأنّهنّ بيض مكنونٌ ٢٥٧/١٢
والغائص المأمون على مكنونِ سريرتك ٢٢٢/٣
من عمّر بالزّهد مكنونَ سريرته ١٩٩/١١١
بطنت الغيوب فخبرت مكنونَ أسرارها ١٩٩/١١
الْمَكْنُونِ: ولاما استتر في المكنون ٢٣٤/٦
بسم الله ... المكنونِ المخزون ٢٣/٤
وبالإسم الغامض المكنونِ الّذى تكوّن منه ١٦١/٤
وبالإسم المكنونِ المنفرج بين الكاف والنّون ١٦١/٤
مخزوناً في الدّيوان المكنونِ ١٩٩/١٩٢
بِمَكْنُونِ: نظرك بمكنونِ رجآئه ١١٦/١٠٣
الْمَكْنُونَاتِ: المقدّسات المكنونات ٢٦٧/٦
أَكِنَّةً: جعلنا على قلوبهم أكنّةً أن يفقهوه (قرآن) ٢٢/١٤
٢٣/٤ - ٢٢/١٠ - ١٥٩/١٢

ك.ن.ه

كُنْهِ: إنقطع دون كنه معرفتها منطق الخلآئق ٢٤٩/١٥
وإنحسرت العقول عن كنهِ معرفته ٢٣٨/٢
ولاالأوهام تبلغ كنه عظمته ٧/١ - ٢/١
عجزت العقول عن إدراك كنهِ جمالك ١٩٣/١
كُنْهَكَ: وثنت الألباب عن كنهك أعنّتها ٢٢٢/٧
بِكُنْهِ: وصوّرتنا في الظّلماء بكنهِ لطفك ٢٠٠/٢
بِكُنْهِهِ: ومجدك أرفع من أن يحدّ بكنهه ١٤٦/١٣
أَكْنَيْتَهُ: وأكنيته الفرقان العظيم ١٤٤/٧

ك.و.ب

بِأَكْوَابٍ: وبأكوابٍ وأباريق وكأسٍ ٢٠٦/٢٣

ك.و.د

كَادَ: وقد كادَ أن يحلّ بي لو لارحمتك ١٥٢/٨
تَكَادُ: والنّار الّتي تكادُ تميّز من الغيظ ٢٥٧/١٧
أَكَادُ: أكادُ أهلك يأساً ثمّ يدركني ٢١٠/٣

ك.و.ر

كَوِّرْ: أللّهمّ وكوّر شمسه ٧٠/١٠
مُكَوِّرَ: يا ... مكوّر النّهار على اللّيل ١٣٩/١
يامكوّر اللّيل على النّهار ١٣٩/١

ك.و.ن

كَانَ: نسى ما كان يدعو إليه من قبل (قرآن) ٢٥٧/٣٤
وإن كان الضرّ قد مسّني ٢٥٧/٢٩
آه وانفساه لوكان هولاً واحداً لكفى ١٩٨/١١
ولقد كان يستحقّ بإلهي في أوّل ٨/١٦
فمتى كان يستحقّ شيئاً من ثوابك لا متى ٨/١٤
وكان في خزآئن أمرك ١٠/١٩
ممّا كان إجتهادهم فيه تحرّياً لمرضاتك ١٠/٢٥
وقد كان لي في دار الدّنيا داعياً ١٩٧/٣٣
ومن كان من أهل الشّقاوة خذلته لها ١٤٦/٨
أقلني عثرتي ربّي فقد كان الّذى كان ٢٠١/٢٢
قد أمتّ من كان مولده مولدى ٢٤٨/١٠
الويل لي إن كان القطران لباسي ٢٠٥/٩
الويل لي إن كان الحميم فيها شرابي ٢٠٥/١٠
ولمن كان في مثل حالي ٢٥٧/٤
فما كان من عمل سيّئٍ أتيته ٢٥٧/٤
وكان الإنسان عجولاً (قرآن) ٣٥/١٢ - ٢٥٧/٣٦
إنّه كان حليماً غفوراً (قرآن) ١٣٥/٢ - ٢٢/٢٨
وكان أحقّ عبادك مع ما منت عليه ١٢٧/٧٤
السّلام عليك ما كان أطولك على المجرمين ١٤٢/٣٧
السّلام عليك ما كان أحرصنا بالأمس عليك ١٤٢/٤٦
أستغفرالله إنّ الله كان غفوراً رحيما ١١٧/٤٠
إنّه كان غفّاراً ١١٧/٣٩
فمن كان من أهل السّعادة ختمت له بها ١٤٦/٨
في ودائعك الّتي لايضيع من كان فيها ١١٩/٢١
أللّهمّ إن كان (كذا وكذا) خيراً لي في دينى ودنياى ٩٣/١
أللّهمّ وإن كان علمك قد سبق بشقوتي ١٠/٣٢

أللّهمّ وإن كان (كذا وكذا) شرّاً لي في ديني ودنياي ٩٣/٢
الحمدلله الأوّل بلا أوّل كان قبله ١/١
كلّ ذلك كان ولم تزل ١٤٢/١٢
فما هكذا كانت سنّته في التّوبة لمن كان قبلنا ١/٢٥
بل كان ذلك منك تطوّلاً عليّ وإمتناناً ١٤٤/٢
الّذى كان رسولك يدأب في صيامه وقيامه ١١٤/٢٠
أهل ولايتي من كان منهم أو هو كائن ٢٤٨/٤
إن كان عفوك لايرجوه ذو سرفٍ ٢١٥/٥
فلو كان لي مهرب لهربت ١٤٨/١٤
ولو كان لي مصعد في السّماء ١٤٨/١٤
كان وعده مفعولاً (قرآن) ٢٠٧/١٨
أصلح منّى ما كان فاسداً ١٤٨/٣٣ ـ ١٣٨/١٨
تقبّل منّى ما كان صالحاً ١٣٨/١٨
إن كان الشّيطان والكفّار فيها أقراني ٢٠٦/١١
وحلّ أحبّ القوم كان بقربه ٢١٤/١٢٦
أسألك ... تأخبر ما تأخبرهُ كان خيراً لي ١٢١/١٦
أسألك تعجيل ما تعجيله كان خيراً لي ١٢١/١٦
أللّهمّ تقبّل منّى ما كان صالحاً ١٤٨/٣٣
إن كان الحميم فيها شرابي ٢٠٦/١٠
إذ كان جزائي منك في أوّل ما عصيتك النّار ٤٩/٨
وكان الإنسان قتوراً (قرآن) ٧٧/٢
إلهى إن كان قلّ زادى في المسير إليك ١٨٦/١
إن كان جرمي قد أخافني من عقوبتك ١٨٦/١
إن كان ذنبي قد عرّضنى لعقابك ١٨٦/٢
في قضائك كان ما حلّ بي ١٧٢/٤
سيّدى إن كان ذنبي منك قد أخافني ١٩٩/١١٩
وإن كان خوفك قد أربقني ١٩٩/١١٩
وكان لي في دار الدّنيا داعياً ١٩٩/١٣٩
سيّدى إن كان قد دنا منّى أجلي ١٩٩/١٢٠
علم ما كان وما بقى ١٣/١
كان موصوفاً بالإحسان ١٤٢/٢٠
وما كان ذلك جزآء إحسانك إلينا ٨٧/٦
في قضائك كان ما حلّ بي ١٧٣/٥
في يوم كان مقداره خمسين ألف سنّة (قرآن) ٢٠٧/١٣
أللّهمّ إن كان ضمرةبن سمرة ضحك ٧٣/١
الّتى كان يقدّر أن يراني فيها ١٥٢/٨
الويل لي إن كان الزّقّوم طعامي ٢٠٥/٨
فلم يمنعك ما كان منّى أن عدت بحلمك عليّ ٣٦/٢
نسى ما كان يدعو إليه من قبل (قرآن) ٣٥/١١
وكان الله قويّاً عزيزاً (قرآن) ١١٤/١٨

وكان «محمّد» حجّتك على من علمته بالمعاندة لك ١٠/٤
وكان كما ينبغي له ١٤٩/٢١
مع ما كان من تفريطى فيما أمرتني به ١٤٩/٢٧
سيّدى إن كان صغر في جنب طاعتك عملي ١٩٩/٨٣
وإن كان لايفوز يوم الحشر إلاّ المتّقون ١٩٩/١١٠
فإذا كان عمري مرتعاً للشّيطان فاقبضني ٥٥/٧
فلو كان يقال جزى الله شهراً ١٤٣/٢٩
فإن كان آخر شهر صمناه فاختم لنا فيه ١٤٣/٢٧
إلهى، ألويل لي إن كان في النّار ٢٠٥/٧
وإذا كان لك في كلّ ليلة من ليالي شهرنا ١١٥/١٩
إلهى إن كان النّدم على الذّنب توبة ١٨٢/٧
إلهى... إن كان الإستغفار من الخطيئة حطّة ١٨٢/٧
إن كان قبح الذّنب من عبدك ١٨٢/١٠
إلهى إن كان قد دنا أجلي ١١٦/٩٣ ـ ١٩٧/٦
إلهى إن كان ذنبي قد أخافني ١٩٧/٣
منسيّاً كمن نسى من الأموات ممّن كان قبلي ١٩٩/٧٤
وما كان معه من إله (قرآن) ١٤٣/١٣
أتحرق بالنّار قلبى وكان لك محبّاً ٢٠١/٣٥)
أتحرق بالنّار لساني وكان للقرآن تالياً ٢٠١/٣٤
أتحرق بالنّار وجهى وكان لك مصلّياً؟! ٢٠١/٣٢
أتحرق بالنّار جسمي وكان لك خاشعاً؟! ٢٠١/٣٦
ثمّ الويل لي إن كان إلى جهنّم محشري ٢٠٦/٧
ثمّ الويل لي إن كان في النّار مجلسي ٢٠٦/٨
إن كان الزّقّوم فيها طعامي ٢٠٦/٩
إستغفروا ربّكم إنّه كان غفّاراً (قرآن) ٢٤٩/١٩
وعمّرنى ما كان عمرى بذلةً في طاعتك ٥٥/٧
الّذى كان رسول الله ١١٣/٧
وكان في جنب معروفك مستصغراً مستقلاً ١٩٩/١٨١
فظلّ أحبّ القوم كان لقربه ٢١٤/٥٠
حيّاً كان أو ميّتاً ٢٣٨/٦
إلاّ كان مقصّراً دون إستحقاقك ٩٨/١
ولقد كان يستحقّ في أوّل ما همّ بعصيانك ٩٨/٩
فتقبّل ما كان من صلاتي وصومي ٢٣٦/٥
السّلام عليك ما كان أمحاك للذّنوب ١٤٢/٣٦
لاالخطأ وعمدٍ كان منّى عملته أو أمرت به ٣٦/٩
إنّ عذابها كان غراماً (قرآن) ٨٣/١٥
إن كان عفوك يرجوه ذوسرف ٢١٥/٥
وإن كان لم يسبقنا بآياته وعلاماته ١٠/٢٧
إن كان في أمّ الكتاب عندك أنّى شقي ٢٥١/٦٧
إنّ الله كان بكلّ شيء عليماً (قرآن) ١١٦/١٥

خاب من كان دعاؤه لغيرك ١٣٩/٧
واستر عليّ وعلى ... من كان منّى ١١٧/٢٨
وخذلني من كان يعدني في الدّنيا ١١٨/٥
سيّدى إن كان لايجوز على الصّراط ١٩٩/١١١
غآئباً كان أو شاهداً ٢٣٨/٦
فمتى كان يستحقّ شيئاً من ثوابك لا متى ٩٨/٨
إلاّ كان مقصّراً دون إستحقاقك بفضلك ٨/٢ ـ ٩٨/١
ومن كان له كدّي وسعيي ٩٠/٥
إن كان صادقاً فاغفرلي وإن كان كاذباً فاغفر له ٤٥/١
وإن كان الضُّرُّ قد مسّني ٣٥/٦
فَكانَ: حكمت فكان نصفاً ما حكمت ١٤٧/١٤
فضيت فكان عدلاً ما قضيت ١٤٧/١٤
أنت الّذى أردت فكان حتماً ما أردت ١٤٧/١٤
فكان كما هو أهله ١٤٩/٢١
فكان جزائك منّا أن كافأناك ٢٠٠/٥
لَكانَ: دماً وصديداً لكان ذلك قليلاً ٢٣٠/٢
لكان ذلك بعدلك عليّ قليلاً ٢٣٠/٣
لكان الحول عنّي معتزلاً ٨٨/١٥
كانُوا: خيرٌ للّذين آمنوا وكانوا يتّقون (قرآن) ٢٢/٢٢
من قرّة أعين جزآء بما كانوا يعملون (قرآن) ٢٥٧/١٣
ومن كانوا منطوين على محبّته «محمّد» ١٤/٣
وكانوا مع رسولك دعاة لك إليك ١٤/٤
حالهم ومآبهم وكيف كانوا ٢١٩/٣١
سوى أنّهم كانوا فبانوا وأنّني ٢١٩/٢٨
ولو كانوا كذلك لخرجوا من حدود الإنسانيّة ١/١١
وكانوا مع الّذى كايده «محمّد» وجحده ١٠/٢٨
تشهد أرجلهم بما كانوا يكسبون (قرآن) ٢٣/٦
فَكانُوا: فكانوا كما وصف في محكم كتابه ١/١١
نصرناهم فكانوا هم الغالبين (قرآن) ١٥٩/١٩
كانَتْ: وكانت لك ركّعاً سجّداً ٢٠١/٣٧
وإن كانت الخيرة لي عندك في تأخير الأخذ لي ٤٤/١١
فالويل لمن كانت حاجته إليهم ٧٧/١
فما هكذا كانت سنّتُهُ في التّوبة لمن كان قبلنا ١/٢٥
كانت عافيتك لنا حجاباً دون أبصارهم ٩٥/٢
سيّدى إن كانت ذنوبي قد أخافتني ١٩٩/١٢٥
وكانت حركات فسكنت ٢١٩/١٤
فإن كانت ذنوبي حالت بين دعائي ١٩٩/١٦٢
بالنّار عيني وكانت من خوفك باكيةً ٢٠١/٣٣
وفيها كانت نجاتهم من غضبك ١٤٢/١٩
كانت عافيتك لي من فضائحها ستراً ٨٨/١٠
وإن كانت دنت وفاتي ٢٠٣/١٣
وكانت القبور هى المأوى إلى ميقات يوم التّلاق ١٠٩/١٨
فأيّما عبد... كانت له قبلى مظلمةٌ ٢٣٨/٦
فإن كانت ذنوبي قد حالت بيني وبينك ١٤٩/٤٢
سيّدى إن كانت نفسي إستعبدتني ١٩٩/١٠١
ليت أمّى كانت عاقراً بي ١٩٧/٤٤
آه وانفساه إن كانت جهنّم ١٩٨/٢٤
وأعد حالي إلى أحسن ما كانت عليه ١٧٢/٩
آه واخطيئتاه من كانت له خطيئة فليبك ١٩٨/٦٠
فَكانَتْ: فكانت أعمارهم في طاعتك تفنى ٢٠٠/٣٩
لَكانَتِ: ولكانت القوّة منّي بعيدة ٨٨/١٥
كُنْتَ: ربّ قد كنتَ لطيفاً بي في أيّام ١٩٧/٣٥
وإن كنت أردت ان تبلوني ٢٥٧/٣٠
أللّهمّ... وكما كنت أوّلاً بالتّفضّل ٣١/٢
وإن كنت تعلم أنّه شرّ لي في دينى ودنياى ٩٤/١
فإن كنت تعلم أنّه خير لي في دينى ٩٤/١
وإن كنت تغفرلي حين أستوجبُ مغفرتك ٤٩/١٨
كنت المطّلع عليها «السيّئة» دون النّاظرين ٩٥/٢
قالت إنّى أعوذ بالرّحمٰن منك إن كنت تقيّاً (قرآن) ٢٢/٧
فقد كنت بي لطيفاً أيّام حياة الدّنيا ١٩٩/١٤٦
وإن كنت لاتكرم إلاّ أهل الإحسان ١٩٩/١١٠
إن كنت لاترحم إلاّ المجدّين ١٩٩/١١٠
وإن كنت لاتقبل إلاّ من المجتهدين ١٩٩/١١٠
أللّهمّ وإن كنت بعثتها نقمة وأرسلتها سخطة ٩٧/٣
إذ كنت أرحم بها «نفسى» من نفسي يارحمن ١٩٧/٣٨
أللّهمّ إن كنت تعلم أنّ فلاناًبن فلان ظلمني ١٦٠/٧
وكنت خير زائر محبوب ١٤٣/٣٠
إن كنت لاترحم إلاّ أهل طاعتك ١٤٣/٤٢
إن كنت لاتكرم إلاّ أهل الوفاء بك ١١٦/١١٨ ـ ١٤٣/٤٢
ما أمهلتنا إذ كنت قد سدلتنا بسترك ٢٠٠/٣
إلاّ كنت له أهلاً ومحلاً ١٩٩/١٨١
إن كنت قضيت في هذه اللّيلة ١١٧/٣٠
قال فأت به إن كنت من الصّادقين (قرآن) ١٥٩/١٦
وسيّدى إن كنت لاتغفر إلاّ لأوليائك ١١٦/١١٨
إن كنت رحمت مثلى فارحمني ٩٠/٤
وإن كنت قبلت مثلي فاقبلني ٩٠/٤
وإن كنت أردت أن تبلوني فقد عرفت ضعفى ٣٥/٧
لَكُنْتَ: لكنت أحرى بأن تنال شرف المقام ١٩٧/٤٦
فَكُنْتَ: ونأيت فكنت قريباً مجيباً ١٤٨/١٨
كُنْتُمْ: إن كنتم صادقين (قرآن) ١٥٩/٨

هذا يومكم الّذى كنتم توعدون (قرآن) ١٩٩/٣٠
كُنْتُ: آه وانفساه إن كنت ممقوتاً ١٩٨/٢٣
إنّى كنتُ من الظّالمين (قرآن) ١٤٨/١٣ـ٢٢/٤٠ـ٢٥٢/٦
١٣٩/٨ـ١٣٤/٢ـ١٧٥/٢/١٠ـ٢٥١/٤٢ـ١٤٣/١٩٨ـ١٩٩
وإن كنتُ بطيئاً حين يدعوني ١١٦/٣
وإن كنتُ بخيلاً حين يستقرضني ١٢٠/٤ ـ ١١٦/٤
لما كنتُ فيه من الزّهو والإستطالة ٢٥٧/٢٩
لعظيم ما كنتُ فيه من الغفلة ٣٥/٥ ـ ٢٥٧/٢٨
فعرفتِ ما كنتُ فيه للّذى صرت إليه ٢٥٧/٢٧
للّذى كنتُ فيه من اللّهو والفترة ٢٥٧/٢٨
فإن صيّرتني صالحاً كنتُ صالحاً ٢٥٧/٤
إن كنتُ قد عصيتك فقد أطعتك ٢٣٣/١ ـ ١٦٥/١
إلهى إن كنت عصيتك بإرتكاب شيىء ٢٠٩/١
وكنت عندك من المعذّبين لخطيئتي ١٠/٣٢
ويقول الكافر ياليتني كنت تراباً (قرآن) ٢٠٧/١٢
إن كنت ياإلهى اقترفت ذنوباً ٢٤١/٨
وإن كنت بطيئاً حين تدعوني ١٦٣/١٢
وإن كنت بطيئاً حين يدعوني ١٢٠/٣
وحيث ما كنت وضعت عندك سرّي ١٦٣/١٢
إن كنت بئس العبد فأنت نعم الرّب ١١٢/١١
في سرّآء كنتُ أو ضرّآء أو شدّة أو رخاء ١٢٦/٣
فأكرمني إذ كنتُ من سؤّالك ١٤٠/٣ ـ ١٩٩/٨٩
ما كنتُ عبداً لغيرك ٩٩/٢
ولاكنتُ مرزوقاً من سواك ٩٩/٢
أللّهمّ إن كنت قد عصيتك ٢٢٩/١
إلهى ليتني كنتُ طائراً ٢٠٦/٦
إلهى إن كنت غير مستأهل لما أرجو ١٩٧/٢
وكنتُ في المنسيّين كمن قد نُسى ١٦٧/٤
إلهى، ليتني كنت طيراً فأطير ٢٠٥/٦
وإن كنت عاصياً مددت يداً بالذّنوب ٢٠٣/٤
إلهى إن كنت غير مستوجب لمعروفك ١٩٧/١١
وإن كنت ضعيف العمل ٨٧/٥
فإن كنت ياإلهى مسرفاً على نفسه ٢٣٩/٦
وأخلفني من كنت أرجوه لرغبةٍ ٢٠٤/١
لقد جمعت بيني وبين من كنت أعاديه فيك ٢١٢/٧
وكنت أنا وأنت بغير ثالث ١١٨/٥
أللّهمّ إن كنت عندك في أمّ الكتاب ٢٤٣/٨
فقد رأيت وسمعت لو كنت أسمع ٢١٩/٥
فقد خفت يامولاى إذ كنت لك عاصياً ٢٥٧/١٨
من جار كنتُ أكاتمه سيّئاتي ٨٨/١٢
ومن ذي رحم كنت أحتشم منه ٨٨/١٢
كنتُ عصيتك في أشياء أمرتني بها ٨٩/٢
وإن أبطأت عنّى في سرّاء كنت أو ضرّاء ٥٧/٧
فعرفت ما كنت فيه للّذى صرت إليه ٣٥/٤
للّذى كنت فيه من اللّهو والغرّة ٣٥/٥
للّذى كنت فيه من الزّهو والإستطالة ٣٥/٥
فَكُنْتُ: فكنت ممّن أطاع وأجاب دعوته ١٤٤/١٩
لَكُنْتُ: لكنتُ مقصّراً في بلوغ أداء شكر ٢٣٠/١
فلو لاسترك عورتي لكنتُ من المفضوحين ١٦٣/٧
فلو لانصرك إيّاي لكنتُ من المغلوبين ١٦٣/٧
لكنتُ أوّل الهاربين منك ١١٢/٤
لكنت أنا أحقّ بالهرب منك ١٦٢/٤
كُنّا: وإن كنّا غير مستوجبين لرحمتك ١١٦/٣٨
يَكُ: فإن يك ذلك ياالهى من سخطك علىّ ٣٥/٧
فإن يك ذلك من سخط منك ٢٥٧/٣٠
يَكُونُ: أخف عنهم ما يكون نشره علىّ عاراً ١٠٨/٣
يوم يكونُ النّاس كالفراش المبثوث (قرآن) ٢٠٧/٥
طيّباً واسعاً يكون لي غنى عن خلقك ١٢١/٢
ويكونُ لك المنّ علىّ فيه خالصاً ١٢١/٢
وما يكون منّى في سريرتي وعلانيتي ٢٤٩/١٤
فحتّى متّى يكون وقد أفنيت بها عمري ٢٠١/٢٨
إعتذار ندامة يكون واعظاً لما بين يدىّ ١٠٠/٣
كيف ينجو من يكونُ معه في دارٍ ٢٠١/٥٠
ما يكونُ بيني وبين معصيتك حاجزاً ١٩٩/١٥١
واستعملنا بما يكونُ حطّة وكفّارة ١٤٢/٥٣
لاأدرى إلى ما يكونُ إليه مصيري ١٩٧/٤٤
ثمّ له الحمد... حمداً يكونُ وصلة إلى طاعته وعفوه ١/٢٩
الحمدلله ... والآخر بلا آخر يكونُ بعده ١/١
ويكونُ وسيلة لديه وخاصّة به وقربة منه ١٠/٣١
أسألك ... الخيرة فيما يكون فيه الخيرة ١٢٥/٦
ما يكون دركاً لحقّك في الشّهرين ١٤٢/٥١
فمن يكون أسوء حالاً منّى ١١٦/٧٧
ولاأدري إلى ما يكون مصيرى ١١٦/٧٨
حمداً يكون مبلغ رضاك عنّي ١٦٣/٦
ما يكون صلاحاً للدّنيا وبلاغاً للآخرة ٨٧/١٠
يكون بها نجاتي من غضبك ٨١/٧
ولست أدرى إلى ما يكون مصيرى ١٩٩/١٤٥
فَيَكُونَ: أن تقول له كن فيكون (قرآن) ٢٤١/٢
وإنّما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون (قرآن) ٢/٨
... فيكون ذلك لهم جماماً وقوّة ... ٢١/٢

فيكون غيرك لي مولى ٩٩/٢
لِيَكُونَ: من أتباع سنّتك ليكون دينك الأعلى ٦٧/١٦
لايَكُونَ: حتّى لايكون في النّار معذّب غيري ٢٣٠/٣
ولايكون لجهنّم حطبٌ سواى ٢٣٠/٣
وكيف لايكون ذلك كذلك ٢٠٣/٢
فإنّه لايكونُ إلّاماشئت ٢٥١/٣٥-٢٥١/٤٦-٢٥١/٤٠-٢٥١/٥٤
فإنّه «رزق» لايكونُ إلّا ما شئت ٢٥١/٣
فإنّه لايكون إلّا ما شئت حيث شئت ٢٥٢/٣
يَكُنْ: أللّهمّ إنّك ... ما نشاء من أمر يكن ٢٢/٤٢
إن يكن التّرك لمعصيتك إنابةً ٨١/٨-٨٠/٢٤
إن يكن الإستغفار حطّةً للذّنوب ٨١/٨-٨٠/٢٤
أللّهمّ إن يكن النّدم توبةً إليك ٨٠/٢٤
إن يكن النّدم توبة إليك فأنا أندم النّادمين ٨١/٨
وإن يكن ما ظللتُ فيه أو بتُّ ٥١/٢
لَمْ يَكُنْ: وما لم يكن تأليباً على دينك ١٠/٢٥
ولم يكن لك مشاهد ولانظير ١٤٧/١٣
ولم يكن له كفواً أحد(قرآن) ١٢٧/١-١٧١/٢-٩٦/٥-١٦١/٣
كأنّه لم يكن بينهم العزيز المفدّىٰ ٢١٤/١٢٥
فأنت ... أمل من لم يكن له أمل ٢٣٩/١٠
وإن منعت لم يكن منعك تعدّياً ١٤٢/٢
ولم يكن له شريك في الملك (قرآن) ١٤١/٢٢-٢٢/١١
٤٧/٢-٨٣/١٢
وإن لم يكن لذنبي عندك عذر تقبله ٩٩/٤
ولم يكن له وليّ من الذّلّ (قرآن) ٤٧/٢-٢٢/١١-١٤١/٢٢
أو لم يكن سببه بيدك فجازيتهم ٨/٦-٩٨/٣
القائم الّذى... لم يكن له كفواً أحد . ٢٤٣/٤
وأين الفرار إذا لم يكن منك عونٌ عليه ٢٠١/٤٩
يامن ... لم يكن له كفواً أحد ١٣٣/٦
يامن ... لم يكن بستره عليّ بخيلاً ١٩٩/٦٧
ولو لم يكن إلّا الموت لكفى ٩٠/٢
لَمْ يَكُ: ولم يك هذا جزاؤك منّى ١٤٩/٣٧
حَتّىٰ يَكُونَ: حتّى يكونَ نصيبي فيه الأكبر ١١٧/١٤
حتّى يكون الموت مأنسنا الّذى نأنس به ١٠٣/٣
حتّى يكون لنا في القيامة إلى رضوانك ١٠٩/١٦
حتّى يكون عملى خالصاً لك ١١٦/١٢٣
حتّى يكون الغالب عليّ الزّهد في دنياي ٥٩/٩
أَنْ يَكُونَ: وأن يكون مصيرى إلى محلّ رضاك ١١٨/٢
تحبّ أن يكون عليها أحدٌ من أوليائك ١١٧/١٥
الّذى تكوّن منه الكون قبل أن يكونَ ١٦١/٤
لاأن يكونَ يأسه قنوطاً ١٠١/١٠
وأحببت أن يكونَ ذلك لك ١٦٢/٨
يامن يعلم ما هو كائن قبل أن يكونَ ٦٠/٢
أو أن يكونَ طمعه اغتراراً ١٠١/١٠
أَلاَّ يَكُونُوا: نفسك ألاّ يكونوا مؤمنين (قرآن) ١٥٩/١٥
تَكُونُ: تكونُ لهم رضى ١١٣/٤
وتكونُ أشفق عليّ من أهلى وقرابتي ١٩٩/١٣٩
تكونُ من غيظي به شفاءً ٣٢/٥
صلاة كثيرة طيّبة تكونُ لك رضى ١١٤/٣
صلاة كثيرة تكون لهم رضى ٢٠/٤
وتكون أرحم بي من أهلى وقرابتي ١٩٧/٣٤
تكون لك ولهم رضىً ١٤٧/٦٠
وكن لي كما تكونُ للصالحين ١٤٧/١٠٩
تكون بها «شفاعة» نجاتي من غضبك ٨٠/٢٣
لِتَكُونَ: بل لتكونَ حجّتك أبلغ وكرمك أكمل ١٤٦/١٢
فَتَكُونَ: فتكون لهم قلوبٌ يعقلون بها (قرآن) ١٥٩/١٤
فتكون قد أشقيت من استسعد بك ... ٣٢/٢
أنت الّذى لاتحدّ فتكون محدوداً ١٤٧/١٨
أنت الّذى ... لم تمثّل فتكون موجوداً ١٤٧/١٨
أنت الّذى ... لم تلد فتكونَ مولوداً ١٤٧/١٨
لاتَكُونُ: ربّ صلّ ... لاتكونُ صلاةٌ أزكى منها ١٤٧/٤٧
صلاةً نامية لاتكون صلاة أنمى منها ١٤٧/٤٨
وصلّ عليه صلاةً راضيةً لاتكونُ صلاةٌ فوقها ١٤٧/٤٩
تَكُ: فإن تك راضياً فأحقّ من أعطيته ٢٥٧/٢
وإن تك ساخطاً فأحقّ من عفا أنت ٢٥٧/٢
لَمْ تَكُنْ: لم تكن أناتك عجزاً ١٤٦/١٢
ما أضيق الطّرق على من لم تكن دليله ١٨٩/١
وإن لم تكن قضيت في هذه اللّيلة ١١٧/٣٢
لم تكن مستحدثاً فتوجد منتقلاً ٢٢٧/٤
لم تكن أهلاً منه لذاك ٤٩/٥
أَنْ تَكُونَ: رجوت أن تكون في لطفك ١٩٧/٢١
وأن تكونَ كلّها مخفوضةً دون هيبته ١٠/٩
لاتَكُونُوا: لاتكونوا كالّذين (قرآن) ٢١٩/٢٦
أَكُونُ: وأعظم ما أكون منك حذراً ٢٠٤/٤
حتّى أكونَ في كلّ حال حيث أردت ٢١٩/٢
أَكُونَهُ: وأكثر ما أكونُهُ لك ذكراً ٢٠٤/٤
واجعلني أشدّ ما أكونه لك خوفاً ٢٠٤/٤
فَأَكُونَ: فأكونَ قد شقيتُ بما أحببتُ ٥١/١
عوّدتني من رحمتك فأكون من القانطين ٧٧/٦
طلب رضاك فأكون فيه من الفائزين ١٤٤/٢٧
فأكون عندك مسيئاً أو متعرّضاً لسخطك ونقمتك ١٢٣/١٨

لِاَكُونَ: منك باليمين لأكون من الموقنين ٧٧/٧
لاأَكُنْ: ولاأكن أخيب عبادك التّائبين ٨٨/٨
لَمْ أَكُنْ: قلت ألم أكن الشّاهد عليك ٩٠/٦
لَمْ أَكُ: آه واحزناه ليتني لم أكُ شيئاً أبداً ١٩٨/٣٦
ولم أكُ شيئاً فكوّنتني ٢٠٣/٢
أَنْ أَكُونَ: أن أكون لعدوّك أحسن طاعةً منّي لك ٣٦/١
وأخاف أن أكون فيها «العشرة» مستدرجاً ١٤٨/٣
لاينبغي لي أن أكون في غير مرتبتي ٢٥٧/٢٤ ـ ٣٥/٢
فإنّي أعوذبك أن أكون كذلك «فاسخ لتوبته» ٨٠/١٦
وقد خفت يامولاي أن أكون ٢٠١/٤٧
عظم حلمك عنّي حتّى خفت أن أكون مستدرجاً ١٣٥/٦
أن أكون لها مستوجباً لكبير ذنبي ٢٥٧/١٨
حَتّىٰ أَكُونَ: حتّى أكونَ بما يرد عليّ منهما ٥٩/١٤
لِنَكُونَ: لنكون لإحسانه من الشّاكرين ١١٥/١
لَمْ نَكُ: خلقتنا بقدرتك ولم نك شيئاً ٢٠٠/٢
كُنْ: وكن لي كما تكون للصّالحين ١٤٧/١٠٩
فجدّو لاتغفل وكن متيقّظاً ٢١٤/١٠٢
إذا أردت شيئاً أن تقول كن فيكون (قرآن) ٢٤١/٢
وإنّما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون (قرآن) ٢/٨
كن لي على الأعداء ناصراً ١٨٣/٦
وكن لدعائي مجيباً ٣٩/١٠
وكن لي عند أحسن ظنّي بك ٨٧/٣
وكن عند حسن ظنّي بك ٣٧/٢
كن عن ذنوبي صافحاً متجاوزاً ١٩٩/١٥١
فَكُنْ: فكن أنيسي في وحشتي ١٨٩/٩
فكن بي رؤوفاً رحيماً ١٤٤/٢٨
فكن ياذاالجلال والإكرام ١٧٣/٧ ـ ١٧٢/٦
أللّهمّ ... فكن آخراً بالإحسان ٣١/٢
فكن أنت أهلاً للتّفضّل عليّ ١٩٧/١١
فكن بحوائجي حفيّاً ٥٩/١١
فكن ياربّ الأرباب ٤٢/٢٨
كُوني: يانار كوني برداً وسلاماً (قرآن) ٢٢/٢٥
كَوَّنْتَهُ: فلم يتعاظمك خلق خلق حين كوّنته ٢٤٣/٢
فَكَوَّنْتَهُ: فكوّنته يابديعاً بلطفك ٢٤١/١
فَكَوَّنْتَني: ولم أكُ شيئاً فكوّنتني ٢٠٣/٢
تَكَوَّنَ: الّذي تكوّن منه الكون قبل أن يكون ١٦١/٤
أَسْتَكينُ: أللّهمّ ... لعظمتك أستكين ١٩٩/٨
وهذه يدي وناصيتي أستكينُ بالقود من نفسي ١٦٧/٣
الْكَوْنُ: الّذي تكوّن منه الكونُ قبل أن يكون ١٦١/٤
بِكَيْنُونِيَّتِهِ: ياموصوفاً لايبلغ بكينونيّته موصوفٌ ١٣١/١
التَّكْوينِ: ثمّ بعد التّكوين إلى دار الدّنيا ٢٠٣/٣
إِسْتِكَانَةً: أدعوك... رغباً ورهباً وإستكانةً ١٤١/١٦
كَائِناً: ياكائناً قبل كلّ شيءٍ وياكائناً بعد كلّ شيئ ٢٢٥/١
وهو كائنٌ ولانزال ١٤٦/١٢
أهل ولايتي من كان منهم أو هو كائنٌ ٢٤٨/٤
يامن يعلم ما هو كائنٌ قبل أن يكون ٦٠/٢
مُكَوِّنَ: يامكوّن كلّ شيء ٢٢٥/١
مَكَانَ: حتّى جاء التّغيير مكان العافية ٢٥٧/٢٧
أنت الّذي لايحويك مكانٌ ١٤٧/١٥
أناجيك ياموجود في كلّ مكانٍ ٩٠/١
ثمّ له الحمد مكانَ كلّ نعمة له علينا ... ١/٢٧
لايواريك مكان ولايغيّرك زمان ٢٤٥/٣
الّذي لم يكنّه مكانٌ عنك ٢٤٥/١
أنت المسيّح في كلّ مكانٍ ١٩٢/٢
ليس له «الله» حدّ في مكانٍ ٢/٥ ـ ٧/٥
ومكانَ كلّ واحدة منها عددها ١/٢٧
هذا مكانُ المستجير بعفوك ١٤٩/٥٢
هذا مكان العآئذ بك منك ١٤٩/٥٢
هذا مكان البآئس الفقير ١٤٩/٥٢
الحمدلله ... المعبود في كلّ مكانٍ ١٩٩/٥
هذا مكانُ المضطرّ إلى رحمتك ١٤٩/٥٢
وأعظمهم منك منزلةً وعندك مكاناً ١٤٩/٤٣
حتّى جاء التّغيّر مكانَ العافية ٣٥/٢
الْمَكَانِ: والمكانِ الرّفيع من طاعتك ١٢/٣
موضع أنسي في الخلوة إذا أوحشني المكانُ ١٩٩/٤١
قد شهرني ونوّه بي المكان ١٦٠/٥
مَكَانَهُ: ومن أوهمنا ذكره ولم نعلم مكانه منك ١٢/١٣
مَكَانَكَ: أعظم شأنك وأعلى مكانَك ٢٤٧/٦
أسنى في الأماكن مكانَك ١٤٧/٢١
مَكَاني: قد ترى مكاني وتسمع كلامي ٢٣٣/٦
قد ترى مكاني وتعلم سرّي وعلانيتي ١٦٥/٦
ولانقيصة يجهل من أجلها مكاني ١٤٧/١٠٣
بِمَكَانِكَ: فألّفت بمكانك الفرق ٢٤٥/٣
الْأَمْكِنَةِ: أللّهمّ ربّ هذه الأمكنة الشريفة ١٤٩/٦٥
الْأَمَاكِنِ: سبحانك... أسنى في الأماكن مكانك ١٤٧/٢١
الْمَكَانَةِ: والزّلفى لديك والمكانة منك ١٤٧/٨٤

ك.هـ.ف

تَكَهَّفْتُ: تكهّفتُ بالله ١٥٩/٢
كَهْفِ: وكهفِ مانعٍ وألبسهم منه جنناً واقيةً ٥٠/٩

فهو «الإمام» كهفُ المؤمنين ١٤٧/٦٢
وكهفِ الخلق أجمعين ٤٢/٧
الْكَهْفِ: الكهف الحصين ٢٠/٣ ـ ١١٣/٣
كَهْفَهُ: إهدم كهفه وأرغم أنفه ٥٠/١٢
كَهْفِي: ياكهفي حين تعييني المذاهب ١٦٣/٧

ك.هـ.ن

كَاهِنٍ: وأعوذبك من شرّ كلّ كاهنٍ وساحرٍ ١٥٣/٣٠

ك.ى.د

كَادَنِي: أللّهمّ من كادنى ... وكده ٢٥١/٣١
أللّهمّ من كادني فكده ٧٨/٦
إلهى من كادنى ... وكده ٢٥٢/٢٥
يَكِيدُنَا: أللّهمّ ... وجعلت لنا عدوّاً يكيدنا ٦٤/٦
لاتَكِدْ: وكد لنا ولاتكد علينا ١٥/٨
أللّهمّ كد لنا ولاتكد علينا ٨/٢١
لاتُكَادُ: ولاتكادُ ولاتماط ولاتنازع ١٤٧/٢٦
كِدْ: أللّهمّ كدلنا ولاتكد علينا ٨/٢١
وكد لنا ولاتكد علينا ١٥/٨
كِدْهُ: إلهى من كادني ... وكدهُ ٢٥٢/٢٥
أللّهمّ من كادنى فصلّ على محمّد وآله وكدهُ ٢٥١/٣١
فَكِدْهُ: أللّهمّ من كادنى فكده ٧٨/٦
كِيدُونِ: ثمّ كيدون فلا تنظرون (قرآن) ١٥٩/٩
كَايَدَهُ: وكانوا مع الّذى كايدهُ «محمّد» وجحده ١٠/٢٨
كَايَدَنِي: وهب لي مكراً على من كايدني ٥٥/١٢
نُكَايِدُهُ: بصّرنا ما نكايدهُ به ٥٠/٦
كَيْدُ: إنّما صنعوا كيدُ ساحرٍ (قرآن) ١٥٩/١٣
إكفني بكفايتك كيده وكيدَ بغاتك ١٥٥/٥
أعوذ بالله من ... كيدِ الحاسدين ٢٥٣/١
كفانا الله وإيّاكم كيدَ الظالمين ٢٦٢/١
إكفنى كيدَ عدوّي ٢٥٢/٣٣ ـ ٢٥١/٥٠
أرادوا به «إبراهيم» كيداً (قرآن) ٢٢/٢٥
نجّني ... من كيدِ كلّ مكيد ١٦١/٢
صلاة ... تمنعهم «تابعين» بها من كيدِ الشّيطان ١٤/٨
كَيْدِهِ: وأتضرّع إليك في صرف كيدهِ عنّي ٨٨/١٧
إجعل كيدهُ «من يؤذيني» في تضليلٍ ١٦٠/٢
إكفني بكفايتك كيدهُ «ظالمى» ١٥٥/٥
إلاّ أنّي أجد كيدهُ ضعيفاً ٢٠١/٥٠
واردُد كيدَهُ «ظالمى» في نحره ١٥٥/١
أعذني فيه من ... كيدهِ «شيطان» ١١٧/٧
أبطل كيدهُ واهدم كهفه ٥٠/١٢
الشّيطان الرّجيم وكيدهِ ومكائدهِ ٥٠/١
ومن أرادني بسوءٍ ... ردّ كيدهُ في نحره ٦١/٧
إلاّ تصرّف عنّا كيدهُ يضلّنا ٦٤/٨
فنصبح من كيدهِ في المعصومين ٦٤/٩
كَيْدَهُمْ: أللّهمّ ... أوهن كيدهم «الظّلمة» ١١٩/٧
لِكَيْدِهِ: ولايحتال لكيده ١٤٩/١٧
بِكَيْدِهِ: وحرني بكيده ١٥٣/٩
مَكِيدٍ: نجّني ... من كيد كلّ مكيدٍ ١٦١/٢
بِمَكِيدَتِهِ: قصدني بمكيدته ١٥٢/٩
مَكَائِدِ: فإليك نلتجئ من مكآئدِ خدعها ١٩٦/١
مَكَائِدِهِ: الشّيطان الرّجيم وكيده ومكائده ٥٠/١
وأعذني ... من الشّيطان ... وجميع مكائده ١١٧/٧
مَكَائِدِهَا: من الدّنيا ومكائدها ٢١٤/١٠٠
والحذار الحذار من الدّنيا ومكائدها ٢١٤/٢٥
بِمَكَائِدِهِ: وكم من باغٍ بغاني بمكائده ١٥٢/٧ ـ ١٥٣/٧

ك.ى.ف

كَيْفِيَّتِكَ: وعجزت الأفهام عن كيفيّتك ١٤٧/١٧

ك.ى.ل

كَيْلَ: وبإسمك الّذى تعلم به كيل البحار ٢٣٥/٢
عرّفتهم ... كيل ما تحويه لواعج الأمطار ١٢/١١

حرف الام

ل.ك

مَلَكِ: وملكِ الموت وأعوانه ١٢/١٢
مَلائِكَةُ: آه واحزناه تشهد عليّ ملائكةُ السّماء ١٩٨/٤٣
آه واحزناه من ملائكةٍ غلاظ شداد ١٩٨/٣٧
والرّوح الّذى هو على ملائكة الحجب ١٢/٥
آه وانفساه من ملائكة تشهد ١٩٨/١٨
المَلائِكَة: والملائِكَةِ المقرّبين ٢٠٢/٤
وتتلقّاهم الملائكةُ هذا يومكم الّذى (قرآن) ١٩٩/٣٠
ربّ الملائكةِ الثّمانية وربّ العرش العظيم ٢٦٧/٣
فبصلوات العترة الهادية والملائكةِ المسبّحين ٢٠٢/٨
تنزّل الملائكةُ والرّوح فيها (قرآن) ١١٥/٥
موضع الرّسالة ومختلف الملائكةِ ١١٤/١
ياربّاه صلّ على الملائكةِ السّعداء ١٩٨/٩٢
إن سحبتنى الملائكةُ على حرّ وجهى غداً ١٩٨/٥١
تنزّل الملائكةِ والرّوح فيها ١١٧/٣٠
... تنزّل الملائكةِ والرّوح فصلّ ١١٧/٣٢
وقبائل الملائكةِ الّذين اختصصتهم لنفسك ١٢/١٠
فرقت أرواحهم على أجنحة الملائكةِ ٢٠٠/٤٢
وربّ ... جميع الملائكةَ المقرّبين ١١٧/١٨
يوم يرون الملائكةَ لابشرىٰ (قرآن) ٢٠٧/١٦
يوم يقوم الرّوح والملائكةُ صفّاً (قرآن) ٢٠٧/١١
وموضع الرّسالة ومختلف الملائكةِ ٢٠/١ ـ ١١٣/١
وربّ النّبيّين والملائكةِ المقرّبين ٨٣/٦
عند مواقف الأشهاد من الملائكةِ المقرّبين ٨٨/١٢
فصلّ عليهم وعلى الملائكةِ الّذين من دونهم ١٢/٦
ورسلك من الملائكةِ إلى أهل الأرض ١٢/١٢
مَلائِكَتَهُ: إنّ الله وملائكتهُ يصلّون (قرآن) ١٤٣/٢٢
والحمدلله ... حمداً نزاحم به ملائكتَهُ المقرّبين ١/١٨
والحمدلله بكل ما حمده به أدنى ملائكتِهِ إليه ١/٢٦
مَلائِكَتِكَ: أسألك بأهل خاصّتك من ملائكتِكَ ١٩٥/٥
بدأت وملائكتُكَ بالصّلاة عليه ١٤٣/٢٢
اللّهمّ صلّ على ملائكتِكَ المقرّبين ١٢٣/١١ ـ ١٤٣/٤٩
أشرفتَ مِن عرشك على ... ملائكتِك ٢٠٢/١
صلاةً تنتظم صلوات ملائكتِكَ ١٤٧/٥٤
وأشهد من حضرنى من ملائكتِكَ ١٩٩/١٢
وأشهد ملائكَتَكَ الكرام السَّفَرَةَ بِسَقيٍ منك نافع ٥٣/٢
اللّهمّ اجعل لنا ... شاهد صدق من مَلائكَتِكَ ٢١/١١
فصلّ عليهم وعلى الرّوحانيّين من ملائكَتِكَ ١٢/١٠
ومن أسكنتهما من ملائكتِكَ ٢١/١٥
فصلّ عليه يارحمن وملائكتُكَ ١١/٥
أفضل ما جزيت أحداً من ملائكتِكَ المقرّبين ١٠٩/٢٧
اللّهمّ وإذا صلّيت على ملائكتِكَ ورسلك ١٢/١٥
وصلّ على ملآئكتِكَ المقرّبين ١٤١/٣٢ ـ ٨٣/١٧
اللّهمّ إنّ ملائكتَكَ مشفقون من خشيتك ١٤٨/١
حتىّ لايورد عليك أحدمن ملائكتِكَ ١٥ - ١١٥
وابعث عليهم «المشركين» جنداً من ملائكتِكَ ٦٧/١٤
أشهد جميع ملائكتِكَ وسكّان سماواتك ٢٤٦/٢
كما صلّيت على ملائكتِكَ المقرّبين ١٤٢/٦٣
أتوسّل... بمحمّد... وملائكتك المقرّبين ١٢٢/٧
مَلائِكَتي: فقلت ملآئكتي فريد قد نأى عنه ١٩٧/٣٣
فقلت ملائكتي فريد نأى عنه الأقربون ١٩٩/١٣٩
بِمَلآئِكَةِ: وأمددهم «المسلمين» بملآئكةٍ من ٦٧/١٠
بِمَلائِكَتِكَ: وانصره «وليك» بملائكتِكَ ١٤٧/٦٤

ل.أ.ل.أ.

المُتَلألِئَةِ: وسبحات نورها المتلألئةِ بين يديه ١٠/٣١
كَاللُّؤلُؤِ: و ولدان كَاَللؤلؤ المنثور ٢٥٧/١٢

ل.ؤ.م.

لُؤمِ: وأغننى ... عن لؤم المسؤولين ٢٠٤/٣
استغفارى إيّاك مع الإصرار على الذّنب لُؤمٌ ٣٨/١
بِلُؤمي: ولئن طالبتني بلُؤمى لأطالبنّك بكرمك ١١٦/١١٧
لَئيم: أصبر على عبدٍ لئيم منك علىّ ٤٠/٣
اللَّئِيمُ: سجد وجهى اللّئيمُ لوجهك العزيز ٢٥٢/١٢
سجد وجهى اللئيم ... لوجهك الكريم ٢٥١/٢٠
وأنا اللّئيم العوّاد بالمعاصى ١٤٨/٢٣
اللُّئام: وإليها من مجاورة اللُّئام مفرّى ٢٤٠/٤

ل.أ.ى

لأواء: أو جدة أولأوآء أو فقر أو غنى ٥٧/٧
المستجار به من كلّ فادحة ولأوآء ١٩٩/٧٨
اللَّأواءِ: إنّك... صارف اللّأوآء والنّقم ١٩٩/٥٠

ل.ب.ب.

لُبَّها: قد سلبت القلوب لبّها ٢١٩/٣٩
لُبّي: وإن عزب لبّى عن تقديم ما يصلحنى ١٩٩/٨٨
وطاش عند سؤالك إيّاى لبّى ١١٦/٨٨

الأَلْبابُ: وئنت الألباب عن كنهك أعنَّتها ٢٢٢/٧
لَبّاتِ: خدودهم ولبّات نحورهم ١٠/٢٨
لَبيبٌ: فهل يحرص عليها لبيبٌ ٢١٤/١٠٥ ـ ٢١٤/٢٩
كيف يرقأ دمع لبيبٍ ٢١٩/١٦

ل.ب.ث.

اللّابِثِيْنَ: وفي جوارك من اللابثين في دار القرار ١١٤/٧

ل.ب.س.

لَبِسُوا: ولبسوا ثوب الخدمة ٢٠٠/٢٩
لَبِسْتُ: ملهوفاً قد لبست عدم فاقتي ١٩٩/٨٩
لِيَلْبِسُوا: وجعله «الليل» لباسا ليلبسوا ٢١/٢
أَنْ تَلْبَسَ: قبل أن تلبس الأبدان سرابيل القطران ٩٠/٧
أَلْبَسَ: يامن ... ألبس الخاَئفين ثوب موالاته ١٩٩/٣٦
أَلْبَسَني: لقد رجوت ممّن ألبسني بين الأحياء ١٩٧/١
أَلْبَسْتَني: إلهي ألبستني الخطايا ثوب مذلّتي ١٨٢/١
أَلْبَسْتَها: عافيةٍ ألبستها ١٥٢/١١
أَلْبَسْتَني: وألبستني عافيتك ١٦٢/٥ ـ ٢٠٥/١٥
وقد ألبستني في الدّنيا ثوب ١٩٩/١٩٣
تُلْبِسُها: وعافيةٍ تلبسها ١١٦/١١٢
تُلْبِسَني: تُلبسني العافية حتّى تُهنّئني المعيشة ٤٢/٢٢
لاتُلْبِسْنا: ولاتلبسنا بهما لباس البلاء ٩٧/١
إلهي ... لاتلبسنا سربال القنوط ١٨٧/٣
أَلْبِسْ: وألبس قلبي الوحشة من شرار خلقك ٥٧/١٢
أَلْبِسْهُ: وألبسه «وليعصر» (عج) درعك الحصينة ٢٢ ـ ١١٩
ألبسه «ظالمي» الصَّغارَ واجعَل عقباهُ النّار ١٥٥/٣
أَلْبِسْهُمْ: ألبسهم منه جُنناً واقيةً ٥٠/٩
أَلْبِسْني: وألبسني عافيتك ٦١/١
وألبسني درعك الحصينة ٢٥١/٣٢ ـ ٢٥٢/٢٦ ـ ٧٨/٧
وألبسني من نظرك ثوباً يُغَطّي عليَّ الشَّيعات ١١٦/١٠١
اللّهمّ ألبسني ستركَ ١٢٣/١٣
ألبسني مع ذلك عافيتك ١٢٣/١٣
وألبسني زينة المتّقين في بسط العدل ٥٥/١٥
ألبسني في هذه الحياة البائرة ثوب العصمة ٣١/٤
أَلْبِسْنا: وألبِسنا فيه «الهلال» جنن العافية ١١٠/٩
الْمُلابَسَةِ: ولاذميم الملابسة ١٤٢/٤٠
لِباسَ: وأنزع لِباسَ نعمتك عنه «ظالمي» ١٥٥/٣
الحمدلله الّذي جعل اللّيل لباساً ٢٤٢/١
وجعله «الليل» لباساً ليلبسوا من راحته ومنامه ٢١/٢
اللّهمّ ياجاعل اللّيل لباساً ١-١٣٤
وإيّاك أرغب في لباسِ العافية وتمامها ٢٣٦/٤
جلّلني التّباعد منك لباس مسكنتي ١٨٢/١
ولاتلبسنا بهما لباس البلاء ٩٧/١
لِباسي: الويل لي إن كان القطران لباسي ٢٠٥/٩
لابِساً: من نعمة ظللت لأنيق بهجتها لابساً ١٩٩/٦٨
لابِسينَ: السّندس والإستبرق لابسين ٢٠٦/٢٢
الْمُلابِسينَ: ومن ردّ الملابسين كرم العشرة ٥٥/١٠
مُتَلَبِّساً: بالرّين والطّبع متلبّساً ١٨٣/٤
مَلْبَسي: مأكلي وملبسي ومنكحي ٢٤٨/٢
مَلابِسَ: وقد أسبغت عليّ ملابس الإنعام ١٩٩/١٧١
وبكرمك إستشعروا ملابس موالاتك ١٩٩/١٨٨
وجلّلنا بنعمتك ملابس العفو والغفران ١٩٩/٣٤

ل.ب.ن.

اللَّبَنَ: كما تخلّص اللّبن من بين فرث ١٧٤/٢
اللَّبَنُ: استقرّ في اللّحد وهيّىء عليه اللّبن ٢١٤/١٣٣

ل.ب.ى.

فَلَبَّيْتَهُ: وذي حاجةٍ ناداك لها فلبّيته ٢٠٢/٢
وناداك للحوائج فلبّيته ٢٠٢/٥
فَلَمْ أُلَبِّهِ: من الّذي دعاني فلم ألبّه ٢٠١/٢٣
لَبَّيْكَ: فقال لبّيك وسعديك ٤٩/٥
لبّيك لبّيك تسمع من شكا إليك ١٦٣/١٣

ل.ث.ث.

مُلِثٌّ: سحاباً متراكماً ... غير ملثّ ودقه ٥٣/٢

ل.ج.أ

لَجَأَ: فمن خائفٍ لجأ إليك فآمنته ٢٠٢/٢
يا ... أرأف من لجأ إليه اللاّجون ١٩٩/٧٣
أسئلك بحرمة من... لجأ إلى عزّك ٢٥٢/١ ـ ٢٥١/١
لن يفزع من لجأ إلى معاقل انتصارك ١٥٣/٨
ولجأ إليه العائذون فوجدوه ٤١/٢
ولجأ إليه العابدون فوجدوه نوّالاً ٨٤/٢
لايفزع من لجأ إلى معقل انتصارك ١٥٢/١٠
آمل من لجأ إليه الخاَئفون ١٢٠/١١
لَجَأْتُ: ولجأتُ إلى الله ١٥٩/٢
ولجأتُ إليك فيه من التّوبة ٨٠/٢٢ ـ ٨١/٦
وإذا كثرت عليّ الهموم لجأتُ إلى الاستجارة بك ٢٥١/٥٨

يَلْجَأُ: فإلى من يلجأ الخاطئون ١٩٩/١١٠
أَلْجَأُ: ألجأُ إليك فيما أشفقت عليه منهم ٢٢/٢١
والك أدعو وإليك ألجأُ وبك أثق وإيّاك أستعين ١٦٦/١٤
إذ لم أجد ملجأ ألجأُ إليه ٢٣٩/٣
ولاملاذ ألجأ إليه منك ٨٨/٧
أَلْجَأَتْهُ: وألجأته ذنوبه إلى ذلّ مقامه ١٦٤/٤
اَلْجَأَتْنِي: وقد ألجأتنى الذّنوب إلى التّشبّث ١٩٥/٢
أَلْجَأَتْنِي: وإن ألجأتنى إلى قرابتى حرمونى ٥٩/٣
أَلْجَأْتُ: أللّهمّ إليك ألجأت أمرى ٢٥٤/١
وألجأت ظهري فلاتكلنى إلى نفسي ١ - ١٣٥
إليك ألجأتُ ظهرى وإليك فوّضت أمرى ٢٨/٢
إليك ألجأت ظهرى ٢٩/٢
يَلْتَجِئُ: سيّدى كلّ مكروب إليك يلتجئُ ١٩٩/٩٧
يلتجئُ المُلتجئون ١٥٩/١
وإلى من يلتجئ المخلوق إلاّ إلى خالقه ١١٦/٧٣
يامن كلّ هارب إليه يلتجئُ ١٨٥/٦
أَلْتَجِئُ: وإلى من ألتجِئُ إن لم تنفّس كربتى ١١٦/٩٨
نَلْتَجِئُ: فإليك نلتجئ من مكائد خدعها ١٩٦/١
لَجَائِي ولجائى إلى الإقرار بتوحيدكَ ١١٦/١٤
اللاّجِينَ: إيّاك أدعو ... يا ... ظهر اللاّجين ١٤٩/١٦
ياأمان الخائفين وظهر اللاّجين ٢٥١/٦٧
وأعلم أنّك لانكل اللاّجين إليك إلى غيرك ١٩٩/١٨٠
وياحصن اللاّجين ١٩٥/١
لاإله إلاّ أنت ظهر اللاّجين ١٠ - ١٢٠
ياظهر اللاّجينَ ومأمن الخائفين ١٢١/١
اللاّجُونَ: يا ... أرأف من لجأ إليه اللاّجون ١٩٩/٧٣
الْمُلْتَجِئ: مفزع المضيّع لحظّ نفسه الملتجئ ١٥٣/٢
الْمُلْتَجِئُون: يلتجئُ المُلتجئُون ١٥٩/١
مَلْجَأً: فأنت ... ملجأى إذا لم أجد ملجأً ٢٤٥/٢
يامجيب المضطرّين يامُلجأً الهاربين ١١٤/٢
فأسألك ... سؤال من ... لاملجأ له منك إلاّ اليك ١٦٦/١١
ويامُلجأ الهاربين ١١٧/٢٥
إذ لم أجد ملجأً ألجأ إليه ٢٣٩/٣
اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد... ملجأ الهاربين ٢٠/٣
لامهرب لى ولاملجأ ولامنجى ولامأوى ١٤٨/١٤
ومُلجأِ الهاربين ١١٣/٣
إليك فررت بنفسى يامُلجأ الخائفين ١٢٠/١١
مَلْجَأُهُ: وأين مفرّه ومُلجأه إن بطرده ٢٠١/٤
مَلْجَأي: فأنت... ملجأى إذا لم أجد ملجأً ٢٤٥/٢
وأنت إلهى مفزعى ومُلجأى ١٧٢/٤
فأنت إلهى مفزعى ومُلجأي ١٧٣/٥

ل.ج.ج.

لُجَّةَ: وخاضوا لجّة السّرور ٢٠٠/٢٤
اللُّجَجِ: الفلك الجارية في اللّجج الغامرة ٢٠/٢

ل.ج.ل.ج

تَلَجْلُجِ: تلجلج لسانى في الموقف ٢٤٣/٦

ل.ح.ح.

أَلَحَّ: وألحّ عليها «بلاد المشركين» بالقُذوف ٦٧/١٥
إلْحاحِ: أعوذبك من ... إلحاح الشهوة ٢٦/١
الّذى لايبخّلك إلحاح الملحّين ٢٤١/٢
أدعوك إلحافاً وإلحاحاً ١٤١/١٦
مُلِحٌّ: إلهى أدعوك دعاء ملحّ ١٩٧/٣٠
سيّدى أدعوك دعاء ملحّ لايملّ مولاه ١٩٩/١٣٤
ولانفذ منعك سؤال ملحّ ٢٣٧/٢
أللّهمّ إنّى أسألك سؤال ملحّ ٢٤٣/١
الْمُلِحّينَ: الّذى لايبخّلك إلحاح الملحّين ٢٤١/٢
يامن لايخيّب الملحّين عليه ١٤٦/١

ل.ح.د

لاأُلْحِدُ: لاألحد في تأويلها ١٩٩/١٣
اللَّحْدِ: فلمّا استقرّ في اللّحد ٢١٤/١٣٣
وحيد ... أصبح في اللّحد غريباً ١٩٧/٣٣
وسكن اللّحدَ غريباً ١٩٩/١٣٩
إرحم ... وفي اللّحد وحشتى ١١٦/٩٥
لَحْدِهِ: هوىٰ مصرعاً في لحده وتوزّعت ٢١٤/٦٢
ثوىٰ مفرداً في لحده وتوزّعت ٢١٤/١٤٠
لَحْدِي: أبكى لضيق لحدى ١١٦/٧٩
الْإِلْحادَ: وجنّبنا الإلحاد في توحيدك ١٨ - ١١٥
أحجبنا عن الإلحادِ في عظمتك ١٥/١ ـ ٨/٢٠
جنّبنا من الإلحادِ والشّكّ في أمره ١/١٢
وأحينى بيقين أسلم به من الإلحاد ١٩٩/٧٢
من الآحاد من الشّرك والإلحاد ٢٣٦/٦
الْمُلْحِدُ: يصفك بها الملحد إلى تبديل ٢٤٧/٥
الْمُلْحِدِينَ: وأبر به «امام زمان» الملحدين ١١٩/٢٧
وأدر رحى نقمتك على الملحدين ٩٧/٣
مَلاحِدِهِمْ: تفسح به عليهم ضيق ملاحدهم ١٢٣/٣٧
مَلاحِدِنا: في ضيق ملاحدنا ١٠٩/١٩

مُلْتَحَداً: لاأجد من دونك ملتحداً ١٤/١٩٩ ـ ٢٩/١٤٨
ولن أجد من دونك ملتحداً ١٢٩/١١٦

ل.ح.ظ.

اِلْحَظْنِي: إلحَظنى بلحظةٍ من لحظاتك الكريمة ٢٣/٤٢
لَحْظَةً: إلهى هب لى لحظة من لحظاتك ١/١٧٢
اللّهمّ هب لى لحظة رحيمة من لحظاتك ٢/١٧٣
بِلَحْظَةٍ: الحظنى بلحظة من لحظاتك الكريمة ٢٣/٤٢
لَحَظَاتِ: زال عن محبّتك من ... لحظاتِ عينى ١٨/٨٠
لايخفى عليه إغماض الجفون ولالحظاتُ العيون ٦/٢٣٤
لَحَظَاتِكَ: إلهى هب لى لحظة من لحظاتك ١/١٧٢
اللّهمّ هب لى لحظة رحيمة من لحظاتك ٢/١٧٣
الحظنى بلحظةٍ من لحظاتك الكريمة الرحيمة ٢٣/٤٢
لَوَاحِظِ: بستره عن لواحظ المتوسّمين ١٧٥/١٩٩

ل.ح.ف.

اِلْحَافاً: أدعوك ... إلحافاً وإلحاحاً ١٦/١٤١

ل.ح.ق

لَحِقَهُ: او لَحِقه بي او بسببى ظلمٌ ففُتُّه بحقّه ٤/١٠١
فَلَحِقَ: واجعلنى ممّن لزم فلحق ١/٢٤٨
لَحِقْتُ: فكم قد لحقت رحمتك بالمسيئين ٧/١٠١
يَلْحَقُ: يلحق بها التّالى ٢٩ ـ ١١٩
تَلْحَقُهُ: أعبذ ... جميع ما تلحقه عنايتي ٢٤/٢٢
لاتَلْحَقُنَا: ... ولاْ تلحقنا فيه سأمة ٣/٣٣
لَمْ تَلْحَقْهُ: ولم تلحقه أوهامهم ١٤/١٤٢
أَلْحَقْتَهُمْ: ألحقتهم بتجافيف التراب ٢٤/٢١٩
أَلْحَقْتَهُ: وألحقته بمن تولاّه ٥٥/١٤٩
يُلْحِقُنِي: واطْوِ عنهم ما يلحِقُني عندك شناراً ٣/١٠٨
تُلْحِقُهُ: آجعلنى ممّن تلحقه بصالح من مضى ١٧/١٢٣
حَتّى تُلْحِقَنِي: ولاغنى بى حتّى تلحقنى بهم ٢٢/٢٥٧
أَلْحِقْ: اللّهُمَّ ألحِق أهلَ بيت نبيّكَ وذُرّيتهم ... ١٧/٤٢
اَلْحِقْنِي: وألحِقنى بميدان الصالحين ١/٤١
وألحقنى بميدان المطيعين لك ١/٨٤
ألحقنى بالصّالحين من عبادك ٦/٣٦
وألحقنى بالّذين غمرتهم سعة رحمتك ١٦/٢٠٦
اللّهمّ ... توفّنى مسلماً وألحقنى بالصّالحين ١٢/٧٧
أَلحِقنى بالصّالحين الأبرار ٤/١٨٨
ألحقنى وإيّاهما «والدين» بالأبرار ١١/٢٤٧
توفّنى مسلماً وألحقنى بالصّالحين ٧٩/١٩٩
أَلْحِقنى بصالح من مضى ١٢١/١١٦
اللّهم ... ألحقنى بالصّالحين ١١ ـ ١٣٩
وأَلحِقنى بأوليائك الصّالحين ١١٦/١١٦
ألحقنى بالصّالحين والصّالحات والأبرار ٩/٢٤١
أَلْحِقْنَا: وألحقنا وإيّاهم بالأبرار ١٧/٢٠٦
ألحقنا بعبادك الّذين هم بالبذار ٣/١٨٩
اَلحِقنا بهم مؤمنين مُخْبتينَ ١٧/٤٢
لُحُوقَ: ولالحوق قدم بقدم ١/١٠٣
لُحُوقُهَا: ولابدّ اَن تفنى سريعاً لحوقها ٢١/٢١٩
على جدد قصد سريعاً لحوقها ٢٨/٢١٩
اَلْلِحَاقِ: ونحرص له على وشك اللحاق بكَ ٣/١٠٣
لاَحِقٌ: واللاّزم لهم «محمّد وآل محمّد» لاحق ٢/١١٣ـ٢٠/٢
لَوَاحِقِ: محصّناً من لواحق الرّيآء ١٩١/١٩٩

ل.ح.م.

لَحْماً: ثمّ كسوت العظام لحماً (قرآن) ١٤/٨٨
اللَّحْمِ: الولد من بين المشيمة واللّحم بعزّتك ١/١٧٤
إذا أكلت الدّيدان محاسنى واللّحمَ ٤٧/١٩٨
لَحْمِي: إلهى ليت السّباع قسّمت لحمى ٥/٢٠٥
ألّلهمّ آجعل ... نوراً في لحمي ٣ ـ ١٣٤
لُحْمَةٍ: ومنعه لاعن لحمةٍ ولانسبةٍ ٢٩/١٠

ل.د.د.

التَّلَدُّدَ: وأكثروا التلدّد والإنتحاب ٥٧/٢١٤

ل.ذ.ذ.

يَلَذُّ: وكيف يلذّ العيش من هو موقن ٣١/٢١٤
وكيف يلذّ العيش من هو موقف ١٠٧/٢١٤
أَلَذُّ: إلهى ما ألذّ خواطر الإلهام بذكرك ٥/١٩٣
أَلَتَذُّ: عمّا ألتذّ بنواظر فكرها من سوء الغفلة ٢٩/٢١٩
تَلَذَّذَتْ: تصمّ أسماعاً تلذّذت بسماع ٥/١٨٤
لَذَّةٍ: وأستغفرك من كلّ لذّةٍ بغير ذكرك ٤/١٩٤
وأذقنا حلاوة عفوك ولذّةَ مغفرتك ٣/١٩٦
حتّى أجد لذّةَ ما أدعوك له ١٠/٥٩
... ولينا لوابه لذّةً وشهوة ... ٢/٢١
فأعرف لذّةَ الغنى ٢/٣٥
حتّى نجد لذّةَ ما ندعوك به ٦١/١٤٢
ماعظيم البلاّء فأجد لذّةَ الرّخاء ٢٤/٢٥٧
لَذَّتِهَا: أن ينال طالب الدّنيا من لذّتها ٣٣/٢١٤
وما عسىٰ أن ينال صاحب الدّنيا من لذّتها ١٠٩/٢١٤

بِلَذَّةٍ: وبلذّةٍ يومك لاهٍ ٢١٤/٩
حبّب إليّ ... حتى أدخل فيه «ماتحبّ» بلذّةٍ ٧٧/٤
بِلَذَّتِها: أو يسرّ بلذّتها أريب ٢١٤/٢٩
لَذّاتِ: تشغلنا بهما عن لذّات الدّنيا ٢٠٠/١٤
اللَّذّاتُ: وتشغلنا اللّذّاتُ عمّا نحاذر ٢١٤/١٠٦-٢١٤/٣٠
عن اللّهو واللّذّاتِ للمرء زاجر ٢١٤/١٠
أنا الذى ... لم أراقب عند اللّذّاتِ زجرك ١٤٨/١٠
لَذّاتُها: من ذنوبٍ أدبرت لذّاتها فذهبت ٨٠/٦
مُتَلَذِّذاً: كم بقيت متلذّذاً في طوامس هوامد ٢١٩/٢٧
لَذيذِ: فبك إلى لذيذ مناجاتك وصلوا ١٨٩/٤
بِلَذيذِ: متّعنا بلذيذ مناجاتك ١٨٨/٣

ل.ز.ق

اللَّزِيقِ: أقرب إليّ من الصّاحب اللّزيق ١٩٩/٤٠

ل.ز.م.

لَزِمَ: وإجعلنى ممّن لزم فلحق ٢٤٨/١
وجانب الإصرار ولزم الإستغفار ٣٤/١٠
ومن لزم عبادتك جدير بالإنابة ٢٥٦/١
لَزِمَني: أم لزمنى في وقت دعآئى مقتك ٣٤/٤
ومن حقّ ذى حقّ لزمنى لمؤمن ١٠٠/٢
لَزِمَنا: ولزمنا له الذّمام المحفوظ ١٤٢/٢٧
فَلَزِمَنِيْ: فلزمنى النّكر والنّآء ١٩٩/١٨١
فَلَزِمَتْ: من ذنوب ... أقامت تبعاتها فلزمت ٨٠/٦
أَلْزَمَ: وألزم أعدآئك الحجّة في قتلهم إيّاك ٢٥٥/٢
أَلْزَمَني: فيامن ... ألزمنى إقامة حدوده ١٩٩/٧٢
أَلْزَمَنا: جنّبنا ركوب الآثام وألزمنا الطاعة ١٤٤/١٨
أَلْزَمْتَنيهِ: واقض عنّى كلّ ما ألزمتنيه ٥٩/٧
ما ألزمتنيه من فرض الآباء والأمّهات ٢٤٣/١٢
يُلْزِمُهُ: إلاّ حصل عليه من إحسانك مايلزمه شكرك ٨/١-٩٨/١
أَلْزِمْ: ألزم قلبى حفظ كتابك كما عَلَّمتنى ١٥٣/١٢
أَلْزِمْنيهِ: بل ألزمنيه في أحوال السهو ١٤٧/٩٦
إِلْتَزَمْتُ: إلتزمت الصيام الذى جعلته حقّاً ١٤٤/١٩
لُزُوْمِ: أن تعيننى على ... لزوم عبادتك ٢٥٣/٣
فرّق بينى وبين ذنبى المانع لى من لزوم طاعتك ١١٦/٨٥
ولزوم الجماعة ورفض أهل البدع ٥٥/١٦
اللاّزِمُ: له النّكر الدّآئم والأمر اللاّزم ١٩٩/٧
واللاّزم لهم «محمّد وآل محمّد» لاحق ١١٣/٢ ـ ٢٠/٢

ل.س.ن.

لِسانَ: فقد أمتّ به «محمّد» لسانَ الباطل ١٠/٢٢
ويأىّ لسانٍ أدعوك ٢٠١/٢
بأىّ لسانٍ نناجيك وقد نقضنا العهود ٢٠٠/٩
صلّ على آدم ... لسانِ قدرتك ٢٢٢/٢
سيّدى كيف أسكت بالإفحام لسانَ ضراعتى ١٩٩/١٠٦
الحمدلله المذكور في كلّ لسانٍ ١٩٩/٥
اللّهمّ إنّى أسألك ... لساناً صادقاً عليّاً ١٩٩/٢٥
ولك من لسانِ حالى أبلغ ٧ - ١٨٨
أنت ... المدعوّ بكلّ لسانٍ ١٩٤/٤
بكلّ لسانٍ تحمد ٢٤٧/٤
لالسانٌ نطق به ٤٦/٤
واجعل لى لسانَ صدق في الغابرين ١٤٧/١٠٩
ولاتخرس لساناً عَوَّدته الثناء عليك ٣١/١
ومحموداً بكلّ لسانٍ ١٤٢/٢٠
ولساناً على من خاصمنى ٥٥/١١
واجعلِ لى ... لساناً صادقاً ٢٥١/٤٧
وارزقنى قلباً ولساناً يتجاريان ٢١٩/٢
اللِّسانُ: وهفا اللسانُ عن نشر محامدك ٢٣٧/٣
أرزقنى ... صدق اللّسانِ ١٠ - ١١٧
إرحم عبدك الذّليل ذااللّسان الكليل ١٩٢/٩
لِسانَهُ: وابسط لسانَهُ «محمّد» في الشّفاعة لأمّته ١٠/٢٤
وميزان قسط لايحيف عن الحقّ لسانُهُ ١٠٩/٤
وتخرس عنّى لسانَهُ «المريد بالسوء علىّ» ٦١/٨
سلقنى بحدّ لسانِهِ ١٥٢/٩
لِسانِكَ: ولسانك في خلقك أجمعين ٤٢/٩
لِساني: إلهى أتحرق بالنّار لسانى ٢٠١/٣٤
إلهى إذا ... إنطلق لسانى بتمجيدك ١٩٧/٢٣
قد أكلّت لسانى كثرة ذنوبى ٢٠١/١
قد أخرست المعاصي لسانى ٢٠١/٢
أللّهمّ لك قلبى ولسانى ١٩٩/٣١
وأصمت لسانى عن الفحشاء ١٩٩/٣١
وأزلّ لساني إن لم تثبّته ١٦٤/١٦
ذكرك باللّيل والنّهار على لسانى ٢٥١/٢١-٢٥٢/١٣
ونطق لسانى بتمجيدك ١٩٩/١٣٢
واحبس لسانى بذكرك ٢٥١/٩
ولو لم تطلق لسانى بدعائك ما دعوت ١٩٩/٩٤
فآلاؤك جمّة ضعف لسانى عن إحصائها ١٨٧/٥
أطلق به «كتابك» لسانى ١٥٣/١٣
تلجلج لسانى في الموقف ٢٤٣/٦
وكلّ عن جوابك لسانى ١١٦/٨٨

وذكرك وحسن الثنّاء عليك لساني ٦١/٥
وماقدر لساني يارتِ في جنب شكرك ١١٦/٨٣
ولم يخطر ببالي ولم يجر على لساني ١٦١/٨
وتحمدك نفسي ولساني وعقلي. ١٦٣/٦
كلَّ لساني عن مناجاتك ٤٩/١٠
أنا المقرّ على نفسي بما ... نطق به لساني ١٤٨/٥
أو ينطق بها لساني ٢٠٦/١٣
ذكرتك في خلال ذلك حتّى يكلَّ لساني ٤٩/١٧
أطلقت لساني بذكرك رحمة لي منك ١٤٨/٢٠
زال عن محبّتك من ... حكايات لساني ٨٠/١٨
وما أجرىٰ على لساني من لفظةٍ فحش ٥٥/٢٢
ومن ينطق لساني إذا خلوت بعملي ٩٠/٥
وأنطق لساني بالحمكة ٨٧/٣
وينطلق بها لساني إلاّ الرّجاء منك ٢٠٥/١٢
وأطلق لساني بذكرك ٢٥٢/٣٨
ونطق لساني بتحميدك ٢٠١/٤٣
ولك الحمد على بسط لساني ١١٦/٨٢
بِلِسَانٍ: أدعوك با سيّدى بلسان قد أخرسه ١١٦/١٨
فَبِلِسَانِي: أفبلسانى هذا الكالّ أشكرك ١١٦/٨٣
أَلْسُنَ: ولاتبسط علينا فيه ألسنَ الطّاغين ١٢٢/٥٣
كلّت عن بلوغ ذاته ألسنُ البلغاء ٢٢٣/٥
الْأَلْسُنُ: وغربت الألسن وأخلفت ٢٢٠/٢
كذبت الألسن وأخلفت العداة إلاّ عندك ١٤٣/١٩
تعجز الألسن والأفهام عن وصف مرادك به ١٤٤/١٣
والنّاطق إذا خرست الألسن في الثّناء ١٠/٢٣
وكلّت الألسن دون عبارته «محمّد» ١٠/١٩
كلّت الألسن عن غاية صفته ٢٣٨/٢
وعجّت إليك الألسن بأصناف الدّعاء في بلادك ١٩٩/٩٨
يعلم ... نطق الألسنِ ورجع الشّفاه ١٤٩/٢٤
ونكفّ من غرب الألسن ١٠/٩
وكلّت الألسن عن صفاتك ١٤٩/٤
مختلفى الألسن والألوان والأبدان ٢٢٣/٢
إلهى قصرت الألسن عن بلوغ ثنائك ١٩٣/١
كلّت الألسن عن غاية وصفها ٢٤٩/١٥
ذلك ما تكلّ الألسن عن صفته ٢٤٩/١٧
كلّت الألسن عن صفة ذاتك ٢٣٩/٩
أَلْسُنِنَا: إنطلاق ألسننا في وصف منّتك ٨/٢٦
أَلْسِنَةِ: الذّكر رطوبة ألسنةِ الذّاكرين ٢٠٠/٣٤
حتّى ناجتك ألسنةُ القلوب الخفيّة ٢٠٠/٣١
تخرس ألسِنةُ نطقت بالثّناء على مجدك ١٨٤/٤
أَلْسِنَتَهُمْ: واخزم ألسنتهُم عن النطق ٦٧/٧
فإنّ قوماً آمنو بألسنَتِهم ليحقنوا به دماءهم ١١٦/٧١
أَلْسِنَتُنا: ولاتنطق ألسنتنا إلاّ بما منّلت ٩ - ١١٥
وسهّلت جواسى ألسنَتِنا بحسن عبارته ١٠٩/٥
ومن ألسنتنا صدق الإعتذار ١٤٢/٤٩
وذكرناك حتّى تكلّ ألسنتنا ٢١٣/٢
جريان ذكرك على ألسنتنا ١٩٤/١
ما اجريت على السنتنا من نور البيان ٢٠٠/٢٢
واجعل ... إنطلاق ألسنتنا في وصف منّتك ١٥/١٦
واشغل ... ألسنتنا بشكرك عن كلّ شكر ٣٣/٢
واجعل ... لهجات ألسنتنا في موجبات ثوابك ٣٠/٦
بِأَلْسِنَتِنا: وإنّا آمنّا بك بألسنتنا وقلوبنا ١١٦/٧١
لِأَلْسِنَتِنا: ولألسنتنا عن الخوض في الباطل ١٠٩/١١

ل.ص.ق.

اللَّصيقِ: أقرب إليّ من الجار اللّصيق ١٩٩/٧٦

ل.ط.ف.

لَطُفَ: ولايفوتها «قدرته» شيء وإن لطف ٩/١
لَطُفْتَ: ولطفت في عظمتك ١٤٩/٦
فقديماً لطفت لمسرف على نفسه ٢٤٣/١٠
أَلْطُفُ: والطُف لى إنّك لطيف لما تشاء ٣٧ - ١١٧
والطُف لهم «اهل الثّغور» في المكر ٦٧/٢
ألطُف لنا في نقض حيله ٥٠/٧
أَلْطَفَ: سبحانه ما ... ألطف ما صنع في شأنك ١١٠/٣
أَلْطَفَكَ: سبحانك من لطيف ما ألطفك ١٤٧/٢٢
تَلَطَّفْتَ: وتلطّفْت في الترغيب ١٤٦/١١
لُطْفِكَ: وصوّرتنا في الظلماء بكنه لطفك ٢٠٠/٢
سيّدى إن أوحشتنى الخطايا من محاسن لطفك ١٩٩/٨٧
إلهى كسرى لايجبره إلاّ لطفُك وحنانك ١٩٢/١
منار القصد إلى طريق أمرك بمعادن لطفِك ٢٤٩/١
منتجع غيث جودك ولطفِك ١٨٦/٥
وقد رجوت أن تكون في لطفِك تتولّى ١٩٧/٢١
بِلُطْفِ: وأن تعيننى على طاعتك... بلطف ٢٥٣/٣
أتقنت إنشاء البرايا فأحكمتها بلطف التّدبير ٢٤٧/٥
بِلُطْفِكَ: إلهى فكما غذّيتنا بلطفك ١٨٧/٧
اللّهمّ وفّر بلطفِكَ نيّتى ٥٥/٢
وأنت الذّى تقسمه «رزقى» بلطفك ٧٧/١٣
وأضأت لي بصرى بلطفِك ١٤٨/٢٠
واقبضنى بلطفك عن التبذير ٧٩/٣

وادرأ عنّي بلطفك واغذني بنعمتك ٥٥/٣١
تسبّبت بلطفِك الأسباب ٢٤/٢
واكفني ما أهمّني بلطفِك وكرمك ٢٣٩/١٢
فكوّنته يابديعاً بلطفك ٢٤١/١
رفعت بلطفك الفرق ٢٤٥/٣
أَلْطافِ: ثمّ رزقتني من ألطاف المعاش ١٩٩/١٧٢
أَلْطافُها: برحمتك التي... عمّت البرايا ألطافها ١٩٩/٤٢
الْمُلاطَفَةِ: بكأس الملاطفة يكرعون ١٩٣/٢
لَطِيفٌ: إنّك لطيفٌ لما تشآء ٥/٣٦ ـ ٥/٢٤٢ ـ ١١٧/٣٧
يابرّ يالطيفُ ١١٨/١
فأنلني لطائف مننك فإنّك لطيفٌ ١٩٩/٢٨
سبحانك من لطيفٍ ما ألطفك ١٤٧/٢٢
ربّ قد كنت لطيفاً بي في أيّام ١٩٧/٣٥
فلا تقطع لطيفَ برّك بي بعد وفاتي ١٩٩/١٢٢
فقد كنت بي لطيفاً أيّام حياة الدّنيا ١٩٩/١٤٦
بلى إنّك لطيفٌ ١١٧/٣٧
فإنّك لطيفٌ تجود على المذنبين والمسرفين ٢٣٩/٦
ياعظيم الخطر يالطيفَ الخبر ١٧٧/٢
ياالله يالطيفُ ياجليل ١٤١/٢
اللَّطيف: فغذوتني بفضلك غذاء البرّ اللّطيف ٨٨/١٥
كلّ من يعنيني أمرهُ بالله الحافظ اللّطيف ١٥٩/٣
الرّحيم اللّطيف الخبير ١٤٣/١
بِاللَّطِيفِ: نسبت نفسك ياسيّدي باللّطيف ١١٧/٣٧
لَطائِفَ: فأنلني لطآئف مننك فإنّك لطيف ١٩٩/٢٨
ضربت علىّ لطآئفُ برّك ١٨٧/٥
وحارت في كبريائك لطائفُ الأوهام ٨٨/٣
فبلّغ محمّداً ما حوته لطآئفُ مسألتي ١٠/٣٢
أبتهل إليك بعواطف رحمتك ولطائِفِ برّك ١٨٦/٤
أَلْطَفَ: ألطف من الإستخذآء لك فعلته ١٩٧/٣١
أَلْطَفَها: إجعل ... أجمل تحيّاتك ألطفها ١٩٩/٦٢
أسألك ... من المنازل ألطفها ١٩٩/٢٢

ل.ط.م.

لَطَمَتْ: ولطمت خدودها إماؤه ٢١٤/١٢٥ ـ ٢١٤/٤٩
تَلاطَمَتِ: تلاطمت البحور بالأمواج ١٩٩/١٩

ل.ظ.ى.

لَظىٰ: ووصفته «العذاب» بما وصفته من... لظىٰ ٢٥٧/١٦

ل.ع.ب

أَنْ يَلْعَبَ: أن يلعب بي الشيطان في ٢٢/٣٥
اللَّعِبِ: أشكو نفساً... ميّالة إلى اللّعب واللّهو ١٨٣/٢

ل.ع.ج

لَواعِجِ: عرّفتهم... كيل ما تحويه لواعج الأمطار ١٢/١١

ل.ع.ق.

لَعْقِ: إقتصرت على القليل من لعق الطّعام ١٩٧/٤٦

ل.ع.ن.

لَعَنْتَ: لم تجعل سهمي فيمن لعنت ٢٤٨/١٠
إِلْعَنِ: أللّهمّ العن الجبت والطّاغوت ١٩/١
إِلْعَنْ: اللّهمّ ... إلعن من ظلمهم «الائمّة» ١٨١/٥
إِلْعَنْهُمْ: والعنهم «الظّلمة» لعناً كبيراً ١١٩/١٢
لَعْناً: والعنهم «الظلمة» لعناً كبيراً ١١٩/١٢
اللَّعْنَةُ: ولهم اللّعنة ولهم سُوءُ الدّار (قرآن) ١٩٩/٤٩

ل.غ.ب.

لُغُوبٍ: ولاإعياءٌ من لغوبٍ ولافتور ١٢/٧
من غير أن تمارس فيما ابتدأت لغوباً ٢٤٥/٤
لايمسّهم فيها نصب ولايمسّهم فيمالغوبٍ(قرآن) ١٤٣/٥٥
اللَّغْبَةَ: إرحم به الأبدان اللّغبة ٧٠/١٣

ل.غ.و.

لُغاتُ: يامن ... لايشتبه عليه لغات الدّاعين ١٧٦/١
اللُّغاتِ: تعزّزت أن تحيط بك تصاريف اللّغات ٢٤٧/٣
فقد عجّت الأصوات بصنوف اللّغات ٢٣٧/٧

ل.ف.ظ.

لَفَظَتْني: أنسى في الخلوة إذا ... لفظتني الأوطان ١٩٩/٤١
فَتَلْفِظَني: ولاتكلني... إلى الدّنيا فتلفظني ١٢٩/٦٣
لَفْظٌ: ومابقي للحمد لفظ تحمد به ١٤٢/٢١
لَفْظَةٍ: وما أجرئ على لساني من لفظة فحش ٥٥/٢٢

ل.ق.ح.

لَواقِحُ: فإنّ الشّكوك والظّنون لواقح الفتن ١٨٨/٢

ل.ق.ف.

تَلْقَفُ: ألق ما في يمينك تلقف ما صنعوا (قرآن) ١٥٩/١٣

ل.ق.ن.

لَقَّنْتَهُ: اللّهمّ وآدم ... لقّنته ما رضيت به عنه ١١/٣
فَلَقِّنِي: حجّتي يوم القيامة فلقّنّي ١٥٣/١٩

ل.ق.ى.

لَقِيتُكَ: إلقنى بمغفرتك كما لقيتك بإقرارى ٨٠/٩
يَلْقَاكَ: واجعلنى ممّن يلقاك على الحنيفيّة السّمحة ٢٦٨/٣
حتّى يَلْقَاكَ: قلباً يخشاك كأنّه براك حتّى يلقاك ١٣٧/٥
تَلْقَى: وتلقى من توكّل عليك ١٦٣/١٣
تَلْقَى: تلقى سكّانها بأحرّ ما لديها ٨٨/٢٠
أَلْقَىٰ: آه واخطيئتاه على أىّ حال ألقى ربّى غداً ١٩٨/٦٧
أَلْقَاكَ: فبأىّ وجهٍ ألقاك ٢٠١/٢
اونضاعف به من سيّئاتى يوم ألقاك ياربّ ٥٩/٨
خير أيامي يوم القاك ١٤١/٢٠
والرّاحة عند الموت والعفو عنى حين ألقاك ٨٢/٧
وجيهاً عندك يوم أقوم لك وألقاك ١٩٩/٩١
أسألك ... العفو عنّى حين ألقاك ٨٢/٧
حَتّى أَلْقَاكَ: حتّى القاك سيّدى وأنا من المتّقين ٧٧/١١
وثبّت قلبي على دينك وطاعتك حتّى ألقاك ١١ - ١٣٣
ولاتفتّر علىّ في حياتي إلى حين وفاتي حتّى القاك ١١٤/١٢
حتّى ألقاك وأنت عنّى راضٍ ١٤٩/٧٠
واجعلنى له متّبعاً حتّى ألقاك ١١٣/٩
نَلْقَاهُ: ونلقاه «محمّد» بأخمدها «أصوات» ١٠/٩
نَلْقَاكَ: أى ربّ فبأىّ وجه عزّ وجهك نلقاك؟ ٢٠٠/٩
أَلْقِنِي: إلقنى بمغفرتك كما لقيتك بإقرارى ٨٠/٩
أَلْقَى: إرحم من ألقى عن رأسه قناع الحيآء ١٩٩/٤٧
على من ألقى بيده إليك من عفوك ١٤٧/٧٦
فَأَلْقَى: فألقى عصاه فإذا هى ثعبانٌ مبينٌ (قرآن) ١٥٩/١٦
أَلْقَتْنِي: وألقتنى السّيّئات بين عفوك وغفرانك ١٩٩/١٣١
سيّدى ألقتنى الحسنات بين جودك وإحسانك ١٩٩/١٣١
وألقتنى السّيّئات بين عفوك ومغفرتك ١٩٧/٢٢
إلهى ألقتنى الحسنات بين جودك وكرمك ١٩٧/٢٢
أَلْقَيْتَ: ألقيت علىّ نعاساً إذا أنا صلّيت ١١٦/٥٣
أَلْقَيْتُ: وإليك ألقيتُ بيدي ١١٦/٨٤
وألقيت عليك محبّة منّى (قرآن) ١٥٩/٢٠
لأَلْقَيْتُ: الّذى شمل كلّ شىء لألقيت بيدى ١٦٢/٣
يُلْقِي: اللّهمّ اجعل ما يلقى الشيطان في روعى ٥٥/٢١
تُلْقِي: إن لم تداركني منك برحمةٍ تلقى بها ٧٧/١٠
أَلْقِ: ألق الرّعب في قلوب أعدائك منّى ٧٧/٣
ألق علىّ محبّتك ١٢٣/١٣
ألق ما في يمينك تلقف ما صنعوا (قرآن) ١٥٩/١٣
أَلْقِهِ: ألقه «من يؤذيني» في الحطمة الكبرى ١٦٠/٢
لَقِّهِ: ولقّه منك رضواناً ١٠٦/١
لَقِّهِمْ: لقّهم نظرة وسروراً ١٤٣/٣٩
لَقِّنِي: لقّني روحاً وريحاناً وجنّة نعيمٍ ١٤٨/٣٥
ولقّنى فيها حجّتي ١٧١/٨
فَلَقِّهِ: من أهل ملّتك ... فلقّه اليسر ٦٧/١٦
لاَقِي: لمثل الّذى لاقى أخوه محاذر ٢١٤/١٣٦ ـ ٢١٤/٥٨
أُلاَقِي: وكُلاّ ألاقي نكبة وفجيعةً ٢١٩/٦
تَلَقَّاكَ: تلقّاك بالإنابة ٣٤/٧
تَلَقَّانِي: وتلقّاني بكلمة كفره ٨٨/٧
فَتَلَقَّاكَ: فتلقّاك بنفس خاشعة ٨٨/١١
تَلَقَّيْتَ: وتلقّيت من عصاك بالحلم ١٢٢/٤
تَتَلَقَّاهُمُ: وتتلقّاهم الملآئكة هذا (قرآن) ١٩٩/٣٠
فَتَتَلَقَّاهُمْ: فتتلقّاهم مفرونة بالرّوح والسّرور ١٩٩/٦١
اللِّقَاءِ: من بين يدى هول ذلك اللّقاء ١١٨/٦
لِقَآئِهِمْ: وأنسهم عند لقائهم «أهل الثّغور» العدوّ ٦٧/٢
لِقَائِكَ: فاجعلنا ممّن ... شوّقته إلى لقائك ١٩٠/٢
لقائك قرّة عيني ١٨٩/٧
أَللّهمّ إجعل خير أيّامي يوم لقائِك ٢٢٧/١٠
ولايعمّر في الدّنيا من كره لقائك ١٦٦/٤
سيّدى ومولاي ولابدّ من لقائِك ١٢٨/٢٤
واجعل فيما عندك رغبتي شوقاً إلى لقائِك ١٧١/٥
وأشرفت على خوف لقائِك فلا مسكّن لروعتي ٥٧/١
وشوّقني لقائك وتب علىّ توبةً نصوحاً ١٢٧/١٠٨
وأن تبارك لي في لقائِك ١١٤/٩
واجعل لي في لقائِك الرّاحة والفرج والكرامة ١١٦/١٢٠
لوعتي لايطفيها إلاّ لقائك ١٩٢/٣
أسألك إيماناً لاأجل له دون لقائِك ١١٦/١٢٣
إلهى ما أشوقني إلى لقائِك ١٩٧/٥
وأقرر أعيننا يوم لقائِك برؤيتك ١٩٦/٣
وأقررت أعينهم بالنّظر إليك يوم لقآئِك ١٩١/٣
وأبغضت لقائك لضعف نفسي ٢٥٧/١٠
فاجعل نفسي ... مشتاقة إلى فرحة لقائِك ٢٥٥/٣
وسلّمني ما بيني وبين لقائِك ١٤٩/٦٠
حبّب إلىّ لقائك ١١٦/١٢٠
لِقَائي: وأحبب لقائي ١١٦/١٢٠
بِلِقَاءِ: وبلقاء منكرٍ ونكيرٍ مسرورين ٢٠٦/٢٢
بِلِقَآئِكَ: فسرّني بلقآئك عند إقتراب أجلي ١٩٧/١٣
٢٠١/٤٢ ـ ١٩٩/١٢٦

لِلِقائِكَ: ولاتخزني يوم تبعثني للقائك ١٤٧/٩٦
إن أنامتني الغفلة عن الإستعداد للقآئك ١٩٩/٨٧ ـ ١٨٦/٢
التَّلاقِ: القبور هي المأوى إلى ميقات يوم التّلاق ١٠٩/١٨
مُلْقِياً: أللّهمّ إنّي أصبحت... ملقياً إليك أقاليد آمالي ١٦/١

ل.م.ح

لَمَحاتِ: واجعل ... ولمحات أعيننا ٣٠/٦
لَوامِحِ: أعوذبك أن تحسن في لوامح ٢٧/١

ل.م.ز

لَمْزِهِ: أعذني فيه من... لمزهِ «شيطان» ١١٧/٧
وتؤمنني من ... لمزهِ «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٩

ل.م.س

إلْتَمَسَكَ: فمن إلتمسك لدين أو دنيا وجدك ١٤٧/٢٤
إلْتَمَسْنا: حتّى التمسنا أرزاقك من عند المرزوقين ٧٦/١
يَلْتَمِسُ: لم تبد سوءاتها لمن يلتمس معايبي ٤٩/١١
لايَلْتَمِسُ: ولايلتمسُ الهدى في غيره ١٠٩/٨
أَلْتَمِسُ: ألتمس النّجح من معدنه ١٩٩/١٧٩
يُلْتَمَسُ: يامن يلتمسُ منه المخرج إلى روح الفرج ٢٤/١
مُلامَسَةِ: تقدّست عن ملامسة النّساء ٢٤٣/٣
إلْتِماساً: في إسخاط خلقك إلتماساً لرضاك ١٦٤/٩
وذبّني عن التماسِ ما عند الفاسقين ١٤٧/١١٥
إلتماساً منّي لرحمتك ورجاءً منّي لعفوك ٢٤٩/٢٠
مُلْتَمِسٍ: ولكلّ ملتمسٍ ما عندك جزآءً ١٤٩/٥٦
أتيتك... ملتمساً سَنيّ الخبرات من عندك ١٨٦/٧
إلهي من الّذي نزل بك ملتمساً قراك ١٨٥/٢

ل.م.ع

إلْتَمَعَتْ: وإذا سبّحت به حفيفة السّحاب التمعت ١٢/١١
لامِعَةِ: أعوذبك أن تحسن في لامعة العيون ٢٧/٧

ل.م.م

أَلْمُمْ: والمم به «ولى عصر»(عج) شعثنا ١١٩/٢٤
أَلَمَّ: أم أنّى إله أقصده إذا ألمّ بي النّدم ٢٣٩/٥
ألمّ بي ما قد بهظني حمله ٢٤/٣
فاغفرله ما ألمّ به منّى ١٠١/٢
أَلْمَمْتُ: كم من شائبةٍ ألممتُ بها فلم تهتك ٤٩/١١
أَلْمَمْنا: أللّهمّ وما ألممنا به في شهرنا هذا ١٤٢/٥٢
لِلَمَّ: وأصلح لي حالى للمّ عيالي ٢٥١/٣٣
لَمَم: وما ألممنا به في شهرنا هذا من لمم أو إثم ١٤٢/٥٢
اللَّأْمَةِ: ومن شرّ السّامّة والهامّة والعامّة واللاّمّة ٦١/٦
الْمُلِمُّونَ: وضاع الملمّونَ إلاّ بك ١٤٦/٥
مُلِمَّةٍ: سيّدى أنت ... ذخري لكلّ ملمّة ١٩٩/١٦١
الْمُلِمّاتِ: أنت المفزع في الملمّات ٢٤/٢

ل.و.ح

لَوَّحْ: ولوّح منها لأبصارهم ما اعددت فيها ٦٧/٥
اللَّوْحِ: وبحقّ اللّوحِ وحياطته ١٨٠/١

ل.و.ذ

لاذَ: ومسافرٍ لاذ بكنفك فآويته ٢٠٢/٢
وتفرّج عمّن لاذبك ١٦٣/١٣
ولاذ بكنفك فآويته ٢٠٢/٥
فأنت ... راحم من لاذبك ٢٠٣/٢
ياربّ هذا مقام من لاذبك ١١٦/٣٥
وياقرّة عين من لاذبك ١١٦/٣٠
لاذَتْ: حتّى لاذت أبصار القلوب نحو السّماء ٢٠٠/٣٢
لُذْتُ: وبك استغثت وبك لذتُ ١١٦/١٣٣
يَلُوذُ: بمن يلوذ العبد إلاّ بربّه ١٧٠/٢
من يلوذبهم بالله العزيز الأعزّ ٢٣/١
أَلُوذُ: وإن لم ألذ بقدرتك فبمن ألوذ ١٩٥/٢
أللّهمّ ... بركنك ألوذ وأتحرّم ١٩٩/٢
أللّهمّ بك أعوذ وبك ألوذ ٢٢/٥
فإن طردتني من بابك فبمن ألوذ ١٨٢/٢
لاأَلُوذُ: لاألوذ بسواك ١١٦/١٣٣
لَمْ أَلُذْ: وإن لم ألذ بقدرتك فبمن ألوذ ١٩٥/٢
لِواذاً: وإذا أردت بقوم ... فنجّني منها لواذاً بك ١٤٧/١٠٢
تَلَوُّذاً: ومع ذلك خيفة وتضرّعاً وتعوّذاً وتلوّذاً ١٤٧/٨٠
اللاّئِذِ: تب على عبدك ... اللائذ بعرى غفرانك ١٦/٧
اللاّئِذينَ: فهو «الإمام» عصمة اللاّئذين ١٤٧/٦٢
أللّهمّ ياملاذ اللاّئذين ١٩٥/١
مَلاذُ: أللّهمّ ياملاذ اللاّئذين ١٩٥/١
ولاملاذٌ ألجأ إليه منك ٨٨/٧
الْمَلاذُ: عليك المعوّل وبك الملاذ ١٩٩/٢٨

ل.و.ط

لُوطاً: يامن نجّى لوطاً من القوم الظّالمين ١١٤/١٩

ل.و.ع

لَوْعَةُ: أخذت لوعة محبّتك بمجامع قلوبهم ١٩٣/٢
هل هي إلاّ لوعةٌ من ورائها ٢١٩/٣٢
في القلب منّي لوعةٌ لاأطيقها ٢١٩/٣٥
لَوْعَتي: لوعتي لايطفيها إلاّ لقاؤك ١٩٢/٣
عندك ... برد لوعتي ١٨٩/٨

ل.و.م

لَوْمَةُ: لم تأخذه فيك لومةُ لآئم ٨٣/٧
لآئِم: لم تأخذه فيك لومة لآئم ٨٣/٧
بِمَلُوم: فتولّ عنهم فما أنت بملوم (قرآن) ١٠/٤
بِأَلْوَمَ: وما أنا بألوم من اعتذر إليك فقبلت منه ٣٤/٩

ل.و.ن

الْأَلْوانِ: مختلفي الألسن والألوان والأبدان ٢٤٣/٢

ل.و.و

لِواءِ: من نشر لواء الحمد والإعتراف ١١٨/٧

ل.هـ.ج

لَهَجاتِ: واجعل ... لهجات ألسنتنا في ٣٠/٦

ل.هـ.ف

اللَّهَفِ: وأنّ في اللّهفِ إلى جودك ١١٦/١٢
لَهْفَ: فيالهف نفسي كم أسوّف توبتي ٢١٤/١٤٥
اللَّهْفِ: وأنّ في اللّهفِ إلى جودك ٢٢٠/٤
لَهْفا: ووالهفا من سوء عملي وإجتراحي ١٨٢/٣
لَهْفَتي: لهفتي لايردّها إلاّ روحك ١٩٢/٣
التَّلَهُّفِ: أنّ في التّلهّف إلى جودك ٢٢١/٣
تَلَهُّفُنا: وقد عظم تلهّفنا على الّذين أخرجوه ١٠/٢٨
اللَّهيفِ: ... وإدراك اللّهيفِ ... ٢١/١٣
أللّهمّ ... مسكينك اللّهيفُ المستجير ١٩٩/٣٨
مَلْهُوفٍ: وليس من جميل إمتنانك ردّ سآئل ملهوفٍ ١٩٩/٩١-٢٣٩
سيّدي جئت ملهوفاً قد لبست عدم فاقتي ١٩٩/٨٩
أعوذبك من ... أن نخذل ملهوفاً ٢٦/٣
وأنا إليك ملهوفٌ ٢٥١/٥٧
الْمَلْهُوفينَ: ياخير الرّازقين وياثقة الملهوفين ١٤٣/١٧
فياغاية الطّالبين ... وعماد الملهوفين ٢٤٣/٧
لِلْمَلْهُوفينَ: وللملهوفين بمرصد إغاثة ١١٦/١٢

ل.هـ.م

أَلْهَمَنا: والحمدلله على ما ... ألهمنا من شكره ١/١٢
أَلْهَمْتَهُ: فاجعلنا ممّن ... ألهمته ذكرك ١٩٠/٤
تشكر من شكرك وأنت ألهمته شكرك ١٤٢/٢
وألهمته علم عجائبه مكمّلاً ١٠٩/٦
أَلْهَمْتَني: وهب لي ... حمداً على ما ألهمتني ٢٥١/٤١
ألهمتني ما ذهلوا عنه ٢٤٨/٧
أَلْهَمْتَنيهِ: قد ذكرتك بالذّكر الّذى ألهمتنيه ١٩٩/١٤١
ولاتثقل أركاني عن الحقوف فيما ألهمتنيه ٦٣/٣
أَلْهَمَ: لما ألهم قلبي من المعرفة بكرمك ١١٦/٧٣
تُلْهِمُني: ثمّ استعملني بما تلهمني منه ٦٣/٣
أَلْهَمْهُ: أيّما غاز ... ألهمه الجرأة ٦٧/١٧
أَلْهِمْني: وألهمني التّقوىٰ ووفّقني لمّتى هى أزكىٰ ٥٥/٢٥
أللّهمّ وألهمني علم ما يجب لهما علىّ إلهاماً ٦٣/٢
وألهمني الخير والعمل به ١١٦/٥٢
وألهمني خوف عقابك ٢٥١/٤٢
وألهمني من محامدك أمدحها ١٩٩/٣٢
فَأَلْهِمْني: ما دمت حيّاً فألهمني ١٥٣/١٩
أَلْهِمْنا: أللّهمّ ألهمنا طاعتك ١٨٨/١
وألهمنا معرفة الإختيار ٩٢/١
وألهمنا الإنقياد لما أوردت علينا من مشيّتك ٩٢/٣
ألهمنا ما نعدّه له ٥٠/٦
وألهمنا ثقة خالصة تغنينا بها ٧٦/٢
وألهمنا معرفة فضله ١١٥/٦
فَأَلْهِمْنا: إلهي فألهمنا ذكرك في الخلاء والملأ ١٩٤/٢
إِلْهاماً: وألهمني علم ما يجب علىّ إلهاماً ٦٣/٢
الْإِلْهام: إلهى ما ألذّ خواطر الإلهام بذكرك ١٩٣/٥
إِلْهامِها: أنت المشكور على إلهامها ١٩٩/١١٤
إِلْهامِكَ: وإلهامك الشّكر على الإحسان والإنعام ٨٨/١٨

ل.هـ.و

لَهَوْتُ: ولهوت وغفلت وأشرت وبطرت ٣٥/٤
فسهوت ولهوتُ وغفلت وآمنت ٢٥٧/٢٧
فَلَهَوْتُ: ... أللّهمّ هديتني فلهوتُ ١٥٣/١
إلهى هديتني فلهوت ١٥٢/١
أَلْهُو: كيف ألهو عنك وأنت مراقبي ١٨٥/٢
لَمْ يُلْهِهِمْ: ولم يلههمْ الأمل عن العمل ١٠٩/١٠
لَمْ يُلْهِني: ولم يلهني الخوف فأعرف فضل الأمن ٣٥/٢
تُلْهي: وتلهى الأبناء عن الآباء ٢١٩/١٧
تُلْهِيني: بإكثار منها تلهيني بهجته ٧٨/٢
بإكثار منها تلهيني عجائب بهجته ٢٥١/٢٨ ـ ٢٥٢/٢٠

لاتُلْهِيني: تجارةٌ نامية مباركةٌ لاتلهيني ٣٦/٧
لَهْوٍ: ولانسرع بأبصارنا إلى لهوٍ ١١٥/٧
اللَّهْوِ: عن اللّهوِ واللّذّات للمرء زاجر ٢١٤/١٠
أشكو نفساً ... ميّالة إلى اللّعب واللّهو ١٨٣/٢
للّذى كنت فيه من اللّهوِ والغرّة ٣٥/٥
للّذى كنت فيه من اللّهو والفترة ٢٥٧/٢٨
لَهَوَاتِ: وخلّصني من لهواتِ البلوىٰ ١٤٧/٨٩
اللَّهَا: تردّدها منه اللّها والحناجر ٢١٤/١٢٠
اللَّهَاةِ: تردّدها دون اللّهاة الحناجر ٢١٤/٤٤
لاهٍ: ويلذّه يومك لاهٍ ٢١٢/٩
لاهِياً: على خطر تمسي وتصبح لاهياً ٢١٤/٧
فأصبح بطّالاً وأمسى لاهياً ٢٠١/١٦
لاهُونَ: والنّاس ... في غرّة الجهالة لاهونَ ١٩٩/٥٨
لاهِيَةٌ: نفسه لاهيةٌ لطول أمله ١٦٦/٩
المَلاهي: وأشتريت الملاهي ... بسهم الأرملة ٧٠/٦

ل.ى.س

لَيْسَ: نروم ما ليس لنا بحقٍّ ٢٦/٣
وليس له ممّا يحاذر ناصر ٢١٤/٤٣ ـ ٢١٤/١٩
ليس لي حسنة سبقت لي في طاعتك ٢٠٦/١٣
وليس من جميل إمتنانك ردّ سائل ١٩٩/٩١ ـ ٢٣٩/٨
ليس لها من دون الله كاشفة (قرآن) ٢٠٧/٢٤
وليس يستطيع من كره قضائك أن يردّ أمرك ١٦٦/٤
سبحان من ليس كمثله شيء ١٣١/٣
ليس ذلك من كرمي عليك ٤٩/١٤
ليس كمثله شيء (قرآن) ١٥٩/٣ ـ ١٢٣/١ ـ ١٤٧/١
لأنّك ليس أحد إلاّ دونك ١٢٨/٨
ليس له حدٌّ في مكان ٢/٥ ـ ٧/٥
إلهي ليس إعتذاري إليك إعتذار ١٩٧/١٤
فالكريم ليس يقع معروفه عند مستوجبيه ١٩٧/١١
سيّدي ليس لي عندك عهد إتّخذته ١٩٩/١١٤
سيّدي ليس إعتذاري إليك ١٩٩/١٢٧
إرحم من ليس له من عمله شافع ١٩٩/٤٤
ليس له حدّ ولاأمد ١٩٩/٥١
وليس له مجير سواك ٢٣٧/١
من كلّ شيء وليس منه عوض ٢٠٠/١٤
من ليس أعرف منه إلاّ الحسنىٰ ١٩٨/٣٣
تركتني خطيئتي كالسّقيم ليس له شفاء ١٩٨/٥٦
خطيئتي كالطّير ليس له مأوى ١٩٨/٥٥
إلهي ليس تشبه مسألتي مسآئل السّآئلين ١٩٧/٤٢
ليس لك شبيه ولاعديل ٢٤٣/٣
وليس من صفاتك ياسيّدي أن تأمر ١١٦/١٥
أسألك ياسيّدي وليس مثلك شيء ١٢١/١٩ ـ ١٢٤/٥
إلهي إنّه ليس يرد غضبك إلاّ حلمك ٥٢/١
وليس عذابي ممّا يزيد في ملكك ١٦٢/٧
زكّيتني بما ليس فيّ ١٤٨/٤
ليس لنا من الأمر إلاّ ما قضيت ٢١/٧
ليس كمثلك شيءٌ ١١٧/٣٤ ـ ٣/١
إلهي ليس لي وسيلة إليك إلاّ عواطف رأفتك ١٩١/١
ليس لحاجتي مطلب سواك ٣٤/١٢
ياإلهي أن ليس في حكمك ظلم ٥٢/٢
ليس لي إلاّ الرّجاء منك ٢٠٦/١٣
ليس يردّ غضبك إلاّ حلمك ٢٠٦/١٥
وكأنّ العقاب ليس إليك ١٤٨/٣١
حتّى كأنّ الثّواب ليس منك ١٤٨/٣١
وليس عندي ما يوجب لي مغفرتك ٥٥/٢٤
وليس لنقمته واقية ١٤٩/٢٢
ياباطناً ليس يخفى ياظاهراً ليس يرى ١٣١/١
فَلَيْسَ: فليس هذا ظنّنا بك ١١٦/٣٦
فليس كمثله شيء وهو السّميع البصير (قرآن) ٢/٨
أسألك بك فليس كمثلك شيء ١٢٤/٧ ـ ١٢١/٢٠
فليس له من كربة الموت فارج ٢١٤/١١٩ ـ ٢١٤/٤٣
فليس لهم علينا سبيل ولاسلطان إنشاءالله ٢٢/٨
فليس لأحد أن يبلغ شيئاً من وصفك ٢٤٩/١٦
لَيْسَتِ: ليست الأبصار بمدركة لك ٢٤٣/٣
فَلَسْتَ: وإلاّ تفعل فلست ممّن يشارك في حكمه ٢٥٧/١
لَسْتُ: ولست أذكر منها إلاّ قتيلاً أفنته ٢١٩/١٩
لست أعرف سواك مولىً بالإحسان موصوفاً ١٨٥/٢
لست أدرى بأىّ علاج أداوي ذنبي ٢٠١/٢٨
ولست أيأس من رحمتك الّتى يتوقّعها ١٩٩/١٤٣ ـ ٢٠١/٣١
ولستُ أدرى إلى ما يكون مصيرى ١٩٩/١٤٥
أللّهمّ إنّى لست ذاعذر فأعتذر ١٤٨/١٢
ولستُ أتوسّل إليك بفضل نافلة ٨٨/١٠
فَلَسْتُ: فلست ببدع من ولايتك ٢٥١/٥٩
فلست بريئاً فأعتذر ١٦٣/٩
فلست أخاف بغير عدلك ١٢٨/٨
فلست مستطيعاً لقضآء حقوقك ١٩٩/٧٠
إلهي لاتغضب عليّ فلست أقوم لغضبك ١٩٧/٤٣
وإن شعفت فلستُ أهلاً للشّفاعة ٨١/٤
إن شفعت فلستُ أهلاً الشّفاعة ٨٠/١٩

لَسْنا: لسنا نتّكل في النّجاة من ١١٦/٢٨

ل.ى.ق

يَلِيقُ: أصفك بما يليقُ بك من صفاتك ٢٤٩/١٨
قصرت الألسن عن بلوغ ثنآئك كما يليقُ بجلالك ١٩٣/١
يليق بك سحائب الإحاطة في بحورهم الأوهام ٢٤٧/٥
لايَلِيقُ: ولايليق بمن إستجار بعزّك ١٩٥/٣
أَلْيَقُهُا: وألبقها بما وصفت به نفسك ٢٢٣/٣

ل.ى.ل

لَيْلُ: حبارى وليلُ القوم داجٍ نجومه ٢١٩/٤١
ما إدلهمّ ليلٌ داج ١٩٩/١٩
لاأقدر أستتر منك في ليلٍ ولانهارٍ ١٢٨/١١
ولأنّه يوارى منك ليلٌ داجٍ ١٢٨/١١
نجّني من طارق يطرق في ليلٍ غاسق ١٦١/٢
ولاأستجير بتهجّدي ليلاً ٨٨/٩
اللَّيْلِ: ياخازن اللّيل في الهواء ١٣٨/١
إيّاك في اللّيلِ والنّهار يعبدون ١٨٩/٣
واغفرلي ذنوب اللّيل والنّهار ٢٣٩/١١
ياماحيَ آية اللّيل ١٣٥/١
وربّ اللّيل والنّهار والجبال والبحار ١٣٢/١
يامن جعل اللّيلَ سكناً والشّمس والقمر (قرآن) ١٢٨/٢
الحمدلله الّذى أذهب اللّيل مظلماً ٢٤٤/١
آناء اللّيل وأطراف النّهار ١٠٩/١٠
لايستطاع من ... سوء ... طوارق اللّيل ٢٢/١٩
فألهمنا ذكرك في ... اللّيل والنّهار ١٩٤/٢
ياربّاه إرحم من صلّى جوف اللّيل وناجى ١٩٨/٨٨
يا ... جاعل اللّيل سكناً ١٣٣/١
يامكوّر اللّيل على النّهار ومكوّر النّهار على اللّيل ١٣٩/١
ممّا أتقرّب به إليك في آناء اللّيل ١١٦/١٠٩
الحمدلله الّذى جعل اللّيل لباساً ٢٤٢/١
أللّهمّ ربّ «الشّفع والوتر واللّيل إذا يسر» (قرآن) ١١٤/١٣
ياموليج اللّيل في النّهار وموليج النّهار في اللّيل ١٢٩/١
يامن جعل اللّيل والنّهار خلفة (قرآن) ١٣٢/٣
ياسالخ اللّيل من النّهار فإذا هم مظلمون ١٣٠/١
الحمدلله الّذى خلق اللّيل والنّهار بقوّته ٢١/١
فخلق لهم اللّيل ليسكنوا فيه من حركات التعب ٢١/٢
أللّهمّ ياجاعل اللّيلِ لباساً ١٣٤/١
لايفترون اللّيل والنّهار يسبّحون ١٤٨/٢
واجعلنا من أرضى من مرّ عليه اللّيلُ والنّهار ٢١/١٤
تقيهم طوارق اللّيل والنّهار ١٤/٨
أوضح به «الحقّ» في غسق اللّيلِ المظلم ٧٠/١١
بيات ملك الموت في طوارق اللّيلِ ٨٢/٦
الّذى سكن له ما في اللّيلِ والنّهار ٤٨/٢
ما اختلف اللّيلُ والنّهار ٨٨/٢٣
ياجاعل اللّيل والنّهار آيتين ١٣٥/١
ولم أجزل أضيع في اللّيلِ والنّهار في تقلّبي ١٤٩/٣٢
لَيْلَهُ: وناسكٍ أفنى بذكرك ليلهُ فأحظيته ٢٠٢/٣
وأفنىٰ بذكرك ليلهُ فأحظيته ٢٠٢/٥
وقمنا بعونك ليلَهُ ١٤٢/٢٥
ولاليلُهُ «شهر رمضان» بتفريط ١١٥/٢٢
وفي ليلهِ «رمضان» على الصّلاة والتضرّع إليك ١١٥/٢٢
لَيْلَكَ: إختلطى ليلَك ونهارك مع المتّقين ١٩٧/٤٧
لَيْلي: تجدّد لي ذلك في ليلى ونهارى ٣٥/١ ـ ٢٥٧/٢٣
واعمر ليلى بايقاظى فيه لعبادتك ١٤٧/١٠٤
وكم أنوح عليها ليلى ونهارى ٢٠١/٢٨
وليلى مقروناً بعظيم صباحٍ ٢٠٢/٩
إجعل ليلى ونهارى ... في عافية منك ١٥٣/١٤
إنّى في كنفك ... في ليلي ونهارى ١٣٩/١٥
أللّهمّ لاتنسنى ذكرهما... إنىّ من آنآءِ ليلى ٦٣/١٤
ونفي عنّى النّوم في ليلى ٧٧/٨
باللَّيْلِ: باللّيل والنّهار أنت آخذٌ بناصيتها ٢٤٩/٢٦
اجعل... ذكرك باللّيل والنّهار ٢٥٢/١٣ ـ ٢٥١/٢١
وزيّن لي التفرّد بمناجاتك باللّيل والنّهار ١٤٧/٩٤
وألهمني الخير... وخشيتك باللّيل والنّهار ١١٦/٥٢
لَيْلَةٍ: أما قد نرىٰ في كلّ يوم وليلةٍ ٢١٤/١١٠
أللّهمّ إنّى أسألك ياربّ ليلةِ القدر ١٣٢/١
خيرِ أنزلته وتنزله ... في ليلةَ القدر ١١٦/١١٢
ثمّ فضّل ليلةً واحدةً من لياليه ١١٥/٥
فيما تقضى وتقدّر ... في ليلةِ القدر ١١٧/٤١
السّلام عليك وعلى ليلةِ القدر ١٤٢/٤٥
وسمّاها ليلة القدر ١١٥/٥
وأجللت فيه من ليلةِ القدر ١٤٢/٢٤
وما إربتي في كلّ يوم وليلةٍ ٢١٤/٣٤
وإذا كان لك في كلّ ليلةٍ من ليالى شهرنا ١١٥/١٩
وهذا «رمضان» شهر فيه ليلةُ القدر ١١٧/١
اللَّيْلَةِ: أللّهمّ لاتدع لي من هذه اللّيلةِ ١٤٣/٤٦
نزلت في هذا اليوم وفي هذه اللّيلة ٢٢/٣٢
وأعطني في هذه اللّيلةِ أمنيتي ١١٤/١
إن كنت قضيت في هذه اللّيلةِ ١١٧/٣٠

وان لم تكن قضيت في هذه اللّيلةِ ١١٧/٣٢
وفي هذه اللّيلةِ الشّريفة ١٤١/٧
تسعدني في هذه اللّيلة سعادةً لاأشقى بعدها ١٣٦/٣
... بحقّ هذه اللّيلةِ المقسوم فيها بين عبادك ١١٤/١٣
والمؤمنات من المغفرة في هذه اللّيلةِ ١٢٦/٢
من كلّ خيرٍ أنزلته في هذه اللّيلةِ ١٣٢/٥
أسألك في هذه اللّيلةِ الإجابة ١١٤/٦
أن تهب لي اللّيلةَ الجزيل من عطائك ١١٤/٢٢
وارزقني في هذه اللّيلةِ شكرك وذكرك ١٢٩/١٠
لَيْلَتي: وتكتب ما قدّمت يومي وليلتي ٢٠١/١٦
وساعتي هذه وليلتي هذه ٢١/١٥
لَيْلَتِنا: في يومنا هذا وليلتنا هذه وفي جميع ٢١/١٣
لِلَيْلَةِ: وأن توفّقني لليلةِ القدر ١٢٧/٣
ووفّقني فيه «رمضان» لليلة القدر ١١٧/١٥
لَيالي: من لياليه على ليالي ألف شهر ١١٥/٥
وإذا كان لك في كلّ ليلة من ليالي شهرنا ١١٥/١٩
اللَّيالي: وآليت لاتبقى اللّيالي بشاشة ٢١٩/٢٥
لاتفجعني فيه وفي غيره من اللّيالي والأيّام ٢٤٤/٢
فلو رجعت تلك اللّيالي كعهدها ٢١٩/٣٧
في جميع اللّيالي والأيّام من السّماوات والأرض ٢٢/٣٢
القرآن لنا في ظلم اللّيالي مؤنساً ١٠٩/١١
متألّم على المعاصي مرّ اللّيالي والأيّام ٢٣٩/١
أللّهمّ ربّ الفجر واللّيالي العشر ١٤١/٩
لَيالٍ: أللّهمّ ربّ الفجر وليال عشر ١١٧/١٨
لَياليهِ: ثمّ فضّل ليلة واحدة من لياليه ١١٥/٥
في لياليه وأيّامه بخوعاً لك في إكرامه وإعظامه ١١٣/٧

ل.ى.ن

أَلانَ: بسم‌الله الّذى ألان الحديد لداود ٢٢/٢٩
أَلينُ: وألينُ جانبى لهم «جبرانى» تواضعاً ٦٥/٣
أَلِنْ: وألن جانبه «وليّك» لأوليائك ١٤٧/٦٦
وألن لهما «والدىّ» عريكتي ٦٣/٦
إسْتَلانُوا: واجعلنا من الّذين... إستلانوا البسط ٢٠٠/٢٦
لين: وستر العائبة ولين العريكة ٥٥/١٥

حرف الميم

م.أ.ن

مَؤُونَتِهِ: تكفينا به من مؤونة الطّلب ٧٦/٢
ووسعه حلمك بلا مؤونة وكلفةٍ ٢٣٤/٦
واكفني مؤونةَ معرّة العباد ٥٥/٣٠
إكفني مؤونة خلقك ١٣٢/١٢
واكفني مؤونة الإكتساب ٥٥/٣٦
مَؤُونَتَنَا: اللّهمّ يسّر على الكرام الكاتبين مؤونتنا ٢١/١٠
إجعل مؤونتنا إلى جنّتك غير خزايا ١٤٣/٥٤
مُؤَنِهِمْ: ونوحّد بكفاية مؤنهم «أهل الثغور» ٦٧/٢

م.أ.ى.

مِأَةَ: العفو العفو ثلاثمأئة مرّة ٨٥/١
في كلّ سنبلة مائة حبّة (قرآن) ١٤٢/١١
العفو العفو مائة مرّة ١١٢/١١

م.ت.ع.

أَمْتِعْنَا: أمتعنا من الهدىٰ بمثل ضلالتِهِ ٥٠/٤
مَتَّعَهُمْ: عنهم العذاب ومتّعهم إلى حين ١٦٥/٦ ـ ٢٣٣/٥
مَتَّعَنَا: والحمد لله الّذى... متّعنا بأرواح الحياة ١/٢٢
مَتَّعْتَنَا: الحمد على ما... متّعتنا به من ضوء النهار ٢١/٥
تُمَتِّعَنِي: وتمتّعنى بالعافية ٢٥٦/٣
مَتِّعْ: متّع أبصارنا بالجولان في جلالك ٢٠٠/٣٦
مَتَّعْهُ: أيّما غاز غزاهم ... متّعه بالنّشاط ٦٧/١٧
مَتِّعْنِي: ومتّعني بالإقتصاد ٥٥/٢٧
ومتّعني بهدىً صالحٍ لاأستبدِلَ ٥٥/٦
مَتِّعْنَا: ومتّعنا بثروة لاتنفد ٩٦/٥
متّعنا بلذيذ مناجاتك ١٨٨/٣
فَمَتِّعْنِي: فمتّعنى بماله هديتنى ١٩٧/١٥
يَتَمَتَّعَ: ويتمتّع به من بهجتها ٢١٤/١٠٩ ـ ٢١٤/٣٣
مَتَاعِ: وما زويت عنّى من متاع الدّنيا الفانية ٧٩/٥
مَتَاعِهَا: وعجّلت لى من متاعها بلغةً إلى جوارك ٧٩/٦
إِمْتَاعِي: فأدم إمتاعى بماله هديتنى ١٩٩/١٢٩
بِإِمْتَاعِي: اللّهمّ ومُنَّ علّى بإمتاعى بهم ٦٤/١
التَّمَتُّعِ: أسألك... من... التَّمتُّعِ بالنّظر إليك ١٨٦/٤
أَمْتَعَ: وتَرحّم عليه أمتع رحماتك ١٤٧/٤٦

م.ت.ن.

مُتُونَ: وركبنا متون زجره فلم يبتدرنا بعقوبته ١/٢٣
الْمَتِينَ: ياذاالقوّة المتين وياناصر المظلومين ١٤٣/١٧
... وحبله المتينِ وسلطانه المبين ٢٢/٨
ياذاالقوّة المتين صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ ١٣٣/١١

م.ث.ل.

فَمَثَّلَ: فمثل بين يديك متضرّعاً ٨٠/٥
مَثَّلْتَ: ولاتنطق ألسنتنا إلاّ بِما مثّلت ١١٥/٩
لَمْ تُمَثَّلْ: أنت الّذى ... لم تمثّل فتكون موجوداً ١٤٧/١٨
يُتَمَثَّلُ: ممّا ... يتمثّل بجسم أو قدر ١٩٩/٥٦
مَثَلاً: أعوذبك من ... ميتة مثلاً ٢٧/٣
بِإِمْتِثَالِ: وأمرت بإمتثال أمره ١٤٧/٦٢
مُمَثَّلاً: فصار الفقر ممثّلاً بين عينىّ ٧٧/٨
مِثْلَ: واكتب لنا مثل أجور من صامه ١٤٢/٥٨
والمؤمنين والمؤمنات مثلَ الّذى سئلتكَ لنفسى ٦٤/١٥
ولمن كان في مثلِ حالى ٢٥٧/٤
وبكيت من خشيتك مثلَ بحور السّماوات ٢٣٠/٢
ففى مثلِ سفينة نوح عليه السّلام فاحملنى ٢٤٨/١١
أن أفاضّهما بعدلٍ أو أجازيهما على مثلِ ٦٣/١٠
على مثلِ الّذى دللت عليه عبادك منك ١٤٢/٢٠
آه واخطيئتاه مثلَ خطيئتى لايقاس في الخطايا ١٩٨/٦٤
فأجر له مثلَ أجره وزناً بوزن ومثلاً بمثل ٦٧/٢١
إن أنا نقلت على مثلِ حالي إلى قبري ١١٦/٧٧
وَأنا ... مثلُ الذرّة أو دونها ١٤٧/٨٠
إنّه لحقّ مثلَ ما أنكم تنطقون (قرآن) ٧٧/٧ ـ ٧٦/٥
ولامِثلٌ ولاشبيهٌ ولاعدل ياالله يارحمنُ ٨٣/١٢
إعصمني من مثلِ أفعاله ٤٢/٤
مثلَ رغبةِ أوليائك في مسائلهم ١٧١/٧
ورهبتي مثلَ رهبة أوليائك ١٧١/٧
وارزقنى مثلَ ذلك منهم ٦٥/٥
مِثْلَهُ: فهب لنا مثلهُ من وجدك ١٤٢/٥٧
عمّرتنى إلى عام مثله ويوم مثلِهِ ١٤٤/٢٩
وأوزعنا مثلَهُ فيه ١٤٧/٦٣
حمداً لم يحمدك خلق مثلَهُ ١٤٧/٤٠
فلاتقمنى مثلَهُ في آخرتك ١٤٧/١٠٢
مِثْلَهَا: إعصمنى من أن أقارف مثلها «تبعات» ٨٠/١٤
وأعصمني أن أقارف مثلها «تبعات» ٨١/٢
إلاّ حططتنى عند نفسى مثلَها ٥٥/٥
ولكن أنشأتها «نفس» إنباناً لقدرتك على مثلِها ١٠١/٦

ومن جاء بالسّيّئة فلا يجزىٰ إلاّ مثلَها (قرآن) ١٤٢/١٠
مِثْلَكَ: اللّهمّ إنّي أسألك ولم يسأل العباد مثلك ١٤١/٤
أسألك ياسيّدي وليس مثلك شيئ ١٢٤/٥ ـ ١٢١/١٨
وأرغب إليك ولم يرغب العباد إلى مثلِك ١٤١/٤
ولم يسئل العباد مثلك كرماً وجوداً ١١٧/٢٤
مِثْلي: أم تفقرني إلى مثلي وأنا اعتصم بحبلك ١٨٥/٣
إن كنت رحمت مثلي فارحمني ٩٠/٤
وإن كنت قبلت مثلي فاقبلني ٩٠/٤
لِمِثْلِ: لمثل الّذي لاقىٰ أخوه محاذر ٢١٤/٥٨ ـ ٢١٤/١٣٦
بِمِثْلِ: وزناً بوزن ومثلاً بمثلِ ٦٧/٢١
أمتعنا من الهدى بمثلِ ضلالته ٥٠/٤
كَمِثْلِهِ: فليس كمثله شيء وهو السّميع البصير (قرآن) ٢/٨
سبحان من ليس كمثله شيء ١٣١/٣
ليس كمثله شيئٌ وهوالسّميع البصير ١٢٣/١ ـ ١٥٩/٣
ليس كمثله شيئٌ (قرآن) ١٤٧/١
كَمِثْلِكَ: إنّي أسألك بك فليس كمثلك شيئ ١٢٤/٧
ليس كمثلك شيء ١١٧/٣٤ ـ ٣/١
بالله أسألك بك فليس كمثلك شيء ١٢١/٢٠
الْأَمْثالُ: بالله بالله لك... الأمثال العليا ١٣٩/١ ـ ١٣٧/٢
وتكبّرت عن الأمثالِ والأنداد ٧٤/٥
لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا ١٣٣/٢
١١٧/٣٠ ـ ١٤١/٢ ـ ١٣٨/٢ ـ ١٢٩/٢ ـ ١٣٥/٣ ـ ١٣٠/٢
وضربت الأمثالَ وأطلت الإمهال ١٤٦/١١
أَمْثالِهِ: وزواجَر أمثاله الّتي ضعفت الجبال ١٠٩/١٢
أَمْثالِهِم: فصحّ بمعاينة أمثالهم حازم وفّقه اعتباره ٧٤/٢
أَمْثالِها: أمثالها من سور الطواسين ١٤٤/١٧
من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها (قرآن) ١٤٢/١٠
أَمْثالُكُمْ: أمثالكم فادعوهم فليَستَجيبُوا لكم (قرآن) ١٥٩/٨
لِأَمْثالِهِ: أللّهمّ فكما أبقيتني له فأبقني لأمثاله ٢٤٤/٢
مَثَلُ: مثل الّذين ينفقون أموالهم (قرآن) ١٤٢/١١
الْمَثَلُ: له المثل الأعلى في (قرآن) ١٩٩/١٥
كَمَثَلِ: كمثل حبّة أنبتت سبع سنابل (قرآن) ١٤٢/١١
مِثالَ: وصوّر في قلبي مثال ما ادّخرت ٤٤/١٣
وابتدأت الخلق علىٰ غير مثالٍ ١٤٩/٥
ولو لاأنّه يصوّر لهم الباطل في مثال الحق ٨/١٠
صوّر لهم الباطل في مثالِ الحقّ ٩٨/٥
وصوّرت ما صوّرت من غير مثال ١٤٧/١١
الْمُثْلى: اللّهمّ إسلك بي الطريقة المثلى ٥٥/٢٦

تَمَجَّدَ: وتمجّد بالفخر والبهاء ٢/٢ ـ ٧/٢
وبنى المعالى بسؤدده وتمجّد بفخره ١٤٩/١٤
الْمَجْدُ: ولك الحمد والمجد وعلوّالحمد ٢٣٤/٧
والمجدِ الفاضل ٨٣/١
أللّهمّ ياذالجود والمجد والثّناء ١٦٤/٢
فلك ربّي المجد والحمد ٢٤٥/٣
إنّي أسألك بإسمائك المكتوب في سرادق المجد ٢٦٧/١
فلك الحمد ياأهل الحمد والمجد ٢٣٧/٤
فاستجب لي ... ياذاالمجد والجود ١٢٤/٢
إنّك وليّ الحمد والمستولي على المجد ١٩٩/٣٢
أنت الله ... ذوالبهاء والمجد ١٤٧/١٠
احتويت بإلٰهيّتك على المجد والثناء ٢٤١/٥
ذوالبهاء والمجد والكبرياء والحمد ١٤٧/٢٣
مَجْدِكَ: أهله من ... تقدبس مجدك ٢٤٩/١٦
أللّهمّ كلّت العبارة عن بلوغ مجدك ٢٣٧/٣
تخرس ألسنة نطقت بالثّناء على مجدك ١٨٤/٤
ومجدُك أرفع من أن يحدّ بكنه ١٤٦/١٣
بِمَجْدِهِ: وعلا السّادة بمجده ١٤٩/١٣
بِالْمَجْدِ: وتهلّل بالمجد والآلاء ٢/٢ ـ ٧/٢
فأنت المتعزّز المتفرّد بالمجد ٢٤٥/٢
التَّمْجيدِ: إلى التّحميد والتّسبيح والتّمجيد ٢٤٣/٧
تَمْجِيدِكَ: وَالتّقصير في تمجيدك ١١٥/١٨
لاأبلغ ما أنت أهله من ... تمجيدك وكرمك ٢٤٩/١٦
وذهاباً في تمجيدك وشكراً لنعمتك ٥٥/٢٢
وفقّهني الإمساك عن تمجيدك ١٤٦/١٤
بِتَمْجيدِكَ: إلهي إذا... إنطلق لساني بتمجيدك ١٩٧/٢٣
ونطق لساني بتمجيدك ١٩٩/١٣٢
ماجِدٌ: وأنّك واحدٌ جواد ماجد رحمن رحيم ١٢٧/٢
وماجد لاضدّ له ٢/٣
مَجيدٌ: إنّك حميد مجيد ١٤٣/٥٣ ـ ٥٩/١٥ ـ ١٤١/٢٤
الْمَجيدِ: ق والقرآن المجيد ١٤٤/١١
ياودود ياذاالعرش المجيد ١٧٧/٢
حمداً يوازن عرشك المجيدَ ١٤٧/٣٧
الْأَمْجَدُ: والجلال الأمجد فوق كلّ جلال ١٤٦/٤

م.ح.ص.

مَحَّصْتَني: أم وفت العلّة الّتي مَحَّصتني بها ٤٦/٣
التَّمْحيصِ: وشهر التّمحيص ١١٥/٣

م.ج.د. م.ح.ق.

فَمَحَقَ: تقدّم فمرق أو تأخّر فمحق ٢٤٨/١
تَمْحَقُ: ولاتمحقني فيمن تمحق ١٤٧/٨٨
لاتَمْحَقُهَا: بركة لاتمحقها الأيّامُ ١١٠/٤
لاتَمْحَقْهُ: ولاتمحقه بالمنّ وهب لي ٥٥/٤
لاتَمْحَقْنِي: ولاتمحقني فيمن تمحق من المستخفّين ١٤٧/٨٨
إمْحَقْ: وامحق أعقابهم وافكك أصلابهم ٢٢٣/٦
وامحق به «وليّك» بغاة قصدك عوجاً ١٤٧/٦٦
وامحق ذنوبنا مع امحاق هلاله ١١٥/٢٠
إمْحَاقِ: وامحق ذنوبنا مع امحاق هلاله ١١٥/٢٠

م.ح.ل

مَحْلَ: أللّهمّ أذهب محل بلادنا بسقياك ٩٧/٤
بِالْمُحُولِ: وافرعها «بلاد المشركين» بالمحولِ ٦٧/١٥
الْمِحَالِ: العليّ المتعال الشّديد المحالِ ١٤٧/٤
مِحَالٌ: قوّ بذلك محالّ أهل الإسلام ٦٧/٩

م.ح.ن

إمْتَحَنْتَ: مؤمن إمتحنت قلبه بالإيمان ١٢٤/٥
أو مؤمن إمتحنت قلبه للإيمان ١٢١/١٩
أُمْتُحِنُوا: وامتحنوا بمحن الصّادقين ٢١٩/٤٣
لاتَمْتَحِنّي: ولانمتحنّى بما لاطاقة لي به ١٤٧/٩٠
مِحَنِ: وما عسيت أن أصف من محن الدّنيا ٢١٩/١٩
وجعلت في برهة من محنِ الدّنيا ٢١٩/٣٤
وحتّى متى أصف محنَ الدّنيا ٢١٩/٤
بِمِحَنِ: وامتحنوا بمحن الصّادقين ٢١٩/٤٣
بِمِحَنِكَ: ولاتبتلني بمحنك فإنّي ضعيف ١٩٩/٢٨
مُمْتَحِنٍ: خاننى الصّبر حتّى كأنّى أوّل ممتحنٍ ٢١٩/٣٦

م.ح.و

مَحَوْتَهَا: أسألك أن... لاخطيئة إلاّ محوتها ١٢٢/٨
يَمْحُو: يمحو مايشاء ويثبت (قرآن) ٢٥١/٦٨ ـ ١٤١/٨
تَمْحُو: إنّك تمحو ما تشاء وتثبت (قرآن) ٢٤١/٧
أُمْحُ: وامحُ عنّى شرّ ما قدّمتُ ٤٦/٥
أللّهمّ امحُ آثارهم ٢٢٣/٦
وامح عن قلوبهم خطراتِ المال الفتون ٦٧/٤
فَامْحُ: سيّدى فامح مثبتات العثرات ١٩٩/١٠٩
فامح من أمّ الكتاب شقائى ٢٥١/٦٧
أَمْحَاكَ: السّلام عليك ما كان أمحاك للذّنوب ١٤٢/٣٦
إمَّحِى: وامَّحِ من المخلوقين ذكري ١٦٧/٤
فَامْتَحَتْ: فامتحت من الدّنيا آثارهم ٢١٢/١٣
إنْمَحِى: إرحمني إذا ... إنمحى أثرى ١٩٩/٧٤
مَحْوَ: ما استوجبنا بذلك محو سيّئة من سيّئاتنا ٢١٣/٢
وارزقني ... محو سيّئاتي ١٤١/١٠
ما استوجبتُ بذلك محو سيّئةٍ واحدةٍ ٤٩/١٧
ترتجى منك محوَ الذّنوب ٢٣٧/٧
بعد محوِ آثاره «ظالمى» ١٥٥/٣
ولالهم على محوِ كتابك يداً ونصيراً ١٤٧/١١٥
لِمَحْوِ: نوبةً موجبةً لمحو ما سلف ٨٠/١٦
تذكيراً لمحو الحوبة بقديم النّعمة ٤٦/٣
مَاحِيَ: ياماحى آية اللّيل ١٣٥/١
الْمَاحِيَةَ: وسعياً إلى التّوبة الماحية ٩٥/٣
أَمْحَاهُ: أجلبه لعفو وأمحاه لذنب ١٤٢/٥٤
مَمْحَاةٌ: ونعمتك ممحاةٌ لكلّ إثم ١٩٩/١٢٤

م.د.ح

تَمَدَّحْتَ: تمدّحت بالغنآء عن خلقك ٣٩/٣
الْمَدْحِ: لأبلغ ما أنت أهله من ... المدح لك ٢٤٩/١٦
مَدْحِي: ومدحى إيّاك وحمدى لك في كلّ حالاتي ٥٧/٨
مِدْحَتِكَ: وما عسىٰ أن يبلغ في مدحتك ثنآئي ١٤٩/٧
أَمْدَحَهَا: وألهمنى من محامدك أمدحها ١٩٩/٣٢

م.د.د

مَدُّوا: ومدّوا عند خروج روحه رجليه ٢١٤/١٢١
ومدّوا عند خروج نفسه يديه ورجليه ٢١٤/٤٥
مَدَدْتُ: وبحبل طاعتك مددتُ رهبتي ١١٦/٨٤
وإن كنت عاصياً مددتُ يداً بالذّنوب ٢٠٣/٤
إلى سعة عفوك مددتُ يدي ١٩١/٥
ياخير من مددتُ إليه عنقي ٢٥/١
مَدَدْتُهُمَا: وهذه يداى قد مددتهما إليك ١١٢/١
مُدَّتْ: أللّهمّ إليك ... مدّت اعناق المجتهدين ٨٣/٥
لاتَمْدُدْ: ولاتمدد لي مدّاً بقسومعه قلبي ١٤٧/١٠٣
نَمُدَّ: نعوذبك أن ... نمدّ في آمالنا ٢٦/٤
أَنْ تُمَدَّ: وحرّمت على أكفّنا أن تمدّ إلى سواك ٢٠٨/٥
أَمْدُدْ: إلهى أمدد لي في أعمارهم ٦٤/١
أَمْدَدْتَهُ: وامدده «وليّك» بجندك الأغلب ١٤٧/٦٤
أَمَدَّهُ: أيّما مسلم ... أمدّهُ بعتادٍ ٦٧/٢٠
أَمْدِدْهُمْ: وأمددهم «المسلمين» بملآئكةٍ ٦٧/١٠
مَدّاً: ولاتمدد لي مدّاً بقسومعه قلبي ١٤٧/١٠٣
مَدَدَ: فسبّحت له ... مددُ الأنهار وأمواجها ١٩٩/٥٦
الْمَدَدَ: واقطع عنهم «عدوّ أهل الثّغور» المدد ٦٧/٦

مَدَدُهَا: صلاة لاينتهى مددها ٦٧/٢٣
صلاة لاينقطع مددها ٨٨/٢٣
مُدَّةُ: ولم تخرجنا في مدّةٍ من نصره وعزّه «محمّد» ١٠/٢٩
لاتنقضى «الصّلاة» مدّةٌ ١٩٩/١٨
حتّى إذا رأى مدّةَ العمل قد انقضت ٣٤/٦
يامن لاتنتهى مدّةُ ملكه ٨/٢٠ ـ ١٥/٢
الْمُدَّةِ: ولكنّك جازيته على المدّةِ القصيرة ٨/١٢
بكرمك جازيته على المدّةِ القصيرة ٩٨/٧
من إنقضاء المدّةِ قبل التّأهّب والعدّةِ ٢٣٦/٢
مُدَّتِهِ: وانقطاع مدّته ووفاء عدده ١٤٢/٢٧
مُدَّتِهِمْ: لم يهن على طول مدّتهم سلطانك ١٤٦/٨
مُدَّتي: سيّدى ... نفدت مدّتي ١٩٩/٨١
بِالْمُدَّةِ: بالمدّةِ الطّويلة الخالدة ٩٨/٧ ـ ٨/١٢
مُدَدُ: وتصرّمت مددُ أعمارنا ٣٣/٤
مادَّ: يامادّ الظّلّ ولو شئت لجعلته ساكناً ١٣٧/١
الْمادّينَ: المادّين إليهم أعينهم ١٤٧/٦٨
مادَّةً: وجعل السّكر مادّةً لنعمائه ٩٩/٤
ولاتقطع عن كافّتنا مادّةَ برّك ٩٧/٤
الْمَديدَةِ: بالغاية المديدةِ الباقية ٨/١٢
مَديدَتَها: طوت الأبصار في صنعتك مديدتها ٢٢٢/٧
مَمْدُوداً: تفضّل عليّ ممدوداً على المغتسل ١١٦/٩٦
جعل لكلّ واحد منهما ... أمداً ممدوداً ٢١/١
مَمْدُودَةً: وعيناى إليك بالرّجاء ممدودةً ١١٢/١
وعيناً بالرّجاء ممدودةً ٢٠٣/٤
كفّاً هى ممدودةٌ إليك ٣١/١
الْمُمَدَّدَةِ: والنّار المؤصدة ذات العمد الممدّدة ٢٥٧/١٧

م.د.ر

مَدَرُهُ: في محلّ ضنك ... ثقيل مدره ١٩٩/٤١

م.د.ن

الْمَدَنيّ: وبحبّى للنّبيّ... المدنى أرجو ١١٦/٧٠

م.د.ى

التَّمادي: والتّمادى في الغيّ منّى ٣٦/٣
مَدىٰ: ورحمتك الّتى ... لايبلغها مدى شرح ١٦/٩
لايعتريك في مدى الدّهر صرف ٢٤٣/٤
يدأب في صيامه وقيامه مدىٰ سنيه ١١٤/٢٠
بِمِدْيَةٍ: بمدية بادٍ للذّراعين حاسر ٢١٤/٥٩
بِمِدْيَتِهِ: بمديته بادى الذّراعين حاسر ٢١٤/١٣٧
مُدْيَتِهِ: شحذلي ظبة مديته ١٥٣/٤ ـ ١٥٣/٢

م.ر.ء

إمْرِءٌ: وإن امرءٌ يسعىٰ لدنياه جاهداً ٢١٤/٨
إمْرِئٍ: لكلّ امرئٍ منهم يومئذٍ شأن يغنيه (قرآن) ١١٦/٨١ـ٢٠٧/١٠
فكيف يشقى امرؤٌ حسن له منك النّظر؟ ١٩٧/٢٤
فارحمني اللّهمّ فإنّى إمرؤٌ حقير ١٦٢/٧
الْمَرْءُ: يوم ينظر المرءُ ما قدّمت يداه (قرآن) ٢٠٧/١٢
ما لايهجس المرءُ في وهمه ١١٤/٨
يوم يفرّ المرءُ من أخيه (قرآن) ٢٠٧/١٠
يامن يحول بين المرءِ وقلبه ٣٦/٦
لِلْمَرْءِ: عن اللّهو واللّذّات للمرءِ زاجر ٢١٤/١٠
الْمُرُوَّةَ: وارزقني... سرور الأبد في دار المروّة ١٣٣/٨
مُرُوَّتي: وأظهر مروّتي وأصلح جميع أحوالي ١١٦/١٠٧
مَريئاً: سحاباً متراكماً هنيئاً مريئاً طبقاً مجلجلاً ٥٣/٢
أللّهمّ إنّى أسألك ... عيشاً رغداً مريئاً ١٩٩/٢٥

م.ر.ح

الْمَرْحِ: أعذنا من الفشل ... والمرحِ ٢٠٠/١٦

م.ر.د

تَمَرَّدَ: وتمرّد الظّالمون على خلصائك ٢٢٣/٤
وسع علمك تمرُّدَ المتكبّرين ٢٠٠/١
الْمُتَمَرِّدينَ: ملكوته عصيان المتمرّدين ١٩٩/٣٣
مُتَمَرِّدَةً: إستعبدتني متمرّدةً عليّ بما يرجيها ١٩٩/١٠١
مَريدٍ: واعذني وذرّيّتى... ومن شرّ كلّ شيطانٍ مريد ٦١/٦
أن تصرف عنّى ... شرّ كلّ شيطان مريدٍ ٢٤٩/٢٥

م.ر.ر

مَرَّ: واجعلنا من أرضى من مرّ عليه اللّيل والنّهار ٢١/١٤
واجعله من خير يوم مرّ علينا ١٤٢/٥٤
فلمّا كشفنا عنه ضرّه مرّ (قرآن) ٣٥/١٠ ـ ٢٥٧/٣٥
متألّم على المعاصى مرّ اللّيالي والأيّام ٢٣٩/١
أَمَرَّتْ: وقد أمرّت تلك الحلاوة ٢١٩/١٤
مَرَّ: والعزّ الباقى على مرّ الدّهور ٨٨/١
مَرارَةَ: ومن مرارةِ خوف الظّالمين حلاوة الأمنة ٥٥/١٠
وتجرّعوا مرارة الكمد ٢٠٠/٢٧
واستعذبوا مرارةَ العيش ٢٠٠/٢٦
فما عيشة إلاّ تزيد مرارةً ٢١٩/١٥
ومرارةِ العيش وطيب نسيم الغرور ٢١٩/١٣

واكفنا ... مرارةَ صولة السّلطان ١٥/١٠ ـ ٨/٢٥
مَرارَتِهِ: يجرّ عني زُعاق مرارتِهِ ١٥٢/٤
يجرّ عني زعاف مرارتِهِ ١٥٣/٤
مَرازاتٍ: وكأس مرارات ذعافاً أذوقها ٢١٩/٦
مَمَرُّها: ولكن ممرّها على النّار ٢٠١/٩
مَرَّةً: العفو العفو ثلاثمأة مرّةً ٨٥/١
ياسيّدى ياسيّدى سبعين مرّة ٢٣٣/٦
العفو العفو مائة مرّةٍ ١١٢/١١
يارتاه إرحم من عاد في الذّنوب مرّةً أخرى ١٩٨/٧٣
أقول لك العتبىٰ مرّةً بعد أخرى ٩٠/٣
أنظر مرّة عن يميني ومرّة عن شمالي ١١٦/٨٠
الْإِسْتِمْرارِ: وركبوا مراكب الإستمرار على ٢٢٣/٤

م.ر.س

أَنْ تُمارِسَ: من غير أن تمارِس فيما إبتدأت ٢٤٥/٤
بِمُمارَسَتِهِ: يطول بممارسته شغلي ٧٩/١

م.ر.ض

مَرِضَ: لاتجعلني ممّن إذا ... مرضَ تاب ١٣٣/٣
أَمْرَضْتَ: الحمد أن ... أمرضت وشفيت ٢٤٢/٢
مَرَضٍ: وبين شيء من ذلك بعرض ولامرض ١١٧/١١
مَرَضي: وهتفت إليك في مرضي ١٤٨/١٩
الْأَمْراضَ: وجنّبني فيه «رمضان»... الأمراض ١١٧/٦
مَرْضاتِكَ: واستعملني في مرضاتِك عملاً ١٧١/٧
لِمَرْضاتِكَ: ولمرضاتِك مبتغين ٢٠٦/١٨
مُمْرِضَةٍ: من كلّ ... بدعة ممرضةٍ ١٩٩/٧٧
مَريضاً: لامريضاً إلاّ شفيته ١٢٢/٩ ـ ١٤٣/٤٧
مَريضِهِمْ: الأخذ بمحاسن أدبك في... عيادة مريضهم ٦٦/١ ـ ٦٥/٢
الْمَرْضىٰ: دار لايعاد فيها المرضىٰ ١٩٨/١٥

م.ر.ع

مُمْرِعاً: أللّهمّ اسقنا غيثاً مغيثاً مريعاً ممرعاً ٥٣/٣
مَريعاً: أللّهمّ اسقنا غيثاً مغيثاً مريعاً ممرعاً ٥٣/٣

م.ر.ق

فَمَرَقَ: لاتجعلني ممّن تقدّم فمرق ٢٤٨/١
مارِق: المتقدّم لهم مارق ٢٠/٢ ـ ١١٣/٢
الْمارِقينَ: الفاسطين والمارقين والفاسقين ١٢٨/٥

م.ر.ى

لاتُمارىٰ: ولاتجارى ولاتمارىٰ ١٤٧/٢٦
يَمْتَرِي: يمترى العظيم من برّك ونداك ١٨٧/٨
الْمِراءِ: أعذنا من الفشل ... والمراءِ ٢٠٠/١٦
الْمِرْيَةِ: عن قلوبنا أغشية المريبة ١٨٨/٢

م.ز.ج

أُمْزُجْ: أللّهمّ وامزج مياههم «المشركين» بالوبآء ٦٧/١٥
لايُمازِجُهُ: ويسر لايمازجُهُ عسرٌ ١١٠/٦

م.ز.ن

بِمُزْنٍ: وتهطل سحآئب النّعيم بمزنٍ ١٠/١٣

م.س.س

مَسَّ: وإذا مسّ الإنسان الضّرّ دعانا (قرآن) ٣٥/١٠ ـ ٢٥٧/٣٥
وإذا مسّ الإنسان ضرّ دعا ربّه (قرآن) ٣٥/١١ ـ ٢٥٧/٣٤
مَسَّهُ: إذا مسّه الخير منوعاً (قرآن) ٢٥٧/٣٠ ـ ٣٥/٧
إذا مسّه الشّرّ جزوعاً (قرآن) ٢٥٧/٣٠ ـ ٣٥/٧
كأن لم يدعنا إلى ضرّ مسّه (قرآن) ٣٥/١٠ ـ ٢٥٧/٣٥
بما دعاك به ايّوب إذ مسّه الضّرّ ٢٥١/١٢ ـ ٢٥٢/٧
أو مسّهُ من ناحيتي أذىً ١٠١/٤
مَسَّهُما: أللّهمّ وما مسَّهُما «الوالدين» منّى من أذىً ٦٣/٨
مَسَّها: إن مسّها «النّفس» الشّرّ تجزع ١٨٣/٢
إن مسّها «النّفس» الخير تمنع ١٨٣/٢
مَسَّكُمْ: إذا مسّكم الضّرّ فإليه تجأرون (قرآن) ٢٥٧/٣٣
مَسَّني: وإن كان الضّرّ قد مسّني ٢٥٧/٢٩ ـ ٣٥/٦
مسّنى الضّرّ وأنت أرحم الرّاحمين ١١٢/١٤
إنّى مسّنى الضّرّ وأنت أرحم الرّاحمين قرآن ٢٥١/١٢
لايَمَسُّهُ: ولايمسّه إلاّ المطهّرون ١٩٩/١٩٢
لايَمَسُّهُمْ: لايمسّهم فيها نصبٌ (قرآن) ٢٠٦/٢٣
لايمسّهم فيها نصب ولايمسّهم فيهالغوب(قرآن) ١٤٣/٥٥
لاتَمَسُّ: سبحانك لانحسّ ولاتجسّ ولانمسّ ١٤٧/٢٦
مَسِّ: ومستعيذٍ بك من مسّ عقوبتك ٢٢٢/٢

م.س.ك

أَمْسَكَهُما: ولئن زالتا إن أمسكهما من أحد من بعده (قرآن) ١٣٥/٢ ـ ٢٢/٢٨
لَأَمْسَكُوا: خزائن رحمتك لأمسكوا ٧٧/٢
أَمْسَكْتُ: وإن أمسكت عن مسألتك إبتدأتني ١٩٩/١٧٤
يُمْسِكُ: يمسكُ السّموات والأرض (قرآن) ٢٢/٢٨

لاٰيُمْسِكُ: الّذى ... لايمسكُ خشية الإملاق ١٩٩/٥٣
لَمْ تُمْسِكْني: فكيف استمسك إن لم تمسكني ٢٠٠/٤٥
تَمَسَّكُوا: واجعلنا من الّذين تمسّكوا ٢٠٠/٢٧
لاٰأَتَمَسَّكُ: لاأتمسّكُ إلاّ بحبله ٢٣٦/١
إِسْتَمْسَكَ: أجاب دعوته وإستمسك بحبله ١٤٤/١٩
فقد استمسك بالعروة الوثقى (قرآن) ١٨/٥
أَسْتَمْسِكُ: فكيف أستمسكُ إن لم تمسكني ٢٠٠/٤٥
إِسْتَمْسِكْ: وقلت لي إستمسِكْ قرآن ٢٠٠/٤٥
الْإِمْسَاكُ: وفقهني الإمساك عن تمجيدك ١٤٦/١٤
إِمْسَاكُكَ: ولإمساكك غفلةً ١٤٦/١٢
التَّمَسُّكِ: على التّمسّكِ بغروة عطفك ١٩٥/٣
أسألك ... التّمسّكَ بسنّتك ٢٠٠/١٩
إِسْتِمْسَاكَ: لإستمساك بي عن الخطايا إلاّ عن قوّتك ٨٠/١٥ـ٨١/٣
الْمُمْسِكَاتِ: ياربّ السّحاب الممسكات ١٣٧/٦
مُتَمَسِّكٌ: وها أنا ... بعروتك الوثقى متمسّكٌ ١٩٢/٨
أللّهمّ إنّى أصبحت متمسّكاً بحبل طاعتك ١٦/١
الْمُتَمَسِّكِينَ: فهو «الإمام»... عروة المتمسّكين ١٤٧/٦٢
المتمسّكين بولايتهم، المؤتمّين بإمامتهم ١٤٧/٦٨
الْمُسْتَمْسِكِينَ: المستمسكين بعروتهم، ١٤٧/٦٨

م.س.و

أَمْسَوْا: أمسوا رميماً في التّراب وعطّلت ٢١٤/٨٩
أَمْسَيْتُ: إلهى أصبحت وأمسيت عبداً داخراً لك ٥٧/٥
فأصبحت وأمسيت في غفلةٍ ممّا فيه غيرى ٣٥/٣ـ٢٥٧/٢٥
وأمسيتُ في ذمّتك الّتى لاتخفر ٢٢/١٨
أللّهمّ إنّى أمسيتُ لك عبداً داخراً ١٢٦/١
أمسيتُ وأصبحت على باب من أبواب منحك ٢٣٩/٨
من لم ينتفع بعلمه حين أصحبت وأمسيت ٧٧/٨
أَمْسَيْنَا: أمسينا لايغنينا أحد إن حرمتنا ٨٣/٤
وبنعمتك أصبحنا وأمسينا ١١٦/٤٠
الحمدلله الّذى بنعمته أصبحنا وأمسينا ١٤٣/٩
تُمْسِي: على خطر تمسي وتصبح لاهياً ٢١٤/٧
أُمْسِي: أللّهمّ إنّى أصبح وأمسي مستقلّاً لعملي ١٦٦/٨
فأصبح بطّالاً وأمسي لاهياً ٢٠١/١٦
مَسَاءً: يامن يغذّيني بالنّعم صباحاً ومساءً ٩٠/٥
أطعتك ياسيّدى صباحاً ونقضت العهد مساءً ١٩٨/٢٨

م.ش.ج

أَمْشَاجٍ: الحمدلله خالق أمشاج النّسم ١٩٩/٥٢

م.ش.ى

مَشَتْ: على نفسي بما... مشت إليه رجلاى ١٤٨/٥
إلهى طالما مشت قدماى في غير طاعتك ٢٠٥/٢ ـ ٢٠٦/٢
يَمْشُونَ: ألهم أرجلٌ يمشون بها (قرآن) ١٥٩/٩
تَمْشِي: لتصنع على عينى إذ تمشى أختك (قرآن) ١٥٩/٢٠
أَمْشِي: وهب لي نوراً أمشى به في النّاس ٥٩/٩

م.ص.ر

الْأَمْصَارِ: وترخص... في جميع الأمصار ٥٣/٤

م.ض.ض

فَمَضَّ: وأوحش منقضياً فمضّ ١٤٢/٣٢

م.ض.غ

مُضْغَةً: ثمّ مضغةً ثمّ عظاماً (قرآن) ٨٨/١٤

م.ض.ى

مَضىٰ: أللّهمّ ألحقني بصالح من مضىٰ ١١٦/١٢١
أما اعتبرت بمن مضىٰ من أسلافك ٢١٤/١ ـ ٢١٤/٧٥
ما مضىٰ من صلواتك على أحدٍ من أوليائك ٦٧/٢٣
أللّهمّ اجعلني ممّن تلحقه بصالح من مضى ١٢٣/١٧
كما أحسنت فيما مضى منه بأرحم الرّاحمين ٢٥٣/٥
أللّهمّ إغفرلي ما مضىٰ منّى ١٩٩/٤٨
منّت علىّ بغفران ما مضىٰ من ذنوبي ٢٢٠/٨
في آثار من مضى من قبلك ٢١٩/٢٤
وقد مضى علمك فىّ يامولاي ٢٥٧/٣٧
فاغفر ... ما مضى من ذنوبي ٢٢١/٥
فَمَضىٰ: فمضى بظلامتي ميّتاً... فاغفر له ١٠١/٢
مَضَوْا: الّذين مضوا على شاكلتهم لم يثنهم ١٤/٦
مَضَتْ: قد مضت بقدرتك فىّ ٣٥/١٤
مضت على إرادتك الأشياء ٢٤/٢
يَمْضِي: ويتقديرك يمضى إنقياد التّدبير ١٩٩/١٩٧
أَمْضَى: يامن خلق الخلق... ثمّ أمضى الأمور ١٤٩/١٠
أَمْضَيْتَ: أللّهمّ ... عافني فيما أمضيتَ ٢٢/٣٢
أَمْضَيْتُ: فبالإيمان أمضيتُ السّالفات من أعوامي ١٩٩/٨٨
تُمْضِي: أسألك بإسمك الّذى تمضي به المقادير ٢٣٧/٦
الْمُضِيّ: أنّ محمّداً ... المؤيّد بالنّور المضيّ ١٩٩/١٦
إِمْضَاءِ: شاهداً في إمضاءِ الحجّة على عدلك ٢٤٩/٢
إِمْضَائِهَا: أن تأتي على قضائها وإمضائها ٢٢٢/٥

مَاضٍ: وعلى ماضٍ من بركاتك سلبناه ١٤٢/٤٧
أمرك ماضٍ ووعدك حتم ٢٤١/٢
ماضٍ فيّ حكمك عدل فيّ قضاؤك ٢٢/٣٩ ـ ٥٧/٤
أمره «الله» ماضٍ ٢/٨
الْماضينَ: وعلى جميع عباده الماضين ١/٢٧
أتنسّم أرواح الماضينَ ٢١٩/٣٦
وبحقّ خلف الأئمّة الماضينَ ٤٢/١٤
... وارث علم الماضينَ من الوصيّين ٤٢/١٤
ماضِيَةً: أعطهم عليه أسلحةً ماضيةً ٥٠/٩
الْماضِيَةِ: أنظرى إلى الأمم الماضيةِ ٢١٤/١٣
دون الأمم الماضيةِ والقرون السّالفة ٩/١
عن القرون الخالية الماضيةِ ٢١٩/٣١
مَواضِي: ومواضى الأزمان والأيّام ٨٨/١

م.ط.ر

أَمْطَرْتَها: سحائب نعمٍ أمطرتها عليّ ١٥٢/١١
فَتُمْطِرُني: أمطريه حجارة فتمطرني ١٩٩/١٥٩
فَلا تُمْطِرْنا: فلا تمطرنا بهما مطر السوء ٩٧/١
أَمْطِريهِ: أن تقول... للسّماء أمطريه ١٩٩/١٥٩
مَطَرَ: فلا تمطرنا بهما مطر السّوء ٩٧/١
الْمَطَرِ: وخزّان المطر وزواجر السّحاب ١٢/١١
والهابطين مع قطر المطر إذا نزل ١٢/١١
من شرّ الصّواعق والبرد والرّيح والمطرِ ٢٤٩/٢٦
الْأَمْطارِ: عرّفتهم ... كيل ما تحويه لواعج الأمطار ١٢/١١
فسبّحت له «الله»... الأمطار في مواقعها ١٩٩/٥٦
مُسْتَمْطِراً: مستمطراً غمام فضلك ١٨٦/٧

م.ط.و

مَطِيَّةٌ: وهي مطيّةُ الآفات ٢١٤/١٤٣
مَطِيَّتُكَ: وهى مطيّتك إلى مماتك ٢١٤/١٤٣ ـ ٢١٤/٦٥

م.ع.ن

بِالْماعُونِ: حسن مواساتهم بالماعون ٦٦/١ ـ ٦٥/٢
مَعينٍ: وكأسٍ من معينٍ شاربين ٢٠٦/٢٣
وعذب في معينِ المعاملة شربهم ١٩٣/٣

م.ع.و

أَمْعاءَ: الّذى يقطّع أمعاء وأفئدة سكّانها ٨٨/٢١
أَمْعائي: أملشرب الحميم خلقت أمعائى ٢٠٣/١٠ـ١١٢/٣

م.ق.ت

مَقْتاً: فكفى مقتاً عندك أن أكون لعدوّك ٣٦/١
مَقْتُكَ: قبل أن يسبق مقتك إليّ ٥٥/٧
أم لزمني في وقت دعائى مقتُك ٣٤/٤
وينالني مقتُك فأعذني من ذلك كلّه ١٤٨/٣٢
فيحلّ بي مقتُك ٢٧/٨
أللّهمّ إنّ الظّلمة... لم يخافوا مقتَك ١١٩/٤
لِمَقْتِكَ: تهلك من المتعرّضين لمقتك ١٤٧/٨٨
إرحم عبدك المتعرّض لمقتِك ٣٦/٥
عفوك عنّى من التّعرّض لمقتِك ٣٦/٣
مَمْقُوتاً: آه وانفساه إن كنت ممقوتاً ١٩٨/٢٣

م.ك.ث

مَكْثُ: آه وانفساه من نار يطول فيها مكثُ ١٩٨/١٧

م.ك.ر

تَمْكُرُ: ولاتمكر بي فيمن تمكر به ١٤٧/١٠٥
لاتَمْكُرْ: وامكر لنا ولاتمكر بنا ١٥/٨ ـ ٨/٢١
ولاتمكر بي فيمن تمكر به ١٤٧/١٠٥
ولاتمكر بي في حيلتك ١١٦/١
أُمْكُرْ: وأمكر لنا ولاتمكر بنا ٨/٢١ ـ ١٥/٨
لاتُماكِرْ: سبحانك ... ولاتخادع ولاتماكر ١٤٧/٢٦
مَكْرٍ: وادفع عنّى كلّ سوء ومكرٍ بحولك وقوّتك ٢٨/٣
واكفني مكرَ المكرة ٧٨/٦
وهب لي مكراً على من كايدني ٥٥/١٢
الْمَكْرِ: والطف لهم «أهل الثّغور» في المكرِ ٦٧/٢
إن الشّيطان ... كثير المكر ٢٠١/٥٠
مَكْرِهِ: أعذني فيه من ... مكرهِ «شيطان» ١١٧/٧
ومن أرادني بسوءٍ ... وادحر عنّى مكرَهُ ٦١/٧
مَكْرِهِمْ: بسمالله ... من شرّ ... مكرهم ٢٢/٢٦
مَكْرِها: أسكنتنا داراً حفرت لنا حفر مكرها ١٩٦/١
مَكْرَكَ: أللّهمّ ... ولاتؤمنّى مكرَك ٢٥٢/٤١
ولايأمن مكرك إلاّ القوم الخاسرون ٢٥٢/٤١
حين يأمن المغرورون مكرَك ٢٠٤/٥
فوفّقني لما يؤمنّي مكرك ٢٥٢/٣٦
وأن تؤمنني مكرك ٢٥١/٤
إنّ الظّلمة ... أمنوا مكرك ١١٩/٣
ولاآمنٍ من مكرِك ١٤٨/٢٧
الْمَكْرَةِ: واكفني مكر المكرةِ ٧٨/٦

م.ك.ك

الْمَكّيُّ: ويحبّى للنّبيّ... المكّيّ ... ١١٦/٧٠

م.ك.ن

أَمْكَنَتْكَ: ولاأضلّنّ وقد أمكنتك هدايتي ٥٥/٢٣
مَكَّنْتَ: ومكّنت لنا في مهاد أرضك ٢٠٠/٢
ومكّنت في قلبه «محمّد» من معرفتك ١٠/١٨
مَكَّنّا: كذلك مكّنّا ليوسف في الأرض (قرآن) ٢٢/٢٢
تَمَكَّنَ: وجنودوأعوان، تمكّن من دنياه ٢١٤/٩٢-٢١٤/١٧
إِسْتَمْكَنَتْ: سؤال من... إستمكنت منه الدّنيا ١٦٦/١٠
مُكْنَةِ: وتبلّغه «محمّد» قصوى مكنة غايتها ١٠/١٣
أبلغ به «محمّد» من ... مكنةِ زلفته ١٠/١٥
تَمْكِيناً: وتمكيناً في أثناء الصّدور ١٠/١٠
تَمَكُّنَ: من النّبيّين وأتباعهم تمكّن منزلته ١٠/٢٤
الْماكِنُ: وأنت المكين الماكن الممكّن ٢٢٢/١
الْمُمَكَّنُ: وأنت المكينُ الماكن الممكّن ٢٢٢/١
مَكينٌ: إنّك اليوم لدينامكينٌ أمين(قرآن) ٢٢/٢٢-١٥٩/٢٢
الْمَكينُ: وأنت المكينُ الماكن والممكّن ٢٢٢/١
وجبريل... المطاع في أهل سماواتك المكين لديك ١٢/٤
لَمَكينٌ: من تقرّب منك لمكين من ١٩٩/١٥٢
أَمْكَنَهُمْ: اجعل نبيّنا... أمكنهم منك ١٠٩/٢٣

م.ل.أ

مَلَأَ: بسم الله الّذى ملأ الأركان كلّها ٢٢/٢٦
فصار الفقر ممثّلاً بين عينىّ وملأ قلبي ٧٧/٨
شيطاناً يغويني قد ملأ بالوسواس صدري ١٨٣/٣
مَلأْتَ: ملأت لهم ضمائرهم من حبّك ١٨٩/٤
وملأت بعظمتك أركان عرشك ١٤٩/٤
وملأتَ جهنّم وأطباقها منّى ٢٣٠/٣
وبقدرتك الّتى ملأت بها عبادك ١٧٧/٣
مُلِئْتَ: أسكنتني داراً قد ملئت من الآفات ١٩٧/٢٨
عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً ٢٤٨/١ - ١٤٩/٧٠
يَمْلَأُ: حمداً يملأ أرضه وسمائه ٩٧/٥
ويملأ صدرى همّه ٧٨/٢ - ٢٥٢/٢٠ - ٢٥١/٢٨
تَمْلَأُ: ... وتملأ منه الجباب ٥٣/٤
وتملأ الأرض والسّماء ٨٨/٢٣
تملأ به الأرض عدلاً وقسطاً ٢٤٨/١
أَنْ تَمْلَأَ: أسألك أن تملأ قلبي حبّاً لك ١١٦/١٢٠
إِمْلَأْ: وإملأ لنا ما بين طرفيه حمداً وشكراً ٢١/٩
وإملأ لنا من حسناتنا صحائفنا ٢١/١٠
واملأ أفئدتهم «عدوّ أهل الثّغور» الرّعب ٦٧/٧
إملأ من فوائدك يدىّ ١٤٧/١١٠
أللّهمّ إملأ الأرض به عدلاً وقسطاً ١٤٩/٧٠
إِمْتَلَأْتُ: وامتلأت بفيض جودك أوعية الطّلبات ١٤٦/٣
إِمْتَلَأْتِ: يوم نقول لجهنّم هل امتلأتِ (قرآن) ٢٠٧/١٩
والنّار الّتى يقال لها هل امتلأتِ ٢٥٧/١٧
إِمْتَلَأْتُ: وامتلأتُ بحمل ما حدث علىّ همّاً ٢٤/٦
مِلْأَ: ربّ صلّ عليهم ... ملأ سماواتك ١٤٧/٦٠
مَلِئَ: فإنّك ملئ بالعفو مرجوّ للمغفرة ٣٤/١٢
وتأنّيت وأنت ملئ بالمبادرة ١٤٦/١١
الْمَلِئُ: وأنت الملئ بتيسير الطّلبات ١٩٩/٨٠
وأنت الملئ بما رغب فيه إليك ١٤٢/٢٦
مَمْلُوءَةً: مددت يداً بالذّنوب مملوءةً ٢٠٣/٤
أشكو نفساً ... مملوءةً بالغفلة والسّهو ١٨٣/٢
مَمْلُوَّةً: قد مددتها إليك بالذّنوب مملوّةً ١١٢/١
مَلَأٍ: سبحانك حاضر كلّ ملأ ٤/١١
الْمَلَأِ: والمؤمنين والمؤمنات في الملأ الأعلى ١٣٩/١٠
ولاتعلن على عيون الملأ خبري ١٠٨/٢
أخذني ربّى بذنوبي بين الملأ ١٩٨/٦
إلهي فألهمنا ذكرك في الخلاء والملأ ١٩٤/٢
سبحانك سبّحت في الملأ الأعلى ٤/٧
الْمَلاءِ: ولم أراقبك في الملاء ١١٦/٦٤

م.ل.ح

مِلَحَ: وملح السّرارى والحرائر ٢١٢/٩٢

م.ل.ق

الْمَلَقِ: وهو يظهر لي بشاشة الملقِ ١٥٢/٧
الْإِمْلاقِ: واجبر بالقرآن خلّتنا من عدم الإملاق ١٠٩/١٥
الّذي ... لايمسك خشية الإملاقِ ١٩٩/٥٣
تَمَلُّقِكَ: لوانتهرتني...لاكففت عن تملّقك ١١٦/٧٣-١١٦/٣٢

م.ل.ك

مَلَكَ: الّذى ملكَ الملوك بقدرته ١٤٩/١٣
قد ملك الشّيطان عناني في سوء الظّنّ ٨٨/١٧
مَلَكُوا: أمر ملكوا إستطاعة الإمتناع منه دونك ٨/٦-٩٨/٣
مَلَكْتَ: وأمرتنا بالإحسان إلى ما ملكت أيماننا ١١٦/١٣٢
مَلَكْتُهُ: ما ملكته يدى وذوى عنايتي ٢٢/٣٦
مَلَكْتَ: أللّهمّ أنت المالك الّذى ملكتَ الملوك ٢٤١/٥
بل ملكتَ بإلهى أمرهم ٨/٧ - ٩٨/٤

وملكت فاستأثرت ١٩٩/١٠
أنت الرّبّ الّذى ملكت الخلائق كلّهم ٢٤٣/٢
مَلَكْتَنِي: ملكتني بقدرتك ١٥٣/١٥
يَمْلِكُ: كيف يستغني المذنب عمّن يملك ١٤٨/٢٤
أو من يملكُ كرامتي إن أهنتني؟! ١٦٤/١٠
فأسألك يامن يملِكُ الحاجات ٢٣٨/٧
يامن يملكُ حوائج السّآئلين ١١١/١
يَمْلِكُنِي: يامن يملكني لاتهلكني ١٨٠/٦
لايَمْلِكُهُ: إلى خير ما لايملكه أحد سواك ٢٣٧/٩
لايَمْلِكُها: فإنّه لايملكها غيرك ١١٧/٢٧
يَمْلِكُون: فإنّهم لو يملكون خزائن ٧٧/٢
لايَمْلِكُونَ: لايملكون تأخيراً عمّا قدّمهم ١/٥
أَنْ يَمْلِكُوا: قبل أن يملكوا عبادتك ٩٨/٤ ـ ٨/٧
تَمْلِكُ: وتملى للعاصى فيما تملكُ معاجلته ٨/١١ ـ ٩٨/٦
لاتَمْلِكُ: يوم لاتملك نفسٌ لنفسٍ شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٨
لاأَمْلِكُ: اللّهمّ إنّى أصبحت لاأملكُ لنفسي خيرما أرجولها ٢٥٤/٢
لاأملك لنفسي نفعاً ولاضرّاً ٥٧/٥ ـ ١٢٦/١
لايُمْلَكُ: اللّهمّ أنت الملك الّذى لايملك ١٩٩/٦٥
مَـــلَّكْتَهُ: إلى عـــدوّ مـــلّكته أمـــري أو إلى بـــعيد فيتجهّمني ٢٥٢/١٧ـ٢٥١/٢٥
مُلْكٍ: أنظر أىّ عزّ ملكٍ أو نعيم أنس ٢١٩/٢٤
وملكٍ كبير ٢٥٧/١٢
وأسرحنا في ملكِ الأبد ٩٦/٥
الْمُلْكُ: له الملكُ وله الحمد ١٢٣/٥
ولم يكن له شريكٌ في الملكِ (قرآن) ٤٧/٢ ـ ٨٣/١٢
٢٢/١١ ـ ١٤١/٢٢
الحمدلله ذى الملكِ والمكوتِ ٨٣/١١
فاستجب لي ... ياذاالملكِ ياذاالجلال ١٢٤/٢
سبحان ذى الملكِ والملكوت ٨٣/٤
مالك الملكِ ... ٢١/١٦
على الملكِ إحتويت ٢٤٢/٢
أللّهمّ ياذاالملكِ المتأبّد بالخلود ٨٨/١
وإستولى على الملكِ بعزّ أبد فحواه ١٩٩/٥٥
له الملكُ الّذى لانفاد لديموميّته ١٩٩/٥٧
مُلْكِهِ: يامن لاتنتهي مدّة ملكِهِ ٨/٢٠ ـ ١٥/٢
وجعلك آية من آيات ملكِهِ ١١٠/٢
ولايدرأ ملكُهُ ١٤٩/١٧
يامن ... لايبيد ملكُهُ ٢٤٧/٣
مُلْكِكَ: لو أنّ عذابي يزيد في ملكِكَ لسألتك ١١٢/٥
ولو أنّ عذابي ممّا يريد في ملكك لسألتك ١٦٢/٧
لايزيد في ملكِكَ طاعة المطيعين ١١٢/٥
فوعزّتك ما تعزّ ملكَكَ حسناتي ٢١٠/١
وقد شبنا في ملكِكَ ٢٠٨/٤
وليس عذابي ممّا يزيد في ملكِكَ ١٦٢/٧
وملكَكَ أدوم من أن تزيد فيه ١٦٢/٨
فوعزّتك ما يزين ملكَكَ إحساني ١٦٩/١
ولاتنازع في ملكِكَ ١١٦/٣٤ ـ ٢٥٣/٢
من لامذهب له في غير ملكِكَ ١٦٦/٢
يحوينا ملكُكَ وسلطانك ٢١/٧
واستعلى ملكُكَ علوّاً ٨٨/٢
لم أدع لك شريكاً في ملكِكَ ١٢٤/٣
والمشيئة لك في ملكِكَ ٢٢٣/٢
ملكَكَ كبير وعدلِك قديم ٢٥٧/٨
فوعزّتك ما تزيّن ملكَكَ حسناتي ٢٥٧/٣
لصغر خطري في ملكِكَ مع تضرّعي ٢٥٧/٢٠
ما أنا في خلقك إلاّ بمنزلة الذّرّة في ملكك ٢٥٧/٢١
لصغر خطري في ملكِكَ مع يقيني بك ٢٠١/٤٨
وأمهلتهم ثقة بدوام ملكِك ١٤٦/٧
مُلْكِنا: من قد شاب في ملكنا ٢٠٨/٤
لِمُلْكِهِ: ذلّ كلّ شيء لملكِهِ وهيبته ١٤٣/٤
الْمُلُوكِ: لعزّة ذى العرش الملوكِ الجبابر ٢١٤/٩٩
٢١٤/٢٤ ـ ٢١٨/٣
والملوكِ العاتية كيف انتسفتهم الأيّام ٢١٤/١٣
ويامن وضعت له الملوكُ نير المذلّة ١٦٣/٨
أللّهمّ أنت المالك الّذى ملكت الملوكَ ٢٤١/٥
غلّقت الملوكُ أبوابها ٢٠٢/٧ ـ ٢١٥/١
أغلقت الملوكُ أبوابها ٨٩/١
وإنهدّت الملوكُ لهيبته ١٤٩/١٣
الّذي ملك الملوكَ بقدرته ١٤٩/١٣
وتأمّل معاقل الملوكِ ٢١٩/٢٢
إلهى... غلّقت الملوكُ عليها أبوابها ٨٢/١
فنوّهت بأسماء الملوكِ ٢١٩/٢٧
وأوصلت إلى نفوسهم حبرة الملوكِ ١٩٩/١٨٥
مَلَكَةِ: أعوذبك من ... ملكةِ الحميّة ٢٦/١
أشتكي ذلّ ملكةِ الدّنيا ٢١٩/٥
وملكةُ القدرة الصّمد ٧٤/٤
مَلَكَتِهِ: وأستعصمك من ملكتِهِ ٨٨/١٧
مَلَكَتِي: ووفّر ملكتي بالبركة فيه ٥٥/٣٥
بِالْمَلَكَةِ: جعل لنا الفضيلة بالملكةِ ١/١٩
مَلَكاتِها: على غضاضة سوء الإعتداد من ملكاتها ٢١٩/٧

مَمْلَكَتِهِ: وبحقّ سليمان ومملكتِهِ ١٨٠/٣
مَمْلَكَتِكَ: بالعطيّات على أهل مملكتك ١١٦/١٥
مَمالِيكِنا: إلهي أمرتنا أن نعتق من مماليكنا ٢٠٨/٤
تَمْليكٍ: أللّهمّ أنت ... الملك بلا تمليكٍ ٢٥٣/٢
مالِكَ: يامالكَ يوم الدّين ١٤٣/١٧ ـ ١٨١/٢
مالكُ الدّنيا والآخرة تقضى ما تشاء ١٢٧/٢
يامالكَ خزآئن الأقوات ١٩٩/٥١
يامالكَ الدّنيا والآخرة ١٣٥/٨
مالك والخزنة ورضوان وسدنة الجنان ١٢/١٢
... مالِكُ الملك، رحيم بالخلق ٢١/١٦
الْمالِكُ: أللّهمّ أنت المالِكُ الّذى ملكت الملوك ٢٤١/٥
مولاي مولاي أنت المالكُ وأنا المملوك ١٦٨/١١
وهل يرحم المملوك إلاّ المالكُ ١٦٨/١١
وأنت المالكُ وأنا المملوك ١٤٩/٨
مَليكٌ: مليكٌ عزيزلايردّ قضائه ٢١٤/٢٢ـ٢١٨/١ـ٢١٤/٩٧
سبحانك من مليكٍ ما أمنعك ١٤٧/٢٣
أللّهمّ إنك مليكٌ مقتدر ٢٢/٤٢
الْمَمْلُوكَ: وهل يرحم المملوكَ إلاّ المالك ١٦٨/١١
مولاي مولاي أنت المالك وأنا المملوكُ ١٦٨/١١
وأنت المالك وأنا المملوكُ ١٤٩/٨
مَمْلُوكِنا: أللّهمّ اغفرل.. حرّنا ومملوكنا ١١٦/٢٩
أَمْلَكُ: كلّفتني من نفسي ما أنت أملكُ به منّى ٥٩/١
مَلَكٌ: فارفعه «محمّد»... حتّى... لايوازيه لديك مَلَكٌ ٩/٤
إلى وقت فنآئه من ملَكٍ قرَّبته ١١٥/١٦
دعاك بها نبيّ مرسل وملكٌ مقرّب ١٢١/١٩
وتجلّى ملَكَ الموت لقبضها ١٠٩/١٨
بكلّ دعوةٍ دعاك بها ... ملكٌ مقرّب ١٢٤/٥
وكيف ينام من يخاف بياتَ ملكِ الموت ٨٢/٦
ولم يزل ولايزال ملكٌ كريم يأتيك ١١٦/٤١
بل كيف ينام العاقل وملَكُ الموت لاينام ٨٢/٦
مَلِكُ: إلهى أنت ملك العطايا ٢٠٣/٥
أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك ... ملكٌ لاتغدر ١٣٠/٤
الْمَلِكُ: فتعالى الله الملكُ الجبّار ٢١٤/٩٦
وأنت المِلكُ الحىّ القيّوم ٢١٥/١
أللّهمّ أنت ... الملكُ بلا تمليك ٢٥٣/٢
أللّهمّ أنت المِلكُ الّذى لايملك ١٩٩/٦٥
أنت ... الملكُ الحقّ المبين ١٨١/٣
أللّهمّ أنت الملكُ الحقّ المبين ٨٣/١
أنت الملكُ القاهر ٨٣/١
أنت ... الملك القاهر ٢٤٧/٤
أنت المِلكُ الأبد والرّبّ الصّمد ٢٤٧/٥
فتعالى الملكُ الجبّار ٢١٤/٢١
وقال الملكُ ائتوني به (قرآن) ١٥٩/٢٢ ـ ٢٢/٢٢
مَلَكُوتِ: تحيط به قدرتك من ملكوتِ السّلطان ١١٤/١٥
يامن حاز كلّ شىء ملكوتاً ٤١/١ ـ ٨٤/١
يامن بيده ملكوتُ كلّ شىءٍ ١٣٥/٨
هممهم في ملكوتِ سماواتك حجباً ٢٠٠/٣٦
وصيّرت هممهم في ملكوتِ السّمآء ١٩٩/١٨٦
الْمَلَكُوتِ: الحمدلله ذي الملك والملكوتِ ٨٣/١١
والعظمة والجبروت والكبرياء والملكوتِ ١٢٨/١
فسمّاهم أهل الملكوتِ زوّاراً ٢٠٠/٤٢
بلطفك وكرمك ياعالى الملكوتِ ٢٣٩/١٢
سبحان ذى الملكِ والملكوتِ ٨٣/٤
حتّى تولّهت قلوبهم في الملكوتِ ٢٠٠/٣٠
نظروا بعين القلوب ... في عظم الملكوتِ ٢٠٠/٤٣
مَلَكُوتُهُ: يامن لاينقص ملكوته ١٩٩/٣٣
بِمَلَكُوتِ: المحيط بملكوتِ السّماوات والأرض ٢٦٧/٤

م.ل.ل

يَمَلَّ: ويملّ العمل في غده ٢٠٤/٧
لايَمَلُّ: سيّدى أدعوك دعآء ملحّ لايملُّ مولاه ١٩٩/١٣٤
دعآء ملحّ لايملُّ دعآء مولاه ١٩٧/٣٠
أسألك سؤال ملحّ لايملُّ دعاء ربّه ٢٤٣/١
لاتَمَلُّ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... وهّابٌ لاتملّ ١٣٠/٥
الْمَلَلِ: أعذنا من الفشل ... والملل ٢٠٠/١٦
مِلَّةِ: وتوفّني... على ملّةِ رسولك ١١٦/١٢٥
توفّني على ملّتك وملّة نبيّك ٨٠/١٠
ملّةِ إبراهيم خليلك ٢٦٨/٣
وتوفّنى على ملّةِ إبراهيم وفطرته ١٢٣/١٤
الظّلمة ... رغبوا عن ملّةِ خليلك ١١٩/١
وفي سبيل الله وعلى ملّةِ رسول الله ٢٩/١ ـ ٢٨/١٠
الْمِلَّةِ: قد درست أعلام الملّة ٢١٩/٤٦
مِلَّتِهِ: وتوفّنا على ملّتِهِ «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
مِلَّتِهِمْ: ... تُمتحني على طاعتهم وملّتهم ٤٢/٢١
مِلَّتِكَ: توفّنى على ملّتك وملّةِ نبيّك ٨٠/١٠
ولأهل ملّتك مجمعاً ومحتشداً ١٤٢/٥٩
وتوفّنا على ملّتِك ١١٦/٢٦
وملّتِك الّتى ارتضيت ١٤٢/٢٣
من أهل ملّتِك ... فلقّه اليسر ٦٧/١٦
وأتعبها بالدّعآء إلى ملّتِك ٩/٣

واجعلني على ملّتك أموت وأحيا ٥٥/٢٦
بِمِلَّتِهِ: واختصّنا بملّته ١١٥/٢
الْمِلَلِ: واصطفيتنا بفضله دون أهل الملل ١٤٢/٢٥
وإذا تناقضت الملَلُ لأرضاها ٥٥/٣٢
بِمِلَلٍ: ولابملل صمناك ولامقليّاً فارقناك ١٤٣/٢٩

م.ل.م.ل

أَتَمَلْمَلُ: أتململ تململ السليم ٢١٩/٢٧
تَمَلْمَلَ: أتململ تململ السليم ٢١٩/٢٧

م.ل.و

تُمْلي: وتملى للعاصي فيما تملك معاجلته ٩٨/٦ ـ ٨/١١
الْإِمْلاءِ: وأجرني من أخذ الإملاء ١٤٧/٨٩
بِإِمْلائِكَ: لاتستدرجني بإملائك لي استدراج ١٤٧/٨٥

م.ن.ح

مَنَحْتَهُ: ويدرك عطاء من منحتهُ سعة رزقك ٢٤١/٥
فاجعلنا ممّن ... منحتهُ بالنّظر إلى وجهك ١٩٠/٢
مَنَحْتَني: أن لاتسلبني ما منحتني ١٩٩/٣٣
تَمْنَحَني: وتمنحني السّلامة في ديني ونفسي ٢٥٣/٥
إِمْنَحْها: وإمنحها «نفسي» سؤلها ٢٣٧/٥
إِمْنَحْني: وإمنحني حسن الدّعة ٥٥/٣٤
وإمنحني حسن الإرشاد ٥٥/٣٠
مَنْحِكَ: على باب من أبواب منحك ٢٣٩/٨
مِنَحِكَ: على باب من أبواب منحِكَ سآئلاً ١٩٩/٩١
الْمَنائِحِ: مكدّرةٌ لصفو المنائح والمنن ١٨٨/٢

م.ن.ع

مَنَعَهُ: ومنعه لاعن لحمةٍ ولانسبةٍ ١٠/٢٩
مَنَعَهُمْ: ولامنعهم عن بلوغ ما أمّلوه لديك مانع ١٩٩/٣٠
مَنَعَني: إستدراج من منعني خير ما عنده ١٤٧/٨٥
وأبتلى بذمّ من منعني ٥٥/٣٨
ومنعني «الموت» رُقادي ٨٢/٥
ومنعني كلّ مأمول ما عنده ٢٠٤/١
مَنَعْتَ: ومنعت منّي محذور القضاء ١٦٣/٢
وإن منعت لم يكن منعك تعدّياً ١٤٢/٢
مَنَعْتَهُ: وتجود على من لو شئت منعته ١٤٢/٣
مَنَعْتَني: أو منعتني فضلك الجسيم ٥٧/٣
ولاأحزن على ما منعتني فيها ٥٧/٨
ولانفتهم بما منعتني فاحسد خلقك ٩٦/٢
حاجتي الّتي إن أعطيتنيها لم يضرّني ما منعتني ١٢٩/٥٠
إلهي لو... منعتني سببَكَ من بين الأشهادِ ١١٦/٧٤
لو... منعتني سببك من بين العباد ١٩٩/٩٣
مَنَعْتَنيها: إن منعتنيها «حاجتي» لم ينفعني ١٢٩/٥٠
مُنِعَ: السّآئل إذا منعَ إمتنع عن السّؤال ١٩٧/٤٢ـ١٩٩/١٥٨
يَمْنَعُها: وأحش قلوبنا نوراً يمنعها ١٩٩/٣٥
لايَمْنَعُ: الّذي لايمنعُ أحداً فضله ١٠١/١١
لايَمْنَعُهُ: إرحم من... لايمنعهُ من عذابك مانع ١٩٩/٤٤
فَلايَمْنَعُكَ: فلايمنعك ذلك من ١١٦/٤١
لايَمْنَعُنا: ولايمنعنا منك أحد إن أردتنا ٨٣/٤
لَمْ يَمْنَعْكَ: ثمّ لم يمنعكَ ذلك من الرّأفة بي ٤٠/٣
فَلَمْ يَمْنَعْكَ: فلم يمنعكَ جرأتي على ١٩٩/١٥٥
فلم يمنعك ماكان منّي أن عدت بحلمك عليّ ٣٦/٢
لَمْ يَمْنَعْني: ولم يمنعني عودك عليّ بفضلك ١٤٩/٣٠
تَمْنَعُ: إن مسّها «النّفس» الخير تمنعُ ١٨٣/٢
أن تأمر بالسّوْال وتمنَعَ العطيّة ١١٦/١٥
وتمنَعُ عن قدرة ٨٧/٩
... تمنَعَ عدوّك وعدوّهم منّي ٤٢/٢١
تَمْنَعُهُمْ: صلاة... تمنعهم بها من كيد ١٤/٨
تَمْنَعُني: تمنعني من طاعة عدوّهم ٤٢/٢١
لاتَمْنَعُهُ: ولاتمنعه رهبته عن الكسل ١٣٣/٤
لَمْ تَمْنَعْكَ: لم تمنعك إساءتي عن ١٥٢/١٣
فَلَمْ تَمْنَعْكَ: فلم تمنعك جرأتي عليك ١٤٩/٣٠
لاتَمْنَعْني: ولاتمنعني الإجابة وقد ضمنتها لي ٦٤/١٠
ولاتمنعني لقلّة صبري ١١٦/٨٨
لاتَمْنَعْنيهِ: لاتمنعنيه يوم حاجتي إليه ١٩٩/١٠٧
إِمْنَعْ: وامنع حومتهم «أهل الثّغور» ٦٧/٢
وامنع حصونها منهم «المشركين» ٦٧/١٥
إِمْنَعْني: وامنعني عن أذى كلّ مؤمن ومؤمنة ١٠١/١
إمنعني وإيّاهم مَن ظلم الظّلمة ٢٤٨/٥
وإمنعني من السّرف ٥٥/٣٥
إِمْنَعْنا: وإمنعنا بعزّك من عبادك ١٥/١٥
فَامْنَعْنا: فامنعنا بعزّتك من شرّ عبادك ٨/٢٥
أَمْنَعَهُ: سبحانه من ... عزيز ما أمنعه ١٩٩/١٥
أَمْنَعَكَ: سبحانك من مليكٍ ما أمنعك ١٤٧/٢٣
لايُمانِعُ: فإنّك العزيز الّذي لايمانع عمّا يشآءُ ١٥٥/٩
إِمْتَنَعَ: أنت ... أمل من إمتنع تأميله ١٩٩/١٦٢
لأنّ السّآئل إذا منع إمتنع عن السّؤال ١٩٧/٤٢ ـ ١٩٩/١٥٨
إِمْتَنَعْتُ: وضاقت المذاهب وامتنعت المطالب ٢٢٠/١ـ٢٢١/١
إِمْتَنَعْتُ: إمتنعتُ بالله ١٥٩/٢

لِتَمْتَنِعَ: نفسي الّتي لم تخلقها لتمتنع بها من سوء ١٠١/٦
لايَمْتَنِعُ: لايمتنع من بطشه شيء ١٤٩/١٧
ولايمتنعُ منك من كذّب بقدرتك ١٦٦/٤
لايمتنع منه أحدٌ أراده ١٤٩/١١
يَتَمَنَّعُ: كيف يتمنّعُ من فيها من طوارق الرّزايا ١٩٩/١١٨
مَنْعِ: الرّضا بقضائك عوضاً من منعِ الباخلين ١١٦/١٢ـ٢٢٠/٤
ومن أعطيت لم ينقصه منعُ المانعين ٨/٢٤ ـ ١٥/١٤
والإستراحة إلى ضمانك عوضاً من منعِ الباخلين ٢٢١/٤
فلم يعززك منعٌ ولانكأّدك إعطاءٌ ٢٣٧/٢
الْمَنْعِ: وكلاهما أهل منك للفضيحة والمنعِ ١٤٢/٣
وهو يستحقّ المنعَ ٣٩/٩
وأنت من دونهم ولىّ الإعطاء والمنعِ ٥٥/٣٨
مَنْعِهِ: وأنت الّذى عطاؤه أكثر من منعه ٤٩/٤
مَنْعُكَ: وإن منعت لم يكن منعُك تعدّياً ١٤٢/٢
ولانفذ منعُك سؤال ملحّ ٢٣٧/٢
فأستحقّ بذلك خذلانك ومنعَكَ ٥٥/٢٠
أن تجعلني في ... منعِكَ الّذى لايرام ٢٢/١٩
بِمَنْعِكَ: ولاتقطع رجاءنا بمنعك ٣٢/٢
مَنْعَةٍ: أوردته بعد عزٍّ ومنعةٍ ٢١٤/١١٤ ـ ٢١٤/٣٨
كم من ذى منعةٍ وسلطان ٢١٤/٩٢
الْمِنْعَةِ: العالي في وقار العزّ والمنعةِ ١٩٩/٥١
إمْتِنَاعَ: صلاة ... لإمتناعَ لصعودها ١٩٩/٦٠
ولابأحد عن سطوتك إمتناعٌ ٩٧/٤
الْإمْتِنَاعِ: أمرملكوإستطاعة الإمتناعِ منه دونك ٨/٦ـ٩٨/٣
مانِعِ: كهفِ مانعٍ وألبسهم منه جُنناً واقية ٥٠/٩
عرض له دون إرادته مانعٌ ٦٧/٢٢
إرحم من ... لايمنعه من عذابك مانعٌ ١٩٩/٤٤
ولامنعهم عن بلوغ ما أمّلوه لديك مانعٌ ١٩٩/٣٠
ومانِعَ السّماء أن تقع على الأرض إلاّ بإذنه ١٣٨/١
يامانِعَ السّماوات أن تقع على الأرض إلاّ بإذنه ١٣٥/٢
جعلته «محمّد»... لحمى الحقّ أن يستباح مانعاً ١٠/٨
حمداً ... مانعاً من عذابك الواصب ١٩٩/١٧٧
الْمانِعُ: هو ... الحليم المانعُ لما يشآء ٢/٦
فرّق بيني وبين ذنبي المانِعِ لي من لزوم طاعتك ١١٦/٨٥
الْمانِعِينَ: من أعطيت لم ينقصه منع المانعين ١٥/١٤ـ٨/٢٤
مانِعَةٍ: وتولّني بعصمة مانعةٍ ٨٠/١٥ ـ ٨١/٣
مُمْتَنِعٌ: أللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... ممتنعٌ لاتقهر ١٣٠/٤
الْمُمْتَنِعِ: والسّلطان الممتنع بغير جنود ولاأعوان ٨٨/١
مَنيعُ: يارفيع يامنيعُ ياكريم باعظيم ١٢٢/٤
مَنُوعاً: وإذا مسّه الخير منوعاً (قرآن) ٣٥/٧ ـ ٢٥٧/٣٠
مَمْنُوعاً: واجعلني في كلّ حالاتي... ممنوعاً ٥٩/٦
الْمَمْنُوعِينَ: غير الممنوعين بالتّوكّل عليك ٦٤/١٢
أَمْنَعُ: وجارك أمنعُ وأحكم ٢٥٧/٨
سلطانك أجلّ وأمنعُ من كلّ سلطان ٢٢/٢٠

م.ن.ن

مَنَّ: والحمدلله الّذى منّ علينا بمحمّد ٩/١
مَنُّوا: ومنّوا علىّ طويلاً وذمّوا كثيراً ٥٩/٣
مَنَّتْنِي: فغير ذلك منّتني نفسي منك ١٩٩/٩٢
مَنَنْتَ: ومننت فيه «يوم عرفة» بعفوك ١٤٧/٧١
وكان أحقّ عبادك مع ما مننت عليه ١٤٧/٧٤
ويشكرنا على حسب ما مننت به علينا ١٠/٣١
قديماً ما مننت علىَّ ٤٢/٢٤
أمنن علىّ بما مننت به على المستضعفين ١١٤/٧
رحمةً منت بها إلى أحسن طاعتك ٣٦/٥
ولانسلبني صالح ما مننت به علىّ ١٢١/٢٣
فقديماً ما مننت على أوليائك ١٤٨/١٥
ثمّ ثبّته بما مننت به عليه ٨٣/٨
من فضلك الّذى مننت به على أوليائك ٧٧/٤
إن مننت عليه بها وعفوت ٢٤٥/١
مننت علىّ بمن هديتني به من الضّلالة ١٤٤/٤
مننت علىّ بغفران ما مضى من ذنوبي ٢٢٠/٨
مَنَنَّا: ولقد منّا على موسىٰ وهارون (قرآن) ١٥٩/١٩
يَمُنَّ: يامن يمنّ بإقالة العاثرين ١٤٧/٨١
أللّهمّ إنّى أسألك باعظيم الّذى يمنُّ بالعظيم ١٢٣/١٢
لايَمُنُّ: حسبى الّذى لايمنُّ على الّذين يمنّون ٢٢/١٧
يَمُنُّونَ: حسبى الّذى لايمنُّ على الّذين يمنّون ٢٢/١٧
تَمُنَّ: إن لم تداركني منك برحمة تمنّ بها علىّ ٢٥٧/١٥
أَنْ تَمُنَّ: لاأن تمنّ به على من أمّلك ١٤٧/٧٦
أسألك بكرمك أن تمنّ علىّ من عطائك ١٨٥/٧
فَلَمْ تَمْنُنْ: استرشدك فلم تمنن بإرشاده ١٩٩/٣٧
لايَمُنُّ: ياذاالمنّ ولايمنّ عليك ١٢٠/١٠ ـ ٢٥١/٦٦
ياذاالمنّ والإحسان ولايمنُّ عليك ١٢١/١
أُمْنُنْ: وامنن علىّ بما يتعاظمك ١٤٧/٧٦
أمنن علىّ بما مننت به على المستضعفين ١١٤/٧
وأمنن علىّ بالجنّة ٢٠٦/١٥
وأمنن عليه بطولك الجزيل ١٩٢/٩
وأمنن علىّ بشوق إليك ٥٧/١٣
وأمنن به على فقرآء المسلمين ١٤٩/٧٠
وأقلني عثرتي وامنن علىّ بذلك ١٧٢/٦ ـ ١٧٣/٨

وأمنن عليّ بكلّ ما يصلحني في دنياي وآخرتي ٦٤/١١
وأمنن علينا بمتابعته «امام زمان» (عج) ١١٩/٣٠
أمنن علينا بفضلك ١٤٣/٤١ ـ ١٩٧/٢٧
وأمنن عليّ بالصّحة والأمن ٦١/٣
أللّهمّ وامنن عليّ بالحجّ والعمرة ٦١/٤
وأمنن على عبادك بايتاع الثمرة ٥٣/١
أمنن عليّ بفضلك ١٩٩/١٣٣
وأمنن علينا بالنّشاط ٢٠٠/١٦
فَامْنُنْ: فامنن عليّ قبل البلاء بالعافية ٥٥/٣٠
فأمنن علينا بما أنت أهلُهُ ١١٦/٣٩
فأُمنن عليّ بكريم غفرانك ١٩٩/٨٢
فأمنن عليّ بعفوك عن ذنبي ١٩٩/١٦٠
فأمنن عليّ بحمدك ٧٧/٦
فأمْنن بذلك علينا ولاتخيّبنا ١٤٠/٢
مُنَّ: إلهي منّ عليّ بإحسانك ٢٠٦/١٦
وأكرمني بالجنّة ومنَّ عليّ بالمغفرة ١٤٩/٥٨
أللّهمّ مُنَّ عليّ بالجنّة ٢٦٦/١
ومُنَّ عليّ بالتّوكّل عليك ٢٥١/٦٩
أللّهمّ ومُنَّ عليّ ببقاء ولدي ٦٤/١
يامنّان مُنَّ عليّ بالرّحمة ياأرحم الرّاحمين ١٤٩/٤٩
مَنٍّ: إنّك ذومَنٍّ قديم ١١٦/١٠١
وسجودي لك بغير مَنٍّ منّي عليك ١١٢/٩
ياذاالمنّ لامَنَّ عليك ٢٥١/٦٧
مَنّاً منك به عليّ لامنّاً به منّي عليك ٢٢٩/١
مَنّاً منك عليّ لامنّاً منّي عليك ١٦٥/١ ـ ٢٢٩/١
مَنّاً منك عليها لامنّاً منها عليك ١٩/١٥٣
مَنّاً منك به عليّ لامنّاً منّي به عليك ٢٠٩/١ ـ ٢٣٣/١
مَنّاً منك عليه لامنّاً منه عليك ١٠/١٨
وأظهرت حسناتي القليلة الصغار منّاً منك ١٤٩/٣٣
الْمَنّ: راضٍ غير غضبان انّك ذوالمنّ ١٣٣/١١
إنّك ذوالفضل العظيم والمنّ القديم ٦٣/١٦
بل لك الحمد والمنُّ عليّ ١١٢/٩
ياذاالمنّ لامنّ عليك ٢٥١/٦٧
ياذاالمنّ والجود والطّول والنّعم ٢٥١/٦٦
ياعظيم المنّ ١١٦/٢٦
ياذاالمنّ الدّائم الّذي لاينقطع أبداً ٢٢٧/٣
ياذاالمنّ ولايمنّ عليك ٢٥١/٦٦ ـ ١٢٠/١٠
ياذاالمنّ والإحسان ولايمنّ عليك ١٢١/١
ويكون لك المنُّ عليّ فيه خالصاً ١٢١/٢
ياألله ياذا ... المنّ والسّلطان ١٣٤/١
ياذا ... المنّ والقوّة ١٣٣/١
ياكبير ياذاالمنّ ياقديم ١٢٤/٣
مَنُّكَ: مَنُّك عليّ لامنّي عليك ٨٩/٢
برحمتك ومَنِّك ياأرحم الرّاحمين ١٩٣/٧
أنت الّذي عمّ الخلائق منُّك ٢٣٩/٢
أين منُّكَ الجسيم ١١٦/٢٧
بجودك وكرمك ومنّكَ وفضلك ١٣٨/١٩
أللّهمّ هذا من منِّكَ وفضلك ٢٥٩/١
وما أسديت من جميل منِّك إليهم ١٩٩/١٨٧
مَنِّي: منّك على لامنّي عليك ٨٩/٢
بِمَنٍّ: إن أعطيت لم تشب عطاءك بمنٍّ ١٤٢/٢
بِمَنِّهِ: والحمدلله الّذي ... أفتانا بمنّه ١/٢٢
لنسلكها بمنّه إلى رضوانه ١١٥/٢
وكثّرنا بمنّه على من قلّ ٩/١
فَبِمَنِّهِ: فإن رحم فبمنّه «الله» ١٢٣/٣
بِمَنِّكَ: ووفّقتنا بمنّك له ١٤٢/٤٨
بمنّك وفضلك ووحدانيّتك وجلالك ١٤٨/١٥
كفّر خطيئتي بمنّك ورحمتك ١٨٢/١٣
وينجو كلّ منّا بمنّك ١٠١/٣
فذكروك بمنّكَ وشكروك بفضلك ١٤٢/١٩
لقّنته ما رضيت به عنه بمنّك عليه ١١/٣
بأعلام الهداية بمنّك على خلقك ٢٤٩/١
وارزقني... سرور الأبد في دار المروّة بمنّكَ ١٣٣/٨
أللّهمّ ... فسهّل لنا عفوك بمنّك ٣٢/١
بمنّك وطولك وجودك وفضلك ١٤٣/٥٥
وجعلته «محمّد» بمنّك على المشركين ثاقباً ١٠/٥
وخفّف عنه بمنّك ٤٩/١٦
واصرف عنّي شرّهما بمنّك وسعة فضلك ٢٢/٤١
بِالْمَنِّ: ولاتمحقه بالمنّ وهب لي معالي الأخلاق ٥٥/٤
وغمرهم بالمنّ والطّول ١٤٢/٢٢
مِنَّةً: ولاتجعل لفاجرٍ لاكافر عليّ منّةً ٥٧/١٢
وكم قلّدتني من منّةٍ ضعفت قواى ١٩٩/٦٩
أعظم منّةً لديّ من أن أقاصّهما بعدل ٦٣/١٠
أرزقنا معروفاً في غير أذىً ولامنّةٍ ٢٠٠/٢٠
الْمِنَّةُ: أللّهمّ إنّي أطعتك والمنّةُ لك ٦٠/٢
وأتمم علينا باستكمال طاعتك فيه المنّةَ ١١٠/٩
والمنّةُ منك لديهم موصولة ١٩٩/١٦٤
مِنَّتِكَ: إنطلاق ألسنتنا في وصف منّتك ٨/٢٦
منّتك ابتداء وعفوك تفضّل ١٤٢/١
وأسبغ علينا منّتك ١٤٢/٢٢

واجعل ... إنطلاق ألسنتنا في وصف منّك ١٥/١٦
فَمِنَّةٌ: فإن تجد بها علىّ فمنّةٌ من منك ٢٥٧/١
مِنَن: في منن قد سبقت منك لاأحصيها ٢٥٧/١٥
الْمِنِّين: ذى المنن الّتى لايحصيها العادّون ١٩٩/٧
مكدّرةٌ لصفو المنائح والمنن ١٨٨/٢
إنّك المنّان بجسيم المنن ٩٧/٦
لك المنّ العظام والمواهب الجسام ٢٤٧/٢
مِنَنِهِ: على ما أبلاهم من مننه المتتابعة ... ١/١٠
عن عباده معرفة حمده ... لتصرّفوا في مننه ١/١٠
مِنَنِكَ: أللّهمّ ولأسلبنّ عوائد منّك ٢٤٩/٦
واشفع لي أوائل منكِ بأواخرها ١٤٧/١٠٢
إلهى... قلّدتني منّكَ قلائد لاتحلّ ١٨٧/٥
جزاءً للصّغري من أياديك ومننِك ٩٨/٨
ما سعى فيه جزآء للصّغرى من منكِ ٨/١٤
فأتلني لطآئف منكِ فإنّك لطيف ١٩٩/٢٨
فإن تجد بها علىّ فمنّة من منكِ ٢٥٧/١
لِمِنَنِكَ: وإعترافاً بإحسانك واحصاءً لمنّك ٥٥/٢٢
إمْتِنانا: أبيت يامولاي إلاّ إحساناً وامتناناً ١٥٢/١٣
بل كان ذلك منك تطوّلاً علىّ وإمتناناً ١٤٤/٢
الْإمْتِنانِ: ما إصطنعت عندي من فوائد الإمتنان ١٩٩/٧٠
إنّك ... المتطوّلُ بالإمتنان ٤٦/٧
إمْتِنانِكَ: ولم أخل في الحالات كلّها من إمتنانك ٣٤/٣
تديم علىّ نعم إمتنانك ١٩٢/٧
إلهى ... أتيتك ... راغباً في إمتنانك ١٨٦/٧
وليس من جميل إمتنانِك ردّ سائل ١٩٩/٩١ ـ ٢٣٩/٨
بِالْإمْتِنانِ: يامن لايكدّر عطاياه بالإمتنان ٣٩/١
ومنعوناً بالإمتنان ١٤٢/٢٠
التَّمَنّي: الشّيطان في روعى من التمنى ٥٥/٢١
الْمَنُونِ: كم خرمت أيدى المنونِ ٢١٤/٨٠
فرّقتهم أيدى المنونِ ٢١٩/٢٤
كم إخترمت أيدى المنون ٢١٤/٥
مَنُّ: لم تفضحني يامنّانُ ٢٤١/٦
يارازق يامنّان ياالله ١٣٢/٢
أن تحول ... ما يبعدني عنك ياحنّانُ يامنّان ٢٣٧/٦
ياالله يامنّانُ ياالله ياسميعُ ١٣٤/١
إنّك منّانٌ كريم ٩٨/١٢ ـ ٨/١٩
يامنّانُ منّ علىّ بالرّحمة ياأرحم الرّاحمين ١٤٩/٤٩
ياحنّانُ يامنّان يارحيم يارحمن ١٨٤/٩
وأنت المتفضّل المنّانُ القائم الدّيّان ٢١٤/٧٣
إنّك المنّان الحميد ١١٠/٩ ـ ٦٧/٢٣
إنّك أنت المتفضّل المنّانُ ٧٠/١٤
أنت المنّان بديع السّماوات والأرض ٢٧٠/١ ـ ٤٣/١
إنّك أنت المنّان بالجسيم ٢١/١٨
وأنت المنّانُ بالعطيّات على أهل مملكتك ١١٦/١٥
إنّك المنّان بجسيم المنن ٩٧/٦
مَمْنُونٍ: نعمةً منك سابغةً وعطاءً غير ممنونٍ ٧٨/٢
وأنزل علىّ ... عطآءً غير ممنونٍ ٢٥٢/١٩ ـ ٢٥١/٢٧
ومن طيّب رزقك ياربّ غير ممنونٍ ٢٥١/٢٢ ـ ٢٥٢/١٤

م.ن.ى

مُنيتُ: أنت القادر على كشف ما مُنيتُ به ٢٤/٦
مَنّانا: إن وعدنا كذبنا وإن منّانا أخلفنا ٦٤/٨
تُمَنّيها: فصدّق بكرمك مبشّرات تُمنّيها ١٩٧/١٩
تُمَنّيني: إلهى نفسى تُمنّيني بأنّك تغفرلى ١٩٧/١٩
تَمَنّاهُ: ونال ما تمنّاه وبنى فيها القصور ٢١٤/٩٢
تَمَنَّيْنا: وتمنّيْنا أن لو شهدنا مشهداً من مشاهده ١٠/٢٨
أَتَمَنّى: وأتمنّى الجنّة مع أفعالي القبيحة ٢٠١/١٠
لاأَتَمَنّى: كيف لاأدعوكَ ولاأتمنّى الجنّة ٢٠١/١٠
نَتَمَنّى: يسّر لنا بلوغ ما نتمنّى من ابتغآء رضوانك ١٨٨/١
نتمنّى عليك العظائم ٢٠٠/٦
مُنى: وصلك مُنى نفسى وإليك شوقى ١٨٩/٧
الْمُنى: وتقصر عنه الْمُنى حتّى لاتبقى ١٠/٢٠
أتحرقنى بالنار يا غاية الْمُنى ٩١/٥
وازجرنى عن الْمُنى لمنازل المتقين ٢٥١/٤٢
أتحرقني فى النّار ياغاية الْمُنى ٢١٦/٥
مُناهُ: ونال منها مُناه ٢١٤/١٧
يامن ... إذا أمّل ما عنده بلّغه مُناهُ ١٨٥/١
مُنايَ: إنّك ولى نعمآئى ومنتهى مُنايَ ٢٥٥/٧
مُنْيَتي: فأحيه «قلبى» ... ياسؤلى ومُنْيَتي ١٨٢/١
أن لاتخيّب بين ذين وذين مُنْيَتي ١١٦/٢٠
مِنى: أسألك بالحجّ الأكبر ومِنى وعرفاتٍ ١٣٧/٨
الْمَنِيَّةِ: فما صرفت كفّ المنيّةِ إذ أتت ٢١٤/١٨ـ٢١٤/٩٣
ولاقارعت عنه المنيّةَ خيله ٢١٤/٢٠ ـ ٢١٤/٩٥
وأنت إلى دار المنيّةِ صائر ٢١٨/٥ ـ ٢١٤/٢٧
من هول الْمنيّةِ ونزول البليّة ٢١٤/٤١
وقد جشأت خوف الْمنيّةِ نفسه ٢١٤/٤٤ ـ ٢١٤/١٢٠
لعاينت من قبح المنيّةِ منظراً ٢١٤/١٣٠
عند هول المنيّةِ ونزول البليّة ٢١٤/١١٧
لأبصرت من قبح المنيّة منظراً ٢١٤/٥٤
الْمَنايا: سهم من سهام الْمنايا ١٩٩/١١٨

وهنّ الْمنايا أىّ وادٍ سلكتُهُ ٢١٩/٩
ورماها عن قوس الْمنايا بأسهم وحشة الفراق ١٠٩/١٨
علّقتنا بأيدى الْمنايا فى حبائل غدرها ١٩٦/١
وإذا حملت إليك فى الأكفان على أعواد المنايا ١١٨/٣
وساقتهم نحو المنايا المقادر ٢١٤/٧٨
أُمْنِيَةً: فأكرم بها «نفسى» أمنيةً بشّرت بعفوك ١٩٧/١٩
أُمْنِيَتي: ولاتفرح أمنيّتي بحسن مزيدك ١٩٩/١٣٢
وأعطنى أفضل أمنيتي ١٢٢/١٠
وأعطنى فى هذه اللّيلة أمنيّتي ١١٤/١
وأعطيتنى جميع ... أمنيتى ١١٧/٢١
إلهى ... أمنيتي لايبلّغنيها إلاّ فضلك ١٩٢/٢
أُمْنِيَّتي: وأين الفرار إذا ضاقت لديك أمنيّتي ٢٠١/٥
أَمانِيِّهِ: أعذنى فيه من ... أمانيِّهِ «الشيطان» ١١٧/٧
بِأَمانِيِّهِ: من الثّقة بأمانيِّهِ ومواعيده ٥٠/١
بِالْأَماني: وحتّى متى أتعلّل بالأماني ٢١٩/٧

م.ه.ج

بِمُهَجِنا: وأىّ تغرير بمهَجِنا غرّرنا؟ ٢٠٠/١٠

م.ه.د

مَهَّدْتَ: وقد مهّدتَ لعبادك سبيل الوصول ٢٤٣/٧
مهّدتَ الأرض ففرشتها ٢٤٧/٧
لَمْ أُمَهِّدْهُ: ولم أمهّدهُ «قبرى» لرقدتى ١١٦/٧٧
الْمَهْدِ: وحفظتنى فى المَهْدِ طفلاً صبيّاً ١٩٩/١٧٠
مِهادِهِ: ومكّنت لنا فى مِهادِ أرضك ٢٠٠/٢
اللّهمّ ياجاعل ... الارض مِهاداً ١٣٢/١
وأفرشنى مِهادَ كرامتك ١٠٨/١
على غير مِهادٍ ولاوساد ١٩٩/٤١
مُمَهَّدَةً: صلاة دائمة ممهَّدَةً ١٩٩/١٨

م.ه.ل.

أَمْهَلَني: أن يأخذ بعضاً لما أمهلَني ١٩٩/١٦٠
أَمْهَلْتَ: إنّك أمهلْتَ عبادك حتّى ظنّوا ٦٩/١
وأمهلْتَ من قصد لنفسه بالظّلم ١٤٢/٤
فَأَمْهَلْتَهُ: يوم الدّين لإضلالي فأمهلتَهُ ٨٨/٦
أَمْهَلْتَهُمْ: وأمهلتهُمْ ثقة بدوام ملكك ١٤٦/٧
أَمْهَلْتَني: فبحلمك أمهلتَني ١١٦/٦٦
أنا الّذى أمهلتَني فما ارعويت ١١٦/٦٥
أَمْهَلْتَنا: ولولا حلمك ما أمهلتَنا ٢٠٠/٣
مَهِّلْني: ولالنقمتك نصباً ومهِّلني ونفّسني ٥٢/٣
إِسْتَمْهَلَكَ: وإستمهلَكَ إلى يوم الدّين ٨٨/٦
الْمُهْلِ: ووصفته «العذاب» ... المُهْلِ ٢٥٧/١٦
الْمَهْلَةِ: واستعملنى بطاعتك فى أيّام المُهلَةِ ٥٥/٤١
الْإِمْهالَ: وأطلت الإمهالَ وأخّرت ١٤٦/١١
إِمْهالُكَ: وصدّهم إمهالُكَ عن النزوع ١٤٦/٧
ولإمهالك وهناً ولإمساكك غفلة ١٤٦/١٢
بِالْإِمْهالِ: فلا نغترّ بالإمهالِ ١٩٩/٣٥

م.هـ.ن

إِمْتَهَنَكَ: وإمتهنك بالزّيادَةِ والنقصان ١١٠/٢
إِمْتِهانِنا: طاعتك وإمتهانِنا بمعصيتك ٥٠/١
مَهِينٍ: من ماء مهينٍ ابتدأتنا ٣٠/٤
اللّهمّ وأنت حدرتنى ماءً مهيناً ٨٨/١٤
الْمَهِينُ: الضّعيف الفقير المهينُ ١٢٦/٢
فإنّى عبدك ... المهينُ الفقير ٥٧/٦
مُمْتَهَناً: ولاممتهَناً إلاّ بالإنتقام لك ١٤٧/١٠٦

م.و.ت.

ماتَ: وابل سريع عاجلٍ تحيى به ما قدماتَ ٥٣/٢
مِتُّ: جلّ جلالك إن بقيت وإن متُّ ١١٨/٣
لايَمُوتُ: الحمدالله الحيّ الّذى لايمُوتُ ٨٣/١١
بالحيّ الّذى لايمُوتُ من شرّ ما أخاف ٢٢/٣٥
الحيّ الّذى لايموتُ ١١٧/٣٤ ـ ١١٤/٨
توكّلت على الحيّ الّذى لايمُوتُ ١٤١/٢١
اللهم إنّى أسألك بانّك حيّ لايمُوتُ ١٣٠/٣
وسلطانك العظيم فإنّك حيّ قيّوم لايموتُ ١٣٤/٨
سبحان الحيّ الّذى لايمُوتُ ٨٣/٤
وأنت الحيّ الّذى لايمُوتُ وأنا خلق أموت ١٤٩/٨
أَمُوتُ: واجعلنى على ملّتك أموت وأحيا ٥٥/٢٦
اللّهمّ بك أحياوبك أمُوتُ ١٣٨/١٢
وأنت الحيّ الّذى لايموت وأنا خلق أمُوتُ ١٤٩/٨
أَماتَ: أماتَ قلبى عظيم جنايتى ١٨٢/١
أَماتَهُ: وأحى به «وليك» ماأماتَهُ الظالمون ١٤٧/٦٥
أَمَتَّ: أللّهمّ لك الحمد ... أمتّ وأحييت ٢٤٢/٢
فقد أمَتَّ به «محمّد» لسان الباطل ١٠/٢٢
قد أمَتَّ من كان مولده مولدى ٢٤٨/١٠
يُمِيتُ: وله الحمد يحيى ويميت ويميت ويحيى ١٢٣/٥
يُمِيتُني: خوفك يُمِيتُني ورجاؤك يحييني ٢٠١/٦
تُمِيتَني: ... تُميتَني على طاعتهم وملّتهم ٤٢/٢١
تُمِيتُني: تُميتُني بغير إذني ٢٠٠/٤٥

لاتُمِتْني: لاتُمِتْني حتّى ترينى رأس ابن زياد ٧٢/١
أَمِتْ: أللّهمّ أمِتْ به «وليعصر» الجور ١١٩/٢٦
أَمِتْني: وأمِتْني ميتة من يسعى نوره ١٤٧/١٠٠
أَمِتْنا: أمِتْنا مهتدين غير ضالّين ١٠٣/٥
فَأَمِتْ: فَأمِتْ قلبى عن البغضاء ١٩٩/٣١
مَوْتٍ: خفيت من غير موت ١٤٩/٢
الْمَوْتَ: وكلّ ذائق المَوْتَ وكلّ صائر إليك ١٦٦/٦
أسالك الروح والراحة عند المَوْتِ ٨٢/٧
وكيف ينام من يخاف بيات ملك المَوْتِ ٨٢/٦
للآجل والإستعداد لما بعد المَوْتِ ١٤/١٠
وهوّن بالقرآن عندالمَوْتِ على أنفسنا ١٠٩/١٧
وفى ذكر هول المَوْتِ والقبر والبِلىٰ ٢١٤/١٠
هو المَوْتُ لاينجيه منه التحاذر ٢١٤/١١٥
حتّى يكون المَوْتُ مأنسنا الذى نأنس به ١٠٣/٣
وانصب المَوْتَ بين أبدينا نصباً ١٠٣/٢
إلهى ألأمان ألأمان عند سكرات المَوْتِ ٢٠٧/٢
فليس له من كربة المَوْتِ فارج ٢١٤/٤٣ ـ ٢١٤/١١٩
وملك المَوْتِ وأعوانه ١٢/١٢
كيف وما بعد المَوْتِ أعظم وأدهىٰ ٩٠/٢
ولو لم يكن إلاّ المَوْتُ لكفىٰ ٩٠/٢
آه وانفساه لابدّ من المَوْتِ ووحشة القبر والبلاء ١٩٨/٢٥
وداف لها من ذعاف المَوْتِ ١٠٩/١٨
وتجلّى ملك المَوْتِ لقبضها ١٠٩/١٨
واجعل المَوْتَ لى جذلاً وسروراً ١١٤/١٢
إلهى ألأمان ... عند معاينة المَوْتِ ٢٠٧/٢
وعند معاينة المَوْتِ مستبشرين ٢٠٦/٢١
اللّهم إنّى إن ذكرت المَوْتَ وهول المطّلع ٨٢/٥
بل كيف ينام العاقل وملك المَوْتِ لاينام ٨٢/٦
وقد خفقت عند رأسى أجنحة المَوْتِ ١١٦/٧٨ ـ ١٩٧/٤٥
هوالمَوْتُ لاينجيه منه الموازر ٢١٤/٣٩
سبحانك قضيت على جميع خلقك المَوْتَ ١٦٦/٦
ومحيى كلّ نفس بعد المَوْتِ ١٧٤/١
اللّهمّ إنّى أعوذبك من الغفلة عند المَوْتِ ٢٢٥/٢
وقوارع المَوتِ تختلف حكمى فى ٢١٩/٨
بارك لنا فى المَوتِ إذا نزل بنا ١٤٣/٣٨
وفيما بعد المَوتِ إذا قد منا عليه ١٤٣/٣٨
واجعل المَوْتَ خير غائب ننتظره ١٤٣/٣٨
إرحم ... وعند المَوْتِ كربتى ١١٦/٩٥
مَوْتى: لقد رجوت ... أن يشفعه عند مَوْتى ١٩٧/٨
بِالْمَوْتِ: أسألك سؤال ... الموقن بِالْمَوْتِ ٢٤٥/١
الحمدلله الذى ... قهر عباده بِالمَوْتِ ١٠٥/٢
لِلْمَوْتِ: الإستعداد لِلمَوْتِ قبل حلول الفوت ١٣٦/١
إماتَتِهِ: وبحقّ عُزَيْرٍ وإماتَتِهِ ١٨٠/٣
مُمِيتُ: يامحيى الأموات ومُميتَ الأحياء ١٣٢/٤
مَيِّتاً: حيّاً كان أومَيّتاً ٢٣٨/٦
فمضى بظلامتى مَيّتاً فاغفرله ١٠١/٢
الْمَيِّتَ: وهل يرحم المَيّت إلاّ الحىّ ١٦٨/٧
مولاى مولاى أنت الحىّ وأنا المَيِّتُ ١٦٨/٧
ومخرج الحىّ من المَيِّتِ ومخرج المَيِّتِ من الحىّ ١٢٩/١
مَيِّتِنا: أللّهمّ اغفرلحيّنا ومَيّتنا ١١٦/٤٩
الْأَمْواتِ: ياحىّ ياقيّوم يامحيى الأمواتِ ٢٢/٤١
والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأمواتِ ١٢٣/١١
أن لا تعرينى منه بين الأمواتِ ١٩٧/١
منسيّاً كمن نسى من الأمواتِ ١٩٩/٧٤
يامحيى الأمواتِ ومميت الأحياء ١٣٢/٤
اللّهمّ اغفر للمؤمنين... الأحياء منهم والأمواتِ ١١٦/٤٨
أشجو بهلكة الأمواتِ ٢١٩/٣٨
الأحياء منهم والأمواتِ ياجبّار ١٤٣/٥٠
الأحياء منهم والأمواتِ ٢٠٦/٢٤ ـ ١٤٣/٣٦
من المؤمنين والمؤمنات والأحياء منهم والأمواتِ ٢٠٠/٤٨
كَالْأَمْواتِ: والأحياء فى المضاجع كَالأمواتِ ٢٠٢/١
الْمَوْتىٰ: يامحيى المَوتىٰ ... ٤٢/١
آه واحزناه أنا المنقول إلى عسكر المَوتىٰ ١٩٨/٤١
الْمَماتَ: وإنّ بيدك المَماتَ والمحيا ٨٣/١٠
سدىً مالنا بعد المَمْاتِ مصادر ٢١٤/١٠٨
فى جميع أموره المَمْاتَ ٢١٤/١٠٥
وأحييته بعد المَمْاتِ حياةً طيّبةً ١٤٩/٥٥
وهب له من ... سلامة المحيا والمَمْاتِ ١٩٩/٣٩
أوتسكن نفس من يتوقّع المَمْاتُ ٢١٤/٢٩
وأعوذبك من فتنة المحياوالمَمْاتِ ١٣٨/٩
ومن فتنة المحيا والمَمْاتِ ١٥٣/٢٣
مَماتِكَ: وهى مطيّتك إلى مماتك ٢١٤/٦٥ ـ ٢١٤/١٤٣
مَماتي: من حسن نظرك بعد مماتي ١٩٧/٩
فلا تقطع برّك عنّى بعد مماتي ١٩٧/٨
لك محياى ومماتي ١٥٣/١٥
من حسن نظرك بى بعد مَماتي ١٩٩/١٢٣
مَماتِنا: فاجعله نوراً لنا فى... محيانا ومماتنا ٢٠٠/٢٢
مِيْتَةٍ: أعوذبك من ... مِيتَةٍ مثلاً ٢٧/٣
وأمتنى مِيتَةً من يسعى نوره بين يديه ١٤٧/١٠٠
نعوذبك من ... ميتَةٍ على غير عدّة ٢٦/٧

مَيْتَ: بالقدرة التى بها تحيى مَيتَ البلاد ٥٢/١
الْمَيْتَةَ: اللّهمّ وأحى به الأرض الميتَةَ ٧٠/١٢

م.و.ج.

أَمْواجِ: ولاأبحر ذات أمواجِ ١٢٨/١١
أَمْواجُها: فسبّحت له ...مدد الأنهار وأمواجُها ١٩٩/٥٦
بِالأَمْواجِ: تلاطمت البحور بالأمواجِ ١٩٩/١٩

م.و.س.ى

مُوسىٰ: ومُوسى بن جعفر العبد الصالح من ٤٢/٩
وعلّى بن موسىٰ الرضا المرتضى الزكى المصطفىٰ ٤٢/١٠
أللّهمّ صلّ على ... مُوسَىٰ بن جعفر الكاظم ١٨١/٤
... علىّ بن موسىٰ ... ٤٢/١٥
... وموسى بن جعفر ... ٤٢/١٥
وعلىّ ومحمّد وجعفر ومُوسىٰ ٨٧/٨
وبامنجى مُوسىٰ وبامصطفىٰ محمّد ١٧٥/١
اللّهمّ صلّ على ... علىّ ابن مُوسَىٰ الرّضا ١٨١/٤
من ذرّيّة الحسين : ... علىّ بن مُوسىٰ ١١٩/١٧
من ذرّيّة الحسين : ... مُوسىٰ بن جعفر ١١٩/١٧
وبحقّ موسىٰ ومناجاته ١٨٠/٣
وربّ مُوسىٰ وعيسى ١١٧/١٩
يامُوسىٰ أقبل ولاتخف إنّك من الآمنين (قرآن) ١٥٩/١٨
ولقد منّنا على مُوسىٰ وهارون (قرآن) ١٥٩/١٩
يامُوسىٰ لاتخف إنّى لايخاف (قرآن) ١٥٩/١٧
فأوجس فى نفسه خيفة مُوسىٰ (قرآن) ١٥٩/١٣
لِمُوسىٰ: فكما فلقت البحر لِمُوسىٰ عليه السّلام ١٧٩/٥

م.و.ل.

مالاً: أللّهمّ ارزقنى من فضلك مالاً طيّباً ٣٦/٧
يوم لاينفع مالٌ ولابنون (قرآن) ١٣٥/٩ ـ ٧٧/١٢ ـ ٢٠٧/٢٦
الْمالُ: ووحيد فارقه المالُ والبنون ١٩٩/١٣٩
أعطنى ... قُرَّة العين فى الأهل والمالِ ١١٦/١١٠
وازوعنّى من المالِ ما يحدث لى مخيلةً ٧٩/٤
وامح عن قلوبهم خطرات المالِ الفتون ٦٧/٤
مالِهِ: ظلمتها إيّاه فى نفسه أوفى عرضه أوفى مالِهِ ٢٣٨/٦
مسلم ... أعانه بطائفة من مالِهِ ٦٧/٢٠
مالِكَ: فرتع فى مالِكَ من لايرعى لك حرمة ٧٠/٦
أللّهمّ إنّهم إتّخذو ... مالَكَ دولاً ١١٩/٦
ودينك منقوص ومالك وافر ٢١٤/١٥١ ـ ٢١٤/٧٢
مالى: أللّهمّ إنّى أستودعك ... مالي ١٣٩/٩
أعوذبك ... مالى ... من الشيطان ١١٦/١٢٨
وحُطْت نفسى وأهلى ومالي وإخوانى ١٥٩/٣
حتّى أقاتل فيه بنفسى ومالي ١٤٤/٢٧
بارك لى فى أهلى وولدى ومالى ٢٥١/٣٣
وبارك لى فى أهلى ومالى ٧٨/٧ ـ ٢٥٢/٢٦
اللّهمّ بك أعيذ نفسى ودينى وأهلى ومالي... ٢٢/٤
عن أهلى ومالى وإخوانى وذرّيّتى ١١٧/٢١
ولم يسعه مالى ولاذات يدى ٥٩/٧
من أمر دينى ودنياي وأهلى ومالي ١٤٨/٢١
أعيذ ... مالى ... بشدّة حول الله ٢٢/٢٧
بسم الله على نفسى ومالى وأهلى ٢٢/٣٣
أعيذ نفسى ... وولدى ومالى ٢٢/٢٤
الْأَمْوالَ: وجمع فيها الأموالَ والذّخائر ٢١٤/٩٢
أَمْوالِهِ: وأنحوا على أموالِهِ يخضمونها ٢١٤/٦٣
وأحنوا على أموالِهِ يقسمونها ٢١٤/١٤١
أَمْوالَهُمْ: وثمّر به أموالَهُم «أهل الإسلام» ٦٧/٩
واطمس على أموالِهِم وذرّيّاتهم ٢٢٣/٦
إشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم (قرآن) ١٤٤/٢٥
فى أنفسهم وأديانهم وأهلهم وأولادهم وأموالهم ١٢٧/٥
وأورث المؤمنين ... أموالَهُم «الظّلمة» ١١٩/٩
مثل الّذين ينفقون أموالَهُم (قرآن) ١٤٢/١١
أَمْوالِنا: وأهلينا وأولادنا وأموالنا ١٤٣/٣٢
وأن نخلّص أموالَنا من التّبعات ١١٥/١٣

م.و.ـه.

ماءِ: وسقوها من ماءِ التّوبَة ٢٠٠/٢٨
شربت مآءَ الرّمادِ آخِر دهرى ٤٩/١٧
أطفأوا نار الشّهوات بنضح مآءِ التّوبة ٢٠٠/٣٤
غسلوا أوعية الجهل بصفو مآءِ الحياة ٢٠٠/٣٤
من بين ماءٍ وطينٍ ورملٍ بقدرتك ١٧٤/٣
أخرجت منها ماءً ثجّاجاً ونباتاً رجراجاً ٢٤٧/٧
أنزلت من المعصرات ماءً ثجّاجاً ٢٤٥/٤
وأنت حدرتنى ماءً مهيناً ٨٨/١٤
من ماءٍ مهين ابتدأتنا ٣٠/٤
أذهبت عنّى ماءَ وجهى ٢٠١/١
الْماءِ: وسكّان الهواء والأرض والماء ومن ١٢/١٣
سبحانك ترى ما فى قعر الماء ٤/١٣
أجريت الماء من الصُّمّ الصياخيد عذباً ٢٤٥/٤
ماءَهُ: ولاتجعل ماءهُ علينا أُجاجا ... ٥٣/٥
مائِها: ولاجادت هذه الجفون بفيض مائها ١٩٩/١١٥

وتفيض مائها وتذرى ١٩٩/١٠٢٤
الْمِيَاهِ: فسبّحت له ... عذب المياه ١٩٩/٥٦
والّذين عرفّتهم مثاقيل المياه ١٢/١١
مِياهَهُمْ: اللّهمّ وامزج مياههم «المشركين» بالوباء ٦٧/١٤
مِيَاهُهَا: فسبّحك نباتها«الأرض» ومياهها ١٢٧/٧
تَمْوِيهِ: سالماً من تَمويهِ الأسرار والعلن ١٩٩/١٩٠

م.ى.ح.

أُسْتُمِيحَ: وأستُميحَ فضلك فما أكديت ١٥٣/٩-١٥٢/١٣
إِسْتِمَاحَةِ: دون إستماحَةِ سجال نعمتك ٧٠/٢-٢٥١/٦١

م.ى.د

بِمَيْدَانِ: وألحقنى بميدانِ الصالحين ... ٤١/١
وألحقنى بميدانِ المطيعين لك ٨٤/١

م.ى.ر

تُمِيرُهُ: تميرُهُ به رعايةَ المكفولين ١٩٩/٣٩
مِيَرِهِمْ: واتر بين ميرهم «أهل الثغور» ٦٧/٢
واجعل ميرهم فى أحصّ أرضك ٦٧/١٥

م.ى.ز

مَيَّزْ: الحمدلله الذى... ميَّزَ بينهما «الليل والنهار» ٢١/١
إِمْتَازَ: فضيحة النار إذا إمتازَ الأخيار من الأشرار ١٨٤/٩
تَمَيَّزُ: النّار الّتى تكاد تميَّزُ من الغيظ ٢٥٧/١٧

م.ى.ط

لاتُمَاطُ: لانكاد ولاتماطُ ولاتنازعُ ولانجارى ١٢٧/٢٦

م.ى.ك.ا.ئ.ى.ل.

ميكَائِيلَ: اللّهمّ صلّ على جبرئيل وميكائيلَ ١٤٣/٥٠
... وميكائيلُ عن يسارنا ٢٢/٩
وربّ جبرئيل وميكائيلَ وإسرافيل ١٤١/٩ ـ ١١٧/١٨
وميكائيلُ ذو الجاه عندك ١٢/٣
ميكائيلُ عن شمالى ٢٢/٣٧

م.ى.ل

مَالَتْ: مالَتْ أرواحهم إلى ظلّ برد المشتاقين ٢٠٠/٣٠
مِلْتُ: ملتُ بهواى وإرادتى ومحبّتى ٢٢٨/١٠
مِلْنَا: وإن ملنا فيه «شهر رمضان» فعدّلنا ١١٥/٢١
لايَمِيلُ: والقسط الّذى لايميلُ ٨٩/١
فَمِلْ: فمل بالغضب إلى المشركين ٩٧/٣
وإلى طاعتك فمل بى ٢٣٧/٧
فمل بنا إلى ما يرضيك عنّا ٣٠/٣
أَمِلْهُ: وأملهُ «قلبى» إلى طاعتك ٥٧/١٠
لاأَسْتَمِيلُ: ولاأستميلُ هواك ولاأبلغ رضاك ٥٧/٣
مَيْلَ: مسكنتى وفاقتى وقسوة قلبى ومبلَ نفسى ٢٤٩/١٠
الْمَيْلِ: أُعذنا من الميلِ إلى أهل الدّنيا ٢٠٠/٢١
مَيْلِى: ويبأس وليّى من ميلى وانحطاط هواى ٥٩/١٤
بِمَيْلِ: أوتحامل عليه بميلِ أو هوى ٢٣٨/٦
مَيَّالَةً: أشكو نفساً... ميّالةً إلى اللّعب واللّهو ١٨٣/٢

حرف النون

ن.أ.ى

نَأَىٰ: فقلت ملآئكتى فريد قد نأى عنه ١٩٧/٣٣
فلمّا نأىٰ عنها الّذى هو جازرُ ٢١٢/١٣٨
فقلت: ملآئكتى فريد نأى عنه الأقربون ١٩٩/١٣٩
نَأَيْتُ: ونأيتُ فكنت قريباً مجيباً ١٤٨/١٨
النَّأْيِ: محلّ النّأيِ عن موطن رحله ٩/٣

ن.ب.أ

نَبِيِّهِ: نبيّء عبادى أنّى أنا الغفور (قرآن) ٢٠٦/١٤-٢٠٥/١٣
نَبَأ: فيه «الكتاب» نبأُ القرون ١٩٩/١٧
النَّبَإِ: ربّ النَّبإِ العظيم فى انسلاخ ١٤٣/٢٥
أَنْبَاءَهُ: يامن لايخفى عليه أنباءُ المتظلّمين ٤٤/١
النُّبُوَّةِ: صلّ على... شجرة النُّبوَّةِ ١١٣/١-٢٠/١-١١٤/١
سترت بيننا وبينهم بستر النُّبوَّة... ٢٢/٩
نُبُوَّتِهِ: إعظاماً منك لحرمة نُبوَّتِهِ «محمّد» ١٠/١٠
جدعت أنف النّفاق بحجّة نُبوّتهِ ١٠/٥
قاتلوا الاباء والأبناء فى تثبيت نُبوَّتهِ ١٤/٣
لِنُبُوَّةِ: وجعلته «محمّد» لنُبوَّةِ المرسلين خاتماً ١٠/٥
لِلنُّبُوَّةِ: وأوّل مجتبىً للنُّبوَّةِ برحمتك ٢٢٢/٢
النَّبَوِيَّةِ: والشجرة النبويّة إخلاص الديانة ٢١٩/٤٢
نَبِيِّ: ... شفاعة نبيّك نبّى الرّحمة ١٩١/١
أستشفع اليك بنبيّك نبيّ الرّحمة ٤٢/٤
وأتوجّه إليك بمحمّدٍ نبيّ الرحمة ١٢١/٢٠ ـ ١٢٤/٧
بكلّ دعوةٍ دعاك بها نبيٌّ مرسل ١٢١/١٩ ـ ١٢٤/٥
وأتوجّهُ إليك بنبيّك محمّد نَبّي الرحمة ١٢٤/٦
ولابوازيه لديك ملك مقرّب ولانبيّ مرسل ٩/٤
أونبيٌّ أرسلته ١١٥/١٦
وأتوجّه إليك بمحمّد نبيّك نبّى الرحمة ١٢١/٢١
النَّبِيِّ: ورسولك النَّبيِّ الأمّى نجيبك ١٢٣/٩
النَّبِيَّ: يوم لايخزى الله النَّبيَّ (قرآن) ١٤٢/٧
وصلّى الله على محمّد النّبيّ وآله ٢٦٢/٢
إنّ الله وملائكته يصلّون على النَّبيِّ (قرآن) ١٤٣/٢٢
وصلّى الله على رسوله سيّدنا محمّد النَّبيِّ ١٢٤/٨
وصلّى الله على رسوله سيّدنا محمّد النَّبيِّ وآله ١٣٥/١٨
١٢٧/١٢ ـ ١٣٨/٢٠ ـ ١٣٩/١٧ ـ ١٣٧/١٠
محمّد النّبيِّ وعلى آله وسلّم تسليماً ٢٥٧/٤٠
صلّ على محمّد وآل محمّد النبيّ ٢٣٩/٩
وصلى الله على سيّدنا محمدٍ النَّبيِّ ١٣٠/٦-١٢/٢٤٣-١١/١٢٩
صلّى على النَّبيِّ محمّد وآله ٢٤٤/٢
صلّى الله على محمّد النَّبيِّ وآله وسلّم ١٢١/٢٣ ـ ١٢٠/١٣
نَبِيِّهِ: واتّبعت سنن نبيِّهِ «الله» ٢٥٥/٢
والحمدلله الّذى منّ علينا بمحمّد نَبِيِّهِ ٩/١
وأشهد أنّ محمّداً نبيُّهُ المرسل ١٩٩/١٦
نَبِيِّكَ: فصلّ على محمّد نبيّك وعبدك ١٧٢/٨
إلهى ليس لى ... إلاّ ... شفاعة نبيّك ١٩١/١
وإن أدخلتنى الجنّة ففى ذلك سرور نبيّك ١١٩/١١٦
وأنا والله أعلم أنّ سرور نبيّك أحبّ إليك من ١١٩/١١٦
واجعلنى ... تابعاً لسنّة نبيّك ٢٦٨/٣
أمرت بالصلاة والتسليم على نبيّك ١٤٣/٢٢
هو حبيبك ونبيُّك محمّد ١٤٤/٥
وغيّرت سنن نبيّك ٢٢٣/٤
اللّهمّ ادفع عن وليك وابن نبيّك ١١٩/٢٠
قلت فى كتابك المنزل على نبيّك ٢٥١/٦٨
الّذين ... جعلتهم ولاة الأمر بعد نبيّك ١٤٩/٤٤
ولسنّة نبيّك صلواتك عليه وعلى اله متّبعين ٢٠٦/١٩
وإلى زيارة قبر محمّد نبيّك ١٤٣/٣٥
... اللّهمّ ألحق أهل بيت نبيّك ٤٢/١٧
توفّنى على ملّتك وملّة نبيّك ٨٠/١٠
وهذا شهر نبيّك سيّد رسلك ١١٣/٧
وولاية الحسن والحسين سبطى نبيّك ١١٩/١٦
وتوفّنا على ملّتك وسنّة نبيّك ١١٦/٤٦
وارزقنى... زيارة قبر نبيّك والأئمة عليهم السلام ١١٦/٥١
وارزقنا... زيارة قبر نبيّك ١١٦/٤٥
وعلىّ بن محمّد... الداعى الى دينك ودين نبيّك ٤٢/١٢
... المؤدّى عن نبيّك ... ٤٢/١٤
ووحيا أنزلته على نبيّك ١٠٩/٢
أللّهمّ إنّك أنزلته على نبيّك ١٠٩/٦
تحت راية الحقّ من أهل بيت نبيّك ١٢٧/١٠
مع معصوم من عتره نبيّك ٢٤٨/١
أسألك بحقّ نبيّك محمّد صلّى الله عليه وآله ١٤٩/٤٦
فإنّك قلت ... على نبيّك المرسل ٢٠٦/١٤
وأتوجّه إليك بمحمّد نبيّك نبيّ الرحمة ١٢١/٢٠-١٢١/٢١
نَبِيِّنَا: اللّهمّ صلّ على محمّد نبيّنا وآله ١٤٢/٦٣
اللّهمّ اجعل نبيّنا صلواتك عليه وآله يوم القيامة ١٠٩/٢٣
لِنَبِيِّكَ: ولنبيّك محمّد صلواتك عليه وعلى آله ٢٠٦/١٦
بِنَبِيِّكَ: ... أستشفع إليك بنبيّك نبيّ الرّحمة ٤٢/٤

ومتقرّب إليك بنبيّكَ صلّى الله عليه وآله ١٤٩/٤٣
... شيعتهم بنبيّكَ سيّدالمرسلين ٤٢/١٧
وأتوجّه إليك بنبيّكَ محمّد نبيّ الرحمة ١٢٤/٦
لِلنَّبِيّ: ويحبّى للنّبى... أرجو الزّلفة لديك ١١٦/٧٠
النَّبِيِّينَ: اللّهمّ صلّ على خاتم النبيّين ٢٤٠/٥
وأفضل ما جزيت به النَّبيّينَ عن أممهم ١٤١/٣١
وربّ النَّبيّينَ والملائكة المقرّبين ٨٣/٦
صلواتك ...على محمّد خاتم النَّبِيّينَ ١٩٩/٦٢
وأهل طاعتك مع النبيّينَ والصّديقين (قرآن) ٢٥٧/٣٨
وعلى من بينها من النَّبيّينَ والمرسلين ٢٢٢/٤
صلّ على محمّد ... وجميع النَّبيّينَ والمرسلين ٢٣٧/١٠
وصلّى الله على محمّد خاتم النَّبيّينَ ١٩٩/١٩٩
وجعفربن محمّدٍ الصادق من اولاد النَّبِيِّينَ ٤٢/٨
... والدليل على أمر النَّبِيِّنَ والمرسلين ٤٢/٧
عليّبن الحسين... وارث علم النَّبِيِّينَ والمرسلين ٤٢/٦
ياخليفة النَّبِيِّينَ ١١٧/٣٤
فى أعلى علّيين وأكرم منازل النَّبِيّينَ ١٤١/٢٥
وربّ محمّد(ص) خاتم النَّبِيّينَ ١١٧/١٩
وربّ ... جميع النّبيّين ١١٧/١٩
المصطفى خيرتك من خلقك وخاتم النَّبِيّينَ ١١٦/٧٦
فضّل على محمّد خاتم النَّبِيّينَ ٢٤٢/٤
ترفعه بها على درجات النَّبِيّينَ ١٠/٧
يوم القيامة أقرب النَّبِيّينَ منك مجلساً ١٠٩/٢٣
وأر أهل الموقف من النَّبِيّينَ وأتباعهم ١٠/٢٤
صلّ على محمّدٍ خاتم النَّبِيّينَ ٥٠/١٤
النَّبِيُّوْنَ: وأسألك بما دعاك به النَّبِيُّونَ ٢٥١/١٤
الأَنْبِياءَ: الذى ستر الله به الأنبياءَ من الفراعنة ٢٢/٩
الملائكة السّعداء والأنبيآءِ والشّهدآء ١٩٨/٩٢
صلواتك على الأنبيآءِ وأهل بيوتات المرسلين ١٠/٣٤
ناديت معادن الرسالة والأنبياءِ ٢١٩/٢٧
أقرب الأنبيآءِ زلفةً يوم المقعد عندك ١٠/١٤
بحقّ الأنبيآءِ والمرسلين ٢٠٧/٢٧
صلّ على محمّد خاتم الأنبيآءِ وآله ١٩٩/٢٠
أللّهمّ يامن... جعلهم «محمّدوآله» ورثة الأنبياءِ ١٣/١
اللّهمّ وآدم... أبو الأنبياءِ الّذين أوذوا فى جنبك ١١/٤
ورآك الانبياء والأولياء معرضاً عنّى ١١٨/٥
وجعلته «محمّد»... لمن تقدّمه من الأنبياء مصدّقاً ١٠/٦
جميع الأنبياء والمرسلين ٤٢/٣٠
أَنْبِياءَهُ: والحمدلله... حمداً... نضامّ به أنبياءهُ ١/١٨
أَنْبِيائِكَ: صلواة ملائكتك وأنبيائك ورسلك ١٤٧/٥٤
وصلّ على ... أنبيائك المرسلين ١٤١/٣٢
أن نفرّج عنّى كما فرجّت عن أنبيائكَ ٢٥٢/٨ ـ ٢٥١/١٤
أتوسّل ... بمحمّد ... وأنبيائكَ ١٢٢/٧
أشهد ... من بعثت من أنبيائِكَ و رسلك ٢٤٦/٢
على جميع أنبيائِكَ المرسلين ١٤٣/٤٩
على أنبيائِكَ المرسلين ١٤٢/٦٣
واجزه عنّاأفضل وأكرم ماجزيت أحداً من أنبيائِكَ ٢١/١٧
أن تصلّى على محمّد خير أنبيائِكَ ١١٤/٩
على أحد من خلقك، من أنبيائِكَ ورسلك ١٢٣/١٠
اللّهمّ صلّ على ... أنبيائِكَ المرسلين ١٢٣/١١
وأنبيائِكَ والصّدّيقين ٨٣/١٧
وأنبيائِكَ المرسلين المصطفين ١٠٩/٢٧

ن.ب.ت.

أَنْبَتَتْ: كمثل حبّة أنبتَتْ سبع سنابل (قرآن) ١٤٢/١١
أَنْبَتَّنِي: ثمّ أنبتَّنِي زائداً فى كلّ عام ١٩٩/١٧١
تُنْبِتُ: وتفجر به الانهار تنبتُ به الأشجار ٥٣/٤
وتنبتُ لنا به الزّرع وتدرُّ به الضّرع ٥٣/٤
نَباتٍ: لاتأذن ... لأرضهم فى نباتٍ ٦٧/٨
أخرجت منها ماءً ثجّاجاً ونباتاً رجراجاً ٢٤٧/٧
نَباتُها: فسبّحك نباتها «الأرض» ومياهها ٢٤٧/٧
لِنَبات: من السّحاب المنساق لنبات ارضك ٥٣/١
مَنابِتَ: أنضجت نار الخشية منابت الشّهوات ٢٠٠/٣٣

ن.ب.ج

أَنْباجٍ: ولاجبال ذات أنباجٍ ١٢٨/١١

ن.ب.ذ

مُنابَذَتِهِمْ: وفرّغهم ... عن منابذتهم ٦٧/٩
النّابِذينَ: الفاسقين والنّابذينَ والمبدّلين ١٢٨/٥
الْمُنابِذينَ: وتولّنى فى... المنابذينَ لأعدائنا ٦٥/١

ن.ب.ط

مُسْتَنْبِطٍ: أىّ مستنبِطٍ لمزيدك أكدى ٢٥١/٦١ ـ ٧٠/٢

ن.ب.ع

يَنابِيعُ: وإنبجست ينابيعُ حكمته «محمّد» ١٠/٢٢

ن.ب.غ

نَبَغَ: لما نبَغَ من الباطل بسيف الحقّ دامغاً ١٠/٨

ن.ب.و

نَبْوَةِ: غفلة بأدواء نبوَةِ الدّنيا ٢١٩/١٣

ن.ب.ه

فَأَنْبَهَ: فأنبَهَ الذّكر رقاد قلوبهم ٢٠٠/٣٣

نَبَّهَتْني: فقد نبّهتني المعرفة بكرمك وآلائك ١٨٦/٢

فُيَنَبِّهُ: وحلول الأمر فينبّهُ بالنّفخة ١٢/٢

نَبِّهْني: ونبّهني لذكرك في أوقات الغفلة ٥٥/٤١

ونبّهني من رقدة الغافلين ١٤٧/٨٦

إِنْتَبَهْتُ: ثمّ انتبهتُ بتذكيرك لي من غفلتي ٣٩/٦

تَنْبيهاً: تنبيهاً لتناول التّوبة ٤٦/٣

إِنْتِباهاً: أقلّ لوعيدك إنتباهاً وارتقاباً ٤٩/١٥

نَبيهاً: يوم العرض عليك نبيهاً ١٩٩/١٥٠

ن.ث.ر

الْمَنْثُورْ: ووِلدان كاللّؤلؤ المنثور ٢٥٧/١٢

ن.ج.ب

إِنْتَجَبَهُ: وإنتجبهُ «محمّداً» من خليقتهِ «الله» ٢/٩

إرتضاه لنفسه وانتجبَهُ لدينه ١٢٣/٨

إِنْتَجَبْتَ: بحقّ من إنتجبت من خلقك ١٤٧/٨٣

إِنْتَجَبْتَهُمْ: وتجعلني من الّذين انتجبتَهُم ١٢٠/١٣

نَجيبِكَ: محمّد ... نجيبِكَ من خلقك ٩/٢

ورسولك النبي الأمّي نجيبِكَ ١٢٣/٩

النُّجَبآءِ: على ... عترته النّجباء المختارين ١٩٩/٦٣

اللّهمّ صلّ... على عترته النّجباء الخيرة الأصفياء ١٩٩/٢٠

أبحنا وإيّاهم جنّاتك مع النّجباء الأخيار ٢٠٦/١٧

الْمُنْتَجَبِ: محمّد وآل محمّد المنتجَبِ ١٤٧/٤٦

الْمُنْتَجَبينَ: والأوصياء المنتجبينَ ٤٢/٣٠

وصلّى الله على ... أصحابه المنتجبينَ ١٩٩/١٩٩

الْأَنْجَبينَ: الطيّبين الطاهرين الأخيار الأنجبينَ ٢١/١٨

ن.ج.ح

لايَنْجُحُ: واجتهادي لاينجُحُ إلاّ بمعونتك ٢٠٤/٢

أَنْجَحَ: وأنجحَ سعي الآملين لما لديك ١٩٩/١٨٤

أنجح مأكول لكشف الضّرّ ٢٣٩/٤

أَنْجَحْتَ: الّذين ... أنجحت لهم ١٨٩/٤

أَنْ تُنْجِحَ: طالبٌ إليك أن تنجِحَ لي حوائجي ١٤٩/٢٠

أَنْجِحْ: وأنجِحْ به «وليعصرعج» طلبتنا ١١٩/٢٥

وأجر هربي وأنجح مطلبي ٥٧/٢

وأنجِحْ طلبتي واغفر ذنبي ٣٤/١٣

وأنجِحْ لي كلّ حاجةٍ ممّا فيه صلاح ١٤٩/٦٥

فَأَنْجِحْ: فأنجِحْ لي المطلوب ١٩٩/٨٠

فأنجِحْ طلبتي وأعطني مسألتي ١٢٧/٧

أَسْتَنْجِحُ: اللّهمّ... بشكرك أستنجِحُ سؤالي ١٩٩/١

اللّهمّ بك أستفتح وبك أستنجِحُ ٢٢/٤٣

النُّجْحَ: وألتمس النّجْحَ من معدنه الّذي تعرّفته ١٩٩/١٧٩

نُجْحِها: جعله سبب نجحها دونك فقد ٣٩/٥

بِنُجْحِ: إشفع مسألتي إيّاك بنجْحِ حوائجي ٢٥١/٦٣

وتولّني بنجْحِ طلبتي وقضاء حاجتي ٣٩/١١

بالنُّجْحِ: أيّما غاز غزاهم تولّه بالنُّجْحِ ٦٧/١٦

بِنَجْحِ: واشفع مسألتي إيّاك بنجْحِ طلبتي ٧٠/٤

نَجاحَ: وآخره «ديومي» نجاحاً ٢٣٨/٤

وطلبت طلبة من لايستحقّ نجاحَ الطلبة ٣٥/٥ ـ ٢٥٧/٢٨

النَّجاحُ: يقترن به النّجاحُ والإنجاح ٢٣٦/٣

لِنَجاحِ: واجعل «محمّد»... سبباً لنجاحِ طلبتي ٣٩/١٢

بالنَّجاحِ: فاجعل مردّها منك بالنّجاحِ ٢٣٧/٥

الْإِنْجاحُ: يقترن به النجاح والإنجاحُ ٢٣٦/٣

مُنْجِحاً: أن تقلبني فيه مفلحاً منجحاً ١٤٩/٥٥

نسألك ... يامنجِحَ الطّلبات ٢٠٠/١٣

مُنْجِحينَ: وتقبّل منّا واقلبنا منجحين ٢٣٤/٣

الْمُنْجِحينَ: واجعلني ... المنجحين ٦٤/١٢

أَنْجَحِ: وأنجح من سألك ودعاك وطلب اليك ١٤٣/٢٦

إجعل محمّداً ... أنجَحَ سائل ١٤١/٢٦

أَنْجَحَها: أسألك ... من العوائد أنجحها ١٩٩/٢٤

أنجحها وأفضلها الّتي ينبغي للعباد ١٤١/٥

ن.ج.د

إِسْتَنْجَدْتُ: إستنجدتُ الإعتصام بك كافياً ٢٤٩/٤

فَاسْتَنْجَدْنا: فاستنجدنا بإحسانك على عصيانك ٢٠٠/٣

مُسْتَنْجِدٍ: ومستنجِدٍ صبراً وماهو صابر ٢١٤/١٢٢ـ٢١٤/٤٦

ن.ج.ز

أَنْجِزْ: وأنجزلهم «محمّد وآل محمّد» ماوعدتهم ١٤٩/٦٧

فصلّ على محمّدٍ وآل محمّد وأنجز لي ما وعدتني ١٢٦/٢

فَأَنْجِزْ: فأنجز لي ما وعدتني وتمّم لي ما آتيتني ٥٧/٥

فأنجز لنا ما وعدتنا ١٩٤/٦

إِسْتِنْجازِ: قدّمت الثّقة بك وسيلة في إستنجاز موعدك ٢٤٩/٣

مُتَنَجِّزٌ: متنجّزٌ ما وعدت من الصّفح عمّن ١١٦/٥٩
متنجّزاً وعدك فيما وعدت به من الإجابة ٨٠/٨
مُسْتَنْجِزٌ: مستنجز ما وعدت من الصّفح ١١٦/٢٢
مُنْجَزَةٌ: وعداتك لعبادك منجزَةٌ ٢٥٥/٥

ن.ج.س

الأَنْجاسِ: وإجعلني ... من الأنجاسِ ١٩٩/١٥٠

ن.ج.ع

اِنْتَجَعَ: إلاّ من انتجع فضلك ١٤٦/٥
أَنْتُجِعَ: فإنّك خير من أنتجعَ لكشف الضّرّ ٢٤٧/٨
يَنْتَجِعُ: او ينتجِعُ منهم فائدةً ٨٢/١
اِنْتِجاعاً: إنتِجاعاً بها محلّ تصديقك ٢٤٩/٣
مُنْتَجِعٌ: منتجِعٌ غيث جودك ولطفك ١٨٦/٥
الْمُنْتَجِعُونَ: وأجدب المنتجعُونَ إلاّ من ١٤٦/٥
مُنْتَجَعي: وأنت منتَجَعي إن حرمت ٥٥/٢٩

ن.ج.م

نَجَمَ: لما نجَمَ من قرن الضّلال قاصفاً ١٠/٨
نُجُومُ: إلهي غارت نجُومُ سمائك ٩١/١
الهي غارت نجُومُ سمائك ٨٢/١
النُّجُومُ: نامت العيون وغارت النُّجُومُ ٢١٥/١
خرقت النُّجُومَ فبلغت أسافل الثّرى ١٩٧/٣٧
خلقت لها وللقمر والنُّجُومِ منازل وأبراجاً ٢٤٥/٤
والنُّجُومَ مسخرات بأمره (قرآن) ١٢٨/٢
وغارت النُّجُومُ وسكنت الحركات ٨٩/١
وخرقت النُّجُومَ إلى حدّ الإنتهآء ١٩٩/١٤٠
فسبّحت له «الله» ... النُّجُومُ في مطالعها ١٩٩/٥٦
ما جرت النُّجُومُ في الأبراج ١٩٩/١٩
يارتّ النُّجُوم المسخّرات في جوّ السّمآء ١٣٧/٦
نُجُومُهُ: حيارى وليل القوم داجٍ نجُومُهُ ٢١٩/٤١
لِناجِمٍ: حتّى لاتبقى منهم دعامة لناجِمٍ ٢٢٣/٥

ن.ج.و

نَجا: من اعتصم به نَجا من كلّ خوفٍ ١٥٩/٤
فَنَجا: إجعلني ممّن هديته فهدى وزكيّته فنَجا ٢٤٨/٢
نَجَتْ: ما تنجو نفسي إن نَجَتْ إلاّ بك ٢٤٨/٨
يَنْجُو: كيف ينجُو من يكون معه في دارٍ ٢٠١/٥٠
أوكيف ينجُو منك من لامذهب له ١٦٦/٢
وينجُو كلّ منّا بمنّك ١٠١/٣
لَمْ يَنْجُ: ولولا تسديدك لم ينجُ المستبصرون ١٩٩/١٦٤
تَنْجُو: ما تنجُو نفسي إن نجت إلاّ بك ٢٤٨/٨
أَنْجَيْتَني: وإن أنجيتني فعبدٌ وجدته ٢٠١/٣٩
فَأَنْجَيْتَهُ: وجدته مسيئاً فأنجَيْتَهُ ٢٠١/٣٩
يُنْجيها: إستعبدتها الآن على ما ينجيها ١٩٩/١٠١
هَلْ يُنْجيني: وهل ينجيني منك اعترافي لك ٣٤/٤
لايُنْجي: ولاينجي منك إلاّ التّضرّع إليك ٢٠٥/١٤
ولاينجي من عقابك إلاّ عفوك ٥٢/١
لاينجي منك إلاّ التّضرّع إليك ٢٠٦/١٥
لايُنْجيهِ: ولاينجيهِ الاعتذار ٢١٤/٤١
هوالموت لاينجيهِ منه الموازر ٢١٤/٣٩
هو الموت لاينجيهِ منه التحاذر ٢١٤/١١٥
لاينفعه الإستغفار ولاينجيهِ الإعتذار ٢١٤/١١٧
تُنْجيني: ولم أزل أتعرّض للهلكة وتنجيني ١٤٩/٣٢
فَتُنْجيهِ: أتاب إليك من معاصيك فتنجيهِ ١٩٩/١٦٩
نَجِّنِ: يامن نجّنِ محمّداً من القوم المستهزئين ١١٤/١٩
يامن نجّنِ هوداً من القوم العادين ١١٤/١٩
يامن نجّنِ لوطاً من القوم الفاسقين ١١٤/١٩
يامن نجّنِ نوحاً من القوم الظّالمين ١١٤/١٩
نَجَّيْتَ: أم كثير ما منه نجّيتَ وعافيت ١١٦/٢٩
نَجَّيْتَهُ: فلقت البحر لموسى عليه السّلام ونجّيتَهُ ١٧٩/٥
نَجَّيْناهُما: ونجّيناهُما وقومهما (قرآن) ١٥٩/١٩
فَنَجَّيْناكَ: قتلت نفساً فنجّيناكَ (قرآن) ١٥٩/٢٠
تُنَجِّينا: أن تجعل علينا واقية تنجّينا من الهلكات ١٩٥/٥
أَن تُنَجِّيَني: وأن تنجّيني ممّا أنا فيه ١٧٩/٥
نَجِّني: نجّني برحمتك من عذاب النّار ١٨٤/٩
ونجّني من غمرات الفتنة ١٤٧/٨٩
نجّني من طارق يطرق في ليل غاسق ١٦١/٢
ونجّني من مضلاّت الفتن ١٧١/٩
وارزقني من فضلك ونجّني من عذابك ١٢١/١٥
نَجِّنا: ياربّاه نجّنا من الأهوال غداً ١٩٨/٧٥
ونَجِّنا به من كلّ كربٍ يوم القيامة ١٠٩/٢٠
فَنَجِّني: وبمفازةٍ من النّار فنجّني ١٥٣/١٨
ما ظهر منها وما بطن فنجّني ١٥٣/٢٣
مع القليل فنجّني ٢٤٨/١١
... ربّ فنجّني ١٥٣/٢٥
فنجّني من سخطك ١٦٣/٦
وإذا أردت بقوم فتنةً اوسوءً فنجّني ١٢٧/١٠٢
ناجِنِ: من صلّى جوف اللّيل وناجى ١٩٨/٨٨
ناجاكَ: ودعوة من ناجاكَ مستجابة ٢٥٥/٤

وقد ناجاكَ بعزيمة الإرادة قلبى ٢٥٦/١
قد ناجاكَ بعزم الإرادة قلبى ٢٢٠/٦
ناجاكَ بخشوع الإستكانة قلبى ٢٥١/٦٢
وظفرت يدامن بحاجته ناجاكَ ١٩٩/٧٨
ناجاكَ عزم البصائر لى فيك ٢٤٩/٥
نَاجَوْا: وناجوْا ربّهم عند كلّ شهوة ٢٠٠/٤٢
نَاجَتْكَ: حتّى ناجتكَ ألسنة القلوب الخفيّة ٢٠٠/٣١
نَاجَيْتُ: وسلبتنى مناجاتك إذا أنا ناجيتُ ١١٦/٥٣
نَاجَيْتُهُ: ياخير من ناجيتهُ فى سرّى ٢٥/١
نَاجَيْتُكَ: أقبل علىّ إذا ناجيتُكَ ٢٤٩/١٠
وقمت للصلاة بين يديك وناجيتُكَ ١١٦/٥٣
يُناجِيهِ: فكيف بمن يتولاّه ويناجيهِ ٢٠١/٢٢
أُناجِيْهِ: الحمد لله الذى أناجِيْهِ لحاجتى إذا شئت ١٢٠/٥
أُناجيكَ: أناجيكَ ياموجود فى كلّ لعلّك ٩٠/١
ربّ أناجيكَ بقلب قد أوبقه جرمه ١١٦/١٨
أَنْ أُناجِيَكْ: فكيف أطمع أن أناجيكَ ٢٠٣/١٢
نُناجيكَ: بأىّ لسان نُناجيكَ وقد نقضنا العهود ٢٠٠/٩
نَجَاةِ: هوّة الكفر إلى نَجاةِ الإيمان ١٠/٣٣
لانجاة لى من مكاره الدّنيا إلاّ بعصمتك ١٨٣/٥
وجعلته نجاةًلكلّ حىّ ١٩٩/٣٨
ونجاةً من كلّ ورطةٍ ١٢٥/٢
ما تجعله نجاة لهم من العذاب ١٤٣/٣٩
فلمّا رأى أن لانجاة وأنّه ٢١٤/١١٥ - ٢١٤/٣٩
يامن طاعته نجاةٌ للمطيعين ٣٣/١
اللّهمّ ... ولانجاةَ لأحد منّا دون عفوك ٣٢/١
وعلم نجاةٍ لايضلّ من أمّ ١٠٩/٤
النَّجَاةِ: وسهّلت لنا المسلك إلى النجاةِ ٢٠٠/٤
وركبوا فى سفينة النّجاة ٢٠٠/٢٥
وظفروا بحبل النّجاة ٢٠٠/٢٦
وسبباً نجزى به النّجاة ١٠٩/٩
ناكصين عن سبيل الهدى وعلم النّجاةِ ٢١٩/٤٣
على طرق النّجاة من كلّ عالم ٢١٩/٣٣
لسنا نتّكل فى النّجاة من عقابك على أعمالنا ١١٦/٢٨
يأسه من النّجاة أوكد من رجائه للخلاص ١٠١/١٠
أللّهمّ إنّك دعوتنى إلى النّجاة فعصيتك ٣٦/١
ومن أين لى النّجاة ولانستطاع إلاّ بك ١١٦/١
نَجَاتُهُمْ: وفيها كانت نجاتُهُمْ من غضبك ١٤٢/١٩
نَجَاتِكَ: اللّهمّ أحملنا فى سفن نجاتِكَ ١٨٨/٣
نَجَاتِي: يكون بها نجاتي من غضبك ٨١/٧
تكون بها «شفاعة» نجاتي من غضبك ٨٠/٢٣
بك نجاتي وأمانى ١٩٩/٣١
بِالنَّجَاةِ: وظنّى بك أنّك تقلبنى بالنّجاةِ مرحوماً ١٩٩/٨٣
مُناجَاةَ: مناجاةَ الطالب إيّاك غير محجوبة ٢٢٠/٥
ومناجاة العبد إيّاك غير محجوبةٍ ٢٢١/٣
مُنَاجَاتِهِ: وبحقّ موسى ومناجاتِهِ ١٨٠/٣
يامن آنس العارفين بطول مناجاتِهِ ١٩٩/٣٦
فلا يجهر بها عليه «محمّد» عند مناجاتِهِ ١٠/٩
مُنَاجَاتِكَ: ولامن حياض مناجاتك صدراً ٨٤/٣
وسلبتنى مناجاتَكَ إذا أنا ناجيت ١١٦/٥٣
فبك إلى لذيذ مناجاتك وصلوا ١٨٩/٤
متّعنا بلذيذ مناجاتك ١٨٨/٣
فى مناجاتِكَ روحى وراحتى ١٨٩/٨
كلّ لسانى عن مناجاتِكَ ٤٩/١٠
لِمُنَاجَاتِكَ: فاجعلنا ممّن... إخترته لمناجاتك ١٩٠/٤
بِمُنَاجَاتِكَ: وزيّن لى التفردّ بمناجاتك ١٤٧/٩٤
وبمناجاتكَ آنسون ١٩٩/١٨٧
وبمناجاتِكَ بردّت ألم الخوف عنّى ١١٦/٨٥
مُنْجِىَ: إيّاك أدعو... يا... مُنْجِىَ المؤمنين ١٤٩/١٥
ويامُنْجِىَ الْهالكين ١٩٥/١
ومُنْجِىَ الخائفين ١١٣/٣
ويامُنْجِىَ موسى ويامصطفى محمّد ١٧٥/١
مُنْجِيَاتِ: وعرّفنى بجميل إختبارك لى منجياتِ ١٩٩/٣٣
الْمُناجِي: أيّها المناجِي ربّه بأنواع الكلام ١٩٧/٤٦
نَجِيُّكَ: نَجِيُّكَ وأمينك وخيرتك من خلقك ١٤٣/٢٣
مَنْجىٰ: ولاملجا ولامنجىٰ ولامأوى ١٤٨/١٤
محمّد وآل محمّد... منجىٰ الخائفين ٢٠/٣
ياموضع كلّ شكوى ياسامع كلّ نَجوىٰ ١٧٥/١
سبحانك أنت شاهد كل نجوىٰ ٤/٩
ياشاهد كل نَجوىٰ وياعالم كل خفيّة ١٢٣/١٤
النَّجْوىٰ: ياسامع السّرّ والنَّجوىٰ ١٩٩/٦٥
ياعالم السّرّ والنَّجوىٰ ١٩٧/٣٤
يعلم... النَّجوىٰ وما تحت الثّرىٰ ١٤٩/٢٤
نَجْوَايَ: واسمع نجواى واستجب دعايى ١٤٦/١٥

ن.ح.ب

إِنْتَحَبْتُ: إنتحبتُ حتّى ينقطع صوتى ٤٩/١٧
إِنْتَحَبْنا: وانتَحَبْنا حتّى تنقطع أصواتنا ٢١٣/١
يَنْتَحِبُ: يامن لخيفته ينتحب الخاطئون ٤٩/١
الْإِنْتِحابَ: وأكثروا التّلدّد والإنتحاب ٢١٤/٥٧
وأكثروا البكاء عليه والإنتحاب ٢١٤/١٣٤

نَحيبٌ: ولاأسعدها نحيب الباكيات الثّاكلات ١٩٩/١١٥

ن.ح.ر

نَحْرِ: وأدرأ بك في نحر أعدائي ٢٢/٦
نَحْرِهِ: فإنّي أدرأ بك في نحره ١٥٤/٣
واردد كيدَهُ «ظالمي» في نحره ١٥٥/١
إدفع عنّي شرَّ (فلانٍ) بك أدفع في نحره ١٥٦/٤
أدرأ بك في نحره ١٥٧/٢
ومن أرادني بسوءٍ... ردّ كيدَهُ في نحره ٦١/٧
نَحْرِيْ: ولاتغلّ يدى إلى نحرى ١١٧/٢٩
نُحورِ: أدرأبك في نُحورِ أعدائي ٢٢/٢١
نُحُورِهِمْ: خدودهم ولبّات نحورهم ١٠/٢٨

ن.ح.س

نَحْسَ: هلال سعد لانحس فيه ١١٠/٦
النُّحاسِ: سرادقات النّار والنُّحاسِ ٢٥٧/١٦

ن.ح.ل

نَحِلَتْ: قد نحلت أجسادهم بالحزن ٢٠٠/٣٩
حتّى نحلت في مجاهدتك ١٨٤/٥
لَمْ يُنْحِلْ: لم ينحل الصّيام والقيام جسمي ٢٤٨/٩
إنْتَحَلَتْ: وقد انتحلت طوائف من هذه الأمّة ٢١٩/٤٢
أَنْتَحِلُ: وأنتحل غرماً من إرادة مقيم ٢١٩/٤
نِحَل: لم ترجع يد... خالية من نحل هباتك ٢٥١/٦٠
نِحَلِكَ: صلاةً تجزل لهم بها من نحلك وكرامتك ٤٧/٥٨
وجلّلني شرائف نحلك في المقامات ١٤٧/١١٠

ن.ح.و

أَنْحَوْا: وأنحوا على أمواله يخضمونها ٢١٤/٦٣
نَحَّيْتَني: سيّدى لعلّك... عن خدمتك نَحَّيْتَني ١١٦/٥٥
إنْتَحىٰ: فلمّا انتحىٰ منها الذى هو جازرٌ ٢١٤/٦٠
نَحْوَ: وسافتهم نحو المنايا المقادر ٢١٤/٧٨ ـ ٢١٤/٣
حتّى لاذت أبصار القلوب نحو السّماء ٢٠٠/٣٢
نَحْوَكَ: إنصرفت نحوك رغبتى ١٨٩/٧
فأقبل نحوك مؤمّلاً لك ٨٠/٤
نَحْوي: سدّد نحوي صوائب سهامه ١٥٣/٤ ـ ١٥٢/٤
نَاحِيَةٍ: اللّهمّ اغز بكلّ ناحيةٍ من المسلمين ٦٧/١٠
نَاحِيَتَهُ: فاجتنبت ناحيته ٢٥٧/٦
نَاحِيَتي: او مسّه من ناحيتي أذىً ١٠١/٤
نَواحينا: شمائلنا ومن جميع نواحينا ٢١/١٢

ن.خ.ر

لِمَنْخَرِهِ: كُبَّهُ لمنخره وأغصصهُ بريقه «ظالمى» ١٥٥/١

ن.خ.ل

نَخْلٍ: وفاكهة ونخلٍ ورمان ٢٥٧/١٢

ن.د.ب

نَدَبَهُ: قبضه «روح» إلى ما ندبه إليه من موفور ثوابه ١/٨
نَدَبْتَ: اللّهمّ إنّك قد ندبت إلى فضلك ٧٠/١
الأخذ بصالح ما ندبت إليه عبادك ٢٤٩/٣
وندبت إلى عتق الرّقاب ١٩٩/١١٦
يَنْدُبُ: وهو يندب أباه ٢١٤/١٢٩
ثم أفاق وهو يندب أباه ٢١٤/٥٣
النَّدْبَةِ: إرفعني في أعلى درجات هذه النُّدبة ٢١٩/١
بِنُدْبَتي: من أرشد بندبتي ٢١٩/٣٨

ن.د.ح

مَنْدُوحَةً: ولالراغب مندوحةٌ عنك ١٩٩/١٩٨
مندوحةً عمّا قبل المستأثرين ٢٢١/٤
مندوحة عمّا في أيدى المستأثرين ١١٦/١٢ ـ ٢٢٠/٤
وفي خلقك يالهي مندوحةٌ عن أن ينالوك ٣/٢

ن.د.د

نِدّاً: ولاأدعو معك نِدّاً ٥٥/٣٤
لاضدّ له ولاندّ له ١٤٩/١٩
وأحد لاندّ له ٧/٣
أنت الّذى ... لاندّلك فيعارضك ١٤٧/١٩
أو أجعل لك ولداً أو ندّاً ٢٠٩/٢
ليس لك ... نِدٌّ ولانظير ٢٤٣/٣
وواحد لا ندَّ له ٢/٣
الْأَنْدادِ: وتكبّرت عن الأمثال والأنداد ٧٤/٥
ونفى الأضداد والأنداد والأشباه عنك ١٤٧/٧٨

ن.د.م

يَنْدَمُ: واجعلني ممّن يندم على ما ضيّعه في أمسه ٨٧/٣
لايَنْدَمُ: ويامن لايندم على العطاء ١٤٢/١
تَنَدَّمَ: تندّم إذلم تغن عنه ندامة ٢١٤/١١٦
تندّم لو يغنيه طول ندامة ٢١٤/٤٠
نَدَماً: أعوذبك من ... منقلب ندماً ٢٧/٣

النَّدَم: ولك من قلوبنا عقد النّدم ١٤٢/٤٩
أم أيّ إله أقصده إذا ألمّ بى النّدم ٢٣٩/٥
وما اظهرت لك من النّدم ٨١/٦
إلهى إن كان النّدم على الذّنب توبة ١٨٢/٧
أللهمّ إن يكن النّدم توبةً إليك ٨١/٨ ـ ٨٠/٢٤
ما أظهرت لك من النّدم ٨٠/٢٢
نَدامَةٍ: تندّم لو يغنيه طول ندامةٍ ٢١٤/٤٠
تندّم إذلم تغن عنه ندامةٌ ٢١٤/١١٦
... إعتذار ندامةٍ يكون واعظاً لما بين يدىّ ١٠٠/٣
النَّدامَةِ: الظّلمة فى يوم الحسرة والنّدامة ١٠٩/٢١
أثمرت لهم ثمر النّدامة ٢٠٠/٢٨
أعوذبك ... من النّدامة يوم القيامة ٢٢٥/٢
نَدامَتي: واجعل ندامتي على ما وقعت فيه ١٠٠/٤
نادِم: سؤال نادمٍ على إقتراب الآثام ٢٣٩/١
مقرّ بالخطيئة نادمٌ عليها ١٦/٣
أتوب إليك فى مقامى هذا توبة نادمٍ ٣٤/١٠
النّادِم: أسألك سؤال... النّادم على الخطيئة ٢٤٥/١
نادِمينَ: جنّتك غير خزايا ولانادمين ١٤٣/٥٤
النّادِمينَ: ان يكن النّدم توبةً إليك فأنا أندم النّادمين ٨١/٨ـ٨٠/٢٤
إلهى... فإنّى وعزّتك من النّادِمينَ ١٨٢/٧
أَنْدَمُ: أللّهمّ إن يكن النّدم توبةً إليك فأنا أندم النّادمين ٨٠/٢٤ـ٨١/٨
بِالنَّدْمِ: وحق لمن دعاك بالنّدم تذلّلاً ١١٢/١

ن.د.و

نادٰاها: وناداها من شفير القبر ذو وموذّتها ١٩٧/٣٢ـ١٩٩/١٣٧
نادٰاكَ: وذي حاجةٍ نادٰاكَ لها فلبّيته ٢٠٢/٢
ومستجيب لمن نادٰاكَ ٣٣/٥
ونادٰاكَ للحوائج فلبّيته ٢٠٢/٥
نادٰاكَ بالخشوع والإستكانة قلبى ٧٠/٣
نادٰانا: ولقد نادانا نوحٌ فلنعم المجيبون (قرآن) ٢٤٩/٢٢
فَنادىٰ: فنادى فى الظّلمات أن لاإله إلاّ أنت (قرآن) ٢٥٢/٦
فظنّ أن لن نقدر عليه فنادى (قرآن) ٢٥١/١٠
فنادى إنّى مسّنى الضّرّ (قرآن) ٢٥١/١٢
نادَيْتُ: نادَيْتُ معادن الرسالة والأنبياء ٢١٩/٢٧
نادَيْتُكَ: أللّهمّ فارحم ندائى إذا ناديتك ٢٤٩/١٠
ناديتك مستغيثاً مستصرخاً فأغثتني ١٤٨/١٨
فَنادَيْتُكْ: فناديتك يا إلهى مستغيثاً بك ١٥٢/١٠ ـ ٥٣/٨
نُودِيَ: ويامن كلّما نودي أجاب ٢٠١/٢٣
أُنادي: أنادي ولات حين مناص ٢١٩/٢٧
أُناديهِ: والحمدلله الّذى أناديه ١١٦/٥
أُنادِيكَ: ياربّاه أناديك بعظيم الرّجآء ١٩٨/٨٣
النَّدّايا: أسير البلايا والنّدايا ١١٨/٣
نَداكَ: بمترى العظيم من برّك نداكَ ١٨٧/٨
نِدائي: ومن ندائي قريباً ولتضرّعى راحماً ٣٩/١٠
أناجيك يا موجود في كلّ مكان لعلّك تسمع ندآئي ٩٠/١
ولاينظمه وإيّاك نِدائي ٧٤/٣
أللّهمّ فارحم نِدائي إذا ناديتك ٢٤٩/١٠
وأن تسمع ندآئي وتستجيب دعآئى ١٤٩/٤٠
نِداكَ: أناخ ببابك مرتجياً نِداكَ فما أوليته ١٨٥/٢

ن.د.ه

لايَنْدَهُ: فيا من ... لايندهه المترفين ١٤٧/٨١

ن.ذ.ر

نَذَرْتُهُ: أللهمّ إنّى أستغفرك لكلّ نذر نذرته ٢٣٨/٥
أَنْذَرَ: أنذر «محمّد» بما هو صدق من العقاب ٢٤٦/٤
نَذْرٍ: أللّهمّ إنّى أستغفرك لكلّ نذرٍ نذرته ٢٣٨/٥
إِنْذارِهِ: فقام محمّد... مجدّاً فى إنذاره ١٩٩/٥٨
إِنْذارِكَ: اجعل... حذرى من إعذارك وإنذارك ١٤٧/١٠٤
نَذيراً: وللمتخلّفين عن ضوء نهار حقّه نذيراً ١٠/٨
النَّذيرِ: وقد وخطك القتيرو وافاك النّذير ٢١٤/٩
البشير النذير السراج المنير ١٤٣/٥١ ـ ١٤٣/٢٣
البشير النّذير الدّاعى إليك بإذنك ١٢٣/٩

ن.ز.ع

نَزَعَ: ونزع يده فإذا هى بيضآءُ للناظرين (قرآن) ١٥٩/١٦
يَنْزِعُ: وينزعُ قلوبهم ٨٨/٢١
فَلاتَنْزِعْ: فلاتنزع منّى ما عوّدتنى من رحمتك ٧٧/٦
إِنْزَعْ: وانزع أوتادهم «الظّلمة» ١١٩/٥
وانزع عنّا جلابيب مخالفتك ١٩٦/٢
أَنْزِعْ: وأنزع الغلّ من صدرى للمؤمنين ١٤٧/١٠٩
وأنزع لباس نعمتك عنه «ظالمى» ١٥٥/٣
وأنزع من قلبى حبّ دنيا دنيّة ١٤٧/٩٤
لايُنازَعُ: إنّى أسألك بأنّك... مقتدرٌ لاينازع ١٣٠/٥
لاتُنازَعُ: ولاتنازع فى ملكك ٢٥٣/٢ ـ ١١٦/٣٤
لاتكاد ولاتماط ولاتنازَعُ ولاتجارى ١٤٧/٢٦
نَزْعاً: ويؤيّد من أغرق نزعاً فى توفيتهِ ١٤٧/٤١
النُّزُوعِ: وصدّهم إمهالك عن النُّزُوعِ ١٤٦/٧
نَوازِعُ: أنيخت نوازِعُ الآمال منّى إليك ٢٢٩/٥

ن.ز.غ

نَزَغاتِ: ومن نزعات الشّيطان... حارساً ١٠٩/١١
ولاخلواتي بما يعرض لي من نزغات فتنتك ١٤٧/١١٤
أللّهمّ إنّا نعوذبك من نزغات الشّيطانِ ٥٠/١

ن.ز.ل

نَزَلَ: إلهي من الّذي نزل بك ملتمساً ١٨٥/٢
ونزل الضّر بمنزلة الصّحة ٢٥٧/٢٧
إذا نزل بنا كما نزل بهم ١٤٣/٣٨
بارك لنا في الموت إذا نزل بنا ١٤٣/٣٨
نزل بي قريباً ١٩٩/١٣٩
لم يجد... لما نزل به منقذاً إلاّ أنت ١٣٢/٩
والّذين على أرجائها إذا نزل الأمر بتمام وعدك ١٢/١٠
ونزل بي ما لاطاقة لي به ٤٢/٢٤
ونزل به من قضائه ما لايصدّ ٢١٤/٢١ ـ ٢١٤/٩٦
والهابطين مع قطر المطر إذا نزل ١٢/١١
قد نزل بي ياربّ ما قد تكأّدني ثقله ٢٤/٣
فقد ضقت لما نزل بي ياربّ ذرعاً ٢٤/٦
وحيد... نزل بي قريباً ١٩٧/٣٣
ونزل الضّرّ منزل الصّحّة بأنواع الأذىٰ ٣٥/٤
أم على هذا نزّل القرآن ٢١٤/١٤٨
نَزَلَتْ: مصيبة نزلت في هذا اليوم ٢٢/٣٢
نَزَلْتَ: ياربّاه إرحمني إذا نزلت منزلاً ١٩٨/٨٢
وجد عليّ منقولاً قد نزلت بك ١١٦/٩٧
ونزلت بفنائك ١٧٧/٢
يَنْزِلُ: أعوذبك من شرّ ما ينزل من السّمآء ١٥٣/٢٨
بمكروه ما ينزل من البلاء ومحبوب الرّخاء ١٢/١٢
لايَنْزِلُ: ولاينزل شبيءٌ منزلته ١٤٩/٢٠
أَنْزَلَ: يامن أنزل العذاب على قوم يونس ٢٣٣/٥ـ١٦٥/٦
أَنْزَلْتَ: بما أنزلت فيه من القرآن والنّور ١٤٢/٢٤
على معنى ما أنزلت في كتابك ١١٩/١٩
أللّهمّ إنّك أنزلت في كتابك العفو ١١٦/١٣١
إنّي لما أنزلت إليّ من خير فقير (قرآن) ٢٥٤/٢
وما أنزلت من نظائر هنّ في القرآن ١٤٢/١٣
الّذي أنزلت فيه القرآن ١١٧/١
وما أنزلت فيه «رمضان» من القرآن ١١٧/١٨
أنزلت من المعصرات ماءً ثجّاجاً ٢٤٥/٤
أللّهمّ إنّي وجدت فيما أنزلت من كتابك ١٦٢/٢
أَنْزَلْتَهُ: أسألك بكلّ اسم... أنزلته في كتابك ٢٢/٣٩
وأنزلته في شيء من كتبك ١٤١/٦
من كلّ خيرٍ أنزلته في هذه اللّيلة ١٣٢/٥
ووحياً أنزلته على نبيّك ١٠٩/٢
أللّهمّ إنّك أنزلته على نبيّك ١٠٩/٦
وجعلته مهيمناً على كلّ كتاب أنزلته ١٠٩/١
كتابك الّذي أنزلته نوراً ١٠٩/١
فإذا... أنزلته بنا فأسعدنا به زائراً ١٠٣/٤
نصيباً في كلّ خيرٍ أنزلته ١١٦/١١٢
أَنْزَلْتَنِي: وأنزلتني دار القرار ومحلّ الأخيار ١١٣/٩
أَنْزَلْتُ: بك أنزلت حاجتي ٢٤٧/٩
بك أنزلت اليوم فقري وفاقتي ٢٤٩/٢٠
أَنْزَلْتُها: وأنزلتها «حوائجي» بك ١٤٩/٢٧
أَنْزَلْنا: طه ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى (قرآن) ١٤٤/٨
أَنْزَلْناهُ: الٓر كتاب أنزلناه (قرآن) ١٤٤/١٦
أَنْزَلَ: الّذي أنزل فيه القرآن (قرآن) ١١٥/٣ـ١٤٤/٢١ـ١٤١/٩
تُنْزِلَ: وتنزل عليّ شيئاً من بركاتك ١٤٩/٤٢
تُنْزِلُهُ: كرامة تنزله «محمّد» شرف ذروتها ١٠/١٣
نصيباً في كلّ خيرٍ أنزلته وتنزله ١١٦/١١٢
فلاتُنْزِلْ: وغضبك فلاتنزل بي ٢٥١/٢٣ ـ ٢٥٢/١٥
لَمْ تُنْزِلْ: إنّك لم تنزل كتبك إلاّ بالحقّ ١٩٩/١٦٦
لَمْ تُنْزِلْهُ: ولم تنزله في تأويل لديه في كتاب ١٠/١٩
أَنْ تُنْزِلَ: أسألك... أن تنزل علينا من سكينتك ١٩٥/٦
أَنْزِلْ: وأنزل بك كلّ ما يخطر ببالي ١٩٩/١٧٨
أَنْزِلْ: وأنزل عليّ من بركاتك ٢٥١/٢٧
وأنزل عليّ من بركاتك نعمة منك سابغة ٢٥٢/١٩
أنزل محمّداً في أشرف منازل الأبرار ١٤١/٢٥
وأنزل بساحتهم «الظّلمة» ما يحذرون ١١٩/١٠
وأنزل علينا نفع هذه السحائب وبركتها ٩٧/٢
أَنْزِلْنا: وأنزلنا فيها منزله المصيبين لمنازلها ١١٥/١٢
نَزَّلَ: ... نزّل الكتاب وهو يتولّى الصالحين (قرآن) ١٥٩/٩
نَزَّلْتَ: وقد نزّلت نفسي منزلة الآيسين من الخير ١١٦/٧٧
أَنْ تُنَزِّلَ: أن تنزّل علينا من السّمآء رحمتك ١٣٩/٢
تُنَزِّلُ: إن نشأ ننزّل عليهم من السّماء (قرآن) ١٥٩/١٥
تَنَزَّلُ: تنزّل الملائكة والرّوح فيها (قرآن) ١١٥/٥
نُزُولِ: عند هول المنيّة ونزول البليّة ٢١٤/١١٧
من هول المنيّة ونزول البليّة ٢١٤/٤١
فاجعل نفسي ... صابرة على نزول بلآئك ٢٥٥/٣
إنْزالِ: وإنزال حوائجي بك ١٤٧/١٠٤
تَنْزِيلاً: محمّد صلواتك عليه وآله تنزيلاً ١٠٩/٢
مُنازَلَةِ: وأوهن أركانهم عن منازلة ٦٧/١٣
مُنازَلَتي: منازلتي إيّاك في فكاك ١٤٧/١٠٤

تَنَزَّلَ: وإن لم تكن قضيت... تنزُّل الملائكة ١١٧/٣٢
تنزُّل الملائكة والرّوح فيها ١١٧/٣٠
مَنْزِلَةً: وأعظمهم منك منزلةً وعندك مكاناً ١٤٩/٤٣
لتلك الدعوة عليك حقّ ولديك منزلة ٢٢٠/٨
أكرمهم منزلة لديك فشهدت معه ١٤٤/٥
وقد نزّلت نفسي منزلة الآيسين من الخير ١١٦/٧٧
ولتلك الدّعوة عندك منزلة ٢٥٦/٢
وأنزلنا فيها منزلة المصيبين لمنازلها ١١٥/١٢
فارفعه «محمّد»... حتّى لايساوى في منزلة ٩/٤
مَنْزِلَتِهِ: وابلغ به «محمّد» من تشريف منزلته ١٠/١٥
ولاينزل شيءٌ منزلته ١٤٩/٢٠
من النّبيّين وأتباعهم تمكّن منزلته ١٠٢٤
بِمَنْزِلَةِ: ونزل الضّر بمنزلة الصّحة ٢٥٧/٢٧
ما أنا في خلقك إلاّ بمنزلة الذرّة في ملكك ٢٥٧/٢١
بِمَنْزِلَةٍ: بما يرد عليّ منهما بمنزلةٍ سواءٍ ٥٩/١٤
بِمَنْزِلَتِهِ: أسألك اللّهمّ سؤال من هو بمنزلته ١٦٤/٥
نَازِلٍ: ولكلّ نازلٍ بك حفظاً ١٤٩/٥٧
خبرك إلينا نازلٌ ١١٦/٤١
ورحمتك وخيرك إليّ فيه نازلاً ١١٧/١٤
نازِلِيها: تشرّفه «محمّد» بالوسيلة على نازِليها ١٠/١٣
نازِلَةً: وأرزاق الخلائق من لدنك نازلةً ٢٥٥/٦
فلا يدعوك إلاّ عند حلول نازلةٍ ٢٠٤/٦
مُنْزِلَ: يامنزل البركات وعالم الخفيّات ٢٣٧/١٠
مُنْزِلُهُ: أوأنت منزله «الخير» من نور تهدى به ١٣٢/٥
مُنَزِّلُهُ: وما أنت منزّله في كلّ سنة ١١٦/١١٢
الْمُنْزِلِ: خصصته بالكتاب المنزل عليه ١٤٤/٦
فإنّك قلت في كتابك المنزل ٢٠٦/١٤ ـ ٢٥١/٦٨
مَنْزِلاً: إرجعني إذا نزلت منزلاً لاأزار فيه ١٩٨/٨٢
زيّنتها ... في منزل الأصفياء ٢٠٠/٣٦
أن تجعلني من ... أعلاهم عندك منزلاً ١٨٩/٦
لاتوطنّ له فيما لدينا منزلاً ٥٠/٥
ونزل الضّرّ منزل الصّحّة بأنواع الأذىٰ ٣٥/٤
الْمَنْزِلِ: فما عذر من أغفل دخول ذلك المنزل ١٤٢/٨
بين يديه ودرجات المنزل المحمود ١٠/٣٤
مَنَازِلِ: إلى أشرف منازل الكرامة ١٠٩/٩
وأورثتهم «صفوتك» منازل الصّدق في جوارك ١٩١/٣
والسعيد من ... حميداً الى منازل رحمتك ٣١/٥
كيف هم في أوقات طاعته ومنازل فروضه ٢١/٤
في أعلى عليّين وأكرم منازل النّبيّين ١٤١/٢٥
أنزل محمّداً في أشرف منازل الأبرار ١٤١/٢٥
سهّلت له ... بالتّوفيق في منازل الأبرار ٢٠٠/٣٥
ولوّح منها «الجنّة» ... من ... منازل الكرامة ٦٧/٥
خلقت لها وللقمر والنّجوم منازل وأبراجاً ٢٤٥/٤
أيّها الخلق ... المتردّد في منازل التّقدير ١١٠/١
يامقدّر القمر منازل حتّى عاد كالعرجون القديم ١٣٠/١
الْمَنَازِلِ: تفضيلاً لأهل المنازل منك ٢٤٩/٢
أسألك ... من المنازل ألطفها ١٩٩/٢٢
مَنَازِلِها: طالما خرجت من منازلها ١٩٩/١٥٣
مَنَازِلِكَ: فلم تهتد القلوب إلى منازِلِكَ فيه ١٠/١٩
مَنَازِلَنا: حمداً... يشرّف به منازِلَنا عند ١/١٤
القبور بعد فراق الدّنيا خير منازِلِنا ١٠٩/١٩
لِمَنازِلِ: وازجرني عن المنى لمَنازِلِ المتّقين ٢٥١/٤٢
لِمَنازِلِها: وأنزلنا فيها منزلة المصيبين لمَنازِلِها ١١٥/١١

ن.ز.ه

لَنَزَّهْتُكَ: لَنزَّهتُكَ من ذكري اياك ١٩٤/١
تَنَزَّهْتَ: تَنَزَّهْتَ عن إتّخاذ الأبناء ٢٤٣/٣
تَنْزِيهاً: لإله إلاّ أنت تنزيهاً لوجهك العظيم ١٣٩/١٦
تَنْزِيهِكَ: إذنك لنا بدعائك وتنزيهِكَ ١٩٤/١
نَزيهاً: من الأنجاس والأرجاس نزيهاً ١٩٩/٥٠
مُنَزَّهاً: مَنَزّهاً عن قصد أحد سواك ١٩٩/١٩١
مُنَزَّهِينَ: وعن الرّياء والسّمعة منَزَّهِينَ ٢٠٦/٢٠

ن.س.ب

نَسَبْتَ: وكذاك نَسَبتَ نفسك ياسيّدي باللّطيف ١١٧/٣٧
نَسَبْتَهُمْ: ونسبتَهُم «الخلق» إلى الفقر وهم أهل ٣٩/٣
لم أَنْسِبْ: لم أنسب إليك صاحبة ولاولداً ١٤٤/٣
يُنْسَبُ: ممّا ... ينسَبُ إلى عرض أوجوهر ١٩٩/٥٦
ناسَبَهُمْ: فاجعلني ممّن ناسَبَهُم ١٩٩/١٨٩
نِسْبَةٍ: ومنعه لاعن لحمة ولانِسْبَةٍ ١٠/٢٩
الْمُناسَبَةِ: علا عن المشاكلة والمناسَبَةِ ١٩٩/١٤
مَنْسُوبٍ: محزون لظلامته منسوبٍ بولادته ٢٤٨/١
الْمَنْسُوبِينَ: وتقدّست أسماؤك عن المنسُوبينَ ١٠١/١٢

ن.س.ف

إِنْتَسَفْتَهُمْ: كيف إنتسفتهم الأيّام ٢١٤/١٣

ن.س.ك

يَتَنَسَّكُونَ: يتنسّكوُنَ في الضلالات ٢١٩/٤٠
ناسِكٍ: وناسكٍ أفنى بذكرك ليله فأحظيته ٢٠٢/٣

نُسُكي: نسكي وشكري ودنياي وآخرتي فبارك لي ١٥٣/٢٢

ن.س.ل

نَسْلَ: واقطع نسل دوابّهم «عدوّ أهل الثغور» ٦٧/٨

ن.س.م

أَتَنَسَّمُ: أتنسّم أرواح الماضين ٢١٩/٣٦
النَّسَم: ألحمدلله خالق أمشاج النَّسَمِ ١٩٩/٥٢
نَسَمَتِكَ: بما تتوب على نسمتِكَ وجلّتك ١٦/٨
السَّنَمَاتِ: ولاتّخذ معينا حين برأ السَّنماتِ ٢٣٨/١
سبحانك ... بارئ النَّسماتِ ١٤٧/٣٠
نَسيم: ومرارة العيش وطيب نسيمِ الغرور ٢١٩/١٣
وأنهضتنا إلى نسيمِ روحك ٢٠٠/٢
النَّسيمِ: وجنوا من ثمار النَّسيمِ ٢٠٠/٢٤
وحال دون ذلك النَّسيمِ هبوات ٢١٩/١٤

ن.س.و

النِّساء: من نار وقودها الرّجال والنِّساء ١٩٨/١٦
تقدّست عن ملامسة النِّساء ٢٤٣/٣
نِساؤُهُ: فشقّت جيوبها نساؤُهُ ٢١٤/١٢٥
وشقّت جيوبها نساؤه ٢١٤/٤٩
نِسآئِهِمْ: أللّهمّ عقّم أرحام نسآئِهم ٦٧/٨
نِسْوانٍ: وربّة نسوانٍ عليه جوازع ٢١٤/٥٦
وربّة نسوانٍ عليه جوازع ٢١٤/١٣٢

ن.س.ى

نَسِيَ: نسِيَ ما كان يدعوا اليه من قبل (قرآن) ٢٥٧/٣٤
ثمّ إذا خوّله نعمةً منه نسِيَ (قرآن) ٣٥/١١
نَسُوا: أللّهمّ إنّ الظّلمة... نسُوا نقمتك ١١٩/٤
نَسِيَتْ: ونسيت ما في أختها دهاها ٢١٤/٦١ ـ ٢١٤/١٣٩
نَسِيَتْني: إذا إنقطع ذكرى ونسيتني أهل الدّنيا ١٩٨/٥٢
نَسِيتُ: ونسيتُ شكرما أوليتني فيها ١٩٩/٦٩
في دنياي وآخرتي ما ذكرت منه وما نسيتُ ٦٤/١١
نَسِيتُهُ: ذكرته او نسيتُهُ هو ياربّ مما قد ٥٩/٧
نَسِيتُهُنَّ: وعليّ تبعات قد نسيتُهُنَّ ٨١/٢
أللّهمّ وعليّ ... تبعات قد نسيتُهُنَّ ٨٠/١٤
نَسِينا: ولاتؤاخذنا بما أخطأنا فيه وما نسينا ٨٧/٧
اللّهمّ... وجعلت لنا عدوّاً... ولاينسى إن نسينا ٦٤/٧
ربّنا لاتؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا (قرآن) ٨٣/١٣
نَسيْناهُ: واحفظ لنا ما نسيناهُ ٥٠/١٥
نُسِيَ: منسيّاً كمن نُسِيَ من الأموات ١٩٩/٧٤
وكنت في المنسيّين كمن قد نُسِيَ ١٦٧/٤
يَنْسى: وينسىَ الجاهلون ذكرك ٢٠٤/٥
لايَنْسى: ولايَنْسىٰ شيئاً لشيءٍ ١٤٩/٢٥
العليم الّذى لاينسىٰ من ذكره ٢٤٦/١
الذى لاينسىٰ من ذكره ١٤٣/٢
وعلمك الّذى لاينسىٰ ٨١/٢
اللّهمّ... وجعلت لنا عدوّاً... ولاينسىٰ إن نسينا ٦٤/٧
كلّهنّ «تبعات» بـ... علمك الّذى لاينسىٰ ٨٠/١٤
ولاينسىٰ قلبى ذكرك ٢٠١/١١
لاتَنْسىٰ: إنّى أسألك بأنّك... ومعبود لاتنسى ١٣٠/٥
فلاتَنْسَ: فلاتنس لهم اللّهمّ ما تركوا لك وفيك ١٤/٤
لاتَنْسَني: لاتنسنى ولاتجعلنى من الغافلين ٧٧/٣
أَنْسىٰ: وأيّها أنسىٰ ولو لم يكن إلاّ الموت لكفى ٩٠/٢
لاأَنْسىٰ: أنا لاأنْسىٰ أياديك عندى ١١٦/٧٥
أَنْساكَ: كيف أنْساكَ ولم تزل ذاكرى ١٨٥/٤
أَنْساني: وحلفك لى عليه همّا أنساني ذكرك ٧٧/٨
يُنْسي: أللّهمّ إنّى أعوذبك... من فقر ينسي ١٣٥/١١
لاتُنْسِني: ولاتنسِني شيئاً من ذكرك ١٧٦/٢
اللّهمّ لاتُنْسِني ذكرهما في أدبار صلواتى ٦٣/١٤
ولاتنسني ذكرك ١٤٧/٩٦
أَنْسِهِ: وأنسه ذكر الأهل والولد ٦٧/١٧
أَنْسِهِمْ: وأنسهم عند لقائهم العدوّ ٦٧/٤
تناساهُ: إذا ما تناساهُ البنون الأصاغر ٢١٤/١٣١ ـ ٢١٤/٥٥
فَتَناسَيْنا: وذكّرت فتناسَينا ٨٧/٦
نِسْيانٍ: لانسْيانٍ من حفظى له ٤٩/١٣
اوخطرت بها منّى خطرات نسيانٍ ١٢٥/٢
وأعوذبك من ... نسيانٍ ذكرك ١٣٩/١٤
أو على نسيانٍ ظلمنا فيه أنفسنا ١٤٢/٥٢
ولانسيانٍ لما سبق من ذميم فعلي ٨١/٦ ـ ٨٠/٢٢
وبين شيءٍ من ذلك بعرض... ولانسيانٍ ١١٧/١١
نِسياني: يومى هذا بين يدى نسياني وعجلتى ١٧/٢ـ١٧/١
ناسِياً: لاتجعلنى ناسياً لذكرك فيما أوليتنى ٥٧/٧ـ١٢٦/٣
فإن كنت... ناسياً ما إجترمت من الهفوات ٢٣٩/٦
مَنْسِيّاً: منسيّاً كمن نسى من الأموات ١٩٩/٧٤
الْمَنْسِيّينَ: وكنت في المنسيّينَ كمن قد نسى ١٦٧/٤

ن.ش.أ

نَشَأَ: إرحم من لم يزل يعصيك... منذ نشأ ١٩٨/٨٩
أَنْشَأْتَ: أنْشَأْتَ الأشياء من غير سنخ ١٤٧/١١

أنشَأْتَ من أصناف خلقك ٢٤٦/٢
أَنْشَأْتَهُ: وعبدلك أنشأْتَهُ تحصيناً لأمّتك ٢٢٢/٢
شرّ كل من ذرأته وبرأته وأنشأْتَهُ وابتدعته ٢٤٩/٢٥
أَنْشَأْتَهَا: ولكن أنْشَأْتَها إثباتاً لقدرتك على مثلها ١٠١/٦
أَنْشَأْتَنِي: ثمّ أنْشَأْتَنِي خلقاً آخر (قرآن) ٨٨/١٤
يُنْشِئُ: ويامن بجلاله يُنْشِئُ السّحاب ٢٠١/٢٣
يُنْشِئُهُمْ: فيما يغذوهم به وينشِئُهُمْ عليه ٢١/١
تُنْشِئُ: وتُنشِئُ مع ذلك صلواتٍ ١٤٧/٥٦
إنْشَاءَ: أتقنت إنشاءَ البرايا فأحكمتها ٢٤٧/٥
الإنْشَاءِ: الحمدلله الأوّل قبل الإنشاءِ والإحياء ٢٤٦/١
النَّشْيَّةِ: وانعقدت به عقود النَّشْيَّةِ ٢٢٣/١
نَاشِئاً: طفلاً وناشِئاً من غير عمل عملته ١٤٤/٢
مُنْشِئُ: يامصوّر يامنشِئُ ياخالق ١٣٢/١
المُنْشِآتِ: ياربّ السّحاب الممسكات المنْشِآتِ ١٣٧/٦
مُنْشَأٍ: ومنشأٍ من التّراب نطق إعراباً بوحدانيّتك ٢٢٢/٢

ن.ش.ر

نَشَرُوا: ونشروا ديوان الخطيئات ٢٠٠/٢٧
نَشَرْتَ: نشرت فيه «يوم عرفة» رحمتك ١٤٧/٧١
ونشرت عليّ من عدلك ١١٣/٦
نَشَرْتَهَا: جداول رحمةٍ نشرتها ١٥٢/١١
نُشِرَتْ: ونشرت فيه الأعمال ١٤٢/٣٠
نُشِرْتُ: وإذا نشرت للحساب بين ١١٦/٩٥
تَنْشُرَ: وتنشُرَ عليّ رحمتك ١٤٩/٤٢
أجميل ما تنشُرُ ١١٦/٢٩
بها نحيى ميت البلاد وبها تنشُرُ أرواح العباد ٥٢/١
تَنْشُرُهَا: أورحمةٍ تنشرُها أورزقٍ تبسطه ١٣٢/٥
في كلّ سنةٍ من رحمةٍ تنشرُها ١١٦/١١٢
أَنْشُرُهُ: فما من شيء أنشرُهُ ١٩٩/١٨١
أُنْشُرْ: وأنْشُرْ علينا رحمتك بغيثك ٥٣/١
وأنشُرْ عليّ من رحمتك ٢٥١/٢٧ ـ ٢٥٢/١٩
إنْتَشَرَتْ: إنْتَشَرَتْ عبراتي حين ١٩٧/٤٤
إذا دعيت على القبور للنشور انتشرت ٥٨/٢
حَتَّى تَتَنَشَّرَ: قمت لك حتّى تتنشَّرَ قدماي ٤٩/١٧
نَشْرِ: إلهي... أعياني عن نشرِ عوارفك ١٨٧/١
وهفا اللّسان عن نشْرِ محامدك ٢٣٧/٣
من نشرِ لواء الحمد والإعتراف ١١٨/٧
نَشْرُهُ: أخف عنهم ما يكون نشرُهُ عليّ عاراً ١٠٨/٣
نَشْرُهَا: كلّما تراءت الآيات ونشرُها ٢١٩/٣١
نَشْرِي: في جنب إكرامك إيّاي ثنآئي ونشْرِي ١٨٧/٤
مولاي وارحمني في حشرِي ونشرِي ١٦٧/٦
بِنَشْرِ: بنشْرِ صحآئف أيْمانِ حيائي ١١٨/٤
نُشُورَ: كأنّا نرىٰ أن لانشورَ وأنّنا ٢١٤/١٠٨ ـ ٢١٤/٣٢
جعل النّهار نشوراً ٢٤٢/١
النُّشُورُ: وإليك النّشورُ وأنت على كلّ شيءٍ قدير ١٣٨/١٢
نُشُورِهِمْ: في الجنّة في نشورِهِمْ ١٤٣/٣٧
نُشُورِنَا: يوم الفزع الأكبر في نشورِنا ١٠٩/١٤
لِلنُّشُورِ: إذا دعيت على القبور للنشورِ انتشرت ٥٨/٢
نَاشِراً: من تصفّح الإعتبار ناشراً ١٠٩/١١
مُنْتَشَرَ: واجمع به منتشَرَ أمورنا ١٠٩/١٤
جعلته «محمّد»... لشمل منتشرِ الهدىٰ جامعاً ١٠/٨

ن.ش.ط

نَشَّطْتَنِي: نَشَّطتني بها لإبتغاء مرضاتك وفضلك ٤٦/٢
النِّشَاطَ: ... ارزقنا ... النِّشاط ١١٧/١٧
وارزقني ... القوّة والنّشاطِ ١١٧/٩
نَشَاطِي: إجعل ... نِشاطي في عبادتك ٢٤٢/٥
بِنَشَاطٍ: حبّب إليّ... حتّى... أخرج منه بنشاطٍ ٧٧/٤
بِالنَّشَاطِ: أيّما غاز غزاهم ... متّعه بالنَّشاطِ ٦٧/١٧
وامنن علينا بالنَّشاطِ ٢٠٠/١٦
أَنْشَطَهَا: أسألك ... من العبادة أنشَطَهَا ١٩٩/٢١

ن.ش.ل

لم تَنْشُلْنَا: سيّدي إن لم تنشلنا يد ١٩٩/١١٣

ن.ص.ب

نَصَبَ: ومن شرّ كلّ من نصب لرسولك ٦١/٦
ونصب لي شرك مصائده ١٥٢/٧
فلّ عنّي حدّ من نصب لي حدّه ٢٥٢/٢٥ـ٢٥١/٣١ـ٧٨/٦
كما نصب لأمرك نفسه «محمّد» ٩/٢
ودمّر من نصب له «وليعصر» ١١٩/٢٦
نصب لي أشراك مصائده ١٥٣/٧
متى راحة من نصب لغربك بدنه ٨٤/٣
الحمدلله... الذي... نصب له أمداً محدوداً ١/٧
نَصَبْتَ: وما نصبت لك من مصائدها ٢١٤/١٠٠
وما نصبت لك من مصائدها ٢١٤/٢٥
نَصَبْتَ: أللّهمّ وكما نصبت به محمّداً علماً ١٠٩/٩
نَصِبْتُ: وأقوى قوتك فيّ إذا نصبت ٥٥/١٧
نُصِبَتْ: وسجّرت به البحار ونصبت به الجبال ٢٦٧/٥

يَنْصِبُ: لنا عدوّاً يكيدنا... وينصب لنا بالشُّبهات ٦٤/٨
لاتَنْصِبْنا: ولاتنصبنا فيه لأعين النّامتين ١٤٢/٥٣
إنْصِبْ: وانصب الموت بين أيدينا نصباً ١٠٣/٢
إنْتَصَبَتْ: وانتصبت بالرّغبة خاضعةً لديك ٢٠٢/٨
إنْتَصَبْتُ: لاتجبهني بالرّدّ وقد انتصبت بين يديك ٤٩/٨
نَصْبَ: غرسوا أشجار الخطايا نصب ٢٠٠/٢٨
واجعل الجنّة نصب أعينهم ٦٧/٥
أيّ عين يرمى بها نصب نورك ٢٠٠/٤١
وانصب الموت بين أيدينا نصباً ١٠٣/٢
نَصَباً: ولالنقمتك نصباً ومهّلني ٥٢/٣
لايمسّهم فيهانصب ولايمسّهم فيهالغوب(قرآن) ١٤٣/٥٥
لايمسّهم فيهانصبٌ وما هممنها بمخرجين(قرآن) ٢٠٦/٢٣
الله الدّائب فى غير وصب ولانصبٍ ١٤٩/١
النَّصَبِ: تعفينا بها من شدّة النَّصَبِ ٧٦/٢
ليسكنوا فيه من حركات التعب ونهضات النَّصَبِ ٢١/٢
إنْتِصابي: إرحم ... انتصابي بين يديك ١٤٨/٢٦
نَصيباً: واجعل لى فى هذا اليوم نصيباً أنال ١٤٧/٧٧
ثمّ اقسم اللّهمّ فيهم لى نصيباً ١٤٩/٦٨
أجزل من أحرز نصيباً من رحمتك ١٠/١٤
ولاتجعل للشيطان فيه «ولياً» نصيباً ٢٥٨/١
واجعلنى من أوفر عبادك نصيباً ١٣٢/٥
واكتب لى ... نصيباً من الجنّة ١٣٣/٧
اللّهمّ اجعل لنا ... نصيباً من شكرك ٢١/١١
أن تجعلنى من ... أفضلهم فى معرفتك نصيباً ١٨٩/٦
واجعلنى من أوفر عبادك عندك نصيباً ١١٦/١١٢
إجعل لنا نصيباً من رحمتك ١٥/٣ ـ ٨/٢٠
يإلهى سهّل لى نصيباً جزلاً وقضاءً ٢٤٨/٢
نَصيبي: حتّى يكون نصيبى فيه «رمضان» الأكبر ١١٧/١٤
مَناصِبَهُ: وأقم للحقّ مناصبهُ ٢٢٣/٧

ن.ص.ت

أَنْصَتَ: وشفاء لمن أنصت بفهم التّصديق ١٠٩/٣
الْإِنْصاتَ: الإنصات إلى فهم غباوة الفطن ٢٢٩/٣

ن.ص.ح

نَصَحَ: اجزه بما ... نصح لعبادك ١٠٩/٢٧
ونصح لعبادك ١٠٩/٢٢
فَنَصَحَ: وأمرته «محمّد» بالنّصح لأمّته فنصَحَ لها ٢١/١٦
حَتّى أُناصِحَكَ: وحتّى أناصحك فى التّوبة ١٣٧/٩
نُصْحاً: وأحبّ بقاء النّعمة عندهم نصحاً ٦٥/٤
بِالنُّصْحِ: أعارض من غشّنى بالنُّصحِ ٥٥/١٣
وشغلها بالنُّصحِ لأهل دعوتك ٩/٣
وأمرته «محمّد» بالنّصح لأمّته فنصح لها ٢١/١٦
مُناصَحَةِ: بمحاسن أدبك فى ... مناصحة مستبشيرهم ٦٥/٢ـ٦٦/١
أسألك ... مناصحَةَ أهل التّوبة ١٣٧/٨
بِمُناصَحَتِهِ: الطّالبين رضاك بمناصحته ١١٩/٣٠
ناصِحُونَ: وهم له ناصحُونَ (قرآن) ١٥٩/٢١
ناصِحينَ: ولأهل الإيمان ناصحين ٢٠٦/٢١
مُناصِحينَ: واجعلهم «ولدى» ... مناصحين ٦٤/٢
نَصُوحاً: توبوا إلى الله توبة نصوحاً (قرآن) ١٤٢/٧
وتب علىّ توبة نصوحاً تطهّر بها قلبى ١٩٩/١٦٠
ربّ هب لى توبةً نصُوحاً ١٣٥/١٧
توبة نصوحاً خلصت من الشّك والإرتياب ١٤٢/٦٠
إلهى... فقلت توبوا إلى الله توبة نصوحاً (قرآن) ١٨٢/٩
وتب علىّ توبةً نصوحاً لاتبق معها ذنوباً ١٤٧/١٠٨
النَّصيحَةَ: وحتّى أخلص لك النّصيحةَ حبّاً لك ١٣٧/١٠
إجعل ... النّصيحةَ فى صدرى ٢٥١/٢١ ـ ٢٥٢/١٣
وتقدم فيه «محمّد» من النّصيحَةِ لخلقك ١٠/٢٢
نَصيحَتَكَ: ولم أشكر نعمتك ولم أقبل نصيحتَكَ ١٤٩/٣٤
لم أقبل عند الشّهوة نصيحتَكَ ١٤٨/٩١٠

ن.ص.ر

نَصَرَهُ: ولم تخرجنا فى مدّة من نصرهُ «محمّد» ١٠/٢٩
وانصر من نصرهُ «وليعصر» عج ١١٩/٢٣
نَصَرَهُمْ: اللّهمّ... انصر من نصرهُمْ «الأئمّة» ١٨١/٥
نَصَرْتَهُ: وأنا المستضعف الّذى نصرتَهُ ١١٦/٦٣
نَصَرْناهُمْ: نصرناهم فكانوا هم الغالبين(قرآن) ١٥٩/١٩
أَن تَنْصُرَ: أسألك أن تنصر وصىّ محمّد ١١٧/٣٥
فَلَمْ أَنْصُرْهُ: ظلم بحضرتى فلم أنصرهُ ١٠٠/١
يُنْصَرُونَ: يوم لايغني مولىً مولىً شيئاً ولاهم ينصرونَ (قرآن) ١/١٤ ـ ٢٠٧/٢٠
لايؤخذ منها عدل ولاهم ينصرونَ (قرآن) ٢٠٧/٢٢
أُنْصُرْ: أنصرْ شيعة آل محمّد ١٨١/٥
وانصر من نصره «وليعصر» عج ١١٩/٢٣
اللّهمّ ... أنصر من نصرهم «الأئمّة» ١٨١/٥
أُنْصُرْهُ: وانصره بنصرك العزيز ١١٩/٢١
وانصرهُ بملائكتك ١٤٧/٦٤
وانصرهُ «وليعصر» عج بنصرك ١١٩/٢٢
أُنْصُرْهُمْ: وانصرهم وانتصر بهم ١٤٩/٦٧
أُنْصُرْني: ولاتضعنى وانصرنى وارزقنى ٥٢/١

وانصرني عليهم «أضدادي واعدائي» ١١٦/١١٤
فَانْصُرْنَا: فانصرنا على القوم الكافرين (قرآن) ٨٣/١٣
إِنْتَصَرَ: والحمدلله الّذي لايخفر من إنتصَرَ ١٩٩/٦
إِنْتَصَرُوا: الذين ... انتصرُوا به «محمّد» ١٤/٣
إِنْتَصَرْتُ: وانتصرت بك في رفع البلاء فوجدتك ١٤٧/١٩
لايَنْتَصِرُ: ولاينتصر من عاقبه ١٤٩/١٧
تَنْتَصِرُ: واجعلني ممّن تنتصر به لدينك ١٢٨/٤
واجعله ألّلهمّ الّذي تنتصر به لدينك ١٤٩/٦٩
فَأَنْتَصِرَ: ولابذي قوّة فأنتصر ١٦٣/٩
إنّي ... لاذا حيلة فأنتصر ١٤٨/١٢
إِنْتَصِرْ: وانصرهم وانتصر بهم ١٤٩/٦٧
أَسْتَنْصِرُ: اللّهمّ... بقوّتك أستجير وأستنصر ١٩٩/٢
نَصْراً: وانصره بنصرك العزيز نصراً عزيزاً ١١٩/٢٢
النَّصْرِ: ووفّر من النّصر زاده حتّى يعود الحقّ ٢٢٣/٧
وعدم النّصرَ من أبعدته من فنائك ١٩٩/١٨٣
نَصْرِهِ: أبلوا البلاء الحسن في نصره ١٤/٣
نَصْرَكَ: واعطف عليهم «محمّدوآله» نصرك ١١٧/٣٥
نَصْرُكَ: وبامؤيّدي بالنّصر فلولا نصرك إيّاي ١٦٣/٧
بِنَصْرٍ: ألّلهمّ أيّدني منك بنصرٍ لاينفكُّ ١٥٥/٧
بِنَصْرِكَ: وانصره بنصرِكَ العزيز ١١٩/٢١
فابتدأتني بنصرِكَ وشددت أزري بقوّتك ١٥٢/٦ ـ ١٥٣/٦
إنّك وليّ من إعتصم بنصرك ١٩٩/١٩٦
متقوّياً على ضعفه «محمّد» بنصرِكَ ٩/٣
وانصره «وليعصر عج» بنصرِكَ العزيز ١١٩/٢٢
ونجّني من عذابك وأيّدني بنصرِكَ ١٢١/١٥
بِالنَّصْرِ: واعضدهم «أهل الثغور» بالنّصرِ ٦٧/٢
وبامؤيّدي بالنّصرِ فلولا نصرك إيّاي ١٦٣/٧
نُصْرَةِ: ... ونصرة الحقّ ... ٢١/١٣
الأخذ بمحاسن أدبك في... نصرة مظلومهم ٦٦/١ ـ ٦٥/٢
النُّصْرَةَ: ومن خذلان الأقربين النصرةَ ٥٥/١٠
نُصْرَتِهِ: وإلى نصرتِهِ «ولبك» والمدافعة ١٤٧/٦٧
ألّلهمّ فإذ قد فاتتنا نصرتُهُ «محمّد» ١٠/٢٩
يامن قربت نصرتُهُ من المظلومين ٤٤/٢
نُصْرَتي: إجعل حبّي ونصرَتي ودِيني فيهم ولهم ٢٤٨/٦
بِالنُّصْرَةِ: أيّما غازٍ ... أيّده بالنّصرَةِ ٦٧/١٨
الْإِنْتِصارِ: عجزي عن الانتصار ممّن قصدني بمحاربتي ١٥٢/٥ ـ ١٥٣/٥
إِنْتِصارِكَ: لن يفزع من لجأ إلى معاقل انتصارِكَ ١٥٣/٨
لايفزع من لجأ إلى معقل إنتصارِكَ ١٥٢/١٠
إِسْتِنْصاراً: إستنصاراً على أهل الكفر بك ٩/٣
ناصِرٌ: أنت خليفة محمّد وناصرٌ محمّد ١١٧/٣٥
السّلام عليك من ناصِرٍ أعان على الشيطان ١٤٢/٣٤
كن لي على الأعداء ناصراً ١٨٣/٦
ياناصِرَ المظلومين وياءمالك يوم الدين ١٤٣/١٧
وياناصرَ المستضعفين ١٩٥/١
وليس له ممّا يحاذر ناصِرٌ ٢١٤/١١٩ ـ ٢١٤/٤٣
ناصِرٌ من إليك آوى ١٥٥/٨
ياناصرَ المنصورين ١٨١/١
ولاتجعل لهم «الظّلمة» في الأرض ناصراً ١١٩/١٢
لاناصرَ لمن خذلت ٢٤/٤
ناصِرَهُ: وقوّ ناصره «وليعصر» ١١٩/٢٦
ناصِري: ألّلهمّ أنت ... خالقي وناصِري ١٥٣/١٥
النّاصِرينَ: إيّاك أدعو... يا... خيرالنّاصرين ١٤٩/١٦
أَنْصارَ: أرنا أنصار الجور عباديد ٧٠/١٠
أَنْصارِهِ: الموازرين من أنصاره والمهاجرين ١٩٩/٦٣
حتّى تحشرنا يوم القيامة في... أنصاره «وليعصر» ١١٩/٣٠
أو صبائه وأحبّائهِ وأنصاره ٤٢/٣٠
نَصيراً: وآته من لدنك سلطاناً نصيراً ١٤٧/٦٣
سلطاناً نصيراً فاجعل لي ١٥٣/٢١
واجعل له من لدنك سلطاناً نصيراً ١١٩/٢٢
وكفى بالله وليّاً وكفى بالله نصيراً ١٦١/٦
واجعلني لهم «محمّدوآله» نصيراً ٥٧/١٣
ولاانهم على محو كتابك يداً ونصيراً ١٤٧/١١٥
النَّصيرُ: ياموليّ نعم المولى ونعم النّصير ١٤٨/١٩
نعم المولى ونعم النّصير ٢٢/٤٥
الْمَنْصُورينَ: ياناصر المنصورين ١٨١/١

ن.ص.ف

أَنْ نُنْصِفَ: وأن ننصفَ من ظلمنا ١١٥/١٤
النَّصَفِ: ذلّلني بإعطاء النّصَفِ من نفسي ١٢٥/٥
إِنْصافاً: وإنصافاً من حكمك لاتحيف عليه ١٤٦/١٠
الْإِنْصافِ: ولاتحمل على ميزان الإنصافِ عملي ١٠٨/٢
إِنْصافِكَ: ألّلهمّ لانفتنّي بالقنوط من إنصافِكَ ٤٤/٩
مُنْصِفاً: ما أراك منصفاً لنفسك من بين الأنام ١٩٧/٤٦
نِصْفاً: حكمت فكان نصفاً ما حكمت ١٤٧/١٤

ن.ص.ل

أَتَنَصَّلُ: وأتنصّلُ إليك من ذنوبي ١٦٣/٩
التَّنَصُّلِ: في التّنصُّلِ أبلغ من الإعتراف به أتيته ١٩٧/٣١
مُتَنَصِّلاً: بما تنعّمد به من جأر إليك متنصّلاً ١٤٧/٨٤
الْمُتَنَصِّلِ: سؤال... المتنصّلِ عن سيّيء ذنوبه ٢٤٥/١

ن.ص.و

النّاصِيَةَ: أللّهمّ... النّاصيةَ بيدك... ٣١/٣

نَاصِيَتُهُ: مسألة من ... سقطت لك ناصيتُهُ ١٣٢/٨

من يتقلّب فى قبضتك وناصيتُهُ بيدك ١٠/٢

نَاصِيَتي: وناصِيَتي أستكين بالفود من نفسى ١٦٧/٣

لك القدرة فى أمرى وناصِيَتي بيدك ١٥٣/١٥

فإنّى عبدك وفى قبضتك ناصِيَتي بيدك ٥٧/٤

إلهى وسيّدى هذه يدىّ وناصِيَتي بيدك ١٣٥/٧

ناصِيَتي بيدك ماض فىّ حكمك ٢٢/٣٩

عليك رزقى وبيدك ناصِيتي ٢٤٥/٦

بِنَاصِيَتِهَا: أنت آخذ بناصِيَتِهَا ١٣٢/١٢

شرّ كلّ دابّة أنت آخذ بناصيتِهَا ٢٦٩/٣ ـ ٦١/٦ ـ ١٤٣/٣٣

باللّيل والنّهار أنت آخذ بناصيتها ٢٤٩/٢٩

ما من دابّةٍ إلاّ هو آخذٌ بناصيتها (قرآن) ١٥٩/٢٣

نَواصِي: بيدك نواصِي العباد ونواصى البلاد ٢٤١/٤

بِنَواصيهِمْ: وقهرك بنواصيهم «عبادك» آخذ ١٩٩/١٦٨

ن.ض.ج

تَنْضِجُ: نار تحرق الجلود وتنضِجُ الكلىٰ ١٩٨/١٣

أَنْضَجَتْ: أنضجت نار الخشية ٢٠٠/٣٣

ن.ض.ح

بِنَضْحِ: أطفأوا نار الشهوات بنضح ماء التوبة ٢٠٠/٣٤

ن.ض.ر

أَنْضَرَ: أنضر من أشرق وجهه لسجال عطيّتك ١٠/١٤

تُنَضِّرُ: تنضِّرُ بها وجهه فى موقف السّاعة ١٠/٧

نَضِّرْ: نضّر وجهى بنورك ١٢٣/١٣

ونضّر وجه محمّد بإستنقاذك إيّاهم ١٠/٣٤

نَضْرَتِهِ: تفتننى زهرات نضرته ٢٥١/٢٨ ـ ٢٥٢/٢٠

بِالنَّضارةِ: محفوفة بالنّضارة ١٩٩/٦١

النَّضيرِ: السّابق الفائق الحسن النّضيرِ ٢٦٧/٣

ن.ض.و

إنْتَضىٰ: فكم من عدوٍّ انتضى علىّ سيف عداوته ١٥٣/٤ ـ ١٥٢/٤

ن.ط.ف

نُطْفَةً: نطفةً ثمّ علقة ثم مضغة (قرآن) ٨٨/١٤

ن.ط.ق

نَطَقَ: ومنشأ من التّراب نطق إعراباً بوحدا نيّتك ٢٢٢/٢

ونطق لسانى بتمجيدك ١٩٩/١٣٢

لاسانٌ نطقَ به ٤٦/٤

ونطقَ لسانى بتحميدك ٢٠١/٤٣

أنا المقرّ على نفسى بما ... نطقَ به لسانى ١٤٨/٥

نَطَقَتْ: تخرس ألسنة نطقتْ بالثّناء على مجدك ١٨٤/٤

نَطَقْتُ: فماكلّ مانطقْتُ به عن جهل منّى بسوءاثرى ٢٢/٨٠/٦ ـ ٨١/٧

يَنْطِقُ: هذا كتابنا ينطقُ عليكم بالحقّ (قرآن) ١٣/١٤٤

أو ينطقُ بها لسانى ١٣/٢٠٦

لَمْ يَنْطِقْ: فان سكتّ لم ينطق عنّي احدٌ ١٩/٨٠ ـ ٤/٨١

لايَنْطِقُونَ: بما ظلموا فهم لاينطقُونَ (قرآن) ٣/٢٣

لاتَنْطِقَ: ولاتنطِقَ ألسنتنا إلاّ بما مثّلت ٩/١١٥

تَنْطِقُونَ: إنّه لحقّ مثل ما أنّكم تنطقونَ (قرآن) ٧/٧٧ـ٥/٧٦

لاتَنْطِقُونَ: ما لكم لاتنطقون (قرآن) ٣/٢٣

أَنْطَقَ: فسبحانك ما ... أنطق بالصدق برهانك ٦/٢٤٧

يُنْطِقُ: ومن ينطق لساني إذا خلوت بعملى ٥/٩٠

أَنْطِقْ: وأنطق بحمدك وشكرك وذكرك ٥/٦١

وأنطق لسانى بالحكمة ٣/٨٧

أَنْطِقْهُمْ: وأنطقهمْ بالتّسائل لدى انعدام الأفواه ٣٤/١٠

أَنْطِقْني: ألهمّ وأنطقني بالهدى وألهمنى التقوى ٢٥/٥٥

نُطْقَ: يعلم ... نطقَ الألسن ورجع الشّفاه ٢٤/١٤٩

وما أشبه ذلك نطقاً بالحمد لك ٢٢/٥٥

النُّطْقِ: عن النّطقِ بما لايرضيك ٩/٢٥١

انعدام الأفواه عن النّطق بين يديك ٣٤/١٠

واخزم ألسنتهم «عدوّ أهل الثغور» عن النّطق ٧/٦٧

نَاطِقاً: حتّى أفصحت ناطقاً بالكلام ١٧١/١٩٩

وجعلته «محمّد» ... بحقّك فى عبادك ناطقاً ٦/١٠

النَّاطِقِ: والنّاطق بأمرك وحجّتك على بريّتك ٩/٤٢

النّاطق بحكمك وحقّك ١١/٤٢

النّاطق إذا خرست الألسن فى الثّناء عليك ٢٣/١٠

النَّاطِقِينَ: صلّ على ... خير النّاطقين ١٣٠/١٤١

مَنْطِقى: واجعل ... ثواب منطقى ١٣٠/١١٦

ما أريد أن أبتدىء فيه من منطقي ١٣/٢٤٩

اللّهمّ فارحم استكانة منطقي ٦/١٦٤

مَنْطِقُ: إنقطع دون كنه معرفتها منطقُ الخلائق ١٥/٢٤٩

ن.ظ.ر

نَظَرَ: ولافتنةً لمن نظر ١٠٥/١٤٧

واجعلنا من ... وأزكىٰ من نظر إليه ٨/١١٠

نَظَرُوا: حتّى نظروا بعين القلوب إلى عزّ الجلال ٢٠٠/٤٣
حتّى نظروا إلى تدابير حكمتك ٢٠٠/٤٠
ونظروا في مرآة الفكر ٢٠٠/٢٩
والّذين يقولون إذا نظروا إلى جهنّم ١٢/٩
نَظَرَتْ: ونظرت إليه عيناى ١٤٨/٥
أتدرّع به من كلّ ما نظرت العيون ١٦١/٤
إلهى إن نظرت إليّ بالهلكة عيون سخطتك ١٩٧/٢٥
وأنا المقرّ على نفسى بما... نظرت إليه عيناى ١٤٨/٥
نَظَرْتَ: نظرت إليه من أحد سبقك ١٤٩/٥
وبحقّك العظيم... لمّا... نظرت إليّ نظرة رحيمة ١١٧/٢٠
فَـنَظَرْتَ: فـنظرت بـإلهـى إلى ضـعفى عـن إحـتمال الفوادح ١٥٢/٥ ـ ١٥٣/٥
نَظَرْتُ: نظرت إلى عملى فوجدته ضعيفاً ٢٠٣/١٢
ونظرت إلى عملي فرأيته ضعيفاً ٢٠١/٤٦
فَنَظَرْتُ: فنظرت فى عملى فرأيته ضعيفاً يامولاى ٢٥٧/١٤
يَنْظُرُ: يوم ينظر المرء ما قدّمت يداه (قرآن) ٢٠٧/١٢
وينظر كيف هم فى أوقات طاعته ٢١/٤
لاراحم ينظر إليهم بعين الرّحمة ٧٠/٦
يَنْظُرُنى: ينظرنى على شدّة الحنق ١٥٢/٧
يَنْظُرُونَ: تراهم ينظرون إليك (قرآن) ١٥٩/١٠
لِتَنْظُرَ: جئتك لتنظر إلىّ برحمتك ٢١٥/١
لِتَنْظُرَ: جئتك لتنظر إلىّ برحمتك ٢١٥/١
أَنْظُرُ: أنظر مرّة عن يمينى ١١٦/٨٠
أو أنظر بنور يقظةٍ ٢١٩/٥
لِيَنْظُرَ: لينظرَ إليه «الباطل» بقبيح حليته ٧٠/٨
أَنْظُرُ: أنظر أىّ عزّ ملك او نعيم أنس ٢١٩/٢٤
أنظر إلىّ نظرة رحيمة من نظراتك ١١٤/١٢
وانظر إلىّ وانظر لى فى جميع أمورى ٥٩/٢
فَانْظُرْ: فانظر بعين قلبك إلى مصارع ٢١٩/٢٢
أُنْظُرِى: أنظرى إلى الأمم الماضية ٢١٤/١٣
فَأَنْظُرْتَهُ: ألذى استنظرك لغوايتى فأنظرته ٨٨/٦
لَمْ يُنْظِرُوهُ: إبتدروه سراعاً ولم ينظروه ١٢/١٣
فَلاَ تُنْظِرُونَ: ثمّ كيدون فلاتنظرون (قرآن) ١٥٩/٩
أَنْظِرْنِي: أنظرنى إلى يوم يبعثون (قرآن) ١٥١/٢
إِنْتَظِرْ: وانتظر مراجعتنا برأفته حلماً ١/٢٣
يَنْتَظِرُ: الشّاخص الّذى ينتظر منك الإذن ١٢/٢
يَنْتَظِرُهُ: أتنتظرعفوك كماينتظره المذنبون ٢٠١/٣١ـ١٩٩/١٤٣
تَنْتَظِرَانِ: وأنا وجل القلب وعيناى تنتظران ٢٠١/٣٠
أَنْتَظِرُ: أتنتظرعفوك كماينتظره المذنبون ١٩٩/١٤٣ـ٢٠١/٣١
نَنْتَظِرُهُ: واجعل الموت خير غائب ننتظره ١٤٣/٣٨

إِسْتَنْظَرَكَ: ألذي إستنظرك لغوايتي فأنظرته ٨٨/٦
تَسْتَنْظِرُهُمْ: تستنظرهم بأناتك إلى الإنابة ١٤٢/٥
نظر تغمّدك بخطيئاتهم ١٩٩/١١٢
نَظَراً: وسمعت أذناى بقدرتك نظراً منك ١٤٨/٢٠
النَّظَرِ: لاتحجب مشتاقيك عن النّظر إلى ١٨٤/٦
أرزقنى حسن النظر فيما يرضيك عنّي ١٥٣/١٢
إلهى إن جرت على نفسى فى النّظر لها ١٩٧/٧
طفئت مصابيح النظر ٢١٩/٢٦
طريق النّظر لنفسى بما فيه كرامتها ١٩٩/١٠٠
أللّهمّ إنّى جرت على نفسى فى النّظر لها ٢٣٧/٥
لايبلّه إلاّ النّظرُ إلى وجهك ١٩٢/٣
الخشّع الأبصار فلايرومون النّظَرَ إليك ١٢/٨
وآيسوا من النّظَرِ إليه ٢١٤/١٣٥
وقديئسوا من النّظرِ إليه ٢١٤/٥٧
أنلنى حسن النّظرِ فيما شكوت ٢٤/٥
إنحسرت الأبصار دون النّظَرِ إلى سبحات وجهك ١٩٣/١
بما أحسنت لى النّظَرَ وأقلتنى العثرة ١٤٨/٣
فكيف يشقى امرؤ حسن له منك النّظَرُ ١٩٧/٢٤
نَظَرُكَ: وبقى لها نظرُكَ ٢٣٧/٥ ـ ١٩٧/٧
إلهى كيف أيأس من حسن نظرِكَ ١٩٧/٩
ولاتؤاخذنى بما سترت علىّ عند نظرِكَ ١٩٩/٦٧
كيف نظرُكَ لى بين سكّان الثّرى ١٩٧/٣٤
من حسن نظرِكَ بى بعد مماتى ١٩٩/١٢٣
وإصرفنى بحسن نظرِكَ لى عن ورطة المهالك ١٩٩/٣٣
وأدنيتنى بحسن نظرِكَ وبرّك ١٩٩/١٧٣
سيّدى كيف نظرُكَ لى بين سكّان الثّرى ١٩٩/١٤٦
فإنّ حسن نظرِكَ لى قد أطلقنى ١٩٩/١١٩
أحبّ إلىّ لنفسى... ما... يدلّها بحسن نظرِكَ ١٩٧/٣٨
ويستعطف جميل نظرِكَ بمكنون رجائه ١١٦/١٠٣
وألبسنى من نظرِكَ ثوباً يغطّى علىّ التّبعات ١١٦/١٠١
إحسانك إلىّ يدلّنى على حسن نظرِكَ ١٩٧/٢٤
نَظَرِي: وإلى معروفك أديم نظري ١١٦/٩٠
بِنَظَرِكَ: فلم يعزب إيقانى بنظرك ١٩٩/٨٨
... وأدعوك فيه «ما تحبّ» بنظرك منّى اليه ٧٧/٤
لِنَظَرِي: ولنظري له فى هذا اليوم راجياً ١٩٩/١٣٩
ولنظري له فى هذا البيت راجياً ١٩٧/٣٤
بِالنَّظَرِ: أسألك... من... التّمتّع بالنّظَرِ إليك ١٨٦/٤
وأقررت أعينهم «صفوتك» بالنّظَرِ إليك يوم لقائك ١٩١/٣
وقرّت بالنّظَرِ إلى محبوبهم أعينهم ١٩٣/٤
واشغلها بالنّظَرِ إليك عن شرّ مواقف المختانين ٢٠٠/٣٧

فاجعلنا ممّن ... منحته بالنّظرِ إلى وجهك ١٩٠/٢
ولاتفتني بالنّظَرِ وأعزّني ولاتبتليّ ٥٥/٤
مَنْظَراً: لعاينت من قبح المنيّة منظَراً ٢١٤/١٣٠
لأبصرت من قبح المنيّة منظراً ٢١٤/٥٤
مَنْظَرُهُ: فى محلّ ضنك ... مهول منظرُهُ ١٩٩/٤١
بِالْمَنْظَرِ: برىٰ ولايرى وهو بالمنظَرِ الأعلى ١٤٩/٢٢
إنّك ترى ولاترى، وأنت بالمنظَرِ الأعلى، ٨٣/١٠
نَظْرَةً: لفّهم نظرَةً وسروراً ١٤٣/٣٩
أنظر اليّ نظرَةً رحيمة من نظراتك ١١٤/١٢
وبحقّك... لمّا... نظرت إليّ نظرَةً رحيمة ١١٧/٢٠
نظرَةٍ منك إلىّ ترضى بها عنّى ٣٦/١٠
نَظْراتِكَ: أنظر إليّ نظرة رحيمة من نظراتك ١١٤/١٢
إنْتِظاراً: إنتظاراً لانتهاز الفرصة لفريسته ١٥٢/٧ ـ ١٥٣/٧
وافسح لى فى انتظارِ جميل الصّنع ٢٥١/١٥ ـ ٢٥٢/٣٩
ولاصرفنى القنوط عن إنتظارِ رضوانك ١٩٧/٣٧ـ١٩٩/١٤٠
وارزقنى ... إنتظارَ أمرك ١١٤/١١
إنْتِظارُكَ: ولاانتظارك مداراةً ١٤٦/١٢
إنْتِظاري: وما صرفت وجه إنتظاري للعفو منك ١٩٩/٩٣
بِإنْظارِ: يامن... يتفضّل بإنظار الخاطئين ١٤٧/٨١
لِإنْتِظارِ: مضطرّ لإنتظار فضلك المألوف ١٩٩/٩١
ناظِرٍ: وحجبتنى عن عين كلّ ناظرٍ ١٩٩/١٥٥
وغشى بصر كلّ ناظرٍ نورك ١٤٩/٤
وعمري فانٍ والرّدىٰ لى ناظِرٌ ٢١٤/٦٧ ـ ٢١٤/١٤٥
يهال لمرآه ويرتاع ناظرٌ ٢١٤/٥٤ ـ ٢١٤/١٣٠
النّاظِرِينَ: قصرت عن رؤيته أبصار النّاظرين ١/٢
ولم يخف على النّاظرين فافتها «نفسى» ١٩٧/٣٢
ولم يخف على النّاظرين إليها فرط فاقتها ١٩٩/١٣٨
ياأبصر النّاظرين ٤٢/٢٩ ـ ١٨١/١
لالأنّك أهون النّاظرين إلىّ ١١٦/٢٣
كنت المطّلع عليها «السّيئة» دون النّاظرين ٩٥/٢
لِلنّاظِرِينَ: فإذا هى بيضاء للناظرين (قرآن) ١٥٩/١٦
بِنَواظِرِ: عمّا ألذ بنواظر فكرها من سوء الغفلة ٢١٩/٢٩
مُنْتَظِرٌ: وأنت منتظر حمامك ٢١٤/٦٥ ـ ٢١٤/١٤٣
الْمُنْتَظِرِينَ: المنتظرين أيّامهم المادّين ١٤٧/٦٨
نَظِيرٌ: ليس لك ندّو لانظير ٢٤٣/٣
لم يكن لك مشاهد ولانظير ١٤٧/١٣
خالق لانظير له ٢/٣ ـ ٧/٣
لاشبيه له ولانظير له ١٤٩/١٩
نَظائِرِهِنَّ: وما أنزلت من نظائرهنّ فى القرآن ١٤٢/١٣
أعتذر إليك ياإلهى منهنّ ومن نظائرهنّ ١٠٠/٣
بِنَظائِرِهِنَّ: متصلةً بنظائرهنّ أبداً ١٤٧/٦٠
الْمُنْتَظَرِ: الحجّة القائم المهدىّ الامام المنتظر ١٨١/٤
الخلف القائم المنتظر ... ٤٢/١٥

ن.ظ.م

لايَنْظِمُهُ: ولاينظمه وإيّاك ندائى ٧٤/٣
أَنْظِمْني: وأنظمني فى أصحاب اليمين ١٠٨/٤
يَنْتَظِمُ: ينتظِمُ ما أنت خالقه من بعد ١٤٧/٤٢
تَنْتَظِمُ: فأحينى حياةً طيّبة تنتظم بما أريد ١٤٧/٩٩
صلاةً تنتظم صلوات ملائكتك ١٤٧/٥٤
نَظْمِ: أللّهمّ اجعلنا فى نظم أعدائه ٥٠/١٣
واجعلنا فى نظم من استحقّ الرفيع الأعلى ١١٥/١٧
حمداً... نصير به فى نظم الشّهداء بسيوف أعدائه ١/٣٠
نِظامِ: اجعله فى نظام الشّهداء والصّالحين ٦٧/٢٢

ن.ع.ت

نَعَتُوكَ: فتعالبت ياإلهى عمّا به المشبّهون نعتُوكَ ٣/٣
نَعَتَّ: وأثبتّ فيّ الجوارح كما نعتَّ فى كتابك ٨٨/١٤
نَعْتُ: أللّهمّ يامن لايصفه نعت الواصفين ٨٠/١
أقصى نعتِ النّاعتين ٨٨/٢
نَعْتِهِ: عجزت عن نعته أوهام الواصفين ١/٢
نَعْتِكَ: فليس لأحد أن... يعرف شيئاً من نعتِكَ ٢٤٩/١٦
وتفسّخت دون بلوغ نعتِكَ الصفات ١٤٦/٣
النُّعُوتُ: وتفسّخت دونك النّعوتُ ٨٨/٣
النّاعِتِينَ: أقصى نعت النّاعتين ٨٨/٢
مَنْعُوتاً: ومنعوتاً بالإمتنان ١٤٢/٢٠

ن.ع.س

نُعاساً: ألقيت علىّ نعاساً إذا أنا صلّيت ١١٦/٥٣
النُّعاسَ: وأذهب عنّى فيه «رمضان» النُّعاسَ ١١٧/٥
نَعْسَةِ: ونبّهنى من نعسة المخذولين ١٤٧/٨٦

ن.ع.ش

فَنَعَشَهُ: غنىً تعرّض له عبد فقير فنعشه ٨٠/٢٠ـ٨١/٥
تَنْعَشُ: ... فى جميع الامصار وتنعشُ به البهائمَ ٥٣/٤
فَلَمْ تَنْعَشْهُ: فلم تنعشهُ من عثرته ٢١٢/١١٣
فلم تنعشهُ من صرعته ٢١٤/٣٧
إنْعَشْهُ: وانعشهُ بخوفك وبالوجل منك ٥٧/١٠
فَانْعَشْني: وبعظمتك فانعشني ٥٩/٤
أَنْعَشْتَ: صرعةٍ أنعشتَ ومسكنة حوّلت ١٥٢/١٢

ن.ع.م

أَنْعَمْ: الحمدلله الّذى ... آوانا وأنعم علينا ٢٦٠/١
ألحمد لله الّذى شكر على ما به أنعم ٦٠/١
أَنْعَمْتَ: أللّهمّ وأنا عبدك الّذى أنعمت عليه ١٤٧/٧٢
ويلّغنى مبالغ من عنيت به وأنعمت عليه ١٤٧/٩٢
فأوزع لوليّك شكر ما أنعمت به عليه ١٤٧/٦٣
فلم أجد أن أقوم بشكر ما أنعمت علىّ ٢٠١/٤٦
فكم من نعمةٍ أنعمت بها علىّ ١٥٦/٢
اللّهمّ لاتسلبنى ما أنعمت به علىّ ٢٢٧/٦
فلم أجدنى أقوم بشكر ما أنعمت علىّ ٢٥٧/١٤
أذكر ما أنعمت به علىّ من معرفتك ٢٤٩/١٨
أنعمت علىّ فأسبغت ورزقتنى فوفّرت ١٤٩/٢٩
وجميع ما أنعمت به علينا ١٤٣/٣٢
وأنعمت فأفضلك ١٩٩/١٠
فكم من نعمةٍ قد أنعمت على قلّ عندها شكري ١٥٨/١
بما أنعمت علىّ فى اليسر والعسر ٥٩/١٢
ربّ كم من نعمةٍ أنعمت بها علىّ قلّ ١٥٤/١
ولاتسلبنى صالح ما أنعمت به علىّ ١١٦/٥٠
أللّهمّ لك الحمد عدد ما أنعمت به على ١٦/٥
ونعمةٌ أنعمت بها علىّ فقصّرت فى شكرها ٣٤/١
وبارك ... فيما أنعمت به علىّ ٥٩/٦
فى ردّ قديم ما أنعمت علىّ ١٧٣/٣
أن يشكروا نعمتك الّتى أنعمت عليهم ٨٣/١٨
وبما أنعمت به «محمّد» عليه من فضلك ١٠/١٨
أَنْعَمْتَهَا: شكر نعمةٍ واحدةٍ أنعمتها علىّ ٢٠٣/١٢
فَأَنْعَمْتَ: وغذّيتنى فأنعمتَ غذائى ١٩٩/١٧٦
أَنْعِمْ: وأنعم علينا من فضلك ١١٦/٤٤
نَعَّمَهُ: فأكرمه ونعّمه فيقول ربّى (قرآن) ٣٥/٨ ـ ٢٥٧/٣١
نِعْمَةٍ: ما بهم من نعمةٍ دليلهم عليك ٣/٢
فوجدتها «نفسى» لاتقوى على شكر نعمةٍ ٢٠٣/١٢
سيّدى كم من نعمةٍ لك علىّ ١٩٩/١٥٤
نعمةٌ فى آخرة «اثنين» بمغفرتك ٢٣٨/٨
سيّدى كم من نعمةٍ ظللت ١٩٩/٦٨
فكم من نعمةٍ أنعمت بها علىّ ١٥٦/٢
وأنزل علىّ ... نعمةً منك سابغة ٢٥١/٢٧
وأنزل علىّ من بركاتك نعمةً منك سابغة ٢٥٢/١٩
ثم إذا خوّله نعمةً منه نسى (قرآن) ٣٥/١١ ـ ٢٥٧/٣٤
ولم تزل تنقلنى من نعمةٍ إلى كرامة ٢٥٧/٢٣
شكر أخفى نعمةٍ من نعمك علىّ ٢٣٠/١
وياولّيى فى كلّ نعمةٍ ١٤٩/٢٨
كم من نعمةٍ أسبغتها علىّ لم أؤدّ شكرها ٢٤٩/٩
الحمدلله ولىّ كلّ نعمةٍ ١٤٣/٧
ثمّ له الحمد مكان كلّ نعمةٍ له علينا ١/٢٧
الحمدلله ... ولىّ كلّ نعمةٍ ٨٣/٢
فكم من نعمةٍ قدأنعمتَ علىّ قلّ عندها شكرى ١٥٨/١
حتّى لاأرى نعمةً من نعمك على أحدٍ ٥٩/١٣
فكم لك عندى من نعمةٍ لايحصيها ١٤٨/١٧
ربّ كم من نعمةٍ أنعمت بها علىّ قلّ ١٥٤/١
الحمدلله على كلّ نعمةٍ ٢٠/٧
ونعمةٌ أنعمت بها علىّ فقصّرت فى شكرها ٣٤/١
وكم من نعمةٍ سابغة أقررت بها عينى ١٦٣/٣
نعمةٌ منك سابغةٌ وعطاءٌ غير ممنون ٧٨/٢
ولم تزل تنقلنى من نعمةٍ إلى كرامةٍ ٣٥/١
هلال أمن وايمان ونعمةٍ ١١٠/٧
النِّعْمَةِ: تمام الكرامة ودوام النّعمة ٢٥٧/٣٩
يامن لايغيّر النعمة ولايبادر بالنقمة ١٤٦/٢
وأسألك تمام النعمةِ فى جميع الأشياء ١٢٥/٦
فمن النّعمةِ علىّ أن هديتنى ١٩٩/١٤٢
أسألك ... من النّعمةِ أو فاها ١٩٩/٢٣
فمن النّعمة أن هديتنى لدعائك ١٩٧/٤٠
وبلّغنى برحمتك كمال العافية بدوام النّعمةِ ١٢٣/٢٢
لستركِ على ما فى قلبى وتمام النّعمةِ علىّ ٢٢٨/١٠
ياولى النّعمةِ على العالمين ١٣٠/١
وأحبّ بقاء النّعمةِ عندهم نصحاً ٦٥/٤
تذكيراً المحوالحوبة بقديم النّعمةِ ٤٦/٣
نِعْمَتِهِ: ولم يشركك فى حلول نعمتِهِ ١٤٧/٨٥
قلّ عند نعمته شكرى فلم يحرمنى (قرآن) ١٥٨/٢-١٥٤/٢
نِعْمَتَهُ: الحمدلله الّذى ... آتانى نعمتَهُ ٢٤٤/١
لايكدى من أذاع شكر نعمتِهِ ١٩٩/٦
نِعْمَتِكَ: وحسدة نعمتِكَ عندى ٤٩/١١
حارت الأفكار ... فى شكر نعمتك ١١٨/١
وغمرهم بالمنّ والطّول ما أفشى فينا نعمتِكَ ١٤٢/٢٢
وأسبغت علينا نعمتك ٢٠٠/٣
واستغرقت نعمتُكَ شكر الشّاكرين ٢٠٠/١
لأوشك ... أن تزول عنه نعمتَكَ ٨/١٢
لاتشغلنى عن شكر نعمتِكَ ٧٨/٢ ـ ٢٥١/٢٨ ـ ٢٥٢/٢٠
أو معافى أتممت عليه نعمتَكَ ١٤٣/٢٠
أو معافىً أتممت نعمتك عليه ٢٢٠/٧
وأنفقت نعمتَكَ فى سبيل مخالفتك ١٩٩/١٥٥

ونعمتُكَ أكثر من أن تحصى بأسرها ١٤٦/١٣
ونعمتُكَ أتمّ كلّ ذلك كان ولم تزل ١٤٦/١٢
وأن تزول عنه نعمتُكَ ٩٨/٧
واجعل ... فراغ أبداننا فى شكر نعمتِكَ ٨/٢٦
شملتهم «الخلائق» بسوابغ نعمتِكَ ٢٣٩/٢
أعوذبك من أن ... تزيل نعمتَكَ عنّى ٢٥٤/٤
ولم أشكر نعمتَكَ ولم أقبل نصيحتك ١٤٩/٣٤
وزدنى من نعمتِكَ وعافيتك ٢٥٧/٣٨
تفضّلاً منك بجسيم نعمتِكَ ١٩٩/١٦٩
فأنفقت نعمتَكَ فى معاصيك ١٤٩/٣٠
أعمّ رزقك وأوسع نعمتَكَ ١٤٣/٤٢
أدم علينا نعمتَكَ وعافيتك ١٤٣/٤٠
أتمم به علينا نعمتَكَ ١٤٣/٤٠
ونعمتُكَ ممحاة لكلّ إثم ١٩٩/١٢٤
وأسبغ نعمتَكَ علينا ٨٧/٧
والسعيد من آويته الى كنف نعمتِكَ ٣١/٥
من فضلك ونعمتِكَ وإحسانك ياكريم ١٤١/١٢
وتتمّ نعمتَكَ علىّ ١٤١/١٢
وأنزع لباس نعمتِكَ عنه «ظالمى» ١٥٥/٣
وفشت نعمتُكَ فى جميع المخلوقين ١٠١/١٢
انّ الظلمة ... أنكروا نعمتَكَ ١١٩/٣
واجعلنى ممّن ... أتممت عليه نعمتَكَ ١١٦/١٠٨
واجعل ... فراغ أبداننا فى شكر نعمتِكَ ١٥/١٦
دون استماحة سجال نعمتِكَ ٧٠/٢
أسبغ علينا نعمتَكَ ٢٤١/٧
لم أخل من نعمتِكَ منذ خلقتنى ٤٢/٢٦ ـ ١٧٢/٣ ـ ١٧٣/٤
وأسبغت علىّ من نعمتِكَ ١٦٣/١
أن يشكروا نعمتَكَ الّتى أنعمتَ عليهم ٨٣/١٨
قد جلّت نعمتُكَ عن شكرى ٩٩/٤
فلم تغيّر نعمتَكَ علىّ ٤٩/١٩
اللّهمّ ... أتمم علىّ نعمتَكَ ٧٧/٣
بطراً فى نعمتِكَ عنده ٤٤/٢
واردد علىّ نعمتَكَ ٣٥/١٥
فأنا المستوجب ياالهى زوال نعمتِكَ ١٤٨/٦
أوزعنى شكر نعمتِكَ ٣٦/٦
وأوزعنا فيه «الهلال» شكر نعمتِكَ ١١٠/٨
وتمّ سبوغ نعمتِكَ علىّ ١٤٧/١٠٩
ضعفى عن شكر نعمتِكَ وركوبى معصيتك ١٤٨/١١
بِنِعْمَةٍ: صيانتك لى بنعمةٍ موصولةٍ بكرامة ٣٦/١٠
بِنِعْمَتِهِ: الحمدلله الذى بنعمتِهِ أصبحنا وأمسينا ١٤٣/٩
بِنِعْمَتِكَ: ولايشقى بنعمتِكَ شقيّهم ١٤٢/٥
وأتقرب إليك بنعمتِكَ ١٢٨/٩
ولك الحمد حمداً خالداً بنعمتِكَ ١٤٧/٣١
للمعاصى التى قويت عليها بنعمتِكَ ٢٥٢/٥ ـ ٢٥١/٧
وجلّلنا بنعمتِكَ ملابس العفو والغفران ١٩٩/٣٤
واسمح لى بالمرغوب فيه من بذلك بنعمتِكَ ١٩٩/٨٠
ولانقذ عيناً فتحتها بنعمتِكَ ٣١/١
فامنن علىّ بحمدك كماابتدأتنى بنعمتِكَ ٧٧/٦
أللّهمّ إنّ الظّلمة ... إغترّوا بنعمتِكَ ١١٩/٤
فلايمنعك ذلك من أن تحوطنا بنعمتِكَ ١١٦/٤١
وبنعمتِكَ أصبحنا وأمسينا ١١٦/٤٠
ربّ إنّك ... غذوتنى بنعمتِكَ ٧٧/٥
واغذنى بنعمتِكَ وأصلحنى بكرمك ٥٥/٣١
ولاشكرتنى بنعمتِكَ علىّ ٣٦/٤
لِنِعْمَتِكَ: إتماماً لنعمتِكَ لدىّ ١٩٩/١٧٢
وشكراً لنعمتِكَ واعترافاً باحسانك ٥٥/٢٢
بِالنِّعْمَةِ: جعل الإعتراف بالنّعمة له حمداً ٦/٥
فَالنِّعْمَةُ: فالنّعمة عليهم منك جزيلة ١٩٩/١٦٤
نِعْمَتَيْنِ: أولنى فى كلّ يوم إثنين نعمتين ٢٣٨/٨
نِعَمِ: جميع نعم الله عندى بشدّة حول الله ٢٢/٢٧
أعيذ ... جميع نعمِ الله عندى ٢٢/٢٤
أو قرتنى نعماً وأو قرت نفسى ذنوباً ٢٤٩/٩
سحائب نعَمٍ أمطرتها علىّ ١٥٢/١١
تديم علىّ نعمَ إمتنانك ١٩٢/٧
تبتدىء بالاحسان نعماً ١١٦/٢٩
النِّعَمُ: وغمرتنى النِّعَمُ وفلّ شكرى لك ٢٠٥/١٧
إلهى ... فتمّم علينا سوابغ النِّعَمِ ١٨٧/٧
كنفتنى منك بأنواع النِّعمِ والكفاية ١٤٤/٢
وقلبه مفتون بكثرة النِّعَمِ عليه ١٦٦/٩
ياذاالمنّ والجود والطّول والنِّعَمِ ٢٥١/٦٦
بهلكلات الأمم وزوال النِّعَمِ ٢١٩/٢٠
وتحسد أهل النِّعَمِ ٢١٩/١١
الجواد على الخلق بسوابغ النِّعم ١٩٩/٥٢
سيّدى أستزيدك من فوائد النِّعم ١٩٩/١٨٢
الحمدلله ... ذى ... النِّعم الجسام ٨٣/٢
سيّدى أكثرت علىّ من النِّعم ١٤٨/١٧
كثرت علىّ منك النِّعَمُ فما أحصيها ١٦٤/١٢
ومن أعظم النِّعَمِ علينا جريان ذكرك ١٩٤/١
إنّك ... الوهّاب لعظيم النِّعَمِ ٩٧/٦
... وشكر النِّعمِ ... ٢١/١٣

ومبتدى النّعمِ قبل إستحقاقها ١١٤/١٠
هذا مقام من اعترف بسبوغ النّعَمِ ١٥٢/١٤
النّعمِ الّتى لايجازيها المجتهدون ١٩٩/٧
والنعمِ التى أتحفتنى بها تخفيفاً لما ثقل ٤٦/٣
نِعَمِهِ: اسبغ عليهم من نعمِهِ المتظاهرة ١/١٠
فيامن قلّ شكرى عند نعمِهِ فلم يحرمنى ١٩٩/١٥٤
وكثرت نعمُهُ ١٢٩/٢٦
فيامن قلّ عند نعمِهِ شكرى فلم يحرمنى ١٥٦/٣
فيامن ربّانى فى الدّنيا بإحسانه وتفضّله ونعمه ١١٦/١٦
سبحان من لم يجعل فى أحد من معرفة نعمِهِ ٦/١
والحمدلله على نعمِهِ الفاضلة ١٢٣/٢
يامن لايبيع نعمَهُ بالأثمان ٣٩/١
نِعَمِكَ: إنّه لاينبغى لمن حمّلته من نعمِكَ ٢٠٠/١٤
بما أوليته من نعمِكَ ومعونتك ٢٢٢/٣
جلّلتنى نعَمُكَ من أنوار الإيمان حللاً ١٨٧/٥
ولبقى رهينا بين يديك بسائر نعمِكَ ٩٨/٨
وأسبغ نعمَكَ علىّ ٢٥١/٤١
أن لاتسلبنى ما منحتنى من جسيم نعمِكَ ١٩٩/٣٣
بل تابعت علىّ فى نعمِكَ ١٩٩/١٧٣
حتّى لأرى نعمةً من نعمِكَ على أحدٍ ٥٩/١٣
إلهى ربّيتنى فى نعمِكَ وإحسانك صغيراً ١١٦/١٦
وما قدر أعمالنا فى جنب نعمِكَ ١١٦/٣١
ياربّ هذا مقام من... ألف إحسانك ونعمَكَ ١١٦/٣٥
وما قدر عملى فى جنب نعمِكَ وإحسانك إلىّ ١١٦/٨٣
واجعلنا... أشكرهم لما أوليت من نعمِكَ ٢١/١٤
لايطيقها إلاّ نعمِكَ ٢٤٤/٤
شكر أخفى نعمة من نعمِكَ علىّ ٢٣٠/١
أنت الّذى جعلت لكلّ مخلوقٍ فى نعمِكَ سهماً ٤٩/٣
والمال والولد والمقام فى نعمِكَ عندى ١١٦/١١٠
ولبقى رهناً بين يديك بسائر نعمِكَ ٨/١٤
واذكلّ نعمِكَ ابتداءً ٣٤/٢
أنا الّذى لم أشكر نعمَكَ عند معاصىّ إيّاك ١٤٨/٩
بِنِعَمِكَ: وبأسمائك الحسنى وبنعمك ١٤١/٦
بِالنَّعَمِ: فمن يجود على العاصين بالنّعمِ ٢١٥/٥
بِالنَّعَمِ: أللّهُمَّ ... وجمّلنى بالنّعمِ ٢٥٤/٥
أنت الّذى جدت بالنّعَمِ قبل استحقاقها ٢٣٧/٢
تتحبّب إلينا بالنّعَمِ ١١٦/٤١
فيما أوليتنيه فبطرت بالنّعَمِ ١٦٤/١٢
يامن يغذّيني بالنّعَمِ صباحاً ومساء ٩٠/٥
فلك الحمد على ابتدائك بالنّعمِ الجسام ٨٨/١٨
إلهى كم تتحبّب إلىّ بالنّعمِ ٣٨/٢
فمن يجود على العاصين بالنّعمِ ٢١٥/٥
إنْعاماً: وأظهرت حسناتى... إنعاماً واصطناعاً ١٤٩/٣٣
كلُّ ذلك إنعاماً وتطوّلاً منك ١٥٢/١٢
يامن فضل إنعامه إنعام المنعمين ٩٩/١
إلاّ إحساناً وامتناناً وتطوّلاً وإنعاماً ١٥٢/١٣
الْإنْعام: ياذا... الإنعامِ والجلال ١٣٣/١
وخصصتنى بنوافل الفضل والإنعامِ ١٩٩/١٧٦
وقد أسبغت علىّ ملابس الإنعامِ ١٩٩/١٧١
ياذاالطول والإنعامِ ١٩٩/٩٢ ـ ٢٣٤/٨
وإلهامك الشكر على الإحسان والإنعامِ ٨٨/١٨
إنْعامُهُ: يامن فضل إنعامه إنعام المنعمين ٩٩/١
إنْعامِكَ: وتنيلنى بها المسرّة بمواهب إنعامك ١٩٩/٤٩
ناهضاً بقوّة إنعامِكَ ١١٨/٨
جميل إنعامِكَ فى القربى منك ١٨٦/٤
وأتمم لى إنعامَكَ إنّك خير المنعمين ١٢٧/١١٦
والرّجاء فى إنعامِكَ وفضلك يقرّبني ١٧٢/٣
ورجاءُ إنعامِكَ يقرّبني ٤٢/٢٦
لِإنْعامِكَ: والرّجاء لإنعامك... يقوّيني ١٧٣/٤
مُنْعِمٌ: يامنعم يافضل ١١٦/٢٧
الْمُنْعِم: الحمدلله... المنعم المفضل ٨٣/٢
الْمُنْعِمِينَ: ياأفضل المنعمين فى آلائه ١٩٧/٣٥ـ١٩٩/١٢٧
يامن فضل إنعامه إنعام المنعمين ٩٩/١
وأتمم لى إنعامك إنّك خير المنعمين ١٢٧/١١٦
نَعْماءِ: فمن شواهد نعماءِ الكريم إتمام نعمائه ١٩٩/١٠٧
أو بؤس أو نعماءَ إنّك سميع الدّعاء ١٢٦/٣
أو بؤس أو نعماءَ أوجدهُ أو لأواء ٥٧/٧
النَّعْماءِ: أحمده على... تظاهر النعماء ١٢٣/٤
هذا مقام من إعترف بسبوغ النّعماء ١٨٧/٢
ياذاالنّعماء الّتى لاتحصى عدداً ١٥٦/٤ـ١٥٨/٣ـ١٥٤/٣
ولك الشّكر على ما خوّلتنا من النّعماء ٩٧/٥
نَعْمائِهِ: الحمدلله المحمود على نعمائه ١٢٣/٢
يا...أنعم المفضلين فى نعمائه ١٩٧/٣٥ـ١٩٩/١٢٧
فمن شواهد نعماءِ الكريم إتمام نعمائه ١٩٩/١٠٧
نَعْمائِكَ: لك الحمد على... سبوغ نعمائك ١٨٧/٨
وجلّلنى سوابغ نعمائك ١٢٧/٩٥
نعماؤُكَ كثيرة قصر فهمى عن إدراكها ١٨٧/٥
فاجعل نفسى... شاكرة لفواضل نعمائك ٢٥٥/٣
الشّكر لك على نعمائك ٢٢٩/١٧
وتظاهرت نعمائُكَ ١٩٩/١٩٦

وأظهر نعمائَكَ عليّ ١٦٤/١٢
اللّهمّ إنّ الظلمة ... كفروا نعمائِكَ ١١٩/٢
سؤال معترف ببلائك القديم ونعمائِكَ ١١٤/٩
وسبوغ نعمائِكَ عليّ ١٦٣/١
ولولا إحسانك إليّ وسبوغ نعمائِكَ عليّ ١٦٣/٢
ياالهي ... لم أشكر نعماءَكَ ٣٥/٣
نَعْمائي: إنّك ولي نعمائي ومنتهى منائي ٢٥٥/٧
لِنَعْمائِهِ: وجعل الشّكر مادّة لنعمائه ٩٩/٤
لِنَعْمائِكَ: غير شاكر لنعمائك فحرمتني ١١٦/٥٦
لِأَنْعُمِكَ: واجعلنا لأنعمك من الشّاكرين ١٣٩/٢
نَعِيْمٍ: نفساً سامية إلى نعيم الجنّة ٢٥١/٤٧
وذريعة نقدم بها على نعيم ١٠٩/٩
أو نعيم أنس أو بشاشة ألف ٢١٩/٢٤
وأبدلني بالدّنيا الفانية نعيم الدّار الباقية ٢٥١/٢٩ـ٢٥٢/٢٣ـ٧٨/٤
وفي نعيم الجنّة مقيمين ٢٠٦/٢٣
لقّني روحاً وريحاناً وجنّة نعيم ١٤٨/٣٥
النَّعيم: وتهطل سحائب النّعيم بمزن ١٠/١٣
واجعلني من ورثة جنّة النّعيم ٢٥٢/٤٢
وأعددت فيها من النّعيم المقيم ٢٥٧/١١
حتّى خوافي أنا رياض النّعيم ٢٠٠/٢٤
واجعلنا من سكّان دار النّعيم ٢١٤/٧٤
نَعيمَها: ولانطلب الدّنيا فإنّ نعيمها ٢١٢/١٠٤
نَعيمِكَ: أوجدني برد ... جنّة نعيمِكَ ١٤٧/١٠٧
نَعيمي: يانعيمي وجنّتي ويادنياي وآخرتي ١٨٩/٩
أَنْعَمَ: أنت أرحم الراحمين وأنعم الرّازقين ٢٣٧/٤
يا... أنعم المفضلين في نعمائه ١٩٧/٣٥ ـ ١٩٩/١٤٧
مِنْعامٌ: وأنت وليّ منعامٌ ذوالجلال والإكرام ٢٣٧/٥
نَعْماكَ: وأن توزعني من شكر نعماك ٢٥٣/٣
نُعْماكَ: ووجدت نعماك عليّ سابغة في كلّ شأن ١٦٣/٥
الْأَنْعام: أفبأفعال الأنعام اقتدينا ٢١٤/١٣٩
على ما رزقهم من بهيمة الأنعام (قرآن) ١٤٤/٢٣
أَنْعامِهِمْ: واقطع نسل داوبّهم وأنعامهم ٦٧/٨
أَنْعامِكَ: الهي... هدأت أصوات عبادك وأنعامك ٨٢/١
كَالْأَنْعام: إن هم إلّا كالأنعام بل هم (قرآن) ١/١١
أولئك كالأنعام بل هم أضلُّ (قرآن) ١٥٩/٧
نِعْمَ: نعم ما فعلت من الكرم والإحسان ٢٠١/٢٦
حسبي الله ونعم الوكيل ١٢٧/١٢ ـ ٩٤/٢ ـ ٢٢/١٢ ـ ١٥٩/٤
حسبنا الله ونعم الوكيل ٢٢/٤٥ ـ ٢٢/١٧ ـ ١٢٣/٣
وأنت حسبي وكفى ونعم الوكيل ١٣٩/١٧ ـ ١٣٩/٨
فأنت حسبنا ونعم الوكيل ٢٥٦/٦
حسبنا الله وحده ونعم المعين ١٩٩/١٩٩
يامولاي نعم المولى ونعم النّصير ١٤٨/١٩
فوجدتك يامولاي نعم المولى ١٤٨/١٩
وهو حسبهم ونعم الوكيل ١٥٩/١
إن كنت بئس العبد فأنت نعم الربّ ١١٢/١١
نعم المولى ونعم النّصير ٢٢/٤٥
فَنِعْمَ: فنعم المشتكى إليه أنت ٢٥٢/١٦ ـ ٢٥١/٢٤
عليكم بما صبرتم فنعمَ عقبى الدّار (قرآن) ١٢/١٣
لَنِعْمَ: أجل وعزّتك سيّدي لنعمَ المجيب أنت ولنعم المدعوّ أنت ولنعمَ المستعان أنت ولنعم الربّ أنت ولنعم القادر أنت ولنعم الخالق أنت ولنعم المبدئ أنت ولنعم المعيد أنت ولنعم المستغاث أنت ولنعم الصريخ أنت ٢٤٩/٢٣
فَلَنِعْمَ: ولقد نادانا نوحٌ فلنعم المجيبون (قرآن) ٢٤٩/٢٢

ن.غ.ص

نَغَّصَني: والوقوف بين يديك نغّصَني ٨٢/٥
نَغَّصَتْ: إلاّ نغّصتْ أهله قرّة أعينهم ٢١٩/٢٤

ن.ف.ث

نَفْثِهِ: أعذني فيه من... نفثِهِ «شيطان» ١١٧/٧
نافِثٍ: وأعوذبك من شرّ كلّ نافثٍ وراقٍ ١٥٣/٣٠

ن.ف.ح

لِنَفَحاتِ: وها أنا... لنفحات برّك متعرّض ١٩٢/٨
ها أنا متعرّض لنفحات روحك وعطفك ١٨٦/٥
نَفْاحاً: وبانفّاحاً بالخيرات ١٣٧/٧

ن.ف.خ

نَفْخِهِ: أعذني فيه من ... نفخه «شيطان» ١١٧/٧
نَفْخَتِهِ: وبحقّ إسرافيل ونفخته ١٨٠/٢
بِالنَّفْخَةِ: وحلول الأمر فينبّه بالنّفخة ١٢/٢

ن.ف.د

نَفِدَتْ: سيّدي ... نفدت مدّتي ١٩٩/٨١
يَنْفَدُ: جمعها ينفد وصفوها يرنق ١٣٥/٤
لايَنْفَدُ: اللّهمّ إنّي أسألك بأنّك... بدئ لاينفد ١٣٠/٣
ياذاالمعروف الّذي لاينفد أبداً ٢٢٧/٣
ولاينفدُ كما لاتنفد كلماتك ١٤٧/٥٣
لاتَنْفَدُ: ومتّعنا بثروة لاتنفد ٩٦/٥ـ١٤٧/٥٣
لاتَنْفَدْ: لما أنكرت منّا فيه برأفتك الّتي لاتنفد ١٢٢/٥٣

نَفادِهِ: ولو شئت لجعلت مع نفاد عمره عمرى ٢٤٨/١٠
الدّائم الّذى لانفاد له ١١٤/٨
إرحم شيبتى ونفاد أيّامى ١٦٧/٣
له الملك الّذى لانفاد لديموميّته ١٩٩/٥٧

ن.ف.ذ

نَفَذَ: يامن سبق علمه ونفذ حكمه ١٥٥/١
ولانفذ منعك سؤال ملحّ ٢٣٧/٢
ونفذ في كلّ شيءٍ علمك ١٤٩/٣
نَفَذَتْ: وكيف يستطيع ردّما نفذت به مشيّتك ١٠/٢
أَنْ يَنْفُذَ: أن ينفذ فيك التّغيير ٢٤٧/٥
لاتَنْفُذُ: ولاتنفذ فيه عوامل الرّماح ١١٤/١٧
أَنْفَذَ: فسبحانك ما ... أنفذ أمرك ٢٤٧/٦
سبحانك ما ... أنفذَ أمرك ١٦٦/٥
نَفاذِ: من استيقن به حقّ اليقين فى نفاذِ أمرك ١٧١/٤
فأسألك ببلاغة حكمتك ونفاذِ مشيّتك ١٨٣/٦
النَّفاذِ: وامنن علَىّ بـ... النّفاذ فى أمورى ٦١/٣
نُفُوذاً: من جوارحنا نفوذاً فى معصيتك ٣٠/٥
لِلنُّفُوذِ: ووفّقنى للنُّفوذِ فيما تبصّرنى من علمه ٦٣/٣
نافِذٌ: حكيم عليم نافذ الأمر قاهر ٢١٤/٩٧
يانافذَ العدة ٩/٥
عليم حكيم نافذُ الأمر قاهر ٢١٨/١ـ٢١٤/٢٢
أمرك فيهم «عبادك» نافِذٌ ١٩٩/١٦٨
وحكمك نافذٌ وعلمك جمّ ٢٥٧/٨
أَنْفَذِهِمْ: وأنفذهم «مواليه» لأمره ١٤٩/٧٠

ن.ف.ر

نُفُوراً: ولّوا على أدبارهم نفوراً (قرآن) ٢٣/٤ـ٢٢/١٠
مُنافِرٌ: وأنت على الدّنيا مكّب منافر ٢١٤/٦

ن.ف.س

لَمْ تُنَفِّسْ: وإلى من ألتجئ إن لم تنفّس كربتى ١١٦/٩٨
أَنْ تُنَفِّسَ: وأن تنفّس عنّى كربتي ١٣٤/٧
نَفِّسْ: ونفّس عنّى ما أخاف غمّهُ ١٣٨/١٤
نَفِّسْنى: ومهّلنى ونفّسني وأقلنى عثرتى ٥٢/٣
لاتُنافِسُهُ: من شهر لاتنافِسُهُ الأيّام ١٤٢/٣٨
نَفْسُ: فلاتعلم ما أخفى لهم (قرآن) ٢٥٧/١٣
نفساً سامية إلى نعيم الجنّة ٢٥١/٤٧
ومحيى كلّ نفسٍ بعد الموت ١٧٤/١
وفّيت كلّ نفسٍ ما كسبت وهم لايظلمون (قرآن) ١٨٤/٩
إلهى نفسٌ أعززتها بتوحيدك ١٨٤/٧
ياقائم على كلّ نفسٍ بما كسبتْ ٤٢/١
أو تسكن نفسٌ من يتوقّع الممات ٢١٤/٢٩
يوم تجزى كلّ نفسٍ بما كسبت ٦٣/١٢
جوىً قاتل أو حتف نفسٍ يسوقها ٢١٩/٣٢
القائم على كلّ نفسٍ بما كسبت ٢٢/٤١
وأعوذبك من نفسٍ لاتقنع ١١٦/١٢٧
يانفسُ حتّام إلى الحياة سكونك ٢١٤/١
يوم لاتملك نفسٌ لنفسٍ شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٨
يوم لاتجزي نفسٌ عن نفسٍ شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٢٢
يوم تأتي كلّ نفسٍ بما كسبت (قرآن) ٢٠٧/٢١
يوم تأتى كلّ نفسٍ معها سائق وشهيد ١٢/١٤
يوم تجزىٰ كلّ نفسٍ بما كسبت (قرآن) ١/١٤
قتلت نفساً فنجّيناك من الغمّ وفتنّاك فتوناً (قرآن) ١٥٩/٢٠
اللّهمّ... ولاتذلّ نفساً هى عزيزة عليك بمعرفتك ٣١/١
ومن نفسٍ أمّارة بالسّوء إلاّ ما رحم ربّى ٩٠/٣
يانفسُ حتّام إلى الدنيا سكونك ٢١٤/٧٥
إلهى إليك أشكو نفساً بالسّوء أمّارة ١٨٣/١
وتسكن نفس من توقّع ٢١٤/١٠٥
النَّفْسَ: أن ترحم هذه النّفس الجزوع ٢٠٥/١٦
إنّ النّفسَ لأمّاره بالسوء (قرآن) ٢٤٠/١
ولاهو عن تطلا بها النفسَ قاصر ٢١٤/١١٢ ـ ٢١٤/٣٦
طمأنينة النّفسِ منّى بمابجب لك ٥٩/١٢
إلاّ رحمت هذه النّفسَ الجزوعة ١٦٢/٦
أيّتها النّفسُ إقتربى من الصالحين ١٩٧/٤٧
نَفْسَهُ: فمن حمد عندك نفسَهُ فإنّى عليها زار ٢٤٨/٩
من أبعد منّى من استصلاح نفسِهِ ٤٩/١٢
أنا الجانى على نفسِهِ ١٤٧/٨٢
أتعب نفسَهُ فى ذاتك ١٤٧/٨٤
ولو دلّ مخلوق مخلوقاً من نفسِهِ ١٤٢/٢٠
أنت مفزع المضيّع حظّ نفسِهِ فلك الحمد يالهى ١٥٣/٣
... وشهد على نفسِهِ بالتّضيع ١٥٣/١٠
هذا مقام من ... شهد على نفسِهِ ١٨٧/٢
فأسألك يامولاي سؤال من نفسه ١٦٦/٩
آه واحزناه أنا جليس من ناح على نفسِهِ وبكى ١٩٨/٣٩
وكلّ مقرّ على نفسِهِ بالتّقصير ٨/٩
وأتضرّع ضراعة من أقرّ على نفسِهِ ١٩٧/٣٠
وعوّل على الجلد من نفسِهِ ٢٠٢/٣
يامن يدعو إلى نفسِهِ من أدبر عنه ١٤٦/٢
وكلّ مقرّ على نفسِهِ بالتّقصير عمّا استوجبت ٩٨/٥

وعوّل على الجلد من نفسِهِ فخلّيته ٢٠٢/٦
واستودعك نفسَهُ فحفظته ٢٠٢/٢ ـ ٢٠٢/٥
ومدّوا عند خروج نفسِهِ يديه ورجليه ٢١٤/٤٥
يامن سمّى نفسَهُ من جوده الوهّاب ٢٥١/٢ـ٢٥٢/٢
مظلمة ظلمتها إيّاه «عبد» فى نفسِهِ ٢٣٨/٦
مفزع المضيّع لحظّ نفسِهِ الملتجِئُ ١٥٢/٣
تضرّع من أقرّ على نفسِهِ بالحجّة فى دعواه ١٩٩/١٣٤
وقد جشأت خوف المنيّة نفسُهُ ٢١٤/١٢٠ ـ ٢١٤/٤٤
اللّهمّ ... ولاتجعلنى ممّن تكله الى نفسِهِ ٣١/٤
فأوجس فى نفسِهِ خيفةً موسى قلنا لاتخف (قرآن) ١٥٩/١٣
توبة من لايحدّث نفسَهُ بمعصيةٍ ٨٠/١١
يظهر السّيئة من أخيه ويكتمها من نفسِهِ ١٣٣/٤
ولايحدّث نفسَهُ عن قرنه بفرار ٦٧/٥
والحمدلله على ما عرّفنا من نفسه ١/١٢
كما نصب لأمرك نفسَهُ «محمّد» ٩/٢
وهاجر «محمّد» ... عن ... مأنس نفسِهِ ٩/٣
وأدأب نفسَهُ فى تبليغ رسالتك ٩/٣
أحصى ما ظلم به نفسَهُ ٨٠/٣
يامن وعدهم على نفسِهِ بتفضّله حسن الجزاء ٣٤/٨
فقديماً لطفت لمسرف على نفسِهِ ٢٤٣/١٠
ولايبرّئ نفسَهُ من إستيجاب نقمتك ١٠١/٩
شهد على نفسِهِ بالتّضييع ١٥٢/١٤
أن يطع نفسَهُ فى اضلالنا عن طاعتك ٥٠/١
وذلّل لك نفسَهُ ١٦٤/٢
رام صرف الفقر عن نفسِهِ بك ٣٩/٤
نَفْساهُ: آه وانفساهُ إن حرّمت رحمة ربّى ١٩٨/٢٢
آه وانفساهُ إن كنت ممقوتاً ١٩٨/٢٣
آه وانفساهُ إن كانت جهنمّ ١٩٨/٢٤
آه وانفساهُ إن غفرت ذنوب المجرمين ١٩٨/٦
آه وانفساهُ إن قضيت الحوائج ١٩٨/٥
آه وانفساهُ أقبلت على قلبى ١٩٨/٤
آه وانفساهُ كلمّا حدثت لى توبة ١٩٨/٣
آه وانفساهُ من الكتاب وما أحصى ١٩٨/٧
آه وانفساهُ من موقفى بين يدى الرّحمن ١٩٨/٨
آه وانفساهُ من أهوال يوم القيامة ١٩٨/١٠
آه وانفساهُ من يوم يشتغل فيه ١٩٨/٩
آه وانفساهُ من نار حرّها لايطفأ ١٩٨/١٢
آه وانفساهُ من نار تحرق الجلود ١٩٨/١٣
آه وانفساهُ من نار جريحها لايداوى ١٩٨/١٤
آه وانفساهُ من دار لايعاد فيها المرضى ١٩٨/١٥
آه وانفساهُ من نار وقودها ١٩٨/١٦
آه وانفساهُ لو كان هولاً واحداً لكفى ١٩٨/١١
آه وانفساهُ من نار يطول فيها ١٩٨/١٧
آه وانفساهُ من ملائكة تشهد ١٩٨/١٨
آه وانفساهُ من نار تتوقّد ولاتطفأ ١٩٨/١٩
آه وانفساهُ من يوم تزلّ فيه قدم ١٩٨/٢٠
آه وانفساهُ من دار بكى أهلها ١٩٨/٢١
آه وانفساهُ لابدّ من الموت ووحشة القبر والبلاء ١٩٨/٢٥
آه وانفساهُ إن حيل بينى بين محمّد المصطفى، ١٩٨/٢٦
آه وانفساهُ ممّا حملتنى عليه جوارحى ١٩٨/٢
آه وانفساهُ كيف لى بمعالجة الأغلال غداً ١٩٨/١
آه وانفساهُ إن سحبتنى الملائكة على ١٩٨/٥١
آه وانفساهُ من ظلمة القبر و وحشة البلاء ١٩٨/٤٨
آه وانفساهُ إن حرست وحشرت ١٩٨/٥٠
آه وانفساهُ إن لم يرض علىّ ربّى غداً ١٩٨/٥٣
آه وانفساهُ إن حرمت الحور العين ١٩٨/٤٩
آه وانفساهُ إذا إنقطع ذكرى ونسيتنى أهل الدّنيا ١٩٨/٥٢
آه وانفساهُ إذا أضحى التّراب لى فراشاً و وطاءً ١٩٨/٤٥
آه وانفساهُ إذا أسلمونى الأحبّاء والأخلاّء ١٩٨/٤٦
آه وانفساهُ إذا أكلت الدّيدان محاسنى واللحم ١٩٨/٤٧
نَفْسَكَ: أنت الّذى سميّت نفسَكَ بالعَفُوّ ٤٩/٩
أنت الّذى وصفت نفسَكَ بالرّحمة ٤٩/١
ما فى نفسى ولاأعلم ما فى نفسِكَ (قرآن) ٢٤٣/١٠
أو جبته على نفسِكَ من الرّأفة والرّحمة ١١٦/٨٦
وبكلّ اسم هولك سمّيت به نفسك ١٢٢/٥ ـ ١٤١/٦
لعلّك باخعٌ نفسَكَ ألاّ يكونوا مؤمنين (قرآن) ١٥٩/١٥
أُثنى عليك بما أثنيت على نفسِكَ ٢٤٩/١٨
وأنت الّذى زدت فى السّوم على نفسِكَ ١٤٢/٩
أسألك بكلّ اسم سمّيت به نفسَكَ ٢٢/٣٩
الّذى أوجبت علىّ نفسِكَ من الرّحمة ٢٥٧/٧
وأليقها بما وصفت به نفسَكَ ٢٢٣/٣
لم تولّنى من نفسِكَ إلاّ الجميل فى حيانى ١٩٧/٩
وكذلك نسبت نفسَكَ ياسيّدى باللّطيف ١١٧/٣٧
نَفْسي: ولاتكلنى إلى نفسي طرفة عينٍ أبداً ١٢١/١٣
سوّلت لى نفسي رفعها ٣٩/٦
أنا المقرّ على نفسي بما جنت علىّ يداي ١٤٨/٥
فهذه صفاتى الّتى أعرفها من نفسي ٣٥/١٤
ولاأبكي على نفسي ١٦٤/١٨
وجعلت لى من نفسي داعية إلى الشّهوات، ١٩٧/٢٨
وأرى نفسي تخاتلنى وأيّامى تخادعنى ١٩٧/٤٥

ودللت عقلي على توبيخ نفسي ١٤٨/٢٠
وخلّصني من كلّ ما أخاف على نفسي ١٤٨/٢١
وقد أشرفت على هلكتي نفسي ١٤٨/٢٢
محافظاً على رياء النّاس من نفسي ١٤٨/٣٠
إنّي قد أكثرت على نفسي من الذنوب والإساءة ١٤٨/٣
وأنا أحقّ بالخوف الدائم لإساءتي على نفسي ١٤٨/٢
وطاعة نفسي له ٨٨/١٧
ولاأحدّث نفسي بانتقال عافية ٣٥/٣
فخذ لنفسك الرّضا من نفسي حتى ترضى ٨٦/٣
ربّ أسأت وظلمت نفسي ٨٦/١
وآمن خوف نفسي ٣٢/١٣
إلاّ حططتني عند نفسي مثلها ٥٥/٥
إلاّ أحدثت لي ذلّة باطنة عند نفسي بقدرها ٥٥/٥
لاأخاف على نفسي إلاّ إيّاك ٣٢/١٢
واقبض على الصدق نفسي ١٧١/٥
ومالي بعد أن حكمت على نفسي إلاّ فضلك ٥٥/٢٤
بل اجعل سكون قلبي وأنس نفسي ٥٧/١٢
واشغل بطاعتك نفسي عن كل ما يرد عليّ ٥٧/٩
فإنّك إن وكّلتني إلى نفسي عجزت عنها ٥٩/٣
ولاإصلاح نفسي ١٦٣/٢
وتحمدك نفسي ولساني وعقلي ١٦٣/٦
أستوهبك ياإلهي نفسي الّتي لم تخلقها ١٠١/٦
وهب لنفسي على ظلمها نفسي ١٠١/٧
أشكو إليك ياإلهي ضعف نفسي ١٦٣/١١
أنا الّذي قتلت نفسي بسيف العصيان ٢٠١/٢٤
تعلم ما في نفسي ولاأعلم ما في نفسك (قرآن) ٢٤٣/١٠
أللّهمّ إشتر منّي نفسيَ الموقوفة عليك ٢٤٨/١
محافظاً على رياء النّاس في نفسي ٢٧/٧
أللّهمّ إنّي إليك أسلمت نفسي ٢٨/٢
أللّهمّ إليك أسلمت نفسي ٢٩/٢
فياويح نفسي كم أسوّف توبتي ٢١٤/٦٧
فيالهف نفسي كم أسوّف توبتي ٢١٤/١٤٥
إنّك كلّفتني من نفسي ما أنت أملك به منّي ٥٩/١
فأعطني من نفسي ما يرضيك عنّي ٥٩/١
وخذ لنفسك رضاها من نفسي في عافية ٥٩/١
وأغفلته أنا من نفسي ٥٩/٧
اللّهمّ خذ لنفسك من نفسي ما يخلّصها ٥٥/٢٨
وأبق لنفسي من نفسي ما يصلحها فإنّ نفسي ٥٥/٢٨
ربّ اعزم لي على رشدي وان كرهت نفسي ذلك ٩٤/٢
وإن كرهت ذلك أو أبته نفسي ٩٣/٣
وطيّب بقضائك نفسي ٩٦/٣
ما تنجو نفسي إن نجت إلاّ بك ٢٢٨/٨
ربّ نفسي غريق خطايا مجحفة ٢٢٨/٩
فبأيّ ذلك أزكّي نفسي وأشكرها عليه ٢٢٨/٩
وصلك منيٰ نفسي وإليك شوقي ١٨٩/٧
الشغل حظّ نفسي ١٦٣/١٤
أللّهمّ لاتكلني إلى نفسي فأعجز عنها ٧٥/١
أسجف على نفسي ستور رضوانك ١٦/٤
اللّهمّ بك أعيذ نفسي ودِيني ... ٢٢/٤
أعطني سؤلي في نفسي وأهلي ١١٦/١٠٧
وإنّك إن وكّلتني إلى نفسي هلكت ١١٦/٩٧
سوّلت لي نفسي ٩١/٢ ـ ١١٦/٦٧
وأعوذبك ... من ... إسرافي على نفسي ١٢٣/١٨
أشهد بذلك على نفسي ٥٧/٥ ـ ١٢٦/١
وأخاف على نفسي ١١٧/٢١
منك برحمةٍ تلقى بها في نفسي الغنى ٧٧/١٠
كما وضعت لك نفسي ٨٠/٩
إن رددتني إلى نفسي أهلكتني ٢١٢/٢
إذكنت أرحم بها «نفسي» من نفسي يارحمن ١٩٧/٣٨
قد أوقفت نفسي موقف الأذلاّءِ المذنبين ١٦٧/٢
وناصيتي أستكين بالقود من نفسي ١٦٧/٣
فشفّعني في نفسي وفيهما «لوالدي» ١٤٩/٦٦
واغفرلي ... إسرافي على نفسيْ ١١٧/٢٧
حتّى أتعرّف من نفسي روح الرّضا ٥٩/١٢
وأعنّي على نفسي بما تعين به الصّالحين ١١٦/١٢١
وأفطم نفسي عن طلب العاجلة الزائلة ٣١/٤
وأسرفت على نفسي بما قد علمت ١٩٩/١٣٦
فغير ذلك منّتني نفسي منك، ١٩٩/٩٢
وفني شحّ نفسي وبارك لي فيها رزقتني ١٣٨/٥
وإسرافي على نفسي ١٣٨/٣
وحطتْ نفسي وأهلي ومالي وإخواني ١٥٩/٣
أو قرتني نعماً وأوقرت نفسي ذنوباً ٢٤٩/٩
ترانى وتعلم ما نفسي وتسمع كلامي ٢٤٩/١٢
مسكنتي وفاقتي وقسوة قلبي وميل نفسي ٢٤٩/١٠
إقراري لك بما إحتطبت على نفسي ٢٤٩/١٧
وهبني حسن المستعقب من نفسي ٢١٩/١
وألجأت ظهري فلاتكلني إلى نفسي ١٣٥/١٥
وأعوذبه من شرّ نفسي ٢٤٠/١
وحاسبت نفسي فلم أجدني أقوم ٢٥٧/١٤
فلاتكلني إلى نفسي برحمتك ٢٥٧/٦

فهب لي نفسي بجودك وكرمك ٢٥٧/٢١
لأحدّت نفسي بانتقال عافية وتحويل فقر ٢٥٧/٢٦
هذه صفاتي الّتي أعرفها من نفسي ٢٥٧/٣٧
واحرس نفسي من الشّهوات ٢٥١/٩
أللّهمّ فاجعل نفسي مطمئنّة بقدرتك ٢٥٥/٣
وتمنحني السّلامة في ديني ونفسي ٢٥٣/٥
وأبغضت لقائك لضعف نفسي ٢٥٧/١٠
ولك ياربّ في نفسي فذلّلني ٢٥٢/١٥
وأستغفرك لما وأيت به على نفسي ٢٥٢/٤-٢٥١/٦
ولاتكلني إلى نفسي طرفة عين ٢٥١/٥٦
إلهي ظلمت نفسي وعظم عليها إسرافي ٢٥١/٥٥
دعوتك مقرّاً على نفسي بالإساءة ٢٣٩/٣
اللّهمّ ... نفسي تخافك لشدّة عقابك ٢٥١/٤
أللّهمّ إنّي جرت على نفسي في النّظر لها ٢٣٧/٥
سيّدي إن كانت نفسي إستعبدتني ١٩٩/١٠١
إلهي، خلت نفسي بأعمالها بين يديك ٢٠٢/٨
فإن كنت بالإلهي مسرفاً على نفسي ٢٣٩/٦
وأعوذبك ياربّ على نفسي... من الشيطان ١١٦/١٢٨
فلاتجعل نفسي في شيء من عذابك ١١٦/١٢٩
وحاسبت نفسي فلم أجد ٢٠١/٤٦
وأعبّد نفسي للدّنيا على غضاضة ٢١٩/٧
وقوارع الموت تختلف حكمي في نفسي ٢١٩/٨
أللّهمّ إنّي أستودعك نفسي ١٣٩/٩
أن تعينني على جهاد نفسي ١٣٥/١٦
وأسلمت نفسي ١٣٥/١٤
وتعلم ما في نفسي فأقلني عثرتي ١٣٤/٦
ذلّلني بإعطاء النصف من نفسي ١٢٥/٥
أعيذ نفسي ودينى وأهلى ٢٢/٢٤
أعيذ نفسي وما أعطاني ربّي ٢٢/٣٦
بسم الله على نفسي ومالي وأهلي ٢٢/٣٢
إلهي طالما ركبت نفسي ما نهيت عنه ٢٠٦/٣
طالما ارتكبت نفسي بما هو راجعٌ إليّ ٢٠٥/٣
أنا الّذي أغرقت نفسي بالذّنوب ٢٠١/٢٧
وأنست نفسي ببشارتها «المحبّة» ١٩٩/١٦٣
ولك ياربّ في نفسي فذلّلني ٢٥١/٢٣
وأحرس نفسي من الشّهوات ٢٥٢/٣٨
وكثرة همومي ووسوسة نفسي ١٦٣/١١
فإنّي لاأتّهمهما على نفسي ٦٣/١٠
إلهي نفسي تمنّيني بأنّك تغفرلي ١٩٧/١٩
إلهي كيف نقرّلي نفسي بأنّك تعذّبني، ١٩٧/٢١
وأن تسلّي نفسي عن الدّنيا بمخافتك ١٦٦/١٣
إلهي إن جرت على نفسي في النّظر لها ١٩٧/٧
أنا بإسرافي على نفسي ذليل ١٦٦/٨
وحاسبت نفسي فوجدتها لاتقوى ٢٠٣/١٢
قد فررت إليك من نفسي وإليك يفرّ المسيء ١٥٣/٣
فهب لي نفسيَ السّاعة الساعة برحمتك ١٤٩/٤٤
ونفسي خائفةٌ لشدّة عقابك ٢٥٢/٣٦
إنّما أوبّخ بهذا نفسي طمعاً في رأفتك ٤٩/١٥
ما أشهد به على نفسي ٤٩/١٤
وأعنّي بالبكاء على نفسي ١١٦/٧٧
وقد نزّلت نفسي منزلة الاليسين من الخبر ١١٦/٧٧
وظلمت نفسي فاغفرلي ١١٧/٤٠
وأرى نفسي تخادعني ١١٦/٧٨
أبكي لخروج نفسي ١١٦/٧٩
أعيذ نفسي ... بشدّة حول الله ٢٢/٢٧
فتقرّ بذلك عيني وتطمئنّ له نفسي ١٨٤/٣
أسألك ... من رجائك بما تطمئنّ به نفسي ١٨٥/٧
فإنّك إن وكلتني إلى نفسي زلّت قدمي ٢٤٨/٦
تعلم ما في نفسي فصلّ ٢٥١/٤٩
بِنَفْسٍ: فتلقّاك بنفس خاشعة ٨٨/١١
لِنَفْسٍ: يوم لاتملك نفسٌ لنفسٍ شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٨
بِنَفْسِهِ: فأنت ثقة من لايثق بنفسه ٢٣٩/١٠
فصانه «محمّد» بنفسه عن المشركين، ١٠/٢٩
لِنَفْسِهِ: بل أقول مقال العبد الذّليل الظالم لنفسه ٣٤/٥
وهذا مقام من استحيى لنفسه منك ٨٨/١١
وأمهلت من قصد لنفسه بالظّلم ١٤٢/٣
إرتضاه لنفسه وانتجبه لدينه ١٢٣/٨
لِنَفْسِكَ: ما أراك منصفاً لنفسك من بين الأنام ١٩٧/٤٦
فخذ لنفسك الرّضا من نفسي حتى ترضى ٨٦/٣
لنفسك عمداً أوعن الرشد جائر ٢١٢/١٢
وخذ لنفسك رضاها من نفسي في عافية ٥٩/١
اللّهمّ خذ لنفسك من نفسي ما يخلّصها ٥٥/٢٨
وقبائل الملائكة الّذين اختصصتهم لنفسك ١٢/١٠
بحقّ ... من اصطفيته لنفسك ١٤٧/٨٣
لِنَفْسي: وهب لنفسي على ظلمها نفسي ١٠١/٧
لأهلك لنفسي نفعاً ولاضرّاً إلاّ بك ٥٧/٥
وأبق لنفسي من نفسي ما يصلحها ٥٥/٢٨
مثل الذي سئلتك لنفسي ولولدي ٦٤/١٥
لأملك لنفسي نفعاً ولاضرّاً ١٢٦/١
أحبّ إليّ لنفسي... ما يرشدها بهدايتك إليه ١٩٧/٣٨

إلاّ رجوت لنفسي أفضل ذلك بك ومنك ٥٩/١٣
أستخلصه لنفسي فلمّا كلّمه (قرآن) ١٥٩/٢٢ـ٢٢/٢٢
ومستغفرلك من ظلمي لنفسي ١٤٩/٣٨
أللّهمّ إنّي أصبحت لاأملك لنفسي خير ما أرجولها ٢٥٤/٢
طريق النظر لنفسي بما فيه كرامتها ١٩٩/١٠٠
أنا الّذى أحللت العقوبة بنفسي ١٤٧/٨
إليك فررت بنفسي ياملجأ الخائفين ١٢٠/١١
وأيّ تغرير غرّرت بنفسي ١٦٧/٢
الإعجاب بنفسي والجبريّة ١٥٣/٢٥
سيّدى كأنّى بنفسي قد أضجعت ١٩٩/١٣٧
حتّى أقاتل فيه بنفسي ومالى ١٤٤/٢٧
إلهى كأنّى بنفسي قدإضطجعت فى حفرتها ١٩٧/٣٢
إلهى كأنّى بنفسي قائمة بين يديك ١٩٧/٤
قد فررت إليك بنفسي ١٥٢/٣
نُفُوسٌ: فإنّها نفوسٌ باعت زينة الدّنيا، ١٩٧/٤٧
النُّفُوسُ: بسم الله الّذى وجلت منه النُّفوسُ ٢٢/٢٥
ولاتسكن النُّفوسُ إلاّ عند رؤياك، ١٩٤/٣
فنفيك عفّت الفروج والنفوسُ ١٤٣/٣٠
إذا بلغت النُّفُوسُ التّراقى وقيل من راق (قرآن) ١٠٩/١٧
نُفُوسِهِمْ: وأوصلت إلى نفوسهم ١٩٩/١٨٥
وأسنت نفوسهم بمعرفتك ١٩٩/٣٠
نُفُوسَنا: وأودع نفوسنا خوف المشفقين ١٩٩/٣٥
ألا لاوكلّنا نغرّ نفوسنا ٢١٤/١٠٦ ـ ٢١٤/٣٠
لاتخلّ فى ذلك بين نفوسنا واختيارها ٣٠/٣
بِنُفُوسٍ: تشبّهى بنفوسٍ قد أفرح ١٩٧/٤٧
الأَنْفُسِ: يحلّ بهم يوم خروج الأنفس من أبدانها ١٤/١٠
يعلم هماهم الأنفس وما تخفى الصّدور ١٤٩/٢٤
أَنْفُسِهِما: وأين إقترارهما على أنفسهما ٦٣/١١
أَنْفُسَهُمْ: واستنقذوا من الغفلة أنفسهم ٢٠٠/٢٦
أدّبوا أنفسهم بالفهم ٢٠٠/٢٧
أخذوا أنفسهم فى مخائل الرهبانيّة ٢١٩/٤٢
وكّلوا إلى أنفسهم يتنسّكون فى الضلالات ٢١٩/٤٠
إنّ الله اشترى من المؤمنين أنفسهم (قرآن) ١٤٤/٢٥
الهى وعافهم فى أنفسهم وفى جوارحهم ٦٤/١
واجعلنا من الّذين عرفوا أنفسهم ٢٠٠/٣٩
تعين به الصّالحين على أنفسهم ١١٦/١٢١
وإطمأنّت بالرّجوع إلى ربّ الأرباب أنفسهم ١٩٣/٤
اللّهمّ وجعلنى من المحفوظين فى أنفسهم ١٢٧/٥
ياعبادى الّذين أسرفوا على أنفسهم (قرآن) ١٦٢/٢
فهم فيما إشتهت أنفسهم خالدون ١٩٩/٣٠
أَنْفُسَنا: وأنفسنا ظلمنا ورحمتك رجونا ٢٠٠/١١
إليك أسلمنا أنفسنا طائعين ١٤٣/١٨
ربّ... أن نعفو عمّن ظلمنا وقد ظلمنا أنفسَنا ١٤٠/١
أو على نسيان ظلمنا فيه أنفسَنا ١٤٢/٥٢
وقد ظلمنا أنفسنا فاعف عنّا ١١٦/١٣١ ـ ٢٠٨/٢
فى أدياننا وأبداننا وأنفسِنا وأهلينا ١٤٣/٣٢
وأغنا اذ طرحنا أنفسَنا بين يديك ٣٢/٤
وهوّن بالقران عند الموت على أنفسِنا ١٠٩/١٧
بِأَنْفُسِنا: بأنفسِنا استخففنا عند معصيتك ٢٠٠/١١
نَفَسٍ: ولاتّصال نفسٍ بنفسٍ ١٠٣/١
بِنَفَسٍ: ولاتّصال نفسٍ بنفسٍ ١٠٣/١
أَنْفاسَ: سبحانك تسمع أنفاسَ الحيتان فى ٤/١٤
الْمُنافَسَةِ: أعوذبك من ... والمنافسة ١٥٣/٢٦
النَّفْسِيَّةُ: وما جرت عليه التّركيبات النفسيّة ٢٢٣/١
نافِسٍ: أعوذبك من شرّ كل حاسدٍ وباغٍ ونافسٍ ١٥٣/٣٠
مُنَفِّسَ: ومنفِّس كربات المكروبين ٨٣/٦
يامنفِّس الكربات ياوليّ الرّغبات، ١٣٣/٦
مُنافِساً: قد طفقت بهدايتها منافساً ١٩٩/٦٨
وأنت على الدّنيا مكبّ منافسٌ ٢١٤/٨١

ن.ف.ض

إنْتِفاضَ: إنتفاض جوارحى من هيبتك ٤٩/١٠

ن.ف.ع

نَفَعَهُمْ: فما نفعهم قربهم ولاضرّنى بعدى ٢٤٨/٧
يَنْفَعُني: أو من ينفعُني عفوه إن عاقبتنى ١٦٤/١٠
فلم يعزب إيقانى بنظرك إليّ فيما ينفعُني ١٩٩/٨٨
وتوفّقنى لما ينفعنى ما أبقيتنى ٢٥٣/٤
فَهَلْ يَنْفَعُني: فهل ينفعني ياإلهى، إقرارى عندك ٣٤/٤
لايَنْفَعُ: لاتخزنى... يوم لاينفع مال ٧٧/١٢
يوم لاينفع مالٌ ولابنون (قرآن) ١٣٥/٩ ـ ٢٠٧/٢٦
فليبك قبل أن لاينفَعَ البكاء، ١٩٨/٦٠
يوم لاينفَعُ الظّالمين معذرتهم (قرآن) ١٩٩/٤٩
وأعوذبك من ... عمل لاينفَعُ ١١٦/١٢٧
لايَنْفَعُكَ: إلهى إن أحرقتنى لاينفعك ٢٠١/١٨
لايَنْفَعُهُ: واستغفر حين لاينفعه الإستغفار ٢١٤/١١٧
حيث لاينفعه الإستعبار ٢١٤/٤١
لَمْ يَنْفَعْني: لم ينفعني ما أعطيتني ١٤٩/٥٠
تَنْفَعُ: ويقيناً تنفَعُ به من استيقن به ١٧١/٤
لَمْ يَنْتَفِعْ: فعلمت ذلك علم من لم ينتفع بعلمه ٧٧/٨

نَفْع: نفسى الّتى لم تخلقها... لتطرّق بها الى نفعٍ ١٠١/٦
لاأملك لنفسى نفعاً ولاضرّاً إلاّ بك ٥٧/٥
وأنزل علينا نفعَ هذه السحائب وبركتها ٩٧/٢
لاأملك نفعاً ولاضرّاً ١٢٦/١
يتعجّل به نفعَ ما قدّم ٦٧/٢١
النَّفْع: فيما يحدث الخوف... والضّر والنّفع ٥٩/١٢
نَفْعُهُ: التشاغل بما لايعود علينا نفعُهُ ٢٠٠/١٦
نَفْعُها: صلاة تبلغنا بركتها وينالنا نفعُها ١٢٢/٦٤
مَنافِع: ليشهدوا منافع لهم (قرآن) ١٢٤/٢٣
الّذين يأتونه ليشهدوا منافعَ لهم ١٢٤/٢٤
إجعل توسّلى به شافعاً يوم القيامة نافعاً ٢٤٤/٥
وأشهد ملائكتك الكرام السفرة بسقيٍ منك نافعٍ ٥٣/٢
وأسألك قلباً خاشعاً وعلماً نافعاً ١٢٩/٥
نافِعَةٍ: برحمة نافعةٍ ٩٧/١

ن.ف.ق

أَنْفَقْتَ: لو أنفقت ما فى الأرض جميعاً (قرآن) ٢٣/٦
أَنْفَقْتُ: وأنفقتُ نعمتك فى سبيل مخالفتك ١٩٩/١٥٥
أَنْفَقْتُهُ: وأنفقتهُ فى غير طاعتك ٣٦/١
فَأَنْفَقْتُ: فأنفقتُ نعمتك فى معاصيك ١٤٩/٣٠
يُنْفِقُونَ: مثل الذين ينفقونَ أموالهم (قرآن) ١٤٢/١١
أُنْفِقُ: وأصب بى سبيل الهداية للبرّ فيما أنفِقُ منه ٥٥/٣٥
حين أنفقُ ما أجريت علىّ من رزقك ٤٩/١٢
النِّفاقِ: وجدعت أنف النِّفاقِ بحجّة نبوّته ١٠/٥
واعصمنا به «قرآن» من هوّة الكفر ودواعى النِّفاقِ ١٠٩/١٦
ومن الشّرك... والنِّفاقِ معصومين ٢٠٦/٢٠
أللّهمّ سلّم لي قلبى من... النِّفاقِ ١٣٥/١٠
الْإِنْفاق: لأمسكوا خشية الإنفاقِ ٧٧/٢
الّذى لايعجزه كثرة الإنفاقِ ١٩٩/٥٣
إِنْفاقي: ووجّه فى أبواب البرّ إنفاقي ٧٩/٤
الْمُنافِقِينَ: وأبربه ... المنافقين ١١٩/٢٧
النَّفَقَةَ: وأسبغ عليه فى النّفقة ٦٧/١٦

ن.ف.ل

نافِلَةٍ: بفضل نافلةٍ مع كثير ما أغفلت ٨٨/١٠
نَوافِلِ: فلك الحمد على... نوافل مزيدك ١٩٩/١٧٧
لحسن تطوّلك من نوافل برّك ١٩٩/١٨٠
نَوافِلِكَ: من عطاياك ونوافلك ١٤٧/٥٨
بِنَوافِلِ: وخصصتنى بنوافل الفضل والإنعام ١٩٩/١٧٦

ن.ف.ى

نَفىَ: ونفى عنّى النّوم فى ليلى ٧٧/٨
نَفَيْتَنى: ونفيتنى به من دار دوام البقاء ١١٨/٧
تَنْفي: تنفي عوارض التّهم لقضائك ٢٤٩/٤
إِنْتَفَتْ: وإنتفت مخالجة الشّكّ عن ١٩٣/٣
إنتفت منهم القرابات إذ سكنوا فى ظلّ قرابته ١٤/٣
نَفْيَ: ونفى الأضداد والأنداد والأشباه عنك ١٤٧/٧٨

ن.ق.ذ

لَمْ تَنْقِذْهُ: ولم تنقذهُ من صرعته ٢١٤/١١٣
أَنْقَذْتَ: سيّدى أنت أنقذتَ أوليائك ١٩٩/١٨٥
تُنْقِذَني: فأنت أهل أن... تنقذَني من عقابك ٢٤١/٨
وإذا لم تتداركنى منك برحمة تنقذني بها ١٤٨/٢٢
أَنْقِذْني: أنقذني من كلّ هلكة ويليّة ١٤٨/٣٥
وأنقذنى برحمتك من خطاياى ٢٥١/٥٦
فَأَنْقِذْني: أللّهم فأنقذني من المهالك ٢٣٩/١١
فمن تتابع المهالك فأنقذني ٢٣٧/٧
إِسْتَنْقَذُوا: واستنقذوا من الغفلة أنفسهم ٢٠٠/٢٦
إِسْتَنْقَذْتَ: إستنقذت به المتهاونين ١٤٧/٨٦
إِسْتَنْقَذْتَني: وإستنقذتني من هوّة الكفر إلى ١٠/٣٣
إستنقذتني به من الهلكة ١٤٤/٤
ولانردّنى فى سوء استنقذتني منه ١١٦/١٢٢
إِسْتَنْقَذْتَنا: صلّ... كما استنقذتنا به ٨٠/٢٥ ـ ٨١/١٠
يَسْتَنْقِذُني: فالآن من عذابك من يستنقذني ١١٦/٦٨
فأنا الآن من عذابك من يستنقذني ٩١/٣
إِسْتَنْقِذْني: وإستنقذني من ذلّ مقام الكاذبين، ١٩٩/١٦١
فَاسْتَنْقِذْني: به فاستنقذني ١١٦/٢٧
وبهم «محمّدوآل محمّد» اليوم فاستنقذني ١٤٩/٥١
فَاسْتَنْقِذْنا: علينا عدوّك الشّيطان فاستنقذنا منه ١١٥/٢١
إِنْقاذَهُ: إلاّ من أحبّ الله إنقاذه، ١٩٩/٥٨
إِسْتِنْقاذي: فما نام عن إستنقاذي منها ١٩٧/٢٥
بِإِسْتِنْقاذِكَ: ونضّر وجه محمّد باستنقاذك إيّاهم ١٠/٣٤
مُنْقِذ: فأسألك... سؤال من... لامنقذ له منك ١٦٦/١١
... نبيّك... منقِذِ الأمّة من الغمّة، ١٩١/١
لم يجد ... لما نزل به منقذاً إلاّ أنت ١٣٢/٩

ن.ق.ش

لاتُناقِشْني: ولاتناقشني بما اكتسبت ١٠٨/٢
الْمُناقَشَةِ: ولم تحمله على المناقشة فى الآلات ٨/١٣
الْمُناقِشاتِ: ولم تحمله على المناقشاتِ فى الآلات ٩٨/٨

ن.ق.ص

نَقَصَ: الحمدلله...الذى...لايزيد من نقص منهم زائد ١/٦
لايَنْقُصُ: الحمدلله...الذى...لاينقُصُ من زاده ناقص ١/٦
ولاينقصُ من خزائنك غنائى ١٦٩/١
وفضلك الّذى لاينقُصُ ١٤٢/٥٣
الحمدلله... الّذى... لاينقُصُ من شكره ٢٤٦/١
سبحانك لاينقصُ سلطانك من أشرك بك ١٦٦/٤
يامن لاينقصُ ملكوته عصيان المتمرّدين ١٩٩/٣٣
وأنت الجواد الّذى... لاينقصُ فضلك ١١٦/٣٥
ولاينقصُ من خزائنك غنى ٢١٠/١
لايَنْقُصُكَ: وعفوك إيّاى لاينقصك ٢٠١/١٧
أعطنى ما لاينقصك ٢٠١/١٧
اللّهمّ إنّى أستوهبك ياإلهى ما لاينقصك بذله ١٠١/٦
الهى أنت الذى... لاينقصك نائلٌ ١١٦/١٠٥
لايَنْقُصُنى: لاينقصنى أحد منهما شيئاً ١٤٤/١
لَمْ يَنْقُصْهُ: من أعطيت لم ينقصهُ منع المانعين، ٨/٢٤ـ١٥/١٤
تَنْقُصَ: او تنقصَ منه معصية المذنبين ١٦٢/٨
تَنْقُصُهُ: شيئا منه تنقصُهُ من حسناتى ٢٥١/٣٨
حتّى لاتخلّف علىّ شيئاً تنقصهُ من حسناتى ٢٥٢/٣٠
لاتَنْقُصُ: وإنّ خزائنك لاتنقصُ بل نفيض ١٤٢/٥٧
لاتَنْقُصُهُ: ولاتنقصه معصية عاصٍ ١٤٩/١٢
لاتَنْقُصُكَ: إنّه لاتنقصُكَ المغفرة ٢٣٨/٧
فَلاتَنْقُصُكَ: فلا تنقصُكَ المواهب ٢٤٧/٢
أُنْقُصَ: وانقص منهم «عدوّ أهل الثّغور» العدد ٦٧/٦
لايُنْقِصُ: ولاينقِصُ خزائنك غنى ٢٥٧/٣
ولاينقصُ منه معصية العاصين ١١٢/٥
لايُنْقِصُهُ: الّذى... لاينقصه إدرار الأرزاق ١٩٩/٥٣
النَّقْصَ: فأوقع النّقص بأسرعهما فناءً ٣٠/٢
بِالنَّقْصِ: وخذهم «المشركين» بالنّقص ٦٧/١٢
نَقْصَيْنِ: أللّهمّ ومتى وقفنا بين نقصين ٣٠/٢
النُّقْصانِ: مسلّماً لى من الزّيادة والنُّقصان ١٩٩/١٧١
يجده للزيادة والنُّقصان فيك مساغاً ٢٤٧/٥
وامتهنك بالزّيادة والنُّقصان ١١٠/٢
نُقْصانى: بيدك لابيد غيرك زيادتى ونقصانى ٢٤٩/١٤
مَنْقَصَةٍ: وهوى يوبقنى ومنقصَةٍ ترهقنى ١٤٧/٨٩
إنْتِقاصِ: وانتقاصِ الباطل وإذلاله ٢١/١٣
تَنَقُّصِهِمْ: بالنّقص عن تنقّصهم ٦٧/١٢
ناقِصٌ: الّذى ... لاينقص من زاده ناقصٌ ١/٦
ناقِصَةً: ولاأكرومة فىّ ناقصةً إلاّ أتممتها ٥٥/٨
مُنْتَقِصينَ: فدعوناك... منتقصين لجوائزك ٢٠٠/٦
نَقيصَةً: ولانقيصةً يجهل من أجلها مكانى ١٤٧/١٠٣
مَنْقُوصٍ: فإنّه غير منقوصٍ ما أعطيت ٢٥١/٤٤ـ٢٥١/٦٥
ودينك منقوصٌ ومالك وافر ٢١٤/٧٢ ـ ٢١٤/١٥١

ن.ق.ض

نَقَضَ: فابترّ أمور آل محمّد من نقض حكمك ٧٠/٥
إرحم من نقض العهد وغدر، ١٩٩/٤٦
نَقَضْتُ: ونقضت العهد مساءً ١٩٨/٢٨
نَقَضْنا: وقد نقضنا العهود بعد توكيدها ٢٠٠/٩
فَأَنْقُضَ: إلهى أنا الّذى أعاهدك فأنقض عهدي ٢٠١/١٦
أُنْقُضْ: نَبّطهُ إذا عزم، وانقض ما أبرم ٥٠/١١
تَناقَضَتْ: وإذا تناقضت الملل لأرضاها ٥٥/٣٢
نَقْضِ: ألطف لنا فى نقضِ حيله ٥٠/٧
تأليباً على دينك ونقضاً لشريعته ١٠/٢٥
النَّقْضِ: أهل النّقض والإبرام ١١٤/٢١

ن.ق.ل

نَقَلْتَهُ: والسعيد من... نقلتهُ حميداً الى ٣١/٥
نَقَلْتِ: ونقلتِ إلى دار البلىٰ من أقرانك ٢١٤/١
نُقِلَ: ونقلَ إلى الثرىٰ من أقرانك ٢١٤/٧٦
نُقِلَتْ: اللّهمّ إليك... نقلت أقدام الخائفين ٨٣/٥
نُقِلْتُ: إن أنا نقلت على مثل حالى إلى قبرى ١١٦/٧٧
تَنْقُلُنى: ولم تزل تنقلنى من نعمةٍ إلى كرامةٍ ٣٥/١ـ٢٥٧/٢٣
أُنْقُلْنى: وانقلنى ممّا أنا فيه إلى ما هو أكبر منه ٣٥/١٥
وانقلنى إلى درجة التّوبة إليك ١١٦/٧٧
وانقلنى ممّا أنا فيه إلى ما هو أفضل منه ٢٥٧/٣٨
نَقْلَ: يعلم ... نقلَ الأقدام ١٤٩/٢٤
نَقْلِها: ولأقدامنا عن نقلِها إلى المعاصى حابساً ١٠٩/١١
الْإِنْتِقالَ: والثّبات والإنتقالَ بقدرتك، ١٩٩/٧٥
بِانْتِقالٍ: لاأحدّث نفسى بانتقالٍ عافيةٍ ٣٥/٣ ـ ٢٥٧/٢٦
مُنْتَقِلاً: لم تكن مستحدثا فتوجد منتقلاً ٢٤٧/٤
مُتَنَقِّلٌ: متنقّلٌ فى الصّفات ٧٤/٥
مَنْقُولاً: وجد علىّ منقُولاً قد نزلت بك وحيداً ١١٦/٩٧
الْمَنْقُولِ: عد إلى ذكر المنقولِ إلى الثرىٰ ٢١٤/٦١
عد إلى ذكر المنقولِ إلى دار البلىٰ ٢١٤/١٣٩
آه واحزناه أنا المنقولِ إلى عسكر الموتى ١٩٨/٤١

ن.ق.م

إنْتَقِمْ: أللّهمّ وانتقم منهم «الظّلمة» ١١٩/٥

... إنتقم منه «من يؤذيني» ١٦٠/١
لِنَقْمَتِهِ: ولايخفى عليه خافيةٌ وليس لنقمتِهِ واقيةٌ ١٤٩/٢٢
الْإِنْتِقام: ترك الإنتقام ممّن ظلمني إلى يوم ٤٤/١١
أسترني بسترك كما تأتيتني عن الإنتقام منّي ٨٠/٩
إِنْتِقامِكَ: أسألك سؤال وجل من إنتقامك ٢٤٧/١
وتجيرني بها اجارة من معاطب إنتقامك، ١٩٩/٤٨
بِالْإِنْتِقام: ولاممتهناً إلاّ بالإنتقام لك ١٤٧/١٠٦
الْمُنْتَقِمُ: والمنتقم ممّن عصاه بأليم العقاب ٢٣٩/٣
نِقْمَةً: اللّهمّ وإن كنت بعثتها نقمَةً وأرسلتها سخطة ٩٧/٣
أو نقمةٍ ضارّة ٩٧/١
النِّقْمَةِ: وأبطأت عليه من سطوات النِّقمةِ ٨/١٦
وأبطأت به عليه من سطوات النِّقمةِ ٩٨/١٠
ما أنا أهله من العذاب والنِّقمةِ ١٨٦/٨
نِقْمَتِهِ: وبامن عفوه أكثر من نقمتِهِ ٣٤/٨
حمداً يكون ... خفيراً من نقمتِهِ ١/٢٩
وبامن قلّ عند نقمتِهِ صبرى فلم يخذلني ١٥٨/٢
نِقْمَتِكَ: فأنا المستوجب بإلهي... مفاجأة نقمتك ١٤٨/٦
إعتق رقابنا من نقمتك ٨/٢٠
فأكون عندك مسيئاً أو متعرّضاً لسخطك ونقمتك ١٢٣/١٨
فأمنت تعجيل نقمتك ١٢٨/٩
أللّهمّ إنّ الظّلمة ... نسوا نقمتك ١١٩/٤
وفرقنا من أليم نقمتك ١٩٩/١١٧
أللّهمّ ... من نقمتك أرهب ١٩٩/٨
أسألك سؤال ... حذر من نقمتك ٢٤٧/١
ولوخفت تعجيل نقمتك لأخذت حذرى ٢٥٧/٦
فالويل لها إن صادفت نقمتَكَ ٢٠٢/٨
وحملتني المخافة من نقمتِكَ ١٩٥/٣
أعوذ برضاك ... من فجاءة نقمتِكَ ١٤٩/٥٣
فإنّ رجائى قد أشعرنى بالأمن من نقمتِكَ ١٨٦/١
بِنِقْمَتِهِ: ركبنا متون زجره... ولم يعاجلنا بنقمتِهِ، ١/٢٣
لم يشق بنقمتِهِ المستغفرون ١٨٥/٤
بِنِقْمَتِكَ: فلم تعاجله بنقمتك ٨/١٥ـ٩٨/٩
ولايسقى بنقمتك المستغفرون ١٤٦/٦
بِالنِّقْمَةِ: بادره «ظالمى» بالنِّقمةِ ١٥٥/١
النِّقَمِ: إلهى ... إدفع عنّا مكاره النِّقم ١٨٧/٧
إنّك ... صارف اللّأواء والنِّقم ١٩٩/٥٠
وأستعيذ بك من بوادر النِّقم ١٩٩/١٨٢
لِلنِّقَمِ: وتعرّضت للنِّقَمِ ١٦٤/١٢
نَقِمَتِكَ: وأخرجنى إلى فناء نقمتك طريداً ٨٨/٧
ليس فى حكمك ظلم ولافى نقمتك عجلةٌ ٥٢/٢
أدر رحى نقمتك على الملحدين ٩٧/٣
واعتق رقابنا من نقمتك ١٥/٢
ولايبرّئ نفسه من استيجاب نقمتك ١٠١/٩
لِنَقِمَتِكَ: ربّ لاتجعلنى ... لنقمتك نصباً ٥٢/٣
بِنَقِمَتِكَ: فإنّ قوّتى لاتستقلّ بنقمتك ١٠١/٥
بِالنِّقَمَةِ: يامن لايغيّر النعمة ولايبادر بالنّقمة ١٤٦/٢

ن.ق.و

نَقَّيْتَ: فلك الحمد على ما نقّيت ١١٦/٨٢
نَقِيٌّ: فقام «العبد» إليك بقلب طاهر نقيّ ٣٤/٧
فقبضه «محمّداً» ... طاهراً نقيّاً، ١٩٩/٥٩
النَّقِيِّ: اللّهمّ صلّ على... علىّ‌بن محمّد النّقيّ ١٨١/٤
نَقِيَّةً: أسألك عيشة ... نقيّةً ٢٢٥/٣
نَقِيَّتِهِ: الّذى لم يرضه بين العالمين سعى نقيّتِهِ، ١٩٩/١١١

ن.ك.ب

يَنْكُبَنا: نعوذبك أن ... ينكبنا الزّمان ٢٦/٥
نَكْبَةً: وكلاّ ألاقى نكبةً وفجيعة ٢١٩/٦
لِنَكَباتِ: وأنا أعرض لنكبات الدهر علىّ ٢١٩/٨
بِالنَّكَباتِ: فإنّها ... المشحونة بالنّكبات ١٩٦/١
النّاكِبِينَ: وأزل به (زلّتك) النّاكبين ١٤٧/٦٥

ن.ك.ث

النّاكِثِ: ما أنت صانع بذلك العبد الغادر النّاكث ١١٨/٦
النّاكِثِينَ: وارزقنى سفك دماءالمشركين والنّاكثين ١٢٨/٥

ن.ك.ح

مَنْكَحي: فاجعل فى الحلال ... منكحي ٢٤٨/٢

ن.ك.د

نَكَدَ: ويمن لانكد معه ١١٠/٦
ولاتجعل الحياة علينا نكَداً ١٠٩/٢١
نَكِداً: وإن أعطوا أعطوا نكِداً ٥٩/٣

ن.ك.ر

نَكِرْتُ: ممّن هو دونى نكرْتُ آلاءك ٣٥/٣
لاتُنْكَرُ: أسألك بأنّك ... معروفٌ لاتنكَرُ ١٣٠/٤
أَنْكَرَهُ: عرّفتنى ما أنكرَهُ غيرى ٢٤٨/٧
أَنْكَرَكَ: الإحتجاج لك على من أنكرَكَ، ١٠/٣٣
أَنْكَرُوا: الظّلمة... عرفوا ثمّ أنكرُوا نعمتك ١١٩/٣

أَنْكَرْتَ: وفيما أنكرت تغيير فامنن علىّ ٥٥/٢٩
لما أنكرت منّا فيه برأفتك الّتى لاتنفد ١٤٢/٥٣
لاٰيُنْكِرُ: لاينكر بالٰهى عدلك إن عاقبته ٨٠/٧
فَتَنَكَّرَتْ: تلك المعالم فتنكّرت الآثار ٢١٩/٣٤
نُكْراً: وعذّبهم «الظّلمة» عذاباً نكراً ١١٩/١٠
إِنْكَارَ: أللّهمَّ وأشرب قلوبنا إنكارَ عمله ٥٠/٧
إِنْكَارِكَ: لاتفتنه بالأمن من إنكارِكَ ٤٤/٩
مُنْكِرٍ: أدينك ... راضياً غير منكر ١٩٩/١٩
كَالْمُنْكِرِ: أو كالمنكِرِ فضل إحسانك إليه ٨٠/٢
الْمُنْكِرِينَ: وضرب وجوه المنكِرِينَ ١٠/٢٩
نَكيرٍ: ومنكر ونكيرٍ ورومان فتّان القبور ١٢/١٢
وبلقاء منكرٍ ونكيرٍ مسرورين ٢٠٦/٢٢
أبكى لسؤال منكرٍ ونكيرٍ إيّاىَ ١١٦/٧٩
بِنَكيرِكَ: واغتراراً بنكيرِكَ عليه ٤٤/٢
مُنْكَرٍ: وبلقاء منكرٍ ونكيرٍ مسرورين ٢٠٦/٢٢
ومنكرٍ ونكير ورومان فتّان القبور ١٢/١٢
أبكى لسؤال منكرٍ ونكيرٍ إيّاى ١١٦/٧٩
الْمُنْكَرِ: ... والنهى عن المنكر ... ٢١/١٣
مُنْكَرَاتِ: وجنّبنى منكرات الأهواء ١٣٨/٨
بِالْمُنْكَرَاتِ: وجاهرتهم بالمنكرات ٢١٩/٢٢

ن.ك.س

نَكَّسَ: ونكّسَ رأسه «العبد» فانثنى ٣٤/٧
نَكَّسْتَهَا: لاتدع للجور ... رايةً إلاّ نكّستها ٧٠/٩
لَمْ تُنَكِّسْ: ولم تنكّس برأسي عند إخواني ١٤٩/٣٣
النَّوَاكِسُ: النّواكس الأذقان الّذين قد طالت ١٢/٨

ن.ك.ص

نَكَصْتُ: ونكصتُ بتسديدك عن عثرتي ٣٩/٧
نَاكِصِينَ: رجعوا على أعقابهم ناكصين ٢١٩/٤٣

ن.ك.ف

إِسْتَنْكَفُوْا: إنّ الظلمة... استنكفوا عن عبادتك ١١٩/١
يَسْتَنْكِفُ: تضرّع من يستنكف عن مسألتك ١٩٩/١٢٧
مُسْتَنْكِفٍ: باٴساً فقيراً تائباً غير مستنكفٍ ١٤٨/٢٧
أدينك ياربّ ... غير ... مستنكفٍ ١١٩/١٩

ن.ك.ل

فَنَكَلَ: فنكل عن أن يرى الحقّ فى أحسن صورته ١٠/٣
فَلَمْ يَنْكِلُوا: الّذين جدّوا فى قصدك فلم ينكلوا ١٩٩/٣٠

نَكِّلْ: ونكّل بهم «عدوّ أهل الثّغور» من وراءهم، ٦٧/٧
نَكِّلْهُ: ونكّله واجتثّهُ «ظالمى» ١٥٥/٢
تَنْكِيلاٰتِكَ: وعواصف تنكيلاتك فى ٢٢٣/٥
نَكَالاً: ولانكالاً لمن اعتبر ولافتنة لمن نظر ١٤٧/١٠٥
النَّكَالِ: من أليم النّكال وشديد الوبال ٨٨/٢٠
نَكَالِهَا: أعوذبك من ... نكالها «الدنيا» ٧٨/٥
بِنَكَالِكَ: ولابنكالك جاهل ٩١/٢
أَنْكَالاً: ووعدت فيها «ناراً» أنكالاً وجحيماً ٢٠١/٤٧
بِأَنْكَالِ: أم تراك تقيّد بأنكالِ الجحيم ١٩٩/١٥٣

ن.م.ى

نَمَا: آه واخطيئتاه كلّما زاد عمرى زاد ذنبى ونما ١٩٨/٦٦
حَتّى يُنَمِّيَهَا: يامن يثمر الحسنة حتّى ينمّيها ١٤٦/٣
النَّمَاءِ: صلاة مقرونة بالتّمام والنّماء، ١٩٩/٢٠
نَامِياً: واجعل لى... ذكراً نامياً فى الآخرين ١٤٧/١٠٩
نَامِيَةً: تجارةً نامية مباركةً لاتلهينى ٣٦/٧
صلّ على محمّد ... صلاةً ... نامية ٣٩/١٢
وعافنى عافية كافيةً شافيةً عاليةً نامية ٦١/٢
وصلّ عليه صلاةً نامية ١٤٧/٤٨
النَّامِيَاتِ: الصلوات ... النّاميات ١٤٧/٦٩
نَوَامِيَ: صلواتك ونوامى بركاتك ١٤٣/٢٣
أَنْمَىٰ: صلواةً نامية لانكون صلاةً أنمىٰ منها ١٤٧/٤٨

ن.و.أ

نَاوَأَنِي: وحدتى فى كثير عدد من ناوأني ١٥٢/٥ـ١٥٣

ن.و.ب

أَنَابَ: وتهدى من أناب إليك من ١٩٩/١٦٩
وتوبة من أناب إليك مقبولة ٢٥٥/٤
إِنْتَابَهُ: ويأرحم من انتابَهُ المسترحمون ٣٤/٨
تَنَاوَبَتِ: صلّ عليه وآله ما ... تناوبت الأعوام ١٩٩/١٩
إِنَابَةً: إن يكن التّرك لمعصيتك إنابةً ٨٠/٢٤ ـ ٨١/٨
ولاحاجة بك إليه ولاإنابةَ له ١٢٧/٩١
الْإِنَابَةَ: والإنابةَ والإخلاص والخشوع ١٢٩/١٠
أرزقنى حسن الإنابةِ ٤٩/٢٠
فى هذه اللّيلة الإجابة وحسن الإنابةِ ١١٤/٦
يامن عوّد عباده قبول الإنابةِ ٣٤/٨
وهذا «رمضان» شهر الإنابةِ ١١٧/١
ولّيت أسباب الإنابة إليك بمستوضحات ٢٤٩/١
حال الإنابةِ إلى طاعتك ٩٨/٩ ـ ٨/١٥

وارزقنى ... الإنابةَ والتّوبة ١١٧/٩
أللّهمّ ارزقنى ... الإنابةَ إلى دار الخلود ١٣٦/١
أللّهمّ... ارزقنى... الرّغبة إليك والإنابةَ والتّوفيق ١٣٧/٤
تستنظرهم بأناتك الى الإنابةِ ١٤٢/٥
بالإنابَةِ: ولامهرب له عنك، تلقّاك بالإنابةِ ٣٤/٧
ثمّ أتبعت ذلك بالإنابةِ إليك ١٤٧/٧٩
قد خضعت بالإنابةِ إليك ١٨٢/٢
ومن لزم عبادتك جدير بالإنابةِ ٢٥٦/١
نَوائِبِ: واكفنا حدّ نوائبِ الزّمان ٨/٢٥ ـ ١٥/١٠
مُنيبٌ: إنّك منيبٌ قريب وذلك عليك يسير ٢٤٧/١٠
إذا مسّ الإنسان ضرّ دعا ربّه منيباً إليه(قرآن) ٢٥٧/٣٤ـ٣٥/١١
الْمُنيبُ: وآدم... المنيبُ الّذى لم يصرّ على ١١/٣
مُنيبينَ: ... منيبين مصيبين ... ٤٢/١٧
الْمُنيبينَ: وزد فى إحسان المنيبين ١٧٣/١٠ ـ ٧/٨
إن يكن التّرك لمعصيتك إنابةً فأنا أوّل ٨١/٨ ـ ٨٠/٢٤
إنّك أنت ... الرّحيم للخاطئين المنيبينَ ٨٠/٢٥
انّك أنت الرّحيم للخاطئين المنيبينَ ٨١/٩
وارزقنا ... قناعة المنيبينَ ٢٠٠/١٨
النُّوبَةِ: أعدائك فى أقطار البلاد من... النُّوبةِ ٦٧/١١

ن.و.ح

ناحَ: أنا جليس من ناحَ على نفسه ١٩٨/٣٩
أَنُوحُ: وكم أنُوحُ عليها ليلى ونهاري ٢٠١/٢٨
النَّوّاحينَ: عبرت أعين النّوّاحينَ ٢٠٠/٣٢
نُوحاً: يامن نجّى نوحاً من القوم الظّالمين ١١٤/١٩
وبحقّ نوحٍ وسفينته ١٨٠/٢
ولقد نادانا نوحٌ فلنعم المجيبون (قرآن) ٢٤٩/٢٢
ففى مثل سفينة نوحٍ عليه السّلام فاحملنى ٢٤٨/١١

ن.و.خ

أَناخَ: من الّذى أناخ ببابك مرتجياً نداك ١٨٥/٢
أَناخُوا: حتّى أناخُوا فى رياض النّعيم ٢٠٠/٢٤
حتّى أناخُوا فى رياض الرّحمة، ١٩٩/١٩٥
أَنَخْنا: قد أنخنا بفنائك وببابك ١٤٠/٢
أُنيخَتْ: أنيخت نوازع الآمال منّى إليك ٢٤٩/٥
الْإِناخَةِ: ودعتنى الإساءة إلى الإناخة ١٩٥/٣

ن.و.ر

أَنارَ: أنار لنا مدلهمّات الظّلام ١٤٤/١٨
يُنيرَ: وينير معالم مقاصده ٢٢٣/٧
نَوَّرَ: آمنت بمن نوّر بك الظلم ١١٠/٢
تُنَوِّرُ: ما تنوّرُ به قبورهم وتفسح به عليهم ١٤٣/٣٧
تنوّرُ بها بصرى ١٤٣/٤٢
نَوِّرْ: نوّر به «كتابك» بصرى ١٥٣/١٣
نوّر عليهم فى مضاجعهم ١٤٣/٣٩
الْإِنارَةِ: وامتهنك بـ... الإنارة والكسوف ١١٠/٢
النّائِرَةِ: وكظم الغيظ وإطفاءِ النائرة ٥٥/١٥
مُنيراً: وللمتخلّفين... نذيراً وسراجاً منيراً، ١٠/٨
وجعل فيها سراجاً وقمراً منيراً يااللهُ ١٣٢/٣
الْمُنيرِ: البشير النذير السراج المنير ١٤٣/٢٣
السراج المنير زين يوم القيامة ١٤٣/٥١
الداعى إليك بإذنك السّراج المنير ١٢٣/٩
علىّ بن محمّدٍ السّراج المنير ٤٢/١٢
الْمُنيرَةَ: جعلت الشّمس النّيّرة المنيرة ٢٤٥/٤
مُسْتَنيراً: ولمن استصبح بذكاء زنده مستنيراً ١٠/٨
النَّيِّرَةَ: جعلت الشّمس النّيّرة المنيرة سراجاً وهّاباً ٢٤٥/٤
مَناراً: بإمامٍ أقمته علماً لعبادك ومناراً فى بلادك ١٤٧/٦١
أقمت لهم «الخلق» منارَ القصد إلى طريق ٢٤٩/١
مَنارَهُمْ: واحطط من قاعاتها ومظانّها منارهم ٢٢٣/٥
شكّ فى... الإئتمام بهداية منارهم ١٤/٦
نُوْراً: ياألله يانورُ ياألله ياذالعظمة ١٣٤/١
واحش قلوبنا نوراً يمنعها ١٩٩/٣٥
بغير قبس نورٍ من الكتاب ٢١٩/٢٥
أن تجعل القرآن ربيع قلبى ونورَ بصرى ٢٢/٤٠
واجعل لي نوراً بانور السّموات والأرض، ١٣٤/٤
أللّهمّ أعطنى نوراً وهب لي نوراً ١٣٤/٤
اللّهمّ اجعل نوراً فى قلبى ونوراً فى سمعى ونوراً فى بصرى ونوراً فى شعرى ونوراً فى بشرى ونوراً فى عظامى ونوراً فى لحمى ونوراً فى دمى ونوراً عن يمينى ونوراً عن شمالى ونوراً من فوقى ونوراً من تحتى ونوراً من بين يدى ونوراً من خلفى ١٣٤/٣
يامن له نورٌ لايطفئ ٢٢٢/٥
أنت نورُ النّور وربّ الأرباب ١٣١/٣
وعلىّ بن الحسين ... ونورِ الزّاهدين ٤٢/٦
وهب لي نوراً أمشى به فى النّاس ٥٩/٩
أو أنت منزلهُ «الخبر» من نورٍ تهدى به، ١٣٢/٥
أم ترقى إلى نورِ ضياءِ قدسك ٢٠٠/٤١
ما أجريت على ألسنتنا من نورِ البيان ٢٠٠/٢٢
فاجعله نوراً لنا فى قبورنا ومبعثنا ٢٠٠/٢٢
ونور هدىً لايطفأ عن الشّاهدين برهانه ١٠٩/٤

وجعلته نوراً نهتدى من ظلم الضّلالة ١٠٩/٣
إلهى، الشّيبة نورٌ من أنوارك ٢٠١/٨
كتابك الّذى أنزلته نوراً ١٠٩/١
ياقدّوس يانورُ ياقدوس ١٤١/١
بشعاع نورِ درجته «محمّد» ١٠/٢٤
النُّورِ: بماأنزلت فيه من القرآن والنّورِ ١٤٢/٢٤
فخرّقت قلوبهم حجب النّورِ ٢٠٠/٤٣
والنّورِ عند الظّلمة ١٦٤/٢٢
فتتلقّاهم ... محفوفة بالنّضارة والنّورِ، ١٩٩/٦١
وجعل الظلمات والنُّورَ (قرآن) ١٤٣/١١
أللّهمّ عظّم النّورَ فى قلبى ٢٥٢/٣٨
واجعل النُّورَ فى بصرى ٢٥١/٢١
حسن ظنّى بك سبحان خالق النّورِ ١٣٧/١٠
المبيّنات وما فيهنّ من النّورِ والظّلمات ١٣٧/٥
وأخرجنا من الظّلمات إلى النّورِ ١٣٩/٣
وعظّم النّورَ فى قلبى ٢٥١/٩
إجعل النّوْرَ فى بصرى ٢٥٢/١٣
وخازن النّورِ فى السّماء ١٣٨/١
أنت نور النّورِ وربُّ الأرباب ١٣١/٣
سبحانك تعلم وزن الظّلمة والنُّورِ ٤/١٨
واجعل قلوبنا معقودة بسلاسل النّورِ ٢٠٠/٣٧
ولِمَ الّذين آمنوا يخرجهم من الظّلمات إلى النّورِ (قرآن) ١٨/٥
يخرجونهم «كفّار» من النّورِ إلى الظّلمات (قرآن) ١٨/٥
العالم بما ... يبديه النّورُ ١٩٩/٥
ياخالق الظلمات والنّورِ ١٢٨/١
نُورُهُ: وأمتنى ميتة من يسعى نورُهُ ١٢٧/١٠٠
أللّهمّ وكوّر شمسه وأطفىء نورَهُ ٧٠/١٠
سبحان من أشرق نورُهُ كلّ ظلمة ٥/١
وأتمّ نورَهُ «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
نُورُهُمْ: نورهم يسعى بين أيديهم (قرآن) ١٤٢/٧
نُورِها: وأره من أشرف صلواتنا وسبحات نورها ١٠/٣١
ومن نار نورُها ظلمة ٨٨/١٩
نُورُكَ: وغشي بصر كلّ ناظر نورُكَ ١٤٩/٤
سيّدى لولا نورُكَ عميت عن الدّليل، ١٩٩/٧١
الظلمة... تعاونوا على إطفاء نورِكَ ١١٩/٢
أىّ عين برمى بها نصب نورِكَ ٢٠٠/٤١
فمحال أن تحرق نورَكَ بنارك ٢٠١/٨
نُوري: سيّدى أنت نوري فى كلّ ظلمة، ١٩٩/١٦١
يانوري في كلّ ظلمةٍ ١٤٩/٢٨
نُورَنا: وبأيمانهم يقولون ربّنا أتمم لنا نورنا (قرآن) ١٤٢/٧

بِنُورِ: سموا إلى العلوّ بنُورِ الإخلاص ٢٠٠/٢٥
أو أنظر بنورِ يغظة ٢١٩/٥
وإنمّا يهتدى المهتدون بنورِ حكمتك ٨/٢٣
وأستهديه بنورِ برهانه، ١٩٩/٥٤
لانسلب عقلاً هو مستضيء بنورِ هدايتك ٣١/١
وقطعت قرآئن الضّلال بنورِ هدايته «محمّد» ١٠/٥
إنّما يهتدى المهتدون بنورِ وجهك ١٥/١٣
أسألك بنورِ وجهك الّذى أضاء له ١٧٧/٣
بِنُورِهِ: وتثقفونا آثار الّذين استضاءوا بنوره ١٠٩/١٠
الحمدلله الذى بنوره اهتدينا ١٤٣/٩
بِنُورِهَا: يستبصر بنورها الموجودون، ١٩٩/٧
بِنُورِكَ: أللّهمّ... بنورك أهتدى وأستبصر ١٩٩/٢
وجلّلنى بنورك ١٥٥/٧
وبيّض وجهى بنورك ١١٦/١٢٤
اللّهمّ إنّى أسألك بنورك وعزّك وجلالك ١٦٠/١
وبنورك اهتدينا ١١٦/٤٠
نضّر وجهى بنورك ١٢٣/١٣
بالنُّورِ: وإستخلص بالنّور والضّياء ٢/٢ ـ ٧/٢
أنّ محمّداً... المؤيّد بالنّورِ المضئ ١٩٩/١٦
أَنْوارِ: جلّلنى نعمك من أنوار الإيمان حللاً ١٨٧/٥
وأتمم لنا أنوار معرفتك، ١٩٦/٣
الأَنْوارِ: والظّلم والأنوار والأرض والسّماء ١٣٢/١
الحمدلله... مولج الأنوار فى الظّلم، ١٩٩/٥٢
أَنْوارِكَ: إلهى ألشّيبه نورٌ من أنوارك ٢٠١/٨
بِأَنْوارِ: أسألك ... بأنوار قدسك ١٨٦/٤
أن تغشّي وجوهنا بأنوار محبّتك، ١٩٥/٦
لِأَنْوارِهِ: فقام محمّد ... مرشداً لأنواره، ١٩٩/٥٨
نارٌ: يانارٌ كونى برداً وسلاماً (قرآن) ٢٢/٢٥
وخلقت ناراً لمن عصاك ٢٥٧/١٦ ـ ٢٠١/٤٧
ترحمنى من خيبة الرّدّ وسفع نار الحرمان ٢٥١/٤
وأطفى عنّى نارَ من شبّ لي وقوده ٢٥٢/٢٥ ـ ٢٥١/٣١
يارتّاه أعوذبك من نارٍ حرّها لايطفأ، ١٩٨/٧٤
والحمدلله... حمداً نعتق به من ألِيم نارِ الله... ١/١٧
أطفأوا نارَ الشّهوات بنضح ماءِ التّوبة ٢٠٠/٣٤
أنضجت نارالخشية منابت الشّهوات ٢٠٠/٣٣
آه وانفساه من نارٍ تتوقّد ولاتطفأ ١٩٨/١٩
آه وانفساه من نارٍ يطول فيها مكث ١٩٨/١٧
آه وانفساه من نارٍ وقودها ١٩٨/١٦
آه وانفساه من نارٍ حرّها لايطفأ ١٩٨/١٢
آه وانفساه من نارٍ تحرق الجلود ١٩٨/١٣

آه وانفساه من نارٍ جريحها لايداوى ١٩٨/١٤
أطف عنّى نار من شبّ لي وقوده ٧٨/٦
أعوذبك من نارٍ تغلّظت بها على من عصاك ٨٨/١٩
ومن نارٍ يأكل بعضها بعض ٨٨/١٩
ومن نارٍ نورها ظلمة ٨٨/١٩
ومن نارٍ لاتبقي على من تضرّع اليها ٨٨/٢٠
ومن نارٍ تذر العظام رميماً ٨٨/١٩
أعوذبك من نارٍ حرّها لايطفى ١١٢/٨
النّار: وقنى عذاب النّارِ وعذاب الحريق ١٢٩/٨
والعتق من النّارِ ١١٧/١٣
ومن ولدته والمؤمنين والمؤمنات من النّارِ ١٢١/٢٢
إذا كان جزائى منك فى أوّل ما عصيتك النّارَ ٤٩/١٨
وعافنى من النّارِ ٢٠٦/١٥
اللّهمّ لاتقلّب وجهى فى النّارِ بعد تعفيرى ١١٢/٩
وقنى برحمتك عذاب النّارِ (قرآن) ٥٥/٤٢
فتعتقنى فيها «ليلة القدر» من النّارِ ١٢٧/٣
ولكن ممرّها على النّارِ ٢٠١/٩
فبالينى إذا حرمت الجنّة لم أدخل النّارَ ٢٠١/٩
أولئك «كفّار» أصحاب النّارِ هم فيها خالدون (قرآن) ١٨/٥
فأوجب ... النّارَ على من عصاه «محمّداً» ٢/٩
ربّ اصرف وجهى عن النّارِ ١٣٣/٥
واصرف النّارِ عن وجهى ١٣٣/٥
وأكتب لي براءةً من النّارِ ١٣٣/٧
أمرت بى إلى النّارِ... ما قطعت رجائى ١١٦/٧٤
وطلقائك من النّارِ ١١٧/١٦
وهذا «رمضان» شهر العتق من النّارِ ١١٧/١
وأن تجيرنى من عذاب النّارِ ١٤١/٧
وقنى عذاب النّارِ ١٣٨/٥ ـ ١١٧/٣١
إجعل عقباه «ظالمى» النّارَ ١٥٥/٣
وقنا عذاب النّارِ (قرآن) ١٢/١٣٣ـ٥٦/١٤٣ـ١٦/٦٤ـ١٠/٨٧
وكبّة النّارِ وطول الخلود فيها ١٤/١٠
سيّدى إن دعانى إلى النّارِ مخشىّ عقابك ١٩٩/٨٦
وأعوذبك من فتنة الدّنيا والآخرة وعذاب النّارِ ١٣٨/٦
وأعتقنى من النّارِ وأدخلنى الجنّة ١٣٨/١٩
وتعتقنى من النّارِ بجودك وكرمك ١٣٠/٦
أللّهمّ إنّى أسألك فكاك رقبتى من النّارِ ١٤٩/٤٩
إجعلنى من ... محرّريك من النّارِ ١٤٣/٤٥
ومن النّارِ هاربين ٢٠٦/٢١
حتّى لايكون فى النّارِ معذّب غيرى ٢٣٠/٣
ورحمتك ورضوانك عليهم من النّارِ فأعتقنى ٢٤٨/١١
أفضل جائزتك اليوم فكاك رقبتى من النّارِ ٢٤٩/٢٤
فيمن زحزحت عن النّارِ فزحزحنى ٢٤٨/١١
بينى وبين خوفى من دخول النّارِ ٢٥٧/٢٠
وقد شبنا فى ملكك فاعتقنا من النّارِ ٢٠٨/٤
وبمفازةٍ من النّارِ فنجّني، ١٥٣/١٨
إلهى وسيّدى ومولاى لئن أدخلتنى النّارَ ٢١٢/٧
فأعتق رقابنا من النّارِ ١١٦/١٣٢
راغبٌ إليك فى فكاك رقبتى من النّارِ ١٤٩/٣٩
أسألك... أن تجيرنى من النّارِ فى يوم الدين ١٣٥/٩
ربّ ... أجرنى من الجهل والنّارِ ١٣٥/١٧
أن تعتقنى من النّارِ ١٤٣/٤٣ ـ ١٣٤/٥ ـ ١٢٤/٨
كيف تصبران على تحريق النّارِ ٢٠٦/١ ـ ٢٠٦/٢
الويل لي إن كان فى النّارِ مجلسى ٢٠٥/٧ ـ ٢٠٦/٨
كيف يصبر على تحريق النّارِ ٢٠٦/٣
كيف تصبران غداً على تحريق النّارِ ٢٠٥/١ ـ ٢٠٥/٢
كيف يصبر غداً على تحريق النّارِ ٢٠٥/٣
فحرّم شعرى وبشرى على النّارِ ٢٦٨/٢
إلهى لئن أدخلتنى النّارِ ٢٠٣/٧
ووصفته «العذاب» بما وصفته من... النّارِ الحامية والنّار الموقدة ... والنّار المؤصدة ... والنّار التى لاتطفأ والنّار التى تكاد تميّز من الغيظ والنّار التى وقودها النّاس والحجارة والنّار التى يقال لها هل امتلأت... والدرك الأسفل من النّار ٢٥٧/١٧
ووصفته «العذاب» ... من سرادقات النّارِ ٢٥٧/١٦
واعتقنى من النّارِ فإنّى منك إليك أفرّ ١٢٨/٨
أتحرقني فى النّارِ ياغاية المنى ٢١٦/٥
آه وانفساه إن... صرت فى النّارِ مع من هوى ١٩٨/٥٠
نجّنى برحمتك من عذاب النّارِ ١٨٤/٩
وجمّلنى بالعافية وأجرنى من النّارِ ١٤٩/٥٩
وأجرنى من النّارِ بعفوك ١١٦/١١٦
إلهى إن أدخلتنى النّارَ ففى ذلك سرور عدوّك ١١٦/١١٩
لئن أدخلتنى النّارِ لأخبرنّ أهل النّارِ بحبّى لك ١١٦/١١٧
اللّهمّ أذقه حرّ النّارِ ٧١/١
منتهى دعوته إلى النّارِ ٤٩/١٣
فكاك رقبتى من النّارِ ١٤٩/٥٠
نارك: فكيف يصبر على حرّ نارك ٢٠٥/١٦
منازلتى إيّاك فى فكاك رقبتى من نارك ١٤٧/١٠٢
فكيف تستطيع حرّ نارك ١٦٢/٦
بنارك: فمحال أن تحرق نورك بنارك ٢٠١/٨
للنّار: وعظّمت للنّار خلقى وجسمى ٢٣٠/٣
أللنّار خلقتنى فأطيل بكائى، ١٩٧/٤٣

إلهي ألِلنّار ربّتني أمّي؟ ١٩٧/٤٤
بِالنّارِ: إلهي أتحرق بالنّار جسمي ٢٠١/٣٦
إلهي أتحرق بالنّار قلبي ٢٠١/٣٥
إلهي أتحرق بالنّار وجهي ٢٠١/٣٢
إلهي أتحرق بالنّار عيني ٢٠١/٣٣
إلهي أتحرق بالنّار لساني ٢٠١/٣٤
أتعذبني بالنّار وأنت أملي ٢٤٣/٦
سيّدي أتراك تحرق بالنّار وجهاً طالما ١٩٩/١٥٣
فلاتحرقني بالنّار ١١٦/٩١
أتحرقني بالنّار ياغاية المنى ٩١/٥
إلهي أتحرق بالنّار أركاني ٢٠١/٣٧
نيرانِكَ: كيف تحرقه بحرارة نيرانك ١٨٤/٧

ن.و.س

النّاسِ: محافظاً على رياء النّاس ٢٧/٧ ـ ١٤٨/٣٠
لم يكلني إلى الناسِ فيهينونني ١١٦/٨ ـ ١٢٠/٧
ولاترفعني في الناسِ درجةً إلاّ حططتني ٥٥/٥
تقرّباً إلى النّاسِ بحسناتي ٢٧/٨
لايعلمه أحد من النّاسِ غيرك ٢٥/٤
ممّن عاشرت من صنوف الناسِ ٢١٤/٥
وجعل أفئدة من النّاسِ تهوى إليهم (قرآن) ١٣/١
لله على الناسِ حجّ البيت (قرآن) ١٤٤/٢٢
عبادك الصّالحين من الجنّة والنّاسِ أجمعين ١٩٩/١٢
وهب لي نوراً أمشي به في النّاسِ ٥٩/٩
فإغفر لي ما خفي على النّاسِ من أمري ١٩٩/١٢٥
بعثه والنّاسُ في غمرة الضّلالة ساهون، ١٩٩/٥٨
أذّن في النّاسِ بالحجّ يأتوك رجالاً (قرآن) ١٤٤/٢٣
وترى النّاسَ سكارىٰ (قرآن) ٢٠٧/٢٣
فارحمني سيّدي يوم يفردني النّاسُ في حفرتي ٢٤٩/٢٢
يوم يقوم النّاسُ لربّ العالمين (قرآن) ٢٠٧/٧
يوم يكون النّاسُ كالفراش المبثوث (قرآن) ٢٠٧/٥
وفي أعين النّاسِ فعظّمني ٢٥٢/١٥ ـ ٢٥١/٢٣
إغفرلي ما قد خفي على النّاسِ من عملي، ١٩٧/١١
والنّار الّتي وقودها النّاسُ والحجارة ٢٥٧/١٧
لِلنّاسِ: وأجر للنّاس على يدي الخير ٥٥/٤
أبدي للنّاس أحسن أمري ٢٧/٨
أنزلت فيه «رمضان» القرآن هدى للنّاس ١١٧/١
هدىً للنّاسِ وبيّنات من الهدى والفرقان (قرآن) ١١٥/٣

ن.و.ص

مَنْاصاً: ولاعلماً لاَمَّ ولامناصاً لقاصدٍ ٢٢٣/٥
أنادي ولات حين مناصٍ ٢١٩/٢٧

ن.و.ط

نُطْتَ: بحقّ ... من نطت معاداته بمعاداتك ١٢٧/٨٣
مَنُوطاً: واجعل دعائي منوطاً بالإجابة ٢٠٢/٩
لاتخيّب رجاءً هو منوطٌ بك ٣١/١

ن.و.ع

أَنْواعِ: وأنواع القربة اليك ١١٥/١٥
وأعددت لأهلها «ناراً» من أنواع العذاب فيها ٢٥٧/١٦
ونعتاض به من أنواع الذّخر المحروص عليه ١٤٢/٥٠
لِأَنْواعِ: وأسترك لأنواعِ العيوب ١٤٢/٣٦
بِأَنْواعِ: ونزل الضّرّ منزل الضّحّة بأنواع الأذىٰ ٣٥/٤
أيّها المناجي ربّه بأنواع الكلام ١٩٧/٤٦
من ... الأنهار المطّردة بأنواع الأشربة ٦٧/٥
بمنزلة الصّحة وبأنواع السقم والأذىٰ ٢٥٧/٢٧
كنفتني منك بأنواع النعم والكفاية ١٤٤/٢

ن.و.ق

نَاقَتِهِ: وبحقّ صالح وناقته ١٨٠/٢

ن.و.ل

نالَ: ونال منها مناه ٢١٤/١٧
ونال ما تمنّاه وبنى فيها القصور ٢١٤/٩٢
بحدّ سنان نال قلبي فتوقها ٢١٩/٣
عبد نال منّي ما حظرت عليه... فاغفر له ١٠١/٢
سيّدي ... نال الدّهر منّي، ١٩٩/٨١
نالَني: قد علمت ياإلهي ما نالني من فلان بن فلان ٤٤/٢
نالَتْهُ: فتنةٌ إلاّ من نالتهُ منك عصمةٌ ١٣٥/٤
نِلْتَ: وإن نلت منها غبّة لك ضائر ٢١٤/٢٨ ـ ٢١٤/١٠٤
وإن نلت منها غبّها لك ضائر ٢١٨/٦
نيلَ: كلّ خبرٍ نيلَ أو أصيب ١٣٩/٧
يَنالَني: وينالني مقتك فأعذني من ذلك كلّه ١٤٨/٣٢
فَسَيَنالَني: فينالني منه بدعوة هي أسمع لديك من دعائي ٨٠/٧ ـ ٨١/٢٣
يَنالُنا: صلاة تبلغناه بركتها وينالُنا نفعها ١٤٢/٦٤
لَمْ يَنَلْ: بل أيّ مستجير بفضلك لم ينل ٢٥١/٦١
أَنْ يَنالَ: وما عسى أن ينالَ طالب الدّنيا ٢١٤/٣٣
وما عسى أن ينالَ صاحب الدّنيا من لذّتها ٢١٤/١٠٩

لِيَنَالُوا: ولينالوا به لذّة وشهوة ٢١/٢
لَمْ يَنَالُوا: كفروا بغيظهم لم ينالوا خيراً (قرآن) ١١٤/١٨
أَنْ يَنَالُوكَ: وفي خلقك بإلهي عن أن ينالوك ٣/٢
لاتَنَالُ: ولاتنالُ أيدي الهلكات ١٠٩/٤
لَمْ تَنَلْهُ: ولم تنله مقدرتي ولم يسعه مالي ٥٩/٧
وإجعلني ممّن ... لم تنله سطوتك، ١٩٩/١٩٣
بِأَنْ تَنَالَ: لكنت أحدى بأن تنالَ شرف المقام، ١٩٧/٤٦
أَنَالُ: واجعل لي في هذا اليوم نصيباً أنالُ به ١٤٧/٧٧
أعطني... بلاغاً أنالُ به رضوانك ٧٨/٣ ـ ٢٥١/٢٨ ـ ٢٥٢/٢١
وأنالَ به «ما تحبّ» طاعتك ٧٧/٤
وأنالَ به ما عندك فيما أعددته لأوليائك ٢٥٧/٣٨ ـ ٣٥/١٥
لاأَنَالُ: ولاأنال ما عندك إلاّ بطاعتك ٥٧/٤
أَنْ أَنَالَ: فكيف أطمع أن أنال جنّتك بعملي ٢٥٧/١٤
لايُنَالُ: فإنّه لاينال ما عندك إلاّ بك ٢٢/٣٧
لاتُنَالُ: لاتنال بوصف ولايدركك وهم ٢٤٣/٤
اللّهمّ إنّي أسألك برحمتك التي لاتنالُ ١٢٥/١
أَنَلْتَهُ: وأنلته أمله أو صارخ أغثت صرخته ٢٥٦/٢
تُنيلُني: وتنيلني بها «التوبة» المسرّة ١٩٩/٤٩
أَنْ تُنيلَني: أسألك أن تنيلني من روح رضوانك، ١٩٢/٧
أَنِلْني: أنلني حسن النّظر فيما شكوت ٢٤/٥
فَأَنِلْني: فأنلني لطائف مننك فإنّك لطيف ١٩٩/٢٨
تَنَاوَلَ: وإرحمني محمولا قد تناول الأقرباء ١١٢/٧
قد تناول الأقرباء أطراف جنازتي ١١٦/٩٧
نَوَالٌ: ورحمتك الّتي لايشاكلها نوالٌ ١٦/٩
نَوَالِكَ: جدت بالمعروف فاخلطني بأهل نوالك ١٤٠/٣
وجدت بمعروفك فأخلطني بأهل نوالك، ١٩٩/٨٩
سيّدي وكيف أردّ عارض تطلّعي إلى نوالك، ١٩٩/١٠٥
وأجزل لي قسم المواهب من نوالك ١٤٧/١١٢
بِالنَّوَالِ: بمحاسن بك في ... الجود بالنّوال ٦٦/١
إِنَالَتي: لايقدر على إنالتي إيّاه إلاّ بإذنك ٢٠٤/٢
تَنَاوُلِ: على تناوُلِ ما أنت أهله من العبادة ١٤٢/٥١
تقدّست عن تناوُلِ الصفات ٢٤٧/٣
نعوذبك من تناوُلِ الإسراف ٢٦/٦
عن تناوُلِ أطراف المسلمين ٦٧/١٢
لِتَنَاوُلِ: تنبيهاً لتناوُلِ التوبة ٤٦/٣
نَائِلٌ: إلهي أنت الّذي ... لاينقصك نائلٌ ١١٦/١٠٥
نَائِلَكَ: قدأنخنا ... ببابك نطلب نائلَكَ ١٤٠/٢
مُنيلُ: ياعظيم ياجليل ياكريم يامنيلُ ١٩٣/٧
نَوَّالاً: ... فوجدوه نوّالاً ... ٤١/٢
ولجأ إليه العابدون فوجدوه نوّالاً ٨٤/٢
مُتَنَاوَلي: قرّب الخير من متناوَلي، ١٩٩/٧٦

ن.و.م

نَامَ: قد نام وفدك حول البيت قاطبة ٢١٥/٣
فما نام عن إستنقاذي منها عيون رأفتك، ١٩٧/٢٥
نَامَتْ: الهي ... نامَتْ عيون انامك ٨٢/١
نامَتِ العيون وغارت النجوم ٢١٥/١
إلهي طالما نامَتِ عيناي ٢٠٦/١ ـ ٢٠٥/١
لتسهرنا عمّا نامت عنه قلوب الغافلين ٢٠٠/٣٦
يَنَامُ: ينامُ العباد ولاتنام ٨٣/١
إلهي ينامُ كلّ ذي عينٍ ٢٠١/٣٠
وكيف ينامُ من يخاف بيات ملك الموت في طوارق الليل ٨٢/٦
بل كيف ينامُ العاقل وملك الموت لاينامُ ٨٢/٦
لايَنَامُ: اللهمّ إنّي أسألك بأنّك... قيّومٌ لاينامُ ١٣٠/٣
كيف ينام العاقل وملك الموت لاينام ٨٢/٦
تَنَامُ: أم كيف تنامُ عينا من يخشى البيات ٢١٤/١٠٥
أم كيف تنامُ عين من يخشى البيات ٢١٤/٢٩
لاتَنَامُ: أللهمّ إنّي أسألك بأنّك... قائمٌ لاتنامُ ١٣٠/٥
كلّهنّ «تبعات» بعينك الّتي لاتنامُ ٨١/٢ ـ ٨٠/١٤
أللّهمّ احرسني بعينك الّتي لاتنامُ ١٥٨/١ ـ ١٥٦/١
ينامُ العباد ولاتنامُ ٨٣/١
اللّهمّ احرسنا بعينك الّتي لاتنامُ ٢٢/١٥
وبالعين الّتي لاتنامُ ٢٦٧/٣
واحفظني بعينك الّتي لاتنامُ ٢٣٦/٧
لَمْ تَنَمْ: لم تنم عنّي عين حراسته ١٥٣/٤ ـ ١٥٢/٤
وأنت وحدك ياقيّوم لم تنم ٢١٥/٣
أَنَامَتْني: إن أنامتني الغفلة عن الإستعداد للقائك، ١٩٩/٨٧ ـ ١٨٦/٢
نَوْمٌ: لاتأخذه سنة ولانومٌ (قرآن) ١٨/١ ـ ١٥٩/٦
لاتأخذك سنة ولانوم ٨٢/٢
النَّوْمَ: جعل اللّيل لباسا والنّومَ سباتا ٢٤٢/١
ونفى عنّي النّومَ في ليلي ٧٧/٨
نَوْمي: واحفظني في يقظتي ونومي ٢٣٦/٥
إنّي في كنفك ... في ... نومي ١٣٩/١٥
الْمَنام: أن يلعب بي الشيطان في اليقظة والمنام ٢٢/٣٥
مَنَامِهِ: وجعله «الليل» لباساً ليلبسوا من راحته ومنامه ٢١/٢

ن.و.ه

نَوَّهَ: قد شهرني ونوّه بي المكان ١٦٠/٥
نَوَّهْتَ: ونوّهت باسمي كبيراً ١١٦/١٦

فَنَوَّهْتُ: فنوّهْتُ بأسماء الملوك ٢١٩/٢٧

ن.و.ى

نَاوَاهُ: أدله ممّن ناواهُ وعاداه ٧٠/١١
نَاوَاكَ: وحلمك معترضٌ لمن ناواك ١٤٦/٦
فَنَوىٰ: فنوىٰ غزواً أو همّ بجهاد ٦٧/٢٢
يُنَاوِيهِ: عجزاً عمّا يناويه ٤٤/٣
نِيَّةٍ: ونيّة رشدٍ لاأُشكّ فيها ٥٥/٦
ربّ هب لي ... نيّةً صادقةً ١٣٥/١٧
النِّيَّةِ: وآثرله حسن النّيّة ٦٧/١٧
ارزقني ... النّيّةَ الصّادقة ١١٧/١٠
وباطنه وفق لصدق النّيّةِ فيه ١٤٧/٣٩
وأعنّي على صالح النّيّةِ ١٤٧/٩٥
نِيَّتي: أللّهمّ وثبّت في طاعتك نيّتي ٨٠/١٠
ولاتردّني خائباً لفساد نيّتي ١٣٨/١٧
اللّهمّ وفّر بلطفك نيّتي ٥٥/٢
بِنِيَّةٍ: أبّدني منك بنيّةٍ صادقةٍ ٤٤/١٢
واجعل ما يقرّبني إليك ... بنيّةٍ صادقةٍ ١٣٧/٤
بِنِيَّتِهِ: ومتى فرح من قصد سواك بنيّتِهِ ٨٤/٣
بِنِيَّتي: وانته بنيّتي إلى أحسن النيّات ٥٥/١
نِيّاتِ: يعلم... ونيّات القلوب ١٤٩/٢٤
النِّيّاتُ: صحّت النّيّات والقلوب ١٤٣/٣٠
فرجعت القلوب... على النّيّات ٢٠٠/٤٣
وانته بنيّتي الى أحسن النيّات ٥٥/١
نِيّاتِنا: أخلص نيّاتنا في معاملتك فإنّا بك ولك ١٨٨/٣
بِمُناواتِهِ: نأمر بمناواته من أطاع أمرنا ٥٠/١٣
المَنايا: وساقتهم نحوا المنايا المقادر ٢١٤/٣

ن.هـ.ج

إِنْهَجْ: وانهج لي إلى محبّتك سبيلاً سهلة ٥٥/٤١
أَنْهَجَتْ: وأنهجت بآله سبل الرّضا إليك ١٠٩/٩
أَنْهَجْتَ: أللّهمّ إنّك أنهجت سبيل الدّلالة عليك ٢٤٩/١
نَهْجَ: لاأستفيئ نهج الضّلالة عنك ٢٤٩/٥
النَّاهِجُ: اللّهمّ وآدم... النّاهج سبل توبتك ١١/٢
مَنْهَجَةً: أجد سبل المطالب إليك منهجةً ٢٢١/٢
مَنْهَجَهُمْ: المتّبعين منهجهم ١٤٧/٦٨
بِمَنْهَجِكَ: بل هم «عبادك» بمنهجِكَ عالمون، ١٩٩/١٦٨
مِنْهاجِ: أللّهمّ أعنّا ... منهاجِ الهدى ١١٩/٢٩
الْمِنْهاجَ: أللّهمّ أعنّا على سلوك المنهاجِ ١١٩/٢٩
مِنْهاجَهُ: وخذبنا منهاجَهُ «نبيّنا» ١٠٩/٢٥

ن.هـ.د

فَنَهَدَ: فنهد إليهم «أوليائك» مستفتحاً بعونك، ٩/٣

ن.هـ.ر

إِنْتَهَرْتَني: لو انتهرتني ما برحت عن ١١٦/٧٣
فوعزّتك ياسيّدي لو انتهرتني ما برحت من بابك ١١٦/٣٢
نَهاراً: ولاأستشهد على صيامي نهاراً ٨٨/٩
أسفرلنا عن نهارِ الحقّ والعدل ٧٠/١٠
لاأقدر أستتر منك في ليلٍ ولانهارٍ ١٢٨/١١
وللمتخلّفين عن ضوء نهارٍ حقّه نذيراً ١٠/٨
أشرق نهارٌ ذو إبتلاج ١٩٩/١٩
النَّهارِ: ياسالخ الليل من النّهارِ فإذا هم مظلمون ١٣٠/١
أتقرّب به إليك في آناء اللّيل وأطراف النّهارِ ١١٦/١٠٩
الّذي سكن له ما في اللّيل والنّهارِ ٢٨/٢
لايفترون اللّيل والنّهارَ يسبّحون ١٤٨/٢
ما اختلف اللّيل والنّهارُ ٨٨/٢٣
واجعلنا من أرضى من مرّ عليه الليل والنّهارُ ٢١/١٤
جعل النّهارَ نشوراً ٢٤٢/١
وألهمني الخير... وخشيتك باللّيل والنّهارِ ١١٦/٥٢
تفيهم طوارق اللّيل والنّهارِ إلاّ طارقاً يطرق بخير ١٢/٨
ياموليج الليل في النّهارِ وموليج النهار في الليل ١٢٩/١
يامن جعل اللّيل والنّهارَ خلفةً (قرآن) ١٣٢/٣
الحمد على ما ... متّعتنا به من ضوء النهارِ ٢١/٥
وجاعل آية النّهارِ مبصرةً ١٣٥/١
وربّ اللّيل والنّهارِ والجبال والبحار ١٣٢/١
واغفر لي ذنوب اللّيل والنّهارِ ٢٣٩/١١
ياجاعل اللّيل والنّهارِ آيتين ١٣٥/١
ولم أزل أضيع في الليل والنّهارِ في تقلّبي ١٤٩/٣٢
باللّيل والنّهارِ أنت آخذ بناصيتها ٢٢٩/٢٦
إجعل ... ذكرك باللّيل والنّهارِ ٢٥٢/١٣
فألهمنا ذكرك في ... اللّيل والنّهارِ ١٩٢/٢
يامكوّر اللّيل على النّهارِ ١٣٥/١
يا... مكوّر النّهارِ على اللّيل ١٣٩/١
لايستطاع من ... سوءِ حوادث النّهارِ ٢٢/١٩
واجعل ... ذكرك باللّيل والنّهارِ ٢٥١/٢١
آناء اللّيل وأطراف النّهارِ ١٠٩/١٠
الحمدلله الذي خلق الليل والنّهار بقوّته ٢١/١
وخلق لهم النهار مبصراً ليبتغوا فيه من فضله ٢١/٣
ملك الموت في طوارق الليل وطوارق النهارِ ٨٢/٦

اللّهمّ ياجاعل ... النّهارِ معاشاً ١٣٤/١
وزيّن لي التفرّد بمناجاتك بالليل والنّهارِ ١٤٧/٩٤
إيّاك في اللّيل والنّهارِ يعبدون ١٨٩/٣
نَهارُهُ: حتّى لايشهد نهارُهُ «شهررمضان» علينا بغفلة ١١٥/٢٢
وأعنّا في نهارِهِ على صيامه «شهررمضان» ١١٥/٢٢
فصمنا بأمرك نهارَهُ ١٤٢/٢٥
نَهارَكَ: إختلطي ليلك ونهارَكَ مع المتّقين، ١٩٧/٤٧
نَهاري: وفي كلّ ساعة من ساعات نهاري ٦٣/١٤
تجدّد لي ذلك في ليلي ونهاري ٣٥/١
وحلفك لي عليه همّا أنساني ذكرك في نهاري ٧٧/٨
اجعل ليلي ونهاري ... في عافية منك ١٥٣/١٤
تجدّد لي ذلك في ليلي ونهارِيْ ٢٥٧/٢٣
إنّي في كنفك ... في ليلي ونهاري ١٣٩/١٥
وكم أنوح عليها لليلي ونهاري ٢٠١/٢٨
بالنّهارِ: جاء بالنّهارِ مبصراً برحمته ٢٤٤/١
أنْهارٍ: وأنهارٍ من طيّب الشّراب ٢٥٧/١٢
الأَنْهارِ: من... الأنهار المطّردة ٦٧/٥
فسبّحت له... مدد الأنهارِ وأمواجها ١٩٩/٥٦
في جنّات تجري من تحتها الأنهارُ ١٤٣/٥٥
وتدخلني جنّاتٍ تجري من تحتها الأنهارُ ١٣٤/٥
وتفجّرُ به الأنهارُ وتنبت به الأشجار ٥٣/٤
ويدخلكم جنّات تجري من تحتها الأنهارُ (قرآن) ١٤٢/٧
أَنْهارُهُ: وحفّت بها أنهارُهُ والدّساكر ٢١٤/٩٤
أَنْهارُها: وحفّت بها أنهارُها والدّساكر ٢١٤/١٩

ن.هـ.ز

لاِنْتِهازِ: إنتظاراً لانتهازِ الفرصة لفريسته ١٥٣/٧ ـ ١٥٢/٧

ن.هـ.ض

نَهَضْتُ: ونهضت بتوفيقك من زلّتي ٣٩/٧
لاتَنْهَضُ: وإنّ طاقتي لاتنهضُ بسخطك ١٠١/٥
أَنْهَضْتَهُ: واجعلني أسوة من قد أنهضتَهُ بتجاوزك ١٠١/٨
أَنْهَضْتَنا: وأنهضتنا إلى نسيم روحك ٢٠٠/٢
نَهَضاتِ: من حركات التعب ونهضاتِ النصب ٢١/٢
ناهِضاً: ناهضاً بقوّة إنعامك ١١٨/٧
النّاهِضِ: والنّاهض بأعباء مواثيق ١٠/١
النَّهيضَ: عريضاً واسعاً غزيراً تردّ به النّهيض ٥٣/٣

ن.هـ.ك

إِنْتَهَكَ: وانتهك منّي ما حجرت عليه... فاغفر له ١٠١/٢
إِنْتَهَكَهُ: إنتهكه منّي ممّا حجزت عليه ٢٢/٢
إِنْتَهَكْتُها: حدودك إلى حرمات انتهكتها ٨٨/١٠
إِنْتَهَكْتُنا: أو انتهكنا به حرمة من غيرنا ١٤٢/٥٢
إِنْتِهاكي: ولإنتهاكي ما منه حذّرتني، ١٩٩/١٥٥
بِإِنْتِهاكِ: مسرفاً عنّي نفسي بإنتهاك الحرمات ٢٣٩/٦

ن.ه.ل

مَناهِلَ: ومناهل الظّماء لديك مترعة ٢٥٥/٦
ومناهل الرّجاء لديك مترعة ٢٢١/٢ ـ ٢٢٠/٣ ـ ١١٦/١١

ن.هـ.ن.ه

لاتُنَهْنِهُهُ: ألّلهمّ لاتنهنهه «ظالمي» ١٥٥/٤

ن.ه.ى

نَهانا: ونهانا ليبتلي شكرنا ١/٢٣
نَهَيْتَ: لاأرتكب ما نهيت عنه ١٤٧/٩٩
ونهيت فما انتهينا ٨٧/٦
إلهي طالما ركبت نفسي ما نهيت عنه ٢٠٦/٣
وأنا مصرّ على ما نهيت قلّة حياء ٨٧/١
وتعاطى ما نهيت عنه تغريراً ٨٠/٢
نَهَيْتَهُ: ونهيته عن معصيتك فخالف أمرك ١٤٧/٧٣
نَهَيْتَني: وامنن عليّ بـ... الاجتناب لما نهيتني ٦١/٣
ونهيتني فركبت ٨٨/٩
ألّلهمّ إنّه... ونهيتَ نهيتني عنه فأسرعت إليه ٣٤/١
وأشياء نهيتني عنها ٨٩/٣ ـ ٨٩/٢
فيما نهيتني عنه من معصيتك ٤٩/١٢
أنا مصرٌّ على ما نهيتني عنه قلّة حياء ٣٧/١
فكأنّ الّذي نهيتني عنه أمرتني به ٣٦/٤
فلم يمنعك جرأتي على ما عنه نهيتني، ١٩٩/١٥٥
إن كنت عصيتك بارتكاب شيء ممّا نهيتني ٢٠٩/١
وتقصيري فيما نهيتني عنه ١٤٩/٢٧
وهويى ما نهيتني عنه ١٤٩/٣٠
نَهَيْتَنا: اللّهمّ... فإنّك خلقتنا وأمرتنا ونهيتنا ٦٤/٦
فَلَمْ يَنْهَهُ: فلم ينهَهُ عن باطل ٢٠٠/٢٠
لَمْ يَنْهَني: ولم ينهَني حلمك عنّي ٣٦/٣
ثمّ لم ينهَني ذلك عن أن جريت ٤٩/١١
تَنْهىٰ: تنهىٰ عمّا عندك وتصدّ عن ابتغاء ١٤٧/٩٤
إِنْتَهىٰ: لما انتهىٰ إليّ من المعرفة ١١٦/٣٢
إِنْتَهَتْ: وغاية العمر قد انتهتْ ٣٤/٦
إِنْتَهَيْتَ: حتّى انتهيْتَ بي إلى تمام الصّورة ٨٨/١٤

إِنْتَهَيْنا: ونهيتَ فما انتهينا ٨٧/٦
لاَيَنْتَهي: صلاة لاينتَهي مددها ٦٧/٢٣
حَتّى يَنْتَهِيَ: حتّى ينتهي إليك واردها ٢٠٠/٣٦
أَنْ يَنْتَهِيَ: إلى أن ينتهى به الوقت ٦٧/٢١
تَنْتَهي: صلاة... تنتهي إلى مقرّ أرواحهم ١٩٩/٦٠
لاتَنْتَهي: يامن لاتنتهي مدّة ملكه ١٥/٢ ـ ٨/٢٠
لَمْ تَنْتَهِ: أن تعطيني منه ما لم تنته إليه رغبتي ١٦١/٨
إِنْتَهِ: وانته بنيّتي الى أحسن النيّات ٥٥/١
نَهْيٌ: اللّهمّ إنّه... ونهيٌ نهيتني عنه فاسرعت إليه ٣٤/١
كم نهيٍ لك قد أتيناه ٩٥/٢
النَّهْيِ: ... والنّهي عن المنكر ... ٢١/١٣
نَهْيِهِ: والإنتهاء عند نهيه ١٤٧/٦٢
نَهْيَكَ: أنا الّذي لم أعقل عند الذّنوب نهيك ١٤٨/١٠
والمواقع نهيك ٨/١٥
بإرادتك دون نهيِكَ منزجرة ٢٤/٢
واجعلنا ... أوقفهم عمّا حذّرت من نهيِكَ ٢١/١٤
لولا ما أرجو من... نهيِكَ إيّاي عن القنوط لقنطتُ ١١٦/٦٩
وعند نهيِكَ وأمرك واقفون، ١٩٩/١٨٧
فأمّا العاصي أمرك والمواقع نهيَكَ ٩٨/٩
الذّبّ عن حدود نهيِكَ، ١٠/١٦
أسألك ... الوقوف عند نهيِكَ ٢٠٠/١٩
فخالف أمرك إلى نهيِكَ ١٤٧/٧٣
نُهْيَتَهُ: بلغ نهيته «زرع الباطل» ٧٠/٧
النّاهِيَةِ: بعثه «محمّد»... بالزّواجر النّاهية، ١٩٩/١٦
الْإِنْتِهاءِ: وخرقت النّجوم إلى حدّ الإنتهاء، ١٩٩/١٤٠
أسألك ... الإنتهاءَ عن محارمك ٢٠٠/١٩
والإنتهاءِ عند نهيه «الإمام» ١٤٧/٦٢
تَناهِيَ: فلمّا بلغت لي تناهيَ الرحمة منك ١٤٤/٤
مُنْتَهىٰ: منتهىٰ دعوته إلى النّارَ ٤٩/١٣
موقنٌ بأنَّ منتهىٰ دعوتك إلى الجنَّة ٤٩/١٣
ياملجأ الهاربين ومنتهى رغبة الرّاغبين ١١٤/٢
يامنتهىٰ رغبة السائلين يارازق المقلّين ١٤٣/١٧
إنّك ولي نعمائي ومنتهىٰ منای ٢٥٥/٧
الحمدلله وليّ كلّ نعمة ومنتهىٰ كلّ رغبة ١٤٣/٧
ثمَّ له الحمد... حمداً لامنتهىٰ لحدّة، ١/٢٨
ولامنتهىٰ له بآخريّة ٨٨/٢
يامنتهىٰ رغبة الرّاغبين الطّالبين ١٤١/١٤
ويامنتهىٰ حاجة الرّاغبين ١١٧/٢٥
فيا منتهىٰ أمل الاملين ١٩٢/٥
يارحمن يامنتهى الرّحمة ١٤١/٢
ومنتهىٰ غاية الطّالبين ١٤١/٤
ويلّغني... بدوام النّعمة إلى منتهىٰ أجلي ١٢٣/٢٢
ويامنتهىٰ سؤلي فرّق بيني وبين ذنبي ١١٦/٨٥
يامن هو منتهىٰ خوف العابدين ٨٠/١
صلاة لاحدّ لها ولامنتهىٰ ياأرحم الراحمين ٨٨/٢٤
يامن عفوه منتهى الأمل ٢٧/٣
ياعليم يامنتهىٰ رغبة الرّاغبين ١٣٠/١
ياسبّوح يامنتهى التّسبيح ١٤١/١
أللّهمّ يامنتهىٰ مطلب الحاجات ٣٩/١
صلاةً ... لامنتهىٰ لأمدها ٣٩/١٢
الْمُنْتَهىٰ: وإنّ إليك المنتهَىٰ والرُّجعىٰ ٨٣/١٠
مُنْتَهاهُ: وليّ الحمد وأهله ومنتهاهُ ومحلّه ١٦٤/١
مُنْتَهاها: ثمّ جعل منتهاها «الأمور» إلى مشيئته ١٤٩/١٠
نِهايَةٍ: والمؤمن بلا نهايةٍ ٧/٤
والباقي بلا نهايةٍ ٢/٤
لاغاية لأمدها ولانهايةَ لآخرها ١٤٧/٥٩

ن.ى.ب

بِأَنْيابِها: وحيّانها الصّالفة بأنيابها ٨٨/٢١
بِأَنْيابي: معادن حديد الدنيا بأنيابي ٢٣٠/٢

ن.ى.ر

نِيَرَ: يامن وضعت له الملوك نير المذلّة ١٦٣/٨

ن.ى.ل

نَيْلِ: ونيلِ سؤلي قبل زوالي عن موقفي هذا ٣٩/١١
يامن عنده نيلُ الطّلبات ٣٩/١
ونيلِ الشّفاعة لديه ١١٣/٨
وإستقرّ بإدراك السّؤل ونيلِ المأمول قرارهم، ١٩٣/٤
طلباً لما فيه نيلُ العاجل من دنياهم ٢١/٣
ومنتهى رغبة الرّاغبين ونيلِ الطّالبين ١١٤/٢
فاجعلهما لي سبباً إلى نيلِ غفرانك ١٩١/١
نَيْلِكَ: فإنّا محتاجون إلى نيلك ١١٦/٣٩
لِنَيْلِ: لنيل عطاياك بسطت أملي ١٨٥/٥
بِنَيْلِهِ: والجواد بنيله على خلقه من سعة ١٩٩/٥١

حرف الواو

و.أ.ى

وَأَيْتَ: وأستغفرك لماوأيت به على نفسى ٢٥١/٦-٢٥٢/٤

و.ب.أ

بِالْوَبَاءِ: وامزج مياههم «المشركين» بالوباءِ ٦٧/١٤

و.ب.خ

أُوَبِّخُ: إنّما أوبّخُ بهذا نفسى ٤٩/١٥
تَوْبِيخِ: ودللت عقلى على توبيخِ نفسي ١٤٨/٢٠
تَوْبِيخِي: واعف عن توبيخي بكرم وجهك ١١٦/٦٠
١١٢/٦ ـ ١١٦/٢٣

و.ب.ش

الْأَوْبَاشِ: غلبة الأضداد والأوباش ١٩٩/٢٦

و.ب.ق

أَوْبَقَهُ: ربّ أناجيك بقلب قد أوبقهُ جرمه ١١٦/١٨
أَوْبَقَتْنِي: إلهى وسيّدى ومولاى أوبقتني ذنوبي ٢١٢/٤
تجاوز عن ذنوبي فقد أوبقتني ٢٤٧/١٠
من موبقات الذّنوب الّتى قد أوبقتني ٢٤٩/١٧
الّتى قد أوبقتني وأحاطت بي فأهلكتني ١٦٣/٩
أَوْبَقَتْهَا: أوبقتها «بنفسى» بالمعاصى ١٤٨/٨
يُوبِقُنِي: عدوّ يضلّنى وهوى يوبقني ١٤٧/٨٩
تُوبِقَنِي: وإلاّ تغمّدنى برحمتك توبقني ١٠١/٥
مُوبِقَةٍ: ربّ نفسى ... رهين ذنوب موبقةٍ ٢٤٨/٩
وقد هربت إليك من صغائر ذنوب موبقةٍ ٨٨/٦
مُوبِقَاتِ: من موبقاتِ الذّنوب الّتى قد أوبقتنى ٢٤٩/١٧
أسألك ... أن تهب لي موبقاتِ الجرائر ١٨٢/٤
بِمُوبِقَاتِ: ولاتفضحنافي حاضرالقيامةبموبقاتِ ١٠٩/١٩

و.ب.ل

وَبَالٌ: أسألك ... الزهد فيما هو وبالٌ ١٢٥/٤
الْوَبَالِ: من أليم النّكال شديد الوبالِ ٨٨/٢٠
وَابِلٍ: واسع دررهُ وابلٍ سريع عاجل ٥٣/٢
إلهى ... أتيتك ... مستسقياً وابلَ طولك ١٨٦/٧
وَبِيلاً: أخذ الدّمدمة أخذاً وبيلاً ... ١٦٠/١
أللّهمّ فخذهم «الظلمة» أخذاً وبيلاً ١١٩/١٢

و.ت.د

أَوْتَاداً: اللّهمّ ياجاعل ... الجبال أوتاداً ١٣٤/١
أَوْتَادَهُمْ: وانزع أوتادهم «الظّلمة» ١١٩/٥

و.ت.ر

وَاتِرْ: وواتر بين مبرهم «أهل الثغور» ٦٧/٢
وَتْرٌ: اللّهمّ إنّى أسألك بأنّك... وترٌ لايستأنس ١٣٠/٤
ياوترُ يامتعالى ١٤١/٨
ياأحد يافرد ياصمد ياوترُ ١٣٠/٢
يافرد ياوترُ ياصمد ١٢٨/٣
الْوَتْرِ: اللّهمّ ربّ ... الشّفع والوترِ ١١٧/١٨
اللّهمّ ربّ الشّفع والوترِ والليل اذا يسر (قرآن) ١١٤/١٣
ربّ الشّفع والوترِ سخّرلى ٢٢/٣٨
بِوَتْرٍ: فلست ... بوترٍ من أناتك ٢٥١/٥٩
تَوَاتُرٍ: بك أستجير ... من تواتر الأحزان ٢٣٦/٢
مُتَوَاتِراً: فلك الحمد متواتراً متّسقاً ومتوالياً ٢٣٨/٣
مُتَوَاتِرَةً: وعوائد المزيد متواترةً ٢٥٥/٦
وِتْرُ: يافرد ياوترُ ياواحد ياأحد ياصمد ١٢٢/٤

و.ث.ب

وُثُوبِي: ووثوبي علىٰ محارمك ٢٥٧/٥
التَّوَثُّبِ: ويسرعنى إلى التّوثّبِ على محارمك ١١٦/٢٥

و.ث.ق

وَثِقْتُ: وثقتُ بفضيلتها «المعرفة» عندك ٢٤٩/٣
وبفضلك وثقتُ ٥٥/٢٤
ووثقتُ بك ربّ في المغفرة لي ٨٨/١٣
وُثِقَ: وأنت أولى من وثق به ٨٨/١٣
يَثِقُ: ويثِقُ الواثقون ١٥٩/١
لَايَثِقُ: فأنت ثقة من لايثقُ بنفسه ٢٣٩/١٠
لَمْ يَثِقْ: أسئلك بحرمة من ... لم يثق إلاّ بك ٢٥٢/١
ولم يثق إلاّ بك ياواهب العطايا ٢٥١/١
أَثِقُ: وبك أثقُ وإيّاك أستعين ١٦٦/١٤
لَاأَثِقَ: حتّى ... لاأثقَ إلاّ بك ٢٥١/٤٨
لَمْ أَثِقْ: لم أثق بهم ربّ في السّتر علىّ ٨٨/١٣
تَوَثَّقْنَا: وقد توثّقنا منك بالصّفح القديم ١١٦/٣٥
ثِقَةٍ: وهو على ثقةٍ من فنائها ٢١٤/٢٩ ـ ٢١٤/١٠٥
ياخير الرازقين وياثقةَ الملهوفين ١٤٣/١٧

فأنت ثقةُ من لايثق بنفسه ٢٣٩/١٠
وألهمنا ثقةً خالصة تعفينا بها ٧٦/٢
ووجّه رغبته إليك ثقةً بك ٨٠/٤
وأمهلتهم ثقة بدوام ملكك ١٤٦/٧
اللّهمّ من أصبح له ثقة أو رجاءٍ غيرك ١٧١/٩
الثِّقَةِ: ومن ظنّة أهل الصلاح الثقةِ ٥٥/٩
وهب لي النِّقَةَ لأقرّ معها بانّ قضائك ٩٦/٣
قدّمت الثِّقةَ بك وسيلةً في استنجاز موعودك ٢٤٩/٣
خابت النِّقَةُ وأخلف الظنّ إلاّ بك ١٤٣/١٩-٢٢٠/٢-٢٢١/١
فقد أقامتني النِّقَةُ بك على مدارج الأخيار ١٩٩/٩٦
لكنّ المعرفة بك والثّقَةَ بكرمك ٤٠/٤
والنِّقَةِ بماعندك ١٤٧/٧٩
من النِّقَةِ بأمانيّه ومواعيده ٥٠/١
أرزقني ... النِّقَةَ بك ١١٧/١٠
ثِقَتي: فإنّك ثقتي وعدّتي ١٣٩/٨
ولاتتأكّد مع ذلك ثقتي ٨٨/١٦
فقد آذنني حسن ثقتي بثوابك ١٨٦/٢
وبالثقتي في كلّ شدّة وبارجائي في كلّ كربةٍ ١٤٩/٢٨
فإنّك ثقتي ولاتحرمني ثوابك ١١٦/٩٢
ثقتي بما تخيَّرتَ ٢٤/١٣
وبك ثقتي وعليك معوّلي ١٩٩/١٩٨
نصغر خطرى ... مع ... ثقتى بك ٢٥٧/١٢٠
أللّهمّ أنت ... ثقتي ورجائى ١٥٣/١٥
ياسيّدى ومولاى وثقتي ١٤٩/٥٤
فقد أصبحت وأنت ثقتي ورجائى ١٧١/٩
ثِقَتُنا: اللّهمّ أنت ثقتُنا ورجاؤنا ١٢٣/٣١
لِثِقَتي: بل لثقتي بكرمك ١١٦/١٤
بالثِّقَةِ: وأو فدت عليك رجائى بالنِّقَةِ بك ٣٩/٨
الْوُثُوقُ: فمن الوثوقُ به على إبلاغ الحجّة ٢١٩/٤٧
وِثاقِ: وعتيق صنعك من وثاقِ عدلك ١٠١/٨
واثِقاً: فأقدم عليه ... واثقاً بتجاوزك ١٤٧/٧٤
أحمده ... حمد ... واثقٍ بوعده ١٩٩/٧
وأنا واثقٌ من دليلي بدلالتك ١١٦/١٧
واثقٌ بعد ذلك منك بالصفح الكريم ٢٥٧/٥
واثقاً بسرعة إجابتك ١٥٣/٨ ـ ١٥٢/١٠
إلاّ أنّى واثقٌ بكريم أفعالك ١٩٩/١١٤
واثقاً بقديم طولك، ١٩٩/١٧٩
واجعل قلبى واثقاً بماعندك ١٤٧/١١٣
الْواثِقُونَ: ويثق الواثقون ١٥٩/١
الْواثِقِينَ: رجاء الواثقين بتوفير الثّواب، ١٩٩/٣٥

الْوَثيقِ: وعلى‌بن محمّد ... الرّكن الوثيقِ ٢٢/١٢
وَثيقُها: خير حبال العالمين وثيقُها ٢١٩/٤٩
وَثائِقَ: واخلع وثائقَ أفئدتهم «عدوّ أهل الثغور» ٦٧/٦
بِوَثائِقِ: أصبحت... معتصماً بوثائقِ مغفرتك ١٦/١
الْوُثْقى: وثبّتنى بالعروة الوثقى ٢٠٠/٢٦
هم العروة الوثقى وهم معدن التّقى ٢١٩/٤٩
فقد استمسك بالعروة الوثقى (قرآن) ١٨/٥
وها أنا ... بعروتك الوثقى متمسّك، ١٩٢/٨
مِيثاقي: أنت متمٌّ لي ما أحذت عليه ميثاقي ٢٤٩/١٤
لِلْميثاقِ: من أهل الرّعاية للميثاقِ، ١٩٩/٦٦
مَواثيقِ: النّاهض بأعباء مواثيقِ عهدك إلى عبادك، ١٠/١
بِمَواثيقِ: أعبذ نفسي ... بمواثيقِ الله ٢٢/٢٧
الْوَثاقِ: أعوذبك من ... الحبس والوثاقِ ١٥٣/٣٣

و.ج.ب

وَجَبَ: علىّ لذلك أن أقول لك الحمد ١٨٧/٦
لم نزل آخذاً بالفضل على من وجب له ٢٤٣/١١
يَجِبُ: أللّهمّ ... وهب لي ما يجبُ علىّ لك ٣٤/١٢
يجبُ علىّ غضبك ٢٧/٨
إعطاء مايجبُ لهم قبل السّؤال ٦٥/٢ ـ ٦٦/١
حمداً يجبُ لكرم وجهك ١٤٧/٤٥
وطمأنينة النّفس منّى بما يجبُ لك ٥٩/١٢
ولاأدرك ما يجبُ علىّ لهما ٦٣/١١
في كثير ما يجبُ من حقّك علىّ ٢٣٠/٢
وألهمنى علم ما يجبُ لهما علىّ إلهاماً ٦٣/٢
لايَجِبُ: لايجبُ لأحد منهم أن تغفر له باستحقاقه ٨/٤
لايجبُ لأحد أن تغفر له باستحقاقه ٩٨/٢
أعطيت كلاًّ منهما مالايجبُ له، ٨/١١
لَمْ يَجِبْ: أعطيت كلاّ منهما ما لم يجبْ له ٩٨/٦
أَوْجَبَ: يامن ... أوجب عفوه للأوّابين، ١٩٩/٣٤
فَأَوْجَبَ: فأوجب الفوز لمن أطاعه «محمّداً» ٢/٩
أَوْجَبْتَ: أوجبت حقوقهم مع الإخوة ٢٤٣/١٢
شكر عبادك الّذى أوجبت عليه ثوابهم، ٨/٦
أفضل ما أوجبت لأحدٍ من عبادك الصّالحين ١٣٩/١٠
ما أوجبت لأهل المبالغة في طاعتك ١١٥/١٧
أو تقرّب إليك بقربة أوجبت رضاك له ١٤٢/٥٦
والحقّ الّذى إذا أقسمت به أوجبت ٢٠٢/٤
الّذين أوجبت لهم محبّتك ١٤٢/٦١
حتّى كأنّ شكر عبادك الّذى أوجبت عليه ثوابهم ٩٨/٣
الّذين أوجبت حقوقهم ١١٣/٥

واصرفني بقدرتك الى ما أوجبت ٨١/١
أوجبت حقّهم ومودّتهم «محمّد وآل محمّد» ٢٠/٥
نحن ... الّذين أوجبت إجابتهم ٣٢/٣
كما أوجبت لنا الحقّ على الخلق بسببه ٦٣/٤
ما أوجبت عليّ فيها من الطّاعات ٢٤٦/٦
أوجبت له عليّ الطاعة ١٤٤/٦
وأنا المضطرّ الّذي أوجبت إجابته ١٧٢/٨
وأوجبت لهم «أوليائك» حياطتك ٢٣٧/٧
أم أوجبت لي في مقامي هذا سخطك ٣٤/٤
أَوْجَبْتَهُ: الّذي أوجبته على نفسك من الرّحمة ٢٥٧/٧
وعظيم الطّمع فيك الّذي أوجبته على نفسك ١١٦/٨٦
أَوْجَبْتُ: قد أوجبتُ لي منك الرّحمة ١١٣/٩
يُوجِبُ: وليس عندي ما يوجِبُ لي مغفرتك ٥٥/٢٤
حمداً يوجِبُ بكرمك المزيد بوفوره ١٤٧/٤٤
ثمّ قني ما يوجبُ له «عبدك» حكمك ١٠١/٥
يوجبُ لي أليم عذابك ٤٠/٤
إجعل ... زهدي فيما يوجبُ لي أليم ٢٤٢/٥
فأسألك سيّدي توفيقي لما يوجبُ ثوابك، ١٩٩/٩٥
تُوجِبُ: توبة توجبُ لي محبّتك يامحبّ التّوابين ١٠٠/٤
توجبُ لي بها رضوانك والجنّة ١٤٣/٤٤
بل توجبُ لي فيه رحمتك ١٤١/١١
أَنْ تُوجِبَ: أن توجب لي محمود جزائك، ١٩٧/٤٠-١٩٩/١٤٢
أُوجِبُ: وأوجبُ لهم «جبراني» ما أوجبُ لحامّتي ٦٥/٤
أَوْجِبْ: أوجب لنا بذلك أجراً ١٤٣/٣٩
اللّهمّ ... أوجب لي ولهم من رحمتك ١٣٩/١٠
وأوجب لنا فيه ما أوجبتَ لأهل المبالغة ١١٥/١٧
أوجب لي المزيد من لدنك ٧٧/٣
وأوجب لنا عذرك ١٤٢/٥١
أوجب لي محبّتك كما شرطت ٨٠/١٢
أوجب له ثواب المجاهدين ٦٧/٢٢
فَأَوْجِبْ: فأوجب لي ماطمعت فيه من رحمتك ١٢٨/١٠
فأوجب لنا بالإسلام رهاناك مذخو ١٩٩/١١٣
إِسْتَوْجَبَهُ: في كثير ما استوجبه من عقوبتك ٢٣٠/٣
إِسْتَوْجَبُوا: إستوجبوا منك الثّواب ١٣٢/٦
إِسْتَوْجَبْتَ: على نفسه بالتّقصير عمّا استوجبت، ٨/٩
مقرّ على نفسه بالتّقصير عمّا استوجبتَ ٩٨/٥
إِسْتَوْجَبْتُ: حتّى استوجبتُ منك القطيعة والحرمان ٢٠١/٤٤
ما استوجبتُ بذلك محو سيّئةٍ واحدةٍ ٤٩/١٧
ياربّاه قد استوجبتُ العقوبة العظمى ١٩٨/٨١
واستوجبتُ بسوء سعيي سخطتك ٨٨/٧
إِسْتَوْجَبْنَا: ما استوجبنا بذلك محو ٢١٣/٢
يَسْتَوْجِبُ: وهو يستوجب الحرمان ٣٩/٩
لايَسْتَوْجِبُ: فسألتك مسألة من لايستوجب ٢٥٧/٢٨
وتضرّعت تضرّع من لايستوجِبُ الرّحمة ٢٥٧/١٢٩-٣٥/٥
فسألتك مسألة من لايستوجِبُ ٣٥/٥
أَسْتَوْجِبُ: حين أستوجِبُ مغفرتك ٤٩/١٨
إلهي قد علمت ما أستوجبُ بعملي منك ١٩٧/٣٩
أَسْتَوْجِبُهُ: وعافني ممّا أستوجبه منك ٣٢/١٢
لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ: وإن لم أستوجبه منك ٢٤/٦
نَسْتَوْجِبُ: لاتبقي لنا سيّئة نستوجب بها عقابك ٣٠/٦
فقد علمنا ما نستوجب بأعمالنا ١١٦/٣٨
وُجُوبِ: وقوام وجوب حكمك ٢٤٩/٢
بِوُجُوبِ: من أذعن بوجوب شكرك ١٩٩/١٩٦
إِيجَاباً: وإيجاباً لحجّتك عليّ ١٩٩/١٧٢
إِسْتِيجَابِ: ولااستيجاب لعفوك عنّي ١١٦/١٤
ولايبرىء نفسه من استيجاب نقمتك ١٠١/٩
بِاسْتِيجَابٍ: ولاأنا أهل له باستيجابٍ ٤٩/١٨
بِاسْتِيجَابِهِ: ولانرضى عنه باستيجابه ٩٨/٢
ولايحق له أن ترضى عنه باستيجابه ٨/٤
وَاجِباً: كأنّ الّذي نفعله بي أراه حقّاً واجباً عليك ٣٦/٤
حتّى ظننت أنّ ذلك واجبٌ عليك لي ٢٥٧/٢٣ - ٣٥/٢
فإنّ ذلك غير واجِبٍ لي باستحقاقٍ ٤٩/١٨
فقام محمّد ... بـ... حكم واجبٍ، ١٩٩/٥٨
... أو قصّرا بي عنه من واجبٍ ٦٣/٩
الْوَاجِبُ: إلهي لولا الواجب من قبول أمرك، ١٩٤/١
حمداً جامعاً لشكرك الواجِبِ ١٩٩/١٧٧
أسئلك بحقّك الواجب على جميع خلقك ١٦٦/١٢-٣٦/١٠
وَاجِبِكَ: ورضى بدون واجِبِكَ ٨/١٦ - ٩٨/١٠
وَاجِبَةً: فريضة مِنك واجبة وكرامة فاضلة ١٤٣/٢٢
مُوجِبَةً: توبةً موجبةً لمحو ما سلف ٨٠/١٦
مُوجِبَاتِ: ألسنتنا في موجبات ثوابك ٣٠/٦
مُسْتَوْجِباً: أن أكون مستوجباً لها لكبير جرأتي ٢٠١/٤٧
أن أكون لها مستوجباً لكبير ذنبي ٢٥٧/١٨
إلهي إن كنت غير مستوجبٍ لمعروفك ١٩٧/١١
الْمُسْتَوْجِبُ: فأنا المستوجِبُ ياالهي ١٤٨/٦
مُسْتَوْجِبِينَ: وإن كنّا غير مستوجبين لرحمتك ١١٦/٣٨
مُسْتَوْجِبِيهِ: ليس يقع معروفه عند مستوجبيه، ١٩٧/١١
وَجِيبُ: وكلّ قلب تركه وجيبُ الخوف إليك ١٩٩/٩٨
وجيبَ قلبي من خشيتك ٨١/٤ - ٨٠/١٩ - ٤٩/١٠
أَوْجَبُ: فهما «والدي» أوجب حقّاً علّيّ ٦٣/١٠

و.ج.د

وَجَدَ: الّذى ... لاوجَدَ مفرّاً إلاّ إليك ٢٤٥/١
وَجَدَكَ: فمن التمسك لدين أو دنيا وجَدَكَ ١٤٧/٢٤
وَجَدُوا: فقرّت أعينهم بما وجدوا من العين ٢٠٠/٣٠
ووجدوا الرّاحة في المنقلب ٢٠٠/٢٧
فَوَجَدُوهُ: ... وأمّه الخائفون فوجدوه قريباً... ٤١/٢
فوجدوه متفضّلاً ٤١/٢
لجأ اليه العائذون فوجدوه نوّالاً ٤١/٢
وأمّه الخائفون فوجدوه متفضّلاً ٨٤/٢
ولجأ اليه العابدون فوجدوه نوّالاً ٨٤/٢
وَجَدْتَهُ: وجدتَهُ مسيئاً فأنجبته ٢٠١/٣٩
وَجَدْتَني: لعلّك وجدتني في مقام ١١٦/٥٥
فَوَجَدْتَ: فوجدتَ عبادك في شتّى الحالات ٢٠٢/١
وَجَدْتُ: ووجدتُ نعماك عليّ سابغة في كلّ شأن ١٦٣/٥
أللّهمّ إنّي وجدتُ فيما أنزلت من كتابك ١٦٢/٢
وَجَدْتُكَ: بل وجدتُكَ لدعائي سامعاً ١٦٣/٥
إلهي ما وجدتك بخيلاً حين سألتك ١٦٣/٥
وجدتُكَ خير شفيع ٧٠/٣
فَوَجَدْتُهُ: نظرت إلى عملى فوجدته ضعيفاً ٢٠٣/١٢
فَوَجَدْتُها: وحاسبت نفسى فوجدتها لانقوى ٢٠٣/١٢
فَوَجَدْتُكَ: فوجدتُكَ يامولاي نعم المولى ١٤٨/١٩
وُجِدَ: فلك الحمد ما وجد في حمدك مذهب ١٤٢/٢١
يَجِدَ: أو يجد للزّيادة والنّقصان فيك مساغاً ٢٤٧/٥
لايَجِدُ: أعتمد عليك اعتماد من لايجدُ لاعتماده ٢٤١/١
الّذى لايجدُ لكشف ماهو فيه ١٧٥/٢
ولايجدُ القاصدون أرحم منه «الله» ١٩١/٤
سؤال من لايجدُ لفاقته مغيثاً ١٧١/٣
إلهى لاتخيّب من لايجدُ معطياً غيرك ٤٩/٧
دعاء من لايجدُ لذنبه غافراً ١٤١/١٨
وأسألك سؤال من لايجدُ لعثرته مقيلا ١٧٠/٥
لَمْ يَجِدْ: اللّهمّ إنّي أسألك سؤال من لم يجد ٢٤١/١
ولم يجد لضرّه كاشفاً غيرك، ١٣٢/٩
لم يجد مجيراً سواك ٢٣٩/١
فَلَمْ يَجِدْ: فلم يجد عندى صدقاً ولاوفاء ١٩٨/٣٠
فَلَمْ يَجِدْكَ: وأىّ راحل أمّك فلم يجدكَ قريباً ٢٥١/٦١
وايّ راجٍ أمّك فلم يجدكَ قريباً ٧٠/٢
تَجِدُ: اللّهمّ إنّك تجدُ من تعذّبه غيري ١٤٨/١٤
فإنّك تجدُ منّى خلفاً ولاأجد منك ٢٥٧/٢٢
أللّهمّ ... تجدُ من تعذّب غيري ١٤٩/٤٥
لاتَجِدُ: ثمّ لاتجدُ عندى صدقاً ولاوفاءً ٩٠/٣
تَجِدونَهُمْ: هل تعرفونهم أو تجدونهم ٢١٩/٤٨
أَجِدُ: أللّهمّ إنّي أجدُ سبل المطالب ٢٢١/٢ ـ ١١٦/١٠
إلاّ أنّى أجدُ كيده ضعيفاً ٢٠١/٥٠
فو عزّتك ماأجدُ لذنوبي سواك غافراً ١٨٢/٢
اللّهمّ وإنّى أجدُ سبل المطالب إليك مشرعة ٢٢٠/٣
فَأَجِدُ: لأنّى لم أذق طعم البلاء فأجدُ طعم الرضا ٣٥/٢
ما عظيم البلاء فأجدَ لذّة الرّخاء ٢٥٧/٢٤
لاأَجِدُ: لاأجدُ شافعاً إليك إلاّ معرفتى ١٢٠/١١
ولاأجدُ من يرحمنى سواك ١٤٨/١٤
ولاأجدُ أحداً أتوجّه به إليك ١٣٢/١٣
لاأجدُ من دونك ملتحداً ١٩٩/١٤ ـ ١٤٨/٢٩
اللّهمّ انّك ... لاأجدُ من يرحمني سواك ١٤٨/١٤
فإنّك تجدُ منّى خلفا ولاأجدُ منك ٢٥٧/٢٢
أللّهمّ ... لاأجدُ من يرحمنى غيرك ١٤٩/٤٥
سبحانك لاأجدُ عذراً أعتذر فأبرأ ٢٠٣/٣
ولاأجدُ غيرك معدلاً بها «حاجة» عنك، ١٩٩/١٢٨
فَلا أَجِدُ: أقول فلاأجدُ سميعاً ٢١٩/٣٤
أتوجّع فلاأجدُ مشتكى ٢١٩/٣٤
لَمْ أَجِدِ: لم أجدِ السبيل إلى شئى من أملى غيرك ٥٧/٣
فأنت ... ملجأى إذا لم أجد ملجأ ٢٤٥/٢
لم أجد لفاقتى مجيراً سواك ٢٤٧/١
إذ لم أجد ملجأً ألجأ إليه ٢٣٩/٣
فَلَمْ أَجِدْ: فلم أجد أن أقوم بشكر ماأنعمت عليّ ٢٠١/٤٦
فَلَمْ أَجِدْني: وحاسبت نفسى فلم أجدنى أقوم ٢٥٧/١٤
لَنْ أَجِدَ: اللّهمّ ... ولن أجدَ من دونك ملتحداً ١١٦/١٢٩
حَتّى أَجِدَ: حتّى أجدَ لذّة ما أدعوك له ٥٩/١٠
حَتّى نَجِدَ: حتّى نجدَ لذّة ما ندعوك به ١٤٢/٦١
لايُوجَدُ: ولايوجَدُ إلاّ من عندك ١١٦/١
فَتُوجَدَ: لم تكن مستحدثاً فتوجَدَ منتقلاً ٢٤٧/٤
أَوْجِدْني: وأوجدني برد عفوك ١٤٧/١٠٧
أوجدني حلاوة العافية ٤٦/٥
وُجْدِكَ: فهب لنا مثله من وجدك ١٤٢/٥٧
علمت أنّ كثير ما أسألك يسيرٌ في وجدك ٣٩/٨
اللّهمّ ... وأرضه «عبد» عنّى من وجدك ١٠١/٤
فإنّ ذلك لايضيق عليك في وجدك ١٥٢/١٥ ـ ١٥٣/١١
وُجْدي: ولاأطغينّ ومن عندك وجدي ٥٥/٢٣
جِدَةً: ولاجدةً إلاّ سريعاً خلوقها ٢١٩/٢٥
أو بؤس أو نعماء أو جدةٍ أو لأواءَ ٥٧/٧
جِدَتِكَ: انّمايعطى المعطون من فضل جدتِكَ ١٥/١٢ـ٨/٢٣
وأسبغ عطاياهم «أهل الثغور» من جدتِكَ ٦٧/١

بِالْجِدَةِ: قبل الطلب بالجدة وقبل الضلال بالرشاد ٥٥/٣٠
العود عليهم «جيرانى» بالجدة والإفضال ٦٥/٢ ـ ٦٦/١
بِوُجُودِ: لأقرّ ... وبوجود ربوبيّتك ٢٤٩/١٨
مَوْجِدَتِكَ: كلّ مرزئةٍ سواء مع موجدتك ٤٤/٦
مَوْجُودٌ: أناجيك ياموجودٌ في كلّ مكان لعلّك ٩٠/١
على موجودِ ما أتانا فيه ١١٩/١٩
أنت الّذى ... لم تمثّل فتكون موجوداً ١٤٧/١٨
السّلام عليك من قرين جلّ قدره موجوداً ١٤٢/٣١
وكلّ خير عندك موجودٌ ٩٩/١
فصرت بعد العدم موجوداً، ١٩٩/١٧٠
جودك موجودٌ لطالبيه ٢٠٢/٧
الْمَوْجُودِ: مخرج الموجودِ من العدم ١٩٩/٥٢
أنت ... الموجودِ في كلّ أوان، ١٩٤/٤
الْمَوْجُودُونَ: الّتى يستبصر بنورها الموجودون، ١٩٩/٧
مَوْجُودَةٌ: والإغاثة لمن استغاث بك موجودةٌ ٢٥٥/٥

و.ج.س

فَأَوْجَسَ: فأوجس في نفسه (قرآن) ١٥٩/١٣
أُوجِسُ: ولاخيفةً أوجس دونها ١٤٧/١٠٣

و.ج.ع

تَوَجَّعَ: وتوجّع لرزيّته إخوانه ٢١٤/١٢٥ ـ ٢١٤/٤٩
أَتَوَجَّعُ: أتوجّع فلاأجدُ مشتكى ٢١٩/٣٤
وَجَعٌ: وأعوذبك من يوم ... آخره وجعٌ ٢٣٨/٤
الْوَجَعُ: أيّها الوجع سألتك بالله ٤٨/٢
مُوجِعٍ: فكم موجعٍ يبكى عليه تفجُّعاً ٢١٤/٤٦
فكم موجعٍ يبكى عليه مفجّعٌ ٢١٤/١٢٢

و.ج.ف

وَاجِفَةٌ: قلوب يومئذٍ واجفةٌ (قرآن) ٢٠٧/١٥

و.ج.ل

وَجِلَتْ: بسم‌الله الّذى وجلت منه النّفوس ٢٢/٢٥
أَوْ جَلَتْنِي: قد أوجلتني خطاياى فليؤمّنى عفوك ٨٠/٢١
الْوَجَلِ: باب ... الوجل من الذّنوب ٢٥١/١٥ ـ ٢٥٢/٤٠
أرزقنى ... الوجل منك ١١٧/١٠
بِالْوَجَلِ: وبالوجل منك وقوّه بالرغبة اليك ٥٧/١٠
وَجِلٌ: أنا من تحويلك إيّاى عن الهدى وجلٌ ٢٤٨/٨
أللّهمّ إنّى أسألك سئوال وجلٍ من انتقامك ٢٤٧/١
ولاوجلاً مدلاًّ عليك بإحسانك إلىّ ٤٠/٢
أنا وجلُ القلب وعيناى تنتظران ٢٠١/٣٠
مشفقا خائفاً وجلاً فقيراً مضطرّاً إليك ١٦٣/١١
الْوَجِلُ: أنا العبد الوجِلُ من المخافة ١١٨/١
أسألك سؤال ... الوجِلِ من العرض ٢٤٥/١
الْوَجِلِينَ: تسكّن روعات الوجلين ٢٣٩/٧
وَجِلَةٌ: ما أتو وقلوبهم وجلةٌ (قرآن) ١١٥/٢٥

و.ج.ه

وَجَّهَ: ووجّه رغبته إليك ثقةً بك ٨٠/٤
وَجَّهْتَ: لاصارف لما وجّهتَ ٢٤/٤
وَجَّهْتَهُ: بسلطانك وجّهتَهُ إلىّ ٢٤/٣
وَجَّهْتُ: إليك وجّهتُ وجهى ٢٨/٢ ـ ٢٩/٢
وُجِّهَ: ووجّهَ لمّا فاظ للقبر حافر ٢١٤/٥١
ووجّه لمّا فاض للقبر حافر ٢١٤/١٢٧
وَجِّهْ: ووجّه في أبواب البرّ إنفاقى ٧٩/٤
وَجِّهْنِي: ووجّهني في مسالك الآمنين ١٠٨/٤
تَوَجَّهَ: الساعة من أوجه من توجَّهَ ١٤٣/٢٦
ومن توجَّه بحاجته إلى أحد من خلقك ٣٩/٥
تَوَجَّهْتُ: وتوجّهت إليك بحاجتى ١١٦/١٣
أَتَوَجَّهُ: أتوجّهُ إليك بهما أن تعيذنى من ١٥٢/١٥
وأتوجَّهُ إليك بمحمّد نبيّك نبىّ الرحمة ١٢١/٢٠ـ١٢١/٢١
وأتوجَّهُ إليك بالعلوّية البيضاءِ ١٥٣/١١
وأتوجَّهُ إليك بنبيّك محمّد نبىّ الرحمة ١٢٤/٦
باربّاه إليك أتوجَّهُ بمحمّد المصطفى ١٩٨/٨٠
وأتوجَّهُ إليك بمحمّد نبىّ الرحمة ١٢٤/٧
إنّى أتوجَّهُ بك إلى ربّك ١٢٤/٦
بمحمّد عبدك ورسولك ... إليك أتوجَّهُ ٢٢/٤٣
أتوجَّهُ إليك بمحمّدٍ صلىّ الله عليه وآله أمامى ١٣٢/١٣
ولاأجدُ أحداً أتوجَّهُ به إليك ١٣٢/١٣
أتوجَّهُ إليك ٤٢/٤ ـ ٤٢/٢ ـ ٤٢/٣
لاتُوَجِّهْنِي: لاتوجِّهني في حاجتى هذه ٣٩/١٠
وَجْهَ: سبّدى إن ... صرفت وجهَ تأميلى ١٩٩/٩٢
وقد عصيتك على غير وجهِ المكابرة ٢٣٣/٢
على غير وجهِ المكابرة لك ١٦٥/٢
أى ربّ فبأىّ وجهٍ عزّ وجهك نلقاك؟ ٢٠٠/٩
سبّدى أتراك تحرق بالنّار وجهاً طالما ١٩٩/١٥٣
ولاصرفت وجهَ انتظارى للعفو منك، ١٩٩/٩٣
ولاصرفت وجهَ تأميلى للعفو عنك ١١٦/٧٥
ووجهُ طلبتى منصرف عمّن سواك، ١٩٩/٨٠
ونضّر وجهَ محمّد باستنقاذك إيّاهم ١٠/٣٤

فبأيّ وجهٍ ألقاك ٢٠١/٢
هل بقى لي عندك وجهُ الإحسان ٢٠١/٤٤
وترينى وجهَ جدّى محمّد(ص) في ٩١/١
وفرضته عليّ لك في وجهٍ من وجوه طاعتك ٥٩/٧
الْوَجْهُ: أللّهمّ ... والوجهُ عانٍ لك ٣١/٣
وَجْهِهِ: ثمّ بعثته مبيضّاً وجهُهُ ٨٣/٨
عنا كلّ ذى عزٍّ لعزّة وجهِهِ ٢١٤/٩٨ـ٢ـ٢١٨/٢٣ـ٢١٤
فاجعلنا ممّن ... أخليت وجهه لك ١٩٠/٣
تنضّربها وجهَهُ في موقف السّاعة يوم الدّين، ١٠/٧
مسلم ... أتبعه في وجهِهِ دعوةً ٦٧/٢٠
مسألة من ... عفّر لك وجهَهُ، ١٦٤/٢ ـ ١٣٢/٨
أنضر من أشرق وجهُهُ لسجال عطيّتك، ١٠/١٤
والحمدلله كما ينبغى لكرم وجهِهِ ١٤١/١
وبيّض وجهَهُ «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
أم أنت متجاوزٌ عمّن عفّر لك وجهَهُ ٤٩/٦
وَجْهِهِمْ: وضلّلهم عن وجهِهم «عدوّ أهل الثغور» ٦٧/٦
وَجْهِهَا: وأنى طلبته من وجهِها ٣٩/٤
وَجْهِكَ: أسألك بسبحات وجهك ١٨٦/٤
فاجعلنا ممّن ... منحته بالنّظر إلى وجهِكَ ١٩٠/٢
فبأيّ وجه عزّ وجهُكَ نلقاك ٢٠٠/٩
وبجلال وجهِكَ الكريم الّذى لايبلى ولايتغيّر ١٦٦/١٢
ما خالطنى في كلّ خير أردت به وجهَكَ ٢٥٢/٥
في كلّ خير أردت به وجهَكَ فانّك أنت وأنا أنا ٢٥١/٨
لايبلّه إلاّ النّظر إلى وجهِكَ، ١٩٢/٣
واعف عن توبيخى بكرم وجهِكَ ١١٦/٢٣ـ١١٢/٦ـ١١٦/٦٠
إلهى ... أتيتك ... مريداً وجهَكَ ١٨٦/٨
حمداً يجب لكرم وجهِكَ ١٤٧/٢٥
أسألك بنور وجهِكَ الّذى أضاء له ١٧٧/٣
فها أنا ذا عبدك مستجيرٌ بكرم وجهِكَ ١٤٩/٤٣
والصّوم في الهواجر ابتغاء وجهِكَ ٣٦/٨
ولاتصرف عنّى وجهَكَ ١٧٦/٢
أللّهمّ إنّك إن صرفت عنّى وجهَكَ الكريم ٥٧/٣
إنّما يهتدى المهتدون بنور وجهِكَ ١٥/١٣
إبتغاء وجهِكَ باربّ العالمين ١٤٧/١١٧
إنحسرت الأبصار دون النّظر إلى سبحات وجهِكَ، ١٩٣/١
وَجْهِي: وصرفت وجهي عمّن يحتاج إلى رفدك ٧٤/١
وصن وجهي باليسار ٥٥/٣٨
وهب لي العافية من دينٍ تخلق به وجهي ٧٩/١
أخلقت عندك وجهي لكبير خطيئتى ٢٤٩/١٧
سجد وجهي البالى الفانى لوجهك الدائم ٢٥٢/٩
سجد وجهي الحقير الذّليل لوجهك ٢٥٢/١٢ـ٢٥١/١٩
سجد وجهي لمن خلقه وصوّره ٢٥٢/١١ـ٢٥١/١٨
سجد وجهي متعفّراً في التّراب ٢٢٦/١ـ٢٥٢/١٠ـ٢٥١/١٧
سجد وجهي اللّئيم لوجهك العزيز ٢٥٢/١٢
واصرف النّار عن وجهي ١٣٣/٥
ربّ اصرف وجهي عن النّار ١٣٣/٥
وبيّض وجهي بنورك ١١٦/١٢٤
يوم القيامه فبيّض وجهي ١٥٣/٢٠
مولاى إرحم كبوتى لحرّ وجهي وزلّة قدمي ١٦٧/٣
ولاتضرب به «عملى» وجهي ١٤١/١٩
آه واخطيئتاه، أخلق وجهي ذلّ الخطايا ١٩٨/٦٨
إن سحبتنى الملائكة على حرّ وجهي ١٩٨/٥١
سجد وجهى اللّئيم ... لوجهك الكريم ٢٥١/٢٠
وأسود وجهي إن لم تبيّضه ١٦٤/١٦
أذهب عنّى ماء وجهي ٢٠١/١
قدأخلقت الذّنوب وجهي ٢٠١/٢
إلهى أتحرق بالنّار وجهي ٢٠١/٣٢
ولاتسوّد وجهي في طلبتى عنه الإنصراف ١٩٧/٣١
إليك وجّهت وجهي ٢٨/٢ـ٢٩/٢
نضّر وجهي بنورك ١٢٣/١٣
وصن وجهي عن الطلب إلى أحد من العالمين ١٤٧/١١٥
اللّهمّ لاتقلّب وجهي في النّار بعد تعفيرى ١١٢/٩
بِوَجْهِهِ: تفضّلك على من أقبل بوجهه إليك ٣٤/٢
بِوَجْهِكَ: أقبل بوجهك الكريم الىّ ١٥٣/٢٤
قد حالت بينى وبينك أن تقبل علىّ بوجهك ١٢٩/٤٢
فلا تعرض بوجهك الكريم عنّى ١١٦/١٠٤
لِوَجْهِكَ: فارحم تضرّعنا وكبونا لوجهك ٢٠٠/١١
حاشا لوجهك الكريم أن تخيّبنى ١٨٤/٢
سجد وجهى اللّئيم لوجهِكَ العزيز ٢٥٢/١٢
دعاء من ... خلصت لوجهِكَ توبته ٢٢٢/٣
خالصاً لوجهِكَ ياكريم ١٣٢/١١
سجد وجهى البالى الفانى لوجهك الدائم ٢٥١/١٦
سجد وجهى ... لوجهِكَ ٢٥١/١٩ـ٢٥٢/١٢ـ٢٥٢/٩
سجد وجهى اللئيم الذليل لوجهِكَ الكريم ٢٥١/٢٠
لاإله إلاّ أنت تنزيهاً لوجهِكَ العظيم ١٣٩/١٦
وُجُوهُ: الّذى لانسوّد لديه وجوه المطالب، ١٩٩/٩٩
هل تسوّد وجوهاً خرّت ساجدة لعظمتك ١٨٤/٤
يوم تبيضّ وجوهٌ وتسودّ وجوهٌ (قرآن) ٢٠٧/٩
وضربٌ وجوه المنكرين بحجّته «محمّد»، ١٠/٢٩ـ٢٠٧/٩
وجوهٌ يومئذٍ مسفرة (قرآن) ١١٦/٨١

وجوهٌ يومئذٍ عليها غبرةٌ (قرآن) ١١٦/٨١
وبيّض وجوهنا يوم تسودّ وجوهُ الظّلمة ١٠٩/٢١
وفرضته عليّ لك في وجه من وجوهِ طاعتك ٥٩/٧
الْوُجُوهُ: لك عنت الوجوه، ٢٣٩/٤
وعنت الوجوهُ لخشيته ٢٣٨/٢
عنت الوجوهُ للحيّ القيّوم (قرآن) ٢٣/٣
شاهت الوجوهُ ٢٢/١٠
ويسّره لي على أحسن الوجوهِ وأجملها ٩٣/١
وُجُوهَهُمْ: وعرّفني وجوههم في ١٤٩/٦١
وُجُوهَنا: أن تغشّي وجوهنا بأنوار محبّتك، ١٩٥/٦
لاتجعل وجوهنا مبذولة لأحد ٢٠٠/٢٠
وجوهنا المسوّدة من ذنوبنا ٢٠٠/١١
تبيضّ به وجوهُنا إذا اسودّت الأبشار ١/١٦
وكفّ به «وليعصر»(عج) وجوهَنا ١١٩/٢٥
وبيّض وجوهَنا يوم تسودّ وجوه الظّلمة ١٠٩/٢١
مُتَوَجِّهٌ: ومتوجّهٌ إليك ومتوسّلٌ إليك ١٤٩/٢٣
وَجيهاً: بالتّوسّل بهم إليك مقرّباً وجيهاً، ١٩٩/١٥٠
وجيهاً عندك يوم أقوم لك وألقاك ١٩٩/١٩١
اجعلني بهم وجيهاً في الدّنيا والاخرة ١٣٢/١٤
أَوْجِهِ: فاجعلنامن...أوجهِمن ضممته من التّابعين ١٠/٣٠
أوجهَ وسائل عليّ، ١٩٩/١٢٠
وأقربّ به أوجه ولاأقرب من ١٣٢/١٣
واجعلنا في هذه الساعة من أوجهِ من توجّه ١٤٣/٢٦
أَوْجَهَهُمْ: اجعل نبيّنا... وأوجههم عندك ١٠٩/٢٣
وِجْهَتَهُمْ: الّذين «التّابعين»... نحرّوا وجهتهُم ١٤/٦

و.ح.د

وَحَّدَهُ: أخلص من وحّدهُ ١٦٢/١
وَحَّدَكَ: من وحّدَكَ ومن كفر بك ١٦٦/٦
وَحَّدُوكَ: ووحّدُوكَ وعبدوك حتّى أتاهم اليقين ٨٣/١٧
وَحَّدْتُكَ: ووحّدتُكَ بالتّوحيد الّذي أكرمتنيه، ١٩٩/١٤١
فَوَحَّدْتُكَ: فوحّدتُكَ مخلصاً لم أدع لك شريكاً ١٤٤/٣
لِيُوَحِّدُوكَ: على وحدانيّتك، لبوحّدوكَ، ١٩٩/١٦٧
تَوَحَّدْتَ: توحّدتَ سيّدي بالعزّة والعلى ٢٤٥/٢
تَتَوَحَّدُ: وتوحدّني بما تتوحّدُ به ١٤٧/٨٤
تَوَحَّدْ: وتوحّدْ بكفاية مؤنهم «أهل الثغور» ٦٧/٢
تَوَحَّدْني: وتوحّدني بما تتوحّدُ به ١٤٧/٨٤
وَحْدَهُ: وحدَهُ لاشريك له له الملك ١٢٣/٥
وأعزّ الله جنده وعبد وحدهُ، ١٩٩/٥٨
لإله إلاّ الله وحدهُ ١٩٩/١٤
صيّرته من بعد جمعٍ عديدٍ وحدهُ ١٥٢/٦ - ١٥٣/٦
حسبنا الله وحدهُ ١٩٩/١٩٩
لإله إلاّ الله وحدهُ لاشريك له ٢٥٢/٢٨-٢٢/٣-٢٥٢/٢٨-١٩٩/٥٥
إذا ذكرت ربّك في القرآن وحدهُ (قرآن) ٢٣/٤-٢٢/١٠
وأشهد أن لإله إلاّ الله وحدهُ لاشريك له ٢/٩
أشهد أن لإله إلاّ الله وحدهُ ٢٥١/٣٦
لامعبود إلاّ هو وحدهُ لاشريك له ١٤٣/٣
وَحْدَكَ: وشهادة أن لإله إلاّ أنت وحدَكَ ٤٢/٣
وأنت وحدَكَ ياقيّوم لم تنم ٢١٥/٣
فالأمر لك وحدَكَ لاشريك لك ٢٥٧/٨
لإله إلاّ أنت وحدَكَ لاشريك لك ١٣٩/١-١٢/١٢-١٢٨/٧-١٦٦/٧
وحدَكَ لاشريك لك ٤٢/٢٧-١٤-١١٦/١٠-٦٧/٢-٨٩/١٣-٥٩/١٣
فالأمر لك وحدَكَ ١١٦/٨٧
وحدَكَ وحدَكَ لاشريك لك ٢٧٠/١
بأنّك الله لإله إلاّ أنت وحدَكَ لاشريك لك ١٢٧/١
وحدَكَ لاشريك لك ولاعديل ٢٤٦/٣
فلا إله إلاّ أنت وحدَكَ ٢٠٠/٤٣
وَحْدي: ياخير من خلوت به وحدي ٢٥/١
وَحْدَةٍ: أنت ... أنيسي في كلّ خلوة ووحدة ١٩٩/١٦١
الْوَحْدَةِ: ناجتك ... بطول استغفار الوحدةِ ٢٠٠/٣١
وَحْدَتي: وحشتي وغربتي ووحدَتي ١١٢/٧
وحدتي في كثير عدد من ناوأني ١٥٣/٤-١٥٢/٥
أَللّهمّ فارحم وحدَتي بين يديك ٨١/٤-١٩/٨٠
وياثاني كلّ وحيد، إرحم في القبر وحدتي، ١٩٧/٢٠
إرحم ... وفي القبر وحدتي ١١٦/٩٥
إرحم في الثّرى طول وحدتي، ١٩٩/١٤٥
وَحْدَتَنا: وأن نصل ... وحدتنا بصحبتك ٢٠٠/١٢
التَّوْحيدُ: وسيلتي إليك التّوحيدُ ١٥٢/٢-١٥٣/٢
تَوْحيدِهِ: دلّنا عليه من الإخلاص له في توحيده ١/١٢
تَوْحيدِكَ: وجنّبنا الإلحاد في توحيدِكَ ١١٥/١٨
وإن رحمتني كما عرّفتني به «محمّد» توحيدَكَ، ١٠/٣٣
فقد قدّمت توحيدَكَ ١٤٧/٧٨
ولولا أنت ما عرفت توحيدَكَ ١٢٠/١
سيّدي إن حجبت عن أهل توحيدِكَ ١٩٩/١١٢
وهديتنا إلى توحيدِكَ ٢٠٠/٤
فرجعت القلوب ... بمعرفة توحيدِكَ ٢٠٠/٤٣
فأخلصني بخالصة توحيدِكَ ١٨٥/٥
الإنصات إلى فهم غباوة المغفلين عن توحيدِكَ ٢٤٩/٣
بِتَوْحيدِهِ: فيامن أكرمني بتوحيدِهِ ١٩٩/٧٢
بِتَوْحيدِكَ: ولجائي إلى الإقرار بتوحيدِكَ ١١٦/١٤

إلهي إذا شهدلي الإيمان بتوحيدِكَ ١٩٧/٢٣-٢٠١/٤٣
سيّدي إذا شهد لي الإيمان بتوحيدِكَ ١٩٩/١٣٢
إلهي نفسي أعززتها بتوحيدِكَ ١٨٤/٧
بِالتَّوحيدِ: بعد إقراري لك بالتَّوحيدِ ٢٤٣/٦
ووحّدتك بالتَّوحيدِ الّذي أكرمتنيه، ١٩٩/١٤١
وَحْدانِيَّةُ: لك بإلهي وحدانيَّةُ العدد ٧٤/٤
الْوَحْدانِيَّةِ: لم يظاهر في الوحدانيَّةِ ٢٣٨/١
وَحْدانِيَّتِكَ: ووحدانيَّتِكَ وجلالك ١٤٨/١٥
ودللتهم «عبادك» على وحدانيَّتِكَ ليوحّدوك، ١٩٩/١٦٧
وفّقتني لمعرفة وحدانيَّتِكَ ١٤٤/٣
لِوَحْدانِيَّتِكَ: وأظهرها تحقيقاً لوحدانيَّتِكَ ١٩٩/١٣
بِوَحْدانِيَّتِكَ: مقرّ بوحدانيَّتِكَ ١٢٨/١٢
ومنشأ من التّراب نطق إعراباً بوحدانيَّتِكَ ٢٢٢/٢
لأقرّ لك بوحدانيَّتِكَ وبوجود ربوبيّتك ٢٤٩/١٨
التّفوّه بطلبتي شهادتي بوحدانيَّتِكَ ٢٤٩/١٥
بِالْوَحْدانِيَّةِ: أخلص لك بالوحدانيَّةِ ٥٠/١٠
تفرّدت بالوحدانيَّةِ ٢٤٥/٢
معترفاً له «الله» بالوحدانيَّةِ طائعاً، ١٩٩/٥٧
فشهدت معه بالوحدانيَّةِ ١٤٤/٥
وَاحِدُ: ياحيّ ياقيّوم ياواحد ياأحد ١٢٨/٣
ياواحدُ ياأحد ياصمد يامن لم يلد ولم يولد ١٧١/٢
يارحمن ياقدّوس ياواحدُ ياأحد ١٣٠/٢
إنّك واحدٌ عزيزٌ غفّارٌ ١٣٤/٥
إلهاً واحداً صمداً ١٢٣/٦
آه وانفساه لوكان هولاً واحداً لكفىٰ، ١٩٨/١١
وواحدٌ لاضدّله ٧/٣
حتّى يسعد كلّ واحدٍ منّا بفضلك ١٠١/٣
وأنّك واحدٌ جوادٌ ماجدٌ رحمنٌ رحيمٌ ١٢٧/٢
وأنّك واحدٌ أحدٌ صمدٌ ١٢٧/١
إنّي لأعلم أنّ واحداً من ذنوبي ٤٠/٤
في كلّ واحدٍ منهما ساكنه ومتحرّكه ٢١/٦
أللّهمّ إنّي أسألك ياألله ياواحدُ ١٣٣/٦
إلهاً واحداً لإله إلاّ أنت ٢٥١/٥٢
وإلهكم إله واحدٌ لاإله إلاّ هو ٢٧٠/٢
ياالله ياواحدُ ياالله ياأحد ١٣٥/٣
ياواحدُ ياأحد ياصمد ١٢٢/٤
جعل لكلّ واحدٍ منهما حدّاً محدوداً ٢١/١
يولج كلّ واحدٍ منهما «الليل والنهار» في صاحبه ٢١/١
ياإلهي إلهاً واحداً ٢٥٢/٣٥
وواحدٌ لاندّ له ٢/٣

الْواحِدِ: سبحان الواحد الّذي لاإله غيره ١١٤/٨
أللّهمّ أنت ... الواحِدُ الّذي ١٩٩/٦٥
الواحِدُ الّذي لايدخل في عدد ١٩٩/١٤
إنّك الواحِدُ الاحد ٩٦/٥
اللّهمّ أنت الواحِدُ بلاشريك ٢٥٣/٢
الحليم الغفّار الواحِدِ القهّار ٨٣/١١
واحِدي: وعليك ياواحدي عكفت همّتي ١١٦/٨٤
فَواحِدٌ: وإن أخذتني بقبيح عملي فواحدٌ ٢٥٧/٢
واحِدَةٌ: وتحدوني عليها «مسألتك» خلّة واحدةٌ ٣٤/١
ما استوجبتُ بذلك محو سيّئةٍ واحدةٍ ٤٩/١٧
لانقوى على شكر نعمةٍ واحدةٍ أنعمتها عليّ ٢٠٣/١٢
ثم نضّل ليلة واحدةً من لياليه ١١٥/٥
... ومكان كلّ واحدةٍ منها عددها ١/٢٧
مُوَحِّدٍ: كما رجا منك كلّ موحّدٍ من المؤمنين ٢٤٧/١١
الْمُوَحِّدينَ: في زمرته من الموحّدينَ، ١٩٩/٦٤
يامن ... لايزيد جبروته إيمان الموحّدينَ، ١٩٩/٣٣
مُوَحِّديكَ: إلهي لاتغلق على موحّديكَ ١٨٤/٦
الْمُتَوَحِّدُ: الأحد المتوحّد الفرد المتفرّد ١٤٧/٢
وَحيدٌ: ياخير من خلابه وحيدٌ ١٩١/٤
ملائكتي ... وحيدٌ قدجفاه الأهلون، ١٩٧/٣٣
وياثاني كلّ وحيدٍ، إرحم في القبر وحدتي، ١٩٧/٢٠
منقولاً قد نزلت بك وحيداً في حفرتي ١١٦/٩٧
وياثاني كلّ وحيدٍ إرحم في الثرى ١٩٩/١٤٥
ووحيدٌ فارقه المال والبنون ١٩٩/١٣٩
بقيت فرداً كقرن الأعضب وحيداً ٢١٩/٣٤
أَحَدٍ: ولانستوحش من أحدٍ مع فضلك ١٥/٧
حتّى لانرغب إلى أحدٍ مع بذلك ١٥/٧
القائم الّذي ... لم يكن له كفواً أحدٌ ٢٤٣/٤
كرمك لايضيق عن سؤال أحدٍ ٣٩/٨
ولم يشرك في حكمه أحداً ١٢٣/٦
بيني وبينك لايعلمها أحدٌ غيرك ٢٢٢/٥

و.ح.ر

وَحَرَني: وحرني بقرف عيوبه... ووحرني بكيده ١٥٢/٩
وَحَرَ: وأخرج وحر صدورنا برزقك ٩٧/٤

و.ح.ش

أَوْحَشَ: وأوحش منقضياً فمضّ ١٤٢/٣٢
أَوْحَشَني: في الخلوة إذا أوحشني المكان ١٩٩/٤١
أَوْحَشَنا: وغمّنا وأوحشنا انصرافه عنّا ١٤٢/٢٧

أَوْحَشْتَنِي: تغمّد لي خطاياى فقد أوحشتني ٢٤٧/١٠
سبّدى إن أوحشتنى الخطايا من محاسن لطفك ١٩٩/٨٧
فإذا أوحشتنى الغربة آنسنى ذكرك ٢٥١/٥٨
لاتُوْحِشْ: ولاتوحش بي أهل أنسى ٢٥٣/٥
فَلاتُوحِشْ: فلا توحش إستيناس إيمانى ١١٦/٧١
إسْتَوْحَشُوا: إستوحشوا من مؤانسة الجاهلين ٢٠٠/٢٥
لاتَسْتَوْحِشَ: ولانستوحشَ من أحد مع بذلك ٨/٢٠
ولانستوحشَ من أحد مع فضلك ١٥/٧
وُحُوشُ: فسبّحت له «الله» ... وحوشُ الأرض ١٩٩/٥٦
وَحْشَةِ: لابدّ من الموت ووحشةِ القبر ١٩٨/٢٥
وفي وحشةِ القبر فرحين ٢٠٦/٢٢
ياأنسى في كلّ وحشةٍ ١٤٩/٢٨
واكفنا وحشةَ القاطعين بصلتك ١٥/٧ ـ ٨/٢٠
ورماها عن قوس المنايا بأسهم وحشةِ الفراق ١٠٩/١٨
آه وانفساه من ظلمة القبر ووحشةِ البلاء ١٩٨/٤٨
الْوَحْشَةِ: أجره من غمّ الوحشَةِ ٦٧/١٧
وكيف صنيعك بي في دار الوحشَةِ ١٩٧/٣٤-١٩٩/١٤٦
وألبس قلبى الوحشة من شرار خلقك ٥٧/١٢
وَحْشَتِي: فكن أنيسى في وحشتي ١٨٩/٩
آنس في القبر وحشتي، ١٩٩/١٤٥
إرحم ... وفي اللّحد وحشتي ١١٦/٩٥
ومن يؤنس في القبر وحشتي؟ ٩٠/٥
وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتى ١١٢/٧
وَحْشَتَنا: وأن تصل ... وحشتنا بأنسك ٢٠٠/١٢
بِالْوَحْشَةِ: مستقلّة بالوحشة عرصته، ١٩٩/٤١
مُسْتَوْحِشٍ: ياأنس كلّ مستوحشٍ غريبٍ ٤٩/٢
أَوْحَشَ: إن أوحش مابيني وبينك فرط العصيان والطّغيان، ١٨٦/٣

و.ح.ى

وَحْياً: ووحياً أنزلته على نبيّك محمّد ١٠٩/٢
الْوَحْيِ: وأهل بيت الوحى ٢٠/١ ـ ١١٣/١ ـ ١١٤/١
وَحْيِهِ: وائتمنه «محمّداً» بوحيه «الله» ٢/٩
وَحْيِكَ: فصلّ على محمّد أمينك على وحيِكَ، ٩/٢
وجعلت على ذلك الباب دليلاً من وحيِكَ ١٤٢/٦
واجعل ما صرّحت به من عدتك في وحيِكَ ٧٦/٣
وائتمنتهم «بالأئمّة» على وحيِكَ ١٤٩/٤٧
والمؤتمنين على وحيِكَ ١٢/١٠
وجبرئيل الأمين على وحيِكَ ١٢/٤
أمينك على وحيِكَ ١٤٣/٥٢
لِوَحْيِكَ: اسم من اختصصته لوحيِكَ ١٤٤/١٧
وَحِيّاً: واجعل لي من عندك مخرجاً وحيّاً ٢٤/٥
الْمُوحاةِ: السبع المثانى الموحاة إليه ١٤٤/٦

و.خ.ط

وَخَطَكَ: وقد وخطك القتير ووافاك النذير ٢١٤/٩

و.خ.م

وَخِيمٍ: لكلّ ظالم في وخيمِ عقباه ٢٢٣/٣

و.د.د

يَوَدُّ: يودّ المجرم لو يفتدي (قرآن) ٢٠٧/١٤
تَتَوَدَّدُ: وتتودَّدُ إليّ وأتبغّض إليك ٤٠/٣
تتودّد إلى خلقك بحسن الصنيع ٩١/٦
وُدّاً: واجعل لنا في صدور المؤمنين ودّاً ١٠٩/٢١
وُدِّكَ: أن تجعلنى من... أجزلهم من ودِّكَ قسماً ١٨٩/٦
أذقنا حلاوة ودّكَ وقربك ١٨٨/٣
لِوُدِّكَ: فاجعلنا ممّن... أخلصته لودِّكَ ومحبّتك ١٩٠/٢
مَوَدَّةً: وأسرّلهم «جبرانى» بالغيب مودّةً ٦٥/٤
الْمَوَدَّةِ: ومن حسد أهل البغى المودَّةِ ٥٥/٩
مَوَدَّتِهِ: يرجون تجارة لن تبور في مودَّتِهِ ١٤/٣
مَوَدَّتَهُمْ: افترض مودَّتهُم في الكتاب ٢١٩/٤٨
أوجبت حقّهم ومودَّتهُم «محمّد وآل محمّد» ٢٠/٥
موالاتهم ومودَّتهم وطاعتهم ٤٢/١٨
الّذين أوجبت حقوقهم ومودَّتَهُم ١١٣/٥
مَوَدَّتِهَا: وناداهامن شفيرالقبرذوومودَّتها، ١٩٩/١٣٧-١٩٧/٣٢
مَوَدَّتِكَ: ضمير انعقد على مودَّتِكَ، ١٨٤/٧
لِمَوَدَّتِهِ: بين حواشى القلوب لمودَّتِهِ ١٠/١٠
بِمَوَدَّتِهِمْ: بعترته... ألذين... أمرت بمودّتهم ١٤٩/٤٤
وَدُودٌ: فيامن ... بجذبهم إلى بابه ودُودٌ عطوفٌ ١٨٩/٥
إنّ ربّى رحيمٌ ودودٌ ١١٧/٣٩
ياودُودٌ، ياذاالعرش المجيد ١٧٧/٢
الْوَدُودُ: أللّهمّ أنت الرّبّ الغفور الرّحيم الودُودُ ١٦/٣
لِأَوِدّائِكَ: أللّهمّ أنت آنس الانسين لأوِدّائك ٢٥١/٥٧

و.د.ع

لَمْ يَدَعْ: لم يدع الخلق سدىً من غير حجّة ٢١٩/٤٧
ولم يدع لأحدٍ منّا حجّةً ولاعذراً ١/٢٥
لَمْ تَدَعْهُمْ: ولم تدعهم «عبادك» بغير بيان ولاهدى، ١٩٩/١٦٦
لاتَدَعْ: أللّهمّ ولاتدع للجور دعامة إلاّ قصمتها ٧٠/٩
أسألك أن لاتدع لي ذنباً إلاّ غفرته ١٢٢/٨

ولاتدع على ظهر الأرض منهم أحداً ١١٧/٣٣
اللّهمّ لاتدع خصلةً تعاب منّي إلاّ أصلحتها ٥٥/٨
اللّهمّ لاتدع لي في هذه الليلة العظيمة ١٤٣/٢٦
لَمْ أَدَعْهَا: لم أدعها فيك عند حلول البليّة ١٤٨/٩
أَوْدَعْتَ: وأودعت قلبي صواب معرفتك، ١٩٩/١٩٣
أَوْدَعْتَنِي: وأودعتني قرار رحمها ٨٨/١٥
أَوْدِعْ: وأودع نفوسنا خوف المشفقين ١٩٩/٣٥
وَدَّعْنَا: إن أحسنّا ودّعنا بحمد ٢١/٨
وَدَّعْنَاكَ: فيا شهرنا غير مودّع ودّعناك ١٤٣/٢٩
إِسْتَوْدَعَكَ: إستودعك نفسه فحفظته ٢٠٢/٢-٢٠٢/٥
إِسْتَوْدَعَتْهُمْ: واستودعتهم هوج الرّياح ٢١٩/٢٢
إِسْتَوْدَعْتَهُ: إستودعته سرّ غيبك ١٤٤/١٧
أَسْتَوْدِعُكَ: أستودعُكَ بِاإلهي غدوّي ورواحي ٢٤٨/٤
أللّهمّ إنّي أستودعُكَ نفسي ... ١٣٩/٩
الدَّعَةِ: وامنحني حسن الدَّعَةِ ٥٥/٣٤
واجمع لي الغنى والعفاف والدَّعَةِ ١٤٧/١١٤
وَدَاعَ: فنحن مودّعوه وداعَ من عزّ فراقه علينا ١٤٢/٢٧
ولاوداعي إيّاه وداعَ من رددت إليه عمله ١٤١/١١
مُوَدِّعُوهُ: فنحن مودّعوه وداعَ من ١٤٢/٢٧
وَدَائِعِكَ: واجعله في ودائعك الّتي لايضيع ١١٩/٢١
مُوَدِّعٍ: السّلام عليك غير مودّعٍ برماً ١٤٢/٤٢
فيا شهرنا غير مودّعٍ ودّعناك ١٤٣/٢٩

و.د.ق

وَدْقُهُ: غير ملثّ ودقُهُ ولاخلّبٍ برمه ٥٣/٢
وتهلل سحائب النّعيم بمزن ودقهِ «محمّد» ١٠/١٣

و.د.ى

وَادٍ: وهنّ المنايا أيّ وادٍ سلكته ٢١٩/٩
أَوْدِيَةَ: إلهي تقحّمتُ أودية الهلاك ١٥٢/٢
تقحّمتُ أودية هلاكي ١٥٣/٢

و.ذ.ر

تَذَرُ: ومن نار تذر العظام رميماً ٨٨/١٩
لاتَذَرْ: لاتذر على الأرض منهم ديّاراً ١١٩/٢٧
ولاتذر معها علانية ولاسريرةً ١٤٧/١٠٨
لاتَذَرْنِي: ولاتذرني في طغياني عامهاً ١٤٧/١٠٤
ربّ لاتذرني فرداً وأنت خير الوارثين ٢٥٨/١

و.ر.ث

يَرِثُونَ: الّذين يرثون الفردوس (قرآن) ١١٥/٢٤
يَرِثُنِي: لدنك وليّا يرثني في حياتي ٢٥٨/١
أَوْرَثْتَهُمْ: أورثتهم منازل الصّدق ١٩١/٣
فَأَوْرَثْتَهُمْ: فأورثتهم الصّبر على طول البلاء ٢٠٠/٣٠
أَوْرِثْ: وأورث المؤمنين أرضهم «الظّلمة» ١١٩/٩
وَرَّثْتَنَا: وورّثتنا علمه «كتابك» مفسّراً ١٠٩/٦
تَوَارَثَهَا: توارثها أعصارها وحريفها ٢١٩/٢٣
وَارِثُ: ياباعث ياوارِثُ يارحمن يارحيم يالله ١٢٢/٤
وعلي‌بن الحسين... وارِثِ علم النّبيّنَ والمرسلين ٢٢/٦
وارِثِ علم الماضين من الوصيّين ٢٢/١٤
وخالق كل مخلوق ووارِثُ كل شيءٍ ١٤٧/١
ياألله ياوارِث ياألله ياحيّ ١٣٤/١
وارِثُهُ: فأنت ... جبّار كلّ مخلوق ووارثُهُ ٢٤٥/٥
وَارِثِي: ياغياثي ياوارثي ١٤٩/٥٤
وَارِثِينَ: وللفردوس وارثينَ ٢٠٦/٢٢
الْوَارِثِيْنَ: ربّ لاتذرني فرداً وأنت خير الوارثينَ ٢٥٨/١
واجعلني من الوارثينَ ١١٤/٧
وَرَثَةُ: تفرّقت ورثةُ الحكمة ٢١٩/٣٤
واجعلني من ورثةِ جنّة النّعيم ٢٥٢/٤٢
أللّهمّ يامن... جعلهم «محمد وآله» ورثةَ الأنبياء ١٣/١
ميراثاً: فجعل ... أمانتنا وعهدنا ميراثاً ٧٠/٥
مَوَارِيثَهُ: مواريثهُ أرحامه والأواصر ٢١٤/٦٢
مواريثهُ أولاده والأصاهر ٢١٤/١٤٠

و.ر.د

وَرَدَهُ: لايذاد عن حوضه إذا وردهُ «محمد» ١٠/٢٦
يَرِدُ: واجعلنا برحمتك ممّن يردُ حوضه ١٤١/٢٨
حتّى أكون بما يردُ عليّ منهما بمنزلة سواءٍ ٥٩/١٤
واشغل بطاعتك نفسي عن كلّ ما يردُ عليّ ٥٧/٩
ورضاي فيما يردُ عليّ منك ٥٩/٥
يَرِدُونَ: وشرائع المصافاة يردُنَ، ١٩٣/٢
أَوْرَدَتْهُ: بلى أوردتهُ بعد عزّ ومنعةٍ ٢١٤/٣٨
بل أوردتهُ بعد عزّ ومنعةٍ ٢١٤/١١٤
أَوْرَدْتَ: وألهمنا الإنقياد لما أوردتَ ٩٢/٣
فلا مصدر لما أوردتَ ٢٢/٤
أَوْرَدْتَهُ: بقدرتك أوردتهُ عليّ ٢٤/٣
فإذا أوردتهُ «الموت» علينا وأنزلته بنا ١٠٣/٢
لايُوْرِدَ: حتّى لايورد عليك أحد من ملائكتك ١١٥/١٥
تُورِدَنِيهِ: أن تسقيني من حوض محمّد وتوردنيهِ ٢٥/٢
حَتَّى تُورِدَنَا: وارزقنا... حتّى توردنا جنّتك ٢٠٠/١٨

نُوْرِدُ: إلاّ دون ما نوردُ من أبواب الطاعة لك ١١٥/١٥
أَوْرِدْني: وأوردني مشارع رحمتك ١٠٨/١
أوردني دار الحيوان ومساكن الأخيار ٢٥٢/٢٣
أَوْرِدْنا: أوردنا حياض حبّك ١٨٨/٣
وأوردنا حوضه «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
أوردنا حوضه واسقنا بكأسه ١٤٣/٥٤
الْوُرُوْدِ: يد إحسانك يوم الورودِ، ١٩٩/١١٣
وارِداً: إلهي ... أتيتك ... وارداً شريعة رفدك ١٨٦/٧
وارِدُها: حتّى ينتهي إليك واردُها ٢٠٠/٣٦
وارِديهِ: واجعلنا ممّن تكثّر به واردیه «محمّد» ١٠/٢٦
وارِداتِ: تعجز عن حمل واردات الأقضية ٢٢٣/١
الْوَرِيدِ: يامن هو أقرب إليّ من حبل الوريدِ ١٣٩/١
مَوارِدَ: موارد سوءٍ ما لهنّ مصادر ٢١٤/١١٤ـ٢١٤/٣٨
آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي في موارِدِ الهلكى ١٩٨/٥٧
وذدنا عن موارِدِ الهلكة، ١٩٥/٤

و.ر.ط

وَرْطَةٍ: ونجاةً من كل ورطةٍ ١٢٥/٢
واصرفني بحسن نظرك لي عن ورطةِ ١٩٩/٣٣
خذ بيدى من ... ورطةِ الهالكين ١٤٧/٩٢
وَرَطاتِ: خلّصته بتوفيقك من ورطاتِ المجرمين ١٠١/٨

و.ر.ع

وَرِّعْني: وورّعني عن المحارم ٥٩/٥
وَرَعاً: أعطني ... ورعاً يحجزني عن معصيتك ١١٦/١٢٤
علماً في استعمال و ورعاً في إجمال ٥٥/٣٩
الْوَرَعَ: أرزقني ... الورَعَ عن محارمك ١١٧/١٠
أسألك ... تقيّة أهل الورَعِ ١٣٧/٨

و.ر.ق

أَوْراقِ: تفسّح حاشية الإبل تحت أوراقِ البزّل ٢١٩/٤٣

و.ر.ى

وارَتْ: أسئلك بما وارت الحجب من جلالك ١١٤/١٥
وارَتْهُ: ومن وارتهُ الأرض من ألآفك ٢١٤/٧٥ ـ ٢١٤/١
وبما وارتهُ الحجب من بهائك ١٦٢/٦
لاٰيُوارِي: ولأنه لايوارِي منك ليل راجٍ ١٢٨/١١
لاٰيُوارِيكَ: لايواريكَ مكانٌ ولايغيّرك زمان ٢٤٥/٣
لاٰتُوارِي: ولاتواري منه البحور ١٤٩/٢٣
تَوارىٰ: اللّهمّ ومهما توارىٰ عنّا من ١٠/١٩
تَوارَيْتُ: بك تواريتُ عنه «ظالمي» ١٥٥/٤
لاٰيَتَوارىٰ: يامن ... لايتوارىٰ عنه متوارٍ ٢٤٧/٣
الْوَرىٰ: يا ... مسبل السّتر على الورىٰ، ١٩٩/٦٥
وما في الورىٰ خلق جنى كجنايتي ٩١/٥ ـ ٢١٦/٤
خطت هممهم في عزّ الورىٰ ٢٠٠/٢٣
مُتَوارٍ: يامن ... لايتوارى عنه متوارٍ ٢٤٧/٣

و.ز.ر

وِزْرٍ: وحطّ وزرٍ يامن له نور لايطفىٰ، ٢٢٢/٥
ووزرٍ لايرتفع فقدِّم لي ما اخّرت ٥١/٢
وِزْرَها: أحطط عنّي وزرها «تبعات» ٨٠/١٤ ـ ٨١/٢
وِزْري: وبطلت حجّتي في عظيم وزري، ١٩٩/٨٢
وتحطّ بتلاوته «قرآن» وزري ٢٥٣/٤
وحطّ وزري ولاتذكرني بخطيئتي ١١٦/١٣٠
وتحطّ عنّي وزري وتعفو عن سيّئتي ١٢٧/٩
والقدرة والحول أن تحطّ عنّي وزري ١٢٠/١٢
أَوْزارٍ: مقرّاً بـ... أوزارٍ استحقبتها بما كسبت يداى ١٦/٢
الْأَوْزارِ: واحطط بالقرآن عنّا ثقل الأوزارِ ١٠٩/١٠
وخفّف برحمتك من ثقل الأوزارِ ١٩٩/١٢٥
إلاّ أن تبعّده الأوزارُ عنك ٢٥٦/١
أنت أولى خفّف من الأوزارَ ٢٤٧/١١
أَوْزارِهِ: عبدك... المعترف بما سلف من أوزارِهِ ١٦/٧
أَوْزارِنا: واغسل به درن قلوبنا وعلائقَ أوزارِنا ١٠٩/١٣
الْمَوازِرُ: هو الموت لاينجيه منه الموازرُ ٢١٤/٣٩
مُوازِرينَ: مكانفين وموازرين لهم ١٤/٦
الْمُوازِرينَ: دركاً من خير الموازرين ٢٢٠/٤ ـ ٢٢١/٤
الموازرين من أنصاره والمهاجرين، ١٩٩/٦٣
وَزيرٍ: فتعاليت وتجبّرت عن اتّخاذ وزيرٍ ٢٤٣/٣
ولم يؤازرك في أمرك وزيرٌ ١٤٧/١٣

و.ز.ع

أَوْزَعْتَهُ: فاجعلنا ممّن ... أوزعته شكرك ١٩٠/٤
تُوزِعُني: توزعني شكر ما اصطنعت عندى ١٩٩/٧٠
أَنْ تُوْزِعَني: وأن توزعني من شكر نعمائك ٢٥٣/٣
أَوْزِعْهُمْ: وأوزعهم أن يشكروا نعمتك الّتي ٨٣/١٨
أَوْزِعْني: وأوزعني أن أثني بما أوليتنيه ١٢٧/٩٦
اللّهمّ ... أوزعني شكرك ٧٧/٣
وأوزعني شكر نعمتك ٣٦/٦
أَوْزِعْنا: وأوزعنا فيه «الهلال» شكر نعمتك ١١٠/٨
أوزعنا شكرك ١٢٣/٤٠

وأوزعنا مثله فيه ١٤٧/٦٣
فَأَوْزِعْ: فأوزع لوليّك شكر ما أنعمت به ١٤٧/٦٣
تَوَزَّعَتْ: هوىً مصرعاً في لحده وتوزّعت ٢١٤/٦٢
ثوىً مفرداً في لحده وتوزّعت ٢١٤/١٤٠
وازِعُ: فإنّك واسع الفضل وازع العدل ١١٤/٤

و.ز.ن

يُوازِنُ: حمداً يوازن عرشك المجيد ١٤٧/٣٧
وَزْنَ: سبحانك تعلم وزن السماوات ٤/١٥
سبحانك تعلم وزن الارضين ٤/١٦
سبحانك تعلم وزن الشمس والقمر ٤/١١٦
سبحانك تعلم وزن الظلمة والنّور ٤/١٨
سبحانك تعلم وزن الريح كم هي من مثقال ذرّة ٤/٢٠
سبحانك تعلم وزن الفيء والهواء ٤/١٩
فأجر له مثل أجره وزناً بوزنٍ ٦٧/٢١
الّذي تعلم به ... وزن الجبال ٢٣٥/٢
بِوَزْنٍ: فأجر له مثل أجره وزناً بوزنٍ ٦٧/٢١
زِنَةَ: ربّ صلّ عليهم زنة عرشك وما دونه ١٤٧/٦٠
ميزانِ: ولاتحمل على ميزان الإنصاف عملي ١٠٨/٢
وميزانَ قسط لايحيف عن الحقّ لسانه ١٠٩/٤
الْميزانِ: وبحقّ الميزان وحدّته ١٨٠/١
ميزانَهُ: وثقّل ميزانَهُ «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
ميزاني: ربّ ماأخفّ ميزاني غداً إن لم ترجّحه ١٦٤/١٦
بِالْميزانِ: وجارنا بالميزانِ الوفيّ ١٩٤/٢

و.ز.ى

يُوازي: ولك الحمد حمداً يوازي صنعك ١٤٧/٣١
لايُوازِيَهُ: فارفعه«محمّد»...حتّى...لايوازيه لديك ملك ٩/٤

و.س.د

تَوَسَّدَتْ: قد توسّدت في الثّرى عجز حيلتها ١٩٧/٣٢
توسّدت الثّرى عجز حيلتها، ١٩٩/١٣٨
وِسادٍ: على خير مهاد ولاوسادٍ، ١٩٩/٤١
وِسادي: وأتلقني «الموت» عن وسادي ٨٢/٥

و.س.ط

أَوْسَطُهُ: وأعوذبك من يوم ... أوسطُهُ جزع ٢٣٨/٤
وأوسطَهُ «يومي» فلاحاً ٢٣٨/٤
أَوْسَطَها: أسألك ... من الأعمال أوسطها ١٩٩/٢١
الْوُسْطىٰ: أعنّا على ... الطّريقة الوسطىٰ ١١٩/٢٩

و.س.ع

وَسِعَ: وسع علمك تمرّد المتكبّرين ٢٠٠/١
وسع كرسيّه السماوات والأرض (قرآن) ١٨/٣-١٥٩/٦
يامن وسع كلّ شيىء رحمة وعلماً ١٤٣/٢٧
فيامن وسع كلّ شيىء رحمةً ٣٦/٥
ووسع كلّ شيءٍ برحمته ١٤٩/١٤
وَسِعَهُ: ووسعه حلمك بلا مؤونةٍ وكلفة ٢٣٢/٦
وَسِعَهُمْ: كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم ١١٦/٣١
وَسِعَتْ: ورحمتي وسعت كلّ شيىء (قرآن) ٢٥١/٦٨
رحمتك الّتي وسعت كلَّ شيىءٍ ٤٢/٢
برحمتك الّتي وسعت كلّ شيىءٍ ١٧٢/٩ - ١٧٧/٣
برحمتك الّتي وسعت كلّ شيء استعنت ٢٢/٤١
فتداركني برحمتك الّتي وسعت الأشياء ١٩٩/٤٢
وَسِعْتَ: أنت الّذي وسعت كلّ شيىءٍ ٤٩/٣
يَسَعُ: إلاّ أنّ عظيم عفوك يسع المعترفين، ١٩٩/٨٥
لايَسَعُهُ: وأيّ جهل ياربّ لايسعه جودك ١١٦/٣١
فَلا يَسَعُني: فلايسعني بعد ذلك إلاّ حلمك ١٤٤/٢٨
لَمْ يَسَعْهُ: ولم يسعه مالي ولاذات يدي ٥٩/٧
فَلْتَسَعَني: وأنا شيء فلتسعني رحمتك ٢٥١/٦٨
لَمْ تَسَعْهُ: مالم تبلغه قوّتي ولم تسعهُ ذات يدي ٢٥٢/٣٠-٢٥١/٣٨
أَوْسَعَ: أعمّ رزقك وأوسعَ نعمتك ١٤٣/٤٢
أَوْسَعَهُ: سبحانه من ... رازق ما أوسعهُ ١٩٩/١٥
أَوْسَعَكَ: سبحانك من ... جوادٍ ما أوسعك ١٤٧/٢٣
أَوْسَعْتَ: اللّهمّ وإنّك قد أوسعتَ خلقك رحمةً ٢٢٣/٤
فَأَوْسَعْتَ: فأوسعتَ عليّ من رزقك ٣٦/٢
أَوْسِعْ: وأوسع عليّ من رزقك الحلال الطّيّب ١٤٩/٥٩
وأوسع عليّ من واسع رزقك، ١٩٩/٢٠٠
وأوسع عليّ من حلال رزقك ٧٨/٢ - ٢٥١/٢٧ - ٢٥٢/١٩
وأغنني وأوسع عليّ في رزقك ٥٥/٣
وأوسع عليّ من رزقك ٧٧/١١
وأوسع لي فيه «رمضان» رزقي ١١٧/٤
وَسَّعْتَ: ووسَّعتَ عليّ من رزقك ٣٦/١
مواساة من قتّرت عليه بما وسَّعتَ عليّ ٢٧/٦
بما وسَّعتَ عليّ ياأرحم الرّاحمين ٢٧/٢
ووسَّعتَ عليّ في رزقك ٣٥/١
ووسَّعتَ عليّ في رزقي ٢٥٧/٢٣
بما وسَّعتَ عليّ من فضلك ٢٠/٦ - ١١٣/٦ - ١١٤/٤
ووسَّعتَ عليّ وهنفت إليك ١٤٨/١٩
تُوَسِّعُ: وتخرج به ما هوآتٍ وتوسّعُ به في الاقواتِ ٥٣/١

وتوسِّعُ رزقي ١١٧/٤٢
وَسِّعْ: اللّهمّ اغفرلي ذنبي ووسِّع عليّ في رزقي ١٢١/٨
ووسِّع بمواقع حكمك صدري ٩٦/٣
إتَّسَعَ: أنت الّذي اتَّسَعَ الخلائقُ كلُّهم في وسعِهِ ٤٩/٤
لايَتَّسِعُ: لايتَّسِعُ لها إلاّ كرمك ٢٤٤/٤
تَوَسَّعُوا: وتوسَّعُوا «عباده» في رزقه فلم يشكروه ١/١٠
سِعَةِ: ثم أخرج من سعة قصره ٢١٤/٥٧ ـ ٢١٤/١٣٣
من المعرفة بكرمك وسعةِ رحمتك ١١٦/٧٣
سَعَةٍ: أو سعةٍ أو رخاءٍ إلاّ رجوت لنفسي ٥٩/١٣
والجواد بنيله على خلقه من سعةٍ، ١٩٩/٥١
فأنت الكريم الذي تعطي من سعةٍ ٨٧/٩
سائلاً فسيحة رحمتك وسعةَ طولك ١٦/٣
لـ.. تزهّد «صلاة» هم «تابعين» في سعةِ العاجل ١٤/١٠
لولا ما أرجو من كرمك وسعةِ رحمتك ١١٦/٦٩
سيّدي إن تلونا من كتابك سعةَ رحمتك ١٩٩/١١٧
على من أدخلته في سعةِ رحمتك، ١٩٩/١٦٩
وألحقني بالّذين غمرتهم سعةُ رحمتك ٢٠٦/١٦
في يسر منك وعافية وسعةِ رزق حلال ١٤٣/٣٥
عن جميع خلقك بغناك وسعةِ رحمتك ١٢١/٣
أدخلتهم بالتّقوى في سعةِ رحمتك ورضوانك ١٢٠/١٣
سعةً في الحلال من الرّزق الحلال ٢٤٤/٤
خروجهم من سعةِ المعاش إلى ضيقه ١٤/٤
وسعةٍ من ذات يدي وقوّة على جميع امري ١٢٧/٥
وتجعلني عندك مقبولا مبروراً في سعةِ رزق منك ١٢٧/٤
إلى سعةِ عفوك مددت يدي ١٩١/٥
وأن ترزقني رزقاً ... من سعةِ فضلك ١٣٨/١٣٠
ويدرك عطاء من منحته سعةَ رزقك ٢٤١/٥
وتركي للاستغفار مع سعةِ رحمتك عجزٌ ٣٨/١
فأعطني من ... سعةِ رحمتك ١٣٩/٨
سيّدي ... لم يزدد عفوك إلاّ سعةً ١٤٨/٢٥
واصرف عنّي شرّ هما بمنّك وسعةِ فضلك ٢٢/٤١
وأوفر مزيدنا من سعةِ رحمتك، ١٩٦/٢
وسق إلينا به «قرآن» ... وخصب سعةِ الأرزاق ١٠٩/١٥
السَّعَةَ: اللّهمّ أعطني السَّعَةَ في الرّزق ١١٦/١١٠
اللّهمّ إنّي أسألك السَّعةَ في الدنيا والاخرة ١٢١/٤
واجمع لي ... المعافاة والصحة والسَّعةَ ١٤٧/١١٤
أللّهمّ إنّي أسألك السعةَ من طيّب رزقك ١٢١/١١
أسألك السَّعةَ في الرزق ١٢٥/٤
سَعَتِهِ: ويحثّ الكرسيّ وسعتِهِ ١٨٠/١
سَعَتِكَ: أن تعود على المذنبين بفضل سعتِكَ ١٩٧/٢
وأذقني طعم الفراغ لما تحبّ بسعةٍ من سعتِكَ ١٤٧/١٠٧
علينا وعلى المذنبين بفضل سعتِكَ ١١٦/٣٩
لِسَعَةِ: اللّهمّ قلبي يرجوك لسعةِ رحمتك ٢٥١/٤
أللّهمّ إنّ قلبي يرجوك لسعةِ رحمتك ٢٥٢/٣٦
بِسَعَةِ: فأنت أهل أن تجود عليّ بسعةِ رحمتك ٢٤١/٨
وأسعدني بسعَةِ رحمتك ياسيّدي ٢٥١/٥٦
تشرّفني بسعةِ فضلك عن التذلّل لعبادك ٢٥١/٤
وسمع المجرمون بسعةِ رحمتك فطمعوا ١٩٩/٩٧
التّوثّب على محارمك معرفتي بسعةِ رحمتك ١١٦/٢٥
طعم الفراغ لما تحبّ بسعةٍ من سعتِكَ ١٤٧/١٠٧
وغمرتهم بسعةِ رحمتك وتطوّلك، ٢٣٩/٢
اللّهمّ أغنني بسعةِ فضلك عن جميع خلقك ١٢١/٣
وإنّ علمي بسعةِ رحمتك يؤمنني أن أخشاك ٨٧/٢
وتركي الاستغفار مع علمي بسعةِ حلمك ٨٧/١
واسترني بسعةِ رحمتك وفضلك ٢٥٢/٣٧
إنّ علمي بسعةِ رحمتك يؤمّنني أن أخشاك ٣٧/٢
تركي الإستغفار مع علمي بسعةِ رحمتك ٣٧/١
فاق بسعةِ فضله الكرماء ١٩٩/٥
بِسَعَتِكَ: وبسعَتِكَ فابسط يدي ٥٩/٤
بِالسَّعَةِ: ولاتفتّني بالسعةِ وامنحني حسن الدّعة ٥٥/٣٣
لِلتَّوسِعَةِ: إقتار هما على أنفسهما للتوسعة ٦٣/١١
بِاتِّساعِ: باتّساعِ قدرتك عليّ وفقري إلى مغفرتك ٦٠/٢
وَاسِعٌ: إنّك واسعٌ لما تشاءُ ١٥٥/٨
وأنت واسع المغفرة ١١٧/٢٨
نافع دائم غزره واسع درّرُهُ ٥٣/٢
مريعاً ممرعاً عريضاً واسعاً غزيراً ٥٣/٣
رزقاً واسعاً مباركاً طيّباً حلالاً ١٩٩/٢٠٠
وأوسع عليّ من واسِعِ رزقك، ١٩٩/٢٠٠
وارزقني حلالاً طيّباً واسعاً ٢٥١/٤٦ ـ ٢٥١/٤٠ ـ ٢٥١/٥٤
وارزقني حلالاً طيّباً واسعاً ممّا شئت ٢٥١/٣٥
نسألك ياواسِعَ البركات ٢٠٠/١٣
أسألك من الدّنيا وما فيها رزقاً حلالاً طيّباً واسعاً ١٢١/٦
أن ترزقني رزقاً حلالاً طيّباً واسعاً ١٢١/٢
فإنّك واسعٌ كريم ٥٩/٨
فاجعل رزقك لي واسعاً ٧٧/١٤
إنّك واسعٌ كريمٌ ٣٩/١٢
وارزقني رزقاً واسعاً ١١٦/١١٣
اللّهمّ إنّي أسألك... رزقاً واسعاً هنيّاً ١٩٩/٢٥
يارحيم ياواسعُ ياكريم ١٢٤/٢
ياواسعَ المغفرة ١١٦/٣١

وارزقني من فضلك رزقاً واسعاً حلالاً طيّباً ١١٦/٥٠
فإنّك واسعُ الفضل ١١٤/٤
الْواسِع: الرّزق الحلال من فضلك الواسِع ٦٤/١٢
وارزقنا من فضلك الواسِع رزقاً حلالاً ٢١١/٢
أغنني بجودك الواسِع عن المخلوقين ٢٤٥/٧
وافتح لي أبواب ... رزقك الواسِع ١٤٧/١١٦
وارزقني رزقاً واسعاً من فضلك الواسِع ١١٦/١١٣
وٰاسِعَةٍ: إنّك ذو رحمة واسعةٍ وفضل كريم ١٠٩/٢٦
الْواسِعَةُ: أياديك الفاضلة ورحمتك الواسِعَة ١١١/١
بالصّفح الكريم ... والرّحمة الواسعةِ ٢٥٧/٥
أين رحمتك الواسعةُ ١١٦/٢٧
وقد توثّقنا منك بـ... الرّحمة الواسعةِ ١١٦/٣٥
مُوَسَّعاً: واكتبني ... موسّعاً عليّ في رزقي ٢٥١/٦٧
الْمُوَسَّعِ: الموسّعِ عليهم الرّزق الحلال ٦٤/١٢
أَوْسَعُ: رحمتك وعفوك أوسعُ من ذنوبي ٢٤٩/٢٠
بعفو أنت أقدر عليه وأوسعُ له منّي ٩٩/٤
ياأوسع من أعطى ١٩٩/٢٠٠
واجعل أوسع رزقك عليّ إذا كبرت ٥٥/١٧
إلهي أنت أوسعُ فضلاً ١١٦/٦٠
أنت إلهي أوسعُ فضلاً ١١٦/٤٣
وُسْعاً: ولم يكلّفنا إلاّ وسعاً ١/٢٥
علماً منه أنّه قدّر وسعَ العباد فلا يجاوزون ذلك ٦/٤
وُسْعِهِ: الّذي اتّسع الخلائق كلُّهم في وسعه ٤٩/٤
وُسْعَكَ: أنّ خطير ما أستوهبك حقيرٌ في وسعِكَ ٣٩/٨
إنّ ذلك لايضيق عليك في وسعِكَ ٤٩/٢١
وُسْعي: فقصرت يدى وضاق وسعي ٢٣٨/٦
ولاأفتقرنَّ ومن عندك وسعي ٥٥/٢٣
بِوُسْعٍ: وأجرني منه «الدّين» بوسعٍ فاضل ٧٩/٢
بِوُسْعِكَ: فاجبر فاقتنا بوسعك ٣٢/٢

و.س.ق

وَسَقَ: ووسق طريده «زرع الباطل» ٧٠/٧
مُتَّسِقاً: فلك الحمد متواتراً متّسقاً ومتوالياً ٢٣٨/٣
مُسْتَوْسِقاً: فلك الحمد... متوالياً مستوسقاً ٢٣٨/٣

و.س.ل

تَوَسَّلَ: دعوة توسّل بها إليك راجٍ بلّغته أمله ١٤٣/٢٠
وتوسّلَ إليك من ذنوبه كلّها فغفرتها له ٢٣٤/٤
تَوَسَّلْتُ: أللّهمّ توسّلتُ بك إليك ٢٢/٣٧
توسّلتُ بجنابك وترحّمك لديك ١٨٢/١٣
يامن إليه يه توسّلتُ ٩٩/٢
أَتَوَسَّلُ: بمحمّد وعليّ وأيّ صيائهما إليك أتوسّلُ ١١٤/٢
وأتوسّلُ إليك ٤٢/٤ ـ ١١٨/٩
أللّهمّ ... بك أتوسّلُ. ١٩٩/٨
وأنا أتوسّلُ إليك بكلّ من يعين عليك ١١٨/٢
بذمّة الإسلام أتوسّلُ إليك، ١١٦/٧٠ ـ ١٩٩/١٤٩ ـ ١٩٧/٣٦
أللّهمّ إنّي بذمّة الإسلام أتوسّلُ إليك ٢٤٢/٣
أتوسّلُ إليك بحرمة هذا القرآن ٤٢/١
ولست أتوسّلُ إليك بفضل نافلة ٨٨/١٠
وأتوسّلُ إليك في موقفي اليوم ١٤٩/٤٧
أسألك وأتوسّلُ بأسمائك ١٢٢/٧
أللّهمّ انّي أتوسّلُ إليك بهم ٤٢/٢١
وأتوسّلُ إليك بالأئمّة عليهم السّلام الّذين ١٤٩/٤٦
لاأَتَوَسَّلُ: لاأتوسّلُ إليك بإحسان ٢٤٨/٩
نَتَوَسَّلُ: وإنّا نتوسّلُ إليك بمحمّد صلواتك ٨٧/٨
وَسيلَةً: واجعل القرآن وسيلةً لنا ١٠٩/٩
ووسيلةً إلى طاعتك ومرضاتك ١٢٧/١١
إلهي ليس لي وسيلةٌ إليك إلاّ عواطف رأفتك، ١٩١/١
ويكون وسيلةً لديه وخاصّة به وقربة منه ١٠/٣١
قدّمت الثّقة بك وسيلةً في استنجاز موعودك ٢٢٩/٣
لاوسيلةَ لنا إليك إلاّ أنت ١٨٨/٣
الْوَسيلَةَ: وأعط الدرجة والوسيلة ١٤١/٢٩
في أمرك ابتغاء الوسيلةِ عندك ١٠/٤
وجعلتهم الوسيلةَ إليك ١٤٧/٥٧
وتصدّ عن ابتغاءِ الوسيلةِ إليك ١٤٧/٩٤
أبلغ بـ... إعطائه «محمّد» الوسيلةَ ١٠/١٦
بلّغه الدرجة والوسيلةَ والكرامة ١٤٣/٢٤
وَسيلَتَهُ: وقرّب وسيلتَهُ «نبيّنا» ١٠٩/٢٤
أدعوك دعاء من ضعفت وسيلتُه ٢٢٢/٣
وَسيلَتي: وتقبّل وسيلتي ١١٤/١
وسيلتي إليك التّوحيد ١٥٢/٢ ـ ١٥٣/٢
بِالْوَسيلَةِ: تشرّفه «محمّد» بالوسيلةِ على نازليها ١٠/١٣
قد فزع إليّ بالوسيلةِ إليك بآبائي فيها ٦٨/١
أللّهمّ يامن ... خصّصهم «محمّد وآله» بالوسيلَةِ ١٣/١
وَسائِلَ: أوجه وسائل عللي، ١٩٩/١٢٠
فقد جعلت الإعتراف بالذّنب وسائلَ عللي، ١٩٧/٦
جعلت الإعتراف إليك بذنبي وسائل عللي ١١٦/٩٣
الْوَسائِلُ: يامن لاتبدّل حكمته الوسائِلُ ٣٩//٢
وَسائِلي: بكت لها جفون وسائلي، ١٩٩/١٠٣
بِوَسائِلِ: كالمراصدين لمثوبتك بوسائِلِ ٢٠٠/٦

تَوَسَّلي: إجعل توسُّلي به شافعاً ٢٤٢/٥
وبدعائك توسُّلي من غير استحقاق لاستماعك ١١٦/١٤
بِالتَّوَسُّلِ: واجعلني ... بالتوسُّلِ بهم ١٩٩/١٥٠
مُتَوَسِّلٌ: ومتوسِّلٌ إليك ومتقرّب إليك بنبيّك ١٤٩/٤٣
ولكلّ متوسّلٍ إليك عفواً ١٤٩/٥٧
الْمُتَوَسِّلُ: وآدم... المتوسِّلُ بعد المعصية بالطاعة ١١/٣
الْمُوَسَّلُ: وآدم... الموسّل بين الخلق وبين معرفتك ١١/٢

و.س.م

سِمَتِهِ: وبحقّ الحسن وسمتِهِ ١٨٠/٥
مُتَوَسِّم: أو يهدأ طرف متوسِّم ٢١٩/١٦
الْمُتَوَسِّمِينَ: بستره عن لواحظ المتوسِّمينَ، ١٩٩/١٧٥
مُتَوَسَّماتِ: عوائدمننك غيرمتوسّماتٍالى غيرك ٢٤٩/٦

و.س.ن

سِنَةِ: ونبّهني من ... سنَةِ المسرفين ١٤٧/٨٦
أيقظنا عن سنةِ الغفلة بالرّكون إليه ٥٠/٦
أعوذبك من ... سنةِ الغفلة ٢٦/٢
لاتأخذه سنةٌ ولانوم (قرآن) ١٨/١ - ١٥٩/٦
لاتأخذك سنةٌ ولانوم ٨٢/٢
الْوَسْنانِ: أقرّ لعينه من رقدة الوسنانِ ٦٣/٥

و.س.و.س

وَسْوَسَةَ: وكثرة همومي ووسوسة نفسي ١٦٣/١١
أعوذبك ... من وسوسةِ الصّدر وتشتيتِ الأمر ١٣٨/١٠
وَسْوَسَتِهِ: أعذني فيه من ... وسوسته «الشيطان» ١١٧/٧
الْوَساوِسِ: واحجب به خطرات الوساوس ١٠٩/١٣
ومن ... خطرات الوساوس حارساً ١٠٩/١١
وَساوِسَها: يعلم ... وساوسها ونيّات القلوب ١٢٩/٢٤
وَسْواسُ: وسواس صدري لايزيحه إلاّ أمرك ١٩٢/٤
الْوَسْواسِ: مع الوسواسِ متقلّباً ١٨٣/٤
بِالْوَسْواسِ: شيطاناًيغويني قدملأبالوسواسِ صدري ١٨٣/٣

و.س.ى

مُواساةَ: وارزقني مواساة من قترّت عليه ١١٣/٦ - ٢٧/٢
٢٧/٦ - ١١٢/٤ - ٢٠/٦
مُواساتِهِمْ: حسن مواساتهم بالماعون ٦٦/١ - ٦٥/٢

و.ش.ك

لَأَوْشَكَ: لأوشك أن يفقد ثوابك، ٩٨/٧ - ٨/١٢
وَشْكِ: ونحرص له على وشكِ اللحاق بك ١٠٣/٣
وَشيكاً: وأنت على حال وشيكاً مسافر ٢١٤/٦٦
وأنت على حال وشيكٍ مسافر ٢١٤/١٤٤

و.ش.ى

واشٍ: من شرّ كلّ ساعٍ وواشٍ ١٩٩/٢٦

و.ص.ب

وَصَبٍ: وأنت الله الدّائب في غير وصبٍ ١٤٩/١
أَوْصابِها: ورمايكا بدمن أسقامها وأوصابها ٢١٤/١٠٩
ونكا بده من أسقامها وأوصابها ٢١٤/٣٣
الْواصِبِ: حمداً... مانعاً من عذابك الواصِبِ، ١٩٩/١٧٧

و.ص.ف

وَصَفَ: فكانوا كما وصف في محكم كتابه ١/١١
أشهد أنّ... الإسلام كما وصف ٢٥٢/٢٨ - ٢٥١/٣٦
وَصَفُوا: وصفُوا الإسلام بأحسن صفاتهم ٢١٩/٤٢
وَصَفُوكَ: فبذلك وصفُوكَ ٣/٣
وَصَفْتَ: أنت الّذي وصفتَ نفسك بالرّحمة ٤٩/٩
في الصّفّ الّذي وصفتَ به أهله في كتابك ١٢٨/٢
إلهي ما وصفتَ من بلاء أبليته ١٩٧/١٧
وأليقها بما وصفتَ به نفسك ٢٢٣/٣
وَصَفْتَهُ: ووصفتَهُ «العذاب» بما وصفتَهُ ٢٥٧/١٦
شيئاً من نعتك إلاّ ما حدّدته ووصفتَهُ ٢٤٩/١٦
وَصَفْتَهُمْ: لأمسكوا خشية الإنفاق بما وصفتَهم ٧٧/٢
وَصَفْتَها: ووصفتَها بأحسن الصفة في كتابك ٢٥٧/١١
يَصِفُكَ: يحول بك حال يصفُكَ بها ٢٤٧/٥
لايَصِفُهُ: أللّهمّ يامن لايصفُهُ نعت الواصفين ٨٠/١
يَصِفُونَ: سبحان الله عمّا يصفُونَ (قرآن) ١٤٣/١٣
أَصِفُ: وحتّى متى أصِفُ محن الدّنيا ٢١٩/٤
أَصِفَكَ: أصفكَ بما يليق بك من صفاتك ٢٤٩/١٨
أَنْ أَصِفَ: أن أصف من محن الدّنيا ٢١٩/١٩
لايُوصَفُ: لايوصف بمضامّة ١٩٩/٥٣
لاتُوصَفُ: بأنّك ... عظيمٌ لاتوصَفُ ١٣٠/٤
أَنْتُوصَفَ: حجّتك أجلّ من أن توصَفَ بكلّها ١٤٦/١٣
فتباركت أن توصَفَ إلاّ بالإحسان، ٩٨/١١ - ٨/١٨
وَصْفِ: ألسنتنا في وصفِ منّتك ١٥/١٦
كلّ ما وقع عليه وصفٌ وتسمية، ١٩٩/٥٦
ورحمتك الّتي ... لايحيط بها وصفٌ ١٦/٩
تعجز الألسن والأفهام عن وصفِ مرادك به ١٤٢/١٣

وجلّ طولك عن وصفِ الواصفين ٢٠٠/١
إنطلاق ألسنتنا في وصفِ منّتك، ٨/٢٦
وَصْفِها: كلّت الألسن عن غاية وصفِها ٢٤٩/١٥
وَصْفِكَ: فليس لأحد أن يبلغ شيئاً من وصفِكَ ٢٤٩/١٦
بِوَصْفٍ: لاتنال بوصفٍ ولايدركك وهم ٢٤٣/٤
بِوَصْفِهِ: ولايحيط بوصفِهِ أحد ١٩٩/٥١
صِفَةِ: كلّت الألسن عن صفَةِ ذاتك ٢٣٩/٩
الصِّفَةِ: وصفتها «جنّت» بأحسن الصّفةِ ٢٥٧/١١
صِفَتِهِ: ذلك ما تكلّ الألسن عن صفتِهِ ٢٤٩/١٧
كلّت الألسن عن غاية صفتِهِ ٢٣٨/٢
صِفَتِكَ: بيقين أسلم به من الإلحاد في صفتِكَ، ١٩٩/٧٢
الصِّفاتِ: تقدّست عن تناول الصّفاتِ ٢٤٧/٣
وخانتنا الصّفاتُ، ١٠/١٩
وتفسّخت دون بلوغ نعتك الصّفاتُ ١٤٦/٣
متنقّل في الصّفاتِ ٧٤/٥
ضلّت فيك الصّفاتُ ٨٨/٣
صِفاتُهُمْ: تخفى أسماؤهم وصفاتهم ٦٧/١١
وصفوا الإسلام بأحسن صفاتِهم ٢١٩/٤٢
صِفاتِكَ: وكلّت الألسن عن صفاتِكَ ١٤٩/٤
أصفك بما يليق بك من صفاتِكَ ٢٤٩/١٨
وليس من صفاتِكَ ياسيّدى أن تأمر ١١٦/١٥
إلهى الذنوب صفاتنا والعفو صفاتُكَ ٢٠١/٧
إلهى، لولا أنّ العفو من صفاتِكَ ٢٠١/١٩
صِفاتي: هذه صفاتى الّتى أعرفها من نفسى ٢٥٧/٣٧
فهذه صفاتي الّتى أعرفها من نفسى ٣٥/١٤
صِفاتُنا: إلهى ألذّنوب صفاتنا والعفو صفاتِك ٢٠١/٧
الْواصِفينَ: عجزت عن نعته أوهامُ الواصفينَ ١/٢
وجلّ طولك عن وصف الواصفينَ ٢٠٠/١
أللّهمّ يامن لايصفه نعت الواصفينَ ٨٠/١
الْوَصائِفِ: إن... أعدمتنى طوف الوصائِفِ ١٩٩/٩٢
مَوْصُوفٌ: ياموصوفاً لايبلغ بكينو نيّته موصوف ١٣١/١
كان موصوفاً بالإحسان ١٤٢/٢٠
لست أعرف سواك مولىً بالإحسان موصوفاً ١٨٥/٢

و.ص.ل

وَصَلَ: كما وصل بيننا وبين معرفتك، ١٠/٤
وَصَلَهُ: إلاّ ما وصلَهُ رحمتك ٨٨/٤
وَصَلوُا: أنت سهّلت لهم السّبيل حتّى وصلوُا، ١٩٩/١٦٤
إعتمدوا عليك في الوصول حتّى وصلُوا ١٩٩/٣٠
سيّدى بك وصلُوا إلى مرضاتك، ١٩٩/١٨٨
فبك إلى لذيذ مناجاتك وصلُوا ١٨٩/٤
وَصَلْتَ: بحقّ من وصلتَ طاعته بطاعتك ١٤٧/٨٣
بعد أن وصلتَ حبله بحبلك ١٤٧/٦١
لسان حالى أبلغ ما وصلتَ اليه ١١٨/٧
لايَصِلُ: ولايصل إليّ فيه مكروه الأذىٰ، ٢٠٣/١
فَلايَصِلُونَ: فلايصلونَ إليكما بآياتنا (قرآن) ٢٢/٧ـ١٥٩/١٨
تَصِلُ: أو تصِلُ آمال أحد أو آمالى ١١٨/٧
تَصِلُهُ: ونصلُهُ بمزيد بعد مزيد طولاً منك ١٤٧/٤٤
أَنْ تَصِلَ: أن تصِلَ خوفنا بأمنك ٢٠٠/١٢
أَصِلُ: وزدنى من هداك ما أصلُ به إلى ٨/١٩ ـ ٩٨/١٢
لِأَنْ نَصِلَ: ووفّقنا فيه لأن نصل أرحامنا ١١٥/١٣
صِلْ: وصل بمحمّد أرحامهم ١٠/٣٤
وصل دعائى بالإجابة ٤٤/٨
وصل بجميع ماسألتك وسألك ٢٢٧/٥
صِلْهُ: وصلهُ منك بالإجابة ٢٥١/١٥
وصلهُ «الدّعاء» لي بالإجابة ٢٥٢/٤٠
فَصِلِ: فصل اللّهمّ دعائى بالإجابة ٧٠/٤
أَوْصَلَ: وأوصَلَ بإذنك الهدى إلى القلوب الّتى ١٠/٣
أَوْصَلْتَ: وأوصلتَ إلى نفوسهم حبرة الملوك ١٩٩/١٨٥
أَوْصَلْتَهُ: فقد أوصلتَهُ بذخائر ما أعددته ١٩٩/١٠٢
تُوصِلُها: ذخيرة كرامة توصلها إليه، ١٠/١٩
حَتّى تُوصِلَ: حتّى توصِلَ إلى قلوبنا ١٠٩/١٢
أَوْصِلْ: اللّهمّ وأوصل إلى التّابعين لهم بإحسان ١٤/٥
أَوْصِلْني: وأوصلني بعنايتك إلى غاية السّباق ١٩٩/٦٦
يَتَّصِلُ: ويتّصلُ اتصالها ببقائك ١٤٧/٥٣
أَتَّصِلُ: وبحبل من أتّصلُ إن أنت قطعت ١١٦/٦٨
تَوَصَّلْتُ: وإليه به تسبّبت وتوصّلتُ ٩٩/٢
أَتَوَصَّلُ: معيشة ... أتوصّلُ بها إليك ٢٥٢/١٨ ـ ٢٥١/٢٦
وأتوصّلُ بها «معيشة» في الحياة إلى آخرتى ٧٨/١
الصَّلَةِ: لأن نصل أرحامنا بالبرّ والصّلةِ ١١٥/١٣
بِصِلَةِ: أمرت بصلَةِ السّؤال ٢٠١/٣٨
بِصِلَتِكَ: واكفنا وحشة القاطعين بصلتِكَ ١٥/٧ ـ ٨/٢٠
بِالصِّلَةِ: وأكافىء من قطعنى بالصِّلةِ ٥٥/١٤
صِلاتِ: وأعلى صلاتِ المتقرّبين ١٠١/٣
صِلاتِكَ: الجرائم بصفح صلاتِكَ ١٩٩/١١٣
صِلاتِنا: وأجمل صلاتِنا من فيض مواهبك، ١٩٦/٢
وَصْلُكَ: وصلُكَ منىٰ نفسى وإليك شوقى ١٨٩/٧
غلّتى لايبرّدها إلاّ وصلُكَ، ١٩٢/٢
أَوْصالي: وتقطّعت أوصالي، ياغفلتى ١٦٧/٥
أَوْصالُنا: وركعنا حتّى تنخلع أوصالنا ٢١٣/١

وُصُولَ: لاوصول لي إلى عمل ٢٠١/٤٠
الْوُصُولَ: والوصول إلى كرامتك ١٤٢/٢٣
قد مهّدت لعبادك سبيل الوصولِ ٢٤٣/٧
إعتمدوا عليك في الوصولِ حتّى وصلوا، ١٩٩/٣٠
إلهي فاسلك بنا سبل الوصولِ إليك ١٨٩/٢
وُصْلَةً: وصلةً إلى قربك وذريعة إلى جنّتك ٧٩/٦
حمداً يكون وصلةً إلى طاعته وعفوه، ١/٢٩
وصيّرهما لي وصلةً إلى الفوز برضوانك ١٩١/١
أللّهمّ وجدّد لي وصلةَ الإنقطاع إليك ٢٤٩/٧
الْوُصْلَةِ: فبلّغه «محمّد» غاية الوصلةِ، ١٠/٤
الْوُصُلاتِ: خرجت من يدىّ أسباب الوصلاتِ ٨٨/٤
إتِّصالَ: ولاتّصالَ نفسٍ بنفسٍ ١٠٣/١
إتِّصالُها: ويتصّل اتّصالها ببقائك ١٢٧/٥٣
واصِلٍ: بوسع فاضل او كفاف واصِلٍ ٧٩/٢
واجعل دعائى فيه إليك واصلاً ١١٧/١٤
واصِلَةً: وعوائد المزيد إليهم واصلةً ٢٥٥/٦
مُتَّصِلاً: متّصلاً لاتنقطع بوادره، ١٩٩/١٩٢
مُتَّصِلَةً: ومتّصلةً بنظائر هن أبداً ١٤٧/٦٠
وهب لي ... همّة متّصلةً بك، ١٩٩/٣٢
على نوبة بك متّصلةٍ ولديك متقبّلة، ١٩٩/٤٨
الْمُتَّصِلينَ: به ولاية المتّصلينَ ١٩٩/٣٩
مَوْصُولاً: وتسبيحي موصولاً بالإثابة ٢٠٢/٩
مَوْصُولَةٍ: وصيانتك لي بنعمةٍ موصولةٍ بكرامة ٣٦/١٠
والمنّة منك لديهم موصولةٌ، ١٩٩/١٦٤
واجعلها موصولةً بكرامتك ايّاى ٧٧/٣
موصولةً مقبولة لاانقطاع لمزيدها ١٩٩/٦٠
ودمعةً بالآمال موصولةً ٢٠٣/٤

و.ص.م

وَصْمِهِ: ولم تخلّصه من وصمِهِ ٢١٤/١١٣

و.ص.ى

وَصِيَّ: أسئلك أن تنصر وصيَّ محمّد ١١٧/٣٥
وَصِيِّهِ: وبعليّ وصيِّهِ ٨٧/٨
الْوَصِيِّينَ: وارث علم الماضين من الوصيِّينَ ٤٢/١٤
أَوْصِيائِهِ: القائم بالقسط من أوصياءِ محمّد ١١٧/٣٥
الْأَوْصِيائِهِ: صلّ على الأوصياء المرضيّين ٢٥١/٤٥
ختم بهم «محمّد وآله» الأوصياءَ والأئمّة ١٣/١
والأوصياءِ المنتجبين ٤٢/٣٠
وأهل بيته الأوصياءِ الهداة الدّعاة ١١٤/٢٣
أَوْصِيائِهِ: صلّى الله عليه وآله وأوصيائِهِ ٤٢/٣٠
أَوْصِيائِهِما: وأوصيائهما إليك أتوسّل ١١٤/٢

و.ض.ح

أَوْضَحَ: أوضَحَ لنا منه شروط فرائضك ١٤٤/١٨
ما أوضَحَ الحقّ عند من هديته سبيله ١٨٩/١
الدّلائل الهادية الّتى أوضَحَ برهانها، ١٩٩/١٧
وأوضَحَ بك البهم ١١٠/٢
أَوْضَحْتَ: أوضحتَ من الصراط المستقيم ١٢٠/٢
إجعلنا من الّذين أوضحتَ لهم الدّليل عليك، ١٩٩/١٩٤
أَوْضِحْ: أوضح به «الحق» في غسق اللّيل المظلم ٧٠/١١
إيضاحِ: من نور البيان وإيضاحِ البرهان ٢٠٠/٢٢
واضِحِ: أبان عن واضِحِ سنّتك ١٤٤/١٨
الواضِحِ: الحمدلله العظيم شأنه الواضِحِ برهانه ١٢٣/٤
واضِحَةً: وأعلام القاصدين إليك واضحَةٌ ٢٥٥/٤
بِواضِحاتِ: العزّة بواضحاتِ المعرفة ٢٠٠/٣٤
بِمُسْتَوْضِحاتٍ: الإنابة إليك بمستوضحاتٍ ٢٤٩/١
مُوضَحاتِ: بمشابهه وموضحاتِ بيّناته ١٠٩/٥

و.ض.ع

وَضَعَ: لقد وضعَ عنّا ما لاطاقة لنا به ١/٢٥
وَضَعْتَ: وبامن وضعَتْ له الملوك نير المذلّة ١٦٣/٨
وَضَعْتُ: وحيث ما كنت وضعتُ عندك سرّي ١٦٣/١٢
كما وضعتُ لك نفسى ٨٠/٩
يَضَعُني: إن ترفعنى فمن يضعني وان تضعني ٥٢/٢
تَضَعُ: وتضَعُ كلّ ذات حملٍ حملها (قرآن) ٢٠٧/٢٣
تَضَعُني: وان تضعني فمن يرفعني ٥٢/٢
لاتَضَعُني: وارفعنى ولاتضعني ٥٢/١
ضَعْ: وضع عزّهم «الظّلمة» وجبروتهم، ١١٩/٥
ضَعْني: وضعني إذا خلوت بك ١٤٧/١٠٠
فَاتَّضَعُوا: وحاولوا «أناس» الارتفاع فاتّضعُوا ٧٤/٢
تَواضَعَ: الّذى ... تواضَعَ لعزّته العظماء، ١٩٩/٥
الحمدلله الذى تواضَعَ كلّ شيىء ١٤٣/٤
وتواضَعَ لك الأعزّاء ٢٤١/٥
تَواضَعَتِ: وتواضعت الجبابرة لهيبته ٢٣٨/٢
وَضْع: ورغبت إليك في وضعِ تبعته عنهما ٦٣/٩
إتِّضاعَ: صلاة ... لاتّضاعَ لمشيدها، ١٩٩/٦٠
تَواضُعاً: وألين جانبى لهم «جبرانى» تواضعاً ٦٥/٣
التَّواضُعِ: في الرضا والسّخط والتّواضُعِ ١٢٥/٥
مُتَواضِعاً: متضرّعاً لمشيّته «الله» متواضعاً، ١٩٩/٥٧

الْمُتَوَاضِعُونَ: والمتواضعون دون عظمتك ١٢/٨
وَضِيعٍ: ومن شرّ كلّ شريف ووضيعٍ ٦١/٦
الْوَضِيعُ: وأنا الوضيعُ الّذى رفعته ١١٦/٦١
مَوْضِعِ: شجرة النبوّة وموضعِ الرسالة ١١٢/١ - ١١٣/١
ياموضِعَ كلّ شكوىٰ ١٢٣/١٤
محلّ النّأى عن ... موضِعِ رجله، ٩/٣
ياموضِعَ كلّ شكوىٰ، ياسامع كل نجوىٰ ١٧٥/١
ونكره موضِعَ رضاك ٩٢/٢
فأنت يامولاى دون كلّ مسؤول موضِعُ مسألتى ٧٢/٣
أنت موضِعُ رغبة الرّاغبين ١٤١/٤
ولم تدرك الأبصار موضِعَ أينيّتك ١٤٧/١٧
أنت موضِعُ أنسى في الخلوة ١٩٩/٤١
وأفضل الشكر عند موضِعِ الذّكر ١٦٤/٨
ياموضِعَ شكوى السّائلين ١١٧/٢٥
سبحانك موضِعُ كل شكوى ٤/١٠
على محمّد وآل محمّد ... وموضِعِ الرّسالة ٢٠/١
فلاتحرقنى بالنّار وأنت موضِعُ أملي ١١٦/٩١
الْمَوْضِعِ: وقفت بين يديك في هذا الموضِعِ ١٤٩/٥٨
وما خوّلتنى وخرجت إليك وإلى هذا الموضِعِ ١٤٩/٧١
بِمَوْضِعِ: وأعلم أنّك للرّاجين بموضِعِ إجابةٍ ١١٦/١٢
اللّهمّ إنّه لاعلم لي بموضِعِ رزقى ٧٧/١٣
وأعلم أنّك لمن دعاك بموضِعِ إجابةٍ ٢٢٠/٤ - ٢٢١/٣
بِمَوْضِعِهِ: واعتبر بموضعه تحت الثرىٰ ٢١٤/١٣٩

و.ط.أ

الْوَطْأَةَ: أشدد عليه «ظالمى» الوطأة ١٥٥/٢
وِطَاءً: أضحى التّراب لي فراشاً ووطاءً ١٩٨/٤٥

و.ط.ر

وَطَراً: ولم أقض من خدمتك وطراً ٨٤/٣

و.ط.ن

لاتُوطِنَنَّ: لاتوطنَنَّ له فيما لدينا منزلاً ٥٠/٥
الْوَطَنِ: اللّهمّ أعطنى ... الأمن في الوطنِ ١١٦/١١٠
وَطَنِهِ: ويستريح إلى وطنِهِ ٢٠١/٣٠
الْأَوْطَانُ: الخلوة إذا... لفظتني الأوطانُ ١٩٩/٤١
مَوْطِنِ: وأمن في موطنِ المخافة سربهم، ١٩٣/٤
ولم يخز «الله» في موطنِ ٨٣/٣
محلّ النّأى عن موطنِ رحله، ٩/٣
مَوَاطِنَ: وبلّغهما بالكرامة مواطنَ السّلامة ٦٣/١٥
الْمَوَاطِنِ: في أحبّ المواطنِ إليك ١٢٨/٢
بإعطاء النّصف من نفسى في جميع المواطنِ ١٢٥/٥
والقول بالحقّ والصّدق في المواطنِ كلّها ٣٦/٧

و.ظ.ف

وَظَّفْتَ: ووظائفها الّتى وظّفتَ ١١٥/١١
وَظِيفَةَ: ولاأنا بقاضٍ وظيفَةَ خدمتهما «والدىّ» ٦٣/١١
وَظَائِفَ: مع كثير ماأغفلت من وظائفِ فروضك ٨٨/١٠
الْوَظَائِفِ: جعلت من صفايا تلك الوظائف ١٤٢/٢٤
وَظَائِفِهِ: عوناً على تأدية حقّه ووظائفه، ١/٢٩
وَظَائِفِهَا: ووظائفها الّتى وظفّت ١١٥/١١

و.ع.ب

إِسْتَوْعَبَ: واستوعب حساب عمره ١/٨

و.ع.د

وَعَدَ: فيامن إذا وعد وفى ٣٨/٣
يامن إذا وعَدَ وفى ٢١١/٢
وَعَدَهُمْ: يامن وعدَهُم على نفسه بتفضّله ٣٤/٨
وَعَدَنَا: وجعلت لنا عدوّاً يكيدنا... ان وعدنا كذبنا ٦٤/٨
وعدَنا من بعدها الشفاعة ١٤٤/١٨
وَعَدْتَ: ووعدتَ فيها ما لايخطر ٢٠١/٤٦
ووعدتَ فيها «ناراً» أنكالاً وجحيماً ٢٠١/٤٧
وأهّلنا فيه لما وعدتَ أولياءك من كرامتك ١١٥/١٧
فاقبل توبتى كما وعدتَ ٨٠/١٢
أللّهمّ فكما ... وعدتَ الإجابة ٨٠/٢٥
متنجّزاً وعدك فيما وعدتَ به من الإجابة ٨٠/٨
متنجّز ما وعدتَ من الصّفح عمن أحسن بك ظنّاً ١١٦/٥٩
مستنجز ما وعدتَ من الصّفح ١١٦/٢٢
ووعدتَ الإجابة ٨١/٩
وأهل السّوء الّذين وعدتَ الكشف عنهم ٣٢/٣
عرّفنى ما وعدتَ ما إجابة المضطرّين ٤٢/٩
وَعَدْتَهُ: في المقام المحمود الّذى وعدتَهُ، ١٠/٢٤
عن المسارعة فيما وعدتهُ أولياءك ١٦٣/١١
وعرّفه «محمّد» ... أجلّ ما وعدتهُ، ٩/٤
ابعثه المقام المحمود الّذى وعدتهُ ١٤٣/٢٤ - ١٤١/٢٩
وَعَدْتَهُمْ: ووعدتهم عليه وعداً حسناً ٧٧/١
وأنجز لهم «محمّد وآل محمّد» ما وعدتهم ١٤٩/٦٧
وَعَدْتَنِي: فأنجز لي ما وعدتني وتمّم لي ما آتيتنى ٥٧/٥
فاستجب لي كما وعدتني ٣٥/١٥

أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني ١٢٢/١
فصلّ على محمّدٍ وآل محمد وأنجزلي ماوعدتني ١٢٦/٢
ووعدتني عليه من المزيد من لدنك ٢٥٧/٢٦
ووعدتني منك وعداً حسناً ٢٥٧/٣٧
فاستجب لي كما وعدتني ٢٠٠/٤٧ ـ ٢٥٧/٣٧
ووعدتني فأحسنت ١٤٩/٢٩
غير أن وعدتني منك وعداً حسناً ٣٥/١٤
ما أمرتني به من شكرك ووعدتني عليه ٣٥/٤
وَعَدْتَنِيهِ: الجزاء الّذي وعدتنيهِ، ١٩٩/١٤٢
وَعَدْتَنَا: فأنجز لنا ما وعدتنا، ١٩٢/٦
ووعدتنا عليه أن تذكرنا تشريفاً لنا، ١٩٤/٦
وَعَدْتُهُ: لكلّ وعدٍ وعدتُهُ ٢٣٨/٥
يَعِدُنِي: وخذلني من كان يعدُني في الدنيا ١١٨/٥
تَعِدُنِي: وحتّى متى تعدُني الدّنيا فتخلف ٢١٩/١٠
تُوعَدُونَ: الّذي كنتم توعدونَ (قرآن) ١٩٩/٣٠
وفي السّماء رزقكم وما توعدونَ (قرآن) ٧٦/٤ ـ ٧٧/٧
أَوْعَدْتَ: عرّفه عمّا قليلٍ ما أوعدتَ الظّالمين ٤٤/٩
ولاتمحقني ... من المستخفّين بما أوعدتَ ١٤٧/٨٨
تَوَعَّدَ: يامن ... إذا توعّدَ عفا ٢١١/٢
إذا توعّدَ عفا ٣٨/٣
تَوَعَّدَنِي: وسلامة ممّن توعّدني ٥٥/١٢
تَوَعَّدْتَ: وتوعّدتَ بها من صدفٍ عن رضاك ٨٨/١٩
وَعْداً: ووعدتهم عليه وعداً حسناً ٧٧/١
وعدتني منك وعداً حسناً ٢٥٧/٣٧
انّ وعد الله حقٌّ (قرآن) ٢٠٧/٢٥ ـ ١٥٩/٢١
وعدتني منك وعداً حسناً ٢٥٧/٣٧ ـ ٣٥/١٤
لكلّ وعدٍ وعدته ٢٣٨/٥
الْوَعْدِ: وباصادق الوعدِ صلّ ١٦١/٧ ـ ١٠٧/١
وَعْدُهُ: ووعدُهُ «الله» حقّ ٢/٨
كان وعدُهُ مفعولاً (قرآن) ٢٠٧/١٨
وَعْدِكَ: والرّعاية لحقّك والوفاء بعهدك ووعدِكَ ١١٧/١١
أمرك ماض ووعدُكَ حتم ٢٢١/٢
وعدُكَ الحقّ الّذي لاخلف له ولاتبديل ١٧٣/٨
متنجّزاً وعدَكَ فيما وعدت به من الإجابة ٨٠/٨
والّذين على أرجائها إذا نزل بتمام وعدِكَ ١٢/١٠
وسكونى إلى صدق وعدِكَ ١١٦/١٤
ووعدُكَ صدق واسألوا الله من فضله ١١٦/١٥
ووعدُكَ الحقّ الذي لاخلف فيه ولاتبديل ١٧٢/٧
وفي وعدِكَ العفو عن زللنا ٢٠٠/٧
حتّى أتانا وعدُكَ ليأخذ القوّة منا ٢٠٠/٦
بِوَعْدِهِ: أحمده ... حمد ... وائق بوعدِهِ ١٩٩/٧
لِوَعْدِهِ: لاخلف لوعدِهِ ١٤٩/١١
بِوَعْدِكَ: فأرضني يامولاي بوعدِكَ ٧٧/١١
المستخفّين بوعدِك ١٦٧/٢
الْعِدَةِ: يانافذ العدَةِ ٩/٥
عِدَتِكَ: اجعل ما صرّحت به من عدَتِكَ ٧٦/٣
وأخلفت العدات إلاّ عدَتُكَ ٢٢٠/٢
بِعِدَتِكَ: إلى جودك والرضا بعدتِكَ ٢٢١/٤
الْعِدَاةُ: أخلفت العداةُ إلاّ عندك ١٤٣/١٩
وأخلفت العداتُ إلاّ عدتك ٢٢٠/٢
احرسني بحراستك منه ومن عداتِكَ ١٥٥/٥
وعداتِكَ لعبادك منجزة ٢٥٥/٥
بِمَوْعُودِكَ: فكيف ينقطع رجائي بموعودِكَ ٢٠١/٤٣
مَوْعِدِكَ: فكيف لايبتهجُ رجائي بحسن موعدِكَ ١٩٧/٢٣
الْوَعِيدِ: أللّهمّ ارزقنا خوف عقاب الوعيدِ ١٤٢/٦١
وارزقني خوف غمّ الوعيدِ ٥٩/١٠
وَعْيِدِكَ: الغفلة عن وعيدِكَ، ١٥٣/٩
اجعل هيبتي في وعيدِكَ ١٢٧/١٠٤
وغفلة عن وعيدِكَ ١٥٢/١٣
بِوَعِيدِكَ: فأقدم عليه عارفاً بوعيدِكَ ١٢٧/٧٤
لِوَعِيدِكَ: أقلّ لوعيدِكَ انتباهاً وارتقاباً ٢٩/١٥
ولالوعيدِكَ متهاون ١١٦/٦٧
بِالْوَعِيدِ: مصدّق منك بالوعيدِ لي ٢٥٧/٤
وقد تقدّمت بالوعيدِ ١٢٦/١١
الْمَوْعُودَ: الكريم المثابة المشهود الموعود ١٢٣/٣٤
أرزقنا ... شوق ثواب الموعودِ ١٢٢/٦١
وارزقني ... شوق ثواب الموعودِ ٥٩/١٠
مَوْعُودِكَ: الثّقة بك وسيلةً في استنجاز موعودِكَ ٢٢٩/٣
فكيف لايبتهج رجائي بتحقيق موعودِكَ، ١٩٩/١٣٢
الْمِيعَادَ: إنّك لاتخلف الميعادَ ٢٠٠/٢٧
يامن لايخلف الميعادَ ١٢٢/٢
مَوَاعِيدِهِ: من الثّقة بأمانيّه ومواعيدِهِ ٥٠/١
مَوَاعِيدُكَ: اللّهمّ ومواعيدُكَ الصادقة ١١١/١

و.ع.ظ

وَعَظْتَ: ووعظتَ فقسوتُ ١٥٢/١ ـ ١٥٣/١
نَعِظُ: نعظُ عن متابعته من اتّبع زجرنا ٥٠/١٣
إِتَّعَظَ: ولاتجعلني عظة لمن اتّعظ ١٢٧/١٠٥
عِظَةً: ولاتجعلني عظةً لمن اتّعظ ١٢٧/١٠٥
وَاعِظاً: واعظاً لنا وزاجراً عن سوء الخلق ٩٥/٣

إعتذار ندامة يكون واعظاً لما بين يدىّ ١٠٠/٣

و.ع.ى

لاتَعِىَ: حتّى لاتعِىَ بطوننا إلاّ ماأحللت ١١٥/٩
لَمْ تَعِهِ: ولم تعهِ أسماعهم ١٤٢/١٤
أَوْعِهِ: أوعِهِ «كتابك» سمعى ١٥٣/١٣
أَوْعِيَةَ: غسلوا أوعيةَ الجهل بصفو ماءِ الحياة ٢٠٠/٣٤
وامتلأت بفيض جودك أوعيةُ الطلبات ١٤٦/٣

و.ف.د

وَفَدَ: ووفَدَ بحسن ظنّه اليك ٣٤/٢
أىّ وافد وفدَ إليك فاقتطعته ٧٠/٢ ـ ٢٥١/٦١
وَفَدْتَ: السّلام عليك كما وفدتَ علينا بالبركات ١٤٢/٤١
وَفَدْتُ: وقد وفدتُ إليك ١٤٩/٥٨
أللّهمّ إلى مغفرتك وفدتُ ٥٥/٢٤
يَفِدُ: وإليك يفدُ أملى، ١٩٩/١٩٨
لايَفِدُ: يامن لايفدُ الوافدون على أكرم منه، ١٩١/٤
أَوْفَدْتُ: وأوفدتُ عليك رجائى بالثّقةِ بك ٣٩/٨
وَفْدِ: واجعله «محمّد» خطيب وفدِ المؤمنين إليك، ١٠/٢٣
اولئك وفدُ الكرامة يوم يخسر فيه ١٩٧/٤٧
وَفْدِكَ: فلا تجعلنى اليوم أخيب وفدِكَ ١٤٩/٥٨
قد نام وفدُكَ حول البيت قاطبةً ٢١٥/٣
أن تجعلنى من خيار وفدِكَ ١٤٩/٤٧
الْوُفُودِ: يوم الوفودِ عليك ياكريم ١٧٣/١٠ ـ ٧/٨
وُفُودِكَ: ولاأفنط وفودِكَ الآملين ٨٨/٨
لِلْوُفُودِ: سيّرنا في أقرب الطّرق للوفودِ عليك ١٨٩/٢
الْوِفَادَةِ: وتوفّنى ... على خير الوفادةِ ١٢٣/١٤
وِفَادَتِهِ: والّذين ... كانفوه وأسرعوا إلى وفادتِهِ ١٤/٣
بِالْوِفَادَةِ: وفوزهم بالوفادةِ عليك والزّيادة منك ١٤٢/١٠
فها أناذا أؤمّك بالوفادَةِ ١٤٦/١٤
وَافِدٍ: أللّهمّ انّ لكلّ وافدٍ جائزةً ١٤٩/٥٦
أىّ وافدٍ وفد إليك فاقتطعته ٧٠/٢ ـ ٢٥١/٦١
إلهى ... أتيتك ... وافداً إلى حضرة جمالك، ١٨٦/٨
الْوَافِدُونَ: خاب الوافدونَ على غيرك ١٤٦/٥
يامن لايفد الوافدونَ على أكرم منه، ١٩١/٤

و.ف.ر

أَوْفِرْ: وأوفر مزيدنا من سعة رحمتك، ١٩٦/٢
فَوَفَّرْتَ: فأسبغت ورزقتنى فوفّرتَ ١٤٩/٢٩
تُوَفِّرُ: وتوفّرُ عليهم الحظَّ من عوائدك وفوائدك ١٤٧/٥٨
فَلَمْ أُوَفِّرْهُ: لزمنى لمؤمن فلم أوفِّرهُ ١٠٠/٢
وَفِّرْ: اللّهمّ وفّر بلطفك نيّتى ٥٥/٢
ووفّر من النصر زاده حتّى يعود الحقّ ٢٢٣/٧
ووفّر ملكتى بالبركة فيه ٥٥/٣٥
ووفّر علىّ حظوظ الإحسان من إفضالك ١٤٧/١١٢
بِوُفُورِهِ: حمداً يوجب بكرمك المزيد بوفوره ١٤٧/٤٤
بِتَوْفِيرِ: رجاء الواثقين بتوفيرِ الثّواب، ١٩٩/٣٥
تَوْفِرَةً: وقد أعددت ليوم المعاد توفرةَ الزّاد ٢٠٤/٨
وَافِرُ: ودينك منقوص ومالك وافرٌ ٧٢/٢١٤ ـ ١٥١/٢١٤
مَوْفُوراً: وأحينى ما أحييتنى موفوراً ١١٤/١٢
إلى ما ندبه إليه من موفورِ ثوابه ١/٨
فلا ذاك موفورٌ ولاذاك عامر ١٤٩/٢١٤
ولاذاك موفورٌ ولاذاك عامر ٧٠/٢١٤
الْمَوْفُورَةِ: بما جعل له من الحرمات الموفورةِ ١١٥/٤
مُوَفَّرَةٌ: وجوائز السّائلين عندك موفّرَةٌ ٢٥٥/٦
أَوْفَرَ: أوفر من شكرى إيّاك على ماخوّلتنى ٩٦/٣
واجعلنى من أوفَرِ عبادك نصيباً ١٣٢/٥
واجعلنى من أوفرِ عبادك عندك ١١٦/١١٢
ويامن رضاه أوفرُ من سخطه ٣٤/٨
الْأَوْفَرَ: وحظّى فيه «رمضان» الأوفرَ ١١٧/١٤
أَوْفَرَهُمْ: أوفرهم «الأنبياء» حظّاً من رضوانك، ١٠/١٤
أن تجعلنى من أوفرهِم منك حظّاً ١٨٩/٦
وأوفرهِم حظّاً منه ١٤٢/٥٥

و.ف.ق

وَفَّقَهُ: فصحّ بمعاينة أمثالهم حازم وفّقَهُ اعتباره ٧٤/٢
وَفَّقْتَ: ووفّقتَ فهديت، ١٩٩/١٠
إلاّ ما وفّقتَ له أهل الإصطفاءِ ٢٢٣/١
فإنّها مختارة للباطل إلاّ ما وفّقتَ ٣٠/٣
وَفَّقْتَهُ: وفّقتَهُ لحقّك ١٤٧/٧٢
وَفَّقْتَنِي: قوّيتنى معها على ماوفّقتنى له من طاعتك ٤٦/٢
كلّما وفّقتنى له من خير أحمله ٩٩/٣
ووفّقتنى لمعرفة وحدانيّتك ١٤٤/٣
وَفَّقْتَنَا: ووفّقتنا بمنّك له ١٤٢/٤٨
تُوَفِّقَنِي: وتوفّقنى لما ينفعنى ماأبقيتنى ٢٥٣/٤
أَنْ تُوَفِّقَنِي: وأن توفّقنى لليلة القدر ١٢٧/٣
وَفِّقْهُمْ: ووفّقهم لإقامة سنّتك ٦٥/٢
وَفِّقْنِي: أللّهمّ ... وفّقنى لمرضاتك ١٣٥/١٤
ووفّقنى لخير القول والعمل ٢٧/٣
ووفّقنى إذا اشتكلت علىّ الأمور لأهداها ٥٥/٣٢

ووفّقني للّتي هي أزكى ٥٥/٢٥
ووفّقني لطاعة من سدّدني ومتابعة من ارشدني ٥٥/١٢
ووفّقني فيه «رمضان» للبلة القدر ١١٧/١٥
ووفّقني من الأعمال لما تغسل به دنس الخطايا عنّي ٨٠/١٠
ووفّقني فيه «رمضان» لطاعتك ١١٧/٣
أللّهمّ ووفّقني لكلّ عمل صالح ترضاه عنّي ١٢٣/١٩
ووفّقني فيها «سنتي» لعبادتك ١١٨/٩
ووفّقني لأحبّ الأمور إليك ١٢٨/٧
ووفّقني لقبول ماقضيت لي وعليّ ٤٤/١٠
ووفّقني بأهدى من رغب إليه ٦٣/١٢
ووفّقني للنّفوذ فيما تبصّرني من علمه ٦٣/٣
ووفّقني لأداء فرض الجمعات ٢٤٦/٦
وَفِّقْنا: اللّهمّ وفّقنا وسدّدنا واعصمنا ٢٣٤/٥
ووفّقنا في يومنا هذا ... ٢١/١٣
أللّهمّ ... ووفّقنا لمتابعته «إمام زمان» ١١٩/٢٩
أسعد من تعبّد لك فيه ووفّقنا فيه للتّوبة ١١٠/٨
ووفّقنا في هذا اليوم العظيم ١٤٣/٣٢
ووفّقنا فيه لأن نصل أرحامنا ١١٥/١٣
فَوَفِّقْنِي: فوفّقني لما يؤمّني مكرمك ٢٥٢/٣٦
ولما تحبّ وترضى فوفّقني، ١٥٣/٢٤
ولعبادتك فوفّقني ١٥٣/٢٠
يُوافِقُ: لك الحمد ... حمداً يوافِقُ رضاك ١٨٧/٨
لا يَتَّفِقُ: ولايتّفقُ أحد معك في دعائي ٧٤/٣
يَتَّفِقُونَ: يتّفقُونَ «التابعين» عليهم «الرسل» ١٤/٦
أَسْتَوْفِقُكَ: أستوفقُكَ لما يدنيني منك، ١٩٧/٢٩
وَفْقٌ: حمداً ظاهره وفقٌ لباطنه ١٤٧/٣٩
وباطنه وفقٌ لصدق النيّة فيه ١٤٧/٣٩
تَوْفِيقَ: أسألك ... توفيقَ أهل الهدىٰ ١٣٧/٨
ما أصل به إلى توفيقِ أملي ٨/١٩
النَّوْفِيقَ: أرزقني ... التّوفيقَ والقربة ١١٧/٩
ارزقني... الرّغبة اليك والإنابة والتّوفيقَ ١٣٧/٤
أللّهمّ إنّي أسألك التّوفيقَ لكلّ عمل ١٢٣/١٥
اللّهمّ اسلبه «ظالمي» التّوفيقَ ١٥٥/٤
وزدني من هداك ماأصل به إلى التّوفيقِ ٩٨/١٢
تَوفيقُكَ: سيّدي لولا توفيقُكَ ضلّ الحائرون، ١٩٩/١٦٤
إن قطعت توفيقُكَ خذلتني ٢١٢/١
وأرني مصاديق إجابتك بحسن توفيقِكَ ٢١٩/٢
دوام توفيقِكَ ماأتّخذه سلّماً ١٥٢/١٦
إن لم تؤيّدني بصحّة توفيقِكَ، ١٩٩/٧٠
لولا توفيقُكَ لم أهتد إلى معرفة التّأويل، ١٩٩/٧١
تَوْفيقي: وما توفيقي إلاّ بك ٢٥٧/٦
فأسألك سيّدي توفيقي لما يوجب ثوابك، ١٩٩/٩٥
وما توفيقي إلاّ بالله عليه توكّلت ١٦١/١
بِتَوْفيقِكَ: أحسن بتوفيقِكَ عوننا عليه ٥٠/٦
خلّصته بتوفيقِكَ من ورطات المجرمين ١٠١/٨
ونهضت بتوفيقِكَ من زلّتي ٣٩/٧
وأيّدني بتوفيقِكَ وتسديدك ١٤٧/٩٥
وقدتولّينا بتوفيقِكَ صيامه وقيامه ١٤٢/٤٨
وسلّمنا منها «الدّنيا» بتوفيقِكَ وعصمتك، ١٩٦/٢
اللّهمّ أعطنا جميع ذلك بتوفيقِكَ ورحمتك ٦٤/١٥
فأيّدنا بتوفيقِكَ وسدّدنا بتسديدك ٣٠/٥
بِالتَّوْفيقِ: سهّلت له طريق الطّاعة بالتّوفيقِ ٢٠٠/٣٥
فأعنّي بالتّوفيقِ على بلوغ رضاك ١٤٤/٢٩
مُوافَقَةَ: والّذي لم يستطع إلاّ موافقةَ علمك، ١٠/٢
إِتِّفاقُ: فلك اتّفاقُ الخلق مستجدّين ٢٢٧/٦
مُوافِقاً: واجعل ... إعلاني موافقاً لطاعتك ١٩٩/٣٢
مُوَفَّقاً: واكتبني عندك سعيداً موفّقاً للخير ٢٥١/٦٧
أحمده ... حمد موفّقٍ لرشده، ١٩٩/٧
مُوَفَّقِينَ: موفّقينَ مسدّدينَ ... ٤٢/١٧
الْمُوَفَّقِينَ: الموفّقينَ للخير والرّشد ٦٤/١٤
أَوْفَقَها: أسألك ... من الآمال أوفقَها، ١٩٩/٢١

و.ف.ى

وَفىٰ: وتوحّدني بما تتوحّد به من وفىٰ بعهدك ١٤٧/٨٤
فيامن إذا وعد وفىٰ ٣٨/٣
يامن إذا وعد وفىٰ ٢١١/٢
تَفي: فأرني مبشّرات من إجابتك تفي ٢٢٩/٤
لَمْ أَفِ: لكلّ عهد عاهدته ثمّ لم أفِ لك به ٢٣٨/٥
لما وأيت به على نفسي ثم لم أفِ لك به ٢٥٢/٤
وأستغفرك لما ... لم أفِ به ٢٥١/٦
أَوْفَيْتَ: إلاّ أوفيتَ به عليها ١٠/٢٠
كَيْ أَوفِيَ: بوعدك كي أوفِيَ بعهدك ٧٧/١١
أَوْفِهِ: وأوفِهِ «عبد» حقّه من عندك ١٠١/٤
وُفِّيَتْ: وفّيتْ كلّ نفس ماكسبت (قرآن) ١٨٤/٩
وافاكَ: وقد وخطك القتير ووافاكَ النذير ٢١٤/٩
وهل لك إن وافاكَ حتفك بغتة ٢١٤/١٥٠ - ٢١٤/٧١
وافِ: وافِ بي عرصة الأوّلين ١٤٧/١٠٩
تَوَفَّيْتَهُ: فأعشته حميداً وتوفّيتَهُ سعيداً ١٤٧/٩٢
تَوَفَّيْتَني: محمّد عليه السّلام إذا توفّيتَني ٨٠/١٠
واجعل وفاتي إذا توفّيتَني راحة لي من كلّ سوء ١٤١/٢١

وتوفّني إذا توفّيتني عليه «الإيمان» ١١٦/١٢٣
أللّهمّ ... اغفر لي إذا توفّيتني ١٤٨/٣٥
حَتّىٰ تَتَوَفّاني: حتّى تتوفّاني وقد أعددت ٢٠٤/٨
تَوَفّني: توفّني على ملّتك وملة نبيّك ٨٠/١٠
وتوفّني على ملّة إبراهيم وفطرته ١٢٣/١٤
وتوفّني إذا توفّيتني عليه «الإيمان» ١١٦/١٢٣
توفّني مسلماً وألحقني بالصّالحين، ١٢/٧٧ ـ ٧٩/١٩٩
وتوفّني في سبيلك ١١٦/١٢٥
واحشرني في زمرتهم وتوفّني في حزبهم ١٤٩/٦١
فَتَوَفّني: فتوفّني موالياً لأوليائك ١٢٣/١٤
تَوَفّنا: وتوفّنا على ملّته «نبيّنا» ١٠٩/٢٥
وتوفّنا على ملّتك ١١٦/٢٦
يَسْتَوْفِيانِ: هيهات مايستوفيانِ منّي حقّهما ٦٣/١١
وَفاءِ: وانقطاع مدّته ووفاءِ عدده ١٤٢/٢٧
كم عاهدت ربّي فلم يجد عندي صدقاً ولاوفاءً ١٩٨/٣٠
أللّهمّ وإنّه لاوفاءَ لي بالتّوبة إلاّ بعصمتك ٨٠/١٥
اللّهمّ فانّه لاوفاءَ لي بالتّوبة الاّ بعصمتك ٨١/٣
... ومن حنقي عليه وفاءً ٤٤/٥
ثمّ لاتجد عندي صدقاً ولاوفاءً ٩٠/٣
الْوَفاءِ: إن كنت لاتكرم إلاّ أهل الوفاءِ بك ١٤٣/٤٢
حمداً يبلغ الوفاءَ وحقيقة الشّكر ١٦٣/٦
وإن كنت لاتكرم إلاّ أهل الوفاءِ بك ١١٦/١١٨
والرّعاية لحقّك والوفاء بعهدك ١١٧/١١
وَفاؤُكَ: ووفاؤُكَ للرّاغبين إليك ٢٤٩/٤
تَوْفِيَتِهِ: ويؤيّد من أغرق نزعاً في توفيَتِهِ ١٤٧/٤١
إسْتيفاءَ: ولااستيفاء يوم بعد يوم ١٠٣/١
وافِيَ: ياوافي القول ٩/٥
الْوافي: أسألك باسمك الوافي ١٤١/٣
الْوافِيَةِ: إكلأني بكلاءتك الوافيَةِ، ١٥٥/٧
مُوفياً: واجعل كلّ يومٍ من أيّامي موفياً ٢٠٤/٨
الْمُوفي: الموفي بعهدك الصادع بأمرك ١٤٣/٥٢
وَفِيٌّ: اللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... وفيٌّ لاتخلف ١٣٠/٤
الْوَفِيُّ: وأنت ... الوفيُّ بتكثير الرّغبات، ١٩٩/٨٠
وجازنا بالميزان الوفيّ، ١٩٤/٢
الْأَوْفِياءِ: صلواتك... على... شيعته الأوفياءِ، ١٩٩/٦٣
أَوْفىٰ: وإحسانك أوفىٰ ونعمتك أتمّ ١٤٦/١٢
واجعل لي أوفى الحظوظ فيما عندهم ٦٥/٥
الْأَوْفىٰ: ليكون ... حظّك الأوفىٰ ٦٧/١٦
وأقسمت وقسمك الأبرّ الأوفىٰ ٧٦/٤
أَوْفاهُ: وأوفاهُ سعادةً وأمناً ٢٠٢/٩
أَوْفاها: أسألك ... من النّعمة أوفاها ١٩٩/٢٣
الْوَفاةِ: وأستجيربك... من تبعته «الدّين» بعد الوفاةِ ٧٩/٢
الوفاةَ راحة لي من كلّ شرّ ٢٤٠/٤
وَفاتي: ويستغفر لي بعد وفاتي ٢٥٨/١
واجعل وفاتي إذا توفّيتني راحة لي من كلّ سوء ١٤١/٢١
وعرفت قلّة استغنائي عنه بعد وفاتي ١٩٩/١٠٧
فلانقطع لطيف برّك بي بعد وفاتي ١٩٩/١٢٢
وإن كانت دنت وفاتي ٢٠٣/١٣
وأن تجعل وفاتي قتلاً في سبيلك مع أوليائك ١٢٧/١٠
ولاتفتّر عليّ في حياتي الى حين وفاتي ١١٤/١٢
بِوَفاتِهِ: وكم شامت مستبشر بوفاتِهِ ٢١٤/٢٤ ـ ٢١٤/٤٨

و.ق.ت

وَقَّتَّ: وأوقاتها التي وقّتَّ ١١٥/١١
وَقْتَ: مقرّ لك بأنّي لم أستسلم وقتَ إحسانك ٣٤/٣
أم لزمني في وقتٍ دعائي مقتك ٣٤/٤
قطّان أرضك إلى وقتٍ طيّك الحساب ١٦/٨
واجعله «محمّد وآله» ... خير وقتٍ ظللنا فيه ٢١/١٤
وجعل له وقتاً بيّنا ١١٥/٤
أللّهمّ صلّ على محمد وآله في كلّ وقتٍ ١١٥/٢٧
فجميع ما أخرّت عنه من وقتِ العذاب، ٨/١٦
أم وقتُ العلّة الّتي محّصتني بها ٤٦/٣
أو وقتُ الصحّة الّتي هنّأتني فيها طيّبات رزقك ٤٦/٢
من ابتدائه إلى وقتِ فنائه «شهررمضان» ١١٥/١٦
الْوَقْتُ: إلى أن ينتهي به الوقتُ ٦٧/٢١
لاتجعلنا في هذا الوقتِ من رحمتك محرومين ٢٣٤/١
اللّهمّ اجعلنا في هذا الوقتِ ممن سألك ٢٣٤/٤
وقرّب الوقتَ فيه ولاتسمنا الغفلة عنك ٩٥/٣
وَقْتِهِ: ثمّ قد فارقنا عند تمام وقته ١٤٢/٢٧
حين جهل الأشقياء وقتَهُ ١٤٢/٤٨
السّلام عليك من مطلوب قبل وقتِهِ ١٤٢/٤٣
الْوَقْتَيْنِ: أيُّ الوقتين أولى بالحمد لك ٤٦/١
أَوْقاتِ: وآثرته على كلّ أوقاتِ السّنة ١٤٢/٢٤
ونبّهني لذكرك في أوقاتِ الغفلة ٥٥/٤١
وقد حضرت أوقاتُ صلواتك ٢٠٦/١ ـ ٢٠٥/١
وينظر كيف هم في أوقاتِ طاعته ٢١/٤
الْأَوْقاتِ: ياأكرم مصحوب من الأوقاتِ ١٤٢/٢٩
أَوْقاتَهُ: وزيّن أوقاتَهُ «شهررمضان» بطاعتنا لك ١١٥/٢٢
أَوْقاتِها: وأوقاتِهاالّتي وقّتَ ١١٥/١١
في أوقاتِها على ما سنّه عبدك ١١٥/١٢

لِأَوْقاتِها: في كشفه واقعة لأوقاتها بقدرتك ٢٢٣/٢
مَوْقُوتاً: ثمّ ضرب له في الحياة أجلاً موقوتاً ١/٧
ميقاتِ: القبور هي المأوى إلى ميقاتِ يوم ١٠٩/١٨
مَواقِيتِ: وقفنا فيه على مواقيتِ الصّلوات ١١٥/١١
مَواقيتَها: مواقيتها «الأمور» إلى قضائه ١٢٩/١٠

و.ق.د

تَتَوَقَّدُ: آه وانفساه من نار تتوقّدُ ولانطفأ ١٩٨/١٩
وَقُودَهُ: أطف عنّي نار من شبّ لي وقودَهُ ٧٨/٦
وأطفىء عنّي نار من شبّ لي وقودَهُ ٢٥٢/٢٥ - ٢٥١/٣١
وَقُودُها: والنّار الّتي وقودُها النّاس والحجارة ٢٥٧/١٧
من نار وقودُها الرّجال والنّساء، ١٩٨/١٦
الْمُوقَدَةِ: بما وصفته من... النّار الموقدَةِ ٢٥٧/١٧

و.ق.ر

أَوْقَرْتَ: أنا الّذي أوقرْتَ الخطايا ظهره ٤٩/٥
أَوْقَرْتَنِي: أوقرتني نعماً وأوقرت نفسي ذنوباً ٢٤٩/٩
أَوْقَرْتُ: أوقرتني نعماً وأوقرت نفسي ذنوباً ٢٤٩/٩
وَقَّرَهُ: ولم تخرجنا في مدّة من... وقّرهُ «محمّد» ١٠/٢٩
وَقْراً: وفي آذانهم وقراً (قرآن) ٢٢/١٠
١٥٩/١٢ - ٢٣/٤ - ٢٢/١٤
تَوْقيرَهُ: وفرضت علينا توقيرَهُ «محمّد» ١٠/٩
وَقارِ: العالي في وقارِ العزّ والمنعة ١٩٩/٥١
الْوَقارِ: وزيّنتهم بحلية الوقارِ والهيبة، ١٩٩/١٨٥

و.ق.ع

وَقَعَ: خالص الحياء ممّا وقع فيه ٣٤/١٠
وقع القول عليهم بما ظلموا فهم لاينطقون (قرآن) ٢٣/٣
واستغاث بك من عظيم ما وقع به في علمك ٨٠/٦
كلّ ما وقع عليه وصف ونسمية، ١٩٩/٥٦
وَقَعْتُ: أنت القادر على ... دفع ما وقعتُ فيه ٢٤/٦
ندامتي على ما وقعتُ فيه من الزّلاّت ١٠٠/٤
يَقَعَ: قبل أن ... يقَعَ في خلدي ٧٠/٤
علمت ... قبل أن ... يقعَ في صدري ٢٥١/٦٢
فالكريم ليس يقعُ معروفه عند مستوجبيه، ١٩٧/١١
تَقَعُ: تعافيهم ممّا تقعُ به الفتنة من محذورتها ١٤/١٠
أَنْ تَقَعَ: أن تقع على الأرض إلاّ بإذنه ١٣٥/٢
ومانع السّماء أن تقعَ على الأرض إلاّ بإذنه ١٣٨/١
أَوْقَعَهُمْ: أوقعهم غضبك بين ١٩٩/١١٢
فَأَوْقَعَني: فأوقعني وقد هربت إليك ٨٨/٦
أَوْقَعْتُهُ: أسئلك سؤال مذنبٍ أوقعتهُ معاصيه ٢٣٧/١
أَوْقَعْتَني: آه واخطيئتاه أوقعتني خطيئتي ١٩٨/٦٢
فَأَوْقِعِ: فأوقِعِ النّقص بأسرعهما فناءً ٣٠/٢
وَاقْعَنَا: أو واقعنا فيه من ذنبٍ ١٤٢/٥٢
تَوَقَّعَ: وتسكن نفس من توقّع ٢١٤/١٠٥
يَتَوَقَّعُ: أو تسكن نفس من يتوقّعُ الممات ٢١٢/٢٩
يَتَوَقَّعُها: من رحمتك الّتي يتوقّعها المحسنون، ١٩٩/١٤٣
لست أيأس من رحمتك الّتي يتوقّعها ٢٠١/٣١
أَتَوَقَّعُهُ: بما أتوقّعه منك غنياً ٢٥١/٤٨
لِوَقْعِ: لوقعِ مقامع الزّبانية ركّبت أعضائي ٢٠٣/١٠
وُقُوعِ: لايذكرك إلاّ عند وقوعِ جائحةٍ ٢٠٤/٦
تَوَقُّعِ: ما ردّني اليأس عن توقّعِ غفرانك، ١٩٩/١٢٠-١٩٧/٣٧
واقِعَةً: في كشفه واقعةً لأوقاتها بقدرتك ٢٢٣/٢
بِواقِعَةٍ: ولاالأوهام بواقعةٍ عليك ٢٢٣/٣
الْمَواقِعُ: فأمّا العاصي أمرك والمواقعُ نهيك ٩٨/٩ - ٨/١٥
مُتَوَقَّعٌ: أللّهمّ ... والخير متوقّعٌ منك ٣١/٣
مَوْقِعِهِ: وموقعه منّي مع جودك بجسيم الأمور ٢٥٧/١٩
مَواقِعَ: مع إزاحة اليقين مواقعَ الشّكوك قبلك ٢٤٩/٨
ومنازل فروضه ومواقعِ أحكامه ٢١/٤
مَواقِعِها: الأمطار في مواقعها، ١٩٩/٥٦
بِمَواقِعَ: ووسّع بمواقع حكمك صدري ٩٦/٣

و.ق.ف

وَقَفَ: المكسوّ حلل الأمان إذا وقف بين يديك، ١٠/٢٣
ووقف عند أمرك وأوذي في سبيلك ١٤١/٣٠
وَقَفُوا: ووقفوا ساعة عليه ٢١٢/٥٧
ثمّ وقفوا ساعة عليه ٢١٢/١٣٥
وَقَفْتَهُ: وقفتهُ عليه وبلّغته إيّاه ٢٢٩/١٦
وَقَفْتَنا: وأمر قد وقفتنا عليه فتعدّيناه ٩٥/٢
وَقَفْتُ: كلّما طلبت التّوّابين وقفتُ مع الأشقياء ١٩٨/٢٩
وقفتُ بين يديك في هذا الموضع الّذي شرّفته ١٢٩/٥٨
وإذا وقفتُ بين يديك مبهوتاً ١١٨/٤
وَقَفْنا: أللّهمّ ومنى وقفنا بين نقصين ٣٠/٢
تَقِفُ: إلهي ... بعرصتك تقفُ آمال المسترفدين ١٨٧/٣
لاتَقِفُهُ: ولاتقفهُ على ما ارتكب فيّ ١٠١/٢
أَقِفُ: حين أقفُ بين دعوتك ودعوة الشّيطان ٢٩/١٣
لَمْ أَقِفْ: لم أقف عند الهوى ولم أراقبك ١٤٨/٩
قِفْهُ: وقفهُ «محمّد» في المقام المحمود ١٠/٢٤
قِفْنا: قفنا فيه على مواقيت الصّلوات ١١٥/١١
أَوْقَفْتُ: قد أوقفتُ نفسي موقف الأذلاّءِ المذنبين ١٦٧/٢

لاتُوقِفْنا: واجعل ... توبة مقبولة لاتوقفنا ٣٣/٥
تَوَقَّفْ: توَقَّف ونفهّم وانظر أيّ عزّ ملك ٢١٩/٢٤
وُقُوفَ: واقف بباب عزّك وقوفَ المستسلم الذّليل ٣٤/٣
الْوُقُوفِ: فواسوءِ تاه غداً من الوقوفِ بين يديك ٩١/٣
والوقوفَ بين يديك نغّصني مطعمي ٨٢/٥
إلهي، ألأمان ... عند الوقوفِ بين يديك ٢٠٧/٣
أسألك ... الوقوفِ عند نهيك ٢٠٠/١٩
وُقُوفي: اللّهمّ وقد تراني ووقوفي وذلّ مقامي ٨٢/٤
وَقْفَةِ: أسألك سؤال الخائف من وقفةِ الموقف ٢٤٥/١
واقِفاً: واقفاً بين الرّغبة إليك والرّهبة منك ٨٨/١١
أملي واقفٌ على جدواك، ١٩٩/٨٠
وها أنا بباب كرمك واقفٌ، ١٩٢/٨
فها أناذا ياالهي، واقفٌ بباب عزّك ٣٤/٣
الْواقِفِ: تب على عبدك ... الواقف بين يديك ١٦/٧
واقِفينَ: وعند الشّبهات واقفين ٢٠٦/٢١
واقِفُونَ: وعند نهيك وأمرك واقفونَ، ١٩٩/١٨٧
واقِفَةٌ: واقفةٌ بحدّك من إرادتك ٢٢٣/٢
مَوْقُوفَةٌ: وآمالي موقوفةٌ لديك ٩٩/٣
الْمَوْقُوفَةَ: إشتر منّي نفسي الموقوفة ٢٤٨/١
مُوْقَفٌ: وكيف يلذّ العيش من هو موقفٌ ٢١٤/١٠٧
مَوْقِفِ: في موقفِ العرض عليك ذلّ مقامنا ١٠٩/٢٠
انّي أعوذبك من موقفٍ يعرض فيه الصّديق ١٣٥/٢
وارو به في موقفِ العرض عليك ١٠٩/١٤
قد أوقفت نفسي موقفَ الأذلاّءِ المذنبين ١٦٧/٢
موقفَ الأشقياءِ المتجرّئين عليك ١٦٧/٢
تنضّر بها وجهه في موقفِ السّاعة يوم الدّين، ١٠/٧
الْمَوْقِفِ: الخائف من وقفة الموقفِ ٢٤٥/١
تلجلج لساني في الموقفِ ٢٤٣/٦
وأر أهل الموقفِ من النّبيّين وأتباعهم ١٠/٢٤
مَوْقِفي: ونيل سؤلي قبل زوالي عن موقفي هذا ٣٩/١١
آه وانفساه من موقفي بين يدى الرّحمن ١٩٨/٨
فلعلّ بعضهم برحمتك يرحمني لسوء موقفي ٨٠/٢٣
واجعل في ذلك اليوم مع أوليائك موقفي ١٦٧/٦
راج لك في موقفي هذا ١٤٩/٣٨
فلعلّ بعضهم برحمتك يرحمني بسوء موقفي ٨١/٧
وإذا نشرت للحساب بين يديك ذلّ موقفي ١١٦/٩٥
هب لي سيّدى عفوك في موقفي يوم الدّين ٢٤٥/٨
وأتوسّل إليك في موقفي اليوم ١٤٩/٤٧
بشدّة مسكنتي وسوء موقفي ٤٩/١٩
بِمَوْقِفِ: بموقف عدل يوم تبلى السرائر ٢١٤/١٠٧
بموقف عدل حين تبلى السّرائر ٢١٤/٣١
مَواقِفِ: أن تؤمنني في مواقفِ الخوف بأمنك ٢٤٤/٥
عند مواقِفِ الأشهاد من الملائكة المقرّبين ٨٨/١٢
فأعذني من سوء مواقِفِ الخائبين، ١٩٩/١٦١
واشغلها بالنّظر إليك عن شرّ مواقفِ المختانين ٢٠٠/٣٧
يشرّف به منازلنا عند مواقِفِ الأشهاد ١/١٤
أَوْقَفَهُمْ: اجعلنا ... أوقفهُم عمّا حذّرت ٢١/١٤
الْمَواقِفِ: من تلك ... المواقِفِ الكريمة ١١٦/٥١
فلولا المواقفُ الّتي أَوْمَلُ من عفوك ١٦٢/٣

و.ق.ى

وَقَيْتَ: وقني بوقايتك الّتي وقيتَ بها عبادك ١٤٨/٣٢
وإنّ السّالم من وقيتَ ٩٧/٤
وَقَيْتَهُمْ: الّذى وقيتهم به من الجوابيت ١٥٥/٦
وَقَيْتَنا: وقيتنا فيه من طوارق الآفات ٢١/٥
فلك الحمد على ما وقيتنا من البلاء ٩٧/٥
يَقِيَ: ولانتعاطى إلاّ الّذى يقى من عقابك ١١٥/٩
تَقِي: إنك تقِي الكريهة وتعطى الحسنة ٨٨/٢٢
تَقِهِ: إنّ من تقِهِ يسلم ١٥/٩
فإنّك من تقِهِ يسلم، ٨/٢٢
تَقِيهُمْ: صلاة ... تقيهُمْ طوارق اللّيل والنّهار ١٤/٨
تَقِيني: حتّى لاأعلم حياطةً تقيني بها ١٤٧/١١٦
تَقِنا: وجعلت لنا عدوّاً... وإلاّ تقنا خباله يستزلّنا ٦٤/٨
قِني: وفي الاخره حسنة وقنى برحمتك عذاب النّار ٥٥/٤٢
وقني بوقايتك الّتي وقيت بها عبادك ١٤٨/٣٢
قني من المعاصى واستعملني بالطّاعة ٤٩/٢١
وقني المكاره كلّها يارجاء المؤمنين ١٩٩/٤
وقني عذاب النّار وعذاب الحريق، ١٢٩/٨
ثمّ قني مايوجب له «عبدك» حكمك ١٠١/٤
وقنى عذاب النّار ١٣٨/٥ - ١١٧/٣١
وقني شرّ ماقضيت انّك تقضي ولايقضى عليك
واهدنى وقني شحّ نفسى ١٣٨/٥
قِنا: فصل على محمّد وآله وقنا منك ١٥/٩
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النّار (قرآن) ٦٤/١٦
وقنا عذاب النّار (قرآن) ٨٧/١٠ - ١٤٣/٥٦ - ١٣٣/١٢
أللّهمّ قنا عذابك ٨/٢٢
فَقِني: فقني من أن أظلم ٤٤/٧
فَقَنَاهُ: إذا عرّفتناه فقناهُ وبصّرنا مانكايده به ٥٠/٦
إتَّقِنى: واتّقِنى ذنوبه حقّ تقاتها ١٤٢/٥٦
إتَّقَاهُ: وأحقّ من خشيه واتّقاهُ ٨٨/١١

يَتَّقُونَ: خير للّذين آمنوا وكانوا يتّقونَ (قرآن) ٢٢/٢٢
تَتَّقُونَ: من قبلكم لعلّكم تتّقونَ (قرآن) ١٢٤/٢٠
بِوِقايَتِكَ: وقني بوقايتك الّتي وقيت بها عبادك ١٢٨/٣٢
تَقِيَّةِ: أسألك ... تقيّةِ أهل الورع ١٣٧/٨
أسألك عيشة ... تقيّةً ٢٢٥/٣
التُّقىٰ: هم العروة الوثقى وهم معدن التّقى ٢١٩/٤٩
أسئلك بنا من التُّقىٰ خلاف سبيله من الرّدىٰ ٥٠/٤
وقادة أهل التّقىٰ على جميعهم السّلام ١٢/٢
تُقاتِها: واتّقىٰ ذنوبه حقّ تقاتِها ١٢٢/٥٦
تَقْوىٰ: في دينٍ أودنيا أو عافيةٍ أو تقوىٰ ٥٩/١٣
التَّقْوىٰ: أنت أهل التّقوىٰ وأهل المغفرة ١١٦/١٠ - ٨٩/٤
إنّك أهل التّقوىٰ وأهل المغفرة ٢٣٧/٨ - ١٢٨/٤ - ٣٤/١٢
زوِّدنا من التّقوىٰ ضدّ غوايته ٥٠/٤
وياأهل التّقوىٰ ويامن له الأسماء الحسنىٰ ١٦٣/٨
وألهمني التّقوىٰ ورفّقني للتي هي أزكىٰ ٥٥/٢٥
أنك ... أهل التّقوىٰ وأهل المغفرة ١٢٧/٩٨
واجمع على التّقوىٰ أمرهم ١٢٧/٧٠
لأنك أهل التّقوىٰ ١١٦/٢٨
أللّهمّ إنّي أسألك الهدى والتّقوىٰ والعفّة ١٣٣/٥
فأسأل الله العون لنا ولكم على تزوّد التّقوىٰ ٢٦٢/٢
فاجعل نفسي ... متزوّدة التّقوىٰ ٢٥٥/٣
آه واخطيئتاه أبعدتني خطيئتي من أهل التّقوىٰ ١٩٨/٥٩
واجعل لي بالبرّ والتّقوىٰ عملي، ١٩٩/٧٧
تَقْواكَ: واجعل تقواكَ من الدّنيا زادي ٥٧/١١
وأشعر قلبي تقواك ٥٧/٩
بِتَقْواكَ: الذّنوب والزّلل والخطاءِ بتقواكَ ٦٤/١٣
بِالتَّقْوىٰ: زيّنّي وإيّاهم بالتّقوىٰ واليسر ٢٤٨/٤
أدخلتهم بالتّقوىٰ في سعة رحمتك ورضوانك ١٢٠/١٣
وأنت أيّدتهم بالتّقوىٰ حتّى عملوا، ١٩٩/١٦٤
أللّهمّ زيّني بالتّقوىٰ ٢٥٢/٥
واقٍ: جلّلني من رأفتك بأمر واقٍ، ١٩٩/٦٦
واقِيَ: وواقِيَ الأمر المخوف ٥٧/١
كن لي ... من البلايا واقياً ١٨٣/٦
إعتمدتك حرزاً واقياً من دونك ٢٤٩/٤
الْواقِي: واخبأني من سترك الواقي ٧٨/٧
وأخبئني في سترك الواقي ٢٥١/٣٣
واقِيَةً: ألبسهم منه جنناً واقيةً ٥٠/٩
أن تجعل علينا واقيةً تنجّينا من الهلكات، ١٩٥/٥
واجعل عليّ منك جنّةً واقيةً باقيةً ١١٦/٥٠
وواقيةٍ من دواعيك ١١٤/١٧
ولايخفى عليه خافيةٌ وليس لنقمته واقيةٌ ١٤٩/٢٢
الْواقِيَةِ: إجعلني متدرّعاً بدرعك الواقيةِ ١٥٥/٧
مُتَّقِينَ: فائزينَ، متّقينَ صالحين ... ٤٢/١٧
الْمُتَّقِينَ: يامن هو غاية خشية المتّقينَ ٨٠/١
وألبسني زينة المتّقينَ في بسط العدل ٥٥/١٥
وحلّني حلية المتّقين ١٤٧/١٠٩
اللّهمّ تقبّل منّا كما تقبّلت من المتّقينَ ١٣٩/٣
لعلّك أن تسكني في رياض الخلد مع المتّقينَ ١٩٧/٤٧
إختلطي ليلك، ونهارك مع المتّقينَ ١٩٧/٤٧
حتّى ألقاك سيّدي وأنا من المتّقينَ ٧٧/١١
أللّهمّ صلّ على ... إمام المتّقينَ ١٤١/٢٧
إلى أمن من مقيل المتّقينَ ١٤/١٠
والبارّ من عترته البررة المتّقينَ ٤٢/٨
اللّهمّ إليك ... افضت قلوب المتّقينَ ٨٣/٥
وازجرني عن المنى لمنازل المتّقينَ ٢٥١/٤٢
وارزقنا ... خوف المتّقينَ ٢٠٠/١٨
الْمُتَّقُونَ: بالحباء والسّرور المتّقونَ، ١٩٧/٤٧
وإن كان لايفوز يوم الحشر إلاّ المتّقونَ ١٩٩/١١٠
لِلْمُتَّقِينَ: واجعلنا للمتّقينَ إماماً (قرآن) ٨٣/١٦
تَقِيّاً: إنّي أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقيّاً (قرآن) ٢٢/٧
فقبضه «محمّداً» تقيّاً زكيّاً، ١٩٩/٥٩
التَّقي: اللّهمّ صلّ على ... محمّد بن عليّ التّقي ١٨١/٤
أَتْقِياءَ: الهي ... واجعلهم «ولدي» أبراراً أتقياءَ ٦٤/٢
فجعلتهم طيّاباً أبراراً أتقياءَ ٢٠٦/١٦
الْأَتْقِياءِ: خاتم الأنبياء وآله البررة الأتقياءِ ١٩٩/٢٠
حسر عن ذراعيه جلباب الأتقياءِ، ١٩٩/٤٧

و.ك.أ

مُتَّكِئِينَ: وعلى الأرائك متّكئينَ ٢٠٦/٢٢

و.ك.د

تَوْكِيداً: وتوكيداً بين حواشي القلوب ١٠/١٠
تَوْكِيدِها: قد نقضنا العهود بعد توكيدها ٢٠٠/٩
أَوْكَدُ: او شفاعة هي أوكدُ عندك من شفاعتي ٨١/٧
شفاعة أوكدُ عندك من شفاعتي ٨٠/٢٣
يأسه من النّجاة أوكدُ من رجائه للخلاص ١٠١/١٠
أَوْكَدَها: أسألك ... من التّدابير أوكدَها ١٩٩/٢٣

و.ك.ر

الْوُكُورِ: وسكنت الحركات من الطّير في الوكُورِ ٨٩/١

أَوْكَارِ: فهم إلى أوكار الأفكار يأوون، ١٩٣/٢

و.ك.ل

وَكَلَنِيْ: الحمدلله الّذي وكلني إليه فأكرمني ١١٦/٨ـ١٢٠/٧
وَكَلْتَنِي: وإن وكلتني إلى خلقك تجهّموني ٥٩/٣
فإنّك إن وكلتني إلى نفسي عجزت عنها ٥٩/٣
فإنّك إن وكلتني إلى نفسي زلّت قدمي ٢٤٨/٦
وَكَلْتُ: ووكلتُ ما خلّفت إليك ١٤٩/٧١
لَمْ يَكِلْنِي: لم يكلني إلى النّاس فيهينوني ١١٦/٨ ـ ١٢٠/٧
تَكِلُنِي: إلى من تكلني ياربّ ٢٥١/٢٥ ـ ٢٥٢/١٧
تَكِلْهُ: أللهم ... ولاتجعلني ممن تكلهُ الى نفسه ٣١/٤
تَكِلْنِي: ولوتكلني ياربّ في تلك الحالات إلى حولي ٨٨/١٥
لاتَكِلُ: وأعلم أنك لاتكل اللاجين ١٩٩/١٨٠
لاتَكِلْنِي: ولاتكلني إلى خلقك بل تفرّد بحاجتي ٥٩/٢
ولاتكلني إلى أحدٍ من خلقك ١٤٩/٦٣
ولاتكلني إلى أحدٍ سواك ١٤٩/٦٢
ولاتكلني إلى حولي وقوّتي ١٤٧/٩٦
ولاتكلني إلى نفسي طرفة عين ١٢١/١٣ ـ ٢٥١/٥٦
ولاتكلني إلى المخلوقين فيضيعوني ٧٥/٢
أللّهمّ لاتكلني إلى نفسي فأعجز عنها ٧٥/١
فَلاتَكِلْنِي: ألجأت ظهري فلاتكني إلى نفسي ١٣٥/١
فلاتكلني إلى نفسي برحمتك ٢٥٧/٦
أَنْ تَكِلَنِي: فأعوذبك ياسيّدي أن تكلني ٧٧/٢
وَكَلَ: وكّلَ بي نفقُد رعايته ١٥٢/٧ ـ ١٥٣/٧
وَكَّلُوا: وكّلوا إلى أنفسهم ٢١٩/٤٠
وَكَّلْتُ: ووكّلتُ بها حجّابها ٢٠٢/٧
وَكَّلْتَ: وكّلتَ بي عدوّاً لي ٢٠٠/٤٥
وَكَّلْتَهُ: ولم نعلم مكانه منك وبأيّ أمر وكّلتَهُ ١٢/١٣
وَكَّلْتَنِي: فإنّك إن وكّلتَني إلى نفسي هلكت ١١٦/٩٧
وُكِّلَ: عمّا وكّل به دور الفلك ٢١٩/١٩
وَكِّلْ: وكّلْ رحمتك باحتمال إصري ١٠١/٧
أَتَّكِلُ: وعلى جودك وكرمك أتّكل ١٦٦/١٤
ولاشيء أتّكل عليه إلاّ رحمتك ٢٠٥/١٧
لَمْ أَتَّكِلْ: ولم أتّكل على ضمانك ١٦٤/٢٠
نَتَّكِلُ: لسنا نتّكلُ في النّجاة من ١١٦/٢٨
تَوَكَّلَ: وتلقى من توكّل عليك ١٦٣/١٣
إذا توكّلَ عليه أحسبه وكفاه ١٨٥/١
تَوَكَّلْتُ: توكّلتُ على الله حسبي الله ٢٨/٤
وعليك توكّلتُ وإليك حاكمت ١٣٩/١٧
إنّي توكّلتُ على الله ربّي (قرآن) ١٥٩/٢٣
وهو حسبي عليه توكّلتُ ١٥٥/٩
توكّلتُ على الحيّ الذي لايموت ١٤١/٢١
في السّراء والضّراء عوّلت وتوكّلتُ ٩٩/٢
توكّلتُ على الله ٢٦٣/١
عليه توكّلتُ وهو ربّ العرش العظيم (قرآن) ٢٢/١٢
توكّلتُ على الله العزيز الجبّار ١٥٩/٢
وما توفيقي إلاّ بالله عليه توكّلتُ ١٦١/١
تَوَكَّلْنا: عليك توكّلنا مطمئنّين ١٤٣/١٨
تُوَكِّلُ: وأكفى من توكّلَ عليه ١٤٢/٦٤
يَتَوَكَّلُ: اجعلني ممّن ... يتوكّلُ عليك ١٣٥/١٤
عليه «الله» يتوكّلُ المتوكّلون ١٥٩/١
يَتَوَكَّلْ: ومن يتوكّل على الله فهو حسبه ١٥٩/٢
أَتَوَكَّلُ: وعليك أتوكّلُ فأنجح طلبتي ١٢٧/٧
وعليك أتوكّلُ وأدرأ بك في نحر أعدائي ٢٢/٥
وأتوكّلُ عليك في الأمور كلّها ١٣٧/١٠
وعليك أتوكّلُ ولك أسأل ١١٤/٢
أللّهمّ ... عليك أتوكّلُ في كلّ أحوالي ١٩٩/١
بك أستغيث وعليك أتوكّلُ ٢٢/٣١
أللّهمّ ... عليك أتوكّلُ ١٩٩/٨
وأتوكّلُ عليه وكفى بالله وكيلاً ١٢٣/٤
وبك أؤمن وعليك أتوكّلُ ١٦٦/١٤
أتوكّلُ إلاّ عليك ١٣٨/٧
تَوَكَّلَ: وتوكّلَ المؤمنين عليك ١٧١/٦
اللّهمّ إنّي أسألك ... توكّلَ الفائزين ١٣٩/٥
أنت مغن من شكا إليك فقره توكّلاً ٤٩/٦
التَّوَكُّلِ: وهب لي صدق التوكّلِ عليك ١٧١/٥
أرزقني ... التّوكّلَ عليك ١١٧/١٠
تَوَكُّلُهُمْ: يامن مفزع الخلق إليه وتوكّلهم عليه ١١٤/١٠
تَوَكَّلي: عليك توكّلي وإليك يفد أملي ١٩٩/١٩٨
لصغر خطري ... مع ... توكّلي عليك ٢٥٧/٢٠
سيّدي عليك معتمدي ... وتوكّلي ١١٦/٨٩ ـ ١١٦/٨٢
وتوكّلي ورجائي لديك ٢٠١/٤٨
وقد أظلّها حسن توكّلي عليك، ١٩٧/٤
تَوَكَّلْنا: وعليك توكّلنا في أمورنا ١٤٣/٣١
بِالتَّوَكُّلِ: ومنّ عليّ بالتّوكّلِ عليك ٢٥١/٦٩
إكفني بالتّوكّلِ عليك ٢٥٢/٣٩
وأعنّي بالتّوكّل ٢٥١/١٥
بسؤالي إيّاك... غير الممنوعين بالتّوكّل عليك ٦٤/١٢
واجعلني بالتّوكّلِ عليك عزيزاً ٢٥١/٤٨
لقد حسن ظنّي بالتّوكّلِ عليك ١٨٦/١

الْمُتَوَكِّلِيْنَ: ما تحضره به كفاية المتوكّلينَ، ١٩٩/٣٩
وأحضرهم لكفاية المتوكّلينَ عليك ٢٥١/٥٧
يامدرك الهاربين وياعصمة المتوكّلينَ ١٢٣/١٧
وعبادة الخاشعين لك ويقين المتوكّلينَ عليك ١٧١/٦
اللّهمّ إنّي أسألك ... يقين المتوكّلينَ ١٣٩/٥
يامن ... أغنى المتوكّلينَ عليه، ١٩٩/٢٩
سبّدى ما أعظم روح قلوب المتوكّلينَ عليك، ١٩٩/١٨٤
الْمُتَوَكِّلُونَ: عليه «الله» يتوكّلُ المتوكّلونَ ١٥٩/١
وَكيلُ: ياأللهُ ياوكيلُ ياأللهُ ياكفيل ١٣٤/١
وأتوكّل عليه وكفى بالله وكيلاً ١٢٣/٤
اللّهمّ إنّي أسألك بأنّك ... وكيلٌ لايحقّر ١٣٠/٤
وأنت حسبي وكفى بك وكيلاً ١٩٩/٥٠
الْوَكيلُ: حسبي الله ونعم الوكيلُ ١٢٧/١٢ ـ ٢٢/١٧
١٥٩/٤ ـ ٢٢/١٢ ـ ٩٤/٢
... وأنت حسبي وكفى ونعم الوكيلُ ١٣٩/٨
وهو حسبهم ونعم الوكيلُ ١٥٩/١
فأنت حسبنا ونعم الوكيلُ ٢٥٦/٦
حسبنا الله ونعم الوكيلُ ٢٢/٤٥ ـ ١٢٣/٣
أنت حسبي وكفى ونعم الوكيلُ ١٣٩/١٧
الْمُوَكِّلينَ: والموكّلينَ بالجبال فلاتزول ١٢/١١
الْمُتَكَلُ: وعليه «الله» في الشدائد المتّكلُ ١١٤/١٤

و.ل.ج

يُولِجُ: يولجُ صاحبه فيه بتقدير منه للعباد ٢١/١
يولجُ كلّ واحد منهما «الليل والنهار» في صاحبه ٢١/١
أَوْلِجْ: أولج قلبي فرح الإقبال عليك ٨٤/١
مُولِجَ: ياموليجَ الليل في النهار وموليجَ النهار في اللّيل ١٢٩/١
الحمدلله ... موليجِ الأنوار في الظّلم، ١٩٩/٥٢

و.ل.د

وَلَدَني: واغفر لي ولوالديّ ولمن ولدني ١٢٩/٦٥
وَلَدَنا: واغفر لكلّ والد ولدنا في الإسلام ١٤٣/٣٦
وَلَدا: ماولدا من المؤمنين والمؤمنات ١٤٣/٥٠
إغفر لي ولوالديّ وماولدا ٢٠٠/٤٨
وَلَدَتْني: أم للشّقاء ولدتني ١٩٧/٤٢
ليت شعري أللشقاء ولدتني أمّي ١٨٤/٢
وَلَدْتُ: إغفرلي ول.. من ولدتُ ٢٠٠/٤٨
وَلَدْتُهُ: وأن تعتقني اليوم ووالديّ ومن ولدتُهُ ١٢١/٢٢
لَمْ يَلِدْ: يامن لم يلد ولم يولد ١٣٣/٦
أنت ... القائم الّذي لم يلد ولم يولد ٢٤٣/٢
الله الصّمد لم يلد ولم يولد (قرآن) ١٦١/٣
ياصمد يامن لم يلد ولم يولد ١٧١/٢
لَمْ تَلِدْ: الصّمد الذي لم تلِد ولم تولد ٩٦/٥
لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفواً أحدٌ ١٢٧/١
أنت الّذي ... لم تلد فتكون مولوداً ١٤٧/١٨
لَمْ تَلِدْني: فليتها لم تلدني ولم تربّني ١٨٤/٣
أم للشّقاء ولدتني فليتها لم تلدني، ١٩٧/٤٢
إلهي ليت أمّي لم تلدني ٢٠٦/٤ ـ ٢٠٥/٤
لَمْ يُولَدْ: يامن لم يلد ولم يولد ١٣٣/٦
أنت ... القائم الّذي لم يلد ولم يولد ٢٤٣/٤
ياصمد يامن لم يلد ولم يولد ١٧١/٢
الله الصمد لم يلد ولم يولد (قرآن) ١٦١/٣
لَمْ تُولَدْ: الصّمد الذي لم تلد ولم تولد ٩٦/٥
لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفواً أحدٌ ١٢٧/١
تُوَلِّدُ: عافيةً تولِّدُ في بدني العافية ٦١/٢
تَوالَدوُا: إغفر لي ول... ماتوالدوُا ٢٠٠/٤٨
بِوِلادَتِهِ: محزون لظلامته، منسوب بولادتِهِ ٢٤٨/١
وَلَداً: والحمدلله الّذي لم يتّخذ ولداً (قرآن) ١٤١/٢٢
ولم أدّع لك ولداً ٢٢٩/١
وقل الحمدلله الذي لم يتّخذ ولداً (قرآن) ٢٢/١١ ـ ٤٧/٢
لم أنسب إليك صاحبة ولاولداً ١٤٤/٣
سبحان الله الّذي لم يتّخذ صاحبةً ولاولداً ٨٣/١٢
لم أتّخذ لك ولداً ولم أدع لك شريكاً ٢٣٣/١ ـ ١٦٥/١
ولاولدَ له ولاصاحبة له ١٤٩/١٩
ما اتّخذ الله من ولدٍ (قرآن) ١٤٣/١٣
لم يتّخذ صاحبة ولاولداً ١٢٣/٦
أو أجعل لك ولداً أو نداً ٢٠٩/٢
الْوَلَدِ: وأنسه ذكر الأهل والولد ٦٧/١٧
يامن هو ... أبرّ بي من الولدِ ١٩٩/٧٦
كما تخلّص الولدَ من بين المشيمة ١٧٤/١
أللّهمّ إنّي خلّفت الأهل والولدِ ١٤٩/٧١
أللّهمّ مخرج الولدِ من الرّحم ٢٢/٣٨
وقرّة العين في الأهل والمال والولدِ ١١٦/١١٠
وَلَدِهِ: ظلمتها إيّاه في ... أهله وولدِهِ، ٢٣٨/٦
يوم لايجزي والدٌ عن ولدِهِ (قرآن) ٢٠٧/٢٥
وَلَدِي: واستر عليّ وعلى والديّ وولدي ١١٧/٢٨
بارك لي في أهلي وولدي ومالي ٢٥١/٣٣
أعطني سؤلي في ... ولدي ١١٦/١٠٧
اللّهمّ بك أعيذ نفسي وديني وأهلي ومالي وولدي ٢٢/٢
إغفرلي ول... ولدي ٢٠٠/٤٨

أللّهمّ إنّي أستودعك ... ولدي ١٣٩/٩
أعوذبك ياربّ على نفسي وولدي ١١٦/١٢٨
أعيذ ... ولدي ... بشدّة حول الله ٢٢/٢٧
بسم الله على نفسي ومالي وأهلي وولدي ٢٢/٣٣
أعيذ نفسي ... وولدي ومالي ٢٢/٢٤
وَلَدَيْ: وولاية ... ولدي رسولك ١١٩/١٦
وَلَدَيْهِ: زوجته وولديهِ عبيدك واماؤُك ٤٢/١٩
أَوْلاداً: وهب لي من لدنك معهم «ولدي» أولاداً ٦٤/٥
وجعفربن محمّدٍ الصّادقِ من أولاد النّبيّين ٤٢/٨
أكابر أولادٍ يهيج اكتئابهم ٢١٤/١٣١ ـ ٢١٤/٥٥
الْأَوْلادَ: فارقوا الأزواج والأولادَ في إظهار كلمته ١٤/٣
خلا من الأولادِ والصّاحبة ١٩٩/١٤
أَوْلادِهِ: فلو رأيت الأصغر من أولادِهِ ٢١٤/٥٣ـ٢١٤/١٢٩
وأسلمه أهله وأولادُهُ ٢١٤/١٢١ ـ ٢١٤/٤٥
مواريثه أولادُهُ والأصاهر ٢١٤/١٤٠
أَوْلادِهِمْ: وأهلهم وأولادهم وأموالهم ١٢٧/٥
أَوْلادِنا: وأهلينا وأولادنا وأموالنا ١٤٣/٣٢
واجعل آباءنا وأمّهاتنا وأولادَنا وأهالينا ٥٠/٩
الْوُلْدِ: أعف عن الولدِ العصاة لك من ذرّيته ٢٠١/٤٥
وُلْدِكَ: ... وبالأئمّة من ولدِكَ ... ٤٢/١٥
وُلْدي: اللّهمّ ومنّ على ببقاءِ ولدي ٦٤/١
لِوُلْدي: مثل الذى سئلتك لنفسي ولولدي ٦٤/١٥
وَالِدٌ: يوم لايجزي والدٌ عن ولدهِ (قرآن) ٢٠٧/٢٥
واغفر لكلّ والدٍ ولدنا في الإسلام ١٤٣/٣٦
الْوالِدِ: يامن هو أبرّبي من الوالدِ الشّفيق ١٩٩/٤٠
يامن هو أرحم لي من الوالدِ الشّفيق، ١٩٩/٧٦
فيامن عفا عن الوالدِ معصيته ٢٠١/٤٥
وَالِدِهِ: ولامولودٌ هو جازٍ عن والدِهِ شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٢٥
وَالِدَيَّ: واخصص اللّهمّ والديَّ بالكرامة لديك ٦٣/١
واستر عليّ وعلى والديَّ ١١٧/٢٧
أعطني سؤلي في ... والديَّ ١١٦/١٠٧
وأن تعتقني اليوم ووالديَّ ومن ولدته ١٢١/٢٢
لِوالِدَيَّ: أللّهمّ اغفرلي ولوالديَّ ١١٦/٤٧ ـ ١٣٩/١١
واغفر لي ولوالديَّ ولمن ولدني ١٤٩/٦٦
واجعل طاعتي لوالديَّ وبرّي بهما ٦٣/٥
واغفرلي ولوالديَّ وما ولدا ٢٠٠/٤٨
وَلِيدُهُ: خرف وليدُهُ «زرع الباطل» ٧٠/٧
وِلْدانٍ: وولدانٍ كاللّؤلؤ المنثور ٢٥٧/١٢
الْوِلْدانَ: يوم يجعل الولدانَ شيباً (قرآن) ٢٠٧/١٨
لِلْوِلْدانِ: وللولدانِ المخلّدين مستخدمين ٢٠٦/٢٣
مَوْلُوداً: أنت الّذى ... ولم تلد فتكون مولوداً ١٤٧/١٨
ولامولودٌ هو جازٍ عن والدِهِ شيئاً (قرآن) ٢٠٧/٢٥
مَوْلِدُهُ: قد أمتّ من كان مولدُهُ مولدى ٢٤٨/١٠
مَوْلِدي: قد أمتّ من كان مولده مولدي ٢٤٨/١٠

و.ل.ع

الْوُلُوعِ: إقطع رجاءهُ منّا وادرأهُ عن الولوعِ بنا ٥٠/٨
مُولَعَةً: بمعاصيك مولعةً ولسخطك متعرّضة ١٨٣/١
فاجعل نفسي ... مولعةً بذكرك ٢٥٥/٣

و.ل.ه

تَوَلَّهَتْ: حتّى تولّهت قلوبهم في الملكوت ٢٠٠/٣٠
الْوَلَهِ: ولايغفلون «حملة عرشك» عن الولَهِ إليك ١٢/١
وَلَهي: في محبّتك ولهي ١٨٩/٧
وَالِهَةً: فلم تزل قلوبهم والهةً طائرةً ٢٠٠/٢٣
أللّهمّ إنّ قلوب المخبتين إليك والهةٌ ٢٥٥/٤
الْوالِهَةُ: إلهي بك هامت القلوب الوالهةُ، ١٩٤/٣

و.ل.ى

يَلِيهِ: إجعل له شغلاً فيما يليهِ ٤٣/٣
تَلي: وبعزّتك الّتى تلي بها التّدبير ٢٣٧/٦
أَوْلَيْتَ: أم عظيم ماأبليت وأوليتَ؟ ١١٦/٢٩
واجعلنا ... أشكرهم لما أوليت من نعمك ٢١/١٤
فلك الحمد على ما أوليت من التّفضّل، ١٩٩/١٤٨
فلك ... الشّكر على ما أوليت، ١٩٧/٣٦
إن لم تعنّي على شكر ماأوليت ١٦٤/١٥
ولاشكر عندي إن ابتليت وأوليت ١٦٤/١٥
أَوْلَيْتَهُ: إلهي ما وصفت من... إحسان أوليتهُ ١٩٧/١٧
أناخ ببابك مرتجياً نداك فما أوليتهُ ١٨٥/٢
بما أوليتهُ من نعمك ومعونتك ٢٢٢/٣
أَوْلَيْتَني: أوليتني من إحسانك ٤٠/١
ونسيت شكر ما أوليتني فيها من الإحسان، ١٩٩/٦٩
أقطع رجائي منك وقد أوليتني ١٨٥/٣
لاتجعلني ناسياً لذكرك فيما أوليتني ٥٧/٧ ـ ١٢٦/٣
أَوْلَيْتَنيهِ: وأوزعني أن أثني بما أوليتنيه ١٤٧/٩٦
وفلّ منّي الشّكر فيما أوليتنيه ١٦٤/١٢
لَمْ تُولِني: لم تولني إلاّ جميلاً ١٩٩/١٢٣
فَلاتُولِني: فلاتولني الحرمان ١٩١/٥
أَوْلِني: أللّهمّ أولني في كلّ يوم اثنين نعمتين ٢٣٨/٨
وَلَّوْا: ولّوا على أدبارهم نفوراً (قرآن) ٢٣/٤ـ٢٢/١٠

فَوَلَّوْا: فولّوا عليه معوّلين وكلّهم ٢١٤/١٣٦ ـ ٢١٤/٥٨
فَوَلَّتْ: وأدبرت أيّامه «العمر» فولّت ٣٤/٥
أَنْ يُوَلِّيَ: وبعد أن يولّي عدوّك مدبرين ٦٧/١٩
لاتُوَلِّنِي: ولاتولّني أحداً غيرك ١٧٦/٢
لَمْ تُوَلِّنِي: لم تولّني من نفسك إلاّ ١٩٧/٩
وَلِّنَا: ولّنا ظهره وافطع عنّا إثره ٥٠/٣
وَالِيْ: ووالِ فيك الأبعدين، ٩/٢
وَالِهْ: أللّهمّ وال من والاهُ «وليعصر»(عج) ١١٩/٢٣
وَالِاهُمْ: اللّهمّ وال من والاهم «الأئمّة» ١٨١/٥
وَالَوْا: اللّهمّ إنّ الظلمة ... والوا أعدائك ١١٩/٣
وَالِيْتَ: انّهُ لايذلُّ من واليتَ ولايعزُّ من عاديت ٨٣/٩
ولايذلّ من واليتَ ١٤٩/٢٩
أللّهمّ إنّك من واليتَ لم يضرره ٨/٢٤
إنّك من واليتَ لم يضرره خذلان الخاذلين ١٥/١٤
وإنّك ... لاتذلّ من واليتَ، ١٩٩/١٦٣
واليتَ فاستثبت فلا سلطان لإبليس عليه ٢٤٨/٢
أُوالِيَ: أعوذبك ياربّ أن ... أوالِيَ لك عدوّاً ١٣٥/١٣
لاتُوالِيهِ: فإنّه العدوّ الّذى لانواليه ١١٥/١٤
وَالِ: اللّهمّ والِ من والاهم «الائمة» ١٨١/٥
اللّهمّ والِ من والاهُ «وليعصر»(عج) ١١٩/٢٣
تَوالىٰ: ووليُّ من لك توالىٰ ١٥٥/٨
تَوَلّىٰ: لايقنط من رحمتك إلاّ من تولّىٰ وكفر، ١٩٩/٧٩
وتولّى البراءة منّى ٨٨/٧
وتولّى «محمّد» من المحاماة عن دينك، ١٠/١٦
تَوَلاّهُ: وألحقته بمن تولاّهُ ١٤٩/٥٥
تَوَلاّنِي: لقد رجوت ممّن تولاّنى في حياتي ١٩٧/٨
تَوَلّيناهُ: ولاأكره ماتوّلياهُ من أمرى ياربّ ٦٣/١٠
تَوَلَّيْتَ: وتولّني فيمن تولّيتَ وبارك لي ٨٣/٩
تولّيتَ أسباب الإنابة إليك ٢٤٩/١
وتولّيتَ طىّ علمه في عبادك، ١٠/١٩
تَوَلَّيْتَهُ: تشكر المطيع على ما أنت تولّيتَهُ له، ٨/١١
ولو كافيت المطيع على ماأنت تولّيتَهُ ٨/١٢
تشكر للمطيع ماأنت تولّيتَهُ له ٩٨/٦
ولوكافأت المطيع على ماأنت تولّيتَهُ ٩٨/٧
تَوَلَّيْتَنِي: وتولّيتَني بعوائد البرّ والإكرام ١٩٩/١٧٦
تَوَلَّيْنا: وقد تولّينا بتوفيقك صيامه وقيامه ١٤٢/٤٨
يَتَوَلّىٰ: نزّلَ الكتاب وهو يتولّى الصالحين (قرآن) ١٥٩/٩
ويتولّى كتّاب الحسنات عنّا مسرورين ٣٣/٣
يَتَوَلاّهُ: فكيف بمن يتولاّهُ ويناجيه ٢٠١/٢٢
تَتَوَلّىٰ: قد رجوت أن تكون في لطفك تتولّىٰ ١٩٧/٢١
وتولّنى بما تتولّىٰ به أهل طاعتك ١٤٧/٨٤
أَتَوَلّىٰ: اللّهمّ إنّى أتولّى وليّهُم ٤٢/١٨
وأتولّىٰ حفظهم كأنّهم لم يذنبوني ٢٠١/٢٤
وأتولّىٰ بالبرّ عامّتِهِم ٦٥/٣
تَوَلَّ: وتولَّ أمورنا بحسن كفايتك، ١٩٦/٢
وتولَّ كفايتى وانظر إلىّ ٥٩/٢
تَوَلَّهُ: أيّما غاز غزاهم ... تولَّهُ بالنُّجح ٦٧/١٦
أيّما غاز غزاهم ... تولَّهُ بالعافية ٦٧/١٧
تَوَلَّنِي: تولَّني بعصمة مانعة ٨١/٣ ـ ٨٠/١٥
وتولَّني فيمن تولَّيتَ وبارك لي فيما أعطيتَ، ٨٣/٩
وتولَّني في جبرانى وموالىّ العارفين بحقّنا ٦٥/١
اللّهمّ تولَّني في جيراني باقامة سنّتك ٦٦/١
وتولَّني بنجح طلبتى وقضاء حاجتى ٣٩/١١
وتولَّني بما تتولّىٰ به أهل طاعتك ١٤٧/٨٤
وتولَّني بعطف تحنّنك يارؤوف، ١٩٩/٢٨
فَتَوَلَّ: فتوَلَّ عنهم فما أنت بملوم (قرآن) ١٠/٤
فتوَلَّ من أمرى ماأنت أهله، ١٩٧/١٠ ـ ١٩٩/١٢٥
فتوَلَّ اليوم قضاء حاجتى بقدرتك على ذلك ٢٤٩/٢١
فَتَوَلَّني: فتولَّني بتأييد من عونك ٢٤٩/٨
إِسْتَوْلىٰ: إستولىٰ عليه التسويف ٢٤٥/٦
واستولىٰ على الملك بعزّ أبد فحواه ١٩٩/٥٥
إِسْتَوْلَتْ: إستولت علينا عشوة الحيرة ٧٠/٥
وِلايَةِ: بطاعتك وولايتك وولاية محمّد ١١٩/١٦
أدينك ياربّ بـ... ولايةِ أميرالمؤمنين ١١٩/١٦
وولايةِ الحسن والحسين سبطى نبيّك ١١٩/١٦
وولايةِ الطّاهرين المعصومين ١١٩/١٧
تعبره به ولايَةِ المتّصلين المقبولين، ١٩٩/٣٩
وولايةِ محمّد وآل محمد ٢٢٧/٦
وولايةِ القائم السابق منهم بالخيرات ١١٩/١٨
الْوِلايَةِ: أعوذبك من ... سوء الولايَةِ ٢٦/٣
ومن عداوة الأدنين الولايَةَ ٥٥/١٠
وسمنى حسن الولايَةِ وهب لي صدق الهداية ٥٥/٣٣
وِلايَتَهُمْ: وفرضت طاعتهم وولايتهم ٢٠/٥ ـ ١١٣/٥
أدينك ياربّ بطاعتهم وولايتهم ١١٩/١٩
وِلايَتِكَ: الدّرج المتّخذة لأهل ولايتِكَ ١٠/١٢
إنّى أدينك ياربّ بطاعتك وولايتِكَ ١١٩/١٦
لاتسلبنى ما أنعمت به علىّ من ولايتِكَ ٢٢٧/٦
إلهى فاجعلنا ممّن اصطفيته لقربك وولايتِكَ ١٩٠/٢
وَلايَتِكَ: فلست ببدع من ولايتِكَ ٢٥١/٥٩
والمنابذين لأعدائنا بأفضل ولايتِكَ ٦٥/١

وِلايَتي: أستودعك يا إلهي ... وأهل ولايتي ٢٢٨/٢
بِوِلايَتِهِمْ: المتمسّكين بولايتهم، ١٤٧/٦٨
مُوالاةِ: وموالاة أوليائك الكرام ١١٤/٢١
مُوالاتَهُ: بحقّ من قرنت موالاتهُ بموالاتك ١٢٧/٨٣
يامن ... ألبس الخائفين ثوب موالاتِهِ، ١٩٩/٣٦
مُوالاتِهِمْ: أتقرّب اليك بحبّهم وموالاتِهِم ٤٢/١٨
مُوالاتِكَ: ملابس موالاتِكَ، ١٩٩/١٨٨
سيّدي إنّ من تقرّب منك لمكين من موالاتِكَ، ١٩٩/١٥٢
لِمُوالاةِ: وأرشدته لموالاةِ أوليائك ١٢٧/٧٢
بِمُوالاتِكَ: بحقّ من قرنت موالاته بموالاتِكَ ١٢٧/٨٣
تَوالي: أعياني عن نشر عوارفك توالي أياديك ١٨٧/١
تَواليها: على برادى أياديك وتواليها، ١٩٩/١٧٤
وُلاةَ: الظلمة ... شاقّوا ولاةَ أمرك ١١٩/٣
ولاةَ الأمر بعد نبيّك صلّى الله عليه وآله ١٢٩/٤٤
مُوَلِّياً: وأدبر مولّياً عنّي ٨٨/٧
أدبر مولّياً قد أخلفت سراياه ١٥٣/٦ ـ ١٥٢/٦
الْمُوَلُّونَ: وسمع المولُّونَ عن القصد ١٩٩/٩٧
مُوالِياً: فتوفّني مواليا لأوليائك ١٢٣/١٤
مُتَوالِياً: فلك الحمد متواتراً متّسقاً ومتوالياً ٢٣٨/٣
الْمُسْتَوْلي: إنّك وليّ الحمد والمستولي ١٩٩/٣٢
وَلِيُّ: إنّك وليُّ من اعتصم بنصرك، ١٩٩/١٩٦
ووليُّ من لك توالى ١٥٥/٨
ياوليّ العافية جمّل عليّ بالسّتر والسلامة ١٢٩/٧
ولم يكن له وليٌّ من الذّلّ (قرآن) ١٤١/٢٢
ياوليّ المؤمنين ٧٧/١٢
ودون كلّ مطلوب اليه وليُّ حاجتي ٧٤/٣
إنّك وليُّ الحمد ١٩٩/٣٢
واجعل لي من لدنك وليّاً يرثني في حياتي ٢٥٨/١
ياوليّ المؤمنين وياذاالقوّة المتين ١٢٣/١٧
فأسألك ... سؤال من ... لاوليّ له دونك ١٦٦/١١
وياوليّ الصّالحين ١٩٢/٥
ياوليّ الرّغبات يامعطي السّؤلات ١٣٣/٦
وجعفر بن محمّد ... ووليّ دينك ٤٢/٨
الحمدلله ... وليّ كلّ نعمة ٨٣/٢
وعليّ بن الحسين ... وليّ المؤمنين ٤٢/٦
لم يكن له وليٌّ من الذُّلّ وكبّره تكبيراً (قرآن) ٤٧/٢ ـ ٢٢/١١
الله وليُّ الّذين آمنوا يخرجهم من (قرآن) ١٨/٥
فكن ... وليّ عصمتي ١٨٩/٩
إنّك وليُّ الباقيات الصّالحات ٢٠٦/٢٤
إنّك وليُّ نعمائي ومنتهى منائي ٢٥٥/٧

الحمدلله وليّ كلّ نعمة ١٤٣/٧
فإنّك وليُّ ذلك من خلقك ١٤٩/٧١
أللّهمّ أنت وليُّ الأصفياء والأخيار ١٩٩/١٩٣
وأنت وليُّ منعام ذوالجلال والإكرام ٢٣٧/٥
وأنت وليُّ الصّفح ومأوى الكرم ٢٣٩/٥
وكفى بالله وليّاً وكفى بالله نصيراً ١٦١/٦
أللّهمّ إنّي ... أعوذبك ياربّ أن أعادي لك وليّاً ١٣٥/١٣
ياوليّ النّعمة على العالمين ١٣٠/١
إنّه وليٌّ حميدٌ ١/٣٠
ياوليّ المؤمنين اكفني همّي ١٢٢/١٠
وأنت من دونهم وليُّ الإعطاء والمنع ٥٥/٣٨
وأنت وليُّ ما آثرتنا به من معرفته ١٤٢/٢٨
فأسألك ... ياوليّ المؤمنين والفعّال لما يريد ٢٤٩/٢٤
الحمدلله وليّ الحمد وأهله ١٦٤/١
الْوَلِيُّ: أللّهمّ أنت الوليُّ المرشد ١٩٩/٩
وَلِيُّهُ: وأشهد أنّ محمّداً ... وليُّهُ المفضّل ١٩٩/١٦
وَلِيَّهُمْ: أللّهمّ انّي أتولّى وليّهم ٤٢/١٨
أنت وليّهم في الدّنيا والاخرة ٤٢/١٩
وَلِيَّكَ: حجّتك على بريّتك ووليّك وابن أوليائك ٤٢/١١
الحسن بن عليّ عندك ووليّك ٤٢/١٣
على جهاد عدوّك في سبيلك مع وليّك ١٤٢/٢٥
أللّهمّ ادفع عن ... وليّك ١١٩/٢٠
اللّهمّ ادفع عن وليّك ١١٩/٢٠
وَلِيّي: أنت وليّي في الدّنيا والاخرة ١٩٩/٧٩
إنّ وليّي الله الّذي نزّل الكتاب... (قرآن) ١٥٩/٩
أنت وليّي ومولاي ٢٤٥/٦
فاجعل ياوليّي وسيّدي فيما قدّرت ١٧٢/٥
وياوليّي في كلّ نعمةٍ ١٤٩/٢٨
فاجعل ياوليّي وسيّدي فيما قضيت ١٧٣/٦
يبأس وليّي من ميلي وانحطاط هواي ٥٩/١٤
لِوَلِيِّكَ: فأوزع لوليّك شكر ما أنعمت به عليه ١٤٧/٦٣
أَوْلِياءِ: وتجعلني من أولياءِ طاعتك ٢٥١/٢
واجعلني من أولياءِ طاعتك ٢٥٢/٣٧
الْأَوْلِياءُ: ورآك الأنبياء والأولياء معرضاً عنّي ١١٨/٥
أرسلت عليهم ستور عصمة الأولياءِ ٢٠٠/٣٦
مؤثراً لرضاك على ما سواهما في الأولياءِ والأعداء ٥٩/١٤
أَوْلِيائِهِ: السّلام عليك ... ياعبد أوليائِهِ ١٤٢/٢٨
إعزلنا عن عداد أوليائِهِ ٥٠/١٣
حمداً نسعد به في السّعداءِ من أوليائِهِ ١/٣٠
وأعذني ... من الشيطان ... وأوليائِهِ ١١٧/٧

أَوْلِياؤُهُمْ: أولياؤهم الطّاغوت (قرآن) ١٨/٥
أولياؤهم المعترفين بمقامهم ١٤٧/٦٨
أَوْلِيائِكَ: من أولياؤكَ يوم القيامة فاجعلني ١٥٣/٢٣
فقديماً ما منننت على أولياؤكَ ١٤٨/١٥
واجعل في ذلك اليوم مع أولياؤكَ موقفي ١٦٧/٦
بصالح من مضى من أولياؤكَ الصالحين ١٢٣/١٧
فاجعلني من ذلك كلّه من أولياؤكَ الصّالحين ١٣٢/٦
وأفضل ما تعطي من تخلقه من أولياؤكَ ١٣٢/١٠
أللّهمّ إنّ الظّلمة ... عادوا أولياؤكَ ١١٩/٣
لطاعتك وطاعة رسولك وأولياؤكَ ١١٧/٣
من فضلك الّذي منننت به على أولياؤكَ ٧٧/٤
فاجعل نفسي ... مستنّة بسنن أولياؤكَ ٢٥٥/٣
وتأديب أولياؤكَ الّذين غذوتهم بأدبك ٢٦٨/٤
فاجعل نفسي ... محبّة لصفوة أولياؤكَ ٢٥٥/٣
أللّهمّ أره حرمة أولياؤكَ ٢٦٥/١
وابن اولياؤكَ وحبيبك وابن أحبّائك ٤٢/١١
وهم أولياؤكَ الأولون ٤٢/١٩
واجعلنا ممّن يجالس أولياؤكَ ٢٠٠/١٨
فإنّ أولياؤكَ لاخوفٌ عليهم ولاهم يحزنون ٢٤٠/٣
واجعلني من أولياؤكَ ٢٤٠/٣
سيّدي أنت أنقذت أولياؤكَ ١٩٩/١٨٥
وجاور بي الأطيبين من أولياؤكَ في الجنان ١٤٧/١١٠
أللّهمّ أنت أكرمت أولياؤكَ بكرمك ٢٣٧/٧
وأن تجعل وفاتي قتلاً في سبيلك مع أولياؤكَ ١٢٧/١٠
عن المسارعة فيما وعدته أولياءكَ ١٦٣/١١
وموالاة أولياؤكَ الكرام ١١٢/٢١
وأهّلنا فيه لما وعدت أولياؤكَ من كرامتك ١١٥/١٧
ما مضى من صلواتك على أحدٍ من أولياؤكَ ٦٧/٢٣
واستتمّ له «محمّد» ما دبّر في أولياؤكَ، ٩/٣
وأعطني فيه أفضل ما تعطي أولياؤكَ ١١٧/١٣
تحبّ أن يكون عليها أحدٌ من أولياؤكَ ١١٧/١٥
وأرشدته لموالاة أولياؤكَ ١٤٧/٧٢
ولاتفضحني بين يدي أولياؤكَ ١٤٧/٩٦
مثل رغبة أولياؤكَ في مسائلهم ١٧١/٧
ورهبتي مثل رهبة أولياؤكَ ١٧١/٧
حتى تبلّغني الدّرجة الّتي فيها مرافقة أولياؤكَ ١٤٩/٦٠
أَوْلِيائي: واجمع بيني وبين أوليائي ٢٥٥/٧
بِأَوْلِيائِكَ: وهب لي الأنس بك وبأوليائكَ ٥٧/١٢
تغنيني بك وبأوليائكَ عمّن أغنيته عنّي، ٤٢/٢٢
وألحقني بأوليائكَ الصّالحين ١١٦/١١٦

لِأَوْلِيائِكَ: فتوفّني مواليا لأوليائك ١٢٣/١٤
واجعلهم «ولدي»... مطيعين لك ولأوليائكَ ٦٤/٢
وأنال به ما عندك فيما أعددته لأوليائكَ ٣٥/١٥ ـ ٢٥٧/٣٨
إن كنت لاتغفر إلاّ لأوليائكَ وأهل طاعتك ١١٦/١١٨
وألن جانبه «وليّك» لأوليائكَ ١٤٧/٦٦
لِأَوْلِيائِنا: ومولاى اغفر لأوليائنا ٢٥٥/٨
مَوْلَيَ: فلم أرَ مولىً كريماً أصبر على عبدٍ ٤٠/٣
يوم لايغني مولىً عن مولىً شيئاً ولاهم ينصرون (قرآن) ٢٠٧/١٤ ـ ١/١٤
فيكون غيرك لي مولى ٩٩/٢
ويامولىً يبغيه كلّ راغب ٩٩/٢
لست أعرف سواك مولىً بالإحسان موصوفاً ١٨٥/٢
الْمَوْلىٰ: فوجدتك يامولاي نعم المولىٰ ١٤٨/١٩
من الخلائق وبارزت بذنوبي عند المولىٰ ١٩٨/٣٤
مولاى مولاى أنت المولىٰ وأنا العبد ١٦٨/١
وهل يرحم العبد إلاّ المولىٰ؟! ١٦٨/١
نعم المولىٰ ونعم النّصير ٢٢/٤٥
مَوْلاهُ: إلهي هل يرجع العبد الآبق إلاّ إلى مولاهُ ١٨٢/٦
إلى من يذهب العبد إلاّ إلى مولاهُ ١١٦/٧٣
سيّدي أدعوك دعاء ملحّ لايملّ مولاهُ ١٩٩/١٣٤
فما للعبد من يرحمه إلاّ مولاهُ ١١٢/٧
لوأنّ عبداً استطاع الهرب من مولاهُ ١١٢/٤
دعاء ملحّ لايملّ دعاء مولاهُ، ١٩٧/٣٠
مَوْلايَ: أللّهمّ أنت ربّي ومولايَ وسيّدي وأملي ١٥٣/١٥
مولايَ إرحم كبوتي لحرّ وجهي وزلّة قدمي ١٦٧/٣
مولايَ وارحمني إذا انقطع من الدّنيا أثري ١٦٧/٤
مولايَ وارحمني عند تغيّر صورتي وحالي ١٦٧/٥
مولايَ وارحمني في حشري ونشري ١٦٧/٦
فوجدتك يامولايَ نعم المولىٰ ١٤٨/١٩
ياسيّدي ومولايَ وثقتي ١٤٩/٥٢
معرفتي يامولايَ دلّتني عليك ١١٦/١٧
فأرضني يامولايَ بوعدك كي أوفي بعهدك ٧٧/١١
فأسألك يامولايَ سؤال من نفسه ١٦٦/٩
فنظرت في عملي فرأيته ضعيفاً يامولايَ ١٤٧/١٤
ومن أنا في خلقك يامولايَ وسيّدي ٢٥٧/٣
لا، كيف يامولايَ إن لم تداركني منك برحمة ٢٥٧/١٥
وقدمضى علمك فيّ يامولايَ ٢٥٧/٣٧
صدقت ياسيّدي ومولايَ ٢٥٧/٣٧
بل تفرّد بالصّنع لي ياسيّدي ومولايَ ١٤٩/٦٣
مولايَ مولايَ أنت الحيّ وأنا الميّت ١٦٨/٧
مولايَ مولايَ أنت الغنيّ وأنا الفقير ١٦٨/٩

إذا رأيت مولايَ ذنوبي فزعت ١١٦/١٩
مولايَ مولايَ أنت القويّ وأنا الضّعيف ١٦٨/٨
مولايَ مولايَ أنت المعطي وأنا السّائل ١٦٨/٤
مولايَ مولايَ أنت الخالق وأنا المخلوق ١٦٨/٣
مولايَ مولايَ أنت الباقي وأنا الفاني ١٦٨/٦
مولايَ مولايَ أنت الدّائم وأنا الزّائل ١٦٨/٦
مولايَ مولايَ أنت المغيث وأنا المستغيث ١٦٨/٥
مولايَ مولايَ أنت المولىٰ وأنا العبد ١٦٨/١
مولايَ مولايَ أنت العزيز وأنا الذّليل ١٦٨/٢
مولايَ مولايَ أنت الكبير وأنا الصّغير ١٦٨/١٠
مولايَ مولايَ أنت المالك وأنا المملوك ١٦٨/١١
إلهي وسيّدي ومولايَ إن قطعت ٢١٢/١
إلهي وسيّدي ومولايَ إن رددتني ٢١٢/٢ ـ ٢١٢/٣
ولاتسخط عليّ ياموليَ ٢٥٧/١٥
فقد خفت ياموليَ إذ كنت لك عاصيا ٢٥٧/١٨
فيا مولايَ وياموئّلي ويامنتهى سؤلي ١١٦/٨٥
ياموليَ بذكرك عاش قلبي ١١٦/٨٥
وطال رجائي بكثرة عفوك ياموليَ ٢٠١/١٣
جلست بين يديك مولايَ ٢٤٩/١٨
واقبل سيّدي ومولايَ معذرتي ٢٥١/٤٩
ياموليَ مع هوان ما طمعت فيه منك عليك ٢٥٧/١٩
فأعطني سؤلي ياموليَ في عدوّي ٢٥١/٥٠
أنت وليّي ومولايَ ٢٤٥/٦
أنت إلهي وسيّدي ومولايَ ٢٥٥/٨
ياموليَ حاجتي الّتي إن أعطيتنيها ١٤٩/٥٠
فبئس العبد أنا لك ياسيّدي ومولايَ ١٤٩/٣٢
إلهي وسيّدي ومولايَ أويقتني ذنوبي ٢١٢/٤
قدرتك ياسيّدي وربّي وخالقي ومولايَ ٤٢/٥
إلهي وسيّدي ومولايَ أيّ ربّ أرتجيه ٢٣٩/٥
ياموليَ فهذه صفاتي التي أعرفها من نفسي ٣٥/١٤
فأعوذ بحلمك من سخطك ياموليَ ٣٥/٧
واقبل سيّدي ومولايَ معذرتي ٢٥٢/٣٢
فأعطني سؤلي ياموليَ في عدوّي ٢٥٢/٣٤
إلهي وسيّدي ومولايَ عظم ذنبي ٢١٢/٥
الهي وسيّدي ومولايَ حسن ظنّي ٢١٢/٦
إلهي وسيّدي ومولايَ لئن أدخلتني النّار ٢١٢/٧
فأنت ياموليَ دون كلّ مسؤول موضع مسألتي ٧٤/٣
فاستغفرك ياسيّدي ومولايَ وسبحانك ١٤٨/١٣
أبيت ياموليَ إلاّ إحساناً وامتناناً ١٥٢/١٣
لاأعرف غير ماأنا فيه من عافيتك ياموليَ ٣٥/٢
فجد عليّ بفضلك ياموليَ ٧٧/١٤
مولايَ ياموليَ أيّ الأهوال أتذكّر ٩٠/٢
مولايَ ياموليَ إن كنت رحمت مثلي فارحمني ٩٠/٤
مولايَ ياموليَ حتّى متى والىٰ متىٰ اقول ٩٠/٣
فعفوك عفوك ياموليَ ٩٠/٧
عفوك عفوك ياموليَ ٩٠/٧
إلهي ومولايَ وغاية رجائي ٢٠٢/١
سيّدي ومولايَ على طول معصيتي ٢٤٧/٢
ونظرت إلى عملي فرأيته ضعيفاً ياموليَ ٢٠١/٤٦
وقد خفت ياموليَ أن أكون ٢٠١/٤٧
فمن لي بعدك ياموليَ ١٤٨/٢٢
ياسيّدي ومولايَ فانّه لايجيرني منك ١٤٨/٢٩
سيّدي ومولايَ ولابدّ من لقائك ١٤٨/٢٤
مَوْلانا: ياموليٰنا فقد علمنا ما نستوجب بأعمالنا ١١٦/٣٨
أنت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين (قرآن) ٨٣/١٣
إلهنا وسيّدنا ومولانا لويكينا ٢١٣/١
بِمَوْلاهُ: بمن يستغيث العبد إلاّ بموالاهُ ١٧٠/٢
لِمَوْلاهُ: ويتخشّع لمولاهُ بالذّلّ ١٤٩/٤٠
الْموالي: وأنت ياسيّدي خير الموالي لعبيده ١٤٩/٣١
مَوْالِيه: صلّى الله ... على آله و... مواليه، ١٩٩/٦٠
واجعلني من خيار مواليهِ «محمّد وآل محمّد» ١٤٩/٧٠
مَوْالِيّ: وتولّ آني في جيراني وموالي العارفين بحقّنا ٦٥/١
أَوْلىٰ: فإن عفوت فمن أولىٰ منك بذلك ١٩٧/٦
فإنّك أولىٰ بذلك منّا ومن المأمورين ١٤٠/٢
وأنت أولىٰ الأكرمين بتحقيق أمل الآملين، ١٩٧/١٨
وأنت أولىٰ من رجاه ٨٨/١١
إلهي إن عفوت فمن أولىٰ منك بالعفو ١١٦/٩٤
نحن ... أولىٰ الأمور بك في عظمتك ٣٢/٤
وأنت أولىٰ الأكرمين بتحقيق ٢٥٦/٥
سيّدي من أولىٰ بالرّحمة منك إن رحمت ١٩٩/١٢١
ومن أولىٰ منك بالعفو عن المذنبين ياغفّار ١٩٩/١٢٦
وأنت أولىٰ من وثق به ٨٨/١٣
وأنت أولىٰ من عفا عنّي ٢١٢/٤
وأنت أولىٰ به من المأمورين، ١٩٩/١١٦
أنت أولىٰ بإتمامها، ١٩٩/١١٤
أنت أولىٰ من خفّف الأوزار ٢٤٧/١١
أيّ الوقتين أولىٰ بالحمد لك ٤٦/١
إلهي أمرت بالمعروف وأنت أولىٰ ٢٠١/٣٨
وافعل بي أولىٰ الأمرين بك يأرحم الراحمين ٨٤/٣
وأنّك بأن تعفو أولىٰ منك بأن تعاقب ١٤٧/٩٨

فاعف عنّا فإنّك أولىٰ بذلك منّا ١٤٠/١ - ١١٦/١٣١
وافعل بي أولىٰ الأمرين بك ٣٨/٣
وأنّك أولىٰ بالفضل وأعود بالإحسان ١٤٧/٩٨
أَوْلاٰهُمْ: أولاهُم يوم القيامة لمحبّته ١٠/٣٠
وأولاهم بك ١٤٩/٤٣
الْأَوْلَوْنَ: وهم أولياؤُك الأولونَ ٤٢/١٩

و.م.ض

أَوْمَضَ: وأومَضَ لي من كلّ أفق بروقها ٢١٩/١٢

و.م.ق

الْمِقَةِ: ومن حبّ المدارين تصحيح المقَةِ ٥٥/١٠

و.هـ.ب

وَهَبْتَ: ثمّ وهبتَ لي رحمة الآباء والأمّهات، ١٩٩/١٧١
ووهبتَ لي من خلوص معرفتك حقيقة ١٩٩/١١٤
لاتسلبني ما وهبتَ لي من تحقيق معرفتك ١٩٩/٧٢
إلهي ... ما وهبتَ لي من كرمك فلاتسلبه ١٨٦/٦
وَهَبْتُهُ: من واجب فقد وهبتُهُ لهما ٦٣/٩
لَوْهَبْتُهَا: إلهي لو سألتني حسناتي لوهبتُها لك ٢٠٨/١
يَهَبُهَا: أو يهبُها صفحك ١١٥/١٩
تَهَبَ: وتهبَ لي من عندك رحمةً ٢٣٨/٧
لاتَهَبُ: فكيف لاتهبُ لي سيّئاتي مع غناك عنها ٢٠٨/١
أَنْ تَهَبَ: وأن تهبَ لي يقيناً تباشر به قلبي ١١٧/٣١
أسألك ... أن تهبَ لي موبقات الجرائر ١٨٢/٤
وأسألك أن تهبَ لي يقيناً صادقاً يباشر قلبي ١٢٩/٤
أن تهبَ لي اللّيلة الجزيل من عطائك ١١٤/٢٢
أَهَبُ: أهبُ عرضي اليوم لمن استحلّه ٢٦٣/٣
هَبْ: وهب لي من مراقبتك ١٩٩/١٥١
وهب كثير السّيّئات بقليل الحسنات ١٩٩/١٠٩
وهب لي أملي ٩٨/١٢
هب لنا ما لايسّرك ٢١١/١
وهب لنا حسن شمائل الأبرار ١٠٩/١٠
وهب لي شكراً ترضى به عنّي ٢٥١/٤١
وهب لي الجدّ في طاعتك ٢٥١/٤٢
وهب لنا من لدنك رحمة (قرآن) ٨٣/١٤ - ١١٦/٧٢
وهب لي عافيتك ٦١/١
وهب لنا يقيناً صادقاً تكفينا به ٧٦/٢
وهب لي من لدنك معهم أولاداً ذكوراً ٦٤/٥
وهب لنا حقوقك لدينا ٨٧/٧
وهب لي نوراً أمشي به في النّاس ٥٩/٩
اللّهمّ وهب له «محمّد» من رياض جنّتك ١٠/١٢
وهب له من خشوع التّذلّل، ١٩٩/٣٩
وهب لي بجودك مدمّرات تجنيها ١٩٧/١٩
وهب لي جسماً روحانيّاً ١٩٩/٣٢
وهب لي من فوائدك أسمحها، ١٩٩/٣٢
وهب لنا رأفته ورحمته «ولبّك» ١٤٧/٦٦
وهب لي التطهير من دنس العصيان ١٤٧/٩٥
إلهي هب لي لحظة من لحظاتك ١٧٢/١
فصلّ وهب لي منك أملي ٨/١٩
وهب لي عصمة تدنيني من خشيتك ١٤٧/٩٤
وهب لي مكراً على من كايدني ٥٥/١٢
ربّ هب لي توبةً نصوحاً ١٣٥/١٧
اللّهمّ هب لي يقيناً تباشر به قلبي ١٣٧/٤
وهب لي نوراً واجعل لي نوراً، ١٣٤/٢
هب لي من لدنك رحمةً وفرجاً هنيئاً ٢٤/٥
وهب لي صدق التوكّل عليك ١٧١/٥
ولاتمحقه بالمنّ وهب لي معالي الأخلاق ٥٥/٤
أللّهمّ ... وهب لي مايجب عليّ لك ٣٤/١٢
وهب لي الثقه لأقرّ معها بأنّ قضائك ٩٦/٤
وهب لي قوّةً أحتمل بها جميع مرضاتك ٥٧/١١
وهب لي الأنس بك وبأوليائك ٥٧/١٢
وهب لي العافية من دينٍ تخلق به وجهي ٧٩/١
وهب لي أمن يوم المعاد ٥٥/٣٠
وهب لي صدق الهداية ولما تفتنّي بالسّعة ٥٥/٣٣
هب لي خطاياى بفضلك ١١٢/٦
وهب لنفسي على ظلمها نفسي ١٠١/٧
هب لي من لدنك رحمة ٢٤٦/٥
هب لي سيّدي عفوك في موقفي يوم الدّين ٢٤٥/٨
اللّهم هب لي لحظة رحيمة من لحظاتك ١٧٣/٢
وهب لي مايسرّك ٢٠٣/٨
ربّنا هب لنا من أزواجنا وذرّياتنا (قرآن) ٨٣/١٦
هَبْني: هبني بفضلك وتصدّق عليّ ١١٦/٢٢
هبني بفضلك ١١٦/٦٠
اللّهمّ ... هبني كرامتك ١٢٣/١٦
وهبني حسن المستعقب من نفسي ٢١٩/١
فَهَبْ: فهَب لي ذنبي بالإعتراف، ١٩٧/٣١ - ١٩٩/١٣٥
فهب لي نفسي السّاعة السّاعة برحمتك ١٤٩/٤٤
فهب لي ما ظننت، ١٩٧/٣٩
فهب لي نفسي بجودك وكرمك ٢٥٧/٢١

فهب لنا مثله من وجدك ١٤٢/٥٧
فهب لي ضعف عملي لقوّة أملي ٨٧/٥
فهب لي يا إلهي فرجاً بالقدرة ٥٢/١
فهب لي يا إلهي من رحمتك ودوام توفيقك ١٥٢/١٦
أَسْتَوْهِبُكَ: أستوهبُكَ سوء فعلي ٨٠/١٧
أنّ خطير ما أستوهبُكَ حقيرٌ في وسعك ٣٩/٨
اللّهمّ إنّي أستوهبُكَ، يا إلهي ما ابتقصك بذله ١٠١/٦
أستوهبُكَ يا إلهي نفسي الّتي لم تخلقها ١٠١/٦
هِبَةً: ولكلّ راغبٍ إليك هبةً ١٤٩/٥٦
أللّهمّ أغننا عن هبةِ الوهّابين بهبتك ١٥/٧
وأغننا عن هبةِ الواهبين بهبتك، ٨/٢٠
بِهِبَتِكَ: أللّهمّ أغننا عن هبةِ الوهّابين بهبتِكَ ١٥/٧
وأغننا عن هبةِ الواهبين بهبتِكَ، ٨/٢٠
هِباتِكَ: فأوجب لنا بالإسلام مذخور هباتِكَ، ١٩٩/١١٣
لايؤودُك في جزيل هباتِكَ ٤٩/٢٠
لم نرجع يد ... خالية من نحل هباتِكَ ٢٥١/٦٠
إجعل ... أجلّ هباتِكَ وأرأفها ١٩٩/٦٢
الْمَوْهِبَةُ: ولاتضرّك الموهبةُ يا أرحم الرّاحمين ٢٣٨/٧
الْمَواهِبِ: مكافئاً لما بذلته من أقسام المواهبِ ١٩٩/١٧٧
فلا تنقصك المواهبُ ولاتفوتك المطالب ٢٤٧/٢
لك المنن العظام والمواهبُ الجسام ٢٤٧/٢
وأجزل لي قسم المواهبِ من نوالك ١٤٧/١١٢
مَواهِبِكَ: وارزقنا من مواهبِكَ ١١٦/٤٤
أين مواهبُكَ الهنيئة؟ ١١٦/٢٧
وأجمل صلاتنا من فيض مواهبِكَ، ١٩٦/٢
خائباً من مواهبِكَ ٧٠/١
ما أنت أهله في ... جزيل مواهبِكَ، ١٠/١٦
ها أنا ... معوّلٌ على مواهبِكَ ١٨٦/٥
وسق كرائم مواهبِكَ إليّ ١٢٧/١١٠
بِمَواهِبِ: وتنيلني بها المسرّة بمواهبِ إنعامك، ١٩٩/٤٩
واهِبَ: ياواهبَ العطايا ٢٥١/٢
الْواهِبِينَ: وأغننا من هبةِ الواهبينَ بهبتك، ٨/٢٠
وَهّابَ: ياوهّابَ العطايا ٢٥٢/٢
أسألك بأنّك ... وهّابٌ لاتملّ ١٣٠/٥
يا الله ياوهّابُ يا الله ياجواداً لايبخل ١٣٥/٣
الْوَهّابُ: إنّك أنت الوهّابُ، ١١٦/٧٢
يا من سمّى نفسه من جوده الوهّابَ ٢٥٢/٢ - ٢٥١/٢
الوهّابُ الكريمِ ذوالجلال والإكرام ٤٦/٧
إنّك ... الوهّابُ لعظيم النّعم ٩٧/٦
هب لي من لدنك رحمة إنّك أنت الوهّابُ ٢٤٦/٥
ياكريم المآب والمحسن الوهّابُ ٢٣٩/٣
إنّك أنت الوهّابُ (قرآن) ٨٣/١٢
الْوَهّابِينَ: أللّهمّ أغننا عن هبةِ الوهّابين بهبتك ١٥/٧

و.هـ.ج

وَهّاجاً: النّيّرة المنيرة سراجاً وهّاجاً ٢٤٥/٢

و.هـ.ل

أَوْهِلْ: وأوهل أبصار أهل المعروف العلى ١٠/٢٤
وَهْلَةِ: خذ بيدي من ... وهلة المتعسّفين ١٢٧/٩٢

و.هـ.م

أَوْهَمْنا: ومن أوهمنا ذكره ولم نعلم مكانه منك ١٢/١٣
إِتَّهَمُوا: واتّهمُوا مأثور الخير ممّا استحسنوا ٢١٩/٤٥
لايَتَّهِمُونَهُمْ: لايتّهمونهم فيما أدّوا اليهم ١٤/٦
لاأَتَّهِمُهما: فإنّي لاأتّهمهما على نفسي ٦٣/١٠
وَهْمِ: الإحاطة في بحور وهم الأوهام ٢٤٧/٥
لاتنال بوصف ولابدركك وهمٌ ٢٤٣/٤
وَهْمِهِ: مالايهجس السرّ في وهمِهِ ١١٤/٨
أَوْهامُ: عجزت عن نعته أوهامُ الواصفين ١/٢
الْأَوْهامُ: ولاالأوهامُ تبلغ كنه عظمته ٢/١ - ٧/١
يليق بك سحائب الإحاطة في بحور وهم الأوهامِ ٢٤٧/٥
أللّهمّ أنت الّذي عجزت الأوهامُ ٢٣٩/٩
إقراري بربوبيّتك الّتي ... قصرت دونها الأوهامُ ٢٤٩/١٥
أنت الّذي قصرت الأوهامُ عن ذاتيّتك ١٤٧/١٧
وصلّ عليه وآله ... ماخطرت الأوهامُ ١٩٩/١٩
وحارت في كبريائك لطائف الأوهامِ ٨٨/٣
ولاالأوهامُ بواقعة عليك ٢٤٣/٣
أَوْهامُهُمْ: ولم تلحقه أوهامُهم ١٤٢/١٢
بِالْأَوْهامِ: وماأحلى المسير إليك بالأوهامِ ١٩٣/٥
التُّهَمَةِ: ترك التُّهمَةِ فيما تحويه أيدي العباد ١٤/٩
التُّهَمِ: تنفي عوارض التُّهم لقضائك ٢٤٩/٤
غير مخيّل في عدلك خواطر التُّهم، ١٩٩/١٨٢

و.هـ.ن

وَهَنَتْ: ووهنَت عنه قوّتي ولم تنله مقدرتي ٥٩/٧
أَوْهِنْ: أوهِن قوّتنا عمّا يسخطك علينا ٣٠/٣
وأوهِن أركانهم «المشركين» عن منازلة الرّجال ٦٧/١٣
أللّهمّ ... أوهِن كيدهم «الظّلمة» ١١٩/٧
وَهْنَ: ولاوهنَ على من أعنت ٢٠٠/١٢

ولإمهالك وهناً ولإمساكك غفلة ١٤٦/١٢
الْوَهْنِ: أللّهمّ وإنّك ... على الوهنِ بنيتنا ٣٠/٤

و.ى.ح

وَيْحَ: فياويحَ نفسى كم أسوّف توبتي ٢١٤/٦٧

و.ى.ل

وَيْلٌ: وويلٌ لمن سخطت عليه ٢٥٧/١٥
الْوَيْلُ: فلها «نفسى» الويلُ إن لم تسلم به، ١٩٧/٧
إلهى الويلُ لي ثمّ الويلُ لي ٢٠٥/٩ـ٢٠٥/١٠ـ٢٠٥/١١ـ٢٠٥/٨ـ
٢٠٦/٧ ـ ٢٠٦/٨ ـ ٢٠٦/٩ ـ ٢٠٦/١٢ ـ ٢٠٦/١٠ ـ ٢٠٦/١١ ـ ٢٠٦/١
إلهى، ألويلُ لي إن كان في النّار ٢٠٥/٧
فَوَيْلٌ: فويلٌ لهاتين العينين ٢٠٦/١ ـ ٢٠٥/١
فويلٌ لهذا الجسم الضّعيف ؟! ٢٠٥/٣ ـ ٢٠٦/٣
فويلٌ لهاتين القدمين كيف تصبران ٢٠٦/٢
فويلٌ لهاتين القدمين ٢٠٥/٢
وَيْلاهُ: ويقول ياويلاهُ واحرباه ٢١٤/١٢٩
ويقول بشجو واويلاهُ ٢١٤/٥٣
وَيْلي: ويلي كلّما طال عمرى كثرت ٩١/٤
فَالْوَيْلُ: فالويلُ لها إن صادفت نقمتك ٢٠٢/٨
فالويلُ لمن كانت حاجته إليهم ٧٧/١
فالويلُ الدائم لمن جنح عنك ١٤٦/٩
وَيْلَتى: ياويلَتى ليتنى (قرآن) ٢٠٧/١٧
الْوَيْلاتِ: وأحلل بهم «الظّلمة» الويلاتِ ١١٩/١٤

حرف الهاء

هـ.ا.ر.و.ن

هٰارُونَ: ولقد منّا على موسى وهارون قرآن ١٥٩/١٩
وبحقّ هارونَ وبهائه ١٨٠/٣

هـ.ب.ب

هُبُوبُ: فسبّحت له ... هبوبُ الرّياح ١٩٩/٥٦

هـ.ب.ط

الْهابِطِينَ: والهابطينَ مع قطر المطر إذا نزل ١٢/١١

هـ.ب.و

هَبَوٰاتٌ: وحال دون ذلك النّسيم هبواتٌ ٢١٩/١٤

هـ.ت.ر

الْمُسْتَهْتَرُونَ: المستهترون بذكر آلائك ١٢/٨

هـ.ت.ف

هَتَفْتُ: وهتفتُ إليك فى مرضى فكشفته عنّي ١٤٨/١٩
هتفتُ بالجبّارين ودعوت الأطبّاء ٢١٩/٢٧

هـ.ت.ك

هَتَكْتَهُ: سترته علىّ أو هتكتَهُ ٣٦/٩
هَتَكْتَها: لاتدع للجور ... جنّة إلاّ هتكتَها ٧٠/٩
لاٰيَهْتِكُهُ: اجعل بيننا وبينه ستراً لايهتكُهُ ٥٠/١
لَمْ تَهْتِكْ: ولم تهتك عنّى جميل سترك ياحنّان ٢٤١/٦
ثمّ لم تهتِكْ لي ستراً ١٤٨/٤
فَلَمْ تَهْتِكْ: فلم تهتك عنّى سترها ٤٩/١١
لاٰتَهْتِكْ: ولاتهتك عنّى ما به سترتنى، ١٩٩/١٢٩
فَلاٰ تَهْتِكْهُ: ما سترته ... فلا تهتكهُ ١٨٦/٦
تُهْتَكُ: يوم ... تهتَكُ الأستار ١٩٩/٤٩

هـ.ج.د

التَّهَجُّدِ: وأعنّى على التهجُّدِ لك بحسن الخشوع ٣٦/٨
بِتَهَجُّدِي: ولاأستجير بتهجُّدى ليلاً ٨٨/٩
بِالتَّهَجُّدِ: اجعل... نفرّدى بالتهجُّدِ لك ١٤٧/١٠٤

هـ.ج.ر

هَجَرَنِي: وأجزى من هجرَني بالبرِّ ٥٥/١٣
هَجَرَتْهُمْ: والّذين هجرتهم العشائر إذ ١٤/٣
فَلَمْ أَهْجُرْهُ: ومن كلّ إثم عرض لي فلم أهجرهُ ١٠٠/٢
أَنْ أَهْجُرَ: عهدى أن أهجُرَ جميع معاصيك ٨٠/١٢
هٰاجَرَ: وهاجَرَ إلى بلاد الغربة، ٩/٣
هٰاجَرَنٰا: وأن نراجع من هاجرَنا ١١٥/١٤
هَجْرِهِمْ: واشكرهم على هجرِهم فيك ١٤/٤
هِجْرانِ: وهجرانِ الشرّ وشكر النعم ٢١/١٣
هِجْرانِكَ: كيف تذلّها بمهانة هجرانِكَ ١٨٤/٧
هُجْرِ: من لفظة فحشٍ أو هجرٍ أوشتم عرض ٥٥/٢٢
هِجْرِكَ: فاجعلنا ممّن... أعذته من هجرِكَ وقلاك ١٩٠/٢
الْهَوٰاجِرِ: والصّوم فى الهواجِرِ ابتغاء وجهك ٣٦/٨
هَوٰاجِرِنٰا: وارو به ... ظمأ هواجرِنا ١٠٩/١٤
مُهٰاجِراً: خرج من بيته مهاجراً معه «محمّد» ١٠/٢٩
الْمُهٰاجِرِينَ: من أنصاره والمهاجرين، ١٩٩/٦٣

هـ.ج.س

لاٰيَهْجُسْ: السّابق فى علمه ما لايهجس ١١٤/٨
هَوٰاجِسُهُ: شيطاناً ... أحاطت هواجسُهُ بقلبى ١٨٣/٣

هـ.ج.ع

هَجَعَتْ: وهجعَتْ عيون أنامك ٩١/١

هـ.ج.م

هَجَمَ: وهجَمَ عليهم «أولياؤك» فى بحبوحة قرارهم، ٩/٣
يَهْجِمُ: وما الّذى يهجِمُ عليه عند البلوغ مسيرى ١٩٧/٤٥
يَتَهَجَّمُ: وعلى ما يتهجّمُ عند البلاغ مسيرى ١٩٩/١٤٥
التَّهَجُّمِ: على التّهجُّمِ على مقدّس حضرتك ١١٨/١

هـ.د.أ

هَدَأَتْ: الهى ... هدأت اصوات عبادك وانعامك ٨٢/١
إلهى وسيّدى هدأت العيون ٨٩/١
يَهْدَأُ أو يهدأُ طرف متوسّم ٢١٩/١٦

هـ.د.د

هُدَّتْ: سلفت منّى قد هدَّتْ لها أركانى ١٦٤/١٧
إِنْهَدَّتْ: وإنهدَّتِ الملوك لهيبته ١٤٩/١٣

هـ.د.م

تَهْدِمُهُ: خارجاً ممّا تبنيه الدّنيا وتهدمُهُ، ١٩٩/١٩٠
إِهْدِمْ: إهدِمْ كهفه وأرغم أنفه ٥٠/١٢

هـ.د.ى

هَدٰاهُ: وتمّ حكمه فيمن أضلّ منهم وهداهُ، ١٩٩/٥٥
هَدٰاهُمْ: ليكبّروا الله على ماهداهُم ١٤٤/٢٤
هَدٰانٰا: الحمد لله الّذى هدانا لدينه ١٤٣/١٤
الحمد لله الّذى هدانا لحمده ١١٥/١
فَهَدىٰ: إجعلنى ممّن هديته فهدىٰ وزكيّته فنجا ٢٤٨/٢

هَدَتْ: هدَتْ إلى ذكرك وإن لم تبلغ ٢٠٠/٣٩
هَدَيْتَ: فلك الحمد على ماهديتَ ١٢٠/٢
اللّهمّ اهدني فيمن هديتَ، وعافني فيمن عافيت ٨٣/٩
بإكثار منها تلهيني بهجته ٧٨/٢
ومن هديتَ لم يغوه إضلال المضلّين، ٨/٢٤ ـ ١٥/١٤
لايضلّ من هديتَ ١٤٩/٢٩
وإنّك لاتضلّ من هديتَ، ١٩٩/١٦٣
هَدَيْتَهُ: فجعلته ممن هديتَهُ لدينك ١٤٧/٧٢
وأنا الضّالّ الّذى هديتَهُ ١١٦/٦١
ما أوضح الحقّ عند من هديتهُ سبيله ١٨٩/١
إجعلنى ممّن هديتَهُ فهدى وزكيّته فنجا ٢٤٨/٢
هَدَيْتَني: فأدم إمتاعى بماله هديتني، ١٩٩/١٢٩
منت عليّ بمن هديتني به من الضلالة ١٤٤/٤
أن هديتني بحسن دعائك، ١٩٩/١٤٢
أللّهمّ هديتني فلهوت ١٥٣/١
فمن النّعمة أن هديتني لدعائك ١٩٧/٤٠
لاتزغ قلبى بعد إذ هديتني ٢٤٦/٥
إلهى هديتني فلهوت ١٥٢/١
ما أحسن ما صنعت بى ياربّ إذ هديتني للإسلام ٢٤٨/٧
فمتّعنى بماله هديتني، ١٩٧/١٥
هَدَيْتَنا: هديتنا لدينك الّذى اصطفيت ١٤٢/٢٣
اللّهمّ صلّ على محمّدوآله كما هديتنا به ٨١/١٠ـ٨٠/٢٥
لاتزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا (قرآن) ٨٣/١٤ ـ ١١٦/٧٢
وهديتنا إلى توحيدك ٢٠٠/٤
وهديتنا له من سنّته ١٤٢/٤٨
فَهَدَيْتَ: و وفّقت فهديتَ، ١٩٩/١٠
يَهْدي: أعوذبك من طمعٍ يهدي إلى طمعٍ ١٣٨/٧
يَهْديهِ: فمن يهديهِ من بعد الله (قرآن) ٢٢/١٣
سَيَهْدِين: معى ربّى سيهدِينَ (قرآن) ١٥٩/١٧
يَهْدُونَ: اجعلهم أئمّة يهدونَ بالحقّ ١٤٩/٦٧
تَهْدي: أو أنت منزله «الخير» من نور تهدي به ١٣٢/٥
تهدي من أناب إليك من معاصيك فتنجيه، ١٩٩/١٦٩
ياربّ إنّك تهدِيْ من تشاء ١١٩/٢٥
وتهدي بكرامتك من تحبّ ١١٦/٨٢
تَهْدِهِ: ومن تهدِهِ يعلم، ٨/٢٢
من تهدِهِ يعلم ومن تقرّبه إليك يغنم ١٥/٩
لَمْ تَهْدِني: سيّدىلوأردت إهانتىلم تهدِني، ١٩٩/١٢٩
سيّدى لو لم تهدِني إلى الإسلام لضللت ١٩٩/٩٤
إلهى إنّك لو أردت إهانتى لم تهدِني، ١٩٧/١٥
إهْدِني: اللّهمّ آهدني فيمن هديتَ وعافني فيمن ٨٣/٩
واهدِني للّتى هى أقوم ٤٤/١٠
وسدّدني واهدني وقني شحّ نفسى ١٣٨/٥
إهدِني فى كلّ سبيلٍ من سبل الحقّ ١٤٨/٣٤
إهْدِنا: وإهدنا بك، ٨/٢٢
فصلّ على محمّد وآله وإهدنا ١٥/١٣
إهدِنا إليك ولاتباعدنا عنك ١٥/٩
وإهدِنا به «ولبعصر عج» ١١٩/٢٥
فَاهْدِني: ياعلاّم الغيوب أستهديك فاهدِني ٢٣٧/٨
إلى صراطك المستقيم فاهدِني ١٥٣/٢٤
بهداك فاهدِني ١٥٣/٢٠
يهتدى المهتدون بنور حكمتك فاهدِنا ٨/٢٣
أهْدَيْتَ: أو فقير أهديتَ غناك إليه ٢٢٠/٧
او فقير أهديتَ غناك له ٢٥٦/٢
إهْتَدىٰ: واهتدىٰ من عبده ١٦٤/١
إهْتَدَيْتُ: ولولا أنت... لااهتديتُ إلى عبادتك ١٢٠/١
إلهى ... بك اهتديتُ إلى سبيلك ١٢٠/١
إهْتَدَيْنا: بنورك اهتدينا ١١٦/٤٠
الحمدلله الذى بنوره اهتدينا ١٤٣/٩
يَهْتَدي: وإنّما يهتدي المهتدون بنور حكمتك ٨/٢٣
ويهتدي بضوءِ صباحه ١٠٩/٨
إنّما يهتدي المهتدون بنور وجهك ١٥/١٣
يَهْتَدُونَ: ويهتدُونَ بهديهم، يتّفقون عليهم ١٤/٦
فَلَنْ يَهْتَدُوا: فلن يهتدوا إذاً أبداً (قرآن) ٢٢/١٤ـ١٥٩/١٢
فَلَمْ تَهْتَدِ: فلم تهتد القلوب إلى منازلك فيه ١٠/١٩
أهْتَدي: وأهتدي به فى الظّلمات ٥٩/٩
بنورك أهتدي وأستبصر، ١٩٩/٢
لَمْ أهْتَدِ: لولا توفيقك لم أهتدِ ١٩٩/٧١
نَهْتَدي: وجعلته نوراً نهتدي من ظلم الضلالة ١٠٩/٣
أسْتَهْديهِ: وأستهديهِ بنور برهانه ١٩٩/٥٤
أسْتَهْديكَ: ياعلاّم الغيوب أستهديكَ فاهدِني ٢٣٧/٨
وأستهديكَ لما باعد منها ٨٨/٢١
بِهَدْيِهِمْ: يهتدون بهديهم يتّفقون عليهم ١٤/٦
هُدىً: هدىً للنّاس وبيّنات من الهدى ١١٧/١
أللّهمّ إنّى أسألك ... هدي المسلمين ١٣٩/٦
ولم تدعهم «عبادك» بغير بيان ولاهدىً، ١٩٩/١٦٦
ألّذى أنزل فيه القرآن هدىً (قرآن كريم) ١١٥/٣
إقتبسى من سمت هدَى الخاشعين، ١٩٧/٢٧
ونور هدىً لايطفأ عن الشّاهدين برهانه ١٠٩/٤
الْهُدىٰ: لم تبلغ إلى مستراح الهدىٰ ٢٠٠/٣٩
وأوصل «محمّد» بإذنك الهدىٰ إلى القلوب الّتى ١٠/٣
جعلته «محمّد» ... لشمل منتشر الهدىٰ جامعاً، ١٠/٨
وإن تدعهم إلى الهدىٰ فلن يهتدوا (قرآن) ١٥٩/١٢ـ٢٢/١٤

ناكصين عن سبيل الهدىٰ وعلم النّجاة ٢١٩/٤٣
وأبناء أئمّة الهدىٰ ٢١٩/٤٧
أللّهمّ إنّي أسألك الهدىٰ والتقوى ١٣٣/٥
وأسألك ... توفيق أهل الهدىٰ ١٣٧/٨
وإن تدعوهم إلى الهدىٰ لايسمعوا (قرآن) ١٥٩/١٠
أسألك اللّهمّ الهدىٰ من الضّلالة ١٦٤/٧
والهدىٰ بالضّلالة والكفر بالإيمان ١٦٤/٢٤
أنا من تحويلك إيّاي عن الهدىٰ وجل ٢٤٨/٨
هدىً للناس وبيّنات من الهدى والفرقان(قرآن) ١١٧/١-١١٥/٣
ولايلتمس الهدىٰ في غيره ١٠٩/٨
من لدن آدم إلى محمّد من أئمّة الهدىٰ ١٤/٢
أعوذبك من ... مخالفة الهدىٰ ٢٦/١
حتّى إذا انفتح له بصر الهدىٰ ٨٠/٣
أللّهمّ أعنّا ... منهاج الهدىٰ ١١٩/٢٩
أمتعنا من الهدىٰ بمثل ضلالته ٥٠/٤
هُداكَ: الظلمة ... اقتدوا بغير هداكَ ١١٩/٢
وزدني من هداكَ ما أصل به إلى ٩٨/١٢ ـ ٨/١٩
بِهُدىً: ومتّعني بهدىً صالح لاأستبدل به ٥٥/٦
بِهُداهُ: فآمنت برسولك ولم أقتد بهداهُ ٢٥٧/١٠
بِهُداكَ: بهداكَ فاهدني ١٥٣/٢٠
بِالْهُدىٰ: أرسله بالهدىٰ ودين الحق (قرآن) ١٢٣/٧
اللّهمّ وأنطقني بالهدىٰ وألهمني التقوى ٥٥/٢٥
هِدايَةِ: بمحاسن أدبك في ... هدايةِ مسترشدهم ٦٦/١
الأخذ بمحاسن أدبك في ... هدايةِ مسترشدهم ٦٥/٢
الْهِدايَةِ: وأصب بي سبيل الهدايَةِ للبرّ ٥٥/٣٥
أنهجت سبيل الدّلالة عليك بأعلام الهدايَةِ ٢٤٩/١
وهب لي صدق الهدايَةِ ولما تفتنّي بالسّعة ٥٥/٣٣
وعرفت الهدايةُ من عندك ١٤٧/٢٤
هِدايَتِهِ: فرآئن الضّلال بنور هدايتِهِ ١٠/٥
هِدايَتِكَ: عقلاً هو مستضيء... بنور هدايتِكَ ٣١/١
هِدايَتي: ولاأضلّ وقد أمكنتك هدايتي ٥٥/٢٣
بِهِدايَةِ: لم يختلجهم شكّ في... الائتمام بهدايةِ ١٤/٦
بِهِدايَتِها: قدطفقت بهدايتها منافساً ١٩٩/٦٨
بِهِدايَتِكَ: ما يرشدها بهدايتِكَ إليه، ١٩٧/٣٨
هادِياً: هادياً إلى طاعتك ٢١/١٢
الْهادي: ... الامام الزّكيّ الهادي المهديّ ٤٢/١٤
الهادي إلى سبيلك ١٤٣/٢٣
الْهادينَ: سبقهم زمان الهادينَ ٢١٩/٤٠
الْهادِيَةِ: فبصلوات العترة الهاديةِ ٢٠٢/٨
بعثه «محمّد» بـ... الدّلائل الهاديَةِ ١٩٩/١٦
وبصلوات العترة الهاديَةِ ٢٠٢/٤

هُداةً: جعلتهم «بالائمّة» هداةً مهديّين ١٤٩/٤٦
فإنّي رضيت بهم هداةً ١٤٩/٦١
الْهُداةِ: وبعترته صلّى الله عليهم الهداةِ المهديّين ١٤٩/٤٤
وأهل بيته الأوصياء الهداةِ الدعاة ١١٤/٢٣
هُداتِكَ: وإجعلنا... من هداتك الدّالّين عليك ٨/٢٧-١٥/١٧
الْمَهْدِيِّ: ... الامام الزّكيّ الهادي المهديّ ٤٢/١٤
صلّ على... الحجّة القائم المهديّ الامام ١٨١/٤
مَهْدِيّينَ: وجعلتهم «بالائمّة» هداةً مهديّينَ ١٤٩/٤٦
الْمَهْدِيّينَ: وبعترته ... المهديّينَ ١٤٩/٤٤
مُهْتَدينَ: أمتنا مهتدينَ غير ضالّين ١٠٣/٥
الْمُهْتَدينَ: أللّهمّ إنّي أسألك... إستقامة المهتدينَ ١٣٩/٦
الْمُهْتَدُونَ: وإنّما يهتدي المهتدون بنور حكمتك ٨/٢٣
إنّما يهتدي المهتَدُونَ بنور وجهك ١٥/١٣
أُهْدىٰ: هؤلاء أهدىٰ من الّذين آمنوا سبيلاً ١٣٥/١٣
ووفّقني بأهدىٰ من رغب إليه ٦٣/١٢
لِأَهْداها: وفّقني إذا اشتكلت عليّ الأمور لأهداها ٥٥/٣٢

هـ ر ب

هَرَبْتُ: أللّهمّ إنّك طالبي إن أنا هربتُ ١٦٢/٥
هربتُ إليك ربّي ٢٤٩/١٨
وقد هربتُ إليك من صغائر ذنوب موبقة ٨٨/٦
لَهَرَبْتُ: فلو كان لي مهرب لهربْتُ ١٤٨/١٤
أَنْ يَهْرُبَ: أوكيف يستطيع أن يهربَ منك ١٦٦/٢
أَهْرُبُ: وإليك أهرُبُ عجِّل بالفرج ١٧٧/٢
الْهَرَبِ: وصرت إلى الهربَ من الخوف والحزن ١٦٤/١٣
ولو أنّ أحداً إستطاع الهربَ من ربّه ١٦٢/٤
لو أنّ عبداً استطاع الهربَ من مولاه ١١٢/٤
والهربَ إليك منك ١٦٤/٩
هَرَبي: وأجر هربي وأنجح مطلبي ٥٧/٢
بِالْهَرَبِ: لكنت أنا أحقّ بالهربَ منك ١٦٢/٤
مَهْرَبٌ: فلو كان لي مهربٌ لهربت ١٤٨/١٤
ولكنّه لامهربَ لي ولاملجأ ولامنجى ١٤٨/١٤
ولامهربَ له «العبد» عنك ٣٤/٦
الْمَهْرَبُ: وإليك المفرّ والمهربُ فصلّ على ٥٧/٢
هاربٌ: هاربٌ منك إليك ١١٦/٢٢ ـ ١١٦/٥٩
هارِباً: أللّهمّ إنّي أتيتك هارباً من ذنوبي تائباً ١٣٥/١٨
هاأنا ... هاربٌ منك إليك ١٨٦/٥
هارِبٍ: يامن كلّ هاربٍ إليه يلتجيء ١٨٥/٦
هارباً فآمنّي ١٤١/١٣
هاربٌ من فورة غضبك إلى بحبوحة فضلك ١٦/٣

هٰارِبِينَ: ومن النّار هارِبِينَ ٢٠٦/٢١
الْهارِبِينَ: وياملجأ الهارِبِينَ ١١٧/٢٥
وملجأ الهارِبِينَ ١١٣/٣
يامدرك الهارِبِينَ ويا عصمة المتوكّلين ١٤٣/١٧
ياملجأ الهارِبِينَ ومنتهى رغبة الرّاغبين ١١٤/٢
إيّاك أدعو ... يا... مدرك الهارِبِينَ ١٤٩/١٦
على محمّد وآل محمّد ... ملجأ الهارِبِينَ ٢٠/٣
لكنت أوّل الهارِبِينَ منك ١١٢/٤
الْمُهْرَبُ: فان قلت: نعم فأين المهرَبُ من عدلك ٩٠/٦

هز.أ

هُزُوّاً: ولاتتّخذني هزؤاً لخلقك ١٤٧/١٠٦
الْمُسْتَهْزِئِينَ: يامن نجّى محمّداً من القوم المستهزئين ١١٤/١٩

هز.م

إهْزِمْ: اللّهمّ واهزِم جنده وأبطل كيده ٥٠/١٢

هش.م

هَشَمَتْ: فأضحى مأموماً قد هشمت ١٠/٢٢
الْهاشِمِيّ: وبحبي للنّبيّ... الهاشميّ... أرجو ١١٦/٧٠
هَشِيمِها: وهشيمِها البائد وسرابها الذّاهب ١٦٤/١٩

هض.م

يَتَهَضَّمَنا: نعوذبك أن... يتهضّمنا السّلطان ٢٦/٥

هط.ل

تَهْطِلُ: وتهطِلُ سماؤها عليه «محمّد» ١٠/١٩
تُهْطِلُ: وتهطلُ سحائب النّعيم بمزن ودقه ١٠/١٣
أَهْطِلْ: أللّهمّ ... أهطل علينا بركته ٧٠/١١

هف.و

هَفا: وهفا اللسان عن نشر محامدك ٢٣٧/٣
الْهَفَواتِ: ناسياً ما إجترمت من الهفواتِ ٢٣٩/٦
هَفَواتِها: وتغمّد هفواتِها ٢٠٢/٨

هل.ع

هَلَع: أعذني من ... هلع أهل الحرص ٢٤/١٢
الْهَلَعِ: أعوذبك من ... الهلَع والجزع ١٥٣/٢٦
هَلُوعاً: إنّ الإنسان خلق هلوعاً (قرآن) ٢٥٧/٣٠-٣٥/٧
الْهَلُوعَ: أن ترحم ... هذا البدن الهلُوعَ ٢٠٥/١٦
الْهَلُوعَةَ: وهذه الرّمّة الهلوعةَ ١٦٢/٦

هل.ك

هَلَكَ: لن يهلك من هلكَ إلاّ عن بيّنة ٢٢٨/٨
فالهالك منّا من هلكَ عليه ١/٢٥
ومن أشقى ممّن هلَكَ عليك لامن ٩٨/١١
حاشى فروضك الّتى من ضيّعها هلَكَ ٨٨/٩
ومن أشقى ممّن هلَكَ عليك ٨/١٧
هَلَكْتُ: فإنّك إن وكّلتنى إلى نفسى هلكْتُ ١١٦/٩٧
يَهْلِكَ: لكيلا يهلِكَ عليك هالكهم ١٤٢/٥
لايَهْلَكُ: لايهلَكُ من تغمّده ... برحمته، ١٩٩/٦
لَنْ يَهْلِكَ: لن يهلِكَ من هلكَ إلاّ عن بيّنة ٢٢٨/٨
أَهْلَكَ: أكادُ أهلَكُ يأساً ثمّ يدركنى ٢١٠/٣
فَلا أَهْلَكَ: فلا أهلَكُ وأنت رجائى ١٥٦/١
فَلا أَهْلَكَنَّ: اغفر بقدرتك علىّ فلا أهلكَنَّ ١٥٨/١
أَهْلَكَنى: عملى أهلكَنى وهواى أردانى ١٦٦/٨
فَأَهْلَكْتَنى: وأحاطت بى فأهلكتنى ١٦٣/٩
أَهْلَكْتَ: ... كما أهلكْتَ عاداً وثمود ١٦٠/٢
أَهْلَكْتَنى: إن رددتنى إلى نفسى أهلكتَنى ٢١٢/٢
تُهْلِكَ: ولاتهلكنى مع من تهلِكُ ١٤٧/٨٨
تُهْلِكُنى: فإنّك إن تكافنى بالحقّ تهلكُنى ١٠١/٥
تُهْلِكُنا: أتهلكنا وأنت ربّنا وحصننا ورجاؤنا ٢٢/١٦
لاتُهْلِكْنى: يامن يملكنى لاتهلكنى ١٨٠/٦
لَمْ تُهْلِكْنى: ولم تهلكنى بجريرتى ١٦٣/١٢
وبها تنشُرُ أرواح العباد ولاتهلِكنى ٥٢/١
ولاتهلكنى يوم تبلى السّرائر ١٤٧/١١١
ولاتهلكنى مع من تهلك من المتعرّضين لمقتك ١٤٧/٨٨
ولاتهلكنى بما أسديته إليك ١٤٧/٩٧
لاتُهْلِكْنا: ولاتهلكنا مع الهالكين ٢٣٤/٣
اللّهمّ لاتهلِكنا وأنت بنا برّ ٢٢/١٦
أَهْلِكَ: أهلِكَ أعداء آل محمّد ١٨١/٥
وأهلكْ من غشّه ١١٩/٢٦
أَهْلِكْهُ: اللّهمّ أهلكهُ «من يؤذينى» هلاكاً عاجلاً ١٦٠/٣
هَلاكاً: أللّهمّ أهلكه «من يؤذينى» هلاكاً عاجلاً ١٦٠/٣
الْهَلاكِ: إلهى تقحّمتُ أودية الهلاكِ ١٥٢/٢
الْمَهْلَكَةِ: وحذّرتنا سبيل المهلَكَةِ ٢٠٠/٤
الْمَهالِكِ: أللّهمّ فأنقذنى من المهالِكِ ٢٣٩/١٠
وإصرفنى بحسن نظرك لى عن ورطة المهالِكِ، ١٩٩/٣٣
تسلك بى مسالك المهالِكِ ١٨٣/١
فمن تتابع المهالِكِ فأنقذنى، ٢٣٧/٧
لِلْمَهالِكِ: وعرّضتها للمهالِكِ بكلّ قوّتى ١٢٨/٨
هَلَكَةٍ: فلا ذائد يذودهم عن هلكةٍ ٧٠/٦
أنقذنى من كلّ هلكةٍ وبليّةٍ ١٢٨/٣٥
الْهَلَكَةِ: إستنقذتنى به من الهلَكَةِ ١٢٤/٤
وذدنا عن موارد الهلكَةِ. ١٩٥/٢

ودعاني عدوّك إلى الهلكَةِ فأجبته ٣٦/١
هَلَكَتي: وقدأشرفت على هلكتي نفسي ١٤٨/٢٢
بِهَلَكَةٍ: ولاتردّني بهلكةٍ ١١٦/١٢٩
أشجو بهلكَةِ الأموات ٢١٩/٣٨
لِلْهَلَكَةِ: ولم أزل أتعرّض للهلكةِ وتنجيني ١٤٩/٣٢
بِالْهَلَكَةِ: إلهي إن نظرت إليّ بالهلكَةِ ١٩٧/٢٥
الْهَلَكاتِ: في بطون الهلكاتِ عظاماً ورفاتاً ٢١٩/٢٤
أن تجعل علينا واقية تنجّينا من الهلكاتِ ١٩٥/٥
حتّى أفرّ عن مصارع الهلكاتِ إليك ٢٤٩/٧
ولاتنال أيدي الهلكاتِ ١٠٩/٤
هَلَكاتِها: وأخفت عنك من قواتلها وهلكاتِها ٢١٤/١٠٠
بِهَلَكاتِ: فاعتبر أيّها السامع بهلكاتِ الأمم ٢١٩/٢٠
هالِكِ: تجعلني عندك أهون هالِكٍ ١٨٣/١
الْهالِكُ: وأنا الهالِكُ إن لم تعف عنّي ٢٥١/٥٦
هالِكُهُمْ: لكيلا يهلك عليك هالكُهُم ١٤٢/٥
فَالْهالِكُ: فالهالِكُ منّا من هلك عليه ١/٢٥
الْهَلْكى: خطيئتي في موارد الهلكى ١٩٨/٥٧
الْهالِكينَ: ولانهلكنا مع الهالكينَ ٢٣٤/٣
ويا منجي الهالكينَ، ١٩٥/١
خذ بيدي من ... ورطة الهالكينَ ١٤٧/٩٢
هالِكَةٌ: فإنّ نفسي هالكةٌ او تعصمها ٥٥/٢٨
الْمُهْلِكَةُ: فإنّها المهلكَةُ طلاّبها، ١٩٦/١

هـ.ل.ل

أَهِلَّهُ: وأهلَّهُ علينا بعافية مجلّلة ١٤٣/٣١
تَهَلَّلَ: وتهلّلَ بالمجد والآلاء، ٧/٢ ـ ٢/٢
هِلالَ: هلالَ سعد لانحس فيه ١١٠/٦
أن يجعلك هلالَ بركة لانمحقها الأيام ١١٠/٤
هلالَ أمن من الآفات ١١٠/٥
هلالَ أمنٍ وإيمان ١١٠/٧
هِلالِهِ: وامحق ذنوبنا مع إمحاق هلالِهِ ١١٥/٢٠

هـ.م.د

الْهامِدِ: دواعي الدّنيا وحطامها الهامِدِ ١٦٤/١٩
هامِدُونَ: صلصالاً في الأرض هامدُونَ ٢١٩/٢٤
هَوامِدِ: متلذّذاً في طوامس هوامِدِ تلك الغرفات ٢١٩/٢٧

هـ.م.ز

هَمْزِهِ: أعذني فيه من ... همزِهِ «شيطان» ١١٧/٧
وتؤمنني من ... همزِهِ «من أرادني بسوءٍ» ٦١/٩
هَمَزاتِ: وأعوذبك باربّ من همزاتِ الشياطين ٢٣٦/٤

هـ.م.س

هَمْساً: فلاتسمع إلاّ همساً (قرآن) ٢٣/٣ ـ ٢٢/٢٢
هَمَساتِ: واجعل همساتِ قلوبنا ٣٠/٦

هـ.م.ع

هَمَعَتْ: وهمعَتْ زوافر الدّموع ١٩٧/٤٧

هـ.م.ك

إِنْهِماكاً: في جميعه إنهماكاً منّي على معاصيك ١٥٢/١٢
إِنْهِماكِيْ: وطال في معاصيك إنهماكِيْ ٢٥١/٥٥

هـ.م.ل

يُهْمَلَ: بمن إستجار بعزّك أن يسلم أو يهمَلَ، ١٩٥/٣
أَهْمَلْتَهُمْ: حتّى ظنّوا أنّك أهملتَهُم ٦٩/١
إِنْهَمَلَتْ: مسألة من ... إنهملَتْ دموعه ١٣٢/٨
إلهي وسيّدي إنهملَتْ بالسّكب عبراتي ١٩٩/١٤٤
لاتَنْهَمِلُ: ومالها لاتنهمِلُ وتجري ١٩٩/١٤٤
هَمَلاً: ولم تترك عبادك هملاً ولاسدى، ١٩٩/١٦٦
بِالْإِهْمالِ: شهد على نفسه بالإهمالِ والتّضييع ١٨٧/٢
الْمُهْمَلَةَ أسرب به الأحكام المهملَةَ ٧٠/١٢

هـ.م.م

هَمَّ: أو همَّ بجهادٍ فقعد به ضعف ٦٧/٢٢
ولقد كان يستحقّ في أوّل ما همَّ بعصيانك ٩٨/٩
يستحقّ ياإلهي في أوّل ما همَّ بعصيانك ٨/١٦
هَمَمْتُ: اللّهمّ إنّي قد همَمْتُ بأمر قد علمته ٩٤/١
هَمَمْنا: عدوّاً يكيدنا... إن هممنا بفاحشةٍ ٦٤/٧
وإن هممنا بعملٍ صالحٍ ثبّطنا عنه ٦٤/٧
إذا هممنا بهميّن يرضيك أحدهما عنّا ٣٠/٣
لايَهُمَّ: حتّى لايهمَّ أحدٌ منهم «أهل الثغور» بالإدبار ٦٧/٥
أَهَمَّهُ: اللّهمّ وأيّما مسلم أهمَّهُ أمر الإسلام ٦٧/٢٢
أَهَمَّني: فاكفني ما أهمَّني من أمر ديني ودنياي ٢٣٣/٦
واكفني ما أهمَّني من أمر ديني ودنياي ١٦٥/٦
واكفني ما أهمَّني بلطفك وكرمك ٢٣٩/١٢
وما أهمَّني من الدّنيا والاخرة فاكفني ١٥٣/٢١
ياكافي المهمّات إكفني ما أهمّني ١٣٣/٧
واكفني ما أهمَّني من أمر دنياي واخرتي ١١٦/٥٠
واكفني فيه «رمضان» ما أهمَّنيْ ١١٧/٤
وأعطني سؤلي واكفني ما أهمَّني ٢٥١/٥٦
فرّج عنّي واكفني ما أهمَّني ٢٢/٤٢
واكفني ما أهمَّني ٢٢/٣٨

أَهَمَّنا: كلّ ما أهمَّنا من أمر الدنيا والاخرة ١٢٢/٨
هَمّاً: أسألك أن ... لاهمّاً إلاّ فرّجته ١٢٢/٨
وخلّصني ... من كلّ همٍّ وغمٍّ ١٧٤/٢
ويافارج همّ المهمومين ١١٧/٢٦
لاهمّاً إلاّ فرّجته ١٤٣/٤٦
وحلفك لي عليه همّاً أنساني ذكرك في نهاري ٧٧/٨
واكفني همّ من أدخل عليّ همّهُ ٧٨/٦ـ٢٥٢/٢٦ـ٢٥١/٣٢
وأعوذبك ياربّ من همّ الدّين وفكره ٧٩/١
وامتلأت بحمل ما حدث عليّ همّاً ٢٤/٦
شيئ من ذلك بعرض ولامرض ولاهمٍّ ١١٧/١١
أللّهمّ أذهب عنّي كلّ همٍّ ١٤٨/٣٤
الْهَمِّ: يافارج الهمّ وياباعث الرسل ١٦١/٧ ـ ١٠٧/١
اللّهمّ إنّي أعوذبك من الهمّ ١٣٨/٩
أللّهمّ إنّي أعوذبك من ... الهمّ ١١٦/١٢٦
واكسر عنّي سلطان الهمّ بحولك ٢٤/٥
يافارج الهمّ وكاشف الغمّ ١٧١/١
هَمَّهُ: اللّهمّ وكما كفيت محمّداً ... وفرّجت همّهُ ١٢٣/٢٠
واكفني همّ من أدخل عليّ همّهُ ٧٨/٦ـ٢٥١/٣٢ ـ ٢٥٢/٢٦
ويملأ صدرى همُّهُ ٧٨/٢ ـ ٢٥٢/٢٠ ـ ٢٥١/٢٨
هَمّي: ياوليّ المؤمنين إكفني همّي ١٢٢/١٠
فأجبني واكشف همّي وفرّج غمّي ١٧٢/٩
واجعل لي من همّي وكربي فرجاً ومخرجاً ١١٦/١١٥
... وافرج همّي ١١٤/١١
وفرّج همّي وغمّي يافارج غمّ يعقوب ١١٤/١٧
وافرج همّي واكشف غمّي ١٧١/١
وهمّي مستفرغاً لما هولك ١٤٧/١١٣
أن تجعل القرآن ... ذهاب همّي ٢٢/٤٠
هَمَّنا: إجعل ... همّنا في طاعتك ١٨٨/٣
بِهَمّيَن: إذا هممنا بهمّيَنِ يرضيك أحدهما عنّا ٣٠/٣
هُمُومٌ: إلهي في هذه الدّنيا همومٌ وأحزان ٢٠٠/٤٤
الْهُمُوم: تجعلني من طوارق الهمُوم والغموم ٢٤٤/٥
وإذا كثرت عليّ الهمومُ لجأت إلى الاستجارة بك ٢٥١/٥٨
وجنّبني فيه «رمضان» ... الهمومَ ١١٧/٦
هُمُومُهُ: أحاطت به آفاته وهمومُهُ ٢١٤/٤٢
أحاطت به أحزانه وهمومُهُ ٢١٤/١١٨
هُمُومُها: تعاوره آفاتها وهمومُها ٢١٤/٣٥
تعاورنا آفاتها وهمومها ٢١٤/١١١
هُمُومي: وكثرة همومي ووسوسة نفسي ١٦٣/١١
هِمَّةً: وهب لي ... همَّةً متّصلة بك ١٩٩/٣٢
هِمَّتُهُ: متى فرح من قصدت سواك همَّتُهُ، ١٩٩/٣٧
فقد إنقطعت إليك همَّتي ١٨٩/٧
وعليك باواحدى عكفت همَّتي ١١٦/٨٤
الْهِمَم: أسألك ... من الهمَمِ أعلاها ١٩٩/٢٣
هِمَمُهُمْ: سيّرت هممُهُمْ ... حجباً حجباً ٢٠٠/٣٦
وعلت لسبق السّعادة في الزّهادة همَمُهُم، ١٩٣/٣
واجعلنا من الّذين ... خطت همَمُهُم ٢٠٠/٢٣
وصيّرت هممُهم في ملكوت السّماء، ١٩٩/١٨٦
الْإهْتِمامُ: واكفني ما يشغلني الإهتِمامُ ٥٥/٣
لِإهْتِمامِنا: لاهتمامنا بالرّزق الّذى تكفّلت به ٧٦/٣
لانشغلني بالإهتمام عن تعاهد فروضك ٢٤/٦
هامَّةٍ: شرّ ما خلقت من دابّة وهامَّةٍ ١٥٣/٢٩
الْهامَّةِ: وأعذني وذرّيتي... ومن شرّ السّامَّةِ والهامَّةِ ٦١/٦
مُهِمّ: إكفنا كلّ مهمٍّ من أمر الدّنيا والآخرة ١٤٣/٤٠
الْمُهِمّ: واكفني جميع المهمّ من ٢٥١/٦٦
الْمُهِمّاتِ: ياكافي المهمّاتِ إكفني ما أهمّني، ١٣٣/٦
لِلْمُهِمّاتِ: أنت المدعوّ للمهمّاتِ ٢٤/٣
الْمُهْمُومينَ: ويافارج همّ المهمومينَ ١١٧/٢٦
مُهْتَمٌّ: وأنا مهتمٌّ بعد ضمانك لي ٧٧/٨
هَماهِمَ: يعلم هماهِمَ الأنفس ١٤٩/٢٤

هـ ن.أ

تَهْنَأُ: أم كيف تهنَأُ بالشهوات ٢١٤/١٤٣
هَنَّأْتَني: أوقت الصّحّة الّتى هنّأتني فيها ٤٦/٢
تُهَنِّئَني: ... تلبسني العافية حتّى تهنّئني المعيشة ٤٢/٢٢
تَتَهَنَّأُ: أم كيف تتهنّأُ بحياتك ٢١٤/٦٥
هَنيئاً: سحاباً متراكماً هنيئاً مريئاً طبقاً مجلجلاً ٥٣/٢
هب لي من لدنك رحمةً وفرجاً هنيئاً ٢٤/٥
ورزقتني من الغذاء سائغاً هنيئاً ١٩٩/١٧٠
هَنيئاً: اللّهمّ إنّي أسألك ... رزقاً واسعاً هنيّاً ١٩٩/٢٥
هَنيئَةً: أسألك عيشة ... هنيئةً ٢٢٥/٣
الْهَنيئَةُ: أين مواهبك الهنيئةُ ١١٦/٢٧
الْمُهَنّا: وإن عطاءك للعطاء المهنّا ١٤٢/٥٧

هـ ن.د

الْهِنْدِ: أعدائك في أقطار البلاد من الهندِ ٦٧/١١

هـ و.ج

هُوَجَ: واستودعتهم هوجَ الرّياح ٢١٩/٢٢

هـ و.د

هُوداً: يامن نجّى هوداً من القوم العادين ١١٤/١٩
وبحقّ هودٍ وهيبته ١٨٠/٢

هـ و ر

تَهَوُّراً: بل أنا ... أشدُّ في الباطل تهوُّراً ٤٩/١٥

الْمُتَهَوِّرُ: سيّدي أنا... المتهوِّرُ بإساءَتي ١٩٩/٨٢

هـ و ل

يَهالُ: يهالُ لمرآه ويرتاع ناظر ٢١٤/١٣٠ ـ ٢١٤/٥٤

هَوْلَ: اللّهمّ إنّي إن ذكرت الموت وهولَ المطّلع ٨٢/٥

وهولِ يوم القيامة ٨٣/٨

ومن هولِ المنيّة ونزول البليّة ٢١٤/٤١

والمدفوع إلى هولِ ماترىٰ ٢١٤/٦١

آه وانفساه لوكان هولاً واحداً لكفى ١٩٨/١١

وفي ذكر هولِ الموت والقبر والبلىٰ ٢١٤/١٠

اللّهمّ فاكفني كلّ هولٍ وآفة ١٢٣/٢١

لاحول ولاقوّة إلاّ بالله من كلّ هولٍ ٢٠/٧

كما كفيت محمّداً صلّى الله عليه وآله هولَ عدوّه ١٢٣/٢٠

إلهي الأمان الأمان عند هولِ القيامة وشدائدها ٢٠٧/٤

إلهي الأمان الأمان عند هولِ المطّلع ٢٠٧/٣

واكفني كلّ هولٍ دونهم «محمّدوآل محمّد» ١٤٩/٦٨

من بين يدي هولِ ذلك اللّقاء ١١٨/٦

عند هولِ المنيّة ونزول البليّة ٢١٤/١١٧

المدفوع إلى هولِ ما ترىٰ ٢١٤/١٣٩

هَوْلَكَ: وأقسم عليك بكلّ اسم هولَكَ ١٣٦/٢

أَهْوالِ: أسألك ... أن تعافيني من أهوالِ الدّنيا ١٧٦/١

ونجّنا ... وشدائد أهوالِ يوم الطّامّة ١٠٩/٢٠

آه وانفساه من أهوالِ يوم القيامة ١٩٨/١٠

... واصرف عنّي بهم أهوالَ يوم القيامه ... ٤٢/١٨

الْأَهْوالُ: فضيحة العار إذا ... هالت الأهوالُ ١٨٤/٩

ومفزعهم عند الأهوالِ والشّدائد العظام ٨٣/٦

مولاي يامولاي أيّ الأهوالِ أتذكّر ٩٠/٢

ياربّاه نجّنا من الأهوالِ غداً ١٩٨/٧٥

الْهائِلَةِ: وإذا خرجت... بصيحة الحشر الهائلَةِ ١١٨/٤

مَهُولٍ: في محلّ ضنك ... مهولٍ منظره ١٩٩/٤١

هـ و ن

لَمْ يَهِنْ: لم يهن على طول مدّتهم سلطانك ١٤٦/٨

أَهانَنِ: فبقول ربّي أهانن (قرآن) ٢٥٧/٣١ ـ ٣٥/٨

أَهَنْتَ: لم تجعل ... حظّي فيمن أهنت ٢٤٨/١٠

أَهَنْتَني: أو من يملك كرامتي إن أهنتني ١٦٤/١٠

لَمْ يُهِنّي: ولم يهنّي الخوف فأعرف ٢٥٧/٢٤

فَيُهِينُونِي: لم يكلني إلى النّاس فيهينوني ١١٦/٨ـ١٢٠/٧

ولم يكلني إلى النّاس فيهينوني ١١٦/٨

لاتُهِينُني: كرامةً لاتهينُني بعدها أبداً ٢٤٩/٢٤

تُهَوِّنُ: أسألك... من اليقين بما تهوّنُ به عليّ ١٨٥/٧

لـ.. تهوّنُ «صلاة» عليهم كلّ كرب يحلّ بهم يوم ١٢/١٠

تهوّنُ به حسابهم ١٤٣/٣٧

هَوِّنْ: وهوّن بالقرآن عند البموت على أنفسنا ١٠٩/١٧

تَهاوَنْتُ: وتهاونتُ حتّى جاء التّغيّر مكان العافية ٣٥/٤

وأشرت وبطرت وتهاونْتُ ٢٥٧/٢٧

وتهاونتُ باحتجاجك ١٦٤/٢٠

هَوانِ: مع هوانٍ ما طبعت فيه منك عليك ٢٥٧/١٩

مع هوانٍ ما قصدت فيه إليك عليك ٢٥٧/٢

هَوانُهُ: أو من يضرّني هوانُهُ إن أكرمتني ١٦٤/١٠

بِمَهانَةِ: كيف تذلّها بمهانَةِ هجرانك ١٨٤/٧

إِهانَتي: سيّدي لو أردت إهانتي لم تهدني، ١٩٩/٢٩

إلهي إنّك لو أردت إهانتي لم تهدني، ١٩٧/١٥

تَهاوُني: وتهاوُني بحجّتك فرقاً منك ١٦٤/٢١

الْمُهينِ: وصفته «العذاب»... العذاب المهينِ ٢٥٧/١٦

مُتَهاوِنٌ: ولالوعيدك متهاونٌ ١١٦/٦٧

الْمُتَهاوِنينَ: استنقذت به المتهاونينَ ١٤٧/٨٦

هَيِّناً: واغفرلي كلّ ذنب حسبته هيّناً ١٤١/١٥

هَيِّنُها: وهيّنها أليم وبعيدها قريب ٨٨/١٩

أَهْوَنُ: لالأنّك أهونُ النّاظرين إليّ ١١٦/٢٣

نجعلني عندك أهونَ هالك ١٨٣/١

أَهْوَنُهُمْ: وأهونُهُمْ «أخشى خلقك» عليك ١٦٦/٣

هـ و و

هَوىٰ: هوىٰ مصرعاً في لحده وتوزّعت ٢١٤/٦٢

آه وانفساه إن ... صرت في النّار مع من هوىٰ، ١٩٨/٥٠

تَهْوي: وجعل أفئدة من النّاس تهوي إليهم (قرآن) ١٣/١

مبادرة تهوي إليه الذّخائر ٢١٤/٩٣ ـ ٢١٤/١٨

إِسْتَهْوانا: لانطيع له إذا إستهوانا ٥٠/١٣

هُوَّةِ: وإستنقذتني من هوّةِ الكفر إلى نجاة الإيمان ١٠/٣٣

واعصمنا به «قرآن» من هوّةِ الكفر ١٠٩/١٦

هَوىً: واغوناه بك ياالله من هوىً قد غلبني ٩٠/٣

أو تحامل عليه بميل أو هوىً ٢٣٨/٦

عدوّ يضلّني وهوىً يوبقني ١٢٧/٨٩

الْهَوىٰ: أعوذبك من ... متابعة الهوىٰ ٢٦/١

أنا الّذي... ولم أقف عند الهوىٰ ولم أراقبك ١٤٨/٩

أعذنا من الفشل ... والهوىٰ ٢٠٠/١٦

وطهّرنا من اتّباع الهوىٰ ٢٠٠/١٧

شيطاناً ... يعاضدلي الهوىٰ ١٨٣/٣

فأسألك يامولاي ... سؤال من فتنه الهوىٰ ١٦٦/١٠

هَواهُ: أفرأيت من إتّخذ إلهه هواهُ (قرآن) ٢٢/١٣

وأن لاتجعلني ممّن ... اتّبع هواهُ ١٣٥/٥

بل دعاه هواهُ إلى ما زيّلته ١٢٧/٧٣

هَوَاهُما: حتّى أوثر على هوای هواهما «الوالدين» ٦٣/٥
هَوَاكَ: ولاأستميل هواكَ ولاأبلغ رضاك ٥٧/٤
وتركب فی ذلك هواكَ ٢١٤/٦٩
إلى هواكَ صبابتی ١٨٩/٨
وتركب غيّكَ وهواكَ ٢١٤/١٤٧
هَوَایَ: ويبأس وليّی من مبلی وانحطاط هوای ٥٩/١٤
حتّى أوثر على هوای هواهما «الوالدين» ٦٣/٥
ولالجحود لربوبيّتك ولكن اتّبعت هوایَ ٢٣٣/٢
ولكن اتّبعت هواي ١٦٥/١
ولكن اتّبعت هوای وأزلّنی الشيطان ٢٢٩/٢
وهواي أردانی وشهواتي حرمتني ١٦٦/٨
وغلبنی هوای ١١٦/٦٧
واجعل هوای عندك ٥٩/٥
بِهَوَایَ: ملت بهوای وإرادتی ومحبّتی ٢٤٨/١٠
الْهَوَاءِ: طيراً فأطير فی الهواءِ من فرقك ٢٠٥/٦
صلاة تشحن الهواءَ ٨٨/٢٣
وما علافی الهواءِ وماكنّ تحت الثری ٢١/٦
سبحانك تعلم وزن الفیء والهواءِ ٤/١٩
وسكّان الهواءِ والأرض والماء ١٢/١٣
فأطير فی الهواءِ من خوفك ٢٠٦/٦
ياخازن اللّيل فی الهواءِ ١٣٨/١
الْأَهْوَاءَ: واجمع به الأهواءَ المتفرّقة ٧٠/١٢
محصّناً من لواحق الأهواءِ ١٩٩/١٩١
وجنّبنی منكرات الأهواءِ ١٣٨/٨
وأخلص سريرتی عن علائق الأهواءِ ١٩٩/٣١
أَهْوَائي: وأعوذبك... من... إتّباع أهوائي ١٢٣/١٨
الْهَاوِيَةِ: ووصفته «العذاب»... الهاوية ٢٥٧/١٦
ولاتسكنّی الهاويةَ فإنّك قرّة عينی ١١٦/٩١
مَهْوىٰ: رددته فی مهوىٰ حفرته فانقمع ١٥٢/٨

هـ ی.أ

هُيِّئَ: استقرّ فی اللّحد وهيّئ عليه اللّبن ٢١٤/١٣٣
تَهَيَّئُ: وتهيّئ من أناتهم واغتفار ذنوبهم لهم ١٦/٩
هَيِّئْ: هيّئ له الأمر وتولّه بالنجح ٦٧/١٦
هيّئ لنا كرامتك ١٤٣/٤٠
تَهَيَّأْتُ: أللّهمّ إنّی كلّما قلت قد تهيّأتُ ١١٦/٥٣
هَيْئَةُ: ولم تبد هيئةُ جلالك ٣/١

هـ ی.ب

هَابَ: أنا الّذی هاب عبادك وأمنك ١٤٧/٨٢
أَهِبْكَ: وأهبكَ فی صدور المؤمنين ١٤٢/٣٧
أَهَابُهُما: اجعلنی أهابهما «الأبوين» هيبة السلطان ٦٣/٥
هَيْبَةً: اجعلنی أهابهما «الأبوين» هيبة السلطان ٦٣/٥
الْهَيْبَةِ: والدّائم فی كبرياء الهيبةِ والرّفعة ١٩٩/٥١
وزيّنتهم بحلية الوقار والهيبةِ، ١٩٩/١٨٥
هَيْبَتِهِ: وأن تكون كلّها مخفوضة دون هيبتِهِ ١٠/٩
وبحقّ هود وهيبتِهِ ١٨٠/٢
ذلّ كلّ شیء لملكه وهيبتِهِ ١٤٣/٤
هَيْبَتِكَ: هم من هيبتك مشفقون ١٨٩/٣
فرسموا ذكر هيبتك في قلوبهم ٢٠٠/٣١
فارحم ... إضطراب أركانی من هيبتك ٨١/٤ ـ ٨٠/١٩
انتفاض جوارحی من هيبتك ٤٩/١٠
هَيْبَتي: إجعل هيبتي فی وعيدك ١٤٧/١٠٤
لِهَيْبَتِهِ: وتواضعت الجبابرة لهيبتِهِ ٢٣٨/٢
وإنهدّت الملوك لهيبتِهِ ١٤٩/١٣
مَهَابَتَهُ: وفرضت علينا مهابتَهُ «محمّد» ١٠/٩

هـ ی.ج

يَهِيجُ: أكابر أولاد يهيجُ اكتئابهم ٢١٤/٥٥ـ٢١٤/١٣١
هَيَجَانِ: أللّهمّ إنّی أعوذبك من هيجانِ الحرص ٢٦/١
مُهْتَاجاً: وجيب الخوف إليك مهتاجاً، ١٩٩/٩٨

هـ ی.ض

الْمَهْيَضَ: وتجبر به «الغيث» المهيض اللّهمّ اسقنا ٥٣/٣

هـ ی.ع

مَهْيَعاً: واجعله لي ... طريقاً إليك مهيعاً ١١٣/٩

هـ ی.ل

هَالَتِ: فضيحة العار إذا... هالت الأهوال ١٨٤/٩

هـ ی.م

هَامَتِ: إلهی بك هامت القلوب الواله، ١٩٤/٣
هَيَّمْتَ: فاجعلنا ممّن... هيّمتَ قلبه لإرادتك ١٩٠/٣
هِيَامِ: وشفی من هيامِ الغليل، ١٩٩/١٨

هـ ی.م.ن

مُهَيْمِنُ: يامؤمن يامهيمن ١٣٣/٢
لاإلهإلاّ أنت ... يامهيمن ياعزيز ١٣٧/٢
وجعلته مهيمناً على كلّ كتاب أنزلته ١٠٩/١
فی كتاب مهيمنٍ على كلّ كتاب، ١٩٩/١٧
وجعلته «محمّد» ... على الكتب الأولى مهيمناً، ١٠/٥
لِلْمُهَيْمِنِ: فكلّ عزيز للمهيمن صاغر ٢١٤/٢٣ ـ ٢١٨/٢
فكم من عزيز للمهيمن صاغر ٢١٤/٩٨

هـ ی.ه

هَيْهَاتَ: هيهاتَ ما يستوفيان متّى حقّهما ٦٣/١١

حرف الياء

ى.أ.س

يَئِسُوا: وقد يئسوا من النظر إليه ٢١٤/٥٧
ويئسوا من برء العليل ٢١٤/٤٥
يَئِسْتُ: ويئست عمّا عند خلقك فلم يبق لي ١٧٣/٣
يَيْأَسَ: ويأس وليّ من ميلي وانحطاط هواي ٥٩/١٤
لايَيْأَسَ: ولايأسَ منك المجرمون ١٠١/١١
ولايأسُ من روحك إلاّ من عصى وأصرّ ١٩٩/٧٩
لايأسُ من عطائك المتعرّضون ١٤٦/٦
فإنّه لايأس من روحك إلاّ القوم الظالمون ٢٥٢/٤١
أَيْأَسَ: ولست أيأسُ مـــن رحـــمتك الّـــتي يـــتوقّعها المحسنون ٢٠١/٣١ - ١٩٩/١٤٣
إلهي كيف أيأسُ من حسن نظرك ١٩٧/٩
لاأَيْئَسَ: سبحانك لاأيئسُ منك وقد فتحت ٣٤/٥
يَأْساً: أكاد أهلك يأساً ثمّ يدركني ٢١٠/٣
وأمل لايكدّره يأسٌ ٢٣٩/٨
واستحال الرّجاء يأساً ٢٠٤/١
الْيَأْسُ: ماردّني اليأسُ عن توقّع غفرانك ١٩٧/٣٧-١٩٩/١٤٠
يَأْسُهُ: لاأن يكون يأسه قنوطاً ١٠١/١٠
يأسُهُ من النّجاة أوكد من رجآئه للخلاص ١٠١/١٠

ى.ب.س

حَتّىٰ تَيْبَسَ: وقمنا حتّى تيبس أقدامنا ٢١٣/١
يَبِّسْ: ويبّس أصلاب رجالهم «عدوّ أهل الثغور» ٦٧/٨

ى.ت.م

الْيَتيمِ: بسهم الأرملة واليتيم ٧٠/٦

ى.ح.ى.ى

يَحْيىٰ: وبحقّ يحيىٰ وطهارته ١٨٠/٤

ى.د.ى

يَدِ: حتّى أستغني عمّا في يد عبادك ٢٥٢/٣٨
وكم أسديت عندي من يدٍ ١٩٩/٦٨
سيّدي إن لم تنشلنا يدُ إحسانك يوم الورود ١٩٩/١١٣
فأتح له «الباطل» من الحقّ يداً حاصدة ٧٠/٨
ولاله عندى يداً ولابي إليهم حاجة ٥٧/١٢
واجعل لي يداً على من ظلمني ٥٥/١١
أنّ يدك بالعطايا أعلى من كلّ يدٍ ٣٩/٨
ولآلهم على محو كتابك يداً ونصيراً ١٤٧/١١٥
لم ترجع يدٌ طالبة صفراً من عطائك ٢٥١/٦٠
قرعت باب فضلك يدُ مسألتي ٢٥١/٦٢ - ٧٠/٣
إن كنت عاصياً مددت يداً بالذّنوب ٢٠٣/٤
أللّهمّ يدك فوق كلّ يدٍ ٢٢/٢٠
يَدَهُ: ويرفع بالمسألة إليك يدهُ ٢٠٤/٦
ونزع يدهُ فإذا هي بيضاءُ للنّاظرين (قرآن) ١٥٩/١٦
وابسط يدهُ على أعدائك ١٤٧/٦٦
يَدَكَ: أنّ يدك بالعطايا أعلى من كلّ يدٍ ٣٩/٨
ولاترسلني من يدِكَ إرسال من لاخير فيه ١٤٧/٩١
أللّهمّ يدُكَ فوق كلّ يد ٢٢/٢٠
سبحانك بسطت بالخيرات يدكَ ١٤٧/٢٤
يَدي: إلهي بذيل كرمك أعلقت يدي ١٨٥/٥
إلهي... وأدررلي وعلى يدي أرزاقهم «ولدى» ٦٤/٢
وسعة من ذات يدي وقوّة على جميع أمرى ١٢٧/٥
إلى سعة عفوك مددت يدي ١٩١/٥
المعترف بخطيئتي وهذه يدي ١٦٧/٣
فقصرت يدى وضاق وسعى عن ردّها إليه ٢٣٨/٦
ولاتغلّ يدى إلى نحري ١١٧/٢٩
وبسعتك فابسط يدي ٥٩/٢
ولم يسعه مالي ولاذات يدي ٥٩/٧
أجر للنّاس على يدِيَ الخير ولانمحقه بالمنّ ٥٥/٤
لم تسعه ذات يدي ٢٥٢/٣٠
ما لم تبلغه قوّتي ولم تسعه ذات يدى ٢٥١/٣٨
ما ملكته يدي وذوى عنايتي ٢٢/٣٦
بِيَدِ: بيدك لابيد غيرك زيادتي ونقصاني ٢٢٩/١٤
بِيَدِهِ: فالشّقي من لم تأخذ بيده ٣١/٥
يامن بيده ملكوت كلّ شيء ١٣٥/٨
على من ألقى بيدهِ إليك من عفوك ١٤٧/٧٦
بِيَدِكَ: بيدك لابيد غيرك زيادتي ونقصاني ٢٢٩/١٤
عليك رزقي وبيدكَ ناصيتي ٢٤٥/٦
كيف أرجو غيرك والخير كلّه بيدِك ١٨٥/٣
أللّهمّ... النّاصية بيدِك والوجه عان لك ٣١/٣
فإنّما الخير بيدِك ٨٣/٨
وبيدِك رزقي وإليك أمري ١٥٣/١٥
لك القدرة في أمري وناصيتي بيدِك ١٥٣/١٦
أو لم يكن سببه بيدِك فجازيتهم ٩٨/٣
الخيرُ كلّه بيدِك وعندك ١٣٩/٧

إلهي وسيّدي هذه يدي وناصيتي بيدِك ١٣٥/٧
فإنّ ذلك كلّه بيدِك ١١٧/٢٨
ولم يكن سببه بيدِك فجازيتهم ٨/٦
ناصيتي بيدِك لاأمر لي مع أمرك ٥٧/٤
من يتقلّب في قبضتك وناصيته بيدِك ١٠/٢
وبيدِك ياإلهي جميع ذلك السبب ٥٧/٢
وأنّ أسبابه «رزقي» بيدِك ٧٧/١٣
وإنّ بيدك الممات والمحيا ٨٣/١٠
بيدِك نواصي العباد ونواصي البلاد ٢٤١/٤
علماً بأنّ أزمّة الأمور بيدِك ٢٥١/٥٨
وأصبحت الأمور بيدِك ٢٥٤/٢
ناصيتي بيدِك ماض فيّ حكمك ٢٢/٣٩
بِيَدي: وإليك ألقيت بيدي ١١٦/٨٤
وعصيتك بيدي ولو شئت لكنعتني ١٤٩/٣٦
الّذي شمل كلّ شيء لألقيت بيدي ١٦٢/٣
بل خذ بيدي من سقطة المتردّين ١٤٧/٩٢
الْيَدَيْنِ: ياباسط اليدين بالرّحمة ١١٦/٣١
يَدا: وظفرت يدا من بحاجته ناجاك ١٩٩/٧٨
يَداهُ: يوم ينظر المرء ما قدّمت يداه (قرآن) ٢٠٧/١٢
يَدايَ: مقرّاً بـ... أوزار استحقبتها بما كسبت يدايَ ١٦/٢
وإن تعذّبني فبما قدّمت يدايَ ١٣٥/٧
لاأخرّت عقابك عنّي بما قدّمت يداي ٣٦/٤
أنا المقرّ على نفسي بما جنت عليّ يدايَ ١٤٨/٥
وهذه يدايَ جزاء بما صنعتا ٨٦/١
وهذه يدايَ قد مددتهما إليك ١١٢/١
يَدَيْ: أبتدئ يومي هذا بين يدَيْ نسياني وعجلتي ١٧/١
أقدّم في يومي بين يدَيْ نسياني وعجلتي ١٧/٢
من بين يدَيْ هول ذلك اللّقاء ١١٨/٦
لاأدري ... على يدي من هو «رزقي» ٧٧/١٣
وأقدّمهم بين يدي حوائجي ١٢٤/٧ ـ ١٢١/٢١
آه وانفساه من موقفي بين يدي الرّحمن ١٩٨/٨
ولانفضحني بين يدَيْ أوليائك ١٤٧/٩٦
وأقدّمك بين يدَيْ حوائجي ١٢٤/٦
وأقدّمه «محمّد» بين يدَيْ حوائجي ١٢١/٢٠ ـ ١٢٤/٦
يَدَيْهِ: يوم يعضّ الظّالم على يديه (قرآن) ٢٠٧/١٧
وارزقني الشّهادة بين يديهِ حتّى ألقاك ١٤٩/٧٠
وأصلح لنا إمامنا واستصلحه وأصلح على يديه ١٤٩/٦٩
واجعل بين يديه سدّاً حتّى تعمى عنّي بصره ٦١/٨
سبحات نورها المتلألئة بين يديهِ ١٠/٣١
وأمتني ميتة من يسعى نوره بين يديهِ ١٤٧/١٠٠
ومدّوا عند خروج نفسه يديهِ ورجليه ٢١٤/٤٥
وافتح على يديه «امام زمان» الخيرات ١١٩/٢٨
وأحللهم أشرف المقام بين يديهِ ١٠/٣٤
يسعى نوره بين يديهِ وعن يمينه ١٤٧/١٠٠
يَدَيْكَ: إلهي، ألأمان... عند الوقوف بين يديك ٢٠٧/٣
جلست بين يديكَ مولاي ٢٤٩/١٨
إذا أجبتني في مقامي هذا بين يديكَ ١٤٤/٣٠
فها أناذا بين يديك ٢٠٥/١٥
أللّهمّ فارحم وحدتي بين يديكَ ٨١/٤
ها نحن عبادك بين يديك ٣٢/٢
وأغنانا إذ طرحنا أنفسنا بين يديكَ ٣٢/٤
لهم زفرات ... في مراتع الإحسان بين يديكَ ٢٠٠/٣٣
تب على عبدك ... الواقف بين يديكَ ١٦/٧
فمثل بين يديكَ متضرّعاً ٨٠/٥
والوقوف بين يديكَ نغّصني ٨٢/٥
أللّهمّ وقد تراني ووقوفي وذُلّ مقامي بين يديكَ ٨٢/٤
المكسوّ حلل الأمان إذا وقف بين يديك ١٠/٢٣
إلهي كأنّي بنفسي قآئمة بين يديك ١٩٧/٤
وإذا قمت بين يديكَ في القبور ١١٨/٣
أللّهمّ فارحم وحدتي بين يديكَ ٨٠/١٩
وإذا نشرت للحساب بين يديكَ ذلّ موقفي ١١٦/٩٥
وقمت للصّلاة بين يديكَ ١١٦/٥٣
ذنوبنا بين يديكَ ١١٦/٤٠
قعدت بين يديكَ مستكيناً متضرّعاً إليك ٢٤٩/١٢
والذّلّة بين يديك ١١٥/٢٢
وأقامني مقام الأذلّآء بين يديك ضرّ حاجتي ١٩٩/٨٩
وجهاً طالما خرّ ساجداً بين يديكَ ١٩٩/١٥٣
ولبقي رهيناً بين يديكَ ٩٨/٨
وقمت بها «حوائجي» بين يديكَ ١٤٩/٢٧
وإذا وقفت بين يديكَ مبهوتاً ١١٨/٤
فواسوءتاه غداً من الوقوف بين يديكَ ٩١/٣
ووقفت بين يديك في هذا الموضع ١٤٩/٥٨
وذلّلني بين يديكَ وأعزّني عند خلقك ١٤٧/١٠٠
وقد انتصبت بين يديك ٤٩/٨
وها أناذا بين يديك ٨٦/٣
فها أناذا بين يديكَ خاضع ذليل راغم ١٦٢/٥
أقامته الخصاصة بين يديكَ ١١٦/١٠٣
إلهي، خلت نفسي بأعمالها بين يديكَ ٢٠٢/٨
ولبقي رهناً بين يديكَ بسآئر نعمك ٨/١٤
ذنوبه إلى ذلّ مقامه بين يديك ١٦٤/٤

إنّك أمرت بدعائك وضمنت الإجابة لعبادِك ٢٥١/٦٠
بِعِبادِكَ: الرّؤوف الرّحيم بعبادِك ١٤٣/٥٢
ألحقنا بعبادكَ الّذين هم بالبدار إليك ١٨٩/٣
لِلْعِبادِ: وأنجحها وأفضلها الّتى ينبغى للعباد ١٤١/٥
ويولج صاحبه فيه بتقدير منه للعباد فيما يغذوهم به ٢١/١
بِالْعِبادِ: ... رؤوف بالعباد ... ٢١/١٦
الْعَبيدِ: خير الموالى لعبيده وأنا شرّ العبيد ١٤٩/٣١
عَبيدِهِ: وأدّى الحقوق عن عبيده ٢٤٧/١١
عَبيدِكَ: إجعلني من صفوة عبيدك ١٨٥/٥
فإنّهم دعوك وهم عبيدُك ٢٥١/١٤
وعافنى ممّا إبتليت به طبقات عبيدِك وإمائك ١٤٧/٩٢
أللّهمّ وأيّما عبد من عبيدِك أدركه منّى ١٠١/٤
فأيّما عبد من عبيدِك ٢٣٨/٦
عبيدُك العرب إذا استجار ... ١٧٧/١
ان محمّداً وعلياً وزوجته وولديه عبيدُك وإماؤك ... ٤٢/١٩
لِعَبيدِهِ: وأنت ياسيّدى خير الموالي لعبيده ١٤٩/٣١
لِلْعَبيدِ: وما الله بظلاّم للعبيد ١٢٣/٣
وما أنت بظلاّمٍ للعبيد ١٣٥/٧
عُبَيْدُكَ: عبيدك بفنائك مسكينك بفنائك ٢٣٢/٣ ـ ٢٣٢/١
عبيدُك ببابك أسيرك بفنائك ٢٣٢/٢
إلهى عبيدُك بفنائك ٧/٦
عَباديدَ: أرنا أنصار الجور عباديد ٧٠/١٠

ع.ب.ر

عَبَرَتْ: عبرت أعين النّواحين ٢٠٠/٣٢
إعْتَبَرَ: ولانكالاً لمن اعتبر ولافتنة لمن نظر ١٤٧/١٠٥
إعْتَبَرْتِ: أما اعتبرت بمن مضىٰ من ٢١٤/٧٥ ـ ٢١٤/١
إعْتَبِرْ: واعتبر بموضعه تحت الثّرىٰ ٢١٤/١٣٩
فَاعْتَبِرْ: فاعتبر أيّها السّامع بهلكات الأمم ٢١٩/٢٠
عِبارَةُ: إستعجمت عن إدراكه عبارةُ علوم العلماء ٢٤٣/٥
الْعِبارَةُ: أللّهمّ كلّت العبارةُ عن بلوغ مجدك ٢٣٧/٣
عِبارَتِهِ: وسهّلت جواسى ألسنتنا بحسن عبارته ١٠٩/٥
وكلّت الألسن دون عبارته «محمّد» ١٠/١٩
عَبْرَةَ: وعبرة من بكى من خوفك مرحومة ٢٥٥/٥
عَبْرَتُهُ: مسألة... من فاضت إليك عبرتُهُ ١٣٢/٨
وتردّدت عبرتُهُ وإعترف لك بذنوبه ١٦٤/٣
الْعَبَراتِ: مثبتات العثرات بمسبلات العبرات ١٩٩/١٠٩
عَبَراتي: إنهملت بالسّكب عبراتى ١٩٩/١٤٤
وترحم بها «التّوبة» عبراتى ١٩٩/٤٨
من شدّة التّفريط لم أسكب عبراتي ١٩٩/١٠٨
إنتشرت عبراتى حين ذكرت خطيئاتى ١٩٧/٤٤
بِعَبَراتي: يستأثر بعبراتى ومن يسعدني فأبكى ٢١٩/٣٩
عِبْرَةً: ولاتجعلني عبرةً لغيرى ١٣٥/١٥
الْإِعْتِبارِ: من تصفّح الإعتبار ناشراً ١٠٩/١١
إعْتِبارُهُ: فصحّ بمعاينة أمثالهم حازم وفقه اعتباره ٧٤/٢
الْإِسْتِعْبارُ: حيث لاينفعه الإستعبار ٢١٤/٤١

ع.ب.و

بِأَعْبائِهِ: النّاهض بأعبآء موائيق عهدك إلى عبادِك ١٠/١

ع.ت.ب

بِمُعاتَبَتِي: فمن أخصّ بمعاتبتي ٢١٩/٣٨
عاتِباً: بإحسانك إلىّ عاتباً عليك ٤٠/٢
مُعاتِباً: ومعاقبا أو معاتباً لى فأجمعوا أن يشفعوا ١١٨/٥
الْعُتْبىٰ: لك العتبىٰ لاأعُودُ لأعود لأعود ٨٦/٣
حتّى متى وإلى متى أقول لك العتبىٰ ٩٠/٣
يا ... قابل العذر والعتبىٰ ١٩٩/٦٥
إلهى ... لك العتبىٰ حتّى ترضىٰ ١٨٢/٧

ع.ت.د

بِعَتادٍ: أيّما مسلم ... أمدّه بعتاد ٦٧/٢٠
عَتيدٌ: وهو علينا شاهد عتيد ٢١/٨
وشرّها عتيدٌ وجمعها ينفد ١٣٥/٤
وجواب عتيدٌ أللّهمّ ومواعيدك الصّادقة ١١١/١

ع.ت.ر

عِتْرَةِ: مع معصوم من عترة نبيّك ٢٤٨/١
الْعِتْرَةِ: فبصلوات العترة الهادية ٢٠٢/٨
وبصلوات العترة الهادية ٢٠٢/٤
عِتْرَتِهِ: والبارّ من عترته البررة المتّقين ٤٢/٨
أللّهمّ صلّ ... على عترته النّجبآء الخيرة الأصفيآء ١٩٩/٢٠
محمّد وعترته الصّفوة من بريّتك الطّاهرين ٩٥/٤
وعلى ... عترته النّجباء المختارين ١٩٩/٦٣
إغضب اليوم لمحمّدٍ ولأبرار عترته ١١٧/٣٣
بِعِتْرَتِهِ: وبعترته صلّى الله عليهم ١٤٩/٤٤
نبيّ الرّحمة وبعترته الطّاهرين الطّيّبين ١٢١/٢١
بمحمّدٍ نبيّ الرّحمة وبعترته الطّيّبين ١٢٤/٧

ع.ت.ق

نَعْتِقُ: حمداً نعتق به من أليم نار الله ١/١٧

انعدام الأنواء عن النّطق بين يديكَ ١٠/٣٤
ارحم تضرّعي إليك وإنتصابي بين يديكَ ١٤٨/٢٦
ها أنذا ياربّ مطروحٌ بين يديكَ ٢٩/٥
وها أنذا بين يديك صاغراً ذليلاً ١٢٧/٧٥
إلهي، ولم أقم بين يديكَ ٢٠٥/٥
يَدَىَّ: خرجت من يدىّ أسباب الوصلات ٨٨/٢
إلهي، وسبّدى هذه يدىّ وناصيتي بيدك ١٣٥/٧
أللّهمّ إجعل ... نوراً من بين يدىَّ ١٣٤/٣
أللّهمّ احفظني بحفظ الإيمان من بين يدىّ ٢٨/٣ ـ ٢٩/٣
اعتذار ندامة بكون واعظاً لما بين يدىَّ ١٠٠/٣
إملأ من فوائدك يدىَّ ١٢٧/١١٠
من يريد بي سوءاً أو مكروهاً من بين يدىَّ ٢٢/٣٥
أَيْدِىْ: حتّى أستغني به عمّا في أيدى عبادك ٢٥١/٩
أللّهمّ إليك رفعت أيدى السّائلين ٨٣/٥
مندوحة عمّا في أيدي المستأثرين ١١٦/١٢ ـ ٢٢٠/٤
فرّقتهم أيدي المنون ٢١٩/٢٤
على الفراش تُقلّبني أيدى أحبّتي ١١٢/٧ ـ ١١٦/٩٦
ومن أيدى الخصماء غداً من يخلّصني ١١٦/٦٨
كم إخترمت أيدي المنون ٢١٤/٥
هذا مقام من تداولته أيدى الذّنوب ٨٠/٢
ترك التّهمة فيما تحويه أيدى العباد ١٤/٩
كم خرمت أيدىَ المنون ٢١٤/٨٠
ولاتنال أيدِى الهلكات ١٠٩/٤
فتردّ أيدى الّذين حاربوه إلى صدورهم ١٠/٢٨
الأَيْدي: يعلم ... بطش الأيدي ١٤٩/٢٤
قبل أن تغلّ الأيدى إلى الأعناق ٩٠/٧
أَيْدٍ: أم لهم أيدٍ يبطشون بها (قرآن) ١٥٩/٩
أَيْديهِمْ: نورهم يسعىٰ بين أيديهم (قرآن) ١٤٢/٧
يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم (قرآن) ١٥٩/٦ ـ ١٨/٣
وإن عاقب فيما قدّمت أيديهم ١٢٣/٣
وأقبض أيديَهُم «عدوّ أهل الثغور» عن البسط ٦٧/٧
اليوم نختم على أفواههم وتكلّمنا أيديهم (قرآن) ٢٣/٦
جعلنا من بين أيديهم سدّاً (قرآن) ١٦١/٥ ـ ٢٢/٩ ـ ٢٣/٥
أَيْدينا: ولاتعذّبنا لكثرة ذنوبنا وما قدّمت أيدينا ٨٣/٤
واحفظنا من بين أيدينا ٢١/١٢
وحتّى لانبسط أيدينا إلى محظور ١١٥/٨
سوء الولاية لمن تحت أيدينا ٢٦/٣
وانصب الموت بين أيدينا نصباً ١٠٣/٢
وابلغ بأعمارنا ما بين أيدينا ١٤٢/٥١
بِأَيْدينا: علّقتنا بأيدي المنايا في حبآئل غدرها ١٩٦/١
واسفك بأيدي المؤمنين دمآئهم «الظّلمة» ١١٩/٩
بِأَيْديهِمْ: فحثوا بأيديهم التّراب ٢١٤/٥٧
ثمّ حثوا بأيديهم عليه التّراب ٢١٤/١٣٤
غمّضوا بأيديهم عينيه ٢١٤/٤٥
فغمّضوا بأيديهم عينيه ٢١٤/١٢١
الْأَيادي: ياذاالأيادى الّتى لاتنقضى ١٥٨/٣
والأيادى الجسام صلّ على محمّد وآله ٢٣٤/٨
أَيادِيكَ: وأياديكَ الفاضلة ورحمتك الواسعة ١١١/١
إذا ذكرت أياديكَ الّتى سلفت ٢١٠/٢
وعدت بكريم أياديك حين عدت ١٩٩/١٥٦
نشر عوارفك توالى أياديك ١٨٧/١
جزآء المقصّرين من أياديكَ ومننك ٩٨/٨
كثرت أياديك فعجزت عن إحصآئها ١٩٧/٣٥ ـ ١٩٩/١٢٧
فلك الحمد على بوادى أياديك وتواليها ١٩٩/١٧٤
أنا لاأنسى أياديك عندى ١١٦/٧٥

ى.س

يٰسٓ: يسّ والقرآن الحكيم (قرآن) ١٤٤/٩

ى.س.ر

يَسْرِ: الشّفع والوتر واللّيل إذا يسرِ (قرآن) ١١٤/١٣
يَسَّرْتَ: ويسّرتَ كلَّ شيءٍ تيسيراً ١٤٧/١٢
يَسَّرْتَهُ: لاعسيراً إلاّ يسّرتهُ ١٤٣/٤٨
يَسَّرْتَهُا: إلاّ قضيتها لي ويسّرتها في عافية ١٤٣/٤٨
يَسِّرْ: يسّر لنا بلوغ ما نتمنّىٰ من إبتغآءِ رضوانك ١٨٨/١
أللّهمّ يسّر على الكرام الكاتبين مؤوننا ٢١/١٠
يسّرلي ما أحللت بي ٢٦/٥
يامن العسير عليه يسير يسّر لنا قضاء حوآئجنا ١٣٩/٤
أللّهمّ يسّرلي ما أخاف عسره ١٣٨/١٤
ويسّر به «ولايعصر»(عج) عسرتنا ١١٩/٢٥
يَسِّرْهُ: ويسّره لي على أحسن الوجوه وأجملها ٩٣/١
فَيَسِّرْ: بتيسيرك فيسّر لي ١٥٣/١٨
فَيَسِّرْني: لليسرىٰ فيسّرني ١٥٣/١٩
تَيَسَّرَتْ: على أبواب العسر لليسر تيسّرت ٥٨/٢
يُسْر: يامن هو ... المرتجى لكلّ يسرٍ ٢٤٧/٩
واجعل ذلك متقبّلاً في يسرٍ منك ١٤٣/٣٥
ولم يجشّمنا إلاّ يسراً ١/٢٥
وتجعل عملي متقبّلاً في يسر منك وعافية ١٢٧/٥
وإمضائها في يسر منك وعافية ٢٢٢/٥
فاجعله حلالاً طيّباً في يسرٍ منك وعافية ١٢١/١٧

ويُسر لايمازجه عسر ١١٠/٦
أن تقضي لنا حوائجنا في يسرٍ منك وعافية ١٤٣/٢١
صغيرها وكبيرها في يسرٍ منك وعافية ٢٥١/٣٨ ـ ٢٥٢/٣٠
الْيُسْرِ: أللّهمّ خصّنا ... ودوام اليُسرِ ٢٣٤/٢
من أهل ملّتك ... فلقّه اليسر ٦٧/١٦
بما أنعمت عليّ في اليسر والعسر ٥٩/١٢
زيّني وإيّاهم بالتّقوىٰ واليسر ٢٤٨/٤
يُسْرِهِ: وعسره عندي ويسره عليك ٢٥٧/١٩
لِلْيُسْرِ: إذا دعيت على أبواب العسر لليسر تيسّرت ٥٨/٢
بِالْيَسَارِ: وصن وجهي باليسار ٥٥/٣٨
تَيْسير: بقدرتك على ذلك وتيسير ذلك عليك ٢٤٩/٢١
ويسّرت كلّ شيءٍ تيسيراً ١٤٧/١٢
بِتَيْسِيرِ: وأنت الملىّ بتيسيرِ الطّلبات ١٩٩/٨٠
بِتَيْسِيرِكَ: بتسيرك فيسّرلي ١٥٣/١٨
بتيسيرك لي العسير ٣٩/١١
مُيَسِّرٌ: إنّك ... وميسّرٌ كلّ عسير ٣١/٦
لاميسّرَ لما عسّرت ٢٤/٤
يَسيرٌ: وهو عليك يسيرٌ ٨١/١٠
عند كلّ عسير ويسيرٍ ٨٣/٣
إنّك على كلّ شيء قدير وهو عليك يسيرٌ ١٤٣/٤٠
يامن العسير عليه يسيرٌ يسّر لنا ١٣٩/٤
وحساباً يسيراً فحاسبني ١٥٣/٢٠
ثمّ قبضته إليك قبضاً يسيراً ١٣٧/١
تشكر يسيرَ ما شكرته ٩٨/٣
إنّك ... القابل يسيرُ الحمد ٩٧/٦
ذلك عليك يسيرٌ ٢٤٧/١٠
هو عليك يسيرٌ جبريل عن يميني ٢٢/٣٧
فإنّي امرؤ حقير وخطري يسيرٌ ١٦٢/٧
علمت أنّ كثير ما أسألك يسيرٌ في وجدك ٣٩/٨
إنّك على كلّ شيءٍ قدير وذلك عليك يسيرٌ ٥٧/١٣
تشكر يسيرَ ما تشكر به ٨/٦
فانّ إستبدالك بنا غيرنا عليك يسيرٌ وعلينا عسير ١١٩/٣١
وافتح له «وليّك» فتحاً يسيراً ١١٩/٢٢ ـ ١٤٧/٦٣
ويشكر يسيرَ ما يعمل له ١٤٦/٢
الْيَسيرَ: إقبل منّي اليسير ١١٦/١٣٤
يامن يقبل اليسيرَ ١١٦/١٣٤
بِالْيَسيرِ: يامن رضى من فعلهم بالْيَسير ٣٤/٨
بِمَيْسُورِ: الخيرة بميسور جميع الأمور ١٢٥/٦
لِمَيْسُورِ: فدعوناك مستحطّين لميسور رزقك ٢٠٠/٦
لِلْيُسْرىٰ: للْيسرى فيسّرني وللعسرىٰ فجنّبني ١٥٣/١٩

ى.ع.ق.و.ب

يَعْقُوبَ: وبحقّ يعقوبَ وغربته ١٨٠/٣
وربّ ... يعقوبَ ١١٧/١٩
وفرّج همّي وغمّي يافارج غمّ يعقوبَ ١١٤/١٨

ى.ق.ت

الْيَواقيتِ: واليواقيتِ والزّبرجد متوّجين ٢٠٦/٢٣

ى.ق.ظ

أَيْقَظَتْني: فقد أيقظتني المعرفة بقديم آلائك ١٩٩/٨٧
أَيْقِظْنا: أيقظنا عن سنة الغفلة بالرّكونَ إليه ٥٠/٦
يَقْظَةٍ: أو أنظر بنور يقظة ٢١٩/٥
الْيَقْظَةِ: أن يلعب بي الشّيطان في اليقظةِ والمنام ٢٢/٣٥
يَقْظَتي: واحفظني في يقظتي ونومي ٢٣٦/٥
بِإيقاظي: واعمر ليلي بإيقاظي فيه لعبادتك ١٤٧/١٠٢
تَيَقُّظاً: أضعفُ عند طاعتك تيُقُظاً ٤٩/١٥
مُتَيَقِّظاً: فجدّ ولاتغفل وكن متيقّظاً ٢١٢/١٠٢

ى.ق.ن

أَيْقَنَ: وأيقن أنّه لامحيص له منك ٣٤/٦
وأيقن أنّ الخلق لك والأمر إليك ١١٦/١٠٢
أَيْقَنُوا: واجعلنا من الّذين... أيقنوا بمستقرّهم ٢٠٠/٣٩
فَأَيْقَنَتِ: فأيقنت البرايا أنّك مدبّرها وخالقها ١٩٩/١١
أَيْقَنْتُ: وأيقنتُ أنّ سعيي لايفلح ٢٠٤/٢
تَيَقَّنَتْ: وتيقّنت بالفوز والفلاح أرواحهم ١٩٣/٤
إسْتَيْقَنَ: ويقيناً تنفع به من إستيقن به ١٧١/٤
إيقانٍ: شهادة أعتقدها بإخلاص وإيقانٍ ١٩٩/١٣
إيقاني: فلم يعزب إيقاني بنظرك ١٩٩/٨٨
مُوقِنٌ: وكيف يلذّ العيش من هو موقنٌ ٢١٤/٣١
موقنٌ بأنّ منتهى دعوتك إلى الجنّة ٤٩/١٣
الْمُوقِنِ: أسألك سئوال ... الموقنِ بالموت ٢٤٥/١
مُوقِنينَ: بك آمنّا موقنين ١٤٣/١٨
الْمُوقِنينَ: باليمين لأكون من الموقنين ٧٧/٧
أن تجعلني من الموقنين خبراً وفهماً ١٩٩/١٦٥
يَقيناً: وحال الشّكّ في ذلك يقيناً ٢٠٤/١
وهب لنا يقيناً صادقاً تكفينا به ٧٦/٢
فأمّك بطمعه يقيناً ٨٠/٤
وهب لي... يقيناً صادقاً في حبّك ١٩٩/٣٢
أللّهمّ ... ارزقني ... إيماناً ويقيناً ١١٧/٨

أللّهمّ إنّي أسألك ... يقيناً صادقاً ١١٦/١٣٥
أللّهمّ إنّي أسألك ... يقينَ المتوكّلين ١٣٩/٥
أللّهمّ هب لي يقيناً تباشر به قلبي ١٣٧/٤
وأسألك أن تهب لي يقيناً صادقاً يباشر قلبي ١٢٩/٤
وأن تهب لي يقيناً تباشر به قلبي ١١٧/٣١
ويقيناً تنفع به من استيقن به حقّ اليقين ١٧١/٤
وارزقنا ... يقين الصّابرين ٢٠٠/١٨
أللّهمّ ارزقنا ... تثبيتاً ويقيناً ٢٠٠/٢٠
وعبادة الخاشعين لك ويقينَ المتوكّلين عليك ١٧١/٦
الْيَقِينَ: واليقينَ في قلبي ٢٥١/٢١
أسألك ... من اليقينِ بما تهوّن به عليّ ١٨٥/٧
مع إزاحة اليقينِ مواقع الشكوك فيك ٢٤٩/٨
واجعل يقيني أفضل اليقينِ ٥٥/١
وعبدك حتّى أتاه اليقينُ ١٤١/٣٠
أسألك ... عمل أهل اليقينِ ١٣٧/٨
فقد آنسني اليقينُ بمكارم عطفك ١٩٩/٨٧
إنّي لأراك ضعيف اليقينِ ٢١٤/٦٩
أحثّ الرّحلة إلى إبنارك بإستظهار اليقينِ فيك ٢٤٩/٧
ووحّدوك وعبدوك حتّى أتاهم اليقينُ ٨٣/١٧
أراك ضعيف اليقينِ ٢١٤/١٤٧
وضعف اليقينِ ٨٨/١٧
ويقيناً تنفع به من استيقن به حقّ اليقين ١٧١/٤
واليقينَ لما يرضيك عنّي يأرحم الرّاحمين ١٢٩/١٠
وأن تعطيني من اليقينِ ما يحجبني ١٦١/٨
وارزقنا حذر أهل اليقينَ ٢٠٠/١٨
أقلعوا بريح اليقين ٢٠٠/٢٥
إجعل ... اليقين في قلبي ٢٥٢/١٣
يَقِيني: واجعل يقيني أفضل اليقين ٥٥/١
وصحّح بما عندك يقيني ٥٥/٢
لصغر خطري في ملكك مع يقيني بك ٢٠١/٤٨
يقيني بمعرفتك منّي أن لاربّ لي غيرُك ١١٦/١٤
بِيَقِينٍ: وأيّدنا بيقين المخلصين ٩٢/١
وأحينى بيقينٍ أسلم به من الإلحاد ١٩٩/٧٢
بِالْيَقِينِ: وأغنني باليقينِ وأعنّي بالتّوكّل ٢٥١/١٥
أللّهمّ أغنني باليقينِ ٢٥٢/٣٩

ى.م.ن

يُمْنٍ: ويمنٍ لانكد معه ١١٠/٦
أعوذبك من ... يمينٍ فاجرة ٢٧/٤
الْيَمِينِ: وأنظمني في أصحاب اليمين ١٠٨/٤
يَمِينِكَ: ألقِ ما في يمينك (قرآن) ١٥٩/١٣
بِيَمِينِهِ: والسّموات مطويّات بيمينه (قرآن) ٢/٧ ـ ٢٢/٣٠
بِالْيَمِينِ: وأتبعت ذلك منك باليمين ٧٧/٧
أَيْمَانُنَا: إلى ما ملكت أيماننا ١١٦/١٣٢
بِأَيْمَانِهِمْ: وبأيمانهم يقولون ربّنا (قرآن) ١٤٢/٧
أَيْمَنَ: واجعله «محمّد وآله» أيمن يوم عهدناه ٢١/١٤

ى.ن.ع

بِإِينَاعِ: وامنن على عبادك بإيناع الثمرة ٥٣/١

ى.و.س.ف

يُوسُفُ: وأدعوك بما دعاك به يوسف ٢٥١/١٣ ـ ٢٥٢/٨
لِيُوسُفَ: كذلك مكّنّا ليوسفَ (قرآن) ٢٢/٢٢

ى.و.م.

يَوْمِ: في يوم كان مقداره (قرآن) ٢٠٧/١٣
يوم لاينفعُ مالٌ ولابنون. (قرآن) ٢٠٧/٢٦
يوم ينظر المرء ما قدّمت يداه. (قرآن) ٢٠٧/١٢
يوم يقوم الرّوح والملآئكة صفّاً. (قرآن) ٢٠٧/١١
يوْمَ يفرّ المرء من أخيه. (قرآن) ٢٠٧/١٠
يومَ تبيّض وجوهٌ وتسودّ وجوه. (قرآن) ٢٠٧/٩
يومَ يكون النّاس كالفراش المبثوث. (قرآن) ٢٠٧/٥
إلهي، ألأمان الأمان يومَ نقوم السّاعة. (قرآن) ٢٠٧/٦
إلهي، ألأمان الأمان يومَ يقوم النّاس. (قرآن) ٢٠٧/٧
يومَ لاتملك لنفس شيئاً. (قرآن) ٢٠٧/٨
يومَ لايستاخرون ساعة ولايستقدمون. (قرآن) ٢٠٧/١
يومَ تأتي كلّ نفسٍ بما كسبت. (قرآن) ٢٠٧/٢١
فارحمني سيّدي يومَ يفردني الناس في حفرتي ٢٤٩/٢٢
يومَ يودّ المجرم لو يفتدي من عذاب. (قرآن) ٢٠٧/١٤
يومَ ترجف الرّاجفةُ. (قرآن) ٢٠٧/١٥
يومَ يرون الملآئكة لابشرىٰ يومئذٍ. (قرآن) ٢٠٧/١٦
يومَ يعضّ الظّالم علىٰ يديه. (قرآن) ٢٠٧/١٧
يومَ نقول لجهنّم هل امتلأت. (قرآن) ٢٠٧/١٩
وقسمت لاهلها من العطاء في يومَ الجزاء. ٢٤٦/٦
يادِيّان يوم الدّين. ٢٣٩/١٠
يومَ لايجزي والدٌ عن ولده. (قرآن) ٢٠٧/٢٥
يومَ لاتجزي نفسٌ عن نفسٍ شيئاً. (قرآن) ٢٠٧/٢٢
يومَ نذهل كلّ مرضعةٍ عمّا أرضعت. (قرآن) ٢٠٧/٢٣
يومَ أزفت الآزفة. (قرآن) ٢٠٧/٢٤
يومَ يجعل الولدان شيباً. (قرآن) ٢٠٧/١٨

يومَ لايغني مولىً عن مولىً شيئاً. (قرآن) ١/١٤ ـ ٢٠٧/٢٠
عمّرتني إلى عام مثله ويومٍ مثله. ١٤٢/٢٩
اللّهمّ إنا نتوب اليك في يومٍ فطرنا ١٤٢/٥٩
أنظرني إلى يومٍ يبعثون. (قرآن) ١٥١/٢
وأن لك يوماً تأخذُ فيه باحقّ ٢٢٣/٣
وآمنّي يومَ الفزع الأكبر من حرّ السعير ٢٥٦/٥
هب لي سيّدي عفوك في موقفي يومَ الدّين ٢٤٥/٨
ولاتخزني يومَ يبعثون ٢٥٢/٤٢
اللّهمّ اجعل خير أيامي يوم لقائك ٢٤٧/١٠
يومَ الوفود عليك ياكريم ١٧٣/١٠
التابعين من يومنا هذا إلى يوم الدّين ١٤/٧
يومَ لايخزى الله النّبيّ. (قرآن) ١٤٢/٧
وهول يوم القيامة. ٨٣/٨
ومن غبر الى يوم القيامة ١٤٢/٦٢
أو تعبّد لك فيه الى يوم القيامة ١٤٢/٥٨
يومَ تجزى كلّ نفس بما كسبت (قرآن) ١/١٤
ويومَ الفاقة إنك على كلّ شيء قدير ٨١/١٠
صلاة تشفع لنا يوم القيامة ٨١/١٠
تنضّر بها وجهه في موقف السّاعة يوم الدّين ١٠/٧
واجعل كلّ يومٍ من أيامي موفياً ٢٠٤/٨
... واصرف عنّي بهم اهوالَ يومِ القيامة... ٤٢/١٨
واجعله «محمّد وآله» أيمن يومٍ عهدناه ٢١/١٤
ترك الإنتقام ممّن ظلمني إلى يومِ الفصل ٤٤/١١
اللّهمّ ... لاتخزني ... يوم يبعثون ٧٧/١٢
لاتخزني ... يوم لاينفع مال ولابنون ٧٧/١٢
اللّهمّ ... لاتخزني يومَ القيامة ٧٧/١٢
وما إربتي في كلّ يومٍ وليلة ٢١٤/٣٤
أضعافاً مضاعفةً أبداً سرمداً إلى يومِ القيامة ١/٢٧
يومَ تبلوأ خبار عبادك ٣٣/٥
واستمهلك الى يوم الدّين لاضلالي فأمهلته ٨٨/٦
اولئك وفد الكرامة يومَ يخسر فيه ١٩٧/٤٧
وأقرر أعيننا يومَ لقآئك برؤيتك ١٩٦/٣
وحشرت يوم القيامة أعمى، ١٩٨/٥٠
يامالك يومِ الدّين ١٨١/٢
وحجّتي يوم القيامة فلقّني ١٥٣/١٩
ويوم الفزع الأكبر من الآمنين فآمنّي ١٥٣/١٨
صلاةً تشفع لنا يومَ القيامة ويوم الفاقة إليك ٨٠/٢٦
واجعله من خير يوم مرّ علينا ١٤٢/٥٤
وبارك لنا في يومِ عيدنا وفطرنا ١٤٢/٥٤
أقرب الأنبياء زلفة يومَ المقعد عندك ١٠/١٤
ومن أوليائك يومَ القيامة فاجعلني ١٥٣/٢٣
يومَ القيامة فبيّض وَجهي ١٥٣/٢٠
واكسنا به «قرآن» حلل الأمان يومَ الفزع ١٠٩/١٤
وكانت القبور هي المأوى إلى ميقات يومِ الطلاق ١٠٩/١٨
خير أيّامي يومِ ألقاك ١٤١/٢٠
ممّن يرد حوضه يومَ القيامة ١٤١/٢٨
وأن تجيرني من النار... يوم لايَنْفَع مالٌ. (قرآن) ١٣٥/٩
وأنتجيرني من النّار في يومَ الدين يوم يحشرالظّالمون ١٣٥/٩
وفضل من أوّمّل إن عدمت فضلك يومَ فاقتي ١١٦/٩٩
أللّهمّ إنّا نتوب إليك في يوم فطرنا ١٤٢/٥٩
أو تعبّد لك فيه إلى يوم القيامة ١٤٢/٥٨
حتى تحشرنا يومَ القيامة في ١١٩/٣٠
رمماً في التراب إلى يومِ الحشر والمآب ٢١٤/٨٨
لاتمنعنيه يومَ حاجتي إليه في الآجل ١٩٩/١٠٧
إختلطنا في الخزى يومَ الحشر بذوى الجحود ١٩٩/١١٣
سيّدى إن لم تنشلنا يد احسانك يومَ الورود ١٩٩/١١٣
وإن كان لاينوز يومَ الحشر إلاّ المتّقون ١٩٩/١١٠
وجيهاً عندك يومَ أقوم لك وألقاك ١٩٩/١٩١
أعوذ ... من النّدامة يومَ القيامة ٢٢٥/٢
وأدخلنا في شفاعته يومَ الدّين ١٩٩/٦٤
وأعوذبك من يومٍ أوّله فزع ٢٣٨/٤
أولني في كلّ يومٍ إثنين نعمتين ٢٣٨/٨
يومَ لاينفع الظّالمين معذرتهم. (قرآن) ١٩٩/٤٩
يومَ تبرز الأخبار ١٩٩/٤٩
يومَ العرض عليك نبيهاً ١٩٩/١٥٠
أما قد نرى في كلّ يومٍ وليلة ٢١٤/١١٠
إرحمني يومَ آتيك فرداً ٩٠/٥
وهب لي أمن يومَ المعاد ٥٥/٣٠
أو تضاعف به من سيّئاتي يومَ ألقاك ياربّ ٥٩/٨
يومَ الوفود عليك ياكريم ٧/٨
يومَ خروج الأنفس من أبدانها ١٤/١٠
يومَ تأتي كلّ نفس معها سائق وشهيد ١٢/١٤
وأقررت أعينهم بالنّظر إليك يومَ لقآئك ١٩١/٣
السراج المنير زين يومِ القيامة ١٤٣/٥١
صلّ على محمّد وآل محمّد يومَ الدّين ١٤٣/٥٣
بموقف عدل يومَ تبلى السرائر ٢١٤/١٠٧
كفعلك يومَ بدر تقطع به دابرهم ٦٧/١٤
ونجّنا به من كلّ كرب يومَ القيامة ١٠٩/٢٠
يومَ المجاز عليها زلل أقدامنا ١٠٩/٢٠
اللّهمّ اجعل نبيّنا ... يومَ القيامة ١٠٩/٢٣

ولاتهلكني يومَ تبلى السرائر. (قرآن) ١٤٧/١١١
تسودّ وُجوهُ الظّلمة في يومِ الحسرة والنّدامة ١٠٩/٢١
وبيّض وجوهنا يومَ تسوّد وجوه الظّلمة ١٠٩/٢١
ونجّنا ... شدائد أهوال يومِ الطّامّة ١٠٩/٢٠
ولاستيفاء يوم بعد يومٍ ١٠٣/١
فلا تفضحني بها يومَ القيامة ٢٠١/٤١
توسّلي به شافعاً يومَ القيامة نافعاً ٢٤٤/٥
المشفق من الحشر لبوائق يوم القيامة ٢٤٥/١
وصلّ بمحمّد أرحامهم يوم تقاطع الأرحام ١٠/٣٤
آه وانفساه من يومٍ نزلَ فيه قدم ١٩٨/٢٠
آه وانفساه من يومٍ يشتغل فيه ١٩٨/٩
آه وانفساه من أهوال يومِ القيامة ١٩٨/١٠
واجمع به شملهم في غربة يومِ القيامة ١٠/٣٤
ياناصر المظلومين وياملك يومِ الدين ١٤٣/١٧
حتّى ألقاك يومَ القيامة ١١٣/٩
أولاهم يومَ القيامة لمحبّته «محمّد» ورأفته ١٠/٣٠
أنا إلى سترها يومَ القيامة أحوج ١٩٧/١٢
يومَ تجزى كلّ نفس بما كسبت ٦٣/٢
لاتخزني يومَ تبعثني للقائك ١٤٧/٩٦
ألّلهمّ هذا يومٌ عرفة ... يومٌ شرّفته ١٤٧/٧١
أنت كلّ يومٍ في شأن ١١٧/٣٤
الأرض جميعاً قبضته يومَ القيامة. (قرآن) ٢/٧ ـ ٢٢/٣٠
اليَومَ: جائزتك اليومَ فكاك رقبتي ٢٤٩/٢٤
فتوّل اليومَ قضاء حاجتي بقدرتك ٢٤٩/٢١
بك أنزلت اليومَ فقري وفاقتي ٢٤٩/٢٠
أعظم لي في هذا اليومِ بركة المغفرة ١٤٤/٢٨
أشركني يالهي في هذا اليومِ ١٤٤/٣٠
وأسألك اليومَ العفو ١٤٩/٥٢
وبهم «محمّد وآل محمّد» اليومَ فاستنقذني ١٤٩/٥١
واجعل في ذلك اليومِ مع أوليائك موقفي ١٦٧/٦
وأن ترزقني في هذا اليومِ العظيم ١٤١/٧
ورغبةً اليك فلا تجعلني اليومَ أخيب وفدك ١٤٩/٥٨
فلو اطّلع اليومَ على ذنبي غيرك ما فعلته ١١٦/٢٣
في هذه اللّيلة وفي هذا اليومِ ١٣٢/٥
في هذا اليومِ الشريف من السعداء ١٢٩/٣
ولنظرى له في هذا اليومِ راجياً ١٩٩/١٣٩
قال انّك اليومَ لدينا مكينٌ اميٌن. (قرآن) ١٥٩/٢٢
إغضب اليومَ لمحمّد ١١٧/٣٣
في هذا اليومِ يأرحم الراحمين ١٤٩/٦٦
اليومَ نختم على أفواهم وتكلّمنا أيديهم ٢٣/٦
الحمدلله الّذى بلّغنا هذا اليومَ ١٤٣/٣٤
وفّقنا في هذا اليومِ العظيم ١٤٣/٣٢
وأن تعتقني اليومَ ووالدَيّ ١٢١/٢٢
انقطع الرّجاء الاّ منك في هذا اليومِ ١٤٩/٦٤
وأتوسل اليك في اليومَ أن تجعلني من خيار ١٤٩/٤٧
أن تجعل اسمي في هذا اليومِ في السّعداء ١٣٧/٣
من شرّ ذلك اليومِ العصيب ١٠/٣٤
ما أنت صانعٌ بي في هذا اليومِ ١٤٩/٥٤
فلاتفضحني بها «الذّنوب» ذلك اليومَ ١٩٧/١٢
أهب عرضي اليومَ لمن استحلّه ٢٦٣/٣
ألّلهمّ إنّي أتصدّق اليومَ ٢٦٣/٣
ألّلهمّ انّ عرضي لك اليومَ ٢٦٣/٢
واجعل لي في هذا اليومِ نصيباً ١٤٧/٧٧
مصيبة نزلت في هذا اليومِ ٢٢/٣٢
إنّك اليومَ لدينا مكين أمين. (قرآن) ١٥٩/٢٢ ـ ٢٢/٢٢
يَوْمَئِذٍ: والأمر يومئذ لله. (قرآن) ٢٠٧/٨
لو يفتدى من عذاب يومئذٍ ببنيه. (قرآن) ٢٠٧/١٤
لابشرى يومئذٍ للمجرمين. (قرآن) ٢٠٧/١٦
قلوب يومئذٍ واجفة. (قرآن) ٢٠٧/١٥
لكلّ امرىء منهم يومئذٍ شأن (قرآن) ٢٠٧/١٠ ـ ١١٦/٨١
وجوه يومئذٍ مسفرةٌ. (قرآن) ١١٦/٨١
ووجوهٌ يومئذٍ عليها غبرة.(قرآن) ١١٦/٨١
يَوْمِهِ: فيعمل بشيء من الطاعة من يومه ٢٠٤/٧
يَوْمِكَ: ويلذّة يومك لاٍ ٢١٤/٩
لو دافعت يومك ياغافلاً بالصّيام ١٩٧/٤٦
يَوْمَكُمْ: هذا يومكم الّذى (قرآن) ١٩٩/٣٠
يَوْمي: وتكتب ما قدّمت يومي وليلتي ٢٠١/١٦
في يومي هذا وساعتى هذه وليلتى هذه ٢١/١٥
أبتدئ يومى هذا بين يدى نسيانى وعجلتى ١٧/١
أقدّم في يومي هذا بين يدى نسيانى وعجلتى ١٧/٢
واجعل غدى وما بعده أفضل من ساعتى ويومي ٢٣٦/٥
اللّهمّ إنّي أبرأ اليك في يومي هذا وما بعده ٢٣٦/٦
ألّلهمّ اجعل أوّل يومي هذا صلاحاً ٢٣٨/٤
تغمّدني في يومي هذا ١٤٧/٨٤
ولاتختم يومي بخيبتى ١٤٦/١٥
يَوْمِنا: اللّهمّ وصلّ على التابعين من يومنا هذا ١٤/٧
ووفّقنا في يومنا هذا ٢١/١٣
لِيَوْمٍ: وقد أعددت ليومِ المعاد توفرة الزّاد ٢٠٤/٨
منزوّدة التّقوى ليومٍ جزائك ٢٥٥/٣
بِيَوْمٍ: إرمِهِ «من يؤذيني» بيومٍ لامردّ له ١٦٠/٤

أيّام: بذكر اسم الله في أيّام معلومات. (قرآن) ١٤٤/٢٣
وإذا انقضت أيّام حياتنا ٣٣/٤
ربّ قد كنت لطيفاً بي في أيّام ١٩٧/٣٥
اللهمّ انّك لم تزل برّاً بي أيّامَ حياتي ١٩٧/٨
إلى ما قد تكفّلت لي من الرّزق أيّامَ حياتي ١٩٩/١٠٧
فقد كنت بي لطيفاً أيّامَ حياة الدّنيا ١٩٩/١٤٦
سيّدي لم تزل برّاً بي ايّامَ حياتي ١٩٩/١٢٢
بنشر صحائف ايّامِ حياتي ١١٨/٤
واستعملني بطاعتك في أيّامِ المُهلة ٥٥/٤١
وذلّله بالرغبة فيما عندك أيّامَ حياتي كلّها ٥٧/١٠
الأيّامَ: إستولى عليه التّسويف حتّى سالم الأيّام ٢٤٥/٦
ومواضي الأزمان والأيّام ٨٨/١
وصلّ عليه «محمّد» وآله ما تعاقبت الأيام ١٩٩/١٩
وباخير شهر في الأيّامِ والسّاعات ١٤٢/٢٩
واجعلنا في سائر الشّهور والأيّامِ كذلك ١١٥/٢٣
متألّم على المعاصي مرّ اللّيالي والأيّام ٢٣٩/١
سالمت الأيّامَ بإقتراف الآثام ٢٣٧/٥
كسبت من الذّنوب العظام في سالف الأيّامِ ١٩٩/٨١
والملوك العاتية كيف انتسفتهم الأيّام ٢١٤/١٣
شهر القرآن وغرر الأيّامِ ١٤٣/٢٨
أن يجعلك هلال بركة لانصحقها الأيّامُ ١١٠/٤
لاتفجعني فيه وفي غيره من اللّيالي والأيّام ٢٤٤/٢
ما الدّنيا وغرور الأيّامِ ٢١٩/٣١
وتزيدها على كغرور الأيّامِ زيادة ١٤٧/٥٦
السّلام عليك من شهر لاتنافسه الأيّامُ ١٤٢/٣٨
في جميع اللّيالي والأيّامِ من السماوات والأرض ٢٢/٣٢
أيّامِه: في لياليه وأيامه بخوعاً لك في إكرامه ١١٣/٧
واسلخ عنّا تبعاتنا مع إنسلاخ أيّامه ١١٥/٢٠
وأدبرت أيّامُهُ «العمر» فولّت ٣٤/٥
أسئلك بحقّ شهرنا هذا وأيّامِهِ ١١٤/٢٠
أيّامَهُم: المنتظرين أيّامَهُم، ١٤٧/٦٨
أيّامِها: عذوبة مشارب أيّامِها ٢١٩/٣٦
أيّامي: اللّهمّ اجعل خير أيامي يوم لقائك ٢٤٧/١٠
واجعل كلّ يوم من أيّامي موفياً ٢٠٤/٨
ارحم شيبتي ونفاد أيّامي ١٦٧/٣
وخير أيّامي يوم ألقاك ١٤١/٢٠
وإن إنقرضت بغير ما أحببت من السّعي أيّامي ١٩٩/٨٨
واستفرغ أيّامي فيما خلقتني له ٥٥/٣
وأرى نفسي تخاتلني وأيّامي تخادعني ١٩٧/٤٥
وأيّامي تُخاتِلُني ١١٦/٧٨
أيّامِنا: وفي جميع أيّامنا لإستعمال الخير ٢١/١٣
بأيّامِ: يتخطّى إليه «الأجل» بأيامِ عمره ١/٨

ى.و.ن.س.

يُونُسَ: وبحقّ يونُسَ ودعوته ١٨٠/٤
يامن أنزل العذاب على قوم يونُسَ ٢٣٣/٥ ـ ١٦٥/٦

Sahifeye Sajadiye

Vol.2
Word Index